تفسیر میسّر

**(ترجمه فارسی)**

**مؤلف:**

**دکتر عایض بن عبدالله القرنی**

**مترجمان:**

**عبدالمجید صمیم، فضل الرحمان فقیهی، عبدالرئوف مخلص اعضای هیأت علمی دانشگاه هرات**

**ویژه اهل سنت**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | تفسیر میسّر | | | | |
| **عنوان اصلی:** | تفسیر المیسّر | | | | |
| **تألیف:** | دکتر عایض بن عبدالله القرني | | | | |
| **مترجمان:** | عبدالمجید صمیم، فضل الرحمان فقیهی و عبدالرئوف مخلص | | | | |
| **موضوع:** | قرآن و علوم قرآن - تفسیر | | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | | |
| **تاریخ انتشار:** | بهمن (دَلو) 1396 ه‍ .ش - جمادي الاول 1439 ه‍ .ق | | | | |
| **منبع:** | کتابخانه قلم www.qalamlib.com | | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ قلم دانلود شده است.**  **www.qalamlib.com** | | | | |  |
| **ایمیل:** | | **book@qalamlib.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | | |  | www.qalamlib.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | | |  | | |
|  | | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | | |
| **محتوای این کتاب لزوما بیان****گر دیدگاه سایت کتابخانه قلم نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه نویسنده آن است.** | | | | | |
|  | | |  | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

**فهرست سوره‌ها**

[مقدمۀ مؤلف 1](#_Toc428955678)

[پیشگفتار مترجمان 3](#_Toc428955679)

[سورۀ فاتحه 5](#_Toc428955680)

[سورۀ بقره 7](#_Toc428955681)

[سورۀ آل عمران 136](#_Toc428955682)

[سورۀ نساء 216](#_Toc428955683)

[سورۀ مائده 292](#_Toc428955684)

[سورۀ انعام 343](#_Toc428955685)

[سورۀ اعراف 399](#_Toc428955686)

[سورۀ انفال 458](#_Toc428955687)

[سورۀ توبه 486](#_Toc428955688)

[سورۀ یونس 528](#_Toc428955689)

[سورۀ هود 562](#_Toc428955690)

[سورۀ یوسف 598](#_Toc428955691)

[سورۀ رعد 634](#_Toc428955692)

[سورۀ إبراهیم 652](#_Toc428955693)

[سورۀ حجر 669](#_Toc428955694)

[سورۀ نحل 686](#_Toc428955695)

[سورۀ إسراء 720](#_Toc428955696)

[سورۀ کهف 750](#_Toc428955697)

[سورۀ مریم 777](#_Toc428955698)

[سورۀ طه 794](#_Toc428955699)

[سورۀ انبیاء 817](#_Toc428955700)

[سورۀ حج 839](#_Toc428955701)

[سورۀ مؤمنون 860](#_Toc428955702)

[سورۀ نور 881](#_Toc428955703)

[سورۀ فرقان 902](#_Toc428955704)

[سورۀ شعراء 920](#_Toc428955705)

[سورۀ نمل 953](#_Toc428955706)

[سورۀ قصص 975](#_Toc428955707)

[سورۀ عنکبوت 998](#_Toc428955708)

[سورۀ روم 1017](#_Toc428955709)

[سورۀ لقمان 1032](#_Toc428955710)

[سورۀ سجده 1042](#_Toc428955711)

[سورۀ احزاب 1050](#_Toc428955712)

[سورۀ سبأ 1073](#_Toc428955713)

[سورۀ فاطر 1089](#_Toc428955714)

[سورۀ یس 1103](#_Toc428955715)

[سورۀ صافّات 1119](#_Toc428955716)

[سورۀ ص 1143](#_Toc428955717)

[سورۀ زمر 1159](#_Toc428955718)

[سورۀ غافر 1183](#_Toc428955719)

[سورۀ فصلت 1205](#_Toc428955720)

[سورۀ شوری 1219](#_Toc428955721)

[سورۀ زخرف 1235](#_Toc428955722)

[سورۀ دخان 1253](#_Toc428955723)

[سورۀ جاثیه 1263](#_Toc428955724)

[سورۀ احقاف 1273](#_Toc428955725)

[سورۀ محمّد 1283](#_Toc428955726)

[سورۀ فتح 1293](#_Toc428955727)

[سورۀ حجرات 1303](#_Toc428955728)

[سورۀ ق 1310](#_Toc428955729)

[سورۀ ذاریات 1318](#_Toc428955730)

[سورۀ طور 1327](#_Toc428955731)

[سورۀ نجم 1335](#_Toc428955732)

[سورۀ قمر 1345](#_Toc428955733)

[سورۀ رحمن 1354](#_Toc428955734)

[سورۀ واقعه 1365](#_Toc428955735)

[سورۀ حدید 1377](#_Toc428955736)

[سورۀ مجادله 1387](#_Toc428955737)

[سورۀ حشر 1395](#_Toc428955738)

[سورۀ ممتحنه 1403](#_Toc428955739)

[سورۀ صف 1408](#_Toc428955740)

[سورۀ جمعه 1412](#_Toc428955741)

[سورۀ منافقون 1415](#_Toc428955742)

[سورۀ تغابن 1419](#_Toc428955743)

[سورۀ طلاق 1424](#_Toc428955744)

[سورۀ تحریم 1429](#_Toc428955745)

[سورۀ مُلک 1434](#_Toc428955746)

[سورۀ قلم 1441](#_Toc428955747)

[سورۀ حاقه 1450](#_Toc428955748)

[سورۀ معارج 1458](#_Toc428955749)

[سورۀ نوح 1465](#_Toc428955750)

[سورۀ جِنّ 1470](#_Toc428955751)

[سورۀ مُزّمل 1476](#_Toc428955752)

[سورۀ مدّثر 1480](#_Toc428955753)

[سورۀ قیامه 1489](#_Toc428955754)

[سورۀ انسان 1495](#_Toc428955755)

[سورۀ مرسلات 1501](#_Toc428955756)

[سورۀ نبأ 1508](#_Toc428955757)

[سورۀ نازعات 1515](#_Toc428955758)

[سورۀ عبس 1523](#_Toc428955759)

[سورۀ تکویر 1530](#_Toc428955760)

[سورۀ انفطار 1535](#_Toc428955761)

[سورۀ مطفّفین 1538](#_Toc428955762)

[سورۀ انشقاق 1543](#_Toc428955763)

[سورۀ بروج 1547](#_Toc428955764)

[سورۀ طارق 1551](#_Toc428955765)

[سورۀ أعلی 1554](#_Toc428955766)

[سورۀ غاشیه 1558](#_Toc428955767)

[سورۀ فجر 1562](#_Toc428955768)

[سورۀ بلد 1567](#_Toc428955769)

[سورۀ شمس 1571](#_Toc428955770)

[سورۀ لیل 1574](#_Toc428955771)

[سورۀ ضحی 1578](#_Toc428955772)

[سورۀ شرح 1580](#_Toc428955773)

[سورۀ تین 1582](#_Toc428955774)

[سورۀ علق 1584](#_Toc428955775)

[سورۀ قدر 1587](#_Toc428955776)

[سورۀ بیّنه 1588](#_Toc428955777)

[سورۀ زلزله 1590](#_Toc428955778)

[سورۀ عادیات 1592](#_Toc428955779)

[سورۀ قارعه 1594](#_Toc428955780)

[سورۀ تکاثر 1596](#_Toc428955781)

[سورۀ عصر 1598](#_Toc428955782)

[سورۀ همزه 1599](#_Toc428955783)

[سورۀ فیل 1601](#_Toc428955784)

[سورۀ قریش 1602](#_Toc428955785)

[سورۀ ماعون 1603](#_Toc428955786)

[سورۀ کوثر 1605](#_Toc428955787)

[سورۀ کافرون 1606](#_Toc428955788)

[سورۀ نصر 1608](#_Toc428955789)

[سورۀ مسد 1609](#_Toc428955790)

[سورۀ اخلاص 1610](#_Toc428955791)

[سورۀ فلق 1611](#_Toc428955792)

[سورۀ ناس 1612](#_Toc428955793)

[خاتمه 1615](#_Toc428955794)

[فهرست سوره‌های مکی و مدنی بودن آن‌ها 1616](#_Toc428955795)

مقدمۀ مؤلف

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وعلى آله وصحبه ومن والاه. اما بعد:

آنچه در اختیار دارید تفسیری است آسان و نزدیک به فهم که در آن معانی و مفاهیم تفسیر قرآن کریم را به گونه‌ای مفهوم و با زبانی واضح بیان کرده‌ام و به منظور رعایت سهولت و آسانی و اختصار بیشتر از یادآوری آیات شبیه آیۀ تحت تفسیر، خودداری نموده و تفسیر آن را در جایگاه خودش گذاشتم. همچنان در جریان تفسیر از ذکر احادیث و روایات ـ مگر به صورت مختصر و نادر ـ اجتناب نمودم و در خصوص نظریات تفسیری و اختلاف علما، سعی کردم نظر راجح و بر گرفته از ظاهر آیه را ارائه کنم و هیچگاه به شواهد سعدی، قواعد دستوری، وجوه قراءات، اسرائیلیات، گفتار اندیشمندان و از این قبیل نپرداخته‌ام؛ بلکه تلاش من این بوده تا خلاصه و سخن اصلی را ارائه نمایم. با این‌حال گاهی به صورت موجز و مختصر به برخی از حکمت‌ها، نکته‌ها، فوائد و اسرار تفسیری در صورتی که وجود داشته اشاره‌ای داشته‌ام. در جریان تدوین این تفسیر خود را ملزم نمودم تا همواره بر منهج و روش پیشینیان امّت که اهل علم و ایمان اند پای‌بند باشم و از پیروی روش مخالفان‌شان خودداری کنم و چون قرآن کتاب هدایت و رهنمایی است، تلاش کرده‌ام این ویژگی را بیان و برجسته سازم و توجهی به اقوال غریب، شاذ و ضعیف ننموده و فقط رأی و نظر صحیح، ثابت و مشهور را بیان نمایم. از خدای حیّ و قیوم می‌خواهم تا این تفسیر را مایۀ بهره‌وری من و تمام کسانی بگرداند که آن را مطالعه یا چاپ و نشر می‌کنند و یا می‌شنوند. چنان‌چه از درگاه او می‌طلبم آن را برای من و این عزیزان مایۀ حصول رضای خود قرار داده و به سببش برای همۀ ما بهشت و رضوان خود را ارزانی دارد که اوتعالی شنوا و اجابت کنندۀ دعاست. و درود بر پیامبر خدا حضرت محمد ج و بر آل و اولادش.

عائض بن عبدالله القرنی

پیشگفتار مترجمان

خدای را سپاس که به ما هیأت مترجمان توفیق عنایت فرمود تا تفسیر موجز و پر محتوای «التفسیر المیسر» را به زبان فارسی ترجمه نموده تقدیم علاقمندان معارف قرآنی نمائیم. این تفسیر که به زبان عربی تألیف شده به حق از هرگونه توصیف و ستایش بی‌نیاز است به رغم اختصار و ایجازی که دارد با آن‌هم توانسته معانی و مفاهیم کلام الله مجید را در عبارات و جملاتی کوتاه جمع کند. شیوۀ مفسر گرامی آن بگونه‌ای است که ضمن رعایت اختصار، تلاش نموده تفسیرش جامع تمام مرویات صحیح، نظریات تفسیر، حکم و لطایف، فوائد و اسرار و... باشد؛ از این‌روی مقبول عام قرار گرفته و در جهان اسلام استقبال شایانی از آن به عمل آمده است طوری که در همان روزهای اول طبع و به رغم تیراژ بالا کمیاب شده و مکرراً به چاپ رسیده است. هیأت مترجمان این تفسیر متشکل از سه تن اساتید دانشگاه هرات اند که به ترتیب ذیل اقدام به ترجمۀ آن نموده‌اند:

ده جزء اول: عبدالمجید صمیم.

ده جز دوم: عبدالرؤوف مخلص.

ده جز سوم: فضل الرحمن فقیهی.

کار هیأت مترجمان این تفسیر در بخش‌های ترجمه، ویرایش، تدقیق، بازخوانی، حروف‌چینی و صفحه‌آرائی آن جمعاً چهار ماه به طول انجامید و در واپسین روزهای سال 1386 خورشیدی به اتمام رسید. به منظور توحید هرچه بیشتر ترجمه و یک‌دست ساختن آن، هیأت جلسات پیوسته‌ای را دایر می‌نمود و در آن ترجمه‌های انجام شده توسط اعضا با دیدی انتقادی مورد بررسی و بازخوانی قرار می‌گرفت. از اینرو می‌‌توان گفت به رغم تعدد مترجمان با آن‌هم کار تفسیر یک‌دست و یک نواخت و در سبک عالی و خوبی ترجمه شده است. با این‌حال کار هیچ بشری خالی از نوعی نقص نیست و چون میعاد معینه برای ترجمه اندک بوده، امید می‌رود در چاپ‌های بعدی با فرصت بیشتری کوتاهی‌های احتمالی جبران گردد. هیأت مترجمان از انتشارات «شیخ الاسلام» کمال سپاس و امتنان را دارد که آمادگی خود را جهت چاپ و نشر این تفسیر با ارزش اعلان نمود. به امید اینکه خدای متعال این عمل ما را قبول درگاه خود قرار دهد و آن را در میزان حسنات: مؤلف، مترجمان، ناشر و خوانندگان آن درج نماید.

آمین یا رب العالمین

سورۀ فاتحه

مکی است؛ ترتیب آن 1؛ شمار آیات آن 7

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ١﴾.

در حالی به نام الله أ آغاز می‌کنم که از او کمک می‌طلبم و بر او توکل می‌کنم. در ذکر اسم «الله» این نکته نهفته است که این واژه اعظم اوتعالی است و تمام نام‌های دالّ بر کمال الوهیت پروردگار و استحقاقش برای عبادت به سوی این اسم مضاف می‌شوند. منظور از «رحمان» رحمت وسیع حق‌تعالی است، این رحمت عام و شامل تمام مخلوقات می‌شود. و مفهوم «رحیم» یعنی اینکه پروردگار به دوستان و اولیای خود مهربان است؛ اولیا و دوستانی مانند پیامبران و نیکوکاران. اسم‌ها و صفات باری‌تعالی همواره بر همان حقیقتی حمل می‌شوند که قرآن و سنّت بر آن دلالت دارند.

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢﴾.

ثنا و ستایش از طریق انتساب تمام اوصاف کمال مخصوص پروردگار جهانیان است. اوتعالی در همه حال ستوده می‌باشد، از این‌روی رحمتش فضل و عذابش عدل است. او پروردگاری است که تمام مخلوقات را آفریده و روزی داده؛ دوستان خود را با ترتیب به ایمان و علم ویژگی و امتیاز بخشیده و تنها او مستحق سپاس و ستایش است؛ زیرا خداوند أ با غنای کاملی که از دیگران دارد به صورت مطلق و کامل بی‌نیاز بوده و دیگران با تمام معانی فقر محتاج اویند.

﴿ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣﴾.

بار دیگر به ذکر این دو صفت پرداخت چون رحمت اوتعالی بر غضبش سبقت و این رحمت شامل هر مخلوق و فراگیر هر جانداری است.

﴿مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤﴾.

او حاکم روز حساب و جزا یعنی روز قیامت است. یادآوری این روز به گونۀ خاص بیانگر این نکته است که پروردگار در آن روز، تمامیت پادشاهی و ملکیت خود را بر مخلوقاتش واضح و آشکار می‌سازد، هرچند حق‌تعالی هم مالک روز جزاست و هم مالک سایر پدیده‌ها. روز جزا روزی است که در آن آفریده‌ها به سبب اعمال و کردار خود محکوم به جزا می‌شوند، اگر این اعمال خوب و نیکو بود پاداش خوب دریافت خواهند داشت و در غیر آن کیفر بد. پس لازم است همواره به یاد آن روز باشیم و برای استقبال از آن آمادگی بگیریم.

﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥﴾.

تمام عبادات و طاعات ما ـ ای خدا ـ خاص برای توست. تقدیم ضمیر «ایاك» بر فعل، بیانگر اختصاص عبادت به خدا أ و لزوم استعانت از اوست به این مفهوم که این دو عملکرد باید مخصوص حق‌تعالی باشد. خدایا! عبادت ما خاص برای توست و حق تو بر ما این است که تنها تو را عبادت کنیم و با تو شریک نیاوریم ولی چنین امری جز در سایۀ کمک و توفیقت ممکن نیست از این‌روی تنها از تو یاری می‌جوییم. منظور از عبادت، تمام گفتار و کرداری است که باری‌تعالی آن را دوست دارد و منظور از استعانت، اعتماد بر خدا أ در به‌دست آوردن تمام خوبی‌ها و دفع همۀ زشتی‌هاست.

﴿ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ٦﴾.

ما را به سوی راهی واضح و آشکار هدایت و رهنمایی کن! راهی که ما را از طریق پیروی اوامر و اجتناب نواهی‌ات به حصول رضا و کمائی کردن بهشت تو برساند.

﴿صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ ٧﴾.

این راه واضح و آشکار راه پیامبران، صدیقان، شهدا و نیکوکاران است، نه راه غضب شده‌گان، آنانی که حق را شناختند ولی از آن پیروی نکردند، کسانی مانند یهود. و نه راه گمراهان، آنانی که حق را از روی جهالت و گمراهی ترک کردند، کسانی مانند نصارا.

سورۀ بقره

مدنی است؛ ترتیب آن 2؛ شمار آیات آن 286

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿الٓمٓ ١﴾.

الف. لام. میم؛ پروردگار به مراد خویش از این حروف عربی آگاه‌تر است. با این‌حال نزدیک‌ترین قول به حقیقت این است که در حروف مقطعات، اظهار عجز معاندان از آوردن مانندی برای قرآن است در حالی که این کتاب آسمانی با همان حروف زبان عربی نازل شده که عرب‌ها به آن آشنایی کامل دارند.

﴿ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ ٢﴾.

این قرآن بزرگ که در عظمت، صدق، برکت و بلاغتش هیچ کتابی شبیه آن نیست، شک و شبهه‌ای در آن نمی‌باشد؛ زیرا در حدّ کامل یقین قرار دارد، طوری که هرگونه تحیّر، شک و شبهه را از بین می‌برد. این کتاب مرشد و راهنمای کسانی است که به سوی خیر و خوبی هردو سرای (دنیا و آخرت) هدایت می‌شوند، این کتاب آن‌ها را بر امور هدایت رهنمایی و از فرومایگی‌ها دور می‌سازد. با این‌حال از این کتاب جز مؤمنان نفعی نمی‌برند، اینان کسانی‌اند که با طاعت و عبادت، به رحمت خدا أ نزدیک می‌شوند و با اجتناب از معصیت، خود را از عذاب اوتعالی دور می‌سازند.

﴿ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣﴾.

این پرهیزگاران تمام امور غیبی را که پیامبر اسلام ج از آن خبر داده‌اند تصدیق می‌کنند، اموری مانند: روز قیامت، بهشت و دوزخ، اخبار و اطلاعات گذشتگان و امور آینده. و نماز را در بهترین وجه آن ادا می‌نمایند.

در اینجا ملاحظه می‌شود که از ادای نماز با واژۀ: «یُقِیمُونَ» تعبير شده نه «یصلون» زیرا منظور از اقامۀ نماز برپای داشتن آن با خشوع و فروتنی و مطابق به تمام مواصفات و امور مسنونۀ آن است، چنین نمازی آن‌ها را از فحشا و منکر بازمی‌دارد. این‌ها از آنچه پروردگار به آن‌ها روزی داده با دادن زکات و صدقات در راستای احسان و نزدیکان و وجوه خیر و در جهت تقرب به حق‌تعالی انفاق می‌کنند و در این زمینه دست به زَر اندوزی نمی‌زنند؛ زیرا تمام روزی‌ها از سوی خداست نه از جانب آن‌ها؛ البته این در حالی است که قسمتی از اموال خود را صدقه می‌دهند نه همه را.

﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ وَبِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٤﴾.

آن‌ها کسانی‌اند که به تمام آنچه بر حضرت محمد ج و بر پیامبران پیش از ایشان نازل شده یقین و باور کامل دارند و به این ترتیب در ایمان به تمام کتاب‌ها و پیامبران هیچ تفاوتی قایل نیستند. آن‌ها با علم یقین می‌دانند که روز آخرت حق است و پروردگار مردم را در روزی که هیچ شکی در وقوع آن نیست جمع می‌کند تا همه را محاسبه نماید.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥﴾.

آن‌ها (کسانی که وصف‌شان رفت) بر هدایتی بزرگ‌اند؛ زیرا اوامر خدای را اطاعت کرده و از نواهیش دوری جستند، پس هدایتی بزرگ‌تر از هدایت آن‌ها نیست. این هدایت از جانب خالق و رازق‌شان است از این‌روی آن‌ها رستگارانند، کسانی که به مطلوب و مراد خویش دست یافته و از آنچه مایۀ ترس و وحشت است رها شدند به این سبب که آن‌ها راه نجات را طی کرده و از طریق هلاکت دوری گزیدند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٦﴾.

آنانی که به خدا أ و پیامبرش کافر شدند، چه آن‌ها را بیم دهی یا ندهی نزدشان برابر و مساوی است؛ زیرا وعظ و ارشاد هیچ تأثیری در آن‌ها ندارد و نمی‌تواند نفعی به حال‌شان داشته باشد. آن‌ها ایمان نمی‌آورند و آنچه را آورده‌ای تصدیق نمی‌کنند چون چشم‌های‌شان از ذکر خدا أ در پرده و حجاب قرار گرفته است.

﴿خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡۖ وَعَلَىٰٓ أَبۡصَٰرِهِمۡ غِشَٰوَةٞۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٧﴾.

خداوند أ قلب‌های‌شان را در حجاب قرار داده از این‌روی ایمان در آن قلب‌ها داخل و کفر از آن‌ها بیرون نمی‌شود و بر گوش‌ها و چشم‌های‌شان پرده نهاده، از این‌روی تمامی دریچه‌های ورودی علم و دانش نزد آن‌ها بسته است، پس حق را نمی‌فهمند، هدایت را نمی‌شنوند و رشد و رهنمود را نمی‌بینند. خداوند أ برای آن‌ها در دوزخ بنابر اعمال‌شان عذابی را آماده نموده که بسیار بزرگ و طاقت فرساست.

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَمَا هُم بِمُؤۡمِنِينَ ٨﴾.

و از میان مردم گروهی منافق‌اند، این‌ها اموری را اظهار می‌دارند که در باطن‌شان نیست. چنین کسی به زبان مسلمان و در دل کافر است ولی ادعا می‌کند که به خدا أ و روز آخرت یقین و باور کامل داشته و تمام آنچه را از سوی اوست تصدیق می‌کند در حالی که دروغ می‌گوید؛ زیرا در نهاد خود تکذیب می‌نماید و ایمان دریچه‌های قلب‌هایش را نگشوده است.

﴿يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَمَا يَخۡدَعُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ ٩﴾.

آن‌ها گمان می‌کنند با چنین سخنانی با خدا أ و بندگان صالح و خوب او حیله گری می‌کنند، چنین فریب کاری‌ها در کوتاه مدّت موفق خواهد بود، ولی هیهات که این‌ها با خویشتن بازی می‌کنند و در راستای هلاکت خود گام برمی‌دارند. این‌ها بر نفس‌های خود استخفاف می‌نمایند و رگ‌های قلب خود را قطع می‌کنند در حالی که نمی‌دانند. پس آن‌ها بر قباحت و زشتی عملکرد خود واقف نیستند و از بدی صنع خویش غافل اند.

﴿فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡذِبُونَ ١٠﴾.

در قلب‌های چنین کسانی مرض شک و تکذیب قرار دارد و به سبب گمراهی که دارند خداوند أ در حیرت، شک و اضطراب‌شان افزود؛ زیرا کیفر بدی، بدی، در دنیا و آخرت با انواع و اقسام عقوبت‌ها بر آنان فرود خواهد آمد، زیرا آن‌ها صدق و راستی را تکذیب کردند و در گفتار خود دروغ گفته و اعمال زشت انجام دادند و تکذیب اصل تمام گناهان‌شان است.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ قَالُوٓاْ إِنَّمَا نَحۡنُ مُصۡلِحُونَ ١١﴾.

و هرگاه به این منافقان از باب نصیحت گفته شود در زمین فساد نکنید و اعمال زشت خود را کنار بگذارید؛ زیرا این اعمال موجب فساد در روی زمین است و این شما هستید که سبب نفاق، تفرقه افگنی و نمونۀ بدی اخلاقی و مایۀ تفرّق جمع مردم می‌باشید! آن‌ها در پاسخ می‌گویند: ما اصلاح گریم و ادعا می‌کنند که ارادۀ خیر و منفعت عمومی را دارند، چنین ادعاهائی همواره از هر مفسد تبهکار سَر می‌زند.

﴿أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡمُفۡسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشۡعُرُونَ ١٢﴾.

آگاه باشید که این منافقان فساد گرانی اند که فاسد‌تر از آن‌ها کسی دیگر نیست. این‌ها در نهاد خود به علت وجود عقاید فاسد، فاسد اند چنان‌چه اعمال و افعال‌شان نیز مفسدانه است؛ زیرا به منظور ایجاد فتنه و فساد در بین مردم تلاش می‌کنند در حالی که متوجه فساد خود نیستند. نزد آن‌ها موازین امور و مقاصد زندگی معکوس شده طوری که شر را خیر می‌انگارند و خیر را شر و باطل در نظر آن‌ها در شکل حق جلوه‌گر شده است. کسی که متوجه فساد خود نباشد، طبیعی است که از حق دور می‌ماند. در حق این‌ها همینقدر کافی است که باری‌تعالی آن‌ها را تکذیب نموده است.

در مورد چنین حالتی مقوله‌ای نیز وجود دارد با این مفهوم که: «در فضیحت دروغگو همین کافی است که در رویش گفته شود دروغ گفتی!».

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ ءَامِنُواْ كَمَآ ءَامَنَ ٱلنَّاسُ قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ كَمَآ ءَامَنَ ٱلسُّفَهَآءُۗ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلسُّفَهَآءُ وَلَٰكِن لَّا يَعۡلَمُونَ ١٣﴾.

اگر از این منافقان خواسته شود که داخل دین شوید و از پیامبر ج پیروی کنید آنگونه که مردم ایمان آورده و از پیامبر پیروی کرده‌اند؛ در پاسخ می‌گویند: چگونه کاری را که این ابلهان انجام داده‌اند انجام دهیم ـ منظورشان صحابۀ کرام بود ـ این سخن را از این‌روی می‌گفتند که قربانی دادن در راه خدا أ و تحمل اذیت به خاطر آن و همچنان مواجه شدن با انواع و اقسام خطرها، کاری است که مخالف عقل بزدلانه و معیشت‌گرای آن‌هاست، عقلی که همواره به دنبال لذت جوئی و پیروی از شهوات است. پروردگار پاسخ‌شان را اینگونه داد که آن‌ها خود جاهل و ابله‌اند؛ زیرا مصلحت بزرگی را از دست داده و در بدترین انواع مهلکه‌ها واقع و در وادی حسرت سرگردان شدند در حالی که زشتی عملکرد و بدی آنچه را مرتکب می‌شوند نمی‌دانند از این‌روی امید رهیابی‌شان وجود ندارد.

﴿وَإِذَا لَقُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ إِلَىٰ شَيَٰطِينِهِمۡ قَالُوٓاْ إِنَّا مَعَكُمۡ إِنَّمَا نَحۡنُ مُسۡتَهۡزِءُونَ ١٤﴾.

و هرگاه با مؤمنان یکجا شوند و با آنان ملاقات کنند به منظور حفظ جان و مال خویش بر زبان اظهار ایمان می‌کنند و کفر را در نهاد خویش پنهان می‌دارند و هرگاه به سوی پیروان خویش و کسانی بر گردند که مانند آن‌ها در کفر بسر می‌برند، می‌گویند ما در اعتقادی که شما دارید با شمائیم، همانا ما با مؤمنان فریبکاری نموده و بر آنان استهزا کردیم و الا ما هرگز با آن‌ها نیستیم و به آنچه باور دارند باور نداریم. این گروه با چنین تعاملی خواستند بین معاشرت با کفار و مصاحبت با مؤمنان جمع کنند ولی در عملکرد خویش موفق نشدند؛ زیرا اجتماع دو ضد نا ممکن است.

﴿ٱللَّهُ يَسۡتَهۡزِئُ بِهِمۡ وَيَمُدُّهُمۡ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ١٥﴾.

حق‌تعالی در پاسخ استهزا و تمسخری که نسبت به مؤمنان انجام می‌دهند به آنان استهزا می‌کند و مهلت‌شان می‌دهد تا در طغیان و سرکشی، ظلم، گمراهی و انحراف خویش همچنان دوام دهند در حالی که از فرجام عملکرد خویش در غفلت و کوری قرار دارند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلۡهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَٰرَتُهُمۡ وَمَا كَانُواْ مُهۡتَدِينَ ١٦﴾.

این منافقان کسانی اند که هدایت پیامبر اسلام ج را به عنوان ثمن گمراهی که خریده و به آن رغبت نشان داده‌اند پرداختند و به این ترتیب پست و ردی را در بدل آنچه خیر و بهتر است به دست آوردند. به خدا سوگند که بد تجارتی است این و آن‌ها در معاملۀ خویش سخت زیان کرده‌اند. کسی که چنین روشی داشته باشد هرگز هدایت نمی‌شود.

﴿مَثَلُهُمۡ كَمَثَلِ ٱلَّذِي ٱسۡتَوۡقَدَ نَارٗا فَلَمَّآ أَضَآءَتۡ مَا حَوۡلَهُۥ ذَهَبَ ٱللَّهُ بِنُورِهِمۡ وَتَرَكَهُمۡ فِي ظُلُمَٰتٖ لَّا يُبۡصِرُونَ ١٧﴾.

مَثَل و نمونۀ آنان مَثَل و مانند کسی است که در تاریکی شدیدی قرار دارد و آتش می‌افروزد و زمانی که اطراف خود را می‌بیند حق‌تعالی آن آتش را خاموش می‌کند و آنان را بعد از خاموش کردن آتش در تاریکی قرار می‌دهد که هیچ چیز را نمی‌بینند. این‌ها کسانی اند که در دنیا اسلام برای آن‌ها پرتو افشانی کرد و به سبب آن جان و مال‌شان محفوظ ماند؛ ولی زمانی که حق‌تعالی آنان را می‌راند، خوار و ذلیل‌شان ساخت و دچار عذاب و ذلّت کرد.

﴿صُمُّۢ بُكۡمٌ عُمۡيٞ فَهُمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ١٨﴾.

آن‌ها کَر اند پس حق‌ را نمی‌شنوند؛ گُنک اند پس سخن حق را بر زبان نمی‌آورند؛ کور اند از این‌روی حق را نمی‌بینند، پس آن‌ها از گمراهی که خریده‌اند باز نمی‌گردند و به سوی هدایتی که فروخته‌اند رجعت نمی‌نمایند.

﴿أَوۡ كَصَيِّبٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فِيهِ ظُلُمَٰتٞ وَرَعۡدٞ وَبَرۡقٞ يَجۡعَلُونَ أَصَٰبِعَهُمۡ فِيٓ ءَاذَانِهِم مِّنَ ٱلصَّوَٰعِقِ حَذَرَ ٱلۡمَوۡتِۚ وَٱللَّهُ مُحِيطُۢ بِٱلۡكَٰفِرِينَ ١٩﴾.

یا مثَل و نمونۀ آن‌ها مانند مثَل کسی است که به او بارانی بسیار از آسمان رسیده است که در آن هم تاریکی شب است و هم تاریکی ابر و باران. آواز رعد و دیدن برق آنان را نگران می‌سازد و می‌ترساند. این منافقان هرگاه آیات قرآنی را بشنوند از وعید آن می‌ترسند و از اوامر و تعالیم ارزشمندش فرار می‌کنند و هرگاه صدای آیات به گوش‌شان برسد انگشتان خویش را در گوش‌های خود فرو می‌برند تا نشنوند، این کار را از بیم صاعقه و ترس مرگ انجام می‌دهند. با این حال حق‌تعالی بر آنان احاطه و قدرت کامل دارد از این‌روی آنان نمی‌توانند از اوتعالی فرار کنند و یا پروردگار را از نیل به خود عاجز سازند.

﴿يَكَادُ ٱلۡبَرۡقُ يَخۡطَفُ أَبۡصَٰرَهُمۡۖ كُلَّمَآ أَضَآءَ لَهُم مَّشَوۡاْ فِيهِ وَإِذَآ أَظۡلَمَ عَلَيۡهِمۡ قَامُواْۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمۡعِهِمۡ وَأَبۡصَٰرِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٠﴾.

آن‌گونه که برق نزدیک است دیده‌گان کسانی را برُباید که آن را می‌بینند، اینگونه زواجر قرآن و باز دارنده‌هایش نیز نزدیک است دیدگان کسانی را برُباید که با آن هدایت نمی‌شوند. این منافقان در اسلام بهرۀ اندک دنیوی و ظاهری را در حفظ جان و مال خویش می‌بَرند، مانند کسی که در روشنائی برق صاعقه مدتی کوتاه راه می‌رود و چون صاعقه خاموش شود می‌ایستد، بدین‌سان منافقان نیز در حیرت و شک قرار دارند و سپس عذاب دائمی در آتش دوزخ به سراغ آنان می‌آید و اگر خدا أ بخواهد گوش و چشم‌شان را از بین می‌برد و این کاملاً واضح و آشکار است که حق‌تعالی بر کور کردن دیدگان منافقان و گرفتن گوشهای‌شان تواناست، همانا خداوند أ بر همه چیز قدرت دارد و نظر به کمال قدرتش هیچ چیزی او را از کاری باز داشته نمی‌تواند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ٢١﴾.

مستحق عبادت، خدای یگانه است و جایز نیست کسی دیگر در الوهیتش با او شریک باشد؛ زیرا ربوبیت و پروردگاری فقط از آن اوست. او کسی است که همۀ مردم را آفریده و آنکه خالق و آفریدگار است سزاوار پرستش و بندگی است. در اینجا حق‌تعالی بندگان خویش را ندا می‌دهد ـ این اولین ندا در قرآن است ـ و امر می‌کند تا تنها او را عبادت کنند که او خالق و آفریدگار آن‌ها و پیشینیان‌شان است و پروردگار شایسته است تا عبادت شود و بندگان عبادتش کنند تا با این عبادت خود را از خشم اوتعالی و عذاب دردناکش وقایه کنند. باید توجه داشت عبادت هدف و مقصود خلقت و آفرینش است و پروردگار به منظور اینکه عبادت شود خلایق را ایجاد نموده و جهت هدایت آن‌ها پیامبران را فرستاده و کتاب‌های ‌آسمانی را نازل فرموده؛ پس این هدف و مقصود بسیار بزرگ و ارزشمند است.

﴿ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ فِرَٰشٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡۖ فَلَا تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٢٢﴾.

آیا خدا أ موجودی نیست که زمین را مانند فرش گسترانید تا مردم بر آن زندگی کنند و از انواع و اقسام نعمت‌های آن بهره برند؟ و آسمان را سقفی برای زمین گردانید و در آن خورشید و ماه و ستارگان و سایر پدیده‌هایی که به انسان‌ها نفع می‌رسانند را قرار داد و پروردگار آسمان آب را نازل فرمود و با آن آب از زمین انواع و اقسام حبوبات، سبزیجات و میوه‌های لذیذ که مایۀ لذت دهان و روشنی چشم است بیرون کرد، پس چون خدای‌تعالی روزی دهنده است همو سزاوار شکر می‌باشد و شما چگونه غیر خدا أ را می‌پرستید در حالی که می‌دانید هیچ خالق و رازقی غیر از او نیست.

﴿وَإِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ مِّمَّا نَزَّلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّن مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٣﴾.

و اگر شما در وحی که بر پیامبر ج نازل کرده‌ایم در شک و شبهه قرار دارید پس سوره‌ای مانند قرآن و در همان درجه از فصاحت و بلاغت بیاورید، چون خود شما نیز اهل فصاحت و بلاغت بوده و نیروی سخن نزد شما نیز موجود است و در این راستا از تمام یاران و مددگاران خویش بخواهید تا در معارضه با قرآن و آوردن سوره‌ای مانند آن شما را یاری رسانند اگر شما راست می‌گوئید که توان معارضه با قرآن را دارید! ولی هیهات! آن‌ها شدیداً دچار بی‌زبانی و گُنگی شده و به شدّت شکست خوردند.

﴿فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ وَلَن تَفۡعَلُواْ فَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُۖ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ ٢٤﴾.

اگر توان معارضه با قرآن را ندارید که هرگز نخواهید داشت؛ زیرا قرآن سخن موجودی حکیم و باخبر است، پس بر خود رحم نموده و با ایمان به خدای‌تعالی خویشتن را از آتش دوزخ وقایه کنید تا خداوند أ شما را به سبب همین ایمان از آتشی شعله‌ور نجات دهد و بدانید که هیچ راهی نجاتی از عذاب اوتعالی جز از طریق ایمان و پیروی از پیامبر ج نیست. این آتش با هیزم مردمان و سنگ‌ها شعله‌ور است و شما طاقت و توان تحمل آن را ندارید. این آتش را حق‌تعالی برای کفار آماده نموده و جایگاه کسانی قرار داده است که به اوتعالی کفر می‌ورزند.

در این باره روایتی نیز وجود دارد که مؤمن گنهکار اگر با آتش دوزخ عذاب شود در آن، مانند کافر جاودان نخواهد بود.

﴿وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ كُلَّمَا رُزِقُواْ مِنۡهَا مِن ثَمَرَةٖ رِّزۡقٗا قَالُواْ هَٰذَا ٱلَّذِي رُزِقۡنَا مِن قَبۡلُۖ وَأُتُواْ بِهِۦ مُتَشَٰبِهٗاۖ وَلَهُمۡ فِيهَآ أَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞۖ وَهُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٥﴾.

و بشارت ده‌ ای محمد ج بندگان صالح و نیکوکار ما را که از تو پیروی می‌کنند، به آنان بشارت ده که برای آنان در برابر اعمال صالح و نیک‌شان مانند: یکتاپرستی، نماز، روزه، صدقه، حج و امثال این‌ها نعمت‌هایی است ماندگار و خیری است عام. برای آن‌ها بهشت‌هایی است که از زیر آن جوی‌ها جاری است و آن‌ها در این بهشت‌ها بسر می‌برند. هرگاه از میوه‌های آن روزی داده شوند از روی گمان می‌گویند این همان میوه‌ای است که قبلاً به ما داده شده در حالی که میوه‌های یاد شده از لحاظ رنگ مشابه هم‌اند ولی طعم و مزۀ‌شان کاملاً متفاوت و مختلف است. و برای آن‌ها در بهشت همسرانی است پاک که دچار پلیدی‌های اخلاقی و غیر اخلاقی که معمولاً زن‌های دنیا به آن دچار می‌شوند نمی‌گردند و آن‌ها در سایۀ این نعمت‌ها برای همیشه در بهشت باقی خواهند بود و هیچگاه این نعمت از آن‌ها زایل نمی‌‌گردد و خوف زوال و تغییر آن نیز وجود نخواهد داشت.

﴿۞إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَسۡتَحۡيِۦٓ أَن يَضۡرِبَ مَثَلٗا مَّا بَعُوضَةٗ فَمَا فَوۡقَهَاۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۖ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَيَقُولُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۘ يُضِلُّ بِهِۦ كَثِيرٗا وَيَهۡدِي بِهِۦ كَثِيرٗاۚ وَمَا يُضِلُّ بِهِۦٓ إِلَّا ٱلۡفَٰسِقِينَ ٢٦﴾.

خداوند أ از این حیا نمی‌کند که به آنچه بخواهد مثال بزند. این مثال خواه دربارۀ آفرینش پشه باشد یا بزرگ‌تر از آن؛ زیرا حکمت عجیب پروردگار در آفرینش پشه و مورچه مانند حکمت عجیب او در آفرینش فیل و شتر است و حتی ترکیبی که حق‌تعالی در ایجاد موجودات کوچک انجام داده، ای‌بسا که بیشتر جلب توجه می‌نماید. مؤمن هنگام شنیدن چنین مثال‌های در نهایت صدق و باورمندی و بدون هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای می‌پذیرد که از جانب خداست. ولی کافر حیران و متردد می‌گردد و در کمال تردد و شک می‌گویند: خداوند از این مثال‌ها چه اراده دارد؟!

پروردگار با این مثال‌ها بسیاری را گمراه می‌سازد و بسیاری دیگر را هدایت می‌کند و اینگونه هر مثالی موجب ازدیاد ایمان مؤمن و افزایش کفر کافر می‌گردد. روی این اساس ملاحظه می‌شود که معمولاً علما و دانشمندان آیات الهی، از حد بالایی از یقین برخوردار اند؛ زیرا آن‌ها ادله و براهین بسیاری وجود دارد که نزد جاهل اعراض‌گر وجود ندارد و بدکاران را می‌یابی که هنگام شنیدن نشانه‌ها و حجت‌های واضح، در فسق و فجور خود می‌افزایند.

﴿ٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهۡدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٢٧﴾.

این‌ها کسانی اند که نقض می‌کنند عهدی را که بین آن‌ها و پروردگارشان مبنی بر ایمان و اطاعت از پیامبر أ است و همچنان تمام مواثیق و پیمان‌های را که بر خود لازم گرفته بودند مانند: ایمان، نذرها، معاهدات؛ زیرا این انسان‌ها واقعاً فاجر و بد کارند. این‌ها همچنان قطع می‌کنند تمام آنچه را که خداوند أ به آن امر فرموده از قبیل: نیکی به والدین، انجام صلۀ رحم، رعایت حقوق همسایگان و به این ترتیب نه با آفریدگار از دَر صداقت وارد شدند و نه با مخلوق از دَر وفا.

علاوه بر تمام آنچه گفته شد این‌ها در زمین دست به فساد می‌زنند و تلاش می‌نمایند فتنه، اختلاف، چند دستگی، و جنگ و جدال در بین مردم ایجاد کنند و علیه مسلمانان دسیسه چینی می‌نمایند. این‌ها واقعاً زیان‌کارانند، کسانی که خود، زندگی و سعادت‌شان را باختند. به این ترتیب هیچ‌کس از این‌ها بیشتر و شدیدتر در هلاکت واقع نشده و در معامله زیان ندیده است؛ زیرا خسارت و زیان مالی جبران می‌شود ولی خسارت و زیان دین و ارزش‌ها هرگز جبران نمی‌شود، همۀ این‌ها به این سبب است که خسارت این کافران دائمی و شامل هردو سرای (دنیا و آخرت) می‌شود و نظر به بزرگی و شدّت این زیان پروردگار خسارت را در آن‌ها محصور دانسته و فرموده است: ﴿أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡخُسۡرَانُ ٱلۡمُبِينُ﴾ آگاه باشید که این است زیان آشکار [الزمر: 15].

﴿كَيۡفَ تَكۡفُرُونَ بِٱللَّهِ وَكُنتُمۡ أَمۡوَٰتٗا فَأَحۡيَٰكُمۡۖ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٢٨﴾.

چگونه الوهیت پروردگار خویش را انکار می‌کنید حال آنکه شما در عالم عدم و نیستی قرار داشتید و او شما را ایجاد کرد؟! سپس اوتعالی بعد از این زندگانی شما را می‌میراند و دوباره زنده می‌کند و از قبرها به منظور رسیدگی به حساب و کتاب‌تان بیرون می‌نماید و شما به سوی او بازگردانیده می‌شوید. آیا کسی که دارای چنین مواصفاتی است سزاوار نمی‌باشد که تنها او پرستش شود؟ زیرا آفریدگار، زنده کننده و می‌راننده‌ای جز او نیست، پس چرا شما تنها او را نمی‌پرستید؟ در حالی که واجب و لازم، عبادت کسی است که مالک زندگی و مرگ و برانگیختن بعد از مرگ است ولی جای تعجب است که شما با همۀ این‌ها منکر حق شدید و این همه احسان را نا سپاسی نموده و عبادت را به غیر خدا أ پیشکش کردید و به اوتعالی شریک آوردید، پس چه جرمی بزرگ‌تر از این جرم است و چه گناهی بزرگ‌تر از این گناه؟!

﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَسَوَّىٰهُنَّ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ٢٩﴾.

او کسی است که برای شما تمام آنچه را در زمین است، از قبیل، غذا، آب، هوا، دوا، نور و... آفرید و اصل در همۀ این‌ها را بر حلال بودن و طهارت گذاشت. سپس بعد از آفرینش همۀ این نعمت‌ها قصد آسمان کرد و آن‌ها را برابر ساخت و خلقت‌شان را نیکو و همه را محکوم بنا نمود و هفت آسمان قرار داد. چنین آفرینش و ابداعی بیانگر علم و دانش بی‌حدّ پروردگار است که بر همه چیز احاطه دارد، چنان‌چه تمامیت خلق او را نیز نشان می‌دهد. پس کسی که دارای چنین مواصفاتی باشد تنها او مستحق عبادت، شکرگزاری و امتثال اوامر و اجتناب از نواهی است.

﴿وَإِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ خَلِيفَةٗۖ قَالُوٓاْ أَتَجۡعَلُ فِيهَا مَن يُفۡسِدُ فِيهَا وَيَسۡفِكُ ٱلدِّمَآءَ وَنَحۡنُ نُسَبِّحُ بِحَمۡدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَۖ قَالَ إِنِّيٓ أَعۡلَمُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٣٠﴾.

در اینجا خداوند أ به ما خبر می‌دهد که اوتعالی خطاب به ملائکه فرموده است به زودی در زمین خلیفه‌ای را قرار می‌دهد که آبادش کند و آن را با ایمان زنده نماید. منظور از این خلیفه آدم ÷ و اولادش اند که برخی جانشین برخی دیگر می‌شوند تا مسألۀ اعمار زمین و احیای آن با ایمان، همچنان باقی بماند و سنّت ابتلا و حکمت آفرینش تمام گردد. ملائکه گفتند: آیا در زمین خلیفه‌ای قرار می‌دهی که با نا فرمانی، ظلم و فتنه انگیزی دست به فساد بزند و خون‌های معصوم و بیگنا‌هان را به ناحق بریزد؟! و ما تو را با حمد تو تسبیح می‌گوئیم و تقدیس و تنزیه می‌نمائیم. این سخن را ملائکه از این‌روی گفتند که آن‌ها از هرگونه گناه، خطا، ظلم و عدوان پاک و منزه‌اند. در اینجا خداوند أ به آن‌ها خبر می‌دهد که اوتعالی از اسرار آفرینش و عواقب پدیده‌ها و حکمت‌های عجیب، اموری را می‌داند که غیر او هرگز آن‌ها را نمی‌دانند، اموری راجع به اقامۀ دین، دعوت به سوی خدا أ وجود پیامبران، علما، اولیا، بندگان، زهّاد و کسان دیگری که صلاحیت اعمار زمین را پیدا می‌کنند.

﴿وَعَلَّمَ ءَادَمَ ٱلۡأَسۡمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمۡ عَلَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنۢبِ‍ُٔونِي بِأَسۡمَآءِ هَٰٓؤُلَآءِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٣١﴾.

و حق‌تعالی به آدم نام‌های تمام مخلوقات از قبیل: آسمان، زمین، کوه، درخت و امثال این‌ها را آموخت تا وی را با علم و دانش بر ملائکه برتری دهد، دانشی که بالاتر از هر شرف و هر بزرگی است، به خصوص زمانی که این دانش از سوی پروردگار متعال باشد مانند علم آدم ÷ و یا علم شرعی. سپس پدیده‌ها را بر ملائکه به هدف تحقق برتری آدم درپی یک آزمون و امتحان عرضه داشت و خطاب به ملائکه گفت: به من نام‌های این مخلوقات را باز گوئید اگر حقیقتاً شما راست می‌گوئید که بر آدم ÷ و ذریه‌اش فضلیت و برتری دارید!

﴿قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ لَا عِلۡمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمۡتَنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ ٣٢﴾.

ملائکه بعد از اینکه حق‌تعالی از آن‌ها برخی مخلوقات را پرسید گفتند: پاک و منزهی بار الها تو و نامت بلند است! ما دانشی نسبت به نام این مخلوقات نداریم مگر اینکه تو به ما بیاموزانی. همانا تو ای خدا أ دانا و با حکمتی؛ زیرا علم تو فراگیر و بر همه چیز احاطه دارد و این علم از جملۀ بزرگ‌ترین صفات کمال تو به شمار می‌رود.

از این بخش آیه دانسته می‌شود که «عالم حکیم» حقیقتاً عالم «ربانی» است و هر عالمی که یکی از این دو صفت را نداشته باشد نباید در امور دینی پیشوای مردم واقع شود. همچنان این نکته نیز برجسته می‌شود که آن‌ها علم و حکمت را در حق‌تعالی منحصر دانستند؛ زیرا ذات پاک او از همه داناتر و با حکمت‌تر است.

﴿قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ أَنۢبِئۡهُم بِأَسۡمَآئِهِمۡۖ فَلَمَّآ أَنۢبَأَهُم بِأَسۡمَآئِهِمۡ قَالَ أَلَمۡ أَقُل لَّكُمۡ إِنِّيٓ أَعۡلَمُ غَيۡبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَأَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا كُنتُمۡ تَكۡتُمُونَ ٣٣﴾.

پس زمانی که ملائکه از گفتن نام مخلوقات عاجز ماندند، حق‌تعالی آدم ÷ را امر فرمود تا در حضور ملائکه نام‌های مخلوقات یاد شده را ذکر کند تا از این طریق فضل و شرف آدم ÷ ظاهر شود و بیان گردد که اصطفای الهی از روی استحقاق صورت می‌گیرد. زمانی که آدم ÷ در برابر ملائکه شروع به ذکر نام‌ها نمود پروردگار فرمود: آیا به شما نگفته‌ام که من دانای تمام پوشیدگی‌ها آسمان‌ها و زمینم و تمام آنچه از اعمال و گفتار را آشکار می‌کنید و یا عقاید و باورهایی که پنهان می‌دارید می‌دانم؟. در اینجا یکبار دیگر فضل و برتری علم به اثبات می‌رسد؛ زیرا آدم ÷ با این صفت بر تمام ملائکه برتری پیدا کرد چنان‌چه حق‌تعالی نیز خود را با داشتن این صفت مدح نمود.

در پی این نمایش قدرت علمی، ملائکه بر فضل آدم ÷ معترف شدند چون دانستند که شرف آدم بر آن‌ها به سبب علم و دانشی است که پروردگار به او آموخته است و اینگونه هر کسی که ارادۀ بلندی و رفعت را دارد باید به دنبال طلب علم نافعی باشد که حق‌تعالی بر انبیای خود نازل فرموده؛ زیرا با چنین علم و دانشی فضیلت و برتری انسان واضح می‌گردد و انسان از دائره غفلت و نادانی بیرون می‌شود.

﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰ وَٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٣٤﴾.

زمانی که بر ملائکه فضل آدم ÷ نظر به علم و دانشی که داشت آشکار گشت، پروردگار عالم آنان را امر نمود تا از روی احترام بر آدم ÷ کنند؛ زیرا حق‌تعالی او را بر آن‌ها با دانش نام‌های پدیده‌ها ویژگی بخشیده بود و دیگر اینکه هیچ صفتی بهتر از صفت علم و دانش که آدم ÷ آن را دارا بود وجود ندارد.

ملائکه به امتثال امر پروردگار پرداختند و نظر به اینکه احترام برتر بر غیر برتر از روی اعتراف به حرمت لازم است، آن‌ها بر آدم ÷ سجده کردند مگر ابلیس که بنابر تکبّر و شقاوت از سجده ابا ورزید و نهایت سرکشی را از خود به نمایش گذاشت، از این‌روی حق‌تعالی او را خوار و ذلیل ساخت و طرد و لعن کرد. و اینگونه به چنین سرنوشتی تمام کسانی مواجه خواهند شد که از او پیروی می‌کنند و در برابر حق سر تسلیم فرو نمی‌آورند؛ زیرا بیماری شک و شبهه از بیماری شهوت انگیزی بسیار بدتر است. ابلیس دچار بیماری شک شده بود از این‌روی طرد شد و آدم ÷ دچار بیماری اشتها ولی به خاطر آن توبه نمود و پروردگار توبه‌اش را قبول کرد.

روی این اساس بر بنده لازم است به مجرد اینکه امر می‌شود فوراً اطاعت کند و از هرگونه چانه‌زنی و اعتراض خودداری نماید، نشود که به سرنوشت ابلیس مواجه گردد. سجدۀ ملائکه بر آدم سجدۀ احترام و تعظیم بود نه سجدۀ عبادت؛ زیرا سجدۀ عبادت بر غیر خدا أ جایز نیست.

﴿وَقُلۡنَا يَٰٓـَٔادَمُ ٱسۡكُنۡ أَنتَ وَزَوۡجُكَ ٱلۡجَنَّةَ وَكُلَا مِنۡهَا رَغَدًا حَيۡثُ شِئۡتُمَا وَلَا تَقۡرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٣٥﴾.

سپس پروردگار عالم، آدم ÷ را امر نمود تا با همسرش در کمال آسایش و امنیت و بدون هیچ‌گونه مشقت و مشکلی در بهشت سکنی گزین شود و از انواع و اقسام نعمت‌ها، ملذّات و میوه‌های گوارا که دل‌‌‌انگیز است و مایۀ شادمانی دیدگان و آسودگی خاطر می‌شوند استفاده کند، ولی در کنار همۀ این‌ها او را از خوردن نوعی معین از درخت از روی ابتلا و آزمایش نهی نمود تا در پی این امتحان، میزان صبر آن دو و مجاهدۀ نفس‌شان ظاهر و آشکار شود و در این میان آن‌ها را از قمار ارتکاب منهیات بر حذر داشت؛ زیرا کسی که بعد از بیان امور منهیه مرتکب آن شود در واقع بر خویشتن ظلم نموده و از پروردگار خویش نافرمانی نموده است.

﴿فَأَزَلَّهُمَا ٱلشَّيۡطَٰنُ عَنۡهَا فَأَخۡرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِۖ وَقُلۡنَا ٱهۡبِطُواْ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوّٞۖ وَلَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُسۡتَقَرّٞ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ ٣٦﴾.

پس شیطان بنابر حسادتی که نسبت به آدم ÷ داشت تلاش کرد آن دو را از بهشت خارج کند از این‌روی امور را بر آن‌ها ملتبس ساخت و آن دو در دام شیطان افتادند و به این ترتیب نبرد جهانی شیطان و بندگان خدا أ شروع شد که تا روز قیامت ادامه خواهد داشت. زمانی که آدم ÷ و همسرش مرتکب امر ممنوع شدند از خورسندی و مقام بلندی که داشتند محروم شدند. چنین جزایی برای تمام کسانی خواهد بود که نافرمانی خدا أ را می‌نمایند. هر کس مرتکب نافرمانی گردد مطابق نافرمانی خویش از درجات و امنیت از عذاب می‌افتد، پس چقدر بد است معصیت و چقدر زشت است عاقبت آن؟! سپس حق‌تعالی آدم، حوا و شیطان را امر نمود تا در زمین فرود آیند و در بین‌شان دشمنی و عداوت قرار داد تا به این ترتیب قانون ابتلا و آزمایش و همچنان جذب و دفع شیطان و آدم تحقق پیدا کند. پروردگار زمین را خانه و کاشانۀ آدمیان قرار داد و بهره‌وری از آن را برای مدتی معلوم و تا زمانی که خداوند أ اجازۀ برپائی قیامت را بدهد مشخص نمود و هیچ بقایی برای دنیا و اهل آن وجود ندارد و همه به زودی به سوی یکی از دو سرای خواهند رفت یا بهشت که سرای آدم ÷ است و یا دوزخ که قرارگاه شیطان است.

﴿فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٖ فَتَابَ عَلَيۡهِۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ٣٧﴾.

از رحمت و لطف پروردگار بر آدم ÷ و ذریه‌اش آموزش کلماتی بود که وی با آن مستوجب رحمت و مغفرت خدای‌تعالی شد. این کلمات حاوی اعتراف به گناه، اعلان توبه و طلب عفو و آمرزش بود. این آیه دلالت بر فضل استغفار و این مطلب دارد که گاهی در گناه نیز مصالح بزرگی برای بندگان نهفته است، بشرط آنکه از آن گناه در نهایت انکسار و ندامت توبه صورت گیرد و در راستای طاعت و عبادت خداوند بزرگ و گریه و ترس از او و تواضح در برابر بندگانش تلاش و کوشش شود.

﴿قُلۡنَا ٱهۡبِطُواْ مِنۡهَا جَمِيعٗاۖ فَإِمَّا يَأۡتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدٗى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٣٨﴾.

بعد از اینکه حق‌تعالی آنان را امر کرد تا در زمین فرود آیند برای‌شان بیان داشت که اوتعالی هیچگاه آنان را در زمین مهمل و بی‌سرنوشت رها نخواهد کرد، بلکه به منظور هدایت‌شان پیامبرانی را خواهد فرستاد و کتاب‌هایی را نازل خواهد نمود و در این میان هر که به خدا أ ایمان آورد و از پیامبران و هدایتی که می‌آورند پیروی کند، برای چنین کسانی از سوی اوتعالی امنیتی خواهد بود که با آن به هیچ وجه از آیندۀ خود ترس و بیم نخوهند داشت؛ زیرا حق‌تعالی حافظ و نگهبان آنان و برای‌شان کافی و بسنده است. چنان‌چه بر گذشتۀ خویش نیز حزین و غمگین نخواهند بود؛ چون پروردگار گناهان آن‌ها را می‌بخشد و از سر تقصیرات‌شان دَرمی‌گذرد.

سعادت چنین کسانی مبتنی بر او دو اصل است: یکی نداشتن ترس و دیگری نداشتن غم و اندوه.

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٣٩﴾.

اما کسی که از پذیرش و قبول هدایت حق‌تعالی سر باز زند و آنچه را پیامبران آورده‌اند ردّ نماید و حق را پنهان کند، جزای چنین کسی یقیناً آتش دوزخ خواهد بود که در آن همیشه جاویدان است.

در اینجا ملاحظه می‌شود که حق‌تعالی مصیر و عاقبت بندگان خود را بیان می‌نماید تا این عاقبت برای آن‌ها واضح و روشن باشد و در پرتو این بیان واضح، آن‌ها برای آن آمادگی بگیرند و به این ترتیب حجّت و برهان برای خدا أ و بر آن‌ها باشد و تا آن‌ها را پیش از تبلیغ و ارسال پیام دچار عذاب ننماید.

﴿يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَوۡفُواْ بِعَهۡدِيٓ أُوفِ بِعَهۡدِكُمۡ وَإِيَّٰيَ فَٱرۡهَبُونِ ٤٠﴾.

سپس حق‌تعالی بنی اسرائیل را ندا نموده به آن‌ها یادآوری می‌نماید که آن‌ها از نسل پیامبر گرامی حضرت یعقوب ÷ اند. گویا پروردگار به آن‌ها می‌گویند: شما در کجای کار از پدر خود قرار دارید، پدری که شکر گذار اوتعالی بود و حق مولایش را می‌دانست؟ شما را چه شده که به مخالفت از مسیر و روش پدر خود پرداختید و به خدا أ کافر شده و با پیامبرش جنگیدید و اوامرش را نافرمانی نمودید؟

در ادامه باری‌تعالی آن‌ها را به یاد نعمت‌هایی می‌اندازد که بر آن‌ها ارزانی داشته تا با یادآوری این نعمت‌ها بار دیگر به خویشتن رجوع و از پروردگار خویش حیا کنند. پس آیا پاداش چنین نعمت‌هایی نافرمانی و کشتن پیامبران و کتمان حق است؟!

همچنان خداوند أ آنان را به یاد عهد و پیمانی می‌اندازد که براساس آن تعهد نموده بودند تا به خدا أ ایمان آورند و از پیامبرش پیروی کنند و هرگاه چنین کنند حق‌تعالی آنان را نصرت، یاری، عزّت و در دنیا قدرت دهد و در آخرت با بهشت محترم و گرامی و خجسته سازد. چنان‌چه آنان را امر نمود تا هرگز از غیر خدا أ نترسند، بلکه تمام ترس و خوف‌شان باید از حق‌تعالی باشد؛ زیرا مالک نفع و ضرر خداوند أ بزرگ است و تمام کیفرها و پاداش‌ها از سوی اوست.

﴿وَءَامِنُواْ بِمَآ أَنزَلۡتُ مُصَدِّقٗا لِّمَا مَعَكُمۡ وَلَا تَكُونُوٓاْ أَوَّلَ كَافِرِۢ بِهِۦۖ وَلَا تَشۡتَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِي ثَمَنٗا قَلِيلٗا وَإِيَّٰيَ فَٱتَّقُونِ ٤١﴾.

و از هدایت و رهنمود پیامبر امّی، حضرت محمد ج و از وحیی که آورده پیروی کنید؛ زیرا او تصدیق کنندۀ اموری است که موسی ÷ از طریق تورات ارائه نموده و حتی مؤیّد و تقویت کنندۀ آن نیز هست، پس چگونه شما بین این دو پیامبر و کتاب‌های‌شان تفاوت و جدایی قایل می‌شوید؟! و از این بر حذر باشید که اولین تکذیب کنندۀ پیامبر باشید و سایر مردم به شما اقتدا کنند و به این ترتیب الگوی شر و کلید فساد و مانع راه خدا أ واقع گردید.

و بر حذر باشید از اینکه به آیات من که نزد شماست بهایی اندک را که عبارت از دنیای زود گذر است بخرید و به‌خاطر آن، حق‌ را بپوشانید و به ناحق شهادت دهید و در بدل اخذ رشوه یا هدف پلیدی دیگر دست به تکذیب پیامبر بزنید! اگاه باشید که همۀ دنیا به صورت کُل هم اگر باشد، بهایی اندک است چه رسد به بعضی از دنیا. پس بر شما لازم است تا از طریق اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگار تقوای او را رعایت کنید؛ زیرا آنچه بین شما و عذاب حق‌تعالی حائل واقع می‌شود تقوا و پرهیزگاری است.

﴿وَلَا تَلۡبِسُواْ ٱلۡحَقَّ بِٱلۡبَٰطِلِ وَتَكۡتُمُواْ ٱلۡحَقَّ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٤٢﴾.

و از این حذر باشید ای بنی اسرائیل که بین حق و باطل و راست و دروغ به منظور ترویج عقاید باطل خویش خلط کنید؛ زیرا برخی از بدکاران گاهی چیزی از حق را یاد آور می‌شوند تا مردم او را در باطلی که ارائه می‌کند باور کنند. و از این نیز بر حذر باشید که حق ظاهر و آشکاری که به دلائل و براهین واضح ثابت شده و بیانگر صدق نبوت و رسالت پیامبر اسلام ج و حقانیت دین اوست را بپوشانید در حالی که می‌دانید او پیامبری است از جانب خدا أ؛ زیرا علائم و نشان‌های حقانیتش نزد شما به صورت نوشته در کتابهای‌تان موجود است، پس چگونه شما آنچه را می‌دانید انکار می‌کنید؟!

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ٤٣﴾.

و بر شماست تا نماز را که حق‌تعالی بر ادای آن امر نموده ادا کنید؛ زیرا چنین نمازی شما را از فحشا و امور منکر و زشت بازمی‌دارد، البته در صورتی که به شکل درست ادا شود، نه نماز مجرد از خشوع و فروتنی، زکات مال خویش را نیز ادا کنید تا با آن به تزکیۀ نفس‌های خود بپردازید و این زکات، گناهان شما را محو و موجبات رضایت حق‌تعالی را از شما فراهم نماید و قلب‌های شما را پاک و از آن بخل را بزداید و نماز را نیز با نمازگزاران برپای دارید.

برخی از دانشمندان از طریق استدلال به این آیه، ادای نماز به جماعت را واجب دانستند در حالی که برخی دیگر آن‌ را اینگونه معنی می‌کنند: در برابر پروردگار خود مانند بندگان صالح خدا أ فروتنی کنید.

﴿۞أَتَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبِرِّ وَتَنسَوۡنَ أَنفُسَكُمۡ وَأَنتُمۡ تَتۡلُونَ ٱلۡكِتَٰبَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٤٤﴾.

شما را چه شده که مردم را با سخنان خود تزکیه می‌کنید در حالی که خودتان در تاریکی‌های گناهان غوطه ورید؟! مردم را به معروف امر می‌کنید ولی امتثال امر نمی‌نمائید و آنان را نهی می‌‌کنید در حالی که خودتان خویشتن را باز نمی‌دارید. نزد شما کتابی است که تلاوت می‌شود و در آن دلائل و نشانه‌های واضحی وجود دارد ولی با کمال تأسف که شما از پرتو این دلائل بهره نمی‌گیرید و به رهنمود‌های آن ترتیب اثر نمی‌دهید! حال که دانش‌تان شما را به راه نمی‌آورد آیا عقل نیز چنین است؟ آخر عقل صحیح همواره انسان را به سوی اعمال نیکو رهنمایی می‌کند و از کردار بد و زشت بازمی‌دارد و مانع نادانی و سفاهت انسان می‌شود، از همین روست که قرآن در اخیر آیه فرمود: «أفلا تعقلون».

﴿وَٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى ٱلۡخَٰشِعِينَ ٤٥﴾.

و بر شماست تا در راستای ادای آنچه امر شدید و اجتناب از آنچه نهی شدید صبر و استقامت به خرج دهید. صبر نیرویی از نیروهایی ذاتی انسان است که در تمام امور زندگی نقش خود را دارد. بر ادای نماز نیز مداومت کنید؛ زیرا نماز انسان را در مشکلات بهترین معاون و مددگار است و او را در مصیبت‌هایش آرامش می‌بخشد. در حدیث شریف آمده است که «أَرِحْنَا بِالصَّلَاة يَا بِلَالُ» ای بلال ما را به نماز راحت کن. نماز مایۀ سرور دل و روشنی چشم انسان است، چنین نمازی بزرگ، سخت و طاقت فرساست مگر بر فروتنانی که قلب‌ها و اعضای‌شان در برابر جبار أ خاشع و فروتن است، بر چنین کسانی ادای آن هنگام خواب و استراحت و در سرما و گرما و سفر و حضر مشکل نیست ولی بر منافق سخت‌ترین کار است.

﴿ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ رَبِّهِمۡ وَأَنَّهُمۡ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ ٤٦﴾.

این مؤمنان صادق و فروتن به زنده شدن بعد از مرگ و ملاقات با خدا أ جهت تصفیۀ حساب و دریافت پاداش و جزا یقین کامل دارند. ایمان به روز آخرت از جملۀ ارکان عقاید اسلامی به شمار می‌رود، این ایمان انسان را وا می‌دارد تا همواره اعمال خوب و شایسته انجام دهد؛ زیرا چنین شخصی می‌داند به زودی و در روزی که هیچ شکی در آن نیست به ملاقات پروردگار خود می‌رود.

﴿يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَنِّي فَضَّلۡتُكُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٧﴾.

ای فرزندان پیامبر گرامی و نیکوکار یعقوب ÷ ای آنانی که به او در پذیرش دعوت حق اقتدا نکردید، چرا به یاد نعمت‌های ما که بر شما ارزانی داشتیم نمی‌افتید؟ آیا شما را از عذاب نجات نداده و ابر را سایبان‌تان قرار ندادیم؟ آیا نعمت‌های خویش را بر شما پیاپی نفرستادیم و عذاب را از شما دفع نکردیم؟ آیا شما را با ارسال پیامبران بسیار و انزال کتاب‌های زیاد، بر مردمان زمان‌تان برتری ندادیم؟ آیا شما را بر دشمنانتان پیروز نساختیم؟ ای کاش شکر نعمت‌ها را برجای آورده و از احسان پروردگار یادآوری می‌کردید!

﴿وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا لَّا تَجۡزِي نَفۡسٌ عَن نَّفۡسٖ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا يُقۡبَلُ مِنۡهَا شَفَٰعَةٞ وَلَا يُؤۡخَذُ مِنۡهَا عَدۡلٞ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ٤٨﴾.

و از روزی بترسید که در آن بر خدا أ عرضه می‌شوید. در آن روز هیچ کسی از دیگری شری را دفع کرده نمی‌تواند و خیری را جلب نمی‌کند. در آن روز برای کافر شفاعت‌گری نیست و نه هم در بدل عذاب فدیه‌ای از او پذیرفته می‌شود، و برای کسی که عذاب در حقش محقق شود هیچ یاری دهنده‌ای نمی‌باشد تا نجاتش دهد، پس هرگاه عذاب شروع شود نه شفاعت‌گری است نه یاری‌دهنده و نه هم پذیرش فدیه و به این ترتیب در حق کافر چهار نکته تبارز می‌کند: هیچ ذاتی در برابر عذاب کافر به عنوان فدیه قبول نمی‌شود؛ هیچ صاحب مقام و منزلتی به منظور نجات وی نمی‌تواند شفاعت کند؛ هیچ مالی نیست که شخص را از هلاکت مانع شود؛ هیچ مدافع دیگری که صاحب نیرو و قوت باشد وجود ندارد تا کافر را از عذاب بسنده کند.

﴿وَإِذۡ نَجَّيۡنَٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبۡنَآءَكُمۡ وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡۚ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَظِيمٞ ٤٩﴾.

و یاد آورید ای بنی اسرائیل نعمت ما را بر خویشتن زمانی که شما را از شر فرعون و قومش در آن هنگام که از خشم او فرار کردید و او شما را در ساحل دریا دریافت نجات دادیم و به این ترتیب بعد از اینکه او هر نوزاد پسر را می‌کُشت و نوزاد دختر را زنده ‌نگه می‌داشت تا در خانه‌های فرعونیان خدمت کند، ما شما را صحیح و سالم رهایی بخشیدیم.

تمام این ابتلاء‌ات و آزمایش‌های توأم با نعمت و عذاب، امتحاناتی است بزرگ ولی شما همۀ نعمت‌ها را کفران کرده و عذاب‌ها را فراموش نمودید و درس لازم را نگرفتید در حالی که بهترین درس و عامل سرکوب یک انسان فرومایه یادآوری نعمت‌هایی است که به او داده شده است.

﴿وَإِذۡ فَرَقۡنَا بِكُمُ ٱلۡبَحۡرَ فَأَنجَيۡنَٰكُمۡ وَأَغۡرَقۡنَآ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ ٥٠﴾.

و یاد آورید ای بنی اسرائیل زمانی که دریا را بر شما شکافتیم، در آن هنگام که عرصه بر شما تنگ شده بود به گونه‌ای که دریا پیش رو و دشمن پشت سرتان قرار داشت و در شُرُف هلاک قرار گرفتید، اینجا بود که ما به دادتان رسیده نجات‌تان دادیم و فرعون و لشکرش را غرق کردیم. این وضعیت در حالتی بود که آن‌ها طالب و شما مطلوب بودید، این ما بودیم که عقربه را علیه آن‌ها دور داده و در مقابل دیدگان‌تان آن‌ها را غرق کردیم. همۀ این‌ها را انجام دادیم تا منکر نعمت‌های ما نباشید و در ضمن حجّت و برهان نیز بر شما تمام شود.

﴿وَإِذۡ وَٰعَدۡنَا مُوسَىٰٓ أَرۡبَعِينَ لَيۡلَةٗ ثُمَّ ٱتَّخَذۡتُمُ ٱلۡعِجۡلَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ وَأَنتُمۡ ظَٰلِمُونَ ٥١﴾.

و یاد آورید زمانی را که پیش از سخن گفتن با موسی ÷ در «طور سینا» با او چهل شب را وعده گذاشتیم. تمام این‌ها به منظور هدایت و رهنمایی و اصلاح امورتان بوده است ولی شما این احسان را در بدل اینکه شکر گوئید کفران نموده و در مدّت غیاب موسی گوساله را به عنوان معبود قرار دادید! چه ظلم و سمتی بزرگ‌تر از این ظلم و چه بغاوتی بزرگ‌تر از این بغاوت و سرکشی است؟ چون شما دجل، دروغ و تزویر را تصدیق کرده و بر این اساس گوساله را پرستش کردید و در مقابل جهالت سر تسلیم فرو آوردید.

چقدر تفاوت بزرگی است بین امّت موسی ÷ و امّت محمد ج که اولی با غیاب چهل روزۀ پیامبر خویش گوساله پرست شدند در حالی که دومی با وجود اینکه پیامبرشان وفات نموده با آن‌هم تا روز قیامت خیر و خوبی در بین‌شان وجود خواهد داشت.

﴿ثُمَّ عَفَوۡنَا عَنكُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٥٢﴾.

بعد از تمام این عملکردهای نادرست و زشتی که از شما سر زد، با همۀ این‌ها شما را عفو کردیم و از سر تقصیرات‌تان دَر گذشتیم تا از اشتباه خود باز گردید و به احسان و نیکی که با شما صورت گرفته اعتراف کنید و موجبات حفظ این احسان را فراهم نمائید.

﴿وَإِذۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡفُرۡقَانَ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ٥٣﴾.

و یاد آورید ای بنی اسرائیل زمانی که موسی ÷ را با فرستادن تورات و بیان حلال و حرام حرمت بخشیدیم تا این کتاب آسمانی مایۀ هدایت و رهنمایی شما باشد و شما با استفاده از آن به سوی خدا أ هدایت شوید و بر اوامر او ثابت قدم و استوار گردید.

﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ إِنَّكُمۡ ظَلَمۡتُمۡ أَنفُسَكُم بِٱتِّخَاذِكُمُ ٱلۡعِجۡلَ فَتُوبُوٓاْ إِلَىٰ بَارِئِكُمۡ فَٱقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ عِندَ بَارِئِكُمۡ فَتَابَ عَلَيۡكُمۡۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ٥٤﴾.

و زمانی را یاد آورید که موسی ÷ شما را از پرستش گوساله نهی کرد و این عملکرد زشت که گوساله دارای آواز را پرستش کردید زشت شمرد و از شما خواست تا توبه نموده و به سوی دین خدا أ باز گردید؛ زیرا خالق، رازق و آفریدگارتان خداست، پروردگاری که غیر از او خدایی نیست و برای شما بیان داشت که این توبه مقتضی آنست تا بی‌گناهان‌تان مجرمان‌تان را بکشند؛ زیرا این عمل، شما را از گناه پاک می‌کند و در ضمن دلیلی بر قبول توبۀتان نیز می‌باشد و چون این عمل را انجام دادید حق‌تعالی از شما پذیرفت، چون پروردگار توبۀ کسی را که توبه کند می‌پذیرد و به آن کس که به سوی او رجوع کند رحم می‌نماید و بر این اساس توبه کنندگان را به گناه‌شان نمی‌گیرد بلکه بر عکس او را در کنف رحمت خود قرار می‌دهند.

﴿وَإِذۡ قُلۡتُمۡ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى ٱللَّهَ جَهۡرَةٗ فَأَخَذَتۡكُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ ٥٥﴾.

و نظر به تمرد، کفران و سرکشی که داشتید، از موسی ÷ خواستید خدا أ را به شما به صورت عیان نشان دهد تا او را با چشمان سرتان ببینید در حالی که حق‌تعالی بسیار بزرگ‌تر از این است که در دنیا دیده شود. دیدن خداوند أ کاری است که فقط در بهشت و برای دوستان او و بعد از آن صورت می‌گیرد که اوتعالی خود توانائی لازم چنین دینی را در آن‌ها ایجاد نماید. چگونه شما چنین مطالبۀ گزافی را می‌نمائید حال آنکه وقوع آن از جمله محالات است و شما با این عمل در واقع به کتاب آسمانی کافر شده و دلیل و برهان واضح را رد کردید. زمانی که چنین مطالبه‌ای نمودید شما را با صاعقه‌ای از آسمان عذاب کردیم که قلب‌های‌تان را بیرون افگند و اجسام شما را حریق نمود در حالی که برخی از شما نظاره گر بودید، پس آیا حیا دارید تا از این آزمون درس لازم را بگیرید و از این مناظر بزرگی که به منظور زجر گنهکاران صورت گرفته است استفاده کنید؟

﴿ثُمَّ بَعَثۡنَٰكُم مِّنۢ بَعۡدِ مَوۡتِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٥٦﴾.

و بعد از اینکه شما را با صایقه هلاک نمودیم دوباره به شما حیات بخشیدیم تا به خویشتن رجوع کنید و خدای را به یگانگی بپرستید و از پیامبر پیروی نمائید، ولی با کمال تأسف هیچ‌کدام از این پندها نفعی به حال شما نبخشید؛ زیرا نفس‌های‌تان شر و طبیعت‌های شما خبیث و فطرت و اخلاق‌تان فاسده است.

﴿وَظَلَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡغَمَامَ وَأَنزَلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰۖ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡۚ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٥٧﴾.

و از نعمت‌های زیاد ما بر شما یکی هم این است که ابرها را در خدمت‌تان قرار دادیم تا شما را از حرارت خورشید حفظ کنند و آب و هوا را بر شما مطبوع گردانند و در ضمن همین ابرها مایۀ نزول باران رحمت بر شما باشند.

و در همین راستا برای شما «منّ/ انگبین» یا همان شیره‌ای را که مانند عسل شیرین است و همچنان گوشتِ لذیذِ پرندۀ «سلوی» را نازل کرد و فرمود از این روزی پاک بخورید و اعمال شایسته انجام دهید و شکر گذار پروردگار آسمان‌ها و زمین باشید، ولی هیهات که آن‌ها احسان را با بدی پاسخ دادند و از هدایت روی گردانیده به سوی گمراهی تمایل نشان دادند و به این ترتیب بر خویشتن ظلم کردند؛ زیرا برای خداوند أ از ناحیۀ معصیت گنهکاران هیچ ضرری و از ناحیۀ طاعت عبادت کنندگان هیچ نفعی نمی‌رسد چون او از همه چیز و همه کس بی‌نیاز است و جز او خدایی وجود ندارد. این آیه دلالت بر اکتفا نمودن بر پدیده‌های حلال و اجتناب از محرمات و خبائث می‌نماید.

﴿وَإِذۡ قُلۡنَا ٱدۡخُلُواْ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةَ فَكُلُواْ مِنۡهَا حَيۡثُ شِئۡتُمۡ رَغَدٗا وَٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ سُجَّدٗا وَقُولُواْ حِطَّةٞ نَّغۡفِرۡ لَكُمۡ خَطَٰيَٰكُمۡۚ وَسَنَزِيدُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٥٨﴾.

و شما را امر کردیم تا وارد فلسطین شوید چون خودتان چنین چیزی را خواستید و در آن برای شما معیشتی راحت و بدون مشقت فراهم نمودیم و روزی فراوان و طعام لذیذ در حالی دادیم که کاملاً آسوده خاطر بودید و شما را امر کردیم تا از دروازۀ قریه در حالتی داخل شوید که در برابر حق‌تعالی به نشانۀ شکر خاضع و فروتن باشید و نسبت به گناهان خود طالب استغفار و از اوتعالی عفو بخواهید. و شما را وعده نمودیم تا گناهان‌تان را در صورتی که توبه کنید ببخشیم و در صورت استغفار آن‌ها را کفاره نمائیم و اگر کسی گناهکار نباشد و استغفار کند با اینکارش در حسنات و درجاتش می‌افزائیم. همچنان وعده دادیم که اگر کسی در مسیر حق از خود استقامت به خرج دهد، برای وی زندگی میمون و خوشبختی عطا کنیم و از سر تقصیراتش در گذریم و در عطیه‌اش بیفزائیم. این آیه دلالت بر وجوب استغفار از گناه توأم با رعایت تقوای قلب دارد.

﴿فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ قَوۡلًا غَيۡرَ ٱلَّذِي قِيلَ لَهُمۡ فَأَنزَلۡنَا عَلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ ٥٩﴾.

این بود که بد کاران‌تان اوامر ما را مبنی بر استغفار رد کردند و از روی فسق و عناد سخن را تبدیل نموده و به جای «حطّه»، «حنطّة» گفتند. این عمل را از این‌روی انجام دادند که تمردشان در برابر حق‌تعالی بسیار و خبث در نهادشان اصلیت یافته است. این بود که بر آن‌ها از آسمان عذاب را فرو فرستادیم که این عذاب آن‌ها را به جزای اعمال‌شان رسانید و پاسخ سخن زشت‌شان را داد. چقدر بلاها و نشانه‌های بسیار بر آن‌ها گذشت، چقدر سختی و آسانی دیدند. ولی با تمام این‌ها کسی که مست بادۀ گناه باشد و در فتنۀ محبت دنیا گرفتار آید احساس درک چنین اموری را ندارد؛ زیرا گناه قلب را می‌میراند و دانای پوشیدگی‌ها آن قلب را دچار فراموشی می‌کند. چقدر گناه، بزرگ است که هیچ چیزی نمی‌‌تواند مانند آن زیرکی و هشیاری را از بین ببرد و برکت را از زندگی انسان برباید.

﴿۞وَإِذِ ٱسۡتَسۡقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ فَقُلۡنَا ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡحَجَرَۖ فَٱنفَجَرَتۡ مِنۡهُ ٱثۡنَتَا عَشۡرَةَ عَيۡنٗاۖ قَدۡ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٖ مَّشۡرَبَهُمۡۖ كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ مِن رِّزۡقِ ٱللَّهِ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ٦٠﴾.

و آنگاه که طعام شما را از آنچه لذیذ و خوشایند بود تأمین نمودیم، نوبت به آب رسید و چون موسی ÷ از ما خواست تا به شما آب خنک بدهیم خواستیم این کار را از طریق معجزه انجام دهیم تا با چشم سر قدرت حق‌تعالی و فضل او را مشاهده کنید و در نتیجه از او بترسید و شکرش را بر جای آورید و با مشاهدۀ سخاوت و لطف خدا أ دوستش داشته باشید. ولی در میان آن‌ها نه شکری بر نعمت بود و نه ترسی از انتقام و نه محبتی بر کرم و سخاوت.

اما موسی ÷ با عصایش بر صخره کوبید همانگونه که بر بحر زَد. از صخره آب فَوَران کرد و دریا به منظور نجات‌شان شکافته شد و اینگونه براساس قدرت ما خشک و سخت نرم، و مایع جامد می‌شود، ولی قلب‌های شما نرم نشد. ما به شما از صخره دوازده چشمه به تعداد قبائل‌تان منفجر کردیم تا ازدحام کمتر باشد و موجب خصومت و دشمنی نگردد. هر قبیله محل چشمۀ خاص خود را می‌دانست.

به این ترتیب برای شما هم غذا آماده شد و هم آب، همه این‌ها از فضل خداست، ای کاش شکر او را برجای می‌آوردید و عبادتش می‌کردید. در هر لقمه‌ای نعمتی از سوی خداست و در هر قطره آبی نشانه‌ای و در هر نسیمی عطایی برای اوست و ما شما را از قمار نافرمانی و عاقبت کفران نعمت که از طریق تلاش و منظور فساد در زمین و ریختن خون حرام و قطع روابط و گرفتن اموال مردم از روی باطل و شهادت زور صورت می‌دادید بر حذر داشتیم ولی شما اوامر ما را ترک کرده و مرتکب منهیات شدید و به مخالفت پیامبر ج دست یازدیدید و از حق کناره گرفته، به دنبال هوی و هوس شتافتید.

﴿وَإِذۡ قُلۡتُمۡ يَٰمُوسَىٰ لَن نَّصۡبِرَ عَلَىٰ طَعَامٖ وَٰحِدٖ فَٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُخۡرِجۡ لَنَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلۡأَرۡضُ مِنۢ بَقۡلِهَا وَقِثَّآئِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَاۖ قَالَ أَتَسۡتَبۡدِلُونَ ٱلَّذِي هُوَ أَدۡنَىٰ بِٱلَّذِي هُوَ خَيۡرٌۚ ٱهۡبِطُواْ مِصۡرٗا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلۡتُمۡۗ وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلۡمَسۡكَنَةُ وَبَآءُو بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ يَكۡفُرُونَ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ ٦١﴾.

و بعد از اینکه برای شما بهترین غذا را از قبیل گوشت، حلوا و نوشیدنی سرد فراهم کردیم، نظر به معکوس بودن فطرت و فساد قلب‌تان و همچنان نظر به ناسپاسی و محبت تبدیل و تغییر، حتی در غذا و نوشیدنی نیز شما دچار ملالت خاطر شده و بر موسی ÷ غذای دیگری را از انواع حبوبات و سبزیجات پیشنهاد کردید که در طعم و ارزش خود پائین‌تر از غذای اصلی‌تان بود. شما چگونه عالی را به دنی ولو در غذا و نوشیدنی تبدیل می‌کنید؟ روی این اساس هیچ معیار تمایز و تفاوتی نزد شما حتی در آنچه می‌خورید و می‌آشامید وجود ندارد. با آن‌هم ما به شما آنچه را خواستید دادیم و شما را وارد شهری نیکو کردیم تا در آن از انواع میوه‌ها، حبوبات و سبزیجات بخورید.

و تا جزای سرکشی و عنادتان را داده باشیم، در دل‌های شما خوف و ترس ایجاد کردیم و شما را دچار فقر نفس، خسیس بودن همت و انحطاط عزم و تصمیم نمودیم؛ زیرا شما خودتان به مادون راضی شده و در هر چیز به جستجوی دنی و پست رفتید و آنچه را ما به شما از قبیل بلندی، رفعت، طهارت نفس، سلامت اخلاق، صفای درون و صحت روش بر گزیده بودیم ردّ کردید، از این‌روی بر شما در شدیدترین وجه غضب نمودیم چون شما بعد از اقامۀ حجّت و برهان با ما از در مخالفت و بد کارگی در آمدید؛ زیرا عالم گنهکار، غضب شده و جاهل نا فرمان، گمراه است.

سبب غضب خدا أ بر یهود روی این اساس است که آن‌ها به رسالت و پیامبری کافر شده، از ایمان سَر باز زده و پیامبران را کشتند، این‌ها همه جنایاتی بد، زشت و اشتباهاتی وحشتناک است. تمام این ذلت، خواری و غضبی که گریبانگر یهودیان شد، به سبب عصیان‌شان در ترک اوامر خدا أ و تجاوز در ارتکاب منهیات اوتعالی بود. این امکان نیز وجود دارد که منظور از عصیان، ظلم بر خویشتن و مراد از عدوان، ظلم و ستم بر مردم باشد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلصَّٰبِ‍ِٔينَ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَلَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٦٢﴾.

این آیه دربارۀ آن دسته از اهل کتاب است که پیش از پیامبری حضرت محمد ج می‌زیستند. معنی آیه اینگونه است که طوائف یهود، نصارا و صابئه (صائبه کسانی‌اند که بر ایمان فطری باقی ماندند بدون اینکه از دین مشخصی پیروی کنند؛ قولی نیز وجود دارد که منظور فرقه‌ای از مسیحیان‌اند) که اعمال صالح و شایسته انجام داده‌اند این‌ها در پیشگاه خداوند أ مأجور اند و از امور هولناکی که در آینده واقع می‌شود دچار ترس و از آثار اعمال بد دچار حزن و اندوه نمی‌شوند، ولی بعد از بعثت حضرت محمد ج ایمان هیچ مؤمنی صحیح نمی‌شود مگر اینکه به ایشان ایمان آورد.

در این آیه نوعی استثناء و احتزاز نیز وجود دارد؛ زیرا زمانی که حق‌تعالی به مذمت بنی اسرائیل پرداخت، در اینجا خبر داد که در میان آن‌ها گروهی مؤمن نیز هستند. سپس از نصارا و «صابئه» یاد آورد شد تا این حکم عام و قاعده‌مند باشد و در تمام کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند مصداق پیدا کند. حق‌تعالی بیان داشت که اجر و پاداش این‌ها نزد پروردگار‌شان است، این پاداش عبارت از داخل شدن به بهشت و نترسیدن از عذاب است و هیچگاه از ناحیۀ از دست دادن ثواب و پاداش نیکو، دچار حزن و اندوه نمی‌شوند؛ زیرا کسی که می‌ترسد امنیت ندارد و کسی که حزن دارد راحت نیست. در این آیه بین ایمان و عمل صالح نوعی تقارن و نزدیکی صورت گرفته و إلا ایمان بدون عمل مجرد ادعایی است که به رستگاری نمی‌رساند و از هلاکت نجات نمی‌دهد.

﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَكُمۡ وَرَفَعۡنَا فَوۡقَكُمُ ٱلطُّورَ خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ وَٱذۡكُرُواْ مَا فِيهِ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ٦٣﴾.

و یاد آورید ای بنی اسرائیل زمانی را که عهدی سنگین از شما مبنی بر طاعت خدا أ و پیروی از پیامبر گرفتیم و این میثاق را زمانی مورد تاکید قرار دادیم که کوه طور را بر شما بلند کردیم به گونه‌ای که مانند ابری بالای سرتان قرار گرفت و شما در نتیجه دچار ترس شدید و ما شما را به گونۀ مؤکد امر کردیم تا در اخذ به تورات و عمل به اوامر و اجتناب نواهی آن کوشش و تلاش نموده از خود در این مسیر صبر و استقامت به خرج دهید و فرمان دادیم تا این کتاب را همیشه مورد بحث و مباحثه قرار داده در حافظه‌های‌تان بسپارید و در معانی آن تدبر کنید و آن را همواره تلاوت نمائید تا در ذهن‌تان همیشه باشد؛ زیرا هرگونه اهمال و سستی در این زمینه، راهی به سوی فراموشی آن است و دیگر اینکه تداوم تلاوت آن کاری است که منجر به رعایت تقوا و پرهیزگاری می‌شود؛ چنین چیزی مراد اصلی تحقیق در این کتاب است نه مجرد تلاوت خشک و خالی بدون عمل.

بنابر گرفتن کتاب به قوت و نیرومندی، مقتضی دریافت نیکو و صحت عمل به آن است روی این اساس نباید در دریافت و عمل به کتاب هیچ‌گونه سستی و کسالتی صورت گیرد.

﴿ثُمَّ تَوَلَّيۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَۖ فَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ لَكُنتُم مِّنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٦٤﴾.

و با وجود دریافت تمام این نشانه‌ها و دلایل واضح و آشکار با آن‌هم از هدایت روی‌گردانیدید و گمراهی را بر گزیدید و اگر احسان و فضل حق‌تعالی بر شما نمی‌بود و به شما مهلت توبه نمی‌داد و در عذاب‌تان عجله می‌کرد یقیناً هلاکت و نابودی به سراغ‌تان می‌آمد و در آن هنگام هیچ یاری دهنده‌ای برای شما نمی‌بود و نه هم شفاعت‌گری.

فضل حق‌تعالی شامل احسان بر نیکوکار است در حالی که رحمت وی بر گذشت از بدکار عمومیت دارد.

﴿وَلَقَدۡ عَلِمۡتُمُ ٱلَّذِينَ ٱعۡتَدَوۡاْ مِنكُمۡ فِي ٱلسَّبۡتِ فَقُلۡنَا لَهُمۡ كُونُواْ قِرَدَةً خَٰسِ‍ِٔينَ ٦٥﴾.

و شما داستان ساکنان قریۀ ساحلی «ایلات» را دانستید که حرمت روز شنبه را شکستند و در آن روز دست به شکار زدند، این بود که ما آن‌ها را با تغییر چهره به گونه‌ای که بوزینه‌های ذلیل و زشت روی گشتند عذاب نمودیم، پس کسی که متن کتاب و سوره‌های آن را تغییر دهد به تغییر شکل و صورت عذاب می‌شود، چنان‌چه پیامبر خدا ج فرمود: «آیا کسی که سر خود را پیش از امام بلند می‌کند نمی‌ترسد که حق‌تعالی چهره‌اش را چهرۀ خر بگرداند». وجه اشتراک بین آن‌ها و بوزینه ذلّت و قباحت چهره است.

﴿فَجَعَلۡنَٰهَا نَكَٰلٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهَا وَمَا خَلۡفَهَا وَمَوۡعِظَةٗ لِّلۡمُتَّقِينَ ٦٦﴾.

و ما این مجازاتی را که بر آن‌ها نازل شد، موعظه و مایۀ عبرت کسانی قرار دادیم که آن را مشاهده نموده و یا در زمان خویش و یا تا روز قیامت شنیده‌اند، تا این عذاب گناه‌کاران از گناه باز دارد و در خوف پرهیزگار بیفزاید و در ضمن حجّت و برهان نیز اقامه شود و عظمت و بزرگی انتقام اوتعالی از دشمنانش واضح گردد. خوشبخت کسی است که از غیر خود پند می‌گیرد، در مصیبت قومی فوائدی برای قومی دیگر است. هدف از ذکر تمام این آیات و نشانه‌ها برای امّت محمد ج این است تا از آن پند بگیرند و از مخالفت اوامر حق‌تعالی بر حذر باشند و یقیناً از این نشانه‌ها جز پرهیزگار نفعی نمی‌بَرد؛ زیرا چنین کسی از بینش و ایمان کامل و حسن تدبیر برخوردار است.

﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُكُمۡ أَن تَذۡبَحُواْ بَقَرَةٗۖ قَالُوٓاْ أَتَتَّخِذُنَا هُزُوٗاۖ قَالَ أَعُوذُ بِٱللَّهِ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ ٦٧﴾.

و یاد آورید زمانی را که موسی ÷ هنگامی که کسی را کشته بودید و در مورد قاتل اختلاف کردید و نزدیک بود در فتنه افتید. برای شما گفت و امرتان کرد تا گاوی را بکشید و با یکی از اعضای گاو بر مقتول بکوبید تا خودش شما را در جریان قاتل خویش قرار دهد، ولی شما امر موسی ÷ را اطاعت نکرده و دچار تردید شدید و با سوالات مختلف دست به سختگیری زدید، این بود که حق‌تعالی نیز در مشخصات گاو مذکور بر شما سخت گرفت در حالی که اگر از همان وهلۀ اول، امر را اطاعت می‌کردید و هر گاوی را می‌کشتید از شما پذیرفته می‌شد.

زمانی که موسی ÷ امرشان کرد تا گاوی را ذبح کنند گمان کردند موسی ÷ آنان را مسخره می‌کند از این‌روی گفتند ما از تو درباره قاتل می‌پرسیم و تو می‌گوئی گاوی را ذبح کنید؟! پناه بر خدا أ اگر پیامبر او در اوامرش مسخره‌گر باشد، سخن پیامبر همواره جدی و حق است نه باطل و مزاح، روی این موسی ÷ از جهلی که منجر به استهزای مردم و گفتن سخنان بی‌فائده و بازی با اوامر حق‌تعالی و مزاح در شریعت او می‌شود به خدا أ پناه بُرد. پس کسی که با حق مزاح کند در واقع جاهل است و آنکه به مردم استهزا نماید در حقیقت زیان کرده است.

﴿قَالُواْ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَۚ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٞ لَّا فَارِضٞ وَلَا بِكۡرٌ عَوَانُۢ بَيۡنَ ذَٰلِكَۖ فَٱفۡعَلُواْ مَا تُؤۡمَرُونَ ٦٨﴾.

پس زمانی که دانستید موسی ÷ در سخن خود جدی است بنابر تردیدی که داشتید و از روی تعجیز شروع به طرح سوال درباره‌ی اوصاف گاو نموده گفتند: ای موسی! از پروردگار خود بخواه تا به ما درباره‌ی سن و سال آن گاو خبر دهد، اینکه آیا بزرگ باشد یا کوچک؟ موسی ÷ گفت: پروردگار می‌گوید آن گاو باید از لحاظ سنی در حد وسط قرار داشته باشد به گونه‌ای که نه پیر باشد و نه کوچک؛ زیرا چنین گاوی نیرومند؛ زیبا و از لحاظ نمو و رشد کامل‌تر است. پس در اجرای امر حق‌تعالی عجله کنید و از تشدد و تعنت دست بر دارید. {کسی که از امور مسکوت سوال کند جواب او ناخوش آیند خواهد بود}.

﴿قَالُواْ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوۡنُهَاۚ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٞ صَفۡرَآءُ فَاقِعٞ لَّوۡنُهَا تَسُرُّ ٱلنَّٰظِرِينَ ٦٩﴾.

بعد از اینکه از سن آن گاو سوال نموده و پاسخ خود را دریافت داشتند سوال دیگری دربارۀ رنگ گاو مطرح نمودند. موسی ÷ گفت: پروردگارم می‌گوید رنگ آن باید زَرد تیره باشد. چنین رنگی در چهارپایان از جمله بهترین رنگ‌هاست و در دل شادمانی ایجاد می‌کند و چشم‌ها را روشن می‌گرداند.

﴿قَالُواْ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ إِنَّ ٱلۡبَقَرَ تَشَٰبَهَ عَلَيۡنَا وَإِنَّآ إِن شَآءَ ٱللَّهُ لَمُهۡتَدُونَ ٧٠﴾.

بعد از تمام این توضیحات بازهم در نظر آن‌ها امر گاو پوشیده ماند از این‌روی پرسیدند: ای موسی! از خدای خود بخواه برای ما شأن آن گاو را بیان کند و ما إن‌شاءالله از جملۀ هدایت شوندگان خواهیم بود. اگر إن‌شاءالله نمی‌گفتند هدایت نمی‌شدند.

﴿قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٞ لَّا ذَلُولٞ تُثِيرُ ٱلۡأَرۡضَ وَلَا تَسۡقِي ٱلۡحَرۡثَ مُسَلَّمَةٞ لَّا شِيَةَ فِيهَاۚ قَالُواْ ٱلۡـَٰٔنَ جِئۡتَ بِٱلۡحَقِّۚ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُواْ يَفۡعَلُونَ ٧١﴾.

موسی ÷ خطاب به آنان گفت: این گاو به منظور کار بر روی زمین و خدمت و زراعت و آبیاری نیست و از انواع و اقسام عیب‌ها از قبیل: معلولیت پا، کوری چشم و هرنوع بیماری پاک است و رنگ آن نیز به صورت یک‌دست زردی خالص می‌باشد نه رنگی دیگر.

چون از سوی خود آن‌ها در این زمینه سخت‌گیری صورت گرفت از این‌روی حق‌تعالی نیز در حق آن‌ها سخت‌گیری کرد. آن‌ها به موسی ÷ گفتند: بعد از تمام این اوصاف اینک ما آن گاو را شناختیم. و بعد از اینکه در پیدا کردن گاو مذکور دچار مشقت و سختی شدند آن را یافتند و ذبح کردند.

﴿وَإِذۡ قَتَلۡتُمۡ نَفۡسٗا فَٱدَّٰرَٰٔتُمۡ فِيهَاۖ وَٱللَّهُ مُخۡرِجٞ مَّا كُنتُمۡ تَكۡتُمُونَ ٧٢﴾.

و آنگاه که گروهی شخص بی‌گناهی را کشتند و شما دربارۀ قاتل دچار اختلاف شدید؛ زیرا قاتل هنگام ارتکاب جرم معمولاً مخفی کاری می‌کند و شهود نیز تلاش می‌کنند قضیه را پنهان دارند ولی خداوند نشانه‌ای را ارائه کرد که با آن قاتل مشخص شد. این نشانه عبارت از آن بود که حق‌تعالی شما را امر کرد گاوی را ذبح نموده و عضوی از اعضای آن را بر مقتول بکوبید این بود که خالق متعال مقتول را حیاتی دوباره بخشید و از قاتل خود خبر داد. به این ترتیب پروردگار حقیقتی را که قاتل و شاهد پنهان داشته بودند آشکار ساخت.

﴿فَقُلۡنَا ٱضۡرِبُوهُ بِبَعۡضِهَاۚ كَذَٰلِكَ يُحۡيِ ٱللَّهُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَيُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٧٣﴾.

و چون شما را امر کردیم تا با یکی از اعضای گاو بر مقتول بکوبید و ما آن را زنده کردیم تا با مردم سخن بگوید و از قاتل خود خبر دهد و در ضمن چنین زنده کردنی نشانه‌ای بر قدرت خدا أ در زنده کردن مردگان باشد و شما با ملاحظه این مسأله به عقل خویش رجوع کنید، چون شما بعد از ارائۀ همۀ دلائل گذشته بازهم دچار گمراهی شدید.

﴿ثُمَّ قَسَتۡ قُلُوبُكُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ فَهِيَ كَٱلۡحِجَارَةِ أَوۡ أَشَدُّ قَسۡوَةٗۚ وَإِنَّ مِنَ ٱلۡحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنۡهُ ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ وَإِنَّ مِنۡهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخۡرُجُ مِنۡهُ ٱلۡمَآءُۚ وَإِنَّ مِنۡهَا لَمَا يَهۡبِطُ مِنۡ خَشۡيَةِ ٱللَّهِۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ٧٤﴾.

بعد از ظهور این نشانه‌ها قلب‌های شما سخت گردید و بر کفر ادامه داد از این‌روی موعظه و نصیحت در آن‌ها تأثیر نکرد و نشانه‌های هدایت در قلب‌های شما ولو بعد از ظهور آیات مشاهده نشد. بنابراین قلب‌های شما در قساوت خویش مانند سنگ و بلکه سخت‌تر از آن است؛ زیرا سنگ‌ها گاهی شکافته می‌شوند و از آن‌ها آب جاری می‌شود در حالی که قلب‌های شما بر هدایتی که از آسمان نازل شده شکافته نشد. سنگ‌ها از ترس خدا أ می‌افتند ولی قلب‌های شما از ترس حق‌تعالی نمی‌لرزد. چقدر این قلب‌ها بعد از هجوم معصیت بر آن‌ها سخت شد؟! ولی با این حال پروردگار به هیچ وجه از آنچه شما در زمینه تکذیب کتاب، تحریف و تبدیل آن انجام دادید غافل نیست؛ بلکه او می‌داند و به زودی شما را بر آنچه انجام می‌دهید کیفر می‌دهد.

﴿۞أَفَتَطۡمَعُونَ أَن يُؤۡمِنُواْ لَكُمۡ وَقَدۡ كَانَ فَرِيقٞ مِّنۡهُمۡ يَسۡمَعُونَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُۥ مِنۢ بَعۡدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ٧٥﴾.

شما را ای مؤمنان چه شده که طمع دارید تا یهود به کتاب شما ایمان آورند و از پیامبرتان پیروی کنند در حالی که آن‌ها کتاب حاوی هدایت خود را تحریف و تبدیل نمودند؟ چنین توقعی از این امّت حیران و سرگردان بعید است. در چنین گیروداری که آن‌ها کلام خدا أ را که موسی ÷ آورده شنیدند و نزد آن‌ها ثابت شد که از جانب خداست ولی با آن‌هم دست به تحریف کتاب زدند شما نباید در ایمان آن‌ها طمع داشته باشید؛ زیرا اگر آن‌ها ارادۀ ایمان می‌داشتند حتماً به آنچه موسی ÷ پیش از محمد ج آورده بود ایمان می‌آوردند.

﴿وَإِذَا لَقُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ قَالُوٓاْ أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ لِيُحَآجُّوكُم بِهِۦ عِندَ رَبِّكُمۡۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٧٦﴾.

بعضی از یهودیان هرگاه به مؤمنان ملاقات کنند به زبان ادعای ایمان می‌نمایند در حالی که قلب‌های‌شان کافر است ولی هرگاه با هم کیشان خویش یکجا شوند می‌گویند نزد مسلمانان اظهار ایمان ننموده و شهادت ندهید که دین آن‌ها حق و دین ما باطل است؛ زیرا اگر چنین کنید این امر در روز قیامت بر علیه ما به عنوان حجّت و دلیل استفاده می‌شود و به این ترتیب آن‌ها بر گمراهی ما شهادت می‌دهند در حالی که ما بر ایمان آن‌ها شهادت دادیم، آیا شما متوجه خطر این اقدام نیستید؟! پس آن‌ها را در جریان آیات و نشانه‌هایی که نزد ما بر صدق محمد دلالت دارند قرار ندهید و این دلایل را پنهان دارید و به آن‌ها ایمان نیاورید.

﴿أَوَ لَا يَعۡلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعۡلِنُونَ ٧٧﴾.

چگونه این سرکشان و گنهکاران بنی اسرائیل نمی‌دانند که حق‌تعالی نهان و آشکار آن‌ها را می‌داند این علم منجر به ایجاد خوف و ترس از خدای‌تعالی در آن‌ها شود. آن‌ها به منظور مدارا و ترسی که از مؤمنان دارند اموری را اظهار می‌کنند که در نهادشان نیست حال آنکه مناسب این است که از خدا أ بترسند، زیرا پروردگار امور مخفی و پوشیده را می‌داند ولی دور شدن مراقبت از قلب‌ها منجر به فساد قلب می‌شود و عمل نیز هرگاه از اخلاص تُهی گردد با کساد مواجه خواهد شد.

﴿وَمِنۡهُمۡ أُمِّيُّونَ لَا يَعۡلَمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّآ أَمَانِيَّ وَإِنۡ هُمۡ إِلَّا يَظُنُّونَ ٧٨﴾.

و از اهل کتاب گروهی عوام و مقلدند که بهرۀ‌شان از تورات فقط تلاوت است بدون اینکه علم و دانشی نسبت به آن داشته باشند. به این ترتیب دانشمندان آن‌ها فاسد و عوام‌شان تقلید می‌نمایند، این عوام از یقین کامل برخوردار نیستند بلکه در نهاد آن‌ها شک و اوهامی قرار دارد که محکم و استوار نیست. علمی که در آن فهم و تلاوتی که در آن تدبر نباشد و عبادتی که بدون فهم و دانش انجام شود ارزشی ندارد و فساد این گروه از گمراهی و تقلیدشان به وجود آمده است.

﴿فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ يَكۡتُبُونَ ٱلۡكِتَٰبَ بِأَيۡدِيهِمۡ ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ لِيَشۡتَرُواْ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلٗاۖ فَوَيۡلٞ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتۡ أَيۡدِيهِمۡ وَوَيۡلٞ لَّهُم مِّمَّا يَكۡسِبُونَ ٧٩﴾.

هلاکت و زیان بر کسی باد که با دست خود چیزهایی را می‌نویسد و با آن کتاب آسمانی را تحریف می‌نماید و از روی دروغ و بهتان ادعا می‌کند که نوشته‌های او کلام خداست تا از این طریق بر چیزی از متاع ناچیز دنیای فانی و زائل دست یابد در حالی که دنیا با تمام طول و عرضش بهره‌ای است ناچیز و بی‌ارزش.

این هلاکت بر آن‌ها از دو جهت است: اول از جهت تحریف کتاب. دوم از جهت خوردن مال مردم بنابر باطل. آن‌ها کلام خدا أ را تحریف کرده و حرام خوردند؛ پس علم‌شان فاسد و طعام‌شان خبیث است و به این ترتیب قُوت ارواح‌شان غضب و قُوت اجسام‌شان حرام است.

﴿وَقَالُواْ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامٗا مَّعۡدُودَةٗۚ قُلۡ أَتَّخَذۡتُمۡ عِندَ ٱللَّهِ عَهۡدٗا فَلَن يُخۡلِفَ ٱللَّهُ عَهۡدَهُۥٓۖ أَمۡ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٨٠﴾.

و یهودیان به دوزخ گفتند حق‌تعالی ما را در آتش دوزخ -مگر چند روزی بیش- عذاب نخواهد کرد. پروردگار این ادعای آن‌ها را رد نموده بیان داشت که برای این سخن آن‌ها دو احتمال وجود دارد: یا آن‌ها عهدی بین خود و خدای‌شان مانند ایمان به خدا أ پیامبر و کتابش دارند که چنین چیزی موجود نیست و یا سخنی را می‌گویند که اصلاً حقیقت ندارد. واقعیت هم همین است، آن‌ها در گفتار خود دروغ می‌گویند و در عملکرد خویش گنهکارند؛ زیرا عهد و پیمان را شکستند و بر خلاف وعده عمل نموده و به معبود بر حق کافر شدند از این‌روی مستحق جاودانه ماندن در آتشی دارای شعله شدند.

﴿بَلَىٰۚ مَن كَسَبَ سَيِّئَةٗ وَأَحَٰطَتۡ بِهِۦ خَطِيٓ‍َٔتُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٨١﴾.

حققت این است که هر که مرتکب گناه شرک بشود این گناه بر او احاطه می‌نماید؛ زیرا امکان این وجود دارد که خدای‌تعالی سایر گناهان را ببخشد. ولی هر که به خدا أ شریک آورد این گناه موجب از بین رفتن عمل او شده و او را مستحق عذاب می‌سازد و چنین کسی قطعاً در آتش دوزخ جاودان خواهد بود. این قانون برای همه طائفه‌ها و شامل تمام امت‌هاست و اگر بنده دارای گناهانی غیر از شرک باشد چنین گناهی بر او احاطه نمی‌نماید.

آیۀ کریمه حاوی هیچ دلیل و برهانی نه بر کافر است و نه بر کسی که از ایمان خود را کنار بگیرد و یا مذبذب باشد بلکه حاوی ردّ هردو گروه است.

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٨٢﴾.

سپس حق‌تعالی حکمی عام در مسألۀ نجات ذکر کرده و بیان داشته که هر که به خدا أ ایمان آورد و از پیامبر ج پیروی کند و اعمال صالحۀ توأم با اخلاص انجام دهد؛ چنین شخصی از آتش دوزخ نجات پیدا می‌کند و در بهشت برای همیشه جاودان خواهد بود. در این آیه و آیه گذشته حق‌تعالی فرجام اهل هلاک و اهل نجات را بیان نموده و مقرر داشته که راه ایمان و صلاح، راه رستگاری و فلاح است.

﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ لَا تَعۡبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَانٗا وَذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَقُولُواْ لِلنَّاسِ حُسۡنٗا وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ ثُمَّ تَوَلَّيۡتُمۡ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنكُمۡ وَأَنتُم مُّعۡرِضُونَ ٨٣﴾.

ما بنی اسرائیل را سوگند داده و از آن‌ها تعهد گرفتیم که خدای را به یگانگی برستش کنند و به او شریک نیاورند و به والدین خویش نیکی نموده و صلۀ رحم را نیز برجای آورند و به یتیم‌ها و مساکین احسان کنند و با مردم معامله نیکو داشته باشند و نماز را در وقت مقرره‌اش بر پای دارند و زکات را به مستحقان بدهند. این‌ها اصول عقاید، عبادات، اخلاق و معاملاتی است که در بین همۀ ادیان آسمانی یکسان است. با وجود همه این پیمان‌های قوی و مستحکم و با وجود محاسن آنچه شما را بر آن امر کردیم و با وجود قبایح آنچه شما را از آن نهی کردیم، با همۀ این‌ها شما اعراض کردید، دست به تحریف کتاب زده و اوامر را ترک و نواهی را از روی ظلم و تجاوز انجام دادید ولی گروهی از شما چنین افعالی را مرتکب نشدند بلکه ایمان آورده، پیامبر را تصدیق نمودند و از ایشان پیروی کردند در حالی که اکثریت شما اعراض نموده و تکذیب کردید، خالق را به نیکوئی عبادت نکرده و با مخلوقاتش نیز رفتار نیکو نداشتید. چقدر بنی اسرائیل زیانمند شدند، چقدر عهد و پیمان شکستند و واجبات را ترک نموده و محرمات را مرتکب شدند و دانش خویش را فراموش کردند.

﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَكُمۡ لَا تَسۡفِكُونَ دِمَآءَكُمۡ وَلَا تُخۡرِجُونَ أَنفُسَكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ ثُمَّ أَقۡرَرۡتُمۡ وَأَنتُمۡ تَشۡهَدُونَ ٨٤﴾.

و یاد آورید روزی را که از شما پیمان‌های سخت و تعهدات الزام آور مبنی بر این گرفتیم که هیچ‌یک از شما نباید دیگری را به ناحق بکشد و یا او را از وطنش بیرون کند؛ زیرا کشتن انسان و بیرون کردن آن از وطن و محل سکونتش در یک درجه قرار دارد؛ نکشتن انسان موجب بقای زندگی و بیرون نکردن آن موجب دوام انس می‌شود. شما بر رعایت این عهدها و پیمان‌ها اقرار کرده و بر التزام آن گواهی دادید و دانستید که همه این‌ها حق خداست ولی با آن‌هم شما همه این‌ها را با کشتن و طرد کردن انسان‌ها نقض کردید. حالا باید پاسخ دهید که این همه پیمان و تعهد چه شد؟!

﴿ثُمَّ أَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ تَقۡتُلُونَ أَنفُسَكُمۡ وَتُخۡرِجُونَ فَرِيقٗا مِّنكُم مِّن دِيَٰرِهِمۡ تَظَٰهَرُونَ عَلَيۡهِم بِٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ وَإِن يَأۡتُوكُمۡ أُسَٰرَىٰ تُفَٰدُوهُمۡ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيۡكُمۡ إِخۡرَاجُهُمۡۚ أَفَتُؤۡمِنُونَ بِبَعۡضِ ٱلۡكِتَٰبِ وَتَكۡفُرُونَ بِبَعۡضٖۚ فَمَا جَزَآءُ مَن يَفۡعَلُ ذَٰلِكَ مِنكُمۡ إِلَّا خِزۡيٞ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰٓ أَشَدِّ ٱلۡعَذَابِۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ٨٥﴾.

و شما اکنون در مدینه به گونه‌ای هستید که یک قبیله از شما با قبیلۀ دیگر می‌جنگد، «بنو نضیر» با «بنی قریظه» و «بنوقینقاع». گروهی از شما گروهی دیگر را از خانه و کاشانۀشان بیرون می‌کنند در حالی که چنین عملکردی در شریعت شما حرام است. شما بر ارتکاب این افعال حرام همکاری می‌کنید و با قبایل عرف مانند «اوس» و «خزرج» ائتلاف می‌نمائید تا برادران یهودی دیگر خود را بکشید و یا از وطن‌شان بیرون کنید. پس شما مرتکب ترک اوامر حق‌تعالی شده و در انجام نواهی او متجاوزید.

و چون جنگ پایان یابد برای آزاد سازی اسیران خود فدیه می‌دهید در حالی که بیرون کردن مردم از کاشانۀشان در شریعت خود شما حرام است و فدیه دادن واجب و شما با این عمل در واقع به برخی از مسایل کتاب ایمان دارید و به برخی دیگر کافرید! چرا شما در بین احکام شریعت خدا أ تفاوت قایل می‌شوید؟ حالت شما چقدر تعجب برانگیز است!! از یکسو ایمان آوردید و از سوی دیگر کافر شدُید! جزای چنین کسی این است که حق‌تعالی او را خوار و ذلیل سازد. این ذلّت و خواری بر یهودیان در زمان پیامبر اسلام ج نازل شد و طی آن گروهی از آنان کشته و گروهی دیگر از سرزمین‌شان اخراج شدند تا جزای پیمان شکنی خود را ببینند. بعد از آن نیز ذلّت و خواری و زیان بازهم با آن‌ها بود. این سرنوشت‌شان است و در آخرت عذاب دردناک و دائمی آتش دوزخ به سراغ آن‌ها خواهد آمد. جزای هر کس که از هدایت روی گرداند این است که در دنیا دچار سختی و عار شود و در آخرت دچار عذاب.

اما عاقبت و نهایت مؤمن به دست آوردن سعادت، پیروزی و عزّت دنیائی است و در آخرت نیز نعمت، نجات و جاودانگی را کمائی خواهد کرد. در ادامه حق‌تعالی خبر می‌دهد که او از عملکرد یهودیان غافل نیست و حیله‌ها و دسیسه‌های‌شان را از نظر دور ندارد بلکه همه این اعمال را آمار می‌گیرد و به حساب‌شان می‌رسد.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا بِٱلۡأٓخِرَةِۖ فَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ٨٦﴾.

این کفّار بدکار متاع ناچیز و زود گذر دنیا را بر نعمت آخرت ترجیح داند، از این‌روی تحت شعار «ننگ» و «عار» با یکدیگر و بر گناه و تجاوز کمک و معاونت کردند. زبان حال‌شان می‌گوید که آخر کار آن‌ها آتش است نه ننگ و عار؛ زیرا زمانی که موجبات غضب پروردگار جبار را فراهم کردند حق‌تعالی آنان را بی‌عار و بی‌ننگ کرد و آتش دوزخ را برای‌شان آماده نمود.

این‌ها حاضر بی‌بها را بر غائب نیکو ترجیح دادند، از این‌روی در آخرت حق‌تعالی در عذاب دوزخ که بر آنان فرود خواهد آمد تخفیف صورت نمی‌دهد. چنان‌چه یار و یاوری که از آنان عذاب را دفع کند نیز نخواهد بود. در چونان شرایطی عمل صالحی که نفع برساند انجام شده نمی‌تواند و نه دوستی برای آن‌ها خواهد بود تا شفاعت کند.

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَقَفَّيۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ بِٱلرُّسُلِۖ وَءَاتَيۡنَا عِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَيَّدۡنَٰهُ بِرُوحِ ٱلۡقُدُسِۗ أَفَكُلَّمَا جَآءَكُمۡ رَسُولُۢ بِمَا لَا تَهۡوَىٰٓ أَنفُسُكُمُ ٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡ فَفَرِيقٗا كَذَّبۡتُمۡ وَفَرِيقٗا تَقۡتُلُونَ ٨٧﴾.

در اینجا خدای‌تعالی خبر می‌دهد که او بر موسی ÷ تورات را نازل فرموده تا مایۀ هدایت بنی اسرائیل باشد. سپس به منظور هدایت این قوم پیامبران دیگری را نیز به عنوان مبشّر و بیم دهنده فرستاد که از جملۀ آن‌ها حضرت عیسی ÷ است، حق‌تعالی برای‌شان کتاب آسمانی انجیل را نازل فرمود و ایشان را با جبرئیل ÷ مؤیَّد ساخت، ولی یهودیان چون هوای نفس را بر هدایت مقدم کردند با پیامبران جنگیدند و آنان را تکذیب نموده آزار و اذیت کردند و حتی برخی را کشتند و به این ترتیب بر اوامر حق‌تعالی تکبر ورزیده، منکر آیات و نشانه‌های خدا أ شدند. پس جزای مناسب برای آن‌ها این است که شدیداً عذاب شوند.

﴿وَقَالُواْ قُلُوبُنَا غُلۡفُۢۚ بَل لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفۡرِهِمۡ فَقَلِيلٗا مَّا يُؤۡمِنُونَ ٨٨﴾.

این یهودیان از ایمان به پیامبر اسلام ج معذرت خواسته گفتند: قلب‌های ما پوشیده است، از این‌روی آنچه را تو می‌گوئی ما نمی‌فهمیم، پس از ما درگذر که نمی‌توانیم از تو پیروی کنیم، در ما توانائی شنیدن آنچه تو بر آن مبعوث شدی وجود ندارد؛ زیرا ما آنچه را می‌گوئی نمی‌دانیم.

حق‌تعالی خبر داد که این عذر، عذری است دروغین که پذیرفته نمی‌شود. سبب این است که پروردگار لعنت خویش را بر آن‌ها فرو فرستاد در نتیجه از رحمت و هدایت او محروم شدند، و چون بر آن‌ها شقاوت و بدبختی نازل شده آن‌ها اراده پذیرش هدایت و رشد حضرت محمد ج را ندارند؛ زیرا شخص ملعون فریب خورده است. اینکه آن‌ها مستحق لعنت شدند از این ‌روست که اکثر آن‌ها به خدا أ پیامبران و کتاب‌های آسمانی کافر شدند و تعداد بسیار کمی ایمان آوردند.

﴿وَلَمَّا جَآءَهُمۡ كِتَٰبٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٞ لِّمَا مَعَهُمۡ وَكَانُواْ مِن قَبۡلُ يَسۡتَفۡتِحُونَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَلَمَّا جَآءَهُم مَّا عَرَفُواْ كَفَرُواْ بِهِۦۚ فَلَعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٨٩﴾.

و چون قرآنی که بر حضرت محمد ج نازل شد در حالی به یهود رسید که تصدیق کننده تورات موسی ÷ بود و با آن توافق داشت و کتاب آسمانی آن‌ها نیز از بعثت پیامبر اسلام ج قبلاً خبر داده و برخی از اوصاف ایشان را بیان کرده بود و آن‌ها بر همین اساس ادعا می‌کردند که اگر پیامبر مبعوث شود در کنار آن‌ها با مشرکان عرب خواهد جنگید و به آن‌ها کمک خواهد کرد ولی بعد از اینکه رسالت بر ایشان نازل شد آن‌ها کفر ورزیدند، پس لعنت خدا أ بر کافران باد.

﴿بِئۡسَمَا ٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡ أَن يَكۡفُرُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بَغۡيًا أَن يُنَزِّلَ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ فَبَآءُو بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٖۚ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٩٠﴾.

بسیار بد است آنچه این‌ها تبدیل کردند، این‌ها کفر را بر ایمان ترجیح دادند و هلاکت را بر نجات؛ زیرا حسادت و بغاوت، آن‌ها را بر تکذیب و تکبر واداشته بود، از این‌روی متابعت پیامبر اسلام ج را از روی عناد و حسادت و به این جهت که از میان یهود نبود رد کردند چنان‌چه قبلاً نیز به رسالت حضرت موسی ÷ کفر ورزیده بودند و به این ترتیب آن‌ها نه به حضرت محمد ج ایمان آوردند و نه به حضرت موسی ÷ در حالی که می‌دانستند حق انتخاب و اختیار انسان‌ها به رسالت و پیامبری مخصوص حق‌تعالی است، او هر که را که بخواهد خواه عرب باشد یا یهود و یا کسی دیگر به پیامبری مبعوث می‌کند؛ زیرا همه، مخلوقات اویند و حُکم حُکم اوست.

و چون آن‌ها پیامبر اسلام ج را تکذیب کردند با خشم خدا أ مجازات شدند، این خشم بر خشم سابقه‌ای که به علت تکذیب موسی ÷ بر آن‌ها تحقق یافته بود علاوه شد پس برای این‌ها و هر کافری عذاب است دردناک و زیانبار چون از شیطان پیروی کردند و موجبات غضب الهی را فراهم نمودند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ ءَامِنُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ نُؤۡمِنُ بِمَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا وَيَكۡفُرُونَ بِمَا وَرَآءَهُۥ وَهُوَ ٱلۡحَقُّ مُصَدِّقٗا لِّمَا مَعَهُمۡۗ قُلۡ فَلِمَ تَقۡتُلُونَ أَنۢبِيَآءَ ٱللَّهِ مِن قَبۡلُ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٩١﴾.

و هرگاه برای یهود گفته شود که به آنچه بر حضرت محمد ج نازل شده ایمان آورید، آن‌ها می‌گویند ما ایمان نمی‌آوریم جز به آنچه بر ما یهودیان نازل شده است، اما آنچه بر دیگران نازل شده ما نه آن را می‌شنویم و نه از آن اطاعت می‌کنیم. این بود که حق‌تعالی این پندار آنان را ردّ نموده بیان فرمود که آنچه بر حضرت محمد ج نازل شده حق، صدق و از جانب خدایی است که کتاب شما را نازل کرده است و به این ترتیب قرآن حجّت و برهانی برای آنان خواهد بود اگر به آن ایمان آورند. آنان چگونه به آنچه با رسالت آن‌ها موافق و مطابق است کفر می‌ورزند در حالی که تکذیب قرآن تکذیب تورات نیز هست؛ زیرا برخی از کتاب‌های آسمانی، برخی دیگر را تصدیق می‌کنند ولی چون یهودیان دچار حمق و بی‌خردی شده و دست به حسادت و تجاوز زدند چنین موقف گیری می‌کنند. و شما ای یهود اگر راست می‌گوئید که جز به پیامبران خود به دیگران ایمان نمی‌آورید پس چرا انبیای خود را کشتید؟! آیا قاتلان پیامبران به آنان ایمان دارند؟! چگونه از شما توقع داشت که به پیامبر عربی و امّی ایمان آورید در حالی که پیامبران خود را که از یهود بودند کشتید و تکذیب کردید.

﴿۞وَلَقَدۡ جَآءَكُم مُّوسَىٰ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ ثُمَّ ٱتَّخَذۡتُمُ ٱلۡعِجۡلَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ وَأَنتُمۡ ظَٰلِمُونَ ٩٢﴾.

همانا موسی ÷ با دلائل و براهینی واضح و آشکار مبنی بر وحدانیت خدا أ به سراغ شما آمد ولی با وجود ارائه تمام این دلائل واضح و روشن شما گوساله را پرستش کردید، پس چه کسی ظالم‌تر از شماست؟ کسی که دلیل و برهان را رد کند و در مقابل حق از در تکبر و غرور در آید یقیناً که او ظالم و ستمگار است. شما با وجود اینکه موسی ÷ در میان شما بود با خدا أ غیر او را عبادت کردید پس کسی که به حق کافر و منکر شود و آیات الهی را تکذیب کند چگونه از حضرت محمد ج پیروی می‌کند.

﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَكُمۡ وَرَفَعۡنَا فَوۡقَكُمُ ٱلطُّورَ خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ وَٱسۡمَعُواْۖ قَالُواْ سَمِعۡنَا وَعَصَيۡنَا وَأُشۡرِبُواْ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡعِجۡلَ بِكُفۡرِهِمۡۚ قُلۡ بِئۡسَمَا يَأۡمُرُكُم بِهِۦٓ إِيمَٰنُكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٩٣﴾.

و یاد آورید زمانی را که از شما پیمان‌های محکم و استوار مبنی بر ایمان به خویش گرفتیم و کوه طور را بر بالای شما قرار دادیم تو گوئی که ابری است از آسمان. اینکار را کردیم تا دلیلی بر قدرت ما باشد شاید که بترسید و ایمان آورید. و شما را امر کردیم تا پیام الهی را محکم و قاطعانه بگیرید و با تلاش و کوشش به آن عمل کنید نه با تمسخر، استهزا و تنبلی و سخن خدا أ را با شنودن پذیرش و اطاعت بشنوید ولی پاسخ شما به همه این نداها بدترین پاسخ بود؛ زیرا شما گفتید با گوش شنیدیم و با دل تکذیب کردیم، این بود که بر شما حجّت اقامه گردید چون در غلاف قلب‌های شما محبت پرستش گوساله داخل شد و اینگونه کسی که خدای را عبادت نکند پس غیر او را عبادت کرده است و آنکه خدا أ را دوست نداشته باشد پس غیر او را دوست دارد. هلاک باشید شما! ای آنانی که منکر عبادت خدای عزیز و غفور شده و گاو را پرستش کردید. اگر منظور شما از ایمان این است پس چقدر بد است این ایمان و چقدر زیانبار!!. آیا انسان مؤمنی که در ایمان خود صداقت دارد چنین اعمال زشتی از قبیل تکذیب، تزویر، جهالت و عبادت گوساله را انجام می‌دهد؟!

اگر ایمان شما حقیقی و دین شما راست می‌بود، حتماً پروردگار جهان را پرستش می‌نمودید و از پیامبران پیروی می‌کردید، این‌ها همه دلالت بر آن دارد که شما کافر و بدکار، قاتل و جاهلید.

﴿قُلۡ إِن كَانَتۡ لَكُمُ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ عِندَ ٱللَّهِ خَالِصَةٗ مِّن دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٩٤﴾.

برای این یهودیان بگو اگر شما بر این باورید که بهشت فقط از آن شماست و در آن داخل نمی‌شود مگر کسی که یهودی باشد، پس اگر می‌گوئید عجله کنید و مرگ را بطلبید تا به بهشت موعود خود داخل شوید؛ زیرا کسی که به چیزی دوست داشتنی و مرغوب وعده داده شود در حصول آن تلاش می‌نماید.

﴿وَلَن يَتَمَنَّوۡهُ أَبَدَۢا بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ٩٥﴾.

و این یهودیان هرگز آرزوی مرگ را نمی‌کنند زیرا از فرجام کار خود بیمناک اند و اگر آن‌ها در این ادعای خود که بهشت از آن آن‌هاست صادق می‌بودند. حتماً آرزوی مرگ را می‌کردند ولی آن‌ها دروغ می‌گویند؛ زیرا اعمال زشت، آن‌ها را از طلب مرگ بازمی‌دارد و حق‌تعالی بر عملکرد ظالمان و ستمگاران آگاه است و به حساب آن‌ها رسیدگی می‌کند.

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمۡ أَحۡرَصَ ٱلنَّاسِ عَلَىٰ حَيَوٰةٖ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْۚ يَوَدُّ أَحَدُهُمۡ لَوۡ يُعَمَّرُ أَلۡفَ سَنَةٖ وَمَا هُوَ بِمُزَحۡزِحِهِۦ مِنَ ٱلۡعَذَابِ أَن يُعَمَّرَۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ ٩٦﴾.

آن‌ها دروغ می‌گویند، آن‌ها از همه مردم به زندگی دنیا دلبسته‌تر اند تا جائیکه حتی از مشرکان بت‌پرست نیز طمع‌شان بیشتر است. از میان آن‌ها کسانی هستند که نظر به محبت بیش از حدی که به دنیا دارند آرزو می‌برند تا هزار سال عمر کنند، چنین کسی نظر به حالت و اعمال بدی که دارد تعلق خاطر او به دنیاست و اگر هزار سال هم عمر کند بازهم بالاخره روزی به سوی خدا أ بازمی‌گردد و اوتعالی در بدل اعمال زشت وی، او را مجازات می‌کند؛ زیرا حق‌تعالی بر همۀ اعمالی که انجام می‌شود آگاه است و آن‌ها را آمار می‌گیرد.

﴿قُلۡ مَن كَانَ عَدُوّٗا لِّـجِبۡرِيلَ فَإِنَّهُۥ نَزَّلَهُۥ عَلَىٰ قَلۡبِكَ بِإِذۡنِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَهُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ٩٧﴾.

یهودیان می‌گویند از میان ملائکه جبرئیل ÷ دشمن ماست؛ زیرا او ویرانی و فرو رفتن در زمین را به ارمغان می‌آورد. برای آن‌ها گفته شد که جبرئیل ÷ کسی است که حق و حقیقت را بر حضرت محمد ج که تصدیق کننده آن چیزی است که بر موسی ÷ فرو فرستاده شده نازل می‌کند، او این‌کار را به امر و حکم خدا أ انجام می‌دهد بنابراین نزول جبرئیل ÷ کلاً و تماماً مایۀ خیر و هدایت بشر و بشارت به کسانی است که به رحمت خدا أ رضایت او و بهشتش ایمان دارند. چه خطایی از جبرئیل ÷ سر زده است که این‌ها با او دشمنی می‌کنند، دشمنی این‌ها فقط از روی بغاوت و تجاوز است و بس.

﴿مَن كَانَ عَدُوّٗا لِّلَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَجِبۡرِيلَ وَمِيكَىٰلَ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَدُوّٞ لِّلۡكَٰفِرِينَ ٩٨﴾.

این‌ها با دشمنی کردن با جبرئیل و حقایقی که نازل نموده، در واقع با خدا أ ملائکه و پیامبران دشمنی نمودند، روی این اساس آن‌ها مستحق دشمنی خدا أ شده و اوتعالی با هر کسی دشمنی کند، خوار و ذلیلش می‌نماید. پروردگار دشمن تمام کافران است، آن‌ها را متفرق می‌سازد و کمرشان را می‌شکند.

﴿وَلَقَدۡ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ءَايَٰتِۢ بَيِّنَٰتٖۖ وَمَا يَكۡفُرُ بِهَآ إِلَّا ٱلۡفَٰسِقُونَ ٩٩﴾.

و ما ای محمد ج بر تو آیات واضح قرآن را نازل کردیم که حامل هدایت و رهنمود است و از تجاوز و گمراهی بازمی‌دارد، در چنین حالی، کسی این کتاب را تکذیب می‌کند که از طاعت خدا بیرون و مستوجب غضب اوتعالی است.

﴿أَوَ كُلَّمَا عَٰهَدُواْ عَهۡدٗا نَّبَذَهُۥ فَرِيقٞ مِّنۡهُمۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ١٠٠﴾.

این یهودیان را چه شده که هرگاه با خدا أ و خلقش پیمانی می‌بندند، گروهی از آن‌ها پیمان شکنی می‌کنند و دست به خیانت می‌زنند در حالی که اکثرشان ایمان نمی‌آورند. کسی که به معبود باور نداشته باشد احترام عهد و پیمان را ندارد و اگر آن‌ها در ایمان خود صادق می‌بودند عهد خویش را نمی‌شکستند، آن‌ها به خالق متعال کافر شدند و با خلقش خیانت کردند.

﴿وَلَمَّا جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٞ لِّمَا مَعَهُمۡ نَبَذَ فَرِيقٞ مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَرَآءَ ظُهُورِهِمۡ كَأَنَّهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ١٠١﴾.

و چون این پیامبر امّی بزرگوار، نزد یهود با ایمان کتاب بزرگی که به سوی راه راست هدایت می‌کند در حالی آمد که تصدیق کننده تورات نیز بود، گروهی از آن‌ها کتاب خویش را دور افکندند و از آن روی گردانیدند، چون زمانی که آن‌ها پیامبر اسلام ج را تکذیب کردند در واقع تمام آنچه نزد خود آن‌هاست را تکذیب کردند؛ زیرا کتاب‌های آسمانی تصدیق کننده یکدیگر اند. و از بسکه اعراض آن‌ها از کتاب خدا أ شدید بود گویا که آن‌ها این کتاب را از روی اهانت و استخفاف پشت سر انداختند و او را گمرامی نداشتند. عملکرد این‌ها شبیه عملکرد کسی است که نمی‌داند این کتاب از سوی خداست و شبیه عملکرد نادانان و بی‌خردان است.

﴿وَٱتَّبَعُواْ مَا تَتۡلُواْ ٱلشَّيَٰطِينُ عَلَىٰ مُلۡكِ سُلَيۡمَٰنَۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيۡمَٰنُ وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ ٱلسِّحۡرَ وَمَآ أُنزِلَ عَلَى ٱلۡمَلَكَيۡنِ بِبَابِلَ هَٰرُوتَ وَمَٰرُوتَۚ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنۡ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحۡنُ فِتۡنَةٞ فَلَا تَكۡفُرۡۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنۡهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ بَيۡنَ ٱلۡمَرۡءِ وَزَوۡجِهِۦۚ وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنۡ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡۚ وَلَقَدۡ عَلِمُواْ لَمَنِ ٱشۡتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖۚ وَلَبِئۡسَ مَا شَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ١٠٢﴾.

و چون آنان کتاب خدا أ را پشت سر انداخته و از آن روی گردانیدند، حق‌تعالی آنان را به امور باطلی همچون سحر و امثال آن ابتلا نمود و آنان حق واضح و آشکار را ترک کردند و به دنبال دروغ سُست و بی‌بنیاد رفتند و از آنچه پیروی نمودند که شیاطین به حضرت سلیمان ÷ از قبیل سحر و جادو نسبت داده بودند در حالی که ایشان از همۀ این امور پاک و مبرا بوده و پیامبری معصوم و بی‌گناه‌اند که هرگز با ارتکاب سحر و امثال آن به خدای خود کفر نورزیده، بلکه این شیاطین اند که کافر شده‌اند.

به این ترتیب یهودیان به دنبال سحر شیاطین رفته و از پیروی پیامبران سر باز زدند و از جادویی که «هاروت» و «ماروت» در سرزمین بابل تعلیم می‌دادند پیروی نمودند در حالی که می‌دانستند آن‌ها به هر که سحر می‌آموختند او را نصیحت و توصیه می‌کردند تا از فریب سحر و جادو بر حذر باشند.

شیاطین به منظور گمراه کردن مردم به آموزش جادو می‌پردازند در حالی که آن دو فرشته بعد از نصحیت و هشدار و بیان اینکه سحر از جمله بدترین اعمال است به مردم آموزش سحر می‌دادند. یهودیان یاد خدا أ را ترک می‌کردند و بدترین انواع سحر را که عبارت از تفرقه افگنی بین زن و شوهر است می‌آموختند و بر آن نام «صرف/تغییر» می‌گذاشتند؛ این در حالی بود که رابطۀ زن و شوهر رابطۀ محبت و مودّب است. با وجود این رابطه قوی و مستحکم با آن‌هم سحر و جادو حقیقت دارد و به اذن خدای‌تعالی تأثیر می‌گذارد و در بین زن و شوهر اختلاف ایجاد می‌کند.

یهودیان می‌دانستند هر کسی که به سحر و جادو رغبت داشته باشد و ایمان خود را در بدل سحر بفروشد، سهمی از رحمت و ثواب خدا أ ندارد بلکه بر عکس دچار عذابی سخت و شدید نیز می‌شود. چقدر این خسارت و تحقیر بزرگ است که آن‌ها ایمان و پیروی پیامبران را ترک کردند و به سحر و دجل دلبستند. آن‌ها اصلاً علم و دانش سودمندی ندارند تا آنان را بر تمیز بین خوب و بد، مفید و مضر وا دارد.

﴿وَلَوۡ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَمَثُوبَةٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ خَيۡرٞۚ لَّوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ١٠٣﴾.

و اگر یهودیان به خدا أ ایمان آورند و از پیامبران پیروی کنند و خود را از عذاب پروردگار وقایه نمایند، حتماً ثواب و پاداش الهی برای آن‌ها از این دنیای زود گذر فانی که از ناحیۀ سحر به دست می‌آورند بهتر است؛ زیرا ایمان انسان را تشویق می‌کند تا کارهای خوب انجام دهد و تقوی وی را از کارهای بد بازمی‌دارد. ولی دانش آن‌ها دانش فاسدی است که آنان را به سوی رشد رهنمایی نمی‌کند و از گمراهی بازنمی‌دارد؛ چون علم نافع هرگاه در دل جای گیرد خوف خدا أ و خشیت او را برجای می‌گذارد و منجر به رجوع به سوی خدا أ می‌گردد. این در حالی است که دانش آن‌ها فقط بر زبان‌شان بود نه بر قلب‌شان.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقُولُواْ رَٰعِنَا وَقُولُواْ ٱنظُرۡنَا وَٱسۡمَعُواْۗ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٠٤﴾.

یاران پیامبر ج خطاب به ایشان می‌گفتند «راعنا» یعنی حال ما را رعایت کن! یهودیان این واژه را به گونه‌ی دیگری تفسیر نموده و می‌گفتند «راعنا» از «رعونه» گرفته شد که به معنی حماقت و نادانی است، این بود که حق‌تعالی مؤمنان را از استعمال این کلمه نهی نمود تا راه را بر کفار ببندد و این التباس را از میان بردارد، روی این اساس مؤمنان را امر کرد تا در عوض از واژۀ «انظرنا» به معنی به حال ما نظر کن استفاده کنند؛ زیرا این واژه سالم‌تر، بهتر و از سوء استفاده دورتر است. بر بندگان خدا أ لازم است تا همواره از محل شبهات و الفاظ احتمالی دور باشند و پیوسته از کلمات واضح و نیکو که احتمال هیچ گمان بدی در آن نرود استفاده نمایند. در حدیث شریف آمده است که: «آنچه موجب شک توست را به آنچه موجب شک نیست ترک کن!».

و بر شماست تا همواره امور مفید را بشنوید و بپذیرید، اموری مانند آیات قرآنی و احادیث نبوی و علم و دانش. اما برای کافران در پیشگاه خداوند أ نظر به گفتار بد و عملکرد زشتی که دارند عذابی است دردناک.

﴿مَّا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَلَا ٱلۡمُشۡرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيۡكُم مِّنۡ خَيۡرٖ مِّن رَّبِّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَخۡتَصُّ بِرَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ١٠٥﴾.

یهودیان و مشرکان عرب نظر به حسادت، بغض و کینه‌ای که نسبت به مسلمانان دارند نمی‌خواهند خداوند أ بر پیامبر خود وحی آسمانی را نازل فرماید؛ زیرا وحی سبب تمام خوبی‌ها و مصدر همۀ خوشبختی‌هاست. وحی از جمله بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی و بزرگ‌ترین هدیه و اکرام اوست که خداوند أ کسانی را با آن ویژگی بخشیده که به حضرت محمد ج ایمان آورده‌اند و دیگران را از این هدیۀ بزرگ محروم نموده است. بنابراین، فضل و مرحمت الهی و خیر او بسیار است به گونه‌ای که قابل شمارش نیست. پس تمام ستایش‌ها و سپاس‌ها مخصوص اوست که پیروان وحی را که رحمت و فضل است از دچار شدن به عذاب وقایه نموده است.

﴿۞مَا نَنسَخۡ مِنۡ ءَايَةٍ أَوۡ نُنسِهَا نَأۡتِ بِخَيۡرٖ مِّنۡهَآ أَوۡ مِثۡلِهَآۗ أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١٠٦﴾.

اگر ما آیه‌ای را از حُکمی به حُکمی دیگر سوق می‌دهیم به گونه‌ای که حکم اول را بر داشته و حکم دوم را به جایش مقرر داریم و یا آن را از قلب‌ها نیز محو کنیم، حتماً ما بهتر و نافع‌تر آن را چه دیر باشد یا زود و یا مماثل و شبیه آن را در نفع نازل می‌کنیم؛ زیرا کسی که وحی را نازل می‌کند قادر است احکام را مطابق احوال انسان‌ها و تغییر روزگار نازل نماید، چون حکمت خدا أ و علم او فراگیر و قدرتش همواره نافذ و جاری می‌باشد.

﴿أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ ١٠٧﴾.

و مادامی که حق‌تعالی بر آنچه بخواهد قادر و تواناست پس قدرت کامل تصرف در آیات شرعی از آن اوست همانگونه که حق تصرف در آیات هستی نیز مخصوص او می‌باشد. و خداوند أ هرگاه در خلق تصرف کند در امر نیز تصرف می‌نماید: ﴿ألاَ لَهُ اْلخَلْقُ وَ اللأمْرُ﴾ آگاه باشید که برای اوست تصرف در آفریده‌ها و امر. اوتعالی دوستی هست که منفعت را برای بندگان خود جلب می‌کند و یاوری است که از بندگان خود ضرر را دفع می‌نماید و از جملۀ نهایت دوستی و ولایت اوست که مطابق عصر و زمان آیات بهتر و نیکوتر را نازل می‌فرماید و یا برخی را نسخ و به جای آن اولی و بهتر را فرو می‌فرستد. پس آیا ولی غیر از او که شما را سرپرستی نماید و با شما دوستی کند دارید؟

﴿أَمۡ تُرِيدُونَ أَن تَسۡ‍َٔلُواْ رَسُولَكُمۡ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِن قَبۡلُۗ وَمَن يَتَبَدَّلِ ٱلۡكُفۡرَ بِٱلۡإِيمَٰنِ فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ١٠٨﴾.

ای مؤمنان! آیا اراده دارید تا از روی اعتراض و سرکشی از پیامبر اسلام ج سوال کنید، درست مانند بنی اسرائیل که چنین سوالاتی را از موسی ÷ مطرح کردند، تا جائی که طرح چنین سوالاتی از سوی آن‌ها منجر به کفر و تکذیب‌شان شد؟ کسی که کفر را بر ایمان ترجیح دهد یقیناً در تشخیص راه راست دچار خطا و اشتباه شده است. با این حال کسی که به منظور استفاده سوالی را مطرح کند چنین کسی یقیناً پاداش خود را دریافت می‌دارد؛ زیرا سوال او به منظور فهم و رفع توهم صورت می‌گیرد.

﴿وَدَّ كَثِيرٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَوۡ يَرُدُّونَكُم مِّنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِكُمۡ كُفَّارًا حَسَدٗا مِّنۡ عِندِ أَنفُسِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡحَقُّۖ فَٱعۡفُواْ وَٱصۡفَحُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٠٩﴾.

بسیاری از اهل کتاب از روی حسادتی که دارند آرزو می‌نمایند تا شما از اسلام مرتد شده دوباره به سوی کفر باز گردید؛ زیرا در نظر آن‌ها به طور یقین ثابت شده که شما بر حق و صوابید و دیگر اینکه دین شما سبب عزّت و سعادت‌تان است. پس بر دین خود ثابت قدم و استوار بمانید و بد رفتاری یهودیان را با بد رفتاری پاسخ ندهید بلکه با احسان، حلم، صبر و دوری از آزار و اذیت اعمال آنان را پاسخ دهید تا این عملکرد شما منجر به جذب دل‌های آن‌ها به سوی اسلام گردد و دین خود را در نظر مردم محبوب جلوه دهید. بر چنین تعاملی تا زمانی ادامه دهید که حق‌تعالی امر دیگری را مانند جنگ با آن‌ها لازم ببیند و چون خداوند متعال دارای قدرت عظیم است که هیچ پدیده‌ای نمی‌تواند او را عاجز سازد پس بر او توکل و اعتماد کنید.

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنۡ خَيۡرٖ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ١١٠﴾.

و نماز بر پای دارید زیرا نماز سبب هر پیروزی و راهی به سوی سعادت است البته به شرط آنکه به نیکوئی اقامه گردد. و زکات را به مستحقان بدهید که زکات موجب پاک شدن قلب‌ها و کفارۀ گناهان و جلب کنندۀ رضایت باری‌تعالی است. پس حق بدن نماز است و حق مال زکات و اگر چیزی را غیر از زکات به صورت نفلی بدهید همه این‌ها در نظر خداوند أ محفوظ و مکتوب است و آن‌ها را در صحائف اعمال خود می‌‌بینید و ثواب آن را در پیشگاه حق‌تعالی کمائی می‌کنید؛ زیرا پروردگار بر نیات شما بینا و اسرار و پوشیده‌ها را می‌داند و راستگویان را از دروغگویان و ریاکاران را از مخلصان تشخیص می‌دهد، پس مراقب اوامر حق‌تعالی باشید و تنها از او بترسید.

﴿وَقَالُواْ لَن يَدۡخُلَ ٱلۡجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰۗ تِلۡكَ أَمَانِيُّهُمۡۗ قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١١١﴾.

یهودیان می‌گویند بهشت از آن آن‌هاست، مسیحیان نیز چنین می‌گویند، همۀ این‌ها مجرد ادعاهایی است که دلیلی بر آن وجود ندارد، کسی که ادعای باطل کند و یا بدون دلیل و برهان سخنی بگوید چنین کسی صرفاً یک مدعی و تهمت‌گر است. دلیل شما ای یهودیان و نصرانیان کجاست؟ آیا بر آنچه می‌گوئید برهانی مانند کتابی گویا و پیامبری صادق هست؟ چون چنین دلیل و برهانی ندارند پس ادعای‌شان یک دروغ و بهتان واضح و آشکار است.

﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَلَهُۥٓ أَجۡرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ١١٢﴾.

خیر! مسأله آنگونه که گمان و ادعا می‌کنند نیست بلکه چنین است که هر کس خدا أ را به یگانگی و در حال رجوع پرستش کند، چنین کسی با ایمان و اخلاصی که در عبادت دارد به گونه‌ای که حق‌تعالی را مطابق شرع، نه بدعت عبادت می‌نماید برای وی نعمتی است ماندگار و جایگاهی است در کمال امن و آسایش و رستگاری بهشت است و هیچ ترس و اندوهی برای آن‌ها در روزگاران آینده‌شان نمی‌باشد؛ زیرا مؤمن بر آنچه انجام می‌دهد غمگین نیست. واقعاً خوشبخت کسی است که در آینده‌های دور و نزدیک در امان باشد.

﴿وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ لَيۡسَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ لَيۡسَتِ ٱلۡيَهُودُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَهُمۡ يَتۡلُونَ ٱلۡكِتَٰبَۗ كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ مِثۡلَ قَوۡلِهِمۡۚ فَٱللَّهُ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ١١٣﴾.

یهودیان نصرانیان را تکفیر کردند و نصرانیان یهودیان را در حالی که هرکدام‌شان گمراهی دیگر را می‌بینند و دارای کتابی اند که حق و باطل را برای آنان بیان می‌دارد ولی آن‌ها به هدایت این کتاب‌ها رهنمود نشدند و صرفاً آن را تلاوت کردند بدون اینکه معنی و مفهوم آن را بفهمند و یا به آن عمل کنند. این عمل آن‌ها شبیه به عمل جهّال امت‌های گذشته و فرقه‌های منحرف و گروهای گمراه است که یکدیگر را گمراه می‌دانند و تکفیر می‌کنند.

این عمل آنگونه که حضرت محمد ج خبر داده‌اند در این امّت نیز واقع شده است، تنها حق‌تعالی در روز قیامت در بین آن‌ها در آنچه اختلاف می‌کنند قضاوت می‌کند و بین مؤمن و کافر تشخیص می‌دهد.

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن يُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمۡ أَن يَدۡخُلُوهَآ إِلَّا خَآئِفِينَۚ لَهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٞ ١١٤﴾.

هیچکس ظالم‌تر آن کس نیست که بندگان خدا أ را از ذکر او، تلاوت قرآن و تسبیحش و یا تعلیم علم نافع در یکی از خانه‌ها اوتعالی باز دارد و هیچ‌کس ظالم‌تر از کسی نیست که مساجد را یا ویران می‌کند و یا بر بنای آن اعتراض می‌نماید. عقاب چنین اشخاصی این است که داخل این مساجد نشوند مگر خوار و ذلیل و بیمناک، این جزا موافق عملکرد‌شان است؛ زیرا آن‌ها مؤمنان را می‌ترسانند. این کار با مشرکان زمانی صورت گرفت که در حال اسارت و ذلّت وارد مساجد شدند و در زمان حضرت ابوبکر صدیق س نیز چنین کاری با مرتدان زکات انجام شد.

این، جزای آن‌ها در دنیا بود، در آخرت عذابی دردناک و طاقت فرسا به سراغ آن‌ها خواهد رفت. طبیعی است هرگاه کسی ظالم‌تر از آنکه در راستای ویرانی مساجد تلاش می‌کند نباشد در همین راستا پاداش‌دارتر از کسی که در راستای آبادانی مساجد با طاعت و عبادت تلاش می‌نماید نیز نمی‌باشد.

﴿وَلِلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ وَٱلۡمَغۡرِبُۚ فَأَيۡنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجۡهُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ١١٥﴾.

و تنها خداوند أ مالک مشرق است، جایی که خورشید، ماه و ستارگان طلوع می‌کنند. او مالک مغرب نیز هست، جایی که این فلک‌ها غروب می‌کنند. و آنکه مالک مشرق و مغرب می‌باشد مالک تمام پدیدهایی است که در بین آن دو قرار دارد. پس به هرسوی که روی آورید همانجا به امر حق‌تعالی وجهه و قبلۀ الهی است. حق‌تعالی در صفات و بخشش خود واسع است و از جمله وسعت او وسعتی است که در اوامر و نواهی خود ایجاد نموده و در این راستا بندگانش را مکلف به انجام امور سخت و طاقت فرسا نکرده است و اوتعالی بر تمام امور پوشیده و مخفی و آنچه در نهان انسان قرار دارد آگاه است و از جمله نشانه‌های علم او شریعتی است که به گونه آسان و مناسب با حال‌تان به شما فرستاده است.

﴿وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۖ بَل لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ ١١٦﴾.

و دشمنان خدا أ از یهودیان، نصرانیان و مشرکان گفتند: حق‌تعالی برای خود فرزند بر گزیده است، او از چنین قول باطل و گناه آلودی پاک و منزه است. خدای‌تعالی قاهر تمام کسانی است که در آسمان‌ها و زمین قرار دارند و همه مسخّر امر او و بندگانش می‌باشند، {اگر خداوند أ برای خود فرزندی می‌گرفت حتماً فرزند از جنس پدر می‌بود و از صفات مخلوقات بیرون می‌شد در حالی که چنین کاری نشده است}. به اضافۀ آنچه گفته شد کسی که مالک تمام کسانی باشد که در آسمان‌ها و زمین قرار دارد ضرورتی به فرزند ندارد؛ زیرا او از همه چیز و همه کس بی‌نیاز است، پس او یگانۀ بی‌نیازی است که نه زاده شده و نه کسی از او زائیده شده است و برای او هیچ شبیه و مانندی نیست و تمام پیدیده‌هایی که در آسمان‌ها و زمین قرار دارند همه تحت تصرف، تدبیر و حکم او یا به گونه رضا از طریق عبادت و طاعت قرار دارند و یا به گونۀ اجبار.

﴿بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَإِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ١١٧﴾.

حق‌تعالی ایجاد گر آسمان‌ها و زمین است بدون اینکه نمونه‌ای از قبل برای آن‌ها وجود داشته باشد، این در مورد خلق؛ و اما در مورد امر باید گفت که خداوند أ هرگاه ارادۀ کاری را بکند فقط برایش می‌گوید «شو» پس او می‌شود و هیچ چیزی او را از هیچ کاری عاجز ساخته نمی‌تواند و هیچ کاری بر او سخت و دشوار نیست، هیچ خدایی جز او نیست و ما جز او دیگر هیچ‌کس را عبادت نمی‌کنیم.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ لَوۡلَا يُكَلِّمُنَا ٱللَّهُ أَوۡ تَأۡتِينَآ ءَايَةٞۗ كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِم مِّثۡلَ قَوۡلِهِمۡۘ تَشَٰبَهَتۡ قُلُوبُهُمۡۗ قَدۡ بَيَّنَّا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ١١٨﴾.

جهّال اهل کتاب و مشرکان گفتند چرا خداوند أ آنگونه که با پیامبران سخن می‌گویند با ما سخن نمی‌گویند، یا یکی از پیشنهادات ما تحقق پیدا نمی‌کند، پیشنهاداتی مانند: اینکه خدای را به گونۀ عیان ببینیم، اینکه بر خود ما کتابی از آسمان نازل شود، اینکه بر ما فرشته فرستاده شود و یا گنجی فرو افتد، یا پیامبر دارای بهشتی باشد و یا برای ما از زمین چشمه‌ای را فوران کند و از این قبیل. این سخنان را مشرکان و قبل از آن‌ها یهودیان و نصرانیان نیز گفتند، از این‌روی قلب‌های آن‌ها در گمراهی و کفر شبیه و نزدیک است؛ زیرا محل ایمان، کفر، صلاح و فساد، قلب است. این درخواست آن‌ها به منظور سرکشی و تعجیز بوده نه به منظور فهم و استدلال و الا اگر هدف‌شان بیان و ایمان می‌بود از آیات شرعی ما که کاملاً واضح و آشکار است در این زمینه استفاده می‌کردند ولی این نشانه‌ها مگر کسی که دارای ایمانی بزرگ و معرفتی عمیق و صادقانه باشد استفاده کرده نمی‌تواند.

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗاۖ وَلَا تُسۡ‍َٔلُ عَنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡجَحِيمِ ١١٩﴾.

و از جملۀ بزرگ‌ترین آیات و نشانه‌های ما فرستادن پیامبر امّی عربی حضرت محمد ج است. ارسال ایشان نشانه‌ای ظاهر و آشکار است؛ زیرا با خود معجزاتی را آورده که موجب شگفتی عقل است، خواه این معجزه در ذات پیامبر باشد یا در کتاب، سیرت و یا تمام شئون زندگی‌شان. همچنان حضرت محمد ج با حقیقتی مستدل فرستاده شده که نزد هر عاقل مؤمنی ثابت است. اینان مؤمنان را به پیروزی و بهشت بشارت دادند و کفار را به ذلّت و آتش دوزخ در حالی که هردوی این‌ها دقیقاً تحقق پیدا کرده است. پیامبر اسلام ج هرگاه حجّت را بر مردم تمام کند دیگر مسئول گمراهی کسی نیست؛ زیرا خود گمراه، جرم مسئولیت خود را متحمل می‌شود و به جزای اعمال خود در آتش دوزخ می‌رسد؛ چون چنین شخصی عذری ندارد و برایش راه بیان شد و دلیل و برهان ارائه گردید. بر دعوت‌گر لازم است تا دعوت کند و حساب و کتاب نزد خداست که یا ثواب و پاداش می‌دهد و یا عذاب می‌کند.

﴿وَلَن تَرۡضَىٰ عَنكَ ٱلۡيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمۡۗ قُلۡ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلۡهُدَىٰۗ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم بَعۡدَ ٱلَّذِي جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ ١٢٠﴾.

یهودیان و نصرانیان هرگز از تو راضی نمی‌شوند مگر اینکه دین خود را ترک کنی و به آئین آن‌ها بگروی. آن‌ها مردم را به سوی کیش باطل خود دعوت می‌کنند. ای محمد ج به یهود و نصارا خبر بده که با تو هدایت است و با آن‌ها هوا و هوس؛ به آن‌ها بگو هدایت خدا أ و دینی که من با آن فرستاده شده‌ام، صحیح و حق است و با او هیچ دین دیگری همپایی کرده نمی‌تواند. تو از این بر حذر باش که از هوس‌ها و باطلی که آن‌ها ادعا می‌کنند پیروی کنی! به خصوص بعد از اینکه پروردگارت به تو در این زمینه علم و دانشی نافع و مبارک داده است.

بنابراین تو بر حقی و آن‌ها بر باطل و اگر تو هم از دین آن‌ها پیروی کنی، هیچ دوستی برایت نفعی نخواهد داشت و نخواهد توانست ضرری را از تو دفع کند و یا در برابر حق‌تعالی یاری‌ات دهد، نفع و ضرر فقط از سوی خدای یگانه است.

حال که خداوند أ پیامبر خود را چنین هشدار می‌دهد پس پیروان‌شان در این زمینه از چه وضعیتی برخوردار خواهند بود. این آیه دلالت بر تحریم موالات با یهودیان و نصرانیان و پیروی از دین‌شان و یا تشبه به آن‌ها دارد و بیان می‌دارد که دشمنی آن‌ها با یک مسلمان تا زمانی است که دین خود را ترک کند و وارد دین آن‌ها شود.

﴿ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَتۡلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ١٢١﴾.

آنانی که بر آن‌ها کتاب نازل کردیم و آن‌ها از این کتاب به گونۀ سزاوار پیروی کردند و با هدایت آن هدایت شدند و در این راستا حلالش را حلال و حرامش را حرام نمودند و به مُحکَمش عمل نمودند و به متشابه آن ایمان آوردند، این‌ها مؤمنان صادق‌آند؛ نه کسانی که بین کتاب‌های الهی و پیامبران فرق قایل شده و گفتند: به بعضی از کتاب‌ها ایمان می‌آوریم و به برخی دیگر کفر می‌ورزیم. کسی که چنین عناد داشته باشد و کتاب را تکذیب کند از دایرۀ طاعت و عبادت ما خارج است و به عنوان انسانی متمرد بر شریعت ما شناخته می‌شود، جزای چنین کسی زیان، هلاکت و عذاب همیشگی است.

﴿يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَنِّي فَضَّلۡتُكُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٢٢﴾.

ای بنی اسرائیل! نعمت من را که بر شما داده‌ایم یاد آورید، شاید این یادآوری شما را وادارد تا به مراجعه ذات خویش بپردازید و در پی آن شکر گذار نعمت‌های پروردگار باشید؛ زیرا یادآوری از نعمت‌ها، سپاس گفتن نعمت دهنده را یاد می‌آورد، چنان‌چه تفکر در نعمت، مقتضی داشتن حیا از خالق متعال و پروردگار زمین و آسمان است. آگاه باشید که تنها خدای‌تعالی نعمت می‌دهد نه دیگران. و یاد آورید ای فرزندان یعقوب ÷ این نکته را که من شما را بر جهانیان زمان‌تان با پیامبران و شریعت برتری دادیم، پس آیا جزای چنین فضیلت دادنیها نعمت نشناسی و تکذیب است؟!

﴿وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا لَّا تَجۡزِي نَفۡسٌ عَن نَّفۡسٖ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا يُقۡبَلُ مِنۡهَا عَدۡلٞ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَٰعَةٞ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ١٢٣﴾.

و با انجام طاعت و عبادت و دوری از معصیب و منکرات از روز قیامت بترسید، روزی که هیچ‌کس برای کسی دیگر نفعی رسانیده نمی‌تواند و جهت دفع عذاب فدیه‌ای نیز از کسی گرفته نمی‌شود و شفاعت‌گری نیز که منفعت برساند نیست و اگر کسی کافر شود این شفاعت‌گر نمی‌تواند او را وارد بهشت کند و یا دوزخ را از او دفع نماید. کسی که به یاد روز قیامت و تحولات ترسناک آن باشد از پروردگار دانای غیب می‌ترسد و از گناهان دست برمی‌دارد.

﴿۞وَإِذِ ٱبۡتَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ رَبُّهُۥ بِكَلِمَٰتٖ فَأَتَمَّهُنَّۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامٗاۖ قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِيۖ قَالَ لَا يَنَالُ عَهۡدِي ٱلظَّٰلِمِينَ ١٢٤﴾.

خداوند أ ابراهیم ÷ را با مجموعه‌ای از اوامر، نواهی، فرائض و حدود مورد امتحان و آزمایش قرار داد. ابراهیم ÷ این مجموعه را به خوبی انجام داد و از این آزمون موفق بَدَر آمد، از این‌روی با صبر و یقینی که داشت مستحق پیشوائی دین مردم گردید و برای جهانیان به عنوان امام برگزیده شد. اهل کتاب از روی ادعا خود را به ایشان و پیروی از دین‌شان نسبت می‌دهند.

ابراهیم ÷ امامی است برحق که سیرت‌شان خوانده می‌شود و مناقب‌شان سینه به سینه نقل می‌گردد و همواره مردم به نیکوئی از ایشان یاد می‌کنند. حضرت ابراهیم ÷ در هدایت و ارشاد مردم به تنهائی یک امّت بود و اسوه و قدوه‌ای برای اهل علم و جهاد می‌باشد.

نظر به همه این خصوصیات بود که ابراهیم ÷ از پروردگار خود خواست از ذریه‌اش کسانی را به عنوان امام برگزیند تا اجر و پاداش و همچنان یاد نیکو در نسل وی بر قرار باشد. حق‌تعالی به ایشان خبر داد که امامت و پیشوائی فقط برای کسی داده می‌شود که عالِم باشد و به علم خود عمل نماید و کسی که ظالم و ستمگر باشد و اعمال گمراهانه انجام دهد، چنین کسی به هیچ وجه به پیشوائی در زمین نمی‌رسد. این آیه همچنان این نکته را نیز افاده می‌کند که قبل از تمکین در زمین ابتلا و قرار گرفتن در آزمون حتمی است. امامت مقتضی عمل به شریعت به صورت نهان و آشکار است و هر که عملش فاسد و عملش بد باشد هرگز به امامت نمی‌رسد.

﴿وَإِذۡ جَعَلۡنَا ٱلۡبَيۡتَ مَثَابَةٗ لِّلنَّاسِ وَأَمۡنٗا وَٱتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ مُصَلّٗىۖ وَعَهِدۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ١٢٥﴾.

و همانگونه که ابراهیم ÷ را امام مردم و مقتدای‌شان ساختیم و آن‌ها به ایشان اقتدا می‌کنند، همین‌گونه خانه کعبه را نیز به عنوان قبلۀ مردم برگزیدیم تا به سوی آن روی گردانند و مصالح دینی و دنیوی خود را به دست آورند. خانۀ کعبه محلی است امن طوری که هر کس داخل آن شود در امان خواهد بود حتی حیوانات و درختان نیز از اینکه شکار شوند و یا قطع گردند امنیت دارند.

در ادامه حق‌تعالی بندگان خود را امر می‌نماید تا از مقام ابراهیم ÷ به عنوان محلی برای نماز برگزینند. پیامبر اسلام ج در تطبیق این امر بعد از انجام طواف دو رکعت نماز در مقام ابراهیم گذاردند. حق‌تعالی ابراهیم و اسماعیل ـ علیهما السلام ـ را امر فرمود تا خانۀ کعبه را از بت‌ها و گناهان و هرگونه عمل آلوده به شرک و پلیدی پاک کنند تا برای پذیرش طواف کنندگان، معتکفان، رکوع و سجده کنندگان آماده باشد. حق‌تعالی خانۀ کعبه را از روی شرافت و حرمتی که دارد به خود نسبت داده تا به مردم لزوم نگهداشت و احترام آن را گوشزد کند.

﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِ‍ۧمُ رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا بَلَدًا ءَامِنٗا وَٱرۡزُقۡ أَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ مَنۡ ءَامَنَ مِنۡهُم بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُۥ قَلِيلٗا ثُمَّ أَضۡطَرُّهُۥٓ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلنَّارِۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٢٦﴾.

ابراهیم ÷ دعا نمود و از پروردگارش خواست تا مکۀ را شهری امن قرار دهد و به اهلش روزی فراوان ارزانی دارد؛ زیرا اگر امنیت نباشد زندگی سالم و برابر نیز نخواهد بود و انسان گرسنه هیچگاه راحت نیست. روی این اساس حق‌تعالی مکّیان را از بیم و ترس در امان داشت و از گرسنگی نجات داد. ابراهیم ÷ در دعای خود قید «مؤمن» را در اهل مکه ذکر کرد، حق‌تعالی ایشان را از دعا کردن در مسألۀ امامت به صورت مطلق نهی فرمود بود ولی در خصوص رزق و روزی اوتعالی بیان داشت که این مسأله بر اطلاق خود باقی است و هردو گروه مؤمن و کافر را دربَر می‌گیرد و در این راستا برای مؤمن مددی در عبادت پروردگار است و برای کافر بهره‌ای تا مدتی معین و مشخص. و چون امامت مقام و جایگاهی است ربانی از این‌روی جز به کسی که شریعت را بر پای دارد داده نمی‌شود.

و اگر حق‌تعالی برای کافر بسان حیوانات بهره‌ای کوچک از دنیا بدهد، یقین باید داشت که در آخرت او را به سوی عذابی دردناک در آتش دوزخ سوق می‌دهد؛ چقدر بد است این جایگاه و چه عاقبت ذلّت باری است برای کافران و ستمگران!!

﴿وَإِذۡ يَرۡفَعُ إِبۡرَٰهِ‍ۧمُ ٱلۡقَوَاعِدَ مِنَ ٱلۡبَيۡتِ وَإِسۡمَٰعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٢٧﴾.

و یاد آور فضل خدا أ را بر ابراهیم و اسماعیل ـ علیهما السلام ـ آنگاه که آن دو را در بنای خانۀ کعبه افتخار بخشید و ستون‌های این خانه را بر اساسی محکم و استوار بنا نهاد. این دو بزرگوار با وجود این عمل نیکو و پسندیده با آن‌هم در بین خوف و رجا قرار داشتند، خوف عدم قبول عمل و رجای قبول آن، این بود که از حق‌تعالی با دست دعا و نیاز خواستند این عمل‌شان را قبول درگاه خود بگرداند که او شنوای تمام گفتار‌ها و دانای تمام اعمال و احوال است، به حدی که حتی نیت‌ها نیز از او پوشیده و مخفی نیست، او می‌داند چه کسی در عمل خود اخلاص دارد و چه کسی ریا می‌کند، او می‌داند کی دروغ می‌‌گوید و چه کسی راستگوست.

﴿رَبَّنَا وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ١٢٨﴾.

سپس ابراهیم و اسماعیل ـ علیهما السلام ـ از خداوند أ خواستند آن دو را بر دین اسلام ثابت قدم و استوار بدارد؛ زیرا این دین از جملۀ بزرگ‌ترین نعمت‌ها و ارزش‌ها و بهترین هدیه الهی است که متضمّن خضوع، فروتنی و تسلیم شدن در برابر حق‌تعالی است. آن‌ها همچنان از درگاه ربّ العزت و الجلال مطالبه کردند تا ذریۀ‌شان را نیز مردمانی نیکو کردار بگرداند تا بعد از آن‌ها جانشینانی صالح و دعا گو باقی بمانند و همواره به یاد خدای متعال باشند. همچنان از باری‌تعالی خواستند تا به گونۀ عیان برای آن‌ها مناسک حج را نشان دهد؛ زیرا مشاهدۀ عینی مناسک، در قلب بهتر باقی می‌ماند و آموختن آن آسان است. در ادامه در دعای خود خواهان توبه شدند چون یک بندۀ مؤمن به هر درجه از صلاح و تقوا که برسد با آن‌هم در معرض گناه، تقصیر، غفلت، خطا و اشتباه قرار دارد و از سوی دیگر پروردگار اهل و شایستۀ قبولی توبۀ بندگان خویش هست چون او با توبۀ، گناهان بندگان خود را محو می‌کند و با معاف کردن از عذاب بر او رحم می‌نماید.

﴿رَبَّنَا وَٱبۡعَثۡ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَيُزَكِّيهِمۡۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١٢٩﴾.

در ادامه از خداوند أ خواستند در ذریۀ‌شان پیامبری از میان خودشان ارسال دارد، این بود که حق‌تعالی دعای آن دو را قبول فرموده و سیّد و سردار اولاد آدم ÷ حضرت خاتم ج را به عنوان بزرگ‌ترین نعمت بر بشریت فرستاد، پس ایشان آنگونه که خود پیامبر ج خبر داده‌اند، نتیجه و ثمرۀ دعای ابراهیم ÷ اند. حق‌تعالی با ایشان بهترین کتاب آسمانی را نیز نازل فرمود که هدایت‌گر گمراهان است و حق و حقیقت را در بین جهانیان اقامه می‌نماید.

اینکه آن‌ها دعا نمودند حق‌تعالی پیامبری را از میان خود آن‌ها بفرستد روی این منظور بوده که تا اقتدا و انس و الفت به ایشان ممکن باشد و تا این کتاب بزرگ را به مردم بیاموزاند و آن‌ها آیات آن را دریافت کنند و حفظ نمایند و تا پیامبر آنان را با اعمال صالح و اخلاق فاضل پاک گرداند و از اعمال زشت و بد باز دارد که خدای‌تعالی عزیز و حکیم است.

پروردگار چون عزیز و غالب است حکم می‌نماید و چون داناست می‌آموزاند و سنجش می‌کند. با وجودی که اوتعالی عزیز و غالب است و هیچ‌کس نمی‌تواند با او در این زمینه همپائی کند با آن‌هم خداوند أ حکیمی است که با حکمت خود به تدبیر امور می‌پردازد و در قضاوت و تنفیذ احکام به گونۀ دقیق عمل می‌نماید؛ زیرا عزّت بدون حکمت، تهور، ضعف و ناتوانی به شمار می‌رود.

﴿وَمَن يَرۡغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفۡسَهُۥۚ وَلَقَدِ ٱصۡطَفَيۡنَٰهُ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٣٠﴾.

از ملت ابراهیم ÷ که معتدل، با گذشت و رهیاب است جز جاهل بی‌خرد روی نمی‌گراند، جاهلی که در واقع به خود زیان می‌رساند؛ زیرا مصلحت خود را نمی‌داند و بر مبنای همین نادانی دنبال ملتی غیر از آنچه ابراهیم ÷ آورده می‌رود. ما ابراهیم ÷ را بر گزیدیم و او را به سوی راه راست هدایت کردیم و مقامش را با عهده داری امامت بالا بردیم، از این‌روی بهترین ملت، ملت او و بهترین دین، دین اوست و او در آخرت از جملۀ ائمه‌ای است که حق‌تعالی بر آن‌ها انعام داده است. پس خوشا به حال ابراهیم و در میان جهانیان سلام بر او باد.

﴿إِذۡ قَالَ لَهُۥ رَبُّهُۥٓ أَسۡلِمۡۖ قَالَ أَسۡلَمۡتُ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٣١﴾.

و چون حق‌تعالی امر فرمود تا ابراهیم ÷ در برابر اوامرش مطیع و فرمانبر‌دار باشد و همواره طاعت و عبادتش کند، وی با تمام گفتار و کردار خود با اطاعت فرمان پروردگار پرداخت؛ زیرا می‌دانست این حق خداست تا اطاعت شود و انسان‌ها پیوسته به یاد او باشند و فراموشش نکنند.

﴿وَوَصَّىٰ بِهَآ إِبۡرَٰهِ‍ۧمُ بَنِيهِ وَيَعۡقُوبُ يَٰبَنِيَّ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰ لَكُمُ ٱلدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٣٢﴾.

ابراهیم ÷ فرزندان و ذریۀ خویش را توصیه نمود تا ملتش را لازم گیرند.

و شما ای یهودیان! پدرتان یعقوب ÷ نیز فرزندان خود را بر لزوم پیروی از ملت ابراهیم ÷ وصیت کرد. چرا این وصیت را فرو گذاشتید در حالی که حق‌تعالی این ملت را برای پیامبری خود برگزیده است؟ پس تا دم مرگ به آن تمسک جوئید؛ زیرا اسلام دین تمام پیامبران است و پروردگار فقط به آن راضی است.

این آیه دلالت بر مشروعیت وصیت پدر به فرزندان و عالم به اتباع دارد و اینکه دین از جملۀ مهم‌ترین اولویات به شمار می‌رود و یک انسان مسلمان باید در خصوص هدایت ذریۀ خود حریص باشد.

﴿أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ إِذۡ حَضَرَ يَعۡقُوبَ ٱلۡمَوۡتُ إِذۡ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعۡبُدُونَ مِنۢ بَعۡدِيۖ قَالُواْ نَعۡبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ ءَابَآئِكَ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗا وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ١٣٣﴾.

یهودیان ملّت ابراهیم و یعقوب ـ علیهما السلام ـ را تغییر دادند از این‌روی حق‌تعالی این عمل آن‌ها را زشت شمرد و بیان داشت که یعقوب ÷ هنگامی که مرگ به سراغش رفت فرزندان خود را جمع نمود و آن‌ها را وصیت کرد تا همواره یکتا پرستی که حق خدا أ بر بندگان است را لازم گیرند و آن‌ها را از شرک نهی نمود. فرزندان یعقوب ÷ به خدای یگانه اقرار و اعتراف کردند و به اوتعالی تسلیم شدند و به این ترتیب در خود، هم صحت عقیده را جمع کردند و هم صلاح عبادت را.

این آیه دلالت بر ضرورت سوال عالم از شاگردانش دارد و نشان‌ دهندۀ بحث و مباحثۀ علمی نیز می‌باشد و اینکه در تقرر و تبیین مسایل باید از مهم‌ترین آن‌ها شروع شود و اینکه هنگام سَکَرَات مرگ، انسان باید به فکر توحید و یگانگی خدا باشد.

﴿تِلۡكَ أُمَّةٞ قَدۡ خَلَتۡۖ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَلَكُم مَّا كَسَبۡتُمۡۖ وَلَا تُسۡ‍َٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٣٤﴾.

ابراهیم و یعقوب ـ علیماالسلام ـ و نیکو کارانی که با آن‌ها بودند، امتی هستند که با صلاح و رستگاری خود گذشتند و رفتند و تعلق و انتساب شما ای یهودیان به آن‌ها، بدون اینکه شیوه روش‌شان را لازم گیرید و بدان عمل نمائید نفعی به حال شما ندارند؛ زیرا مجرد انتساب نمی‌تواند موجب نجات شود، چون علم نافع آن‌ها برای خودشان و علم زشت‌تان تنها بر خودتان است و هیچگاه هیچ انسانی گناه دیگری را متحمل نمی‌شود و هر کس به تنهائی محاسبه شده و اعمال صالحۀ دیگران به او هدیه نمی‌گردد، چنان‌چه نتیجۀ گناهان دیگران نیز به او نرسیدۀ و به سبب آن دچار ظلم و ستم نمی‌شود و از او در این خصوص سوال نمی‌گردد.

﴿وَقَالُواْ كُونُواْ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰ تَهۡتَدُواْۗ قُلۡ بَلۡ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٣٥﴾.

یهودیان برای مسلمانان گفتند یهودی باشید و نصرانیان گفتند نصرانی؛ زیرا هدایت با ماست. هر دوی این سخن کذب و دروغ و نادرست است. حق‌تعالی ما را رهنمایی فرموده تا در جواب آن‌ها بگوئیم: بلکه ما ملّت ابراهیم خلیل ÷ را پیروی می‌کنیم که عبارت از دین اسلام معتدل، بردبار، باگذشت و دارای شریعتی میانه و وسط است.

ابراهیم ÷ یکتاپرست بود و از شرک اعراض می‌کرد ولی یهودیان گفتند «عزیر» فرزند خداست و نصرانیان عیسی مسیح را فرزند اوتعالی دانستند؟ با چنین پندارهایی توحید و یکتا پرستی در کجا قرار دارد؟! این آیه دلالت بر حرص یهود و نصارا بر دعوت به سوی دین‌شان دارد، حال که چنین است بر یک مسلمان اولی و بهتر است تا چنین حرصی داشته باشد.

﴿قُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَآ أُوتِيَ ٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ١٣٦﴾.

ای مسلمانان! بگوئید به ربوبیت خدا أ الوهیت و اسما و صفاتش با زبان اقرار و اعراف و با قلب باور داریم و به مقتضای آن با جوارح خود عمل می‌نمائیم و به تمام آنچه در قرآن و سنّت پیامبر گرامی اسلام ج آمده و بر آنچه بر سایر پیامبران نازل شده، به شمول ابراهیم ÷ که پدر پیامبران و صاحب این ملت است و به پیامبرانی که بعد از ابراهیم ÷ بوده‌اند، همه را به صورت یکسان ایمان داریم و هیچگاه در این ایمان مانند یهود و نصارا تفاوت قایل نیستیم بلکه به همه، از جمله کتاب‌های‌شان مانند: صحف ابراهیم ÷، زبور دارود ÷، تورات موسی ÷ و انجیل عیسی ÷ ایمان کامل داریم و بر این امر کاملاً منقادیم. ما التزام خود را بر این مبادی علناً اعلان می‌کنیم و ایمان ما به گونه‌ای است که اگر در این زمینه، امری مجمل قرار دارد ما به گونۀ مجمل و اگر امری مفصل است به گونۀ مفصل یقین و باور داریم.

این آیه دلالت دارد بر: اعلان مبدأ و تصدیق تمامی پیامبران و کتاب‌های آسمانی؛ آنچه بر انبیای الهی نازل شده بزرگ‌ترین هدیه از جانب پروردگارشان است؛ از جملۀ لوازم ربوبیت اوتعالی یکی هم این است که او خلایق را هدایت می‌کند؛ هر کس منکر دعوت و رسالت یکی از پیامبران باشد کافر می‌گردد؛ اسلام دین تمام پیامبران است.

﴿فَإِنۡ ءَامَنُواْ بِمِثۡلِ مَآ ءَامَنتُم بِهِۦ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا هُمۡ فِي شِقَاقٖۖ فَسَيَكۡفِيكَهُمُ ٱللَّهُۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٣٧﴾.

اگر اهل کتاب به همۀ پیامبران از جمله حضرت محمد ج و به همۀ کتاب‌ها از جملۀ قرآن کریم ایمان آورند محققاً که کار خوب و درستی انجام داده‌اند ولی اگر روی گردانند پس آن‌ها اهل تفرقه و فتنه‌اند که ارادۀ هدایت و اجتماع بر خیر و خوبی را ندارد. پس تو از آن‌ها نترس و از حیله‌های‌شان دچار دلهره نشو که حق‌تعالی تو را در برابر آذار و اذیت‌های آن‌ها کافی است و یاریت می‌دهد. پروردگار همۀ گفتارها را با تفاوتی که در لهجه‌ها وجود دارد، خواه واضح و آشکار باشد یا مخفی و پوشیده، می‌داند، کسی که چنین مواصفاتی دارد یقیناً به عنوان یاری دهنده و محل توکّل کافی است.

﴿صِبۡغَةَ ٱللَّهِ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ صِبۡغَةٗۖ وَنَحۡنُ لَهُۥ عَٰبِدُونَ ١٣٨﴾.

این دین خدا أ و راه اوست، آن را لازم گیرید و خود را طوری به رنگ آن در آورید که لباس خود را رنگ می‌دهید.

آیا هدایتی نیکوتر از هدایت حق‌تعالی هست؟ و آیا از دین خدا أ دینی برابرتر هست؟ کسی که خود را متصف به دین سازد در واقع صداقت و نیکوئی نموده و دانسته و به دیگران نیز بیان کرده و در این راه دست به جهاد، صبر و استقامت زده و در برابر هر امری از امور زندگی خود، همواره متواضع و فروتن بوده است. و هر کس این هدایت را ترک کند حقیقتاً گمراه، خوار و ذیل شده و در زیان و تباهی قرار گرفته است.

و ما در برابر پروردگار خود کاملاً مطیع بوده، از او فرمان می‌بریم و در این زمینه از اخلاص کامل برخورداریم و مقتدای ما پیامبر گرامی‌اش ج است و باور داریم که چنین عبادتی، انسان را به صورت واقعی و در آشکار و نهان بندۀ حق‌تعالی می‌سازد.

﴿قُلۡ أَتُحَآجُّونَنَا فِي ٱللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمۡ وَلَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُخۡلِصُونَ ١٣٩﴾.

و تو ای پیامبر! ـ و شما ای مسلمانان ـ برای اهل کتاب بگو آیا با دربارۀ پروردگار مجادله می‌کنید و گمان می‌نمائید که شما از ما بهترید؟! و اینکه اوتعالی فقط خدای شماست در حالی که هم ما را آفریده و هم شما را، هم ما را روزی داده و هم شما را؛ این چه تفاوتی است که شما قایلید در حالی که خداوند أ پروردگار همه است؟! در ثانی صلاح و تقوای ما برای ما و گمراهی ما بر علیه ماست و حسنات شما برای شما و بدی‌های‌تان بر خودتان است و ما در عبادت حق‌تعالی مخلصیم چون اخلاص در عبادت از اصلی‌ترین اصول دین و در رأس همۀ امور قرار دارد و مانند شما اهل کتاب نیستیم که با خدا أ دیگری را شریک می‌آورید. به این ترتیب ما با اهل کتاب در ربوبیت خدا أ اتفاق و در الوهیتش اختلاف داریم؛ زیرا ما یکتاپرست و مخلصیم در حالی که آن‌ها دروغ می‌گویند و از مسیر حق جدایند.

﴿أَمۡ تَقُولُونَ إِنَّ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطَ كَانُواْ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰۗ قُلۡ ءَأَنتُمۡ أَعۡلَمُ أَمِ ٱللَّهُۗ وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَٰدَةً عِندَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ١٤٠﴾.

ای یهودیان! چرا به دروغ ادعا می‌کنید که ابراهیم ÷ و فرزندان و نوادگانش یهودی بوده‌اند در حالی که چنین پنداری دروغ و افتراست. و شما ای نصرانیان چرا ادعا می‌کنید که همۀ این‌ها نصرانی‌اند؟ چنین سخنی یک ادعا و دجل بدون دلیل و حجّت و برهان است. حق‌تعالی خبر می‌دهد که آن‌ها بر ملت حنیف ابراهیم ÷ بوده و اسلام دین تمام پیامبران است در حالی که شما با این سخن مخالفید! آیا شما بهتر می‌دانید؟ پروردگاری که آن‌ها را خلق و هدایت نموده و به پیامبری بر گزیده است؟!. خدا أ داناتر و صادق‌تر است و شما نادان‌تر و دروغگوترین اید!

چه کسی از شما مجرم‌تر است در حالی که شهادت خدا أ را بر خود مبنی بر ایمان به همۀ پیامبران و تمام کتاب‌های آسمانی را پنهان داشتید و همۀ این‌ها را تکذیب نمودید! شما حق را پنهان داشته و در شهادت دروغ گفتید! آگاه باشید که حق‌تعالی هرگز از این فعل بد شما غافل نیست بلکه او تمام این عملکردها را آمار می‌گیرد و بر آن برای شما بدترین کیفر را خواهد داد. و اینگونه هر که خدا أ علیه او باشد پس امیدش به چه کسی خواهد بود و آنکه خدا أ با او باشد از چه کسی خواهد ترسید؟

﴿تِلۡكَ أُمَّةٞ قَدۡ خَلَتۡۖ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَلَكُم مَّا كَسَبۡتُمۡۖ وَلَا تُسۡ‍َٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٤١﴾.

این کسانی که ذکرشان رفت، امتی هستند که گذشتند و کارشان تمام شد. شما مسئول احسان نیکوکار و بدی بدکار نیستید، پس نتیجه و ثمرۀ صلاح نیکوکار برای خود اوست و به شما چیزی نمی‌رسد و فساد بد کارشان نیز بر علیه خود او می‌باشد و بازهم به شما ربطی ندارد ولی این شمائید که در کردار خود دست به تجاوز می‌زنید و ما به هیچ‌کس حسنه‌ای را که انجام نداده نمی‌بخشیم چنان‌چه گناهی را که انجام نداده بر او حمل نمی‌نمائیم.

﴿۞سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمۡ عَن قِبۡلَتِهِمُ ٱلَّتِي كَانُواْ عَلَيۡهَاۚ قُل لِّلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ وَٱلۡمَغۡرِبُۚ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ١٤٢﴾.

به زودی جهّال یهود و نصاری خواهند گفت: چرا شما قبلۀ بیت المقدس را ترک کرده و به سوی خانۀ کعبه روی می‌آورید؟! آن‌ها همچنان ادعا می‌کنند که این عمل نشانۀ تردید و تحیّر مسلمانان است. حق‌تعالی در پاسخ به این سوال و ادعای آن‌ها بیان داشت که تمام جهات، مشرق باشد یا مغرب از آن خداست و پروردگار، خالق و آفریدگار همه است و به هر سویی که بخواهد بندگان خود را امر می‌کند تا به همان جهت روی آورند، پس چرا این جهّال چنین اعتراضاتی را از خود سر می‌دهند؟

توجیه مسلمانان به طرف خانه کعبه بنابر امر خدای‌تعالی صورت گرفته و او در این امر حکمت‌هایی را اراده دارد و چون کعبۀ مشرفه را ابراهیم ÷ صاحب ملت حنیف بنا نموده، بناء اولی و بهتر این است که مسلمانان هنگام نماز به طرف کعبه روی آورند. در ثانی، مسلمانان در هر حالی مطیع و فرمانبردار خداوند متعال أ اند خواه به طرف بیت المقدس روی آورند و یا به سوی کعبه و در چون این منهج و روش مسلمانان از جانب خداست بناء صحیح و درست می‌باشد.

این آیه دلالت بر آن دارد که: هر کس بر شریعت خدا أ اعراض کند در واقع سفیه و نادان است؛ آنکه چیزی را نداند با او از در دشمنی وارد می‌گردد؛ جاهل و نادان هرگاه پندار نادرست داشته باشد باید برایش راه درست و صحیح نشان داده شود؛ هر کس بر امور ثابت اعتراض کند، از لحاظ اعتقادی هلاک می‌گردد؛ تسلیم شدن در برابر اموری که حکمتش مخفی است نیز لازم و ضروری می‌باشد.

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَٰكُمۡ أُمَّةٗ وَسَطٗا لِّتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ وَيَكُونَ ٱلرَّسُولُ عَلَيۡكُمۡ شَهِيدٗاۗ وَمَا جَعَلۡنَا ٱلۡقِبۡلَةَ ٱلَّتِي كُنتَ عَلَيۡهَآ إِلَّا لِنَعۡلَمَ مَن يَتَّبِعُ ٱلرَّسُولَ مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِۚ وَإِن كَانَتۡ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَٰنَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ١٤٣﴾.

و ای مسلمانان! از جمله نعمت‌های خداوند أ این است که شما را امتی وسط و معتدل قرار داده، اعدالی که عادلانه‌ترین راه و سالم‌ترین آنست؛ در آن نه افراط است نه تفریط؛ نه بالاست و نه پائین. پس شما، هم از لحاظ اعتقادی در حد وسط قرار دارید و هم در عبادات، ایمان به پیامبران، اخلاق، آداب، سلوک و تمام شئون زندگی خود. در شما نه فسق یهود است نه رهبانیت نصارا؛ نه جنگ بر علیه پیامبران و نه پرستش آن‌ها بلکه شما پیروان آن‌ها می‌باشید. با توجه به همۀ این‌ها مسلمانان خوبانی هستند که در بین دو بدی قرار دارند و نجات یافتگانی‌اند که در بین دو هلاک شده واقع شده‌اند.

حق‌تعالی مسلمانان را امتی وسط، مختار و معتدل قرار داده تا بر مردم گواه و شاهد باشند؛ زیرا سخن آن‌ها پذیرفته شده و قضاوت‌شان نافذ است. آن‌ها در آنچه می‌‌گویند صادق و راستگو بوده و در قضاوت خود عدالت دارند و به زودی در روز قیامت بر علیه امت‌های که پیامبران را تکذیب کرده‌اند گواهی خواهند داد چون کسی که عادل باشد به علت دوری از موضع تهمت سخنش قبول و شهادتش پذیرفته می‌شود.

این امّت در حالت اجماع از خطا و اشتباه معصوم است از این‌روی اجماع آن حجّت بوده و هرگونه مخالفت با آن گمراهی و بغاوت است.

پیامبر اسلام ج که عادل‌ترین مردم و پیشوای تمام ائمه‌اند برای کسانی که از ایشان اطاعت کنند و همچنان بر علیه نافرمانان از امر خویش شهادت و گواهی خواهند داد، چنان‌چه این شهادت به روز پسین در حق سایر پیامبران و امت‌های‌شان نیز صورت خواهد گرفت و آنگاه که حق‌تعالی پیامبرش را امر فرمود تا به سوی بیت المقدس روی آورد و بعد از آن به سوی کعبه، چنین امر و تغییر و تحولی در امر قبله روی این دلیل بوده تا دانسته شود هر که از پیامبر ج اطاعت کند ثواب می‌گیرد و هر که نافرمانی نماید عذاب می‌شود؛ زیرا به حدّ کافی دلیل و برهان بر حقّانیت حضرت محمد ج ارائه شده و با این تغییر و تحول دانسته خواهد شد چه کسی در روی آوردن به طرف هردو قبله از ایشان اطاعت می‌کند و چه کسی با ایشان از دَر مخالفت دَرمی‌آید و از هوی و هوس پیروی نموده، دلیل و برهان را ردّ می‌نماید.

تغییر جهت پیامبر از بیت المقدس به طرف کعبه دشواری‌های را ایجاد نمود؛ زیرا حکمت این‌کار برای برخی واضح نشد و گروهی دیگر با آن از دَر حسادت دَر آمدند ولی کسی را که حق‌تعالی هدایتش کند در کمال رضا و رغبت تسلیم پروردگار خود می‌شود و به هر سویی که او امر کند روی می‌آورد و دست به اعتراض نمی‌زند و دچار حیرت و تردید نیز نمی‌شود خواه حکمت این امر برایش واضح گردد یا نگردد.

خداوند أ هیچگاه عمل مؤمنان و نمازشان را ضایع نمی‌سازد و سعی و تلاش‌شان را بی‌موجب باطل نمی‌گرداند، او حافظ و نگهبان ایمان آن‌هاست و هرگاه طاعتی انجام دهند در هدایت‌شان می‌افزاید و اگر گناهی مرتکب شوند برای‌شان دروازۀ توبه را باز نموده و اگر کسی از آنان را به مصیبتی دچار سازد این مصیبت را موجب پاکی شخص از گناه می‌سازد.

پس بندگان خدا أ همواره یا در نعمت باعث برشکر قرار دارند و یا بر گناهی که با استغفار زدوده می‌شود و یا بر مصیبتی که سبب محو گناهان خواهد بود و آنانی که به طرف بیت المقدس روی آورده‌اند و قبل از تبدیل قبله به طرف کعبه جهان فانی را وداع گفتند ایمان، عبادات و تلاشهای‌شان محفوظ و مشکور است.

این آیه دلالت بر آن دارد که عمل در مفهوم ایمان داخل است، چنان‌چه مسألۀ نسخ و وجوب قبول آن را و همچنان مسألۀ رحمت و مهربانی خدای را بر بندگانش به اثبات می‌رساند، رحمت و مهربانی که براساس آن، این بندگان را به آنچه دوست دارند از کوتاه‌ترین راه می‌رساند و مصیبت‌ها را از آنان دفع می‌کند و از نشانه‌های مهربانی او یکی هم اینست که بر گناه کار با قبول توبه، بر بیمناک با ایمن ساختن، با مصیبت زده با فرج و گشایش و بر صاحب سختی با آسانی و عفو مهربانی می‌کند و بر چنین کسی عقاب و عتابی نیز نخواهد بود.

﴿قَدۡ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجۡهِكَ فِي ٱلسَّمَآءِۖ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبۡلَةٗ تَرۡضَىٰهَاۚ فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَحَيۡثُ مَا كُنتُمۡ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ شَطۡرَهُۥۗ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعۡمَلُونَ ١٤٤﴾.

همانا خداوند أ پیامبر خود را مشاهده نموده که به طرف شرق و غرب روی می‌آورد و در انتظار و مشتاق امر او أ در توجه به سوی خانۀ کعبه است؛ زیرا ایشان می‌خواهند از قبلۀ ابراهیم ÷ آنگونه که در ملت حنیف و معتدل ایشان بوده پیروی نمایند.

حالا تو را به سوی قبله‌ای توجیه می‌نمائیم که دوست داری و آروزی می‌نمائی! پس به طرف مسجد الحرام، خانه ابراهیم و شهر خود روی آور و بر ملت تو نیز لازم است به قدر توان در هر جایی که باشند به طرف این خانه روی آورند.

اهل کتاب می‌دانند که تو در روی آوردن به طرف کعبه بر حقی؛ زیرا در کتاب‌های آن‌ها صادق معرّفی شده‌ای و صداقت تو از طریق پیامبران‌شان به آن‌ها بیان شده است ولی آن‌ها بنابر سرکشی و حسادتی که داشند از دَر تکبر و برتر بینی در برابر این امر موضع گیری کردند، حق‌تعالی اعمال آن‌ها را آمار می‌گیرد و تمام گفتار دروغین و اعمال بدشان را حفظ می‌نماید تا در سرای پاداش و عقاب به حساب‌شان رسیدگی کند و جزای‌شان را کف دست‌شان بگذارد.

﴿وَلَئِنۡ أَتَيۡتَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ بِكُلِّ ءَايَةٖ مَّا تَبِعُواْ قِبۡلَتَكَۚ وَمَآ أَنتَ بِتَابِعٖ قِبۡلَتَهُمۡۚ وَمَا بَعۡضُهُم بِتَابِعٖ قِبۡلَةَ بَعۡضٖۚ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم مِّنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ إِنَّكَ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٤٥﴾.

و اگر هر دلیل و برهانی را بر اهل کتاب ارائه کنی تا از قبله‌ات پیروی کنند، آن‌ها نخواهند پذیرفت، چون با تو و امّت تو حسادت دارند و آن‌ها مردمی سرکش و مستکبر اند و همواره بر دلیل و برهان اعتراض می‌نمایند و در برابر آن از دَر عناد داخل می‌شوند و تو نیز ای پیامبر ج هرگز قبلۀ آنان را پیروی نمی‌نمائی؛ زیرا حق با توست و تو بنده‌ای هستی که از جانب پروردگار خود مأموری و آن‌ها اهل باطل، گمراهی و پیرو هوی و هوس اند. همچنان خود اهل کتاب نیز نظر به حسادت و سرکشی در برابر حق از قبلۀ یکدیگر خویش نیز پیروی نمی‌نمایند چه رسد به قبلۀ تو، پس از هوی و هوس‌های باطل آنان بر حذر باش؛ زیرا آن‌ها حق را ترک کرده و از هوی پیروی نموده‌اند و اما تو بر علم و دانش واضح و آشکار و یقینی راسخ از سوی پروردگار خویش هستی و اگر باطل را بر حق ترجیح دهی و هوی را بر هدایت و برهان برتری دهی! در چنین حالتی تو هم از زمرۀ کسانی خواهی بود که حقایق و براهین را تغییر می‌دهند و ردّ می‌کنند.

پیامبر ج هرگز چنین کاری را نخواهند کرد ولی حالا که ایشان اینگونه هشدار می‌شوند پس به طریق اولی این تحذیر و هشدار بر پیروان‌شان نیز خواهد بود طوری که هر کس از چنین کسانی پیروی کند در زمزۀ آن‌ها خواهد بود و با آن‌ها محشور خواهد گردید.

﴿ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَعۡرِفُونَهُۥ كَمَا يَعۡرِفُونَ أَبۡنَآءَهُمۡۖ وَإِنَّ فَرِيقٗا مِّنۡهُمۡ لَيَكۡتُمُونَ ٱلۡحَقَّ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٤٦﴾.

یهودیان و نصرانیان پیامبر ج را آنگونه می‌شناسند که یک انسان فرزند خود را می‌شناسد، زیرا آن‌ها در کتاب‌های خود اوصاف ایشان را خواندند ولی گروهی از روی سرکشی و حسادت ایشان را تکذیب کردند و اوصاف‌شان را پنهان داشتند، در حالی که می‌دانند حضرت محمد ج پیامبری از جانب خداست و گروهی دیگر به ایشان ایمان آوردند و تصدیق‌شان نمودند، کسی که عالم باشد و علم خود را کتمان کند چنین شخصی گنهکار است زیرا قصداً از فهم حق سر باز زده است.

﴿ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ ١٤٧﴾.

ای محمد! وحیی که به سوی تو از سوی پروردگارت نازل شده حق است زیرا دلائل و براهین و بیان آن واضح و آشکار است پس به آن چنگ بزن و مردم را به سوی آن دعوت کن و هیچگاه شک به خود راه نده که تو بر حقی واضح و آشکاری و دشمنانت گمراه‌اند.

﴿وَلِكُلّٖ وِجۡهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَاۖ فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ أَيۡنَ مَا تَكُونُواْ يَأۡتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٤٨﴾.

و برای هر امتی قبله‌ای است که به سوی آن روی می‌آورد، این قبله گاهی با نسخ دستخوش تغییر و تبدیل می‌شود اما مسألۀ بزرگ و مهم وجود شریعتی است که حامل خوبی‌ها و بازدارندۀ بدیها‌ست و باید در عمل به آن مسابقه صورت گیرد.

مسابقه در خوبی‌ها عبارت از سرعت بخشیدن و رقابت در ادای شریعت بر وجهی است که تمام ارکان، شروط، سنن و آداب آن تحقق پیدا کند. واژۀ «خیرات» اسمی است که شامل هر عمل مشروع و انجام هر کار نیکو واخلاق بزرگ است، سپس حق‌تعالی ذکر نمود که به زودی همه آن‌ها را از گوشه و کنار جمع می‌کند تا به جزای اعمال‌شان در سرای آخرت آن‌ها برساند و او بر این اساس نیکوکاران را ثواب می‌دهد و بدکاران را عذاب می‌نماید؛ زیرا حق‌تعالی قادر و توانائی است که هیچ چیز نمی‌تواند او را از انجام کاری عاجز سازد، خداوند أ موجودی برتر است که قهر می‌کند، قضاوت می‌نماید و تقدیر همه چیز از جانب اوست و اوتعالی بر تمام اسرار آگاه و داناست و پوشانندۀ آن است، خداوند عزیز و غالب است و گناهان را می‌بخشد.

﴿وَمِنۡ حَيۡثُ خَرَجۡتَ فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۖ وَإِنَّهُۥ لَلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ١٤٩﴾.

در هر جائی که قرار داری، خواه در سفر یا اقامت، در نماز خود به سوی کعبۀ مشرفه روی آور؛ زیرا این امر خدا و حق است و باطل را در آن راه نیست، یقینی است که شکی در آن وجود ندارد و تو در این زمینه بر هدایتی چون به امتثال امر خالق متعال پرداختی و همانگونه که خدا أ را در ظاهر از طریق روی آوردن به طرف کعبه اطاعت می‌کنید، همان سان او را در باطن از طریق مراقبت از او اطاعت کنید؛ زیرا حق‌تعالی از اعمال شما غافل نیست او به زودی شما را محاسبه خواهد کرد، اگر عمل‌تان خوب و شایسته بود پاداش خوب به می‌دهد و اگر نه جزای بد دریافت خواهید داشت.

﴿وَمِنۡ حَيۡثُ خَرَجۡتَ فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَحَيۡثُ مَا كُنتُمۡ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ شَطۡرَهُۥ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيۡكُمۡ حُجَّةٌ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ فَلَا تَخۡشَوۡهُمۡ وَٱخۡشَوۡنِي وَلِأُتِمَّ نِعۡمَتِي عَلَيۡكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ١٥٠﴾.

در اینجا حق‌تعالی به تکرار امر خویش مبنی بر لزوم روی آوری به طرف کعبه می‌پردازد تا از این طریق هرگونه شک، شبهه و حیرت را برطرف سازد؛ زیرا تغییر قبله کاری بود که در این زمینه دشواری‌هایی را برای بعضی ایجاد کرد و تا این تکرار ردّی باشد بر اهل کتاب و مشرکان که ادعا می‌کردند حضرت محمد ج از روی هوی و هوس دست به تغییر قبله زده است.

توجه پیامبر ج به سوی کعبه بر این استدلال یهودیان نیز نقطۀ پایان گذاشت که می‌گفتند: محمد با دین ما مخالفت می‌کند ولی از قبلۀ ما پیروی می‌نماید؛ چنان‌چه نقطۀ پایانی بر این استدلال مشرکان نیز هست که می‌گفتند: محمد به پیروی از ملت ابراهیم ÷ فرا می‌خواند ولی روی به سوی قبله‌اش نمی‌نماید. با این‌حال ستمگرانی نیز هستند که بی‌موجب، دلیل و برهان را ردّ می‌نمایند، این‌ها پیروان هوای نفس اند که هیچ راهی به منظور اقناع آن‌ها وجود ندارد، از چنین کسانی نباید ترسید چون این‌ها در باطل قرار دارند و اهل باطل به علت نداشتن دلیل و مخالفت با عقل و نقل همواره خوار و ذلیل‌‌اند.

حق‌تعالی در تغییر قبله ارادۀ اقامۀ حجّت و برهان را دارد و می‌خواهد با هدایت و ارشاد پیامبر ج به سوی قبله‌ای که تمایل دارد نعمت خود را کامل سازد همانگونه که ایشان را به سوی ملتی رهنمود کرد که به آن تمایل داشت. اینکه شما از امر خدا أ اطاعت کردید نوعی هدایت برای شماست زیرا کسی که حق را بداند و به آن عمل کند حق‌تعالی در ایمانش می‌افزاید و او را با نعمت بهشت و رضوان خویش ویژگی می‌بخشد.

﴿كَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِيكُمۡ رَسُولٗا مِّنكُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمۡ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمۡ تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ ١٥١﴾.

و همانگونه که بر شما با تغییر قبله نعمت دادیم، قبل از آن نیز نعمت پیامبر اسلام ج را برای‌تان ارزانی داشتیم، پیامبری که دارای شریعت است. شما صدقش را می‌دانید و او به شما وحی و حکمت را می‌آموزد و با دین خویش همۀ‌تان را از هر پلیدی و نجاست پاک می‌کند و دل‌های‌تان را از هر نوع شرک، شک، شبهه و شهوت تصفیه و اخلاق‌تان را تهذیب می‌نماید. او ضمن آموزش احکام کتاب و سنت، شما را در جریان برخی امور از دین و دنیا و امور پوشیدۀ گذشته و آینده قرار می‌دهد که قبلاً نمی‌دانستید.

﴿فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ ١٥٢﴾.

و چون نعمت دهنده تنها منم پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، هر که مرا در نهاد خود یاد کند من نیز با او چنین می‌کنم و اگر در ملأ عام یادم کند من نیز او را در ملأ عام بهتری یاد خواهم کرد.

اگر در فضیلت ذکر شرفی جز این نمی‌بود واقعاً همین حد کافی بود. در مفهوم ذکر، یاد خدا أ در عبادت و در آسودگی‌ها و آسایش‌ها نیز داخل است که این یاد را اوتعالی با ثواب و باد یاد در سختی‌ها و مشقت‌ها پاسخ می‌دهد.

در ادامه پروردگار متعال بندگان خود را امر می‌کند تا او را به خاطر نعمت‌هایش از جمله هدایت که دارای لوازمی مانند علم نافع و عمل صالح و شایسته است شکر کنند، روی این اساس هر نعمتی خواه پوشیده باشد یا ظاهر و آشکار، بزرگ باشد یا کوچک از سوی خداست و اگر کسی او را در قلب، زبان و یا جوارح خود یاد کند مستحق ازدیاد نعمت می‌شود و هر که کفران کند زیانمند شده است، بنابراین، ذکر و شکر دو اصل بزرگ است که عبادت حقیقی بر آن‌ها استوار می‌باشد و با همین ذکر، دوستی خدا با بندگانش بزرگ و رعایت او نسبت به آن‌ها مداوم می‌گردد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٥٣﴾.

ای مؤمنان! بر طاعت خدای خود از صبر و نماز استعانت بجوئید تا سختی‌‌ها بر شما آسان گردد، زیرا از طریق صبر انسان می‌تواند به محبوب و مطلوب خود دست یابد و با نماز هر گناهی دفع می‌شود. صبر انسان را به سوی اموری می‌کشاند که همه‌اش خوبی و نیکی است و نماز انسان را از فحشا و منکر بازمی‌دارد و بدانید که خداوند با صابران است، آنان را حفظ و تائید می‌کند و از خطا و اشتباه محفوظ می‌دارد، چقدر این معیت الهی و رعایت ربانی شریف و بزرگ است!!

﴿وَلَا تَقُولُواْ لِمَن يُقۡتَلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتُۢۚ بَلۡ أَحۡيَآءٞ وَلَٰكِن لَّا تَشۡعُرُونَ ١٥٤﴾.

و چون در آیۀ گذشته حق‌تعالی مؤمنان را امر به صبر نمود در اینجا آنان را به کاری امر می‌کند که بر انسان دشوار است، این کار جهاد در راه خداست، تا کلمه‌اش بلند باشد. کسی که در این راه کشته شود مرده نیست بلکه دارای زندگی مخصوص و در جوار پروردگار خود غرق نعمت است و با قرب او انس می‌گیرد و با رضوانش رستگار می‌گردد، چقدر این زندگی بزرگ و با عظمت است و چه عاقبتی نیکوست این؟!.

و اینگونه روح انسان باید در چنین راهی فدا شود، راهی که حق‌تعالی مرگ را به واسطه آن زندگی قرار داده است. مقدم شمشیر در راستای کسب رضای او خوش باد و شما ای مردم زندگی، نعمت و راحت چنین کسانی را نمی‌دانید، مرده آنست که قلبش با گناه بمیرد و از اطاعت حق‌تعالی منحرف شود.

﴿وَلَنَبۡلُوَنَّكُم بِشَيۡءٖ مِّنَ ٱلۡخَوۡفِ وَٱلۡجُوعِ وَنَقۡصٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِۗ وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٥٥﴾.

شما را حتماً با مقداری از مصیبت و سختی آزمایش می‌کنیم تا راستگو از دروغگو تمیز شود، مصیبت‌های مانند ترس از دشمن، کمبود مواد غذائی، از بین رفتن مال و سرمایه، سیه روزی، مردن دوستان و اقارب، از بین رفتن میوجات و درختان؛ همۀ این‌ها مایۀ آزمایش شما در سرای دنیوی است زیرا دنیا سرای قرار و ثبات نمی‌باشد. در چنین گیروداری جز صبر چیز دیگری به حال شما فایده‌ای ندارد، کسی که صبر کند پیروز خواهد بود و حق‌تعالی پاداشش را بدون حساب می‌دهد و به ثواب بلندی دست پیدا می‌کند و ملائکه از هر سوی و بری بر او وارد می‌شود.

﴿ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةٞ قَالُوٓاْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ ١٥٦﴾.

این مؤمنان هرگاه بر آنان مصیبتی نازل شود می‌گویند ما بندگان خدا أ و مملوک او هستیم، اوتعالی در ما به گونه‌ای که بخواهد حکم می‌کند، سختی باشد یا آسانی! و ما تحت تدبیر، تصرّف و تقدیر او قرار داریم و به زودی به سوی حق‌تعالی بازمی‌گردیم تا با ما محاسبه کند، کسی که صبر کند مستوجب پاداش می‌شود و آنکه داد و فریاد و بی‌قراری کند عذاب خواهد شد، به این ترتیب صبر کننده مرحوم و بی‌صبر محروم می‌باشد.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ عَلَيۡهِمۡ صَلَوَٰتٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَرَحۡمَةٞۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُهۡتَدُونَ ١٥٧﴾.

این صابران از سوی ستودۀ بزرگ، ستایش و تمجید می‌شوند و برای‌شان رحمت و رضوان خدا أ است، زیرا این‌ها با شکر در برابر نعمت و صبر در برابر مشکلات به سوی پروردگار خود هدایت شدند. روی این اساس «صلوات» یا همان مغفرت و ستایش حق‌تعالی در حق آنان به عنوان تاج قبول و پذیرش است و «رحمت» ایمن شدن از زیان و خسران می‌باشد و هدایت توفیق رهنمون شدن به سوی راست‌ترین راه‌هاست.

﴿۞إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِۖ فَمَنۡ حَجَّ ٱلۡبَيۡتَ أَوِ ٱعۡتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَاۚ وَمَن تَطَوَّعَ خَيۡرٗا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ١٥٨﴾.

همانا صفا و مروه از جملۀ مناسک حج است بنابراین بر حجاج و معتمرین لازم است بین آن دو هفت بار سعی کنند. علت این امر پروردگار آنست که برخی از صحابه نظر به سعی مشرکان در بین صفا و مروه بیم مشابهت با آنان را داشتند.

حق‌تعالی در این آیه خبر می‌دهد که این سعی عملی مشروع است و بین عمل مؤمنان و مشرکان تفاوت بزرگی وجود دارد؛ زیرا مؤمنان به نیّت عبادت سعی می‌کنند در حالی که مشرکان به منظور عبادت بت‌ها. اینکه سعی را مقید به حج و عمره نموده چون این عمل فقط در حج و عمره مشروع است در حالی که طواف چنین نیست و یک انسان مؤمن هر وقتی خواسته باشد می‌تواند طواف کند.

این آیه دلالت بر آن دارد که: اعمال انسان منوط به نیّت اوست؛ ما نباید چیزی از دین خود را بیم مشابهت با کفار ترک کنیم ولو آن عمل را کفار و مشرکان نیز انجام دهند؛ صحابه در دور بودن از اعمال جاهلیت حریص بودند؛ حق‌تعالی شکر گذار کسی است که عمل صالح انجام می‌دهد خواه کوچک باشد یا بزرگ؛ اوتعالی به مجرد نیّت پاداش می‌دهد و در حسنات انسان می‌افزاید و ثواب طاعات و عبادات را مضاعف می‌سازد و ثمرۀ این طاعات و عبادات را از طریق ایجاد فهم در ذهن، عافیت در بدن، نیکی در اخلاق، برکت در رزق و روزی مطابق با نیّت و سعی انسان اعاده می‌نماید؛ زیرا حق‌تعالی ارزش هر کسی و میزان استحقاقش را می‌داند، روی این اساس هر عطیه‌ای بنابر حکمت صورت می‌گیرد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡتُمُونَ مَآ أَنزَلۡنَا مِنَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلۡهُدَىٰ مِنۢ بَعۡدِ مَا بَيَّنَّٰهُ لِلنَّاسِ فِي ٱلۡكِتَٰبِ أُوْلَٰٓئِكَ يَلۡعَنُهُمُ ٱللَّهُ وَيَلۡعَنُهُمُ ٱللَّٰعِنُونَ ١٥٩﴾.

هر کسی حق را پنهان کند خواه از اهل کتاب باشد یا از میان این امت، ملعون است. این حق شامل تمام نشانه‌هایی نیز می‌شود که دلالت بر حق دارند، حقی که از سوی خدا أ بر پیامبر ج نازل شده است.

یا منظور کتمان علم نافعی است که انتشار آن از طریق فتوا، قضاوت و یا شهادت واجب است. کسی که چنین کند از رحمت خدا أ طرد می‌شود و لعنت خلایق نیز بر او صورت می‌گیرد؛ زیرا او به مولای خود خیانت کرده و هدیه‌اش را پنهان داشته و با بندگانش از دَر تزویر وارد و دلیل را پنهان و بهتان را آشکار ساخته و حق پوشی را شعار خود ساخته است. پس همانگونه که هر چیزی بر معلم خیر و خوبی درود می‌فرستد همان‌سان بر پنهان کنندۀ حق نیز هر چیزی لعنت می‌فرستد، این جزایی است کاملاً موافق و برابر.

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ وَأَصۡلَحُواْ وَبَيَّنُواْ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَتُوبُ عَلَيۡهِمۡ وَأَنَا ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ١٦٠﴾.

مگر آنانی که از آنچه مرتکب شدند باز گردند و از اسراف توبه نموده بر عملکرد خویش نادم و پشیمان شوند و تصمیم قاطع بگیرند تا دو باره به چنین اعمالی مبادرت نکنند بلکه به درگاه حق‌تعالی عذر آورده فسادی را که مرتکب شده‌اند اصلاح نمایند و حقایق را اظهار کنند، پروردگار توبۀ چنین کسانی را قبول می‌کند و از سر تقصیرات‌شان دَرمی‌گذرد؛ زیرا اوتعالی توبه پذیر است طوری که هرگاه بندگانش توبه کنند پاسخ آنان را با عفو و گذشت می‌دهد و اگر به سوی او رجوع کنند با آن‌ها احسان می‌کند و چون پروردگار مهربان است کسی را که ببخشد عذاب نمی‌کند؛ بلکه با او احسان می‌نماید و او را غرق رحمت خویش می‌سازد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَمَاتُواْ وَهُمۡ كُفَّارٌ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَيۡهِمۡ لَعۡنَةُ ٱللَّهِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ ١٦١﴾.

کسی که کافر شود و بر کفر بمیرد چنین شخصی مستوجب لعنت دائمی از سوی خدا، ملائکه، و تمام مردم است.

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ١٦٢﴾

کسی که کافر بمیرد بر او لعنت دائمی توأم با جاودانگی در دوزخ خواهد بود و به هیچ وجه در عذاب او تخفیف نخواهد بود؛ بلکه همواره بر عذابش افزوده می‌شود و این عذاب به تعویق نمی‌افتد. برای چنین کسی پروردگاری است منتظر. عذاب این شخص جاودانه و بدون انقطاع و بدون تخفیف است.

﴿وَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ١٦٣﴾.

ای مردم! خدای شما خدائی است که در ذات، صفات، اسم‌ها و افعال خود یکتاست و هیچ شبیه و مانندی برای او نیست: ﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ١١﴾ مانند او هیچ چیزی نیست و او شنوا و بیناست [الشوری: 11].

معبود حقیقی و خدایی که مستحق عبادت باشد جز او وجود ندارد و از جملۀ دلائل وحدانیت حق‌تعالی یکی هم این است که رحمان و رحیم است، رحمان بودن او تمام مخلوقات را دربر می‌گیرد چون او بخشندۀ تمام خوبی‌ها و برکت‌ها و دور کنندۀ تمام عذاب‌هاست و رحیم بودنش مخصوص اولیا و دوستانش است، او هدایت خود را بر آنان ارزانی می‌دارند و آن‌ها را در راستای جلب رضایت خویش موفق می‌سازد و آنچه را دوست ندارند از آنان دور می‌نماید. خدایی که دارای چنین مواصفاتی است تنها او مستحق این است که عبادت شود.

﴿إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱلۡفُلۡكِ ٱلَّتِي تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِمَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن مَّآءٖ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٖ وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلۡمُسَخَّرِ بَيۡنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ١٦٤﴾.

همانا در آفرینش آسمان‌ها، ارتفاع و وسعت آن‌ها، خورشید، ماه، ستارگان و کهکشان‌ها نشانه‌های واضح و آشکاری است بر عظمت آفریدگار متعال و حکمت او و شاهدی بر ربوبیتش می‌باشد. و در آفرینش زمین، گستردگی آن، کوه‌ها، دره‌ها و وادی‌های آن دلیلی بر عجیب بودن صنعت خدایی است که لطیف و باخبر است.

همانا در اختلاف شب و روز اینکه پی‌درپی می‌آیند و کوتاهی و بلندیی که دارند، پیامی رَسا برای هر عاقلی مبنی بر عظمت ایجاد‌گر و بزرگی صانع آن می‌باشد.

همانا در کشتی‌های بزرگ که وزن بسیاری از آهن، مردم و مواد عذائی را بر روی آب حمل می‌کنند، الهام شگفت انگیزی بر الوهیت خدای غالب و جبار است.

همانا در نازل شدن آب از آسمان و بارش آن بر زمین و بیرون شدن سبزه زارها و درختان دلیلی روشن و قاطع بر کامل بودن قدرت و حکمت پروردگار بزرگ و پادشاه مهربان است.

همانا تنوع مخلوقات اعم از انسان و تفاوت زبانی که دارند، حیوانات، پرندگان، جنبندگان با رنگ‌ها و اشکال گوناگونی که دارند کتابی است گشوده بر هر صاحب خرد و سیاحتی است مفصل برای هر متفکری.

همانا در وزیدن بادها از هر جهت، در حالت سرعت و آرامی، نافع و ضرر آلود، دارای رعد و برق و بدون آن، سرد و گرم، آگاهی الهام بخش و پیام مهمی برای کسی است که به عقل و خرد خود احترام دارد و قدر انسانیت خود را می‌داند، می‌داند چه کسی این پدیده‌ها را ایجاد نموئده و فرستاده است.

ابرهای کوه مانند حامل مقادیر زیادی از آب در بین آسمان و زمین قرار دارند، اینکه چگونه از این ابرها باران می‌بارد، این‌ها چگونه عبور و مرور می‌کنند، منتشر شده و متراکم می‌شوند، بالا و پائین می‌روند، در همۀ این‌ها بیانی واضح و آشکار بر حکمت پادشاه بر حق می‌باشد و بیان می‌دارد که تنها او مستحق عبادت و برستش است. تمام این نشانه‌ها برای کسی است که دارای عقل عبرت پذیر است، جاهل منکر و تکذیب‌‌گر که بصیرتش کور و قلبش سقوط نموده از این نشانه‌ها در پرده و حجاب قرار دارد.

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادٗا يُحِبُّونَهُمۡ كَحُبِّ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِۗ وَلَوۡ يَرَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِذۡ يَرَوۡنَ ٱلۡعَذَابَ أَنَّ ٱلۡقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعٗا وَأَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعَذَابِ ١٦٥﴾.

و از مردم کسانی هستند که نظر به کفر، جهل و نادانیی که دارند غیر خدا أ را پرستش می‌کنند و آن‌ها را شریک وی قرار داده و آنگونه دوست می‌دارند که خدای خالق و رازق را. این عمل‌شان از روی عناد و الحاد است، ولی مؤمنانی که حقیقت را شناختند و در بهترین راه گام برداشتند، این‌ها خدا أ را بیشتر از محبت کفار نسبت به بتها دوست دارند. این مؤمنان پیامبران را تصدیق نموده و به کتاب‌های‌شان ایمان آوردند و در راه خدا أ جهاد کردند و اگر این کفار بدکار، عذاب را در آتش دوزخ ببینند، یقیناً پدیدۀ وحشتناکی را ملاحظه خواهند نمود و به عظمت خدای‌تعالی و سزاواریش هنگامی پَی می‌برند که نه پَی بردن و نه پشیمانی سودی ندارند و در آن هنگام قوت و نیروی حق‌تعالی و عذاب و انتقامش را به خوبی مشاهده خواهند کرد.

﴿إِذۡ تَبَرَّأَ ٱلَّذِينَ ٱتُّبِعُواْ مِنَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُواْ وَرَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَ وَتَقَطَّعَتۡ بِهِمُ ٱلۡأَسۡبَابُ ١٦٦﴾.

در آن زمان آنانی که پیروی شدند از پیروان جاهل خود تبرئه و بیزاری می‌جویند و به این ترتیب رؤسا، پیروان نادان و کودن خود را رها می‌کنند؛ زیرا آن‌ها عذابی را مشاهده می‌نماید که هیچ‌کس تاب و طاقت آن را ندارد و تمام اسباب مادی و حَسب و نَسب و منافع و روابطی که معمولاً در بین انسان‌ها وجود دارد در آن روز از میان آن‌ها کلاً و تماماً برچیده می‌شود.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُواْ لَوۡ أَنَّ لَنَا كَرَّةٗ فَنَتَبَرَّأَ مِنۡهُمۡ كَمَا تَبَرَّءُواْ مِنَّاۗ كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ ٱللَّهُ أَعۡمَٰلَهُمۡ حَسَرَٰتٍ عَلَيۡهِمۡۖ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنَ ٱلنَّارِ ١٦٧﴾.

اینجاست که پیروان، آرزو می‌کنند ای کاش بار دیگر به دنیا بازمی‌گشتند تا از رهبران و زعمای گمراه خود کناره گیری می‌نمودند و از آن‌ها بیزاری می‌جستند همانگونه که آن‌ها در آن روز از آن‌ها بیزاری جستند ولی هیهات که حساب و کتاب گذشته است و عذاب تحقق پیدا نموده تا از آن، هم رئیس گمراه‌گر جزای گمراه‌گری خود را بچشد و هم پیروان مقلد و نادان جزای تقلید کورکورانه خود را و به این ترتیب برای همه قبح و زشتی عملکردهای‌شان واضح و آشکار شود، اعمال بدی که همه مایۀ ندامت، حسرت، و داد و بیداد است.

در آن روز نه شفاعتگری است که شفاعتش نفعی داشته باشد و نه دوستی که بتواند از انسان چیزی را دفع کند بلکه عذاب دردناک و ذلّت دائم در جاودانگی ابدی و بقای همیشگی با انسان خواهد بود.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ كُلُواْ مِمَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٌ ١٦٨﴾.

ای مردم! از روزیی که پروردگارتان به شما از زمین بیرون نموده است البته با به دست آوردن آن از راه‌های حلال بخورید، و آنچه را از راه‌های حرام مانند: غصب، سرقت، سود و رشوت و امثال این‌ها کسب کردید در حالی که در اسلام از آن‌ها نهی به عمل آمده نخورید و به پلیدی‌هایی مانند خود مرده، خون، گوشت خوک و آنچه حق‌تعالی از آن بازداشته نزدیک نشوید، بلکه همواره به دنبال پاک و حلال باشید؛ زیرا گرفتن غذا به اندازۀ که حیات‌تان حفظ شود واجب و لازم است و از این بر حذر باشید که در تحلیل و تحریم از روش‌های شیطان پیروی کنید بلکه باید از آنچه استفاده کنید که خدای رحمان به شما مشروع نموده است؛ چون شیطان دشمنی است که انسان را جز به شر و فرومایگی امر نمی‌کند و جز از خیر نهی نمی‌نماید.

عداوت شیطان و مکر و حیله‌اش کاری است که کاملاً واضح و آشکار است.

﴿إِنَّمَا يَأۡمُرُكُم بِٱلسُّوٓءِ وَٱلۡفَحۡشَآءِ وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ١٦٩﴾

شیطان انسان را جز به بدی مانند: ظلم، تجاوز، سرکشی، فحشا و کارهای بدی مانند: زنا و شُرب خمر امر نمی‌کند. بَدی آنست که انسان را بَدکار سازد و فحشا آنست که در بین مردم بَد باشد و از عرف و قیاس آن‌ها بیرون گردد. و از جمله اموری که شیطان شما را بر آن امر می‌کند سخن گفتن دربارۀ حق‌تعالی براساس جهل و نادانی است نه علم و دانش، مانند نسبت دادن همسر و فرزند به خدا أ و بحث و مباحثه دربارۀ ذات او و تحریف اسم‌ها و تأویل صفاتش و یا تغییر آیات الهی و حلال و حرام ساختن چیزی بدون یک مبنای علمی و علاوه کردن اموری در شرع که از جمله آن نیست.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلۡ نَتَّبِعُ مَآ أَلۡفَيۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ كَانَ ءَابَآؤُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ شَيۡ‍ٔٗا وَلَايَهۡتَدُونَ ١٧٠﴾.

و هرگاه برای این مشرکان از باب نصیحت گفته شوئد که از هدایت و ارشادی که بر پیامبر ج نازل شده پیروی کنید آن‌ها این نصیحت را رد می‌نمایند و نمی‌پذیرند و می‌گویند بلکه ما از اموری پیروی می‌نمائیم که پدران خود را بر آن یافتیم. برای آن‌ها گفته می‌شود اگرچه پدران‌تان مردمانی نادان و غبی باشند؟! و عقلی که آن‌ها را از گمراهی باز دارد و هدایتی که آن‌ها را به سوی طاعت خدای ذوالجلال رهنمون شود نداشته باشند؟!

این مشرکان راه درست مطابق عقل و در پَرتَو نقل را از دست داده‌اند.

﴿وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ كَمَثَلِ ٱلَّذِي يَنۡعِقُ بِمَا لَا يَسۡمَعُ إِلَّا دُعَآءٗ وَنِدَآءٗۚ صُمُّۢ بُكۡمٌ عُمۡيٞ فَهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ ١٧١﴾.

و مَثل این کفار در بهره نبردن از متون وحی و انوار شریعت مانند چوپانی است که بر گوسفندان خود فریاد می‌دارد در حالی که آن‌ها آواز وی را می‌شنوند ولی مفهوم آن را درک نمی‌نمایند. کفار نیز چنین‌اند، الفاظ را می‌شنوند ولی معنی را نمی‌فهمند، بصیرت از آن‌ها گرفته شده از این‌روی در حیرت و سرگردانی به سر می‌برند، در آن‌ها عامل بازدارندۀ عقل و نقل نیست، آن‌ها از شنیدن هدایت کَر اند و از گفتن حق گنگ و از دیدن صواب و راه درست کور می‌باشند، از این‌روی مانند چهارپایان زندگی می‌کنند و همچون پرندگان این طرف و آن طرف می‌پرند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِلَّهِ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ١٧٢﴾.

مادامی که کفار در عبادت و طعام خویش به بیراهه رفته و بت‌ها را پرستیدند و حرام خوردند پس شما ای مؤمنان از روزی‌های پاکیزه بخورید و پروردگار زمین و آسمان‌ها را شکر کنید.

در اینجا حق‌تعالی بندگان خود را امر می‌کند تا اگر او را عبادت و در برابر او سجده می‌کنند باید از پاکیزگی‌ها بخورند و شکر نعمت دهنده را بر جای آورند.

این آیه دلالت بر اباحت پاکیزگی‌ها و استعانت از آن بر طاعات و عبادات، بدون هرگونه اسراف و تجاوز دارد، چنان‌چه وجوب شکر و دوام آن، مسأله دیگری است که از این آیه به دست می‌آید.

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحۡمَ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ بِهِۦ لِغَيۡرِ ٱللَّهِۖ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ١٧٣﴾.

سپس پروردگار محرمات را نظر به قلت آن‌ها یادآور می‌شود و در خصوص مباحات سکوت می‌نماید؛ زیرا مباحات بسیار زیاد اند.

در این راستا مؤمنان را از خود مرده‌ای که ذبح نشود، خون نظر به ضرری که بر انسان دارد، گوشت خوک چون نجس است و تأثیر بدی بر اخلاق دارد، هر چیزی که در پای بت‌ها، اولیا و شیطان ذبح شود، نهی فرموده مگر در حالتی که انسان به چنین پدیده‌هایی نیاز مبرم و حیاتی داشته باشد که در چنین حالتی برای چنین شخصی مجاز است به اندازه‌ای که جان خود را نجات دهد از این محرمات استفاده کند؛ زیرا ضرورت‌ها محذورات را مباح می‌سازد.

حق‌تعالی در چنین حالتی استفاده از پدیده‌های یاد شده را نظر به رحمت و مغفرتی که دارد مباح نموده، خدایی که از گناهان بدون عقاب دَرمی‌گذرد و پاسخ توبه کننده را با ثواب می‌دهد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡتُمُونَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَيَشۡتَرُونَ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلًا أُوْلَٰٓئِكَ مَا يَأۡكُلُونَ فِي بُطُونِهِمۡ إِلَّا ٱلنَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ١٧٤﴾.

آنانی که پنهان می‌دارند حقی را که خدا أ نازل نموده و آن را به منظور به دست آوردن جیفۀ ناچیز دنیا و ملایمت با بت‌ها و یا ترس از حُکّام و یا به منظور رسیدن به مقام و منزلت اعلان نمی‌نمایند، جزای چنین کسانی لعنت و ذلّت است؛ زیرا آنچه آن‌ها در بدل کتمان حق خورده‌اند، حق‌تعالی در روز قیامت آن را در شکمهای‌شان تبدیل به آتش می‌کند، جزایی کاملاً مطابق با عملکردشان و به منظور اهانت بیشتر، پروردگار با آن‌ها سخن نمی‌گوید و از آن‌ها اعراض می‌نماید و گناهان‌شان را نمی‌زاید، چون آن‌ها با چنین اعمالی باری از بدی‌ها و عیب‌ها را بر دوش خود حمل کرده‌اند از این‌روی برای آن‌ها عذابی است دردناک.

در این آیه اثبات صفت کلام به خداوند أ نیز می‌باشد.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡعَذَابَ بِٱلۡمَغۡفِرَةِۚ فَمَآ أَصۡبَرَهُمۡ عَلَى ٱلنَّارِ ١٧٥﴾.

این کفار تکذیب کننده، هدایت را فروخته و در بدل آن گمراهی را خریده‌اند؛ زیرا بر آن‌ها جهالت و کودنی چیره شده، از این‌روی عذاب دوزخ را بر مغفرت پروردگار بخشاینده ترجیح داده‌اند. چه چیزی آن‌ها را در برابر عذاب صبور می‌سازد؟! چگونه می‌‌توانند عذابی را که در آن سوختن و سختی است و طاقت فرساست تحمل کنند.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ نَزَّلَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّۗ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخۡتَلَفُواْ فِي ٱلۡكِتَٰبِ لَفِي شِقَاقِۢ بَعِيدٖ ١٧٦﴾.

چنین عذابی را از این‌روی می‌چشند که به کتاب واضح و آشکار کفر ورزیده و حقی را که از جانب پروردگار عالمیان آمده است را تکذیب کرده‌اند. و مادامی که خداوند أ قرآن را به حق نازل فرموده پس کاملاً بر حق خواهد بود که برای نیکوکار ثواب دهد و برای بدکار عذاب. و آن دسته از یهودیان و نصرانیان که به بعضی از آیات کتاب ایمان آورده و به برخی دیگر کفر ورزیده‌اند، از خدا أ دور و در بین خویش همواره نزاع داشته و قلبهای‌شان نیز از هم جداست و در اختلاف به سر می‌برد؛ زیرا زمانی که در بین آیات کتاب تفاوت ایجاد کردند حق‌تعالی نیز جمع آن‌ها را از هم گسست و از حقیقت دورشان نمود، از این‌روی مستحق عذاب شدند.

﴿۞لَّيۡسَ ٱلۡبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ قِبَلَ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلۡكِتَٰبِ وَٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ وَءَاتَى ٱلۡمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِي ٱلرِّقَابِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلۡمُوفُونَ بِعَهۡدِهِمۡ إِذَا عَٰهَدُواْۖ وَٱلصَّٰبِرِينَ فِي ٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلۡبَأۡسِۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُتَّقُونَ ١٧٧﴾.

مسأله، تنها موضوع توجه به طرف یکی از جهات در مشرق یا مغرب نیست، بلکه قضیه بزرگ، ایمان به خدا أ به عنوان پروردگار و معبود، و اخلاص عبادت نسبت به اوست، چنان‌چه اصلاح عملکرد و ایمان به ملائکه مطابق وحی آسمانی و اینکه آن‌ها بندگان مقرب خدایند و وظایف مشخصی از خود دارند و همچنان ایمان به کتاب‌های آسمانی و اینکه این کتاب‌ها حقایقی از سوی خداوند متعال است که بر پیامبران خود نازل فرموده مهم و اساسی می‌باشد.

همچنان قضیه، مربوط به ایمان به پیامبران و اعراف به رسالت‌شان است، چه آنانی که یادی از آن‌ها صورت گرفته یا نگرفته است.

از نشانه‌های نیکو کاری یکی هم مصرف سخاوتمندانۀ مال و سرمایه در راه خدا به امید به دست آوردن ثواب و نجات از عقاب اوتعالی است و در این راستا باید ابتدا به اقربا و نزدیکان نظر به تعلقی که به انسان دارند و موجب تحکیم روابط می‌شود توجه صورت گیرد، بعداً به یتیم‌ها چون سرپرست ندارند، پس از آن‌ها تعهد بگیر تا با آن‌ها نیکی کنند و به مساکین محروم نیز که باید گرسنۀ آن‌ها سیر شود و عریان‌شان لباس پوشانیده شود و زندگی‌شان سر و سامان داده شود.

همچنان به وا ماندۀ در راه نیز که نه دوستی دارد و نه همراهی، باید کمک گردد و به نیازش پاسخ مثبت داده شود و بر گدایان تا سرور و خوشحالی در دل‌های‌شان داخل شود و ضرر از آن‌ها دفع گردد. و در راستای آزادی سازی اسیران از نزد کفار و کمک به قرض دار و بر طرف کردن مصیبت محتاج.

همچنان از جملۀ نیکی است: ادای نماز به گونه نیکو توأم با خشوع و خضوع؛ ادای زکات به منظور پاک کردن نفس و مال و کمک به هم‌نوعان؛ اطاعت از خالق متعال و شکر او؛ وفای به عهد و پیمان؛ نیکی در التزام به اتفاقی که بین خالق و مخلوق است؛ صبر بر فقر و دردهای آن؛ داشتن قناعت؛ اخفای حاجت و نیاز با مجامله، فقر با تحمل؛ ترک داد و بیداد در مصیبت‌ها؛ حرص تقوا و لزوم رعایت پرهیزگاری؛ صبر در برابر مصیبت‌های از قبیل بیماری و بلیات؛ سپردن تمام امور به پروردگار آسمان‌ها و زمین؛ اعتراض نکردن بر قضا و قدر الهی؛ رعایت صبر در سختی‌ها و جنگ و جهاد، طوری که نباید از میدان جنگ فرار صورت گیرد بلکه به منظور به دست آوردن اجرا و پاداش باید استقامت و ایستادگی شود.

کسی که به چنین صفاتی متصف باشد حقیقتاً مؤمنی است نیکوکار و پرهیزگاری است که به نیکی و تقرب خود رستگار می‌شود. بنابراین، این «صادق» شامل انجام دهندۀ «طاعات» و «متقی» شامل ترک کنندۀ منهیات می‌شود.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِصَاصُ فِي ٱلۡقَتۡلَىۖ ٱلۡحُرُّ بِٱلۡحُرِّ وَٱلۡعَبۡدُ بِٱلۡعَبۡدِ وَٱلۡأُنثَىٰ بِٱلۡأُنثَىٰۚ فَمَنۡ عُفِيَ لَهُۥ مِنۡ أَخِيهِ شَيۡءٞ فَٱتِّبَاعُۢ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَأَدَآءٌ إِلَيۡهِ بِإِحۡسَٰنٖۗ ذَٰلِكَ تَخۡفِيفٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَرَحۡمَةٞۗ فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٧٨﴾.

ای مؤمنان! بر شما فرض شده تا در بدل مقتول قاتل را در صورت نبودن موانع و لزوم قصاص، بکشید. آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده و زن در برابر زن کشته می‌شود. در این زمینه نباید که از حد تجاوز کنید و در بدل قاتل کسی دیگر را آنگونه که جهّال پیش از اسلام می‌کشتند بکشید یا خون ضعیف را مانند بت‌پرستان پایمال کنید، بلکه بر شما لازم است همواره در دیّت و قصاص عادل باشید، پس هرگاه حق کسی در قصاص ساقط شود و به دیت راضی گردد ولی ولیّ مقتول نباید در گرفتن دیت خویش از خشونت کار بگیرد و نه هم قاتل در دفع دیّت نباید بخالت نماید بلکه بر هردو لازم است در داد و ستد دیت به یکدیگر احسان کنند.

حق‌تعالی در این زمینه آسانگیری نموده و از روی ترحّم بر قاتل و اهل مقتول، دیّت را مشروع نموده است. با این حال اگر کسی دیت بگیرد و قاتل را هم بکشد، چنین شخصی قطعاً و یقیناً مترکب جهل و نادانی و ظلم شده است و پروردگار برای چنین کسی عذابی دردناک در بدل گناهش آماده نموده است.

﴿وَلَكُمۡ فِي ٱلۡقِصَاصِ حَيَوٰةٞ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٧٩﴾.

و برای شما ای مؤمنان! در قصاص قاتل مایۀ حیات است؛ زیرا اگر انسانی یقین داشته باشد در صورت ارتکاب جرم قتل کشته می‌شود چنین انسانی هیچگاه دست به کشتن کسی دیگر نمی‌زند و به این ترتیب امنیت جامعه حفظ می‌گردد و زندگی مردم سر و سامان و جان‌شان در امان قرار می‌گیرد و منجر به سعادت جامعه می‌شود. با این حال اسرار تشریع و حکمت‌های خالق و محاسن دین مبین اسلام را کسی می‌داند که دارای عقل سالم و بصیرت بوده، وجدان پاک داشته باشد.

تشریع قصاص به منظور این است که بندۀ، تقوای خدای خود را رعایت کند و از بغاوت، تجاوز، ظلم به دیگران و شکستن حرمت خون آن‌ها دوری گزیند.

﴿كُتِبَ عَلَيۡكُمۡ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ إِن تَرَكَ خَيۡرًا ٱلۡوَصِيَّةُ لِلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَ بِٱلۡمَعۡرُوفِۖ حَقًّا عَلَى ٱلۡمُتَّقِينَ ١٨٠﴾.

ای مؤمنان! ما بر شما واجب نمودیم هرگاه یکی از شما در شُرُف مرگ قرار می‌گیرد باید برای والدین و نزدیکان خود از میراث خویش وصیت کند. این وصیت به اندازۀ یک سوم و به گونه‌ای باید باشد که به ورثه زیانی نرسد و از این طریق خود را از اجر و مزد کار نیکش محروم نسازد، چنان‌چه نباید نزدیکان خود را از نیکی و احسان فراموش کند و ضمناً در خصوص تقسیم اموال در بین ورثه نیز نباید مرتکب ظلم و ستم شود. چنین کاری بر یک انسان متقی که از خدای خود می‌ترسد لازم و ضروری است.

بعداً این حکم با آیه میراث که سهم هر صاحب حقی را با درجه قرابت آن مشخص نموده، نسخ شد و از این میان کسانی که مستحق ارث نبودند نیز از دائرۀ میراث‌بَران بیرون شدند، پس پاک و منزه است پروردگار حق.

﴿فَمَنۢ بَدَّلَهُۥ بَعۡدَ مَا سَمِعَهُۥ فَإِنَّمَآ إِثۡمُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ١٨١﴾.

کسی که این وصیّت را تغییر دهد یا تحریف نماید و یا وصیّت وصی یا عمل کاتب و شهادت شاهد را کتمان کند، جرم چنین اعمالی فقط بر مجرم است؛ زیرا این شخص در امانت خیانت نموده و حقوق مردم را ضایع کرده است. و بر خدا أ هیچ چیزی پوشیده نیست؛ زیرا او بر نیت‌ها آگاه و تمام آوازها را می‌شنود و بر تمام اعمال و حالالت مطلع است پس وای بر کسی که وصیت را تبدیل کند و یا در آن تغییر و تحریفی صورت دهد.

﴿فَمَنۡ خَافَ مِن مُّوصٖ جَنَفًا أَوۡ إِثۡمٗا فَأَصۡلَحَ بَيۡنَهُمۡ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٨٢﴾.

اگر کسی از این بیم داشت که وصیت کننده در وصیت خود از طریق تمایل به طرف ورثه عدالت نکند و مرتکب ظلم شود و در میراث ضرری را روا دارد و موصی‌له را محروم نموده و از طریق ابطال حق، مرتکب گناه شود، در چنین حالتی بر کسی که اراده خیر دارد باکی نیست وصیت کننده را امر به عدالت و احسان و ترک ضرر رسانی و یا قبول آن را بکند تا بر وارث به گونه مناسب‌تر و بر موصی‌له با وجه بهتر وصیت نماید. حق‌تعالی از مجتهد دَرمی‌گذرد و بر خطا و اشتباهش او را مواخذه نمی‌نماید بلکه در بدل تلاشش به او مزد می‌دهد؛ زیرا خداوند أ بر بندگان خود مهربان است.

این آیه دلالت بر فضل اصلاح در بین مردم و جواز اجتهاد و پاداش مجتهد براساس نیتش دارد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٨٣﴾.

ای مؤمنان! همانا حق‌تعالی بر شما روزۀ ماه رمضان را فرض کرده است، درست همانگونه که بر امت‌های گذشته فرض کرده بود، پس چونان که امت‌های گذشته به امتثال خدا أ پرداختند شما نیز چنین کنید؛ زیرا روزه موجب ایجاد تقوا در شما از طریق اجرای امر و شکستن نفس اماره و اجتناب از نواهی و مخالفت با هوای نفس می‌شود و در آن مبارزه با شیطان نیز نهفته است.

﴿أَيَّامٗا مَّعۡدُودَٰتٖۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَۚ وَعَلَى ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدۡيَةٞ طَعَامُ مِسۡكِينٖۖ فَمَن تَطَوَّعَ خَيۡرٗا فَهُوَ خَيۡرٞ لَّهُۥۚ وَأَن تَصُومُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ١٨٤﴾.

صیام فرض، روزهای معدود و اندک است که نظر به رحمت و لطف پروردگار بعد از مدتی طولانی به شما می‌رسد و خوردن از روزه گرفتن به مراتب بیشتر است. اما مریضی که صیام بر او دشوار است و همچنان مسافر می‌توانند روزه را در نهار رمضان بخورند و بعداً به تعداد روزهایی که خورده‌اند روزه گرفته و قضا بیاورند.

کسی که توان روزه گرفتن دارد اما در آن دچار مشقت شدید می‌شود مانند پیر کهنسال، بر وی مجاز است تا روزه را بخورد ولی در بدل هر روز باید یک مسکین را طعام دهد. روزهای روزه از روزهای فطر برای شما بهتر است؛ زیرا روزه منجر به حصول اجر و پاداش الهی و تربیت شدن بر اعمال خیر و تلبیۀ امر و عادت گرفتن بر صبر و استقامت می‌شود و اگر شما منافع و فوائد آن را بدانید حتماً روزه می‌گیرید.

﴿شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡفُرۡقَانِۚ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ وَلِتُكۡمِلُواْ ٱلۡعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٨٥﴾.

ماه رمضان دارای شرفی بزرگ، مقامی والا و منزلتی ستوده است و مناسبتی نیکو به شمار می‌رود. در همین ماه شما را با نزول تمام قرآن کریم از لوح محفوظ به آسمان دنیا، اکرام و احترام کردیم، قرآنی که سیِر سعادت، عزّت، مجد، نجات، پیروزی و رستگاری‌تان در هردو سراست، پس شکر خدا أ را بر این نعمت، از طریق روزه این ماه بر جای آورید.

در قرآن کریم برای شما دلائل واضح و آشکاری از علم نافع و عمل صالح، بیان حلال از حرام، حق از باطل، خیر از شرّ و اطلاعات گذشتگان و امور آینده نهفته است. بر انسان‌های سالم و مقیم که این ماه را درمیابند لازم است آن را روزه بگیرند؛ زیرا عذری در خوردن روزه ندارند؛ ولی مریض و مسافر تا زمان شفا یابی و اقامت معذور شمرده می‌شوند ولی روزهایی را که خورده‌اند باید قضا بیاورند.

و چون حق‌تعالی ارادۀ آسان‌گیری دارد برای مریض و مسافر خوردن روزه را مباح نموده و آن را فقط یک‌ماه و از صبح تا شب فرض گردانیده است و این آسان‌گیری را در حق تمام احکام شرعی به گونه‌ای روا داشته در آن‌ها هیچ‌گونه تکلّف، مشقت و سختی نیست، چون خداوند أ اراده ندارد ما را در سختی و مشکل قرار دهد بلکه از لطف و رحمت اوست که سختی‌ها را از ما فرو گذاشته است پس حمد و سپاس و شکر بر او.

و هر کس روزه را بنابر عذر بخورد و سپس به تعداد روزهای افطار شده قضا آورد، در حقیقت عداد روزهای روزه را تکمیل نموده، اما بر کسی که توانائی دارد و معذور نباشد مجاز نیست تا بعضی از روزهای رمضان را روزه بگیرد و برخی دیگر را بخورد بلکه لازم است تمام روزها را تکمیل کند و هرگاه ماه رمضان پایان یابد و شما هلال فطر را دیدید باید که در پایان ماه و بعد از دیدن هلال فطر و انقضای روزهای عید تکبیر بگوئید؛ زیرا روزهای عید برای خوشحالی و جشن گرفتن است و تا از این طریق شکر مولی بر نعمت‌هایش برجای آورده شود که او صاحب تمام مواهب و حافظ عطایا و هدیه دهندۀ خیرات و برکات است.

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لِي وَلۡيُؤۡمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمۡ يَرۡشُدُونَ ١٨٦﴾.

برخی از صحابه گفتند ای رسول ج آیا پروردگار به ما نزدیک است که با او آهسته سخن بگوئیم و یا دور است که با آواز بلند؟ حق‌تعالی بندگان خود را خبر داد که اوتعالی شنوا، نزدیک و پاسخگوست و دعاهای آن‌ها را می‌شنود و نیازها و مشکلات‌شان را بر طرف می‌نماید، اوست که غم و اندوه را از آنان دور می‌سازد و بر احوال آن‌ها آگاه است پس بر بندگان خدا أ لازم است تا او را همواره بخوانند و هیچگاه ناامید نشوند که کرم خدا أ وسیع و عطای او بسیار و فضلش عظیم است.

همچنان لازم است تا مؤمنان از طریق پیروی پیامبر ج خدای خود را عبادت کنند و به شریعتش عمل نمایند و به تمام آنچه در کتابش نازل شده باور داشته باشند. پذیرش قول خدا أ عمل، ایمان اعتقاد، و دعا قول است به این ترتیب دین عبارت از قول، عمل و اعتقاد است و هر که خدا أ را اطاعت کند حتماً رهیاب شده است؛ زیرا برای چنین کسی راه درست الهام شده و از خطا محافظت گردیده و با هوی و هوس مخالفت نموده است. پس ثمره و نتیجه عمل صالح زیادت ایمان و عاقبت طاعت زیادت در هدایت است.

﴿أُحِلَّ لَكُمۡ لَيۡلَةَ ٱلصِّيَامِ ٱلرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَآئِكُمۡۚ هُنَّ لِبَاسٞ لَّكُمۡ وَأَنتُمۡ لِبَاسٞ لَّهُنَّۗ عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمۡ كُنتُمۡ تَخۡتَانُونَ أَنفُسَكُمۡ فَتَابَ عَلَيۡكُمۡ وَعَفَا عَنكُمۡۖ فَٱلۡـَٰٔنَ بَٰشِرُوهُنَّ وَٱبۡتَغُواْ مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمۡۚ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلۡخَيۡطُ ٱلۡأَبۡيَضُ مِنَ ٱلۡخَيۡطِ ٱلۡأَسۡوَدِ مِنَ ٱلۡفَجۡرِۖ ثُمَّ أَتِمُّواْ ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيۡلِۚ وَلَا تُبَٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمۡ عَٰكِفُونَ فِي ٱلۡمَسَٰجِدِۗ تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَقۡرَبُوهَاۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ ١٨٧﴾.

حق‌تعالی بعد از تحریمی که در نهار رمضان راجع به برخی اشیا صورت داد، اکنون بیان می‌دارد که برای شما مقاربت زن‌ها در شب‌های ماه رمضان حلال است؛ زیرا زن‌ها مایۀ ستر و عفاف و آرامش شما مردان‌اند و بدی‌های‌تان را می‌پوشانند و شما را در نگهداری چشمان‌تان از نا محرمان کمک و یاری می‌رسانند و موجب حفظ عورت‌های‌تان می‌گردد، ضمن اینکه زن برای مرد مایۀ آرامش قلب و استقرار نفس است. مردان نیز لباس همسران خویش اند؛ چون مرد مایۀ زیبائی، ستر و عفت زن است و وی را از حرام حفظ می‌نماید.

چگونه عبارت قرآنی که این رابطه را بیان داشته لطیف و دارای چه اشارات نیکوئی است!!

سبب اباحت مقاربت در شب‌های رمضان برمی‌گردد به این امر که حق‌تعالی می‌داند برخی از مسلمانان قبلاً اگر در شب رمضان با همسران خویش مقاربت می‌نمودند در معرض جزا و عقوبت قرار می‌گرفتند ولی نظر به رحمت و لطفی که خداوند أ نسبت به بندگان خود دارد در این زمینه تخفیف ایجاد نمود و رخصت عطا کرد. بنابراین مقاربت با همسر در شب‌های رمضان به اجماع تمام علمای امّت و بنابر این آیه مباح است.

خدای‌تعالی با قبول توبۀ بندگان بر آن‌ها لطف نموده و آنان را بر آنچه گذشته مؤاخذه نمی‌نماید و بعد از ارائه این رخصت و اذن، مقاربت به نیّت طلب فرزند و حفظ نفس و ادای حق اشکالی ندارد، از این‌روی لازم است در مقاربت با همسر نیت‌های خود را پاک سازید و مقاربت را به منظور لذت‌جوئی زود گذر انجام ندهید؛ زیرا ملذّات نیز با داشتن نیّت درست، عبادت می‌شود.

پس در شب‌های رمضان بخورید و بیاشامید تا زمانی که صبح صادق طلوع کند و شما بتوانید خط سفید طناب گونی که در آسمان به صورت عرضی ظاهر می‌شود را از خط سیاه شب تشخیص دهید، و چون این حالت فرا رسید باید از خوردن و نوشیدن و مقاربت و تمام مفطرات تا غروب آفتاب خودداری کنید. و اگر کسی در مسجد معتکف است نباید با همسر خود حتی در شب‌های رمضان نیز مقاربت کند؛ زیرا زمان و مکانی که در آن قرار دارد حرمت خاصی برخوردار است.

این‌ها محارم خدا أ حدود، اوامر و نواهی اوست که نباید در آن‌ها تجاوز و حرمت شکنی کنید. اینکه در آیه: «فلا تقربوها» به کار رفته برای بیان این امر است که انسان نباید حتی به اموری که منجر به چنین حرمت شکنی‌هایی می‌شود نیز نزدیک شود.

و اینگونه حق‌تعالی برای شما احکام خود را بیان می‌دارد تا از حرام اجتناب کنید و تقوای خدای علاّم را رعایت نمائید و از عذابش بر حذر باشید و ثوابش را بطلبید.

﴿وَلَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ وَتُدۡلُواْ بِهَآ إِلَى ٱلۡحُكَّامِ لِتَأۡكُلُواْ فَرِيقٗا مِّنۡ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ بِٱلۡإِثۡمِ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ١٨٨﴾.

هیچ‌یک از شما نباید اموال دیگری را بنابر حرام و رشوت بخورد در حالی که شما بطلان چنین چیزی را و نهیی که از آن صورت گرفته را می‌دانید. قرار گرفتن این آیه بعد از آیه روزه به منظور بیان این امر است که امتناع از طعام در این ماه موجب امتناع از محرمات در همۀ زمان‌هاست، چنین چیزی زمانی صورت می‌گیرد که انسان نفْس خود را بشکند و آن را تربیه و تهذیب نماید و یقیناً بهترین راه برای رسیدن به این هدف روزه است؛ زیرا صبر، استقامت و تأدیب نفس از ناحیۀ روزه به دست می‌آید. بنابراین، خوردن اموال مردم با ارتکاب گناه، خیانت، فریب و انواع و اقسام معاملات حرام، به هیچ وجه مجاز نیست، چنان‌چه نباید انسان بر اموال دیگران از طریق غصب، ظلم، سرقت، انکار عاریت و امانت تجاوز کند. سپس خدایی که ما را بر حفظ نفسهای‌مان امر نموده و از کشتن انسان نهی فرموده است و هدایت داده تا اموال را حفظ کنیم و از باطل اجتناب نمائیم و اَعراض و نوامیس مردم را جز به حدود و تعذیرات هَتْک نکنیم.

﴿۞يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡأَهِلَّةِۖ قُلۡ هِيَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ وَٱلۡحَجِّۗ وَلَيۡسَ ٱلۡبِرُّ بِأَن تَأۡتُواْ ٱلۡبُيُوتَ مِن ظُهُورِهَا وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنِ ٱتَّقَىٰۗ وَأۡتُواْ ٱلۡبُيُوتَ مِنۡ أَبۡوَٰبِهَاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ١٨٩﴾.

ای محمد ج! مردم از تو دربارۀ حکمت هلال می‌پرسند که چرا در آغاز کوچک و سپس رفته رفته بزرگ می‌شود؟ به آن‌ها خبر بده که حق‌تعالی می‌خواهد از این طریق برای شما اوقات عبادات و طاعاتی همچون روزه، زکات، حج و غیره را مشخص سازد.

عمل شایسته این نیست که به خانه‌های خود از پشت آن داخل شوید چنان‌چه در جاهلیت چنین می‌کردید ولی طاعت و عبادت شرعی نه بدعتی و جاهلی، امتثال امر خدا أ و داخل شدن به خانه‌ها از دروازه‌هایش است، البته این کار باید همگام و همراه با ترک منکرات و مخالفت نکردن اوامر باشد، زیرا رستگاری و پیروزی در چنین کاری است.

﴿وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ١٩٠﴾.

و با کفار به منظور اعلای کلمۀ خدا أ نه اغراض و اهداف دنیوی و جاهلی بجنگید و جز با کسی که با شما می‌‌جنگد، نجنگید و کسی که با شما صلح می‌کند یا معاهده‌ای منعقد می‌نماید و به موجب معاهدۀ خود عمل می‌نماید نیز نجنگید و هیچگاه تجاوز نکنید به خصوص در کشتن پیر مردان، زنان، کودکان، اسیران و کسانی که با شما معاهده دارند و کسانی که امان‌شان دادید؛ زیرا خداوند أ تجاوز و تجاوز‌گران، ستم و ستم‌گران را دوست ندارد.

به میزان عدالت و رحمت خدا أ حتی با دشمنانش بنگرید، راستی چقدر شریعت و دین بزرگ و با عظمتی دارد.

﴿وَٱقۡتُلُوهُمۡ حَيۡثُ ثَقِفۡتُمُوهُمۡ وَأَخۡرِجُوهُم مِّنۡ حَيۡثُ أَخۡرَجُوكُمۡۚ وَٱلۡفِتۡنَةُ أَشَدُّ مِنَ ٱلۡقَتۡلِۚ وَلَا تُقَٰتِلُوهُمۡ عِندَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَٰتِلُوكُمۡ فِيهِۖ فَإِن قَٰتَلُوكُمۡ فَٱقۡتُلُوهُمۡۗ كَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٩١﴾.

هرجای‌ که کفار را یافتید بکشید خواه در ماه‌های حرام باشد یا حلال و آن‌ها را از دیار خویش بیرون کنید؛ زیرا آن‌ها با شما جنگیدند و شما را از خانه‌های‌تان بیرون کردند. به آن‌ها طعم تلخ حرمان از امنیت و درد دوری وطن را بچشانید چون فتنه، آزار و اذیتی که در حق مؤمنان به خاطر دین و ممانعت آن‌ها از مسجد الحرام اعمال می‌دارند بسیار ضرر آلودتر از جنگ با آن‌ها در ماه‌های حرام است.

در مسجد الحرام نظر به عظمت و حرمتی که دارد شما آغاز‌گر جنگ نباشید بلکه بگذارید آن‌ها شروع کنند و چون این کار را کردند یقیناً شروع کننده ظالم و ستمگار است و ایستادگی در برابر تجاوز آن‌ها واجب و ضروری می‌باشد، پس بر شما لازم است تا اذیت آن‌ها را باز دارید و شمشیر را بر آن‌ها از نیام بر کشید، این است جزای هر مجرم تجاوز‌گر تا که دین، ملت و شریعت محفوظ بماند و حق همیشه بلند باشد.

﴿فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٩٢﴾.

اگر آن‌ها جنگ با مسلمانان را ترک کردند و به دین اسلام گرویدند پس هرگز با آن‌ها نجنگید؛ زیرا حالت آن‌ها متحول شده و خداوند أ بر کسی که توبه پذیر است و بازگشت رجوع کنندگان را می‌پذیرد چنان‌چه این تعامل مایه سلامتی تمام کسانی است که به صلح و عدم تعرض می‌اندیشند.

﴿وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ لِلَّهِۖ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَلَا عُدۡوَٰنَ إِلَّا عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ١٩٣﴾.

و با کسانی که با اسلام می‌جنگند و دست به بُت‌پرستی می‌‌زنند بجنگید تا شأن و شوکت‌شان از بین برود و دولت، نیرو و قوتی نداشته باشند و نتوانند از طریق قدرت خویش به شما آزار و اذیت برسانند. حق گاهی از طریق جلادان حفظ می‌شود و اسلام را نمی‌توان گاهی جز از طریق جهاد و مبارزه یاری رسانید. پس اگر از شرک و جنگ با شما دست بر داشتند در چنین حالتی اگر کسی با آن‌ها می‌جنگد یقیناً که تجاوز نموده در حالی که تجاوز جز بر ظالم و ستمگار نیست.

این آیه دلالت بر لزوم صلح با کسی دارد که با مسلمانان صلح می‌کند چنان‌چه دلالت بر وفای به عهد با کسی که با آن‌ها عهد می‌بندد نیز دارد.

﴿ٱلشَّهۡرُ ٱلۡحَرَامُ بِٱلشَّهۡرِ ٱلۡحَرَامِ وَٱلۡحُرُمَٰتُ قِصَاصٞۚ فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَٱعۡتَدُواْ عَلَيۡهِ بِمِثۡلِ مَا ٱعۡتَدَىٰ عَلَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلۡمُتَّقِينَ ١٩٤﴾.

اگر با شما در ماه‌های حرام جنگیدند شما نیز با آن‌ها در ماه‌های حرام بجنگید؛ زیرا کسی که مرتکب کار حرامی شود مطابق آن عذاب می‌گردد؛ به عنوان مثال اگر کسی بکشد کشته می‌شود و اگر زخمی کند زخمی می‌شود و اگر مالی را بدزدد از مالش به همان مقداری که دزدیده مصادره می‌گردد، چون عدالت چنین چیزی را ایجاب می‌کند. و هرگاه کسی بر شما تجاوز کند، هیچگاه از این تجاوز دست برنمی‌دارد مگر اینکه با او معامله بالمثل کنید ولی در این جنگ مراقب خدای خود باشید و هیچگاه شما آغاز‌گر جنگ نباشید و جز با کسانی که با شما می‌جنگند نجنگید؛ زیرا حق‌تعالی کسی را که تقوا داشته باشد و حدود خدا أ را رعایت کند دوست دارد و همواره اوتعالی چنین شخصی را نصرت و یاری می‌دهد و حمایتش می‌نماید، بنابراین معیت خدا أ در این آیه به معنی قرب و ولایت و حفظ و رعایت است.

﴿وَأَنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ إِلَى ٱلتَّهۡلُكَةِ وَأَحۡسِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٩٥﴾.

اموال خود را در راه اعلای کلمه خدا و نصرت دین انفاق کنید اگر چنین نکنید کفّار تقویت می‌شوند و بر شما تسلط پیدا می‌کنند و هلاک‌تان می‌نمایند. بنابراین هر کسی که جهاد در راه خدا أ و انفاق مال در این راه را ترک کند در واقع خود را در معرض هلاکت قرار داده است. طی طریق سربلندی بدون مشکل نیست و مشقت دیدن در راه درست، پیروزی و رستگاری است، ای بسا راحتی که ندامت و پشیمانی و ذلّت به دنبال دارد و هر که به دنبال مرگ باشد زندگی برایش بخشیده می‌شود. بر شماست تا اعمال خود را با اخلاص و متابعت پیامبر ج و احسان از طریق مصرف مال و گفتن سخن نیکو و اتقان در عمل نیکو بسازید و حق‌تعالی کسانی که در اعمال خود نیکی می‌کنند را دوست دارد.

﴿وَأَتِمُّواْ ٱلۡحَجَّ وَٱلۡعُمۡرَةَ لِلَّهِۚ فَإِنۡ أُحۡصِرۡتُمۡ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۖ وَلَا تَحۡلِقُواْ رُءُوسَكُمۡ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ ٱلۡهَدۡيُ مَحِلَّهُۥۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ بِهِۦٓ أَذٗى مِّن رَّأۡسِهِۦ فَفِدۡيَةٞ مِّن صِيَامٍ أَوۡ صَدَقَةٍ أَوۡ نُسُكٖۚ فَإِذَآ أَمِنتُمۡ فَمَن تَمَتَّعَ بِٱلۡعُمۡرَةِ إِلَى ٱلۡحَجِّ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۚ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٖ فِي ٱلۡحَجِّ وَسَبۡعَةٍ إِذَا رَجَعۡتُمۡۗ تِلۡكَ عَشَرَةٞ كَامِلَةٞۗ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمۡ يَكُنۡ أَهۡلُهُۥ حَاضِرِي ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ١٩٦﴾.

هر کسی از شما که شروع به حج یا عمره می‌کند باید مناسک خود را تمام نماید و در هردو اخلاص را رعایت کنید و اگر بین شما و حج یا عمره مانعی مانند بیماری یا دشمن واقع شد یا از منیت راه بیم داشتید در این صورت از احرام خارج شده و آنچه در دسترس دارید از قبیل شتر، گاو یا گوسفند ذبح کنید و مجاز نیست که با تراشیدن موی یا کم کردن آن از احرام بیرون شوید مگر اینکه هدی خود را یا در حرم و یا در جایی که منع شدید ذبح کنید. اما محرمی که مجبور می‌شود به علت بیماری سر خود را بتراشد بر او لازم است که یا سه روز روزه بگیرد و یا شش تن مسکین را طعام دهد و یا گوسفندی را برای فقرا ذبح کند.

ولی اگر خوفی وجود نداشت و شما از خانه کعبه منع نشدید در چنین حالتی اگر در ماه‌های حج عمره کردید و بعد از آن مراسم حج را بر جای آوردید بر شما لازم است تا به شکرانۀ موفقیت در ادای حج که از سوی حق‌تعالی به شما اعطا شده گوسفندی را ذبح کنید. و اگر کسی توان خریداری هدی را نداشت بر او لازم است ده روز روزه بگیرد، سه روز را در حین مراسم حج و هفت روز را بعد از بازگشت به وطن خویش. این هدی بر کسی لازم است که از حرم دور باشد بنابراین بر اهل حرم ذبح لازم نیست و بر شماست تا همواره تقوای خدا أ را در انجام مراسم حج و اجتناب از ممنوعات و ذبح و هدی رعایت کنید؛ زیرا حق‌تعالی کسی را که معصیت انجام دهد به عذاب شدید دچار می‌سازد پس باید انسان از خدا أ حذر داشته باشد.

﴿ٱلۡحَجُّ أَشۡهُرٞ مَّعۡلُومَٰتٞۚ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلۡحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي ٱلۡحَجِّۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٩٧﴾.

حج در ماه‌های محدود و معین انجام می‌شود، این ماه‌ها عبارت اند از: شوال، ذوالقعده و ده روز از ذی الحجه. پس هر کسی نیّت حج کرد باید با همسر خویش مقاربت، با برادران خود مخاصمه و از خالق خود نافرمانی نکند. البته تنها ترک معاصی کافی نیست بلکه باید همواره تلاش کنید تا اعمال صالحه همچون سخن نیکو و ذکر بگوئید و صدقه بدهید و همواره از اخلاق نیکو و شایسته برخوردار باشید؛ زیرا حق‌تعالی اسرار و آنچه را در نهاد انسان وجود دارد می‌داند و جزای هر کسی را مطابق اعمالش می‌دهد. و بر شماست تا توشۀ سفر را در جریان مراسم حج با خود بگیرید و توشۀ آخرت را نیز فراموش ننمائید؛ زیرا این توشه بزرگ‌ترین بهره برای روز معاد و بازگشت است و ای صاحبان عقل و خرد از عذاب من با انجام طاعات و عبادات و دوری از معصیت بر حذر باشید.

﴿لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡۚ فَإِذَآ أَفَضۡتُم مِّنۡ عَرَفَٰتٖ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ عِندَ ٱلۡمَشۡعَرِ ٱلۡحَرَامِۖ وَٱذۡكُرُوهُ كَمَا هَدَىٰكُمۡ وَإِن كُنتُم مِّن قَبۡلِهِۦ لَمِنَ ٱلضَّآلِّينَ ١٩٨﴾.

بر شما گناهی نیست اگر در حین مراسم حج دست به تجارت بزنید؛ زیرا نظر به اینکه حج موسمی برای دنیا و آخرت است خرید و فروش در آن مباح می‌باشد، آگاه باشید که رازق خداوند متعال أ است پس روزی را با رعایت اسباب از او طلبید.

و هرگاه از عرفات بازگشتید در کنار مشعرالحرام در مزدلفه بایستید و ذکر خداوند أ را و دعای بسیار بگوئید و از اینکه حق‌تعالی شما را به راه راست هدایت نموده شکر گذار او باشید؛ زیرا شما قبل از هدایت او در گمراهی قرار داشتید و این پروردگار بود که شما را از گمراهی و جهالت نجات داد.

﴿ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنۡ حَيۡثُ أَفَاضَ ٱلنَّاسُ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٩٩﴾.

و با مردم از عرفات پائین شوید نه از مزدلفه زیرا قریشیان برای خود در مزدلفه از سایر مردم امتیاز خاصی قایل بودند و بر شماست تا در جریان این پائین شدن استغفار کنید؛ زیرا اعمال انسان طبیعتاً خالی از نقصان و کوتاهی نیست و در ضمن تا عجب طاعت که احیاناً به آن دچار می‌شوید از شما زدوده شود و حق‌تعالی با ستر کردن گناه را می‌بخشد و به بندگان ضعیف و فقیر خویش رحم می‌نماید چون او بسیار بخشنده و مهربان است.

﴿فَإِذَا قَضَيۡتُم مَّنَٰسِكَكُمۡ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَذِكۡرِكُمۡ ءَابَآءَكُمۡ أَوۡ أَشَدَّ ذِكۡرٗاۗ فَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖ ٢٠٠﴾.

و هرگاه مناسک حج را کامل کردید بر شماست تا ذکر پروردگار خویش را به گونۀ بسیار بگوئید همانگونه که مفاخر پدران و اجداد خود را ذکر می‌کنید؛ زیرا حق‌تعالی به مدح و ستایش از همه کس سزاورتر است.

و از مردم گروهی هدفی جز دنیا ندارند و به خاطر آن سعی و کوشش می‌کنند و می‌خواهند به سرمایه و متاع فانی و زائل آن برسند، برای چنین کسانی در آخرت هیچ نصیبی از نعمت‌های پروردگار نیست چون این‌ها آخرت خود را در بدل دنیا فروخته‌اند.

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ٢٠١﴾.

و از مردم گروهی اند که از خدای خود خیر هردو دنیا را می‌خواهند، هم صحت، عافیت، ستر، مجد، پیروزی و غنامندی دنیا را و هم می‌خواهند تا آنان را به رستگاری و نعمت‌های ماندگار آخرت در بهشت، در جایگاه صدق نزد پادشاه مقتدر برساند و آنان را از آتش دوزخ و غصب خدای جبار وقایه کند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ نَصِيبٞ مِّمَّا كَسَبُواْۚ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ٢٠٢﴾.

این‌ها رستگاران نیکوکار و سعادتمندان مختاری‌اند که دعای نیکو کردند پس برای آن‌ها پاداش و ثواب بزرگی است، پاداشی مانند: روشنی چشم، خورسندی روحی و امنیت در جوار خدای رحمان؛ زیرا حق‌تعالی به زودی قیامت را به منظور مجازات دائر می‌کند و در آن روز هر کسی پاداش خود را دریافت می‌دارد و اوتعالی در حساب و کتاب بسیار سریع است و خیلی زود به حساب تعداد بسیاری رسیدگی می‌نماید و این کار بر او خیلی سهل و آسان است.

﴿۞وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ فِيٓ أَيَّامٖ مَّعۡدُودَٰتٖۚ فَمَن تَعَجَّلَ فِي يَوۡمَيۡنِ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِۖ لِمَنِ ٱتَّقَىٰۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُمۡ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٢٠٣﴾.

و ذکر خدای را در ایام حج به کثرت بر جای آورید که این روزها معدود است و خیلی زود سپری می‌شود، پس قدرتش را بدانید و هر که از شما در خروج از منی بعد از روزهای یازده و دوازده عید قربان عجله کند بر او حرج و گناهی نیست و آنکه تا اکمال روز سیزدهم تأخیر کند برایش بهتر است، این حکم برای کسی است که از تهدید پروردگار خود می‌ترسد و بر شماست تا از خدا أ بترسید و مراقب حدودش باشید؛ زیرا همه شما نزد پروردگار خود به منظور حساب و کتاب جمع می‌شوید.

در این آیه به قضیه حشر یا جمع آوری مردم از این‌روی اشاره شده که اجتماع مردم در حج انسان را به یاد حشر و نشر قیامت می‌اندازد.

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُعۡجِبُكَ قَوۡلُهُۥ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيُشۡهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلۡبِهِۦ وَهُوَ أَلَدُّ ٱلۡخِصَامِ ٢٠٤﴾.

قرآن کریم بعد از ذکر نیکوکاران به ذکر بدکاران فاسق می‌پردازد و خبر می‌دهد که از میان آن‌ها کسانی نظر به فصاحت و بلاغتی که دارند در دل تو رخنه می‌کنند و قلب تو ای محمد ج از این ناحیه شادمان و خورسند می‌شود در حالی که او دروغگویی فاجر و بدکار و منافقی خیانتکار است و به منظور ازدیاد نفاق خویش خدا أ را شاهد می‌گیرد که نسبت به اوتعالی و دین و پیامبرش محبت دارد در حالی که در مبارزه با دین از جملۀ دشمنان لدود است.

این حالت شأن تمام منافقین در تمام عصرها و زمان‌هاست.

﴿وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ لِيُفۡسِدَ فِيهَا وَيُهۡلِكَ ٱلۡحَرۡثَ وَٱلنَّسۡلَۚ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلۡفَسَادَ ٢٠٥﴾.

و هرگاه این شخص از محضر تو بیرون و متولی کاری از امور مردم شود، دست به فساد و ایجاد فتنه و نزاع در بین آن‌ها می‌زند، کاری که منجر به اتلاف زراعت و کشتن انسان‌ها و تباهی سرزمین‌ها می‌شود در حالی که حق‌تعالی از هر تبه کار بدکار و هر حقیر خبیث بیزار است و فسادکاران در امور دین و دنیا نزد او مبغوض‌اند؛ زیرا اوتعالی همواره به اصلاح و آبادانی امر می‌کند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ ٱتَّقِ ٱللَّهَ أَخَذَتۡهُ ٱلۡعِزَّةُ بِٱلۡإِثۡمِۚ فَحَسۡبُهُۥ جَهَنَّمُۖ وَلَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ٢٠٦﴾.

و هرگاه این منافق را نصیحت کنند که از خدا أ بترس! کبر و غروری که دارد او را بر ازدیاد گناه و جرم از روی عناد و استخفاف به دین وا می‌دارد، برای چنین کسی چز آتش دوزخ بهره‌ای نیست و همین آتش دوزخ برای او کافی است و در آن همیشه جاوید خواهد بود، چقدر بد جایگاهی دارد کسی که غضب خدا أ را فراهم کند؟!

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡرِي نَفۡسَهُ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ رَءُوفُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٢٠٧﴾.

در این میان گروهی دیگر از انسان‌ها هستند که از منافقان تفاوت بسیار دارند، این‌ها نیکوکاران بر گزیده شده و کسانی‌اند که جان و مال خود را در راه یاری رسانیدن به دین خدا أ سودا می‌کنند و در بدل رضوان خدا أ و بهشت او را می‌خرند؛ نمونۀ عینی چنین کسانی صهیب رومی س یا همان صحابیی است که تمام دار و ندار خود را به مشرکین واگذاشت و با پیامبر ج به مدینه هجرت کرد.

آنچه مایۀ موفقیت اینان در انجام این عمل بزرگ و ارزشمند بوده، پروردگار عظیم الشأن است؛ زیرا اوتعالی بر بندگان خود رؤوف و مهربان است و آنان را به سوی روش‌های رهنمایی می‌کند که بهتر است و از زیان نیز با بهترین وجه دور می‌سازد و برای کسی که رؤوف باشد او را در جهت کسب رضوان خود توفیق می‌دهد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱدۡخُلُواْ فِي ٱلسِّلۡمِ كَآفَّةٗ وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ٢٠٨﴾.

ای مؤمنان! همۀ‌تان داخل اسلام شوید و تمام شرایع، احکام و سنن آن را بپذیرید و آن را تجزیه نکنید که برخی از احکام آن را بگیرید و حصه‌ای دیگر را فرو گذارید و از قدم گذاشتن در مسیر بد شیطان بر حذر باشید و تا می‌توانید از این راه‌ها دور شوید؛ زیرا شیطان تلاش می‌کند شما را در آنچه مایۀ ضررتان است واقع گرداند و از آنچه مایۀ خوشحالی‌تان است دور کند، محققاً که دشمنی و عداوت او کاملاً واضح و آشکار شده است.

﴿فَإِن زَلَلۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡكُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٢٠٩﴾.

و اگر بعد از اینکه برای شما صدق پیامبر ج و درستی رسالتش با دلائل و براهین روشن واضح شد و شما گمراهی را بر هدایت ترجیح دهید و از مسیر حق کنار روید، پس بدانید که خداوند أ عزیز و غالب است و از سرکشان انتقام می‌گیرد و حکیمی است که عذاب را به غیر اهل آن نمی‌رساند. از جمله نشانه‌های عزّت او یکی هم این است که دیگران را تحت قهر و غضب خود قرار داده و از جمله حکمت‌هایش یکی هم این است که در قضا و قدر خود احسان نموده است.

﴿هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن يَأۡتِيَهُمُ ٱللَّهُ فِي ظُلَلٖ مِّنَ ٱلۡغَمَامِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ٢١٠﴾.

آیا این تکذیب کنندگان منتظر این نیستند که یگانه یکتا در روز جزا به منظور قضاوت در سایه ابرهای انبوه در حالی که ملائکۀ نیکوکار با او هستند بیاید؟ در آن روز حکم صورت گرفته بنابراین قبول توبه‌ای برای هیچ توبه کننده و یا قبول عذری برای هیچ عذر آوری نیست و برای کفّار ندامت و پشیمانی و اظهار تأسف نفعی نخواهد داشت و همه آفریدگان به سوی خدا أ بازمی‌گردند و اعمال همۀ مردم به سوی او منتهی می‌شود و اوست که نیکوکار را پاداش خوب و بدکار را جزای بد می‌دهد.

نحوۀ آمدن حق‌تعالی در روز قیامت بر ظاهر خویش و به گونه‌ای که با شأن خدا أ مناسب است حمل می‌شود.

﴿سَلۡ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ كَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُم مِّنۡ ءَايَةِۢ بَيِّنَةٖۗ وَمَن يُبَدِّلۡ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٢١١﴾.

ای پیامبر ج! از یهودیان در حالت توبیخ و سرزنش سوال کن چقدر معجزۀ آشکار به آن‌ها دادیم؟ معجزاتی مانند بر افراشتن کوه بر سر آن‌ها، شکافتن دریا، عصا و ید بیضا، ولی با وجود تمام این نشانه‌ها آن‌ها اعراض نموده و دست به تکذیب زدند. کسی که آیات و نشانه‌های خدا أ را بعد از اقامۀ حجّت و برهان با تحریف، تغییر و یا تعطیل وارونه سازد باید بداند که گرفت حق‌تعالی و عذاب او برای سرکشان از امرش و برای پیروان هوی و هوس سخت و شدید است.

﴿زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَيَسۡخَرُونَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۘ وَٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ فَوۡقَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَٱللَّهُ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٢١٢﴾.

دنیا در نظر کافران نیکو جلوه‌گر شده از این‌روی آن را دوست دارند و بر آخرت ترجیح می‌دهند و همواره به منظور به دست آوردن دنیا سعی و تلاش می‌نمایند و در حق مؤمنانی که به روز آخرت ایمان دارند و آن را بر دنیای زائل و فانی ترجیح می‌دهند استهزا می‌کنند؛ زیرا زبان کافر می‌گوید: چیزی را که می‌بینی بگیر نه چیزی را که می‌شنوی.

ولی نتیجه چنین است که هر که تقوای خدا أ را رعایت نماید و از مولای خود اطاعت کند چنین کسی یقیناً در درجاتی بلند و زندگی گوارائی قرار دارد و برعکس جایگاه کفّار بدکار آتش دوزخ است و چه بد قرارگاهی است دوزخ.

داشتن رزق و روزی زیاد هیچگاه نشانه قبول بنده نیست؛ زیرا حق‌تعالی به هر کسی که بخواهد چه مسلمان باشد یا کافر بنابر تقدیر و حکمتی که اراده دارد روزی وافر می‌دهد پس کسی که در روزی‌اش دچار مشکل شده نباید گمان کند خداوند أ بر او خشم دارد و نه هم کسی که روزی وافر دارد نباید گمان کند که حق‌تعالی او را دوست می‌دارد چون پروردگار عالم گاهی به کافر وسعت رزق می‌دهد و مؤمن را نظر به حکمتی که دارد در تنگنا قرار می‌دهد، حق‌تعالی فرمود: ﴿فَأَمَّا ٱلۡإِنسَٰنُ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ رَبُّهُۥ فَأَكۡرَمَهُۥ وَنَعَّمَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَكۡرَمَنِ ١٥ وَأَمَّآ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ فَقَدَرَ عَلَيۡهِ رِزۡقَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَهَٰنَنِ ١٦﴾. و اما انسان هرگاه که پروردگارش او را منزلت بخشید و نعمت دهد می‌گوید پروردگار من مرا منزلت بخشیده است و هرگاه او را ابتلا نماید و بر او روزی‌اش را سخت گیرد می‌گوید پروردگار من مرا اهانت نموده است. [الفجر:15-16]. خداوند در پاسخ هردو گروه می‌گوید: «کَلّا» نه، چنین نیست، نه گروه اول را بنابر محبت روزی دادیم و نه گروه دوم را بنابر خشم و توهین.

﴿كَانَ ٱلنَّاسُ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ فَبَعَثَ ٱللَّهُ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَ ٱلنَّاسِ فِيمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِۚ وَمَا ٱخۡتَلَفَ فِيهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ أُوتُوهُ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۖ فَهَدَى ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ مِنَ ٱلۡحَقِّ بِإِذۡنِهِۦۗ وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٍ ٢١٣﴾.

مردم پیش از اینکه به خدا أ شریک آورند بر فطرت توحید و یکتاپرستی بودند سپس شیطان آنان را اغوا کرد و مشرک ساخت، این‌بود که حق‌تعالی پیامبرانی را فرستاد تا آن‌ها را به سوی ایمان دعوت کنند و نیکو کارشان را به ثواب و پاداش بشارت دهند و بدکاران‌شان را به عذاب بیم دهند و زمانی که خداوند أ پیامبران خود را فرستاد با آن‌ها کتاب‌های دارای بیان کافی در امور دین نیز نازل کرد تا مردم در وقت اختلاف خویش به آن کتاب‌ها رجوع کنند.

دربارۀ قرآن یهودیان و نصرانیان نظر به حسادت و سرکشی که داشتند دست به مخالفت زدند در حالی که دلائل و براهین واضح و آشکاری بر صدق پیامبر ج نیز نازل شد، این بود که باری‌تعالی برای هدایت، بندگان مؤمن خود را برگزید، این‌ها قرآنی را که اهل کتاب تکذیب کرده‌اند پیروی نمودند، این هدایت توفیقی از جانب خدای‌تعالی برای بندگان مؤمنش است که آنان را در گام بر داشتن در مسیر راست که به سوی بهشت منتهی می‌شود و از دوزخ دور می‌گرداند توفیق می‌دهد.

﴿أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا يَأۡتِكُم مَّثَلُ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِكُمۖ مَّسَّتۡهُمُ ٱلۡبَأۡسَآءُ وَٱلضَّرَّآءُ وَزُلۡزِلُواْ حَتَّىٰ يَقُولَ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ مَتَىٰ نَصۡرُ ٱللَّهِۗ أَلَآ إِنَّ نَصۡرَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ ٢١٤﴾.

ای مؤمنان! گمان نکنید که داخل شدن به بهشت کاری سهل و آسان است و بدون ابتلا و آزمایش انجام می‌شود. کسانی که پیش از شما نجات یافتند نجات آن‌ها مرهون مواجهه با ابتلاء اتی همچون جهاد در راه خدا أ قربانی دادن و تحمل مصیبت‌ها بوده است. حق‌تعالی آنان را با فقر آزمایش نمود آن‌ها صبر کردند، به بیماری مبتلا کرد شکر نمودند و همچنان با انواع و اقسام مشقت‌ها ولی آن‌ها استقامت کردند، شدّت این ابتلاءات به حدی بود که پیامبر ج و برخی از پیروان‌شان از شدّت مشقت‌ها می‌گفتند چه وقت فَرَج بعد از این شدّت فرا می‌رسد و چه وقت نصرت الهی بعد از این ذلّت نازل می‌شود؟ پس شما ای مؤمنان! بدانید که یاری و نصرت حق‌تعالی نزدیک است و فرج و گشایش او حتماً آمدنی است پس دچار یأس و نا امیدی نشوید و استقامت کنید.

﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَۖ قُلۡ مَآ أَنفَقۡتُم مِّنۡ خَيۡرٖ فَلِلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ ٢١٥﴾.

مؤمنان از تو ای پیامبر ج درباره‌ی اینکه چه چیزی را و به چه کسی باید صدقه دهند سوال می‌کنند، بگو هر چیزی را که صدقه دهید اندک باشد یا زیاد اولی به آن نزدیکان‌تان اند، و بعد از آن‌ها به ترتیب: یتیمان، فقرا، و غریب وا مانده در راه قرار دارند. بدانید که عملکرد نیک‌تان کم باشد یا زیاد در پیشگاه خداوند أ محفوظ است و اوتعالی داناست و همۀ این اعمال را آمار می‌گیرد و مخلص را از ریا کار جدا می‌سازد و به هر کسی مطابق عملش جزا و پاداش می‌دهد.

﴿كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِتَالُ وَهُوَ كُرۡهٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡ‍ٔٗا وَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّواْ شَيۡ‍ٔٗا وَهُوَ شَرّٞ لَّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٢١٦﴾.

بر شما ای مؤمنان جهاد بر علیه کفار فرض شد در حالی که دل‌ها نظر به مشقت‌ها و دردها و خطرهایی که جنگ بر جان و مال دارد از آن بَد می‌برد ولی چه بسیار است اموری که دل به آن راضی نیست ولی عاقبتی نیکو دارد، به عنوان مثال همین جهاد با وجود مشقت‌هایی که دارد با آن‌هم نتایج و ثمرات بسیار ارزنده‌ای مانند عزت، کرامت، نصرت، غنیمت و از همه مهمتر شهادت در راه خدا أ دارد و امکان این هست که شما امری از امور دنیا را از قبیل پیروی شهوات و ترک جهاد دوست داشته باشید در حالی که چنین اموری برای شما نتیجه‌ای جز ذلت، خواری، عار و غضب خدای جبار در پی ندارد، چقدر بسیار است اموری که انسان آن را دوست ندارد در حالی که موجب رستگاری و بلندی است و ای بسا اموری که انسان آن را دوست دارد ولی آن امور منجر به هلاکت و زیان می‌گردد؛ زیرا انسان‌ها اسرار و عاقبت امور و همچنان حکمت‌های پوشیده آن را نمی‌دانند، دانش مسایلی نزد آفریدگار متعال است، خدایی که در تطبیق قضا و قدر خود قاطع و در برابر انتخاب و گزینش خود نرم است و در تدبیرش حکمت‌ها و مصلحت‌هایی نهفته است.

﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهۡرِ ٱلۡحَرَامِ قِتَالٖ فِيهِۖ قُلۡ قِتَالٞ فِيهِ كَبِيرٞۚ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَكُفۡرُۢ بِهِۦ وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ وَإِخۡرَاجُ أَهۡلِهِۦ مِنۡهُ أَكۡبَرُ عِندَ ٱللَّهِۚ وَٱلۡفِتۡنَةُ أَكۡبَرُ مِنَ ٱلۡقَتۡلِۗ وَلَا يَزَالُونَ يُقَٰتِلُونَكُمۡ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمۡ عَن دِينِكُمۡ إِنِ ٱسۡتَطَٰعُواْۚ وَمَن يَرۡتَدِدۡ مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَيَمُتۡ وَهُوَ كَافِرٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢١٧﴾.

مردم از تو ای محمد ج دربارۀ جنگ در ماه‌های حرام می‌پرسند که آیا چنین جنگی حلال است یا حرام؟ به آن‌ها بگو جنگ در این ماه‌ها حرام و دارای گناهی بزرگ است و جنایتی زشت می‌باشد پس در این ماه‌ها با کسانی که با شما نمی‌جنگند نجنگید ولی منع مردم از اسلام، دعوت آن‌ها به سوی کفر، کثیف کردن مسجد الحرام، اخراج پیامبر و یارانش از مکه گناهی به مراتب بزرگ‌تر از جنگ در ماه‌های حرام است و اگر کشتاری که در این ماه‌ها در حق کفار روا می‌دارید گناهی بزرگ است کارهایی که آن‌ها نسبت به شما و دین و پیامبر خدا انجام ‌می‌دهند بزرگ‌تر است.

کفار همچنان به جنگ خود با مؤمنان ادامه می‌دهند تا آن‌ها را از دین اسلام بیرون کنند و هر کس دین خود را ترک کند و به کفر رغبت نشان دهد و بر این کفر تا زمانی که می‌میرد ادامه دهد تمام اعمال صالح چنین کسی را حق‌تعالی ضایع می‌سازد و او را در آتش دوزخ جاودان می‌دارد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ يَرۡجُونَ رَحۡمَتَ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٢١٨﴾.

همانا مؤمنان مهاجر و مجاهد، مستحق رحمت خدا أ می‌باشند و به زودی به آرزوهای خود می‌رسند و ثمره و نتیجه اعمال صالح و نیک خود را دریافت می‌دارند؛ زیرا با ایمان خود خدای قهّار را راضی نموده و با هجرت خانه و کاشانۀ خویش را رها کردند و با جهاد بر علیه کفار جنگیدند، از این‌روی مستحق رحمت خدا أ شدند چون حق‌تعالی دارای عطای بسیار است و از خطا و اشتباه دَرمی‌گذرد.

﴿۞يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِۖ قُلۡ فِيهِمَآ إِثۡمٞ كَبِيرٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَإِثۡمُهُمَآ أَكۡبَرُ مِن نَّفۡعِهِمَاۗ وَيَسۡ‍َٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَۖ قُلِ ٱلۡعَفۡوَۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَتَفَكَّرُونَ ٢١٩﴾.

از تو ای محمد ج دربارۀ حکم نوشیدن شراب و قمار سوال می‌کنند، بگو در این دو پدیده، گناهی بزرگ و ضرر زیاد نهفته است و اگر در شراب و قمار بهرۀ مادیی اند کی هم باشد این بهره در کنار ضرر بسیاری که دارند ناچیز است؛ زیرا نوشیدن شراب و بازی قمار منجر به زوال عقل می‌شود و ای بسا که انسان را هلاک می‌سازد و موجب جنگ و جدال و خونریزی و خراب شدن خانه‌ها و خانواده‌ها و تجاوز به نوامیس و از این قبیل می‌شود.

و از تو دربارۀ اینکه چه چیزی را صدقه دهند و چه چیزی را برای خود نگهدارند می‌پرسند، به آن‌ها بگو آنچه در توان دارید و از نیاز شما فزون است را صدقه دهید و همانگونه که حق‌تعالی شما را هدایت نموده به همان‌سان برای شما حلال و حرام، جائز و نا جائز، مفید و مضر را بیان کرده است، پس در امور خویش فکر کنید و دانش دین را بیاموزید تا خوشبخت و رستگار شوید.

﴿فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۗ وَيَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡيَتَٰمَىٰۖ قُلۡ إِصۡلَاحٞ لَّهُمۡ خَيۡرٞۖ وَإِن تُخَالِطُوهُمۡ فَإِخۡوَٰنُكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ ٱلۡمُفۡسِدَ مِنَ ٱلۡمُصۡلِحِۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَعۡنَتَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٢٢٠﴾.

خداوند أ برای شما در امور دنیا و آخرت نشانه‌های خود را بیان می‌دارد تا تفکر کنید و همواره نیکو و کامل‌تر را بر گزینید و در حال دنیا و اینکه فنا و زوال پذیر است و دربارۀ قیامت که باقی و نیکوست تدبر و نظر نمائید.

و از تو دربارۀ یکجا شدن با یتیمان و خوردن از اموال آن‌ها می‌پرسند، به آن‌ها جواب بده کسی که با یتیمان به منظور اصلاح امورشان یکجا می‌شود از کسی که از آن‌ها کناره‌گیری می‌کند بهتر است و اگر مال خود را با مال آن‌ها به منظور ربح و دفع خسارت و از طریق شراکت یکجا کردید پس شما برادران دینی و دوستان یکدیگر خواهید بود و خداوند أ بر کسی که ارادۀ فساد دارد و بر کسی که در راه خیر سعی و کوشش می‌کند و در حین شراکت از خدا أ می‌ترسد آگاه است و اگر خداوند أ اراده سختی داشته باشد شما را از یکجائی با یتیمان بازمی‌دارد ولی اوتعالی امور را آسان نموده و شما را بر اعمالی که توان ندارید مکلف نکرده است؛ زیرا او غالب و عزیزی است که تصمیم خود را با قوّت و نیرومندی اجرا می‌کند و در قضای خود حکمت و در قدر خود رحمت دارد.

﴿وَلَا تَنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكَٰتِ حَتَّىٰ يُؤۡمِنَّۚ وَلَأَمَةٞ مُّؤۡمِنَةٌ خَيۡرٞ مِّن مُّشۡرِكَةٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَتۡكُمۡۗ وَلَا تُنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤۡمِنُواْۚ وَلَعَبۡدٞ مُّؤۡمِنٌ خَيۡرٞ مِّن مُّشۡرِكٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَكُمۡۗ أُوْلَٰٓئِكَ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَٱللَّهُ يَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ وَٱلۡمَغۡفِرَةِ بِإِذۡنِهِۦۖ وَيُبَيِّنُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ٢٢١﴾.

با زن‌های مشرک تا زمانی که مسلمان نشوند ازدواج نکنید و همانا کنیز مملوک و مسلمان از زن آزاد ولی مشرک بهتر است اگرچه شیفتۀ زیبائی آن زن مشرک شوید؛ زیرا جمال و زیبائی باطن خیلی از زیبائی ظاهر بهتر است.

همچنان دختران خود را به عقد مشرکان در نیاورید تا زمانی که مسلمان شوند همانا بردۀ مملوک و مسلمان از انسان آزاد مشرک بهتر است اگرچه از آن مشرک خوش‌تان بیاید و شیفتۀ سخنانش شوید؛ زیرا مسلمان پاکتر و گرامی‌تر است چون مشرک مردم را به طرف کفر می‌خوانند و این کفر به سوی آتش دوزخ منتهی می‌شود در حالی که حق‌تعالی شما را به سوی آنچه رهنمایی می‌کند که موجب سعادت‌تان در دنیاست و شما را به رستگاری بهشت در آخرت می‌رساند، او کسی است که حسنات را می‌پذیرد و از بدی‌ها دَرمی‌‌گذرد و کسی که هدایت شود این هدایت مرهون توفیق اوست و اوتعالی دلائل و براهین زیادی را برای مخلوقات خود ارائه می‌کند تا آن‌ها هدایت را از گمراهی تشخیص دهند و احسن و حق را بر گزینند.

﴿وَيَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡمَحِيضِۖ قُلۡ هُوَ أَذٗى فَٱعۡتَزِلُواْ ٱلنِّسَآءَ فِي ٱلۡمَحِيضِ وَلَا تَقۡرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطۡهُرۡنَۖ فَإِذَا تَطَهَّرۡنَ فَأۡتُوهُنَّ مِنۡ حَيۡثُ أَمَرَكُمُ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلۡمُتَطَهِّرِينَ ٢٢٢﴾.

از تو ای محمد ج دربارۀ حِلّ و حرمت مقاربت با زن‌هایی می‌پرسند که در عادت ماهانۀ خویش قرار دارند، به آن‌ها بگو چنین عملی حرام است؛ چون خون حیض نجس و موجب اذیت است. پس از مقاربت با زن‌ها تا زمانی که پاک شوند خودداری کنید و چون از عادت پاک شدند و خودشان را با آب پاک شستند در چنین حالی می‌توانید با آن‌ها از ناحیه جلو مقاربت کنید؛ زیرا مقاربت از این ناحیه در شریعت اسلام مجاز است و اوتعالی توبه کنندگان از گناه و پاکان از نجاست را دوست می‌دارد. گناه پلیدیی است که روح و دل را آلوده می‌سازد و نجاست جسم را از این رو طهارت روح و جسم با ترک گناه و دوری از آلودگی میسّر است.

﴿نِسَآؤُكُمۡ حَرۡثٞ لَّكُمۡ فَأۡتُواْ حَرۡثَكُمۡ أَنَّىٰ شِئۡتُمۡۖ وَقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُم مُّلَٰقُوهُۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٢٢٣﴾.

همسران شما محل ولادت اولادتان‌اند پس به هر طریق و روشی که می‌خواهید با آن‌ها مقاربت کنید به شرطی که در ناحیه جلو باشد و همواره بر انجام اعمال نیکو که به آخرت‌تان مفید است حریص باشید ولو این عمل نیکو مقاربت با همسر از طریق نیّت داشتن فرزند و حفظ نفس از ارتکاب گناه باشد نه مجرد قضای شهوت حیوانی و بر شماست تا تقوای خدا أ را در اجتناب از نواهی او رعایت کنید، نواهیی مانند: مقاربت با زن در حالت عادت و مقاربت با او از ناحیه پُشت و یقین داشته باشید که شما با ملاقات خدا أ خواهید رفت تا شما را مورد محاسبه قرار دهد پس به ملاقات او با امور افتضاح آمیز نروید و بشارت بهشت باد برای کسی که ایمان آورد.

این آیه به صورت جالب و نیکوئی احکام را به تقوای الهی ارتباط داده است.

﴿وَلَا تَجۡعَلُواْ ٱللَّهَ عُرۡضَةٗ لِّأَيۡمَٰنِكُمۡ أَن تَبَرُّواْ وَتَتَّقُواْ وَتُصۡلِحُواْ بَيۡنَ ٱلنَّاسِۚ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٢٢٤﴾.

هیچگاه سوگند به خدا أ را مانع کارهای خیر نگردانید و سوگند یاد نکنید که هرگز کار خوبی انجام ندهید طوری که اگر از این شخص خواسته شود آن عمل را انجام دهد می‌گوید من به خدا أ سوگند یاد کرده‌ام و هیچگاه سوگند خود را نقض نمی‌نمایم، گویا خداوند أ مانع تو از کارهای خوب می‌شود؛ هرگز چنین نکن بلکه هرگاه سوگند یاد کردی کفّاره بده و آن عمل خوب را طاعت و عبادت باشد یا ترک معصیت و یا اصلاح در بین مردم انجام بده؛ زیرا حق‌تعالی گفتار شما را می‌شنود و بر اعمال و احوال شما آگاه است از این‌روی سزاوار این است که از او بترسید و تقوایش را رعایت نمائید.

﴿لَّا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتۡ قُلُوبُكُمۡۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٞ ٢٢٥﴾.

حق‌تعالی شما را بر سوگندهایی که بر زبان‌های شما بدون نیّت و قصد جاری می‌شود مواخذه نمی‌کند مانند اینکه بگوئید: نه به خدا، یا بلی به خدا و از این قبیل. مؤاخذه بر کسی است که به قصد دروغ سوگند یاد کند؛ زیرا اعمال وابسته به نیات است و خداوند أ بسیار بخشاینده و دارای رحمت بسیار است که توبۀ توبه کننده را و همچنان کسی را که به او رجوع کند می‌پذیرد و از بدکار دَرمی‌گذرد.

﴿لِّلَّذِينَ يُؤۡلُونَ مِن نِّسَآئِهِمۡ تَرَبُّصُ أَرۡبَعَةِ أَشۡهُرٖۖ فَإِن فَآءُو فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٢٢٦﴾.

اگر کسی سوگند یاد کرد که با همسرش بنابر ایذا و ضرر رسانی به او مقاربت نکند، مدّت چهار ماه فرصت دارد تا از این کار دست بردارد و به سوی خدای خود توبه نماید، در چنین حالی حق‌تعالی گناهش را می‌بخشد به شرط آنکه کفاره بدهد و به همسر خود رجوع کند. اینجا ببینید حق‌تعالی چقدر لطف زیادی نسبت به زنان دارد.

﴿وَإِنۡ عَزَمُواْ ٱلطَّلَٰقَ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٢٢٧﴾.

ولی اگر شوهر همچنان بر سوگند خود ادامه دهد و از همسرش دوری گزیند، در چنین حالتی بر او لازم است تا همسرش را به منظور دفع ضرر و ایذایی که نسبت به او اعمال نموده طلاق دهد و اگر طلاق نداد حاکم باید چنین کند؛ زیرا در اسلام نه ضرر رسانی است و نه قبول ضرر و زندگی زنا شوئی برای الفت و معاشرت نیکوست و اگر چنین چیزی نبود غرض از آن بر طرف می‌شود و خداوند أ هر قول و سخنی را می‌شنود و بر امور پوشیده آگاه می‌باشد پس مناسب این است که بندگان از او بترسند.

﴿وَٱلۡمُطَلَّقَٰتُ يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَٰثَةَ قُرُوٓءٖۚ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكۡتُمۡنَ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ فِيٓ أَرۡحَامِهِنَّ إِن كُنَّ يُؤۡمِنَّ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَٰلِكَ إِنۡ أَرَادُوٓاْ إِصۡلَٰحٗاۚ وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ وَلِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٢٢٨﴾.

زن طلاق شده در صورتی که شوهر با او مقاربت انجام داده باشد به منظور پاک شدن رحمش مدّت سه دوره عادت ماهوار صبر کند سپس مجاز است تا ازدواج کند و جایز نیست چنین زنی اگر از خدای خود و محاسبه‌اش می‌ترسد حمل خویش را از بیم بازگشت مجدد به شوهر و تمایل جدایی، پنهان دارد؛ زیرا انسان پرهیزگار همواره به احکام شرعی التزام دارد و آن کس با این احکام مخالفت کند در واقع شقاوت پیشه و بدبخت است.

شوهر حق دارد پیش از تکمیل عده به همسرش رجوع کند؛ زیرا تا این زمان او هنوز تحت سرپرستی و ولایت شوهر قرار دارد، البته اگر شوهر ارادۀ معاشرت نیکو با زن را دارد و نمی‌خواهد او را در مشقت قرار دهد چون از جمله حقوق زن معاشرت نیکو و نفقه است، چنان‌چه شوهر نیز حقوقی دارد از قبیل معاشرت نیکو از سوی همسر و خیانت نکردن.

با این حال شوهران بر همسران خود نظر به مصارفی که می‌کنند و همچنان ولایت و سرپرستی که دارند از ویژگی خاصی برخوردار می‌باشند، البته این ویژگی به معنی برتری مرد بر زن نیست زیرا بر تری انسان‌ها در تقوا و پرهیزگاری است و حق‌تعالی از هر کسی که در حق و حقوق زوجین تجاوز کند انتقام می‌گیرد و در چیدن هر چیزی در جایی حکمت‌هایی دارد از جمله در روابط زناشوئی.

﴿ٱلطَّلَٰقُ مَرَّتَانِۖ فَإِمۡسَاكُۢ بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ تَسۡرِيحُۢ بِإِحۡسَٰنٖۗ وَلَا يَحِلُّ لَكُمۡ أَن تَأۡخُذُواْ مِمَّآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ شَيۡ‍ًٔا إِلَّآ أَن يَخَافَآ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِۖ فَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَا فِيمَا ٱفۡتَدَتۡ بِهِۦۗ تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَعۡتَدُوهَاۚ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٢٢٩﴾.

طلاق صحیحی که برای شوهر در پی آن رجوع مجاز است دو طلاق می‌باشد که باید یکی بعد از دیگری واقع گردد، در چنین حالتی شوهر می‌تواند به همسر خود رجوع کند. بعد از آن اگر امکان صلح نبود شوهر می‌تواند بدون ظلم و تجاوز او را برای بار سوم طلاق دهد، با این طلاق زن به گونه‌ای جدا می‌‌شود که برای شوهر حق رجوع نیست و برای او مجاز نمی‌باشد از مهر همسر چیزی را بکاهد مگر در حالت خلع که طی آن در صورتی که ضرری از سوی شوهر و یا معاشرت بدی از سوی همسر صورت گیرد، زن می‌تواند با پرداخت برخی از مهر خود از شوهر مطالبۀ طلاق کند.

این‌ها شریعت خدا أ و سنن اوست، از مخالفت این شریعت و تجاوز از حدود اوتعالی بر حذر باشید؛ زیرا اگر کسی چنین کند خشم خدا أ را علیه خود فراهم می‌کند و بر خویشتن ظلم و ستم روا می‌دارد و مرتکب فعل حرام می‌شود.

﴿فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُۥ مِنۢ بَعۡدُ حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوۡجًا غَيۡرَهُۥۗ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ أَن يَتَرَاجَعَآ إِن ظَنَّآ أَن يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِۗ وَتِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ٢٣٠﴾.

اگر شوهر همسر خود را برای بار سوم طلاق داد در چنین حالتی همسر از او برای همیشه جدا می‌شود و حرام می‌گردد تا زمانی که با شوهری دیگر ازدواج کند و آن شوهر با او مقاربت انجام دهد که البته این ازدواج نباید به منظور حلاله باشد. این نوعی تنبیه شوهر است تا بار دیگر با طلاق و جدایی و رجوع بازی نکند. اگر شوهر دوم او را طلاق داد و عدّه‌اش گذشت در چنین حالتی برای شوهر اول مجاز است تا او را مجدداً با عقد و مهری جدید به نکاح بگیرد، البته در صورتی که بفهمند در سایۀ زندگی جدید می‌توانند به اوامر خدا أ رسیدگی کنند و از نواهی او اجتناب نمایند. حق‌تعالی این احکام را برای اهل بصیرت و فهم توضیح می‌دهد اما جاهلان و نادانان نه فهمی دارند و نه بصیرتی.

﴿وَإِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمۡسِكُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٖۚ وَلَا تُمۡسِكُوهُنَّ ضِرَارٗا لِّتَعۡتَدُواْۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَقَدۡ ظَلَمَ نَفۡسَهُۥۚ وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوٗاۚ وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَمَآ أَنزَلَ عَلَيۡكُم مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡحِكۡمَةِ يَعِظُكُم بِهِۦۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ٢٣١﴾.

اگر زن‌ها را در کمتر از سه، طلاق دادید و آن‌ها در مرحلۀ رجعت قرار داشتند شما می‌توانید قبل از اتمام عده اگر خواستید به همسران خود رجوع کنید بدون اینکه با آن‌ها بد رفتاری نمائید، یا به آن‌ها مهلت دهید تا عدۀ‌شان تکمیل شود و به این ترتیب بائن شوند و شما در عوض، متاع نیکوئی به آن‌ها بدهید و به زن‌ها به منظور انتقام و یا بد رفتاری رجوع نکنید تا از این طریق آنان را وادار به پرداخت قسمتی از مهرشان نمائید اگر کسی چنین کند مرتکب ظلم و ستم شده و حق‌تعالی منتظر اوست و با احکام خدا أ به این صورت بازی نکنید که قسمتی را بگیرید و بخش دیگری را رها کنید و فضل خدا أ را بر خود یاد آورید که قرآن را برای شما نازل فرموده و محمد ج را به منظور آموزش‌تان فرستاده است و شما قبلاً در جهالت و گمراهی قرار داشتید. این وحی شما را به سوی آن چیزی هدایت می‌کند که خیر و فلاح‌تان است. پس از خدا أ بترسید و از او در انجام اوامر و دوری از نواهی‌اش اطاعت کنید که اوتعالی بر همه چیز اگاه است و به زودی شما را بر عملکرد‌‌تان خواه کم باشد یا زیاد محاسبه می‌نماید.

﴿وَإِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحۡنَ أَزۡوَٰجَهُنَّ إِذَا تَرَٰضَوۡاْ بَيۡنَهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ مِنكُمۡ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۗ ذَٰلِكُمۡ أَزۡكَىٰ لَكُمۡ وَأَطۡهَرُۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٢٣٢﴾.

و اگر شوهران همسران همسران خود را طلاق دادند و عدّه‌شان گذشت و شوهر رغبت داشت تا مجدداً به همسر خود رجوع کند، بر ولی زن لازم است مانع این کار نشود؛ زیرا با چنین کاری زن از زندگی زناشوئی محروم می‌شود. چنین کاری التزام به شرع خداست و از سوی کسی صورت می‌گیرد که به خدا أ به عنوان پروردگار راضی است و از روبرو شدن با او می‌ترسد. چنین اعمالی اعم از رجوع به معروف، ترس از خدا أ و عدم منع ولی برای تزکیۀ قلب‌ها و دوری آن‌ها از گناهان بهتر است، چنان‌چه اجسام را نیز از طریق اجتناب از محرمات پاک می‌سازد؛ زیرا حق‌تعالی به مصالح بندگان خود آگاه است و می‌داند در چه چیزی خیر و سعادت آن‌هاست چون بشر دارای ضعف، نقص و ناتوانی است و غفلت همواره با او همراه است.

﴿۞وَٱلۡوَٰلِدَٰتُ يُرۡضِعۡنَ أَوۡلَٰدَهُنَّ حَوۡلَيۡنِ كَامِلَيۡنِۖ لِمَنۡ أَرَادَ أَن يُتِمَّ ٱلرَّضَاعَةَۚ وَعَلَى ٱلۡمَوۡلُودِ لَهُۥ رِزۡقُهُنَّ وَكِسۡوَتُهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ لَا تُكَلَّفُ نَفۡسٌ إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَا تُضَآرَّ وَٰلِدَةُۢ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوۡلُودٞ لَّهُۥ بِوَلَدِهِۦۚ وَعَلَى ٱلۡوَارِثِ مِثۡلُ ذَٰلِكَۗ فَإِنۡ أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٖ مِّنۡهُمَا وَتَشَاوُرٖ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَاۗ وَإِنۡ أَرَدتُّمۡ أَن تَسۡتَرۡضِعُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُمۡ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ إِذَا سَلَّمۡتُم مَّآ ءَاتَيۡتُم بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ٢٣٣﴾.

بر مادران لازم است فرزندان خود را به مدّت دو سال کامل شیر دهند اگر والدین به آن رضایت داشتند. استفاده از واژه «والدات» به منظور جلب توجه مادران به سوی کودکان‌شان است تا این کودکان مورد بی‌توجهی قرار نگیرند. بر پدر کودک لازم است نفقه مادر کودک و لباسش را در حدّ معروف و بدون اسراف و سختی تأمین کند. همچنان در این آیه از واژۀ «وعلى المولود له» استفاده شده و در عوض آن نگفته «وعلى الوالد» زیرا طفل به پدر خود نسبت داده می‌شود نه به سوی مادر خود.

جایز نیست طفل به علت جدایی و فراق متضرر شود، طوری که مادرش به منظور آزار پدر از دادن شیر به فرزند خودداری کند و یا پدر فرزند را بگیرد و او را از آغوش گرم مادرش محروم نماید و به این ترتیب هم به کودک ضرر برساند و هم به مادر کودک.

در اینجا حق‌تعالی از حقوق طفل حمایت به عمل آورده است، سپاس خدای حکیم و رحیم را که چقدر عادل و مهربان است. میراث بران طفل مانند پدر بزرگ، عمو و برادر، در نفقه مادر طفل، قائم مقام پدر در صورت وفاتش‌اند و اگر مادر و پدر طفل بر شیر ندادن وی قبل از اتمام دو سال اتفاق کردند اشکالی ندارد به شرط آنکه بنابر رضایت طرفین و بدون اختلاف صورت گیرد و به مصلحت کودک نیز باشد. و اگر پدر طفل رغبت داشت شیر دهنده‌ای فرزندش را شیر دهد و در آن مصلحتی مرتب بود اشکالی ندارد البته در صورتیکه مادر طفل از شیر دادن عاجز باشد یا شیر ندهد که در این صورت باید اجرت شیرده به صورت کامل پرداخت شود. این است عدل و انصاف؛ بنابراین بر همگان لازم است تا از خدا أ بترسند و پدر نیز نباید ضرری به طفل یا مادرش برساند و نباید در مزد شیرده بخالت کند، چنان‌چه مادر نیز نباید به کودک خود ضرر برساند و از این طریق از پدرش انتقام بگیرد؛ زیرا خداوند أ بر همه اعمال آگاه است پس از او بترسید و به احکام شرعی‌اش التزام داشته باشید.

﴿وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوۡنَ مِنكُمۡ وَيَذَرُونَ أَزۡوَٰجٗا يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ وَعَشۡرٗاۖ فَإِذَا بَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِيمَا فَعَلۡنَ فِيٓ أَنفُسِهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٢٣٤﴾.

و اگر کسی از شما بمیرد در حالی که یک زن یا بیشتر دارد، بر زنانش لازم است به مدّت چهار ماه و ده روز در خانۀ شوهر و به منظور عزا بمانند مگر زن حامله که باید تا تولد نوزاد در خانۀ شوهر باشد تا از این طریق نسب اشخاص حفظ شود و به حق شوهر احترام گذاشته شود. زمانی که چنین شد بر زن مجاز است ازدواج مجدد کند و از مقدمات آن مانند تجمّل و آرایش در صورتی که موافق با شرع شریف باشد استفاده نماید و بر حق‌تعالی هیچ چیزی پوشیده نیست، او می‌داند چه کسی عمل نیکو انجام می‌دهد و چه کسی عمل بد. او هر کسی را مطابق عملش جزا و پاداش می‌دهد پس خدا أ را در نظر داشته باشید که او شما را محاسبه می‌نماید.

﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِيمَا عَرَّضۡتُم بِهِۦ مِنۡ خِطۡبَةِ ٱلنِّسَآءِ أَوۡ أَكۡنَنتُمۡ فِيٓ أَنفُسِكُمۡۚ عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمۡ سَتَذۡكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّآ أَن تَقُولُواْ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗاۚ وَلَا تَعۡزِمُواْ عُقۡدَةَ ٱلنِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ ٱلۡكِتَٰبُ أَجَلَهُۥۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٞ ٢٣٥﴾.

بر شما گناهی نیست اگر به زنی که در حالت شمارش عده است به صورت اشاره نه صریح بفهمانید که در ازدواج با او رغبت دارید و گناهی نیست اگر این هدف را در دل پنهان دارید. هدف از بیان این سخن این است که تا تو هم گناه در چنین کاری نباشد پس وعدۀ خویش را در نکاح آن زن پنهان ندارید که حق‌تعالی امور نهان و آشکار را می‌داند ولی لازم است این تمایل را به صورت اشاره و رمز ابراز دارید نه صریح؛ زیرا خواستگاری از چنین زنی مجاز نیست مگر بعد از انتهای عده‌اش چنان‌چه عقد نکاح نیز مگر بعد از پایان عده جواز ندارد و بدانید که پروردگار بر اسرار، نیت‌ها و اعمال‌تان آگاه است پس از خشم و غضب اوتعالی بر حذر باشید و از عقابش بترسید که خداوند أ با وجود آنکه بر عذاب قادر است با آن‌هم برای کسی که توبه کند می‌بخشد و بر او رحم می‌نماید پس شما در بین خوف انتقام و امید رحمتش باشید.

﴿لَّا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ إِن طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ مَا لَمۡ تَمَسُّوهُنَّ أَوۡ تَفۡرِضُواْ لَهُنَّ فَرِيضَةٗۚ وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى ٱلۡمُوسِعِ قَدَرُهُۥ وَعَلَى ٱلۡمُقۡتِرِ قَدَرُهُۥ مَتَٰعَۢا بِٱلۡمَعۡرُوفِۖ حَقًّا عَلَى ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٢٣٦﴾.

اگر زن‌ها را پیش از مقاربت طلاق دادید و مهری را برای‌شان مشخص نکرده بودید برای آن‌ها فقط متعه است و اگر مهری را مشخص کرده بودید در این صورت باید نصف مهرشان را بدهید و هنگام طلاق و قبل از مفارقت متعۀ‌شان را به آن‌ها بسپارید تا عتاب و خشم از دل‌های‌شان بیرون شود.

متعه مقداری از مال است که به اندازۀ توان غنی و فقیر تعیین می‌شود، این عمل را انسان پرهیزگاری انجام می‌دهد که دوست دارد احسان کند و خداوند أ آن را مشروع نموده تا پشیمانی‌هایی که به زن طلاق داده شده رسیده محو شود.

﴿وَإِن طَلَّقۡتُمُوهُنَّ مِن قَبۡلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ وَقَدۡ فَرَضۡتُمۡ لَهُنَّ فَرِيضَةٗ فَنِصۡفُ مَا فَرَضۡتُمۡ إِلَّآ أَن يَعۡفُونَ أَوۡ يَعۡفُوَاْ ٱلَّذِي بِيَدِهِۦ عُقۡدَةُ ٱلنِّكَاحِۚ وَأَن تَعۡفُوٓاْ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰۚ وَلَا تَنسَوُاْ ٱلۡفَضۡلَ بَيۡنَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ٢٣٧﴾.

و اگر طلاق قبل از دخول و در حالی بود که شوهر مهری را برای زن معین کرده بود، بر شوهر لازم است تا نصف مهر زن را بدهد مگر در صورتی که خود زن از حق خویش دَر گذرد یا شوهر از نیم دیگر مهر در صورتی که کل مهر را پرداخته بود بگذرد. در تمام این احوال، گذشت از هر طرفی که باشد نیکوست؛ زیرا عفو و گذشت دلالت بر سخاوت، نرمی طبع و اخلاق نیکوی شخص می‌نماید و به خواست و محبت خدا أ نزدیک‌تر است؛ چون اوتعالی بخشاینده و سخاوتمند است و عفو، بخشش و سخاوتمندی را دوست می‌دارد و می‌پسندد.

و شما ای زنان و شوهران! حتی بعد از جدایی نیز باید عهد و پیمان یکدیگر خویش را نگهدارید و اسرار خود را بپوشانید و در صورت نیاز به یکدیگر کمک مالی کنید؛ زیرا قبل از جدایی بین شما احسان و نیکی بوده و باید این احسان و روابط نیک حتی‌الامکان حفظ شود و حق‌تعالی احسان نیکوکار و بدی بدکار را می‌داند و به زودی برای هر کسی پاداش عملش را می‌دهد.

﴿حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ ٢٣٨﴾.

بر نمازهای پنجگانه در اوقات معینه و با تمام شروط و مواصفات و خشوع و آداب محافظت کنید و اشتغال به امور دنیا شما را از نماز باز ندارد. این محافظت از ادای خشک و خالی نماز با عظمت‌تر است؛ زیرا نماز ستون دین و مایۀ روشنی و خنکی چشم یکتا پرستان و نشانۀ صداقت عبادت کنندگان است.

همچنان بر نماز «عصر» محافظت کنید؛ زیرا ملائکه شاهد این نماز اند و دیگر اینکه نماز عصر در وقتی واقع شده که معمولاً انسان از خستگی کار بازمی‌گردد و در زمستان در وقتی سرد قرار دارد و در نماز خویش خشوع داشته باشید و بر اطاعت پروردگار خود همچنان ادامه دهید.

﴿فَإِنۡ خِفۡتُمۡ فَرِجَالًا أَوۡ رُكۡبَانٗاۖ فَإِذَآ أَمِنتُمۡ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمۡ تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ ٢٣٩﴾.

نماز را در هیچ حالتی ترک نکنید اگرچه در حالت خوف از کفار قرار داشته باشید. نماز را هرگونه که میسّر است خواه پیاده یا سواره ادا نمائید و چون جنگ تمام شد و اوضاع و احوال آرام گردید نماز را مطابق با تمام ارکان و شروط آن و با کثرت ذکر خدای رحمان ادا کنید، درست همانگونه که پروردگار به شما در قرآن و سنّت پیامبر خویش تعلیم داده و تا شکر این عمل ادا شود در حالی که پیش از آن در گمراهی و جهالت بسر می‌بردید.

﴿وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوۡنَ مِنكُمۡ وَيَذَرُونَ أَزۡوَٰجٗا وَصِيَّةٗ لِّأَزۡوَٰجِهِم مَّتَٰعًا إِلَى ٱلۡحَوۡلِ غَيۡرَ إِخۡرَاجٖۚ فَإِنۡ خَرَجۡنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِي مَا فَعَلۡنَ فِيٓ أَنفُسِهِنَّ مِن مَّعۡرُوفٖۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٢٤٠﴾.

بر شوهر پیش از آنکه بمیرد لازم است برای همسر خود بهره‌ای که برای یک‌سال کفاف کند و شامل نفقه و مسکن باشد وصیت کند و زن نباید در مدّت این یک‌سال از خانۀ شوهر بیرون شود. این عدۀ زنی بود که شوهرش وفات می‌کرد بعدها این حکم توسط عدۀ «چهار ماه و ده روز» نسخ شد. بنگرید که چگونه حق‌تعالی حقوق اشخاص را حفظ می‌کند و حدّ و حدود وضع می‌نماید. پس هرگاه همسر از خانه شوهر بعد از اتمام عده‌اش بیرون شد، برای ولی مجاز است تا به زن اجازه تجمّل، استفاده از وسایل زینت و آرایش و عطر را در حدودی که خدا أ تعیین نموده بدهد؛ زیرا خداوند أ غالب است از این‌روی امر می‌کند، حَکَم است و در حکم خود عدالت می‌نماید و از جمله نشانه‌های عزّت او امر و نهیی است که صورت می‌دهد و از جملۀ حکمت‌هایش نازل کردن احکام مطابق اوضاع و شرایط است.

﴿وَلِلۡمُطَلَّقَٰتِ مَتَٰعُۢ بِٱلۡمَعۡرُوفِۖ حَقًّا عَلَى ٱلۡمُتَّقِينَ ٢٤١﴾.

برای زن طلاق داده شده بر شوهرش حقی که عبارت از متعه است می‌باشد. این متعه به اندازۀ توان و به منظور رفع کدورت‌ها و جبران خاطر رنجی است که بر اثر طلاق به وجود می‌آید. این عمل توسط کسی انجام می‌شود که تقوای خدا أ را رعایت می‌نماید از این‌روی آنچه را که اوتعالی به آن راضی است انجام می‌دهد.

﴿كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٢٤٢﴾.

بیان همۀ این احکام از سوی خداست، شارع و قانون‌گذار اوتعالی می‌باشد و مشروعیت حکم فقط برای اوست، او بیان می‌کند و پیامبر ج تبلیغ و بر شما ای مؤمنان عمل کردن است. حق‌تعالی شرائع خویش را از این جهت مشروع نموده که تا شما در آن‌ها تدبر و تفکر کنید و احکامش را بفهمید. بیان علم و تدبر تعقل است و به این ترتیب بین منقول و معقول جمع می‌شود.

﴿۞أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَهُمۡ أُلُوفٌ حَذَرَ ٱلۡمَوۡتِ فَقَالَ لَهُمُ ٱللَّهُ مُوتُواْ ثُمَّ أَحۡيَٰهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشۡكُرُونَ ٢٤٣﴾.

آیا به تو داستان قومی نرسیده که تعدادشان بسیار بود و آن‌ها از ترس مرگ از دیار خویش فرار کردند در حالی که از مرگ نمی‌شود فرار کرد و هیچ باز دارنده‌ای برای آن نیست؛ زیرا مرگ همه کس را چه فرار کنند یا نکنند دَرمی‌یابد، این بود که حق‌تعالی مرگ را بر آنان با یک کلمه مستولی کرد و با یک کلمه دوباره زنده‌شان نمود تا این دلیل اقامه شود که پروردگار توانا و با عظمت است.

گفته شده این‌ها از یهودیانی بوده‌اند که بر آن‌ها جهاد فرض شد ولی آن‌ها فرار کردند این بود که مرگ به سراغ آن‌ها رفت و سپس بر آنگیخته شدند. پس ای آنانی که از جهاد فرار می‌کنید هیچ راه فراری از مرگ وجود ندارد و پروردگار مردم را به امور سخت مکلّف نکرده تا از قضا و قدر الهی فرار کنند، همانا شریعت خدا أ رحمت و قضای او حکمت و عطایش فضل و گرفتش عدل و گذشتش احسان است؛ زیرا اوتعالی رحیم و مهربان است ولی اکثر مردم از طریق امتثال اوامر خدا أ و ترک نواهی او شکرش را بر جای نمی‌آورند. طبیعت انکار و کفران نعمت در نهاد مردم پنهان است.

﴿وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٢٤٤﴾.

ای مؤمنان! همانند کسانی که از جنگ می‌گریزند و جهاد را ردّ می‌نمایند نباشید بلکه در راه خدا أ و به منظور اعلای کلمه او جهاد کنید که پیروزی، عزت، پاداش، شهادت و رستگاری در انتظار شماست، حق‌تعالی می‌داند چه کسی در راه او مخلصانه جهاد می‌کند و چه کسی از روی ریا، چون پروردگار آوازها را می‌شنود و برنیّات و نهان مردم آگاه است.

﴿مَّن ذَا ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥٓ أَضۡعَافٗا كَثِيرَةٗۚ وَٱللَّهُ يَقۡبِضُ وَيَبۡصُۜطُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٢٤٥﴾.

چه کسی از شما در جهت رضای خدا أ و یاری دادن دینش با بذل مال پیشی می‌جوید؟ چنین مالی هیچگاه هَدَر نمی‌رود بلکه قرضی چند برابر و حسناتی است بسیار که یک حسنه معادل ده تا هفتصد برابر یا تا آن حد که خدا أ بخواهد می‌شود. دهندۀ واقعی خداست و تمام اموال‌تان از سوی اوست؛ زیرا حق‌تعالی نظر به حکمت‌هایی که دارد روزی کسی را کم و از دیگری را بسیار می‌سازد و کسی که روزی‌اش کم است بنابر حساب خود مصرف کند و آنکه بسیار بنابر بسیاری سرمایه‌ای که دارد و به زودی در روز قیامت به سوی باری‌تعالی بازمی‌گردید و او سخاوتمند را ثواب و بخیل ممسک را کیفر می‌دهد.

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلۡمَلَإِ مِنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ مِنۢ بَعۡدِ مُوسَىٰٓ إِذۡ قَالُواْ لِنَبِيّٖ لَّهُمُ ٱبۡعَثۡ لَنَا مَلِكٗا نُّقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ قَالَ هَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِتَالُ أَلَّا تُقَٰتِلُواْۖ قَالُواْ وَمَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَدۡ أُخۡرِجۡنَا مِن دِيَٰرِنَا وَأَبۡنَآئِنَاۖ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقِتَالُ تَوَلَّوۡاْ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ٢٤٦﴾.

آیا به تو خبر قومی از یهودیان نرسیده است که بعد از مرگ موسی ÷ به پیامبر خود شمعون ÷ گفتند ما به رهبری نیاز داریم که ما را در جنگ با کفار رهبری کند. شمعون گفت می‌ترسم که اگر حق‌تعالی بر شما جهاد را فرض کند شما از این امر نافرمانی کنید، پس آرزوی مواجهه با دشمن را ننمائید و در نزول بلا و مصیبت عجله نکنید. آن‌ها در پاسخ گفتند چگونه ما جهاد نکنیم در حالی که مظلوم واقع شده و از سرزمین خویش رانده شده‌ایم و تمام اموال ما به یغما برده شده و در بین ما و فرزندان ما جدایی افتاده است، ما می‌خواهیم از کسانی که با ما چنین اعمالی مرتکب شده‌اند انتقام بگیریم.

و چون حق‌تعالی بنابر اصرار خودشان جهاد را بر آنان فرض نمود از دشمن ترسیدند و جهاد نکردند جز تعدادی اندک که با «طالوت» از رودخانه گذشتند و حق‌تعالی ظالم و ستمگار پیمان شکن را از متعهد به جهاد در راه خویش بازمی‌شناسد. این‌ها زمانی که جنگ واقع شد احساس ضعف نموده و شکست خوردند، چنین عملکردی از سوی آن‌ها مخالفت با امر خداست، آن‌ها چیزی را از خدا أ خواستند که واجب و لازم نبود ولی وقتی واجب و لازم شد دست به فرار زدند.

﴿وَقَالَ لَهُمۡ نَبِيُّهُمۡ إِنَّ ٱللَّهَ قَدۡ بَعَثَ لَكُمۡ طَالُوتَ مَلِكٗاۚ قَالُوٓاْ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ ٱلۡمُلۡكُ عَلَيۡنَا وَنَحۡنُ أَحَقُّ بِٱلۡمُلۡكِ مِنۡهُ وَلَمۡ يُؤۡتَ سَعَةٗ مِّنَ ٱلۡمَالِۚ قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰهُ عَلَيۡكُمۡ وَزَادَهُۥ بَسۡطَةٗ فِي ٱلۡعِلۡمِ وَٱلۡجِسۡمِۖ وَٱللَّهُ يُؤۡتِي مُلۡكَهُۥ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ٢٤٧﴾.

پیامبرشان «شمعون» خطاب به آنان گفت: حق‌تعالی برای شما رهبری بنام «طالوت» بر گزیده است آن‌ها در برابر این گزینش خدا أ دست به اعتراض زده گفتند: چگونه رهبری و پادشاهی از طالوت است در حالی که او فقیر و بی‌سرمایه است و پادشاه ضرورت به پول و سرمایه دارد و براساس سرمایه و پول است که مردان در جنگ از خود گذری می‌کنند و جنگ برپای می‌شود و چون سرمایه و پول نزد ماست ما به پادشاهی سزاوارتریم. پیامبرشان پاسخ آن‌ها را داد و گفت این انتخاب از سوی خداست و اوتعالی به مصالح، حکمت‌ها و عاقبت امور آگاه‌تر است و اما طالوت اگرچه مال و سرمایه ندارد ولی توان علمی و نیروی جسمی دارد و با چنین توانائی‌هایی است که اداره جنگ صورت می‌گیرد، عالم دارای روحیۀ قوی است و آنکه توان جسمی دارد حتماً مهاجم خوبی است و چنین مواصفاتی برای ایجاد هیبت و قدرت لازم است. از سوی دیگر این خداست که پادشاهی و سلطنت را به هر کسی از بندگان خود که بخواهد می‌بخشد؛ زیرا پادشاه پادشاهان اوست و او می‌داند چه کسی صلاحیت پادشاهی را دارد و هیچ‌کس حق اعتراض بر گزینش خدا أ را ندارد؛ چون حق‌تعالی دارای فضل و احسان بسیار است و بر امور پوشیده و اسرار قضایا آگاه می‌باشد و بخشش او نظر به وسعتی است که هر کسی دارد و گزینش او از روی علم و دانش است.

﴿وَقَالَ لَهُمۡ نَبِيُّهُمۡ إِنَّ ءَايَةَ مُلۡكِهِۦٓ أَن يَأۡتِيَكُمُ ٱلتَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَبَقِيَّةٞ مِّمَّا تَرَكَ ءَالُ مُوسَىٰ وَءَالُ هَٰرُونَ تَحۡمِلُهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٢٤٨﴾.

پیامبرشان شمعون خطاب به آنان گفت: نشانۀ انتخاب طالوت از سوی خدا این است که او با خود صندوقی را می‌آورد که در آن آرامشی از سوی خدا أ و بقایای آثار موسی ÷ و هارون ÷ از جمله عصا و لباس اوست و بعضی از حصه‌های تورات نیز در آن قرار دارد؛ ملائکه این صندوق را می‌آورند و در مقابل طالوت به نشانۀ اثبات پادشاهی او می‌گذارند، نزول این صندوق نشانه‌ای واضح و آشکار مبنی بر انتخاب طالوت به عنوان پادشاه از میان شماست اگر شما آیات و نشانه‌های خدا أ را تصدیق می‌کنید.

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِٱلۡجُنُودِ قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ مُبۡتَلِيكُم بِنَهَرٖ فَمَن شَرِبَ مِنۡهُ فَلَيۡسَ مِنِّي وَمَن لَّمۡ يَطۡعَمۡهُ فَإِنَّهُۥ مِنِّيٓ إِلَّا مَنِ ٱغۡتَرَفَ غُرۡفَةَۢ بِيَدِهِۦۚ فَشَرِبُواْ مِنۡهُ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۚ فَلَمَّا جَاوَزَهُۥ هُوَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ قَالُواْ لَا طَاقَةَ لَنَا ٱلۡيَوۡمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦۚ قَالَ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ ٱللَّهِ كَم مِّن فِئَةٖ قَلِيلَةٍ غَلَبَتۡ فِئَةٗ كَثِيرَةَۢ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ٢٤٩﴾.

و چون طالوت با لشکر خود از شهر بیرون شد و در صحرا در حالی اردو زد که نه سایه‌ای بود و نه آبی بلکه گرمی و تشنگی بیداد می‌کرد، حق‌تعالی آنان را با رودخانه‌ای که آب گوارا داشت مورد آزمایش قرار داد تا میزان صبر و استقامت‌شان مشخص شود، روی این اساس طالوت آن‌ها را از نوشیدن آب رودخانه بر حذر داشت و گفت هر کسی از این آب بنوشد از لشکر من نیست؛ زیرا چنین کسی در جنگ صبر و استقامت نمی‌کند و آنکه ننوشد از لشکریانم خواهد بود. با این حال طالوت به آن‌ها اجازه داد تا مقدار اندکی در حدود کف هردو دست بنوشند ولی بسیاری از آن‌ها آب بسیار نوشیدند.

و چون طالوت از رودخانه با لشکریانش عبور کرد و چشم‌شان به دشمن افتاد ترس و وحشت بر لشکریان طالوت مستولی شد چون تعداد کفار بسیار بودند. آن‌ها گفتند ای طالوت ما توان مقابله با دشمن را نداریم؛ زیرا تعداد ما اندک و تعداد آن‌ها بسیار است، مؤمنان صادق و صابر در پاسخ آن‌ها گفتند همانا پیروزی و نصرت در صبر و استقامت است و ای بسا که یک گروه اندک مؤمن بر گروهی کافر بزرگ پیروز می‌شوند؛ زیرا کسی که خدا أ با او باشد هرگز مغلوب نمی‌شود و حق‌تعالی او را با پیروزی و آرامش تأیید می‌کند.

﴿وَلَمَّا بَرَزُواْ لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦ قَالُواْ رَبَّنَآ أَفۡرِغۡ عَلَيۡنَا صَبۡرٗا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٥٠﴾.

و چون با لشکریان جالوت در افتادند از خدا أ خواستند قلب‌های آنان را صبور سازد تا داد و بیداد نکنند و گام‌های‌شان را استوار سازد تا فرار نکنند و آنان را یاری دهد تا شکست نخورند؛ زیرا صبر بزدلی و جبن را از میان برمی‌دارد و ثبات اضطراب و نا آرامی را مانع می‌شود و یاری حق‌تعالی انسان را از ذلّت و خواری حمایت می‌کند. آن‌ها همچنان از خدا أ خواستند تا غلبه بر کفار را نصیب آن‌ها بگرداند زیرا جهاد آن‌ها به منظور اعلای دین بود.

﴿فَهَزَمُوهُم بِإِذۡنِ ٱللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُۥدُ جَالُوتَ وَءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلۡمُلۡكَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَعَلَّمَهُۥ مِمَّا يَشَآءُۗ وَلَوۡلَا دَفۡعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لَّفَسَدَتِ ٱلۡأَرۡضُ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ ذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢٥١﴾.

به کمک و یاری خدای یگانه لشکریان طالوت بر سربازان جالوت چیره شدند و داود جالوت را به قتل رساند این بود که حق‌تعالی مقام پادشاهی را به او ارزانی داشت تا به رهبری مردم بپردازد چنان‌چه او را به پیامبری نیز بر گزید تا به ارشاد و رهنمایی بندگان به سوی هدایت بپردازد و به او علم آموخت تا مردم را آموزش دهد. پادشاهی به منظور صلاح امور دنیا و پیامبری به منظور صلاح امور دین و علم به منظور صلاح انسان بکار می‌رود. و اگر حق‌تعالی شر کفار را با نیروی نیکو کران دفع نمی‌کرد شرارت پیشه‌گان حتماً تسلط پیدا می‌کردند و فساد و تباهی در زمین منتشر می‌شد ولی پروردگار به بشر لطف و احسان دارد و حق و اهل حق را همواره نصرت و یاری می‌دهد تا خیر پیوسته مستدام و امور مردم راست و برابر باشد و دنیا آباد گردد.

﴿تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۚ وَإِنَّكَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٢٥٢﴾.

ای محمد ج تمام این اطلاعات راست و از سوی خداست که به حق بر تو نازل شده و بر تو تلاوت می‌شود چون تو از سوی خدا أ مانند سایر پیامبران به پیامبری برگزیده شده‌ای! آنچه بر تو نازل کردیم برای تبلیغ مردم و رسانیدن پیام به آن‌هاست و این ما هستیم که منزلت پیامبری به تو بخشدیم.

﴿۞تِلۡكَ ٱلرُّسُلُ فَضَّلۡنَا بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۘ مِّنۡهُم مَّن كَلَّمَ ٱللَّهُۖ وَرَفَعَ بَعۡضَهُمۡ دَرَجَٰتٖۚ وَءَاتَيۡنَا عِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَيَّدۡنَٰهُ بِرُوحِ ٱلۡقُدُسِۗ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقۡتَتَلَ ٱلَّذِينَ مِنۢ بَعۡدِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ وَلَٰكِنِ ٱخۡتَلَفُواْ فَمِنۡهُم مَّنۡ ءَامَنَ وَمِنۡهُم مَّن كَفَرَۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقۡتَتَلُواْ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يُرِيدُ ٢٥٣﴾.

این پیامبرانی که داستانهای‌شان را برای تو بازگو کردیم، پیامبرانی‌اند که در فضل و درجات خود متفاوت‌اند، برخی از آنان را حق‌تعالی به این صورت ویژگی بخشیده که با آن‌ها سخن گفته است مانند حضرت موسی ÷ و برخی دیگر از جمله «اولی العزم» اند مانند نوح ÷ و ابراهیم ÷ و برخی دیگر را خداوند بزرگ بر همه حلایق برتری داده و پیامبری را با وی خاتمه بخشیده است مانند حضرت محمد ج.

اما عیسی ÷ پس برای او معجزاتی شگفت انگیز و نشانه‌های آشکار دادیم، او براساس این معجزات می‌توانست کور را و همچنان بیمار «برص» و «پیس» را شفا بخشد و مرده را زنده کند و بیماری‌های نا علاج را به اجازه خدا أ شفا دهد و جبرئیل را برای او معاون و مددگار قرار دادیم تا در پیشبرد امور رسالت و تحمل تکالیف پیامبری یاریش رساند.

و اگر حق‌تعالی اراده می‌فرمود مردم بعد از پیامبران و حکمت‌ها و موعظه‌هایی که با خود آورده‌اند با هم جنگ و اختلاف نمی‌کردند ولی زمانی که این انسان‌ها در امر متابعت و پیروی پیامبران دچار چند دستگی شدند، حق‌تعالی مؤمنان را بر کافران مسلط ساخت تا از این طریق دین او را یاری دهند و اگر خدا أ اراده می‌فرمود همه آن‌ها را بر یک سخن و کلمه جمع می‌نمود و هرگز در بین آن‌ها اختلافی بروز نمی‌کرد ولی نظر به مصلحت و حکمتی که خدا أ اراده فرمود چنین مقدر نموده که آن‌ها اختلاف نمی‌کرد ولی نظر به مصلحت و حکمتی که خدا أ از دشمنانش متمایز شوند و جهاد بر پا شود و حق‌تعالی شهدایی را بر گزیند و اهل بهشت را از اهل دوزخ جدا سازد که اوتعالی صاحب حکمت مطلق و قدرت نافذ است و در قضا و قَدَر خود حکمت دارد و در ابتلاءات خود مهربان است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا بَيۡعٞ فِيهِ وَلَا خُلَّةٞ وَلَا شَفَٰعَةٞۗ وَٱلۡكَٰفِرُونَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٢٥٤﴾.

ای مؤمنان از فضل خدا أ که بر شما ارزانی داشته تا زمانی که زنده‌اید و پیش از اینکه روح شما قبض شود و به ملاقات پروردگار خود در آن روز بزرگ بروید صدقه دهید که در آن روز نه معامله‌ای هست که در بدل جان فدیه داده شود و نه دوست و شفاعتگری که بتواند نفعی برساند؛ زیرا کافر از طریق جنگ با خدا أ بر خویشتن ظلم نموده از این‌روی از او هیچ فدیه‌ای و دوستی و نه شفاعت اولیا پذیرفته نمی‌شود.

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥﴾.

حق‌تعالی یگانه است که جز او خدای مستحق عبادت نیست؛ زیرا زندگی مطلق و کامل از آن اوست و او همیشه دائم و باقی است و هرگز نمی‌میرد و فنا نمی‌شود و همواره بر تدبیر امور خلایق و هستی می‌پردازد و زندگی هر زنده‌جانی وابسته به اوست.

او را نظر به حیات کامل و قیومیتی که دارد نه خواب سبُک می‌گیرد و نه خواب سنگین؛ زیرا چنین خوابی نقص به شمار می‌رود و اوتعالی از هرگونه نقص پاک و مبراست. اوتعالی آسمان‌ها و زمین را از اینکه متلاشی شوند نگه‌ می‌دارد پس او خواب نمی‌شود چون نیازی به خواب شدن ندارد و هیچگاه خستگی و مشقتی به سراغ او نمی‌رود و دیگر اینکه هر کسی خواب شود می‌میرد در حالی که خدای‌تعالی هرگز نمی‌میرد. همه آنچه در هستی است تحت تصرف و مشیت او قرار دارد و در برابر قدرت و سلطۀ او خاضع و فروتن‌اند و از خشم اوتعالی می‌ترسند.

خلایق همه بندگان اویند و ملائکه سربازانش و نظر به هیبت، بزرگی و عظمتی که دارد هیچ‌کس نمی‌تواند در حضور او برای کسی شفاعت کند مگر اینکه خود او اجازه دهد؛ زیرا صاحب عظمت و کبریا اوست و از هرگونه شریک و انباز پاک است و اوتعالی بر همۀ اموری که بشر در دنیا می‌بیند و یا اموری که از او پوشیده است به ویژه امور آخرت و امور ظاهر و باطن آگاه می‌باشد و هیچ‌کس بر علمش مگر به مقداری که او بخواهد دانا نیست، بر این علم نه ملائکه مقرب واقف‌اند و نه نبی مرسل و نه دوستی و نه هم هیچ‌یک از افراد انس و جن؛ زیرا علم پروردگار واسع، احاطه کننده و شامل است در حالی که علم سایرین محدود و اندک می‌باشد چون اوتعالی هم خود آن‌ها را آفریده و هم علم‌شان را ﴿وَٱللَّهُ خَلَقَكُمۡ وَمَا تَعۡمَلُونَ ٩٦﴾ و حق‌تعالی شما و آنچه عمل می‌کنید را آفریده است. [الصافات: 96]. و از نشانه‌های عظمت خدا أ یکی هم این است که کرسی خود را از آسمان‌ها و زمین و عرش خود را از کرسی خود بزرگ‌تر نموده در حالی که کرسی در مقایسه با عرض مانند حلقه‌ای است که در یک صحرای وسیع و بزرگ افتاده است پس زمانی که آسمان‌ها و زمین اینگونه وسیع باشد و کرسی بسیار بزرگ‌تر و وسیع‌تر از این پدیده‌ها باشد عرش عظیم او چه وسعت و بزرگی خواهد داشت؟! پاک و منزه است خدایی که بر عرش خود به گونه‌ای که سزاوار است استوا نمود.

در میان مخلوقات هیچ‌کس نه در ذات و نه در صفات شبیه اوتعالی نیست ﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ١١﴾. هیچ‌کس شبیه و مثل او نیست و او شنوا و داناست. [الشورى: 11]. و بر خداوند أ حفاظت آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌ها قرار دارد دشوار نیست بلکه همۀ این‌ها را از تمام آفات و بلیات نگه ‌می‌دارد. مخلوقاتش او را با زبان‌هایی متفاوت، لهجاتی گوناگون و صداهایی متنوع و به منظور بر آورده شدن تمام نیازمندی خود می‌خوانند وجود و کرم اوتعالی بر همه مخلوقات سرازیر و او بلند مرتبه است، این بلندی شامل بلندی ذات، قدر و قهر می‌شود پس او در بلند‌ای تمام آسمان‌ها و بر عرض خویش قرار دارد و منزلت او فوق همه منزلت‌هاست؛ زیرا صاحب امر و نهی اوست و اوتعالی نهان و آشکار را می‌داند و نفع و ضرر از اوست و او همه پدیده‌ها را مقهور خود ساخته و پروردگار و خدایی جز او نیست. اوتعالی بر پادشاهی خود تفرّد دارد و در خدایی خود یگانه است از این‌روی مستحق عبادت فقط اوست و او بلند مرتبه با عظمت است؛ زیرا عظمت توأم با قدرت نشانۀ جبروت و کمال ملک و پادشاهی اوست.

این آیه بزرگ‌ترین آیۀ قرآن کریم است که در آن ستایش و تعظیم و تقدیس خدای کریم و رحیم به حدی است که پرده‌های قلب را یکی بعد از دیگری می‌گشاید و ستون‌های هستی را با ثنا و ستایش پادشاه حق و آشکار می‌لرزاند.

﴿لَآ إِكۡرَاهَ فِي ٱلدِّينِۖ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشۡدُ مِنَ ٱلۡغَيِّۚ فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَاۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢٥٦﴾.

هیچ‌کس را در دخول به اسلام مجبور نکنید بلکه او را به اسلام از طریق گفتگوی بهتر و با شیوه اقناع دعوت به اسلام کنید مسألۀ این دین کاملاً واضح و آشکار است و هدایت از گمراهی و کفر از ایمان مشخص شده است، پس کسی که خدای دیّان را یگانه بداند و به آنچه غیر از او از قبیل انسان و جن و شیطان و بت پرستش می‌گردد کافر شود، چنین کسی در واقع به ریسمان قوی ایمان و دین که هرگز پاره نمی‌شود چنگ زده است؛ زیرا این ریسمان به خدا متصل است و در آن تمام اسباب و وسایل نجات وجود دارد و حق‌تعالی بر نیت‌های پنهان آگاه است و تمام آوازها را می‌شنود و همه حالات و اعمال را می‌داند از این‌روی حق اوست که یگانه دانسته شده و تنها او پرستش شود و تمام تلاش‌ها به خاطر او صورت بگیرد و همه کس او را تعظیم و به او سجده کند.

﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِۗ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٥٧﴾.

و تنها خداوند أ ولی و دوست‌دار مؤمنان است که آن‌ها را حفظ، سرپرستی هدایت می‌کند و غالب و پیروز می‌سازد. او کسی است که مؤمنان را از تاریکی‌های کفر و گمراهی نجات داده و به سوی نور ایمان و هدایت رهنمون ساخته است چنان‌چه آن‌ها را از تمامی مهلکه‌های شبهات و شهوات با آیات و نشانه‌های واضح و آشکار سالم نگه‌داشته و آنان را به سوی بهترین راه‌های هدایت و توفیق رهنمایی کرده است. و اما ولی و دوست‌دار کفار بدکار شیاطین رانده شده‌اند که آن‌ها را از دائره هدایت به سوی گمراهی و فرومایگی بیرون می‌کنند و آن‌ها را از اسلام بازمی‌دارند و به سوی پرستش بت‌ها می‌کشانند. این کفار برای همیشه در آتش دوزخ خالد و جاویدان اند و چه بد قرارگاهی است جایگاه آن‌ها.

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِي حَآجَّ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ فِي رَبِّهِۦٓ أَنۡ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلۡمُلۡكَ إِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِ‍ۧمُ رَبِّيَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا۠ أُحۡيِۦ وَأُمِيتُۖ قَالَ إِبۡرَٰهِ‍ۧمُ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَأۡتِي بِٱلشَّمۡسِ مِنَ ٱلۡمَشۡرِقِ فَأۡتِ بِهَا مِنَ ٱلۡمَغۡرِبِ فَبُهِتَ ٱلَّذِي كَفَرَۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٢٥٨﴾.

آیا از عملکرد «نمرود بن کنعان» صاحب کفر و طغیان تعجب نمی‌کنی که با ابراهیم دربارۀ خدای رحیم و رحمان مجادله کرد و ندانست که وجود حق‌تعالی امری است معلوم و مطابق برهان که فطرت سلیم و نفس‌های مستقیم به آن شهادت و گواهی می‌دهد؟ و دلائل زیادی در این زمینه اقامه شده و او خدایی است که به این «نمرود» خصومت‌گر پادشاهی داد ولی او منکر شد و دست به الحاد زد. و چون ابراهیم ÷ به او بیان داشت که حق‌تعالی خلق را از عدم ایجاد می‌کند سپس آن‌ها را می‌میراند و فنا می‌کند پس تنها او آفریدگار مرگ و زندگی، وجود و عدم، و بقا و فناست. نمرود این انسان کودن و سرکش در پاسخ گفت من نیز می‌میرانم و زنده می‌کنم از این‌روی دو تن از زندانیان را فرا خواند، یکی را کشت و دیگری را عفو کرد و گفت این مرگ است و این زندگی!! و چون ابراهیم ÷ بر عباوت و نادانی این پادشاه پَی بُرد دلیل و برهان روشن و قاطع ارائه کرد و گفت: از این سخن درگذر و ببین که این خورشید در آسمان واضح و آشکار می‌درخشد و پروردگارم هر روز آن را از مشرق بیرون می‌کند تو اگر می‌توانی ولو برای یک‌روز آن را از مغرب بیرون کن تا سخن تو را تصدیق کنیم!! به این ترتیب این کودن بدکار و کافر بدبخت مات و مبهوت شد؛ زیرا ابراهیم ÷ با دلیل و برهان او را سرکوب کرد و اینگونه است شأن هر ظالم ستمگار که حق‌تعالی او را به راه راست و دادن جواب درست هدایت نمی‌کند.

﴿أَوۡ كَٱلَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرۡيَةٖ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحۡيِۦ هَٰذِهِ ٱللَّهُ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۖ فَأَمَاتَهُ ٱللَّهُ مِاْئَةَ عَامٖ ثُمَّ بَعَثَهُۥۖ قَالَ كَمۡ لَبِثۡتَۖ قَالَ لَبِثۡتُ يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖۖ قَالَ بَل لَّبِثۡتَ مِاْئَةَ عَامٖ فَٱنظُرۡ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمۡ يَتَسَنَّهۡۖ وَٱنظُرۡ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجۡعَلَكَ ءَايَةٗ لِّلنَّاسِۖ وَٱنظُرۡ إِلَى ٱلۡعِظَامِ كَيۡفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكۡسُوهَا لَحۡمٗاۚ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥ قَالَ أَعۡلَمُ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٥٩﴾.

یا عجیب‌تر داستان عزیر ÷ است زمانی که بر قریه‌ای گذشت در حالی که اهل آن بعد از اینکه زنده بودند مردند و تمام خانه‌ها، آبادی‌ها، درختان و سبزه‌زارهای‌شان نیز بعد از اینکه آباد و سر سبز بود ویران شده بود، وی در کمال حیرت ایستاد و گفت چگونه حق‌تعالی زندگی را به این قریه بعد از همه ویرانی بازمی‌گرداند، این بود که خداوند أ خواست به او توان خویش را در زنده کردن مردگان نشان دهد، از این‌روی او و استرش را مدّت یکصد سال می‌راند و سپس زنده کرد و از او پرسید بر تو چه مقدار از زمان گذشته است؟ چون حق‌تعالی او را پیش از غروب خورشید زنده کرده بود گمان کرد که کمتر از یک روز بر او گذشته است، از این‌روی گفت بر من یک روز یا بعضی از یک روز گذشته است. حق‌تعالی به او گفت بلکه یکصد سال است که تو مرده‌ای! و به سوی غذای خود که بر استرت بوده بنگر هنوز فاسد نشده و بر حالت خویش باقی است و به سوی استر خود ببین که مرده است و تمام گوشت و استخوان‌هایش از هم متلاشی شده ما چگونه آن را زنده می‌کنیم و استخوان‌هایش را ترکیب می‌نمائیم و بر آن گوشت می‌پوشانیم و سپس در او روح می‌دمیم. بعد از اینکه همه این‌ها صورت گرفت استر به حرکت درآمد و بر پای خود راه رفت و فریاد کشید در حالی که «عزیر» در نهایت تعجب شاهد تمام این حالات بود، این‌رو فریاد کشید که گواهی می‌دهم خداوند أ بر همه چیز قادر و تواناست و تنها چقدر این دلائل و براهین عظیم و بزرگ است؟!

﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِ‍ۧمُ رَبِّ أَرِنِي كَيۡفَ تُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰۖ قَالَ أَوَ لَمۡ تُؤۡمِنۖ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطۡمَئِنَّ قَلۡبِيۖ قَالَ فَخُذۡ أَرۡبَعَةٗ مِّنَ ٱلطَّيۡرِ فَصُرۡهُنَّ إِلَيۡكَ ثُمَّ ٱجۡعَلۡ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٖ مِّنۡهُنَّ جُزۡءٗا ثُمَّ ٱدۡعُهُنَّ يَأۡتِينَكَ سَعۡيٗاۚ وَٱعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٢٦٠﴾.

و ای محمد ج! یاد آور سوال ابراهیم ÷ را آنگاه که از پروردگار خود خواست تا نحوۀ زنده کردن مردگان را به او نشان دهد. پروردگار به او گفت: ای ابراهیم ÷ آیا باور نداری که من توان زنده کردن مردگان را دارم یا در این خصوص شک داری؟ ابراهیم ÷ گفت من کاملاً باور دارم که تو توانائی چنین کاری را داری ولی می‌خواهم کیفیت آن را مشاهده کنم زیرا شنیدن مانند دیدن نیست و تا یقین من زیادتر شود. حق‌تعالی او را امر کرد که چهار نوع پرنده را بگیر و آن‌ها را بکش و گوشتهای‌شان را به هم مخلوط نما و سپس هر کوهی جزئی از این گوشت‌های مخلوط را بگذار و هر کدام از این پرندگان را با نامش بخوان، خواهی دید بعد از اینکه پروردگار آن‌ها را زنده نموده به سوی تو به سرعت می‌آیند. ابراهیم ÷ چگونگی زنده کردن مردگان را دید و بر این توان خدا أ یقین کامل نمود.

و تو ای ابراهیم! بدان که خدای قادر بر زنده کردن را هیچ نمی‌تواند از هیچ کاری عاجز سازد یا بر او غلبه یابد، اوتعالی حکیمی است که هر چیزی را بنابر حکمت و حسابی خاص در جای مناسبش قرار می‌دهد.

﴿مَّثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنۢبَتَتۡ سَبۡعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنۢبُلَةٖ مِّاْئَةُ حَبَّةٖۗ وَٱللَّهُ يُضَٰعِفُ لِمَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ٢٦١﴾.

مثَل و حالت کسانی که اموال خویش را در راه خدا أ صدقه می‌دهند مانند دانۀ گندمی است که در زمینی شوره‌زار کاشته شود و از آن دانه گندم هفت خوشه بروید و در هر خوشه یکصد دانه گندم باشد که به این ترتیب هفتصد دانه گندم از آن حاصل می‌شود، این مثال و نمونه کسی است که صدقه می‌دهد؛ زیرا حق‌تعالی حسنات او را تا هفتصد برابر و بیش از آن مضاعف می‌سازد. زمانی که یک زمین قابل کشت چنین افزایش محصول داشته باشد پس پروردگار زمین و آسمان چگونه در زمینه ازدیاد پاداش، عمل خواهد کرد در حالی که اوتعالی از همۀ اهل کرم و سخاوت سخی‌تر است و صدقات را برای صدقه دهنده به اندازۀ نیّت و صدقه‌اش چند برابر می‌سازد چون خدای بزرگ از روی غنامندی و وسعتی که در همه چیز دارد پاداش می‌دهد و او به کسی که مستحق عطا و پاداش است و همچنان به تمام چیزی که یک انسان پنهان می‌دارد آگاه و داناست.

﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ لَا يُتۡبِعُونَ مَآ أَنفَقُواْ مَنّٗا وَلَآ أَذٗى لَّهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٢٦٢﴾.

این صدقه دهندگان کسانی‌اند که با صدقات خود رضای خدا أ را می‌طلبند و آن را با منت گذاشتن، فخر فروشی بر فقرا و نیازمندان و آزار و اذیت گدایان از طریق توهین و تحقیر و بلند کردن آواز و از این قبیل همراه نمی‌سازند، بلکه خدای را از اینکه آن‌ها را مرجع قرار داده نه رجوع کننده به ثروتمندان، و آنان را بی‌نیاز ساخته نه نیازمند سپاس می‌گویند. این نعمت بزرگی است که مردم اندکی قدر آن را می‌دانند، روی این اساس کسی که از روی اخلاص و به منظور جلب رضای خدا أ و بدون منت گذاشتن و آزار و اذیت صدقه دهد پاداش و مزد او بسیار بزرگ خواهد بود و از فرجام هولناک نخواهد ترسید؛ زیرا به علت تلاش نیکوئی که کرده در امان قرار دارد و هرگز از تبعات اعمال بدی که انجام داده نمی‌هراسد.

سرّ سعادت و خوشبختی در این است که انسان از آینده هولناک و غم آلود در امان باشد.

﴿۞قَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞ وَمَغۡفِرَةٌ خَيۡرٞ مِّن صَدَقَةٖ يَتۡبَعُهَآ أَذٗىۗ وَٱللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٞ ٢٦٣﴾.

جواب رد دادن به گدایان با سخنی نرم و خطایی نیکو و گذشت در برابر اصراری که از خود تبارز می‌دهند بهتر از صدقه‌ای است که با اهانت و توهین و بی‌ادبی و آزار و اذیت همراه باشد ولو این صدقه چیز زیادی باشد و حق‌تعالی از همه آنچه نزد خلایق است بی‌نیاز می‌باشد؛ زیرا اوتعالی بخشندۀ روزی است و اینکه به صدقه امر فرموده تا در بدل آن، برای صدقه دهنده مزد و پاداش نیک دهد و چون حق‌تعالی حلیم است در نزول عذاب بر گناهی که انسان‌ها مرتکب می‌شوند عجله نمی‌نماید.

و یقیناً واژۀ «غنی» در این آیه این پیام را با خود دارد که اوتعالی به ثروتمند ثروت داده و بر گدایان نیز لازم است تا از خدای خود بخواهند آنان را بی‌نیاز سازد و واژه «حلیم» این پیام را دارد که ثروتمندان در برابر نیازمندان و گدایان باید از بردباری برخوردار باشند چنان‌چه این مفهوم را نیز دارد که اگر کسی در برابر اعمال بدی که مرتکب می‌شود استغفار کند حق‌تعالی او را عفو می‌نماید.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُبۡطِلُواْ صَدَقَٰتِكُم بِٱلۡمَنِّ وَٱلۡأَذَىٰ كَٱلَّذِي يُنفِقُ مَالَهُۥ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۖ فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ صَفۡوَانٍ عَلَيۡهِ تُرَابٞ فَأَصَابَهُۥ وَابِلٞ فَتَرَكَهُۥ صَلۡدٗاۖ لَّا يَقۡدِرُونَ عَلَىٰ شَيۡءٖ مِّمَّا كَسَبُواْۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٦٤﴾.

ای مؤمنان! هرگاه صدقه می‌دهید اجر آن را با منت گذاشتن، ذلیل ساختن و پرخاشگری بر نیازمندان و یا عمل بد دیگری باطل نکنید که گناه چنین اعمالی ثواب صدقه‌تان را از بین می‌برد و در چنین حالتی عمل شما در تباهی و بردباری خویش شبیه عمل منافقی می‌شود که دست به ریا می‌زند؛ زیرا ریا کار از عمل خود رضای خدا أ را اراده ندارد بلکه می‌خواهد مردم او را ستایش کنند و از این طریق نزد آن‌ها به مقام و منزلتی خاص برسد، چنین کسی منتظر آخرت نیست تا ثواب آن را انتظار داشته باشد و از عذاب آن بترسد. مثَل و حالت ریاکار مانند سنگی سخت و لغزان است که بر آن مقدار اندکی خاک وجود دارد، زمانی که باران ببارد این مقدار خاک را از بین می‌برد و این سنگ به گونه‌ای باقی می‌ماند که هیچ خاکی بر آن نیست. حالت منافق نیز چنین است او حسنات خود را به مانند خاک روی این سنگ به مردم نشان می‌دهد ولی زمانی که ریاکاری و تظاهرش واضح شود همه مردم می‌دانند که او ریا کار منافقی است که ریا تمام مُزد او را از بین برده است و به این ترتیب او از اجر و مُزد مانند آن سنگ که خیر و برکتی ندارد محروم می‌شود و منافق هیچگاه ثمره و نتیجۀ عمل خود را دَرنمی‌یابد. چنین منافقی در نهان به خدای خود کافر است پس چگونه اوتعالی او را هدایت می‌کند؟ زیرا حق‌تعالی فقط پرهیزگار را هدایت می‌نماید نه کافر بدبخت را.

﴿وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمُ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِ وَتَثۡبِيتٗا مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ كَمَثَلِ جَنَّةِۢ بِرَبۡوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٞ فَ‍َٔاتَتۡ أُكُلَهَا ضِعۡفَيۡنِ فَإِن لَّمۡ يُصِبۡهَا وَابِلٞ فَطَلّٞۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ٢٦٥﴾.

و آنانی که اموال خود را به منظور رضای خدا أ و به دست آوردن پاداش و افزونی هدایت و ثبات خویش بر هدایت صدقه می‌دهند و یا اینکه نفس‌های آرام و مطمئن‌شان آن‌ها را بر صدقه وامی‌دارد؛ مَثَل و حالت چنین کسانی مانند مَثَل و حالت بوستانی سبز و پُر درخت است که در مکانی مرتفع و بلند قرار دارد و دارای خاک نَرم و خوب نیز می‌باشد، چنین محلی بهترین زمین برای زراعت است که خورشید و هوا به قدر کافی به آن می‌رسد و هرگاه بر آن باران ببارد محصول آن چند برابر می‌شود و اگر بر آن باران هم نبارد با آن‌هم مقدار اندکی از شبنم با هوای لطیف برای به ثمر نشستن بذر آن کافی است؛ زیرا چنین زمینی محل مناسبی برای کشت و زراعت است و در محل بلندی قرار دارد که هوا و نور به حد کافی به آن می‌رسد. این مَثَل و حالت مؤمن صادق در صدقه‌اش است که حق‌تعالی نظر به اخلاص و سخاوتی که دارد صدقه‌اش را چند برابر می‌سازد و آنکه نیت‌ها را تمیز می‌دهد و بر امور نهان آگاه است تنها خداوند متعال است؛ زیرا تنها او بر اعمال بینا و بر تمام احوال آگاه می‌باشد و می‌داند چه کسی در عمل خود اخلاص دارد و چه کسی ریا.

﴿أَيَوَدُّ أَحَدُكُمۡ أَن تَكُونَ لَهُۥ جَنَّةٞ مِّن نَّخِيلٖ وَأَعۡنَابٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ لَهُۥ فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَأَصَابَهُ ٱلۡكِبَرُ وَلَهُۥ ذُرِّيَّةٞ ضُعَفَآءُ فَأَصَابَهَآ إِعۡصَارٞ فِيهِ نَارٞ فَٱحۡتَرَقَتۡۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَتَفَكَّرُونَ ٢٦٦﴾.

آیا یکی از شما دوست دارد دارای بوستانی ثمر بخش از خرما و انگور که با برکت‌ترین میوه‌ها و درختان است باشد و در این بوستان انواع و اقسام میوه‌های دیگری نیز در کنار جوی‌های پُر آب موجود باشد که به دون زحمت بوستان را آبیاری کند و صاحب این بوستان پیرمردی کهن سال باشد که نتواند به منظور معیشت اهل و عیال خود کاری انجام دهد و فقط منتظر محصول این باغ باشد، در چنین حالتی ناگهان طوفانی سهمگین دارای آتش و ویرانی فرا رسد و تمام باغ را با درختانش بسوزاند و نابود کند.

این مثال در نهایت زیبائی و اشراف قرار دارد و حالت کسی را بیان می‌نماید که عمل صالحی را انجام می‌دهد ولی آن را با ریا و ارتکاب معاصی از بین می‌برد و چون در روز فقر و نیازمندی بزرگ (روز قیامت) که به چنین اعمالی نیاز مبرم است فرا رسد ناگهان در برابر اعمالی قرار می‌گیرد که کلاً و تماماً از بین رفته و باطل شده است زیرا نیّت چنین شخصی فاسد و تلاشی که نموده باطل است. و اینگونه حق‌تعالی برای ما حالات و مثَل‌ها را بیان می‌دارد تا در آن‌ها تدبر و تفکر کنیم و در نتیجه از خدا أ بترسیم و از خشم او بر حذر باشیم و در صدقات خود اخلاص داشته باشیم تسلط ریا بر عمل انسان، همانند تسلط آتش بر آن بوستان است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا كَسَبۡتُمۡ وَمِمَّآ أَخۡرَجۡنَا لَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِۖ وَلَا تَيَمَّمُواْ ٱلۡخَبِيثَ مِنۡهُ تُنفِقُونَ وَلَسۡتُم بِ‍َٔاخِذِيهِ إِلَّآ أَن تُغۡمِضُواْ فِيهِۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ٢٦٧﴾.

ای مؤمان! از مال حلال و نیکوئی که در حصول آن از راه‌های تجارت و کار مشروع استفاده کرده‌اید و همچنان از آنچه زمین برای شما می‌رویاند صدقه دهید و به مردم آنچه پَست و بی‌ارزش است را صدقه ندهید در حالی که اگر همان مال به خود شما داده شود مگر با چشم پوشی و گذشت آن را قبول نمی‌نمائید، پس چگونه به مردم چیزی را صدقه می‌دهید که برای خویش راضی نیستید؟

این آیه دلالت بر آن دارد که انسان باید با مردم به گونه‌ای تعامل کند که با خود تعامل می‌کند و همچنان در صدقه باید مال سره و با ارزش را صدقه دهد.

و شما ای مؤمنان! یقین داشته باشید که حق‌تعالی از صدقات شما بی‌نیاز است، و این صدقات مربوط به خودتان می‌باشد، خدای‌تعالی شکر گذار صدقه دهندگان و بیزار از بخیلان است.

﴿ٱلشَّيۡطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلۡفَقۡرَ وَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡفَحۡشَآءِۖ وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغۡفِرَةٗ مِّنۡهُ وَفَضۡلٗاۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ٢٦٨﴾.

بر شماست تا در راه‌های خیر صدقه دهید و از اموال خود انفاق کنید و هیچگاه شیطان و سوسه‌گر را تصدیق نکنید که به بخل امرتان می‌کند و از اینکه با صدقه فقیر شوید شما را بر حذر می‌دارد. وعدۀ خدا أ برای شما در بخشش گناهان‌تان راست‌تر است؛ زیرا صدقه، گناهان را کفاره می‌کند و دیگر اینکه حق‌تعالی عوض اموالی را که صدقه می‌دهید به شما می‌دهد. پیامبر خدا ج فرموده است: «هیچ صدقه‌ای موجب نقصان مال کسی نشده بلکه مال او را زیاد می‌کند، زیاد می‌کند».

ببینید پروردگار چگونه وعدۀ شیطان را در فقیر شدن به وعدۀ غنامندی و امر او را در ارتکاب فحشا به وعدۀ مغفرت پاسخ می‌دهد. خیر و خوبی دنیا و آخرت نزد خداست، او دارای فضل بسیار است و هیچگاه پذیرش خواست تمام مردم موجب عجز و ناتوانی او نخواهد شد و خداوند أ بر همۀ مردم احسان بسیار می‌نماید و او به محلی که باید پاداش عطا کند و به اینکه چه کسی مستحق ثواب و ستایش است آگاه می‌باشد.

﴿يُؤۡتِي ٱلۡحِكۡمَةَ مَن يَشَآءُۚ وَمَن يُؤۡتَ ٱلۡحِكۡمَةَ فَقَدۡ أُوتِيَ خَيۡرٗا كَثِيرٗاۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٢٦٩﴾.

و خداوند أ دانش دین و فهم مسایل را و همچنان توان عمل سودمند و بصیرت در امور و درست گفتاری و درست کرداری را برای کسی از بندگان خود ارزانی می‌نماید که به او ارادۀ خیر دارد و می‌خواهد برای او از میان خلایق خود فضل بسیار دهد. کسی که صاحب چنین مواهب الهی و ربانی شود در واقع خیر و فضل و حصۀ بسیاری را کمائی کرده است. از آیات و نشانه‌های خدا أ و مَثَل‌هایش جز انسان صاحب بصیرت، دارای ضمیر و قلب بیدار و فهم درست پند نمی‌گیرد. اما کسی که دلش سیاه است و در ادراک خود کودن می‌باشد چنین کسی هیچگاه پند و اندرز نمی‌گیرد از این‌روی نه صاحب علم سودمند می‌شود و نه هم صاحب عمل صالح.

﴿وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوۡ نَذَرۡتُم مِّن نَّذۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُهُۥۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٍ ٢٧٠﴾.

و آنچه به خاطر رضای خدا أ صدقه داده یا به منظور مصرف در راه او بر خود لازم گرفته‌اید به زودی خدا أ شما را بر آن ثواب و پاداش می‌دهد؛ زیرا اوتعالی آن را می‌داند و برای شما نگه می‌دارد تا، در زمانی که به آن شدیداً نیاز دارید واپس به شما باز گرداند. اما کسی که از طریق نپرداختن آنچه حق‌تعالی بر مالش از زکات و صدقات لازم نموده سَر باز زند و مرتکب ظلم شود، چنین کسی را در فردای قیامت هیچ‌کس یاری نخواهد داد و عذاب حق‌تعالی را از او دفع نخواهد کرد و اینگونه برای هر ظالم و ستم پیشه‌ای عاقبت و نهایت و خیمی است.

﴿إِن تُبۡدُواْ ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِيَۖ وَإِن تُخۡفُوهَا وَتُؤۡتُوهَا ٱلۡفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۚ وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّ‍َٔاتِكُمۡۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٢٧١﴾.

اگر صدقات خود را بدون ریا و خودنمائی اعلان کنید کاری است نیکو و عملکردی است درست، شاید که دیگران نیز در این عمل به شما اقتدا کنند و اگر این کار را مخفیانه انجام دهید از ریا و خود نمائی دورتر و با حال کسی که به آن‌ها صدقه می‌دهید مناسب‌تر است و حق‌تعالی به زودی با صدقه گناهان شما را محو می‌کند زیرا صدقه گناهان را کفار می‌نماید و پروردگار بر تمام امور نهان و به نیت‌ها آگاه است، او می‌داند چه کسی عمل خود را به صورت ظاهر و آشکار انجام داده و چه کسی مخفی و پوشیده، کاری را صورت داده است.

﴿۞لَّيۡسَ عَلَيۡكَ هُدَىٰهُمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يَشَآءُۗ وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَلِأَنفُسِكُمۡۚ وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ ٱللَّهِۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يُوَفَّ إِلَيۡكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تُظۡلَمُونَ ٢٧٢﴾.

بر تو ای محمد ج! هدایت‌شان نیست تو مبلغ دینی و این خداست که بر هدایت توفیق می‌دهد؛ زیرا اوتعالی می‌داند چه کسی مستحق هدایت است و چه کسی نیست. او به دین خود برمی‌گزیند و آنچه شما از اموال خود صدقه می‌دهید ثواب آن به خود شما باز می‌گردد، پس منت خدای را سزد.

شما با صدقات خود بر خویشتن احسان می‌کنید از این‌روی در این عمل خدای را مد نظر داشته باشید و از ریا و خودنمائی بپرهیزید و بدانید آنچه را به منظور کسب رضای خدا أ انفاق کنید، اوتعالی آن را برای شما چند برابر می‌سازد و در روز قیامت هیچ چیزی از آن را ضایع نمی‌نماید؛ زیرا حق‌تعالی عادل است و هیچگاه در حق کسی ظلم روا نمی‌دارد.

﴿لِلۡفُقَرَآءِ ٱلَّذِينَ أُحۡصِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا يَسۡتَطِيعُونَ ضَرۡبٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ يَحۡسَبُهُمُ ٱلۡجَاهِلُ أَغۡنِيَآءَ مِنَ ٱلتَّعَفُّفِ تَعۡرِفُهُم بِسِيمَٰهُمۡ لَا يَسۡ‍َٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلۡحَافٗاۗ وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٌ ٢٧٣﴾.

بر فقرایی که جهاد در راه خدا أ آنان را از کار و تلاش به منظور کسب معیشت بازمی‌دارد صدقه دهید؛ زیرا آن‌ها خویشتن را برای انجام جهاد از چنین کارهایی باز داشته‌اند. کسی که آنان را نمی‌شناسد از عفتی که آن‌ها دارند گمان غنامندی در حق آنان می‌نماید در حالی که آنان فقیراند. پس تو ای صدقه دهنده می‌توانی این گروه را با نشانه‌های‌شان بشناسی چون آثار فقر و نیاز بر انسان هشیار پوشیده نیست و آنان نظر به شدّت حیا و عفتی که دارند در تکدّی و تسوّل اصرار نمی‌نمایند. و تو ای صدقه دهنده بدان که هر چیزی را در راه خدا أ انفاق می‌نمائی در پیشگاه خداوند أ محفوظ است پس از ضیاع آن هرگز بیم نداشته باش و حق‌تعالی بر نیّات انسان‌ها و بر حال مخلص و ریاکار آگاه است.

﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ فَلَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٢٧٤﴾.

این نیکوکاران صدقه دهنده، آنانی که اموال خود را در راه خدا أ در هر وقتی از شب و روز و به صورت مخفیانه و آشکار صدقه می‌دهند پاداش‌شان در پیشگاه خداوند أ محفوظ است و آنان از امور هولناکی که در روز عرضۀ بزرگ (روز قیامت) صورت می‌گیرد در امان اند و بر آنچه در دنیا از دست داده‌اند حزین و غمگین نخواهند بود؛ زیرا حق‌تعالی خوف و حزن‌شان را از بین برده است.

﴿ٱلَّذِينَ يَأۡكُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِي يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مِنَ ٱلۡمَسِّۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡبَيۡعُ مِثۡلُ ٱلرِّبَوٰاْۗ وَأَحَلَّ ٱللَّهُ ٱلۡبَيۡعَ وَحَرَّمَ ٱلرِّبَوٰاْۚ فَمَن جَآءَهُۥ مَوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّهِۦ فَٱنتَهَىٰ فَلَهُۥ مَا سَلَفَ وَأَمۡرُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِۖ وَمَنۡ عَادَ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٧٥﴾.

اهل ربا و سود زمانی که از قبرهای خویش بر انگیخته می‌شوند مانند کسانی‌اند که جن به آن‌ها آسیب رسانیده و بر اثر آن حرکات و سکنات‌شان در اضطراب و اختلال قرار دارد؛ زیرا اثر حرام در شکم‌ها و کسب بَد در اجسام‌شان وجود دارد، از این‌روی حق‌تعالی آنان را با چنین عقابی عذاب می‌کند چون آن‌ها نظر به بدکاری و جهلی که دارند گفتند بر ما در سود هیچ گناهی نیست؛ زیرا سود نیز مانند خرید و فروش است و در بدل عوض و با رضایت طرفین صورت می‌گیرد. این‌ها از روی عناد و استخفاف چنین سخنانی بر زبان آوردند روی این اساس حق‌تعالی بر انان این پندار نادرست‌شان را ردّ نموده فرمود که خرید و فروش، نظر به اینکه در آن مصلحت‌هایی نهفته است بدون فریب‌کاری و ایجاد ضرر حلال است در حالی که سود ضرر و زیان بی‌شمار بر اموال مردم دارد. در عملیۀ سود گروهی از مردم با نهایت مشقت به جمع آوری مال می‌پردازند و گروهی دیگر می‌آیند تا این اموال را از راه‌های حرام تصاحب کنند؛ در عملیۀ سود احتیاج و نیاز گروهی را واداشته تا قرض بگیرند و این قرض بر آن‌ها بنابر ظلم و تجاوز چند برابر شده است. کسی که بعد از دریافت نهی خدا أ و پیامبر ج از سود دست بر دارد و توبه کند خدای‌تعالی از تمام آنچه قبل از دریافت نهی انجام داده دَرمی‌گذرد و عاقبت او با خداست و پروردگار هرگونه که بخواهد دربارۀ او حکم می‌کند و هر کس سود را حلال بشمارد او کسی است که با پروردگار خود می‌جنگد، جزایش این است که در آتش دوزخ جاودان بماند.

﴿يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ٢٧٦﴾.

و حق‌تعالی برکت سود را از بین می‌برد و نهایت آن را در خسارت و زیان جان و مال قرار می‌دهد؛ زیرا سود بر حرام بنا شده است و در مقابل، خداوند أ صدقه را ازدیاد می‌بخشد و در آن برکت می‌دهد.

سود در ظاهر موجب ازدیاد مال است ولی در حقیقت، نقصان مال را به دنبال دارد، چنان‌چه صدقه نیز در ظاهر موجب نقصان مال به نظر می‌رسد در حالی که مال را فزونی می‌بخشد. پروردگار کسانی را که در برابر آیاتش عناد دارند و بر شریعتش اعتراض می‌نمایند بد می‌برد، کسانی که حرمت‌های خدا أ را می‌شکنند و دست به مخالفت می‌زنند و از خدای توبه پذیر روی می‌گردانند. به این ترتیب کافری که طاعت خدای را ترک می‌کند از اوامر او روی گردان است و همچنان گناه‌کاری که در گناهان سقوط نموده، مرتکب نواهی اوتعالی شده است.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٢٧٧﴾.

بعد از اینکه حق‌تعالی به یادآوری اهل ربا و سود پرداخت در اینجا به یادآوری از نیکوکاران رستگار می‌پردازد، آنانی که: اعتقادات و اعمال خود را نیکو ساخته‌اند؛ به خدا أ ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند؛ بر نمازهای خویش مطابق شریعت محافظت نموده و آن‌ها را به خوبی ادا نمودند؛ زکات اموال خود را پرداخت کرده‌اند؛ چنین کسانی نیکوکارانی‌اند که برای‌شان اجر عظیم و ثواب بسیاری از جانب خدای رحمان و رحیم است و از آنچه در انتظار گناه‌کاران است بیم و نگرانیی ندارند و از تبعات آنچه در دنیا انجام دادند غمگین نیستند بلکه برعکس در امنیت و سرور زائد الوصفی قرار دارند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَذَرُواْ مَا بَقِيَ مِنَ ٱلرِّبَوٰٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٢٧٨﴾.

ای مؤمنان! از خدای بترسید و مراقب او باشید و آنچه از سود نزد مردم باقی مانده را ترک کنید اگر در توبۀ خود راست می‌گوئید و از اوامر حق‌تعالی اطاعت می‌نمائید؛ زیرا یک انسان مؤمن همواره آنچه به آن امر شده را انجام می‌دهد و از آنچه نهی شده اجتناب می‌نماید.

﴿فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ فَأۡذَنُواْ بِحَرۡبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَإِن تُبۡتُمۡ فَلَكُمۡ رُءُوسُ أَمۡوَٰلِكُمۡ لَا تَظۡلِمُونَ وَلَا تُظۡلَمُونَ ٢٧٩﴾.

اگر از ترک ربا ابا ورزیدید و از این عمل توبه نکردید پس منتظر جنگی از سوی خدا أ و پیامبر ج باشید که این جنگ بر علیه شما در شکل بیماری‌ها، بلیّات، فساد اولاد، فتنه‌ها و نا فهمی در دنیا و عذاب در آخرت تبارز خواهد کرد و اگر از ربا توبه کنید پس برای شما رأس مال شما بدون هرگونه زیادت است و نباید اموال دیگران را از روی ظلم و ستم بگیرید و نگذارید رأس مال شما دچار زیان و ضرر شود.

﴿وَإِن كَانَ ذُو عُسۡرَةٖ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيۡسَرَةٖۚ وَأَن تَصَدَّقُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٢٨٠﴾.

اگر قرض دار دچار مشکل شد به او تا زمانی که حق‌تعالی بی‌نیازش سازد فرصت دهید و اگر مقداری از دین خود را به او ببخشید این کار بهتر و نیکوترست، به خصوص هنگامی که دانستید حق‌تعالی به زودی جزای احسان نیکوکار را می‌دهد و از او همانگونه که او از قرض دار دَر گذشته، درمی‌گذرد.

﴿وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا تُرۡجَعُونَ فِيهِ إِلَى ٱللَّهِۖ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ٢٨١﴾.

و از روزی بترسید که به سوی خدای خویش باز می‌گردید و اوتعالی جزای احسان نیکوکار و بدی بدکار را می‌دهد بدون اینکه بر کسی ظلم و ستمی روا داشته شود و یا حسنات کسی دچار کمبود و نقص گردد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى فَٱكۡتُبُوهُۚ وَلۡيَكۡتُب بَّيۡنَكُمۡ كَاتِبُۢ بِٱلۡعَدۡلِۚ وَلَا يَأۡبَ كَاتِبٌ أَن يَكۡتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ ٱللَّهُۚ فَلۡيَكۡتُبۡ وَلۡيُمۡلِلِ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ وَلۡيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ وَلَا يَبۡخَسۡ مِنۡهُ شَيۡ‍ٔٗاۚ فَإِن كَانَ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ سَفِيهًا أَوۡ ضَعِيفًا أَوۡ لَا يَسۡتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلۡيُمۡلِلۡ وَلِيُّهُۥ بِٱلۡعَدۡلِۚ وَٱسۡتَشۡهِدُواْ شَهِيدَيۡنِ مِن رِّجَالِكُمۡۖ فَإِن لَّمۡ يَكُونَا رَجُلَيۡنِ فَرَجُلٞ وَٱمۡرَأَتَانِ مِمَّن تَرۡضَوۡنَ مِنَ ٱلشُّهَدَآءِ أَن تَضِلَّ إِحۡدَىٰهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحۡدَىٰهُمَا ٱلۡأُخۡرَىٰۚ وَلَا يَأۡبَ ٱلشُّهَدَآءُ إِذَا مَا دُعُواْۚ وَلَا تَسۡ‍َٔمُوٓاْ أَن تَكۡتُبُوهُ صَغِيرًا أَوۡ كَبِيرًا إِلَىٰٓ أَجَلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ أَقۡسَطُ عِندَ ٱللَّهِ وَأَقۡوَمُ لِلشَّهَٰدَةِ وَأَدۡنَىٰٓ أَلَّا تَرۡتَابُوٓاْ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً حَاضِرَةٗ تُدِيرُونَهَا بَيۡنَكُمۡ فَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَلَّا تَكۡتُبُوهَاۗ وَأَشۡهِدُوٓاْ إِذَا تَبَايَعۡتُمۡۚ وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٞ وَلَا شَهِيدٞۚ وَإِن تَفۡعَلُواْ فَإِنَّهُۥ فُسُوقُۢ بِكُمۡۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ٢٨٢﴾.

ای مؤمنان! اگر نزد کسی تا زمانی معین مالی قرار دادید یا خرید و فروشی کردید باید که در بین خود سندی را بنویسید تا با آن حقوق را حفظ کنید و دچار اختلاف و چند دستگی نشوید و برای کتابت سند نویسنده‌ای مسلمان، امین، عادل و ضابطه‌مند بر گزینید. و اگر از چنین نویسنده‌ای تقاضا به عمل آمد باید که عذر آوری نکند بلکه به نیّت حصول اجر و پاداش باید پاسخ مثبت گوید؛ زیرا حق‌تعالی به او دانش نویسندگی را آموخته است، بناءً بر او لازم است تا به نوشتن سند مذکور مبادرت ورزد.

قرض‌دار کسی است که متن محتوای سند بر عهدۀ اوست تا براساس این سند محتوای آن را بر خویشتن اقرار و اعتراف کند و هنگام نوشتن شهودی نیز باید حاضر باشند و باید نویسنده در نوشتن خود از خدا أ بترسد و دست به تزویر و جعل نزند، چنان‌چه قرض دار نیز نباید در قرضی که گرفته هنگام پرداخت آن، نقصان ایجاد کند. اگر قرض گیرنده از لحاظ عقلی ضعیف بود یا کودک، کهن سال و یا گنگ بود، در چنین حالتی هنگام نوشتن، ولیّش جانشین او می‌باشد که نباید افزونی در دَین ایجاد کند و نه هم از حق دائن چیزی بکاهد.

هنگام نوشتن این سند باید دو نفر شاهد عادل به منظور ضمانت حاضر باشند و اگر تنها یک مرد بود باید دوتا زن از اهل دیانت و امانت در کنار این مرد حضور داشته باشند. اینکه حق‌تعالی دو زن را به جای یک مرد قرار داده نظر به فراموشیی است که معمولاً در زن‌ها نسبت به مردان بیشتر است و تا اینکه اگر یکی از این زن‌ها فراموش کرد زن دیگر به یادش دهد، چون غالباً مردان بر امور مالی آگاهی بیشتر دارند. و هرگاه به شهادت نیاز شد بر شهود امتناع از شهادت حرام است تا که حقوق مردم ضایع نشود. و هیچگاه در کتابت دَین، خواه بسیار باشد یا کم دچار خستگی نشوید، زیرا نوشتن دَین موجب عدالت در حُکم و تحکیم شهادت شهود و دور ساختن شک از مقدار و زمان دَین می‌شود و تا اختلاف و نزاع ایجاد نگردد. ولی اگر کالا موجود و ثمن به صورت نقد بود، در این صورت اگر سندی نوشته نشود مشکلی نیست. با این حال شهود گرفتن در معاملات کلان مانند خریداری زمین، معاملات تجارتی، شراکت، مضاربت و امثال این‌ها الزامی است. همچنان صاحب حق نباید به نویسندۀ سند و شهود ضرری را روا دارد به عنوان مثال نباید آن‌ها را به دنبال خود بدون مزد داخل دادگاه‌ها این طرف و آن طرف بکشاند و یا هنگام مصروفیت و استراحت نباید آن‌ها را وادارد تا شهادت دهند.

اگر کسی از شما به نویسنده یا شهود ضرری برساند و یا در ادای دَین، امروز و فردا کند و بر خلاف موجبات عقل عمل نماید، چنین کاری از سوی او عصیان و نافرمانی و مخالفت با خدای دیّان خواهد بود و اگر از خدای‌تعالی اطاعت کنید و از گناهان دوری گزینید، حق‌تعالی بر شما دروازه‌های دانش سودمند و علم دین را باز می‌کند که اوتعالی بر همۀ امور دقیق و آشکار عالم است و تمام امور کوچک و بزرگ را می‌داند و بر او هیچ امری پوشیده نیست.

﴿۞وَإِن كُنتُمۡ عَلَىٰ سَفَرٖ وَلَمۡ تَجِدُواْ كَاتِبٗا فَرِهَٰنٞ مَّقۡبُوضَةٞۖ فَإِنۡ أَمِنَ بَعۡضُكُم بَعۡضٗا فَلۡيُؤَدِّ ٱلَّذِي ٱؤۡتُمِنَ أَمَٰنَتَهُۥ وَلۡيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥۗ وَلَا تَكۡتُمُواْ ٱلشَّهَٰدَةَۚ وَمَن يَكۡتُمۡهَا فَإِنَّهُۥٓ ءَاثِمٞ قَلۡبُهُۥۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ٢٨٣﴾.

و اگر سفر کردید و در اثنای سفر معامله‌ای انجام دادید و کسی را نیافتید تا سندی برای شما بنویسد باید که صاحب حق از قرضدار ضمانت اخذ کند تا این ضمانت قائم مقام و ثیقه و سند باشد و اگر صاحب حق دین خویش را بر ذمۀ قرضدار محکم کرد، ضرورتی به اخذ ضمانت نیست. بر قصدار لازم است تا در حفظ مال دائن از خدا أ بترسد و در انتهای مدّت معینه دین خویش را ادا کند و اگر از شما خواسته شد تا شهادتی بدهید بر شما لازم است تا دربارۀ مسأله همانگونه شهادت دهید که بوده است بدون هیچکدام تغییر، تحریف، تبدیل و یا کتمانی و هر که شهادت را کتمان کند معلوم می‌شود که قلب بدکاری دارد و آدم تُهی و بی‌تقواست و به زودی حق‌تعالی از هرکدام مطابق عملکردش حساب و کتاب اخذ خواهد کرد؛ زیرا او بر تمام اسرار و نهان‌ها و گفتار و کردار در همۀ احوال آگاه است.

﴿لِّلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَإِن تُبۡدُواْ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ أَوۡ تُخۡفُوهُ يُحَاسِبۡكُم بِهِ ٱللَّهُۖ فَيَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٢٨٤﴾.

همۀ آنچه در هستی هست ملک خدا أ، مخلوق و بندۀ اوست و اوتعالی خالق و رازقی است که تنها او به تدبیر و تنظیم امور و تصریف احوال آن‌ها می‌پردازد. و هر که بدی را به صورت آشکار یا پنهان انجام دهد حق‌تعالی بر عمل او آگاه است؛ زیرا انجام کاری به صورت پنهان یا آشکار نزد او یکسان است و او هر کس را مطابق آنچه عمل نموده مؤاخذ و براساس علم و دانش، آن‌ها را گرفتار می‌کند و در حق آن‌ها عادلانه قضاوت می‌نماید.

و برای خدا أ مشیت مطلق است، جرم هر کسی را که بخواهد می‌بخشد و هر که را بخواهد مؤاخذه می‌نماید و جزای عصیانش را می‌دهد همۀ این‌ها براساس حکمت‌هایی است که اوتعالی مقدر نموده، روی این اساس مغفرتش فضل و عذابش عدل است. قدرت او نافذ و امرش غالب و قصایش جریان دارد و هیچ‌کس از او نمی‌پرسد و این آن‌ها هستند که سوال می‌شوند.

﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨٥﴾.

محمد ج و یاران و پیروانش به تمام آنچه در قرآن و سنّت راجع به وحدانیت خدا أ و الوهیت او آمده باور دارند، آن‌ها ملائکه و کتاب‌های آسمانی و تمام پیامبران را نیز مطابق وحی تصدیق کردند و اینگونه نبوده که مانند اهل کتاب برخی از پیامبران را تصدیق و تعداد دیگری را تکذیب کنند بلکه همه را تصدیق نموده و گفتند پروردگارا! سخن تو را شنیدیم و امر تو را اطاعت نمودیم، اگر از ما تقصیر و کوتاهیی سر زده از تو آمرزش می‌طلبیم، آمرزشی که گناهان ما را محو کند؛ زیرا ما همه بندگان خطاکار توئیم و برای ما پروردگار و معبودی جز تو نیست و این تویی که به زودی ما را در روزی که هیچ شکی در آن نیست جمع می‌کنی و هیچ محل فرار و مشتکایی جز به سوی تو نیست.

﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٨٦﴾.

و چون آن‌ها امر خدا أ را اجابت کردند، حق‌تعالی به آن‌ها بشارت نهاده شدن غلّ و زنجیر را از آنان داد و بیان داشت که پروردگار در اوامر و نواهی خود بر آن‌ها سختگیری نمی‌کند بلکه نظر به توان و طاقت‌شان آن‌ها را مکلّف می‌سازد. هر ذاتی به اندازۀ صلاح خود مزد می‌گیرد و به اندازۀ بدی خود کیفر می‌بیند بدون اینکه در جزایش زیادت و یا نقصی صورت گیرد.

آن‌ها از خدای خود خواستند که پروردگارا! ما را بر خطا و نسیان ما محاسبه نفرما که ما بشری خطاکاریم و ما را بر آنچه مایۀ مشقت ماست مکلّف نکن تا از عمل به آن ناتوان نشویم و مانند امت‌های گذشته نباشیم که شریعت‌های خویش را پذیرفتند ولی بعداً آن‌ها را ترک کردند. و ای پروردگار ما! از تو می‌خواهیم ما را با مصیبت‌ها و بدی‌هایی که فوق توان و تحمل ماست ابتلا نکنی، نشود که صبر نکنیم زیرا ما بندگان ضعیف هستیم. و ای خدا أ! بر ما فرائض و حدودی را که توان نداریم واجب نگردان و گناهان ما را عفو کن و عیوب ما را بپوشان و فضل خود را بر ما نازل نما و بر ضعف و ناتوانی ما رحم کن که تو پروردگار و متولی امور مائی و متولی امور، دوست خود را یاری می‌دهد. تو قوی و ما بندگان مسکین و ضعیف توئیم پس ما را بر دشمنان خود و دشمنان ما پیروز گردان! دشمنانی که با تو جنگیدند و تکذیبت کردند و دین تو را ردّ نمودند مانند مشرکان و اهل کتاب. یاری از جانب توست و ما همه لشکریان توئیم و کسی که تو متولی امورش باشی هرگز شکست نمی‌خورد و مغلوب نمی‌شود.

سورۀ آل عمران

مدنی است؛ ترتیب آن 3؛ شمار آیات آن 200

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿الٓمٓ ١﴾.

«الف، لام، میم» حق‌تعالی به مراد خویش از این حروف داناتر است. شکی نیست که این حروف دارای معانی و اهداف بزرگی است.

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُ ٢﴾.

خداوند أ تنها و مستحق الوهیت است و به هیچ وجه مجاز نیست تا کسی عبادت خود را به سوی غیر او بگرداند. او یکتا و یگانه‌ای است که هیچ شریکی نه در ربوبیت خود و نه در الوهیت و اسم‌ها و صفات خود ندارد. او زنده و باقی و دائمی است و بعد از فنای تمام آفریده‌های خود نیز چنین است. زندگی او شبیه زندگی مخلوقات نیست. او همیشه به تدبیر امور آفریده‌ها و هستی می‌پردازد.

﴿نَزَّلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَأَنزَلَ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ ٣﴾.

خداوند أ بر تو ای محمد ج قرآن را به حق و توأم با دلائل قاطع و روشن نازل کرد. قرآن کتاب‌هایی را که بر پیامبران پیش از تو نازل شده تصدیق می‌کند. اوتعالی تورات را بر موسی ÷ و انجیل را بر عیسی ÷ به منظور بیان حق بر بنی اسرائیل نازل فرموده است.

﴿مِن قَبۡلُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ ٱلۡفُرۡقَانَۗ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٍ ٤﴾.

خداوند أ کتاب‌های آسمانی را به منظور بیان حق و باطل و هدایت و گمراهی نازل فرموده است. آنانی که آیات این کتاب‌ها را انکار می‌کنند و به پروردگار خویش کافر و با پیامبرانش می‌جنگند، دچار عذابی دائم در آتش دوزخ خواهند شد؛ زیرا حق‌تعالی کسی را که با او دشمنی کند محو و عصیان کنندگان امرش را سرکوب می‌نماید، چون حق‌تعالی دارای عذتی بی‌پایان است و هیچ‌کس نمی‌تواند مانند او انتقام بگیرد.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَخۡفَىٰ عَلَيۡهِ شَيۡءٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ ٥﴾.

و خداوند أ بر همۀ امور پوشیده و نهان که از سوی مردم در زمین صورت می‌گیرد آگاه است خواه این امور بسیار پوشیده انجام شود و یا اندک. و علم او بر تمام اموری که از سوی ملائکه و دیگران در آسمان‌ها صورت می‌گیرد احاطه دارد زیرا همۀ پدیده‌ها تحت ملک و قدرت او قرار دارند.

﴿هُوَ ٱلَّذِي يُصَوِّرُكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡحَامِ كَيۡفَ يَشَآءُۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٦﴾.

و از جمله آثار علم، حکمت و قدرت خداوند أ شکل بندی شما در رحم‌های مادران‌تان است در حالی که از لحاظ رنگ، نوعیت و شکل با هم تفاوت داشته و مطابق ارادۀ خدا أ هستید. پس زمانی که حق‌تعالی چنین قدرتی در تدبیر و آفرینش داشته باشد، هیچ معبودی جز او نیست، او نیرومندی است که سایر موجودات مقهور اویند و هیچ‌کس نمی‌تواند بر او غلبه یابد یا او را مقهور خود سازد. او حکیمی است که با لطف خود به تدبیر امور می‌پردازد و مطابق با حکمت خود قضاوت می‌نماید.

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ مِنۡهُ ءَايَٰتٞ مُّحۡكَمَٰتٌ هُنَّ أُمُّ ٱلۡكِتَٰبِ وَأُخَرُ مُتَشَٰبِهَٰتٞۖ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمۡ زَيۡغٞ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنۡهُ ٱبۡتِغَآءَ ٱلۡفِتۡنَةِ وَٱبۡتِغَآءَ تَأۡوِيلِهِۦۖ وَمَا يَعۡلَمُ تَأۡوِيلَهُۥٓ إِلَّا ٱللَّهُۗ وَٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِۦ كُلّٞ مِّنۡ عِندِ رَبِّنَاۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٧﴾.

او خدای یگانه‌ای است که قرآن را بر تو ای محمد ج نازل فرمود که در آن آیات واضح و صریحی وجود دارد و در آن هیچ‌گونه غموض و التباسی نیست و برای فهم و درک کاملاً واضح و آشکار می‌باشد و برای کسی که آن را بخواند معلوم است، آیاتی مانند احکام شرعی، فضایل اخلاقی و آداب که اساس و بیشتر قرآن را تشکیل می‌دهد.

و در قرآن نشانه‌های دیگری نیز هست که واضح نمی‌باشد بلکه نیاز به تفسیر و تأمل وحتی احیاناً توقف دارد مانند حروف مقطعاتی که در ابتدای برخی از سوره‌هاست. در برابر چنین حالتی برخی که در قلب‌های‌شان شک و هوی است، همواره به دنبال آیات غیر واضح می‌روند تا به شبهات دامن زنند و امور باطل خود را تأیید کنند و از این طریق در قلب‌ها بذر بکارند و در بین مردم ایجاد اختلاف و تفسیری را ارائه کنند که با باطل‌شان موافق باشد و این پندار را ایجاد کنند که قرآن مؤید نظر آن‌هاست. مانند نصرانیان که براساس این قول خدا أ: ﴿وَرُوحٞ مِّنۡهُ﴾ می‌گویند عیسی مسیح ÷ از خدا أ بیرون شده پس او فرزند خداست (خدا از اینکه فرزندی داشته باشد والاتر است) و این آیۀ محکم و صریح را که: ﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا عَبۡدٌ أَنۡعَمۡنَا عَلَيۡهِ﴾ او جز بنده‌ای که بر او نعمت دادیم نیست» ترک کردند. اینگونه هر صاحب بدعتی دلائل احتمالیی را می‌گیرد که موافق با هوی و مؤید باطلش است. حق‌تعالی یگانه کسی است که معنی آیات متشابه را می‌داند زیرا دانش این آیات را مانند دانش برخی پدیده‌های دیگر مثل روح و امثال آن، مخصوص خود ساخته و اندیشمندانی که در حقایق غوّاصی کرده‌اند دانش این آیات را به خدا أ واگذار می‌نمایند و به عجز و ناتوانی خود از معرفت این آیات اعتراف می‌کنند ولی به تمام این آیات ایمان و باور کامل داشته، می‌دانند این آیات بی‌معنی نیست بلکه دارای معانی و حقایقی هست.

این اندیشمندان بر این باوراند که همۀ آیات محکم و متشابه، کلام خدا أ و غیر مخلوق است که از اوتعالی شروع و به سوی او باز می‌گردد به این ترتیب آن‌ها به محکم عمل می‌کنند و به متشابه ایمان دارند. کسی که نصیحت را بپذیرد و موعظه در او مؤثر واقع گردد، صاحب عقل و فطرت سلیم است و حقایق را درک می‌کند و چون دارای قلب پاک است از این‌روی معانی به او نفع می‌رساند و مقصود را درک و به حرف حق می‌رسد.

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ٨﴾.

بندگان مؤمن خدا أ از پروردگار خویش می‌طلبند و می‌گویند: خدای ما! خالق و رازق ما! قلب‌های ما را از حقّ منصرف نگردان، حقّی که توسط پیامبر خود به ما معرفی کردی و ما را به سوی آن رهنمودی و حلاوت آن را چشانیدی! و بر ما فضل خود را نازل کن تا حق را لازم گیریم و بر صدق، ثبات داشته باشیم؛ زیرا کسی که تو هدایتش کردی و از باطل منصرف نمودی در حقیقت بر او رحم کردی؛ زیرا فضل تو حدّ و کرم تو غیر قابل شمارش است و هیچ بازدارنده‌ای برای عطای تو نیست و این توئی که همواره برای کسی که طلب کند یا نکند می‌بخشی!

﴿رَبَّنَآ إِنَّكَ جَامِعُ ٱلنَّاسِ لِيَوۡمٖ لَّا رَيۡبَ فِيهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ٩﴾.

این بندگان مؤمن دعا می‌کنند و می‌گویند: خدای ما خالق و رازق ما! تو به زودی خلایق را در روز رستاخیز جمع می‌نمائی تا همه به سوی تو باز آیند، این روز حتماً آمدنی است و در وقوع آن هیچ شکی وجود ندارد و تو هیچگاه در حالی که بر وقوع این روز وعده دادی بر خلاف وعدۀ خود عمل نمی‌نمائی از این‌روی تحقق این وعده و ملاقات باتو حتمی صورت می‌گیرد و سخن تو نافذ و جاری خواهد بود.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ وَقُودُ ٱلنَّارِ ١٠﴾.

برای تکذیب کنندگان پیامبران، آنانی که به خدا أ شریک می‌آورند هرگز اموالی که جمع می‌کنند نفعی نخواهد داشت و نه فرزندان‌شان نمی‌توانند عذاب و غضب حق‌تعالی را از آنان دفع کنند. چنین کسانی نظر به بدی عملکرد خویش هیزم دوزخ خواهند بود، چقدر مصیر بدی است جایگاه اینان؟!

﴿كَدَأۡبِ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡۗ وَٱللَّهُ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ١١﴾.

مَثَل قومی که تو را تکذیب کرده‌اند مانند مَثَل و حالت قوم فرعون و سایر امت‌های کافر گذشته است که همۀ آن‌ها بر انکار آنچه نازل کردیم و در مبارزه با پیامبران با هم یکجا شدند، در حالی که آیات و نشانه‌ها و دلائل ما واضح و آشکار است؛ با تمام این‌ها این گروه تکذیب گر حق را ردّ کردند از این‌روی حق‌تعالی آنان را آنگونه که یک نیرومند با قدرت می‌گیرد گرفت و دچار عذاب کرد و در انهدام آن‌ها روش‌های گوناگونی از قبیل: غرق، باد، صاعقه، خسف، مسخ و از این قبیل را بکار برد؛ زیرا گرفت اوتعالی قوی و عذابش دردناک است.

﴿قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ سَتُغۡلَبُونَ وَتُحۡشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ١٢﴾.

ای محمد ج! به کفار مکه بگو به زودی در دنیا شکست می‌خورید و در آخرت عذاب می‌شوید؛ زیرا آن‌ها به خدا أ کافر شده پیامبرش را نیز تکذیب کرده‌اند. از این‌روی ذلّت، خواری و عار بر آن‌ها در این دنیاست و در آخرت نیز عذاب و کیفر سخت در انتظار آن‌ها خواهد بود و چه بد قرار گاهی است آن عذاب، چون در این کیفر فرش زیر پای‌شان آتش دوزخ و لباس‌شان «قطران» (مادۀ شیمیائی چسپناک، بدبوی و قابل اشتعال) و آب نوشیدنی‌شان داغ و سوزان است.

﴿قَدۡ كَانَ لَكُمۡ ءَايَةٞ فِي فِئَتَيۡنِ ٱلۡتَقَتَاۖ فِئَةٞ تُقَٰتِلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَأُخۡرَىٰ كَافِرَةٞ يَرَوۡنَهُم مِّثۡلَيۡهِمۡ رَأۡيَ ٱلۡعَيۡنِۚ وَٱللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصۡرِهِۦ مَن يَشَآءُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ ١٣﴾.

شما ای جماعت کافران! آیا از آنچه در روز «بدر» اتفاق افتاد عبرت نگرفتید؟ روزی که در آن اهل ایمان و بت‌پرستان رو در روی هم قرار گرفتند در حالی که مؤمنان خدای رحمان را یاری می‌رسانیدند و مشرکان در کنار شیطان می‌جنگیدند. در این نبرد، کفار مسلمانان را با چشم سر نه در خواب، دو برابر تعدادی که بودند می‌دیدند. در آن جنگ حق‌تعالی بندۀ خود را عزّت بخشید و لشکرش را یاری رسانید و مشرکان را شکست داد؛ در آن جنگ مؤمنان پیروز شدند و حق‌تعالی خشم آنان را که نسبت به مشرکان داشتند با شکست مشرکان فرو نشاند و کفار قریش دچار قتل، اسارت و شکست شدند. این معرکه موعظه‌ها و پندهای خود را دارد و بزرگ‌ترین دلیل بر یاری اوتعالی نسبت به دوستانش اگرچه اندک باشند و شکست کفار اگرچه بسیار باشند می‌باشد، ولی از این آیه و نشانه، جز کسی که دارای قلبی روشن و ادراکی سلیم باشد پند و عبرت نمی‌گیرد.

﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ مِنَ ٱلنِّسَآءِ وَٱلۡبَنِينَ وَٱلۡقَنَٰطِيرِ ٱلۡمُقَنطَرَةِ مِنَ ٱلذَّهَبِ وَٱلۡفِضَّةِ وَٱلۡخَيۡلِ ٱلۡمُسَوَّمَةِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ وَٱلۡحَرۡثِۗ ذَٰلِكَ مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلۡمَ‍َٔابِ ١٤﴾.

دنیا در نظر خلایق با ملذّات، شهوات و فریبنده‌هایی که دارد به منظور ابتلا و آزمایش مزیّن شده است و آن‌ها به دنیا عشق ورزیده‌اند. ملذّاتی مانند فتنۀ زن‌ها که بزرگ‌ترین فتنه است زیرا فریبندگی‌های آنان بیشمار است؛ محبت فرزندان زیرا فرزند پارۀ جگر انسان و مایۀ فرح و خورسندی وی است؛ مال‌های ذخیره شده و گرانب‌ها مانند طلا و نقره زیرا دارای ارزش بالایی است. همچنان در نظر مردم محبت اسب‌های آموزش دیده و خوش شکل و خوش رنگ مزیّن شده چون ارزش بلند و منحصر به فردی دارند و محبت شتر، گاو و گوسفند؛ زیرا منظری جالب دارند و عذای اشتها آور و مرکبی نرم نیز به شمار می‌روند.

همچنان انسان‌ها انواع حبوب، میوجات، سبزه‌زارها و درختان را دوست دارند چون هرکدام دارای طعم و مزه‌ای خاص و منظری زیبا و فوائد بیشماری است، ولی همۀ این‌ها بهره و متاعی زوال پذیر و زینتی گذارست؛ زیرا نعمت‌های دنیا همه فانی و انسان مسافری است که بقا و قرار ندارد. در دنیا نه وفاست نه حسن جوار؛ دنیا همانند توری است که همواره فرومایه را می‌توان با آن شکار کرد و قرارگاه کدورت‌ها و چرک‌هاست؛ روزهایی است معدود و فرصت‌هایی است محدود، ولی نعمت ماندگار و رستگاری بزرگ، نزد خدای لایزال در سرایی است که هر که در آن داخل شود امنیت خواهد داشت، هیچگاه لباسش با مصیبت و مشکل‌تر نمی‌شود و نه جوانیش را فنایی است و نه از بیماری، عدم و پیری خبری هست. پس فریب فتنۀ دنیا را نخورید و دلبستن به شهوات شما را از رستگاری بزرگ محروم نکند.

سوگند به خدا أ که زیان کرد هر کسی سرای فانی را بر باقی و کم بها را بر پّر بها ترجیح داد.

﴿۞قُلۡ أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيۡرٖ مِّن ذَٰلِكُمۡۖ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَأَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞ وَرِضۡوَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ١٥﴾.

ای محمد ج! برای آن‌ها بگو آیا شما را در جریان آنچه از شهوات دنیا و لذائذ زودگذر آن بهتر و نیکوتر است قرار دهم؟ سوگند به خدا أ که بهتر از آن باغ‌های غنا و بوستان‌های پهناور و جوی‌های جاری و نعمت‌های ماندگار و خوشحالی و خورسندی و قصرها و منازل و زن‌های پاکی که از هر پلیدی و نجاست پاک‌اند و در نهایت حسن و جمال و عفت و کمال بسر می‌برند می‌باشد، همۀ این‌ها توأم با رضا، امنیت، سلامتی و مغفرت از تمام گناهان گذشته خواهد بود. تمام این منزلگاه‌های نیکو از آن کسی است که تقوای مولای خود را رعایت کند و از پروردگار خویش بترسد.

این‌ها از سرای فانی، بدبختی، دنیای غم و اندوه و مصیبت‌ها و مکرها بهتر است، با این حال با نعمت بهشت رستگار نمی‌شود مگر کسی که با پروردگار خود در ظاهر و باطن صداقت داشته باشد؛ زیرا حق‌تعالی بر بندگان خود بیناست و آنچه را مخفی و یا آشکار می‌دارند می‌داند و هر کسی را براساس آنچه انجام داده جزا می‌دهد و محاسبه می‌نماید.

﴿ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٦﴾.

و از جمله صفات این رستگاران این است که خدای خود را می‌خوانند و می‌گویند پروردگارا! ما به تو ایمان آورده، کتابت را تصدیق نموده و از پیامبرت پیروی کرده‌ایم، پس از همۀ لغزش‌های ما درگذر و خطاه‌های ما را عفو کن و ما از تو نجات از آتش دوزخ را که قرارگاه اشرار و سرای زیانمندان است می‌طلبیم.

این مؤمنان به حقّی که خدا أ بر آنان دارد اعتراف کردند و در پی آن از اوتعالی بخشش گناهان خود را خواسته و تقاضای دفع کیفر از خویشتن را نمودند.

﴿ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلۡقَٰنِتِينَ وَٱلۡمُنفِقِينَ وَٱلۡمُسۡتَغۡفِرِينَ بِٱلۡأَسۡحَارِ ١٧﴾.

این مؤمنان کسانی‌اند که بر طاعت خدای‌تعالی در شدّت و آسانی و در برابر مصیبت‌ها، ضررها، بلاها و در جهاد فی سبیل الله صبر می‌کنند و در نیت، گفتار و کردار خود صادقند و همواره با امتثال امر و دوری از نواهی از حق‌تعالی اطاعت می‌کنند و از گناهان خویش در سحرگاهان استغفار می‌کنند، زمانی که مردمان همه در خواب بسر می‌برند، آنگاه که زمان صفای نفس و اشراق آن و موعد نزول خدای کریم و منان به آسمان دنیا در حصۀ سوم شب است.

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١٨﴾.

خداوند أ خود بر خویشتن شهادت داد که خدایی جز او نیست و هیچ کسی غیر از او مستحق عبادت و پرستش نمی‌باشد. او یگانه و یکتاست و بر این شهادت خود دلیل و برهان نیز ارائه نموده که از جملۀ آن آفرینش کائنات و سایر مخلوقات است. ملائکۀ مقرب الهی نیز بر وحدانیت خدای یگانه و بی‌نیاز که نزائیده و نه کسی از او زاده شده و بر او هیچ سیال و مانندی نیست شهادت دادند.

علما و اندیشمندان نیز نظر به برتری علمیی که دارند بر این امر شهادت قرار داده شده‌اند، این مسأله بهترین دلیل برتری علم نافع است. و خداوند یگانۀ یکتا کسی است که عدالت را در اشخاص و آفاق و در اجل‌ها و روزی‌ها برقرار می‌دارد، از این‌روی تمام قضا و قدرش عدالت و تمام احکامش مفصل و همۀ عطیه‌اش فضل است. پس معبود بر حقی جز او نیست و نه کسی که مستحق الوهیت باشد، زیرا او پروردگار، خالق، رازق و مالک همه چیز است و بسیار بزرگتر از آنست که برای او مثال، مانند و یا ضدی باشد و در آنچه انجام داده حکیم است چون او همه را به گونۀ محکم و استوار و آنگونه که باید باشد آفریده و از روی احسان ایجاد نموده و از چون او همه را به گونۀ محکم و استوار و آنگونه که باید باشد آفریده و از روی احسان ایجاد نموده و از روی امتنان نعمت داده و با عزّت و غلبۀ خود غیر خود را مقهور خویش ساخته است.

﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ١٩﴾.

دین صحیح و قابل پذیرش در پیشگاه خدا أ دین اسلام است، دینی که پیامبر رحمت حضرت محمد ج آن را آورده و بر این اساس سایر ادیان مردود و باطل است. کسی که غیر از اسلام دین دیگری را پیروی کند هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و حق‌تعالی سعی و تلش چنین کسی را نمی‌پذیرد و از عملکردش راضی نیست.

یهودیان و نصرانیان در رسالت پیامبر ج اختلاف نکردند مگر بعد از اینکه دانستند مقصود از بشارتی که در کتاب‌های‌شان آمده همانا اوست. آن‌ها از روی عناد و استکبار این رسالت را انکار نموده و بنابر سر کشی و حسادت از دین او روی گردانیدند و هر که آیات خدا أ و پیامبرش را تکذیب کند عذاب در انتظار اوست؛ زیرا حساب خلایق اگرچه بی‌حساب و بی‌شمار هم باشد بازهم نمی‌تواند حق‌تعالی را از محاسبه عاجز سازد و اوتعالی همه را در وقتی کوتاه محاسبه می‌نماید و محاسبۀ همۀ آن‌ها در پیشگاه خدا أ مانند محاسبۀ یک شخص است.

﴿فَإِنۡ حَآجُّوكَ فَقُلۡ أَسۡلَمۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِۗ وَقُل لِّلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡأُمِّيِّ‍ۧنَ ءَأَسۡلَمۡتُمۡۚ فَإِنۡ أَسۡلَمُواْ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٢٠﴾.

ای محمد ج! اگر این کفار با عرضۀ هواهای باطل و سخنان بی‌ارزش خود با تو مجادله کردند به آن‌ها خبر بده که تو دین خود را بنابر بینش و بصیرتی از جانب خدا أ برگزیده‌ای و امید ثواب و پاداش او را داری و تو و پیروانت در بار حقی که با شماست بر یقین کامل و بر راه راست قرار دارید. و تو از یهودیان و نصرانیان و مشرکان بعد از این بیان سوال کن که آیا دین اسلام را قبول می‌کنید و می‌دانید که این دین حق و از جانب خداست؟ اگر از تو پیروی کردند و تو را تصدیق نمودند یقیناً راه درست را انتخاب کرده و برای آنان رستگاری بزرگ است و اگر ابا آورده و تکذیب کردند و دست به عناد زدند در چنین حالی تو رسالت خود را رسانیده‌ای و امانتی را که بر عهدۀ تو بوده ادا کردی پس بر کفر و تکذیب آن‌ها اهمیت نده و غمگین مباش که مصیر آن‌ها به سوی پروردگار بندگان است و منتظر اهل کفر و عناد می‌باشد و تمام اعمال آن‌ها را می‌داند و به حساب همه می‌رسد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡفُرُونَ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ بِغَيۡرِ حَقّٖ وَيَقۡتُلُونَ ٱلَّذِينَ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡقِسۡطِ مِنَ ٱلنَّاسِ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٢١﴾.

یهودیانی که آیات و نشانه‌های پیامبران خویش را تکذیب نموده و پیامبران و پیروان دعوتگرشان را کشتند برای آن‌ها به عنوان جزای عملکردهای‌شان در دوزخ عذابی است دردناک. این عذاب تمام کسانی را نیز دربر می‌گیرد که به شریعت استهزا نمودند و یا مانع انتشار آن شدند و یا پیروانش را با کشتن و حبس کردند مورد آزار و اذیت قرار دادند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٢٢﴾.

این کفار بدکار تمام اعمال نیکوئی را که انجام با اعمال بد خویش باطل کردند، از این‌روی برای آن‌ها هیچ سعادتی در دنیا و هیچ نجاتی در آخرت نیست، بلکه زندگی‌شان کلاً تباهی و عار به شمار می‌رود و آخرت‌شان نیز توأم با لعنت و آتش دوزخ است و در آخرت برای آن‌ها یاری دهندیی نیست که عذاب را از آنان دفع کند؛ زیرا حق‌تعالی بر امر خود غلبه دارد و هیچ مانعی برای قضا و قدرش نمی‌باشد.

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يُدۡعَوۡنَ إِلَىٰ كِتَٰبِ ٱللَّهِ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُمۡ وَهُم مُّعۡرِضُونَ ٢٣﴾.

آیا از این تعامل یهودیان تعجب نمی‌نمائی که از تورات بسیار می‌آموزند و تمام احکامش را می‌فهمند ولی زمانی که به آن‌ها هنگام منازعه گفته شود که بیائید حکم خدا أ را از تورات بگیریم بعد از شنیدن حُکم، گروهی از آن‌ها روی می‌گردانند از روی عناد، تمرد و سر کشی و طفیان به دنبال غیر تورات می‌روند.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامٗا مَّعۡدُودَٰتٖۖ وَغَرَّهُمۡ فِي دِينِهِم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٢٤﴾.

سبب اعراض آن‌ها از شریعت خدا أ این است که آن‌ها ادعا می‌کنند فرزندان اوتعالی و دوستانش‌اند و دوست هیچگاه دوست خود را عذاب نمی‌نماید و اگر عذاب هم بکند این عذاب برای مدتی کوتاه و مطابق با روزهایی است که گوساله را پرستیدند، این گمان آن‌ها دروغ، دَجَل، بی‌اساس و بی‌بنیاد است و هر که به خدا أ کافر شود هر کسی که باشد حق‌تعالی او را در آتش دوزخ جاودان می‌سازد، با این حال آن‌ها ادعا می‌کنند که پروردگار به یعقوب ÷ وعدۀ عدم تعذیب فرزندانش را داده است، این ادعای آن‌ها مجرد دروغ و افتراست.

﴿فَكَيۡفَ إِذَا جَمَعۡنَٰهُمۡ لِيَوۡمٖ لَّا رَيۡبَ فِيهِ وَوُفِّيَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ٢٥﴾.

هنگامی که آن‌ها را برای حساب و کتاب و عذاب در روزی که حتماً واقع می‌شود جمع کنیم، این‌ها چه خواهند کرد؟ روزی که هر ذاتی در برابر آنچه از خوب و بد انجام داده بدون ظلم و ستم محاسبه می‌شود.

﴿قُلِ ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلۡمُلۡكِ تُؤۡتِي ٱلۡمُلۡكَ مَن تَشَآءُ وَتَنزِعُ ٱلۡمُلۡكَ مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُۖ بِيَدِكَ ٱلۡخَيۡرُۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٦﴾.

ای آنکه در ید بلاکیف تو مقالید تمام امور و تصرّف در هستی قرار دارد و برای اوست تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین قرار دارند، تو و تنها توئی که پادشاهی را برای کسی از بندگانت که بخواهی می‌بخشی و از کسی که بخواهی پادشاهی را می‌سَتانی و آنکه را بخواهی عزّت می‌دهی و آنکه را بخواهی ذلّت می‌دهی! زیرا این تو و تنها توئی که توان نفع و ضرر را داری و هیچ چیزی تو را عاجز ساخته نمی‌تواند و بر تو هیچ امری بزرگ و هیچ مطلبی سخت و دشوار نیست چون قدرت تو جاری و حکم تو نافذ و سلطنت تو قاهر است و تو از هرگونه همتا و اضداد پاک و مبرائی!

﴿تُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَتُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِۖ وَتُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَتُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّۖ وَتَرۡزُقُ مَن تَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٢٧﴾.

و تو تنها تو ای حکیم! کسی هستی که شب را در روز بعد از پایان و انتهای نورش و روز را در شب بعد از زوال ظلمتش داخل می‌کنی و با مشیت خود در این از آن می‌افزائی. شب روز را به سرعت می‌پوشاند پس ناگهان تاریکی را می‌یابی که آهسته آهسته رخت برمی‌بندد و بساط خویش را از جهان برمی‌چیند. و روز شب را می‌پوشاند پس ناگهان روشنائی را می‌یابی که اندک اندک فراگیر می‌شود. تمام این تغییر و تحول طی یک سازو کار عجیب و حکمت و قدرتی نافذ صورت می‌گیرد. و این توئی که نبات سبز را از دانۀ خشک و خرمای ساقه بلند را از هستۀ جامد می‌رویانی و تخم مرده را از مرغ زنده بیرون می‌کنی. کدام قدرت بزرگتر و کدام صنعت عجیب‌تر و کدام عمل دقیق‌تر و محکم‌تر از این است؟! در عظمت خدای غالب و بخشنده هر فکر و اندیشه‌ای سرگردان شد و بلکه هر نشانه‌ای که در هستی وجود دارد در واقع سطری از کتاب عظمت خدا أ و حرفی در کتاب وجود است که به الوهیت و ربوبیت پادشاه و معبود بر حق شهادت می‌دهد و تنها او به کسی از بندگانش که بخواهد بخشش بدون حد و در نهایت سخاوت وجود و کرم می‌دهد.

﴿لَّا يَتَّخِذِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَلَيۡسَ مِنَ ٱللَّهِ فِي شَيۡءٍ إِلَّآ أَن تَتَّقُواْ مِنۡهُمۡ تُقَىٰةٗۗ وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥۗ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨﴾.

ای مؤمنان! هیچگاه کافران را به جای خدا أ ولی و دوست نگیرید و همچنان به جای مؤمنان به عنوان دوست، برادر، یار و یاور که اگر با دشمنان خدا دوستی و با دوستانش دشمنی کنید شما بندگان حقیقی خدا و دوستانش نیستید و ادعای ایمان از سوی شما دروغ و بهتان است. ولی اگر از ناحیۀ آن‌ها ضرر حتمیی احساس کردید در چنین حالتی برای شما مجاز است تا در برابر آن‌ها از سخن نرم و نیکو البته ضمن حفظ دوستی خدا أ کار بگیرید و این عمل از سوی شما نوعی تظاهر و خوش رفتاری زبانی است. و از خشم حق‌تعالی بترسید که او شما را بر حذر داشته و از همۀ آنچه موجب عقاب و عذاب اوست نهی فرموده است و به زودی به سوی او باز می‌گردید تا هریکی را مطابق اعمالش جزا دهد و براساس آن برای نیکوکاران جزای نیک و برای بدکاران عذاب آتش است.

﴿قُلۡ إِن تُخۡفُواْ مَا فِي صُدُورِكُمۡ أَوۡ تُبۡدُوهُ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٩﴾.

و به امّت خود خبر بده که هر کسی در نیّت خود چیزی را پنهان دارد و یا عملی را آشکار سازد حق‌تعالی همه را می‌داند و از او هیچ چیزی پوشیده و پنهان نیست و اگر دانش و علم او چنین باشد که هست پس چرا نباید گرامی و بزرگ داشته شود.

او از همه به تعظیم و خوف سزاوارتر است و در کنار اینکه تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین است ملک اوست دانش او بر همه چیز احاطه دارد و همه را آمار گیری و کفالت کرده است. او کسی است که زمان و مکان و انسان را آفریده و بر هرچیز قادر و تواناست و انجام هیچ کاری او را عاجز ساخته نمی‌تواند و هیچ غلبه گری نمی‌تواند بر او غلبه کند و حصول هیچ مطلوبی از او فوت نمی‌شود. او از داشتن هرگونه شبیه و مانند بزرگتر است و معبود به حقی جز او نیست.

﴿يَوۡمَ تَجِدُ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ مِنۡ خَيۡرٖ مُّحۡضَرٗا وَمَا عَمِلَتۡ مِن سُوٓءٖ تَوَدُّ لَوۡ أَنَّ بَيۡنَهَا وَبَيۡنَهُۥٓ أَمَدَۢا بَعِيدٗاۗ وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥۗ وَٱللَّهُ رَءُوفُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٣٠﴾.

و در روز قیامت عمل هر عمل کننده‌ای جزا داده می‌شود. برای اهل خیر ثواب بهشت است و برای اهل شر عذاب و آتشی است شعله‌ور. آنچه را انجام دادی مقابل خود می‌یابی و ثواب عملکرد نیک پاداش جزیل از سوی پروردگار جلیل است و جزای فعل بد خسارت و آتش است.

در آن وقت بدکاران آرزو می‌کند که ای کاش بین آن‌ها و عمل‌شان به اندازۀ آسمان و زمین فاصله می‌بود، ولی هیهات!! به خدا أ سوگند چنین شخصی بدون شک در سختی قرار دارد و برای او هیچ‌گونه رهائیی نیست. و حق‌تعالی به شما از باب انذار و رفع عذر خبر داده تا هر ذاتی از فرومایگی دور شود و به صلاح و تقوا دست یازد.

و از جملۀ رأفت و مهربانی خدا بر بندگانش یکی هم این است که آن‌ها را از روز آخرت بر حذر داشته، چون اوتعالی به مخلوقاتش لطیف است و به آن‌ها اموری را خبر داده که مایۀ خورسندی‌شان است و از اموری باز داشته که به آن‌ها زیان دارد. و از جملۀ رأفت او یکی هم مهلت دادن و قبول توبه و اقامه حجّت و برهان می‌باشد.

﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١﴾.

ای آنکه ادعای محبت خدا أ را داری! باید بر این محبت خود دلیلی از پیروی پیامبر ج و اقتدا به ایشان بیاوری. کسی که به هدایت حضرت محمد ج رهنمود شود یقیناً او را دوست دارد و هر که او را دوست داشته باشد خدا أ را دوست دارد و کسی که حق‌تعالی را دوست داشته باشد مستوجب حصول رضای او می‌شود، ادعای بدون دلیل و برهان یک ادعای صرف و گفتار بدون عمل مجرد افتراست. و هر که از این پیامبر امّی و ناخوان پیروی کند مولایش او را دوست دارد و او را برمی‌گزیند و از خطاها و بدی‌هایش دَرمی‌گذرد؛ زیرا خداوند أ دارای مغفرت فراوان است و با طاعاتی کم بسیاری از معاصی را می‌زداید. او دارای رحمتی بزرگ است که شدّت مهر و محبت او نسبت به بندگانش از مهر و محبت مارد به فرزندش بیشتر می‌باشد، روی این اساس بر بندگان لازم است تا تمامی این فضائل را با امتثال امر اوتعالی و رهیابی و اقتدا به کتاب منزل از آسمان پاسخ گویند.

﴿قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٣٢﴾.

ای محمد ج! برای مردم بگو اگر شما ارادۀ رستگاری و سعادت و پیروزی دارید پس از خدا أ و پیامبرش بترسید و به قرآن و سنّت پیامبر ج از طریق اجرای اوامر و اجتناب از نواهی عمل کنید و اگر تکذیب و اعراض کردید در اینصورت شما از جملۀ کفّار خواهید بود و حق‌تعالی بر کفّار خشم می‌گیرد و بدکاران را دوست ندارد زیرا آن‌ها دشمنان خدا أ و پیامبر اویند.

﴿۞إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰٓ ءَادَمَ وَنُوحٗا وَءَالَ إِبۡرَٰهِيمَ وَءَالَ عِمۡرَٰنَ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ٣٣﴾.

حق‌تعالی آدم ÷ را به نبوّت و پیامبری برگزید و نوح ÷ را که اولین رسول و ابراهیم ÷ که پدر پیامبران است و آل عمران را که خاندان طاعت و صلاح بودند. خداوند أ این‌ها را از میان تمام مردم برگزید و با گزینش خود ویژگی بخشید. این‌ها حقیقتاً به حقوق ولایت و دوستی خدا أ عمل نموده و شکر هدایتش را برجای آوردند.

﴿ذُرِّيَّةَۢ بَعۡضُهَا مِنۢ بَعۡضٖۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٣٤﴾.

همۀ این‌ها از یک نسل اند و همواره آیندگان‌شان در خیر و صلاح میراث می‌برند و در فضائل با هم شبیه‌اند. آن‌ها خاندان نیکی و تقوا و در کرم و خوبی از یک دسته‌اند و حق‌تعالی بهتر می‌داند چه کسی را برمی‌گزیند زیرا او تمام اصوات، حرکات و امور نهان و نیت‌ها را می‌داند. روی این اساس انتخاب و گزینش اوتعالی از روی علم، دانش و حکمت است.

﴿إِذۡ قَالَتِ ٱمۡرَأَتُ عِمۡرَٰنَ رَبِّ إِنِّي نَذَرۡتُ لَكَ مَا فِي بَطۡنِي مُحَرَّرٗا فَتَقَبَّلۡ مِنِّيٓۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٣٥﴾.

و ای محمد ج! برای مردم داستان عجیبی را یادآوری کن، هنگامی که همسر عمران آن ولیّ و صدّیق گفت: من نذر کردم تا حمل خویش را بعد از ولادتش مخصوص خدمت در بیت المقدس قرار دهم و از تو ای خدای بزرگ می‌طلبم تا این نذر مرا بپذیری زیرا تو می‌دانی که من این عمل را برای رضای تو انجام داده‌ام و در آن هیچ‌گونه ریا و خود نمائیی نیست چون تو بر تمام آنچه در نهان انسان‌ها قرار دارد آگاهی و هر آوازی را می‌شنوی و می‌دانی چه کسی در عمل خود اخلاص دارد و چه کسی ندارد تا او را کیفر دهی.

﴿فَلَمَّا وَضَعَتۡهَا قَالَتۡ رَبِّ إِنِّي وَضَعۡتُهَآ أُنثَىٰ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا وَضَعَتۡ وَلَيۡسَ ٱلذَّكَرُ كَٱلۡأُنثَىٰۖ وَإِنِّي سَمَّيۡتُهَا مَرۡيَمَ وَإِنِّيٓ أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ٣٦﴾.

پس زمانی که حمل خود را گذاشت فرزندش را دختر یافت از این‌روی بسیار متأثر شد و عذر خواست زیرا در آن روزگاران عادت چنین بود که مردان را برای نذر اختصاص می‌دادند و از دختران در تنظیم امور منازل استفاده می‌نمودند و چون حق‌تعالی بر همه چیز آگاه است، بناءً لازم نیست به او گفته شود که نوزاد دختر است.

سپس همسر عمران در نهایت حسرت گفت: هیچگاه زن در توان و نیرو و تحمل خویش مانند مرد نیست؛ زیرا زن ضعیف و صلاحیت مادری دارد در حالی که مرد برای کار و تلاش است.

سپس خبر داد که نام نوزاد خویش را مریم گذاشته است. مریم در زبان آن‌ها به معنی فرمانبردار و عابد می‌باشد. این نام را بر نوزاد از روی نیک فالی گذاشتند. همسر عمران همچنان گفت: و من از تو ای پروردگار می‌طلبم تا او و ذریه‌اش را از شر وسوسه‌های شیطان و فتنه‌هایش نگهداری؛ زیرا هر کسی را تو نگهداری در امان خواهد بود و هر که را از وسوسه‌های شیطان حفظ کنی در انجام امور خیر و ایمان موفق می‌شود.

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٖ وَأَنۢبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنٗا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّاۖ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيۡهَا زَكَرِيَّا ٱلۡمِحۡرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزۡقٗاۖ قَالَ يَٰمَرۡيَمُ أَنَّىٰ لَكِ هَٰذَاۖ قَالَتۡ هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِۖ إِنَّ ٱللَّهَ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٍ ٣٧﴾.

حق تعالی أ این نذر را از مادرش پذیرفت و آن را مبارک گردانید، حفظ کرد، هدایت نمود و جایگاه محترمانه‌ای به او بخشید و تمام امورش را نیکو ساخت و او را برگزید و پیامبر خویش حضرت زکریا را مسئول تربیتش قرار داد. ایشان متعهد اصلاح تمام امور مریم مطابق با مصلحت وی شد و به گونه‌ای بسیار نیکو تحت رعایت و سرپرستی خود قرار داد، از این‌روی مریم زنی عابد و مطیع پروردگار بار آمد و برای خود معبدی برای ذکر و عبادت قرار داد. مریم هرگاه به غذا نیاز پیدا می‌کرد پروردگار بدون اینکه مریم دچار زحمت شود و از روی کرامت به او این طعام را آماده می‌فرمود. زکریا ÷ از وجود این طعام در شگفت شد و پرسید که ای مریم این طعام برای تو از کجا آمده است؟ مریم پاسخ داد: این غذا روزیی از جانب خدای کریم و منّان است و اوتعالی برای کسی که بخواهد بی‌حدّ نعمت می‌دهد که خداوند أ دارای فضل وجودی عظیم است.

﴿هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُۥۖ قَالَ رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةًۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ٣٨﴾.

و چون زکریا این کرامت و نشانۀ صلاح را در مریم ملاحظه نمود و دید که حق‌تعالی به گونۀ غیر معمول و بدون سعی و تلاش از جانب مریم به او غذا آماده می‌کند این حالت او را به طمَع اولاد انداخت، این بود که از خداوند متعال زاری کنان خواست تا به او از همسر عقیمش در حالی که خود از نیز پیری کهن سال بود فرزندی عطا کند؛ زیرا می‌دانست هیچ پدیده‌ای در هستی در برابر قدرت خداوند أ محال و سخت نیست.

﴿فَنَادَتۡهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٞ يُصَلِّي فِي ٱلۡمِحۡرَابِ أَنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحۡيَىٰ مُصَدِّقَۢا بِكَلِمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَسَيِّدٗا وَحَصُورٗا وَنَبِيّٗا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٣٩﴾.

حق‌تعالی دعای ذکریا را قبول فرمود از این‌روی ملائکۀ رحمت او را در حالتی ندا کردند که در مسجد خویش و در محراب مصروف نماز بود و او را به نوزادی گرامی و کودکی بردبار بشارت دادند که نبوت عیسی ÷ را تصدیق می‌کرد، پیامبری که از سوی خالق متعال با واژۀ «کن» و بدون پدر به وجود آمد. این نوزاد مبارک به زودی و بعد از اینکه بزرگ شود بر مردم زمان خود با علم، حکمت و نبوّت سیادت پیدا خواهد کرد. او مردی پرهیزگار و با عفتی بود که از خدا أ می‌ترسید، او خویشتن را از شهوات و از نزدیک شدن به زنان باز می‌داشت زیرا مصروف عبادت، سیادت بر مردم و مشغولیت در امور خیر و انجام اعمال صالح بود. او پیامبری بود که به سویش وحی می‌شد و از هرگونه خطا و گناه معصوم بود و حکیمانه عمل می‌کرد.

﴿قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٞ وَقَدۡ بَلَغَنِيَ ٱلۡكِبَرُ وَٱمۡرَأَتِي عَاقِرٞۖ قَالَ كَذَٰلِكَ ٱللَّهُ يَفۡعَلُ مَا يَشَآءُ ٤٠﴾.

گفت ای پروردگار من! چگونه دارای نوزادی خواهم بود در حالی که عمری دراز بر من گذشته و استخوان‌هایم پوسیده و پیری بر من هجوم آورده است و همسر من نیز عقیم و نازای می‌باشد؟! حق‌تعالی به او خبر داد که آنچه را اراده کند انجام می‌دهد و هیچ کاری در پیشگاه او دشوار و محال نیست؛ زیرا قدرت و توان خدا أ کامل و حکمتش جاری و نافذ است و حتی از سنگ نیز آب بیرون می‌آورد.

﴿قَالَ رَبِّ ٱجۡعَل لِّيٓ ءَايَةٗۖ قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمۡزٗاۗ وَٱذۡكُر رَّبَّكَ كَثِيرٗا وَسَبِّحۡ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ ٤١﴾.

زکریا ÷ گفت پروردگارا! برایم نشانه‌ای قرار بده تا از آن بفهمم که همسرم حامله شده است. خداوند أ به او خبر داد که این نشانه ناتوانی‌ات از صحبت به مدّت سه روز است که البته این ناتوانی بر اثر بیماری و گنگی نیست بلکه تو ای زکریا نمی‌توانی از آنچه در نهان داری مگر به اشاره تعبیر کنی ولی می‌توانی خدایت را یاد کنی، پس ذکر خدای را در اول روز بعد از طلوع خورشید و در آخر آن قبل از غروب بگوی تا از این طریق به اظهار شکر بپردازی و به نعمت پروردگار بر خود اعتراف کنی و در ضمن به عبودیت خود ادامه دهی!

﴿وَإِذۡ قَالَتِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرۡيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰكِ وَطَهَّرَكِ وَٱصۡطَفَىٰكِ عَلَىٰ نِسَآءِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٢﴾.

و یاد آور هنگامی را که ملائکه به مریم گفتند: همانا پروردگار و مولایت تو را از میان تمام زن‌ها بر گزید و تو را با گرامی داشتن و استقامت دوست گرفت و از انجام هر عمل بدی پاک کرد و از افترای یهودیان بر تو که دروغی بزرگ گفتند منزه ساخت و جایگاهت را محفوظ داشت و تو واقعاً شایستۀ انتخاب و برگزیده شدنی!.

﴿يَٰمَرۡيَمُ ٱقۡنُتِي لِرَبِّكِ وَٱسۡجُدِي وَٱرۡكَعِي مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ٤٣﴾.

پس بر عبودیت مولای خود ای مریم و بر ذکر و شکرش ادامه بده که از طریق عبادت انسان به سیادت، زیادت و سعادت می‌رسد و بر ادای نماز با نماز گزاران مداومت و همیشگی کن که نماز مایۀ روشنائی چشم و سرور روح و ستون دین است. و با عبادت می‌توانی به مقامات بلند و بخشش‌های نیکو و درجات والا برسی!

﴿ذَٰلِكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلۡغَيۡبِ نُوحِيهِ إِلَيۡكَۚ وَمَا كُنتَ لَدَيۡهِمۡ إِذۡ يُلۡقُونَ أَقۡلَٰمَهُمۡ أَيُّهُمۡ يَكۡفُلُ مَرۡيَمَ وَمَا كُنتَ لَدَيۡهِمۡ إِذۡ يَخۡتَصِمُونَ ٤٤﴾.

این اطلاعاتی که از امور غیبی به تو ای محمد ج ارائه کرده‌ایم اگر خدا أ ارائه نمی‌کرد تو هرگز آن‌ها را نمی‌دانستی؛ زیرا هیچ راهی برای دسترسی به آن‌ها جز از طریق وحی نیست، اطلاعاتی مانند داستان همسر عمران و دخترش مریم پاک و زکریا فرزندش یحیی و تو ای محمد ج در آن روزی که با هم به منظور کفالت مریم قرعه زدند و هنگامی که دربارۀ آن اختلاف نمودند در میان آن‌ها نبودی! این‌ها همه دلیل بر صدق تو و بر این است که تو پیامبری از جانب خدا می‌باشی!

﴿إِذۡ قَالَتِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرۡيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٖ مِّنۡهُ ٱسۡمُهُ ٱلۡمَسِيحُ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ وَجِيهٗا فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ٤٥﴾.

و یاد آور هنگامی را که فرشته‌ای نزد مریم ÷ آمد تا او را به فرزندی بشارت دهد که از او بدون ازدواج زاده شود و براساس آن هم او و هم فرزندش نشانه‌ای بر قدرت خدای لطیف و با خبر باشند؛ زیرا اصل بر این است که فرزند از پدر و مادر زاده شود مگر آدم ÷ و عیسی ÷ که آدم از خاک آفریده شد و عیسی با کلمۀ «کن» که از جانب خدا أ گفته شد به وجود آمد.

حق‌تعالی تو را ای مریم به عیسی ÷ بشارت داد و او را نام گذاشت و بر گزید و گرامی داشت و به سوی خویش بلند بُرد و او را امام مردم در زمین قرار داد و دارای مقام و منزلتی گرامی ساخت و در آخرت نیز در نشیمنگاه صدق و در مقامی بزرگ توأم با احترام و تقدیر مقرب درگاه خود خواهد ساخت.

﴿وَيُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِي ٱلۡمَهۡدِ وَكَهۡلٗا وَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٤٦﴾.

و از معجزات آفرینش عیسی ÷ یکی هم این است که او در گهواره هنگامی که راه رفتن بلد نبود، به گونه‌ای سخن گفت که گویا در زمان رشد و کمال خویش قرار داشت، از این‌روی کلام او کلام اطفال و کودکان نه، بلکه سخن بزرگان بود. او از جملۀ نیکوکارانی است که در آغوش لطف و عنایت حق‌تعالی قرار داشت و با حفظ و عنایت خدا أ از گناه معصوم بود.

﴿قَالَتۡ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٞ وَلَمۡ يَمۡسَسۡنِي بَشَرٞۖ قَالَ كَذَٰلِكِ ٱللَّهُ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ إِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٤٧﴾.

مریم از اینکه برایش فرزندی باشد در حالی که ازدواج نکرده و هیچ مردی به او نزدیکی ننموده در تعجب واقع شد. فرشته خطاب به او گفت: حق‌تعالی بر هرکاری قادر و تواناست و هیچ عملی او را عاجز نمی‌تواند. امر او غالب شد و مشیتش نافذ و قدرتش عمومی و هرگاه خداوند أ ارادۀ ایجاد پدیده‌ای را بکند به او می‌گوید باش! پس او می‌باشد.

﴿وَيُعَلِّمُهُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ ٤٨﴾.

و خداوند أ به عیسی ÷ نوشتن را بدون معلم آموخت و به او علم نافع و فقه در دین را آموزش داد و دانش کتاب موسی ÷ تورات را نیز به او داد. کتاب وی انجیل است و در آن آمده که نوشتن با دست امتیاز، وفقه در دین شرف و پیروی وحی رستگاری و نجات است.

﴿وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَنِّي قَدۡ جِئۡتُكُم بِ‍َٔايَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ أَنِّيٓ أَخۡلُقُ لَكُم مِّنَ ٱلطِّينِ كَهَيۡ‍َٔةِ ٱلطَّيۡرِ فَأَنفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيۡرَۢا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۖ وَأُبۡرِئُ ٱلۡأَكۡمَهَ وَٱلۡأَبۡرَصَ وَأُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۖ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأۡكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٤٩﴾.

و خداوند أ عیسی ÷ را گرامی می‌دارد و او را به سوی بنی‌اسرائیل می‌فرستد و او به آن‌ها خبر می‌دهد که با خود دلیل و گواهی قاطع و روشن بر صحّت نبوّت و ثبوت پیامبری خویش دارد.

از جملۀ این نشانه‌ها یکی این است که او کور مادر زاد را به اذن خدا أ بینا می‌سازد و به اذن خدا أ بیمار «برص» را شفا می‌دهد و به او پوستی زیبا می‌بخشد و به اذن خدا أ روح مرده را باز می‌گرداند و او را زنده می‌نماید و به آن‌ها از امور غیبی مانند انواع عذایی که در خانه‌های‌شان قرار دارد و آن‌ها ذخیره ساختند و پنهان داشتند خبر می‌دهد در حالی که در گذشته هرگز خانه‌های آنان را ندیده است ولی خداوند أ به او چنین اموری را خبر داده است.

این‌ها همه نشانه‌ها و دلائل قاطع بر صدق پیامبری اوست، اگر آن‌ها اراده تصدیق و پیروی‌اش را دارند اینک صبح برای هر بیننده‌ای دمید و نشانه‌ها برای هر سوالگری برپای شد.

﴿وَمُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيَّ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعۡضَ ٱلَّذِي حُرِّمَ عَلَيۡكُمۡۚ وَجِئۡتُكُم بِ‍َٔايَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ٥٠﴾.

و من بعد از موسی ÷ آمده‌ام در حالی که پیامبری او را تصدیق می‌کنم و حق‌تعالی رسالتم را مایۀ رحمت برای شما قرار داده؛ زیرا تا حد زیادی در آن اعتدال و رخصت وجود دارد از جمله اینکه برای شما بعضی از آنچه در شریعت موسی ÷ حرام بوده حلال شده است.

بر صداقت و راستی آنچه شما را به سوی آن فرا می‌خوانم نزد من معجزه‌ای ظاهر و دلیلی ثابت وجود دارد، پس از خدا أ بترسید و از من پیروی کنید و به من باور داشته باشید.

در این دعوت، هردو رکن عبادت یعنی اطاعت از خدا أ و متابعت از پیامبران یا همان اخلاص و متابعت وجود دارد.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٥١﴾.

مستحق الوهیت و عبودیت تنها خدای یکتا و یگانه است، او که من و شما را آفریده است. من نه خدا می‌باشم و نه فرزند او و نه سوم سه؛ پس تنها خدا أ را عبادت کنید و به او هیچ چیزی را شریک نیاورید. همانا من بنده‌ای از بندگان اویم که مرا به پیامبری گرامی داشته. این حقیقتی واضح و آشکار و راه راست به سوی نعمت ماندگار و رستگاری بزرگ می‌باشد.

﴿۞فَلَمَّآ أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنۡهُمُ ٱلۡكُفۡرَ قَالَ مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَٱشۡهَدۡ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ ٥٢﴾.

و چون عیسی ÷ تکذیب یهودیان و مکر و حیلۀ‌شان را و اینکه ارادۀ کشتن او را داشتند ملاحظه نمود در حالی که چنین عاملی با پیامبران گذشته نیز صورت گرفته بود، خطاب به مؤمنانی که او را تصدیق نموده بودند گفت: چه کسی من را حمایت می‌کند تا دین خدا أ را تبلیغ کنم و چه کسی از من در برابر دشمنان خدا أ دفاع می‌کند؟ برگزیدگان پیروانش گفتند ما تو را نصرت و یاری می‌دهیم و ما شهادت دادیم که خدایی جز خدای یگانه نیست و به او هیچ چیزی را شریک نیاوردیم و ما تو را بر صداقت و انقیاد خویش در پیشگاه خدا أ گواه می‌گیریم.

﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلۡتَ وَٱتَّبَعۡنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ ٥٣﴾.

سپس آن‌ها دعا نموده گفتند ای پروردگار ما! همانا ما انجیلی را که بر عیسی ÷ نازل نموده‌ای تصدیق کرده و از آن پیروی نمودیم، پس ما را از جمله صادقان روز قیامت بنویس! کسانی که بر سایر امت‌ها شهادت می‌دهند.

این آیه دلالت بر آن دارد که بزرگ‌ترین امری که در پیشگاه خدا أ به آن توسل جسته می‌شود، ایمان به خدا أ و پیامبرانش است و اینکه صدق در دنیا مایۀ نجات در آخرت می‌باشد.

﴿وَمَكَرُواْ وَمَكَرَ ٱللَّهُۖ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلۡمَٰكِرِينَ ٥٤﴾.

و برای عیسی ÷ دسیسه‌ای چیدند و برای کشتنش برنامه‌ای ریختند، حق‌تعالی دسیسۀ آن‌ها را با شکست مواجه کرد به این صورت که دیگری شیبه عیسی ÷ در نظر آنان آمد و آنان گمان کردند عیسی است و او را کشتند. اما عیسی ÷ را پس حق‌تعالی سالم نگهداشت و او را به آسمان بالا برد و به این ترتیب خدای بزرگ امور را بر آنان پوشیده ساخت و اسرارشان را برملا کرد و خال و ذلیل‌شان نمود؛ زیرا حق‌تعالی از آنان در مکر قوی‌تر است و جانب او غالب و دارای قدرتی بزرگ و فوق العاده می‌باشد و او به نفع دوستان و به ضرر دشمنان خود مکر می‌کند.

﴿إِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَىٰٓ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَجَاعِلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوكَ فَوۡقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ ثُمَّ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ فِيمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ٥٥﴾. ‌تر

خداوند أ به عیسی ÷ خبر داد که در آینده او را مانند سایر بندگان خود می‌میراند و به سوی خود به گونۀ عذتمند و گرامی بالا می‌برد و از مکر و حیلۀ بدکاران حمایت می‌نماید و از همۀ پلیدی‌های اشرار که ارادۀ کشتنش را کردند پاک و آنان را خوار و ذلیل می‌سازد. حق‌تعالی به او این خبر را از این‌روی داد که تا به حسن تدبیر و عاقبت نیکو مطمئن باشد.

بالا بردن عیسی ÷ روحاً و جسماً بود، به این ترتیب نصرانیانی که ادعا می‌کنند عیسی ÷ کشته شده دروغ می‌گویند؟ کسی نیست از این‌ها سوال کند چگونه از یک سو او را خدا می‌گوید و از سوی دیگر ادعای کشته شدنش را دارند؟ اگر خدا می‌بود که کشته و به صلیب کشیده نمی‌شد. با این بیان خدای بزرگ آنان را تکذیب کرد و خدا أ راست گفت و آنان دروغ گفتند و خوار و ذلیل شدند.

همچنان خداوند أ به او خبر داد که اوتعالی پیروانش را بلند مرتبه و تا روز قیامت آن‌ها را غالب و پیروز می‌سازد. این‌ها کسانی‌اند که رسالت او را تصدیق کردند و تا پیش از بعثت حضرت محمد ج پیرویش نمودند و کسانی از امّت محمد ج که به عیسی ÷ ایمان آوردند؛ نه یهودیانی که تکذیبش کردند و نه نصرانیانی که خدایش گفتند.

علت اختلاف مردم در شأن حضرت عیسی ÷ اینست که تا حق پیروز گردد و باطل نابود شود و مؤمن صادق به ثواب و پاداش برسد و کافر تکذیب‌گر عذاب شود؛ زیرا خدای‌تعالی داوری عادل است که سخنش فیصله‌کن و قاطع و رحمتش فضل و احسان است.

﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَأُعَذِّبُهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدٗا فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٥٦﴾.

اما کسی که تو را تکذیب کرد و به آنچه بر تو نازل شده کافر شد و گمان نمود که تو خدایی و یا آن‌ها تو را به صلیب کشیده‌اند، این‌ها باید بدانند برای‌شان در دنیا ذلّت و خواری، کشته شدن، اسارت و آوارگی است و در روز آخرت عذابی دردناک، در روزی که هیچ یاری دهنده و شفاعتگری برای‌شان نیست. این‌ها کسانی‌اند که قایل به سه گانه پرستی و عقیدۀ باطل به صلیب کشیده شدن عیسی ÷ اند.

﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُوَفِّيهِمۡ أُجُورَهُمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥٧﴾.

و اما کسی که رسالت‌های آسمانی را تصدیق کند و به خدا أ ایمان آورد و اعمال شایسته‌ای مانند نماز، زکات و از این قبیل انجام دهد پس حق‌تعالی ثواب اینان را محفوظ می‌دارد و اجر و پاداش‌شان را به صورت کامل و بدون هیچ کاستیی می‌دهد؛ زیرا اوتعالی کسی را که مرتکب ظلم شود دوست ندارد، چه رسد به اینکه خود او بر کسی ظلم نماید چون پروردگار، ظلم را بر خود حرام نموده از این‌روی در حسنات نیکوکاران هیچ کمیی و در گناه گناه‌کاران هیچ زیادتی ایجاد نمی‌نماید.

﴿ذَٰلِكَ نَتۡلُوهُ عَلَيۡكَ مِنَ ٱلۡأٓيَٰتِ وَٱلذِّكۡرِ ٱلۡحَكِيمِ ٥٨﴾.

ای محمد! این داستان‌ها را بر تو ارائه می‌داریم در حالی که کاملاً راست و صدق و در کتابی مبارک است که بر تو وحی کردیم و مطابق حق نازل شده است، کتابی که مایۀ شرافت تو و قوم تو و حکمتی بی‌پایان است؛ چون آن را خدایی نازل نموده که سیادت او کامل و پادشاهیش عظیم است. او حکیمی است که آن را به دقّت مفصل نموده و به منظور هدایت نازل فرموده است.

﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِندَ ٱللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَۖ خَلَقَهُۥ مِن تُرَابٖ ثُمَّ قَالَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٥٩﴾.

همانا آفرینش عیسی ÷ همانند آفرینش آدم است، آدم ÷ بدون داشتن پدر و مادر آفریده شد، چنین آفرینشی در اعجاز خویش کامل‌تر است و قدرت حق‌تعالی را بهتر نشان می‌دهد، پس آفرینش عیسی ÷ از باب اولی چنین نتیجه‌ای را با خود خواهد داشت.

در این از اسلوب و روش «ارائۀ مثال و اقناع به گونۀ تدریج و حوالۀ امر مشکوک به امر معلوم» استفاده شده چون تمام صاحبان عقل و خرد اتفاق دارند که حضرت آدم ÷ از خاک آفریده شده و با قول خدا أ «کن» شکل گرفته است.

با ملاحظۀ همۀ این امور آفرینش عیسی ÷ مایۀ تعجب و استغراب نیست.

﴿ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ ٦٠﴾.

سخن قاطع و فیصله‌کن در قضیۀ عیسی ÷ همین است که گفته آمد. این سخن کاملاً راست، روشن و حقیقتی واضح و آشکار است پس تو با شک کنندگان مباش، بلکه به آنچه گفتیم باور کن و به بیهوده گوئی‌های آن‌ها التفات نکن و به سخنان افترا آمیزشان باور نداشته باش!

﴿فَمَنۡ حَآجَّكَ فِيهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ فَقُلۡ تَعَالَوۡاْ نَدۡعُ أَبۡنَآءَنَا وَأَبۡنَآءَكُمۡ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمۡ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمۡ ثُمَّ نَبۡتَهِلۡ فَنَجۡعَل لَّعۡنَتَ ٱللَّهِ عَلَى ٱلۡكَٰذِبِينَ ٦١﴾.

هر که با تو بعد از حقایقی که ارائه کردیم به مخالفت بر خیزد و مخاصمه نماید، تو با آن‌ها «مباهله» کن و آنان را امر نما تا دوست‌دارترین مردم خویش مانند فرزندان و زنان را جمع کنند سپس از آنان بخواه تا کسانی را که دربارۀ عیسی ÷ دروغ می‌گویند لعنت کنند.

پیامبر خدا ج نصرانیان نجران را دعوت به مباهله کرد ولی آنان حاضر نشدند و به این ترتیب حق پیروز شد و دعوای دروغ و گناه آلود آن‌ها شکست خورد و برای هر که دروغ بگوید متناسب با دروغش نصیبی کم یا زیاد از لعنت خواهد بود.

﴿إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡقَصَصُ ٱلۡحَقُّۚ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٦٢﴾.

آنچه به شما دربارۀ عیسی ÷ خبر دادیم صحیح، ثابت و حقیقتی قاطع است. او بنده‌ای از بندگان خدا و پیامبری بر گزیده و گرامی است. مادرش مریم است و پدری ندارد. او با کلمۀ «کن» به وجود آمده نه از راه حرام، آنگونه که یهودیان ادعا می‌کنند، لعنت خدا بر چنین مدعیان دروغین باد.

او مطابق ادعای نصرانیان نیز فرزند خدا نمی‌باشد، غضب خدا أ بر اینان باد. بلکه صحیح و ثابت آنگونه است که در قرآن کریم آمده؛ روی این اساس خدایی جز اوتعالی که مستحق عبادت باشد نیست، نه عیسی ÷ و نه دیگران و اوتعالی همسر و فرزندی ندارد بلکه یگانه و یکتا و از همه بی‌نیاز است، پروردگار نزائیده و نه هم کسی از او زاده شده و نه برای او همتا و مانندی هست. حق‌تعالی صاحب عذّت و کمال است که از جمله لوازم عزّت او تفردش به جمال و یگانگیش به کمال است. او ماسوای خود را مقهور خود نموده و کسانی را که با او دوستی کنند عزّت می‌دهد و دشمنانش را ذلیل می‌نماید. خدای‌تعالی حکیمی است یگانه و از جمله حکمت‌هایش ابداعی است که به خوبی و نیکوئی انجام داده طوری که از حسن این ابداع تمام عقل‌ها و خردها مات و مبهوت صنعت اوتعالی می‌شوند.

﴿فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِٱلۡمُفۡسِدِينَ ٦٣﴾.

اگر آن‌ها این حقیقت، حقیقت اخلاص توحید و ترک شرک و صدق وحیی که به سوی تو نازل شده را تکذیب کردند بدان که آن‌ها تبه کاران اند؛ زیرا کسی که دلیل و برهان را ترک نماید و به آن کفر ورزد، دارای قلب و تصوری فاسد است و حق‌تعالی حقیقت حال او را می‌داند و به زودی در برابر عملکردش به او کیفر می‌دهد.

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ كَلِمَةٖ سَوَآءِۢ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ أَلَّا نَعۡبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشۡرِكَ بِهِۦ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا يَتَّخِذَ بَعۡضُنَا بَعۡضًا أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِۚ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُولُواْ ٱشۡهَدُواْ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ ٦٤﴾.

ای محمد ج! برای یهودیان و نصرانیان بگو بیائید با هم روی یک سخن عادل و قاطع که ما و شما را یکجا بسازد اتفاق کنیم، این سخن این است که تنها خدا أ را پرستش کنیم و به او هیچ چیزی را شریک نیاوریم و هیچ مخلوقی مخلوق دیگری را خدا نپندارد و هیچ عبادتی را بخاطر آن انجام ندهد خواه این مخلوق بُت باشد یا شیطان و یا صلیب. و نه مانند یهودیان و نصرانیان باشیم که عزیر ÷ و عیسی ÷ را پرستش کردند و نه اینکه علما و اندیشمندان و عبّاد خود را موقف خدائی بدهیم تا دست به تحلیل و تحریم بزنند. اگر آنان این دعوت را نپذیرفتند و جز به کفر و تکذیب راضی نشدند برای آن‌ها بگو ای یهود و نصارا! ما خدا أ را به یگانگی می‌پرستیم و به او هیچ چیزی را شریک و انباز قرار نمی‌دهیم و به تمام آنچه غیر از خدا أ پرستش شود کافریم. این حقیقت اسلامی است که به معنی تسلیم شدن و خضوع در برابر پروردگار عالمیان می‌باشد.

﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تُحَآجُّونَ فِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمَآ أُنزِلَتِ ٱلتَّوۡرَىٰةُ وَٱلۡإِنجِيلُ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِهِۦٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٦٥﴾.

ای یهودیان و نصرانیان! چگونه به دروغ و بهتان ادعا می‌کنید که ابراهیم ÷ یهودی یا نصرانی است در حالی که تاریخ گواه است او سال‌ها و بلکه قرن‌ها پیش از به وجود آمدن یهودیت و نصرانیت می‌زیسته است، شما نه وحی را گرفته‌اید و نه تاریخ را تصدیق کرده‌اید و نه عقل را حق داوری بخشیدید! تورات و انجیل بعد از ابراهیم ÷ بر موسی ÷ و عیسی ÷ نازل شده است! چرا اینگونه دست به تحریف و تبدیل حقایق می‌زنید؟!

﴿هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ حَٰجَجۡتُمۡ فِيمَا لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞ فَلِمَ تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيۡسَ لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٦٦﴾.

شما ای یهودیان و نصرانیان! در قضیه‌ای کاملاً واضح و آشکار یعنی قضیۀ عیسی ÷ جدل کرده‌اید! شما او را دریافته و با او زندگی نموده‌اید ولی دربارۀ ابراهیم ÷ در حالی مخاصمه نموده‌اید که او قرن‌ها پیش از شما می‌زیسته و شما اطلاعی از احوال او ندارید ولی با همۀ این‌ها ادعا می‌کنید که او یهودی یا نصرانی است. یک انسان چگونه دربارۀ مسأله‌ای ابراز نظر می‌کند که آن را نمی‌داند؟! ابراهیم ÷ که قبل از آمدن موسی ÷ و عیسی ÷ دین حنیف و متعدل خود را آورده است و هیچ ارتباطی بین او و یهودیان و نصرانیان نیست. اما افسوس، کسی که دچار ذلّت و خواری شده کَی قانع می‌شود. علم و دانش فقط از آن خداست؛ زیرا او همه چیز را می‌داند اما شما مردمانی جاهل و کودنید.

﴿مَا كَانَ إِبۡرَٰهِيمُ يَهُودِيّٗا وَلَا نَصۡرَانِيّٗا وَلَٰكِن كَانَ حَنِيفٗا مُّسۡلِمٗا وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٦٧﴾.

ابراهیم ÷ نه یهودی بود و نه نصرانی زیرا قبل از این‌ها می‌زیسته است ولی پیرو دین حنیف و مسلمان بود و از جملۀ مشرکان نبود، کسانی که می‌گفتند عزیر و عیسی فرزندان خدایند.

﴿إِنَّ أَوۡلَى ٱلنَّاسِ بِإِبۡرَٰهِيمَ لَلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا ٱلنَّبِيُّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۗ وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٦٨﴾.

سزاوارترین مردم به پیروی از ابراهیم ÷ پیامبر گرامی حضرت محمد ج است نه یهود و نصارا و همچنان سزاوار کسی است که از ابراهیم ÷ و دین حنیف، معتدل و ملت یکتاپرست او پیروی کند چه از امّت محمد ج باشد یا سایر امم تا به روز قیامت. بنابراین هر انسان حنیف، مسلمان، یکتاپرست و بیزار از شرک بر دین ابراهیم ÷ است، دینی که حق‌تعالی برای خود برگزیده و آن را دوست می‌دارد و ولی و سرپرست کسی است که به آن باور داشته باشد و آنکه حق‌تعالی متولی امور او شود او را مورد تأیید خود قرار داده و سرپرستی‌اش را به نیکوئی انجام می‌دهد و تمام امورش را اصلاح و خودش را خوشبت می‌سازد.

﴿وَدَّت طَّآئِفَةٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَوۡ يُضِلُّونَكُمۡ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ ٦٩﴾.

گروهی از یهود و نصارا آرزو دارند تا شما از اسلام مرتد شده و راه هدایت را گم کنید، آن‌ها به منظور تحقق این آرزو دست به شبهه اندازی می‌زنند و فتنه انگیزی می‌کنند. این اعمال را نظر به حسادتی که نسبت به هدایت شما دارند و از روی سر کشی و گمراهی انجام می‌دهند، ولی هرگز به شما ضرر رسانیده نمی‌توانند؛ زیرا حق‌تعالی متولی امورتان است و به زودی حیله و ضرر آن‌ها را بر خودشان باز می‌گرداند و در پی آن عذاب‌شان را مضاعف می‌سازد. آن‌ها بدی عملکرد جاهلانۀ خود را نمی‌دانند و بر خطر آنچه انجام می‌دهند واقف نیستند.

﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَكۡفُرُونَ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَأَنتُمۡ تَشۡهَدُونَ ٧٠﴾.

ای یهود و نصارا! چرا محمد ج و قرآنی را که بر او نازل شده تکذیب می‌کنید در حالی که به یقین می‌دانید آنچه را او آورده حق و ثابت است؛ زیرا در کتاب‌های خودتان ذکر شده و پیامبرانتان بر بعثت او به شما بشارت داده‌اند و شما نشانه‌هایش را به گونۀ واضح و آشکار دریافتید ولی از روی عمد وقصد گمراه و کافر شدید.

﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَلۡبِسُونَ ٱلۡحَقَّ بِٱلۡبَٰطِلِ وَتَكۡتُمُونَ ٱلۡحَقَّ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٧١﴾.

ای یهود و نصارا! چرا از روی مکر، فریب، پنهان‌کاری و تحریف کلام خدا أ حق را با باطل خلط می‌کنید؟ و چرا صداقت حضرت محمد ج را که نزد شما حقیقتی ثابت است انکار می‌کنید و با این عمل، حق واضح را پنهان می‌نمائید؟ پس شما در بین پنهان‌کاری و پوشیده‌سازی شیطان قرار دارید در حالی که در صدق حضرت محمد ج و صحت آنچه آورده یقین و باور کامل دارید.

﴿وَقَالَت طَّآئِفَةٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ ءَامِنُواْ بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَجۡهَ ٱلنَّهَارِ وَٱكۡفُرُوٓاْ ءَاخِرَهُۥ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٧٢﴾.

برخی از اندیشمندان یهود برای عوام خویش گفتند: در اول روز قرآن و رسالت محمد ج را تصدیق کنید و در آخر روز از آن دین رجوع کنید چون هرگاه شما چنین تعاملی انجام دهید مردم دربارۀ اسلام دچار شک می‌شوند و از اسلام مرتد می‌گردند؛ زیرا به زودی خواهند گفت که چون یهودیان خلل و نقصی را در اسلام ملاحظه کردند از دین اسلام باز گشتند و به این ترتیب دین خویش را ترک می‌کنند این یک حیله و مکر و خباثتی بود که یهودیان بنابر شرارت و بدکارگی انجام می‌داده‌اند.

﴿وَلَا تُؤۡمِنُوٓاْ إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمۡ قُلۡ إِنَّ ٱلۡهُدَىٰ هُدَى ٱللَّهِ أَن يُؤۡتَىٰٓ أَحَدٞ مِّثۡلَ مَآ أُوتِيتُمۡ أَوۡ يُحَآجُّوكُمۡ عِندَ رَبِّكُمۡۗ قُلۡ إِنَّ ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ٧٣﴾.

برخی از یهودیان خطاب به برخی دیگر گفتند: جز به هیچ‌کس اطمینان و باور نداشته باشید. این سخن را از روی تعصب کورکورانه می‌گفتند. اما غیر یهودی در نظر آن‌ها متهم است و سخنش را نمی‌پذیرند. در اینجا حق‌تعالی خبر می‌دهد که هدایت براساس هوی و هوس و ارادۀ آن‌ها نیست بلکه هدایت در دین اسلام است، دینی که حضرت محمد ج بر آن مبعوث و به پیامبری بر گزیده شده است.

یهودیان از این می‌ترسیدند که حق‌تعالی دیگران را به رسالت خویش کرامت بخشد از این‌روی از روی حسادت، سر کشی و از بیم اینکه مسلمانان در روز قیامت بر علیه آنان در صورتی که پیامبر ج را ابتداءً تصدیق و سپس تکذیب کنند حجّت نیاورند، حاضر به اعتراف به اسلام نشدند، از این‌روی این دسیسه را چیدند که اصلاً ایشان را تصدیق نکنند و از این طریق برای مسلمانان راهی بر خود باز نگذارند. حق‌تعالی محمد ج را امر کرد تا به آن‌ها خبر دهد که پیامبری ملک و مخصوص آن‌ها نیست بلکه فضل خداست که به هر کس از بندگان خود بخواهد می‌دهد و اوتعالی به این امر که رسالت خود را در کجا قرار دهد داناتر است زیرا فضل و بخشش خدا أ بسیار است و او می‌داند چه کسی مستحق نبوت و پیامبری و دوستی و اهل فضل و مستحق کرامت است.

﴿يَخۡتَصُّ بِرَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٧٤﴾.

و حق‌تعالی برای نبوّت و پیامبری کسی از بندگان خود را برمی‌گزیند که صلاحیت این وظیفه را مطابق با خواست او داشته باشد؛ زیرا بخشش او بی‌حد و حصر و بزرگ است و فضل او به حدی واسع است که خلایق قدر آن را نمی‌دانند. نبوّت و پیامبری اصلاً فضل الهی است که ارتباطی به نسب و حسب و مقام و سرمایه ندارد بلکه عنایت و توجه حق‌تعالی برای کسی است که او خواسته باشد.

﴿۞وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مَنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِقِنطَارٖ يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِدِينَارٖ لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ إِلَّا مَا دُمۡتَ عَلَيۡهِ قَآئِمٗاۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَيۡسَ عَلَيۡنَا فِي ٱلۡأُمِّيِّ‍ۧنَ سَبِيلٞ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ٧٥﴾.

در میان یهودیان، هم امانت نگهدار وجود دارد و هم خائن. امین‌شان را اگر بر مال بسیار امین سازی تمام آن‌ها را به تو باز می‌گرداند؛ زیرا وجدانی بیدار و تقوای بسیار دارد و امانت نگهدار است. – ببینید قرآن کریم چقدر انصاف دارد و در قضاوت خود عدالت می‌نماید – در کنار این‌ها گروهی از یهودیان خائنانی‌اند که اگر آنان را بر مالی اندک هم امین سازی آن را باز نمی‌گردانند و دست به خیانت می‌زنند مگر اینکه مراقب او باشی و هرگز از او چشم بر نداری که در چنین حالتی از تو ترسد.

این آیه دلالت بر آن دارد که ما نباید در قضاوت‌های خویش عمومیت صورت دهیم بلکه لازم است به تفصیل قضایا نگاه کنیم تا به کسی ظلم نشود و هیچ خائنی را تأیید ننمائیم. سبب خیانت یهودیان نسبت به مسلمانان در این است که آن‌ها بر این باورند که برای یهودی مجاز است تا به غیر یهودی خیانت کند و برای «امّی‌ها» که منظورشان عرب است نزد آن‌ها هیچ‌گونه احترام و توقیری نیست و نه هم اموال‌شان نزد آن‌ها ارزش دارد، چنین پندارهای دروغینی آن‌ها را وا داشته تا اموال مردم را برای خود مباح و حلال بدانند. حق‌تعالی این پندار و گفتار آنان را تکذیب کرد و خبر داد که خود آن‌ها نیز می‌دانند که دروغ می‌گویند و افترا می‌کنند.

﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَوۡفَىٰ بِعَهۡدِهِۦ وَٱتَّقَىٰ فَإِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ٧٦﴾.

قضیه آنگونه نیست که می‌پندارند کسی که در اموال دیگران خیانت کند بخشوده می‌شود، بلکه صحیح این است که هر آن کس تقوای خدا أ را رعایت کند و به عهد و پیمان خویش وفا نموده و امانت دیگران را واپس بدهد چنین کاری تقوای خداست و حق‌تعالی پرهیزگاران را که از او می‌ترسند و مراقبتش می‌کنند دوست دارد.

این آیه بیان می‌دارد که آن‌ها در این پندارهای خود راه درست را نپیمودند. حق‌تعالی خبر داد که خائن مورد محاسبه قرار می‌گیرد و امانت نگهدار پاداش نیکو داده می‌شود و نزد خدا أ گرامی است.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَشۡتَرُونَ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ وَأَيۡمَٰنِهِمۡ ثَمَنٗا قَلِيلًا أُوْلَٰٓئِكَ لَا خَلَٰقَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيۡهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٧٧﴾.

این یهودیان و امثال آن‌ها کسانی‌اند که دین خود را در بدل بهای اندکی از متاع ناچیز دنیا و عرضۀ زودگذر آن فروختند. این‌ها در آخرت حق و حصه‌ای از مغفرت الهی و رضوان او ندارند. کیفرشان این است که در آخرت حق‌تعالی از آنان از روی خشم و غضب روی برمی‌تابد و با آن‌ها سخن نمی‌گوید و با نظر رحمت به سوی‌شان نمی‌نگرد و آن‌ها را از گناه و پلیدی‌های معصیت پاک نمی‌نماید و برای‌شان در روز قیامت در پیشگاه او به علت اعمال بد، فساد در گفتار، کردار، احوال و اموال، عذابی است دردناک. آن‌ها پیامبران را تکذیب کرده و به آنان کفر ورزیدند و در مال خیانت روا داشته پیمان شکنی کردند، ازاین‌روی کیفرشان در آخرت همان است که مستحق آن اند.

﴿وَإِنَّ مِنۡهُمۡ لَفَرِيقٗا يَلۡوُۥنَ أَلۡسِنَتَهُم بِٱلۡكِتَٰبِ لِتَحۡسَبُوهُ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَمَا هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ٧٨﴾.

گروهی از یهودیان هنگام خواندن تورات زبان خویش را به منظور تغییر معنی و مفهوم کلام خدا أ تحریف می‌نمایند تا به مردم طوری وانمود کنند که سخن تحریف شده کلام خدا در تورات است در حالی که در این عملکرد خود دروغ می‌گویند و بهتان می‌بندند. این‌ها با این عمل مرتکب دو خطا و گناه بزرگ شده‌اند: گناه تغییر و تبدیل کلام خدا أ و گناه دروغ و افترا بر او تعالی. این‌ها می‌دانند که هم در گناه تغییر و هم در گناه افترا در هردو حال بر خدا أ دروغ می‌گویند. آن‌ها با این کار خود صفات پیامبر اسلام ج را تغییر داده و منکر آن صفات در تورات شدند و با حدود پروردگار بازی نموده، در کتاب الهی دست به تقدیم و تأخیر زدند. پس جزای آن‌ها این است که حق‌تعالی بر آنان خشم گرفت و عذابی دردناک منتظر آن‌ها و تمام کسانی از امّت اسلام و منتسبین فرقه‌های گمراه است که مرتکب جنایت تبدیل و تحریف معانی کلام خدا أ و پیامبر ج شدند.

﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤۡتِيَهُ ٱللَّهُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُواْ عِبَادٗا لِّي مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّ‍ۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ ٧٩﴾.

مردم نمی‌توانند بعد از اینکه حق‌تعالی آنان را به حکمت، نبوّت و علم نافع مشرف ساخته، دیگران را به سوی عبادت خویشتن یا شرک به خدا دعوت کنند، چنین پدیده‌ای نمی‌تواند از فطرت‌ها و عقل‌های سالم سَر زند چنان‌چه در نقل و روایات صحیح نیز دربارۀ امکان این امر ذکری نیامده است، چنین چیزی اصلاً امکان ندارد. این امر دلالت بر افترای نصرانیان بر عیسی ÷ دارد زمانی که گمان کردند او مردم را به سوی عبادت خود فرا می‌خوانده است. همانا حق‌تعالی عیسی ÷ را به عنوان پیامبر و بنده‌ای از بندگان خود فرستاده تا مردم را به عبادت خدای یگانه دعوت کند. ایشان این رسالت را به خوبی انجام داد و در عبودیت و دعوت خود اخلاص داشت.

خداوند أ هرگاه پیامبری بفرستد وی مردم را به عبادت خدای یگانه و اتمام عبودیت و اعتقاد به الوهیت کسی که او را فرستاده دعوت می‌کند. پیامبر مردم را امر می‌نماید تا ربانی و خدایی باشند و حکمتی را که خدای‌تعالی بر پیامبران خود نازل نموده بیاموزند و خویشتن را با کسب علم نافع و انجام عمل صالح تربیه کنند. کسی که علم را بیاموزد و به آن عمل کند و به دیگران نیز بیاموزاند و در راه چنین کاری صبر و استقامت داشته باشد، چنین کسی در ملأ اعلی یاد می‌گردد.

در ربانی گفتن کسی که علم می‌آموزد و عمل صالح انجام می‌دهد دو نکته مد نظر است: یکی شرافت دادن به وی و دیگری بیان این نکته که اصل علم از جانب خداست. این اصل در خصوص هر مسلمان و دعوتگری مصداق دارد چه رسد به پیامبرانی که آن‌ها در واقع کامل‌ترین خلق خدا أ به شمار می‌روند؛ زیرا آن‌ها از مردم می‌خواهند تا عابد، حکیم و دانشمند باشد و خود آن‌ها نیز به خاطر انجام شکر نعمت علم و فقه در دین که به آن‌ها ارزانی شده به مردم کتاب و حکمت می‌آموزند.

﴿وَلَا يَأۡمُرَكُمۡ أَن تَتَّخِذُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ وَٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ أَرۡبَابًاۗ أَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡكُفۡرِ بَعۡدَ إِذۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ ٨٠﴾.

برای هیچ پیامبری هر کسی که باشد مناسب نیست تا مردم را به عبادت ملائکه یا پیامبران دعوت کند و آن‌ها را مستحق حتی کوچک‌ترین عبادت بداند و یا در شأن آن‌ها قایل به یکی از صفات الوهیت گردد. یک پیامبر چگونه چنین کاری می‌کند در حالی که حق‌تعالی او را به منظور اصلاح مردم و رجعت آن‌ها به سوی پروردگارشان و بیرون نمودن آن‌ها از تاریکی‌های شرک به سوی روشنائی‌های ایمان فرستاده است؟ آیا امکان دارد پیامبری مردم را به سوی شرک بعد از آن دعوت کند که آن‌ها یکتاپرست شدند و به الوهیت خدا أ قایل و عبادت خود را خاص به خاطر او انجام دادند؟ آیا از پیامبری که حق‌تعالی او را حامل پیام یکتا پرستی نموده درست خواهد بود که مردم را گمراه کند و آنان را از عبادت خدا أ منصرف سازد؟ چنین ادعاهایی از سوی نصرانیان (خداوند آنان را هلاک کند) سرزده است؛ زیرا آنان گمان کردند که عیسی ÷ از آن‌ها خواسته تا او و مادرش را عبادت کنند. چنین ادعایی یک افترای بزرگ و دروغی شاخدار است، حق‌تعالی آنان را هلاک کند از یکتا پرستی به کجا سر گردانند؟!

﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ لَمَآ ءَاتَيۡتُكُم مِّن كِتَٰبٖ وَحِكۡمَةٖ ثُمَّ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مُّصَدِّقٞ لِّمَا مَعَكُمۡ لَتُؤۡمِنُنَّ بِهِۦ وَلَتَنصُرُنَّهُۥۚ قَالَ ءَأَقۡرَرۡتُمۡ وَأَخَذۡتُمۡ عَلَىٰ ذَٰلِكُمۡ إِصۡرِيۖ قَالُوٓاْ أَقۡرَرۡنَاۚ قَالَ فَٱشۡهَدُواْ وَأَنَا۠ مَعَكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ٨١﴾.

و یاد آورید ای یهودیان و نصرانیان روزی را که حق‌تعالی از پیامبران چون به آن‌ها کتاب‌های آسمانی و حکمت بخشید، عهد و پیمان گرفت که هرگاه خدای‌تعالی پیامبری بعد از آن‌ها بفرستد و آن‌ها حیات داشته باشند باید به آن پیامبر ایمان آورند و یاریش دهند.

در همین راستا اوتعالی هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود مگر اینکه از وی تعهد گرفت که اگر زنده باشد و خداوند أ حضرت محمد ج را به پیامبری مبعوث نماید باید به او ایمان آورد و یاریش دهد. باریتعالی همچنان از این پیامبران این تعهد را نیز گرفت که آن‌ها باید چنین پیمانی را از امّت خود نیز بگیرند.

پروردگار خطاب به آنان گفت آیا به این عهد، اقرار و اعتراف و ایمان دارید و در خاطرتان هست؟ و آیا در راستای اجرای لوازم این اقرار و اعتراف کاری از پیش بردید؟ گفتند بلی ما اعتراف کردیم، این بود که خداوند أ آنان را امر کرد تا بر این امر یکدیگر خویش را شاهد بگیرند و هرگاه چنین کنند خداوند متعالی نیز با آنان از جملۀ شاهدان خواهد بود.

خلاصۀ این پیمان این است که باید آن‌ها به پیامبر خاتم که تصدیق کنندۀ ما قبل خود است ایمان آورند.

﴿فَمَن تَوَلَّىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٨٢﴾.

هر که از شما ای یهودیان و نصرانیان این عهد و پیمان را بعد از آنکه در برابر آن تعهد نموده و یکدیگر خود را بر التزام آن شاهد گرفته نقض کند، چنین کسی از طاعت خدا أ خارج و انسانی است دروغگو و خائن.

این عهد و پیمان واقعاً مقدس، عظیم و نوعی شرافت برای پیامبر گرامی اسلام ج است، چنان‌چه شهادتی از سوی خداوند متعال بر نبوّت و رسالت ایشان قبل از بعثت‌شان و اعلان جایگاه بلند حضرت محمد ج نزد سایر امت‌هاست.

﴿أَفَغَيۡرَ دِينِ ٱللَّهِ يَبۡغُونَ وَلَهُۥٓ أَسۡلَمَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ طَوۡعٗا وَكَرۡهٗا وَإِلَيۡهِ يُرۡجَعُونَ ٨٣﴾.

آیا یهودیان و نصرانیان به جستجوی دین دیگری غیر از دین حق، دین اسلام اند؟ آیا ارادۀ منهجی غیر از آنچه را دارند که حق‌تعالی به پیامبران و بندگان صالح خود راضی است؟ چرا این‌ها از منهج و روش خدا أ پیروی نمی‌کنند در حالی که اوتعالی بزرگ است و تمام آنانی که در آسمان‌ها و زمین قرار دارند اعم از ملائکه، انسان و جن در برابر عظمت او خاضع و فروتن بوده، به صورت رضا یا جبراً و قهراً تسلیم اویند. پس اوتعالی مرجع و مآل همۀ آن‌ها در روز رستاخیز بزرگ است و او آنان را براساس اعمال‌شان کیفر می‌دهد و محاسبه می‌نماید و خداوند أ بر همۀ احوال آنان آگاه است و پروردگاری جز او نیست و ما نیز جز او کسی دیگر را عبادت نمی‌نمائیم.

﴿قُلۡ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ٨٤﴾.

تو ای محمد ج و پیروانت بگوئید ما به وحدانیت خدا، الوهیت و اسم‌ها و صفاتش اقرار و اعتراف داشته و به تمام آنچه بر پیامبران بر گزیدۀ اوتعالی نازل و در آیه ذکر شده از جمله به تورات موسی ÷ و انجیل عیسی ÷ ایمان داریم؛ زیرا این دو پیامبر، بزرگ‌ترین انبیای بنی‌اسرائیل و از جملۀ پیامبران اولی العزم‌اند. و ما ای مؤمنان به تمام پیامبران ایمان داریم نه مانند یهودیان که به موسی ÷ ایمان آورده و به عیسی ÷ و محمد ج کافر شدند و نه مانند نصرانیان که به عیسی ÷ ایمان آورده و به موسی ÷ و محمد ج کافر شدند، ما به همه ایمان آورده و هیچگاه به وجود تفاوت در بین آن‌ها قایل نیستیم؛ زیرا همه، پیامبران گرامی خدا أ و راستگویانند.

چنین اقرار و اعترافی که ما به الوهیت، ربوبیت و عبودیت خدا أ داریم دین صحیح و دین اسلام است که همۀ پیامبران به خاطر آن مبعوث شده‌اند، از این‌روی مسلمان حقیقی و اهل صواب و حق مائیم در حالی که دیگران دست به تحریف، تبدیل و تغییر کتاب‌های آسمانی زده و به برخی از پیامبران ایمان آوردند و به برخی دیگر کافر شدند تا جائی که برای بعضی مقام الوهیت قایل شده و برخی دیگر را کشتند در حالی که ما به همه ایمان آورده و تصدیق‌شان نمودیم و سپاس بر خدایی که پروردگار جهانیان است.

﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٨٥﴾.

و هر کسی دینی غیر از دین محمد ج که اسلام است بعد از بعثت ایشان بر گزیند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود، نه طاعت و نه عبادتش زیرا با این دین تمام ادیان منسوخ شده است.

این آیه ردّ بر کسانی است که بر خدا أ افترا کرده دین محمد ج را تکذیب و ادعا نموده که هرگاه یهودیان و نصرانیان بر دین خود باشند و به اسلام نگروند بر حق‌اند به این دلیل که آن‌ها از اموری پیروی می‌کنند که پیامبران‌شان به آن تمسک می‌جستند، چنین پنداری دروغی بزرگ است که این آیه آن را ردّ می‌نماید. ما شهادت می‌دهیم که حق‌تعالی بعد از بعثت پیامبر گرامی اسلام هیچ دینی جز اسلام را نمی‌پذیرد، نه یهودیت، نه نصرانیت و نه سایر ادیان را، اسلام دینی است که حق‌تعالی برای خود بر گزیده و راهی برابر و نمونه از سوی خداست.

﴿كَيۡفَ يَهۡدِي ٱللَّهُ قَوۡمٗا كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ وَشَهِدُوٓاْ أَنَّ ٱلرَّسُولَ حَقّٞ وَجَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٦﴾.

کسی که پیامبر خاتم را تکذیب کند چگونه بر هدایت و صواب خواهد بود، به خصوص بعد از اینکه بر حقانیت رسالت ایشان پی‌بَرد و گواهی دهد که آنچه او آورده حق و از جانب خداست و بعد از اینکه وصفش را در تورات و انجیل یافته است. چنین کسی چگونه هدایت می‌شود و بین او و خطا و اشتباه حائل واقع می‌گردد؟ کسی که چنین باشد سزاوار این است که حق‌تعالی او را گمراه کند و در روز قیامت از او هیچ عمل صالحی را نپذیرد زیرا این شخص ظالم و ستمگار است که دلائل را تحریف و حجّت را ردّ نموده است و خدای‌تعالی کسی را که مرتکب چنین ستم، سر کشی و طغیان شود هدایت نمی‌نماید. یهودیان و نصرانیان بعد از بعثت پیامبر گرامی اسلام و بعد از اینکه برای‌شان حقیقت با دلیل و برهان ظاهر گشت مرتکب این عمل شده و تمام دلائل و براهین را پشت‌پا زدند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُمۡ أَنَّ عَلَيۡهِمۡ لَعۡنَةَ ٱللَّهِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ ٨٧﴾.

این‌هایی که مرتکب این عمل شده و حضرت محمد ج را تکذیب کرده‌اند، این‌ها کفار بدکاری‌اند که کیفرشان نزد خدا أ لعنتی فراگیر و سوزنده است که با آن حق‌تعالی آنان را از رحمت خود طرد و دور می‌نماید و ملائکه و تمام مردم اعم از گمراه و رهیاب، صالح و بدکار بر آنان لعنت می‌فرستند؛ زیرا این‌ها کتمان شهادت نموده و عهد و پیمان را شکستند و با پیامبر ج جنگیدند و حجّت واضح و آشکار را ردّ نمودند.

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ٨٨﴾.

جزای چنین کسانی این است که همیشه و برای ابد در آتش دوزخ بسوزند بدون اینکه عذاب از آنان برداشته شود و یا کم گردد و برای آن‌ها هیچ شفاعت‌گر، مدافع و یاری دهنده‌ای نیست؛ زیرا آن‌ها عداوت و دشمنی با خدا أ را به صورت علنی انجام دادند و قصداً شده و هدایتی که حضرت محمد ج بر آن مبعوث شدند را پُشت پا زدند.

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ٨٩﴾.

ولی کسانی که از ارتکاب چنین اعمالی دست بر دارند و دوباره به خدای‌تعالی و حقیقت رجوع کنند و به حضرت محمد ج ایمان آورند و با نوری که ایشان آورده‌اند رهیاب گردند و از سنّت و روش ایشان پیروی کنند، حق‌تعالی گناهان چنین کسانی را می‌بخشد و تمام عیوب‌شان را پنهان می‌دارد و از خطا و اشتباه‌شان درمی‌گذرد که اوتعالی بسیار بخشنده و دارای رحمت وسیع است و هیچ چیزی بر او بزرگ نیست.

در اینجا معلوم می‌گردد که دروازۀ توبه حتی بر روی کسانی که مرتکب چنین اعمال ناشایستی شده‌اند گشوده شده، چه رسد به کسانی که از آن‌ها در مرحلۀ نازل‌تری قرار داشته و فقط مرتکب برخی از گناهان کبیره یا صغیره شده‌اند. چنین تعاملی نشان می‌دهد که انسان باید امید زیادی به رحمت حق‌تعالی داشته باشد، خدایی که ارحم الراحمین است.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ ثُمَّ ٱزۡدَادُواْ كُفۡرٗا لَّن تُقۡبَلَ تَوۡبَتُهُمۡ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلضَّآلُّونَ ٩٠﴾.

یهودیانی که بعد از ایمان به موسی ÷، به عیسی ÷ کافر و در کفر، طغیان و سرکشی به حدی افزودند که به پیامبر اسلام ج نیز کفر ورزیدند، این‌ها شرّ را در کنار شرّ خود و بَد را در کنار عملکرد بَد خود افزودند. این‌ها خائنانی‌اند که عهد خدا أ را شکستند، از این‌روی حق‌تعالی توبۀشان را قبول نمی‌نماید؛ زیرا این‌ها هنگام فرا رسیدن مرگ توبه می‌کنند روی این اساس پروردگار گناهان‌شان را نمی‌بخشد و از سر تقصیرات‌شان در نمی‌گذرد، چون آن‌ها خودشان گمراه شد و دیگران را نیز گمراه کرده‌اند و از راه خدا أ بازداشته و در کفر و گمراهی غرق و فساد زیادی مرتکب شده‌اند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَمَاتُواْ وَهُمۡ كُفَّارٞ فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡ أَحَدِهِم مِّلۡءُ ٱلۡأَرۡضِ ذَهَبٗا وَلَوِ ٱفۡتَدَىٰ بِهِۦٓۗ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٩١﴾.

آنانی که به خدا أ کافر شده و پیامبران را تکذیب کرده‌اند و بر کفر خویش تا دم مرگ دوام داده و مسلمان نشدند، اینان اگر در روز قیامت به منظور نجات خویش از عذاب دوزخ معادل کرۀ زمین طلا فدیه دهند هرگز از آنان پذیرفته نمی‌شود و نمی‌تواند موجب نجات‌شان از آتش دوزخ گردد بلکه برای‌شان عذابی است دردناک که در آن برای همیشه باقی خواهند ماند. آن‌ها هیچ یاری دهنده‌ای که عذاب را از آنان دفع و یا دوستی که برای‌شان ثواب و پاداش جلب کند ندارند، آنان نظر به عملکرد بَد خویش در بدترین عذاب باقی خواهند ماند.

﴿لَن تَنَالُواْ ٱلۡبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيۡءٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ ٩٢﴾.

هیچگاه به سوی بهترین اعمال و احوال نمی‌رسید مگر زمانی که از بهترین اموال و دوست داشتنی‌ترین آن‌ها نزد خویش صدقه دهید و به این ترتیب آنچه را نزد خداست بر آنچه نزد خودتان است ترجیح داده و برای صدقه آنچه را انتخاب کنید که به خود برمی‌گزینید. در چنین حالتی به پاداش بزرگ و ثنای نیکو می‌رسید و اوتعالی بر نیت‌ها و امورنهان و پوشیده آگاه است و می‌داند چه کسی به خاطر خدا أ صدقه می‌دهد و چه کسی بخاطر ریا و او هیچگاه عمل هیچ عمل کننده‌ای را ضایع نمی‌سازد.

﴿۞كُلُّ ٱلطَّعَامِ كَانَ حِلّٗا لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسۡرَٰٓءِيلُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ مِن قَبۡلِ أَن تُنَزَّلَ ٱلتَّوۡرَىٰةُۚ قُلۡ فَأۡتُواْ بِٱلتَّوۡرَىٰةِ فَٱتۡلُوهَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٩٣﴾.

همۀ عذاها برای یهودیان حلال بود مگر گوشت شتر و شیر آنکه بر یعقوب ÷ حرام بود. و چون وی خود آن را بر خویشتن و دست به خونریزی زده و عهد و پیمان را شکستند و با خدا أ و دوستانش جنگیدند.

در ادامه حق‌تعالی پیامبر خویش را امر کرد تا برای یهودیان بگوید: تورات را بیاورید و به من آن قسمت را نشان دهید که به دروغ اداعا می‌کنید حق‌تعالی گوشت شتر و شیر آن را بر ابراهیم ÷ حرام نموده است؛ چون من می‌دانم که شما دروغ گفته و بر خدا أ افترا بر بستید. ولی چون آن‌ها نتوانستند به این خواست پیامبر اسلام ج پاسخ مثبت بدهند از این‌روی شکست خورده و خوار و ذلیل شدند و هیچ‌یک از علما و دانشمندان آنان نتوانستند چنین مطلبی را از لابلای تورات بیرون آورند.

در آین آیه دلیلی برصدق پیامبر اسلام ج نیز نهفته است.

﴿فَمَنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٩٤﴾.

کسی که بعد از ظهور دلیل و برهان و قیام حجّت بر صداقت پیامبر ج، دروغ بربندد و بگوید که این تحریم در حق سایر پیامبران بوده نه به سبب عصیان یهودیان و پیمان شکنی‌شان، چنین کسی بر خدا أ افترا نموده و در ادعای خود دروغگوست و هر که سخن را تحریف کند و معانی را تغییر دهد چنین کسی ستمگار بی‌انصافی است که به دلائل توجه ندارند. ظالم و ستمگار جز عذاب و کیفر چیز دیگری نیست.

﴿قُلۡ صَدَقَ ٱللَّهُۗ فَٱتَّبِعُواْ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٩٥﴾.

ای محمد ج! برای یهودیان و نصرانیان بگو حق‌تعالی در آنچه نازل نموده راست گفته و شما در این ادعای خود که ابراهیم نصرانی یا یهودی بوده دروغ می‌گوئید؛ زیرا او نه آن‌چنان که یهودیان می‌گویند یهودی بوده و نه آن‌چنان که نصرانیان می‌گویند نصرانی، چنان‌چه مشرک نیز نبوده بلکه پیرو دین حنیف، مسلمان و یکتاپرست بوده است، این همان دینی است که حق‌تعالی بر آن راضی است و پیامبر ج به سوی آن دعوت می‌فرماید.

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيۡتٖ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكٗا وَهُدٗى لِّلۡعَٰلَمِينَ ٩٦﴾.

اولین مسجدی که در دنیا بنا شده مسجد الحرام است که آن را ابراهیم خلیل ÷ بنا نموده است. این مسجد مبارک ودارای خیر فراوان و روزی زیاد است؛ زیرا از هرطرف به سوی آن میوه‌جات سرازیر می‌شود و دیگر اینکه در این شهر تجارت رونق خاصی دارد. همچنان رمز سعادت آخرت نیز در این شهر نهفته است چون عبادت‌های بیشماری از قبیل نماز، اعتکاف، حج و عمره و ذکر خدا أ در آن برگذار می‌شود و در آن خوبی و سعادت دنیا و آخرت نیز هست. در حدیث صحیح آمده است که پیامبر اسلام ج فرموده‌اند: مسجد الحرام چهل سال قبل از بیت المقدس بنا شده است.

﴿فِيهِ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ مَّقَامُ إِبۡرَٰهِيمَۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنٗاۗ وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٩٧﴾.

در این مسجد نشانه‌های واضح و آشکاری بر فضیلت، شرف و قداست آن وجود دارد، مانند کعبۀ مشرفه، حجر الاسود، صفا و مروه، زمزم و حِجر اسماعیل و امثال این‌ها که هرکدام نشانه‌های عظیم و بزرگی است و حق‌تعالی بر مردم واجب نموده تا در صورت استطاعت به حج خانۀ کعبه بپردازند، حج این خانۀ از جملۀ ارکان دین راست به شمار می‌رود و هر که حج را در حال قدرت و توانائی ترک کند باید بداند که خدای‌تعالی از عبادت بندگان و از اعراض گران بی‌نیاز است.

در اینجا خداوند أ شدّت به خرج داده و از جریان ترک حج با واژۀ کفر تعبیر نموده که علت آن یا این است که ترک حج توأم با قدرت و توانائی منجر به کفر می‌شود و یا اینکه انکار این رکن کفر به شمار می‌رود. حق‌تعالی خانۀ کعبه را با این شرافت که اولین مسجد دنیاست و با نشانه‌های واضح و آشکاری که دارد مشرف ساخته و محل امنی برای کسانی قرار داده که داخل آن می‌شوند.

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَكۡفُرُونَ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعۡمَلُونَ ٩٨﴾.

ای محمد ج! برای یهودیان و نصرانیان بگو چرا قرآن را تکذیب می‌نمائید و به رسالت و پیامبری‌ام کافر می‌شوید در حالی که دلائلی واضح، آشکار و قاطع مبنی بر صداقت من برپا شده و بر اوتعالی هیچ‌یک از اعمال شما از جمله تکذیب قرآن پوشیده نیست و خداوند أ هم بر آنچه من را با آن فرستاده آگاه است و هم بر آنچه شما انجام می‌دهید و به زودی شما را به سبب اعمال بدتان در آن روزی که به سویش باز می‌گردید کیفر می‌دهد.

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ تَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَأَنتُمۡ شُهَدَآءُۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ٩٩﴾.

ای یهودیان و نصرانیان چرا مردمان را هدایت و رهنمون شدن به سوی اسلام باز می‌دارید؟ و چرا در دین خدا أ که محمد ج را به خاطر آن فرستاده شک و شبهه اندازی می‌کنید و به دنبال آراء و نظریات احتمالی هستید و می‌خواهید مردم بعد از اینکه حق‌تعالی آنان را به سوی اجابت پیامبر خویش هدایت نموده منحرف باشند در حالی که خوب می‌دانید حضرت محمد ج کاملاً صادق است و دین او حق می‌باشد و او از جانب خدای‌تعالی است. پروردگار هرگز این گناهتان را فرو نمی‌گذارد و فراموش نمی‌نماید. او به زودی شما را به علت این عملتان کیفر می‌دهد؛ زیرا شما بین گمراهی خود و گمراه ساختن دیگران جمع کرده‌اید.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ فَرِيقٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ يَرُدُّوكُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ كَٰفِرِينَ ١٠٠﴾.

ای آنانی که به حضرت محمد ج ایمان آورده و به هدایت او رهنمون شده‌اید! اگر گروهی از یهودیان و نصرانیان را پیروی کنید، آن‌ها با شبهات و امور فریبندۀ خود شما را از دین‌تان منصرف می‌کنند و بعد از اینکه حق‌تعالی بر شما با قبول ایمان منّت گذاشته شما را در کفر قرار می‌دهند در حالی که نمی‌دانید. بنابراین به سخن چنین کسانی گوش فرا ندهید و این سخنان را نپذیرید زیرا دشمنانتان نظر به حسادت و سر کشیی که دارند می‌خواهند از دینی که مایۀ کرامت و احترام شماست صرف نظر کنید.

﴿وَكَيۡفَ تَكۡفُرُونَ وَأَنتُمۡ تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ وَفِيكُمۡ رَسُولُهُۥۗ وَمَن يَعۡتَصِم بِٱللَّهِ فَقَدۡ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ١٠١﴾.

و چگونه از اسلام مرتد می‌شوید در حالی که قرآن با آیات و معجزات خود بر شما تلاوت می‌شود و پیامبر خدا ج نیز در میان شماست در حالی که صداقت و صحت دعوت او کاملاً واضح و آشکار شده پس التجای‌تان باید به سوی خدا أ باشد که هر کسی به او التجا نماید و تمام امور خود را بسپرد و اعتماد داشته باشد حق‌تعالی او را کافی است و به سوی راه راست هدایت می‌نماید، راهی که در آن هیچ انحراف و کجیی نیست و او را در دنیا و آخرت خوشبخت می‌سازد.

این آیه دلالت بر این امر دارد که یک بنده به هر اندازه که در تقوا و پرهیزگاری مراتب بلندی را طی کند با آن هم در معرض ابتلا و فتنه قرار دارد و بر او لازم است همواره طاعت و عبادت بیشتر انجام دهد و اینکه هنگام مصیبت انسان باید با دعا به سوی حق‌تعالی التجا کند و اینکه هر کسی که خدا أ را برای خود پناهگاه قرار دهد اوتعالی از همۀ شبهات حفظش می‌نماید.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾.

ای مؤمنان! ای آنانی که به خدا أ باور دارید و از پیامبر گرامی ج پیروی می‌نمائید! بر شما لازم است تا تقوی خدا أ را با انجام مأمور و دوری از محظور رعایت نموده و اوتعالی را به گونه‌ای که شایسته است اطاعت و از معصیت او اجتناب کنید و همواره به یاد او بود و فراموشش ننمائید، شکرش را بر جای آورده و از کفران نعمت بپرهیزید و از این امر بر حذر باشید که بدون اسلام بمیرید؛ زیرا اسلام دینی صحیح است که خداوند أ با آن راضی است و هر که تقوای الهی را رعات کند و نیّت خویش را صالح ساخته در اعمال خود اخلاص داشته باشد، حق‌تعالی او را بر اسلام ثابت قدم و استوار می‌سازد و او را مسلمان می‌میراند و شکی نیست که مسلمان مردن آروزی با ارزشی است که همواره دوستان خدا أ و بندگان صادقش به خاطر آن تلاش می‌نمایند.

﴿وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْۚ وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ كُنتُمۡ أَعۡدَآءٗ فَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِكُمۡ فَأَصۡبَحۡتُم بِنِعۡمَتِهِۦٓ إِخۡوَٰنٗا وَكُنتُمۡ عَلَىٰ شَفَا حُفۡرَةٖ مِّنَ ٱلنَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنۡهَاۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ١٠٣﴾.

و به اسلام، قرآن و پیروی پیامبر اسلام ج تمسک جوئید و مانند یهودیان و نصرانیان اختلاف نکنید و به یاد این نعمت پروردگار باشید که شما را از کفر به سوی ایمان، از ظلمت و تاریکی به سوی نور بیرون و به سوی راه راست هدایت کرد و قلب‌های شما را بعد از اینکه با یکدیگر بغض و کینه داشتید و یک دیگرتان را می‌کشتید بر خیر و خوبی جمع کرد و در بین آن‌ها الفت و صمیمیت ایجاد نمود و بر اثر همین نعمت شما مانند یک خانواده شدید و حتی به یک‌دیگر از برادر نَسَبی نیز نزدیک‌تر شده و بر علیه دشمنانتان یک دست و یکپارچه شدید و به این ترتیب پائین رتبۀتان به خاطر ذمۀ بلند مرتبۀتان تلاش می‌کند و برتر و گرامی‌تر شما در پیشگاه خدا أ پرهیزگارترین‌تان شد در حالی که پیش از آن در هاله‌ای از خطر و سقوط و در دام فتنه‌ها، سرکشی‌ها و گمراهی‌ها قرار داشتید و حق‌تعالی شما را از جاهلیت بیرون نمود و برای شما دینی راست و برابر ارزانی داشت و به سوی راه راست هدایت‌تان کرد و شما را به پیروی حضرت محمد ج موفق نمود.

حالت شما شباهت به حالت کسی دارد که در لبۀ پرتگاه ایستاده و در پائین آن آتشی فروزان شعله‌ور است و نزدیک است در آن سقوط کند، ولی خداوند أ او را از کفر و سقوط نجات می‌دهد.

با ارائۀ این مثال‌ها حق‌تعالی می‌خواهد برای شما دلائل و براهین و نشانه‌های ارائه کند که مایۀ هدایت‌تان باشد.

این آیه دلالت بر آن نیز دارد که اطلاع حاصل کردن بر نصوص کتاب و سنّت موجب ازدیاد ایمان و یقین انسان می‌شود.

﴿وَلۡتَكُن مِّنكُمۡ أُمَّةٞ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلۡخَيۡرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٠٤﴾.

بر شما لازم است تا گروهی از اندیشمندان و اهل فضل و احسان خویش را برای دعوت به سوی خدا تعالی اختصاص دهید تا ضمن پیشبرد امر دعوت، به مردم اموری را که مایۀ منفعت دینی و دنیائی‌شان است تعلیم دهند و آنان را به معروف که شریعت بر آن امر فرموده و نزد اهل خرد نیز از جملۀ فضائل، آداب، اخلاق و یا سلوک به شمار می‌رود امر کنند و از هر منکری که حق‌تعالی نهی فرموده و نزد اهل فطرت سالم و فضل بَد و زشت است نهی کنند. کسی که به منظور احتساب اجر و با روشی سالم و درست و با ملایمت و نرمی به سوی خدا أ دعوت کند به بزرگ‌ترین خواست‌ها و مراتب عالی می‌رسد و رستگار می‌شود. پاداش چنین شخصی نجات در آخرت و رستگاری از طریق کسب رضای خدای متعال است.

﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُواْ وَٱخۡتَلَفُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ١٠٥﴾.

ای مؤمنان از این برحذر باشید که مانند یهودیان و نصرانیان در گفتار و کردار خویش دچار اختلاف و تفرقه شوید چون آن‌ها به این حالت در حالتی گرفتار شدند که به منظور هدایت آن‌ها پیامبران فرستاده شده و کتاب‌های آسمانی نازل گردید، اما آن‌ها با وجود این بصیرت گمراه شدند و قصداً سرکشی را بر گزیدند. کیفر چنین کسانی در پیشگاه خداوند أ عذابی است دردناک که براساس آن در دوزخ جاودان باقی می‌مانند و خشم خدای جبَار گریبانگیر آن‌ها خواهد بود.

﴿يَوۡمَ تَبۡيَضُّ وُجُوهٞ وَتَسۡوَدُّ وُجُوهٞۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱسۡوَدَّتۡ وُجُوهُهُمۡ أَكَفَرۡتُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ١٠٦﴾.

و یاد آورید روزی را که روی‌های مؤمنان به خدا أ و پیامبر سفید شده و آثار فرح و خوشی و درخشندگی در چهره‌های آنان هویدا می‌گردد و اوتعالی روی‌های کسانی را که به او کافر شده و پیامبر ج را تکذیب کرده‌اند سیاه می‌نماید و بر آن‌ها آثار تأسف، اضطراب، پشیمانی، ذلّت و خواری نمایان می‌گردد و خدای‌تعالی در آن سرای به توبیخ کفار می‌پردازد و برای آنان گفته می‌شود؛ چرا بعد از این همۀ نشانه‌های واضح و آشکار کفر را برگزیدید و مرتد شدید؟ حالا عذاب شدید و دردناک را به عنوان کیفر عملکردها و جنایات بزرگ خویش بچشید؛ زیرا شما حق‌تعالی را بعد از ظهور بیان نافرمانی نمودید پس ذلت، خواری و زیان را بچشید.

﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱبۡيَضَّتۡ وُجُوهُهُمۡ فَفِي رَحۡمَةِ ٱللَّهِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ١٠٧﴾.

اما آن دسته از اهل عبادت که به سعادت و رستگاری دست یافتند برای آنان هیچ ترس و اندوهی نیست. آن‌ها در رحمت دائمی خدا أ قرار دارند، رحمتی که هرگز پایانی ندارد. آن‌ها در بهشت، گرامی خواهند بود و در خوشی و سرور و نور و در جایگاه صدق و راستی که لهو و لعبی ندارد نزد پادشاه مقتدر می‌باشند در حالی که برای جوانی‌شان پایانی نیست و لباس‌های‌شان تَر نمی‌شود و هیچگاه دچار پیری، عدم و بیماری نمی‌شوند.

﴿تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۗ وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلۡمٗا لِّلۡعَٰلَمِينَ ١٠٨﴾.

کتاب محمد ج به حقیقت نازل شده و صداقت و راستی را با خود آورده تا حق‌تعالی هر کسی از بندگان خود را که بخواهد به راه راست هدایت کند و برای آن‌ها حق و باطل را بیان نماید تا از حق پیروی و از باطل اجتناب نمایند. خدای‌تعالی حجّت را تمام نموده و عذر را از مردم برداشته تا هیچ گمراهی بدون برهان و دلیل نباشد و حق‌تعالی پیامبر خود را فرستاده و کتاب خویش را به منظور بیان دلیل و برهان به مردم نازل نموده زیرا حق‌تعالی نمی‌خواهد به مردم ظلم روا بدارد؛ چون اگر کسی بدون گناه عذاب شود این امر ستمی است آشکار و حق‌تعالی از ارتکاب هرگونه ظلم پاک و منزه است و اوتعالی بر بندگان خود ستمگار نیست.

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ١٠٩﴾.

هر آنچه در هستی است اعم از ملائکه، انسان، جن و تمام جنبندگانی که بر روی زمین قرار دارند ملک خدای یکتای یگانه‌اند و هیچ‌کس با او در این ملک منازعه‌ای ندارد. اوتعالی در مخلوق خویش آنگونه که بخواهد تصرف می‌نماید و هیچ خالق، رازق و معبود به حقی جز او نیست. از نشانه‌های عدالت خدا أ این است که او شریعت را بیان نموده و راه را واضح و روشن ساخته و تمام امور به سوی اوتعالی باز می‌گردد و نقطۀ پایان همۀ امور و تمام مردم و خلایق به سوی اوست و پروردگار روز جزا را بر پا می‌دارد تا نیکوکار را پاداش و بدکار را کیفر دهد.

﴿كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِۗ وَلَوۡ ءَامَنَ أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۚ مِّنۡهُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَأَكۡثَرُهُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ١١٠﴾.

شما ای امّت محمد ج! بهترین امت‌ها در پیشگاه خدای‌تعالی هستید. هیچ امتی از شما بهتر و با فضیلت‌تر نیست؛ زیرا شما بعد از ایمان خویش امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایید. بنابراین بر سایر امت‌ها شاهد و امتی هستید که حجّت را بر تمام جهانیان بر پای داشتید، شما امّت دعوت به سوی خدا اید. و اما اگر اهل کتاب به محمد ج ایمان می‌آوردند این ایمان موجب سعادت آن‌ها در دنیا و آخرت می‌شد و حق‌تعالی آنان را از خشم و عذاب دردناک خویش نجات می‌داد ولی تعداد اندکی از آن‌ها مانند عبدالله بن سلام و نجاشی به چنین مرتبه‌ای رسیدند و بسیاری کوری را بر هدایت ترجیح داده و از طاعت خدا أ بیرون شدند و با دوستان او جنگیدند و علیه شریعت او دست به بغاوت و سرکشی زدند.

﴿لَن يَضُرُّوكُمۡ إِلَّآ أَذٗىۖ وَإِن يُقَٰتِلُوكُمۡ يُوَلُّوكُمُ ٱلۡأَدۡبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ١١١﴾.

هیچیک از دشمنانتان چه از یهودیان و دیگران توان ضرر رسانی به مؤمنان را ندارند زیرا حق‌تعالی اهل ایمان را حمایت می‌کند و متولی امورشان است، مگر ضرری اندک مانند آزار زبانی، تهدید، دشنام و امثال این‌ها که حق‌تعالی این ضررها را موجب از بین رفتن گناهان مؤمنان قرار می‌دهد ولی اگر جنگی دَر گرفت و مبارزه‌ای شد در چنین حالی پروردگار دوستان خویش از اهل ایمان را یاری می‌رساند و عاقبت‌شان را نیکو می‌گرداند و در مقابل، ترس و وحشت را در دل‌های کفّار می‌اندازد و آنان را شکست می‌دهد طوری که از صحنۀ جنگ فرار می‌کنند چون برای آن‌ها در پیشگاه خداوند أ هیچ یاری دهنده و هیچ عزتی در دنیا و نجاتی در آخرت نیست.

﴿ضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ أَيۡنَ مَا ثُقِفُوٓاْ إِلَّا بِحَبۡلٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَحَبۡلٖ مِّنَ ٱلنَّاسِ وَبَآءُو بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَسۡكَنَةُۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ يَكۡفُرُونَ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلۡأَنۢبِيَآءَ بِغَيۡرِ حَقّٖۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ ١١٢﴾.

حق‌تعالی بر این یهودیان ذلّت و خواری، حقارت و خسیسی را همچون سکه‌ای ضرب کرده است از این‌روی هرجایی که باشند شکست خورده و مغلوب خواهند بود ولو گاه گاهی بر مؤمنان پیروز شوند و هیچ امکان ندارد از این ذلّت و خواری رهایی یابند، مگر توسط پیمانی که با دیگران می‌بندد که در چنین حالتی تا زمان استواری این پیمان در امان خواهند بود.

این یهودیان به علت پیمان شکنی، پیامبر کشی و تکذیب پیامبران و تحریف کتاب آسمانی و تبدیل متون آن، به سوی غضب و خشم الهی باز گشتند، از این‌روی اوتعالی آنان را دچار فقر ذاتی، ذلّت و سستی عزم نموده و هرگاه با یک انسان یهودی مواجه شویم او را چنان می‌یابیم که در درون خود ذلیل است و همواره سرمایه را می‌پرستد و به جمع آن می‌پردازد و پیوسته به دنبال دنیاست؛ زیرا این یهودیان آیات الهی را تکذیب نموده و پیامبران را کشتند و بسیار عصیان و سرکشی نمودند، آنان با شیطان دوستی نموده و با خدای رحمان جنگیدند.

﴿۞لَيۡسُواْ سَوَآءٗۗ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ أُمَّةٞ قَآئِمَةٞ يَتۡلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ وَهُمۡ يَسۡجُدُونَ ١١٣﴾.

اهل کتاب اعم از یهود و نصارا بر یک طریقه و روش نیستند، در میان آن‌ها مؤمنانی‌اند که به حضرت محمد ج ایمان آورده و بر اجرای اوامر الهی استقامت کردند و کتاب اوتعالی را در شب و در حالت قیام تلاوت نمودند و عبادت خدای را به کثرت انجام داده و از مولای خود ترسیدند.

﴿يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١١٤﴾.

اینان کسانی‌اند که به خداوند أ ایمانی صادق دارند از این‌روی خدای را به یگانگی می‌پرستند و تنها او را مستحق الوهیت و عبودیت می‌دانند چنان‌چه به روز آخرت و تمام اموری که در آن واقع می‌شود نیز ایمان داشته باور کامل دارند که این روز فرا رسیدنی است. اینان کسانی‌اند که به انجام امور خیر، هدایت و استواری بر راه راست امر و از همۀ امور بد، فرومایه و گمراه‌گر نهی می‌نمایند و به این ترتیب هم در ذات خویش انسان‌های صالحی‌اند و هم دیگران را اصلاح می‌کنند و در انجام اعمال صالح و عبادات نفلی و اخلاق شایسته و گفتار نیک و تواضع و سخاوت و یاری رسانیدن به مظلومان و کمک به فقرا و مهربانی به بتیم‌ها و نیکی به پدر و مادر و صلۀ رحم و از این قبیل از یکدیگر پیشی می‌جویند. اینان در واقع کسانی‌اند که با کسب رضای الهی به رستگاری رسیده و خود را از قهر و خشم خدا أ نجات داده‌اند و در جوار خدای مهربان دارای نصیبی وافر اند که تمام امورشان را در پیشگاه حق‌تعالی صالح و نیکو می‌سازد.

﴿وَمَا يَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَلَن يُكۡفَرُوهُۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلۡمُتَّقِينَ ١١٥﴾.

این نیکوکاران برگزیده باید مطمئن باشند که حق‌تعالی هرگز سعی و تلاش آنان را در راستای انجام اعمال صالح و کارهای نیک ضایع نمی‌سازد بلکه تمام این اعمال نزد پروردگار ذخیره و آمارگیری شده و اینان در برابر این اعمال پاداش بزرگی را کمائی خواهند کرد و نیکوترین پاداش را در یافت خواهند داشت و خدای بزرگ می‌داند چه کسی در نیّت خود صادق و از ریا دوری گزیده است؛ زیرا مدار قبولی تمام اعمال رعایت تقوای الهی در انجام اعمال صالح و ترک گناهان است.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ١١٦﴾.

برای هیچ کافری اموالی که جمع نموده و یا فرزندانی که تربیه کرده نفعی ندارد ولو این شخص کافر از جملۀ سرمایه داران فرزندان زیادی نیز باشد و اگر این کافر گمان کند که سرمایه و فرزندان می‌توانند عذاب را از او دفع کنند و یا او را به ثواب برسانند چنین پنداری کاملاً خطا و اشتباه است؛ زیرا در آن روز آنچه انسان نفع می‌رساند ایمان و عمل صالح است. کسانی که چنین پنداری دارند گروهی از اهل کتاب و مشرکان‌اند که حق‌تعالی آنان را تکذیب نمود و بیان داشت که هیچ‌یک از این امور نفعی به حال آنان ندارد و هرگز از این طریق به رستگاری نمی‌رسند و از ذلّت و خواری نجات پیدا نخواهند کرد؛ زیرا چنین کسانی به علت اعمال بدی که انجام داده و موجبات خشم پروردگار را فراهم کرده‌اند در آتش دوزخ جاودان خواهند بود.

﴿مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ فِي هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَثَلِ رِيحٖ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتۡ حَرۡثَ قَوۡمٖ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَأَهۡلَكَتۡهُۚ وَمَا ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ وَلَٰكِنۡ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ١١٧﴾.

مَثَل اینان در مصرف اموالی که در راه کسب شهرت، تظاهر و برتری جوئی بر مردم به مصرف می‌رسانند، مانند قومی است که کِشتی را کاشتند و در راه آن زحمت فراوان کشیدند تا اینکه حاصل آن رُشد کرد و به مرحله ثمر رسید پس ناگاه حق‌تعالی بر آنان طوفان سهمگین فرستاد که با خود سردی هلاک کننده‌ای داشت و این طوفان تمام حاصلات آنان را نابود کرد. اینان نیز اعمال زیادی را انجام دادند و سرمایه‌های زیادی را به مصرف رسانیدند ولی در تمام این اعمال چون غیر خدا أ را مد نظر داشته و با او دیگری را شریک می‌آوردند این بود که حق‌تعالی تمام اعمال و تلاش‌های‌شان را باطل نمود.

در این قضیه پروردگار بر آنان ظلم و ستم روا نداشت بلکه خود آنان با کفر و شرک به مولای خویش و جنگ با دوستان خدا خویشتن را مستوجب چنین کیفری ساختند؛ زیرا پروردگار عالم بر هیچ کسی ظلم روا نمی‌دارد بلکه این خود انسان‌ها هستند که بر خویش ستم روا می‌دارند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ بِطَانَةٗ مِّن دُونِكُمۡ لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا وَدُّواْ مَا عَنِتُّمۡ قَدۡ بَدَتِ ٱلۡبَغۡضَآءُ مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَمَا تُخۡفِي صُدُورُهُمۡ أَكۡبَرُۚ قَدۡ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡقِلُونَ ١١٨﴾.

ای مؤمنان! منافقان را از طریق دوستی و مودت و همچنان نزدیکی و وجاهت آنقدر به خود نزدیک نکنید که همواره مانند لباس به شما چشپیده و همراه باشند. این منافقان هیچگاه دست از تباهی گری، ایذا خرج می‌دهند. آنان در آرزوی ایجاد مشقت برای شما و شکست و آزارتان‌اند و از سوی آن‌ها افعال بسیار بدی به ظهور رسیده که از سخنان، استهزا، اشاره و سخن چینی‌های‌شان هویداست. شما چگونه به این منافقان اعتماد می‌کنید در حالی که نشانه‌های این اعمال برای شما واضح و آشکار شده است و شما عیناً این دلائل را در لغزش‌های زبانی آن‌ها ملاحظه می‌کنید چه رسد به یک عالم حقد، کینه، بغض و حسادتی که نسبت به شما و دینتان در دل‌های خویش دارند و می‌خواهند شرّ و مصیبت به شما برسد. ما تمام این امور را برای شما بیان نمودیم تا از مکر و حیلۀ این منافقان بر حذر باشید؛ چون این‌ها از کفاری که در ظاهر و باطن کافراند خطرناکتراند. و اگر شما دارای عقلی تفکرگرا و قلبی بینا هستید از دوستی و موالات با این منافقان و اعماد بر آن‌ها خودداری کنید و هیچگاه از آنان به عنوان مشاور بهره نگرید و از کار گماری آنان در مناصب مختلف نیز بر حذر باشید و در بارۀشان اظهار محبت و اعتماد نکنید که چنین کاری بر شما حرام است؛ زیرا منافقان دشمنان خدایند و حق‌تعالی هیچگاه موالات و دوستی با دشمنان خود را مجاز نمی‌داند.

﴿هَٰٓأَنتُمۡ أُوْلَآءِ تُحِبُّونَهُمۡ وَلَا يُحِبُّونَكُمۡ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱلۡكِتَٰبِ كُلِّهِۦ وَإِذَا لَقُوكُمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ عَضُّواْ عَلَيۡكُمُ ٱلۡأَنَامِلَ مِنَ ٱلۡغَيۡظِۚ قُلۡ مُوتُواْ بِغَيۡظِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ١١٩﴾.

ای مؤمنان! شما را چه شده که در محبت و دوستی دشمنان خدا أ دچار خطا و اشتباه می‌شوید در حالی که آن‌ها شما را دوست ندارند و به شریعت خدا أ کافر شدند. هرگاه نزد شما بیایند اظهار ایمان، تصدیق و متابعت می‌نمایند ولی هرگاه با یکدیگر در خلوت قرار گیرند خشم، غضب فراوان، حیله، مکر و کینه بر علیه شما و دین شما روا می‌دارند و آرزوی از بین رفتن نعمت‌های شما را می‌نمایند و در راستای ذلیل ساختن‌تان دسیسه چینی می‌کنند.

حق تعالی آنچه را دل‌ها و نهان‌های آن‌ها پنهان می‌دارند می‌داند و به زودی در بدل این اعمال به آن‌ها کیفر می‌دهد. این آیه دلالت بر آن دارد که کافر به هر اندازه که نسبت به مسلمان اظهار موالات و دوستی نماید مؤمن نباید به او اعتماد کند و او را برای خود دوست و مشاور بگیرد. مؤمن باید دوستان خدا أ را برای خود دوست بگیرد کسانی که پیامبر را تصدیق نموده و از قرآن پیروی کرده‌اند.

﴿إِن تَمۡسَسۡكُمۡ حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡ وَإِن تُصِبۡكُمۡ سَيِّئَةٞ يَفۡرَحُواْ بِهَاۖ وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ لَا يَضُرُّكُمۡ كَيۡدُهُمۡ شَيۡ‍ًٔاۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ ١٢٠﴾.

این دشمنان به گونه‌ا‌ی‌اند که هرگاه به شما خوبی و خیر مانند پیروزی، عزت، آسایش، فراخی روزی، باران، توفیق و صحت برسد موجب ناراحتی و اضطراب آن‌ها شده و خشم‌شان را برمی‌انگیزد زیرا آن‌ها دشمنانی حسود اند، ولی هرگاه به شما مصیبتی از قبیل بیماری، فقر و شکست برسد این امر موجب شادمانی آنان می‌گردد و اگر شما در دشمنی با آن‌ها استقامت کنید و از تصدیق آن‌ها خود دارای کنید، هیچگاه حیله و مکرشان به شما ضرری نمی‌رساند؛ زیرا پروردگار کید و مکر آن‌ها را باطل می‌سازد و اوتعالی بر کسی که قصد غلبه را داشته باشد غالب است و بر همۀ آنچه از مکر و حیله پنهان می‌دارند آگاه است و به زودی پرده از روی اسرار آن‌ها بیرون می‌افکند.

﴿وَإِذۡ غَدَوۡتَ مِنۡ أَهۡلِكَ تُبَوِّئُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ مَقَٰعِدَ لِلۡقِتَالِۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٢١﴾.

و یاد آور ای محمد ج معرکۀ بزرگ اُحد را، زمانی که به قصد سنگر بندی، با مؤمنان به منظور جهاد در راه خدا أ از خانه‌ات بیرون شدی و آن‌ها را وارد میدان جنگ و مبارزه با کفار نمودی. حق‌تعالی به همۀ آنچه شما می‌گوئید و انجام می‌دهید آگاه است و بر او هیچ امری پوشیده نیست. او راستگو را از دروغگو، مؤمن را از کافر و مخلص را از منافق باز می‌شناسد.

﴿إِذۡ هَمَّت طَّآئِفَتَانِ مِنكُمۡ أَن تَفۡشَلَا وَٱللَّهُ وَلِيُّهُمَاۗ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١٢٢﴾.

و ای محمد ج! یاد آور زمانی را که «بنو سلمه» و «بنو حارثه» که از انصاریان بودند می‌خواستند با عبدالله بن ابی بن سلول ذلیل شوند و جهاد در کنار رسول خدا ج را ترک کنند ولی حق‌تعالی متولی امور آنان شد و پراکندگی‌های آنان را جمع کرد و از ارتکاب گناه حفظ و قدم‌های‌شان را استوار ساخت و دوباره آنان را به سوی خیر باز گردانید. هر کسی که می‌خواهد به پیروزی برسد و خیر را کمائی کند باید در تمام سختی‌ها بر خدا أ اعتماد و توکل کند که اوتعالی بهترین مولی، یاری رسان و کمک کننده است و آنچه بنی‌سلمه و بنی‌حارثه به آن دچار شده‌اند در واقع وسوسه‌های نفسانی و شیطانی است که آنان را دچار بیم، شکست و فرار از میدان جنگ کرد ولی حق‌تعالی آنان را ثابت و استوار ساخت.

﴿وَلَقَدۡ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ بِبَدۡرٖ وَأَنتُمۡ أَذِلَّةٞۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٢٣﴾.

و یاد آورید ای مؤمنان غزوۀ بدر را و اینکه حق‌تعالی در آن معرکه شما را یاری رسانید در حالی که از لحاظ عِدّه و عُدّه در مضیقه قرار داشتید. در آن معرکه کفار در حدود یک‌هزار و شما سه‌صد و پانزده تن بودید این بود که خدای‌تعالی بر شما ملائکه و آرامش را نازل کرد و قدم‌های‌تان را ثابت و استوار ساخت و شما را بر دشمنانتان پیروز گردانید و موفقیت و پیروزی را با شما قرار داد. پس از خدا أ از طریق پیروی پیامبر اسلام ج و هدایت شدن به کتاب وی بترسید تا شما با این تقوا شکر نعمت او را ادا کرده باشید.

﴿إِذۡ تَقُولُ لِلۡمُؤۡمِنِينَ أَلَن يَكۡفِيَكُمۡ أَن يُمِدَّكُمۡ رَبُّكُم بِثَلَٰثَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُنزَلِينَ ١٢٤﴾.

و یاد آورید زمانی را که پیامبر ج به یاران خود در بَدر فرمود: آیا این کافی نیست که حق‌تعالی شما را به سه هزار فرشته که از آسمان نازل می‌شوند یاری رساند؟ این یک مدد بزرگ از جانب خدایی است که کریم است.

﴿بَلَىٰٓۚ إِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ وَيَأۡتُوكُم مِّن فَوۡرِهِمۡ هَٰذَا يُمۡدِدۡكُمۡ رَبُّكُم بِخَمۡسَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِينَ ١٢٥﴾.

بلی! این سه هزارتن در صورتی که از خدا بترسید و در نبرد ثابت قدم و استوار باشید و مشقت‌های جهاد را تحمل کنید برای شما کافی است و اگر دشمنان به سراغتان آمدند و شما از خود صبر و استقامت تبارز دادید حق‌تعالی شما را با پنج هزار ملائکه آموزش دیده که در هرگونه نبردی تمرین کرده‌اند مدد می‌رساند. این ملائکه از خود نشانه‌ها و علاماتی دارند که می‌توان آنان را از دیگران تشخیص داد و هر که شکر خدای را برجای آورد حتماً بر او می‌افزاید.

﴿وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشۡرَىٰ لَكُمۡ وَلِتَطۡمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِۦۗ وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ١٢٦﴾.

و حق‌تعالی انزال ملائکه را از آسمان مگر مایۀ بشارت برای‌تان قرار نداد و تا بر ایمان ثابت قدم و استوار باشید و تا شما را بر دشمنانتان یاری رساند و تا در وعدۀ خدا أ اعتماد کنید. با این حال پیروزی نه بر شما موقوف است و نه بر ملائکه زیرا پیروزی از جانب خدای یگانه است. خدایی که غالب و با حکمت است و چون عزیز است دیگران را مقهور خود نموده و چون حکیم است در قضا و قدر خود حکمت‌هایی قرار داده است. پس عزت، هیبت، قدرت، حکمت، حسن انتخاب و تدبیر نیکو همه از آن اوست.

﴿لِيَقۡطَعَ طَرَفٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡ يَكۡبِتَهُمۡ فَيَنقَلِبُواْ خَآئِبِينَ ١٢٧﴾.

تا گروهی از کافران را هلاک و یا اسیر سازد یا ستونی از ستون‌های کفر را متزلزل کند چنان‌چه چنین هم شد و حق‌تعالی در بدر گروهی از کفار قریش را هلاک کرد و گروهی را مسلمانان به اسارت گرفتند و باقی مانده در کمال ناامیدی و شکست باز گشتند در حالی که ذلت، عار و سستی دنیا با آن‌ها بود و در آخرت نیز دچار عذاب دردناک خواهند شد و به این ترتیب عزّت و پیروزی و تسلط از آن محمد ج و یارانش گردید، این از الطاف الهی به مؤمنان و از جملۀ حسن تدبیر و حکمت بالفۀ اوتعالی است.

﴿لَيۡسَ لَكَ مِنَ ٱلۡأَمۡرِ شَيۡءٌ أَوۡ يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡ أَوۡ يُعَذِّبَهُمۡ فَإِنَّهُمۡ ظَٰلِمُونَ ١٢٨﴾.

و زمانی که روی مبارک پیامبر اسلام ج زخمی شد و دندان‌شان شهید گشت، علیه کفار قریش دست به دعا و نفرین زد، این بود که حق‌تعالی این آیه را نازل فرمود.

مفهوم آیه اینگونه است: مسألۀ این کفار و آنچه بر آنان صورت می‌گیرد ارتباطی به تو ندارد زیرا همۀ امور به خدا أ راجع می‌شود و تو نه می‌توانی آنان را هدایت کنی و نه عذاب نمائی و نه هم بر آنان پیروز شوی! چنان‌چه نمی‌توانی قناعت آنان را راجع به دین خود به دست آوری! باز گشت همۀ این امور به سوی خداست اگر اوتعالی بخواهد آنان را به ایمان موفق می‌نماید و اگر بخواهد بر حالت بت‌پرستی باقی می‌گذارد، او کسی را که اراده کند عذاب می‌نماید و از آنکه بخواهد توبه می‌پذیرد، حکمت مطلق از آن اوتعالی است طوری که اگر توبۀشان را با اسلام بپذیرد یقیناً این امر فضل و احسانی از سوی اوست و اگر آنان را به سبب کفرشان عذاب کند آن‌ها مستحق چنین عذابی هستند و خدای‌تعالی هرگز بر بندگان خود ظلم و ستم روا نمی‌دارد.

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ يَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٢٩﴾.

همۀ آنچه در آسمان و زمین قرار دارد ملک خدا أ، آفریده و بندۀ اوست و اوتعالی هرچه اراده کند انجام می‌دهد و بر هرچه بخواهد حکم می‌کند. هیچ مانعی به امر و قضایش نیست و برای او حکمت مطلقه و قدرت نافذ است. برای هر کسی که بخواهد می‌بخشد و بر او رحم می‌نماید و هر که را بخواهد عذاب می‌نماید و اوتعالی برای کسی بخشاینده است که به سوی او روی آورد و رجوع کند. او مهربانی است که از گناهان کبیره توبه کنندگان دَرمی‌گذرد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأۡكُلُواْ ٱلرِّبَوٰٓاْ أَضۡعَٰفٗا مُّضَٰعَفَةٗۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ١٣٠﴾.

ای مؤمنان! ای آنانی که کتاب خدا أ را تصدیق نموده و از پیامبر او پیروی نمودید از خوردن سود بر حذر باشید، زیرا سود از جملۀ بزرگ‌ترین محرمات و گناهان به شمار می‌رود پس در این زمینه سهل انگاری نکنید و این طور نباشد که اموال مردم را به فراوانی بخورید و گمان برید که اندک است؛ زیرا طمع و حرض انسان را در خوردن سود به جایی می‌رساند که بدون واهمه بر اموال مردم و سرنوشت آن‌ها تسلط پیدا می‌کند.

هدف از این آیه بیان این مطلب است که جهاد و طاعت خدا أ جز از طریق حلال ارزشی ندارد و هر که دست به سوی خواری بزند دعایش قبول نمی‌شود چنان‌چه در حدیث شریف آمده است: «پس چگونه برای چنین کسی دعایش اجابت شود». در ادامه، آیه می‌فرماید: و بر شماست تا تقوای خدا أ را از طریق انجام اوامر و اجتناب از نواهی او رعایت کنید، نواهیی مثل ربا و سود؛ زیرا در چنین تقوایی پیروزی، صلاح، نجات و رستگاری بزرگ و نعمت بی‌منتهاست، در طاعت خدا أ انسان می‌تواند به خوشبختی دنیا و نعمت آخرت برسد. این آیه قبل از آیۀ تحریم ربا که در سورۀ بقره آمده نازل شده است.

﴿وَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِيٓ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ ١٣١﴾.

و ای مؤمنان! از اعمالی که شما را به سوی عذاب دوزخ می‌کشاند مانند سود که معمولاً انسان‌های کافر و بدکار آن را انجام می‌دهند و مانند سهل انگاری در اموال مردم دوری گزینید؛ زیرا خداوند أ آتش دوزخ را برای کافران و کسانی آماده نموده که مانع راه خدا أ می‌شوند. و ای بسا که گناهان کبیره هرگاه بسیار شود انسان را به سوی کفر می‌کشاند و گاهی مرتکب گناه کبیره با آتشی عذاب می‌شود که حق‌تعالی برای کفار آماده نموده ولی مانند آنان در آتش جاودان نخواهد بود.

﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ١٣٢﴾.

و از خدا أ و پیامبرش در آنچه شما را به آن امر و یا از آن نهی می‌کند اطاعت کنید تا به رحمت اوتعالی و رضای او و در پی آن به خوشبختی و رستگاری برسید.

﴿۞وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ ١٣٣﴾.

ای مؤمنان مبادرت کنید و ای پرهیزگاران بشتابید به سوی آنچه موجب مغفرت پروردگارتان و داخل شدن شما به بهشت می‌شود، بهشتی که پهنای آن به اندازۀ آسمان‌ها و زمین است، به سوی آنچه مایۀ حصول رضای الهی و به دست آوردن نعمتی می‌شود که خدای‌تعالی برای دوستان خود آماده نموده است. چنین منزلتی از طریق انجام طاعات و ترک محرمات حاصل می‌شود؛ زیرا کسی که عمل صالح انجام دهد و روزی حلال بخورد و سخن نیکو بگوید و امر خواهد بود که حق‌تعالی از بدی‌هایش بگذرد و حسناتش را بزرگ شمارد و درجاتش را در بهشت بالا ببرد.

﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ وَٱلۡعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٣٤﴾.

و از جمله صفات این دوستان خدا أ یکی هم این است که آن‌ها در حال فراخی و شدت، سختی و آسانی، فقر و غنامندی در راه اوتعالی صدقه می‌دهند. اینان چون اموری را که موجب رضای خدای‌تعالی است دوست دارند فقر، شدّت و سختی آنان را از نفقه دادن و بذل مال مانع نمی‌شود چنان‌چه آز و طمع در حالت سهولت و فراخی نیز آنان را به امساک و بخل نمی‌کشاند بلکه اینان بر نفس‌های خود چیره می‌شوند و در راه خدا أ نفقه می‌دهند.

از صفات دیگر اینان یکی هم این است که هنگام غضب و خشم، حلم را بر خویشتن غالب می‌سازند و واردات نفس خود از قبیل انتقام را جاری نمی‌سازند بلکه بر آن پیروز می‌شوند و زمام خشم خویش را به دست می‌گیرند.

و از جمله صفات دیگرشان یکی هم این است که در برابر ظلم گذشت می‌کنند و از کسانی که به آن‌ها بدی می‌نمایند درمی‌گذرند. آنان به آرزوی به دست آوردن عفو می‌کنند و از خوف خدای دیّان از کیفر دادن به مردم خودداری می‌نمایند. تمام این امور احسان است و خدای‌تعالی نیکوکاران را دوست دارد و او کسی است که نیکی می‌کند و در ان ازدیاد می‌بخشد و از بدکاران درمی‌گذرد و برای کسی که از او خطایی سرزده احسان می‌نماید و در احسان خود می‌افزاید و به مردم نفع می‌رساند. در روایات آمده است که: «حق‌تعالی من را امر نموده تا کسی را که از من قطع نموده وصل کنم و به کسی که من را محروم نموده بدهم و از کسانی که به من ظلم کرده‌اند عفو کنم».

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمۡ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا فَعَلُواْ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٣٥﴾.

و از جمله صفات این پرهیزگاران یکی هم این است که هرگاه مرتکب گناه کبیره شوند و از طریق تجاوز بر دیگران بر خویشتن ظلم نمایند، به خدای خویش رجوع می‌کنند و به یاد عذاب او و آنچه برای گنه‌کاران تهیه نموده می‌افتند و از خطا و اشتباه خود مغفرت می‌خواهند و بر کردۀ خویش نادم شده بر آن تأسف می‌کنند و می‌دانند جز خدای یگانه و یکتا کسی دیگر گناه را نمی‌بخشد و از خطا و اشتباه دَر نمی‌گذرد و در کنار تمام این‌ها بر گناه خویش نیز دوام و استمرار نمی‌بخشند و مکرراً مرتکب جرم و جنایت نمی‌شوند بلکه به حدی در اضطراب و افسردگی فرو می‌روند و اظهار پشیمانی و ندامت می‌کنند که به قبح و زشتی گناه پی برده و می‌دانند که بر آن‌ها لازم است تا توبه کنند چون می‌دانند حق‌تعالی تمام گناهان را می‌بخشد، چنین دانشی آنان را وا می‌دارد تا توبه و استغفار کنند و از خدای عزیز و غفاری طالب عفو شوند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُم مَّغۡفِرَةٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَجَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَنِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ١٣٦﴾.

پاداش این بر گزیدگان پرهیزگار در پیشگاه خداوندشان این است که اوتعالی گناه آنان را می‌بخشد و از سر تقصیرات‌شان درمی‌گذرد و توبۀشان را قبول می‌نماید و علوه بر این‌ها پاداش جاودانگی در بهشت و رستگاری بزرگ و نعمت ماندگار را نیز به آنان ارزانی می‌دارد، بهشت‌هایی که حق‌تعالی برای چنین کسانی آماده نموده عبارت از باغ‌ها و بوستان‌های غنامندی و سرسبزی است که در آن نعمت‌هایی است که نه چشم آن‌ها را دیده و نه گوش شنیده و نه بر قلب انسانی خطور نموده است و از جمله زیبائی‌های این بهشت‌های یکی هم این است که از زیر آن جوی‌ها جاری است و دارای میوه‌ها، درختان و عذاهای رنگارنگ است که عظمت آن‌ها را فقط خدای بزرگ می‌داند و چقدر نیکوست این بهشت که به عنوان ثواب و جائزۀ نیکوکاران ارزانی می‌شود.

﴿قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِكُمۡ سُنَنٞ فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ١٣٧﴾.

ای کافران! پیش از شما حوادث، وقایع و کیفرهایی نازل شده است، حق‌تعالی این کیفرها را بر کافران و کسانی نازل نموده که پیامبرانش را تکذیب کردند پس در زمین به سیر و سیاحت بپردازید و به آثار و نشانه‌های باقیمانده از خانه‌ها و قریه‌های‌شان بنگرید که چگونه تباهی و ویرانی به سراغ آن‌ها رفته و اهل آن چگونه دچار ذلّت و خواری شده‌اند تا شما با ملاحظۀ این آثار پند و عبرت بگیرید؛ زیرا این مناظر عبرتی برای تمام کسانی است که پند می‌گیرند و هر کس خواسته باشد پند و عبرتی بگیرد می‌تواند به این آثار بنگرد.

﴿هَٰذَا بَيَانٞ لِّلنَّاسِ وَهُدٗى وَمَوۡعِظَةٞ لِّلۡمُتَّقِينَ ١٣٨﴾.

کیفرهایی که بر امت‌های گذشته نازل شده بیانی واضح برای مؤمنانی است که از این پندها و اندرزها بهره می‌برند و در آن هدایتی برای پرهیزگاران است که آن‌ها را بر راه درست رهنمون می‌سازد و از خطا و اشتباه محافظت می‌نماید و طوری تربیت می‌کند که پیوسته متوجه خود و مصیر خویش باشند، چنان‌چه این وقایع موعظه و زجر برای تمام کسانی است که دارای وجدانی بیدار و قلبی زنده بوده و از خَرد و عقلی هشیار بر خوردارند. خوشبخت کسی است که از غیر خود پند بگیرد؛ زیرا در مصیبت‌های قومی فوائدی برای قومی دیگر است.

﴿وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١٣٩﴾.

ای مؤمنان! دچار ضعف، ناتوانی و شکست روحی نشوید و در همت‌های خویش سستی راه ندهید و در آنچه به شما در راه خدا أ از قبیل اذیت، آوارگی، کشته شدن و شکست می‌رسد غمگین نشوید که شما بلندتر، پیروز و رستگارید، خدای‌تعالی مولا و سرپرست و قرآن کتاب و محمد ج پیامبر و بهشت جایگاه شماست؛ در حالی که کافران مولایی ندارند، منهج و روش‌شان سرکشی، گمراهی را و آتش مرجع‌شان است و شما ای مؤمنان در این دنیا خوشبخت و دارای سعادیت؛ زیرا قلب‌های شما مملو از هدایت است و کشته‌گانتان همه شهید و برای مردگانتان پاداش جزیلی است که به هیچ وجه بین شما و کفّار برابری ایجاد نمی‌کند چون شما نیکو کارانید که به خدای یگانه و قهّار راضی شدید، در حالی که آنان شرارت پیشه‌گان بدکاری‌اند که عاقبت بدی دارند و برای آن‌ها عذابی دردناک از سوی خدای غالب و جبّار است.

﴿إِن يَمۡسَسۡكُمۡ قَرۡحٞ فَقَدۡ مَسَّ ٱلۡقَوۡمَ قَرۡحٞ مِّثۡلُهُۥۚ وَتِلۡكَ ٱلۡأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيۡنَ ٱلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَتَّخِذَ مِنكُمۡ شُهَدَآءَۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٤٠﴾.

ای مؤمنان! اگر به شما در راه خدا أ اذیتی می‌رسد و کشته یا مجروح می‌شوید، کفار نیز دچار چنین حالتی می‌شوند، این سنّت و روش خداست. روزگار داد و سد دارد گاهی پیروزی است و زمانی دیگر شکست، گاهی سرور و خوشالی است و زمانی دیگر غم و اندو، خدای‌تعالی روزها و شب‌ها را در بین امت‌ها و ملت‌ها دگرگون می‌کند، بر این اساس روزگاری امتی را می‌بینی که پیروز و غالب است و زمانی دیگر شکست خورده، ذلیل و مغلوب و برای خدای بزرگ در همۀ این اعمال حکمت‌هایی است از جمله اینکه او می‌خواهد قلب‌ها را با این مصیبت‌ها و مشکلات و جنگ‌ها بیازماید تا مؤمن را از کافر و صادق را از کاذب جدا کند و از جمله اینکه اوتعالی می‌خواهد از میان امّت محمد ج گروهی را به عنوان شهید برای خود دوست بگیرد ورنه پروردگار به تمام امور حتی قبل از وقوع آن‌ها عالم و آگاه است ولی این علم به کسانی ظاهر می‌شود که قضا و قدر الهی بر او صورت می‌گیرد، پس کسی که از یاری دادن خدا أ روی گرداند و پیامبرانش را تکذیب کند چنین شخصی ظالم و ستمگار است و حق‌تعالی ستمگران را دوست ندارد؛ زیرا خدای‌تعالی ظلم را حتی بر خود نیز حرام نموده چه رسد به دیگران، پروردگار همواره ستمگران را مذمت نموده و به جزای دردناک تهدید کرده است.

﴿وَلِيُمَحِّصَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَمۡحَقَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٤١﴾.

و حق‌تعالی از این مشکلات و مصیبت‌ها اراده تا مؤمنان را از گناه، عیب‌ها و اشتباهات به علت سختی، غم و اندوهی که می‌بینند و در راه خدا أ کشته، زخمی، آواره و یا اسیر می‌شوند پاک کند و کافران و دشمنان بدکار خود را محو و نابود نماید و توسط دوستان خود بکُشد تا حق و حقیقت بر بنیادی متین مستقر گردد و همواره در موقعیتی قرار گیرد که نیرومند باشد و دیگران از او بترسند و صادق از کاذب و مؤمن از کافر مشخص شود.

﴿أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا يَعۡلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ مِنكُمۡ وَيَعۡلَمَ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٤٢﴾.

سپس حق‌تعالی این پندار برخی را ردّ نمود که گمان کردند کمائی کردن بهشت بدون جهاد، کوشش، قربانی، ابتلا و سختی ممکن است. خداوند أ خبر داد که حتماً باید آزمونی باشد و علم او دربارۀ کسی که در راه خدا أ صادقانه جهاد کرده و جان و مال خود را سخاوتمندانه در راه اعلای کلمۀ خدا أ به مصرف رسانیده و در این راه قیام نموده و صبر پیشه ساخته و در برابر باطل مقاومت کرده است به ظهور برسد چون حق‌تعالی بر همه چیز حتی قبل از وقوع آن، عالم و آگاه است. چنین کسانی بنابر رحمت حق‌تعالی مستحق بهشت‌اند و به فوز و رستگای بنابر اعمال خوبی که انجام داده‌اند می‌رسند.

﴿وَلَقَدۡ كُنتُمۡ تَمَنَّوۡنَ ٱلۡمَوۡتَ مِن قَبۡلِ أَن تَلۡقَوۡهُ فَقَدۡ رَأَيۡتُمُوهُ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ ١٤٣﴾.

و شما پیش از وقوع معرکه ارادۀ مواجهه با کفار را داشتید تا از این طریق به شهادت در راه خدا نایل آئید، حالا با چشم سر این مواجهه را مشاهده کردید و دیدید که چگونه برادرانتان کشته می‌شوند و خودتان نیز در خطر هلاکت و کشته شدن قرار گرفتید، چگونه قبلاً این مواجهه را آرزو می‌کردید ولی حالا که تحقق پذیرفته این کار بر شما گران و سنگین تمام می‌شود.

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٞ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِ ٱلرُّسُلُۚ أَفَإِيْن مَّاتَ أَوۡ قُتِلَ ٱنقَلَبۡتُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡۚ وَمَن يَنقَلِبۡ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ فَلَن يَضُرَّ ٱللَّهَ شَيۡ‍ٔٗاۗ وَسَيَجۡزِي ٱللَّهُ ٱلشَّٰكِرِينَ ١٤٤﴾.

محمد ج مگر پیامبری مانند سایر پیامبران نیست. محمد ج خدایی برای پرستش و پروردگاری یکتا نمی‌باشد. او نیز مانند سایر مردم می‌میرد. اگر او را دیدید که مرده یا شهید شده شما از اسلام باز می‌گردید و به خدای پادشاه دانا کافر می‌شوید؟! هر کسی از شما که از دین خود مرتد شود جز بر خویشتن ضرری نمی‌رساند؛ زیرا مسیر و عاقبت او به سوی عذاب و کیفری دردناک است. حق‌تعالی از طاعت فرمانبردار نفعی نمی‌برد چنان‌چه از گناه گناه‌کار دچار ضرر و زیان نمی‌شود ولی کسی که از خدای خود اطاعت کند و از پیامبر پیروی و در راه اوتعالی دست به جهاد و مبارزه بزند پروردگار تلاش او را سپاس خواهد گفت زیرا او به شکر گذاران ثواب می‌دهد و از کسی که او را یاد کند یاد می‌نماید و کافران را کیفر می‌دهد.

﴿وَمَا كَانَ لِنَفۡسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِ كِتَٰبٗا مُّؤَجَّلٗاۗ وَمَن يُرِدۡ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَا وَمَن يُرِدۡ ثَوَابَ ٱلۡأٓخِرَةِ نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَاۚ وَسَنَجۡزِي ٱلشَّٰكِرِينَ ١٤٥﴾.

هیچ امکان ندارد شخصی قبل از فرا رسیدن اجلش بمیرد یا این اجل از وقت معین به تأخیر افتد. اجل معین شده و زمان آن مشخص است. آنکه از جهاد خود به دنبال شهرت، ستایش دیگران و غنیمت باشد به چنین اموری می‌رسد ولی در آخرت هیچ نصیبی از ثواب و پاداش و اجر ندارد و آنکه از جهاد خود رضای خدا أ و اعلای کلمۀ او را مد نظر داشته باشد پاداش چنین کسی به فراوانی داده خواهد شد و سعی و کوشش وی در این راه بی‌سپاس نخواهد ماند. گناهان چنین شخصی بخشیده می‌شود و برایش نعمت بهشت و روشنی چشم در جاودانگی ابدی خواهد بود و حق‌تعالی هیچگاه سعی و تلاش نیکوکاران و استقامت کنندگان را ضایع نمی‌سازد.

﴿وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيّٖ قَٰتَلَ مَعَهُۥ رِبِّيُّونَ كَثِيرٞ فَمَا وَهَنُواْ لِمَآ أَصَابَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَمَا ضَعُفُواْ وَمَا ٱسۡتَكَانُواْۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٤٦﴾.

چقدر بسیاراند پیامبرانی که با آنان گروه بسیاری از اتباع‌شان و جمعی از اندیشمندان دست به جهاد و مبارزه زدند و در این راه هیچگاه به آنان سستی، ناتوانی و شکست دست نداد و نه هم به آنان ذلّت و خواری رسید و نه در برابر کفار فروتنی کردند بلکه تمام کار آن‌ها ایستادگی و مقاومت و قربانی دادن بود تا اینکه به پیروزی رسیدند و حق‌تعالی کسی را که صبر کند دوست می‌دارد و به آنکه شکرش را برجای آورد ثواب و پاداش می‌دهد نزد او صبر کنندگان مرحوم و بی‌صبران محروم خواهند بود.

﴿وَمَا كَانَ قَوۡلَهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسۡرَافَنَا فِيٓ أَمۡرِنَا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٤٧﴾.

اینان هرگاه وارد معرکه‌ای می‌شدند از خدای‌تعالی می‌خواستند تاگناهان و بدی‌هایی را که انجام داده‌اند ببخشاید و از اوتعالی می‌خواستند تا آنان را در میدان نبرد ثابت قدم و استوار بدارد و بر کفار پیروز گرداند، کفاری که بت‌ها را می‌پرستند.

این آیه دلالت بر فضل دعا هنگام جهاد و مبارزه دارد و اینکه گناهان موجب شکست می‌گردد و هر که می‌خواهد بر کفار پیروز شود باید توبه و استغفار کند.

﴿فَ‍َٔاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا وَحُسۡنَ ثَوَابِ ٱلۡأٓخِرَةِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٤٨﴾.

حق‌تعالی آنان را با پیروزی دنیا نعمت آخرت گرامی داشت، بنابراین به آن‌ها عزتی عاجل و رستگاری آجل است و خداوند أ نیکوکارانی را که بین اخلاص و پیروی پیامبر ج جمع کرده‌اند دوست دارد آنانی که طاعت خدای را با کامل‌ترین وجه آن ادا کرده و از معصیت او بنابر خوفی که داشتند اجتناب نمودند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَرُدُّوكُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ فَتَنقَلِبُواْ خَٰسِرِينَ ١٤٩﴾.

ای مؤمنان! اگر از این کفار پیروی کنید حتماً گمراه می‌شوید؛ زیرا آنان باطل را برای شما مزیّن می‌سازند و از حق شما را باز می‌دارند و ارادۀ خیر و خوبی ندارند و اگر شما در سرکشی از آنان پیروی کنید به سوی زیان دنیا و آخرت گام بر خواهید داشت و در چنین حالتی نه عزّتی برای شماست و نه نصرت و پیروزی دنیا و نه رستگاری و پاداش آخرت.

﴿بَلِ ٱللَّهُ مَوۡلَىٰكُمۡۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلنَّٰصِرِينَ ١٥٠﴾.

کافران دوستانتان نیستند بلکه خدای یگانه ولی شماست و او کسی است که شما را یاری می‌دهد و قدم‌های‌تان را ثابت و استوار می‌سازد پس از او اطاعت کنید و از پیامبرش پیروی و به وعده و تهدیدش ایمان آورید.

﴿سَنُلۡقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعۡبَ بِمَآ أَشۡرَكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗاۖ وَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ وَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلظَّٰلِمِينَ ١٥١﴾.

به زودی در قلب‌های کفّار ترس، نا آرامی و اضطراب خواهیم افگند؛ زیرا آنان بدون هیچ دلیل و برهانی به خدای خویش شرک آورده‌اند در حالی که پروردگارشان آن‌ها را به چنین کاری امر نکرده است، آن‌ها از امر خدای‌تعالی سرپیچی نموده و مرتکب گناهان شده و به کتابش کافر شدند و پیامبرش را تکذیب نمودند پس برای آنان در دنیا ذلّت، خواری و عار و در آخرت عذاب شعله‌ور که بسیار بدجاست خواهد بود.

﴿وَلَقَدۡ صَدَقَكُمُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥٓ إِذۡ تَحُسُّونَهُم بِإِذۡنِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلۡتُمۡ وَتَنَٰزَعۡتُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ وَعَصَيۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ مَآ أَرَىٰكُم مَّا تُحِبُّونَۚ مِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلدُّنۡيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلۡأٓخِرَةَۚ ثُمَّ صَرَفَكُمۡ عَنۡهُمۡ لِيَبۡتَلِيَكُمۡۖ وَلَقَدۡ عَفَا عَنكُمۡۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٥٢﴾.

و حق‌تعالی برای شما وعدۀ خویش را مبنی بر پیروز شدن بر کفار تحقق بخشید و به این ترتیب غلبه از آن شما شد و این شما بودید که آن‌ها را با شمشیرهای خویش می‌چیدید و به قتل می‌رساندید ولی زمانی که در اُحد از طریق ارادۀ غنیمت دچار سستی شدید خلل، بزدلی و ناتوانی در میان لشکر شما بروز کرد و بعد از اینکه تا سرحد پیروزی فاصله‌ی چندانی نداشتید شکست خوردید، حق‌تعالی اراده کرد تا قلب‌های‌تان را بیازماید و آن‌ها را پاک کند و تا این شکست مایۀ پند و عبرت شما باشد.

سپس شما را از کفار دور کرد و عفوتان نمود و کسانی را که فرار نمودند و شکست خوردند بخشید، حق‌تعالی دارای فضلی واسع است و سزاوارترین بندگان به فضل الهی بندگان مؤمنش‌اند که او به آن‌ها نزدیک است و خطاهای‌شان را می‌بخشد و علت‌های‌شان را از بین می‌برد.

﴿۞إِذۡ تُصۡعِدُونَ وَلَا تَلۡوُۥنَ عَلَىٰٓ أَحَدٖ وَٱلرَّسُولُ يَدۡعُوكُمۡ فِيٓ أُخۡرَىٰكُمۡ فَأَثَٰبَكُمۡ غَمَّۢا بِغَمّٖ لِّكَيۡلَا تَحۡزَنُواْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا مَآ أَصَٰبَكُمۡۗ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٥٣﴾.

و یاد آورید ای مؤمنان! هنگامی را که در روز اُحد فرار کرده و به کوه پناه بردید و بالا رفتید و پیامبر گرامی اسلام ج را از شدّت ترس و وحشتی که داشتید تنها گذاشتید در حالی که ایشان از شما می‌خواستند تا ثابت قدم و استوار بمانید و به شما فرمود به سوی من بشتابید ای بندگان خدا، من پیامبر اویم. این بود که حق‌تعالی شما را با اندوه کیفر داد؛ زیرا اندوه را در دل پیامبر ج داخل کردید و از امر ایشان سرپیچی نمودید و تا اینکه با از دست دادن غنیمت تأسف نخورید.

و چون دچار شکست شدید و این شکست، غم و اندوه را در دل شما ایجاد کرد این غم و اندوه موجب کفران گناهان است و بدی‌های انسان را می‌زداید و اوتعالی بر تمام اعمال و احوال شما آگاه است و صدای شما را می‌شنود، او صادق را از کاذب و مؤمن را از کافر باز می‌شناسد.

﴿ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيۡكُم مِّنۢ بَعۡدِ ٱلۡغَمِّ أَمَنَةٗ نُّعَاسٗا يَغۡشَىٰ طَآئِفَةٗ مِّنكُمۡۖ وَطَآئِفَةٞ قَدۡ أَهَمَّتۡهُمۡ أَنفُسُهُمۡ يَظُنُّونَ بِٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ ظَنَّ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِۖ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ ٱلۡأَمۡرِ مِن شَيۡءٖۗ قُلۡ إِنَّ ٱلۡأَمۡرَ كُلَّهُۥ لِلَّهِۗ يُخۡفُونَ فِيٓ أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبۡدُونَ لَكَۖ يَقُولُونَ لَوۡ كَانَ لَنَا مِنَ ٱلۡأَمۡرِ شَيۡءٞ مَّا قُتِلۡنَا هَٰهُنَاۗ قُل لَّوۡ كُنتُمۡ فِي بُيُوتِكُمۡ لَبَرَزَ ٱلَّذِينَ كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَتۡلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمۡۖ وَلِيَبۡتَلِيَ ٱللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمۡ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ١٥٤﴾.

سپس حق‌تعالی بعد از این اندوه شدید و بعد از دلهره، تفرقه و اضطراب، آرامش و اطمینان را در قلب‌های شما نازل کرد تا جائی که برخی از شما از شدّت آرامش و اطمینان به خواب از چشم‌های‌شان به علت ترس و وحشت دور شده بود و می‌گفتند با ما در جنگیدن با کفار مشوره نشد و اگر چنین می‌کردند هرگز در این موقف تنگ و این وحشت شدید قرار نمی‌گرفتیم.

آنان اینکار را به منظور ایجاد شک در پیامبر و دین خدا أ انجام می‌دادند و نهاد خویش کفر، نفاق و نفرت را نسبت به خدا أ، پیامبر و مؤمنان پنهان می‌داشتند و در ظاهر امر مجامله می‌کردند، این بود که حق‌تعالی بر آنان چنین ردّ کرد که اگر آن‌ها در خانه‌های خویش هم می‌بودند پروردگار کسانی را می‌فرستاد تا مرگ را به آنان بچشاند و عمرش را پایان بخشد و به این ترتیب قضای الهی تحقق یابد و در هرجایی که مقدر شده بود کشته شود، روی این اساس نه خانه‌ای است که او را از مرگ باز دارد و نه قلعه‌ای که حمایتش کند.

با چنین وقایع و حوادثی حق‌تعالی ایمان مؤمن و کافر را می‌آزماید و قلب مؤمن را از بیماری‌های شک پاک می‌نماید و منافقان را رسوا می‌سازد و آنچه دربارۀ اسلام از قبیل بد بردن و خشم نسبت به دوستان خدا أ دارند ظاهر و آشکار می‌نماید؛ زیرا اوتعالی تمام آنچه در نهاد انسان‌ها قرار دارد را می‌داند و بر او هیچ امری پوشیده و مستور نیست و هیچ سرّی پنهان نمی‌باشد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَلَّوۡاْ مِنكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِ إِنَّمَا ٱسۡتَزَلَّهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ بِبَعۡضِ مَا كَسَبُواْۖ وَلَقَدۡ عَفَا ٱللَّهُ عَنۡهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٞ ١٥٥﴾.

ای مؤمنان! آن دسته از شما که در روز اُحد از میدان جنگ فرار کردند شیطان آن‌ها را در استراج قرار داد و ترس و وحشت را در دل‌های‌شان به سبب مخالفت از امر پیامبر انداخت، ولی چون خداوند أ بر ایمان آن‌ها علم داشت از سر تقصیرات‌شان گذشت و گناهان‌شان را عفو نمود؛ زیرا اوتعالی برای کسی که استغفار کند بخشنده است و چون حلیم می‌باشد در کیفردهی بندگان خود عجله نمی‌نماید بلکه به آن‌ها مهلت می‌دهد تا توبه کنند. مؤمنان در خطای خود با چنین سرنوشتی مواجه‌اند در حالی که منافقان به علت اعتقاد بَد، هم در برابر گناهان کبیره مؤاخذه می‌شوند و هم در برابر گناهان صفیره.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَقَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ إِذَا ضَرَبُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَوۡ كَانُواْ غُزّٗى لَّوۡ كَانُواْ عِندَنَا مَا مَاتُواْ وَمَا قُتِلُواْ لِيَجۡعَلَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ حَسۡرَةٗ فِي قُلُوبِهِمۡۗ وَٱللَّهُ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ١٥٦﴾.

ای مؤمنان! از این برحذر باشید که خود را به اهل کفر، نفاق و شک تشبیه کنید، آنانی که دربارۀ یاران و نزدیکان خود هنگامی که به تجارت یا جنگ می‌روند می‌گویند اگر با ما در خانه‌ها می‌بودند کشته نمی‌شدند، تا این مسأله مایۀ اندوه قلب و حسرت دل‌شان باشد؛ زیرا چنین پنداری اصلاً صحیح نیست. حق‌تعالی مقادیر همه چیز را مقدر نموده و موعد مرگ هر کسی را مشخص کرده است در این موعد نه تأخیری است و نه تقدیمی؛ چون خداوند أ زنده می‌کند و می‌میراند و همه چیز به قضا و قدر او و تا مدتی مشخص و معین است ولی حق‌تعالی اراده کرده تا بر آن‌ها حسرت و اضطراب را داخل کند و این حسرت و اضطراب منجر به آن شده تا در قضا و قدر الهی دچار شک و تردید شوند و اوتعالی به آنچه آن‌ها پنهان می‌دارند آگاه است و او نیت‌های آنان را افشا می‌سازد.

﴿وَلَئِن قُتِلۡتُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوۡ مُتُّمۡ لَمَغۡفِرَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَحۡمَةٌ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ١٥٧﴾.

و ای مؤمنان! اگر در راه خدا أ و اعلای کلمۀ او کشته شوید یا در بستر در حالی بمیرید که نیّت این کار در دل شماست، حق‌تعالی گناهان‌تان را می‌بخشد و ثواب بی‌پایان به شما می‌دهد و در درجات شما علو و رفعت ایجاد می‌کند. چنین فرجامی رستگاری بزرگ و نعمتی ماندگار است که منتظر شماست و از آنچه کافران جمع می‌کنند و می‌اندوزند بهتر است؛ زیرا شما ستایش نیک، عزّت و پیروزی دنیا را به دست می‌آورید و در آخرت به نعمت ماندگار می‌رسید.

﴿وَلَئِن مُّتُّمۡ أَوۡ قُتِلۡتُمۡ لَإِلَى ٱللَّهِ تُحۡشَرُونَ ١٥٨﴾.

و مردگانتان چه در بستر بمیرند یا در میدان جنگ مصیرشان به سوی خدای‌تعالی است. انسان باید نیّت خود را خاص برای رضای خدا أ بگرداند و در عمل خود صادق و مراقب اموری باشد که بین او و خدایش است، پس مادامی که مرجع و بازگشت همه به سوی اوست پس انسان باید به دنبال کسب رضای او باشد و از خشم و غضبش بر حذر باشد و از پیامبرش اطاعت کند.

﴿فَبِمَا رَحۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمۡۖ وَلَوۡ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلۡقَلۡبِ لَٱنفَضُّواْ مِنۡ حَوۡلِكَۖ فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ وَشَاوِرۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِۖ فَإِذَا عَزَمۡتَ فَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَوَكِّلِينَ ١٥٩﴾.

پس به سبب مهر و عطوفتی که حق‌تعالی در قلب تو قرار داده با مسلمانان رفتار نیک و نرم داری طوری که از خطاها و اشتباهات‌شان دَرمی‌گذری و نقائص‌شان را می‌پوشانی در حالی که آنان به مخالفت امر تو پرداخته و با تو در میدان جنگ ثابت قدم و استوار نماندند. چنین اخلاقی رحمتی از سوی خداست که به تو داده و اگر تو ای پیامبر دارای سخن تند و در تعامل خویش شدّت عمل می‌داشتی همه از کنار تو پراکنده و از یاریت دور می‌شدند ولی چون دارای اخلاق نیکو هستی، حق‌تعالی قلب‌ها را دو و بَر تو جمع کرد.

پس بر تو لازم است از تقصیرات مؤمنان در مخالف امر خود در گذری و از خدای خود نیز بخواه تا گناهان و اشتباهات آنان را ببخشد که او بخشنده و مهربان است.

با یاران خود دربارۀ هرگاه تصمیم و رأی تو روی امری صورت گرفت تصمیم خود را قاطع بساز و بر پروردگار خود توکل نما که تنها بر او باید اعتماد شود و اوتعالی کسی که امور خود را به او بسپارد دوست دارد. چنین کسی در انتخاب خود شایسته عمل کرده است.

﴿إِن يَنصُرۡكُمُ ٱللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمۡۖ وَإِن يَخۡذُلۡكُمۡ فَمَن ذَا ٱلَّذِي يَنصُرُكُم مِّنۢ بَعۡدِهِۦۗ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١٦٠﴾.

اگر خدای‌تعالی برای شما پیروزی را مقدر کرده باشد هرگز هیچ کافری بر شما پیروز نمی‌شود و هیچ دشمنی شما را شکست داده نمی‌تواند ولی اگر بر شما شکست را نوشته باشد در این صورت هیچ کسی نمی‌تواند شما را یاری رساند پس پیروزی را از خداوند أ با توکل و اعتماد بر او و رضایت به دینش بخواهید در چنین حالتی او شما را در دنیایتان یاری می‌رساند و در آخرت ثواب و پاداش به دست خواهید آورد؛ زیرا کسی که مالک تمام امور دنیا و آخرت است خدای یگانه و یکتا می‌باشد.

﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَغُلَّۚ وَمَن يَغۡلُلۡ يَأۡتِ بِمَا غَلَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ١٦١﴾.

برای هیچ پیامبری مناسب و سزاوار نیست که چیزی از غنائم را پنهان یا برای خود نگهدارد. چنان‌چه منافقان بر چنین گمانی بودند و زمانی که در روز بَدر برخی از اموال غنیمت مفقود گردید آن‌ها گفتند شاید پیامبر ج آن‌ها را برای خود گرفته باشد، پناه بر خدا أ اگر پیامبر ج چنین کرده باشد، او انسانی معصوم و پاک است و از ارتکاب این گناه بریء می‌باشد؛ زیرا پنهان‌کاری در غنائم با امانت دارای منافات دارد و نوعی خیانت به شمار می‌رود. چگونه یک پیامبر در مال و متاع زودگذر دنیا خیانت می‌کند در حالی که حق‌تعالی او را بر رسالت آسمانی و دعوت ربانی امین دانسته است.

سپس خدای‌تعالی خبر داد که هر کس خیانت کند در روز قیامت با جرمی که مرتکب شده آورده می‌شود و حق‌تعالی او را در برابر همۀ خلایق رسوا می‌سازد و بعد از آن کیفرش را مطابق حسابش در روزی می‌دهد که خدای تبارک و تعالی به حساب هر شخصی در برابر هر عملی که انجام داده می‌رسد، خواه عمل او خوب باشد یا بد و اوتعالی عادلی است که هرگز ظلم و ستم روا نمی‌دارد و هیچگاه در گناه گناه‌کاران اموری را که انجام نداده‌اند نمی‌افزاید و در پاداش نیکوکاران بخالت روانمی‌دارد بلکه در آن روز میزان او که خدای رحمان است براساس عدالت بر پای خواهد شد.

﴿أَفَمَنِ ٱتَّبَعَ رِضۡوَٰنَ ٱللَّهِ كَمَنۢ بَآءَ بِسَخَطٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأۡوَىٰهُ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٦٢﴾.

آیا کسی که در راه رضای خدا أ که از آن راضی است گام برداشته مانند ایمان به خدا أ، پیروی از پیامبر ج و اجرای اوامر و اجتناب از نواهی اوتعالی مانند کسی است که به سبب کفر، نفاق و الحاد خویش به سوی زیان، لعنت و خشم گام بر داشته است؟! برای چنین کسی در دنیا ذلّت، خواری و عار است و در آخرت جایگاه او آتش دوزخ خواهد بود و چه بد مصیر و قرارگاه است دوزخ.

﴿هُمۡ دَرَجَٰتٌ عِندَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ ١٦٣﴾.

مردم در پیشگاه خداوند أ در درجات متفاوتی قرار دارند. برای مؤمنان درجاتی از طریق کمائی کردن بهشت، نعمت و همراهی پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان است و برای کافران و منافقان و کسانی که از دین خدا أ روی می‌گردانند درکات و فرمایگی‌هاست و حق‌تعالی به عمل هر عمل کننده‌ای بیناست و اوتعالی در آخرت هر انسانی را براساس اعمالش در درجۀ مناسبی قرار می‌دهد طوری که نه بر آن می‌افزاید و نه از آن کم می‌نماید. گذاشتن هر انسان در منزلۀ مناسب آن کاری است که براساس عدالت، علم و حکمت صورت می‌گیرد، بنابراین انسان چاره‌ای ندارد جز اینکه عمل کند و در عمل خود اخلاص داشته باشد و انسان نباید از اینکه بر او در آخرت ظلمی صورت گیرد بیم و نگرانی داشته باشد.

﴿لَقَدۡ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ بَعَثَ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلُ لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ١٦٤﴾.

به یقین که حق‌تعالی بر مسلمانان با بعثت پیامبر اسلام ج که از جنس و قبیلۀ خودشان است فضل و احسان نمود تا مسلمانان به ایشان اقتدا کنند و ایشان برای آن‌ها الگو باشد و بر آن‌ها آیات الهی را تلاوت نموده، احکام شرعی را بیان کند و آن‌ها را بر داشتن بهترین آداب رهنمایی نماید، چنان‌چه قلب‌های‌شان را نیز از هرگونه پلیدی، شک و شبهه پاک کند و به آن‌ها قرآن و سنّت را آموزش دهد بعد از اینکه همۀ آن‌ها در تاریکی‌ها قرار داشته و غرق نافرمانی بودند و برای آن‌ها نوری که با آن هدایت شوند، امامی که به او اقتدا و شریعتی که با آن دادخواهی کنند نبود بلکه همۀ آن‌ها در سرکشی بزرگ و گمراهی آشکار قرار داشتند.

﴿أَوَلَمَّآ أَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةٞ قَدۡ أَصَبۡتُم مِّثۡلَيۡهَا قُلۡتُمۡ أَنَّىٰ هَٰذَاۖ قُلۡ هُوَ مِنۡ عِندِ أَنفُسِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٦٥﴾.

یا زمانی که بر شما شکست اُحد واقع شد، آنگاه که گفتید چگونه شکست می‌خوریم در حالی که به پیروزی وعده داده شدیم و ما بر حقیم و چگونه مشرکان بر ما غلبه پیدا می‌کنند در حالی که آن‌ها بر باطل‌اند؟! ای محمد ج برای آن‌ها بگو سبب این شکست در خود شماست؛ زیرا شما از اوامر من هنگامی که به شما گفتم بر روی کوه «رماة/ تیراندازان» ثابت قدم و استوار باشید ولی شما نافرمانی کردید این بود که شکست نصیب شما شد پس آن لحظه را به یاد داشته باشید.

در معرکۀ بدر این شما بودید که آنان را شکست دادید اگر در جنگ اُحد هفتاد تن از شما کشته شدند در معرکۀ بدر هفتاد تن از آنان را کشتید و هفتاد تن دیگر را اسیر گرفتید و به این ترتیب شما دو برابر به آنان آسیب رساندید.

هرکاری به قدرت خداست اوتعالی بر همۀ چیز قادر و تواناست زیرا او توانایی است که هیچ امری بر او دشوار نمی‌باشد، او حکیمی است که هیچ کجی و انحرافی در امرش نیست و بربندگان خود بیناست.

﴿وَمَآ أَصَٰبَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِ فَبِإِذۡنِ ٱللَّهِ وَلِيَعۡلَمَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٦٦﴾.

آنچه به شما در اُحد به سبب نافرمانی از امر پیامبر ج رسید براساس تقدیر خدای‌تعالی بود. هر چیزی مطابق با قضا و قدر و براساس حکمتی است که اوتعالی اراده فرموده است تا از این طریق علم او در میان مؤمنان به ظهور برسد و هم صادق از درغوگو، مؤمن از منافق ظاهر شود و بین جهاد مجاهد و انحراف منحرف تفاوت ایجاد گردد و هرپدیده‌ای براساس حقیقت خود بیان شود و مجرد ادعای بدون دلیل باطل گردد.

﴿وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ نَافَقُواْۚ وَقِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ قَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوِ ٱدۡفَعُواْۖ قَالُواْ لَوۡ نَعۡلَمُ قِتَالٗا لَّٱتَّبَعۡنَٰكُمۡۗ هُمۡ لِلۡكُفۡرِ يَوۡمَئِذٍ أَقۡرَبُ مِنۡهُمۡ لِلۡإِيمَٰنِۚ يَقُولُونَ بِأَفۡوَٰهِهِم مَّا لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡۚ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا يَكۡتُمُونَ ١٦٧﴾.

و تا علم و دانش خدای‌تعالی در خصوص منافقان مرتد آشکار شود و موقف این گروه واضح گردد، کسانی که پیامبر آنان را به سوی جهاد در راه خدا أ در اُحد و یا دفاع از مدینه فرا خواند با این انگیزه که اگر نمی‌خواهند به خاطر دین جهاد کنند پس به خاطر دنیای خویش باید جهاد کنند. آنان بر خدا أ دروغ گفته و گفتند اگر یقین می‌داشتیم که نبردی صورت می‌گیرد حتماً با پیامبر ج به جنگ می‌رفتیم در حالی که دروغ می‌گفتند و می‌دانستند که جنگ حتماً واقع می‌شود. آن‌ها به کفر ایمان نزدیکتر بودند و ایمان از آن‌ها بیزار است؛ زیرا مؤمن هیچگاه از اوامر پیامبر اسلام ج سرپیچی نمی‌نماید و هیچگاه به عنوان عاملی در جهت ایجاد تفرقه در بین مؤمنان واقع نمی‌شود و از اشتراک در جهاد خود را بازنمی‌دارد و با دشمنان خدا أ دوستی نمی‌کند. این‌ها بر زبان خود سخنانی را جاری می‌سازند که مخالف باورهای قلبی‌شان است، از این‌روی ظاهر آن‌ها بر خلاف باطن و آشکارشان بر خلاف نهان‌شان است. آن‌ها ظاهراً نرم و سخن نیکو بر زبان می‌رانند و خباثت و مکر و حیله را نسبت به اسلام و مسلمانان در نهاد خویش پنهان می‌دارند ولی حق‌تعالی امور آن‌ها را آشکار و نهان‌شان را برملا می‌سازد و بر اوتعالی هیچ امری پوشیده نیست و از او هیچ غائبی پنهان نمی‌باشد.

﴿ٱلَّذِينَ قَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ وَقَعَدُواْ لَوۡ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُواْۗ قُلۡ فَٱدۡرَءُواْ عَنۡ أَنفُسِكُمُ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٦٨﴾.

این منافقان به دوستان خود از میان مسلمانان و منافقان توصیه می‌کنند تا از اشتراک در جنگ خودداری کنند و دربارۀ کسی که در راه خدا أ به عنوان مجاهد جان خود را به خاطر نصرت دین خدا أ می‌فروشد می‌گویند اگر این شخص به جهاد نمی‌رفت کشته نمی‌شد و اگر به رأی و نظر ما عمل می‌کرد جان او به هدر نمی‌رفت، آن‌ها این سخنان را در حالتی بر زبان جاری می‌سازند که گویا خویشتن را از مرگ و فنا حفظ می‌کنند. حق‌تعالی این سخن بد و زشت آنان را ردّ می‌نماید و می‌فرماید اگر شما راست می‌گوئید که خویشتن را با عدم اشتراک در جنگ از مرگ حفظ کردید بیائید مرگ را نیز از خود در حالی دفع کنید که در خانه‌های‌تان قرار دارید ولی شما این کار را انجام داده نمی‌توانید و به زودی مرگ به سراغ شما می‌آید ولو در برج‌های مستحکم نیز قرار داشته باشید! آیا می‌توانید مرگ را از کسی دفع کنید یا از موعد مقرره‌اش به تأخیر اندازید؟! در حالی که شما نمی‌توانید چنین کاری را با خود انجام دهید.

﴿وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتَۢاۚ بَلۡ أَحۡيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمۡ يُرۡزَقُونَ ١٦٩﴾.

هیچکس نباید دربارۀ کسی که در راه اعلای کلمۀ خدا أ کشته می‌شود گمان کند که او مرده است، خیر چنین نیست او دارای زندگانی ویژه‌ای در عالم برزخ است و در جوار پروردگار خویش از نعمت‌های بهشت و جوی‌های جاری و مجلسی صادق نزد پادشاه مقتدر بهره می‌برد و در سرور و فرح خاصی قرار دارد و از میوه‌های بهشت و انواع غذاها و نوشیدنی‌های آن روزی می‌خورد، چون جان خود را در راه خدا أ فدا نموده است.

﴿فَرِحِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ وَيَسۡتَبۡشِرُونَ بِٱلَّذِينَ لَمۡ يَلۡحَقُواْ بِهِم مِّنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ١٧٠﴾.

این شهدا به خاطر فروختن جان خویش در راه خدا أ و به دست آوردن شهادت و کرامت بهشت، با زندگی در مقامی بلند و امن و در رستگاری بزرگ خوشحال‌اند و دربارۀ برادران مؤمن خویش که هنوز در دنیا زندگی می‌کنند خورسنداند و آرزو دارند آنان نیز از طریق شهادت به مقام و منزلتی برسند که آنان رسیدند و در پاداش بزرگ‌شان شریک گردند.

بر این شهدا هیچ ترس و خوفی نیست از این‌روی آنان از امور هولناک قیامت نمی‌هراسند؛ زیرا حق‌تعالی آنان را در امنیت قرار داده و بر قلب‌های‌شان آرامش نازل کرده است و به آنان بشارت امنیت دائم و خورسندی داده از این‌روی از عاقبت بدی‌هایی که انجام داده‌اند غمگین نیستند؛ بلکه حق‌تعالی گناهان آنان را مَحو نموده و بخشیده است زیرا آن‌ها در راه خدا أ قربانی داده‌اند.

﴿۞يَسۡتَبۡشِرُونَ بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٧١﴾.

این شهدا از آنچه خدای‌تعالی به آن‌ها داده و از نعمتی که مایۀ گوارائی و شادمانی چشم و سرور دل‌ها و بشاش بودن روی‌ها و سعت روزی و اقامت دائم توأم با جوانی و صحت است و از اینکه به سوی حق‌تعالی نظر می‌کنند خوشحال‌اند. پس فضل فضل اوست و نعمت نعمت او زیرا خداوند عمل هیچ عمل کننده و تلاش هیچ کننده‌ای را ضایع نمی‌سازد به شرط آنکه در ایمان خود صادق و در عمل خود اخلاص داشته باشد و حتی خداوند برای چنین کسانی نعمت‌هایی را ذخیره می‌سازد که بسیار از عمل‌شان بزرگتر و مهمتر است و عاقبت آنان را نیکو و ستوده می‌سازد.

﴿ٱلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِ مِنۢ بَعۡدِ مَآ أَصَابَهُمُ ٱلۡقَرۡحُۚ لِلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ مِنۡهُمۡ وَٱتَّقَوۡاْ أَجۡرٌ عَظِيمٌ ١٧٢﴾.

برای مجاهدان در راه خدا أ که در معرکۀ اُحد شرکت کردند پاداش دائم است. مردگان‌شان شهید‌اند و در بهشت و نعمت قرار دارند و زندگان‌شان با عزّت زندگی می‌نمایند و منتظر نصرت خدا أ و ثواب اویند، آنانی که به ندای خدا و پیامبرش پاسخ مثبت دادند به خصوص بعد از اینکه به آن‌ها انواع و اقسام جراحت‌ها، بلیات و سختی‌ها رسیده و بعد از اینکه دچار شکست شدند.

پیامبر اسلام ج زمانی آنان را به نبرد مشرکان فرا خواند که به ایشان خبر رسید کفار در منطقۀ «حمراء الاسد» جمع شده‌اند، از همان لحظه مسلمانان بسیج شده و به این ترتیب بهترین پاسخ را به ندای جهاد دادند.

در مخالفت امر پیامبر ج و در خروج از جمع مسلمانان از خدا أ بترسید که برای اینان در پیشگاه خدای بزرگ پاداشی بزرگ است که از جملۀ این پاداش می‌توان به از بین رفتن بدی‌ها و ازدیاد حسنات‌شان اشاره کرد، چنان‌چه در بهشت نیز درجات بلندی را کمائی خواهند نمود و در امنیت و اقامت نیکو و در نعمتی ماندگار و ابدی و در جوار خدایی که مهربان‌ترین مهربانان است قرار خواهند داشت.

﴿ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدۡ جَمَعُواْ لَكُمۡ فَٱخۡشَوۡهُمۡ فَزَادَهُمۡ إِيمَٰنٗا وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ ١٧٣﴾.

بعضی از شبهه اندازانی که با کفّار موالات داشتند به منظور ایجاد ترس و رعب، خطاب به مؤمنان صادق و مجاهد در راه خدا أ گفتند همانا قریشیان تمام دسته‌جات خود را به خاطر جنگ با شما آمده نموده‌اند و به سوی شما سواره و پیاده حرکت کرده، می‌خواهند بر شما هجوم آورند پس هشیار و متوجه باشید! این سخنان در مؤمنان جز افزایش ایمان، صدق و ثبات نتیجۀ دیگری درپَی نداشت، از این‌روی آن‌ها در بهترین وجه پای داری نموده و با پیامبر ج به جهاد رفتند و به سوی خدای بزرگ التجا نموده گفتند برای ما خدا أ کافی است که او بهترین وکیل است، او ما را از همۀ دشمنان کافی است و اوتعالی ما را از هر مهاجمی حمایت خواهد کرد؛ زیرا ما لشکر او و با او هستیم و چون خدا أ با ما و یاری دهنده و مؤید ماست، هرگز مغلوب و ذلیل نخواهیم شد.

﴿فَٱنقَلَبُواْ بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ لَّمۡ يَمۡسَسۡهُمۡ سُوٓءٞ وَٱتَّبَعُواْ رِضۡوَٰنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَظِيمٍ ١٧٤﴾.

و بعد از اینکه این سخن بزرگ را گفتند و بر خدا أ توکل کردند، بازگشت‌شان به سوی سلامتی، خوبی، اجر و پاداش شد و به آن‌ها هیچ اذیت، بدی و مصیبتی نرسید و با هیچ دشمنی روبرو نشدند؛ زیرا آن‌ها پاسخ ندای حق‌تعالی را به خوبی دادند و خدای‌تعالی عاقبت هر اجابت‌گر نیکو را به خیر و گردش روزگار را بر علیه دشمنان‌شان می‌گرداند. این‌ها از آنچه خدا أ آنان را امر نموده بود پیروی کردند؛ زیرا رضایت حق‌تعالی در پیروی پیامبر است و اوتعالی بر کسی که از هدایت و پیامبرش پیروی کند با پیروزی دنیا و رستگاری آخرت منت می‌نهد، طوری که اگر زندگی کند با عزّت زندگی می‌کند و اگر بمیرد مرحوم خواهد مُرد و در بهشت و نعمت گرامی می‌باشد.

﴿إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ يُخَوِّفُ أَوۡلِيَآءَهُۥ فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١٧٥﴾.

و ای مؤمنان! تمام این ارعاب و تخویف از سوی شیطان است که همواره تلاش می‌نماید دوستان خدا أ را بترساند. او اتباع و اعوان خود را می‌فرستد تا در دل‌های مؤمنان ایجاد رعب و وحشت کنند، پس شما ای مؤمنان استقامت کنید و به خدای بزرگ اعتماد داشته و بر او توکل نمائید و تمام امور خود را به اوتعالی بسپارید و هرگز از دوستان شیطان و اتباعش نترسید و فقط از خدای یکتای یگانه، او که غالب و قوی است و هیچ‌کس نمی‌تواند بر او غلبه یابد بترسید! خدایی که نفع و ضرر، زندگی و مرگ از سوی اوست. زیرا مؤمن صادق جز از خدای خویش، دیگر از هیچ‌کس نمی‌هراسد، او می‌داند مردم هیچ نفع و ضرری اگر خدا نخواسته باشد رسانیده نمی‌توانند و هرگز توان زنده نمودن و مرده کردن را ندارند، آن‌ها نمی‌توانند در صورتی که خدا نخواهد با کس وصلتی پیدا کنند و یا مقاطعه کنند، مردم هرگز نمی‌توانند چیزی به کسی بدهند و یا از کسی باز دارند مگر اینکه خدای‌تعالی بخواهد.

﴿وَلَا يَحۡزُنكَ ٱلَّذِينَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡكُفۡرِۚ إِنَّهُمۡ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡ‍ٔٗاۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ أَلَّا يَجۡعَلَ لَهُمۡ حَظّٗا فِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٧٦﴾.

و ای پیامبر ج! از کفر این‌ها و از اینکه در گمراهی نعمّق دارند و بر سرکشی دوام و استمرار می‌بخشند در اندوه نباش زیرا آن‌ها جز بر خویشتن به هیچ‌کس دیگری آسیب نمی‌رسانند. آن‌ها هرگز نمی‌توانند به خدای‌تعالی ضرری برسانند؛ چون خداوند أ از همۀ بندگان خود بی‌نیازاند. هیچگاه طاعت فرمانبرداران به او نفعی نمی‌رساند و گناه گناه‌کاران ضرری. حق‌تعالی در آن روز که کفر را بر آنان مقدر کرد چنین مقرر داشت که برای آن‌ها در آخرت ثواب و پاداشی از قبیل بهشت و نعمت ماندگار نباشد و در دنیا نیز به عزّت و پیروزی نرسند. حق‌تعالی در حق آنان چنین کرد تا آن‌ها را نیست و نابود کند و مؤمنان را توسط آن‌ها محترم و گرامی دارد. حق‌تعالی برای آنان عذابی دردناک در آخرت به عنوان کیفر اعمال بدشان ذخیره ساخته است.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلۡكُفۡرَ بِٱلۡإِيمَٰنِ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٧٧﴾.

این منافقان، آنانی که ایمان را فروخته، در عوض کفر را گرفتند، ضرر عملکردشان فقط بر خود آنان است. همچنان نتیجه و عواقب حیله‌ها و دسیسه‌های‌شان فقط بر خود آنان می‌رسد و حق‌تعالی هیچگاه از پُشت کردن و کفر و نفاق کسی زیان نمی‌بیند؛ زیرا عزّت مطلق از آن اوست، او بی‌نیاز مطلق است. این منافقان فقط به خود زیان می‌رسانند و به زودی حق‌تعالی آنان را به خاطر اعمال بد و تصرفات زشت‌شان کیفر می‌دهد.

﴿وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ خَيۡرٞ لِّأَنفُسِهِمۡۚ إِنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ لِيَزۡدَادُوٓاْ إِثۡمٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ١٧٨﴾.

کفّار از مهلتی که به آن‌ها در دنیا می‌دهیم و در نزول کیفر بر آن‌ها عجله نمی‌نمائیم، گمان نکنند که چنین تعاملی به خاطر فضلی است که آن‌ها دارند و یا به این علت نیست که ما برای آن‌ها ثواب و پاداش ذخیره ساختیم، بلکه هدف از تأخیر کیفر و مهلت دادن به آن‌ها این است که تا مدتی درازتر باقی بمانند و گناهان بیشتری بر گناهان‌شان اضافه شود و در اخیر به سوی ما بازگردند تا در حق آنان شدیدترین کیفر و بدترین عذاب را در آتش دوزخ نازل کنیم.

﴿مَّا كَانَ ٱللَّهُ لِيَذَرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ عَلَىٰ مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ ٱلۡخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُطۡلِعَكُمۡ عَلَى ٱلۡغَيۡبِ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَجۡتَبِي مِن رُّسُلِهِۦ مَن يَشَآءُۖ فَ‍َٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۚ وَإِن تُؤۡمِنُواْ وَتَتَّقُواْ فَلَكُمۡ أَجۡرٌ عَظِيمٞ ١٧٩﴾.

اینگونه نیست که حق‌تعالی مؤمنان مخلص را از میان شما به حال خودشان بگذارد بلکه اوتعالی می‌خواهد از طریق ابتلاءات و آزمایش‌های خود، مؤمن صادق را از منافق دروغگو با وحیی که بر پیامبر نازل می‌کند و با اطلاعاتی که به وی دربارۀ شما می‌دهد جدا سازد.

خداوند أ هیچگاه بندگان خود را از اسراری که می‌داند مطلع نمی‌سازد ولی انواع و اقسام ابتلاءات و آزمایش‌ها را مقدر می‌کند تا تفاوت منافق و مؤمن واضح می‌گردد، زیرا اگر امتحان و آزمایش نمی‌بود پرهیزگاران از بدکاران مشخص نمی‌شدند و اگر همین آزمایش‌ها نباشد مؤمنان از احوال منافقان اطلاع حاصل نمی‌کنند.

خدای‌تعالی هیچگاه غیب را به تمام بندگان خود آشکار نمی‌سازد بلکه او از میان آن‌ها پیامبرانی برمی‌گزیند و آنان را بر برخی از امور غیب و اسرار قضا و قَدر خویش باخبر می‌سازد تا آن‌ها به نوبۀ خود شمه‌ای از این اطلاعات را در اختیار اقوام خود قرار دهند.

بنابراین بر شما لازم نیست تا امور غیبی را به هدف کشف اسرار قدرت مطالعه کنید بلکه شما باید به خدای‌تعالی ایمان آورده و از پیامبرش اطاعت کنید و به اوامر پروردگار خود تسلیم باشید و در راه او جهاد کنید، هرگاه ایمان آورید و از اوامر الهی اطاعت نموده و از نواهیش اجتناب کنید و آنچه را خدای دوست دارد به گونۀ شایسته انجام دهید در چنین حالتی حق‌تعالی برای شما پاداشی بزرگ و اجری عظیم در جوار خود و اولیای خویش ذخیره می‌سازد.

﴿وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ هُوَ خَيۡرٗا لَّهُمۖ بَلۡ هُوَ شَرّٞ لَّهُمۡۖ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِۦ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ١٨٠﴾.

ثروتمندان بخیل آنانی که از اموال خود در راه خدا أ و امور خیریه انفاق نمی‌کنند، گمان نبرند که این امساک و مصرف نکردن به آن‌ها نفع می‌رساند و آنان را از انواع و اقسام مصیبت‌ها و و بلیات نگه می‌دارد، خیر چنین نیست این امساک در آخرت برای آنان مایۀ عذاب و کیفر است و برکت را نیز از سرمایه‌های‌شان می‌بَرد و قلب‌های‌شان را سخت می‌سازد. حق‌تعالی به زودی این اموال را در روز آخرت تبدیل به طوقی از عذاب می‌کند که آتش دوزخ را به همراه دارد و در گردن‌های این‌ها آویزان می‌نماید.

این عذاب به علت بخل و امساک آن‌هاست ورنه همۀ آنچه در آسمان‌ها و زمین قرار دارد از آن خدای یگانۀ یکتاست و اوتعالی هیچ نیازی به انفاق و صدقات ندارد، او پروردگار آسمان‌ها، زمین و مالک تمام پدیده‌هایی است که در این دو قرار دارد. او میراث بَر هر ثروتمند و فقیر است، زیرا پروردگار، زمین و تمام آنچه بر روی آنست را به ارث می‌برد، او به زودی آنان را در برابر این اموال محاسبه می‌نماید؛ زیرا پروردگار عالم در جریان تمام آنچه آن‌ها انجام داده‌اند قرار دارد.

﴿لَّقَدۡ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوۡلَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ فَقِيرٞ وَنَحۡنُ أَغۡنِيَآءُۘ سَنَكۡتُبُ مَا قَالُواْ وَقَتۡلَهُمُ ٱلۡأَنۢبِيَآءَ بِغَيۡرِ حَقّٖ وَنَقُولُ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ١٨١﴾.

حق‌تعالی این سخن بد و زشت یهودیان (خداوند هلاک‌شان کند) را شنید که گفتند: خدا أ فقیر است چون از ما می‌خواهد تا به خاطر او نفقه و صدقه دهیم و اگر او ثروت می‌داشت حتماً از اموال ما بی‌نیاز می‌بود و از ما نمی‌خواست تا صدقه و نفقه بدهیم.

در اینجا خداوند أ خبر می‌دهد که او این سخن زشت آنان را ثبت می‌نماید تا بر مبنای آن، آن‌ها را مورد محاسبه و باز خواست قرار دهد چنان‌چه آن‌ها را به خاطر گناهان گذشتۀشان را می‌سوزاند، اجسامی که بر بخل تربیت شده است. این آتش تمام وجود آنان را که از مال خبیث رُشد کرده پاره پاره می‌سازد. و برای اوست تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین قرار دارد و اوتعالی از هر کسی بی‌نیاز است ولی می‌خواهد بنده‌اش با انفاق مال خویش به فقیر، نیازمند و مسکین، بر خود صدقه دهد.

﴿ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيۡسَ بِظَلَّامٖ لِّلۡعَبِيدِ ١٨٢﴾.

عذابی که به یهودیان بدکار و امثال آن‌ها می‌رسد به سبب عملکرد بدشان است که در دنیا انجام داده‌اند، اعمالی مانند تکذیب، پیمان شکنی، کشتن پیامبران، بخل، خوردن مال حرام، دروغگوئی، رشوت ستانی، تزویر در کتاب مقدس و تحریف کلام خدا و تبدیل معانی آن؛ زیرا خدای‌تعالی هیچگاه بر کسی ظلم نمی‌کند و ضرورتی به کیفر کسی که سزاوارش نیست ندارد چون همه بندگان اویند، از این‌روی پرهیزگارشان پاداش دریافت می‌دارد و بدکاران‌شان عذاب و توهین می‌شود، تمام این‌ها بنابر حکمتی است که خدای‌تعالی اراده فرموده تا جزای هر شخصی مطابق عملکردش باشد.

﴿ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ عَهِدَ إِلَيۡنَآ أَلَّا نُؤۡمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأۡتِيَنَا بِقُرۡبَانٖ تَأۡكُلُهُ ٱلنَّارُۗ قُلۡ قَدۡ جَآءَكُمۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِي بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَبِٱلَّذِي قُلۡتُمۡ فَلِمَ قَتَلۡتُمُوهُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٨٣﴾.

این یهودیان بر خدا أ دروغ بر بسته گفتند: ما هرگز به هیچ پیامبری ایمان نمی‌آوریم مگر اینکه برای ما نشانه‌ای واضح و آشکار بیاورد، این نشانه اینگونه باید باشد که به ما یا گوسفندی بیاورد، یا شتر یا گاوی و سپس آتشی از آسمان فرود آید و این قربانی را بسوزاند.

حق‌تعالی چنین پاسخ آنان را داد که این سخن دروغ و افتراست، او هیچگاه تعهدی در این زمینه به آن‌ها نداده و توصیه‌ای نیز نکرده و مطلبی در کتابی از کتاب‌های آسمانی خود ذکر نفرموده است. پس ای محمد ج به آنان بگو: پیش از من پیامبرانی با نشانه‌های واضح و آشکار و معجزات آمد و تمام آنچه را در آن زمان مطالبه کردید آوردند ولی با تمام این‌ها شما آنان را تکذیب نموده، برخی را کشتید و به آنچه بر آن‌ها نازل شده کفر ورزیدید. چرا شما چنین اعمالی را در حق پیامبران خود مرتکب شدید و از سایر پیامبران نشانه‌های واضح و آشکار می‌خواهید؟ پس شما واقعاً مردمانی افترا کننده بر خدا أ و تکذیب‌گر دین و خارج از طاعتش هستید.

﴿فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدۡ كُذِّبَ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَ جَآءُو بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُنِيرِ ١٨٤﴾.

ای محمد ج! اگر این‌ها رسالت و پیامبری تو را ردّ کرده و از دین تو روی گردانیدند و تکذیبت کردند، باید این نکته را بدانی که پیش از تو نیز پیامبرانی با آیات و نشانه‌های واضح و معجزات و کتاب‌های آسمانی آمده‌اند و با خود هدایت واضح و آشکار و حکمت‌های روشن و اندرزهای مؤثر را آورده‌اند ولی آن‌ها این پیامبران را تکذیب نموده با آنان جنگیدند و آنان را کشتند، پس تو در این مسیر جدید و تازه نیستی و اولین کسی نمی‌باشی که تکذیب شده است، ازینروی صبر کن و برای خود پاداش در نظر بگیر.

﴿كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوۡنَ أُجُورَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ فَمَن زُحۡزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدۡخِلَ ٱلۡجَنَّةَ فَقَدۡ فَازَۗ وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ ١٨٥﴾.

هر ذاتی بدون شک حتماً جام مرگ را می‌نوشد، از این قاعده هیچ‌کس مستثنی نیست. این آیه حامل وعده برای مؤمنان است که به زودی خدای‌تعالی بعد از وفات آن‌ها به آنان ثواب و پاداش می‌دهد چنان‌چه تهدیدی نیز برای بدکاران تکذیب‌گر است که حق‌تعالی به زودی آنان را بعد از مرگ‌شان کیفر می‌دهد. و شما ای مردم به زودی جزای بد دریافت خواهید داشت. پس این دنیا سرای پاداش اطاعت کنندگان و کیفر گنه‌کاران نیست، سرای پاداش آن سراست، آنجایی که حق‌تعالی پاداش هر نفسی را در برابر عملکردش می‌دهد؛ زیرا این دنیا کوتاه و بی‌ارزش است و نمی‌تواند مدتی مناسب برای پاداش مؤمن یا کیفر کافر باشد. آخرت باقی و بهتر است و زندگی واقعی و حقیقی در آن سراست چون کسی که از آتش دوزخ دور شود در واقع به رستگاری بزرگ و رضوان الهی رسیده است.

رستگاری آنگونه که بعضی از جهّال ادعای می‌کنند و می‌پندارند در به دست آوردن مناصب بلند، اموال فراوان و جمع آوری هیزم دنیای فانی و داشتن فرزندان و خانه‌های بسیار و شهرت و منزلت نیست، سرای دنیا رؤیاهای خوابیده و خیالاتی زود گذر و امنیتی در حال فروپاشی و ثانیه‌های شماره شده است.

﴿۞لَتُبۡلَوُنَّ فِيٓ أَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡ وَلَتَسۡمَعُنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُوٓاْ أَذٗى كَثِيرٗاۚ وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ ١٨٦﴾.

حتماً در اموال خود با مصیبت‌ها، حوادث، بلیات و همچنان با صدقۀ واجب و آفات آسمانی و زمینی همچون سرقت، تلف شدن و سوختن و امثال آن مورد ابتلا و آزمایش قرار می‌گیرید تا دانسته شود چه کسی به منظور احتساب اجر صبر می‌کند. همچنانی که در جان‌های خویش با اذیت، انواع ابتلاءات، مشقت‌ها، زلزله‌ها و از این قبیل نیز مورد ابتلا قرار می‌گیرید تا کسانی که بر حق ثابت قدم و استوار می‌مانند ثابت باشند و آنانی که از دلیل و برهان منحرف می‌شوند محرف شوند و تا مؤمنان را متمایز و نفاق منافقان و کفر کفّار را ظاهر و آشکار کند. تمام این‌ها براساس حکمت و روشی ثابت صورت می‌گیرد و به زودی از یهودیان و نصرانیان و از مشرکان عرب خواهید شنید که دست به استهزا و سخریه و تکذیب و عناد و انحراف می‌زنند و از انتشار دین‌تان جلوگیری نموده با آن می‌جنگند و مردم را برعلیه آن تحریک می‌کنند و بر ضد شما دست به حزب گرائی می‌زنند. در این گیرودار اگر شما بر دین خود و بر ادای اوامر الهی و اجتناب از نواهی او صبر کنید و تقوای خدا را رعایت کنید این امر شما را یاری می‌دهد تا به صلاح نفس خود بپردازید و تمام امور خود را راست و برابر ساخته و به سبب این صبر همت لازم را که موجب طاعات و اجتناب از گناهان می‌شود را به دست آورید، در چنین حالی است که به اذن الهی بر تمام دشمنان خود پیروز می‌شوید.

﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكۡتُمُونَهُۥ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمۡ وَٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلٗاۖ فَبِئۡسَ مَا يَشۡتَرُونَ ١٨٧﴾.

و یاد آورید روزی را که خدای‌تعالی پیمان مستحکم و استواری از یهودیان و نصرانیان مبنی بر این امر گرفت که آنان برای مردم کتاب‌هایی که به سوی آن‌ها نازل شده مانند تورات و انجیل و احکام الهی را توضیح دهند، احکامی مانند امر به معروف، نهی از منکر، حلال و حرام و سایر احکام را از طریق تعلیم، فتوا، قضا و.. بیان کنند و هیچگاه چیزی از این امور را منکر نشوند و آن را مخفی نسازند؛ ولی آن‌ها این پیمان را نقض کرده و پشت سَر انداختند، درست مانند کسانی که از احکام الهی روی می‌گردانند و به این احکام تمسخر و استهزا می‌نمایند.

آن‌ها همچنان در مقابل این پیمان شکنی خود بهای بی‌ارزش و حقیری از متاع زودگذر دنیا را بر گزیدند وچقدر بد است این بدل که در عوض رفعت علمی، امامت در دین، ستودگی در پیشگاه خداوند أ و خلق، جایگاه باقی، یاد نیکو و جاودانگی در بهشت به دست آوردند.

﴿لَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡرَحُونَ بِمَآ أَتَواْ وَّيُحِبُّونَ أَن يُحۡمَدُواْ بِمَا لَمۡ يَفۡعَلُواْ فَلَا تَحۡسَبَنَّهُم بِمَفَازَةٖ مِّنَ ٱلۡعَذَابِۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٨٨﴾.

آنانی که بر عملکرد خویش خوشحال‌اند و در برابر آنچه انجام نداده‌اند دوست دارند از سوی مردم مورد ستایش قرار گیرند گمان مبر که آنان از عذاب الهی و گرفت او دوراند؛ مانند یهودیان، زمانی که پیامبر اسلام ج دربارۀ مسأله‌ای از آنچه در کتاب‌شان بود سوال فرمود جواب درست را پنهان داشته و مطلب دیگری را ارائه نمودند و هنگام بیرون شدن طوری وانمود کردند که گویا اطلاعات درست را ارائه نموده و حتی دوست داشتند با وجود دروغی که گفتند مورد ستایش قرار گیرند. آن‌ها از اینکه حق را کتمان نموده بودند نهایت خورسند بودند روی این اساس به سوی زیانی بزرگ از جانب خدای‌تعالی باز گشتند.

شاید و ای بسا که در مفهوم این آیه کسانی داخل می‌شوند که از ستایش مردم و طلب مقام و منزلت نزد آن‌ها خوشحال می‌شوند و همواره تلاش می‌نمایند تا نزد آن‌ها مقام و منزلت عالی به دست آورند اینجاست که حق‌تعالی سعی و تلاش آن‌ها را چون ارادۀ خدا أ را ندارند باطل می‌سازد.

﴿وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١٨٩﴾.

و تصرف در تمام امور از آن خدای بزرگ است؛ زیرا همۀ آنچه در آسمان‌ها و زمین قرار دارد ملک اوست. او در آسمان‌ها و زمین به گونه‌ای که بخواهد تصرف می‌نماید، تصرف در نحوۀ آفرینش، روزی دادن تدبیر کردن، زنده نمودن، میراندن، مجازات و محاسبه کردن. بر انسان‌ها واجب و لازم تا در اعمال خویش تنها او را تصرف عاجز ساخته نمی‌تواند و هیچ ردّ کننده‌ای برای قضا و قدر او نیست. خدایی که دارای چنین اوصافی است مستحق این است که از او ترسیده شود و تقوایش رعایت گردد و به خاطر او انسان در همۀ سعی و تلاش‌های خود اخلاص داشته باشد و هیچگاه ستایش و پاداشی را از کسی دیگر انتظار نداشته باشد.

﴿إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٩٠﴾.

همانا در آفرینش آسمان‌های بلند و این سقف محفوظ و نشانه‌هایی که در آن از قبیل خورشید، ماه، ستارگان و کهکشان‌ها قرار دارد و همچنان در ارتفاع این بنای بزرگ و نظم نیکو و جمالی که دارد و در زمین و اینکه گسترده و برابر شده و در آن کوه‌های سر به فلک کشیده و دریاهای وسیع و اقیانوس‌های بزرگ و رودخانه‌ها وجود دارد و در آفرینش شب زمانی که با بساط تاریک خویش دنیا را می‌پوشاند و در نشانه‌های شب مانند ماه، ستارگان و همچنان در روز که آفتاب با درخشش و صفای خود در آن می‌تابد، در همۀ این‌ها نشانه‌ها و دلائلی است برای کسی که در آفرینش خدا أ و صنعت عجیب اوتعالی تفکر می‌کند. با این حال از این نشانه‌ها پند نمی‌گیرد مگر کسی که دارای عقلی متفکر و بینشی زنده و وجدانی بیدار باشد، اما کسی که دارای قلبی مرده و میان تهی است و بینش وی نیز کور می‌باشد هرگز از این نشانه‌ها پند نمی‌گیرد؛ زیرا چنین شخصی نه عقل دارد و نه خرد و بینش و حتی او مانند چهارپایی است که نمی‌توان از او طمع تفکر و نظر در صنعت خدا أ و نشانه‌هایش را داشت.

﴿ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمۡ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٩١﴾.

اهل تفکر در آفرینش حق‌تعالی کسانی‌اند که خدا أ را یاد می‌کنند و بر ذکر او در قلب‌ها و با زبان‌ها و جوارح خویش تداوم می‌بخشند. اینان کسانی‌اند که خدای را در حالت ایستاده و هنگامی که مشغول تأمین مصالح خویش‌اند و همچنان در بازارها، راه‌ها و هنگامی که در مجالس، مساجد، درس‌ها و مناسبات خصوصی و عمومی خود هستند یاد می‌کنند و از بس که نسبت به خدا أ محبت دارند حتی پیش از خواب و افتاده به پهلو و بعد از تحمل سختی‌های کار نیز به یاد او می‌باشند و هیچ بازدارنده‌ای آن‌ها را از ذکر و یاد خدا أ بازنمی‌دارد.

این‌ها کسانی‌اند که همواره در نشانه‌های آفرینش خدای بزرگ تفکر و تدبر می‌نمایند، نشانه‌هایی که در آسمان‌ها و زمین گسترده است. این‌ها به سوی هر نشانه به عنوان دلیلی از دلائل قدرت الهی می‌نگرند و از هر مخلوقی طوری برداشت می‌کنند که گویا خطی در کتاب معجزه‌ای است که بر وجود خدا أ، قدرت، حکمت و صنعت عجیب او دلالت دارد. آن‌ها در چنین حالی و زمانی که در این نشانه‌ها دقت می‌کنند در حالی که سراپا وجودشان مملو از خوف و ترس است می‌گویند پروردگارا! ما گواهی می‌دهیم این‌ها را تو عبث و بی‌هوده نیافریدی بلکه همه را بنابر حکمت و براساس قدرت ایجاد نموده و شکل بندی آن‌ها را بر روی مقصدی انجام داده‌ای! پروردگار را از هرگونه شبیه و مثال و اضداد پاک و منزهی! پروردگارا تو بزرگ و والائی! پس از تو می‌خواهیم ما را بر انجام اعمال صالح که براساس آن بتوانیم اوامر تو را برجای آورده و از نواهی‌ات اجتناب کنیم موفق گردان تا انجام این اعمال ما را به سوی نجات از عذاب آخرت رهنمون شود و از غضب و خشم تو و از بدی کیفرت نجاتمان دهد.

﴿رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدۡخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدۡ أَخۡزَيۡتَهُۥۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ١٩٢﴾.

این‌ها پروردگار، خالق، رازق، زنده کننده و میرانندۀ خویش را می‌خوانند و شکایت می‌کنند که ای بار الها! کسی را تو وارد آتش خود کنی محققاً که خوار و ذلیلش کردی و سعی و تلاشش را باطل نمودی!

و به این ترتیب آن‌ها از دچار شدن به چنین حالتی به خدا أ پناه می‌برند و از او امید دارند تا آن‌ها را از آتش نجات دهد، زیرا کسی که وارد آتش دوزخ شود مستوجب خشم و غضب خدای جبار می‌شود و برای او هیچ یاری دهنده‌ای که یاریش دهد و عذاب را از او دفع کند نیست چنان‌چه برایش دوستی که نفع را جلب کند نمی‌باشد و هر که به خدا أ شریک آورد ظالم و ستمگار است و هر که ظالم و ستمگار باشد بدون شک مستحق کیفر خواهد بود.

﴿رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعۡنَا مُنَادِيٗا يُنَادِي لِلۡإِيمَٰنِ أَنۡ ءَامِنُواْ بِرَبِّكُمۡ فَ‍َٔامَنَّاۚ رَبَّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرۡ عَنَّا سَيِّ‍َٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلۡأَبۡرَارِ ١٩٣﴾.

و ای پروردگار، خالق و رازق ما! ما شنیدیم که محمد ج به قرآن ندا می‌کرد و به سوی دین، یکتا پرستی و انجام طاعت تو فرا می‌خواند، ما ندای او را پاسخ داده و کلامش را شنیدیم و به او اقتدا و از هدایت و راهش پیروی نمودیم پس از تو ای خدا أ می‌خواهیم عیب‌های ما را پنهان داری و گناهان ما را ببخشائی و بدی‌ها و جرائم ما را و تمام آنچه را که انجام داده‌ایم کفاره کنی و از تو ای خدا أ می‌خواهیم خاتمه و پایان کار ما را به خیر بگردانی و ما را بر حق ثابت و استوار بداری تا هنگامی که ما را با دوستان خود بمیرانی در حالی که از ما راضی هستی و ما را بر ملت اسلام میراندی.

﴿رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخۡزِنَا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ إِنَّكَ لَا تُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ١٩٤﴾.

و از تو ای پروردگار می‌خواهیم تا آنچه را به ما بر زبان پیامبران خویش مبنی بر اعطای ثواب بزرگ، بخشایش گناهان، همجواری با خود در بهشت و رستگاری نظر به سوی «وجه کریم» خود ارزانی داری و ما را رسوا، خوار و ذلیل در روزی که اولین‌ها و آخرین‌ها را جمع می‌نمائی نفرمائی که ای پروردگار ما تو وعده خلافی نمی‌کنی و هیچ‌کس از تو راستگوتر و نیکو سخن‌تر نیست؛ پس ما منتظر وعدۀ تو و آنچه در کتاب خود و بر زبان پیامبر ذکر نموده‌ای هستیم.

﴿فَٱسۡتَجَابَ لَهُمۡ رَبُّهُمۡ أَنِّي لَآ أُضِيعُ عَمَلَ عَٰمِلٖ مِّنكُم مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰۖ بَعۡضُكُم مِّنۢ بَعۡضٖۖ فَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ وَأُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَأُوذُواْ فِي سَبِيلِي وَقَٰتَلُواْ وَقُتِلُواْ لَأُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ سَيِّ‍َٔاتِهِمۡ وَلَأُدۡخِلَنَّهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ ثَوَابٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلثَّوَابِ ١٩٥﴾.

این بود که حق‌تعالی دعای‌شان را قبول فرمود و آرزوهای‌شان را برآورده ساخت و به آن‌ها خبر داد که اوتعالی هرگز سعی و تلاش و ثواب کسی که کار خوبی انجام می‌دهد را ضایع نمی‌سازد بلکه این سعی و تلاش و اجر و پاداش بزرگ را برای آنان ذخیره می‌نماید و به آن‌ها نعمت ماندگار ارزانی می‌دارد، خواه چنین کسی مرد باشد یا زن؛ زیرا زن‌ها نیم پیکرۀ مردان‌اند و با آنان در طاعت الهی اعم از ایمان، هجرت، دعوت و جهاد همراه و همگامند بنابراین در گوهر آفرینش زن‌ها و مردان یکسان از آدم و حوا به وجود آمده‌اند و همۀ آن‌ها به دعوت رسالت و پیامبری مشرف شده‌اند.

پس آن دسته از مردان و زنان که از دیار خویش بیرون شده، خانه و کاشانه، اموال، اهل و همچنان محل نشو و نمای کودکی و جوانی خود را ترک گفتند و به خاطر حفظ ناموس و دین خویش دچار آزار، اذیت، اسارت، آوارگی، شهادت و زخم بر داشتن شده و با دشمنان خدا جنگیدند و در معارک و در برابر مصیبت‌ها پایداری و استقامت کردند، حق‌تعالی سوگند خورده است تا بدی‌های اینان را و همچنان گناهان‌شان را ببخشد و محو کند و سپس آن‌ها را وارد بهشت‌هایی کند که در آن جوی‌ها جاری است.

اینان در بهشت در جایگاه صدق نزد پادشان مقتدر قرار دارند، این پادشاه به آنان نعمت ماندگار می‌دهد و آنان را در خانۀ خود که با دستان بلاکیف خود بنا نموده مسکن می‌دهد. این پاداش جائزه‌ای به آنان به خاطر اعمال نیک‌شان است و خدای‌تعالی همواره بهترین پاداش و هدیه و بخشش را می‌دهد؛ زیرا هیچ عطایی شبیه عطیۀ او نیست و هیچ بخششی نمی‌تواند با بخشش او برابری کند.

﴿لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ ١٩٦﴾.

هیچگاه حال کفار و جابجائی آن‌ها در مناصب، اموال، نعمت‌ها، لذت‌های عاجل، شهوت‌های زود گذر و ارزوهای فریبنده تو را نفریبد. این دنیایی است که نباید به آن فریب خورد و اعتماد کرد. بهرۀ کافر از آن مانند بهرۀ چهار پا و زندگی او مانند زندگی حیوانات است و جز این نیست.

﴿مَتَٰعٞ قَلِيلٞ ثُمَّ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ١٩٧﴾.

همۀ آنچه بر کفار می‌گذرد بهره‌ای حقیر و زود گذر است که خیلی زود به پایان می‌رسد و هیچگاه در مقایسه با ثواب الهی قابل مقایسه نیست و ارزشی ندارد. این کفار شهوات خود را با عجله بر آورده می‌سازند و این زندگی بر آنان خیلی زود سپری می‌شود و سپس جایگاه‌شان در روز آخرت آتش دوزخ است که آن را با اعمال بد خود آماده نموده و با عملکردهای زشت و قبیح خویش فرش کردند. آنان وارد آتش دوزخ می‌شوند تا نتیجۀ تلاش زشت و اعمال خبیث خود را که در آنجا منتظرشان است دریابند.

﴿لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا نُزُلٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۗ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّلۡأَبۡرَارِ ١٩٨﴾.

اما آنانی که از خدای خویش ترسیدند و کارهایی را انجام داده‌اند که او دوست دارد و از کارهایی که موجب خشم اوست اجتناب نمودند برای اینان نعمت ماندگار و مقامی خوب و امنیتی کامل در جوار پروردگارشان است، در باغ‌ها و بوستان‌های انبوه و خوش‌بو و قصرها و خانه‌ها و جوی‌های زیبا که در آن خالد و جاودان‌اند و هرگز از منتقل شدن به مکانی دیگر و از پیری نمی‌ترسند و هیچگاه به آنان بیماری، مشقت و سختی نمی‌رسد. تمام این نعمت‌ها از سوی خدای متعالی به عنوان جائزه برای آن‌ها فراهم شده؛ زیرا زمانی که حق‌تعالی به آنان توفیق اعمال خوب را داد در پاسخ این اعمال برای آن‌ها بهترین جائزه و بخشش را از نزد خویش آماده نمود و آنچه در پیشگاه اوتعالی است خیلی بهتر از چیزهایی است که کفار در این دنیا برای خود به عنوان فائده و بهره و درهم و دینار و افتخار به خانه‌ها و قصرها جمع می‌کنند در حالی که همۀ این‌ها مایۀ غرور و فریبندگی است.

﴿وَإِنَّ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَمَن يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِمۡ خَٰشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشۡتَرُونَ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ١٩٩﴾.

و از میان یهود و نصارا گروهی به خدای بزرگ و به آنچه بر پیامبران‌شان و بر آنچه بر حضرت محمد ج نازل شده به طور یکسان ایمان آوردند و به این ترتیب بین ایمان به پیامبران خویش و پیامبر عربی و امّی جمع کردند و در این حال از پروردگار خویش می‌هراسند و به تحقق وعدۀ اوتعالی یقین و باور کامل دارند و به شریعت او عمل می‌نمایند و هیچگاه به منظور به دست آوردن جیفۀ ناچیز دنیا و بهرۀ بی‌بهایی زندگی و یا مناصب آن تبدیل و تغییری در دین خدا أ رونما نمی‌سازند، بلکه همواره بر دین خویش ثابت قدم و استواراند و در طاعت پروردگار صادق و از پیامبران خویش پیروی می‌کنند. حق‌تعالی هیچگاه اجر و پاداش اینان را نه ضایع می‌سازد و نه کم می‌کند بلکه برای‌شان پاداشی بزرگ در پیشگاه پروردگارشان است و اوتعالی در آن روز بزرگ، روز قیامت به آنان رحم می‌کند که او حسابگری سریع است و انبوهی را در لحاظاتی چند مورد محاسبه قرار می‌دهد.

و چون حق‌تعالی بر نیت‌ها و اعمال آن‌ها آگاه است، از این‌رو چنین حکمی در خصوص آن‌ها کاملاً مطابق عدل و انصاف است، روی این اساس بر انسان لازم است تا در حکم خود بین رهیاب و گمراه تفاوت قایل شود، چون در اینجا دیدیم که حق‌تعالی بعضی از اهل کتاب را بنابر حکمت و عدالتی که دارد و خدایی جز او نیست استثنا کرده است و بر این مبنا این دسته از اهل کتاب در زمرۀ مؤمنان در آمده‌اند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصۡبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٢٠٠﴾.

ای مؤمنان! بر شماست تا در این امور صبر کنید: انجام طاعت و عبادات با ادای آن در بهترین وجه؛ دوری از گناهان؛ پیروی نکردن از شهوات؛ مخالفت نکردن از اوامر الهی؛ توبه از گناهان؛ در برابر قضا و قدر الهی که گاهی دردناک و تلخ است از طریق نیکو ساختن عبودیت و داد و فریاد نکردن؛ در جنگ و جهاد در برابر دشمنان و در میدان جهاد و علم؛ در ادای عبادات؛ در لازم گرفتن مساجد برای ادای نمازهای پنجگانه که نبی مکرم اسلام ج آن را بعد از اینکه یادی از وضو کردند، نوعی سنگربندی دانستند؛ در انتظار نماز بعد از نمازی که ادا شده؛ زیرا کسی که در این امور صبر کند با به دست آوردن پاداشی بزرگ و نعمت ماندگار رستگار می‌شود و حق‌تعالی به او شریف‌ترین جایزه‌ها و بخشش‌ها را ارزانی داشته و او را به عالی‌ترین مراتب ارتقا می‌دهد، چون این شخص در همۀ میادین، حق عبودیت خدای‌تعالی را ادا نموده است هم در موقف طاعت و هم در برابر معصیت و در میادین ابتلا و آزمایشات سخت و در تمام این‌ها از جملۀ بندگان مخلص و دوستان صادق الهی بوده است. از خدای بزرگ می‌خواهیم تا ما را نیز از زمرۀ چنین اشخاصی قرار دهد.

سورۀ نساء

مدنی است؛ ترتیب آن 4؛ شمار آیات آن 176

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١﴾.

ای مردم! از پروردگار خود بترسید و مراقب او باشید. او شما را از یک انسان که همان آدم است آفرید و سپس از آدم همسرش حوّا را خلق کرد، سپاس خدایی را که زنده را از مرده و مرده را از زنده آفرید. بنابراین شما فرزندان یک پدر و مادرید، پس مراقب این برادری انسانی و نسبتی که بین شما یکرنگی ایجاد می‌کند باشید. خدای‌تعالی از آدم و حوّا بشری بسیار و انسان‌هایی بی‌شمار به وجود آورد.

بر شما لازم است تا تقوای خدا أ را در تمام شؤون زندگی خود و در صلۀ رحم رعایت کنید و هرگز صلۀ رحم را قطع ننمائید، زیرا خدای سبحان اعمال شما را می‌داند و بر او هیچ امری از امورتان پوشیده نیست. او سخنانتان را می‌شنود و بر امور نهان و آنچه در نهاد شماست آگاه می‌باشد و مراقب همۀ امورتان هست.

در اینجا حق‌تعالی بندگان خود را از تفریط و سهل انگاری در رعایت تقوا که آنان را به منزلۀ کمال انسانی بالا می‌برد و همچنان در مورد صلۀ رحم که موجب تقویت کمال انسانی است بر حذر می‌دارد.

﴿وَءَاتُواْ ٱلۡيَتَٰمَىٰٓ أَمۡوَٰلَهُمۡۖ وَلَا تَتَبَدَّلُواْ ٱلۡخَبِيثَ بِٱلطَّيِّبِۖ وَلَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَهُمۡ إِلَىٰٓ أَمۡوَٰلِكُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ حُوبٗا كَبِيرٗا ٢﴾.

و بر شما لازم است تا اموال ایتام را بعد از اینکه به سن رشد برسند بدهید و این اموال را نخورید که بر شما حرام است در حالی که اموال خود را که خدا أ برای شما حلال نموده به یک سو بگذارید و آز و طمع و حرص شما را وادارد تا بر اموال این ناتوانان و ضعیفان و مساکین تسلط پیدا کنید و به این ترتیب حرام را بخورید و مباح را بگذارید اگر چنین کردید شما در واقع مرتکب گناه و ستمی بزرگ شده و عمل بسیار بدی انجام داده‌اید.

﴿وَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا تُقۡسِطُواْ فِي ٱلۡيَتَٰمَىٰ فَٱنكِحُواْ مَا طَابَ لَكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ مَثۡنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَۖ فَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا تَعۡدِلُواْ فَوَٰحِدَةً أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَلَّا تَعُولُواْ ٣﴾.

و اگر این امر بیم داشتید که نتوانید در مهریۀ یتیم‌ها عدالت کنید به این صورت که هرگاه با یکی از آن‌ها ازدواج کنید و مهری را که به امثال آن‌ها داده می‌شود نپردازید در این صورت از ازدواج با آن‌ها صرف نظر نموده و با سایر زن‌ها ازدواج کنید.

و اگر مردی خواسته باشد دو، سه و یا چهار زن آزاد به نکاح بگیرد می‌تواند چنین کند؛ زیرا حق‌تعالی تعدد ازدواج‌ها را تا چهار زن مباح نموده است ولی اگر انسانی از این بیم داشت که نتواند در مسکن، نفقه و امثال این‌ها در بین همسران خود عدالت کند و این بی‌عدالتی منجر به ارتکاب ظلم در حق یکی از آن‌ها می‌شد در این صورت چنین مردی باید یک زن به نکاح بگیرد که به عدالت نزدیکتر است.

اما اگر نمی‌توانست عدالت کند و در عین حال نمی‌توانست بر یک زن اکتفا نماید در چنین حالی برای او مجاز است تا از کنیزها به اندازه‌ای که می‌خواهد به نکاح بگیرد؛ زیرا چنین کاری نیکوتر و دورتر از جور و ظلم است.

﴿وَءَاتُواْ ٱلنِّسَآءَ صَدُقَٰتِهِنَّ نِحۡلَةٗۚ فَإِن طِبۡنَ لَكُمۡ عَن شَيۡءٖ مِّنۡهُ نَفۡسٗا فَكُلُوهُ هَنِيٓ‍ٔٗا مَّرِيٓ‍ٔٗا ٤﴾.

بر مسلمان لازم است تا مهریه زن را بپردازد و در این زمینه بر او برتری جوئی نکند زیرا مهریه حق زن و کوچکترین وظیفۀ مرد در قبال زن است ولی اگر خود زن می‌خواست تا مقداری از مهریه خود را به عنوان هدیه به شوهر ببخشد در چنین حالتی بر شوهر گناهی نیست تا این هدیۀ حلال و پاک را بپذیرد.

﴿وَلَا تُؤۡتُواْ ٱلسُّفَهَآءَ أَمۡوَٰلَكُمُ ٱلَّتِي جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمۡ قِيَٰمٗا وَٱرۡزُقُوهُمۡ فِيهَا وَٱكۡسُوهُمۡ وَقُولُواْ لَهُمۡ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا ٥﴾.

برای اسرافگران چه یتیم باشند یا زن یا مرد اموال‌شان را که نگهداری می‌کنید و همچنان اموال خویش را که قوام زندگی شما بر آن است ندهید، زیرا آن‌ها به زودی این اموال را به علت سفاهت و نادانی و تدبیر غلطی که دارند تلف می‌نمایند، ولی از همین اموال به مقدار کفایه به آن‌ها بدهید و لباسی که آنان را بپوشاند و موجب زیبائی‌شان شود بپوشانید و با آنان به نرمی سخن گوئید و قناعت آنان را با الفاظی نیکو و گفتاری شایسته حاصل و از آنان خاطر داری کنید.

این آیه دلالت بر ایجاد نفرت نسبت به اسراف و بیان خطرات آن است و اینکه اسراف عملی است که آن را معمولاً انسان‌های نادان انجام می‌دهند.

﴿وَٱبۡتَلُواْ ٱلۡيَتَٰمَىٰ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغُواْ ٱلنِّكَاحَ فَإِنۡ ءَانَسۡتُم مِّنۡهُمۡ رُشۡدٗا فَٱدۡفَعُوٓاْ إِلَيۡهِمۡ أَمۡوَٰلَهُمۡۖ وَلَا تَأۡكُلُوهَآ إِسۡرَافٗا وَبِدَارًا أَن يَكۡبَرُواْۚ وَمَن كَانَ غَنِيّٗا فَلۡيَسۡتَعۡفِفۡۖ وَمَن كَانَ فَقِيرٗا فَلۡيَأۡكُلۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ فَإِذَا دَفَعۡتُمۡ إِلَيۡهِمۡ أَمۡوَٰلَهُمۡ فَأَشۡهِدُواْ عَلَيۡهِمۡۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبٗا ٦﴾.

و یتیم‌ها را هنگامی که به سن رشد می‌رسند امتحان کنید، اگر از آن‌ها خَرد، حسن تدبیر و تصرف نیکو مشاهده نمودید اشکالی ندارد تا اموال‌شان را به آن‌ها بدون هرگونه تأخیر بدهید و به هیچ وجه تصاحب مال یتیم از طریق حیله و فریب و پیش از اینکه به سن رشد برسند مجاز نیست، زیرا بعضی از انسان‌ها مال یتیم را پیش از اینکه به سن رشد برسند به مصرف می‌رسانند و زمانی که یتیم مطالبۀ حق وحقوق می‌کند، این شخص باقیماندۀ اموال او را نیز تلف می‌نماید.

اگر ولیِّ یتیم ثروتمند بود، چون ثروت دارد باید از خوردن مال یتیم به عنوان مُرد و بهره اجتناب کند، زیرا حق‌تعالی او را از خوردن چنین اموالی بی‌نیاز ساخته است. ولی اگر فقیر بود می‌تواند به اندازۀ مُرد یک کارگر و به قدر نیاز و ضرورت خود بر دارد. و هرگاه ولی اموال یتیم را بعد از اینکه به سن رُشد رسید به او داد باید از یتیم شاهد بگیرد تا بعدها نزاع و کشمکشی در زمینه به وجود نیاید. این کافی است که حق‌تعالی حساب کنندۀ مردم و مراقب اعمال و احاوال آن‌هاست، او تمام تصرفات انسان‌ها را آمار می‌گیرد تا به آن‌ها جزای عطا کند بنابراین تنها او شایستگی مراقبه، خوف و تقوا را دارد.

﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٞ مِّمَّا تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٞ مِّمَّا تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنۡهُ أَوۡ كَثُرَۚ نَصِيبٗا مَّفۡرُوضٗا ٧﴾.

برای فرزندان پسر و دختر از آنچه پدران و نزدیکان‌شان به ارث می‌گذارند حقی هست، خواه ارثیه کم باشد یا زیاد، خواه از جملۀ وسایل و آلاتی باشد که مرد به آن نیاز دارد مانند وسایل جنگی یا از جملۀ اشیایی باشد که زن به آن نیاز دارد مانند زیورات و از این قبیل. این حکم شریعت اسلام در واقع ردّی بر شرائع جاهلی است که زن‌ها را به حکم اینکه در معرکه شرکت نمی‌کنند و با هیئت‌ها ملاقات نمی‌نمایند از ارث محروم می‌کردند این بود که حق‌تعالی آنان را تکذیب نمود و این پندارشان را ردّ کرد و برای زن حصه و نصیبی ثابت و مشخص مقرر داشت که به هیچ وجه نباید در این حق برای زن ظلمی صورت گیرد و یا در این زمینه کوتاهی شود.

﴿وَإِذَا حَضَرَ ٱلۡقِسۡمَةَ أُوْلُواْ ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينُ فَٱرۡزُقُوهُم مِّنۡهُ وَقُولُواْ لَهُمۡ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا ٨﴾.

و اگر هنگام تقسیم میراث بعضی از نزدیکانی که حقی در ارث ندارند یا برخی از یتیم‌ها و ضعفایی که چیزی ندارند حاضر باشند برای آن‌ها نیز چیزی از ترکه به منظور خورسند ساختن آن‌ها بدهید و به آن‌ها سخن نیکو بگوئید.

﴿وَلۡيَخۡشَ ٱلَّذِينَ لَوۡ تَرَكُواْ مِنۡ خَلۡفِهِمۡ ذُرِّيَّةٗ ضِعَٰفًا خَافُواْ عَلَيۡهِمۡ فَلۡيَتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلۡيَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدًا ٩﴾.

وصی یتیم هنگام وصایت بر ما، باید فرزندان خود را در حالتی در نظر بگیرد که او مرده است و فرزندان او یتیم و ضعیف و بی‌سرپرست اند، در چنین حالتی آیا وی راضی است تا فرزندانش خوار و ذلیل باشند و اموال‌شان ضایع گردد؟! پس چنین وصیی باید از خدا أ بترسد و با یتیم‌ها به نرمی و لطف سخن بگوید درست همانگونه که با فرزندان خود سخن می‌گوید.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَأۡكُلُونَ أَمۡوَٰلَ ٱلۡيَتَٰمَىٰ ظُلۡمًا إِنَّمَا يَأۡكُلُونَ فِي بُطُونِهِمۡ نَارٗاۖ وَسَيَصۡلَوۡنَ سَعِيرٗا ١٠﴾.

آنانی که بر اموال یتیم‌ها تجاوز می‌کنند و بدون کدام حق شرعی و بی‌موجب برای خویش مباح می‌سازند این‌ها با انجام این عمل در واقع خود را به سوی آتش دوزخ که شعله‌ور است می‌کشانند. این‌ها مال حرام و حاصل شده از طریق ظلم و ستم را می‌خورند و طبیعی است چنین مالی آن‌ها را به سوی آتش دوزخ می‌کشاند آتشی که هرگز قابل تحمل نیست. در این آتش هولناک و شعله‌ور جز انسان بدبخت داخل نمی‌شود پس بر آنان لازم است تا از خوردن مال یتیمان توبه کنند و این اموال را واپس به خود آنان مسترد کنند و از خدا أ در مورد این مستضعفان بترسند.

﴿يُوصِيكُمُ ٱللَّهُ فِيٓ أَوۡلَٰدِكُمۡۖ لِلذَّكَرِ مِثۡلُ حَظِّ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۚ فَإِن كُنَّ نِسَآءٗ فَوۡقَ ٱثۡنَتَيۡنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَۖ وَإِن كَانَتۡ وَٰحِدَةٗ فَلَهَا ٱلنِّصۡفُۚ وَلِأَبَوَيۡهِ لِكُلِّ وَٰحِدٖ مِّنۡهُمَا ٱلسُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُۥ وَلَدٞۚ فَإِن لَّمۡ يَكُن لَّهُۥ وَلَدٞ وَوَرِثَهُۥٓ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ ٱلثُّلُثُۚ فَإِن كَانَ لَهُۥٓ إِخۡوَةٞ فَلِأُمِّهِ ٱلسُّدُسُۚ مِنۢ بَعۡدِ وَصِيَّةٖ يُوصِي بِهَآ أَوۡ دَيۡنٍۗ ءَابَآؤُكُمۡ وَأَبۡنَآؤُكُمۡ لَا تَدۡرُونَ أَيُّهُمۡ أَقۡرَبُ لَكُمۡ نَفۡعٗاۚ فَرِيضَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١١﴾.

در این آیه حق‌تعالی به تفصیل احکام میراث می‌پردازد که در آیۀ هفتم همین سوره به صورت اجمال بیان شد. یعنی خداوند أ شما را امر می‌کند و از شما تعهد می‌گیرد تا دربارۀ میراث فرزندان خود خواه مرد باشند یا زن عدالت کنید. بنابراین اگر مرده دارای فرزندان دختر و پسر بود برای فرزند پسر دو برابر میراث دختر است ولی اگر تنها فرزند دختر داشت و تعداد آن‌ها دوتن یا زیاده از دو تن بودند در این صورت برای آنان دو سوم ترکه است و اگر تعداد آن‌ها یکی بود رد این صورت برای وی نصف ترکۀ پدرش می‌باشد.

سبب میراث بردن فرزند پسر به اندازۀ دو اندازۀ دو برابر فرزند دختر در این است که مسئولیت اجتماعی پسر نسبت به دختر بیشتر است، زیرا بر پسر لازم است تا مهر بپردازد و نفقه کل اعضای فامیل را بدهد در حالی که بر دختر هیچ‌کدام از این مصارف لازم نیست.

همچنان برای پدر و مادر یک ششم ترکه است البته درصورتی که میّت فرزند پسر یا دختر داشته باشد و اگر وارثی جز مادر و پدر نداشت در این صورت یک سوم ترکه از آن مادر و باقی از آن پدر است و اگر میت دو برادر داشت در این صورت برای مادر یک ششم ترکه است.

ترکۀ میت آنگونه که خدای‌تعالی فرض نموده در بین ورثه بعد از اجرای وصیت میّت و ادای دینش تقسیم می‌گردد. حق‌تعالی خود امر تقسیم میراث را بر عهده گرفته تا در این زمینه هیچ ظلم و حیف و میلی صورت نگیرد، اگر این امر بر عهدۀ بشر قرار می‌گرفت حتماً حقوق انسان‌ها ضایع می‌گردید. از این‌روی لازم است تا شما نیز این مسأله را به خدای بزرگ واگذار شوید زیرا اوتعالی به مصالح بشر آگاهتر است.

﴿۞وَلَكُمۡ نِصۡفُ مَا تَرَكَ أَزۡوَٰجُكُمۡ إِن لَّمۡ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٞۚ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٞ فَلَكُمُ ٱلرُّبُعُ مِمَّا تَرَكۡنَۚ مِنۢ بَعۡدِ وَصِيَّةٖ يُوصِينَ بِهَآ أَوۡ دَيۡنٖۚ وَلَهُنَّ ٱلرُّبُعُ مِمَّا تَرَكۡتُمۡ إِن لَّمۡ يَكُن لَّكُمۡ وَلَدٞۚ فَإِن كَانَ لَكُمۡ وَلَدٞ فَلَهُنَّ ٱلثُّمُنُ مِمَّا تَرَكۡتُمۚ مِّنۢ بَعۡدِ وَصِيَّةٖ تُوصُونَ بِهَآ أَوۡ دَيۡنٖۗ وَإِن كَانَ رَجُلٞ يُورَثُ كَلَٰلَةً أَوِ ٱمۡرَأَةٞ وَلَهُۥٓ أَخٌ أَوۡ أُخۡتٞ فَلِكُلِّ وَٰحِدٖ مِّنۡهُمَا ٱلسُّدُسُۚ فَإِن كَانُوٓاْ أَكۡثَرَ مِن ذَٰلِكَ فَهُمۡ شُرَكَآءُ فِي ٱلثُّلُثِۚ مِنۢ بَعۡدِ وَصِيَّةٖ يُوصَىٰ بِهَآ أَوۡ دَيۡنٍ غَيۡرَ مُضَآرّٖۚ وَصِيَّةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٞ ١٢﴾.

و برای شما ای شوهران نصف ترکۀ همسران‌تان است البته اگر فرزندی از شما یا غیر شما نداشته باشند و اگر فرزند داشتند در این صورت برای شما یک چهارم ترکه بعد از اجرای وصیّت و ادای دین وی است. و اگر یکی از شما مُرد در حالی که فرزندی ندارد در این صورت برای همسران‌تان یک هشتم ترکه بعد از اجرای وصیّت و ادای دین می‌باشد. اگر میّت نه پدرانی داشت و نه فرزندانی – منظور از کلاله چنین حالتی است – ولی اقارب دیگری داشت که از وی میراث می‌بردند مانند برادر، یا برادر از مادر، در این صورت برای هرکدام از آنان یک ششم ترکه است ولی اگر برادر و خواهری از مادر داشت که تعداد آن‌ها از یک تن بیشتر بود در چنین حالی این‌ها باید یک سوم را در بین خود مساویانه تقسیم کنند، بدون اینکه در بین زن و مرد تفاوتی در ارث باشد چرا که خدای‌تعالی از حقوق آن‌ها با واژۀ «شرکا» تعبیر کرده که شرکت خواهش تساوی دارد، البته این ارث بعد از اجرای وصیّت و ادای دین صورت می‌گیرد. در وصیت شرط است که بنابر مصلحت باشد نه بنابر حرمان ورثه یا ضرر رسانیدن به آن‌ها مانند حالتی که شخص در بیشتر از یک سوم مال خویش وصیت کند.

این توصیۀ خدا أ برای شماست و از جملۀ رحمت و مهربانی اوتعالی یکی هم این است که در کیفر کسی که از اوامرش سرپیچی می‌کند عجله نمی‌نماید.

﴿تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِۚ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١٣﴾.

احکام و مسائلی که ذکر شد فرائض و اوامر الهی است و به هیچ وجه مجاز نیست تا از آن مخالفت شود و بر آن تجاوز صورت گیرد و هر که از اوامر الهی با رعایت تقوا و از اوامر پیامبر با تبعیت پیروی کند پاداش او نزد حق‌تعالی این است که او را به بهشتی که به اولیا و دوستان خود ذخیره کرد گرامی می‌دارد این بهشت عبارت از باغ‌ها و بوستان‌های زیبا و شگفت انگیز است که از زیر قصرها و ساختمان‌های آن جوی‌های آب شیرین و گوارا جاری است و این‌ها در این بهشت‌ها برای همیشه باقی خواهند ماند بدون اینکه دچار فنا شوند. آن‌ها در این بهشت‌ها در کمال صحت و برای همیشه باقی‌اند بدون اینکه دچار بیماری و یا کدورتی شوند، زندگی آنان بدون پیری است و ثروت آن‌ها عدم نمی‌شناسد و امنیت آن‌ها به گونه‌ای است که از هیچ چیزی نه می‌ترسند و نه دچار غم و اندوه می‌شوند.

﴿وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُۥ يُدۡخِلۡهُ نَارًا خَٰلِدٗا فِيهَا وَلَهُۥ عَذَابٞ مُّهِينٞ ١٤﴾.

ولی کسی که به مخالفت امر الهی و پیامبرش بپردازد و مرتکب امور منهیه شود و احکامی را که حق‌تعالی به عنوان شریعت و قانون برای بندگان خود فرستاده را اجرا نکند به کیفر آتش دوزخ گرفتار می‌شود که در آن در کمال اهانت، ذلّت و خواری و در غلّ و زنجیر وارد می‌شود و برای همیشه باقی و جاودان خواهد بود بدون اینکه از او عذاب الهی زایل و یا از شدّت آن کاسته شود.

﴿وَٱلَّٰتِي يَأۡتِينَ ٱلۡفَٰحِشَةَ مِن نِّسَآئِكُمۡ فَٱسۡتَشۡهِدُواْ عَلَيۡهِنَّ أَرۡبَعَةٗ مِّنكُمۡۖ فَإِن شَهِدُواْ فَأَمۡسِكُوهُنَّ فِي ٱلۡبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّىٰهُنَّ ٱلۡمَوۡتُ أَوۡ يَجۡعَلَ ٱللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلٗا ١٥﴾.

و زن‌هایی که مرتکب عمل زنا می‌شوند بر شما مردان لازم است تا بر آنان چهار شاهد عادل و مورد اعتماد بگیرید به گونه‌ای که در شهادت هیچ نوع گناه و ستمی نباشد پس هرگاه شاهدان شهادتی واضح و بدون هیچ‌گونه التباس ادا کردند بر شما لازم است تا زن‌ها را در خانه‌ها تا هنگام مرگ‌شان حبس کنید این کیفری برای آن‌ها و تأدیبی بر عملکردشان است یا تا زمانی که خدای‌تعالی برای آن‌ها راهی دیگر مقرر دارد.

خداوند أ این آیه را نسخ نمود و حکم چنین زنی را در اول سورۀ بیان داشت.

﴿وَٱلَّذَانِ يَأۡتِيَٰنِهَا مِنكُمۡ فَ‍َٔاذُوهُمَاۖ فَإِن تَابَا وَأَصۡلَحَا فَأَعۡرِضُواْ عَنۡهُمَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ تَوَّابٗا رَّحِيمًا ١٦﴾.

مرد و زن هرگاه مرتکب عمل بد زنا شدند بر شما لازم است تا آنان را توبیخ و سرزنش نموده تأدیب‌شان کنید و آن‌ها را شلّاق بزنید اگر از این عمل دست بر داشتند و توبه نموده به اصلاح اعمال خویش پرداختند بر شما لازم است تا آنان را به یاد گناه‌شان نیندازید و از آزار و اذیت آن‌ها دست بردارید ولو به هر اندازه که مرتکب گناه کبیره شده باشند؛ زیرا حق‌تعالی بر کسی که توبه کند توبه پذیر است و اوتعالی به لطف و احسان خود به سوی کسی می‌نگرد که به سویش رجوع نماید و پروردگار دارای رحمتی واسع است.

﴿إِنَّمَا ٱلتَّوۡبَةُ عَلَى ٱللَّهِ لِلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٖ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١٧﴾.

همانا توبه صحیح و قبول شده توبۀ قومی است که بنابر جهالت و نادانی مرتکب گناهی شده و سپس متوجه گناه خود شدند و نهایت پشیمان، متأسف و سر افکنده گردیده و به سوی خدای رجوع کرده‌اند و دست از گناه کشیده و از حق‌تعالی عذر خواهی نموده‌اند. نه کسی که از روی عمد، سخریه و با داشتن دانش و بی‌توجهی در برابر امر مولای خویش مرتکب گناه شده است.

پس کسی که از روی جهالت و نادانی مرتکب گناهی شود و سپس از خدای‌تعالی طالب مغفرت و بخشش گردد، پروردگار گناهش را می‌بخشد و او را در مقامی ارزشمند گرامی می‌دارد؛ زیرا خدای بزرگ می‌داند چه کسی در توبۀ خود صادق است و مخلصانه به خدای خود رجوع نموده است.

اوتعالی حکیمی است که هر چیزی را در محل خاص خودش قرار می‌دهد بنابراین جز کسی که مستحق عذاب باشد دیگری را کیفر نمی‌دهد، او پاداش و کیفر هر کسی را از روی حکمتی بی‌منتها و قدرتی بی‌انتها می‌دهد.

﴿وَلَيۡسَتِ ٱلتَّوۡبَةُ لِلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ حَتَّىٰٓ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ ٱلۡمَوۡتُ قَالَ إِنِّي تُبۡتُ ٱلۡـَٰٔنَ وَلَا ٱلَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمۡ كُفَّارٌۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا ١٨﴾.

توبۀ پذیرفته شده و صحیح برای کسی نخواهد بود که در گناه اسراف نموده و بر ارتکاب محرمات از روی عمد، کوتاهی و استهزا به وعده خدا أ مداومت بخشیده و چون زمان مرگش فرا رسیده شروع به اعتذار از گناه خود نموده است، چنین کسی به هیچ وجه مستحق قبول توبه نیست؛ چون دست به استکبار زده و بر ارتکاب محرمات الهی جرئت پیدا کرده است و توبۀ خویش را عمداً به تأخیر انداخته است.

همچنان توبۀ کسی که بر کفر مرده نیز قبول نمی‌شود، چنین کسی برای همیشه در آتش دوزخ جاودان خواهد بود، حق‌تعالی از کافر هیچ عمل و شفاعتی را قبول نمی‌کند و هیچ عذابی را از او در روز قیامت دفع نمی‌نماید، پروردگار برای چنین عذابی دردناک و ماندگار آماده کرده است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَحِلُّ لَكُمۡ أَن تَرِثُواْ ٱلنِّسَآءَ كَرۡهٗاۖ وَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ لِتَذۡهَبُواْ بِبَعۡضِ مَآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ إِلَّآ أَن يَأۡتِينَ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖۚ وَعَاشِرُوهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ فَإِن كَرِهۡتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡ‍ٔٗا وَيَجۡعَلَ ٱللَّهُ فِيهِ خَيۡرٗا كَثِيرٗا ١٩﴾.

ای مؤمنان! برای شما مجاز نیست تا بر میراث زن بازی کنید درست آنگونه که با یک متاع بازی می‌شود. بر شما حلال و جایز نیست تا زن را از میراثش محروم کنید یا خود زن را بعد از فوت شوهرش به جبر و اکراه و بدون رغبت او به ارث ببرید. همچنان برای شما شوهران مجاز نیست تا زن را بعد از اینکه طلاق می‌دهید از ازدواج مجدد با دیگری به خاطر به دست آوردن ظالمانه و تجاوز کارانۀ مهر باز دارید مگر در یک حالت و آن زمانی که زن مرتکب عمل بَد زنا شود که در این صورت برای مرد مجاز است تا بر او سخت بگیرد و او را تعذیر و تأدیب کند تا بعضی از مال خود را فدیه دهد، چنان‌چه برخی از علما و اندیشمندان سَلَف بر این نظراند.

لیکن به صورت عموم بر شما لازم است تا با زن‌ها معاشرت نیکو و مهربانی داشته باشید و برخی نارسائی‌های آنان را تحمل کنید و در مورد آن‌ها تقوای خدا أ را رعایت نموده هیچگاه به آنان ضرری روا ندارید؛ زیرا زن موجودی ضعیف و ناتوان است که نمی‌تواند با مرد مبارزه کند.

همچنان بر شما لازم است تا در برابر زنان از صبر و حوصله کار بگیرید ای بسا که بودن با آن زن از جدا شدن بهتر باشد و از همان زن خدای‌تعالی به شما اولادی نیکو و فرزندانی سعادتمند بدهد که به این ترتیب صبر در برابر آن‌ها از روی حکمت خواهد بود و پایانی نیکو خواهد داشت، چون خدای‌تعالی کسی را که صبر کند و از بردباری کار گیرد پاداش نیکو می‌دهد.

این آیه دلالت بر استمرار بر زندگی زنا شوئی و جبران اشتباهاتی دارد که از دو طرف سَر می‌زند همچنانی که دلالت بر لزوم معاشرت نیکو و التزام لطف و مهربانی در زندگی زناشوئی و استمرار بر این پیوند دارد ولو از زن خطاها و اشتباهاتی سَر زند؛ زیرا در طلاق و جدایی کیان خانواده از هم می‌پاشد و قلب‌های زیادی می‌شکند و منجز به ایجاد کینه و عداوت در دل‌ها می‌گردد.

بنابراین از طلاق باید به عنوان آخرین راه حل و در حالتی استفاده شود که انسان مجبور باشد و چارۀ دیگری نداشته باشد.

﴿وَإِنۡ أَرَدتُّمُ ٱسۡتِبۡدَالَ زَوۡجٖ مَّكَانَ زَوۡجٖ وَءَاتَيۡتُمۡ إِحۡدَىٰهُنَّ قِنطَارٗا فَلَا تَأۡخُذُواْ مِنۡهُ شَيۡ‍ًٔاۚ أَتَأۡخُذُونَهُۥ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا ٢٠﴾.

و هرگاه یکی از شما ای مؤمنان اراده کرد تا با همسری دیگر ازدواج کند و به سببی شرعی همسر اولی را طلاق دهد در حالی که به او سرمایۀ بیشماری داده باشد برای این مرد مجاز نیست تا این مهر را از آن زن مطالبه کند، نه کلّ مهر و نه جزئی از آن را؛ زیرا این مال حق مخصوص زن می‌باشد و گرفتن آن ظلم، تجاوز و سرکشی به شمار می‌رود و کسانی که مرتکب چنین عملی می‌شوند انسان‌های ظالم و ستمگاری‌اند که از مولای خود نمی‌هراسند، چون استحقاق زن بر مهر به علت استمتاع و معاشرتی است که مرد با او انجام داده است.

﴿وَكَيۡفَ تَأۡخُذُونَهُۥ وَقَدۡ أَفۡضَىٰ بَعۡضُكُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ وَأَخَذۡنَ مِنكُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا ٢١﴾.

آیا برای شما مجاز است تا مهر زن را مجدداً و بنابر ظلم و غصیب بگیرید در حالی که می‌دانید بین شما و همسرتان خلوت و معاشرت خاص و بهره‌جوئی جسمی به اندازه‌ای صورت گرفته که ارزش آن چندین برابر مهر است. چرا شما قدر این روابط خصوصی را نمی‌دانید در حالی که ارزش فراوانی دارد و حق‌تعالی نیز از شما راجع به این عقد شرعی پیمان گرفته است، عقدی که پیامبر خدا ج آن را سنّت نهاده و راجع به آن فرموده است: دربارۀ زن‌ها از خدا أ بترسید زیرا شما آن‌ها را به عنوان امانت اوتعالی گرفته‌اید و عورت‌های‌شان را با کلمۀ خدا أ حلال ساختید». پس بر بنده لازم است تا مراقب پروردگار خود در خصوص این عهد و پیمان باشد.

﴿وَلَا تَنكِحُواْ مَا نَكَحَ ءَابَآؤُكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا قَدۡ سَلَفَۚ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَمَقۡتٗا وَسَآءَ سَبِيلًا ٢٢﴾.

با همسران پدران‌تان بعد از مرگ‌شان ازدواج نکنید مگر آنچه در جاهلیت گذشته است که حق‌تعالی آن را عفو نموده چون قبول اسلام گناهانی را که پیش از آن واقع شده را محو و نابود می‌کند. این ازدواج از این‌روی حرام است که کاری است زشت و بی‌نهایت شنیع و قبیح و چنین ازدواجی بدترین راه پاسخ گوئی به غریزۀ شهوت است و یک انسان عاقل چگونه می‌تواند بپذیرد که با همسر پدر خویش که مانند مادرش است مقاربت جنسی انجام دهد.

در جاهلیت چنین رواج بوده که هرگاه پدر کسی وفات می‌نمود او از دیگران به همسر پدر خویش – همسری که غیر از مادرش است – سزوارتر بود طوری که اگر می‌خواست آن را به نکاح خود می‌گرفت و یا اگر تمایل داشت او را به دیگری به نکاح می‌داد و مهرش را مالک می‌شد.

در روایات آمده است: زمانی که «ابوقیس بن الاسلت» وفات کرد فرزندش خواست با همسرش ازدواج کند. همسر ابوقیس خطاب به فرزند ابوقیس گفت من تو را فرزند خود می‌دانم و هرگز با این عمل موافق نیستم. فرزند ابوقیس نزد پیامبر ج آمد و در این خصوص سوال کرد، این بود که این آیۀ کریمه نازل شد و بعد از آن محرمات نکاح ذکر گردید.

﴿حُرِّمَتۡ عَلَيۡكُمۡ أُمَّهَٰتُكُمۡ وَبَنَاتُكُمۡ وَأَخَوَٰتُكُمۡ وَعَمَّٰتُكُمۡ وَخَٰلَٰتُكُمۡ وَبَنَاتُ ٱلۡأَخِ وَبَنَاتُ ٱلۡأُخۡتِ وَأُمَّهَٰتُكُمُ ٱلَّٰتِيٓ أَرۡضَعۡنَكُمۡ وَأَخَوَٰتُكُم مِّنَ ٱلرَّضَٰعَةِ وَأُمَّهَٰتُ نِسَآئِكُمۡ وَرَبَٰٓئِبُكُمُ ٱلَّٰتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَآئِكُمُ ٱلَّٰتِي دَخَلۡتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمۡ تَكُونُواْ دَخَلۡتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ وَحَلَٰٓئِلُ أَبۡنَآئِكُمُ ٱلَّذِينَ مِنۡ أَصۡلَٰبِكُمۡ وَأَن تَجۡمَعُواْ بَيۡنَ ٱلۡأُخۡتَيۡنِ إِلَّا مَا قَدۡ سَلَفَۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٢٣﴾.

در اینجا حق‌تعالی محرمات نکاح را یاد آور می‌شود و ابتدا به محرمات نسبی می‌پردازد که تعدادشان هفت تن اند: مادران، دختران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، دختران برادر، دختران خواهر. ازدواج با همۀ این‌ها به سبب نسب و قرابت بر انسان حرام است. در بخش مادران مادر بزرگان، در بخش دختران دختران آن‌ها، در بخش خواهران هم خواهر شقیق که از یک پدر و مادراند و هم خواهرانی که از یک پدر و دو مادر اند و خواهرانی که از یک مادر و دو پدر باشند از هر طرفی که باشد مشمول حرمت‌اند چنان‌چه در بخش عمه‌ها خواهران پدران و خواهران اجداد و در بخش خاله‌ها خواهران مادران و خواران مادر بزرگان در بخش دختران برادر و دختران خواهر دختران آن‌ها نیز شامل می‌شوند.

سپس خداوند متعال محرمات شیرخوارگی را ذکر نموده بیان داشت که بر شما مادران رضاعی‌تان که شما را قبل از رسیدن به سن دو سال شیر داده‌اند و خواهرانتان که با شما شیر خورده‌اند حرام است. در بخش شیرخوارگی حق‌تعالی جز مادران و خواهران را یاد آور نشده است ولی سنّت پیغمبر ج سایر محرمات را بیان داشته که تعداد آن‌ها نیز مانند محرمات نسبی به هفت می‌رسد. بخاری و مسلم از پیامبر اسلام ج روایت نموده‌اند که ایشان فرمود: «در بخش شیر خوارگی تمام کسانی حرام است که در بخش حرمت نسب حرام شده اند».

در ادامه حق‌تعالی محرمات به سبب خویشاوندی را چنین بیان نمود که بر شما مادران همسران‌تان به مجرد بسته شدن عقد نکاح حرام می‌شود همچنان دختری که تربیت شدۀ زن، ولی از شوهری دیگر باشد حرام است، البته در صورتی که با مادرش مقاربت جنسی انجام داده باشد اگر مقاربت انجام نداده باشد در صورتی که از آن زن جدا شود برایش مجاز است تا با تربیت شدۀ خانه‌اش که از شوهری دیگر است ازدواج کند.

قاعدۀ فقهی در این خصوص چنین است که عقد دختران موجب حرمت مادران و مقاربت با مادران موجب حرمت دختران است.

همچنان بر شما نکاح همسر فرزند صُلبی شما نیز حرام است نه فرزندی که آن را به فرزندی گرفته باشید. و مجاز نیست در نکاح بین دو خواهر جمع کنید چنان‌چه در سنّت پیامبر ج آمده است که برای یک انسان مسلمان مجاز نیست تا بین همسر خویش و عمه یا خاله‌اش جمع کند. «مسلم» به سند خود از پیامبر اسلام ج روایت نموده که ایشان از اینکه یک مرد بین نکاح زن با عمه یا خاله‌اش جمع کند نهی کرده است.

در جاهلیت چنین پدیدۀ زشتی رواج داشت و مردم دو خواهر را هم زمان به عقد نکاح خویش درمی‌آوردند. در اینجا قرآن می‌گوید کوتاهی‌هایی که در جاهلیت واقع شده را خداوند أ عفو نموده است؛ زیرا او به بندگان خود مهربان است و گناهان‌شان را می‌پوشاند.

﴿۞وَٱلۡمُحۡصَنَٰتُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۖ كِتَٰبَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡۚ وَأُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَآءَ ذَٰلِكُمۡ أَن تَبۡتَغُواْ بِأَمۡوَٰلِكُم مُّحۡصِنِينَ غَيۡرَ مُسَٰفِحِينَۚ فَمَا ٱسۡتَمۡتَعۡتُم بِهِۦ مِنۡهُنَّ فَ‍َٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةٗۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِيمَا تَرَٰضَيۡتُم بِهِۦ مِنۢ بَعۡدِ ٱلۡفَرِيضَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا ٢٤﴾.

و بر شما زن‌های شوهر دار نیز حرام است مگر آن دسته زنان شوهر داری که آن‌ها را در میدان جنگ اسیر می‌گیرید که در این صورت بر شما مقاربت با آن‌ها مجاز است البته بعد از اینکه با گذشتن یک عادت ماهوار رحم خویش را از وجود فرزند پاک کنند.

برای شما تحریم تمام زن‌هایی که یادآور شدیم به حیث یک سند مکتوب و فرض حرام شده و نکاح سایر زن‌هایی که از این دست نباشند مباح است به شرطی که نکاح شما با آن‌ها بر اساسات شرعی و دینی بنا شده باشد به این صورت که به آن زن مهر بدهید و او را به خود نکاح نموده باشید نه اینکه زنا کنید.

در این آیه از عمل زنا با واژۀ «سفاح» تعبیر شده، زیرا هدف زنا کار از این عمل ریختن «منی» و بر آورده ساختن شهوت حیوانی است. منظور از «استمتاح» بهره جوئی و لذت بردن از زن‌ها به واسطۀ نکاح شرعی می‌باشد نه نکاح متعه؛ زیرا روافض نکاح متعه را مباح می‌دانند در حالی که این نکاح نظر به احادیث قاطعی حرام شده و پیامبر اسلام ج آن را در دو موقف بزرگ یکی در روز خیبر و دیگری در روز فتح مکه حرام اعلان نموده است.

از امام جعفر صادق / که از جملۀ ائمه اهل بیت است دربارۀ متعه سوال شد ایشان گفتند که متعه خود زناست.

نکتۀ دیگری که دلالت بر این امر دارد این است که خداوند أ بعد از اینکه محرمات را ذکر نموده در پی آن زن‌هایی را یاد آور شد که نکاح آن‌ها مجاز است البته به شرط اینکه این نکاح دوامدار و مستمر باشد و مهریۀ زن نیز پرداخت گردد. معنی آیه کریمه چنین است: هرگاه که از جماع با زن از طریق نکاح شرعی لذت بردید پس در این صورت مهر آن‌ها را بپردازید که پرداخت این مهر فریضه‌ای است که خدای‌تعالی بر شما فرض کرده است و بر شما ای مؤمنان گناه و مشکلی نیست اگر بخشی از مهر را در صورت رضایت زن ندهید. خدای‌تعالی به مصالح بندگان خویش آگاه است و در آنچه به عنوان شریعت مقرر داشته حکمت دارد.

﴿وَمَن لَّمۡ يَسۡتَطِعۡ مِنكُمۡ طَوۡلًا أَن يَنكِحَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ فَمِن مَّا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُم مِّن فَتَيَٰتِكُمُ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۚ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِإِيمَٰنِكُمۚ بَعۡضُكُم مِّنۢ بَعۡضٖۚ فَٱنكِحُوهُنَّ بِإِذۡنِ أَهۡلِهِنَّ وَءَاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِ مُحۡصَنَٰتٍ غَيۡرَ مُسَٰفِحَٰتٖ وَلَا مُتَّخِذَٰتِ أَخۡدَانٖۚ فَإِذَآ أُحۡصِنَّ فَإِنۡ أَتَيۡنَ بِفَٰحِشَةٖ فَعَلَيۡهِنَّ نِصۡفُ مَا عَلَى ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ مِنَ ٱلۡعَذَابِۚ ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَشِيَ ٱلۡعَنَتَ مِنكُمۡۚ وَأَن تَصۡبِرُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡۗ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٢٥﴾.

اگر کسی از شما توان مالی ازدواج با زن آزاد را نداشت اگر بر خویشتن از ارتکاب زنا بیم داشت می‌تواند کنیز مؤمنه‌ای را به نکاح بگیرد و با او بعد از اخذ اذن صاحبش و بنابر ضرورت ازدواج کند. ﴿وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِإِيمَٰنِكُمۚ بَعۡضُكُم مِّنۢ بَعۡضٖ﴾ جملۀ اعتراضیه و مبین این امر است که در شناخت ایمان معرفت ظاهر کافی است و این خداست که اسرار نهان دل‌ها را می‌داند. بنابراین شما ای مؤمنان نباید از نکاح کنیزها سر باز زنید؛ زیرا همۀ شما فرزندان آدم و از یک ذات می‌باشید و ای بسا کنیزی که از آزاد بهتر است پس با کنیزها بعد از اخذ اذن و موافقۀ مالکان‌شان ازدواج کنید و به آنان مطابق عدل و انصاف مهرشان را بدهید. در چنین کنیزهایی شرط این است که پاکدامن باشند و مرتکب زنا نشوند و با سایر مردان رفاقت و قشق بازی نداشته باشند. منظور از «خدان» که در این آیه آمده دوست زن است که با او زنا می‌کند و هرگاه چنین کنیزان با ازدواج، خود را از زنا محفوظ دارند ولی با آنهم مرتکب این عمل شوند. در چنین حالتی کیفر آن‌ها نصف کیفر مردان است یعنی فقط پنجاه ضربه شلاق در حق آن‌ها کافی است و سنگساری در حق کنیز نمی‌باشد؛ زیرا حق‌تعالی کیفر کنیز را نیم کیفر مردان قرار داده است و مسألۀ رجم را نمی‌توان نیم کرد.

موضوع نکاح را که برای شما ای مؤمنان بیان داشتیم برای کسی است که بر خویش از ارتکاب فسق و فجور بیم دارد. آیه نیز بیان داشته که نکاح با کنیزان بنابر ضرورت است از این‌روی در ادامۀ آیه فرمود: ﴿وَأَن تَصۡبِرُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡۗ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾ یعنی امتناع از نکاح کنیزان برای شما از نکاح آن‌ها بهتر است تا فرزندتان نیز برده نباشند و اوتعالی دارای مغفرتی واسع و رحمتی بزرگ است.

﴿يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمۡ وَيَهۡدِيَكُمۡ سُنَنَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ وَيَتُوبَ عَلَيۡكُمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٢٦﴾.

و حق‌تعالی از خلال احکامی که بر شما مشروع ساخته اراده دارد تا امور پوشیدۀ مصالح شما و امور دین‌تان را بیان و شما را به سوی منهج و روش پیامبران رهنمایی کند تا به آنان اقتدا کنید و در ضمن شما را بر انجام توبه نیز موفق سازد و اوتعالی بر احوال بندگان خود داناست و در تشریعات خود حکمت دارد.

﴿وَٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يَتُوبَ عَلَيۡكُمۡ وَيُرِيدُ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلشَّهَوَٰتِ أَن تَمِيلُواْ مَيۡلًا عَظِيمٗا ٢٧﴾.

و خداوند متعال أ اراده دارد تا شما را از گناهان و بدی‌ها پاک کند ولی بدکاران فاجر، آنانی که از هوی و هوس خویش پیروی می‌کنند اراده دارند تا شما را از تقوی به سوی بدکاری و از ایمان به سوی گمراهی بکشانند تا شما نیز مانند آنان باشید.

﴿يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمۡۚ وَخُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ ضَعِيفٗا ٢٨﴾.

و خدای‌تعالی اراده دارد تا در امر تکالیف شرعی آسانگیری کند از این‌روی از شما مشقت‌ها را دفع نمود و بر دین حنیف و معتدل قرار دارد. این تعامل در واقع رحمت و فضلی از جانب خداست زیرا شما واقعاً ضعیف و ناتوانید چون طبیعت انسان چنین است که در برابر خواهشات نفس صبور و بردبار نیست.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً عَن تَرَاضٖ مِّنكُمۡۚ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُمۡ رَحِيمٗا ٢٩﴾.

ای مؤمنان! هیچ‌کس از شما نباید مال دیگری را به طور بخورد، مانند تعاملات ربوی، دزدی، رشوت و انواع و اقسام داد و ستدهای تجارتی حرام، زیرا چنین اعمالی را خدای‌تعالی هم در قرآن کریم و هم در سنّت پیامبر خوش حرام قرار داده است. و از این نیز بر حذر باشید که گروهی از شما خون گروهی دیگر را بریزید یا بر دیگران تجاوز کنید؛ زیرا تمام مسلمانان مانند یک پیکرند که اگر کسی فردی را بکشد گویا که تمام مردم را کشته است. اینکه حق‌تعالی از یکسو ریختن خون‌های معصوم و خوردن اموال دیگران را حرام نموده نظر به این امر است که اوتعالی به مؤمنان مهربان است، چون اموال مسلمانان را معصوم دانسته و اموال آنان را حرام قرار داده تا تمام مسلمانان بتوانند در امنیت و سعادت کامل باهم زندگی کنند.

﴿وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ عُدۡوَٰنٗا وَظُلۡمٗا فَسَوۡفَ نُصۡلِيهِ نَارٗاۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرًا ٣٠﴾.

و هر کس اقدام به چنین اعمال زشتی از قبیل کشتن و خوردن اموال مردم بنابر باطل کند یقیناً که تجاوز نموده و مرتکب ظلم و ستم شده است. چنین کسی بر خود ظلم نموده و به دیگران تجاوز کرده است بنابراین کیفر وی این خواهد بود که وارد آتش دوزخ شود، چه، بر خداوند أ کیفر دادن اعراض گران و ستمگران سهل و آسان است و حق‌تعالی را هیچ چیزی از هیچ کاری عاجز ساخته نمی‌تواند و انجام هیچ امری از حیطۀ قدرت او خارج نیست و هیچ نیرویی نمی‌تواند بر او غلبه یابد چون خداوند أ هرگاه ارادۀ کاری را بکند بر آن کار علم و احاطۀ کامل دارد و هیچ مانعی برای فضل و امرش نیست ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

﴿إِن تَجۡتَنِبُواْ كَبَآئِرَ مَا تُنۡهَوۡنَ عَنۡهُ نُكَفِّرۡ عَنكُمۡ سَيِّ‍َٔاتِكُمۡ وَنُدۡخِلۡكُم مُّدۡخَلٗا كَرِيمٗا ٣١﴾.

ای مؤمنان! هرگاه امور فحشا و گناهان کبیره‌ای مانند شرک به خدا أ، جادوگری، کشتن نفسی که خدا أ حرام نموده مگر به حق، سود خواری، خوردن مال یتیم، فرار از میدان جنگ، افترا بر زن‌های مؤمن و پاکدامن و از این قبیل را فرو گذارید حق‌تعالی گناهان صغیرۀتان را می‌بخشد و شما را غرق رحمت خود می‌سازد و از شما راضی می‌شود و وارد بهشتی می‌نماید که در آن خوشی، سرور و مقامی ارزشمند و گرامی و جایگاه صدق و راستی و خوبی عمومی و نعمت ماندگار است.

﴿وَلَا تَتَمَنَّوۡاْ مَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بِهِۦ بَعۡضَكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٞ مِّمَّا ٱكۡتَسَبُواْۖ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٞ مِّمَّا ٱكۡتَسَبۡنَۚ وَسۡ‍َٔلُواْ ٱللَّهَ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ٣٢﴾.

هیچیک از شما نباید با دیگری حسادت کند و آرزوی به دست آوردن فضلی را بنماید که حق‌تعالی به برادرش ارزانی داشته؛ زیرا تمام ارزاق تقسیم شده است و این خداست که برای هر کسی که بخواهد مطابق حکمت و علم خود چیزی را می‌بخشد. پس حسادت با دیگران در آنچه خدای‌تعالی به آنان از قبیل مال، فرزند، مقام و منصب یا صحت و سلامتی داده کار مناسبی نیست. هر کس می‌خواهد چیزی داشته باشد باید از خدای‌تعالی بخواهد تا از کرم و لطف خود به او نیز مانند آنچه به آن یکی عطا نموده بدهد چون خداوند بزرگ، بخشنده و دهندۀ است و هر قسمتی براساس حکمت و هر بخششی براساس علم و هر عطیه‌ای براساس تقدیر اوست؛ زیرا حق‌تعالی دانا، حکیم، توانا و مدبّری است که عطیه‌اش به کس تعلق می‌گیرد که صلاحیت بخشش و عطا را داشته باشد و از دیگری مطابق علم و دانش خود چیزی را بازمی‌دارد که در حقش بهتر و سزاوارتر است.

﴿وَلِكُلّٖ جَعَلۡنَا مَوَٰلِيَ مِمَّا تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَۚ وَٱلَّذِينَ عَقَدَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ فَ‍َٔاتُوهُمۡ نَصِيبَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدًا ٣٣﴾.

برای هر مرده‌ای گروهی است که از وی ارث می‌برند، اینان از آنچه والدین و نزدیکان‌شان بر جای گذاشته‌اند مستحق ارث‌اند و همچنان کسانی که با آن‌ها در جاهلیت پیمان و حلف نصرت و یاری و ارث بستید پس نصیب و قسمت اینان از ارث را نیز به آنان بدهید.

این حکم در اوائل رسالت پیامبر ج معمول بود ولی بعدها با این آیه: ﴿وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ﴾ نسخ شد که منظور آیه این است که ذوی الارحام به میراث از دیگران سزاوار تراند. و خدای‌تعالی بر همۀ آنچه در نهان انسان قرار دارد آگاه است و بر او هیچ امری پوشیده و مخفی نیست و هیچ غائبی از نظر او غائب نمی‌باشد. در اینجا ملاحظه می‌شود که قرآن کریم هنگام یادآوری از حدود، اوامر و احکام خدا أ در حق اوتعالی از صفاتی مانند: رقیب، شهید و حسیب ‌کار می‌گیرد تا به بندگان این آگاهی را بدهد که حق‌تعالی در کمین کسانی قرار دارد که به مخالفت امرش می‌پردازند و اینکه او به کسانی که از اوامرش اطاعت و از پیامبرش پیروی کنند ثواب و پاداش می‌دهد.

﴿ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ وَبِمَآ أَنفَقُواْ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡۚ فَٱلصَّٰلِحَٰتُ قَٰنِتَٰتٌ حَٰفِظَٰتٞ لِّلۡغَيۡبِ بِمَا حَفِظَ ٱللَّهُۚ وَٱلَّٰتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَٱهۡجُرُوهُنَّ فِي ٱلۡمَضَاجِعِ وَٱضۡرِبُوهُنَّۖ فَإِنۡ أَطَعۡنَكُمۡ فَلَا تَبۡغُواْ عَلَيۡهِنَّ سَبِيلًاۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيّٗا كَبِيرٗا ٣٤﴾.

حق‌تعالی نظر به دو مسأله رعایت، اشراف و ادارۀ زن را بر عهدۀ مرد گذاشته است:

اول: چون خدای‌تعالی به مرد عقل کامل و قدرت تصرف نیکو و تدبیر عالی و توان شخصیتی ارزانی داشته است.

دوم: چون مرد نفقۀ همسر خود را می‌دهد و در راه معیشت کار و تلاش می‌نماید و تمام امور مالی و حقوق زن بر عهدۀ مرد قرار دارد از این‌روی مناسب چنین است که رعایت، اشراف و امر و نهی در خانه بر عهدۀ او باشد. سپس خدای‌تعالی به ستایش زنان نیکو کاری می‌پردازد که از خدای خویش با اکمال عبودیت و مراقبت اوتعالی و ترس از او اطاعت می‌کنند و همچنان از شوهران خود نیز در اموری که موجب طاعت الهی است فرمانبرداری می‌نمایند و علاوه بر این‌ها به شوهر خویش در ذات خود خیانت نمی‌کنند و شرف خانه، مقام و نسب فرزندان وی را نیز نگه می‌دارند.

و اگر مردی از همسر خود تمرد و سرپیچی احساس کرد بر او لازم است تا او را موعظه کند و از عملکرد نادرستش بر حذر داشته رهنماییش نماید و اشتباهاتش را بیان نموده حتی الإمکان از نصیحت و گفتگو کار بگیرد ولی اگر به تمرد خود همچنان ادامه داد شوهر می‌تواند از تنبیه بدنی کار گیرد به شرط آنکه این تنبیه موذی نباشد به این صورت که باید از زدن بر روی، شکم و سایر اعضای حسّاس بدن او خودداری نماید. البته این زدن نوعی تأدیب و تعزیر است نه تعذیب و شکنجه. همه این‌ها راه حل‌های مناسب و آداب نیکوئی است که قانونگذار حکیم به عنوان شریعت نازل نموده تا خدای ناکرده کار زن به طلاق و جدایی نکشد و تا کانون خانواده همچنان گرم باقی بماند. این علاج شبیه علاج طبیب است که احیاناً معالجه با اموری صورت می‌گیرد که برای انسان ناخوشایند است و ای بسا که برخی از اجسام با بیماری‌ها و علت‌ها صحت یاب می‌شوند.

به هر حال اگر زن از شوهر اطاعت نمود در چنین حالی باید هرگونه آزار و اذیت از وی دور شود و با او با مهربانی و معاشرت نیکو رفتار شود؛ زیرا مقتضی تعزیر و تأذیب از وی دور شده است و شما ای مؤمنان بدانید که حق‌تعالی بزرگ و بلند مرتبه است و او بر آفریده‌های خود برتری داشته و رعایت امور بندگانش و تصرف مطلق در مخلوقات از آن اوست. اوتعالی در ملک، قدرت، علم و دانش خود بزرگ است از این‌روی در این آیه بندگان خود را متوجه این امر نموده تا خوف و خشیت از او باشد نه از دیگران و هیچ‌کس نباید از رعایت و قیمومیت خدا أ بر هستی در تعجب واقع شود و لازم است تا انسان تنها مراقب او باشند و ترس تنها از او صورت گیرد.

﴿وَإِنۡ خِفۡتُمۡ شِقَاقَ بَيۡنِهِمَا فَٱبۡعَثُواْ حَكَمٗا مِّنۡ أَهۡلِهِۦ وَحَكَمٗا مِّنۡ أَهۡلِهَآ إِن يُرِيدَآ إِصۡلَٰحٗا يُوَفِّقِ ٱللَّهُ بَيۡنَهُمَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرٗا ٣٥﴾.

و اگر قاضی از کثرت اختلاف در بین زن و شوهر هراس داشت بر او لازم است تا مردی عاقل، عادل و مورد اعتماد از نزدیکان شوهر و مردی دیگر با عین مواصفات از اقارب زن بر گزیند و این دو را مکلف به اصلاح روابط زن و شوهر بگرداند.

در توصیف هیئت اصلاحی قرابت و نزدیکی از این‌روی شرط شده که نزدیکان زن و مرد بر اسرار قضیه و علاج مناسب آن آگاهی دارند و هرگاه این هیأت در عمل خویش اخلاص داشته باشند و صادقانه عمل کنند یقیناً حق‌تعالی آنان را در وظیفۀ مهم و خطیرشان موفق می‌سازد؛ زیرا خدای‌تعالی بر تمام اسرار آگاهی دارد، او می‌داند چه کسی در نیّت خود صادق است و چه کسی دروغ می‌گوید، او اخلاصمندان را از دیگران بهتر می‌شناسد. حق‌تعالی جز به عدل حکم نمی‌کند و جز مطابق با حکمت مقدّر نمی‌نماید و تمام تدبیر او براساس علم و دانشی است که دارد.

﴿۞وَٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗا وَبِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡجَارِ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡجَارِ ٱلۡجُنُبِ وَٱلصَّاحِبِ بِٱلۡجَنۢبِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخۡتَالٗا فَخُورًا ٣٦﴾.

سپس حق‌تعالی مردم را امر نمود تا عبادت خدای یگانه را انجام دهند و به او هیچ‌کس یا هیچ چیزی را شریک و انباز قرار ندهند و در عبادتی که نسبت به او انجام می‌دهند همواره اخلاص داشته و از اوامر اوتعالی اطاعت و پیامبرش را تصدیق و به کتاب او و سنّت پیامبرش عمل کنند.

همچنان خداوند أ امر نمود تا به والدین خویش به نیکوئی رفتار نمائیم و هرگز با آن‌ها سخن درشت نگوئیم و از آن‌ها در اموری که طاعت خداست اطاعت کنیم و به آن‌ها بی‌نهایت مهربان باشیم. در پی آن پروردگار امر نمود تا با اقربا و نزدیکان خود نیز به نیکوئی رفتار کنیم، اقاربی که بین او و انسان نسب، حسب و یا ارتباط دیگری است. رفتار شایسته با نزدیکان و صبر کردن بر آزار و اذیت آن‌ها موجب حصول ثواب و پاداشی بزرگ است. چنان‌چه با یتیمان نیز باید رفتار نیکو داشته و به آن‌ها مهربانانه رفتار نمائیم و امورشان را به گونۀ درست نیکو رعایت و سرپرستی کنیم؛ زیرا نفع رساندن به یتیمان قلب‌های آن‌ها را نرم می‌سازد و انسان را به خدای‌تعالی نزدیک می‌نماید.

عین چنین رفتاری را باید با مسکینان داشته باشیم کسانی که به قَدر معیشت خود توان مالی ندارند که باید به چنین کسانی به اندازۀ نیازشان خیر برسانیم و همچنان با همسایه‌ای که با انسان قرابت و نزدیکی دارد، چنین همسایه دارای دو حق است: یکی حق همسایگی و دیگری حق قرابت و نزدیکی و همسایه‌ای که صرفاً همسایه است و بین انسان و آن‌ها هیچ‌گونه قرابت و نزدیکیی نیست با هردو همسایۀ یاد شده باید احسان کنیم و رفتار شایسته داشته باشیم و هیچگاه آزار و اذیتی به آنان نرسانیم. با همسفران و همکاران نیز باید رفتار حسنه و نیکو داشته باشیم زیرا بین شما و چنین کسانی صداقت و دوستی ایجاد شده و باید به حق صداقت و دوستی رسیدگی نمائید. همچنان باید با مسافری که در راه باز مانده و توان مالی بازگشت به خانه و کاشانه‌اش را ندارد به چنین مسافری باید خیر برسانیم؛ زیرا حق‌تعالی اجر و مزد هیچ نیکوکاری را ضایع نمی‌سازد. با کسانی که در استخدام انسان قرار دارند نیز باید به نیکی و لطف رفتار کنیم و به آن‌ها احسان نمائیم زیرا چنین کسانی ضعیف و ناتوانند و این حق‌تعالی است که برای ما قیمومیت و فرمان دادن بر آنان را اعطا نموده است خدای‌تعالی خیال پردازانی که دچار کبر و غرور شده‌اند را و همچنان کسانی که با زبان خویش خود را ستایش می‌کنند و در وصف خود از حد پا را فراتر می‌گذارند دوست ندارد؛ زیرا چنین مواصفات اخلاقیی مذموم و نکوهیده و از جملۀ اخلاقیات ابلیس است، او که از اجرای اوامر حق‌تعالی سر باز زد، از این‌روی بر یک بنده لازم است تا همواره در دل خویش تواضع و فروتنی داشته باشد و هیچ‌گونه قدر و منزلتی برای خود قایل نشود و هیچگاه افزون طلبی نکند و به زبان خویش افتخار ننماید؛ بلکه همواره باید حمد و سایش حق‌تعالی را به سبب نعمت‌هایی که داده بر جای آورد و متوجه گناهان و تقصیرات خود باشد و یاد گناهان باید او را در برابر مولا و خالقش متواضع و فروتن کند.

﴿ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ وَيَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبُخۡلِ وَيَكۡتُمُونَ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۗ وَأَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٗا مُّهِينٗا ٣٧﴾.

بر این خیال پردازانی که بر خویشتن می‌بالند و افتخار می‌کنند مَثَل و حالت یهودیان مطابقت دارد که در آنچه حق‌تعالی به آن‌ها از فضل خود از قبیل علم و مال داده بخالت روا می‌دارند و حتی از مردم نیز می‌خواهند تا بخیل و ممسک باشند. آن‌ها علمی را که خدای‌تعالی به آن‌ها بخشیده نیز کتمان می‌کنند و در این راستا اوصاف پیامبر اسلام ج را که در کتاب‌های‌شان آمده و امر به معروف و نهی از منکر را پنهان می‌دارند.

به این حالت کسان دیگری نیز از امّت اسلام شباهت دارند؛ زیرا در میان این‌ها برخی در مال خود بخالت دارند و گروهی دیگر در علم خود، اینان بدترین مخلوقات خدایند. بر یک بنده لازم است تا در آنچه حق‌تعالی به او از علم و مال عطا فرموده مراقب خدای‌تعالی باشد، این مراقبت به این صورت خواهد بود که انسان مال خود را در وجوه خیر به مصرف برساند و علم خود را به دیگران بیاموزاند و کتمان نکند که اگر چنین کرد در واقع نافرمانی خدای خود را نموده است.

در ادامه حق‌تعالی خبر می‌دهد که او برای دشمنان خود و تکذیب کنندگان پیامبر عذاب، ذلت، عار و خواری آتش دوزخ را مهیا نموده است جایی که محل جاودان و دائمی توأم با عذاب و کیفر است.

﴿وَٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَلَا بِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۗ وَمَن يَكُنِ ٱلشَّيۡطَٰنُ لَهُۥ قَرِينٗا فَسَآءَ قَرِينٗا ٣٨﴾.

سپس حق‌تعالی به یادآوری گروهی دیگر از مردم می‌پردازد که اموال خود را از روی ریا و خود نمائی و به خاطر ستایش مردم انفاق می‌کند، سعی و عمل چنین کسی باطل و مردود است. اینکه چنین شخصی ریا کند نظر به این است که به لقای خدای‌تعالی و ثواب و عقاب او ایمان ندارد ورنه اگر به محاسبۀ خدا در روزی که هیچ شکی در وقوع آن نیست ایمان می‌داشت، حتماً در تمام اعمال خود اخلاص می‌داشت و در گفتار و کردار خود از صداقت و راستی کار می‌گرفت ولی شیطان او را به خود دوست گرفته و قرینش شده است و چقدر بد و زشت است چنین قرین و دوستی که جز به بدی و شرّ امر نمی‌کند و جز از خوبی نهی نمی‌نماید.

﴿وَمَاذَا عَلَيۡهِمۡ لَوۡ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقَهُمُ ٱللَّهُۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِهِمۡ عَلِيمًا ٣٩﴾.

به چنین کسانی چه ضرر و زیانی خواهد رسید اگر کتاب خدا و پیامبرش را تصدیق کنند و اعمال خود را به خاطر روز آخرت انجام دهند و در گفتار خویش صادق و در اعمال خویش صالح باشند، در حالی که برای آن‌ها ستایش نیکو و بازگشتی خوب در پیشگاه پروردگار و مولای‌شان است؟ به آن‌ها چه ضرری خواهد رسید اگر از آنچه خدای‌تعالی به آنان عطا کرده صدقه دهند و این صدقه مایۀ تزکیه نفس‌ها و پاکدامنی و موجب نما و زیادت اموال‌شان باشد در حالی که حق‌تعالی به آنان از لطف و کرم و از فضل واسع خود ارزانی داشته؛ زیرا حق‌تعالی دانایی است که هیچ امری بر او پوشیده نیست.

در اینجا چون بحث از نیت‌ها و مقاصد بود مناسب چنین است که حق‌تعالی از علم و دانش خود یاد آور شود زیرا اوتعالی بر همۀ امور مخفی و پوشیده آگاه است و خدایی جز او نیست.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظۡلِمُ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖۖ وَإِن تَكُ حَسَنَةٗ يُضَٰعِفۡهَا وَيُؤۡتِ مِن لَّدُنۡهُ أَجۡرًا عَظِيمٗا ٤٠﴾.

و حق‌تعالی بر بندگان خود ستمگار نیست و او با هیچ کسی به اندازۀ یک ذره از خاک هم که شده بخالت روا نمی‌دارد و اگر این ذره از اعمال خیر و شایسته باشد خداوند أ آن را چند برابر می‌سازد تا اینکه به اندازۀ کوه اُحُد می‌گردد چنان‌چه این مطلب در حدیث صحیح آمده است.

و اوتعالی از عطای بسیار خود می‌دهد و کم را می‌پذیرد و در بدل آن بسیار و اجر فراوانی که نزد او ذخیره شده است ارزانی می‌دارد، این هدیه برای کسی خواهد بود که عمل بهتر را انجام می‌دهد، هدیه‌ای که مشتمل بر رستگاری توأم با حصول رضای الهی و داخل شدن به بهشت در جایگاهی امن و مجلس صدق و راستی خواهد بود.

﴿فَكَيۡفَ إِذَا جِئۡنَا مِن كُلِّ أُمَّةِۢ بِشَهِيدٖ وَجِئۡنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ شَهِيدٗا ٤١﴾.

چگونه و سخن بر چه منوالی خواهد بود در آن روزی که حق‌تعالی اولین‌ها را جمع می‌کند و شاهدان بر امت‌های خود بر این امر شهادت می‌دهند که آن‌ها امت‌های خود را نصیحت نموده به آنان امور حق و حقیقت را بیان کردند و سپس بر همگان یک تن شهادت دهد که همان حضرت محمد ج است. چقدر موفقی بزرگ، سخت و ترسناک خواهد بود و چه حادثه‌ای هولناک و شگفت انگیزی؟! از این‌روی بر بندگان لازم است پیدا کنند.

زمانی که این آیه نزد پیامبر اسلام ج تلاوت شد ایشان از روی شفقت بر امّت خود و بنابر رحمت و مهربانی، گنه‌کاران امّت گریه فرمود.

﴿يَوۡمَئِذٖ يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَعَصَوُاْ ٱلرَّسُولَ لَوۡ تُسَوَّىٰ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضُ وَلَا يَكۡتُمُونَ ٱللَّهَ حَدِيثٗا ٤٢﴾.

زمانی که این روز فرا رسد کفاری که پیامبر ج را تکذیب نموده و از ایشان پیروی نکردند آرزو می‌نمایند که ای کاش خدای‌تعالی آن‌ها و زمین را یکی می‌ساخت و آن‌ها نیز خاک می‌شدند تا به سوی حساب و کتاب الهی باز نمی‌گردیدند. آن‌ها توان این را ندارند که چیزی را مخفی دارند از این‌روی بر همه چیز اقرار و اعتراف می‌نمایند به خصوص زمانی که حق‌تعالی بر زبان‌های آن‌ها مُهر سکوت نهد و دست‌ها و پاهای‌شان به آنچه در دنیا انجام داده‌اند سخن بگوید.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقۡرَبُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنتُمۡ سُكَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَعۡلَمُواْ مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغۡتَسِلُواْۚ وَإِن كُنتُم مَّرۡضَىٰٓ أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوۡ جَآءَ أَحَدٞ مِّنكُم مِّنَ ٱلۡغَآئِطِ أَوۡ لَٰمَسۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَلَمۡ تَجِدُواْ مَآءٗ فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدٗا طَيِّبٗا فَٱمۡسَحُواْ بِوُجُوهِكُمۡ وَأَيۡدِيكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ٤٣﴾.

ای مؤمنان! در حال مستی نماز نگذارید تا در نماز آنچه را نمی‌دانید و همچنان هزیان نگوئید، ولی صبر کنید تا زمانی که مستی‌تان زائل شود، چون چنین شد آنگاه نماز بگذارید.

این آیه پیش از حرمت شراب نازل شده بود. همچنان در حالت جنابت نماز نگذارید تا زمانی که غسل شرعی نمائید و هر که از شما مسافر بود و آبی جهت غسل نیافت می‌تواند تیمم کند و آنکه مریض باشد و بر استفاده از آب توان نداشته باشد، او نیز می‌تواند با خاک پاک تیمم کند و براساس این تیمم بر روی و دستان خود مسح کند. این امر نشانۀ رحمت الهی، عفو و لطف او نسبت به امّت اسلامی است؛ زیرا بر آن‌ها آسان گرفته و سختی‌ها و مشکلاتی را که بر سایر امم بوده از این امّت برداشته است، از این‌روی حق‌تعالی این آیه را با بیان این امر پایان بخشیده است که اوتعالی عفو کننده و بخشاینده است و او هیچگاه بعد از عفو و گذشت کسی را نمی‌گیرد و اشتباهات را می‌پوشاند و هیچگاه مرتکب آن را بعد از گذشت نمی‌گیرد.

در اینجا ملاحظه می‌شود که خدای‌تعالی از جماع و مقاربت جنسی با همسر با واژه «ملامست» تعبیر نموده؛ زیرا پروردگار کریم و گرامی است.

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يَشۡتَرُونَ ٱلضَّلَٰلَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّواْ ٱلسَّبِيلَ ٤٤﴾.

آیا از این یهودیان در شگفت نیست؟! آنانی که حق‌تعالی به آنان بعضی از علم کتاب تورات را داد در حالی که در همین کتاب گواهی پیامبری حضرت محمد ج و بیان هر چیزی است ولی با همۀ این‌ها یهودیان هدایت را فروختند و به جای آن گمراهی و انحراف از منهج الهی را خریدند و علاوه بر این بر گمراهی خود اکتفا نکرده، بلکه تلاش نمودند تا مسلمانان را نیز دچار گمراهی کنند و از هدایتی که حق‌تعالی آنان را به آن مشرف ساخته باز دارند، روی این اساس آن‌ها هم گمراه‌اند و هم گمراه‌گر؛ زیرا قلب‌های آن‌ها پُر از خباثت و نفس‌های‌شان پُر از حیله و مکر است.

﴿وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِأَعۡدَآئِكُمۡۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَلِيّٗا وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ نَصِيرٗا ٤٥﴾.

و لیکن خدای‌تعالی تمام برنامه ریزی‌های این دشمنان را می‌داند و به زودی پرده از حیله‌های‌شان بیرون می‌افکند و همه را برای مؤمنان واضح و آشکار می‌سازد تا کجی و کوری آن‌ها بر ملا و هویدا گردد.

برای مؤمنان همین کافی است که حق‌تعالی ولی و دوستدارشان است. او به آن‌ها آنچه مایۀ نفع‌شان است ارزانی می‌دارد و متولی امور و مدبر شؤون‌شان است و به آن‌ها نیکی می‌کند و همین کافی است که خدای‌تعالی یاری دهندۀ آن‌هاست و از آن‌ها دفاع می‌نماید و دشمنان‌شان را خوار و ذلیل می‌سازد. چقدر بزرگ است این شرف که پروردگار ولی، دوستدار و یاری دهندۀ این مؤمنان باشد.

﴿مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ وَيَقُولُونَ سَمِعۡنَا وَعَصَيۡنَا وَٱسۡمَعۡ غَيۡرَ مُسۡمَعٖ وَرَٰعِنَا لَيَّۢا بِأَلۡسِنَتِهِمۡ وَطَعۡنٗا فِي ٱلدِّينِۚ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ قَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَا وَٱسۡمَعۡ وَٱنظُرۡنَا لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ وَأَقۡوَمَ وَلَٰكِن لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفۡرِهِمۡ فَلَا يُؤۡمِنُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ٤٦﴾.

گروهی از یهودیان کلام خدا أ را تحریف نموده و معانی آن را تبدیل کردند و در آیات الهی دست به الحاد زده و سخن را بر غیر معنی آن حمل نمودند و چون نزد پیامبر ج آمدند گفتند با گوش‌های خود شنیدیم و با قلب‌ها و اعمال خود نافرمانی کردیم. این عمل را از روی مکر و حیله انجام دادند. آن‌ها برای پیامبر ج می‌گویند: ﴿وَٱسۡمَعۡ غَيۡرَ مُسۡمَعٖ﴾ یعنی بشنو از ما که هیچ سخن بدی را نمی‌شنوی. ظاهر سخن چنین است ولی آن‌ها از مکر و حیله و خباثت خود این مفهوم را اراده داشتند که: بشنو خداوند أ تو را نشنواند. یا بشنو خداوند أ تو را به کَری مبتلا کند.

آن‌ها از روی جهالت و نادانی می‌گویند «راعنا» که ظاهر آن‌چنین است: به سوی ما بنگر تا سخن بگوئیم. در حالی که باطن آن از «رعونت» گرفته شده که به معنی حماقت و کودنی است. همۀ این‌ها را بنابر تحریف زبانی، خباثت قلبی و عمل فریبکارانه انجام دادند و منظورشان استهزا و تمسخر به پیامبر اسلام ج و دین و توهین به مردم بود و اگر این کفّار بدکار از راه و مسیر درست و بهتر پیروی می‌کردند باید می‌گفتند: سخنت را شنیدیم و از امر تو اطاعت نمودیم و از ما بشنو و به سوی ما نظر کن و هیچگاه به دنبال الفاظ و کلماتی که می‌شود آن‌ها را حمل بر معانی بَد کرد نمی‌رفتند، کلماتی که تشویش آفرین است و می‌شود با آن دست به پنهان‌کاری زد. اگر اینان چنین می‌کردند برای دنیای‌شان در به دست آوردن پیروزی و نصرت و در آخرت جهت به دست آوردن اجر و ثواب بزرگ بهتر بود ولی این قوم را خدای لعنت کرد و آنکه مورد لعنت اوتعالی قرار گیرد هیچگاه به سوی دلیل و برهان هدایت نمی‌شود و هیچگاه حجّت و برهان را نمی‌فهمد و دین را درک نمی‌کند؛ زیرا چنین شخصی دارای قلبی کور و دور از اماکن رحمت الهی است، اماکنی که حق‌تعالی همواره در آنجا برکات خود را نازل می‌نماید. روی این اساس آن‌ها ایمان نمی‌آورند و کسانی که از میان آن‌ها ایمان آورده‌اند بسیار اندک‌اند، مانند عبدالله بن سلام و ای بسا که گروهی از آنان به برخی از آنچه بر محمد ج نازل شده ایمان آوردند و به بسیاری دیگر کفر و رزیدند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ ءَامِنُواْ بِمَا نَزَّلۡنَا مُصَدِّقٗا لِّمَا مَعَكُم مِّن قَبۡلِ أَن نَّطۡمِسَ وُجُوهٗا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰٓ أَدۡبَارِهَآ أَوۡ نَلۡعَنَهُمۡ كَمَا لَعَنَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلسَّبۡتِۚ وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ مَفۡعُولًا ٤٧﴾.

ای یهودیان! محمد ج را تصدیق کنید زیرا آنچه را آورده تصدیق کنندۀ رسالت شما در تورات و آنچه بر موسی ÷ نازل شده می‌باشد، پس قبل از اینکه خشم خدا أ بر شما نازل شود به او ایمان آورید؛ زیرا هرگاه این خشم نازل شود خدای‌تعالی روی‌های شما را محو و محاسنش را از بین می‌برد و شما را از رحمت خود دور می‌سازد، درست همانگونه که اجداد شما را به سبب شکار در روز شنبه از رحمت خویش دور کرد. امر خدا أ حتماً تحقق می‌یابد و در وقوع آن هیچ شک و شبهه‌ای نیست. هرگاه خدای‌تعالی ارادۀ کاری را بکند هیچ بازدارنده‌ای برای آن نیست.

این مطلب تهدید شدیدی در حق یهودیان است که در دنیا و آخرت به کیفر الهی گرفتار می‌شوند.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱفۡتَرَىٰٓ إِثۡمًا عَظِيمًا ٤٨﴾.

خدای‌تعالی خبر می‌دهد که او هیچگاه کسی را که به اوتعالی شریک و انباز قرار دهد نمی‌بخشد و او را وارد بهشت نمی‌سازد و علاوه بر این‌ها او را برای همیشه در آتش دوزخ قرار می‌دهد. سایر گناهان غیر از شرک را امید می‌رود که حق‌تعالی ببخشد. کسی که مرتکب سایر گناهان غیر از شرک شود تحت مشیت الهی قرار دارد، اگر حق‌تعالی خواست او را می‌بخشد و اگر خواست عذابش می‌نماید. کسی که به خدا أ شریک آورد در واقع جرمی زشت و گناهی بزرگ مرتکب شده که سایر گناهان در برابر آن ناچیز است؛ زیرا شریک قرار دادن به خدای‌تعالی بزرگ‌ترین گناه و خطا به شمار می‌رود و مرتکب آن با کیفر دوزخ هلاک می‌شود و هیچگاه شفاعت هیچ شفاعتگری نفعی به حال او ندارد و برای او هیچ دوست، مدافع و یاری دهنده‌ای نیست؛ چنان‌چه از او هیچ فدیه‌ای پذیرفته نمی‌شود. خداوند أ ما را از گناه شرک ایمن دارد.

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُمۚ بَلِ ٱللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَآءُ وَلَا يُظۡلَمُونَ فَتِيلًا ٤٩﴾.

به سوی این یهودیان بنگر که چگونه خویشتن را ستایش و با زبان پاک می‌کنند، این‌ها می‌پندارند که فرزندان خدا أ و دوستدارانش‌اند از این‌روی در حضور مردم و به عنوان ستایش خود ادعا می‌کنند که آن‌ها انسان‌های برگزیدۀ خدا أ و بهترین امت‌ها هستند در حالی که تعیین این مسأله به آن‌ها مربوط نیست؛ زیرا مدح خداوند أ مدح، و ذمّ او مذمت است و مسألۀ تزکیۀ بندگان و ستایش آن‌ها بنابر علم و دانش و مبتنی بر واقعیت و حقیقت نیز مربوط به اوست. و اگر این‌ها حسنات و خوبی‌هایی هم داشته باشند حق‌تعالی در این خوبی‌ها و حسنات، ظلم و ستمی در حق آن‌ها روا نمی‌دارد چون پروردگار بر هیچ‌کس ولو به اندازۀ شکاف هستۀ خرما هم که شده ستم نمی‌نماید و اوتعالی از هرگونه ظلم پاک و مبراست و اوست که همواره ما را بر اجرای عدالت فرمان می‌دهد.

﴿ٱنظُرۡ كَيۡفَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۖ وَكَفَىٰ بِهِۦٓ إِثۡمٗا مُّبِينًا ٥٠﴾.

آیا از این یهودیان در شگفت نیستی که چگونه به خود جرئت می‌دهند تا بر خدا أ دروغ بر بندند و بر دین و پیامبرش افترا کنند و بپندارند که آن‌ها بهترین امت‌ها و فرزندان خدا أ و دوستانش هستند و آن‌ها در دوزخ مگر برای مدتی کوتاه عذاب نمی‌شوند و اینکه حق‌تعالی از آن‌ها تعهد گرفته تا به هیچ پیامبری ایمان نیاورند تا زمانی که قربانیی را ارائه کنند که آتشی از آسمان آن را بخورد و از این قبیل افتراءات و دروغ‌های بزرگ دیگر؛ هلاک باشند اینان آیا عقل و دین ندارند تا آن‌ها را از این امر باز دارد؟ اینان آیا حیا نمی‌کنند؟ این همه دروغ و افترائی که این‌ها انجام می‌دهند جنایت و اشتباهی واضح و آشکار و گناهی مشهور است که براساس آن آن‌ها مستحق شدیدترین عذاب در سرای ذلّت و خواری و در آتش دوزخ می‌شوند.

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡجِبۡتِ وَٱلطَّٰغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ هَٰٓؤُلَآءِ أَهۡدَىٰ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ سَبِيلًا ٥١﴾.

آیا از این یهودیان که به آنان بهره‌ای از دانش تورات داده‌ایم در شگفت نیستی؟! ما که به آن‌ها پیامبر گرامی حضرت موسی ÷ را فرستادیم ولی با تمام این‌ها آن‌ها به جادو ایمان می‌آورند و طاغوت را عبادت می‌کنند و با خدا أ دیگری را شریک و انباز قرار می‌دهند تا جائی که یکی از علمای آن‌ها به نام کعب بن اشرف در میان قریشیان بر خواست و سوگند یاد کرد که منهج و روش آن‌ها از دین محمد ج و یارانش بهتر و رهیاب‌تر است. این‌ها اهل خیانت‌اند که بسیار کم امانت‌ها را نگه می‌دارند. این‌ها اهل انحراف در دین و اهل ایمان به سحر و جادویند، از این‌روی خدای‌تعالی آنان را به ذلّت و خواری مبتلا نمود.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُۖ وَمَن يَلۡعَنِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ نَصِيرًا ٥٢﴾.

این‌هایی که مرتکب چنین اعمال بد و زشتی شدند و به خدا أ کافر شده و به پیامبر ج و یارانش استهزا نمودند و بر علیه مؤمنان و برای کفّار شهادت زور دادند، این‌ها را حق‌تعالی از رحمت خود طرد نمود و بر آن‌ها خشم شدید گرفت و آنان را خوار و ذلیل ساخت، از این‌روی برای آن‌ها هیچ یاری دهنده و مدافعی نیست و نه هم دوست و ولیی که منفعت را برای آنان جلب کند دارند.

﴿أَمۡ لَهُمۡ نَصِيبٞ مِّنَ ٱلۡمُلۡكِ فَإِذٗا لَّا يُؤۡتُونَ ٱلنَّاسَ نَقِيرًا ٥٣﴾.

این‌ها ادعا می‌کنند که پادشاهی و حکومت آخرالزمان از آن آنان خواهد بود، درست آنگونه که پادشاهی برای گذشتگان‌شان بود، اگر این پادشاهی چونان که ادعا می‌کنند از آن‌ها باشد در حالی دروغی بیش نیست، خواهید دید که آنان بی‌نهایت در حق مردم بخل روا می‌دارند و به آنان چیزی نمی‌دهند؛ زیرا حسادت و بخل در طبیعت‌شان عجین شده تا جائی که حتی به اندازۀ فرورفتگی پشت هستۀ خرما هم چیزی به کس نمی‌دهند.

﴿أَمۡ يَحۡسُدُونَ ٱلنَّاسَ عَلَىٰ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۖ فَقَدۡ ءَاتَيۡنَآ ءَالَ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَءَاتَيۡنَٰهُم مُّلۡكًا عَظِيمٗا ٥٤﴾.

اینان در کنار بخلی که دارند حسود نیز هستند زیرا به مؤمنان در اینکه حق‌تعالی آنان را با ارسال محمد ج و نازل نمودند قرآن گرامی داشته حسادت می‌ورزدند. چرا اینان با بندگان خدا أ بر کتاب خدا أ و پیامبرش حسادت می‌ورزند در حالی که خدای‌تعالی بر خود آن‌ها کتاب‌های بسیار و پیامبران متعددی را فرستاده است مانند ابراهیم ÷ و سایر پیامبرانی که بعد از ایشان آمده‌اند همچون: اسماعیل، اسحاق و یعقوب که برگزیده شده‌های خداوند اند و حق‌تعالی به آنان نبوّت و کتاب را ارزانی داشته است. یعقوب اسرائیل نیز پدرشان است که خداوند در میان اولادش نبوّت و پیامبری قرار دارد. ای کاش اینان قدر این نعمت‌ها را می‌دانستند و طاعت خدا و شکرش را به شایستگی بر جای می‌آوردند. همچنان ما به آن‌ها پادشاهی بزرگ نیز مانند پادشاهی داود و سلیمان دادیم ولی با همۀ این نعمت‌ها اینان شکر خدا أ را برجای نیاورده و حتی پیامبران را کشتند و به پیامبری کافر شدند و در کتاب آسمانی دست به الحاد زدند.

﴿فَمِنۡهُم مَّنۡ ءَامَنَ بِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن صَدَّ عَنۡهُۚ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ٥٥﴾.

از یهودیان گروه‌ی اند که به رسالت حضرت محمد ج ایمان آورده و کتابش را تصدیق نمودند در حالی که اکثرشان از پیامبر ج روی گردانیده به رسالت‌شان استهزا نمودند و به این ترتیب بین بخل در اموال، حسادت در نفس و ممانعت از راه خدا أ و کفر به رسالت پیامبر اسلام ج جمع نمودند. کیفر این‌ها آتشی است شعله‌ور که روی‌ها و اجسام‌شان را می‌سوزاند و کباب می‌کند، این کیفر کاملاً مطابق عملکرد ناشایست و خباثت نهان‌شان است و پاسخی مناسب به تمام حیله‌ها و مکرهای آن‌هاست.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا سَوۡفَ نُصۡلِيهِمۡ نَارٗا كُلَّمَا نَضِجَتۡ جُلُودُهُم بَدَّلۡنَٰهُمۡ جُلُودًا غَيۡرَهَا لِيَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمٗا ٥٦﴾.

برای کفار از اهل کتاب و مشرکان عرب در پیشگاه خدای‌تعالی آتشی است که اجسام آن‌ها را می‌سوزاند و پوست‌های‌شان را کباب می‌نماید، هرگاه این پوست که محل آزار و اذیت در جسم است بسوزد، حق‌تعالی به جای آن پوستی دیگر قرار می‌دهد تا عذاب‌شان همچنان دوامدار باشد.

چقدر حال بدی خواهند داشت اینان!! و چقدر قبیح است محل بازگشت‌شان!! خداوندی که این عذاب را در حق آنان مقدر فرموده عزیز غالبی است که هیچ چیزی بر او غالب شده نمی‌تواند. او در الوهیت و ربوبیت خود یکتا و یگانه است و هیچگاه شریک، انباز و ندّی ندارد و نیرو و توان مطلق نیز از آن اوست. علاوه بر این‌ها او حکیمی است که عذاب و کیفر را به غیر مستحق آن نمی‌رساند و هرچیز او مطابق حکمت و عدل است.

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَنُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ لَّهُمۡ فِيهَآ أَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞۖ وَنُدۡخِلُهُمۡ ظِلّٗا ظَلِيلًا ٥٧﴾.

اما مؤمنان صادق آنانی که اعمال خوب بسیار انجام دادند و از امور بد دوری گزیدند پس تو آنان را به بهشت بشارت ده، بهشتی که در آن جوی‌هایی از عسل، شراب و شیر است. در بهشت سخن بی‌هوده نمی‌شنوند. این نعمت برای آن‌ها ماندگار و برای همیشه است و هیچگاه از آنان قطع نمی‌شود. آن‌ها دچار پیری، بیماری و عدم نیز نمی‌شوند و در کنار همۀ این‌ها برای‌شان همسرانی پاک از هرگونه پلیدی و کثافات است. این همسران هرگز دچار آنچه بر زن‌ها صورت می‌گیرد مانند عادت ماهوار و بیماری ولادت و از این قبیل نمی‌شوند. همچنان حق‌تعالی این مؤمنان را در بهشت در سایۀ دائمی و همیشگی داخل می‌کند. اینان هیچگاه در آن خورشید و «زمهریر/ مکانی سرد» نمی‌یابند بلکه در مقامی امن و آسایشی مرفه و زندگی سعادتمند و شادمانی چشم و دل قرار دارند.

﴿۞إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُكُمۡ أَن تُؤَدُّواْ ٱلۡأَمَٰنَٰتِ إِلَىٰٓ أَهۡلِهَا وَإِذَا حَكَمۡتُم بَيۡنَ ٱلنَّاسِ أَن تَحۡكُمُواْ بِٱلۡعَدۡلِۚ إِنَّ ٱللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ سَمِيعَۢا بَصِيرٗا ٥٨﴾.

ای مؤمنان! حق‌تعالی شما را امر می‌کند تا امانت‌ها را به صاحب آن بسپارید. هم امانتی که بین شما و خدای‌تان مبنی بر اطاعت از اوامر و اجتناب از نواهی است و هم امانتی که در بین شما و مردم در خصوص ادای سپرده‌ها و سایر حقوق مالی و عهد و پیمان‌ها و نقض نکردن سوگندهاست. و هرگاه وظیفۀ حکمیت در منازعات یا صلح در بین بندگان خدا أ به شما واگذار شد بر شما لازم است تا انصاف و عدالت را همواره رعایت کنید و در این مورد از خدای خود بترسید و هیچ‌کس نباید بر دیگری ظلمی روا دارد و یا خیانتی کند و یا از حق عدول نماید.

سوگند به خدا أ که این وصیت از جمله و صیت‌های بزرگ و نصیحت‌های ارزشمند است که در آن هم خیر و سعادت دنیاست و هم خیر و سعادت آخرت. این وصیت مایۀ رهیابی و سدّی در برابر گناهان به شمار می‌رود. کسی که ما را بر آن امر فرموده خدایی است شنوا که هیچ آوازی برای او ناشنوا نمی‌باشد، او بیناست که دانش هیچ پدیده‌ای از او غایب نیست، او بر همۀ احوال اطلاع دارد و هیچ امر نهان و پوشیده‌ای بر او مخفی نیست.

و تو ای آنکه به خدا أ ایمان آورده و پیامبرش را تصدیق نموده‌ای! بر تو لازم است همواره از خدای خود در آنچه امر یا نهی فرموده و همچنان از پیامبرش با پیروی سنّت او اطاعت کنی و شریعتش را در نهان و آشکار بر پای داری و از زمامداران نیز در طاعت خدا أ اطاعت کنی البته تا وقتی که آن‌ها از اوتعالی اطاعت کنند و مسلمان و مؤمن باشند و شما را به کارهای خوب امر نمایند نه در معصیت و نافرمانی خداوند أ و هرگاه در مسأله‌ای اختلاف کردید باید آن مسأله را به کتاب خدا و سنّت پیامبرش رجعت دهید و به حکم اوتعالی و پیامبرش راضی باشید؛ زیرا در این حکم انصاف به صورت بی‌نهایت رعایت شده و در آن عدالت کامل وجود دارد و کاملاً مطابق حق و اول آخر آن صدق و راستی است.

کسانی چنین تعاملی می‌نماید که از خدا أ می‌ترسند و تقوای او را رعایت می‌نماید و خود را به ملاقات او آماده می‌سازند و امید رحمتش را دارند و از عذابش می‌هراسند. تمام این امور نیک منتج به خیر دنیا مانند عزّت و سربلندی و وحدت کلمه می‌شود. باید توجه داشت که عاقبت برتر و نیکو نزد خدای‌تعالی است که پاداش و نعمت ماندگار و بزرگ دارد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلًا ٥٩﴾.

ای آنانی که به من و پیامبرم ایمان آورده‌اید! از من، از پیامبرم و از کسانی که متولی امور شمایند و در بین شما مطابق حق و عدالت و شریعت خدا أ حکومت می‌کنند اطاعت کنید و هرگاه با آنان در امری از امور دچار اختلاف شدید آن را بر کتاب خدا و سنّت پیامبرش عرضه بدارید؛ زیرا در این دو منبع، فیصلۀ آنچه در آن اختلاف دارید وجود دارد. اگر چنین کنید این کار نشانۀ ایمان شما به خدا أ و روز آخرت است و به شما نیز بهتر خواهد بود؛ زیرا با آن به سوی حق و عدالت رهیاب می‌شوید و از اختلافی که منجر به تنازع، کشمکش و گمراهی است شما را بازمی‌دارد.

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يَزۡعُمُونَ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوٓاْ إِلَى ٱلطَّٰغُوتِ وَقَدۡ أُمِرُوٓاْ أَن يَكۡفُرُواْ بِهِۦۖ وَيُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُضِلَّهُمۡ ضَلَٰلَۢا بَعِيدٗا ٦٠﴾.

آیا از این منافقان در شگفت نیستی؟! آنانی که از مشرکان بدتر و از کفار گمراه‌تر اند، اینان در ظاهر می‌گویند به خدا أ و پیامبر ج و به آنچه از کتاب‌ها و پیامبران که پیش از وی نازل شده ایمان داریم ولی هرگاه دچار خصومتی شوند نزد بزرگان کفر و رهبران طاغوت که به غیر آنچه خدا أ نازل نموده حکم می‌کنند می‌روند تا در بین‌شان فیصله صورت گیرد. آن‌ها این عمل را از روی تمسخر و استهزا به شریعت خدا أ انجام می‌دهند در حالی که در اصل به توحید و یکتا پرستی امر شدند و شرک و بت‌پرستی و کیفرخواهی از غیر خدای‌تعالی بر آنان حرام شده است. ولی شیطان امور را بر آن خلط نموده و آن‌ها از او اطاعت کردند، شیطان آنان را فرا خوانده و آن‌ها به این فراخون پاسخ مثبت دادند، او آنان را بر گمراهی رهنمایی نموده و آن‌ها از او پیروی کردند. شیطان از خلال همۀ این‌ها اراده دارد تا در سرکشی و دوری‌شان از خدا أ و در کفرشان بیفزاید زیرا او متولی امور و پیشوای‌شان است.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ رَأَيۡتَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودٗا ٦١﴾.

و هرگاه برای منافقان گفته شود بیائید تا کتاب خدا أ و سنّت پیامبرش را هنگام اختلاف و در خصومت‌ها داور و حَکَم قرار دهیم، آن‌ها از این امر روی می‌گردانند و اظهار نفرت می‌کنند؛ زیرا در دل‌های آن‌ها بیماری نفاق و بد بردن از شریعت و دین قرار دارد، از این‌روی نظر به خباثت و دشمنیی که دارند به هیچ وجه حاضر نیستند تا خدا أ و شریعتش را داور بگیرند و پیامبرش را به عنوان قانونگذار بپذیرند.

﴿فَكَيۡفَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ ثُمَّ جَآءُوكَ يَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنۡ أَرَدۡنَآ إِلَّآ إِحۡسَٰنٗا وَتَوۡفِيقًا ٦٢﴾.

حالت آن‌ها چگونه خواهد بود هنگامی که خدای‌تعالی حال آن‌ها و زشتی آنچه را پنهان می‌دارند آشکار سازد و سپس به عنوان عذاب، مؤمنان را بر آنان مسلط سازد تا بدترین کیفر را بر آنان بچشانند و آن‌ها بعد از آن ذلیل و سر افکنده بیایند در حالی که تلاش می‌کنند عملکرد خود را با سوگندهای دروغین و گناه آلود بپوشانند و مدعی شوند که رفتن آن‌ها نزد طاغوت‌ها به منظور تحکیم و داور ساختن غیر شریعت اسلام نبوده و این‌ها در این عملکرد نیّت پاک داشتند و به منظور رعایت برخی مصالح اجتهادی و حالات به خصوصی چنین کردند در حالی که کاملاً دروغ می‌گویند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَعۡلَمُ ٱللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ وَعِظۡهُمۡ وَقُل لَّهُمۡ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ قَوۡلَۢا بَلِيغٗا ٦٣﴾.

این دشمنان بدکار در آنچه می‌گویند صادق نیستند، خدای‌تعالی می‌داند که آن‌ها غیر شریعت را حَکَم و داور ساختند چون از شریعت بَد می‌برند و نسبت به پیروان آن کینه و خشم دارند. تو به خاطر رعایت برخی مصالح شرعی نباید آن‌ها را کیفر دهی! بلکه بر تو لازم است تا آنان را نصیحت کنی و باز داری و با سخن بترسانی به امید اینکه از این اعمال بد و زشت دست بردارند. روی این اساس در تعامل با آن‌ها نباید از شمشیر و شلّاق کار گرفته شود بلکه بهتر آنست تا با سخن مفید و مؤثر آنان را به راه آوری.

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ إِذ ظَّلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ جَآءُوكَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ ٱللَّهَ وَٱسۡتَغۡفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُواْ ٱللَّهَ تَوَّابٗا رَّحِيمٗا ٦٤﴾.

خداوند أ پیامبران خود را نفرستاد مگر اینکه مؤمنان از آن‌ها در انجام آنچه امر می‌کنند و در ترک آنچه نهی می‌کنند به توفیق خدا أ اطاعت کنند. اگر این منافقان روزی که در نفاق واقع شدند پشیمان می‌شدند و از عملکرد خود توبه می‌نمودند و نزد تو می‌آمدند و از پروردگار طالب مغفرت می‌شدند و از تو نیز می‌خواستند تا برای آن‌ها مغفرت بطلبی، حق‌تعالی حتماً گناهان‌شان را می‌بخشید، عیب‌های‌شان را می‌پوشانید و از اشتباهات‌شان دَرمی‌گذشت؛ زیرا حق‌تعالی بر هر که پشیمان شود و از گناه دست بر دارد توبه پذیر است و برای کسی که توبه و استغفار کند رحیم و مهربان است و او توبه کنندگان را دوست می‌دارد.

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَرَجٗا مِّمَّا قَضَيۡتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسۡلِيمٗا ٦٥﴾.

سوگند به پروردگارت ای محمد که ایمان صادقانه وارد قلب‌های آن‌ها نمی‌شود و آن‌ها هرگز حلاوت ایمان را نمی‌چشند مگر اینکه به حُکم تو که در بین خصومت‌های‌شان مطابق شریعت خدا أ انجام می‌دهی راضی و تسلیم شوند و در نهاد خویش هیچ‌گونه بیزاری و احساس خستگی نکنند و از تو در نهان و آشکار اطاعت کنند.

﴿وَلَوۡ أَنَّا كَتَبۡنَا عَلَيۡهِمۡ أَنِ ٱقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ أَوِ ٱخۡرُجُواْ مِن دِيَٰرِكُم مَّا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٞ مِّنۡهُمۡۖ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ فَعَلُواْ مَا يُوعَظُونَ بِهِۦ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ وَأَشَدَّ تَثۡبِيتٗا ٦٦﴾.

و اگر بر این منافقان لازم می‌گردانیدیم تا خویشتن را به عنوان کفاره بکشند درست همانگونه که بر یهودیان هنگامی که گوساله را پرستیدند لازم گردانیدیم یا بر آن‌ها الزام می‌آوردیم تا به منظور هجرت و جهاد یا تعزیر و تأدیب از خانه و کاشانۀ خویش بیرون شوند، جز گروه اندکی از آنان این امر اطاعت نمی‌کردند و اکثرشان سرکش باقی می‌ماندند. اگر آن‌ها اوامر را می‌پذیرفتند برکت بزرگ در دنیا توأم با نصرت و عزّت و در آخرت با رستگاری به بهشت برای آن‌ها می‌بود و ایمان در قلب‌های‌شان ثابت می‌ماند و نفاق رخت برمی‌بست.

﴿وَإِذٗا لَّأٓتَيۡنَٰهُم مِّن لَّدُنَّآ أَجۡرًا عَظِيمٗا ٦٧﴾.

و اگر آن‌ها امر ما را استجابت می‌کردند و از پیامبر ج اطاعت و به حکم ایشان راضی می‌شدند حتماً برای آن‌ها در آخرت ثواب بسیار از طریق سکونت در بهشت و رسیدن به درجات بلند و گرامیداشتی عظیم می‌بخشیدیم.

﴿وَلَهَدَيۡنَٰهُمۡ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ٦٨﴾.

و آنان را بر راه راست ثابت قدم و استوار می‌ساختیم و در هدایت و رهیافت‌شان بر دین راست و برابر که آنان را رضوان الهی و نعمت ماندگار می‌رساند می‌افزودیم.

﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّٰلِحِينَۚ وَحَسُنَ أُوْلَٰٓئِكَ رَفِيقٗا ٦٩﴾.

و هر که به امتثال و اجرای امر خدا أ و پیامبرش ج بپردازد حتماً مصیر او به سوی بهشت‌هایی بلند مرتبه در کنار پیامبران برگزیده و راستگویان باوفا و شهدای شرافتمند و اولیای صالح می‌بود و از مصاحبت و همراهی آن‌ها بهره‌مند می‌گردید. چقدر سعادت بزرگی برای کسی است که با آنان باشد و چقدر دچار سرور و شادمانی خواهد شد؟!

﴿ذَٰلِكَ ٱلۡفَضۡلُ مِنَ ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ عَلِيمٗا ٧٠﴾.

این بخشش مبارک و این گرامیداشت بزرگ و فضل وسیع فقط از جانب خداست که با آن بر بندگان برگزیدۀ خود منّت می‌نهد و کافی است که حق‌تعالی می‌داند چه کسی مستحق این گرامیداشت و نعمت بزرگ است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ خُذُواْ حِذۡرَكُمۡ فَٱنفِرُواْ ثُبَاتٍ أَوِ ٱنفِرُواْ جَمِيعٗا ٧١﴾.

ای مؤمنان! مراقب و مترصد دشمنان کافر خویش باشید و برای نبرد با آن‌ها آمادگی بگیرید و جهت جنگ با آن‌ها گروه و یا در لشکری قوی و هولناک بیرون شوید و هیچگاه هیچ‌یک از شما نباید تنها به سوی آن‌ها بیرون شود و یا مسلح نباشد.

این آیه دلالت بر اخذ به اسباب و وسایل و جمع بین توکل و آماده گیری و مراقب بودن از دشمن می‌کند.

﴿وَإِنَّ مِنكُمۡ لَمَن لَّيُبَطِّئَنَّ فَإِنۡ أَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةٞ قَالَ قَدۡ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيَّ إِذۡ لَمۡ أَكُن مَّعَهُمۡ شَهِيدٗا ٧٢﴾.

ای مؤمنان! در میان شما برخی از نفوذی‌های منافق وجود دارند که نظر به نفاقی که دارند به جهاد بیرون نمی‌شوند و اگر شما مغلوب و یا کشته شوید آن‌ها این امر را که با شما بیرون نشدند از جملۀ کرامات قلمداد می‌کنند به این حجّت که گویا خداوند أ آن‌ها را از طریق مخالفت با شما سالم نگهداشته از این‌روی خوشحالند که با شما شاهد معرکه نبودند.

﴿وَلَئِنۡ أَصَٰبَكُمۡ فَضۡلٞ مِّنَ ٱللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمۡ تَكُنۢ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُۥ مَوَدَّةٞ يَٰلَيۡتَنِي كُنتُ مَعَهُمۡ فَأَفُوزَ فَوۡزًا عَظِيمٗا ٧٣﴾.

و اگر به شما پیروزی و یا بهره‌ای از غنیمت برسد این منافقان را می‌بینی که بر عدم اشتراک خود در جهاد اظهار تأسف می‌کنند و به خاطر به دست آوردن بهرۀ خویش از دنیا نزد مؤمنان حاضر می‌شوند و از طریق یادآوری دوستی و قرابت‌های خویش، تلاش می‌کنند قلب‌های مؤمنان را نسبت به خود نرم سازند تا به این بهره برسند و در نهایت اشتیاق می‌گویند: ای‌کاش در این معرکه حاضر می‌شدیم و حصۀ خویش را از غنیمت به دست می‌آوردیم. چنین کسی تمام هدف و مقصد او دنیا و به دست آوردن مال است. چنین شخصی آنچه را خدا أ برای بندگان صادق خود آماده نموده فراموش کرده است پس هلاک بادا چنین کسانی.

﴿۞فَلۡيُقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يَشۡرُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا بِٱلۡأٓخِرَةِۚ وَمَن يُقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيُقۡتَلۡ أَوۡ يَغۡلِبۡ فَسَوۡفَ نُؤۡتِيهِ أَجۡرًا عَظِيمٗا ٧٤﴾.

پس هرگاه منافقان از جهاد سر باز زدند باید که دوستان خدا أ از اهل ایمان، با دشمنانش از اهل کفر جهاد کنند؛ زیرا مؤمنان صادق زندگی دنیا را فروخته و در بدل آن بهشت را کمائی نمودند و هر که به منظور اعلای کلمۀ خدا أ جهاد کند و کشته شود چنین کسی در پیشگاه حق‌تعالی شهید خواهد بود و اگر بر دشمنان پیروز گردد به عزت، سربلندی و سیادت می‌رسد بنابراین چنین شخصی بین دو حسنه قرار دارد: یکی پیروزی آنی و دیگری ثواب و پاداشی که در آینده و در پَی خواهد آمد... پیروزی دنیا و نعمت آخرت.

﴿وَمَا لَكُمۡ لَا تُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلۡوِلۡدَٰنِ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا مِنۡ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلظَّالِمِ أَهۡلُهَا وَٱجۡعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيّٗا وَٱجۡعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا ٧٥﴾.

چه چیزی شما را از جهاد در راه خدا أ و در راستای شکستن زنجیرهای اسارت مستضعفان و کسانی که تحت قهر و جبروت کفّار مکه اعم از کهن سالان، زنان و کودکان قرار دارند، بازمی‌دارد؟ کسانی که شب و روز دعا می‌کنند تا پروردگار آنان را از شر کفّار مکه نجات دهد و صحیح و سالم بیرون کند، کسانی که از خدا أ می‌خواهند به آنان دوستی را بدهد که به حمایت‌شان بپردازد و بر دشمنان‌شان یاری دهد.

این بود که خدای‌تعالی متولی امور آن‌ها شد و پیامبر رحمت و هدایت را فرستاد، و ایشان مکه را فتح کرد و شأن و شوکت کفّار را شکست.

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱلطَّٰغُوتِ فَقَٰتِلُوٓاْ أَوۡلِيَآءَ ٱلشَّيۡطَٰنِۖ إِنَّ كَيۡدَ ٱلشَّيۡطَٰنِ كَانَ ضَعِيفًا ٧٦﴾.

از جمله صفات مؤمنان این است که به منظور اعلای کلمۀ خدا أ جهاد می‌کنند و از جمله صفات کافران این است که در راه شیطان، طغیان و بت‌ها سعی و تلاش می‌کنند، پس ای مؤمنان! با کفر و اهل کفر و با شیطان و حزبش بجنگید که مکر و حیلۀ آن‌ها ضعیف و پایه‌های‌شان ویران و امورشان در تباهی است و اینگونه هر کسی با خدا أ بجنگد شکست خورده، خوار و ذلیل است.

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ قِيلَ لَهُمۡ كُفُّوٓاْ أَيۡدِيَكُمۡ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقِتَالُ إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُمۡ يَخۡشَوۡنَ ٱلنَّاسَ كَخَشۡيَةِ ٱللَّهِ أَوۡ أَشَدَّ خَشۡيَةٗۚ وَقَالُواْ رَبَّنَا لِمَ كَتَبۡتَ عَلَيۡنَا ٱلۡقِتَالَ لَوۡلَآ أَخَّرۡتَنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٖ قَرِيبٖۗ قُلۡ مَتَٰعُ ٱلدُّنۡيَا قَلِيلٞ وَٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لِّمَنِ ٱتَّقَىٰ وَلَا تُظۡلَمُونَ فَتِيلًا ٧٧﴾.

آیا مردمانی از مسلمانان تو را به شگفت وانمی‌دارند که از جنگ با کفار در مکه نهی شدند و به آن‌ها امر شد تا به تزکیه نفس و تربیۀ روح با نماز و زکات بپردازند، ولی زمانی که هجرت کردند و به جنگ با کفار امر شدند حالت‌شان متغیر شد و دچار بزدلی و جبن شده و محبت زندگی دنیا وارد دل‌های آن‌ها شد، بدین سبب از کفار به گونه‌ای ترسیدند که از خدای ملک جبّار می‌ترسیدند و حتی بیشتر از آن، چون به سرای دنیا علاقمند شدند از این‌روی از شدّت ترس و وحشت گفتند: ای پروردگار ما! کاش جنگ را بر ما فرض نمی‌نمودی تا به اجل خود می‌مردیم.

پس تو ای محمد ج به آنان خبر بده که دنیا دارای عمری کوتاه است و تمام بهره‌اش ناچیز، حقیر و زائل شدنی است، آنچه باقی می‌ماند آخرت است که برای پرهیزگاران باقی‌تر و بهتر است، چون اهل تقوا در جایگاه راستی و محلی امن و سرای رضوان و رشنی چشم و سرور دل قرار دارند در حالی که تمام اعمال‌شان در پیشگاه خدای‌تعالی محفوظ است و براساس آن جزا و پاداش دریافت دارید. پس در بدی‌های خود چیزی نیفزائید و از حسنات خود چیزی ولو به اندازۀ شکاف هستۀ خرما نکاهید و چون تمام اعمال و تلاش‌ها محفوظ و ذخیره شده است بنابراین بر شما لازم است تا همواره احسان و نیکی کنید و این احسان موجب سنگینی میزان اعمال خوب‌تان گردد.

﴿أَيۡنَمَا تَكُونُواْ يُدۡرِككُّمُ ٱلۡمَوۡتُ وَلَوۡ كُنتُمۡ فِي بُرُوجٖ مُّشَيَّدَةٖۗ وَإِن تُصِبۡهُمۡ حَسَنَةٞ يَقُولُواْ هَٰذِهِۦ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةٞ يَقُولُواْ هَٰذِهِۦ مِنۡ عِندِكَۚ قُلۡ كُلّٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۖ فَمَالِ هَٰٓؤُلَآءِ ٱلۡقَوۡمِ لَا يَكَادُونَ يَفۡقَهُونَ حَدِيثٗا ٧٨﴾.

به هر اندازۀ که از مرگ فرار کنید با آن‌هم این مرگ به زودی به شما خواهد رسید ولو در بُر جهایی محکم و بلند داخل شوید بازهم به شما می‌رسد و ارواح شما را می‌گیرد، بنابراین هیچ حیله و مکری برای نجات از مرگ نیست و هیچ دارویی وجود ندارد تا مرگ را از انسان دور کند.

سپس خبر بده که منافقان هرگاه در زندگی خود پیروزی‌ها و بهره‌هایی از اموال و فرزندان و غنائم به دست آورند می‌گویند این به سبب این است که ما در پیشگاه خدای‌تعالی منزلتی عالی و بلند داریم و این اوست که ما را با این نعمت‌ها ویژگی بخشیده است، ولی هرگاه به آن‌ها مصیبت‌هایی مانند مرگ، بیماری، فقر و شکست برسد می‌گویند این از بَدشگونی رسالت محمد ج است و زمانی که از این رسالت پیروی کردیم دچار این بلاها و مصائب شدیم. پیامبر ج امر شد تا در پاسخ آن‌ها بگوید که ای نادانان! همۀ این امور خواه خیر باشد یا شَر به قضا و قدر الهی است. چرا اینان معانی و ارزش‌های این دین و اسرار شریعت را درک نمی‌نمایند؟ منافق همواره دارای دانش کمی از دین و در فهم و درک شریعت پروردگار بیمار است.

﴿مَّآ أَصَابَكَ مِنۡ حَسَنَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ وَمَآ أَصَابَكَ مِن سَيِّئَةٖ فَمِن نَّفۡسِكَۚ وَأَرۡسَلۡنَٰكَ لِلنَّاسِ رَسُولٗاۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدٗا ٧٩﴾.

ای بنده! هر نعمتی که به تو می‌رسد مطابق قضا و قدری از جانب پروردگار توست و هر بلایی که دریافت می‌داری به سبب گناهانی است که مرتکب می‌شوی در حالی که همه این امور هم، به قضا و قدر الهی است چنان‌چه هر طاعت و عبادتی نیز به توفیق خدا أ و هر گناه به کسب انسان است. سپس حق‌تعالی خبر داد که رسالت حضرت محمد ج جهانی و برای تمام امت‌هاست و هیچ قومی مخصوص به آن نیست. همینقدر کافی است که خدای‌تعالی بر صحّت نبوت و عموم رسالت اوتعالی شاهد است.

﴿مَّن يُطِعِ ٱلرَّسُولَ فَقَدۡ أَطَاعَ ٱللَّهَۖ وَمَن تَوَلَّىٰ فَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظٗا ٨٠﴾.

هر کس از امر پیامبر اطاعت کند محققاً که از امر خدا أ اطاعت نموده، زیرا حضرت محمد ج تبلیغ کننده‌ای از جانب پروردگار خویش است و هر که پیامبر ج را تکذیب کند اوتعالی تمام اعمالش را آمار می‌گیرد و او را براساس این اعمال محاسبه می‌نماید. این کار منوط به پیامبر اسلام ج نیست زیرا ایشان صرفاً پیامبری است که از جانب خدا أ تبلیغ می‌کند و پاداش و کیفر هر عملی از جانب خداوند متعال است.

﴿وَيَقُولُونَ طَاعَةٞ فَإِذَا بَرَزُواْ مِنۡ عِندِكَ بَيَّتَ طَآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ غَيۡرَ ٱلَّذِي تَقُولُۖ وَٱللَّهُ يَكۡتُبُ مَا يُبَيِّتُونَۖ فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ٨١﴾.

منافقان هرگاه در حضور تو قرار دارند از روی حیله و فریب می‌گویند ای محمد ما از تو در تمام آنچه فرمان می‌دهی اطاعت می‌کنیم اما وقتی که از مجلس تو غائب می‌شوند گروهی از آنان تصمیم قاطع بر مخالفت تو می‌گیرند. خدای‌تعالی تمام آنچه را انجام می‌دهند آمار می‌گیرد و بر تمام حیله‌های‌شان آگاهی دارد تا آن‌ها را در برابر عملکردهای‌شان کیفر دهد پس تو نیز کیفر آن‌ها را بگذار که خداوند أ تو را از انتقام آن‌ها بی‌نیاز می‌سازد و یقیناً حق‌تعالی به تمام کسانی که بر او توکل و اعتماد کنند و امور خود را به او بسپارند کافی و بسنده است.

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَۚ وَلَوۡ كَانَ مِنۡ عِندِ غَيۡرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ ٱخۡتِلَٰفٗا كَثِيرٗا ٨٢﴾.

این‌ها را چه شده که در این کتاب اعجازآور و این قرآن عجیب و شگفت‌انگیز تفکر نمی‌کنند تا اسراری را که مایۀ دهشت عقل‌شان است ببینند.

اگر قرآن از سوی کسانی غیر از خدای‌تعالی یعنی از جانب مخلوقات قاصر می‌بود، در آن تناقض و اختلاف بسیاری ملاحظه می‌کردند و در ترکیب آن خلل و در معانی آن اضطراب مشاهده می‌نمودند در حالی که قرآن کتابی محکم و هماهنگ است و این امر دلالت بر آن دارد که از جانب خداست.

﴿وَإِذَا جَآءَهُمۡ أَمۡرٞ مِّنَ ٱلۡأَمۡنِ أَوِ ٱلۡخَوۡفِ أَذَاعُواْ بِهِۦۖ وَلَوۡ رَدُّوهُ إِلَى ٱلرَّسُولِ وَإِلَىٰٓ أُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنۡهُمۡ لَعَلِمَهُ ٱلَّذِينَ يَسۡتَنۢبِطُونَهُۥ مِنۡهُمۡۗ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ لَٱتَّبَعۡتُمُ ٱلشَّيۡطَٰنَ إِلَّا قَلِيلٗا ٨٣﴾.

و هرگاه این منافقان خبری از اخبار پیروزی یا شکست و یا خیر و شرّ را بشنوند، فوراً آن را در بین مردم شایع می‌کنند در حالی که چنین اخباری ایجاب آن را دارد تا فقط خواص بر آن اطلاع حاصل کنند. این عمل آن‌ها افشای اسرار مسلمانان است که موجب ضرر بسیاری می‌گردد و اگر این منافقان چنین اطلاعاتی را به پیامبر و اعیان مسلمانان، کسانی که اهل بصیرت و فقه در دین‌اند واگذار کنند و به اطلاع عموم مسلمانان و جهّال نرسانند این امور نظر به مصلحتی بزرگ همچنان پنهان و پوشیده باقی می‌ماند و هیچگاه در این اطلاعات کسانی که شایستگی دانستن امور خطرناک را ندارند داخل نمی‌شود و اگر خدای‌تعالی بر شما با ارسال پیامبر اسلام ج منّت نمی‌گذاشت تا شما را به سوی راه راست هدایت و رهنمایی کند حتماً از ابلیس اطاعت می‌کردید و او شما را به سرکشی امر و نسبت به انجام گناه در شما وسوسه ایجاد می‌نمود و شما را به سوی فحشا فرا می‌خواند و در این گیرودار بسیاری از شما به دنبال او می‌رفتید جز اهل تقوا، ایمان و اعتصام به شریعت که حق‌تعالی آنان را از ارتکاب گناه بازداشته و با رحمت خود از گمراهی حفظ نموده است.

﴿فَقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفۡسَكَۚ وَحَرِّضِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَكُفَّ بَأۡسَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ وَٱللَّهُ أَشَدُّ بَأۡسٗا وَأَشَدُّ تَنكِيلٗا ٨٤﴾.

پس تو ای محمد ج جهاد کن! ولو تنها بمانی. هیچگاه به کسانی که از اشتراک در جهاد ابا آوردند اهمیت نده تو خود به جهاد بیرون شو و بر خدا أ توکل کن که تنها او برای تو کافی و بسنده است. این اوست که به زودی تو را پیروز می‌گرداند اگرچه تمام اهل زمین در برابر تو بایستند. اگر منافقان جهاد را ترک می‌کنند بر تو گناهی نیست، تو پیروزی! و عاقبت از آن توست ولی تمام این‌ها تو را از این امر بازندارد که مؤمنان را به منظور کسب اجر و پاداش، رستگاری و شهادت بر جهاد تشویق و ترغیب نمائی. به زودی حق‌تعالی شأن و شوکت اهل باطل را می‌شکند و آنان را خوار و ذلیل می‌سازد و شکست را نصیب‌شان می‌گرداند؛ زیرا گرفت پروردگار از گرفت آن‌ها سخت‌تر و شدیدتر است و جنود خدا أ قوی‌تر‌اند و او توان این را دارد که در حق آن‌ها سخت‌ترین کیفر را نازل کند.

﴿مَّن يَشۡفَعۡ شَفَٰعَةً حَسَنَةٗ يَكُن لَّهُۥ نَصِيبٞ مِّنۡهَاۖ وَمَن يَشۡفَعۡ شَفَٰعَةٗ سَيِّئَةٗ يَكُن لَّهُۥ كِفۡلٞ مِّنۡهَاۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ مُّقِيتٗا ٨٥﴾.

هر کسی در راه خیر تلاشی انجام دهد و سبب حصول نفع و یا رسانیدن حقی به مستحق آن باشد و یا کمکی به مسکینی بنماید، یا با مظلومی در برابر ظالم بایستد، چنین کسی بهرۀ بزرگی از ثواب را در برابر عملکرد خود دریافت می‌دارد و برعکس اگر کسی که در مسیر باطل تلاش کند و حق را از صاحب حق باز دارد و مانع اعمال خیر شود و یا حدّی از حدود را معطل قرار دهد، برای چنین کسی بهره‌ای بزرگ از گناه است و اوتعالی برهر چیزی که اراده که اراده کند توان دارد. او برهر نفسی حسابگر است، او هر کسی را مطابق عملش جزا می‌دهد، انسان خیّر را پاداش مناسب و شرور را کیفری مناسب مطابق عدالت، علم و حکمت می‌دهد.

﴿وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٖ فَحَيُّواْ بِأَحۡسَنَ مِنۡهَآ أَوۡ رُدُّوهَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٍ حَسِيبًا ٨٦﴾.

هرگاه بر شما سلام شد شما نیز سلام بگوئید. جواب سلام واجب است و زیادت بر آن نوعی فضل به شمار می‌رود. پس «وعلیکم السلام» برای کسی است که بگوید «السلام علیکم» در حالی که «وعلیکم السلام و رحمت الله» بهتر است. نیکوکار سپاسگذاری می‌شود و مقصر گناه‌کار است و به زودی حق‌تعالی بندگان را بر گفتار و کردارشان محاسبه می‌کند و بر او هیچ امری پوشیده نیست و هیچ ذره‌ای پنهان نمی‌باشد. علم او برهر معلومی احاطه دارد و سمع او برهر مسموعی، او تمام خلق را فراگیر رحمت خود قرار داده و هستی را بنابر حکمتی ایجاد نموده و آفرینش فضل و نعمتی از جانب اوست.

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ لَيَجۡمَعَنَّكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِۗ وَمَنۡ أَصۡدَقُ مِنَ ٱللَّهِ حَدِيثٗا ٨٧﴾.

سوگند به کسی که خدا و معبودی جز او نیست که پروردگار شما همۀتان را در روز رستاخیز بزرگ در روز برانگیخته‌شدن بعد از مرگ جمع می‌کند تا هریکی را مطابق آنچه انجام داده جزا دهد و هر انسانی را براساس عملکردش محاسبه نماید. هیچ شکی در این روز نیست، این روز حتماً واقع می‌شود. هیچ‌کس راستگوتر از خدا أ و وفادارتر به وعده‌اش نیست چنان‌چه هیچ‌کس مانند خدا أ در انفاذ وعدۀ خود نمی‌باشد. سخن خدا أ فیصله کن و عطایش فضل و عذابش عین عدالت و اوتعالی اهل و شایستۀ تمام خوبی‌هاست.

﴿۞فَمَا لَكُمۡ فِي ٱلۡمُنَٰفِقِينَ فِئَتَيۡنِ وَٱللَّهُ أَرۡكَسَهُم بِمَا كَسَبُوٓاْۚ أَتُرِيدُونَ أَن تَهۡدُواْ مَنۡ أَضَلَّ ٱللَّهُۖ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلٗا ٨٨﴾.

ای مؤمنان! شما را چه شده که دربارۀ منافقان به دو دسته تقسیم شده‌اید و بر این اساس گروهی می‌گوئید آن‌ها مسلمان‌اند و گروهی دیگر قایل به کفر آن‌هایید در حالی که خدای‌تعالی آن‌ها را خوار و ذلیل و با کفر هلاک شاخته و به عقب عودت داده است، چون آن‌ها کفر را پنهان داشته و در مسیرهای شیطان گام برداشتند. آیا شما اراده دارید تا کسی را که خداوند أ بر او گمراهی را نوشته هدایت کنید و یا کسی را که ذلیل شده رهیاب سازید؟ کسی که حق‌تعالی در حق او بدبختی و گمراهی را مقدر فرموده باشد هیچ راهی برای اصلاحش و هیچ وسیله‌ای برای هدایتش نیست؛ زیرا بصیرتش کور شده و نور آن از بین رفته است.

﴿وَدُّواْ لَوۡ تَكۡفُرُونَ كَمَا كَفَرُواْ فَتَكُونُونَ سَوَآءٗۖ فَلَا تَتَّخِذُواْ مِنۡهُمۡ أَوۡلِيَآءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَخُذُوهُمۡ وَٱقۡتُلُوهُمۡ حَيۡثُ وَجَدتُّمُوهُمۡۖ وَلَا تَتَّخِذُواْ مِنۡهُمۡ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرًا ٨٩﴾.

این منافقان اراده دارند تا به هر وسیله‌ای شده شما را از دین‌تان برگردانند تا شما نیز مانند آن‌ها کافر و منافق شوید، وای بر شما اگر با آنان دوستی و اعتماد کنید مگر زمانی که با شما هجرت کنند و در راه خدا أ جهاد و از پیامبر ج پیروی نمایند، اما اگر آن‌ها بازهم کفر و نفاق را برگزیدند و ایمان را ردّ کردند بر شماست تا آن‌ها را در هر زمان و مکانی بکشید هم در سرزمین حرم و هم در غیر آن و بر آن‌ها تکیه نکرده در هیچ امری کمک نگیرید. آن‌ها دشمنان شمایند پس از آن‌ها برحذر باشید و هیچگاه به ظاهرشان فریب نخورید و سخن نرم و مسالمت‌آمیز آن‌ها شما را نفریبد که در قلب‌های‌شان خباثت و در نفس‌های‌شان کفر مخفی است.

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوۡمِۢ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٌ أَوۡ جَآءُوكُمۡ حَصِرَتۡ صُدُورُهُمۡ أَن يُقَٰتِلُوكُمۡ أَوۡ يُقَٰتِلُواْ قَوۡمَهُمۡۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَسَلَّطَهُمۡ عَلَيۡكُمۡ فَلَقَٰتَلُوكُمۡۚ فَإِنِ ٱعۡتَزَلُوكُمۡ فَلَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ وَأَلۡقَوۡاْ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَمَ فَمَا جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمۡ عَلَيۡهِمۡ سَبِيلٗا ٩٠﴾.

مگر آنانی که به سوی قومی می‌روند که بین شما و آن‌ها پیمان امنیت بسته شده که در این صورت نباید با آن‌ها بجنگید، زیرا آن‌ها تحت ولایت و سرپرستی کفار معاهد قرار دارند. و همچنان کسانی که متحیر شده و در حرج و سختی شدید قرار گرفتند طوری که نه می‌توانند در کنار شما بر علیه قوم خود بجنگند و نه با قوم خود علیه شما. و حق‌تعالی توان این را دارد تا نیت‌های آنان را متحول سازد و آن‌ها با شما بجنگند. پس تا وقتی که آنان روشی مسالمت‌آمیز دارند و علیه شما نمی‌جنگند و شما از ناحیۀ آن‌ها در امنیت قرار دارید نباید علیه آن‌ها وارد جنگ شوید و برای شما چنین عملی مجاز و در آن رخصت نیست.

﴿سَتَجِدُونَ ءَاخَرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأۡمَنُوكُمۡ وَيَأۡمَنُواْ قَوۡمَهُمۡ كُلَّ مَا رُدُّوٓاْ إِلَى ٱلۡفِتۡنَةِ أُرۡكِسُواْ فِيهَاۚ فَإِن لَّمۡ يَعۡتَزِلُوكُمۡ وَيُلۡقُوٓاْ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَمَ وَيَكُفُّوٓاْ أَيۡدِيَهُمۡ فَخُذُوهُمۡ وَٱقۡتُلُوهُمۡ حَيۡثُ ثَقِفۡتُمُوهُمۡۚ وَأُوْلَٰٓئِكُمۡ جَعَلۡنَا لَكُمۡ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٗا مُّبِينٗا ٩١﴾.

گروهی دیگر از منافقان، فریبکارانی‌اند که به منظور دست یافتن به صلح و سلامتی نزد شما اظهار اسلام و ایمان می‌کنند، اما زمانی که نزد قوم خود بروند ضمن کمک به آن‌ها اظهار بودن با آنان را می‌نمایند و هرگاه از آنان خواسته شود تا با مسلمانان بجنگند در این راه سعی و تلاش فراوان می‌کنند و به تحریک مردم می‌پردازند. حق‌تعالی قلب‌های آنان را متحول ساخته از این‌روی به فتنه و فساد ادامه دادند، پس اگر از شما دست برنداشته و تعرض بر شما را کنار نگذاشتند و تسلیم نشدند در چنین حالی هرجایی که آنان را یافتید بکُشید و با شمشیرهای‌تان آن‌ها را بدروید و طبیعی است که در چنین حالی برای شما در کشتار آن‌ها عذری معقول و دلیلی روشن و قاطع وجود دارد، زیرا آن‌ها به شما خیانت نموده راه نفاق را در پیش گرفتند و از جمله بدترین دشمنان شما به شمار می‌آیند.

به این ترتیب منافقان در سه گروه دسته بندی می‌شوند: گروهی صلح جویند و از جنگ با شما کنار رفتند که نباید تعرضی علیه‌شان داشته باشید. گروهی دیگر تحت اداره و تسلط برخی از کفار قرار دارند که بین شما و آن‌ها پیمان عدم تعرض بسته شده با این‌ها نیز باید جنگی صورت گیرد. گروه سوم از حیله و نیرنگ کار گرفتند و از طریق مکرگاهی با شما و زمانی با دشمنان شما علیه شما وارد جنگ می‌شوند با این گروه باید بجنگید.

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٍ أَن يَقۡتُلَ مُؤۡمِنًا إِلَّا خَطَ‍ٔٗاۚ وَمَن قَتَلَ مُؤۡمِنًا خَطَ‍ٔٗا فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖ وَدِيَةٞ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَصَّدَّقُواْۚ فَإِن كَانَ مِن قَوۡمٍ عَدُوّٖ لَّكُمۡ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖۖ وَإِن كَانَ مِن قَوۡمِۢ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞ فَدِيَةٞ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ وَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖۖ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ شَهۡرَيۡنِ مُتَتَابِعَيۡنِ تَوۡبَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ٩٢﴾.

برای هیچ مؤمنی سزاوار نیست که مؤمن دیگری را بکشد؛ زیرا ایمان وی را از چنین کاری بازمی‌دارد. ولی اگر کسی بنابر خطا و بدون قصد مرتکب قتل شد بر او لازم است تا برده‌ای را از ذلّت بردگی برهاند و آزادش کند؛ زیرا آزاد سازی برده مانند زنده ساختن است و در کنار این، باید دیتی را نیز به اهل مقتول بدهد مگر اینکه اهل مقتول این دیت را بخشند که در چنین حالی دیت ساقط می‌گردد. و اگر مقتول در زمرۀ کفار محارب بود، بر قاتل لازم است تا فقط بردۀ مؤمنی را آزاد کند بدون اینکه دیتی به اهل آن بپردازد؛ زیرا اهل مقتول از این دیت در جنگ با مسلمانان استفاده می‌کنند. و اگر مقتول از جملۀ کفاری بود که بین آن‌ها و مسلمانان عهد و پیمان بود در چنین حالی بر قاتل لازم است تا ضمن آزاد سازی برده، دیت او را نیز به اهلش بپردازد و اگر توان آزادسازی برده را نداشت باید که دوماه پی‌درپی روزه بگیرد و با این روزه به تزکیۀ نفس بپردازد و او را از کارهای زشت باز دارد و در عین زمان که دچار انکسار و فرو تنی شده باید توبه و استغفار نماید. خدای‌تعالی بر تمام آنچه بندگان پنهان می‌دارند آگاه است او بر تمام اعمال‌شان اطلاع دارد و در آنچه به عنوان آزاد سازی برده و دیت و ترتیب کفاره مشروع ساخته حکمت دارد. این‌ها همه از الطاف الهی است، خدا أ معبودی است که جز او خدایی نیست.

﴿وَمَن يَقۡتُلۡ مُؤۡمِنٗا مُّتَعَمِّدٗا فَجَزَآؤُهُۥ جَهَنَّمُ خَٰلِدٗا فِيهَا وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَلَعَنَهُۥ وَأَعَدَّ لَهُۥ عَذَابًا عَظِيمٗا ٩٣﴾.

و هر کسی مؤمنی را به طور عمد و قصد بکُشد جزای چنین کسی این است که در آتش دوزخ ماندگار باشد و به سوی غضب و خشم الهی بازگردد چون کار بسیار بَد و جُرمی بسیار زشت مرتکب شده و بر او لعنت خداست که براساس آن او را رحمت خود طرد می‌کند و از عفو و رضوان خود دور می‌نمایند و برای او عذابی دردناک و کیفری مناسب عملکرد زشتش آماده نموده؛ زیرا او انسان معصومی را کشته است.

در حدیثی پیامبر اسلام ج فرمود: «همانا زوال دنیا در پیشگاه خدا از کشتن مردی مسلمان آسان‌تر است».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا ضَرَبۡتُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَتَبَيَّنُواْ وَلَا تَقُولُواْ لِمَنۡ أَلۡقَىٰٓ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَٰمَ لَسۡتَ مُؤۡمِنٗا تَبۡتَغُونَ عَرَضَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فَعِندَ ٱللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٞۚ كَذَٰلِكَ كُنتُم مِّن قَبۡلُ فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ فَتَبَيَّنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ٩٤﴾.

ای مؤمنان! هرگاه به سوی جهاد در راه خدا أ بیرون شدید باید دربارۀ کسی که با او می‌جنگید تحرّی و جستجو کنید و بر شماست تا در خصوص آن‌ها تحقیق و هیچگاه در حق کسی که با شما صلح می‌کند نگوئید که او قصد فریب دارد تا از این طریق به غنیمت دست یابید و سلاح و مالش را بگیرید و آنچه خداوند برای شما در آخرت از اجر و پاداش نیکو و جایگاه دائمی آماده نموده از تمام بهرۀ دنیا بهتر است.

و یاد آورید زمانی را که شما پیش از اینکه مسلمان شوید در چنین حالی و در کفر قرار داشتید پس سپاس خدایی که شما را هدایت نموده بر جای آورید و حال این مرد را به حال خویش در گذشته مقایسه کنید، چنین تعاملی را به تحقیق بیشتر وا می‌دارد و هر کس به مخالفت امر خدا أ بپردازد و از اوتعالی نافرمانی کند حق‌تعالی بر عملکرد او آگاه است و به زودی او را در مخالفتی که نسبت به شریعتش انجام داده مورد بازپرسی قرار می‌دهد.

﴿لَّا يَسۡتَوِي ٱلۡقَٰعِدُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ غَيۡرُ أُوْلِي ٱلضَّرَرِ وَٱلۡمُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡۚ فَضَّلَ ٱللَّهُ ٱلۡمُجَٰهِدِينَ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ عَلَى ٱلۡقَٰعِدِينَ دَرَجَةٗۚ وَكُلّٗا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَفَضَّلَ ٱللَّهُ ٱلۡمُجَٰهِدِينَ عَلَى ٱلۡقَٰعِدِينَ أَجۡرًا عَظِيمٗا ٩٥﴾.

امکان ندارد در اجر و پاداش، دو گروه باهم مساوی باشند یکی مؤمنانی که از اشتراک در جهاد بدون عذر سر باز زدند و دیگری مؤمنانی که نظر به عذرهای معقول مانند: کوری، لنگی، بیماری و از این قبیل از اشتراک در جهاد خودداری نمودند. هرگز کسی که معذور نیست و در جهاد شرکت نمی‌کند با کسی یقیناً اجر و پاداش عظیم دارد و در پیشگاه خداوند أ از مقامات و درجات بلندی بر خوردار است و خدای‌تعالی مجاهدان را درجات بیشتری از کسانی عطا نموده که از جهاد نظر به عذری معقول دست کشیدند و هردو گروه راخداوند أ وعدۀ نیکو داده است، با این حال خدای‌تعالی مجاهد را بر کسی که از جهاد نشسته پاداشی عظیم و ثوابی بزرگ و کرمی واسع به اندازۀ یکصد درجه ارزانی داشته است که هر درجه بنابر حدیث نبوی به اندازۀ فاصلۀ آسمان‌ها از زمین است.

﴿دَرَجَٰتٖ مِّنۡهُ وَمَغۡفِرَةٗ وَرَحۡمَةٗۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمًا ٩٦﴾.

این درجات بلند، این مغفرت و این رحمت از جانب خدای‌تعالی گرامی داشتی برای مجاهدان است. درجات بلند به خاطر بذل جان و مالی که از سوی آن‌ها در راه خدا أ صورت گرفته است. مغفرت به خاطر گناهان‌شان؛ زیرا با اولین قطره خونی که از شهید بر زمین می‌چکد بخشیده می‌شود و رحمت به خاطر آنکه حق‌تعالی می‌خواهد او را تحت پوشش رحمت خود قرار دهد و هر غم و اندوهی را از یادش ببرد و خدای‌تعالی تمام گناهان بزرگ را چون حلیم و بخشیده است می‌بخشد و او برای بندگانی که به سوی او بازگردند و طالب رحمتش شوند مهربان است.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمۡ قَالُواْ فِيمَ كُنتُمۡۖ قَالُواْ كُنَّا مُسۡتَضۡعَفِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ قَالُوٓاْ أَلَمۡ تَكُنۡ أَرۡضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٗ فَتُهَاجِرُواْ فِيهَاۚ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرًا ٩٧﴾.

و آن دسته از مسلمانان که می‌میرند و ملائکه ارواح‌شان را قبض می‌کنند در حالی که با باقی ماندن در زیر پرچم کفر بر خویشتن ظلم کردند و با مؤمنان به دیار اسلام هجرت نکردند، ملائکه از اینگروه هنگام مرگ‌شان سوال می‌کنند که چرا به خاطر دین خود هجرت نکردید؟ آن‌ها خواهند گفت چون ما تحت تسلط کفار قرار داشتیم. ملائکه می‌گویند: آیا زمین خدا أ وسیع نبود تا به آن هجرت می‌کردید و به اظهار شعائر دین خدا أ می‌پرداختید و پروردگار عالمیان را پرستش می‌کردید؟ پس آنانی که هجرت نمی‌کنند و باقی می‌مانند در حالی که توان هجرت را دارند جایگاه‌شان آتش دوزخ است؛ زیرا آن‌ها به تسلط کافر در حالی راضی شدند که خداوند أ برای آن‌ها در زمین وسعت و فراخی قرار داده بود ولی آن‌ها در حال اختیار و توانائی چنین نکردند. به خدا أ سوگند که مرجع و مآل آن‌ها در آتش دوزخ بَد و زشت است.

﴿إِلَّا ٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلۡوِلۡدَٰنِ لَا يَسۡتَطِيعُونَ حِيلَةٗ وَلَا يَهۡتَدُونَ سَبِيلٗا ٩٨﴾.

ولی کسانی که توان و وسیلۀ هجرت و فرار را ندارند در حالی که مستضعف‌اند مانند: کهن سلان، زنان ضعیف و اطفال، و توان مالی چنین کاری را هم ندارند، توان جسمی و معنوی نیز در آن‌ها سراغ نمی‌رود، این‌ها حقیقتاً در پیشگاه خدا أ معذور به شمار می‌روند.

﴿فَأُوْلَٰٓئِكَ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَعۡفُوَ عَنۡهُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَفُوًّا غَفُورٗا ٩٩﴾.

این ناتوانان از طبقۀ کهن سالان، زنان و اطفال، حق‌تعالی از سَر تقصیرات‌شان دَرمی‌گذرد و آنان را به خاطر هجرت نکردن‌شان عفو می‌نماید، چون واقعاً عذر دارند و نمی‌تواند از دیار خود بیرون شوند و خدای‌تعالی دوست دارد تا از بندگان خود درگذرد و اوتعالی گناهان آن‌ها را به هر اندازه که بزرگ هم باشد می‌بخشد و هیچگاه بخشش کسی که صادقانه به سوی او روی می‌آورد، بر او سخت و دشوار نیست.

﴿۞وَمَن يُهَاجِرۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ يَجِدۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُرَٰغَمٗا كَثِيرٗا وَسَعَةٗۚ وَمَن يَخۡرُجۡ مِنۢ بَيۡتِهِۦ مُهَاجِرًا إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ يُدۡرِكۡهُ ٱلۡمَوۡتُ فَقَدۡ وَقَعَ أَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ١٠٠﴾.

و آنکه به هدف هجرت از دیار کفر به دیار اسلام هجرت کند بر رغم انف کفّار چیزهایی را به دست خواهد آورد که موجب خشم وغیظ آن‌ها می‌شود، مانند: یکجا شدن با مؤمنان و اظهار شرائع دینی، و زمین خدا أ برای کسی که به دنبال سرزمینی باشد که در آن به عبادت خدای‌تعالی بپردازد واسع است و هر کس به سوی سرزمین‌های اسلامی در حالی بیرون می‌شود که نیّتی پاک و صادق دارد و در مسیر راه، قبل از رسیدن به دیار اسلام می‌میرد، اجر و پاداش چنین کسی بر خدا أ ثابت است و ثواب و پاداش او بدون شک به او خواهد رسید و اوتعالی به او به خاطر عملکردش پاداش می‌دهد که او بخشندۀ تمام گناهان بندگان است و عیوب‌شان را می‌پوشاند و اوتعالی مهربان و دارای رحمتی واسع و فضلی بزرگ و خیری عمومی است.

﴿وَإِذَا ضَرَبۡتُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَقۡصُرُواْ مِنَ ٱلصَّلَوٰةِ إِنۡ خِفۡتُمۡ أَن يَفۡتِنَكُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْۚ إِنَّ ٱلۡكَٰفِرِينَ كَانُواْ لَكُمۡ عَدُوّٗا مُّبِينٗا ١٠١﴾.

و هرگاه به منظور جهاد در راه خدا أ و یا تجارت و از این قبیل بیرون شدید بر شما گناهی نیست اگر نماز خود را کوتاه کنید، چنین اجازه‌ای رخصتی از جانب خدا برای شماست، پس رخصتش را بپذیرید و نمازهای چهار رکعتی را هنگام ترس از کفار دو رکعت بسازید و حتی اگر خوف و ترسی هم نبود چنین کنید؛ زیرا پیامبر اسلام أ فرموده است که این رخصت «صدقه‌ای از جانب خداست پس صدقه‌اش را بپذیرید» و چون کفّار دشمنان شمایند پس جهاد علیه آن‌ها با دست، زبان، قلم، نیّت و به هر وسیلۀ ممکن واجب است. این دشمنی ابدی و تا زمانی است که به دین شما داخل شوند و شما بر این عداوت، از خدا أ اجر و پاداش دریافت خواهید داشت.

﴿وَإِذَا كُنتَ فِيهِمۡ فَأَقَمۡتَ لَهُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَلۡتَقُمۡ طَآئِفَةٞ مِّنۡهُم مَّعَكَ وَلۡيَأۡخُذُوٓاْ أَسۡلِحَتَهُمۡۖ فَإِذَا سَجَدُواْ فَلۡيَكُونُواْ مِن وَرَآئِكُمۡ وَلۡتَأۡتِ طَآئِفَةٌ أُخۡرَىٰ لَمۡ يُصَلُّواْ فَلۡيُصَلُّواْ مَعَكَ وَلۡيَأۡخُذُواْ حِذۡرَهُمۡ وَأَسۡلِحَتَهُمۡۗ وَدَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡ تَغۡفُلُونَ عَنۡ أَسۡلِحَتِكُمۡ وَأَمۡتِعَتِكُمۡ فَيَمِيلُونَ عَلَيۡكُم مَّيۡلَةٗ وَٰحِدَةٗۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ إِن كَانَ بِكُمۡ أَذٗى مِّن مَّطَرٍ أَوۡ كُنتُم مَّرۡضَىٰٓ أَن تَضَعُوٓاْ أَسۡلِحَتَكُمۡۖ وَخُذُواْ حِذۡرَكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٗا مُّهِينٗا ١٠٢﴾.

در اینجا حق‌تعالی به پیامبر خود از چگونۀ ادای نماز خوف خبر می‌دهد، به این صورت که هرگاه ایشان با مؤمنان مجاهد در راه خدا أ باشند و بخواهند با مجاهدان نماز بگذارند باید آن‌ها را به دو گروه تقسیم کنند: گروه اول در حالی با پیامبر ج نماز بخوانند که تمام سلاح خود را با خود داشته و ملبس به لباس رزم باشند و گروه دیگر در برابر دشمن بایستند و چون گروه اول از نماز خود فارغ شدند گروه دوم بیابند و نماز خویش را ادا نمایند، در حالی که کاملاً در حالت آماده‌باش نظامی قرار داشته باشند، زیرا کفار می‌خواهند تا مؤمنان از سلاح و متاع خویش غافل باشند و آن‌ها ناگهان بر مسلمانان هجوم آورند. البته هیچ گناهی بر اهل عذر از بیماران و مسلمانان نیست اگر در حالت نماز سلاح خویش را با خود نگیرند ولی به هر حال باید در حالت آماده باش کامل قرار داشته باشند. اوتعالی به کفار کیفر ذلتبار و خواری و خشم و آتشی را آماده نموده که خداوند أ به آن بهتر داناست، این کیفر مطابق اعمال‌شان است.

﴿فَإِذَا قَضَيۡتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمۡۚ فَإِذَا ٱطۡمَأۡنَنتُمۡ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَۚ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتۡ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ كِتَٰبٗا مَّوۡقُوتٗا ١٠٣﴾.

و هرگاه ای مؤمنان از نماز فراغت حاصل کردید باید که ذکر خدای را به وفور بگوئید چه در حالت نشسته یا ایستاده و یا در سایر اعمال و مشاغل خویش، و چه در مسیر راه‌ها و سفر قرار داشته باشید، چنان‌چه باید ذکر خدا أ را به وفور در مجالس و کلاس‌های درس و نشست و بر خواست‌های خویش و در حالتی که به پهلو افتاده‌اید باید بگوئید.

این همه تأکید دربارۀ ذکر روی اهمیتی است که این عمل با خود دارد و چون خوف و ترس از هجوم کفّار از شما دور شد، باید که نماز را به گونۀ طبیعی و عادی و مشتمل بر تمام آداب و سنن، توأم با ادای تمام رکعات با خشوع و خضوع ادا کنید که نماز فریضه‌ای است دارای وقت و زمانی مخصوص و به هیچ وجه مجاز نیست تا از وقت معینه بدون ادا بگذرد و نباید از رکعات آن حذف شود مگر در زمان عذر مانند سفر و جنگ که از این حالت مستثنی است. همۀ این‌ها به این منظور است که نماز ستون اسلام و مهم‌ترین رکن بعد از گفتن کلمۀ شهادت است.

﴿وَلَا تَهِنُواْ فِي ٱبۡتِغَآءِ ٱلۡقَوۡمِۖ إِن تَكُونُواْ تَأۡلَمُونَ فَإِنَّهُمۡ يَأۡلَمُونَ كَمَا تَأۡلَمُونَۖ وَتَرۡجُونَ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا يَرۡجُونَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ١٠٤﴾.

هیچگاه در مبارزه با کفار و روبرو شدن با آن‌ها نباید به شما سستی و شکست دست دهد؛ زیرا اگر شما در جنگ دچار درد و ضرر می‌شوید آن‌ها نیز به حکم اینکه انسان‌اند، دچار چنین درد و ضرری می‌شوند ولی تفاوت کلّی میان شما و آن‌ها در این است که شما به امید ثواب و پاداش عظیم الهی و بازگشت به زندگی بهتر این عمل را انجام می‌دهید در حالی که برای آن‌ها هیچ ولایت و دوستیی از جانب خدا أ نیست و چون آن‌ها با خدا أ جنگیده‌اند امید ثواب و پاداش اوتعالی را ندارند و خداوند أ می‌داند چه کسی در نیّت و جهاد خود صادق است و اخلاص دارد و اوتعالی در تمام اوامر خود حکمت دارد، حکمتی که آن را با عدل و لطف خویش و مطابق احوال و مقامات و مشکلات تنظیم نموده است.

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ لِتَحۡكُمَ بَيۡنَ ٱلنَّاسِ بِمَآ أَرَىٰكَ ٱللَّهُۚ وَلَا تَكُن لِّلۡخَآئِنِينَ خَصِيمٗا ١٠٥﴾.

ای پیامبر ج! ما بر تو قرآن را نازل کردیم که به حق سخن می‌گوید و براساس عدالت حکم می‌نماید تا تو شریعت خدا أ را در میان بندگانش پیاده نمائی و در متون آن مطابق به فهمی که او به تو داده، جدّ و جهد کنی و مطابق آن در بین مردم و براساس عدالت حُکم نمائی و از این برحذر باش که از خائنان، دفاع و یا حمایت نمائی و به خاطر آن‌ها مجادله کنی!

﴿وَٱسۡتَغۡفِرِ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ١٠٦﴾.

هرگاه قصد نمودی تا از خائنان دفاع و به خاطر یک منافق مجادله کنی، بر توست تا از پروردگارت طالب مغفرت شوی که حق‌تعالی از خطای تو درمی‌گذرد و تو را می‌بخشد و مشمول رحمت خود قرار می‌دهد، چنان‌چه تمام گناهان گذشته و آینده‌ات را بخشیده است.

این آیه دلالت بر آن دارد که هرگاه کسی چنین عملی انجام دهد، باید از خدای خود طالب مغفرت شود و به سوی او توبه و رجوع نماید.

﴿وَلَا تُجَٰدِلۡ عَنِ ٱلَّذِينَ يَخۡتَانُونَ أَنفُسَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمٗا ١٠٧﴾.

و از حمایت خائنانی که خیانت خویش را به بی‌گناهان و مخلصان نسبت می‌دهند برحذر باش. این‌ها کسانی‌اند که جنایت کرده‌اند ولی جنایت خود را از روی حیله و فریب به دیگران نسبت داده‌اند و خدای‌تعالی هیچگاه پیمان شکنان را که همواره به دنبال گناهان و معاصی‌اند و بر معصیت عادت کرده و توبه نمی‌کنند دوست ندارد، آنانی که در شکستن مرزهای حدود الهی سرعت به خرج می‌دهد و هیچ پدیده‌ای آنان را از ارتکاب گناه بازنمی‌دارد، این‌ها به زودی به سوی خشم خدا أ برمی‌گردند.

این آیه دربارۀ گروهی از منافقان نازل شد که دزدی کرده بودند و سرقت خویش را به دیگران نسبت دادند، پیامبر ج بنابر ظاهر حال، از آنان حمایت نمود این بود که این آیه نازل شد.

﴿يَسۡتَخۡفُونَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَلَا يَسۡتَخۡفُونَ مِنَ ٱللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمۡ إِذۡ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرۡضَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطًا ١٠٨﴾.

این منافقان از بندگان پنهانکاری می‌کنند ولی از خدا أ پنهانکاری نمی‌نمایند و از خلق حیا می‌کنند ولی از خالق حیا نمی‌نمایند، از کیفر مردم می‌ترسند ولی از کیفر خدای مردم نمی‌هراسند، خدایی که هیچ چیزی بر او پنهان و مخفی نیست و هیچ امری از او پوشیده نمی‌باشد. او بر تمام آنچه در نهان مردم است آگاه است. این منافقان در شب طرح دزدی می‌ریزند و در بین خویش دسیسه می‌چینند تا این عمل را به دیگران نسبت دهند. خدای‌تعالی هرگز از چنین اقوال و کرداری راضی نیست و اوتعالی به همۀ آنچه انجام داده‌اند اگاه می‌باشد و سخنان‌شان را می‌شنود. او به زودی آنان را محاسبه می‌نماید و به خاطر اعمال‌شان به آنان جزا و کیفر می‌دهد.

﴿هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ جَٰدَلۡتُمۡ عَنۡهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فَمَن يُجَٰدِلُ ٱللَّهَ عَنۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَم مَّن يَكُونُ عَلَيۡهِمۡ وَكِيلٗا ١٠٩﴾.

اما شما ای اقربا و نزدیکان منافقان! بر فرض اینکه بر این‌ها در زندگی دنیا و در محضر قاضی و حاکم حمایت و تلاش کنید تا کیفر را از آنان دور سازید! چه کسی از آنان در پیشگاه خدای یگانه‌ای که از او هیچ امری پوشیده و مخفی نیست حمایت می‌نماید؟ چه کسی در روز رستاخیز در کنار آن‌ها می‌ایستد؟ و چه کسی آنان را از آن همه مقامات هولناک نجات می‌دهد؟ یا چه کسی ممکن است عذاب را از آنان رفع کند؟ هیچ‌کس نمی‌تواند چنین کند.

این مطلب تهدید سختی به تمام قاضیان، و کلای مدافع و هر مسئولی است که باید مراقب خدای خود باشد و هیچگاه مدافع ستمگران و دشمنان بدکار خدا أ نباشد.

﴿وَمَن يَعۡمَلۡ سُوٓءًا أَوۡ يَظۡلِمۡ نَفۡسَهُۥ ثُمَّ يَسۡتَغۡفِرِ ٱللَّهَ يَجِدِ ٱللَّهَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ١١٠﴾.

ولی یک انسان مسلمان اگر مرتکب عملی بد شود و یا بر خویشتن با انجام گناه ظلم کند و در پی آن استغفار نموده توبه کند و بر کردۀ خویش نادم شود و به سوی خدای خود با طلب مغفرت رجوع کند، چنین کسی حق‌تعالی را صاحب کرم خواهد یافت، زیرا اوتعالی از بندگان کریم‌تر است، او مهربانی است که از گناهان درمی‌گذرد و همواره بدی را با نیکی و گناه را با مغفرت پاسخ می‌دهد و توبه کنندگان را تحت پوشش رضوان خود قرار می‌دهد و وارد بهشت می‌کند، از این‌روی هیچکاری نزد خدا أ از توبه و استغفار بهتر نیست.

﴿وَمَن يَكۡسِبۡ إِثۡمٗا فَإِنَّمَا يَكۡسِبُهُۥ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١١١﴾.

هر کسی مرتکب جنایت و یا گناهی شود، گناه آن معصیت بر عهدۀ خود او خواهد بود نه دیگران، زیرا هیچ‌کس مسئولیت اعمال دیگری را متحمل نمی‌شود، بلکه خود او مسئول خواهد بود و خدای‌تعالی فقط او را کیفر می‌دهد و از جملۀ حکمت‌های الهی است که هیچ کسی را تا مستحق عذاب نباشد عذاب نمی‌کند چنان‌چه بر گناه هیچ‌کس چیزی را نمی‌افزاید بلکه نزد او همه چیز براساس علم و حکمت است، علمی که بر همۀ آنچه واقع می‌شود احاطه دارد و حکمتی که کیفر را بر هر کسی مطابق با جرمش اعمال می‌نماید.

﴿وَمَن يَكۡسِبۡ خَطِيٓ‍َٔةً أَوۡ إِثۡمٗا ثُمَّ يَرۡمِ بِهِۦ بَرِيٓ‍ٔٗا فَقَدِ ٱحۡتَمَلَ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا ١١٢﴾.

و هر کس گناه کوچک یا بزرگ مرتکب شود و آن را به دیگران نسبت دهد در واقع خطا و اشتباهی بزرگ مرتکب شده است، زیرا با این عمل دو گناه انجام داده یکی در حق خویش و دیگری در حق دیگران. چنین گناهی عظیم و بزرگ است و به زودی حق‌تعالی او را بر عملکرد بَدَش کیفر می‌دهد.

﴿وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكَ وَرَحۡمَتُهُۥ لَهَمَّت طَّآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ أَن يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡۖ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَيۡءٖۚ وَأَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمۡ تَكُن تَعۡلَمُۚ وَكَانَ فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكَ عَظِيمٗا ١١٣﴾.

و اگر بر تو ای محمد ج خداوند أ رحم و فضل نمی‌کرد، گروهی از مردم تو را از شناخت حق باز می‌گردانیدند و چنین وانمود می‌کردند که مجرم بی‌گناه است و از این طریق حکم شرعی را بر تو پوشیده و پنهان می‌نمودند ولی خدای‌تعالی اراده کرد تا تو را با نبوّت معصوم دارد، از این‌روی برخی از علم غیب را به تو آموخت. این‌هایی که همواره در گمراهی و گمراه‌گری تلاش می‌کند در واقع خویشتن را گمراه می‌سازند نه تو را، چون تو پیامبری برگزیده شده که نبوّت و عصمت با توست و حق‌تعالی تو را با قرآن و سنّت نبوی گرامی داشته و برخی از اسرار غیب و دین و احکام شرعی را به تو واضح ساخته است، زیرا منزلتی را که به تو بخشیده به هیچ‌کس نداده و این خود فضل خدا أ و رحمت او بر توست.

﴿۞لَّا خَيۡرَ فِي كَثِيرٖ مِّن نَّجۡوَىٰهُمۡ إِلَّا مَنۡ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوۡ مَعۡرُوفٍ أَوۡ إِصۡلَٰحِۢ بَيۡنَ ٱلنَّاسِۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِ فَسَوۡفَ نُؤۡتِيهِ أَجۡرًا عَظِيمٗا ١١٤﴾.

در بیشتر آنچه مردم پنهان می‌دارند و یا در بین خود راجع به آن گفتگو می‌کنند خیری نیست، ولی کسی که راجع صدقه در راه خدا أ صحبت کند و یا دربارۀ اموری که به خود او و دیگران نفع داشته باشد و یا در راستای اصلاح مخاصمات مردم سخنی بگوید و حصول رضای الهی را مد نظر داشته باشد، یقیناً حق‌تعالی به او اجر و مزدی بزرگ می‌دهد و به زودی به او پاداشی عظیم بر عملکردش عطا خواهد کرد.

﴿وَمَن يُشَاقِقِ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ ٱلۡهُدَىٰ وَيَتَّبِعۡ غَيۡرَ سَبِيلِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ نُوَلِّهِۦ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصۡلِهِۦ جَهَنَّمَۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرًا ١١٥﴾.

و هر کسی با پیامبر ج بعد از اینکه دلائل قاطعی بر صحّت نبوّت ایشان اقامه شده به مخالفت بپردازد و راهی غیر از راه مؤمنان برگزیند، حق‌تعالی چنین کسی را در گمراهی‌اش رها می‌نماید و سپس در روز قیامت او را با آتش دوزخ و انواع عذاب‌ها کیفر می‌دهد و چه بد مصیر و قرار گاهی است دوزخ.

این آیه دلالت بر آن دارد که اجماع امّت حجتی قاطع است و مخالفت با اجماع به هیچ وجه مجاز نیست.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا ١١٦﴾.

خدای‌تعالی کسی را که به او شریک و انباز قرار دهد هرگز نمی‌بخشد ولی گناه غیر از شرک تحت مشیت الهی قرار دارد که اگر خواست مرتکب آن را می‌بخشد و اگر خواست عذابش می‌نماید. علت این امر این است که مشرک در حقیقت مرتکب گناهی واضح و بزرگ شده و دست به سرکشیی زده که بالاتر از آن هیچ سرکشیی نیست. چنین کسی از رحمت خدا أ دور و بنابر اینکه بزرگ‌ترین گناه را مرتکب شده مستحق خشم و غضب الهی گردیده است.

﴿إِن يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦٓ إِلَّآ إِنَٰثٗا وَإِن يَدۡعُونَ إِلَّا شَيۡطَٰنٗا مَّرِيدٗا ١١٧﴾.

این‌هایی که غیر از خدا أ خدای دیگری را می‌خوانند، این‌ها خدایانی را می‌خوانند که نزد آن‌ها مألوف است، خدایانی مانند: «لات» «عزّی» و «منات» را و همچنان شیطانی را می‌خوانند که بر خدا أ تمرّد نموده و در سرکشی به حد اعلا و در بدکاری به آخر خط رسیده و الگوی بدی برای دیگران قرار گرفته است.

﴿لَّعَنَهُ ٱللَّهُۘ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنۡ عِبَادِكَ نَصِيبٗا مَّفۡرُوضٗا ١١٨﴾.

خدای‌تعالی شیطان سرکش را از رحمت خود طرد نموده و بر او بدبختی دنیا و آخرت را مقدر کرده است. در آن روزی که خدای‌تعالی چنین کرد شیطان سوگند یاد نمود که من بخش بزرگی از بندگان تو را گمراه خواهم نمود و گروه زیادی از آنان را با گمراه کردن‌شان و پیروی شهوات و شبهات به آتش دوزخ خواهم کشانید.

﴿وَلَأُضِلَّنَّهُمۡ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمۡ وَلَأٓمُرَنَّهُمۡ فَلَيُبَتِّكُنَّ ءَاذَانَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ وَلَأٓمُرَنَّهُمۡ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلۡقَ ٱللَّهِۚ وَمَن يَتَّخِذِ ٱلشَّيۡطَٰنَ وَلِيّٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ فَقَدۡ خَسِرَ خُسۡرَانٗا مُّبِينٗا ١١٩﴾.

و همچنان در گمراه ساختن و ارائۀ وعده‌های دروغین به آن‌ها با استفاده از انواع و اقسام فریب‌ها و حیله‌ها ادامه خواهم داد و پیوسته به آنان امر خواهم کرد و آن‌ها اوامر من را مبنی بر انحراف دل، ارتکاب جرم و محبت گناه اطاعت خواهند نمود. از جمله اوامر من یکی هم این خواهد بود که گوش‌های شتر، گاو و گوسفند را قطع کنند و آنان را «بحیره» «سائبه» و «وصیله» گویند. و آن‌ها را امر خواهم کرد تا اشکال خود و حیوانات خویش را از روی سرکشی بیشتر تغییر دهند و بردگان را خصی و حیوانات را شکنجه کنند و مردها خود را به زن‌ها به مردان شبیه سازند و اعمال دیگری از قبیل: چیدن ابرو، وصل کردن موی، فاصله ایجاد کردن بین دندان‌ها و... اموری که خدای‌تعالی آن‌ها را حرام نموده است انجام دهند. ولیکن کسی که شیطان را ولی و دوست بگیرد و اوامرش را اطاعت کند، چنین کسی در واقع در دنیا و آخرت زیان نموده و خود را در معرض خشم پروردگار قرار داده است، چنین کسی از دوستی خدا أ بیرون شده و تمام و تلاشش از بین رفته است.

﴿يَعِدُهُمۡ وَيُمَنِّيهِمۡۖ وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ إِلَّا غُرُورًا ١٢٠﴾.

شیطان به پیروان خود با حیله و نیرنگ وعده‌های دروغین و آروزهای فریبنده، وَهْم و دَجل می‌دهد و چنین وانمود می‌کند که: لذّت در گناه، راحتی در جنایت، و خیر در مخالفت امر خداست در حالی که همۀ این‌ها دروغ است و حقیقت ندارد، زیرا تمام خوبی‌ها و امور خیر در اطاعت از خدا و پیامبرش نهفته است.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنۡهَا مَحِيصٗا ١٢١﴾.

و آنانی که از شیطان پیروی می‌کنند و به منهج و روش او راضی می‌شوند، سرایشان در آخرت دوزخ خواهد بود که هیچ امکان فراری از آن وجود ندارد و نه هم محلی که بتوان به سوی آن پناه برد، زیرا آتش از هرسو بر اهل دوزخ احاطه دارد چون این‌ها اعمال بسیار بد و زشتی مرتکب شده‌اند.

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَنُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٗاۚ وَمَنۡ أَصۡدَقُ مِنَ ٱللَّهِ قِيلٗا ١٢٢﴾.

لیکن آنانی که به خدا أ ایمان آورده و از پیامبرش پیروی نمودند و اعمال خوب و شایسته انجام دادند، پاداش آن‌ها در پیشگاه خداوند این خواهد بود که آنان را در بوستان‌های غنی که در آن‌ها جوی‌ها جاری است و انواع و اقسام درختان و گل‌های رنگارنگ وجود دارد، جای دهد. این‌ها در این بوستان‌ها اقامتی نیکو خواهند داشت و در سرای گرامی توأم با نعمت همیشگی و در جایگاه خجسته در جوار پروردگار خویش قرار خواهند داشت و برای همیشه در این نعمت می‌باشند. این وعدۀ لازمی و قولی حق و قاطع است و هیچ‌کس از خدای‌تعالی در تنفیذ وعدۀ خود صادق‌تر نیست و قول خدا أ بر تمامی اقوال مقدم است و او هیچگاه بر خلاف وعده‌اش عمل نمی‌نماید و پیمان خویش را نمی‌شکند. این شیطان متولی و سرپرست کفار است که در وعدۀهای خود دروغ می‌گوید و تمام عهدها و پیمان‌هایش مستعجل و باطل و وسوسه‌های فریبنده است.

﴿لَّيۡسَ بِأَمَانِيِّكُمۡ وَلَآ أَمَانِيِّ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِۗ مَن يَعۡمَلۡ سُوٓءٗا يُجۡزَ بِهِۦ وَلَا يَجِدۡ لَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ١٢٣﴾.

نجات از دوزخ و داخل شدن به بهشت و به دست آوردن رضای الهی نه به آرزوهای شما مسلمانان بسته است و نه هم به آروزهای اهل کتاب. چنین امری از طریق ادعای مجرد از دلیل و یا انجام ندادن عمل صالح و عدم اجرای فرامین الهی به دست نمی‌آید، بلکه این آرزوها را عمل صالح به واقع تبدیل می‌کند ورنه مجرد دعوا کاری سهل و آسان است و هر کسی می‌تواند چنین ادعاهایی داشته باشد، ولی مناط و محک این امر عمل صالح او اجرای اوامر خداست و اوتعالی می‌داند چه کسی در امتثال اوامر صادق است و چه کسی کاذب و هر که از امر خدا أ مخالفت کند و مرتکب عمل بد شود، حق‌تعالی او را یا در دنیا و یا در آخرت کیفر می‌دهد و هیچ کسی را نخواهد یافت که یاریش دهد و یا او را سرپرستی کند و از خطا و اشتباه بازدارد.

﴿وَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ وَلَا يُظۡلَمُونَ نَقِيرٗا ١٢٤﴾.

و هر کسی که عمل خوب و شایسته انجام دهد و بر خویشتن در عوض ظلم، نیکی کند خواه مرد باشد یا زن، در حالی که به خدا أ ایمان دارد و از پیامبرش اطاعت می‌کند، بازگشت چنین کسی به سوی بهشت‌های نعمت و مقامی ارزشمند است و هرگز حق‌تعالی در حق او از طریق فرو گذاشتن چیزی از حسناتش ظلم نمی‌کند ولو این حسنه اندک، ناچیز و به اندازۀ فرو رفتگی شکاف هستۀ خرما باشد، حق‌تعالی هیچگاه سعی و تلاش چنین کسی را ظایع نمی‌سازد، زیرا تمام اعمال او محفوظ خواهد بود.

﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ دِينٗا مِّمَّنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ وَٱتَّبَعَ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۗ وَٱتَّخَذَ ٱللَّهُ إِبۡرَٰهِيمَ خَلِيلٗا ١٢٥﴾.

هیچکس از لحاظ دیانت و داشتن منهج و روشی سالم، نیکوتر از کسی که به حکم خدا أ تسلیم شود و از مولای خود اطاعت کند و از نواهیش بپرهیزد نیست، در حالی که این شخص در طاعت حق‌تعالی و پیروی سنّت پیامبر ج مداومت می‌کند و در این زمینه سعی و تلاش فراوان از خود مبذول می‌دارد. چنین شخصی در عین حال از بهترین ملت‌ها که ملت اسلام است پیروی می‌نماید، دینی که دارای اعتدال و آسانی است؛ زیرا خدای‌تعالی ابراهیم ÷ را برگزید و او را از میان سایر خلایق به محبت و قرب خود مخصوص نمود و در همین راستا بهترین ملت‌ها و ادیان را برایش داد.

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٖ مُّحِيطٗا ١٢٦﴾.

همۀ آنچه در آسمان‌ها و زمین است از قبیل ملائکه، جن، انسان و سایر مخلوقات و موجودات، ملک خالق متعال است. او در همۀ این‌ها به گونه‌ای که بخواهد تصرف می‌کند و آنگونه که بخواهد آن‌ها را اداره می‌نماید و با همۀ این‌ها، او بر همۀ امور آگاهی کامل دارد و هیچ امری از او پوشیده و پنهان نیست.

در اینجا حق‌تعالی بین ملک و علم جمع کرد تا این پیام را بدهد که هر کس دارای چنین حالتی باشد سزاوار این است تا از او ترس صورت گیرد و امید برده شود و انسان برای خود دینی را برگزیند که صحیح باشد، دین ابراهیم، دین اسلام که حضرت محمد ج به خاطر تبلیغ آن فرستاده شده است.

﴿وَيَسۡتَفۡتُونَكَ فِي ٱلنِّسَآءِۖ قُلِ ٱللَّهُ يُفۡتِيكُمۡ فِيهِنَّ وَمَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ فِي يَتَٰمَى ٱلنِّسَآءِ ٱلَّٰتِي لَا تُؤۡتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرۡغَبُونَ أَن تَنكِحُوهُنَّ وَٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ مِنَ ٱلۡوِلۡدَٰنِ وَأَن تَقُومُواْ لِلۡيَتَٰمَىٰ بِٱلۡقِسۡطِۚ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِهِۦ عَلِيمٗا ١٢٧﴾.

از تو ای محمد ج دربارۀ زن‌ها سوال می‌کنند بگو حق‌تعالی شما را در جریان احکام مخصوص آن‌ها در کتاب خود و همچنان در سنّت پیامبر خود قرار می‌دهد، چنان‌چه شما را در جریان احکام زن‌های دیگری نیز قرار می‌دهد که ضعیف و یا یتیم‌اند و شما با آن‌ها ازدواج می‌کنید و مهرشان را نمی‌پردازید. خدای‌تعالی شما را به عدالت و انصاف امر می‌کند و اینکه دربارۀ دادن حق زن‌ها خواه یتیم باشند یا نباشند از خدا أ بترسید و مهرهای‌شان را به آن‌ها به صورت مکمل بدهید.

همچنان به شما خبر خواهد داد که باید دربارۀ اطفال بی‌سرپناه و یتیم نیز از خدا أ بترسید و حقوق آن‌ها را اعم از میراث وغیره ادا کنید و همواره میراث آن‌ها را در بین‌شان به صورت عادلانه و بدون ارتکاب ظلم و ستم تقسیم کنید و متوجه وصیتی که به آن‌ها شده باشید و از حق‌تعالی در اینکه اموال آن‌ها را بنابر باطل بخورید بترسید و بدانید آنچه را که به مستضعفان، یتیمان، فقرا و مساکین انجام می‌دهید خداوند أ بر آن آگاهی دارد و به زودی این اعمال را می‌پذیرد و در بدل آن به شما پاداش نیکو می‌دهد، البته اگر صادقانه عمل کنید و اخلاص داشته باشید.

﴿وَإِنِ ٱمۡرَأَةٌ خَافَتۡ مِنۢ بَعۡلِهَا نُشُوزًا أَوۡ إِعۡرَاضٗا فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ أَن يُصۡلِحَا بَيۡنَهُمَا صُلۡحٗاۚ وَٱلصُّلۡحُ خَيۡرٞۗ وَأُحۡضِرَتِ ٱلۡأَنفُسُ ٱلشُّحَّۚ وَإِن تُحۡسِنُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ١٢٨﴾.

و اگر زنی از شوهر خود بیم اعراض یا جدایی داشت در حالی که تمایل دارد با آن شوهر باشد، در چنین حالتی برای این زن مجاز است تا با شوهر از طریق اسقاط برخی از حقوق خود مانند شب گذرانیدن یا بهرۀ جنسی و از این قبیل صلح کند و به توافق برسد، زیرا از چیزی که همه‌اش به دست نمی‌آید نباید آن مقدار که به دست می‌آید فرو گذاشته شود.

اینکه حق‌تعالی به صلح در بین زن و شوهر امر می‌کند از این روست که در چنین صلحی خیر و خوبی فراوانی نهفته است. موافقت و تنازل از بعضی حقوق و ادامۀ معاشرت، از مطالبۀ تمام حقوق توأم با طلاق و جدایی بهتر است. و دیگر اینکه در صلح، وفاق و همدلی است و تمام پلیدی‌های نفس را، نفسی که بر بخل و امساک خوی گرفته از بین می‌برد و در این گیرودار شوهر در به دست آوردن تمام بهره یا جدایی از همسر حریص است چنان‌چه زن نیز در به دست آوردن تمام حقوق خود حرص دارد اگرچه در به دست آوردن آن دچار مشقت شود. از این‌روی لازم است تا طرفین از تنازل کار گیرند و در برابر برخی جفاها و کوتاهی‌ها به منظور دوام روابط زنا شوئی صبر و حوصله کنند، زیرا چنین کاری در پیشگاه خدا أ بهتر است و اوتعالی این احسان و فعل خیر و تقوا و ترک معصیت را می‌داند و به زودی حق‌تعالی به کسی از زوجین که احسان کند، ثواب و پاداش نیکو و بزرگ می‌دهد.

﴿وَلَن تَسۡتَطِيعُوٓاْ أَن تَعۡدِلُواْ بَيۡنَ ٱلنِّسَآءِ وَلَوۡ حَرَصۡتُمۡۖ فَلَا تَمِيلُواْ كُلَّ ٱلۡمَيۡلِ فَتَذَرُوهَا كَٱلۡمُعَلَّقَةِۚ وَإِن تُصۡلِحُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ١٢٩﴾.

و هرگز ای مردان توانائی عدالت کامل و مطلق را در بین همسران خود ندارید ولو در این راه بسیار تلاش کنید زیرا عدالت امری است دقیق و مشکل، از این‌روی هیچ‌کس نمی‌تواند در محبت، معاشرت نیکو، لطف و قرب در بین همسران خود عدالت کند، چون این امر فوق توان و قدرت اوست، ولی بر او لازم تا در این زمینه تلاش و کوشش بسیار به خرج دهد و هیچگاه بر همسران خود ظلم و ستم روا ندارد و اینگونه نباشد که به سوی یکی بسیار میل کند و دیگری را فراموش کند طوری که نه او را طلاق دهد و نه همسرش بداند مانند چیزی که در بین زمین و آسمان معلق باشد. بر انسان مسلمان لازم است تا در این زمینه تلاش و کوشش کند و از خدای خود بترسد.

در ادامه خدای‌تعالی از برخی کوتاهی‌ها و تقصیراتی خبر می‌دهد که به صورت ناچار واقع می‌شود، خدای‌تعالی می‌فرماید که او بخشنده و مهربان است و از خطاها و اشتباهات کسانی که در تطبیق عدالت تلاش می‌کنند درمی‌گذرد و برای کسی که مطالت مغفرت باشد می‌بخشد و او را مشمول رحمت خود می‌سازد. اوتعالی در تشریعات خود دارای فضل و احسان است و توبه کسانی را که توبه کنند می‌پذیرد.

﴿وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغۡنِ ٱللَّهُ كُلّٗا مِّن سَعَتِهِۦۚ وَكَانَ ٱللَّهُ وَٰسِعًا حَكِيمٗا ١٣٠﴾.

لیکن اگر توافقی صورت نگرفت و طرفین بر جدایی مصمم بودند، حق‌تعالی طرفین را با فضل خویش بی‌نیاز می‌سازد به این صورت که به شوهر زنی دیگری می‌دهد که برای او از زن اولی بهتر است و به زن، شوهر دیگری که از شوهر اولی بهتر باشد ارزانی می‌دارد؛ زیرا خداوند أ دارای فضل و احسانی واسع است و تمام خوبی‌ها نزد اوست و او به دست آوردن بهرۀ بهتر را آسان می‌سازد و هر که خود را به خدا بسپارد، اوتعالی او را کافی و بسنده است.

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَلَقَدۡ وَصَّيۡنَا ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ وَإِيَّاكُمۡ أَنِ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ وَإِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدٗا ١٣١﴾.

همۀ آنچه در آسمان‌ها و زمین است ملک خداست. او به تدبیر امور همه می‌پردازد و در آن‌ها تصرف می‌نماید و انجام هیچ امری او را عاجز ساخته نمی‌تواند، چنان‌چه هیچ پدیده‌ای او را مغلوب نمی‌تواند. حق‌تعالی یهودیان، نصرانیان، امت‌های پیش از آن‌ها، و شما را امر نمود تا تقوای خدا أ را رعایت نموده و از او بترسید و به اوامرش عمل نمائید و از نواهی‌اش دوری گزینید. در این امر برای شما مصلحتی بزرگ و خیری عمومی در دنیا و آخرت نهفته است ولی اگر این امر را ترک کنید و به خدا أ کافر شوید و به او شریک آورده و به مخالفت پیامبرش بپردازید و منکر آیات او شوید، خدای‌تعالی تصرف کننده در هستی است و هیچگاه کفر کافر به او ضرری نمی‌رساند، چنان‌چه شرک مشرک هیچ چیزی را از ملک او نمی‌کاهد. اوتعالی در ذات، اسم‌ها و صفات خود محمود و ستوده است چنان‌چه از این ناحیه نیز ستوده است که بازگشت کنندکان به سوی خود را، کسانی که به او ایمان می‌آورند و تقوای او را رعایت می‌کنند می‌ستاید.

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ١٣٢﴾.

ملکیت خدا أ بر آنچه در آسمان‌ها و زمین است ملکیت قهر، قدرت، احاطه و علم است. خدای‌تعالی در اینجا مفهوم ملکیت خود را بار دیگر اعاده نموده تا کمال استغنا و نیازمندی خود را از خلایق و قدرت ملک و نفوذ امر خود را بیان کند و این کافی است که اوتعالی اعمال بندگان را آمار می‌گیرد و بر آن‌ها آگاهی دارد و حافظ آن‌هاست و بر آن‌ها جزا و پاداش می‌دهد.

﴿إِن يَشَأۡ يُذۡهِبۡكُمۡ أَيُّهَا ٱلنَّاسُ وَيَأۡتِ بِ‍َٔاخَرِينَۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرٗا ١٣٣﴾.

اگر خدای‌تعالی اراده کند تا شما را تباه و برباد کند و به جای شما دیگران را بیاورد، چه کسی خدا أ را از این عمل بازمی‌دارد؟ چه کسی می‌تواند او را این امر عاجز سازد؟ قدرت خدا أ نافذ و جاری است و حکمت او شگفت‌انگیز و امرش واقع است و ملک او بزرگ می‌باشد و او از همه کس و همه چیز بی‌نیاز است، خواه رفته باشد یا باقی بماند، و خواه اطاعت کند و ایمان آورد و یا نافرمانی نماید و کفر ورزد و هیچ خدایی جز او نیست و چقدر بزرگ است او؟!

﴿مَّن كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا فَعِندَ ٱللَّهِ ثَوَابُ ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ سَمِيعَۢا بَصِيرٗا ١٣٤﴾.

اگر کسی از عمل خود ارادۀ دنیا را داشته باشد پاداش دنیا و آخرت نزد خداست. چرا این بنده متاع بی‌ارزش و بی‌بها را می‌طلبد و با ارزش‌تر، نیکوتر و بلند مربته‌تر و رضوان و رستگاری بهشت و مغفرت را ترک می‌کند؟! خداوند أ بر همۀ اعمال این مردم آگاهی دارد و تمام گفتارها را می‌شنود و تمام افعال را می‌داند و بر او هیچ امری مخفی و پوشیده نیست. اوتعالی مخلص و ریا کار، صادق و کاذب را می‌داند و هر که نیتی را پنهان کند خدای‌تعالی او را می‌داند و به ظهور می‌رساند.

﴿۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ بِٱلۡقِسۡطِ شُهَدَآءَ لِلَّهِ وَلَوۡ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ أَوِ ٱلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَۚ إِن يَكُنۡ غَنِيًّا أَوۡ فَقِيرٗا فَٱللَّهُ أَوۡلَىٰ بِهِمَاۖ فَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلۡهَوَىٰٓ أَن تَعۡدِلُواْۚ وَإِن تَلۡوُۥٓاْ أَوۡ تُعۡرِضُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ١٣٥﴾.

ای مؤمنان! از خدا أ بترسید و همواره براساس عدالت و حق شهاد دهید و این شهادت را ولو بر علیه خود شما یا اقاربتان باشد به‌گونۀ درست بدهید و هیچگاه نباید قرابت و نزدیکی، شما را از گفتن کلمۀ حق و شهادت صادقانه بازدارد، زیرا هیچ‌کس غیر از خدا أ صلاحیت این را ندارد تا از او ترسی صورت گیرد. هنگام شهادت نباید ثروت و غنامندی، قدرت و منصب شخصی، شما را از شهادت حق بازدارد چنان‌چه نباید عواطف، مهربانی و لطف بر فقرا شما را از شهادت دادن بر علیه فقیر باز دارد و آگاه باشید که خدا أ بر فقیر و غنی سزاوارتر است و او بر این امر که چه چیزی به مصلحت فقیر یا غنی است آگاه می‌باشد و کفالت روزیی هردو بر عهدۀ خداست، پس بر شماست تا از واردات نفس ظالم و ستمگر که همواره به دنبال ارضای مردم و غضب ساختن خدای مردم است پیروی نکنید بلکه همواره کلمۀ حق را بگوئید خواه موجب رضایت کسی شود و یا موجب خشن او.

منظور این است که شما صادق باشید و اگر شهادت را تحریف کنید و یا بپوشید به زودی خدای‌تعالی آن را می‌داند و آمار می‌گیرد تا براساس آن شما را محاسبه نماید؛ چون او بر عملکرد همه آگاهی دارد و هریکی را بنابر عملکردش جزا و پاداش می‌دهد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِن قَبۡلُۚ وَمَن يَكۡفُرۡ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا ١٣٦﴾.

ای مؤمنان! بر ایمان دوام دهید و بر یقین و پیروی پیامبر ج ثابت‌قدم و استوار باشید و بر شماست تا به قرآنی که بر پیامبر ج به صورت مفصل و مجمل نازل شده و به کتاب‌هایی که بر پیامبران گذشته فرو فرستاده شده ایمان آورید و هر کسی که از پذیرش هدایت سر باز زند و با پروردگار و مولای خود محاربه کند و به الوهیت او کافر شود و منکر ملائکه، کتاب‌های آسمانی، پیامبران و روز آخرت شود چنین کسی یقیناً از حق بسیار دور شده و مرتکب گمراهی عظیم و بزرگی شده است و سخت اشتباه کرده و در زبان و خسرانی باز گشته که بعد از آن زیان و خسرانی نیست.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ ثُمَّ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ ثُمَّ ٱزۡدَادُواْ كُفۡرٗا لَّمۡ يَكُنِ ٱللَّهُ لِيَغۡفِرَ لَهُمۡ وَلَا لِيَهۡدِيَهُمۡ سَبِيلَۢا ١٣٧﴾.

منافقانی که به خدا أ و پیامبر ج در ظاهر ایمان آورده و سپس به دنبال خویش برگشته و کافر شوند و دوباره ایمان آورند و بار دیگر کافر شوند و در کفر خویش دوام دهند و با اعمال و افعالی بد ازدیار بخشند این‌هایی که بر ارتداد خوی گرفته‌اند حق‌تعالی هرگز از گناهان آن‌ها درنمی‌گذرد و هرگز گناهانشان را نمی‌بخشد و عذرشان را نمی‌پذیرد و آن‌ها را به توبه موفق نمی‌نماید، زیرا بصیرت‌های‌شان تاریک و منافذ خیر قلب‌های آن‌ها کور شده از این‌روی تصور غلط و نادرست دارند. روی این اساس کسی که به گناهان معتاد شود و از گناه خود توبه نماید و دوباره به سوی گناه باز گردد، این نگردانی در حق او وجود دارد که خدا توبه‌اش را قبول نکند.

﴿بَشِّرِ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ بِأَنَّ لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمًا ١٣٨﴾.

ای محمد ج منافقان را بر سیل تمسخر و استهزا به عذابی دردناک و کیفری شدید بشارت ده، زیرا آن‌ها به مؤمنان تمسخر و استهزا می‌کنند، این عذاب به آن‌ها بنابر اعمال زشتی می‌رسد که مرتکب شده‌اند.

﴿ٱلَّذِينَ يَتَّخِذُونَ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۚ أَيَبۡتَغُونَ عِندَهُمُ ٱلۡعِزَّةَ فَإِنَّ ٱلۡعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعٗا ١٣٩﴾.

این منافقان، کافران را در عوض مؤمنان دوست می‌گیرند و با دوستان خدا أ می‌جنگند و کفار را تصدیق و با مؤمنان دشمنی می‌کنند، عجیب است کار این‌ها!! اراده نصرت و پیروزی و مقام و منزلت را از کفار می‌جویند در حالی که کافر مالک چنین چیزی نیست. چگونه این امر را از کسی که مالک آنست نمی‌طلبند، مالک آن خدای متعال است خدایی که هیچ‌کس عزیزتر از او نیست، از این‌روی عزّت برای او و پیامبر و مؤمنان است چنان‌چه کرامت، پیروزی و ثواب و نعمت ماندگار نیز نزد آن‌هاست، چرا این‌ها از کسی که مالک این امور است نمی‌خواهند.

﴿وَقَدۡ نَزَّلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ أَنۡ إِذَا سَمِعۡتُمۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ يُكۡفَرُ بِهَا وَيُسۡتَهۡزَأُ بِهَا فَلَا تَقۡعُدُواْ مَعَهُمۡ حَتَّىٰ يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيۡرِهِۦٓ إِنَّكُمۡ إِذٗا مِّثۡلُهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ جَامِعُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡكَٰفِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ١٤٠﴾.

ای مؤمنان! برای شما در قرآن بیان شده که هرگاه استهزا و تمسخری نسبت به آیات خدا أ از جانب کفار صورت گیرد و شما در مجلس آن‌ها حاضر باشید از آن مجلس برخیزید و با آن مقاطحه نموده و در آن سخنی نگوئید تا کفار از سخنان توهین‌آمیز خود دست بردارند و به موضوعی دیگر بپردازند و اگر شما در آن مجلس باقی بمانید و به استهزای آنان راضی شوید چنان‌چه منافقان چنین می‌کنند و با آن‌ها بنشینید و سخنان آنان را شنیده و با آن‌ها در سخن همنوا شوید، در چنین حالی شما با آن‌ها در گناه همراه خواهید بود.

امّا منافقی که با کافر می‌نشیند و با او در استهزای به دین مشارکت می‌نماید، حق‌تعالی به زودی او را در آتش دوزخ با همان کافر همراه می‌سازد، زیرا او در دنیا کافر را به خود دوست گرفته و با او مصاحبت و همراهی نموده از این‌رو با کافر حشر می‌شود.

﴿ٱلَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمۡ فَإِن كَانَ لَكُمۡ فَتۡحٞ مِّنَ ٱللَّهِ قَالُوٓاْ أَلَمۡ نَكُن مَّعَكُمۡ وَإِن كَانَ لِلۡكَٰفِرِينَ نَصِيبٞ قَالُوٓاْ أَلَمۡ نَسۡتَحۡوِذۡ عَلَيۡكُمۡ وَنَمۡنَعۡكُم مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۚ فَٱللَّهُ يَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَلَن يَجۡعَلَ ٱللَّهُ لِلۡكَٰفِرِينَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ سَبِيلًا ١٤١﴾.

این منافقان دربارۀ مؤمنان منتظر گردش روزگار و نزول شکست‌ها و مصیبت‌ها بر آنان‌اند و هرگاه معرکه‌ای صورت گیرد و پیروزی از آن مسلمانان باشد منافقان به مسلمانان می‌گویند ما با شما در معرکه مشارکت کردیم از این‌روی سهم خویش را از غنیمت می‌خواهیم ولی اگر پیروزی از آن کفار باشد خطاب به کافر می‌گویند: آیا با نبودیم که از نبرد بر علیه شما خود را کنار کشیدیم پس حصۀ ما را از غنیمت بدهید، زیرا ما سبب منع مؤمنان و شکست صف آن‌ها شدیم.

حق‌تعالی خبر می‌دهد که او به زودی در روز رستاخیز بزرگ مؤمنان، کافران و منافقان را جمع می‌کند و او بر عملکرد همه آگاه می‌باشد. خدای متعالی بشارت می‌دهد که کافران هرگز بر رقاب مؤمنان تسلط پیدا نخواهند کرد تا آنان را ریشه‌کن سازند و از روی زمین برچینند، چنین کاری هرگز صورت نخواهد گرفت و اگر برای کافران گاهی پیروزی و غلبه‌ای هم باشد عاقبت و نهایت به اذن خدا أ از آن مؤمنان و پیروزی از بندگان خوب خدا أ خواهد بود.

﴿إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَهُوَ خَٰدِعُهُمۡ وَإِذَا قَامُوٓاْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُواْ كُسَالَىٰ يُرَآءُونَ ٱلنَّاسَ وَلَا يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ إِلَّا قَلِيلٗا ١٤٢﴾.

این منافقان با دین خویش بازی می‌کنند و می‌پندارند که با خدا أ فریبکاری می‌نمایند در حالی که خدای‌تعالی با آن‌ها مخادعه می‌کند به این صورت که خون‌های‌شان را در دنیا حفظ می‌کند ولی در آخرت برای آن‌ها کیفری سخت در آتش دوزخ ارزانی می‌دارد. این‌ها گمان می‌کنند که امور را بر خالق و مولای خود مشتبه می‌سازند در حالی که حق‌تعالی بر آن‌ها امور را مشتبه ساخته و بصیرت‌های آنان را پوشیده و فهم را از عقل‌های آنان دَر ربوده است.

و از جملۀ صفات این‌ها یکی هم این است که در ادای نماز کسل‌اند، از این‌روی نماز را بدون نیّت و محبت و بدون خشوع ادا می‌کنند، زیرا امید و اجر و پاداش را ندارند و از گناه و کیفر نمی‌هراسند؛ بلکه می‌خواهند با این نماز خون خویش را حفظ کنند و در ظاهر گفته شود که آن‌ها مسلمان‌اند.

و از جملۀ صفات دیگر آن‌ها یکی هم این است که خدای را بسیار کم یاد می‌کنند، هم به زبان و هم به قلب خویش و هر که خدای را دوست داشته باشد زیاد یادش می‌نماید در حالی که منافق خدای خود را دوست ندارد از این‌روی به یاد اوتعالی نیست و هر که ذکر خدا أ را به بسیاری انجام دهد از نفاق بریء خواهد بود و اگر ذکر فایده‌ای هم نمی‌داشت همین بهره در حق آن کافی بود.

﴿مُّذَبۡذَبِينَ بَيۡنَ ذَٰلِكَ لَآ إِلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ وَلَآ إِلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِۚ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلٗا ١٤٣﴾.

این منافقان حیران و مترددند، گاهی با مؤمنان‌اند و زمانی با کافران. این‌ها بر هیچ رأی و نظری ثابت و استوار نیستند و بریک مبدأ قرار ندارند، هر روزی جامه‌ای نو می‌پوشند و در شکلی خاص مطابق مصالح و مطالب دنیوی خویش به ظهور می‌رسند، طوری که اگر مصلحت با مؤمنان باشد در صف آن‌ها داخل می‌شوند و اگر با کافران باشد با آن‌ها سیر می‌کنند. حق‌تعالی این‌ها را گمراه نموده و کسی را که خدا أ توأم با علم گمراهش کند هرگز راهنمایی نخواهد یافت و نه کسی برایش طریق را نشان می‌دهد و نه دستش را می‌گیرد، بلکه این شخص در طغیان و سرکشی همچنان باقی می‌ماند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۚ أَتُرِيدُونَ أَن تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ عَلَيۡكُمۡ سُلۡطَٰنٗا مُّبِينًا ١٤٤﴾.

ای مؤمنان! مانند منافقانی که غیر از خدا أ و کفار را دوست می‌گیرند نباشید، منافقانی که صحبت نیکوکاران را رها می‌کنند و با بدکاران همراه می‌شوند، شما با این‌ها در مسیرشان گام برندارید و بر شماست تا خدا أ پیامبر ج و مؤمنان را دوست بگیرید و هرگاه غیر از مؤمنان و کفار را دوست بگیرید در واقع برای خدا أ حجتی در عذاب خود قرار داده‌اید و او حتماً از شما می‌گیرد و شدیداً عذاب می‌کند.

﴿إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ فِي ٱلدَّرۡكِ ٱلۡأَسۡفَلِ مِنَ ٱلنَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمۡ نَصِيرًا ١٤٥﴾.

همانا منافقان در طبقۀ زیرین دوزخ قرار دارند، زیرا عملکرد آن‌ها از عملکرد کفار بدتر است. آن‌ها به دین استهزا و با مؤمنان فریبکاری و تمسخر می‌کنند و با اولیا و دوستان خدا أ از دَر مکر و حیله وارد می‌شوند و مشرکان را از لابلای صف مؤمنان یاری می‌رسانند. چنان‌چه مؤمنان را در میدان‌های جهاد و نصرت تنها گذاشتند، روی همۀ این‌ها کیفرشان این خواهد بود که حق‌تعالی سخت‌ترین عذاب را بر آن‌ها نازل کند بدون اینکه کسی تواند این عذاب را از آنان دفع نماید و یا آن‌ها را از کیفر سخت خدای یگانه و یکتا حمایت کند.

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ وَأَصۡلَحُواْ وَٱعۡتَصَمُواْ بِٱللَّهِ وَأَخۡلَصُواْ دِينَهُمۡ لِلَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَسَوۡفَ يُؤۡتِ ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَجۡرًا عَظِيمٗا ١٤٦﴾.

ولی هر که از این منافقان توبه کند و به سوی خدا أ بازگردد و بر عملکرد خویش پشیمان شود و اعمال خویش را بعد از افسادی که کرده اصلاح سازد و به کتاب خدا أ و سنّت پیامبر ج چنگ زند و عمل به شریعت را با جنگ و دندان لازم گیرد و در اعمال خویش اخلاص داشته، ریا و خودنمائی را کنار بگذارد و در طاعت مولای خویش صادق باشد، مصیر چنین کسی در ثواب و اجر عظیم همچون مؤمنان خواهد بود و خدای‌تعالی وعده نموده تا به مؤمنان اجر عظیم و ثواب بسیار و جایگاه امن عطا کند.

﴿مَّا يَفۡعَلُ ٱللَّهُ بِعَذَابِكُمۡ إِن شَكَرۡتُمۡ وَءَامَنتُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمٗا ١٤٧﴾.

چه مصلحتی برای خدا أ در تعذیب بندگانش نهفته است؟ چه منفعتی برای خالق در کیفر دهی مخلوق است؟ خدای‌تعالی چه خیری را از نزول عذاب شدید بر بندگان خود اراده دارد؟ آیا خدا أ می‌خواهد خشم خود را فرو کشد؟ یا ارادۀ انتقام دارد؟ یا می‌خواهد از خلال این کیفر برای خویش نفعی به دست آورد یا ضرری را دفع کند؟ چنین اموری هرگز نخواهد بود، زیرا خدای‌تعالی از همه چیز و همه کسی بی‌نیاز است.

او کسی است که در امور همه تصرف می‌نماید و هر که خدا أ را شکر کند و به شریعتش ایمان آورد هرگز دچار عذاب الهی نخواهد شد و اوتعالی هرگز به کیفر کسی و یا طاعت وی نیاز ندارد ولی چون او بر انجام این امور امر نموده از این‌روی شکرگذار کسی است که عمل شایسته انجام دهد، چنان‌چه بر بدکاری‌های بدکاران نیز واقف است و بر این اساس احسان را پاسخ نیکو و بدی را کیفر می‌دهد.

﴿۞لَّا يُحِبُّ ٱللَّهُ ٱلۡجَهۡرَ بِٱلسُّوٓءِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ إِلَّا مَن ظُلِمَۚ وَكَانَ ٱللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ١٤٨﴾.

خداوند متعال دوست ندارد تا اسرار افشا شود و پرده از کارهای بد برافتد. او دوست ندارد قبائح و زشتی‌ها منتشر شود و انسان سخن زشت بر زبان آورد و کسی را به زبان خود بیازارد. مگر مظلوم که برایش مجاز است بدی‌های ظالم و ستمکار را و همچنان ظلم و ستمی که بر او صورت گرفته را بگوید. حق‌تعالی تمام اقوال و سخنان را می‌شنود خواه بر بدی باشد یا خوبی و خواه گویندۀ سخن در آنچه می‌گوید راه صواب را طی نموده باشد یا راه خطا را و اوتعالی به زودی همه را محاسبه خواهد کرد که خدایی جز او نیست.

﴿إِن تُبۡدُواْ خَيۡرًا أَوۡ تُخۡفُوهُ أَوۡ تَعۡفُواْ عَن سُوٓءٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَفُوّٗا قَدِيرًا ١٤٩﴾.

ای مردم! اگر کار خوبی را ظاهر یا پنهان سازید یا از بدی بدکاران درگذرید حق‌تعالی آن را می‌داند و بر آن اطلاع دارد. در اینجا عفو از بدکار بعد از جواز ذکر ظلم قرار گرفته تا این پیام را ارائه دهد که هر کسی عفو کند و دربارۀ ظلمی که بر او شده سخن بد و زشت نگوید بهتر است، زیرا خدای‌تعالی از تمام بدکاران در حالی که توان کیفر دهی را دارد درمی‌گذرد، او توان آن را دارد تا برای برخی آفریده‌های خود از برخی دیگر داد خواهی کند و انسان‌ها نیز محتاج آنند تا به نفع یکدیگر بگذرند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡفُرُونَ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُواْ بَيۡنَ ٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيَقُولُونَ نُؤۡمِنُ بِبَعۡضٖ وَنَكۡفُرُ بِبَعۡضٖ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُواْ بَيۡنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا ١٥٠﴾.

آنانی که به خدا أ و پیامبر ج کافر شده و اراده دارند بین ایمان به خدا أ و پیامبرانش تفاوت قایل شوند مانند یهودیان که به موسی ÷ و تورات ایمان آوردند و به عیسی ÷ و انجیل و محمد ج و قرآن کافر شدند و یا نصرانیان که به عیسی ÷ و انجیل ایمان آورده و به موسی ÷ و تورات و محمد ج و قرآن کافر شدند. ولی مؤمنان هم به محمد ج و قرآن ایمان آوردند و هم به عیسی ÷ و انجیل و موسی ÷ و تورات.

برخی از کفار اراده دارند بین خدا أ و پیامبرانش تفاوت شوند از این‌روی به خدای یگانه ایمان می‌آورند و از روی حسادت و تجاوز به پیامبرانش ایمان نمی‌آورند و می‌گویند ما به برخی از انبیا ایمان می‌آوریم و به برخی دیگر کافر می‌شویم و در این خصوص روش میانه و وسط را برمی‌گزینیم در حالی که این منهج باطل و منحرف است که هیچ خیری در آن نیست و حق‌تعالی آن را قبول نمی‌کند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ حَقّٗاۚ وَأَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٗا مُّهِينٗا ١٥١﴾.

این‌هایی که چنین می‌کنند و در بین ایمان به خدا أ و پیامبرانش تفاوت قایل می‌شوند، این‌ها حقیقتاً کافر‌اند و در کفرشان هیچ شکی نیست. این‌ها از ملت اسلام خارج‌اند و برای همیشه در آتش دوزخ جاودان خواهند بود و خدای‌تعالی در آخرت عذابی را به عنوان کیفر عملکردهای زشت‌شان آماده نموده که تنها او بر آن آگاه است.

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَلَمۡ يُفَرِّقُواْ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ أُوْلَٰٓئِكَ سَوۡفَ يُؤۡتِيهِمۡ أُجُورَهُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ١٥٢﴾.

اما مؤمنان صادق، آنانی که به خدا أ و کتابش ایمان آورده و از محمد ج پیروی کردند و در بین پیامبران الهی تفاوتی قایل نشدند، بلکه به همه به طور یکسان ایمان آوردند، این‌ها در پیشگاه خدای یگانه ثواب و پاداش بزرگی دارند، زیرا خدای‌تعالی دارای فضل، احسان و امتنان بسیار است و او عفو و گذشت از خطا و اشتباهات را دوست دارد و در برابر بدکار از حلم کار می‌گیرد و هر که به سویش بیاید او را مشمول فضل و رحمت وسیع خود می‌سازد.

﴿يَسۡ‍َٔلُكَ أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ أَن تُنَزِّلَ عَلَيۡهِمۡ كِتَٰبٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِۚ فَقَدۡ سَأَلُواْ مُوسَىٰٓ أَكۡبَرَ مِن ذَٰلِكَ فَقَالُوٓاْ أَرِنَا ٱللَّهَ جَهۡرَةٗ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ بِظُلۡمِهِمۡۚ ثُمَّ ٱتَّخَذُواْ ٱلۡعِجۡلَ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ فَعَفَوۡنَا عَن ذَٰلِكَۚ وَءَاتَيۡنَا مُوسَىٰ سُلۡطَٰنٗا مُّبِينٗا ١٥٣﴾.

ای محمد ج! یهودیان از تو می‌خواهند به آن‌ها کتابی را از آسمان به یکبارگی بیاوری. تو از این سخن تعجب نکن چون آن‌ها از موسی ÷ امور بزرگتری را طلب نمودند چنان‌چه تقاضا کردند تا خدا را به صورت عیان و آشکار نشان‌شان دهد تا آن‌ها به سویش بنگرند.

نظر به قباحتی که این تقاضا داشت حق‌تعالی آنان را با صاعقه بسوزانید، چون در برابر خدا أ از ادب کار نگرفته و بدتر از آن به سوی عبادت گوساله روی آوردند آن‌هم بعد از اینکه معجزات و نشانه‌های واضح از سوی موسی ÷ برای آن‌ها ارائه شد، نشانه‌هایی مانند عصا، ید بیضا، شکافته شدن دریا و از این قبیل. سپس حق‌تعالی توبۀ آن‌ها را بعد از این عملکرد زشت پذیرفت و مهلت‌شان داد و موسی ÷ را بر آنان پیروز نمود.

﴿وَرَفَعۡنَا فَوۡقَهُمُ ٱلطُّورَ بِمِيثَٰقِهِمۡ وَقُلۡنَا لَهُمُ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ سُجَّدٗا وَقُلۡنَا لَهُمۡ لَا تَعۡدُواْ فِي ٱلسَّبۡتِ وَأَخَذۡنَا مِنۡهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا ١٥٤﴾.

زمانی که از یهودیان پیمان گرفتیم بر فراز سرهای‌شان کوه را بلند نموده تهدید کردیم که اگر به این پیمان پایبند نباشند کوه را برسر آنان بکوبیم، آن‌ها پذیرفتند ولی دوباره پیمان شکنی نمودند.

و آنان را امر کردیم تا از دروازه وارد بیت المقدس شوند و بگویند: «حطه / اشتباهات ما را محو کند» اما آن‌ها در حالت استهزا و تمسخر وارد بیت المقدس شده و در عوض «حطه» یعنی «دانۀ گندم در جو یا موی» گفتند، همچنان آن‌ها را امر کردیم تا در روز شنبه شکار نکنند ولی آن‌ها امر ما را یکسو نهاده، به مخالفت نهی پرداخته و در روز شنبه شکار کردند. ما در گذشته این پیمان‌ها را از آنان گرفتیم ولی آن‌ها همه را نقض نموده و به خیانت در تعهدات و وعده‌های خویش پرداختند.

﴿فَبِمَا نَقۡضِهِم مِّيثَٰقَهُمۡ وَكُفۡرِهِم بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَقَتۡلِهِمُ ٱلۡأَنۢبِيَآءَ بِغَيۡرِ حَقّٖ وَقَوۡلِهِمۡ قُلُوبُنَا غُلۡفُۢۚ بَلۡ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَيۡهَا بِكُفۡرِهِمۡ فَلَا يُؤۡمِنُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ١٥٥﴾.

پس به سبب پیمان شکنی، انکار آیات الهی و کشتن پیامبران، حق‌تعالی آنان را مسخ نمود و دیدگان‌شان را ربود. آن‌ها به خاتم پیامبران ج گفتند قلب‌های ما در پردۀ قرار دارد و هیچ مسأله‌ای را از آنچه تو می‌گوئی نمی‌فهمد. خداوند أ در پاسخ آن‌ها گفت، بلکه در آنچه می‌گویند دروغ گفتند ولی خدای‌تعالی بر قلب‌های آن‌ها به سبب کفر، جرائم و اعمال زشت‌شان مهر نهاد، از این‌روی جز گروه اندکی از آنان ایمان نمی‌آورند و بیشترشان کافر و از ملت اسلام خارج اند.

﴿وَبِكُفۡرِهِمۡ وَقَوۡلِهِمۡ عَلَىٰ مَرۡيَمَ بُهۡتَٰنًا عَظِيمٗا ١٥٦﴾.

و به سبب کفرشان به خدا أ و تکذیب آیات الهی که بر پیامبران خود نازل نموده و به سبب افترای بزرگ و بهتان زشت‌شان بر مریم پاک و صدیقه هنگامی که او را به زنا متهم نموده و گفتند عیسی ÷ والعیاذ بالله فرزند زناست.

﴿وَقَوۡلِهِمۡ إِنَّا قَتَلۡنَا ٱلۡمَسِيحَ عِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ رَسُولَ ٱللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمۡۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ لَفِي شَكّٖ مِّنۡهُۚ مَا لَهُم بِهِۦ مِنۡ عِلۡمٍ إِلَّا ٱتِّبَاعَ ٱلظَّنِّۚ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينَۢا ١٥٧﴾.

و از جمله جرائم، حیله و مکر آن‌ها ادعای کشتن عیسی مسیح ÷ فرزند مریم است در حالی که حقیقت چنین است که آن‌ها عیسی ÷ را نکشته و به صلیب نکشیده‌اند ولی بر آن‌ها مرد دیگری که خدا أ اورا شبیه عیسی ÷ ساخته بود مشتبه شد و آن‌ها این مرد را به گمان عیسی ÷ کشتند و درپی آن دچار شک و تردید شده گفتند اگر مقتول عیسی ÷ است پس رفیق و دوست ما چه شد و اگر دوست و رفیق ما کشته شده پس عیسی ÷ چه شد؟! این در حالی است که یهودیان و نصرانیان اصلاً در کشته شدن عیسی ÷ در شک و حیرت قرار دارند، زیرا یهودیان می‌پندارند آن‌ها عیسی ÷ را کشته‌اند در حالی که دلیلی بر این امر ندارند و نصرانیان نیز می‌پندارد که یهودیان عیسی ÷ را کشته‌اند ولی با این هم آن‌ها ادعای الوهیت عیسی ÷ را می‌نمایند. چگونه ادعای الوهیت عیسی ÷ را می‌نمایند در حالی که طبق پندار آن‌ها او کشته شده است، خدا که نمی‌میرد و کشته نمی‌شود، زیرا از خویشتن دفاع می‌کند.

با این حال در کنار این شک، یهودیان و نصرانیان هیچ یقینی در این زمینه ندارند. نظر آن‌ها مبتنی بر شک و گمان‌هاست و حقیقت این است که آن‌ها عیسی ÷ را نکشته و به صلیب نیز نکشانیده‌اند چون حق‌تعالی او را با جسد و روحش به آسمان بلند برد و در آنجا وفات کرد.

﴿بَل رَّفَعَهُ ٱللَّهُ إِلَيۡهِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا ١٥٨﴾.

حق‌تعالی عیسی ÷ را به آسمان بلند برد و از آنچه به ایشان و مادرشان نسبت دادند خدای‌تعالی آن‌ها را پاک و مبرا اعلان نمود و مورد حمایت قرار داد و خداوند أ موجود توانائی است که هیچ‌کس نمی‌تواند بر او غلبه یابد یا مقهورش سازد و در تمام تصرفات خود و در تدبیر امور خلق و امر و نهی خویش نیز حکمت دارد.

﴿وَإِن مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا لَيُؤۡمِنَنَّ بِهِۦ قَبۡلَ مَوۡتِهِۦۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَكُونُ عَلَيۡهِمۡ شَهِيدٗا ١٥٩﴾.

هیچ یهودی و نصرانیی در آخرالزمان نیست مگر اینکه بعد از نزول عیسی ÷ به این باور خواهد رسید که وی خدا نسبت و به صلیب نیز کشیده نشده است. زمانی که عیسی ÷ نازل شود صلیب را می‌شکند و خوک را می‌کشد و جزیه را فرو می‌نهد، در آن وقت یهودیانی که می‌پنداشتند او را کشته‌اند و همچنان نصرانیانی که پندار خدائی در حقش روا داشتند خواهند فهمید که او پیامبر خداست، آنگاه به او به عنوان پیامبر ایمان خواهند آورد و اینکه او هرگز کشته نشده و به صلیب کشانیده نشده است. و در آن روز که خدای تبارک و تعالی اولین و آخرین مردمان را در صحرای محشر گرد آورد عیسی ÷ شهادت خواهد داد که چه کسانی به او ایمان آورده و چه کسانی کفر ورزیده است.

﴿فَبِظُلۡمٖ مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمۡنَا عَلَيۡهِمۡ طَيِّبَٰتٍ أُحِلَّتۡ لَهُمۡ وَبِصَدِّهِمۡ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ كَثِيرٗا ١٦٠﴾.

و به سبب انحراف یهود و ظلم و تکذیبگری‌شان نسبت به کتاب خدا أ و پیامبرش، حق‌تعالی آنان را کیفر داد و بر آن‌ها برخی از پاکیزه‌ها را حرام ساخت، این کیفر به علت مخالفتی بود که آن‌ها از اوامر خدای‌تعالی نموده و جنایتی است که در ممانعت بسیاری از مردم از داخل شدن به اسلام انجام داده‌اند و بر آن‌ها ستم نموده و مانع هدایت‌شان شدند.

﴿وَأَخۡذِهِمُ ٱلرِّبَوٰاْ وَقَدۡ نُهُواْ عَنۡهُ وَأَكۡلِهِمۡ أَمۡوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلۡبَٰطِلِۚ وَأَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ مِنۡهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا ١٦١﴾.

و از جمله گناهانی که موجب نزول عذاب بر آن‌ها شده، سودخواری‌شان است در حالی که این امر در شریعت آن‌ها نیز حرام بوده است و همچنان گرفتن اموال مردم بدون کدام سبب شرعی یا قانونی از طریق سرقت، بخل و داد ستد‌های حرام و خدای‌تعالی برای آن‌ها وسایر کفار عذابی دردناک در آخرت و در آتش دوزخ آماده نموده است.

﴿لَّٰكِنِ ٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ مِنۡهُمۡ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَۚ وَٱلۡمُقِيمِينَ ٱلصَّلَوٰةَۚ وَٱلۡمُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ أُوْلَٰٓئِكَ سَنُؤۡتِيهِمۡ أَجۡرًا عَظِيمًا ١٦٢﴾.

لیکن از این یهودیان کسانی مستثنی هستند که علم نافع را به دست آورده و بر ایمان پایدار ماندند و حقایق دین را درک کردند. این‌ها به آنچه بر خود آن‌ها و بر تو از کتاب و سنّت نازل شده ایمان دارند و از این میان ما در ستایش، کسانی را پیش قدم می‌دانیم که نماز برپای می‌دارند چون نماز بعد از کلمۀ شهادت بزرگ‌ترین رکن اسلام است و زکات می‌دهند و به ملاقات خدا و زنده شدن بعد از مرگ و حشر و نشر یقین و باور کامل دارند. حق‌تعالی برای اینان ثواب و پاداشی بزرگ ذخیره می‌نماید و جایگاه امنی را به آنان اختصاص می‌دهد چنان‌چه به زودی آن‌ها را به خاطر نمازها، زکات‌ها و سایر اعمال خوب‌شان با بهشت گرامی می‌دارد.

﴿۞إِنَّآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ كَمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ نُوحٖ وَٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَٰرُونَ وَسُلَيۡمَٰنَۚ وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا ١٦٣﴾.

بر تو ای محمد ج وحی را نازل کردیم همانگونه که بر پیامبران گذشته نازل کردیم، کسانی مانند پدر پیامبران نوح ÷ و آنانی که بعد از وی آمده‌اند مثل شیخ یکتاپرست و پیشوای ملت ابراهیم و فرزندش اسماعیل و فرزند دیگرش اسحاق و فرزندش یعقوب که همان اسرائیل است و فرزندانش از اسباط و عیسی که از جملۀ بزرگ‌ترین انبیای بنی اسرائیل است و ایوب آن بندۀ صابر و یونس بن متی که از مصیبت رهائی یافت و هارون برادر موسی و سلیمان صاحب پادشاهی بزرگ آن بندۀ کریم و حکیم، و داود صاحب زبور – † –.

در اینجا حق‌تعالی به منظور سرزنش بیشتر از انبیای بنی اسرائیل یاد می‌نماید، انبیایی که تعداد آن‌ها زیاد است و به همان پیمانه اعراض یهودیان نیز بسیار بوده است. و اینکه خدای‌تعالی بر آن‌ها اقامۀ حجّت نموده و آن‌ها را به رسالت و پیامبری و انزال کتاب‌های آسمانی گرامی داشته است ولی با همۀ این‌ها، یهودیان با مردم از در حسادت وارد شده و سرکش و کافر شدند و پیامبران خویش را کشتند.

﴿وَرُسُلٗا قَدۡ قَصَصۡنَٰهُمۡ عَلَيۡكَ مِن قَبۡلُ وَرُسُلٗا لَّمۡ نَقۡصُصۡهُمۡ عَلَيۡكَۚ وَكَلَّمَ ٱللَّهُ مُوسَىٰ تَكۡلِيمٗا ١٦٤﴾.

و پیامبران دیگری غیر از آنانی که نام گرفتیم و بر تو ای محمد ج قصه‌های‌شان را خواهیم گفت چون پیامبران بسیار و گروهی انبوه‌اند، روی این اساس بر انسان مسلمان لازم است تا به همه به‌گونۀ اجمال و تفصیل ایمان داشته باشد، خواه آنانی که نام‌های‌شان ذکر شده یا نشده و از این میان حق‌تعالی موسی ÷ را با سخن گفتن خود مخصوص گردانید و به عنوان گرامی داشت این منزلت و نعمت را به او عطا کرد.

﴿رُّسُلٗا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعۡدَ ٱلرُّسُلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا ١٦٥﴾.

این پیامبران کسانی را که از خدا أ اطاعت کنند به بهشت بشارت می‌دهند و نافرمانان را از آتش دوزخ برحذر می‌دارند. حق‌تعالی تمام این پیامبران را فرستاد تا مردم با عدم ارسال پیامبران معذور نباشند و تا که حجّت بر آن‌ها تمام شود و آن‌ها نتوانند حجتی بر خدا أ قرار دهند و کافر چنین ادعا نکند که نه پیامبری فرستاده شده و نه کتابی نازل شده تا ما را به حقیقت رهنمایی کنند.

و از جمله نشانه‌های توانائی خدای‌تعالی یکی هم اینست که او پیامبران را فرستاد و کتاب‌ها را نازل نمود و به کسی که اطاعتش کند ثواب و پاداش داد و کسانی را که نافرمانی کنند عذاب نمود. و از جمله حکمت‌هایش یکی هم این است که او ثواب و پاداش را جز به مستحقش نمی‌دهد و عذاب را جز بر اهل آن نازل نمی‌نماید و همه چیز بنابر حکمت، تصرف و تدبیر نیکوی اوست.

﴿لَّٰكِنِ ٱللَّهُ يَشۡهَدُ بِمَآ أَنزَلَ إِلَيۡكَۖ أَنزَلَهُۥ بِعِلۡمِهِۦۖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَشۡهَدُونَۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا ١٦٦﴾.

و اگر این‌ها به نبوت و رسالت تو شهادت ندادند، خدای یکتا و یگانه این شهادت را می‌دهد. شهادت می‌دهد که اوتعالی قرآن را به سوی تو با علم و اطلاع خویش نازل نموده و با او ملائکه نیز بر راستی تو و نزول قرآن گواهند و اگر هیچ‌یک از انسان‌ها در این زمینه شهادت هم ندهد بازهم شهادت خدای یکتا و یگانه کافی است که او بهترین شاهدان است و بر همۀ امور اطلاع دارد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ قَدۡ ضَلُّواْ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا ١٦٧﴾.

اهل کتاب از میان یهودیان و نصرانیان و امثال آن‌ها از کافران و کسانی که مردم را از داخل شدن به دین خدا أ و پیروی پیامبر ج باز داشتند، این‌ها بین فساد خود و افساد دیگران جمع نموده و از حق به اندازۀ زیادی دور شدند و اشتباه واضحی مرتکب شده و به گونه‌ای سرکشی کردند که بعد از آن سرکشیی نیست و در عصیان و نافرمانی اسراف نمودند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَظَلَمُواْ لَمۡ يَكُنِ ٱللَّهُ لِيَغۡفِرَ لَهُمۡ وَلَا لِيَهۡدِيَهُمۡ طَرِيقًا ١٦٨﴾.

این کفار بین دو مسأله جمع نموده‌اند: بین انکار آیت الهی و ستم بر بندگان خدا أ از طریق ممانعت آن‌ها از طاعت الهی با شبهه و وهم. حق‌تعالی هرگز از بدی‌های‌شان نخواهد گذشت و گناهان‌شان را نخواهد بخشید و آن‌ها را هرگز هدایت نخواهد کرد و دانش دین را به آن‌ها نخواهد داد و بینش آن‌ها نیز روشن نخواهد شد، زیرا آن‌ها در کفر و در بازداشتن مردم از طاعت خدا أ غرق شده‌اند، از این‌روی آن‌ها، هم گمراه‌اند و هم گمراهگر.

﴿إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ١٦٩﴾.

خداوند أ چنین کسانی را هیچگاه به سوی راه خیر و خوبی و بهشت و عمل به خاطر رسیدن به آن هدایت نمی‌کند. آن‌ها را به سوی راهی هدایت می‌کند که به آتش دوزخ منتهی می‌شود، زیرا آن‌ها خدای جبار را به خشم آورده از این‌روی به زودی و برای همیشه وارد آتش دوزخ می‌شوند. برای خداوند أ بسیار آسان است تا از نافرمانان انتقام بگیرد، آنانی که به مخالفت اوامر او می‌پردازند و از پذیرفتن کتاب خدا و سنّت رسولش ابا می‌آورند. هیچ چیزی در هستی نمی‌تواند مانع امر خدا أ شود و یا او را مغلوب خویش سازد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُمُ ٱلرَّسُولُ بِٱلۡحَقِّ مِن رَّبِّكُمۡ فَ‍َٔامِنُواْ خَيۡرٗا لَّكُمۡۚ وَإِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١٧٠﴾.

ای مردم! خدای‌تعالی به سوی شما محمد ج را فرستاده که با او قرآن نیز هست. این قرآن کتاب آسمانیی است که از جانب خدا أ به سوی پیامبر ج نازل شده و بر این اساس ایشان شما را نصیحت و توصیه می‌نماید تا از این کتاب پیروی کنید و محتویانش را تصدیق نمائید.

سوگند به خدا أ که این کتاب خود خیر و خوبی است و تمام خوبی‌ها در اتباع و پیروی از آنست و این کتاب منهج و روشی سالم‌تر برای شما در دنیا و آخرت است، ولی اگر به انکار آیات الهی بپردازید و از اوامر اوتعالی سرپیچی کنید خداوند أ از شما بی‌نیاز است زیرا پادشاهی آسمان‌ها و زمین از لحاظ تدبیر، خلق، رزق وغیره از آن اوست. چه ضرری بر خدا أ خواهد رسید اگر شما از طاعت اوتعالی روی گردانید در حالی که خداوند أ بر همۀ امور پوشیده و مخفی اطلاع دارد و در تمام تدبیر خویش حکمت دارد. پس اوتعالی بین علمی که عبارت از اطلاع بر تمام مواضع قضا و احکام است اطلاع دارد و در تنفیذ آنچه علم دارد در محل مناسب آن حکیم است.

﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا تَغۡلُواْ فِي دِينِكُمۡ وَلَا تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّۚ إِنَّمَا ٱلۡمَسِيحُ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ رَسُولُ ٱللَّهِ وَكَلِمَتُهُۥٓ أَلۡقَىٰهَآ إِلَىٰ مَرۡيَمَ وَرُوحٞ مِّنۡهُۖ فَ‍َٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۖ وَلَا تَقُولُواْ ثَلَٰثَةٌۚ ٱنتَهُواْ خَيۡرٗا لَّكُمۡۚ إِنَّمَا ٱللَّهُ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ سُبۡحَٰنَهُۥٓ أَن يَكُونَ لَهُۥ وَلَدٞۘ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا ١٧١﴾.

ای گروه نصاری! در دین خویش از حد تجاوز نکنید طوری که ادعای الوهیت عیسی ÷ را بنمائید در حالی که ایشان بندۀ خدا أ و پیامبرش است. چرا در این مسأله سخن حقی که خدا را آن خبر داده نمی‌گوئید؟ چرا بهتان و باطل و سخن ناحق می‌گوئید؟ همانا عیسی مسیح ÷ بندۀ خدا أ و پیامبرش است. او کلمه‌ای از جانب خداست که آن را به سوی جبرئیل القا نموده و جبرئیل هم به نوبۀ خود آن را در جسم مریم ÷ آن زن با عفت و طاهره دمیده است. پس به آنچه خدا أ خبر داده ایمان آورید و تمام پیامبرانش را مانند موسی ÷ عیسی ÷ و محمد ج تصدیق کنید و هرگز نگوئید که خدا سه است یکی خدا دیگری مسیح و سومی مریم. هرگز نگوئید که این سه باهم یکی شده و خدای یگانه را تشکیل داده‌اند، این سخن کاملاً دروغ و باطل است پس چنین سخنان بد و دروغین را کنار بگذارید، زیرا خدا أ یکی است و هیچ خدایی جز او نمی‌باشد، تنها او مستحق عبادت، سزاوار الوهیت، و خالق و رازق است و تمام پدیده‌های دیگر مانند مریم ÷ و عیسی ÷ مخلوق اویند. پس خدای‌تعالی از آنچه شما نسبت می‌دهید بسیار بلند مرتبه‌تر است.

خداوند أ از اینکه برای خود فرزندی بگیرد و یا به آن نیاز داشته باشد بسیار بلندتر و بی‌نیاز است. او خدایی است که در الوهیت و ربوبیت خود یکتا و یگانه بوده و هرگز همسری که از او کسی بزاید ندارد و اگر بر فرض محال فرزندی هم می‌داشت حتماً در صفات خود شبیه پدر می‌بود در حالی که هیچ‌کس شبیه خدا نیست نه در ذات او و نه در صفاتش. همۀ آنچه در آسمان‌ها و زمین قرار دارد از آن اوست و هر که مالک تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین است باشد به فرزند نیازی ندارد. او هرگونه که بخواهد در آفریده‌های خود تصرف می‌کند و همه، بندگان و مقهور او و تحت قدرت و ملکش قرار دارند و این کافی است که خدای‌تعالی آن‌ها را مورد محاسبه قرار می‌دهد و بر تمام امور نهان آن‌ها آگاهی داشته، همۀ اعمال آنان را محفوظ نگه می‌دارد تا آن‌ها را بر عملکرد زشت‌شان و آنچه گفته‌اند مورد محاسبه قرار دهد.

﴿لَّن يَسۡتَنكِفَ ٱلۡمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبۡدٗا لِّلَّهِ وَلَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ٱلۡمُقَرَّبُونَۚ وَمَن يَسۡتَنكِفۡ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَيَسۡتَكۡبِرۡ فَسَيَحۡشُرُهُمۡ إِلَيۡهِ جَمِيعٗا ١٧٢﴾.

عیسی مسیح ÷ هرگز از عبادت پروردگار خود سرباز نمی‌زند، بلکه آن را برای خود یک شرف می‌داند و بر عبودیت خدا أ و تسلیم شدن در برابر او افتخار می‌کند. همچنان است ملائکۀ مقرب الهی، آن‌ها نیز از این کار ابا ندارند، همۀ آن‌ها خدای را عبادت می‌کنند و شب و روز تسبیح او را می‌گویند و در این راه نه خسته می‌شوند و نه دست به افترا می‌زنند. و اگر برخی از بندگان از عبادت خدا أ سر باز زنند و ابا ورزند به زودی خدای‌تعالی آن‌ها را در روز قیامت اعاده می‌کند تا آن‌ها را مورد محاسبه قرار دهد، از این‌روی مرجع، مراد و مقصود اوست و او کسی است که باید از او خوف صورت گیرد و امید برده شود و خدایی جز او نیست.

﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُوَفِّيهِمۡ أُجُورَهُمۡ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضۡلِهِۦۖ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱسۡتَنكَفُواْ وَٱسۡتَكۡبَرُواْ فَيُعَذِّبُهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ١٧٣﴾.

اما مؤمنان صادق، آنانی که به خدا أ ایمان آورده و از پیامبرش پیروی نموده‌اند و انواع و اقسام اعمال صالح انجام داده‌اند حق‌تعالی به زودی پاداش سعی و تلاش آن‌ها را می‌دهد و هیچ چیزی را از مزدشان نه تنها که کم نمی‌کند، بلکه زیاد هم می‌نماید، اما آنانی که ابا ورزیده و دست به تکبّر زده و از عبادت خدای‌تعالی سر باز زدند جزای آن‌ها عذاب دردناک و گرفت شدید است و برای آن‌ها هیچ دوستی نیست تا نفعی برساند و از عذاب حفظ کند و برای آن‌ها هیچ یاری دهنده و وکیل مدافعی نمی‌باشد، بلکه خداوند أ خود متولی کیفر آن‌هاست و خدای بر حقی جز او وجود ندارد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُم بُرۡهَٰنٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ نُورٗا مُّبِينٗا ١٧٤﴾.

ای بشر! همانا به سوی شما نشانه‌ای قاطع و مشهور و رسالتی ستوده از جانب خدایی که متکفل خلق و روزی شماست آمده و اوتعالی شما را با فرستادن این پیامبر عربی و ناخوان محمد بن عبدالله ج که از جمله بزرگ‌ترین پیامبران است گرامی داشته است. رسالت او ظاهر و آشکار شده و براهین آن می‌درخشد. خداوند با وی کتابی را نیز نازل نموده که محکم و استوار است و در آن مجموعه بزرگی از نشانه‌ها، موعظه‌ها، پندها، احکام و حرام، آداب و اخلاق است و به گونه‌ای که خوبی‌ها و مدح آن را نمی‌توان گفت. این قرآن نوری است که حق‌تعالی با آن در تاریکی‌های زندگی، مردم را هدایت می‌کند و راه کسانی که در آن دست به تفکر و تدبر می‌زنند و به آن عمل می‌نمایند را روشن می‌نماید.

﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَٱعۡتَصَمُواْ بِهِۦ فَسَيُدۡخِلُهُمۡ فِي رَحۡمَةٖ مِّنۡهُ وَفَضۡلٖ وَيَهۡدِيهِمۡ إِلَيۡهِ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ١٧٥﴾.

اما آنانی که الوهیت و وحدانیت پروردگار خویش را تصدیق نموده و خالصانه او را عبادت کردند و از شریعت و سنّت پیامبرش پیروی نمودند پاداش این‌ها این خواهد بود که حق‌تعالی آنان را با رحمت خود گرامی می‌دارد و این رحمت بر تمام گناهان آن‌ها احاطه می‌نماید و آنان را منزلتی بزرگ می‌بخشد و به پاداش و ثوابی عظیم منتهی می‌نماید و خداوند أ متولی امور آن‌ها در دنیا و آخرت است و توفیق سیر در بهترین راه‌ها را برای آن‌ها خواهد داد و آنان را وارث سعادت ابدی و خیر سرمدی خواهد نمود.

﴿يَسۡتَفۡتُونَكَ قُلِ ٱللَّهُ يُفۡتِيكُمۡ فِي ٱلۡكَلَٰلَةِۚ إِنِ ٱمۡرُؤٌاْ هَلَكَ لَيۡسَ لَهُۥ وَلَدٞ وَلَهُۥٓ أُخۡتٞ فَلَهَا نِصۡفُ مَا تَرَكَۚ وَهُوَ يَرِثُهَآ إِن لَّمۡ يَكُن لَّهَا وَلَدٞۚ فَإِن كَانَتَا ٱثۡنَتَيۡنِ فَلَهُمَا ٱلثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَۚ وَإِن كَانُوٓاْ إِخۡوَةٗ رِّجَالٗا وَنِسَآءٗ فَلِلذَّكَرِ مِثۡلُ حَظِّ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۗ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ أَن تَضِلُّواْۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمُۢ ١٧٦﴾.

مردم از تو ای محمد ج ! دربارۀ مسأله «کلاله» سوال می‌کنند. در این مسأله مردی می‌میرد در حالی که نه پدر دارد و نه فرزند پس چه کسی از او ارث خواهد برد، برادرش یا خواهرش؟ در اینجا خبر داده شدند که این مرده اگر یک خواهر داشت و برایش پدران و فرزندانی هم نبود برای خواهر تنی یا ناتنی‌اش نصف میراث از تر که است و برادر تنی و ناتنی‌اش اگر پدر و فرزند نداشت تمام‌تر که را به ارث می‌برد. و اگر خواهرانش دوتن یا زیاده از دوتن بودند در چنین حالی برای آن‌ها دو سوم‌تر که خواهد بود و اگر ورثه برادران و خواهران بودند در چنین حالی برای مردان آن‌ها دو برابر حصه خواهران است.

و اینگونه خداوند أ احکام خویش را بیان می‌دارد تا مردم در تقسیم ارثیه دچار خطا و اشتباه نشوند و در این زمینه ظلم نکنند طوری که بعضی ورثه از جمله یتیم‌ها، مسکین‌ها و دختران را محروم کنند. از همین روست که حق‌تعالی این سوره را با بیان احکام زن‌ها، دختران، یتیمان و خواهران خاتمه بخشید و باید که بندگان متوجه حقوقی که حفاظت آن لازم است باشند و حقوق این طبقات را به صورت مکمل به آن‌ها ادا کنند.

سورۀ مائده

مدنی است: ترتیب آن 5؛ شمار آیات آن 120

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَوۡفُواْ بِٱلۡعُقُودِۚ أُحِلَّتۡ لَكُم بَهِيمَةُ ٱلۡأَنۡعَٰمِ إِلَّا مَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ غَيۡرَ مُحِلِّي ٱلصَّيۡدِ وَأَنتُمۡ حُرُمٌۗ إِنَّ ٱللَّهَ يَحۡكُمُ مَا يُرِيدُ ١﴾.

ای مؤمنان! ای آنانی که کتاب خدا أ را تصدیق نموده و از پیامبرش پیروی کردید، به پیمان‌هایی که با خدا أ، مولا و در بین خود بستید وفادار باشید و هرگز پیمان‌شکنی نکنید و آنچه را بر آن موافقه می‌نمائید از قبیل رد و بدل سندها، عقد نکاح، خرید و فروش، اجاره، انواع شرکت‌ها، معاملات، معاهدات انسانی و بین المللی در صورتی که مخالف با شریعت نباشد به صورت کامل اجرا کنید. و از جمله نعمت‌های خدا أ بر شما یکی هم این است که برای شما گوشت شتر، گاو، بز و بره در صورتی که مطابق احکام شرعی ذبح شده باشد حلال نموده است و برای شما مجاز نیست در حالت احرام دست به شکار بزنید؛ زیرا شما در چنین حالی در واقع وارد مرحلۀ اجرای شعائر حج و عمره شدید پس باید مردم، پرندگان و حیوانات از ناحیۀ شما در امان باشند و بدانید که حق‌تعالی آنچه را بخواهد و اراده کند در خلق خود انجام می‌دهد و هیچ بازدارنده‌ای برای حکم او و هیچ مانعی در مقابل قضا و قدرش وجود ندارد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحِلُّواْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ وَلَا ٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَلَا ٱلۡهَدۡيَ وَلَا ٱلۡقَلَٰٓئِدَ وَلَآ ءَآمِّينَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّهِمۡ وَرِضۡوَٰنٗاۚ وَإِذَا حَلَلۡتُمۡ فَٱصۡطَادُواْۚ وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَ‍َٔانُ قَوۡمٍ أَن صَدُّوكُمۡ عَنِ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ أَن تَعۡتَدُواْۘ وَتَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ وَلَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٢﴾.

ای مؤمنان! آنچه را خدای‌تعالی بر شما در ماه‌های حج یعنی شوال، ذوالقعده و ذوالحجه حرام نموده حلال نسازید و نه آنچه به خانۀ خدا از چهارپایان اهدا شده و بر گردن‌های آن‌ها گردنبند هدیه به فقرای حرم آویخته شده است. پس برای شما هرگز نیست تا متعرض چنین چیزهایی از خانۀ خدا أ از طریق ممانعت و غصب شوید و برای شما مجاز نیست تا به آن‌ها آزار و اذیت برسانید و یا با کسانی که به مقصد خانۀ کعبه در حرکت‌اند بجنگید، کسانی که می‌خواهند با انجام اعمال حج و عمره عبادت مولای خویش را بنمایند و از او اطاعت کنند.

ولی هرگاه از احرام بیرون شدید برای شما شکار خشکی که در حالت احرام بر شما حرام بوده حلال است و کراهتی که نسبت به دشمنانی که شما را از مسجد الحرام باز داشته‌اند نباید شما را بر تجاوز بر آن‌ها وا دارد که خدای‌تعالی ستم و ستمگران را دوست ندارد اگرچه بر دشمنان هم باشد؛ زیرا دین به خاطر رفتار عادلانه با همۀ انسان‌ها آمده است اگرچه کافر هم باشند. حق‌تعالی ظلم و ستم را حتی اگر بر غیر مسلمانان نیز صورت گیرد حرام نموده و بر شماست تا در بین خود در انجام امور خیر، صلاح و تقوی همکاری کنید.

معاونت بر خوبی و نیکی شامل معاونت در تمام اموری می‌شود که خدا أ و پیامبر ج آن اعمال را دوست دارند و معاونت بر تقوا پرهیز نمودن از تمام اموری است که خدای‌تعالی و پیامبرش ج حرام نموده‌اند و از این برحذر باشید که تعاون و همکاری شما در راستای گناه و تجاوز باشد و همواره در همۀ امورتان خدا أ را مراقبت کنید که اوتعالی صاحب قوت و قدرتی است که هرگز مقهور نمی‌شود. او دارای عذابی است که هیچ‌کس توان تحمل آن را ندارد. این کیفر برای کسی است که به مخالفت امر خدا أ بپردازد و مرتکب منهیات او شود.

﴿حُرِّمَتۡ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةُ وَٱلدَّمُ وَلَحۡمُ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦ وَٱلۡمُنۡخَنِقَةُ وَٱلۡمَوۡقُوذَةُ وَٱلۡمُتَرَدِّيَةُ وَٱلنَّطِيحَةُ وَمَآ أَكَلَ ٱلسَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيۡتُمۡ وَمَا ذُبِحَ عَلَى ٱلنُّصُبِ وَأَن تَسۡتَقۡسِمُواْ بِٱلۡأَزۡلَٰمِۚ ذَٰلِكُمۡ فِسۡقٌۗ ٱلۡيَوۡمَ يَئِسَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن دِينِكُمۡ فَلَا تَخۡشَوۡهُمۡ وَٱخۡشَوۡنِۚ ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗاۚ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ فِي مَخۡمَصَةٍ غَيۡرَ مُتَجَانِفٖ لِّإِثۡمٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣﴾.

و بدانید که خداوند أ بر شما خود مرده یا حیوانی که بدون ذبح شرعی مرده است را حرام نموده و همچنان خون مسفوح که هنگام ذبح فوران می‌کند و گوشت خوک اگرچه مطابق شریعت هم ذبح شود، زیرا خوک نجس است. و بر شما تمام حیواناتی حرام است که به خاطر غیر خدا أ مانند بت‌ها و جادوگران و کاهنان ذبح شده باشد و بر شما هر حیوانی که با طناب خفه شده باشد یا از بلندی سقوط نموده و یا غرق شده باشد نیز حرام است. و همچنان حیوانی که حیوانی دیگر او را لگدمال کرده باشد یا شیر و گرگ دریده باشد حرام است، مگر زمانی که این حیوان را پیش از مردنش گرفته باشید و مطابق شریعت ذبح نموده باشید.

و برای شما مجاز نیست تا با تیرهای قمار در بین خود چیزی را تقسیم کنید که این عمل از کارهای جاهلیت و صنعت مشرکان است. مردم در زمان جاهلیت سه سهم را می‌گرفتند که بر یکی از آن‌ها نوشته شده بود بیرون شو و بر دیگری بیرون نشو و بر سوم هیچ نوشته نشده بود. هرگاه کسی می‌خواست مسافرت کند در بین این تیرها قرعه می‌زد، اگر تیر بیرون شو انتخاب می‌شد به سفر می‌رفت و اگر تیر بیرون نشو انتخاب می‌شد به سفر نمی‌رفت و اگر آنچه بیرون می‌شد که بر آن چیزی نوشته نشده بود قرعه را دوباره انجام می‌دادند. این کار از جملۀ اعمال جاهلیت و خروج از طاعت خدای‌تعالی و دین او بود.

در ادامه پروردگار به بیان این مطلب پرداخت که آروزی کافران در این امر که شما دین خود را ترک گوئید با یأس مبدل شده پس بر شما لازم است تا همچنان از خدای خود بترسید و از کفار نترسید؛ زیرا حق‌تعالی دین خود را نیرومند ساخته و پیامبرش را نصرت داده و کلمه‌اش را بلند ساخته است و بدانید که خداوند أ برای شما با نازل کردن قرآن و سنّت و تعلیم احکام شرعی و حلال و حرام دین خود را کامل نموده پس بر آن چیزی نیفزائید و هر کس عملی انجام دهد که بر آن امر اسلام نیست مردود است. پروردگار این نعمت را با ارسال حضرت محمد ج و نزول وحی کامل ساخته است. این نعمت بزرگ‌ترین نعمت و هدیه از جانب پروردگار عالمیان است. ولی با این حال بر شما امّت اسلام این رخصت داده شده که هرگاه در چنین زمینه‌هایی دچار مشکل و ضرورت و گرسنگی شدید شوید از چنین خودمرده‌هایی بخورید بشرط آنکه این اکل از روی تلذذ و به اندازۀ تجاوز از حد رخصت یا به هدف مخالفت از نهی پروردگار نباشد؛ زیرا ضرورت‌ها محظورات را مباح می‌سازد، چنین رخصت‌هایی از جملۀ سهولت‌های دین و شریعت خدا و منهج و روش معتدل و حنیف است و بدانید که حق‌تعالی خطاها را می‌بخشد و بر توبه کنندگان رحم می‌نماید از این‌روی فضل او واسع و عطایش زیاد است و خدایی جز او نیست.

﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ مَاذَآ أُحِلَّ لَهُمۡۖ قُلۡ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُ وَمَا عَلَّمۡتُم مِّنَ ٱلۡجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ ٱللَّهُۖ فَكُلُواْ مِمَّآ أَمۡسَكۡنَ عَلَيۡكُمۡ وَٱذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَيۡهِۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ٤﴾.

مردم از تو ای محمد ج دربارۀ آنچه خدا أ مباح نموده می‌پرسند. به آن‌ها بگو خدای‌تعالی هر پدیدۀ خوب را که نفع دارد و ضرر آلود و پلید نیست مباح نموده و بر شما همۀ آنچه دل و طبیعت سالم از آن بد برد مانند؛ خوک، سگ و موش حرام است. پیامبر ج به این منظور آمده تا پاکیزه‌ها را که به جسم فایده دارد و به عقل ضرر ندارد و موجب اتلاف زندگی نیز نمی‌شود مباح و پلیدی‌هایی را که دل از آن بد می‌برد حرام کند. همچنان به آن‌ها بگو برای شما تمام شکار حیوانات آموزش دیده مانند: سگ شکار، شاهین و باز و امثال آن مجاز است. حیوان شکارچی آموزش دیده حیوانی است که هرگاه او را به سوی شکار بفرستید برود و هرگاه باز دارید نرود و از شکار نیز چیزی نخورد ولی هرگاه چنین حیوانی را به شکار می‌فرستید باید که نام خدا أ را بگوئید.

در اینکه سگ‌ها باید آموزش دیده باشند نشانۀ فضل و جایگاه بلند علم و دانش است تا جائی که خدای‌تعالی شکار سگ‌های آموزش دیده را حلال نموده و شکار سگ‌های غیر آموزش دیده را حرام نموده است.

و بر شماست تا تقوای خدا أ را در همۀ امور و شئون زندگی خود رعایت نموده همواره او امرش را اطاعت و از نواهی‌اش اجتناب کنید که اوتعالی به زودی همه را محاسبه می‌کند و عذاب او دردناک و برای عصیان‌گران است و ثوابش عظیم و برای اطاعت کنندگان می‌باشد و هرگاه دست به عملی می‌زنید روز حساب را به خاطر بیاورید.

﴿ٱلۡيَوۡمَ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُۖ وَطَعَامُ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ حِلّٞ لَّكُمۡ وَطَعَامُكُمۡ حِلّٞ لَّهُمۡۖ وَٱلۡمُحۡصَنَٰتُ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ وَٱلۡمُحۡصَنَٰتُ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ إِذَآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحۡصِنِينَ غَيۡرَ مُسَٰفِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِيٓ أَخۡدَانٖۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلۡإِيمَٰنِ فَقَدۡ حَبِطَ عَمَلُهُۥ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٥﴾.

بعد از ارسال محمد ج خدای‌تعالی برای شما تمام پدیده‌های مفید و پاک از طعام و شراب را مباح نموده و از رحمتی که به شما دارد بر شما بعد از اینکه برخی را بر سایر امت‌ها حرام نموده بود حلال کرده است چنان‌چه به شما طعام یهودیان و نصرانیان و ذبح آن‌ها را نیز مباح کرده، زیرا آن‌ها اهل کتاب اند. بر خلاف ذبح مشرکان که بر شما حرام است. و حق‌تعالی برای شما همسران مؤمن و با عفت از میان یهودیان و نصرانیان را مباح ساخته و از این امر نهی نموده است که در معصیت پروردگار خویش مانند زنا و گرفتن دوست دختر و معشوقه بازی و بدکاری با آن‌ها تجاهر کنید و هر که بعد از ایمان به آیات الهی کافر شود عملش برباد رفته و به زیان و ذلّت رسیده است؛ زیرا او به عصیان مولای خود و به مخالفت اوامرش پرداخته و از طاعت اوتعالی بیرون شده است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قُمۡتُمۡ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ فَٱغۡسِلُواْ وُجُوهَكُمۡ وَأَيۡدِيَكُمۡ إِلَى ٱلۡمَرَافِقِ وَٱمۡسَحُواْ بِرُءُوسِكُمۡ وَأَرۡجُلَكُمۡ إِلَى ٱلۡكَعۡبَيۡنِۚ وَإِن كُنتُمۡ جُنُبٗا فَٱطَّهَّرُواْۚ وَإِن كُنتُم مَّرۡضَىٰٓ أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوۡ جَآءَ أَحَدٞ مِّنكُم مِّنَ ٱلۡغَآئِطِ أَوۡ لَٰمَسۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَلَمۡ تَجِدُواْ مَآءٗ فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدٗا طَيِّبٗا فَٱمۡسَحُواْ بِوُجُوهِكُمۡ وَأَيۡدِيكُم مِّنۡهُۚ مَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيَجۡعَلَ عَلَيۡكُم مِّنۡ حَرَجٖ وَلَٰكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمۡ وَلِيُتِمَّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٦﴾.

ای مؤمنان! هرگاه ارادۀ نماز کردید باید که وضوی مطابق شریعت بگیرید و بر این اساس ابتدا روی خود را بشوئید، در جمله روی شستن دهان و بینی نیز داخل است و سپس دست راست را تا آرنج و دست چپ را نیز بشوئید و بر سر خویش یک‌بار مسح کنید و هردو پای خویش را بشوئید زیرا «ارجُل» بر «ایدی» عطف شده از این‌روی مسح پاها بدون موزه و جوراب مجاز نیست و باید که شسته شود. و هرگاه دچار جنابت شدید باید غسل کنید ولی اگر مریض بودید و غسل با آب به شما ضرر داشت یا مسافر بودید و آبی برای وضو نیافتید بر شماست تا تیمم کنید.

و هرگاه به قضای حاجت رفته و یا با همسران خویش مقاربت جنسی کردید و آبی برای غسل نیافتید خاک پاک برای شما کافی است پس با آن خاک بر طریقۀ شرعی تیمم کنید. حق‌تعالی با مشروع ساختن این احکام ارادۀ آسانی و خیر را نسبت به شما دارد و او در دین هیچ حرج و سختیی قرار نداده است، بلکه رخصت‌ها را مشروع ساخته و شما را بر اموری امر نموده که طاقت و توان آن را دارید و مشکلات و سختی‌ها را برکنار داشته تا شما را با این رسالت و این آموزش‌های ربانی پاک گرداند و ارواح‌تان را تزکیه و نفس‌های‌تان را اصلاح سازد و امور را بر شما آسان سازد، شاید که این نعمت‌ها شما را بر شکر و شناخت نعمت الهی و طاعت اوتعالی و اجتناب از نواهیش وا دارد.

﴿وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَمِيثَٰقَهُ ٱلَّذِي وَاثَقَكُم بِهِۦٓ إِذۡ قُلۡتُمۡ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٧﴾.

و ای مؤمنان نعمت خدا أ را یاد آورید، هنگامی که بر شما پیامبر خود محمد ج را فرستاد و بر او کتاب خویش را نازل فرمود و بعد از اینکه مشرک بوده و در جاهلیت بسر می‌بردید شما را هدایت کرد و این توفیق بزرگ را نصیب‌تان نمود و یاد آورید که با خدا أ و پیامبرش در اطاعت از آن‌ها در بیعت رضوان و امثال آن تعهد نموده بودید و قول خدا أ را پذیرفته و گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم و مانند یهودیان نگفتید که شنیدیم و نافرمانی کردیم و بر این اساس سخن را شنیدید و در عمل پیاده کردید. پس بر شما لازم است تا تقوای الهی را رعایت کنید که هیچ امر پنهانی بر خدا أ پوشیده نیست و علم و اطلاع او برای بازداشتن بنده از اعمال بد کافی و بسنده است تا او را در هر صغیره و کبیره‌ای مراقب پروردگارش بسازد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ لِلَّهِ شُهَدَآءَ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَ‍َٔانُ قَوۡمٍ عَلَىٰٓ أَلَّا تَعۡدِلُواْۚ ٱعۡدِلُواْ هُوَ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ٨﴾.

ای مؤمنان شهادت را بر وجه صحیح ادا کنید و در ادای آن مراقب خدای‌تعالی باشید و هرگز به ناحق شهادت ندهید و هیچگاه ملامت ملامتگران شما را از شهادت به عدالت و راستی بازندارد همچنانی که دشمنی کفار و مشرکان نیز نباید مانع عدالت در شهادت‌تان شود، بلکه همواره سخن حق بگوئید ولو به نفع دشمن شما نیز باشد؛ زیرا عدالت به تقوا نزدیک‌تر است و براساس عدالت است که آسمان‌ها و زمین برپای شده و بر شماست تا تقوای الهی و خوف از او را در شهادت رعایت کنید که بر خدای‌تعالی هیچ امری مخفی و پوشیده نیست و او تمام اعمال و گفتارتان را می‌داند و بر آن محاسبه می‌نماید از این‌روی بر شما خوف از او لازم و ضروری است.

﴿وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٌ عَظِيمٞ ٩﴾.

و خدای‌تعالی به همۀ کسانی که ایمان آورده و پیامبرش را تصدیق نمودند و همواره کارهای خوب و مأمور به انجام داده و از منهیات اجتناب کردند وعدۀ صادقانه داده تا گناهان‌شان را ببخشد و عیب‌های‌شان را پنهان دارد و برای‌شان نعمت‌های بهشت را در جایگاهی خجسته و گرامی و در جوار پروردگار مهربان آماده سازد. این پاداش به عنوان پاداش عملکردهای خوبشان خواهد بود.

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ١٠﴾.

و در مقابل، حق‌تعالی آنانی را که کافر شده و پیامبرانش را تکذیب نموده‌اند و با شریعتش مخالفت کردند را به آتش دوزخ وعده داده که برای همیشه در آن باقی خواهند ماند و چه بد قرارگاهی است دوزخ. در آن عذابی سخت و شدید برای مشرکان و کافران است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ هَمَّ قَوۡمٌ أَن يَبۡسُطُوٓاْ إِلَيۡكُمۡ أَيۡدِيَهُمۡ فَكَفَّ أَيۡدِيَهُمۡ عَنكُمۡۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١١﴾.

و یاد آورید ای مؤمنان! نعمت‌های خدا أ و فضل او را بر خویشتن که پیامبر ج و شما را از مکر و دسیسه‌های یهودیان و مشرکان محفوظ داشت و دست یهودیان را از ضرر رسانی به شما کوتاه نمود به خصوص زمانی که دسیسۀ ترور ایشان را چیدند و خواستند سنگی را بر ایشان بیندازند این بود که حق‌تعالی در مسیر آنان مانع ایجاد کرد و پیامبر خویش را محفوظ داشت.

پس بر شما لازم است تا تقوای الهی را رعایت کنید زیرا هر که تقوای الهی را رعایت کند خداوند أ او را بر دشمنانش پیروز می‌گرداند و مورد تأیید خود قرار می‌دهد. و بر شماست تا همواره در تمام امور خویش به خصوص در مبارزه با کفار و دشمنان بر خدا أ توکل کنید که بهترین کسی که انسان امور خود را به او می‌سپارد و بر او عتماد می‌کند حق‌تعالی است و به زودی چنین کسی را خدای‌تعالی یاری می‌رساند و دشمنانش را خوار و ذلیل می‌نماید.

﴿۞وَلَقَدۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَبَعَثۡنَا مِنۡهُمُ ٱثۡنَيۡ عَشَرَ نَقِيبٗاۖ وَقَالَ ٱللَّهُ إِنِّي مَعَكُمۡۖ لَئِنۡ أَقَمۡتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَيۡتُمُ ٱلزَّكَوٰةَ وَءَامَنتُم بِرُسُلِي وَعَزَّرۡتُمُوهُمۡ وَأَقۡرَضۡتُمُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا لَّأُكَفِّرَنَّ عَنكُمۡ سَيِّ‍َٔاتِكُمۡ وَلَأُدۡخِلَنَّكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ فَمَن كَفَرَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ مِنكُمۡ فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ١٢﴾.

و بدانید که خدای‌تعالی پیمان‌ها و تعهدات سختی از یهودیان گرفت ولی آنان این پیمان‌ها را شکستند و نقض کردند، از این برحذر باشید که شما نیز مانند آن‌ها پیمان شکنی کنید که به کیفر آن‌ها دچار خواهید شد. خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت و موسی ÷ از میان آن‌ها دوازده مرد از میان بزرگان و رؤسای‌شان برگزید تا آن‌ها را بر رعایت این پیمان‌ها ملزم سازد. حق‌تعالی به آن‌ها این وعده را داد که اگر به پیمانی که با خدا بستند وفادار باشند اوتعالی آنان را یاری می‌رساند و کمک می‌کند و از خطا و اشتباه بازمی‌دارد البته تا وقتی که نماز برپای دارند و زکاتی که بر اموال‌شان لازم است بدهند و رسالت الهی را تصدیق نموده و از پیامبرش پیروی کنند و او را یاری رسانند و در کنار او با دشمنان به جهاد بپردازند و از اموال خویش نیز در راه‌های خیر و خوبی مصرف کنند و در عوض، خدای‌تعالی وعده داد که گناهان‌شان را ببخشد و از بدی‌های‌شان درگذرد و در اخیر آن‌ها را وارد بهشت کند، بهشتی که نعمت‌های آن را هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و نه هم به قلب کسی خطور نموده است.

ولی کسی که بر او نشانه‌ها و دلیل و حجّت و برهان اقامت گردد و او با تمام این‌ها از در مخالفت دراید یقیناً که مرتکب اشتباهی واضح و آشکار شده و به مسیری گام برداشته که هرگز رضایت بخش نیست و مسیری درست نیز نمی‌باشد.

﴿فَبِمَا نَقۡضِهِم مِّيثَٰقَهُمۡ لَعَنَّٰهُمۡ وَجَعَلۡنَا قُلُوبَهُمۡ قَٰسِيَةٗۖ يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ وَنَسُواْ حَظّٗا مِّمَّا ذُكِّرُواْ بِهِۦۚ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَآئِنَةٖ مِّنۡهُمۡ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۖ فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ وَٱصۡفَحۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٣﴾.

به سبب همین پیمان‌شکنی حق‌تعالی آنان را از رحمت خود طرد و از رضوان خود دور نمود و قلب‌های‌شان را به گونه‌ای سخت گردانید که به هیچ وجه در برابر حق نرم نمی‌شود و از هیچ موعظه و اندرزی نفع نمی‌گیرد. این پیمان شکنی آنان را به‌گونه‌ای ساخت که دست به تغییر کلام خدا أ و تبدیل معانی و انحراف الفاظ از معنی و مراد اصلی آن زدند در حالی که این عملکرد آن‌ها از روی انحراف، گمراهی، سرکشی و تجاوز است. همچنان این گناهان منجر به آن شد تا دانش سودمند و دلائل و براهینی که داشتند را فراموش کنند.

این است نتیجۀ بدی معصیت و گناه که موجب فراموشی علم نافع می‌شود. و هنوز هم پیمان‌شکنی، خیانت از این یهودیان سرمی‌زند و تو همه روزه چنین اعمالی را از سوی آنان ملاحظه می‌نمائی مگر برخی از آن‌ها مانند عبدالله بن سلام و امثال آنکه ایمان آورده و چنین اعمالی مرتکب نمی‌شوند، پس بر توست ای محمد که از گناهان آن‌ها درگذری تا زمانی که خدای‌تعالی در بین آن‌ها حکم کند و عملکرد حق و درست را به تو نشان دهد.

خداوند أ عملکرد درست را به پیامبر خویش نشان داد و ایشان را امر کرد تا با آن‌ها بجنگد و به ایشان خبر داد که هر کسی در رفتار خود به گونۀ بهتر و شایسته‌تر عمل کند و همواره عدالت را بر خود لازم گیرد خداوند أ به او ثواب و پاداش می‌دهد.

﴿وَمِنَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّا نَصَٰرَىٰٓ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَهُمۡ فَنَسُواْ حَظّٗا مِّمَّا ذُكِّرُواْ بِهِۦ فَأَغۡرَيۡنَا بَيۡنَهُمُ ٱلۡعَدَاوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ وَسَوۡفَ يُنَبِّئُهُمُ ٱللَّهُ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ ١٤﴾.

مدعیان نصرانیت گفتند ما یاری دهندگان خدائیم در حالی که حق‌تعالی این وصف را در حق آن‌ها ثابت نداشته، بلکه گفته است که آن‌ها صرفاً این مسأله را به زبان‌های خود ادعا می‌کنند؛ خداوند أ از این‌ها نیز تعهدات و پیمان‌های سختی گرفت ولی آن‌ها حتی بعد از اینکه بیم داده شده‌اند نیز عهد شکنی نمودند، از این‌روی حق‌تعالی آنان را دچار انواع و اقسام بلیات از جمله ایجاد عداوت در بین آن‌ها و شعله‌ور شدن آتش جنگ در بین فرقه‌های آنان نمود، از این‌روی نصرانیان را چنین خواهی یافت که فرقه‌های آن‌ها مانند پروتستانت و کاتولیک در بین خود دشمنی دارند و این عداوت و دشمنی تا روز قیامت در بین آن‌ها مستمر خواهد بود.

این بلیات کیفر پیمان شکنی و عصیان‌شان در برابر پروردگار است و به زودی خدای‌تعالی آنان را در برابر این عملکرد زشت محاسبه خواهد نمود تا جزای هر کسی را مطابق عملش بدهد.

﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ قَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمۡ كَثِيرٗا مِّمَّا كُنتُمۡ تُخۡفُونَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖۚ قَدۡ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٞ وَكِتَٰبٞ مُّبِينٞ ١٥﴾.

ای اهل کتاب! ای یهودیان و نصرانیان! همانا محمد بن عبدالله ج به سوی شما آمده تا برای شما بسیاری از معجزات و نشانه‌هایی که با پیامبران گذشتۀتان بوده را یادآوری کند و شما را در جریان بسیاری از اطلاعاتی که در توارت و انجیل نازل شده قرار دهد، اطلاعاتی مانند: آیۀ سنگسار، داستان شکارچیان روز شنبه، بلند کردن کوه بر سر شما، کوبیدن عصا بر صخره و انفجار آب از آن، شکافتن دریا، مسخ نمودن چهره‌های شما و تبدیل آن‌ها به چهره‌های بوزینگان و خوکان و از این قبیل و بسیاری آیات و نشانه‌های دیگری که پیامبر ج در قبال آن‌ها سکوت اختیار می‌کند و شما را رسوا نمی‌سازد. پس بدانید که حق‌تعالی حضرت محمد ج را با نوری بزرگ در کتاب حکیم خود و با دلائل و نشانه‌های واضحی که این کتاب با خود دارد فرستاده و در آن برخی از اطلاعات غیبی نیز وجود دارد و اگر این محمد ج پیامبری صادق نمی‌بود هرگز نمی‌توانست شما را در جریان این همه اطلاعات قرار دهد چون چنین اطلاعاتی را جز یک پیامبر کسی دیگر نمی‌داند.

﴿يَهۡدِي بِهِ ٱللَّهُ مَنِ ٱتَّبَعَ رِضۡوَٰنَهُۥ سُبُلَ ٱلسَّلَٰمِ وَيُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذۡنِهِۦ وَيَهۡدِيهِمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ١٦﴾.

هر کس از کتاب بزرگی که خداوند أ بر پیامبر خود نازل نموده پیروی کند حق‌تعالی او را به انجام اعمال صالح و نیک موفق می‌گرداند، اعمال صالحی که انسان را به سوی رضوان الهی و هدایت او و سلوکیاتی که به بهشت منتهی می‌شود می‌کشاند. اعمال صالحی که انسان را از خشم الهی و آتش دوزخ نجات می‌دهد. این کتاب پیروان خود را از تاریکی‌های جهل و نادانی و شرک و شبهات و پیروی شهوات و مخالفت‌ها بیرون و به سوی نور، هدایت، دلیل واضح، صدق، برهان و رضایت خدای رحمان رهنمایی می‌کند. پس در آن کتاب هدایت مطلق، عام و خاص و نوری است واضح و آشکار و نجات از هر انحراف است.

﴿لَّقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَۚ قُلۡ فَمَن يَمۡلِكُ مِنَ ٱللَّهِ شَيۡ‍ًٔا إِنۡ أَرَادَ أَن يُهۡلِكَ ٱلۡمَسِيحَ ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَأُمَّهُۥ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗاۗ وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَاۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٧﴾.

آن دسته از نصرانیان که می‌گویند عیسی بن مریم ÷ خداست در حقیقت به خدا أ کافر شده و از دین او بیرون شدند. عیسی ÷ و مادرش بنده‌ای از بندگان خدایند.

به نصرانیان بگو: چه کسی از عیسی و مادرش عذاب الهی را در صورتی که خدا أ اراده نماید تا آن دو را عذاب کند دفع می‌نماید و چه کسی از آن‌ها حمایت می‌کند؟ عیسی مسیح بنده‌ای از بندگان خدا أ و تحت تصرف و تدبیر خداست و مالک هیچ نفع و ضرری، هیچ زندگی و مرگ و حشری برای خود نیست و اگر خدای‌تعالی ارادۀ هلاک عیسی و مادرش را بنماید و یا اراده کند تا تمام اهل زمین را نابود کند چه کسی او را از این عمل بازمی‌دارد؟ او خدایی است که جز او خدایی نیست، برای اوست تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین است. او خالق همه و متصرف و مدبر امور آن‌هاست. حق‌تعالی آنچه را بخواهد و به گونه‌ای که اراده کند می‌آفریند. آدم ÷ را از خاک و بدون پدر و مادر آفرید و همسرش را بدون مادر خلق کرد، چنان‌چه عیسی ÷ را نیز از مادر و بدون پدر به وجود آورد در حالی که سایر مردم را از پدر و مادر آفرید، او بر همه چیز قادر و تواناست و هیچ چیزی او را از انجام کاری عاجز ساخته نمی‌تواند و هیچ چیزی از قدرت او بیرون شده نمی‌تواند.

﴿وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ وَٱلنَّصَٰرَىٰ نَحۡنُ أَبۡنَٰٓؤُاْ ٱللَّهِ وَأَحِبَّٰٓؤُهُۥۚ قُلۡ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمۖ بَلۡ أَنتُم بَشَرٞ مِّمَّنۡ خَلَقَۚ يَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۚ وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَاۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ١٨﴾.

یهودیان می‌گویند آن‌ها فرزندان خدا أ و دوستان اویند چنان‌چه نصرانیان نیز چنین ادعا می‌کنند، همه این سخنان دروغ و بهتان است زیرا خدای‌تعالی هرگز کسی را از بندگان خود به عنوان فرزند برنگزیده و دوستان خدا أ نیز کسانی‌اند که طاعت و عبادت او را بر جای می‌آورند و اگر یهودیان و نصرانیان در این ادعاهای خود صادق می‌بودند حق‌تعالی آنان را به سبب گناهان‌شان عذاب نمی‌نمود چون دوستدار، هیچگاه دوست خود را کیفر نمی‌دهد. یهودیان و نصرانیان مانند سایر مردم‌اند. از میان آن‌ها کسی که تقوا را رعایت کند ثواب می‌گیرد و اگر نافرمانی کند خدای‌تعالی او را کیفر می‌دهد و برای خدا أ حکمت و پادشاهی مطلق است. او کسی را که بخواهد می‌بخشد و آنکه را اراده کند عذاب می‌نماید؛ زیرا تنها او خالق و رازق است و خدای بر حقی جز او وجود ندارد و تمام خلایق به سوی او باز می‌گردند و این اوست که همه را در قبال اعمال‌شان کیفر می‌دهد.

﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ قَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمۡ عَلَىٰ فَتۡرَةٖ مِّنَ ٱلرُّسُلِ أَن تَقُولُواْ مَا جَآءَنَا مِنۢ بَشِيرٖ وَلَا نَذِيرٖۖ فَقَدۡ جَآءَكُم بَشِيرٞ وَنَذِيرٞۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٩﴾.

ای یهودیان ونصرانیان! خدای‌تعالی بعد از مدتی توقف در جریان ارسال پیامبران، محمد ج را به سوی شما فرستاد، چنان‌چه بین عیسی ÷ و محمد ج بیشتر از پنج قرن گذشت. حالا پیامبر خود را به عنوان رحمتی برای جهانیان فرستاد تا اطاعت کنندگان را به رحمت و بهشت او بشارت دهد و نافرمانان و عاصیان را از خشم و کیفر او برحذر دارد. او به شما نیز این بشارت را می‌دهد به شرط آنکه از خدا أ و پیامبرش ج اطاعت کنید، زیرا او تصدیق کنندۀ تمام آن چیزی است که موسی ÷ و عیسی ÷ آورده‌اند، پس بر امر خدا ثابت و استوار باشید و دعوتگر خدا أ را اجابت کنید و از پیامبرش فرمان برید که اوتعالی برپاداش طاعت کنندگان و کیفر نافرمانان توان و قدرت دارد.

﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ جَعَلَ فِيكُمۡ أَنۢبِيَآءَ وَجَعَلَكُم مُّلُوكٗا وَءَاتَىٰكُم مَّا لَمۡ يُؤۡتِ أَحَدٗا مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢٠﴾.

ای محمد ج! روزی را برای مردم یادآور که موسی ÷ برای بنی اسرائیل گفت نعمت و فضل خدا أ را بر خویشتن یاد آورید، روزی را که از میان شما پیامبرانی برگزید و شما را با بر انگیختن انبیایی از میان خودتان شرافت داد و شما را مانند پادشاهان در نعمت و آسودگی بعد از اینکه بردۀ فرعون و قومش بودید قرار داد و اوتعالی به شما نعمت آزادی و استقلال و خروج از مصر را بعد از آن همه استبداد، ظلم و ستم داد و به شما نشانه‌هایی داد که به هیچ‌یک از جهانیان نداده بود، نشانه‌هایی مانند: شکافتن دریا، شکافتن سنگ و بیرون کردن آب از آن، سایه ساختن ابر، فرو فرستادن پرندۀ آسمانی و انگبین و سایر ویژگی‌ها از قبیل کسب علوم مختلف، وجود حکما، علما، رهبران و اصلاحگران درمیان شما.

﴿يَٰقَوۡمِ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡأَرۡضَ ٱلۡمُقَدَّسَةَ ٱلَّتِي كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمۡ وَلَا تَرۡتَدُّواْ عَلَىٰٓ أَدۡبَارِكُمۡ فَتَنقَلِبُواْ خَٰسِرِينَ ٢١﴾.

و موسی ÷ خطاب به بنی اسرائیل گفت: بیائید باهم سرزمین مبارک بیت المقدس را فتح کنیم و در آن سکنی گزین شده و شریعت خدا أ را اقامه نمائیم زیرا حق‌تعالی شما را اهل این سرزمین قرار داده به شرط آنکه بر دین خود ثابت و استوار باشید و از من پیروی کنید و وای بر شما اگر از اوامر الهی مخالفت کنید و طاعتش را ترک کنید که در چنین حالی از شما عزّت و سربلندی را سلب می‌کند و مانع پیروزی شما می‌شود و علاوه بر این ذلّت و خواری را بر شما حتمی می‌سازد و بر قلب‌های‌تان مهر می‌نهد و شما مقهور دشمانان خود خواهید شد.

﴿قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ فِيهَا قَوۡمٗا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدۡخُلَهَا حَتَّىٰ يَخۡرُجُواْ مِنۡهَا فَإِن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَا فَإِنَّا دَٰخِلُونَ ٢٢﴾.

یهودیان به موسی ÷ پاسخی بسیار زشت و بد دادند که نشانۀ بزدلی، ترس و ذلت‌شان است چنان‌چه خطاب به پیامبر خدا ÷ گفتند ای موسی! ما نمی‌توانیم وارد بیت المقدس شویم، زیرا در آن قومی سرسخت و دلاورند که ما توان مقابله با آنان را نداریم ولی صبر می‌کنیم تا خود این دلاوران از آن شهر بیرون شوند که هرگاه چنین کنند ما بدون جنگ و جهاد وارد آن می‌شویم. حق‌تعالی از این‌روی ترس و ذلّت را بر آنان مقدر کرد که آن‌ها به مخالفت اوامر الهی پرداخته و پیمان‌شکنی کردند، زیرا یکی از بزرگ‌ترین عللی که امت‌ها را دچار سستی، ذلّت و شکست در برابر دشمنان‌شان می‌کند گناهان است.

﴿قَالَ رَجُلَانِ مِنَ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمَا ٱدۡخُلُواْ عَلَيۡهِمُ ٱلۡبَابَ فَإِذَا دَخَلۡتُمُوهُ فَإِنَّكُمۡ غَٰلِبُونَۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَتَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٢٣﴾.

ولی دو تن از مؤمنانی که با موسی ÷ بوده و خداوند أ بر آن‌ها نعمت هدایت و ثبات قلب و صحت عقل داده بوده برخواستند و از یهودیان خواستند تا وارد بیت المقدس شوند و در این راه دست به تلاش و کوشش و جهاد بزنند و هیچگاه نباید دشمنان موجب ترس آن‌ها شوند، زیرا خدای‌تعالی از دشمنان و کفار قوی‌تر است. این دو مرد خطاب به یهودیان گفتند: بر خدا أ توکل کنید و به اذن الهی وارد شوید دشمنان در برابر شما شکست می‌خورند، زیرا هرگاه با خدا أ از در صداقت و راستی بیرون شوید اوتعالی با شما خواهد بود و هر که خدا أ با او باشد هرگز از کسی نمی‌هراسد و دشمنش با شکست مواجه می‌شود و خودش به عزّت و سربلندی می‌رسد و عاقبت نیز به اذن خدا أ از آن کسی خواهد بود که ایمان آورد و به دین باور داشته و تقوای الهی را پیشه سازد.

﴿قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّا لَن نَّدۡخُلَهَآ أَبَدٗا مَّا دَامُواْ فِيهَا فَٱذۡهَبۡ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَٰتِلَآ إِنَّا هَٰهُنَا قَٰعِدُونَ ٢٤﴾.

یهودیان کودن بار دیگر جواب عناد آلودی که انکار خالق متعال را با خود داشت تکرار نموده به موسی ÷ گفتند: ای موسی ÷! خود را در مشقت قرار نده که ما هرگز تا وقتی که جباران زمان در آن قرار دارند وارد سرزمین مقدس نمی‌شویم، ما تصمیم قاطعانه گرفتیم که هرگز با آن‌ها مقابله نکنیم و اگر تو می‌خواهی با آن‌ها بجنگی این کار مربوط به خود توست، پس با خدایت برو و با آن‌ها بجنگ و ما منتظر نتیجۀ جنگ باقی می‌مانیم. این پاسخ یهودیان، آلوده به ذلت، زشتی و نوعی استهزا و تمسخر بود که حق‌تعالی بر آن علم کامل دارد.

این پاسخ آن‌ها را با پاسخ یاران پیامبر ج مقایسه کنید زمانی که در معرکۀ «بدر» خطاب به پیامبر خدا ج گفتند: سوگند به خدا که ما مانند گفتۀ بنی اسرائیل نمی‌گوئیم که خطاب به پیامبر خود گفتند تو و پروردگارت بروید و بجنگید و ما در اینجا نشسته‌ایم، بلکه می‌گوئیم تو و پروردگارت بروید بجنگید ما نیز در کنار شما با آنان می‌جنگیم، سوگند به خدا أ که در پیش‌رو، پشت سر، در طرف راست و طرف چپ تو می‌جنگیم، ببینید این پاسخ چقدر زیبا و شفاف است در حالی که پاسخ یهودیان سخیف و حقارت آمیز است.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي لَآ أَمۡلِكُ إِلَّا نَفۡسِي وَأَخِيۖ فَٱفۡرُقۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡفَٰسِقِينَ ٢٥﴾.

در این هنگام بود که موسی ÷ پروردگارش را خواند و گفت: بار الها! تو می‌دانی که من جز بر خویشتن و برادرم هارون تسلطی ندارم، اما این قوم، که از اوامر من سرپیچی نموده و در برابرم سرکشی کردند، پس تو بین من و این‌ها جدایی افگن، زیرا از پیمان‌شکنی و عصیان و نافرمانی‌شان از اوامر تو خسته شدم و نمی‌خواهم دیگر در میان آن‌ها باشم.

﴿قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيۡهِمۡۛ أَرۡبَعِينَ سَنَةٗۛ يَتِيهُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ فَلَا تَأۡسَ عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡفَٰسِقِينَ ٢٦﴾.

خدای‌تعالی به موسی ÷ خبر داد که سرزمین مقدس بر این نسل از بنی اسرائیل نظر به ترک جهاد و سرکشیی که کردند مدّت چهل سال حرام است تا زمانی که این نسل بزدل و شکست خورده ازبین بروند و به جای آن‌ها نسلی دیگر که شجاع و مجاهد باشند به وجود آیند تا با مشکلات مواجه شوند و در برابر دشمنان بایستند.

اما این‌ها، چون از اوامر پروردگار سرپیچی نمودند، خدای‌تعالی آن‌ها را به مدّت چهل سال با سرگردانی در صحرا مبتلا نمود که داستان این سرگردانی به نام «تیه» مشهور است. این‌ها در طول روز راه می‌رفتند و با فرا رسیدن شب استراحت می‌کردند، چون فردایش فرا می‌رسید و می‌خواستند به راه خود ادامه دهند بار دیگر خود را در همان مکان اولی می‌دیدند و هیچ راهی برای نجات خود از این معضل نمی‌یافتند. این‌ها چون منهج و روش درست را رها کردند، حق‌تعالی آن‌ها را در زمین سرگردان نمود و چون از راه راست انحراف کردند خدای‌تعالی راه را بر آنان پنهان داشت از این‌روی رهیاب نمی‌شدند.

سپس خدای‌تعالی خطاب به موسی ÷ می‌گوید: بر این اشرار بدکار غمگین مباش که این‌ها از طاعت الهی خارج‌اند و هر که گنهکار و سرکش باشد نباید انسان بر فراقش دچار غم و اندوه و در هلاکتش دچار پشیمانی شود، زیرا در فراق و جدایی چنین کسانی برکت، خوبی و راهیابی است.

﴿۞وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ ٱبۡنَيۡ ءَادَمَ بِٱلۡحَقِّ إِذۡ قَرَّبَا قُرۡبَانٗا فَتُقُبِّلَ مِنۡ أَحَدِهِمَا وَلَمۡ يُتَقَبَّلۡ مِنَ ٱلۡأٓخَرِ قَالَ لَأَقۡتُلَنَّكَۖ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ ٱللَّهُ مِنَ ٱلۡمُتَّقِينَ ٢٧﴾.

و ای محمد ج! بر این‌ها داستان فرزندان آدم ÷ قابیل و هابیل را به دور از دروغ‌های امت‌های گذشته بازگو! زمانی که قابیل و هابیل به پیشگاه خداوند متعال قربانی تقدیم کردند. هابیل چون در عملکرد خود اخلاص و صداقت داشت خدای‌تعالی قربانیش را پذیرفت ولی قابیل نیّت بد و نهادی زشت داشت خدای‌تعالی قربانی‌اش را نپذیرفت از این‌روی بر هابیل خشم گرفت و از در حسادت و تجاوز داخل شد و سوگند یاد کرد که هابیل را بکشد. هابیل خطاب به برادر گفت: ای برادر چرا من را می‌کشی در حالی که در حق تو ظلم و ستمی مرتکب نشده و گناهی نکرده‌ام؟ قابیل گفت: تو را می‌کشم چون حق‌تعالی از تو پذیرفت و از من نپذیرفت. هابیل گفت: حق‌تعالی از کسی می‌پذیرد که در عمل و نیّت خود اخلاص داشته باشد و اندرونش پاک و بی‌آلایش باشد و از عملی که انجام می‌دهد رضای الهی را مد نظر داشته باشد و با فرمان الهی معارضه نکند، اما گناه من چیست؟!

﴿لَئِنۢ بَسَطتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقۡتُلَنِي مَآ أَنَا۠ بِبَاسِطٖ يَدِيَ إِلَيۡكَ لِأَقۡتُلَكَۖ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢٨﴾.

هابیل در کمال ادب و آرامش خطاب به برادر گفت: اگر تو دستت را به سوی من دراز کنی تا من را از روی ظلم و ستم و تجاوز بکشی من هرگز دست خود را به سوی تو دراز نمی‌کنم تا تو را بکشم، من از خدایی می‌ترسم که پروردگار من است از این‌روی هرگز دست به عملی نمی‌زنم که موجب خشم و غضب او باشد.

﴿إِنِّيٓ أُرِيدُ أَن تَبُوٓأَ بِإِثۡمِي وَإِثۡمِكَ فَتَكُونَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِۚ وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُاْ ٱلظَّٰلِمِينَ ٢٩﴾.

من با نکشتن تو می‌خواهم بار گناه من که تو را نکشتم و گناه خود که مرا کشتی بر دوش بکشی و در چنین حالی به سوی خدا أ بازگردی و از جملۀ اهل دوزخ باشی و این است مصیر بد که به عنوان کیفر ستمگران مقرر شده است، ستمگرانی که هرگز نمی‌توانند از عدالت الهی فرار کنند.

﴿فَطَوَّعَتۡ لَهُۥ نَفۡسُهُۥ قَتۡلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُۥ فَأَصۡبَحَ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٣٠﴾.

نفس اماره به بدی، قابیل را به سوی قتل برادر کشانید و آن را در نظرش نیکو جلوه داد در حالی که این قتل خود تجاوز و ستمی بیش نبود، از این‌روی برادر را در حالی که برادرش بود کشت و با این کار مرتکب جرم و تجاوز بر نفس معصوم شد و چون برادر را کشت از رحمت الهی دور گشت و از طاعت خدا أ با زیان و خسارت کلی خارج و در معاملۀ خود خسارمند شد و در آخرت نیز هلاک گردید.

﴿فَبَعَثَ ٱللَّهُ غُرَابٗا يَبۡحَثُ فِي ٱلۡأَرۡضِ لِيُرِيَهُۥ كَيۡفَ يُوَٰرِي سَوۡءَةَ أَخِيهِۚ قَالَ يَٰوَيۡلَتَىٰٓ أَعَجَزۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِثۡلَ هَٰذَا ٱلۡغُرَابِ فَأُوَٰرِيَ سَوۡءَةَ أَخِيۖ فَأَصۡبَحَ مِنَ ٱلنَّٰدِمِينَ ٣١﴾.

پس حق‌تعالی اراده نمود تا به او مَثَل و عبرتی را ارائه کند و به او نشان دهد که با برادر چه تعاملی انجام دهد این بود که کلاغی را فرستاد تا با کلاغی دیگر بجنگد و او را بکشد، چون کلاغ اولی برادرش را کشت او را در خاک دفن کرد. این بود که قابیل گفت: من را چه شده که به سوی چنین عملی که کلاغ در حق برادرش انجام داده رهنمایی نشدم در حالی که او یک پرنده است.

تأسف قابیل بر قتل برادر نه بلکه بر دفن نکردن وی بود و اگر بر قتل اظهار تأسف می‌نمود حق‌تعالی توبه‌اش را می‌پذیرفت. چنان‌چه در حدیث شریف آمده است که: «پشیمانی و ندامت توبه است».

﴿مِنۡ أَجۡلِ ذَٰلِكَ كَتَبۡنَا عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَنَّهُۥ مَن قَتَلَ نَفۡسَۢا بِغَيۡرِ نَفۡسٍ أَوۡ فَسَادٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ ٱلنَّاسَ جَمِيعٗا وَمَنۡ أَحۡيَاهَا فَكَأَنَّمَآ أَحۡيَا ٱلنَّاسَ جَمِيعٗاۚ وَلَقَدۡ جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرٗا مِّنۡهُم بَعۡدَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡأَرۡضِ لَمُسۡرِفُونَ ٣٢﴾.

و چون بر ذاتی معصوم تجاوز صورت گرفت و خونش به هَدَر رفت حق‌تعالی اراده فرمود تا این امر را بر بنی اسرائیل حرام قرار دهد از این‌روی این مسأله را در کتاب تورات ذکر نمود و بر آن‌ها واجب کرد که اگر کسی بر نفسی معصوم تجاوز کند مَثَل و حالت او مانند مَثَل و حالت کسی است که تمام مردم را کشته است؛ زیرا اصل تمام مردم از یک ذات است و هر که ذاتی را از بردگی برهاند گویا که تمام مردم را زنده نموده است. برای بنی اسرائیل انواع و اقسام دلائل و براهین واضح و روشن از جانب خدا أ مبنی بر حرمت کشتن انسان و ریختن خونش آمد ولی با همۀ این دلائل آن‌ها پیامبران را کشتند و بی‌گناهان را ذبح نموده و موجبات خشم و غضب پروردگار آسمان و زمین را فراهم نمودند. بسیاری از بنی اسرائیل با ارتکاب گناه و معصیت بر نفس خویش اسراف کرده و عهد و پیمان را نیز شکستند.

﴿إِنَّمَا جَزَٰٓؤُاْ ٱلَّذِينَ يُحَارِبُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَسۡعَوۡنَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَسَادًا أَن يُقَتَّلُوٓاْ أَوۡ يُصَلَّبُوٓاْ أَوۡ تُقَطَّعَ أَيۡدِيهِمۡ وَأَرۡجُلُهُم مِّنۡ خِلَٰفٍ أَوۡ يُنفَوۡاْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِۚ ذَٰلِكَ لَهُمۡ خِزۡيٞ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ٣٣﴾.

در ادامه خداوند متعال به بیان کیفر کسانی پرداخت که علیه مسلمانان طغیان نمودند و بیان داشت که حد چنین کسانی که در زمین از طریق کشتن، غصب، و تخویف مردم دست به فساد می‌زنند این است که آن‌ها را بکشید و به صلیب بکشید و بر ستون‌ها و امثال آن آویزان کنید تا پند و عبرتی برای کسانی قرار گیرند که پند می‌گیرند یا دست‌ها و پاهای‌شان را به صورت یکی در میان قطع کنید و یا آن‌ها را تبعید نموده از خانه و کاشانۀشان بیرون کنید. این کیفر مایۀ ننگ، عار و ذلّت آن‌ها در دنیا خواهد بود اما در آخرت پس حق‌تعالی برای آن‌ها کیفری بزرگ آماده نموده است. از این‌روی هر کسی بکشد کشته می‌شود و هر که بکشد و مالی را بگیرد هم کشته می‌شود و هم به صلیب کشیده می‌شود و هر که مال کسی را بگیرد و او را نکشد دست و پایش به صورت یکی در میان قطع می‌گردد و آنکه به تخویف مردم بپردازد و مرتکب قتل کسی نشود و مال کسی را نیز نگیرد تبعید می‌گردد.

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِن قَبۡلِ أَن تَقۡدِرُواْ عَلَيۡهِمۡۖ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣٤﴾.

مگر اینکه این باغیان پیش از اینکه توسط حکومت اسلامی دستگیر شوند و پیش از اینکه خود را به عدالت تسلیم کنند توبه نموده و دست از این عمل بردارند که در چنین حالی حق‌تعالی توبۀ توبه کنندگان را می‌پذیرد و از ناحیۀ ولی امر مسلمین نیز مؤاخذه نمی‌شود؛ زیرا پروردگار از تقصیرات آن‌ها در گذشته است. این آیه، حاوی تشویق به توبه است تا کسانی که دست به فساد می‌زنند از تباهی‌گری خود دست بردارند و دوباره با جماعت مسلمانان یکجا شده و به عفو الهی راضی شوند که اوتعالی دارای مغفرت و بخششی وسیع است و بر بندگان خود رحم می‌کند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱبۡتَغُوٓاْ إِلَيۡهِ ٱلۡوَسِيلَةَ وَجَٰهِدُواْ فِي سَبِيلِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٣٥﴾.

ای مؤمنان! ای آنانی که به خدا أ ایمان آورده و پیامبرش را تصدیق نموده‌اید از خدا أ و عذابش بترسید و مراقب اوامر و نواهی اوتعالی باشید و تلاش کنید همواره اعمال صالح و شایسته انجام دهید تا این اعمال وسیله‌ای بین شما و پروردگارتان باشد و سبب نجات شما از آتش دوزخ و رستگاری‌تان با حصول رضوان الهی گردد و بر شماست تا در راه خدا أ با انواع و اقسام مجاهدت‌ها از قبیل جهاد با نفس، با مال، با زبان، با قلم با فکر و از این قبیل جهاد کنید تا به رستگاری ابدی و جاودانگی و رضوان الهی برسید، رضوانی که بعد از آن رضوانی نیست.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡ أَنَّ لَهُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لِيَفۡتَدُواْ بِهِۦ مِنۡ عَذَابِ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنۡهُمۡۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٣٦﴾.

اما کافران، آنانی که خدا أ را تکذیب کردند، اگر برای یکی از آن‌ها به اندازۀ سطح زمین طلا و نقره و سرمایه باشد و آن‌ها خواسته باشند به منظور نجات خود از خشم و عذاب الهی این سرمایۀ هنگفت را فدیه دهند هرگز پذیرفته نمی‌شود و برعکس دچار عذاب خواهند شد، زیرا این‌ها با تکذیب خود بزرگ‌ترین گناه را در جهان مرتکب شدند که عبارت از شرک به خداست، از این‌روی خداوند متعال هرگز از آنان نه فدیه‌ای می‌پذیرد و نه پول، سرمایه، شهید، دوست و حامی دیگر می‌تواند از آنان حمایت به عمل آورد و عذاب را دفع کند پس برای چنین کسی در پیشگاه خداوند بزرگ أ عذابی دردناک است.

﴿يُرِيدُونَ أَن يَخۡرُجُواْ مِنَ ٱلنَّارِ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنۡهَاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّقِيمٞ ٣٧﴾.

این کفار زمانی که وارد آتش دوزخ می‌شوند آرزوی بیرون شدن از عذاب را می‌نمایند ولی هرگز این آرزو تحقق نخواهد یافت و آن‌ها هرگز از آتش دوزخ بیرون نمی‌شوند، بلکه برای همیشه و ابد در آتش دوزخ باقی خواهند ماند، زیرا آن‌ها به خدا أ شریک آورده و برای مشرک هرگز گناه شرک او بخشیده نمی‌شود، بلکه او برای همیشه در دوزخ و عذاب دردناک بنابر عملکرد گناه آلود خود قرار دارد.

﴿وَٱلسَّارِقُ وَٱلسَّارِقَةُ فَٱقۡطَعُوٓاْ أَيۡدِيَهُمَا جَزَآءَۢ بِمَا كَسَبَا نَكَٰلٗا مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٣٨﴾.

و اگر مرد یا زنی دزدی کرد و بر ثبوت سرقت آن‌ها دلائل اقامه شد و تمام شروط اقامۀ حد تحقق یافت در چنین حالی دست این دزد از قسمت مفصل کف آنگونه که در احادیث نبوی بیان شده قطع می‌شود. این قطع جزای عملکرد بد و زشت این شخص است که به منظور حفاظت اموال مردم و حمایت حقوق آن‌ها صورت می‌گیرد و تا امنیت برهم نخورد و هر بدکار و دزد از عمل زشت و بد خود دست بردارد.

این حکم خداست که چون نیرومند است حکم نمود و از جمله نشانه‌های عزّت و قوت او یکی هم صادر نمودن چنین احکامی است و از جمله حکمت‌های اوتعالی نازل کردن حکم مناسب با عمل سرقت و قتل و امثال آنست و تو هرگز از حکم خدای‌تعالی حکمی بهتر نخواهی یافت.

﴿فَمَن تَابَ مِنۢ بَعۡدِ ظُلۡمِهِۦ وَأَصۡلَحَ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَتُوبُ عَلَيۡهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ٣٩﴾.

هرگاه مرد یا زن دزد بعد از دزدی و اقامۀ حد توبه کند و آنچه بین او و خدایش است را دوباره اصلاح نماید و بر عملکرد خود نادم و متأسف شود خدای‌تعالی گناهش را می‌بخشد و عیبش را می‌پوشاند و عوض گناهانش به او حسنات می‌دهد، زیرا مغفرت خدا وسیع و رحمتش عمومی است، از این‌روی هر زناکار، دزد و قاتلی که توبه می‌کند باید به فضل الهی طمع داشته باشد که خداوند توبه پذیر و مهربان است.

﴿أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٤٠﴾.

آیا نمی‌دانی تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین قرار دارد از آن خدا أ، ملک و بندۀ اوست و برای او در همۀ این‌ها قدرت و فرمانروائی مطلق است؟ او هرگونه که بخواهد با این‌ها تعامل می‌کند. او هر که را بخواهد عذاب می‌کند و این عذاب او عین عدالت است و هر کسی از بندگان خود که دوستش داشته باشد مشمول عفو و رحمت و فضل خود می‌نماید. حکمت اوتعالی نافذ و عملش کامل است و او بر همه چیز قدرت دارد و هیچ چیزی او را از انجام کاری عاجز ساخته نمی‌تواند و بر او غلبه نمی‌نماید و از قدرت و توان او هیچ مخلوقی بیرون شده نمی‌تواند. رحمت، علم، عزت، حکمت، فضل و قدرت خدا أ بر همه چیز احاطه دارد.

﴿۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ لَا يَحۡزُنكَ ٱلَّذِينَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡكُفۡرِ مِنَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَلَمۡ تُؤۡمِن قُلُوبُهُمۡۛ وَمِنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْۛ سَمَّٰعُونَ لِلۡكَذِبِ سَمَّٰعُونَ لِقَوۡمٍ ءَاخَرِينَ لَمۡ يَأۡتُوكَۖ يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ مِنۢ بَعۡدِ مَوَاضِعِهِۦۖ يَقُولُونَ إِنۡ أُوتِيتُمۡ هَٰذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمۡ تُؤۡتَوۡهُ فَٱحۡذَرُواْۚ وَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ فِتۡنَتَهُۥ فَلَن تَمۡلِكَ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ شَيۡ‍ًٔاۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَمۡ يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمۡۚ لَهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞۖ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٤١﴾.

ای پیامبر خدا! از این منافقانی که به سوی کفر باهم مسابقه می‌دهند و تو را در حالی تکذیب می‌نمایند که ظاهراً ادعای ایمان داشته و در باطن کافر‌اند غمگین مباش! از تکذیبگری‌های یهودیان نیز اندوهگین مباش که آن‌ها پیش از تو نیز پیامبرانی را تکذیب نموده و بسیاری از آن‌ها را کشته و شکنجه کردند. از جمله صفات این یهودیان است که همواره به سخنان دروغ، بهتان، شائعات بی‌اساس و سخن‌های زشت گوش فرا می‌دهند و این سخنان را می‌پذیرند و از اوامر رؤسا و بزرگان خود که نظر به تکبر و غروری که دارند نزد تو نمی‌آیند اطاعت می‌کنند. از صفات دیگر این‌ها این است که احکام خدا أ را تبدیل می‌کنند و دست به تحریف و تغییر سخن الهی از معنی و مقصود اصلی آن می‌زنند و زمانی که نزد تو آمدند تا دربارۀ یکی از آن‌ها که در حالت احصان دست به زنا زده بود حکم نمائی، آن‌ها در بین خود چنین تصمیم گرفتند که اگر حکم تو بر شلاق بود آن را بپذیرند و اگر بر سنگسار حکم کردی آن را نپذیرند. (آن‌ها نزد پیامبر اسلام ج آمدند ایشان از آن‌ها پرسیدند در تورات در این باره چه حکمی وجود دارد؟ گفتند زدن شلاق، سیاه کردن روی و تشهیر زناکار در بین مردم. ایشان یکی از آن‌ها را به خدای یگانه‌ای تورات را نازل فرموده سوگند داد وی گفت که در تورات راجع به چنین شخصی حکم سنگسار است. از این‌روی پیامبر اسلام ج همان حکم سنگسار را در حق او جاری ساخت).

این یهودیان در فتنه و گمراهی وقع شده و تو مادامی که خدای‌تعالی در حق آن‌ها شقاوت و بدبختی را مقدر نموده توان هدایت و رهنمایی آن‌ها را نداری ولو از انواع و اقسام براهین و شیوه‌های اقناع استفاده کنی و حق‌تعالی اراده ندارد تا قلب‌های آن‌ها را از خباثت و نفس‌های آن‌ها را از شک، تردید و مرض پاک کند تا وقتیکه بر کفر و تکذیب خود دوام می‌دهند و اعمالی را انجام می‌دهند که موجب خشم پروردگار می‌شود. از این‌روی خداوند أ بر آن‌ها عار، ذلّت و خواری دنیا را مقدر کرد و در آخرت برای آن‌ها به خاطر جرائمی که در حق پیامبران و کتاب‌های خود انجام داده‌اند عذابی شدید و دردناک خواهد بود.

﴿سَمَّٰعُونَ لِلۡكَذِبِ أَكَّٰلُونَ لِلسُّحۡتِۚ فَإِن جَآءُوكَ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُمۡ أَوۡ أَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡۖ وَإِن تُعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ فَلَن يَضُرُّوكَ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَإِنۡ حَكَمۡتَ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِٱلۡقِسۡطِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ٤٢﴾.

این یهودیان همواره سخن دروغ و باطل را می‌شنوند و می‌پذیرند و آن را در بین مردم منتشر می‌نمایند و علاوه بر این، رشوت و اموال حرام می‌گیرند و بر این اساس بین گفتار گناه آلود و غذای حرام جمع می‌کنند، از این‌روی، هم فهم و درک آن‌ها فاسد شده و هم اجسام آن‌ها. پس هرگاه این یهودیان نزد تو آمده و طالب حکم و اقامۀ حدود در حق خویش شدند تو در این خصوص اختیار داری که در بین آن‌ها قضاوت کنی یا نکنی، اگر نکنی خدای‌تعالی تو را از شر آن‌ها حمایت می‌کند و آن‌ها هرگز نمی‌توانند به تو ضرر و آسیبی برسانند ولی اگر در بین آن‌ها حکم کردی باید این حکم براساس عدالتی باشد که خدای‌تعالی در کتاب خود نازل فرموده است چون خدای‌تعالی عدل را دوست و از ظالم و ستمگر نفرت دارد.

رعایت این عدالت حتی با یهودیان و نصرانیان و سایر امم نیز بر یک مسلمان لازم است؛ چنان‌چه برقاضیان و حاکمان نیز رعایت تقوای الهی لازم است و باید چنین کسانی عدالت را رعایت کنند و بر کسی ظلم و ستمی روا ندارند.

﴿وَكَيۡفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِندَهُمُ ٱلتَّوۡرَىٰةُ فِيهَا حُكۡمُ ٱللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوۡنَ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَۚ وَمَآ أُوْلَٰٓئِكَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٤٣﴾.

شگفتا از این عمل یهودیان که به حکم تو راضی می‌شوند و به حکم کتاب تورات که بر پیامبرشان نازل شده راضی نمی‌شوند. این‌ها تورات را تحریف و تبدیل نموده و عهد و پیمانش را نقض کرده و از آن روی گردان شدند. تمام این اعمال را بنابر کفر و تکذیب انجام دادند و اگر آن‌ها واقعاً به تو باور می‌داشتند و به آنچه بر تو نازل شده ایمان می‌آوردند حتماً حکم و قضاوت تو را می‌پذیرفتند ولی هیهات که چنین نمی‌کنند.

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَا ٱلتَّوۡرَىٰةَ فِيهَا هُدٗى وَنُورٞۚ يَحۡكُمُ بِهَا ٱلنَّبِيُّونَ ٱلَّذِينَ أَسۡلَمُواْ لِلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلرَّبَّٰنِيُّونَ وَٱلۡأَحۡبَارُ بِمَا ٱسۡتُحۡفِظُواْ مِن كِتَٰبِ ٱللَّهِ وَكَانُواْ عَلَيۡهِ شُهَدَآءَۚ فَلَا تَخۡشَوُاْ ٱلنَّاسَ وَٱخۡشَوۡنِ وَلَا تَشۡتَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِي ثَمَنٗا قَلِيلٗاۚ وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٤٤﴾.

و حق‌تعالی تورات را بر موسی ÷ نازل فرمود که در آن دلیل قاطع، شافی و کافی است و بین گمراهی و هدایت، عدالت و ظلم فرق می‌گذارد و براساس آن انبیای بنی اسرائیل در بین یهودیانی که در برابر فرمان خدا گردن نهادند نه سرکشانِ آن‌ها حکم می‌کنند. چنان‌چه علمای ربانیی که از خدای خود می‌ترسند و فقهای بنی اسرائیل که به لقای خدا أ یقین کامل دارند نیز براساس آن حکم می‌نمایند، چون حق‌تعالی آن‌ها را بر این کار امر فرموده و از آن‌ها خواسته است تا تورات را محافظت کنند و آن را تحریف و تبدیل نکنند و هیچ‌یک از آیات الهی و احکام شریعتش را به خاطر به دست آوردن متاع زودگذر دنیای فانی و یا رسیدن به مقام و منصب تبدیل و با نصوص الهی بازی نکنند تا احکام شرعی و الهی معطل قرار نگیرد و دنیای فانی بر سرای باقی برتری داده نشود. و هر کس به آنچه خدا أ نازل کرده حکم نکند و شریعتش را تغییر دهد و چنین پندارد که حکم غیر خدا أ از حکم خدای‌تعالی بهتر است، چنین کسی قطعاً و یقیناً کافر و از ملت اسلام خارج و مرتد است، زیرا به حکم غیر خدا أ راضی شده و حکم اوتعالی را فرو گذاشته است.

﴿وَكَتَبۡنَا عَلَيۡهِمۡ فِيهَآ أَنَّ ٱلنَّفۡسَ بِٱلنَّفۡسِ وَٱلۡعَيۡنَ بِٱلۡعَيۡنِ وَٱلۡأَنفَ بِٱلۡأَنفِ وَٱلۡأُذُنَ بِٱلۡأُذُنِ وَٱلسِّنَّ بِٱلسِّنِّ وَٱلۡجُرُوحَ قِصَاصٞۚ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِۦ فَهُوَ كَفَّارَةٞ لَّهُۥۚ وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٤٥﴾.

و محققاً که ما بر بنی اسرائیل لازم گردانیدیم که اگر نفسی دیگر را بکشد خود را در بدل نفس مقتول کشته شود و اگر کسی کسی دیگر را کور یا کر کند و یا بینی‌اش را بر کند و یا دندان کسی را بشکند در بدل همۀ این‌ها مقابله بالمثل می‌شود و در تمام جروح و زخم‌ها مطابق خود آن جرح و زخم قصاص است. هدف از همۀ این‌ها این است که تا در زمین ظلم و ستم و تجاوزی نباشد و تا جان و اعضای مردم حفظ شود و تا که انسان از تجاوز برادر خود در امان باشد. ولی هر کس بر او تجاوز صورت گیرد و خود او به رضایت خویش عفو کند خدای‌تعالی نیز گناهانش را مقابل عفوی که انجام داده می‌بخشد. و هر کس به این شریعت حکم نکند او انسانی متجاوز و مخالف امر خداست و باری‌تعالی او را در جملۀ ستمگرانی داخل می‌کند که برای آن‌ها عذابی دردناک آماده کرده است.

﴿وَقَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡإِنجِيلَ فِيهِ هُدٗى وَنُورٞ وَمُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَهُدٗى وَمَوۡعِظَةٗ لِّلۡمُتَّقِينَ ٤٦﴾.

سپس در پی انبیای بنی اسرائیل عیسی مسیح ÷ را فرستادیم و با او انجیل را نازل نمودیم که در آن انواع و اقسام دلائل واضح و نور درخشان و بیان شافی است و این کتاب در واقع تصدیق کنندۀ احکام تورات است و آن را نسخ نمی‌نماید و در آن بیان بسیاری از آداب و اخلاقیات و موعظه‌هایی است که بنده را به سوی راهیابی رهنمود می‌سازد و از سرکشی و فساد بازمی‌دارد. از تمام این احکام و موعظه پند نمی‌گیرد مگر کسی که از خدای خود بترسد و تقوای الهی را رعایت نموده و به اصلاح آنچه بین او و خدایش است بپردازد، زیرا علم و دانش به او نفع می‌رساند و به غیر او نفع نمی‌رساند.

﴿وَلۡيَحۡكُمۡ أَهۡلُ ٱلۡإِنجِيلِ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فِيهِۚ وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٤٧﴾.

حق‌تعالی بر مسیحیان لازم گردانید تا مطابق آنچه در انجیل نازل شده حکم کنند زیرا آنچه بر عیسی ÷ نازل شده به منظور اقامۀ اوامر و اجتناب از نواهی‌اش است و تا که از این طریق امر خدای‌تعالی اطاعت گردد ولی کسی که مطابق فرمان خدا أ حکم نکند و شریعتش را تغییر و تبدیل نماید چنین کسی از طاعت خدا أ خارج است و هر که از طاعت اوتعالی خارج شود ستمگر و انسان بدکاری است که از ملت اسلام خارج شده و از این طریق هم بر خود ظلم نموده و هم بر دیگران زیرا شریعت خالق را با شریعت مخلوق تبدیل نموده است.

﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمُهَيۡمِنًا عَلَيۡهِۖ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡحَقِّۚ لِكُلّٖ جَعَلۡنَا مِنكُمۡ شِرۡعَةٗ وَمِنۡهَاجٗاۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَكُمۡ فِي مَآ ءَاتَىٰكُمۡۖ فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ إِلَى ٱللَّهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ٤٨﴾.

و ما تو را ای محمد با نزول قرآن شرافت و کرامت بخشیدیم، قرآنی که بر حقیقتی نازل شده که بین هدایت و گمراهی تمایز ایجاد می‌کند. قرآن تصدیق کنندۀ کتاب‌های گذشته مانند تورات و انجیل است و تمام حقایق این کتاب‌ها را ثابت می‌داند و انحرافات آن‌ها را رد می‌نماید. ولی قرآن ناسخ بسیاری از احکام این دو کتاب است به خصوص احکامی که در آن مشقت و تکلیف طاقت فرساست. پس بر تو ای محمد لازم است تا مطابق آنچه در کتاب الهی و سنّت نبوی است حکم کنی و هیچگاه به دنبال هوی و هوس مردمان نروی و وحی منزل از آسمان را فرو نگذاری بلکه همواره از حق پیروی کنی هر کسی راضی می‌شود راضی شود و اگر دچار خشم می‌شود خشمگین شود.

شرایع و احکام پیامبران از هم تفاوت دارند ولی اصل ادیان همه یکی است. به عنوان مثال یهودیان از خود شریعتی دارند و مسیحیان نیز و شما مسلمانان از خود شریعت خاص خود را دارید ولی ملت همه یکی و فقط اسلام است و اگر خدای‌تعالی اراده می‌فرمود تا همۀ مردم را بریک شریعت قرار دهد این کار را می‌کرد، زیرا قدرت او نافذ و جاری است ولی حق‌تعالی اراده فرمود تا دل‌های بندگان را امتحان کند و در بین آن‌ها شرائع گوناگونی بفرستد تا دیده شود چه کسی از اوتعالی اطاعت می‌کند و چه کسی نافرمانی، چه کسی شریعت الهی را تصدیق می‌کند و چه کسی تکذیب. بنابراین بر شما مسلمانان لازم است تا هموراه به سوی انجام اعمال خوب از قبیل طاعت خدا أ و رعایت تقوای او بشتابید و از پیامبرش اطاعت کنید و به روزی که به ملاقات پروردگار می‌روید باور و یقین کامل داشته باشید، زیرا این بازگشت حتمی و یقینی است و پایان کار نزد اوست و او به زودی شما را مورد باز خواست قرار می‌دهد و بر اعمالی که انجام داده‌اید اگر خوب بود پاداش و اگر بد بود کیفر می‌دهد.

﴿وَأَنِ ٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ وَٱحۡذَرۡهُمۡ أَن يَفۡتِنُوكَ عَنۢ بَعۡضِ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيۡكَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَٱعۡلَمۡ أَنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعۡضِ ذُنُوبِهِمۡۗ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِ لَفَٰسِقُونَ ٤٩﴾.

و بر توست ای محمد ج! تا بر یهود و دیگران مطابق آنچه خداوند أ نازل نموده حکم کنی و هیچگاه از هوی و هوس و اموری که نفس‌های مردم نیکو می‌پندارند پیروی ننمائی و بر آن‌ها عدالت را تطبیق کن و از این برحذر باش که تو را از حقیقت که بر تو نازل شده بازدارند.

این آیه کریمه دربارۀ بزرگانی از یهود نازل شده که نزد پیامبر اسلام ج آمده و از ایشان خواهان آن شدند تا به نفع آن‌ها و بر علیه مردم‌شان حکم کند تا آن‌ها از ایشان پیروی کنند. این‌ها چنین استدلال می‌کردند که اگر ما از تو پیروی کنیم دیگران نیز از تو پیروی می‌نمایند. خدای‌تعالی پیامبر خود را از پذیرفتن این پیشنهاد آن‌ها برحذر داشت و فرمود که اگر تو در بین آن‌ها مطابق حق و عدالت حکم کنی و آن‌ها از پذیرش این حکم سر باز زنند و این حقیقت را نپذیرند تو بدان که خدای‌تعالی اراده دارد تا آن‌ها را بر گناهان و جرائمی که مرتکب شده‌اند جزا دهد و اگر اکثر انسان‌ها از طاعت خدا أ خارج باشند حتماً اندکی از آن‌ها سپاسگذار خواهند بود در حالی که اکثراً منکر آیات الهی و تکذیب کنندگان شریعتش‌اند و از طاعت و عبادتش خارج می‌باشند.

﴿أَفَحُكۡمَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ يَبۡغُونَۚ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكۡمٗا لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ٥٠﴾.

سبحان الله! این‌ها حکم جاهلیت، هوا و انحراف را می‌پذیرند و از قبول حکم خدا أ که بر مبنای حقیقت نازل شده و همه‌اش نور، صداقت و عدالت است سر باز می‌زنند. این‌ها حکم آفریده‌های جاهل، غافل و مقصر را می‌پذیرند و حکم خدای خالق، عادل، حکیم، دانا، و باخبر از همه چیز را ترک می‌کنند. این‌ها قومی‌اند که نه تصدیق می‌کنند و نه ایمان می‌آورند و نه ارادۀ خیر و خوبی دارند. هیچ حکمی از حکم خدا أ بهتر، عادلانه‌تر، واضح‌تر، حکیم‌تر، مصلحت آمیزتر و به خوبی دنیا و آخرت نیست ولی حکم الهی را فقط کسی می‌پذیرد و از آن خشنود می‌شود که ایمان در دل او محکم و استوار شده باشد و او مولای خود را دوست داشته باشد و از او طاعت کند.

﴿۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلۡيَهُودَ وَٱلنَّصَٰرَىٰٓ أَوۡلِيَآءَۘ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمۡ فَإِنَّهُۥ مِنۡهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥١﴾.

ای مؤمنان! ای آنانی که به کتاب پروردگار خود باورمند شده و از پیامبر خویش پیروی نمودید، یهودیان و نصرانیان را غیر از خدا أ دوست نگیرید طوری که از آن‌ها یاری بطلبید و نسبت به آن‌ها دوستی و محبت داشته باشید. این یهودیان و نصرانیان همدیگر خویش را یاری می‌رسانند و دوست می‌گیرند و از این طریق همۀ آن‌ها در یک حزب با شما می‌جنگند و هر کسی که یهود و نصارا را را دوست بگیرد او در واقع از آن‌هاست، زیرا به اعمال آن‌ها راضی شده و غیر از مؤمنان آن‌ها را برای خود دوست گرفته است. چنین کسی با این عمل مرتکب ظلم، ستم و تجاوز شده است و حق‌تعالی هرگز ستمگر را هدایت و اصلاح نمی‌کند و موفق نمی‌سازد.

﴿فَتَرَى ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ يُسَٰرِعُونَ فِيهِمۡ يَقُولُونَ نَخۡشَىٰٓ أَن تُصِيبَنَا دَآئِرَةٞۚ فَعَسَى ٱللَّهُ أَن يَأۡتِيَ بِٱلۡفَتۡحِ أَوۡ أَمۡرٖ مِّنۡ عِندِهِۦ فَيُصۡبِحُواْ عَلَىٰ مَآ أَسَرُّواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ نَٰدِمِينَ ٥٢﴾.

به زودی منافقان را خواهی یافت که در موالات و دوستی یهود و نصارا باهم مسابقه می‌دهند. آن‌ها چنین ادعا می‌کنند که شاید مسلمانان با یهود و نصارا وارد جنگ شوند و آن‌ها می‌خواهند با این عملکرد خود گویا از حوادث پیشی گیرند و با این دوستی شأن و شکوت آن‌ها را بشکنند. همچنان گفته شده که آن‌ها می‌خواستند با این دوستی برای خود پشتوانۀ محکمی نزد آن‌ها بیابند و با آن‌ها خود را تقویت کنند و از آن‌ها در مبارزه با مسلمانان یاری بجویند و تا که مسلمانان نتوانند بر آن‌ها هجوم آورند. حق‌تعالی در کتاب خود این امیدواری را داد که مسلمانان مکه را فتح کنند و با فتح مکه مشرکان و هم پیمانان‌شان از یهود و نصارا هلاک کنند و یا امری دیگر در هلاک آن‌ها و ازالۀشان صادر کند و مسلمانان را بر علیه آنان یاری رساند، در آن هنگام خواهد بود که منافقان بر اعمال خویش در موالات با دشمنان خدا أ و یکجا شدن با آن‌ها پشیمان خواهند شد.

﴿وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَهَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ إِنَّهُمۡ لَمَعَكُمۡۚ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فَأَصۡبَحُواْ خَٰسِرِينَ ٥٣﴾.

مؤمنان به یهودیان می‌گویند این انصار و کمک‌گاران‌تان از منافقان که به شما اظهار دوستی می‌کنند ولی در باطن از شما بد می‌برند و سوگند یاد می‌کنند که با شمایند، این‌ها اصلاً مردم ذلیل و بدبخت و شقاوت پیشه‌یی‌اند که حق‌تعالی ثمره و نتیجۀ اعمال‌شان را به سبب نفاقی که دارند از بین برد و برای آن‌ها هیچ عهد و پیمانی نه در دنیاست و نه در آخرت.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَن يَرۡتَدَّ مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَسَوۡفَ يَأۡتِي ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُۥٓ أَذِلَّةٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ يُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوۡمَةَ لَآئِمٖۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ٥٤﴾.

ای مؤمنان! هر کس از شما که از دین اسلام به سوی کفر روی آورد خداوند أ از او غنی است و نیازی به عبادتش ندارد و به زودی حق‌تعالی به اسلام، عوض بهتری از او خواهد داد و لشکریانی خواهد آورد که او را دوست داشته باشند و او نیز آن‌ها را دوست داشته باشد، کسانی که در برابر مؤمنان متواضع و فروتن و در برابر کفار قوی و شدید باشند و در راه خدا أ با دست، زبان، علم و قلم خویش جهاد کنند و باکی از ملامت هیچ ملامتگر و تمسخر هیچ مسخره‌گر نداشته باشند، زیرا ایمان آن‌ها قوی و خودشان دارای مبادی ثابت و استوارند. این از فضل خداست که آن‌ها را بر جهاد، موالات و محبت خود توفیق داده و فضل الهی وسیع و بی‌حد است و هیچ باز دارنده‌ای برای خیرش نیست، چون اوتعالی می‌داند چه کسی مستحق فضل و احسان اوست.

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُمۡ رَٰكِعُونَ ٥٥﴾.

ای مؤمنان! خداوند أ ولی و دوست‌دارتان است نه یهودیان، نصرانیان و مشرکان، ولی شما پیامبر خداست که این دین را برای شما آورده است. ولی شما مؤمنان صادقی‌اند که نمازها را برپای می‌دارند و زکات می‌دهند و در برابر پروردگار خویش متواضع و فروتن اند. حق این است که شما این‌ها را برای خود مولا و دوست بگیرید.

﴿وَمَن يَتَوَلَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَإِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ٥٦﴾.

و آنکه خدا أ و رسولش و مؤمنان را دوست گیرد و با آن‌ها یکجا شود و از آن‌ها یاری جوید، چنین کسی در حقیقت پیروز است و عاقبت از آن او و خدای‌تعالی با او خواهد بود و هر که خدای رحمان دوستش باشد هرگز شکست نمی‌خورد و مغلوب واقع نمی‌شود.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَكُمۡ هُزُوٗا وَلَعِبٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ وَٱلۡكُفَّارَ أَوۡلِيَآءَۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٥٧﴾.

ای مؤمنان! از این برحذر باشید که یهود، نصارا، مشرکان و منافقان را دوست بگیرید و از آن‌ها خواهان دوستی و محبت شوید در حالی که به دین شما استهزا نموده آن را عامل خندۀ خود قرار دادند. این‌ها دشمنان واقعی شمایند پس شما نیز با کسانی که خدای شما دشمن گرفته دشمنی کنید و از کیفر الهی و خشم او برحذر باشید اگر به آنچه خدای شما ارشاد و امر فرموده ایمان دارید.

﴿وَإِذَا نَادَيۡتُمۡ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ ٱتَّخَذُوهَا هُزُوٗا وَلَعِبٗاۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡقِلُونَ ٥٨﴾.

این دشمنان از میان کتاب و منافقان، هرگاه اذان را بشنوند آن را مصدر تمسخر، استهزا و خندۀ خود قرار می‌دهند؛ زیرا به خدای خود استخفاف نموده و از طاعتش بیرون شدند و دیگر اینکه با شما دشمنی شدید دارند از این‌روی نزد آن‌ها خشیت و عقلی که آن‌ها را بازدارد نیست پس آن‌ها دشمن‌اند نه دوست.

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ هَلۡ تَنقِمُونَ مِنَّآ إِلَّآ أَنۡ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلُ وَأَنَّ أَكۡثَرَكُمۡ فَٰسِقُونَ ٥٩﴾.

ای محمد ج! برای اهل کتاب بگو: ای یهودیان و نصرانیان! آیا به خاطر اینکه به پروردگار خویش ایمان آورده و از پیامبر پیروی نموده و به قرآن و آنچه پیش از آن نازل شده باور کردیم آیا به خاطر چنین اموری از ما عیب‌جوئی می‌کنید و این کار را از ما نمی‌پذیرید؟ آیا این شما نیستید که از طاعت خدا أ بیرون شدید؟ پس کدام گروه سزاوار این است که عیب‌جوئی شود و عملکردش پذیرفته نشود؟ ما یا شما؟

﴿قُلۡ هَلۡ أُنَبِّئُكُم بِشَرّٖ مِّن ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِندَ ٱللَّهِۚ مَن لَّعَنَهُ ٱللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيۡهِ وَجَعَلَ مِنۡهُمُ ٱلۡقِرَدَةَ وَٱلۡخَنَازِيرَ وَعَبَدَ ٱلطَّٰغُوتَۚ أُوْلَٰٓئِكَ شَرّٞ مَّكَانٗا وَأَضَلُّ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ ٦٠﴾.

ای یهودیان و نصرانیان! آیا شما را از کسی خبر ندهم که عاقبتی بد دارد و برایش عذابی دردناک است؟ این شخص کسی است که حق‌تعالی بر او طرد شدن و دوری از رحمت خویش را مقدر نموده در نتیجه او به سوی خشم خدا أ باز گشته است، زیرا به پیامبران استهزا نموده و آنان را کشته است و علاوه بر این‌ها دست به تحریف کتاب مقدس زده و از اوامر پروردگار دور شده است. حق‌تعالی چهره‌های آن‌ها را چهره‌های بوزینه و خوک ساخته و در میان آن‌ها کسانی را قرار داده که شیطان و پیروانش را می‌پرستند. این‌ها تمام تلاش‌ها و اعمال‌شان، هم در دنیا و هم در آخرت به هدر رفته و آن‌ها بدترین خلق خدایند و این‌ها کسانی‌اند که از راه راست منحرف شده‌اند.

﴿وَإِذَا جَآءُوكُمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَقَد دَّخَلُواْ بِٱلۡكُفۡرِ وَهُمۡ قَدۡ خَرَجُواْ بِهِۦۚ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا كَانُواْ يَكۡتُمُونَ ٦١﴾.

این دسته از یهودیان که نزد شما تظاهر به اسلام می‌کنند زمانی که نزد شما بیایند می‌گویند ما به دین شما ایمان آورده و به پیامبرتان باور داریم در حالی که حقیقت چیز دیگری است، آن‌ها هنگامی که با کفر نزد شما آمده و با کفر نزد قوم خویش برگشتند و خدای‌تعالی به تمام امور پوشیده و آنچه در نهاد خویش پنهان می‌دارند آگاه است و به زودی آن‌ها را محاسبه خواهد نمود.

﴿وَتَرَىٰ كَثِيرٗا مِّنۡهُمۡ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ وَأَكۡلِهِمُ ٱلسُّحۡتَۚ لَبِئۡسَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٦٢﴾.

بسیاری از یهودیان در ارتکاب گناه، حرام خواری و مخالفت اوامر الهی و ترک طاعت او باهم مسابقه می‌دهند. چقدر بد است کارشان. آن‌ها مرتکب بدی شده و کار بسیار بدی را انجام دادند.

﴿لَوۡلَا يَنۡهَىٰهُمُ ٱلرَّبَّٰنِيُّونَ وَٱلۡأَحۡبَارُ عَن قَوۡلِهِمُ ٱلۡإِثۡمَ وَأَكۡلِهِمُ ٱلسُّحۡتَۚ لَبِئۡسَ مَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ ٦٣﴾.

آیا اندیشمندان و رؤسای یهودیان آن‌ها را از دروغ، رشوت و سود‌خواری منع نمی‌کنند؟ آیا آن‌ها را از این افعال بد و زشت برحذر نمی‌دارند؟ آیا آن‌ها را پند و اندرز نمی‌دهند؟ چقدر بد است این عمل آن‌ها! و چقدر سایر منکراتی که مرتکب می‌شوند بد است! علمای‌شان چقدر عمل بدی را مرتکب می‌شوند زمانی که آن‌ها را از منکر بازنمی‌دارند. این آیه دلالت بر آن دارد که ترک نهی خود انجام فعل است، زیرا نه علمای آن‌ها، را نصیحت کردند و نه عوام‌شان نصیحتی شنیده و از عملکرد زشت خود دست کشیدند از این‌روی همۀ آن‌ها در معصیت باهم اشتراک نموده و به سوی خشم الهی بازگشتند.

﴿وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ يَدُ ٱللَّهِ مَغۡلُولَةٌۚ غُلَّتۡ أَيۡدِيهِمۡ وَلُعِنُواْ بِمَا قَالُواْۘ بَلۡ يَدَاهُ مَبۡسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيۡفَ يَشَآءُۚ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرٗا مِّنۡهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ طُغۡيَٰنٗا وَكُفۡرٗاۚ وَأَلۡقَيۡنَا بَيۡنَهُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ كُلَّمَآ أَوۡقَدُواْ نَارٗا لِّلۡحَرۡبِ أَطۡفَأَهَا ٱللَّهُۚ وَيَسۡعَوۡنَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَسَادٗاۚ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٦٤﴾.

و از بدی عملکرد یهود که خداوند هلاک‌شان کند یکی هم این است که آن‌ها بر خدا أ افترا نموده گفتند که اوتعالی در انفاق خویش بخیل است و به خلق خود روزی وسیع نمی‌دهد. - خداوند أ بسیار بلندتر از این اتهام آن‌هاست – حق‌تعالی این اتهام را با نفرین پاسخ داد و بیان داشت که دست‌های خود آن‌ها بسته است و به زودی در روز قیامت این دست‌ها بر گردن‌های‌شان بسته خواهد شد و از رحمت الهی طرد خواهند گردید. واقعیت چنین است که خداوند أ با هردو ید بلاکیف خود انفاق می‌کند و هردو یدش یمین، دهنده و پر از برکت و شب و روز گسترده است و اوتعالی همۀ آنچه در آسمان‌ها و زمین قرار دارند را روزی می‌دهد و او بسیار سخاوتمند، بخشنده و دارای فضل و منت زیاد است. این یهودیان با نزول قرآن به زودی کفری را بر کفر خویش و عدوانی را بر عدوان خویش می‌افزایند، زیرا هرگاه آیه‌ای نازل شود و آن‌ها به آن کافر شوند کفر و سرکشیی بر کفر و سرکشی آن‌ها افزوده می‌گردد. علاوه بر این آن‌ها در برابر هر آیه‌ای که بر شما نازل می‌شود با شما از در حسادت وارد می‌شوند و به این ترتیب گناهی بر گناهان‌شان نزد پروردگار علاوه می‌گردد.

همچنان پروردگار در بین فرقه‌های آن‌ها عداوت، دشمنی، کینه و خشم را ایجاد نموده از این‌روی آن‌ها در بین خود به دشت اختلاف و مخاصمه دارند و این خصومت تا روز قیامت ادامه خواهد داشت طوری که هیچگاه بریک رأی و نظر جمع نخواهند شد. آن‌ها هرگاه تلاشی را به منظور جنگ با مسلمانان و شعله‌ور ساختن آتش فتنه در بین آن‌ها انجام دهند خداوند أ این مکر و حیلۀشان را بر خود آن‌ها بازمی‌گرداند و تلاش‌شان را باطل می‌نماید. آن‌ها هیچگاه دست از تباهی‌گری در زمین و انتشار فتنه و جنایت و اشاعۀ کارهای بد برنمی‌دارند. حق‌تعالی کسی را که چنین صفتی داشته باشد دوست ندارد زیرا او از اهل فساد و مفسدان بیزار است. او فقط اهل صلاح و تقوا را دوست دارد.

﴿وَلَوۡ أَنَّ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَكَفَّرۡنَا عَنۡهُمۡ سَيِّ‍َٔاتِهِمۡ وَلَأَدۡخَلۡنَٰهُمۡ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ٦٥﴾.

اگر یهودیان و نصرانیان به آنچه خدا أ بر پیامبر خود نازل فرموده باور داشته باشند و از پیامبرش پیروی کنند و در ضمن به پیامبران خود نیز ایمان بیاورند و از آن‌ها نیز تبعیت نمایند و به امتثال امر خدا أ و اجتناب از نواهی‌اش بپردازند، تمام بدی‌های آن‌ها را محو خواهیم کرد و از اعمال بدشان در خواهیم گذشت و بر آن‌ها رحم خواهیم نمود و توبۀشان را خواهیم پذیرفت و عاقبت آن‌ها در بهشت ماندگار و جاودان توأم با حصول رضوان الهی و رستگاری بزرگ خواهد بود.

﴿وَلَوۡ أَنَّهُمۡ أَقَامُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِم مِّن رَّبِّهِمۡ لَأَكَلُواْ مِن فَوۡقِهِمۡ وَمِن تَحۡتِ أَرۡجُلِهِمۚ مِّنۡهُمۡ أُمَّةٞ مُّقۡتَصِدَةٞۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ سَآءَ مَا يَعۡمَلُونَ ٦٦﴾.

و اگر این یهودیان به آنچه در تورات نازل شده و نصرانیان به آنچه در انجیل نازل شده ایمان آورند و علاوه بر آن، به آنچه بر محمد ج نازل شده نیز باور کنند، حتماً خدای‌تعالی در روزی آن‌ها خواهد افزود و به آن‌ها نعمت بسیار ارزانی خواهد داشت و این روزی را در بوستان‌ها و باغ‌های پُر از انواع و اقسام میوه قرار خواهد بود.

و در میان این یهودیان و نصرانیان گروهی معتدل نیز قرار دارند که در حوزۀ دین، منهج و روشی معتدل و میانه داشته طوری که نه زیاده روی می‌کنند و نه کوتاهی، این‌ها کسانی‌اند که از پیامبر اسلام ج پیروی نمودند اما عمل اکثر آن‌ها بد و زشت است، زیرا به مخالفت امر خدای‌تعالی می‌پردازند و رسولش را تکذیب می‌کنند.

﴿۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ بَلِّغۡ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَۖ وَإِن لَّمۡ تَفۡعَلۡ فَمَا بَلَّغۡتَ رِسَالَتَهُۥۚ وَٱللَّهُ يَعۡصِمُكَ مِنَ ٱلنَّاسِۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٦٧﴾.

ای محمد ج ! بر توست تا رسالتی را که حق‌تعالی تو را امین آن قرار داده ادا کنی و این دین را به گونۀ کامل تبلیغ نمائی و هرگز از آن چیزی نکاهی که اگر چنین کنی در واقع امانت را بر وجه درست ادا نکرده رسالت خویش را نرسانیدی و امّت را نصیحت نکردی! ایشان هرگز چنین نکردند – و در تبلیغ رسالت از مردم نترس که خدا أ حافظ و نگهبان تو و باطل کنندۀ مکر و حیلۀ دشمنان توست، زیرا هر کسی که با تو دشمنی کند کافر است و حق‌تعالی هیچگاه کافر را ره نمی‌نماید و مانع او از کارهای بد نمی‌شود و او را برای انجام هیچ خیری موفق نمی‌سازد، پس رسالت از جانب خداست و بر پیامبر صرفاً تبلیغ و رسانیدن آن. خدای‌تعالی رسالت خود را بیان نمود و محمد ج آن را ادا کرد و ما مسلمان شده به آن باور نمودیم.

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَسۡتُمۡ عَلَىٰ شَيۡءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُمۡۗ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرٗا مِّنۡهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ طُغۡيَٰنٗا وَكُفۡرٗاۖ فَلَا تَأۡسَ عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٦٨﴾.

ای یهود و نصارا! شما بر حق و بر بیّنه‌ای از امر خویش نیستید تا خود را به تورات و انجیل بدانید، به خصوص بعد از اینکه این دو کتاب آسمانی را تحریف نموده و بسیاری از نصوص آن را تغییر دادید و عمل به آن‌ها را کنار گذاشتید و پیامبر خدا حضرت محمد ج را نیز تکذیب نمودید.

آنچه حق‌تعالی بر پیامبر خود نازل نموده در حق این‌ها مایۀ دوری از خدا و ارتکاب معصیت است؛ زیرا هرگاه پیامبر ج آیه‌ای را ارائه کند آن‌ها تکذیب می‌کنند و اگر دلیل و برهانی ارائه کند به آن کافر می‌شود و با این عناد و تکذیب، بر کفر خویش می‌افزایند. پس تو ای محمد ج بر کفر و اعراض آن‌ها غمگین مباش که حق‌تعالی از آن‌ها بی‌نیاز است و به زودی تو را بر آن‌ها یاری می‌رساند و به جای آن‌ها انسان‌های بهتری قرار می‌دهد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلصَّٰبِ‍ُٔونَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٦٩﴾.

مؤمنانی که به کتاب‌های خدا أ ایمان آورده و از پیامبرانش پیروی می‌کنند مانند یهودیانی که موسی ÷ را تصدیق نموده و از آنچه در تورات آمده تبعیت کردند و همچنان «صابئه» (کسانی که دینی مشخص ندارند ولی بر فطرت خویش قرار دارند) و همچنان نصرانیانی که از عیسی ÷ پیروی نموده و انجیل را تصدیق کردند و هرکدام در زمان خویش به روز آخرت ایمان آورده و عمل شایسته انجام دادند، این‌ها هرگز از مشکلاتی که در آینده منتظر آن‌هاست در خوف و بیم قرار نخواهند داشت، زیرا خدای‌تعالی به سبب اعمال صالحی که آن‌ها انجام داده‌اند خوف‌شان را از بین بُرد، از این‌روی آن‌ها غم و اندوهی به خاطر کارهایی که انجام داده‌اند نخواهند داشت. این‌ها کسانی‌اند که در زمان خویش به پیامبران خود ایمان آورده‌اند اما بعد از بعثت حضرت محمد ج برای هیچ کسی جز پیروی از ایشان مجاز نیست: ﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٨٥﴾ [آل عمران: 85] «و هر که غیر از اسلام دینی دیگر بر گزیند هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود». بنابراین، آیه هم شامل کسانی می‌شود که به پیامبران خود ایمان آورده و پیش از بعثت حضرت محمد ج مردند و هم آن دسته از اهل کتاب به ایشان بعد از بهثت ایمان آوردند.

﴿لَقَدۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَأَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمۡ رُسُلٗاۖ كُلَّمَا جَآءَهُمۡ رَسُولُۢ بِمَا لَا تَهۡوَىٰٓ أَنفُسُهُمۡ فَرِيقٗا كَذَّبُواْ وَفَرِيقٗا يَقۡتُلُونَ ٧٠﴾.

در گذشته از یهودیان عهد و پیمان‌های محکم و سوگندهای شدید بر این امر گرفتیم که به خدا أ ایمان آورده و از پیامبرانش پیروی کنید ولی زمانی که پیامبران را به سوی آن‌ها فرستادیم و آن‌ها ملاحظه کردند آنچه این پیامبران با خود آورده‌اند مخالف هوس‌های‌شان است شروع به کشتن پیامبران نمودند و آن‌ها را تکذیب نموده و به این ترتیب دو عمل زشت انجام دادند: تکذیب کتاب‌ها و کشتن پیامبران. به این ترتیب هدایت را ترک کرده و از هوی و هوس پیروی کردند و در مسیر پَست گام برداشتند.

﴿وَحَسِبُوٓاْ أَلَّا تَكُونَ فِتۡنَةٞ فَعَمُواْ وَصَمُّواْ ثُمَّ تَابَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ ثُمَّ عَمُواْ وَصَمُّواْ كَثِيرٞ مِّنۡهُمۡۚ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ ٧١﴾.

یهودیان گمان کردند که خدای‌تعالی در قبال عملکردشان آن‌ها را کیفر نخواهد داد از این‌روی کوری را بر هدایت ترجیح داده و از شنیدن سخن حق کَر شدند سپس خدای‌تعالی توبۀ آن‌ها را پذیرفت تا در خویشتن نظر کنند و به سوی خدای خود بازگردند، اما آن‌ها دوباره به ارتکاب جرم و جنایات خود پرداخته و در شنیدن و دیدن حق بر کوری و کری خود افزودند. بسیاری از آن‌ها چنین کردند و تعداد اندکی از آن‌ها هدایت را پذیرفتند. و بر خدا أ هیچ کاری از آن‌ها پوشیده نیست و به زودی اوتعالی آن‌ها را به سبب عملکرد زشت‌شان کیفر خواهد داد.

﴿لَقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَۖ وَقَالَ ٱلۡمَسِيحُ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمۡۖ إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ٧٢﴾.

سوگند به خدا أ آن دسته از مسیحیان کافر شدند که گفته‌اند عیسی مسیح ÷ خداست.

این فرقه به نام «یعقوبیان» شناخته می‌شوند، کسانی که گمان می‌کنند خدای‌تعالی در عیسی مسیح حلول نموده است. این فرقه همچنان به مبدأ لاهوت و ناسوت معتقد‌اند که براساس این نظریه می‌گویند ذات خدا أ در ذات عیسی ÷ حلول نموده است. – حق‌تعالی از چنین چیزی پاک و منزه است – این‌ها همچنان می‌گویند عیسی ÷ بین اینکه خدا باشد و هم‌زمان انسان نیز باشد جمع نموده و در اخیر ایشان را خدا پنداشتند در حالی که خود این پیامبر ÷ از چنین باوری بریء و بیزار است و خود او در میان قوم خود فریاد برداشت که ای قوم من خدای را عبادت کنید که مستحق عبودیت و الوهیت است و من را نپرستید که من بنده‌ای از بندگان اویم و پروردگار من و شما خداست و او کسی است که ما را آفریده و روزی داده و امر کرده است تا تنها او را عبادت کنیم. این عمل شما شرک آلود است و شما را از ملت اسلام بیرون می‌کند و آنکه به خدا أ شریک آورد بهشت بر او حرام است و آتش جایگاه اوست که در آن برای همیشه جاودان خواهد بود. چنین کسی ستمگار و تجاوزگر است و برای ستمگار و متجاوز دوستی که از او بدی را در روز قیامت دفع کند و یا به او نفع برساند نیست و یاری دهنده‌ای برایش در برابر عذاب نیست.

﴿لَّقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ ثَالِثُ ثَلَٰثَةٖۘ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّآ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۚ وَإِن لَّمۡ يَنتَهُواْ عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٧٣﴾.

گروهی دیگر از مسیحیان قایل به تثلیت‌اند (سه گانه پرستی) و اینکه خدا سوم سه تاست: خدای پدر، خدای پسر و روح القدس، این‌ها نیز به خدا أ کافر و در آتش دوزخ قرار دارند، زیرا خدایی جز خدای یگانه نیست و برای اوتعالی شریکی در ملکش وجود ندارد و عیسی ÷ و مریم ÷ بندگان خدایند. این گروه اگر دست از این دروغ و افترای خود برندارند به زودی خداوند أ آن‌ها را به کیفر خویش گرفتار می‌کند و یقیناً کیفر او بسیار عظیم و بزرگ است و هیچ‌کس طاقت تحمل آن را ندارد، زیرا آن‌ها بزرگ‌ترین گناه را مرتکب شده‌اند.

﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى ٱللَّهِ وَيَسۡتَغۡفِرُونَهُۥۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٧٤﴾.

آیا این‌ها از این گفتۀ مرض آلود خود دست برنمی‌دارند؟! از عقیدۀ تثلیت و اینکه خداوند أ دارای سه جزء است: یکی پدر، دیگری پسر و سومی روح القدس و از این گمان که مریم و عیسی در الوهیت با خدا أ شریک‌اند. حق‌تعالی از چنین پندار‌هایی بلند مرتبه، یکتا و یگانه است. این‌ها عقل را تحقیر می‌کنند و یک را سه می‌دانند!! این سخن آن‌ها از جملۀ باطل‌ترین نظریات و محال‌ترین محالات است. این‌ها براساس زعم و گمان خود نظریۀ خود را به خورشید تشبیه می‌کنند که دارای: قُرص یا همان کُره، شعاع و حرارت است در حالی که هرسه یکی به شمار می‌روند!! این نظریه در حوزۀ معقولات نوعی سفاهت و نادانی و در منقولات دروغی بیش نیست و در عین حال تحقیر فکر بشر و عقل انسان نیز هست. اگر این‌ها از این نظریۀ باطل توبه و استغفار کنند خدای‌تعالی آن‌ها را می‌بخشد که او بسیار بخشند و مهربان است.

ببینید خدای‌تعالی چگونه بر آن‌ها توبه را عرضه داشته در حالی که او بسیار گنده گفته بودند. این امر در واقع نوعی امید بخشیدن به هر گناه کار بدکاری است که می‌تواند به خویشتن خویش رجوع نموده و توبه کند.

﴿مَّا ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَ إِلَّا رَسُولٞ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِ ٱلرُّسُلُ وَأُمُّهُۥ صِدِّيقَةٞۖ كَانَا يَأۡكُلَانِ ٱلطَّعَامَۗ ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ ثُمَّ ٱنظُرۡ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٧٥﴾.

عیسی فرزند مریم بندۀ خدا و پیامبرش است و خدا نمی‌باشد. او مانند پیامبران پیش از خود است. مریم نیز چنین است، او مادر عیسی و زنی صدیقه، عفیفه، شریفه و پاکدامن است. عیسی و مادرش هردو بشر‌اند و در آن‌ها هیچ خصوصیتی از خدا نیست. آن‌ها نیز به خوردن و نوشیدن نیاز دارند و مانند سایر مردم طعام می‌خورند و فضلات را دفع می‌کنند.

در اینجا ملاحظه می‌شود که قرآن کریم ذوق انسانی را با تعبیر از فضلات طعام به خوردن، وارد بلندترین مراتب آن می‌کند طوری که مفهوم آن را صاحبان زیرکی و هشیاری درک می‌کنند. نظر صحیح و درست و مطابق حقیقت در این مسأله همین است. شگفتا از این عمل نصرانیان که اینگونه دلیل و برهان برای آن‌ها واضح می‌گردد ولی آن‌ها دچار انحراف و سردرگمی می‌شوند و بر خدا أ دروغ برمی‌بندند و سخن باطل و منحرف می‌گویند.

﴿قُلۡ أَتَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَمۡلِكُ لَكُمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗاۚ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٧٦﴾.

ای محمد ج! به نصرانیان بگو آیا کسی را مانند عیسی ÷ که از میان بشر است و مالک هیچ نفع و یا ضرری برای خویشتن نیست می‌پرستید؟! در حالی که خدای‌تعالی مستحق عبادت است چون مالک هر نفع و ضرری می‌باشد و این اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و می‌دهد و بازمی‌دارد. خدای‌تعالی اقوال گناه آلود شما را می‌شنود و بر تمام افعال بد و زشت شما داناست و به زودی همۀتان را بر آنچه انجام داده‌اید مورد محاسبه قرار می‌دهد.

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا تَغۡلُواْ فِي دِينِكُمۡ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوٓاْ أَهۡوَآءَ قَوۡمٖ قَدۡ ضَلُّواْ مِن قَبۡلُ وَأَضَلُّواْ كَثِيرٗا وَضَلُّواْ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ ٧٧﴾.

ای یهود و نصارا! در معتقدات خود از حد تجاوز نکنید و بر پروردگار دروغ نگفته از هوا و هوس پیروی ننمائید. نصرانیان در شأن عیسی ÷ غلو و زیاده روی نموده برخی او را خدا دانستند و برخی دیگر فرزند خدا، چنین باورهایی افترا بر خدا أ و تجاوز از حد است. یهودیان نیز دست به غلو و زیاده روی زده و سخنی زشت در حق مادر عیسی ÷ گفته او را متهم به زنا نمودند و در حق عیسی ÷ نیز گفتند که فرزند غیر شرعی است – خدای‌تعالی وی را گرامی داشته و او و مادرش را از چنین اعمال زشتی نگهداشته است – این‌ها از راه راست دور شدند و در زمین دست به فساد و تباهی زدند و با چنین گفتاری دیگران را نیز گمراه کردند. روی این اساس هردوی این‌ها در معتقدات خود به راه بد رفتند.

﴿لُعِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُۥدَ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ ٧٨﴾.

محققاً که خدای‌تعالی کفار بنی اسرائیل و تکذیبگران‌شان را از رحمت خود طرد نموده و بر آن‌ها خشم فراوان گرفته است. این لعنت را خداوند أ در کتاب «زبور» که بر داود ÷ نازل نموده و در انجیل عیسی ÷ ذکر کرده است چون آن‌ها به مخالفت امر خدا پرداختند و پیامبران الهی را تکذیب نموده و بر دین از طریق ترک اوامر و انجام نواهی و مخالفت با شریعت تجاوز نمودند.

﴿كَانُواْ لَا يَتَنَاهَوۡنَ عَن مُّنكَرٖ فَعَلُوهُۚ لَبِئۡسَ مَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ٧٩﴾.

این بدکاران بنی اسرائیل یکدیگر خود را از انجام فعل بد و فساد نهی نمی‌کنند، بلکه در برابر انجام این اعمال سکوت می‌کنند. چقدر بد است این عملکرد آن‌ها و به زودی خدای‌تعالی به آن‌ها کیفر خواهد داد.

﴿تَرَىٰ كَثِيرٗا مِّنۡهُمۡ يَتَوَلَّوۡنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ لَبِئۡسَ مَا قَدَّمَتۡ لَهُمۡ أَنفُسُهُمۡ أَن سَخِطَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَفِي ٱلۡعَذَابِ هُمۡ خَٰلِدُونَ ٨٠﴾.

بسیاری از یهودیان را می‌یابی نظر به کینه و حقدی که نسبت به مسلمانان دارند با مشرکان بت‌پرست موالات و دوستی می‌کنند. این موالات آن‌ها کاری است زشت. این‌ها با این عمل، خشم و غضب الهی را هم در دنیا و هم در آخرت به خود جلب می‌کنند و به زودی خدای‌تعالی آن‌ها را در آتش دوزخ جاودان می‌سازد، زیرا آن‌ها کفر را به ایمان برگزیدند.

﴿وَلَوۡ كَانُواْ يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلنَّبِيِّ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مَا ٱتَّخَذُوهُمۡ أَوۡلِيَآءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرٗا مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ٨١﴾.

اگر این یهودیان به آنچه از تورات بر پیامبرشان موسی ÷ نازل شده باور می‌داشتند و در عین حال از پیامبر خدا أ پیروی می‌کردند و از موالات با مشرکان دست برمی‌داشتند این کار برای آن‌ها بهتر بود ولی آن‌ها از طاعت خدا أ خارج و در تطبیق اوامر الهی بدکار و سرکشانی‌اند که از پروردگار نمی‌هراسند.

﴿۞لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ ٱلنَّاسِ عَدَٰوَةٗ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلۡيَهُودَ وَٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْۖ وَلَتَجِدَنَّ أَقۡرَبَهُم مَّوَدَّةٗ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّا نَصَٰرَىٰۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنۡهُمۡ قِسِّيسِينَ وَرُهۡبَانٗا وَأَنَّهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ ٨٢﴾.

ای محمد ج! خواهی یافت که بیشترین دشمنی را با مؤمنان پیرو تو یهودیان خواهند داشت، زیرا آن‌ها حسود، متکبر و سرکش‌اند. بعد از آن‌ها مشرکان بت‌پرست خواهند بود ولی نصرانیان از همه بیشتر با مسلمانان دوستی خواهند داشت، زیرا در بین آن‌ها علما، زهاد، عباد، و کسانی قرار دارند که در برابر حق خاضع و فروتن‌اند و برخی از آن‌ها به محمد ج باور دارند و دست به الحاد نزدند که البته منظور همین گروه از نصرانیان است نه همه.

﴿وَإِذَا سَمِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَى ٱلرَّسُولِ تَرَىٰٓ أَعۡيُنَهُمۡ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمۡعِ مِمَّا عَرَفُواْ مِنَ ٱلۡحَقِّۖ يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ ٨٣﴾.

و هرگاه به قرآن کریم گوش فرا دهند چشمان‌شان از خشوع و باوری که به آنچه می‌شنوند دارند پُر از اشک می‌شود، چنان‌چه «نجاشی» و اهل حبشه چنین کردند و از خدای‌تعالی خواستند آن‌ها را در کنار امّت محمد ج از جملۀ شاهدان بر امت‌های دیگر در روز قیامت قرار دهد تا آن‌ها نیز به رستگاری بزرگ برسند.

﴿وَمَا لَنَا لَا نُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَمَا جَآءَنَا مِنَ ٱلۡحَقِّ وَنَطۡمَعُ أَن يُدۡخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلصَّٰلِحِينَ ٨٤﴾.

چه چیزی ما را از توحید خدا أ و تصدیق کتابش و همچنان پیروی پیامبر امّی‌اش بازمی‌دارد. ما آرزو داریم حق‌تعالی ما را از جملۀ کسانی قرار دهد که در عبادت اوتعالی صادق‌اند و به مغفرتش رستگار شده و وارد بهشت او شدند.

﴿فَأَثَٰبَهُمُ ٱللَّهُ بِمَا قَالُواْ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٨٥﴾.

پاداش آن‌ها در پیشگاه خداوند بنابر ایمان به حق و بنابر صداقت در گفتار، کمائی نمودن بهترین بهشت‌ها و رستگاری به رضوان الهی است. این پاداش برای تمام اهل احسان و نیکوکاران است.

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ٨٦﴾.

و آنانی که به پروردگار خود کافر شده و پیامبرش را تکذیب و کتابش را نپذیرفتند این‌ها در آتش دوزخ و در عذاب برای همیشه ماندگار خواهند بود در حالی که نه دوستی دارند تا از آن‌ها شفاعت کند و نه یاری دهنده‌ای که عذاب را از آن‌ها دفع نماید و نه هم دعائی از آن‌ها شنیده می‌شود.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحَرِّمُواْ طَيِّبَٰتِ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ٨٧﴾.

ای مؤمنان! خو را از تمتع پاکیزه‌هایی مانند: خوراکی‌ها، نوشیدنی‌ها و همسران باز ندارید طوری که آن‌ها را بر خویشتن حرام سازید ولی به محرومات نزدیک نشوید که خدای‌تعالی تجاوزگری با تحریم حلال و تحلیل حرام را دوست ندارد. اوتعالی کسی را دوست دارد که مطابق شریعتش عمل کند.

﴿وَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ ٨٨﴾.

و بر شماست ای مؤمنان تا همواره از پاکیزه‌های حلال بخورید و از محرومات پلید اجتناب کنید و از پروردگار خویش با انجام آنچه امر شدید و اجتناب از آنچه نهی شدید بترسید، اگر واقعاً در عبودیت خدا أ و پیروی پیامبر ج و شریعت صداقت دارید.

﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ ٱلۡأَيۡمَٰنَۖ فَكَفَّٰرَتُهُۥٓ إِطۡعَامُ عَشَرَةِ مَسَٰكِينَ مِنۡ أَوۡسَطِ مَا تُطۡعِمُونَ أَهۡلِيكُمۡ أَوۡ كِسۡوَتُهُمۡ أَوۡ تَحۡرِيرُ رَقَبَةٖۖ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٖۚ ذَٰلِكَ كَفَّٰرَةُ أَيۡمَٰنِكُمۡ إِذَا حَلَفۡتُمۡۚ وَٱحۡفَظُوٓاْ أَيۡمَٰنَكُمۡۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٨٩﴾.

ای اهل ایمان! شما را حق‌تعالی هرگز به خاطر سوگندهای لغو مانند اینکه بگوئید «نه به خدا» یا «آری به خدا» و از این قبیل مجازات نمی‌کند البته تا هنگامی که در نهاد خود نیّت سوگند نداشته باشید، ولی اگر کسی در نهاد خود نیّت سوگند داشته باشد هرگاه به پروردگار سوگند یاد کند این سوگند منعقد می‌شود که اگر به موجب آن عمل کرد کاری خوب است ورنه باید برای ده مسکین نیم پیمانه (دو کیلو) از قوت مردم بدهد یا برای ده تن به صورت مکمل لباس بپوشاند و یا برده‌ای را آزاد کند و هر کسی که توان چنین کارهایی نداشته باید که سه روز روزه بگیرد. و از این برحذر باشید که در یاد کردن سوگند از حد تجاوز کنید و یا به موجب آن عمل نکنید و یا کفارۀ سوگند را ترک کنید. و همانگونه که خدای‌تعالی برای شما احکام سوگند را بیان نموده همان‌سان شرائع دینی را بیان کرده است تا شما به خاطر آنچه بر هدایت‌گر امین محمد ج نازل نموده شکرگذار پروردگار عالمیان باشید.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡخَمۡرُ وَٱلۡمَيۡسِرُ وَٱلۡأَنصَابُ وَٱلۡأَزۡلَٰمُ رِجۡسٞ مِّنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَٱجۡتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٩٠﴾.

ای مؤمنان! تمام آنچه موجب زوال عقل، مستی و ضایع شدن سرمایه است، مانند قمار یا آنچه غیر از خدا أ عبادت شود مانند بت‌ها یا مانع توکل شود مانند تیرهای نصیب و قسمت، تمام این‌ها حرام و از پنهانکاری‌های ابلیس و مکر و حیله‌اش می‌باشد پس چنین اعمال را ترک کنید تا رضوان الهی را به دست آورید و از خشم و غضب او نجات پیدا کنید.

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُوقِعَ بَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ فِي ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِ وَيَصُدَّكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّنتَهُونَ ٩١﴾.

شیطان می‌خواهد از خلال واقع شدن در چنین امور حرامی در بین شما اختلاف و خصومت ایجاد کند و برخی بر دیگران بغض و کینه داشته باشید و به سبب شراب و مستی با یکدیگرتان دشمن باشید، زیرا شراب انسان را از نماز و ذکر خدا أ بازمی‌دارد و قمار عمر را ضایع و مانع اذکار می‌شود و این امر موجب جلب خشم خدای جبار می‌گردد. اگر شما در ایمان خود صادقید دست از آنچه قرآن نهی نموده بردارید.

﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَٱحۡذَرُواْۚ فَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ٩٢﴾.

طاعت خدا أ را به خوبی انجام دهید و از بهترین خلایق پیروی کنید. از حق‌تعالی بترسید و با ادای آنچه واجب نموده و دوری از آنچه نهی کرده مراقب اوتعالی باشید و اگر از استقامت در این راه که موجب کمائی کردن کرامت است دست بردارید بر شما ویل و ندامت خواهد بود و پیامبر خدا ج فقط وظیفۀ اقامۀ حجّت و توضیح برهان را دارد و مسئول کسی که گمراه می‌شود و در پستی واقع می‌گردد نیست.

﴿لَيۡسَ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جُنَاحٞ فِيمَا طَعِمُوٓاْ إِذَا مَا ٱتَّقَواْ وَّءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ ثُمَّ ٱتَّقَواْ وَّءَامَنُواْ ثُمَّ ٱتَّقَواْ وَّأَحۡسَنُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٩٣﴾.

بر کسانی که ایمان آورده و از خدای خود اطاعت کردند گناهی در استفاده از مواد سکرآور پیش از تحریم نیست به شرط آنکه بعد از تحریم این عمل را ترک نموده باشند و از مولای خود بترسند و همواره تقوایش را رعایت و در راستای انجام خوبی‌ها و ترک بدی‌ها تلاش کنند و تقوای خود را با انجام آنچه به آن امر شده و ترک آنچه از آن نهی شده‌اند و تقویت تصدیق و رسوخ شناخت از دیاد بخشند تا جائی که در ایمان به درجۀ یقین برسند و ثبوت امور غیب نزد آن‌ها مانند عیان گردد و این همان درجۀ احسان است که براساس آن انسان تقوای الهی را طوری رعایت می‌کند و عبادتش را به گونه‌ای انجام می‌دهد که گویا او را می‌بیند و هر که دارای چنین خصوصیاتی باشد پروردگار دوستش دارد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَيَبۡلُوَنَّكُمُ ٱللَّهُ بِشَيۡءٖ مِّنَ ٱلصَّيۡدِ تَنَالُهُۥٓ أَيۡدِيكُمۡ وَرِمَاحُكُمۡ لِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَخَافُهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٩٤﴾.

ای مؤمنان! به زودی خدای‌تعالی ایمان شما و امتثالی که از شرع دارید را در آزمون قرار می‌دهد به این صورت که شکار حرم در حالتی که آن‌ها احرام دارند به آن‌ها نزدیک می‌شود تا جائی که دست‌شان به آن می‌رسد و در تیر رَس‌شان قرار خواهند گرفت تا دانسته شود چه کسی مراقب خداست و از او می‌ترسد و به شکار نمی‌پردازد و هر کس تجاوز کند و شکار را بکشد و مرتکب نهی شود یقیناً مستحق عذاب شدید و حتمی می‌شود.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقۡتُلُواْ ٱلصَّيۡدَ وَأَنتُمۡ حُرُمٞۚ وَمَن قَتَلَهُۥ مِنكُم مُّتَعَمِّدٗا فَجَزَآءٞ مِّثۡلُ مَا قَتَلَ مِنَ ٱلنَّعَمِ يَحۡكُمُ بِهِۦ ذَوَا عَدۡلٖ مِّنكُمۡ هَدۡيَۢا بَٰلِغَ ٱلۡكَعۡبَةِ أَوۡ كَفَّٰرَةٞ طَعَامُ مَسَٰكِينَ أَوۡ عَدۡلُ ذَٰلِكَ صِيَامٗا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمۡرِهِۦۗ عَفَا ٱللَّهُ عَمَّا سَلَفَۚ وَمَنۡ عَادَ فَيَنتَقِمُ ٱللَّهُ مِنۡهُۚ وَٱللَّهُ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٍ ٩٥﴾.

ای مؤمنان! اگر شما احرام دارید از شکار حیوانات خشکی بپرهیزید و هر که شکاری را بکشد بر او لازم است تا به مثل آن از شتر، گاو یا گوسفند ذبح کند و در بین فقرای حرم تقسیم نماید. مقدار و نوعیت این هَدْی را دو نفر از اهل عدالت تعیین می‌کنند و اگر حیوانی که شبیه شکار کشته شده باشد یافت نشد شکارچی می‌تواند به اندازۀ قیمت آن، طعامی را بخرد و در بین فقرای حرم تقسیم کند و یا در بدل هر نیم پیمانه از آن طعام، یک روز روزه بگیرد تا این امر نوعی تأدیب و تعزیر باشد و او را از ارتکاب چنین کارهایی در آینده بازدارد. و هر که قبل از حرام شدن شکار به این عمل مبادرت کرده باشد خدای‌تعالی از گناه او درمی‌گذرد. ولی اگر بعد از حرمت شکار کند حتماً از او انتقام می‌گیرد، زیرا این شخص مرتکب عملی حرام شده و پروردگار توانائی است که هیچ‌کس بر او غلبه نمی‌یابد و نیرومندی است که هیچ‌کس توان جنگ با او را ندارد. هر که او را اراده داشته باشد اراده کننده را درمی‌یابد و از نافرمانان انتقام می‌گیرد.

﴿أُحِلَّ لَكُمۡ صَيۡدُ ٱلۡبَحۡرِ وَطَعَامُهُۥ مَتَٰعٗا لَّكُمۡ وَلِلسَّيَّارَةِۖ وَحُرِّمَ عَلَيۡكُمۡ صَيۡدُ ٱلۡبَرِّ مَا دُمۡتُمۡ حُرُمٗاۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٩٦﴾.

ای مؤمنان! حق‌تعالی به شما شکار دریا را مجاز نموده چه مرده باشد یا زنده. شما از آن می‌توانید هم در حالت اقامت و هم در حالت سفر استفاده کنید. پس هرگاه احرام بستید شکار خشکی بر شما تا زمانی که از احرام خارج شوید حرام است و مراقب پروردگار خود باشید و تمام آنچه را امر نموده انجام دهید و از تمام آنچه نهی کرده اجتناب نمائید که به زودی به سوی خدا أ به منظور حساب و کتاب رانده می‌شوید و نزد او یا پاداش دریافت می‌دارید و یا کیفر.

﴿۞جَعَلَ ٱللَّهُ ٱلۡكَعۡبَةَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ قِيَٰمٗا لِّلنَّاسِ وَٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَٱلۡهَدۡيَ وَٱلۡقَلَٰٓئِدَۚ ذَٰلِكَ لِتَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ٩٧﴾.

خداوند أ فضل و احسان نموده به اینکه کعبه را خانۀ حرام و محلی امن و مایۀ صلاح دین و قبلۀ نماز قرار داده و در آن و در ماه‌های حج: شوال، ذوالقعده و ذوالحجه تجاوز را حرام قرار داده است. پس برای هیچ‌کس مجاز نیست تا بر کسی تجاوز کند و حق‌تعالی شکستن حرمت چهارپایانی که به کعبه اهدا می‌شوند و قلاده به گردن‌های آن‌ها آویزان می‌گردد و تبدیل به شعیره می‌شوند را حرام قرار داده تا شما با این احکام به این یقین برسید که بر خدای‌تعالی هیچ امری پوشیده و مخفی نیست. او همۀ اسرار آسمان‌ها و زمین را می‌داند و بر همۀ آنچه در نهاد انسان قرار دارد آگاه است و علم او بر همه چیز احاطه دارد.

﴿ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ وَأَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٩٨﴾.

ای مردم! بدانید که خداوند أ کسانی را که از او نافرمانی می‌کنند به قوت و شدّت می‌گیرد و او را به سختی کیفر می‌دهد، کسانی که به مخالفت اوامرش بپردازند و نواهی‌اش را انجام دهند و اینکه خدای‌تعالی برای کسی که به توبه کند بسیار بخشنده است و برای کسانی که به او رجوع کنند مهربان است. او چون مهربان است دارای مغفرتی وسیع و بی‌پایان می‌باشد.

﴿مَّا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا تَكۡتُمُونَ ٩٩﴾.

بر پیامبر ما جز این نیست که فرمان ما را برساند، او حقیقت آنچه را شما پنهان می‌دارید و یا آشکار می‌سازید نمی‌داند این خداست که همۀ این امور را می‌داند و براساس آن کیفر می‌دهد.

﴿قُل لَّا يَسۡتَوِي ٱلۡخَبِيثُ وَٱلطَّيِّبُ وَلَوۡ أَعۡجَبَكَ كَثۡرَةُ ٱلۡخَبِيثِۚ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ١٠٠﴾.

به آن‌ها ای محمد ج خبر بده امکان ندارد خوب یک چیز با بد آن مساوی باشد، چنان‌چه امکان ندارد کافر با مؤمن، گناه‌کار با اطاعت کننده، جاهل با عالم، اهل بدعت با پیرو سنت، مال بد با مال خوب، سخن زشت با سخن شایسته برابر و مساوی باشد. پس ای مردم اگر بصیرت و عقلی دارید که با آن تفکر می‌کنید از خدا بترسید و مراقب اوتعالی باشید و همواره به سوی کارهای خوب روی آورده و بدی‌ها را فرو گذارید تا به رضوان الهی برسید و به رحمت و ثواب او در بهشت رستگار شوید.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَسۡ‍َٔلُواْ عَنۡ أَشۡيَآءَ إِن تُبۡدَ لَكُمۡ تَسُؤۡكُمۡ وَإِن تَسۡ‍َٔلُواْ عَنۡهَا حِينَ يُنَزَّلُ ٱلۡقُرۡءَانُ تُبۡدَ لَكُمۡ عَفَا ٱللَّهُ عَنۡهَاۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٞ ١٠١﴾.

ای مؤمنان! هنگام تشریع احکام از کثرت سوال بپرهیزید، آنچه خدا أ از آن سکوت نموده شما در برابر آن مسئول نیستید و هرگاه از این امور سوال کنید و در سوالات خود تکلف نمائید، شاید بر شما آنچه می‌پرسید فرض شود و شما توان انجام آن را نداشته باشید. پس در همان دائره‌ای که حق‌تعالی برخی اشیا را برای شما عفو نموده باقی بمانید. امکان دارد از برداشت و تحمل این امور هنگامی که خدا أ بیان می‌کند و یا بر پیامبر ج نازل می‌شود ناتوان شوید؛ پس عفو و رحمت الهی را در حق خود بپذیرید که او گناهان را می‌بخشد و در برابر کسانی که نافرمانی‌اش می‌کنند حلم دارد و توبۀ توبه کنندگان را می‌پذیرد و از کسی که به سویش روی آورد درمی‌گذرد.

﴿قَدۡ سَأَلَهَا قَوۡمٞ مِّن قَبۡلِكُمۡ ثُمَّ أَصۡبَحُواْ بِهَا كَٰفِرِينَ ١٠٢﴾.

امت‌های گذشته چنین سوال‌های تعجیزی و مشقت آفرین را مطرح می‌کردند، چون حکم به آن‌ها بیان شد آن را انکار نموده و در آن دست به الحاد زدند و تکذیب نمودند و به آنچه خدا أ امر کرده بود عمل ننموده و از آنچه نهی نموده بود دوری نگزیدند.

﴿مَا جَعَلَ ٱللَّهُ مِنۢ بَحِيرَةٖ وَلَا سَآئِبَةٖ وَلَا وَصِيلَةٖ وَلَا حَامٖ وَلَٰكِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۖ وَأَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ ١٠٣﴾.

مشرکان دروغ گفتند، خدای‌تعالی هرگز گمراه‌گری‌های آن‌ها و آنچه دربارۀ چهارپایان بدعت نهادند را مشروع ننموده، چنان‌چه این چهارپایان را در دسته‌های متفاوتی تقسیم کردند در حالی که خداوند أ در مشروعیت آن‌ها هیچ چیزی را مقرر نداشته است. مانند: «بحیره» (ماده شتری که ده شکم بزاید. قولی نیز وجود دارد که بحیره از جملۀ اولاد سائبه است) که گوش‌هایش را هرگاه چند شکم می‌زائید می‌بُریدند و سپس آن‌ها را سائبه (به حال خود برای بت‌ها رها می‌کردند به گونه‌ای که کسی نه بر آن سوار می‌شد و نه از آن شیر می‌دوشید) و «وصیله» یا همان شتری که پیوسته ماده بزاید و «حامی» و آن شتر نری است که از پشت او چند شتر زاده شود. مشرکان این شترها را برای بت‌های خود اختصاص می‌دادند و به آن‌ها نزدیک نمی‌شدند و ادعا می‌کردند که حق‌تعالی آن‌ها را بر چنین کاری امر نموده در حالی که دروغ می‌گفتند و بر خدا أ افترا می‌نمودند. خدای‌تعالی التزام حق و صدقی امر می‌کند که بر پیامبر خود نازل فرموده ولی آن‌ها عقلی که با آن تفکر کنند و بصیرتی که با آن امور را ببینند ندارند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ قَالُواْ حَسۡبُنَا مَا وَجَدۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ كَانَ ءَابَآؤُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا يَهۡتَدُونَ ١٠٤﴾.

و هرگاه به این مشرکان خطاب شده گفته شود به سوی کتاب خدا أ و سنّت پیامبرش ج بشتابید می‌گویند برای ما آنچه از پدران خود ارث بردیم کافی است. آیا اگر پدران‌شان گمراه و جاهل باشند؟! طوری که چیزی را نفهمند و امور خوب را درک نکنند و منکر را ندانند و به سوی حق راهیاب نشوند؟! چگونه این‌ها از چنین پدرانی پیروی می‌کنند و هدایتی را که پیامبر خدا ج بر آن فرستاده شده را ترک می‌کنند و نظریات خود را بر وحی مقدم می‌دانند در حالی که از جملۀ گمراه‌ترین مردم و جاهل‌ترین آن‌هایند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ عَلَيۡكُمۡ أَنفُسَكُمۡۖ لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا ٱهۡتَدَيۡتُمۡۚ إِلَى ٱللَّهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ١٠٥﴾.

ای مؤمنان! همواره به طاعت خدا أ تمسک جوئید و بر خویشتن و اصلاح را لازم گیرید و گناهان را ترک کنید و بر عبادت خدای‌تعالی دوام و استمرار بخشید تا مستوجب رحمت الهی شوید. شما هرگاه رسالت پروردگار خود را تبلیغ کنید و به معروف امر و از منکر نهی کنید هیچگاه گمراهی گمراهان به شما ضرری نمی‌رساند، بلکه این گمراهی برخود او خواهد بود و هیچ گناهی از ناحیۀ او به شما نمی‌رسد، زیرا شما به آنچه حق‌تعالی بر شما واجب نموده بود عمل نمودید. بدانید که مرجع و بازگشت همه به سوی اوست و او همه را به آنچه عمل کردند خبر و پاداش می‌دهد و محاسبه می‌کند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ شَهَٰدَةُ بَيۡنِكُمۡ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ حِينَ ٱلۡوَصِيَّةِ ٱثۡنَانِ ذَوَا عَدۡلٖ مِّنكُمۡ أَوۡ ءَاخَرَانِ مِنۡ غَيۡرِكُمۡ إِنۡ أَنتُمۡ ضَرَبۡتُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَأَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةُ ٱلۡمَوۡتِۚ تَحۡبِسُونَهُمَا مِنۢ بَعۡدِ ٱلصَّلَوٰةِ فَيُقۡسِمَانِ بِٱللَّهِ إِنِ ٱرۡتَبۡتُمۡ لَا نَشۡتَرِي بِهِۦ ثَمَنٗا وَلَوۡ كَانَ ذَا قُرۡبَىٰ وَلَا نَكۡتُمُ شَهَٰدَةَ ٱللَّهِ إِنَّآ إِذٗا لَّمِنَ ٱلۡأٓثِمِينَ ١٠٦﴾.

ای مؤمنان! هرگاه یکی از شما نزدیک مرگ خویش قرار گرفت و بر او آثار و نشانه‌های مرگ ظاهر گشت و دانست که به زودی به سفر آخرت خواهد رفت باید که بر وصیت خود دو تن از مسلمانان عادل را شاهد بگیرد، اگر در محضر او مسلمان نبود می‌تواند از میان کافران نیز شاهد بگیرد و اگر در شهادت شاهدان دچار شک شدید آن‌ها را امر کنید تا بعد از نماز عصر به منظور سوگند در محضر مردم بایستند و به خدا أ سوگند یاد کنند که صداقت در شهادت را به هیچ چیزی را متاع ناچیز دنیا عوض نمی‌کنند طوری که به خاطر این متاع به دنبال هیزم دنیا باشند و بر خدا أ دروغ بگویند و به بندگانش خیانت کنند اگرچه کسی که به او سوگند می‌خوریم از جملۀ نزدیکان ما باشد و هرگز چیزی از این شهادت را نه مخفی می‌نمائیم و نه تغییر می‌دهیم، بلکه آن را به صورت کامل و واضح ادا می‌کنیم و اگر چیزی از آن را مخفی کنیم در واقع مرتکب جور، ظلم و ستم شده‌ایم.

﴿فَإِنۡ عُثِرَ عَلَىٰٓ أَنَّهُمَا ٱسۡتَحَقَّآ إِثۡمٗا فَ‍َٔاخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ ٱلَّذِينَٱسۡتَحَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَوۡلَيَٰنِ فَيُقۡسِمَانِ بِٱللَّهِ لَشَهَٰدَتُنَآ أَحَقُّ مِن شَهَٰدَتِهِمَا وَمَا ٱعۡتَدَيۡنَآ إِنَّآ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٠٧﴾.

اگر چنین ثابت شد که آن‌ها دروغ گفتند و در شهادت خود ثابت کردند پس دو تن دیگر از اولیای متوفی که عادل باشند برگزینید تا سوگند یاد کنند که شهادت ما از شهادت شاهدان دروغگو تفاوت دارد و مبتنی بر صداقت و راستی است، زیرا آن دو دروغ گفتند و خیانت کردند و اگر ما نیز مانند آن‌ها باشیم حتماً از جملۀ ستمگران گنهکار و مستوجب کیفر خواهیم بود.

﴿ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِٱلشَّهَٰدَةِ عَلَىٰ وَجۡهِهَآ أَوۡ يَخَافُوٓاْ أَن تُرَدَّ أَيۡمَٰنُۢ بَعۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱسۡمَعُواْۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ١٠٨﴾.

چنین صیغه‌ای به ادای شهادت بر وجه صحیح بدون هرگونه خیانت، دروغ، تغییر و تحریف نزدیک‌تر است، زیرا موجب ترس از عار دنیا و عذاب آخرت می‌شود و هرگاه شهادت آن دو در دنیا رد شود رسوا خواهند شد و در آخرت زمانی که به حضور حق‌تعالی بروند عذاب خواهند گردید و به این ترتیب از گرفتار شدن به چنین سرنوشتی می‌ترسند و بر راستی و وفا حریص می‌شوند و از دروغ و خیانت برحذر خواهند بود.

ای مردم! از خدای خود بترسید و از عقابش با انجام طاعت برحذر باشید و اوامر او را بشنوید و خداوند أ هیچگاه کسی را که از طاعتش بیرون شود توفیق هدایت نمی‌دهد و سرکشان در برابر شریعتش را در رسیدن به رضوان اوتعالی یاری نمی‌رساند.

﴿۞يَوۡمَ يَجۡمَعُ ٱللَّهُ ٱلرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَآ أُجِبۡتُمۡۖ قَالُواْ لَا عِلۡمَ لَنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ ١٠٩﴾.

ای مردم! یاد آورید روز هولناکی بزرگ را، روزی که خدای‌تعالی پیامبران و امت‌های‌شان را جمع می‌کند و از پیامبران دربارۀ میزان پذیرش امت‌های‌شان و اینکه آیا این امت‌ها تصدیق‌شان کردند یا تکذیب و آیا آنچه را با خود آورده بودند پذیرفتند یا رد نمودند در حالی که خدای‌تعالی از همه به این مسأله آگاهتر است. پیامبران از شدّت هولناکی موقف می‌گویند: ما نمی‌دانیم چه واقع شده و ما در مقایسه با دانسته تو هیچ نداریم و تو به آنچه در سینه‌ها پنهان شده آگاهتری و نمی‌دانیم بعد از ما در امت‌ها چه واقع شده است.

﴿إِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ٱذۡكُرۡ نِعۡمَتِي عَلَيۡكَ وَعَلَىٰ وَٰلِدَتِكَ إِذۡ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ ٱلۡقُدُسِ تُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِي ٱلۡمَهۡدِ وَكَهۡلٗاۖ وَإِذۡ عَلَّمۡتُكَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَۖ وَإِذۡ تَخۡلُقُ مِنَ ٱلطِّينِ كَهَيۡ‍َٔةِ ٱلطَّيۡرِ بِإِذۡنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيۡرَۢا بِإِذۡنِيۖ وَتُبۡرِئُ ٱلۡأَكۡمَهَ وَٱلۡأَبۡرَصَ بِإِذۡنِيۖ وَإِذۡ تُخۡرِجُ ٱلۡمَوۡتَىٰ بِإِذۡنِيۖ وَإِذۡ كَفَفۡتُ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ عَنكَ إِذۡ جِئۡتَهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ١١٠﴾.

و یاد آورید آن روز سخت و ترسناک را، روزی که خداوند أ به عیسی فرزند مریم گفت: ای عیسی یاد آور فضل من را بر خود و مادرت مریم هنگامی که تو را نیرو بخشیدیم و با مدد جبرئیل کمک کردیم و در حالت شیرخوارگی سخنی کاملاً درست گفتی و آن‌ها را به سوی توحید در حالتی که بزرگ بودی فرا خواندی و به تو خط و حکمت را بدون معلم آموختیم از این‌روی در تو نفوذ بصیرت و قوت ادراک پیدا شد و تورات و انجیل را در سینه‌ات حفظ کردیم در حالی که نصوص و معانی آن را می‌دانستی و این تو بودی که بر گِل رسم می‌نمودی و مجسمه‌های مانند پرندگان می‌ساختی و در آن می‌دمیدی و مشاهده می‌کردی که به اذان خدا أ پرواز می‌کرد و آنکه از مادر به شکل کور زاده شده بود را به امر و قدرت الهی بینائی‌اش را باز می‌گردانیدی و بیماری پیسی را از بیماران آن از میان می‌بردی و به جای آن به مشیت خدا و قدرت او پوستی شاداب اعاده می‌کردی و مردگان را ندا می‌دادی و آن‌ها در پاسخ تو و به اذن و قدرت خدا أ سر از قبر بیرون می‌آوردند. ملاحظه می‌شود که در این آیه واژۀ «بإذنی» چهار بار تکرار شده تا بر نصرانیان اهل افترا این ادعای‌شان را ردّ کند که عیسی ÷ خدایی است که مردگان را زنده می‌کند در حالی که دروغ می‌گفتند. همۀ این‌ها به قدرت پروردگار زمین و آسمان‌هاست.

و یاد آور ای عیسی ÷ نعمت من را بر خود زمانی که بنی اسرائیل را از کشتن تو باز داشتم و آن‌ها نتوانستند به تو هنگامی که آیات و نشانه‌ها و معجزات را ارائه کردی دسترسی پیدا کنند، این بود که تکذیب‌گران آن‌ها چنین به مبارزه با تو برخواستند که آنچه تو آورده‌ای جادویی است آشکار در حالی که این ادعای‌شان مبتنی بر دروغ و افترا بود.

﴿وَإِذۡ أَوۡحَيۡتُ إِلَى ٱلۡحَوَارِيِّ‍ۧنَ أَنۡ ءَامِنُواْ بِي وَبِرَسُولِي قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَٱشۡهَدۡ بِأَنَّنَا مُسۡلِمُونَ ١١١﴾.

و یاد آور ای عیسی هنگامی را که حواریان را امر کردی تا به وحدانیت و رسالت من که تو را به خاطر تبلیغ آن فرستادم ایمان آورند و در اعمال خود اخلاص داشته باشند و به گونۀ نیکو منقاد پروردگار باشند و آن‌ها چنین کردند.

﴿إِذۡ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ هَلۡ يَسۡتَطِيعُ رَبُّكَ أَن يُنَزِّلَ عَلَيۡنَا مَآئِدَةٗ مِّنَ ٱلسَّمَآءِۖ قَالَ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١١٢﴾.

و یاد آورید روزی را که حواریان پیرو عیسی در کمال بی‌ادبی گفتند: ای عیسی! آیا خداوند أ توان دارد تا بر ما سفره‌ای از طعام از آسمان نازل کند؟! عیسی ÷ گفت: اگر شما در ایمان خود و پیروی از من صادقید از خدا بترسید و با او ادب داشته باشید. گویا که آن‌ها به منظور دریافت اطمینان این سوال را مطرح کردند نه به خاطر امتحان.

﴿قَالُواْ نُرِيدُ أَن نَّأۡكُلَ مِنۡهَا وَتَطۡمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعۡلَمَ أَن قَدۡ صَدَقۡتَنَا وَنَكُونَ عَلَيۡهَا مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ١١٣﴾.

حواریان گفتند ای عیسی! ما می‌خواهیم با خوردن، از آن سفره تبرک بجوئیم و ایمان و یقین ما زیاد شود. ما به صداقت تو ایمان کامل داریم و نزد کسانی که شاهد این معجزه نبودند بر وجود آن شهادت خواهیم داد و برای ما نیز دلیل وحدانیت خدا و رسالت تو ظاهر می‌گردد و تو نیز بر این امر شاهد می‌باشی!

﴿قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ ٱللَّهُمَّ رَبَّنَآ أَنزِلۡ عَلَيۡنَا مَآئِدَةٗ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ تَكُونُ لَنَا عِيدٗا لِّأَوَّلِنَا وَءَاخِرِنَا وَءَايَةٗ مِّنكَۖ وَٱرۡزُقۡنَا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ١١٤﴾.

و چون عیسی ÷ بر صداقت حورایان پی برد ایستاد و از خدای خود با ذکر الوهیت و ربوبیتش خواست تا بر آن‌ها سفره‌ای از آسمان نازل کند که روز نزول آن برای آن‌ها عید و مایۀ شادمانی و سرور باشد. چنان‌چه این سفره – ای خدا – نشانۀ وحدانیت تو و معجزه‌ای باشد بر اثبات رسالت من. و تو ای خدا أ! بر ما با فضل واسع خود کرم کن و خیر و خوبی‌ات را بر ما تعمیم بخش که تو بهترین کسی هستی که می‌دهی و کریم‌ترین کسی هستی که می‌بخشد.

﴿قَالَ ٱللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيۡكُمۡۖ فَمَن يَكۡفُرۡ بَعۡدُ مِنكُمۡ فَإِنِّيٓ أُعَذِّبُهُۥ عَذَابٗا لَّآ أُعَذِّبُهُۥٓ أَحَدٗا مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١١٥﴾.

خداوند أ بر عیسی ÷ وحی کرد که به زودی بر شما سفره‌ای را که می‌خواهید نازل خواهیم کرد اما بعد از این معجزه اگر کسی تکذیب کند او را به عذابی شدید و دردناک گرفتار خواهیم نمود، زیرا در چنین حالی حجّت تمام شده و آن کسی که از قبول آن سرمی‌زند در واقع سرکشی می‌کند از این‌روی عذابش مضاعف می‌گردد، زیرا چنین کسی از روی قصد و علم کافر شده است.

این آیه دلالت بر آن دارد که هر کسی از خدا أ در حال داشتن علم و دانش نافرمانی کند از کسی که در حالت جهل چنین کند جرمی بسیار بزرگتر دارد.

﴿وَإِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ءَأَنتَ قُلۡتَ لِلنَّاسِ ٱتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَٰهَيۡنِ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالَ سُبۡحَٰنَكَ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنۡ أَقُولَ مَا لَيۡسَ لِي بِحَقٍّۚ إِن كُنتُ قُلۡتُهُۥ فَقَدۡ عَلِمۡتَهُۥۚ تَعۡلَمُ مَا فِي نَفۡسِي وَلَآ أَعۡلَمُ مَا فِي نَفۡسِكَۚ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ ١١٦﴾.

ای عیسی ÷! آیا تو به مردم گفتی که تو و مادرت را به غیر اوتعالی خدا پندارند؟ خداوند أ بر همه چیز آگاهی دارد ولی با طرح این سوال اراده دارد تا نفی این امر از زبان خود عیسی ÷ صادر شود. عیسی ÷ گفت: ای پروردگار! ما تو را از این امر پاک و منزه می‌دانیم که شریک داشته باشی و خود ما نیز از این تهمت بَری و پاک هستیم. برای من هرگز سزاوار نیست تا چنین سخنی زشت بگویم، تو خود می‌دانی که من چنین سخنی بر زبان نیاورده‌ام تو خدایی هستی که جز تو هیچ معبود به حقی نیست، تو آنچه در نهاد من است را می‌دانی در حالی که من آنچه را در ارادۀ توست نمی‌دانم. علم و دانش تو بر همه چیز احاطه دارد و علم و دانش من قاصر، ناقص و محدود است. چون تو پروردگار و معبود بر حقی و من مخلوق و معبود تو ام و بر تو هیچ امری پوشیده و مخفی نیست و از علم تو هیچ چیزی غائب نمی‌باشد.

﴿مَا قُلۡتُ لَهُمۡ إِلَّا مَآ أَمَرۡتَنِي بِهِۦٓ أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمۡۚ وَكُنتُ عَلَيۡهِمۡ شَهِيدٗا مَّا دُمۡتُ فِيهِمۡۖ فَلَمَّا تَوَفَّيۡتَنِي كُنتَ أَنتَ ٱلرَّقِيبَ عَلَيۡهِمۡۚ وَأَنتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ١١٧﴾.

من به بنی اسرائیل جز آنچه من را به تبلیغ آن مکلف نموده بودی نرسانیدم و بر آن نه چیزی افزودم و نه از آن کم کردم. من آن‌ها را به سوی عبادت و توحید تو دعوت کردم، زیرا تو خالق، رازق و تنها تو مدبری! و من مانند آن‌ها مخلوقی هستم که برایم سزاوار ادعای الوهیت یا اینکه به خود ربوبیت را نسبت دهم نیست. من در طول مدّت زمان حیات خویش شاهد اعمال آن‌ها بودم ولی بعد از اینکه من را به آسمان بلند نمودی کار من با آن‌ها خاتمه یافت و این توئی که محیط بر اعمال آن‌ها بوده و هستی و تو بر همۀ امور دانا و آگاهی!

﴿إِن تُعَذِّبۡهُمۡ فَإِنَّهُمۡ عِبَادُكَۖ وَإِن تَغۡفِرۡ لَهُمۡ فَإِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١١٨﴾.

اگر تو ای خدا آن‌ها را کیفر دهی تو پروردگار آن‌هائی و آن‌ها بندگان تویند که مستحق عذاب شدند، زیرا غیر تو را پرستش نمودند و در چنین حالی عذاب تو عین عدالت است و در آن هیچ ستمی نیست ولی اگر آن‌ها را ببخشی تو موجود نیرومندی که مقهور هیچ‌کس واقع نمی‌شوی! تو قادر و توانائی هستی که هیچ‌کس نمی‌تواند تو را از کاری عاجز سازد. تو کسی هستی که در تمام افعال خود حکمت داری خواه عذاب کنی یا مغفرت نمائی! با عزّت تو گاهی موأخذه و به حکمت تو گاهی رحم صورت می‌گیرد. تو آنچه را آنگونه که بخواهی انجام می‌دهی! عذاب تو عدل و مغفرت تو فضل است.

﴿قَالَ ٱللَّهُ هَٰذَا يَوۡمُ يَنفَعُ ٱلصَّٰدِقِينَ صِدۡقُهُمۡۚ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١١٩﴾.

خداوند أ در روز قیامت که طبیعتاً روز عدالت است و در آن هیچ ظلم و ستمی واقع نمی‌گردد به عیسی ÷ خبر می‌دهد که او در آنچه می‌گوید صادق است و او رسالت خدای خود را آنگونه که بوده رسانیده و بر این اساس مردم را به توحید و یکتا پرستی دعوت کرده است و از آنچه نصرانیان گفته‌اند او کاملاً بری و پاک است و اینکه او بنده‌ای از بندگان خداست که با کلمۀ او آفریده شده و هر که تصدیقش نموده و کارهای خوب انجام داده باشد مصیرش به سوی بهشت نعمت و جاودانگی ماندگار است، جاودانگیی که هرگز از آن انتقالی نیست، زندگیی که مرگی ندارد، صحّتی که بیماری و جوانیی که پیری ندارد. این‌ها همه توأم با حصول رضای الهی است، زیرا چنین کسی عمل شایسته انجام داده و پروردگارش از او راضی شده است. یقیناً این است پیروزی بزرگ و رستگاری عظیم و نعمت ماندگار توأم با رضوان الهی.

﴿لِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا فِيهِنَّۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرُۢ ١٢٠﴾.

خداوند أ مالک، متصرف و مدبر تمام آنچیزی است که در آسمان‌ها و زمین قرار دارد. هیچ پدیده‌ای از قدرت او خارج نمی‌شود و هیچ امری از علم و دانش او پوشیده نیست. قدرت و توان او بر همگان نافذ است و هیچ ردّ کننده‌ای برای قضا و قدرش نیست و هیچ مانعی برای آنچه بدهد نمی‌باشد. هیچ چیزی و هیچ‌کس نمی‌تواند بین او و مرادش حائل واقع گردد. پادشاهی کامل و قدرت تمام از آن اوست.

سورۀ انعام

مکی است؛ ترتیب آن 6؛ تعداد آیات آن 165

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَجَعَلَ ٱلظُّلُمَٰتِ وَٱلنُّورَۖ ثُمَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمۡ يَعۡدِلُونَ ١﴾.

حق‌تعالی به بندگان خود می‌آموزد تا بر نعمت‌ها و احسانش و بر خلقت عجیب و دقّتی که در صنع خود دارد او را حمد و ستایش بگویند؛ زیرا تنها او مستحق کامل‌ترین محامد و بزرگ‌ترین مدائح است.

او کسی است که آسمان‌ها و زمین را ایجاد نموده، این آفرینش محکم، دقیق، نیکو و هماهنگ که موجب حیرت عقل و ذهن انسان می‌شود و دیدگان را به شگفت وا می‌دارد. اوتعالی شب و روز و تاریکی و روشنایی را آفرید تا انسان‌ها به خواب پبردازند و در راه کسب معیشت زندگی و بهره‌مند شدن از علم و دانش استفاده کنند ولی بعد از این همه نشانه‌های عجیب و قاطع، بازهم این کفار بین خدا أ و بت‌هایی که نه توان خلق دارند و نه روزی می‌دهند و نه توان تصرف در زندگی یا مردم را دارند تساوی قایل می‌شوند. پس هلاک بادا این کافران به خاطر این حماقت، جهل و بی‌پایگی.

﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن طِينٖ ثُمَّ قَضَىٰٓ أَجَلٗاۖ وَأَجَلٞ مُّسَمًّى عِندَهُۥۖ ثُمَّ أَنتُمۡ تَمۡتَرُونَ ٢﴾.

این تنها اوست که پدرتان آدم را از خاک و ذریه‌اش را از آبی سُست آفرید و برای هر مخلوقی عمری مشخص و محدود قرار داد که هرگز از آن بیشتر نمی‌شود. اوتعالی برای زنده شدن بعد از مرگ نیز روزی را مشخص کرد که همان روز قیامت است و هیچ‌کس زمان وقوع این روز را جز خداوند أ نمی‌داند ولی با آن‌هم این مشرکان بعد از این همه دلائل و براهین واضح در امر قیامت شک می‌کنند.

﴿وَهُوَ ٱللَّهُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَفِي ٱلۡأَرۡضِ يَعۡلَمُ سِرَّكُمۡ وَجَهۡرَكُمۡ وَيَعۡلَمُ مَا تَكۡسِبُونَ ٣﴾.

اوتعالی کسی است که الوهیت و عبودیت تنها از اوست. تمام آنچه در آسمان‌ها از قبیل ملائکه و در زمین از قبیل مؤمنان وجود دارند او را به یگانگی می‌پرستند و او می‌داند که این‌ها در نیت‌های خود چه چیزی را پنهان می‌دارند و در اقوال خود ظاهر می‌نمایند و چه کار خوب یا بدی را انجام دادند تا به آن‌ها براساس آن، در روز قیامت ثواب و کیفر دهد.

﴿وَمَا تَأۡتِيهِم مِّنۡ ءَايَةٖ مِّنۡ ءَايَٰتِ رَبِّهِمۡ إِلَّا كَانُواْ عَنۡهَا مُعۡرِضِينَ ٤﴾.

و آنچه ما برای این کفار از قبیل دلائل روشن و برهان قاطع بر صحت الوهیت خدا أ و صدق رسالت پیامبر ج ارائه می‌نمائیم آن‌ها در برابر آن بی‌مبالات‌اند و در مقابل آن قرار می‌گیرند و در آن تفکر نمی‌نمایند و علاوه بر این‌ها همواره در غفلت و اعراض قرار دارند.

﴿فَقَدۡ كَذَّبُواْ بِٱلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ فَسَوۡفَ يَأۡتِيهِمۡ أَنۢبَٰٓؤُاْ مَا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٥﴾.

آن‌ها اصلاً قرآن را نپذیرفتند، قرآنی که بزرگ‌ترین معجزه است. آن‌ها قرآن را تکذیب نموده و رد کردند و در صحت آن تردید نمودند. آن‌ها را به حال خودشان رها کن به زودی بدی عمل‌شان برای آن‌ها واضح و آشکار می‌گردد به خصوص هنگامی که عذاب را مشاهده کنند چون آن‌ها به پیامبری و پیامبر ج تمسخر نموده و به آیات واضح و آشکار الهی استهزا نمودند؛ روی این اساس آن‌ها اولاً اعراض نموده در ثانی تکذیب و استهزا نمودند.

﴿أَلَمۡ يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم مِّن قَرۡنٖ مَّكَّنَّٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَا لَمۡ نُمَكِّن لَّكُمۡ وَأَرۡسَلۡنَا ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡهِم مِّدۡرَارٗا وَجَعَلۡنَا ٱلۡأَنۡهَٰرَ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمۡ فَأَهۡلَكۡنَٰهُم بِذُنُوبِهِمۡ وَأَنشَأۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِمۡ قَرۡنًا ءَاخَرِينَ ٦﴾.

آیا به این کافران اخبار امت‌های گذشته مانند قوم نوح، عاد، ثمود و دیگران نرسیده؟ و آیا آن‌ها آثار این‌ها را مشاهده نکرده و هلاکت‌شان را هنگامی که ما را تکذیب کردند حتّی نشنیده‌اند؟ چرا این‌ها پند و اندرز نمی‌گیرند؟ ما به این امت‌ها نیرو، قوت و نعمتی دادیم که به کفار مکه نداده‌ایم. ما به آن‌ها باران پی‌درپی فرو فرستادیم که با آن کشت و زراعت آن‌ها و سبزیجات و درختان آن‌ها را زنده نمودیم و در زیر خانه‌های آن رود بارها جاری کردیم و به این ترتیب آن‌ها در باغ‌ها و بوستان‌هایی سرسبز و انبوه و غذا و آب فراوان قرار گرفتند ولی هرگز شکر نکردند، بلکه کفر ورزیدند از این‌روی ما آن‌ها را به سبب همین مخالفت‌ها و تکذیبگری‌هایی که نسبت به پیامبران انجام داده‌اند با شدیدترین کیفرها مؤاخذه نمودیم و به سبب عملکردهای زشت‌شان به خصوص تمسخر به پیامبران الهی بر آن‌ها شدیدترین عذاب را نازل کردیم. پس شما از این برحذر باشید که ما شما را آنگونه مؤاخذه کنیم که آن‌ها را مؤاخذه کردیم. ما آن‌ها را نابود کردیم و به جای‌شان نسل‌های دیگری پی‌درپی فرستادیم و به این ترتیب از ملک خدا أ چیزی کاسته نشد و در توان او به اندازۀ ذره‌ای هم تغییر رونما نگردید.

﴿وَلَوۡ نَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ كِتَٰبٗا فِي قِرۡطَاسٖ فَلَمَسُوهُ بِأَيۡدِيهِمۡ لَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ٧﴾.

این کفار بدکار معاند‌اند و هرگز ایمان نمی‌آورند ولو قرآن را در ورق‌هایی نبشته شده نازل کنیم و آن‌ها این قرآن را ببینند و در بین دستان خود قرار دهند. در چنین هنگامی نیز آن‌ها خواهند گفت همانا ما با این قرآن جادو شدیم و این اوراق و صحف هیچ اساسی ندارند، همۀ این اعمال نظر به سرکشی و تمردی است که از آنان سرزده است.

﴿وَقَالُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ مَلَكٞۖ وَلَوۡ أَنزَلۡنَا مَلَكٗا لَّقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ ٨﴾.

کفار مکه می‌گویند چرا بر محمد ج مَلَکی از ملائکۀ آسمان نازل نمی‌شود تا ما آن را به گونۀ عیان ملاحظه کنیم و او در حضور ما بر نبوّت محمد ج شهادت دهد تا او را تصدیق کنیم و اگر ما سخن‌شان را بپیذیریم و چنین ملکی نازل هم بنمائیم و آن‌ها او را ببینند و بازهم کفر ورزند در چنین حالتی در نزول عذاب در حق آن‌ها عجله به خرج خواهیم داد و هرگز منتظر نخواهیم ماند و بعد از آن حتماً عذاب بنیاد برانداز و بدون مهلت خواهد بود.

﴿وَلَوۡ جَعَلۡنَٰهُ مَلَكٗا لَّجَعَلۡنَٰهُ رَجُلٗا وَلَلَبَسۡنَا عَلَيۡهِم مَّا يَلۡبِسُونَ ٩﴾.

و اگر ما ملکی را نیز به عنوان پیام‌رسان بفرستیم یقیناً او را بر شکل مردی از بشر خواهیم فرستاد، زیرا مردم توان مشاهدۀ ملک را در صورت اصلی آن ندارند و اگر بر صورت مرد باشد بازهم این امر بر آن‌ها پنهان باقی خواهد ماند که آیا این پیام رسان مَلَکی در شکل یک مرد است یا مردی از میان انسان‌ها.

﴿وَلَقَدِ ٱسۡتُهۡزِئَ بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُواْ مِنۡهُم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ١٠﴾.

ای محمد ج! صبر کن و از تکذیب کفّار غمگین مباش. ما پیش از تو نیز پیامبران زیادی را فرستادیم در حالی که اقوام‌شان آن‌ها را تکذیب و به آن‌ها استهزا کردند. آن‌ها برای تو الگو هستند و تو اولین کسی که تکذیب شده نیستی! و چون کفار به پیامبران خود تمسخر کردند آن‌ها را به شدید‌ترین عذاب گرفتار کردیم و کیفر عملکرد زشت آن‌ها را در تمسخر به پیامبران دادیم.

﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ ٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ١١﴾.

ای مسخره کنندگان! در اطراف و اکناف زمین مسافرت کنید و آثار و نشانه‌های هلاک شدگان تکذیب‌گر را بنگرید که چگونه آن‌ها را محو و نابود کردیم و اهل آن‌ها را با انواع و اقسام کیفرها پاره پاره ساختیم. آیا کسی هست که از آنچه مشاهده می‌نماید و یا می‌شنود پند و اندرز لازم را بگیرد.

﴿قُل لِّمَن مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ قُل لِّلَّهِۚ كَتَبَ عَلَىٰ نَفۡسِهِ ٱلرَّحۡمَةَۚ لَيَجۡمَعَنَّكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِۚ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ١٢﴾.

ای محمد ج! برای مشرکان بگو پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آن کسیت؟ سپس به آن‌ها خبر بده که این پادشاهی همانگونه که خود آن‌ها اعتراف دارند از آن خداست پس چرا او را عبادت نمی‌کنید و به یکتائی پرستش نمی‌نمائید؟ اوتعالی بر خود رحمت و مهربانی را لازم گرفته از این‌روی رحمتش بر عذابش سبقت جسته و او در نزول کیفر عجله نمی‌نماید و پیش از هشدار، کسی را مؤاخذه نمی‌نماید و توبۀ توبه کنندگان را نیز می‌پذیرد و او حتماً همۀ شما را در روز حساب و جزا که در آن هیچ شکی نیست جمع می‌کند و یقیناً در آن روز مشرکان زیانمند خواهند بود؛ زیرا آن‌ها به خدا أ شریک آورده و به ملاقات او باور و به رسالت محمد ج اعتراف نکردند.

﴿۞وَلَهُۥ مَا سَكَنَ فِي ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٣﴾.

و خدای‌تعالی مالک همۀ آن چیزی است که در هستی ساکن و یا متحرک است و تحت پوشش شب یا روز قرار دارد. این پدیده‌ها چه پنهان باشند یا آشکار بر خدا أ پنهان نیست. او هر گفته‌ای را می‌شوند و هیچ صدایی بر او خلط نمی‌شود. او بر نیت‌ها و اعمال نیز واقف است.

﴿قُلۡ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيّٗا فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَهُوَ يُطۡعِمُ وَلَا يُطۡعَمُۗ قُلۡ إِنِّيٓ أُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَسۡلَمَۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٤﴾.

ای محمد ج! برای مشرکان بگو چگونه غیر از کسی را که متولی امور من است و مرا یاری می‌دهد به عنوان پروردگار خود برگزینم در حالی که او خالق و آفریدگار آسمان‌ها و زمین و تمام آنچیزی است که در آن‌ها قرار دارد. او یکتا و یگانه‌ای است که برای هر کس روزی می‌دهد و هیچ‌کس به او روزی نمی‌دهد، زیرا او بی‌نیاز از این مقوله‌هاست. پروردگارم مرا امر نموده تا اولین سرسپرده عبودیت در برابر او بوده و به الوهیتش تسلیم شوم و او من را از شرک بازداشته، زیرا من را به توحید فرستاده تا سایر بندگان را به سوی او دعوت کنم.

﴿قُلۡ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنۡ عَصَيۡتُ رَبِّي عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ١٥﴾.

ای محمد ج! برای مشرکان بگو من پیامبری از جانب خدای‌تعالی می‌باشم که می‌ترسم در صورت مخالفت از امرش و یا پرستش غیر او من را به کیفر سختی دچار کند. من اینگونه باشم شما در چه حالی قرار خواهید داشت چون شرک ورزیدید و اعراض کردید.

﴿مَّن يُصۡرَفۡ عَنۡهُ يَوۡمَئِذٖ فَقَدۡ رَحِمَهُۥۚ وَذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡمُبِينُ ١٦﴾.

هر که را حق‌تعالی در روز تهدید بزرگ به خطر یکتا پرستی‌اش از عذاب بازدارد محققاً که بر او رحم نموده و او را مشمول رحمت خود ساخته است. این پیروزی و رستگاریی بزرگ است، زیرا چنین کسی به مطلوب خویش دست یافته و از بدی‌ها نجات یافته است.

﴿وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يَمۡسَسۡكَ بِخَيۡرٖ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٧﴾.

ای انسان! اگر خدای‌تعالی نسبت به تو ارادۀ ضرر داشته باشد و خواسته باشد تو را دچار فقر، بیماری و بلاها کند مطمئن باش هیچ‌کس نمی‌تواند جز خود خدا أ این ضرر را از تو بازدارد و اگر اراده داشته باشد به تو خیری از قبیل ثروت، صحت و توفیق برساند مطمئن باش هیچ‌کس نمی‌تواند این خیر و فضل را از تو بازدارد؛ چون او بر همه چیز قادر و تواناست و هرگاه او ارادۀ کاری را بکند حتماً اجرایش می‌نماید و اگر چیزی مقدر کند بر اجرای آن توان دارد.

﴿وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ١٨﴾.

خدای‌تعالی بر امر خود غلبه داشته و مافوق همۀ بندگان خود است و همه مقهور جبروت اویند، زیرا او قهار هر جبار و ستمگر است. از این‌روی پرهیزگار با شنیدن امر خدا أ و متکبر با قهر و غضب در برابر او منقاد می‌شود. اوتعالی همه چیز را در جایش بنابر حکمت و با دقت گذاشته و هر چیزی که از انظار پوشیده و پنهان باشد بر او معلوم و هویداست. او با حکمت خو مقدر نموده و با علم خود اسرار را دانسته است؛ پس تنها او مستحق این است که پرستش شود و به یگانگی یاد گردد و به او شریک و انباز قرار داده نشود.

این آیه دلالت بر اثبات علو خدای بخشنده و فوقیت او آنگونه که سزاوارش است دارد.

﴿قُلۡ أَيُّ شَيۡءٍ أَكۡبَرُ شَهَٰدَةٗۖ قُلِ ٱللَّهُۖ شَهِيدُۢ بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۚ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ لِأُنذِرَكُم بِهِۦ وَمَنۢ بَلَغَۚ أَئِنَّكُمۡ لَتَشۡهَدُونَ أَنَّ مَعَ ٱللَّهِ ءَالِهَةً أُخۡرَىٰۚ قُل لَّآ أَشۡهَدُۚ قُلۡ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ وَإِنَّنِي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُشۡرِكُونَ ١٩﴾.

ای محمد ج! برای مشرکان بگو بزرگ‌ترین شاهد بر صدق رسالت و اثبات نبوّت تو چیست؟ برای آن‌ها بگو خدا بزرگ‌ترین شاهد بر این امر است. او بر همۀ آنچه به شما گفتم و شما به من پاسخ دادید آگاه است. او بر من قرآن را نازل نموده تا با آن شما را از عذاب الهی در صورتی که مخالفتش کنید بیم دهم و همچنان تمام کسانی را که این قرآن به آن‌ها می‌رسد. پس اگر خدای‌تعالی خالق همۀ آفریده‌ها و رازق‌شان است. شما چگونه به الوهیت غیر او اقرار می‌نمائید و با او کسی دیگر را شریک و انباز قرار می‌دهید. ولی من هرگز به اعمال شرک آلود شما اقرار و اعتراف ندارم. من شهادت می‌دهم که خدائی جز او نیست، او یگانه‌ای است که شریک ندارد و من هرگز سخن باطل را نمی‌پذیرم و بر صحت ظلم و جور گواه نیستم و به سوی خدا أ از هر شرکی و از هر مشرکی بیزارم و به سوی یکتاپرستی و توحید دعوت می‌کنم.

﴿ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَعۡرِفُونَهُۥ كَمَا يَعۡرِفُونَ أَبۡنَآءَهُمُۘ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٢٠﴾.

یهودیان و نصرانیان محمد ج را با تمام خصوصیاتش که در تورات و انجیل ذکر شده می‌شناسند درست همانگونه که فرزندان خود را می‌شناسند. و همانگونه که پدر هیچگاه در شناخت فرزند خود به بیراهه نمی‌رود اهل کتاب نیز در شناخت. این اوصاف نظر به وضوحی که دارند به بیراهه نمی‌روند ولی آن‌ها هدایت را رد نموده و چون قرآن حکیم را تکذیب کرده و از پیامبر ج پیروی نکردند به سوی زیان و خشم پروردگار بازگشتند.

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِ‍َٔايَٰتِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٢١﴾.

هیچکس در جهان ظالم‌تر و گنهکارتر از کسی نیست که ادعای شریک به خدا را می‌نماید و به اوتعالی زن و فرزند قایل است یا یکی از آیات و نشانه‌های وحدانیتش را و یا شواهد نبوت پیامبرش را رد کند هر کسی چنین کند ظالم و ستمگار است و چنین کسی هرگز راه درست را طی نمی‌نماید و از عذاب نیز نجاب پیدا نمی‌کند.

﴿وَيَوۡمَ نَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشۡرَكُوٓاْ أَيۡنَ شُرَكَآؤُكُمُ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ ٢٢﴾.

آیا این مشرکان یاد نمی‌آورند روزی را که ما همۀ آن‌ها را در روزی که شکی در آن نیست جمع می‌کنیم و از آن‌ها می‌پرسیم کجا شدند خدایانی که شما به غیر از خدا أ پرستش می‌کردید؟ چرا این خدایان شما را یاری نمی‌رسانند و از شما عذاب را دفع نمی‌نمایند و یا در رفع عذاب شفاعت نمی‌کنند؟

﴿ثُمَّ لَمۡ تَكُن فِتۡنَتُهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ وَٱللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشۡرِكِينَ ٢٣﴾.

آن‌ها بعد از اینکه خدایان خود را در آن روز می‌بینند که در برابر بی‌تفاوت‌اند از حجتی باطل و ادعایی دروغین استفاده می‌کنند و می‌گویند ما آن‌ها را در دنیا عبادت نکردیم و به خدا أ شریک نیاوردیم در حالی که در این ادعای خود دروغ می‌گویند و افترا می‌کنند.

﴿ٱنظُرۡ كَيۡفَ كَذَبُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡۚ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٢٤﴾.

ای محمد ج! آیا از این مشرکان در شگفت نیستی که با خدا أ در دنیا غیر او را شریک می‌آورند و در آخرت بر خویشتن دروغ می‌گویند و از خدایان خود بیزاری می‌جویند و سوگند یاد می‌کنند که آن‌ها را در دنیا پرستش ننموده‌اند؟ این‌ها بین کفر، دروغ، عمل بد و عذر بدتر از گناه جمع می‌کنند و در اعمال خود شریک می‌آورند و در اقوال خود دروغ می‌گویند این در حالی است که در آخرت شفاعت خدایان آن‌ها که گمان می‌کردند برای آن‌ها نفعی در پَی دراد از بین می‌رود.

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَسۡتَمِعُ إِلَيۡكَۖ وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗاۚ وَإِن يَرَوۡاْ كُلَّ ءَايَةٖ لَّا يُؤۡمِنُواْ بِهَاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوكَ يُجَٰدِلُونَكَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٢٥﴾.

از این مشرکان کسانی هستند که صدای تو را هنگامی که قرآن می‌خوانی می‌شنوند اما شنیدنی بدون فهم، بدون درک و بدون بهره‌گیری زیرا هوی و هوس بر دل‌های آن‌ها چیره شده و منافذ بصیرت را بر آن‌ها بسته و قلب‌های‌شان را در حجاب قرار داده است از این‌روی آن‌ها نمی‌فهمند و گوش‌های‌شان در واقع کر است و اگر تو هر نشانه‌ای بر صدق خویش ارائه کنی در حالی که تمام معجزات بر رسالت تو گواهی می‌دهند آن‌ها بازهم تکذیب می‌کنند و انکار می‌نمایند و بعد از آن سراغ تو می‌آیند تا بگویند همۀ این نشانه‌ها و معجزات از جملۀ افسانه‌های پیشینیان و خرافات گذشتگان است و حقیقت ندارد.

﴿وَهُمۡ يَنۡهَوۡنَ عَنۡهُ وَيَنۡ‍َٔوۡنَ عَنۡهُۖ وَإِن يُهۡلِكُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ ٢٦﴾.

این مشرکان مردم را از باور نمودن به پیامبر اسلام ج و از پیروی ایشان بازمی‌دارند پس آن‌ها، هم گمراه‌اند و هم گمراه‌گر، هم خودشان کافر می‌شوند و هم مردم را از هدایت بازمی‌دارند. آن‌ها با این عمل خویش در واقع به خود زیان و آسیب می‌رسانند و در راستای هلاکت و نابودی خود تلاش می‌نمایند ولی بر خطر عملکرد خود واقف نیستند و ضرر آنچه را انجام می‌دهند نمی‌دانند.

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ وُقِفُواْ عَلَى ٱلنَّارِ فَقَالُواْ يَٰلَيۡتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٢٧﴾.

و ای کاش تو ای محمد ج! این مشرکان را هنگامی مشاهده می‌نمودی که بر آتش عرضه می‌شوند و خشم خدای جبّار را و همچنان هولناکی صحنه، غلّ و زنجیرها را مشاهده می‌نمایند، آنگاه خواهند گفت: ای کاش زنده می‌شدیم و به دنیا بازمی‌گشتیم و به خدا أ ایمان می‌آوردیم و پیامبر ج را تصدیق می‌کردیم ولی هیهات آن‌ها مرده‌اند و بر آن‌ها جز پشیمانی و حسرت چیزی دیگر باقی نمانده است. چقدر این منظر هولناک و سخت است؟!

﴿بَلۡ بَدَا لَهُم مَّا كَانُواْ يُخۡفُونَ مِن قَبۡلُۖ وَلَوۡ رُدُّواْ لَعَادُواْ لِمَا نُهُواْ عَنۡهُ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ٢٨﴾.

آن‌ها در آنچه گفتند راست نگفتند چون صداقت پیامبر و صحت رسالتش را در روز رستاخیز بزرگ دانستند و اگر آن‌ها بار دیگر به دنیا باز گردند بازهم آیات و نشانه‌های الهی را مانند گذشته تکذیب می‌کنند.

﴿وَقَالُوٓاْ إِنۡ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنۡيَا وَمَا نَحۡنُ بِمَبۡعُوثِينَ ٢٩﴾.

مشرکان گفتند: هرگز زنده شدن بعد از مرگ و حشر و نشری نیست و هرگاه ما بمیریم هرگز از قبرهای خود به منظور حساب و کتاب زنده نمی‌شویم؛ زیرا حیات ما فقط مربوط به همین دنیاست.

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ وُقِفُواْ عَلَىٰ رَبِّهِمۡۚ قَالَ أَلَيۡسَ هَٰذَا بِٱلۡحَقِّۚ قَالُواْ بَلَىٰ وَرَبِّنَاۚ قَالَ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ٣٠﴾.

و اگر تو ای محمد ج! این کفار را در روز قیامت در حالتی بنگری که به منظور رسیدگی به حساب‌شان ایستاده‌اند و ترس و دلهرۀشان را هنگامی که به آن‌ها گفته شود: آیا این همان زنده‌شدن بعد از مرگی که شما تکذیب می‌کردید نیست؟ در آن هنگام خواهند گفت: بلی سوگند به خدا أ که حقیقتاً خود آن است. برای آن‌ها در نهایت سرزنش گفته می‌شود این عذابی که شما دچار آن شُدید! علت آن کفر شما به خدا أ و تکذیبگری‌تان نسبت به پیامبر اسلام ج است.

﴿قَدۡ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِلِقَآءِ ٱللَّهِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتۡهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغۡتَةٗ قَالُواْ يَٰحَسۡرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطۡنَا فِيهَا وَهُمۡ يَحۡمِلُونَ أَوۡزَارَهُمۡ عَلَىٰ ظُهُورِهِمۡۚ أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ ٣١﴾.

تمام تلاش کافران موجب زیان شد و عمل‌شان تباه گردید، زیرا آن‌ها به روز آخرت باور نکردند و هرگاه کاه قیامت برپا گردد و آن‌ها عاقبت تکذیبگری خود را ناگهان ملاحظه کنند از شدّت ترس فریاد می‌دارند و بر عملکرد بد خود حسرت می‌خورند. آن‌ها عاقبت عمل و نتیجۀ تکذیبگری خود را دریافت داشتند. چقدر بد است این اعمال؟!

﴿وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا لَعِبٞ وَلَهۡوٞۖ وَلَلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٣٢﴾.

دنیا بهره‌ای است کوتاه، درست مانند رؤیایی که یک انسان خواب شده می‌بیند. دنیا مایۀ قریب و کلاً باطل است. دنیا سایه‌ای است رونده، آنچه بهتر است آخرت است که برای متقیان و کسانی که اعمال صالح انجام می‌دهند مایۀ سعادت است. چنین کسی در نعمت ماندگار قرار دارد. آیا شما در این امر تدبر نمی‌کنید تا کوتاهی دنیا و سرعت زوال و گذشت و فنای آن را بنگرید و آخرت و نعمت‌های آن را در بهشت‌های ماندگار تا به خاطر آن تلاش کنید؟

﴿قَدۡ نَعۡلَمُ إِنَّهُۥ لَيَحۡزُنُكَ ٱلَّذِي يَقُولُونَۖ فَإِنَّهُمۡ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَٰكِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ ٣٣﴾.

خداوند أ می‌داند که تو ای محمد از استهزا و تکذیب قوم خود دچار حزن و اندوه می‌شوی. صبر کن که آن‌ها در باطن صدق تو را می‌دانند. آن‌ها ظاهراً و بنابر عناد و سرکشی که دارند تو را تکذیب می‌کنند و نشانه‌های شگفت‌انگیز و معجزات تو را رد می‌نمایند.

﴿وَلَقَدۡ كُذِّبَتۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَ فَصَبَرُواْ عَلَىٰ مَا كُذِّبُواْ وَأُوذُواْ حَتَّىٰٓ أَتَىٰهُمۡ نَصۡرُنَاۚ وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِۚ وَلَقَدۡ جَآءَكَ مِن نَّبَإِيْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٣٤﴾.

ای محمد ج! صبر کن که برای تو در پیامبران گذشته که اقوام‌شان آن‌ها را تکذیب کردند و آن‌ها صبر نمودند الگوست. آن‌ها تمام آزار و اذیت‌ها را تحمل کردند و همچنان به دعوت و جهاد خویش ادامه دادند تا اینکه به نصرت الهی رسیدند. امکان ندارد کلمات خدا أ که بر تو نازل نموده و حاوی وعده به نصرت و پیروزی و حسن عاقبت تو و انتقام از کفار است تغییر یابد. خدای‌تعالی بر تو اخبار پیامبران گذشته را و اینکه چگونه آن‌ها را یاری رسانیده و دشمنانت را هلاک کرده است نازل نموده تا مایۀ تسلیت خاطر تو باشد.

﴿وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيۡكَ إِعۡرَاضُهُمۡ فَإِنِ ٱسۡتَطَعۡتَ أَن تَبۡتَغِيَ نَفَقٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ أَوۡ سُلَّمٗا فِي ٱلسَّمَآءِ فَتَأۡتِيَهُم بِ‍َٔايَةٖۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَمَعَهُمۡ عَلَى ٱلۡهُدَىٰۚ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ ٣٥﴾.

اگر تکذیب این مشرکان بر تو سخت تمام می‌شود و تو می‌توانی از زیر زمین یا آسمان معجزه و برهانی دیگر غیر از آنچه ما به تو دادیم بیاوری این کار را بکن ولی بازهم آن‌ها تصدیقت نمی‌نمایند و اگر خدای‌تعالی ارادۀ هدایت آن‌ها را می‌نمود حتماً این کار را می‌کرد ولی حکمت اوتعالی ایجاب نموده تا آن‌ها را بر ایمان موفق نکند. پس از جملۀ کسانی که زیاد حسرت و تأسف می‌خورند و داد و فریاد می‌کنند و به اسرار قضا و حکمت‌های مقاصد الهی آگاهی ندارند مباش!

﴿۞إِنَّمَا يَسۡتَجِيبُ ٱلَّذِينَ يَسۡمَعُونَۘ وَٱلۡمَوۡتَىٰ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ ثُمَّ إِلَيۡهِ يُرۡجَعُونَ ٣٦﴾.

از تو ای محمد کسانی پیروی می‌کنند و به آنچه آورده‌ای ایمان می‌آورند که نزد آن‌ها استعداد پذیرش و قبول باشد در حالی که کفار مانند مردگان‌اند، زیرا حیات و زندگی حقیقی در ایمان است و قلب‌های کفار مرده است. اما خدای‌تعالی مردگان مقبره‌ها را از قبرها بیرون می‌کند تا در روز قیامت به حساب و کتاب‌شان رسیدگی کند.

﴿وَقَالُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ عَلَيۡهِ ءَايَةٞ مِّن رَّبِّهِۦۚ قُلۡ إِنَّ ٱللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يُنَزِّلَ ءَايَةٗ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٧﴾.

مشرکان گفتند چرا بر محمد ج معجزه‌ای غیر طبیعی نازل نمی‌شود؟ به آن‌ها بگو حق‌تعالی از این امر ناتوان نیست، زیرا او بر هر کاری قدرت و توان دارد ولی او آیات خود را بنابر حکمت نازل می‌نماید ولی مشرکان نمی‌دانند.

﴿وَمَا مِن دَآبَّةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا طَٰٓئِرٖ يَطِيرُ بِجَنَاحَيۡهِ إِلَّآ أُمَمٌ أَمۡثَالُكُمۚ مَّا فَرَّطۡنَا فِي ٱلۡكِتَٰبِ مِن شَيۡءٖۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ يُحۡشَرُونَ ٣٨﴾.

بر روی زمین هیچ جنبده و در آسمان هیچ پرنده‌ای نیست مگر اینکه آن‌ها نیز مانند مردم در توافق و اختلاف بسر می‌برند و به این ترتیب بین آن‌ها و مردم خصوصیاتی مشابه وجود دارد. ما همۀ امور مخلوقات را در کتاب «لوح محفوظ» درج نموده و تقدیر و تدبیر آن را مشخص کردیم و به زودی همه به سوی پروردگار خویش باز می‌گردند تا آن‌ها را در قبال اعمال‌شان محاسبه کند.

﴿وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا صُمّٞ وَبُكۡمٞ فِي ٱلظُّلُمَٰتِۗ مَن يَشَإِ ٱللَّهُ يُضۡلِلۡهُ وَمَن يَشَأۡ يَجۡعَلۡهُ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٣٩﴾.

آنانی که قرآن و سنّت را تکذیب نموده و آن را به منظور قبول و پذیرش نمی‌شنوند و راست و حقیقت نمی‌گویند و در تاریک‌های کفر و هوی و هوس‌های خویش حیران‌اند چنین کسانی به سوی هدایت راه پیدا نمی‌کنند و هر که خدای‌تعالی ارادۀ گمراهی‌اش را داشته باشد هیچ‌کس نمی‌تواند هدایتش کند و هر که را هدایت کند هیچ‌کس نمی‌تواند او را گمراه کند.

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتَكُمۡ إِنۡ أَتَىٰكُمۡ عَذَابُ ٱللَّهِ أَوۡ أَتَتۡكُمُ ٱلسَّاعَةُ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَدۡعُونَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٤٠﴾.

ای مشرکان! به من خبر دهید هنگامی را که عذاب خدا أ در دنیا به سراغ شما بیاید آیا کسی هست که این عذاب را از شما دفع کند؟ یا هرگاه که قیامت با تمام هولناکی‌ها و امور ترسناک خود اقامه گردد آیا کسانی را که در دنیا عبادت می‌کردید شما را از عذاب نجات می‌دهند آن‌هم اگر شما در این پندار خود صادق باشید که آن‌ها نفع و ضرر می‌رسانند؟ اگر چنین است چرا آن‌ها نتوانستند برای شما نفعی را جلب و یا ضرری را از شما دفع کنند.

﴿بَلۡ إِيَّاهُ تَدۡعُونَ فَيَكۡشِفُ مَا تَدۡعُونَ إِلَيۡهِ إِن شَآءَ وَتَنسَوۡنَ مَا تُشۡرِكُونَ ٤١﴾.

واقعیت این است که هرگاه مشکلات زیاد گردد شما جز خدای یگانه هیچ‌کس دیگر را نمی‌خوانید و از خواندن بت‌ها و تندیس‌های تراشیده دست برمی‌دارید، زیرا عبادت شما نسبت به این تندیس‌ها بنابر دروغ و بهتان و زیان است. در سختی‌هاست که حق و باطل واضح می‌گردد.

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰٓ أُمَمٖ مِّن قَبۡلِكَ فَأَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمۡ يَتَضَرَّعُونَ ٤٢﴾.

پیش از تو ای محمد! پیامبرانی را به سوی اقوام‌شان فرستادیم اما آن اقوام پیامبران‌شان را تکذیب کردند، این بود که ما آن‌ها را در زندگی‌شان دچار فقر، سختی، کمبود اموال، آفات و بلیات نموده در اجسام‌شان نیز آن‌ها را آسیب رسانیدیم به این امید که با دعا و نیایش به سوی خدای خود بازگردند و از گناهان توبه کنند و در برابر اوتعالی با طاعت و عبادت خاضع و فروتن شوند.

﴿فَلَوۡلَآ إِذۡ جَآءَهُم بَأۡسُنَا تَضَرَّعُواْ وَلَٰكِن قَسَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٤٣﴾.

چرا آن‌ها هنگامی که بلیات ما به سراغ‌شان آمد در برابر ما خضوع نکرده و از اوامر ما اطاعت ننمودند و پیامبران ما را تصدیق نکردند؟ علت این امر قساوت قلب‌های‌شان است که پند و اندرز به آن‌ها نفعی ندارد و دیگر اینکه شیطان تکذیب آیات و نشانه‌ها و نافرمانی ما را در نظر آن‌ها خوب جلوه داده است، از این‌روی پند لازم را از آیات و نشانه‌های ما نگرفتند.

﴿فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِۦ فَتَحۡنَا عَلَيۡهِمۡ أَبۡوَٰبَ كُلِّ شَيۡءٍ حَتَّىٰٓ إِذَا فَرِحُواْ بِمَآ أُوتُوٓاْ أَخَذۡنَٰهُم بَغۡتَةٗ فَإِذَا هُم مُّبۡلِسُونَ ٤٤﴾.

پس هنگامی که از ما نافرمانی نموده و آیات و نشانه‌های ما را تکذیب کردند و مصیبت‌ها و بلیات نیز به حال آن‌ها نفعی نکرد، دروازه‌های خیر و برکت هر چیز را بر آن‌ها بازکردیم و آن‌ها در دنیا به کثرت اموال و اولاد و صحت جسمی و رفاهیت رسیدند تا زمانی که اسراف کردند و در راه بد گام برداشته و سرکش شدند و ثروت و سرمایه آنان را پسند آمد و این همه فریب‌شان داد، در چنین حالتی آن‌ها را به عذاب گرفتار کردیم و از آن‌ها تمام نعمت‌های‌شان را ربودیم و بر آن‌ها سخت‌ترین عذاب و کیفر را نازل کردیم این بود که همۀ خیرها و برکت‌ها از آن‌ها قطع شد و از هر فضلی در افلاس قرار گرفته و همه چیز خود را از دست دادند.

﴿فَقُطِعَ دَابِرُ ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْۚ وَٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٥﴾.

پس ای کفاری که با شرک به خدا أ بر خویشتن ظلم کردند هلاک شدند و از آن‌ها اثری باقی نماند و خدای را شکر و سپاس که آن‌ها را هلاک نمود چون در این امر نصرت حق و محو باطل نهفته است و حق‌تعالی در هر حالی ستایش می‌گردد، زیرا رحمت او فضل و عذابش عین عدالت است.

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَخَذَ ٱللَّهُ سَمۡعَكُمۡ وَأَبۡصَٰرَكُمۡ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُم مَّنۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَأۡتِيكُم بِهِۗ ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ ثُمَّ هُمۡ يَصۡدِفُونَ ٤٦﴾.

خطاب به این ستمگران بگو اگر خدای‌تعالی شما را کَر و کور کرده و گوش‌ها و چشم‌های‌تان از بین رفته و قلب‌های‌تان نیز بسته شده‌اند، آیا خدایی جز او هست که گوش‌ها و چشم‌ها و دریچه‌های قلب‌های شما را باز کند؟ بنگر چگونه خدای‌تعالی به منظور هدایت آن‌ها از انواع و اقسام دلائل و براهین استفاده می‌کند ولی با همۀ این‌ها بازهم آن‌ها از پذیرش و قبول این دلائل و نشانه‌ها سر باز می‌زنند.

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتَكُمۡ إِنۡ أَتَىٰكُمۡ عَذَابُ ٱللَّهِ بَغۡتَةً أَوۡ جَهۡرَةً هَلۡ يُهۡلَكُ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٤٧﴾.

ای ستمگران! به من خبر دهید که اگر بر شما عذاب الهی به طور ناگهان و بدون هشدار قبلی نازل شود و یا در حالی این عذاب نازل شود که شما آن را با دیدگان خود مشاهده کنید، پس آیا کسی جز آنکه بر خویشتن از طریق رد نمودن حق و تکذیب پیامبران ظلم نموده مستحق عذاب می‌گردد؟

﴿وَمَا نُرۡسِلُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَۖ فَمَنۡ ءَامَنَ وَأَصۡلَحَ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٤٨﴾.

ما پیامبران را نمی‌فرستیم مگر برای بشارت مؤمنان به بهشت و انذار کافران به دوزخ و هر که به خدا أ ایمان آورد و پیامبران را تصدیق کند هرگز از امور هولناکی که در آینده‌اش واقع می‌گردد و همچنان از اعمال خویش در واهمه و نگرانی قرار نخواهد داشد.

﴿وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا يَمَسُّهُمُ ٱلۡعَذَابُ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ ٤٩﴾.

و آنانی که تمام آیات قرآنی و نشانه‌های موجود در هستی که ما ارائه کردیم تکذیب کند آن‌ها را به علت خروج از طاعت خویش و پیروی نکردن پیامبران ما عذاب خواهیم کرد.

﴿قُل لَّآ أَقُولُ لَكُمۡ عِندِي خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ وَلَآ أَقُولُ لَكُمۡ إِنِّي مَلَكٌۖ إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّۚ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُۚ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ٥٠﴾.

ای محمد ج! به مشرکان خبر بده که تو مالک خزینه‌های زمین نیستی تا به کسی چیزی را ببخشی و از کسی دیگر بازداری! او غیب را مگر آنچه من تو را بر آن آگاه می‌نمایم نمی‌دانی و تو از جملۀ فرشتگان نیز نمی‌باشی! برای آن‌ها بگو که تو مانند آن‌ها بشری هستی که خداوند أ به سوی تو قرآن را نازل نموده و تو را به عنوان پیامبر به سوی آن‌ها فرستاده است. همچنان به آن‌ها خبر بده که کافر مانند یک انسان کور و مؤمن مانند یک انسان بیناست، کافر از مشاهدۀ آیات و نشانه‌های الهی کور شده در حالی که مؤمن آن را دیده است پس این دوتن به هیچ وجه با یکدیگر برابر و مساوی نیستند. آیا آیات و نشانه‌های وحدانیت خدا أ و صدق پیامبر ج را ملاحظه نمی‌کنند.

﴿وَأَنذِرۡ بِهِ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحۡشَرُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ لَيۡسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِيّٞ وَلَا شَفِيعٞ لَّعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ ٥١﴾.

و مؤمنان را آنانی که به ملاقات پروردگار خویش یقین و باور کامل دارند، با کتاب الهی بترسان که برای آن‌ها غیر از خدا أ هیچ ولی و دوستداری نیست که بتواند نفع را به آن‌ها جلب و یا ضرری را از آن‌ها دفع کند و نه هم شفاعتگری دارند که در پیشگاه خداوند و به منظور رفع عذاب از آن‌ها شفاعت کند. آنان را با این کتاب بترسان به این امید که با این ترس طاعت خدا أ را انجام دهند و از نواهی او بپرهیزند.

﴿وَلَا تَطۡرُدِ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥۖ مَا عَلَيۡكَ مِنۡ حِسَابِهِم مِّن شَيۡءٖ وَمَا مِنۡ حِسَابِكَ عَلَيۡهِم مِّن شَيۡءٖ فَتَطۡرُدَهُمۡ فَتَكُونَ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥٢﴾.

و از مجلس خود ضعیفان و فقرا را طرد نکن! آنانی که با ذکر و دعا در اول روز و آخر آن و در کمال اخلاص خدا را پرستش می‌کنند، زیرا نه تو در مورد اعمال آن‌ها مورد بازپرس قرار می‌گیری و نه آن‌ها در مورد اعمال تو و اگر تو آن‌ها را از مجلس خود طرد کنی در واقع اشتباه بزرگی را مرتکب شده و هرگز راه حق را نپیمودی و مرتکب ظلم و ستم شدی و عدالت نکردی!

﴿وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لِّيَقُولُوٓاْ أَهَٰٓؤُلَآءِ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنۢ بَيۡنِنَآۗ أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَعۡلَمَ بِٱلشَّٰكِرِينَ ٥٣﴾.

این سنّت و روش خداست که برخی از بندگان خود را توسط بعضی دیگر مورد ابتلا و آزمایش قرار می‌دهد. حق‌تعالی به برخی ثروت، نیرو و تندرستی می‌دهد و از برخی دیگر این‌ها را سلب می‌نماید تا بعضی به برخی دیگر نیاز داشته باشند و تا که دانسته شود چه کسی شکر می‌کند و چه کسی صبر می‌نماید. کفار ثروتمند به مؤمنان نیازمند می‌گویند: آیا این مسکین‌ها را خدای‌تعالی به سوی اسلام هدایت نموده و ما را هدایت نکرده است؟ پاسخ این‌ها چنین است که حق‌تعالی بهتر می‌داند چه کسی شکرگذار و مستحق ایمان است تا او را هدایت کند.

﴿وَإِذَا جَآءَكَ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِ‍َٔايَٰتِنَا فَقُلۡ سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡۖ كَتَبَ رَبُّكُمۡ عَلَىٰ نَفۡسِهِ ٱلرَّحۡمَةَ أَنَّهُۥ مَنۡ عَمِلَ مِنكُمۡ سُوٓءَۢا بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ تَابَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ وَأَصۡلَحَ فَأَنَّهُۥ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٥٤﴾.

و ای محمد ج! هرگاه مؤمنان صادق نزد تو می‌آیند و در پرتو آیاتی که بر تو نازل می‌شود دربارۀ توبه سوال می‌کنند به آن‌ها سلام گفته و به نرمی سخن بگوی و به آن‌ها خبر بده که خدای‌تعالی توبه پذیر است و رحمت او بر همه چیز وسعت دارد و او بر خود لازم نموده تا توبۀ توبه کنندگان را بپذیرد.

پس هر کس مرتکب گناه شود و موجبات خشم الهی را فراهم کند در حالی که عاقبت این عمل خود را نمی‌داند – هر گناه کار جاهل است ولو موضوع حرمت آن عمل را نیز بداند – و سپس از گناه خود دست بردارد و بر آن پشیمان شده و عمل خود را نیکو بگرداند خداوند أ گناه چنین کسی را محو می‌کند و او را مشمول رحمت خود می‌گرداند، زیرا او دارای مغفرتی وسیع و رحمتی بسیار است.

﴿وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ وَلِتَسۡتَبِينَ سَبِيلُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٥٥﴾.

و مانند این بیانی که بر تو نازل کردیم دلائل را نیز بر تو بیان می‌کنیم و حجّت و معجزات را واضح می‌سازیم تا حق ظاهر شود و باطل باطل و راه منحرفان تکذیبگر واضح گردد.

﴿قُلۡ إِنِّي نُهِيتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِۚ قُل لَّآ أَتَّبِعُ أَهۡوَآءَكُمۡ قَدۡ ضَلَلۡتُ إِذٗا وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُهۡتَدِينَ ٥٦﴾.

ای محمد ج! برای بت‌پرستان بگو پروردگار من مرا از شرک نهی نموده و من هرگز از هوی و هوس شما پیروی نمی‌نمایم که شما گمراهید. من هدایت پروردگار خود را که به سوی من وحی نموده پیروی می‌نمایم و اگر از راه شما پیروی کنم راه راست را گم خواهم نمود و هدایتی را که خدایم من را با آن گرامی داشته ترک خواهم کرد.

﴿قُلۡ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبۡتُم بِهِۦۚ مَا عِندِي مَا تَسۡتَعۡجِلُونَ بِهِۦٓۚ إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِۖ يَقُصُّ ٱلۡحَقَّۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡفَٰصِلِينَ ٥٧﴾.

ای محمد ج! به این کفار بگو: من بر حجتی واضح و آشکار و بر راه راست توحید و عبادت خدا أ قرار دارم ولی شما این وحی را تکذیب نموده و من توان تعجیل در نزول عذابی را که می‌طلبید ندارم. من صرفاً بنده‌ای هستم که جز تبلیغ وحی دیگر مالک هیچ امری نیستم. حکمت و تعیین تعجیل در عذاب یا تأخیر آن نزد خداست و اوتعالی حق را واضح می‌سازد و تنها او هدایت را بیان می‌نماید، او خدایی است که بین حق و باطل فرق می‌گذارد و یا حکم خود در بین مؤمنان و کافران داوری می‌نماید.

﴿قُل لَّوۡ أَنَّ عِندِي مَا تَسۡتَعۡجِلُونَ بِهِۦ لَقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۗ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِٱلظَّٰلِمِينَ ٥٨﴾.

ای محمد ج! به این مشرکان خبر بده که اگر تقدیم عذابی که در نزول آن عجله می‌کنند بر عهدۀ تو می‌بود حتماً این عذاب را بر آنان نازل می‌کردی و مسأله در بین آن‌ها و تو خاتمه می‌یافت و خداوند أ به این امر داناست که چه کسی با تجاوز از حد و اعراض از ایمان مستحق عذاب است.

﴿۞وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلۡغَيۡبِ لَا يَعۡلَمُهَآ إِلَّا هُوَۚ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۚ وَمَا تَسۡقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعۡلَمُهَا وَلَا حَبَّةٖ فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡأَرۡضِ وَلَا رَطۡبٖ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ٥٩﴾.

و نزد خدای‌تعالی خزینه‌های غیب است، جز او کسی این خزینه‌ها را نمی‌داند. امور غیبیی مانند: وقت وقوع قیامت، هنگام نزول باران، اینکه در رحم زن چه چیزی وجود دارد و اینکه یک انسان فردا چه کاری انجام می‌دهد و محل مردن شخص. او بر تمام امور پنهان خشکی‌ها و دریاها آگاه است و می‌تواند برگ‌های درختان چه وقت می‌افتند و دانش هر دانه‌ای که در زمین قرار دارد و اینکه در کجاست و هر چیز تری که در او حیات است مانند انسان، حیوان و نبات و... نزد اوست، زیرا تمام این‌ها در کتاب لوح محفوظ نوشته شده و واضح و آشکار است.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَتَوَفَّىٰكُم بِٱلَّيۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا جَرَحۡتُم بِٱلنَّهَارِ ثُمَّ يَبۡعَثُكُمۡ فِيهِ لِيُقۡضَىٰٓ أَجَلٞ مُّسَمّٗىۖ ثُمَّ إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٦٠﴾.

او خدایی است که ارواح شما را هنگام خواب شب نگه می‌دارد و شما مانند مردگان می‌شوید. این اوست که شما را از خواب بیدار می‌کند گویا که بعد از مرگ خویش برانگیخته می‌شوید. او برکاری که در روز انجام می‌دهید آگاه است. همۀ این‌ها به این منظور است که تا اجل محدود و عمر معدود شما در دنیا خاتمه یابد و او در روز قیامت شما را به سوی خود بازمی‌گرداند و بر آنچه انجام می‌دهید محاسبه می‌کند و بنابر اعمال‌تان جزا می‌دهد.

﴿وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦۖ وَيُرۡسِلُ عَلَيۡكُمۡ حَفَظَةً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ تَوَفَّتۡهُ رُسُلُنَا وَهُمۡ لَا يُفَرِّطُونَ ٦١﴾.

و خدای‌تعالی بندگان خود را مقهور خود نموده، قهر او بر بندگان قهر علو، قدرت و جبروت است و فوقیت و برتری مطلق آنگونه که سزاوار اوست مخصوص او می‌باشد. هر آفریده‌ای در برابر عظمت او خاضع و فروتن است. او ملائکه‌ای را موکل نموده تا به حفظ و ثبت آنچه انجام می‌دهید بپردازند و شما را از آنچه می‌ترسید نگهدارند و هرگاه موعد مرگ یکی از شما فرا رسد ملائکه روحش را قبض می‌نمایند در حالی که به هیچ‌کس مهلت نمی‌دهند و آنچه را که به آن موکل شده‌اند ضایع نمی‌سازند، بلکه اوامر را با کمال دقت انجام می‌دهند.

﴿ثُمَّ رُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوۡلَىٰهُمُ ٱلۡحَقِّۚ أَلَا لَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَهُوَ أَسۡرَعُ ٱلۡحَٰسِبِينَ ٦٢﴾.

سپس مردگان به سوی خدای خویش بازمی‌گردند تا به حساب‌شان عادلانه رسیدگی کند. او سریع‌ترین حساب‌گر است که در وقتی اندک انبوهی را محاسبه می‌نماید و در بین خلایق در مدتی کوتاه فیصله صورت می‌دهد چون قدرت و حکمتش کامل است.

﴿قُلۡ مَن يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ تَدۡعُونَهُۥ تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةٗ لَّئِنۡ أَنجَىٰنَا مِنۡ هَٰذِهِۦ لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ٦٣﴾.

ای محمد ج! برای مشرکان بگو چه کسی شما را از امور مخوف خشکی نجات می‌دهد؟ و از خطرهای دریا و مهلکه‌هایش سالم بیرون می‌نماید؟ چه کسی غیر از خدای یکتا و یگانه که شما به او شریک آوردید این کار را به انجام می‌رساند؟ البته با در نظرداشت این مطلب که هرگاه عرصه بر شما تنگ شود و در مخمصه و در هاله‌ای از خطر قرار گیرید، فوراً به سوی خدای‌تعالی التجا می‌نمائید و به صورت پنهان و آشکار او را می‌خوانید و با او پیمان می‌بندید که اگر شما را از این مخمصه سالم بیرون کند او را به یکتائی پرستش می‌کنید و هیچ‌کس را شریک و انبازش قرار نمی‌دهید.

﴿قُلِ ٱللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنۡهَا وَمِن كُلِّ كَرۡبٖ ثُمَّ أَنتُمۡ تُشۡرِكُونَ ٦٤﴾.

بگو این تنها خداست که متولی نجات شما از تمام این خطرها و مهلکه‌هاست و هیچ‌کس جز خدای بزرگ توان چنین کاری را ندارد، او کسی است که شما را از هر خطری که بر شما احاطه نموده نجات می‌دهد و شما را از هر موقف هولناکی سالم نگه می‌دارد و هر سختیی را از شما دور می‌نماید ولی بعد از این نجات، این شمائید که با خدا أ شریک و انباز قرار می‌دهید و به این ترتیب در هنگام آسودگی و آسایش نافرمانی می‌کنید و هنگام سختی اطاعت و زاری می‌نمائید.

﴿قُلۡ هُوَ ٱلۡقَادِرُ عَلَىٰٓ أَن يَبۡعَثَ عَلَيۡكُمۡ عَذَابٗا مِّن فَوۡقِكُمۡ أَوۡ مِن تَحۡتِ أَرۡجُلِكُمۡ أَوۡ يَلۡبِسَكُمۡ شِيَعٗا وَيُذِيقَ بَعۡضَكُم بَأۡسَ بَعۡضٍۗ ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَفۡقَهُونَ ٦٥﴾.

برای آن‌ها ای محمد ج بگو که خدای یگانه توان این را دارد تا بر شما عذابی از آسمان مانند صاعقه، سنگ، طوفان و از این قبیل نازل کند و یا شما را از زیر پای‌تان با خسف و زلزله هلاک کند یا شما را از هم متفرق سازد و در بین شما اختلاف ایجاد کند طوری که خودتان دیگران‌تان را از بین ببرید.

تو در این امر تدبر کن که چگونه ما به آن‌ها و اقسام موعظه‌ها و براهین را ارائه می‌نمائیم تا بعد از فهم و درک از پیامبر ج پیروی کنند و بین حق و باطل فرق قایل شوند؛ ولی هیهات که گناهان بر قلب‌های آن‌ها متراکم شده و این قلب‌ها را از مشاهدۀ هدایت خدای دانای غیب کور کرده است از این‌روی گمراه کور و از مسیر درست خارج می‌باشد.

﴿وَكَذَّبَ بِهِۦ قَوۡمُكَ وَهُوَ ٱلۡحَقُّۚ قُل لَّسۡتُ عَلَيۡكُم بِوَكِيلٖ ٦٦﴾.

مشرکان کتاب خدا را در حالی که همه‌اش حقیقت و راست است تکذیب کردند. ای محمد ج برای آن‌ها بگو من حافظ اعمال شما نیستم تا براساس آن جزا و پاداش‌تان دهم، چنان‌چه اسرار شما را نیز نمی‌دانم. بر خدا أ بیان و بر پیامبر ج ابلاغ و بر مردم انقیاد و اطاعت است و در اخیر حساب همه بر پروردگار است.

﴿لِّكُلِّ نَبَإٖ مُّسۡتَقَرّٞۚ وَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٦٧﴾.

هرکاری نهایتی دارد و هر پدیده‌ای عاقبتی که به سوی آن منتهی می‌شود. خیر، شر و حق و باطل آشکار می‌شود و به زودی ای تکذیبگران بر شما عاقبت اعمال زشت‌تان هنگام نزول عذاب می‌گردد؛ زیرا هر عملی مدتی دارد و هر عاملی به آنچه انجام داده ملاقی خواهد شد در حالی که پشیمانی سودی ندارد.

﴿وَإِذَا رَأَيۡتَ ٱلَّذِينَ يَخُوضُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ حَتَّىٰ يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيۡرِهِۦۚ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَلَا تَقۡعُدۡ بَعۡدَ ٱلذِّكۡرَىٰ مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٦٨﴾.

و آنگاه که تکذیب‌گران را دیدی به قرآن و آیات ما استهزا می‌کنند و برخی از قرآن را بر برخی دیگر می‌کوبند و در آن جدل، خصومت و شک می‌نمایند، نشستن با آن‌ها را رها کن تا در موضوعی دیگر سخن بگویند و هرگاه فراموش کردی و با آن‌ها نشستی پس هرگاه که به یادت آمد از مجلس آن‌ها برخیز و بیرون شو که آن‌ها تجاوزگرانی هستند که به راه حق توفیق نمی‌یابند و به رشد نمی‌رسند.

﴿وَمَا عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنۡ حِسَابِهِم مِّن شَيۡءٖ وَلَٰكِن ذِكۡرَىٰ لَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ ٦٩﴾.

بر کسانی که ایمان آورده و از پیامبرش پیروی کرده‌اند بازخواستی راجع به استهزای استهزاگران که نسبت به آیات الهی انجام می‌دهند بعد از اینکه آن‌ها را تبلیغ و نصیحت کنند نیست؛ زیرا بر مؤمنان لازم است تا گناه‌کاران را موعظه کنند چون برای آن‌ها اجر و پاداش کسی است که هدایت می‌شود نه گناه گمراهان.

﴿وَذَرِ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَهُمۡ لَعِبٗا وَلَهۡوٗا وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ وَذَكِّرۡ بِهِۦٓ أَن تُبۡسَلَ نَفۡسُۢ بِمَا كَسَبَتۡ لَيۡسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٞ وَلَا شَفِيعٞ وَإِن تَعۡدِلۡ كُلَّ عَدۡلٖ لَّا يُؤۡخَذۡ مِنۡهَآۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ أُبۡسِلُواْ بِمَا كَسَبُواْۖ لَهُمۡ شَرَابٞ مِّنۡ حَمِيمٖ وَعَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ ٧٠﴾.

و از کسی که به دین و شریعت استهزا می‌کند روی‌گردان که زندگانی‌اش بازی و اعمالش لهو و بیهوده است. او کسی است که دنیایش او را با فتنه‌ها و امور زیبندۀ خود فریب داده از این‌روی به کتاب الهی پشت کرده و حساب و کتاب را فراموش نموده است. و تو همواره با کتاب الهی مردم را بیم ده تا دل‌های آن‌ها از ایمان تهی نگردد و در دام عصیان سقوط نکند که گناه موجب هلاکت بنده است و برای هیچ ذاتی هنگامی که در زیان قرار می‌گیرد هیچ دوست و شفیعی که به او نفع برساند غیر از خدا نمی‌باشد. خدا أ ولی و دوستدار کسی است که او را متولی خود بداند و یاری دهندۀ کسی است که او را بخواند و اگر ذات هلاک شده، هر چیزی را به منظور نجات از عذاب فدیه دهد این فدیه از او پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا شرک گناهی است که مغفرت ندارد و این مشرکان به سبب اعمال خود هلاک شده و در زبان قرار گرفته‌اند از این‌روی شراب آن‌ها آب جوش و داغ توأم با درد و الم آن‌هم در آتش دوزخ است؛ چون به خدا أ کافر شده و پیامبرانش را تکذیب کرده‌اند.

﴿قُلۡ أَنَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰٓ أَعۡقَابِنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ كَٱلَّذِي ٱسۡتَهۡوَتۡهُ ٱلشَّيَٰطِينُ فِي ٱلۡأَرۡضِ حَيۡرَانَ لَهُۥٓ أَصۡحَٰبٞ يَدۡعُونَهُۥٓ إِلَى ٱلۡهُدَى ٱئۡتِنَاۗ قُلۡ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلۡهُدَىٰۖ وَأُمِرۡنَا لِنُسۡلِمَ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٧١﴾.

برای مشرکان بگو آیا بت‌هایی را پرستش کنیم که نه نفعی می‌رسانند و نه ضرری دارند و عبادت خدای یکتا و یگانه را ترک کنیم؟ خدایی که مالک نفع و ضرر است و زمام امور همه چیز در ید بلاکیف اوست؟! آیا ما بار دیگر به سوی ظلمات و تاریکی‌های شرک گام برداریم آن‌هم بعد از اینکه خدای‌تعالی ما را به سوی نور ایمان هدایت و رهنمایی کرده است و به این ترتیب مثل و حالت ما مانند مثل و حالت کسی شود که شیطان او را فریب داده او را درست را گم کرده است و به نصیحت و توصیه‌های دوستانش که او را به سوی ایمان فرا می‌خوانند گوش فرا نداده و به دنبال هوی و هوس خود رفته است. تو به این اعراض‌گران خبر بده که آنچه خدای‌تعالی من را به خاطر تبلیغ آن فرستاده راه و منهج راست و برابر است و خدای‌تعالی بر ما واجب نموده تا در برابر دین او گردن نهیم و از پیامبرش اطاعت کنیم و به او هیچ چیزی را شریک و انباز قرار ندهیم، زیرا او پرورش دهندۀ بندگان خود با نعمت‌هایش است و او متولی امور آن‌هاست که امور زندگانی آن‌ها را به پیش می‌برد.

خلاصۀ آیه ضرورت ترک بت‌پرستی و ایمان به خداست.

﴿وَأَنۡ أَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّقُوهُۚ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٧٢﴾.

و بر شما برپای داشتن نماز را واجب کردیم تا شما را از فحشا و منکر بازدارد و همچنان انجام اعمال صالح و ترک منکرات را و شما به زودی به سوی پروردگار خود بازخواهید گشت تا شما را در برابر حسنات‌تان پاداش نیک و در برابر بدی‌های‌تان کیفر دهد.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۖ وَيَوۡمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُۚ قَوۡلُهُ ٱلۡحَقُّۚ وَلَهُ ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِۚ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ٧٣﴾.

خدای یگانه تنها کسی است که آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید تا عبادتش به جای آورده شود. او به همۀ آنانی که در آسمان‌ها و زمین‌اند روزی داد تا شکرش ادا گردد. و یا آور هنگامی که خداوند أ اراده کند تا قیامت را با واژۀ «کُن» برپای دارد و با این کلمه قیامت در یک چشم برهم زدن و یا سریع‌تر از آن به وجود آید. قول و وعدۀ الهی در این زمینه و در تمام عرصه‌ها حق و راست است؛ زیرا پادشاهی از آن اوست و او آنگونه که بخواهد در هستی تصرف می‌نماید و هیچ بنده‌ای در ملکوتش با او منازعه نمی‌نماید و در جبروتش کسی با او مشارکت ندارد.

تمام ملکیت حق‌تعالی هنگام نفخۀ دوم صور تبلور می‌یابد زمانی که تمام آنچه در قبرهاست بیرون ریخته شود و آنچه در سینه‌هاست فاش گردد و تمام آنچه انظار نهان و از دایرۀ حدس و گمان پنهان است را خدای‌تعالی می‌داند که او بر نهان و آشکار آگاه و دارای حکمت است. هرکار او به دقت صورت می‌گیرد و عملکردش با احسان و عطایش توأم با امتنان است. او بر نیت‌ها و امور پوشیده با خبر است. علم و دانش او به اسرار اشیا رسیده و بر تفاصیل مردگان و زندگان احاطه دارد.

﴿۞وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ ءَازَرَ أَتَتَّخِذُ أَصۡنَامًا ءَالِهَةً إِنِّيٓ أَرَىٰكَ وَقَوۡمَكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٧٤﴾.

و یادآور هنگامی را که ابراهیم با پدرش آذر استدلال و مجادله نمود و خطاب به او گفت چگونه بت‌هایی را می‌پرستی که نه نفعی دارند و نه ضرری و عبادت خدای یکتای قهّار را رها می‌نمائی! به این ترتیب تو و قوم تو از حق انحراف کرده و راه درست را گم کرده‌اید و برای من چنین هویدا شده که گمراهی‌تان آفتابی شده؛ زیرا شما به خدا أ شریک آوردید و عبودیتش را ترک کردید.

این آیه دلالت بر دعوت فرزند از پدر و شروع به اصول توحید هنگام دعوت و همچنان دوستی با خدا أ و نرمی با پدر ولو مشرک باشد دارد.

﴿وَكَذَٰلِكَ نُرِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلِيَكُونَ مِنَ ٱلۡمُوقِنِينَ ٧٥﴾.

و همانگونه که ابراهیم ÷ را در سلوک راه هدایت توفیق دادیم به همین صورت ابراهیم ÷ در جریان آنچه در آسمان و زمین از امور شگفت‌انگیز و صنعت واضح الهی توأم با نشانه‌هایی که دلالت بر قدرت عظیم خدای‌تعالی و حکمت او دارد قرار دادیم تا ایشان در ایمان رسوخ بیشتری پیدا کند، زیرا کسی که تدبّر کند می‌بیند و آنکه تفکر نماید یقین او ایمانش زیاد می‌گردد و هستی کتابی باز برای هر زنده‌جان است.

﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيۡهِ ٱلَّيۡلُ رَءَا كَوۡكَبٗاۖ قَالَ هَٰذَا رَبِّيۖ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَآ أُحِبُّ ٱلۡأٓفِلِينَ ٧٦﴾.

و چون شب فرا رسید و بر جهان تاریکی خود را گسترانید و ابراهیم ÷ ستاره‌ای روشن ملاحظه کرد خواست با قومش مناظره کند و آن‌ها را تدریجاً با ارائۀ مثل ستاره به حق برساند از این‌روی به آن‌ها گفت این پروردگار من است – این سخن ابراهیم به منظور مناظره و جلب توجه آن‌ها بود تا از این طریق آن‌ها را به بطلان عبادت ستارگان برساند – و چون ناپدید شد ابراهیم ÷ گفت من خدایی را که پنهان شود دوست ندارم. پس این ستاره صلاحیت این را ندارد که خدا باشد، زیرا پنهان شدن نقصی است که در ستاره رونما می‌گردد در حالی که موجودی به نام خدا باید قائم به نفس و برای همیشه زنده و بر قرار باشد.

﴿فَلَمَّا رَءَا ٱلۡقَمَرَ بَازِغٗا قَالَ هَٰذَا رَبِّيۖ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمۡ يَهۡدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلضَّآلِّينَ ٧٧﴾.

و چون ابراهیم ÷ ماه را دید که طلوع کرد و با نور خود درخشید به منظور اینکه قوم خود را از نظرشان متحول سازد گفت این ماه پروردگار من است ولی زمانی که ماه غائب شد ابراهیم ÷ در حالی که خواهان هدایت از سوی پروردگار خود بود گفت: اگر خدای‌تعالی ما را در این مسأله به حق نرساند حتماً از جملۀ کسانی خواهم بود که از راه است گمراه شده و از حق منحرف شده است؛ زیرا به خدای رحمان و رحیم شریک آورده‌ام.

﴿فَلَمَّا رَءَا ٱلشَّمۡسَ بَازِغَةٗ قَالَ هَٰذَا رَبِّي هَٰذَآ أَكۡبَرُۖ فَلَمَّآ أَفَلَتۡ قَالَ يَٰقَوۡمِ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُشۡرِكُونَ ٧٨﴾.

و چون آفتاب را دید که طلوع نمود گفت این خدای من است که از ماه و ستارگان بزرگ‌تر است. ولی آفتاب غروب نمود از این‌رو گفت آنچه غروب کند صلاحیت این را ندارد که عبادت شود. پس از عبادت غیر خدا أ چه خورشید باشد یا ماه و ستارگان و بت‌ها و غیره به خدا أ پناه می‌برم، زیرا یگانه مستحق عبادت خدای یکتا و یگانه است اما این مخلوقات پس توجیه هیچ عبادتی به سوی این‌ها جایز نیست، زیرا این‌ها مخلوقاتی‌اند که مالک هیچ نفع و ضرری نیستند و نمی‌توانند کسی را زنده کنند یا بمیرانند و یا حشر و نشر کنند.

﴿إِنِّي وَجَّهۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ حَنِيفٗاۖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٧٩﴾.

من جهت خویش را به سوی پروردگار یگانۀ خود قرار داده‌ام. پروردگار یکتائی که آسمان‌ها و زمین را براساس توحید و اعراض از شرک آفریده و من از عمل مشرکان به خدای خود پناه می‌برم. چنین باوری اساس و لبّ دین و یکتا پرستی است.

﴿وَحَآجَّهُۥ قَوۡمُهُۥۚ قَالَ أَتُحَٰٓجُّوٓنِّي فِي ٱللَّهِ وَقَدۡ هَدَىٰنِۚ وَلَآ أَخَافُ مَا تُشۡرِكُونَ بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَشَآءَ رَبِّي شَيۡ‍ٔٗاۚ وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيۡءٍ عِلۡمًاۚ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ٨٠﴾.

ابراهیم ÷ با قوم خود در مسألۀ الوهیت مجادله کرد و خطاب به آن‌ها گفت: چگونه با من در الوهیت پروردگارم و توحیدی که به خالق خود دارم مجادله می‌کنید در حالی که بر این عمل دلیل دارم، حق‌تعالی من را بر حق ثابت ساخته و از باطل نگهداشته است. من از خدایان باطل شما از قبیل بت‌ها و ستارگان نمی‌ترسم و از ناحیۀ آن‌ها به هیچ وجه آسیب و ضرری به من نمی‌رسد، زیرا پروردگار من همه چیز را می‌داند و هیچ امری بر او پوشیده نیست. شما را چه شده که تدبر نمی‌کنید تا بدانید او خدایی است مستحق عبادت و دیگران چنین استحقاقی ندارند.

﴿وَكَيۡفَ أَخَافُ مَآ أَشۡرَكۡتُمۡ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمۡ أَشۡرَكۡتُم بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ عَلَيۡكُمۡ سُلۡطَٰنٗاۚ فَأَيُّ ٱلۡفَرِيقَيۡنِ أَحَقُّ بِٱلۡأَمۡنِۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٨١﴾.

چگونه از بت‌های شما بهراسم در حالی که این بت‌ها نفع و ضرری نمی‌رسانند. شما نیز از پروردگار یکتا و قهّار نمی‌هراسید، خدایی که نفع و ضرر از جانب اوست با توجه به اینکه عبادتی که نسبت به بت‌ها انجام می‌دهید حجّت و دلیلی بر صحت آن نزد شما وجود ندارد. پس آیا من در حالت توحید و یکتا پرستی بر حق، امن و سلامتی قرار دارم یا شما در حالت شرک و گمراهی سزاوار چنین چیزی هستید؟ دربارۀ آنچه از شما سوال کردم به من خبر دهید!

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمۡ يَلۡبِسُوٓاْ إِيمَٰنَهُم بِظُلۡمٍ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلۡأَمۡنُ وَهُم مُّهۡتَدُونَ ٨٢﴾.

آنانی که به خدا أ ایمان آورده و از پیامبرش پیروی کردند و به این ترتیب بین اخلاص و متابعت پیامبر جمع نموده و ایمان خود را با شرک شائبه‌دار نکردند، حق‌تعالی این‌ها را از هر غم، اندوه و ترسی در امان می‌سازد و از هر شری حفظ می‌نماید، زیرا آن‌ها اسباب نجات را تحقق بخشیدند و آن‌ها کسانی‌اند که بر هدایت ربانی و شناخت راه راست توفیق یافتند و باید توجه داشت هیچ امنیتی بدون ایمان نیست و هیچ ایمانی برای کسی که از شیطان اطاعت کند نمی‌باشد.

﴿وَتِلۡكَ حُجَّتُنَآ ءَاتَيۡنَٰهَآ إِبۡرَٰهِيمَ عَلَىٰ قَوۡمِهِۦۚ نَرۡفَعُ دَرَجَٰتٖ مَّن نَّشَآءُۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٞ ٨٣﴾.

این برهان و دلیل ماست که بر پیامبر خویش ابراهیم ÷ آموختیم تا بر قوم خود غالب آمد و ما کسانی هستیم که با علم و حکمت کسی را از بندگان خود که بخواهیم بر دیگران برتری می‌دهیم و پروردگار تو در همۀ بخشش‌های علمی و دینی خود حکمت دارد و می‌داند چه کسی مستحق عطاست و شکر نعمت برجای می‌آورده به این ترتیب صاحب دلیل مقامی بلند دارد و از حامل آثار و روایات نظر به داشتن حجت، تقدیر و توقیر می‌شود.

﴿وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۚ كُلًّا هَدَيۡنَاۚ وَنُوحًا هَدَيۡنَا مِن قَبۡلُۖ وَمِن ذُرِّيَّتِهِۦ دَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَٰرُونَۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٨٤﴾.

و خدای‌تعالی برای ابراهیم اسحاق را به عنوان فرزند داد و یعقوب را نواده و این دو را در مسیر پدر ثابت قدم و استوار ساخت. به این دو نیز کتاب و حکمت داد و نوح ÷ را پیش از ابراهیم ÷ بر راه راست هدایت کرد و از نسل نوح ÷ داود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون † را به همۀ این‌ها علم و حکمت آموخت و به آن‌ها نبوت داد و به سوی حق هدایت‌شان کرد، زیرا آن‌ها اوامر الهی را به نیکوئی پذیرفتند و به موجب به خوبی عمل نمودند این بود که خدای‌تعالی به آن‌ها هدایت را جایزه داده و با رسالت گرامی‌شان داشت و خداوند أ به هر کسی که مانند آن‌ها عمل کند و از روش آن‌ها پیروی کند ثواب و پاداش می‌دهد.

﴿وَزَكَرِيَّا وَيَحۡيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلۡيَاسَۖ كُلّٞ مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٨٥﴾.

و اینگونه خدای‌تعالی هدایت نموده و زکریا و یحی و عیسی و الیاس † را توفیق داد تا در منهجی سالم و راهی راست گام بردارند که آن‌ها پیشوایان هدایت و نشانه‌های اصلاح‌اند که اقوال‌شان نیکو بوده و اعمال‌شان صحیح و احوال‌شان در صداقت و راستی بوده است.

﴿وَإِسۡمَٰعِيلَ وَٱلۡيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطٗاۚ وَكُلّٗا فَضَّلۡنَا عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ٨٦﴾.

و خداوند أ اسماعیل، یسع، یونس و لوط را به سوی حق و رضوان خود هدایت نمود و آن‌ها را با نبوت و نشانه‌های خود برتری داد و با امامت بر سایر مردم رفعت بخشید.

﴿وَمِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡ وَإِخۡوَٰنِهِمۡۖ وَٱجۡتَبَيۡنَٰهُمۡ وَهَدَيۡنَٰهُمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٨٧﴾.

و خداوند أ از پدران این پیامبران و ذریه و برادرانشان کسانی را که راده کرد هدایت نمود و آن‌ها را با هدایت خویش برگزید و بر آن‌ها با توجهی خاص منت نهاد، ولایت‌شان داد؛ پس آن‌ها در روشی برابر و مذهبی درست از صدق در عبودیت و تمام طاعت قرار دارند.

﴿ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهۡدِي بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۚ وَلَوۡ أَشۡرَكُواْ لَحَبِطَ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٨٨﴾.

این هدایتی که پیامبران بر آن قرار دارند فقط از جانب خدای یگانه است چون بر آن‌ها وحی نازل نموده و آن‌ها را در انجام اعمال خوب توفیق داده است و اینگونه خداوند أ کسی را از بندگانش که بخواهد به انجام اعمال درست موفق می‌سازد و اگر انبیا – به فرض محال – به خداوند أ شریک می‌آوردند همانا تمام سعی و کوشش آن‌ها باطل می‌شد و آنه راه خود را گم می‌کردند؛ زیرا شرک، هر عملی را از بین می‌برد و هر حسنه‌ای را تباه می‌سازد پس چگونه خواهد بود حال دیگران. چقدر گمراه‌اند برخی از بندگان! این پیامبران را بنگرید که در ترک توحید چنین تهدید می‌شوند!!

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَۚ فَإِن يَكۡفُرۡ بِهَا هَٰٓؤُلَآءِ فَقَدۡ وَكَّلۡنَا بِهَا قَوۡمٗا لَّيۡسُواْ بِهَا بِكَٰفِرِينَ ٨٩﴾.

این پیامبران گرامی کسانی‌اند که خدای‌تعالی آن‌ها را با نازل کردن کتاب‌های خویش بر آن‌ها که به منظور هدایت مردم صورت گرفته شرف داده است و آن‌ها را در گفتار و اعمال‌شان رهیاب نموده و با نبوت گرامی داشته که در آن عصمت، طهارت و صلاح قرار دارد و اگر کفار مشرک به آنچه وحی کردیم کفر ورزند، همانا ما گروهی دیگر از مردم که همان مؤمنان باشند را برگزیدیم و آن‌ها را توفیق دادیم و این‌ها تا روز قیامت به کتاب باور دارند و از پیامبر پیروی می‌کنند و همواره حق را نصرت و یاری می‌رسانند و در عبادات خود اخلاص را رعایت می‌نمایند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُۖ فَبِهُدَىٰهُمُ ٱقۡتَدِهۡۗ قُل لَّآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ أَجۡرًاۖ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰلَمِينَ ٩٠﴾.

این پیامبران کسانی‌اند که خدای‌تعالی آن‌ها را در طاعت و عبادت خود و در رسیدن به رضوان الهی از طریق امتثال اوامرش توفیق داده و احوال‌شان، گفتارشان و اعمال‌شان را صالح و نیکو ساخته است. پس تو نیز از مسیر آن‌ها پیروی کن و به آن‌ها اقتدا نما و ای محمد ج برای مشرکان بگو من در برابر تبلیغ دین از شما مال و یا بهره‌ای از دنیای زائل را نمی‌طلبم؛ زیرا عمل من خاص به خاطر رضای خداست و من امید ثواب و پاداش او را دارم و این دینی که به خاطر آن معبوث شده‌ام و رسالتی را که حمل کرده‌ام صرفاً به خاطر تذکیر و یادآوری برای مردم است. این دین آن‌ها را به سوی هدایت فرا می‌خواند و از گمراهی برحذر می‌دارد، امید است که موعظه و تذکیر به شما نفع داشته باشد.

این آیه دلالت بر آن دارد که شرائع کسانی که قبل از ما بوده‌اند شریعت ما نیز هست البته در اموری که از آن نهی نشده‌ایم و اینکه یک انسان دعوتگر هیچگاه بر دعوت خود اجر و مزدی نمی‌طلبد.

﴿وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦٓ إِذۡ قَالُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٖ مِّن شَيۡءٖۗ قُلۡ مَنۡ أَنزَلَ ٱلۡكِتَٰبَ ٱلَّذِي جَآءَ بِهِۦ مُوسَىٰ نُورٗا وَهُدٗى لِّلنَّاسِۖ تَجۡعَلُونَهُۥ قَرَاطِيسَ تُبۡدُونَهَا وَتُخۡفُونَ كَثِيرٗاۖ وَعُلِّمۡتُم مَّا لَمۡ تَعۡلَمُوٓاْ أَنتُمۡ وَلَآ ءَابَآؤُكُمۡۖ قُلِ ٱللَّهُۖ ثُمَّ ذَرۡهُمۡ فِي خَوۡضِهِمۡ يَلۡعَبُونَ ٩١﴾.

آنانی که به خدا أ شریک آورده‌اند هرگز اوتعالی را آنگونه که شایسته است تعظیم نکرده‌اند، زیرا گفتند که خداوند أ وحیی بر هیچ‌یک از مردم نازل ننموده است. این سخن را به دروغ و بنابر باطل گفتند. به آن‌ها بگو چه کسی تورات یهودیان را بر موسی نازل کرده است؟ این در حالی است که آن‌ها تورات را تبدیل به مجرد صفحاتی کردند که از آن هیچ نفع و بهره‌ای نمی‌گیرند و آنچه به آن‌ها مناسب است را ظاهر می‌سازند و آنچه مناسب نیست پنهان می‌دارند و به آن عمل نمی‌نمایند چنان‌چه با اطلاعات مربوط به پیامبر ما، آیات رجم و بسیاری از احکام دیگر چنین کردند.

محققاً که خدای‌تعالی به شما وحی و رسالت حضرت محمد ج را تعلیم داده و اموری را که شما نمی‌دانستید نه شما و نه پدران شما که گذشته‌اند. خداوند أ کتاب را نازل نموده و کسی را که خواسته هدایت کرده و برایش حجّت و دلیل اقامه نموده است. پس تو این جاهلان را بگذار که همچنان در گمراهی خود سرگردان باشند و در لهو و لعب خویش بازی کنند؛ زیرا در کار خود هیچ دلیل و برهانی ندارد چون کسی که حق را ترک کند گمراه می‌شود از این‌رو سخن آن‌ها دروغ و زندگی‌شان بازی است.

﴿وَهَٰذَا كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ مُبَارَكٞ مُّصَدِّقُ ٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ ٱلۡقُرَىٰ وَمَنۡ حَوۡلَهَاۚ وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۖ وَهُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ يُحَافِظُونَ ٩٢﴾.

این قرآنی که ما به سوی تو ای محمد ج نازل کردیم تلاوت، تدبر و عمل به آن مایۀ برکت است، زیرا قرآن راه رستگاری و مسیری است که به موفقیت و پیروزی منتهی می‌شود. قرآن کتاب‌های آسمانی قبل از خود را تصدیق می‌نماید. خدای‌تعالی قرآن را نازل نموده تا پیامبرش اهل مکه و اطراف آن‌ها را از گوشه و کنار جهان‌انذار دهد و آنکه به روز قیامت باور داشته باشد، باور دارد که قرآن حق و از جانب خدای‌تعالی است. این‌ها بر ادای نماز در اوقات آن محافظت می‌نمایند درست آنگونه که حق‌تعالی مشروع نموده و پیامبر ج بیان کرده است. پس قرآن مبارک، پیامبر صادق، دعوت او جهانی و نماز ستون دین است.

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمۡ يُوحَ إِلَيۡهِ شَيۡءٞ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثۡلَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۗ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِي غَمَرَٰتِ ٱلۡمَوۡتِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ بَاسِطُوٓاْ أَيۡدِيهِمۡ أَخۡرِجُوٓاْ أَنفُسَكُمُۖ ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ عَذَابَ ٱلۡهُونِ بِمَا كُنتُمۡ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ وَكُنتُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِهِۦ تَسۡتَكۡبِرُونَ ٩٣﴾.

در دنیا هیچ‌کس ظالم‌تر از کسی نیست که بر خدا أ دروغ بربندد، مانند کسی که می‌پندارد خدای‌تعالی هرگز پیامبری نفرستاده و کتابی نازل ننموده یا گمان کرده است که حق‌تعالی به سوی او وحی نموده و او را به سوی مردم فرستاده است، در حالی که بر خدا افترا می‌بندد، او نه وحیی دارد و نه رسالتی. یا کسی که گمان کرده است می‌تواند مانند قرآن که یک معجزۀ شگفت‌انگیز و مبارک است بیاورد. اگر تو این تکذیبگران مستکبر را بنگری که در حالت احتضار و هنگام نزع روح قرار دارند و ملائکه ارواح‌شان را قبض می‌کنند و دستان خود را به سوی آن‌ها با عذاب و خشم دراز می‌کنند و می‌گویند: ارواح شریر خویش را بدهید تا از اجساد نجس شما بیرون شود و در پی آن ذلّت و درد بکشید تا کیفری به افترای شما بر خدا و تمسخرتان نسبت به آیات الهی و تکذیب‌تان به پیامبران باشد و چون شما از انقیاد در برابر شریعت خدا و تسلیم شدن به دین او و پیروی از پیامبرش استکبار کرده‌اید.

﴿وَلَقَدۡ جِئۡتُمُونَا فُرَٰدَىٰ كَمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَتَرَكۡتُم مَّا خَوَّلۡنَٰكُمۡ وَرَآءَ ظُهُورِكُمۡۖ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمۡ شُفَعَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُمۡ أَنَّهُمۡ فِيكُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْۚ لَقَد تَّقَطَّعَ بَيۡنَكُمۡ وَضَلَّ عَنكُم مَّا كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ ٩٤﴾.

شما در روز رستاخیز بزرگ به سوی ما تک و تنها بازگشتید، بدون اولاد، اموال، مقام و منصب و بدون یاری دهنده یا لشکر و خدمه و خشم. در آن روز مالی نیست که نفعی داشته باشد و یا فرزندی که چیزی را از انسان دفع نماید و نه دوستی که بتواند شفاعت کند. شما در حالت عریان، دست همانگونه که شما را آفریده بودیم آمدید در حالی که تمام آنچه به شما از قوت، نیرو، مقام، قدرت و متاع داده بودیم را پشت سر گذاشتید و از همه جالب‌تر اینکه در آن روز بت‌هایی را که خدا می‌پنداشتید و گمان می‌کردید به شما نفعی می‌رسانند و ضرری را از شما دفع می‌کنند و یا در پیشگاه خدا أ شفاعت می‌نمایند با شما نمی‌بینیم، خدایان باطلی که گمان می‌کردید حق دارند تا عبادت شوند، اکنون تمام علایق و روابط بین شما و آن بت‌ها قطع شده و اعتقادتان در اینکه بت‌ها نفع و ضرر می‌رسانند باطل شده است و شما به سوی زیان و غضب خدای رحمان بازگشتید. هیچ‌کس از شما در معاملۀ خود زیانمندتر است و حسرت نمی‌خورد. به این ترتیب بر شما پشیمانی و شدّت درد و گام‌های نادرست جمع شده است.

﴿۞إِنَّ ٱللَّهَ فَالِقُ ٱلۡحَبِّ وَٱلنَّوَىٰۖ يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَمُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتِ مِنَ ٱلۡحَيِّۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ ٩٥﴾.

تنها خدای‌تعالی مستحق عبودیت است، زیرا او دانه را می‌شکافد و از آن کشت و هسته را می‌شکافد و از آن درخت را بیرون می‌آورد. او و تنها او کسی است که زنده را از مرده بیرون می‌کند مانند طفل که از نطفه و مرغ که از تخم بیرون می‌شود، و او تنها او کسی است که مرده را از زنده بیرون می‌نماید مانند نطفه که از مرد و زن و تخم که از پرنده و هسته که از درخت خرما و دانه که از کشت و از این قبیل بیرون می‌نماید.

کسی که چنین کند اهل و شایستۀ عبادت و الوهیت است نه دیگران؛ زیرا برای او هیچ شریکی در خلقش نیست بنابراین لازم است تا در عبودیتش نیز شریکی نباشد. از این‌رو ضروری است کسی عبادت شود که خلق و ایجاد می‌کند. با وجود چنین لزومی مشرکان چگونه عبادت‌های خود را به سوی غیر خدا أ متحول می‌سازند و با او خدای دیگری بنابر باطل، گناه و بدکاری قرار می‌دهند.

﴿فَالِقُ ٱلۡإِصۡبَاحِ وَجَعَلَ ٱلَّيۡلَ سَكَنٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ حُسۡبَانٗاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ٩٦﴾.

و خداوند أ تنها او صبح را در میان تاریکی‌های شب شکافت و سفیدی روشن را از سیاهی شدید بیرون کرد. او شب را برای آرامش هر جنبنده‌ای مهیا ساخت از این‌روی مردم در آن خواب می‌شوند و چهارپایان آرام می‌گیرند و پرندگان به آشیانه‌های خود بازمی‌گردند و حشرات به سوراخ‌های خویش.

او کسی است که خورشید و ماه را بنابر حساب و کتابی خاص سیّار ساخت به گونه‌ای که هرگز از حساب و کتاب خویش انحراف نمی‌نمایند و او این‌ها را به دقت و در اوقاتی معلوم و زمانی مشخص به انجام رسانید که با این دو، حساب روز، ماه و سال فهمیده می‌شود. تقدیر و سنجش همۀ این‌ها از سوی خدایی صورت گرفته که در ملک خود تواناست. او کسی است که با قدرت خویش دیگران را مقهور نموده و به کمال خویش تقرد جسته است. او دانائی است که تدبیر خلق را می‌داند و همچنان محل نفع و دروازه‌ها مصالح را. بنابراین اوتعالی با عزّت خود امر کرد و این امر نافذ شد و با علم و دانش خود قضا و قدر کرد.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلنُّجُومَ لِتَهۡتَدُواْ بِهَا فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۗ قَدۡ فَصَّلۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ٩٧﴾.

و خدای‌تعالی تنها او کسی است که ستاره‌های روشن را نشانه‌هایی ظاهر و آشکار ساخته و این نشانه‌های روشن دلائلی قاطع است. با آن هر کسی در کوه‌ها و دره‌ها راه گم کرده باشد می‌تواند رهیاب شود. کسی که در صحراها راه می‌رود با همین ستاره‌ها راه را پیدا می‌کند، چنان‌چه ملوان‌ها در دریا با نور ستارگان مسیر خود را طی می‌نمایند. ما نشانه‌های کونی و شرعی بیشماری را بیان کردیم تا کسی که دانش سودمندی دارد با ملاحظه این نشانه‌ها به سوی عبادت پروردگار راه یابد؛ زیرا علم راهی به سوی شناخت خداست.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ فَمُسۡتَقَرّٞ وَمُسۡتَوۡدَعٞۗ قَدۡ فَصَّلۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَفۡقَهُونَ ٩٨﴾.

خدا أ؛ تنها او شما را ای انسان‌ها آفریده است، او شما را از پدرتان آدم ÷ به وجود آورد و سپس قرارگاه شما را در رحم زن‌ها مقرر داشت و ذخیره‌گاه شما پشت پدران‌تان است. ما به شما دلائل و براهین بسیاری را در هستی، زندگی و انسان بیان کردیم تا کسی که دارای اندک فهم و تدبری است به سوی حق هدایت شود. اما غافل، هیچگاه دلیل و برهان نفعی به حال او ندارد و راهیاب نمی‌شود. فهم دلیل دلالت بر وضوح آنچه بر آن حجّت اقامه می‌گردد دارد.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦ نَبَاتَ كُلِّ شَيۡءٖ فَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهُ خَضِرٗا نُّخۡرِجُ مِنۡهُ حَبّٗا مُّتَرَاكِبٗا وَمِنَ ٱلنَّخۡلِ مِن طَلۡعِهَا قِنۡوَانٞ دَانِيَةٞ وَجَنَّٰتٖ مِّنۡ أَعۡنَابٖ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُشۡتَبِهٗا وَغَيۡرَ مُتَشَٰبِهٍۗ ٱنظُرُوٓاْ إِلَىٰ ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثۡمَرَ وَيَنۡعِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمۡ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٩٩﴾.

و خدای‌تعالی تنها اوست که باران را از ابر نازل می‌کند و با آن هر سبزه‌ای می‌روید و هر کِشتی سر از زمین بیرون می‌آورد. سپس او از کشت دانه‌های استوار بر روی هم بیرون می‌کند چنان‌چه هر خوشه از خوشه‌های گندم منظومه‌ای است که با دانه‌های خود زیبائی خاصی را به وجود آورده و در حقیقت آفریده‌ای است که به دقت آفریده شده است. اوتعالی از شکوفۀ درخت خرما خوشه‌های نزدیک به هم و دارای خرمای لذیذ، خوش‌رنگ و منظم که شبیه لؤلؤهای زیبا چیده شده بیرون آورد و با آب باغ‌ها و بوستان‌ها انگور، زیتون، و انار با رنگ‌ها و طعم‌های مختلف ایجاد نمود. همۀ این‌ها دلالت بر حکمت ایجادگر و قدرت صانع حکیم دارد، زیرا رنگ‌های آن‌ها به هم نزدیک اما تفاوت‌های فاحشی در طعم آن‌ها نهفته است، البته گاهی این میوه‌ها در شکل یا طعم و رنگ باهم نزدیک‌اند و گاهی دور. همۀ این‌ها حکمت‌هایی است از سوی حکیمی که باخبر است پس شما در میوه‌های آن آنگاه که میوه می‌دهد و شکوفه می‌زند و می‌درخشد تفکر کنید، چه کسی این‌ها را آفریده و شکل بندی کرده است؟ در آن‌ها زمانی تفکر کنید که پخته و رسیده می‌شوند که چگونه رنگ، بوی و مزۀ آن‌ها تغییر می‌یابند و آمادۀ خوردن می‌شوند. در همۀ این‌ها نشانه‌هایی بر صنعت عجیب خدای قادر و توانا و حکیم و خبیر نفهته است، ولی از این‌ها جز کسی که به خدا أ ایمان آورد و به پیامبر باور داشته باشد و از شریعتش پیروی کند نفعی نمی‌گیرد و هر که روی بگرداند قلبش منحرف و فطرتش خالی و از دیگران عبرت و از هیچ آیه و نشانه‌ای پند لازم را به دست نمی‌آورد.

﴿وَجَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ ٱلۡجِنَّ وَخَلَقَهُمۡۖ وَخَرَقُواْ لَهُۥ بَنِينَ وَبَنَٰتِۢ بِغَيۡرِ عِلۡمٖۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ ١٠٠﴾.

اما این مشرکان، پس با خدا أ شرکایی از جن قرار دادند و این شرکا را عبادت نموده و از آن‌ها ترسیدند و امید بردند در حالی که خدای تعالی، هم آن‌ها را آفریده و هم جنیات را از این‌روی حق این است که او عبادت شود. همچنان این مشرکان با نسبت دادن پسر و ختر به خدا أ بر اوتعالی افترا نمودند. او کسی است که هرگز نزائیده و زاده نیز نشده است ولی این مشرکان حق خدا را ندانستند و بر او افترا نموده چیزهایی را گفتند که اصلاً مناسب نیست. پاک و منزه است خدای‌تعالی از چنین اوصاف قبیح و زشتی؛ زیرا او أ هرگز همسری برنگزیده و اولادی ندارد و او برای همیشه یکتا و یگانه و بی‌نیاز است.

در اینجا ملاحظه می‌شود که پروردگار و پیامبرش پیش از توصیف سایرین، خود را با واژۀ «سبحانه» وصف نموده که منظور نفی نقص است و با واژۀ «تعالی» که منظور اثباب کمال است.

﴿بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُۥ وَلَدٞ وَلَمۡ تَكُن لَّهُۥ صَٰحِبَةٞۖ وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ١٠١﴾.

و خداوند أ تنها او آسمان‌ها و زمین را با دقت آفریده و ایجاد نموده است در حالی که مانندی برای آسمان‌ها و زمین نگذشته بود. چگونه خداوند أ فرزند دارد در حالی که نیازی به کمک و مساعدت فرزند ندارد و او از همه بی‌نیاز است و دیگران محتاج کرم و عطای اویند. در ثانی حق‌تعالی برای خود زنی بر نگزیده تا از او فرزندی به وجود آید. خدای‌تعالی اولی است که قبل از او هیچ‌کس نیست. کسی که فرزند داشته باشد میراث برده می‌شود در حالی خداوند أ میراث بر زمین و تمام کسانی است که بر روی آن قرار دارند و او بهترین وارثان است. اوتعالی هر موجودی را از عدم ایجاد نموده پس به کسی نیازی ندارد و همه خلایق بندگان اویند در حالی که از آن‌ها نه امید نفع برده می‌شود و نه خوف ضرر از آن‌ها وجود دارد. علم و دانش خدا واسع، شامل، کامل است و برهر چیزی احاطه دارد. او تمام آنچه را در نهان وجود دارد را می‌داند و بر امور پوشیده و مخفی نیز اطلاع دارد. پس اوتعالی ابداع و ایجاد می‌کند، نعمت می‌دهد و بازمی‌دارد و او بلند می‌برد و پائین می‌آورد و حکم می‌نماید و تشریع می‌کند.

﴿ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ فَٱعۡبُدُوهُۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٞ ١٠٢﴾.

کسی که دارای چنین اوصافی می‌باشد خدایی است که مستحق الوهیت است، زیرا او پروردگار شماست که با نعمت‌های خود شما را پرورش داده است، پس معبود بر حق جز او نیست. او همه چیز را از عدم به وجود آورده و شکل بخشیده و نیکو ساخته است از این‌رو در برابر عظمت او خاضع و فروتن باشید و به وحدانیت حق گردن نهید و تنها او را بپرستید. او کسی است که موکل چیز است، هم در آفرینش آن‌ها و هم در تدبیر و تصریف امور آن‌ها و او مسأله حفظ، مراقبت و محاسبۀ همه را بر عهده گرفته است.

﴿لَّا تُدۡرِكُهُ ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَهُوَ يُدۡرِكُ ٱلۡأَبۡصَٰرَۖ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلۡخَبِيرُ ١٠٣﴾.

دید‌ه‌ها بر او احاطه نمی‌نماید و در دنیا توان دیدنش را ندارند، بلکه در آخرت می‌توانند چنین کنند. او بر دیده‌ها احاطه دارد و امور مخفی را می‌داند. او به دوستان خود لطف دارد از این‌روی به آن‌ها چیزهایی را که دوست دارند از راه‌هایی که به حساب ندارند می‌رساند و آن‌ها را در راستای به دست آوردن مصالح آن‌ها موفق می‌سازد. او بر آن‌ها در حُسن اختیار لطف کرده و از خطرها بر کنارشان داشته است و او بر همۀ امور دقیق اطلاع دارد.

﴿قَدۡ جَآءَكُم بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَنۡ أَبۡصَرَ فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ عَمِيَ فَعَلَيۡهَاۚ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم بِحَفِيظٖ ١٠٤﴾.

ای مردم! برای شما براهین روشن و دلائل قاطع عرضه شد که با آن می‌توانید بین حق و باطل، گمراهی و هدایت تمیز کنید. این دلائل هم از قرآن به شما عرضه شده و هم از سنّت پیامبر ج هر کس این حجت‌ها را بشناسد و به آن عمل کند بر خویشتن نفع رسانیده و خود را از عذاب نجات داده است و هر که از این دلائل اعراض کند و غافل شود پس زیانش بر خود اوست چون بر خود ثواب و پاداش را حرام نموده و خود را در معرض عذاب قرار داده است.

و من (منظور محمد ج) بر احوال شما آگاهی ندارم تا شما را محاسبه کنم، کار من صرفاً دعوت و تبلیغ است که شما را به سوی هدایت رهنمایی می‌کنم و از پست و ردی بازمی‌دارم جزا و پاداش بر خداست.

﴿وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ وَلِيَقُولُواْ دَرَسۡتَ وَلِنُبَيِّنَهُۥ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ١٠٥﴾.

و همانگونه که برای شما دلائل واضح و آشکار را در مسایل ایمان، پیامبری و روز آخرت بیان کردیم همین‌گونه دلائل مربوط به امور انسان را نیز بیان می‌کنیم تا این امور در نهایت وضوح و بیان قرار داشته باشد. آن‌ها را به حال خودشان واگذار تا از روی کذب و بهتان بگویند تو این مسایل را از اهل کتاب آموخته‌ای ولی ما به زودی حق را برای کسی که می‌آموزد و معانی‌اش را می‌فهمد بیان می‌داریم. این‌ها پیروان پیامبران و طالبان حق و بندگان خدا أ و حاملان پیمان‌اند؛ اما جهال اعراض‌گر مانند چهارپایان سریله‌اند که برای‌شان در کانون حق هیچ جایگاهی نیست.

﴿ٱتَّبِعۡ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٠٦﴾.

ای پیامبر امی و ناخوان! کتابی را که بر تو نازل کردیم پیروی و به آن عمل کن. اوامرش را برجای آور و نواهی‌اش را ترک کن، زیرا مقصود از انزال آن، عمل است نه مجرد تلاوت، چون قرآن به منظور تزکیۀ نفس‌ها و اصلاح امور حیات نازل شده و بدان که هیچ‌کس جز خدای‌تعالی مستحق عبادت نیست، او خدایی است که جز او خدایی نمی‌باشد پس در طاعت خود که نسبت به او انجام می‌دهی اخلاص داشته باش و او را به یگانگی پرستش کن و گناه کسانی که بر او شریک می‌آورند بر تو نیست، از این‌روی به آن‌ها و اعراض‌شان اهمیت نده که خداوند أ برای تو کافی است و او به زودی تو را یاری می‌رساند.

﴿وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَآ أَشۡرَكُواْۗ وَمَا جَعَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظٗاۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٖ ١٠٧﴾.

و اگر خدای‌تعالی اراده نمی‌کرد که مشرکان به او شریک آورند هرگز چنین نمی‌کردند ولی اوتعالی این امر را بر آن‌ها چون اعمال زشت مرتکب می‌شدند و نیت‌های بد داشتند نوشت و مقدر کرد و آنان را به حال خودشان واگذاشت پس خداوند أ هدایت شده و گمراهی گمراه را مقدر نموده و به خیر و شر در عالم حکم می‌کند. و تو ای محمد أ مراقب اعمال آن‌ها نیستی چنان‌چه قائم به اعمال مصالح و تدبیر امور آن‌ها نمی‌باشی! تو صرفاً پیامبری هستی مبلغ و بشارت دهنده و بیم دهنده؛ اما محاسبه و مراقبت از آن‌ها فقط بر خداست.

﴿وَلَا تَسُبُّواْ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَسُبُّواْ ٱللَّهَ عَدۡوَۢا بِغَيۡرِ عِلۡمٖۗ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمۡ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِم مَّرۡجِعُهُمۡ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٠٨﴾.

ای مسلمانان! خدایان مشرکان را دشنام ندهید که آن‌ها نیز خدای شما را بنابر جهل و نادانیی که دارند دشنام می‌دهند، زیرا بر عظمت خدای تعالی، جلال، علو و کمالش واقف نیستند و نمی‌دانند که خداوند أ باید توقیر و احترام و تقدیس و تنزیه شود و یک امر مباح هرگاه منجر به کاری حرام شود حرام است و یک امر مشروع هرگاه مفسده‌ای در پی داشته باشد ممنوع می‌گردد و سد زرایعی که به سوی محرمات منتهی می‌شود واجب است. و همانگونه که اعمال این مشرکان را در نظرشان نیکو جلوه دادیم در نظر همۀ امت‌ها چنین می‌کنیم و به این ترتیب در نظر رهیاب عمل صالحش نیکو و در نظر بدکار عمل بدش نیکو جلوه‌گر می‌شود و در اخیر همه به سوی دانای نهان و آشکار برمی‌گردند و اوتعالی هر کس را مطابق عملش جزا می‌دهد و ثواب و کیفر نزد اوست.

﴿وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَئِن جَآءَتۡهُمۡ ءَايَةٞ لَّيُؤۡمِنُنَّ بِهَاۚ قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡأٓيَٰتُ عِندَ ٱللَّهِۖ وَمَا يُشۡعِرُكُمۡ أَنَّهَآ إِذَا جَآءَتۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ١٠٩﴾.

مشرکان سوگند خوردند که اگر محمد ج برای آن‌ها معجزه‌ای بر خلاف عادت ارائه کند او را تصدیق و از او پیروی نمایند. تو ای محمد ج برای آن‌ها خبر بده که این امر مربوط به تو نیست، این امر مربوط به خداست هرگاه او بخواهد آیات و نشانه‌ها را مطابق علم و حکمت خود نازل می‌کند، اما تو ای محمد ج فقط کار تبلیغ و دعوت مربوط به توست. و شما ای مسلمانان! آیا تصدیق می‌کنید که اگر به مشرکان این معجزات بیاید آن‌ها ایشان را تصدیق می‌کنند؟ از حال آن‌ها چنین به نظر می‌رسد که اگر آن‌ها هر معجزه‌ای را هم ببینند باور نمی‌نمایند چون بر قلب‌های آن‌ها مُهر کفر نهاده شده و دیدگان‌شان از شناخت دلیل کور شده است از این‌روی هیچ برهانی نفعی به حال آن‌ها ندارد و در ایمان‌شان هیچ آرزویی نیست.

﴿وَنُقَلِّبُ أَفۡ‍ِٔدَتَهُمۡ وَأَبۡصَٰرَهُمۡ كَمَا لَمۡ يُؤۡمِنُواْ بِهِۦٓ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَنَذَرُهُمۡ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ١١٠﴾.

قلب‌ها و دیدگان این مشرکان از ایمان به آیات متحول شده و از موعظه‌ها نفع نمی‌گردد. این‌ها همه کیفر کفر آن‌هاست. کیفر معصیت معصیتی دیگر است و هر که انحراف کند خدای‌تعالی قلب او را منحرف می‌سازد و به زودی ما این مشرکان را در تاریکی‌های شک و شبهات‌شان حیران و سرگردان قرار می‌دهیم و آن‌ها به رشد خود نمی‌رسند از این‌روی آن‌ها در تاریکی‌های اوهام و در شبهات بسر می‌برند طوری که نه نقلی به آن‌ها نفع دارد و نه عقلی.

﴿۞وَلَوۡ أَنَّنَا نَزَّلۡنَآ إِلَيۡهِمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَحَشَرۡنَا عَلَيۡهِمۡ كُلَّ شَيۡءٖ قُبُلٗا مَّا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُوٓاْ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ يَجۡهَلُونَ ١١١﴾.

و اگر ما تقضای مشرکان را بپذیریم و بر مبنای آن از آسمان ملائکه‌ای را نازل کنیم تا آن‌ها با چشم سر نظاره‌گر آن‌ها باشند و مردگان را نیز زنده کنیم تا با آن‌ها سخن بگویند و تمام پدیده‌های دیگری را که تقاضا نمودند مقابل دیدگان‌شان بچینیم بازهم آن‌ها دعوت تو را تصدیق نمی‌کنند و نمی‌پذیرند و از تو پیروی نمی‌نمایند، مگر اینکه خدای‌تعالی چنین چیزی را اراده کند. اکثر آن‌ها حقی را که تو بر آن مبعوث شده‌ای نمی‌دانند و به این ترتیب آن‌ها آن را بدون علم رد می‌کنند و بدون فهم می‌شنوند.

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّٗا شَيَٰطِينَ ٱلۡإِنسِ وَٱلۡجِنِّ يُوحِي بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ زُخۡرُفَ ٱلۡقَوۡلِ غُرُورٗاۚ وَلَوۡ شَآءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُۖ فَذَرۡهُمۡ وَمَا يَفۡتَرُونَ ١١٢﴾.

و همانگونه که سایر پیامبران را با دشمنانی از کفار امتحان کردیم تو را نیز ای محمد ج با گروهی از بدکاران آزمایش نمودیم. این دشمنان از جملۀ بدترین مردم و از میان جنیات‌اند که برخی برخی دیگر را به باطلی که آن را نیکو جلوه می‌دهند توصیه می‌نمایند تا مردم را از هدایت باز دارند. این حیله و فریب را در حق کسانی اعمال می‌نمایند که به سخنان آن‌ها گوش فرا می‌دهند و به باطل‌شان غره می‌شوند و اگر خدای‌تعالی اراده می‌کرد تا از وقوع این امر جلوگیری کند حتماً اینکار را می‌کرد ولی نظر به حکمت ابتلا و قضایی که صورت گرفته از آن جلوگیری ننمود، چون اهل شقاوت مستحق سرکشی و گمراهی هستند پس آن‌ها را به حال خوشان با دروغ‌های‌شان بگذار و به آن‌ها اهمیت نده، نه به خود آن‌ها و نه به دروغ‌های آن‌ها که باطل بر پرتگاه سقوط در آتش قرار دارد در حالی که حق در عزّت خالق جبار است و عاقبت نیز از آن دوستان نیکوکار خداست.

﴿وَلِتَصۡغَىٰٓ إِلَيۡهِ أَفۡ‍ِٔدَةُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ وَلِيَرۡضَوۡهُ وَلِيَقۡتَرِفُواْ مَا هُم مُّقۡتَرِفُونَ ١١٣﴾.

و اگر کفار باطل را بپذیرند و بر حقیقت ترجیح دهند قلب‌های‌شان باید به سوی آن تمایل نماید، زیرا آن‌ها به لقای الهی باور ندارند و به خاطر آن سعی و کوشش نمی‌کنند و باید که این باطل را دوست داشته باشند و از آن پیروی کنند. ضرر و عواقب چنین اعمالی بر خود آن‌هاست و حق‌تعالی از آن‌ها بی‌نیاز است ولی مراقب و مترصد آن‌ها می‌باشد.

﴿أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡتَغِي حَكَمٗا وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكِتَٰبَ مُفَصَّلٗاۚ وَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَعۡلَمُونَ أَنَّهُۥ مُنَزَّلٞ مِّن رَّبِّكَ بِٱلۡحَقِّۖ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ ١١٤﴾.

ای محمد ج! به این مشرکان بگو آیا حَکَم دیگری غیر از خدای دانای نهان و آشکار که بهترین حکم کنندگان است و همواره بر عدالت حکم می‌کند به منظور قضاوت در بین خود و شما بطلبم در حالی که او خدای من و شماست؟ این در حالی است که یهودیان و نصرانیانی که نزد آن‌ها تورات و انجیل است نیز به رسالت من شهادت می‌دهند و می‌دانند که قرآن کریم بطور حتم از جانب خداست نه از جانب من.

در ادامه خدای‌تعالی پیامبر خویش را امر می‌نماید تا بر حق و یقین ثابت و استوار بماند و هیچگاه در صحت آن به خود شک راه ندهد، زیرا اعتماد یک دعوتگر به صحت منهج و روش‌اش از جملۀ بزرگ‌ترین عوامل ثبات و پیروزی اوست.

﴿وَتَمَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدۡقٗا وَعَدۡلٗاۚ لَّا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١١٥﴾.

قرآن با آیات حامل اطلاعات صادق و گفتار عادلانه‌اش در احکام تمام گشت و هیچ بشری نمی‌تواند این کلام محکم و قول صادق را تغییر دهد و قدرت شنوائی خدا أ بر هر مسموعی وسعت دارد و دانشش بر هر معلومی؛ بنابراین تمام گفتارها، افعال و احوال بر خدا أ مسموع و معلوم است.

﴿وَإِن تُطِعۡ أَكۡثَرَ مَن فِي ٱلۡأَرۡضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنۡ هُمۡ إِلَّا يَخۡرُصُونَ ١١٦﴾.

و اگر تو از گمراهان اهل زمین پیروی کنی آن‌ها تو را از دین خدا أ و راه راست او منحرف می‌کنند، چون اکثر مردم سرکش و اندکی از آن‌ها بر هدایت‌اند. اکثریت دلیل و یقینی در امر خویش ندارند، بلکه در وهم و گمان بسر می‌برند روی این اساس خیالات آن‌ها فاسد و تصورات‌شان دروغ است و یقینی در معتقدات و باورهای خود ندارند و نه هم صدفی در اقوال و صلاحی در اعمال.

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِۦۖ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ١١٧﴾.

همانا پروردگارت که متولی امور توست می‌داند چه کسی از راه هدایت انحراف نموده و چه کسی بر اوامرش استقامت دارد و با هدایت او هدایت شده است و این تنها اوست که کسی را بخواهد گمراه می‌کند و بر اعمال همه آگاه است.

﴿فَكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ ٱسۡمُ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ إِن كُنتُم بِ‍َٔايَٰتِهِۦ مُؤۡمِنِينَ ١١٨﴾.

پس ای مؤمنان! با مشرکان مخالفت کنید و از ذبائحی که به نام خدا أ صورت نگرفته اگر به قرآن و سنّت ایمان دارید و به پیامبر باور دارید نخورید، زیرا تصدیق پیامبر مقتضی امتثال اوامر با گفتار و کردار خوب و خوردن حلال است.

﴿وَمَا لَكُمۡ أَلَّا تَأۡكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ ٱسۡمُ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ وَقَدۡ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَيۡكُمۡ إِلَّا مَا ٱضۡطُرِرۡتُمۡ إِلَيۡهِۗ وَإِنَّ كَثِيرٗا لَّيُضِلُّونَ بِأَهۡوَآئِهِم بِغَيۡرِ عِلۡمٍۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُعۡتَدِينَ ١١٩﴾.

چه چیزی شما را از خوردن آنچه نام خدا أ بر آن برده شده مانع می‌شود در حالی که خدای‌تعالی برای شما حلال و حرام را بیان نموده است. حق‌تعالی برای شما در هنگام ضرورت مانند شدّت گرسنگی به شرط آنکه بدون سرکشی و تجاوز باشد برخی محذورات را مانند خوردن خود مرده و از این قبیل مباح نموده، ولی بسیاری از مردم از جادۀ حقیقت منحرف‌اند و در راستای تباهی و فساد در زمین سعی و کوشش می‌کنند و گمراهی را در بین مردم منتشر می‌نمایند و حرام را حلال و حرام را حلال می‌سازند چون نمی‌دانند و خدای‌تعالی بدکارانی را که از حدود الهی تجاوز کنند به خوبی می‌شناسد و او تمام اعمال آن‌ها را آمار می‌گیرد و بر مبنای آن به آن‌ها کیفر می‌دهد.

این آیه دلالت بر آن دارد که هوی و هوس بزرگ‌ترین دشمن هدایت انسان است.

﴿وَذَرُواْ ظَٰهِرَ ٱلۡإِثۡمِ وَبَاطِنَهُۥٓۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡسِبُونَ ٱلۡإِثۡمَ سَيُجۡزَوۡنَ بِمَا كَانُواْ يَقۡتَرِفُونَ ١٢٠﴾.

از گناهان در نهان و آشکار بپرهیزید که از اوتعالی هیچ امری پوشیده نیست. پس هرچه را خداوند أ حرام نموده پوشیده باشد یا آشکار فرو گذارید و آنانی که اعمال بد انجام می‌دهند و مرتکب کارهای حرام می‌شوند به زودی به جزای اعمال خود می‌رسند.

این آیه دلالت بر وجوب مراقبت دائمی و همچنان بدی معصیت و برحذر بودن از عواقب آن دارد.

﴿وَلَا تَأۡكُلُواْ مِمَّا لَمۡ يُذۡكَرِ ٱسۡمُ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ وَإِنَّهُۥ لَفِسۡقٞۗ وَإِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰٓ أَوۡلِيَآئِهِمۡ لِيُجَٰدِلُوكُمۡۖ وَإِنۡ أَطَعۡتُمُوهُمۡ إِنَّكُمۡ لَمُشۡرِكُونَ ١٢١﴾.

و از آنچه بر غیر نام خدا أ ذبح می‌شود نخورید مانند برخی قربانی‌هایی که به خاطر بت‌ها و کاهنان و عرافان و دیگران صورت می‌گیرد، زیرا خوردن از چنین قربانی‌هایی تجاوز از حدود و شریعت الهی به شمار می‌رود. نافرمانان جن دوستان خود را از میان انسان‌های بد امر می‌کنند تا حجت‌ها و دلائل واهی ارائه کنند و به دنبال شبهه و دروغ باشند مثل اینکه چگونه شما ذبیحۀ خود را می‌خورید و ذبیحۀ خدای‌تعالی را نمی‌خورید – منظورشان خود مرده بود – و اگر شما از گمراهی آن‌ها در تحلیل آنچه خداوند أ حرام نموده پیروی کنید در واقع در شرک واقع شده‌اید.

﴿أَوَ مَن كَانَ مَيۡتٗا فَأَحۡيَيۡنَٰهُ وَجَعَلۡنَا لَهُۥ نُورٗا يَمۡشِي بِهِۦ فِي ٱلنَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُۥ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ لَيۡسَ بِخَارِجٖ مِّنۡهَاۚ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلۡكَٰفِرِينَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٢٢﴾.

آیا کسی که در کفر مرده و در گمراهی هلاکت و در تاریکی‌ها حیران است و ما او را با ایمان زنده کردیم و با قرآن هدایت نمودیم و او را در پیروی از پیامبر اسلام ج توفیق دادیم و او بر این اساس در راه هدایت گام برداشته و قلب خود را با یقین آباد و نفس خود را با تقوی تزکیه نموده است، آیا این مرد صالح و مصلح مانند کسی است که در سرکشی‌ها و تاریکی‌های گمراهی و در شبهات جهالت بسر می‌برد؟ آن کس که نه نوری دارد که با آن هدایت شود و نه وحیی است که او را زنده کند و نه امام و پیشوائی که بر خیر رهنمایی‌اش کند. چنین کسی در کفر و بدکاریی قرار دارد که بسان شبی تاریک است آیا این و آن باهم برابر اند؟ جواب واضح است این و آن هرگز باهم برابر نیستند و آنگونه که این کافر را گمراه و این بدکار را با جلوه دادن اعمال بدخوار و ذلیل ساختیم آن‌هم نظر به اینکه خودش گمراهی را برگزیده، اینگونه ما به مشرکان اعمال بدشان را نیکو جلوه دادیم طوری که اعمال زشت خود را خوب می‌بینند، همۀ این‌ها روی این منظور است که ما می‌خواهم دلائل فروآمدن عذاب بر آن‌ها تحقق پیدا کند.

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا فِي كُلِّ قَرۡيَةٍ أَكَٰبِرَ مُجۡرِمِيهَا لِيَمۡكُرُواْ فِيهَاۖ وَمَا يَمۡكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ ١٢٣﴾.

مانند آنچه در مکه از سوی رؤسا و بزرگان شرک در خصوص مبارزه با رسالت و اعراض از حق صورت گرفت، در هر قریۀ کافری رؤسایی قرار دادیم که قوم خود را به گمراهی رهبری می‌کنند و در حق پیامبران مکر و حیله نموده و در حق مؤمنان تمسخر می‌نمایند و در اخیر گردش روزگار بر علیه آن‌هاست در حالی که عاقبت برای اولیا و دوستان خداست و این مجرمان ندانستند که عاقبت از آن پرهیزگاران است، این سنّت و روش و حکمتی است نافذ و جاری.

﴿وَإِذَا جَآءَتۡهُمۡ ءَايَةٞ قَالُواْ لَن نُّؤۡمِنَ حَتَّىٰ نُؤۡتَىٰ مِثۡلَ مَآ أُوتِيَ رُسُلُ ٱللَّهِۘ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ حَيۡثُ يَجۡعَلُ رِسَالَتَهُۥۗ سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْ صَغَارٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعَذَابٞ شَدِيدُۢ بِمَا كَانُواْ يَمۡكُرُونَ ١٢٤﴾.

و هرگاه به کفار قریش دلیلی واضح نازل شود که دلالت بر رسالت و پیامبری حضرت رسول ج کند، رهبران و زعمای‌شان می‌گویند ما به این دلائل تن درنمی‌دهیم مگر زمانی که خداوند أ ما را مانند پیامبران بگرداند و به ما معجزاتی مانند معجزات آن‌ها بدهد. حق‌تعالی به آن‌ها گفت: خداوند أ بهتر می‌داند چه کسی مستحق این احترام و شرف است از این‌روی رسالت و پیامبری مگر برای کسی که خدای‌تعالی بخواهد نمی‌رسد. پس وای بر شما مجرمان ستم‌پیشه از ذلّت و خواریی که به شما می‌رسد و عذابی دردناک که در انتظار شماست، این جزا در بدل عملکرد زشت و بد شماست و جنگی است که با پیامبر اسلام ج انجام داده‌اید.

﴿فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهۡدِيَهُۥ يَشۡرَحۡ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِۖ وَمَن يُرِدۡ أَن يُضِلَّهُۥ يَجۡعَلۡ صَدۡرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجٗا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي ٱلسَّمَآءِۚ كَذَٰلِكَ يَجۡعَلُ ٱللَّهُ ٱلرِّجۡسَ عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ ١٢٥﴾.

هر کس را که خداوند أ اراده نماید تا او را به سوی دین خود هدایت کند این کار را بر او سهل و آسان می‌سازد و سینه‌اش را برای قبول دین فراخ ساخته از این ناحیه او را دچار شادمانی و سرور می‌نماید و هر که را خداوند أ بخواهد گمراهش کند، سینه‌اش را به شدّت تنگ می‌گرداند و او بر اثر این تنگی هدایت را بغض می‌دارد و از دین فرار می‌کند و رسالت محمدی را بد می‌برد درست مانند کسی که در طبقات بالای زمین نظر به کمبود هوا دچار تنگی نفس می‌شود تا جائی که در معرض خفگی قرار می‌گیرد. این مثل حالت سینۀ کافر و منافق را بیان می‌دارد که پُر از غم و اندوه و تنگی است و همانگونه که خدای‌تعالی آن‌ها را دچار تنگی نفس و پراکندگی امور نموده به همین‌سان بر آن‌ها عذاب شدید خود را فرو می‌فرستد، چون آن‌ها به خدا أ ایمان نیاورده و رسالت پیامبرش را تصدیق نکردند. روی این اساس هر کسی که ارادۀ سعادت و خوشبختی دارد بر اوست تا ایمان بیاورد که ایمان مایۀ خنکی چشم، آسودگی خاطر و قرارگرفتن روان است.

﴿وَهَٰذَا صِرَٰطُ رَبِّكَ مُسۡتَقِيمٗاۗ قَدۡ فَصَّلۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَذَّكَّرُونَ ١٢٦﴾.

این دینی که ما بر تو نازل نموده و شریعتی که به سویت وحی کردیم راه سالم‌تر و منهج استوارتر است و در آن هیچ‌گونه اضطراب و انحرافی نیست. ما علامات و نشانه‌های آن را واضح ساخته و آیاتش را برای کسانی که دوست دارند از حکمش عبرت بگیرند واضح ساختیم، کسانی که از موعظه‌هایش بهره می‌برند و اهل عقل و خرد سالم و فطرت استواراند و با نور آن مسیر خود را روشن می‌سازند.

﴿۞لَهُمۡ دَارُ ٱلسَّلَٰمِ عِندَ رَبِّهِمۡۖ وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٢٧﴾.

برای مؤمنانی که هدایت شده‌اند در آخرت بهشت‌های نعمت در سرای سلامتی از هر آفات، و امنیت از هرگونه ناکامی است. در آنجا نه بیماری است، نه پیری و نیستی زیرا در آن هیچ‌گونه ضرر، مصیبت و فنائی نمی‌باشد، بلکه کلاً سلامتی، جوانی، غنامندی و جاودانگی است و خدای‌تعالی متولی امور آن‌ها با حفظ، رعایت، نصرت، ولایت، رزق و کفایت است، چون آن‌ها عمل خویش را نیکو ساخته و در نیّت خود اخلاص را رعایت نموده و از وحی پیروی کرده و از کفر دوری گزیدند.

﴿وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ قَدِ ٱسۡتَكۡثَرۡتُم مِّنَ ٱلۡإِنسِۖ وَقَالَ أَوۡلِيَآؤُهُم مِّنَ ٱلۡإِنسِ رَبَّنَا ٱسۡتَمۡتَعَ بَعۡضُنَا بِبَعۡضٖ وَبَلَغۡنَآ أَجَلَنَا ٱلَّذِيٓ أَجَّلۡتَ لَنَاۚ قَالَ ٱلنَّارُ مَثۡوَىٰكُمۡ خَٰلِدِينَ فِيهَآ إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٞ ١٢٨﴾.

و یاد آور روزی را که در آن هیچ شکی نیست و خداوند أ انسان و جن را در آن جمع می‌کند و به جن می‌گوید: شما بسیاری از انسان‌ها را گمراه کردید. دوستان جنیات از انسان‌های کافر می‌گویند ای پروردگار ما! محققاً که برخی از ما از برخی دیگر در زندگی دنیا بهره بردند و عمری که تو تعیین نموده بودی پایان یافت، زیرا برای هرکدام مدتی معلوم بوده است. حق‌تعالی خبر داد که مکان اقامت دائمی آن‌ها در آتش دوزخ است و آن‌ها در آن برای همیشه جاودان‌اند مگر گناهکاران یکتاپرست که اقامت آن‌ها در دوزخ برای مدتی معلوم است و سپس از آن بیرون می‌شوند؛ زیرا خدای‌تعالی در قضا و قدر، انتخاب و تقسیمات خود حکمت دارد و او در حالی رحم می‌کند که این رحمت فضل اوست و در حالتی عذاب می‌کند که کاملاً عادل است. او می‌داند چه کسی مستحق هدایت یا گمراهی است و چه کسی اهل ثواب یا عقاب است. او با حکمت خود مواضع قضا و قدر خود را به نیکوئی تعیین و براساس علم و دانش، مواضع رحمت و عذاب خویش را مشخص نموده است.

﴿وَكَذَٰلِكَ نُوَلِّي بَعۡضَ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعۡضَۢا بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ١٢٩﴾.

و آنگونه که جنیات مرتد را بر انسان‌های ولایت و سرپرستی دادیم، برخی از انسان‌های ظالم را بر بعضی دیگر ولایت می‌دهیم، چون آن‌ها کار بد انجام داده‌اند و به این ترتیب ظالم و ستمگار با ظالم‌تر از خود تربیه می‌شود تا گنهکاران با شلاق سرکشان کیفر بینند. پس هر کس که می‌خواهد از خشونت ستمگران سالم بماند باید تقوای پروردگار عالمیان را رعایت کند، زیرا هیچ استبدادی جز از طریق فساد به وجود نمی‌آید.

﴿يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَقُصُّونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِي وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَاۚ قَالُواْ شَهِدۡنَا عَلَىٰٓ أَنفُسِنَاۖ وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَشَهِدُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰفِرِينَ ١٣٠﴾.

ای جماعت انسان‌ها و جنیات! آیا با فرستادن پیامبران که به شما آیات کتاب آسمانی و احکام هر چیزی را بیان می‌کنند و از عذاب روز لقای من برحذر می‌دارند؛ بر شما حجّت تمام نکردیم و عذر را بر نداشتیم؟! مشرکان گفتند: گواهیم که پیامبران به ما تبلیغ نموده و ما را برحذر داشتند، ولی دنیا با زیبندگی‌ها و خدایان با فتنه‌های خود ما را فریب دادند و به این ترتیب آن‌ها اعتراف کردند که به پروردگار خویش شریک آورده و پیامبرانش را تکذیب نمودند.

﴿ذَٰلِكَ أَن لَّمۡ يَكُن رَّبُّكَ مُهۡلِكَ ٱلۡقُرَىٰ بِظُلۡمٖ وَأَهۡلُهَا غَٰفِلُونَ ١٣١﴾.

ما پیامبران را فرستادیم و کتاب‌ها را نازل کردیم تا بر تکذیبگران هیچ حجتی و بر کافران هیچ عذری باقی نماند، پس خدای‌تعالی هیچ ستمگری را تا به او نصیحت نرسد عذاب نمی‌کند و هیچ قریه‌ای را هلاک نمی‌نماید مگر بعد از اینکه اهل آن را بیم دهد. از جملۀ روش‌های الهی یکی هم این است که اوتعالی غافلانی را که رسالت به آن‌ها نرسیده کیفر نمی‌دهد، تا مادامی که تبلیغ و حجّت به آن‌ها برسد. پس جاهل معذور و ستمگار رانده شده و غافل مغرور است.

﴿وَلِكُلّٖ دَرَجَٰتٞ مِّمَّا عَمِلُواْۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعۡمَلُونَ ١٣٢﴾.

برای هر عمل کننده‌ای از مؤمنان و کافران منازلی است که در نتیجۀ سعی و کوشش خود در دنیا به آن می‌رسند و براساس آن ثواب می‌بینند و یا عقاب دریافت می‌دارند، همۀ این‌ها از روی حساب دقیقی از جانب خداست که در آن هیچ ظلم و ستمی وجود ندارد. پس مؤمنان دارای درجاتی در نعمت‌اند در حالی که کافران فرومایه در کاتی در دوزخ دارند. بنابراین تفاضل در ثواب و عقاب کاری است کاملاً عادلانه.

﴿وَرَبُّكَ ٱلۡغَنِيُّ ذُو ٱلرَّحۡمَةِۚ إِن يَشَأۡ يُذۡهِبۡكُمۡ وَيَسۡتَخۡلِفۡ مِنۢ بَعۡدِكُم مَّا يَشَآءُ كَمَآ أَنشَأَكُم مِّن ذُرِّيَّةِ قَوۡمٍ ءَاخَرِينَ ١٣٣﴾.

و خدای‌تعالی دارای غنامندی زیاد و خیری عمومی است و نیازی به بندگان خود ندارد. او مهربان است و از جملۀ نشانه‌های رحمت او یکی هم مهلت دادن به کسانی است که از او نافرمانی می‌نمایند و اگر خداوند أ اراده می‌فرمود در حق سرکش از عجله کار می‌گرفت و او را با کسی تبدیل می‌نمود که تنها او را عبادت می‌کرد و به اوتعالی شریک نمی‌آورد ولیکن حلم او عظیم است.

پس همانگونه که شما را از پشت پدران‌تان آفریده به همان‌سان نسلی دیگر از پشت شما می‌آفریند. حق‌تعالی از کسی که به او پشت کند بی‌نیاز و در حق کسی که به سویش روی آورد مهربان است.

﴿إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَأٓتٖۖ وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ ١٣٤﴾.

ای کافران! آنچه پروردگار شما وعده می‌دهد حتماً و بدون شک واقع می‌گردد و هرگز از پروردگار خویش فرار کرده نمی‌توانید. جمع‌آوری شما بر او کاملاً سهل و آسان است و هیچ مایۀ نجات و محل التجائی جز به سوی خود او نمی‌باشد. او هر کسی را که حتی فرار نماید بازمی‌گرداند و هر خواهانی را درمی‌یابد و بر هر غالبی غلبه می‌کند.

﴿قُلۡ يَٰقَوۡمِ ٱعۡمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمۡ إِنِّي عَامِلٞۖ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ مَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ١٣٥﴾.

ای کفار بر همان روش فاسد و نادرست خویش عمل کنید، من نیز بر منهج و روش درست خود عمل می‌نمایم و به زودی قضیه بر شما واضح می‌گردد، آنگاه که عذاب نازل گردد می‌دانید عزت، پیروزی و ثواب از آن چه کسی است؛ زیرا از سنت‌های الهی است که دشمنان خدا أ هرگز رستگار نشوند و پیروز نگردند چون آن‌ها با خدا أ جنگیدند و پیامبرانش را تکذیب نموده و از حدود الهی و شریعتش تجاوز کردند.

﴿وَجَعَلُواْ لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ ٱلۡحَرۡثِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ نَصِيبٗا فَقَالُواْ هَٰذَا لِلَّهِ بِزَعۡمِهِمۡ وَهَٰذَا لِشُرَكَآئِنَاۖ فَمَا كَانَ لِشُرَكَآئِهِمۡ فَلَا يَصِلُ إِلَى ٱللَّهِۖ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَآئِهِمۡۗ سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ١٣٦﴾.

مشرکان برخی از مخلوقات را به اوتعالی اختصاص داده و بر این اساس بعضی از میوه‌ها، کشت‌ها و چهارپایان را به مساکین و فقرا بخشیدند و آن‌ها را برای خدا أ مشخص کردند و بعضی دیگر را برای بت‌ها. این عمل آن‌ها مبتنی بر کذب، باطل و تجاوز بود. سهم خدایان باطل‌شان هیچگاه به خدا أ نمی‌رسد و اوتعالی هرگز این سهم را قبول درگاه خود نمی‌نماید، زیرا این کار شرک است و آن بخش را که برای خدا أ تعیین کردند به شرکایشان می‌رسد نه به خدا چون عمل آن‌ها شرک آمیز است و به این ترتیب تمام اعمال و بخشش‌های آن‌ها شرک و مردود است و حق‌تعالی هیچ چیزی از آن را قبول نمی‌نماید. و ای بسا چیزهایی را که به مساکین داده بودند بازگرفتند و به بت‌ها اهدا کردند، ولی هیچگاه از بت‌ها چیزی نگرفتند تا به مساکین بدهند. چقدر بد است این تقسیم ظالمانه و هلاک بادا این حکومت ستمگرانۀ آن‌ها.

﴿وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٖ مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ قَتۡلَ أَوۡلَٰدِهِمۡ شُرَكَآؤُهُمۡ لِيُرۡدُوهُمۡ وَلِيَلۡبِسُواْ عَلَيۡهِمۡ دِينَهُمۡۖ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا فَعَلُوهُۖ فَذَرۡهُمۡ وَمَا يَفۡتَرُونَ ١٣٧﴾.

و آنگونه که شیطان برای مشرکان قرار دادن قسمتی را به خدا و قسمتی دیگر را به بت‌ها مزین کرد، همین‌گونه برای آن‌ها کشتن فرزندان‌شان را از ترس فقر مزین نمود. این تزیین مبتنی بر دروغ و افترا بود تا پدران با کشتن نفس‌های حرام و ریختن خون انسان‌های معصوم هلاک شوند و احکام بر آن‌ها خلط گردد و نتوانند بین حلال و حرام فرق قایل شوند. و اگر خدای‌تعالی اراده می‌کرد تا اینکار واقع نشود حتماً واقع نمی‌شد ولی او در آنچه مقدر کرده حکمت دارد و آنچه را آسان نموده می‌بیند.

همۀ این‌ها بنابر حکمت‌هایی است که گاهی آشکار نیست، پس آن‌ها و باطل‌شان را و آنچه را در آن اختلاف کردند بگذار که فردا موعد آن‌هاست و به زودی خدای‌تعالی آن‌ها را در آن مشهد بزرگ جمع خواهد نمود.

﴿وَقَالُواْ هَٰذِهِۦٓ أَنۡعَٰمٞ وَحَرۡثٌ حِجۡرٞ لَّا يَطۡعَمُهَآ إِلَّا مَن نَّشَآءُ بِزَعۡمِهِمۡ وَأَنۡعَٰمٌ حُرِّمَتۡ ظُهُورُهَا وَأَنۡعَٰمٞ لَّا يَذۡكُرُونَ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَا ٱفۡتِرَآءً عَلَيۡهِۚ سَيَجۡزِيهِم بِمَا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ١٣٨﴾.

مشرکان بر خدای‌تعالی افترا کرده و شترها و کشت‌هایی را بر تمام مردم به جز خدمه و حافظان بت‌ها حرام نمودند. همچنان سوار شدن بر برخی از شتران را بر خود حرام نموده و این تحریم را به دروغ بر خدای‌تعالی نسبت دادند و یاد او را بر برخی از شتران هنگام سوارشدن یا ذبح و شیردوشیدن حرام نموده و ادعا کردند که خدای‌تعالی آن‌ها را بر چنین کاری امر فرموده است. حساب این‌ها به سبب کذب‌شان برخداست تا کیفر اعمال بد و بهتان گناه آلودشان را بدهد. چهارپایان و محصولات زراعتی روزی خداست پس لازم است به نام خدا باشد و هیچ چیزی از آن به غیر خدا أ صرف نشود.

﴿وَقَالُواْ مَا فِي بُطُونِ هَٰذِهِ ٱلۡأَنۡعَٰمِ خَالِصَةٞ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِنَاۖ وَإِن يَكُن مَّيۡتَةٗ فَهُمۡ فِيهِ شُرَكَآءُۚ سَيَجۡزِيهِمۡ وَصۡفَهُمۡۚ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٞ ١٣٩﴾.

و مشرکان ادعا نمودند حملی که در رحم چهارپایان قرار دارد اگر زنده متولد شود بر مردان حلال و بر زن‌ها حرام است و اگر مرده تولد گردد هم بر زنان حلال است و هم بر مردان. این عقیدۀ آن‌ها مبتنی بر دروغ و بهتان و یک ادعای بدون دلیل است که به زودی خدای‌تعالی آن‌ها را به سبب این افترای‌شان گرفتار عذاب می‌نماید، چون احکام از شریعت خدا أ برگرفته می‌شود. زیرا خدای‌تعالی در آنچه مشروع می‌کند حکمت دارد و احکامش از روی علم و دانش صادر می‌شود و فرمانش مبتنی بر قدرت و توانائی و تدبیر او از روی دقت و درست انجام دادن است.

﴿قَدۡ خَسِرَ ٱلَّذِينَ قَتَلُوٓاْ أَوۡلَٰدَهُمۡ سَفَهَۢا بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَحَرَّمُواْ مَا رَزَقَهُمُ ٱللَّهُ ٱفۡتِرَآءً عَلَى ٱللَّهِۚ قَدۡ ضَلُّواْ وَمَا كَانُواْ مُهۡتَدِينَ ١٤٠﴾.

هلاک شد آن کس که فرزندش را از روی جهالت و نادانی و هدایت نشدن به شریعت پروردگارش کُشت. هلاک شد آن کس که آنچه را خدای‌تعالی حلال نموه حرام و این تحریم را به خداوند أ نسبت داد. تنها حق‌تعالی قانون‌گذار است و او این کار را بر زبان پیامبران و از طریق کتاب‌های خود به انجام می‌رساند. اما انسان!! پس گمراه‌تر، ذلیل‌تر و کوچک‌تر از آن است که دست به تحلیل و تحریم بزند و قانون وضع کند ﴿إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِ﴾ «حُکم جز برای خدا نیست» و هر کس دست به چنین اعمالی بزند در واقع بر مرکب سرکشی سوار شده و راه هدایت را گم کرده است؛ زیرا او حق خالق را به مخلوق داده و این امر بدکارگی و ضیاع حقوق است.

﴿۞وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَ جَنَّٰتٖ مَّعۡرُوشَٰتٖ وَغَيۡرَ مَعۡرُوشَٰتٖ وَٱلنَّخۡلَ وَٱلزَّرۡعَ مُخۡتَلِفًا أُكُلُهُۥ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُتَشَٰبِهٗا وَغَيۡرَ مُتَشَٰبِهٖۚ كُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثۡمَرَ وَءَاتُواْ حَقَّهُۥ يَوۡمَ حَصَادِهِۦۖ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ١٤١﴾.

و تنها خدای‌تعالی است که باغ‌های غنامند و بوست‌های پُر از درختان سبز و رنگارنگ را آفرید که برخی ریشه در روی زمین و سر به سوی آسمان دارد مانند درختان خرما، کشت‌ها، زیتون و انار و برخی دیگر سر در آسمان ندارد. در حالی که همۀ این‌ها در منظر باهم شباهت دارند ولی تفاوت فاحش در طعم و مزۀشان است. از این میوه‌ها بعد از رسیدن به مرحلۀ پختگی در حالی بخورید که شکر خدای را بر جای آورید و زکات و صدقات آن را نیز روزی که آن‌ها را می‌چینید ادا نمائید تا مایۀ پاکی و نمای مال و اظهار همدردی با فقرا و مساکین باشد و از حدود شرع در انفاق یا نگهداشتن اموال تجاوز نکنید و باید که در این کار نه اسراف باشد و نه بخل که خداوند أ نه انسان‌های بخیل را دوست دارد و نه اسرافگران را، بلکه او انسان‌های سخاوتمند و دارای اخلاص را دوست می‌دارد.

﴿وَمِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ حَمُولَةٗ وَفَرۡشٗاۚ كُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ١٤٢﴾.

و خداوند أ برای شما چهارپایانی آفرید که شما را حمل می‌کنند؛ زیرا از اجسامی بزرگ و نیرو و بلندی برخورداراند مانند شتر. و برای شما حیوانات دیگری آفرید که در آن منافع دیگری غیر از سوار شدن است مانند گاو و گوسفند. از این حلال پاکیزه بخورید و از شیطان و دوستانش در تحلیل حرام و تحریم حلال اطاعت نکنید که شیطان به صورت آشکار با شما دشمنی دارد و شما را از طاعت خدای‌تعالی بازمی‌دارد و به سوی معصیت‌هایی همچون بت‌پرستی و ارتکاب گناهان و خوردن حرام فرا می‌خواند.

﴿ثَمَٰنِيَةَ أَزۡوَٰجٖۖ مِّنَ ٱلضَّأۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَمِنَ ٱلۡمَعۡزِ ٱثۡنَيۡنِۗ قُلۡ ءَآلذَّكَرَيۡنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ أَمَّا ٱشۡتَمَلَتۡ عَلَيۡهِ أَرۡحَامُ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۖ نَبِّ‍ُٔونِي بِعِلۡمٍ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٤٣﴾.

چهارپایانی که خدای‌تعالی برای مردم آفرید هشت نوع از میان شتر، گاو، بُز، و گوسفند نَر و ماده است پس تو از مشرکان سوال کن که آیا خدای‌تعالی گوسفندان نَر را حرام نموده است؟ اگر گفتند آری دروغ گفتند چون خود آن‌ها گوسفندان و بزهای نَر را حرام نکردند. همچنان از آن‌ها سوال کن آیا خدای‌تعالی حمل مادۀ بز و گوسفند را حرام نموده است؟ اگر قایل به تحریم شدند بازهم دروغ گفتند، زیرا خود آن‌ها تمام آنچه را ماده گوسفندان حمل می‌کنند حرام نمی‌نمایند. به آن‌ها بگو به من از دلیل خود در این باره خبر دهید آن‌هم اگر بر صحت نظر خویش در خصوص تحریم این انواع یقین و باور دارید. سخن این‌ها تهمت، دروغ و افترا بر خداست زیرا انسان مشرک در معتقدات، اخلاق، خورد و نوش و تمام جوانب زندگی خود گمراه است.

﴿وَمِنَ ٱلۡإِبِلِ ٱثۡنَيۡنِ وَمِنَ ٱلۡبَقَرِ ٱثۡنَيۡنِۗ قُلۡ ءَآلذَّكَرَيۡنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ أَمَّا ٱشۡتَمَلَتۡ عَلَيۡهِ أَرۡحَامُ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۖ أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ إِذۡ وَصَّىٰكُمُ ٱللَّهُ بِهَٰذَاۚ فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا لِّيُضِلَّ ٱلنَّاسَ بِغَيۡرِ عِلۡمٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٤٤﴾.

چهار صنف از چهارپایان را خدای‌تعالی برای بندگان خود مباح نموده، دوتا از شتر و دوتا از گاو نر و ماده. تو از مشرکان سوال کن آیا خداوند أ دوتای نَر را حرام نموده یا دوتای ماده یا آنچه را که دوتای ماده حمل دارند. پاسخ این سوال این است که این دروغ و افترایی از جانب آن‌ها بر خداست، آیا آن‌ها شاهد روزی بوده‌اند که خداوند آن‌ها را از چنین چیزهای نهی کرده است؟ آیا دلیلی بر این ادعای خود دارند؟ هیچ گناهی بزرگتر از عملکرد این‌ها که بر خدا أ به منظور منصرف کردن بندگانش از طاعت اوتعالی و کشیدن‌شان به راه معصیت انجام می‌دهند نیست و خداوند أ هیچگاه کسانی را که به مخالفت هدایت می‌پردازند و از حق کناره‌گیری می‌نمایند و مردم را گمراه می‌کنند رهنمون نمی‌سازد. پس هر شریعتی غیر از شریعت خدا باطل و نسبت آن به اوتعالی بزرگ‌ترین گناه و جنایت است.

﴿قُل لَّآ أَجِدُ فِي مَآ أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٖ يَطۡعَمُهُۥٓ إِلَّآ أَن يَكُونَ مَيۡتَةً أَوۡ دَمٗا مَّسۡفُوحًا أَوۡ لَحۡمَ خِنزِيرٖ فَإِنَّهُۥ رِجۡسٌ أَوۡ فِسۡقًا أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦۚ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٤٥﴾.

ای محمد ج! به آن‌ها خبر بده که تو در وحی منزل بر خود چیزی از آنچه مشرکان نادان حرام کرده‌اند نمی‌یابی جز خود مرده، خون ریخته شده، گوشت خوک که نجس است و آنچه بر غیر نام خدا أ ذبح شده است؛ زیرا چنین کاری خروج از طاعت الهی است. اما اگر کسی در حالت ضرورت شدید نیاز پیدا کرد تا از این محرمات چیزی را بخورد می‌تواند چنین کند به شرط آنکه به قصد لذت نباشد و از حدی که انسان را از مرگ نجات دهد بیشتر نباشد، خدای‌تعالی بخشنده است و گناهان بندگان خود را هرگاه به سوی او رجوع کنند می‌بخشد و بر بندگان خود مهربان است که برای آن‌ها خوردن هنگام ضرورت را از روی لطفی که دارد مستثنی نموده و آن‌ها را بی‌جهت مکلف نکرده است و بر آن‌ها آنچه را توان ندارند واجب ننموده است. این شریعت خدای رحمان در مأکولات از چهارپایان است نه شریعت بت‌پرستان گنهکار.

﴿وَعَلَى ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمۡنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٖۖ وَمِنَ ٱلۡبَقَرِ وَٱلۡغَنَمِ حَرَّمۡنَا عَلَيۡهِمۡ شُحُومَهُمَآ إِلَّا مَا حَمَلَتۡ ظُهُورُهُمَآ أَوِ ٱلۡحَوَايَآ أَوۡ مَا ٱخۡتَلَطَ بِعَظۡمٖۚ ذَٰلِكَ جَزَيۡنَٰهُم بِبَغۡيِهِمۡۖ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ١٤٦﴾.

و ما بر یهود هر صاحب چنگ و ناخن را از میان پرندگان و چهارپایان به منظور سخت‌گیری بر آن‌ها حرام نمودیم و همچنان پیه‌های گاو و گوسفند را مگر آن پیه‌ها که بر پشت این حیوانات یا روده‌ها و استخوان‌های‌شان چسپیده باشد. این کیفری از جانب خدای‌تعالی بر آن‌هاست؛ زیرا آن‌ها مرتکب فسق و فجور شده و از حدود الهی تجاوز نمودند. این اطلاعات درستی است که در مورد تحریم بر یهودیان از سوی خدای‌تعالی نازل شده و تو لطف خدا أ را بر امّت محمد ج بنگر که چگونه در احکام خویش از آسان‌گیری کار گرفته و در طعام حلال وسعت دارد و این گذشت را بنگر که خداوند با آن آفریده‌های خود را خوشبخت می‌سازد.

﴿فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمۡ ذُو رَحۡمَةٖ وَٰسِعَةٖ وَلَا يُرَدُّ بَأۡسُهُۥ عَنِ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ١٤٧﴾.

و اگر تو را ای محمد ج این کفار تکذیب کردند به آن‌ها خبر بده که خدای‌تعالی برای کسانی که به او ایمان آورده و از پیامبرش پیروی نمودند دارای رحمتی واسع است و از جملۀ نشانه‌های رحمت او این است که به دشمنان خود مهلت می‌دهد و در نزول عذاب بر گنهکاران عجله نمی‌نماید تا اینکه فرصت توبه در اختیار او قرار گیرد. در کنار این اوتعالی دارای عذاب و عقاب بزرگ و دردناک نیز هست، این عذاب برای کسانی است که از او نافرمانی کنند و با پیامبرش بجنگند و کتابش را تکذیب نمایند.

واجب این است که انسان در کرم خدای‌تعالی و ثواب او امید داشته باشد و از عذاب و غضب او بترسد.

﴿سَيَقُولُ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ لَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَآ أَشۡرَكۡنَا وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمۡنَا مِن شَيۡءٖۚ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ حَتَّىٰ ذَاقُواْ بَأۡسَنَاۗ قُلۡ هَلۡ عِندَكُم مِّنۡ عِلۡمٖ فَتُخۡرِجُوهُ لَنَآۖ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا تَخۡرُصُونَ ١٤٨﴾.

به زودی مشرکان با شما احتجاج می‌کنند و می‌گویند اگر خدای‌تعالی اراده می‌کرد که آن‌ها شریک نیاورند هرگز چنین نمی‌کردند ولی خداوند أ چنین چیزی را بر آن‌ها مقدّر نموده است. بر آن‌ها مطابق گمان خود آن‌ها حکم صورت گرفته که آن‌ها و پدران‌شان ایمان نیاورند. همچنان اگر خدای‌تعالی اراده می‌کرد آن‌ها را از تحریم کشت‌ها و چهارپایان منع کند حتماً آن‌ها این کار را نمی‌کردند، ولی خدای‌تعالی خواست تا آن‌ها چنین کاری را بکنند. به آن‌ها خبر بده که این شبهه قدیمی است، کفار در گذشته نیز چنین احتجاجی کردند، آیا نزد شما دلیلی از جانب خدا أ هست که به شما این عمل را مجاز داشته است؟ یا آیا شما دانش ثابتی دارید که خداوند برای شما شرکیات و تحریم آنچه بر شما حلال نموده است را مقدر کرده است؟ این دلیل کجاست؟ نزد شما جز ایرادات و گمان‌های فاسد و دروغین و افترای آشکار دیگر هیچ نیست و هیچ ادعایی و هیچ تحریم بدون تحریم بدون دلیل و هیچ علمی بدون یقین پذیرفته نمی‌شود.

﴿قُلۡ فَلِلَّهِ ٱلۡحُجَّةُ ٱلۡبَٰلِغَةُۖ فَلَوۡ شَآءَ لَهَدَىٰكُمۡ أَجۡمَعِينَ ١٤٩﴾.

پس ای مشرکان! حجّت قاطع پروردگار بر شماست و حقیقت روشن در حکم خداست نه در حکم شما که بت می‌پرستید و حلال را حرام و حرام را حلال می‌کنید. حجّت بر شماست نه بر خداوند أ و اوتعالی اگر ارادۀ هدایت شما را می‌نمود حتماً شما را به راه راست هدایت می‌کرد ولی او دارای حکمت بالغه و قضا و قدر محکم و درست است.

﴿قُلۡ هَلُمَّ شُهَدَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ يَشۡهَدُونَ أَنَّ ٱللَّهَ حَرَّمَ هَٰذَاۖ فَإِن شَهِدُواْ فَلَا تَشۡهَدۡ مَعَهُمۡۚ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ وَهُم بِرَبِّهِمۡ يَعۡدِلُونَ ١٥٠﴾.

برای این مشرکان نادان بگو شاهدان خویش را که حاضرند شما را در این ادعای‌تان تصدیق کنند که خدای‌تعالی بر شما آنچه را حرام نموده که خود بر خویشتن از قبیل محصولات کشاورزی و چهارپایان حرام کرده‌اید بیاورید. اگر برای آن‌ها شهادت دادند تصدیق‌شان نکنید که آن‌ها گنهکاراند و با آن‌ها موافقه نکن که آن‌ها ستمگاراند و از راه و مسیر کسانی که از هوای خویش پیروی می‌کنند تبعیت نکن که آن‌ها آیات و نشانه‌ها و پیامبری را تکذیب کرده و مرتکب امور حرام شدند و به روز آخرت نیز باور ندارند. این‌ها همه در کنار اینکه آن‌ها شرک آورده و خدایان دیگری را عبادت و آن‌ها را بر خدای‌تعالی برتری دادند پس وای بر آن‌ها از نزول عذاب شدید و دردناک.

﴿۞قُلۡ تَعَالَوۡاْ أَتۡلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمۡ عَلَيۡكُمۡۖ أَلَّا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗاۖ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُم مِّنۡ إِمۡلَٰقٖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكُمۡ وَإِيَّاهُمۡۖ وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَۖ وَلَا تَقۡتُلُواْ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ١٥١﴾.

خطاب به مردم بگو بیائید تا من به شما اموری را که خدا أ حرام نموده توأم با ارائۀ دلیل و برهان بیان کنم نه آنچه خودتان بر خویشتن حرام کرده‌اید. خداوند أ شرک را حرام نموده که بزرگ‌ترین گناهان است و احسان و نیکی بر پدر و مادر را واجب کرده که به این ترتیب حق والدین مقرون به حق خداست. او همچنان بر شما کشتن اولاد را حرام نموده زیرا روزی دهندۀ شما و آنچه خدای‌تعالی است نه شما و از گناهان کبیرۀ پوشیده و آشکار بپرهیزید و وای بر شما از کشتن ارواح معصوم مگر اینکه خداوند مشروع نموده باشد مانند کشتن مرتد، یا زناکار محصن یا قصاص که این‌ها را خدای‌تعالی بر شما واجب نموده است. به امید اینکه این خطاب را بفهمید و امر و نهی را درک کنید تا تقوای الهی را بنابر بصیرت انجام دهید.

این است شریعت خدای رحمان نه بهتان بت‌ها.

﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ مَالَ ٱلۡيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ أَشُدَّهُۥۚ وَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَٱلۡمِيزَانَ بِٱلۡقِسۡطِۖ لَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۖ وَإِذَا قُلۡتُمۡ فَٱعۡدِلُواْ وَلَوۡ كَانَ ذَا قُرۡبَىٰۖ وَبِعَهۡدِ ٱللَّهِ أَوۡفُواْۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ١٥٢﴾.

ای وصیان بر مال ایتام! از مال یتیمان نخورید مگر زمانی که در آن مصلحتی برای خود یتیم از قبیل تنمیۀ مال و اصلاح حال او باشد که باید در چنین حالتی هم مطابق با معروف و بدون فساد و تباهی باشد. و چون این یتیم‌ها به سن بلوغ برسند اموال‌شان را به خود آن‌ها واگذار کنید و بر شما لازم است تا وزن و پیمانه را کامل کنید و از آن نکاهید که چنین کاری حرام است. و اگر تلاش کردید پیمانه را به نیکوئی انجام دهید ولی بازهم در آن نقص غیر عمدی صورت گرفت چنین چیزی عفو خواهد بود؛ زیرا خارج از توان و سیطرۀ انسان است. و از خدا در تمام اقوال و گفتار خود بترسید طوری که این گفتار باید عادلانه باشد و در آن هیچ ظلم و ستم، دروغ و گناهی نباشد خواه هنگام خبر دادن یا حکم نمودن و یا شهادت و روایت و شفاعت، اگرچه این شهادت برعلیه یکی از اقربا و نزدیکان انسان نیز باشد، چون در احقاق حق جایی برای طرفداری‌های اینچنینی نیست. و به عهد و پیمانی که بین شما و خدای‌تان و قراردادهایی که بین شما و مردم است پای‌بند باشید که جایی برای پیمان شکنی و نقض عهد نزد یک مسلمان وجود ندارد. این‌ها همه وصیت‌های سودمندی است که خدای‌تعالی به سوی پیامبر خود وحی نموده تا شریعتی محکم باشد و امید است تا شما نیز از این وصایای سودمند حد اکثر بهره را ببرید و در عواقب امور تفکر و تدبر کنید تا تمام اقوال، احوال و اعمال شما نیکو و برابر گردد.

﴿وَأَنَّ هَٰذَا صِرَٰطِي مُسۡتَقِيمٗا فَٱتَّبِعُوهُۖ وَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمۡ عَن سَبِيلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٥٣﴾.

و از جملۀ این وصایا یکی هم حرکت کردن در راه راست است، راه راستی که دین برابر خداست، این راه را لازم گیرید که در آن نجات و رستگاری است زیرا راهی است که خدا آن را بیان نموده و پیامبر ج بر آن راهنمائی کرده است، در حالی که مقصدش حق، نیروی محرکش صدق و جلودارش ایمان است و از این برحذر باشید که در راهی جز این راه گام بردارید که در تاریکی‌ها هلاک می‌شوید و در فلات‌های آن سرگردان خواهید شد، پس به دعوت‌گران این راه گوش فرا ندهید. این نصائح از جمله اموری است که خدای‌تعالی بر شما لازم گردانیده و شریعت منزل و فرقان مفصل است. توجه به این وصیت‌ها شما را بر اجرای اوامر اجتناب از نواهی وامی‌دارد.

﴿ثُمَّ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ تَمَامًا عَلَى ٱلَّذِيٓ أَحۡسَنَ وَتَفۡصِيلٗا لِّكُلِّ شَيۡءٖ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لَّعَلَّهُم بِلِقَآءِ رَبِّهِمۡ يُؤۡمِنُونَ ١٥٤﴾.

و خداوند أ برای موسی ÷ تورات را داد، این کار مایۀ اتمام نعمت بر نیکوکاران از امّت اوست، احترام و گرامی‌داشتی برای اهل ملت اوست که دعوتش را پذیرفتند. تورات حاوی احکام دینی آن‌ها و مایۀ هدایت و رهنمایی‌شان به سوی اموری است که مایۀ سعادت‌شان است. تورات سبب حصول رضای الهی برای کسی است که به آن عمل می‌کند. برای چنین کسی گناهانش بخشیده می‌شود و حسناتش چند برابر می‌گردد. تورات بیانی است که آن‌ها را بر ایمان به لقای خدای ملک دیان و باور داشتن به روز تهدید و آماده‌گی گرفتن به خاطر آن فرا می‌خواند و هر که بداند که به ملاقات خدای خود خواهد رفت در این راه سعی و تلاش می‌کند و مراقب خدای یکتا و یگانه است.

﴿وَهَٰذَا كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ مُبَارَكٞ فَٱتَّبِعُوهُ وَٱتَّقُواْ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ١٥٥﴾.

و این قرآن عظیم و ذکر حکیم را ما بر پیامبر گرامی نازل کردیم. قرآن مایۀ برکت برای کسی است که آن را تلاوت و حفظ کند و بفهمد و به آن عمل نماید. پس به پندهایش پایبند باشید و از اوامرش اطاعت و از نواهی‌اش اجتناب کنید تا به رستگاری بزرگ و نعمت ماندگار در مجاورت خدای رحمان و رحیم دست یابید که سعادت دنیا و نجات آخرت مرهون پیروی از قرآن و سنّت پیامبر ج است.

﴿أَن تَقُولُوٓاْ إِنَّمَآ أُنزِلَ ٱلۡكِتَٰبُ عَلَىٰ طَآئِفَتَيۡنِ مِن قَبۡلِنَا وَإِن كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمۡ لَغَٰفِلِينَ ١٥٦﴾.

و ما این قرآن عظیم را بر شما نازل کردیم تا نگوئید که تورات بر یهودیان و انجیل بر نصرانیان نازل شده و ما کتابی نداریم، پس بر ما حجّت تمام نشده و بر ما کتاب‌های آن‌ها اطلاع نداریم تا حق را باطل باز شناسیم. حالا قرآن نازل شد و حق واضح و آشکار گردید و دروغ و بهتان باطل شد.

﴿أَوۡ تَقُولُواْ لَوۡ أَنَّآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا ٱلۡكِتَٰبُ لَكُنَّآ أَهۡدَىٰ مِنۡهُمۡۚ فَقَدۡ جَآءَكُم بَيِّنَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞۚ فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَصَدَفَ عَنۡهَاۗ سَنَجۡزِي ٱلَّذِينَ يَصۡدِفُونَ عَنۡ ءَايَٰتِنَا سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يَصۡدِفُونَ ١٥٧﴾.

و تا با نازل نشدن کتابی بر خود احتجاج نکنید و نگوئید اگر کتابی بر ما مانند یهود و نصارا نازل می‌شد ما حتماً از آن‌ها رهیاب‌تر و با تقواتر می‌بودیم. اینک کتاب نازل شده، پیامبر فرستاده شده و حق بیان گردیده است؛ اینک واضح و آشکار شده و دلیل و برهان مشهور شده است در حالی که برای استجابت کنندگان رحمت موعود و برای رجوع کنندگان الطافی از جانب خدای کریم است. بنابراین ستمگارترین مردم کسی است که به حجت‌هایی خدای‌تعالی که پیامبر خود را به منظور تبلیغ آن فرستاد باور نداشته باشد و آن را تکذیب کند؛ زیرا چنین شخصی شهادت را پنهان داشته، حق را رد نموده و راستی و صداقت را تکذیب کرده است و همچنان کسی که بنابر استکبار و سرکشی از هدایت روی گرداند، برای چنین کسانی بدترین عذاب و شدیدترین کیفرهاست چون از حق انکار نموده و از قبولی رسالت و پیامبری خود را کنار کشیده‌اند. پس بد بادا هر اعراض‌گر و هلاک بادا هر تکذیب کننده.

﴿هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَوۡ يَأۡتِيَ رَبُّكَ أَوۡ يَأۡتِيَ بَعۡضُ ءَايَٰتِ رَبِّكَۗ يَوۡمَ يَأۡتِي بَعۡضُ ءَايَٰتِ رَبِّكَ لَا يَنفَعُ نَفۡسًا إِيمَٰنُهَا لَمۡ تَكُنۡ ءَامَنَتۡ مِن قَبۡلُ أَوۡ كَسَبَتۡ فِيٓ إِيمَٰنِهَا خَيۡرٗاۗ قُلِ ٱنتَظِرُوٓاْ إِنَّا مُنتَظِرُونَ ١٥٨﴾.

این کفار تکذیبگر منتظر چه چیزی جز ایناند که ملائکه ارواح‌شان را قبض کنند یا خداوند أ به گونه‌ای که سزاوار عظمت و بزرگی‌اش است به منظور قضاوت بیاید یا برخی از علامات و نشانه‌های قیامت مانند طلوع خورشید از مغرب فرا رسد، هرگاه چنین حالتی فرا رسد ایمان هیچ‌کس که پیش از آن ایمان نیاورده پذیرفته نمی‌شود و از هیچ نفس مؤمنه‌ای عملی صالح که پیش از آن انجام نداده قبول نمی‌شود. پس انتظار بکشید که ما نیز انتظار می‌کشیم تا راست از دروغ مشخص شود و آنکه بر حقیقت است از آنکه بر باطل است متمایز گردد و به زودی خدای‌تعالی برای شما راستی رسالت و صحت دعوت من را بیان می‌دارد و دروغ و عملکرد زشت‌شان را برای شما برملا می‌سازد. هرگاه قیامت برپا گردد اهل طاعت گرامی داشته می‌شود و اهل بهتان و بدی زیان می‌بینند پس شما منتظر عذابید و ما منتظر ثوابیم.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗا لَّسۡتَ مِنۡهُمۡ فِي شَيۡءٍۚ إِنَّمَآ أَمۡرُهُمۡ إِلَى ٱللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ١٥٩﴾.

آنانی که در دین خویش بعد از اجتماع بر توحید اختلاف کردند و بر اثر این اختلاف تبدیل به فرقه‌های گوناگون و احزابی متعدد شده و باهم منازعه نمودند، تو از آن‌ها و از عملکرد زشت‌شان بی‌زاری و از جانب پروردگار خود بر بینه و راه مستقیمی. اما بازگشت آن‌ها به سوی خداست تا به آن‌ها نتیجۀ عملکرد بدشان را خبر دهد و سپس آن‌ها را به بدترین کیفرها دچار کند به جز اهل توحید و اجتماع بر حق که در نشیمنگاه صدق توأم با لطف و نرمی و مقامی بلندی قرار خواهند داشت.

﴿مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ عَشۡرُ أَمۡثَالِهَاۖ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجۡزَىٰٓ إِلَّا مِثۡلَهَا وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ١٦٠﴾.

هر کس در روز قیامت عمل صالحی انجام دهد برای او از حسنه ده برابر آنست، این افزایش کرم خدا و فضل اوست و هر که عمل بدی انجام دهد مطابق با آن کیفر می‌بیند نه بیشتر مگر اینکه خداوند أ آن گناه را ببخشد و از آن درگذرد. بنابراین هیچ ستمی از ناحیۀ ازیاد بدی‌هایی که انجام نشده و نقصی در حسنات که انجام شده نیست بلکه همه چیز براساس عدالت و فضل است.

﴿قُلۡ إِنَّنِي هَدَىٰنِي رَبِّيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ دِينٗا قِيَمٗا مِّلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۚ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٦١﴾.

بگو ای پیامبر! خداوند أ من را در دینی برابر و مستقیم موفق ساخته که همان دین ابراهیم حنیف، یکتاپرست و مسلمانی است که از شرک بریء است، من بر این منهج و روش به گونه‌ای استقامت دارم که در آن هیچ‌گونه انحراف و کجیی نیست، وحدانیتی بدون شرک و گذشتی بدون سختی است.

﴿قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦٢﴾.

بگو ای محمد همانا نماز، طاعت، ذبح، اعمال تقربی و سایر عبادات من و آنچه در زندگی خود انجام داده‌ام و آنچه بر آن به ملاقات خدای خود بعد از مرگ خویش می‌روم، همۀ این‌ها را در کمال اخلاص به پروردگار خود و بدون هرگونه ریا، خودنمائی، شرک و شک انجام می‌دهم. پس زندگانی و آخرت همه از آن خداست زیرا او کسی است که خلایق را با روزی خویش پرورش داده، از این‌رو حق او این است که عبادت شود و به یکتائی یاد گردد.

﴿لَا شَرِيكَ لَهُۥۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرۡتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٦٣﴾.

و من هرگز به پروردگار خود در هیچ عملی از اعمال، شریک و انیاز قرار نمی‌دهم. او مرا امر نموده تا در توحید و عبادت اخلاص داشته باشم. من امرش را اطاعت نموده و اولین کسی از امّت خود ام که شنیده و اطاعت کرده است، پس من امام و پیشوای‌شان در طاعتم.

﴿قُلۡ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡغِي رَبّٗا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيۡءٖۚ وَلَا تَكۡسِبُ كُلُّ نَفۡسٍ إِلَّا عَلَيۡهَاۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرۡجِعُكُمۡ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ١٦٤﴾.

ای پیامبر! برای مشرکان بگو آیا شما اراده دارید تا من پروردگاری را غیر از خدایی که هستی را آفریده و به تدبیر امور آن پرداخته و خلایق را روزی داده است پرستش کنم؟! تنها او مستحق عبادت است و هر که کار بدی انجام دهد کیفر آن برخود اوست و هیچ نفس بریء گناه نفس گنهکار را به دوش نمی‌کشد بنابراین هیچ‌کس در برابر گناه دیگران مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد. بازگشت همه به منظور دادرسی به سوی خداست و او شما را در جریان افعال‌تان قرار می‌دهد و در برابر اعمال‌تان جزا می‌دهد که او بر همۀ احوال آگاه است.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَكُمۡ خَلَٰٓئِفَ ٱلۡأَرۡضِ وَرَفَعَ بَعۡضَكُمۡ فَوۡقَ بَعۡضٖ دَرَجَٰتٖ لِّيَبۡلُوَكُمۡ فِي مَآ ءَاتَىٰكُمۡۗ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ ٱلۡعِقَابِ وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٞ رَّحِيمُۢ ١٦٥﴾.

خدای تعالی، تنها او شما را به گونه‌ای قرار داده که برخی به منظور تعمیر و توسعه، جانشین برخی دیگر می‌شوید و او بعضی از شما را در مراتب علم، مال نیرو و جاه و امثال آن بلندتر ساخته تا شما را در آنچه به شما بخشیده امتحان کند. او شکرگزار را از منکر می‌داند. اوتعالی در کیفر دهی نافرمانان بسیار سریع است و برای کسی که تقوا داشته باشد غفور و بخشنده و برای کسی که به سویش التجا کند مهربان است بنابراین اعراض‌گر، رانده شده و گناه توبه کننده بخشیده شده و عمل صالح مشکور خواهد بود روی این اساس طاعت کننده باید بین خوف و رجا باشد.

سورۀ اعراف

مکی است؛ ترتیب آن 7؛ شمار آیات آن 206

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿الٓمٓصٓ ١﴾.

«الف، لام، صاد» خدای‌تعالی به مراد خویش از این حروف داناتر است، این امر توأم با این اعتقاد که این حروف دارای معانی بزرگ و مقاصد نیکوئی است.

﴿كِتَٰبٌ أُنزِلَ إِلَيۡكَ فَلَا يَكُن فِي صَدۡرِكَ حَرَجٞ مِّنۡهُ لِتُنذِرَ بِهِۦ وَذِكۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ٢﴾.

قرآن کریم کتابی است که از سوی خداوند أ بر تو نازل شده پس در تبلیغ آن به مردم دچار دلتنگی نشو ولو در این راه شکنجه و تکذیب شوی که خدای‌تعالی تو را حفظ می‌کند. با این کتاب گناهکاران ترسانیده می‌شوند و به اطاعت کنندگان بشارت داده می‌شود و مؤمنان از آن پند می‌گیرند پس تهدید آن متوجه کسانی است که نافرمانی می‌کنند و وعدۀ او برای پرهیزگاران است روی این اساس یک دعوتگر را هیچگاه اذیت دیگران از دعوتش بازنمی‌دارد.

﴿ٱتَّبِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُمۡ وَلَا تَتَّبِعُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَۗ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ ٣﴾.

ای مؤمنان از آنچه خداوند أ به سوی شما نازل نموده پیروی کنید، کتابی که در آن نجات و موفقیت دنیا و آخرت است. و از سنّت مطهر پیامبر ج نیز پیروی کنید که این سنّت نیز وحی خدا بر پیامبرش است و از این برحذر باشید که غیر قرآن را پیروی کنید و انصاری را از میان طاغوت‌ها و شیاطین و مددگاران‌شان برگزینید.

شما به گونه‌ای هستید که این وحی را مگر اندک به یاد نمی‌آورید و غالباً در فراموشی و غفلت بسر می‌برید در حالی که واجب و لازم بر شما این است که همواره بر ذکر و عبرت گرفتن که مذهب و روش نیکوکاران است دوام دهید.

﴿وَكَم مِّن قَرۡيَةٍ أَهۡلَكۡنَٰهَا فَجَآءَهَا بَأۡسُنَا بَيَٰتًا أَوۡ هُمۡ قَآئِلُونَ ٤﴾.

و چه بسیارند قریه‌هایی که ما آن‌ها را به سبب اعراض از ایمان هلاک کردیم و چون اراده نمودیم تا هلاک‌شان کنیم آن‌ها را در شب در حالی گرفتیم که غرق در خواب بودند و یا در نیمه‌های روز که بازهم در کمال غفلت خواب شده بودند و عذاب به صورت ناگهانی به سراغ آن‌ها آمد بدون اینکه آمادگی داشته باشند تا خود را محاسبه و یا توبه کنند.

﴿فَمَا كَانَ دَعۡوَىٰهُمۡ إِذۡ جَآءَهُم بَأۡسُنَآ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ٥﴾.

هنگامی که عذاب بر آن‌ها نازل شد چاره‌ای نداشتند جز اینکه فریاد برآورند و استغاثه کنند و بگویند: اعتراف می‌نمائیم که ما به خدا أ شریک آورده و پیامبرانش را تکذیب نموده‌ایم و این است جزای ما. سوگند به خدا أ که این حسرت و ندامت بیش از حد، در آن‌ها هنگامی صورت می‌گیرد که هیچ نفعی به حال آن‌ها در پیشگاه خداوند أ ندارد.

﴿فَلَنَسۡ‍َٔلَنَّ ٱلَّذِينَ أُرۡسِلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَنَسۡ‍َٔلَنَّ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٦﴾.

سوگند به خدا أ که ما از امت‌ها در روز قیامت سوال خواهیم کرد که پاسخ آن‌ها به دعوت پیامبران چه بوده است و سوگند به خدا أ که از پیامبران نیز سوال خواهیم کرد که پاسخ اقوام‌شان به آن‌ها چه بوده است و آیا رسالت را به آن‌ها رسانیده‌اند یا خیر؟ در حالی که خدای‌تعالی این امر را می‌داند ولی به این منظور این سوالات صورت می‌گیرد تا دانش هر کسی ثابت شود و چقدر هولناک است این مشهد و چه مقام وحشتناکی است این.

﴿فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيۡهِم بِعِلۡمٖۖ وَمَا كُنَّا غَآئِبِينَ ٧﴾.

سوگند به خدا أ که پیامبران را در جریان پاسخ اقوام‌شان قرار می‌دهیم، زیرا بر خدا أ هیچ امری پوشیده نیست و هیچ‌کس از دایرۀ علم و دانش او غائب نمی‌باشد بلکه علم شامل نزد اوست و او بر همۀ امور نهان و آشکار آگاه است.

﴿وَٱلۡوَزۡنُ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡحَقُّۚ فَمَن ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٨﴾.

و به زودی همۀ اعمال مردم چه خوب باشد یا بد بدون هرگونه ظلم و کاستیی وزن خواهد شد و هر کسی که حسانتش بر بدی‌هایش غالب آید محققاً رستگار شده و از «صراط» عبور کرده است بنابراین تفضیل بر اعمال صالحه بزرگ‌ترین توشه است.

﴿وَمَنۡ خَفَّتۡ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُم بِمَا كَانُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا يَظۡلِمُونَ ٩﴾.

و هر کس پلۀ حسناتش کاسته شود و بدی‌هایش افزون گردد محققاً این‌ها کسانی‌اند که سعی و تلاش‌شان تباه شده و عمل‌شان برباد گردیده است و مسیر آن‌ها به سبب ظلمی که بر خویشتن از طریق شرک انجام داده‌اند و یا با گناه بسیاری که در حالت توحید و یکتاپرستی انجام داده‌اند به سوی دوزخ است.

﴿وَلَقَدۡ مَكَّنَّٰكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَجَعَلۡنَا لَكُمۡ فِيهَا مَعَٰيِشَۗ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ ١٠﴾.

ای مردم! ما بر شما زمین را به عنوان فرش و قدمگاه قرار دادیم و در آن برای شما طعام سهل و آسان، شراب گوارا، مرکب راحت، منظر زیبا توأم با صحت بدن و استقرار در وطن در کمال امن و آسایش قرار دادیم؛ ولی شکر شما بسیار اندک بوده و اکثر شما نعمت خدای جلیل را منکر می‌شوید.

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَٰكُمۡ ثُمَّ صَوَّرۡنَٰكُمۡ ثُمَّ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ لَمۡ يَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ ١١﴾.

و محققاً که ما پدرتان آدم ÷ را از گل آفریده و سپس او را در شکل انسان صورت دادیم و ملائکه را فرمودیم تا بر او نظر به علم و دانشی که دارد سجده کنند پس آن‌ها به نشانۀ طاعت و احترام بر آدم سجده کردند نه به عنوان عبادت ولی از این میان ابلیس از سجده ابا آورد چون در نهاد خود کبر و غرور داشت از این‌روی از رحمت الهی طرد شد.

﴿قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسۡجُدَ إِذۡ أَمَرۡتُكَۖ قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن نَّارٖ وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ ١٢﴾.

خداوند أ به ابلیس لعین گفت: ای ابلیس چه چیزی تو را بر ترک سجده بر آدم ÷ وا داشت در حالی که من تو را امر کردم و اطاعت از امر خدای‌تعالی واجب است. آن طرد شده ملعون گفت: من از آدم بهترم و اصل من از اصل او بهتر است زیرا عنصر آتش از عنصر گِل بهتر است.

﴿قَالَ فَٱهۡبِطۡ مِنۡهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَٱخۡرُجۡ إِنَّكَ مِنَ ٱلصَّٰغِرِينَ ١٣﴾.

گفت از بهشت ذلیل و خوار پائین شو که برای تو مجاز نیست در سرای کرامت من تکبر ورزی و از طاعت من سر باز زنی چون مستحق تکریم کسی جز آنکه امر را با تسلیم شدن پاسخ دهد نیست.

﴿قَالَ أَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ١٤﴾.

ابلیس گفت: پروردگارا من را مهلت بده و روحم را تا روز بر انگیخته شدن از قبرها قبض نکن. این تقاضای بقای او نشانۀ از دیاد بدبختی اوست تا گناهش بیشتر و جرمش افزون گردد.

﴿قَالَ إِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ ١٥﴾.

خداوند أ به او گفت تو از جملۀ مهلت داده شدگانی، تا به این ترتیب سنّت ابتلا تمام شود و کشاکش بین خیر و شر و حق و باطل برپای گردد.

﴿قَالَ فَبِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي لَأَقۡعُدَنَّ لَهُمۡ صِرَٰطَكَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ١٦﴾.

ابلیس گفت: به سبب اغوائی که در حق من روا داشتی سوگند یاد می‌کنم که سر هر راهی که به سوی تو منتهی شود قرار گیرم و آن‌ها را از هدایت بازدارم و به سوی سرکشی رهنمایی کنم.

﴿ثُمَّ لَأٓتِيَنَّهُم مِّنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ وَعَنۡ أَيۡمَٰنِهِمۡ وَعَن شَمَآئِلِهِمۡۖ وَلَا تَجِدُ أَكۡثَرَهُمۡ شَٰكِرِينَ ١٧﴾.

سوگند یاد می‌کنم که بر بندگان تو از هر جهتی از جهات چهارگانه داخل شوم و از خلال تمام مرام‌های‌شان اعم از شبهات، شهوات، خشم، غفلت و از این قبیل و حتماً بسیاری از آن‌ها را از شکر تو بازخواهم داشت و آنان را بر کفر و انکار نعمت وا خواهم داشت.

﴿قَالَ ٱخۡرُجۡ مِنۡهَا مَذۡءُومٗا مَّدۡحُورٗاۖ لَّمَن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكُمۡ أَجۡمَعِينَ ١٨﴾.

حق‌تعالی خطاب به ابلیس گفت: از بهشت در کمال ذلّت و خواری و مذمت و طرد شده بیرون شو! سوگند یاد می‌کنم هر کسی از تو اطاعت کند و از من نافرمانی، او را از رضوان خود محروم و به آتش خویش وارد خواهم کرد و به او ذلّت و بدنامی خواهم چشانید.

﴿وَيَٰٓـَٔادَمُ ٱسۡكُنۡ أَنتَ وَزَوۡجُكَ ٱلۡجَنَّةَ فَكُلَا مِنۡ حَيۡثُ شِئۡتُمَا وَلَا تَقۡرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٩﴾.

و بعد از اخراج ابلیس به آدم ÷ گفتیم تو و همسرت حوّا در بهشت بمانید و از انواع و اقسام نعمت‌ها از قبیل انواع خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها در کمال خنکی چشم و شادمانی قلب بهره برید و وای بر شما اگر از این درخت بخورید که خوردن از این درخت بر شما حرام است و اگر خوردید یقیناً بر خویشتن ظلم نموده و از پروردگار نافرمانی نمودید.

﴿فَوَسۡوَسَ لَهُمَا ٱلشَّيۡطَٰنُ لِيُبۡدِيَ لَهُمَا مَا وُۥرِيَ عَنۡهُمَا مِن سَوۡءَٰتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَىٰكُمَا رَبُّكُمَا عَنۡ هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةِ إِلَّآ أَن تَكُونَا مَلَكَيۡنِ أَوۡ تَكُونَا مِنَ ٱلۡخَٰلِدِينَ ٢٠﴾.

شیطان برای آدم و حوا خوردن درخت منهیه را نیکو جلوه داد و این معصیت را در نظر آن‌ها مزیّن کرد تا به سبب آن عورت پوشیدۀشان را برهنه سازد چون آن‌ها هنگامی که از درخت خوردند نظر به بدی مخالفت و عقوبت گناه لباس‌شان بیرون افتاد. همچنان شیطان معلون آنان را چنین فریب داد که سبب تحریم درخت این است که تا شما تبدیل به دو مَلَک مقرب نشوید و تا برای همیشه در بهشت جاودان نباشید و نمیرید. این فریب و مکر شیطان بود که آن دو تصدیق کردند و آن مصیبت بزرگ بر سر آن‌ها فرود آمد.

﴿وَقَاسَمَهُمَآ إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ ٢١﴾.

و شیطان برای آدم و همسرش سوگند یاد نمود که او برای آن‌ها نصیحت‌گری امین است که بر منفعت آن‌ها حریص می‌باشد، در حالی که دروغ گفته و افترا نموده بلکه او دشمنی واضح و آشکار است.

﴿فَدَلَّىٰهُمَا بِغُرُورٖۚ فَلَمَّا ذَاقَا ٱلشَّجَرَةَ بَدَتۡ لَهُمَا سَوۡءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخۡصِفَانِ عَلَيۡهِمَا مِن وَرَقِ ٱلۡجَنَّةِۖ وَنَادَىٰهُمَا رَبُّهُمَآ أَلَمۡ أَنۡهَكُمَا عَن تِلۡكُمَا ٱلشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَآ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمَا عَدُوّٞ مُّبِينٞ ٢٢﴾.

شیطان با مکر و حیله آن دو را به سوی خوردن درخت کشانید و چون از درخت خوردند عورت‌های‌شان ظاهر گشت، بنابراین تلاش نمودند عورت‌های‌شان را با برگ‌های درختان بهشت بپوشند. چه لغزش بزرگی بود که به دنبال آن حسرت بزرگ آمد و چه خطایی بود که پشیمانی به دنبال داشت!! امر خدا أ مقدر و قضایش نافذ است، اوتعالی آدم و حوا را ندا کرد و فرمود: آیا شما را از خوردن این درخت نهی نکردم؟ من به عنوان پروردگار، شما را آفریده و به مصالح‌تان داناترم و به شما خبر دادم که شیطان دشمنی واضح و آشکار برای شماست و در نصائح خویش که نسبت به شما انجام می‌دهد از دغل و فریب‌کار می‌گیرد. نهی و تحذیر گذشت ولی در آنچه تقدیر شده حیله‌ای نیست.

﴿قَالَا رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٢٣﴾.

آدم و حوا بعد از ارتکاب این اشتباه گفتند: پروردگارا! ما بر خویشتن از طریق خوردن درخت ظلم کردیم و از نهی تو مخالفت و از شیطان اطاعت نمودیم، پس گناه ما را ببخش و اگر ما را با رحمت خود درنیابی حتماً هلاک خواهیم شد. این عملکرد آدم و حوا می‌توان سنتی نیکو برای تمام گنهکاران باشد و هر که توبه کند خدای‌تعالی می‌بخشد و اگر توبه در پیشگاه خداوند أ محبوب‌ترین عمل نمی‌برد، او عزیزترین مردم نزد خود را به آن مبتلا نمی‌کرد.

﴿قَالَ ٱهۡبِطُواْ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوّٞۖ وَلَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُسۡتَقَرّٞ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ ٢٤﴾.

خدای‌تعالی به آدم ÷ و حوا فرمود: از بهشت به سوی زمین فرود آئید، دشمنی در بین شما نظر به حکمتی که خدای‌تعالی اراده نموده مستمر خواهد بود، پس قرارگاه و مسکن شما در زمین و متاع شما از طعام و شراب و لباس در آن است که تا هنگام وفات شما ادامه خواهد داشت چون اجل‌ها معلوم و ارزاق تقسیم شده است.

﴿قَالَ فِيهَا تَحۡيَوۡنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنۡهَا تُخۡرَجُونَ ٢٥﴾.

زندگی و مرگ شما در زمین است و در داخل زمین قبرهای شماست و از این قبرها به منظور حساب بیرون آورده خواهید شد، از این‌رو زمین مادر شما به حساب می‌آید که هم شما را در نهاد خود حمل می‌کند و هم می‌زاید و هم محل معاش شماست.

﴿يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ قَدۡ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكُمۡ لِبَاسٗا يُوَٰرِي سَوۡءَٰتِكُمۡ وَرِيشٗاۖ وَلِبَاسُ ٱلتَّقۡوَىٰ ذَٰلِكَ خَيۡرٞۚ ذَٰلِكَ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ لَعَلَّهُمۡ يَذَّكَّرُونَ ٢٦﴾.

ای بنی آدم! همانا برای پوشش عورت‌ها و اجسام‌تان لباس‌هایی را از پنبه، پشم و کُرک و پَرهایی را به منظور زینت و زیبائی آماده کردیم در حالی که لباس ایمان و عمل صالح از همۀ این لباس‌ها بهتر است؛ زیرا با دوام‌تر است. هردو نوع این لباس‌ها نشانه‌هایی بر قدرت خدای‌تعالی و نعمت بسیار و منت وافر و لطف زیاد اوست به امید اینکه فضل خدا أ را بر خویشتن یاد آورید و شکرش را برجای آورده و عبادتش کنید و به او کفر نورزید.

﴿يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ لَا يَفۡتِنَنَّكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ كَمَآ أَخۡرَجَ أَبَوَيۡكُم مِّنَ ٱلۡجَنَّةِ يَنزِعُ عَنۡهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوۡءَٰتِهِمَآۚ إِنَّهُۥ يَرَىٰكُمۡ هُوَ وَقَبِيلُهُۥ مِنۡ حَيۡثُ لَا تَرَوۡنَهُمۡۗ إِنَّا جَعَلۡنَا ٱلشَّيَٰطِينَ أَوۡلِيَآءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ ٢٧﴾.

ای بنی آدم! از این برحذر باشید که شیطان شما را فریب دهد آنگونه که آدم و حوا را قبل از این فریب داده و از بهشت بیرون‌شان نمود. دشمنی بین شما و او همچنان مستمر خواهد بود و او کسی است که موجب خلع لباس شما و ظهور عورت‌تان گردید، این در حالی است که شیطان و اعوانش شما را می‌بینند و شما آن‌ها را نمی‌بینید پس خود را بپوشید و حفظ کنید و نام خدای را یاد کنید و ما چنین قضاوت کردیم که شیطان‌ها مددگاران و کمک کنندگان کافران‌اند که آن‌ها را جز به شر امر نمی‌نمایند.

﴿وَإِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةٗ قَالُواْ وَجَدۡنَا عَلَيۡهَآ ءَابَآءَنَا وَٱللَّهُ أَمَرَنَا بِهَاۗ قُلۡ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِۖ أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٢٨﴾.

و هرگاه این مشرکان کار بدی مانند طواف دور خانۀ کعبه به صورت عریان و یا تقدیم نذر به پیشگاه بت‌ها و از این قبیل انجام دهند بر عملکرد خویش به دو چیز احتجاج می‌کنند: اول اینکه پدران‌شان چنین کرده‌اند. دوم اینکه خدای‌تعالی آن‌ها را به انجام چنین کاری امر کرده است.

آیه از ذکر تقلید پدران خودداری نمود چون این سخن آن‌ها درست بود ولی بر دروغی که بر خدا بربستند اعتراض صورت گرفت، چون خدای‌تعالی هرگز آن‌ها را به چنین کار بدی امر نکرده است. در این آیه خداوند متعال بیان می‌دارد که اوتعالی هرگز به چنین اعمال بدی امر نمی‌کند، پس شما چگونه به خدای‌تعالی اموری را نسبت می‌دهید که نگفته و امر نکرده است و شما صحت این قول خود را با دلیل نقلی و یا توجیه قابل قبولی نمی‌دانید.

این آیه دربارۀ طواف آن‌ها دور خانۀ کعبه به صورت عریان نازل شده است.

﴿قُلۡ أَمَرَ رَبِّي بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَقِيمُواْ وُجُوهَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَٱدۡعُوهُ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَۚ كَمَا بَدَأَكُمۡ تَعُودُونَ ٢٩﴾.

برای آن‌ها ای پیامبر ج بگو که خدای من به فحشا امر نکرده بلکه به عدالت و حق امر کرده است و هرگاه در نماز می‌ایستید باید که توجه شما به سوی خدا باشد و در عبادت خود اخلاص داشته باشید. چنان‌چه او شما را از عدم آفرید همانگونه که شما را بعد از پوسیدن‌تان زنده می‌کند تا بر اعمالی که انجام داده‌اید محاسبه کند.

﴿فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلضَّلَٰلَةُۚ إِنَّهُمُ ٱتَّخَذُواْ ٱلشَّيَٰطِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُم مُّهۡتَدُونَ ٣٠﴾.

و شما دو گروه هستید: یکی گروهی که خداوند أ آن‌ها را در طاعت و عبادت خود و در متابعت از پیامبر ج توفیق داده و گروه دیگر که خدای‌تعالی آن‌ها را به سبب بدشان گمراه نموده است، چون آن‌ها شیاطین را دوست و انصار برای خود به غیر از خدا أ گرفته‌اند و از آن‌ها در معصیت اطاعت کردند و امور را بر آن‌ها چنان خلط کردند که آن‌ها گمان کردند بر حقیقت‌اند و دیگران در گمراهی آشکار.

﴿۞يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٣١﴾.

ای بنی آدم! هنگام عبادت به خصوص نماز و طواف، خود را با لباس بپوشانید و همواره غذا و نوشیدنی حلال و پاکیزه را بدون تجاوز از حدود و توأم با شکر نعمت دهنده بخورید و بیاشامید که خداوند متعال هیچ کسی را که از حدودش تجاوز کند دوست ندارد، پس قصد نیکو و رعایت عدالت اساس هرکار است.

﴿قُلۡ مَنۡ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَ لِعِبَادِهِۦ وَٱلطَّيِّبَٰتِ مِنَ ٱلرِّزۡقِۚ قُلۡ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا خَالِصَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ٣٢﴾.

برای مردم بگو چه کسی زینت و جمالی را که خدای ذوالجلال مباح نموده از لباس و جواهر حرام کرده است و چه کسی پاکیزه‌های خوردنی و نوشیدنی را حرام نموده است؟ همانا سزاوارترین مردم به چنین نعمت‌هایی اعم از پوشیدنی، نوشیدنی و خوردنی مؤمنان‌اند و کفار نیز از آن بهره می‌برند. پس تمام این‌ها کمکی برای مؤمن و متاعی برای کافر در دنیاست ولی در آخرت همۀ این‌ها مخصوص مؤمنان خواهد بود.

و مانند چنین بیانی که در مسایل زینت، خورد و نوش و از این قبیل ارائه کردیم، احکام را به شما بیان می‌کنیم و تعالیم اسلام را آموزش می‌دهیم تا یک مسلمان در همۀ امور خود بر بصیرت و بینش باشد.

و چون زن‌ها در جاهلیت به صورت عریان طواف می‌کرد از این‌روی آیۀ: ﴿خُذُواْ زِينَتَكُمۡ﴾ نازل شد.

﴿قُلۡ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَ وَٱلۡإِثۡمَ وَٱلۡبَغۡيَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَأَن تُشۡرِكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٣٣﴾.

برای مردم بگو خدای‌تعالی پاکیزگی‌ها را حرام ننموده بلکه گناهان بد را حرام کرده است، گناهانی که بندگان به صورت مخفی یا آشکار انجام می‌دهند و تمام گناهان کبیره و صغیره و تجاوز از حدود در همه چیز و شریک آوردن به خدا أ بدون حجّت و دلیل و بر مبنای زور و بهتان را و اینکه به خداوند أ اقوالی نسبت داده شود که نگفته و احکامی که به آن امر نکرده است مانند دروغ در تحلیل و تحریم زیرا دین کامل و شریعت تمام و حجّت برپاست و بدعت در دین حرام است.

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٞۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ لَا يَسۡتَأۡخِرُونَ سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ ٣٤﴾.

برای هر انسان، هر نسل، هر امّت و هر دولتی عمری محدد و وقتی معلوم است و هرگاه این عمر کامل شود انسان می‌میرد و آن نسل منقرض و آن امّت فانی و آن دولت سقوط می‌کند. این حکمتی بالغ و قدرتی نافذ و قضایی است الزامی که آن‌ها هیچگاه از آن به تأخیر می‌شوند و نه به جلو می‌افتند.

﴿يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ إِمَّا يَأۡتِيَنَّكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَقُصُّونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِي فَمَنِ ٱتَّقَىٰ وَأَصۡلَحَ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٣٥﴾.

ای بنی آدم! هرگاه پیامبران خدا به سوی شما بیایند و دین خدا أ را به شما بیان کنند پس از آن‌ها پیروی کنید و به هدایت‌شان هدایت شوید و هر کس از منهیات آن‌ها دوری گزیند و به اوامرشان عمل کند نباید از تمام امور هولناکی که پیش روی‌شان قرار دارد و نه هم از اعمالی که در گذشته انجام داده و نه از اموالی که داشته در تشویش و نگرانی قرار داشته باشد.

﴿وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَٱسۡتَكۡبَرُواْ عَنۡهَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٣٦﴾.

و هر کسی آیات خدا أ را تکذیب کند، آیاتی که اوتعالی در کتابی که بر پیامبر خود نازل نموده قرار داده است و بنابر تکبر و برتری جوئی و سرکشی از قبول آن سر باز زند، کیفر آن‌ها آتش دوزخ است که در آن برای همیشه خواهند بود چون تکذیب‌گری رد دین و مانع شدن از آن است و استکبار روی‌گردانی است و کیفر تمام اینگونه اعمال آتش دوزخ است.

﴿فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِ‍َٔايَٰتِهِۦٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ يَنَالُهُمۡ نَصِيبُهُم مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوۡنَهُمۡ قَالُوٓاْ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا وَشَهِدُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰفِرِينَ ٣٧﴾.

در دنیا هیچ‌کس ظالم‌تر از کسی که بر خدا افترا می‌کند نیست به این‌صورت که از جانب خود دست به تحلیل و تحریم بزند و آن را به شریعت نسبت دهد یا فرزند و همسر به خدا أ قایل شود و یا شریک آورد و یا قرآن و سنّت پیامبر ج و یا کلاً رسالت و پیامبری را انکار کند.

خداوند أ همۀ آن‌ها را دارای اندازۀ معینی از قوت و عمر کرد که هرگاه به پایان رسد و ملائکه به منظور نزع روحشان فرا رسند و برای آن‌ها بگویند کجاست شرکایی که شما به غیر از خدا عبادت می‌کردید آیا می‌توانند این شرکا به شما نفعی برسانند؟ آن‌ها خواهند گفت: آن‌ها ما را خوار و ذلیل کردند و ما نمی‌دانیم کجایند و از نصرت و یاری آن‌ها ناامید شدیم و اکنون اعتراف داریم که ما بر گمراهی شرک ورزیدیم ولی بعد از تمام شدن فرصت و وقوع خسران و زیان.

﴿قَالَ ٱدۡخُلُواْ فِيٓ أُمَمٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِكُم مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ فِي ٱلنَّارِۖ كُلَّمَا دَخَلَتۡ أُمَّةٞ لَّعَنَتۡ أُخۡتَهَاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا ٱدَّارَكُواْ فِيهَا جَمِيعٗا قَالَتۡ أُخۡرَىٰهُمۡ لِأُولَىٰهُمۡ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ أَضَلُّونَا فَ‍َٔاتِهِمۡ عَذَابٗا ضِعۡفٗا مِّنَ ٱلنَّارِۖ قَالَ لِكُلّٖ ضِعۡفٞ وَلَٰكِن لَّا تَعۡلَمُونَ ٣٨﴾.

خدای‌تعالی خطاب به کفار فرمود: همراه امت‌های پیش از خویش که کفر ورزیدند چه انسان باشند یا جن داخل دوزخ شوید. و هرگاه گروهی از کفار داخل آتش شوند به لعن امتی خواهند پرداخت که پیش از آن‌ها داخل دوزخ شده‌اند، زیرا این‌ها زمانی که از آن‌ها پیروی کردند گمراه شدند و آنانی که قبلاً داخل دوزخ شده‌اند بعدی‌ها را لعن می‌کنند و چون همه در دوزخ جمع شدند آخری‌ها در اشاره به اولی‌ها می‌گویند ای پروردگار ما این‌ها بودند که ما را از راه راست تو گمراه کرده و مانع هدایت ما شدند پس از تو می‌طلبیم تا به آن‌ها دوچند عذاب دهی یا بیشتر. خدای‌تعالی به آن‌ها خبر می‌دهد که برای هریک از آن‌ها عذاب دوچند است، عذاب پیروان چون تقلید کورکورانه کردند و عذاب رهبران چون دست به گمراه‌گری زدند، ولی بعضی از آن‌ها اندازۀ این مضاعف شدن عذاب را نمی‌دانند.

﴿وَقَالَتۡ أُولَىٰهُمۡ لِأُخۡرَىٰهُمۡ فَمَا كَانَ لَكُمۡ عَلَيۡنَا مِن فَضۡلٖ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡسِبُونَ ٣٩﴾.

پیشوایان خطاب به پیروان خود خواهند گفت: شما بر ما هیچ فضیلت و برتریی ندارید تا به سبب آن عذاب شما کم گردد، شما خود گمراه شده‌اید همانگونه که ما گمراه شده‌ایم پس این عذاب به سبب کسب خودتان است و اگر شما عقل و خرد می‌داشتید که با آن فکر می‌کردید از ما در گمراهی پیروی نمی‌کردید پس عذاب را بچشید.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَٱسۡتَكۡبَرُواْ عَنۡهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمۡ أَبۡوَٰبُ ٱلسَّمَآءِ وَلَا يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلۡجَمَلُ فِي سَمِّ ٱلۡخِيَاطِۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٤٠﴾.

آنانی که قرآن کریم و سنّت پیامبر ج را با تمام احکام، اصول و فروعی که دارند و پیامبر ج به خاطر تبلیغ آن فرستاده شده‌اند را تکذیب کردند و تکبر نموده و آن‌ها را نپذیرفتند، دروازه‌های آسمان بر روی‌شان آنگاه که ارواح‌شان قبض شود باز نمی‌گردد و هیچ عمل خوبی و دعایی به سوی آن‌ها بالا نخواهد رفت، چون سعی و تلاش‌شان بد بوده و از نهادی خبیث برخوردار بودند و دخول آن‌ها به بهشت محال خواهد بود، چنان‌چه داخل شدن شتر با آن ضخامتی که دارد در سوراخ تنگ سوزن محال است. این عذاب کیفر مجرمانی است که به خدا أ کافر شده و پیامبرش را تکذیب کردند.

﴿لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٞ وَمِن فَوۡقِهِمۡ غَوَاشٖۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلظَّٰلِمِينَ ٤١﴾.

برای کفار فرش‌هایی از آتش در زیر پای‌شان و پرده‌هایی از آن بالای سرشان خواهد بود و اینگونه آتش از هر جهت بر آن‌ها احاطه خواهد داشت. با چنین عذابی حق‌تعالی تمام کسانی را کیفر می‌دهد که بر خویشتن یا بر دیگران ظلم کنند، ظلم بر خویشتن از طریق کفر و ظلم بر دیگران از طریق گمراه ساختن دیگران و تجاوز بر آن‌ها. منظور از گروه اخیر مشرکان‌اند.

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٤٢﴾.

اما مؤمنانی که به خدا أ و پیامبرش ایمان آورده و سعی و تلاش خود را مخصوص خدا ساختند و عبادت پروردگارشان را به اندازۀ توان از طریق امتثال اوامر و اجتناب نواهی به نیکوئی انجام دادند، برای چنین اشخاصی بهشت‌هایی است که برای ابد در آن قرار دارند چون ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند.

﴿وَنَزَعۡنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنۡ غِلّٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمُ ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي هَدَىٰنَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهۡتَدِيَ لَوۡلَآ أَنۡ هَدَىٰنَا ٱللَّهُۖ لَقَدۡ جَآءَتۡ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلۡحَقِّۖ وَنُودُوٓاْ أَن تِلۡكُمُ ٱلۡجَنَّةُ أُورِثۡتُمُوهَا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٤٣﴾.

ما دل‌های مؤمنان را در بهشت پاک و مصفّی ساخته و تمام حسادت‌ها و کنیه‌هایی را که در دنیا داشته‌اند بیرون می‌افگنیم تا قلب‌های‌شان پاک گردد و نفس‌های‌شان با صفا شود و هر نوع کدورتی که به دل تعلق داشته باشد از بین برود.

و از جمله نعمت‌ها یکی هم این است که از زیر پای آن‌ها جوی‌ها در حالی جاری است که در منزلتی امن و در شادمانی چشم و دل بسر می‌برند. در آن هنگام است که شکر خدایی را که هدایت‌شان نموده و در انجام عمل و ایمان توفیق‌شان داده تا به این منازل بلند برسند برجای می‌آورند و اگر فضل خدا أ نمی‌بود آن‌ها هرگز با خویشتن هدایت نمی‌شدند لیکن این خداست که توفیق می‌دهد و او کسی است که آن‌ها را با فرستادن پیامبران و نازل نمودن کتاب‌های آسمانی هدایت و رهنمایی نمود و آن‌ها اعتراف دارند که پیامبران حق را آورده‌اند از این‌روی از آن‌ها پیروی می‌نمایند.

و از جملۀ نعمت‌های بیشتر یکی هم این است که ملائکه آن‌ها را به سوی امن و ایمان ندا نموده و به آن‌ها گفتند: در این بهشت‌ها به سبب ایمان و عمل صالحی که انجام داده‌اید جاودانه خواهید بود، پس به رحمت خدای مهربان‌ترین مهربانان داخل بهشت شوید و با عمل عمل‌کنندگان در منازل آن فرود آئید.

﴿وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ أَن قَدۡ وَجَدۡنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقّٗا فَهَلۡ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمۡ حَقّٗاۖ قَالُواْ نَعَمۡۚ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنُۢ بَيۡنَهُمۡ أَن لَّعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٤﴾.

بعد از اینکه بهشتیان وارد بهشت و دوزخیان وارد دوزخ شوند مؤمنان خطاب به کافران می‌گویند ما آنچه را خدای‌تعالی به ما بر زبان پیامبران خویش وعده نموده و بیان داشته بود که مار به نعمت ماندگار و کرامت بزرگ خواهد رسانید دریافتیم، آیا شما نیز آنچه خدای‌تعالی شما را بر عذاب و ذلّت تهدید نموده بود دریافتید؟ می‌گویند بلی حقیقتاً دریافتیم. و آنگاه که هریک از دو گروه اهل نعمت به نعمت و اهل نقمت به نقمت اعتراف کنند منادیی در بین آن دو گروه ندا می‌دهد که لعنت خدا أ در حق هر ستمگاری که به خدا أ کفر ورزیده و پیامبرانش را تکذیب نموده تحقق یافته است. این ندا به منظور ازدیاد حسرت و عام شدن ندامت و پشیمانی بیشتر اهل دوزخ صورت می‌گیرد.

﴿ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ كَٰفِرُونَ ٤٥﴾.

آنانی که سر راه مردم قرار می‌گیرند و آن‌ها را از دروازه‌های هدایت بازمی‌گردانند و تلاش می‌کنند راه آن‌ها کج و غیر از راه مستقیم باشد، یا می‌پندارند راه هدایت خطا و اشتباه است و این امر بر آن‌ها پوشیده شده که خودشان بر هدایت و غیرشان بر گمراهی‌اند و در عین حال به روز برانگیخته شدن بعد از مرگ و حشر و نشر کفر می‌ورزند، آن‌ها منکر کتاب و تکذیب کنندۀ پیامبران و به خدا أ کافر اند.

﴿وَبَيۡنَهُمَا حِجَابٞۚ وَعَلَى ٱلۡأَعۡرَافِ رِجَالٞ يَعۡرِفُونَ كُلَّۢا بِسِيمَىٰهُمۡۚ وَنَادَوۡاْ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ أَن سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡۚ لَمۡ يَدۡخُلُوهَا وَهُمۡ يَطۡمَعُونَ ٤٦﴾.

بین بهشتیان و دوزخیان مانعی است که بر آن دیواری قرار دارد و در بالای دیوار انسان‌هایی هستند که خوبی‌ها و بدی‌های‌شان برابر شده و آن‌ها اهل بهشت را از اهل دوزخ بازمی‌شناسند، چون در سیمای اهل بهشت نور، روشنائی و نعمت است و در سیمای اهل دوزخ عذاب و نکال و سیاهی است. این انسان‌ها بهشت را ندا می‌کنند که سلام و احترام بر شما و گوارای‌تان باد این نعمت‌ها در حالی که خو این‌ها نیز طمع دارند تا وارد بهشت شوند به خصوص زمانی که نعمت اهل بهشت را می‌بینند در فضل پروردگار خویش طمع بیشتر می‌نمایند.

﴿۞وَإِذَا صُرِفَتۡ أَبۡصَٰرُهُمۡ تِلۡقَآءَ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِ قَالُواْ رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٧﴾.

و آنگاه که دیدگان اهل اعراف به صوب اهل دوزخ دوخته شود و عذاب و ذلّت و خواری ماندگارشان را ملاحظه کنند به استغاثۀ پروردگار خود می‌پردازند و از اوتعالی می‌خواهند تا آن‌ها را در زمرۀ ظالمان و ستمگرانی که با شرک بر خویشتن ظلم نموده‌اند قرار ندهد بلکه آن‌ها را نجات دهد.

﴿وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأَعۡرَافِ رِجَالٗا يَعۡرِفُونَهُم بِسِيمَىٰهُمۡ قَالُواْ مَآ أَغۡنَىٰ عَنكُمۡ جَمۡعُكُمۡ وَمَا كُنتُمۡ تَسۡتَكۡبِرُونَ ٤٨﴾.

اصحاب اعراف خطاب به مردانی از اهل دوزخ که آن‌ها را با نشانه‌های واضح‌شان باز شناختند در حالی که در دنیا نیز آن‌ها را می‌شناختند می‌گویند: اموالی را که شما جمع کرده بودید کجا شد؟ نه این اموال و نه اتحادی که در مبارزه با پیامبران † تشکیل نموده بودید، و نه اعراض شما از دین خدا و استکباری که در دنیا کردید نفعی به شما نبخشید.

﴿أَهَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَقۡسَمۡتُمۡ لَا يَنَالُهُمُ ٱللَّهُ بِرَحۡمَةٍۚ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡكُمۡ وَلَآ أَنتُمۡ تَحۡزَنُونَ ٤٩﴾.

اهل اعراف برای کفار در دوزخ گفتند: به سوی این مستضعفانی که به محمد ج ایمان آورده‌اند ببینید که چگونه وارد بهشت شده‌اند. اکنون بگوئید که ایمان و قسم‌تان که در دنیا یاد می‌نمودید که رحمت خدا هرگز به آن‌ها نمی‌رسد و فضل خدا أ آن‌ها را درنمی‌یابد کجا شد؟ حالا به سوی این‌ها بنگرید در حالی که به آن‌ها گفته شده عجله کنید وارد بهشت شوید در حالی که از آنچه در انتظار شماست هرگز بیم ندارید و از آنچه در دنیا از دست داده‌اید هرگز دچار غم و اندوه نخواهید شد.

﴿وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ أَنۡ أَفِيضُواْ عَلَيۡنَا مِنَ ٱلۡمَآءِ أَوۡ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُۚ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٥٠﴾.

اهل دوزخ از اهل بهشت خواستند تا آن‌ها را نیز در برخی از نعمت‌های خویش مانند آب سرد و طعام پاکیزه و سایه‌ها شریک سازند. اهل بهشت در پاسخ خطاب به آن‌ها گفتند خدای‌تعالی شما را از چنین چیزی منع کرده و به سبب کفرتان این نعمت‌ها را بر شما حرام نموده است و شما هیچ حقی در آب و طعام و سایه و نعمت ندارید حق شما عذاب و لعنت است.

﴿ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَهُمۡ لَهۡوٗا وَلَعِبٗا وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ فَٱلۡيَوۡمَ نَنسَىٰهُمۡ كَمَا نَسُواْ لِقَآءَ يَوۡمِهِمۡ هَٰذَا وَمَا كَانُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ ٥١﴾.

این کافران مستحق آتش دوزخ کسانی‌اند که دین خویش را به باد تمسخر و استهزا و فریبکاری با مؤمنان گرفته و به دنیا و زینت و زیور آن مغرور شدند، پس در این روز ما آن‌ها را در عذاب ترک می‌کنیم همانگونه که آن‌ها راه درست را ترک کردند و به سبب کفری که به آیات الهی انجام داده و انکار و تکذیبی که نسبت به پیامبر خدا کرده‌اند به عذاب ماندگار در دوزخ می‌رسند.

﴿وَلَقَدۡ جِئۡنَٰهُم بِكِتَٰبٖ فَصَّلۡنَٰهُ عَلَىٰ عِلۡمٍ هُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٥٢﴾.

ما به این کفار کتابی آوردیم و نازل کردیم که در آن هر خیر، صداقت و حقی هست چنان‌چه دلیلی واضح و برهانی صادق و حجتی قاطع نیز می‌باشد. این کتاب مردم را به سوی هر فضیلت رهنمون می‌شود و از هر پستی بازمی‌دارد، و آن‌ها را به سوی هدایت رهنمایی و از هر فرومایگی برحذر می‌دارد. این کتاب رحمتی است هدایتگر و نعمتی است بازدارنده و برای کسی که از آن پیروی کند مایۀ عصمت است و مؤمنان را نجات می‌دهد و کسانی را که به او عمل می‌کنند به رستگاری می‌رساند.

﴿هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا تَأۡوِيلَهُۥۚ يَوۡمَ يَأۡتِي تَأۡوِيلُهُۥ يَقُولُ ٱلَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبۡلُ قَدۡ جَآءَتۡ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلۡحَقِّ فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَآءَ فَيَشۡفَعُواْ لَنَآ أَوۡ نُرَدُّ فَنَعۡمَلَ غَيۡرَ ٱلَّذِي كُنَّا نَعۡمَلُۚ قَدۡ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٥٣﴾.

آیا این کافران تکذیبگر چیزی جز این امراند که به آن‌ها عذابی که امرشان به آن منتهی می‌شود بیاید؟ روزی که عذاب شدید و دردناک بر آن‌ها فرود آید در آن وقت برای آن‌ها صدق پیامبران و کذب خود آن‌ها واضح می‌گردد. آن‌ها در کمال ندامت و پشیمانی و حسرت می‌گویند همانا پیامبران زند ما براساس حقیقت آمده‌اند، آیا اینجا کسی هست که ما را از این عذاب نجات دهد تا به دنیا بازگردیم و کتاب را تصدیق و از پیامبر پیروی کنیم و عمل خوب و صالح انجام دهیم و از معاصی و گناهان دوری گزینیم؟ ما در عمل خویش دچار غباوت شده و در خویشتن زیان کرده و زندگی خود را ضایع نمودیم پس وای بر ما.

در آن هنگام تمام باورهایی که نسبت به بت‌ها و منفعت‌جوئی از آن‌ها داشتند از بین می‌رود و باطل‌شان متلاشی و دروغ و بهتان‌شان محو می‌شود.

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَ يَطۡلُبُهُۥ حَثِيثٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ وَٱلنُّجُومَ مُسَخَّرَٰتِۢ بِأَمۡرِهِۦٓۗ أَلَا لَهُ ٱلۡخَلۡقُ وَٱلۡأَمۡرُۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٥٤﴾.

آن کس که شما را با نعمت خویش پرورش داد و عذاب را از شما دور نمود و متولی امورتان شد و به تصریف آن پرداخت، خدای یکتا و یگانه است. پس تنها او مستحق عبادت است و تنها او خدای بر حق است. او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در عظمت خاصی ایجاد کرد در حالی که این کار در مدّت شش روز انجام شد.

بعد از آن خدای‌تعالی بر عرش آنگونه که لایق شأن اوست علو و استقرار یافت و اوتعالی کسی است که شب را به عنوان پرده بر روز قرار داد و شب را به گونه‌ای ساخت که طالب روز است و به دنبالش در حرکتی معتاد و سرعتی مستمر بدون کدام سستی یا تأخیر و انقطاع قرار دارد. خورشید و ماه و ستارگان نیز رام شدۀ امر خدا و قدرت اویند، پس خدای خالق کسی است که خلق نموده، ایجاد کرده و شکل داده است و تصرف در این‌ها مربوط به اوست.

و از جمله اوامر خدا یکی هم سخن او قرآن است که مخلوق نمی‌باشد. پاک و منزه است کسی که دارای چنین صنعتی است و بزرگ است آنکه چنین امری دارد و مقدس است کسی که ابداعش چنین است. فضل او وسعت یافت و شامل هر مخلوقی شد و قدرت او هر پدیده‌ای را مقهور خود ساخت و جبروت او بزرگ شد پس او در کمال خود یگانه و در ملکوت خود منزه و در جلال و جمال خود یگانه است و خدایی جز او نیست.

﴿ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةًۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ٥٥﴾.

هرگاه پروردگار خویش را دعا می‌کنید این دعا باید توأم با خشوع، فروتنی و خاکساری در نهان و خفا و به دور از هرگونه سر و صدا، ریا و خودنمائی باشد، زیرا مخفی ساختن دعا دلیلی بر اخلاص، ایمان و تجرد است و مایۀ تمرکز قلب و آرامش روان بوده و از دایرۀ حسادت حاسدان و از مزاحمت به دور است و هرگز در دعای خویش از حد، با بالا کردن صدا یا دعا به آنچه مجاز نیست مانند گناهان و قطع صلۀ رحم و از این قبیل تجاوز نکنید.

﴿وَلَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بَعۡدَ إِصۡلَٰحِهَا وَٱدۡعُوهُ خَوۡفٗا وَطَمَعًاۚ إِنَّ رَحۡمَتَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ مِّنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٥٦﴾.

و در زمین با کفر فساد نکنید به خصوص بعد از اینکه خداوند أ آن را با ایمان اصلاح نموده، ایمانی که پیامبران آن را آورده و کتاب‌های آسمانی به خاطر آن نازل شده است و خدای را به گونه‌ای بخوانید که شما از عذاب او می‌ترسید و در ثواب او طمع دارید پس رحمت، عفو و کرم او به کسانی نزدیک است که عمل نیکوتر انجام دهند و نیّت خود را خالص بگردانند و از پیامبر ج پیروی کنند و در رهنمایی‌های قرآن هدایت شوند. از این‌رو بر بنده لازم است تا همواره در بین خوف و رجا باشد، هم در شدّت و هم در رخا و اینکه عبادت و دعا را مخصوص پروردگار خود بگرداند.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يُرۡسِلُ ٱلرِّيَٰحَ بُشۡرَۢا بَيۡنَ يَدَيۡ رَحۡمَتِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَقَلَّتۡ سَحَابٗا ثِقَالٗا سُقۡنَٰهُ لِبَلَدٖ مَّيِّتٖ فَأَنزَلۡنَا بِهِ ٱلۡمَآءَ فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦ مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِۚ كَذَٰلِكَ نُخۡرِجُ ٱلۡمَوۡتَىٰ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٥٧﴾.

و او کسی است که بادهای حامل خیر از قبیل باران پی‌درپی، روزی سهل و آسان و آب زلال را می‌فرستد و چون با این بادها ابرها با آب سنگین شوند خدای‌تعالی ابرها را به سوی زمین‌های خشک و قحطی‌زده می‌فرستد و آب را بر آن می‌باراند و به اذن الهی و مشیت او با این آب انواع و اقسام درختان و گل‌های شگفت‌انگیز بیرون می‌شوند و همانگونه که خداوند أ با این آب انواع سبزه‌ها و میوجات را بیرون می‌کند به همان‌سان مردگان را از قبرها به منظور حشر و نشر بیرون می‌کند. این مثال برای آن است تا شما با مشاهدۀ این منظر به یاد قدرت خدا أ در زنده‌کردن بعد از مرگ بیفتید و این دو منظر را با نظر، عبرت، تدبر و بینش مقایسه کنید.

پس خداوند أ حکیم در قدرت خویش بزرگ و در تقدیر و امر خویش تواناست.

﴿وَٱلۡبَلَدُ ٱلطَّيِّبُ يَخۡرُجُ نَبَاتُهُۥ بِإِذۡنِ رَبِّهِۦۖ وَٱلَّذِي خَبُثَ لَا يَخۡرُجُ إِلَّا نَكِدٗاۚ كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَشۡكُرُونَ ٥٨﴾.

جایی که دارای خاک خوب و قابل کشت و نما باشد به اذن الهی کِشت خود را نیکو، کامل و زیبا می‌دهد، ولی زمینی که دارای خاک بد و فاسد باشد مانند زمین شوره‌زار و نمکین، سبزۀ او به سختی و مشقت بیرون می‌شود و نه زیبائی دارد و نه شادابی و نمائی.

این مثل حالت قلب‌های مؤمن را بیان می‌کند که هدایت خدا أ را پذیرفته و از پیامبر ج پیروی نموده و از حکمت و ذکر بهره و نفع برده است و حالت کسانی که از هدایت روی‌گردانیدند و رسالت و پیامبری را نپذیرفته و به نوری که محمد ج بر آن مبعوث شده ایمان نیاوردند.

خدای‌تعالی برای قومی که ارادۀ استفاده و انتفاع را دارند حجت‌ها و دلائل را بیان می‌کند و مثل می‌زند و داستان ارائه می‌نماید شاید که آن‌ها خدای را بر نعمت‌هایش شکر کنند و از او بترسند و به او امید داشته باشند.

﴿لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ٥٩﴾.

ما نوح ÷ را که اولین پیامبر است به سوی قومش با توحید و یکتاپرستی فرستادیم او آن‌ها را به سوی عبادت خدا و یکتاپرستی و شریک نیاوردن به خدا دعوت کرد، زیرا برای آن‌ها خدایی جز خدای یگانه نیست چنان‌چه آن‌ها خالقی جز اوتعالی ندارند، پس کسی که می‌آفریند بر اینکه عبادت شود اولی است و آنکه روزی می‌دهد و تدبیر و تصرف می‌نماید اولی است که به یکتائی خوانده شود. سپس آن‌ها را از عذاب قیامت و ذلّت آن روز اگر ایمان نیاورند و توحید را رعایت نکنند برحذر داشت و این است نصیحت در دعوت.

﴿قَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِهِۦٓ إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٦٠﴾.

اشراف قوم و رؤسای امتش گفتند ای نوح! ما تو را در خطا و اشتباهی واضح و در انحراف از حق می‌بینیم. این سخن را به علت سفاهت و گمراهیی که مرتکب شدند گفتند.

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ لَيۡسَ بِي ضَلَٰلَةٞ وَلَٰكِنِّي رَسُولٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦١﴾.

نوح ÷ پاسخ آن‌ها را داد و گفت: ای قوم! من بر هدایتم و نزد من رسالتی از سوی پروردگارم است و خدای‌تعالی من را برگزیده تا شما را هشدار دهم و نصیحت کنم و بعد از اینکه خدای‌تعالی من را به عبادت و طاعت خود توفیق داده گمراه نمی‌باشم. او پروردگار عالمیان است که ما را به نعمت خود تربیه نموده و آفریده و روزی داده است.

﴿أُبَلِّغُكُمۡ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَأَنصَحُ لَكُمۡ وَأَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٦٢﴾.

وظیفۀ من این است که به شما تبلیغ و نصیحت کنم و آیات و نشانه‌های الهی را بیان نمایم و شما را به سوی راه راست رهنمایی کنم و از شرک و عبادت طاغوت برحذر دارم و نزد من برخی از علم غیب مربوط به آخرت و اطلاعات آینده و غیبیات است که خداوند أ به من آموخته است و شما آن را نمی‌دانید؛ زیرا خدای‌تعالی من را به آن ویژگی بخشیده است.

﴿أَوَعَجِبۡتُمۡ أَن جَآءَكُمۡ ذِكۡرٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَلَىٰ رَجُلٖ مِّنكُمۡ لِيُنذِرَكُمۡ وَلِتَتَّقُواْ وَلَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ٦٣﴾.

آیا این امر را دور پنداشتید که از جانب خدا أ به شما وحی و نشانه‌هایی نازل شود که شما را به راه برابر رهنمایی کند؟ این‌ها بر بشری از میان خود شما نازل شده تا شما را از عذاب شدید و دردناک در صورت هدایت ناشدن بیم دهد و به امید اینکه از وحی پیروی کنید و تقوای الهی را با انجام اوامر و اجتناب نمواهی او رعایت کنید و هرگاه چنین کنید خداوند أ شما را مشمول رحمت عمومی و خصوصی خود می‌سازد و از شما راضی می‌شود و گناهان‌تان را مغفرت می‌نماید.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَنجَيۡنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ فِي ٱلۡفُلۡكِ وَأَغۡرَقۡنَا ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَآۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمًا عَمِينَ ٦٤﴾.

ولی آن‌ها به آیات خدا أ کافر شده و پیامبرش نوح را تکذیب کردند، پس خداوند أ او و مؤمنان همراه او را با کشتی نجات داد ولی بر کافران قوم او طوفان فرستاد چون آن‌ها آیات خدای رحمان را تکذیب نموده و از خدای دیّان نافرمانی کردند در حالی که بینش و بصیرت آن‌ها کور شده بود و دریچه‌های قلب‌های‌شان مسدود شد و فطرت آن‌ها از حق و سماع نصیحت منحرف گردید.

﴿۞وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمۡ هُودٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٦٥﴾.

و خدای‌تعالی به سوی قوم «عاد» پیامبر خویش «هود» را که از میان خودشان بود فرستاد. وی گفتۀ مشهور پیامبران را تکرار نموده گفت: ای قوم من! خدای را به یگانگی یاد کنید و به او هیچ چیزی را شریک نیاورید که خدایی جز او نیست و هیچ‌کس جز او مستحق عبادت نمی‌باشد. آیا شما از ملاقات با او نمی‌هراسید و امید ثوابش را نداشته و به اوامرش عمل و از نواهی‌اش اجتناب نمی‌نمائید؟ آیا خالقی غیر از خدا أ هست؟ پس چه کسی جز او مستحق عبادت است؟

﴿قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦٓ إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِي سَفَاهَةٖ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٦٦﴾.

اشراف و زعمای قومش، انانی که آیات خدا أ و رسالتش را تکذیب کردند در پاسخ او گفتند: ای هود! ما تو را سردرگم و در حماقت و سفاهت می‌نگریم، این‌ها مربوط به عقل توست. اما در نقل، ما گمان می‌کنیم که تو دروغ می‌گوئی و افترا می‌نمائی بنابراین، تو نه عقل ثابت و وجیهی داری و نه نقل متینی. این سخن‌شان افترایی بیش نبود. خداوند هلاک‌شان کند.

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ لَيۡسَ بِي سَفَاهَةٞ وَلَٰكِنِّي رَسُولٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦٧﴾.

هود بر آن‌ها پاسخ داد گفت: ای قوم من! عقل من صحیح و ذهنم ثابت است و خدای‌تعالی من را با پیامبری به سوی شما فرستاده و به این ترتیب من بین عقل و نقل جمع نمودم و در من هرگز سرگردانی، حماقت و کم خردی نیست که خدای‌تعالی به من رُشد را الهام نموده و در ادای طاعت و اجتناب از معصیت توفیق داده است.

﴿أُبَلِّغُكُمۡ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَأَنَا۠ لَكُمۡ نَاصِحٌ أَمِينٌ ٦٨﴾.

وظیفۀ من این است که به شما حکمتی را که خدای‌تعالی بر من وحی نموده تبلیغ نمایم و شما را به سوی خوبی دنیا و آخرت رهنمایی کنم، من نصیحتگری مخلصم که در نصیحت خود اخلاص دارد و در آنچه به شما نقل می‌کنم امینم، پس با شما نه فریبکاری نموده و نه خیانت کردم و دروغ گفتم.

﴿أَوَعَجِبۡتُمۡ أَن جَآءَكُمۡ ذِكۡرٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَلَىٰ رَجُلٖ مِّنكُمۡ لِيُنذِرَكُمۡۚ وَٱذۡكُرُوٓاْ إِذۡ جَعَلَكُمۡ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعۡدِ قَوۡمِ نُوحٖ وَزَادَكُمۡ فِي ٱلۡخَلۡقِ بَصۜۡطَةٗۖ فَٱذۡكُرُوٓاْ ءَالَآءَ ٱللَّهِ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٦٩﴾.

آیا این امر را بعید می‌شمارید که بر شما وحیی از جانب خدای‌تان که شما را با نعمت خود پرورش داده و آفریده و امورتان را تدبیر نموده نازل شده است، در حالی که این وحی را توسط بشری از خود شما فرستاده تا شما را از لحظه‌ای که به ملاقات خدا أ می‌روید بترساند و از عذاب و خشم او برحذر دارد؟ و یاد آورید که خدای‌تعالی شما را بعد از هلاکت قوم نوح ÷ و بعد از تکذیب‌شان جانشین قرار داد و اوتعالی اجسام شما را قوی و نیرومند ساخت و در زیبائی اجسام و اشکال شما و در طول اجسام و بشاش بودن آن و در متاع و بهرۀ نیکو برای شما افزود. پس نعمت‌های خدا أ را یاد آورید و شکرش را بر جای آورید. شکر خدا أ زمانی بر جای آورده می‌شود که او را به یکتائی یاد کنید و عبادتش نموده و از پیامبرش پیروی کنید که اگر چنین کنید در دنیا و آخرت رستگار خواهید شد و به پیروزی خواهید رسید و از زیان نجات خواهید یافت.

﴿قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا لِنَعۡبُدَ ٱللَّهَ وَحۡدَهُۥ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَا فَأۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٧٠﴾.

کفار قومش گفتند: ای هود! تو نزد ما با سختی آمده‌ای که خودت آن را از نزد خود ساخته و پرداخته‌ای تا ما یک خدا را عبادت کنیم و تمام آنچه را پدران ما پرستش کردند کنار بگذاریم در حالی که آن‌ها از ما عاقل‌تر، رهیاب‌تر و داناتر بودند و همچنان تمام تقالید و عنعنات آبا و اجداد خود را کنار بگذاریم.

اگر راست می‌گوئی ما تو را به مبارزه می‌طلبیم پس آنچه ما را بر آن تهدید می‌نمائی بیاور و در نزول عذابی که گمان می‌کنی برما فرو خواهد آمد عجله کن. آن‌ها همۀ این‌ها را از روی تکذیب، عناد، تمرد و سرکشی گفتند.

﴿قَالَ قَدۡ وَقَعَ عَلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُمۡ رِجۡسٞ وَغَضَبٌۖ أَتُجَٰدِلُونَنِي فِيٓ أَسۡمَآءٖ سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّا نَزَّلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلۡطَٰنٖۚ فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلۡمُنتَظِرِينَ ٧١﴾.

گفت: محققاً که بر شما عذابی شدید از جانب خدا أ و خشمی محو کننده و تباهگر نازل شده که رضوانی در پی آن نیست. آیا شما با من در خدایانی مجادله می‌کنید که صرفاً اسم‌های بدون مسمی هستند و هیچ نفع و ضرری ندارند و نه هم زنده می‌کنند و می‌میرانند؟ کجاست عقل‌های شما؟ کجاست بصیرت‌های شما؟ کجاست حجتی که شما از جانب خدا مبنی بر این کار دارید که این خدایان باید پرستش شوند؟ لیکن منتظر نزول عذاب شدید خدا أ بر خویشتن باشید که به سبب اعمال‌تان به شما می‌رسد من نیز منتظر آنچه پروردگارم مبنی بر تعذیب شما در صورت عدم ایمان و عدم هدایت به من وعده نموده هستم.

﴿فَأَنجَيۡنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ بِرَحۡمَةٖ مِّنَّا وَقَطَعۡنَا دَابِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَاۖ وَمَا كَانُواْ مُؤۡمِنِينَ ٧٢﴾.

خدای‌تعالی عذاب خود را بر کفار نازل کرد و هود و مؤمنان همراهش را با رحمت و لطف خود نجات داد و کفار را نیست و نابود نمود، به گونه‌ای که هیچ‌یک از آن‌ها باقی نماند. آن‌ها به خدا و پیامبرانش و به روز آخرت ایمان نداشتند بلکه کافر، تکذیبگر و منکر آیا الهی بودند.

﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ قَدۡ جَآءَتۡكُم بَيِّنَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡۖ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمۡ ءَايَةٗۖ فَذَرُوهَا تَأۡكُلۡ فِيٓ أَرۡضِ ٱللَّهِۖ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٖ فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٧٣﴾.

و خداوند أ به سوی قوم «ثمود» پیامبر گرامی خویش صالح ÷ را فرستاد. او قوم خود را نصیحت نموده و به سوی خدای‌تعالی و یکتاپرستی و شریک نیاوردن به او دعوت نمود و به آن‌ها خبر داد که خدا و پروردگاری جز او نیست. او همچنان خطاب به قوم خود گفت: محققاً به شما حجتی واضح از جانب پروردگار شما آمده که عبارت از ناقه‌ای است که خداوند آن را آفریده و از سنگ بیرون کرده است تا علامه و نشانه‌‌ای بر صدق من و اینکه پیامبرم باشد. او ادامه داده گفت: این ناقه را به حال خودش بگذارید و هرگز به او بدی نرسانید و بگذارید تا از روزی خدا أ در زمین خدا أ بخورد و اگر گزندی ابه او برسانید خداوند أ شما را به عذابی دردناک می‌گیرد. (چون ناقه را پَی کردند) این عذاب بر آن‌ها واقع شد.

﴿وَٱذۡكُرُوٓاْ إِذۡ جَعَلَكُمۡ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعۡدِ عَادٖ وَبَوَّأَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورٗا وَتَنۡحِتُونَ ٱلۡجِبَالَ بُيُوتٗاۖ فَٱذۡكُرُوٓاْ ءَالَآءَ ٱللَّهِ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ٧٤﴾.

و یاد آورید ای قوم من فضل خدای را بر خویشتن که شما را در زمین جانشینان قوم عاد قرار دارد و آن‌ها را برای شما مایۀ پند و عبرت شدند و او شما را در منزلگاه‌های وسیع و فراخ در روی زمین جای داد طوری که در سرزمین‌های هموار خانه‌های وسیع و قصرهای زیبا بنا می‌کنید و در کوه‌ها نیز از طریق کندن کاری و سنگ‌تراشی خانه‌هایی برای خود می‌سازید که شما را در سردی گرم و در گرمی سایبان است. پس این نعمت‌های بزرگ ودست‌های دهنده را یاد آورید و در زمین فساد بسیار نکنید؛ زیرا هر که چنین کند یقیناً که زیان نموده است.

از جملۀ بزرگ‌ترین فسادها شریک آوردن به پروردگار عالمیان است.

﴿قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِمَنۡ ءَامَنَ مِنۡهُمۡ أَتَعۡلَمُونَ أَنَّ صَٰلِحٗا مُّرۡسَلٞ مِّن رَّبِّهِۦۚ قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلَ بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ ٧٥﴾.

رؤسای جبار و منحرف از ایمان خطاب به مؤمنان قوم صالح ÷ گفتند: آیا شهادت می‌دهید که صالح را خدای‌تعالی به سوی ما به عنوان پیامبر فرستاده است؟ این سوال آن‌ها بر سبیل تمسخر و استهزا بود. مستضعفان در پاسخ گفتند: بلی! ما به رسالت صالح ÷ باور کردیم و اینکه او نبیی از انبیای الهی است و ما همواره از اوامر خدا أ پیروی می‌کنیم و از نواهی‌اش اجتناب متابعت پیامبرش رامی‌نمائیم.

﴿قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا بِٱلَّذِيٓ ءَامَنتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ٧٦﴾.

رؤسای جباری که بر پیامبر خدا ج سرکشی کردند گفتند یقیناً که ما به آنچه شما ای ضعفا از رسالت سالح ایمان آورده‌اید کافریم و از آن روی گردانیدیم.

﴿فَعَقَرُواْ ٱلنَّاقَةَ وَعَتَوۡاْ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِمۡ وَقَالُواْ يَٰصَٰلِحُ ٱئۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٧٧﴾.

این جباران ناقه را پی کردند. حق‌تعالی قتل ناقه را به همۀ آن‌ها نسبت داد، چون همه به این قتل راضی بوده یا بالفعل و یا با سکوت و رضا در قتل آن شرکت نمودند و در برابر اوامر الهی جبارانه عمل نموده و بر پیامبرش تکبر ورزیدند و به دینش استهزا نموده صالح را به مبارزه طلبیدند و گفتند: ای صالح! اگر تو راست می‌گوئی کجاست این عذابی که تو به ما وعید می‌دهی؟ کجاست کیفری که ما را با آن تهدید می‌کنی؟ اگر تو را واقعاً راست می‌گوئی پس در نزول عذاب برما عجله کن!

﴿فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دَارِهِمۡ جَٰثِمِينَ ٧٨﴾.

خداوند أ زلزلۀ شدیدی بر آن‌ها فرستاد که نابود و هلاک‌شان ساخت و ارواح‌شان را گرفت و همۀ مردند و تبدیل به جثه‌هایی بی‌حرکت که زندگی ندارد.

﴿فَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰقَوۡمِ لَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُمۡ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحۡتُ لَكُمۡ وَلَٰكِن لَّا تُحِبُّونَ ٱلنَّٰصِحِينَ ٧٩﴾.

صالح از آن‌ها روی گردانید و از دیارشان بعد از اینکه ناقه را پی کردند بیرون شد و گفت: محققاً که به شما نصیحت کردم و شما را در جریان رسالت الهی قرار داده به معروف امر و از منکر نهی کردم و شریعت خدای را به شما بیان نمودم ولی شما با نصیحت نصیحتگر هدایت نمی‌شوید و به رأی و نظری عاقلانه رهیاب نمی‌گردید! شما از پذیرش نصیحت من ابا ورزیده و از ارشاد من را ترک کردید پس عذاب بر شما تحقق یافت.

﴿وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَتَأۡتُونَ ٱلۡفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٨٠﴾.

و لوط ÷ را نیز به سوی قومش فرستادیم. او آن‌ها را نصیحت کرد و از عمل بد لواط نهی نمود و به آن‌ها خبر داد که این آن‌ها هستند که برای اولین بار مرتکب این عمل زشت شدند و امت‌های گذشته هرگز به چنین عملی مبادرت نکردند و این آن‌ها هستند که چنین بدعتی را گذاردند.

﴿إِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلرِّجَالَ شَهۡوَةٗ مِّن دُونِ ٱلنِّسَآءِۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ ٨١﴾.

و به آن‌ها خبر داد که آن‌ها این عمل خود را که با مردها مقاربت می‌کنند به مجرد شهوت انجام می‌دهند نه بر مقتضای عقل، شرع و فطرت در حالی که زن‌هایی را ترک می‌نمایند که به حکم شرع، عقل و فطرت محل شهوت‌اند؛ پس آن‌ها از حدود خدا أ تجاوز نموده و در عصیان غرق و از طاعت بیرون‌اند.

﴿وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوۡمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخۡرِجُوهُم مِّن قَرۡيَتِكُمۡۖ إِنَّهُمۡ أُنَاسٞ يَتَطَهَّرُونَ ٨٢﴾.

و چون لوط ÷ آن‌ها را بر عملکرد زشت‌شان توبیخ نمود گفتند: لوط و مؤمنان همراهش را از قریۀ خویش بیرون کنید (نام قریه سدوم بود) که آن‌ها مردمی پاک، نزیه و شرافتمنداند. این سخن آن‌ها بنابر تمسخر، استهزا و عناد بود.

﴿فَأَنجَيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥٓ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ كَانَتۡ مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ٨٣﴾.

ما لوط ÷ و اهلش را از عذاب شدید و عقاب الیم که به قومش رسید نجات دادیم و همسرش را چون عصیانگر و بر شوهر خود متمرد بود در زمرۀ هلاک شدگان باقی گذاشتیم.

﴿وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهِم مَّطَرٗاۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٨٤﴾.

خدای‌تعالی بر آن‌ها از سنگ‌های داغ، پی‌درپی و سخت بارید و این بارش سنگ آن‌ها را متلاشی ساخت و هلاک کرد پس تو تفکر کن که عاقبت کسانی که معاصی و گناه انجام می‌دهند و امور فحشا را کوچک می‌شمارند چگونه است.

﴿وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ قَدۡ جَآءَتۡكُم بَيِّنَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡۖ فَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَٱلۡمِيزَانَ وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بَعۡدَ إِصۡلَٰحِهَاۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٨٥﴾.

و خداوند أ به سوی مدین پیامبر خویش شعیب ÷ را فرستاد. او نیز از میان خود آن‌ها بود. شعیب قوم خود را به سوی عبادت خدای یگانه و توحید و ترک شرک فرا خواند و آن‌ها را امر کرد تا هنگام خرید و فروش و داد و ستد، وزن و پیمانه را کامل کنند چون آن‌ها از وزن و پیمانه می‌کاستند. او آن‌ها را از اینکه از حقوق مردم هنگام داد و ستد و معامله بکاهند نهی کرد و از فساد در روی زمین با ارتکاب گناهان، ظلم و ستم بازداشت به خصوص بعد از اینکه خدای‌تعالی با انزال کتاب‌های آسمانی و فرستادن پیامبران آن را اصلاح کرده است. شعیب ÷ به آن‌ها بیان داشت که این منهج درست و مذهب رهیاب شده‌ای که آن‌ها را به سوی آن دعوت نموده به خاطر اصلاح‌شان در دنیا و رستگاری‌شان در آخرت است البته در صورتی که به او باور داشته باشند و از رسالتش پیروی کنند.

﴿وَلَا تَقۡعُدُواْ بِكُلِّ صِرَٰطٖ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ بِهِۦ وَتَبۡغُونَهَا عِوَجٗاۚ وَٱذۡكُرُوٓاْ إِذۡ كُنتُمۡ قَلِيلٗا فَكَثَّرَكُمۡۖ وَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٨٦﴾.

و راه‌زنانی نباشید که برسر هر راهی می‌ایستند و کسانی را که به سوی شعیب به منظور ایمان می‌آیند بازمی‌دارند و مردم را اگر خدای ذوالجلال را به یگانگی یاد کنند تهدید به کیفر می‌نمایند و اراده دارند تا راه راست با اعمال بد، دروغ‌ها و افتراهای‌شان تبدیل به راهی کج و منحرف شود.

و یاد آورید که خدای‌تعالی شما را با توالد و تناسل بعد از اینکه اندک بودید زیاد کرد و بعد از ناتوانی به شما توانائی و بعد از فقر غنامندی بخشید و از امت‌های پیش از خود پند و عبرت بگیرید که چگونه خداوند متعال آن‌ها را به سبب کفر، شرک، و اعمال بدشان محو، نابود و متلاشی ساخت.

﴿وَإِن كَانَ طَآئِفَةٞ مِّنكُمۡ ءَامَنُواْ بِٱلَّذِيٓ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦ وَطَآئِفَةٞ لَّمۡ يُؤۡمِنُواْ فَٱصۡبِرُواْ حَتَّىٰ يَحۡكُمَ ٱللَّهُ بَيۡنَنَاۚ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ٨٧﴾.

و اگر گروهی از شما به من ایمان می‌آورند و گروهی دیگر تکذیب می‌کنند بر ما لازم است تا در مقابل صبر کنیم و همه متنظر باشیم. تصدیق کنندگان متنظر پیروزی و فیصلۀ خدا أ در بین ما و کافران باشند و تکذیب کنندگان منتظر عذاب دردناک، که خدای‌تعالی به زودی در بین ما حکم می‌کند و او بهترین حکم کنندگان است و حکم او حق، عدل و قاطع است و او در حکم خود هیچگاه ظلم و ستمی روا نمی‌دارد و از حق کسی نمی‌کاهد.

﴿۞قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ لَنُخۡرِجَنَّكَ يَٰشُعَيۡبُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَكَ مِن قَرۡيَتِنَآ أَوۡ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَاۚ قَالَ أَوَلَوۡ كُنَّا كَٰرِهِينَ ٨٨﴾.

رهبران مدین آنانی که پیامبر را تکذیب نموده در برابر حق از عناد کار گرفتند، گفتند: ای شعیب! رسالت خود را ترک کن ورنه حتماً تو و مؤمنان همراه تو را بیرون خواهیم کرد یا باید به ملت ما بازگردی و ملتی را که به سویش می‌خوانید کنار بگذارید. شعیب گفت: آیا چنین می‌کنید ولو ما ملت شما را دوست نداشته باشیم و یا نخواسته باشیم از دیار خود بیرون شویم؟

﴿قَدِ ٱفۡتَرَيۡنَا عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا إِنۡ عُدۡنَا فِي مِلَّتِكُم بَعۡدَ إِذۡ نَجَّىٰنَا ٱللَّهُ مِنۡهَاۚ وَمَا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّعُودَ فِيهَآ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّنَاۚ وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيۡءٍ عِلۡمًاۚ عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡنَاۚ رَبَّنَا ٱفۡتَحۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَ قَوۡمِنَا بِٱلۡحَقِّ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡفَٰتِحِينَ ٨٩﴾.

یقیناً ما بر خدا أ دروغ بربستیم و ادعای زور و بهتان کردیم اگر به سوی گناه شرک و گمراهی بزرگی که شما بر آن قرار دارید بازگردیم، به خصوص بعد از اینکه خدای‌تعالی ما را از این زور، بهتان و شرک به خدای رحمان رهائی بخشیده است. چگونه ما بعد از اینکه خدای‌تعالی ما را به رسالت و پیامبری گرامی داشته دوباره به سوی گمراهی بازگردیم؟! امکان ندارد ما فرومایگی را بر هدایت و سرکشی را بر رشد برگزینیم، آن‌هم بعد از اینکه خداوند أ ما را به راه راست و برابر موفق ساخته است. مگر اینکه خداوند أ چیزی را بخواهد که در چنین حالی او حاکم آن چیزی است که اراده می‌نماید و بر آنچه بخواهد حکم می‌کند، خدایی جز او نیست و او برهر چیزی اطلاع دارد و به دقایق امور و کلیات آن آگاهی دارد و بر هر نهان و آشکاری احاطه دارد، پس تمام اعتماد ما بر اوست و ما تمام امور خود را به او سپردیم که او برای ما کافی و بهترین وکیل است.

ای پروردگار! در بین ما و قوم تکذیب‌گر و گمراه ما داوری کن و ما را بر ایمان به خود و در تصدیق به پیامبر ثابت بدار و آن‌ها را بر کفر و تکذیب‌شان کیفر ده که تو بهترین کسی هستی که حکم می‌کند و عادل‌ترین فیصله‌کن می‌باشی.

﴿وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ لَئِنِ ٱتَّبَعۡتُمۡ شُعَيۡبًا إِنَّكُمۡ إِذٗا لَّخَٰسِرُونَ ٩٠﴾.

اشراف کفار خطاب به پیروان خود گفتند اگر شما از شعیب در آنچه شما را از تکمیل پیمانه و وزن فرا می‌خواند پیروی کنید حتماً در تجارت خود زیان خواهید کرد و اگر از او در ایمان به خدا أ پیروی کنید هلاک خواهید شد. آن‌ها این سخنان را براساس جهل، نادانی، دروغ و گمان می‌گفتند.

﴿فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دَارِهِمۡ جَٰثِمِينَ ٩١﴾.

خدای‌تعالی بر آن‌ها زلزلۀ شدیدی را به سبب کفرشان فرستاد و آن‌ها در پی آن مردگان افتاده بر روی در خانه‌های خود شدند.

﴿ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ شُعَيۡبٗا كَأَن لَّمۡ يَغۡنَوۡاْ فِيهَاۚ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ شُعَيۡبٗا كَانُواْ هُمُ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٩٢﴾.

آنانی که نافرمانی شعیب را کردند و آنچه را آورده بود رد نمودند بعد از اینکه خداوند أ آن‌ها را هلاک کرد به گونه‌ای شدند که گویا هرگز زندگی نکرده و از نعمتی برخوردار نشدند پس آن‌ها واقعاً هلاک شده و تمام ممتلکات خود را از دست دادند و در آخرت نیز از جملۀ عذاب شوندگان خواهند بود.

﴿فَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰقَوۡمِ لَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُمۡ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَنَصَحۡتُ لَكُمۡۖ فَكَيۡفَ ءَاسَىٰ عَلَىٰ قَوۡمٖ كَٰفِرِينَ ٩٣﴾.

شعیب از آن‌ها روی گردانید و گفت: من شما را از عذاب بیم داده و از عقاب ترسانیدم و رسالت را به شما رسانیده‌ام و در نصیحت شما سعی و تلاش کردم اکنون بر شما هرگز غمگین نخواهم بود و از آنچه به شما رسیده تأسف نخواهم خورد که شما به خاطر کفر خویش مستحق کیفر هستید و اوتعالی هرگز به بندگان خود ظلم نمی‌کند.

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّآ أَخَذۡنَآ أَهۡلَهَا بِٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمۡ يَضَّرَّعُونَ ٩٤﴾.

ما هیچ پیامبری را در هیچ شهری از شهرها نفرستادیم مگر اینکه اهل آن شهر را به فقر، مصیبت، بیماری و بلیات مبتلا نمودیم تا آن‌ها توبه کنند و به سوی خدای خود رجوع و در برابر او فروتن شده و ایمان آورند.

﴿ثُمَّ بَدَّلۡنَا مَكَانَ ٱلسَّيِّئَةِ ٱلۡحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَواْ وَّقَالُواْ قَدۡ مَسَّ ءَابَآءَنَا ٱلضَّرَّآءُ وَٱلسَّرَّآءُ فَأَخَذۡنَٰهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٩٥﴾.

سپس به آن‌ها غنای بعد از فقر، صحت بعد از بیماری و توان بعد از ناتوانی بخشیدیم تا اینکه تعدادشان بیشمار گشت. اما آن‌ها کفر ورزیدند و شکر نکردند، انکار کردند و ایمان نیاورده گفتند: این سنّت زندگی و عادت زمانه است، روزی برای تو و روزی بر علیه توست. آن‌ها پند نگرفته و از این غافل شدند که این ابتلاءات به خیر و شر، و شدّت و رخا از جانب خداست. چون مرتکب چنین کاری شدند آن‌ها را ناگهان به عذاب گرفتیم بدون اینکه قبلاً به آن‌ها هشدار داده باشیم. آن‌ها اصلاً آمدن عذاب را احساس نکردند تا اینکه ناگهان گرفت الهی به سراغ آن‌ها رفت و همه را درحالت غفلت‌شان نابود کرد.

﴿وَلَوۡ أَنَّ أَهۡلَ ٱلۡقُرَىٰٓ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَفَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَرَكَٰتٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَٰكِن كَذَّبُواْ فَأَخَذۡنَٰهُم بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٩٦﴾.

و اگر اهل قریه‌ها به خدا أ و پیامبران و کتاب‌هایش ایمان آورند و تقوای الهی را با انجام اوامر و اجتناب نواهی رعایت کنند حتماً خداوند أ بر آن‌ها با نازل کردن باران پی‌درپی و مبارک، دروازه‌های رزق را خواهد گشود و از زمین برای آن‌ها انواع و اقسام نباتات را با میوه‌های گوناگون خواهد رویانید، ولی آن‌ها پیامبران را تکذیب نموده و از پروردگار خویش نافرمانی نمودند، این بود که خدای‌تعالی آن‌ها را به سبب گناهان‌شان کیفر داد و به سبب کفرشان عذاب نمود. پس طاعات سبب نزول خیرات و مخالفت از اوامر الهی سبب عقوبات است.

﴿أَفَأَمِنَ أَهۡلُ ٱلۡقُرَىٰٓ أَن يَأۡتِيَهُم بَأۡسُنَا بَيَٰتٗا وَهُمۡ نَآئِمُونَ ٩٧﴾

آیا نزد اهل قریه‌ها امنیتی از این هست که به آن‌ها عذاب خدا أ در حالتی که در شب خوابند فرا نرسد در حالی که به پروردگار خویش کفر ورزیده و پیامبرانش را تکذیب نموده‌اند؟

﴿أَوَ أَمِنَ أَهۡلُ ٱلۡقُرَىٰٓ أَن يَأۡتِيَهُم بَأۡسُنَا ضُحٗى وَهُمۡ يَلۡعَبُونَ ٩٨﴾.

آیا نزد آن‌ها امنیتی از این هست که عذاب به سراغ آن‌ها در حالی نیاید که آن‌ها چاشتگاه در غفلت لهو و لعب خویش به سر می‌برند و غرق دنیای خویش‌اند؟

﴿أَفَأَمِنُواْ مَكۡرَ ٱللَّهِۚ فَلَا يَأۡمَنُ مَكۡرَ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٩٩﴾.

آیا آن‌ها از استدراج خدا أ برای خویش از دریچه‌ای که حساب نکنند و تدبیر هلاکت‌شان به گونه‌ای که ندانند در امان اند؟ هیچ‌کس در نفس خویش زیان کند و رشد خود را از دست دهد و عمل خود را گم و سعی خویش را باطل کند از گرفت خدای‌تعالی به گونۀ ناگهانی در امان نیست.

﴿أَوَ لَمۡ يَهۡدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلۡأَرۡضَ مِنۢ بَعۡدِ أَهۡلِهَآ أَن لَّوۡ نَشَآءُ أَصَبۡنَٰهُم بِذُنُوبِهِمۡۚ وَنَطۡبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَسۡمَعُونَ ١٠٠﴾.

آیا برای کسانی که بعد از اقوام هلاک شده آمده و جانشین آن‌ها شدند واضح و آشکار نشده که خدای‌تعالی توان این را دارد که آن‌ها را مانند گذشتگان به سبب گناهان‌شان هلاک کند. اگر آن‌ها بر اعراض خویش مداومت بخشند قلب‌های‌شان را قفل خواهیم نمود و در پی آن آن‌ها پند نمی‌گیرند، درک نمی‌کنند و نمی‌فهمند و به گونه‌ای که بپذیرند نمی‌شنوند.

﴿تِلۡكَ ٱلۡقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيۡكَ مِنۡ أَنۢبَآئِهَاۚ وَلَقَدۡ جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ مِن قَبۡلُۚ كَذَٰلِكَ يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٠١﴾.

این قریه‌ها را هلاک کردیم و شما را در جریان چگونگی این نابودی که به سبب گناهان‌شان صورت گرفت قرار دادیم تا گرفتن عبرت از آن‌ها تحقق پیدا کند. و ما پیامبران را با معجزات واضح و آشکار و دلائل قاطع فرستادیم. به حال آن‌ها مناسب این بود که بعد از آمدن معجزات ایمان بیاورند در حالی که قبل از این به تمام پیامبری‌های را تکذیب نمودند و آنگونه که خداوند أ بر دل‌های کفار گذشته مُهر نهاد به همان‌سان بر دل‌های کفاری که در آینده می‌آیند مُهر خواهد نهاد. این سنّت و روشی است که همواره دوام دارد و کیفری است عادلانه؛ زیرا آن‌ها به خدا أ و رسالت‌هایش کفر ورزیدند.

﴿وَمَا وَجَدۡنَا لِأَكۡثَرِهِم مِّنۡ عَهۡدٖۖ وَإِن وَجَدۡنَآ أَكۡثَرَهُمۡ لَفَٰسِقِينَ ١٠٢﴾.

و ما نزد بسیاری از مردم وفای به عهد، ایمان به وعده، شکر در برابر نعمت و عملی به وصیت نیافتیم، بلکه اکثر آن‌ها را خارج از طاعت خدا أ و کافر به اوتعالی و تکذیب کنندۀ پیامبری یافتیم. بنابراین مؤمن اندک و پرهیزگار نادر است.

﴿ثُمَّ بَعَثۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِم مُّوسَىٰ بِ‍َٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَظَلَمُواْ بِهَاۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ١٠٣﴾.

سپس بعد از نوح، هود، صالح، لوط و شعیب، موسی † را با معجزات واضح و آشکار مانند عصا، و ید بیضا به سوی فرعون سرکش و اشراف قومش فرستادیم ولی آن‌ها معجزات را انکار نموده و نشانه‌ها را تکذیب کردند و در زمین دست به فساد و تباهی زدند، پس تو بنگر که عاقبت آن‌ها چگونه است؟ در دنیا غرق خواهند شد و در آخرت خواهند سوخت.

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَٰفِرۡعَوۡنُ إِنِّي رَسُولٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٠٤﴾.

موسی ÷ خطاب به فرعون گفت: مرا خداوند أ فرستاده و من از جانب خود نیامده‌ام. او پروردگار عالمیان است نه تو ای بندۀ فقیر. به این ترتیب جلال و کمال را موسی به پروردگار و رسالت را به خود و گمراهی را به فرعون ثابت نمود.

﴿حَقِيقٌ عَلَىٰٓ أَن لَّآ أَقُولَ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّۚ قَدۡ جِئۡتُكُم بِبَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ فَأَرۡسِلۡ مَعِيَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ١٠٥﴾.

من بر خدای خود افترا نمی‌کنم و بر پروردگار خود دروغ نمی‌گویم بلکه سخن حق را می‌آورم و به صدق و راستی خبر می‌دهم. نزد من معجزۀ واضح و آشکاری مانند ید و عصا نیز هست. این معجزات از جانب خدایی است که شما را آفریده و روزی داده نه از جانب من. پس تو ای فرعون بنی اسرائیل را بگذار تا از مصر بیرون شوند و آن‌ها را از بردگی و زیر سلطۀ استبداد خود رها کن.

﴿قَالَ إِن كُنتَ جِئۡتَ بِ‍َٔايَةٖ فَأۡتِ بِهَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ١٠٦﴾.

فرعون خطاب به موسی ÷ گفت: اگر با تو معجزه‌ای از جانب پروردگار توست برای ما آشکار کن تا آن را ببینیم آن‌هم اگر راست می‌گوئی که تو پیامبری از جانب پروردگار خود می‌باشی!

﴿فَأَلۡقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعۡبَانٞ مُّبِينٞ ١٠٧﴾.

موسی ÷ عصایش را از دست خود انداخت، خدای‌تعالی آن عصا را تبدیل به ماری بزرگ، هشیار و ترسناک نمود در حالی که زندگی و خلقتش کاملاً واضح و هویدا بود.

﴿وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِيَ بَيۡضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ ١٠٨﴾.

و موسی ÷ دست خود را از چاک گریبان خود بیرون کرد، پس ناگهان این دست به حدّی سفید و درخشنده بود که نور از آن می‌درخشید. این نور از اثر پیسی و کدام بیماری نه بلکه برای کسی که آن را مشاهده می‌کرد واضح و آشکار بود و بر هیچ کسی پوشیده نبود.

﴿قَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِ فِرۡعَوۡنَ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٞ ١٠٩﴾.

رهبران قوم فرعون گفتند: همانا موسی جادوگری است که در سحر خویش مهارت دارد و به فُوت و فن آن کاملاً آشناست.

﴿يُرِيدُ أَن يُخۡرِجَكُم مِّنۡ أَرۡضِكُمۡۖ فَمَاذَا تَأۡمُرُونَ ١١٠﴾.

موسی می‌خواهد شما را با جادوی خود از سرزمین مصر بیرون کند و خودش جانشین شما شود. فرعون گفت: ای بزرگان مرا به چه چیزی توصیه می‌کنید؟

﴿قَالُوٓاْ أَرۡجِهۡ وَأَخَاهُ وَأَرۡسِلۡ فِي ٱلۡمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ١١١﴾.

اشرافیان گفتند موسی و برادرش را مهلت بده و در کیفر دهی آنان عجله نکن و به هر شهری از شهرهای مصر کسانی را بفرست تا مردم را به سوی تو جمع کنند و شاهد این اجتماع بزرگ باشند.

﴿يَأۡتُوكَ بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ ١١٢﴾.

همچنان برای تو هر جادو ماهر در فنون سحر و دانای اسرار آن را احضار کنند.

﴿وَجَآءَ ٱلسَّحَرَةُ فِرۡعَوۡنَ قَالُوٓاْ إِنَّ لَنَا لَأَجۡرًا إِن كُنَّا نَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبِينَ ١١٣﴾.

جادوگران خطاب به فرعون گفتند: آیا اگر موسی را شکست دهیم و جادویش را باطل کنیم به ما پاداشی می‌دهی؟

﴿قَالَ نَعَمۡ وَإِنَّكُمۡ لَمِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ١١٤﴾.

فرعون برای جادوگران گفت: بلی شما هم پاداش خواهید داشت و هم از مقربین من خواهید بود، یعنی هم مال خواهید داشت و هم مقام و منزلت.

﴿قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ نَحۡنُ ٱلۡمُلۡقِينَ ١١٥﴾.

جادوگران خطاب به موسی ÷ گفتند: آیا تو اول عصایت را می‌افکنی یا ما آنچه را داریم بیندازیم.

﴿قَالَ أَلۡقُواْۖ فَلَمَّآ أَلۡقَوۡاْ سَحَرُوٓاْ أَعۡيُنَ ٱلنَّاسِ وَٱسۡتَرۡهَبُوهُمۡ وَجَآءُو بِسِحۡرٍ عَظِيمٖ ١١٦﴾.

موسی ÷ گفت شما بیندازید. آن‌ها طناب‌ها و عصاهای خویش را انداختند و از طریق پنهان کاری، مکر و حیله دیدگان حاضران را تغییر دادند و در دل‌ها رعب و وحشت شدیدی ایجاد نمودند و در نظر مردم جادویی وحشتناک ایجاد کردند که مایۀ دهشت و شگفت حاضران شد.

﴿۞وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَۖ فَإِذَا هِيَ تَلۡقَفُ مَا يَأۡفِكُونَ ١١٧﴾.

موسی ÷ را امر کردیم تا عصایش را بیندازد و او انداخت پس ناگهان این عصا طناب‌ها و عصاهای آن‌ها را که با آن مردم را فریب داده و از طریق آن‌ها در دیدگان حاضرین تزویر نموده بودند بلعید.

﴿فَوَقَعَ ٱلۡحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١١٨﴾.

حقیقتی که با موسی ÷ بود پیروز شد و باطل جادوگران فرعون ظاهر گردید.

﴿فَغُلِبُواْ هُنَالِكَ وَٱنقَلَبُواْ صَٰغِرِينَ ١١٩﴾.

جادوگران فرعون در محضر مردم شکست خوردند و مغلوب و ذلیل شدند.

﴿وَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ١٢٠﴾.

جادوگران در برابر خدا سجده‌کنان بر زمین افتادند و خداوند أ پیامبر امین خویش را نصرت و یاری داد و کید و مکر فرعون لعین را باطل نمود. آن‌ها از این‌روی سجده کردند که حالت سجده بهترین حالت بنده با خالقش است.

﴿قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٢١﴾.

جادوگران گفتند: ما به خدای یگانه که شریکی جز او نیست ایمان آوردیم و او کسی است که جهان را آفریده نه تو ای فرعون و کسی که ایجادگر باشد به اینکه پرستش شود سزاوارتر است.

﴿رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ١٢٢﴾.

او خدایی است که موسی و هارون را آفریده پس سجده برای خداست نه آن دو.

﴿قَالَ فِرۡعَوۡنُ ءَامَنتُم بِهِۦ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ لَكُمۡۖ إِنَّ هَٰذَا لَمَكۡرٞ مَّكَرۡتُمُوهُ فِي ٱلۡمَدِينَةِ لِتُخۡرِجُواْ مِنۡهَآ أَهۡلَهَاۖ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ١٢٣﴾.

فرعون برای جادوگران گفت: چگونه موسی ÷ را تصدیق می‌کنید در حالی که من به شما اجازۀ چنین کاری را نداده‌ام؟ این یک حیله و نیرنگ از جانب شماست تا مردم را از مصر بیرون کنید. به زودی خواهید دانست شما را دچار چه عذاب و کیفر دردناکی می‌سازم.

این عادت طاغوتیان است که هرگاه از ارائۀ حجّت و برهان عاجز شوند دست به تهدید می‌زنند.

﴿لَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمۡ أَجۡمَعِينَ ١٢٤﴾.

به زودی و به نشانۀ کریه ساختن و به منظور کیفر دهی به شما، دست راست و پای چپ‌تان را قطع خواهم کرد و سپس هریکی را بر تنۀ درختان خرما آویزان خواهم نمود تا در این حالت بمیرید و عبرتی برای بعد از خویش واقع شوید.

﴿قَالُوٓاْ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ١٢٥﴾.

جادوگران گفتند: به زودی ما و تو نزد پادشاه پادشاهان در روز رستاخیز بزرگ جمع خواهیم شد تا هریکی را مطابق عملش کیفر دهد.

﴿وَمَا تَنقِمُ مِنَّآ إِلَّآ أَنۡ ءَامَنَّا بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّنَا لَمَّا جَآءَتۡنَاۚ رَبَّنَآ أَفۡرِغۡ عَلَيۡنَا صَبۡرٗا وَتَوَفَّنَا مُسۡلِمِينَ ١٢٦﴾.

تو بر ما عیبی نگرفتی جز اینکه ما خدای را به یگانگی یاد نموده و موسی ÷ و معجزاتش را تصدیق نمودیم. پروردگارا! بر ما جام صبر بسیاری را بریزان تا بتوانیم در برابر تعذیب این طاغوت سرکش صبر کنیم که از طریق ایمان و صبر انسان به پیروزی می‌رسد و از تو ای خدا می‌خواهیم تا ما را بر دین خود تا فرا رسیدن مرگ ثابت و استوار بداری و در فتنه و انحراف نیندازی.

﴿وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِ فِرۡعَوۡنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوۡمَهُۥ لِيُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَيَذَرَكَ وَءَالِهَتَكَۚ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبۡنَآءَهُمۡ وَنَسۡتَحۡيِۦ نِسَآءَهُمۡ وَإِنَّا فَوۡقَهُمۡ قَٰهِرُونَ ١٢٧﴾.

رؤسای کفار خطاب به فرعون گفتند: آیا موسی و مؤمنان همراهش را زنده می‌گذاری تا مردم را از عبادت تو بازدارند و باورهای‌شان را تغییر دهند و تو و آنچه را می‌پرستی رها کند؟ فرعون گفت: به زودی فرزندان پسرشان را ذبح خواهیم کرد و دختران‌شان را به منظور خدمت زنده نگه خواهیم داشت در حالی که ما بر آن‌ها مسلط خواهیم بود و آن‌ها نمی‌توانند ما را از کاری عاجز بسازند.

﴿قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِ ٱسۡتَعِينُواْ بِٱللَّهِ وَٱصۡبِرُوٓاْۖ إِنَّ ٱلۡأَرۡضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلۡمُتَّقِينَ ١٢٨﴾.

موسی ÷ زمانی که تهدید را شنید خطاب به قوم خود گفت: از خدا أ استعانت بجوئید و در راه ثبات بر دینش و در برابر آزار و اذیت دشمن از صبر کار بگیرید که زمین از آن فرعون نیست، بلکه از آن خدای یگانه است و او بندگان نیکوکار خود را در جهت سکنی گزینی در زمین قدرت می‌دهد. زمین برای کسی که از آزار و اذیت هجرت کند فراخ است و خاتمۀ نیکو و پایان ستوده همیشه از آن دوستان صادق خدا أ و حزب اوست که رستگارانند و گردش بد روزگار بر دشمنان کافرش می‌باشد.

﴿قَالُوٓاْ أُوذِينَا مِن قَبۡلِ أَن تَأۡتِيَنَا وَمِنۢ بَعۡدِ مَا جِئۡتَنَاۚ قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن يُهۡلِكَ عَدُوَّكُمۡ وَيَسۡتَخۡلِفَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرَ كَيۡفَ تَعۡمَلُونَ ١٢٩﴾.

بنی اسرائیل به موسی ÷ گفتند: ما قبل و بعد از رسالت تو از سوی فرعون و لشکریانش اذیت شدیم و عذاب بر ما زیاد شد و تمام حیله‌ها بر ما محدود گردید. موسی ÷ خطاب به آن‌ها گفت: امیدوارم خدای‌تعالی دشمن‌تان فرعون و مددگارانش را نابود کند و شما را در زمین قدرت دهد تا شما را بیازماید و ببیند چه کسی هنگام مصیبت صبر می‌کند و در رخا و آسایش شکر می‌نماید؛ زیرا عبودیت خدا أ هم در حالت شدّت است و هم در حالت آسانی.

﴿وَلَقَدۡ أَخَذۡنَآ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ بِٱلسِّنِينَ وَنَقۡصٖ مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَذَّكَّرُونَ ١٣٠﴾.

خداوند أ آل فرعون را با خشک‌سالی، کمبود باران، کمبود میوه‌ها و حبوبات از طریق آفت‌زدگی و تلف غله‌جات عذاب کرد تا آن‌ها از پروردگار خود بترسند و از گناهان خویش توبه کنند که کیفرها در واقع شلاق‌هایی است که زندگان آن را درک می‌کنند، اما کسانی که قلب‌های‌شان مرده است، پس هیچگاه زخم برای مرده مایۀ درد و رنج نیست.

﴿فَإِذَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡحَسَنَةُ قَالُواْ لَنَا هَٰذِهِۦۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةٞ يَطَّيَّرُواْ بِمُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓۗ أَلَآ إِنَّمَا طَٰٓئِرُهُمۡ عِندَ ٱللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ١٣١﴾.

پس هرگاه که به آن‌ها میوجات و نباتات و نعمت‌ها و غله‌جات برسد می‌گویند: ما مستحق چنین چیزی بودیم و از طریق سعی و تلاش خود این‌ها را به دست آوردیم، ولی هرگاه به آن‌ها مصیبت برسد، به موسی ÷ و مؤمنان همراهش بدشگونی می‌زنند در حالی که بدی اقبال‌شان بر آن‌ها نوشته و مقدر شده؛ زیرا این خدای‌تعالی است که خیر و شر را برای آن‌ها مقدر فرموده است، ولی اکثر آن‌ها نمی‌دانند که همۀ پدیده‌ها از نعمت گرفته تا نقمت به قضای و قدری محکم صورت گرفته است.

﴿وَقَالُواْ مَهۡمَا تَأۡتِنَا بِهِۦ مِنۡ ءَايَةٖ لِّتَسۡحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحۡنُ لَكَ بِمُؤۡمِنِينَ ١٣٢﴾.

اتباع فرعون به موسی ÷ گفتند: به هر اندازه که معجزه بیاوری تا ما را از دین ما باز داری و در ملت ما فریمان دهی بازهم ما بر آنچه در آن قرار داریم ثابت و استوار خواهیم بود و تو را تصدیق نخواهیم کرد. زمانی که اهل باطل در باطل خویش چنین ثابت و استوار باشند پس اهل حق بر اینکار اولی‌تر اند.

﴿فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمُ ٱلطُّوفَانَ وَٱلۡجَرَادَ وَٱلۡقُمَّلَ وَٱلضَّفَادِعَ وَٱلدَّمَ ءَايَٰتٖ مُّفَصَّلَٰتٖ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمٗا مُّجۡرِمِينَ ١٣٣﴾.

پس ما بر قوم فرعون باران بنیان بر انداز، تباهگر و تلف ساز و ملخ را فرستادیم که تمام کشتزارها و میوه‌های آن‌ها را نیست و نابود کرد، همچنانی که در اجسام‌شان شپش را قرار دادیم که اجسام‌شان را اذیت می‌کرد و قورباغه که در لابلای خانه‌های‌شان مایۀ آزارشان شده بود و خونی که آب را بر آنان فاسد کرد و زندگی را بر آنان دشوار نمود.

همۀ این کیفرها به وضوح دلالت بر قدرت خدای‌تعالی و سلطنت عظیم او می‌نماید ولی آن‌ها از جبروت کار گرفته و تکبر کردند و توبه و رجوع ننمودند؛ زیرا گرایش به جرم و جنایت در آن‌ها جای گرفته و خباثت صفتی لازم و همراه‌شان شده بود.

﴿وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيۡهِمُ ٱلرِّجۡزُ قَالُواْ يَٰمُوسَى ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَۖ لَئِن كَشَفۡتَ عَنَّا ٱلرِّجۡزَ لَنُؤۡمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرۡسِلَنَّ مَعَكَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ١٣٤﴾.

و چون خدای‌تعالی قوم فرعون را به عذاب گرفتار کرد گفتند ای موسی! خدایت را با اختصاصی که در نبوت به تو داده دعا کن تا عذاب را از ما دفع کند و ما تعهد می‌کنیم که اگر چنین شود تو را تصدیق می‌نمائیم و از تو پیروی می‌کنیم و بنی اسرائیل را از اقامت جبری در مصر رها می‌نمائیم و می‌گذاریم هرجایی که می‌خواهی آنان را با خود ببری.

این‌ها وعده‌هایی است که از سوی سرکشان هنگام سختی‌ها بروز می‌کند.

﴿فَلَمَّا كَشَفۡنَا عَنۡهُمُ ٱلرِّجۡزَ إِلَىٰٓ أَجَلٍ هُم بَٰلِغُوهُ إِذَا هُمۡ يَنكُثُونَ ١٣٥﴾.

و چون خداوند أ برای مدتی و تا هنگام فرا رسیدن موعد غرق شدن‌شان عذاب را برداشت، بازهم آن‌ها دست به خیانت در عهد و پیمان زده و قرار داد خود را شکستند و دوباره به سوی تکذیب و ممانعت از راه حق روی آوردند.

﴿فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡ فَأَغۡرَقۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡيَمِّ بِأَنَّهُمۡ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَكَانُواْ عَنۡهَا غَٰفِلِينَ ١٣٦﴾.

و چون پیمان‌شکنی نموده و به مخالفت امر پرداختند از آن‌ها گرفتیم و در دریا غرق‌شان کردیم؛ زیرا آن‌ها آیات و نشانه‌ها را تکذیب نموده و از قبول معجزات روی گردانیدند و از طاعت غافل شدند.

﴿وَأَوۡرَثۡنَا ٱلۡقَوۡمَ ٱلَّذِينَ كَانُواْ يُسۡتَضۡعَفُونَ مَشَٰرِقَ ٱلۡأَرۡضِ وَمَغَٰرِبَهَا ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَاۖ وَتَمَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ ٱلۡحُسۡنَىٰ عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ بِمَا صَبَرُواْۖ وَدَمَّرۡنَا مَا كَانَ يَصۡنَعُ فِرۡعَوۡنُ وَقَوۡمُهُۥ وَمَا كَانُواْ يَعۡرِشُونَ ١٣٧﴾.

و ما بنی اسرائیل را که مستضعف و مقهور بودند میراث بر مصر و شام ساختیم، شام که در آن با آب زیاد و میوه‌ها و درختان با کیفیت برکت نهادیم و وعدۀ خدا أ به بنی اسرائیل در نجات‌شان و هلاک فرعون و لشکریانش و جانشینی در زمین تحقق یافت، چون آن‌ها در برابر مصیبت‌ها و مشکلات صبر کردند و خدای‌تعالی فرعون و قومش را و همچنان خانه‌ها و قصرها و مسکن‌های محکم و دژهای‌شان را نابود کرد. آن‌ها از داربست‌های انگور و درختان برای خود ساختمان می‌ساختند، پس خداوند أ بناها و بوستان‌های غنی‌شان را از آنان گرفت.

﴿وَجَٰوَزۡنَا بِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡبَحۡرَ فَأَتَوۡاْ عَلَىٰ قَوۡمٖ يَعۡكُفُونَ عَلَىٰٓ أَصۡنَامٖ لَّهُمۡۚ قَالُواْ يَٰمُوسَى ٱجۡعَل لَّنَآ إِلَٰهٗا كَمَا لَهُمۡ ءَالِهَةٞۚ قَالَ إِنَّكُمۡ قَوۡمٞ تَجۡهَلُونَ ١٣٨﴾.

و برای آن‌ها عبور از کانال سوئز را به سلامتی آسان ساختیم و آن‌ها در مسیر خود به بت‌پرستان بر خورده خطاب به موسی ÷ گفتند: ای موسی! ما می‌خواهیم مانند این‌ها خدایانی داشته باشیم. موسی ÷ به آن‌ها گفت: شما واقعاً در لزوم توحید الوهیت و ربوبیت خدا و شریک نیاوردن به او جاهل و نادانید

﴿إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ مُتَبَّرٞ مَّا هُمۡ فِيهِ وَبَٰطِلٞ مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٣٩﴾.

عبادت این بت‌پرستان در زیان و عمل‌شان باطل و تلاش‌شان مردود است؛ زیرا عمل مشرک کلاً از بین می‌رود.

﴿قَالَ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡغِيكُمۡ إِلَٰهٗا وَهُوَ فَضَّلَكُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٤٠﴾.

آیا برای شما خدایی غیر از خدا بطلبم تا شما عبادتش کنید؟ آیا کسی غیر از خدا مستحق طاعت و به یگانگی پرستش کردن است؟ او کسی است که شما را بر عالمیان زمان‌تان برتری داده پس این حق اوست که به تنهائی عبادت شود.

﴿وَإِذۡ أَنجَيۡنَٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبۡنَآءَكُمۡ وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡۚ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَظِيمٞ ١٤١﴾.

و یاد آورید روزی را که خدای‌تعالی شما را از خشم فرعون و قومش بعد از اینکه به شما انواع و اقسام عذاب را چشانیدند نجات داد. آن‌ها مردان‌تان را ذبح می‌کردند و زنان‌تان را به منظور خدمت خویش زنده نگه می‌داشتند در حالی که در این نجات دادن و حمایت کردن از این همه ضرر و زیان، ابتلا و امتحانی برای شما بود تا او را در برابر نعمت‌هایش شکر کنید. و چون شما را از عذاب نجات داد همواره به یادش باشید.

﴿۞وَوَٰعَدۡنَا مُوسَىٰ ثَلَٰثِينَ لَيۡلَةٗ وَأَتۡمَمۡنَٰهَا بِعَشۡرٖ فَتَمَّ مِيقَٰتُ رَبِّهِۦٓ أَرۡبَعِينَ لَيۡلَةٗۚ وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَٰرُونَ ٱخۡلُفۡنِي فِي قَوۡمِي وَأَصۡلِحۡ وَلَا تَتَّبِعۡ سَبِيلَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ١٤٢﴾.

و ما موسی ÷ را پیش از آنکه با او سخن بگوئیم سی شب موعد دادیم تا در این شب‌ها عبادت کند و بر این سی شب، ده شب دیگر افزودیم که به این ترتیب چهل شب شد. موسی ÷ برادرش هارون ÷ را وصیت کرد تا در مدتی که او جهت سخن با خدا أ می‌رود، خلیفه‌اش در میان بنی اسرائیل باشد و به اقامۀ امور آن‌ها براساس عدالت، نرمی و اصلاح بپردازد و در انجام گناهان با آن‌ها همراهی ننموده و ارتکاب ظلم و ستم کمک‌شان نکند و یا در برابر منکرشان شکوت ننماید.

﴿وَلَمَّا جَآءَ مُوسَىٰ لِمِيقَٰتِنَا وَكَلَّمَهُۥ رَبُّهُۥ قَالَ رَبِّ أَرِنِيٓ أَنظُرۡ إِلَيۡكَۚ قَالَ لَن تَرَىٰنِي وَلَٰكِنِ ٱنظُرۡ إِلَى ٱلۡجَبَلِ فَإِنِ ٱسۡتَقَرَّ مَكَانَهُۥ فَسَوۡفَ تَرَىٰنِيۚ فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُۥ لِلۡجَبَلِ جَعَلَهُۥ دَكّٗا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقٗاۚ فَلَمَّآ أَفَاقَ قَالَ سُبۡحَٰنَكَ تُبۡتُ إِلَيۡكَ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٤٣﴾.

و چون موسی ÷ به میعادگاه آمد و خداوند أ بدون واسطه با او سخن گفت، طمع موسی ÷ در فضل الهی بیشتر شد و از خداوند أ خواست تا خود را به وی نشان دهد. خدای‌تعالی خبر داد که او هرگز نمی‌تواند او را ببیند، زیرا حق‌تعالی در دنیا دیده نمی‌شود؛ بلکه در آخرت آن‌هم فقط مؤمنان او را می‌بینند ولی موسی ÷ را امر کرد تا به سوی کوه بنگرد طوری که اگر کوه در جای خود باقی ماند او نیز می‌تواند پروردگار خود را ببیند ولی اگر کوه به خاطر تجلی خدا أ از هم فرو پاشید و متلاشی شد، از باب اولی موسی ÷ نمی‌تواند پروردگار را نظر به عظمتی که دارد ببیند. پس چون خداوند أ به کوه تجلی کرد، کوه از جایش برکند و متلاشی شد. موسی ÷ چون این صحنه هولناک را دید بی‌هوش افتاد و زمانی که به هوش آمد گفت: پروردگارا تو پاک و منزهی از اینکه در دنیا دیده شوی و من اولین کس از میان قوم خود هستم که به این امر باور دارم که تو ای خدا أ پروردگار عالمیان و خدای اولین و آخرینی.

﴿قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّي ٱصۡطَفَيۡتُكَ عَلَى ٱلنَّاسِ بِرِسَٰلَٰتِي وَبِكَلَٰمِي فَخُذۡ مَآ ءَاتَيۡتُكَ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ١٤٤﴾.

خداوند أ گفت: ای موسی! من تو را بر سائر مردم با رسالت و پیامبری برگزیدم و با سخن خویش گرامی‌ات داشتم پس تو این نعمت‌ها را توأم با شکر بپذیر و غیر از این‌ها طالب امور دیگری که طلب آن نیکو نیست مباش، اموری مانند رؤیت خدا، که تو نعمت‌های بزرگ و دست‌های سخاوتمند داری.

﴿وَكَتَبۡنَا لَهُۥ فِي ٱلۡأَلۡوَاحِ مِن كُلِّ شَيۡءٖ مَّوۡعِظَةٗ وَتَفۡصِيلٗا لِّكُلِّ شَيۡءٖ فَخُذۡهَا بِقُوَّةٖ وَأۡمُرۡ قَوۡمَكَ يَأۡخُذُواْ بِأَحۡسَنِهَاۚ سَأُوْرِيكُمۡ دَارَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ١٤٥﴾.

و ما برای موسی ÷ در تورات همه چیز اعم از ترغیب، ترهیب و احکام را نوشتیم پس تو ای موسی ÷ این احکام را با جدیت و تصمیم قاطع و تلاش و کوشش محکم بگیر و بنی اسرائیل را وصیت کن تا بهترین‌ها را از تورات بر گزینند، به عنوان مثال عفو را به جای انتقام و فروبردن خشم را به جای خشونت و مهلت دادن به کسی که در تنگنا قرار گرفته در عوض تعجیل در مؤاخذۀ او. به زودی من محل کشمکش ستمگران و دیار کفار را ظاهر خواهم ساخت تا شما از آنچه می‌نگرید عبرت بگیرید.

﴿سَأَصۡرِفُ عَنۡ ءَايَٰتِيَ ٱلَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَإِن يَرَوۡاْ كُلَّ ءَايَةٖ لَّا يُؤۡمِنُواْ بِهَا وَإِن يَرَوۡاْ سَبِيلَ ٱلرُّشۡدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلٗا وَإِن يَرَوۡاْ سَبِيلَ ٱلۡغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلٗاۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَكَانُواْ عَنۡهَا غَٰفِلِينَ ١٤٦﴾.

من حتماً فهم و درک آیات و فقه نصوص وحی را از هر متکبر، در حجاب و پرده قرار خواهم داد، بگونه‌ای که هر آیه و نشانه‌ای را مشاهده کنند و هر دلیلی بر عظمت و قدرت و حکمت خدای‌تعالی بنگرند تصدیق نخواهند کرد، و هرگاه راه رشد و هدایت را ببینند از آن روی می‌گردانند و آن را برای خود به عنوان راه برنمی‌گزینند و در مقابل، هرگاه راه سرکشی و گمراه‌گری را ملاحظه کنند آن را برای خود راه می‌گیرند، این‌ها همه روی این علت است که از آن‌ها فهم حقایق نظر به تکذیب آیات و اعراض از معجزات و غفلت، در حجاب قرار داده شده است.

﴿وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَلِقَآءِ ٱلۡأٓخِرَةِ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡۚ هَلۡ يُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٤٧﴾.

و آنانی که آیاتی را که پیامبران بر آن فرستاده شده‌اند و روز آخرت را تکذیب کنند، خداوند أ تمام حسنات آن‌ها را، مانند احترام به مهمان و یاری مظلوم و نیکی به والدین و از این قبیل، باطل می‌نماید و آن‌ها هیچگاه جزیر گناهی که کرده‌اند کیفر نمی‌بینند.

﴿وَٱتَّخَذَ قَوۡمُ مُوسَىٰ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِنۡ حُلِيِّهِمۡ عِجۡلٗا جَسَدٗا لَّهُۥ خُوَارٌۚ أَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّهُۥ لَا يُكَلِّمُهُمۡ وَلَا يَهۡدِيهِمۡ سَبِيلًاۘ ٱتَّخَذُوهُ وَكَانُواْ ظَٰلِمِينَ ١٤٨﴾.

و چون موسی ÷ به منظور مناجات عازم طور شد، بنی اسرائیل از زیورات، تندیسی به شکل گوساله ساختند که دارای صدا بود و هرگاه در آن دمیده می‌شد آواز سر می‌داد. این یک جماد گنگ بود که با آن‌ها سخن نمی‌گفت و توان ارشاد و رهنمایی آن‌ها را نداشت. آن‌ها آن را برای خود به عنوان خدا أ برگزیدند و به این ترتیب با شرک، بر خویشتن ظلم و ستم روا داشتند.

﴿وَلَمَّا سُقِطَ فِيٓ أَيۡدِيهِمۡ وَرَأَوۡاْ أَنَّهُمۡ قَدۡ ضَلُّواْ قَالُواْ لَئِن لَّمۡ يَرۡحَمۡنَا رَبُّنَا وَيَغۡفِرۡ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ١٤٩﴾.

و چون آن بت را پرستیدند و قدم به راه خطا برداشتند پشیمان شده و یقین کردند که در عمل خود دچار خطا و اشتباه شده‌اند، از این‌روی رجوع و توبه نموده گفتند: اگر خدای‌تعالی از سر تقصیرات ما در نگذرد و ما را در آنچه مرتکب شدیم نبخشد و گناهان ما را محو ننماید، حتماً از هلاک شوندگان خواهیم بود. بدی عملکرد ما موجب عذاب بزرگ از جانب پروردگار ماست.

﴿وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ غَضۡبَٰنَ أَسِفٗا قَالَ بِئۡسَمَا خَلَفۡتُمُونِي مِنۢ بَعۡدِيٓۖ أَعَجِلۡتُمۡ أَمۡرَ رَبِّكُمۡۖ وَأَلۡقَى ٱلۡأَلۡوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأۡسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُۥٓ إِلَيۡهِۚ قَالَ ٱبۡنَ أُمَّ إِنَّ ٱلۡقَوۡمَ ٱسۡتَضۡعَفُونِي وَكَادُواْ يَقۡتُلُونَنِي فَلَا تُشۡمِتۡ بِيَ ٱلۡأَعۡدَآءَ وَلَا تَجۡعَلۡنِي مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٥٠﴾.

و چون موسی ÷ از مناجات پروردگار خود فارغ شد، به سوی قومش غضبناک بازگشت، در حالی که بر گوساله‌پرستی آن‌ها حزین و غمگین بود خطاب به آن‌ها گفت: چقدر بد است این عملکرد شما که در غیاب من گوساله‌پرست شدید؟ آیا در امر پروردگار خود و میعادش که مرا براساس آن چهل روز میعاد گذاشت پیشی گرفتید و منتظر عودت من باقی نماندید و چون نیامدم غیر خدا را عبادت کردید؟ او همچنان موی سر برادرش هارون را گرفت و به شدّت کشید و او را از اینکه در برابر این عملکرد بنی اسرائیل از نرمی کار گرفته بود مورد سرزنش قرار داد. هارون خطاب به برادر گفت: ای برادر ناتنی! در حق من نرمی کن و از حلم کار بگیر که بنی اسرائیل من را تنها و ضعیف یافتند و حتی خواستند به قتل برسانند، بناء تو آن‌ها را با توهین به من خوشحال نساز که من هرگز با آن‌ها در گوساله‌پرستی اشتراک نکردم و از این عملکرد آن‌ها راضی نیز نشدم و حتی بر آن‌ها این کار را رد نموده و من از آن کاملاً بیزارم.

﴿قَالَ رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِأَخِي وَأَدۡخِلۡنَا فِي رَحۡمَتِكَۖ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١٥١﴾.

موسی ÷ گفت: پروردگارا! کاری را که در حق برادر خود انجام دادم بر من ببخش و برادرم را از کوتاهیی که انجام داده مغفرت کن و ما را تحت پوشش رحمت واسع و حلم بسیار خود قرار بده که تو مهربان‌ترین مهربانانی و گرامی‌ترین کسی هستی که از دیگران درمی‌گذرد و رحمت تو تمام زمین و آسمان را پُر نموده است.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ ٱلۡعِجۡلَ سَيَنَالُهُمۡ غَضَبٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَذِلَّةٞ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُفۡتَرِينَ ١٥٢﴾.

آنانی که گوساله را پرستش کرده‌اند خداوند أ در آخرت بر آن‌ها غضب و عذاب دردناک خود را سرازیر خواهد کرد، چنان‌چه در دنیا نیز ذلت، خواری و فرومایگی را به آنان خواهد رسانید.

مانند این کیفر تمام تکذیب‌گرانی مجازات خواهند شد که بر خدا از طریق عبادت غیر از او و یا شرک و یا توصیف او به آنچه مجاز نیست دست به تکذیب زده‌اند.

﴿وَٱلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِهَا وَءَامَنُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٥٣﴾.

و هر کس مرتکب گناهان شود و در پی آن توبه کند، خدای‌تعالی توبه‌اش را می‌پذیرد به شرط آنکه این توبه توأم با ایمان صادقانه به خدا أ پیامبران و کتاب‌هایش باشد. خداوند أ بعد از این توبه گناهان‌شان را می‌بخشد و همه را مشمول رحمت واسع خود قرار می‌دهد؛ زیرا او بسیار بخشنده و مهربان است.

﴿وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى ٱلۡغَضَبُ أَخَذَ ٱلۡأَلۡوَاحَۖ وَفِي نُسۡخَتِهَا هُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلَّذِينَ هُمۡ لِرَبِّهِمۡ يَرۡهَبُونَ ١٥٤﴾.

و چون از موسی ÷ غضب دور گشت الواح کتاب‌هایی را که در هنگامی خشم دور افگنده بود دوباره برداشت. الواحی که شامل ارشادات، موعظه‌ها، احکام تفصیلی، بشارت و رحمت واسع برای کسانی بود که از پروردگار و مولا و خدای خویش می‌ترسند.

﴿وَٱخۡتَارَ مُوسَىٰ قَوۡمَهُۥ سَبۡعِينَ رَجُلٗا لِّمِيقَٰتِنَاۖ فَلَمَّآ أَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ قَالَ رَبِّ لَوۡ شِئۡتَ أَهۡلَكۡتَهُم مِّن قَبۡلُ وَإِيَّٰيَۖ أَتُهۡلِكُنَا بِمَا فَعَلَ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَّآۖ إِنۡ هِيَ إِلَّا فِتۡنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَآءُ وَتَهۡدِي مَن تَشَآءُۖ أَنتَ وَلِيُّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَاۖ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡغَٰفِرِينَ ١٥٥﴾.

و موسی ÷ از میان قوم خود هفتاد تن را برگزید تا هنگام مناجات با پروردگار با او باشند و از نزدیک صداقتش را مشاهده کنند و در جریان حالش قرار گیرند. آن‌ها چون با او آمدند خواهان مشاهدۀ خدا أ به صورت عیان و آشکار شدند، این بود که خدای‌تعالی آن‌ها را دچار زلزله و صاعقه نمود. موسی ÷ در کمال تأسف و حسرت گفت: پروردگارا! ای کاش اراده می‌فرمودی و ما را قبل از این موعد هلاک می‌کردی، اکنون در بازگشت جواب بنی اسرائیل را چه بدهم در حالی که هر هفتاد تن هلاک شده‌اند و تو ای پروردگار! ما را به سبب آنچه نادانان سرگردان ما انجام می‌دهند عذاب نکن! این یک ابتلا و آزمایش از سوی توست، این توئی که آنکه را اراده کنی هلاک و هر که را بخواهی هدایت می‌نمائی، تمام امور به دست توست، تو منزلی امور ما می‌باشی و نفع و ضرر از جانب توست، پس گناهان ما را ببخش و با رحمت واسع خود ناتوانی ما را رحم کن که تو بهترین کسی هستی که گناهان را می‌بخشی و این بخشش به خاطر این نیست که برایت نفعی دارد؛ بلکه گرامیداشت و فضلی از جانب تو می‌باشد.

﴿۞وَٱكۡتُبۡ لَنَا فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِنَّا هُدۡنَآ إِلَيۡكَۚ قَالَ عَذَابِيٓ أُصِيبُ بِهِۦ مَنۡ أَشَآءُۖ وَرَحۡمَتِي وَسِعَتۡ كُلَّ شَيۡءٖۚ فَسَأَكۡتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلَّذِينَ هُم بِ‍َٔايَٰتِنَا يُؤۡمِنُونَ ١٥٦﴾.

و برای ما ای پروردگار خیر بسیار را اعم از سلامتی، ثروت، عزّت و عمل صالح مقدر کن و در آخرت نیز برای ما بهشت، رحمت و مغفرت گناهان را قرار بده! ما به سوی تو در حالی بازگشتیم که توبه می‌نمائیم و بر عملکرد خود سخت پشیمانیم.

خدای‌تعالی خطاب به موسی ÷ گفت: این عذابی که با آن بنی اسرائیل را عذاب نموده و آنان را گرفتار زلزله کرده‌ام با آن تمام گناهکارانی را که بخواهم مجازات می‌کنم و رحمت من شامل همۀ امور مکلفان و دیگران می‌شود.

این همان رحمت واسعی است که بر غضب اوتعالی پیشی گرفته و او مهربانترین مهربانان است. خدای‌تعالی آن را برای کسانی که تقوایش را از طریق اجرای فرامین و اجتناب از نواهی رعایت کنند و از شرک و گناهان کبیره دوری گزینند مقدر می‌نماید، آنانی که زکات فرضی اموال خود را ادا می‌نمایند و با آن خویشتن را از پلیدی‌های حسی و ارواح خود را از گناهان پاک می‌کنند، آنانی که آیات الهی را تصدیق نموده و پیام آوران الهی را تکذیب نمی‌نمایند.

﴿ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلۡأُمِّيَّ ٱلَّذِي يَجِدُونَهُۥ مَكۡتُوبًا عِندَهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ يَأۡمُرُهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَىٰهُمۡ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنۡهُمۡ إِصۡرَهُمۡ وَٱلۡأَغۡلَٰلَ ٱلَّتِي كَانَتۡ عَلَيۡهِمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَٱتَّبَعُواْ ٱلنُّورَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٥٧﴾.

این‌ها کسانی‌اند که به پیامبر معصومی که خدای‌تعالی او را شرف رسالت بخشیده و با نبوت و پیامبری گرامی داشته و با عصمت تأییدش کرده است اقتدا می‌کنند. این پیامبر، امی و ناخوان است و توان خواندن و نوشتن را ندارد تا از این طریق اعجاز وی کامل‌تر شود.

احوال این پیامبر نزد یهودیان در تورات و نزد نصرانیان در انجیل نوشته شده و او پیروان خود را به انجام تمام خوبی‌هایی دعوت می‌کند که بر آن فطرت سالم و عقل صریح و نقل صحیح دلالت می‌نماید و آن‌ها را از هر منکر و کار بدی که طبیعت بد برد و شرائع حرام کند برحذر می‌دارد و نهی می‌کند و برای آن‌ها انواع خوراکی‌ها، نوشیدنی‌ها و لباس‌های خوب را و همچنان هر حلال لذت بخشی که نجس، مضر و بد نیست حلال می‌نماید و هر زشت و نجس را خواه در مأکولات باشد یا مشروبات و پوشیدنی‌ها که طبیعت سالم از آن بد می‌برد حرام می‌نماید.

او همچنان از پیروان خود تمام اوامر سخت و شدیدی که موجب در تنگنا قرار گرفتن آن‌ها می‌شود و تمام احکامی را که سبب مشقت شخص می‌شود و در شرائع معمول بوده برمی‌دارد. پس آنانی که تصدیقش کنند و از ایشان پیروی نموده و به آنچه فرستاده شده ایمان آورند و یاریش دهند و به او توقیر و احترام داشته در کنارش جهاد کنند و به هدایتی که بر آن از قرآن و سنّت مبعوث شده هدایت شوند، این‌ها کسانی هستند که در دنیا و آخرت رستگار شده و به هدایت و استقامت و بهشت و رضوان الهی به سعادت رسیدند.

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ جَمِيعًا ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ فَ‍َٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِ ٱلنَّبِيِّ ٱلۡأُمِّيِّ ٱلَّذِي يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَكَلِمَٰتِهِۦ وَٱتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ١٥٨﴾.

ای پیامبر! برای همۀ مردمان بگو: همانا خداوند أ ما را به سوی ثقلین یعنی جن و انس و به سوی تمام بشر فرستاده پس مخاطب من در این دعوت تمام انسان‌هاست و خدایی که من را فرستاده تنها او مستحق عبادت است؛ زیرا پادشاه آسمان‌ها و زمین و متصرف و مدبر آن‌ها اوست و ملکیت او کامل می‌باشد و تنها او مستحق الوهیت است.

خدای‌تعالی کسی است که از عدم ایجاد می‌کند و خلایق را می‌آفریند و سپس آن‌ها را فنا می‌نماید. او پروردگاری است که دارای صفات ربوبیت می‌باشد، پس حق او این است که عبادت و پرستش شود و بر شما لازم است تا آنچه را خدا نازل نموده و پیامبرش را بر آن فرستاده، پیامبری که خدای‌تعالی او را با نبوت گرامی داشته تصدیق کنید، خدایی که او را امی که توان خواندن و نوشتن ندارد قرار داده تا معجزه به گونه‌ای تمام‌تر کامل باشد.

این پیامبر به تمام کلمات شرعیی که خدا أ نازل نموده باور دارد، بنابراین بر شما لازم است تا او را تصدیق کنید و به امتثال اوامرش بپردازند و به او اقتدا نموده و از سنّت مطهرش پیروی کنید که رستگاری دنیا و آخرت در این است، این همان رستگاری بزرگی است که شما را به رضوان الهی و رحمت و بهشتش رهنمون می‌گردد.

﴿وَمِن قَوۡمِ مُوسَىٰٓ أُمَّةٞ يَهۡدُونَ بِٱلۡحَقِّ وَبِهِۦ يَعۡدِلُونَ ١٥٩﴾.

و گروهی بزرگ از امّت موسی ÷ هستند که به سوی خیر رهنمون می‌شوند و به معروف امر و از منکر نهی می‌کنند و بر حق همواره استواراند و بر مبنای آن سخن می‌گویند و حکم و عمل می‌کنند پس اجر آن‌ها بر خداست.

﴿وَقَطَّعۡنَٰهُمُ ٱثۡنَتَيۡ عَشۡرَةَ أَسۡبَاطًا أُمَمٗاۚ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ إِذِ ٱسۡتَسۡقَىٰهُ قَوۡمُهُۥٓ أَنِ ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡحَجَرَۖ فَٱنۢبَجَسَتۡ مِنۡهُ ٱثۡنَتَا عَشۡرَةَ عَيۡنٗاۖ قَدۡ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٖ مَّشۡرَبَهُمۡۚ وَظَلَّلۡنَا عَلَيۡهِمُ ٱلۡغَمَٰمَ وَأَنزَلۡنَا عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰۖ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡۚ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ١٦٠﴾.

و خدای‌تعالی بنی اسرائیل را به دوازده پُشت تقسیم کرد. منظور از «سبط» که در آیه آمده نوادۀ پسری یا دختری است و از لحاظ معنی به مفهوم قبیله نزدیک است. خداوند أ آن‌ها را به این اقسام تقسیم نمود و به سوی موسی ÷ هنگامی که قومش از او طالب آب شدند وحی کرد و امر فرموده تا با عصای خود بر سنگ بکوبد. چون موسی ÷ با نام خدا أ چنین کرد، از سنگ دوازده چشمه به تعداد پشت‌های مذکر انفجار کرد تا هر پشت چشمۀ مخصوص خود را بشناسد و از آن آب برگیرد و به این ترتیب ازدحام و خصومت کم گردد و تا این گروه‌ها از هم متمایز شوند.

آن‌ها از این آب سرد نوشیدند و خدای‌تعالی به آن‌ها سایۀ فرح بخشی را از طریق سایه گستردن ابر ارزانی داشت و از گرمی نجات داد و برای آن‌ها طعامی از «انگبین» که عبارت از حلواست و «سلوی» که نوعی پرندۀ چاق است آماده فرمود و امرشان کرد تا از روزی خدای حلال و پاکیزۀ خدای‌تعالی بخورند و شکرش را برجای آورند و کفران نعمت نکنند ولی آن‌ها نعمت خدای را رد نموده، احسان و معروفش را انکار و از امرش نافرمانی نمودند. خدای‌تعالی فرود: آن‌ها با این گناهان بر ما ظلم و ستم نکردند؛ زیرا برای خدای‌تعالی معصیت هیچ گنهکاری ضرری ندارد، ولی آن‌ها بر خویشتن ظلم نمودند، پس به زودی خدای‌تعالی بر آن‌ها عذاب خویش را نازل خواهد کرد.

﴿وَإِذۡ قِيلَ لَهُمُ ٱسۡكُنُواْ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةَ وَكُلُواْ مِنۡهَا حَيۡثُ شِئۡتُمۡ وَقُولُواْ حِطَّةٞ وَٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ سُجَّدٗا نَّغۡفِرۡ لَكُمۡ خَطِيٓـَٰٔتِكُمۡۚ سَنَزِيدُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٦١﴾.

و ای پیامبر! روزی را یادآور که خطاب به بنی اسرائیل گفتیم داخل بیت المقدس شوید و از پاکیزه‌هایی که خدای‌تعالی بر شما حلال نموده بخورید و روزی‌اش را بپذیرید و از پروردگار خود مغفرت بخواهید و بگوئید ای پروردگار گناهان ما را از ما فرو گذار و در برابر او سجدۀ شکر ادا کنید که اگر چنین کنید خدای‌تعالی گناهان و خطاهای شما را می‌بخشد و عیب‌های‌تان را مستور می‌دارد و از بدی‌های‌تان درمی‌گذرد و اگر کسی از شما نیکوکار باشد خداوند أ با این استغفار در درجاتش می‌افزاید و به او حسنات بیشتری را می‌نویسد.

﴿فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ قَوۡلًا غَيۡرَ ٱلَّذِي قِيلَ لَهُمۡ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَظۡلِمُونَ ١٦٢﴾.

ولیکن نظر به خباثت و طبیعت زشتی که داشتند کلمه‌ای را که خدای‌تعالی آن‌ها را امر کرده بود تا بگویند، تغییر داده و در عوض «حطه» «حنطه في شعره / گندمی در موی» گفتند و در این تغییر خویش ظلم نموده و از حد تجاوز کردند. این بود که خدای‌تعالی بر آن‌ها عذابی را از آسمان و غضب نابود کننده و پلیدی بنیان برانداز به سبب گناهان‌شان و مخالفت از امر خدا أ نازل کرد.

﴿وَسۡ‍َٔلۡهُمۡ عَنِ ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلَّتِي كَانَتۡ حَاضِرَةَ ٱلۡبَحۡرِ إِذۡ يَعۡدُونَ فِي ٱلسَّبۡتِ إِذۡ تَأۡتِيهِمۡ حِيتَانُهُمۡ يَوۡمَ سَبۡتِهِمۡ شُرَّعٗا وَيَوۡمَ لَا يَسۡبِتُونَ لَا تَأۡتِيهِمۡۚ كَذَٰلِكَ نَبۡلُوهُم بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ ١٦٣﴾.

و ای پیامبر! از ذریۀ این یهودیان دربارۀ آنچه بر قریۀ «ایلات» واقع ساحل دریای سرخ نازل شده سوال کن هنگامی که از حدود خدا أ تجاوز کردند در حالی که اوتعالی آن‌ها را از شکار در روز شنبه نهی فرمود ولی آن‌ها در روز شنبه دست به شکار زدند. این در حالی بود که به عنوان ابتلای الهی ماهی‌ها در روز شنبه که آن‌ها از شکار در آن نهی شده بودند می‌آمدند و چون روز شنبه به پایان می‌رسید در سایر روزها ماهی‌ها جمع نمی‌شدند. این یک امتحان بزرگ در حق آن‌ها بود؛ چون از خدا أ و اوامرش نافرمانی نموده و به مخالفت امر پیامبر ج پرداختند این بود که خداوند أ این بلای بزرگ را بر آن‌ها نازل فرمود.

﴿وَإِذۡ قَالَتۡ أُمَّةٞ مِّنۡهُمۡ لِمَ تَعِظُونَ قَوۡمًا ٱللَّهُ مُهۡلِكُهُمۡ أَوۡ مُعَذِّبُهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدٗاۖ قَالُواْ مَعۡذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ ١٦٤﴾.

و گروهی که آنان را موعظه می‌کرد و از اصلاح آن‌ها ناامید شده بود خطاب به گروهی که هنوز آن‌ها را موعظه می‌نمود و به معروف امر و از منکر نهی می‌کرد گفتند: چرا این‌ها را نصیحت می‌کنید در حالی که خدای‌تعالی بر آن‌ها هلاکت را مقدر نموده است چون آن‌ها به مخالفت امر او پرداختند، پس مصلحتی در نصیحت آن‌ها و خیری در موعظۀ آن‌ها نیست، چون آن‌ها در معرض فنا، نابودی و عذاب شدید قرار دارند. گروه نصیحتگر گفتند: ما آن‌ها را نصیحت می‌کنیم تا نزد پروردگار خویش عذر داشته باشیم و با آن‌ها شریک نگردیم و ای بسا که خدای‌تعالی به موعظۀ ما آن‌ها را اصلاح می‌سازد، امید است خداوند أ آن‌ها را به واسطۀ نصیحت ما هدایت کند.

این یکی از مقاصد و اهداف نصیحت است که واجب می‌باشد اگرچه نصیحتگر بر عدم انتفاع آنکه نصیحت می‌شود اطمینان داشته باشد.

﴿فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِۦٓ أَنجَيۡنَا ٱلَّذِينَ يَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلسُّوٓءِ وَأَخَذۡنَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ بِعَذَابِۢ بَ‍ِٔيسِۢ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ ١٦٥﴾.

و چون سرکشان این قریه اعراض نموده و به مخالفت امر خدا أ پرداختند و به موعظه‌های موعظه‌گران گوش فرا ندادند، خدای‌تعالی نصیحتگران‌شان را خواه آنانی که از نصیحت ناامید شده بودند یا آنانی که برکار خود دوام دادند نجات داد و سرکشان را هلاک و توسط عذابی دردناک و شدید نابود نمود چون آن‌ها به مخالفت امر خدای خود پرداخته و از طاعت اوتعالی خارج شده بودند.

﴿فَلَمَّا عَتَوۡاْ عَن مَّا نُهُواْ عَنۡهُ قُلۡنَا لَهُمۡ كُونُواْ قِرَدَةً خَٰسِ‍ِٔينَ ١٦٦﴾.

و چون این‌ها دست به تکبر زده و از حد تجاوز کردند و از امر خدا أ اعراض نموده مرتکب گناهان شدند، خدای‌تعالی آن‌ها را مسخ نمود و چهره‌های‌شان را به شکل بوزینگان و در نهایت ذلّت و حقارت در آورد و از رحمت خود طرد و از رضوان خود دور نمود. این کیفر کسانی است که به مخالفت امر خدا أ بپردازند و نهیش را مرتکب شود.

﴿وَإِذۡ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبۡعَثَنَّ عَلَيۡهِمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَن يَسُومُهُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِۗ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ ٱلۡعِقَابِ وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٦٧﴾.

و یادآور ای پیامبر هنگامی را که پروردگارت به گونۀ واضح و آشکار اعلان نمود که تا روز قیامت حتماً بر یهود کسانی را مسلط خواهد کرد که آن‌ها را خوار و ذلیل کند، چون آن‌ها با شریعت خدا أ مخالفت نمودند و خدای‌تعالی به کسانی که از او نافرمانی می‌کنند، بسیار سریع کیفر می‌دهد و او بخشنده است و از گناهان کسانی که از او اطاعت کنند درمی‌گذرد و کسانی را که به او روی آورند رحم می‌نماید و توبۀ کسانی را که به او رجوع کنند می‌پذیرد.

﴿وَقَطَّعۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ أُمَمٗاۖ مِّنۡهُمُ ٱلصَّٰلِحُونَ وَمِنۡهُمۡ دُونَ ذَٰلِكَۖ وَبَلَوۡنَٰهُم بِٱلۡحَسَنَٰتِ وَٱلسَّيِّ‍َٔاتِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ١٦٨﴾.

و ما یهودیان را در زمین پراکنده ساختیم، پس سرزمینی نیست که خالی از یهودیان باشد. برخی از این‌ها برگزیدگانی هستند که بر شریعت استقامت ورزیده و به رسالت ایمان آوردند و برخی دیگر کفار بدکاری‌اند که از طاعت الهی خارج شدند.

همچنان خدای‌تعالی آن‌ها را به انواع و اقسام مصیبت‌ها و نعمت‌ها و ترس و امنیت و سختی و آسانی امتحان نمود تا آن‌ها به مراجعۀ نفس‌های خود بپردازند و به سوی پروردگار خود بازگردند و به سوی خالق خود توبه کنند.

﴿فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ خَلۡفٞ وَرِثُواْ ٱلۡكِتَٰبَ يَأۡخُذُونَ عَرَضَ هَٰذَا ٱلۡأَدۡنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغۡفَرُ لَنَا وَإِن يَأۡتِهِمۡ عَرَضٞ مِّثۡلُهُۥ يَأۡخُذُوهُۚ أَلَمۡ يُؤۡخَذۡ عَلَيۡهِم مِّيثَٰقُ ٱلۡكِتَٰبِ أَن لَّا يَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّ وَدَرَسُواْ مَا فِيهِۗ وَٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ١٦٩﴾.

پس بعد از این اقوام، ذریه وجانشینان بدی آمدند که علم و دانش تورات را به ارث برده ولی در احکام، رشوت گرفتند و درامد حرام خوردند و بر حرام تعامل نمودند و آیات و نشانه‌های الهی را مقابل بهره‌ای اندک و زودگذر از دنیا تحریف نموده و براساس آرزو‌های باطل خویش گفتند: خدای‌تعالی بر ما خواهد بخشید. و اینگونه هرگاه مال حرام دیگری نزد آن‌ها بیاید آن را نیز می‌خورند و باز بر خدا أ آروزهای باطل خویش را مبنی بر مغفرت تکرار می‌نمایند در حالی که خدای‌تعالی از آن‌ها در تورات تعهد گرفته بود که جز صدق و راستی چیزی دیگر بر زبان نیاورند و جز براساس حقیقت حکم نکنند. آن‌ها تورات را خواندند و فهمیدند و دانستند و براساس علم، از خدا أ نافرمانی کردند. بدانید که آخرت و نعمت‌هایش که دائمی، مستمر و جاودانه‌تر است از این دنیای زودگذر و متاع زائل و فانی بهتر است و آنانی که دین خویش را می‌فروشند و در بدل آن آیات و نشانه‌های اندکی را به خاطر دنیای خود می‌خرند، به زودی به اضمحلال و نابودی کشانیده خواهند شد.

﴿وَٱلَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِٱلۡكِتَٰبِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُصۡلِحِينَ ١٧٠﴾.

اما آنانی که به اوامر کتاب‌های منزل از جانب خدا أ التزام دارند و به آن عمل می‌کنند و بر نماز در اوقات آن دوام داده و بر اموری که نماز به سوی آن از اوامر و دوری از نواهی امر می‌کند محافظت می‌نمایند، این‌ها صالحان و مصلحان‌اند و خدای‌تعالی هیچگاه ثواب و پاداش مصلحان را ضایع نمی‌سازد و سعی و تلاش‌شان را باطل نمی‌نماید و به زودی اجر و پاداش‌شان را حفظ می‌نماید پس آن‌ها خودشان صالح و در حق دیگران مصلح‌اند.

﴿۞وَإِذۡ نَتَقۡنَا ٱلۡجَبَلَ فَوۡقَهُمۡ كَأَنَّهُۥ ظُلَّةٞ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُۥ وَاقِعُۢ بِهِمۡ خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ وَٱذۡكُرُواْ مَا فِيهِ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٧١﴾.

و یادآور روزی که کوه را بر بالای سَر بنی اسرائیل بلند کردیم گویا که ابری سایه دار بود و آن‌ها را تهدید نمودیم که اگر به اوامر خدا التزام نداشته باشند و به عهد و پیمان وفادار نباشند و آنچه را از رسالت که نازل کردیم به جدیت و توأم با عزم و عمل نگیرند و آنچه در تورات است را یاد نیاورده و به آن عمل نکنند این کوه بر آن‌ها فرود خواهد آمد. تا این تهدید آن‌ها را بر تقوای الهی از طریق انجام اوامر و اجتناب نواهی وا دارد.

﴿وَإِذۡ أَخَذَ رَبُّكَ مِنۢ بَنِيٓ ءَادَمَ مِن ظُهُورِهِمۡ ذُرِّيَّتَهُمۡ وَأَشۡهَدَهُمۡ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ أَلَسۡتُ بِرَبِّكُمۡۖ قَالُواْ بَلَىٰ شَهِدۡنَآۚ أَن تَقُولُواْ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنۡ هَٰذَا غَٰفِلِينَ ١٧٢﴾.

و آنگاه که خدای‌تعالی از اصلاب بنی آدم ذریۀشان را که در قرن‌های متوالی توالد و تناسل می‌کنند بیرون کرد و از آن‌ها در اثبات ربوبیت خود براساس آنچه در فطرت آن‌ها به ودیعه نهاده بود و اینکه او خالق و مالک آن‌هاست تعهد گرفت و آن‌ها گفتند بلی ما بر این امر اقرار و اعتراف داریم. این به خاطر آنکه خدای‌تعالی بندگان خود را بر فطرت دین حنیف و برابر قرار داده است، ولی این فطرت گاهی دستخوش تغییر و تحول می‌شود به خصوص هنگامی که بر آن عقاید فاسد چیره شود، خدای‌تعالی بر آن‌ها این حجّت و برهان را اقامه نمود تا به انکار روز قیامت نپردازند و گمان ننمایند که حجّت خدای بر آن‌ها اقامه نشده و آن‌ها علم ندارند و از آن غافل‌اند، امروز از آن‌ها حجّت منقطع شده و حجّت بالغه برای خدای یگانه و قهار برپاست.

﴿أَوۡ تَقُولُوٓاْ إِنَّمَآ أَشۡرَكَ ءَابَآؤُنَا مِن قَبۡلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةٗ مِّنۢ بَعۡدِهِمۡۖ أَفَتُهۡلِكُنَا بِمَا فَعَلَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ١٧٣﴾.

یا بگوئید آنانی که شرک ورزیدند پدران مایند و ما بعد از آن‌ها آمده و در مسیر آن‌ها گام برمی‌داریم و از آن‌ها پیروی نموده و به آن‌ها اقتدا کردیم و ما حق را از باطل و صواب را از خطا باز نمی‌شناسیم پس تو ای پروردگار چگونه ما را به سبب آنچه پدران ما انجام داده‌اند عذاب می‌نمائی، این آن‌ها بودند که شرک به تو را سنّت نهادند و ما نمی‌دانیم و نظری نداریم.

﴿وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ وَلَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ١٧٤﴾.

و آنگونه که پیمان گذشته را بیان کردیم آیات و نشانه‌های واضح و معجزات ظاهر و آشکار را بیان می‌کنیم تا اهل فطرت سالم و بینش مستقیم در آن تدبر کنند و تا از شرک توبه نموده مجدداً به سوی توحید بازگردند و به خدای یگانه ایمان آورند.

﴿وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ ٱلَّذِيٓ ءَاتَيۡنَٰهُ ءَايَٰتِنَا فَٱنسَلَخَ مِنۡهَا فَأَتۡبَعَهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَكَانَ مِنَ ٱلۡغَاوِينَ ١٧٥﴾.

و بر آن‌ها ای محمد ج داستان آن مرد را بگو که به او دانشی از انبیا را که اوتعالی در کتاب‌های خود نازل نموده دادیم. او از علمای بنی اسرائیل (بلعم باعورا) بود که عمل به آیات الهی را ترک کرد و از آن‌ها بیزاری جست این بود که شیطان بر او تسلط پیدا کرد و قرینش شد. او از شیطان پیروی می‌کرد و به او اقتدا می‌نمود و به این ترتیب از جملۀ رؤسای گمراهی و از پیشوایان سرکش و از جملۀ بزرگ‌ترین مفسدان شد.

﴿وَلَوۡ شِئۡنَالَرَفَعۡنَٰهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُۥٓ أَخۡلَدَ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُۚ فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ ٱلۡكَلۡبِ إِن تَحۡمِلۡ عَلَيۡهِ يَلۡهَثۡ أَوۡ تَتۡرُكۡهُ يَلۡهَثۚ ذَّٰلِكَ مَثَلُ ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَاۚ فَٱقۡصُصِ ٱلۡقَصَصَ لَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ١٧٦﴾.

و اگر خدای‌تعالی ارادۀ رفعت و بلندی درجه را در حقش می‌نمود حتماً او را گرامی می‌داشت آنگونه که به علم خود عمل می‌کرد و از آیات پروردگار پیروی می‌نمود و به هدایتش هدایت می‌شد. ولی او از هوای نفس اماره به بدی پیروی کرد و دنیا را بر آخرت ترجیح داد و به آن دل بست و این متاع زائل و بی‌بها را بر نعمت ماندگار و همیشگی بهشت برتری داد. پس مثل و حالت او مانند مثل و حالت سگی است که اگر او را زجر نمائی زبان از کام برمی‌آورد و اگر رها کنی بازهم زبان از کام برمی‌آورد، پس او در هر حالی و برای همیشه در مشقت قرار دارد و به دنبال شهوات خود می‌دود. این مثل و حالت فرمایه و خسیس مثل و حالت قومی از یهودیان و نصرانیان و مشرکانی است که آیات خدا أ را بعد از اینکه برای آن‌ها واضح شده که از جانب خداست تکذیب می‌کنند. پس بر تو لازم است تا مردم را به این مثال‌ها خبر دهی و بر آن‌ها این داستان‌ها را بر خوانی تا مایۀ عبرت و موعظه باشد شاید که آن‌ها تفکر و تدبر کنند.

﴿سَآءَ مَثَلًا ٱلۡقَوۡمُ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَأَنفُسَهُمۡ كَانُواْ يَظۡلِمُونَ ١٧٧﴾.

چقدر این وصف و مثل بد است، مثل آنانی که آیات خدا را تکذیب نموده و رسالتش را انکار کردند و با پیامبرانش جنگیدند، این‌ها کسانی‌اند که با تکذیب رسالت بر خویشتن ظلم نموده و خود به علت کفر سبب نزول عذاب بر خویشتن شدند.

﴿مَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِيۖ وَمَن يُضۡلِلۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ١٧٨﴾.

کسی را که خدای‌تعالی او را به سوی خیر، ایمان و عمل صالح توفیق دهد رهیاب حقیقی است و هر که را خوار و ذلیل سازد و به راه برابر هدایت نکند چنین کسی حقیقتاً دچار خسارت و زیان کامل شده است.

﴿وَلَقَدۡ ذَرَأۡنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِۖ لَهُمۡ قُلُوبٞ لَّا يَفۡقَهُونَ بِهَا وَلَهُمۡ أَعۡيُنٞ لَّا يُبۡصِرُونَ بِهَا وَلَهُمۡ ءَاذَانٞ لَّا يَسۡمَعُونَ بِهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ كَٱلۡأَنۡعَٰمِ بَلۡ هُمۡ أَضَلُّۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡغَٰفِلُونَ ١٧٩﴾.

و محققاً که ما بسیاری از جنیات و انسان‌ها را برای آتش آفریدیم. برای این‌ها قلب‌هایی است که با آن حق را نمی‌فهمند و دلائل را درک نمی‌کنند و متون شرعی را نمی‌بینند. برای آن‌ها چشم‌هایی است که با آن قدرت، وحدانیت و موعظه را توأم با قبول نمی‌شنوند. در عملکرد این‌ها تدبر کنید!! این‌ها در بهره نبردن از حواس و اعضای خویش مانند چهارپایان و حتی بدتر از آن‌هایند؛ زیرا چهارپایان به اندازۀ توانی که خدای‌تعالی به آن‌ها داده نفع و ضرر خود را می‌دانند ولی این‌ها نمی‌توانند بین حق و باطل تمیز کنند و این‌ها از آیات خدای‌تعالی روی‌گردان و در لهو لعب قرار دارند.

﴿وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَاۖ وَذَرُواْ ٱلَّذِينَ يُلۡحِدُونَ فِيٓ أَسۡمَٰٓئِهِۦۚ سَيُجۡزَوۡنَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٨٠﴾.

برای خدای‌تعالی نود و نُه نام نیکوست که آن‌ها و برخی دیگر را برای خود به عنوان نام برگزیده است. واجب و لازم این است که خداوند أ با این نام‌ها خوانده و با او مناجات شود و این نام‌ها تحریف نشود. چنان‌چه هیچگاه نباید با نام‌هایی خوانده شود که خودش دلیلی بر آن نه در کتاب و نه در سنّت نازل ننموده است چون اسم‌های توقیفی است.

همچنان واجب و لازم است تا کسانی که از این اسم‌ها به سوی دیگری تمایل می‌کنند و یا در آن‌ها دست به الحاد و تحریف می‌زنند و یا خدای را به غیر نام‌های شرعی‌اش نام می‌نهند، عقاب و کیفرشان در پیشگاه خدا أ این باشد که سزای وصف و افترای خود را دریابند.

﴿وَمِمَّنۡ خَلَقۡنَآ أُمَّةٞ يَهۡدُونَ بِٱلۡحَقِّ وَبِهِۦ يَعۡدِلُونَ ١٨١﴾.

و از امت‌ها و مردمی که خدای‌تعالی خلق کرده گروه بسیاری بر خیر، هدایت و بینش درست قرار دارند و مردم را به سوی حق می‌خوانند و از باطل بازمی‌دارند و براساس عدالت حکم می‌نمایند و همواره در پرتو آن حرکت می‌کنند.

﴿وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا سَنَسۡتَدۡرِجُهُم مِّنۡ حَيۡثُ لَا يَعۡلَمُونَ ١٨٢﴾.

و اما آنانی که آیات شرعی خدای‌تعالی را در کتاب خود تکذیب نموده و انکار کردند و به آن کفر ورزیدند، مصیر چنین کسانی به سوی خداست و به زودی خدای‌تعالی آن‌ها را آهسته آهسته و از جهاتی که نمی‌دانند به سوی هلاکت و نابودی می‌کشاند و تدریجاً با نعمت‌هایی که بر آن شکر نکردند به سوی مهلکه‌ها و انتقام‌های پنهان در نعمت و مشقت‌های پوشیده در بخشش‌ها سوق می‌دهد که کید پروردگار متین و محکم است.

﴿وَأُمۡلِي لَهُمۡۚ إِنَّ كَيۡدِي مَتِينٌ ١٨٣﴾.

و خدای‌تعالی آن‌ها را به خاطر تدبیری بزرگ، پنهان، محکم و قوی مهلت می‌دهد و عذاب را از آن‌ها به تأخیر می‌اندازد که اوتعالی در هلاک دشمنان خود وسائلی دارد که عقل در آن دچار حیرت و ذهن در شگفت می‌شود و خیال به آن راه ندارد. از این‌روی کید او قوی و محکم طوری که بشر در برابر آن هیچ توانی ندارد.

﴿أَوَلَمۡ يَتَفَكَّرُواْۗ مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٌ ١٨٤﴾.

آیا غفلت نموده و در حال پیامبر ما تکفر نکردند؟ پیامبری که او را متهم به جنون نمودند در حالی که او هرگز دچار جنون نبود. او نیست مگر بیم دهنده‌ای که شریعت خدا أ را برای آن‌ها بیان می‌کند و آن‌ها را از عذاب خدا و کیفر او برحذر می‌دارد.

﴿أَوَلَمۡ يَنظُرُواْ فِي مَلَكُوتِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٖ وَأَنۡ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَدِ ٱقۡتَرَبَ أَجَلُهُمۡۖ فَبِأَيِّ حَدِيثِۢ بَعۡدَهُۥ يُؤۡمِنُونَ ١٨٥﴾.

چرا این‌ها در اجرام آسمان‌ها و زمین و این بنای بزرگ، زیبا و ضخیم تفکر و نظر نمی‌کنند و در تمام آنچه خدای‌تعالی از آیات و نشانه‌های واضح بر قدرت خود نازل نموده است در حالی که امکان دارد اجل آن‌ها نزدیک و پایان کار آن‌ها در شُرُف وقوع باشد؟ چرا این‌ها به مراجعه خویشتن نمی‌پردازند؟ اگر آن‌ها به این کتاب بزرگ، معجزه و جاودان ایمان نمی‌آورند پس به چه سخنی بعد از آن ایمان می‌آورند و چه سخنی را امکان دارد تصدیق کنند و از آن اثر پذیرند.

﴿مَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُۥۚ وَيَذَرُهُمۡ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ١٨٦﴾.

کسی را که خداوند أ توفیق هدایت ندهد هیچ توفیق دهنده و مرشدی برای او نیست. چنین کسی خوار و هلاک شده است و خدای‌تعالی دشمنان خود را در گمراهی و حیرت‌شان سرگردان می‌گزارد، در چنین حالی هیچ هدایتگری برای آن‌ها نیست که هدایت‌شان کند و هیچ نصیحت و موعظه‌ای نیست که به حال آن‌ها نفعی داشته باشد.

﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَاۖ قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ رَبِّيۖ لَا يُجَلِّيهَا لِوَقۡتِهَآ إِلَّا هُوَۚ ثَقُلَتۡ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَا تَأۡتِيكُمۡ إِلَّا بَغۡتَةٗۗ يَسۡ‍َٔلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنۡهَاۖ قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ ٱللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ١٨٧﴾.

کفار از تو ای محمد سوال می‌کنند که قیامت چه وقت واقع می‌شود و موعد انتهای جهان چه وقت است؟ برای آن‌ها بگو علم قیامت از جملۀ اسراری است که جز خدای‌تعالی هیچ‌کس بر آن آگاهی ندارد. او هیچ‌کس را نه ملائکۀ مقرب و نه پیامبران را در جریان آن قرار نداده است و بر آن هیچ‌کس جز خدای‌تعالی اطلاع ندارد و او قیامت را مگر هنگام فرا رسیدن آن برملا نمی‌سازد.

قیامت در آسمان‌ها و زمین عظیم و بزرگ است و از جملۀ برزگترین نشانه‌ها و شگفت‌انگیزترین امور است و جز به صورت ناگهان فرا نمی‌رسد و هیچ‌کس نمی‌داند قیامت چه وقت فرا می‌رسد. این کفار از تو در این خصوص سوال می‌کنند گویا که تو دربارۀ امور قیامت کار می‌کنی و از آن سوال می‌نمائی و اخبارش را می‌دانی و بر علاماتش احاطه داری!! به آن‌ها خبر بده که علم آن نزد خدای‌تعالی است و جز او کسی دیگر آن را نمی‌داند ولی این جهال نمی‌دانند که تنها خداوند أ می‌داند و آن‌ها در شک خویش متردد اند طوری که برخی منکر و برخی مشکوک‌اند.

﴿قُل لَّآ أَمۡلِكُ لِنَفۡسِي نَفۡعٗا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ وَلَوۡ كُنتُ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ لَٱسۡتَكۡثَرۡتُ مِنَ ٱلۡخَيۡرِ وَمَا مَسَّنِيَ ٱلسُّوٓءُۚ إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ وَبَشِيرٞ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ١٨٨﴾.

به آن‌ها ای محمد خبر بده که تو نمی‌توانی برای خویشتن نفعی را که خداوند أ اراده ننموده جلب کنی چنان‌چه نمی‌توانی ضرری را که اوتعالی اراده کرده دفع کن. حق‌تعالی مقدر کنندۀ هر نفع و ضرر است و خیر و شر به دست اوست، او کسی است که تمام امور را مقدر کرده و اگر تو امور غیب را می‌دانستی حتماً در جلب خوبی و خیر برای خویشتن، زیاد عمل می‌نمودی و بر هر امر منفعت‌آمیزی حریص بودی و از هر فرصت استفاده می‌کردی؛ زیرا تو بر مناسبت‌های امور اطلاع می‌داشتی. اگر تو غیب را می‌دانستی هرگز به تو ضرری نمی‌رسید که و همواره در حصانت قرار می‌داشتی و از ضرر برحذر بوده و دوری می‌گزیدی. ولی تو غیب را نمی‌دانی وظیفه‌ات تنها این است که سرکشان را از آتش برحذر داری و به اطاعت کنندگان بشارت بهشت را بدهی. با این حال کسانی از هشدارها و بشارت‌های تو بهره می‌برند که به تو باور دارند و از تو پیروی می‌کنند و به آنچه آورده‌ای ایمان دارند.

﴿۞هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَجَعَلَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا لِيَسۡكُنَ إِلَيۡهَاۖ فَلَمَّا تَغَشَّىٰهَا حَمَلَتۡ حَمۡلًا خَفِيفٗا فَمَرَّتۡ بِهِۦۖ فَلَمَّآ أَثۡقَلَت دَّعَوَا ٱللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنۡ ءَاتَيۡتَنَا صَٰلِحٗا لَّنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ١٨٩﴾.

و خدای‌تعالی کسی است که آدم ÷ را آفرید و از آدم ÷ حوا را تا با او انس بگیرد و آرامش یابد و چون آدم ÷ با حوا در آمیخت وی با حملی سبک باردار شد پس رفت و آمد در حالی که این حمل در داخل شکمش بود و چون حمل بزرگ شد آدم و حوا دعا نموده با خدای خویش تعهد کردند که اگر اوتعالی به آن‌ها فرزندی سالم از هرگونه نقص عنایت کند شکر او را بر این نعمت برجای آورند.

﴿فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُمَا صَٰلِحٗا جَعَلَا لَهُۥ شُرَكَآءَ فِيمَآ ءَاتَىٰهُمَاۚ فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ١٩٠﴾.

و چون خداوند أ این فرزند صالح و سالم را به آن‌ها عطا نمود او را در پی وسوسۀ شیطان عبدالحارث نام گذاشتند در حالی که عبودیت تنها برای خداست و صرف هیچ عبادتی به سوی غیر خدا مجاز نیست. خداوند از این پاک و منزه است که برایش شریکی باشد و یا دارای فرزند و ضد و سیال.

﴿أَيُشۡرِكُونَ مَا لَا يَخۡلُقُ شَيۡ‍ٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ ١٩١﴾.

چگونه مردم با خدا خدایان دیگری از بت‌ها را شریک می‌سازند در حالی که این شرکا نه چیزی را خلق می‌کنند و نه به هیچ‌کس روزی می‌دهند. آفریدگار خدای یکتاست و او سزاوار این است که عبادت شود.

آفرینش بزرگ‌ترین نشانه از نشانه‌های اوست از این‌روی هنگام ذکر الوهیت و شرک بسیار ذکر شده است.

﴿وَلَا يَسۡتَطِيعُونَ لَهُمۡ نَصۡرٗا وَلَآ أَنفُسَهُمۡ يَنصُرُونَ ١٩٢﴾.

و این بت‌ها مالک هیچ یاریی برای کسانی که آن‌ها را پرستش می‌کنند نیستند چنان‌چه نمی‌توانند از عبادت کنندگان خود ضرری را دفع و یا به آن‌ها نفعی را جلب کنند. آن‌ها توان نفع رسانی به خود را هنگام نزول عذاب ندارند. کسی که مالک چنین نصرت و یاریی است و آنکه مالک نفع و ضرر است خدای یگانه می‌باشد.

﴿وَإِن تَدۡعُوهُمۡ إِلَى ٱلۡهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمۡۚ سَوَآءٌ عَلَيۡكُمۡ أَدَعَوۡتُمُوهُمۡ أَمۡ أَنتُمۡ صَٰمِتُونَ ١٩٣﴾.

و اگر شما از این بت‌ها طالب هدایت شوید آن‌ها خود را هدایت کرده نمی‌توانند چه رسد به شما. آن‌ها چون جماد اند، نه می‌شنوند و نه می‌فهمند، خواه انسان آن‌ها را مخاطب نماید یا سکوت کند این بت‌ها آنچه به آن‌ها گفته می‌شود را نمی‌دانند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ عِبَادٌ أَمۡثَالُكُمۡۖ فَٱدۡعُوهُمۡ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٩٤﴾.

این بت‌هایی که مردم عبادت می‌کنند مخلوق اند درست همانگونه که خود مردم مخلوق اند و همه در برابر قدرت خدای‌تعالی خاضع و مملوک اویند و اگر شما در نفع و ضرر آن‌ها شک دارید از آن‌ها بخواهید تا به شما نفع برسانند یا ضرری را از شما دفع کنند آن‌هم اگر راست می‌گوئید که آن‌ها مالک چنین اموری اند و می‌توانند زنده کنند یا تأثیری دارند. به زودی خواهید دید که آن‌ها نه مالک نفع اند و نه مالک ضرر. کسی که دعا را اجابت می‌کند و ضرر و مشقت را دفع و نعمت‌ها را جلب و رخا و آسایش به ارمغان می‌آورد پروردگار زمین و آسمان است.

﴿أَلَهُمۡ أَرۡجُلٞ يَمۡشُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ أَيۡدٖ يَبۡطِشُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ أَعۡيُنٞ يُبۡصِرُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ ءَاذَانٞ يَسۡمَعُونَ بِهَاۗ قُلِ ٱدۡعُواْ شُرَكَآءَكُمۡ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ ١٩٥﴾.

آیا این بت‌هایی که به غیر از خدا عبادت نموده و در برابر آن سجده کرده‌اید آیا حیات دارند؟ آیا اعضا دارند؟ آیا وسایلی دارند که از آن‌ها در انجام امور خود استفاده کنند؟ آیا پا دارند تا به منظور برآورده ساختن نیازهای خود راه بروند؟ آیا این بت‌ها دستانی دارند تا با آن کار کنند و چیزی بستانند یا بگیرند؟ آیا چشم دارند تا با آن ببینند و چیزی را مشاهده کنند؟ آیا گوش دارند تا با آن بشنوند و نفع برند؟ بگو بت‌هایی را که شریک قرار داده‌اید بخواهید و از آن‌ها کمک بگیرید و اگر می‌خواهید و می‌توانید در حق من توطئه و دسیسه بچینید و با بجنگید و هرگز به من فرصت و مهلت ندهید و در ضرر رسانی به من تأخیر نکنید.

چنین سوال‌ها و مطالباتی در نهایت تحدی و مبارزه طلبی و اعتماد و توکل بر خدا قرار دارند؛ زیرا آن‌ها و بت‌های‌شان مالک هیچ نفع و ضرری نیستند؛ بلکه آن‌ها گمراه‌تر و ذلیل‌تر از این‌اند که بتوانند به مخالفان خود ضرر برسانند، چون آن‌ها در برابر پادشاه پادشاهان قرار دارند، خدایی که جز او خدایی نیست.

﴿إِنَّ وَلِـِّۧيَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡكِتَٰبَۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى ٱلصَّٰلِحِينَ ١٩٦﴾.

متولی امور و یاری دهنده‌ام خدای یگانه است خدایی که کتاب را نازل نموده تا هشداری به تمام جهانیان باشد و اوتعالی امور صالحان است، کسانی که شأن و اعمال‌شان اصلاح شده است.

﴿وَٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسۡتَطِيعُونَ نَصۡرَكُمۡ وَلَآ أَنفُسَهُمۡ يَنصُرُونَ ١٩٧﴾.

این بت‌هایی که به غیر از خدا می‌خوانید برای شما نه نفعی جلب می‌کنند و نه ضرری را از شما دفع می‌نمایند. این‌ها حتی نمی‌تواند خویشتن را یاری رسانند چه رسد به شما. این‌ها جماداتی‌اند خاموش و بی‌حرکت.

﴿وَإِن تَدۡعُوهُمۡ إِلَى ٱلۡهُدَىٰ لَا يَسۡمَعُواْۖ وَتَرَىٰهُمۡ يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ وَهُمۡ لَا يُبۡصِرُونَ ١٩٨﴾.

و اگر از این بت‌ها بخواهید تا هدایت شوند و شما آن‌ها را با سخنان خود مخاطب قرار دهید آن‌ها نمی‌شنود، چون سنگ‌هایی‌اند جامد، تو هنگامی که به سوی آن‌ها بنگری این‌ها به گونه‌ای شکل داده شده‌اند که گویا تو را می‌بینند در حالی که چنین نیست.

﴿خُذِ ٱلۡعَفۡوَ وَأۡمُرۡ بِٱلۡعُرۡفِ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡجَٰهِلِينَ ١٩٩﴾.

ای محمد از اخلاق مردم آنچه سهل و آسانست را برگیر و آنچه را بدون کدام سختی و مشقت کمائی کرده‌اند بپذیر بدون اینکه از آن‌ها زیاده طلبی کنی، بلکه آنچه یکی از آن‌ها به تو می‌آورد را بپذیر و آن‌ها را مکلف به امور مختلف و پراکنده نکن در حالی که از آن‌ها بیشتر از حد توان‌شان مطالبه نمائی. بر توست تا آن‌ها را به انجام هر امر نیکو و خوبی که از لحاظ عقل و شرع پسندیده است خواه از اقوال و گفتار باشد یا اعمال امر کنی که چنین با فطرت سالم و عقل صحیح موافق و از سُف‌ها، نادانان و احمقان دور است. پس با مطابق با جهل، سفاهت و نادانی‌شان تعامل نکن که تو بر هدایت مستقیمی.

﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢٠٠﴾.

هرگاه شیطان در تو به چیزی از فساد و امر به بدی وسوسه کرد، پس تو از خدا یاری بجوی و به سوی او التجا کن و از پروردگارت بخواه تا از تو مکر و وسوسۀ آن را بردارد که خدای‌تعالی دعا را می‌شنود و بر احوال و اعمال مردم آگاه می‌باشد و کافی است که او حسابگر است.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ إِذَا مَسَّهُمۡ طَٰٓئِفٞ مِّنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبۡصِرُونَ ٢٠١﴾.

اهل تقوا، آنانی که تقوای پروردگار خود را رعایت می‌کنند و از عقاب او می‌ترسند و به اوامرش عمل و از نواهی‌اش اجتناب می‌کنند هرگاه به آن‌ها وسوسه یا تکانی از سوی شیطان برسد به یاد پروردگار خود و آنچه به دشمنانش آماده نموده می‌افتند و از غفلت خویش بیدار می‌شوند و قامت خمیدۀ خود را راست می‌کند و از گناه خویش استغفار می‌طلبند. اینجاست که آن‌ها خطا و اشتباه خود را درمی‌یابند و راه برابر را می‌بینند و به رشد و عقل خویش باز می‌گردند.

﴿وَإِخۡوَٰنُهُمۡ يَمُدُّونَهُمۡ فِي ٱلۡغَيِّ ثُمَّ لَا يُقۡصِرُونَ ٢٠٢﴾.

برادران شیاطین از میان کفار و مشرکان به آن‌ها در گمراهی کمک می‌کنند یا به عبارت دیگر شیطان‌ها به کفار در شرک و فساد در روی زمین مدد می‌رسانند در حالی که آن‌ها از فسادگری و دعوت آن‌ها به سوی باطل و فرو رفتن در گمراهی دست برنمی‌دارند و در آن کوتاهی نمی‌کنند؛ بلکه همیشه غرق در اعمال زشت و بد خویش‌اند و همواره حرمت‌های خدا أ را می‌شکنند.

﴿وَإِذَا لَمۡ تَأۡتِهِم بِ‍َٔايَةٖ قَالُواْ لَوۡلَا ٱجۡتَبَيۡتَهَاۚ قُلۡ إِنَّمَآ أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ مِن رَّبِّيۚ هَٰذَا بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمۡ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٢٠٣﴾.

و اگر تو ای پیامبر به این مشرکان معجزه‌ای از آنچه طلب کرده‌اند یا آیه‌ای از آیات قرآن نیاوری آن‌ها می‌گویند چرا از جانب خود اختراع نمی‌نمائی؟ به آن‌ها پاسخ بده که تو پیامبری فرستاده شده از جانب خدا أ و بنده‌ای هستی مأمور و نمی‌توانی آیات را از جانب خود بیاوری و یا معجزات را اختراع کنی. به عنوان نشانه همین قرآن کافی است زیرا قلب‌های تاریک را روشن می‌کند و در آن براهین صادق و دلائل واضح و نوری کامل و تمام وجود دارد که بین حق و باطل و صدق و کذب تمایز قایل می‌شود و در آن هدایتی است که خدای‌تعالی با آن هر که را از بندگان خود بخواهد هدایت می‌کند و رحمتی برای کسانی است که از او پیروی می‌نمایند و به آن باور دارند و به امتثال اوامرش می‌پردازند.

﴿وَإِذَا قُرِئَ ٱلۡقُرۡءَانُ فَٱسۡتَمِعُواْ لَهُۥ وَأَنصِتُواْ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ٢٠٤﴾.

و هرگاه کتاب خدا أ در نماز و غیر نماز بر شما تلاوت شود آن را توأم با تدبر و تفکر بشنوید و به منظور فهم و تفکر بیشتر سکوت کنید و تمام مشغله‌ها را هنگام شنیدن تلاوت آن کنار بگذارید تا به رحمت خدا أ برسید و رضوان اوتعالی را به دست آورید و اوامر او را اجرا نموده و به کرمش برسید و آنچه نزد اوست را کمائی کنید؛ زیرا این کتاب راهی به سوی هر هدایت و رشدی به سوی هر فلاح و رستگاری است.

﴿وَٱذۡكُر رَّبَّكَ فِي نَفۡسِكَ تَضَرُّعٗا وَخِيفَةٗ وَدُونَ ٱلۡجَهۡرِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ ٱلۡغَٰفِلِينَ ٢٠٥﴾.

و بر توست تا در ذکر خدا مداومت کنی و در این امر با دعا، ذکر و تضرع استمرار بخشی و در ذکر خدای‌تعالی از حد وسط کار بگیر طوری که نه صدایت را بلند کنی و سبب مزاحمت به خود و دیگران واقع شدی و نه آنگونه که نه خود بشنوی و نه انسان‌های اطراف تو و بر توست تا ذکر خدای را در هر روز صبح و شام بگوئی و از کسانی که از ذکر خدا أ اعراض می‌کنند نباش، آنانی که از عبادت اوتعالی در لهو بسر می‌برند و از آیات و نشانه‌هایش باز می‌دارند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَيُسَبِّحُونَهُۥ وَلَهُۥ يَسۡجُدُونَۤ۩ ٢٠٦﴾.

و بر شماست ای مؤمنان تا به ملائکه خود را شبیه سازید که در برابر خدا و اوامرش خاضع و فروتن اند و اوتعالی را در هر وقتی یاد می‌کنند طوری که نه خسته می‌شوند و نه افترا می‌نمایند در حالی که خضوع آن‌ها تمام و خشوع‌شان کامل است و رجوع آن‌ها به سوی خداوند أ از طریق عبادت می‌باشد، پس شما نیز در طاعت و عبادت و سجدۀ خویش مانند آن‌ها باشید تا به رضوان پروردگار خود دست یابید و به رحمت مولای خویش رستگار شوید.

سورۀ انفال

مدنی است؛ ترتیب آن 8؛ شمار آیات آن 75

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡأَنفَالِۖ قُلِ ٱلۡأَنفَالُ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَصۡلِحُواْ ذَاتَ بَيۡنِكُمۡۖ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١﴾.

از تو ای محمد دربارۀ تقسیم غنائم جنگ می‌پرسند به آن‌ها خبر بده که حکم تقسیم آن نزد خدا أ و پیامبر ج است. پس بر شماست تا تقوای خدا أ و طاعت او را برجای آورید و از او بترسید و به سویش رجوع کنید تا به اصلاح امورتان بپردازد و به شما از فضل خود روزی دهد.

حق خدای‌تعالی این است که تقوایش رعایت شود و حق مردم اصلاح روابط از طریق ترک اختلاف، شقاق و دوری از بغض و کینه است. شما هر اختلافی را به کتاب خدا و سنّت پیامبرش ارجاع کنید که با اینکار طاعت خدا أ و اطاعت از پیامبر ج را تحقق می‌بخشید و هر کسی که به اصلاح آنچه بین او را خدایش و بین او و مردم است بپردازد و کتاب و سنّت را در زندگی خود حاکم کند حتماً رستگار می‌شود و خوبی دنیا و آخرت را به دست می‌آورد. این امر برای کسی است که در ایمان خود صادق و در طاعت خود اخلاص دارد.

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَإِذَا تُلِيَتۡ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتۡهُمۡ إِيمَٰنٗا وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ٢﴾.

مؤمنان کامل کسانی‌اند که قلب‌های‌شان هنگام ذکر مولای‌شان می‌ترسد و در پی سماع آیات و ایمان‌شان زیاد می‌گردد و امور خود را به پروردگار خود می‌سپارند و تنها به او اعتماد می‌کنند نه به دیگران.

این آیه دلالت بر خوف از خدا أ هنگام ذکر او دارد و اینکه ایمان کم و زیاد می‌شود و اینکه توکل از جملۀ بزرگ‌ترین اعمال و میوۀ آن عزّت و نیرومندی است.

﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣﴾.

این مؤمنان صادق کسانی‌اند که نماز را بر کامل‌ترین وجه آن و در اوقات مخصوص توأم با خشوع و آداب ادا می‌نمایند و زکات اموال خود را به مستحقان آن می‌دهند و زیادۀ روزیی را که خدای‌تعالی به آن‌ها داده صدقه می‌دهند و به این ترتیب آن‌ها هم زکات روح را که عبادت از نماز است ادا می‌کنند و هم زکات مال را.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ حَقّٗاۚ لَّهُمۡ دَرَجَٰتٌ عِندَ رَبِّهِمۡ وَمَغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٤﴾.

این مؤمنان کسانی‌اند که در ایمان خود صادق‌اند و اعمال خویش را به نیکوئی انجام می‌دهند. این‌ها کسانی‌اند که به حقیقت رسیده و بهترین راه را لازم گرفته‌اند. برای این‌ها نزد پروردگارشان منزلت‌هایی بلند و مراتب عالیۀ از احترام در سرای سلامتی و نعمت و در جوار پادشاه دانا توأم با مغفرت گناهان است و بر آن‌ها هیچ‌گونه عتاب و عقابی نیست و نه هم مؤاخذه خواهند شد. روزی آن‌ها هرگز به سختی حاصل نمی‌شود بلکه عطایی است بدون هیچ‌گونه کدورت و نعمتی است که دچار هیچ شبهه و شائبه‌ای نمی‌گردد.

﴿كَمَآ أَخۡرَجَكَ رَبُّكَ مِنۢ بَيۡتِكَ بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقٗا مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ لَكَٰرِهُونَ ٥﴾.

همانگونه که بعضی از مؤمنان از تقسیم غنائم در روز «بدر» ناخشنود شدند همانگونه بیرون شدن به جنگ را با تو بد بردند در حالی که بیرون شدنت به سوی جنگ مصلحتی است واضح و کاری است که به یقین درست بوده و رشدی است آشکار که خدای‌تعالی به آن اجازه داده و آن را دوست دارد و راه آن را به تو برگزیده است در حالی که برخی بیرون شدن به جهاد را نظر به کمی آمادگی‌ها و کمبود ابزار جنگی نمی‌پسندیدند و پیروزی را بعید می‌شمردند.

﴿يُجَٰدِلُونَكَ فِي ٱلۡحَقِّ بَعۡدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى ٱلۡمَوۡتِ وَهُمۡ يَنظُرُونَ ٦﴾.

این مؤمنان با تو در بیرون شدن به سوی «بدر» مجادله می‌کنند در حالی که این بیرون شدن کاملاً مشروع و خروجی است موفق و سفری است رهیاب. گویا آن‌ها نظر به شکی که در پیروزی دارند به سوی مرگ دفع می‌شوند در حالی که بی‌نهایت می‌ترسند و از جنگ بد می‌برند و از پیکار حذر دارند.

﴿وَإِذۡ يَعِدُكُمُ ٱللَّهُ إِحۡدَى ٱلطَّآئِفَتَيۡنِ أَنَّهَا لَكُمۡ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيۡرَ ذَاتِ ٱلشَّوۡكَةِ تَكُونُ لَكُمۡ وَيُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُحِقَّ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَيَقۡطَعَ دَابِرَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧﴾.

و یاد آورید هنگامی را که خدای‌تعالی به شما یکی از دو گروه را وعده نمود، کاروانی که از شام می‌آمد و حامل طعام بود و یا گروهی که از مکه با سلاح و امکانات نظامی می‌آمدند در حالی که شما کاروان غیر مسلح را اراده داشتید تا بدون جنگ غنیمت به دست آورید ولی خدای‌تعالی ارادۀ عزّت دین و شکست کفار و طهارت مؤمنان و نصرت پیامبر خویش و شما را نمود تا حق بر باطل و اهل آن بلند گردد و کفار ریشه‌کن شوند.

﴿لِيُحِقَّ ٱلۡحَقَّ وَيُبۡطِلَ ٱلۡبَٰطِلَ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٨﴾.

تا دین، بندگان، اولیا و دوستان خود را و همچنان رسالت پیامبرش را نصرت دهد و کفر و پیروانش را شکست دهد و خوار و ذلیل نماید، اگرچه اهل شرک و عبادت کنندگان طاغوت بد برند که کلمۀ خدا تمام و دین او یاری داده شده و حزبش غالب و دشمنش خوار و ذلیل است.

﴿إِذۡ تَسۡتَغِيثُونَ رَبَّكُمۡ فَٱسۡتَجَابَ لَكُمۡ أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلۡفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُرۡدِفِينَ ٩﴾.

و هنگامی را یاد آورید که از خدای خود به اصرار می‌خواستید تا شما را بر دشمن‌تان یاری دهد این بود که اوتعالی شما را با یک‌هزار مَلَک که از آسمان فرود آمدند یاری رسانید و این ملائکه در کنار شما با مشرکان می‌جنگیدند و پی‌درپی و در صف‌هایی محکم و به هم بسته نازل می‌شدند.

﴿وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشۡرَىٰ وَلِتَطۡمَئِنَّ بِهِۦ قُلُوبُكُمۡۚ وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ١٠﴾.

و خدای‌تعالی نزول ملائکه را جز به عنوان بشارتی بر یاری خویش نازل نکرد و تا قلب‌های شما از ترس آرام شود و تنها خدای‌تعالی یاری دهنده است نه دیگران. پس این نه شما بودید و نه ملائکه که پیروزی را مقدر کردید بلکه مالک این امر خدای‌تعالی است و جنگ شما صرفاً سبب بود است.

و خداوند أ نیرومندی است که هرگز مغلوب نمی‌شود و قهاری است که هرگز کسی نمی‌تواند با او بجنگد. اوتعالی در کارهای خود حکمت دارد و نظر به علم شامل و حکمت متناهیی که دارد هر چیزی را به جایش می‌گذارد.

این آیه بین توکل و اخذ به اسباب جمع می‌کند.

﴿إِذۡ يُغَشِّيكُمُ ٱلنُّعَاسَ أَمَنَةٗ مِّنۡهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيۡكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ لِّيُطَهِّرَكُم بِهِۦ وَيُذۡهِبَ عَنكُمۡ رِجۡزَ ٱلشَّيۡطَٰنِ وَلِيَرۡبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمۡ وَيُثَبِّتَ بِهِ ٱلۡأَقۡدَامَ ١١﴾.

و یاد آورید روزی را که خدای‌تعالی در شب «بدر» بر شما خواب را مستولی نمود تا احساس امنیت و آرامش کنید و از شما ترس و نگرانی را دور کند و بر شما ابرهایی را فرستاد که آب پاک بارید و شما با آن وضو گرفته خود را از حدث و از جنابت با غسل پاک نمودید و تا از شما وسوسۀ شیطان را دور کند و تا قلب‌های‌تان تقویت شود و ثابت قدم شده دچار ترس و وحشت نشوید و تا بعد از نزول باران قدم‌های‌تان در زمین ثابت بماند؛ زیرا اوتعالی زمین را بعد از اینکه شست بود با این باران محکم کرد و به این ترتیب قلب‌ها را با آرامش مطمئن نمود و قدم‌ها را با باران.

﴿إِذۡ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ أَنِّي مَعَكُمۡ فَثَبِّتُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ سَأُلۡقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعۡبَ فَٱضۡرِبُواْ فَوۡقَ ٱلۡأَعۡنَاقِ وَٱضۡرِبُواْ مِنۡهُمۡ كُلَّ بَنَانٖ ١٢﴾.

و یاد آورید روزی را که خدای‌تعالی به ملائکۀ خود وحی کرد که من با یاری و تأیید خود با شمایم پس مؤمنان را در میدان «بدر» بدارید و به آن‌ها مژدگانی پیروزی بر اهل کفر را بدهید و به زودی من ترس را در دل‌های کافران خواهم انداخت تا پشت به شما نموده فرار کنند. پس شمشیرهای خود را بر گردن‌های آن‌ها بگذارید تا سرهای‌شان را از تن‌هاشان جدا کنید و انگشتان‌شان را قطع کنید تا نتوانند شمشیر و نیزه به کف گیرند.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ شَآقُّواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ وَمَن يُشَاقِقِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ١٣﴾.

سبب قتل مشرکان این است که آن‌ها با خدا أ و پیامبرش جنگیدند و با دینش دشمنی نموده آیاتش را منکر شدند و هر کس با خدای یکتا و یگانه دشمنی کند و با پادشاه پادشاهان بجنگد یقیناً هلاکت، شکست و نابودی نصیبش خواهد شد که خدای‌تعالی گرفت سختی دارد و به سرعت کیفر می‌دهد و کسانی را که با او می‌جنگند خوار و ذلیل می‌سازد و هلاک می‌نماید.

﴿ذَٰلِكُمۡ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٤﴾.

ای کافران! کیفری که به شما در روز «بدر» و توسط ملائکه، مهاجران و انصار رسید عذاب دنیائی‌تان است پس آن را بچشید و جام جان کندن آن را سرکشید و برای شما در آخرت عذاب آتش توأم با غل و زنجیر و عاقبت و حالت زشت و بد است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ زَحۡفٗا فَلَا تُوَلُّوهُمُ ٱلۡأَدۡبَارَ ١٥﴾.

ای مؤمنان! هرگاه در برابر کفار صف بستید و با آن‌ها در جنگ روبرو شدید هرگز فرار نکنید و در مقابل آن‌ها شکست نخورید، بلکه بر شما لازم است تا ثابت قدم و استوار باشید و صبر کنید که پیروزی از آن شماست.

﴿وَمَن يُوَلِّهِمۡ يَوۡمَئِذٖ دُبُرَهُۥٓ إِلَّا مُتَحَرِّفٗا لِّقِتَالٍ أَوۡ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٖ فَقَدۡ بَآءَ بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأۡوَىٰهُ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٦﴾.

و هر کس از مواجهه با کفار فرار نماید و به آن‌ها پشت کند محققاً که به سوی خشم و غضب خدای جبار رجوع نموده است؛ زیرا زندگی را بر آخرت ترجیح و در وعدۀ اوتعالی شک نموده است و به دین اهانت کرده است. مگر زمانی که هدف، جنگ و گریز، جولان دادن و یورش و هجوم و فریب دشمن باشد یا اینکه قصد الحاق به گروهی دیگر از مؤمنان را داشته باشد تا در کنار آن‌ها با دشمنان بجنگد. ولی هر کس بدون عذر فرار کند جزایش آتش دوزخ است و چه بد قرارگاه است. این آتش توأم با خشم شدیدی از سوی خدا أ خواهد بود. پس بر هر مسلمان لازم است تا در برابر دشمنان ملت و در هر ساحه از ساحات جهاد علمی، فکری، ادبی وغیره از صبر و استقامت کار گیرد.

﴿فَلَمۡ تَقۡتُلُوهُمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ قَتَلَهُمۡۚ وَمَا رَمَيۡتَ إِذۡ رَمَيۡتَ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبۡلِيَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡهُ بَلَآءً حَسَنًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ١٧﴾.

شما مشرکان را با قوت و نیروی خود نکشتید، ولی این خداست که آن‌ها را با قوت و نصرتی که به شما داده کشته است. او بر هر چیزی غالب است و تو ای پیامبر هنگامی که با سنگ ریزه‌ها به سوی مشرکان پرتاب کردی تو این کار را نکردی، بلکه خدا أ کرد و این رمی بر آن‌ها واقع شد. او کسی است که مقدر نموده، کمک و تأیید کرده و یاری رسانیده و خدای‌تعالی مؤمنان را با نصرت و تأیید خود و عزّت و قدرتی که به آن‌ها در زمین داده مورد آزمایش قرار داده است.

او هر سخن می‌شنود و به هر چیزی عالم و داناست، او اقوال را می‌شنود و بر احوال علم دارد، بنابراین انتخاب و اختیار او براساس علم و تقدیرش براساس حکمت است.

این آیه دلالت بر آن دارد که وجود اسباب و وسایل تنها کافی نیست، بلکه در کنار آن لازم است تا بر خدا أ توکل صورت گیرد و از او کمک خواسته شود.

﴿ذَٰلِكُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ مُوهِنُ كَيۡدِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٨﴾.

این پیروزیی که خدای‌تعالی به شما در «بدر» ارزانی کرد به منظور امتحان مؤمنان و ابطال کافران و ناکام کردن تدبیر مشرکان صورت گرفته است.

﴿إِن تَسۡتَفۡتِحُواْ فَقَدۡ جَآءَكُمُ ٱلۡفَتۡحُۖ وَإِن تَنتَهُواْ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَإِن تَعُودُواْ نَعُدۡ وَلَن تُغۡنِيَ عَنكُمۡ فِئَتُكُمۡ شَيۡ‍ٔٗا وَلَوۡ كَثُرَتۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٩﴾.

اگر شما ای مشرکان در دعای خود قبل از «بدر» می‌خواستید تا خداوند أ سزاوارترین گروه را به نصرت خویش یاری دهد، این حکم در «بدر» اینگونه صورت گرفت که اوتعالی دوستان خود را یاری رسانید و دشمنانش را شکست داد و اهل حق را تأیید و اهل باطل را خوار و ذلیل نمود و به مؤمنان قدرت داد و کافران را توهین نمود و اگر شما از دشمنی با اسلام و از تکذیب پیامبر ج و پرستش بت‌ها دست بر دارید چنین کاری برای دنیا و آخرت شما بهتر است و اگر بر علیه دین کید و مکر کنید ما نیز بر شما با کید و مکر باز خواهیم گشت و هربار که بجنگید ما شما را تا به ابد شکست می‌دهیم و هرگز جمع شما به هر اندازه که بزرگ هم باشد نفعی به حال شما نخواهد داشت، چون خدا أ قوی و بزرگتر است و هیچ‌کس جز او شما را نصرت و یاری نمی‌رساند و حق‌تعالی همواره با دوستان مؤمن خویش با تأیید و نصرت و کمک و برابر کردن امور می‌باشد و هر که خدا أ با او باشد از کی می‌ترسد؟ و هر که خدا أ بر ضد او باشد از کی امید خواهد داشت؟

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ وَأَنتُمۡ تَسۡمَعُونَ ٢٠﴾.

ای مؤمنان! اوامر خدای را اجرا کنید و از نواهی او دوری گزینید و از پیامبرش پیروی کنید تا در هردو سرای خوشبخت و رستگار شوید و هرگز از هدایت خدا أ و پیامبرش اعراض نکنید در حالی که شما قرآن و سنّت و موعظه‌ها و نصیحت‌ها و وعده‌ها و تهدیدهایش را می‌شنوید.

﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ قَالُواْ سَمِعۡنَا وَهُمۡ لَا يَسۡمَعُونَ ٢١﴾.

و مانند کسانی نباشید که به خدا أ کفر ورزیده و ادعای شنیدن هدایتی را نمودند که اوتعالی بر پیامبران خویش نازل کرده است، حال آنکه در حقیقت توأم با قبول و پذیرش، عمل و فهم، و فقه و شناخت نشنیده بلکه سماع او مانند شنیدن چهارپایان بوده که فقط صدا و آواز را می‌شنوند، بدون اینکه فحوا و محتوا را بفهمند، آن‌ها تنها الفاظ را می‌شنوند نه معانی را.

﴿۞إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلصُّمُّ ٱلۡبُكۡمُ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡقِلُونَ ٢٢﴾.

بدترین جنبندگان روی زمین در پیشگاه خدا أ کسانی‌اند که گوش‌های‌شان از شنیدن دعوتگر حق کَر و زبان‌های‌شان از نطق راستی و صدق گنگ است، آنانی که فهمی نسبت به معانی ندارند و مقاصد را نمی‌دانند و نفع و ضرر را درک نمی‌نمایند و بین حق و باطل تمیز نمی‌کنند، پس آن‌ها مانند چهارپایان رها شده و چهارپایان سرگردان‌اند. فطرت‌های آن‌ها معکوس و چشم‌های‌شان کور شده است. جهل آن‌ها جهلی است کاملاً منطبق بر آن‌ها و نادانی‌شان در حق آن‌ها محقق است.

﴿وَلَوۡ عَلِمَ ٱللَّهُ فِيهِمۡ خَيۡرٗا لَّأَسۡمَعَهُمۡۖ وَلَوۡ أَسۡمَعَهُمۡ لَتَوَلَّواْ وَّهُم مُّعۡرِضُونَ ٢٣﴾.

و اگر خدای‌تعالی می‌دانست که این کافران هدایت را دوست دارند و آمادۀ پذیرش حق می‌باشند و فطرت‌های آن‌ها آمادۀ قبول هست، حتماً آن‌ها را به گونه‌ای می‌شنوانید که از آن نفع برند و خطاب را بفهمند و اگر در چنین حالی خداوند أ آن‌ها را می‌شنوانید و آن‌ها بازهم از ایمان بازمی‌داشتند و از هدایت به قرآن اعراض می‌کردند طبیعتاً این عمل آن‌ها بنابر سرکشی و استکبار و عناد و بدکارگی می‌بود.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسۡتَجِيبُواْ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمۡ لِمَا يُحۡيِيكُمۡۖ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَحُولُ بَيۡنَ ٱلۡمَرۡءِ وَقَلۡبِهِۦ وَأَنَّهُۥٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٢٤﴾.

ای مؤمنان در استجابت خود از خدا أ با پیروی امر و اجتناب از نهیش به نیکوئی عمل کنید و از پیامبر ج با حسن انقیاد و متابعت نیکو و اقتدا به سنتش استجابت کنید که در استجابت خدا و پیامبر زندگانی سعادتمند شما و عزّت گرانبهای‌تان است و پیروزی بزرگ و رستگاری همیشگی شما نیز در آن است؛ زیرا شما بدون این استجابت مانند مردگانی هستید ذلیل و هلاک شده و یقین داشته باشید که خدای‌تعالی توان این را دارد تا بین شما و قلب‌های‌تان تحول بخشد و در آن به گونه‌ای که بخواهد تصرف نماید و بر این اساس ایمان را از آن سلب و یقین را دور و هدایت را محو و نور را در حجاب قرار دهد، ضمن اینکه معاد نیز به سوی اوست و حساب نزد او می‌باشد تا هر کسی را مطابق عملش جزا دهد.

این امر مستوجب برحذر بودن از انحراف قلب و بیم داشتن از بازگشت به سوی دانای غیب‌هاست و بر لزوم دوری از معصیت‌ها و گناهان دلالت دارد.

﴿وَٱتَّقُواْ فِتۡنَةٗ لَّا تُصِيبَنَّ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنكُمۡ خَآصَّةٗۖ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٢٥﴾.

ای مؤمنان! از فتنه‌ای بترسید که شاید به شما به سبب کوتاهی‌تان از ابتاع و بی‌توجهی به نصیحت بر شما واقع شود و همه را دربر گیرد و ضرر آن به تمام مردم به علت فعل بدکار و سکوت بریء برسد. مانند کسی که منکری را ببیند و توان انکار آن را داشته باشد ولی این کار را انجام ندهد و به این ترتیب عموم مردم به واسطۀ گناه خواص عذاب شود و یقین داشته باشید که خداوند أ دارای عذاب بسیار شدید و عقابی نیرومند و اخذ او دردناک است و اگر قریه‌ها را بگیرد فنا می‌سازد و اگر مردم را کیفر دهد آن‌ها را نیست و نابود می‌نماید و اگر غضب کند تلف می‌کند و اگر عقاب کند هلاک می‌نماید. پس تو ای کسی که کشتی امّت را در حال غرق می‌بینی! دست گناه‌کار را بگیر ورنه تو نیز با غرق شدگان غرق می‌شوی و در آن روز هیچ بازدارنده‌ای از امر خدا أ نیست مگر کسی که خدای‌تعالی بر او رحم کند.

﴿وَٱذۡكُرُوٓاْ إِذۡ أَنتُمۡ قَلِيلٞ مُّسۡتَضۡعَفُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ ٱلنَّاسُ فَ‍َٔاوَىٰكُمۡ وَأَيَّدَكُم بِنَصۡرِهِۦ وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٢٦﴾.

و شما ای مؤمنان روزهای قبل از هجرت را یاد آورید زمانی که اندک و ذلیل بودید و از مشرکان می‌هراسیدید این در حالی بود که آن‌ها از هر طرف احاطه داشتند و بر شما اذیت، بدی و تعذیب را بسط دادند، این بود که خدای‌تعالی به شما مدینه را آماده نمود تا از شما حمایت کند و به عنوان ملجائی باشد که مشرکان را از شما باز دارد و اوتعالی شما را در «بدر» و سایر غزوات یاری رسانید و به شما روزی حلال و پاکیزه‌ای از غنائم و غیره را آماده نمود تا پروردگار خویش را با طاعت و عبادت نیکو و پیروی پیامبر ج و اجتناب از منهیات شکر کنید در حالی که یکی از ستون‌های شکر این است که انسان به یاد مشکلات پیش از نعمت بیفتد و در سختی‌ها پیش از گشایش فکر کند تا شکرش از دلش سرچشمه بگیرد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَخُونُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ وَتَخُونُوٓاْ أَمَٰنَٰتِكُمۡ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٢٧﴾.

ای مؤمنان! از طریق پیمان شکنی و ترک اوامر و ارتکاب گناهان و نقض تعهداتی که بر خود در عقاید، عبادات و معاملات لازم گرفتید به خدا أ و از طریق خارج شدن از هدایت پیامبر و دوری از سنّت ایشان و ایستادن در کنار دشمنانش به پیامبر خیانت نکنید همچنانی که نباید در امانت‌ها، حقوق، واجباب، اسرار، تعهدات و قرار دادها خیانت روا دارید در حالی که شما می‌دانید که چنین کاری حرام است و شما قصداً آن را مرتکب می‌شوید.

﴿وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَأَوۡلَٰدُكُمۡ فِتۡنَةٞ وَأَنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥٓ أَجۡرٌ عَظِيمٞ ٢٨﴾.

و یقین داشته باشید که اموال و اولادتان مایۀ ابتلا و آزمایشی از جانب خداست تا واضح شود چه کسی طاعت و مراد خدای‌تعالی را بر مراد، مال و اولاد خود ترجیح می‌دهد و تا ظاهر گردد چه کسی امور دوست داشتنی خدا را بر امور دوست داشتنی خود مانند مال و فرزند مقدم می‌دارد؛ زیرا فرزند مایۀ جبن و بزدلی و مایۀ بخل است و امساک در مال به سبب محبت فرزند بروز می‌کند. فرزند مایۀ غم و اندوه است و فقدان او انسان را غمگین می‌سازد چنان‌چه مال نیز سبب بسیاری از فتنه‌ها و معصیت‌ها و عُجب است و آنچه نزد خدای‌تعالی از پاداش و ثواب توأم با نعمت ماندگار در بهشت نعمت و در روز قیامت است از تمام اموال و اولادی که آن‌ها را بر طاعت خدا و رضوان او ترجیح می‌دهید و عبادت خدا را به سبب آن ضایع می‌سازید بهتر است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَتَّقُواْ ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّكُمۡ فُرۡقَانٗا وَيُكَفِّرۡ عَنكُمۡ سَيِّ‍َٔاتِكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۗ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٢٩﴾.

ای مؤمنان! اگر طاعت خدای را با انجام طاعات و عبادات و ترک گناهان رعایت کنید اوتعالی در قلب‌های شما نوری را روشن می‌کند که با آن می‌توانید حق را بشناسید و از آن پیروی و باطل را درک کنید و از آن اجتناب نمائید و از طریق بصیرت نافذ و نیروی ادراک و توان تمییز بتوانید بین خیر و شر تفاوت قایل شوید؛ زیرا فاجر و بدکار، دارای قلبی کور است و نظر به تراکم گناهان بر قلبش، فهم او در حجاب و پرده قرار دارد.

با تقوا خدای‌تعالی گناهان را محو می‌کند و از آنچه گذشته و گام انسان به خطا رفته و موجب ندامت شده درمی‌گذرد و خطاها را پنهان می‌دارد، چون اوتعالی دارای عطای جزیل است و عطایش عمومی و نعمت‌هایش بزرگ است.

﴿وَإِذۡ يَمۡكُرُ بِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيُثۡبِتُوكَ أَوۡ يَقۡتُلُوكَ أَوۡ يُخۡرِجُوكَۚ وَيَمۡكُرُونَ وَيَمۡكُرُ ٱللَّهُۖ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلۡمَٰكِرِينَ ٣٠﴾.

و یاد آور ای پیامبر روزی را که گمراهان قریش در حق تو دسیسه چیده و اراده داشتند که یا تو را حبس کنند و یا بکشند و یا از خانه و کاشانه‌ات بیرون کنند در حالی که حبس، اخراج از وطن و اعدام از جملۀ شدیدترین عذاب‌ها و بدترین اذیت‌هاست. کفار قریش در حق پیامبر اسلام ج این دسیسه‌ها را چیدند و در خفا حیله و برنامه ریختند ولی خدای‌تعالی باطل کنندۀ مکر و حیلۀ آن‌هاست که او بهترین کسی است که سنجش می‌کند و قهر می‌نماید و او کسی است که اگر بجنگد غالب می‌شود و دشمنش خوار و ذلیل است و خصمش هلاک می‌باشد.

﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا قَالُواْ قَدۡ سَمِعۡنَا لَوۡ نَشَآءُ لَقُلۡنَا مِثۡلَ هَٰذَآ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٣١﴾.

و هرگاه تو ای محمد بر مشرکان آیات کتاب خدا را می‌خوانی آن‌ها می‌گویند آنچه خواندی شنیدیم و آنچه تلاوت کردی شناختیم، در آنچه تلاوت نمودی چه چیزی مایۀ تعجب و شگفتی است؟ این سخن و خرافات گذشتگان است. آن‌ها در این ادعای خود دروغ می‌گفتند و ادعا می‌کردند که ما می‌توانیم مانند و شبیه آن سخن بگوئیم و قرآن سخنی کاملاً عادی است. این‌ها در این ادعای خود سرکش بوده می‌خواستند مانع راه خدا أ شوند.

﴿وَإِذۡ قَالُواْ ٱللَّهُمَّ إِن كَانَ هَٰذَا هُوَ ٱلۡحَقَّ مِنۡ عِندِكَ فَأَمۡطِرۡ عَلَيۡنَا حِجَارَةٗ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ أَوِ ٱئۡتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٖ ٣٢﴾.

و یادآور ای محمد این گفتۀ مشرکان را که در دعای خود می‌گفتند: ای خدا! اگر این قرآن که محمد آورده حق است پس برما سنگ‌هایی از آسمان نازل کن تا ما را هلاک کند. آن‌ها این سخن را از روی تمسخر و استهزا می‌گفتند و آن را بعید و دور می‌دانستند و در ضمن هدف‌شان تحدی و به مبارزه طلبی نیز بود. آن‌ها سپس گفتند یا ما را به عذابی از نوعی دیگر عذابی کن. این سخن، سخن کسی است که به کیفر الهی استخفاف می‌کند و از مکر خدا خود را در امان می‌داند و به آیات الهی استهزا می‌نماید.

آنچه به آن وعده داده شده بودند تحقق یافت.

﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمۡ وَأَنتَ فِيهِمۡۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمۡ وَهُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ ٣٣﴾.

و خداوند أ نمی‌خواهد در حالی آن‌ها را هلاک کند که تو در میان آن‌ها هستی، چون اوتعالی می‌خواهد تو را از خلال چنین کاری گرامی دارد، پس تو سبب امان آن‌ها از عذاب خدای دیان است.

علت دوم این امان این است که آن‌ها هنگام طواف به دور خانۀ کعبه می‌گویند «غفرانك».

حالا سبب اول امان یعنی وجود پیامبر ج برداشته شده و هر کسی که می‌خواهد از غضب و خشم خدای جبار در امان و از هلاکت به دور باشد و از آتش دوزخ نجات یابد و دارای بهرۀ نیکو از قبیل صحت، اولاد، مال و باران گردد پس باید که استغفار کند.

﴿وَمَا لَهُمۡ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ ٱللَّهُ وَهُمۡ يَصُدُّونَ عَنِ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ وَمَا كَانُوٓاْ أَوۡلِيَآءَهُۥٓۚ إِنۡ أَوۡلِيَآؤُهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٤﴾.

چه خصوصیتی در آن‌ها وجود دارد تا خدای‌تعالی عذاب را از آن‌ها باز دارد در حالی که مستحق چنین عذابی‌اند و چرا آن‌ها را بر عملکردشان عذاب نکند، در حالی که اهل اسلام را از داخل شدن به مسجد الحرام مانع می‌شوند. به هیچ وجه درست نیست چنین کسانی متولیان حرم و امانت نگهداران خانۀ خدا باشند به خصوص در حالتی که به خدا أ شرک می‌ورزند و پیامبرش را تکذب می‌کنند. کسی مستحق تولیت خانۀ خداست که به اوتعالی ایمان داشته باشد و از پیامبرش پیروی و با هدایت او رهیاب شود و اوامرش را اطاعت و از نواهی‌اش اجتناب کند چنین کسی مستحق سرپرستی وعده‌داری شرف رعایت خانۀ کعبه است.

﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمۡ عِندَ ٱلۡبَيۡتِ إِلَّا مُكَآءٗ وَتَصۡدِيَةٗۚ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ٣٥﴾.

نماز مشرکان در حرم جز دست زدن و شیپور نواختن چیز دیگری نبود. در چنین کارهایی نه عبادت خداست و نه طاعتی مشروع و نه سنتی پیروی شده، تمام این‌ها گمراهی، نادانی و سفاهت است. پس ای دشمنان خدا أ عذاب اوتعالی را در دنیا با کشته شدن، اسارت، شکست و کیفر بچشید و در آخرت با آتش و غضب خدای جبار. این‌ها کفر شما و پیامد جنگ شما با دوستان خداست.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ لِيَصُدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيۡهِمۡ حَسۡرَةٗ ثُمَّ يُغۡلَبُونَۗ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحۡشَرُونَ ٣٦﴾.

کفار اموال خود را به منظور جنگ با خدا از طریق ممانعت مردم از داخل شدن به دینش و آزار و اذیت بندگان و فساد و تباهی‌گری در زمین به مصرف می‌رسانند و گمان می‌کنند که این کار، آن‌ها را یاری می‌رساند و نفعی به حال‌شان دارد، در حالی که همۀ این‌ها مایۀ پشیمانی، خواری، آتش و عار دنیا و آخرت است و به زودی خواهند دانست این اموال نفعی به حال آن‌ها نداشته بلکه به زودی شکست خواهند خورد و در آخرت نیز به سوی آتش سوق داده می‌شوند.

پس هر کس مال خود را در حرام و امور فحشا و گناهان به مصرف برساند در دنیا با انواع و اقسام مصیبت‌ها از قبیل بیماری، و با و کدورت مبتلا می‌شود و در آخرت برای چنین کسانی بر عملکرد گناه آلودشان عذابی است دردناک.

﴿لِيَمِيزَ ٱللَّهُ ٱلۡخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِ وَيَجۡعَلَ ٱلۡخَبِيثَ بَعۡضَهُۥ عَلَىٰ بَعۡضٖ فَيَرۡكُمَهُۥ جَمِيعٗا فَيَجۡعَلَهُۥ فِي جَهَنَّمَۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٣٧﴾.

و خدای‌تعالی این کار را انجام می‌دهد تا بین اهل حق و اهل باطل تفاوت ایجاد شود. اوتعالی اراده دارد تا اهل باطل را گفتار زشت و اعمال باطل و علوم فاسد و اموال حرام‌شان روی یکدیگر بگذارد و سپس همه را در آتش دوزخ بیندازد و حقیقتاً که این‌ها زیانکارانی‌اند که زندگی در سایۀ نعمت ماندگار را از دست داده و از همه شدیدتر عذاب می‌شوند.

﴿قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِن يَنتَهُواْ يُغۡفَرۡ لَهُم مَّا قَدۡ سَلَفَ وَإِن يَعُودُواْ فَقَدۡ مَضَتۡ سنّت ٱلۡأَوَّلِينَ ٣٨﴾.

ای محمد ج! برای کسی که به خدا کفر ورزیده بگو اگر آن‌ها شرک را ترک کنند و داخل اسلام شوند خدای‌تعالی گناهان گذشتۀشان را می‌بخشد. این عمل خدا أ مبتنی بر رحمت وسیع و عفو اوست، چون او توبه را بر دشمنان خو عرضه داشته تا آن‌ها را از این طریق به سوی دین ترغیب کند، ولی اگر آن‌ها دوباره به جنگ با مسلمانان بازگردند و به پروردگار عالمیان کفر ورزند، در چنین حالتی روش خدا در تعامل با دشمنانش کاملاً واضح و آشکار است، چنان‌چه این روش در امت‌های سابق، گذشته و در میان آن‌ها با تباهی و ویرانی و تعذیب تبلور یافته است.

﴿وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ كُلُّهُۥ لِلَّهِۚ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ٣٩﴾.

ای مسلمانان! با مشرکان تا زمانی بجنگید که شأن و شوکت آن‌ها بشکند و سلاح‌های‌شان نابود گردد و جمع‌شان شکست بخورد و تا نیرویی که با حق بجنگد و یا گروهکی که در برابر دین بایستد وجود نداشته باشد و تا تمام عبادت‌ها از آن خدای متعال قرار گیرد و هیچ‌کس جز او پرستش نشود و هیچ حکمی جز حکم او نافذ نگردد و زندگی کلاً اسلامی شود.

و هرگاه اهل باطل از جنگ با اسلام خودداری نموده و سلاح خود را کنار بگذارند و دشمنی را ترک کنند در چنین حالی خدای‌تعالی اعمال آن‌ها را می‌داند و اگر راست بگویند و ایمان بیاورند خداوند به آن‌ها ثواب و پاداش می‌دهد، ولی اگر بر کفر خویش اصرار ورزند حتماً به آن‌ها کیفر می‌دهد.

این آیه دلالت بر باز بودن دروازۀ رجا و امید برای هر گمراه دارد تا به سوی رحمت پروردگار خویش بازگردد.

﴿وَإِن تَوَلَّوۡاْ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَوۡلَىٰكُمۡۚ نِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ ٤٠﴾.

و اگر کفار از پذیرش حق ابا ورزند و از توبه و پشیمانی اعراض کنند، بدانید که خدا أ با یاری و نصرت خود با شماست و به زودی آن‌ها را محو می‌کند؛ زیرا کسی که خدای‌تعالی دوست او باشد از هیچ چیزی نمی‌هراسد که او در مشکلات بهترین کمک کننده و در امور مهم برترین وکیل و در تمام مشکلات بسنده است و چه نیکو یاری دهنده‌ای است که پیامبرش را بر دشمنانش یاری می‌دهد و بهترین کمک کننده در حالت فتنه و مصیبت است. با برکت است اسم او و مقدس است عظمتش و هر که ارادۀ ولایتش را دارد باید که در طاعت اوتعالی اخلاص داشته باشد و هر کس نصرت و یاری او را دوست دارد باید که از امر اوتعالی اطاعت کند.

﴿۞وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا غَنِمۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُۥ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ إِن كُنتُمۡ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا يَوۡمَ ٱلۡفُرۡقَانِ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٤١﴾.

و ای مسلمانان بدانید که اموال غنیمت در پنج دسته تقسیم می‌شوند. چهار قسمت آن از آن مجاهدان و قسمت پنجم از آن خدا أ و پیامبرش ج و مصالح عمومی مسلمین است.

چهار قسمت متذکره به این صورت خواهد بود که یک قسمت از نزدیکان پیامبر از بنی هاشم و بنی مطلب است و سهمی برای ایتام، سهمی برای فقرا و سهمی دیگر برای مسافری است که از سفر خویش بازمانده است.

کسی چنین تقسیم می‌کند که به آنچه از جانب خدا أ آمده باور و ایمان دارد و به قرآنی که در روز «بدر» نازل شده نیز ایمان دارد، روز بدر که خداوند أ بین دوستان و دشمنانش تفریق و تمایز ایجاد کرد، روزی که گروه مسلمان با گروه کافر وارد جنگ شدند.

و خدای‌تعالی بر هر چیز قادر و تواناست و از جملۀ قدرت او یکی هم این است که او شما را با وجود تعداد اندکی که بودید بر کفار با وجود آنکه بسیار بودند پیروز گردانید و شما را عزّت بخشید و آن‌ها را ذلیل ساخت و شما را بر آن‌ها طوری مسلط کرد که برخی از آن‌ها را اسیر گرفتید و برخی دیگر را کشتید.

﴿إِذۡ أَنتُم بِٱلۡعُدۡوَةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُم بِٱلۡعُدۡوَةِ ٱلۡقُصۡوَىٰ وَٱلرَّكۡبُ أَسۡفَلَ مِنكُمۡۚ وَلَوۡ تَوَاعَدتُّمۡ لَٱخۡتَلَفۡتُمۡ فِي ٱلۡمِيعَٰدِ وَلَٰكِن لِّيَقۡضِيَ ٱللَّهُ أَمۡرٗا كَانَ مَفۡعُولٗا لِّيَهۡلِكَ مَنۡ هَلَكَ عَنۢ بَيِّنَةٖ وَيَحۡيَىٰ مَنۡ حَيَّ عَنۢ بَيِّنَةٖۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ٤٢﴾.

و یاد آورید روز «بدر» را هنگامی که شما در قسمت پائین مدینه اردو زده بودید و کفار در قسمت دورتر اردو زده بودند در حالی که کاروان ابی‌سفیان پائین‌تر از محلی که شما بودید قرار داشت و اگر بین شما و کفار موعدی برای مبارزه تعیین می‌شد شما از این موعد تخلف می‌ورزیدید، از این‌روی مواجهۀ شما با کفار به همان صورتی تحقق پذیرفت که خدای‌تعالی اراده نمود بود. و اوتعالی شما را بدون وعده و قرار به هم رسانید و رو در رو کرد تا آنچه را برای شما در خصوص پیروزی بر کفار مقدر نموده بود تحقق یابد و آن‌ها را خوار و ذلیل سازد.

این تقدیر الهی از این‌روی بود که تا کافر اگر کافر می‌شود بعد از اقامۀ برهان کافر شود و مؤمن اگر ایمان می‌آورد بعد از وضوح حجّت ایمان آورد و خدای‌تعالی همۀ اقوال را می‌شنود، هم مخفی را و هم آشکار را و تمام افعال را نیز می‌داند چه در خفا انجام شود و یا در انظار عامه. و او براساس سمع و علم خود تقدیر نیکو نموده و قضا و تدبیر خود را به محکمی و استواری به انجام رسانیده است. او عواقب و مصیر هر کس را می‌تواند و هر که را خواست نصرت داد و آنکه را اراده نمود به حکمت خود خوار و ذلیل نمود.

﴿إِذۡ يُرِيكَهُمُ ٱللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلٗاۖ وَلَوۡ أَرَىٰكَهُمۡ كَثِيرٗا لَّفَشِلۡتُمۡ وَلَتَنَٰزَعۡتُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ سَلَّمَۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٤٣﴾.

و از نعمت‌های خدا أ بر تو ای پیامبر یکی هم این است که اوتعالی لشکر مشرکان را پیش از معرکۀ «بدر» در خواب تو اندک جلوه داد از این‌روی شما در مصاف با آن‌ها علاقمند و در جنگ با آن‌ها حماسی شُدید و اگر خدای‌تعالی آن‌ها را در خواب شما بسیار جلوه می‌داد و تو مسلمانان را در جریان این امر قرار می‌دادی یقیناً تردید می‌کردند و در مسألۀ جنگ با آن‌ها دچار تفرقه و اختلاف می‌شدند ولی خداوند أ شما را از شکست نجات داد و از ذلیل شدن حفظ نمود و حتی شما را با نصرت و یاری خود تأیید نمود و لشکرش را نازل کرد و در پی این امور بود که پیروزی به دست آمد و خدای‌تعالی به آنچه دل‌ها پنهان می‌دارند داناست از این‌روی قضای او براساس علم و تقدیرش براساس حکمت بود و او هر مسأله‌ای را فرا خور حالش مقدر نموده و هر چیزی را در جایش گذاشته است.

﴿وَإِذۡ يُرِيكُمُوهُمۡ إِذِ ٱلۡتَقَيۡتُمۡ فِيٓ أَعۡيُنِكُمۡ قَلِيلٗا وَيُقَلِّلُكُمۡ فِيٓ أَعۡيُنِهِمۡ لِيَقۡضِيَ ٱللَّهُ أَمۡرٗا كَانَ مَفۡعُولٗاۗ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ٤٤﴾.

و یاد آورید روزی را که در «بدر» با کفار مصاف دادید و لشکر کفار در نظر و دیدگان شما اندک جلوه‌گر شد و شما در نبرد با آن‌ها تشویق شدید، چنان‌چه تعداد شما نیز در نظر مشرکان اندک جلوه داده شد و آن‌ها نیز در مصاف با شما حماسی شدند و اگر شما را زیاد می‌دیدند حتماً فرار می‌کردند، زیرا خداوند أ اراده داشت تا این معرکه واقع شود تا دوستان خود را یاری و دشمنانش را شکست دهد و دین خود را غالب گرداند و باطل و اهلش را خوار و ذلیل کند، پس پاک و منزه است خدایی که هرگاه چیزی را اراده کند اسباب و وسایلش را آماده می‌نماید تا امر خدا أ و قضا و قدرش تحقق یابد و تنها به سوی خدای‌تعالی عواقب تمام امور و مصادر اعمال باز می‌گردد و او هر کسی را مطابق عملش خواه بد باشد یا خوب جزا می‌دهد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا لَقِيتُمۡ فِئَةٗ فَٱثۡبُتُواْ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٤٥﴾.

ای کسانی که به آنچه خدای‌تعالی نازل نموده و به پیامبر و وعد و عیدهایش باور دارید هرگاه با کفار در میدان معرکه روبرو شدید بر شماست تا ثابت و استوار باشید و صبر کنید تا خداوند أ وعدۀ خود را در نصرت شما تحقق بخشد و از زیاد گفتن ذکر خدا أ استعانت بجوئید که ذکر اوتعالی بهترین کمک و توشه و قوی‌ترین سلاح و ابزار و برترین آمادگی برای جهاد به شمار می‌رود؛ زیرا با ذکر خدا أ رحمت نازل می‌شود و برکات الهی انسان را می‌پوشاند. با ذکر، صبر و شکر رستگاری بزرگ به دست می‌آید.

در یادآوری از ذکر در اینجا این نکته نهفته است که انسان همواره هنگام مشکلات به یاد دوستان و احباب خود می‌افتد و شکی نیست که بزرگ‌ترین دوست یک انسان مؤمن، خدای‌تعالی و بزرگ‌ترین عمل ذکر و سخت‌ترین آن جهاد است، از این‌روی مناسب این است که ذکر یاد گردد، چون کاری است سهل و آسان و دارای فوائد و عوائد نیکوست و اگر ذکر نفعی هم نمی‌داشت همینقدر کافی بود. ذکر کنندگان کسانی‌اند که از دیگران به رستگاری دنیا و آخرت پیشی می‌جویند.

﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَنَٰزَعُواْ فَتَفۡشَلُواْ وَتَذۡهَبَ رِيحُكُمۡۖ وَٱصۡبِرُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ٤٦﴾.

و بر شماست تا طاعت خدا أ و پیامبرش را از طریق امتثال اوامر و اجتناب از نواهی لازم گیرید و هرگز اختلاف نکنید که نیرو، توان و هیبت شما از بین می‌رود و از پیروزی و ظفر یافتن بر دشمن محروم می‌شوید و بر شماست تا در سختی‌ها صبر کنید و مشکلات را تحمل نمائید که خدای‌تعالی صبر کنندگان را به کمک و تأیید خود تأیید می‌کند و آن‌ها را با پیروزی خود گرامی می‌دارد.

این آیه دلالت بر آن دارد که طاعت خدا و پیامبر و همچنان با جماعت مسلمانان بودن سبب قوت و نیرومندی و راهی به سوی رستگاری و پیروزی است و اینکه اختلاف و چند دستگی سبب ناکامی و شکست می‌شود.

﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بَطَرٗا وَرِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ ٤٧﴾.

و ای مؤمنان! از این برحذر که مانند مشرکان شوید، آنگاه که از مکه به سوی بدر در نهایت تکبر، فخر فروشی و جبروت و در حالت قدرت‌نمائی بیرون شدند تا مدح و ستایش شوند و مردم را از اسلام باز دارند و خدای‌تعالی به همۀ آنچه انجام داده‌اند عالم و داناست و بر تمام آنچه می‌کنند اطلاع دارد. او تمام اعمال و گفتار آن‌ها را در کتابی خاص آمار گرفته تا به شدیدترین کیفرها برسند و سخت‌ترین عذاب را بچشند.

﴿وَإِذۡ زَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ ٱلۡيَوۡمَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَإِنِّي جَارٞ لَّكُمۡۖ فَلَمَّا تَرَآءَتِ ٱلۡفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّنكُمۡ إِنِّيٓ أَرَىٰ مَا لَا تَرَوۡنَ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَۚ وَٱللَّهُ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٤٨﴾.

و یاد آورید روزی را که شیطان، جنگ با اهل ایمان را در نظر بت‌پرستان نیکو بیناند بر مکر و حیله به آن‌ها وعدۀ نصر و پیروزی داد و تعداد افراد و قوت‌شان را در نظر آن‌ها بسیار جلوه‌گر کرد طوری که گمان کردند او آن‌ها را از دشمنان‌شان حفظ می‌کند و هنگام ملاقی‌شان یاری می‌رساند، ولی زمانی که مؤمنان و مشرکان روی در روی قرار گرفتند شیطان پیمان خود را شکست و بر خلاف وعده‌ای که به آنان مبنی بر یاری رسانیدن به آن‌ها داده بود عمل کرد و پا به فرار گذاشت و ناامید و متواری گشت و گفت من شما را یاری نمی‌رسانم و نمی‌توانم در کنار شما باشم، من ملائکه‌ای نیرومند، استوار و دارای شدّت عمل می‌بینم که هیچ‌کس توان نبرد با آن‌ها را ندارد من از این می‌هراسم که خدای‌تعالی عذاب خود را بر من از هر طرف احاطه سازد و هلاکم کند که اوتعالی دارای کیفر و عقاب شدید است و هرگز مغلوب نمی‌شود، او دارای عذاب قویی است که هرگز گسی با او جنگیده نمی‌تواند.

این آیه دلالت بر آن دارد که راه شیطان مبتنی بر نیکو جلوه دادن امور خطا و خوش‌نما ساختن گمراهی است و اینکه هرگاه بنده‌ای را در ورطه‌ای قرار دهد او را به حال خودش رها می‌نماید از این‌روی بر بنده لازم است تا از تلبیس او برحذر باشد و از مخفی‌کاری‌های شیطان احتیاط کند.

﴿إِذۡ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَٰٓؤُلَآءِ دِينُهُمۡۗ وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٤٩﴾.

و یاد آورید روزی را که منافقان و انسان‌های شک‌مند گفتند: این مؤمنان به دین خویش فریب خورده و غره شده و گمان کردند که پیروز خواهند شد در حالی که آن‌ها ذلیل، اندک و ضعیف‌اند. خدای‌تعالی به آن‌ها چنین خبر داد که هر که بر خدا أ اعتماد و توکل کند و امور خود را به او بسپارد، خداوند أ او را یاری می‌رساند و عزّت و قدرت می‌دهد و دشمنش را دچار شکست می‌نماید، اگرچه نسبت به دشمن ضعیف‌تر و اندک‌تر هم باشد. چرا که خدای‌تعالی نیرومندی است که مغلوب نمی‌شود، او کسی را که از درگاهش طالب کمک شود یاری می‌رساند و کسی را که بر او توکل کند تأیید می‌کند. اوتعالی حکیمی است که در بهترین وجه به تدبیر امور می‌پردازد و راهش به محکمی و استواری منتهی می‌شود.

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ يَتَوَفَّى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَضۡرِبُونَ وُجُوهَهُمۡ وَأَدۡبَٰرَهُمۡ وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ٥٠﴾.

و تو ای مسلمان اگر شاهد کفار هنگامی باشی که در سکرات مرگ قرار می‌گیرند و ملائکه ارواح‌شان را توأم با خشونت قبض می‌نمایند و آن را به قوت می‌کشند و روی‌ها و پشت‌های‌تان را با پاره آهن‌ها به منظور تعذیب و تذلیل بیشتر می‌کوبند و در کمال اهانت و تحقیر به آن‌ها می‌گویند: عذاب شعله‌ور و سوزنده و دوزخ افروخته را بچشید تا کیفری در بدل اعمال بد و کفر آمیز و تکذیبگرانۀ شما باشد.

﴿ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيۡسَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ٥١﴾.

عذابی که به کفار از قبیل زدن بر روی و پشت می‌رسد، به سبب کفرشان به خدا أ و تکذیب پیامبر و جنگ با دوستان خدا أ و مانع شدن از راه حق می‌باشد و اوتعالی هرگز بر آن‌ها ظلم ننموده که آن‌ها را بی‌جهت و بدون گناه عذاب کند، بلکه آن‌ها مستحق این کیفر هستند و خداوند أ هیچگاه بر بندگان خود ظلم نمی‌نماید بلکه با فرستادن پیامبران و انزال کتاب‌های آسمانی و واضح ساختن برهان بر آن‌ها اقامه حجّت می‌کند و اینطور نبوده که آن‌ها را مهمل و سر به خود بگذارد، بلکه برای آن‌ها حق را از باطل بیان نموده و سپس آن‌ها را عادلانه جزا داده است.

﴿كَدَأۡبِ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيّٞ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٥٢﴾.

عادت این مشرکان مانند عادت قوم فرعون و کسانی است که پیش از آن‌ها بوده‌اند، همۀ آن‌ها به خدا أ کفر ورزیده و پیامبران خدا أ را تکذیب نمودند. روش خدا در قبال این‌ها مانند روش او با کسانی است که پیش از آن‌ها گذشته و خدای‌تعالی آن‌ها را به سبب گناهان‌شان عذاب کرد و کیفر داد؛ چون گرفت او بسیار نیرومند و قوی و عذابش دردناک است.

چون در اینجا کفر آن‌ها مربوط به عقیده و توحید بود از این‌روی لفظ جلالۀ «الله» به کار برده شده است و هرگاه کفر نعمت مطرح شود در آنجا خواهیم دید که لفظ «رب / پروردگار» به کار می‌رود.

یاد آوری از فرعون و قومش روی این اساس بوده که او در استکبار و اصرار بر گمراهی و ادعای خدائی از دیگران شهرت بیشتری دارد و قبل از او هیچ‌یک از انسان‌ها چنین ادعای گزافی ننموده است.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ لَمۡ يَكُ مُغَيِّرٗا نِّعۡمَةً أَنۡعَمَهَا عَلَىٰ قَوۡمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٥٣﴾.

کیفری که خدای‌تعالی بر آن‌ها نازل نموده مبتنی بر روش خداست، روشی که براساس آن هیچگاه نعمت و بخشش را به مشقت تبدیل نمی‌کند مگر اینکه صاحب نعمت خود زمینۀ چنین کاری را فراهم نماید و اعمال خوب خود را به اعمال بد، نیکو را به زشت و طاعت را به معصیت تغییر دهد. در چنین حالی خداوند أ نعمت را از آنان می‌گیرد و عذاب را سرازیر می‌نماید و عزت‌شان را تبدیل به ذلت، قوت‌شان را تبدیل به ضعت و ناتوانی و ثروت‌شان را به فقر و امنیت‌شان را تبدیل به خوف و ترس می‌نماید و چون سمع خدای‌تعالی و علم او برهر چیزی احاطه دارد از این‌روی با عذاب جز کسی را که نافرمانی نماید تأدیب نمی‌کند و عذابش را جز بر کسی که ابا آورد نازل نمی‌نماید.

او با سمع خود تمام گفته‌های آنان را شنیده است هم گفتار بد را و هم گفتار خوب را. او با علم خود بر هر عمل و حالتی اطلاع پیدا کرده هم خوب آن و هم زشت آن، پس جزایش براساس عدالت نازل شده و رحمتش براساس فضل.

﴿كَدَأۡبِ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ فَأَهۡلَكۡنَٰهُم بِذُنُوبِهِمۡ وَأَغۡرَقۡنَآ ءَالَ فِرۡعَوۡنَۚ وَكُلّٞ كَانُواْ ظَٰلِمِينَ ٥٤﴾.

عادت این مشرکان مانند عادت قوم فرعون و کسانی است که قبل از این‌ها بوده‌اند. روش همه در تکذیب یکسان است. همه به حجّت پروردگار خویش که آن‌ها را خلق نموده، روزی داده، با نعمت‌ها تربیه کرده کفر ورزیدند روی این اساس خدای‌تعالی تمام آن‌ها را به سبب عصیان‌شان نیست و نابود کرد و فرعون و همراهانش را غرق نمود.

همۀ این کفار با سرکشی و عصیان بر خویشتن ظلم کردند از این‌روی مستحق زیان و خسران شدند پس هلاکت آن‌ها مبتنی بر عدالتی از جانب خداوند بوده است.

﴿إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٥٥﴾.

بدترین جنبندۀ روی زمین کفاری‌اند که آیات خدا را انکار نموده و پیامبرانش را تکذیب کرده‌اند. این‌ها نه به وحدانیت اوتعالی باور دارند و نه او را در الوهیتش یکتا می‌دانند و طاعت خویش را نیز تنها به خاطر او انجام نمی‌دهند، بنابراین کافر از چهارپا بدتر است چون کافر خلق شده تا عبادت کند در حالی که چهارپا مکلف به این امر نیست پس کافر گمراه‌تر است.

﴿ٱلَّذِينَ عَٰهَدتَّ مِنۡهُمۡ ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهۡدَهُمۡ فِي كُلِّ مَرَّةٖ وَهُمۡ لَا يَتَّقُونَ ٥٦﴾.

یهودیان بنی قریظه قبلاً نیز با شما پیمان بسته بودند و عهد کردند که هیچگاه مشرکان را یاری نرسانند، ولی آن‌ها قرار داد و عهد و پیمان خود را بارها شکستند و تقوای الهی را در آنچه تعهد کرده بودند رعایت نکردند و خائنان آن‌ها از عذاب اوتعالی نمی‌هراسند. پس این جاهل به عظمت خداست که در برابر پروردگار خود تمرد می‌کند و از اوتعالی نافرمانی می‌نماید.

﴿فَإِمَّا تَثۡقَفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡحَرۡبِ فَشَرِّدۡ بِهِم مَّنۡ خَلۡفَهُمۡ لَعَلَّهُمۡ يَذَّكَّرُونَ ٥٧﴾.

و هرگاه با آنان در میدان معرکه مواجه شدی پس به آنان کیفر بده و از این طریق کسانی را که در پشت آن‌ها قرار دارند بترسان تا از تو در بیم و هراس باشند و به این ترتیب آنان از کسانی که کیفر دیدند عبرت بگیرند و از پیمان شکنی دست بردارند.

و اگر تو کفار قریش را بترسانی یهود مدینه نیز از تو خواهند ترسید و باید که حق نیرو، قوّت، چیرگی، غلبه و دولتی داشته باشد تا از خود حمایت کند و نیرومند و مقدس باشد.

﴿وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوۡمٍ خِيَانَةٗ فَٱنۢبِذۡ إِلَيۡهِمۡ عَلَىٰ سَوَآءٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡخَآئِنِينَ ٥٨﴾.

و هرگاه یقین نمودی که دشمنت اراده دارد تا با نقض عهد و پیمان بر تو خیانت کند، تو نیز عهدش را به سویش بینداز تا تو و او به طور مساویانه نقض عهد را بدانید؛ زیرا اگر به صورت مخفیانه پیمان را نقض کنی آن‌ها تو را به خیانت متهم می‌کنند و اگر به پیمان وفادار بمانی در چنین حالی این وفا فقط از جانب تو خواهد بود، بنابراین هرگاه نشانه‌های خیانت از سوی دشمنان ظاهر گشت تو به شکل علنی معاهده را پایان یافته اعلان کن و علناً جنگ‌نما که خدای‌تعالی کسی را که در امانت خیانت روا دارد و پیمان را بشکند دوست ندارد بلکه اوتعالی انسان صادق، امین و وفادار را دوست می‌دارد.

﴿وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَبَقُوٓاْۚ إِنَّهُمۡ لَا يُعۡجِزُونَ ٥٩﴾.

آن دسته از دشمنانت که از کشته شدن نجات پیدا کردند گمان نکنند که از کیفر الهی و اخذ او فرار نمودند. آن‌ها هرگز نمی‌توانند خدای را از دسترسی به خود باز دارند. اوتعالی حتماً آن‌ها را در وقت مناسب خواهد گرفت. یهودیان هنگامی که از آنچه به مشرکان در جنگ «بدر» رسید نجات یافتند گمان کردند که آن‌ها خداوند أ را از تسلط بر خود و هلاک خویش عاجز ساختند، در اینجا خدای‌تعالی خبر می‌دهد که برای آن‌ها مدتی معلوم است و برای کافران نیز.

﴿وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن قُوَّةٖ وَمِن رِّبَاطِ ٱلۡخَيۡلِ تُرۡهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمۡ وَءَاخَرِينَ مِن دُونِهِمۡ لَا تَعۡلَمُونَهُمُ ٱللَّهُ يَعۡلَمُهُمۡۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيۡءٖ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ يُوَفَّ إِلَيۡكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تُظۡلَمُونَ ٦٠﴾.

و ای مسلمانان! برای دشمنان خود تمام اسباب قوت و قدرت مادی و معنوی از قبیل: سلاح، ابزار، مال و علم را آماده کنید تا با این قوت و قدرت دشمنان خدا أ و خود را اعم از: مشرکان، ملحدین، اهل کتاب و هر کافر دیگری را بترسانید و تا جانب اسلام در دیگران ترس ایجاد کند و اهل آن غالب و تعالیمش مقدس باشد؛ زیرا حق بدون قوت سرقت و مشاع می‌شود و کیان بدون عزّت متاعی است که زایل می‌گردد و ضعیف به گونه‌ای است که دیگران در او طمع دارند و به سویش با دید حقارت می‌نگرند و کسی که ذلیل و خوار باشد همواره توهین می‌شود.

بنابراین بذل نیرو در راه اسلام کاری است مطلوب که این قوت باید با اسب‌های آماده و سلاح و عتاد و اموال ذخیره شده و لشکرهای تمرین یافته و کارخانجات برپا و عقل‌های تولیدگر باشد و شما با این توان و نیرو دشمنان معروف و غیر معروف خود را می‌ترسانید. این نکته را نیز باید متوجه باشید هر عزتی که در دو پهلوی آن خون ریخته نشود حتماً سقوط می‌نماید.

و آنچه شما در راه خدا أ به مصرف می‌رسانید اعم از مال، سعی و کوشش تمام این‌ها در پیشگاه خدای متعال محفوظ است و اوتعالی به زودی شما را به خاطر آن در دنیا با عزّت و پیروزی و بهرۀ نیکو پاداش می‌دهد و در آخرت با نعمت ماندگار و جایگاه گرامی و خجسته و هیچ چیزی از ثواب اوتعالی کم نمی‌شود، بلکه این ثواب همواره در ازدیاد است و فضل و کرمی از جانب خدای‌تعالی است.

﴿۞وَإِن جَنَحُواْ لِلسَّلۡمِ فَٱجۡنَحۡ لَهَا وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٦١﴾.

و اگر کفار به صلح و سِلم تمایل کردند تو نیز به اینکار تمایل نشان بده و با آن‌ها در آنچه خیر و سعادت مسلمانان است و جنگ را دور می‌سازد صلح کن و در آنچه عهد بستی بر خدای خود اعتماد کن که اوتعالی تو را از آنچه از آن بیم داری در امان نگه می‌دارد و حمایت می‌نماید، چون خداوند أ اقوال را می‌شنود و بر تمام احوال و نیت‌ها و امور پوشیده و مخفی آگاهی دارد و می‌داند چه کسی به پیمان خویش وفادار باقی می‌ماند و چه کسی نقض می‌کند، او می‌داند چه کسی درستکار است و چه کسی خیانت‌کار.

﴿وَإِن يُرِيدُوٓاْ أَن يَخۡدَعُوكَ فَإِنَّ حَسۡبَكَ ٱللَّهُۚ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَيَّدَكَ بِنَصۡرِهِۦ وَبِٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٦٢﴾.

و اگر آن‌ها نیتی در خیانت به تو داشته باشند، پروردگار تو را از مکر آن‌ها کفایت می‌کند و حفظ می‌نماید چنان‌چه اوتعالی تو را با نصرت و پیروزی خود و همچنان با پیروان مؤمنی که داری کمک کرده و نیرومند ساخته است. و چون پیامبر اسلام ج بر خدا أ توکل نمود، حق‌تعالی برایش لشکری از میان مؤمنان قرار داد تا در کنار او بجنگند و به این ترتیب او را یاری رسانید و اینگونه کسی که با خدای خود صادق باشد، نصرت و یاری رسانیده می‌شود و آنکه خیانت ورزد حتماً رانده می‌شود و آنکه در جهاد صبر کند و قربانی دهد سپاسگذاری خواهد شد و مزد دریافت خواهد نمود.

﴿وَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡۚ لَوۡ أَنفَقۡتَ مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مَّآ أَلَّفۡتَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ أَلَّفَ بَيۡنَهُمۡۚ إِنَّهُۥ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٦٣﴾.

خداوند متعال بین قلب‌های مسلمانان بعد از اینکه پیش از اسلام باهم بغض و کینه داشتند الفت ایجاد کرد و در پی آن مسلمانان باهم در ایمان برادر شده و یکدیگر خویش را دوست گرفتند و اگر تو تمام گنج‌های روی زمین را به مصرف می‌رسانیدی تا این قلب‌ها را بر محبت جمع کنی نمی‌توانستی چنین کنی، چون این قلب‌ها را جز ایمان به دانای غیب چیز دیگری نمی‌تواند جمع کند؛ زیرا قبل‌ها بدون ایمان خودخواه و حزب‌گرا می‌شوند و در آن‌ها تعصب، طمع، حب ذات و میل به سوی قبیله و خانواده غلبه می‌یابد ولی خدای‌تعالی با فضل و رحمت خود قلب‌های مؤمنان را جمع کرد. پس حمد و سپاس بر او که غالب و تواناست و امرش بدون معارضی نافذ است و مردانش بدون غلبه‌گری کامل می‌شود. او در آنچه انجام می‌دهد حکمت دارد و حکم خود را به دقت و به نیکوئی به انجام می‌رساند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ حَسۡبُكَ ٱللَّهُ وَمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٦٤﴾.

ای پیامبر! خداوند أ تو را از شر دشمنانت حفظ و در برابر مکر و حیلۀ آن‌ها حمایت می‌نماید و پیروان مؤمن و صادق تو را به خود دوست می‌گیرد و آن‌ها را توفیق می‌دهد و تحت رعایت خویش قرار می‌دهد و کسی که خداوند أ برایش کافی باشد، اوتعالی بدون داشتن قوم و عشیره او را یاری می‌رساند و بدون مال برایش نیرو می‌بخشد و بدون جایگاه او را عزیز می‌سازد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ حَرِّضِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ عَلَى ٱلۡقِتَالِۚ إِن يَكُن مِّنكُمۡ عِشۡرُونَ صَٰبِرُونَ يَغۡلِبُواْ مِاْئَتَيۡنِۚ وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٞ يَغۡلِبُوٓاْ أَلۡفٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ ٦٥﴾.

ای پیامبر ج! مؤمنان را در مصاف با دشمنان‌شان از کفار محارب تشویق کن و آنان را ترغیب نما تا در معرکه صبر کنند و ثبات داشته باشند و به آن‌ها بشارت بده که بیست تن صابر از آن‌ها دوصد تن از دشمنان خود را مغلوب می‌سازند و اگر یکصد جنگجوی صابر داشته باشد هزار تن از کافران را مغلوب خواهند نمود؛ زیرا کافر، اسرار واقعی جنگ و همچنان مقاصد آن را نمی‌داند. چون او سبب بزرگ نصرت و پیروزی را که عبارت از ایمان به خداست ترک نموده، از این‌روی بصیرت و بینش او کور شده و شکست در حقش تحقق یافته و حتمی شده است.

﴿ٱلۡـَٰٔنَ خَفَّفَ ٱللَّهُ عَنكُمۡ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمۡ ضَعۡفٗاۚ فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٞ صَابِرَةٞ يَغۡلِبُواْ مِاْئَتَيۡنِۚ وَإِن يَكُن مِّنكُمۡ أَلۡفٞ يَغۡلِبُوٓاْ أَلۡفَيۡنِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ٦٦﴾.

امروز خدای‌تعالی آسان گرفته و به علت ضعفی که یک تن از شما در برابر ده تا از دشمنان دارد، بر شما رخصت داده است، روی این اساس باید یکی از شما در برابر دوتن از آن‌ها بایستد و به این ترتیب یکصد مرد صابر و محتسب اجر و پاداش به اذن خدا أ بر دوصد تن از دشمنان غلبه خواهند کرد و هزارتن از چنین کسانی دوهزار تن از دشمنان را شکست خواهند داد. همۀ این‌ها به کمک و قوت خدا أ به انجام خواهد رسید چرا که اوتعالی صابران را تأیید می‌کند و بر دشمنان‌شان پیروز می‌نماید.

این آیه دلالت بر آن دارد که: اهل اسلام هرگاه کم باشند و در برابر انبوهی از دشمنان مسلح قرار گیرند نباید بترسند؛ اینکه مسلمانان در عدم مواجهه با آن‌ها از انواع و اقسام حیله‌ها کار گیرند تا زمانی که جانب مسلمانان تقویه شود؛ و اینکه قوت و نیرو ملازم توکل بر خداست.

﴿مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُۥٓ أَسۡرَىٰ حَتَّىٰ يُثۡخِنَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ تُرِيدُونَ عَرَضَ ٱلدُّنۡيَا وَٱللَّهُ يُرِيدُ ٱلۡأٓخِرَةَۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٦٧﴾.

برای پیامبر مجاز نیست اسیرانی را به منظور اخذ فدیه بگیرد مگر زمانی که در کشتن کفار محارب، آنانی که مانع راه خدا أ می‌شوند و با بندگان او می‌جنگند مبالغه کند و از این طریق جانب دولت اسلام تقویت شود و مایۀ ترس و احترام واقع شود.

و شما ای مسلمانان در اخذ فدیه ارادۀ متاع زندگی دنیا را دارید در حالی که خدای‌تعالی برای شما ارادۀ بهشت‌های نعمت و رستگاری بزرگ را از خلال جهاد در راه خدا أ و دفاع از دین دارد. اوتعالی نیرومندی است که بر کار خود چیره است و کسی را که یاریش دهد یاری می‌دهد و کسانی را که با او بجنگند محو می‌نماید. او در تقدیر و تدبیر خود حکمت دارد و با عزّت خود شما را در جنگ یاری می‌رساند و با حکمت خود به شما احکام خویش از قبیل جنگ، اسارت، غنیمت، صلح وغیره را می‌آموزاند.

﴿لَّوۡلَا كِتَٰبٞ مِّنَ ٱللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمۡ فِيمَآ أَخَذۡتُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٦٨﴾.

اگر خدای‌تعالی نمی‌نوشت که او مجتهد به خطا رفته را نگیرد حتماً شما را به سبب فدیه گرفتن از اسیران بدر به جای کشتن آن‌ها دچار عذاب شدید می‌نمود؛ چرا که آن‌ها با خدا و پیامبرش جنگیدند و به منظور مانع شدن از راه خدای‌تعالی بیرون شدند.

شاید هم منظور از نوشتن، نبشته‌ای است که خدای‌تعالی در علم و قضای خود تعیین نموده که برای اهل بدر ببخشد از این‌روی بر آن‌ها رحم نموده و آنان را مؤاخذه نکرده است.

﴿فَكُلُواْ مِمَّا غَنِمۡتُمۡ حَلَٰلٗا طَيِّبٗاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٦٩﴾.

ای مؤمنان! از غنائمی که خدای‌تعالی بر شما مباح نموده بخورید که از آن جمله گرفتن فدیه از اسیران است، چنین چیزی برای شما پاکیزه و حلال است و در آن حرمت و خباثتی نیست و با اجرای فرامین پروردگار و اجتناب از نواهی او تقوا را رعایت کنید و خدای‌تعالی برای کسی که گناه کند و توبه نماید بسیار بخشنده است. اوتعالی برای کسی که به سویش بازگردد دارای رحمت فراوان است و از جملۀ مغفرت او یکی هم این است که از کسانی که مرتکب کار بد شوند درمی‌گذرد و از جملۀ رحمت او یکی هم این است که بندگان خود را در جهت کسب رضای خود توفیق می‌دهد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّمَن فِيٓ أَيۡدِيكُم مِّنَ ٱلۡأَسۡرَىٰٓ إِن يَعۡلَمِ ٱللَّهُ فِي قُلُوبِكُمۡ خَيۡرٗا يُؤۡتِكُمۡ خَيۡرٗا مِّمَّآ أُخِذَ مِنكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٧٠﴾.

ای پیامبر! برای اسیران بدر بگو اگر خدای‌تعالی در قلب‌های شما محبتی نسبت به ایمان و رغبت و توجهی به سوی خود و آمادگیی برای قبول حق می‌دید حتماً از فضل خود برای شما بزرگتر از آنچه به عنوان قدیه به مسلمانان داده‌اید ارزانی می‌داشت و به شما خیر بسیار عطا می‌کرد و در آخرت نیز به شما پاداشی بزرگ و مغفرتی وسیع برای گناهان‌تان می‌داد چون خدای‌تعالی گناه بزرگ را می‌بخشد چرا که او بخشاینده و مهربان است و رحمت او شامل همۀ پدیده‌هاست و فضل او بر هر مخلوقی عمومیت دارد.

﴿وَإِن يُرِيدُواْ خِيَانَتَكَ فَقَدۡ خَانُواْ ٱللَّهَ مِن قَبۡلُ فَأَمۡكَنَ مِنۡهُمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٧١﴾.

و اگر اسیران کردند آنچه را کردند و به منظور مکر و فریب فدیه دادند و سخن نرم گفتند، آن‌ها قبلاً نیز فریبکاری نموده و دست به خیانت زدند ولی خدای‌تعالی تو را در بدر بر آن‌ها قدرت و یاری داد. خدای‌تعالی به همۀ امور پوشیده و نهان آگاه است و بر آنچه در نهاد انسان‌ها قرار دارد اطلاع دارد و اوتعالی در امر و خلق خود حکمت دارد. بین چگونه خیانت را با خیانت پاسخ نداد، چون اوتعالی از چنین کاری پاک و منزه است.

یاد آوری از قدرت دادن و متمکن ساختن بر آن‌ها به این علت است که این کار دلالت بر کمال عم و حکمت خداوند أ دارد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَواْ وَّنَصَرُوٓاْ أُوْلَٰٓئِكَ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمۡ يُهَاجِرُواْ مَا لَكُم مِّن وَلَٰيَتِهِم مِّن شَيۡءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُواْۚ وَإِنِ ٱسۡتَنصَرُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ فَعَلَيۡكُمُ ٱلنَّصۡرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوۡمِۢ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ٧٢﴾.

آنان‌که به خدا أ ایمان آورده و از پیامبرش پیروی نمودند و از بلاد کفر به سرزمین اسلام هجرت کرده و با جان و مال خویش در راه خدا أ و به منظور اعلای کلمۀ او جهاد نمودند (مهاجران) و آنانی که این‌ها را جای داده و یاری رسانیدند و محل نزول‌شان را گرامی داشتند و با جان و مال خویش با آن‌ها همدردی نمودند (انصار) این‌ها باهم در نصرت و جهاد و نیکی و تقوا برادر اند.

اما آنانی که ایمان آورده ولی در دیار کفر باقی ماندند و مهاجرت ننمودند طبیعی است که بین شما و آن‌ها برادری و دوستیی نیست مگر زمانی که بلاد کفر را ترک کنند و به بلاد اسلام هجرت گزینند، با این حال اگر اینان از شما برای رفع ظلم و ستم کمک خواستند به آن‌ها یاری برسانید، مگر زمانی که طرف مقابل آن‌ها قومی باشند که بین شما و آن‌ها معاهداتی باشد که در این صورت باید این عهد و پیمان را محترم بدارید و مسلمانان را بر کافران معاهد یاری نرسانید به خصوص اگر آن مسلمانان با آن کفار در دیارشان باشند و خداوند أ نهان و آشکار را می‌داند و به تمام امور پوشیده و ظاهر آگاهی و بر همه چیز احاطه دارد.

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٍۚ إِلَّا تَفۡعَلُوهُ تَكُن فِتۡنَةٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَفَسَادٞ كَبِيرٞ ٧٣﴾.

آنانی که به خدا أ کافر شدند برخی برخی دیگر را یاری می‌رسانند و با هم دوستی می‌کنند، ولی مؤمنان را یاری نمی‌دهند و مؤمنان نیز به آن‌ها کمکی نمی‌کنند. اگر شما به این قاعده در دوستی و موالات با مؤمنان و دشمنی با کفار عمل نکنید و به اجرای فرامین پروردگار خود نپردازید یقیناً فتنه و فسادی بزرگ واقع خواهد شد و اهل کفر بر اهل اسلام قوت و نیرو خواهند یافت و جانب دین ضعیف خواهد شد آنگاه خواهید دید که همۀ کفار بر علیه مؤمنان اثتلاف خواهند کرد و با پیروزی کفر و الحاد فساد برپای خواهد گشت.

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَواْ وَّنَصَرُوٓاْ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ حَقّٗاۚ لَّهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٧٤﴾.

و آنانی که به خدا و پیامبر ایمان آورده و از بلد کفر به بلد اسلام مهاجر شدند و در راه خدا أ و به منظور اعلای کلمۀ او جهاد کردند و آن دسته از اهل مدینه که به آن‌ها یاری رسانیده و جای‌شان دادند، این‌ها کسانی‌اند که در ایمان خویش صادق و به پروردگار خود مخلص‌اند و به زودی خدای‌تعالی گناهان‌شان را خواهد بخشید و به آن‌ها روزیی پاکیزه و با برکت و گرامی عطا خواهد نمود، این روزی در بهشت نعمت توأم با روشنی چشم و آسودگی خاطر و سرور نفس خواهد بود.

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنۢ بَعۡدُ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ مَعَكُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ مِنكُمۡۚ وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمُۢ ٧٥﴾.

و آنانی که به خدا أ و پیامبرش ایمان آورده و از سرزمین‌های کفر به سوی دیار اسلام هجرت نمودند و با اهل ایمان در راه خدای دیّان جهاد کردند، این‌ها در برادری و نصرت و موالات از خود شمایند.

برخی از اهل قرابت مؤمنان بر برخی دیگر از مهاجران در میراث و براساس حکم شریعت اولی‌تر اند؛ زیرا خدای‌تعالی تمام آنچه را که در آن مصالح بندگان است و همچنان نحوۀ ادای حقوق به اهل آن را می‌داند که از آن جمله میراث است. اوتعالی این امور را نظر به علم و حکمت خود برای هریکی سنجش و مقدر می‌نماید.

سورۀ توبه

مدنی است؛ ترتیب آن 9؛ شمار آیات آن 129

﴿بَرَآءَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١﴾.

خداوند أ و پیامبرش از مشرکان اعلان برائت می‌کنند و عهد آنان را که با مسلمانان داشتند ساقط می‌نمایند؛ چون آن‌ها پیمان خویش را با پروردگار نقض کردند.

﴿فَسِيحُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُمۡ غَيۡرُ مُعۡجِزِي ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱللَّهَ مُخۡزِي ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢﴾.

پس در هرجائی از زمین که می‌خواهید به مدّت چهار ماه سیر و سفر کنید. (این مدّت از آغاز اعلان برائت در دهم ذی الحجه سال نهم هجرت شروع می‌شود) و یقین داشته باشید که شما مشرکان هرگز با فرار از خدای‌تعالی و عذاب او رهائی حاصل نخواهید کرد و اینکه خدای‌تعالی کافران را در این دنیا با خواری و عار ذلیل می‌سازد و در آخرت با عذاب دوزخ.

﴿وَأَذَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلنَّاسِ يَوۡمَ ٱلۡحَجِّ ٱلۡأَكۡبَرِ أَنَّ ٱللَّهَ بَرِيٓءٞ مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ وَرَسُولُهُۥۚ فَإِن تُبۡتُمۡ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُمۡ غَيۡرُ مُعۡجِزِي ٱللَّهِۗ وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٣﴾.

و از سوی خدا أ و پیامبرش اعلان بر برائتی واضح، آشکار و عامی خطاب به همۀ مردم از تمام پیمان‌های مشرکان در روز اتمام اعمال حج (یوم نحر) می‌باشد. و اگر کفار با داخل شدن در اسلام و ترک پرستش بت‌ها توبه کنند این امر برای‌شان، هم در دنیا و هم در آخرت از تداوم بر شرک بهتر است، اما اگر از ایمان و طاعت خدای رحمان روی گردانند یقین داشته باشید که در قبضۀ خدای‌تعالی قرار دارید و هرگز از عذاب او فرار کرده نمی‌توانید.

و تو ای محمد ج! به کفار خبر بده که در سرای دوزخ بر عملکرد گناه آلود خود دچار عذابی دردناک خواهند شد.

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ثُمَّ لَمۡ يَنقُصُوكُمۡ شَيۡ‍ٔٗا وَلَمۡ يُظَٰهِرُواْ عَلَيۡكُمۡ أَحَدٗا فَأَتِمُّوٓاْ إِلَيۡهِمۡ عَهۡدَهُمۡ إِلَىٰ مُدَّتِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ٤﴾.

از مدّت تعیین شده برای مشرکان که تا چند ماه است کسانی مستثنی می‌شوند که با آن‌ها پیمان بستید و آن‌ها هیچ شرطی از شروط پیمان را نقض نکردند و دشمنان را بر علیه شما یاری نرسانیدند. بنابراین، شما باید مدّت معینه را تکمیل نمائید؛ زیرا خدای‌تعالی کسی را که از طریق وفای به عهد و لازم گرفتن قراردادها و نقض نکردن آن تقوای او را رعایت کند دوست می‌دارد.

﴿فَإِذَا ٱنسَلَخَ ٱلۡأَشۡهُرُ ٱلۡحُرُمُ فَٱقۡتُلُواْ ٱلۡمُشۡرِكِينَ حَيۡثُ وَجَدتُّمُوهُمۡ وَخُذُوهُمۡ وَٱحۡصُرُوهُمۡ وَٱقۡعُدُواْ لَهُمۡ كُلَّ مَرۡصَدٖۚ فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ فَخَلُّواْ سَبِيلَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٥﴾.

هرگاه چهار ماه مهلت داده شده به پایان رسد پس با کفار در هر جائی که با آن‌ها روبرو شدید چه در سرزمین حل باشد یا حرم بجنگید و آن‌ها را اسیر بگیرید و نگذارید مگر با اجازه در دیار اسلام تحرک داشته باشند و باید که در این تحرکات بر آن‌ها سخت بگیرید و مترصد آن‌ها بوده همواره تعقیب‌شان کنید تا آن‌ها را دستگیر نمائید و اگر از کفر توبه نموده اسلام آوردند و نمازهای فرض را برپای داشته زکات واجب را ادا نمودند، در چنین حالی آن‌ها را به حال خودشان بگذارید و اذیت نکنید که اسلام خون‌های‌شان را حفظ نموده و به آن‌ها حریت تنقل داده است و اوتعالی برای کسی که توبه کند بخشنده و برای کسی که رجوع نماید مهربان است و با اسلام تمام گناهان گذشته انسان را محو می‌نماید.

﴿وَإِنۡ أَحَدٞ مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٱسۡتَجَارَكَ فَأَجِرۡهُ حَتَّىٰ يَسۡمَعَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ ثُمَّ أَبۡلِغۡهُ مَأۡمَنَهُۥۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡلَمُونَ ٦﴾.

و اگر یکی از مشرکان از تو طالب امان شد به او امان بده تا آن قسمت از قرآن را که به دسترس داری به او بشنوانی و او آن را بفهمد، سپس او را به جایی که امن است برسان؛ زیرا کفار به خیر و منفعت خود نمی‌فهمند و آن‌ها ادراک نیکو و توان تمیز را ندارند تا آن‌ها را بر قبول اسلام وا دارد.

اینجا لطف خدای رحمان را به بت‌پرستان در هنگام طلب امان ببین!

﴿كَيۡفَ يَكُونُ لِلۡمُشۡرِكِينَ عَهۡدٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ رَسُولِهِۦٓ إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّمۡ عِندَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۖ فَمَا ٱسۡتَقَٰمُواْ لَكُمۡ فَٱسۡتَقِيمُواْ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ٧﴾.

هرگز برای مشرکانی که دست به غدر و خیانت می‌زنند عهدی در پیشگاه خدا أ و پیامبرش نیست؛ زیرا آن‌ها عهد و پیمان را نقض کردند، ولی آن‌هایی که در روز حدیبیه و در نزدیک مسجدالحرام با آن‌ها پیمان بستید به عهدی که با شما بستند وفادار باشید البته تا وقتی که خود آن‌ها به این عهد وفادار اند و آن را نقض نمی‌کنند، زیرا خدای‌تعالی کسی را که با وفای به عهد و اجرای قرار دادها تقوایش را رعایت کند دوست می‌دارد.

﴿كَيۡفَ وَإِن يَظۡهَرُواْ عَلَيۡكُمۡ لَا يَرۡقُبُواْ فِيكُمۡ إِلّٗا وَلَا ذِمَّةٗۚ يُرۡضُونَكُم بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَتَأۡبَىٰ قُلُوبُهُمۡ وَأَكۡثَرُهُمۡ فَٰسِقُونَ ٨﴾.

چگونه به تعهداتی که با مشرکان بستید پایدار باقی می‌مانید در حالی که آن‌ها هرگاه بر شما قدرت و غلبه یابند هرگز در حق شما نه پیمانی را رعایت می‌کنند و نه نزدیکی و تعهدی و از هیچ آزار و اذیتی نسبت به شما خودداری نمی‌کنند. آن‌ها رضایت شما را با سخنانی شیرین جلب می‌کنند در حالی که قلب‌های آن‌ها از شدّت حقد و کینه و خشم مانند نیزه است و بسیاری از آن‌ها از دایرۀ حق خارج اند و عهد ندارند و در پیمان‌ها می‌ورزند.

﴿ٱشۡتَرَوۡاْ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلٗا فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩﴾.

آن‌ها در بدل آیات قرآن عوضی حقیر و بی‌ارزش از متاع زائل دنیا گرفتند و در این راستا مردم را از داخل شدن به اسلام باز داشتند، چقدر عمل این‌ها بد است و جرم‌شان بزرگ.

﴿لَا يَرۡقُبُونَ فِي مُؤۡمِنٍ إِلّٗا وَلَا ذِمَّةٗۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُعۡتَدُونَ ١٠﴾.

آن‌ها در حق مؤمنان هیچ سوگند، قرابت و پیمانی را رعایت نمی‌کنند و از حدود خدا أ با خیانت و نقض عهد و پیمان شکنی تجاوز می‌نمایند.

﴿فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ فَإِخۡوَٰنُكُمۡ فِي ٱلدِّينِۗ وَنُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ١١﴾.

و اگر آن‌ها از کفر توبه نموده اسلام بیاورند و با شما نماز بگذارند و زکات اموال خویش را بپردازند در چنین حالی آن‌ها با شما در اسلام برادر اند و از تمام حقوقی که شما دارید آن‌ها نیز بر خوردار خواهند بود و تمام التزامات شما بر آن‌ها نیز می‌باشد و خدای‌تعالی آیات و نشانه‌های خود را برای کسی بیان می‌نماید که نزد او فهمی نسبت به حقایق و درک مراع شرع وجود دارد.

﴿وَإِن نَّكَثُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُم مِّنۢ بَعۡدِ عَهۡدِهِمۡ وَطَعَنُواْ فِي دِينِكُمۡ فَقَٰتِلُوٓاْ أَئِمَّةَ ٱلۡكُفۡرِ إِنَّهُمۡ لَآ أَيۡمَٰنَ لَهُمۡ لَعَلَّهُمۡ يَنتَهُونَ ١٢﴾.

اگر مشرکان پیمان‌ها و معاهدات را بعد از اینکه با شما سر آن‌ها توافق کردند بشکنند و به عیبجوئی از اسلام بپردازند و قرآن و پیامبر را دشنام گویند پس با زعما و رهبران‌شان بجنگید که آن‌ها نه عهدی دارند و نه پیمانی شاید که این جنگ شما آن‌ها را از کفر و جنگ با مؤمنان باز دارد بنابراین بر آن‌ها راهی نیست جز اینکه توبه کنند و یا آمادۀ جنگ باشند.

﴿أَلَا تُقَٰتِلُونَ قَوۡمٗا نَّكَثُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ وَهَمُّواْ بِإِخۡرَاجِ ٱلرَّسُولِ وَهُم بَدَءُوكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٍۚ أَتَخۡشَوۡنَهُمۡۚ فَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخۡشَوۡهُ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١٣﴾.

شما را چه شده که با این کفار نمی‌جنگید، کفاری که پیمان‌های خویش را که با شما داشتند نقض نموده و تصمیم اخراج پیامبر ج از مکه را گرفتند و همین‌ها بودند که آغازگر جنگ بوده و از همان روزهای اول طلوع رسالت اسلام شروع به آزار و اذیت‌تان کردند.

ای مسلمانان! آیا از مشرکان می‌ترسید؟ سزاوار این است که از خدا أ بترسید؛ زیرا همه چیز به دست اوست آن‌هم اگر به وعده و وعیدش و به کتاب و پیامبرش باور دارید پس ترس‌تان تنها از او باید باشد.

﴿قَٰتِلُوهُمۡ يُعَذِّبۡهُمُ ٱللَّهُ بِأَيۡدِيكُمۡ وَيُخۡزِهِمۡ وَيَنصُرۡكُمۡ عَلَيۡهِمۡ وَيَشۡفِ صُدُورَ قَوۡمٖ مُّؤۡمِنِينَ ١٤﴾.

ای مؤمنان با کفار بجنگید، خدای‌تعالی آن‌ها را با دستان شما عذاب می‌نماید و با اسارت و شکست آن‌ها را خوار و ذلیل نموده و به شما نصرت و پیروزی ارزانی می‌دارد و با این پیروزی دل‌های شما را از غم و اندوهی که به شما از ناحیۀ آزار و اذیت‌های مشرکان و مکر آن‌ها رسیده شفا می‌دهد، شما اسباب را فراهم کنید و عاقبت نیکو بر خداست.

﴿وَيُذۡهِبۡ غَيۡظَ قُلُوبِهِمۡۗ وَيَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١٥﴾.

و خداوند أ با کشتن کفار تمام غیظ و خشمی که مسلمانان در دل‌های خود نسبت به کفار دارند را از بین می‌برد و هر که از این جنگاوران به سوی خدا أ باز گردد، اوتعالی دارای فضلی واسع بر بندگان خود است، او توبه‌اش را براساس صداقتی که نسبت به توبه دارد می‌پذیرد و او در اینکه فضل خود را برای کسی که خواسته قرار داده حکمت دارد و این حکمت او در هدایت کسی که اراده نموده و در گمراهی کسی که ارادۀ گمراهی‌اش را نموده نیز وجود دارد.

﴿أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تُتۡرَكُواْ وَلَمَّا يَعۡلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ مِنكُمۡ وَلَمۡ يَتَّخِذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَا رَسُولِهِۦ وَلَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَلِيجَةٗۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٦﴾.

ای مؤمنان گمان نکنید که خدای‌تعالی شما را بدون امتحان می‌گذارد تا هنگامی که علم او در شما ظاهر شود و به این ترتیب واضح گردد چه کسی در جهاد خود اخلاص دارد و غیر خدا أ و رسولش را به عنوان ولی و دوست خود بر نگزینید که اوتعالی بر تمام اعمال چه ظاهر باشد یا پنهان آگاهی دارد و همه را آمار می‌گیرد و در روزی که به ملاقاتش می‌روید جزای هر عمل شما را به گونۀ کامل می‌دهد.

﴿مَا كَانَ لِلۡمُشۡرِكِينَ أَن يَعۡمُرُواْ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ شَٰهِدِينَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِم بِٱلۡكُفۡرِۚ أُوْلَٰٓئِكَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ وَفِي ٱلنَّارِ هُمۡ خَٰلِدُونَ ١٧﴾.

از شأن مشرکان این نیست که خانه‌های خدا أ را تعمیر کنند به خصوص در حالتی که کفر خویش را اظهار می‌دارند و به خاطر همین کفر می‌جنگند و خدای‌تعالی به زودی اعمال آن‌ها را باطل می‌کند و تمام آنچه را کسب نموده‌اند از بین می‌برد و مصیر آن‌ها در آتش دوزخ و به صورت دائم و همیشگی و در عذابی مداوم است.

﴿إِنَّمَا يَعۡمُرُ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَلَمۡ يَخۡشَ إِلَّا ٱللَّهَۖ فَعَسَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُهۡتَدِينَ ١٨﴾.

اعتنای به مساجد با تعمیر آن از طریق ساختمان‌سازی و عبادت، جز از کسانی سر نمی‌زند که به پروردگار خود ایمان آورده و از پیامبرش اطاعت نموده‌اند و نمازهای پنجگانه را برپای داشتند و زکات‌های فرض را پرداختند و جز از پروردگار از هیچ‌کس دیگر نهراسیدند و در اطاعت مولای خود به ملامت هیچ ملامتگری اعتنا ننمودند. چنین کسانی امید می‌رود که به سوی آنچه موجب رضای خدا أ از طریق تعمیر مساجد و انجام اعمال خوب است هدایت شوند.

﴿۞أَجَعَلۡتُمۡ سِقَايَةَ ٱلۡحَآجِّ وَعِمَارَةَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ كَمَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَجَٰهَدَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ لَا يَسۡتَوُۥنَ عِندَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٩﴾.

ای مشرکان آیا دادن آب به حجاج و بنای مسجد الحرام را مساوی با ایمان به روز آخرت و جهاد در راه خدا أ قرار داید در حالی که این‌ها اصلاً در اجر و ثواب باهم مساوی نیستند؛ زیرا این عمل از کافری سَر زده که تمام اعمالش برباد رفته و آن دیگر از مؤمنی که خدای‌تعالی از سعی و تلاش او راضی است. روی این اساس هیچ فضلی برای هیچ عملی که در آن ایمان نباشد وجود ندارد و خدای‌تعالی کافر را به انجام اعمال خوب توفیق نمی‌دهد و بدکار را به راه رشد رهنمون نمی‌نماید.

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ أَعۡظَمُ دَرَجَةً عِندَ ٱللَّهِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ٢٠﴾.

مؤمنان به خدا و مهاجران و مجاهدان در راه خدا أ با جان و مال، داری منزلت و رتبه‌ای بلندتر در پیشگاه خداوند أ اند و آن‌ها کسانی‌اند که به تمام خواست‌های خود خواهند رسید چنان‌چه هر امر مرغوبی را که در آن فضل و رضوان و سکونت در بهشت است را نیز حاصل خواهند کرد.

﴿يُبَشِّرُهُمۡ رَبُّهُم بِرَحۡمَةٖ مِّنۡهُ وَرِضۡوَٰنٖ وَجَنَّٰتٖ لَّهُمۡ فِيهَا نَعِيمٞ مُّقِيمٌ ٢١﴾.

پروردگارشان آن‌ها را به رحمتی از جانب خود بشارت می‌دهد که موجب محو گناهان است و رضوانی را جلب می‌کند که کامل و تمام است و هرگز بعد از حصول آن خشم و غضبی نیست، این نعمت از جملۀ بزرگ‌ترین نعمت‌ها به شمار می‌رود سپس خدای‌تعالی آن‌ها را وارد بهشت و نعمت همیشگی و روشنی چشم می‌نماید.

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥٓ أَجۡرٌ عَظِيمٞ ٢٢﴾.

این مؤمنان همیشه در بهشت‌های نعمت جاودان خواهند بود و هرگز در آن زوالی نخواهند داشت و از نعمت خویش انتقال نخواهند یافت و نزد خدای‌تعالی برای اهل طاعتش ثوابی بزرگ و فضلی عمومی در بهشت‌های نعمت است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَابَآءَكُمۡ وَإِخۡوَٰنَكُمۡ أَوۡلِيَآءَ إِنِ ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡكُفۡرَ عَلَى ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٢٣﴾.

ای مؤمنان! اگر پدران و برادران‌تان کفر را به عنوان دین بر ایمان برگزیدند آن‌ها را دوست و انصار نگیرید و متولیان خود نسازید. کسی که آن‌ها را به غیر از خدا أ ولی و دوست بگیرد، یقیناً در عصیان خود از حد تجاوز نموده و بر نفس خویش با دشمنی خدای رحمان ظلم و ستم روا داشته است.

﴿قُلۡ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمۡ وَأَبۡنَآؤُكُمۡ وَإِخۡوَٰنُكُمۡ وَأَزۡوَٰجُكُمۡ وَعَشِيرَتُكُمۡ وَأَمۡوَٰلٌ ٱقۡتَرَفۡتُمُوهَا وَتِجَٰرَةٞ تَخۡشَوۡنَ كَسَادَهَا وَمَسَٰكِنُ تَرۡضَوۡنَهَآ أَحَبَّ إِلَيۡكُم مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَجِهَادٖ فِي سَبِيلِهِۦ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ٢٤﴾.

ای پیامبر! برای کسی که دنیا را بر آخرت ترجیح داده بگو: اگر پدران، برادران، همسران، عشیره و قبیله، اموالی که به دست آورده‌اید، تجارتی که بیم دارید از رواج بیفتد و خانه‌های خوب مسکونی نزد شما از طاعت خدا أ و هجرت در راه او و جهاد به منظور اعلای کلمه‌اش دوست داشتنی‌تر است، پس بر انتخاب غلط خود منتظر عقوبت خدای جبار باشید، شمائی که فرومایۀ ارزان را بر گرانبهای نفیس برتری دادید.

منظور از ثمن مذکور تمام امور اشتها بر انگیز دنیائی و محبوب دل‌هاست که اگر بر مراد خدای‌تعالی مقدم شود چنین چیزی عین خسارت، نقص و هلاکت است و خداوند أ کسی را که از دائرۀ طاعتش بیرون شود توفیق نمی‌دهد و آنکه را که از عبادتش روی گردانیده رهنمایی نمی‌نماید.

﴿لَقَدۡ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٖ وَيَوۡمَ حُنَيۡنٍ إِذۡ أَعۡجَبَتۡكُمۡ كَثۡرَتُكُمۡ فَلَمۡ تُغۡنِ عَنكُمۡ شَيۡ‍ٔٗا وَضَاقَتۡ عَلَيۡكُمُ ٱلۡأَرۡضُ بِمَا رَحُبَتۡ ثُمَّ وَلَّيۡتُم مُّدۡبِرِينَ ٢٥﴾.

شما را ای مسلمانان خدای‌تعالی در غزوات بیشماری بر مشرکان یاری داد در حالی که تعداد شما اندک و ضعیف بودید و دشمنان‌تان نیرومند و بسیار بودند، ولی در برابر آن‌ها خدای‌تعالی با شما بود. و یاد آورید روزی را که خداوند أ شما را در معرکۀ «حُنین» یاری داد، هنگامی که از بسیاری لشکر خود در شگفت بودید و با خود گفتید که ما هرگز از ناحیۀ کمی افراد مغلوب نمی‌شویم، ولی وقتی آزمون تلاش و مجاهدت فرا رسید شکست خوردید و فرار نمودید و پیامبر ج را با گروه اندکی از یارانش تنها گذاشتید تا خدای‌تعالی به شما نشان دهد که پیروزی از جانب اوست نه از ناحیۀ کثرت عدد و قوت سلاح.

﴿ثُمَّ أَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَأَنزَلَ جُنُودٗا لَّمۡ تَرَوۡهَا وَعَذَّبَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ وَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٦﴾.

سپس خدای‌تعالی آرامش را بر پیامبر گرامی خویش و بر پیروان مؤمنش نازل نمود و قلب‌ها آرامش یافت و همه به معرکه بازگشتند و در برابر دشمن استقامت نمودند و اوتعالی ملائکه را به منظور جنگ در کنار آن‌ها و همچنان پیروزی را نازل فرمود و به این ترتیب موفقیت حاصل شد و اهل کفر دچار قتل و اسارت شدند. وقوع این حالت بر آن‌ها کیفر محاربه‌ای بود که با خدا أ و پیامبرش صورت دادند و عذابی به خاطر اعمال بدشان است.

﴿ثُمَّ يَتُوبُ ٱللَّهُ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٢٧﴾.

و بعد از تحقق شکست کفار در جنگ، خدای‌تعالی بر کسانی از بندگان خود که بخواهد با قبول توبه منت می‌نهد البته اگر اسلام بیاورند و به سوی او رجوع کنند چون بخشش الهی تمام گناهان گذشته را محو می‌نماید و بندگان را تحت پوشش رحمت قرار می‌دهد، زیرا او مهربان و بخشنده است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡمُشۡرِكُونَ نَجَسٞ فَلَا يَقۡرَبُواْ ٱلۡمَسۡجِدَ ٱلۡحَرَامَ بَعۡدَ عَامِهِمۡ هَٰذَاۚ وَإِنۡ خِفۡتُمۡ عَيۡلَةٗ فَسَوۡفَ يُغۡنِيكُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦٓ إِن شَآءَۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٢٨﴾.

ای مؤمنان! همانا مشرکان در ذات خود نجس و در صفات خود خبیث‌اند و باورهای‌شان به علت کفر و ظلم بد است. اجسام آن‌ها از این‌روی نجس است که از جنابت غسل نمی‌نمایند و وضوء نمی‌گیرند، بنابراین برای آن‌ها مجاز نیست بعد از سال نهم هجری که ابوبکر س برائت از مشرکان را اعلان نمود وارد حرم مکی شوند.

پس ای مؤمنان به کفار اجازۀ دخول به حرم را ندهید و اگر از این بیم داشتید که با این کار در تجارت خود زیاتمند شوید خدای‌تعالی اگر ارادۀ نماید حتماً از فضل و عطای شامل خود به شما عوض می‌دهد.

این وعده تحقق یافت و مسلمانان بعد از غزوات و جنگ‌ها و فتوحات به غنامندی رسیدند و اوتعالی به مصالح بندگان خود داناتر است و مصالح و مفاسد آن‌ها را می‌داند و او در تدبیر امور حکمت دارد از این‌روی بهترین را با علم خود برمی‌گزیند و با حکمت خود آنچه نفع بیشتری دارد را حکم و مقدر می‌نماید.

﴿قَٰتِلُواْ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَلَا بِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ ٱلۡحَقِّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ حَتَّىٰ يُعۡطُواْ ٱلۡجِزۡيَةَ عَن يَدٖ وَهُمۡ صَٰغِرُونَ ٢٩﴾.

ای مؤمنان با کفار یهودی و نصرانی که به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند بجنگید، زیرا آن‌ها به عبودیت خدای یگانه اقرار ندراند و به زنده شدن بعد از مرگ اعتراف نمی‌نمایند و حرامی را که خدای‌تعالی حرام نموده مانند زنا، سود، شراب، خود مرده و از این قبیل را حرام نمی‌دانند و به اسلام به عنوان دین باور نمی‌نمایند و این دین را داور و حکم قرار نمی‌دهند. پس باید با آن‌ها تازمانی جنگ صورت گیرد که جزیه را بر خود لازم گیرند و با پرداخت جزیه در برابر حکومت اسلامی خاضع و فروتن باشند. آن‌ها جزیه را باید به دست خود بدهند و مقهور قوت دولت اسلامی و ذلیل باشند.

﴿وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ عُزَيۡرٌ ٱبۡنُ ٱللَّهِ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَى ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ ٱللَّهِۖ ذَٰلِكَ قَوۡلُهُم بِأَفۡوَٰهِهِمۡۖ يُضَٰهِ‍ُٔونَ قَوۡلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَبۡلُۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٣٠﴾.

یهودیان از روی دروغ و باطل گفتند «عزیر» فرزند خداست و نصرانیان نیز بنابر باطل و دروغ گفتند عیسی فرزند خداست. چنین اقوالی ادعاهای بدون دلیل و برهان است. این سخن آن‌ها شبیه این ادعای مشرکان است که «لات» «عزی» و «منات» دختر اند و ملائکه نیز دختران خدایند. خداوند أ آن‌ها را لعنت کند و هلاک و ذلیل نماید چگونه حق را با جود این همه دلائل و شواهد موجود بر وحدانیت خدای‌تعالی و اینکه او نزائیده و از کسی زاده نشده تغییر می‌دهند.

﴿ٱتَّخَذُوٓاْ أَحۡبَارَهُمۡ وَرُهۡبَٰنَهُمۡ أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسِيحَ ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُوٓاْ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗاۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ سُبۡحَٰنَهُۥ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٣١﴾.

یهودیان علما و نصرانیان عبّاد خود را به غیر از خدا معبود قرار دادند. این‌ها برای آن‌ها حرام را حلال می‌کردند و حلال را حرام. نصرانیان عیسی بن مریم را به غیر از خدا، خدای معبود قرار دادند در حالی که او آن‌ها را به اینکار امر ننموده بود، بلکه امرشان کرد تا خدای را به یگانگی و بدون شرک پرستش کنند. خدای‌تعالی از شرک آن‌ها آنگاه که به خدا أ نسبت پسر دادند و با او خدایان دیگری قرار دادند پاک و منزه است، اوتعالی یکتا و بی‌نیازی است که نزائیده و نه زاده شده و نه هم برای او هیچ‌کس کفو و سیال نیست.

﴿يُرِيدُونَ أَن يُطۡفِ‍ُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَيَأۡبَى ٱللَّهُ إِلَّآ أَن يُتِمَّ نُورَهُۥ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٣٢﴾.

یهودیان و نصرانیان و همچنان مشرکان قصد دارند با گفتار باطل و افتراهای دروغین خود در اسلام و پیامبرش طعن وارد کنند؛ زیرا آن‌ها می‌پندارند با این کار می‌توانند هدایت قرآن و ایمان را از مردم باز دارند، ولی خدای‌تعالی خود متولی حفظ این دین شده و اوتعالی به زودی آن را یاری می‌رساند و بلند می‌گرداند و پیامبرش را بر رغم انف کفار تأیید می‌نماید. این در حالی است که برای کفار ذلّت و فرومایگی است.

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ ٣٣﴾.

این تنها خدای‌تعالی است که پیامبر خود را با دین اسلام فرستاد. این دین مشتمل بر علم نافع و عمل صالحی است که انسان را به سوی هر هدایتی راهنمایی می‌نماید و از هر فرومایگی برحذر می‌دارد تا آن را بر تمام ادیان دیگر بلند گرداند و بر سایر ملت‌ها هیمنه دهد و این دین بر آن‌ها با حجّت و برهان و عدالت و احسان غالب باشد.

﴿۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلۡأَحۡبَارِ وَٱلرُّهۡبَانِ لَيَأۡكُلُونَ أَمۡوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلۡبَٰطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۗ وَٱلَّذِينَ يَكۡنِزُونَ ٱلذَّهَبَ وَٱلۡفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٖ ٣٤﴾.

ای مؤمنان! بسیار از علمای یهود و عباد نصارا اموال مردم را بنابر باطل و با انواع و اقسام حیله‌ها، دجل، مخفی کاری‌ها، رشوت و... به عنوان ثمن احکام باطل می‌گیرند و اتباع خود را از داخل شدن به اسلام باز می‌دارند.

و آنانی را که طلا و نقره را ذخیره می‌سازند و زکات آن را ادا نمی‌نمایند و از آن صدقه نمی‌دهند، بشارت به عذابی بده که تاب و توانش را هیچ‌کس ندارد، این عذاب بسیار دردناک است و به علت اعمال بدشان به آن‌ها می‌رسد.

﴿يَوۡمَ يُحۡمَىٰ عَلَيۡهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكۡوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمۡ وَجُنُوبُهُمۡ وَظُهُورُهُمۡۖ هَٰذَا مَا كَنَزۡتُمۡ لِأَنفُسِكُمۡ فَذُوقُواْ مَا كُنتُمۡ تَكۡنِزُونَ ٣٥﴾.

روزی که بر طلا و نقره در دوزخ آتش دمیده می‌شود و با آن پیشانی‌های‌شان که در برابر گدایان اخم کرده و همچنان پلهوهای‌شان که هنگام طلب گدایان، اعراض نموده و پشت‌های‌شان که از روی تکبر و بخل به نیازمندان پشت کرده است بسوزد و برای آن‌ها گفته شود این عاقبت ذخیره‌سازی اموال‌تان است، این عذاب را توأم با حسرت، داد و فریاد و همراه زنجیرها و عذاب بچشید، زیرا شما حق آن را باز داشتید.

﴿إِنَّ عِدَّةَ ٱلشُّهُورِ عِندَ ٱللَّهِ ٱثۡنَا عَشَرَ شَهۡرٗا فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ يَوۡمَ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ مِنۡهَآ أَرۡبَعَةٌ حُرُمٞۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُۚ فَلَا تَظۡلِمُواْ فِيهِنَّ أَنفُسَكُمۡۚ وَقَٰتِلُواْ ٱلۡمُشۡرِكِينَ كَآفَّةٗ كَمَا يُقَٰتِلُونَكُمۡ كَآفَّةٗۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلۡمُتَّقِينَ ٣٦﴾.

تعداد ماه‌های سال در علم و تقدیر خدای‌تعالی دوازده ماه مشخص و محدد است و بر آن نه افزون می‌گردد و نه کم می‌شود. از این میان چهار ماه با عظمت است که در آن هرگونه جنگ و خون‌ریزی ممنوع می‌باشد. این ماه‌ها عبارت اند از: ذوالقعده، ذوالحجه، محرم و رجب. این تقسیم ماه‌ها از سوی خداوند أ شریعت برابر و منهج استوار است پس از این برحذر باشید که در این ماه‌ها بر خویشتن با جنگ یا انتهاک حرمت‌های خدا با ارتکاب گناهان ظلم و ستم کنید. و بر شماست تا با مشرکان به صورت همگانی بجنگید همانگونه که آن‌ها با شما به صورت همگانی می‌جنگند و یقین داشته باشد که خدای‌تعالی اگر اخلاص را رعایت کنید و حدودش را نگه دارید با شماست، چون او کسی را که از او اطاعت کند و تقوایش را رعایت نماید یاری می‌رساند.

این آیه دلالت بر اباحت با مشرکان در تمام ماه‌های سال و حتی ماه‌های حرام دارد اگر آن‌ها در این ماه‌ها با مسلمانان بجنگند.

﴿إِنَّمَا ٱلنَّسِيٓءُ زِيَادَةٞ فِي ٱلۡكُفۡرِۖ يُضَلُّ بِهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُحِلُّونَهُۥ عَامٗا وَيُحَرِّمُونَهُۥ عَامٗا لِّيُوَاطِ‍ُٔواْ عِدَّةَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ فَيُحِلُّواْ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُۚ زُيِّنَ لَهُمۡ سُوٓءُ أَعۡمَٰلِهِمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٣٧﴾.

همانا جابجا کردن حرمت یک ماه به ماهی دیگر زیادتی در کفر است که از سوی مشرکان صورت می‌گیرد، چراکه آن‌ها احکام خدا را تغییر می‌دهند و شریعتش را تبدیل می‌نمایند. با این تأخیر کفار در سرکشی و گمراهی خویش از ناحیۀ کسانی که در این زمینه به آن‌ها دست به تشریع زده‌اند افزودند. این‌ها جا به جائی ماه‌های حرام را یکی به جای دیگر در سالی حلال می‌سازند و در سالی دیگر حرام تا به این ترتیب ماه‌های تبدیل شده به جای ماه‌های چهارگانۀ حرام قرار گیرد و براساس هوا و هوس خود چهار ماه دیگر را بر گزینند و آن‌ها را به جای ماه‌ها حرام دهند و جنگ و انتقام جوئی را که خدای‌تعالی حرام نموده، چون شیطان بر آن‌ها مزین کرده است مباح بدانند. و خدای‌تعالی هیچ کافر را به سوی آنچه صلاح اوست رهنمایی نمی‌کند و او را در راستای منفعتش توفیق نمی‌دهد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَا لَكُمۡ إِذَا قِيلَ لَكُمُ ٱنفِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱثَّاقَلۡتُمۡ إِلَى ٱلۡأَرۡضِۚ أَرَضِيتُم بِٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا مِنَ ٱلۡأٓخِرَةِۚ فَمَا مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ٣٨﴾.

ای مؤمنان شما را چه شده که هنگام نفیر عام به سوی جهاد که به خاطر اعلای کلمۀ الله صورت می‌گیرد خود را کنار می‌کشید و دوست دارید در دیار خویش باقی بمانید و در اوطان خویش درنگ کنید، آیا شهوات دنیا را بر آخرت ترجیح داده‌اید؟ آخر بهره جوئی از شهوات دنیا در مقایسه با نعمت آخرت جز وقتی اندک را برنمی‌گیرد این به علاوۀ اینکه دنیا حقیر و بی‌ارزش است و توشه‌اش اندک و عمرش کوتاه می‌باشد.

﴿إِلَّا تَنفِرُواْ يُعَذِّبۡكُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا وَيَسۡتَبۡدِلۡ قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيۡ‍ٔٗاۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٣٩﴾.

اگر به سوی جهاد در راه خدا أ بیرون نشوید او شما را با ذلّت و شکست و آفات و مصیبت‌ها مجازات می‌کند و به جای شما بندگانی صالح و مجاهد می‌آورد که او را متولی خود بدانند و یاری دهند و اگر شما پشت گردانید در این امر هیچ ضرری بر خدای‌تعالی نیست، چون او از همۀ بی‌نیاز و دارای قدرتی بزرگ است که در همه چیز نافذ و ساری است از جمله تبدیل نمودن بندگان گنهکار و آوردن اهل طاعت و جهاد به جای آن‌ها.

﴿إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدۡ نَصَرَهُ ٱللَّهُ إِذۡ أَخۡرَجَهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ثَانِيَ ٱثۡنَيۡنِ إِذۡ هُمَا فِي ٱلۡغَارِ إِذۡ يَقُولُ لِصَٰحِبِهِۦ لَا تَحۡزَنۡ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَنَاۖ فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَيۡهِ وَأَيَّدَهُۥ بِجُنُودٖ لَّمۡ تَرَوۡهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلسُّفۡلَىٰۗ وَكَلِمَةُ ٱللَّهِ هِيَ ٱلۡعُلۡيَاۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٤٠﴾.

اگر شما پیامبر خدا را یاری نرسانید، تنها خدای‌تعالی او را یاری می‌رساند و تأیید می‌کند و عزّت می‌دهد، درست همانگونه که او را در روزی یاری داد که کفار از مکه اخراجش کردند، آنگاه که او یکی از دو تن، پیامبر و ابوبکر در غار بودند، روزی که پیامبر ج به رفیق خود ابوبکر گفت: غمگین مباش که خدا أ با ماست و صبر کن و مطمئن باش. این است توکل بر خدا أ اینجا بود که اوتعالی بر قلب محمد ج آرامش را نازل کرد و چشمان کفار را کور نمود و او را با لشکری نیکوکار از ملائکه نصرت داد که با چشم قابل دید نبودند و به این ترتیب خدای‌تعالی دعوت کفار را ذلیل و مغلوب نمود و کلمۀ توحید و رسالت خود را بلند و پیروز گردانید که خدای‌تعالی نیرومندی است که مغلوب نمی‌شود، او جباری است که مقهور نمی‌گردد و در صنع و شریعت خود حکمت دارد.

﴿ٱنفِرُواْ خِفَافٗا وَثِقَالٗا وَجَٰهِدُواْ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٤١﴾.

ای مؤمنان! به سوی جهاد در راه خدا أ به صورت پیاده و سواره، فعالانه و غیر فعالانه بیرون شوید و اموال خود را به مصرف برسانید و جان‌های خود را در راه اعلای کلمۀ پروردگار خود تقدیم کنید که در این عمل اجر و پاداشی بزرگ و نعمتی ماندگار است و از تمام لذت‌های دنیای فانی و نعمت‌های زودگذر و بی‌ارزش آن بهتر است.

﴿لَوۡ كَانَ عَرَضٗا قَرِيبٗا وَسَفَرٗا قَاصِدٗا لَّٱتَّبَعُوكَ وَلَٰكِنۢ بَعُدَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلشُّقَّةُۚ وَسَيَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ لَوِ ٱسۡتَطَعۡنَا لَخَرَجۡنَا مَعَكُمۡ يُهۡلِكُونَ أَنفُسَهُمۡ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ٤٢﴾.

اگر مطلب تو ای محمد متاع دنیائی می‌بود و حصول آن کاری سهل و بدون مشقت و سفر به سوی آن نیز آسان و متوسط می‌بود، تو این متخلفان را می‌دیدی که همه با تو بیرون می‌شدند. ولی چون این سفر نظر به گرمی هوا سخت بود، از این‌روی بقا را بر جهاد ترجیح دادند و چون به مدینه بازگردی خواهی دید که این متخلفان به سوی تو می‌آیند و سوگند یاد می‌کنند که اگر شرائط به ما اجازه می‌داد حتماً با تو به سوی جهاد بیرون می‌شدیم. آن‌ها با این سوگند دروغین خود خویشتن را در معرض عذاب شدید قرار می‌دهند و خدای‌تعالی می‌داند که آن‌ها در سوگندهای دروغین و عذرهای باطل خویش دروغ می‌گویند.

﴿عَفَا ٱللَّهُ عَنكَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمۡ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَتَعۡلَمَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٤٣﴾.

ای پیامبر! خداوند از تو درگذشت و تو را مؤاخذه نکرد، چرا به آن‌ها در ترک جهاد و باقی ماندن در مدینه و بیرون نشدن به سوی تبوک اجازه دادی در حالی که باید انتظار می‌کشیدی اهل عذر از اهل نفاق و فرار مشخص شوند و امر راستگویان و دروغ‌گویان نیز معلوم گردد، حال آنکه در قبول عذرهای آن‌ها عجله نمودی!

﴿لَا يَسۡتَ‍ٔۡذِنُكَ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ أَن يُجَٰهِدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلۡمُتَّقِينَ ٤٤﴾.

اهل ایمان به خدا أ و روز آخرت از تو در ترک جهاد اجازه نمی‌طلبند، بلکه در امثال امر خدای ذوالجلال و به منظور بذل جان و مال و جهاد سرعت به خرج می‌دهند و خدای‌تعالی می‌داند چه کسی تقوای او را رعایت می‌نماید و از رضوان او پیروی می‌کند، او می‌داند چه کسی در نیّت خود صادق و در عمل خود نیکوکار است.

﴿إِنَّمَا يَسۡتَ‍ٔۡذِنُكَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَٱرۡتَابَتۡ قُلُوبُهُمۡ فَهُمۡ فِي رَيۡبِهِمۡ يَتَرَدَّدُونَ ٤٥﴾.

کسانی از تو در ترک جهاد اجازه می‌طلبند که به خدا أ و روز آخرت ایمان ندارند و در وعدۀ الهی و تهدید او شک دارند و آن‌ها در این شک خود نیز آرام نیستند، بلکه بین کفر و اسلام حیران و سرگردانند.

﴿۞وَلَوۡ أَرَادُواْ ٱلۡخُرُوجَ لَأَعَدُّواْ لَهُۥ عُدَّةٗ وَلَٰكِن كَرِهَ ٱللَّهُ ٱنۢبِعَاثَهُمۡ فَثَبَّطَهُمۡ وَقِيلَ ٱقۡعُدُواْ مَعَ ٱلۡقَٰعِدِينَ ٤٦﴾.

و اگر آن‌ها صادقانه بیرون شدن با تو را به منظور اعلای کلمۀ خدا أ دوست می‌داشتند حتماً آماده می‌شدند و تمام اموری را که برای یک مجاهد در سفر لازم است برای خود مهیا می‌کردند، ولی خدای‌تعالی بیرون شدن آن‌ها را با تو دوست ندارد؛ چون آن‌ها نفاق دارند از این‌روی آن‌ها را با بیرون نشدن کیفر داد و دچار بزدلی، تنبلی و ناکامی و شکست کرد و برای آن‌ها گفت در خانه‌های خویش در کمال ذلّت و خواری بمانید و با اهل عذر از معلولان، فقرا، اطفال و زنان در خانه‌های خود بنشینید.

﴿لَوۡ خَرَجُواْ فِيكُم مَّا زَادُوكُمۡ إِلَّا خَبَالٗا وَلَأَوۡضَعُواْ خِلَٰلَكُمۡ يَبۡغُونَكُمُ ٱلۡفِتۡنَةَ وَفِيكُمۡ سَمَّٰعُونَ لَهُمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ٤٧﴾.

اگر این منافقان با شما به جهاد بیرون شوند این بیرون شدن آن‌ها برای شما جز ضرر، شر، فساد و شکست ارمغانی دیگر نخواهد داشت، زیرا آن‌ها اهل توهین و ذلّت اند و در سخن چینی در بین شما سرعت به خرج می‌دهند و صف‌های شما را می‌شکنند و در بین قلب‌های‌تان با اختلاف و ایجاد دشمنی مخالفت ایجاد می‌نمایند و شما را از کفار می‌ترسانند این در حالی است که در بین شما ای مؤمنان انسان‌های ضعیفی نیز هستند که به سخنان این منافقان متأثر می‌شوند و قریب گفتار آن‌ها را خورند و خدای‌تعالی به احوال ستمگران آگاهی دارد و بر او هیچ امری از امور آن‌ها پوشیده نیست و به زودی آن‌ها را براساس اعمال‌شان جزا می‌دهد.

﴿لَقَدِ ٱبۡتَغَوُاْ ٱلۡفِتۡنَةَ مِن قَبۡلُ وَقَلَّبُواْ لَكَ ٱلۡأُمُورَ حَتَّىٰ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَظَهَرَ أَمۡرُ ٱللَّهِ وَهُمۡ كَٰرِهُونَ ٤٨﴾.

منافقان فتنه‌انگیزی نموده و در این راستا پیش از غزوۀ تبوک تلاش کردند تا مؤمنان را از کفار بترسانند آن‌ها را متزلزل نموده و دست به فساد و تباهی بزنند و اختلاف ایجاد کنند چنان‌چه در حق پیامبر ج نیز دست به دسیسه و مکر زدند و اموری را ظاهر کردند که در نهاد آن‌ها نبود و در انجام مکر و حیله تلاش نموده و در راستای اجرای این مکرها در حق مسلمانان تبادل افکار و آراء نمودند تا اینکه خداوند أ دین و پیامبر خود را نصرت داد و کلمه‌اش را بلند نمود و لشکرش را تأیید کرد در حالی که منافقان از این پیروزی نفرت داشتند و از این ناحیه که دین اسلام بلندی و برتری حاصل کرد در خشم شدند.

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَقُولُ ٱئۡذَن لِّي وَلَا تَفۡتِنِّيٓۚ أَلَا فِي ٱلۡفِتۡنَةِ سَقَطُواْۗ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةُۢ بِٱلۡكَٰفِرِينَ ٤٩﴾.

و از منافقان کسانی‌اند که به تو ای محمد ج می‌گویند از من به خاطر تخلف از اشتراک در جهاد درگذر، زیرا اگر تو این اذن را به من ندهی من گناهکار خواهم بود. قولی نیز وجود دارد که آن‌ها گفتند ما می‌ترسیم که اگر با تو به جهاد بیرون شویم با مشاهدۀ زن‌های روم در فتنه بیفتیم در حالی که آن‌ها با تخلف از جهاد و نافرمانی پیامبر ج و ارائۀ معاذیر دروغین، به گونه‌ای که درک نکردند در فتنه‌ای بزرگتر افتادند. آتش دوزخ بر کافران از هر جهت احاطه دارد و برای آن‌ها هیچ مجالی برای فرار وجود ندارد.

﴿إِن تُصِبۡكَ حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡۖ وَإِن تُصِبۡكَ مُصِيبَةٞ يَقُولُواْ قَدۡ أَخَذۡنَآ أَمۡرَنَا مِن قَبۡلُ وَيَتَوَلَّواْ وَّهُمۡ فَرِحُونَ ٥٠﴾.

ای پیامبر اگر به تو امر نیکوئی مانند پیروزی و یا غنیمت برسد منافقان اندوهگین می‌شوند و اگر به تو مصیبت، اندوه، نکبت و شکست برسد منافقان می‌گویند ما خویشتن را نگاه داشته و در امور خویش از قاطعیت و تدبیر کار گرفتیم از این‌روی از آن مصیبتی که به پیامبر ج رسید نجات یافتیم و در این راستا از شکست شما خورسند می‌شوند و از آنچه به مؤمنان رسیده در نهایت سرور باز می‌گردند.

﴿قُل لَّن يُصِيبَنَآ إِلَّا مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَنَا هُوَ مَوۡلَىٰنَاۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٥١﴾.

ای پیامبر ج بگو هرگز به ما مصیبتی جز به قضا و قدر الهی نمی‌رسد و اوتعالی در سختی‌ها و آسانی‌ها متولی امور ماست، چون برای هر شدّت و سختیی صبری است و برای هر رخا و آسایشی شکری و مؤمنان همواره تمام امور خود را چه سخت باشد یا آسان به خدا أ می‌سپارند.

﴿قُلۡ هَلۡ تَرَبَّصُونَ بِنَآ إِلَّآ إِحۡدَى ٱلۡحُسۡنَيَيۡنِۖ وَنَحۡنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمۡ أَن يُصِيبَكُمُ ٱللَّهُ بِعَذَابٖ مِّنۡ عِندِهِۦٓ أَوۡ بِأَيۡدِينَاۖ فَتَرَبَّصُوٓاْ إِنَّا مَعَكُم مُّتَرَبِّصُونَ ٥٢﴾.

ای پیامبر ج برای منافقان بگو شما در حق ما چه انتظاری دارید که با ما جز یکی از دو عاقبت نیکو برسد؟ یکی پیروزی و عزّت در دنیا و دیگری شهادت و پاداش بزرگ آخرت. ولی ما در حق شما منتظریم تا اوتعالی بر شما عذابی کوبنده از آسمان بفرستد یا ما شما را با دستان خود بکشیم و اسیر نمائیم، شما منتظر چیزی که قرار است به ما برسد باشید و ما منتظر آنچه قرار است به شما برسد هستیم.

﴿قُلۡ أَنفِقُواْ طَوۡعًا أَوۡ كَرۡهٗا لَّن يُتَقَبَّلَ مِنكُمۡ إِنَّكُمۡ كُنتُمۡ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ ٥٣﴾.

ای پیامبر ج برای منافقان بگو در هر حالتی صدقه بدهید چه از روی رضایت باشد یا اجبار، خدای‌تعالی هرگز صدقات شما را قبول درگاه خود نمی‌سازد چون شما از طاعت او خارج شده و از جماعت مسلمانان خود را کنار کشیدید بنابراین شما در برابر اوامر خدا سرکشی نموده‌اید.

﴿وَمَا مَنَعَهُمۡ أَن تُقۡبَلَ مِنۡهُمۡ نَفَقَٰتُهُمۡ إِلَّآ أَنَّهُمۡ كَفَرُواْ بِٱللَّهِ وَبِرَسُولِهِۦ وَلَا يَأۡتُونَ ٱلصَّلَوٰةَ إِلَّا وَهُمۡ كُسَالَىٰ وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمۡ كَٰرِهُونَ ٥٤﴾.

علت عدم قبول صدقات آن‌ها کفرشان به خدا أ و پیامبر ج است. صدقۀ کافر مردود و نمازش توأم با کسالت و اکراه و ریا و سنگینی است و عمل کسی که ریا کند قبول نمی‌شود. نکتۀ دیگر اینکه آن‌ها جز به اکراه و بدون رغبت صدقه نمی‌دهند، چون نفاق بر قلب‌های آن‌ها تراکم کرده است.

﴿فَلَا تُعۡجِبۡكَ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُمۡۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُم بِهَا فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَتَزۡهَقَ أَنفُسُهُمۡ وَهُمۡ كَٰفِرُونَ ٥٥﴾.

تو در اموال و اولاد این منافقان تعجب نکن که خدای‌تعالی اراده دارد تا این اموال و اولاد را سبب بدبختی و حزن آن‌ها در دنیا بگرداند چون قلب‌های آن‌ها از ایمان، رضایت و شکر تُهی گشته و به سرمایه‌ها و فرزندان‌شان بسته شده است. همین‌ها در آخرت نیز موجب عذاب شدن آن‌ها در آتش دوزخ خواهد بود، چون زکات این اموال و سایر حقوق واجب آن‌ها را رها کردند. دیگر اینکه مرگ آن‌ها در حالی خواهد آمد که از مرگ نفرت دارند. از این‌روی ارواح آن‌ها به مشقت بیرون می‌شود و در این راستا به شدّت درد خواهند کشید، چراکه آن‌ها به خدا أ و پیامبر ج کفر ورزیدند.

﴿وَيَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنَّهُمۡ لَمِنكُمۡ وَمَا هُم مِّنكُمۡ وَلَٰكِنَّهُمۡ قَوۡمٞ يَفۡرَقُونَ ٥٦﴾.

منافقان سوگند یاد می‌کنند که در جنگ و یاری رسانیدن، با مؤمنان اند در حالی که دروغ می‌گویند. آن‌ها نسبت به شما با زبان خویش اظهار مودت و دوستی می‌کنند در حالی که قلب‌های آن‌ها پُر از دشمنی و عداوت نسبت به شماست، علت اینکه آن‌ها اسلام را اظهار داشتند و کفر را پنهان این است که از شما به شدّت هراس دارند روی این اساس با نفاق، خود را از شما حفظ و وقایه می‌نمایند.

﴿لَوۡ يَجِدُونَ مَلۡجَ‍ًٔا أَوۡ مَغَٰرَٰتٍ أَوۡ مُدَّخَلٗا لَّوَلَّوۡاْ إِلَيۡهِ وَهُمۡ يَجۡمَحُونَ ٥٧﴾.

اگر منافقان دژهای محکم و یا غارهایی بیابند که بتوانند خود را در آن پنهان دارند و یا پناهگاه‌هایی در زیر زمین، از شدّت خوف و ترسی که دارند به سوی این پناهگاه لرزان و در نهایت اضطراب خواهند شتافت تا خود را در آن پنهان کنند.

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَلۡمِزُكَ فِي ٱلصَّدَقَٰتِ فَإِنۡ أُعۡطُواْ مِنۡهَا رَضُواْ وَإِن لَّمۡ يُعۡطَوۡاْ مِنۡهَآ إِذَا هُمۡ يَسۡخَطُونَ ٥٨﴾.

بعضی از منافقان در تقسیمی که نسبت به غنائم انجام می‌دهی عیبجوئی می‌کنند و تو را متهم به جانبداری و عدم رعایت عدالت می‌نمایند و اگر به آن‌ها مطابق میل و رغبت آن‌ها بدهی از تو راضی می‌شوند و به ستایشت می‌پردازند و اگر به آن‌ها آنچه را توقع دارند ندهی خشمگین می‌شوند و دست به عیبجوئی می‌زنند و در عدالت تو طعن وارد می‌نمایند. چنین صفاتی از آن بندگان دنیاست که در غنائم طمع دارند و در غرامت‌ها جزع و فزع می‌نمایند.

﴿وَلَوۡ أَنَّهُمۡ رَضُواْ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ سَيُؤۡتِينَا ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ وَرَسُولُهُۥٓ إِنَّآ إِلَى ٱللَّهِ رَٰغِبُونَ ٥٩﴾.

و اگر منافقان به آنچه خدای‌تعالی به آن‌ها توسط پیامبر خود داده قناعت کنند و بگویند: خدای أ برای ما کافی است و او هرگز ما را ضایع نمی‌سازد و متولی امور ماست و به ما روزی زیاد و وسیع می‌دهد؛ زیرا فضل او نا محدود و عطایش ردّ نمی‌شود و پیامبر ج نیز در آینده به ما زیادتر و بیشتر خواهد داد. ما در فضل خدا أ طمع داریم و در طاعتش رغبت، اگر آن‌ها چنین سخنانی بر زبان بیاورند و گمان نیکو داشته باشند حتماً برای آن‌ها بهتر است.

﴿۞إِنَّمَا ٱلصَّدَقَٰتُ لِلۡفُقَرَآءِ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡعَٰمِلِينَ عَلَيۡهَا وَٱلۡمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمۡ وَفِي ٱلرِّقَابِ وَٱلۡغَٰرِمِينَ وَفِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِۖ فَرِيضَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٦٠﴾.

زکات فرض به هشت گروه داده می‌شود: فقرایی که چیزی ندارند؛ مساکینی که محروم اند؛ کسانی که در راستای جمع آوری زکات کاری می‌کنند؛ به کافرانی که قرار است قلب‌های‌شان به سوی اسلام جلب شود؛ به منظور آزاد سازی بردگان، در راستای کمک به کسانی که از ادای دین خود عاجزند؛ مجاهدان؛ به نیکوئی عمل نموده و عدالت را رعایت کرده است.

﴿وَمِنۡهُمُ ٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱلنَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٞۚ قُلۡ أُذُنُ خَيۡرٖ لَّكُمۡ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَيُؤۡمِنُ لِلۡمُؤۡمِنِينَ وَرَحۡمَةٞ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡۚ وَٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ رَسُولَ ٱللَّهِ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٦١﴾.

برخی از منافقان بر پیامبر گرامی اسلام ج خُرده می‌گیرند و مدعی می‌شوند که ایشان به هر سخنی گوش فرا می‌دهند و هر خبری را تصدیق می‌نمایند و گوش‌هایش آمادۀ دریافت سخنان مردم است و آنچه را می‌شنوند می‌پذیرند، خدای‌تعالی این اتهام آن‌ها را اینگونه رد می‌نماید که ایشان جز سخن خیر و حق چیز دیگری نمی‌شنوند و سخنان راست را می‌پذیرند نه دروغ را و به خدا أ و کتابش باور دارند، و به مؤمنان در اطلاعاتی که به آن‌ها راجع به گفتار کافران و منافقان ارائه می‌کنند راست می‌گویند. او رحمتی برای پیروانش است و سبب نجات آن‌ها و مقتدای آن‌ها به سوی هدایت است و هر که پیامبر ج را با گفتار یا عملکردی اذیت کند برای او عذابی است دردناک و دائمی در آتش دوزخ.

﴿يَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ لَكُمۡ لِيُرۡضُوكُمۡ وَٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَحَقُّ أَن يُرۡضُوهُ إِن كَانُواْ مُؤۡمِنِينَ ٦٢﴾.

ای مؤمنان! منافقان به شما سوگند یاد می‌کنند آنچه از آن‌ها نقل شده را نگفته‌اند، این سخن‌شان به منظور جلب رضایت مؤمنان است در حالی که خدا أ و پیامبرش بر این امر سزاوارتر اند تا رضایت‌شان به دست آورده شود، اگر این‌ها واقعاً آنگونه که می‌گویند مؤمن اند. خدای‌تعالی کسی است که نفع و ضرر آن‌ها به دست اوست و پیامبر گرامی‌اش مبلغی از جانب خداست و مردم را به سوی راه اوتعالی و به سوی همۀ خوبی‌ها رهنمائی می‌نماید.

﴿أَلَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّهُۥ مَن يُحَادِدِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَأَنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدٗا فِيهَاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡخِزۡيُ ٱلۡعَظِيمُ ٦٣﴾.

آیا این منافقان نمی‌دانند کسی که با خدا أ و پیامبرش ج دشمنی کند مرجع او به سوی آتش دوزخ است که در آن جاودانه خواهد بود؟ قرار گرفتن در این آتش ذلّت و خواری بزرگ و همیشگی است.

﴿يَحۡذَرُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَيۡهِمۡ سُورَةٞ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِي قُلُوبِهِمۡۚ قُلِ ٱسۡتَهۡزِءُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ مُخۡرِجٞ مَّا تَحۡذَرُونَ ٦٤﴾.

منافقان از آن می‌ترسند که بر پیامبر خدا سوره‌ای نازل شود که آنان را رسوا ساخته، پیامبر ج و مؤمنان را در جریان محتویات قلب‌های‌شان قرار دهد.

ای محمد ج! از روی تهدید به آن‌ها بگو، بر روش خویش آنگونه که می‌خواهید باقی بمانید و استهزا کنید که خدای‌تعالی آشکار کننده و کاشف تمام اموری است که پنهان می‌دارید.

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُمۡ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلۡعَبُۚ قُلۡ أَبِٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ وَرَسُولِهِۦ كُنتُمۡ تَسۡتَهۡزِءُونَ ٦٥﴾.

ای پیامبر! اگر منافقان دربارۀ استهزای‌شان به قرآن، به خود و به اسلام در غزوۀ تبوک سوال کنی، ضمن اینکه عذر می‌آورند می‌گویند: ما فقط به منظور وقت گذرانی و تفریح چنین می‌گفتیم تا راه بر ما کوتاه گردد. برای آن‌ها بگو آیا به خدای بزرگ و کتاب حکیم و رسول گرامی‌اش استهزا می‌کنید؟ آیا غیر از این، سخن دیگری نیافتید؟!

﴿لَا تَعۡتَذِرُواْ قَدۡ كَفَرۡتُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡۚ إِن نَّعۡفُ عَن طَآئِفَةٖ مِّنكُمۡ نُعَذِّبۡ طَآئِفَةَۢ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ مُجۡرِمِينَ ٦٦﴾.

ای منافقان! از این استهزاهای خود عذرخواهی نکنید که تمام این عذرها باطل و تمام اعمال‌تان موجب گناه و سخن‌تان کاملاً دروغ است، شما با استهزای خود کافر شُدید. و اگر خدای‌تعالی توبۀ گروهی از شما را که به سوی اسلام بازگشتند و بر عملکرد خود نادم و پشیمان شده‌اند قبول کند، در مقابل، حتماً کسانی را که بر کفر اصرار ورزیده و نفاق را پنهان داشتند و توبه نکردند را عذاب خواهد نمود.

﴿ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتُ بَعۡضُهُم مِّنۢ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمُنكَرِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَقۡبِضُونَ أَيۡدِيَهُمۡۚ نَسُواْ ٱللَّهَ فَنَسِيَهُمۡۚ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٦٧﴾.

مردان و زنان منافق همه اعضای یک حزب‌اند و بر کفر به خدای رحمان و جنگ با اهل ایمان اتفاق دارند. آن‌ها به سوی هر منکری دعوت و به سوی هرکار بَدی توصیه و از انجام هر معروفی نهی می‌نمایند و از هر امر رشدی برحذر می‌دارند و در بخشش‌های خود بخالت می‌ورزند و مانع مصارف خویش در راه‌های خیر می‌گردند. این‌ها ایمان را ترک کردند از این‌روی خدای رحمان آن‌ها را در مسألۀ توبه و مغفرت به حال خودشان رها کرد، زیرا که منافقان از دائرۀ طاعت خدا أ و پیامبرش ج خارج‌اند.

﴿وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ هِيَ حَسۡبُهُمۡۚ وَلَعَنَهُمُ ٱللَّهُۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّقِيمٞ ٦٨﴾.

خدای‌تعالی به مردان و زنان منافق وعده داد که مصیر و مرجع آن‌ها به سوی آتش دوزخ است که در آن برای همیشه خالد و جاودان اند، این آتش و همچنان حرمان آن‌ها از بهشت و طرد کردن‌شان از رحمت الهی به عنوان و کیفر کافی است و برای آن‌ها عذابی است ثابت و هولناک که هرگز نه کم می‌شود و نه متوقف می‌گردد.

﴿كَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ كَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنكُمۡ قُوَّةٗ وَأَكۡثَرَ أَمۡوَٰلٗا وَأَوۡلَٰدٗا فَٱسۡتَمۡتَعُواْ بِخَلَٰقِهِمۡ فَٱسۡتَمۡتَعۡتُم بِخَلَٰقِكُمۡ كَمَا ٱسۡتَمۡتَعَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُم بِخَلَٰقِهِمۡ وَخُضۡتُمۡ كَٱلَّذِي خَاضُوٓاْۚ أُوْلَٰٓئِكَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٦٩﴾.

دقیقاً این منافقان مانند انسان‌های کافری که پیش از آن‌ها گذشته‌اند عمل نمودند با این تفاوت که کفار گذشته از این منافقان قوی‌تر و دارای اموال و اولاد بیشتری بودند و از شهوات دنیا و لذت‌های آن حد اکثر بهره را بردند و شما نیز از این شهوات و بهره‌های دنیوی و خواست‌های پست مانند گذشتگان بهره بُردید و در باطل، گناهان و مخالفت‌ها مانندی که آن‌ها در باطل فرو رفتند و گناه کردند و دست به مخالفت زدند شما نیز فرو رفتید و به این ترتیب شما و آن‌ها در لهو و لعب و تنعم و تلذذ توأم با مخالفت امر خدای‌تعالی و مانع شدن از راه او بسیار عمل کردید و هر کسی که چنین اعمالی انجام دهد در واقع عملش باطل شده و تمام تلاشش در دنیا و آخرت برباد رفته و مصیر او به سوی هلاکت است. این بود که خدای‌تعالی ثروت آن‌ها را تبدیل به فقر و عزت‌شان را تبدیل به ذلّت و نعمت‌شان را به عذاب مبدل کرد.

﴿أَلَمۡ يَأۡتِهِمۡ نَبَأُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ وَثَمُودَ وَقَوۡمِ إِبۡرَٰهِيمَ وَأَصۡحَٰبِ مَدۡيَنَ وَٱلۡمُؤۡتَفِكَٰتِۚ أَتَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٧٠﴾.

آیا به این منافقان خبر کفار گذشته نرسیده است؟ خبر قوم نوح که در طوفان غرق شدند و عاد که با باد سرکش هلاک شدند و ثمود که آواز مهیب هلاک‌شان ساخت و قوم ابراهیم ÷ که نعمت‌ها از آنان سلب شد و به جای آن عذاب قرار گرفت و اصحاب مدین آنانی که دچار عذاب روز سایه شدند و قریه‌های قوم لوط ÷ که زیر و روی شدند و بر آن‌ها سنگ بارید؟ پیامبران این اقوام توأم با معجزات و ارائۀ دلائل قاطع مبنی بر وحدانیت خدای‌تعالی آمدند، اما از سوی این اقوام تکذیب شدند و این خداوند أ نبود که آن‌ها را از روی ظلم و ستم عذاب کرد، بلکه خود آن‌ها بودند که بر خویشتن با کفر، سرکشی، گناه و تکذیب پیامبران ظلم کردند و مستحق عذاب و زیان شدند.

﴿وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَيُطِيعُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ سَيَرۡحَمُهُمُ ٱللَّهُۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٧١﴾.

مردهای مؤمن و زن‌های مؤمن اعضای یک حزب‌اند. این‌ها با یکدیگر در انجام کارهای خوب و در راستای تقوا همکاری می‌نمایند و یکدیگر خویش را دوست دارند و یاری می‌رسانند. این‌ها همواره به انجام هر امر معروف و مشروعی از اعمال صالح و گفتار نیکو و حالات خوب امر می‌کنند و از هر منکری اعم از عمل بد، گفتار زشت و حالات نادرست نهی می‌نمایند و نماز را بر کامل‌ترین وجه آن ادا می‌کنند و زکات واجب را به مستحقین آن می‌دهند و از خدا أ و پیامبر ج با انجام اوامر و اجتناب از نواهی اطاعت می‌کنند. این‌هایی که دارای چنین صفاتی‌اند به زودی خدای‌تعالی آن‌ها را با تحقق وعدۀ خود مبنی بر ثواب و پاداش رحم می‌کند و هرگونه عذاب را از آن‌ها بازمی‌دارد و نجات‌شان می‌دهد و به این ترتیب هر آنچه را طلب کرده‌اند برای آن‌ها محقق می‌سازد و آن‌ها را از هر ترس و هراسی در امان می‌سازد و از حکمت اوتعالی ثواب دادن نیکوکار و کیفر دادن بدکار است.

﴿وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةٗ فِي جَنَّٰتِ عَدۡنٖۚ وَرِضۡوَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِ أَكۡبَرُۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٧٢﴾.

خداوند أ به زن‌ها و مردهای مؤمن وعده نموده تا آن‌ها را وارد بهشت‌هایی سازد که از زیر درختان آن جوی‌ها جاری است. این نعمت برای همیشه ماندگار و جاوید و نعمتی مستمر در قصرهای آباد، نیکو و منازل جذاب و زیبا در بهشت خُلد است که توأم با اقامت دائم بدون انقطاع، بدون کدورت و اخراج خواهد بود و علاوه بر این‌ها برای آن‌ها رضوانی بزرگتر از هر نعمتی، از جانب خداست، زیرا او جنای سعادت و نعمت، و امنیت از خشم پروردگار در کسب رضوان الهی است و این پیروزیی می‌باشد که هیچ پیروزی دیگری با آن برابری کرده نمی‌تواند، جایی که در آن راحت نفس و روشنی چشم و سرور خاطر و بهرۀ جسم توأم با مقام نیکو و قرارگاه خوب است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡۚ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٧٣﴾.

ای پیامبر با کافران و منافقان با مال و جان و زبان خویش جهاد کن و بر آن‌ها با عمل و قول خود سخت بگیر تا حق از آزار و اذیت آن‌ها در امان بماند. مرجع آن‌ها به سوی دوزخ است و چه بد قرار گاهی است دوزخ. این‌ها نظر به عملکرد بد خویش برای همیشه در دوزخ جاودان خواهند بود.

﴿يَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ مَا قَالُواْ وَلَقَدۡ قَالُواْ كَلِمَةَ ٱلۡكُفۡرِ وَكَفَرُواْ بَعۡدَ إِسۡلَٰمِهِمۡ وَهَمُّواْ بِمَا لَمۡ يَنَالُواْۚ وَمَا نَقَمُوٓاْ إِلَّآ أَنۡ أَغۡنَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ مِن فَضۡلِهِۦۚ فَإِن يَتُوبُواْ يَكُ خَيۡرٗا لَّهُمۡۖ وَإِن يَتَوَلَّوۡاْ يُعَذِّبۡهُمُ ٱللَّهُ عَذَابًا أَلِيمٗا فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَمَا لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ ٧٤﴾.

منافقان سوگند یاد می‌کنند خبرهایی که راجع به سبّ و طعن‌شان نسبت به دین به تو رسیده را نگفته‌اند، آن‌ها در این ادعای خود دروغ می‌گویند. این منافقان سخن کفر را بر زبان آورده و پیامبر ج را دشنام دادند و در دینش طعن زدند و به این ترتیب از اسلام بیرون شده و نتوانستند کاری را که بر آن مبنی بر قتل پیامبر اسلام ج هنگام بازگشت از تبوک عزم کردند انجام دهند.

آن‌ها از کاری بد بردند که خدای‌تعالی بر آن‌ها از قبیل منت و شکر بر نعمت‌ها واجب نموده است، چنان‌چه پروردگار متعال آن‌ها را از فقر بیرون نمود و ثروت داد و بر آن‌ها بعد از احتیاجی و بدبختی با دادن غنائم فضل کرد و اگر منافقان با ایمان و طاعت خدای رحمان توبه کنند برای‌شان هم در دنیا خوبی است و هم در آخرت، ولی اگر از توبه و ایمان روی گردانند خدای‌تعالی آن‌ها را در دنیا با قتل و اسارت توسط مؤمنان و در آخرت با جاوید بودن در دمزخ عذاب خواهد کرد و برای آن‌ها هیچ دوستداری نیست تا حفظ‌شان کند و به آن‌ها منفعت برساند و هیچ یاری دهنده‌ای نیست تا عذاب را از آن‌ها دفع کند.

﴿۞وَمِنۡهُم مَّنۡ عَٰهَدَ ٱللَّهَ لَئِنۡ ءَاتَىٰنَا مِن فَضۡلِهِۦ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٧٥﴾.

و از منافقان کسانی‌اند که با خدا أ تعهد کردند که اگر خدای‌تعالی به ما از فضل خود روزی دهد ما حتماً صدقۀ واجب و سایر حقوق مالی را ادا خواهیم کرد و بر آنچه خداوند أ از قبیل انجام طاعات و دوری از گناهان امر نموده، راست و برابر خواهیم شد.

﴿فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُم مِّن فَضۡلِهِۦ بَخِلُواْ بِهِۦ وَتَوَلَّواْ وَّهُم مُّعۡرِضُونَ ٧٦﴾.

و چون خدای‌تعالی بر آن‌ها با دادن روزی فضل کرد و آن‌ها را بعد از فقر بی‌نیاز ساخت، دست به بخالت زدند چون نفاق در دل‌های آن‌ها جای گرفته و به طاعت خداوند أ و پیروی پیامبرش پُشت کردند و به این ترتیب از حق و علم نافع و عمل صالح اعراض نمودند.

﴿فَأَعۡقَبَهُمۡ نِفَاقٗا فِي قُلُوبِهِمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ يَلۡقَوۡنَهُۥ بِمَآ أَخۡلَفُواْ ٱللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُواْ يَكۡذِبُونَ ٧٧﴾.

این بخل منجر به رسوخ نفاق در قلب‌های آن‌ها تا هنگام مرگ شد، چون پیمان خویش را با خدا أ شکستند و دست به وعده خلافی زده و با اظهار غیر از آنچه در نهادشان بود دروغ گفتند و سوگند دروغ یاد نمودند و دست به مکر و حیله زدند.

﴿أَلَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ سِرَّهُمۡ وَنَجۡوَىٰهُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ ٧٨﴾.

آیا این منافقان نمی‌دانند که خدای‌تعالی بر آنچه در دل‌های خود از قبیل کفر و دشمنی پنهان می‌دارند آگاه است و اوتعالی اقوال آن‌ها را که در نهان و در بین خود راجع به دشنام دین و طعن پیامبر امّی می‌گویند داناست و بر خدا أ هیچ سرّی پوشیده نیست.

﴿ٱلَّذِينَ يَلۡمِزُونَ ٱلۡمُطَّوِّعِينَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ فِي ٱلصَّدَقَٰتِ وَٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهۡدَهُمۡ فَيَسۡخَرُونَ مِنۡهُمۡ سَخِرَ ٱللَّهُ مِنۡهُمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٧٩﴾.

این منافقان کسانی‌اند که دست به عیبجوئی مؤمنانی می‌زنند که از تَه دل صدقه می‌دهند. به این صورت که اگر مقدار اندکی تصدّق کنند، می‌گویند این مقدار اندک در تجهیز لشکری بزرگ چه نفعی دارد؟! و اگر بسیار صدقه دهند می‌گویند اینکار را از روی ریا انجام می‌دهند و به این ترتیب نه صاحب اندک را معذور می‌دانند و نه ممنون کسی هستند که تصدّق بسیار کرده است.

این منافقان از کسانی که مقدار اندکی صدقه می‌دهند عیبجوئی می‌کنند و در نهایت تمسخر و استهزا می‌گویند، خدای‌تعالی از این مقدار اندک و فرومایه بی‌نیاز است، خدای‌تعالی به آن‌ها تمسخر می‌کند درست همانگونه که آن‌ها به بندگان صالح او تمسخر و استهزا می‌نمایند. سخریۀ خدا أ در حق آن‌ها به گونه‌ای است که سزاوار اوست و برای این منافقان در آخرت عذابی دردناک در آتش دوزخ است.

﴿ٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ أَوۡ لَا تَسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ إِن تَسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ سَبۡعِينَ مَرَّةٗ فَلَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَهُمۡۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَفَرُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ٨٠﴾.

ای پیامبر! در حق این منافقان خواه استغفار کنید یا نکنید آن‌ها اهل و شایستۀ مغفرت نیستند و اگر برای آن‌ها هفتاد مرتبه و بیشتر از آن هم استغفار کنی حق‌تعالی هرگز آن‌ها را نمی‌بخشد؛ چون کافراند و کفر از جملۀ اموری است که مانع مغفرت گناهان‌شان می‌شود و خدای‌تعالی سرکشان را، آنانی که از طاعت او خارج شده‌اند را به راه رشد توفیق نمی‌دهد.

﴿فَرِحَ ٱلۡمُخَلَّفُونَ بِمَقۡعَدِهِمۡ خِلَٰفَ رَسُولِ ٱللَّهِ وَكَرِهُوٓاْ أَن يُجَٰهِدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَالُواْ لَا تَنفِرُواْ فِي ٱلۡحَرِّۗ قُلۡ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرّٗاۚ لَّوۡ كَانُواْ يَفۡقَهُونَ ٨١﴾.

آن دسته از منافقان که از غزوۀ تبوک تخلف ورزیدند به علت رهائی از مشقت سفر و نرفتن به جهاد خورسند گردیدند. این منافقان همچنان بذل مال و جان را در راه خدا أ بَد شمردند و برخی به برخی دیگر گفتند هنگام شدّت گرمی به جهاد بیرون نشوید.

ای پیامبر! برای آن‌ها آتش دوزخ سوزنده‌تر از گرمیی است که شما از آن می‌ترسید. شما بیرون شدن را به خاطر نجات از حرارت و گرمی ترک کردید در حالی که عاقبت این کار، حرارت دوزخ است که وارد آن می‌شوید و اگر منافقان حقایق این امور و نصوص شرعی و اسرار احکام را بفهمند دست به فساد نمی‌زنند و از جهاد و معصیت خدای متعالی تخلف نمی‌ورزند.

﴿فَلۡيَضۡحَكُواْ قَلِيلٗا وَلۡيَبۡكُواْ كَثِيرٗا جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٨٢﴾.

بگذار تا در دنیا بخندند، چقدر بقای آن‌ها در آن کوتاه است؟! این‌ها به علت اسرافی که در استهزای به دین و در کنار خدا أ کردند و به مؤمنان تمسخر زیاد نمودند در آخرت گریۀ بسیار خواهند نمود. این موعود جزا و کیفر گناهانی است که مرتکب شده‌اند.

﴿فَإِن رَّجَعَكَ ٱللَّهُ إِلَىٰ طَآئِفَةٖ مِّنۡهُمۡ فَٱسۡتَ‍ٔۡذَنُوكَ لِلۡخُرُوجِ فَقُل لَّن تَخۡرُجُواْ مَعِيَ أَبَدٗا وَلَن تُقَٰتِلُواْ مَعِيَ عَدُوًّاۖ إِنَّكُمۡ رَضِيتُم بِٱلۡقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٖ فَٱقۡعُدُواْ مَعَ ٱلۡخَٰلِفِينَ ٨٣﴾.

و اگر خدای‌تعالی تو را سالم از غزوۀ تبوک بازگردانید و گروهی از منافقان نزد تو آمدند و خواستند در کنار تو جهاد کنند، به آن‌ها بگو هرگز به شما اجازه نمی‌دهم در کنار من با هیچ دشمنی بجنگید، چون شما از خدا أ نافرمانی نموده و به مخالفت اوامر من پرداختید. روی این اساس لازم است تا از شما بر حذر بوده و در تعامل با شما احتیاط کنیم. پس در مدینه در نهایت ذلّت و حقارت و در کنار متخلفان دیگر از قبیل ناتوانان و زنان بمانید.

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰٓ أَحَدٖ مِّنۡهُم مَّاتَ أَبَدٗا وَلَا تَقُمۡ عَلَىٰ قَبۡرِهِۦٓۖ إِنَّهُمۡ كَفَرُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَمَاتُواْ وَهُمۡ فَٰسِقُونَ ٨٤﴾.

و تو ای پیامبر! بر جنازۀ هیچ‌یک از این منافقان نماز نگذار و بر قبرش به منظور دعا نایست که آن‌ها به خدا أ و پیامبرش کفر ورزیده و از طاعت اوتعالی بیرون شدند و در برابر دینش تمرد کردند پس آن‌ها دشمنان اسلام اند.

﴿وَلَا تُعۡجِبۡكَ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَأَوۡلَٰدُهُمۡۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُعَذِّبَهُم بِهَا فِي ٱلدُّنۡيَا وَتَزۡهَقَ أَنفُسُهُمۡ وَهُمۡ كَٰفِرُونَ ٨٥﴾.

و آنچه را خدای‌تعالی به آن‌ها از قبیل اموال و اولاد داده را نیکو نشمار که خداوند أ اراده دارد تا این پدیده‌ها را مایۀ مشکلات و مشقت‌های آنان بگرداند، چون این منافقان بر این اموال حرص و در آن اضطراب دارند و رضایت از قلب‌های آن‌ها بیرون شده است. ارواح این‌ها از بدن‌های‌شان به سختی و مشقت توأم با کفرشان که به سبب آن در دوزخ جاودان شدند بیرون خواهد شد بنابراین زندگی آن‌ها کلاً بدبختی و مرگ‌شان مشقت است.

﴿وَإِذَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٌ أَنۡ ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَجَٰهِدُواْ مَعَ رَسُولِهِ ٱسۡتَ‍ٔۡذَنَكَ أُوْلُواْ ٱلطَّوۡلِ مِنۡهُمۡ وَقَالُواْ ذَرۡنَا نَكُن مَّعَ ٱلۡقَٰعِدِينَ ٨٦﴾.

و اگر خدای‌تعالی بر پیامبر خود سوره‌ای از قرآن نازل کند که آن‌ها را به سوی ایمان به خدا أ و جهاد در راه او فرا بخواند ثروتمندان و اهل وسعت روزی آن‌ها را خواهی دید که از پیامبر در تخلف از جهاد اجازه می‌طلبند و می‌گویند ما را در کنار ناتوانان از اهل عذر مانند ضعفا و زن‌ها بگذار. این خواست آن‌ها ازین‌روست که در دل‌های‌شان جبن و احساس شکست فراوانی نهفته است.

﴿رَضُواْ بِأَن يَكُونُواْ مَعَ ٱلۡخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَفۡقَهُونَ ٨٧﴾.

منافقان راضی شدند تا با زن‌هایی باشند که به جهاد نرفتند و در خانه باقی ماندند و با این کار صفات مردانگی از قبیل شجاعت، ثبات و همّت بلند از آن‌ها سلب شد و خدای‌تعالی با کفر بر قلب‌های‌شان مهُر نهاد طوری که حق به دل‌های‌شان نمی‌رسد و آن‌ها نمی‌دانند که در جهاد چه خوبی‌هایی وجود دارد. این‌ها نفع و ضرر خود را درک نمی‌کنند.

﴿لَٰكِنِ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ جَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلۡخَيۡرَٰتُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٨٨﴾.

ولی پیامبر ج و پیروان مؤمنش جان و مال خویش را در راه خدا أ و اعلای کلمه‌اش به مصرف رسانیدند. برای این‌ها خوبی‌های دنیا و آخرت از قبیل نصرت، عزّت، کسب حلال از طریق به دست آوردن غنائم، شهادت و بخشش گناهان است و آن‌ها با رضوان الهی رستگار خواهند بود و در بهشت سکونت خواهند کرد، چون این‌ها پیروزی را دریافتند و از هر خطری نجات یافتند.

﴿أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٨٩﴾.

خدای‌تعالی برای مؤمنان مجاهد در راه خویش، بهشت‌هایی را آماده نموده که از زیر درختان آن جوی‌ها جاری است، آن‌ها در نعمت مستمر جاودان خواهند بود و این است رستگاری بزرگ و سعادتی که بعد از آن هیچ سعادتی نیست. این امر رسیدن و دست یافتن بر شریف‌ترین مطالب و بلند‌ترین درجات است.

﴿وَجَآءَ ٱلۡمُعَذِّرُونَ مِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ لِيُؤۡذَنَ لَهُمۡ وَقَعَدَ ٱلَّذِينَ كَذَبُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٩٠﴾.

بادیه نشینان عرب عذرهای معقولی در تخلف از غزوۀ تبوک نزد پیامبر ج آورده‌اند اما منافقان‌شان بدون عذر تخلف ورزیدند و به این ترتیب در آنچه به خدا أ وعده کرده بودند دروغ گفتند و به مخالفت پیامبر ج پرداخته و از ایشان پیروی نکردند، چون به ایمان باور ندارند.

به زودی خدای‌تعالی بادیه نشینانی که در عذرهای خویش دروغ گفتند را و همچنان آنانی را که بدون عذر تخلف ورزیدند دچار عذابی دردناک در آتش دوزخ خواهد کرد.

﴿لَّيۡسَ عَلَى ٱلضُّعَفَآءِ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرۡضَىٰ وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُواْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦۚ مَا عَلَى ٱلۡمُحۡسِنِينَ مِن سَبِيلٖۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٩١﴾.

بر آن دسته از متخلفان که عذر معقول داشتند مانند: پیرمردان، زنان، کودکان، ناتوانان، بیماران، معلولان، کوران و فقرایی که فقرشان آن‌ها را از اشتراک در جهاد هیچ گناهی نیست به شرط آنکه عبادت خود را خالص برای خدا أ بگردانند و از پیامبرش پیروی نموده و از نفاق سالم بمانند.

برای این‌ها هیچ ملامتی و سرزنشی نیست چون خداوند أ آن‌ها را مشمول مغفرت خود می‌نماید و عذرهای‌شان را می‌پذیرد و از سر تقصیرات‌شان دَرمی‌گذرد و بر آن‌ها رحم می‌نماید و آن‌ها را به آنچه توان ندارند مکلف نمی‌سازد.

﴿وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ إِذَا مَآ أَتَوۡكَ لِتَحۡمِلَهُمۡ قُلۡتَ لَآ أَجِدُ مَآ أَحۡمِلُكُمۡ عَلَيۡهِ تَوَلَّواْ وَّأَعۡيُنُهُمۡ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمۡعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُواْ مَا يُنفِقُونَ ٩٢﴾.

همچنان گناه و مؤاخذه‌ای بر آن دسته از مسلمانان نیست که ای پیامبر نزد تو آمده و طالب مَرکَب شدند تا به جهاد بروند ولی تو نظر به عدم وجود مرکب از آن‌ها عذر خواستی ولی آن‌ها چون نمی‌توانستند در جهاد شرکت کنند از نزد تو گریه کنان دور شدند، زیرا چیزی برای انفاق در راه اشتراک در جهاد نیافتند و فقرشان مانع اشتراک آن‌ها در جهاد شد، این‌ها معذور و در عین حال مشکورند؛ زیرا در حد توان خود تلاش کردند و نیّت صادق داشته و بر اشتراک نکردند در جهاد حزین و غمگین شدند.

﴿۞إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ يَسۡتَ‍ٔۡذِنُونَكَ وَهُمۡ أَغۡنِيَآءُۚ رَضُواْ بِأَن يَكُونُواْ مَعَ ٱلۡخَوَالِفِ وَطَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٩٣﴾.

همانا گناه، مؤاخذه و کیفر بر مردمی است که از تو طالب تخلف از جهاد می‌شوند در حالی که توان مالی این کار را دارند. این‌ها از نهایت ذلتی که دارند راضی شدند تا با معلولان و زن‌ها باشند و به این ترتیب این‌ها نه مردانگی دارند و نه شجاعت و نه توان هجوم؛ از این‌روی خدای‌تعالی بر قلب‌های آن‌ها مُهر نهاد طوری که حق را نمی‌بینند و نمی‌دانند چه چیزی به نفع یا ضررشان است.

روی این اساس جهاد و فضائل بزرگش را ترک کردند. چنین عملی از کسانی سَر می‌زند که جهل و نادانی، او را تحت پوشش خود قرار داده و از علم نافع محروم کرده است.

﴿يَعۡتَذِرُونَ إِلَيۡكُمۡ إِذَا رَجَعۡتُمۡ إِلَيۡهِمۡۚ قُل لَّا تَعۡتَذِرُواْ لَن نُّؤۡمِنَ لَكُمۡ قَدۡ نَبَّأَنَا ٱللَّهُ مِنۡ أَخۡبَارِكُمۡۚ وَسَيَرَى ٱللَّهُ عَمَلَكُمۡ وَرَسُولُهُۥ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٩٤﴾.

منافقان در هنگام بازگشت شما به مدینه از تبوک به زودی نزد شما آمده و برای‌تان در مورد تخلف‌شان از آن غزوه عذر می‌آورند، حال آنکه در عذرهایی که پیشکش می‌کنند دروغگویند. ای پیامبر! به آنان بگو: عذر نیاورید؛ زیرا دروغگو هستید. هرگز هیچ عذری را از شما نخواهیم پذیرفت؛ از آن‌رو که خدای متعالی حال‌تان را به وسیلۀ وحی برما برملا گردانیده و رسوایی‌های درون‌تان و نفاقی را که پنهانش می‌دارید بر ما نمایان ساخته است. البته به زودی علم خداوند أ دربارۀ شما به طور عینی آشکار خواهد شد که: آیا توبه کرده و کارتان را به صلاح و سامان می‌آورید یا که بر نفاق خویش باقی می‌مانید؟ پیامبر ما ج نیز در روزهای آینده عمل‌تان را خواهد دید. سپس در آخرت به سوی دانای نهان و آشکار باز گردانیده می‌شوید؛ همان ذاتی که آنچه را از دیده‌ها نهان یا آشکار است می‌داند و هیچ امر پنهان در آسمان‌ها و زمین بر وی مخفی نیست بناءً شما را از آنچه انجام می‌دادید خبر می‌دهد و بر آنچه کرده‌اید جزا می‌رساند.

﴿سَيَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ لَكُمۡ إِذَا ٱنقَلَبۡتُمۡ إِلَيۡهِمۡ لِتُعۡرِضُواْ عَنۡهُمۡۖ فَأَعۡرِضُواْ عَنۡهُمۡۖ إِنَّهُمۡ رِجۡسٞۖ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٩٥﴾.

وقتی از تبوک به مدینه باز گردید این گروه منافق برای‌تان به نام خدا سوگند خواهند خورد تا از آنان در گذشته به باد سرزنش‌شان نگیرید و عذرهای‌شان را در تخلف از جهاد بپذیرید. پس آنان را به نفاق‌شان واگذارید؛ نه از سر عفو و گذشت بلکه از روی تحقیر. و ترک‌شان کنید؛ زیرا آنان پلیدند، کارهای‌شان پلید و احوال‌شان بس منفور است و به علّت اعمال کینه توزانه و نفرت انگیز، قرارگاه همیشگی و ابدی‌شان آتش جهنم می‌باشد.

﴿يَحۡلِفُونَ لَكُمۡ لِتَرۡضَوۡاْ عَنۡهُمۡۖ فَإِن تَرۡضَوۡاْ عَنۡهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَرۡضَىٰ عَنِ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡفَٰسِقِينَ ٩٦﴾.

همچنین منافقان بدین منظور که از آنان خشنود گردید به شما سوگندهای دروغین و گناه آلود می‌خورند. پس اگر از آنان خشنود هم بشوید و معذورشان بشناسید بدانید که قطعاً خداوند أ از آنان خشنود نخواهد شد و بر آنان خشمگین است؛ زیرا آنان از دایرۀ اطاعتش بیرون رفته و بر شریعتش تمرد ورزیده‌اند. بنابراین ممکن است گاهی فریب ظاهر حال‌شان را بخورید اما خداوند أ نفاقی را که پنهان داشته‌اند می‌داند و از گروه فاسقان خشنود نخواهد شد.

﴿ٱلۡأَعۡرَابُ أَشَدُّ كُفۡرٗا وَنِفَاقٗا وَأَجۡدَرُ أَلَّا يَعۡلَمُواْ حُدُودَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٩٧﴾.

بادیه نشینان عرب در کفر و نفاق از دیگران سرسخت‌تراند؛ از آن روی که جاهل‌اند و از دانش دور. آنان اخلاقی خشن، دل‌هایی سخت و طبیعتی خشک و درشت دارند. همچنان آن‌ها به ندانستن احکام شرعی، آداب و هنجارهای اجتماعی نیز سزاوارتر می‌باشند؛ زیرا از اماکن آموزش و از ملاقات با وارثان انبیا دوراند. خداوند أ بر احوال‌شان داناست و از روی دانایی این اوصاف را برای‌شان بیان کرده است. خداوند أ در هر آنچه که مقدر و مشروع ساخته و فیصله نموده، صاحب حکمت است.

﴿وَمِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ مَغۡرَمٗا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ ٱلدَّوَآئِرَۚ عَلَيۡهِمۡ دَآئِرَةُ ٱلسَّوۡءِۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٩٨﴾.

برخی از آن بادیه نشینان کسانی‌اند که آنچه را در راه خدا أ انفاق کرده‌اند، خسارت و تاوانی برای خود می‌پندارند؛ به علت نفاقی که دارند و بدان سبب که در صدقۀ خود جویای پاداش الهی نیستند بلکه این کار را از روی ریا و شهرت طلبی انجام داده‌اند. همچنان آن‌ها برای شما پیش آمدهای بدی – مانند مصیبت‌ها و شکست‌ها – را انتظار می‌برند از آنکه نسبت به شما بغض دارند. ولی بدانند که پیش آمد‌های بد و مصیبت بار همچون تلخکامی و تیره ر‌وزی، فرجام نامیمون، خشم خدای ذوالجلال توأم با خواری و خفت و اضمحلال، دامنگیر خودشان خواهد شد. و خداوند أ شنوای چیزی است که گفته‌اند، داناست به آنچه کرده‌اند؛ پس به زودی آنان را در قبال سخنان بد و اعمال زشت‌شان مورد محاسبه قرار خواهد داد.

﴿وَمِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ مَن يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ قُرُبَٰتٍ عِندَ ٱللَّهِ وَصَلَوَٰتِ ٱلرَّسُولِۚ أَلَآ إِنَّهَا قُرۡبَةٞ لَّهُمۡۚ سَيُدۡخِلُهُمُ ٱللَّهُ فِي رَحۡمَتِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٩٩﴾.

برخی دیگر از بادیه نشینان کسانی‌اند که به خدا أ، پیامبرش و روز بازپسین ایمانی راستین دارند و طاعات و عبادات دیگر را مایۀ تقرب نزد خدا أ دانسته و از وی جویای اجر و پاداش هستند. همچنان بر آنند تا از راه انفاق، آمرزش خواهی پیامبر ج و دعای رحمت و رضوانش را برای خود حاصل کنند. بدانید که هم صدقۀشان و هم دعای پیامبر در حق‌شان نزد خدا أ سودمند و پذیرفته است از آن‌رو که اهل اخلاص‌اند. بنابراین پاداش‌شان بهشت‌های پر از نعمت است که به رحمت ارحم‌الرّاحمین وارد آن می‌شوند؛ زیرا خداوند أ بر توبه‌کاران گناهان‌شان را می‌آمرزد، بر انابت جویان رحم می‌کند و از کسانی که بد کرده و سپس پشیمان شده و باز گشته‌اند درمی‌گذرد.

﴿وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلۡأَوَّلُونَ مِنَ ٱلۡمُهَٰجِرِينَ وَٱلۡأَنصَارِ وَٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُم بِإِحۡسَٰنٖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُ وَأَعَدَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي تَحۡتَهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١٠٠﴾.

خداوند أ طاعات نخستین پیشگامان به سوی ایمان به خدا أ، هجرت در راهش و به سوی جهاد و صدقه را پذیرفته و از آنان خشنود شده است. اینان مهاجران، انصار و کسانی‌اند که از ایشان در عمل صالح به درستی پیروی کرده‌اند و ایشان نیز بدان چه حق‌تعالی از فضلش بر آن‌ها ارزانی داشته و از خیر و نیکی برای‌شان سرازیر ساخته است، از وی خشنودند. و برای‌شان در آخرت باغ‌هایی آماده کرده که از زیر درختان آن‌ها نهرها روان است. همیشۀ ابد در آن جاودان و نعمت‌یاب اند؛ این همان کامیابی بزرگ و رستگاری سترگی است که هیچ کامیابی و رستگاریی با آن همطراز و همتا نمی‌باشد.

﴿وَمِمَّنۡ حَوۡلَكُم مِّنَ ٱلۡأَعۡرَابِ مُنَٰفِقُونَۖ وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡمَدِينَةِ مَرَدُواْ عَلَى ٱلنِّفَاقِ لَا تَعۡلَمُهُمۡۖ نَحۡنُ نَعۡلَمُهُمۡۚ سَنُعَذِّبُهُم مَّرَّتَيۡنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٖ ١٠١﴾.

بعضی دیگر از بادیه نشینانی که پیرامون مدینه ساکن هستند منافقانند که اسلام را آشکار و کفر را پنهان می‌دارند. برخی از ساکنان مدینه هم مردمانی هستند که بر نفاق خو کرده و آن را خوشگوار یافته‌اند، ولی آن‌ها تا بدانجا در پنهان‌سازی نفاق می‌کوشند که کارشان بر رسول خدا ج نیز مخفی مانده است. لیکن خداوند أ آنان را می‌شناسد و حال‌شان را بر پیامبرش ج برملا ساخته و به زودی دو بار عذاب‌شان می‌کند؛ یکی عذاب رسوایی دنیا با دریدن پردۀ اسرار و برهنه سازی حقیقت حال و کردارشان، و دیگری عذاب سکرات مرگ و سختی‌های سهمگین قبر. سپس در آخرت به عذابی بزرگ و سخت دردناک در فرودین درکات دوزخ باز گردانیده می‌شوند.

﴿وَءَاخَرُونَ ٱعۡتَرَفُواْ بِذُنُوبِهِمۡ خَلَطُواْ عَمَلٗا صَٰلِحٗا وَءَاخَرَ سَيِّئًا عَسَى ٱللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ١٠٢﴾.

و دیگرانی از مسلمانان هستند که از بیرون شدن باتو در جهاد بی‌هیچ عذری تخلف کرده ولی به گناه خود اعتراف کرده‌اند. آنان عمل نیک را که عبارت از تمسک به شریعت است با عمل بد که تخلف از غزوۀ تبوک می‌باشد در آمیخته‌اند. سپس از آن واپس مانی پشیمان شده و از حق‌تعالی آمرزش خواسته‌اند. اینان می‌توانند به آمرزش گناه خود از سوی الله أ از آن‌رو امیدوار باشند که توبه کرده‌اند. و خداوند أ بر کسی که توبه کند آمرزگار و بر باز آمدگان مهربان است؛ در را به روی ایشان باز و حجاب را از برابر پشت کنندگان به گناه برداشته است.

﴿خُذۡ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡ صَدَقَةٗ تُطَهِّرُهُمۡ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيۡهِمۡۖ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٞ لَّهُمۡۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٠٣﴾.

ای پیامبر! از اموال گروه توبه‌کار از تخلف در غزوۀ تبوک، صدقه‌ای بگیر تا نفس‌های‌شان را از گناه و بخل پاک گردانی و اموال‌شان را پاکیزه سازی؛ در نتیجه نفس‌های‌شان به صلاح و سامان آمده و اموال‌شان نیز رشد نماید. و برای‌شان دعای مغفرت کن؛ زیرا دعایت بر آنان سبب نزول آرامش بر روان‌های‌شان است. و خداوند أ شنوای اعتراف‌شان به تقصیر خویشتن و شنوای دعایت بر ایشان به عفو و مغفرت از بارگاه لطیف خبیر است. او به این امر که چه کسی در توبه‌اش نیتی راستین دارد و چه کسی ندارد داناست.

﴿أَلَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَيَأۡخُذُ ٱلصَّدَقَٰتِ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ١٠٤﴾.

آیا این گروه توبه‌کار ندانسته‌اند که خداوند أ بر باز آمدگان توبه می‌پذیرد و بر نادمان رحم نموده، لغزش‌های‌شان را می‌آمرزد و صدقات‌شان را می‌پذیرد؟ زیرا او برکسانی که گناه را ترک کرده، به طاعت روی آورند و از گناه پشیمان شوند بسیار آمرزگار و بر توبه‌کاران راستین مهربان است، بناءً ایشان را برگناهان گذشتۀشان مؤاخذه و مجازات نمی‌کند.

﴿وَقُلِ ٱعۡمَلُواْ فَسَيَرَى ٱللَّهُ عَمَلَكُمۡ وَرَسُولُهُۥ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۖ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ١٠٥﴾.

ای پیامبر! به توبه‌کاران بگو: کارهای خوب انجام دهید زیرا خداوند أ عمل شما را چه خوب باشد و چه بد می‌بیند و پیامبر ج و بندگان شایستۀ خدا أ نیز عمل شما را خواهند دید و ایشان گواهان حق‌تعالی در زمینش هستند. و به زودی در روز قیامت به سوی دانای نهان و آشکار که تمام اعمال و سخنان پیدا و پنهان بر وی عیان است باز گردانیده خواهید شد و او شما را در آنجا از اعمال‌تان آگاه ساخته و در قبال آن به شما جزای مناسب خواهد داد؛ اگر اعمال‌تان خوب باشد جزای نیک و اگر بد باشد جزای بد دریافت خواهید کرد.

﴿وَءَاخَرُونَ مُرۡجَوۡنَ لِأَمۡرِ ٱللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمۡ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيۡهِمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ١٠٦﴾.

و گروهی دیگر از متخلفان جهاد کسانی‌اند که کارشان به خدا أ واگذاشته است؛ پس یا به سبب این تخلف عذاب‌شان خواهد کرد یا هم توبۀشان را پذیرفته و ایشان را به رحمت خویش در خواهد پوشاند. و خداوند أ به آنچه در دل‌های‌شان است و به سرانجام و سرنوشت نهایی‌شان دانا و در حکم و فیصلۀ خود سنجیده کار است. گفتنی است که ایشان سه تن از متخلفان غزوۀ تبوک به نام‌های (کعب ابن مالک، هلال بن أمیة و مرارة بن ربیع) بودند که از منافقان نبودند و حق‌تعالی فیصلۀ نهایی در موردشان را به تأخیر انداخت.

﴿وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مَسۡجِدٗا ضِرَارٗا وَكُفۡرٗا وَتَفۡرِيقَۢا بَيۡنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَإِرۡصَادٗا لِّمَنۡ حَارَبَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ مِن قَبۡلُۚ وَلَيَحۡلِفُنَّ إِنۡ أَرَدۡنَآ إِلَّا ٱلۡحُسۡنَىٰۖ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ١٠٧﴾.

و آن منافقانی که به منظور توطئه و نیرنگ علیه پیامبر ج و با هدف تفرقه افکنی و ایجاد شگاف و اختلاف در صفوف مسلمین و به انتظار آمدن کسی که به نبرد با خدا و پیامبرش برخاسته است؛ در مدینه مسجدی بنا کردند. کسی که انتظارش را می‌کشیدند ابوعامر راهب بود که نزد قیصر روم رفت تا از وی در نبرد علیه مسلمینَ مدد بخواهد. آن منافقان بدکار بدکنشت به زودی سوگند خواهد خورد که از بنای آن مسجد جز ایجاد سهولت بر حضور ضعیفان و ناتوانان در جماعت هدف دیگری نداشته‌اند؛ ضعیفانی که باران یا گرما ایشان را از پیمودن فاصلۀ دورتر از آن بازمی‌دارد. اما خداوند أ گواهی می‌دهد که آن‌ها دراین سوگندهای گناه آلود دروغگویند. از آیۀ کریمه چنین برمی‌آید که: ممکن است بعضی از راه‌های در ظاهر خیر، به وسایلی در خدمت شرّ و آزار رسانی علیه اسلام و مسلمین تبدیل شوند.

﴿لَا تَقُمۡ فِيهِ أَبَدٗاۚ لَّمَسۡجِدٌ أُسِّسَ عَلَى ٱلتَّقۡوَىٰ مِنۡ أَوَّلِ يَوۡمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِۚ فِيهِ رِجَالٞ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُطَّهِّرِينَ ١٠٨﴾.

ای پیامبر! ابداً در مسجد منافقان نماز نخوان؛ در حقیقت مسجد قبا و مسجد النّبی که از آغاز ورودت به مدینه بر بنیاد تقوی و رضای الله أ بنا و تأسیس یافته‌اند از مسجد ضرار سزاوارتر به آنند که در آن‌ها نماز بگزاری. از آن گذشته در قبا مردانی از انصار وجود دارند که دوستدار طهارت حسّی و طهارت معنوی هردو می‌باشند؛ طهارت حسّی با وضو و مانند آن و طهارت معنوی با ایمان و توبه از آثار گناهان و خطاها. و خداوند أ کسانی را که خواهان پاکی از نجاست‌ها، بدکاری‌ها و مخالفت‌ها هستند دوست دارد؛ زیرا او پاک است و جز پاکان را نمی‌پذیرد.

﴿أَفَمَنۡ أَسَّسَ بُنۡيَٰنَهُۥ عَلَىٰ تَقۡوَىٰ مِنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٍ خَيۡرٌ أَم مَّنۡ أَسَّسَ بُنۡيَٰنَهُۥ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٖ فَٱنۡهَارَ بِهِۦ فِي نَارِ جَهَنَّمَۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٠٩﴾.

آیا کسی که بنایش را براساس متینی از تقوی و طلب رضای الهی استوار کرده و هدفش از آن دریافت رضای الله أ و عمل به طاعتش هست با کسی که بنای خود را بر لبۀ پرتگاهی مشرف به سقوط برپا داشته، برابر است؟ هرگز برابر نیست از آن‌رو که بنیاد کار دومی سست و نا استوار است و چون فرو افتد با صاحب خود در آتش جهنم فرو می‌افتد. این است حال صاحبان مسجد ضرار که آن را بر پایۀ نفاق و نیرنگ و به مثابۀ کمینگاهی برای پوشانیدن مکر و دسیسه‌های خود بنا کرده‌اند. و خداوند أ کسانی را که با نفاق و نبرد علیه اسلام بر خویشتن ستم کرده‌اند توفیق رشد و صلاح ارزانی نمی‌دارد.

﴿لَا يَزَالُ بُنۡيَٰنُهُمُ ٱلَّذِي بَنَوۡاْ رِيبَةٗ فِي قُلُوبِهِمۡ إِلَّآ أَن تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١١٠﴾.

همواره ساختمان مسجد ضرار در دل‌های منافقان سازندۀ آن مایۀ شک، حیرت و نفاق است. این حال و وضع پیوسته و برای همیشه گریبانگیرشان می‌باشد تا آنگاه که بمیرند، با غم و نگرانی و اندوه، دل‌های‌شان را پاره پاره کند. و خداوند أ بر احوال بندگانش داناست؛ صادق را از کاذب باز می‌شناسد. او در صنع و شرع و پاداش سنجیده‌کار و صاحب حکمت است.

﴿۞إِنَّ ٱللَّهَ ٱشۡتَرَىٰ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَنفُسَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُم بِأَنَّ لَهُمُ ٱلۡجَنَّةَۚ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيَقۡتُلُونَ وَيُقۡتَلُونَۖ وَعۡدًا عَلَيۡهِ حَقّٗا فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ وَٱلۡقُرۡءَانِۚ وَمَنۡ أَوۡفَىٰ بِعَهۡدِهِۦ مِنَ ٱللَّهِۚ فَٱسۡتَبۡشِرُواْ بِبَيۡعِكُمُ ٱلَّذِي بَايَعۡتُم بِهِۦۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١١١﴾.

در حقیقت خداوند أ از مؤمنان جان‌ها و مال‌های‌شان را به این بها خریداری نموده است که بهشت برای آنان باشد؛ پس ایشان جان‌ها و مال‌های خود را فروخته و به بهای آن بهشت و نعمت‌های آن را خریداری نموده‌اند. از این روست که آنان در راه خدا أ با دشمنانش و برای إعلای کلمه‌اش می‌جنگند؛ کافران را می‌کشند و با نیکان پاک رفتار به شهادت می‌رسند. ایشان مال‌های خویش را نیز در راه خدا أ هزینه و انفاق می‌کنند. خدای ﻷ در تورات، انجیل و قرآن به ایشان اکیداً وعدۀ بهشت داده است؛ وعده‌اش لازم، ثابت و تثبیت شده است و هیچ‌کس در وفا به وعد و برآوردن عهد از خدای یکتای یگانه وفادارتر نیست؛ همو که وعده‌اش را خلاف نکرده و به تعهدش پشت‌پا نمی‌زند. پس ای مؤمنان! مژده‌تان باد به این معامله‌ای که با پروردگارتان کرده‌اید! این همان کامیابی بزرگتر و پیروزی برتر است؛ زیرا در آن خریدار خداوند أ، فروشنده مؤمنان، کالا جان‌های ایشان، بها بهشت و مجلس عقد، میدان جنگ و مبارزه است. و چون چک این قرار داد را جبریل بر محمد ج فرود آورد، مؤمنان شادمانانه گفتند: معامله سودی سرشار به بار آورد. پس به خدا سوگند که نه آن را فسخ می‌کنیم و نه خواستار فسخ آن می‌شویم.

﴿ٱلتَّٰٓئِبُونَ ٱلۡعَٰبِدُونَ ٱلۡحَٰمِدُونَ ٱلسَّٰٓئِحُونَ ٱلرَّٰكِعُونَ ٱلسَّٰجِدُونَ ٱلۡأٓمِرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱلنَّاهُونَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡحَٰفِظُونَ لِحُدُودِ ٱللَّهِۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١١٢﴾.

این گروه پاکان جهادگر که پروردگارشان به ایشان وعده بهشت داده است همان توبه کنندگان از گناهان پیدا و پنهان‌اند که طاعت و پرستش پروردگار خود را به زیور خلوص و اخلاص آراسته‌اند، در سختی و آسانی سپاسگزار خدایند، روزه دار یا در آفرینش الله أ اندیشمنداند، همیشه بر ادای نمازها پایبند‌اند و نمازهای نافلۀ بسیاری می‌خوانند، بدانچه که مورد محبت خدای متعال و پیامبرش ج هست دستور می‌دهند و از آنچه که خدای ﻷ و پیامبرش نمی‌پسندند، باز می‌دارند. ایشان پاسداران مقررات خدا أ، پایداران در حفظ شریعت، پایبند به اوامر و احکام و ترک مهنیات وی اند. و ای پیامبر! مؤمنان را به پاداش اعمال شایستۀشان به باغ‌های پرناز و نعمت بشارت ده.

﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن يَسۡتَغۡفِرُواْ لِلۡمُشۡرِكِينَ وَلَوۡ كَانُوٓاْ أُوْلِي قُرۡبَىٰ مِنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ١١٣﴾.

بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند سزاوار نیست که از خدا أ برای مشرکان طلب آمرزش کنند هرچند آن مشرکان خویشان‌شان باشند؛ زیرا خدای سبحان شرک آوردن به خود را نمی‌آمرزد. لذا بعد از آنکه برای‌شان روشن شد که آنان کافر و از اصحاب دوزخ‌اند دیگر نباید برای‌شان آمرزش بخواهند. بنابراین هر کس بر شرک بمیرد، آمرزش خواهی برایش حرام است.

﴿وَمَا كَانَ ٱسۡتِغۡفَارُ إِبۡرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوۡعِدَةٖ وَعَدَهَآ إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥٓ أَنَّهُۥ عَدُوّٞ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنۡهُۚ إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ لَأَوَّٰهٌ حَلِيمٞ ١١٤﴾.

البته درخواست آمرزش از سوی ابراهیم ÷ برای پدر مشرکش جز به خاطر وعده‌ای که او به پدرش داده بود نبود؛ آنگاه که گفت: یقیناً برایت آمرزش خواهم خواست! اما هنگامی که برای وی روشن شد که پدرش مشرک و دشمن پروردگارش می‌باشد از وی بیزاری جست و آمرزش خواستن برای وی را فرو گذاشت به راستی ابراهیم ÷ به سوی پروردگارش بسیار رجوع کننده، بسیار فروتن، بسیار خاشع و بسیار توبه‌کار بود. او از اشتباهات دیگران بسیار درمی‌گذشت، بر آزارشان شکیبا بود و خشمش را بسیار فرو می‌خورد.

﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِلَّ قَوۡمَۢا بَعۡدَ إِذۡ هَدَىٰهُمۡ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ١١٥﴾.

اقتضا و جریان حکم و عدالت الله أ چنین نیست که گروهی را بعد از هدایت‌شان به اسلام بر گمراهی مؤاخذه کند مگر آنکه حق را از باطل و حلال را از حرام برای‌شان روشن ساخته و حجّت را بر آنان اقامه کرده باشد؛ و بعد از آنکه حلال و حرام را برای‌شان روشن ساخت، آن وقت فرمانبر را پاداش داده و نافرمان را مجازات می‌کند از آن‌رو که خداوند أ به تمام احوال بندگانش – اعم از نیک و بد، صلاح و فساد، و شایستگان ثواب و عقاب – داناست.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۚ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ ١١٦﴾.

در حقیقت فرمانروایی آسمان‌ها، زمین و مابین آن‌ها از آن خداست؛ وی را در مالکیّت، آفرینش، اداره و کارگردانی آن‌ها شریکی نیست. تنها اوست که زنده می‌کنند، روزی می‌دهد و می‌میراند. ای مردم! برای شما جز خدا أ هیچ یاوری هم نیست که شما را از حفظ، حمایت، نصرت و پشتیبانی خود بهره مند ساخته، منفعت را برای‌تان پیشکش نموده و زیان را از شما برگرداند؛ بلکه تنها الله أ است که عهده‌دار همۀ این امور می‌باشد.

﴿لَّقَد تَّابَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلنَّبِيِّ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ وَٱلۡأَنصَارِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ ٱلۡعُسۡرَةِ مِنۢ بَعۡدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٖ مِّنۡهُمۡ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّهُۥ بِهِمۡ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ١١٧﴾.

همانا خداوند أ توبۀ پیامبرش را پذیرفت و توبۀ مهاجران و انصار را نیز، بناءً از بدی‌های‌شان در گذشت و گناهان‌شان را بخشید از آن‌رو که به پیامبر ج ایمان آورده، با او راست بودند و در وقت سختی، گرما و مشقت در غزوۀ تبوک بعد از آن شرکت کردند که چیزی نمانده بود دل‌های بعضی از آنان با تخلف از جهاد منحرف شود؛ چرا که توشه اندک، راه دشوار و موقعیت ناهموار بود. سپس برای‌شان بخشید، از قصدشان در تخلف از جهاد درگذشت و دل‌های‌شان را بر ایمان استوار ساخت. همانا خداوند أ به کسانی که توبه کنند و به سویش باز گردند مهربان است و مجازات‌شان نمی‌کند.

﴿وَعَلَى ٱلثَّلَٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَرۡضُ بِمَا رَحُبَتۡ وَضَاقَتۡ عَلَيۡهِمۡ أَنفُسُهُمۡ وَظَنُّوٓاْ أَن لَّا مَلۡجَأَ مِنَ ٱللَّهِ إِلَّآ إِلَيۡهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡ لِيَتُوبُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ١١٨﴾.

همچنین خداوند أ توبۀ آن سه تن کعب فرزند مالک، هلال فرزند امیّه و مراره فرزند ربیع) را که از غزوۀ تبوک تخلف کرده ولی منافق نیستند پذیرفت؛ بعد از آنکه زمین با همۀ فراخی و وسعتش بر آنان تنگ شد و از شدّت اندوه، نگرانی و غم از خود نیز به تنگ آمده و یقین کردند که از نزد خدا جز با توبه به سویش متصور نیست. در این موقعیت بود که خدای ﻷ بر ایشان منّت گذاشته توبۀشان را پذیرفت تا در جملۀ توبه‌کاران و همراه با انابت‌جویان باشند. بی‌تردید خداوند أ بر توبه‌کاران بخشایشی وسیع داشته و رحمتش به منیبان بسیار است از این رو لغزش کسانی را که گام کج گذاشته‌اند به شرط پشیمانی‌شان می‌بخشد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَكُونُواْ مَعَ ٱلصَّٰدِقِينَ ١١٩﴾.

ای مؤمنان! از خدا أ پروا کنید و در تمام سخنان، اعمال و احوال خویش به راستی و درستی چنگ زنید و با راستان باشید.

﴿مَا كَانَ لِأَهۡلِ ٱلۡمَدِينَةِ وَمَنۡ حَوۡلَهُم مِّنَ ٱلۡأَعۡرَابِ أَن يَتَخَلَّفُواْ عَن رَّسُولِ ٱللَّهِ وَلَا يَرۡغَبُواْ بِأَنفُسِهِمۡ عَن نَّفۡسِهِۦۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ لَا يُصِيبُهُمۡ ظَمَأٞ وَلَا نَصَبٞ وَلَا مَخۡمَصَةٞ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَطَ‍ُٔونَ مَوۡطِئٗا يَغِيظُ ٱلۡكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنۡ عَدُوّٖ نَّيۡلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِۦ عَمَلٞ صَٰلِحٌۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٢٠﴾.

ساکنان مدینه و بادیه نشینان پیرامون‌شان را نرسد که از جهاد همراه رسول خدا ج تخلف کرده و جان خویش را عزیزتر از جان گرامی او بدانند. این نهی از تخلف و واپسمانی از جهاد بدان سبب است که هیچ تشنگی، رنج و گرسنگیی در راه برتری کلمۀ خدا أ به ایشان نمی‌رسد، در هیچ جایی که کافران را به خشم آورد فرود نمی‌آیند و از هیچ دشمنی چیزی از جان و مال را با کشتن، اسیر گرفتن و کسب غنیمت به دست نمی‌آورند، مگر اینکه آن چیز در کارنامه‌های اعمال شایستۀ پذیرفتۀ ایشان ثبت می‌شود. بی‌تردید خداوند أ نگهبان پاداش مخلصان راست کیش است؛ و ایشان کسانی‌اند که عمل خویش را منطبق با شریعت پروردگار خویش به زیور نیکی آراسته‌اند.

﴿وَلَا يُنفِقُونَ نَفَقَةٗ صَغِيرَةٗ وَلَا كَبِيرَةٗ وَلَا يَقۡطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمۡ لِيَجۡزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحۡسَنَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٢١﴾.

ایشان هیچ صدقۀ کوچک و بزرگی را انفاق نکرده و هیچ وادیی را در راه کسب رضا و اعلای کلمۀ الله أ نمی‌پیمایند مگر اینکه خداوند أ آن عمل را به حساب‌شان می‌نویسد تا ایشان را در سرای خلد برین و منزلگاه نعمت‌های گزین در جوار رحمان رحیم، به پاداشی بهتر و بزرگتر از آنچه می‌کردند مزد عنایت فرماید.

﴿۞وَمَا كَانَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لِيَنفِرُواْ كَآفَّةٗۚ فَلَوۡلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرۡقَةٖ مِّنۡهُمۡ طَآئِفَةٞ لِّيَتَفَقَّهُواْ فِي ٱلدِّينِ وَلِيُنذِرُواْ قَوۡمَهُمۡ إِذَا رَجَعُوٓاْ إِلَيۡهِمۡ لَعَلَّهُمۡ يَحۡذَرُونَ ١٢٢﴾.

بر مؤمنان واجب نیست که همگی به جهاد یا طلب دانش بیرون رفته و دیار خویش را خالی بگذارند بلکه باید از هر طایفه‌ای گروهی بیرون رفته و دیگران باقی بمانند و این گروهی که بیرون رفته‌اند، دانش سودمندی در دین فرا گیرند سپس چون باز گشتند، باقی ماندگان را در دین خدا أ آموزش داده و ایشان را از نافرمانی‌ها و سرپیچی‌ها از دستور پروردگار متعال بیم دهند؛ باشد که آن‌ها با عمل به کتاب پروردگار و سنّت پیامبرش ج پروردگار خویش را پروا دارند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَٰتِلُواْ ٱلَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ ٱلۡكُفَّارِ وَلۡيَجِدُواْ فِيكُمۡ غِلۡظَةٗۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلۡمُتَّقِينَ ١٢٣﴾.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در آغاز با کافران محاربی بجنگید که مجاور دیار شما هستند؛ زیرا خطر آن‌ها شدیدتر است و بر آنان نیرومند و سرسخت باشید تا هیبت حق در دل‌های‌شان جای گرفته و اسلام مورد احترام قرار گیرد و بدانید که خداوند أ تقوا پیشگان را مورد نصرت و تأیید خویش قرار می‌دهد؛ ایشان کسانی‌اند که به آنچه حق‌تعالی دوست دارد عمل کرده و آنچه را ناپسند می‌دارد، فرو می‌گذارند.

﴿وَإِذَا مَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٞ فَمِنۡهُم مَّن يَقُولُ أَيُّكُمۡ زَادَتۡهُ هَٰذِهِۦٓ إِيمَٰنٗاۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَزَادَتۡهُمۡ إِيمَٰنٗا وَهُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ ١٢٤﴾.

ای پیامبر! و چون خداوند أ سوره‌ای از سوره‌های قرآن را بر تو نازل کند، از منافقان کسانی هستند که از روی استهزا به یاران خود می‌گویند: این سوره ایمان کدام یک از شما را به خدا و رسولش افزود؟ بدانند که آن سوره یقیناً مؤمنان راستین را ایمانی بر ایمان‌شان افزوده است و ایشان مسلماً از نزولش و از فواید بزرگ و فتوحات عظیم ایمانی و ارزشی که به همراه آورده است شادمانند و نزولش را به همدیگر نوید می‌دهند.

﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَتۡهُمۡ رِجۡسًا إِلَىٰ رِجۡسِهِمۡ وَمَاتُواْ وَهُمۡ كَٰفِرُونَ ١٢٥﴾.

اما نزول آن سوره منافقان را که در دل‌های‌شان بیماری است شکّ و حیرت، نفاقی بر نفاق‌شان و پلیدیی بر پلیدی‌شان افزود و بر کفر خود استمرار داند تا با آن به گور رفتند. بنابراین قرآن بر هدایت رهیافتگان افزوده ولی گمراهان را جز نابینایی نمی‌افزاید.

﴿أَوَلَا يَرَوۡنَ أَنَّهُمۡ يُفۡتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٖ مَّرَّةً أَوۡ مَرَّتَيۡنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمۡ يَذَّكَّرُونَ ١٢٦﴾.

آیا منافقان در این امر نمی‌اندیشند که خداوند أ در هرسال، یک یا دوبار آنان را با جهاد همراه پیامبرش ج می‌آزماید ولی با آن هم نه با اجابت دعوت خداوند أ و ترک نفاق توبه‌کار شده، نه از برملا شدن کارخود می‌ترسند و نه هم از عبرت‌ها بهره می‌برند؟!

﴿وَإِذَا مَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٞ نَّظَرَ بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٍ هَلۡ يَرَىٰكُم مِّنۡ أَحَدٖ ثُمَّ ٱنصَرَفُواْۚ صَرَفَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُم بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ ١٢٧﴾.

و چون خداوند أ بر پیامبرش سوره‌ای نازل کند که حال منافقان را برملا ساخته، پردۀ نفاق‌شان را بدرد و کارشان را رسوا سازد برخی از آنان از روی شک و دودلی و به منظور سنجش کار فرار از مجلس پیامبر ج، به سوی بعضی دیگر می‌نگرند و باهم می‌گویند: آیا اگر دزدکی از گوشه‌ای بگریزید کسی از مؤمنان شما را می‌بیند؟ سپس از بیم وحی که رسوای‌شان سازد مخفیانه به منازل خویش می‌گریزند. خداوند أ دل‌های‌شان را از هدایت و رشد بر گرداند؛ زیرا آن‌ها مردمی‌اند که آنچه را او بر پیامبرش نازل کرده است از روی فهم، تعقل، تدبر و قبول در نمی‌یابند.

﴿لَقَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ عَزِيزٌ عَلَيۡهِ مَا عَنِتُّمۡ حَرِيصٌ عَلَيۡكُم بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ١٢٨﴾.

ای مردم! قطعاً برای شما پیامبر بزرگوار از جنس خودتان آمده است که به نسب و تبار شریفش، راستی و امانتداری‌اش آشنایی کامل دارید. بر او دشوار است آنچه شما را در رنج و سختی افگند. بر ایمان و نجات و سعادت‌تان حریص است. نسبت به مؤمنان دلسوز و در زدودن هر رنج و سختیی از آنان تلاش می‌کند. به ایشان مهرورز است؛ احسان و بخشش را از آنان دریغ نمی‌کند، بناءً او به دل‌شکستگان دلسوز است و به کسانی که گناهان دردمندشان ساخته است، مهرورز است. قرائت دیگر: ﴿أَنفُسِكُمۡ﴾ یعنی: پیامبر شریف‌ترین شما است.

﴿فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُلۡ حَسۡبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ ١٢٩﴾.

ای پیامبر! پس اگر از اجابت روی برتافتند بگو: خدا با ولایت و نصرتش مرا بسنده و کافی است؛ زیرا فقط او سزاوار الوهیّت و تنها او معبود بر حقّ است، بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرش عظیم که بر آن استقرار یافته و کار عالم را تدبیر و اداره می‌کند. پس هرچه او بخواهد تحقق یافته و هرچه او نخواهد به حیطۀ هستی قدم نمی‌گزارد.

سورۀ یونس

مکی است؛ ترتیب آن 10؛ شمار آیات آن 109

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيم

﴿الٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡحَكِيمِ ١﴾.

الف، لام، را؛ از حروف مقطعه‌ای است که معانی بس بزرگی دارد و خداوند أ به مرادش از آن‌ها داناتر است.

این آیات قرآنی است که حق‌تعالی آن را برای بندگانش از هر خلل، تناقض و اختلافی استوار ساخته و به تفصیل و بیان آراسته است.

﴿أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ رَجُلٖ مِّنۡهُمۡ أَنۡ أَنذِرِ ٱلنَّاسَ وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنَّ لَهُمۡ قَدَمَ صِدۡقٍ عِندَ رَبِّهِمۡۗ قَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٞ مُّبِينٌ ٢﴾.

آیا برای مردم تعجب آور و تکان دهنده است که به مردی از خودشان وحی فرود آوردیم تا بندگان را در صورت عصیان‌شان از عذاب خدا بیم داده و در صورت اطاعت از راه ایمان و عمل صالح، بشارت‌شان دهد که به خاطر کارهای نیکی که پیش فرستاده‌اند، مزد و پاداشی بزرگ برای‌شان ذخیره شده است؟ آیا این امر شگفت آور است؟ و چون وحی بر پیامبر ج نازل شد، کافران گفتند: این جادویی است آشکارا ناروا که مردی جادوگر آن را آورده است.

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۖ مَا مِن شَفِيعٍ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ إِذۡنِهِۦۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٣﴾.

همانا پروردگارتان آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در مدّت شش روز به استواری و محکمی تمام ابداع و بنا کرده و آن‌ها را نو پدید آورده است، سپس بر عرش مستقر شده و به استوایی که سزاوار جلال و عظمتش می‌باشد استوا یافته است. و در حالی که بر عرش است کار خلقش را تدبیر نموده و امورشان را اداره می‌کند در روز قیامت هیچ شفاعتگری نزدش شفاعت نمی‌کند، جز در صورتی که او خود به وی اذن شفاعت دهد و از کسی که مورد شفاعت قرار می‌گیرد راضی باشد. پس خدا را به یگانگی بپرستید و تنها او را به الوهیَت بخوانید، زیرا او پروردگار آفرینندۀ روزی دهندۀ شایسته این کار است. آیا از ادلّه‌ای که بر یگانگی‌اش وجود دارد پند نگرفته و به برهان‌هایی که بر خداوندیش وجود دارد تأمل نمی‌نمایید؟

﴿إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗاۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقًّاۚ إِنَّهُۥ يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ بِٱلۡقِسۡطِۚ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمۡ شَرَابٞ مِّنۡ حَمِيمٖ وَعَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ ٤﴾.

ای مردم! بازگشت همۀ شما در روز قیامت تنها به سوی اوست. این وعدۀ ثابت الله أ است که در آن شکّی نیست. هموست که خلق را اوّل بار ایجاد می‌کند، سپس آن را بعد از مرگ باز می‌گرداند تا فرمانبران را در قبال ایمان‌شان به خدا أ و پیروی‌شان از پیامبر ج به بزرگ‌ترین پاداش نایل سازد. البته این جزای عادلانه‌ای از سوی اوست. و کسانی که الوهیّت خداوند متعالی و رسالت پیامبرش را انکار کردند برای‌شان به سبب گمراهی و تکذیب‌شان، شربتی از آب جوشان و عذابی پر درد است.

﴿هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلشَّمۡسَ ضِيَآءٗ وَٱلۡقَمَرَ نُورٗا وَقَدَّرَهُۥ مَنَازِلَ لِتَعۡلَمُواْ عَدَدَ ٱلسِّنِينَ وَٱلۡحِسَابَۚ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۚ يُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ٥﴾.

تنها خداوند أ است که خورشید را روشنگر جهان و ماه را نور کائنات گردانید. بنابراین «ضوء» سوزان و گرم، و «نور» تابان و سرد است. و اوست که ماه را به منزل‌هایی در برج‌هایی معلوم فرود آورد تا شمارۀ سال‌ها و حساب را بدانید؛ پس با خورشید روزها شناخته می‌شود و با ماه، سال‌ها. خداوند خورشید و ماه را جز برای حکمتی بزرگ و راهنمایی روشن بر حسن آفرینش و استواری صنع خود نیافریده است. او برهان‌ها را برای گروهی که در آفرینش نشانه‌ها به مقاصد و اهداف آن‌ها راه می‌برند، به روشنی بیان می‌کند.

﴿إِنَّ فِي ٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ ٱللَّهُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَّقُونَ ٦﴾.

به راستی در پیاپی آمدن شب و روز هر آنچه که خداوند أ از مخلوقات عجیب و غریب در آسمان‌ها و زمین آفریده است و در زیبایی، نو آوری، نظم و کمالی که هستی از آن بر خوردار است، دلایلی آشکار بر عظمت آفرینندۀ آن‌هاست اما این دلایل را کسانی می‌فهمند که با انجام دادن موجبات رضا و محبت پروردگار، مولای بزرگ خویش از خشم و ناخشنودی‌اش پروا داشته و خود را باز می‌دارند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا وَرَضُواْ بِٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَٱطۡمَأَنُّواْ بِهَا وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِنَا غَٰفِلُونَ ٧﴾.

کسانی که به دیدار خدا در روز قیامت طمع ندارند وره توشۀ این ملاقات را که ایمان عمل صالح است آماده نمی‌سازند و به زندگانی دنیا دل خوش کرده و فقط آن را بهرۀ خویش گرفته‌اند نه آخرت را و بدان اطمینان یافته و آن را بر پاداشی که نزد حق‌تعالی است ترجیح داده‌اند و کسانی که از آیات کَونی و شرعی ما غافل و رویگردان و بی‌خبراند:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٨﴾.

جایگاه آن گروه به علت اعمال زشت‌شان – از کفر، گناه و نافرمانی پروردگار دانای اسرار – آتش سوزان است؛ در آن همیشه ماندگار اند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ يَهۡدِيهِمۡ رَبُّهُم بِإِيمَٰنِهِمۡۖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمُ ٱلۡأَنۡهَٰرُ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ٩﴾.

اما کسانی که به خدا و پیامبرش ایمان آورده و با اخلاص و متابعت، اعمال نیک و مشروع را انجام داده‌اند خداوند أ ایشان را به سبب ایمان‌شان به خیر دنیا و آخرت ارشاد و به استوارترین راه‌ها رهبری می‌کند. و برای‌شان در آخرت باغ‌هایی پر ناز و نعمت است که از زیر درختان آن نهرها روان است؛ در سرای قرار، در محل ابرابر، در جوار پروردگار عزیز غفّار.

﴿دَعۡوَىٰهُمۡ فِيهَا سُبۡحَٰنَكَ ٱللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمۡ فِيهَا سَلَٰمٞۚ وَءَاخِرُ دَعۡوَىٰهُمۡ أَنِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٠﴾.

نیایش بهشتیان در بهشت این است: ﴿سُبۡحَٰنَكَ ٱللَّهُمَّ﴾ – بار الها! تو پاک و منزهی. خدا أ و فرشتگانش بر آن‌ها شادباش گفته و ایشان خود همدیگر را با واژۀ «سلام» شاد باش می‌گویند؛ زیرا این واژه پیام آور امنیّت، شادی و آرامش است. و پایان نیایش آنان این است: ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ – ستایش ویژۀ پروردگار جهانیان است. بیگمان آفریننده و مدبّر عالَم که برای جویندگان رضایش بخششی فراوان ارزانی داشته است، سزاوار شکر و سپاس می‌باشد.

﴿۞وَلَوۡ يُعَجِّلُ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ ٱلشَّرَّ ٱسۡتِعۡجَالَهُم بِٱلۡخَيۡرِ لَقُضِيَ إِلَيۡهِمۡ أَجَلُهُمۡۖ فَنَذَرُ ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ١١﴾.

و اگر خداوند به همان شتاب که دعای طالبان خیر را اجابت می‌کند، دعای درخواست کنندگان شرّ را نیز اجابت می‌نمود یقیناً این دعا کنندگان هلاک می‌شدند. پس کسانی را که به دیدار ما امید ندارند و در کار رستاخیز و معاد نمی‌اندیشند در گمراهی‌شان رها می‌کنیم تا سرگردان بمانند و در دنیای پست طغیان – آلود خویش مشغول بازیگوشی باشند.

﴿وَإِذَا مَسَّ ٱلۡإِنسَٰنَ ٱلضُّرُّ دَعَانَا لِجَنۢبِهِۦٓ أَوۡ قَاعِدًا أَوۡ قَآئِمٗا فَلَمَّا كَشَفۡنَا عَنۡهُ ضُرَّهُۥ مَرَّ كَأَن لَّمۡ يَدۡعُنَآ إِلَىٰ ضُرّٖ مَّسَّهُۥۚ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلۡمُسۡرِفِينَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٢﴾.

و چون به انسان سختیی برسد؛ بر پهلو خوابیده، یا نشسته یا ایستاده به سوی پروردگارش زاری و تضرع و شکوه می‌کند از بس که صبرش اندک و در سختی بی‌قرار است، اما چون گرفتاریش را برطرف کرده و گره از مشکلش بگشاییم، مجدداً به بازی‌گوشی نخستینش باز می‌گردد؛ گویی او با سختی‌ها مورد آزمون قرار نگرفته و هرگز بر وی گرفتاریی رخ ننموده است؛ پس او دعاها و زاری‌های خود در پیشگاه ما و برداشتن بلا و محنت را از روی دوش خویش تماماً فراموش می‌کند. و آنگونه که باقی ماندن بر فساد و انکار برای این انسان آراسته شده است برای اسراف‌کاران در گناه و جرم نیز آنچه انجام می‌دادند آراسته ساخته شده است، از این رو بر جرم و گناه خود استمرار می‌دهند.

﴿وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَا ٱلۡقُرُونَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَمَّا ظَلَمُواْ وَجَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَمَا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُواْۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ١٣﴾.

و قطعاً امّت‌ها و نسل‌های گذشتۀ پیش از شما را به علت کفرشان به الله أ و تکذیب پیامبرانش به هلاکت رساندیم. و پیامبران‌شان با حجّت‌هایی روشن و برهان‌هایی قاطع بر راستگویی خویش به سوی‌شان برانگیخته شدند، ولی آن امّت‌ها به خاطر استیلای کفر بر دل‌های‌شان بر آن نبودند که آن پیامبران را تصدیق نمایند. و آنگونه که این امّت‌های انکارپیشه را نابود ساختیم هر بزه‌کار دیگر متجاوز از حدود الهی را نیز نابود می‌سازیم.

﴿ثُمَّ جَعَلۡنَٰكُمۡ خَلَٰٓئِفَ فِي ٱلۡأَرۡضِ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ لِنَنظُرَ كَيۡفَ تَعۡمَلُونَ ١٤﴾.

ای مردم! آنگاه بعد از نابودسازی آن نسل‌های تکذیب پیشه، شما را در زمین جانشین قرار دادیم تا ببینیم که در میدان خیر و شرّ، صلاح و فساد چگونه رفتاری می‌کنید؛ تا در نتیجه نیکوکاران را پاداش داده و بدکاران را مجازات کنیم.

﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَاتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا ٱئۡتِ بِقُرۡءَانٍ غَيۡرِ هَٰذَآ أَوۡ بَدِّلۡهُۚ قُلۡ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنۡ أُبَدِّلَهُۥ مِن تِلۡقَآيِٕ نَفۡسِيٓۖ إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّۖ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنۡ عَصَيۡتُ رَبِّي عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ١٥﴾.

و چون آیات روشن ما را بر کافران بخوانی، آنان‌که به روز حساب ایمان نداشته، امیدوار ثواب و بیمناک از عقاب نیستند می‌گویند: برای ما قرآنی دیگر جز این قرآن بیاور یا آن را عوض کرده معانی‌اش را تحریف کن؛ بدین‌گونه که حلال را به حرام، حرام را به حلال، هشدار عذاب را به مژده و مژده را به هشدار تبدیل نمایی و آنچه را در آن از بدگویی به بتان و نسبت‌دادن نادانی و سبک مغزی به مشرکان است محو گردانی!! ای پیامبر! به آنان بگو: نه من چنین توانم کرد و نه این کار برایم سزاوار است بلکه کار من این است: از همین قرآن در هر امر و نهیی پیروی کنم. من بیم دارم که اگر از دستور پروردگار متعالی سرپیچی کنم در روز قیامت به عذاب سخت پر دردی رو به رو شوم.

﴿قُل لَّوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا تَلَوۡتُهُۥ عَلَيۡكُمۡ وَلَآ أَدۡرَىٰكُم بِهِۦۖ فَقَدۡ لَبِثۡتُ فِيكُمۡ عُمُرٗا مِّن قَبۡلِهِۦٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ١٦﴾.

ای پیامبر! به آنان بگو: اگر خدا می‌خواست این قرآن را بر شما نمی‌خواندم و نه حق‌تعالی شما را از آنچه در آن است آگاه می‌ساخت. پس متیقن باشید که من فرستاده‌ای از سوی الله أ هستم نه از پیش خود. و چنان‌چه می‌دانید پیش از نزول قرآن و پیش از اینکه آن را بر شما بخوانم، مسلّماً روزگار درازی در میان شما به سر برده‌ام و بعد از آن بود که قرآن بر من نازل شد. پس چگونه فرق و تفاوت بزرگی را که در میان حالم قبل از نزول وحی و حالم بعد از نزول آن پدید آمده است با عقل‌های‌تان مورد تدبّر قرار نمی‌دهید تا بدانید که این وظیفه نه از سوی من و نه در اختیارم بلکه فقط از سوی الله أ است؟!

﴿فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِ‍َٔايَٰتِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ١٧﴾.

پس چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدای ﻷ ادعاهایی دروغین بربندد، یا چیز را به وی نسبت دهد که او سزاوارش نیست، یا آیاتش را انکار ورزد؟ بی‌شک هر کس چنین کند، بدکار و بزه‌کار است و هر کس چنین صفتی داشته باشد هرگز نه به رستگاری خواهد رسید و نه هم روی پیروزی و کامیابی را خواهد دید.

﴿وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡ وَيَقُولُونَ هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا عِندَ ٱللَّهِۚ قُلۡ أَتُنَبِّ‍ُٔونَ ٱللَّهَ بِمَا لَا يَعۡلَمُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ١٨﴾.

این گروه کفر پیشه خدایان دیگری جز الله أ را می‌پرستند که نه سودی به آنان می‌رسانند و نه زیانی را از آنان دفع می‌کنند. همین گروه مشرک می‌گویند: این خدایان را به خاطر آن پرستش می‌کنیم که نزد الله برای ما شفاعت کنند. ای پیامبر! به آنان بگو: آیا خدای متعال را در مورد چیزی از کار این نادانان آگاه می‌سازید که او در آسمان‌ها یا زمین نسبت به آن آگاهی ندارد؟ اگر این معبودان باطل نزد خدا سودی به شما می‌رساندند قطعاً او از شما نسبت به این امر داناتر بود. بیگمان حق‌تعالی از آنچه این گروه با وی در الوهیَتش شریک می‌آورند منزّه و از شرک آوری غیر خود با خود، برتر و متعالی است و بیگمان هیچ معبودی جز او وجود ندارد.

﴿وَمَا كَانَ ٱلنَّاسُ إِلَّآ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ فَٱخۡتَلَفُواْۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡ فِيمَا فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ١٩﴾.

مردم جز بر آیینی واحد نبودند که عبارت از آیین توحید بود و بعد از آن به آیین‌های مختلف متفرق شده بعضی ایمان آوردند و بعضی دیگر کفر ورزیدند و اگر خداوند أ بر خویشتن چنین مقرر نداشته بود که به بدکاران مهلت داده و آن‌ها را در این سرای دنیا مجازات نکند، بیگمان فیصلۀ وی در دنیا به ارتباط نابودسازی ستمگران و نجات دادن فرمانبران محقّق می‌شد.

﴿وَيَقُولُونَ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَةٞ مِّن رَّبِّهِۦۖ فَقُلۡ إِنَّمَا ٱلۡغَيۡبُ لِلَّهِ فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلۡمُنتَظِرِينَ ٢٠﴾.

کفّار فجّار می‌گویند: چرا خداوند بر پیامبرش حجّت روشنی را که بدان بر راستگویی‌اش در ادعای نبوت پی می‌بردیم نازل نکرده است؟ ای پیامبر! به آنان بگو: جز خدا هیچ‌یک از خلقش غیب را نمی‌داند پس اگر بخواهد حجّتی نازل می‌کند و اگر نخواهد، نازل نمی‌کند؛ کار همه مفوّض به او و در اختیار اوست؛ پس ای کافران! شما سرانجام امور و آنچه را حق‌تعالی در مورد ما و شما – با نابود سازی دروغگوی معاند و یاری‌دهی راستگوی عابد فیصله خواهد کرد – انتظار ببرید؛ من نیز منتظر همان نصرت و تأییدی هستم که پروردگارم به من وعده داده است.

﴿وَإِذَآ أَذَقۡنَا ٱلنَّاسَ رَحۡمَةٗ مِّنۢ بَعۡدِ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُمۡ إِذَا لَهُم مَّكۡرٞ فِيٓ ءَايَاتِنَاۚ قُلِ ٱللَّهُ أَسۡرَعُ مَكۡرًاۚ إِنَّ رُسُلَنَا يَكۡتُبُونَ مَا تَمۡكُرُونَ ٢١﴾.

و چون خداوند أ بعد از سختی و آسیبی که به کافران رسیده است گشایش و آسانیی به آنان بچشاند، به ناگاه رسالت را تکذیب و آیات الله أ را به تمسخر می‌گیرند. ای پیامبر! به آنان بگو استدراج خدای سبحان در مورد شما سریعتر، مکر وی بر شما سخت‌تر و مجازاتش نیرومندتر است؛ او فرشتگان نگهبان را به سوی شما می‌فرستد که نیرنگ‌ها، جرایم و جنایات شما را بنویسند تا شما را در روز قیامت در برابر آن‌ها مجازات کند.

﴿هُوَ ٱلَّذِي يُسَيِّرُكُمۡ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا كُنتُمۡ فِي ٱلۡفُلۡكِ وَجَرَيۡنَ بِهِم بِرِيحٖ طَيِّبَةٖ وَفَرِحُواْ بِهَا جَآءَتۡهَا رِيحٌ عَاصِفٞ وَجَآءَهُمُ ٱلۡمَوۡجُ مِن كُلِّ مَكَانٖ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمۡ أُحِيطَ بِهِمۡ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ لَئِنۡ أَنجَيۡتَنَا مِنۡ هَٰذِهِۦ لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ٢٢﴾.

تنها خداوند أ است که مردم را در خشکی بر اسب شتر، قاطر، الاغ و غیره و در دریا بر کشتی و غیره گردش و سیر می‌دهد. تا چون بر کشتی‌ها بنشینید و بادی خوش و ملایم بوزد و سواران کشتی بدان شادمان شوند، به ناگاه بادی تند، طوفانی ویرانگر بر آن‌ها بتازد و موج از هر طرف بر آنان یورش برد و یقین کنند که هلاکت بدی‌شان فرود آمدنی است، در این هنگام به خدای متعالی توسّل جسته، در دعا به زاری اصرار نموده و از او طالب نجات می‌شوند، چه مخلصانه به بارگاهش تضرع کرده و چه مؤمنانه تعهد می‌بندند که اگر آنان را از آن ورطۀ سخت بیرون آورد، یقیناً با ایمان و عمل صالح و توبه از گناهان، از شکر گزاران نعمت‌هایش خواهند بود.

﴿فَلَمَّآ أَنجَىٰهُمۡ إِذَا هُمۡ يَبۡغُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۗ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَا بَغۡيُكُمۡ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۖ مَّتَٰعَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ ثُمَّ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُكُمۡ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٢٣﴾.

اما چون از سختی‌ها و تنگناها بیرون‌شان آورد و از هول و هراس‌ها برهاند و به سلامت به خشکی بر گرداند، به ناگاه با ستم و گناه در زمین فساد و سرکشی می‌کنند. ای مردم! فرجام این ستم و تجاوز به خود شما برگشته و پیامد شوم گناه وبال گردن خودتان خواهد شد. این چند روزه بهره‌مندی ناپایدار و فانی دنیا چون خوابی شیرین به زودی زود می‌گذرد و بعد از آن به سوی پروردگارتان برمی‌گردید و شما را از آنچه کرده‌اید آگاه خواهد ساخت و بر آنچه مرتکب شده‌اید مجازات خواهد کرد؛ از این رو با شکر نعمت و حذر از نعمت و عذاب برای آن روز آمادگی بگیرید؛ زیرا هیچ چیز همانند توبه و دعا دافع بلا نیست.

﴿إِنَّمَا مَثَلُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَآءٍ أَنزَلۡنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخۡتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلۡأَرۡضِ مِمَّا يَأۡكُلُ ٱلنَّاسُ وَٱلۡأَنۡعَٰمُ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذَتِ ٱلۡأَرۡضُ زُخۡرُفَهَا وَٱزَّيَّنَتۡ وَظَنَّ أَهۡلُهَآ أَنَّهُمۡ قَٰدِرُونَ عَلَيۡهَآ أَتَىٰهَآ أَمۡرُنَا لَيۡلًا أَوۡ نَهَارٗا فَجَعَلۡنَٰهَا حَصِيدٗا كَأَن لَّمۡ تَغۡنَ بِٱلۡأَمۡسِۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٢٤﴾.

در حقیقت، مَثَلِ زندگانی دنیا و بهره‌های فانی و لذّت‌های گذاری آن، بسان بارانی است که خداوند أ آن را از آسمان به زمین فرو ریخت و به وسیلۀ آن کشتزارها و درختان را رویانید که مردم از دانه‌ها و میوه‌های آن و حیوانات از علوفه و گیاهان درهم آمیخته‌اش می‌خورند تا چون زمین با زیبایی درختان، عشوۀ طنازانۀ گل‌ها و منظرۀ چشم و دل نواز میوه‌ها، جامۀ زمردین و لباس نگارین به تن کرد و پیرایۀ خود را به آراستگی تمام بر گرفت، و در آن هنگام صاحبان آن کشتزارها و باغستان‌ها باور کردند که بر چیدن محصول و بهره‌گیری از مواهب آن توانایند – از آنکه در حوزۀ تملک و تحت تصرف‌شان قرار دارد – به ناگاه در ساعتی از شب یا روز فرمان الله بر نابودی درختان، ویرانی میوه‌ها و فروتکاندن گل‌ها آمد و بعد از آن همه سرسبزی و تازگی، تمام آن‌ها درویده و پاشان گشت؛ چنان‌که گویی قبل از وقوع این سیل بنیان‌کن نابودی، اصلاً وجود خارجی نداشته‌اند. پس سیل فنا نیز اینگونه بر دنیای غرور آلود و بهره‌های فریبنده‌ای که بدان‌ها افتخار می‌کنید سرازیر شده، فرزندان‌تان می‌میرند، اموال‌تان نابود می‌شود، دوستان‌تان از پیرامون‌تان پراکنده گشته، دیارتان ویران و قصرهای‌تان سرنگون می‌شود؛ زیرا خداوند أ در سرنوشت دنیا و اهل آن فنا را مقرر داشته است. و آنگونه که خداوند أ حال دنیا و پایان کار آن را برای شما وصف کرده، همچنان آیات روشنگر و ادلّۀ آشکار خود در هردو بعد تکوینی و تشریعی را نیز برای‌تان بیان می‌کند تا صاحبان خرد در آن‌ها اندیشیده و اصحاب بصیرت آن‌ها را فرا گیرند و به هوش جان در آن‌ها بنگرند.

﴿وَٱللَّهُ يَدۡعُوٓاْ إِلَىٰ دَارِ ٱلسَّلَٰمِ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٢٥﴾.

و خداوند أ با فرستادن پیامبران و فرود آوردن کتاب‌هایش بندگانش را به سوی بهشت برین فرا خوانده و هر کس از خلقش را که بخواهد بر انجام امر خویش توفیق استقامت ارزانی می‌دارد؛ در نتیجه عملش خالصانه برای رضای الله أ، مطابق سنّت رسول الله ج و بر خطّ صواب قرار می‌گیرد و سرانجام او مستحق رضوان الهی می‌شود. بنابراین دعوت خدای متعالی عام اما هدایتش خاص است؛ زیرا دعوت عبارت از اقامۀ حجّت و هدایت عبارت از رساندن رحمت است.

﴿۞لِّلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ ٱلۡحُسۡنَىٰ وَزِيَادَةٞۖ وَلَا يَرۡهَقُ وُجُوهَهُمۡ قَتَرٞوَلَا ذِلَّةٌۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٦﴾.

برای کسانی که در ایمان و عمل صالح خود به نیکویی کار کرده‌اند، بهشت و زیاده بر آن است؛ این زیاده عبارت از نگریستن به وجه خداوند کریم همراه با دریافت مغفرت و رضوان وی است. چهره‌هایشان را غبار و ذلّت و خواری و خفتی نمی‌پوشاند بلکه طراوت و نور و سرور بر چهره‌های‌شان موج می‌زند. این گروهی که به اوصاف یاد شده موصوف‌اند، همانا اصحاب بهشت‌اند که به طور ابد از نعمتی پایدار و ملکی عظیم در آن بر خوردار و ماندگار اند.

﴿وَٱلَّذِينَ كَسَبُواْ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ جَزَآءُ سَيِّئَةِۢ بِمِثۡلِهَا وَتَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۖ مَّا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِنۡ عَاصِمٖۖ كَأَنَّمَآ أُغۡشِيَتۡ وُجُوهُهُمۡ قِطَعٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ مُظۡلِمًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٧﴾.

اما کسانی که مرتکب بدی‌ها شده و در لجن نافرمانی‌هایی چون کفر، ارتکاب محرّمات و پایمال نمودن حدود الهی فرو رفته‌اند، حق‌تعالی به آنان جزایی همانند آن از عذاب آخرت چشانده، ذلّت و خواری آنان را دربر می‌گیرد، نه هیچ باز دارنده‌ای عذاب خدا را از آنان بازمی‌دارد، نه هیچ شفاعتگری برای‌شان شفاعت می‌کند و نه هیچ نیرویی مجازات الهی را از آنان دفع می‌نماید؛ گویی چهره‌های‌شان با پاره‌هایی از شب تار و ظلمانی پوشانده شده است؛ آنان اهل دوزخ‌اند که در آن همراه با بلا و نکبت و خواری و خشم خدای جبَار ماندگاراند.

﴿وَيَوۡمَ نَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ مَكَانَكُمۡ أَنتُمۡ وَشُرَكَآؤُكُمۡۚ فَزَيَّلۡنَا بَيۡنَهُمۡۖ وَقَالَ شُرَكَآؤُهُم مَّا كُنتُمۡ إِيَّانَا تَعۡبُدُونَ ٢٨﴾.

و آن روزی را یاد کن که حق‌تعالی همۀ مردم را برای حساب و جزا گرد می‌آورد، آنگاه به کسانی که غیر وی را با وی شریک قرار داده‌اند می‌گویند: شما و شریکان‌تان که در دنیا جز خدا أ به پرستش‌شان می‌گرفتید، بر جای خود باشید تا خداوند أ میان شما داوری کند. و خدای سبحان در میان مشرکان و آنچه به پرستش می‌گرفتند، جدایی می‌افکند. در این اوضاع و احوال است که معبودان باطل اهل شرک از آن‌ها بیزاری جسته و خطاب به آن‌ها می‌گویند: در حقیقت شما ما را در دنیا نمی‌پرستیدید بلکه دروغگو و تهمت‌گر بوده‌اید.

﴿فَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدَۢا بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ إِن كُنَّا عَنۡ عِبَادَتِكُمۡ لَغَٰفِلِينَ ٢٩﴾.

معبودان پنداری می‌افزایند: خداوند أ به عنوان گواه بر صحت آنچه می‌گوییم بسنده است؛ او میان ما و شما داوری می‌کند زیرا او نهان و آشکار همه را می‌داند. به راستی ما پرستش شما را برای خود احساس نمی‌کردیم و از آن غافل بودیم؛ زیرا ما اختیار هیچ سود و زیانی را نداریم.

﴿هُنَالِكَ تَبۡلُواْ كُلُّ نَفۡسٖ مَّآ أَسۡلَفَتۡۚ وَرُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوۡلَىٰهُمُ ٱلۡحَقِّۖ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٣٠﴾.

آنجا در روز جزا و در آن مقام بزرگ است که هر کس آنچه را گفته، عمل کرده و پیش فرستاده است درمی‌یابد و حسابش را پیش رویش می‌بیند؛ اگر خیر باشد، خیر و اگر شر باشد، شرّ. و همه به سوی الله أ باز گردانیده می‌شوند تا میان‌شان داوری کند؛ زیرا او پروردگارشان، معبودشان و متولّی حقیقی امورشان است و اوست تنها داور عادل. در نتیجه سعادتمندان در بهشت و شقاوت پیشه‌گان در دوزخ‌اند و آنچه را کافران جز خدای متعالی به دروغ می‌پرستیده‌اند، از دست‌شان می‌رود پس نه معبودان باطل به آنان سودی می‌رسانند، نه برای‌شان شفاعت می‌کنند و نه عذاب را از آنان دفع می‌نمایند.

﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أَمَّن يَمۡلِكُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَمَن يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۚ فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُۚ فَقُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٣١﴾.

ای پیامبر! به آن گروه کافر بدکار بگو: کیست که با فرود آوردن بارانی خوش و طراوت بخش، بر شما از آسمان روزی فرود می‌آورد؟ کیست که از زمین انواع میوه‌ها، دانه‌ها، سبزی‌ها، فراورده‌های بامزه و گوارا را برای شما و حیوانات‌تان بیرون می‌آورد؟ کیست که نیروی شنوایی و بینایی به شما داده است که هرگاه بخواهد آن‌ها را از شما سلب می‌تواند کرد؟ کیست که زندگان را از مردگان بیرون می‌آورد؛ همچون بیرون آوردن جوجه از تخم؛ و مردگان را از زندگان بیرون می‌آورد؛ همچون بیرون آوردن تخم از مرغ، میوه از درخت و مانند آن؟ کیست که تمام امور آسمان‌ها و زمین را تدبیر می‌کند؛ چون امور فرشتگان، جنّ انس، حیوان و هر آفریدۀ دیگری را؟ ای پیامبر! از آنان دربارۀ همۀ این امور بپرس، در پاسُخت خواهند گفت: انجام دهندۀ همۀ این کارها تنها الله أ است. پس به آنان بگو: اکنون که به این حقیقت معترفید پس آیا با شریک قرار دادن دیگران با الله أ از عذاب و خشمش پروا نمی‌دارید؟ بنابراین باید او را به یگانگی پرستش کرده و عبادت را برایش خالص گردانید.

آیۀ کریمه از دلیل عقلی و شیوۀ گفتگوی منطقی کار گرفته، دلایل آشکار نه پنهان را به کار بسته، از مقدمات به نتایج رسیده و اصل تدرّج در حجّت و پله به پله پیمودن راه مقابلۀ منطقی را آیینه داری نموده است.

﴿فَذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمُ ٱلۡحَقُّۖ فَمَاذَا بَعۡدَ ٱلۡحَقِّ إِلَّا ٱلضَّلَٰلُۖ فَأَنَّىٰ تُصۡرَفُونَ ٣٢﴾.

پس این ذاتی که به اوصاف فوق – از آفرینندگی روزی بخشی و کار پردازی – وصف شد، همانا خداوند أ بزرگ پروردگارتان است که فقط او شایستۀ پرستش می‌باشد، او را شریکی نیست. بناءً وقتی این همان حق باشد دیگر بعد از حق جز گمراهی چیست؟ از این رو شما در پرستش غیر وی گمراهید پس چگونه از عبادتش به عبادت ماسوایش از بتان، معبودان و اباطیل منحرف می‌شوید؟ و چسان از حق به سوی گمراهی باز گردانیده می‌شوید؟!!

﴿كَذَٰلِكَ حَقَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى ٱلَّذِينَ فَسَقُوٓاْ أَنَّهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٣٣﴾.

و همان طوری که الوهیت و ربوبیت حقّۀ خداوند به اثبات رسیده است، به همانسان این فرمان تکوینی و این حکم عادلانه و فیصلۀ برگشت ناپذیر وی بر کسانی که از دایرۀ دستورش خارج شده‌اند نیز به حقیقت پیوسته است که: آنان به عبودیتش باورمند نشده و به یگانگی‌اش اذعان نمی‌کنند، به پیامبرش ج ایمان نیاورده و از هدایتش پیروی نمی‌نمایند؛ زیرا خدای سبحان فقط کسانی را به سوی حق هدایت می‌کند که رهرو راهش باشند نه کسانی که بروی تمرد ورزیده پرچم ستیز را برافرازند.

﴿قُلۡ هَلۡ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥۚ قُلِ ٱللَّهُ يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ ٣٤﴾.

ای پیامبر! به مشرکان بگو: آیا در آنجا کسی از خدایان شما که جز الله أ پرستش‌شان می‌کنید هست که بتواند آفرینش را از عدم ایجاد کرده و سپس آن را بعد از فنایش به صورت اوّلیه‌اش برگرداند؟ یعنی اینکه معدوم را ایجاد و فانی را به عرصۀ وجود بر گرداند؟! قطعاً این چیزی است که آن‌ها توانش را ندارند و محالی است که هرگز بر آن قادر نیستند. ای پیامبر! به آنان بگو: لیکن این خداست که پدیده‌ها را به یگانگی از عدم ایجاد و سپس آن‌ها را بعد از فنا به صورت اوّلیۀشان برمی‌گرداند. پس چگونه از پرستش ذاتی که در آفرینش و ابداع از چنین قدرت و حکمت و چنین اوصافی بر خوردار است به عبادت ماسوایش که از چنان توان و امکانی بهره‌مند نیستند برمی‌گردید؟!

﴿قُلۡ هَلۡ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلۡحَقِّۚ قُلِ ٱللَّهُ يَهۡدِي لِلۡحَقِّۗ أَفَمَن يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلۡحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لَّا يَهِدِّيٓ إِلَّآ أَن يُهۡدَىٰۖ فَمَا لَكُمۡ كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ ٣٥﴾.

ای پیامبر! به مشرکان بگو: آیا از معبودانی که پرستش می‌کنید کسی هست که به سوی راه راست هدایت کند؟ قطعاً آن‌ها توان آن را ندارند بلکه فقط خداست که گمراهان از راه هدایت را به سوی حق رهبری کرده و منحرفان را ارشاد می‌کند. پس کدام یک از این دو گروه آتی به پیروی سزاوارتراند: کسی که به خاطر علم تامّه، حکمت کامله و قدرت نافذه‌اش به سوی حق رهبری می‌کند؟ یا کسی که به علت جهل، گمراهی و بی‌دانشی توان راهنمایی به سوی حق را ندارد؟ این گروه همان خدایان پنداری شمایند که نه به مقصدی راه می‌برند و نه غیر خویش را هدایت می‌کنند، بلکه خود نیازمند کسی‌اند که راهنمایی‌شان کند، بناءً نه راهبرند و نه راهیافته بلکه تحت هدایت قرار می‌گیرند. پس دیگر چرا بین خدای هدایتگر که جلال و عظمت و کمالش متعالی و بی‌نهایت است و میان این مخلوقات عاجز حیران بینوا، برابری قایل می‌شوید؟ بیگمان این حکمی است باطل و قضاوتی است بیداد گرانه و جائرانه.

﴿وَمَا يَتَّبِعُ أَكۡثَرُهُمۡ إِلَّا ظَنًّاۚ إِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغۡنِي مِنَ ٱلۡحَقِّ شَيۡ‍ًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا يَفۡعَلُونَ ٣٦﴾.

و بیشترینۀ این گروه مشرک در پرستش بتان، اعتقاد به نفع و زیان رسانی آنان و باور به اینکه آن‌ها نزدیک کنندۀ انسان به حق تعالی‌اند جز از گمان و خیال پیروی نمی‌کنند؛ نه بر این راه و روش باطل دلیل روشنی دارند و نه برهان قاطعی و پیداست که گمان نه در کار بر پاداشتن حق سود و ثمری به همراه دارد و نه در دفع باطل؛ بلکه ناگزیر یقین در کار باید کرد تا از شک شفا حاصل شود و از حیرت، عصمت و پناه؛ همانا خداوند أ بر کار این گروه مشرک دانا و آگاه است و به زودی در روز قیامت آنان را در قبال آن مورد محاسبه قرار می‌دهد.

﴿وَمَا كَانَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ أَن يُفۡتَرَىٰ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن تَصۡدِيقَ ٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَتَفۡصِيلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٣٧﴾.

برای هیچ بشری ممکن نیست که این قرآن را از جانب غیر خدا أ بیاورد؛ زیرا بر ساختن قرآن، فوق توانمندی بشر است و دلایل اعجازی آن را هیچ‌کس از انسان‌ها در هر مقام و جایگاهی که قرار داشته باشد ترتیب نتواند کرد، بلکه این خداوند تبارک و تعالی است که آن را در حالی که تصدیق کنندۀ کتاب‌های بیشین است نازل کرده است. این قرآن حاوی روشن‌ترین برهان و کامل‌ترین بیان از برنامۀ شریعت الله أ و آیین نامۀ وی برای انسان می‌باشد؛ بناءً این حقیقت که قرآن کلام خداوند أ است و آن را برای پیامبرش وحی نموده است نه کلام بشر، حقیقتی غیر قابل تردید است.

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٣٨﴾.

بلکه کافران می‌گویند: پیامبر، قرآن را از پیش خود برساخته و او هم بشری مانند خودشان است؟! ای پیامبر! به آنان بگو: اگر در این ادعا که بر معارضۀ قرآن توانایید، راستگو می‌باشید، اینک بفرمایید شما هم یک سوره از جنس قرآن در بلاغت و اعجاز، فصاحت و ایجاز، نظم و هدایت، نورانیت و طراوتش بیاورید و در این راه بر هر کسی از انس و جنّ هم که می‌خواهید توسّل جسته و از آنان یاری بگیرید تا شما را بر ساختن تنها یک سوره مانند قرآن یاری کنند.

﴿بَلۡ كَذَّبُواْ بِمَا لَمۡ يُحِيطُواْ بِعِلۡمِهِۦ وَلَمَّا يَأۡتِهِمۡ تَأۡوِيلُهُۥۚ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ ٣٩﴾.

بلکه واقعیت این است که کافران در همان نخستین مرحلۀ شنیدن قرآن پیش از اینکه آن را بفهمند به تکذیبش مبادرت کرده و آن را رد نمودند؛ زیرا آن‌ها حقایقش را ندانستند؛ و انسان دشمن ندانسته‌های خویش است. در غیر آن اگر آن‌ها قرآن را چنان‌که بایستۀ فهم آن است می‌فهمیدند قطعاً تصدیق به اعماق دل‌های‌شان راه می‌یافت. از آن گذشته هنوز حقیقت آنچه در این قرآن بدان وعده داده شده‌اند؛ همچون رستاخیز و جزا، بهشت و دوزخ و ثواب و عقاب برای‌شان نیامده و به وقوع نپیوسته است. امّت‌های پیشین نیز همین‌گونه کتاب‌های پیامبران سابق را تکذیب کردند. پس ای پیامبر! در این حقیقت تأمّل کن که فرجام تکذیب پیشه‌گان و کسانی که با نافرمانی پروردگار خود بر خویشتن ستم کرده‌اند چگونه بوده است، و چسان ما آن‌ها را با انواع مجازات‌ها ویران ساخته‌ایم.

﴿وَمِنۡهُم مَّن يُؤۡمِنُ بِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن لَّا يُؤۡمِنُ بِهِۦۚ وَرَبُّكَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُفۡسِدِينَ ٤٠﴾.

و از مردم کسانی‌اند که قرآن را تصدیق می‌کنند و از آنان کسانی تکذیبش می‌نمایند تا در حال تکذیب با پروردگار خود ملاقات کنند. و خداوند أ به حال فساد گرانی که حق را رد کرده و پیرو باطل شده‌اند، در برابر برنامۀ هدایت تکبر ورزیده و از دلیل روی برتافته‌اند داناتر است و به زودی در برابر این عملکرد ناصواب مجازات‌شان خواهد کرد.

﴿وَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل لِّي عَمَلِي وَلَكُمۡ عَمَلُكُمۡۖ أَنتُم بَرِيٓ‍ُٔونَ مِمَّآ أَعۡمَلُ وَأَنَا۠ بَرِيٓءٞ مِّمَّا تَعۡمَلُونَ ٤١﴾.

ای پیامبر! اگر بازهم این گروه مشرک تکذیبت کردند به آنان بگو: دین من مربوط خودم بوده و من در برابر خداوند أ از عمل خود مسئول هستم و چیزی از آن بردوش شما نیست. چنان‌که دین شما نیز به خودتان مربوط است و به زودی نزد خداوند أ از عمل خویش مورد سؤال قرار خواهید گرفت؛ پس نه شما بر آنچه من عمل کرده‌ام مورد مؤاخذه قرار می‌گیرید و نه من از عمل شما مورد باز پرس واقع می‌شوم از این رو هر کس در گروه عمل خویشتن است و بر مبنای آن مورد محاسبه قرار خواهد گرفت.

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَسۡتَمِعُونَ إِلَيۡكَۚ أَفَأَنتَ تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ وَلَوۡ كَانُواْ لَا يَعۡقِلُونَ ٤٢﴾.

و کسانی از کافران به تلاوتت و به موعظه‌ها و اندرزهایی که می‌دهی گوش فرا می‌دهند، اما به چنان سماعی که هیچ قبول و اجابتی در آن نیست، بلکه بیشتر به شنیدن چهارپایان مانَد. ای پیامبر! آیا تو می‌توانی کسانی را که کر اند – هرچند در نیابند – بشنوانی؟ نمی‌توانی اعراض‌گران را هدایت کنی؛ زیرا آن‌ها از شنیدن فهیمانه و هوشمندانۀ حق، کر اند؛ بلکه صدا را بدون درک معنی و ندارابی راهیابی و راهجویی می‌شنوند.

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَنظُرُ إِلَيۡكَۚ أَفَأَنتَ تَهۡدِي ٱلۡعُمۡيَ وَلَوۡ كَانُواْ لَا يُبۡصِرُونَ ٤٣﴾.

ای پیامبر! و از کافران کسانی‌اند که به سوی تو و به سوی برهان‌های قاطع رسالتت می‌نگرند؛ لیکن انوار هدایتی را که خدای متعال به تو داده است نمی‌بینند و حقایقی را که در عرصۀ علم نافع و وحی مبارک نزدت وجود دارد، درک نمی‌کنند. پس ای پیامبر! آیا می‌توانی نابینایان را چنان بینایی‌ای ببخشی که را مختصات الله أ است؛ اوست که هر که را بخواهد هدایت کرده و هر که را بخواهد گمراه می‌سازد.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظۡلِمُ ٱلنَّاسَ شَيۡ‍ٔٗا وَلَٰكِنَّ ٱلنَّاسَ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٤٤﴾.

خدا به هیچ وجه بر مردم ستم نمی‌کند؛ با افزودن گناهی بر گناهان‌شان که آن را انجام نداده‌اند، یا با کاستن ثوابی از حسانتی که انجامش داده‌اند. آری! نه او ستم می‌کند و نه حق کسی را پایمال می‌نماید، بلکه این خود بندگان‌اند که با تکذیب و عصیان و ظلم و عدوان بر خویش ستم روا می‌دارند. بنابراین خداوند أ نجات‌شان را می‌خواهد اما آن‌ها خود در نابودسازی خویش تلاش می‌ورزند!!

﴿وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ كَأَن لَّمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا سَاعَةٗ مِّنَ ٱلنَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيۡنَهُمۡۚ قَدۡ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِلِقَآءِ ٱللَّهِ وَمَا كَانُواْ مُهۡتَدِينَ ٤٥﴾.

و روزی که خداوند أ گروه کافران را برای میعادی که هیچ شکی در آن نیست گرد می‌آورد تا جزای اعمال‌شان را به تمامی به آنان بپردازد؛ گویی پیش از این گردهمایی جز به اندازۀ ساعتی از روز در زندگانی دنیا به سر نبرده‌اند!! همدیگر را می‌شناسند چنان‌که گویی هنوز در دنیا به سر می‌برند، سپس این شناسایی در میان‌شان از بین رفته و آن ساعت به پایان می‌رسد. قطعاً تکذیب‌گران خدا، پیامبرش و روز آخرت زیان کردند و به هدایت توفیق نیافته راه استوار را نرفتند و به رشد رهنمون نشدند.

﴿وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعۡضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمۡ أَوۡ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيۡنَا مَرۡجِعُهُمۡ ثُمَّ ٱللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفۡعَلُونَ ٤٦﴾.

ای پیامبر! و اگر خداوند أ بعضی از مصایبی را که بر دشمنانش فرود می‌آید – همچون گرفتن سخت و عذاب سنگین – در حیاتت به تو بنمایاند، یا هم پیش از آنکه این عذاب خفت بار دنیوی بر آنان فرود آید تو را بمیراند و به سوی خود برد، قطعاً در هر صورت باز گشت آنان فقط به سوی اوست و او شاهد و ناظر اعمال‌شان است؛ پس به زودی آنان را در قبال آن جزایی تمام عیار خواهد چشاند.

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولٞۖ فَإِذَا جَآءَ رَسُولُهُمۡ قُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡقِسۡطِ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ٤٧﴾.

و هر امّتی از امّت‌هایی را که پیش گذشته‌اند؛ پیامبری بوده است که خدای ﻷ او را با پیامی از نزد خود به سوی‌شان فرستاده است، همانگونه که محمد ج را به سوی امّتش فرستاد. پس چون پیامبر پیامش را نزد امّتش ببرد و حجّت را بر آنان اقامه کند آنگاه خداوند أ در میان‌شان به طور عادلانه داوری کرده برای باورمندان مؤمن، ثواب و به کافران عذاب می‌چشاند. یا معنی این است: وقتی پیامبرشان در آخرت باید؛ جزای هر کس بدون ستم بروی واقع خواهد شد بنابراین هیچ مؤمنی نابود نشده و هیچ تکذیب پیشه‌ای نجات نخواهد یافت؛ بلکه کیفری مناسب با جرم خود دریافت خواهد کرد.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٤٨﴾.

کافران به پیامبر مختار ج می‌گویند: قیامت چه وقت برپا خواهدشد؛ در شب یا در روز؟ پس اگر تو – ای پیامبر – و پیروان باورمندت در این ادعا که قیامت حتماً روی خواهد داد راستگو هستید، اینک به ما از وقت تعیین شده‌اش خبر دهید!!

﴿قُل لَّآ أَمۡلِكُ لِنَفۡسِي ضَرّٗا وَلَا نَفۡعًا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۗ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌۚ إِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ فَلَا يَسۡتَ‍ٔۡخِرُونَ سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ ٤٩﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: من بندۀ مأموری هستم که برای خود سود و زیانی را در اختیار ندارم، همۀ این‌ها تنها در اختیار خداوند أ است؛ هرچه را بخواهد بر من و بر شما مقدر می‌کند. برای هر عصر، هر نسل، هر امّت، هر دولت و هر ملتی اجلی است معیّن، پس چون أجل موعودشان فرا رسد؛ آن نسل؛ فنا شده، آن امّت؛ نابود گشته، آن دولت؛ ساقط گردیده و آن ملّت از صحنۀ روزگار برمی‌افتد؛ پس بی‌تأخیر و تقدیم ساعتی از اجل موعودشان هم در آن میعاد هلاک می‌شوند.

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَتَىٰكُمۡ عَذَابُهُۥ بَيَٰتًا أَوۡ نَهَارٗا مَّاذَا يَسۡتَعۡجِلُ مِنۡهُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٥٠﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: به من خبر دهید که اگر خداوند عذابش را در شب یا روزی فرود آورد، شما از شتابخواهی آن چه سودی می‌برید حال آنکه عذاب امری ناخوشایند است که دل‌ها از آن نفرت داشته و سرشت‌ها آن را برنمی‌تابند؛ پس موجب و مقتضای شتابخواهی شما برای عذاب چیست؟!!

﴿أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ ءَامَنتُم بِهِۦٓۚ ءَآلۡـَٰٔنَ وَقَدۡ كُنتُم بِهِۦ تَسۡتَعۡجِلُونَ ٥١﴾.

آیا بعد از آنکه عذاب و مجازات بر شما فرود آید، آنگاه در زمانی که هیچ سودی برای‌تان دربر ندارد آن را باور می‌دارید؟ در آن هنگام به شما گفته می‌شود: اکنون تصدیق می‌کنید حال آنکه قبل از نزول عذاب آن را به شتاب می‌خواستید؛ آری! شما از روی دروغ انگاشتن عذاب و دور پنداشتن نزول آن و تنها از سر عناد و سرسختی آن را به شتاب درخواست کردید.

﴿ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡخُلۡدِ هَلۡ تُجۡزَوۡنَ إِلَّا بِمَا كُنتُمۡ تَكۡسِبُونَ ٥٢﴾.

سپس به کسانی که با شرک و معصی برخویشتن ستم کرده‌اند گفته می‌شود: عذاب سخت همیشگی در آتش دوزخ را به عنوان جزایی بر اعمال بد کفر آلود و تکذیب‌گرانۀ خود که در عین حال نبردی آشکار علیه خدا و پیامبرش بود، جرعه جرعه بچشید.

﴿۞وَيَسۡتَنۢبِ‍ُٔونَكَ أَحَقٌّ هُوَۖ قُلۡ إِي وَرَبِّيٓ إِنَّهُۥ لَحَقّٞۖ وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ ٥٣﴾.

ای پیامبر! کافران در مورد عذاب قیامت از تو می‌پرسند که: آیا آن عذاب راست است و در وقوعش شکی نیست؟ به آنان بگو: آری! سوگند به پروردگارم که راست است و هیچ شکی در آن نیست، و شما نمی‌توانید خدا أ را در مانده کنید که شما را بعد از مرگ‌تان برنیانگیزد و مجازت نکند؛ زیرا او بر این کار تواناست و شما در زیر ملک و تحت تصرف و فرمانش قرار دارید.

﴿وَلَوۡ أَنَّ لِكُلِّ نَفۡسٖ ظَلَمَتۡ مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ لَٱفۡتَدَتۡ بِهِۦۗ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۖ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡقِسۡطِ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ٥٤﴾.

و اگر برای هر کسی که به خدا کفر ورزیده، تمام آنچه در زمین از پول و سرمایه و جود دارد می‌بود و این امکان برایش وجود می‌داشت که آن همه را برای باز خرید خود از عذاب خداوند أ در روز قیامت بپردازد قطعاً چنین می‌کرد، لیکن هرگز فدیه و شفاعتی از کافران پذیرفته نمی‌شود و برای‌شان یار و یاوری نیست. و روزی که کافران عذاب را مشاهده کنند، حسرت و دریغ خود را پنهان می‌دارند. و حق‌تعالی به عدالت داوری می‌نماید از این رو با افزودن بر گناهان یا با کاستن از حسناتی که انجام داده‌اند، هیچ مورد ستم قرار نمی‌گیرند.

﴿أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ أَلَآ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٥٥﴾.

بدانید که در حقیقت تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین است ملک خدای متعال است، پس هرگونه که بخواهد در آن تصرف می‌کند؛ زیرا او آفریدگار همه چیز است و هیچ‌کس با وی در ملکش مشارکت ندارد، همچنان که در آفرینش نیز کسی با وی مشارکت نداشته است. بدانید که در حقیقت روز قیامت و صواب و عقاب در آنکه خداوند أ وقوعش را وعده داده است حقّ است و در آن هیچ شکی وجود ندارد، لیکن بیشتر مردم نسبت به این امر جاهل اند، بدان ایمان نیاورده و حقیقت آن را درک نمی‌کنند.

﴿هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٥٦﴾.

تنها الله أ است که مردگان را زنده کرده و زندگان را می‌میراند، تنها اوست که از عدم به هستی می‌آورد. پس همانگونه که زنده ساختن بعد از میراندن او را عاجز نمی‌گرداند همچنان میراندن پس از زنده کردن نیز او را ناتوان نمی‌سازد. سپس مردگان به سوی او باز می‌گردند تا آنان را بعد از اعمال‌شان مورد حسابرسی قرار دهد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَتۡكُم مَّوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَشِفَآءٞ لِّمَا فِي ٱلصُّدُورِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٥٧﴾.

ای مردم! به یقین خداوند أ قرآن را به عنوان بزرگ‌ترین اندرز برای شما فرود آورده است. این کتاب شما را به سوی هدایت راه نموده و از دنائت و پستی بر حذر می‌دارد. پس در قرآن بزرگ‌ترین اندرزها، ولاترین سفارش‌ها و سودبارترین رهنمودهاست. اما برای کسانی که بینایی باطن‌شان سالم و چراغ خردشان پرتو افکن است. در قرآن درمان بیماری‌های شک و شرک و نفاق و شهوات و شبهات است. قرآن دربر گیرندۀ تمام مساحت رشد و بالندگی و تمام گسترۀ کمال و برازندگی است، اما برای کسانی که از آن پیروی کرده و در آیاتش تدبر نمایند این کتاب از آسان‌ترین دروازه به سرای صواب راهنمون می‌شود. این کتاب برای کسانی که به چلچراغ هدایتش بیاویزند رحمتی است بی‌پایان؛ ایشان را از کژی‌ها نگه داشته و از پرتگاه‌های هلاک نجات می‌دهد، از گمراهی عافیت بخشیده و از نگونبختی و تیره‌روزی دور می‌گرداند. اما همۀ این امتیازات مخصوص کسانی است که آن را تصدیق کرده و باورمندانه و نیرومند به آن تمسک جویند و با عشق و اشتیاق به آن روی آورند.

﴿قُلۡ بِفَضۡلِ ٱللَّهِ وَبِرَحۡمَتِهِۦ فَبِذَٰلِكَ فَلۡيَفۡرَحُواْ هُوَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ٥٨﴾.

ای پیامبر! به تمام بشر بگو: بدان چه خداوند أ از وحی مبارک، آیات روشنگر و حکمت‌های والا و بلیغ بر سرور و سالار اولاد آدم ÷ نازل کرده شاد باشید؛ زیرا این ره آورد ارمغان آور فضل و شرف، عزّت و نجات، رحمت و استقامتی است پناه بخش از هر کژی و هوی و هلاکت. پس مراد از «فضل» در آیۀ کریمه: رهبری و پیشاهنگی و فزونی و سعادت و سالاری است؛ و مراد از «رحمت»: عصمت و نجات و توبه است. با «فضل» به بزرگ‌ترین نعمت‌ها دست می‌یابید و با «رحمت» از همه نکبت‌ها به سلامت می‌مانید این است همان دستاوردی که سزد تا بدان شادمان بود نه به خرده بهره‌های ناچیز ناپایدار از رونق افتاده و رمق باخته، و نه به شکوفه‌های دنیای فانی گذار که بردگان درهم و دینار، شیدای آن و کوته‌بینان سبک خرد بی‌خبر از حقیقت پیام‌های منزلۀ خدای یگانۀ قهّار، عاشق دلباخته و بی‌قرار آنند.

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ لَكُم مِّن رِّزۡقٖ فَجَعَلۡتُم مِّنۡهُ حَرَامٗا وَحَلَٰلٗا قُلۡ ءَآللَّهُ أَذِنَ لَكُمۡۖ أَمۡ عَلَى ٱللَّهِ تَفۡتَرُونَ ٥٩﴾.

ای پیامبر! به این گروه کفّار فجّار بگو: به من از روزیی خبر دهید که خداوند أ از حیوان و سبزه و معدن و خیرات و برکات بر شما فرود آورده است؛ همان روزیی که برخی از آن را حلال و بعضی را بدون حجّت و برهان درستی حرام گردانیده‌اید؛ آیا به راستی خدا قانونگزاری در امر حرام سازی و حلال سازی را برای شما روا شناخته است؟ یا که بر خدا أ دروغ و باطلی می‌بندید و از روی بهتان و افترا چنین ادعایی در میان می‌افکنید؟

﴿وَمَا ظَنُّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَشۡكُرُونَ ٦٠﴾.

این گروه کافر جنایتکار بر خدا چه گمان برده‌اند که در روز قیامت با آنان رفتار خواهد کرد حال آنکه علیه وی سخنان باطل و بی‌بنیادی را مدعی شده‌اند که هیچ دلیل قاطع و برهان روشنی بر صحت آن‌ها وجود ندارد از قبیل حرام ساختن خوراکی‌ها و ارزاقی که او در واقع آن‌ها را حرام نساخته است؟ آیا می‌پندارند که خدا أ از آنان در خواهد گذشت و بر آنان خواهد آمرزید؟ در حقیقت خداوند با توبه پذیری، بر توبه‌کاران فضل گزار و با آمرزش، بر منیبان آمرزگار است؛ او بر همۀ بشر از فضل بی‌کرانش دریغ نکرده و از این رو کیفرش را بر کفر ورزان شتابان نمی‌فرستد، بلکه برای روز همایش بزرگ آن را به تأخیر می‌اندازد لیکن بیشتر مردم او را بر فضل بی‌منت‌هایش که عبارت از نعمت‌های در دسترس، عذاب‌ها و نکبت‌های بر گردانیده شده، کیفرهای به تأخیر انداخته شده و توبه‌های پذیرفته شده است شکر نمی‌گزارند و سپاس نمی‌دارند.

﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأۡنٖ وَمَا تَتۡلُواْ مِنۡهُ مِن قُرۡءَانٖ وَلَا تَعۡمَلُونَ مِنۡ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيۡكُمۡ شُهُودًا إِذۡ تُفِيضُونَ فِيهِۚ وَمَا يَعۡزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثۡقَالِ ذَرَّةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ وَلَآ أَصۡغَرَ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡبَرَ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٍ ٦١﴾.

ای پیامبر! و تو در هیچ امری از امور تعبدی و دنیوی‌ات – مانند تلاوت قرآن و امثال آن – قرار نداری و هیچ عمل کننده‌ای نیز عملی خرد یا بزرگ، پیدا یا پنهان را انجام نمی‌دهد مگر اینکه خداوند أ – آنگاه که آن عمل را به کار می‌بندد و بدان آغاز می‌کند – بر وی ناظر و مراقب، آگاه و شمارشگر است. در حقیقت وزن مور و اندازۀ ذره‌ای در زمین و آسمان از علم خداوند أ پنهان نیست و کوچک‌تر از آن، بزرگ‌تر از آن و یا در هر حدّ و اندازه‌ای در گسترۀ هستی نیست جز اینکه به طور روشن در کتابی نگاشته شده است؛ آنچه در این کتاب نگاشته شده، برای روز بزرگ که بر خداوند أ ارائه شود حفظ می‌گردد. پس در آن روز بنده خود، این کتاب را می‌بیند و می‌خواند و هم بر آن مورد محاسبه قرار می‌گیرد؛ اگر کارنامه‌اش خیر بود، جزای خیر و اگر شر بود، سزای بد دریافت می‌کند.

﴿أَلَآ إِنَّ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٦٢﴾.

آگاه باشید که اولیای خداوند أ یعنی همانان که عبادت را برای وی و متابعت را برای پیامبرش مخلصانه انجام داده‌اند و مراد الله أ را بر مراد خود مقدم گردانیده، در آنچه خدا أ و پیامبرش دوست دارند تلاش ورزیده، از همه منهیّات خدا و رسولش پرهیز کرده‌اند؛ این گروه در آنچه از امر آخرت پیش‌رو دارند برای‌شان هیچ ترس و هراسی نیست، بلکه از سوی حق‌تعالی کاملاً ایمن‌اند بناءً نه هول و وحشت روز قیامت اندوهگین‌شان می‌سازد، نه به ایشان آزاری می‌رسد، و نه بر آنچه از بهره‌های دنیا از دست داده‌اند محزون می‌شوند؛ زیرا حق‌تعالی سعادت و رضای همراه با نعمت‌های پایدار و پاداش عظیم را برای‌شان تضمین نموده است. پس کسی که خواستار زندگی پاکیزه، رستگاری ابدی و پیروزی همیشگی است باید به طاعت الله أ و تمسک به راه و روش رسول الله ج بیاویزد؛ زیرا دوستی و ولایت الله أ آیینه‌دار کمال عزت، تمام فلاح و سعادت، نهایت فوز و منت‌های رشد و سلامت است.

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ٦٣﴾.

این اولیای الهی؛ به الله أ به حیث پروردگار، معبود و مقصود خویش ایمان آورده، بناءً به اوامرش عمل کرده، از نواهیش اجتناب ورزیده، پیامبرش را تصدیق نموده و او را در تمام امور خویش الگو قرار داده‌اند. اینان از حق‌تعالی در تمام امور خود پروا داشته‌اند؛ زیرا هدف از عمل‌شان در گسترۀ طاعت، فقط طلب رضای الهی و منظورشان از ترک معصیت، ترس از عذابش بوده است.

﴿لَهُمُ ٱلۡبُشۡرَىٰ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ لَا تَبۡدِيلَ لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٦٤﴾.

برای این اولیای مخلص وارستۀ راستگو، از جانب الله أ در زندگی دنیا بشارتی است بزرگ بدان چه حق‌تعالی از سعدت و زندگی پاکیزه، امنیت، رضا و مقبولیت، خوشنامی و آراستگی احوال، سامان یابی امور، ثبات، نظم و صلاح برای‌شان میسّر و آماده ساخته است. و برای‌شان در آخرت نیز بشارتی است بزرگ؛ با غفران ذنوب، پوشاندن عیوب و همجواری ذات علام الغیوب در بهشت‌های پر ناز و نعمت، در جایگاهی فاخر و ایمن و در رستگاریی عظیم. این وعده‌ای است تغییر ناپذیر از سوی حق‌تعالی که هرگز دگرگون نمی‌شود. به راستی دستاوردشان که رسیدن به بزرگ‌ترین پیروزی در ستیغ آرامان‌ها و بر بام بلند آرزوهاست؛ دستاوردی است عظیم؛ زیرا نجات از هر امر ناخوش آیند و رسیدن به هر امر دوست داشتنی، کمال مطلوب و کامیابی بزرگ برای هر انسان است.

﴿وَلَا يَحۡزُنكَ قَوۡلُهُمۡۘ إِنَّ ٱلۡعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًاۚ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٦٥﴾.

ای پیامبر! سخنان کافران در مورد خدای یگانۀ قهّار که دیگران را به وی شریک می‌آورند، به وی نسبت فرزند و همسر می‌دهند و او را بدان چه که شایستۀ شأن والا، مبارک و مقدّسش نیست، وصف می‌کنند تو را اندوهگین نسازد؛ زیرا خدای سبحان هم در الوهیّت و هم در ربوبیَت یگانه است، او راست کمال مطلق، نیروی غالب، غنای تام و تمام، قدرت برتر و خلل ناپذیر، حکمت بالغه و رحمت واسعه و او شنوای هر سخن و دانا به هر عمل است.

﴿أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَمَا يَتَّبِعُ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُرَكَآءَۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنۡ هُمۡ إِلَّا يَخۡرُصُونَ ٦٦﴾.

آگاه باشید که تمام اهالی آسمان‌ها و زمین اعم از فرشتگان، جنّ، انس، حیوان، نبات و جماد همه خلق خدا أ ملک وی و تحت تصرف و تدبیرش هستند و کسی از دایرۀ ملک وی خارج نیست. پس مشرکان از چه چیز پیروی کرده و چه چیز را می‌پرستند؟ آن‌ها یقیناً جز از شک پیروی نمی‌کنند؛ زیرا شرک و دیگر نسبت‌های ناروایی که به حق‌تعالی می‌دهند و وصف وی بدان چه او از آن پاک و منزّه است، همه دروغی بیش نیست پس آن‌ها پیرو پندار خویش‌اند و ساختار اندیشه‌شان از تاروپود اوهام است و بس.

﴿هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبۡصِرًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ ٦٧﴾.

تنها الله أ است که شب را برای‌تان آفرید و آن را بستری آماده برای استراحت، خواب خوش و آرام‌بخشتان از رنج کسب و کار روزانه قرار داد. تنها اوست که روز را با نور خورشید آن برای شما آفرید تا در آن بینایی خود را به کار بسته و در امر معاش و منافع خود – از طلب دانش گرفته تا تلاش در راه کسب رزق و روزی و ایاب و ذهاب – فعَال و پویا باشید. همانا در نشانۀ روز و شب و آنچه که در آن از شگفتی‌های قدرت و کمال حکمت وجود دارد، دلایلی است روشن و برهان‌هایی است آشکار بر اینکه تنها خداوند أ مستحق پرستش می‌باشد. و کسانی که حجّت‌ها را به گوش جان می‌شنوند و در آن اندیشیده و به مقتضای آنکه عبودیّت خالصانه برای خدای یکتا و یگانه است عمل می‌کنند، همانان‌اند که از این نشانه‌ها بهره می‌برند و بس.

﴿قَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۖ هُوَ ٱلۡغَنِيُّۖ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ إِنۡ عِندَكُم مِّن سُلۡطَٰنِۢ بِهَٰذَآۚ أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٦٨﴾.

کافران گفتند: خداوند برای خود فرزندی اختیار کرده است. هم در راستای این پندار مشرکان گفتند: فرشتگان دختران خدایند! یهودیان گفتند: عزیر پسر خداست! و نصاری گفتند: مسیح پسر خداست! خدای سبحان از این افتراها برتر، پاک و منزّه است؛ بناءً نه به همسری نیاز دارد، نه به فرزندی و نه به منفعت کسی. او از ما سوای خود بی‌نیاز است حال آنکه ماسوایش همه به وی محتاج‌اند. همۀ آنچه در آسمان‌ها و زمین است آفریده و ملک وی است، پس در حالی که همه مملوک و آفریدۀ وی‌اند چگونه برایش از آفریده‌هایش فرزندی خواهد بود؟! از این رو مشرکان بر افترا و دروغ آشکارشان هیچ دلیل و برهانی ندارند. آیا بر خداوند أ سخنان ناروا و ادعاهای دروغینی برمی‌بندید که نه به حقیقت آن عملی دارید و نه به راستی و درستی آن باور مندید؟!

﴿قُلۡ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ لَا يُفۡلِحُونَ ٦٩﴾.

بگو ای پیامبر! در حقیقت کسانی که با گرفتن شریک یا نسبت دادن فرزند و همسر به خدای سبحان بر وی ادعایی دروغین می‌بندند، آن‌ها هرگز از عذابش نجاتی نداشته و به رضایش دست نمی‌یابند. بنابراین نه به مطلوب می‌رسند و نه از ترس و هراس ایمن‌اند.

﴿مَتَٰعٞ فِي ٱلدُّنۡيَا ثُمَّ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُهُمۡ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ ٱلۡعَذَابَ ٱلشَّدِيدَ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ ٧٠﴾.

بی‌گمان این گروه کافر در این زندگی دنیا همانند بهره‌مندی چهارپایان بهره‌مند می‌شوند؛ زیرا کسی که بی‌ایمان زندگی کند بی‌شک شبیه حیوان است، اما چون زندگی این گروه بدکار به سر آید، بازگشت‌شان به سوی خدای غالب جبّار است تا به آن‌ها – به علت کفر و تکذیب‌شان به پیامبران و انکار آیات آتش سوزان پر درد همیشگی جهنم را بچشاند. بناءً آن‌ها در دنیا نگونبخت و تیره روز و در آخرت بیچاره، بدروزگار و بدبخت‌اند.

﴿۞وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ نُوحٍ إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيۡكُم مَّقَامِي وَتَذۡكِيرِي بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَعَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡتُ فَأَجۡمِعُوٓاْ أَمۡرَكُمۡ وَشُرَكَآءَكُمۡ ثُمَّ لَا يَكُنۡ أَمۡرُكُمۡ عَلَيۡكُمۡ غُمَّةٗ ثُمَّ ٱقۡضُوٓاْ إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ ٧١﴾.

ای پیامبر! خبر نوح ÷ با قومش را بر کافران بخوان؛ روزی که به قوم خود گفت: ای قوم من! اگر قیامم به هشدار دهی و تخویف از عذاب‌ الله أ بر شما گران آمده و اندرزهایم به حجّت‌ها و برهان‌های وی برشما دشوار تمام شده و از این وضع احساس فشار می‌کنید پس بدانید که من تنها بر خداوند أ اتکا کرده و به وی اعتماد و توکل نموده‌ام؛ اینک آمادگی خود را بگیرید و از شرکایتان نیز بخواهید تا یاریتان کنند سپس تصمیم‌تان دربارۀ من را پنهان قرار نداده بلکه آن را آشکار و علنی گردانید، آنگاه مجازات مقررتان را که بر آن توان دارید به من شتابان برسانید و در نیرنگ و توطئه علیه من از منت‌های امکان خویش کار گیرید و در نبرد علیه من هرگز تأخیر روا نداشته و هیچ مهلتم ندهید. و این منت‌های مبارزطلبی از سوی نوح ÷ در برابر قومش و در عین حال، ترجمان توکل و اعتماد کاملش به پروردگار متعالش می‌باشد.

﴿فَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَمَا سَأَلۡتُكُم مِّنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِۖ وَأُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ٧٢﴾.

و اگر بر تکذیب رسالتم باقی مانده و به دینم کفر ورزیدید بدانید که من با درخواست مزد و پاداشی از اموالتان در ازای دعوتم، بر شما سخت نمی‌گیرم بلکه دعوتم خالصانه برای رضای الله أ است و تنها اوست که مرا در قبال کارم پاداش می‌دهد. بدانید که من به انقیاد فرمان و اطاعت از امر حق‌تعالی مأمورم؛ زیرا من بندۀ فرستاده‌ای از سوی پروردگار ذوالجلال خود می‌باشم.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِي ٱلۡفُلۡكِ وَجَعَلۡنَٰهُمۡ خَلَٰٓئِفَ وَأَغۡرَقۡنَا ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَاۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُنذَرِينَ ٧٣﴾.

پس قوم نوح رسالتش را تکذیب کرده، از فرمانش سرپیچیدند. سرانجام خدای ﻷ او و مؤمنان همراهش را در کشتی از طوفان نجات داد و تکذیب پیشگان را به وسیلۀ طوفان غرق ساخت. آری! حق‌تعالی مؤمنان را تمکین داد تا در زمین جانشین کافران و بعضی جانشینان بعضی دیگر باشند به گونه‌ای که هر وقت نسلی منقرض شد، نسل بعدی جانشین ایشان باشد. پس در فرجام کار تکذیب پیشگانی که نوح ÷ هشدارشان داد تأمل کن که وقتی اجابت نگفتند، چسان نابود ساخته شدند.

﴿ثُمَّ بَعَثۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ رُسُلًا إِلَىٰ قَوۡمِهِمۡ فَجَآءُوهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ بِهِۦ مِن قَبۡلُۚ كَذَٰلِكَ نَطۡبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ٧٤﴾.

سپس خداوند أ بعد از نوح ÷ پیامبران دیگری را به سوی اقوام‌شان فرستاد؛ آن پیامبران از سوی الله أ حجّت‌های روشنی آوردند که دالّ بر الوهیّت وی و راستگویی آنان بود، اما آن اقوام بر آن نبودند تا پیامبران‌شان را تصدیق کرده و بدان چه قوم نوح و امّت‌های کافر گذشته تکذیب کرده بودند، باور نمایند پس آنگونه که خداوند أ بر دل‌های تکذیب پیشگان امّت‌های سابق مهر نهاد، همچنان بر دل‌های تکذیب پیشگان بعدی – یعنی کسانی که محمد ج را تکذیب کرده و دعوتش را اجابت نگفتند – مهر می‌گذراد.

﴿ثُمَّ بَعَثۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِم مُّوسَىٰ وَهَٰرُونَ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ بِ‍َٔايَٰتِنَا فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمٗا مُّجۡرِمِينَ ٧٥﴾.

سپس حق‌تعالی بعد از پیامبران سابق، موسی و برادرش هارون † را با آیات روشنگر خود و معجزاتی مانند ید بیضا و عصا که راهنمای قدرت الله أ بودند به سوی فرعون و قومش فرستاد، اما آن‌ها اعراض کرده، از حق استکبار ورزیدند و راه صدق و راستی را دروغ انگاشتند بیگمان آنان بدکارانی تکذیبگر، سرکش، بیدادگر و مجرم بودند.

﴿فَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ مِنۡ عِندِنَا قَالُوٓاْ إِنَّ هَٰذَا لَسِحۡرٞ مُّبِينٞ ٧٦﴾.

پس چون موسی و هارون حقی را که راهنمای راستگویی‌شان بود آوردند، فرعون و قومش تکذیب پیشه کرده و گفتند: قطعاً دلایل و معجزاتی که موسی آورده، سحری است آشکار و از نزد خدای ﻷ نیست!!

﴿قَالَ مُوسَىٰٓ أَتَقُولُونَ لِلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَكُمۡۖ أَسِحۡرٌ هَٰذَا وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّٰحِرُونَ ٧٧﴾.

موسی از تکذیب‌شان به ادلۀ قاطع تعجب کرد و گفت: چگونه به ستم و بهتان ادعا می‌کنید که آنچه را از حق روشن و راستی آشکار آورده‌ام، سحری آشکار است؟ اگر من ساحر می‌بودم هرگز نصرت نیافته و به مردم دست نمی‌یافتم؛ زیرا کار ساحر بسیار زود برملا شده، دروغ و افترایش برهنه می‌شود و او رسوا و مفتضح می‌گردد.

﴿قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا لِتَلۡفِتَنَا عَمَّا وَجَدۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا ٱلۡكِبۡرِيَآءُ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا نَحۡنُ لَكُمَا بِمُؤۡمِنِينَ ٧٨﴾.

فرعون و قومش به موسی گفتند! آیا به میان ما آمده‌ای تا با دین جدید خود ساخته‌ای که از نزدت آورده‌ای، ما را از راه و روش پدران ما بر گردانی؟ هدف تو و برادرت هارون اصلاح شیوۀ پرستش مردم نیست؛ بلکه شما آمده‌اید تا قدرت و منصب و جاه و ملک دنیوی را از آن خود سازید. بناءً ما آنچه را آورده‌اید تصدیق نکرده و به شما دوتن باور نداریم. البته این تهمتی است که هر طاغوتی به هر دعوتگری که دعوت اصلاحی‌اش را پیشکش نماید، عنوان می‌کند. آری! طاغوتان چنین جز گردآوری مال، دست‌یابی به شهرت و ریاست، نیست قرار داده است. پس بنگر که چگونه دل‌های مستکبران باهم مشابه است!

﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ٱئۡتُونِي بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ ٧٩﴾.

فرعون به قومش گفت: هر جادوگر ماهری را که به فوت و فن‌های سحر دانا باشد پیش من آورید تا به وسیلۀ آن با موسی ÷ بجنگد.

﴿فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلۡقُواْ مَآ أَنتُم مُّلۡقُونَ ٨٠﴾.

پس چون جادوگران آمدند و مردم اجتماع کردند، موسی به ساحران فرعون گفت: ریسمان‌ها و عصاهای خود را بر زمین بیفگنید.

﴿فَلَمَّآ أَلۡقَوۡاْ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئۡتُم بِهِ ٱلسِّحۡرُۖ إِنَّ ٱللَّهَ سَيُبۡطِلُهُۥٓ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُصۡلِحُ عَمَلَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٨١﴾.

چون آن ریسمان‌ها و عصاها را بر زمین انداختند موسی به آنان گفت: آنچه در میان انداخته‌اید چیزی جز سحر نیست و یقینا خداوند أ آورده‌های شما را از بین خواهد برد و بی‌اثر خواهد ساخت؛ زیرا حق‌تعالی کار کسانی را که در زمین به ویرانگری، گردنکشی و تجاوز کوشایند، به سامان نمی‌آورد بلکه نیرنگ‌شان را در گمراهی و عمل‌شان را به بی‌سرانجامی و تباهی کشانده و برای‌شان فاجعه بار می‌گرداند.

﴿وَيُحِقُّ ٱللَّهُ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٨٢﴾.

و خداوند أ با کلمات تکوینی قدری، و همچنان با اوامر شرعی خود حق را نصرت داده، جایگاه آن را برتر می‌گرداند و انجام کار را به نفع حق و زیان باطل قرار می‌دهد هرچند اردوی بزهکاران اهل بغی و فساد و کژی و عناد را خوش نیاید؛ زیرا خداوند أ بر کارش غالب است.

﴿فَمَآ ءَامَنَ لِمُوسَىٰٓ إِلَّا ذُرِّيَّةٞ مِّن قَوۡمِهِۦ عَلَىٰ خَوۡفٖ مِّن فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِمۡ أَن يَفۡتِنَهُمۡۚ وَإِنَّ فِرۡعَوۡنَ لَعَالٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَإِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٨٣﴾.

پس از موسی ÷ جز گروهی از بنی‌اسرائیل که ایمان خود را پنهان می‌داشتند پیروی نکردند؛ زیرا از خشم و عذاب فرعون و قومش بیمناک و سخت نگران آن بودند که ایشان را با ابزار عذاب از راه صواب باز دارد. در حقیقت فرعون ستمگری سرکش، متکبری برتری جوی و در ظلم و عناد و بغی و فساد از حدّ تجاوزگر بود.

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَٰقَوۡمِ إِن كُنتُمۡ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ فَعَلَيۡهِ تَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّسۡلِمِينَ ٨٤﴾.

موسی به قومش گفت: ای قوم من! اگر به خدا أ ایمان آورده و مرا تصدیق کردید پس به نصرتش مطمئن باشید و بر او تکیه نمایید، کار را بدو سپرده و به یاری او پشت گرم باشید؛ زیرا اگر به راستی در باورمندی و انقیاد و حسن طاعتش صادق باشید، او به زودی یاریتان خواهد کرد.

﴿فَقَالُواْ عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡنَا رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٥﴾.

قوم موسی به وی گفتند: کار خویش را تنها به خدای یگانۀ لاشریک – پروردگارمان – سپرده و بر او توکل کرده‌ایم، او ما را بس است و نیکو کارسازی است. پروردگارا! کافران را بر ما نصرت نده؛ زیرا در آن صورت چنین عنوان و محاسبه می‌کنند که خود بر حق‌اند و ما بر باطل قرارداریم و مردم نیز چنین می‌پندارند که ما راستگو نیستیم.

﴿وَنَجِّنَا بِرَحۡمَتِكَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٨٦﴾.

و ما را به رحمت و حفظ و لطف و عنایتی از جانب خویش، از چنگ فرعون و قومش نجات ده. از آنکه در زیر شدیدترین شکنجه‌های فرعون و قومش قرار داشتند.

﴿وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوۡمِكُمَا بِمِصۡرَ بُيُوتٗا وَٱجۡعَلُواْ بُيُوتَكُمۡ قِبۡلَةٗ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٨٧﴾.

خداوند أ به موسی و هارون وحی کرد که برای قوم خود در مصر خانه‌هایی به منظور اقامت و سکونت ترتیب دهید و در آن خانه‌ها محراب‌هایی برای نماز در هنگام ترس از فرعون بسازید و بر نمازهای فرض پایبند بوده و به علت ترس از گرفتاری به دست بیدادگران نمازها را ترک نکنید. بناءً پنهان‌سازی عبادت در هنگام خطر، امری جایز و مباح است. و ای موسی! مطیعان پروردگار و مخلصان دینش را که کار خود را بدو سپرده‌اند؛ به نصرت، تمکین، پیشوایی در دین و رضای ربّ‌العالمین بشارت ده.

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَآ إِنَّكَ ءَاتَيۡتَ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَأَهُۥ زِينَةٗ وَأَمۡوَٰلٗا فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّواْ عَن سَبِيلِكَۖ رَبَّنَا ٱطۡمِسۡ عَلَىٰٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ وَٱشۡدُدۡ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَلَا يُؤۡمِنُواْ حَتَّىٰ يَرَوُاْ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَلِيمَ ٨٨﴾.

موسی به بارگاه پروردگارش دعا کرد و گفت: پروردگارا! تو فرعون و اشراف قومش را از بهره‌ها، لذت‌ها و شکوفه‌های دنیا ارزانی داشته‌ای اما آنان به تو ایمان نیاورده و از پیامبرت پیروی نکردند بلکه از نعمتت بر معصیت و بازداشتن از راهت مدد گرفتند. پس ای پروردگارا! بر دل‌های‌شان مهر بگذار تا پذیرای حق نشده و برای حق گشایش نیابند در نتیجه رسالتت را تصدیق نکرده و به تو به عنوان خدای یگانه ایمان نیاورند تا خواری و عذاب بر آنان فرود آید و مجازات اعمال بدشان، بر آنان واقع شود.

﴿قَالَ قَدۡ أُجِيبَت دَّعۡوَتُكُمَا فَٱسۡتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَآنِّ سَبِيلَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ ٨٩﴾.

خدای متعالی به موسی و هارون گفت: دعای شما در مورد مجازات فرعون و قومش را اجابت گفتم. و چنان بود که موسی دعا می‌کرد و هارون آمین می‌گفت از این رو دعا به هر دوی آن‌ها نسبت داده ‌شد. سپس حق‌تعالی به موسی و هارون گفت: در استقامت بر طاعت الله أ و دعوت به سوی ایمان به وی استمرار دهید و همانند کسانی که نسبت به امر خدا أ نادان بوده و به وی کفر می‌ورزند، عمل نکنید و در سد نمودن راه و ترک عبودیتش به دشمنانش مشابهت نورزید.

﴿۞وَجَٰوَزۡنَا بِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡبَحۡرَ فَأَتۡبَعَهُمۡ فِرۡعَوۡنُ وَجُنُودُهُۥ بَغۡيٗا وَعَدۡوًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَدۡرَكَهُ ٱلۡغَرَقُ قَالَ ءَامَنتُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱلَّذِيٓ ءَامَنَتۡ بِهِۦ بَنُوٓاْ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَأَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ٩٠﴾.

خداوند أ عبور از دریا را بر بنی‌اسرائیل آسان ساخت؛ در نتیجه از آن سالم و کامیاب بیرون آمدند. فرعون و سپاهیانش از روی ستم و تجاوز و مقابله با خدا و پیامبرش آنان را دنبال کردند تا چون فرعون در درون ورطۀ هلاک افتاد و موج دریا از همه سو بر وی احاطه کرد، گفت: اکنون تصدیق کردم که خدای جز همان خدا که بنی‌اسرائیل به آن گرویده‌اند، نیست و اینک من از یکتاپرستان فرمان‌پذیر تسلیم شده هستم.

﴿ءَآلۡـَٰٔنَ وَقَدۡ عَصَيۡتَ قَبۡلُ وَكُنتَ مِنَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٩١﴾.

ای فرعون! اکنون که در کمینگاه هلاک دست و پا می‌زنی، تسلیم شده‌ای در حالی که قبل از این تکذیب پیشه کرده و با موسی جنگیدی، در زمین فساد بر پا کرده و از راه خدا أ باز داشتی؟ بدانکه توبه در ساعت مرگ از تو پذیرفتنی نیست؛ زیرا فرصت از دست رفته، دروازه بسته شده و وعدۀ حق‌تعالی در گرفتاری و عذابت تحقق یافته است.

﴿فَٱلۡيَوۡمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنۡ خَلۡفَكَ ءَايَةٗۚ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِ عَنۡ ءَايَٰتِنَا لَغَٰفِلُونَ ٩٢﴾.

پس امروز بدنت را از دریا بیرون می‌آوریم تا مردم تو را ببینند و عبرت اندوزان را درس عبرتی و اندرز پذیران را پندی باشی؛ به راستی که در مصیبت‌های گروهی برای مردمانی دیگر فوایدی است. و بسیاری از بندگان از ادلّه و حجّت‌های الله أ غافل‌اند، در آن‌ها تدبر نکرده، از آن‌ها فهم و شناختی نمی‌اندوزند؛ بلکه از برابر آن اعراض کنان می‌گذرند.

﴿وَلَقَدۡ بَوَّأۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ مُبَوَّأَ صِدۡقٖ وَرَزَقۡنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ فَمَا ٱخۡتَلَفُواْ حَتَّىٰ جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقۡضِي بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ٩٣﴾.

به راستی خداوند أ برای بنی‌اسرائیل منزل‌هایی مبارک و نیکو برگذیده ایشان را در سرزمین خرم‌ شام و مصر فرود آورد، به ایشان از خیرات و برکات زمین بهترین میوه‌ها و پاکیزه‌ترین خوردنی‌ها را روزی بخشید؛ به این ترتیب مسکن خوب، عذای خوب و امنیت خوب همراه با نصرت و اقتدار برای‌شان فراهم شد. پس در کار دین خویش متفرق نشده و به بغض و حسد میان همدیگر نپرداختند مگر بعد از آنکه وحی به ایشان آمد؛ وحیی که دعوتگر الفت، اجتماع و وحدت‌شان و نیز متضمن بشارت به نبوت محمد ج بود. چنین بود که آن‌ها از روی عناد و حسد به نبوت آن حضرت ج کفر ورزیدند. پس خداوند أ به زودی روز قیامت در کارشان حکم کرده، مؤمنان را نجات می‌دهد و کافران را عذاب می‌چشاند. بنابراین موعد عذاب نزد وی مقرّر، حساب و جزا نیز نزد وی میسّر و بر عهدۀ وی است.

﴿فَإِن كُنتَ فِي شَكّٖ مِّمَّآ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ فَسۡ‍َٔلِ ٱلَّذِينَ يَقۡرَءُونَ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكَۚ لَقَدۡ جَآءَكَ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ ٩٤﴾.

ای پیامبر! اگر از این اخباری که به سویت وحی کرده‌ایم، در تردید قرار داری پس از اهل کتاب بپرس و قطعاً مصداق آن را در تورات و انجیل خواهی یافت؛ زیرا این اخبار در کتاب‌های‌شان ذکر شده است. بیگمان بر راستی این اخبار و بر صحّت آنچه بر تو نازل کرده‌ایم، علم راستین و دلیل قاطع آمده است پس زنهار! از کسانی نباش که از آن در شک و تردید و حیرت به سر می‌برند.

﴿وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٩٥﴾.

ای پیامبر! و از کسانی مباش که حجّت‌های منزلّۀ الهی را تکذیب کرده‌اند. حاشا که پیامبر اکرم ج به تکذیب روی آورده یا حتی بدان گرایش یابند، اما در حالی که ایشان امام و الگوی تصدیق پیشگان‌اند از تکذیب آیات هشدار داده می‌شوند پس چگونه خواهد بود حال شکّاکان و متردّدان؟ و هر کس آیات بیّنات و برهان‌های درخشان الهی را انکار کند خداوند أ بر وی خشم گرفته مجازاتش می‌کند، وی را از رحمت خویش طرد نموده و آتش خود را به وی می‌چشاند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ حَقَّتۡ عَلَيۡهِمۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ ٩٦﴾.

در حقیقت کسانی که قضای الهی بر طردشان از رحمت وی سبقت گرفته و او در نظام قضا و قَدَرش، شقاوت‌شان را نوشته است هرگز به آیات وی و به پیامبرانش ایمان نمی‌آورند؛ نه او را پرستش می‌کنند و نه به یکتایی‌اش می‌خوانند تا آنکه سرانجام فیصلۀ الهی در موردشان تحقّق یافته و گرفتار عذاب شوند.

﴿وَلَوۡ جَآءَتۡهُمۡ كُلُّ ءَايَةٍ حَتَّىٰ يَرَوُاْ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَلِيمَ ٩٧﴾.

حتی اگر این گروه از کافران را هر نوع پند و عبرتی هم برسد و هرگونه نشانه‌ای هم برای‌شان بیاید تا آنگاه که عذاب دردناک را ببینند ایمان نمی‌آورند؛ در آن هنگام هم که ایمان به حال‌شان سودی ندارد؛ زیرا فرصت از دست رفته است.

﴿فَلَوۡلَا كَانَتۡ قَرۡيَةٌ ءَامَنَتۡ فَنَفَعَهَآ إِيمَٰنُهَآ إِلَّا قَوۡمَ يُونُسَ لَمَّآ ءَامَنُواْ كَشَفۡنَا عَنۡهُمۡ عَذَابَ ٱلۡخِزۡيِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَمَتَّعۡنَٰهُمۡ إِلَىٰ حِينٖ ٩٨﴾.

اگر هر شهری از شهرها قبل از نزول عذاب ایمان می‌آوَرد یقیناً ایمانش به حالش سود می‌بخشید لیکن شهرهای کفرپیشه ایمان نیاوردند مگر قوم یونس بن متی که از این منفعت بهره‌مند شده و در ایمان و توبه از گناه صادقانه عمل کردند پس خداوند أ عذاب خوار کنندۀ رسواگر را بعد از آنکه در شرف وقوع برای‌شان بود از ایشان بر طرف ساخت و به ایشان مهلت داد که تا پایان عمر دنیوی‌شان به نیکویی بهره‌مند و بر خوردار شوند. البته این از برکت توبه است که عذاب از آنان دور ساخته شد، زندگی سعادتمند دنیا به ایشان موهبت گردید و پاداش عظیم آخرت نیز ارزانی‌شان است.

﴿وَلَوۡ شَآءَ رَبُّكَ لَأٓمَنَ مَن فِي ٱلۡأَرۡضِ كُلُّهُمۡ جَمِيعًاۚ أَفَأَنتَ تُكۡرِهُ ٱلنَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُواْ مُؤۡمِنِينَ ٩٩﴾.

ای پیامبر! و اگر پروردگارت می‌خواست تمام کسانی که در زمین به سر می‌برند ایمان می‌آوردند و کسی کفر نمی‌ورزید لیکن حکمتش چنین اقتضا کرده است که گروهی ایمان آورده و گروهی دیگر کفر ورزند. بنابراین در توان تو نیست که مردم را به زور بر ایمان و اداری؛ زیرا هدایت به دست الله أ است، هر که را بخواهد هدایت می‌کند و هر که را بخواهد گمراه می‌گذرد.

﴿وَمَا كَانَ لِنَفۡسٍ أَن تُؤۡمِنَ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَيَجۡعَلُ ٱلرِّجۡسَ عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يَعۡقِلُونَ ١٠٠﴾.

و هیچ‌کس را نرسد و نه در توانش می‌باشد که به خدا أ ایمان آورد مگر در صورتی که خدا أ خود بخواهد و وی را بر ایمان توفیق بخشد. پس ای پیامبر! هدایت توفیق در اختیار تو نیست، بلکه فقط در اختیار خداست و خدا خشم و مجازاتش را بر کسانی فرود می‌آورد که در اوامرش نیندیشیده و پیام‌هایش را که پیامبران را بدان برانگیخته است نمی‌فهمند.

﴿قُلِ ٱنظُرُواْ مَاذَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَمَا تُغۡنِي ٱلۡأٓيَٰتُ وَٱلنُّذُرُ عَن قَوۡمٖ لَّا يُؤۡمِنُونَ ١٠١﴾.

ای پیامبر! به مردم بگو: در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن‌ها از آموزه‌ها برای عبرت‌اندوزان و از نشانه‌ها برای تدبر کنندگان است بیندیشید.

ولی کافرانی که به حق‌تعالی کفر ورزیده، از دینش روی بر گردانیده، راهش را سدّ کرده و بر دستورش تکبّر ورزیده‌اند از آیات منزلّه و پیام‌های پیامبران معجز همراه، بهره نمی‌برند بلکه فقط کسی از آن‌ها نفع می‌برد که در آن‌ها به دیدۀ عبرت اندیشیده و منقاد طاعت حق‌تعالی باشد.

﴿فَهَلۡ يَنتَظِرُونَ إِلَّا مِثۡلَ أَيَّامِ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِهِمۡۚ قُلۡ فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلۡمُنتَظِرِينَ ١٠٢﴾.

پس آیا این گروه کفار جز وقت نزول عذاب و وقوع کیفر را – همانند آنچه بر کفرپیشگان پیشین نازل شد – انتظار می‌برند؟ ای پیامبر! به آنان بگو: منتظر عذاب خدا أ باشید من نیز همراه با شما فرود آمدن این کیفر را به شما انتظار برده و همچنان منتظر نصرت الله أ هستم که مرا – آنگونه که به من وعده داده است – بر شما پیروز گرداند. پس من منتظر رحمتش هستم و شما منتظر عذاب و نقمتش.

﴿ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ كَذَٰلِكَ حَقًّا عَلَيۡنَا نُنجِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٠٣﴾.

سپس خداوند أ پیامبرانش و پیروان مؤمن‌شان را در هنگام نزول عذاب بر کافران، نجات می‌دهد و این سنّت خدای ﻷ است که هر مؤمنی را از عذاب نجات می‌بخشد. و از کسانی که نجات‌شان داده است محمد ج و پیروانش هستند که تا روز جزا از عذاب ایمن‌اند.

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمۡ فِي شَكّٖ مِّن دِينِي فَلَآ أَعۡبُدُ ٱلَّذِينَ تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِنۡ أَعۡبُدُ ٱللَّهَ ٱلَّذِي يَتَوَفَّىٰكُمۡۖ وَأُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٠٤﴾.

ای پیامبر! به مردم بگو: اگر شما در راستی دعوت و درستی رسالتم در تردید هستید پس بدانید که من بر دین و اعتقاداتم ثابت و پایدارم؛ زیرا من از استواری راه و سلامت روش و برنامه‌ام کاملاً متیقن می‌باشم بنابراین من آن بتان و شریکانی را که شما می‌پرستید نمی‌پرستم بلکه خدای یکتا و یگانه‌ای را می‌پرستم که شما را می‌میراند همچنان که زنده‌تان گردانید؛ همو که مجدداً شما را برمی‌انگیزد تا محاسبه‌تان کند.

و پروردگارم به من دستور داده است تا از تصدیق کنندگان شریعتش، عابدان آستانش و فروتنان فرمان اوتعالی باشم.

﴿وَأَنۡ أَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفٗا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٠٥﴾.

ای پیامبر! همچنان پروردگارت به تو فرمان می‌دهد که بر دین اسلام استواری و استقامت داشته، به دین و آیین دیگری همچون یهودیّت و نصرانیّت گرایش نیابی، بلکه دین حق همانا این دین است که آیین حقگرا و حنیف ابراهیم مسلمان می‌باشد. ای پیامبر! و به خداوند أ شریک نیاور همچون کسانی که غیر وی را پرستیده و جز او معبودان دیگری را می‌خوانند که در آن صورت، دنیا و آخرت را از دست می‌دهی. و هرچند خطاب به پیامبر ج است اما خطاب به ایشان، خطاب به امّت‌شان می‌باشد.

﴿وَلَا تَدۡعُ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَۖ فَإِن فَعَلۡتَ فَإِنَّكَ إِذٗا مِّنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٠٦﴾.

و جز الله أ چیزی دیگر – از بتان، معبودان، کاهنان و پیشگویان – را نخوان؛ زیرا آن‌ها برایت نفعی رسانده نتوانسته و زیانی را نیز از تو دفع نمی‌کنند بلکه در حقیقت سود رسان و زیان‌رسان تنها خداوند أ است.

بناءً جز او دیگران را نخوان اما اگر به خطا رفته و دیگری را خواندی در واقع به او شرک آورده و عملت را هدر و بی‌اثر ساخته‌ای، و با شرک ورزی بر خودت ستم کرده، جانت را در ورطه‌های هلاکت بار افکنده‌ای و در معض تباهی قرار داده‌ای.

﴿وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يُرِدۡكَ بِخَيۡرٖ فَلَا رَآدَّ لِفَضۡلِهِۦۚ يُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ١٠٧﴾.

و اگر خدا أ به تو سختی و زیان و بلایی برساند هیچ‌کس جز او نه آن را از تو بر طرف می‌کند و نه از آن عافیت می‌بخشد و در مقابل، اگر برایت خیری – مانند فراوانی، آسوده حالی، نعمت و عافیت – بخواهد، هیچ‌کس در هر موقعیتی که قرار داشته و هر مقامی هم که داشته باشد از رسیدن آن به تو جلوگیر نتواند بود. و خداوند أ به هر کس از بندگانش که بخواهد، خوشی و شادمانی یا زیان و تیره‌روزی می‌رساند؛ همه چیز در کارگاه نظامش بر بنیاد قضا و قَدَر است و او آمرزگار گناهان کسی است که توبه کند؛ بر منیبان مهرورز است، خطاهای‌شان را می‌بخشد، ایشان را مورد بازپرس قرار نمی‌دهد و به علاوه با توفیق بخشیدن‌شان بر آنچه که صلاح و فلاح‌شان در آن است، مورد مرحمت‌شان نیز قرار می‌دهد.

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُمُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۖ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم بِوَكِيلٖ ١٠٨﴾.

ای پیامبر! به مردم بگو: در حقیقت پیامبر قرآن و ایمان و عبادت رحمان را برای‌تان آورده است، پس هر که اجابت و انابت پیشه کند بیگمان ثمرۀ اجابت و طاعتش به خودش برمی‌گردد و هر که روی برتافته، تکذیب نموده و از راه خدا أ باز دارد، یقیناً زیان آن فقط به خودش برمی‌گردد. و من کارگزار نگهبان بر شما نیستم تا به زور بر ایمان وادارتان کنم؛ بلکه من فقط پیام‌رسان هستم که دعوت رحمان را به شما رسانده و حجّت و برهان را بر شما اقامه می‌کنم.

﴿وَٱتَّبِعۡ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ وَٱصۡبِرۡ حَتَّىٰ يَحۡكُمَ ٱللَّهُۚ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ١٠٩﴾.

ای پیامبر! از آنچه خداوند أ از کتاب و سنّت بر تو وحی کرده است پیروی کن، بر آزارِ آزار جویانت صابر و شکیبا باش و بر ابلاغ رسالت مولایت پایداری کن تا آنکه او میان تو و کسانی که قضای وی را تکذیب کرده‌اند فیصله کرده، در نتیجه تو و پیروانت را یاری دهد و دشمنانت را محو گرداند و او بهترین حکم کنندگان است؛ از آن روی که عدالتش تامّ و تمام و داوری‌اش کاملاً حقّ و صواب است و در فیصله‌اش هموزن زره‌ای از ستم وجود ندارد.

سورۀ هود

مکی است، ترتیب آن 11، آیات آن 123

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿الٓرۚ كِتَٰبٌ أُحۡكِمَتۡ ءَايَٰتُهُۥ ثُمَّ فُصِّلَتۡ مِن لَّدُنۡ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ١﴾.

الف، لام، راء؛ از حروف مقطعه است که خدای سبحان مرادش از آن‌ها را بهتر می‌داند.

این قرآنی که حق‌تعالی بر پیامبرش ج وحی نموده، کتابی است که معانیش استوار ساخته شده و الفاظش به تفصیل و روشنی آراسته شده؛ در نتیجه آیاتش از خلل سالم است و جملاتش از عِلل. کتابی است مُحکمی یافته به اصول احکام، مفصّل به فروع حلال و حرام؛ از نزد خدایی است که در شرع و صنع خویش حکیم است و به سرانجام امور و عواقب اشیا خبیر و آگاه.

﴿أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۚ إِنَّنِي لَكُم مِّنۡهُ نَذِيرٞ وَبَشِيرٞ ٢﴾.

قرآن برای آن نازل شده و به استحکام و تفصیل آراسته گشته که شما جز خدای یگانه، لاشریک را نپرستید، که این همان توحید خالص و بی‌شائبه است. و در حقیقت پیامبر ج هشدار دهنده‌ای است که کافران را از کیفر انذار می‌کند؛ بشارتگری است که مؤمنان را به پاداش نوید می‌دهد.

﴿وَأَنِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ يُمَتِّعۡكُم مَّتَٰعًا حَسَنًا إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى وَيُؤۡتِ كُلَّ ذِي فَضۡلٖ فَضۡلَهُۥۖ وَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٖ كَبِيرٍ ٣﴾.

همچنین از پروردگارتان برای گناهان‌تان آمرزش خواسته و به سوی او توبه‌کار و نادم باز گردید تا شمارا همراه با عافیت ابدان، امنیت اوطان و رضای مولای رحمان، به زندگی پاگیزه‌ای زنده بدارد و سرانجام عمرتان در نیکوترین حال به سر آید. حق‌تعالی مزد هر صاحب فضلی را که علمی نافع و عملی صالح دارد، به اندازۀ عملش می‌دهد و افزون بر آن از دریای برّ و کرمش بر هر کس از بندگانش که بخواهد تفضّل می‌کند. اما اگر از هدایت روی بر گردانیدید، من از عذاب روزی سخت که روز قیامت است بر شما بیمناکم. این تهدید و هشداری است برای هر کس که از راه خدا أ باز داشته و از دینش روی بر گرداند.

﴿إِلَى ٱللَّهِ مَرۡجِعُكُمۡۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٤﴾.

روز همایش بزرگ به سوی خدا أ باز می‌گردید. پس از وی – با طاعتش و پیروی از پیامبرش ج – پروا کنید و او بر زنده‌ساختن و میراندن و برانگیختن و حسابرسی‌تان تواناست؛ هیچ چیز او را درمانده نتواند کرد.

﴿أَلَآ إِنَّهُمۡ يَثۡنُونَ صُدُورَهُمۡ لِيَسۡتَخۡفُواْ مِنۡهُۚ أَلَا حِينَ يَسۡتَغۡشُونَ ثِيَابَهُمۡ يَعۡلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعۡلِنُونَۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٥﴾.

آگاه باشید که این گروه کفار، کفر را در سینه‌های خود پنهان داشته و می‌پندارند که آنچه پنهان داشته‌اند از حق‌تعالی مخفی می‌ماند. مگر نمی‌دانند که وقتی بدن‌های خویش را با جامه‌های خود می‌پوشانند هیچ چیز از وجودشان بر خدا أ پنهان نیست و او نهفته و آشکار خودشان و امورشان را می‌داند؟ بیگمان او به نیّات و رازهای اندروی سینه‌ها داناست؛ زیرا او اسرار و پنهان‌تر از اسرار را نیز می‌داند، پس سزاوارتر به آن است که فقط از او بیم و پروا داشته شود.

﴿۞وَمَا مِن دَآبَّةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزۡقُهَا وَيَعۡلَمُ مُسۡتَقَرَّهَا وَمُسۡتَوۡدَعَهَاۚ كُلّٞ فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ٦﴾.

خداوند أ روزی تمام جنبندگان روی زمین را تضمین کرده است؛ پس او یگانه روزی بخش هر مخلوقی است. و او جای استقرار آن مخلوق را در زندگی و پس از مرگ نیز می‌داند، و جایگاهی را که در آن می‌میرد نیز می‌داند. همۀ این‌ها در کتابی روشن نوشته و ثبت است؛ و آن همان کتاب پیشین در امر قضا و قَدَر است که حق‌تعالی از تسوید آن فارغ شده است. در آن کتاب تفصیل همه چیز نگاشته است؛ از آفرینش و روزی گرفته تا زندگی و مرگ.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ وَكَانَ عَرۡشُهُۥ عَلَى ٱلۡمَآءِ لِيَبۡلُوَكُمۡ أَيُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗاۗ وَلَئِن قُلۡتَ إِنَّكُم مَّبۡعُوثُونَ مِنۢ بَعۡدِ ٱلۡمَوۡتِ لَيَقُولَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ٧﴾.

و تنها خداوند أ است که آسمان‌ها، و زمین و هرچه را در آن‌هاست در مدّت شش روز [یعنی شش مرحلۀ زمانی] آفرید در حالی که قبل از آن عرش خویش را بر آب آفریده بود؛ این‌ها را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از حیث اخلاص عمل برایش و پیروی از پیامبرش ج، نیکوکارتر و در عبادت و طاعت آراسته ترید. ای پیامبر! و اگر به کفار بگویی: شما به زودی بعد از مرگ‌تان برانگیخته شده و به سوی پروردگارتان باز گردانیده خواهید شد، آنان در پاسخت خواهند گفت: این قرآنی که تو می‌خوانی، جز سحری آشکار نیست. حال آنکه این سخن به طور قطع؛ دروغ، بهتان، تمرّد و تفتینی بیش نیست.

﴿وَلَئِنۡ أَخَّرۡنَا عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابَ إِلَىٰٓ أُمَّةٖ مَّعۡدُودَةٖ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحۡبِسُهُۥٓۗ أَلَا يَوۡمَ يَأۡتِيهِمۡ لَيۡسَ مَصۡرُوفًا عَنۡهُمۡ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٨﴾.

و اگر خداوند أ عذاب را تا مدّت معلومی از کافران به تأخیر افکند حتماً از روی استهزا و تمسخر خواهند گفت: ای محمد! چرا این عذابی که تو ما را به آن هشدار می‌دهی واقع نمی‌شود و علت تأخیر آن چیست؟ آگاه باش! روزی که عذاب بر آنان فرود آید، هرگز هیچ باز گرداننده‌ای آن را از آن‌ها بازداشتنی نیست و حتماً آنچه را مسخره کرده و رسیدنش را بطی می‌یافتند، بر آنان احاطه خواهد کرد و فروشان خواهد گرفت.

﴿وَلَئِنۡ أَذَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِنَّا رَحۡمَةٗ ثُمَّ نَزَعۡنَٰهَا مِنۡهُ إِنَّهُۥ لَيَ‍ُٔوسٞ كَفُورٞ ٩﴾.

و از خوی و عادت انسان است که اگر خدا به وی نعمتی مانند مال و ثروت، جاه و مکنت، فرزند و صحت، آسایش و امنیّت ببخشد و سپس آن را از وی سلب نماید، او از رحمت خدا سخت نومید است و نعمت‌های پیشین را انکار و ناسپاسی می‌کند. بیگمان انسان کم سپاس است؛ خیر و احسان را فراموش کرده و گشایش و فَرَج را بطی می‌پندارد.

﴿وَلَئِنۡ أَذَقۡنَٰهُ نَعۡمَآءَ بَعۡدَ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ ٱلسَّيِّ‍َٔاتُ عَنِّيٓۚ إِنَّهُۥ لَفَرِحٞ فَخُورٌ ١٠﴾.

و اگر خداوند أ به انسان پس از فقر، محنت، بیماری و ضعفی که به وی رسیده، نعمتی چون روزی فراخ، زندگی گوارا، سلامتی، نیرومندی و امنّیت ببخشاید، حتماً خواهد گفت: آن گرفتاری‌ها و بدیختی‌ها از من دور شد و دیگر هرگز بر نخواهد گشت. پس او در نعمت‌ها سرکش و فخر فروش و بر بندگان برتری جوی و گردنکش است، دلش از تبختر شاد و زبانش از بزرگبینی و برتری‌نمایی، فخرگوی و خودستاست. در حقیقت انسان ذاتاً ناسپاس و بر دیگران فخرجوی و برتری خواه است.

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٞ كَبِيرٞ ١١﴾.

مگر کسانی که از روی ایمانداری و تعهّد، حسابگرانه هم بر سختی‌ها و هم بر شکوه نعمت صبر کرده و در طلب ثواب، به سوی کار خیر شتاب ورزیده‌اند. پس خداوند أ گناهان این گروه را برای‌شان می‌آمرزد و بر طاعاتی که انجام داده‌اند، بهترین پاداش را ارزانی می‌دارد. بنابراین گناهان‌شان آمرزیده و تلاش و کوشش‌شان مورد سپاس و تقدیر است.

﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكُۢ بَعۡضَ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ وَضَآئِقُۢ بِهِۦ صَدۡرُكَ أَن يَقُولُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ كَنزٌ أَوۡ جَآءَ مَعَهُۥ مَلَكٌۚ إِنَّمَآ أَنتَ نَذِيرٞۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٌ ١٢﴾.

ای پیامبر! به هر قیمتی خواهان ارضای مشرکان نباش؛ که اگر چنین باشد شاید به علت نیرنگ‌ها، آزارها، مقابله‌ها و نبردهایی که از جانب کفّار می‌بینی چیزی از آیات نازل شدۀ قرآن را که خداوند أ به تبلیغ آن‌ها مأمورت ساخته است ترک نمایی و همچنان از بیم سرسختی، عناد، پرسش‌ها و زیاده‌خواهی‌های کافران؛ از نشر و پخش آن‌ها در فشار قرار گیری. مانند این درخواست‌شان که مال بسیاری بر تو فرودآید، یا با تو فرشته‌ای از آسمان بیاید که بر رسالتت گواهی دهد. پس مبادا به عنادشان اهمیت بدهی؛ زیرا بر تو جز ابلاغ آشکار چیز دیگری نیست، بنابراین هیچ چیز را پنهان مکن و مطمئن باش که خداوند أ حساب همگی را خواهد رسید؛ زیرا او نگهبان و کارگزار همه چیز است و از آن جمله: پاداش‌دهی به ابرار و کیفر رسانی به فجّار، فرود آوردن نشانه‌ها و آشکار ساختن معجزات. پس بر تو جز هشدار دهی بدان چه از وحی نزدت وجود دارد، مسؤلیّت دیگری نیست.

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ فَأۡتُواْ بِعَشۡرِ سُوَرٖ مِّثۡلِهِۦ مُفۡتَرَيَٰتٖ وَٱدۡعُواْ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٣﴾.

کافران مکه می‌گویند: در حقیقت محمد ج قرآن را به دروغ بر ساخته و قرآن از نزد خدای متعال نیست. ای پیامبر! به آنان بگو: اگر کار چنان است که شما می‌پندارید پس بفرمایید ده سورۀ ساخته شده مانند آن را بیاورید و جز خدا از هر کسی که بر وی دستی دارید بخواهید تا شما را بر آوردن آن ده سوره یاری کند. که این منت‌های مبارز طلبی و چلنج است. پس پاکا پروردگادری که قدر و جایگاه کتابش از حیطۀ معارضۀ بشر برتر است و جنّ و انس همه در برابر آن ساکت و بی‌جواب اند.

﴿فَإِلَّمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَآ أُنزِلَ بِعِلۡمِ ٱللَّهِ وَأَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٤﴾.

ای پیامبر! اگر کافران اجابتت نکرده، به تو ایمان نیاوردند و برای تو و مؤمنان همراهت تسلیم نشدند، پس بدانید که این قرآن حکیم فقط به علم خدای علیم نازل شده و از سخن بشر نیست و بدانید که هیچ معبود برحق دیگری جز الله أ وجود ندارد تا مورد پرستش قرار گیرد. پس ای کافرانی که بعد از نزول این برهان‌ها بازهم شکاک و متردد هستید، آیا خدا و رسولش را منقاد و باورمند خواهید شد؟

﴿مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيۡهِمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ فِيهَا وَهُمۡ فِيهَا لَا يُبۡخَسُونَ ١٥﴾.

هر کس با کار و کوشش خود زندگی دنیا را بخواهد تا بدان فخر ورزد و به بهره‌های ناپایدار و لذت‌های فانی‌اش – از مال و جاه و منصب – دست یابد پس ما بهرۀ اعمال‌شان را که برای دست یافتن به دنیا انجام داده‌اند، به طور کامل داده‌ایم و چه بسا بر آنچه می‌خواهند بی‌کم و کاست دست پیدا کنند. بناءً به خواسته‌های دنیو‌شان – از روی ابتلا و استدراج – پاسخ مثبت داده می‌شود و تلاش دنیوی به هرحال، جواب مساعد می‌گیرد، اما این پایان ماجرا نیست؛

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَيۡسَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا ٱلنَّارُۖ وَحَبِطَ مَا صَنَعُواْ فِيهَا وَبَٰطِلٞ مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٦﴾.

اما این گروه باید بدانند که برای‌شان نزد الله أ هیچ پاداش و کرامت و هیچ قدر و قیمتی نیست بلکه در آخرت مستحق آتش دوزخ‌اند؛ زیرا آن‌ها برای دنیا عمل کرده، ملاقات پروردگار خود را فراموش کرده و از تلاش و تکاپوی خویش غیر خدا أ را در نظر داشته‌اند بناءً منفعت آنچه کرده‌اند کاملاً از بین رفته است از آنکه این اعمال؛ با ریا و تظاهر، مقدم ساختن فانی بر باقی، دل بستن و خاطر خویش داشتن به بهره و قسمت دنیا و غفلت و بی‌پروایی به پاداش موجود نزد الله أ، همراه و آلوده بوده است.

﴿أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّهِۦ وَيَتۡلُوهُ شَاهِدٞ مِّنۡهُ وَمِن قَبۡلِهِۦ كِتَٰبُ مُوسَىٰٓ إِمَامٗا وَرَحۡمَةًۚ أُوْلَٰٓئِكَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۚ وَمَن يَكۡفُرۡ بِهِۦ مِنَ ٱلۡأَحۡزَابِ فَٱلنَّارُ مَوۡعِدُهُۥۚ فَلَا تَكُ فِي مِرۡيَةٖ مِّنۡهُۚ إِنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤۡمِنُونَ ١٧﴾.

آیا کسانی دروغ می‌بافند که در ایمان و عقیده، دعوت به خیر و معروف و نهی از منکر بر بصیرت و یقین روشنی از جانب پروردگارشان قرار دارند؟ و به علاوه آن حجّت روشن را برهان و شاهد دومی‌ که عبارت از جبریل یا محمّد است – تصدیق و پیشیبانی می‌کند و باز سومین شاهد نیز که عبارت از تورات کتاب نازل شده بر موسی ÷ است، با إخبار خود مؤیّد آن است؟ همان توراتی که برای پیروانش هدایت و رشد، بر رهیپویان راهش دلیلی روشن و بر پناه گزینان به مفاهیم و آیاتش رحمتی است؟ آیا چنین کسانی دروغ می‌بافند؟ یا آنانی که در زندگی‌شان بر کژراهۀ کور گمراهی رهرواند و جز به بهره‌ها و آرایش‌های دنیا اهمیتی نمی‌دهند؟ بی‌شک گروه نخست گروهی‌اند که در کار خود بر برهان روشنی قرار دارند. ایشان قرآن را تصدیق نموده و به پیامبر ج و کتاب‌هایی که حق‌تعالی بر پیامبرانش نازل کرده ایمانی راسخ دارند. اما کسانی که به این قرآن کفر ورزیده، علیه پیامبر ج دست به دست هم داده و بر نبرد و مقابله با وی هم پیمان شده‌اند، بیگمان مجازات‌شان آتش دوزخ است و دوزخ جایگاه و بازگشت‌گاه‌شان می‌باشد. پس ای پیامبر! از کار این دین و این قرآن در شک مباش؛ زیرا این حقّی است که با ادلّه و براهین آشکار همراه است، از نزد الله أ است نه از نزد بشر؛ آنگونه که کافران پنداشته‌اند. این دین همان حقّ ثابت و یقینی پایدار از نزد الله أ است که همۀ شبهات را بی‌اثر ساخته است. لیکن با این وجود بیشتر مردم رسالت الهی را تصدیق نکرده و به حق ایمان نمی‌آورند.

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ يُعۡرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمۡ وَيَقُولُ ٱلۡأَشۡهَٰدُ هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَىٰ رَبِّهِمۡۚ أَلَا لَعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ١٨﴾.

هیچکس ستمکارتر از آن کس نیست که بر خدای سبحان دروغ بسته است؛ آنان به منظور حساب بر پروردگار خود عرضه می‌شوند تا در قبال عملکرد بدشان مجازات‌شان کند و گواهان که شامل فرشتگان، پیامبران و غیر ایشان هستند می‌گویند: این گروه همان کسانی‌اند که بر خدا افترا بسته و در ادعای خویش دروغگویند؛ اینک حق‌تعالی آنان را از رحمت خویش طرد نموده، از جنّت خویش باز داشته و خشم خود را بر آنان روا داشه است؛ از آن‌رو که با شرک بر خویشتن ستمگر بوده و در گفتار و رفتار، دروغگو بوده‌اند.

﴿ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ١٩﴾.

همانان که بندگان را از هدایت باز داشته، در راه خلق به سوی خدا أ سد و مانع ایجاد کرده و می‌خواهند تا این راه بر وفق هواهای‌شان و آنچه که شیاطین‌شان دیکته می‌کنند، کج باشد در نتیجه راه راست را فرو گذاشته و رهور راه جهنمیان می‌شوند. همانان‌اند که دیدار خدا أ را دروغ انگاشته و به رستاخیز و جزا کفر می‌ورزند. پس آن‌ها ستمگران زیانکاری‌اند که جاودانه در آتش می‌مانند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ لَمۡ يَكُونُواْ مُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا كَانَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِنۡ أَوۡلِيَآءَۘ يُضَٰعَفُ لَهُمُ ٱلۡعَذَابُۚ مَا كَانُواْ يَسۡتَطِيعُونَ ٱلسَّمۡعَ وَمَا كَانُواْ يُبۡصِرُونَ ٢٠﴾.

آن گروه کفّار نه از نزد خدای جبّار پای‌گریز دارند و نه او را درمانده توانند کرد تا آنان را به دست آورده نتواند؛ برای‌شان یاورانی هم نیست که از کیفر الهی حمایت‌شان کند. و عذاب آتش جهنم به علت بزرگی جزم و ستم‌شان بر آنان دوچند آن می‌شود؛ زیرا در دنیا توان شنیدن حقّی را که بر پیامبر ج نازل می‌شد به سمع قبول و اجابت نداشتند از آنکه کبر و خود برتربینی، از باور و تسلیم بازشان داشته بود. از جهتی به آیات و نشانه‌های الله أ در هستی نیز با دیدۀ تأمّل و عبرت نمی‌نگریستند؛ چرا که کفر بر چشم بصیرت‌شان پردۀ ستبر ظلمانیی زنگار بسته فرو افکنده بود.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٢١﴾.

آن گروه کفّار با عذاب دوزخ که خشم خدای جبّار نیز همراه آن است بر خویشتن زیان زده‌اند، و بربافته های‌شان از پرستش بتان و افترای شرک بر پروردگار رحمان و این ادعای که خدایان‌شان برای‌شان شفاعت کرده و عذاب خوار کننده را از آنان دفع می‌کنند را به کلی از دست داده و از آن‌ها اثری نمی‌بینند.

﴿لَا جَرَمَ أَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡأَخۡسَرُونَ ٢٢﴾.

در این حقیقت هیچ شک و تردیدی نیست که آن‌ها در آخرت در این معاملۀ خود از همه زیانکارتر اند؛ زیرا نعمت پایدار را به عذاب دوزخ بدل کرده، درجات علیا را به درکات سفلی، بهشت رضوان و رضای رحمان را به ذلّت و خذلان معامله نموده‌اند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَأَخۡبَتُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٣﴾.

بیگمان کسانی که به خدا أ ایمان آورده و به آن سخنانی که موجب محبت و رضای وی است عمل کرده‌اند و در عین حال در کار اجتناب از نواهی و بندگی به مقام ولایش، اهل خشوع و فروتنی و انکسار بوده‌اند، همانان اهل بهشت‌اند؛ در آن جاودانه زیسته نه از آن بیرون می‌شود و نه می‌میرند. چه نیکو اقامتی است برای‌شان در دارالسّلام همراه با امنیت و إنعام.

﴿۞مَثَلُ ٱلۡفَرِيقَيۡنِ كَٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡأَصَمِّ وَٱلۡبَصِيرِ وَٱلسَّمِيعِۚ هَلۡ يَسۡتَوِيَانِ مَثَلًاۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٢٤﴾.

خداوند أ اهل کفر و اهل را به نابینا و بینا تشبیه کرده و اینگونه مَثَل زده است که: اهل کفر همچون نابینا و ناشنوایی هستند که نمی‌بیند و نمی‌شنود؛ زیرا کافر راه صواب را نمی‌بیند تا از آن پیروی کند و پیام هدایت را نمی‌شنود تا از آن نفع برد. اما مَثَل مؤمن همانند شخص بینایی است که راه هدایت را دیده و به آن روان شده است، ندای دعوتگر الله أ را شنیده و به آن لبّیک گفته است؛ مسلماً این دو گروه با هم برابر نیستند. پس چرا در حجّت‌ها و ادلّه تدبر نکرده و از برهان‌ها و مَثَل‌ها درس نمی‌گیرند و در آن‌ها نمی‌اندیشند؟!

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦٓ إِنِّي لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ٢٥﴾.

به راستی حق‌تعالی نوح ÷ را به سوی قومش فرستاد. او به قومش گفت: من از جانب خداوند أ برای شما هشدار دهنده‌ای آشکار هستم؛ شما را از عذاب خدا أ – چنان‌چه کفر ورزید – بیم می‌دهم و آیات و حجّت‌هایی را که حق‌تعالی مرا بدان‌ها فرستاده است برای شما بیان می‌کنم.

﴿أَن لَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۖ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ أَلِيمٖ ٢٦﴾.

شما را دعوت می‌کنم به این که: جز خدای یگانه را نپرستید و به وی چیزی را شریک نیاورید؛ زیرا اگر خدا را به یگانگی نخوانید من بر شما از عذاب نهایت دردناک و بسیار سهمگین بیمناکم.

﴿فَقَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ مَا نَرَىٰكَ إِلَّا بَشَرٗا مِّثۡلَنَا وَمَا نَرَىٰكَ ٱتَّبَعَكَ إِلَّا ٱلَّذِينَ هُمۡ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ ٱلرَّأۡيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمۡ عَلَيۡنَا مِن فَضۡلِۢ بَلۡ نَظُنُّكُمۡ كَٰذِبِينَ ٢٧﴾.

اعیان و اشراف کفار قوم نوح ÷ گفتند: ای نوح! تو فرشته که نیستی بلکه بشری مانند ما هستی از این رو تو را بر ما برتریی نیست. از جانب دیگر ما می‌بینیم که پیروانت از فرومایگان و ناتوانند نه از اشراف و توانگران؛ آن هم بدون اندیشه و سنجش و بی‌آنکه در قضیه تأمّل کرده‌باشند از تو پیروی نموده‌اند. در عین حال پیروی از این دین جدید شما را بر ما امتیازی – چون مال و جاه و قدرت – نیفزوده است. بناءً ما معتقدیم که در آنچه آورده‌اید دروغگو و اهل افترایید.

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَءَاتَىٰنِي رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِهِۦ فَعُمِّيَتۡ عَلَيۡكُمۡ أَنُلۡزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمۡ لَهَا كَٰرِهُونَ ٢٨﴾.

نوح گفت: ای قوم من! به من بگویید اگر من در کار خود بر یقینی راسخ و راه استواری قرار داشته باشم و با من دلیلی روشن و برهانی درخشان بر درستی پیامی که بدان فرا می‌خوانم نیز وجود داشته باشد، در عین حال پروردگارم مرا با رسالت ربّانی خود مورد مرحمت قرار داده و به سوی عبودیّت راستین رهنمونی‌ام کرده باشد، وانگه این حجّت‌های روشن به علّت پیروی‌تان از هوی و رویگردانی‌تان از راه هدی بر شما پنهان مانده باشد، آیا این امر درست است که بعد از این همه روشنی و نور باز شما را بر هدایت مجبور ساخته و شبه زور بر ایمان واداریم؟ بی‌آنکه شما با قناعتی درون ذاتی و اجابتی از عمق جان بدان باورمند شده باشید؟! هرگز! پس کار ما اجبار دعوت شدگان به ایمان نیست بلکه مأموریّت ما فقط محدود و منحصر به این امر است که حجّت را اقامه نموده و راه حق را برای‌تان روشن سازیم آنگاه کارتان را به حق‌تعالی واگذاریم.

﴿وَيَٰقَوۡمِ لَآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مَالًاۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِۚ وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْۚ إِنَّهُم مُّلَٰقُواْ رَبِّهِمۡ وَلَٰكِنِّيٓ أَرَىٰكُمۡ قَوۡمٗا تَجۡهَلُونَ ٢٩﴾.

نوح ÷ خطاب به قومش افزود: ای قوم! من بر دعوت شما به سوی ایمان به خدا أ و یگانگی‌اش، از شما طالب مال و مزدی نیستم؛ زیرا فقط خداوند أ است که مرا بر خیر خواهی‌ام برای شما پاداش می‌دهد. بنابراین نه من باری را بر دوش شما نهاده‌ام و نه از شما مالی را در خواست کرده‌ام. این را هم بدانید که من مؤمنان را بدین حجّت که از ضعفایند نه از اشراف و اغنیا، از مجلس خود طرد نمی‌کنم؛ زیرا ایشان به زودی نزد پروردگار خویش باز خواهند گشت و فضیلت نزد وی به تقوی است نه به مال و مکنت دنیا؛ و به زودی او عهده‌دار امرشان خواهد شد. البته این واقعیّت نیز پنهان نیست که شما به اسباب برتری و معیارهای فضیلت و همین طور به موجبات مصالح و منافع خویشتن نادانید؛ هم به علّت جهل است که از حق پیروی نکرده و از هدایت روی برمی‌تابید.

﴿وَيَٰقَوۡمِ مَن يَنصُرُنِي مِنَ ٱللَّهِ إِن طَرَدتُّهُمۡۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٣٠﴾.

و ای قوم! من اگر دوستان خدا أ را از مجلس خویش برانم چه کسی مرا از عذاب خدا أ باز خواهد داشت؟ پس چرا در صحَت آنچه به شما می‌گویم نمی‌اندیشید و در راه و برنامه‌ای که برای شما شایسته‌تر است تدبّر نمی‌کنید تا رهرو آن راه شوید؟!

﴿وَلَآ أَقُولُ لَكُمۡ عِندِي خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ وَلَآ أَقُولُ إِنِّي مَلَكٞ وَلَآ أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزۡدَرِيٓ أَعۡيُنُكُمۡ لَن يُؤۡتِيَهُمُ ٱللَّهُ خَيۡرًاۖ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا فِيٓ أَنفُسِهِمۡ إِنِّيٓ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٣١﴾.

البته من به هیچ وجه ادعا نمی‌کنم که اختیاردار تصرف در گنجینه‌های خدا هستم تا به هر کس هرچه بخواهم ببخشایم و از هر کس هرچه بخواهم بازدارم. بناءً ارزاق بندگان و گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین به دست حق‌تعالی است. من غیب را هم نمی‌دانم؛ زیرا جز خدای یگانه هیچ‌کس غیب آسمان‌ها و زمین را نمی‌داند. و من فرشته‌ای از فرشتگان آسمان‌ها نیز نیستم؛ بلکه بنده‌ای فرستاده هستم که حق‌تعالی مرا به نبوّت گرامی داشته است. همچنان من دربارۀ محرومان و مستضعفانی که شما خُردشان می‌شمارید و ایشان را به چشم حقارت می‌بینید چنین نمی‌گویم که: هرگز خداوند أ در برابر اعمال شایستۀشان – هرگاه بدان رضای وی را جویا باشند – هیچ پاداشی به ایشان نخواهد داد؛ زیرا تنها خداوند أ است که پنهان و پیدای کارشان را می‌داند، بیگمان پاداش آخرت بر حسب جایگاه بنده در دنیا نیست. از جانبی من آنچه را نمی‌دانم بر خدا ادعا نکرده، نه با به هم بافتن دروغ بر خدای سبحان، به خویشتن ستمگر بوده‌ام و نه بر دیگران چنان حکم ظالمانه‌ای را نداده‌ام که برای‌شان ستم نموده باشم.

﴿قَالُواْ يَٰنُوحُ قَدۡ جَٰدَلۡتَنَا فَأَكۡثَرۡتَ جِدَٰلَنَا فَأۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٣٢﴾.

قوم نوح به وی گفتند: ای نوح! به راستی با ما بسیار جدال کرده و به طور طولانی گفتگو نموده‌ای؛ پس اینک جدال را فرو گذار و عذابی را که از آن هشدارمان می‌دهی، برای ما بیاور!!

این چلنجی است از سوی قوم نوح به وی؛ زیرا آن‌ها تکذیبگر عذاب بوده و وقوع آن را بعید می‌پنداشتند، از این جهت در آخر سخن خود افزودند: اگر از راستگویان هستی؛ یعنی اگر از باب جدل، فرض را بر راستگویی‌ات بگذاریم حتی در آن صورت هم تصدیق کننده‌ات نیستیم.

﴿قَالَ إِنَّمَا يَأۡتِيكُم بِهِ ٱللَّهُ إِن شَآءَ وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ ٣٣﴾.

نوح به قومش گفت: تنها خداست که آورندۀ عذاب است، اوست که در میان بندگان برنامه ریزی و حکومت می‌کند؛ اما من نه اختیاردار جلوانداختن عذاب هستم و نه واپس افکندن آن؛ بلکه من فقط هشدارگر شما از عذاب وی می‌باشم. پس بدانید که هرگاه خداوند أ عذاب شما را خواسته باشد نه می‌توانید از نزدش بگریزید و نه می‌توانید وی را درمانده کنید. و مگر بندۀ مسکین از نزد پروردگار جلیل احکم الحاکمین به کجا می‌تواند بگریزد؟!

﴿وَلَا يَنفَعُكُمۡ نُصۡحِيٓ إِنۡ أَرَدتُّ أَنۡ أَنصَحَ لَكُمۡ إِن كَانَ ٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يُغۡوِيَكُمۡۚ هُوَ رَبُّكُمۡ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٣٤﴾.

البته در صورتی که خداوند أ به نام شما در لوح محفوظ صلاح و فلاح را رقم نزده و هدایت شما را مقدّر نکرده باشد، اندرز من نیز – هرچند در آن سخت بکوشم و در ارشاد و راهنمایی‌تان به هر وسیله‌ای متوسل گردم – به شما سودی نخواهد بخشید و قطعاً شما مرا اجابت نخواهید گفت. بناءً اگر خداوند أ گمراهی شما را خواسته باشد، من هرگز مالک هدایت برای‌تان نیستم؛ زیرا او پروردگار شما، متصرف امورتان، تدبیر کنندۀ احوالتان و مرجع بازگشت نهایی‌تان در آخرت است و یقیناً شما را بر اعمال‌تان جزا خواهد داد.

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ إِنِ ٱفۡتَرَيۡتُهُۥ فَعَلَيَّ إِجۡرَامِي وَأَنَا۠ بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُجۡرِمُونَ ٣٥﴾.

بلکه آیا کافران قوم نوح ÷ می‌گویند: نوح این سخن را بر خدا أ بربافته است؟ ای نوح! به آنان بگو: اگر این سخن را بر پروردگارم بربافته باشم پس بدانید که پیگرد و کیفر آن تنها به خودم برمی‌گردد و من نزد حق‌تعالی از آن مسئول خواهم بود، اما اگر راستگو باشم، پس شما دروغگو و زیان دیده‌اید و من به سوی حق‌تعالی از کار و تکذیب‌تان برائت می‌جویم.

﴿وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُۥ لَن يُؤۡمِنَ مِن قَوۡمِكَ إِلَّا مَن قَدۡ ءَامَنَ فَلَا تَبۡتَئِسۡ بِمَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ٣٦﴾.

خدای متعال به نوح وحی فرستاد که: در حقیقت خداوند أ بر قومت کفر را نوشته است از این رو جز کسانی که قبلاً ایمان آورده‌اند، دیگر کسی از آن‌ها ایمان نخواهد آورد بناءً برحال آنان اندوه مخور؛ زیرا چیزی از گناهان‌شان بر دوش تو نیست و تو رسالت الله أ را به راستی به آن‌ها رسانده‌ای. و از اعمال بدشان نیز در فشار و سختی قرار نگیر؛ زیرا حساب‌شان بر خداوند أ است.

﴿وَٱصۡنَعِ ٱلۡفُلۡكَ بِأَعۡيُنِنَا وَوَحۡيِنَا وَلَا تُخَٰطِبۡنِي فِي ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِنَّهُم مُّغۡرَقُونَ ٣٧﴾.

ای نوح! و کشتی را با تایید، توجّه، حفظ، عنایت و زیر نظر و وحی و اطلاع ما بساز، و در مورد ستمگران شفاعت نکن تا عذاب‌شان برداشته شده یا به تأخیر افکنده شود؛ زیرا خداوند أ در مورد آن‌ها غرق شدن به وسیلۀ توفان را فیصله نموده است.

آیۀ کریمه صفت «عین – چشم» را برای حق‌تعالی به همان وجهی که لایق ذات ذوالجلال اوست، اثبات می‌کند.

﴿وَيَصۡنَعُ ٱلۡفُلۡكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيۡهِ مَلَأٞ مِّن قَوۡمِهِۦ سَخِرُواْ مِنۡهُۚ قَالَ إِن تَسۡخَرُواْ مِنَّا فَإِنَّا نَسۡخَرُ مِنكُمۡ كَمَا تَسۡخَرُونَ ٣٨﴾.

نوح ÷ کشتی را می‌ساخت تا بدان از طوفان نجات یابد. اما هر بار که گروهی از اشراف قومش بر او می‌گذشتند، او را مسخره می‌کردند. نوح به آنان گفت: اگر به علت دروغ انگاشتن وعدۀ الهی که من شما را از آن آگاه ساخته‌ام، مسخره‌ام می‌کنید پس بدانید به زودی هنگام آمدن طوفان که شما غرق شدید، ما نیز شما را همانسان که مسخره‌مان می‌کنید، مسخره خواهیم کرد.

این آیه درس آموز توسّل به اسباب همراه توکّل به ربّ‌الارباب است.

﴿فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ مَن يَأۡتِيهِ عَذَابٞ يُخۡزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيۡهِ عَذَابٞ مُّقِيمٌ ٣٩﴾.

پس چون عذاب خوار کنندۀ الهی بر شما برسد و پس از آن، عذاب همیشگی و پایان ناپذیر آتش دوزخ بر شما واقع شود به زودی چگونگی حال بر شما آشکار خواهد شد؛ آنگاه جزای اعمال بد خویش را خواهید دید.

این آیه درس آموز توکّل و یقین به وعدۀ الهی است و اینکه سرانجام کار، از آن اولیای الهی می‌باشد.

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَمۡرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ قُلۡنَا ٱحۡمِلۡ فِيهَا مِن كُلّٖ زَوۡجَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَأَهۡلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيۡهِ ٱلۡقَوۡلُ وَمَنۡ ءَامَنَۚ وَمَآ ءَامَنَ مَعَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلٞ ٤٠﴾.

تا آنگاه که چون فرمان الله أ واقع شده وقت هلاکت قوم نوح فرا رسید، کار به نهایتش و مقدرات به غایتش رسید و آب از تنور نانوایی – به مثابۀ اشاره‌ای بر رسیدن عذاب – برجوشید، در این هنگام حق‌تعالی به نوح فرمان داد که: از هر نوعی زنده جان‌ها یک جفت نر و ماده را در کشتی حمل کن، خانواده‌ات را نیز – جز کسانی که قضای الهی بر عدم ایمان‌شان سبقت گرفته است مانند پسر و همسرش – با خود در کشتی بردار. همچنان هر مؤمنی را با خود سوار کشتی کن. چنین بود که با وجود سخت کوشی نوح ÷ در دعوت، طولانی شدن مدّت و بسیاری ادلّه و براهین اما جز اندکی پیرو نوح ÷ نشده بودند.

﴿۞وَقَالَ ٱرۡكَبُواْ فِيهَا بِسۡمِ ٱللَّهِ مَجۡرٜىٰهَا وَمُرۡسَىٰهَآۚ إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ٤١﴾.

نوح ÷ به قومش گفت: با من سوار کشتی شوید؛ به نام خدا در آغاز روان شدنش بر روی آب، به نام خدا در پایان سیر و هنگام لنگر انداختنش و با توکّل بر ذات ذوالجلال وی؛ همانا پروردگارم گناه توبه‌کاران را می‌آمرزد و بر باز آمدگان رحم می‌کند لذا بعد از بازگشت و اجابت، دیگر عذاب‌شان نمی‌کند.

این آیه درس آموز توکّل بر خدای متعال در آغاز و پایان کار و گمان نیک داشتن نسبت به خدای متعال است.

﴿وَهِيَ تَجۡرِي بِهِمۡ فِي مَوۡجٖ كَٱلۡجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ٱبۡنَهُۥ وَكَانَ فِي مَعۡزِلٖ يَٰبُنَيَّ ٱرۡكَب مَّعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٤٢﴾.

آن کشتی نوح و همراهانش را در موجی ناآرام و مرتفع که ارتفاعش مانند کوه بود، می‌برد. نوح پسرش را که در کناری دور دست از پدرش و مؤمنان قرار داشت بانگ در داد که: ای پسر عزیزم! توبه کن و بیا با ما سوار کشتی شو و بر کفرت ادامه نده که در کام امواج سرکش هلاک می‌شوی.

این آیه بر این اصل دلالت دارد که: هدایت ارشادی در صورتی که با هدایت توفیق یکجا نشود، هیچ سودی به همره ندارد.

﴿قَالَ سَ‍َٔاوِيٓ إِلَىٰ جَبَلٖ يَعۡصِمُنِي مِنَ ٱلۡمَآءِۚ قَالَ لَا عَاصِمَ ٱلۡيَوۡمَ مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِ إِلَّا مَن رَّحِمَۚ وَحَالَ بَيۡنَهُمَا ٱلۡمَوۡجُ فَكَانَ مِنَ ٱلۡمُغۡرَقِينَ ٤٣﴾.

پسر نوح به پدرش گفت: به زودی در کوهی بلند پناه جسته و از خطر غرق در امان می‌مانم. اما نوح به وی گفت: امروز هیچ نجاتبخشی در برابر مقدرات خداوند أ و فرمانش وجود ندارد جز آن کس که خدا أ خود رحمت و نجاتش را خواسته باشد. در این اثنا موجی بزرگ در میان پدر و پسر حایل شد و پسر از نابود شدگان در کام امواج آب گشت. چنین بود که نزدیکی نسب با وجود اختلاف در دین هیچ سودی به همراه نداشت.

﴿وَقِيلَ يَٰٓأَرۡضُ ٱبۡلَعِي مَآءَكِ وَيَٰسَمَآءُ أَقۡلِعِي وَغِيضَ ٱلۡمَآءُ وَقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ وَٱسۡتَوَتۡ عَلَى ٱلۡجُودِيِّۖ وَقِيلَ بُعۡدٗا لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٤﴾.

بعد از هلاکت کفار خداوند أ به زمین فرمان داد: آب خود را فرو بر و خشک شو! و به آسمان فرمان داد: از باران خودداری کن. پس آب فرو کاست و به حالت اوّلیّۀ قبل از طوفان برگشت. چنین بود که حق‌تعالی فرمانش را بر نابودسازی تکذیب پیشه‌گان و نجات مؤمنان به اجرا در آورد و سرانجام کشتی بر کوه جودی لنگر انداخت. و گفته شد: مرگ بر ستمگرانی باد که از حدود الله أ تجاوز کرده و پیامبرش را تکذیب نمودند.

﴿وَنَادَىٰ نُوحٞ رَّبَّهُۥ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ٱبۡنِي مِنۡ أَهۡلِي وَإِنَّ وَعۡدَكَ ٱلۡحَقُّ وَأَنتَ أَحۡكَمُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ٤٥﴾.

نوح به بارگاه پروردگارش دعا کرد و گفت: پروردگارا! پسرم از خانوادۀ من است و تو نجات‌شان را به من وعده داده‌ای پس از تو می‌خواهم که رحمتت را شامل حال وی نیز گردانیده و او را نیز همانند ایشان نجات دهی و تو وعده‌ات را خلاف نمی‌کنی؛ پس به فضلت وعدۀ پیشین را برآورده ساز و تو در قضا، عدالت و شریعتت بهترین داوران هستی، هرگز قضا و قَدَر و اختیارت در معرض اتهام نیست.

﴿قَالَ يَٰنُوحُ إِنَّهُۥ لَيۡسَ مِنۡ أَهۡلِكَۖ إِنَّهُۥ عَمَلٌ غَيۡرُ صَٰلِحٖۖ فَلَا تَسۡ‍َٔلۡنِ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۖ إِنِّيٓ أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ ٤٦﴾.

اما خدای سبحان به نوح خبر داد که فرزند هلاک شده‌اش از خانوادۀ مؤمن نجات یافتۀ وی نیست؛ زیرا او در دین با ایشان مخالفت کرده و عملش مخالف عمل صالحان است. بناءً نوح ÷ را از درخواست امری از خدا أ که نسبت به آن علم ندارد نهی کرد؛ زیرا هر کس چیزی را که برایش روا نیست درخواست نماید، در واقع نادان است لذا خداوند أ نوح ÷ را اندرز می‌دهد که از جاهلان نباشد.

آیۀ کریمه بر این احکام دلالت دارد که: 1– کافر در حقوق قرابت هیچ حقی ندارد. 2– درخواست امر ناروا از خداوند أ حرام و شامل مصداق تجاوز در دعا می‌باشد.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِكَ أَنۡ أَسۡ‍َٔلَكَ مَا لَيۡسَ لِي بِهِۦ عِلۡمٞۖ وَإِلَّا تَغۡفِرۡ لِي وَتَرۡحَمۡنِيٓ أَكُن مِّنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٤٧﴾.

نوح گفت: پروردگارا! من از درخواست چیزی که نسبت به آن علم ندارم و درخواستش برایم روا نیست، به تو پناه می‌برم و التجا می‌کنم و اگر گناهم را نیامرزی و با ترک مؤاخذه‌ات بر من رحم نکنی، قطعاً از کسانی خواهم بود که بهرۀ خویش را باخته، از رحمتت طرد شده و هلاک آنان را دریافته است.

آیۀ کریمه درس آموز این فایده است که: انبیا † از پیامد گناه بیمناکند چنان‌چه خداوند أ ایشان را به رحمتش در نپوشاند.

﴿قِيلَ يَٰنُوحُ ٱهۡبِطۡ بِسَلَٰمٖ مِّنَّا وَبَرَكَٰتٍ عَلَيۡكَ وَعَلَىٰٓ أُمَمٖ مِّمَّن مَّعَكَۚ وَأُمَمٞ سَنُمَتِّعُهُمۡ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٞ ٤٨﴾.

پس خداوند أ به نوح فرمان داد که همراه با امنیّت، برکت و رضایی از جانب وی بر او و بر گروه‌هایی از اهل ایمان که همراهش بودند، از کشتی به زمین فرود آید. و در زمین گروه‌هایی از کافران خواهند بود که خداوند أ آنان را در زندگی دنیوی تا پایان عمرشان همچون چهارپایان بهره‌مند خواهد ساخت سپس آنان را به علت کفرشان، در جهنم به سختی عذاب خواهد کرد.

آیۀ کریمه درس آموز این فایده است که: نیکوکار و بدکار هردو از دنیا بهره‌منداند از این رو نعمت یافتن بدکاران در آن اعتباری ندارد.

﴿تِلۡكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلۡغَيۡبِ نُوحِيهَآ إِلَيۡكَۖ مَا كُنتَ تَعۡلَمُهَآ أَنتَ وَلَا قَوۡمُكَ مِن قَبۡلِ هَٰذَاۖ فَٱصۡبِرۡۖ إِنَّ ٱلۡعَٰقِبَةَ لِلۡمُتَّقِينَ ٤٩﴾.

این اخباری که خدای متعال بر پیامبرش ج وحی کرده، از خبرهای غیب گذشته است که نه پیامبر ج آن را از راویان تاریخ دریافت کرده، نه قبل از وحی از آن‌ها هیچ آگاهیی داشته و نه هم این اخبار در دوران جاهلیّت به اعراب رسیده بود بلکه فقط از نزد الله أ به وی آمده است. سپس حق‌تعالی پیامبرش را به شکیبایی و پایداری در برابر آزارهای کفار و دشواری‌های راه فرمان می‌دهد؛ زیرا در نهایت امر سرانجامی که زندگی پاکیزه، عزّت و پیروزی و سپس نعمت‌های آخرت در آن رقم خورده است از آن کسانی است که از پروردگار خود پروا داشته، از مولای خود بیمناک بوده و از آفریدگار خویش اطاعت کرده‌اند.

آیۀ کریمه بر این امر دلالت دارد که: با نیکوکاری و صبر می‌توان به پیروزی و اجر دست یافت. پس «برّ» همان عمل به طاعات و «صبر» عبارت از ترک مخالفات است.

﴿وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمۡ هُودٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۖ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا مُفۡتَرُونَ ٥٠﴾.

و خداوند أ هود ÷ را به سوی قوم عاد به رسالت فرستاد هود به آنان گفت: ای قوم من! خدا را به یگانگی بپرستید و چیزی را به وی شریک نیاورید؛ زیرا اِله دیگری جز او برای شما وجود نداشته و هیچ معبود راستینی غیر وی وجود ندارد پس در حالی که دین را برای او خالص می‌سازید فقط از او اطاعت کنید؛ بدانید که شما در این شرک خود دروغ پردازید.

آیۀ کریمه درس آموز این حکم است که: توحید زیربنای همۀ اصول و نخستین حقیقتی است که باید به سوی آن فرا خواند.

﴿يَٰقَوۡمِ لَآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ أَجۡرًاۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى ٱلَّذِي فَطَرَنِيٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٥١﴾.

ای قوم من! من از شما در ازای دعوت‌تان به یگانگی الله أ و پرستش وی به تنهایی، هیچ مزد و پاداشی درخواست نمی‌کنم؛ زیرا پاداش دعوتم بر پروردگار من است که مرا فرستاده است. پس شما را چه شده است که در این امر نمی‌اندیشید تا میان حقّ و باطل فرق بگذارید؛ مگر این به تنهایی کافی نیست که هر کس قومش را به سوی امری فرا خواند و بی‌آنکه در آن امر منافعی داشته باشد به انواع آزارها در راه آن تن در دهد، این خود دلیل راستگویی و اخلاصش در دعوتش می‌باشد؟

آیۀ کریمه بر این امر دلالت دارد که: دعوتگر نباید از مردم در برابر عملش انتظار پاداشی را داشته باشد و نباید از هیچ‌کس جز الله أ در این راه عوض و پاداشی بگیرد.

﴿وَيَٰقَوۡمِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا وَيَزِدۡكُمۡ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمۡ وَلَا تَتَوَلَّوۡاْ مُجۡرِمِينَ ٥٢﴾.

ای قوم من! و از خدا بخواهید که گناهان‌تان را بیامرزد سپس گناهان را ترک کرده و بر نافرمانی‌های گذشته نادم باشید. پس اگر چنین کردید و انابت‌تان به سوی حق صحیح شد آنگاه خدای ﻷ بر شما از آسمان بارش فراوان می‌فرستد، در نتیجه خیر و برکت بسیار شده، فراوانی عام می‌شود و آن وقت شما از زندگی آسوده‌ای متنعّم شده و با صحّت ابدان، کثرت اولاد و اموال و پیاپی رسیدن ارزاق، نیرویی بر نیروی شما می‌افزاید. و ای قوم! از اجابت حق روی بر مگردانید، بر گناهان پای مفشارید و از پذیرش حقیقت استکبار نورزید.

آیۀ کریمه بر برکت استغفار و توبه دلالت داشته و مفید این فایده است که استغفار و توبه، اصل و اساس هر خیری در جان، مال و فرزندان است.

﴿قَالُواْ يَٰهُودُ مَا جِئۡتَنَا بِبَيِّنَةٖ وَمَا نَحۡنُ بِتَارِكِيٓ ءَالِهَتِنَا عَن قَوۡلِكَ وَمَا نَحۡنُ لَكَ بِمُؤۡمِنِينَ ٥٣﴾.

قوم هود گفتند: ای هود! دلیل روشن و برهان رخشانی بر درستی و راستی دعوتت به ما نیاورده‌ای پس ما به خاطر سخنی که از صحّت و سلامت آن آگاهی نداشته و به راستگویی صاحب آن باور نداریم، خدایان‌مان را ترک نمی‌کنیم. بنابراین هرگز تو را در ادعایت تصدیق نخواهیم کرد.

بنگر که چگونه شخص معاند از روی لجاجت و سرسختی، مدعی پنهان بودن حجّت روشن گردیده و به شبهات می‌آویزد.

﴿إِن نَّقُولُ إِلَّا ٱعۡتَرَىٰكَ بَعۡضُ ءَالِهَتِنَا بِسُوٓءٖۗ قَالَ إِنِّيٓ أُشۡهِدُ ٱللَّهَ وَٱشۡهَدُوٓاْ أَنِّي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُشۡرِكُونَ ٥٤﴾.

قوم هود خطاب به وی افزودند: سخن ما در مورد تو این است که تو مصاب به جنون شده‌ای و این جنون را خدایان ما از سر انتقام آنکه ما را از پرستش‌شان نهی کرده‌ای، به تو رسانده‌اند!! که این از سبک‌ترین و سخیف‌ترین سخنان است. پس هود سخن‌شان را اینگونه رد کرد: من خدای ﻷ و سپس شما را بر این امر گواه می‌گیرم که از آنچه شریک می‌آورید. بیزارم! بنابراین از لوازم عقیدۀ توحید، بیزاری جستن از شرک به خداوند أ است.

﴿مِن دُونِهِۦۖ فَكِيدُونِي جَمِيعٗا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ ٥٥﴾.

من از هر ضد، شریک و همتایی جز خدای متعال اعلام برائت می‌کنم و پروای آن‌ها را نیز ندارم پس تا آنجا که می‌توانید در نبرد با من سخت جدی باشید و از هر کس از یارانتان هم که می‌خواهید در واردن کردن آسیب و زیان به من کمک بگیرید و لحظه‌ای نیز مرا مهلت ندهید. و این منتهای توکل بر خداوند أ است که هود ÷ به آن پرداخت. آری! دعوتگر به نصرت خدا أ مطمئن است و با پشتگرمی به نیروی الله أ آنان را چلنج می‌دهد و از آن‌ها ترس و هراسی به دل راه نمی‌دهد؛ زیرا خداوند أ همراه اوست.

﴿إِنِّي تَوَكَّلۡتُ عَلَى ٱللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمۚ مَّا مِن دَآبَّةٍ إِلَّا هُوَ ءَاخِذُۢ بِنَاصِيَتِهَآۚ إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٥٦﴾.

در حقیقت من بر خداوند، پروردگارم و پروردگار شما توکل کردم؛ همو که مالک هستی و متصرف و مدبر همه اجزای کائنات است و همه چیز به قضا و قَدَر اوست. از این رو من هرگز بی‌قرار و مضطرب نمی‌شوم؛ زیرا مطمئنم که جز آنچه در سرنوشتم نگاشته شده، هیچ چیز دیگر به من نمی‌رسد؛ هیچ جنبنده‌ای بر روی زمین نیست جز اینکه در مالک خداوند أ و تحت تصرّف و سلطه‌اش قرار داشته و در برابر سیطره‌اش رام است. پروردگارم بر راه راست قرار دارد، در آفرینش و تدبیرش سنجیده کار و با حکمت است، در قضا و تقدیرش عادل است، در شرع و حکمش بیناست، هر کس را در برابر عملش جزا می‌دهد؛ نیکوکار را پاداش و بدکار را کیفر می‌رساند.

آیۀ کریمه بر فضیلت توکل به خدا أ و پناه‌بردن به وی در هر تنگنا و مصیبتی دلالت دارد.

﴿فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُم مَّآ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦٓ إِلَيۡكُمۡۚ وَيَسۡتَخۡلِفُ رَبِّي قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ وَلَا تَضُرُّونَهُۥ شَيۡ‍ًٔاۚ إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٍ حَفِيظٞ ٥٧﴾.

پس اگر از ایمان به خدای یگانه روی بگردانید و به راه وی پشت کنید به یقین من شما را هشدار داده‌ام و پیام پروردگارم را که عبارت از دستور به یکتا‌پرستی و نهی از شرک آوری به وی است به شما رساندم و قطعاً حجّت بر شما اقامه شده است. هرگاه کفر بورزید، بیگمان خدای ﻷ قومی دیگر را در سرزمین‌تان جانشین‌تان خواهد ساخت، قومی که به او ایمان داشته و دین و عبودیّت را برایش خالص گردانند. بدانید که شما با کفرتان هیچ زیانی به خداوند أ نمی‌زنید؛ زیرا او از همه‌گان بی‌نیاز است، به راستی پروردگارم بر هر چیز نگهبان است و مطمئناً مرا از آزارتان حفظ خواهد کرد.

آیۀ کریمه بر این امور دلالت دارد که: 1– هرگاه انسان کفر ورزد، نزد الله أ بسیار بی‌قدر و قیمت است. 2– اساس هر ویرانیی در امّت‌ها رویگردانی از خدای ﻷ است. 3– خداوند أ از بشر بی‌نیاز می‌باشد.

﴿وَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا نَجَّيۡنَا هُودٗا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ بِرَحۡمَةٖ مِّنَّا وَنَجَّيۡنَٰهُم مِّنۡ عَذَابٍ غَلِيظٖ ٥٨﴾.

چون فرمان حق‌تعالی بر نابودسازی قوم هود فرا رسید، او از سر فضلی از جانب خود هود و مؤمنان همراهش را – با قبول حسنات‌شان – و به عنوان رحمتی از سوی خود – با آمرزش گناهان‌شان – از عذاب دردناک و سخت نجات داد و آن را بر کفر ورزان منکر فرود آورد و از بیخ و بن نابودشان کرد؛ به یقین ایمان به الله أ و عمل به صالحات، پناه هر بلایی است.

﴿وَتِلۡكَ عَادٞۖ جَحَدُواْ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ وَعَصَوۡاْ رُسُلَهُۥ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَمۡرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٖ ٥٩﴾.

این عاد قوم هود بود که به آیات حق‌تعالی کفر ورزید و پیامبرش را نافرمانی کرد و از فرمان هر طغیانگر متکبّری که نه پیرو حق است و نه در برابر دلیل تسلیم می‌باشد پیروی کرد. بیگمان آنچه به سقوط در پرتگاه وادارشان کرد، سر نهادن در راه هوی و فرو گذاشتن جادۀ هُدی بود.

﴿وَأُتۡبِعُواْ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا لَعۡنَةٗ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَآ إِنَّ عَادٗا كَفَرُواْ رَبَّهُمۡۗ أَلَا بُعۡدٗا لِّعَادٖ قَوۡمِ هُودٖ ٦٠﴾.

و بعد از آنکه خداوند أ قوم عاد را هلاک کرد، او لعنت، طرد از رحمت و خشم دایمی تا روز قیامت را بدرقۀ راه‌شان گردانید. آگاه باشید که قوم عاد به خداوند أ کفر ورزیده، آیاتش را انکار و پیامبرانش را تکذیب کردند. آگاه باشید که خداوند أ آنان را به علت تکذیب و عناد، کفر و فساد نابود خوار و شرمسار گردانید. پس بدانید که جز رویگردانی از علّام الغیوب هیچ چیز دیگر دولت‌ها و ملّت‌ها را ریشه‌کن نمی‌سازد.

﴿۞وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ وَٱسۡتَعۡمَرَكُمۡ فِيهَا فَٱسۡتَغۡفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِۚ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٞ مُّجِيبٞ ٦١﴾.

و حق‌تعالی به سوی قوم ثمود، پیامبر خود صالح ÷ را که برادر نسبی‌شان بود فرستاد. پس او آنان را به عبادت خدای یگانه و عدم شرک آوری به وی فرا خواند به ایشان از سر دلسوزی و خیرخواهی گفت: تنها خدای سبحان سزاوار پرستش است نه غیر وی؛ زیرا اوست که آفرینش‌تان را با خلقت پدرتان آدم از خاک زمین آغاز کرد و سپس به شما امکان داد تا زمین را آباد کنید. آنگاه صالح ÷ قومش را به درخواست آمرزش از حق‌تعالی و توبۀ صادقانه به بارگاهش دستور داد؛ زیرا خداوند أ به کسانی که در عبادتش راستگو بوده و در طاعتش اهل اخلاص باشند نزدیک است به نزدیکی توفیق دهی، حفظ و یاری رسانی؛ چنان‌که اجابتگرش نیز هست، پس چون بخوانَدَش، خواست‌های وی را برمی‌آورد؛ پس با توبه و استغفار است که نعمت‌های واحد قهّار بر بندگان ابرارش تداوم می‌یابد.

﴿قَالُواْ يَٰصَٰلِحُ قَدۡ كُنتَ فِينَا مَرۡجُوّٗا قَبۡلَ هَٰذَآۖ أَتَنۡهَىٰنَآ أَن نَّعۡبُدَ مَا يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكّٖ مِّمَّا تَدۡعُونَآ إِلَيۡهِ مُرِيبٖ ٦٢﴾.

امت ثمود به صالح نبی ÷ گفتند: ما آرزومند این بودیم که تو در میان ما سروری محبوب و مورد اطاعت باشی، ولی بعد از آنکه این سخن غریب و ناپسند را در مورد دعوت به پرستش خدای یگانه بر زبان آوردی، ما حقیقتاً از تو ناامید شدیم؛ آخر چگونه آنچه را پدران ما می‌پرستیدند بر ما ناپسند شمرده و با این شیوه، خردهای‌شان را سبک می‌انگاری؟ بیگمان ما در دعوتت شک داشته و در رسالتت دچار تردیدیم؛ زیرا تو ادلۀ روشن و حجت‌های آشکاری برای ما نیاورده‌ای. البته این سخن‌شان از روی عناد و لجاجت محض بود.

این آیه دلالت دارد بر این حکم که: تقلید، بینایی باطن را کور ساخته، حق را در پردۀ حجاب قرار داده و انسان را از شناخت راه صواب بازمی‌دارد.

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَءَاتَىٰنِي مِنۡهُ رَحۡمَةٗ فَمَن يَنصُرُنِي مِنَ ٱللَّهِ إِنۡ عَصَيۡتُهُۥۖ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيۡرَ تَخۡسِيرٖ ٦٣﴾.

صالح به قومش گفت: ای قوم من! به من بگویید اگر در این دعوت خود بر حجتی روشن و آشکار قرار داشته و به درستی آن تماماً متیقن باشم و خداوند أ مرا با نبوت و حکمت گرامی داشته باشد، چه کس مرا از مجازات الله أ بازمی‌دارد چنان‌چه فرمانش را مخالفت کرده، رسالتش را ابلاغ نکنم و شما را از عذابش هشدار ندهم؟ و اگر بر فرض، من از شما اطاعت کنم فرمان بردن از شما و نزدیکیِ به شما جز گمراهی، دور از خیر و نابودی در آخرت چیز دیگری بر من نمی‌افزاید. پس با بینه و برهان است که انسان حق و صواب را درک می‌کند و با رحمت است که از عذاب نجات می‌یابد.

﴿وَيَٰقَوۡمِ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمۡ ءَايَةٗۖ فَذَرُوهَا تَأۡكُلۡ فِيٓ أَرۡضِ ٱللَّهِۖ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٖ فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابٞ قَرِيبٞ ٦٤﴾.

و ای قوم من! این ماده شتر خدا أ است که دلیل راستگویی‌ام و نشانه‌ای آشکار بر صحّت رسالتم می‌باشد. پس بگذارید او در زمین خدا أ بخورد؛ زیرا این خداست که روزی‌اش می‌دهد نه شما، و تنها اوست که وی را آفریده است پس به وی آسیبی نرسانید که اگر چنین کنید عذاب زودرس الله أ که بالاتر از توان شماست بر شما فرود می‌آید.

این آیه بر مهر ورزی با فرا خوانده شدگان در دعوت دینی و پیشکش نمودن ادله در مناظره دلالت دارد.

﴿فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُواْ فِي دَارِكُمۡ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٖۖ ذَٰلِكَ وَعۡدٌ غَيۡرُ مَكۡذُوبٖ ٦٥﴾.

پس قوم صالح به رسالتش کفر ورزیده و ماده شتر را پی کردند؛ در نتیجه عذاب الهی بر آنان در رسید. صالح به آنان گفت: شما فقط سه روز دیگر مهلت دارید که در خانه‌های‌تان برخوردار شوید؛ این وعدۀ راستینی است از سوی الله أ که هیچ دروغی در آن نیست و پی از آن، حتماً و یقینا بر شما عذاب نازل می‌شود.

وای بر شومی معصیت که چه بلاهایی را با خود نمی‌کشاند؟!

﴿فَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا نَجَّيۡنَا صَٰلِحٗا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ بِرَحۡمَةٖ مِّنَّا وَمِنۡ خِزۡيِ يَوۡمِئِذٍۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ ٦٦﴾.

پس چون وقت نابودی قوم ثمود فرا رسید خداوند أ صالح و همراهان مؤمنش را به لطف سبحانی و رعایت ربانی خود نجات داد و بر قومش هلاکت و خواری و رسوایی فرود آمد. بیگمان خداوند أ نیرومندی است که بر گردنکشان و ستیزه جویان راهش غالب شده، پشت مستکبران را می‌شکند؛ شکست ناپذیری است که هیچ نیرویی را بر وی دستی نیست و او دوستانش را خوار نمی‌سازد.

﴿وَأَخَذَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ ٱلصَّيۡحَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دِيَٰرِهِمۡ جَٰثِمِينَ ٦٧﴾.

و خداوند أ ثمود را با بانگ نیرومند مرگبار و ویرانگر نابود ساخت پس همچون برگ خشک درخت فرو ریختند و به کیفر کفر و عناد خود و کشتن آن ماده شتر، کورسوی حیات در وجودشان افسرد. وه! چه نیرومند است آفریدگار و چه ناتوان است آفریده!!

﴿كَأَن لَّمۡ يَغۡنَوۡاْ فِيهَآۗ أَلَآ إِنَّ ثَمُودَاْ كَفَرُواْ رَبَّهُمۡۗ أَلَا بُعۡدٗا لِّثَمُودَ ٦٨﴾.

گویی قوم ثمود پس از نابودی نه هرگز در دنیا زیسته بودند و نه در آن بهره مند بودند. در حقیقت قوم ثمود به آیات خدا أ کفر ورزیده، حجت‌های روشنی را که صالح ÷ آورده بود تکذیب کردند. خرامان و نه آخرتی دارند آبادان.

﴿وَلَقَدۡ جَآءَتۡ رُسُلُنَآ إِبۡرَٰهِيمَ بِٱلۡبُشۡرَىٰ قَالُواْ سَلَٰمٗاۖ قَالَ سَلَٰمٞۖ فَمَا لَبِثَ أَن جَآءَ بِعِجۡلٍ حَنِيذٖ ٦٩﴾.

به راستی فرشتگان ما نزد ابراهیم ÷ آمدند تا وی را به فرزندش اسحاق و بعد از وی یعقوب، مژده دهند. فرشتگان بر وی سلام گفتند، او سلام را به نیکویی پاسخ گفت و شتابان بر خاسته برای‌شان به رسم میهمانی گوساله‌ای فربه و بریان را آورد.

این آیه بر آداب و احکام آتی دلالت می‌کند: 1– بشارت دهی به خیر 2– شادمانی به تولد فرزند 3– آغاز نمودن به سلام 4– پاسخ دادن سلام 5– گرامیداشت میهمان.

﴿فَلَمَّا رَءَآ أَيۡدِيَهُمۡ لَا تَصِلُ إِلَيۡهِ نَكِرَهُمۡ وَأَوۡجَسَ مِنۡهُمۡ خِيفَةٗۚ قَالُواْ لَا تَخَفۡ إِنَّآ أُرۡسِلۡنَآ إِلَىٰ قَوۡمِ لُوطٖ ٧٠﴾.

چون ابراهیم دید که فرشتگان به غذایی که برای‌شان تقدیم کرده بود، دست دراز نمی‌کنند، این حال و رویه را نامأنوس یافت و از ایشان هراسی بر دل گرفت. اما فرشتگان به وی گفتند: از ما نترس؛ زیرا ما فرشتگانی هستیم فرستاده از سوی الله أ به سوی قوم لوط تا نابودشان سازیم.

این آیه بیانگر آموزه‌های آتی است: 1– تقدیم غذا برای میهمان 2– فهم این نکته که فرشتگان غذا نمی‌خورند 3– ضرورت آرامش دادن به کسی که ترس وی را فرا گرفته است؛ با کنار زدن پردۀ ابهام و بیان حقیقت حال.

﴿وَٱمۡرَأَتُهُۥ قَآئِمَةٞ فَضَحِكَتۡ فَبَشَّرۡنَٰهَا بِإِسۡحَٰقَ وَمِن وَرَآءِ إِسۡحَٰقَ يَعۡقُوبَ ٧١﴾.

ساره همسر ابراهیم که در پس پرده ایستاده بود و سخنان‌شان را می‌شنوید، از تعجب بر این سخن شگرف فرشتگان خندید؛ زیرا او خود پیرزن و همسرش نیز پیرمردی کهن‌سال بود، پس چگونه می‌شد که آن‌ها بچه‌دار شوند. اما فرشتگان ساره را از سوی الله أ به ولادت اسحاق فرزند ابراهیم و این که به زودی از اسحاق نیز یعقوب به دنیا خواهد آمد، مژده دادند.

این آیه بیانگر آموزه‌های آتی است: 1– جواز سخن گفتن با زن از پس پرده 2– مژده دادن زن به اخبار خوب و مسرت بخش 3– قدرت عظیم الله أ در بارور ساختن پیر مرد و پیر زن کهن‌ سال.

﴿قَالَتۡ يَٰوَيۡلَتَىٰٓ ءَأَلِدُ وَأَنَا۠ عَجُوزٞ وَهَٰذَا بَعۡلِي شَيۡخًاۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٌ عَجِيبٞ ٧٢﴾.

چون فرشتگان ساره را به اسحاق بشارت دادند، او تعجب کنان گفت: ای وای بر من! آیا معقول است که من با آن پیرزنی ناامید از باروری و ولادت هستم فرزند آورم؟! در عین حال شوهرم نیز پیرمردی کهن سال است که از همچون اویی فرزند به دنیا نمی‌آید؛ بیگمان این امر سخت شگفت انگیز است از آن‌رو که عادت بر این روال نرفته و قاعده بدین‌گونه نبوده است!! ولی قدرت خدای ﻷ نافذ و دستورش غالب است.

﴿قَالُوٓاْ أَتَعۡجَبِينَ مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِۖ رَحۡمَتُ ٱللَّهِ وَبَرَكَٰتُهُۥ عَلَيۡكُمۡ أَهۡلَ ٱلۡبَيۡتِۚ إِنَّهُۥ حَمِيدٞ مَّجِيدٞ ٧٣﴾.

فرشتگان به ساره گفتند: چگونه از امر و قضای خدا أ تعجب می‌کنی؟ بی‌شک خداوند أ بر هر چیز تونا است پس در آنچه که فیصله کرده، هیچ جای شگفتی نیست. رحمت و برکات خدا بر شماست ای خانوادۀ ابراهیم! پس به رحمتش عذاب را از شما برمی‌گرداند و به برکاتش ثواب را برای شما مضاعف می‌سازد. بناءً او در اسما و صفات خود ستوده است و همۀ کارهایش از عیب و نقص مبرّاست، او صاحب مجد و عظمت و کبریا و جبروت است.

﴿فَلَمَّا ذَهَبَ عَنۡ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلرَّوۡعُ وَجَآءَتۡهُ ٱلۡبُشۡرَىٰ يُجَٰدِلُنَا فِي قَوۡمِ لُوطٍ ٧٤﴾.

پس وقتی ترس ابراهیم از فرشتگان به علت نخوردن‌شان از غذایش زایل شد و آن‌ها وی را به اسحاق و یعقوب مژده دادند، او به گفتگو با فرشتگان در مورد عذاب قوم لوط و نابود سازی‌شان آغاز کرد و می‌خواست تا به آنان مهلت داده شود تا شاید توبه کنند.

﴿إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّٰهٞ مُّنِيبٞ ٧٥﴾.

به راستی ابراهیم در برابر بدکاران بسیار بردبار بود؛ از این جهت برای قوم لوط شفاعت کرد تا به آن‌ها مهلت داده شود و در عذاب‌شان تعجیل صورت نگیرد. در عین حال ابراهیم به بارگاه الله أ بسیار دعا گوی و اهل التجا بود، در هر حالی به بارگاه او توبه می‌کرد و در هر امری به سوی او باز می‌گشت، بنابراین او با بدکاران خلق بردبار، درخواسته‌هایی که از خالق متعال داشت بسیار اهل دعا و مناجات و از تقصیر و کوتاهی سخت توبه‌کار بود.

﴿يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُ أَعۡرِضۡ عَنۡ هَٰذَآۖ إِنَّهُۥ قَدۡ جَآءَ أَمۡرُ رَبِّكَۖ وَإِنَّهُمۡ ءَاتِيهِمۡ عَذَابٌ غَيۡرُ مَرۡدُودٖ ٧٦﴾.

فرشتگان گفتند: ای ابراهیم! چون و چرا با ما در مورد تأخیر عذاب قوم لوط را فروگذار؛ زیرا وقت نزول عذاب بر آنان فرا رسید و خواست و فرمان الله أ را هیچ برگرداننده‌ای نیست؛ کار در این باره فیصله شده و عذابی بی‌بازگشت بر آنان خواهد آمد.

﴿وَلَمَّا جَآءَتۡ رُسُلُنَا لُوطٗا سِيٓءَ بِهِمۡ وَضَاقَ بِهِمۡ ذَرۡعٗا وَقَالَ هَٰذَا يَوۡمٌ عَصِيبٞ ٧٧﴾.

چون فرشتگان نزد لوط آمدند او از آمدن‌شان ناراحت و از حضورشان غمگین شد؛ زیرا نمی‌دانست که ایشان فرشته‌اند بناءً از قوم بدکار خود برای‌شان ترسید و گفت: امروز روزی سخت است که شرّ آن فراوان و بلای آن بسی سنگین است.

﴿وَجَآءَهُۥ قَوۡمُهُۥ يُهۡرَعُونَ إِلَيۡهِ وَمِن قَبۡلُ كَانُواْيَعۡمَلُونَ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطۡهَرُ لَكُمۡۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُخۡزُونِ فِي ضَيۡفِيٓۖ أَلَيۡسَ مِنكُمۡ رَجُلٞ رَّشِيدٞ ٧٨﴾.

قوم لوط چون میهمانانش را دیدند، به قصد انجام دادن بدکاری با ایشان شتابان به سوی خانه‌اش آمدند و پیش از آن، شهوترانی با مردان نه با زنان شیوۀ آنان بود. لوط به آن‌ها گفت: اینان دختران منند؛ با ایشان ازدواج کنید؛ زیرا از فحشایی که می‌خواهید انجام دهید برای شما پاکیزه‌تر اند. به قولی: آنان دختران امتش بودند؛ زیرا دختران امّت یک پیامبر دختران خود وی اند چه پیامبر برای امّت مانند پدر برای فرزندان است. سپس لوط به آن‌ها گفت: از عذاب و خشم خدا پروا کرده و با ارتکاب فعل بد با میهمانانم مرا رسوا نسازید، آیا در میان شما مردی عقل‌رس نیست تا خردش وی را از این کار باز دارد و از این گناه مانعش شود؟

﴿قَالُواْ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنۡ حَقّٖ وَإِنَّكَ لَتَعۡلَمُ مَا نُرِيدُ ٧٩﴾.

قومش به وی گفتند: تو خوب می‌دانی که ما را به زنان حاجتی نیست بلکه ما به مردان متمایلیم!! بنابراین نکاح دخترانت را به ما پیشنهاد نکن.

﴿قَالَ لَوۡ أَنَّ لِي بِكُمۡ قُوَّةً أَوۡ ءَاوِيٓ إِلَىٰ رُكۡنٖ شَدِيدٖ ٨٠﴾.

پس هنگامی که آن‌ها بر ارتکاب فحشا مصمم شدند، لوط خطاب به آنان گفت: کاش مرا نیرو، یاران یا قوم و قبیلۀ زورآور بود، یا به تکیه گاهی استوار پناه می‌جستم و به وسیلۀ ایشان با شما می‌جنگیدم و میهمانانم را از آسیب شما باز می‌داشتم.

﴿قَالُواْ يَٰلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوٓاْ إِلَيۡكَۖ فَأَسۡرِ بِأَهۡلِكَ بِقِطۡعٖ مِّنَ ٱلَّيۡلِ وَلَا يَلۡتَفِتۡ مِنكُمۡ أَحَدٌ إِلَّا ٱمۡرَأَتَكَۖ إِنَّهُۥ مُصِيبُهَا مَآ أَصَابَهُمۡۚ إِنَّ مَوۡعِدَهُمُ ٱلصُّبۡحُۚ أَلَيۡسَ ٱلصُّبۡحُ بِقَرِيبٖ ٨١﴾.

فرشتگان گفتند: ای لوط! بر ما بیمناک مباش؛ زیرا ما فرستادگان الله أ هستیم و او به زودی ما و تو را یاری خواهد کرد، مطمئن باش که این گروه اشرار به ما آسیبی رسانده نمی‌توانند. پس شب هنگام با خانواده‌ات و کسانی از اعضای فامیلت که همراهت ایمان آورده‌اند از شهر بیرون رو و هیچ‌یک از شما نباید به پشت سرش بنگرد که عذاب به او نیز خواهد رسید، مگر زن خائنت که آنچه به آن‌ها رسد به او نیز خواهد رسید؛ بیگمان وعده‌گاه هلاک آنان صبح است، مگر صبح نزدیک نیست؟ آنک عذاب در بیخ گوش آن‌هاست.

﴿فَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا جَعَلۡنَا عَٰلِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهَا حِجَارَةٗ مِّن سِجِّيلٖ مَّنضُودٖ ٨٢﴾.

پس چون عذاب خدا أ بر قوم لوط فرود آمد، شهرهای‌شان را واژگون و زیروزبر ساخت به طوری که بلندی‌های آن‌ها را زیرین آن‌ها و درون آن‌ها را به بیرون آن‌ها منقلب گردانید. آری! حق‌تعالی سنگ پاره‌های پیاپی از گل سخت بسیار قوی چندین لایه را بر آن‌ها فرو ریخت.

﴿مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَۖ وَمَا هِيَ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ بِبَعِيدٖ ٨٣﴾.

سنگ‌هایی که قوم لوط بدان‌ها بمباران شدند، به نشانه‌هایی نشان زده شده بود که از بقیۀ سنگ‌ها اختلاف داشت. البته بعید نیست خداوند أ سنگ‌هایی را که بر سر قوم لوط کوبید، بر کفار ستمگر قریش نیز بکوبد؛ زیرا هر عصیانگری مجرم است، پس چون عملکردشان به هم نزدیک است، کیفرشان نیز به هم نزدیک می‌باشد.

﴿۞وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ وَلَا تَنقُصُواْ ٱلۡمِكۡيَالَ وَٱلۡمِيزَانَۖ إِنِّيٓ أَرَىٰكُم بِخَيۡرٖ وَإِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٖ مُّحِيطٖ ٨٤﴾.

و خداوند أ به سوی مردم مدین که زندگی آسوده و مرفهی داشته از مال و منالی بسیار برخوردار بودند، برادر نسبی‌شان شعیب نبی ÷ را فرستاد. شعیب آن‌ها را به پرستش خدای یگانه و اینکه معبود راستینی جز وی نیست فرا خواند و از کاستن در پیمانه و ترازو و خوردن از حق مردم در خرید و فروش نهی‌شان کرد و از عذابی سخت که به علت کفر و کاستن از حق مردم بر آنان از هر سو چنبره خواهد زد، هشدارشان داد و گفت: من از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم.

﴿وَيَٰقَوۡمِ أَوۡفُواْ ٱلۡمِكۡيَالَ وَٱلۡمِيزَانَ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ٨٥﴾.

شعیب خطاب به آنان افزود: ای قوم من! پیمانه و ترازو را تمام دهید و با مردم در داد و ستد عدالت کنید و از حقوق بندگان نکاهید؛ زیرا عاقبت ظلم وخیم است. و در زمین با جور و ستم و تجاوز و نشر فساد و آزار عباد سر به عصیان برندارید؛ چرا که ظلم ویرانی دیار است و تباهی آشکار.

﴿بَقِيَّتُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَۚ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم بِحَفِيظٖ ٨٦﴾.

آنچه از سود مباح کار و کست حلال برای شما باقی می‌ماند، بهتر از آن چیزی است که به وسیلۀ فریب و کاستن از وزن و پیمانه به طور حرام بر شما وارد می‌شود، چه اندک پاکیزه بدون تردید بهتر از بسیار پلید است. حال اگر به خدا أ باورمند باشید یقیناً از اوامرش پیروی کرده و از نواهی‌اش اجتناب می‌ورزید. و خداوند أ شما را بر اعمال‌تان محاسبه می‌کند نه من؛ زیرا من بر آنچه انجام می‌دهید آگاه و گواه نیستم؛ وظیفه‌ام تنها پیام رسانی است و بس.

﴿قَالُواْ يَٰشُعَيۡبُ أَصَلَوٰتُكَ تَأۡمُرُكَ أَن نَّتۡرُكَ مَا يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَآ أَوۡ أَن نَّفۡعَلَ فِيٓ أَمۡوَٰلِنَا مَا نَشَٰٓؤُاْۖ إِنَّكَ لَأَنتَ ٱلۡحَلِيمُ ٱلرَّشِيدُ ٨٧﴾.

قوم شعیب از روی استکبار و عناد به وی گفتند: ای شعیب! آیا نمازت که بدان سخت پایبندی تو را بدین کار فرا می‌خواند که ما را از پرستش بتانی نهی کنی که پدران و اجداد ما آن‌ها را پرستیده‌اند و ما را واداری تا در اموالی که خود به دست آورده‌ایم آنطور که تمایل داریم تصرف نکنیم؟ حال آنکه این حق ما است تا هر طور می‌خواهیم با اموال خویش عمل کرده و هر نیرنگ و فوت و فنی که در داد و ستد داریم به کار بریم. سپس وی را مورد تمسخر قرار داده و گفتند: حقیقت این است که تو شخصی فرزانه و فرهیخته هستی که از همۀ امور فهم و برداشت ممتازی داری پس حتماً عقل بالنده و فهم فرزانه و بی‌نظیرت بوده است که تو را به این سفارش‌ها و رهنمود‌ها راهنمون گشته است!

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنۡهُ رِزۡقًا حَسَنٗاۚ وَمَآ أُرِيدُ أَنۡ أُخَالِفَكُمۡ إِلَىٰ مَآ أَنۡهَىٰكُمۡ عَنۡهُۚ إِنۡ أُرِيدُ إِلَّا ٱلۡإِصۡلَٰحَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُۚ وَمَا تَوۡفِيقِيٓ إِلَّا بِٱللَّهِۚ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ ٨٨﴾.

شعیب در پاسخ‌شان گفت: ای قوم من! به من خبر دهید که اگر در دعوتم از شما به اخلاص در عبودیت و توحید حق تعالی، رهاکردن شرک و فرو گذاشتن اندوخته‌های پلید مالی، خداوند أ خود از جانب خویش به من رهنمودی ربانی، رسالتی الهی و حجتی نیرومند بخشیده باشد و به علاوه او به من روزیی پر برکت، حلال و پاکیزه ارزانی کرده باشد، آیا بازهم از کار این دعوت دست بشُویم؟ من نمی‌خواهم شما را به کاری دستور داده و خودم آن را فرو گذارم؛ شما را از کاری بازداشته و باز خود مرتکب آن شوم؛ زیرا دعوتگر راستین نخستین عمل کننده به پیامش و دلبسته و منقاد دعوت خویش است. بنابراین من می‌خواهم تا آنجا که در توان دارم شما را اصلاح نموده و به سوی راه مستقیم راهنمایی کنم؛ و خداوند أ است که یگانه توفیق بخشم می‌باشد، پس من رشد و استقامت، پایداری و صلابت را تنها از او می‌طلبم، در آغاز هر کار فقط بر او توکل کرده و در پایان هر کار هم به سوی او توبه و انابت می‌کنم؛ بناءً توکل آغاز کار و انابت پایان آن است.

﴿وَيَٰقَوۡمِ لَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شِقَاقِيٓ أَن يُصِيبَكُم مِّثۡلُ مَآ أَصَابَ قَوۡمَ نُوحٍ أَوۡ قَوۡمَ هُودٍ أَوۡ قَوۡمَ صَٰلِحٖۚ وَمَا قَوۡمُ لُوطٖ مِّنكُم بِبَعِيدٖ ٨٩﴾.

ای قوم من! دشمنی با من شما را بر مخالفتم و کفر به رسالتم و پافشاری بر تکذیب دعوتم وا ندارد که آن وقت خداوند أ شما را به عذابی بسان عذاب قوم نوح، قوم هود و قوم صالح گرفتار خواهد ساخت و بعید نیست که بر سر شما نیز همان عذابی بیاید که بر سر قوم لوط آمد؛ زیرا شما، هم در مکان و زمان به قوم لوط نزدیکید و هم در کفر به پروردگار رحمان مانند آنان هستید.

﴿وَٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِۚ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٞ وَدُودٞ ٩٠﴾.

و از خداوند أ بخواهید که گناهان‌تان را بیامرزد و پشیمان از نافرمانی‌های‌تان به سوی او باز گردید؛ زیرا خداوند أ به بندگانش مهربان است؛ از کسانی که توبه‌کار شوند عذابش را برمی‌گرداند و پاداشش را فراوان می‌ریزد. او ودود است؛ بر بندگانش با انواع نعمت‌ها محبت ورزیده و با لطیف‌ترین و دقیق‌ترین اسباب فضل، شادی و مسرت هدیه‌شان می‌کند. بر کسانی که بدی تجاوز کرده‌اند رحم نموده و بر بندگانی که خود را به زیور احسان آراسته‌اند مهر می‌روزد.

﴿قَالُواْ يَٰشُعَيۡبُ مَا نَفۡقَهُ كَثِيرٗا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَىٰكَ فِينَا ضَعِيفٗاۖ وَلَوۡلَا رَهۡطُكَ لَرَجَمۡنَٰكَۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡنَا بِعَزِيزٖ ٩١﴾.

قوم شعیب از سر تجاهل و عناد گفتند: ای شعیب! ما بیشترینۀ آنچه را که می‌گویی نمی‌فهمیم و ما نمی‌دانیم تو از سخنانت چه هدفی را دنبال می‌کنی. سپس افزودند: از این هم که بگذاریم، تو شخصی مستضعف هستی؛ نه از اشرافی و نه از رؤسا، نه ثروتی داری و نه مکنتی و اگر ما خاطر عشیرۀ تو را در نظر نمی‌گرفتیم یقیناً سنگسارت می‌کردیم. گفتنی است که قبیلۀ شعیب نیز مانند امتش کافر بودند پس شعیب را به خاطر قبیله‌اش رها کردند و سپس افزودند: تو نزد ما نه قدر و منزلتی داری و نه احترام و هیبتی.

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَهۡطِيٓ أَعَزُّ عَلَيۡكُم مِّنَ ٱللَّهِ وَٱتَّخَذۡتُمُوهُ وَرَآءَكُمۡ ظِهۡرِيًّاۖ إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ ٩٢﴾.

شعیب آن سخنان‌شان را محکوم کرد و گفت: چگونه عشیره‌ام نزد شما از خدای متعال عزیزتر و گرامی‌تر می‌باشد حال آنکه او سزاوارتر به آن است که بزرگ داشته شود و از وی پروا شود؟ و شما از روی گردنکشی و اهانت امر خدا أ را پشت سر انداخته، نه به آن حرمت و ارزش قایلید و نه بدان عمل می‌کنید؟ بدانید که قطعاً پروردگارم بر شما احاطه داشته و هیچ چیز از اعمال‌تان بر او پنهان نمی‌ماند و به زودی شما را بر آنچه کرده‌اید مورد حسابرسی قرار خواهد داد.

﴿وَيَٰقَوۡمِ ٱعۡمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمۡ إِنِّي عَٰمِلٞۖ سَوۡفَ تَعۡلَمُونَ مَن يَأۡتِيهِ عَذَابٞ يُخۡزِيهِ وَمَنۡ هُوَ كَٰذِبٞۖ وَٱرۡتَقِبُوٓاْ إِنِّي مَعَكُمۡ رَقِيبٞ ٩٣﴾.

و ای قوم! بر روش ستمگرانه و جفاکارانۀ کفر و تکذیب خود عمل کنید و به زودی فرجام آن را خواهید دید، من نیز به شیوۀ خود از هدایت و رشد، طاعت الله أ و خالص ساختن عبادت برایش عمل می‌کنم و قطعاً به کسی از ما که دروغگوست عذاب رسواگر خواهد رسید و او را ذلیل و نابود خواهد ساخت. پس شما منتظر عذاب باشید و من نیز منتظر پیروزی و اقتداری هستم که پروردگارم به من وعده داده است.

﴿وَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا نَجَّيۡنَا شُعَيۡبٗا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ بِرَحۡمَةٖ مِّنَّا وَأَخَذَتِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ ٱلصَّيۡحَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دِيَٰرِهِمۡ جَٰثِمِينَ ٩٤﴾.

پس چون فرمان خدا أ بر نابودی قوم شعیب آمد، او به عنایت و رعایتی از جانب خود، شعیب و مؤمنان همراهش را نجات داد و سپس فریاد مرگبار، کفر ورزان به الله أ را فرو گرفت؛ در نتیجه از شدّت آن فریاد به زانو در آمده و پس از آنکه نیرومند بودند فسردند و از پا در آمدند، به گونه‌ای که هیچ جنبنده و جنبشی در آنان نبود. به زانو درآمدن برای انسان مانند به زانو نشستن برای شتر است.

﴿كَأَن لَّمۡ يَغۡنَوۡاْ فِيهَآۗ أَلَا بُعۡدٗا لِّمَدۡيَنَ كَمَا بَعِدَتۡ ثَمُودُ ٩٥﴾.

گویی قوم شعیب پس از هلاک خود هرگز قبل از آن زندگی نکرده و روزگاری طولانی از زمان را در وطن خویش برخوردار نبوده‌اند. هان! مرگ بر مردم مدین باد همآنگونه که خداوند أ پیش از آنان ثمود را نابود و رسوا ساخت؛ زیرا آن‌ها در کفر و تکذیب با هم اشتراک داشتند.

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ٩٦﴾.

و به راستی خداوند أ موسی ÷ را با ادلۀ روشن، حجت‌هایی آشکار و برهان‌های تابان وحدانیت خود به سوی فرعون فرستاد؛ برهان‌هایی که هر کس با قلبی بیدار و بینشی باز در آن‌ها تأمل می‌کرد به باور توحیدی می‌رسید.

﴿إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَٱتَّبَعُوٓاْ أَمۡرَ فِرۡعَوۡنَۖ وَمَآ أَمۡرُ فِرۡعَوۡنَ بِرَشِيدٖ ٩٧﴾.

آری! خدای ﻷ موسی را به سوی فرعون و اشراف قومش فرستاد اما قوم فرعون از او در کفر و تکذیب تقلید کردند در حالی که پیروی از وی هیچ ارمغانی از رشد و هدایت را برای‌شان به همراه نداشت، بلکه حاصل آن چیز جز گمراهی و پستی نبود؛ از آنکه فرعون رأس فساد و پایۀ محوری فسق و عناد بود.

﴿يَقۡدُمُ قَوۡمَهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَأَوۡرَدَهُمُ ٱلنَّارَۖ وَبِئۡسَ ٱلۡوِرۡدُ ٱلۡمَوۡرُودُ ٩٨﴾.

فرعون در روز قیامت پیشاپیش قومش می‌رود و آنان را به آتش وارد می‌سازد همانسان که در دنیا جلودار کفر و طغیان آنان بود. وه که دوزخ چه ورودگاه بدی برای آنان چه راهی نامیمون است.

﴿وَأُتۡبِعُواْ فِي هَٰذِهِۦ لَعۡنَةٗ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ بِئۡسَ ٱلرِّفۡدُ ٱلۡمَرۡفُودُ ٩٩﴾.

خداوند أ آنان را در دنیا چنان لعنت کرده که بعد از هلاک نمودن‌شان به وسیلۀ غرق، آن لعنت بدی‌شان پیوست. به علاوه با وارد کردن‌شان به دوزخ همراه با خشم خدای جبار، برای آن‌ها لعنت و نفرین دیگری است. پس چه بد است غرق و لعنت و خشم و عذاب که پشت سر هم بدرقه‌شان می‌شود به طوری که هر عذابی بر آنان می‌آید، عذاب دیگری پشت‌سر آن است و هر خشمی که بر آنان می‌رود، خشمی دیگر آن را دنبال می‌کند.

﴿ذَٰلِكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلۡقُرَىٰ نَقُصُّهُۥ عَلَيۡكَۖ مِنۡهَا قَآئِمٞ وَحَصِيدٞ ١٠٠﴾.

ای پیامبر! این داستان‌هایی که از اخبار مردمان شهرهای نابود شده بر تو وحی و حکایت می‌کنیم، به راستی حق و یقین است. و برخی از همین شهرها چنان شهرهایی است که هنوز پاره‌ای از آثار و نمادهای آن‌ها پا برجاست، اما بعضی دیگر آثارشان تماماً برباد شده، آبادی آن‌ها به کلی ویران گشته و دیکر هیچ اثری از آن‌ها مشهود نمی‌باشد.

﴿وَمَا ظَلَمۡنَٰهُمۡ وَلَٰكِن ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡۖ فَمَآ أَغۡنَتۡ عَنۡهُمۡ ءَالِهَتُهُمُ ٱلَّتِي يَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖ لَّمَّا جَآءَ أَمۡرُ رَبِّكَۖ وَمَا زَادُوهُمۡ غَيۡرَ تَتۡبِيبٖ ١٠١﴾.

و ما آنان را به ستم و به ناحق عذاب نکردیم بلکه به کیفر اعمال بدشان مجازات‌شان نمودیم. در حقیقت عذاب‌شان عین عدل بود؛ زیرا آن‌ها با کفر و ناسپاسی بر خویشتن ستم کردند. پس بتان‌شان نه از آنان دفاعی را سامان دادند و نه عذاب الهی را در هنگام فرود آمدنش از آنان باز داشتند، بلکه بتان جز خواری و خفت و زیان و هلاک چیز دیگری بر آن‌ها نیفزوده و در واقع، علت این سیه روزی و بلای عبرت‌بار آنان شدند.

﴿وَكَذَٰلِكَ أَخۡذُ رَبِّكَ إِذَآ أَخَذَ ٱلۡقُرَىٰ وَهِيَ ظَٰلِمَةٌۚ إِنَّ أَخۡذَهُۥٓ أَلِيمٞ شَدِيدٌ ١٠٢﴾.

و همانگونه که خداوند أ شهرهای ستمگر سابق را نابود ساخت، همچنان هر شهر دیگری را که مردمانش در کفر و تکذیب با مردم شهرهای پیشین شباهت داشته باشند، گرفتار می‌سازد. به راستی نابودسازی خداوند أ سخت دردناک، مضمحل کننده و در هم کوبنده است.

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّمَنۡ خَافَ عَذَابَ ٱلۡأٓخِرَةِۚ ذَٰلِكَ يَوۡمٞ مَّجۡمُوعٞ لَّهُ ٱلنَّاسُ وَذَٰلِكَ يَوۡمٞ مَّشۡهُودٞ ١٠٣﴾.

قطعاً در نابودسازی شهرهای ستمگران، عبرت و اندرزی است برای عبرت‌جویان؛ اگر از کسانی باشند که از پروردگار خویش ترسیده و از عذاب روز قیامت حذر می‌کنند این همان روزی است که خداوند أ همۀ پیشینیان و پسینیان را در آن برای حساب و جزا گرد می‌آورد و همۀ خلق در آن حاضر می‌شوند.

﴿وَمَا نُؤَخِّرُهُۥٓ إِلَّا لِأَجَلٖ مَّعۡدُودٖ ١٠٤﴾.

خداوند أ روز قیامت را جز بدین خاطر به تأخیر نمی‌اندازد که برای آن وقت معینی را مقدر کرده است؛ چنان وقتی که در آن کمی و فزونیی نیست و به زودی در همان لحظه‌ای که خداوند أ مقدر و فیصله کرده است، روی خواهد داد.

﴿يَوۡمَ يَأۡتِ لَا تَكَلَّمُ نَفۡسٌ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ فَمِنۡهُمۡ شَقِيّٞ وَسَعِيدٞ ١٠٥﴾.

روزی است که چون فرا رسد به علت هول و هراس جایگاه محشر، هیچ‌کس جز به اذن الله أ سخن نگوید. سرانجام بعضی از مردم به علت اعمال بد خود تیره بخت و رهسپار عذاب‌اند و بعضی هم به خاطر اعمال خوب خود، نیکبخت‌اند و دریابندۀ پاداش.

﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ شَقُواْ فَفِي ٱلنَّارِ لَهُمۡ فِيهَا زَفِيرٞ وَشَهِيقٌ ١٠٦﴾.

اما تیره بختان، جایگاه‌شان آتشی زبانه‌کش است که در آن همیشه و برای ابد ماندگاراند، برای‌شان در آتش از شدّت عذاب «زفیر» و «شهیقی» است. زفیر: آه و نالۀ شخص گرفتار و بلارسیده و شهیق: فریادهای سخت انسان غرق شده در بحر بلا و مصیبت و محنت است.

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَۚ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٞ لِّمَا يُرِيدُ ١٠٧﴾.

تا آسمان‌ها و زمین پا برجاست آن‌ها در دوزخ ماندگاراند؛ نه عذاب‌شان قطع می‌شود، نه به پایان می‌رسد نه سبک ساخته می‌شود و نه از آن بیرون می‌آیند، مگر آنگاه که خداوند أ بخواهد کسانی از گنه‌کاران اهل توحید را – بعد از آنکه به سبب گناهان‌شان در آتش عذاب شده‌اند – از آن بیرون آورده؛ زیرا پروردگارت همان کند که خواهد، هرگاه که بخواهد و آنگونه که بخواهد.

﴿۞وَأَمَّا ٱلَّذِينَ سُعِدُواْ فَفِي ٱلۡجَنَّةِ خَٰلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَۖ عَطَآءً غَيۡرَ مَجۡذُوذٖ ١٠٨﴾.

و اما کسانی که نیکبخت شده‌اند پس جایگاه‌شان بوستان‌های پر ناز و نعمت در جوار پروردگاری است کریم که تا آسمان‌ها و زمین برجاست در آن جاودانند. به جز کسانی که خدا بخواهد در ورود به بهشت تأخیر داشته باشند و ایشان گنه‌کاران اهل توحید‌اند که در دوزخ عذاب شده و سپس به بهشت وارد می‌شوند از این رو در ورود به بهشت، برای مدتی از دیگر بهشتیان عقب‌اند. البته بخشش الله أ در بهشت برای دوستانش نه از آنان بریدنی است و نه بازداشتنی بلکه همیشگی، بسیار فراوان و بسیار سریع الوصول است.

﴿فَلَا تَكُ فِي مِرۡيَةٖ مِّمَّا يَعۡبُدُ هَٰٓؤُلَآءِۚ مَا يَعۡبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعۡبُدُ ءَابَآؤُهُم مِّن قَبۡلُۚ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمۡ نَصِيبَهُمۡ غَيۡرَ مَنقُوصٖ ١٠٩﴾.

پس ای پیامبر! از بطلان آنچه مشرکان می‌پرستند در تردید مباش؛ زیرا بتان‌شان به راستی باطل و ناروایند؛ آنان فقط از پدران جاهل خویش در پرستش بتان تقلید می‌کنند. و به زودی خداوند أ کیفرشان را در برابر اعمال بدشان تمام و بی‌نقص خواهد داد تا پیامد شوم اعمال خویش را ببینند.

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ فَٱخۡتُلِفَ فِيهِۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۚ وَإِنَّهُمۡ لَفِي شَكّٖ مِّنۡهُ مُرِيبٖ ١١٠﴾.

و در حقیقت ما بر موسی تورات را نازل کردیم پس بعضی از بنی‌اسرائیل بدان تصدیق نموده و برخی دیگر کفر ورزیدند، و اگر خداوند أ نزد خود ننگاشته بود که عذاب نافرمانان را به شتاب نفرستد، بلکه به آن‌ها مهلت دهد، بی‌تردید فیصلۀ وی در مورد نابودی کفار و نجات ابرارشان در رسیده بود. بیگمان کفار امّت محمد ج نیز دربارۀ قرآن در شک و تردید به سر می‌برند از آنکه در دل‌های‌شان کژی و انحراف است.

﴿وَإِنَّ كُلّٗا لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمۡ رَبُّكَ أَعۡمَٰلَهُمۡۚ إِنَّهُۥ بِمَا يَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ١١١﴾.

قطعاً خداوند أ جزای اعمال همۀ امت‌های مختلفی را که داستان‌های‌شان را بر پیامبرش ج حکایت کرده، به تمام و کمال خواهد داد تا مؤمنان به پاداش آنچه کرده‌اند دست یافته و کفار نیز، کیفر اعمال‌شان را دریابند. و خداوند أ به اعمال همگی‌شان آگاه است؛ هیچ کاری پنهانی از عمال خلق بروی مخفی نمی‌ماند.

﴿فَٱسۡتَقِمۡ كَمَآ أُمِرۡتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطۡغَوۡاْۚ إِنَّهُۥ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ١١٢﴾.

پس ای پیامبر! بر دین خدا أ همآنگونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن و تو با هر که از مؤمنان که با تو توبه کرده و به راه و روشت راهیافته‌اند، خدای متعال را در چهار چوب شریعتش بپرستید و از مرزهای الله أ تجاوز نکنید؛ زیرا او به اعمال‌تان بیناست و آن را برای‌تان برمی‌شمارد؛ او بر اعمال‌تان آگاه است و هیچ امر پنهانی بر وی مخفی نمی‌ماند. فرمودۀ حق تعالی: ﴿فَٱسۡتَقِمۡ كَمَآ أُمِرۡتَ﴾ الهام بخش یکجا ساختن علم نافع با عمل صالح، فعل مشروع همراه با ترک ممنوع، پایبندی و استقامت بر جاده و پرهیز از بدعت و مخالفت است. بناءً این شیوۀ بیانی، بلیغ‌ترین شیوه می‌باشد.

﴿وَلَا تَرۡكَنُوٓاْ إِلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ فَتَمَسَّكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِنۡ أَوۡلِيَآءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ١١٣﴾.

و به هیچ کافر و ستمگری متمایل نشوید تا با وی محبت و موالات بورزید؛ که در آن صورت آتش جهنم شما را می‌سوزاند و هرگز هیچ‌کس غیر از خدا أ نه از شما پشتیبانی می‌کند و نه عذابش را از شما دفع می‌نماید. بنابراین جلب کنندۀ نفع و دفع کنندۀ زیان فقط اوست.

﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ وَزُلَفٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِۚ إِنَّ ٱلۡحَسَنَٰتِ يُذۡهِبۡنَ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِۚ ذَٰلِكَ ذِكۡرَىٰ لِلذَّٰكِرِينَ ١١٤﴾.

و نماز را به کامل‌ترین وجه در صبح و شام و در ساعاتی از شب بر پا دار، بیگمان عمل به خوبی‌ها، بدی‌ها را جبران می‌کند و رأس تمام خوبی‌ها، نمازهای پنجگانه است. این بیان برای پند پذیران موعظه‌ای و برای عبرت جویان، مایۀ عبرتی است.

﴿وَٱصۡبِرۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١١٥﴾.

و بر طاعت حق تعالی، بر مقدارت دردآلود وی و از نافرمانی‌هایش که حرام است، صبر پیشه کن؛ زیرا او پاداش کسانی را که با عمل به اوامر، پرهیز از نواهی و رضا به مقدرات، نیکوکاری پیشه کرده‌اند ضایع نمی‌سازد. و بیگمان پیروی از هدایت، نثار محبت و جلوگیری از اذیت، از مصادیق روشن نیکوکاری است.

﴿فَلَوۡلَا كَانَ مِنَ ٱلۡقُرُونِ مِن قَبۡلِكُمۡ أُوْلُواْ بَقِيَّةٖ يَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡفَسَادِ فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا قَلِيلٗا مِّمَّنۡ أَنجَيۡنَا مِنۡهُمۡۗ وَٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَآ أُتۡرِفُواْ فِيهِ وَكَانُواْ مُجۡرِمِينَ ١١٦﴾.

پس چرا از قرن‌های پیشین قبل از شما بقایایی از اهل ایمان و صلاح نبودند که باطل پرستان و کفرپیشه‌گان را از عمل‌شان باز داشته و ستمگران را از ستم منع کند؟ جز اندکی از صالحان که خداوند أ به سبب صلاح و نهی‌شان از منکر، نجات‌شان داد و حمایت‌شان کرد. اما غالب و عامۀ کفار، از ستمگران بر خود بودند که از بهره‌های زندگانی دنیا و شهوات فانی و لذت‌های ناپایدار آن پیروی کرده و آخرت را فراموش نمودند؛ آن‌ها در حقیقت سرکشانی بودند که بر دستور خداوند أ تمرد ورزیده، از مرزهایش تجاوز کردند و بر پیامبرش عصیان ورزیدند.

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهۡلِكَ ٱلۡقُرَىٰ بِظُلۡمٖ وَأَهۡلُهَا مُصۡلِحُونَ ١١٧﴾.

ای پیامبر! و پروردگارت هرگز بر آن نبوده است تا شهری از شهرها را نابود کرده، یا امتی از امت‌ها را در حالی که اهل آن در زمین، اصلاحگر و از فساد و ستم پرهیزنده‌اند – ویران سازد بلکه آن‌ها را به علت ظلم‌شان نابود می‌گرداند. بنا به قولی معنی چنین است: خداوند أ بر آن نیست که چنان‌چه مردم در میان خود با عدالت و حقشناسی همدیگر، در مسیر اصلاحگری روان باشند؛ تنها به علت شرک‌شان نابودشان سازد. بنابراین قول، عدالت و اصلاحگری ایشان را از عذاب دنیا باز داشته و سبب به تأخیر افتادن عذاب شرک‌شان در آخرت می‌شود.

﴿وَلَوۡ شَآءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ ٱلنَّاسَ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗۖ وَلَا يَزَالُونَ مُخۡتَلِفِينَ ١١٨﴾.

و اگر خدا أ می‌خواست یقیناً همۀ مردم را یک امّت و یک جماعت بر قلبی واحد و دینی واحد که دین اسلام است قرار می‌داد لیکن او به خاطر حکمت بزرگی این امر را نخواست. بناءً مردم پیوسته در ادیان و روش‌های خود مختلف‌اند تا سنّت «تدافع» یعنی دفع بعضی از مردم با بعضی دیگر محقّق شود و زمینه برای مجادله و آزمون مساعد گردد.

﴿إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَۚ وَلِذَٰلِكَ خَلَقَهُمۡۗ وَتَمَّتۡ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ ١١٩﴾.

لیکن کسانی که خداوند أ به وسیلۀ ایمان و پیروی از پیامبران † برای‌شان رحم کرده است، با یکدیگر اختلاف نمی‌کنند؛ زیرا همۀ ایشان بر دین اسلام و توحید خالص الله أ قرار دارند. البته ارادۀ حق‌تعالی بر آن رفته است که خلق را مختلف بیافریند به طوری که جمعی از ایشان نیکوکار و جمعی بدکار، گروهی نیکبخت و جمعی تیره‌بخت، عده‌ای صالح و دیگرانی فسادپیشه و طالع باشند و هرگروه هم به همان راهی رهرو ساخته می‌شود که برای آن آفریده شده است تا حکمت‌ها، وعده‌ها و هشدارهای الهی و آنچه که در بهشت برای شایستگان و در دوزخ برای کافران آماده ساخته است، تحقق یابد. بناءً با هدایت نمودن اولیا و دوستانش، بهشتش را پر می‌سازد و با گمراه‌سازی دشمنانش، دوزخش را پُر می‌گرداند.

﴿وَكُلّٗا نَّقُصُّ عَلَيۡكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِۦ فُؤَادَكَۚ وَجَآءَكَ فِي هَٰذِهِ ٱلۡحَقُّ وَمَوۡعِظَةٞ وَذِكۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ١٢٠﴾.

و از اخبار پیامبران پیشین آن عبرت‌ها، اندرزها و تجاربی را که برایت لازم است بدان مجهزت می‌سازیم؛ تا قلبت در رویارویی با بحران‌ها نیرومند و در برابر حوادث و بلا‌ها استوار گردد. به راستی که در این سوره و حکمت‌ها و اسراری که در خود جای داده است، بلیغ‌ترین موعظه‌ها و بزرگ‌ترین عبرت‌ها به تو رسیده و حقی که بر آن قرار داری، به روشنی بیان شده است؛ در این سوره نصایحی برایت آمده است که تو را به سوی خیر رهنمون شده و از شر برحذر می‌دارد و در این سوره تذکر و اندرزی است برای کسی که قلبی پذیرا دارد؛ قلبی که این گنجینۀ حکمت و اندرز در آن اثر می‌گذارد و بدان بهره‌مند می‌شود.

﴿وَقُل لِّلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ ٱعۡمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمۡ إِنَّا عَٰمِلُونَ ١٢١﴾.

ای پیامبر! و به کافرانی که یگانگی الله أ را تکذیب می‌کنند بگو: به همان شیوه‌ای از نبرد با خدا أ و پیامبرش ج، بازداشتن از راهش و کفر ورزی به او و کتابش که قبلاً عمل می‌کردید بازهم عمل کنید؛ ما نیز قطعاً بر حال خویش از ایمان به خدا أ، پیروی از پیامبر، جهاد در راهش و نشر دینش عمل می‌کنیم.

﴿وَٱنتَظِرُوٓاْ إِنَّا مُنتَظِرُونَ ١٢٢﴾.

و شما سرانجام کار ما – از پیروزی و توفیق – را انتظار ببرید، ما نیز فرجام کار شما – در رسوایی و هلاک – را انتظار می‌بریم.

﴿وَلِلَّهِ غَيۡبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَإِلَيۡهِ يُرۡجَعُ ٱلۡأَمۡرُ كُلُّهُۥ فَٱعۡبُدۡهُ وَتَوَكَّلۡ عَلَيۡهِۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ١٢٣﴾.

تنها خدای یگانۀ ﻷ که به هرچه از دید و شنود بشر در آسمان‌ها و زمین نهان است، داناست و تنها به سوی اوست که هر امری در آخرت برمی‌گردد؛ تا به آنچه می‌خواهد در آن حکم کند. بنابراین پرستش را برای وی خالص گردان و کارت را فقط به وی بسپار تا مفهوم ﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ﴾ را در زندگی خویش محقق سازی. و خداوند أ از عمل بندگان – چه خیر باشد و چه شر – خواهد داد؛ نیکوکاران را پاداش و بدکاران را کیفر.

سورۀ یوسف

مکی است؛ ترتیب آن 12؛ آیات آن 111

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿الٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ١﴾.

الف، لام، راء؛ این حروف مقطعه است که خداوند أ به مرادش از آن‌ها داناتر می‌باشد.

این است آیات قرآن مبین که در ادله و معانیش روشنگر، در برهان‌هایش رخشان و در احکامش فیصله بخش، قاطع و تابان است.

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ قُرۡءَٰنًا عَرَبِيّٗا لَّعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٢﴾.

خداوند أ این کتاب را به زبان عربی قابل فهم و واضح نازل کرده است تا مردم معانی آن را بفهمند، به هدایتش عمل کنند و مقاصدش را دریابند.

﴿نَحۡنُ نَقُصُّ عَلَيۡكَ أَحۡسَنَ ٱلۡقَصَصِ بِمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ وَإِن كُنتَ مِن قَبۡلِهِۦ لَمِنَ ٱلۡغَٰفِلِينَ ٣﴾.

ای پیامبر! خداوند أ در این سوره بهترین داستان را در لفظ معنی و در شیوه و مبنی بر تو حکایت می‌کند؛ هرچند قبل از فرود آوردن این قرآن، در زمرۀ غافلان از این اخبار بوده و نسبت به آن هیچ علم و اطلاعی نداشته ای؛ از آن‌رو که این اخبار جز از راه وحی در دسترس نیست.

﴿إِذۡ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَٰٓأَبَتِ إِنِّي رَأَيۡتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوۡكَبٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ رَأَيۡتُهُمۡ لِي سَٰجِدِينَ ٤﴾.

روزی را یاد کن که یوسف به پدرش یعقوب گفت: من در خواب دیدم که یازده ستاره همراه خورشید و ماه همگی برایم سجده می‌کنند. و این نخستین بشارت برای یوسف ÷ بود که بعد از بلا و محنت محقق گردید؛ زیرا خداوند أ نبوت، حکمت و حکومت را به وی بخشید و سپس او را از پراکندگی و پرت افتادگی از خانواده، به جمع‌شان پیوندانید به طوری که پدر و مادرش – که خورشید و ماه رؤیایش بودند – و برادران یازده گانه‌اش – که ستارگان آن رؤیا بودند – همگی برایش سجده کردند.

﴿قَالَ يَٰبُنَيَّ لَا تَقۡصُصۡ رُءۡيَاكَ عَلَىٰٓ إِخۡوَتِكَ فَيَكِيدُواْ لَكَ كَيۡدًاۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لِلۡإِنسَٰنِ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ٥﴾.

یعقوب به فرزندش یوسف گفت: خوابت را به برادرانت حکایت نکن؛ زیرا این رؤیای است بزرگ که حسادت‌شان را برمی‌انگیزد و از آن می‌ترسم که بر تو نیرنگی اندیشیده و در جهت نابودی‌ات تلاش محیلانه‌ای سازمان دهند؛ چه شیطان انسان را دشمنی نیرومند و نیرنگ‌بازی است آشکار.

این آیه بر پوشاندن نعمت‌ها از چشمان رشک‌ورزان و پنهان داشتن راز دلالت دارد.

﴿وَكَذَٰلِكَ يَجۡتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأۡوِيلِ ٱلۡأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكَ وَعَلَىٰٓ ءَالِ يَعۡقُوبَ كَمَآ أَتَمَّهَا عَلَىٰٓ أَبَوَيۡكَ مِن قَبۡلُ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَۚ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٦﴾.

یعقوب افزود: و آنگونه که خدای سبحان این رؤیای بزرگ را به تو نمایاند همچنان به زودی تو را برخواهد گزید و تعبیر رؤیاهای در حال خواب و خبردادن از مقاصد آن‌ها را به تو خواهد آموخت و نبوت و حکمت را بر تو و بر خاندان یعقوب به اتمام خواهد رساند همانگونه که آن را بر پدرانت ابراهیم و اسحاق – این دو پیامبر بزرگوار – به اتمام و اکمال رسانید. در حقیقت پروردگارت می‌داند که چه کسی شایستۀ گزینش است، او در قرار دادن فضل خود بر هر کسی که بخواهد، سنجیده کار و صاحب حکمت است؛ زیرا به علم خویش از کنه امور آگاه و به حکمت خویش گذارندۀ امور در جایگاه‌های آن می‌باشد.

﴿۞لَّقَدۡ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخۡوَتِهِۦٓ ءَايَٰتٞ لِّلسَّآئِلِينَ ٧﴾.

به راستی در سرگذشت یوسف و برادرانش، دلیل آشکار و عبرت روشنی بر حکمت و قدرت حق‌تعالی است؛ برای کسانی که اخبار آن‌ها را از دانشمندان پرسیده و دوستدار شناخت داستان‌شان باشند. و این داستان مطلقاً بهترین داستان‌ها در طول تاریخ است.

﴿إِذۡ قَالُواْ لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَىٰٓ أَبِينَا مِنَّا وَنَحۡنُ عُصۡبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٨﴾.

هنگامی که برادران یوسف به یکدیگر گفتند: یوسف و برادر پدری و مادری‌اش نزد پدر از ما دوست داشتنی‌تراند و او ایشان را با عنایت و بهره‌مندی و توجه بیشتر، بر ما ترجیح می‌دهد در حالی که ما همه اعضای یک خانواده هستیم و فرقی میان ما نیست، بیگمان پدر ما در اشتباه بزرگ و آشکاری افتاده است؛ از آن‌رو که میان ما در محبت و علاقه مندی عدالت نکرده است، در حالی که ما همه پسران یک مرد هستیم و کسی از ما بر برادرش برتریی ندارد.

﴿ٱقۡتُلُواْ يُوسُفَ أَوِ ٱطۡرَحُوهُ أَرۡضٗا يَخۡلُ لَكُمۡ وَجۡهُ أَبِيكُمۡ وَتَكُونُواْ مِنۢ بَعۡدِهِۦ قَوۡمٗا صَٰلِحِينَ ٩﴾.

یوسف را بکشید یا او را در سرزمینی ناشناخته که از این آبادی‌ها دور باشد بیندازید تا علاقه و محبت پدر نسبت به شما صاف و یکدست شده و او شما را به توجه و شفقت بیشتری مخصوص سازد و در این میان کسی دیگر وی را از شما به خودش مشغول نسازد. آنگاه پس از کشتن یوسف و دورساختنش از صحنه، از کار خود به سوی خدا أ توبه کنید و خوشبختانه دروازۀ توبه هم باز است. یعنی ایشان قبل از ارتکاب گناه با خود از توبه سخن گفتند. آری! پس از ارتکاب این عمل حال‌تان با پردوردگارتان – از راه توبه – و با پدرتان مجدداً به صلاح و سامان می‌آید.

﴿قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ لَا تَقۡتُلُواْ يُوسُفَ وَأَلۡقُوهُ فِي غَيَٰبَتِ ٱلۡجُبِّ يَلۡتَقِطۡهُ بَعۡضُ ٱلسَّيَّارَةِ إِن كُنتُمۡ فَٰعِلِينَ ١٠﴾.

یکی از برادران ناراضی بر سبیل مشوره‌دهی به ایشان گفت: یوسف را نکشید بلکه وی را در نهانخانۀ چاه بیندازید، شاید بعضی رهگذران مسافر او را برگیرند؛ با این کار هم از بابت وی آسوده خاطر می‌شوید و هم مسؤولیت کشتنش را بر عهده نمی‌گیرید. پس اگر بر این کار مصمم هستید، همین گزینه را عملی کنید. این یکی دلسوزترین‌شان به یوسف بود [که نظری چنین جفاجویانه ارائه داد] پس چگونه بوده است حال دیگران؟!

﴿قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مَالَكَ لَا تَأۡمَ۬نَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُۥ لَنَٰصِحُونَ ١١﴾.

برادران یوسف بعد از همدستی بر تبعید وی، به پدر خود یعقوب گفتند: ای پدر! تو را چه شده است که ما را بر برادرمان یوسف امین قرار نمی‌دهی؟ چرا در محبت، خیرخواهی و دلسوزی ما نسبت به وی تردید داری حال آنکه ما وی را نگهبان خواهیم بود و در مهروزی به وی و سرپرستی و توجه به وی سخاوتمندانه و صادقانه عمل خواهیم کرد.

﴿أَرۡسِلۡهُ مَعَنَا غَدٗا يَرۡتَعۡ وَيَلۡعَبۡ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ١٢﴾.

پس هنگامی که فردا به گله‌بانی گوسفندان می‌رویم او را با ما بفرست تا از صرف میوه‌های پاکیزه و خوشگوار بر خوردار گشته با ما گوسفندان را بچراند و با شرکت در مسابقه، تیراندازی و سرگرمی‌های مباح، شاد و سرخوش شود و مطمئن باش که ما وی را از هر امر مایۀ خوف و نگرانی‌اش، نگهبان خواهیم بود. ملاحظه می‌کنیم که خطر در مأمن وی کمین کرده است.

﴿قَالَ إِنِّي لَيَحۡزُنُنِيٓ أَن تَذۡهَبُواْ بِهِۦ وَأَخَافُ أَن يَأۡكُلَهُ ٱلذِّئۡبُ وَأَنتُمۡ عَنۡهُ غَٰفِلُونَ ١٣﴾.

پدرشان یعقوب ÷ به ایشان گفت: جدایی از یوسف قلبم را به درد می‌آورد و می‌ترسم که گرگ وی را بخورد. و بدین‌گونه او دروازۀ عذر آوری به بهانۀ گرگ را به رویشان گشود، سپس افزود: در حالی که شما غافل از وی مشغول بازی و مسابقۀ خود باشید؛ و این‌چنین بود که یعقوب قبل از وقوع واقعه، برای‌شان جویای عذر شد و راه پیشکش نمودن موضوع گرگ برای‌شان هموار شد.

﴿قَالُواْ لَئِنۡ أَكَلَهُ ٱلذِّئۡبُ وَنَحۡنُ عُصۡبَةٌ إِنَّآ إِذٗا لَّخَٰسِرُونَ ١٤﴾.

آن‌ها به پدر خویش گفتند: سوگند به خدا أ که اگر گرگ او را بخورد – با آنکه ما گروهی نیرومند و شجاع هستیم – در آن صورت هیچ خیر و مردانگی و سودی در وجود ما نخواهد بود. بناءً مطمئن باش که چنین رویدادی هرگز به وقوع نخواهد پیوست. و چنین است که وقتی خداوند أ کاری را بخواهد، اسبابش را نیز مهیا می‌گرداند.

﴿فَلَمَّا ذَهَبُواْ بِهِۦ وَأَجۡمَعُوٓاْ أَن يَجۡعَلُوهُ فِي غَيَٰبَتِ ٱلۡجُبِّۚ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمۡرِهِمۡ هَٰذَا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ١٥﴾.

پس یعقوب یوسف را با برادرانش فرستاد و چون او را بردند و به دوردست صحرا رسیدند شیطان ایشان را برانگیخت و با هم بر گذاشتنش در قعر چاه همداستان شدند. در این حال خدای ﻷ به یوسف وحی فرستاد که به زودی نجات خواهد یافت و برادرانش را از آنچه با وی کرده‌اند در حالی خبر خواهد داد که آن‌ها از این امر غافل‌اند. آری! عنایت حق‌تعالی نسبت به یوسف ÷ بسی بزرگ بود؛ به طوری که بر او وحی فرستاد، او را در تنهایی‌اش انس بخشید، بر او آرامش نازل کرد، او را به گشایش و فَرَج بشارت داد و در این امتحان به وی پایداری بخشید پس اگر خدا أ با توست دیگر از چه کسی می‌هراسی؟ اما چنان‌چه خدا أ علیه تو باشد بعد از وی دیگر به چه کسی امید می‌بندی؟ پس وقتی نظر عنایت حق مراقب توست در کنف الطافش آرام بخواب و بدان که سختی‌ها و گرفتاری‌ها در غار ولایت حق، عین امن و امان است.

﴿وَجَآءُوٓ أَبَاهُمۡ عِشَآءٗ يَبۡكُونَ ١٦﴾.

بعد از گذاشتن یوسف در چاه، فرزندان یعقوب شامگاهان، گریان نزد پدر آمد و به رسم رفتن قاتل در جنازۀ مقتول، از خود اندوه و آه و فغان نمایش می‌دادند. اما نزد هوشمندان گریه‌های نمایشی از گریه‌های واقعی فرق می‌شود. چه انسان‌های گریان و نالانی که در حقیقت ستمکاراند، و چه انسان‌های خاموش غافلی که در حقیقت مظلوم‌اند. پس نباید به ظاهر حال فریب خورد.

﴿قَالُواْ يَٰٓأَبَانَآ إِنَّا ذَهَبۡنَا نَسۡتَبِقُ وَتَرَكۡنَا يُوسُفَ عِندَ مَتَٰعِنَا فَأَكَلَهُ ٱلذِّئۡبُۖ وَمَآ أَنتَ بِمُؤۡمِنٖ لَّنَا وَلَوۡ كُنَّا صَٰدِقِينَ ١٧﴾.

برادران یوسف گفتند: ای پدر! ما رفتیم تا مسابقه دهیم و یوسف را در محل اقامت‌مان پیش کالا و غذای خود در جایی امن گذاشتیم، پس اشتباه از ما نبود و ما مدّت زیادی از نزد وی دور نبوده‌ایم اما پس از ما گرگ بر وی حمله‌ور شد و وی را خورد. و تو هرگز در آنچه گفتیم باورمان نمی‌داری و تصدیق‌مان نمی‌کنی هرچند به راستگویی معروف باشیم؛ از آنکه ما نزدت متهمیم و در عین حال تو در محبت یوسف افراط می‌ورزی. این اصرار و استدلال که مبین احساس ترس و بیم نهفتۀ ایشان می‌باشد از این باب است که گفته‌اند: خائن خائف است؛ و هر کس عملش بد است، گمانش نیز بد است.

﴿وَجَآءُو عَلَىٰ قَمِيصِهِۦ بِدَمٖ كَذِبٖۚ قَالَ بَلۡ سَوَّلَتۡ لَكُمۡ أَنفُسُكُمۡ أَمۡرٗاۖ فَصَبۡرٞ جَمِيلٞۖ وَٱللَّهُ ٱلۡمُسۡتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ١٨﴾.

و پیراهن یوسف را به خونی دروغین که خون یوسف نبود آغشته و آن را به عنوان گواه راستگویی خود آوردند در حالی که این پیراهن خود دلیل دروغگویی‌شان بود؛ زیرا پراهن سالم بود و پاره نشده بود. بعد از آنکه حق‌تعالی به نور بصیرت تقلب‌شان را به یعقوب نمایاند او گفت: این سخن‌تان دروغی بیش نیست بلکه حقیقت این است که شیطان و نفس‌های اماره بالسوء شما، کاری زشت و نیرنگی پلشت را برای‌تان آراسته است. اما من بر این محنت صبری نیکو پیشه خواهم ساخت؛ صبری که نه خالقم را به خشم آورد و نه در آن شکوه و گلایه‌ای از مخلوق باشد. از خداوند أ بر تحمل این مصیبتی که آن را سازمان داده‌اید یاری می‌جویم و بر او در دفع این دروغی که توصیف می‌کنید توکل می‌کنم.

﴿وَجَآءَتۡ سَيَّارَةٞ فَأَرۡسَلُواْ وَارِدَهُمۡ فَأَدۡلَىٰ دَلۡوَهُۥۖ قَالَ يَٰبُشۡرَىٰ هَٰذَا غُلَٰمٞۚ وَأَسَرُّوهُ بِضَٰعَةٗۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ ١٩﴾.

از یوسف در دل چاه چه خبر؟ کاروانی از مسافران به نزدیک چاه آمد پس کاروانیان یکی از میان خود را فرستادند تا برای‌شان از آن چاه آبی بیاورد، و چون او دلویش را در چاه افکند، یوسف بدان ریسمان آویخت. در این هنگام آب آورشان فریاد زد: مژده! مژده! این یک پسر معتبر است. برادران یوسف که نزدیک وی بودند، قضیه را پنهان داشته و کاروانیان را از این امر که او برادرشان است آگاه نساختند بلکه گفتند: این غلامی است از بردگان برای فروش. و خداوند أ به آنچه می‌کردند داناست؛ هیچ امر پنهانی بر وی نهان نمی‌ماند.

﴿وَشَرَوۡهُ بِثَمَنِۢ بَخۡسٖ دَرَٰهِمَ مَعۡدُودَةٖ وَكَانُواْ فِيهِ مِنَ ٱلزَّٰهِدِينَ ٢٠﴾.

کاروانیان یوسف را به بهای ناچیزی که چند درهمی بیش نبود فروختند و در نگهداشت وی برای خود بی‌رغبت بود علاقه نداشتند که با ایشان باقی بماند، بلکه می‌خواستند خود را از وی خلاصی بخشند از آن‌رو که قدر و جایگاه وی را نمی‌شناختند.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِي ٱشۡتَرَىٰهُ مِن مِّصۡرَ لِٱمۡرَأَتِهِۦٓ أَكۡرِمِي مَثۡوَىٰهُ عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوۡ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدٗاۚ وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلِنُعَلِّمَهُۥ مِن تَأۡوِيلِ ٱلۡأَحَادِيثِۚ وَٱللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰٓ أَمۡرِهِۦ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٢١﴾.

کاروان یوسف را به مصر برد و عزیز (وزیر مصر) وی را از ایشان خرید. عزیز به همسرش سفارش کرد که وی را چون میهمان عزیزی گرامی داشته و به خوبی از وی پذیرایی نماید تا شاید به حال‌شان در خدمت‌گزاری سودی بخشد یا برای‌شان جانشین فرزند شود. و آنگونه که خدای ﻷ یوسف را نجات داد و وزیر مصر را بر اکرامش گماشت، همچنان به یوسف در مصر مکنت و اقتدار بخشیده وی را بر گنجینه‌ها و ذخایر مصر مسلط گردانید؛ و تا خداوند أ تأویل خواب را به وی بیاموزد و در نتیجه او مردم را از تعبیر آنچه در خواب می‌بینند آگاه سازد. بیگمان خداوند أ بر کار خویش چیره است؛ هیچ نیرویی وی را از انفاذ امرش باز داشته نمی‌تواند، قضایش را آنگونه که بخواهد نافذ می‌سازد و حکمش چنان‌که اراده کند، واقع می‌شود ولی بیشتر مردم اسرار قضا را نمی‌دانند و غافل از آنند که کار به دست بلاکیف یگانۀ یکتاست؛ پس آن‌ها از أسرار قدرت و اهداف حکمت بی‌خبراند.

﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥٓ ءَاتَيۡنَٰهُ حُكۡمٗا وَعِلۡمٗاۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٢٢﴾.

چون یوسف به کمال نیروی جوانی رسید، حق‌تعالی به وی فهم، دانش و دریافت حق در داوری را عنایت کرد. و آنگونه که او یوسف ÷ را در قبال عمل نیکش چنین گرامی داشت، همچنان هر نیکوکار دیگری را نیز در قبال نیکوکاری‌اش گرامی می‌دارد.

این آیه بر آرامش بخشیدن به پیامبر و تسلیت گویی به ایشان در محنت‌هایی که با آن رو به رو خواهند شد، دلالت دارد.

﴿وَرَٰوَدَتۡهُ ٱلَّتِي هُوَ فِي بَيۡتِهَا عَن نَّفۡسِهِۦ وَغَلَّقَتِ ٱلۡأَبۡوَٰبَ وَقَالَتۡ هَيۡتَ لَكَۚ قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ رَبِّيٓ أَحۡسَنَ مَثۡوَايَۖ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٢٣﴾.

همسر عزیز وزیر با آرایش و کرشمۀ خاصی یوسف را که در خانه‌اش بود به سوی خود خواند. آن زن از منصب و جمال و مال هر سه برخوردار بود، یوسف نیز جوانی ازدواج نکرده و غریب و از زیباترین انسان‌ها بود. زن عزیز درها را پیاپی چفت کرد و به اصرار از یوسف می‌خواست که از وی کام گیرد. در این اوضاع و احوال یوسف به آستان عصمت حق‌تعالی پناه برد و بر نفس و هوای خود پیروز شد. زن عزیز به وی گفت: بیا که من از آن تو ام! یوسف خواسته‌اش را رد کرد و گفت: معاذ الله! به خدا پناه می‌برم و خود را از شر ارتکاب این فعل نفرت‌بار حرام که اولاً در آن خیانت به خدا أ و سپس خیانت به مولایم در امر فامیل و در درون قصرش هست، به جوار عصمت حق‌تعالی می‌سپارم؛ آخر مولایم مرا به خوبی میزبانی و پذیرایی کرده و گرامی‌ام داشته است؛ پس چگونه زیبایی را با زشتی پاسخ گویم؟! قطعاً این ستمی است آشکار؛ و ستمکار توفیق و یاری نمی‌یابد بلکه خوار و زیانکار می‌شود.

﴿وَلَقَدۡ هَمَّتۡ بِهِۦۖ وَهَمَّ بِهَا لَوۡلَآ أَن رَّءَا بُرۡهَٰنَ رَبِّهِۦۚ كَذَٰلِكَ لِنَصۡرِفَ عَنۡهُ ٱلسُّوٓءَ وَٱلۡفَحۡشَآءَۚ إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُخۡلَصِينَ ٢٤﴾.

و در حقیقت آن زن آهنگ یوسف کرد و نفسش به وی سخت تمایل یافته از وی همان چیزی را می‌خواست که زن از مرد می‌طلبد. یوسف نیز با خود در این مورد حدیث نفس کرد و خطره‌هایی بر خاطرش گذشت لیکن هرگز بر کار زشت مصمم نشد و آهنگ وی نکرد؛ زیرا لطف الله أ شامل حالش گشت و نشانه‌ای از نشانه‌های وی و برهانی از برهان‌هایش را دید که وی را از آلودگی به فحشا نهیب می‌زد. چنین شد تا خداوند أ وی را از کار زشت و عمل زنا محفوظ دارد؛ چرا که او در طاعت حق‌تعالی از صادقان، در عبادتش از مخلصان، نبوت را از برگزیدگان و در دوری از پلیدی‌ها از پاکان بود. به حق که این کار یوسف جلوۀ تمام نمای تقوی و بزرگ‌ترین پیروزی بر نفس اماره بود.

﴿وَٱسۡتَبَقَا ٱلۡبَابَ وَقَدَّتۡ قَمِيصَهُۥ مِن دُبُرٖ وَأَلۡفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا ٱلۡبَابِۚ قَالَتۡ مَا جَزَآءُ مَنۡ أَرَادَ بِأَهۡلِكَ سُوٓءًا إِلَّآ أَن يُسۡجَنَ أَوۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٢٥﴾.

یوسف به سوی دروازه گریخت و می‌خواست از آن فرار نماید، زن وزیر نیز شتاب کرد تا وی را بگیرد، در این میان آن زن پیراهن یوسف را از پشت به سوی خود کشید تا از بیرون شدن بازش دارد که بر اثر آن پیراهن یوسف از پشت چاک برداشت. به ناگاه در آستانۀ در با همسرش رو به رو شدند. پس زن نیرنگ زد و مظلوم‌مآبانه فریاد کشید: کیفر کسی که قصد فحشا با همسرت را کرده چیست جز اینکه به زندانش افکنی یا با عذابی دردناک که وی را از کار زشتش پشیمان سازد، مجازاتش کنی؟

﴿قَالَ هِيَ رَٰوَدَتۡنِي عَن نَّفۡسِيۚ وَشَهِدَ شَاهِدٞ مِّنۡ أَهۡلِهَآ إِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن قُبُلٖ فَصَدَقَتۡ وَهُوَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٢٦﴾.

یوسف سخن زن را رد کرد و به مولایش گفت: این اوست که از من کام خواست، مرا دنبال کرد و خواستار کار زشت با من بود. در این میان یکی از گواهان آن خانه که گویند: پسربچه‌ای از خانوادۀ زن بود چنین شهادت داد: اگر پیراهن یوسف از جلو چاک خورده، پس زن راست گفته و او در ادعایش از دروغگویان است؛ زیرا این خود دلیل آن می‌باشد که یوسف دنبالش می‌کرده است؛

﴿وَإِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٖ فَكَذَبَتۡ وَهُوَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٢٧﴾.

اما اگر پیراهن یوسف از پشت دریده شده، پس این امر دلیل آن است که یوسف از سوی زن دنبال می‌شده؛ بناءً زن در ادعایش دروغگو و یوسف راستگوست. بنگر که چگونه خداوند أ از درون آن خانه داوری از کسان خود آن زن را آماده می‌سازد تا از معرض اتهام دورتر باشد و آن داور در مورد نشانه‌ای حکمیت می‌کند که فریادگر راستی و پاکی یوسف است.

﴿فَلَمَّا رَءَا قَمِيصَهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٖ قَالَ إِنَّهُۥ مِن كَيۡدِكُنَّۖ إِنَّ كَيۡدَكُنَّ عَظِيمٞ ٢٨﴾.

چون شوهر آن زن دید که پیراهن یوسف از پشت چاک خورده، متیقن شد که زنش او را دنبال می‌کرده و یوسف در حال گریز بوده است که این دلیلی قاطع بر برائت یوسف است. پس به زنش گفت: این نیرنگ و شکایتت بر ضد یوسف از مکر شما زنان است، بیگمان نیرنگ شما زنان بزرگ و غیر قابل تحمل می‌باشد؛ زیرا به طور پنهانی شکل می‌گیرد و با گریه و ادعا همراه می‌شود.

﴿يُوسُفُ أَعۡرِضۡ عَنۡ هَٰذَاۚ وَٱسۡتَغۡفِرِي لِذَنۢبِكِۖ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ ٱلۡخَاطِ‍ِٔينَ ٢٩﴾.

عزیز وزیر گفت: ای یوسف! در مورد این رویداد سخن نگو و آن را به کسی یاد نکن تا آبروی قصر محفوظ بماند. و اما تو ای زن! از پروردگارت آمرزش بخواه؛ زیرا تو در کام خواهی از یوسف و دروغ سلامت نزدیک‌تر است.

﴿۞وَقَالَ نِسۡوَةٞ فِي ٱلۡمَدِينَةِ ٱمۡرَأَتُ ٱلۡعَزِيزِ تُرَٰوِدُ فَتَىٰهَا عَن نَّفۡسِهِۦۖ قَدۡ شَغَفَهَا حُبًّاۖ إِنَّا لَنَرَىٰهَا فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٣٠﴾.

آوازۀ کامخواهی زن عزیز از یوسف در شهر منتشر شد و زنان از باب ناپسند شمردن و محکومیت زن عزیز گفتند: چگونه این زن با وجود این شرف و مقامش با غلام خویش مراوده بر قرار نموده و به شوهرش خیانت می‌کند؟ بیگمان این کار را نکرده است مگر بعد از آنکه عشق یوسف به غلاف قلبش وارد شده و در اعماق وجودش جای گرفته است، اما با این وصف ما او را بر این کار زشتش در اشتباهی آشکار و عملی رسواگر می‌بینیم.

﴿فَلَمَّا سَمِعَتۡ بِمَكۡرِهِنَّ أَرۡسَلَتۡ إِلَيۡهِنَّ وَأَعۡتَدَتۡ لَهُنَّ مُتَّكَ‍ٔٗا وَءَاتَتۡ كُلَّ وَٰحِدَةٖ مِّنۡهُنَّ سِكِّينٗا وَقَالَتِ ٱخۡرُجۡ عَلَيۡهِنَّۖ فَلَمَّا رَأَيۡنَهُۥٓ أَكۡبَرۡنَهُۥ وَقَطَّعۡنَ أَيۡدِيَهُنَّ وَقُلۡنَ حَٰشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا بَشَرًا إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا مَلَكٞ كَرِيمٞ ٣١﴾.

چون زن عزیز آگاه شد که زنان شهر به غیبت وی مصروف‌اند و در پخش و نشر ماجرای وی و یوسف به نیرنگ متوسل می‌شوند ایشان را به دیدار خویش در قصر فرا خواند و برای‌شان بالش‌هایی آماده ساخت تا بر آن‌ها تکیه زنند و میوه‌ای حاضر نمود. آنگاه به دست هر زنی کاردی داد تا میوه را پوست بکنند، سپس به یوسف دستور داد تا به طور ناگهانی بر زنان وارد شود. پس چون زنان زیبایی آشکار و حسن خیره کنندۀ یوسف را دیدند، وی را به غایت شگرف و بزرگ یافته، از حسن بی‌مثال وی مدهوش شدند و از شدّت مدهوشی دست‌های خویش را زخمی کردند. آنگاه از تعجب و حیرت و سراسیمه‌گی گفتند: معاذ الله! سوگند به خدا که او از جنس بشر نیست؛ زیرا ما هرگز همانندش را ندیده‌ایم!! به راستی که زیبایی‌اش باورنکردنی و حسن و ملاحتش بی‌مانند است؛ این جوان جز فرشته‌ای از فرشتگان شریف و پاکیزه نیست و از جنس بشر نمی‌باشد.

﴿قَالَتۡ فَذَٰلِكُنَّ ٱلَّذِي لُمۡتُنَّنِي فِيهِۖ وَلَقَدۡ رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفۡسِهِۦ فَٱسۡتَعۡصَمَۖ وَلَئِن لَّمۡ يَفۡعَلۡ مَآ ءَامُرُهُۥ لَيُسۡجَنَنَّ وَلَيَكُونٗا مِّنَ ٱلصَّٰغِرِينَ ٣٢﴾.

همسر عزیز بعد از آنکه دهشت زنان از مشاهدۀ حسن گیرا و جمال دل ربای یوسف را دید گفت: آری! این همان است که عقل از من ربوده و دلم را شیدای خویش ساخته است؛ همانسان که اکنون بر شما نیز همین اثر را گذاشت پس بعد از امروز دیگر بر من سرزنشی نیست. بلی! من به صراحت می‌گویم که از وی کام خواسته و بر آن شدم که وی را مفتون خود سازم. این منم که دنبالش کردم و اکنون هم می‌گویم که اگر به خواسته‌ام تن در نداده و بر مرادم موافقت نکند، یقیناً به سبب امتناعش زندانی‌اش خواهم کرد و از آنکه بر نظر خویش در تن ندادن به تمایلم اصرار ورزیده است، او را خوار و بی‌مقدار خواهم ساخت.

سوگند به خدا أ که این فتنه‌ای بزرگ بود که بر یوسف رخ نمود چرا که زنی زیبا، در شرف سرآمد، در منصب عالی و در مال و مکنت ممتاز از او به الحاح و اصرار کام می‌طلبد، سپس تهدید‌هایی سخت و هشدارهایی محکم به وی صادر می‌شود در حالی که یوسف غلامی است مستضعف و انسان غریبی است تحت ستم؛ اما با این وجود او به عصمت خدای یگانه پناه می‌برد و خدای مهربانش هم وی را در حیطۀ عنایت و حفظ و رعایت خویش گرفته ردای ولایت را بر وی می‌پوشاند. وه! چه والا منزلت و چه خجسته سعادتی!!

﴿قَالَ رَبِّ ٱلسِّجۡنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدۡعُونَنِيٓ إِلَيۡهِۖ وَإِلَّا تَصۡرِفۡ عَنِّي كَيۡدَهُنَّ أَصۡبُ إِلَيۡهِنَّ وَأَكُن مِّنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ ٣٣﴾.

یوسف، پناهجویان با خدای خویش چنین راز گفت: پروردگارا! زندان از ارتکاب فحشا که مرا به سوی آن می‌خوانند، در دلم محبوبتر و بر من آسان‌تر است و اگر مرا علیه نفسم و سرکوب هوایم یاری نکنی و از ریسمان‌های نیرنگ زنان بازم نداری، در کمند هوای‌شان خواهم شد که مرتکب حرام گشته و در چاه‌سار گناه افتاده‌اند از آن‌رو که به احکام جاهل بوده‌اند.

﴿فَٱسۡتَجَابَ لَهُۥ رَبُّهُۥ فَصَرَفَ عَنۡهُ كَيۡدَهُنَّۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٣٤﴾.

پروردگار متعال به خاطر اخلاص و صداقت یوسف دعوتش را اجابت کرد و وی را از کمند فتنۀ زن عزیز و زنان همدمش نگه داشت؛ زیرا خداوند أ دعای دعوتگر را شنیده و راستی را از دروغ باز می‌شناسد، او شنوای صداها و دانای نیّت‌ها و اعمال است.

﴿ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّنۢ بَعۡدِ مَا رَأَوُاْ ٱلۡأٓيَٰتِ لَيَسۡجُنُنَّهُۥ حَتَّىٰ حِينٖ ٣٥﴾.

آنگاه پس از دیدن نشانه‌های پاکدامنی و وارستگی یوسف، بر عزیز و یاورانش چنین نمایان شد که از روی مصلحت و به خاطر بر چیدن سفرۀ بدنامی خود، یوسف را تا مدتی غیر معین که چه بسا طولانی یا کوتاه خواهد بود، به زندان افکنند. البته این هم از رحمت حق‌تعالی بر یوسف بود که وی را به بلا رفعت داد تا درجه‌اش را والاتر گردانیده و برائتش را در همه جا نمایان و آفتابی سازد. آری! او دوستان برگزیده و پیامبران پاک‌نهادش را از مسیر رنج‌ها و از دهلیز محنت‌ها می‌گذراند.

﴿وَدَخَلَ مَعَهُ ٱلسِّجۡنَ فَتَيَانِۖ قَالَ أَحَدُهُمَآ إِنِّيٓ أَرَىٰنِيٓ أَعۡصِرُ خَمۡرٗاۖ وَقَالَ ٱلۡأٓخَرُ إِنِّيٓ أَرَىٰنِيٓ أَحۡمِلُ فَوۡقَ رَأۡسِي خُبۡزٗا تَأۡكُلُ ٱلطَّيۡرُ مِنۡهُۖ نَبِّئۡنَا بِتَأۡوِيلِهِۦٓۖ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٣٦﴾.

دو جوان از جوانان خدمتکار دربار شاه، با یوسف به زندان در آمدند، یکی از ایشان در مورد خوابی که دیده بود از وی پرسید و گفت: من در خواب دیدم که برای ساختن شراب انگور می‌فشارم. دومی گفت: من در خواب دیدم که بر روی سر خود نان می‌برم و پرندگان از آن می‌خورند. ای یوسف! ما را از تفسیر و تعبیر آنچه در خواب دیده‌ایم آگاه کن؛ زیرا ما تو را از کسانی یافته‌ایم که در عبادت‌شان راستگو و در طاعت نیکوکاراند؛ افزون بر کمال خلقت و جمال مروت که در تو مشهود است.

﴿قَالَ لَا يَأۡتِيكُمَا طَعَامٞ تُرۡزَقَانِهِۦٓ إِلَّا نَبَّأۡتُكُمَا بِتَأۡوِيلِهِۦ قَبۡلَ أَن يَأۡتِيَكُمَاۚ ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّيٓۚ إِنِّي تَرَكۡتُ مِلَّةَ قَوۡمٖ لَّا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ٣٧﴾.

یوسف به آن دو جوان گفت: غذایی را که روزی حق‌تعالی برای شماست به شما نمی‌آورند مگر اینکه به اذن خدا أ پیش از آنکه آن غذا به شما برسد از سرانجام آن به شما خبر می‌دهم و به شما می‌گویم که چگونه و از چه چیز ساخته شده است. این از اموری است که پروردگارم در مورد تعبیر خواب و فهم حقایق به من آموخته است؛ زیرا من به خدای یگانه ایمان آورده، عبادت را برای وی خالص گردانیده‌ام، به هر آنچه جز وی مورد پرستش قرار می‌گیرد کفر ورزیده‌ام و هر کسی را که به خدا أ و روز آخرت ایمان نداشته و منکر رستاخیز و حساب و جزاست ترک کرده‌ام. بنگر که چگونه یوسف ÷ دعوت به سوی توحید را در تعبیر خواب گنجانید؛ زیرا قضیۀ دعوت به توحید از بزرگ‌ترین قضایای هستی است.

﴿وَٱتَّبَعۡتُ مِلَّةَ ءَابَآءِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۚ مَا كَانَ لَنَآ أَن نُّشۡرِكَ بِٱللَّهِ مِن شَيۡءٖۚ ذَٰلِكَ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ عَلَيۡنَا وَعَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشۡكُرُونَ ٣٨﴾.

و من دین پدرانم ابراهیم، اسحاق و یعقوب را پیروی کرده‌ام از این رو تنها پروردگارم را به یگانگی پرستش نموده و دین را برای وی خالص گردانیده‌ام. آخر برای ما سزاوار نیست که چیزی را با خدا شریک آوریم؛ این دین استوار – یعنی توحید پروردگار و شرک نیاوردن به وی – از عنایات الهی بر ما و بر مردم است ولی غالب مردم خدای ﻷ را بر نعمت هدایت و ایمان شکر نگذاشته و بیشترشان به وحدانیتش اقرار نمی‌کنند. گفتنی است که جدّ نیز پدر نامیده می‌شود از این جهت یوسف، ابراهیم و اسحاق را نیز پدر نامید.

﴿يَٰصَٰحِبَيِ ٱلسِّجۡنِ ءَأَرۡبَابٞ مُّتَفَرِّقُونَ خَيۡرٌ أَمِ ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ ٣٩﴾.

یوسف به دو تن غلامی که در زندان همراهش بودند گفت: آیا پرستش خدایان آفریده شده و متفرق برای انسان بهتر است یا عبادت خدای یگانۀ قهار؟ پیداست که عبادت خدای یگانه بهتر است؛ زیرا اوست که هم آفریده و هم روزی بخشیده است پس فقط او سزاوار پرستش می‌باشد. بنگر که یوسف ÷ با استفاده از فرصت چگونه قبل از پرداختن به تعبیر خواب، قضیۀ ایمان به خدا أ را برای‌شان تشریح کرد و ایشان را به سوی توحید فرا خواند؛ زیرا این موضوعی است بزرگ و مهمتر از هر امر دیگر.

﴿مَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِهِۦٓ إِلَّآ أَسۡمَآءٗ سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلۡطَٰنٍۚ إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٤٠﴾.

شما غیر از الله أ جز نام‌هایی چند را که هیچ حقیقتی نداشته و مدلول آن‌ها از معانی تهی است، نمی‌پرستید؛ زیرا خدایان شما پدیده‌هایی جامد و بی‌جان‌ اند که نه سودی می‌رسانند و نه زیانی. پس این شما و پدران‌تان بوده‌اید که این اشیاء بی‌زبان و ناشنوا را به زعم خود به خدایی گرفته‌اید و به یقین خداوند أ بر درستی پرستش آن‌ها هیچ دلیل قاطع و برهان روشنی نازل نکرده است. پس بدانید که حکم در آسمان‌ها و زمین و در همۀ گسترۀ هستی از آن خدای یگانۀ لاشریک است، اوست که به عدل حکم نموده و به حق فیصله می‌نماید، او خود فرمان داده که غیر وی را به یگانگی نخوانده و جز او را به پرستش نگیرید. بناءً انقیاد و فرمان پذیری تام و تمام و خضوع و فروتنی کامل از آن اوست؛ این همان دین استوار و راه راستی است که برای پایدارساختن آن کتاب‌ها نازل شده و پیامبران بدان فرا خوانده‌اند؛ ولی غالب مردم این حقیقت را نمی‌دانند و از این رو عبودیت را برای حق‌تعالی خالص نمی‌سازند.

بنگر که یوسف چگونه دعوت توحید را بسط و تفصیل داد؛ زیرا توحید بزرگ‌ترین اصل در زندگی بنده است.

﴿يَٰصَٰحِبَيِ ٱلسِّجۡنِ أَمَّآ أَحَدُكُمَا فَيَسۡقِي رَبَّهُۥ خَمۡرٗاۖ وَأَمَّا ٱلۡأٓخَرُ فَيُصۡلَبُ فَتَأۡكُلُ ٱلطَّيۡرُ مِن رَّأۡسِهِۦۚ قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ ٱلَّذِي فِيهِ تَسۡتَفۡتِيَانِ ٤١﴾.

ای دو رفیق زندانیم! اکنون تفسیر خواب‌های خویش را بشنوید؛ اما فرد نخست که در خواب دید انگور می‌فشارد، از زندان آزاد شده و نزد پادشاه ساقی باده می‌شود و به وی شراب می‌نوشاند. و اما فرد دوم که در خواب دید بر روی سرش نان حمل می‌کند... محکوم به اعدام شده و به دار آویخته می‌شود تا پرندگان بر سرش نیش زنند و از گوشتش بخورند؛ امری که شما دو تن از من در مورد تعبیر خواب‌های خود پرسیدید فیصله یافته و نهایی شده است. پس آنگونه که یوسف ÷ خبر داده بود، هردو خواب به همان صورت تحقق یافت.

﴿وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُۥ نَاجٖ مِّنۡهُمَا ٱذۡكُرۡنِي عِندَ رَبِّكَ فَأَنسَىٰهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ ذِكۡرَ رَبِّهِۦ فَلَبِثَ فِي ٱلسِّجۡنِ بِضۡعَ سِنِينَ٤٢﴾.

یوسف به آن کس از آن دو تن که گمان می‌کرد آزاد می‌شود یعنی به آن ساقیی که از قبل نجات یافت و در خدمت شاه گمارده شد گفت: مرا نزد آقایت پادشاه با اوصاف و داستانم یاد کن و به وی خبر ده که من به ستم و بی‌هیچ جرمی در زندان به سر می‌برم، امید است که دستور آزادی‌ام را صادر کند. آری! زندان عذابی سخت و رنجی جانکاه است. اما شیطان فراموش آن غلام گردانید که این موضوع را به شاه یادآور شود و بناءً یوسف چندین‌سال در زندان باقی ماند. بنا به قولی: باقی ماندن غلام در زندان ابتلایی از سوی خداوند أ برای یوسف بود؛ زیرا او از غلام خواست تا شفاعتش را نزد پروردگارش – پادشاه – بکند در حالی که بایسته آن بود تا یوسف فقط به بارگاه پروردگارش که شاه همۀ شاهان است التجا کند.

﴿وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ إِنِّيٓ أَرَىٰ سَبۡعَ بَقَرَٰتٖ سِمَانٖ يَأۡكُلُهُنَّ سَبۡعٌ عِجَافٞ وَسَبۡعَ سُنۢبُلَٰتٍ خُضۡرٖ وَأُخَرَ يَابِسَٰتٖۖ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَأُ أَفۡتُونِي فِي رُءۡيَٰيَ إِن كُنتُمۡ لِلرُّءۡيَا تَعۡبُرُونَ ٤٣﴾.

پادشاه مصر گفت: ای قوم! من در خواب هفت گاو فربه را دیدم که هفت گاو لاغر آن‌ها را می‌خورند و هفت خوشۀ سبز را دیدم که پر از دانه‌های گندم است و هفت خوشۀ خشکیدۀ دیگر. ای سران قوم! پس اگر به تعبیر خواب آشنایی دارید این خواب را برایم تفسیر کنید. و خداوند أ چون امری را بخواهد، اسبابش را نیز آماده می‌گرداند و چنان‌که خواهیم دید همین خواب سبب رهاسازی یوسف ÷ از زندان شد.

﴿قَالُوٓاْ أَضۡغَٰثُ أَحۡلَٰمٖۖ وَمَا نَحۡنُ بِتَأۡوِيلِ ٱلۡأَحۡلَٰمِ بِعَٰلِمِينَ ٤٤﴾.

اشراف قوم گفتند: این خوابت آمیزه‌ای از خواب‌های پریشان است که هیچ تفسیر و حقیقتی ندارد و ما به تعبیر خواب‌های آشفته دانا نیستیم.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِي نَجَا مِنۡهُمَا وَٱدَّكَرَ بَعۡدَ أُمَّةٍ أَنَا۠ أُنَبِّئُكُم بِتَأۡوِيلِهِۦ فَأَرۡسِلُونِ ٤٥﴾.

غلامی که از قتل نجات یافته و ساقی پادشاه شده بود، در این هنگام درخواست فراموش شدۀ یوسف ÷ را بعد از مدتی به خاطر آورد و گفت: من می‌توانم تعبیر این خواب را برای شما بیاورم پس اجازه دهید که به زندان نزد یوسف روم تا این خوابت را برایم تعبیر کند.

﴿يُوسُفُ أَيُّهَا ٱلصِّدِّيقُ أَفۡتِنَا فِي سَبۡعِ بَقَرَٰتٖ سِمَانٖ يَأۡكُلُهُنَّ سَبۡعٌ عِجَافٞ وَسَبۡعِ سُنۢبُلَٰتٍ خُضۡرٖ وَأُخَرَ يَابِسَٰتٖ لَّعَلِّيٓ أَرۡجِعُ إِلَى ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَعۡلَمُونَ ٤٦﴾.

چون غلام با یوسف در زندان ملاقات کرد به وی گفت: یوسف! ای مرد راستگوی، دربارۀ خواب مردی به ما نظر ده که خوابش هفت گاو فربه را که هفت گاو لاغر آن‌ها را می‌خورند و هفت خوشۀ سبز را با هفت خوشۀ خشکیدۀ دیگر دیده است؛ تا به سوی پادشاه و یارانش بر گردم و تفسیر این خواب را به ایشان خبر دهم، شاید آن‌ها از تعبیر آن بهره‌مند گشته و به فضل و دانایی‌ات پی‌ببرند.

﴿قَالَ تَزۡرَعُونَ سَبۡعَ سِنِينَ دَأَبٗا فَمَا حَصَدتُّمۡ فَذَرُوهُ فِي سُنۢبُلِهِۦٓ إِلَّا قَلِيلٗا مِّمَّا تَأۡكُلُونَ ٤٧﴾.

پس یوسف خواستۀ وی را اجابت گفت و آن خواب را اینگونه برایش تفسیر کرد: هفت سال پی‌درپی می‌کارید و در کشت و کار سخت تلاش می‌کنید تا تولید بالا برود و چون کشت را درویدید، جز اندکی از آن را که مصرف غذایی دارد، بقیه را در خوشه‌ها وامی‌گذارید تا از آسیب کرم و دیگر آفات محفوظ بماند.

این همان تئوری ذخیره‌سازی براساس اصل عوامل متغیر اقتصادی است.

﴿ثُمَّ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ سَبۡعٞ شِدَادٞ يَأۡكُلۡنَ مَا قَدَّمۡتُمۡ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلٗا مِّمَّا تُحۡصِنُونَ ٤٨﴾.

سپس بعد از آن سال‌های فراوانی، هفت سال سخت می‌آید که خشکسالی و قحطی لازمۀ آن است، نه در آن سال‌ها بارانی است و نه میوه‌ای، پس در این سال‌ها آنچه را از دانه‌های گندم که قبلاً در سال‌های فربه ذخیره کرده‌اید، به مصرف رسانید.

﴿ثُمَّ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ عَامٞ فِيهِ يُغَاثُ ٱلنَّاسُ وَفِيهِ يَعۡصِرُونَ ٤٩﴾.

آنگاه پس از آن هفت سال خشک و قحط زده، سال باران و فراوانی و میوه و محصول فرا می‌رسد و گشایش پس از سختی و آسانی پس از دشواری می‌آید و در این سال است که مردم از کثرت حاصل و میوه، آب میوه می‌گیرند.

﴿وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ ٱئۡتُونِي بِهِۦۖ فَلَمَّا جَآءَهُ ٱلرَّسُولُ قَالَ ٱرۡجِعۡ إِلَىٰ رَبِّكَ فَسۡ‍َٔلۡهُ مَا بَالُ ٱلنِّسۡوَةِ ٱلَّٰتِي قَطَّعۡنَ أَيۡدِيَهُنَّۚ إِنَّ رَبِّي بِكَيۡدِهِنَّ عَلِيمٞ ٥٠﴾.

چون پادشاه تعبیر خواب را شنید از یاورانش خواست تا یوسف را از زندان نزد وی آورند. فرستادۀ پادشاه نزد یوسف در زندان آمد و از وی خواست به حضور شاه برود، اما یوسف به وی گفت: نزد پادشاه بر گرد و از او بپرس: چرا وقتی من بر آن زنان وارد شدم، آن‌ها دستان خویش را زخمی نمودند؟ علت این کار چه بود؟ یوسف چنین کرد تا برائتش آشکار شود و حقیقت برای مردم روشن گردد. سپس افزود: بیگمان پروردگارم به فریب و نیرنگ زنان داناست، هیچ کار پنهانی بر وی نهان نمی‌ماند و به زودی حق را آشکار خواهد ساخت. آری! هیچ بنده‌ای به فتنه‌ای سخت‌تر از فتنۀ زنان مبتلا نشد. پس خوشبخت کسی است که خداوند أ وی را – بسان یوسف ÷ - به سلامت دارد.

﴿قَالَ مَا خَطۡبُكُنَّ إِذۡ رَٰوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفۡسِهِۦۚ قُلۡنَ حَٰشَ لِلَّهِ مَا عَلِمۡنَا عَلَيۡهِ مِن سُوٓءٖۚ قَالَتِ ٱمۡرَأَتُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡـَٰٔنَ حَصۡحَصَ ٱلۡحَقُّ أَنَا۠ رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفۡسِهِۦ وَإِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٥١﴾.

پادشاه به زنانی که دست‌های‌شان را با کاردها بریده بودند گفت: به من بگویید در چه حال و وضعی قرار داشتید، چرا از یوسف در روز میهمانی قصر کام خواستید؟ آیا او به خواست شما تن در داد، آیا از وی رغبتی در خویشتن یافتید؟ زنان گفتند: پناه بر خدا! سوگند به خدا که ما از وی کمترین شائبه و عیبی ندیده و ندانسته‌ایم و او کاملاً بی‌گناه است. در این هنگام بود که همسر عزیز حق را به صراحت مطرح کرد و گفت: اکنون حق بعد از پنهان ماندن آشکار و راستی و درستی بعد از پیچیده‌گی و ابهام آفتابی شد؛ سوگند به خدا أ که من تلاش کردم تا وی را به فتنه اندازم. این من بودم که به اغوا و انگیزش وی پرداخته و شیفته و شیدایش شده بودم. من بودم که از وی کام خواستم. اما به خدا سوگند که او نپذیرفت و رد کرد. به خدا سوگند که یوسف در هرچه گفته راستگوست و بیگمان او مظلوم است.

﴿ذَٰلِكَ لِيَعۡلَمَ أَنِّي لَمۡ أَخُنۡهُ بِٱلۡغَيۡبِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي كَيۡدَ ٱلۡخَآئِنِينَ ٥٢﴾.

زن عزیز افزود: آنچه من بدان گواهی می‌دهم و بر خویشتن اعتراف می‌نمایم برای آن است تا شوهرم بداند که من با دروغ بستن بر وی، به او خیانت نکرده‌ام و فحشا از جانب من سر نزده است. من اعتراف می‌کنم که از یوسف کام خواستم تا برائت من و برائت یوسف از عمل فحشا آشکار شود. بنا به قولی معنی این است: این اعترافم برای آن است تا یوسف بداند که در غیابش به وی خیانت نکرده و ادعایی دروغین علیه وی مطرح نکرده‌ام و خداوند أ هیچ خائنی را توفیق نمی‌دهد، ادعایش را به کرسی نمی‌نشاند، حجّت را بر وی الهام نکرده و او را به حق راهنمون نمی‌شود. پس خائن از رشد، و کذاب از رستگاری بی‌بهره است.

﴿۞وَمَآ أُبَرِّئُ نَفۡسِيٓۚ إِنَّ ٱلنَّفۡسَ لَأَمَّارَةُۢ بِٱلسُّوٓءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّيٓۚ إِنَّ رَبِّي غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٥٣﴾.

همسر عزیز گفت: من نفس خود را تزکیه و تبرئه نمی‌کنم؛ زیرا نفس همیشه صاحبش را به ارتکاب بدی‌ها و گناهان دستور می‌دهد؛ از آنکه سرکش است مگر کسی که نفس را به مهار تقوی لگام زند. البته این مهار و مهارت و این گوهر طهارت برای کسی حاصل می‌شود که خداوند أ وی را در حفظ و عصمتش قرار داده باشد. خداوند أ بر بندگانش بسیار آمرزگار است هرگاه از وی عفو و آمرزش بخواهند؛ به ایشان مهرورز است و به شتاب مجازات‌شان نمی‌کند بلکه مهلت‌شان داده و به توبه توفیق‌شان می‌بخشد.

﴿وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ ٱئۡتُونِي بِهِۦٓ أَسۡتَخۡلِصۡهُ لِنَفۡسِيۖ فَلَمَّا كَلَّمَهُۥ قَالَ إِنَّكَ ٱلۡيَوۡمَ لَدَيۡنَا مَكِينٌ أَمِينٞ ٥٤﴾.

چون برائت یوسف و تقوی و شرافت اخلاقش بر پادشاه مصر عیان شد، چنین گفت: یوسف را نزد من آورید تا او را خاصۀ خود، از دوستان خود و از نزدیک‌ترین مردم به خویشتن گردانم؛ تا او از من بهره‌مند شود و من از مشوره‌های وی بهره برم. چون یوسف حاضر شد و پادشاه با وی سخن گفته با رجاحت عقل، حسن ادب، عظمت امانتداری، عفت، آبرومندی و وارستگی‌اش آشنا گشت به وی گفت: ای یوسف! تو نزد ما جایگاهی بس بزرگ داشته و بر همه چیز امانت‌داری.

این پادشاهی از پادشاهان بشر است که یوسف ÷ را در قبال فضل و تقوی و صلاحش به بهترین شکل پاداش می‌دهد، پس چگونه خواهد بود پاداش شاه پادشاهان خدای ﻷ که پاکیزه‌منشان راستگو و توبه‌کاران شایسته‌خو را دوست دارد؟!

﴿قَالَ ٱجۡعَلۡنِي عَلَىٰ خَزَآئِنِ ٱلۡأَرۡضِۖ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٞ ٥٥﴾.

یوسف دوستدار آن بود تا پروردگارش را از راه سود رسانی به بندگانش، برپاداشتن عدل در میان‌شان و فرا خواندن‌شان به هدایت، عبودیت کند از این رو به پادشاه مصر گفت: مرا به سرپرستی خزانه‌های این سرزمین بگمار؛ زیرا من بر ودیعتی که من سپرده شود، امانتدار هستم، به حساب و کتاب دانا و در ذخیره‌سازی و مصرف، صاحب بصیرت و بینش می‌باشم.

آیه کریمه بر جواز درخواست مقام و منصب برای کسانی دلالت دارد که در آن‌ها شایستگی وجود دارد، از هوی و هوس عاری‌اند و در عین حال امانتدار، دانا، مدبر و برپا دارندۀ حق مسؤولیت می‌باشند.

﴿وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَتَبَوَّأُ مِنۡهَا حَيۡثُ يَشَآءُۚ نُصِيبُ بِرَحۡمَتِنَا مَن نَّشَآءُۖ وَلَا نُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٥٦﴾.

و همچنان که خداوند أ با بیرون آوردن یوسف از زندان، اعلام برائتش از تهمت، پی‌درپی فرستادن نعمت‌هایی چون دانش، علم تعبیر و امانتداری، بر وی منت گذاشت همچنان برایش در سرزمین مصر اقتدار بخشید تا در هر جایی از آنکه می‌خواهد گشت و گذار کرده و آنگونه که خدا أ به وی امور را می‌نمایاند، حکم کند و خداوند أ به هر کس از بندگانش که بخواهد چنان رحمتی می‌بخشد که بدان راهنمون شود، چنان رعایتی را شامل حالش می‌سازد که وی را نگهبان و حافظ باشد و چنان عنایتی به وی می‌ورزد که پاسبان و حامیش باشد اما به شرط تقوی و خداترسی آن بنده. بیگمان خدای سبحان عمل مخلصان راستگوی درستکار را بی‌اثر نمی‌سازد بلکه به ایشان بزرگ‌ترین پاداش‌ها را همراه با سرانجام نیک، زندگی پاکیزه و گوارا و استواری در هر کار ارزانی می‌دارد.

﴿وَلَأَجۡرُ ٱلۡأٓخِرَةِ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ٥٧﴾.

و البته پاداش الهی در آخرت برای کسانی که ایمان آورده و عمل نیک کرده‌اند، بزرگتر از پاداش دنیاست؛ زیرا پاداش آخرت بهتر و ماندگارتر است. این پاداش برای کسانی محقّق است که ایمان به خدا أ را در وجود خود پایدار ساخته و با انجام اوامر و پرهیز از نواهی به تقوایش پایبند شده‌اند.

﴿وَجَآءَ إِخۡوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَعَرَفَهُمۡ وَهُمۡ لَهُۥ مُنكِرُونَ ٥٨﴾.

از قضا برادران یوسف بعد از آنکه دچار فقر و تنگدستی شدند و خشک‌سالی و قحطی دامنگیرشان شد از فلسطین به مصر آمدند؛ آمدند تا از خزانۀ مصر در خواست آذوقه کنند. پس چون بر یوسف وارد شدند، او آنان را شناخت ولی آن‌ها وی را نشناختند از آنکه زمانی طولانی گذشته بود، حالش دگرگون و چهره‌اش نسبت به آن زمان متفاوت گردیده بود. البته این شناخت، دلیل کمال ذکاوت و هوشمندی یوسف ÷ است؛ زیرا با آنکه حال، چهره و وضع ایشان نیز تغییر کرده بود اما او با ذکاوت و هوشمندی برتری که داشت ایشان را شناخت.

﴿وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمۡ قَالَ ٱئۡتُونِي بِأَخٖ لَّكُم مِّنۡ أَبِيكُمۡۚ أَلَا تَرَوۡنَ أَنِّيٓ أُوفِي ٱلۡكَيۡلَ وَأَنَا۠ خَيۡرُ ٱلۡمُنزِلِينَ ٥٩﴾.

چون یوسف از ایشان به خوبی میزبانی و پذیرایی نمود و نیز ایشان را به خوار و بارشان به طور کامل مجهز کرد و بسان انسان‌های بزرگوار و با فضیلت افزون بر آنچه انتظارش را داشتند به ایشان بخشید، از ایشان خواست که در سفر بعدی برادر پدری خود را – که برادر پدری و مادری وی بود – نیز با خود بیاورند. البته آن‌ها خود در جریان گفتگو به وی خبر داده بودند که برادر پدریی نیز دارند که او را در سرزمین خویش جا گذاشته‌اند. آنگاه یوسف احسان و نیکی خود به ایشان را در مورد تمام دادن پیمانه و گرامیداشت‌شان یادآور شد و افزود: به خوبی دانستید که من بهترین میزبانانم که از میهمان به درستی پذیرایی نموده و از آن گذشته به هیأت‌ها و نمایندگان، تحفه و إکرامیه نیز می‌دهم. بنابراین حق دارم که خواسته‌ام را در مورد آوردن برادرتان بر آورده سازید.

﴿فَإِن لَّمۡ تَأۡتُونِي بِهِۦ فَلَا كَيۡلَ لَكُمۡ عِندِي وَلَا تَقۡرَبُونِ ٦٠﴾.

یوسف به برادرانش گفت: اما اگر برادر پدری‌تان را نزدم نیاورید بعد از آن دیگر برای شما خواروباری پیمانه نخواهم کرد و میهمانیی نیز نزدم نخواهید داشت؛ پس نه به قصرم نزدیک شوید و نه به خانه‌ام در آیید.

﴿قَالُواْ سَنُرَٰوِدُ عَنۡهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَٰعِلُونَ ٦١﴾.

برادرانش گفتند: تمام تلاش و توان خود را به کار خواهیم بست تا پدرش را در فرستادنش با ما قناعت دهیم.

﴿وَقَالَ لِفِتۡيَٰنِهِ ٱجۡعَلُواْ بِضَٰعَتَهُمۡ فِي رِحَالِهِمۡ لَعَلَّهُمۡ يَعۡرِفُونَهَآ إِذَا ٱنقَلَبُوٓاْ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمۡ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٦٢﴾.

یوسف به غلامان خود دستور داد که: پنهانی بهای آنچه را برادرانش گرفته‌اند در درون کالای‌شان بگذارند، شاید بعد از آنکه ببینند بها همراه با کالا به ایشان بر گردانیده شده است، به کرم و بزرگواری یوسف پی‌برده و به طمع افزایش این کرم دوباره نزد وی برگردند و همچنان بر آوردن برادر نیز اشتیاق بیشتر پیدا کنند؛ زیرا احسان مقیّد سازندۀ انسان است.

﴿فَلَمَّا رَجَعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَبِيهِمۡ قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مُنِعَ مِنَّا ٱلۡكَيۡلُ فَأَرۡسِلۡ مَعَنَآ أَخَانَا نَكۡتَلۡ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ٦٣﴾.

پس چون برادران یوسف به نزد پدر بازگشته و گرامیداشت عزیز مصر، حسن خلق و شمایل خجسته‌اش را به وی باز گفتند و بیان کردند که او هرگز بار دیگر ایشان را إکرام نخواهد کرد و هرگز برای‌شان آذوقه‌ای نخواهد فروخت، مگر آنکه برادر پدری‌شان را نیز با خود نزدش ببریند، از وی در خواست کردند که برادر دیگرشان را نیز به منظور دیدار با عزیز مصر همراه‌شان به آنجا بفرستد تا این بار نیز آذوقۀ کافی بیاورند و افزودند: با تو عهد می‌بندیم که برادر خویش را نگهبان بوده و از وی به خوبی مراقبت کنیم.

﴿قَالَ هَلۡ ءَامَنُكُمۡ عَلَيۡهِ إِلَّا كَمَآ أَمِنتُكُمۡ عَلَىٰٓ أَخِيهِ مِن قَبۡلُ فَٱللَّهُ خَيۡرٌ حَٰفِظٗاۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ٦٤﴾.

پدرشان به ایشان گفت: چگونه شما را بر «بنیامین» امین گردانم در حالی که شما پیش از آن در مورد یوسف که شما را بر وی نیز امین قرار داده بودم به من خیانت کردید؟ پس هرگز به وعدۀ شما اعتماد نکرده و سخن شما را تصدیق نمی‌نمایم؛ هرگز به نگهبانی شما تکیه نکرده بلکه به حفظ و نگهداشت الله أ متکی می‌شوم که بهترین نگهبانان است. چنان‌که او به رحمتش یوسف را حفظ کرده و وی را به من برمی‌گرداند، از رحمت ارحم الراحمین است که به عاصی – چنان‌چه توبه‌کار شود – پاداش می‌دهد و چون از راه عصیان باز گردد بدی‌هایش را به حسنات تبدیل می‌کند.

﴿وَلَمَّا فَتَحُواْ مَتَٰعَهُمۡ وَجَدُواْ بِضَٰعَتَهُمۡ رُدَّتۡ إِلَيۡهِمۡۖ قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مَا نَبۡغِيۖ هَٰذِهِۦ بِضَٰعَتُنَا رُدَّتۡ إِلَيۡنَاۖ وَنَمِيرُ أَهۡلَنَا وَنَحۡفَظُ أَخَانَا وَنَزۡدَادُ كَيۡلَ بَعِيرٖۖ ذَٰلِكَ كَيۡلٞ يَسِيرٞ ٦٥﴾.

هنگامی که بارهای آذوقه خود را گشودند، با شگفتی دیدند که سرمایۀ کالای خریداری شده که آن را پرداخته بودند به آنان باز گردانیده شده است!! گفتند: ای پدر! از این بیشتر دیگر چه می‌خواهیم؟ و بالاتر از این کرم و بزرگواری دیگر چه انتظاری داریم؟ اینک این کالا و این هم سرمایۀ همراه آن را عزیز مصر به ما برگردانیده است. پس به وعدۀ ما اعتماد کن و فرزندت را با ما بفرست تا قُوت خانوادۀمان را فراهم نماییم، برادرمان بنیامین را نگه‌بان باشیم و به علاوه با بردن برادر، عزیز مصر یک بار شتر بیشتر برای ما می‌افزاید؛ زیرا عزیز مصر – یوسف ÷ – در خشکسالی به هر فرد فقط یک بار شتر می‌دهد نه بیش از آن البته این بار اضافی نزد عزیز مصر ناچیز است و از آن دریغ خواهد کرد.

﴿قَالَ لَنۡ أُرۡسِلَهُۥ مَعَكُمۡ حَتَّىٰ تُؤۡتُونِ مَوۡثِقٗا مِّنَ ٱللَّهِ لَتَأۡتُنَّنِي بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يُحَاطَ بِكُمۡۖ فَلَمَّآ ءَاتَوۡهُ مَوۡثِقَهُمۡ قَالَ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٞ ٦٦﴾.

یعقوب به ایشان گفت: هرگز او را نخواهم گذاشت با شما برود تا برایم به خدای بزرگ سوگند بخورید که همانگونه که وی را با خود گرفته‌اید به من بازش گردانید مگر اینکه همۀ شما مغلوب و هلاک شوید که آن وقت معذور خواهید بود. پس چون برایش سوگند خورده و پیمان‌های غلیظ به وی سپردند، گفت: خداوند أ بر آنچه گفتیم گواه است، بر او توکل کرده، کارمان را بدو سپردیم و او ما را بس است و نیک کارسازی است.

﴿وَقَالَ يَٰبَنِيَّ لَا تَدۡخُلُواْ مِنۢ بَابٖ وَٰحِدٖ وَٱدۡخُلُواْ مِنۡ أَبۡوَٰبٖ مُّتَفَرِّقَةٖۖ وَمَآ أُغۡنِي عَنكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٍۖ إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَعَلَيۡهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ ٦٧﴾.

یعقوب که به خاطر کثرت تعداد و شکل و هیأت برازندۀ فرزندانش از چشم زخم بدی‌شان می‌ترسید، به عنوان سفارش به فرزندان خود گفت: ای فرزندان من! چون به مصر، یا به سرای عزیز مصر وارد می‌شدید پس همه از یک دروازه وارد نشوید بلکه بر دروازه‌های مختلف پراکنده شوید. البته این فقط سفارشی از من به شماست اما برنامه‌ریز و سرنوشت‌ساز همانا خداوند یگانه است، هیچ برگرداننده‌ای برای قضای وی نیست ولی ما وظیفه داریم اسباب را به کار گرفته اما بر مسبّب الاسباب توکل کنیم، بنابراین توکل ما فقط بر اوست؛ هر مؤمن فقط بر او تکیه کرده و هر موحّدی تنها به او اعتماد می‌کند و بس!

﴿وَلَمَّا دَخَلُواْ مِنۡ حَيۡثُ أَمَرَهُمۡ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغۡنِي عَنۡهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٍ إِلَّا حَاجَةٗ فِي نَفۡسِ يَعۡقُوبَ قَضَىٰهَاۚ وَإِنَّهُۥ لَذُو عِلۡمٖ لِّمَا عَلَّمۡنَٰهُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٦٨﴾.

و چون همانگونه که یعقوب سفارش کرده بود فرزندانش از دروازه‌های مختلف وارد مصر یا سرای عزیز مصر شدند، چنان نبود که یعقوب با این توصیه چیزی از قضای حتمی خداوند أ را از آنان دفع کند بلکه از آنجا که در اندرون یعقوب از رسیدن چشم زخم برای‌شان بیم و نگرانیی وجود داشت پس خواست تا آن نیازی را که در دلش خلجان می‌زد بر آورده سازد. بیگمان یعقوب از دانشی نافع، بصیرتی نافذ و فهم و خردی بزرگ – از آنچه حق‌تعالی به وی وحی کرده بود – برخوردار بود ولی بیشتر مردم؛ فرجام امور، رازهای اشیاء و مقاصد احکام را نمی‌دانند بلکه این یعقوب ÷ و امثال وی اند که بر این امور آگاهی دارند.

﴿وَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰٓ إِلَيۡهِ أَخَاهُۖ قَالَ إِنِّيٓ أَنَا۠ أَخُوكَ فَلَا تَبۡتَئِسۡ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٦٩﴾.

و آنگاه که فرزندان یعقوب – برادران یوسف – نزدش وارد شدند، او برادرش بنیامین را نزد خود جای داد و فقط وی را به این گزینش اختصاص داده پنهانی به وی گفت: من برادر پدری و مادری تو هستم، پس از آنچه برادران با من کردند نه ترسی داشته باش، نه محزون و غمگین باش؛ زیرا خداوند أ با ماست و سرانجام کارها به خیر و خوبی و بسیار فرخنده خواهد بود لیکن راز میان من و خود را پنهان دار به زودی خدای ﻷ به ما لطف کرده و ما را مورد حمایت خاصّۀ خویش قرار خواهد داد.

﴿فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمۡ جَعَلَ ٱلسِّقَايَةَ فِي رَحۡلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا ٱلۡعِيرُ إِنَّكُمۡ لَسَٰرِقُونَ ٧٠﴾.

پس هنگامی که یوسف آنان را به خواروبارشان مجهز کرد تا نزد پدر برگردند به کار گرانش دستور داد تا ظرف آبخوری‌اش را به گونه‌ای که کسی پی‌نبرد در درون بار برادرش «بنیامین» بگذارند!! سپس وقتی آهنگ باز گشت کردند، نداکننده‌ای بانگ در داد که: ای کاروانیان! به یقین شما دزد هستید. یعنی: بایستید تا حقیقت ماجرا روشن شود.

﴿قَالُواْ وَأَقۡبَلُواْ عَلَيۡهِم مَّاذَا تَفۡقِدُونَ ٧١﴾.

فرزندان یعقوب در حالی که به جای نداکننده باز گشتند گفتند: چه گم کرده‌اید که ما را به دزدی آن متهم می‌کنید؟

﴿قَالُواْ نَفۡقِدُ صُوَاعَ ٱلۡمَلِكِ وَلِمَن جَآءَ بِهِۦ حِمۡلُ بَعِيرٖ وَأَنَا۠ بِهِۦ زَعِيمٞ ٧٢﴾.

منادیی که از سوی عزیز مصر (یوسف) گماشته شده بود، گفت: ما جام شاه را گم کرده‌ایم و هر کس آن را بیاورد جایزه‌اش یک بار شتر از خواروبار خواهد بود و من این جایزه را که به عنوان پاداش راهنمایی وی بر جای وجود جام پادشاه تعیین شده است، ضامنم.

﴿قَالُواْ تَٱللَّهِ لَقَدۡ عَلِمۡتُم مَّا جِئۡنَا لِنُفۡسِدَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا كُنَّا سَٰرِقِينَ ٧٣﴾.

برادران یوسف گفتند: سوگند به خدا که شما از مشاهدۀ وضع و بررسی احوال ما در خلال این ایام به علم یقین دانسته‌اید که ما به منظور فساد کاری همچون دزدی و مانند آن بر سرزمین شما نیامده‌ایم و دزدی اساساً از اخلاق و منش ما نیست؛ زیرا ما از خاندان دیانت، امانت و صیانت هستیم.

﴿قَالُواْ فَمَا جَزَٰٓؤُهُۥٓ إِن كُنتُمۡ كَٰذِبِينَ ٧٤﴾.

کار گزاران یوسف به فرزندان یعقوب گفتند: اما اگر دروغتان آشکار گشت و روشن شد که شما دزد هستید، در آن صورت مجازات دزد نزد شما چیست؟ چنین کردند تا بدین ترتیب حکم قضیه بر زبان خودشان اظهار و حجّت بر آن‌ها الزام آورتر گردد.

﴿قَالُواْ جَزَٰٓؤُهُۥ مَن وُجِدَ فِي رَحۡلِهِۦ فَهُوَ جَزَٰٓؤُهُۥۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلظَّٰلِمِينَ ٧٥﴾.

برادران یوسف گفتند: کیفر دزد نزد ما این است که هر کس مال دزدی در میان کالایش پیدا شد باید همراه با آن مال به صاحب مال تسلیم داده شود تا پیش وی بردگی کند. بناءً او در برابر مال دزدی به برده‌گی گرفته می‌شود. این است مجازات کسی که بر خود و دیگران ستم کرده و به عمل دزدی دست آلاید.

﴿فَبَدَأَ بِأَوۡعِيَتِهِمۡ قَبۡلَ وِعَآءِ أَخِيهِ ثُمَّ ٱسۡتَخۡرَجَهَا مِن وِعَآءِ أَخِيهِۚ كَذَٰلِكَ كِدۡنَا لِيُوسُفَۖ مَا كَانَ لِيَأۡخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ ٱلۡمَلِكِ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ نَرۡفَعُ دَرَجَٰتٖ مَّن نَّشَآءُۗ وَفَوۡقَ كُلِّ ذِي عِلۡمٍ عَلِيمٞ ٧٦﴾.

مأموران، برادران یوسف را نزدش برگرداندند و او خود به بازرسی کالای‌شان پرداخت اما از حسن تدبیر، هوشمندی و درایت گرایی که حق‌تعالی به وی عنایت کرده بود، پیش از بازرسی بار برادرش «بنیامین»، از بار دیگران آغاز کرد تا این اتهام را که برای رفتن وی نقشۀ قبلی طاعی نموده است از خود دفع کرده و حجّت را بر آنان اثبات کند. سرانجام چون به بار برادرش رسید، ظرف را از میان آن بیرون آورد. آری! این تدبیر استوار، تسهیل و آموزش از سوی خدای متعال به یوسف بود تا با این شگرد به مرام گرفتن برادرش دست یابد؛ زیرا براساس قوانین حاکم بر پادشاهی مصر، او نمی‌توانست با ارتکاب آن جزم برادرش را تحت قبضۀ خویش در آورد چرا که جزای دزد در قوانین‌شان، تملک وی در ازای مال دزدی نبود. لیکن حق‌تعالی برای انجام این مأمول، اسبابش را نیز آماده ساخت و به آنان راه نمود تا در این مورد شریعت برادران یوسف را داور قرار دهند نه قوانین حاکم بر مصر را تا حکم مورد نظر بر زبان خود برادرانش جاری شده و دیگر در این مورد برای جدال و مناقشه محملی باقی نماند. اینگونه است که حق‌تعالی جایگاه هر کس از خلقش را که بخواهد بلند می‌برد آنگونه که جایگاه یوسف را بر برادرانش رفعت داد. بی‌تردید برتر از هر صاحب دانشی، دانشمندتری وجود دارد تا سرانجام، گسترۀ علم با همۀ مطلقیت خود به خدای متعال می‌انجامد؛ زیرا علم وی کامل و مطلق است، او دانای آشکار و نهان و آگاه به رازها و پنهان‌تر از رازهاست، بناءً هر دانشمندی باید متواضع باشد؛ زیرا برتر از وی هم دانشورانی وجود دارند که در علم از او بیش اند.

﴿۞قَالُوٓاْ إِن يَسۡرِقۡ فَقَدۡ سَرَقَ أَخٞ لَّهُۥ مِن قَبۡلُۚ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفۡسِهِۦ وَلَمۡ يُبۡدِهَا لَهُمۡۚ قَالَ أَنتُمۡ شَرّٞ مَّكَانٗاۖ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ٧٧﴾.

برادران یوسف گفتند: اگر این برادر ما دزدی کرده، قبل از وی برادر عینی دیگرش – یعنی یوسف ÷ نیز دزدی کرده است؛ که این دروغی محض و اتهامی بی‌اساس نسبت به یوسف بود. اما یوسف این سخن را در دل پنهان داشت و آن را به رو نیاورد، لیک با خود گفت: شما از کسی که متهمش کردید موقعیت بدتری دارید؛ زیرا شما پدر را نافرمان، برادر را ضایع و خالق متعال را عصیان کردید و خداوند به دروغ، بهتان و نیرنگی که وصف می‌کنید داناتر است؛ هیچ امر پنهانی بر وی نهان باقی نمی‌ماند.

﴿قَالُواْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡعَزِيزُ إِنَّ لَهُۥٓ أَبٗا شَيۡخٗا كَبِيرٗا فَخُذۡ أَحَدَنَا مَكَانَهُۥٓۖ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٧٨﴾.

برادران با شکستگی و تضرع گفتند: ای عزیز! این برادر ما بنیامین که تو گرفته‌ای، پدری پیر و سالخورده دارد که به وی بسیار خاطر خواه و دل آویز است و تاب جدایی از وی را ندارد، پس یکی از ما را به جایش بگیر تا جایگزین وی در تحمل مجازات سرقت باشد. به راستی که ما تو را از نیکوترین مردم در اخلاق و رفتار می‌بینیم چنان‌که به ما نیکی کرده و به خوبی پذیرایی‌مان نمودی.

﴿قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِ أَن نَّأۡخُذَ إِلَّا مَن وَجَدۡنَا مَتَٰعَنَا عِندَهُۥٓ إِنَّآ إِذٗا لَّظَٰلِمُونَ ٧٩﴾.

یوسف گفت: پناه بر خدا أ که من به کسی ستم کنم و وی را بی‌گناه بگیرم؛ بنابراین جز کسی را که جامم را دزدی کرده است هرگز نخواهم گرفت؛ این همان مقتضای عدل و انصاف و مبتنی بر داوری خودتان است و نیز مبتنی بر این قاعده است که: هیچ کسی بار دیگری را برنمی‌دارد.

﴿فَلَمَّا ٱسۡتَيۡ‍َٔسُواْ مِنۡهُ خَلَصُواْ نَجِيّٗاۖ قَالَ كَبِيرُهُمۡ أَلَمۡ تَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ أَبَاكُمۡ قَدۡ أَخَذَ عَلَيۡكُم مَّوۡثِقٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَمِن قَبۡلُ مَا فَرَّطتُمۡ فِي يُوسُفَۖ فَلَنۡ أَبۡرَحَ ٱلۡأَرۡضَ حَتَّىٰ يَأۡذَنَ لِيٓ أَبِيٓ أَوۡ يَحۡكُمَ ٱللَّهُ لِيۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ٨٠﴾.

چون فرزندان یعقوب از پاسخ مثبت یوسف به درخواست خویش نومید شدند، از مردم کنار کشیده و در میان خود به مشوره پرداختند. پس بزرگسال ترین‌شان گفت: آیا به یاد نمی‌آورید که پدرمان یعقوب سوگندمان داد و از ما پیمان‌هایی استوار گرفت که بنیامین را باز گردانیم مگر اینکه همگی مغلوب و نابود شویم؟ و شما می‌دانید که قبل از این با یوسف چه خیانتی کرده‌ایم! پس اکنون بر پدر مصیبتی بر مصیبت دیگر جمع آمد است بنابراین من هرگز سرزمین مصر را ترک نخواهم کرد تا آنکه از سوی پدر اجازه‌ای به خروج از آن و بازگشت به خانه دریافت کنم یا که خدای ﻷ با اذن پدر، یا با بازگرداندن برادر و یا با پایان دادن به اجلم آنچه می‌خواهد برایم برگزیند. بیگمان خداوند أ بهترین داور در قضایا، برترین دادگر در هر کار و فیصله‌بخش هر اختلاف است.

﴿ٱرۡجِعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَبِيكُمۡ فَقُولُواْ يَٰٓأَبَانَآ إِنَّ ٱبۡنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدۡنَآ إِلَّا بِمَا عَلِمۡنَا وَمَا كُنَّا لِلۡغَيۡبِ حَٰفِظِينَ ٨١﴾.

به سوی پدر بازگردید و او را از ماجرا آگاه ساخته حقیقت آنچه را اتفاق افتاد برایش روشن سازید؛ بگویید که پسرت بنیامین جام پادشاه را دزدید و ما گواه این امریم؛ زیرا با چشم‌های خود جام را در میان بارش دیده‌ایم. ای پدر عزیز! روزی که ما تعهد کردیم وی را به تو برمی‌گردانیم دانای غیب نبوده‌ایم که بفهمیم او دزدی خواهد کرد، پس اکنون کار از دست ما خارج شده و بالاتر از توان ماست؛ گناه، گناه برادر ما بنیامین است نه گناه ما.

﴿وَسۡ‍َٔلِ ٱلۡقَرۡيَةَ ٱلَّتِي كُنَّا فِيهَا وَٱلۡعِيرَ ٱلَّتِيٓ أَقۡبَلۡنَا فِيهَاۖ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ٨٢﴾.

ای پدر! و اگر با این حال بازهم ما از نظرت متهم هستیم پس از مردم مصر و کسانی که در کاروان با ما همراه بوده‌اند بپرس؛ از همانان که شاهد داستان بوده‌اند، و به خدا أ سوگند که در آنچه گفتیم، راستگوییم.

مؤلف می‌گوید: ولی کسی که به دروغگویی سابقه دارد، هرچند راست هم بگوید مورد تصدیق قرار نمی‌گیرد!!

﴿قَالَ بَلۡ سَوَّلَتۡ لَكُمۡ أَنفُسُكُمۡ أَمۡرٗاۖ فَصَبۡرٞ جَمِيلٌۖ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَأۡتِيَنِي بِهِمۡ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ ٨٣﴾.

چون نزد یعقوب بازگشتند و وی را از ماجرا آگاه کردند، گفت: قضیه چنان‌که می‌گویید نیست!! بلکه نفس‌های اماره باالسوء شما برای شما نیرنگ دیگری را آراسته است که آن را سازمان داده‌اید؛ زیرا شما اهل توطئه و نیرنگ هستید، آنسان که قبلاً علیه یوسف توطئه چیدید. پس اکنون من جز صبری جمیل که در آن هیچ بی‌قراری و شکوایی جز به آستان الله أ نیست دیگر چاره‌ای ندارم؛ امید که الله أ – همو که رحمان و رحیم است – بر ضعف و پیری‌ام رحم کند و فرزندان سه گانه‌ام: یوسف، برادرش بنیامین و برادر بزرگترشان را که به خاطر برادرش باقی مانده است به من برگرداند، همانا پروردگارم به حال و درخواستم داناست، او در فیصله‌اش متهم نیست و در حکم و کارگردانی و تدبیر امور بندگانش ستم نمی‌کند.

آیۀ کریمه دلالت بر آن دارد که: به هر اندازه مصیبت سخت گردد گشایش نزدیک‌تر می‌شود و هرگاه شب محنت طولانی شود، بارقه‌های صبح در افق نمایان می‌گردد، بناءً نسبت به ظهور فَرَج و گشایش از هر زمان دیگر نگاه بیشتر مطمئن باش که از آن نا امیدتری.

﴿وَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰٓأَسَفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَٱبۡيَضَّتۡ عَيۡنَاهُ مِنَ ٱلۡحُزۡنِ فَهُوَ كَظِيمٞ ٨٤﴾.

یعقوب از فرزندانش روی گردانیده غم و غصه، حسرت و افسوس و گریه‌اش فزونی گرفت و گفت: ای دریغ بر یوسف! چندان که چشمانش از بسیاری گریه و شدّت حزن و بیدار خوابی سپید شد و سیاهی آن‌ها از میان رفت اما او این اندوه سنگین را در مقام صبر بر حکم خداوند أ و از روی جرأت‌نمایی رویاروی طعنه‌جویان، پنهان نگه می‌داشت. بنگر که چسان جوانه‌های خاطره و جرقه‌های اشتیاق یعقوب تنها به یوسف معطوف شد؛ آری! با از دست رفتن بنیامین، زخم کهنۀ وی در مورد یوسف سر باز کرد و دیگ اشتیاقش یک بار دیگر به جوش آمد.

﴿قَالُواْ تَٱللَّهِ تَفۡتَؤُاْ تَذۡكُرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوۡ تَكُونَ مِنَ ٱلۡهَٰلِكِينَ ٨٥﴾.

پسران یعقوب گفتند: به خدا سوگند که پیوسته یوسف را یاد می‌کنی، اندوهش را باز می‌خوانی و از نو آغاز می‌کنی و همزمان اندوهت بر وی چنان بالا می‌گیرد و می‌گیرد تا در آستانۀ هلاکت قرار گیری یا عملاً هلاک شوی. پس ای پدر! صبر و شکیبایی پیشه کن؛ زیرا آنچه گذشت، از دست رفت و آنچه فوت شد، در حکم موت است.

﴿قَالَ إِنَّمَآ أَشۡكُواْ بَثِّي وَحُزۡنِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَأَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٨٦﴾.

یعقوب در پاسخ پسرانش گفت: من شکایتم را جز به سوی پروردگارم نمی‌برم، و از غم و اندوهم جز خدای یگانه‌ام را مخاطب قرار نمی‌دهم؛ زیرا فقط او بر طرف کنندۀ آسیب و بلاست؛ همو که پس از درد و رنج، آسانی و شادی و پس از شدّت، راحت می‌آورد و بدانید که من از نزدیکی رحمت، فَرَج، لطف، آسانی و عنایت خداوند أ چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید؛ از آن‌رو که به پروردگارم سخت اعتماد و اطمینان داشته، از جلال و کمال و کرم و حسن عطایش شناخت کامل دارم.

﴿يَٰبَنِيَّ ٱذۡهَبُواْ فَتَحَسَّسُواْ مِن يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَاْيۡ‍َٔسُواْ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ لَا يَاْيۡ‍َٔسُ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨٧﴾.

سپس پسرانش را مخاطب ساخت و گفت: ای پسران من! به مصر بازگردید و اخبار یوسف و برادرش را جستجو کنید و از رحمت الله أ قطع امید ننمایید؛ زیرا فقط کسانی از رحمت الله أ قطع امید می‌کنند که منکر قدرتش بوده و به وی کفر ورزند.

بنابراین بر انسان لازم است تا به پروردگارش گمان نیک داشته باشد بلکه بر وی است تا هرگاه رنج و بلا شدّت یافت، به رحمتش و نزدیکی گشایش و فَرَجش امید بیشتر داشته باشد.

﴿فَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَيۡهِ قَالُواْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهۡلَنَا ٱلضُّرُّ وَجِئۡنَا بِبِضَٰعَةٖ مُّزۡجَىٰةٖ فَأَوۡفِ لَنَا ٱلۡكَيۡلَ وَتَصَدَّقۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّ ٱللَّهَ يَجۡزِي ٱلۡمُتَصَدِّقِينَ ٨٨﴾.

پسران یعقوب به مصر بازگشته و نزد یوسف آمدند و گفتند: ای عزیز! به ما و خانوادۀ ما قحطی و خشک‌سالی رسیده و باران از ما قطع شده است به طوری که نه کشت و کاری است و نه شیری؛ مایه‌ها خشکیده و دشت‌ها تفتیده، با این حال ما به هر زحمتی بود با خود سرمایۀ ناچیز و ناقابلی نیز آورده‌ایم اما تو بنابر عادتی که داری در پیمانه بیفزای و به ما بدون بها خوارو بار ببخش؛ زیرا خداوند أ کسانی را که بر خلقش تفضل کرده و به بندگان محتاجش یاری رسانند، پاداش مزید عنایت می‌فرماید.

از این آیه حقیقت حال انبیا در فقر و تنگ دستی برمی‌آید؛ بنگر که این فرزندان یعقوب پیامبر ÷ اند و این هم حال زارشان در نیازمندی و تنگدستی و فقر. البته این از خواری و بی‌مقداری دنیا پیش خدا أ است؛ چرا که آن را به دشمنانش می‌دهد و از دوستانش بازمی‌دارد.

﴿قَالَ هَلۡ عَلِمۡتُم مَّا فَعَلۡتُم بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذۡ أَنتُمۡ جَٰهِلُونَ ٨٩﴾.

چون یوسف سخن برادرانش را شنید، دلش به حال ایشان سوخت و آتش فراق پدر و خانواده در درونش زبانه کشید و بیش از آن نتوانست به پنهان کاری ادامه دهد لذا به ایشان گفت: آیا به یاد می‌آورید که وقتی نادان بودید، با یوسف و برادرش چه کردید؟ ملاحظه می‌کنیم که وی از روی کرم قبل از سرزنش ایشان، عذر جهل و نادانی را برای‌شان به میان می‌افکند؛ زیرا او بزرگوار و کریم است و کریم جویای عذرها و بهانه‌ها گردیده، لغزش‌ها را می‌پوشاند و عیوب را مرمّت می‌کند.

﴿قَالُوٓاْ أَءِنَّكَ لَأَنتَ يُوسُفُۖ قَالَ أَنَا۠ يُوسُفُ وَهَٰذَآ أَخِيۖ قَدۡ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَآۖ إِنَّهُۥ مَن يَتَّقِ وَيَصۡبِرۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٩٠﴾.

برادران یوسف به وی گفتند: آیا تو خود یوسف هستی؟ چرا که هنوز مُرَدّد بودند و متیقن نشده بودند؛ از آن‌رو که آنچه با یوسف کرده بودند جز خدا أ و سپس خود یوسف، هیچ‌کس دیگر از آن آگاهی نداشت. یوسف گفت: آری! من خود یوسفم و این برادر من است؛ به راستی که خداوند أ پاداش نیکوکاران را در دنیا و آخرت هم، فوز و رستگاری و نعمت‌های ماندگار ارزانی‌اش می‌دارد.

﴿قَالُواْ تَٱللَّهِ لَقَدۡ ءَاثَرَكَ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا وَإِن كُنَّا لَخَٰطِ‍ِٔينَ ٩١﴾.

گفتند: به خدا سوگند حقیقتاً خداوند أ تو را با علم و حلم و فهم و خرد بر ما برتری داده است. بی‌شک که تو در امور دنیا صاحب مُلک و مجد و جاه و جلال هستی و در امور آخرت نیز ره توشه‌ای به عظمت صدق و تقوی و خصلت‌های نیک با خودداری حال آنکه ما با آزاری جانسوز که به تو و برادرت رساندیم؛ و با نافرمانی پدر، قطع رحم و عصیان پروردگار سبحان، یقیناً خطاکار بوده‌ایم.

﴿قَالَ لَا تَثۡرِيبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡيَوۡمَۖ يَغۡفِرُ ٱللَّهُ لَكُمۡۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ٩٢﴾.

یوسف با منطق یک انسان بزرگوار و بردبار به ایشان گفت: بر شما سرزنشی نیست؛ امروز خداوند أ آنچه را کردید بر شما می‌آمرزد و از شما در ارتکاب آن همه اعمالی که خود بهتر می‌دانید درمی‌گذرد؛ زیرا او بر توبه‌کاران مهربان‌ترین مهربانان است؛ بدی‌های‌شان را نابود کرده و خوبی‌های‌شان را بزرگ می‌سازد.

بدینسان بود که یوسف خود از حق خویش در گذشت و از خدای ﻷ نیز خواست تا گناه‌شان را بر ایشان بیامرزد. به به! چه بردباری و گذشت و چه کرم و سخاوتی که گوی سبقت از همه بردباران ربوده است!! به راستی که یوسف در عفو و گذشت پیشوای آیندگان است. آری؛ با چنین اخلاقی است که بنده نزد پروردگارش رفعت یافته، در دنیا به مجد و سیادت و در آخرت به فوز و فلاح نایل می‌گردد.

﴿ٱذۡهَبُواْ بِقَمِيصِي هَٰذَا فَأَلۡقُوهُ عَلَىٰ وَجۡهِ أَبِي يَأۡتِ بَصِيرٗا وَأۡتُونِي بِأَهۡلِكُمۡ أَجۡمَعِينَ ٩٣﴾.

یوسف آگاهی یافت که بینایی پدرش یعقوب از اثر گریه و اندوه بسیار از بین رفته است از این رو به برادرانش گفت: نزد پدرم باز گردید و این پیراهنی را که من می‌پوشم ببرید و آن را بر چهرۀ پدر بیندازید؛ او به اذن الله أ مجدداً بینایی‌اش را باز خواهد یافت، آنگاه همگی‌تان با تمام اعضای خانواده به مصر بیایید تا پراکندگی‌ها جمع گردد، خانودۀ ما همای سعادت را به آغوش کشد و همگی به رحمت خدای ﻷ دل‌شاد و مسرور گردند.

﴿وَلَمَّا فَصَلَتِ ٱلۡعِيرُ قَالَ أَبُوهُمۡ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَۖ لَوۡلَآ أَن تُفَنِّدُونِ ٩٤﴾.

چون کاروان با پیراهن یوسف از مصر آهنگ بازگشت کرد و رهسپار کنعان شد یعقوب به خانواده‌اش گفت: حقیقتاً من بوی یوسف را می‌یابم؛ اگر مرا به مسخره نگیرید و به کم خردی نسبت ندهید. یعقوب آنچه را در نهادش می‌یافت به آن‌ها یاد کرد اما در عین حال این دریافت را با احتیاط مطرح نمود تا مورد تمسخر واقع نشود. و هرچند این دریافت، معجزه‌ای پیامبرانه برای یعقوب بود اما هرگاه اذهان بشر به علت کوته بینی و سبک انگاری، عظمت یک خبر را برنتابد، کنایه گویی امری نیکو است.

﴿قَالُواْ تَٱللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَٰلِكَ ٱلۡقَدِيمِ ٩٥﴾.

خانوادۀ یعقوب به وی گفتند: به خدا سوگند که تو هنوز در شیدایی هوای یوسف، بر خطای دیرین خود قرار داری و به آن ادامه می‌دهی در حالی که یوسف دیگر مقوله‌ای است که به کوی گمنامی خفته؛ نه از وی هیچ خبر و اثری است و نه کمترین نشانه و آوازه‌ای.

﴿فَلَمَّآ أَن جَآءَ ٱلۡبَشِيرُ أَلۡقَىٰهُ عَلَىٰ وَجۡهِهِۦ فَٱرۡتَدَّ بَصِيرٗاۖ قَالَ أَلَمۡ أَقُل لَّكُمۡ إِنِّيٓ أَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٩٦﴾.

پس چون مژده رسان نزد یعقوب آمد، پیراهن یوسف را بر چهرۀ وی انداخت و به اذن خدای متعال بینایی‌اش که از اثر گریه و اندوه بسیار، از بین رفته بود مجدداً برگشت. این‌چنین بود که دیده از نور، دل از سرور و خانه از عطر حضور پُر شد. یعقوب به حاضران گفت: آیا به شما نگفته بودم که من از جانب خداوند أ چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید؟ بی‌گمان این از فضل و رحمت پروردگار من است.

﴿قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا ٱسۡتَغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَآ إِنَّا كُنَّا خَٰطِ‍ِٔينَ ٩٧﴾.

فرزندان یعقوب گفتند: ای پدر! از پروردگار متعال بخواه که گناهان ما را بیامرزد، عیوب ما را بپوشاند و ما را بر آنچه کرده‌ایم مورد بازپرس قرار ندهد؛ زیرا ما به گناه خویش معترف و به آنچه با یوسف کردیم، مُقرّیم.

﴿قَالَ سَوۡفَ أَسۡتَغۡفِرُ لَكُمۡ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٩٨﴾.

یعقوب به فرزندانش گفت: به زودی از پروردگارم خواهم خواست که گناهان‌تان را بیامرزد و از بدی‌های‌تان در گذرد؛ زیرا او بر کسانی که گناه – ولو بسیار – کرده‌اند آمرزگار است؛ بر باز آمدگان، به رحمت باز می‌گردد و پردۀ عفوش را بر تائبان می‌پوشاند.

این آیه بر درخواست دعا از شخص صالح حاضر و جستجوی اوقات اجابت دلالت دارد؛ زیرا یعقوب در همان حال خواهش‌شان را اجابت نکرد بلکه جویای وقت دیگری که به اجابت حق‌تعالی مناست‌تر باشد گردید.

﴿فَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰٓ إِلَيۡهِ أَبَوَيۡهِ وَقَالَ ٱدۡخُلُواْ مِصۡرَ إِن شَآءَ ٱللَّهُ ءَامِنِينَ ٩٩﴾.

یعقوب و خانواده‌اش آهنگ مصر کرده به سوی یوسف رفتند و چون بر او وارد شدند، او از روی إکرام و تعظیم، پدر و مادرش را در کنار خویش گرفت و گفت: به خواست خدا أ همراه با امن و امان وارد سرزمین مصر شوید در حالی که نه از رنج و سختیی هراسانید و نه از مصیبت و بلایی بیمناک؛ زیرا ترس و هراس‌ها به پایان رسید و به رحمت خدای رحمان و أمان ملِک دیّان قافلۀ احزان رخت بربست.

﴿وَرَفَعَ أَبَوَيۡهِ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ وَخَرُّواْ لَهُۥ سُجَّدٗاۖ وَقَالَ يَٰٓأَبَتِ هَٰذَا تَأۡوِيلُ رُءۡيَٰيَ مِن قَبۡلُ قَدۡ جَعَلَهَا رَبِّي حَقّٗاۖ وَقَدۡ أَحۡسَنَ بِيٓ إِذۡ أَخۡرَجَنِي مِنَ ٱلسِّجۡنِ وَجَآءَ بِكُم مِّنَ ٱلۡبَدۡوِ مِنۢ بَعۡدِ أَن نَّزَغَ ٱلشَّيۡطَٰنُ بَيۡنِي وَبَيۡنَ إِخۡوَتِيٓۚ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٞ لِّمَا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ ١٠٠﴾.

یوسف از روی احترام و محبت و تعدیر، پدر و مادرش را بر تخت پادشاهی برنشاند، پدر و مادر و برادران یازده گانه نیز از روی اعزاز و تجلیل و شادباش نه از روی عبادت و خضوع برایش به سجده افتادند. البته این کار در شریعت‌شان جایز بود اما در اسلام حرام است و جز برای خدا أ برای هیچ‌کس دیگر سجده انجام نمی‌شود. در این اثنا یوسف به پدرش گفت: ای پدر! این است تعبیر خواب پیشین من! با این سجده، همان رؤیایی که در کودکی دیده بودم به تحقق پیوست و خدای ﻷ آن را راست گردانید. همچنان که او بر من منت گذاشته با بیرون آوردنم از زندان به سوی قصر پادشاهی، مرا مورد إکرام خویش قرار داد. آری! او مرا از چاه بیابان به پشت میله‌های زندان و از پشت میله‌های زندان به مجد و عزّت و تخت سلطان برد. از آن سو شما را از بادیه؛ آنجا که قحطی و تنگ‌سالی خیمه فرو هشته است به مصر یعنی شهر فراوانی و آسوده‌حالی آورد بعد از آنکه شیطان پیوند میان من و برادرانم را به هم زد. بنگر به بزرگواری یوسف که در این بین پای برادرانش را هیچ به میان نکشید؛ بلکه قضیه را میان خود و ایشان مشترک ساخت و همۀ گناه را به گردن شیطان انداخت؛ زیرا مجلس، مجلس عفو و گذشت و بخشش و شادی است پس نباید با بثّ الشکوی آن را مکدّر ساخت. و این است روش و منش انسان‌های بزرگ که بدی‌ها را فراموش کرده و فقط از خوبی‌ها و نیکی‌ها یاد می‌کنند، از لغزش‌ها چشم پوشیده و احسان‌ها و خدمت‌ها را به خاطر می‌آورند؛ به راستی که خدا در تدبیر خویش بسیار دقیق است، آنچه را مقدر ساخته است در ساده‌ترین امور به اجرا می‌گذارد؛ هرگاه بخواهد قضای خویش را بر اولیای خویش نیز گذرانده، رحمت‌شان را در ابتلا و نعمت‌شان را در تنگنا قرار می‌دهد. بی‌شک که او به منافع بندگان دانا و در قضا و شرع و آفرینش و صنعش، سنجیده‌کار و حکیم است.

﴿۞رَبِّ قَدۡ ءَاتَيۡتَنِي مِنَ ٱلۡمُلۡكِ وَعَلَّمۡتَنِي مِن تَأۡوِيلِ ٱلۡأَحَادِيثِۚ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ أَنتَ وَلِيِّۦ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۖ تَوَفَّنِي مُسۡلِمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ١٠١﴾.

سپس یوسف به بارگاه پروردگارش دعا کرد و گفت: پروردگارا! تو به من علم سودمند، فهم حجّت و داوری در قضا و حکومت بخشیدی؛ ای پدید آورندۀ آسمان‌ها و زمین، این تو هستی که در دنیا و آخرت متولی احوالم، شنوای اقوالم و بینندۀ اعمالم هستی؛ از تو می‌خواهم که مرا بر اسلام بمیرانی و به قافلۀ صالحان که متشکل از پیامبران، عالمان، شهیدان و برگزیدگان هستند ملحق فرمایی.

﴿ذَٰلِكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلۡغَيۡبِ نُوحِيهِ إِلَيۡكَۖ وَمَا كُنتَ لَدَيۡهِمۡ إِذۡ أَجۡمَعُوٓاْ أَمۡرَهُمۡ وَهُمۡ يَمۡكُرُونَ ١٠٢﴾.

ای محمد! این داستانی که بر تو نازل کردیم از خبرهای غیب است که جز از راه وحی قابل دریافت نیست. و تو هنگامی که برادران یوسف با یکدیگر همداستان شده و بر انداختنش در چاه نیرنگ می‌کردند و علیه وی توطئه‌ای بزرگ می‌چیدند با آنان حاضر نبودی، تو از چگونگی این داستان و ماجرا هیچ خبر نداشتی ولی ما تو را از آن آگاه ساختیم؛ و این خود بر نبوتت دلالت کرده و نشان می‌دهد که آنچه بر تو آمده است وحیی از نزد الله أ است. پس چرا بعد از این همه شواهد، شکاکان در رسالت محمد ج شک می‌ورزند.

﴿وَمَآ أَكۡثَرُ ٱلنَّاسِ وَلَوۡ حَرَصۡتَ بِمُؤۡمِنِينَ ١٠٣﴾.

ای پیامبر برگزیده! ولی با وجود روشنی حجّت و درستی نبوتت اما بیشتر کفار – هرچند بر ایمان‌شان مشتاق باشی تو را باور نمی‌دارند و به تو ایمان نمی‌آورند؛ بنابراین بر حال آن‌ها اندوهگین مباش و از مکر و نیرنگی که به هم می‌تنند دل تنگ مدار.

﴿وَمَا تَسۡ‍َٔلُهُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ١٠٤﴾.

ای محمد! و تو بر دعوت قومت به سوی هدایت، از آنان پاداشی نمی‌خواهی؛ زیرا آنچه خداوند أ بر تو نازل کرده برای هدایت تمام بشر است نه برای طلب پاداش یا منافع از آنان؛ و خداوند بی‌نیاز ستوده است. پس به درهم و دینارشان حاجتی ندارد بلکه آنچه بر مردم واجب است فرمان پذیری، پیروی نیکو و شتاب در جهت اجابت دستور است و بس!

﴿وَكَأَيِّن مِّنۡ ءَايَةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ يَمُرُّونَ عَلَيۡهَا وَهُمۡ عَنۡهَا مُعۡرِضُونَ ١٠٥﴾.

و چه بسیار نشانه‌هایی روشن و دلایلی قاطع که در آسمان‌ها و زمین پیرامون وحدانیت و عظمت الله أ وجود دارد و مردم این نشانه‌ها را می‌بینند اما پس از آن، نه در آن می‌اندیشند، نه بدان عبرت می‌گیرند و نه مشاهدۀ آن بر ایمان‌شان می‌افزاید. شگفتا! در هر چیز بر صنع حکیمانه، ابداع نیکو و قدرت عظیم حق‌تعالی نشانه‌ای جلوه‌گر است؛ ولی این معاصی است دل را از جولان در فضای توحید بازمی‌دارد.

﴿وَمَا يُؤۡمِنُ أَكۡثَرُهُم بِٱللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشۡرِكُونَ ١٠٦﴾.

همچنان کافران بدین امر که حق‌تعالی آفریننده و روزی بخش‌شان است و تنها او سزاوار پرستش می‌باشد اقرار و اعترافی خالصانه و بی‌غش نمی‌کنند، جز اینکه با پرستش بتان به وی شرک می‌آورند؛ پس آن‌ها به ربوبیت حق‌تعالی معترف اما منکر الوهیت وی اند به طوری که از یکسو آفرینندگی وی را به رسمیت می‌شناسند اما در عین حال یگانگی‌اش در پرستش را نفی می‌کنند!!

﴿أَفَأَمِنُوٓاْ أَن تَأۡتِيَهُمۡ غَٰشِيَةٞ مِّنۡ عَذَابِ ٱللَّهِ أَوۡ تَأۡتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ١٠٧﴾.

آیا مشرکان از سوی خدای متعال پیش خود امان نامه‌ای دارند که عذاب عام و ناگهانی بر آنان نازل نمی‌شود، یا قیامت به ناگاه برای‌شان نمی‌رسد؟ یقیناً حال‌شان از دو صورت خارج نیست؛ یا پیشاپیش در همین دنیا بر آنان مجازات نازل می‌شود، یا می‌میرند و بعد از آن حساب و عذاب در راه است. اما آن‌ها از آنچه در کمین‌شان است در غفلت به سر می‌برند، در واقع احساس و شعور حقیقی‌شان را از دست داده‌اند. به راستی که زخمی ساختن مرده، وی را تکان نمی‌دهد پس اینان نیز در حقیقت مردگان متحرّکی بیش نیستند.

﴿قُلۡ هَٰذِهِۦ سَبِيلِيٓ أَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا۠ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِيۖ وَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٠٨﴾.

ای پیامبر! به مردم بگو: این برنامه و روش من است؛ به سوی پرستش خدای یگانه، خالص ساختن طاعت برایش و یگانگی وی در وحدانیت فرا می‌خوانم؛ این دعوتم بر علم متین، هدایت و یقین، حجتی قاطع و روشن، دلیلی رخشان و مبرهن مبتنی است. من و کسانی که بر راه و روش من قرار دارند و به من اقتدا کرده‌اند خدای ﻷ را از شریکان و همتایان تنزیه نموده و او را از آنچه سزاوارش نیست تقدیس می‌کنیم. من با خدای ﻷ غیر وی را شریک نمی‌آورم و در اسماء و صفاتش انحراف و کژروی نمی‌کنم.

بنابراین شاخص‌های محوری دعوت رسول اکرم ج و پیروانش عبارت است از؛ خالص سازی عبادت برای الله أ، آغاز نمودن از توحیدش، تنزیهش از شرک و هر امر دیگری که سزاوار شأنش نیست، طلب علم و عمل، آموزش علم به دیگران و صبر بر آزار مردم؛ پس این دعوت چهار مرتبه دارد: 1– علم 2– عمل 3– تعلیم 4– صبر. این است همان ربانیت و خدا محوری برای کسی که خواهان آن است؛ و هر کس این مراتب را پیمود بیگمان به بالاترین جایگاه و عالی‌ترین مراتب بعد از نبوت دست یافته است.

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ إِلَّا رِجَالٗا نُّوحِيٓ إِلَيۡهِم مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡقُرَىٰٓۗ أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۗ وَلَدَارُ ٱلۡأٓخِرَةِ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ١٠٩﴾.

ای پیامبر! و پیش از تو نیز جز مردانی از اهل شهرها را که برای‌شان وحی نازل می‌کردیم به سوی بشر به رسالت نفرستادیم، از اهل شهرها برگزیدیم‌شان تا به صلاح و ساماندهی امور مردم نسبت به دیگران داناتر باشند. ایشان در خلقت از همه کاملتر، در عقل و خرد از همه فرزانه‌تر و در شناخت مصلحت مرم از همه آگاه‌تر بوده‌اند. بنابراین، آیۀ کریمه فرشتگان، جنیان، زنان و ساکنان بادیه را از مقولۀ پیامبران خارج نمود. سپس هنگامی که خداوند أ پیامبران را می‌فرستاد، گروهی ایشان را تصدیق کرده و نجات می‌یافتند، و گروهی دیگر تکذیب‌شان کرده و هلاک می‌شدند؛ آیا کافران در زمین گشت و گذار نکرده‌اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان پیامبران خدا را تکذب کردند ببینند؟ ببینند که چگونه خدا أ ویران‌شان کرد و به خاک سیاه هلاک برنشاند؟ و قطعاً پاداش آخرت برای تقواپیشه‌گان بهتر از سرای دنیاست؛ با همۀ بهره‌هایی که دنیا – از مال و جاه نیرو و جلوه‌های آراستۀ دیگر – با خود دارد؛ این پاداش از آن کسانی است که از پروردگار خود پروا کرده، به شریعتش عمل نموده و پیامبرش را اطاعت کرده‌اند. پس از چه روی عبرت اندوزان، عبرت نگرفته و اندیشه‌وران در سرنوشت نجات یافتگان و نابودشدگان نمی‌اندیشند تا به هوش آیند.

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا ٱسۡتَيۡ‍َٔسَ ٱلرُّسُلُ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمۡ قَدۡ كُذِبُواْ جَآءَهُمۡ نَصۡرُنَا فَنُجِّيَ مَن نَّشَآءُۖ وَلَا يُرَدُّ بَأۡسُنَا عَنِ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ١١٠﴾.

ای پیامبر! به درخواست هلاک برای تکذیب کنندگانت شتاب نکن؛ زیرا پیامبران پیش از تو صبر کردند؛ با آنکه پیروزی به روی حکمتی که خدای ﻷ خود خواسته بود از ایشان به تأخیر می‌افتاد تا آنگاه که چون فرستادگان ما از تصدیق قوم خود ناامید شده و به این باور رسیدند که قوم‌شان در واقع تکذیب‌شان کرده‌اند و دیگر به اصلاح حال‌شان امیدی نمی‌رود و آرزو بستن به ایمان‌شان بی‌حاصل است، در این هنگام که رنج و فشار به شدّت خود می‌رسید پیروزی خدای ﻷ به سراغ پیامبران می‌آمد، در نتیجه او کسانی از مؤمنان و پیروان‌شان را که می‌خواست نجات می‌داد و عذاب شدید و کیفر اکید خود را بر سرکشان تمردپیشه و مجرمان بدکار جنابت‌پیشه فرود می‌آورد.

آیه کریمه بر دلجویی و آرامش بخشی به پیامبر اکرم ج و لزوم گمان نیک ورزیدن نسبت به حق‌تعالی دلالت دارد هرچند یاری‌اش با تأخیر رسید؛ زیرا آنچه نزد حق‌تعالی است نزدیک است و توجه باید داشت که در هنگام نومیدی است که گشایش روی می‌دهد.

﴿لَقَدۡ كَانَ فِي قَصَصِهِمۡ عِبۡرَةٞ لِّأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِۗ مَا كَانَ حَدِيثٗا يُفۡتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصۡدِيقَ ٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَتَفۡصِيلَ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ١١١﴾.

به راستی در اخبار پیامبران و انبیایی که خداوند أ از آن‌ها به رسولش ج یاد کرده است، کسانی را که خردی سالم دارند، اندرزی بزرگ و کسانی را که فطرت استواری دارند درس‌هایی است سترگ. به یقین قرآن سخنی نیست که به دروغ و بهتان سرهم بندی شده باشد بلکه خبری است صحیح و وحیی است صریح که از سوی الله أ بر پیامبرش ج نازل شده است؛ تصدیق کنندۀ کتب پیشین آسمانی است. قرآن روشنگر هر امری است که بشر در ابعاد عقیده، احکام، علم حلال و حرام، آداب و اخلاق بدان نیازمند است؛ زیرا قرآن حاوی اخبار راستین، احکام عادلانه، آیات استوار، اخلاق برین و برتر، آداب خجسته، اندرزهای والا و نیکو و داستان‌های زیباست. قرآن در برگیزندۀ ارشاد گمراهان، هشدار کژروان و رحمت هدایت پویان است که به آن در دنیا و آخرت راهیافته و سعادتمند می‌شوند. پس هر کس به آن ایمان آورد، یقیناً بر وفق ایمان، دلبستگی، رویکرد و عنایتش به آن؛ از خیر و برکت، هدایت، نور، رحمت و شفایش به وی می‌رسد.

سورۀ رعد

مدنی است؛ ترتیب آن 13؛ شمار آیات آن 43

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿الٓمٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِۗ وَٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ ٱلۡحَقُّ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤۡمِنُونَ ١﴾.

الف، لام، میم، راء؛ از حروف مقطعه است و ما علم آن‌ها را به حق‌تعالی که علام الغیوب است وا می‌گذاریم. البته باور داریم که در این حروف، به اعجاز قرآن و هماوردخواهی با آن اشاره شده است.

این آیات، آیت قرآن بزرگ مقدار، بلند مرتبه و بزرگ منفعت است، قرآنی که بر پیامبر ما ج نازل شده کتابی است حق و اثبات شده، و آنگونه که کفار می‌گویند: قرآن سحر، یا شعر یا کهانت است، نیست. ولی با وجود راستی و درستی قرآن و ثبوت نزول آن از بارگاه حق‌تعالی اما بیشتر مردم نه آن را باور می‌دارند نه به هدایتش راه می‌جویند و نه از آن بهره می‌برند.

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي رَفَعَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيۡرِ عَمَدٖ تَرَوۡنَهَاۖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ يَجۡرِي لِأَجَلٖ مُّسَمّٗىۚ يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ يُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُم بِلِقَآءِ رَبِّكُمۡ تُوقِنُونَ ٢﴾.

تنها خداوند أ است که به نیرو و قدرت و حکمتش هفت آسمان مستحکم را بی‌ستونی قابل رؤیت برای مردم برافراشت. پس این بنایی است بزرگ و در عظمتش بسیار هولناک و عجیب که گسترۀ این عظمت را فقط ذات ذوالجلال داند و بس. این سقفی است بس مرتفع که حق‌تعالی آن را بدون تکیه بر ستون‌هایی مرئی چنین با شکوه نگه می‌دارد. و بعد از آنکه آسمان‌ها را بنا کرد بر عرشش آنگونه استقرار یافت که سزاوار جلال وی است و به قدرتش خورشید و ماه را رام ساخت تا بشر از نور و انرژی آن‌ها استفاده نمایند و به وسیلۀ این دو پدیده، کار پیاپی آمدن شب و روز، فصل‌های چهارگانۀ سال، به پختگی رساندن حاصلات و میوه‌جات، شناخت سال و ماه و حساب و بسی از منافع دیگر را تأمین نمود. هریک از این دو پدیده تا روز قیامت به حسابی دقیق در مدارهای معین خود جاری و شناورند. خداوند أ امور دنیا و آخرت را تدبیر و کارگردانی می‌کند، بناءً هر حال و وضعی که در دنیا جاری است به اذن و مشیت سبحانی اوست، او ادالَۀ وحدانیت و شواهد قدرت خود را – چه در آیات کونی و چه در آیات شرعی – بیان می‌دارد، شواهدی که دلیل وحدانیتش در الوهیت و ربوبیت است پس نه جز او الهی وجود دارد، نه ربّی و نه معبود راستینی؛ تا شاید شما وعده‌ها و هشدارهایش را تصدیق نموده، از اوامرش فرمان برید و از نواهیش بپرهیزید.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي مَدَّ ٱلۡأَرۡضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۡهَٰرٗاۖ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ جَعَلَ فِيهَا زَوۡجَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِۖ يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٣﴾.

و تنها خداوند أ است که زمین را بدانسان هموار ساخت و گسترانید که گهوارۀ راحتی برای بندگان و فرشی گسترده برای معیشت است، او در زمین کوه‌هایی استوار و سر به فلک کشیده نهاد که آن را از تکان و اضطراب باز می‌دارند. در آن رودها و نهرهایی قرار داد که از آب آن‌ها می‌نوشید و از آن‌ها بهره می‌برید چنان‌که در عین حال زندگی و زیبایی زمین وابسته به آب است. و در زمین جفت جفت از انواع میوه‌ها، درختان، گل‌ها و شکوفه‌ها قرار داد که چشم‌ها را بهجت، روان‌ها را مسرت، عقل‌ها را خرامان و جان‌ها را تابان می‌سازند. پس پاکا که تویی ای آفریدگار سبحان! با این آفرینش و ابداع، با این صنعت نیکو و با صفا، با این شریعت روشن که گلشن انوار معرفت است و معدن اسرار و حکمت، مأمن جان و روان است و آسایش‌بخش ابدان انسان‌های مسلمان. همچنین او شب را به گونه‌ای آفرید که روز را با ظلمتش می‌پوشاند. پس در این آفریده‌ها، نشانه‌ها و دلالت‌های روشنی است برای کسانی که اندرزها را می‌فهمند، از برهان‌ها و معجزات بهره می‌برند و در نتیجه به حقیقت گرویده، ایمان می‌آورند و تصدیق می‌کنند.

﴿وَفِي ٱلۡأَرۡضِ قِطَعٞ مُّتَجَٰوِرَٰتٞ وَجَنَّٰتٞ مِّنۡ أَعۡنَٰبٖ وَزَرۡعٞ وَنَخِيلٞ صِنۡوَانٞ وَغَيۡرُ صِنۡوَانٖ يُسۡقَىٰ بِمَآءٖ وَٰحِدٖ وَنُفَضِّلُ بَعۡضَهَا عَلَىٰ بَعۡضٖ فِي ٱلۡأُكُلِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٤﴾.

و در زمین قطعه‌ها و مساحت‌هایی است بعضی کنار بعضی دیگر که برخی از این قطعات بارآور و حاصل‌خیز و بعضی خشک و بی‌گیاه است، بعضی چمنزار است و بعضی دیگر شوره‌زار و بی‌خیر، بعضی ریگزار و صخره‌ای است و بعضی رس و خاکی؛ به رنگ‌های گونه‌گون و اشکال مختلف، و باز در زمین حاصلخیز و آماده، باغستان‌هایی است از انگور که برچیدن میوۀ آن‌ها به آسانی در دسترس است و کشتزارهایی است با میوه‌های مختلف و درختان تناور خرما که خوشه‌های روی هم چیده دارند؛ همۀ این‌ها در کنار یکدیگر در یکجا و در یک خاک قرار داشته و از یک آب سیراب می‌شوند، لیکن میوۀ آن‌ها در طعم و رنگ و حجم خود مختلف و گوناگون است؛ بعضی شیرین و بعضی ترش و ترد، بعضی سیاه و بعضی سفید و سرخ و سبز و ... تا غیر این‌ها از تفاوت‌های بسیار دیگر در مزه و طعم و خاصیت. پس در این امور دلایل واضح و نشانه‌های روشنگری است بر قدرت خداوند قدیر، بر حکمت ذات لطیف خبیر و بر نوآوری‌های پروردگار متعال و کبیر؛ اما برای کسی که قلبی بیدار و هوشمند داشته و به ایمان و طاعت پروردگارش راه یابد.

﴿۞وَإِن تَعۡجَبۡ فَعَجَبٞ قَوۡلُهُمۡ أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبًا أَءِنَّا لَفِي خَلۡقٖ جَدِيدٍۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ ٱلۡأَغۡلَٰلُ فِيٓ أَعۡنَاقِهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٥﴾.

ای پیامبر! و اگر از ایمان نیاوردن کفار به رسالتت با وجود آفتابی بودن ادلۀ راستی و درستی آن تعجب داری، پس تعجب بر انگیزتر از آن این سخن کافران است که: آیا وقتی مردیم و خاک شدیم به راستی در آفرینش جدیدی خواهیم بود؟ این سؤال را از روی دورانگاری و انکار مطرح می‌کنند. این گروه دروغ انگار کفر پیشه، ادلّۀ پروردگاری و برهان‌های خداوندگاری حق‌تعالی را ناباورند، پس کیفرشان این است که در روز همایش بزرگ که بر پروردگار خود عرضه می‌شوند، زنجیرهایی از آتش در گردن‌های‌شان می‌باشد؛ آنان برای همیشه در آتش ماندگارند؛ نه عذاب از آنان تخفیف داده می‌شود و نه از سرای کیفر بیرون ساخته می‌شوند، نه می‌میرند تا راحت شوند و نه آنسان زنده‌اند که از نعمتی برخوردار باشند؛ بلکه عذابی است همیشه و کیفری است پیوسته.

﴿وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلسَّيِّئَةِ قَبۡلَ ٱلۡحَسَنَةِ وَقَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِمُ ٱلۡمَثُلَٰتُۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغۡفِرَةٖ لِّلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلۡمِهِمۡۖ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٦﴾.

پیش از ایمانی که امان با آن همراه است، شتابزده از تو عذاب می‌طلبند از این رو آن‌ها مقدم ساختن عقوبت را قبل از اجابت دعوت خواستارند، حال آنکه اگر از وضع پیشینیان خود از کسانی که به علت تکذیب حق عذاب شدند، عبرت می‌گرفتند یقیناً ایمان آورده و تصدیق می‌کردند. ای پیامبر! و به یقین پروردگارت بر تائبان و باز آمدگان از گناه، بسی آمرزگار است هر چند بسیار ستم کرده و در بدکاری زیاده‌روی کرده باشند. بناءً او به شتاب مجازاتشان نمی‌کند، اما با این وجود آن‌ها از توبه و انابت روی برمی‌تابند. پس یقیناً خداوند أ بر هر کسی که بر گناهش پای فشرده و از ایمان استکبار ورزد سخت کیفر است.

﴿وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَةٞ مِّن رَّبِّهِۦٓۗ إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرٞۖ وَلِكُلِّ قَوۡمٍ هَادٍ ٧﴾.

کافران به پیامبر می‌گویند: چرا او معجزه‌ای آشکار و محسوس عصای موسی، شتر صالح و مانند آن نیاورده است؟ حال آنکه این کار به دست پیامبر ج نیست، بلکه فقط در اختیار خداوند أ است. مأموریت پیامبر ج تنها در محدودۀ ابلاغ آشکار و هشداردهی از عذاب الله أ خلاصه می‌شود و بس و هر امتی را ناگزیر پیامبری باید که ایشان را به سوی ایمان به حق‌تعالی و ترک شرک ورزی به وی ارشاد نماید.

﴿ٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَحۡمِلُ كُلُّ أُنثَىٰ وَمَا تَغِيضُ ٱلۡأَرۡحَامُ وَمَا تَزۡدَادُۚ وَكُلُّ شَيۡءٍ عِندَهُۥ بِمِقۡدَارٍ ٨﴾.

آنچه را که هر زنی در شکمش بار می‌گیرد خداوند أ می‌داند که آیا آن حمل پسر است یا دختر؟ تنها اوست که می‌داند آن حمل نیک‌بخت است یا تیره‌بخت؟ اوست که می‌داند آنچه را رحِم‌ها بر اثر سقط بچه یا به علت تولد زودرس پیش از نه‌ماهگی، می‌کاهند و اوست که می‌داند آنچه را رحم‌ها با فزونی مدّت حمل به بیشتر از نه ماه، می‌افزایند و هر چیزی نزد حق‌تعالی اندازۀ معین از کاستی یا فرونی دارد که از آن اندازه تجاوز نمی‌کند بناءً هر مدتی که هست با برنامه‌ریزی و حکمی پیشین تحت حساب و کتاب درآمده است.

﴿عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلۡكَبِيرُ ٱلۡمُتَعَالِ ٩﴾.

خداوند أ به آنچه از دیده‌ها پنهان یا آشکار است داناست. او به آنچه که مردم می‌بینند و به آنچه که نمی‌بینند احاطه دارد، دانای نهان و آشکار است. در ذات، اسما و صفاتش بزرگ، در قدر و قهرش عظیم، در نهی و امرش حکیم و به ذات و قدرت و غلبه‌اش بر تمام مخلوقاتش بلندمرتبه است.

﴿سَوَآءٞ مِّنكُم مَّنۡ أَسَرَّ ٱلۡقَوۡلَ وَمَن جَهَرَ بِهِۦ وَمَنۡ هُوَ مُسۡتَخۡفِۢ بِٱلَّيۡلِ وَسَارِبُۢ بِٱلنَّهَارِ ١٠﴾.

برای او یکسان است کسی سخن خود را پنهان دارد یا آن را فاش گرداند. پیش او یکسان است کسی کارش را در تاریکی شب پنهان دارد یا آن را در روشنی روز آشکار گرداند؛ زیرا نهان پیش از عیان نزد اوست؛ نهان پیش او مانند آشکار است و رحمت و دانایی‌اش بر همه چیز گسترده می‌باشد.

﴿لَهُۥ مُعَقِّبَٰتٞ مِّنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ يَحۡفَظُونَهُۥ مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوۡمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمۡۗ وَإِذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ سُوٓءٗا فَلَا مَرَدَّ لَهُۥۚ وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَالٍ ١١﴾.

خدای متعال را فرشتگانی است که بر انسان از پیش رو و پشت سرش پی‌درپی آمده، به فرمان خدا أ وی را پاسداری می‌کنند و عملش را – از خوب و بد – ثبت می‌نمایند. در حقیقت خدا نعمتی را که به قومی بخشیده است تغییر نمی‌دهد تا آنان خود طاعتش را به معصیتش تغییر ندهند؛ در آن صورت است که او خوشی را به ناخوشی و نعمت را به بلا تبدیل می‌کند. و چون خداوند أ به گروهی بلا یافتنه‌ای بخواهد، هیچ برگشت دهنده‌ای برای آن نبوده و هیچ گریزگاهی از قضایش وجود ندارد. و برای‌شان حمایتگری نیست که متولی امرشان شده، خواست‌های دوست‌داشتنی‌شان را برای‌شان جلب و دوست نداشتنی‌ها را از ایشان دفع نماید؛ بلکه تنها خدای یگانه است که کارساز امور بندگانش می‌باشد.

﴿هُوَ ٱلَّذِي يُرِيكُمُ ٱلۡبَرۡقَ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَيُنشِئُ ٱلسَّحَابَ ٱلثِّقَالَ ١٢﴾.

اوست – سبحانه و تعالی – که از قدرت خویش برق و نور درخشان درون لایه‌های ابر را به شما می‌نمایاند و در اثر آن شما از صاعقه‌ها می‌ترسید که مبادا هلاکتان سازد و به باران امیدوارید که بهره‌مندتان گرداند، اوست که ابرها رابه آبی برکت‌آور برای شما گرانبار می‌سازد، همان آبی که نه تنها سبب حیات است بلکه رونق‌بخش خیرها و برکت‌هاست. پس چنان‌که از صاعقه‌ها می‌ترسید و به یاران امیدوارید همچنان از هشدارهای الهی به عذاب بترسید و در مژده‌هایش به ثواب امید بندید که این میسّر نیست جز با عمل به صالحات و ترک منکرات.

﴿وَيُسَبِّحُ ٱلرَّعۡدُ بِحَمۡدِهِۦ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ مِنۡ خِيفَتِهِۦ وَيُرۡسِلُ ٱلصَّوَٰعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَن يَشَآءُ وَهُمۡ يُجَٰدِلُونَ فِي ٱللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ ٱلۡمِحَالِ ١٣﴾.

رعد به حمد خداوند أ با خضوع و انقیاد تسبیح می‌گوید. پس پاکا پروردگاری که همه چیز – و حتی رعد – تسبیح‌گوی اویند و او را از عیب‌ها به پاکی یاد کرده و با سپاس‌ها و ثناها او را می‌ستایند. فرشتگان هم از بیم جبروت، هیبت و عظمتش او را به تسبیح و تقدیس یاد کرده و از او سپاس می‌گذارند. بی‌تردید این فقط خداوند أ است که صاعقه‌های سوزان می‌فرستد تا هر که را از خلقش را که بخواهد، بکوبند و بسوزند و درهم شکنند. اما با وجود این نشانه‌های درخشان بازهم کفار را می‌یابی که در صفات و آیات و رسالت‌های الهی به ناروا جدال ورزیده، در قدرتش شک می‌کنند و با پیامبرانش سر ستیز در پیش می‌گیرند. و خداوند أ بر دشمنانش سخت کیفر است؛ پس با حول و قوت و شدّت گرفتارشان می‌سازد.

﴿لَهُۥ دَعۡوَةُ ٱلۡحَقِّۚ وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسۡتَجِيبُونَ لَهُم بِشَيۡءٍ إِلَّا كَبَٰسِطِ كَفَّيۡهِ إِلَى ٱلۡمَآءِ لِيَبۡلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَٰلِغِهِۦۚ وَمَا دُعَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ ١٤﴾.

دعوت حق و راستین به سوی یگانه‌پرستی و اخلاص‌ورزی در عبادت و در طاعت برای حق‌تعالی است؛ این همان دعوت به سوی «لا إله إلا الله» است که دعوت همۀ پیامبران بود است. بنابراین هیچ معبود راستینی جز او وجود ندارد، اما غیر وی از بتان و معبودان پنداری، دعای هیچ‌کس را اجابت نگفته، وجود هیچ‌کس را احساس نکرده و هرگز گره‌ای از کار گرفتاری باز نمی‌کنند و در مَثَل به تشنه‌ای مانند که در آستانۀ هلاک است و دستش را از دور به سوی آب می‌گشاید تا آب به دهانش برسد، در حالی که آب به دهانش نمی‌رسد. پس همچنین‌اند پرستشگران بتان که از نفع آن‌ها محروم‌اند آنگونه که تشنه از منفعت آب دوردست محروم است. آری! درخواست کافران از بتانشان در منت‌های دوری از صواب و در عین گمراهی از هدایت قرار دارد؛ زیرا مشرکان کوردل و فطرت باخته‌اند؛ روی فطرتشان را حجابی غلیظ از ظلمت کفر فرا گرفته است.

﴿وَلِلَّهِۤ يَسۡجُدُۤ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ طَوۡعٗا وَكَرۡهٗا وَظِلَٰلُهُم بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ۩ ١٥﴾.

هر آفریده‌ای در آسمان‌ها و زمین بامدادن و شامگاهان تنها برای الله أ کرنش، انقیاد و سجده می‌کند؛ مؤمن از روی عشق و محبت و با رضا و رغبت، و کافر از روی قهر و اجبار به رغم میل و گرایشش منقاد فرمان اوست. پس کافر بر خلاف فطرتش از طاعت حق رویگردان است در حالی که فطرتش برای عظمت حق‌تعالی کرنش نموده و وی را بدان فرامی خواند. همچنان سایه‌های مخلوقات که در آغاز و آخر روز به ارادۀ حق‌تعالی در حال حرکت‌اند، در پیشگاه جبروتش خضوع و کرنش می‌نمایند. پس پاکا پروردگاری که عظمت کبریایی‌اش دشمنانش را مقهور، و محبت ولایی‌اش دوستانش را سرخوش و مخمور گردانیده است.

﴿قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ قُلِ ٱللَّهُۚ قُلۡ أَفَٱتَّخَذۡتُم مِّن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ لَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ نَفۡعٗا وَلَا ضَرّٗاۚ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ أَمۡ هَلۡ تَسۡتَوِي ٱلظُّلُمَٰتُ وَٱلنُّورُۗ أَمۡ جَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ خَلَقُواْ كَخَلۡقِهِۦ فَتَشَٰبَهَ ٱلۡخَلۡقُ عَلَيۡهِمۡۚ قُلِ ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّٰرُ ١٦﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده کار آن‌ها را به تدبیر خویش سامان داد و روزی همۀ کسانی را که در آن‌ها وجود دارند عهده‌دار گشت؟ بگو: او فقط الله یگانۀ آفرینندۀ روزی‌بخش مدبر است. پس در حالی که شما مشرکان به این حقیقت اعتراف دارید، چرا غیرش را پرستش نموده و برای آن شکر می‌ورزید با علم به اینکه شریکان پنداری‌تان نه توان آن دارند تا با امیدوار رساندن خیر یا دفع شری هستید؟ بگو: آیا نابینا – که مراد از آن شخص کافر است – با بینا که – برابرند؟ قطعاً برابر نیستند و مسلماً شخص بینا کاملتر از فرد نابیناست. پس همچنان مؤمن نسبت به کافر و نور در برابر ظلمت نیکوتر و راهگشاتر است. یا مگر گروه همتایان و اضدادی که مشرکان آن‌ها را جز الله أ به پرستش گرفته‌اند، مخلوقاتی را آفریده‌اند و این مخلوقات در صورت و صفت خود با خلوقات خدای متعال مشابه‌اند و در نتیجه کفار به این باور رسیده‌اند که آن‌ها نیز سزاوار پرستش می‌باشند پس به همین علت آن‌ها را به پرستش گرفته‌اند؟ این فرضیه نیز وجود واقعی ندارد؛ زیرا خدایان پنداری آن‌ها نه فقط چیزی را نیافریده‌اند بلکه خودشان آفریده شده‌اند لذا چگونه می‌توانند آفریدگار باشند؟! پس ای پیامبر! به آنان بگو: الله أ ایجادگر هر چیز از عدم، آفریننده، صورتگر و نورآور آن است، بنابراین فقط او شایستۀ پرستش می‌باشد و او در ذات، اسما، صفات و افعال خود یگانه است از این‌رو فقط حق اوست که در طاعت یکتا قرار داده شده و غیر وی با وی شریک آورده نشود. و اوست که ماسوای خویش را با جبروت و عظمت و قوتش، مقهور و رام گردانیده است.

﴿أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَسَالَتۡ أَوۡدِيَةُۢ بِقَدَرِهَا فَٱحۡتَمَلَ ٱلسَّيۡلُ زَبَدٗا رَّابِيٗاۖ وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيۡهِ فِي ٱلنَّارِ ٱبۡتِغَآءَ حِلۡيَةٍ أَوۡ مَتَٰعٖ زَبَدٞ مِّثۡلُهُۥۚ كَذَٰلِكَ يَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡحَقَّ وَٱلۡبَٰطِلَۚ فَأَمَّا ٱلزَّبَدُ فَيَذۡهَبُ جُفَآءٗۖ وَأَمَّا مَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ فَيَمۡكُثُ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ كَذَٰلِكَ يَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡأَمۡثَالَ ١٧﴾.

مَثَل حق که همان ایمان است و باطل که همان کفر می‌باشد مانند آبی است که خداوند أ از آسمان فرو فرستاد و وادی‌ها به اندازۀ گنجایش خودشان از فراخی و تنگی، به آن روان شدند پس بعضی از آن آب شیرین و صاف و برای بلاد و عباد سودمند است، اما بعضی دیگر از آن مانند کف بلندی است که نه در آن منفعتی است و نه فایده‌ای و حق‌تعالی مثل دیگری زده است: و آن عبارت از سنگ‌های معدنی است که مردم برای به دست آوردن زینتی آن را در آتش می‌گذارند؛ مانند طلا و نقره، یا برای تحقق منافعی، مانند سرب و مس؛ و در اثر این گدازش از آن‌ها کفی پلید بیرون می‌آید که هیچ فایده‌ای در آن وجود ندارد. پس آنچه سودمند و مفید است مثل و صفت حق می‌باشد و آنچه از نفع و فایده دور است، همان باطل می‌باشد. بنابراین باطل را همچون کف‌روی آب و کف پلید معادن می‌یابیم که از بین می‌رود و بی‌سود است، اما حق را بسان آب زلال صاف شیرین می‌یابیم که می‌ماند و طراوت و حیات و خرمی می‌بخشد. همچون معادن گرانبهای نفیس و همچنان که خداوند این مثل را بیان کرده است، مثل‌های دیگری نیز برای مردم می‌زند تا حق از باطل، ایمان از کفر و هدایت از گمراهی متمایز گردد. بنابراین، زدن مثل‌ها به فهم ژرفای دیگر بخشیده، معانی را بهتر و شفاف‌تر نمایان ساخته و آن‌ها را در دل پایدارتر می‌سازد و این از راز و رمزهای حکیمانۀ قرآن کریم در امر آموزش است.

﴿لِلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِرَبِّهِمُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَٱلَّذِينَ لَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُۥ لَوۡ أَنَّ لَهُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفۡتَدَوۡاْ بِهِۦٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ سُوٓءُ ٱلۡحِسَابِ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ١٨﴾.

برای کسانی که از خداوند أ اطاعت کرده، از پیامبرش پیروی نموده، به آنچه موجبات رضای الله أ است عمل کرده و از آنچه سبب خشم اوست پرهیز نموده‌اند، بوستان‌های پر از ناز و نعمت است همراه با رستگاری عظیم و جایگاهی کریم. اما کسانی که به خدا أ ایمان نیاورده، از پیامبرش پیروی نکرده و به هدایتش تأسی نجسته‌اند، برای‌شان آتش جهنم است، اینان اگر تمام دنیا را با همه اشیای نفیس و گران‌بهای آن داشته باشند و مانند آن را نیز با آن بیاورند حتماً همه را برای باز خرید خود از عذاب خواهند داد، لیکن بر فرض اگر چنین هم بتوانند کرد به حال‌شان سودی ندارد؛ زیرا به سبب کفر و تکذیبی که داشته‌اند جایگاه‌شان آتش جهنم است و به سختی کیفر خواهند یافت، وه! چه بد فرشی است که برای خود گسترده‌اند. بناءً آن‌ها با زشت‌کاری‌های خود، بدترین اقامتگاه و سنگین‌ترین کیفر را برای خود آماده کرده‌اند؛ در غل و زنجیرها، در حضیض خواری و خفت و در پرتگاه هول و هراس و وحشت.

﴿۞أَفَمَن يَعۡلَمُ أَنَّمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ ٱلۡحَقُّ كَمَنۡ هُوَ أَعۡمَىٰٓۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٩﴾.

ای پیامبر! پس آیا کسی که به وحی نازل شدۀ خداوند أ دانا، باورمند و تصدیق کننده است همانند نابینایی است که رسالتت را تکذیب کرده و فرمانت را عصیان ورزیده است؟ واقعیت این است که فقط صاحبان خردهای برتر و فطرت‌های سالم از اندرزها سود می‌برند. پس ایشان شتابان‌ترین مردم به سوی اجابت و برترین‌شان در تصدیق به حق‌اند.

﴿ٱلَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ ٱلۡمِيثَٰقَ ٢٠﴾.

این گروه مؤمن، به پیمانی که با خدای ﻷ در مورد پایداری در پرداخت حقش و حقوق خلقش بسته‌اند به بهترین شکل قیام کرده و دیگر پیمان‌های الزام‌آور محکم را نیز با خیانت و نیرنگ نمی‌شکنند، بلکه به آن با امانت‌داری وفا می‌کنند؛ که عبادات، معاملات وسایر انواع طاعات به شمول قراردادها، پیمان‌نامه‌ها، سوگندها و نذرها این معنی شامل‌اند.

﴿وَٱلَّذِينَ يَصِلُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيَخۡشَوۡنَ رَبَّهُمۡ وَيَخَافُونَ سُوٓءَ ٱلۡحِسَابِ ٢١﴾.

همچنان این گروه مؤمن اهل پیوند با کسانی‌اند که حق‌تعالی به پیوستن با ایشان فرمان داده است؛ از نیکی به پدر و مادر گرفته تا رعایت صلۀ رحم، سرپرستی یتیم، یاری به مستمندان و بخشش به محرومان. همین طور ایشان با عمل به آنچه که حق‌تعالی را راضی می‌سازد و پرهیز از آنچه که او ناپسندش می‌دارد، از عذاب پروردگار خویش می‌ترسند. چنان‌که ایشان از ایستادن در پیشگاه پروردگار خویش در روز حساب بیمناکند از آنکه مبادا با آنان در کارنامه‌شان حسابرسی و مناقشه نموده، گناهانی را که مرتکب شده‌اند نیامرزد و حتی اعمال نیکی را هم که انجام داده‌اند بی‌ثمر سازد. پس اینان در بین خوف و امید به سر می‌برند.

﴿وَٱلَّذِينَ صَبَرُواْ ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ رَبِّهِمۡ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ وَيَدۡرَءُونَ بِٱلۡحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عُقۡبَى ٱلدَّارِ ٢٢﴾.

همچنان ایشان بر انجام دستور؛ پرهیز از ممنوع و تحمل مقدرات الهی صابر و شکیبایند از آن‌رو که به پاداش ذخیره شده برای خود در نزد حق‌تعالی چشم دوخته و جویای آن هستند به علاوه ایشان نماز را به کاملترین وجه ادا می‌کنند؛ زیرا نماز همدم و همراه صبر و مددکار و چشمه‌سار آن می‌باشد، نماز بازدارنده از فحشا و بسترساز عبور از گذرگاه قضای الهی است. همچنان ایشان در زکات فرض و انفاق‌های مستحب از اموال خود به طور نهان و آشکار خرج می‌کنند و بدی‌ها را با نیکی‌ها می‌زدایند بدین‌گونه که اگر از ایشان گناه و اشتباهی سر زد، بی‌درنگ پس از آن طاعتی را انجام می‌دهند. چنان‌که بدی‌های مردم را نیز با نیکی پاسخ می‌دهند. این گروه یقیناً نزد حق‌تعالی عاقبت خوش و سرانجام ستوده‌ای دارند که همانا پاداش کریمانه و رستگاری عظیم آتی است:

﴿جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَدۡخُلُونَ عَلَيۡهِم مِّن كُلِّ بَابٖ ٢٣﴾.

آری! سرانجام ستوده و عاقبت خوش آن‌ها بوستان‌های همیشگی است که در آن همیشۀ ابد در آرامش و آسایش، حال خوش و سرانجام دلخواه به سرمی‌برند. برای افزودن بر انس و گرم‌تر ساختن انجمت فاخرشان؛ پدران، همسران، پسران و دختران درستکارشان نیز با ایشان همراه ساخته می‌شوند. این انجمن شادی و گلشن آرمانی را ورود فرشتگان به اوج خود می‌رساند که از هر دری برای‌شان در آمده و زیباترین شادباش‌ها را نثارشان می‌کنند. پس گوارایشان باد! حق‌تعالی به احسان و کرمش من و شما را نیز از ایشان گرداند.

﴿سَلَٰمٌ عَلَيۡكُم بِمَا صَبَرۡتُمۡۚ فَنِعۡمَ عُقۡبَى ٱلدَّارِ ٢٤﴾.

فرشتگان خطاب به آنان می‌گویند: خداوند أ در این بهشت دل‌آرا شما را از هر آسیبی به سلامت داشته، هر خیری را به شما رسانده و از هر امر ناخوش آیندی محفوظ‌تان داشته است؛ از آنکه شما بر طاعتش پایداری ورزیده و از معصیتش خودداری نموده‌اید؛ پس چه نیک سرانجامی دارید؛ گوارا و گرامی باد بر شما این سرنوست خجسته و این فوز عظیم.

﴿وَٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهۡدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ٢٥﴾.

اما دشمنان خدا أ که تکذیبگر او و پیامبرانش بوده‌اند، همانان که به هیچ عهد و پیمانی میان خود و پروردگار خود و در بین خود و مردم وفا نکرده و بعد از اعلام و امضای تعهدات و قراردادها، پیمان گسته و تعهد شکسته‌اند، حقوقی را که خدای سبحان به پیوستن آن دستور داده همچون حق والدین، صلۀ رحم و حق سایر ذی حقان از جمله فقرا، مستمندان و یتیمان را زیر پا کرده‌اند، به نافرمانی‌های خداوند أ بدکاری‌ها و انواع ستم که از آن جمله فساد در زمین و ویرانسازی دنیاست آلوده‌اند؛ این گروه از رحمت حق‌تعالی مطرود و از بهشتش محروم می‌باشند. جایگاهشان خواری و شرمساری همراه با نابودی و زیان و خشم خدای رحمان در جهنم سوزان است.

﴿ٱللَّهُ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ وَفَرِحُواْ بِٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا مَتَٰعٞ ٢٦﴾.

تنها خداوند أ است که روزی را بر هر کس از بندگانش که بخواهد، گشاده، فراوان و با برکت می‌گرداند و بر هر کس از خلقش که بخواهد آن را تنگ و اندک می‌سازد؛ از آنکه در پس پرده، رازها و حکمت‌هایی دارد که خود بدان داناتر است. اما کافران به بهره‌های این سرای دنیا که سرای فتنه و فریب است شادمان شده‌اند، حال آنکه نسبت دنیا با نعمت‌های آخرت جز بهره‌ای ناچیز و فانی و فرحتی اندک نیست که بسان چشم برهم زدنی از بین می‌رود. وه! که چه اندک است اقامت در سرای محنت و در خانۀ درد و رنج و علت.

﴿وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَةٞ مِّن رَّبِّهِۦۚ قُلۡ إِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِيٓ إِلَيۡهِ مَنۡ أَنَابَ ٢٧﴾.

کافران از روی عناد و لجاجت می‌گویند: آیا بر پیامبر ج معجزۀ محسوس و ملموسی مانند معجزۀ موسی در عصا و ید بیضا، معجزۀ عیسی در زنده‌ساختن مردگان و شفای کوران ... فرود آمده است؟ به آنان بگو: در حقیقت خدا أ هر کس از متکبران ستیزه‌جوی معاند را که بخواهد بی‌راه گذاشته و هدایت نمی‌کنند از این رو فرستادن معجزات نیز بدیشان سودی در برندارد. یقیناً اگر آنچه درخواست کردید محقق هم بشود باز شما تکذیب پیشه کرده و استکبار می‌ورزید. و خداوند أ هر کس را که به سوی هدایت و حق طلبی بازگشته و به رضوان پروردگارش مشتاق باشد، به سوی ایمان راه می‌نماید.

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ ٢٨﴾.

آری! خداوند أ کسانی را هدایت می‌کند که ایمان آورده‌اند و دل‌های‌شان به یاد وی آرام و اطمینان یافته و راحت و سبک‌بال شده است، آگاه باش که در حقیقت با یاد خدا أ در گسترۀ عمل، یا ذکر زبانی، یا ذکر قلبی، یا یادآوری وعده‌ها و هشدارهایش هست که دل‌ها انس و آرام می‌گیرد و در نتیجه خداوند أ هر ناخالصی، تیرگی، پلیدی، لجن، نگردانی، اندوه، آشفتگی و اضطرابی را از آن‌ها دور ساخته و به جای آن شادی، نور، سرور، بهجت، فرحت و لطافت را جایگزین می‌کند. بنابراین خوشبخت‌ترین مردم کسانی‌اند که پیوسته به یاد خدا أ مشغول‌اند. به راستی که آن‌ها پیشتازان کامیافته و رستگاران عرصۀ توفیق‌اند که زندگی‌شان سرشار از عطر دل‌انگیز شادابی است؛ آنانند که همۀ فرصت‌ها را به کار بسته، پشتوانۀ حسنات خویش را هرچه پربارتر نموده‌اند و با آلاله‌های نورانی طاعت؛ سیل گناه را از نفس انداخته و از سرزمین هستی‌شان زدوده‌اند.

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ طُوبَىٰ لَهُمۡ وَحُسۡنُ مَ‍َٔابٖ ٢٩﴾.

کسانی که به خدا و پیامبرش ایمان آورده و به برنامه و شریعتش عمل کرده‌اند چه خوشحال و چه خوش سرانجامی دارند؛ زیرا فوز عظیم و نعمت‌های پایدار در بهشت‌های جاودانگی همراه با عفو، رضا، کرم و امتنان الهی بر سر ایشان سایه گسترده است؛ پس ایشان در دنیا زندگی پاکیزه و گوارا و در آخرت حیاتی پسندیده، شاداب و خجسته دارند.

﴿كَذَٰلِكَ أَرۡسَلۡنَٰكَ فِيٓ أُمَّةٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهَآ أُمَمٞ لِّتَتۡلُوَاْ عَلَيۡهِمُ ٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ وَهُمۡ يَكۡفُرُونَ بِٱلرَّحۡمَٰنِۚ قُلۡ هُوَ رَبِّي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ مَتَابِ ٣٠﴾.

ای پیامبر! همانگونه که خداوند أ پیامبران پیش از تو را با پیام توحید به سوی اقوامشان فرستاد همچنین ما تو را نیز به سوی امتت فرستادیم تا قرآن را بر آن‌ها بخوانی و ایشان را در علم نافع، فهیم و دانشمند گردانی، اما این قوم یگانگی خدای تعال را انکار کرده و غیر وی را با وی شریک می‌آورند. پس ای پیامبر! به آنان بگو: همان خدای رحمانی که بت‌پرستان به او کفر می‌ورزند، به یگانگی پروردگار من است، او را در الوهیت و عبودیتش شریکی نیست، غیر وی هرگز شایستگی پرستش را ندارند پس من فقط بر او تکیه کرده، کار خویش را تنها به او سپرده، خواسته‌هایم را تنها به پیشگاه او برده و تنها به سوی او با توبه و انابت باز می‌گردم و مطمئن هستم که او لغزش‌هایم را می‌آمرزد و از بدی‌هایم درمی‌گذرد. بنابراین، توکل آغاز راه، و توبه پایان آن است.

﴿وَلَوۡ أَنَّ قُرۡءَانٗا سُيِّرَتۡ بِهِ ٱلۡجِبَالُ أَوۡ قُطِّعَتۡ بِهِ ٱلۡأَرۡضُ أَوۡ كُلِّمَ بِهِ ٱلۡمَوۡتَىٰۗ بَل لِّلَّهِ ٱلۡأَمۡرُ جَمِيعًاۗ أَفَلَمۡ يَاْيۡ‍َٔسِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن لَّوۡ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَهَدَى ٱلنَّاسَ جَمِيعٗاۗ وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُواْ قَارِعَةٌ أَوۡ تَحُلُّ قَرِيبٗا مِّن دَارِهِمۡ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ وَعۡدُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ٣١﴾.

در این آیه خدای ﻷ از تکذیب کنندگان پیامبرش ج و کسانی که خواهان معجزات محسوس و ملموس هستند چنین خبر داده است، اگر در اینجا قرآنی بود که از أثربخشی و اعجاز آن کوه‌ها از جای خود روان می‌شدند، یا زمین از آن می‌شگافت و از دل آن آب می‌جوشید، یا مردگان بدان زنده می‌شدند و سخن می‌گفتند، قطعاً قرآن موصوف به این اوصاف همین قرآنی بود که بر تو نازل شده است نه غیر آن، اما با این وجود آن‌ها بدان ایمان نیاوردند و باورمند نشدند. پس با وجود آنکه این قرآن بزرگ‌ترین معجزۀ تاریخ عالم و آدم است، آن‌ها چگونه از تو معجزۀ دیگری غیر آن می‌طلبند؟! آیا مؤمنان ندانسته‌اند و به این باور نرسیده‌اند که اگر خدا أ می‌خواست تمام اهل زمین بدون معجزه نیز ایمان می‌آوردند؟ از آن‌رو که هدایت خلق تنها وابسته به معجزه نیست. و مصیبت‌هایی مانند قتل، اسارت، محنت‌ها و زمین لرزه‌ها پیوسته بر کفار نازل می‌شود، یا نزدیک خانه‌های‌شان فرود می‌آید تا وعدۀ خدا در مورد پیروزی نهایی پیامبر ج و پیروانش بر دشمنانش فرا رسد، این وعده البته وعده‌ای مؤکد از سوی خداوند أ است و او هرگز وعده‌اش را خلاف نمی‌کند.

﴿وَلَقَدِ ٱسۡتُهۡزِئَ بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَأَمۡلَيۡتُ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ ثُمَّ أَخَذۡتُهُمۡۖ فَكَيۡفَ كَانَ عِقَابِ ٣٢﴾.

ای پیامبر برگزیده! و اگر کافران تو را به مسخره گرفتند بیگمان پیش از قومت امت‌های دیگر نیز پیامبرانشان را به مسخره گرفتند، پس تو نخستین کس در این راه نیستی از این رو به شیوۀ پیامبران پیشین که شیوۀ پایداری و استقامت است عمل کن و در حقیقت خداوند أ به کفار مهلت داد، سپس آنان را به کیفری سخت گرفتار ساخت و در نتیجه فرجام عمل بد و جزای تکذیب‌شان را چشیدند.

﴿أَفَمَنۡ هُوَ قَآئِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفۡسِۢ بِمَا كَسَبَتۡۗ وَجَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ قُلۡ سَمُّوهُمۡۚ أَمۡ تُنَبِّ‍ُٔونَهُۥ بِمَا لَا يَعۡلَمُ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَم بِظَٰهِرٖ مِّنَ ٱلۡقَوۡلِۗ بَلۡ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ مَكۡرُهُمۡ وَصُدُّواْ عَنِ ٱلسَّبِيلِۗ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ ٣٣﴾.

آیا کسی که نگهدار، مراقب، محاسب و ناظر بر هر شخص است به یگانگی در پرستش و اطاعت سزاوارتر می‌باشد یا این معبودان ناتوان و بتان جامد و بی‌جان که نه سودی می‌رسانند و نه زیانی؟ و کافران از نادانی برای خدای یگانۀ قهار شریکانی قرار دادند در حالی که او آفرینندۀ خودشان و آفرینندۀ همان چیزهایی است که جز او به پرستش می‌گیرند. ای پیامبر! به آنان بگو: نام‌ها و اوصاف این معبودان را ببرید؛ به یقین نزد آن‌ها چیزی نمی‌یابید که بتوان با آن بر شایستگی آن‌ها برای مورد پرستش قرار گرفتن غیر از الله أ اذعان کرد یا شما از نادانیی که دارید پروردگارتان را از وجود شریکانی خبر می‌دهید که خود در زمینش آفریده است اما از وجود آن‌ها آگاهی ندارد؟! یا آن‌ها را از روی ظاهر لفظ بی‌آنکه معنی و حقیقتی داشته باشند، شریکان می‌نامید؟ چنین نیست بلکه ابلیس لعین، اعمال زشت و باطل کافران را برای‌شان آراسته و آن‌ها را با مکر و فریبش از هدایت باز داشته است. و خدا أ هر کس را به ایمان راه ننماید، رهبری غیر وی نخواهد داشت و هر که را او بر هدایت توفیق نبخشاید قطعاً سرنوشتش به سراشیب نیستی و پستی گره خواهد خورد.

﴿لَّهُمۡ عَذَابٞ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَشَقُّۖ وَمَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٖ ٣٤﴾.

برای کفار اشرار در این عذابی است همچون قتل، اسارت، ذلت، رسوایی و اهانت اما قطعاً عذاب‌شان در آخرت که شراره‌های کوه مانند، غل و زنجیرها، هول و هراس‌ها و گرفتاری‌های سهمگین است؛ سخت‌تر، سنگین‌تر و وحشتناکتر می‌باشد، نه آن‌ها را از عذاب خدا أ بازدارنده‌ای است، نه نزدش شفاعتگری دارند و نه مدافعی که عذابش را از آنان برگرداند یا حمایت‌شان کند. پس نگهدار، یاور، شفاعتگر، مولا، پشتیبان و سرپناهی ندارند.

﴿۞مَّثَلُ ٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ أُكُلُهَا دَآئِمٞ وَظِلُّهَاۚ تِلۡكَ عُقۡبَى ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْۚ وَّعُقۡبَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٱلنَّارُ ٣٥﴾.

وصف بهشتی که خداوند أ دوستانش را – یعنی همانان را که از او پروا داشته و از پیامبرش ج پیروی می‌کند – بدان وعده داده است چنین است که از زیر قصرها، منازل و درختان آن نهرها روان است، پس درخشش و صفا، و رونق و بهاء، با آب و چمن و باغ‌های رعنا و بوستان‌های دلگشا که میوه‌های آن همیشگی ولاینقطع است همه باهم برای‌شان جمع آمده است. میوه‌های آن در دسترس، لذت‌بخش و بس گواراست، سایه‌سارهای آن نه برمی‌گردد و نه از بین می‌رود. این است جایگاه و بازگشتگاه کسانی که از مولای‌شان پروا داشته و به هدایتش راه جسته‌اند. اما سرنوشت اشرار بدکار، همان سوزش نار است همراه با خشم خدای جبار؛ پس بنگر که میان دو سرنوشت چه قدر فاصله بعید است!!

﴿وَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَفۡرَحُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَۖ وَمِنَ ٱلۡأَحۡزَابِ مَن يُنكِرُ بَعۡضَهُۥۚ قُلۡ إِنَّمَآ أُمِرۡتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱللَّهَ وَلَآ أُشۡرِكَ بِهِۦٓۚ إِلَيۡهِ أَدۡعُواْ وَإِلَيۡهِ مَ‍َٔابِ ٣٦﴾.

مؤمنان اهل کتاب – همچون عبدالله بن سلام از یهود و نجاشی از نصاری – از وحی نازل‌شده بر پیامبر ج شاد می‌شوند؛ زیرا قرآن تصدیق کنندۀ کتاب‌های آسمانیی است که نزدشان وجود دارد، اما کسانی که علیه حق به دسته‌بندی و تعصب روی آورده‌اند سید و عاقب دو اسقف نجران و کعب بن اشرف از یهود – برخی از قرآن را نکار می‌کنند. پس ای پیامبر! به آن‌ها خبر ده که خداوند أ به تو دستور داده است تا او را به یگانگی پرستیده، شریکی برایش قرار ندهی و مخلصانه سر در راه اطاعتش بگذاری؛ از آن‌رو که بازگشت به سوی او و پاداش و کیفر بر عهدۀ اوست.

﴿وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ حُكۡمًا عَرَبِيّٗاۚ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم بَعۡدَ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا وَاقٖ ٣٧﴾.

و بدانسان که حق‌تعالی کتاب‌ها را بر پیامبران به زبان اقوام‌شان نازل کرد، همین طور قرآن را نیز بر محمد ج به زبان عربی که روشن‌ترین و فصیح‌ترین همۀ زبان‌ها می‌باشد نازل کرد تا پیامبر و پیشوایان دینی پیروش در میان امّت بدان حکم کنند. و بر فرض اینکه پیامبر ج از هوس‌های مشرکان در پرستش غیر پروردگار عالمیان پیروی کند، یا در داوری‌هایش به غیر آنچه حق‌تعالی در کتاب مبین خود نازل کرده حکم نماید – که چنین چیزی در حق آن حضرت ج هرگز عملی نیست – اما بر فرض تصور چنین حالتی، ایشان نیز جز خدا أ هیچ دوست و حمایتگری ندارند که عذاب و کیفرش را از ایشان دفع کند. پس چگونه خواهد بود حال دیگران چنان‌چه جز خدا أ را پرستش کرده یا به غیر شریعتش حکم نمایند؟

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلٗا مِّن قَبۡلِكَ وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ أَزۡوَٰجٗا وَذُرِّيَّةٗۚ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأۡتِيَ بِ‍َٔايَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ لِكُلِّ أَجَلٖ كِتَابٞ ٣٨﴾.

و اگر دشمنان کینه‌توز کافر و منافق گفتند: محمد ج با زنان ازدواج می‌کند؟ پس پیامبران پیشین نیز با زنان ازدواج کرده و از آنان صاحب فرزندانی می‌شده‌اند، و این سنّت حق‌تعالی در مورد انبیائش می‌باشد. و هرگاه کافران گفتند: اگر محمد ج پیامبری از جانب خدا أ بود باید معجزاتی را که خواسته بودیم می‌آورد؟ پاسخ‌شان این است که: هیچ پیامبری نمی‌تواند معجزات مورد نظر قومش را بیاورد مگر در صورتی که خدا أ خود خواسته باشد؛ برای هر امری که خدای ﻷ مقدر کرده است کتاب و میعادی است؛ علم و فیصله در کتاب نوشته است و میعادش نیز همان وقتی است که خداوند أ تحققش را اراده کرده است.

﴿يَمۡحُواْ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ وَيُثۡبِتُۖ وَعِندَهُۥٓ أُمُّ ٱلۡكِتَٰبِ ٣٩﴾.

خداوند أ آن احکامی را که بخواهد به وسیلۀ نسخ محو و زایل می‌کند؛ البته به روی حکمت‌هایی که خود بدان داناتر است، و آن احکامی را که بخواهد و اثبات نموده و نسخ نمی‌نماید. او بدی‌ها را با نیکی‌ها می‌زداید. اما لوح محفوظ که روزی، اجل، سعادت و شقاوت در آن نوشته است، ثابت بوده و محو نمی‌شود، باقی است و منسوخ نمی‌گردد.

﴿وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعۡضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمۡ أَوۡ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُ وَعَلَيۡنَا ٱلۡحِسَابُ ٤٠﴾.

ای پیامبر! و اگر پاره‌ای از رسوایی‌ها، خواری‌ها و حقارت‌هایی که کفار را در همین دنیا به آن تهدید نموده‌ایم، به تو بنمایانیم این همان عذاب شتابان و زودرس‌شان است و اگر پیش از آنکه این عذاب‌شان را مشاهده کنی تو را بمیرانیم پس بر تو جز دعوت و رساندن پیام چیز دیگری نیست؛ حساب‌شان بر خدا أ و عقاب‌شان نیز نزد اوست.

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا نَأۡتِي ٱلۡأَرۡضَ نَنقُصُهَا مِنۡ أَطۡرَافِهَاۚ وَٱللَّهُ يَحۡكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكۡمِهِۦۚ وَهُوَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ٤١﴾.

آیا کافران مشاهده نکرده‌اند که خداوند أ زمین را از اطراف آن می‌کاهد؛ با فتح کشور‌های مشرکان به وسیلۀ مسلمین، یا با افزودن ساحۀ آبی بر ساحۀ خشکی زمین. این کاهش‌دهی از اطراف زمین اعلام و هشداری بر امر برپایی قیامت است. و تنها خداوند أ است که به عدل و داد حکم کرده و به طور فیصله‌کن داوری می‌کند؛ حکمش را هیچ پی‌جویی نیست تا آن را نقض کند و قضایش را هیچ برگرداننده‌ای نیست تا آن را بازدارد. و او به سرعت حسابرسی می‌کند به طوری که بشر را با همۀ کثرت شمارشان در وقتی کوتاه مورد محاسبه قرار می‌دهد از این‌رو حسابش سریع است و در کارش عجله‌ای وجود ندارد؛ زیرا هرچه آمدنی است، وقوعش نزدیک است.

﴿وَقَدۡ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَلِلَّهِ ٱلۡمَكۡرُ جَمِيعٗاۖ يَعۡلَمُ مَا تَكۡسِبُ كُلُّ نَفۡسٖۗ وَسَيَعۡلَمُ ٱلۡكُفَّٰرُ لِمَنۡ عُقۡبَى ٱلدَّارِ ٤٢﴾.

به یقین امت‌های پیشین با پیامبران خود نیرنگ کردند همانگونه که کافران با محمد ج نیرنگ کردند ولی بدانند که تنها خدا أ صاحب مکر بزرگ و تدبیر عظیم است؛ نیرنگ هر نیرنگبازی را ابطال و کید هر مکاری را بی‌اثر می‌سازد، و تنها خدا أ است که آنچه را هر کس از خیر و شر و خوب و بد انجام می‌دهد، می‌داند و سرانجام پاداش یا کیفر می‌رساند. و به زودی کفار آنگاه که بر شاهنشاه جبار عرضه شوند می‌دانند که فرجام ستوده و خاتمۀ نیک از آن چه کسانی است؟ بدون شک سرانجام خوش از آن مؤمنان پیرو پیامبران و فرجام بد از آن تکذیب پیشگان دشمن پروردگار جهانیان است.

﴿وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَسۡتَ مُرۡسَلٗاۚ قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡ وَمَنۡ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلۡكِتَٰبِ ٤٣﴾.

کسانی که کافر شدند به پیامبر برگزیده می‌گویند: تو از سوی خدای یگانۀ قهار فرستاده نشده‌ای. پس ای پیامبر! به آنان خبر ده که خداوند أ بر راستی و صحت دعوتت گواه است و گواهی او کافی است. همچنان کسانی از یهود اهل تورات و نصارای اهل انجیل که به تو ایمان آورده و به کلمۀ شهادت نطق کرده و آن را همچون منکران اهل کتاب کتمان نکرده‌اند نیز به رسالتت گواهند.

سورۀ إبراهیم

مکی است؛ ترتیب آن 14؛ شمار آیات آن 52

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿الٓرۚ كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ لِتُخۡرِجَ ٱلنَّاسَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذۡنِ رَبِّهِمۡ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ١﴾.

الف، لام، راء؛ از حروف مقطعه است که خدای ﻷ خود به مرادش از آن‌ها داناتر می‌باشد. اما در آن‌ها به اعجاز و هماوردطلبی قرآن اشاره شده است.

این قرآن کتابی است که حق‌تعالی آن را بر پیامبرش فرود آورد تا کسانی از دوستان اجابت گویش را که بخواهد به توفیق، الهام و تثبیتی از سوی خویش، از تاریکی‌های کفر و جهل و گمراهی به سوی نور ایمان و هدایت بیرون برد؛ با این توفیق و تأیید است که او ایشان را به راه راستی که به سوی آن فرا خوانده است راهنمون می‌شود؛ همان خداوندی که بر کارش غالب، بر خلقش قاهر، در ملکش شکست‌ناپذیر و ستوده است. همو که بر دشمنانش قاهر است و آنان را به خاک مذلت کشانده است.

﴿ٱللَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَوَيۡلٞ لِّلۡكَٰفِرِينَ مِنۡ عَذَابٖ شَدِيدٍ ٢﴾.

تنها خداوند أ است که هرچه در آسمان‌ها و در زمین است در آفرینش، روزی‌رسانی، کارگردانی و مدیریت از آن اوست. پس همانگونه که در آفرینشگری شریکی ندارد، همچنان در پرستش نیز نباید چیزی را به او شریک آورد، بلکه باید تنها و تنها او را به یگانگی پرستید. بناءً در روز هنگامۀ بزرگ، یقیناً ویرانی، نابودی، خشم و بدفرجامی در دل عذاب دردناک و نیز رسوایی ماندگار دوزخ برکسانی است که منکر آیاتش گردیده و رسالت‌هایش را تکذیب نموده‌اند.

﴿ٱلَّذِينَ يَسۡتَحِبُّونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا عَلَى ٱلۡأٓخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلِۢ بَعِيدٖ ٣﴾.

همین کافران‌اند که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده و مقدم می‌سازند، به آن عشق ورزیده و سخت در راه آن می‌تپند، به آرایش‌ها و پیرایش‌های آن فریفته شده و حساب و جزایی را که پیش رو دارند کاملاً فراموش می‌کنند. همینانند که با ایذا و تهدید، در میان مردم و دین خدای ﻷ مانع ایجاد کرده و بر آنند تا راه حق نیز مطابق هوا و هوس‌های‌شان، کج و معوج و پیچیده و تودرتو باشد. بیگمان این گروه، از حق بسی دور افتاده و در عمق پرتگاه بیخردی و گمراهی به سر می‌برند؛ از آن‌رو که ضلالت را بر هدایت ترجیح داده‌اند.

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوۡمِهِۦ لِيُبَيِّنَ لَهُمۡۖ فَيُضِلُّ ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٤﴾.

خداوند أ پیش از محمد ج نیز هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستاده است تا امت‌ها پیام‌های پیامبران را به درستی بفهمند و تا شریعت‌شان روشن، آسان و ساده باشد. البته پس از آن حجّت بر آنان اقامه شد، خداوند أ هر کس را بخواهد از هدایت برمی‌گرداند و هر کس را هم بخواهد، به سوی حق راه می‌نماید. و اوست عزتمندی که فرمانش غالب، قدر و عظمتش والا و قهرش آشکار است، اوست که در آفرینشگری، نوآوری، تصویرگری، صنع، شریعت و حاکمیتش، حکیم و فرزانه می‌باشد.

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِ‍َٔايَٰتِنَآ أَنۡ أَخۡرِجۡ قَوۡمَكَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ وَذَكِّرۡهُم بِأَيَّىٰمِ ٱللَّهِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ ٥﴾.

به یقین خداوند أ موسی را با نشانه‌های روشن و معجزات درخشانی چون عصا و ید بیضا به سوی بنی اسرائیل فرستاد و به وی دستور داد تا مردم را به راه حق دعوت کرده و از این طریق ایشان را از تاریکی‌های کفر به سوی نور ایمان بیرون برد، و نعمت‌های خداوند أ برای‌شان را به یاد آورد؛ در آن روز که از جنگ فرعون نجات‌شان داد، به ایشان گزانگبین و بلدرچین ارزانی داشت، از دل صخره سنگی خارا برای‌شان آبی گوارا بیرون جوشانید و غیر این از نعمت‌های دیگر. همچنان باید روزگاران سختی و بدبختی را نیز به یادشان آورد؛ مانند روزی که حق‌تعالی برخی از آنان را مسخ کرد و بعضی دیگر را به سختی گرفتار عذاب نمود. بیگمان در این یادآوری‌ها، اندرزهایی است رسا و عبرت‌هایی است بزرگ برای کسانی که بر مصیبت و بلا صابر و شکیبا، و بر شادی و رفاه شاکر و سپاسگزار اند، زیرا کسانی که از همچو اوصافی برخوردار باشند، بی‌شک همانان عابدان راستین حق تعالی‌اند که مراتب عبودیت را – که همانا پیمودن پلکان‌های صبر و شکر است – صعود کرده‌اند و در نتیجه شایستۀ ولایت گردیده، از حکمت بهره‌مند و به ساحل کامیابی و رستگاری رسیده‌اند.

﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ أَنجَىٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبۡنَآءَكُمۡ وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡۚ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَظِيمٞ ٦﴾.

ای پیامبر! اخبار موسی ÷ را به خاطر بیاورد، روزی که به قومش بنی اسرائیل گفت: ای قوم من! نعمت‌های حق‌تعالی را با شکر و سپاسش به یاد آورید روزی که شما را از چنگال فرعون و سپاهیانش رهانید، همانان که سخت‌ترین عذاب‌ها مانند قتل، برده‌سازی و ستم‌های گوناگون را بر شما می‌چشاندند؛ پسران‌تان را از بیم آنکه در بزرگسالی مایۀ دردسرشان شوند، می‌کشتند و دختران‌تان را برای خدمتگزاری زنده باقی می‌گذاشتند. به یقین در ابتلا به سختی و آسانی و نجات و گرفتاری آزمونی برای شماست تا حق‌تعالی صبر و شکرتان را در عینیت معلوم بدارد.

﴿وَإِذۡ تَأَذَّنَ رَبُّكُمۡ لَئِن شَكَرۡتُمۡ لَأَزِيدَنَّكُمۡۖ وَلَئِن كَفَرۡتُمۡ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٞ ٧﴾.

موسی به قومش گفت: در حقیقت خداوند أ نوشته، فیصله کرده و این حکم را گذرانده است که: باید وی را در برابر نعمت‌هایش – با فرمانپذیری – سپاس بگذارید که در این صورت یقیناً از فضل گسترده، کرم عام و همه شمولش بر شما خواهد افزود، چرا که هیچ چیز دیگر بسان شکر جالب نعمت و استمراربخش آن نیست. اما اگر نعمت‌های الله أ را انکار کرده، طاعتش را ترک نمودید و به نافرمانی‌هایش آغشته شدید، یقیناً بدانید که شما را در برابر عملکرد زشت‌تان به سختی عذاب خواهد کرد.

﴿وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِن تَكۡفُرُوٓاْ أَنتُمۡ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا فَإِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ٨﴾.

همچنان موسی به آنان گفت: اما بر فرض اگر شما و تمام کسانی که در زمین به سر می‌برند به خدای متعال کفر بورزید، بدانید که هرگز به وی زیانی نمی‌رسانید، زیرا او نیازی به طاعت کسی ندارد. و اگر تمام خلق همه بر قلب بدکارترین شخص روی زمین باشند، این نیز از پهنای ملکش چیزی نمی‌کاهد، زیرا حق‌تعالی از همگان بی‌نیاز است، از آنکه یگانۀ صمد است و اوست که سزاوار حمد و ثنا می‌باشد، او در زمین و آسمان ستوده است، به کسانی که از وی روی می‌گردانند محتاج نیست و کسانی را که به وی رو می‌کنند می‌ستاید و کارشان را قدر می‌شناسد.

﴿أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ نَبَؤُاْ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ وَثَمُودَ وَٱلَّذِينَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ لَا يَعۡلَمُهُمۡ إِلَّا ٱللَّهُۚ جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَرَدُّوٓاْ أَيۡدِيَهُمۡ فِيٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَقَالُوٓاْ إِنَّا كَفَرۡنَا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ وَإِنَّا لَفِي شَكّٖ مِّمَّا تَدۡعُونَنَآ إِلَيۡهِ مُرِيبٖ ٩﴾.

ای امّت محمد! آیا خبر امت‌هایی که پیش از شما بودند: قوم نوح، قوم هود، قوم صالح و کسانی که بعد از آنان آمدند و جز خدا أ هیچ‌کس شمار و کثرت‌شان را نمی‌داند، به شما نرسیده است؟ پیامبران ما با ادلۀ روشن و برهان‌های قاطع که گویای صدق‌شان بود نزد آن اقوام رفتند اما آن‌ها از روی خشم و کینه و تمرد از پذیرش حق، دستان خود را به دهان‌های خویش گزیده و کافران‌شان به پیامبران خود گفتند: ما به آنچه از پیام یگانگی خدا أ و ایمان به وی آوردید منکریم! ما در راستگویی شما شک داریم! ما آنچه را شما به سوی آن فرا می‌خوانید به باد استهزا و تمسخر گرفته و در صحت نبوت‌تان مردّدیم! دل‌های را از تردید و غیظ نسبت به شما انباشته است!

﴿۞قَالَتۡ رُسُلُهُمۡ أَفِي ٱللَّهِ شَكّٞ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يَدۡعُوكُمۡ لِيَغۡفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُؤَخِّرَكُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۚ قَالُوٓاْ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَا فَأۡتُونَا بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ ١٠﴾.

اما پیامبران پندار تکذیب کنندگان را رد کرده و گفتند: مگر دربارۀ یگانگی و خداوندی حق‌تعالی – آفرینندۀ آسمان‌ها و زمین – تردیدی وجود دارد حال آنکه او آفرینش را بدون نمونۀ پیشینی ابداع کرده است؟ آخر او شما را به این مرام به سوی یگانگی خود و اطاعت از پیامبرانش می‌خواند تا گناهان‌تان را بر شما بیامرزد و شما را تا میعادی که برای‌تان مقدر شده است در زندگی دنیایتان به نیکویی برخوردار سازد و از این رو شما را در دنیا مجازات نکرده بلکه با آیین اسلام، از نعمت صلح، سلامت، امنیت و ایمان بهره‌مندتان گرداند. اما کافران به پیامبران‌شان گفتند: شما نیز بشری مانند ما هستید، صفات شما مانند صفات ما است پس شما را بر ما چنان امتیازی که شایستۀ رسالت‌تان گرداند، وجود ندارد از این رو چرا بی‌هیچ سببی خود را بر ما برتر دانسته و می‌خواهید تا ما را از پرستش بتان و همتایانی که پدران و اجداد ما آن‌ها را می‌خواندند بازدارید؟ پس بر درستی دعوت و صحت رسالت خود دلیلی آشکار و حجتی روشن بیاورید.

﴿قَالَتۡ لَهُمۡ رُسُلُهُمۡ إِن نَّحۡنُ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ وَمَا كَانَ لَنَآ أَن نَّأۡتِيَكُم بِسُلۡطَٰنٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١١﴾.

پیامبران‌شان در پاسخ این سخنشان که: شما نیز بشری مانند ما هستید، گفتند: آری! ما نیز آنسان که شما گفتید بشری مانند شما هستیم، ولی خداوند أ از روی کرم و فضلش، ما را با رسالت برتری داده و با نبوت امتیاز بخشیده است و اما در مورد برهان‌ها و معجزاتی که در خواست کرده‌اید، باید این نکته را به شما روشن سازیم که ما بندگانی مأمور بیش نیستیم. از این رو نمی‌توانیم جز به اجازه و ارادۀ خداوند أ هیچ چیزی بیاوریم. البته مؤمنان فقط بر خدا أ تکیه می‌کنند. پس او یقیناً ایشان را بر دشمنان‌شان یاری داده و در تمام امور از ایشان پشتیبانی می‌کند.

﴿وَمَا لَنَآ أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى ٱللَّهِ وَقَدۡ هَدَىٰنَا سُبُلَنَاۚ وَلَنَصۡبِرَنَّ عَلَىٰ مَآ ءَاذَيۡتُمُونَاۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ ١٢﴾.

و چرا بر خداوند أ توکل نکرده و کار خویش را بدو نسپاریم حال آنکه تنها اوست که چشمان ما را به سوی حق بازکرده، ما را به راه هدایت رهبری نموده و طریق نجات را به ما نشان داده است؟ و البته ما بر آزارهای گفتاری و رفتاریی که شما مشرکان – با بد زبانی و بدکرداری – به ما می‌رسانید شکیبایی خواهیم کرد. آری! مؤمنان متوکل تنها بر خدا أ تکیه می‌کنند، در نتیجه با بر خورداری از عنایت و حمایت الله أ نیرومند، در پناه دین وی مقتدر و عزتمند، و با تائید وی موفق و پیروز می‌شوند.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِرُسُلِهِمۡ لَنُخۡرِجَنَّكُم مِّنۡ أَرۡضِنَآ أَوۡ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَاۖ فَأَوۡحَىٰٓ إِلَيۡهِمۡ رَبُّهُمۡ لَنُهۡلِكَنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٣﴾.

کافران بر آزار رسانی و بدرفتاری با انبیا پای فشرده ایشان را به رگبار تهدید و تشر گرفتند و گفتند: یا شما را از سرزمین‌های خویش بیرون می‌کنیم یا باید به دین ما برگشته و دین خویش را فرو گذارید! لذا خداوند أ به پیامبرانش وحی کرد که: به زودی کافران را هلاک ساخته و اشرار با عذاب ویرانگر محو و نابود خواهد کرد.

﴿وَلَنُسۡكِنَنَّكُمُ ٱلۡأَرۡضَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡۚ ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ١٤﴾.

و پس از نابودسازی دشمنانمان به دوستان خویش در روی زمین قدرت و امکانات خواهیم بخشید و ایشان را در آن سرزمین‌ها اسکان خواهیم داد. بناءً سرانجام ستوده، عاقبت خوش و پیروزی نهایی از آن کسانی است که از خداوند أ پروا داشته و به هدایتش تمسک جویند، از قرار گرفتن در پیشگاه حق‌تعالی در محشر به هنگام حساب بترسند و از هشدارهایش در مورد عذاب بیمناک باشند؛ در نتیجه به عمل صالح روی آورند. بنابراین عزّت و مجد و توفیق همه در طاعت خدای ﻷ است.

﴿وَٱسۡتَفۡتَحُواْ وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٖ ١٥﴾.

و پیامبران به بارگاه پروردگار خویش التجا کرده و از وی خواستند تا با پیروز ساختن دوستانش بر دشمنانش، میان آن‌ها و کفار به طور فیصله کن داوری نماید. پس حق‌تعالی درخواست‌شان را اجابت کرد و با تأیید و نصرت خویش دشمنان‌شان را سرکوب کرده و هر متکبری را که پذیرای حق نیست و برای آن سر فرود نمی‌آورد، در برابر دلیل و برهان ستیزه‌جو و منکر توحید و رسالت است خوار و ذلیل ساخت. بنابراین هر کسی که با زور گویی، فخر فروشی و برتری طلبی بر دیگران، در نفس خود جبار و گردن‌کش است، از حق و راستی روی برمی‌تابد، به ناروا جدال می‌ورزد و به دروغ دفاع می‌کند، عاقبت ناکام و نابود است.

﴿مِّن وَرَآئِهِۦ جَهَنَّمُ وَيُسۡقَىٰ مِن مَّآءٖ صَدِيدٖ ١٦﴾.

از پیش روی این انسان زورگوی لجباز، آتش جهنم است که گرمای سوزانش دل و جان و مغز استخوانش را می‌سوزاند، نوشابۀ وی در آن، زرداب چرکین و خونی است که از اجساد فجار در دوزخ بیرون می‌آید.

﴿يَتَجَرَّعُهُۥ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُۥ وَيَأۡتِيهِ ٱلۡمَوۡتُ مِن كُلِّ مَكَانٖ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٖۖ وَمِن وَرَآئِهِۦ عَذَابٌ غَلِيظٞ ١٧﴾.

کافر می‌کوشد تا آن رزداب چرکین را در دوزخ جرعه جرعه بنوشد، اما نمی‌تواند آن را فروبرد از آنکه سخت بدبو، بسیار تلخ و جوشان است. و عذاب به انواع و اشکال گونه‌گون، بر هر عضوی از اعضای بدنش و همراه با هر رگ و پی و بافت و سلول سلولش به سوی وی می‌آید، آرزو دارد که بمیرد تا آسوده شود ولی نمی‌میرد و نه هم به حیاتی سعادتمندانه و پسندیده زنده می‌ماند؛ بلکه اوست و آن عذاب دردناک ابدی که پیوسته در دوزخ گریبانگیرش می‌باشد.

﴿مَّثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمۡۖ أَعۡمَٰلُهُمۡ كَرَمَادٍ ٱشۡتَدَّتۡ بِهِ ٱلرِّيحُ فِي يَوۡمٍ عَاصِفٖۖ لَّا يَقۡدِرُونَ مِمَّا كَسَبُواْ عَلَىٰ شَيۡءٖۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ ٱلۡبَعِيدُ ١٨﴾.

وصف اعمال به ظاهر آراسته‌ای مانند صدقه، صلۀ رحِم و نیکوکاری که کافران در زندگی دنیوی خویش انجام می‌دهند همچون وصف خاکستری است که بادی تند در روزی طوفانی بر آن بوزد و در نتیجه آن را چنان پراکنده ساخته و گردی برهوا سازد که اثری از آن باقی نگذارد. پس همچنین است اعمال نیک کافران که تندباد کفر و ریاکاری آن را از بین برده و از این رو برای آن نزد حق‌تعالی هیچ منفعتی باقی نمی‌ماند. بناءً شرک و کفر از بین برندۀ اعمال نیک‌اند چنان‌که باد از بین برندۀ خاکستر می‌باشد، به راستی که اعمال‌شان از ایمان و اخلاص تهی است از این رو هر تلاشی که برقاعدۀ تقوی و طاعت حق‌تعالی استوار نباشد، در واقع گمراهیی است دور از صراط مستقیم، پس عمل بی‌بهره از اخلاص، همانند جسم بدون جان است.

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۚ إِن يَشَأۡ يُذۡهِبۡكُمۡ وَيَأۡتِ بِخَلۡقٖ جَدِيدٖ ١٩﴾.

ای انسان! آیا ندانسته‌ای که فقط خدای یگانه است که آسمان‌ها و زمین را در صنعی بدیع – که دلیل روشن حکمت تامه و قدرت کامله‌اش می‌باشد – از عدم آفریده است و آن‌ها را نه به بازی و عبث بلکه به حق آفریده تا بر عظمت و یگانگی‌اش راه برند و در نتیجه تنها او بی‌هیچ شریکی مورد پرستش قرار گیرد؟ ای مردم! اگر خدا أ بخواهد شما را از بین برده و خلق جدیدی غیر از شما را پدید می‌آورد که از شما برایش فرمانبرتر و عابد پیشه‌تر باشند، پس آفرینش و فنای شما بر اوتعالی سهول و ساده است.

﴿وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ بِعَزِيزٖ ٢٠﴾.

میراندن شما و جایگزین ساختن دیگران به جای‌تان بر حق‌تعالی امری دشوار نیست، بلکه بسیار آسان است، زیرا قدرتش نافذ و فرمانش غالب می‌باشد.

﴿وَبَرَزُواْ لِلَّهِ جَمِيعٗا فَقَالَ ٱلضُّعَفَٰٓؤُاْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُنَّا لَكُمۡ تَبَعٗا فَهَلۡ أَنتُم مُّغۡنُونَ عَنَّا مِنۡ عَذَابِ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖۚ قَالُواْ لَوۡ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ لَهَدَيۡنَٰكُمۡۖ سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ أَجَزِعۡنَآ أَمۡ صَبَرۡنَا مَا لَنَا مِن مَّحِيصٖ ٢١﴾.

و مردم همگی در روز هنگامۀ بزرگ از قبرهای‌شان برای ملاقات پروردگارشان بیرون می‌آیند تا میان‌شان داوری نموده و جزای‌شان دهد، در این بین پیروان به سردمداران می‌گویند: ما در دنیا تحت سرپرستی شما بودیم و به فرمان شما گردن می‌نهادیم پس آیا امروز همانسان که در دنیا به ما وعده کرده‌اید، با دفع عذاب از ما بهره‌ای به ما می‌رسانید؟ سردمداران می‌گویند: اگر خداوند أ ما را به هدایت توفیق بخشیده بود یقینا شما را به راه راست رهبری می‌کردیم لیکن او ما را به حق توفیق نبخشید پس از این جهت خود گمراه شده و سپس شما را گمراه ساختیم بناءً امروز شکیبایی به ما و شما سودی نمی‌رساند؛ زیرا عذاب از طاقت و توان خارج است، و نه هم ناشکیبی و بی‌قراری به حال ما و شما سودمند است، چرا که حاصلی از آن متصور نیست در نتیجه از عذاب خدا أ نه گریز گاهی وجود دارد و نه پناهگاهی، بلکه عذابی است پیوسته و کیفری است سخت و سنگین که در آن هیچ تخفیفی نیست.

﴿وَقَالَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لَمَّا قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ إِنَّ ٱللَّهَ وَعَدَكُمۡ وَعۡدَ ٱلۡحَقِّ وَوَعَدتُّكُمۡ فَأَخۡلَفۡتُكُمۡۖ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيۡكُم مِّن سُلۡطَٰنٍ إِلَّآ أَن دَعَوۡتُكُمۡ فَٱسۡتَجَبۡتُمۡ لِيۖ فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوٓاْ أَنفُسَكُمۖ مَّآ أَنَا۠ بِمُصۡرِخِكُمۡ وَمَآ أَنتُم بِمُصۡرِخِيَّ إِنِّي كَفَرۡتُ بِمَآ أَشۡرَكۡتُمُونِ مِن قَبۡلُۗ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٢٢﴾.

بعد از آنکه از حساب و کتاب فارغ شده، گروهی به سوی بهشت و گروهی دیگر به سوی دوزخ روان شدند در این هنگام شیطان می‌گوید: ای پیراوان من! در حقیقت خدا أ در دنیا به شما وعده داد وعده‌ای راست بر اینکه به زودی شما را برخواهد انگیخت و مورد حسابرسی قرار خواهد داد، و من نیز به شما وعده دادم اما وعده‌ای دروغ که گفتم: نه رستاخیزی درکار است و نه حساب و کتابی، اکنون وعدۀ خدا أ محقق شد و وعدۀ من دروغین برآمد و از رونق افتاد لیکن این امر روشن است که من چنان نیروی قهریه‌ای نداشتم که پیروانم را به زور بر راه باطل وادارم و نه هم بر آنچه شما را به سویش فرا می‌خواندم دلیل و حجّت آشکاری داشتم، بلکه تنها کاری که من کردم به کفر و گمراهی فراتان خواندم و شما هم مرا اجابت کردید بناءً بر من سرزنشی نیست، پس مرا ملامت نکنید و خود را سرزنش نمایید؛ زیرا شما از کسی پیروی کردید که نه بر دعوتش نیرویی دارد و نه برهانی لذا اشتباه از خود شما بود، بدانید که من امروز هرگز به فریاد شما رسیده نتوانسته و شما را از چنگ مجازات رها ساخته نمی‌توانم چنان‌که شما نیز نمی‌توانید مرا از خشم خدای جبار یا از عذاب سوزان نار، رهایی بخشید، من از شرک شما که غیر خدای ﻷ را با وی همراه ساختید، بیزاری می‌جویم و همچنان از اینکه مرا با خدای سبحان شریک قرار دادید اعلام برائت می‌کنم، والا و برتر است خدای سبحان از شایبۀ شرک، در حقیقت ستمکارانی که عبادت‌شان را برای غیر مستحق آن صرف کرده، حق را رها نموده و باطل را برگزیده‌اند، در آتش جهنم عذابی سخت، همیشگی و پردرد دارند.

﴿وَأُدۡخِلَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا بِإِذۡنِ رَبِّهِمۡۖ تَحِيَّتُهُمۡ فِيهَا سَلَٰمٌ ٢٣﴾.

و خدای متعال میان بندگان داوری کرده نیکان را به سرای قرار که از زیر کاخ‌ها و درختان آن نهرها روان است وارد می‌سازد، در آنجا تا آنگاه که شب و روز تداوم داشته باشد به طور ابد ماندگار اند، فرشتگانی نیکو سرشت بر آن‌ها درود می‌گویند، همراه با خشنودی پروردگار غالب آمرزگار، پس ایشان در امن و امان، در روح و ریحان، در زیر چمن‌های پر از تاکستان و باغستان و نخلستان، همراه با رضای رحمان و شادی دل‌ها و راحت ابدان، جاویدان به سر می‌برند.

﴿أَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا كَلِمَةٗ طَيِّبَةٗ كَشَجَرَةٖ طَيِّبَةٍ أَصۡلُهَا ثَابِتٞ وَفَرۡعُهَا فِي ٱلسَّمَآءِ ٢٤﴾.

آیا ندیده و ندانستی که خداوند أ کلمۀ طیبۀ توحید (لا إله إلا الله) را چگونه وصف کرده است؟ او آن را به درختی بزرگ و پاکیزه که درخت نخل است، ریشه‌اش در زمینی پاک استوار، و شاخه‌اش بلند و پر فروغ سر در آسمان دارد، همانند ساخته است؛ زیرا کلمۀ توحید نیز در دل‌های مؤمنان پایدار است و ثمر خویش را که عبارت از طاعات و انواع گونه‌گون عبادات است، همانند خوشه‌های عسلی، لذیذ و دردسترس خرما هر وقت و هرلحظه تقدیم می‌کند، همراه با صفای همیشه سبز و همیشه بهار، بسیاری منافع، قامت رسا و زیبا و کمال و استواری و صلابت آن.

﴿تُؤۡتِيٓ أُكُلَهَا كُلَّ حِينِۢ بِإِذۡنِ رَبِّهَاۗ وَيَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡأَمۡثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ٢٥﴾.

این درخت خرما، میوۀ رسیده و گوارای خود را هردم به اذن پروردگارش تقدیم می‌کند، پس همچنان است درخت ایمان در دل‌های مؤمنان که از میوۀ طاعات و برکات، فضایل، اخلاق و ارزش‌های زیبا آنچه را که صلاح خود انسان و انسان‌های دیگر در آن است هدیه می‌کند، در نتیجه برای صاحب آن پاداشی بزرگ و ثنا و سپاسی خجسته که خداوند أ بدان داناست حاصل می‌شود. و حق‌تعالی مَثَل‌ها را برای تفهیم مردم بیان می‌کند تا حقایق و مسائل برای‌شان روشن شود و در معانی مثل‌ها اندیشیده، پند و عبرت بگیرند.

﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٖ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ ٱجۡتُثَّتۡ مِن فَوۡقِ ٱلۡأَرۡضِ مَا لَهَا مِن قَرَارٖ ٢٦﴾.

و خداوند أ برای کلمۀ سیاه و رسوای کفر، درخت حنظل ناپاک را مَثَل‌زده است که مزۀ آن تلخ بوده، از خیر و منفعت خالی است، در عین حال ریشۀ آن نیز به سطح زمین نزدیک است بناءً نه اساس استوار و پایداری دارد و نه شاخه‌های بلند و آسمان آسا. پس همچنین است کافر که نه دارای اصول و اساسات ثابتی است، نه خیر قابل انتظاری از وی متصور است و نه نفع در دسترسی، نه از او عمل شایسته‌ای به آسمان بلند برده می‌شود و نه دعایی از او اجابت می‌گردد.

﴿يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلۡقَوۡلِ ٱلثَّابِتِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَيُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلظَّٰلِمِينَۚ وَيَفۡعَلُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ ٢٧﴾.

خداوند أ مؤمنان را بر کلمۀ حق و گواهی راستین یعنی: کلمۀ طیّبۀ (لا إله إلا الله محمد رسول الله) پایدار می‌سازد، در همه حال: در زندگی دنیا، در هنگام سکرات مرگ، در وقت پرسش دو فرشته در قبر و در هنگام ایستادن به پیشگاه کبریائی وی در روز حشر. اما اوتعالی کافران بدکردار را بر گفتن آن توفیق نبخشیده، گزینۀ صواب را بر آنان الهام نمی‌کند و آن‌ها را به پاسخ درست راه نمی‌نماید و او هرچه بخواهد با خلقش می‌کند، اعم از هدایت مؤمنان و بی‌راه گذاشتن کافران. او از آنچه می‌کند مورد پرسش قرار نمی‌گیرد در حالی که آنان از کردار خویش مورد پرسش قرار می‌گیرند.

﴿۞أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ بَدَّلُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ كُفۡرٗا وَأَحَلُّواْ قَوۡمَهُمۡ دَارَ ٱلۡبَوَارِ ٢٨﴾.

ای مسلمان آگاه و هوشیار! آیا به کفار مکه ننگریستی که به جای ایمان به خداوند أ و شکر و سپاسش در برابر نعمت امنیت، نعمت عظمای رسالت محمد ج و وجود حرم مکی در میان خویش، کفر را برگزیدند، این نقمت را ستانده و آن همه نعمت را ناسپاسی کردند و در روز بدر پیروان خویش را به سوی سرای هلاک و رسوایی که آتش جهنم است رهبری نمودند؟

﴿جَهَنَّمَ يَصۡلَوۡنَهَاۖ وَبِئۡسَ ٱلۡقَرَارُ ٢٩﴾.

آن سرای هلاکت آتش جهنم است که آن‌ها سختی‌ها و مرارت‌های سوزانش را با همۀ وجود خویش لمس کرده و عذاب آن را می‌چشند و چه بد قرارگاهی است برای کافران و مستکبران.

﴿وَجَعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا لِّيُضِلُّواْ عَن سَبِيلِهِۦۗ قُلۡ تَمَتَّعُواْ فَإِنَّ مَصِيرَكُمۡ إِلَى ٱلنَّارِ ٣٠﴾.

و کفار جز خدای سبحان خدایانی را به پرستش گرفتند تا بندگان را از راه هدایت دور سازند، پس ای پیامبر! به آنان بگو: در این دنیای حقیر فانی کوتاه مدت، برخواردار شوید زیرا این دنیا بسیار زود دست‌خوش تحول و زوال می‌گردد و سپس شما به زودی در حصاری از هول و هراس‌ها، زنجیرها و عذاب‌های سخت به سوی آتش جهنم رهسپار می‌شوید.

﴿قُل لِّعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُنفِقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا بَيۡعٞ فِيهِ وَلَا خِلَٰلٌ ٣١﴾.

ای پیامبر! به بندگان مؤمن حق‌تعالی که وعدۀ پروردگارشان را تصدیق کرده‌اند بگو: نماز را به کاملترین وجه ممکن ادا کنند و پاره‌ای از آنچه را که او به ایشان بخشیده است به طور نهان و آشکار – آنسان که مصلحت ایجاب می‌کند – در راه‌های خیر صدقه دهند، پیش از آنکه روز عرضه شدن بر خدای ذوالجلال فرا رسد؛ زیرا در آن روز نه فدیه و باز خریدی وجود دارد و نه صدقه‌ای، نه مالی است که پرداخته شود و نه دوستی است که شفاعت کند.

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلۡفُلۡكَ لِتَجۡرِيَ فِي ٱلۡبَحۡرِ بِأَمۡرِهِۦۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلۡأَنۡهَٰرَ ٣٢﴾.

تنها خداوند أ است که آسمان‌ها و زمین را از عدم ایجاد کرد و باران را از ابر فرود آورد و به وسیلۀ آن از همۀ گونه‌های نباتی، گیاهان و درختان خرم را زنده و شاداب گردانید، که از آن‌ها خوراک مردم اعم از دانه‌ها، میوه‌ها و سبزیجات تأمین می‌شود و کشتی‌ها را مسخر گردانید که در بستر دریاها در تب و تاب و رفت و آمد اند تا منافع انسان‌ها در عرضۀ سفر، سیاحت، تجارت و جهاد را برآورند. و رودها را برای منافع مردم مسخر ساخت تا آب نوشیدنی، شستشو و آب کشاورزی را تأمین کرده و زندگی آنان و حیوانات‌شان را سروسامان بخشند، پس این همۀ جُود و بخشش از دریای بی‌کران فضل و کرم اوست.

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ دَآئِبَيۡنِۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ ٣٣﴾.

و خداوند أ خورشید و ماه را مسخّر گردانید که در مدار فلکی خود در رفت و آمدند. این دو پدیدۀ هستی تأمین کنندۀ منافع بسیار برای انسان‌ها می‌باشند، چون نور و روشنگری، شناخت حساب سال و ماه و تقویم، به پختگی رساندن میوه‌ها و ... غیره. و شب را رام گردانید تا انسان، بعد از خستگی و کوفتگی یک روز کاری فارغ از مشغله‌های روزانه در آن بیاساید و در خوابی خوش و راحت‌بخش تجدید نیرو کند. و روز را برای کار و معیشت و سازندگی و صنعت مسخر ساخت، بناءً شب و روز بستر انجام طاعات، ظرف زمانی رویش عبادات و مزرعۀ سبز اعمال نیک و ارزش‌های پاک اند.

﴿وَءَاتَىٰكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلۡتُمُوهُۚ وَإِن تَعُدُّواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ لَا تُحۡصُوهَآۗ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَظَلُومٞ كَفَّارٞ ٣٤﴾.

و خداوند همان ذاتی است که هرچه خواستید به شما عطا کرد، از مال و عیال و صحت و عافیت و امنیت و آسایش، و اگر نعمت‌هایش را بشمارید آن‌ها را به شمار آورده نمی‌توانید، از بس که گونه‌گون و بسیار اند. بیگمان انسان با ارتکاب گناه و نافرمانی، برخود بسی ستمکار است، نعمت‌های پروردگار سبحان را بسی انکارگر و اندک سپاسگزار است. او از پروردگار ذوالجلال بسیار درخواست می‌کند؛ اما چون به مطلوبش دست یافت، واجبات و مسئولیت‌های خویش را فراموش می‌نماید.

﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا ٱلۡبَلَدَ ءَامِنٗا وَٱجۡنُبۡنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعۡبُدَ ٱلۡأَصۡنَامَ ٣٥﴾.

و روزی را یاد کنید که ابراهیم ÷ بعد از سکنی دادن اسماعیل و مادرش در مکه، به بارگاه پروردگارش دعا کرد و گفت: پروردگارا! از تو می‌خواهم که مکه را شهری امن گردانی که هر کس در آن فرود می‌آید احساس امنیت کرده و از ترس و هراس ایمن باشد، و من و فرزندانم را از پرستش بتان محفوظ دار. بناءً با امنیت، زندگی گوارا می‌گردد و با ایمان، دنیا و آخرت پاکیزه و به سامان می‌شود.

﴿رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضۡلَلۡنَ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِۖ فَمَن تَبِعَنِي فَإِنَّهُۥ مِنِّيۖ وَمَنۡ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣٦﴾.

پروردگارا! در حقیقت بتان مردم را از پرستش و نیایشت دور ساخته و آنان را در پرتگاه شریک آوردن همتایان و اضداد برایت افکنده‌اند. از این رو هر که در توحید الله أ و خالص ساختن عبادت برایش، به سنّت و راه و روشم تمسک جوید بیگمان او بر دین و آیین من است و هر که در غیر شرک با من مخالفت ورزد، بی‌تردید خداوند أ بر گنهکارانی که به سوی پروردگار خویش بازگردند بسی آمرزگار و بر کسانی که بخواهد از ایشان درگذرد، بسیار مهربان است و حتی اگر گناه انسان تا آخرین چشم انداز وی به سوی آسمان نیز برسد، حق‌تعالی در هنگام محو کردن به بزرگی آن نمی‌نگرد بلکه آن را می‌بخشاید.

﴿رَّبَّنَآ إِنِّيٓ أَسۡكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيۡرِ ذِي زَرۡعٍ عِندَ بَيۡتِكَ ٱلۡمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱجۡعَلۡ أَفۡ‍ِٔدَةٗ مِّنَ ٱلنَّاسِ تَهۡوِيٓ إِلَيۡهِمۡ وَٱرۡزُقۡهُم مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَشۡكُرُونَ ٣٧﴾.

پروردگارا! من برای به جا آوردن فرمانت بعضی از فرزندانم را در وادی مکه به جوار خانۀ محترم تو سکونت دادم، در دره‌ای بی‌کشت و زرع و بی‌آب و آبادانی، پروردگارا! تا نماز را به کاملترین صورت برپا دارند. پس تز تو می‌خواهم تا دل‌های بعضی از بندگانت را به سوی آنان گرایش دهی که به شوق و محبت به سوی‌شان آیند و به ایشان از انواع میوه‌ها و از برکات زمین ارزانی داری تا شکرگزار نعمتت بوده و به وسیلۀ نعمت بر انجام طاعتت باری جویند. پس خدای متعالی دعای ابراهیم ÷ را اجابت کرد و خواسته‌اش را محقق گردانید.

﴿رَبَّنَآ إِنَّكَ تَعۡلَمُ مَا نُخۡفِي وَمَا نُعۡلِنُۗ وَمَا يَخۡفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ ٣٨﴾.

پروردگارا! بیگمان تو هرچه را از نیت‌ها، باورها، رازها و اعتقادات که نهان می‌داریم و هرچه را از رفتارها و گفتارها که آشکار می‌سازیم، می‌دانی و هیچ چیز در عرصۀ کائنات – در زمین و آسمان‌ها – از ساحۀ علمت پنهان نیست، بناءً غیب نزد تو آشکار و راز، پیش تو علنی است و علمت به همه چیز احاطه دارد.

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى ٱلۡكِبَرِ إِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَۚ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ٣٩﴾.

سپس ابراهیم ÷ در مقام شکرگزاری از پروردگارش در برابر نعمت‌هایش گفت: سپاس خداوندی را که به من با وجود سالخوردگی‌ام دو پسر پرهیزگار و درستکار – اسماعیل و اسحاق – را عطا کرد هنگامی که از وی خواستم تا به من از صالحان ببخشد، به راستی که پروردگارم برای کسی که وی را بخواند، شنوای دعاست چنان‌که من از او خواستم و به من بخشید، از او جستم و مرا گرامی داشت. آیۀ کریمه درس آموز: فضیلت دعا، خواستن فرزندانی پاک از پروردگار و سپاسگزاری وی در برابر نعمت‌هاست.

﴿رَبِّ ٱجۡعَلۡنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِيۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلۡ دُعَآءِ ٤٠﴾.

پروردگارا! مرا بر پایداری و پیوستگی بر ادای نماز به کاملترین صورت یاری ده و فرزندان و نسل و تبارم را نیز ببخش تا به نماز در اوقات معین آن همراه با رعایت آداب و احکامش، پایبند باشند.

پروردگارا! دعایم را اجابت فرما و درخواستم را محقق ساز. ابراهیم ÷ نماز را به ویژه از آن جهت یاد کرد که نماز ستون دین است.

﴿رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡحِسَابُ ٤١﴾.

پروردگارا! کوتاهی‌هایی را که از من سرزده است و بندگان در هرجایگاهی که قرار داشته باشند از آن‌ها بری نتواند بود، بر من بیامرز و بر پدر و مادرم نیز بیامرز. این دعا پیش از آن بود که بر ابراهیم ÷ دشمنی پدرش با خدا أ روشن شود. پروردگارا! بر تمام کسانی که به تو ایمان آورده‌اند گناهان‌شان را – در روزی که مردم را برای حساب گرد می‌آوری – بیامرز.

﴿وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱللَّهَ غَٰفِلًا عَمَّا يَعۡمَلُ ٱلظَّٰلِمُونَۚ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمۡ لِيَوۡمٖ تَشۡخَصُ فِيهِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ ٤٢﴾.

ای پیامبر! مپندار که خداوند أ از کارهای ظالمان – یعنی همانان که همراه با کفر و تکذیب به نبرد علیه او، سد نمودن راهش و آزار رسانی به پیامبرش می‌پردازند – غافل می‌شود، نه هرگز! بلکه کیفرشان را برای روزی سخت و هولناک که چشم‌های‌شان از بسیاری هول و هراس در آن خیره می‌ماند به تأخیر می‌اندازد. آیۀ کریمه در عین اینکه از پیامبر ج و پیروانش دلجویی نموده و به ایشان آرامش می‌بخشد، سنّت حق‌تعالی در مورد ستمگران را که چیزی جز نابودی و ویرانی نیست – هرچند که در عمرشان امتداد داده شود – نیز روشن می‌سازد.

﴿مُهۡطِعِينَ مُقۡنِعِي رُءُوسِهِمۡ لَا يَرۡتَدُّ إِلَيۡهِمۡ طَرۡفُهُمۡۖ وَأَفۡ‍ِٔدَتُهُمۡ هَوَآءٞ ٤٣﴾.

روز قیامت ستمگران به منظور اجابت دعوتگر حق، شتابان از قبرهای‌شان بیرون می‌آیند در حالی که از وحشت آن روز سرهای خود را بالا داشته و چیزی را نمی‌بینند، دل‌های‌شان تهی است و در آن چیزی از ثبات و یقین وجود ندارد، از بس که وحشت‌زده و بی‌قرار اند.

﴿وَأَنذِرِ ٱلنَّاسَ يَوۡمَ يَأۡتِيهِمُ ٱلۡعَذَابُ فَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ رَبَّنَآ أَخِّرۡنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٖ قَرِيبٖ نُّجِبۡ دَعۡوَتَكَ وَنَتَّبِعِ ٱلرُّسُلَۗ أَوَ لَمۡ تَكُونُوٓاْ أَقۡسَمۡتُم مِّن قَبۡلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٖ ٤٤﴾.

ای پیامبر! امّت را از عذاب روز قیامت بیم ده؟ از آن روز که کافران ستمکار برنفس‌های خود می‌گویند: پروردگارا! ما را اندکی مهلت ده تا توبه کرده و از پیامبرت پیروی کنیم! پس خدای متعال آن‌ها را بر کفر و تکذیب‌شان توبیخ کرده و می‌فرماید: مگر شما نبودید که در زندگی دنیای‌تان سوگند می‌خوردید که نمی‌میرید و از دنیای خویش جدا نمی‌شوید؟ آری! آن‌ها منکر رستاخیز پس از مرگ بودند.

﴿وَسَكَنتُمۡ فِي مَسَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَتَبَيَّنَ لَكُمۡ كَيۡفَ فَعَلۡنَا بِهِمۡ وَضَرَبۡنَا لَكُمُ ٱلۡأَمۡثَالَ ٤٥﴾.

و ای ستمکاران! شما در سراهای ستمگران پیش از خود – همچون قوم هود و صالح – سکونت گزیدید و در حالی که خبر آنچه خداوند أ با آن‌ها – از فرودآوردن عذاب مرگبار – انجام داد نیز به شما رسید و افزون بر آن خداوند أ به شما مثل‌های روشنی نیز زد اما هیچ درس عبرت نگرفته بلکه روی برتافتید و تکذیب پیشه کردید.

﴿وَقَدۡ مَكَرُواْ مَكۡرَهُمۡ وَعِندَ ٱللَّهِ مَكۡرُهُمۡ وَإِن كَانَ مَكۡرُهُمۡ لِتَزُولَ مِنۡهُ ٱلۡجِبَالُ ٤٦﴾.

و به یقین کافران تمام انواع نیرنگ و توطئه – همچون قتل، حبس و طرد – را علیه پیامبر برگزیدۀ حق سازمان دادند غافل از آنکه خداوند أ بر این نیرنگ‌شان احاطه دارد و آن را با نیرنگ نیرومند خود باطل و بی‌اثر ساخته است هر چند مکرشان در حد و حجمی باشد که کوه‌ها از آن در شرف کنده‌شدن از جایگاه‌های خود باشند، آری! کید و مکر خدا أ بزرگتر است، به همین جهت اوتعالی بر آنان غالب شد و به او چیزی زیان نزدند بلکه زیان‌شان به خودشان بازگشت.

﴿فَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱللَّهَ مُخۡلِفَ وَعۡدِهِۦ رُسُلَهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٖ ٤٧﴾.

پس ای پیامبر! مپندار که خدا أ آنچه را به پیامبرانش از نصرت و اقتدار و نابودسازی انکارگران دروغ انگار وعده داده است، خلاف می‌کند، چنین ابدا اتفاق نخواهد افتاد؛ زیرا خداوند أ شکست ناپذیر است و هیچ چیز در پیشگاهش ممتنع نیست، غالب است و دشمنان را مقهور خویش می‌سازد، حاکم و فرمانرواست و همه‌گان مغلوب فرمان وی‌اند. او یقیناً از دشمنانش به سخت‌ترین وجه انتقام می‌گیرد، زیرا آستان عزتش دست نیافتنی و بارگاه شکوهش بی‌نهایت است.

﴿يَوۡمَ تُبَدَّلُ ٱلۡأَرۡضُ غَيۡرَ ٱلۡأَرۡضِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُۖ وَبَرَزُواْ لِلَّهِ ٱلۡوَٰحِدِ ٱلۡقَهَّارِ ٤٨﴾.

این انتقام از خیل ستمگران جنایتکار، در روز قیامت انجام خواهد گرفت. در روزی که خداوند أ این زمین را به زمین دیگر سپید و پاکیزه‌ای که همانند نقرۀ مصفاست تبدیل می‌کند، زمینی که در آن خونی ریخته نشده و ستمی بر روی آن انجام نگرفته است. و خداوند أ آسمان‌ها را نیز به آسمان‌های دیگری تبدیل می‌کند و بشر را از قبر‌های‌شان بیرون می‌آورد تا در عرصات حساب آشکارا برای ملاقات خدای قهار. که در عظمتش یکتا، در ذات، اسما، صفات و افعالش یگانه است صف ببندند، در برابر آن ذاتی که غیر خویش را مقهور و منکوب گردانیده و گردن‌کشان و ستیزه‌جویانی را که با او سر به تعدی برداشته‌اند مغلوب ساخته است، همو که آزارجویان راهش را ذلیل و حقیر گردانیده و عزّت مطلق و یکتایی تام و تمام از آن اوست.

﴿وَتَرَى ٱلۡمُجۡرِمِينَ يَوۡمَئِذٖ مُّقَرَّنِينَ فِي ٱلۡأَصۡفَادِ ٤٩﴾.

و روز قیامت کفر پیشگان مجرم را می‌بینی که به زنجیرها بسته شده‌اند و دست‌ها و پاهای‌شان به غل و قلاده محکم در قید است بناءً آن‌ها گرفتار زنجیر و داغ، خواری و خفت و نفرین و نفرت‌اند.

﴿سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٖ وَتَغۡشَىٰ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ ٥٠﴾.

جامه‌های عادی از تن‌شان برکنده شده و تن پوش‌های‌شان قطران (قیر) است که سخت سوزان، بسیار گرم و بسیار اشتعال زاست، آتش جهنم چهره‌های‌شان بریان و تکه تکه می‌کند.

﴿لِيَجۡزِيَ ٱللَّهُ كُلَّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ٥١﴾.

این جزا از سوی حق‌تعالی بر دشمنانش دادگرانه است و در آن هیچ ستمی نیست، زیرا این همان کیفر گناهان و جرایمی است که مرتکب آن شده‌اند، پس خداوند أ هر عمل کننده‌ای را بدانچه از نیک و بد کرده است جزا می‌دهد و او ذاتی است که جمعی کثیر را در وقتی کوتاه محاسبه می‌نماید؛ زیرا او باریک‌بین و آگاه است.

﴿هَٰذَا بَلَٰغٞ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذَرُواْ بِهِۦ وَلِيَعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ وَلِيَذَّكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٥٢﴾.

ای پیامبر! این قرآنی که خداوند أ بر تو نازل کرده، اعلام و ابلاغی برای بشر و بیم دهنده‌ای برای مردم است، در آن بشارتی است برای مؤمنان و بیم و هشداری است برای کافران، باشد که پندگیرند و تا کسانی که قرآن به ایشان رسیده است بدین یقین برسند که: جز اوی یگانه هیچ اله و معبود دیگری نیست و او شریکی ندارد پس سرانجام به این نتیجه دست یابند که وی را به یگانگی بی‌هیچ شریکی پرستش کنند و تا کسانی که عقل سلیم، فطرت‌های استوار و روان‌های بیدار دارند در آن اندیشمندانه فرو روند، زیرا قرآن بزرگ‌ترین اندرز در دنیا برای بیداردلان است.

سورۀ حجر

مکی است؛ ترتیب آن 15؛ شمار آیات آن 99

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿الٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ وَقُرۡءَانٖ مُّبِينٖ ١﴾.

الف، لام، راء؛ از حروف مقطعه است و خداوند أ به مراد خود از آن‌ها داناتر می‌باشد اما قطعا این حروف را برای معانی ارجمندی نازل کرده است.

این آیات کریمه، آیات کتاب بزرگی است که از سوی الله أ بر پیامبر بزرگوارش نازل شده است، این قرآن سخن خداوند أ است که در الفاظ و معانی خود واضح بوده، به زیبا ترین‌بیان و ظریف‌ترین اشاره همراه با بشارت و انذار فرود آمده است، سعادت دنیا و رستگاری آخرت در آن می‌باشد.

﴿رُّبَمَا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡ كَانُواْ مُسۡلِمِينَ ٢﴾.

وقتی کافران خروج گنه‌کاران مؤمن را از دوزخ مشاهده کنند یقیناً آرزو می‌برند که کاش به خدای یگانۀ قهار مؤمن بودند تا از خشم خدای جبار نجات یابند ولی هیهات! که فرصت از دست رفته است و زیانی همه جانبه بر آن‌ها فرود آمده است.

﴿ذَرۡهُمۡ يَأۡكُلُواْ وَيَتَمَتَّعُواْ وَيُلۡهِهِمُ ٱلۡأَمَلُۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ٣﴾.

کافران را رها کن تا در دنیای گذرای خویش بخورند، از لذت‌های زندگی مادی‌شان بهره‌مند شده و به شهوات پست خویش دست یابند، کشش‌ها و غریزه‌های مادی درونی‌شان را اشباع نمایند و آزمندی و اشتهای سیری ناپذیرشان بر باقی ماندن در لجن بهره‌وری‌های زیاده روانه و نپرهیزی‌های تبه کارانه، آنان را از پرستش خدای یگانه به خود مصروف سازد، اما وقتی پرده‌ها کنار زده شود و آفتاب حقیقت بی‌حجاب بتابد آن‌ها زیان آنچه را کرده‌اند، پستی و حقارت آنچه را بر بام آروز‌های خود بر نشانده بودند و زشتی عملکرد خویش را درخواهند یافت.

﴿وَمَآ أَهۡلَكۡنَا مِن قَرۡيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٞ مَّعۡلُومٞ ٤﴾.

و اگر کفار از سر دور انگاری، عذاب را در دنیا به شتاب طلبیدند پس به آنان اعلام کن که خداوند أ هیچ شهری را جز آنگاه که میعاد مقدر آن فرا رسید، هلاک نمی‌سازد پس هلاکت‌شان وقت معینی دارد و تابع میل و خواستۀشان نیست.

﴿مَّا تَسۡبِقُ مِنۡ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسۡتَ‍ٔۡخِرُونَ ٥﴾.

هیچ امتی از اجل معین خود نه پیش می‌افتد تا از میعادش چیزی کاسته شود و نه پس می‌افتد تا بر آن افزوده شود؛ بلکه هر امّت اجلی معین دارد.

﴿وَقَالُواْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِي نُزِّلَ عَلَيۡهِ ٱلذِّكۡرُ إِنَّكَ لَمَجۡنُونٞ ٦﴾.

و کفار به پیامبر برگزیده گفتند: ای کسی که مدعی نزول قرآن بر خویشتن هستی، به یقین عقل و خردت از بین رفته است و اگر عاقل می‌بودی ادعای پیامبری نمی‌کردی، این سخن را از روی استهزا و تکذیب می‌گویند.

﴿لَّوۡ مَا تَأۡتِينَا بِٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٧﴾.

اگر راست می‌گویی چرا فرشتگان آسمان را برای ما نیاوردی تا برایت گواهی دهند که فرستاده‌ای از نزد خدا أ هستی؟ زیرا ما بدون گواهی فرشتگان باورت نمی‌داریم! حال آنکه اگر فرشتگان هم گواهی می‌دادند آن‌ها تصدیق نمی‌کردند!!

﴿مَا نُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَمَا كَانُوٓاْ إِذٗا مُّنظَرِينَ ٨﴾.

خدای متعال در پاسخ‌شان فرمود که: او فرشتگان را جز به خاطر نابود ساختن تکذیب پیشگان فرود نمی‌آورد، همان فرودی که پس از آن برای کسانی که به خدا أ ایمان نیاورده‌اند دیگر هیچ مهلت و فرصتی نیست؛ زیرا انگاه که هلاک بر آنان فرود آمد خداوند أ حتی به مدّت یک چشم به هم زدن نیز دیگر مهلت‌شان نمی‌دهد.

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ٩﴾.

تنها الله أ است که قرآن عظیم را بر نبی کریم ج نازل کرده است، خود او حفظ قرآن از کاستی و فزونی را نیز تعهد و تضمین کرده است. پس قرآن درگذار زمان‌ها و گذشت عصرها و نسل‌ها از بازیگری بازیگران انس و جن و از بیهوده گویی‌های عرافان و کاهنان محفوظ بوده و در حفظ و نگهبانی خدای منان قرار دارد.

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي شِيَعِ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٠﴾.

و ای پیامبر! به یقین پیش از تو نیز پیامبرانی از جانب الله أ گذشته‌اند که ایشان را با پیام یگانگی پروردگار جهانیان به سوی گروه‌های پیشین و اقوام و طوایف گذشته فرستاده است.

﴿وَمَا يَأۡتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ١١﴾.

و برای آن اقوام و امت‌های پیشین هیچ پیامبری از بارگاه رب العالمین نیامد جز اینکه وی را به مسخره گرفته، آزارها می‌دادند و رسالتش را به باد استهزا می‌گرفتند.

این تسلیت و تعزیتی برای رسول خدا أ است با این که: آزارها و دشمنی‌ها فقط برای تو نیست بلکه برای پیامبران پیش از تو نیز دست داده است پس آرام باش و از ایشان الگو بگیر.

﴿كَذَٰلِكَ نَسۡلُكُهُۥ فِي قُلُوبِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ١٢﴾.

و آنگونه که خداوند أ انکار و تکذیب را در دل‌های کفار پیشین وارد کرد، همینسان کفر را در دل‌های مشرکان این امّت که رسول خدا أ را به تمسخر و تکذیب گرفتند وارد می‌کند. پس در حقیقت خدا أ با آنان همان کاری را انجام می‌دهد که با پیشینیان‌شان – آنگاه که روی بر تافتند – انجام داد.

﴿لَا يُؤۡمِنُونَ بِهِۦ وَقَدۡ خَلَتۡ سُنَّةُ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٣﴾.

کافران به قرآنی که حق‌تعالی بر پیامبرش نازل کرده ایمان نمی‌آورند. البته سنّت الله أ در مورد نابودسازی همه کافران انکارگر پیامبرانش پیوسته چنین بوده است.

﴿وَلَوۡ فَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَابٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَظَلُّواْ فِيهِ يَعۡرُجُونَ ١٤﴾.

و اگر خدا أ دری از آسمان را برای کفار مکه می‌گشود و آن‌ها از آن وارد شده و تا بدانجا صعود می‌کردند که فرشتگان را می‌دیدند، بازهم یقینا تکذیب پیشه کرده و به کفر خود ادامه می‌دادند!!

﴿لَقَالُوٓاْ إِنَّمَا سُكِّرَتۡ أَبۡصَٰرُنَا بَلۡ نَحۡنُ قَوۡمٞ مَّسۡحُورُونَ ١٥﴾.

و قطعا آن کفار بعد از صعود به آسمان و مشاهدۀ فرشتگان می‌گفتند: در حقیقت ما افسون و چشم بندی شده و فرشتگان را به طور تخیلی می‌دیدیم و کسی هم که ما را جادو کرده، همانا محمد ج است!! بنابراین آن‌ها تکذیبگراند؛ چه معجزه‌ای را مشاهده کنند و چه نکنند.

﴿وَلَقَدۡ جَعَلۡنَا فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجٗا وَزَيَّنَّٰهَا لِلنَّٰظِرِينَ ١٦﴾.

و از براهین قدرت الله أ وصنع بدیعش این است که در آسمان دنیا برای ستارگان برج‌هایی را قرار داده است که در آن فرود می‌آیند، این برج‌ها راهنمایی برای مسافران و مؤرخان و شناخت اوقات قحطی و باران‌اند. و خداوند أ آسمان را با ستارگان بیار است که هر نظاره‌‌گری از مشاهده و تأمل در آن‌ها بر حکمت وی و زیبایی آفرینش راه می‌برد.

﴿وَحَفِظۡنَٰهَا مِن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ رَّجِيمٍ ١٧﴾.

و خدای سبحان آسمان را به وسیلۀ شهاب سنگ‌های سوزان از هر شیطان رانده شده‌ای که از رحمت وی مطرود است حفظ کرده است تا دزدانه به آن گوش فرا ندهند و چیزی از وحی را نگیرند.

﴿إِلَّا مَنِ ٱسۡتَرَقَ ٱلسَّمۡعَ فَأَتۡبَعَهُۥ شِهَابٞ مُّبِينٞ ١٨﴾.

مگر کسی از آنان‌که احیاناً بعضی از سخنان را از ملأ اعلی برباید که قطعا ستارگان روشنگر سوزان، او را دریافته و می‌سوزانند و گاه شیطان جنی پیش از آنکه سوزانده شود، دوستان کاهن و فال‌بین خویش را به بعضی از آنچه که دزدانه گوش فرا داده، خبر می‌دهد.

﴿وَٱلۡأَرۡضَ مَدَدۡنَٰهَا وَأَلۡقَيۡنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيۡءٖ مَّوۡزُونٖ ١٩﴾.

و خداوند أ زمین را گسترانید، آن را هموار و مسطح ساخت، در آن کوه‌های نیرومند را میخکوب کرد تا زمین به اضطراب و جنش در نیاید و در زمین انواع گیاهان را از هر جفت بهجت‌آور به طور سنجیده، با اندازه‌ها و مقادیری معین که بشر و دیگر جانداران بدان نیاز دارند، رویانید.

﴿وَجَعَلۡنَا لَكُمۡ فِيهَا مَعَٰيِشَ وَمَن لَّسۡتُمۡ لَهُۥ بِرَٰزِقِينَ ٢٠﴾.

و خداوند أ در زمین برای انسان‌ها و حیوانات – که انسان‌ها روزی دهندۀشان نیستند – وسایل و سرچشمه‌های روزی و زیست را قرار داد که با بهره‌گیری از دانه‌های گیاهی، میوه‌ها، سبزیجات و انواع فراورده‌های معدنی، امکانات زندگی را فراهم می‌یابند و تنها اوست روزی دهنده که تغذیۀ همۀ مخلوقات خویش را متکفل و عهده‌دار گردیده است.

﴿وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُۥ وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا بِقَدَرٖ مَّعۡلُومٖ ٢١﴾.

و هیچ چیزی در جهان که بندگان و حیوانات از آن بهره‌مند می‌شوند نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن با انواع و اصناف مختلف نزد خدا أ است و آن را هرزمان که بخواهد به مقداری معین و بخش‌های مشخص فرود می‌آورد، پس اوست که به حکمت بالغه و رحمت واسعۀ خود به هر کس که بخواهد می‌دهد، و از هر کس که بخواهد بازمی‌دارد، هر که را بخواهد توانگر ساخته و هر که را بخواهد فقیر می‌گرداند.

﴿وَأَرۡسَلۡنَا ٱلرِّيَٰحَ لَوَٰقِحَ فَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَسۡقَيۡنَٰكُمُوهُ وَمَآ أَنتُمۡ لَهُۥ بِخَٰزِنِينَ ٢٢﴾.

و خداوند أ بادها را فرستاد و آن‌ها را به گونه‌ای قرار داد که بارور کنندۀ ابرها هستند و در نتیجه ابرها به اذن الله أ آبی مبارک را می‌بارانند که بندگان خدا أ، شهرها و آبادی‌ها، حیوانات، گیاهان و درختان را سیراب می‌سازند، پس این خداوند أ است که آب را ذخیره می‌کند نه بندگان؛ و چون مردم دچار قحطی شوند، به زاری از او درخواست باران می‌کنند.

﴿وَإِنَّا لَنَحۡنُ نُحۡيِۦ وَنُمِيتُ وَنَحۡنُ ٱلۡوَٰرِثُونَ ٢٣﴾.

و بی‌تردید این خداوند أ است که مردگان را با آفرینش از عدم و با تجدید حیات پس از مرگ، زنده می‌سازد و زندگان را هنگامی که اجل‌شان فرا رسد می‌میراند، پس اوست وارث زمین و هر که و هرچه بر روی آن است؛ زیرا او بعد از فنای خلقش باقی است.

﴿وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَقۡدِمِينَ مِنكُمۡ وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَ‍ٔۡخِرِينَ ٢٤﴾.

و قطعاً خداوند أ به کسانی از پیشینیان که مرده‌اند و به خلقی که هم اکنون زنده‌اند، به همگی‌شان داناست و به کسانی هم که تا روز قیامت به دنیا می‌آیند، دانا می‌باشد.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحۡشُرُهُمۡۚ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٞ ٢٥﴾.

و تنها خداوند أ است که تمام عالم را در روز قیامت برای حساب گرد می‌آورد؛ پس او در تدبیر و تقدیر و تصویر خویش صاحب حکمت است، به احوال، اقوال، اعمال و به آغاز و انجام امور داناست.

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ٢٦﴾.

و در حقیقت تنها خداوند أ است که آدم را از گِلی خشک که چون بر آن کوبیده شود از آن آوازی برمی‌خیزد آفرید، از گِلی سیاه که بر اثر طول ماندن رنگ و بویش دگرگون شده است، پس کسی که اصل و خمیره‌اش از گل بدبو است، بر پروردگار عالمیان تکبر نمی‌ورزد.

﴿وَٱلۡجَآنَّ خَلَقۡنَٰهُ مِن قَبۡلُ مِن نَّارِ ٱلسَّمُومِ ٢٧﴾.

و خدا أ پدر جنیان (ابلیس) را از شعلۀ آتش سوزان بی‌دود آفرید، از این جهت شیطان همانند طبع آتش موجودی عجول، موذی، سبک مغز و نسنجیده‌کار است در حالی که آدم مانند طبیعت خاک، نرم، متواضع، ملایم و اهل کرم می‌باشد.

﴿وَإِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي خَٰلِقُۢ بَشَرٗا مِّن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ٢٨﴾.

روزی را به یادآور که خداوند أ به فرشتگان گفت: من آفرینندۀ انسانی هستم از گل خشک. و این إعلام جایگاه و منزلت آدم از سوی وی به فرشتگان است تا ایشان را به سجده در برابرش آماده گرداند.

﴿فَإِذَا سَوَّيۡتُهُۥ وَنَفَخۡتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُۥ سَٰجِدِينَ ٢٩﴾.

و چون حق‌تعالی پیکر آدم را سرشت و آفرینشش را به استحکام و زیبایی آراست، فرشتگان از روی شادباش و تکریم نه پرستش برایش به سجده افتادند زیرا سجدۀ پرستش مخصوص خدای متعال و لاشریک است و بس.

﴿فَسَجَدَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمۡ أَجۡمَعُونَ ٣٠﴾.

پس فرشتگان همگی به امتثال امر خدا أ و إکرام آدم سجده کردند و کسی از ایشان تخلف نکرد، به همین دلیل نزد حق‌تعالی به قرب بیشتر دست یافتند، چرا که از فرمانش اطاعت کردند.

﴿إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰٓ أَن يَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ ٣١﴾.

ولی ابلیس از فرمان خدا أ سرپیچیده از روی تکبر و حسد از سجده برای آدم امتناع ورزید و با فرشتگان در سجده مخالفت کرد در نتیجه خداوند أ او را مورد لعنت قرار داد و از رحمتش طرد نمود.

﴿قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ ٣٢﴾.

حق‌تعالی ابلیس را به علت سجده نکردنش برای آدم همراه با فرشتگان، سخت محکوم کرد و مورد ملامت قرار داد، از آن‌رو که کبر او را به سرپیچی از فرمان پروردگار واداشت، پس معصیت ابلیس از شبهات است در حالی که معصیت آدم در خوردن از درخت ممنوعه، از شهوات می‌باشد که این معصیت سبکتر است.

﴿قَالَ لَمۡ أَكُن لِّأَسۡجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقۡتَهُۥ مِن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ٣٣﴾.

ابلیس از خاستگاه عناد و حسد نسبت به آدم گفت: هرگز برای آفریده‌ای که وی را از گل خشک سیاه بدبو مصور ساخته‌ای سجده نمی‌کنم حال آنکه من خود از آتش آفریده شده‌ام و آتش از گِل شریف‌تر است. البته این قیاس، قیاس مفسدان و شبهه انگیزان است.

﴿قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٞ ٣٤﴾.

پس خداوند أ به اخراج ابلیس لعین از بهشت فرمان داد، حال آنکه ناکام و بدنام، طرد شده و نفرین شده بود از آن‌رو که او کبر ورزیده بود. بنابراین مستکبران و حسد ورزان از هر خیری محروم‌اند.

﴿وَإِنَّ عَلَيۡكَ ٱللَّعۡنَةَ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٣٥﴾.

و خداوند أ تا روز معاد لعنت و طرد و دورسازی از رحمتش را گریبانگیر ابلیس ساخت، زیرا او خالق را عصیان نموده و با مخلوق حسد ورزید و او نخستین کسی بود که با موجودیت نص، به قیاس پرداخت.

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ٣٦﴾.

پس ابلیس از پروردگارش خواست که وی را تا روز قیامت مهلت دهد، تا زنده باقی مانده و به گمراه‌سازی و فتنه‌گری بندگان بپردازد از آنکه در وجودش کژی بود و فساد، و حسد بود و عناد.

﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ ٣٧﴾.

پس خدای متعال به وی خبر داد که: هلاکش را تا وقتی که خلق در آن بعد از دمیدن اول در صور می‌میرند، به تأخیر اندخته است. بناءً حق‌تعالی از روی حکمتی بزرگ به وی مهلت داد.

﴿إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ ٣٨﴾.

به تأخیر افکندن هلاک ابلیس تا میعادی معین، استدراج و مهلتی برای وی، ابتلایی برای جن و انس و آزمونی برای جهانیان بود تا مؤمن از کافر در عینّیت نمایان و متمایز گردد.

﴿قَالَ رَبِّ بِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٣٩﴾.

ابلیس گفت: پروردگارا! به خاطر آنکه مرا گمراه ساخته‌ای، پس من هم گناهان را برای فرزندان آدم در زندگی دنیای‌شان خواهم آراست و ایشان را با اغوا از راه هدایت بی‌راه خواهم ساخت.

﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ٤٠﴾.

اما من بندگانی از میان آن‌ها را که در ایمان خویش راستین و در طاعت اهل اخلاصند گمراه ساخته نخواهم توانست، زیرا این گروه به عنایت و رعایت الله أ از گمراه‌سازی‌ام محفوظ اند؛ بناءً مرا بر ایشان راهی نیست.

﴿قَالَ هَٰذَا صِرَٰطٌ عَلَيَّ مُسۡتَقِيمٌ ٤١﴾.

خدای متعال فرمود: این راه راست و میانه، راه هدایت و ایمان است که به من و بهشتم منتهی می‌شود و این همانا راه انبیا و مرسلین است.

﴿إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٌ إِلَّا مَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡغَاوِينَ ٤٢﴾.

بیگمان شیطان را بر بندگان شایستۀ با اخلاصم تسلطی نیست، او راهی به سوی گمراه‌سازی و بازداشتن‌شان از جادۀ استوار ما ندارد، پس آن‌ها با حفظ و نگهداشت الله أ همیشه مصون و محفوظ‌اند. بنابراین سلطۀ بر کسانی است که پروردگار رحمان را عصیان کرده و بتان را به پرستش گرفته‌اند پس شیطان دوست آن‌هاست، گمراه‌شان ساخته و آن‌ها را از خط راست می‌لغزاند.

﴿وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوۡعِدُهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٤٣﴾.

و بیگمان آتش سوزان و فروزان جهنم، وعده‌گاه شیطان و پیروانش می‌باشد پس همۀ رهروان راه شیطان تا روز قیامت به دوزخ افتاده در آن گرد می‌آیند و در آن عذاب ماندگار و همیشه، دست و پا می‌زنند.

﴿لَهَا سَبۡعَةُ أَبۡوَٰبٖ لِّكُلِّ بَابٖ مِّنۡهُمۡ جُزۡءٞ مَّقۡسُومٌ ٤٤﴾.

دوزخ هفت دروازه دارد که از هر دری بخشی معین از پیروان شیطان بر وفق اعمال خود وارد آن می‌شوند و هر دری فرودین‌تر از دروازۀ دیگر است.

﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ٤٥﴾.

در حقیقت کسانی که با انجام اوامر و پرهیز از نواهی، از خدای متعال پروا کرده‌اند، بازگشت‌شان به سوی باغ‌های خرامان و نهر‌های روان است و در کمال آرامش و آسایش در آن به سر می‌برند.

﴿ٱدۡخُلُوهَا بِسَلَٰمٍ ءَامِنِينَ ٤٦﴾.

به تقوا پیشگان گفته می‌شود: با سلامت از هرگونه آفتی، و با امنیت از هر خوف و ملامتی به باغ‌ها وارد شوید، پس سلامت از آن ابدان است و امنیت از آن دل‌ها و روح و روان.

﴿وَنَزَعۡنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنۡ غِلٍّ إِخۡوَٰنًا عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ٤٧﴾.

و در آن سرای سلامتی و شادکامی، آنچه از حسد و کینه و شائبه و غش و ناخالصی و دشمنی در دل‌های ابرار است برمی‌کنیم و بیرون می‌آوریم، پس برادرانه و مشفقانه بر تخت‌های بلند رو به روی یکدیگر نشسته‌اند، در چهره‌های‌شان دوستی و الفت نسبت به همدیگر موج می‌زند، این درخشش جلوه‌های مهر و محبت به منظور افزودن بر نعمت‌ها و کامل سختن تکریم آن‌هاست.

﴿لَا يَمَسُّهُمۡ فِيهَا نَصَبٞ وَمَا هُم مِّنۡهَا بِمُخۡرَجِينَ ٤٨﴾.

در آنجا به آنان رنج و خستگی و ملالی نمی‌رسد و در جاودانگی همیشه و نعمت‌های مستمر و پیوسته، در بهشت ماندگار اند.

﴿۞نَبِّئۡ عِبَادِيٓ أَنِّيٓ أَنَا ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٤٩﴾.

ای پیامبر! به بندگانم خبر ده که خداوند أ بر توبه کاران از اهل گناه بسیار آمرزگار و بر بازآمدگان بسیار مهربان است، گناهان بزرگ را بر کسانی که با توبۀ صادقانه، یک‌رنگی و عجز پیش آورده‌اند می‌آمرزد.

﴿وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ ٱلۡعَذَابُ ٱلۡأَلِيمُ ٥٠﴾.

و به بندگانم خبر ده که عذاب خداوند أ سخت‌ترین عذاب‌ها و نیرومندترین کیفرهاست بناءً عذابش بر کسانی که توبه و انابت نیاورده‌اند بسیار دردناک، بس سهمگین و غیرقابل تحمل است، پس مغفرتش بر توبه‌کاران بس وسیع و گسترده و عقوبتش برپای فشارندگان بر گناه، بس شدید است بناءً باید خوف از خدا أ را با امید به عفو و کرمش باهم جمع کرد.

﴿وَنَبِّئۡهُمۡ عَن ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ ٥١﴾.

و ای پیامبر! به مردم از مهمانان ابراهیم ÷ خبر ده که فرشتگان بودند و او را به تولد اسحاق و هلاک قوم لوط بشارت دادند.

﴿إِذۡ دَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَقَالُواْ سَلَٰمٗا قَالَ إِنَّا مِنكُمۡ وَجِلُونَ ٥٢﴾.

هنگامی که فرشتگان بر ابراهیم ÷ وارد شدند به او گفتند: بر شما سلامی باد که بدان از همۀ آفات به سلامت هستید. ابراهیم ÷ سلام را جواب گفت و به ایشان غذا تقدیم کرد و در گرامیداشت‌شان هرچه در توان داشت انجام داد، اما چون آن‌ها از خوردن غذا امتناع کردند ابراهیم ÷ گفت: ما از شما بیمناکیم!

﴿قَالُواْ لَا تَوۡجَلۡ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٖ ٥٣﴾.

فرشتگان به ابراهیم ÷ گفتند: از ما نترس زیرا ما با خود مژدۀ پسری دانا، خدا شناس و شریعت آشنا را که اسحاق است برایت آورده‌ایم، بناءً بزرگ‌ترین صفت برای بنده بعد از ایمان، همانا علم سودبخش است.

﴿قَالَ أَبَشَّرۡتُمُونِي عَلَىٰٓ أَن مَّسَّنِيَ ٱلۡكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ٥٤﴾.

ابراهیم ÷ به ایشان گفت: چگونه مرا به فرزند مژده می‌دهید حال آنکه بیشتر عمرم سپری شده، استخوان‌هایم نرم گردیده و اجلم نزدیک گشته است، از آن گذشته همسرم نیز همچنین است. پس مرا به کدام اعجوبه مژده می‌دهید در حالی که همچو منی را فرزند به دنیا نمی‌آید.

﴿قَالُواْ بَشَّرۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلۡقَٰنِطِينَ ٥٥﴾.

گفتند: مژدۀ ما به تو حق و یقینی است تردید ناپذیر و این مژده از جانب پروردگار جهانیانی است که وعده‌اش را خلاف نمی‌کند، پس با وجود کبر سن از فرزند ناامید مباس چرا که قدرت خداوند أ به طور قطع نافذ می‌شود.

﴿قَالَ وَمَن يَقۡنَطُ مِن رَّحۡمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ ٥٦﴾.

ابراهیم ÷ گفت: نه! من ناامید نمی‌شوم زیرا از رحمت الله أ ناامید نمی‌شود جز کسی که از دینش انحراف ورزیده و راه هدایت را گم کرده باشد.

﴿قَالَ فَمَا خَطۡبُكُمۡ أَيُّهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ ٥٧﴾.

ابراهیم ÷ به فرشتگان گفت: ای فرشتگان بزرگوار! خبر بزرگی که خدای متعال شما را به خاطر آن فرستاده است چیست؟

﴿قَالُوٓاْ إِنَّآ أُرۡسِلۡنَآ إِلَىٰ قَوۡمٖ مُّجۡرِمِينَ ٥٨﴾.

گفتند: خداوند أ ما را برای نابودسازی قوم کافر و فاجر لوط که به کارهای زشت روی آورده‌اند، فرستاده است.

﴿إِلَّآ ءَالَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٥٩﴾.

مگر لوط و خانواده‌اش از این هلاک در امانند و هرگز به ایشان آسیبی نخواهد رسید، زیرا ایشان در حفظ و حمایت الله أ قرار دارند.

﴿إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ قَدَّرۡنَآ إِنَّهَا لَمِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ٦٠﴾.

جز زن کافرش که حکم خداوند أ بر آن رفته است تا همراه با هلاک شدگان باشد زیرا با موجودیت کفر، هیچ حسب و قرابتی ثمربخش و کارساز نیست.

﴿فَلَمَّا جَآءَ ءَالَ لُوطٍ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ٦١﴾.

پس چون فرشتگان برای نابودسازی قوم لوط و نجات دادن خودش نزد لوط ÷ آمدند.

﴿قَالَ إِنَّكُمۡ قَوۡمٞ مُّنكَرُونَ ٦٢﴾.

لوط به ایشان گفت: شما قومی ناشناس هستید پس خود را به من معرفی کنید که کیستید؟

﴿قَالُواْ بَلۡ جِئۡنَٰكَ بِمَا كَانُواْ فِيهِ يَمۡتَرُونَ ٦٣﴾.

گفتند: نترس ای لوط! زیرا ما فرشتگانی هستیم که خداوند أ ما را با عذابی که قومت در آن تردید داشته و منکر آن بودند، فرستاده است.

﴿وَأَتَيۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ٦٤﴾.

و ما حقی را برایت آورده‌ایم که نجات تو و هلاک قومت در آن است و قطعا در آنچه گفتیم راستگوییم.

﴿فَأَسۡرِ بِأَهۡلِكَ بِقِطۡعٖ مِّنَ ٱلَّيۡلِ وَٱتَّبِعۡ أَدۡبَٰرَهُمۡ وَلَا يَلۡتَفِتۡ مِنكُمۡ أَحَدٞ وَٱمۡضُواْ حَيۡثُ تُؤۡمَرُونَ ٦٥﴾.

پس ای لوط! پاسی از شب گذشته خودت همراه با کسانی که به تو ایمان آورده‌اند بیرون روید و تو خود پشت سر مؤمنان حرکت کن و ایشان پیش روی تو باشند تا کسی از آنان تخلف نکرده و هلاک نشود و هیچ‌یک از شما نباید به عقب بنگرد و دنبال بماند و هرجا که خداوند أ به شما دستور داده بروید تا از عذاب ایمن بمانید.

﴿وَقَضَيۡنَآ إِلَيۡهِ ذَٰلِكَ ٱلۡأَمۡرَ أَنَّ دَابِرَ هَٰٓؤُلَآءِ مَقۡطُوعٞ مُّصۡبِحِينَ ٦٦﴾.

و خداوند أ به لوط وحی فرستاد که عذاب به زودی همراه با طلوع صبح، تمام قومت را از ریشه بر خواهد کند و نابود خواهد ساخت.

﴿وَجَآءَ أَهۡلُ ٱلۡمَدِينَةِ يَسۡتَبۡشِرُونَ ٦٧﴾.

مردم شهر لوط وقتی شنیدند که نزد لوط مهمانانی آمده‌اند، شادی‌کنان روی آوردند در حالی که به همدیگر مژده می‌دادند تا با مهمانانش عمل فحشا (لوط) را انجام دهند!!

﴿قَالَ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ ضَيۡفِي فَلَا تَفۡضَحُونِ ٦٨﴾.

لوط به قومش گفت: اینان مهمانانم هستند و تحت حمایت و حفاظتم قرار دارند پس مرا با این عمل زشت خود رسوا نسازید.

﴿وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُخۡزُونِ ٦٩﴾.

و از عذاب خدا أ پروا کرده مهمانانم را واگذارید و مرا با اذیت آنان به خواری و خفّت نکشانید.

﴿قَالُوٓاْ أَوَ لَمۡ نَنۡهَكَ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٧٠﴾.

قوم لوط به وی گفتند: آیا پیش از این تو را از این امر که نباید هیچ‌یک از جهانیان را از ما بازداری زنهار ندادیم؟ پس مردم را به حال‌شان واگذار و در امورشان دخالت نکن.

﴿قَالَ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِيٓ إِن كُنتُمۡ فَٰعِلِينَ ٧١﴾.

لوط به قومش گفت: اینان دختران منند پس با آنان ازدواج کرده و به زنان بسنده کنید و این کار بدتان را که به مردان نزدیکی می‌کنید، فرو گذارید.

﴿لَعَمۡرُكَ إِنَّهُمۡ لَفِي سَكۡرَتِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ٧٢﴾.

خدای متعال به زندگی محمد ج سوگند خورده و می‌گوید: به جان تو سوگند که قوم لوط در جهالتی بزرگ و غفلتی سنگین، در نابینایی از حق و در حیرت و مستی خود سرگردان بودند.

﴿فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّيۡحَةُ مُشۡرِقِينَ ٧٣﴾.

پس به هنگام طلوع آفتاب، صاعقۀ عذاب قوم لوط را – پس از آنکه لوط و خانواده‌اش در شب قبل آن از شهر بیرون رفته بودند – فرا گرفت.

﴿فَجَعَلۡنَا عَٰلِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهِمۡ حِجَارَةٗ مِّن سِجِّيلٍ ٧٤﴾.

و خداوند أ شهرشان را به گونه‌ای زیر و زبر ساخت که بلندای آن را زیرین آن و زیرین آن را به بلندایش واژگون گردانید و بر آن‌ها از آسمان سنگ‌هایی از گل سخت بسیار محکم فروبارانید که اجسام‌شان را پاره پاره و تکه تکه ساخت.

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡمُتَوَسِّمِينَ ٧٥﴾.

به یقین در عذابی که به قوم لوط رسید پندی برای عبرت اندوزان و عبرتی برای هوشیاران است؛ زیرا آن عذاب از سخت‌ترین و سهمگین‌تر عذاب‌های الهی بود.

﴿وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٖ مُّقِيمٍ ٧٦﴾.

و همانا شهرهای ویران شدۀ قوم لوط بر سر راه پیدایی قرار دارند که مسافران و رهگذران آن را می‌بینند، پس آیا کسی هست که عبرت گیرد؟

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٧٧﴾.

بیگمان در نابود سازی قوم لوط، برای کسانی که آیات الله أ را تصدیق کرده و از آن‌ها بهره می‌برند، دلیل روشنی است.

﴿وَإِن كَانَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأَيۡكَةِ لَظَٰلِمِينَ ٧٨﴾.

و به راستی قوم شعیب مردم شهر بیشه‌زار (اَیکَه)، با کفر و رویگردانی از راه خدا أ بر خویشتن ستمگر بودند.

﴿فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٖ مُّبِينٖ ٧٩﴾.

پس خدای ﻷ از قوم شعیب با زمین‌لرزه و عذاب روز «ظلَه» [که ابری سیاه و عذاب‌آور بود] انتقام گرفت. و همانا شهرهای قوم و شعیب بر سر راهی آشکار در معرض دید مردم رهگذر و مسافر قرار دارند پس باید درس عبرت بگیرند.

﴿وَلَقَدۡ كَذَّبَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡحِجۡرِ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٨٠﴾.

و در حقیقت قوم ثمود، صالح ÷ را تکذیب کردند. آنان مردم وادی حجر بودند [که سرزمینی است میان مدینه و شام]. پس وقتی صالح ÷ را تکذیب کردند گویی تمام پیامبران را تکذیب نمودند از این جهت تکذیب‌شان به همۀ «مرسلین» به صیغۀ جمع نسبت داده شد.

﴿وَءَاتَيۡنَٰهُمۡ ءَايَٰتِنَا فَكَانُواْ عَنۡهَا مُعۡرِضِينَ ٨١﴾.

و خداوند أ به قوم صالح ÷ آیات خود را که دلیل یگانگی‌اش و راهنمای درستی پیام رسالت صالح ÷ بود ارائه کرد و از آن جمله ماده شتر را؛ اما آن‌ها از آن آیات و نشانه‌های نفع نبرده و از تأمل و اندیشه در آن‌ها رویگردان و از حق دوری می‌جستند.

﴿وَكَانُواْ يَنۡحِتُونَ مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ ٨٢﴾.

قوم صالح ÷ صخره سنگ‌های بزگ را در کوه‌ها به شکل خانه‌هایی تراشیده و برای خود در اندرون آن‌ها منازلی امن می‌ساختند که از خرابی و سقوط محفوظ بود اما آن نیروی‌شان برای‌شان سودی به همراه نداشت و چون به پروردگار خویش کفر ورزیدند امنیت‌شان استمرار پیدا نکرد.

﴿فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّيۡحَةُ مُصۡبِحِينَ ٨٣﴾.

پس صبحدم صاعقۀ عذاب آن‌ها را سوخت و جملگی هلاک شدند.

﴿فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٨٤﴾.

و آنچه از اموال گردآورده بودند و آن خانه‌های مستحکمی که بنا کرده بودند هیچ کدام آنان را از عذاب خدا أ باز نداشت؛ زیرا نیروی خداوند أ بزرگتر و عذابش سخت‌تر است.

﴿وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۗ وَإِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَأٓتِيَةٞۖ فَٱصۡفَحِ ٱلصَّفۡحَ ٱلۡجَمِيلَ ٨٥﴾.

و خداوند أ آسمان‌ها و زمین را جز به حق نیافرید، حقی که آیینه‌دار کمال آفرینشش، نیکویی و استواری صنعش و برهان روشن این امر است که تنها او سزاوار پرستش بوده و شریکی ندارد و اینکه روز قیامت خواه مخواه آمدنی است تا هر بنده‌ای در قبال آنچه کرده است جزا یابد، پس ای پیامبر! از این تکذیب پیشگان درگذر و از برخورد بد با آنان صرف‌نظر کن؛ زیرا خداوند أ خود عهده‌دار حال‌شان است و به زودی به حساب‌شان می‌رسد.

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلۡخَلَّٰقُ ٱلۡعَلِيمُ ٨٦﴾.

زیرا خدای یگانه، تنها آفرینشگر هر آفریده‌ای است، خلق را از عدم ایجاد کرده و به نیکوترین صورت مصور ساخته است، اوست دانای آشکار و نهان و پیدا و پنهان، هیچ امر نهانی بر وی مخفی نمانده و هیچ غایبی از ساخت علمش دور نیست.

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَٰكَ سَبۡعٗا مِّنَ ٱلۡمَثَانِي وَٱلۡقُرۡءَانَ ٱلۡعَظِيمَ ٨٧﴾.

و به راستی خداوند أ با دادن فاتحة الکتاب محمد ج را گرامی و عزیز داشت، زیرا فاتحة الکتاب شفابخش و بسنده است و از این رو در هر نماز تکرار می‌شود. همچنان به وی قرآن عظیم را که در لفظ، معنی، اعجاز و بلاغت خود بزرگ و بیمانند است عطا کرد و این بی‌شک از بزرگ‌ترین نعمت‌ها و شریفترین احسان‌هاست.

﴿لَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ٨٨﴾.

ای پیامبر! به بهره‌های ناپایداری همچون حیوانات که کفار را بدان برخوردار ساخته‌ایم چشم مدوز و مانند آن را تمنا نکن چه آن‌ها از هدایت به سوی اسلام محروم ساخته شده‌اند و با قوت این نعمت‌های باقی آن بهره‌های فانی به چیزی نمی‌ارزد. و بر کفرشان نیز محزون مباش؛ زیرا گناهان‌شان بردوش خودشان است و برای مؤمنان مهر و عنایت خویش را فرو گستر و با تواضع و تعامل مهرورزانه و گفتن سخنان نرم و ملایم به آنان، برای‌شان متواضع باش.

﴿وَقُلۡ إِنِّيٓ أَنَا ٱلنَّذِيرُ ٱلۡمُبِينُ ٨٩﴾.

و ای پیامبر! به مردم بگو: من همان هشدارگر بیم دهنده از عذاب الهی هستم، من همان راهنما به سوی الله أ هستم، من روشنگر آیاتش و خیرخواه و دلسوز بندگانش و امانتدار وحیش هستم.

﴿كَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَى ٱلۡمُقۡتَسِمِينَ ٩٠﴾.

و همانگونه که بر تقسیم کنندگان قرآن عذاب را نازل کردیم؛ همانان که قرآن را بخش بخش کرده به بعضی از آن ایمان آورده و به بعضی دیگر کفر ورزیدند، پیش از آن بر یهود و نصاری و غیر ایشان نیز که در کتاب الهی اختلاف کرده به بعضی از آن ایمان آوردند و به بعضی دیگر کفر ورزیدند نیز عذاب را نازل نمودیم.

﴿ٱلَّذِينَ جَعَلُواْ ٱلۡقُرۡءَانَ عِضِينَ ٩١﴾.

آنان همان کسانی‌اند که در داوری خود نسبت به قرآن متفرق شده بعضی گفتند: قرآن سحر، یا شعر یا کهانت است، که البته این رجزگویی‌ها بهتانی است ساخته و پرداختۀ خودشان تا بشریت را از ذکر حکیمانۀ قرآن و پیامبر بزرگوار خدای منان بازدارند.

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسۡ‍َٔلَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٩٢﴾.

پس سوگند به پروردگار بزرگت که او بر آنچه گفتند و کردند، از همۀشان در روز هنگامۀ بزرگ حساب خواهد گرفت.

﴿عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩٣﴾.

و به زودی از افترای‌شان نسبت به قرآن و اختلاف نظرشان پیرامون آن و از کوبیدن ناروا و دروغین حق به وسیلۀ باطل، از آنان خواهد پرسید.

﴿فَٱصۡدَعۡ بِمَا تُؤۡمَرُ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٩٤﴾.

پس ای پیامبر! دعوتت به سوی حق را که پروردگارت تو را به ابلاغ آن مأمور ساخته است، آشکار کن و از کفار هیچ ترس و هراسی به دل راه نده؛ زیرا تو بر حق هستی و آن‌ها بر باطل. این آیه درس آموز شجاعت در تبلیغ حق، مقید بودن به اوامر شریعت و ترس و هراس به دل راه ندادن از بشر است.

﴿إِنَّا كَفَيۡنَٰكَ ٱلۡمُسۡتَهۡزِءِينَ ٩٥﴾.

ای پیامبر! خداوند أ تو را از شر ریشخندگران کفر پیشه حمایت خواهد کرد، بدینسان که آنان را به هزیمت کشانده و نیرنگ‌شان را بی‌اثر می‌گرداند سپس در آخرت نیز به سختی گرفتارشان می‌سازد.

﴿ٱلَّذِينَ يَجۡعَلُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ٩٦﴾.

این گروه کافرانی که غیر از خدا أ شریکانی بر گرفته و او را به پرستش یگانه ساخته‌اند به زودی – آنگاه که به سوی پروردگار خود بازگردند – فرجام کارشان را خواهند دانست.

﴿وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدۡرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ٩٧﴾.

و قطعا می‌دانیم که سینه‌ات از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود پس سخنان هرزۀ این ریشخندگران توطئه‌گر که دلت را به درد آورده و روحت را آزرده است هرگز بر ما پنهان نیست.

﴿فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ ٩٨﴾.

پس سخنان‌شان تو را اندوهگین نسازد و با ستایش پروردگارت تسبیح گوی با این عبارت: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» و از نمازگزاران با تواضع باش و بدان که تسبیح و حمد و نماز، شفای آن علت‌هایی است که دل‌ها در سرای فریب و دنیای پر از نیرنگ بدان تنگ می‌شود.

﴿وَٱعۡبُدۡ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأۡتِيَكَ ٱلۡيَقِينُ ٩٩﴾.

و پروردگارت را پرستش نموده او را چنان بندگی و اطاعت کن که این روحیه تا پایان زندگی همراهت باقی بماند، تا آنگاه که مرگت فرا رسد، یعنی همان حقیقتی که بدان یقین کامل داری.

سورۀ نحل

مکی است؛ ترتیب آن 16؛ شمار آیات آن 128

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿أَتَىٰٓ أَمۡرُ ٱللَّهِ فَلَا تَسۡتَعۡجِلُوهُۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ١﴾.

ای منکران قیامت! فرمان خدا در رسید و قیامت نزدیک شد. پس از روی تمسخر و ریشخند، عذاب را به شتاب مخواهید، زیرا عذاب یقینا واقع می‌شود، منزه و مقدس است حق‌تعالی از شرک مشرکان.

﴿يُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ بِٱلرُّوحِ مِنۡ أَمۡرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦٓ أَنۡ أَنذِرُوٓاْ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱتَّقُونِ ٢﴾.

خداوند أ فرشتگان را با وحی که حامل فرمان وی است بر هر کس از بندگانش که بخواهد نازل می‌کند، پس ایشان را با پیام هشدار دهندۀ مردم از شرک، فرا خوانندۀشان به سوی توحید الله أ لاشریک و دعوتگر به سوی خداترسی و تقوی – از طریق انجام اوامر و اجتناب از نواهی – به میان مردم می‌فرستد.

﴿خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۚ تَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٣﴾.

خدای متعال آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است تا دلیل و راهنمای مردم بر عظمت، حکمت وصنع بدیعش و این حقیقت که فقط او شایسته پرستش است باشند؛ او از شرک مشرکان منزه و والاست.

﴿خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِن نُّطۡفَةٖ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٞ مُّبِينٞ ٤﴾.

حق‌تعالی انسان را از آبی بیمقدار آفریده است، وانگه او با پروردگارش ستیزه جویی پیش گرفته در آیاتش جدال می‌کند، در حالی که اصل و ریشه وضعف و بیچاره‌گی‌اش را فراموش کرده است.

﴿وَٱلۡأَنۡعَٰمَ خَلَقَهَاۖ لَكُمۡ فِيهَا دِفۡءٞ وَمَنَٰفِعُ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ٥﴾.

و خدای سبحان چهارپایان – از شتر، گاو و گوسفند – را برای شم آفرید و از پشم، مو و کرک آن‌ها برای شما وسیلۀ گرمازا در موسم سرما را فراهم ساخت و از پوست آن‌ها بهره می‌برید، از گوشت آن‌ها می‌خورید و بر پشت آن‌ها سوار می‌شوید.

﴿وَلَكُمۡ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسۡرَحُونَ ٦﴾.

و ای مردم! برای شما در چهارپایان زیبایی و زینتی است که شامگاهان آنگاه که به خانه‌های‌تان برمی‌گردند و سبحگاهان آنگاه که از خانه‌های‌تان برای چرا خارج می‌شوند، شادی و بهجت را به درون جان‌تان سرازیر می‌کنند.

﴿وَتَحۡمِلُ أَثۡقَالَكُمۡ إِلَىٰ بَلَدٖ لَّمۡ تَكُونُواْ بَٰلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ ٱلۡأَنفُسِۚ إِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ٧﴾.

و چهارپایان را برای شما رام ساخت که کالاهای‌تان را به سوی شهرهای دور – آنجا که جز با دشواریی بزرگ توان رسیدن به آن ندارید – حمل می‌کنند بیگمان پروردگارتان به شما صاحب لطف است از این رو به ضعف و بیچارگی شما رحم کرد و آنچه را که وسیلۀ یاری و مددکاری برای‌تان است رامتان گردانید، پس او با رأفت خود منافع را برای شما جلب کرده و با رحمت خود دشواری‌ها را از شما دفع می‌کند.

﴿وَٱلۡخَيۡلَ وَٱلۡبِغَالَ وَٱلۡحَمِيرَ لِتَرۡكَبُوهَا وَزِينَةٗۚ وَيَخۡلُقُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٨﴾.

و خداوند أ اسبان و استران و خران را برای شما آفرید تا بر پشت آن‌ها سوار شوید و آن‌ها را برای شما و کاروان‌ها و سفرهایتان مایۀ تجملی قرار داد، چرا که در وجود آن‌ها منظری آراسته و نیکو جلوه‌گر است و خداوند أ از وسایل سواری و غیر آن چیزهایی را برای شما می‌آفریند که نمی‌دانید؛ مانند وسایل جدیدی که در عرصۀ حمل و نقل هم اکنون در اختیار بشر قرار دارد. پس همۀ این‌ها از فضل و نعمت وی است.

﴿وَعَلَى ٱللَّهِ قَصۡدُ ٱلسَّبِيلِ وَمِنۡهَا جَآئِرٞۚ وَلَوۡ شَآءَ لَهَدَىٰكُمۡ أَجۡمَعِينَ ٩﴾.

و بیان راه مستقیم بر عهدۀ خداوند أ است تا راه یابید و آن راه را بپیمایید؛ این همان راه ایمان به خدای متعال است که پیامبران به سوی آن فرا خوانده‌اند و بعضی از راه‌ها کژ و منحرف است که نه به سر منزل مقصودی می‌رساند و نه از هلاک نجات می‌دهد؛ و آن هر راه گمراهگر از راه‌های اهل کفر و فساد و کژی و الحاد است که با راه هدایت مخالف می‌باشد و اگر خدا أ می‌خواست تا تمام مردم را هدایت کند یقینا این کار را می‌کرد ولی به سبب حکمت بالغه‌ای از جانب خود، هر که را خواست هدایت می‌کند و هر که را خواست گمراه می‌سازد.

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗۖ لَّكُم مِّنۡهُ شَرَابٞ وَمِنۡهُ شَجَرٞ فِيهِ تُسِيمُونَ ١٠﴾.

و تنها خداوند أ است که برای شما از ابر آبی با برکت و پاک کننده فرود آورد که از آن می‌نوشید و به وسیلۀ آن برای شما درختان و کشتزارها را رویانید که چهارپایان‌تان در آن می‌چرند و منافع آن‌ها به شما برمی‌گردد.

﴿يُنۢبِتُ لَكُم بِهِ ٱلزَّرۡعَ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلنَّخِيلَ وَٱلۡأَعۡنَٰبَ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ١١﴾.

و خداوند أ با آب نازل شده از ابرها، درختان زیتون، خرما، انگور و سایر انواع میوه‌ها، سبزی‌ها و رستنی‌ها را برای شما می‌رویاند، قطعا در رویاندن، آب دادن، شکوفا ساختن و میوه بر آوردن آن‌ها برای کسانی که تأمل نموده، پند گرفته و در نتیجه ایمان می‌آورند، نشانه‌ها و دلالت‌های بسیار روشنی است.

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ وَٱلنُّجُومُ مُسَخَّرَٰتُۢ بِأَمۡرِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ١٢﴾.

و خداوند أ شب را برای خواب و روز را برای تلاش در امر معاش رامتان گردانید، خورشید را برای شما روشنگر و ماه را منوّر ساخت تا حساب سال‌ها، ماه‌ها، روزها و حساب را بدانید و ستارگان را در آسمان برای شما مسخر گردانید تا اوقات را بشناسید، در تاریکی‌ها راه یابید و میوه‌های‌تان بدان پخته و رسیده شود بیگمان در آفرینش این اجرام نجومی برای مردمی که تعقل می‌کنند نشانه‌های درخشانی است.

﴿وَمَا ذَرَأَ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُخۡتَلِفًا أَلۡوَٰنُهُۥٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَذَّكَّرُونَ ١٣﴾.

همچنین تنها خداوند أ است که تمام مخلوقاتش در زمین را – از حیوان و گیاه و جماد که اشکال الوان و کاربردهای متفاوتی دارند – برای شما مسخر ساخت البته در این پدیده‌ها با اختلاف انواع و اصنافی که دارند موعظه‌ای است برای اندرزجویان و عبرت‌هایی است برای عبرت‌آموزان و اندیشه‌وران، زیرا آفرینش این پدیده‌ها با همه گسترۀ گوناگونی و تنوعی که دارند از بزرگ‌ترین دلایل بر یگانگی خدا أ و بر اثبات این حقیقت است که تنها او شایستۀ آن می‌باشد تا به یگانگی مورد عبودیت قرار گیرد و بس.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي سَخَّرَ ٱلۡبَحۡرَ لِتَأۡكُلُواْ مِنۡهُ لَحۡمٗا طَرِيّٗا وَتَسۡتَخۡرِجُواْ مِنۡهُ حِلۡيَةٗ تَلۡبَسُونَهَاۖ وَتَرَى ٱلۡفُلۡكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٤﴾.

و تنها اوست – سبحانه و تعالی – که دریا را برای بشر رام ساخت تا از آبزیان حلال آن گوشت تازه بخورند و از مروارید و مرجان آن آرایه و پیرایه بیرون آورند و ایشان خود کشتی‌های بزرگ را بر بستر دریا مشاهده می‌کنند که در حال رفت و برگشت برای تأمین منافع‌شان می‌باشد و خودشان به منظور طلب دانش، تجارت و منافع دیگر بر آن‌ها سیروسفر می‌نمایند؛ باشد که خداوند أ را از راه ایمان و عبادت وی، بر این نعمت‌های بزرگ شکر بگذارند.

﴿وَأَلۡقَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمۡ وَأَنۡهَٰرٗا وَسُبُلٗا لَّعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ١٥﴾.

و تنها خداوند أ است که زمین را با کوه‌های استوار ثبات بخشید تا شما را نجنباند و نتکاند و در آن نهرهایی شیرین برای نوشیدن، شستشو، آب دهی حیوانات و نباتات قرار داد و در زمین راه‌هایی قرار داد تا نشانه‌هایی برای مردم باشند و در نتیجه آن‌ها در پرکنه‌های زمین گم نشده و به منظور راه بردن به مقاصد سفر خویش، آن راه‌ها را بپیمایند.

﴿وَعَلَٰمَٰتٖۚ وَبِٱلنَّجۡمِ هُمۡ يَهۡتَدُونَ ١٦﴾.

و خداوند أ علائم و تابلوهای راهنمایی را در روز برای مردم قرار داد تا از مشاهدۀ آن‌ها به راه‌های مختلف راه برند همچنان که ستارگان را در شب راهنماهایی قرار داد که در سفرهای خود به وسیلۀ آن‌ها راه می‌یابند.

﴿أَفَمَن يَخۡلُقُ كَمَن لَّا يَخۡلُقُۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ١٧﴾.

پس آیا معقول است که آفریننده و مسخر سازندۀ این اشیا و پدیده‌ها، در امر استحقاق عبودیت و الوهیت همانند کسی باشد که در این عرصه توانایی ندارد؟ آیا قدرت حق‌تعالی را در آفرینش همۀ موجودات به خاطر می‌آورید تا وی را یگانه شناخته و خدایان دیگر را با وی شریک نیاورید؟

﴿وَإِن تَعُدُّواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ لَا تُحۡصُوهَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٨﴾.

و هرقدر که در شمارش حساب نعمت‌هایی که حق‌تعالی به شما ارزانی داشته است سعی و کوشش به خرج دهید هرگز آن‌ها را به شمار آورده نمی‌توانید؛ از آنکه انواع، اصناف و منافع بسیاری دارند و فرا آوری حساب آن‌ها خارج از حیطۀ امکان شماست، قطعا خدا أ بر تقصیر شما در شکر نعمت‌ها بسیار آمرزگار و رحمتش بسیار گسترده است، پس به سبب نافرمانی‌های و گناهان‌تان این نعمت‌ها را قطع نکرده و با وجود عصیان‌تان، به مجازاتتان شتاب نمی‌کند.

﴿وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعۡلِنُونَ ١٩﴾.

و تنها خداوند أ است که بر همه کارهای شما – اعم از پیدا و پنهان و آشکار و نهان آن – آگاه و داناست و شما را به زودی در برابر آن‌ها مورد حسابرسی قرار خواهد داد.

﴿وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَخۡلُقُونَ شَيۡ‍ٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ ٢٠﴾.

و بتان و معبودانی را که کافران مورد پرستش قرار می‌دهند چیزی را نمی‌آفرینند بلکه خود آفریده‌اند که کفار آن‌ها را بر ساخته و سپس به پرستش‌شان گرفتند، پس چگونه آفریدۀ ناتوان مورد پرستش قرار گرفته و پرستش آفریدگار توانگر توانا که جلال و عظمتش بی‌پایان است فرو گذاشته می‌شود.

﴿أَمۡوَٰتٌ غَيۡرُ أَحۡيَآءٖۖ وَمَا يَشۡعُرُونَ أَيَّانَ يُبۡعَثُونَ ٢١﴾.

این بتان و معبودان باطل، جماداتی بیجان‌اند که نه روحی دارند و نه حیاتی، و حتی نسبت به زمانی که خداوند أ پرستشگران‌شان را از قبرها بیرون می‌آورد تا آن‌ها را همراه با آنان وارد آتش دوزخ گرداند نیز آگاهی ندارند.

﴿إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۚ فَٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٞ وَهُم مُّسۡتَكۡبِرُونَ ٢٢﴾.

خدای شایستۀ پرستش همانا خداوندی است که هیچ معبودی جز او نیست، یگانه و یکتاست، نه شریکی دارد و نه هم جز او پروردگاری وجود دارد اما تکذیبگران رستاخیز، یگانگی خداوند أ و الوهیتش را انکار می‌کنند، بدین جهت که از مجازات بیمی ‌ندارند، آن‌ها از پذیرش حق و خالص‌سازی عبادت برای خدا یگانۀ لاشریک تکبر می‌ورزند.

﴿لَا جَرَمَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعۡلِنُونَۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡتَكۡبِرِينَ ٢٣﴾.

به راستی که خداوند أ نیت‌ها و اعتقاداتی را که ضمایر و نهان‌های‌شان در خود پنهان داشته است و آنچه را که از گفتار، کردار، و رفتار آشکار می‌سازند، می‌داند پس آن‌ها را به زودی در قبال آن مورد محاسبه قرار خواهد داد، بی‌تردید خداوند أ کسانی را که از پرستشش تکبر ورزیده و از گردن نهادن به عبادتش سر بر تافته‌اند دوست ندارد و به زودی آنان را در برابر این عمل مجازات خواهد کرد.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمۡ قَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٢٤﴾.

و چون از کفار پرسیده شود که خدای یگانۀ قهار بر پیامبر مختار چه چیز نازل کرده است؟ آن‌ها از روی دروغ و بهتان می‌گویند: نزد او جز داستان‌های پیشینیان، پندارهای بی‌اساس گذشتگان و اخبار رفته‌گان چیز دیگری وجود ندارد، پس آنچه آورده، وحیی از نزد خداوند أ نیست.

﴿لِيَحۡمِلُوٓاْ أَوۡزَارَهُمۡ كَامِلَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَمِنۡ أَوۡزَارِ ٱلَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيۡرِ عِلۡمٍۗ أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ ٢٥﴾.

فرجام کارشان را خداوند أ در روز هنگامۀ بزرگ اینگونه قرار خواهد داد که: بار گناهان خود را کامل و بی‌کم و کاست برمی‌دارند و حق‌تعالی چیزی از آن را از آن‌ها درنمی‌گذرد و همچنان بارگناهان کسانی را نیز برمی‌دارند که از آنان پیروی کرده‌اند و آن‌ها سبب گمراه‌سازی و باز داشتن‌شان از ایمان بوده‌اند، آگاه باشید چه بد کنشت و زشت‌اند و چه بد باری را بر دوش می‌کشند!!

﴿قَدۡ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَأَتَى ٱللَّهُ بُنۡيَٰنَهُم مِّنَ ٱلۡقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيۡهِمُ ٱلسَّقۡفُ مِن فَوۡقِهِمۡ وَأَتَىٰهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ ٢٦﴾.

قبل از آنان کفاری به سر می‌بردند که با پیامبران‌شان نیرنگ‌ها به کار برده و توطئه‌ها به هم تنیدند اما خداوند أ مکر و کیدشان را بی‌اثر ساخت و بنیان‌شان را از پایه و تهداب متزلزل ساخت، در نتیجه سقف از بالای سرشان بر آنان فرو ریخت، پس ویرانی از آنجایی که حدس نمی‌زدند به سراغشان آمد و هلاک از آنجایی که اصلا حسابش را نمی‌کردند غافلگیرشان ساخت، صبحگاهان عذاب آمد و در حالی که ایمن بودند آنان را فرا گرفت.

﴿ثُمَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يُخۡزِيهِمۡ وَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تُشَٰٓقُّونَ فِيهِمۡۚ قَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ إِنَّ ٱلۡخِزۡيَ ٱلۡيَوۡمَ وَٱلسُّوٓءَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٧﴾.

سپس روز قیامت حق‌تعالی کفار را در دوزخ خوار و رسوا کرده و در مقام توبیخ به آنان می‌گوید: کسانی که شما آن‌ها را در پرستش شریکانم قرار دادید کجایند تا بیایند و شما را از این عذاب باز دارند در حالی که این شما بودید که با پیامبران ما و پیروانشان به خاطر آنان می‌جنگیدید؟ اهل علم و ایمان می‌گویند: بیگمان در این روز بزرگ رسوایی و خواری بر کافران است.

﴿ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمۡۖ فَأَلۡقَوُاْ ٱلسَّلَمَ مَا كُنَّا نَعۡمَلُ مِن سُوٓءِۢۚ بَلَىٰٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٢٨﴾.

کسانی را کافران که فرشتگان جان‌های‌شان را در حالی می‌گیرند که با شرک به خدای سبحان بر خویشتن ستمکار بوده‌اند. بعد از آنکه مرگ را می‌بینند در برابر فرمان خدای یگانه از در تسلیم درآمده و چیزهایی را که به وی شریک می‌آوردند و گناهانی را که مرتکب گردیده بودند انکار می‌کنند، پس به آن‌ها گفته می‌شود: دروغ گفتید؛ بلکه شما همان نافرمانان مجرم هستید، قطعا خداوند أ به گناهانی که کرده‌اید داناست و به زودی شما را در قبال آن مورد محاسبه و مجازات قرار خواهد داد.

﴿فَٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَلَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ ٢٩﴾.

پس ای کافران! از درهای دوزخ وارد شوید و در آن همیشه بمانید و حقا که آتش به عنوان جایگاه کبرورزان معاند و سرای کژروان ملحد، چه بد قرارگاهی است.

﴿۞وَقِيلَ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ مَاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمۡۚ قَالُواْ خَيۡرٗاۗ لِّلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٞۚ وَلَدَارُ ٱلۡأٓخِرَةِ خَيۡرٞۚ وَلَنِعۡمَ دَارُ ٱلۡمُتَّقِينَ ٣٠﴾.

و چون از مؤمنان به خدا أ و پیامبرش پرسیده شود که: خداوند أ بر پیامبرش چه نازل کرده است؟ می‌گویند: او حق و راستی و هدایت و هرگونه صلاح و تقوی و فضیلتی را نازل کرده است. برای مؤمنانی که اعمال شایسته انجام داده و در کارهای خوب می‌شتابند کرامتی بزرگ و رستگاری عظیمی است که این کرامت و رستگاری شامل عزّت و اقتدار در زندگانی دنیا و پاداش عظیم و نعمت‌های پایدار آخرت است؛ این پاداش البته بهتر از آن چیزی است که در دنیا به ایشان عطا می‌شود و چه نیکوست بهشت‌های جاویدان به عنوان سرای پرهیزگاران در پیشگاه رضای پروردگار رحمان.

﴿جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ لَهُمۡ فِيهَا مَا يَشَآءُونَۚ كَذَٰلِكَ يَجۡزِي ٱللَّهُ ٱلۡمُتَّقِينَ ٣١﴾.

بهشت‌هایی است ماندگار برای مؤمنان ابرار در سرای استقرار همراه با امنیت و بهجت که در آن همیشۀ ابد، مأوی و مسکن می‌گزینند؛ از زیر منازل، قصرها و درختان آن‌ها نهرها جاری است، خداوند أ بر ایشان در آنجا هرچه بخواهند فراهم ساخته است، او دوستانش را به مانند این کرامت بزرگ پاداش می‌دهد؛ همانان که از وی پروا داشته، از ایستادن در برابرش بوده‌اند و برای ملاقاتش آمادگی گرفته‌اند.

﴿ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمُ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٣٢﴾.

آنان همان نیکان پاکنهادی‌اند که فرشتگان جان‌های‌شان را در حالی که از شرک پاک‌اند، می‌ستانند. فرشتگان با این سخن خود به ایشان درود و شاد باش می‌گویند: سلام و سلامتی بر شما باد از هر آفتی، ایمنی بر شما باد از هر بیم و ملامتی؛ اینک به پاداش آنچه از ایمان و طاعت پروردگار سبحان و نبرد با دوستان شیطان انجام می‌دادید، به بهشت‌های پرناز و نعمت درآیید.

﴿هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَوۡ يَأۡتِيَ أَمۡرُ رَبِّكَۚ كَذَٰلِكَ فَعَلَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ وَمَا ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٣٣﴾.

کافران چیزی جز فرود آمدن فرشتگان جان‌ستان را انتظار نمی‌برند تا ارواحشان را بر حال کفر از آنان بستانند، یا انتظار نمی‌برند جز آنکه فرمان پروردگارت دایر بر هلاک‌شان در رسد، کفار پیشین نیز همین‌گونه که این گروه کافر تکذیب پیشه عمل کردند، رفتار نمودند لیکن خدای متعال هلاکشان ساخت و با نابود ساخت‌شان بر آن‌ها ستم نکرد، بلکه آن‌ها را در برابر کفرشان مجازات نمود پس در حقیقت آن‌ها خود با کفر به خداوند أ و نبرد علیه پیامبران برخویشتن ستم کردند.

﴿فَأَصَابَهُمۡ سَيِّ‍َٔاتُ مَا عَمِلُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٣٤﴾.

پس به کیفر کارهای زشتی که کردند خداوند أ نابودشان کرد و سرانجام همان عذابی که مسخره‌اش می‌کردند آنان را از همه سو فرا گرفت: در نتیجه از آنان هیچ اثری باقی نماند.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ لَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا عَبَدۡنَا مِن دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖ نَّحۡنُ وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمۡنَا مِن دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖۚ كَذَٰلِكَ فَعَلَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ فَهَلۡ عَلَى ٱلرُّسُلِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ٣٥﴾.

و کافران گفتند: اگر خدا می‌خواست که فقط او را به یگانگی بپرستیم، نه ما و نه پیش از ما پدران ما، جز او هیچ چیز را نپرستیده و نه آنچه را که او بر ما حرام نکرده است، حرام ساخته بودیم! کافران پیش از آن‌ها نیز اینگونه اعتراض‌های بی‌اساسی را پیش می‌آوردند. این سخنان‌شان از آن‌رو دروغ و بی‌بنیاد است که حق‌تعالی آنان را به ایمان دستور داد، از کفر نهی کرد و راه هدایت و گمراهی را به آنان نمایان ساخت و برای هریک از آنان خواست و اراده‌ای قرار داد که بدان عمل می‌کنند، پس استدلالشان به قضا و قدر بعد از فرستادن پیامبران، استدلالی باطل و نادرست است چه با هشدار پیامبران حجّت بر آن‌ها اقامه شده است و بر پیامبران هم جز بیان روشن و رهبری به سوی راه استوار و صراط مستقیم، وظیفۀ دیگری نیست.

﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَۖ فَمِنۡهُم مَّنۡ هَدَى ٱللَّهُ وَمِنۡهُم مَّنۡ حَقَّتۡ عَلَيۡهِ ٱلضَّلَٰلَةُۚ فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٣٦﴾.

و به یقین خداوند أ در میان هر امتی از امت‌های قبل پیامبری را بر انگیخت که آن‌ها را به سوی توحید فراخوانده و از شرک‌آوری بتان و معبودان و غیر آن‌ها نهی‌شان کردند و خداوند أ گروهی از آن امت‌ها را به اجابت دعوت و پیروی از پیامبران توفیق بخشید و از آنان گروهی دیگر اند که خداوند أ گمراهشان ساخت، در نتیجه به وی کفر ورزیده و پیامبرانش را تکذیب کردند. پس در اطراف و نواحی زمین سفر کنید و آثار برجای مانده از عذاب شدگان را مشاهده کرده، به خانه‌های خالی ویرانشان بنگرید تا از فرجام ننگین‌شان پند و عبرت بگیرید.

﴿إِن تَحۡرِصۡ عَلَىٰ هُدَىٰهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَن يُضِلُّۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٣٧﴾.

ای پیامبر! هرقدر بر هدایت این گروه کفار بکوشی و حریص باشی اما خداوند أ کسانی را که خودشان گمراهی را برگزیده‌اند و او در سرنوشت‌شان بدبختی را رقم‌زده است هدایت نمی‌کند و برای کفار کسی نیست که عذاب خدا أ را از آنان دفع کرده و آن‌ها را از کیفرش برگرداند.

﴿وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَا يَبۡعَثُ ٱللَّهُ مَن يَمُوتُۚ بَلَىٰ وَعۡدًا عَلَيۡهِ حَقّٗا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٨﴾.

و کافران با تمام سوگندهای سخت و غلیظ خود سوگند خوردند که: خداوند أ کسی را که می‌میرد و در قبرش فنا می‌شود مجددا زنده نخواهد ساخت!! چنان نیست بلکه خداوند أ آنان را مجددا زنده خواهد ساخت؛ این وعده‌ای است راستین که از سوی خداوند أ پیشی گرفته است و خدا أ وعده‌اش را خلاف نمی‌کند؛ ولی بیشتر مردم – همانان که قدرتش را تکذیب می‌کنند و به توانایی‌اش بر رستاخیز علم ندارند – از روی جهل و عناد منکر معاد اند.

﴿لِيُبَيِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِي يَخۡتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰذِبِينَ ٣٩﴾.

و خداوند أ بندگان را برای روز معاد برمی‌گرداند تا حقیقت زنده ساختن بعد از مرگ را که در آن اختلاف کردند برای‌شان روشن ساخته و در نتیجه مؤمنان را بر ایمان‌شان پاداش دهد و کفار را بر کفرشان مجازات کند و مؤمنان در فرجام بدانند که بر حق بوده‌اند و کفار نیز بدانند؛ آن روز که بر نفی رستاخیز و حشر سوگند می‌خوردند، قطعا بر باطل بوده‌اند.

﴿إِنَّمَا قَوۡلُنَا لِشَيۡءٍ إِذَآ أَرَدۡنَٰهُ أَن نَّقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٤٠﴾.

بیگمان بر انگیختن پس از مرگ از نشأت اولیه بر خدا أ سهل‌تر است و هرکاری بروی سهل و ساده می‌باشد، زیرا چون اوتعالی چیزی را اراده کند جز این نیست که به آن می‌گوید: «باش»؛ پس بی‌درنگ موجود می‌شود.

﴿وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْ لَنُبَوِّئَنَّهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗۖ وَلَأَجۡرُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٤١﴾.

و کسانی که به منظور رهانیدن دین خویش در راه پروردگار خود از وطن خود بیرون شدند بعد از آنکه ستم دیدند و جفا کشیدند یقینا خداوند أ در این دنیا ایشان را به سرای نیکویی سکونت خواهد داد و از نصرت و اقتدار بر ایشان خواهد افزود و قطعا پاداشی که برای‌شان در آخرت – از جاودانگی در جنات نعیم همراه با ثواب عظیم – آماده کرده است بزرگتر است و اگر کسانی که بیرون شدن در راه خدا أ را به منظور نجات دین خویش ترک کرده‌اند، آنچه را نزد حق‌تعالی از پاداش عظیم و رستگاری و نعمت هست می‌دانستند یقینا کسی از آنان از هجرت تخلف نمی‌کرد.

﴿ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ٤٢﴾.

مهاجران فی سبیل الله همانان‌اند که بر انجام اوامر، اجتناب از نواهی و گذر جریان قضا و قدر صبر و تحمل کردند و بر پروردگار خود توکل کرده کار خویش را به او وا می‌گذارند و به او اطمینان و اعتماد راسخ دارند؛ در نتیجه جزای‌شان آن رستگاری و کامیابی بزرگتر است.

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ إِلَّا رِجَالٗا نُّوحِيٓ إِلَيۡهِمۡۖ فَسۡ‍َٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٤٣﴾.

و ای پیامبر! پیش از تو هم ما جز پیامبرانی را از مردان بشر که شریعتی از نزد خود را به ایشان وحی می‌کردیم نفرستادیم و آن پیامبران ما از فرشتگان نبوده‌اند پس اگر در شک و تردید هستید، از اهل کتاب‌های نازل شدۀ پیشین مانند یهود و نصاری بپرسید تا به شما خبر دهند که پیامبران‌شان از مردان بوده‌اند نه از فرشتگان.

گفتنی است که حکم آیۀ کریمه عام است، بناءً بر هر پرسشگری که می‌خواهد مسأله‌ای را دربارۀ شریعت بپرسد لازم است تا آن را از آن علمای امّت که در علم رسوخ و تسلط دارند سؤال نماید.

﴿بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِۗ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ٤٤﴾.

خداوند أ پیامبران پیشین را با ادلۀ روشن و برهان‌های درخشان و کتاب‌های فرود آورده شده فرستاد. ای پیامبر! و حق‌تعالی بر تو نیز قرآن حکیم را فرود آورد تا معانی آن را برای امّت توضیح داده و آنچه را در آن به اجمال بیان شده بر ایشان به تفصیل روشن‌سازی، شاید پس از بیانت در آن تدبر و تأمل کرده و حقایق آن را فکورانه بفهمند.

﴿أَفَأَمِنَ ٱلَّذِينَ مَكَرُواْ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ أَن يَخۡسِفَ ٱللَّهُ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ أَوۡ يَأۡتِيَهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ ٤٥﴾.

آیا کافران اهل نیرنگ و ترفند از این امر ایمن شده‌اند که خداوند أ آنان را به زمین فروبرد، آنگونه که قارون را فروبرد یا مگر ایمن شده‌اند که عذاب را از جایی که توقع ندارند و حدس نمی‌زنند بر آنان فرود آورد؟

﴿أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ فِي تَقَلُّبِهِمۡ فَمَا هُم بِمُعۡجِزِينَ ٤٦﴾.

یا مگر ایمن شده‌اند که بر آنان در حالی عذاب نازل کند در کارهای خود – مانند صنعت، تجارت و سفر – درگشت و گذار اند، پس از عذابش گریخته نتوانسته، از کیفرش نجات نیابند و از نزد وی پنهان نتوانند شد؛ بلکه در قبضۀ حق‌تعالی و تحت تصرفش قرار دارند.

﴿أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ عَلَىٰ تَخَوُّفٖ فَإِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٌ ٤٧﴾.

یا مگر ایمن شده‌اند که آنان را در حالتی فرو گیرد که در حال بیم و وحشت از عذاب به سر برده و هر لحظه انتظار دارند که طوفان، مرگ، تباهی و نقصان جا و جایداد به سراغشان آید؟ اما خدای متعال به خلقش رئوف است، بناءً نافرمانان را مهلت داده و به شتاب مجازاتشان نمی‌کند، بلکه کفار را در این سرای دنیا از برخورداری‌ها بهره‌مند می‌سازد، او به خلق مهربان است، پس حجّت را بر آنان برپا داشته، راه را بر ایشان روشن می‌سازد و در مهلت هم بر ایشان تأخیر روا می‌دارد.

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ إِلَىٰ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٖ يَتَفَيَّؤُاْ ظِلَٰلُهُۥ عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَٱلشَّمَآئِلِ سُجَّدٗا لِّلَّهِ وَهُمۡ دَٰخِرُونَ ٤٨﴾.

چرا و از چه روی کافران از نگرش به آفرینش خدای یگانۀ قهار که برای صاحبان بصیرت عبرت‌ها و آموزه‌ها به همراه دارد کورند؟ چرا به پدیده‌هایی مانند آسمان، زمین، دریاها، خورشید، ماه، نهرها، کوه‌ها، ستارگان، شب و روز، درختان و میوه‌ها که سایه‌های آن‌ها همراه با حرکت خورشید در روز و حرکت مهتاب در شب، به راست و چپ درگردش و گرایش‌اند فکر نمی‌کنند؟ آخر همۀ این مخلوقات منقاد فرمان خدا أ بوده و در برابر عظمتش فروتن اند، همۀ این پدیده‌ها تحت تدبیر و سلطۀ قاهرانۀ خدای متعال قرار داشته، رام و مسخر وی هستند.

﴿وَلِلَّهِۤ يَسۡجُدُۤ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن دَآبَّةٖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ ٤٩﴾.

و هر آنچه در آسمان‌ها و در زمین از جنبندگان‌اند تنها برای خدای یگانه سجده می‌کنند و فرشتگان نیز در تواضع و ذلّت و شکستگی کامل برای او سجده‌ور اند و تکبر نمی‌ورزند. فرشتگان را مخصوصا به خاطر فرمان پذیری مطلق و قدر و جلال جایگاه‌شان یاد کرد. پس جز نافرمانان جن و بنی آدم، دیگر هیچ‌کس از سجده برای خداوند أ ابا نیاورده است.

﴿يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوۡقِهِمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ۩ ٥٠﴾.

فرشتگان از پروردگار برتر و والاتر خویش می‌ترسند همو که بر فوق بندگانش بر عرشش مستوی است، به چنان استوایی که سزاوار جلال و عظمتش می‌باشد. و فرشتگان هر آنچه را خدا أ به آنان دستور می‌دهد انجام می‌دهند، نه از فرمان عصیان می‌ورزند و نه از آن تجاوز می‌کنند.

﴿۞وَقَالَ ٱللَّهُ لَا تَتَّخِذُوٓاْ إِلَٰهَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِۖ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَإِيَّٰيَ فَٱرۡهَبُونِ ٥١﴾.

و خدا بر زبان پیامبرانش به بندگانش دستور داد که: دو خدا را به پرستش نگیرند بلکه باید فقط و فقط خدای یگانۀ یکتا را بپرستند؛ زیرا خدایی جز او نبوده و معبود راستینی جز او وجود ندارد، وی را شریکی نیست؛ پس بر ایشان است که فقط از وی بترسند نه از ماسوایش.

﴿وَلَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَهُ ٱلدِّينُ وَاصِبًاۚ أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَتَّقُونَ ٥٢﴾.

و هر آنچه در آسمان‌ها و در زمین است در آفرینش، ملک، روزی دهی، تدبیر و کارگردانی تنها و تنها از آن خداوند أ است، و دین خالص و آیین همیشگی و پایدار نیز از آن اوست پس آیا برای شما درست است که از غیر وی ترسیده و دیگران را بپرستید حال آنکه او به پرستش سزاوارتر و به یگانه خواندن اولی است؟

﴿وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فَإِلَيۡهِ تَجۡ‍َٔرُونَ ٥٣﴾.

و ای مردم! هر نعمتی که دارید، اعم از نعمت‌های آشکار و پنهان و بزرگ و کوچک؛ مانند هدایت، امنیت خوش نامی و خوش فرجامی، مال، فرزند و غیره ... همه مخصوصا و منحصرا از آن حق‌تعالی است، زیرا نعمت‌بخش حقیقی که بر شما از فضل خویش سرازیر ساخته اوست نه غیر وی؛ چنان‌که وقتی بلا بر شما فرود آید و آسیبی به شما برسد، بیماریی به سراغ شما آمده، فقرو تنگدستیی گریبانگیرتان گردد، جز خدای یگانه هیچ‌کس دیگر را نمی‌خوانید، در وقت سختی‌ها به بارگاه او ضجّه و نالۀ دعا سر داده و زار زار با او راز می‌گویید.

﴿ثُمَّ إِذَا كَشَفَ ٱلضُّرَّ عَنكُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنكُم بِرَبِّهِمۡ يُشۡرِكُونَ ٥٤﴾.

سپس چون آن سختی‌ها را از شما بر طرف کرد و بعد از سختی آسانیی را جایگزین ساخت آنگاه گروهی از شما غیر خدای سبحان را با وی شریک آورده، دیگران را پرستش نموده، نعمت‌هایش را انکار و احسانش را ناپساسی و کفران می‌کنند.

﴿لِيَكۡفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡۚ فَتَمَتَّعُواْ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٥٥﴾.

بگذار نعمت‌ها و احسان‌های بزرگ خدای متعال بر خود را – در ریزش عطاها و چرخش بلاها – انکار کنند، بگذار از دنیای فانی ناپایدار خود برخوردار شوند؛ اما بدان که به زودی عملکرد بدنشان در روز حساب برای‌شان آشکار خواهد شد آن روز که عذاب را می‌چشند.

﴿وَيَجۡعَلُونَ لِمَا لَا يَعۡلَمُونَ نَصِيبٗا مِّمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡۗ تَٱللَّهِ لَتُسۡ‍َٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمۡ تَفۡتَرُونَ ٥٦﴾.

و از جملۀ کارهای زشت‌شان این است که بخشی از اموالی را که حق‌تعالی به ایشان روزی داده است، برای بتانی که سود و زیانی از آن‌ها متصور نیست صرف می‌کنند، به خدا سوگند که روز قیامت از این دروغ و بهتان که عبادت رحمان را به بتان و شیطان صرف کردید، از شما پرسیده خواهد شد.

﴿وَيَجۡعَلُونَ لِلَّهِ ٱلۡبَنَٰتِ سُبۡحَٰنَهُۥ وَلَهُم مَّا يَشۡتَهُونَ ٥٧﴾.

کافران به دروغ دختران را به خدا أ منسوب ساخته و می‌گویند: فرشتگان دختران خدایند! او از این دروغ منزه و برتر و از این بهتان مقدس و مبراست؛ حال آنکه برای خودشان پسران را نسبت می‌دهند!!

خدا أ به سبب این بهتان نابودشان کند.

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلۡأُنثَىٰ ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٞ ٥٨﴾.

و هرگاه یکی از کافران را به ولادت دختر مژده آورند چهره‌اش سیاه می‌گردد، دلش تنگ می‌شود و از غم و غصه پر می‌گردد.

﴿يَتَوَٰرَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓۚ أَيُمۡسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ أَمۡ يَدُسُّهُۥ فِي ٱلتُّرَابِۗ أَلَا سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ٥٩﴾.

از یاران و کسان خود متواری می‌گردد تا با آنان روبه‌رو نشود؛ به سبب عار و ننگی که در نهاد خود به خاطر نوزاد دخترش می‌یابد و در این حال متردد است که آیا دختر را زنده گذاشته و بر این خواری و خفت شکیبا باشد یا که او را از بیم عار، زنده در خاک پنهان کند؟ آگاه باشید که خداوند أ این داوری‌شان را که دختران را به او و پسران را به خود منسوب ساخته‌اند سخت تقبیح می‌کند.

﴿لِلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ مَثَلُ ٱلسَّوۡءِۖ وَلِلَّهِ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٦٠﴾.

اوصاف زشت و مثل‌های نا صواب برای کفار بدکار بی‌اعتبار است، اما خدای یگانۀ قهار دارای اوصاف متعالی است، مانند کمال و جلال و جمال و توانگری و عظمت. و اوست غالبی که مغلوب نمی‌شود، قاهری که هرگز کسی توان رویارویی با وی را ندارد، نه گریزانی او را ناتوان می‌سازد و نه گریزنده از وی نجات می‌یابد و او در شرع و صنع خویش حکیم و فرزانه است.

﴿وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِظُلۡمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيۡهَا مِن دَآبَّةٖ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ لَا يَسۡتَ‍ٔۡخِرُونَ سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ ٦١﴾.

و اگر خداوند أ کافران بشر را به سزای ستمشان مؤاخذه می‌کرد قطعا تمام کسانی را که بر روی زمین‌اند فنا می‌نمود و جنبنده‌ای را بر روی زمین باقی نمی‌گذاشت لیکن به آنان مهلت داده و برای‌شان تا وقتی که معین کرده است حلم و بردباری می‌ورزد، اما چون این میعاد به سر آمد آن‌ها را به شتاب فرو می‌گیرد که نه از وقت معین ساعتی پس و نه از آن ساعتی پیش می‌افتند.

﴿وَيَجۡعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكۡرَهُونَۚ وَتَصِفُ أَلۡسِنَتُهُمُ ٱلۡكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ ٱلنَّارَ وَأَنَّهُم مُّفۡرَطُونَ ٦٢﴾.

و از جملۀ کارهای زشت‌شان این است که دختران را به خدا أ نسبت می‌دهند حال آنکه از نسبت دادن آن‌ها به خود نفرت دارند و زبان‌های‌شان چنین دروغ‌پردازی می‌کند که عاقبت به خیر اند و سر انجام نیک از آن ایشان است! حقا که آنان در آتش دوزخ جاودان خواهند بود و در آن فراموش شده رها ساخته می‌شوند.

﴿تَٱللَّهِ لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰٓ أُمَمٖ مِّن قَبۡلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ ٱلۡيَوۡمَ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٦٣﴾.

ای پیامبر! سوگند به خدا أ که به سوی امت‌های پیش از تو نیز رسولانی فرستادیم اما شیطان بت‌پرستی را برای‌شان آراست و آن‌ها را از پرستش خدای رحمان بازداشت پس امروز هم متولی و سرپرست امورشان هموست، آن‌ها را به چاهسار گمراهی فرو افکنده و از چشمه‌سار هدایت بازمی‌دارد، و بر ایشان عذاب دوزخ است، عذابی که سخت پردرد و غیر قابل تحمل می‌باشد.

﴿وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِي ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٦٤﴾.

و ای پیامبر! خداوند أ قرآن را بر تو نازل نکرده است مگر برای اینکه عقاید و احکامی را که در آن‌ها اختلاف کرده‌اند، برای امّت توضیح دهی تا حق روشن شده و حجّت برپا شود و آن کسی که خدا أ هدایتش را خواسته است راه یافته و او بر مؤمنان به این کتاب که در آن تدبر کرده و به مجموعۀ تکالیف مندرج در آن عمل می‌کنند، رحم کند. بنابراین نجات، سعادت، هدایت و رحمت همه در قرآن است.

﴿وَٱللَّهُ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ ٦٥﴾.

و تنها خداست که از ابر آبی فرود آورد و با آن گیاه سبز را از زمین خشک بیحاصل بیرون آورد، بیگمان در فرود آورد آب از آسمان و رویاندن سبزه از زمین برهنه، برهانی است روشن بر قدرت خدای حکیم آگاه و بر یگانگی یگانۀ یکتا، برای مردمی که موعظه‌ها را شنیده و در آن‌ها تدبر می‌کنند و بدانچه این موعظه‌ها دلالت می‌کند، عمل می‌نمایند.

﴿وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةٗۖ نُّسۡقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِۦ مِنۢ بَيۡنِ فَرۡثٖ وَدَمٖ لَّبَنًا خَالِصٗا سَآئِغٗا لِّلشَّٰرِبِينَ ٦٦﴾.

ای بشر! و قطعا در شتر و گاو و گوسفند، برای عبرت پذیران عبرتی است پس بنگرید که چگونه خداوند أ از پستان‌های آن‌ها شما را شیری ناب سپید گوارا می‌نوشاند؛ آن‌هم از میان سرگین – که در شکمبۀ حیوان است – و از میان خود، با این حال شیر، صاف و خالص از هر آلودگیی بیرون می‌شود تا نوشندگان را لذت افزاید.

﴿وَمِن ثَمَرَٰتِ ٱلنَّخِيلِ وَٱلۡأَعۡنَٰبِ تَتَّخِذُونَ مِنۡهُ سَكَرٗا وَرِزۡقًا حَسَنًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٦٧﴾.

ای مردم! و از نعمت‌های حق‌تعالی بر شما بهره‌گیری‌تان از میوه‌های خرما و انگور است که از آن بادۀ مستی‌بخش و خوراکی پاکیزه و لذت بخش برای خود می‌گیرید بیگمان در این نعمت‌ها برای بندگانی که در موعظه‌ها تعقل کرده و از عبرت‌ها بهره می‌گیرند، برهانی است آشکار بر قدرت آفریدگار.

﴿وَأَوۡحَىٰ رَبُّكَ إِلَى ٱلنَّحۡلِ أَنِ ٱتَّخِذِي مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتٗا وَمِنَ ٱلشَّجَرِ وَمِمَّا يَعۡرِشُونَ ٦٨﴾.

و تنها خداست که به زنبور عسل الهام کرد تا در کوه‌ها، درختان، آنچه بشر منازل خود را بدان استوار می‌کنند و از چوب‌ها برای خود خانه‌هایی بسازد.

﴿ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ فَٱسۡلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلٗاۚ يَخۡرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٞ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٞ لِّلنَّاسِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٦٩﴾.

و به زنبور عسل الهام کرد که از هر میوۀ پاکیزه‌ای که دلخواهش می‌باشد بخورد و در راه‌هایی که خدای متعال به وی آسان ساخته است رفت و آمد کند و در این رفت و آمدها گم هم نمی‌شود، سپس از شکمش عسلی صاف و ناب، سپید و زرد و سرخ بیرون آورد که شادی بخش نگاه کنندگان و لذت بخش خورندگان است، در آن شفایی است برای بشر از هر آفت و هر مرض، بیگمان در آفرینش زنبور عسل و خانه‌هایی که می‌سازد و میوه‌هایی که می‌خورد و شهدی که بیرون می‌آورد، برهانی است بزرگ بر قدرت پروردگار حکیم اما برای کسی که خردی اندیشه ورز داشته، تدبر کند و تأمل ورزد.

﴿وَٱللَّهُ خَلَقَكُمۡ ثُمَّ يَتَوَفَّىٰكُمۡۚ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ لِكَيۡ لَا يَعۡلَمَ بَعۡدَ عِلۡمٖ شَيۡ‍ًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٞ قَدِيرٞ ٧٠﴾.

و تنها خدای سبحان است که شما را از عدم آفرید سپس چون اجل‌های‌تان به پایان رسد شما را می‌میراند، و بعضی از شما پیر و فرتوت شده و همچون طفل می‌گردید که از آنچه دانسته بودید دیگر چیزی نمی‌دانید، آنچه را که در حافظه داشتید فراموش می‌کنید و آنچه را که می‌شناختید دیگر نمی‌شناسید. قطعا خداوند أ داناست، علمش به همه چیز محیط است و هیچ امر نهانی بر وی پنهان نمی‌ماند، تواناست، از عدم ایجاد کرده، بعد از زنده ساختن می‌میراند و پس از میراندن باز زنده می‌سازد، زهی جلال، زهی تعالی و زهی کمال.

﴿وَٱللَّهُ فَضَّلَ بَعۡضَكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ فِي ٱلرِّزۡقِۚ فَمَا ٱلَّذِينَ فُضِّلُواْ بِرَآدِّي رِزۡقِهِمۡ عَلَىٰ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَهُمۡ فِيهِ سَوَآءٌۚ أَفَبِنِعۡمَةِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ ٧١﴾.

و تنها خدای سبحان است که بعضی از مردم را بر بعضی دیگر در روزی برتری داده است، پس در میان‌شان غنی و فقیر، رئیس و مرئوس، سرور و سالار و تابع و فرمانبردار همه وجود دارند؛ از این جهت مالکان به بردگان‌شان و رؤسا به زیر دستان خویش آنچه را که به وسیلۀ آن در مقام و جاه و سرمایه باهم مساوی باشند نمی‌دهند، زیرا مالک به هیچ وجه راضی نیست تا مملوکش باوی مساوی باشد، پس چرا مشرکان راضی شدند که برای الله أ از بندگانش شریکانی قرار دهند که با وی در الوهیت مساوی و در عبودیت صاحب سهم باشند؟ قطعا این ستمی است بزرگ، ناسپاسی‌ای است آشکار از نعمت‌های حق تعالی و انکار فضل و عطای وی است.

﴿وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَزۡوَٰجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةٗ وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِۚ أَفَبِٱلۡبَٰطِلِ يُؤۡمِنُونَ وَبِنِعۡمَتِ ٱللَّهِ هُمۡ يَكۡفُرُونَ ٧٢﴾.

و خدای سبحان برای شما از خودتان همسرانی قرار داد تا روان‌های‌تان با آنان آرام گرفته و انس و الفت میان زن و شوهر کاملا برقرار شود، و او برای شما از همسران‌تان فرزندانی و از فرزندان نوادگانی آفرید، و شما را از سایر غذاهای پاکیزه و نوشیدنی‌های گوارا – چون دانه‌های گیاهی، میوه‌ها، سبزیجات، لبنیات، گوشت‌ها وغیره – روزی بخشید تا از آن‌ها بر طاعت حق‌تعالی یاری جویید، آیا بازهم کافران به دروغ و ناروا خداوندی بتان و معبودان باطل را باور کرده و به نعمت‌های عظیم و احسان‌های بی‌شمار الله أ کفر می‌ورزند؟ آیا بازهم خدای یگانۀ قهار را سپاس نگذاشته و در حالی که تنها او شایستۀ الوهیت می‌باشد، زیرا شهنشاه جبار فقط اوست – بازهم او را در الوهیت به یکتایی نمی‌خوانند؟!

﴿وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَمۡلِكُ لَهُمۡ رِزۡقٗا مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا يَسۡتَطِيعُونَ ٧٣﴾.

و کافران به جای خدا أ بتان و معبودانی را می‌خوانند که اختیاردار چیزی نبوده و به کسی چیزی نمی‌دهند، نه چیزی از آسمان به آن‌ها می‌بخشند و نه از زمین و نه هم بر تملک و بخشیدن توانایند بلکه معبودات جامد و ناتوانی بیش نیستند.

﴿فَلَا تَضۡرِبُواْ لِلَّهِ ٱلۡأَمۡثَالَۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٧٤﴾.

ای مردم! پس وقتی متیقن شدید که بتان و معبودان باطل نفع و زیانی نمی‌رسانند دیگر آن‌ها را برای خدا أ مِثل و مانند نگردانید؛ زیرا چیزی با حق‌تعالی همانند نیست و اوست شنوای بینا، حال آنکه شما نمی‌دانید با این شرک آوری چه اشتباه بزرگ و چه گناه عظیمی را مرتکب شده‌اید.

﴿۞ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا عَبۡدٗا مَّمۡلُوكٗا لَّا يَقۡدِرُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَمَن رَّزَقۡنَٰهُ مِنَّا رِزۡقًا حَسَنٗا فَهُوَ يُنفِقُ مِنۡهُ سِرّٗا وَجَهۡرًاۖ هَلۡ يَسۡتَوُۥنَۚ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٧٥﴾.

خداوند أ مَثَلی می‌زند تا با آن زشتی اعتقاد مشرکان را روشن سازد: بنده‌ای است زرخرید کسی دیگر که هیچ کاری از او برنمی‌آید و شخصی است آزاد که مال و ثروتی داشته و از آن آشکار و نهان انفاق می‌کند پس آیا بندۀ زرخرید بی‌ختیار، با شخص آزادی که هر طور بخواهد در مال و محیط زندگی‌اش تصرف می‌کند یکسان است؟ مسلما یکسان نیست، پس همچنین خدای آفرینندۀ روزی بخش مدبر کارگزار و متصرف در خلقش، با بندگان عاجز و ناتوان و فقیرش برابر نمی‌باشد، پس ای کفار! شما چگونه بندگان بی‌اختیار و خدای یگانۀ قهار را باهم یکسان فرض می‌کنید؟! ثنا و سپاس تنها خدای راست، اما نه! بیشتر کفار نمی‌دانند که ثنا و سپاس و نعمت از آن خداست، تنها او سزاوار عبودیت است و هیچ معبودی جز او وجود ندارد.

﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا رَّجُلَيۡنِ أَحَدُهُمَآ أَبۡكَمُ لَا يَقۡدِرُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوۡلَىٰهُ أَيۡنَمَا يُوَجِّههُّ لَا يَأۡتِ بِخَيۡرٍ هَلۡ يَسۡتَوِي هُوَ وَمَن يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٧٦﴾.

و خداوند أ برای زشتی عقیدۀ کفار مَثَلی دیگر می‌زند: دو مرد اند که یکی از آن‌ها لال است و سخن نمی‌گوید، ناشنواست و نمی‌فهمد، نه برای خود سودی رسانده می‌تواند و نه برای دیگران، نه از او کاری برمی‌آید و نه مشکلی به دست وی حل می‌شود، بلکه در واقع او خود بار سنگینی بر دوش سرپرست و مولای خویش است، هرجا او را می‌فرستد، کاری را از پیش نبرده و خیری به همراه نمی‌آورد، و مرد دیگری است که از سلامت کامل اعضا برخوردار بوده، هم به خودش نفع می‌رساند هم به دیگران، او در همه کارها و قضاوت‌هایش اهل سنجش و انصاف است از آن‌رو که دادگر است و بر راه و روشی استوار قرار دارد، آیا نزد کسانی که خردی سالم دارند این دو مرد باهم برابرند؟ پس ای کفار! شما چگونه میان سنگ‌های بی‌جان و خدای یگانۀ منان برابری قایل می‌شوید؟! سنگ، لال و کر و کور است و خدای سبحان شنوا، بینا، دانا، نعمت‌بخش، توانا، آفرینندۀ روزی ده، بردبار و آمرزگار!! پاک و مقدس است نام‌های نیکوی وی.

﴿وَلِلَّهِ غَيۡبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَمَآ أَمۡرُ ٱلسَّاعَةِ إِلَّا كَلَمۡحِ ٱلۡبَصَرِ أَوۡ هُوَ أَقۡرَبُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٧٧﴾.

هر آنچه در آسمان‌ها و زمین نهان است خداوند أ از آن آگاه و بدان واقف و داناست هیچ نهانی نزد وی پنهان نیست و کار قیامت در سرعت وقوع خود جز بسان یک چشم به هم زدن یا سریعتر از آن نمی‌باشد، زیرا خداوند أ بر هر چیزی تواناست و از آن جمله بر به پاداشت قیامت و به پایان رساندن کار عالم.

﴿وَٱللَّهُ أَخۡرَجَكُم مِّنۢ بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ شَيۡ‍ٔٗا وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡ‍ِٔدَةَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٧٨﴾.

و تنها خداست که شما را از شکم‌های مادران‌تان بعد از مدّت بارداری به صورت کودکان بیرون آورد در حالی که از پیرامون خود چیزی نمی‌دانستید و برای شما وسایل دانش و دریافت – از گوش و چشم و دل – قرار داد، باشد که او را با توحید و یگانه پرستی سپاسگزاری کنید.

﴿أَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَى ٱلطَّيۡرِ مُسَخَّرَٰتٖ فِي جَوِّ ٱلسَّمَآءِ مَا يُمۡسِكُهُنَّ إِلَّا ٱللَّهُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٧٩﴾.

آیا کافران به سوی پرندگانی که خداوند أ آن‌ها را به مشیت و قدرت خود در فضای آسمان برای پرواز رام ساخت، به نگاه تدبر نمی‌نگرند؟ چه کسی جز خدای یگانه آن‌ها را از افتادن به زمین نگه می‌دارد؟ به راستی در آفرینش پرندگان و پرواز آن‌ها و نگه داشت آن‌ها در فضا، برهانی روشن بر قدرت خدای ذوالجلال است، برای بندگانی که به یگانگی حق‌تعالی ایمان داشته و در صنع بدیعش می‌اندیشند.

﴿وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۢ بُيُوتِكُمۡ سَكَنٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ ٱلۡأَنۡعَٰمِ بُيُوتٗا تَسۡتَخِفُّونَهَا يَوۡمَ ظَعۡنِكُمۡ وَيَوۡمَ إِقَامَتِكُمۡ وَمِنۡ أَصۡوَافِهَا وَأَوۡبَارِهَا وَأَشۡعَارِهَآ أَثَٰثٗا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٖ ٨٠﴾.

تنها خداست که برای شما در حال حَضَر منازلی را بری استراحت و سکونت و بر خورداری از آرامش همراه با خانواده‌های‌تان مهیا ساخت و در حال کوچ و سفر نیز برای شما خیمه‌ها و چترهایی را از مو و پوست دام‌ها قرار داد تا حمل آن‌ها در وقت جابجا شدن و نصب آن‌ها در هنگام اقامت و ماندن بر شما سبک باشد و برای شما از پشم گوسفند، کرک شتر، و موی بز کالا و پوشاک و لباس و پتو و لحاف و پوشش و خانه‌هایی قرار داد که تا دم مرگ از آن‌ها کار گرفته و بهره مند می‌شوید.

﴿وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَٰلٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلۡجِبَالِ أَكۡنَٰنٗا وَجَعَلَ لَكُمۡ سَرَٰبِيلَ تَقِيكُمُ ٱلۡحَرَّ وَسَرَٰبِيلَ تَقِيكُم بَأۡسَكُمۡۚ كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُسۡلِمُونَ ٨١﴾.

و تنها خداست که برای مصونیت شما از گرمایش خورشید سایه‌بان‌هایی چون درختان و غیره قرار داد و کوه‌ها را مغاره‌ها و پناهگاه‌هایی گردانید که هنگام نیاز در آن‌ها سکونت می‌گزینید و برای شما تن – پوش‌هایی از پنبه و پشم و غیر آن از انواع پارچه‌ها قرار داد که از آزار سرما و گرما حفظ‌تان می‌کند، و برای شما زره‌هایی از آهن قرار داد که در نبردها از اصابت تیر و نیزه و فشنگ حمایت‌تان می‌کند، و آنگونه که به نعمت ابدان بر شما منت نهاد همچنان نعمت ادیان را نیز که هدایت به سوی ایمان و فرودآوردن قرآن است ارزانی‌تان داشت، تا تنها به فرمان‌های وی گردن نهاده و فقط او را عبادت و اطاعت کنید و چیزی را به وی شریک نیاورید.

﴿فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ٨٢﴾.

ای پیامبر! پس اگر بعد از اقامۀ حجت، بازهم کفار از ایمان رویگردان شدند از این کارشان اندوهگین مباش، زیرا تو بر اجرای مأموریتت که همان ابلاغ آشکار است، مأجور هستی و قطعا به سبب تکذیبشان عذاب بر آنان واقع می‌شود، پس تو ابلاغگر هستی و تنها خداست که هدایتگر است و بس.

﴿يَعۡرِفُونَ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا وَأَكۡثَرُهُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨٣﴾.

کافران نعمت خدای یگانۀ قهار با ارسال پیامبر مختار ج را می‌شناسند اما بازهم نبوتش را تکذیب کرده و منکر رسالتش می‌شوند و بیشترین‌شان منکر و معاند و اندک‌شان مؤمن و مصدق‌اند.

﴿وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ مِن كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدٗا ثُمَّ لَا يُؤۡذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ ٨٤﴾.

و آنچه را که روزهنگامۀ بزرگ واقع می‌شود یاد کنید، آنگاه که خداوند أ از هر امتی گواهی برمی‌انگیزد که به نفع مؤمنان و به زیان کافران گواهی می‌دهند، سپس نزد شاهنشاه جبار به کسانی که کافر شده‌اند فرصت عذر خواهی داده نمی‌شود تا از کفر و عناد خود پوزش بطلبند و نه در این حال از آنان خواسته می‌شود که خدای ﻷ را – با اجابت و توبه و ایمان – راضی سازند، زیرا فرصت از دست رفته است و برای چنین کارهایی دیگر بسیار دیر شده است.

﴿وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ ٱلۡعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ٨٥﴾.

و چون کافران عذاب دوزخ را ببینند، آن عذاب از آن‌ها کاسته نشده و به تأخیر انداخته نمی‌شود و نه هم مهلت می‌یابند بلکه عذابشان سخت و فوری است.

﴿وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ شُرَكَآءَهُمۡ قَالُواْ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ شُرَكَآؤُنَا ٱلَّذِينَ كُنَّا نَدۡعُواْ مِن دُونِكَۖ فَأَلۡقَوۡاْ إِلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلَ إِنَّكُمۡ لَكَٰذِبُونَ ٨٦﴾.

و چون در روز قیامت بتان و معبودانی را که به جای خدا أ پرستیده‌اند ببینند، می‌گویند: پروردگارا! اینان بودند که ما آن‌ها را جز تو می‌خواندیم و اینان به پرستش ما از خود راضی بوده‌اند، پس خداوند أ آن خدایان دروغین را بر تکذیب پرستشگرانشان گویا می‌سازد و می‌گویند: ای کافران! هنگامی که شما ما را به جای خدا أ پرستش می‌کردید دروغ می‌بافتید، نه ما شما را به این کار دستور داده‌ایم، نه بدان راضی بوده‌ایم و نه به شما خبر داده‌ایم که سزاوار پرستش هستیم، پس نفرین و خشم و عذاب بر شما باد.

﴿وَأَلۡقَوۡاْ إِلَى ٱللَّهِ يَوۡمَئِذٍ ٱلسَّلَمَۖ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٨٧﴾.

و آن روز کفار در برابر شاهنشاه جبار اظهار ذلّت و فروتنی و کوچکی و انکسار کرده از در تسلیم درمی‌آیند و دروغ‌هایی را که در دنیا برمی‌بافتند در این مورد که خدایانشان برای‌شان سود رسانده، شفاعت می‌کنند و عذاب را دفع می‌نمایند، همه بر باد می‌رود.

﴿ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ زِدۡنَٰهُمۡ عَذَابٗا فَوۡقَ ٱلۡعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يُفۡسِدُونَ ٨٨﴾.

کسانی که به خدا أ کفر ورزیدند. پیامبرش ج را تکذیب و مردم را از ایمان بازداشتند خداوند أ عذابی به سبب کفرشان می‌افزاید و عذابی دیگر بر بازداشتن‌شان مردم را از راه هدایت، پس برای‌شان عذابی است بر گمراهی و عذابی مضاعف است بر گمراه‌سازی دیگران؛ زیرا آنان هم خود اهل فساد اند و هم فساد افروز، هم اهل کفر و عناد اند و هم گمراهگر بندگان.

﴿وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدًا عَلَيۡهِم مِّنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَجِئۡنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِۚ وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ تِبۡيَٰنٗا لِّكُلِّ شَيۡءٖ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ ٨٩﴾.

و روزی را به یاد آورید که خداوند أ از هر امتی پیامبری را برمی‌انگیزد تا برای کسانی از قومش که ایمان آورده‌اند گواهی دهد و بر کافران نیز گواه باشد؛ به همین سلسله است که حق‌تعالی محمد ج را بر امتش گواه برمی‌انگیزد که ایشان به نفع پیروان و به زیان نافرمانان خود گواهی می‌دهند و در حقیقت خداوند أ قرآن را بر پیامبرش ج نازل کرد که در آن همه امور در حوزۀ عقیده، احکام، اخلاق، آداب، ثواب و عقاب واضح شده است و حق‌تعالی به وسیلۀ آن مردم را از گمراهی به راه هدایت آورده، مؤمنان مصدق را مورد مرحمت قرار می‌دهد و راهیافتگان را به عاقبتی خوش و فرجامی نیک و ستوده و پاداشی بزرگ و خجسته در بهشت‌های پرناز و نعمت مژده می‌دهد.

﴿۞إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَيَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٩٠﴾.

در حقیقت خدا أ در کتابش و بر زبان پیامبرش بندگان خود را به دادگری و انصاف در حق خود و خلق خویش فرمان می‌دهد. دادگری و انصاف در حق خداوند أ این است که به یگانگی پرستش شده و چیزی با وی شریک آورده نشود و دادگری در حق خلقش این است که حق هر صاحب حقی به وی داده شده و هیچ چیز از استحقاقش کاسته نشود. همچنین خداوند أ به نیکوکاری در ادای حق خود و نیکوکاری بر خلق خویش فرمان می‌دهد، نیکوکاری در حق وی این است که عبادتش به خوبی انجام شود و طاعتش به نیکویی تحقق یابد که البته مدار آن بر رعایت اخلاص و پیروی از سنّت است. اما نیکوکاری بر خلقش این است که به ایشان از طریق یاری، کمک و همکاری‌های مالی غیر واجب، نفع رسانی شود. همچنان خدای سبحان به پیوند با نزدیکان و نیکی و احسان به ایشان فرمان داده و از هر کار زشت و هر عمل ناصواب، و از هرآنچه که شرع انور ناپسندش می‌دارد نهی می‌کند. او از ستم به مردم و تجاوز بر ایشان منع می‌کند. او بندگانش را به این شریعت اقدس پند و اندرز می‌دهد تا بدانچه مشروع ساخته است عمل کرده، معاصی و بدعت‌ها را فروگذارند و به تقوی و وارستگی پایبند باشند.

﴿وَأَوۡفُواْ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ إِذَا عَٰهَدتُّمۡ وَلَا تَنقُضُواْ ٱلۡأَيۡمَٰنَ بَعۡدَ تَوۡكِيدِهَا وَقَدۡ جَعَلۡتُمُ ٱللَّهَ عَلَيۡكُمۡ كَفِيلًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ ٩١﴾.

و بر شماست وفا نمودن به هر عهد و پیمانی که بین خود و خدا أ و بین خود و مردم بسته‌اید، مشروط به آنکه پیمان شما با مردم به امر خلاف شرعی مربوط نباشد و سوگندهای خود را بعد از آنکه با قسم به خدای رحمان محکم ساخته‌اید نشکنید حال آنکه وقتی پیمان می‌بستید خدای متعال را بر آنچه گفته و وعده کرده‌اید ضامن و کفیل قرار داده‌اید، پس از او بترسید و پروا کنید، زیرا او بدانچه می‌کنید دانا و آگاه است و به زودی شما را در روزی که بر او عرضه می‌شوید، جزا خواهد داد.

﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّتِي نَقَضَتۡ غَزۡلَهَا مِنۢ بَعۡدِ قُوَّةٍ أَنكَٰثٗا تَتَّخِذُونَ أَيۡمَٰنَكُمۡ دَخَلَۢا بَيۡنَكُمۡ أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرۡبَىٰ مِنۡ أُمَّةٍۚ إِنَّمَا يَبۡلُوكُمُ ٱللَّهُ بِهِۦۚ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ٩٢﴾.

و پیمان‌های خود را نشکسته، قرار دادهای خود را نقض نکنید، در آن صورت حال شما مانند حال زنی خواهد بود که رشتۀ خود را پس از محکم بافتن ازهم می‌گست و تمام تلاش و کار وی در بافندگی‌اش بیهوده و تباه می‌شد. و سوگندهای خود را در پیمان‌ها و قرار دادها وسیلۀ فریب و تقلب نسازید که هم پیمانان و هم عهدان خود را بدان فریب دهید و هرگاه گروهی را یافتید که از هم‌پیمانان قبلی شما مال و منفعت بیشتری داشتند، پیمان‌های خود را باهم پیمانان قبلی خود به اندیشۀ منفعت اندوزی بیشتر نشکنید، زیرا خداوند أ شما را در مورد آنچه از وفا به عهد و پیمان و عدم نقض آن بر شما واجب گردانیده آزمایش می‌کند و او در روز قیامت، روزی که همۀ رازها آشکار می‌شود، برای شما آنچه را در آن اختلاف می‌ورزیدید بیان خواهد داشت، و آنچه را در ضمیر و باطن دارید می‌داند؛ پس هر کس را در برابر عملکردش – از امانت و خیانت – جزا می‌دهد.

﴿وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَلَتُسۡ‍َٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٩٣﴾.

و اگر خدا أ می‌خواست یقینا دل‌های شما را بریک آیین جمع می‌کرد، شما را امتی واحد قرار می‌داد و در آن صورت هرگز میان شما اختلاف و تفرقه‌ای روی نمی‌داد، چرا که همه مسلمان مؤمن بودید لیکن او خواسته است تا هر که از بندگانش که گمراهی را بر هدایت برگزیده گمراه سازد و از روی عدل و داد که دارد، توفیقش ندهد، چنان‌که خواسته است تا کسانی از بندگانش را که هدایت را برگزیده‌اند از روی فضل خویش بر قبول حق توفیق دهد پس گمراه‌سازی‌اش «عدل» و توفیقش بر هدایت «فضل» است و او به زودی همۀ شما را از اعمالتان – چه خیر باشد و چه شر – در روز قیامت خواهد پرسید و سپس شما را بر آن محاسبه کرده فرمانبرداران را پاداش و نافرمانان را کیفر خواهد چشانید.

﴿وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ أَيۡمَٰنَكُمۡ دَخَلَۢا بَيۡنَكُمۡ فَتَزِلَّ قَدَمُۢ بَعۡدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُواْ ٱلسُّوٓءَ بِمَا صَدَدتُّمۡ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَكُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٩٤﴾.

و زنهار؛ سوگندهای خود را دستاویز نیرنگ قرار ندهید تا با آن کسی را که به وی سوگند یاد کرده‌اید، نیرنگ بزنید و در نتیجه او به این سوگند شما فریفته شده و برای شما راست بگوید در حالی که شما خود به وی دروغ می‌گویید، که در این صورت هلاک می‌شوید، بعد از آنکه در نجات و امنیت بودید آنسان که گام شخص ایستاده بعد از آنکه استوار بوده است بلغزد. و به سبب آنکه مردم را از راه حق بازداشته‌اید فرجام این عملتان در دنیا دامنگیرتان می‌شود و به علاوه اگر عذر و خیانت کردید برای‌تان در آخرت نزد خدای قهار در آتش جهنم عذابی است دردناک.

﴿وَلَا تَشۡتَرُواْ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلًاۚ إِنَّمَا عِندَ ٱللَّهِ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٩٥﴾.

و عهد ها را نشکنید و به پیمان‌ها خیانت نکنید تا به بهای آن چیزی بی‌ارزش و حقیری از بهرۀ دنیا را بگیرید، و بدانید که تمام بهرۀ دنیا حقیر و بی‌ارزش است، زیرا اجر عظیمی که وفا به عهد نزد خدا أ دارد بزرگتر و گران‌بهاتر از پول ناچیز بی‌ارزشی است که گرفته‌اید، پس اگر نزد شما علمی است که بین سود و زیان می‌توانید فرق بگذارید، آنک میان خیر دنیا و آخرت فرق بگذارید.

﴿مَا عِندَكُمۡ يَنفَدُ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ بَاقٖۗ وَلَنَجۡزِيَنَّ ٱلَّذِينَ صَبَرُوٓاْ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩٦﴾.

و آنچه نزد شما از چیزهای بی‌ارزش دنیای فانی است، از بین می‌رود اما آنچه نزد خدا أ از پاداش عظیم است پایدار است و از بین نمی‌رود و خداوند أ به زودی کسانی را که بر ادای طاعات و پرهیز از محرمات شکیبایی کردند به بهترین و بزرگ‌ترین بخشش و عطا پاداش می‌دهد، بناءً از روی فضل و کرم در برابر کمترین طاعت نیز به ایشان اجر و مزد عطا می‌کند آنگونه که در برابر برترین طاعات مزد عنایت می‌نماید.

﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗۖ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩٧﴾.

هر کس – از مرد یا زن – که همراه با اخلاص و متابعت کار شایسته کند در حالی که به خدا أ و پیامبرش ج و هشدارها و مژده‌هایش مؤمن باشد، پس قطعا خداوند أ او را در این دنیا با زندگی پاکیزۀ سعادتمندانه، آرام، امن و راحت، زندگی می‌بخشد هرچند مال و ثروتی اندک داشته و از جاه و مقام پیش بندگان بی‌بهره باشد و به زودی او را در آخرت در جنات نعیم پاداش جزیل و اجر جمیل همراه با فوز عظیم در جوار پروردگار کریم عنایت خواهد کرد.

﴿فَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ٩٨﴾.

ای مسلمان! چون خواستی کتاب خدا أ را بخوانی، پس در آغاز تلاوت، از شر شیطان رانده شده از رحمت حق تعالی، به خدا أ پناه ببر و بگو: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ.

این آیه درس آموز این نکته است که: هر کس از میانۀ یک سوره تلاوت قرآن را آغاز کرد، خواندن، أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ بر وی لازم است نه خواندن بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ.

﴿إِنَّهُۥ لَيۡسَ لَهُۥ سُلۡطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ٩٩﴾.

بیگمان خداوند أ شیطان را بر دوستان خویش که بر وی تکیه کرده و کار خود را به وی می‌سپرند، مسلط نمی‌گرداند.

﴿إِنَّمَا سُلۡطَٰنُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَوَلَّوۡنَهُۥ وَٱلَّذِينَ هُم بِهِۦ مُشۡرِكُونَ ١٠٠﴾.

تسلط شیطان فقط بر کسانی است که از راه وی پیروی نموده و در نافرمانی پروردگار رحمان از او اطاعت می‌کنند و نیز تسلطش بر کسانی است که در سخنان خود به خدا أ شریک می‌آورند.

﴿وَإِذَا بَدَّلۡنَآ ءَايَةٗ مَّكَانَ ءَايَةٖ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مُفۡتَرِۢۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ١٠١﴾.

و چون خدای متعال به وسیلۀ نسخ و مانند آن، آیه‌ای از قرآن را به جای آیه‌ای دیگر قرار دهد – با آنکه او خود به مصلحت بندگانش در نسخ یا اثبات احکام بر وفق احوال و زمان داناتر است – اما با این حال کافران می‌گویند: ای پیامبر! جز این نیست که تو بر خداوند أ دروغ بافته و چیزی می‌گویی که به گفتن آن مأمور نشده‌ای، حال آنکه خدای متعال پیامبرش را از دروغ و بهتان مصونیت بخشیده است، پس قضیه چنان نیست که می‌پندارند بلکه بیشترشان به آنچه پروردگار متعال و پیامبرش از تعظیم و تکریم سزاوار اند دانشی ندارند لذا آن‌ها نسبت به امر پیامبران و رسالت نادانند.

﴿قُلۡ نَزَّلَهُۥ رُوحُ ٱلۡقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِٱلۡحَقِّ لِيُثَبِّتَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ ١٠٢﴾.

ای پیامبر! به آنان بگو: من نگفتم که قرآن از نزد من است بلکه قرآن وحیی از نزد الله أ است که جبرئیل آن را از جانب رب العالمین با اخبار راستین و احکام عادلانه فرود آورده است تا مؤمنان را بدان پایدار ساخته گمراهان را راهیاب، متقیان را بشارتی پاکیزه و نیکان اهل صلاح و فلاح را خنکای رحمتی باشد زلال و شفابخش.

﴿وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ أَنَّهُمۡ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُۥ بَشَرٞۗ لِّسَانُ ٱلَّذِي يُلۡحِدُونَ إِلَيۡهِ أَعۡجَمِيّٞ وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيّٞ مُّبِينٌ ١٠٣﴾.

و خدا أ می‌داند که کافران می‌گویند: قرآن وحی الهی نیست بلکه پیامبر ج آن را از انسانی مانند خود می‌آموزد!! قطعا آن‌ها در این ادعا دروغگویند؛ زیرا انسانی که آموختن پیامبر ج را به وی نسبت داده‌اند، شخصی است اعجمی که عرب زبان و فصیح البیان نیست، حال آنکه قرآن در غایب فصاحت و بیان قرار دارد، پس چگونه شخص عجمی الکنی می‌تواند مانند آن را بگوید؟

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ لَا يَهۡدِيهِمُ ٱللَّهُ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ١٠٤﴾.

در حقیقت کافرانی که آیات خدای یگانۀ قهار را تکذیب می‌کنند، او آن‌ها را به سوی هدایت راه نمی‌نماید؛ به علاوه آنان را در دوزخ عذابی است پردرد و چه بد قرارگاهی است.

﴿إِنَّمَا يَفۡتَرِي ٱلۡكَذِبَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ ١٠٥﴾.

جز این نیست که فقط کسی باطل و بهتان و دروغ به هم می‌بافد که به خدا أ به آیاتش و به دیدارش ایمان نداشته باشد، پس آنان در آنچه به پیامبر ج و قرآن نسبت می‌دهند دروغگویند از آن‌رو که پیامبر ج راستگویی است به راستی و درستی تأیید شده، او رسالت را با امانتداری رسانده است، نه چیزی را کتمان کرده و نه به هم بافته است.

﴿مَن كَفَرَ بِٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِهِۦٓ إِلَّا مَنۡ أُكۡرِهَ وَقَلۡبُهُۥ مُطۡمَئِنُّۢ بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَٰكِن مَّن شَرَحَ بِٱلۡكُفۡرِ صَدۡرٗا فَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ١٠٦﴾.

آن کس که دروغ به هم بافته و کسی که بعد از اسلام کلمۀ کفر را بر زبان آورده، خشم و لعنت خداوند أ بر وی باد و برایش در آتش جهنم عذابی است دردناک ولی کسی که از روی جبر و زور به گفتن سخن کفر واداشته شده، معذور شناخته می‌شود، زیرا او آن را برای دفع هلاک از خود بر زبان آورده است حال آنکه قلبش بر ایمان پایدار است، بنابراین نه سرزنشی متوجه وی است و نه معصیتی.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا عَلَى ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٠٧﴾.

برگزیدن کفر بر ایمان از سوی کافران برای آن است که آن‌ها به دنیا و آرایش‌های آن عشق ورزیده و آن را بر آخرت و پاداشش برتری می‌دهند و خداوند أ کافران را توفیق نبخشیده و رویگردانان بدکار را هدایت نمی‌کند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَسَمۡعِهِمۡ وَأَبۡصَٰرِهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡغَٰفِلُونَ ١٠٨﴾.

خداوند أ روزنه‌های هدایت را بر روی دل‌های‌شان بسته است، از آنکه دنیا را بر آخرت ترجیح داده‌اند بناءً نور ایمان به دل‌های‌شان نمی‌رسد. همچنان او بر شنوایی‌های‌شان مهر نهاده است، پس آیات قرآن را به سمع اجابت و اذعان نمی‌شنوند و بینایی‌های‌شان را نیز کور ساخته است از این رو برهان‌هایی را که بر یگانگی وی راهبر اند، مشاهده نمی‌کنند پس آنان از حجت‌های روشن و وعده‌ها و هشدارهای مبرهن الله أ غافل اند.

﴿لَا جَرَمَ أَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ١٠٩﴾.

به راستی که کافران در زیانی آشکار قرار دارند، زیرا آن‌ها در آتش همیشه ماندگاراند، بدان جهت که راه هدایت را فرو گذاشته و کژراهۀ پستی و دنائت را پیموده‌اند.

﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا فُتِنُواْ ثُمَّ جَٰهَدُواْ وَصَبَرُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ١١٠﴾.

با این حال پروردگارت بر مستضعفان مؤمن در مکه با وجود گناهانی که قبلا از آنان سرزده است، بسیار آمرزگار است، زیرا آن‌ها تا بدانجا تحت شکنجۀ کفار قرار گرفتند که اجباراً کلمۀ کفر را – در ظاهر امر – بر زبان آوردند در حالی که دل‌های‌شان بر ایمان پایدار بود و سپس هنگامی که توان فرار با دین خویش به سوی مدینه را پیدا کردند هجرت گزیده و بعداً همراه با پیامبر ج برای برتری کلمۀ الله أ جهاد کردند و بر ادای طاعت را پیدا کردند هجرت گزیده و بعدا همراه با پیامبر ج برای برتری کلمۀ الله أ جهاد کردند و بر ادای طاعات و پرهیز از منهیات صبر نمودند. بیگمان خدای متعال به ایشان مهربان است؛ چرا که توفیق توبه را نصیب‌شان ساخت و به شتاب مجازاتشان نکرد.

﴿۞يَوۡمَ تَأۡتِي كُلُّ نَفۡسٖ تُجَٰدِلُ عَن نَّفۡسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ١١١﴾.

روز هنگامۀ بزرگ را به یاد آورید که هر کس برخاسته و از خود دفاع می‌کند و از آنچه کرده عذر می‌آورد در آن هنگام هر کس به آنچه از خیر و شر پیش فرستاده است جزا داده می‌شود، پس برای نیکوکار پاداش و برای بدکار – بی‌هیچ ستم و حق تَلَفی – کیفر است.

﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا قَرۡيَةٗ كَانَتۡ ءَامِنَةٗ مُّطۡمَئِنَّةٗ يَأۡتِيهَا رِزۡقُهَا رَغَدٗا مِّن كُلِّ مَكَانٖ فَكَفَرَتۡ بِأَنۡعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلۡجُوعِ وَٱلۡخَوۡفِ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ ١١٢﴾.

و خداوند أ شهر مکه را مثل زده است که از شر دشمنان در امن و امان بود، زیرا خدای ﻷ آن را تحت حمایت خویش گرفته بود، آن شهر در رفاه و آسوده حالی می‌زیست و روزی‌اش از هر سو فراوان و آسان بدان می‌رسید، اما چون ساکنانش نعمت خداوند أ را ناسپاسی و انکار کرده به او شرک ورزیدند و پیامبرش را تکذیب نمودند خداوند أ هم به سزای افعال زشت و اعمال نامیمون آن‌ها، به گرسنگی و فقر و بیم و هراس و فتنه‌ها و محنت‌ها مبتلایشان گردانید.

﴿وَلَقَدۡ جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مِّنۡهُمۡ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ ١١٣﴾.

و به یقین خدای متعال محمد ج را به سوی کفار مکه که به راستگویی، امانتداری و نسبش به خوبی شناخت و آشنایی دارند فرستاد، اما آنچه را آورده بود رد کرده و از وی پیروی ننمودند. پس حق‌تعالی آن‌ها را به سزای آن به سختی‌ها و فاجعه‌هایی چون گرسنگی، ترس، قتل، اسارت، خواری و خفت مبتلا ساخت و سرانشان در حالی در بدر کشته شدند که با شرک بر خویشتن ستمگر بودند.

﴿فَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَٱشۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ١١٤﴾.

پس ای مسلمانان! از روزی حلال و پاکیزه‌ای که خداوند أ برای شما مباح گردانیده است بخورید و از حرام و پلیدی بپرهیزید و اگر در ایمان خود صادق و درعبادت خویش اهل اخلاص هستید نعمت خدای منان را با طاعتش و پیروی از پیامبرش شکر گزارید.

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحۡمَ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦۖ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١١٥﴾.

جز این نیست که خدا أ برای شما حرام ساخته است: خوردن حیواناتی را که بدون ذبح شرعی مرده‌اند، خونی را که در هنگام ذبح از وی می‌ریزد، گوشت خوک و آنچه را که برای غیر خدا أ ذبح شده است، همچون حیوان ذبح شده برای بتان، کاهنان، عرّافان و غیره، با این وجود اگر کسی به حالتی از گرسنگی شدید می‌رسد که بیم مرگ دارد، در صورتی که با خوردن بدون ضرورت بر نفس خویش ستمگر نبوده و از حد نیاز اضطراری تجاوز نکند قطعا خداوند أ بر وی آمرزگار و مهربان است، پس بر آنچه کرده است وی را مجازات نمی‌کند، زیرا ضرورت‌ها مباح کنندۀ ممنوعات‌اند.

﴿وَلَا تَقُولُواْ لِمَا تَصِفُ أَلۡسِنَتُكُمُ ٱلۡكَذِبَ هَٰذَا حَلَٰلٞ وَهَٰذَا حَرَامٞ لِّتَفۡتَرُواْ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ لَا يُفۡلِحُونَ ١١٦﴾.

ای کافران! برای آن اباطیلی که زبان شما به دروغ می‌پردازد مگویید، این حلال است، حال آنکه خداوند أ حرامش ساخته است، و مگویید: این حرام است، حال آنکه خداوند أ حلالش ساخته است. این عملکرد باطل شما برای آن است تا از حلال ساختن حرام و حرام ساختن حلال به خدا أ چیزی را که او مشروع نساخته است نسبت دهید. بیگمان کسانی که به خدا چیزی را که او آن را نگفته است، نسبت می‌دهند نه به خیر دنیا می‌رسند، نه به خیر آخرت و نه هم از عذاب خدا أ رهایی می‌یابند.

﴿مَتَٰعٞ قَلِيلٞ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١١٧﴾.

فقط در مدّت بقای خود در دنیا، از بهره‌های ناچیز و اندک آن برخوردار می‌شوند ولی بر ایشان در سرای جحیم عذابی است الیم.

﴿وَعَلَى ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمۡنَا مَا قَصَصۡنَا عَلَيۡكَ مِن قَبۡلُۖ وَمَا ظَلَمۡنَٰهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ١١٨﴾.

و خداوند أ بر یهودیان همان چیزهایی را که قبلاً به پیامبرش ج حکایت نموده حرام گردانیده است، آن چیزها عبارت اند از: 1- هر حیوان چنگال‌داری – مانند بعضی از پرندگان – 2- خوردن پیه و دنبه، به استثنای پیه و چربی ای که بر پشت گاو و گوسفند یا بر روده‌ها یا استخوان‌های آن‌ها در آمیخته است. و خداوند أ با حرام ساختن این چیزها بر آنان ستم نکرده بلکه آنان خود سرکشی و تجاوز کردند و در نتیجه سزاوار مجازات حرمان شدند. بنابراین هیچ مجازاتی جز در برابر گناه و معصیتی فرود نمی‌آید.

﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٌ ١١٩﴾.

با این همه خدای سبحان بر کسانی آمرزگار است که به نادانی مرتکب گناه شده نه از فرجام آن آگاه بوده‌اند و نه می‌دانستند که ارتکاب آن موجب خشم وی می‌شود و سپس پشیمان از ارتکاب آن به سوی پروردگار خویش بازگشته، از کردۀ خود تائب شده‌اند و نفس‌های خود را با انواع نیکوکاری و طاعت به اصلاح آورده‌اند، آری! خداوند أ بر ایشان آمرزگار است، بناءً پس از تو به و اصلاح از آنان درمی‌گذرد و یا جبران گناهان، قبول طاعات و چند برابر ساختن حسنات، بر ایشان رحم می‌کند. (مؤلف می‌گوید: از تأمل در مفهوم آیۀ کریمه چنین برمی‌آید که هر شخص گنه‌کار – اعم از آنکه به خطا یا به عمد مرتکب شده باشد – نادان تلقی می‌شود هرچند از حرمت گناه نیز آگاه و نسبت به آن دانا باشد).

﴿إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ كَانَ أُمَّةٗ قَانِتٗا لِّلَّهِ حَنِيفٗا وَلَمۡ يَكُ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٢٠﴾.

به راستی ابراهیم خلیل ÷ پیشوایی در خیر و الگویی در امر صلاح و شایستگی بود، او برای پروردگارش بسیار مطیع، بسیار خاشع و فروتن بود، او حقگرا و بر دین توحید بسیار استوار بود و از آن به دیگر کیش‌ها انحراف و گرایش نمی‌کرد، او هرگز به خدای سبحان شریک نیاورد و هرگز جز او معبود دیگری اختیار نکرد، پس او امام موحدان و الگوی عابدان و حق‌پرستان است.

﴿شَاكِرٗا لِّأَنۡعُمِهِۚ ٱجۡتَبَىٰهُ وَهَدَىٰهُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ١٢١﴾.

به راستی ابراهیم ÷ برای پروردگارش بسیار شکرگزار بود و نعمت‌های بزرگش را با قلب و زبان و اعضا سپاس می‌گذاشت، حق‌تعالی او را به رسالت برگزید و به پیمودن راه مستقیم که همانا توحید همراه با عمل به صالحات و پرهیز از منکرات است توفیقش بخشید.

﴿وَءَاتَيۡنَٰهُ فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗۖ وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٢٢﴾.

و خداوند أ به ابراهیم ÷ در دنیا پیشوایی، نام و آوازۀ نیک، دانش، پیامبری و حکمت عطا کرد و او در روز بازپسین نیز نزد خدا أ همراه با بندگان ابرار و اولیای برگزیده‌اش؛ مقام و منزلتی والا، مرتبۀ عالی و متعالی دارد.

﴿ثُمَّ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ أَنِ ٱتَّبِعۡ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٢٣﴾.

سپس حق‌تعالی به محمد ج وحی فرستاد و به وی دستور داد تا از دین اسلام آنگونه که ابراهیم ÷ بر آن بود پیروی نموده و بر این دین پایبند و استوار باشد و از آن گرایش نکند، زیرا ابراهیم ÷ یکتاپرست بود و هرگز به خدا أ غیر وی را شریک نیاورد.

﴿إِنَّمَا جُعِلَ ٱلسَّبۡتُ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِۚ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ١٢٤﴾.

جز این نیست که حق‌تعالی بزرگداشت روز شنبه را – از راه انجام دادن بعضی از عبادات در آن – بر یهودیانی فرض گردانید که در مورد آن با پیامبر خود اختلاف کردند پس این روز را به جای روز جمعه که محمد ج را بدان راه نمود، برای‌شان برگزید، قطعا خداوند أ در روز قیامت میان اختلاف کنندگان داوری خواهد کرد، در نتیجه فرمانبرداران را پاداش و نافرمانان را کیفر خواهد داد، زیرا او حاکمی است دادگر.

﴿ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلۡحِكۡمَةِ وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ١٢٥﴾.

ای پیامبر! تو و پیروانت باید به نیکوترین شیوه، با مهرانگیزترین و ظریف‌ترین وسایل و با زیباترین روش‌ها به سوی دین اسلام و احکام و اخلاقش دعوت نمایید، بنابراین دعوت اسلامی باید به شیوۀ کتاب و سنّت انجام گرفته، با ملایمت و نرمی در گفتگو و بیان همراه و از درشتی و خشونت، خشکی و خروش بیجا به دور باشد، با آسانگیری توأم باشد نه با سختگیری، با مژده و بشارت آمیخته باشد نه با نفرت و شدت، جذاب و گیرا باشد نه دفع کننده و گریزاننده. و ایشان را به خیر ترغیب نموده و از شر برحذر گردان، با دلسوزی ایشان را نصیحت کن و به بهترین روش‌های جدال که همانا جدال از موضع مهر و ملایمت است با آنان مجادله نما. بناءً در یک جدال و مناقشۀ دعوی گفتگو باید از گرایش‌های نفسی و شخصی، دشنام، ایذا، برتری طلبی، کبر و خود بزرگ بینی به دور باشد. بدان که وظیفۀ تو بیان روشن و کامل و نصیحت راستین است، زیرا تو ابلاغگری و خداست که هدایتگر می‌باشد، پس او می‌داند که چه کسی از خط استقامت انحراف نموده و چه کسی بر راه مستقیم رهرو باقی مانده است از این رو هریک را در برابر عملکردش جزای مناسب می‌دهد.

﴿وَإِنۡ عَاقَبۡتُمۡ فَعَاقِبُواْ بِمِثۡلِ مَا عُوقِبۡتُم بِهِۦۖ وَلَئِن صَبَرۡتُمۡ لَهُوَ خَيۡرٞ لِّلصَّٰبِرِينَ ١٢٦﴾.

و اگر دوست داشتید تا از تجاوزگران قصاص بگیرید پس همانگونه که مورد تعدی قرار گرفته اید، قصاص بگیرید و بر آن نیفزایید اما اگر صبر و گذشت پیشه ساختید، این برای شما بهتر است؛ چرا که ارمغان صبر، پیروزی دنیا و پاداش آخرت می‌باشد، یقیناً عزّت با عفو و نصرت با صبر توأماند.

﴿وَٱصۡبِرۡ وَمَا صَبۡرُكَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَلَا تَكُ فِي ضَيۡقٖ مِّمَّا يَمۡكُرُونَ ١٢٧﴾.

و ای پیامبر! بر آزار کفار، سختی‌های دعوت و مصیبت‌ها و گرفتاری‌های راه صبر کن و هرگز جز به یاری الله أ صبر نتوانی کرد، زیرا اوست که صبر را بر تو الهام کرده و با یاری و تأیید خویش هر دشواریی را بر تو آسان می‌سازد. و بر کسانی که از تو فرمان نمی‌برند و به دعوتت اجابت نمی‌گویند اندوه مخور و از نیرنگ توطئه‌گران و مکر مکاران غمگین مباش، زیرا سر انجام کار، از آن تو چرخش ایام علیه دشمنان توست و یقیناً خداوند أ یار و یاور توست و هرگز مغلوب نخواهی شد، زیرا او همراه توست. البته این همراهی و نصرت به پیامبر ج منحصر نبوده بلکه شامل حال ایشان و همۀ پیروان و رهروان راه هدایت‌شان است.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّٱلَّذِينَ هُم مُّحۡسِنُونَ ١٢٨﴾.

در حقیقت خدای سبحان کسانی را که با انجام اوامر و ترک نواهی از او پروا داشته و خط تقوی را در پیش گرفته‌اند تأیید می‌کند، او همراه کسانی است که در انجام طاعات به نیکویی عمل کرده، در امور خیر شتاب ورزیده و با انواع عبادات مشروع به پروردگار خود نزدیکی جسته‌اند، البته همراه با رعایت «احسان» در ادای عبادات که همانا عبارت از: آراسته ساختن عبادت به دو اصل «اخلاص» و «متابعت» است.

سورۀ إسراء

مکی است؛ ترتیب آن 17؛ شمار آیات آن 111

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ١﴾.

خدای سبحان خویشتن را به پاکی ستوده، شأن و جایگاه خویش را به بزرگی وصف نموده و ذاتش را که کمال مطلق است، معبود یگانه و بی‌همتاست، دارای نام‌های نیکو و صفات عالی و خجسته است تقدیس می‌نماید و می‌فرماید: منزه است خدایی که بنده و پیامبرش محمد ج را در پاسی از شب به جسم و روح شریفش در بیداری نه در خواب، از مسجد الحرام مکه به مسجد الاقصی در بیت المقدس یعنی به همانجایی برد که پیرامونش را از برکات زمین چون میوه‌ها و محصولات غذایی و غیره پر ساخته است و در آنجا که منازل بسیاری از انبیا † قرار دارد، آری! او را شبانگاهی به آنجا برد تا عجایب قدرت، برهان‌های عظمت و ادلۀ وحدانیت خویش را به او بنمایاند. بیگمان او شنوای سخنان و هر امر شنیدنیی است، به اعمال و احوال بیناست، هیچ امر پنهانی از وی نهان نمانده و هیچ غایبی از گستردۀ علمش مخفی نیست.

﴿وَءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلۡنَٰهُ هُدٗى لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُواْ مِن دُونِي وَكِيلٗا ٢﴾.

و آنگونه که حق‌تعالی پیامبرش را با سیر شبانگاهی «إسراء» فضیلت داد، با فرود آوردن تورات بر موسی ÷ نیز منت گذاشت و در آن برای بنی اسرائیل بیانی کافی و راهنمایی کامل قرار داد که آن‌ها را از شرک نهی کرده و به سوی یگانگی خداوند أ در عبادت و توکل و طرد همتایان و اضداد فرا می‌خواند.

﴿ذُرِّيَّةَ مَنۡ حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٍۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَبۡدٗا شَكُورٗا ٣﴾.

ای نسل و تبار کسانی که خداوند أ ایشان را همراه با نوح از طوفان نجات داد و در کشتی بر نشاند! پروردگارتان را خالصانه بپرستید و به وی چیزی را شریک نیاورید و وی را بر نعمت‌هایش شکر گزارید آنگونه که نوح ÷ برای پروردگارش شکرگزار بود؛ زیرا او حق‌تعالی را بسیار پرستش کرده وی را با قلب و زبان و اعضا همیشه سپاس می‌گذاشت و روشن است که شکر از بلندترین منازل عبودیت می‌باشد.

﴿وَقَضَيۡنَآ إِلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ لَتُفۡسِدُنَّ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَّتَيۡنِ وَلَتَعۡلُنَّ عُلُوّٗا كَبِيرٗا ٤﴾.

و خداوند أ در تورات نازل شده بر موسی ÷ به یهودیان خبر داد که در مقدراتشان چنین ثبت شده است: به زودی دوبار در بیت المقدس فساد خواهید کرد و با کشتن انبیا، خونریزی، ستم و تجاوز به سرکشی بزرگی بر خواهید خاست.

﴿فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ أُولَىٰهُمَا بَعَثۡنَا عَلَيۡكُمۡ عِبَادٗا لَّنَآ أُوْلِي بَأۡسٖ شَدِيدٖ فَجَاسُواْ خِلَٰلَ ٱلدِّيَارِۚ وَكَانَ وَعۡدٗا مَّفۡعُولٗا ٥﴾.

پس آنگاه که یهود نخستین فساد را افروختند، خداوند أ بر ایشان لشکری جرار وقوی پنجه را که به تعداد و تجهیزات بسیار مجهز اند مسلط خواهد ساخت که آنان را با قتل و طرد و تعقیب و اسارت، به سختی تارومار می‌کنند، این لشکر خانه و کاشانۀ یهودیان را لگدکوب کرده آن‌ها را درهم می‌کوبد و شکستی سخت و ویرانیی سنگین بر آنان وارد می‌سازد. این وعده این است محکم و مؤکَد که لا بد به علت عصیان یهود تحقق پیدا خواهد کرد.

﴿ثُمَّ رَدَدۡنَا لَكُمُ ٱلۡكَرَّةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَمۡدَدۡنَٰكُم بِأَمۡوَٰلٖ وَبَنِينَ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ أَكۡثَرَ نَفِيرًا ٦﴾.

اما پس از چندی خداوند أ دور پیروزی را به سوی یهودیان چرخانده و ایشان را به سبب نیکوکاری، توبه و بازگشت‌شان به سوی پروردگارشان، بر دشمن پیروز می‌سازد، اموال و فرزندان‌شان را بسیار ساخته، به نیرویشان فزونی می‌بخشد و در شمارشان برکت ارزانی می‌دارد.

﴿إِنۡ أَحۡسَنتُمۡ أَحۡسَنتُمۡ لِأَنفُسِكُمۡۖ وَإِنۡ أَسَأۡتُمۡ فَلَهَاۚ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ ٱلۡأٓخِرَةِ لِيَسُ‍ُٔواْ وُجُوهَكُمۡ وَلِيَدۡخُلُواْ ٱلۡمَسۡجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَلِيُتَبِّرُواْ مَا عَلَوۡاْ تَتۡبِيرًا ٧﴾.

ای بنی اسرائیل! اگر با پروردگارتان به طاعتش و با خلق به حسن معامله، رویۀ نیکی در پیش گیرید و از خدا أ در گفتار و عمل پروا دارید، بیگمان پاداش این امر به خودتان برمی‌گردد و در واقع به خود نیکی کرده‌اید، زیرا حق‌تعالی از شما و اعمالتان بی‌نیاز است اما اگر با معاصی و کژروی‌ها، بد عمل کردید، بدانید که کیفر و گرفتاری آن نیز به خودتان برمی‌گردد. بناءً ای یهودیان! اگر برای بار دوم فساد افروختید، خداوند أ بر شما چنان دشمنی را مسلط می‌سازد که در شمار بسیار و در کوبندگی و نیرومندی، سخت زورآور است. پس متیقن باشید که این دشمن شما را آنچنان پایمال گشتار و خواری و خفت خواهد ساخت و آنسان به خاک مذلت خواهد نشاند که در منت‌های پستی و فقر و ننگ و ذلّت قرار می‌گیرید. آن دشمنانتان به زودی بیت المقدس را نیز خواهند گشود و آن را همچون بار نخست مجددا ویران خواهند ساخت و همچنان هر آبادی دیگری را به طور کامل نابود خواهند نمود و در نتیجه سرزمین‌تان را به ویرانه‌ای مبدل خواهند کرد.

﴿عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن يَرۡحَمَكُمۡۚ وَإِنۡ عُدتُّمۡ عُدۡنَاۚ وَجَعَلۡنَا جَهَنَّمَ لِلۡكَٰفِرِينَ حَصِيرًا ٨﴾.

ای بنی اسرائیل! و اگر بازهم به سوی پروردگار خود برگشته او از فساد و ستمی که کرده‌اید پشیمان شدید و بدی را با نیکی جایگزین ساختید شاید بازهم پروردگارتان بر شما رحم کند، اما چنان‌چه به گناه و ستم بر مردم و فساد افروزی در زمین برگشتید بدانید که قطعا خداوند أ نیز به کیفررسانی و خوارسازی‌تان بر خواهد گشت. به علاوه خداوند أ در آخرت دوزخ را زندان همیشگی کفار گردانیده است که هرگز از آن بیرون نمی‌روند.

آیۀ کریمه بر هشدار دادن مردم از ارتکاب گناه و بیان عواقب آن در دنیا و آخرت که چیزی جز ذلّت و خواری و عذاب دوزخ نیست، دلالت دارد.

﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَهۡدِي لِلَّتِي هِيَ أَقۡوَمُ وَيُبَشِّرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ أَجۡرٗا كَبِيرٗا ٩﴾.

قطعا این قرآن نازل شده بر رسول خدا أ، برای مؤمنان و رهپویان راهش آیینه سعادت و فلاح و کامیابی و نجات است، بناءً اهل ایمان را به سوی هر خیر و صلاحی رهبری نموده و از هر زشتی و منکری بازمی‌دارد. این قرآن مژده بخش مؤمنان شایسته کار است به اینکه حق‌تعالی در جنات النعیم برای‌شان پاداشی عظیم را آماده ساخته است. از این رو قرآن در عرصۀ عقاید، عبادات، اخلاق، و رفتارها به پایدارترین راه‌ها راهنمایی می‌کند که با فطرت قویم و عقل سلیم سازگار است. به همین چهت هیچ خیر و ارزشی را نمی‌یابید جز اینکه قرآن در دعوت به آن پیشگام بوده است و هیچ شری را نمی‌یابید جز اینکه قرآن از آن برحذر ساخته است.

﴿وَأَنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ أَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا ١٠﴾.

و کسانی که رستاخیز پس از مرگ و روز قیامت را تکذیب می‌کنند خداوند أ بر ایشان به سزای تکذیب‌شان عذاب پردردی را در آتش جهنم آماده کرده است.

﴿وَيَدۡعُ ٱلۡإِنسَٰنُ بِٱلشَّرِّ دُعَآءَهُۥ بِٱلۡخَيۡرِۖ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ عَجُولٗا ١١﴾.

و انسان از خشم و خروش و شتاب و مدهوشی‌ای که دارد بعضی وقت‌ها به زیان خود یا به زیان فرزند یا مالش دعای بد می‌کند، همانسان که به خیر دعا می‌نماید لیکن حق‌تعالی از روی مهربانی‌ای که دارد هنگامی که او دعای بد می‌کند، به اجابتش شتاب نمی‌ورزد بلکه تنها وقتی دعایش را اجابت می‌کند که به خیر دعا نماید، و این بی‌شک لطف و رحمتی است بس بزرگ برای انسان. و انسان طبیعتا موجودی است شتابکار، از این رو عواقب امور را نمی‌سنجد، و در برابر شهوت و خشم، ناپایدار و کمتر شکیباست.

﴿وَجَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ ءَايَتَيۡنِۖ فَمَحَوۡنَآ ءَايَةَ ٱلَّيۡلِ وَجَعَلۡنَآ ءَايَةَ ٱلنَّهَارِ مُبۡصِرَةٗ لِّتَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡ وَلِتَعۡلَمُواْ عَدَدَ ٱلسِّنِينَ وَٱلۡحِسَابَۚ وَكُلَّ شَيۡءٖ فَصَّلۡنَٰهُ تَفۡصِيلٗا ١٢﴾.

و خداوند أ شب و روز را دو برهان روشن بر یگانگی و قدرت خویش قرار داده است، مهتاب را که نشانۀ شب است تیره‌گون و خورشید را که نشانۀ روز است درخشان و روشنگر ساخته است تا انسان در روز راه‌های کسب و کار، ایاب و ذهاب و ادارۀ منافعش را ببیند و در شب به آغوش خواب بازگشته بیاساید و کار و تلاشش به ساحلی آرام لنگر اندازد، و تا حق‌تعالی از پی‌درپی آمدن شب و روز، بندگان را بر شمار سال‌ها و حساب روزها و ماه‌ها راه نماید، و خداوند أ همه چیز را به طور شافی و کافی بیان کرده و روشنگرانه توضیح داده است.

﴿وَكُلَّ إِنسَٰنٍ أَلۡزَمۡنَٰهُ طَٰٓئِرَهُۥ فِي عُنُقِهِۦۖ وَنُخۡرِجُ لَهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ كِتَٰبٗا يَلۡقَىٰهُ مَنشُورًا ١٣﴾.

و خداوند أ هر بنده‌ای را به عملش وابسته می‌سازد، چه عملش خیر باشد و چه شر. بناءً نه او را بر کار دیگران جزا می‌دهد و نه دیگران را بر کار وی و روز حساب، کتاب اعمال را که دربر گیرندۀ خوبی‌ها و بدی‌های اوست پیش نگاهش گشاده می‌سازد تا خود کارنامه‌اش را بخواند.

﴿ٱقۡرَأۡ كِتَٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفۡسِكَ ٱلۡيَوۡمَ عَلَيۡكَ حَسِيبٗا ١٤﴾.

و به بنده گفته می‌شود: نامۀ خوبی‌ها و بدی‌هایت را که در دنیا انجام داده‌ای بخوان، پس اگر بی‌سواد و ناخوان هم باشد آن را می‌خواند و انسان خود به اطلاع و حسابرسی خوبی‌ها و بدی‌هایش بسنده است تا بداند که خداوند أ دادگر است و به کسی ستم نمی‌کند.

﴿مَّنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبۡعَثَ رَسُولٗا ١٥﴾.

هر کس به راه راست پایبند بوده و از حق پیروی کند، پس مزد و محصول کارش به خودش محدود و منحصر است و هر کس بیراهه رفته و پیرو گمراهی شده باشد پس گناهش نیز فقط بر دوش خود اوست. بناءً هیچ انسان بدکاری بار گناه بدکار دیگری را برنمی‌دارد و هرگز کسی به گناه دیگری عذاب نمی‌شود مگر آنکه عامل گمراه‌سازی وی باشد. و خدای متعال هیچ انسانی را عذاب نمی‌کند مگر آنگاه که با فرستادن پیامبران و فرود آوردن کتاب‌ها، حجّت را برایش روشن و مسیر را برایش معین کرده باشد.

﴿وَإِذَآ أَرَدۡنَآ أَن نُّهۡلِكَ قَرۡيَةً أَمَرۡنَا مُتۡرَفِيهَا فَفَسَقُواْ فِيهَا فَحَقَّ عَلَيۡهَا ٱلۡقَوۡلُ فَدَمَّرۡنَٰهَا تَدۡمِيرٗا ١٦﴾.

و چون خداوند أ بخواهد تا شهری را به سبب گناهان مردمش نابود سازد، توانگران و سردمدارانشان را به طاعت فرمان می‌دهد، پس چون حق‌تعالی را عصیان کردند مردم در این کار به آنان اقتدا می‌ورزند، در نتیجه مجازات الهی بر همگی نازل شده و مردم آن شهر همه به طور جمعی از بیخ و بن برکنده شده و تماما نابود ساخته می‌شوند.

﴿وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِنَ ٱلۡقُرُونِ مِنۢ بَعۡدِ نُوحٖۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا ١٧﴾.

و خداوند أ امت‌های پیشینی را که بعد از نوح ÷ آمده بودند و کافر و تکذیب پیشه بودند به وسیلۀ عذاب، نابود ساخت. آری! علم خداوند أ به کارهای خیر و شر بندگان کافی و بسنده است از این رو هر کس را بی‌هیچ ستم و حق تَلَفیی در برابر عملکردش جزا می‌دهد.

﴿مَّن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعَاجِلَةَ عَجَّلۡنَا لَهُۥ فِيهَا مَا نَشَآءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلۡنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصۡلَىٰهَا مَذۡمُومٗا مَّدۡحُورٗا ١٨﴾.

هر کس از مردم که با عملش دنیای فانی ناپایدار و بهره و آرایش آن را می‌خواهد و برای آخرت کار نمی‌کند، خداوند أ به وی از دنیا آنچه را که مقدر ساخته است می‌بخشد از آنکه دنیا نزد الله أ خوار و بی‌مقدار است، سپس جای بازگشت وی در روز حساب جهنم است که به سبب گناهان خود در آن ملامت شده، خوار و رانده از رحمت پروردگارش داخل می‌شود، زیرا او از فرمان سرپیچیده، فانی را بر باقی مقدم ساخته و برای ملاقات الله أ ره‌توشه‌ای را آماده نکرده است.

﴿وَمَنۡ أَرَادَ ٱلۡأٓخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعۡيَهَا وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ كَانَ سَعۡيُهُم مَّشۡكُورٗا ١٩﴾.

و هر کس از مردم با عمل شایستۀ خود پاداش الهی را در سرای بقا خواستار بوده و در پرتو نور کتاب و سنت، به ثواب الهی چشم دوخته باشد پس خداوند أ به طور قطع عملش را پذیرفته و وی را در برابر آن پاداش می‌دهد و از وی در بهشت‌های پرناز و نعمت به گرمی پذیرایی به عمل آمده، جایگاهش در آنجا نیکو و مقدمش گرامی داشته می‌شود.

﴿كُلّٗا نُّمِدُّ هَٰٓؤُلَآءِ وَهَٰٓؤُلَآءِ مِنۡ عَطَآءِ رَبِّكَۚ وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحۡظُورًا ٢٠﴾.

هردو دسته – چه آنان‌که برای دنیای نا پایدار فانی کار می‌کنند و چه آن‌ها که برای آخرت باقی – هریک را خداوند أ از عطای خویش مدد می‌بخشد از این رو بندگان صالحش را روزیی حلال و پاکیزه که ایشان را بر طاعت یاری نماید ارزانی می‌دارد و بدکاران شرور را نیز از متاع دنیا می‌بخشد که مانند چهارپایان سر در آخور داشته باشد. بنابراین بخشش خداوند أ از دنیا برای کسی، دلیل بر صلاح یا فسادش نیست؛ زیرا او به مؤمن و کافر هردو روزی داده و عطایش را از کسی بازنمی‌دارد.

﴿ٱنظُرۡ كَيۡفَ فَضَّلۡنَا بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ وَلَلۡأٓخِرَةُ أَكۡبَرُ دَرَجَٰتٖ وَأَكۡبَرُ تَفۡضِيلٗا ٢١﴾.

به دیدۀ تدبر و تأمل بنگر که چگونه خداوند أ بعضی از بندگان را بر بعضی دیگر در عطای دنیا برتری داده، برخی را توانگر و برخی را فقیر می‌گرداند و قطعا درجات برتری در آخرت بزرگتر و بیشتر است، بناءً مؤمنان در آنجا سر انجامی نیکوتر، منزلی گرامی‌تر و پاداشی عظیم‌تر دارند و باز خود مؤمنان نیز میان همدیگر در پاداش درجاتی متفاوت داشته و بعضی بر بعضی دیگر برتری دارند.

﴿لَّا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَقۡعُدَ مَذۡمُومٗا مَّخۡذُولٗا ٢٢﴾.

ای انسان! با خدای رحمان شریکی از بتان و معبودان قرار نده که دستاوردت از آن جز خواری و پشیمانی و مذمت و رسوایی چیز دیگری نیست.

﴿۞وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنًاۚ إِمَّا يَبۡلُغَنَّ عِندَكَ ٱلۡكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوۡ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفّٖ وَلَا تَنۡهَرۡهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوۡلٗا كَرِيمٗا ٢٣﴾.

و خداوند أ بر بندگان مقرر کرده که او را در عبودیت و الوهیت به یگانگی بخوانند و چیزی را به وی شریک نیاورند و اینکه به پدر و مادر خود – به ویژه در هنگام پیری و سالخوردگی آن‌ها – از هیچ احسان و خدمتی که در توان دارند دریغ نکنند، نه از نیکی به آن‌ها ملول و خسته شوند و نه خدمت به آن‌ها را سنگین بشمارند و البته پدر و مادر نباید از فرزند جز سخن خوش و زیبا چیز دیگری بشوند تا بدانجا که حتی فرزند نباید به آن‌ها، «اوف» که کمترین مرتبۀ سخن بد است، بگوید و جایز نیست که آن‌ها را با کدام عمل یا سخن زشت و پرخاشگرانه‌ای ملاقات کند بلکه تا می‌تواند باید إکرام و احترام، لطف و نرمی، مهر و محبت، عاطفه و عشق نثار آن‌ها نماید.

﴿وَٱخۡفِضۡ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحۡمَةِ وَقُل رَّبِّ ٱرۡحَمۡهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرٗا ٢٤﴾.

و ای انسان! برای پدر و مادرت فرمانبردار، متواضع و فروتن باش، بر ضعف آن‌ها دل بسوزان و بکوش تا شور شادی را به اندرون جانشان سرازیر کنی و از سر مهر و دلدادگی و با روحیۀ ایثار و عشق، بال مهرورزی را بر آنان بگستران و به پاداش آنچه که برایت در خردسالی‌ات تقدیم کرده‌اند، از خدای ﻷ همیشه در حالت زندگی و مرگ برای آن‌ها رحمت واسعه درخواست کن، آخر آن‌ها بودند که به خاطر تو خستگی‌ها کشیده و برای آنکه تو راحت باشی، بیدار خوابی‌ها و بیقراری‌ها را تحمل کردند.

﴿رَّبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمۡۚ إِن تَكُونُواْ صَٰلِحِينَ فَإِنَّهُۥ كَانَ لِلۡأَوَّٰبِينَ غَفُورٗا ٢٥﴾.

تنها خدا أ است که به آنچه در دل‌ها و نهان‌هاست دانا می‌باشد، اوست که بر پنهانی‌ها آگاه است، نیت‌ها را می‌داند و اراده‌ها را می‌خواند، پس ای بندگان! اگر قصد شما کسب رضای الله أ و حصول قرب وی باشد و عمل را برای وی خالص ساخته باشید بدانید که یقینا او گناهان کسانی را که به عفوش امیدوارند، رضایش را می‌جویند و طالب عنایات مخصوص او هستند، می‌آمرزد؛ زیرا او بر کسانی که از ایشان انابت و محبت نسبت به خودش، پیامبر و کتابش می‌بیند، بخشنده است و حتی از گناهانی که از وی سر می‌زند و هیچ بشری از آن به سلامت نیست، نیز درمی‌گذرد.

﴿وَءَاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلۡمِسۡكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرۡ تَبۡذِيرًا ٢٦﴾.

و حقوق نزدیکان را که شامل صلۀ رحم، نیکی، احسان، احترام و شکیبایی بر آزارهاست به آنان بده و به مسکین نیز آنچه را بدان نیازمند است و خدا أ به تو از آن بخشیده است، ببخش و کسی را که در راه مانده و سفر وی را از خانواده و مالش جدا ساخته است، دستگیری کن و در انفاق مالت خالصانه رضای خدا أ را جویا باش و آن را در غیر حقوقش ضایع نکن، در بخشش اسراف ننما بلکه در انفاق و غیر آن، راه میانه و معتدل را در پیش بگیر.

﴿إِنَّ ٱلۡمُبَذِّرِينَ كَانُوٓاْ إِخۡوَٰنَ ٱلشَّيَٰطِينِۖ وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورٗا ٢٧﴾.

بیگمان کسانی که اموال خویش را در گناه، زیاده روی از حق تجاوز از عدل صرف می‌کنند، در عصیان و تجاوز و طغیان به شیطان شباهت دارند و از طبیعت شیطان است که نعمت پروردگار رحمان را ناسپاسی کرده و احسان را فراموش می‌کند.

﴿وَإِمَّا تُعۡرِضَنَّ عَنۡهُمُ ٱبۡتِغَآءَ رَحۡمَةٖ مِّن رَّبِّكَ تَرۡجُوهَا فَقُل لَّهُمۡ قَوۡلٗا مَّيۡسُورٗا ٢٨﴾.

و اگر کسی از تو درخواست کمک می‌کند ولی توبه علت آنکه چیزی نزد خود نداشته و منتظر روزی ای از جانب الله أ هستی، از وی روی برمی‌گردانی، پس برای آن شخص تقاضا کننده، سخنی خوش و نرم و مهربانانه بگو، مانند اینکه برایش دعا کنی تا خدا حاجتش را برآورد و کار زندگی را بروی آسان سازد، یا که وی را به آینده وعده دهی و بگویی: اگر خدای متعال روزیی رساند، تو را به یاد دارم و از تو دریغ نخواهم کرد.

﴿وَلَا تَجۡعَلۡ يَدَكَ مَغۡلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبۡسُطۡهَا كُلَّ ٱلۡبَسۡطِ فَتَقۡعُدَ مَلُومٗا مَّحۡسُورًا ٢٩﴾.

و دستت را از بخشش و دهش بر نبند تا در مالت بخل بورزی و در بذل و بخشش اسراف و زیاده روی هم نکن؛ زیرا به بخل، مردم تو را به باد سرزنش می‌گیرند و با اسراف، حسرت‌زده بر جای خود می‌مانی و سپس بر از دست رفتن مال افسوس می‌خوری.

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا ٣٠﴾.

بیگمان خداوند أ از روی علم و حکمتی که دارد بر بعضی از بندگانش روزی را گشاده ساخته و بر بعضی دیگر آن را تنگ می‌گرداند، پس او آنگونه که می‌خواهد و به روی مصلحتی که می‌داند، امور بندگان را می‌گرداند از آن‌رو که بر پنهانی‌های بندگانش داناست و هیچ امر نهانی از احوال بندگانش بر او مخفی نیست.

﴿وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُمۡ خَشۡيَةَ إِمۡلَٰقٖۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُهُمۡ وَإِيَّاكُمۡۚ إِنَّ قَتۡلَهُمۡ كَانَ خِطۡ‍ٔٗا كَبِيرٗا ٣١﴾.

وقتی متیقن شدید که تنها خداوند أ روزی دهنده است، پس فرزندان‌تان را از بیم فقر مکشید؛ زیرا روزی آن‌ها بر عهدۀ شما نیست، بلکه تنها و تنها بر عهدۀ خدا أ است و بس، اوست که فرزندان، پدران، پدر بزرگان و نوادگان را روزی می‌دهد. پس بدانید که کشتن فرزندان جرمی است بزرگ و گناهی است خطیر. در مقدم ساختن روزی فرزندان بر روزی پدران، تأکیدی بر نهی از قتل فرزندان نهفته است؛ زیرا خدا أ خود عهده‌دار امورشان گردیده است پس شما را چه کار با ایشان؟!

﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَسَآءَ سَبِيلٗا ٣٢﴾.

و به زنا و انگیزه‌های آن نزدیک نشوید که در لجن آن فرو می‌افتید و از اسباب و مقدمات آن مانند: نگاه حرام، خلوت با زن بیگانه، پایین آوردن تُن صدا و گفتگو به شیوۀ تحریک آمیز، نیز بپرهیزید؛ زیرا زنا بسیار زشت است، این عمل فحشا بسیار بد شیوه و بد راهی است؛ زیرا فحشا به قدری شومی معصیت را به فضای زندگی شما سرازیر می‌سازد که هم جامعه و هم نهاد فرد را ملوث و آلوده می‌گرداند.

ملاحظه می‌کنیم که در این آیۀ کریمه تعبیر: ﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓ﴾ «به زنا نزدیک نشوید» به جای ولا تفعلوا – زنا را انجام ندهید به کار گرفته شد تا انسان را بر دوری از هر سبب و وسیله‌ای که به زنا می‌انجامد، برانگیزد.

﴿وَلَا تَقۡتُلُواْ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۗ وَمَن قُتِلَ مَظۡلُومٗا فَقَدۡ جَعَلۡنَا لِوَلِيِّهِۦ سُلۡطَٰنٗا فَلَا يُسۡرِف فِّي ٱلۡقَتۡلِۖ إِنَّهُۥ كَانَ مَنصُورٗا ٣٣﴾.

و نفس معصوم و بیگناهی را که خداوند أ کشتنش را حرام ساخته است جز به حکم شرع مکشید، البته از مصادیق حکم شرع: کشتن به قصاص، کشتن زناکار متأهل و کشتن مرتد است و هر کس بدون حق شرعی – یعنی به ستم – کشته شود در حقیقت خداوند أ برای سرپرست وی – از وارثانش یا دولت – این حق را داده است که خون مقتول را به قصاص یا دیه مطالبه نماید، اما ولی یا سرپرست مقتول نباید در قصاص از حد معین تجاوز نماید؛ زیرا خداوند أ با سرپرست مقتول است و او را علیه قاتل تا بدانجا که بتواند حق خود را به قصاص یا دیت یا عفو بازگیرد، یاری و پشتیبانی می‌کند نه در تجاوز و زیاده روی.

﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ مَالَ ٱلۡيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ أَشُدَّهُۥۚ وَأَوۡفُواْ بِٱلۡعَهۡدِۖ إِنَّ ٱلۡعَهۡدَ كَانَ مَسۡ‍ُٔولٗا ٣٤﴾.

و برای شما جایز نیست که به مال یتیم جز به بهترین وجه نزدیک شوید بناءً دخالت و کارگردانی شما در مال یتیم باید به شیوه‌ای باشد که بهترین منافع را برای مال وی تأمین کند و این البته با قرار دادن مال وی در چرخۀ بازده‌آور و مولد اقتصادی و در یک روند سودآور و رشد دهنده است نه با تلف کردن و به مخاطره افکندن. تا آنگاه که یتیم خود به سن رشد برسد و مالش به خودش تسلیم گردد. و بر شماست تا به هر عهد و پیمانی که برگردن گرفته‌اید وفا کنید؛ زیرا خداوند أ به زودی بنده را از هر عهد و پیمانی مورد پرستش قرار می‌دهد و چنان‌چه غدر و خیانت ورزیده بود، عذابش می‌کند.

﴿وَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ إِذَا كِلۡتُمۡ وَزِنُواْ بِٱلۡقِسۡطَاسِ ٱلۡمُسۡتَقِيمِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلٗا ٣٥﴾.

و چون یکی از شما پیمانه می‌کرد باید پیمانه را تمام دهد و هنگامی که برای مردم وزن می‌کردید، با ترازوی عدل وزن کنید بیگمان در تمام دادن پیمانه و وزن خیری است در دنیا، که عبارت از برکت و رشد و نماء است و نیک فرجامیی است در آخرت، با اجر و پاداش الله أ.

﴿وَلَا تَقۡفُ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۚ إِنَّ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡبَصَرَ وَٱلۡفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰٓئِكَ كَانَ عَنۡهُ مَسۡ‍ُٔولٗا ٣٦﴾.

و چیزی را که بدان علم و یقین نداری دنبال نکن بلکه در کارهای خود اهل تحقیق و بررسی باش، مبادا دنبال شایعات و حدس و گمان‌ها راه بیفتی، زیر انسان بر گوش و چشم و عقل و قلب همه نزد خدا أ مورد محاسبه قرار خواهد گرفت، پس اگر این ابزارها را در راه خیر به کار انداخته بود، حق‌تعالی به وی پاداش می‌دهد و اگر آن‌ها را در راه شر گماشت، وی را مجازات و مؤاخذه می‌کند.

﴿وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًاۖ إِنَّكَ لَن تَخۡرِقَ ٱلۡأَرۡضَ وَلَن تَبۡلُغَ ٱلۡجِبَالَ طُولٗا ٣٧﴾.

و ای انسان! بر روی زمین به نخوت و تکبر راه مرو زیرا تو مخلوقی ضعیف هستی که نه توان آن داری تا با گام برداشتنت بر روی آن، زمین را بشگافی و هرگز هم نمی‌توانی در بلندی به کوه‌ها برسی؛ زیرا تو نسبت به کوه‌ها بسیار کوتاه، ضعیف و ناچیز هستی.

﴿كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُۥ عِندَ رَبِّكَ مَكۡرُوهٗا ٣٨﴾.

همۀ اوامر و نواهیی که در آیات پیشین ذکر شد، خداوند أ جنبۀهای بد آن‌ها را خوش نمی‌دارد و برای بندگانش نمی‌پسندد، به همین جهت آن‌ها را حرام گردانیده است.

﴿ذَٰلِكَ مِمَّآ أَوۡحَىٰٓ إِلَيۡكَ رَبُّكَ مِنَ ٱلۡحِكۡمَةِۗ وَلَا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتُلۡقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومٗا مَّدۡحُورًا ٣٩﴾.

ای پیامبر! این احکام سودمند، اخلاق ارزشی برتر، آداب نیک و گهر بار و نهی از هرکار زشت و ناهنجار که خداوند أ برایت بیان کرده و بر تو نازل نموده است، همه از اموری است که انسان را پاکیزه و مهذب می‌سازد، و با خدای یگانه معبود دیگری قرار مده و غیر وی را با وی شریک مگردان وگرنه در آتش جهنم به چنان حالی افکنده خواهی شد که هم نفست تو را سرزنش می‌کند و هم مردم تو را به باد ملامت می‌گیرند، در عین آنکه از رحمت خداوند أ نیز طرد شده و از هر خیری محروم می‌شوی، خلق تو را مذهب و خالق تو را معذب می‌سازد.

﴿أَفَأَصۡفَىٰكُمۡ رَبُّكُم بِٱلۡبَنِينَ وَٱتَّخَذَ مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنَٰثًاۚ إِنَّكُمۡ لَتَقُولُونَ قَوۡلًا عَظِيمٗا ٤٠﴾.

ای کافران! آیا خدای یگانۀ قهار شما را به بخشیدن فرزندان ذکور اختصاص داده و خود از فرشتگان برای خویش دخترانی برگرفته است؟ بیگمان این سخن شما بی‌نهایت زشت، بی‌شرمانه و وقیحانه است؛ چرا که به خدای سبحان چیزی را که سزاوار جنابش نیست نسبت داده‌اید.

﴿وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لِيَذَّكَّرُواْ وَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا نُفُورٗا ٤١﴾.

و به راستی خداوند أ در قرآن حقایق را به روشنی تمام بیان نموده، احکام، داستان‌ها و مَثَل‌ها را واضح به تصویر کشیده است تا مردم از آن‌ها بهره گرفته و از پندها و عبرت‌های آن استفاده نمایند، اما این بیان، اهل ستم و طغیان را جز دوری از طاعت خدای رحمان و فروروی بیشتر در پیروی از شیطان نمی‌افزاید.

﴿قُل لَّوۡ كَانَ مَعَهُۥٓ ءَالِهَةٞ كَمَا يَقُولُونَ إِذٗا لَّٱبۡتَغَوۡاْ إِلَىٰ ذِي ٱلۡعَرۡشِ سَبِيلٗا ٤٢﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: اگر با خدای یگانه خدایانی دیگر بود یقیناً آن خدایان به سوی مغلوب ساختن خدای صاحب عرش عظیم، راهی می‌جستند و قطعاً می‌کوشیدند تا با وی به نبرد پرداخته و بر بعضی از گسترۀ مُلکش مسلط شوند و لیکن او یگانه و یکتاست و در ربوبیت و الوهیت خود هیچ شریک و همتایی ندارد.

﴿سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوّٗا كَبِيرٗا ٤٣﴾.

خداوند أ از سخنان کفار و آنچه به وی نسبت می‌دهند پاک و منزه است زیرا او یگانۀ قهار است، او در ذات، قدرت، قهر و غلبه، بر خلقش والا و با اعتلا می‌باشد، چنان اعتلای بزرگی که سزاوار جلال و عظمتش هست.

﴿تُسَبِّحُ لَهُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ ٱلسَّبۡعُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّۚ وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمۡدِهِۦ وَلَٰكِن لَّا تَفۡقَهُونَ تَسۡبِيحَهُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا ٤٤﴾.

آسمان‌های هفت‌گانه، زمین و هر آفریده‌ای که در آن‌هاست و همۀ موجودات، پروردگارشان را بدانچه شایستۀ آن است تقدیس و تنزیه کرده، بر او سپاس و ثنا و ستایش می‌گویند و تمجیدش می‌کنند بنابراین ستایش همه او راست، ملک تماماً از آن اوست و ثنا و سپاس در اول و آخر همه اوراست لیکن ای مردم! شما تسبیح مخلوقات را نمی‌فهمید؛ زیرا هر کس به زبان و شیوۀ خود تسبیح می‌گوید. و خداوند أ بردبار است نافرمانانش را به شتاب مجازات نمی‌کند بلکه به آنان مهلت می‌دهد، او به کسانی که به سوی وی رجعت کنند، آمرزش بخواهند و توبه کنند بسیار آمرزگار است.

﴿وَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ جَعَلۡنَا بَيۡنَكَ وَبَيۡنَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ حِجَابٗا مَّسۡتُورٗا ٤٥﴾.

و ای پیامبر! چون قرآن بخوانی و کفار آن را بشنوند، خداوند أ به مثابۀ کیفری از جانب خویش – میان تو و میان آنان پردۀ پوشاننده‌ای قرار می‌دهد که عقل‌های‌شان را از فهم می‌پوشاند، از آنکه به آخرت کفر ورزیده‌اند. پس آن‌ها صدا را می‌شوند اما بعضی را درنمی‌یابند. از این‌رو بنده به میزان گناهی که دارد، از فهم و تأمل تعهدآور در امر دین، محروم ساخته می‌شود.

﴿وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗاۚ وَإِذَا ذَكَرۡتَ رَبَّكَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِ وَحۡدَهُۥ وَلَّوۡاْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِمۡ نُفُورٗا ٤٦﴾.

و خداوند أ بر دل‌های کفار پوشش‌هایی قرار داده است تا معانی قرآن را نفهمند، و در گوش‌های‌شان سنگینیی قرار داده است تا آن را نشنوند. و ای پیامبر! چون در قرآن پروردگارت را با اسما و صفاتش یاد کرده و آن‌ها را دعوتگرانه به سوی توحید و نفی شرک فراخوانی، در حالی پشت می‌کنند که منکر سخنانت بوده و از روی عناد و استکبار، از پیامت نفرت دارند تا به حق گردن نگذارند.

﴿نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَسۡتَمِعُونَ بِهِۦٓ إِذۡ يَسۡتَمِعُونَ إِلَيۡكَ وَإِذۡ هُمۡ نَجۡوَىٰٓ إِذۡ يَقُولُ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلٗا مَّسۡحُورًا ٤٧﴾.

خدا أ بهتر می‌داند که کفار به چه منظور گوش فرا می‌دارند، ای پیامبر! آنان در حالی به سوی تو گوش فرامی‌دارند که نیات و اهداف‌شان بد و نامیمون است از این رو گوش فرا دادن‌شان به منظور پذیرش حق و بهره‌بردن از آن نیست. و خداوند أ نجواگویی‌شان را در میانشان می‌داند، آنگاه که بعضی به بعضی دیگر از روی دروغ و بهتان می‌گویند: در حقیقت به این مردی که از وی پیروی می‌کنید، سحر و جادویی رسیده است که عقلش را پاک از بین برده است، که این البته دروغ و بهتانی از سوی‌شان بیش نیست.

﴿ٱنظُرۡ كَيۡفَ ضَرَبُواْ لَكَ ٱلۡأَمۡثَالَ فَضَلُّواْ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ سَبِيلٗا ٤٨﴾.

به این درغشان تعجب‌کنان تأمل کن که گفتند: محمد ج ساحر، یا شاعر، یا کاهن، یا دیوانه است. اما اشتباه کردند، دروغ گفتند: از راه صواب منحرف شدند و به حق توفیق نیافتند.

﴿وَقَالُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ خَلۡقٗا جَدِيدٗا ٤٩﴾.

کافران در حال انکار رستاخیز و حشر گفتند: چگونه بعد از مرگ به آفرینشی جدید بر انگیخته می‌شویم در حالی که به استخوان‌های پوسیده‌ای تبدیل شده‌ایم و اجساد ما کاملا متلاشی شده است؟! بناءً هیچ انتظاری در اینکه دوباره زنده شویم وجود ندارد.

﴿۞قُلۡ كُونُواْ حِجَارَةً أَوۡ حَدِيدًا ٥٠﴾.

ای پیامبر! از روی مبارزه طلبی و درمانده‌سازی به آنان بگو: اگر می‌توانید در صلابت و سختی و دشواری تغییر و تحول سنگ گردید یا آهن، اما متیقن باشید که خداوند أ آنگونه که شما را در آغاز آفرید، مجددا بازخواهد گردانید و همانسان که شما را از عدم آفرید، بعد از مرگ نیز زنده‌تان خواهد ساخت، و این کار بر خدای سبحان بسی سهل و ساده است.

﴿أَوۡ خَلۡقٗا مِّمَّا يَكۡبُرُ فِي صُدُورِكُمۡۚ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَاۖ قُلِ ٱلَّذِي فَطَرَكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٖۚ فَسَيُنۡغِضُونَ إِلَيۡكَ رُءُوسَهُمۡ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَۖ قُلۡ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَرِيبٗا ٥١﴾.

یا اگر توانستید به آفریده‌ای بزرگتر از این آفرینش خود تبدیل شوید، به چنان آفریده‌ای که در تصور عقلی‌تان بسی دور و ناباورانه است، اما بازهم یقین داشته باشید که خداوند أ آنگونه که شما را می‌میراند مجددا زنده خواهد گردانید و آنسان که شما را آفرید، مجددا برخواهد انگیخت و چون بر آن‌ها در حجّت آوردن بر اینکه خداوند أ برباز آفرینی‌شان بعد از مرگ تواناست، غلبه کنی پس انکار گرانه سخنت را رد کرده و می‌گویند: بعد از آنکه مردیم چه کسی مارا باز می‌گرداند؟! پس چنین پاسخشان بگو: همان کسی که نخستین بار شما را آفرید، همو مجددا شما را به زندگی برمی‌گرداند؛ آنگاه تو را مسخره خواهند کرد و سرهای خود را از روی انکار و تعجب تکان داده و خواهند گفت: آن رستاخیز کی خواهد بود؟ به آنان بگو: رستاخیز به طور قطع آمدنی است، وقوعش نزدیک است و هیچ شکی در آمدنش وجود ندارد؛ زیرا هر امر آینده‌ای نزدیک است.

﴿يَوۡمَ يَدۡعُوكُمۡ فَتَسۡتَجِيبُونَ بِحَمۡدِهِۦ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا قَلِيلٗا ٥٢﴾.

روزی که خداوند أ شما را در حالی که مرده و در گورهایتان هستید فرا می‌خواند پس ندارا اجابت گفته و به فرمان خدای ﻷ گردن نهاده، اطاعتش می‌کنید و سپاس و ستایش در همه حال او راست. و از بسیاری وحشت روز قیامت و بلندای آخرت چنین می‌پندارید که در دنیا جز عمر کوتاهی زندگی نکرده‌اید.

﴿وَقُل لِّعِبَادِي يَقُولُواْ ٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُۚ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ يَنزَغُ بَيۡنَهُمۡۚ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ لِلۡإِنسَٰنِ عَدُوّٗا مُّبِينٗا ٥٣﴾.

و ای پیامبر! به بندگان با تقوایم بگو: وقتی با دیگران سخن می‌گویند یا در میان خود گفتگو می‌کنند باید سخنان پاک، نیکو و نرم را برگزیده و از بدزبانی و کار برد کلمات خشم برانگیز و روح خراش دوری گزینند، زیرا شیطان بر افکندن دشمنی و بغض و کینه در میان مؤمنان حریص است، پیداست که سخنان بد این دشمنی را برمی‌انگیزد و خود عوارض و پیامدهای بد دیگری چون سوء ظن، قطع رابطه و انتقامجویی را در پی دارد. و شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است، نه صلاح و استقامتش را می‌خواهد و نه برادری و محبتش با برادران مؤمنش را.

﴿رَّبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِكُمۡۖ إِن يَشَأۡ يَرۡحَمۡكُمۡ أَوۡ إِن يَشَأۡ يُعَذِّبۡكُمۡۚ وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ وَكِيلٗا ٥٤﴾.

پروردگار شما به آنچه در نهاد شما می‌گذرد و به همۀ احوال شما داناتر است، پس اگر بخواهد بر شما رحم می‌کند بدین‌گونه که شما را بر ایمان راه نماید و اگر بخواهد شما را گمراه ساخته و در نتیجه عذابتان می‌کند. و ای محمد ج! ما تو را بر آنان نگهبان نفرستاده‌ایم بلکه جز بلاغ چیز دیگری بر عهدۀ تو نیست.

﴿وَرَبُّكَ أَعۡلَمُ بِمَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَلَقَدۡ فَضَّلۡنَا بَعۡضَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ عَلَىٰ بَعۡضٖۖ وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا ٥٥﴾.

و ای پیامبر! پروردگارت به هرچه در آسمان‌ها و زمین است داناست، نه امری پنهانی بر او نهان می‌ماند و نه غایبی از او ناپیداست. در حقیقت او بعضی از پیامبرانش را در منزلت و مقام بر بعضی دیگر برتری داده است از این جهت که بعضی را به نزول کتابی بر وی، یا کثرت علم و دانش و حکمت، یا کثرت پیروان و معجزات اختصاص داده است. و او بر داود با فرودآوردن کتاب زبور – که آن را در هرحال و هر وقت مناسب می‌خواند – تفضل کرد.

﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُم مِّن دُونِهِۦ فَلَا يَمۡلِكُونَ كَشۡفَ ٱلضُّرِّ عَنكُمۡ وَلَا تَحۡوِيلًا ٥٦﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: در حقیقت این بتان و معبودانی که آن‌ها را در وقت گرفتاری و نیاز خویش می‌خوانید، نه بلایی را از شما بر طرف می‌کنند، نه آن را از شما به دیگران برمی‌گردانند و نه توان آن دارند تا بلا را از حالی به حال دیگری متحول سازند و کسی که زیان را دفع نموده، بلا را برمی‌گرداند، نعمت‌ها را جلب نموده و رفاه و خوش روزگاری می‌آورد همانا پروردگار زمین و آسمان است.

این آیه عام است در مورد همۀ معبودانی که به جای الله أ خوانده می‌شوند، اعم از زنده و مرده، غائب و حاضر، صالح و فاسد، بت و بتواره، ستاره و ماه، ساحر و کاهن و غیره. بنابراین جز الله أ هیچ‌کس و هیچ مرجعی نه نفعی تواند رساند و نه زیانی.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ يَبۡتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلۡوَسِيلَةَ أَيُّهُمۡ أَقۡرَبُ وَيَرۡجُونَ رَحۡمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحۡذُورٗا ٥٧﴾.

کسانی را که آنان برای دفع زیان می‌خوانند – اعم از پیامبران، فرشتگان، اشخاص صالح و پیروان راه – ایشان خود در طاعت پروردگار مسابقه داده و در عبادت و کسب قربش باهم رقابت می‌کنند، ایشان خود انتظار عفو و رضوانش را داشته و از کیفر و انتقامش می‌ترسند. به راستی که عذاب خدا أ در خور پرهیز است و باید از وقوع آن همیشه در خوف و هراس و در حال پرهیز قرار داشت، پس مؤمن هرگز نباید از نزول آن ایمن باشد بلکه باید به وسیلۀ طاعت از غضب الله أ به سوی رضوانش گریزان باشد.

﴿وَإِن مِّن قَرۡيَةٍ إِلَّا نَحۡنُ مُهۡلِكُوهَا قَبۡلَ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَوۡ مُعَذِّبُوهَا عَذَابٗا شَدِيدٗاۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَسۡطُورٗا ٥٨﴾.

و هیچ شهری که مردمانش به حق‌تعالی کفر ورزیده و پیامبرانش را تکذیب کرده‌اند نیست جز اینکه او به زودی قبل از روز قیامت آن‌ها را با هلاک و ویرانی عذاب خواهد کرد، یا آنان را به بلا و زیان، تنگ حالی و تفرقه و انواع نکبت‌ها و گرفتاری‌های دیگر عذاب می‌کند این فیصله‌ای است که حق‌تعالی آن را پرداخته و به طور قطع گذرانده است، وقوع آن را حتمی گردانیده و از آن فارغ شده است، و این فیصله در لوح محفوظ نوشته و ثبت شده است.

﴿وَمَا مَنَعَنَآ أَن نُّرۡسِلَ بِٱلۡأٓيَٰتِ إِلَّآ أَن كَذَّبَ بِهَا ٱلۡأَوَّلُونَۚ وَءَاتَيۡنَا ثَمُودَ ٱلنَّاقَةَ مُبۡصِرَةٗ فَظَلَمُواْ بِهَاۚ وَمَا نُرۡسِلُ بِٱلۡأٓيَٰتِ إِلَّا تَخۡوِيفٗا ٥٩﴾.

و ما را از فرستادن معجزاتی که کفار از پیامبران خواستند چیزی جز این امر بازنداشت که امت‌های پیشین این معجزات را به دروغ گرفتند و در نتیجه خداوند أ هلاکشان ساخت، و خداوند أ به ثمود – قوم صالح ÷ ماده شتر را که معجزه‌ای آشکار و واضح بود، داد اما آن را تکذیب کردند پس خداوند أ ویرانشان ساخت و حق‌تعالی پیامبران را با معجزات و نشانه‌های روشنی که بر دست ایشان آشکار شد نیز برای آن نفرستاد که بندگان را بترساند تا شاید به سوی راه رشد بازگشته و از کفر و فساد بپرهیزند.

﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِٱلنَّاسِۚ وَمَا جَعَلۡنَا ٱلرُّءۡيَا ٱلَّتِيٓ أَرَيۡنَٰكَ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلنَّاسِ وَٱلشَّجَرَةَ ٱلۡمَلۡعُونَةَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِۚ وَنُخَوِّفُهُمۡ فَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا طُغۡيَٰنٗا كَبِيرٗا ٦٠﴾.

و ای پیامبر! روزی را یاد کن که خداوند أ به سویت وحی فرستاد که: به راستی پروردگارت از هر نظر و از آن جمله در علم و قدرت بر مردم احاطه دارد و آن رؤیایی را که خداوند أ به تو در شب اسراء و معراج از عجایب مخلوقاتش در عالم بیداری نه در خواب نمایاند، جز امتحانی برای مردم نبود، تا تصدیقگران را از تکذیب پیشگان متمایز سازد، و نیز خداوند أ درخت زقوم لعنت شدۀ ذکر شده در قرآن را جز امتحانی برای مردم نگردانید و خدای یگانۀ قهار کافران را با انواع معجزات و عذاب‌های گونه‌گون بیم می‌دهد، اما با این وجود این بیم دهی جز بر طغیان بیشتر و فروروی عمیق‌تر آن‌ها در کفر چیز دیگری بر آنان نمی‌افزاید.

﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ قَالَ ءَأَسۡجُدُ لِمَنۡ خَلَقۡتَ طِينٗا ٦١﴾.

و روزی را به یادآور که خداوند أ به فرشتگان دستور داد تا از روی احترام و تقدیر، برای آدم سجده کنند پس فرمان را به جا آورده و همه سجده کردند، جز ابلیس که عصیان و تمرد ورزیده از سجده سر باز زد و مستکبرانه گفت: چگونه برای آدم سجده کنم در حالی که او آفریدۀ ضعیفی است از گِل؟

﴿قَالَ أَرَءَيۡتَكَ هَٰذَا ٱلَّذِي كَرَّمۡتَ عَلَيَّ لَئِنۡ أَخَّرۡتَنِ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَأَحۡتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلٗا ٦٢﴾.

همچنان شیطان از باب تکبر و عصیان علیه امر خدا أ به سجده در برابر آدم گفت: به من خبر ده، این آفریده از گِل که او را بر من فضیلت داده‌ای چرا؟ پس اگر تا روز قیامت بر عمرم بیفزایی، یقینا با فسادگری و گمراهسازی بر فرزندانش مسلط خواهم شد تا بدانجا که ایشان را از راه تو بازخواهم داشت، به جز کسانی که ایمان و عمل خویش را به زبور اخلاص آراسته‌اند که مرا بر ایشان راهی نیست و ایشان هم اندک‌اند.

﴿قَالَ ٱذۡهَبۡ فَمَن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمۡ جَزَآءٗ مَّوۡفُورٗا ٦٣﴾.

پس خدای سبحان در مقام تهدید ابلیس لعین و پیروانش تا روز قیامت، گفت: برو و هر آنچه می‌توانی بکن اما بدان که هر کس از فرزندان آدم از تو اطاعت کرد، قطعاً عذاب تو و عذاب آن‌ها بزرگ است و در آتش جهنم ذخیره شده، انتظار شما را می‌کشد.

﴿وَٱسۡتَفۡزِزۡ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتَ مِنۡهُم بِصَوۡتِكَ وَأَجۡلِبۡ عَلَيۡهِم بِخَيۡلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِ وَعِدۡهُمۡۚ وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ إِلَّا غُرُورًا ٦٤﴾.

و ای شیطان! از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و هر که از جن و انس که بر آن‌ها دست یافتی، بر عصیانشان برانگیز و هرقدر از پیروانت را – اعم از سواره و پیاده – که می‌توانی گرد آور و در اموال‌شان – با کسب حرام – برای خود سهمی قرار ده و در اولادشان نیز – با زنا و گناه و بدکاری و فساد – شرکت کن و به پیروان و فرمانبردارانت وعده‌های دروغین بده و آرزوهای باطل – از بهتان و شر و نیرنگ و فریب – در آنان القا کن، در واقع وعده‌هایت جز فریب چیز دیگری نیست.

﴿إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٞۚ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلٗا ٦٥﴾.

در حقیقت شیطان را بر بندگان مؤمن، صادق و با اخلاص خداوند أ که از وی اطاعت و از پیامبرش پیروی کرده‌اند، سلطه‌ای نیست و او نمی‌تواند ایشان را گمراه کند زیرا ایشان در حفظ و حمایت و تأیید و پشتیبانی وی به سر می‌برندو پس مولایشان خدا أ است که از کید و نیرنگ شیطان حفظشان می‌کند.

﴿رَّبُّكُمُ ٱلَّذِي يُزۡجِي لَكُمُ ٱلۡفُلۡكَ فِي ٱلۡبَحۡرِ لِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِكُمۡ رَحِيمٗا ٦٦﴾.

ای بندگان! این پروردگار شماست که بر شما منت گذاشته و کشتی‌ها را در دریاها برای شما به حرکت درآورده است تا بر متن آن‌ها تجارت و مسافرت کرده و به وسیلۀ آن‌ها روزی طلب کنید و این از رحمت حق‌تعالی به شماست، زیرا او همواره به بندگانش مهربان است؛ آنچه را که به سودشان است برای‌شان جلب نموده و آنچه را که به زیانشان است از ایشان برمی‌گرداند.

﴿وَإِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فِي ٱلۡبَحۡرِ ضَلَّ مَن تَدۡعُونَ إِلَّآ إِيَّاهُۖ فَلَمَّا نَجَّىٰكُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ أَعۡرَضۡتُمۡۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ كَفُورًا ٦٧﴾.

ای مردم! چون در دریا به شما سختیی برسد و در آستانۀ مرگ و غرق قرار گیرید، هر که از معبودان باطل را که به وی شریک می‌آورید فراموش کرده و فقط الله أ را به یگانگی می‌خوانید، به بارگاه وی زاری و ناله می‌کنید تا به فریاد شما برسد و نجات‌تان دهد، اما همینکه شما را از دریا سالم به خشکی بیرون آورد، از ایمان و یگانه‌پرستی‌اش روی گردانیده و مجددا به شرک و معاصی برمی‌گردید. و این مسلّما از جهل و غفلت انسان است و او همواره ناسپاس است.

﴿أَفَأَمِنتُمۡ أَن يَخۡسِفَ بِكُمۡ جَانِبَ ٱلۡبَرِّ أَوۡ يُرۡسِلَ عَلَيۡكُمۡ حَاصِبٗا ثُمَّ لَا تَجِدُواْ لَكُمۡ وَكِيلًا ٦٨﴾.

آیا نزد شما امان‌نامه‌ای از این امر وجود دارد که خداوند أ زمین را از زیر پایتان بلرزاند و شما را در زمین فروبرد؟ یا آیا از این امر ایمینید که خداوند أ بر شما طوفانی از سنگریزه‌های آسمان را بفرستد که پاره پاره‌تان گرداند؟ و سپس کسی را نمی‌یابید که عذاب را از شما دفع کرده و کیفر را از شما برگرداند.

﴿أَمۡ أَمِنتُمۡ أَن يُعِيدَكُمۡ فِيهِ تَارَةً أُخۡرَىٰ فَيُرۡسِلَ عَلَيۡكُمۡ قَاصِفٗا مِّنَ ٱلرِّيحِ فَيُغۡرِقَكُم بِمَا كَفَرۡتُمۡ ثُمَّ لَا تَجِدُواْ لَكُمۡ عَلَيۡنَا بِهِۦ تَبِيعٗا ٦٩﴾.

ای بندگان! یا مگر ایمن از آنید که خداوند أ باردوم شما را به دریا بازگردانیده و تندبادی شکننده بر شما بفرستد که کشتی‌های‌تان را درهم کوبد و از آن‌رو که به خدا کافر شدید، غرق‌تان گرداند، آنگاه بعد از هلاکتان برای خود در برابر الله أ هیچ پیجویی را نیابد که او را دنبال کند یا از وی چیزی مطالبه نماید؟ از آن جهت که خداوند أ در کیفرتان دادگر است و به شما چیزی ستم نکرده است.

﴿۞وَلَقَدۡ كَرَّمۡنَا بَنِيٓ ءَادَمَ وَحَمَلۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ وَرَزَقۡنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّمَّنۡ خَلَقۡنَا تَفۡضِيلٗا ٧٠﴾.

و به راستی خداوند أ فرزندان آدم را – با عقل، فرودآوردن کتاب‌ها، فرستادن پیامبران و علم و معرفت – برسایر آفریدگان گرامی داشت و هرچه را در کائنات است برای‌شان مسخر گردانید، مرکب‌ها را در خشکی و کشتی‌ها را در دریا رام‌شان گردانید تا ایشان را در سفرها و کار و بار زندگی‌شان از جایی به جایی انتقال دهند. و او از انواع خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها به اشکال، گونه‌ها و دسته‌های مختلف به ایشان روزی بخشید. زیرا انسان تا کفر نورزیده، اشرف مخلوقات است ولی وقتی کافر شد، در اسفل سافلین قرار دارد.

﴿يَوۡمَ نَدۡعُواْ كُلَّ أُنَاسِۢ بِإِمَٰمِهِمۡۖ فَمَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَقۡرَءُونَ كِتَٰبَهُمۡ وَلَا يُظۡلَمُونَ فَتِيلٗا ٧١﴾.

روز قیامت را به یادآور؛ هنگامی که خداوند أ پیشینیان و پسینیان را گردآورده و هر گروهی از مردم را با پیشوایشان که به وی در خیر و شر اقتدا می‌کرده‌اند فرا می‌خواند سپس کارنامۀ نیک صالحان را به دست راست‌شان می‌دهد و ایشان شاد و مسرور، آن را می‌خوانند و از مزد عملشان چیزی نمی‌کاهد – هر چند به مقدار نخکی باشد که در شکاف هستۀ خرما قرار دارد.

﴿وَمَن كَانَ فِي هَٰذِهِۦٓ أَعۡمَىٰ فَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ أَعۡمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلٗا ٧٢﴾.

و هر کس در دنیا از نگرش به برهان‌های توحید و ادلۀ قدرت الله أ کوردل بوده و در نتیجه به آنچه که محمد ج آورده است کفر ورزد، پس او در روز قیامت از دیدن راه بهشت کورتر و از راه هدایت و رشد و رستگاری، گمراه‌تر است.

﴿وَإِن كَادُواْ لَيَفۡتِنُونَكَ عَنِ ٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ لِتَفۡتَرِيَ عَلَيۡنَا غَيۡرَهُۥۖ وَإِذٗا لَّٱتَّخَذُوكَ خَلِيلٗا ٧٣﴾.

ای پیامبر! کفار کوشیدند تا تو را از قرآن نازل شده بر تو برگردانند تا بر خدای سبحان غیر آن را بر بندی و اگر خواستۀ آنان را به جا می‌کردی تو را – از آنکه به خواستۀ آن‌ها همساز گشته‌ای – دوست و یاور خاص و خالص خویش می‌گرفتند.

﴿وَلَوۡلَآ أَن ثَبَّتۡنَٰكَ لَقَدۡ كِدتَّ تَرۡكَنُ إِلَيۡهِمۡ شَيۡ‍ٔٗا قَلِيلًا ٧٤﴾.

و ای پیامبر! اگر خدا أ تو را بر حق پایدار نمی‌ساخت و تو را به حفظ و عصمتش از باطل نگه نمی‌داشت نزدیک بود که به سخن‌شان متمایل شده و به انگیزۀ رغبت در هدایت‌شان و حرص و اشتیاقت بر اجابتشان، از بعضی چیزها تنازل کنی و کوتاه بیایی.

﴿إِذٗا لَّأَذَقۡنَٰكَ ضِعۡفَ ٱلۡحَيَوٰةِ وَضِعۡفَ ٱلۡمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيۡنَا نَصِيرٗا ٧٥﴾.

ای پیامبر! اگر در آنچه کافران از تو خواستند با آن‌ها هرچند اندک موافقه‌ای می‌کردی، در آن صورت قطعاً خداوند أ تو را دو برابر عذاب زندگی دنیا و دو برابر عذاب بعد از مرگ در آخرت می‌چشانید؛ بدان جهت که او مقامت را با نبوت بالابرده و قدر و قیمتت را با تمام معرفت و کمال علم برتر گردانیده است بنابراین هر کس منعم را نافرمانی کند، به میزان آن نعمت‌هایی که داشته است، به نکبت‌ها و بلاها مبتلا خواهد شد. و ای پیامبر! بعد از آن کسی را نمی‌یافتی که تو را از عذاب الهی بازداشته و کیفرش را از تو برگرداند.

﴿وَإِن كَادُواْ لَيَسۡتَفِزُّونَكَ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ لِيُخۡرِجُوكَ مِنۡهَاۖ وَإِذٗا لَّا يَلۡبَثُونَ خِلَٰفَكَ إِلَّا قَلِيلٗا ٧٦﴾.

و ای پیامبر! کافران کوشیدند تا با آزارهای بسیار تو را از مکه برکنند و اگر چنین می‌کردند یقینا بعد از تو جز مدتی اندک نمی‌ماندند سپس خداوند أ بر آنان مجازات بنیان کن یا مرگ و فنا را فرود می‌آورد.

﴿سُنَّةَ مَن قَدۡ أَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ مِن رُّسُلِنَاۖ وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحۡوِيلًا ٧٧﴾.

این سنّت حق‌تعالی در مورد نابودسازی امت‌هایی است که پیامبران خویش را از میان خویش بیرون می‌کنند؛ و سنّت وی را هرگز تغییر و تبدیلی نیست چه این سنتی است پیوسته که همواره جاری بوده است و اختلاف زمان و مکان را در آن تأثیری نیست.

﴿أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ ٱلشَّمۡسِ إِلَىٰ غَسَقِ ٱلَّيۡلِ وَقُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِۖ إِنَّ قُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِ كَانَ مَشۡهُودٗا ٧٨﴾.

نماز را – از وقت زوال آفتاب در نیمۀ روز تا تاریکی شب – به طور تام و کامل برپادار، که این معنی، مجموعۀ نمازهای ظهر، عصر و مغرب را دربر می‌گیرد. و نماز صبح را بر پاداشته، قرائت قرآن را در آن طولانی کن زیرا فرشتگان به برکت قرآن و شرافت این زمان مخصوص، همواره در قرائت نماز صبح حاضر می‌شوند.

﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَتَهَجَّدۡ بِهِۦ نَافِلَةٗ لَّكَ عَسَىٰٓ أَن يَبۡعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامٗا مَّحۡمُودٗا ٧٩﴾.

و بعد از خواب شب برخیز و پاسی از آن را در حالی که خوانندۀ کتاب خدا أ هستی نماز بگذار، تا این کار افزونبخش حسناتت و بلند بردن درجاتت باشد، شاید – ای پیامبر – خداوند أ تو را روز قیامت شفاعتگر مردم برانگیزد و با آغاز داوری میان مردم سختی‌های عرصات محشر را بر آنان سبک گرداند، وانگه تو در مقامی قرار بگیری که اولین و آخرین تو را در آن بستایند، که این مقام، مقام شفاعت عظمی است.

﴿وَقُل رَّبِّ أَدۡخِلۡنِي مُدۡخَلَ صِدۡقٖ وَأَخۡرِجۡنِي مُخۡرَجَ صِدۡقٖ وَٱجۡعَل لِّي مِن لَّدُنكَ سُلۡطَٰنٗا نَّصِيرٗا ٨٠﴾.

و پروردگارت را بخوان و بگو: پروردگارا! مرا در آنچه به خیر و صلاح من است، به مدخلی صِدق که همانا مدخل هدایت و رشد و توفیق است داخل کن و مرا از آنچه برایم در گفتار و کردار شر است، به مخرجی درست خارج‌ساز و از جانب خود برایم حجتی پایدار ببخش که مرا بدان بر تمام مخالفانم پیروز گردانی؛ زیرا در هنگام جدال و اختلاف، دلیل استوار و درست از بزرگ‌ترین سلاح‌ها علیه دشمنان به شمار می‌رود.

﴿وَقُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَزَهَقَ ٱلۡبَٰطِلُۚ إِنَّ ٱلۡبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقٗا ٨١﴾.

و ای پیامبر! به کافران بگو: اسلام آمد و پرستش بتان از میان رفت، باطل قلابی و دروغین و برساخته‌های بی‌بنیاد شما نابود شد و حق بر آن پیروز گشت، زیرا حق همواره پایدار، غالب و پیروز است.

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارٗا ٨٢﴾.

و نازل می‌کند خدای رحمان رحیم از آیات قرآن کریم آنچه را که قلب هر بیماری را از بیماری‌های شبهاتی چون کفر و شک و نفاق و از امراض شهوات و علاقه به زنا و انواع فحشا پاکیزه می‌سازد و آنچه را که اجسام را از امراض و آلام – با خواندن و دمیدن این کلام – شفا می‌بخشد و همچنان آنچه را که سبب حصول رحمت خدای منان است، مانند ایمان و حکمت و فهم متعهدانه در دین. ولی این قرآن بر کافران در هنگامی که تلاوت آن را می‌شنوند جز کفر و گمراهی نمی‌افزاید، از آنکه در تکذیب و انکار بسیار پیشرو اند، بنابراین قرآن برای مؤمنان، ایمان و برای کافران، سرکشی و طغیان می‌افزاید.

﴿وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَ‍َٔا بِجَانِبِهِۦ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ كَانَ يَ‍ُٔوسٗا ٨٣﴾.

و چون خداوند أ بر انسان تگذیبگر آیات و ناسپاس نعمت‌هایش، نعمت ارزانی دارد او از فرمانش سرپیچیده و مرتکب نافرمانی‌هایش می‌شود اما وقتی بلایی مانند فقر، یا بیماری دامنگیرش شود از رحمت خدا أ در نیل به توانگری و سلامت مأیوس می‌شود بناءً او به فضل الله أ اعتماد نداشته و وعده‌اش در فراهم‌آوری آسانی پس از سختی و گشایش پس از شدّت را باور نمی‌دارد.

﴿قُلۡ كُلّٞ يَعۡمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِۦ فَرَبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَنۡ هُوَ أَهۡدَىٰ سَبِيلٗا ٨٤﴾.

ای پیامبر! به مردم بگو: هر کس از شما بر حسب آنچه که مناسب حال وی است و بر حسب آن اعمالی که برایش مقدر شده است، عمل می‌کند بناءً خداوند أ عمل هر عمل کننده‌ای را می‌داند و به زودی هر کس را در قبال عملش جزا خواهد داد، پس اگر عملش خیر باشد جزای خیر و اگر شر باشد، جزای شر به وی خواهد چشایند، این آیه در برگیرندۀ تهدید و هشداری برای نافرمانان است.

﴿وَيَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلرُّوحِۖ قُلِ ٱلرُّوحُ مِنۡ أَمۡرِ رَبِّي وَمَآ أُوتِيتُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ إِلَّا قَلِيلٗا ٨٥﴾.

ای پیامبر! و کافران از روی عناد و لجاجت و از سر تعجیز و درهم شکستنت از تو در مورد حقیقت روح می‌پرسند، در پاسخشان بگو: به راستی اسرار و حقیقت روح از سنخ آن اموری است که خداوند أ دانشش را به خویشتن اختصاص داده است بناءً جز خدا أ دیگر هیچ‌کس از این امر آگاه نیست و در کل به بشر نسبت به علم خدای متعال جز اندکی از دانش داده نشده است و همین اندک دانش است که باز در آن درجات و مراتب متفاوتی دارند.

﴿وَلَئِن شِئۡنَا لَنَذۡهَبَنَّ بِٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِۦ عَلَيۡنَا وَكِيلًا ٨٦﴾.

ای پیامبر! و اگر خدا أ بخواهد تا قرآن را از قلبت محو کند این کار را می‌کند، زیرا او برهر چیزی تواناست، آنگاه کسی را نمی‌یابی که یاری‌ات داده و از این محوسازی و فراموشی تو را بازدارد، یا بعد از آنکه قرآن را فراموش کردی، آن را مجددا به حافظه‌ات برگرداند.

﴿إِلَّا رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۚ إِنَّ فَضۡلَهُۥ كَانَ عَلَيۡكَ كَبِيرٗا ٨٧﴾.

لیکن ای پیامبر! خدای متعال برتو رحم کرده و کتابش را در سینه‌ات محفوظ قرار داده است، بیگمان فضل او بر تو همراه بزرگ بوده است، زیرا تو را به نبوت برگزیده، با قرآن کریم گرامی‌ات داشته، به مقام محمود مشرفت گردانیده، حوض کوثر را به تو بخشیده و غیر این‌ها از مراتب عالی و منازل برتر را به تو موهبت نموده است.

﴿قُل لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا ٨٨﴾.

بگو: اگر تمام انس و جن گردآیند و بکوشند تا با این قرآن معارضه نموده و نظیر آن در بلاغت و فصاحت را بیاورند، این کار را نمی‌توانند کرد، و هرچند برخی از آن‌ها پشتیبان برخی دیگر بوده و بر این هماوردخواهی همدست باشند قطعاً شکست‌خورده بازخواهند گشت.

﴿وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖ فَأَبَىٰٓ أَكۡثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورٗا ٨٩﴾.

و به راستی خدای سبحان در کتابش از هرگونه مَثَل و از انواع اندرزها و حکمت‌های عبرت‌آموز آورده است تا مردم از آن‌ها بهره گرفته و به هدایت قرآن راه یابند اما بیشتر مردم جز تکذیب حق، انکار راستی و پای فشردن بر باطل، گزینه‌ای دیگر را پذیرا نبودند.

﴿وَقَالُواْ لَن نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفۡجُرَ لَنَا مِنَ ٱلۡأَرۡضِ يَنۢبُوعًا ٩٠﴾.

و چون قرآن کفار را مسکوت ساخت و با بیان و بلاعتش بر آن‌ها غلبه نمود رفتند تا از سر بهانه‌جویی معجزات دیگری را درخواست کنند از این رو گفتند: ای پیامبر! تو را باور نمی‌داریم و از پیامت پیروی نمی‌کنیم تا از ریگزار مکه برای ما چشمۀ جاری بیرون نیاوری که از آن بنوشیم!!

﴿أَوۡ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٞ مِّن نَّخِيلٖ وَعِنَبٖ فَتُفَجِّرَ ٱلۡأَنۡهَٰرَ خِلَٰلَهَا تَفۡجِيرًا ٩١﴾.

یا به ما باغی از خودت را نشان بدهی که در آن انواعی از درختان با میوه‌های مختلف وجود داشته و از میانۀ آن جویبارهای لبریز از آب روان سازی.

﴿أَوۡ تُسۡقِطَ ٱلسَّمَآءَ كَمَا زَعَمۡتَ عَلَيۡنَا كِسَفًا أَوۡ تَأۡتِيَ بِٱللَّهِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ قَبِيلًا ٩٢﴾.

یا چنان‌که می‌پنداری آسمان را پاره پاره بر سر ما فرواندازی، یا خدا و فرشتگانش را حاضر سازی به طوری که ما ایشان را آشکارا با چشم‌های خود پیش روی خویش ببینیم.

﴿أَوۡ يَكُونَ لَكَ بَيۡتٞ مِّن زُخۡرُفٍ أَوۡ تَرۡقَىٰ فِي ٱلسَّمَآءِ وَلَن نُّؤۡمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيۡنَا كِتَٰبٗا نَّقۡرَؤُهُۥۗ قُلۡ سُبۡحَانَ رَبِّي هَلۡ كُنتُ إِلَّا بَشَرٗا رَّسُولٗا ٩٣﴾.

یا – ای پیامبر – تو مالک خانه‌ای از طلا باشی، یا در نردبانی به آسمان بالا روی، و در بالا رفتنت نیز تو را تصدیق نخواهیم کرد تا به سوی ما همراه کتاب گشوده‌ای از سوی الله أ باز نگردی که در آن چنین نوشته شده باشد، تو محمد رسول خدا هستی! پس تعجب کنان از این انکار و عناد و استکبارشان به آنان بگو: پاک است پروردگار من، من جز بنده‌ای از بندگان خدا أ نیستم که مرا به ابلاغ رسالتی از جانب خود مأمور ساخته است، لذا من توان آوردن معجزات را ندارم، وظیفۀ من چیزی جز بیان تبلیغ و نیست.

﴿وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤۡمِنُوٓاْ إِذۡ جَآءَهُمُ ٱلۡهُدَىٰٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَبَعَثَ ٱللَّهُ بَشَرٗا رَّسُولٗا ٩٤﴾.

و آنچه کفار را – پس از فرودآمدن قرآن و بیان روشن پروردگار رحمان برای‌شان – از ایمان به یگانۀ قهار و پیروی از پیامبر مختار ج بازداشته است این سخن‌شان از سر کبر و عناد است که: چگونه خداوند أ پیامبری را از جنس بشر برمی‌انگیزد و پیامبر را فرشته‌ای از فرشتگان نمی‌گرداند؟!

﴿قُل لَّوۡ كَانَ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَلَٰٓئِكَةٞ يَمۡشُونَ مُطۡمَئِنِّينَ لَنَزَّلۡنَا عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَلَكٗا رَّسُولٗا ٩٥﴾.

ای پیامبر! به آنان بگو: اگر مردم زمین فرشتگانی می‌بودند که با اطمینان بر روی آن راه می‌رفتند یقینا خداوند أ فرشتگانی از جنس ایشان را به سویشان به پیامبری می‌فرستاد که به احوال‌شان داناتر باشد، و چون مردم زمین از نوع بشر هستند پس مناسب حال ایشان نیز این است که حق‌تعالی بشری مانندشان و از جنسشان را به سویشان بفرستد تا بتوانند با وی گفتگو نموده، سخنش را بفهمند، به رفتارش اقتدا نمایند و او را الگوی خویش قرار دهند.

﴿قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا ٩٦﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: خداوند أ به عنوان گواه راستگویی‌ام و درستی پیام رسالتم بسنده است چراکه او همواره به احوال بندگانش آگاه و به اعمال‌شان بیناست و به زودی ایشان را بر افعالشان جزا خواهد داد، اگر اعمال‌شان خیر بود جزای خیر و اگر شر بود جزای شر به آنان خواهد رساند.

﴿وَمَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِۖ وَمَن يُضۡلِلۡ فَلَن تَجِدَ لَهُمۡ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِهِۦۖ وَنَحۡشُرُهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ عُمۡيٗا وَبُكۡمٗا وَصُمّٗاۖ مَّأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ كُلَّمَا خَبَتۡ زِدۡنَٰهُمۡ سَعِيرٗا ٩٧﴾.

و هر کس که خدای ﻷ وی را به طاعتش و پیروی از پیامبرش هدایت کند، همو به حق و راستی راهیافته است و هر که بروی گمراهی را نوشته است، دیگر به سوی هدایت توفیقش نداده، خوارش می‌سازد و او را به خودش وا می‌گذارد و بعد از خدا أ هرگز هیچ‌کس وی را هدایتگر نیست. و خداوند أ این گروه گمراه را در روزی که هیچ شکی در آمدنش نیست گرد آورده و آن‌ها را بر چهره‌های‌شان در حالی به محشر می‌آورد که نه می‌بینند، نه سخن می‌گویند و نه می‌شنوند، سرای ماندگارشان آتش جهنم است، در آن به طور ابد می‌مانند، هرگاه که آتش آن فرونشیند و شعله‌های آن آرام گیرد، خداوند أ آتشی پرفروز و پرشرار را بر آنان می‌افزاید.

﴿ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُم بِأَنَّهُمۡ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَقَالُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ خَلۡقٗا جَدِيدًا ٩٨﴾.

ای عذاب سخت برای کفار – دشمنان خدا أ به سبب تکذیبشان به رسالت، بیرون شدنشان از دایرۀ طاعت الله أ و این سخنشان است که در هنگام مخاطب قرار گرفتن به موضوع رستاخیز و حشر از سر استکبار و عناد گفتند: چگونه پس از آنکه استخوان‌هایی پوسیده و اجزایی پاشان و پراکنده شدیم و بدن‌های ما را کرم و خاک خورد باز به آفرینشی نو بازسازی شده و بار دیگر به خلعت حیات برمی‌گردیم؟!

﴿۞أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يَخۡلُقَ مِثۡلَهُمۡ وَجَعَلَ لَهُمۡ أَجَلٗا لَّا رَيۡبَ فِيهِ فَأَبَى ٱلظَّٰلِمُونَ إِلَّا كُفُورٗا ٩٩﴾.

چگونه این گروه کفار از تفکر پیرامون قدرت حق‌تعالی روی برتافته و در این امر نیندیشیدند که خدای آفرینندۀ آسمان‌ها و زمین و مخلوقات شگفت‌آسای مابین آن‌ها که این پدیده‌ها را بدون هیچ نمونۀ پیشینی آفرید، همو بر آفرینش امثالشان بعد از فنایشان نیز توانا می‌باشد؟ و به راستی خدای متعال برای مرگ و عذاب این گروه کفار وقت معین و زمان معلومی را مقرر نموده که خواه ناخواه واقع می‌شود، اما با وجود نمایان بودن برهان‌ها و روشنی ادله، کفار جز انکار و استبکار چیز دیگری را نپذیرفتند.

﴿قُل لَّوۡ أَنتُمۡ تَمۡلِكُونَ خَزَآئِنَ رَحۡمَةِ رَبِّيٓ إِذٗا لَّأَمۡسَكۡتُمۡ خَشۡيَةَ ٱلۡإِنفَاقِۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ قَتُورٗا ١٠٠﴾.

ای پیامبر! به این گروه کفار بگو: اگر گنجینه‌های رحمت و عطای پروردگار که آن را هیچ نهایت و پایانی نیست هم به دست شما بود و شما اختیار هرگونه تصرف در آن‌ها را می‌داشتید، بازهم به طور قطع از بیم آنکه فقیر شوید و همچنان از سر حرص و آز، بدان بخل ورزیده و از دیگران بازمی‌داشتید، آری! بخل و حرص و امساک اساسا از طبیعت انسان است مگر کسانی که خدای ﻷ به وسیلۀ ایمان ایشان را توفیق عطا نموده و سخاوت ارزانی دارد.

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَىٰ تِسۡعَ ءَايَٰتِۢ بَيِّنَٰتٖۖ فَسۡ‍َٔلۡ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِذۡ جَآءَهُمۡ فَقَالَ لَهُۥ فِرۡعَوۡنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَٰمُوسَىٰ مَسۡحُورٗا ١٠١﴾.

در حقیقت خداوند أ به موسی ÷ نه معجزۀ آشکار و روشن که گواه راستی رسالت و صحت دعوتش بود عنایت کرد، این نه معجزه عبارت بودند از: عصا، یدبیضا، فرود آوردن قحطی، کاستن از محصولات و میوه‌ها، طوفان، نزول ملخ، نزول شپش، نزول قورباغه و نزول خون. پس ای پیامبر! از موضع تأیید، در مورد این معجزات موسی ÷ از یهودیان بپرس، وانگه فرعون به موسی ÷ گفت: ای موسی! من جدّا تو را افسون شده می‌پندارم، تو با جادو نیرنگ‌زده شده‌ای و عقلت تحت تأثیر کارهای ساحران مغلوب شده است بناءً تو نه پیامبر، بلکه جادوگر هستی.

﴿قَالَ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَآ أَنزَلَ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ بَصَآئِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَٰفِرۡعَوۡنُ مَثۡبُورٗا ١٠٢﴾.

موسی ÷ سخن فرعون را با این بیانش رد کرد: تو قطعا می‌دانی که فقط خدای یکتا این معجزات را که راهنمای آشکار راستی و درستی نبوتم هست نازل کرده است تا برای کسانی که صاحب بینش و بصیرتی هستند برهانی آشکار بر وحدانیت، ربوبیت و الوهیت وی باشد و ای فرعون! من متیقن هستم که تو شکست خورده، نابودشده، نفرین شده، خوار و زبون و طرد شده هستی.

﴿فَأَرَادَ أَن يَسۡتَفِزَّهُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ فَأَغۡرَقۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ جَمِيعٗا ١٠٣﴾.

فرعون همراه با قومش بر ترساندن موسی و همراهانش و اخراجش از مصر مصمم گشت، اما خدای ﻷ او و لشکریانش را در دریا غرق کرد و موسی ÷ و همراهانش را نجات داد، بدین‌گونه بود که حق پیروز و باطل سرنگون گردید.

﴿وَقُلۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ لِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱسۡكُنُواْ ٱلۡأَرۡضَ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ ٱلۡأٓخِرَةِ جِئۡنَا بِكُمۡ لَفِيفٗا ١٠٤﴾.

بعد از هلاک فرعون و لشکرش خدای سبحان به بنی اسرائیل وحی کرد که: به سرزمین شام ساکن شوید و از پاکیزگی‌ها همراه با عمل به شایستگی‌ها، بخورید پس چون میعاد قیامت فرا رسد، خداوند أ شما را از قبرهایتان برای رستاخیز و حشر گرد می‌آورد تا هر شخص را بر وفق کارنامه‌اش جزایی تمام دهد.

﴿وَبِٱلۡحَقِّ أَنزَلۡنَٰهُ وَبِٱلۡحَقِّ نَزَلَۗ وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا مُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ١٠٥﴾.

خداوند أ این کتاب را بر پیامبرش به حق فرود آورده است تا مردم را بدان راه نموده و آنچه را که به حال‌شان سودمند است به ایشان بیاموزد و از راه‌های شیطان و وسایل و ابزارهای گمراهی و زیان برحذرشان گرداند. بیگمان قرآن به راستی، عدالت و حفظ الله أ از تغییر و تبدیل، نازل شده است و او پیامبرش را جز بشارت‌دهنده به بهشت برای مطیعان و بیم‌رسان از آتش برای نافرمانان، نفرستاده است.

﴿وَقُرۡءَانٗا فَرَقۡنَٰهُ لِتَقۡرَأَهُۥ عَلَى ٱلنَّاسِ عَلَىٰ مُكۡثٖ وَنَزَّلۡنَٰهُ تَنزِيلٗا ١٠٦﴾.

و خداوند أ این کتابش را بر پیامبرش ج به طور روشن، مفصل، استوار، جداسازندۀ میان حق و باطل و هدایت و گمراهی نازل کرده است تا آن را به آرامی و آهستگی بدون شتاب بر امّتش بخواند و البته این قرآن به تبع رویدادها و وقایع و مناسب با احوال مردم، بخش بخش و به تدریج نازل شده است.

﴿قُلۡ ءَامِنُواْ بِهِۦٓ أَوۡ لَا تُؤۡمِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ مِن قَبۡلِهِۦٓ إِذَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ يَخِرُّونَۤ لِلۡأَذۡقَانِۤ سُجَّدٗاۤ ١٠٧﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: چه به کتاب خدا أ ایمان بیاورید و چه نیاورید بیگمان ایمان شما بر فضل و کمال و اتمام قرآن نمی‌افزاید، زیرا قرآن تمام و کامل گردانیده شده است و بدانید که تکذیب شما به قرآن، هرگز نقص، عیب و نارساییی را بدان نمی‌پیونداند چرا که قرآن از این امور پاک و منزه است، قطعاً علمای ربانی که کتاب‌های آسمانی پیشین مانند تورات و انجیل را شناخته‌اند وقتی قرآن بر ایشان خوانده شود، از آن تأثیر پذیرفته، با خوف و خشیت سجده‌کنان به چهره درمی‌افتند تا تعظیم و تقدیس خویش را به پیشگاه حق‌تعالی به نمایش گذاشته باشند.

﴿وَيَقُولُونَ سُبۡحَٰنَ رَبِّنَآ إِن كَانَ وَعۡدُ رَبِّنَا لَمَفۡعُولٗا ١٠٨﴾.

آن دانشمندان ربانی در هنگام شنیدن کتاب خدا أ می‌گویند: خدای سبحان را از آنچه دشمنانش وی را بدان وصف کرده‌اند، تقدیس و تنزیه می‌کنیم بیگمان وعده‌اش به پاداش دهی مطیعان و کیفر رسانی نافرمانان انجام شدنی است.

﴿وَيَخِرُّونَ لِلۡأَذۡقَانِ يَبۡكُونَ وَيَزِيدُهُمۡ خُشُوعٗا۩ ١٠٩﴾.

آن گروه علمای ربانی هنگام شنیدن قرآن سجده‌کنان بر روی درمی‌افتند، از شدّت تأثیرپذیری به استماع آیات الله أ می‌گریند و شنیدن قرآن بر فروتنی، خشوع و نرمدلی آن‌ها برای پروردگارشان می‌افزاید.

﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱللَّهَ أَوِ ٱدۡعُواْ ٱلرَّحۡمَٰنَۖ أَيّٗا مَّا تَدۡعُواْ فَلَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَلَا تَجۡهَرۡ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتۡ بِهَا وَٱبۡتَغِ بَيۡنَ ذَٰلِكَ سَبِيلٗا ١١٠﴾.

ای پیامبر! به کافرانی که نحوۀ خواندن پروردگارت را از سویت نادرست شمردند بگو: یا الله! یا رحمن! الله را بخوانید یا رحمان را، هرکدام را بخوانید فرقی نمی‌کند زیرا او پروردگار یگانه‌ای است که نام‌های نیکوی بسیاری دارد و بدان‌ها خوانده می‌شود. و تلاوت را در نماز بسیار بلند مخوان که در آن صورت کفار صدایت را می‌شنوند، و آن را بسیار آهسته هم مخوان که در آن صورت نمازگزاران همراهت قرائتت را نمی‌شنوند بلکه در قرائت میان این و آن راهی میانه بجوی.

﴿وَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ وَلِيّٞ مِّنَ ٱلذُّلِّۖ وَكَبِّرۡهُ تَكۡبِيرَۢا ١١١﴾.

و ای پیامبر! بگو: ستایش خدای راست، زیرا کمال مطلق، ثنای نیکو و تمام محامد و ستایش‌ها از آن اوست، نه برایش فرزندی است و نه در ربوبیت و الوهیتش شریکی دارد زیرا نه او کسی را زاده، نه زاده شده است و نه هم از خلقش دوست و یاوری دارد که زیانی را از وی دفع و نصرتی را برایش جلب نماید. پس او نیرومند شکست ناپذیر و توانگر بی‌نیاز است در حالی که خلق در پیشگاهش ذلیل، در برابر ربوبیت و جهانداری‌اش فروتن و در آستان فضلش فقیر و محتاج اند. و پروردگارت را – با انواع ثنا بر وی – بسی بزرگ ‌دار و او را با ستایش‌های گونه‌گون تقدیس کن و عبودیت را برایش خالص گردان.

سورۀ کهف

مکی است؛ ترتیب آن 18؛ شمار آیات آن 110

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَىٰ عَبۡدِهِ ٱلۡكِتَٰبَ وَلَمۡ يَجۡعَل لَّهُۥ عِوَجَاۜ ١﴾.

ستایش نیکو، حمد بی‌حد و سپاس تمام در اول و آخر تنها خدای راست که بنده و پیامبرش محمد ج را با فرودآوردن قرآن بر وی گرامی داشت و در آن هیچ‌گونه کژیی از حق و هیچ انحرافی از عدل و راستی ننهاد.

﴿قَيِّمٗا لِّيُنذِرَ بَأۡسٗا شَدِيدٗا مِّن لَّدُنۡهُ وَيُبَشِّرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ أَجۡرًا حَسَنٗا ٢﴾.

خداوند أ این قرآن را کتابی راست و درست قرار داد که در آن هیچ‌گونه تعارض و تناقضی نیست بلکه استوار و محکم، تام و تمام و کامل و بی‌نقص است تا کفار را از عذاب نار و از کیفر یگانۀ قهار بیم داده و مؤمنان شایسته‌کار را به پاداشی نیکو و اجری بی‌بدیل در بهشت‌های پرناز و نعمت نوید بخشد.

﴿مَّٰكِثِينَ فِيهِ أَبَدٗا ٣﴾.

تا مؤمنان در بهشت، در سرای خجسته و نعمت‌های شکفته و فراگیر، جاودان و ابدی، همیشۀ همیشه ماندگار و برقرار شوند.

﴿وَيُنذِرَ ٱلَّذِينَ قَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدٗا ٤﴾.

همچنان قرآن کافران را از خشم و عذب الله أ بیم و هشدار می‌دهد، همانان که گفتند: خدا را فرزندی است. برتر و متعالی، مقدس و منزه است حق‌تعالی از این بهتان.

﴿مَّا لَهُم بِهِۦ مِنۡ عِلۡمٖ وَلَا لِأٓبَآئِهِمۡۚ كَبُرَتۡ كَلِمَةٗ تَخۡرُجُ مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡۚ إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبٗا ٥﴾.

نزد این گروه کفار در مورد نسبت ناروایی که به خدای قهار داده‌اند هیچ دانشی نیست، او از این پندار منزه و مقدس است، همان طوری که نزد اسلافشان هم که مورد پیروی اینان قرار گرفته‌اند در این مورد علم و دانشی نبوده است، بزرگ دروغی است که از دهانشان برآمده و درشت و ناباب سخنی است که برساخته‌اند، آن‌ها جز دروغ و افترا و بهتان نگفته‌اند.

﴿فَلَعَلَّكَ بَٰخِعٞ نَّفۡسَكَ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمۡ إِن لَّمۡ يُؤۡمِنُواْ بِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ أَسَفًا ٦﴾.

ای پیامبر! شاید تو به علت روی‌گردانی قومت و تکذیب‌شان به این قرآن، جان خویش را از غصه و افسوس و حزن و اندوه هلاک سازی.

﴿إِنَّا جَعَلۡنَا مَا عَلَى ٱلۡأَرۡضِ زِينَةٗ لَّهَا لِنَبۡلُوَهُمۡ أَيُّهُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗا ٧﴾.

در حقیقت خداوند أ آنچه را بر روی زمین از مخلوقات مختلف – مانند کوه‌ها، وادی‌ها، درختان، رودها و مانند آن‌ها وجود دارد زیوری برای زمین و منفعتی برای ساکنان آن قرار داده است تا شکر و سپاس آنان بر این نعمت‌ها بیازماید که کدام یک از آن‌ها برایش فرمان پذیرتر و شایسته کارتر اند. البته معیار این شایستگی و برازندگی، اخلاص در عمل برای الله أ و متابعت از پیامبر ج اوست.

﴿وَإِنَّا لَجَٰعِلُونَ مَا عَلَيۡهَا صَعِيدٗا جُرُزًا ٨﴾.

و یقینا خداوند أ آنچه را که بر روی زمین است بعد از به پایان رسیدن جهان، به خاکی بی‌گیاه تبدیل خواهد کرد که نه در آن سبزه‌ای است، نه زیوری و نه آرایشی.

﴿أَمۡ حَسِبۡتَ أَنَّ أَصۡحَٰبَ ٱلۡكَهۡفِ وَٱلرَّقِيمِ كَانُواْ مِنۡ ءَايَٰتِنَا عَجَبًا ٩﴾.

ای پیامبر! گمان مبر که داستان اصحاب کهف و لوحه‌ای که نام‌های آن جوانان خفته در غار در آن نوشته است، در پیشگاه قدرت حق‌تعالی عجیب و غریب است زیرا قدرت الله أ از این بزرگتر است و هیچ چیز در پیشگاهش بزرگواره نیست.

﴿إِذۡ أَوَى ٱلۡفِتۡيَةُ إِلَى ٱلۡكَهۡفِ فَقَالُواْ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا ١٠﴾.

روزی را یاد کن که جوانان مؤمن گریزان از آزار قوم خود، به سوی غار پناه جستند تا ایشان را از راه ایمان به سوی پرستش بتان و شیطان برنگردانند، پس به بارگاه پروردگار خویش دعا کرده و گفتند: پروردگارا! به ما از جانب خود رحمتی بخش که بر ایمان پایدارمان گرداند و از شر انس و جن حفظ‌مان کند. و ما را در همه امور به راه استقامت و پایداری توفیق بخش، تا به طاعتت عمل کرده و از معصیت بپرهیزیم و در نتیجه رشد یاب و راهیافته شویم، نه گمراه و سرخورده.

﴿فَضَرَبۡنَا عَلَىٰٓ ءَاذَانِهِمۡ فِي ٱلۡكَهۡفِ سِنِينَ عَدَدٗا ١١﴾.

پس خداوند أ بر آن جوانان خوابی سنگین فروافکند و ایشان سالیانی بسیار به هیأت خواب در غار باقی ماندند.

﴿ثُمَّ بَعَثۡنَٰهُمۡ لِنَعۡلَمَ أَيُّ ٱلۡحِزۡبَيۡنِ أَحۡصَىٰ لِمَا لَبِثُوٓاْ أَمَدٗا ١٢﴾.

سپس خداوند أ آن جوانان را از خواب بیدار کرد تا علم خود را در این مورد نمایان گرداند که کدام یک از آن دودسته که در مدّت درنگ خویش در غار اختلاف نظرداشتند، این مدّت را بهتر حساب کرده‌اند؟ آیا در غار یک روز یا بخشی از یک روز باقی مانده‌اند یا مدتی طولانی‌تر؟

﴿نَّحۡنُ نَقُصُّ عَلَيۡكَ نَبَأَهُم بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّهُمۡ فِتۡيَةٌ ءَامَنُواْ بِرَبِّهِمۡ وَزِدۡنَٰهُمۡ هُدٗى ١٣﴾.

ای پیامبر! خدا أ تو را از داستان اصحاب غار به راستی و یقین خبر می‌دهد، آنان جوانانی بودند که پروردگار خویش را به یگانگی خوانده و از وی اطاعت نمودند پس او نیز بر هدایت و پایداری‌شان بر حق، افزود.

﴿وَرَبَطۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ إِذۡ قَامُواْ فَقَالُواْ رَبُّنَا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ لَن نَّدۡعُوَاْ مِن دُونِهِۦٓ إِلَٰهٗاۖ لَّقَدۡ قُلۡنَآ إِذٗا شَطَطًا ١٤﴾.

خداوند أ دل‌های آن جوانان را به ایمان نیرومند و آن‌ها را در تصمیم‌شان استوار گردانید، آنگاه که در برابر پادشاه ستمگر برخاستند و در حالی که او بر ترک بت‌پرستی و عبادت پروردگار رحمان سرزنش‌شان می‌کرد پندار وی را با این سخن رد کردند: الله أ پروردگار ما است، کسی که ما به یگانگی‌اش می‌خوانیم تنها او آفرینندۀ آسمان‌ها و زمین است، هرگز جز او را پرستش نکرده و به هیچ صورت غیر وی را به یگانگی نمی‌خوانیم، اگر سخنی جز این بگوییم یقیناً در آنچه گفته‌ایم دروغ پرداخته، از راه صواب سربرتافته و از حق به بیراهه رفته‌ایم.

﴿هَٰٓؤُلَآءِ قَوۡمُنَا ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗۖ لَّوۡلَا يَأۡتُونَ عَلَيۡهِم بِسُلۡطَٰنِۢ بَيِّنٖۖ فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا ١٥﴾.

بعضی از جوانان مؤمن به بعضی دیگر گفتند: این قوم ما غیر الله أ را به پرستش گرفته و دیگران را با وی در عبادت شریک گردانیده‌اند پس چرا بر این عمل ننگین خود دلیل روشنی نمی‌آورند؟ یقیناً نه برهانی نزدشان وجود دارد و نه حجتی، پس مسلما آن‌ها دروغگو و افترا پیشه‌اند و از کسی که با شرک‌آوری به پروردگارش و نفی توحید وی، بر وی دروغ بسته و از دایرۀ طاعتش خارج شود، کسی ستمکارتر نیست.

﴿وَإِذِ ٱعۡتَزَلۡتُمُوهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ فَأۡوُۥٓاْ إِلَى ٱلۡكَهۡفِ يَنشُرۡ لَكُمۡ رَبُّكُم مِّن رَّحۡمَتِهِۦ وَيُهَيِّئۡ لَكُم مِّنۡ أَمۡرِكُم مِّرۡفَقٗا ١٦﴾.

و چون از لحاظ فکری و روحی از قوم خود و از آنچه که جز خدا أ می‌پرستند کناره گرفتید پس بیایید تا بدن‌های خود نیز از آن‌ها کناره جسته و به منظور حفظ دین خویش و گریز از فتنه‌ها به غار پناه جویید. در این صورت خداوند أ بر شما از رحمت خود آنچه را که وسیلۀ حصول خیر دنیا و آخرت باشد می‌گستراند و هر سختیی را بر شما آسان می‌سازد و آنچه از اسباب زندگی نیز که بدان نیاز دارید برای‌تان فراهم می‌گرداند.

﴿۞وَتَرَى ٱلشَّمۡسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَٰوَرُ عَن كَهۡفِهِمۡ ذَاتَ ٱلۡيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَت تَّقۡرِضُهُمۡ ذَاتَ ٱلشِّمَالِ وَهُمۡ فِي فَجۡوَةٖ مِّنۡهُۚ ذَٰلِكَ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِۗ مَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِۖ وَمَن يُضۡلِلۡ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ وَلِيّٗا مُّرۡشِدٗا ١٧﴾.

پس چون فرمان خدا أ را اجرا کردند، او برای‌شان خوابی طولانی افکند و به خواب رفتند و اگر آن‌ها را می‌دیدی مشاهده می‌کردی که وقتی آفتاب از جهت مشرق برمی‌آید از غارشان به سمت راست متمایل است و چون غروب می‌کند و از ایشان به سمت چپ دامن برمی‌چیند در حالی که ایشان در جایی فراخ از غار قرار گرفته‌اند و نتیجه از گرمای خورشید متأذی نمی‌شوند و جریان هوا نیز از ایشان قطع نمی‌شود، این چیزی که خدای متعال برای این گروه جوان رام ساخته است خود دلیل قدرت کاملۀ وی می‌باشد، در حقیقت خدا أ هر که را به سوی حق راه نماید به راستی که او راه‌یافته است و هر که بر وی گمراهی را نوشته است پس هرگز برایش یاوری نخواهی یافت که وی را به راه هدایت دلالت کند؛ زیرا توفیق و خوارسازی تنها به دست الله أ است.

﴿وَتَحۡسَبُهُمۡ أَيۡقَاظٗا وَهُمۡ رُقُودٞۚ وَنُقَلِّبُهُمۡ ذَاتَ ٱلۡيَمِينِ وَذَاتَ ٱلشِّمَالِۖ وَكَلۡبُهُم بَٰسِطٞ ذِرَاعَيۡهِ بِٱلۡوَصِيدِۚ لَوِ ٱطَّلَعۡتَ عَلَيۡهِمۡ لَوَلَّيۡتَ مِنۡهُمۡ فِرَارٗا وَلَمُلِئۡتَ مِنۡهُمۡ رُعۡبٗا ١٨﴾.

ای کسی که خفتگان در غار را می‌بینی! تو می‌پنداری که آن‌ها بیدار اند و خواب نیستند حال آنکه خفته‌اند. و خدای سبحان خود عهده‌دار نگهداری و حفظ و مراقبت از آن‌هاست از این جهت آن‌ها را در حال خوابشان به پهلو می‌گرداند، گاهی به پهلوی راست و گاهی به پهلوی چپ تا زمین اجسام‌شان را نخورد. و سگ‌شان را که همراهشان بود در بیرون غار می‌بینی که دو دست خود را در دراز کرده است. اگر حقیتا آن‌ها را می‌دیدی، گریزان از ترس، از آن‌ها روی برمی‌تافتی و از هول مشاهدۀ آن‌ها، درونت آکنده از وحشت و بیم می‌شد.

﴿وَكَذَٰلِكَ بَعَثۡنَٰهُمۡ لِيَتَسَآءَلُواْ بَيۡنَهُمۡۚ قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ كَمۡ لَبِثۡتُمۡۖ قَالُواْ لَبِثۡنَا يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖۚ قَالُواْ رَبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَا لَبِثۡتُمۡ فَٱبۡعَثُوٓاْ أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمۡ هَٰذِهِۦٓ إِلَى ٱلۡمَدِينَةِ فَلۡيَنظُرۡ أَيُّهَآ أَزۡكَىٰ طَعَامٗا فَلۡيَأۡتِكُم بِرِزۡقٖ مِّنۡهُ وَلۡيَتَلَطَّفۡ وَلَا يُشۡعِرَنَّ بِكُمۡ أَحَدًا ١٩﴾.

و آنگونه که خداوند أ ایشان را به خواب فرو برد و آن همه مدّت طولانی حفظ‌شان کرد همچنین بر همان حالت بیدارشان ساخت و هیچ چیز آنان تغییر نکرده‌بود، تا بعضی از بعضی دیگر بپرسند که: چه مقدار از زمان را آنچا در خواب گذرانده‌اند؟ بعضی از آن‌ها در پاسخ گفتند: آگاهی از این موضوع را تنها به خدای ﻷ برگردانید زیرا او دربارۀ زمانی که در اینجا مانده‌ایم داناتر است، پس اکنون یکی از میان خویش را با این درهم‌های نقرۀ خویش به شهرمان بفرستیم تا خوراک پاکیزۀ حلالی را جستجو نموده و غذایی از آن را برای ما خریداری نماید و باید او با فروشنده به لطف و نرمی تعامل کند تا کار ما افشا نشود و نباید کسانی را که ملاقات می‌کند از حال ما آگاه گرداند.

﴿إِنَّهُمۡ إِن يَظۡهَرُواْ عَلَيۡكُمۡ يَرۡجُمُوكُمۡ أَوۡ يُعِيدُوكُمۡ فِي مِلَّتِهِمۡ وَلَن تُفۡلِحُوٓاْ إِذًا أَبَدٗا ٢٠﴾.

چرا که قوم ما اگر از حال ما آگاه شوند ما را سنگسار کرده و به قتل می‌رسانند، باهم ما را به دین باطل خویش باز‌می‌گردانند و در آن صورت هرگز به خواستۀ خود در مورد رسیدن به بهشت و رهایی از دوزخ، دست نخواهیم یافت.

﴿وَكَذَٰلِكَ أَعۡثَرۡنَا عَلَيۡهِمۡ لِيَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ لَا رَيۡبَ فِيهَآ إِذۡ يَتَنَٰزَعُونَ بَيۡنَهُمۡ أَمۡرَهُمۡۖ فَقَالُواْ ٱبۡنُواْ عَلَيۡهِم بُنۡيَٰنٗاۖ رَّبُّهُمۡ أَعۡلَمُ بِهِمۡۚ قَالَ ٱلَّذِينَ غَلَبُواْ عَلَىٰٓ أَمۡرِهِمۡ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيۡهِم مَّسۡجِدٗا ٢١﴾.

و بدانسان که خداوند أ سالیان بسیار برای‌شان خواب افکند و آن‌ها را بر همان حال‌شان حفظ کرد، به طوری که هیچ چیز از وجودشان تغییر نکرده بود و باز ایشان را از خوابشان بیدار کرد، هم بدانسان به خاطر حکمتی که تحقق آن را خواسته بود، قوم آن‌ها را نیز از حال‌شان آگاه ساخت. ماجرا اینگونه شکل گرفت که فروشندۀ غذا درهم‌های قدیمیی را که نمایندۀ اصحاب کهف با خود آورده بود شناخت... آری! حقیقت حال‌شان روشن ساخته شد تا قوم آن‌ها متیقن شوند که خداوند أ بر انگیزش مردم بعد از مرگشان تواناست و قیامت خواه مخواه آمدنی است. البته پیش از آن، قوم کافر اصحاب کهف در موضع قیامت به دو دسته تقسیم شده، کسانی آن را تصدیق و کسانی انکار می‌کردند. پس خدای ﻷ بیدار ساختن اصحاب کهف را دلیلی برای باورمندان به رستاخیز علیه منکران آن گردانید.

بعد از آنکه کار اصحاب کهف آشکار شد و خدای ﻷ بیدارشان ساخت، ایشان را در همان جای‌شان، می‌راند، در این هنگام گروهی از قوم‌شان گفتند: دروازۀ غار را با ساختن بنایی بر روی آن ببندید و ایشان را به حال‌شان واگذارید، زیرا تنها پروردگارشان به حال‌شان داناست. اما صاحبان قدرت و نفوذ گفتند: به زودی بر روی مکان‌شان مسجدی برای عبادت بنا خواهیم کرد. البته در این مورد حدیثی صحیح از رسول خدا ج در دست است که فرمود: «خدا کسانی را لعنت کند که قبرها را مسجد قرار می‌دهند». بناءً آن حضرت ج امّت خویش را از مسجد قرار دادن گورستان نهی کرد چنان‌که از ساختمان سازی، گچ بری، گچکاری و نوشتن بر قبور نیز مطلقا نهی نمود. خدای ﻷ نیز یهود و نصاری را بدین علت که قبرهای پیامبرانشان را مسجد ساختند لعنت نمود، زیرا این کار متضمن زیاده روی و غلو نکوهیده‌ای است که صاحبش را به شرک و پرستش غیر خداوند أ می‌کشاند.

﴿سَيَقُولُونَ ثَلَٰثَةٞ رَّابِعُهُمۡ كَلۡبُهُمۡ وَيَقُولُونَ خَمۡسَةٞ سَادِسُهُمۡ كَلۡبُهُمۡ رَجۡمَۢا بِٱلۡغَيۡبِۖ وَيَقُولُونَ سَبۡعَةٞ وَثَامِنُهُمۡ كَلۡبُهُمۡۚ قُل رَّبِّيٓ أَعۡلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا يَعۡلَمُهُمۡ إِلَّا قَلِيلٞۗ فَلَا تُمَارِ فِيهِمۡ إِلَّا مِرَآءٗ ظَٰهِرٗا وَلَا تَسۡتَفۡتِ فِيهِم مِّنۡهُمۡ أَحَدٗا ٢٢﴾.

به زودی بعضی از مردم که در مورد شمار اصحاب کهف دچار اختلاف نظر شده‌اند می‌گویند: آن‌ها سه تن بودند که چهارمین‌شان سگ‌شان بود. و بعضی دیگر می‌گویند: آن‌ها پنج تن بودند که ششمین‌شان سگشان بود. اما هردو سخن تنها بر گمان مبتنی بوده و از دلیل بی‌بهره است. چنان‌که از مردم کسانی دیگر نیز هستند که می‌گویند: ایشان هفت تن بودند و هشتمین‌شان سگشان بود. ای پیامبر! بگو: تنها خدا أ به شمار آن‌ها آگاهتر است و البته شمارشان را جز اندکی از مردم دانشمند کسی دیگر نمی‌داند. بنابراین با اهل کتاب در مورد شمار آن‌ها جنجال و مناقشه نکن مگر به گونه‌ای سطحی و به صورت ظاهری که وارد عمق قضیه نشده و اختلاف برجای نگذارد، پس کافی است تا اخباری را که از راه وحی در مورد ایشان به تو رسیده است بر آن‌ها حکایت کنی. همچنان در مورد داستان اصحاب کهف و حال و تعدادشان از اهل کتاب پرسش نکن زیرا آن‌ها نادان‌اند و در این مورد نزدشان علمی نیست، یا هم بعضی بدان دانایند ولی آن را پنهان می‌دارند.

﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْيۡءٍ إِنِّي فَاعِلٞ ذَٰلِكَ غَدًا ٢٣﴾.

و چون خواستی کاری را انجام دهی و بر آن مصمم شدی پس مگوی که: من آن کار را فردا انجام خواهم داد مگر اینکه آن را به مشیت حق‌تعالی موکول نمایی.

﴿إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ وَٱذۡكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلۡ عَسَىٰٓ أَن يَهۡدِيَنِ رَبِّي لِأَقۡرَبَ مِنۡ هَٰذَا رَشَدٗا ٢٤﴾.

و باید بگویی: إن شاءالله (اگر خدا أ بخواهد) این کار را انجام خواهم داد، چه اگر خدا أ نخواهد، آن کار مسلما انجام نخواهد شد. و اگر گفتن «إن شاءالله» را فراموش کردی، بعد از بادآوری، پروردگارت را با گفتن آن باد کن و وقتی چیزی را فراموش کردی، پروردگارت را یاد کن تا آن را به خاطر آوری؛ زیرا ذکر وی فراموشی و نسیان را از انسان دور می‌کند. و بگو: امیدوارم پروردگارم مرا به راهی که نزدیگترین و آسانترین راه به سوی حق و هدایت و رستگاری است، هدایت کند.

﴿وَلَبِثُواْ فِي كَهۡفِهِمۡ ثَلَٰثَ مِاْئَةٖ سِنِينَ وَٱزۡدَادُواْ تِسۡعٗا ٢٥﴾.

آن جوانان سه صد و نه سال در غار به حال خواب باقی ماندند و زمین در ایشان دگرگونی و تغییری ایجاد نکرد که این خود از بزرگ‌ترین دلایل بر قدرت حق‌تعالی و نفوذ اراده و مشیت وی است.

﴿قُلِ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا لَبِثُواْۖ لَهُۥ غَيۡبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ أَبۡصِرۡ بِهِۦ وَأَسۡمِعۡۚ مَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِيّٖ وَلَا يُشۡرِكُ فِي حُكۡمِهِۦٓ أَحَدٗا ٢٦﴾.

ای پیامبر! اگر پرسشگری در مورد مدّت ماندن جوانان در غار از تو پرسید و نزدت از جانب الله أ در این مورد وحیی نبود پس پاسخی نگوی تا اوتعالی خود به تو خبر دهد بلکه بگو: خداوند أ به مدّت درنگ‌شان در غار داناتر است؛ زیرا تنها او بر نهان کار آسمان‌ها و زمین آگاه می‌باشد، و از کمال بینایی، شنوایی و آگاهی عظیم حق‌تعالی بر هرچیز در شگفت باش و بدان که جز خدای لاشریک هیچ یار و کارپردازی عهده‌دار امور خلق باشد وجود ندارد، وی را در حکم و شریعتش هیچ همتایی نیست چنان‌که در الوهیت و ربوبیت نیز شریکی ندارد.

﴿وَٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِن كِتَابِ رَبِّكَۖ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلۡتَحَدٗا ٢٧﴾.

ای پیامبر! آنچه را خدا أ از قرآن به تو وحی می‌کند بخوان و از آنچه در قرآن آمده است پیروی کن، زیرا قرآن کتابی است که کلماتش را تبدیلی و آیاتش را تغییری نیست و معجزاتش باطل نمی‌شود، از آنکه قرآن در اخبارش صادق و در احکامش عادل است. و هرگز جز خدا کسی را نخواهی یافت که در هنگام بحران‌ها و گرفتاری‌ها به او پناه بری پس تنها به او پناه ببر و فقط بر او توکل کن.

﴿وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥۖ وَلَا تَعۡدُ عَيۡنَاكَ عَنۡهُمۡ تُرِيدُ زِينَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَا تُطِعۡ مَنۡ أَغۡفَلۡنَا قَلۡبَهُۥ عَن ذِكۡرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ أَمۡرُهُۥ فُرُطٗا ٢٨﴾.

ای پیامبر! و با فقیران مسلمانی شکیبایی پیشه کن که عبادت را برای پروردگارشان خالص ساخته، او را در صبح و شام یاد می‌کنند و می‌خوانند، پاداشی را که نزد وی است می‌خواهند و از عذابی که پیش و است حذر دارند. به مجالس‌شان نیز پایبند باش و بر توست همدمی با ایشان، زیرا خیر و برکت همراه با ایشان است، پس به خاطر بهره‌های فانی و آرایش‌های ناپایدار دنیا، دیدۀ عنایت و نظر محبت و رعایتت را از ایشان به غیرشان از دشمنان کافر خدا أ بر مگیر و با کسانی همسازی و همراهی نکن که خداوند أ دل‌های‌شان را از ذکر و شکرش غافل، از عبادتش رویگردان و از طاعت خویش گریزان ساخته است، همانان که هوای نفس را بر هدایت ترجیح داده‌اند، در نتیجه تمام امور زندگی‌شان بر تباهی و بطلان است.

﴿وَقُلِ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَن شَآءَ فَلۡيُؤۡمِن وَمَن شَآءَ فَلۡيَكۡفُرۡۚ إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلظَّٰلِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمۡ سُرَادِقُهَاۚ وَإِن يَسۡتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَآءٖ كَٱلۡمُهۡلِ يَشۡوِي ٱلۡوُجُوهَۚ بِئۡسَ ٱلشَّرَابُ وَسَآءَتۡ مُرۡتَفَقًا ٢٩﴾.

ای پیامبر! و به کافران بگو: پیام و مرام حقی را که آورده‌ای از جانب پروردگار منان است، این وحیی است حق و راستین که باطلی در آن وجود ندارد، پس هر که بخواهد بگرود و پیروی کند باید چنین کند، زیرا وی را پاداشی است بزرگ و نعمتی است پایدار، ولی هر کس بخواهد انکار ورزد و روی‌گرداند همان کند که خواهد زیرا با وارد ساختن خویش به ورطه‌های هلاک جز به خویشتن زیان نزده است، زیرا خداوند أ برای کافران آتش سوزانی را آماده کرده که دیوارها و سراپرده‌های آن بر کافران محیط است و همه را در برمی‌گیرد. و آنگاه که کافران از شدّت تشنگی در آتش دوزخ، آبی برای نوشیدن خواهند، آبی چون مس گداخته که چهره‌های‌شان را از شدّت حرارت بریان می‌سازد داده می‌شوند، وه! جه بد شرابی است این روغن گداخته برای کفار در آتش بی‌مهار، و چه زشت جایگاهی است دوزخ به عنوان منزلگاه اشرار و سرای ماندگار کفار فجار.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجۡرَ مَنۡ أَحۡسَنَ عَمَلًا ٣٠﴾.

در حقیقت مؤمنان شایسته‌کار از سوی پروردگار پاداشی با اعتبار دارند، ثواب عملکردشان از بین نرفته و مزد کارکردشان ضایع نمی‌شود؛ بلکه ایشان را به معیار نیکوترین آنچه عمل کرده‌اند، مزد کاملی است.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمُ ٱلۡأَنۡهَٰرُ يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَيَلۡبَسُونَ ثِيَابًا خُضۡرٗا مِّن سُندُسٖ وَإِسۡتَبۡرَقٖ مُّتَّكِ‍ِٔينَ فِيهَا عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِۚ نِعۡمَ ٱلثَّوَابُ وَحَسُنَتۡ مُرۡتَفَقٗا ٣١﴾.

آن گروه مؤمن را نزد خدا أ بهشت‌هایی است که در آن برای ابد ماندگارند، از زیر قصرها و منازل و درختان آن جویباران روان است، در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می‌شوند، لباس‌های‌شان جامه‌های سبز زیبا از پرنیان نازک و حریر ستبر است، در آنجا بر سریرهای فاخر و فرش‌های راحتبخش تکیه می‌زنند، چه خوش پاداشی است مزدشان نزد پروردگارشان و چه نیکوست بهشت برین سرا و جایگاهشان، در نعمت و امن و امان، در جوار پروردگار رحمان!

﴿۞وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلٗا رَّجُلَيۡنِ جَعَلۡنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيۡنِ مِنۡ أَعۡنَٰبٖ وَحَفَفۡنَٰهُمَا بِنَخۡلٖ وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُمَا زَرۡعٗا ٣٢﴾.

ای پیامبر! برای کفار آن دو مردی را مَثَل بزن که در روزگاران پیشین به سر می‌بردند و یکی آز آن‌ها مؤمن و دیگری کافر بود، حق‌تعالی به کافر دو باغ انگوری داده، پیرامون آن را با درختان انبوه خرما پوشانیده و در میان دو باغ کشتزاری از انواع میوه‌ها و حبوبات رویانید.

﴿كِلۡتَا ٱلۡجَنَّتَيۡنِ ءَاتَتۡ أُكُلَهَا وَلَمۡ تَظۡلِم مِّنۡهُ شَيۡ‍ٔٗاۚ وَفَجَّرۡنَا خِلَٰلَهُمَا نَهَرٗا ٣٣﴾.

هریک از آن دو باغ، محصول خود را به موقع می‌داد و از ثمرش چیزی نمی‌کاست و خداوند أ در میان دو باغ نهری شیرین برای نوشیدن و آبیاری قرار داده بود.

﴿وَكَانَ لَهُۥ ثَمَرٞ فَقَالَ لِصَٰحِبِهِۦ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَنَا۠ أَكۡثَرُ مِنكَ مَالٗا وَأَعَزُّ نَفَرٗا ٣٤﴾.

آن شخص کافر به علاوۀ دوباغ، صاحب محصولات و اموال دیگری نیز بود. او در اثنای گفتگو. با رفیق مؤمنش متکبرانه و مغرور گفت: مال و ثروتم از تو بیش است و پیروان و افرادم نیرومندتر و بزرگوارتر از یاران و پیروان تو اند.

﴿وَدَخَلَ جَنَّتَهُۥ وَهُوَ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَٰذِهِۦٓ أَبَدٗا ٣٥﴾.

شخص کافر در حالی که با شرک به خدا أ و تکذیب روز قیامت، بر خویشتن ستمگر بود داخل باغ خویش شد و پس از مشاهدۀ آن باغ پرطراوت به اعجاب درآمد و از سر تکذیب قدرت حق‌تعالی گفت: باور ندارم که باغم در روزگار زندگی هرگز نابود شود.

﴿وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةٗ وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهَا مُنقَلَبٗا ٣٦﴾.

و باور هم ندارم که قیامت آمدنی باشد و اگر هم قیامت برپا شد و من پس از مرگ به سوی خدا أ بازگشتم قطعاً نزد وی بهتر از این باغ را دریافت خواهم کرد از آنکه پیش او قدر و شرف والایی دارم.

﴿قَالَ لَهُۥ صَاحِبُهُۥ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَكَفَرۡتَ بِٱلَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ سَوَّىٰكَ رَجُلٗا ٣٧﴾.

مرد مؤمن از سر خیرخواهی، ناصحانه و دلسوزانه به وی گفت: چگونه به الله أ کفر ورزیدی حال آنکه او پدرت آدم را از خاک آفرید، سپس تو را از آبی بیمقدار تصویر کرد، آنگاه در نیکوترین ساختار به هیأت انسانی نیکو قامت، آراسته خلقت و خوش منظر تو را پرداخت، مگر نمی‌دانی که ذات توانا بر ایجاد اولیۀ آفرینش، بر بازآفرینی آن بعد از مرگ نیز تواناست؟

﴿لَّٰكِنَّا۠ هُوَ ٱللَّهُ رَبِّي وَلَآ أُشۡرِكُ بِرَبِّيٓ أَحَدٗا ٣٨﴾.

اما من آنچه را که تو در مورد تکذیب معاد و ناسپاسی نعمت‌های حق‌تعالی می‌گویی نمی‌گویم بلکه من می‌گویم: تنها خداوند أ یگانه است که آفریننده، روزی بخش، فضل دهنده و نعمت بخش است، من چیزی را به او شریک نیاورده و غیر وی را نمی‌پرستم.

﴿وَلَوۡلَآ إِذۡ دَخَلۡتَ جَنَّتَكَ قُلۡتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالٗا وَوَلَدٗا ٣٩﴾.

و چرا آن روز که باغت را دیدی و زیبایی و خرمی آن تو را به اعجاب آورد، چنین نگفتی، ماشاءالله، جز به قدرت خدا أ هیچ نیرویی کارا نیست؟ مگر فراموش کردی که این مال و ثروت و این سروسامان و مکنت به مشیت او برایت حاصل شده و به نیروی او توانستی آن را به دست آورده و به آن بپردازی. بدان که اگر من از نظر مال و فرزند کمتر از تو هستم، اما:

﴿فَعَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يُؤۡتِيَنِ خَيۡرٗا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرۡسِلَ عَلَيۡهَا حُسۡبَانٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَتُصۡبِحَ صَعِيدٗا زَلَقًا ٤٠﴾.

خداوند أ بر این امر تواناست که به من بیشتر از آنچه به تو بخشیده، عطا کند از آن‌رو که من برایش شکرگزارم و او قادر است تا نعمت‌هایی را که به تو بخشیده است از تو بازگیرد، از آن جهت که کفر می‌ورزی بناءً از آسمان بر باغت آتشی نازل کند که آن را بسوزاند و در نتیجه به زمینی خشک، هموار و لغزنده تبدیل شود که گامی در آن قرار و ثبات نگیرد.

﴿أَوۡ يُصۡبِحَ مَآؤُهَا غَوۡرٗا فَلَن تَسۡتَطِيعَ لَهُۥ طَلَبٗا ٤١﴾.

یا دیگر در آن باغ آبی نجوشد و فوران نکند و نتوانی که آب را از درون زمین بیرون آوری، پس آب از روی زمین خشک و از باطن آن نیز فروکش کند.

﴿وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِۦ فَأَصۡبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيۡهِ عَلَىٰ مَآ أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُشۡرِكۡ بِرَبِّيٓ أَحَدٗا ٤٢﴾.

سر انجام آنچه شخص مؤمن از آن هشدار داده بود، به وقوع پیوست، خداوند أ باغ شخص متکبر گردنگش را نابود ساخت و آنچه را در آن از میوه و درخت و خرمی و صفا وجود داشت همه را پاک بسوخت. شخص کافر از حسرت و پشمانی بر اموالی که در آن باغ صرف کرده بود و در اندوه از کف دادن آنکه اینک زیروزبر گشته و داربست‌هایش همه فرو ریخته بود، دست‌هایش را برهم زد و گفت: ای کاش پروردگارم را با یگانه‌پرستی و شرک نیاوردن به وی، شکرگزار می‌بودم! اما کار از کار گذشته و وقت پشیمانی از دست رفته بود.

﴿وَلَمۡ تَكُن لَّهُۥ فِئَةٞ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ٤٣﴾.

و برای آن کافر گروهی نبود که یاری‌اش کند و آن‌ها که او به آنان افتخار می‌کرد و برای شرایط بحرانی آماده‌شان می‌ساخت تا آفت‌ها و بلاها را از وی و از اموالش بازدارند، همه از نصرتش دست کشیدند و خودش نیز به علت ضعف و ناتوانی که داشت نتوانست از خویشتن دفاع کند.

﴿هُنَالِكَ ٱلۡوَلَٰيَةُ لِلَّهِ ٱلۡحَقِّۚ هُوَ خَيۡرٞ ثَوَابٗا وَخَيۡرٌ عُقۡبٗا ٤٤﴾.

البته در هنگام وقوع محنت‌ها و فرود آمدن فاجعه‌ها و بلاها، نیرو و قدرت، پشتیبانی و ولایت و نصرت همه تنها از آن خدا أ است و اوست بهترین کسی که فرمانبرداران را پاداش داده و پیروزی و اقتدار را به عنوان بهترین فرجام برای دوستانش ارمغان می‌کند.

﴿وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَآءٍ أَنزَلۡنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخۡتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلۡأَرۡضِ فَأَصۡبَحَ هَشِيمٗا تَذۡرُوهُ ٱلرِّيَٰحُۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ مُّقۡتَدِرًا ٤٥﴾.

ای پیامبر! و برای بشر حال دنیا را که به آرایش‌ها و پیرایش‌های آن فریب خورده و به بازی و سرگرمی آن مغرور شدند، مَثَل بزن، پس مثل دنیا در چگونگی حال، سرعت زوال و بی‌وفایی و جفای آن نسبت به دوستداران و عاشقانش همانند مثل آبی است که خداوند أ آن را از آسمان نازل کرده و بدان پوششی سبز و خرم، چشم‌نواز و بهجت زا رویانید اما زمان اندکی بیش نگذشت که آن همه سبزینه صفا، به علف‌های خشم و پاشانی مبدل گشت که بادها آن را بر پراکنده و در هر جهتی بردند. و خداوند أ همواره بر هرچیز تواناست و بر هرچه خواسته با فرمانش غلبه یافته، از این رو حکم و فرمانش را هیچ بازدارنده و برگرداننده‌ای نیست.

﴿ٱلۡمَالُ وَٱلۡبَنُونَ زِينَةُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٌ أَمَلٗا ٤٦﴾.

اموال و فرزندان زیور زندگی ناپایدار دنیایند اما مال فنا می‌شود، فرزندان می‌میرند، دنیا به پایان می‌رسد و آنچه باقی می‌ماند اعمال شایسته است که از بهترین آن گفتن: (سُبْحَانَ الله وَالْحَمْد لله وَالله أكبر وَلَا إِلَه إِلَّا الله) می‌باشد، بیگمان این نزد خدا أ از نظر اجر و پاداش بهتر از اموال و فرزندان است، زیرا این نیکوترین چیزی است که انسان از پاداش ذخیره شده نزد الله أ انتظار می‌برد چه با این دستاورد است که نعمت پایدار در آخرت مسلم و محقق می‌گردد.

﴿وَيَوۡمَ نُسَيِّرُ ٱلۡجِبَالَ وَتَرَى ٱلۡأَرۡضَ بَارِزَةٗ وَحَشَرۡنَٰهُمۡ فَلَمۡ نُغَادِرۡ مِنۡهُمۡ أَحَدٗا ٤٧﴾.

و برای مردم روزی را یاد کن که خداوند أ کوه‌های دنیا را از جایگاه‌های آن دور می‌سازد و زمین را آن‌چنان آشکار و صاف می‌بینی که در آن هیچ حائل و مانعی وجود ندارد که از دیده نهانش سازد. و خداوند أ تمام خلق را در روز قیامت گرد آورده و حتی یکی از آنان را هم فرو نمی‌گذارد بلکه همگی را حاضر می‌گرداند.

﴿وَعُرِضُواْ عَلَىٰ رَبِّكَ صَفّٗا لَّقَدۡ جِئۡتُمُونَا كَمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةِۢۚ بَلۡ زَعَمۡتُمۡ أَلَّن نَّجۡعَلَ لَكُم مَّوۡعِدٗا ٤٨﴾.

و تمام خلق در حالی بر خدای ﻷ عرضه می‌شوند که صف کشیده‌اند و بعضی بعضی دیگر را پنهان نمی‌دارند، به راستی همانگونه که از شکم مادرانشان بیرون آمده بودند روز قیامت به سوی الله أ باز می‌گردند، نه مالی به همراه دارند، نه فرزندی و نه هم چیزی از متاع دنیا، بلکه پنداشتند که خداوند أ هرگز برای‌شان موعدی مقرر نخواهد کرد تا آن‌ها را بر انگیخته و مورد محاسبه قرار دهد.

﴿وَوُضِعَ ٱلۡكِتَٰبُ فَتَرَى ٱلۡمُجۡرِمِينَ مُشۡفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَٰوَيۡلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلۡكِتَٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةٗ وَلَا كَبِيرَةً إِلَّآ أَحۡصَىٰهَاۚ وَوَجَدُواْ مَا عَمِلُواْ حَاضِرٗاۗ وَلَا يَظۡلِمُ رَبُّكَ أَحَدٗا ٤٩﴾.

و کارنامه‌ای که در آن اعمال هر انسانی – از نیک و بد – درج است در میان گذاشته می‌شود، کسانی آن را به دست راست و کسانی آن را به دست چپ‌شان می‌گیرند. بدکاران بزهکار نافرمان را از آنچه در آن کارنامه است بیمناک می‌بینی، به سبب شرارت‌ها و گناهانی که انجام داده بودند. هنگامی که کارنامه را می‌بینند، می‌گویند: ای خاک بر سرما! ای وای و حسرت برما، این چگونه نامه‌ای است که هیچ کوچک و بزرگی از اعمال ما را فرونگذاشته؛ جز اینکه همه را ثبت کرده و به حساب آورده است. آری! تمام اعمالی را که در دنیا انجام داده بودند. در آن نوشته و محفوظ می‌یابند زیرا پروردگارت هموزن ذره‌ای نیز به هیچ‌یک از بندگانش ستم نمی‌کند؛ نه از نیکی‌های مطیعان می‌کاهد و نه بر بدی‌های نافرمانان می‌افزاید.

﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ كَانَ مِنَ ٱلۡجِنِّ فَفَسَقَ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِۦٓۗ أَفَتَتَّخِذُونَهُۥ وَذُرِّيَّتَهُۥٓ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِي وَهُمۡ لَكُمۡ عَدُوُّۢۚ بِئۡسَ لِلظَّٰلِمِينَ بَدَلٗا ٥٠﴾.

روزی را یاد کن که خداوند أ به فرشتگان دستور داد تا از روی تکریم و شادباش نه عبادت، برای آدم سجده کنند. خدای سبحان ابلیس را نیز به این کار دستور داد. پس فرشتگان امر پروردگار را به جا آورده، اطاعت کردند و همه سجده نمودند اما ابلیس از فرمان وی سرپیچید و برای آدم سجده نکرد. آری! ابلیس که از جنیان بود از طاعت خدا أ بیرون شد و از روی کبر و حسد از سجده ابا آورد. ای مردم! پس آیا به دوست گرفتن او و نسلش به جای من راضی شده از آنان اطاعت و پیروی می‌کنید حال آنکه آن‌ها بزرگ‌ترین دشمنان شما هستند؟ چه بد است فرمان از ابلیس و یارانش به جای طاعت خدای دوالجلال والإکرام.

﴿۞مَّآ أَشۡهَدتُّهُمۡ خَلۡقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَا خَلۡقَ أَنفُسِهِمۡ وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ ٱلۡمُضِلِّينَ عَضُدٗا ٥١﴾.

خداوند أ در آفرینش آسمان‌ها و زمین ابلیس و یارانش را حاضر نساخت، نه بر این آفرینش از آنان یاری خواست و نه بعضی را بر آفرینش بعضی دیگر به گواهی طلبید بلکه او در آفرینش و ایجاد، به یگانگی و تنهایی عمل کرد؛ نه از کسی یاری خواست و نه با کسی مشوره نمود و نه هم خدا أ آن است که گمراهان – اعم از شیاطین و یاران‌شان – را همکار و مددکار خویش گیرد؛ بلکه او یگانۀ یکتای توانای نیرومند توانگر است پس چرا بخشی از نیایش و پرستش را صرف آن‌ها کرده و آنان را جز خدا أ به دوستی می‌گیرید در حالی که تنها او آفریننده است نه دیگران.

﴿وَيَوۡمَ يَقُولُ نَادُواْ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُمۡ فَدَعَوۡهُمۡ فَلَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُمۡ وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُم مَّوۡبِقٗا ٥٢﴾.

و روز جزا را یاد کن که خداوند أ به کافران می‌گوید: آنانی را که با من در پرستش شریک می‌آوردید ندا دهید تا عذاب را از شما دفع کرده و شما را امروز یاری دهند! پس آن‌ها را ندا می‌دهند ولی اجابت‌شان نمی‌کنند. و خداوند أ بین مشرکان و خدایان‌شان که به جز خدا أ پرستیده‌اند ورطۀ هلاکتی در آتش جهنم قرار می‌دهد که تمام آن‌ها در آن سرنگون می‌شوند.

﴿وَرَءَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٱلنَّارَ فَظَنُّوٓاْ أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمۡ يَجِدُواْ عَنۡهَا مَصۡرِفٗا ٥٣﴾.

و بدکاران آتش جهنم را مشاهده کرده و به علم یقین درمی‌یابند که خواه ناخواه در آن می‌افتند؛ اما از آن راه گریزی نمی‌یابند.

﴿وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٖۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ أَكۡثَرَ شَيۡءٖ جَدَلٗا ٥٤﴾.

و به راستی خدای متعال در کتابش از هرگونه مَثَل‌های سودمند، برای بندگانش مَثَل‌هایی بسیار بیان کرده است تا با این مَثَل‌ها پند و اندرز گرفته بیندیشند و تأمل نمایند، اما انسان بیشترین خلق در خصومت و جدالگری است.

﴿وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤۡمِنُوٓاْ إِذۡ جَآءَهُمُ ٱلۡهُدَىٰ وَيَسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّهُمۡ إِلَّآ أَن تَأۡتِيَهُمۡ سُنَّةُ ٱلۡأَوَّلِينَ أَوۡ يَأۡتِيَهُمُ ٱلۡعَذَابُ قُبُلٗا ٥٥﴾.

و مردم را از ایمان به خدا أ، پیروی پیامبرش ج و درخواست آمرزش از وی برای گناهان‌شان، چیز دیگری جز این مانع نشد که در برابر پیامبرش ج گردنکشی، عناد و تکبر ورزند و خواستار این باشند که خداوند أ آنان را به همان عذابی گرفتار سازد که تکذیبگران پیش از آنان را بدان گرفتار می‌ساخت، یا آنکه آشکارا بر آنان کیفر را فرود آورد؛ و این سنّت خداوند أ در مورد هر کسی است که پیامبرانش را تکذیب نموده است.

﴿وَمَا نُرۡسِلُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَۚ وَيُجَٰدِلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِٱلۡبَٰطِلِ لِيُدۡحِضُواْ بِهِ ٱلۡحَقَّۖ وَٱتَّخَذُوٓاْ ءَايَٰتِي وَمَآ أُنذِرُواْ هُزُوٗا ٥٦﴾.

و خداوند أ پیامبران را به سوی بندگانش گسیل نمی‌دارد، جز برای آنان‌که مؤمنان را به بهشت مژده داده و کافران را از دوزخ هشدار دهند اما کافران با وجود روشنی ادله و آشکار بودن برهان‌ها، بازهم از روی سرکشی و عناد به ناروا مجادله می‌کنند تا با باطل خود حق نازل شده بر پیامبر ج را رد نمایند. به یقین کفار کتاب خدای یگانۀ قهار، حجت‌های عزتمند غفار و عذاب پروردگار جبار را که بدان بیم داده شده‌اند، به ریشخند گرفتند.

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِۦ فَأَعۡرَضَ عَنۡهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتۡ يَدَاهُۚ إِنَّا جَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗاۖ وَإِن تَدۡعُهُمۡ إِلَى ٱلۡهُدَىٰ فَلَن يَهۡتَدُوٓاْ إِذًا أَبَدٗا ٥٧﴾.

و در جهان هیچ‌کس ستمکارتر از آن کس نیست که با آیات روشن پروردگارش مورد نصیحت و موعظه و ارشاد قرار گرفته، ولی از اجابت روی برگردانیده، دستاورد زشت و ننگین پیشین خود را فراموش کرده و از آن توبه ننموده است؟ قطعاً خدا أ بر دل‌های کفار پوشش‌هایی قرار داده است از این رو آن‌ها از قرآن نفع نبرده و آن را نفهمیدند؛ و در گوش‌های‌شان سنگینی نهاده است؛ پس هدایت را نشنیدند و از اندرز بهره نبردند. و ای پیامبر! اگر کافران را به ایمان فراخوانی باز هرگز اجابت نخواهند کرد و از تو پیروی نخواهند نمود؛ زیرا خداوند أ بر آنان گمراهی را نوشته است.

﴿وَرَبُّكَ ٱلۡغَفُورُ ذُو ٱلرَّحۡمَةِۖ لَوۡ يُؤَاخِذُهُم بِمَا كَسَبُواْ لَعَجَّلَ لَهُمُ ٱلۡعَذَابَۚ بَل لَّهُم مَّوۡعِدٞ لَّن يَجِدُواْ مِن دُونِهِۦ مَوۡئِلٗا ٥٨﴾.

و پروردگارت آمرزندۀ گناهان بندگان است؛ مشروط به آنکه به سویش باز گردند و از گناهان خویش توبه کنند. و او صاحب رحمت گسترده‌ای است؛ به نافرمانان مهلت داده و باز آمدگان را می‌پذیرد؛ اگر او آنان را به گناهان و بدی‌هایی که مرتکب شده‌اند می‌گرفت یقینا بر عذاب نمودن‌شان در دنیا شتاب می‌نمود لیکن مهلت می‌دهد اما نه اینکه رها کند و واگذارد؛ او بردبار است و به شتاب مجازات نمی‌کند، بلکه برای کفار وعده‌گاه روز قیامت را قرار داده است که در آن بر اعمال خود محاسبه می‌شوند؛ هیچ برگرداننده‌ای برای آن روز نیست و نه هم از آن گریز و گزیری وجود دارد.

﴿وَتِلۡكَ ٱلۡقُرَىٰٓ أَهۡلَكۡنَٰهُمۡ لَمَّا ظَلَمُواْ وَجَعَلۡنَا لِمَهۡلِكِهِم مَّوۡعِدٗا ٥٩﴾.

خدای سبحان مردم این شهرهای مجاور شما – همچون شهرهای قوم هود، صالح، لوط و شعیب – را آنگاه که به وی کافر شده و پیامبرانش را تکذیب کردند ویران و نابود کرد و برای عذاب‌شان وقت معین و میعادی مقرر داد و چون آن وقت مقرر فرا رسید، آنان را گرفتار عذاب ساخت.

﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَىٰهُ لَآ أَبۡرَحُ حَتَّىٰٓ أَبۡلُغَ مَجۡمَعَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ أَوۡ أَمۡضِيَ حُقُبٗا ٦٠﴾.

هنگامی را یاد کن که موسی ÷ به خدمتکارش یوشع فرزند نون گفت: پیوسته در زمین راه خواهم پیمود و به این راهپیمایی ادامه خواهم داد تا به محل برخورد دو دریا برسم، یا آنکه روزگاری دراز راه بپیمایم تا سرانجام با بندۀ شایستۀ پروردگار ملاقات نموده و نزد وی خواستار دانش شوم. و آن همان دانشی است که حق‌تعالی به خضر آموخته بود و موسی ÷ خود فاقد آن بود.

﴿فَلَمَّا بَلَغَا مَجۡمَعَ بَيۡنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ فِي ٱلۡبَحۡرِ سَرَبٗا ٦١﴾.

موسی و یوشع پیوسته راه پیمودند و چون به محل تلاقی دو دریا رسیدند، پیش صخرۀ نشستند و سرهای خویش را گذاشته به خواب رفتند. موسی به یوشع سفارش کرده بود تا ماهی‌ای را با خود به عنوان توشۀ را برگیرد، یوشع ماهی را در زنبیلی نهاده بود، بناگاه آن ماهی به اذن خداوند أ زنده شده از زنبیل به دریا پرید و شناکنان در دریا برایش راهی مانند طاق باز گشوده می‌شد. یوشع نظاره‌گر این صحنه بود ولی چون موسی از خواب بیدار شد او فراموش کرد تا موضوع زنده شدن ماهی را به وی خبر دهد، پس به راه افتادند:

﴿فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَىٰهُ ءَاتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدۡ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَٰذَا نَصَبٗا ٦٢﴾.

پس چون به راه افتاده، جایی که ماهی را در آن فراموش کرده بودند ترک کردند و آن شب را در راه گذراندند، موسی ÷ گرسنه شد و از یوشع غذا خواست چه از رنج سفر خسته شده بود.

﴿قَالَ أَرَءَيۡتَ إِذۡ أَوَيۡنَآ إِلَى ٱلصَّخۡرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ ٱلۡحُوتَ وَمَآ أَنسَىٰنِيهُ إِلَّا ٱلشَّيۡطَٰنُ أَنۡ أَذۡكُرَهُۥۚ وَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ فِي ٱلۡبَحۡرِ عَجَبٗا ٦٣﴾.

یوشع به موسی ÷ گفت: یقیناً شطیان فراموشم گردانید تا به تو خبر دهم که وقتی پیش آن صخره نشستیم ماهی زنده شد و از زنبیل به دریا پریده برایش در آب راهی شگافته شد که این واقعه بس تعجب انگیز است.

﴿قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبۡغِۚ فَٱرۡتَدَّا عَلَىٰٓ ءَاثَارِهِمَا قَصَصٗا ٦٤﴾.

موسی گفت: این همان چیزی است که من در پی آن بودم زیرا از دست رفتن ماهی نشانه‌ای برایم بر محل وجود مرد صالح قرار داده شده است و همینک این نشانه آشکار شد. پس جستجو کنان بازگشته نقش قدم‌های خود را می‌پاییدند تا به صخره رسیدند.

﴿فَوَجَدَا عَبۡدٗا مِّنۡ عِبَادِنَآ ءَاتَيۡنَٰهُ رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَعَلَّمۡنَٰهُ مِن لَّدُنَّا عِلۡمٗا ٦٥﴾.

موسی و یوشع علیهما السلام مرد صالح را که خضر ÷ بود یافتند؛ خداوند أ برای خضر رحمت را با علم سودمند یکجا ساخته بود؛ رحمت نرمی و بردباری مهر و صبر را با خود داشت و علم نیرومندی، تیزبینی و فراست، و حکمتی تام و استوار را با خود برداشته بود.

﴿قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰ هَلۡ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمۡتَ رُشۡدٗا ٦٦﴾.

بعد از آنکه موسی ÷ با خضر سلام و احوال پرسی کرد، به او گفت: از تو می‌خواهم به من اجازۀ همراهی با خود را دهی تا از علمت بهره‌مند شوم و بدان رشد یابم.

﴿قَالَ إِنَّكَ لَن تَسۡتَطِيعَ مَعِيَ صَبۡرٗا ٦٧﴾.

خضر به موسی گفت: تو هرگز نمی‌توانی بر همراهی‌ام و آموختن از من صبر کنی؛ زیرا در صورت همراهی با من به زودی بر تو اموری آشکار خواهد شد که در پس آن‌ها رموز و اصراری وجود دارد و تو هرگز از آن‌ها سکوت نخواهی کرد.

﴿وَكَيۡفَ تَصۡبِرُ عَلَىٰ مَا لَمۡ تُحِطۡ بِهِۦ خُبۡرٗا ٦٨﴾.

و چگونه می‌توانی بر اموری صبر کنی که باطن آن‌ها غیر ظاهر آن‌هاست و تو به مقاصد و اهداف آن‌ها احاطۀ علمی نداری؟

﴿قَالَ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ صَابِرٗا وَلَآ أَعۡصِي لَكَ أَمۡرٗا ٦٩﴾.

موسی به وی گفت: اگر خدا أ بخواهد بر همپایی تو شکیبا خواهم بود و اوامرت را نافرمانی نخواهم کرد؛ پس از من شکیبایی خواهی دید و اطاعت از امر.

﴿قَالَ فَإِنِ ٱتَّبَعۡتَنِي فَلَا تَسۡ‍َٔلۡنِي عَن شَيۡءٍ حَتَّىٰٓ أُحۡدِثَ لَكَ مِنۡهُ ذِكۡرٗا ٧٠﴾.

سرانجام خضر همصحبتی موسی را پذیرفت، آنگاه به وی سفارش کرد که از آنچه بر وی مبهم و مشکل می‌نماید پرسش نکند تا آنکه او خود اموری را که قبر وی پنهان مانده است بی‌آنکه در مورد پرسشی مطرح شود، روشن سازد.

﴿فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا رَكِبَا فِي ٱلسَّفِينَةِ خَرَقَهَاۖ قَالَ أَخَرَقۡتَهَا لِتُغۡرِقَ أَهۡلَهَا لَقَدۡ جِئۡتَ شَيۡ‍ًٔا إِمۡرٗا ٧١﴾.

چنین بود که موسی و خضر بر ساحل دریا رهسپار شدند تا کشتیی را یافتند و از فضل صاحبان کشتی و احترام آن‌ها به خضر، بدون مزد و سوار آن شدند. در این اثنا خضر به تخته‌ای از تخته‌های کشتی دست برد و در آن سوراخی ایجاد کرد که نزدیک بود به علت ورود آب از آن سوراخ، کشتی غرق شود. موسی این عملش را ناپسند دانست و گفت: آیا پاداش کسانی که ما را بدون مزد سوار کشتی خود کردند همین است که تو کشتی‌شان را سوراخ کنی تا سرنشینان آن غرق شوند؟ این کاری است ناروا که نتوان بر آن شکیبایی ورزید!!

﴿قَالَ أَلَمۡ أَقُلۡ إِنَّكَ لَن تَسۡتَطِيعَ مَعِيَ صَبۡرٗا ٧٢﴾.

خضر به او تذکر داد و گفت: آیا در آغاز کار به تو نگفتم که: هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی؟

﴿قَالَ لَا تُؤَاخِذۡنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرۡهِقۡنِي مِنۡ أَمۡرِي عُسۡرٗا ٧٣﴾.

موسی عذر خواست و گفت: مرا ببخش زیرا شرطی را که میان ما بود فراموش کردم؛ به علاوه با من در آموزش دهی نرم باش و در اعتراض بر من سخت مگیر. پس از تو خواهان تحمل و قبول عذر هستم.

﴿فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا لَقِيَا غُلَٰمٗا فَقَتَلَهُۥ قَالَ أَقَتَلۡتَ نَفۡسٗا زَكِيَّةَۢ بِغَيۡرِ نَفۡسٖ لَّقَدۡ جِئۡتَ شَيۡ‍ٔٗا نُّكۡرٗا ٧٤﴾.

خضر موسی را معذور دانست و این بار از وی چشم پوشید. سپس در کشتی به راه خود ادامه دادند تا به ساحل رسیدند. در ساحل نوجوانی را دیدند که با همسن و سالان خود بازی می‌کرد، در این اثنا خضر او را کشت. موسی در اعتراض به این عمل گفت: چگونه انسان معصوم و بی‌گناهی را که مرتکب عمل ایجاب آورندۀ قتل نشده است کشتی؟! واقعا منکری بزرگ و گناهی زشت را مرتکب شدی.

﴿۞قَالَ أَلَمۡ أَقُل لَّكَ إِنَّكَ لَن تَسۡتَطِيعَ مَعِيَ صَبۡرٗا ٧٥﴾.

خضر با یادآوری شرطی که با موسی گذاشته بود به وی گفت: آیا قبلا به تو نگفتم که هرگز نمی‌توانی بر کارهایی که از من می‌بینی و اسرار آن‌ها را نمی‌دانی شکیبایی ورزی؟!

﴿قَالَ إِن سَأَلۡتُكَ عَن شَيۡءِۢ بَعۡدَهَا فَلَا تُصَٰحِبۡنِيۖ قَدۡ بَلَغۡتَ مِن لَّدُنِّي عُذۡرٗا ٧٦﴾.

موسی به خضر گفت: اگر از این پس در مورد کاری از کارها چیزی از تو پرسیدم دیگر با من همراهی نکن؛ زیرا دیگر تو درباره‌ام مقصر نیستی و معذور خواهی بود؛ چرا که از قبل به من خبر دادی که در همراهی با تو صبر نتوانم کرد.

﴿فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَيَآ أَهۡلَ قَرۡيَةٍ ٱسۡتَطۡعَمَآ أَهۡلَهَا فَأَبَوۡاْ أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارٗا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُۥۖ قَالَ لَوۡ شِئۡتَ لَتَّخَذۡتَ عَلَيۡهِ أَجۡرٗا ٧٧﴾.

پس موسی و خضر به راه خود ادامه دادند تا بر اهالی قریه‌ای وارد شدند و از مردم آن خوراکی از غذا به رسم میهمانی خواستند، اما آن‌ها از غذا دادن به موسی و خضر خودداری کردند. در این میان موسی و خضر در آنجا دیواری را یافتند که نزدیک به سقوط بود. خضر آن را بنا کرد و کژی‌اش را استوار ساخت. موسی از این عمل خضر تعجب کرد و به وی گفت: کاش در برابر این کار مزدی می‌گرفتی تا حال که آن‌ها از میهمانی ما امتناع کردند، با آن غذایی می‌خریدیم.

﴿قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيۡنِي وَبَيۡنِكَۚ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأۡوِيلِ مَا لَمۡ تَسۡتَطِع عَّلَيۡهِ صَبۡرًا ٧٨﴾.

خضر به موسی گفت: اکنون دیگر وقت جدایی فرا رسید و همراهی میان من و تو پایان یافت، اما پیش از آنکه از نزدم بروی، تو را از تأویل و تفسیر کارهایی که بر من ناپسند دانستی چرا که مقاصد آن‌ها را درک نکرده و به اسرار آن‌ها پی‌نبردی و در نتیجه نتوانستی بر سکوت شکیبا باشی، آگاه خواهم ساخت!!

﴿أَمَّا ٱلسَّفِينَةُ فَكَانَتۡ لِمَسَٰكِينَ يَعۡمَلُونَ فِي ٱلۡبَحۡرِ فَأَرَدتُّ أَنۡ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَآءَهُم مَّلِكٞ يَأۡخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصۡبٗا ٧٩﴾.

اما داستان کشتیی که تخته‌ای از آن را برکندم چنین است که آن کشتی ملک بینوایانی بود که بر روی آن در دریا به جستجوی روزی بودند، پس خواستم تا در آن عیبی را نمایان سازم چرا که پیش روی‌شان پادشاهی ستمگر بود که هر کشتی سالم از عیبی را به زور می‌گرفت، بناءً چون این کشتی را معیوب دید آن را فرو گذاشت.

﴿وَأَمَّا ٱلۡغُلَٰمُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤۡمِنَيۡنِ فَخَشِينَآ أَن يُرۡهِقَهُمَا طُغۡيَٰنٗا وَكُفۡرٗا ٨٠﴾.

و اما نوجوانی که وی را کشتم، او در کفر رشد کرده بود اما پدر و مادرش مؤمن بودند پس اگر او را زنده می‌گذاشتم سبب کفر پدر و مادرش می‌شد از آن‌رو که به وی سخت محبت داشتند یا به منفعتش نیازمند بودند.

﴿فَأَرَدۡنَآ أَن يُبۡدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيۡرٗا مِّنۡهُ زَكَوٰةٗ وَأَقۡرَبَ رُحۡمٗا ٨١﴾.

پس خواستیم که خداوند أ به پدر و مادرش فرزندی پاک‌تر و بهتر از وی در صلاح و استقامت و نیکی، عوض دهد.

﴿وَأَمَّا ٱلۡجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَٰمَيۡنِ يَتِيمَيۡنِ فِي ٱلۡمَدِينَةِ وَكَانَ تَحۡتَهُۥ كَنزٞ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَٰلِحٗا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن يَبۡلُغَآ أَشُدَّهُمَا وَيَسۡتَخۡرِجَا كَنزَهُمَا رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۚ وَمَا فَعَلۡتُهُۥ عَنۡ أَمۡرِيۚ ذَٰلِكَ تَأۡوِيلُ مَا لَمۡ تَسۡطِع عَّلَيۡهِ صَبۡرٗا ٨٢﴾.

و اما دیواری که آن را نوسازی کردم، ملکیت دو پسربچۀ یتیم از اهالی آن قریه بود که در زیر آن طلا و نقره‌ای متعلق به آن دو جاسازی شده بود و پدرشان از پرهیز گاران شایسته بود. پس خداوند أ خواست تا آن دو پسر بچه بزرگ شده، به سن رشد برسند و طلا و نقره را از زیر دیوار بیرون آورند. و این لطفی مسلّم از جانب الله أ به ایشان بود. آنچه بیان کردم تفسیر مقاصد و حقایقی بود که از اسرار آن کارها بر تو پنهان مانده بود و از این رو نتوانستی بر ترک پرسش صبر کرده و بر من در آن موارد اعتراض نکنی.

﴿وَيَسۡ‍َٔلُونَكَ عَن ذِي ٱلۡقَرۡنَيۡنِۖ قُلۡ سَأَتۡلُواْ عَلَيۡكُم مِّنۡهُ ذِكۡرًا ٨٣﴾.

ای پیامبر! و کافران از تو دربارۀ پادشاه نیکوکار، ذوالقرنین می‌پرسند؛ در پاسخ‌شان بگو: به زودی شما را با خبر درست و صحیحی که عبرت و اندرزی برای‌تان باشد از آن با خبر خواهم ساخت.

﴿إِنَّا مَكَّنَّا لَهُۥ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَءَاتَيۡنَٰهُ مِن كُلِّ شَيۡءٖ سَبَبٗا ٨٤﴾.

همانا خداوند أ برای ذوالقرنین در زمین مکنتی داد و به وی از اسباب، وسایل و روش‌هایی که بتواند با آن‌ها امور کشورهای تحت فرمانش را اداره کرده، شهرها را بدان فتح و دشمنان را با آن مغلوب گرداند، بخشید.

﴿فَأَتۡبَعَ سَبَبًا ٨٥﴾.

پس ذوالقرنین از آن وسایل کار گرفت و آن راه‌ها را با جدیت و نیرومندی و با همت و سختکوشی دنبال کرد.

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَغۡرِبَ ٱلشَّمۡسِ وَجَدَهَا تَغۡرُبُ فِي عَيۡنٍ حَمِئَةٖ وَوَجَدَ عِندَهَا قَوۡمٗاۖ قُلۡنَا يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِمَّآ أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّآ أَن تَتَّخِذَ فِيهِمۡ حُسۡنٗا ٨٦﴾.

چون ذوالقرنین به محل غروبگاه خورشید رسید در دید چشمی، چنین به نظرش آمد که گویی خورشید در چشمه‌ای گرم، گل آلود و سیاه غروب می‌کند. او نزدیک آن چشمه، طایفه‌ای از بشر را یافت و پروردگارش به وی دستور داد که هرگاه آن‌ها به خدا أ ایمان نیاورند؛ یا به قتل، یا به اسارت عذاب‌شان نماید و یا هم با آنان روش بهتری در پیش گیرد؛ همچون دعوت‌شان به راه هدایت همراه با نرمی و بردباری.

﴿قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوۡفَ نُعَذِّبُهُۥ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِۦ فَيُعَذِّبُهُۥ عَذَابٗا نُّكۡرٗا ٨٧﴾.

ذوالقرنین گفت: اما هر کس به خداوند أ کفر ورزد، به زودی در دنیا مجازاتش خواهم کرد سپس روز قیامت هنگامی که به سوی پروردگار باز گردد، او وی را در آتش جهنم به طور همیشۀ جاوید عذاب خواهد کرد.

﴿وَأَمَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَلَهُۥ جَزَآءً ٱلۡحُسۡنَىٰۖ وَسَنَقُولُ لَهُۥ مِنۡ أَمۡرِنَا يُسۡرٗا ٨٨﴾.

و اما هر که به خدا أ ایمان آورده، از پیامبرانش پیروی نموده، از اوامرش اطاعت و از نواهیش اجتناب ورزد، یقیناً وی را نزد حق‌تعالی بهشت‌های پرناز و نعمت خواهد بود و به زودی در دنیا نیز گرامی‌اش خواهیم داشت، به وی نرم و مهربان خواهیم بود و از خیر و خوبی به وی دریغ نخواهیم کرد.

﴿ثُمَّ أَتۡبَعَ سَبَبًا ٨٩﴾.

سپس ذوالقرنین به سوی مشرق بازگشت تا از وسایل و اسبابی که خداوند أ به وی بخشیده بود، با جدّیت و سختکوشی کار گیرد.

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَطۡلِعَ ٱلشَّمۡسِ وَجَدَهَا تَطۡلُعُ عَلَىٰ قَوۡمٖ لَّمۡ نَجۡعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتۡرٗا ٩٠﴾.

و چون ذوالقرنین به طلوعگاه خورشید رسید در آنجا قومی را یافت که سقف و پوششی نداشتند تا گرمای خورشید را از آنان باز دارد و درختی هم وجود نداشت که ایشان را از آزار خورشید سایه‌بان باشد.

﴿كَذَٰلِكَۖ وَقَدۡ أَحَطۡنَا بِمَا لَدَيۡهِ خُبۡرٗا ٩١﴾.

و چنین است که خداوند أ بر آن وسایل و اسبابی که نزد ذوالقرنین وجود داشت احاطه و آگاهی کامل و همه جانبه داشت؛ زیرا هیچ امر پنهانی بر او – سبحانه و تعالی – پنهان نیست.

﴿ثُمَّ أَتۡبَعَ سَبَبًا ٩٢﴾.

سپس ذوالقرنین با به کارگیری نیرو، تجهیزات و وسایلی که حق‌تعالی به وی بخشیده بود با همت و پایداری مسیرش را ادامه داد و دنبال کرد.

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ بَيۡنَ ٱلسَّدَّيۡنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوۡمٗا لَّا يَكَادُونَ يَفۡقَهُونَ قَوۡلٗا ٩٣﴾.

تا چون به میان دو کوهی رسید که برای پشت سر خود سدی واقع شده بودند، او در برابر آن مردمی را یافت که زبان مخصوص به خود را داشته و به فهم سخن مردمان دیگر نزدیک نبودند.

﴿قَالُواْ يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِنَّ يَأۡجُوجَ وَمَأۡجُوجَ مُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَهَلۡ نَجۡعَلُ لَكَ خَرۡجًا عَلَىٰٓ أَن تَجۡعَلَ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَهُمۡ سَدّٗا ٩٤﴾.

آن‌ها به او گفتند: ای ذوالقرنین! در حقیقت دو قبیلۀ یأجوج و مأجوج؛ با کشتار، اسارت، ستم، تسلط زور گیرانه بر اموال مردم و راهزنی، در زمین فساد می‌کنند پس آیا در ازای ساختن سدی بزرگ که میان ما و آنان حایل گردد. مالی را از نزد خود به عنوان اجرت برایت گرد آوریم؟

﴿قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيۡرٞ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجۡعَلۡ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُمۡ رَدۡمًا ٩٥﴾.

ذوالقرنین گفت: آنچه خداوند أ از ملک و مال و مکنت به من داده بهتر از آن چیزی است که نزد شماست ولی مرا به نیروی کاری خود یاری کنید تا میان شما و آنان سدی استوار که آزارشان را از شما دفع کند، بنا کنم.

﴿ءَاتُونِي زُبَرَ ٱلۡحَدِيدِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا سَاوَىٰ بَيۡنَ ٱلصَّدَفَيۡنِ قَالَ ٱنفُخُواْۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَعَلَهُۥ نَارٗا قَالَ ءَاتُونِيٓ أُفۡرِغۡ عَلَيۡهِ قِطۡرٗا ٩٦﴾.

برای من قطعات آهن را گرد آورید، پس قطعات آهن را حاضر ساخته و بعضی را بر روی بعضی دیگر گذاشتند و هردو جانب کوه را بدان برابر ساختند، ذوالقرنین به یارانش گفت: آتشی عظیم برافروزید. و چون آهن ذوب شد به یارانش گفت: به من مس گداخته بدهید تا روی آن بریزم و در نتیجه سد نیرومند‌تر و مستحکم‌تر گردد.

﴿فَمَا ٱسۡطَٰعُوٓاْ أَن يَظۡهَرُوهُ وَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ لَهُۥ نَقۡبٗا ٩٧﴾.

سر انجام سدی منیع و استوار بنا شد، در نتیجه یأجوج و مأجوج به علت بلندی آن سد نتوانستند از آن بالا روند چنان‌که نتوانستند آن را از پایینش سوراخ نمایند؛ از آنکه بنیادش سخت نیرومند و در زمین فرو رفته بود.

﴿قَالَ هَٰذَا رَحۡمَةٞ مِّن رَّبِّيۖ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ رَبِّي جَعَلَهُۥ دَكَّآءَۖ وَكَانَ وَعۡدُ رَبِّي حَقّٗا ٩٨﴾.

ذوالقرنین گفت: این سدی که آن را در برابر آزار یأجوج و مأجوج مانع قرار دادم، از رحمت حق‌تعالی بر من و بر مردمی است که از من این کار را خواستند؛ به جهت آنچه که در بنای آن از خیر و دفع شر وجود دارد، اما چون وقت قیامت فرا رسد خداوند أ آن را ویران ساخته و با زمین یکسان خواهد کرد، وعدۀ حق‌تعالی خواه ناخواه شدنی است و او وعده‌اش را خلاف نمی‌کند.

﴿۞وَتَرَكۡنَا بَعۡضَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ يَمُوجُ فِي بَعۡضٖۖ وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَجَمَعۡنَٰهُمۡ جَمۡعٗا ٩٩﴾.

و در آن روز خداوند أ یأجوج و مأجوج را رها می‌کند تا از بسیاری تعداد، موج آسا با همدیگر در آمیزند اما چون برای حشر و نشر در صور دمیده شود خداوند أ تمام خلق را برای حساب و جزا گرد خواهد آورد.

﴿وَعَرَضۡنَا جَهَنَّمَ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡكَٰفِرِينَ عَرۡضًا ١٠٠﴾.

و آن روز خدای سبحان آتش جهنم را در عرصات حشر برای کفار آشکارا خواهد نمایاند تا جایگاه و فرجام کفر خود را مشاهده کنند.

﴿ٱلَّذِينَ كَانَتۡ أَعۡيُنُهُمۡ فِي غِطَآءٍ عَن ذِكۡرِي وَكَانُواْ لَا يَسۡتَطِيعُونَ سَمۡعًا ١٠١﴾.

چشمان آن کافران در دنیا از یاد خدا أ در پرده بود پس به آیات وی به دیدۀ تدبر و تأمل، عبرت اندوزانه نمی‌نگریستند و نه هم توان شنیدن آیات الله أ را – که راهنمای ایمان به وی و به پیامبرانش هست – داشتند.

﴿أَفَحَسِبَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن يَتَّخِذُواْ عِبَادِي مِن دُونِيٓ أَوۡلِيَآءَۚ إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا جَهَنَّمَ لِلۡكَٰفِرِينَ نُزُلٗا ١٠٢﴾.

آیا کافران می‌پندارند که به زودی بندگان خدا أ را به جای وی خدایانی خواهند گرفت تا سرپرستان‌شان بوده منافع را برای‌شان جلب و زیان را از ایشان دفع کنند؟ قطعاً خداوند أ جهنم را برای کافران منزلی قرار داده است که پیوسته در آن می‌مانند.

﴿قُلۡ هَلۡ نُنَبِّئُكُم بِٱلۡأَخۡسَرِينَ أَعۡمَٰلًا ١٠٣﴾.

ای پیامبر! در جایگاه تبیین و روشنگری بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم از نظر عمل در روز قیامت و سخت‌ترین آن‌ها در بازندگی و ندامت، خبر دهم؟ اینک خبر می‌دهم:

﴿ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعۡيُهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ يَحۡسَبُونَ أَنَّهُمۡ يُحۡسِنُونَ صُنۡعًا ١٠٤﴾.

زیانکارترین مردم از نظر عمل کسانی‌اند که در دنیا به خداوند أ کفر ورزیده، از راه راست منحرف شده و راه اهل دوزخ را در پیش گرفته‌اند ولی با این همه می‌پندارند که در آنچه کرده‌اند، کار خوب انجام داده، بر حق و صواب قرار دارند حال آنکه در بیراهه و گمراهی به سر می‌برند؛ چرا که از رشد و هدایت محروم ساخته شده‌اند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ وَلِقَآئِهِۦ فَحَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فَلَا نُقِيمُ لَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَزۡنٗا ١٠٥﴾.

آن زیانکاران کسانی‌اند که آیات خدا أ را تکذیب کرده و رستاخیز پس از مرگ را انکار ورزیدند، در نتیجه خداوند أ به سبب کفرشان اعمال‌شان را باطل گردانید و بنابراین آن‌ها را نزد الله أ در روز قیامت هیچ قدر و قیمتی نیست.

﴿ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُمۡ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُواْ وَٱتَّخَذُوٓاْ ءَايَٰتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ١٠٦﴾.

و به علت کفر و گمراهی‌شان حق‌تعالی اعمال‌شان را هدر ساخت و جزای‌شان را آتش جهنم گردانید که در آن همیشه ماندگاراند، زیرا آیات حق را تکذیب کرده، معجزات را انکار نموده و بیّنات را به ریشخند گرفتند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَانَتۡ لَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلۡفِرۡدَوۡسِ نُزُلًا ١٠٧﴾.

بی‌گمان کسانی که به خدا أ ایمان آورده، پیامبرانش را تصدیق کرده و اعمال مشروع شایسته را با اخلاص و متابعت از پیامبران انجام داده‌اند، برای‌شان در بهشت برترین منازل و در فردوس بالاترین مرتبه‌هاست.

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يَبۡغُونَ عَنۡهَا حِوَلٗا ١٠٨﴾.

آن گروه ابرار در آن سرای انوار، در جوار عزیز غفار ماندگاراند و از بس جایگاهی نیکو و پاکیزه دارند از آن خواستار انتقال و خروج نمی‌شوند؛ به خاطر عظمت نعمت‌های پایدار و پاداش همه جانبه‌ای که یافته‌اند.

﴿قُل لَّوۡ كَانَ ٱلۡبَحۡرُ مِدَادٗا لِّكَلِمَٰتِ رَبِّي لَنَفِدَ ٱلۡبَحۡرُ قَبۡلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَٰتُ رَبِّي وَلَوۡ جِئۡنَا بِمِثۡلِهِۦ مَدَدٗا ١٠٩﴾.

ای پیامبر! بگو: اگر آب دریا مرکّب شود، و درختان همه قلم شوند تا کلام خداوند أ بدان‌ها نوشته شود قطعاً قبل از آنکه کلمات خدا أ پایان یابد، آب دریا به پایان می‌رسد؛ از بس که کلماتش بسیار و با برکت است، و اگر خداوند أ با آن دریا، دریاهایی دیگر قرار دهد تا دریای نخست را مدد رسانند، یقینا آن دریاها نیز پیش از به پایان رسیدن کلمات خدا أ پایان می‌یابند.

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ فَمَن كَانَ يَرۡجُواْ لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلۡيَعۡمَلۡ عَمَلٗا صَٰلِحٗا وَلَا يُشۡرِكۡ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدَۢا ١١٠﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: جز این نیست که من مانند شما انسانی هستم در امر بشریت و فرشته نیستم، بلکه من بنده و فرستادۀ خدایم، او به من وحی کرده است که خدایی جز او نیست، شریکی نداشته و پروردگاری جز وی وجود ندارد، پس هر که از کیفر خدا می‌ترسد، به پاداشش امیدوار است و به دیدارش ایمان دارد باید به کار شایستۀ خالصانه برای پروردگارش که با سنّت پیامبرش ج منطبق باشد، بپردازد و در عبادت با خدا أ غیر وی را شریک نیاورد که در آن صورت حق‌تعالی وی را با شرکش فرو می‌گذارد.

سورۀ مریم

مکی است؛ ترتیب آن 19؛ شمار آیات آن 98

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿كٓهيعٓصٓ ١﴾.

کاف، ها، یا، عین، صاد؛ از حروف مقطعه است که حق‌تعالی به مرادش از آن‌ها داناتر می‌باشد، با علم به این امر که حروف مقطعه مقاصد زیبا و رازهای والایی دارند.

﴿ذِكۡرُ رَحۡمَتِ رَبِّكَ عَبۡدَهُۥ زَكَرِيَّآ ٢﴾.

این یاد رحمت خداوند أ بر بنده و پیامبرش زکریا است که در این سوره از وی خبر خواهد داد؛ چرا که داستان وی عبرت‌ها، اندرزها، حکمت‌ها، فواید و آموزه‌های بسیاری به همراه دارد.

﴿إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥ نِدَآءً خَفِيّٗا ٣﴾.

آنگاه که زکریا پروردگارش را آهسته ندا کرد؛ زیرا اینگونه مناجات حاکی از کمال اخلاص و امیدواری تمام به اجابت است.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ ٱلۡعَظۡمُ مِنِّي وَٱشۡتَعَلَ ٱلرَّأۡسُ شَيۡبٗا وَلَمۡ أَكُنۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيّٗا ٤﴾.

زکریا گفت: پروردگارا! سن و سالم بالا رفته، استخوانم سست گشته و موی سرم سپید گردیده است و ای پروردگارم! سابقه ندارد که اجابت دعا را از من بازداری بلکه هرگاه که تو را خوانده‌ام، همیشه و هر وقت خواسته‌ام را اجابت کرده‌ای.

﴿وَإِنِّي خِفۡتُ ٱلۡمَوَٰلِيَ مِن وَرَآءِي وَكَانَتِ ٱمۡرَأَتِي عَاقِرٗا فَهَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيّٗا ٥﴾.

در حقیقت من از آن بیم دارم که وقتی بمیرم، نزدیکان و بستگانم در پرداختن به امر دعوت و برداشتن امانت رسالت، بعد از من کوتاهی ورزند و زنم هم نازاست، پس به من فرزندی ببخش که جانشین نیکی برایم بوده و رسالت را بعد از من بر دوش کشد؛ زیرا قدرتت جاری و نافذ است.

﴿يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنۡ ءَالِ يَعۡقُوبَۖ وَٱجۡعَلۡهُ رَبِّ رَضِيّٗا ٦﴾.

تا آن فرزند، نبوتم و نبوت خاندان یعقوب را به ارث برد و از تو می‌‌خواهم که آن فرزند را شایسته گردانی؛ تا نزد تو و نزد خلقت پسندیده و با آبرو باشد.

﴿يَٰزَكَرِيَّآ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ ٱسۡمُهُۥ يَحۡيَىٰ لَمۡ نَجۡعَل لَّهُۥ مِن قَبۡلُ سَمِيّٗا ٧﴾.

پس خدای ﻷ به وی وحی فرستاد که: ای زکریا! خداوند أ تو را مژده می‌دهد که دعایت را اجابت کرده و برایت فرزندی بخشیده است که نامش یحیی است تا این نام تفاؤلی بر حیاتش باشد و حق‌تعالی قبلا برایش همنامی قرار نداده و تا آنگاه پسری به این نام، نامگذاری نشده است.

﴿قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٞ وَكَانَتِ ٱمۡرَأَتِي عَاقِرٗا وَقَدۡ بَلَغۡتُ مِنَ ٱلۡكِبَرِ عِتِيّٗا ٨﴾.

زکریا از اجابت درخواستش متعجب شد و گفت: پروردگارا! آیا برایم فرزندی زاده خواهد شد حال آنکه همسرم نازا است و فرزند به دنیا نمی‌آورد و من خود نیز پیر مردی هستم کهن‌سال که فردی مانند من بارور ساخته نمی‌تواند؟

﴿قَالَ كَذَٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٞ وَقَدۡ خَلَقۡتُكَ مِن قَبۡلُ وَلَمۡ تَكُ شَيۡ‍ٔٗا ٩﴾.

خداوند أ فرمود: به راستی این کار چنین تعجب انگیز است ولی ای زکریا! بر پروردگارت ایجاد آنچه بخواهد سهل و ساده است؛ چه به اسباب باشد و چه بدون اسباب، همانگونه که تو را قبلا از عدم آفرید پس پروردگارت را چیزی عاجز نمی‌گرداند.

﴿قَالَ رَبِّ ٱجۡعَل لِّيٓ ءَايَةٗۖ قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَ لَيَالٖ سَوِيّٗا ١٠﴾.

زکریا برای آنکه به وعدۀ خدا أ مطمئن شود درخواست کرد و گفت: پروردگارا! نشانه‌ای می‌خواهم تا بدان حقیقت آنچه را که فرشتگان به من مژده داده‌اند بشناسم. حق‌تعالی به وی وحی کرد: نشانه این است که تو در عین حالی که سالم هستی اما نمی‌توانی مدّت سه شبانه روز با مردم سخن بگویی.

﴿فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنَ ٱلۡمِحۡرَابِ فَأَوۡحَىٰٓ إِلَيۡهِمۡ أَن سَبِّحُواْ بُكۡرَةٗ وَعَشِيّٗا ١١﴾.

پس زکریا از جای عبادت خود یعنی همانجایی که مژدۀ تولد پسر به وی رسید بود، بر مردم ظاهر شد و به ایشان اشاره کرد که خدای متعال را صبح و شام از سر شکرگزاری و عبودیت تسبیح گویند.

﴿يَٰيَحۡيَىٰ خُذِ ٱلۡكِتَٰبَ بِقُوَّةٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡحُكۡمَ صَبِيّٗا ١٢﴾.

ای یحیی! با همت و عزم و با جد و جهد به تورات روی آور؛ از راه حفظ، فهم، عمل و دعوت به آنچه که در آن است. و خداوند أ به یحیی با وصف خردسالی‌اش حکمت و فهم علمی عطا کرده بود.

﴿وَحَنَانٗا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَوٰةٗۖ وَكَانَ تَقِيّٗا ١٣﴾.

و نیز خداوند أ از جانب خود به یحیی رحمت و محبت و پاکی از گناهان را بخشیده بود و او از پروردگارش پروا می‌داشت، به اوامرش عمل می‌کرد و از نواهی‌اش پرهیز نمود.

﴿وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَيۡهِ وَلَمۡ يَكُن جَبَّارًا عَصِيّٗا ١٤﴾.

یحیی با نیکی به پدر و مادر دلسوزی به ایشان از آن‌ها فرمانبردار بود؛ او نه بر خلق گردنکش بود و نه خالق را نافرمان بلکه با مردم متواضع و برای پروردگارش مطیع و فرمان پذیر بود.

﴿وَسَلَٰمٌ عَلَيۡهِ يَوۡمَ وُلِدَ وَيَوۡمَ يَمُوتُ وَيَوۡمَ يُبۡعَثُ حَيّٗا ١٥﴾.

و سلامی از جانب الله أ و امانی از جانب رحمان بر یحیی باد در روزی که مادرش او را به دنیا آورد، در آن روز که از دنیا می‌رود و در روزی که از قبرش در آخرت زنده برانگیخته می‌شود.

﴿وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَرۡيَمَ إِذِ ٱنتَبَذَتۡ مِنۡ أَهۡلِهَا مَكَانٗا شَرۡقِيّٗا ١٦﴾.

ای پیامبر! و در قرآن داستان مریم را یاد کن؛ روزی که از خانواده‌اش به سمت مشرق دوری گزید و در آن اقامت گزید.

﴿فَٱتَّخَذَتۡ مِن دُونِهِمۡ حِجَابٗا فَأَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرٗا سَوِيّٗا ١٧﴾.

مریم پرده‌ای برافراشت تا وی را از دیدگان کسانش و از مردم در حجاب قرار دهد، پس خداوند أ جبرئیل را به سویش فرستاد و او در چهرۀ انسانی کامل اندام و خوش ترکیب نزد مریم آمد.

﴿قَالَتۡ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيّٗا ١٨﴾.

چون مریم جبرئیل را دید گفت: اگر خداترس و پرهیزگار هستی، من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم که به من بدی یا آزاری برسانی. بناءً ایمانداری و تقوایت باید مانع آزار رسانی‌ات به من گردد.

﴿قَالَ إِنَّمَآ أَنَا۠ رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَٰمٗا زَكِيّٗا ١٩﴾.

جبرئیل به وی گفت: من فرستاده‌ای از سوی الله أ هستم، مرا نزدت فرستاده است تا برایت پسری پاک از لغزش‌ها و پاکیزه از گناه ببخشم.

﴿قَالَتۡ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٞ وَلَمۡ يَمۡسَسۡنِي بَشَرٞ وَلَمۡ أَكُ بَغِيّٗا ٢٠﴾.

مریم به جبرئیل گفت: چگونه پسری به دنیا خواهم آورد حال آنکه هیچ انسانی با نکاح حلال به من نزدیگی نکرده است و همچنان مرتکب فعل حرامی هم نشده‌ام و جز این نیست که فرزند از تلاقی مرد و زن به دنیا می‌آید؟

﴿قَالَ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٞۖ وَلِنَجۡعَلَهُۥٓ ءَايَةٗ لِّلنَّاسِ وَرَحۡمَةٗ مِّنَّاۚ وَكَانَ أَمۡرٗا مَّقۡضِيّٗا ٢١﴾.

جبرئیل به وی گفت: موضوع همچنان است که تو یاد کردی؛ آری! هیچ انسانی به تو نزدیکی نکرده است و فعل حرامی هم انجام نداده‌ای، زیرا حق‌تعالی تو را از این فعل بد مصون داشته است ولی بدان که به وجود آوردن پسری بدون پدر بر خدای سبحان سهل و آسان است، زیرا قدرتش نافذ می‌باشد؛ تا این پسر نشانه‌ای بر قدرت وی و رحمتی از سوی وی بر مادرش و بر امتش باشد. قطعاً خداوند أ این امر را نوشته و مقدّر ساخته است پس نه حکمش را بر گرداننده‌ای است و نه قضا و فیصله‌اش را بازدارنده‌ای.

﴿۞فَحَمَلَتۡهُ فَٱنتَبَذَتۡ بِهِۦ مَكَانٗا قَصِيّٗا ٢٢﴾.

بعد از آنکه جبرئیل در چاک گریبان مریم دمید و دَم وی به رحِمش رسید، مریم آبستن شد و به جایی دور از چشم مردم رفت.

﴿فَأَجَآءَهَا ٱلۡمَخَاضُ إِلَىٰ جِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ قَالَتۡ يَٰلَيۡتَنِي مِتُّ قَبۡلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسۡيٗا مَّنسِيّٗا ٢٣﴾.

سپس درد زایمان مریم را به سوی تنۀ درخت خرمایی کشانید و او از بیم اتهام مردم گفت: ای کاش پیش از امروز مرده بودم و به عرصۀ وجود نیامده بودم، کاش شناخته شده نبوده و به یاد آورده نمی‌شدم و کسی نمی‌دانست که من کیستم.

﴿فَنَادَىٰهَا مِن تَحۡتِهَآ أَلَّا تَحۡزَنِي قَدۡ جَعَلَ رَبُّكِ تَحۡتَكِ سَرِيّٗا ٢٤﴾.

پس عیسی پسرش وی را از زیر پایش ندا داد که: غم مدار؛ زیرا این فرمان و فیصلۀ خداوند أ است و او در زیر پایت جوی آب شیرینی پدید آورده است.

﴿وَهُزِّيٓ إِلَيۡكِ بِجِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ تُسَٰقِطۡ عَلَيۡكِ رُطَبٗا جَنِيّٗا ٢٥﴾.

و تنۀ درخت خرما را با دستت بتکان، برتو از بالای آن خرمای تازۀ گوارا، در دم چیده و رسیده می‌ریزد.

این آیه بر به کارگیری اسباب در طلب رزق دلالت دارد.

﴿فَكُلِي وَٱشۡرَبِي وَقَرِّي عَيۡنٗاۖ فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ ٱلۡبَشَرِ أَحَدٗا فَقُولِيٓ إِنِّي نَذَرۡتُ لِلرَّحۡمَٰنِ صَوۡمٗا فَلَنۡ أُكَلِّمَ ٱلۡيَوۡمَ إِنسِيّٗا ٢٦﴾.

از خرمای تازه بخور، از آب شیرین بنوش، خاطرت را به پسرت خوش و دیده به وی روشن دار؛ و اگر کسی از آدمیان را دیدی و از تو در این مورد پرسید، بگو: من برای طاعت حق‌تعالی روزۀ سکوت نذر کرده‌ام از این رو با هیچ بشری مطلقا سخن نخواهم گفت: قابل ذکر است که سکوت در شریعت آن‌ها عبادت بود نه در شریعت ما.

آیۀ کریمه بر کناره گیری و سکوت در هنگام بروز فتنه‌ها دلالت دارد.

﴿فَأَتَتۡ بِهِۦ قَوۡمَهَا تَحۡمِلُهُۥۖ قَالُواْ يَٰمَرۡيَمُ لَقَدۡ جِئۡتِ شَيۡ‍ٔٗا فَرِيّٗا ٢٧﴾.

و بعد از آنکه مریم به جایی دور رفته بود، از آنجا پسرش عیسی را در آغوش گرفته و نزد قومش آمد و چون قومش او و پسرش را مشاهده کردند به وی گفتند: ای مریم! به راستی کار بس ناپسندی را مرتکب شده‌ای.

﴿يَٰٓأُخۡتَ هَٰرُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ ٱمۡرَأَ سَوۡءٖ وَمَا كَانَتۡ أُمُّكِ بَغِيّٗا ٢٨﴾.

ای خواهر مرد صالح هارون! پدرت شخص گنه‌کاری نبود که مرتکب فحشا شود و مادرت نیز بدکاره‌ای نبود تا زنا نماید.

﴿فَأَشَارَتۡ إِلَيۡهِۖ قَالُواْ كَيۡفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي ٱلۡمَهۡدِ صَبِيّٗا ٢٩﴾.

مریم با آن‌ها سخن نگفت و به پسرش عیسی که کودکی در گهواره بود اشاره کرد تا از وی بپرسند؛ آن‌ها بر این حرکتش ایراد گرفته و گفتند: چسان با این کودک خرد سال و گهواره‌ای که نه سخن گفته می‌تواند و نه حرف‌های ما را می‌فهمد، سخن بگوییم؟!

﴿قَالَ إِنِّي عَبۡدُ ٱللَّهِ ءَاتَىٰنِيَ ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلَنِي نَبِيّٗا ٣٠﴾.

عیسی در حالی که درون گهواره‌اش شیر می‌خورد، لب به سخن گشود و در پاسخ‌شان گفت: من بندۀ خدا أ هستم؛ او چنین مقدر کرده است که انجیل را بر من نازل کند و مرا برای بنی اسرائیل پیامبری قرار دهد.

﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيۡنَ مَا كُنتُ وَأَوۡصَٰنِي بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ مَا دُمۡتُ حَيّٗا ٣١﴾.

و خداوند أ هرجا که باشم مرا با برکت گردانیده است؛ از این رو خیرم بسیار و منفعتم عام و همگانی است؛ من نافع‌ترین مردم در علم و حلم و حکمت هستم، و تا زنده‌ام پروردگارم مرا به بر پاداشت نماز و پایبندی به اوقات آن و به دادن زکات سفارش کرده است زیرا نماز پاکی روح و زکات پاکی مال است.

﴿وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَتِي وَلَمۡ يَجۡعَلۡنِي جَبَّارٗا شَقِيّٗا ٣٢﴾.

و مرا برای مادرم مطیع و فرمانبردار، مشفق و مهربان قرار داده و انسانی زورگو، متکبر، درشتخو و نافرمان خود نگردانیده بلکه مرا انسانی شایسته و پرهیزگار قرار داده است.

﴿وَٱلسَّلَٰمُ عَلَيَّ يَوۡمَ وُلِدتُّ وَيَوۡمَ أَمُوتُ وَيَوۡمَ أُبۡعَثُ حَيّٗا ٣٣﴾.

و بر من از جانب الله أ از هر بیمی امانی و از هر آفتی سلامتی است؛ آن روز که زاده شدم، آن روز که می‌میرم و روز قیامت که زنده بر انگیخته می‌شوم.

﴿ذَٰلِكَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَۖ قَوۡلَ ٱلۡحَقِّ ٱلَّذِي فِيهِ يَمۡتَرُونَ ٣٤﴾.

این کس که خدا أ از وی خبرداده، حقیقتا و یقینا همان عیسی پسر مریم است؛ این همان داستان درست و صحیح وی است نه آنگونه که یهود و نصاری اباطیل و افتراهایی را در مورد وی ادعا می‌کنند.

﴿مَا كَانَ لِلَّهِ أَن يَتَّخِذَ مِن وَلَدٖۖ سُبۡحَٰنَهُۥٓۚ إِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٣٥﴾.

خدای متعال را نسزد و برایش صحیح و مناسب نیست که برای خود از خلقش فرزندی بر گیرد، او از این نسبت والا و منزه است، وقتی امری را مقدر و اراده کند، آن امر با کلمۀ «کُن – موجود شو» بی‌درنگ موجود و محقق می‌شود؛ برای آنچه او بخواهد، هیچ برگرداننده‌ای نیست.

﴿وَإِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٣٦﴾.

همچنین عیسی به بنی‌اسرائیل گفت: تنها خدا را به یگانگی بپرستید و چیزی را به وی شریک نیاورید، زیرا پروردگار من و شما فقط اوست، برای ما جز او پروردگاری نیست؛ این همان روش پایدار و راه راست است و غیر آن هرچه هست باطل و گمراهی است.

﴿فَٱخۡتَلَفَ ٱلۡأَحۡزَابُ مِنۢ بَيۡنِهِمۡۖ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن مَّشۡهَدِ يَوۡمٍ عَظِيمٍ ٣٧﴾.

اما طوایف مختلف بنی‌اسرائیل در مورد عیسی به اختلاف پرداخته گفتند: عیسی پسر خداست، یا او سومین سه خداست، یا او خود، خداست!! همچنان یهود به دشمنی با وی پرداخته گفتند: او ساحر، یا پسر یوسف نجار است. پس در روز دهشتناک و بسیار خطیر قیامت هلاک و دمار بر تکذیبگران و کافران است.

﴿أَسۡمِعۡ بِهِمۡ وَأَبۡصِرۡ يَوۡمَ يَأۡتُونَنَاۖ لَٰكِنِ ٱلظَّٰلِمُونَ ٱلۡيَوۡمَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٣٨﴾.

آن روز که کافران به سوی خدا برمی‌گردند، چه شنوایند خطرهای روز قیامت را و چه بینایند دهشت‌ها و هول و هراس‌های آن را؛ تا آنان را در برابر آنچه کرده‌اند محاسبه کند، ولی امروز کسانی که با کفر بر خود ستم کرده‌اند در دوری آشکاری از حق و در انحراف از هدایت قرار دارند.

﴿وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡحَسۡرَةِ إِذۡ قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ وَهُمۡ فِي غَفۡلَةٖ وَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٣٩﴾.

ای پیامبر! و مردم را از روز حسرت بیم ده؛ از آن روز که داوری انجام می‌شود و مردم مورد حساب قرار می‌گیرند در نتیجه سعادتمندان پاداش یافته و شقاوتمندان به کیفر می‌رسند حال آنکه کافران در این دنیا از آن روز و غفلت قرار دارند زیرا از حق روی گردانیده و پیرو باطل گشته‌اند، نه ایمان صحیحی نزدشان وجود دارد و نه عمل صالحی.

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَرِثُ ٱلۡأَرۡضَ وَمَنۡ عَلَيۡهَا وَإِلَيۡنَا يُرۡجَعُونَ ٤٠﴾.

بی‌گمان فقط خداوند أ است که زمین و هر که را بر آن است به میراث می‌برد؛ بدین نحو که تمام موجودات را فنا کرده و تنها خودش باقی می‌ماند زیرا او زندۀ پاینده است و نمی‌میرد، بازگشت بندگان به سوی او و حساب‌شان بر اوست و به زودی آنان را در برابر افعال‌شان جزا می‌دهد؛ پس اگر افعال‌شان خیر باشد جزای خیر و اگر شر باشد جزای شر به آن‌ها می‌رساند.

﴿وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِبۡرَٰهِيمَۚ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقٗا نَّبِيًّا ٤١﴾.

ای پیامبر! و در این قرآن خبر ابراهیم ÷ را برای مردم یاد کن زیرا او از بزرگ‌ترین اولیای صادق و مخلص خدا أ بود که وی را به نبوت برگزید و به دوستی خویش گرامی داشت.

﴿إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ يَٰٓأَبَتِ لِمَ تَعۡبُدُ مَا لَا يَسۡمَعُ وَلَا يُبۡصِرُ وَلَا يُغۡنِي عَنكَ شَيۡ‍ٔٗا ٤٢﴾.

آنگاه که ابراهیم به پدرش آزر گفت: پدرجان! چرا بت‌های بی‌جان را که نه می‌شنوند، نه می‌بینند، نه از تو زیانی را دفع نموده و نه برایت نفعی می‌رسانند، می‌پرستی؟ بدان که تنها الله أ است که جلب کنندۀ نفع و دفع کنندۀ زیان می‌باشد.

﴿يَٰٓأَبَتِ إِنِّي قَدۡ جَآءَنِي مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَمۡ يَأۡتِكَ فَٱتَّبِعۡنِيٓ أَهۡدِكَ صِرَٰطٗا سَوِيّٗا ٤٣﴾.

پدر جان! در حقیقت خداوند أ مرا به دانش سودمندی که برایم وحی نموده، گرامی داشته است پس نصیحتم را بپذیر و با من به مسیر هدایت بپیوند تا تو را به راهی راست که نه در آن کژی و نه گمراهی است راهنمون شوم.

﴿يَٰٓأَبَتِ لَا تَعۡبُدِ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ عَصِيّٗا ٤٤﴾.

پدر جان! با پرستش بتان و ترک عبادت رحمان، از شیطان پیروی نکن زیرا ابلیس دشمن خدا أ است که از عبادتش استکبار ورزیده و از فرمانش سرپیچیده است.

﴿يَٰٓأَبَتِ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٞ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ فَتَكُونَ لِلشَّيۡطَٰنِ وَلِيّٗا ٤٥﴾.

پدر جان! من از آن می‌ترسم که در حال کفر بمیری و در نتیجه خداوند تو را در آتش جاودان بدارد و در آنجا همدم شیطان باشی.

﴿قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنۡ ءَالِهَتِي يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُۖ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ لَأَرۡجُمَنَّكَۖ وَٱهۡجُرۡنِي مَلِيّٗا ٤٦﴾.

پس آزر به پسرش ابراهیم گفت: ای ابراهیم! آیا می‌خواهی غیر خدایانم را مورد پرستش قرار دهی؟ اگر دشنام و نفرین بتانم را رها نکنی یقینا تو را سنگسار خواهم کرد تا بمیری. و از من جدا شو تا نه من تو را ببینم و نه تو مرا، نه با من سخن بگوی و نه با من روبه‌رو شو.

﴿قَالَ سَلَٰمٌ عَلَيۡكَۖ سَأَسۡتَغۡفِرُ لَكَ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ بِي حَفِيّٗا ٤٧﴾.

ابراهیم ÷ به پدرش گفت: تو از جانب من در سلامت قرار داری و آزاری از من به تو نمی‌رسد زیرا پدر را باید به نیکی معامله کرد هرچند که کافر باشد، اما در معصیت نباید از او فرمان برد. سپس افزود: به زودی به بارگاه الله أ دعا خواهم کرد که تو را به سوی ایمان هدایت کند و گناهانت را بیامرزد زیرا پروردگارم مرا به این امر که امیدواری‌ام را به خودش ناکام نسازد، خو داده، همیشه مرا با اجابت دعایم گرامی داشته و همواره نسبت به من پر مهر بوده است.

﴿وَأَعۡتَزِلُكُمۡ وَمَا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَأَدۡعُواْ رَبِّي عَسَىٰٓ أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّي شَقِيّٗا ٤٨﴾.

ای پدر! و من به زودی از تو و قومت و بتان شما که جز خدا أ می‌خوانید جدا می‌شوم و به دعوت و عبادتم برای پروردگارم استمرار می‌دهم در حالی که دینم را برای وی خالص گردانیده‌ام و مطمئن هستم که پروردگارم با رد درخواستم مرا بدبخت و ناامید نمی‌سازد.

﴿فَلَمَّا ٱعۡتَزَلَهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۖ وَكُلّٗا جَعَلۡنَا نَبِيّٗا ٤٩﴾.

پس چون ابراهیم از پدرش، از قومش و بتان‌شان کناره گزید خداوند أ اسحاق را به او بخشید و بعد از اسحاق فرزندش یعقوب را؛ و هردو را دو پیامبری بزرگوار گردانید.

﴿وَوَهَبۡنَا لَهُم مِّن رَّحۡمَتِنَا وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ لِسَانَ صِدۡقٍ عَلِيّٗا ٥٠﴾.

و خداوند أ به تمام آن‌ها – ابراهیم و فرزندانش – فضل و رحمتی عظیم عنایت کرد؛ از نبوت، رسالت، حکمت، نام و آوازۀ نیک و ثنا و ذکر خیری ماندگار.

﴿وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مُوسَىٰٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ مُخۡلَصٗا وَكَانَ رَسُولٗا نَّبِيّٗا ٥١﴾.

ای پیامبر! و در قرآن خبر موسی ÷ را یاد کن؛ زیرا او برای خدا أ خالص شده بود و خدا أ وی را به نبوت و رسالت برگزید و او نیز از پیامبران اولی العزم بود.

﴿وَنَٰدَيۡنَٰهُ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنِ وَقَرَّبۡنَٰهُ نَجِيّٗا ٥٢﴾.

و خداوند أ از جانب راست طور سینا او را ندا داد، او را با سخن گفتن با وی به خود نزدیک ساخت، به راز گویی خویش مشرف گردانیده و به رسالت خویش برگزید.

این آیه اثبات کنندۀ صفت کلام برای حق‌تعالی است؛ بر وجهی که به جلال و کمال سبحانی‌اش سزاوار می‌باشد.

﴿وَوَهَبۡنَا لَهُۥ مِن رَّحۡمَتِنَآ أَخَاهُ هَٰرُونَ نَبِيّٗا ٥٣﴾.

و حق‌تعالی از روی رحمت و فضلی از جانب خویش، برادرش هارون را به عنوان مؤید و نصرت بخش به وی بخشید و به علاوه هارون را پیامبر نیز گردانید تا هردو بر رساندن پیام حق با همدیگر یار و یاور باشند.

﴿وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِسۡمَٰعِيلَۚ إِنَّهُۥ كَانَصَادِقَ ٱلۡوَعۡدِ وَكَانَ رَسُولٗا نَّبِيّٗا ٥٤﴾.

ای پیامبر! و در این قرآن داستان اسماعیل ÷ را یاد کن زیرا او در وعده‌اش صادق بود؛ چون وعده می‌کرد وفا می‌نمود؛ پس هرگز خلف وعده نکرد و او نیز فرستاده‌ای از جانب الله أ بود که وی را به نبوت مشرف گردانیده بود.

﴿وَكَانَ يَأۡمُرُ أَهۡلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِوَٱلزَّكَوٰةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِۦ مَرۡضِيّٗا ٥٥﴾.

اسماعیل ÷ خاندان خود را به برپاداشت نماز و پرداخت زکات دستور می‌داد و خداوند أ از اسماعیل راضی بود؛ به خاطر عملکرد نیک و طاعت کامل و پیوسته‌اش.

﴿وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِدۡرِيسَۚ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقٗا نَّبِيّٗا ٥٦﴾.

ای پیامبر! و در این قرآن داستان ادریس ÷ را یاد کن زیرا او در سخن و عمل بسیار راستکار و راستگو و به علاوه پیامبری بود که به وی وحی فرستاده می‌شد.

﴿وَرَفَعۡنَٰهُ مَكَانًا عَلِيًّا ٥٧﴾.

و خداوند أ ذکر وی را در میان جهانیان بلند آوازه و منزلتش را در میان مقربان رفعت داد پس یادش بلند و مقام و منزلتش والاست.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ مِن ذُرِّيَّةِ ءَادَمَ وَمِمَّنۡ حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٖ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡرَٰٓءِيلَ وَمِمَّنۡ هَدَيۡنَا وَٱجۡتَبَيۡنَآۚ إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُ ٱلرَّحۡمَٰنِ خَرُّواْۤ سُجَّدٗاۤ وَبُكِيّٗا۩ ٥٨﴾.

آن گروه پیامبرانی که خداوند أ از ایشان به پیامبرش ج یاد کرده است، همانانی بودند که او با هدایت و نبوت و توفیق‌شان به انجام هر خیری، بر ایشان فضل و منت گذاشت؛ ایشان از نسل آدم و از نسل کسانی بودند که خداوند أ با نوح ایشان را سوار کشتی ساخت و از نسل ابراهیم، از نسل یعقوب. ایشان از کسانی بودند که حق‌تعالی ایشان را به ایمان راه نمود و به رسالت برگزید؛ هرگاه آیات خدا أ را می‌شنیدند که بر ایشان خوانده می‌شود، ترسان و گریان از خشیت الله أ با تمام فروتنی و خضوع به سجده می‌افتادند؛ از آنکه در عبودیت بسی کامل و برای پروردگار خود بسی منقاد و فروتن بودند.

﴿۞فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ خَلۡفٌ أَضَاعُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّبَعُواْ ٱلشَّهَوَٰتِۖ فَسَوۡفَ يَلۡقَوۡنَ غَيًّا ٥٩﴾.

اما پس از آن گروه ابرار، جانشینان بدی برجای ماندند که نماز نمی‌خواندند، یا وقت‌های نماز را تباه می‌ساختند، یا در واجبات و ارکان نماز کوتاهی ورزیده در عوض به اموری فرو می‌رفتند که با شهوات حرام نفس‌های‌شان سازگار باشد. پس آن‌ها به زودی در آتش جهنم با بدبختی، ناکامی و ندامت روبه‌رو خواهند شد.

﴿إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ وَلَا يُظۡلَمُونَ شَيۡ‍ٔٗا ٦٠﴾.

لیکن کسانی که به سوی پروردگار خویش باز گشته از گناهان خود نادم شده و با این حال مؤمنان راستین عامل به شایستگی‌ها باشند، پس خداوند أ یقینا توبه‌شان را می‌پذیرد، گناهان‌شان را می‌زداید و چیزی از پاداش اعمال خود را نیز کاسته نمی‌یابند بلکه پاداش‌شان به کمال و تمام به ایشان پرداخته می‌شود.

﴿جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدَ ٱلرَّحۡمَٰنُ عِبَادَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّهُۥ كَانَ وَعۡدُهُۥ مَأۡتِيّٗا ٦١﴾.

این گروه ابرار، به بوستان‌های خلد خوشگوار، در اقامتی همیشگی و پایدار وارد می‌شوند؛ این همان باغ‌های جاویدانی است که حق‌تعالی از غیب بندگان صالحش را بدان‌ها وعده داده است. پس در حالی که آن باغ‌ها را قبلاً مشاهده نکرده‌اند اما بدان تصدیق نموده‌اند. بی‌گمان وعدۀ الله أ محقق است و هیچ برگرداننده‌ای برای آن نیست.

﴿لَّا يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوًا إِلَّا سَلَٰمٗاۖ وَلَهُمۡ رِزۡقُهُمۡ فِيهَا بُكۡرَةٗ وَعَشِيّٗا ٦٢﴾.

بهشتیان در بهشت سخن بیهودۀ بی‌خیر را نمی‌شنوند بلکه فقط درود و شادباشی را می‌شنوند که نوید بخش سلامتی از هرآفت و ایمنی از هر بیمی برای ایشان است. آن‌ها در بهشت در آغاز و پایان روز هر وقت که غذا بخواهند، غذا داده می‌شوند همراه با مقامی خوش در عین سلامتی و امنیت.

﴿تِلۡكَ ٱلۡجَنَّةُ ٱلَّتِي نُورِثُ مِنۡ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيّٗا ٦٣﴾.

این بهشتی که خداوند أ از آن یاد کرده است، آن را برای بندگان با تقوایش مهیا می‌سازد؛ البته ایشان همۀ کسانی‌اند که به اوامر خدا أ عمل کرده و از نواهی‌اش پرهیز کرده‌اند.

﴿وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمۡرِ رَبِّكَۖ لَهُۥ مَا بَيۡنَ أَيۡدِينَا وَمَا خَلۡفَنَا وَمَا بَيۡنَ ذَٰلِكَۚ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيّٗا ٦٤﴾.

جبرئیل به پیامبر ج می‌گوید: ما فرشتگان جز به فرمان خدا أ از آسمان به زمین نازل نمی‌شویم، همۀ آنچه که پیش روی ما از کار آخرت قرار دارد، همۀ آنچه که پشت سر ما از کار دنیا گذشته است و آنچه هم که مابین دنیا و آخرت هست همه به حق‌تعالی اختصاص دارد؛ پس هر آنچه در زمان و مکان واقع شده، از آن اوست. و او هرگز فراموشکار نیست.

﴿رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا فَٱعۡبُدۡهُ وَٱصۡطَبِرۡ لِعِبَٰدَتِهِۦۚ هَلۡ تَعۡلَمُ لَهُۥ سَمِيّٗا ٦٥﴾.

تنها خدای یگانه پروردگار آسمان‌ها و زمین است، او آفرینندۀ هر چیزی است که میان آن دو قرار دارد، او مالک همۀ این‌هاست؛ از این رو پرستش را تنها برای وی خالص گردان و چیزی را با او شریک نیاور و برانجام طاعت و قیام به عبودیتش صابر و شکیبا باش؛ زیرا او را در اسماء، صفات و افعالش هیچ شبیه و مانندی نیست.

﴿وَيَقُولُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَءِذَا مَا مِتُّ لَسَوۡفَ أُخۡرَجُ حَيًّا ٦٦﴾.

انسان کافر تکذیب کنان به رستاخیز می‌گوید: چگونه بعد از آنکه مُردم و فنا شدم مجددا زنده می‌شوم؟ بی‌گمان این کار محال است.

﴿أَوَ لَا يَذۡكُرُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقۡنَٰهُ مِن قَبۡلُ وَلَمۡ يَكُ شَيۡ‍ٔٗا ٦٧﴾.

آیا این انسان کافر انکارگر تکذیب پیشه به یاد نیاورده است که خداوند أ وی را از عدم آفرید حال آنکه قبلا موجود نبود؟ پس باز آفرینی‌اش بعد از مرگ بر خدای متعال ساده‌تر است و همۀ کارها بر وی سهل و ساده می‌باشد.

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحۡشُرَنَّهُمۡ وَٱلشَّيَٰطِينَ ثُمَّ لَنُحۡضِرَنَّهُمۡ حَوۡلَ جَهَنَّمَ جِثِيّٗا ٦٨﴾.

پس ای پیامبر! به پروردگارت سوگند که یقینا او تکذیبگران رستاخیز را با شیاطین گرد خواهد آورد، سپس در حالی که از شدّت ترس و وحشت به زانو در آمده‌اند آن‌ها را گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم ساخت.

﴿ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمۡ أَشَدُّ عَلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ عِتِيّٗا ٦٩﴾.

آنگاه قطعا از عذاب کسانی آغاز خواهد کرد که سرکش‌تر، متکبرتر، متمردتر و کفر پیشه‌تر بوده‌اند.

﴿ثُمَّ لَنَحۡنُ أَعۡلَمُ بِٱلَّذِينَ هُمۡ أَوۡلَىٰ بِهَا صِلِيّٗا ٧٠﴾.

پس از آن خداوند أ به کسانی که به ورود جهنم و برداشت عذاب آتش و تحمل سختی‌های سخت آن سزاوارتر می‌باشند، داناتر است.

﴿وَإِن مِّنكُمۡ إِلَّا وَارِدُهَاۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتۡمٗا مَّقۡضِيّٗا ٧١﴾.

و هیچ‌کس از مردم نیست مگر اینکه با گذر بر صراطی که بر متن جهنم نصب شده است، وارد آتش می‌شود؛ آن‌ها بر حسب اعمال خویش در سرعت گذر از صراط متفاوت‌اند، اما این ورود امری است اجتناب ناپذیر که هیچ گریز و گزیری از آن وجود ندارد و این همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است.

﴿ثُمَّ نُنَجِّي ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّنَذَرُ ٱلظَّٰلِمِينَ فِيهَا جِثِيّٗا ٧٢﴾.

آنگاه خداوند أ کسانی را که با عمل به شریعتش از وی پروا کرده‌اند، نجات می‌دهد و کسانی را که با کفر بر خویشتن ستم کرده‌اند در حالی به آتش جهنم رها می‌کند که به زانو درافتاده‌اند.

﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَيُّ ٱلۡفَرِيقَيۡنِ خَيۡرٞ مَّقَامٗا وَأَحۡسَنُ نَدِيّٗا ٧٣﴾.

چون آیات روشن و واضح قرآن بر آنان خوانده شود کافران به مؤمنان می‌گویند: کدام یک از ما دو گروه جایگاهش بهتر و محلش آراسته‌تر است؟

﴿وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هُمۡ أَحۡسَنُ أَثَٰثٗا وَرِءۡيٗا ٧٤﴾.

پیش از کفار مکه چه بسیار امت‌های پیشین بوده‌اند که از اینان اثاثی زیباتر و ظاهری فریباتر داشتند، اما خداوند أ با عذاب نابودشان ساخت.

﴿قُلۡ مَن كَانَ فِي ٱلضَّلَٰلَةِ فَلۡيَمۡدُدۡ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ مَدًّاۚ حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوۡاْ مَا يُوعَدُونَ إِمَّا ٱلۡعَذَابَ وَإِمَّا ٱلسَّاعَةَ فَسَيَعۡلَمُونَ مَنۡ هُوَ شَرّٞ مَّكَانٗا وَأَضۡعَفُ جُندٗا ٧٥﴾.

ای پیامبر! بگو: هر کس از هدایت رویگردان باشد پس خداوند أ وی را در گمراهی‌اش مهلت می‌دهد تا آنکه چون هشدار خداوند أ در مورد کافران – یعنی هلاک عاجل دنیا یا قیام قیامت – را محقق ببینند، در آن هنگام خواهند دانست که چه کسی در مقام و منزلت بدتر و در سپاه و یاور و پشتیبان، ناتوان‌تر و بی‌پشتوانه‌تر است.

﴿وَيَزِيدُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱهۡتَدَوۡاْ هُدٗىۗ وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٞ مَّرَدًّا ٧٦﴾.

و خداوند أ ایمانی بر ایمان کسانی که به وی ایمان آورده و عمل شایسته کرده‌اند می‌افزاید؛ به سبب طاعت‌شان و کامل بودن پیروی‌شان از پیامبرش ج، و یقینا عمل‌های شایستۀ مشروع نزد خدا أ از نظر اجر و پاداش آخرت، بهتر و بزرگ‌تر و خوش فرجام تراست؛ پس بنده آنگاه که در روز فقر بدان‌ها سخت محتاج است، آن‌ها را می‌یابد.

﴿أَفَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي كَفَرَ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالٗا وَوَلَدًا ٧٧﴾.

ای پیامبر! آیا از حال آن شخص کافر – عاص بن وائل – و امثال وی تعجب نکردی؛ همان کسی که آیات الله أ را تکذیب کرد، به دینش کفر ورزید و باز سوگند خورد که قطعا در آخرت به وی اموال و فرزندانی داده خواهد شد؟

﴿أَطَّلَعَ ٱلۡغَيۡبَ أَمِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحۡمَٰنِ عَهۡدٗا ٧٨﴾.

آیا او بر علم غیب آگاهی یافته تا آن ادعا را برای خود انشا نماید، یا که نزد خدا أ بر حصول و تحقق این امور، عهد و پیمانی دارد که از وی گرفته است؟ حقیقت این است که نه علمی از غیب دارد و نه هم عهد و پیمانی گرفته است.

﴿كَلَّاۚ سَنَكۡتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُۥ مِنَ ٱلۡعَذَابِ مَدّٗا ٧٩﴾.

موضوع چنان نیست که او پنداشته است؛ بناءً نه علمی از غیب دارد و نه عهد و پیمانی بلکه او دروغ پردازی بیش نیست و به زودی خداوند أ آنچه را به هم بافته و افترا بسته است می‌نویسد و از انواع عذاب و اشکال گرفتاری و نکبت بر او می‌افزاید؛ آنسان که او از تکذیب و کفر افزود.

﴿وَنَرِثُهُۥ مَا يَقُولُ وَيَأۡتِينَا فَرۡدٗا ٨٠﴾.

با مرگش تمام ملکیتش را نیز سلب خواهیم کرد و او را تک و تنها بدون مال و فرزند و پشتیبان و تکیه‌گاه خواهیم گذاشت.

﴿وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةٗ لِّيَكُونُواْ لَهُمۡ عِزّٗا ٨١﴾.

کافران بتانی گرفته و آن‌ها را به جای خدا می‌پرستند، نزد آن‌ها جویای عزت‌اند؛ حال آنکه عزّت تنها از آن خدا أ است.

﴿كَلَّاۚ سَيَكۡفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمۡ وَيَكُونُونَ عَلَيۡهِمۡ ضِدًّا ٨٢﴾.

کافران با پرستش خدایانی جز الله أ ابدا به عزّت دست نخواهند یافت، بلکه به زودی خدایان پنداری‌شان در روز قیامت عبادت‌شان را انکار خواهند کرد و نزد خدا أ خصم‌شان خواهند بود و آن‌ها را در گفته‌های‌شان تکذیب خواهند کرد.

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّآ أَرۡسَلۡنَا ٱلشَّيَٰطِينَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ تَؤُزُّهُمۡ أَزّٗا ٨٣﴾.

ای پیامبر! آیا ندیدی که خداوند أ شیاطین را بر کفار مسلط ساخته است که آن‌ها را به گناهان انگیزه داده و به سوی نافرمانی‌ها می‌رانند.

﴿فَلَا تَعۡجَلۡ عَلَيۡهِمۡۖ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمۡ عَدّٗا ٨٤﴾.

ای پیامبر! به درخواست عذاب از جانب الله أ برای کفار شتاب نکن، زیرا بدون شک خداوند أ عمرها و عمل‌های‌شان را بدون کوتاهی به شمار می‌آورد بناء همه چیز به میعادی معین و حساب و اندازه‌ای مقرّر است.

﴿يَوۡمَ نَحۡشُرُ ٱلۡمُتَّقِينَ إِلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ وَفۡدٗا ٨٥﴾.

روزی که خدا أ پرهیزگاران را در گروه هایی با إکرام، إعزاز و انعام به سوی رحمت واسعۀ خود گرد می‌آورد.

﴿وَنَسُوقُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرۡدٗا ٨٦﴾.

اما کافران را پیاده و در حال تشنگی به وسیلۀ فرشتگان به شدّت تمام به سوی جهنم می‌راند.

﴿لَّا يَمۡلِكُونَ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَنِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحۡمَٰنِ عَهۡدٗا ٨٧﴾.

کافران برای کسی شفاعت نتوانند کرد، زیرا برای‌شان نزد خدا أ هیچ عهد و پیمانی – از ایمان به وی و پیامبر ج – وجود ندارد.

﴿وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَلَدٗا ٨٨﴾.

و کافران به دروغ پنداشته‌اند که خداوند أ از بندگانش فرزندی گرفته است. حق‌تعالی از این پندار دروغین والا و منزه است؛ زیرا او یگانۀ یکتاست؛ کسی را نزاده و زاده هم نشده است.

﴿لَّقَدۡ جِئۡتُمۡ شَيۡ‍ًٔا إِدّٗا ٨٩﴾.

یقینا کافران با این سخنان‌شان منکّر بی‌نهایت زشت و چیزی در منتهای وقاحت را آوردند.

﴿تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِنۡهُ وَتَنشَقُّ ٱلۡأَرۡضُ وَتَخِرُّ ٱلۡجِبَالُ هَدًّا ٩٠﴾.

نزدیک است که آسمان‌ها از شناعت این سخن بشگافند، زمین چاک خورد و کوه‌ها به شدّت فرو افتند و در هم پاشند؛ از روی خشم و به خاطر بزرگداشت حق‌تعالی و تنزیهش از این بهتان.

﴿أَن دَعَوۡاْ لِلرَّحۡمَٰنِ وَلَدٗا ٩١﴾.

از آنکه به دروغ و بهتان به خدای سبحان نسبت فرزند دادند. او از این افترا پاک و والاست؛ به اعتلایی بس بزرگ.

﴿وَمَا يَنۢبَغِي لِلرَّحۡمَٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا ٩٢﴾.

سزاوار عظمت و جلال خداوند أ نیست که فرزندی داشته باشد؛ زیرا او از هر کس بی‌نیاز است، نه کسی را زاده و نه زاده شده است.

﴿إِن كُلُّ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ إِلَّآ ءَاتِي ٱلرَّحۡمَٰنِ عَبۡدٗا ٩٣﴾.

همۀ کسانی که در آسمان‌ها و زمین به سر می‌برند – اعم از فرشتگان، انس و جن – به زودی بنده‌وار، فروتن و با عجز و انکسار به سوی او باز می‌گردند در حالی که از او بیمناک و به عبودیت محض برایش به یگانگی، معترفند.

﴿لَّقَدۡ أَحۡصَىٰهُمۡ وَعَدَّهُمۡ عَدّٗا ٩٤﴾.

حق‌تعالی تمام خلق را به حساب آورده و شمارشان را به دقت دانسته است پس احدی از نزدش غایب نشده و کسی از وی گریخته نمی‌تواند.

﴿وَكُلُّهُمۡ ءَاتِيهِ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَرۡدًا ٩٥﴾.

و هریک از انسان‌ها در روز قیامت به سوی حق‌تعالی تک و تنها خواهد آمد در حالی که نه مالی با وی است، نه فرزندی و نه قدرت و سلطه‌ای.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَيَجۡعَلُ لَهُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وُدّٗا ٩٦﴾.

در حقیقت کسانی که به خدا أ ایمان آورده از پیامبرش ج پیروی کرده و اعمال شایستۀ مشروعی را انجام داده‌اند، به زودی خداوند أ به رحمتش برای‌شان در دل‌های بندگانش محبت و مودتی قرار خواهد داد که از آن جمله است: انداختن ثنا و ستایش آن‌ها بر سر زبان‌ها، بلند آوازه ساختن‌شان به نام نیک و مورد قبول قرار گرفتن‌شان در میان مردم.

﴿فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ ٱلۡمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِۦ قَوۡمٗا لُّدّٗا ٩٧﴾.

ای پیامبر! جز این نیست که خداوند أ قرآن را به زبانت – که عربی است – آسان گردانیده تا شایستگان تقواپیشه را به جنت و رضوان الهی بشارت داده و کافرانی را که سخت به ناروا و در گمراهی آشکار جدار می‌کنند، از آتش جهنم بیم‌دهی.

﴿وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هَلۡ تُحِسُّ مِنۡهُم مِّنۡ أَحَدٍ أَوۡ تَسۡمَعُ لَهُمۡ رِكۡزَۢا ٩٨﴾.

و خداوند أ چه بسیار از امت‌های پیشین را نابود ساخته است که هم اکنون نه کسی از آنان را مشاهده می‌کنی و نه صدایی از آن‌ها می‌شنوی. البته به زودی بر کافران این امّت نیز نابودی واقع خواهد شد چنان‌که بر پیشینیان واقع شد؛ این سنتی است گذرانده شده که آن را هیچ تغییر و تبدیلی نیست.

سورۀ طه

مکی است؛ ترتیب آن 20؛ شمار آیات آن 135

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿طه ١﴾.

طا، ها؛ از حروف مقطعه است که خداوند أ به مرادش از آن‌ها داناتر می‌باشد.

﴿مَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لِتَشۡقَىٰٓ ٢﴾.

ای پیامبر! خداوند أ قرآن را برای آن بر تو نازل نکرده است تا آنچه را که از توانت بیرون است بر خود تحمیل کنی، بلکه قرآن برای ارمغان نمودن آسانی، رستگاری و سعادت فرود آمده است.

﴿إِلَّا تَذۡكِرَةٗ لِّمَن يَخۡشَىٰ ٣﴾.

لیکن حق‌تعالی قرآن را برای آن بر تو نازل کرده است تا هر کس را که از عذابش بیم دارد، بدان هشدار دهی تا در نتیجه او با انجام اوامر و ترک نواهی خدای متعال را در نظر داشته و از وی پروا دارد.

﴿تَنزِيلٗا مِّمَّنۡ خَلَقَ ٱلۡأَرۡضَ وَٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلۡعُلَى ٤﴾.

خدایی که زمین و آسمان‌های بلند را آفریده، هموست که قرآن را به عنوان وحیی از جانب خود برتو فرود آورده است.

﴿ٱلرَّحۡمَٰنُ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ ٱسۡتَوَىٰ ٥﴾.

رحمان بر عرش خود فراز آمده، از خلقش ارتفاع جسته و آنگونه بر آن استوا یافته که سزاوار جلالش می‌باشد.

﴿لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَمَا تَحۡتَ ٱلثَّرَىٰ ٦﴾.

هرچه در آسمان‌ها و زمین و مابین آن‌هاست، و هرچه در زیر زمین است همه در آفرینش، تدبیر، ملک و گردانندگی تنها از آن خدا أ است؛ وی را در این امور شریکی نیست.

﴿وَإِن تَجۡهَرۡ بِٱلۡقَوۡلِ فَإِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ وَأَخۡفَى ٧﴾.

و اگر صدایت را در سخن گفتن بلند کنی یا نهان سازی بی‌گمان خداوند أ آشکار و نهان را می‌داند و آنچه را که نهان‌تر از نهان می‌باشد – که همانا حدیث نفس و خاطرات اندرونی است – نیز می‌داند.

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ ٨﴾.

تنها الله أ است که هیچ معبود بر حقی جز او نیست، شریکی برایش وجود نداشته و پروردگاری سوای وی نیست، وی را نام‌هایی است که متضمن صفات کمال است؛ صفاتی که از نقص بری است.

﴿وَهَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ ٩﴾.

ای پیامبر! و آیا داستان بزرگ و شگفت انگیز موسی ÷ به تو رسیده است؟

﴿إِذۡ رَءَا نَارٗا فَقَالَ لِأَهۡلِهِ ٱمۡكُثُوٓاْ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا لَّعَلِّيٓ ءَاتِيكُم مِّنۡهَا بِقَبَسٍ أَوۡ أَجِدُ عَلَى ٱلنَّارِ هُدٗى ١٠﴾.

آن شبی که موسی ÷ آتش برا فروخته‌ای را دید پس به خانواده‌اش گفت: شما در اینجا منتظر بمانید؛ زیرا من آتشی را دیده‌ام و به زودی پیش آن می‌روم تا شعله‌ای از آن برای گرمایش شما و پختن غذای‌تان بیاورم، یا پیش آتش کسی را بیابم که ما را بر راه راهنمایی کند.

﴿فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِيَ يَٰمُوسَىٰٓ ١١﴾.

چون موسی به پیش آتش رسید، خدای ﻷ به وی ندا کرد: ای موسی! بدین‌گونه وی را به سخن گفتن گرامی داشت و به نبوت مشرف گردانید.

﴿إِنِّيٓ أَنَا۠ رَبُّكَ فَٱخۡلَعۡ نَعۡلَيۡكَ إِنَّكَ بِٱلۡوَادِ ٱلۡمُقَدَّسِ طُوٗى ١٢﴾.

خدای سبحان به وی چنین ندا کرد: منم من؛ پروردگار و الهت، پس کفش‌هایت را به خاطر گرامیداشت این مقام بیرون آور. تو در وادی مقدس، پاک و مبارکی هستی که نامش «طوی» است.

﴿وَأَنَا ٱخۡتَرۡتُكَ فَٱسۡتَمِعۡ لِمَا يُوحَىٰٓ ١٣﴾.

ای موسی! خداوند أ تو را برای تبلیغ رسالتش برگزیده است؛ پس با قلبی آماده به آنچه که به تو وحی می‌کند گوش فرا ده.

﴿إِنَّنِيٓ أَنَا ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدۡنِي وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكۡرِيٓ ١٤﴾.

معبود بر حقی جز الله أ وجود نداشته و شریکی برایش نیست؛ پس به یگانگی وی را عبادت کن، طاعت را برایش خالص گردان و نماز را برپا دار تا الله أ را در آن به یاد آوری.

﴿إِنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ أَكَادُ أُخۡفِيهَا لِتُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۢ بِمَا تَسۡعَىٰ ١٥﴾.

بی‌گمان وقوع قیامت امری حتمی و گریزناپذیر است، لابد روی می‌دهد، نزدیک است حق‌تعالی آن را حتی از خود هم پنهان بدارد، پس چگونه غیر وی از آن آگاهند؟ آری! قیامت آمدنی است تا هر کس بدانچه از خیر و شر انجام داده است، خبر داده شود.

﴿فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنۡهَا مَن لَّا يُؤۡمِنُ بِهَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ فَتَرۡدَىٰ ١٦﴾.

پس کسانی که وقع قیامت را تکذیب کرده، هدایت را فرو گذاشته و از هوای نفس خود پیروی کرده‌اند، تو را از امیان به آن باز نگردانند چه اگر از آن‌ها اطاعت کنی، هلاک می‌شوی.

﴿وَمَا تِلۡكَ بِيَمِينِكَ يَٰمُوسَىٰ ١٧﴾.

ای موسی! و چیست آنچه به دست راست خویش گرفته‌ای؟

﴿قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُاْ عَلَيۡهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَ‍َٔارِبُ أُخۡرَىٰ ١٨﴾.

موسی به پروردگارش گفت: این عصای من است؛ وقتی راه بروم بر آن تکیه می‌دهم، با آن برای گوسفندانم برگ درختان را می‌تکانم تا از آن بخورند و برایم در آن نیازها و منافع دیگری نیز هست مانند کشتن مار و گژدم – که آن نیازها را به وسیلۀ آن برمی‌آورم.

﴿قَالَ أَلۡقِهَا يَٰمُوسَىٰ ١٩﴾.

خدای متعال به موسی دستور داد تا عصا را از دستش بیندازد.

﴿فَأَلۡقَىٰهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٞ تَسۡعَىٰ ٢٠﴾.

موسی عصایش را بر زمین انداخت و حق‌تعالی آن را به ماری تبدیل کرد که بر سرعت می‌خزید؛ موسی از مشاهدۀ این صحنه هول‌زده شد و گریزان روی گردانید.

﴿قَالَ خُذۡهَا وَلَا تَخَفۡۖ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا ٱلۡأُولَىٰ ٢١﴾.

خداوند أ به موسی دستور داد که مار را بگیرد و از آن نترسد زیرا آن مار به وی زیانی نمی‌زند و به مجردی که آن را بگیرد خداوند أ آن را به حال نخستینش که همان عصاست برخواهد گرداند.

﴿وَٱضۡمُمۡ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخۡرُجۡ بَيۡضَآءَ مِنۡ غَيۡرِ سُوٓءٍ ءَايَةً أُخۡرَىٰ ٢٢﴾.

و فرمود: ای موسی! دستت را در زیر بغلت به پهلویت ببر، سپید بی‌گزند بی‌هیچ عیب و آسیبی همچون مرض برص و غیره، بیرون می‌آید.

﴿لِنُرِيَكَ مِنۡ ءَايَٰتِنَا ٱلۡكُبۡرَى ٢٣﴾.

حق‌تعالی موسی را به این کارها دستورداد تا وی از برهان‌های بزرگش که راهنمای قدرت، یگانگی و عظمت وی می‌باشند، نمونه‌هایی شگرف را مشاهده کند.

﴿ٱذۡهَبۡ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ٢٤﴾.

حق‌تعالی به موسی دستور داد تا نزد فرعون رفته، وی را به یگانه پرستی و ایمان فرا خواند، زیرا فرعون در گردنکشی، ستم و کفر؛ از حد گذشته، تمرد ورزیده و در زمین فساد برپا کرده است.

﴿قَالَ رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ٢٥﴾.

موسی پروردگارش را خواند و گفت: پروردگارا! سینه‌ام را برایم گشاده گردان تا بتوانم رسالتت را به مقصد رسانم و ابلاغ کنم.

﴿وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي ٢٦﴾.

پروردگارا! و کارم را برایم آسان ساز تا به رسالتت قیام کنم.

﴿وَٱحۡلُلۡ عُقۡدَةٗ مِّن لِّسَانِي ٢٧﴾.

و از تو می‌خوام – پروردگارا – که زبانم را به سخن گفتن بشگایی تا لکنت آن بر طرف شود.

﴿يَفۡقَهُواْ قَوۡلِي ٢٨﴾.

و در نتیجه آنچه را به مردم می‌گویم، بفهمند.

﴿وَٱجۡعَل لِّي وَزِيرٗا مِّنۡ أَهۡلِي ٢٩﴾.

و برایم از خانواده‌ام دستیاری قرار ده.

﴿هَٰرُونَ أَخِي ٣٠﴾.

آن دستیار و معاون، برادرم هارون باشد.

﴿ٱشۡدُدۡ بِهِۦٓ أَزۡرِي ٣١﴾.

پشتم را به هارون استوار کن و مرا به او نیرومند گردان تا بر برداشت امانت توانمند شوم.

﴿وَأَشۡرِكۡهُ فِيٓ أَمۡرِي ٣٢﴾.

و او را با من در نبوت و تبلیغ و دعوت، شریک گردان.

﴿كَيۡ نُسَبِّحَكَ كَثِيرٗا ٣٣﴾.

تا تو را با تسبیح گفتن بسیار تقدیس و تنزیه کنیم.

﴿وَنَذۡكُرَكَ كَثِيرًا ٣٤﴾.

و ذکر تو را بسیار گوییم و بسیار به یاد تو باشیم که این بزرگ‌ترین مدد و یاری برای ما بر امر رسالت است.

﴿إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرٗا ٣٥﴾.

زیرا تو بر احوال ما بینایی؛ هیچ امر نهانی از ما برتو مخفی نمی‌ماند.

﴿قَالَ قَدۡ أُوتِيتَ سُؤۡلَكَ يَٰمُوسَىٰ ٣٦﴾.

حق‌تعالی خواستۀ موسی را به وی داد و فرمود: ای موسی! خواسته‌ات به تو داده شد.

﴿وَلَقَدۡ مَنَنَّا عَلَيۡكَ مَرَّةً أُخۡرَىٰٓ ٣٧﴾.

و به راستی خداوند أ پیش از این نیز با نعمت دیگری بر موسی منت گذاشت؛ آنگاه که وی را از چنگ فرعون نجات داد، هنگامی که در دوران کودکی بود.

﴿إِذۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰٓ ٣٨﴾.

آنگاه که خداوند أ به مادر موسی آنچه را که پسرش موسی را بدان حفظ نماید، الهام کرد.

﴿أَنِ ٱقۡذِفِيهِ فِي ٱلتَّابُوتِ فَٱقۡذِفِيهِ فِي ٱلۡيَمِّ فَلۡيُلۡقِهِ ٱلۡيَمُّ بِٱلسَّاحِلِ يَأۡخُذۡهُ عَدُوّٞ لِّي وَعَدُوّٞ لَّهُۥۚ وَأَلۡقَيۡتُ عَلَيۡكَ مَحَبَّةٗ مِّنِّي وَلِتُصۡنَعَ عَلَىٰ عَيۡنِيٓ ٣٩﴾.

آری! خداوند أ به مادر موسی الهام کرد که پسرش را در صندوقچه‌ای بگذارد سپس آن به دریا اندازد؛ دریا به سوی ساحل حملش خواهد کرد و سرانجام در دست فرعون دشمن خدا أ و دشمن موسی خواهد افتاد. همچنین حق‌تعالی از جانب خود محبتی را بر موسی افکند در نتیجه او نزد بندگان خدا محبوب و مورد پذیرش واقع شد و نیز اوتعالی موسی را زیر نظر و حفظ و رعایت خودش پرورش داد.

آیۀ کریمه بر اثبات چشم برای خدای سبحان – آنگونه که به جلالش سزاوار است – دلالت دارد.

﴿إِذۡ تَمۡشِيٓ أُخۡتُكَ فَتَقُولُ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ مَن يَكۡفُلُهُۥۖ فَرَجَعۡنَٰكَ إِلَىٰٓ أُمِّكَ كَيۡ تَقَرَّ عَيۡنُهَا وَلَا تَحۡزَنَۚ وَقَتَلۡتَ نَفۡسٗا فَنَجَّيۡنَٰكَ مِنَ ٱلۡغَمِّ وَفَتَنَّٰكَ فُتُونٗاۚ فَلَبِثۡتَ سِنِينَ فِيٓ أَهۡلِ مَدۡيَنَ ثُمَّ جِئۡتَ عَلَىٰ قَدَرٖ يَٰمُوسَىٰ ٤٠﴾.

و از تدبیر دقیق و حفظ و رعایت ما نسبت به تو بود آنچه کردیم هنگامی که خواهرت جستجو کنان دنبال تو می‌رفت و به کسی که تو را از رودخانه گرفته بود می‌گفت: آیا شما را بر کسی که سرپرستی‌اش را به عهده گیرد و برای شما شیرش دهد راهنمایی کنم؟ چنین بود که ندانسته تو را نزد مادرت باز گرداندیم تا شیرت داده و به خوبی از تو عهده‌داری کند و در عین حال دلش به دیدنت شاد و روانش به سلامتت آرام گیرد و بر گم کردنت اندوه نخورد. ای موسی! و تو را از غم و هراس کشتن قبطی نیز نجات دادیم و به منظور پاکسازی و گزینشت تو را به چنان امتحانی آزمودیم که از مصر بیمناک به سوی مردم مدین رفته و سال‌ها نزدشان باقی ماندی سپس در موعدی که مقدر و فیصله کرده بودیم از مدین به اینجا در وادی طور، میعادگاه رسالت آمدی.

﴿وَٱصۡطَنَعۡتُكَ لِنَفۡسِي ٤١﴾.

و خداوند أ موسی را به رسالتش انتخاب و به تبلیغ دعوت و ایستادگی به امر شریعتش برگزید، از این جهت فرمود: و تو را برای خودم ساختم.

﴿ٱذۡهَبۡ أَنتَ وَأَخُوكَ بِ‍َٔايَٰتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكۡرِي ٤٢﴾.

حق‌تعالی به موسی دستور داد که همراه برادرش هارون با نشانه‌های وی که دال بر الوهیت، یگانگی و قدرت عظیمش هستند به قصد انجام رسالت روان شوند و به ایشان دستور داد که در ذکر مدام و پیوستۀ وی سستی نکنند؛ زیرا ذکر حق سینه را می‌گشاید و به وسیلۀ آن هر کاری آسان می‌شود.

﴿ٱذۡهَبَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ٤٣﴾.

آری! به موسی و هارون دستور داد تا نزد فرعون بروند؛ زیرا او به سرکشی برخاسته، طغیان ورزیده و در کفر و ستم و فساد از حد گذشته است.

﴿فَقُولَا لَهُۥ قَوۡلٗا لَّيِّنٗا لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوۡ يَخۡشَىٰ ٤٤﴾.

حق‌تعالی به موسی و هارون دستور داد تا به فرعون سخنانی نرم و لطیف گفته از درشتی و تندی کار نگیرند تا به پذیرش برانگیزنده‌تر باشد و این، سخن نرم بهترین انسان‌ها به بدترین انسان‌هاست بنابراین بر هر دعوتگری واجب است تا در دعوتش از ملایمت و نرمی کار بگیرد.

﴿قَالَا رَبَّنَآ إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفۡرُطَ عَلَيۡنَآ أَوۡ أَن يَطۡغَىٰ ٤٥﴾.

موسی و هارون گفتند: پروردگار! ما از آن می‌ترسیم که فرعون ما را به شتاب عذاب کند یا حق را رد نموده و نپذیرد بنابراین از آن بیم داریم که ما را مورد تعذیب یا تکذیب قرار دهد.

﴿قَالَ لَا تَخَافَآۖ إِنَّنِي مَعَكُمَآ أَسۡمَعُ وَأَرَىٰ ٤٦﴾.

خدای ﻷ به موسی و هارون دستور داد که از فرعون نترسید زیرا او به حفظ و نصرت تأییدش با آن‌هاست؛ سخنان‌شان را می‌شنود و کارهای‌شان را می‌بیند.

﴿فَأۡتِيَاهُ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرۡسِلۡ مَعَنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَلَا تُعَذِّبۡهُمۡۖ قَدۡ جِئۡنَٰكَ بِ‍َٔايَةٖ مِّن رَّبِّكَۖ وَٱلسَّلَٰمُ عَلَىٰ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلۡهُدَىٰٓ ٤٧﴾.

و حق‌تعالی به موسی و هارون دستور داد تا نزد فرعون رفته و به وی خبر دهند که دو فرستاده از سوی الله أ پروردگارش هستند و بگویند: بنی‌اسرائیل را از مصر با ما بفرست و آزادشان کن و در کارها بر آنان سخت نگیر، یا آزار و شکنجه‌شان نکن. چنین بود که موسی و هارون با دو معجزۀ آشکار و بزرگ که بر راستگویی‌شان در دعوت‌شان دلالت می‌کرد و پیام سالم ماندن کسانی از عذاب خدا أ را به همراه داشت که از هدایتش پیروی کرده و هوای نفس خود را فرو می‌گذارند، نزد فرعون رفتند.

﴿إِنَّا قَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡنَآ أَنَّ ٱلۡعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ٤٨﴾.

و به فرعون بگویید: در حقیقت خداوند أ به ما وحی نموده که عذابش برکسانی است که پیامبرانش را تکذیب کرده و از شریعتش روی گردانند.

﴿قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَٰمُوسَىٰ ٤٩﴾.

فرعون ستیزه جویانه و منکرانه به ایشان گفت: ای موسی! پروردگار شما دوتن کیست؟ و این پرسش چنان‌که پیداست – از روی انکار بود.

﴿قَالَ رَبُّنَا ٱلَّذِيٓ أَعۡطَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ خَلۡقَهُۥ ثُمَّ هَدَىٰ ٥٠﴾.

موسی با این سخنش فرعون را پاسخ گفت: پروردگار ما آن خدایی است که هرچیز را آفرینشی داده که از نظر ساختار و صنع نیکو درخور اوست، سپس هر آفریده‌ایی را بر اسباب زندگی راه نموده و به بهره‌گیری از زندگی در راستای هدفی که او را برای بر آوردن آن هدف آفریده، توفیق بخشیده است.

﴿قَالَ فَمَا بَالُ ٱلۡقُرُونِ ٱلۡأُولَىٰ ٥١﴾.

فرعون به موسی گفت: پس حال و وضع امت‌های گذشته چگونه است زیرا آن‌ها نیز رهرو راه انکار و تکذیب بوده‌اند؟

﴿قَالَ عِلۡمُهَا عِندَ رَبِّي فِي كِتَٰبٖۖ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى ٥٢﴾.

موسی به فرعون گفت: اخبار این امت‌ها و آنچه کرده‌اند فقط نزد الله أ بوده در لوح محفوظ نوشته است؛ حق‌تعالی در کارها و فیصله‌های خود راه را گم نکرده و چیزی از علم خویش را فراموش نمی‌کند پس احکام و افعالش همه از تکیه‌گاه حق و راستی و علم بر خوردار است.

﴿ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ مَهۡدٗا وَسَلَكَ لَكُمۡ فِيهَا سُبُلٗا وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّن نَّبَاتٖ شَتَّىٰ ٥٣﴾.

تنها خداوند أ است که زمین را برای شما نرم، هموار و رام ساخت تا از آن بهره برده و بر پشت آن زندگی کنید و در آن راه‌هایی بسیار و آسان ترسیم کرد تا زنده‌جان‌ها در آن‌ها گشت‌ و گذار کنند و از آسمان آبی فرود آورد و به وسیلۀ آن انواع مختلفی از رستنی‌ها و گیاهان متنوع ر رویانید تا رزقی برای بندگان و حیوانات باشد.

﴿كُلُواْ وَٱرۡعَوۡاْ أَنۡعَٰمَكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلنُّهَىٰ ٥٤﴾.

ای بندگان! از پاکیزگی‌های آنچه خداوند أ از زمین بیرون آورده بخورید و حیوانات‌تان را در آن بچرانید بی‌گمان در آنچه خدا أ رویانده است برهان‌های روشنی بر قدرت و شایستگی‌اش برای یکتایی و الوهیت وجود دارد.

﴿۞مِنۡهَا خَلَقۡنَٰكُمۡ وَفِيهَا نُعِيدُكُمۡ وَمِنۡهَا نُخۡرِجُكُمۡ تَارَةً أُخۡرَىٰ ٥٥﴾.

خداوند أ مردم را از زمین آفریده است، سپس آن‌ها را مرده در قبرهای‌شان به زمین برمی‌گرداند، از یکبار دیگر از زمین زنده بیرون‌شان می‌آورد تا در برابر کارهای‌شان جزای‌شان دهد.

﴿وَلَقَدۡ أَرَيۡنَٰهُ ءَايَٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ٥٦﴾.

و در حقیقت خداوند أ دلایل یگانگی و برهان‌های قدرتش را در سیمای معجزات، پدیده‌های آفرینش و نشانه‌های روشن به فرعون نشان داد، ولی او آن‌ها را تکذیب کرده از پذیرش حق امتناع ورزید، با سخنش تکذیب و با عملش عصیان ورزید.

﴿قَالَ أَجِئۡتَنَا لِتُخۡرِجَنَا مِنۡ أَرۡضِنَا بِسِحۡرِكَ يَٰمُوسَىٰ ٥٧﴾.

فرعون گفت: ای موسی! آیا نزد ما آمده‌ای تا با سحر خود ما را از سرزمین‌مان بیرون کنی؟

﴿فَلَنَأۡتِيَنَّكَ بِسِحۡرٖ مِّثۡلِهِۦ فَٱجۡعَلۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكَ مَوۡعِدٗا لَّا نُخۡلِفُهُۥ نَحۡنُ وَلَآ أَنتَ مَكَانٗا سُوٗى ٥٨﴾.

ای موسی! پس ما هم به زودی سحری مانند سحر تو خواهیم آورد بناءً برای ما موعدی تعیین کن که نه ما آن را خلاف کنیم و نه تو؛ آن هم در جایی هموار و برابر که میان ما و تو در وسط قرار داشته باشد.

﴿قَالَ مَوۡعِدُكُمۡ يَوۡمُ ٱلزِّينَةِ وَأَن يُحۡشَرَ ٱلنَّاسُ ضُحٗى ٥٩﴾.

موسی روز گردهمایی را در عیدی از اعیادشان تعیین کرد؛ آن روز که خود را برای آن جشن می‌آرایند تا پیش از ظهر مردم از همه‌جاها در آن گرد آیند.

﴿فَتَوَلَّىٰ فِرۡعَوۡنُ فَجَمَعَ كَيۡدَهُۥ ثُمَّ أَتَىٰ ٦٠﴾.

چنین بود که فرعون از حق روی گردانید و ساحران را گرد آورد آنگاه در حال نبرد با خدا أ و پیامبرش موسی ÷ باز آمد.

﴿قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ وَيۡلَكُمۡ لَا تَفۡتَرُواْ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا فَيُسۡحِتَكُم بِعَذَابٖۖ وَقَدۡ خَابَ مَنِ ٱفۡتَرَىٰ ٦١﴾.

موسی ساحران را نصیحت کرد و آن‌ها را از دروغ بستن بر خدا بیم داد چه در آن صورت او به عذابی از نزد خود آنان را بیخ کن و ویران خواهد ساخت و قطعا هر کس بر خدا دروغ بندد، زیانکار و ناکام شده و تمام تلاشش بی‌اثر می‌شود.

﴿فَتَنَٰزَعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّجۡوَىٰ ٦٢﴾.

پس ساحران در میان خود به اختلاف پرداختند اما سخنان خویش را از مردم پنهان داشتند.

﴿قَالُوٓاْ إِنۡ هَٰذَٰنِ لَسَٰحِرَٰنِ يُرِيدَانِ أَن يُخۡرِجَاكُم مِّنۡ أَرۡضِكُم بِسِحۡرِهِمَا وَيَذۡهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ ٱلۡمُثۡلَىٰ ٦٣﴾.

ساحران گفتند: یقینا موسی و هارون دوتن ساحراند که می‌خواهند فرعون و قومش را از سرزمین‌شان بیرون کرده و جادوی بزرگ شما را بر شما تباه سازند.

﴿فَأَجۡمِعُواْ كَيۡدَكُمۡ ثُمَّ ٱئۡتُواْ صَفّٗاۚ وَقَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡيَوۡمَ مَنِ ٱسۡتَعۡلَىٰ ٦٤﴾.

بنابراین فیصلۀ خود را قطعی کرده، نیرنگ خویش را استوار سازید، دچار تفرقه و اختلاف نشده و در یک صف بر موسی و هارون پیش تازید و آنچه را در دست دارید با عزم و تصمیم بیندازید تا عقل‌ها را مدهوش ساخته و بر آن دو پیروز شوید و قطعا هر کس امروز خصمش را مغلوب نماید و بر دشمنش برتری یابد، رستگار و کامیاب شده است.

﴿قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَلۡقَىٰ ٦٥﴾.

ساحران به موسی گفتند: از دو گزینۀ آتی هریک را می‌خواهی برگزین؛ یا تو در اندختن عصایت آغازگر باش، یا ما به انداختن آنچه داریم آغازگر باشیم.

﴿قَالَ بَلۡ أَلۡقُواْۖ فَإِذَا حِبَالُهُمۡ وَعِصِيُّهُمۡ يُخَيَّلُ إِلَيۡهِ مِن سِحۡرِهِمۡ أَنَّهَا تَسۡعَىٰ ٦٦﴾.

موسی به آنان گفت: نه؛ بلکه شما بر افگندن آنچه همراه دارید آغازگر باشید. پس چون آنچه را همراه داشتند انداختند در خیال موسی چنین نمایانده شد که ریسمان‌ها و عصاهای‌شان اژدهاهایی در حال جنبش هستند که می‌خزند.

﴿فَأَوۡجَسَ فِي نَفۡسِهِۦ خِيفَةٗ مُّوسَىٰ ٦٧﴾.

پس موسی از آنچه مشاهده کرد، احساس بیم و هراس نمود.

﴿قُلۡنَا لَا تَخَفۡ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡأَعۡلَىٰ ٦٨﴾.

اما خداوند أ به موسی وحی کرد که: پایدار باش و از آنچه دیدی نترس زیرا امروز پیروز میدان تو هستی و به اذن حق‌تعالی آن‌ها را به زودی مغلوب خواهی ساخت.

﴿وَأَلۡقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلۡقَفۡ مَا صَنَعُوٓاْۖ إِنَّمَا صَنَعُواْ كَيۡدُ سَٰحِرٖۖ وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ ٦٩﴾.

و عصایت را که در دست راستت هست بینداز تا عصاها و ریسمان‌های‌شان را ببلعد زیرا آنچه را پیش رویت سرهم بندی کرده‌اند افسون افسونگر و نیرنگ جادوگر است و افسونگر هرجا که باشد هرگز رستگار نمی‌شود.

﴿فَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سُجَّدٗا قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ هَٰرُونَ وَمُوسَىٰ ٧٠﴾.

موسی عصایش را افکند و عصا ریسمان‌ها و عصاهای‌شان را بلعید، به این ترتیب حق پیروز شد و بر راستگویی موسی حجّت برپا شد. پس ساحران بر زمین به سجده در افتاده و گفتند: به الله پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم و او را به یگانگی می‌خوانیم؛ زیرا اگر آنچه نزد موسی است سحر بود امروز برما غلبه کرده نمی‌توانست.

﴿قَالَ ءَامَنتُمۡ لَهُۥ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ لَكُمۡۖ إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِي عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحۡرَۖ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمۡ فِي جُذُوعِ ٱلنَّخۡلِ وَلَتَعۡلَمُنَّ أَيُّنَآ أَشَدُّ عَذَابٗا وَأَبۡقَىٰ ٧١﴾.

فرعون به ساحران گفت: آیا بی‌اجازۀ من بدانچه موسی آورده تصدیق نمودید و از او پیروی کردید؟ بی‌گمان موسی است که این سحر را به شما آموخته و در این کار او پیشوای شماست؛ پس به زودی دست‌ها و پاهای‌تان را یکی از راست و یکی از چپ – یعنی دست راست و پای چپ یا عکس آن – قطع می‌کنم و بعد از مُثله کردن‌تان بدن‌های‌تان را به منظور تشهیر بر تنه‌های درختان خرما به دار خواهم آویخت که این نهایت مجازات است – و به زودی خواهید دانست که آیا عذاب من سخت و پیوسته‌تر است یا عذاب خدای موسی؟ آن ملعون ناکام و نامراد شد؛ بلکه عذاب خدا سخت‌تر و ماندگارتر است.

﴿قَالُواْ لَن نُّؤۡثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَآءَنَا مِنَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلَّذِي فَطَرَنَاۖ فَٱقۡضِ مَآ أَنتَ قَاضٍۖ إِنَّمَا تَقۡضِي هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَآ ٧٢﴾.

ساحران به فرعون گفتند: هرگز باطلت را بر حقی که موسی آورده است برتری نداده و هرگز ربوبیت دروغینت را بر ربوبیت راستین خدای یگانۀ یکتا که ما را آفریده است ترجیح نمی‌دهیم، پس هر آنچه می‌خواهی بکن؛ بی‌گمان قلمرو قدرتت بر ما همین محدودۀ دنیای کوتاه مدّت و فانی است و با رفتن از این دنیا عذابت برما نیز به زودی سپری خواهد شد.

﴿إِنَّآ ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغۡفِرَ لَنَا خَطَٰيَٰنَا وَمَآ أَكۡرَهۡتَنَا عَلَيۡهِ مِنَ ٱلسِّحۡرِۗ وَٱللَّهُ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓ ٧٣﴾.

ما به الوهیت پروردگارمان و به پیام پیامبرش موسی ایمان آوردیم؛ امید است خداوند أ از گناهان ما و از آن سحری که – تو ای فرعون – ما را بدان به زور واداشتی در گذرد، قطعاً پاداش خداوند أ برای مطیعان بهتر و عذابش برای نافرمانان پایدارتر است.

﴿إِنَّهُۥ مَن يَأۡتِ رَبَّهُۥ مُجۡرِمٗا فَإِنَّ لَهُۥ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحۡيَىٰ ٧٤﴾.

در حقیقت هر که به حال کفر نزد پروردگارش برود، دوزخ وعده‌گاه اوست و در آن ماندگار است؛ نه می‌میرد تا راحت شود و نه به زندگیی آسوده زندگی می‌یابد.

﴿وَمَن يَأۡتِهِۦ مُؤۡمِنٗا قَدۡ عَمِلَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلدَّرَجَٰتُ ٱلۡعُلَىٰ ٧٥﴾.

و هر که در روز قیامت به سوی پروردگارش به حال ایمان بازگردد در صورتی که اعمال شایستۀ مشروع انجام داده باشد پس برایش در بهشت درجات والا و منازل بسیار بالا خواهد بود.

﴿جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ جَزَآءُ مَن تَزَكَّىٰ ٧٦﴾.

بوستان‌های اقامت همیشگی که از زیر درختان آن جویباران جاری است. البته این نعمت پایدار و پاداش عظیم برای کسی است که نفس خود را با طاعات و توبه از گناه پاک کرده، عبادت پروردگارش را به اخلاص انجام داده و در پیروی از پیامبرش ج به راستی و درستی عمل کرده باشد.

﴿وَلَقَدۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَسۡرِ بِعِبَادِي فَٱضۡرِبۡ لَهُمۡ طَرِيقٗا فِي ٱلۡبَحۡرِ يَبَسٗا لَّا تَخَٰفُ دَرَكٗا وَلَا تَخۡشَىٰ ٧٧﴾.

در حقیقت خداوند أ به موسی وحی کرد که بندگانم از بنی‌اسرائیل را شبانه از مصر بیرون بر و برای‌شان در دریا راهی خشک باز کن که نه از رسیدن فرعون بترسی و نه از غرق شدن بیمناک باشی.

﴿فَأَتۡبَعَهُمۡ فِرۡعَوۡنُ بِجُنُودِهِۦ فَغَشِيَهُم مِّنَ ٱلۡيَمِّ مَا غَشِيَهُمۡ ٧٨﴾.

موسی با بنی‌اسرائیل شبانه از مصر بیرون زد و از دریا عبور کرد؛ از آنسو فرعون با لشکریانش آنان را دنبال کرد اما آب به گونه‌ای بر آن‌ها بالا آمد و آنان را فرو پاشانید که در توصیف نگنجد.

﴿وَأَضَلَّ فِرۡعَوۡنُ قَوۡمَهُۥ وَمَا هَدَىٰ ٧٩﴾.

و فرعون پیروانش را گمراه کرد و گمراهی را برای‌شان آراست؛ پس او آن‌ها را نه به حق راه نمود و نه به سوی صواب دلالت کرد.

﴿يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ قَدۡ أَنجَيۡنَٰكُم مِّنۡ عَدُوِّكُمۡ وَوَٰعَدۡنَٰكُمۡ جَانِبَ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنَ وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰ ٨٠﴾.

خداوند أ به بنی‌اسرائیل دستور داد که نعمت‌هایش را به یاد آورند؛ هنگامی که ایشان را از چنگ فرعون و سپاهیانش رهانید و در جانب راست طور با ایشان و عده نهاد تا تورات را در آنجا بر موسی فرود آورد و در صحرا برای‌شان حلوایی مانند عسل و پرنده‌ای مانند بلدرچین که بسیار با مزه بود، فرود آورد.

﴿كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ وَلَا تَطۡغَوۡاْ فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبِيۖ وَمَن يَحۡلِلۡ عَلَيۡهِ غَضَبِي فَقَدۡ هَوَىٰ ٨١﴾.

و خداوند أ به بنی‌اسرائیل فرمان داد که از خواراکی‌های پاکیزه‌ای که روزی‌شان کرده است بخورند ولی در خوردن از حد نگذشته، از حلال به سوی حرام تجاوز نکنند و مرتکب معصیت نشوند که اگر چنین کردن، خشم خدا بر آنان فرود می‌آید و هر که خشم وی برا و فرود آید قطعا در ورطۀ هلاک و زیان افتاده، ناکام و نامراد شده است.

﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٞ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا ثُمَّ ٱهۡتَدَىٰ ٨٢﴾.

و به یقین خداوند أ بسیار آمرزگار است؛ بر کسی که در توبه از گناهان خود صادق بوده، به آنچه از نزد حق‌تعالی آمده است ایمان آورد، اعمال شایستۀ مشروع را انجام دهد سپس به پیمودن راه راست رهسپار شده و بر حق پایداری ورزد.

﴿۞وَمَآ أَعۡجَلَكَ عَن قَوۡمِكَ يَٰمُوسَىٰ ٨٣﴾.

ای موسی! و چه چیز تو را به شتاب واداشت تا از قومت به سوی طور ایمن سبقت جسته و آن‌ها را در عقب جاگذاری؟

﴿قَالَ هُمۡ أُوْلَآءِ عَلَىٰٓ أَثَرِي وَعَجِلۡتُ إِلَيۡكَ رَبِّ لِتَرۡضَىٰ ٨٤﴾.

موسی گفت: پروردگارا! قومم را از پی خویش گذاشتم و به زودی به من خواهند پیوست و ای پروردگارم! من در آمدن به سویت شتاب کردم تا بر خشنودی‌ات از من بیفزایی.

﴿قَالَ فَإِنَّا قَدۡ فَتَنَّا قَوۡمَكَ مِنۢ بَعۡدِكَ وَأَضَلَّهُمُ ٱلسَّامِرِيُّ ٨٥﴾.

خداوند به موسی خبر داد که بعد جدا شدنش از قومش، آنان را به پرستش گوساله آزموده و سامری آنان را گمراه ساخته است.

﴿فَرَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ غَضۡبَٰنَ أَسِفٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ أَلَمۡ يَعِدۡكُمۡ رَبُّكُمۡ وَعۡدًا حَسَنًاۚ أَفَطَالَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡعَهۡدُ أَمۡ أَرَدتُّمۡ أَن يَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبٞ مِّن رَّبِّكُمۡ فَأَخۡلَفۡتُم مَّوۡعِدِي ٨٦﴾.

پس موسی در حالی به سوی قومش بازگشت که به علت پرستش گوساله، بر آن‌ها خشمگین و از آنچه روی داده بود اندوهگین بود؛ او آن‌ها را سرزنش کرد و گفت: ای قوم من! آیا خداوند أ پیش از این با فرود آوردن تورات بر من، به شما وعدۀ نیکو نداد؟ پس چه شد که اینگونه کردید؛ آیا زمان برشما طولانی نمود و در نتیجه تحقق وعده را کند پنداشتید؟ یا این شرک را بدین خاطر انجام دادید که خشم و عذاب خدا برشما فرود آید؛ نتیجه عهدم را شکسته و وعده‌ای را که با من نموده بودید، خلاف کردید گوساله را پرستیدید و دین خدای ﻷ را فرو گذاشتید؟

﴿قَالُواْ مَآ أَخۡلَفۡنَا مَوۡعِدَكَ بِمَلۡكِنَا وَلَٰكِنَّا حُمِّلۡنَآ أَوۡزَارٗا مِّن زِينَةِ ٱلۡقَوۡمِ فَقَذَفۡنَٰهَا فَكَذَٰلِكَ أَلۡقَى ٱلسَّامِرِيُّ ٨٧﴾.

بنی‌اسرائیل گفتند: ای موسی! نه به میل و رغبت خود عهد شکستیم و نه وعده را خلاف کردیم بلکه ماجرا اینگونه بود که ما باری سنگین از زیورات قوم فرعون را از مصر با خود انتقال داده بودیم، پس این زیورآلات را در گودالی انداخته و سپس با آتش گداختیم، سپس سامری آنچه را که با وی از خاک سم اسب جبرئیل بود بر روی آن افکند.

﴿فَأَخۡرَجَ لَهُمۡ عِجۡلٗا جَسَدٗا لَّهُۥ خُوَارٞ فَقَالُواْ هَٰذَآ إِلَٰهُكُمۡ وَإِلَٰهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ٨٨﴾.

بدینسان بود که سامری برای بنی‌اسرائیل از طلای گداخته به صورت و شکل گوساله مجسمه‌ای ساخت که مانند گاو آواز می‌داد. سپس کسانی که بدان گوساله فریب خورده و مفتون آن شده بودند به دیگران گفتند: این همان خدای شماست که موسی آن را فراموش کرده و از آن غافل شده بود؛ پس آن را بپرستید! که البته این سخن، دروغ و بهتانی ننگین از سوی آنان بود.

﴿أَفَلَا يَرَوۡنَ أَلَّا يَرۡجِعُ إِلَيۡهِمۡ قَوۡلٗا وَلَا يَمۡلِكُ لَهُمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا ٨٩﴾.

آیا گوساله پرستان که آن را پرستیده و بدان مفتون شده‌اند نمی‌بینند که این گوساله بی‌جان و ساکت است، نه به سخنی آغاز می‌کند و نه پرستشگر خود را با سخنی پاسخ می‌دهد، نه از پرستشگران خود زیانی را دفع و نه برای‌شان سودی را جلب می‌کند، پس چگونه می‌تواند خدای مورد پرستش باشد؟!

﴿وَلَقَدۡ قَالَ لَهُمۡ هَٰرُونُ مِن قَبۡلُ يَٰقَوۡمِ إِنَّمَا فُتِنتُم بِهِۦۖ وَإِنَّ رَبَّكُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ فَٱتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوٓاْ أَمۡرِي ٩٠﴾.

حقیقتاً هارون پیش از آنکه موسی از طور نزدشان برگردد به بنی‌اسرائیل هشدار داده و گفته بود: بی‌گمان این گوساله آزمون و امتحانی است تا مدعیان راستین ایمان از دروغگویان متمایز شوند، پس در حقیقت پررودگارتان که سزاوار پرستش می‌باشد همانا خدای رحمان است؛ معبودی جز او نیست پس در پرستش خدای یگانه به من اقتدا کنید و مرا در آنچه از توحید حق‌تعالی به شما دستور می‌دهم اطاعت نمایید.

﴿قَالُواْ لَن نَّبۡرَحَ عَلَيۡهِ عَٰكِفِينَ حَتَّىٰ يَرۡجِعَ إِلَيۡنَا مُوسَىٰ ٩١﴾.

کسانی از بنی‌اسرائیل که گوساله را به پرستش گرفته بودند گفتند: ما بر پرستش گوساله باقی خواهیم ماند تا آنگاه که موسی به سوی ما باز گردد.

﴿قَالَ يَٰهَٰرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذۡ رَأَيۡتَهُمۡ ضَلُّوٓاْ ٩٢﴾.

چون موسی بازگشت به برادرش هارون گفت: چه کسی تو را از پیوستن به من و ترک این قوم بازداشت؛ هنگامی که دیدی آنان گوساله را به جای خدای سبحان می‌پرستند؟

﴿أَلَّا تَتَّبِعَنِۖ أَفَعَصَيۡتَ أَمۡرِي ٩٣﴾.

چرا از من پیروی نکرده و نزدم باز نگشتی؟ آیا مرا در آنچه به تو از اصلاح حال بنی‌اسرائیل و حسن جانشینی‌ام بعد از خود دستور داده بودم، مخالفت کردی؟

﴿قَالَ يَبۡنَؤُمَّ لَا تَأۡخُذۡ بِلِحۡيَتِي وَلَا بِرَأۡسِيٓۖ إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقۡتَ بَيۡنَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَلَمۡ تَرۡقُبۡ قَوۡلِي ٩٤﴾.

موسی از خشم سر و ریش برادرش هارون را گرفت و او را به سوی خود می‌کشید. هارون به وی گفت: ای پسر مادرم! نه مرا با ریشم بکش و نه با موی سرم؛ در حقیقت من ترسیدم که اگر به تو ملحق شده و بنی‌اسرائیل را رها کنم آن وقت تو به من بگویی: بنی‌اسرائیل را در حالی که درگیر اختلاف و تفرقه بودند رها کرده و به سوی من آمدی؟ چرا به اصلاح نابسامانی‌های‌شان نپرداخته و جانشین خیر و نیکی برایم در میان آن‌ها نگشتی؟ آخر چرا سفارشم را در مورد سرپرستی نیکو و آراستۀ از آنان رعایت نکردی؟

﴿قَالَ فَمَا خَطۡبُكَ يَٰسَٰمِرِيُّ ٩٥﴾.

آنگاه موسی به سامری گفت: چه چیز تو را با پدید آوردن رسم باطل گوساله پرستی به گمراه‌سازی بنی‌اسرائیل واداشت؟

﴿قَالَ بَصُرۡتُ بِمَا لَمۡ يَبۡصُرُواْ بِهِۦ فَقَبَضۡتُ قَبۡضَةٗ مِّنۡ أَثَرِ ٱلرَّسُولِ فَنَبَذۡتُهَا وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتۡ لِي نَفۡسِي ٩٦﴾.

سامری گفت: آنگاه که من جبرئیل را بعد از غرق شدن فرعون و سپاهش بر اسبی دیدم، چیزی را دیدم و دانستم که دیگران ندیدند، پس مشتی از خاک سم اسب جبرئیل برداشته و آن خاک را بر زیوری که گوساله را از آن ساخته بودم انداختم. در واقع این نفس اماره بالسّوئم بود که چنین فریبکاریی را برایم آراست.

﴿قَالَ فَٱذۡهَبۡ فَإِنَّ لَكَ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَۖ وَإِنَّ لَكَ مَوۡعِدٗا لَّن تُخۡلَفَهُۥۖ وَٱنظُرۡ إِلَىٰٓ إِلَٰهِكَ ٱلَّذِي ظَلۡتَ عَلَيۡهِ عَاكِفٗاۖ لَّنُحَرِّقَنَّهُۥ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُۥ فِي ٱلۡيَمِّ نَسۡفًا ٩٧﴾.

موسی به سامری گفت: پس برو که جزایت بر آنچه کردی این است که رانده و مانده و از همه کس دورافکنده زندگی کنی و به هر کس بگویی: نه به من دست زنید و نه من به کسی دست می‌زنم! با این حال تو را نزد خداوند أ موعدی است که در آن بر جنایت بزرگ پدید آوردن رسم گوساله پرستی عذاب خواهد کرد و این وعده هرگز تخلف پذیر نیست و قطعا محقق خواهد شد. و به سوی این گوساله اینکه آن را به جای الله أ پرستش کردی بنگر؛ به زودی آن را با آتش می‌سوزانیم سپس خاکسترش را در آب دریا کاملا فرو می‌پاشانیم.

﴿إِنَّمَآ إِلَٰهُكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ وَسِعَ كُلَّ شَيۡءٍ عِلۡمٗا ٩٨﴾.

ای مردم! جز این نیست که اِله و معبود بر حق شما همانا الله یگانه است، معبود جز وی نیست، شریکی ندارد، علمش به همه چیز گسترده است و همه چیز را دربر گرفته، هیچ امر نهانیی بر وی پنهان نمانده و هیچ چیز مخفیی بر وی نهان نیست.

﴿كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيۡكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ مَا قَدۡ سَبَقَۚ وَقَدۡ ءَاتَيۡنَٰكَ مِن لَّدُنَّا ذِكۡرٗا ٩٩﴾.

ای پیامبر! آنگونه که اخبار موسی و فرعون را بر تو حکایت کردیم، اخبار امت‌های پیشین را نیز بر تو حکایت می‌کنیم. و مسلما بر تو قرآنی نازل کرده‌ایم که پند و اندرز و تذکری است برای هر کس که اندرز گیرد.

﴿مَّنۡ أَعۡرَضَ عَنۡهُ فَإِنَّهُۥ يَحۡمِلُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وِزۡرًا ١٠٠﴾.

هر کس از قرآن روی برتافته، از آن پیروی نکند و بدان عمل ننماید بی‌گمان روز قیامت بارگناهی سنگین بر دوش می‌گیرد؛ از آن‌رو که اعراض نموده و نسبت به آن بی‌توجه بوده است.

﴿خَٰلِدِينَ فِيهِۖ وَسَآءَ لَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ حِمۡلٗا ١٠١﴾.

به طور همیشه در عذاب پر درد می‌مانند؛ وه! چه بد باری است این بار سنگین گناهان و چه زشت این رویکردی که آنان را در جهنم برای همیشه ماندگار ساخته است.

﴿يَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِۚ وَنَحۡشُرُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ يَوۡمَئِذٖ زُرۡقٗا ١٠٢﴾.

روزی که فرشته برای برپایی قیامت و برانگیختن بعد از مرگ در صور می‌دمد و فرشتگان کفار اشرار را در حالی می‌رانند که آنان از هول آنچه مشاهده کرده‌اند کبود چشم و کبود رنگ‌اند.

﴿يَتَخَٰفَتُونَ بَيۡنَهُمۡ إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا عَشۡرٗا ١٠٣﴾.

کافران با صدای آهسته و به طور پنهانی به یکدیگر می‌گویند: شما در دنیا جز ده روز بیشتر نمانده‌اید؛ از بس که مدّت گذشت زمان را سریع پنداشته و عمر دنیا را کوتاه می‌بینند.

﴿نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذۡ يَقُولُ أَمۡثَلُهُمۡ طَرِيقَةً إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا يَوۡمٗا ١٠٤﴾.

ما به آنچه پنهانی در میان خود می‌گویند داناتریم؛ آنگاه که استوارترین‌شان در رأی و بیشترین‌شان در دانش می‌گوید: شما جز زمانی اندک در دنیا نمانده‌اید؛ به علت آنچه از بلندی روز قیامت دیده‌اند.

﴿وَيَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡجِبَالِ فَقُلۡ يَنسِفُهَا رَبِّي نَسۡفٗا ١٠٥﴾.

ای پیامبر! و کافران از تو در مورد سرانجام کار کوه‌ها می‌پرسند؛ در پاسخ‌شان بگو: خداوند أ آن‌ها را گردی پراکنده خواهد ساخت و از روی زمین محو خواهد کرد.

﴿فَيَذَرُهَا قَاعٗا صَفۡصَفٗا ١٠٦﴾.

سپس حق‌تعالی زمین را هموار، پهن و لغزنده خواهد ساخت.

﴿لَّا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجٗا وَلَآ أَمۡتٗا ١٠٧﴾.

نه انسان در آن بلندیی می‌بیند و نه پستی و ناهمواریی؛ بلکه همۀ زمین بر یک شکل و یک هیأت قرار دارد.

﴿يَوۡمَئِذٖ يَتَّبِعُونَ ٱلدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُۥۖ وَخَشَعَتِ ٱلۡأَصۡوَاتُ لِلرَّحۡمَٰنِ فَلَا تَسۡمَعُ إِلَّا هَمۡسٗا ١٠٨﴾.

در روز قیامت مردم به سوی ندای دعوتگر حق که آنان را به سوی موقف محشر فرا می‌خواند می‌شتابند؛ آنان از اجابت وی و گرد آمدن در محشر، هیچ گریزگاه و پناهی ندارند. صداهای خلق از خضوع در برابر هیبت پروردگار رحمان خاموش می‌شود و جز صدای آهسته چیزی دیگر نمی‌شنوی.

﴿يَوۡمَئِذٖ لَّا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ إِلَّا مَنۡ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَرَضِيَ لَهُۥ قَوۡلٗا ١٠٩﴾.

در روز قیامت شفاعت به کسی از مردم سود نمی‌بخشد مگر آنگاه که خدای رحمان برای شفاعتگری اجازه داده و از کسی که در موردش شفاعت می‌شود، خشنود گردد؛ که این وصف هم جز بر مؤمن راستین صادق نیست.

﴿يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِۦ عِلۡمٗا ١١٠﴾.

حق‌تعالی آنچه را بندگان از امور آخرت پیش رو دارند و آنچه را از امور دنیا پشت سر گذاشته‌اند می‌داند حال آنکه بندگان از نظر دانش به خدا احاطه ندارند بلکه دانش اوست که بر آنان محیط است.

﴿۞وَعَنَتِ ٱلۡوُجُوهُ لِلۡحَيِّ ٱلۡقَيُّومِۖ وَقَدۡ خَابَ مَنۡ حَمَلَ ظُلۡمٗا ١١١﴾.

و چهره‌های بندگان برای خدای زندۀ پاینده که بر تدبیر هستی پایدار است و مرگ را بر وی راهی نیست. خاضع و ذلیل شده است و هر کس به وی چیزی را شریک آورده باشد در روز حساب زیانکار و هلاک شده است.

﴿وَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَا يَخَافُ ظُلۡمٗا وَلَا هَضۡمٗا ١١٢﴾.

و هر کس همراه ایمان به خدا أ کارهای شایسته انجام دهد پس از این امر نمی‌هراسد که پروردگارش با افزودن بر گناهانش به وی ستم کند، یا با کاستن از ثواب‌هایش از وی حقی را پایمال نماید.

﴿وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا وَصَرَّفۡنَا فِيهِ مِنَ ٱلۡوَعِيدِ لَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ أَوۡ يُحۡدِثُ لَهُمۡ ذِكۡرٗا ١١٣﴾.

و آنگونه که حق‌تعالی اهل ایمان را به سوی نیکوکاری و احسان فرا خواند و کافران را از نافرمانی‌ها و گناهان برحذر ساخت هم بدینسان این قرآن را بر پیامبرش محمد ج به زبان عربی مبین نازل کرد تا مردم آن را با فهم متعهدانه بفهمند. و خدای سبحان انواع هشدارها را در کتابش بیان کرد تا شاید مردم با عمل به شریعتش از وی پروا داشته، یا قرآن در ایشان اندرز و احساسی ایجاد کند؛ در نتیجه عبرت گیرند و عمیق بیندیشند.

﴿فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۗ وَلَا تَعۡجَلۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مِن قَبۡلِ أَن يُقۡضَىٰٓ إِلَيۡكَ وَحۡيُهُۥۖ وَقُل رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا ١١٤﴾.

پس پاک و بلند مرتبه است خدای یگانۀ قهار غالب و آمرزگار، فرمانروای بر حقی که گردنکشان جبار را سرکوب و مغلوب نموده است؛ پس او حق است، کتاب‌ها و پیامبرانش حق اند و مژده‌ها و هشدارهایش حق است. ای پیامبر! و در خواندن قرآن پیش از آنکه جبرئیل از تلاوت آن بر تو فارغ شود شتاب مکن و از پروردگارت بخواه که علمی بر علمت بیفزاید زیرا علم بهترین محبوب و گرامی‌ترین مطلوب است.

﴿وَلَقَدۡ عَهِدۡنَآ إِلَىٰٓ ءَادَمَ مِن قَبۡلُ فَنَسِيَ وَلَمۡ نَجِدۡ لَهُۥ عَزۡمٗا ١١٥﴾.

و به یقین پیش از آنکه آدم از درخت ممنوعه بخورد و خداوند أ وی را از خوردن آن نهی نماید، به وی سفارش کرد که شیطان برایش و همسرش دشمن است و به وی نصیحت کرد که مبادا شیطان از بهشت بیرون‌شان کند که در آن صورت، سختی و تیره بختی به ایشان خواهد رسید. ولی شیطان وسوسه‌شان کرد و در نتیجه سفارش الله أ نسبت به خود را فراموش کردند پس نه سفارش الهی برای آدم محفوظ باقی ماند و نه عزمی استوار بر عمل و پایداری.

﴿وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰ ١١٦﴾.

ای پیامبر! و روزی را یاد کن که خداوند أ به فرشتگان دستور داد تا برای آدم سجده کنند. پس همه سجده کردند جز ابلیس که خدا أ را عصیان کرد و از سجده برای آدم امتناع ورزید.

﴿فَقُلۡنَا يَٰٓـَٔادَمُ إِنَّ هَٰذَا عَدُوّٞ لَّكَ وَلِزَوۡجِكَ فَلَا يُخۡرِجَنَّكُمَا مِنَ ٱلۡجَنَّةِ فَتَشۡقَىٰٓ ١١٧﴾.

پس خداوند أ به آدم خبر داد که شیطان برای وی و همسرش حواء دشمن است بناءً باید از این امر که شما دو تن را از بهشت بیرون کرده و آن وقت پس از نعمت‌ها تیره‌بختی دامنگیرتان شود، حذر کنید؛ زن‌ها از نیرنگ شیطان.

﴿إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعۡرَىٰ ١١٨﴾.

ای آدم! در حقیقت برایت از جانب خدا پیمانی است که نه در بهشت گرسنه می‌شوی و نه برهنه می‌مانی؛ زیرا در آنجا هم غذا بسیار است و هم لباس.

﴿وَأَنَّكَ لَا تَظۡمَؤُاْ فِيهَا وَلَا تَضۡحَىٰ ١١٩﴾.

ای آدم! و همچنان برایت از جانب خدا أ پیمانی است که نه در بهشت تشنه می‌شوی و نه آفتاب زده زیرا در آنجا آب شیرین سرد و گوارا موجود است و سایه‌های پهن و فراگیر بی‌ازار.

﴿فَوَسۡوَسَ إِلَيۡهِ ٱلشَّيۡطَٰنُ قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ هَلۡ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ ٱلۡخُلۡدِ وَمُلۡكٖ لَّا يَبۡلَىٰ ١٢٠﴾.

پس شیطان آدم را وسوسه کرد و او را بانیرنگ و خدعه و القای آرزو‌ها فریفت و برایش گفت: ای آدم! آیا می‌خواهی که تو را به درختی رهنمایی کنم که چون از آن بخوری در بهشت برای ابد می‌مانی و ملکی بی‌زوال و بی‌نهایت از آن تو می‌شود؟

﴿فَأَكَلَا مِنۡهَا فَبَدَتۡ لَهُمَا سَوۡءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخۡصِفَانِ عَلَيۡهِمَا مِن وَرَقِ ٱلۡجَنَّةِۚ وَعَصَىٰٓ ءَادَمُ رَبَّهُۥ فَغَوَىٰ ١٢١﴾.

پس آدم و حواء از آن درختی که خداوند أ از آن برحذرشان ساخته بود خوردند در نتیجه از شومی معصیت عورت و برهنگی آنان برای‌شان نمایان شد در حالی که قبلا پوشیده بود. سپس آدم و حواء شروع به چسباندن برگ‌های درختان بهشت بر خود و پوشاندن خود بدان‌ها کردند. آری! آدم فرمان الله أ را مخالفت کرد پس به گناه خوردن از درخت ممنوعه از راه رشد به بیراهه رفت.

﴿ثُمَّ ٱجۡتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَتَابَ عَلَيۡهِ وَهَدَىٰ ١٢٢﴾.

سپس خداوند أ آدم را برگزید، انتخابش کرد، او را به خود نزدیک کرد، توبه‌اش را پذیرفت، خطایش را آمرزید و او را بعد از گمراهی به هدایت توفیق داد.

﴿قَالَ ٱهۡبِطَا مِنۡهَا جَمِيعَۢاۖ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوّٞۖ فَإِمَّا يَأۡتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدٗى فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشۡقَىٰ ١٢٣﴾.

خدای متعال به آدم و حواء دستور داد که: همراه با شیطان از بهشت به زمین فرود آیید در حالی که شما دو تن و ابلیس دشمنان همیشگی یکدیگرید، پس چنان‌چه از طریق پیامبران الهی † به فرزندان آدم رهنمودی آمد یقینا هر کس به رهنمود خدا ایمان آورده و پیامبرانش را تصدیق نماید، در دنیا راهیافته و موفق و در آخرت خوشبخت و نعمت یافته است.

﴿وَمَنۡ أَعۡرَضَ عَن ذِكۡرِي فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةٗ ضَنكٗا وَنَحۡشُرُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَعۡمَىٰ ١٢٤﴾.

اما هر کس یاد خدا و امیان به وی را فرو گذارد، پس بی‌گمان خداوند أ زندگی وی را تنگ و دشوار، سخت و محنت بار و غیر قابل تحمل خواهد ساخت هرچند مالک تمام دنیا هم باشد!! به جز این خداوند أ در روز رستاخیز او را به سوی محشر نابینا از مشاهده محشور می‌کند در حالی که او را هیچ حجتی نیست.

﴿قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرۡتَنِيٓ أَعۡمَىٰ وَقَدۡ كُنتُ بَصِيرٗا ١٢٥﴾.

این شخص رویگردان گریزان از یاد خدا می‌گوید: پروردگارا! چرا مرا در موقف حساب نابینا محشور کردی در حالی که قبل از آن در دنیا بینا بودم؟

﴿قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتۡكَ ءَايَٰتُنَا فَنَسِيتَهَاۖ وَكَذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمَ تُنسَىٰ ١٢٦﴾.

خدای سبحان به وی خبر می‌دهد که: از آن‌رو در همایش بزرگ محشر نابینا حاضر ساخته شده که از ایمان و قرآن و اطاعت خدای رحمان روی گردانیده است، پس همان طور که انقیاد برای طاعت الله أ را در دنیا فرو گذاشته، همانگونه در جهنم به دست فراموشی رها ساخته می‌شود.

﴿وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي مَنۡ أَسۡرَفَ وَلَمۡ يُؤۡمِنۢ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِۦۚ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبۡقَىٰٓ ١٢٧﴾.

و خداوند أ کسانی را که در عصیان زیاده روی کرده، به رحمان ایمان نیاورده و قرآن را ترک کرده‌اند اینگونه عذاب می‌کند و قطعا عذاب آخرت سخت‌تر، زشت‌تر، پایدارتر و پیوسته‌تر است زیرا نه قطع می‌شود و نه به پایان می‌رسد.

﴿أَفَلَمۡ يَهۡدِ لَهُمۡ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ يَمۡشُونَ فِي مَسَٰكِنِهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلنُّهَىٰ ١٢٨﴾.

آیا برای کافران روشن نشده است که خداوند أ چه بسیار امت‌های پیشین را – آنگاه که تکذیب کردند – نابود ساخته است که اینک آنان در سراها و آثار برجای مانده از آن گروه‌های تکذیب پیشۀ عذاب شده، راه می‌روند؟ به راستی در نابود ساختن آن امت‌ها و آنچه از دیار و آثارشان باقی مانده است عبرتی است برای عبرت اندوزان و پند و اندرزی است برای پند پذیرانی که از عقل‌هایی سلیم و بینش‌هایی روشن و نورانی برخوردارند.

﴿وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامٗا وَأَجَلٞ مُّسَمّٗى ١٢٩﴾.

و اگر نبود که در سابق خداوند أ برای‌شان موعدی معین مقرر کرده بود یقینا آنان را به شتاب کیفر می‌داد؛ چرا که آنان به راستی مستحق این عذاب‌اند.

﴿فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ غُرُوبِهَاۖ وَمِنۡ ءَانَآيِٕ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡ وَأَطۡرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرۡضَىٰ ١٣٠﴾.

پس ای پیامبر! بر نیرنگ و آزار کفار شکیباباش و در نمازهای بامداد، عصر، عشاء، ظهر و مغرب با ستایش پروردگارت تسبیح گوی؛ زیرا بعضی از این نمازها قبل از طلوع خورشید، بعضی قبل از غروب آن، یا در اثنای شب و در دو سوی روز اند؛ باشد که خداوند أ بر این نمازها تو را چنان پاداشی عنایت کند که بدان خشنود شوی و خاطرت به یاد خدای سبحان شاد شود.

﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ زَهۡرَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا لِنَفۡتِنَهُمۡ فِيهِۚ وَرِزۡقُ رَبِّكَ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰ ١٣١﴾.

و به سوی بهره‌های ناپایدار و زیور و سامانۀ گذار و بی‌اعتباری که خداوند أ کفار و فجّار را در سرای غرور دنیا از آن برخوردار ساخته است، به دیدۀ أعجاب و رغبت چشم مدوز؛ زیرا خداوند أ این سامانه را برای‌شان آزمون و ابتلایی قرار داده است و بدان که روزی پاکیزه و حلال و پاداش بی‌زوال پروردگارت بهتر، بزرگ‌تر و پایدارتر است؛ زیرا نه قطع می‌شود و نه فنا را بر آن رنگی است.

﴿وَأۡمُرۡ أَهۡلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَاۖ لَا نَسۡ‍َٔلُكَ رِزۡقٗاۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكَۗ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلتَّقۡوَىٰ ١٣٢﴾.

ای پیامبر! و خانواده‌ات را به برپاداشت نماز فرمان ده و خود نیز بر ادای آن و پایبندی به آن در اوقات آن شکیبا و پایدار باش، زیرا خداوند أ از تو مالی نمی‌طلبد، چون اوست که به تو روزی می‌دهد و قطعا فرجام نیک و سرانجام خوش در هر امری برای کسانی است که از پروردگار خویش پروا داشته و به لباس تقوی آراسته‌اند.

﴿وَقَالُواْ لَوۡلَا يَأۡتِينَا بِ‍َٔايَةٖ مِّن رَّبِّهِۦٓۚ أَوَ لَمۡ تَأۡتِهِم بَيِّنَةُ مَا فِي ٱلصُّحُفِ ٱلۡأُولَىٰ ١٣٣﴾.

کافران گفتند: چرا پیامبر نشانۀ آشکاری که دلیل رسالتش باشد به ما نمی‌آورد؟ آیا اینکه خداوند أ کتاب معجزش را بر پیامبر امی به حیث تصدیق کنندۀ کتاب‌های آسمانی ماقبلش نازل کرده است برای‌شان کافی نبوده است؟

﴿وَلَوۡ أَنَّآ أَهۡلَكۡنَٰهُم بِعَذَابٖ مِّن قَبۡلِهِۦ لَقَالُواْ رَبَّنَا لَوۡلَآ أَرۡسَلۡتَ إِلَيۡنَا رَسُولٗا فَنَتَّبِعَ ءَايَٰتِكَ مِن قَبۡلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخۡزَىٰ ١٣٤﴾.

و اگر خداوند أ پیش از آنکه حجّت – با فرستادن پیامبر ج و فرود آوردن قرآن – بر این کافران برپا شود، با عذابی هلاک‌شان می‌کرد مسلّما می‌گفتند: پروردگارا! چرا از نزد خود پیامبر به سوی ما نفرستادی تا به آنچه آورده است ایمان می‌آوردیم و پیش از آنکه به عذابت معذب و به کیفرت خوار و رسوا شویم از هدایتش پیروی می‌کردیم.

﴿قُلۡ كُلّٞ مُّتَرَبِّصٞ فَتَرَبَّصُواْۖ فَسَتَعۡلَمُونَ مَنۡ أَصۡحَٰبُ ٱلصِّرَٰطِ ٱلسَّوِيِّ وَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ ١٣٥﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: ما و شما همه در انتظار عواقب امور و دگرگونی احوال به سر می‌بریم؛ پس به زودی برای‌تان آشکار خواهد شد که فرجام نیک، پیروزی آشکار و فتح عظیم از آن کیست؟ و زود است که بدانید، اهل هدایت که پیرو حق و حقیقت و توفیق یافته‌گان را صواب‌اند کیانند؟!

سورۀ انبیاء

مکی است؛ ترتیب آن 21؛ شمار آیات آن 112

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ٱقۡتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمۡ وَهُمۡ فِي غَفۡلَةٖ مُّعۡرِضُونَ ١﴾.

برای مردم وقت حساب‌شان بر آنچه در دنیا کرده‌اند نزدیک شده است اما با وجود نزدیکی حساب، کافران از آمادگی برای این روز غافلند؛ آن‌ها در رویگردانی و سرگرمیی تمام به سر می‌برند.

﴿مَا يَأۡتِيهِم مِّن ذِكۡرٖ مِّن رَّبِّهِم مُّحۡدَثٍ إِلَّا ٱسۡتَمَعُوهُ وَهُمۡ يَلۡعَبُونَ ٢﴾.

هیچ چیز از قرآن که تجدیدگر اندرز است بر آنان خوانده نمی‌شود جز اینکه با بازی و استهزا به آن گوش می‌دهند نه با سکوتی باور مندانه و پذیرشی خردورزانه.

﴿لَاهِيَةٗ قُلُوبُهُمۡۗ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّجۡوَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ هَلۡ هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡۖ أَفَتَأۡتُونَ ٱلسِّحۡرَ وَأَنتُمۡ تُبۡصِرُونَ ٣﴾.

دل‌های کافران از قرآن غافل، به باطل مشغول و از هوی پُر است چنان‌که کافران قریش گردهم آمده و در میان خود پنهانی چنین نجوا کردند: محمد ج بشری مانند سایر مردم است! تا با این سخن مردم را از پیروی پیامبر ج و ایمان به وی باز دارند. سپس ادعا کردند که قرآن همراه وی نیز سحر است و افزودند: چگونه دیده و دانسته به سحر ایمان آورده و در حالی که او نیز بشری مانند شماست از وی پیروی می‌کنید؟

﴿قَالَ رَبِّي يَعۡلَمُ ٱلۡقَوۡلَ فِي ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٤﴾.

اما پیامبر ج گفت: فرمان خدای راست؛ زیرا قفط اوست که سخن را در آسمان و زمین می‌داند و هم دانای آن چیزی است که کافران از نجواهای‌شان پنهان می‌دارند؛ او شنوای سخنان‌شان و دانای کارهای‌شان است. و این، تهدید و هشداری است سخت برای کافران.

﴿بَلۡ قَالُوٓاْ أَضۡغَٰثُ أَحۡلَٰمِۢ بَلِ ٱفۡتَرَىٰهُ بَلۡ هُوَ شَاعِرٞ فَلۡيَأۡتِنَا بِ‍َٔايَةٖ كَمَآ أُرۡسِلَ ٱلۡأَوَّلُونَ ٥﴾.

بلکه کافران قرآن را دروغ انگاشته و بعضی از آن‌ها گفتند: قرآن خواب‌های شوریده‌ای است که هیچ حقیقتی ندارد. بعضی دیگر گفتند: قرآن دروغی است بربافته نه وحیی آسمانی. و بعضی گفتند: پیامبر ج خود شاعر و قرآن شعر است از این رو می‌خواهیم که بر راستگویی‌اش معجزه‌ای مانند شتر صالح، عصای موسی و دیگر نشانه‌های محسوس که پیامبران پیشین آورده‌اند، به ما نشان دهد.

﴿مَآ ءَامَنَتۡ قَبۡلَهُم مِّن قَرۡيَةٍ أَهۡلَكۡنَٰهَآۖ أَفَهُمۡ يُؤۡمِنُونَ ٦﴾.

مردم شهرهایی که پیامبران پیشین برای‌شان معجزات را آوردند، ایمان نیاورده و تصدیق نکردند، پس اگر محمد ج معجزۀ محسوسی هم بیاورد، کافران مکه چگونه ایمان خواهند آورد؟ نه! هرگز؛ آن‌ها نیز مانند پیشینیان‌شان تکذیبگر حق و منکر آیات‌اند.

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ إِلَّا رِجَالٗا نُّوحِيٓ إِلَيۡهِمۡۖ فَسۡ‍َٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٧﴾.

و خداوند أ قبل از پیامبرش ج نیز جز مردانی از انسان‌ها را که برای‌شان وحی فرود آورد، نفرستاد بناءً فرستادگان فرشته نبودند. پس ای کافران مکه: اگر این حقیقت را نمی‌دانید و منکر آن هستید پس از اهل کتاب – یهود و نصاری – بپرسید.

﴿وَمَا جَعَلۡنَٰهُمۡ جَسَدٗا لَّا يَأۡكُلُونَ ٱلطَّعَامَ وَمَا كَانُواْ خَٰلِدِينَ ٨﴾.

همچنان خداوند أ پیامبران را اجسامی خارج از چهار چوب طبیعت بشر نیافرید تا به غذا و نوشیدنیی نیازمند نباشند، بلکه ایشان در بشریت همانند سایر مردم‌اند. همان طوری که خداوند أ برای پیامبران در دنیا جاودانگی مقدر نکرده است بلکه آن‌ها نیز می‌میرند چنان‌که سایر افراد بشر می‌میرند.

﴿ثُمَّ صَدَقۡنَٰهُمُ ٱلۡوَعۡدَ فَأَنجَيۡنَٰهُمۡ وَمَن نَّشَآءُ وَأَهۡلَكۡنَا ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٩﴾.

سپس حق‌تعالی وعدۀ خود به پیامبرانش را در مورد نصرت دهی دوستان و نابود ساختن دشمنانش که در گناهان زیاده روی کرده و در طغیان از حد گذشته‌اند، راست گردانید و محقق ساخت.

﴿لَقَدۡ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ كِتَٰبٗا فِيهِ ذِكۡرُكُمۡۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ١٠﴾.

ای مسلمانان! در حقیقت خداوند أ این قرآن را که در آن عزت، شرف و رستگاری دنیا و آخرت شماست بر شما نازل کرد اما مشروط به اینکه در آن اندیشیده و به آن عمل نمایید؛ پس چرا در این فضل بزرگ تعقل و اندیشه نمی‌کنید؟!

﴿وَكَمۡ قَصَمۡنَا مِن قَرۡيَةٖ كَانَتۡ ظَالِمَةٗ وَأَنشَأۡنَا بَعۡدَهَا قَوۡمًا ءَاخَرِينَ ١١﴾.

و خداوند أ چه بسیار شهرها را که مردمانش با کفر بر خویشتن ستمکار بودند، هلاک گردانید و در هم شکست و پس از آن‌ها قومی دیگر آفرید که جانشین پیشینیان خویش گشتند.

﴿فَلَمَّآ أَحَسُّواْ بَأۡسَنَآ إِذَا هُم مِّنۡهَا يَرۡكُضُونَ ١٢﴾.

پس چون کفار احساس کردند که عذاب یگانۀ قهار همینک بر آنان در حال نزول است، به ناگاه از منازل خویش پا به فرار نهاده و از عذاب الله أ می‌گریزند.

﴿لَا تَرۡكُضُواْ وَٱرۡجِعُوٓاْ إِلَىٰ مَآ أُتۡرِفۡتُمۡ فِيهِ وَمَسَٰكِنِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُسۡ‍َٔلُونَ ١٣﴾.

اما با تمسخر و استهزا، به آنان ندا در داده شد: به کجا می‌گریزید؛ بیایید به سوی دنیای‌تان و سرگمی‌ها و سرمستی‌های‌تان و قصرهای آراسته و کاخ‌های مجلل‌تان؛ باشد که مورد پرسش قرار گیرید که چرا گریختید و چه چیز شما را سراسیمه ساخت؟

﴿قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ١٤﴾.

پس با اعتراف به گناهان خود پاسخ دادند: ای مرگ بر ما! به راستی ما – با کفر و ناسپاسی و غفلت ازیاد حق – بر خویشتن ستمگر بودیم.

﴿فَمَا زَالَت تِّلۡكَ دَعۡوَىٰهُمۡ حَتَّىٰ جَعَلۡنَٰهُمۡ حَصِيدًا خَٰمِدِينَ ١٥﴾.

پس پیوسته عادت‌شان همین بود که علیه خود دعای نابودی نموده و به کفر خویش اعتراف کنند تا آنکه سرانجام خداوند أ آنان را به وسیلۀ عذاب بسان کِشت دروشده، و با مرگ خاموش و بی‌جان گردانید. پس ای کافران! از اینکه بر شما نیز همان آید که بر آنان آمد، حذر کنید و دست بردارید.

﴿وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَآءَ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا لَٰعِبِينَ ١٦﴾.

و خداوند أ آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است بیهوده و بازیچه نیافرید، بلکه برای حکمتی عظیم خلق کرد که از آن جمله است: بر پاداشتن حجّت و اقامۀ برهان بر قدرت و یگانگی خویش؛ تا دانسته شود که خدایی جز الله یگانه و معبود بر حقی جز او وجود ندارد.

﴿لَوۡ أَرَدۡنَآ أَن نَّتَّخِذَ لَهۡوٗا لَّٱتَّخَذۡنَٰهُ مِن لَّدُنَّآ إِن كُنَّا فَٰعِلِينَ ١٧﴾.

اگر خدا می‌خواست بازی و سرگرمیی اختیار کند قطعاً آن را از نزد خود اختیار می‌کرد نه از نزد خلق و خداوند أ کنندۀ این کار نیست زیرا بازی و سرگرمی بر وی محال است چه او خود، حق است و هر چیزی که هم که از وی صدور یابد حق می‌باشد.

﴿بَلۡ نَقۡذِفُ بِٱلۡحَقِّ عَلَى ٱلۡبَٰطِلِ فَيَدۡمَغُهُۥ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٞۚ وَلَكُمُ ٱلۡوَيۡلُ مِمَّا تَصِفُونَ ١٨﴾.

بلکه خداوند أ حق را به باطل تصادم داده و بدین‌گونه حق باطل را از میان می‌برد و آن را محو و نابود می‌سازد، به ناگاه باطل مضمحل و متلاشی می‌گردد. البته کافران به علت توصیف بد و نادرست از خدای یگانۀ قهار، به عذاب بد آتش دوزخ نیز گرفتار می‌شوند.

﴿وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَمَنۡ عِندَهُۥ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَلَا يَسۡتَحۡسِرُونَ ١٩﴾.

و همۀ کسانی که در آسمان‌ها و زمین‌اند تنها از آن خداوند أ می‌باشند زیرا آفرینندۀ تدبیرگر فقط اوست. و فرشتگانی که نزد او مقرب‌اند هرگز از پرستش تکبر نورزیده، از خضوع برایش بزرگ منشی نکرده، نه از عبادت دلتنگ و خسته می‌شوند و نه از آن دست برمی‌دارند.

﴿يُسَبِّحُونَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ لَا يَفۡتُرُونَ ٢٠﴾.

ایشان شبانه روز بی‌انقطاع حق‌تعالی را عبادت کرده او را ذکر و شکر می‌گویند و هرگز در این امر دچار ضعف، سستی و دلتنگی نمی‌شوند؛ زیرا در طاعت نیرومند و در عبادت از نشاط برخوردارند.

﴿أَمِ ٱتَّخَذُوٓاْ ءَالِهَةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ هُمۡ يُنشِرُونَ ٢١﴾.

چگونه برای کفار گرفتن خدایانی به جای خدای یگانۀ قهار رواست حال آنکه این خدایان نمی‌توانند مردگان را زنده سازند؛ زیرا زنده کنندۀ میراننده فقط خدای یگانه است.

﴿لَوۡ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَاۚ فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلۡعَرۡشِ عَمَّا يَصِفُونَ ٢٢﴾.

و اگر جز خدای متعال در آسمان‌ها و زمین خدایان دیگری وجود می‌داشت که امور آن‌ها را می‌چرخانید یقینا اختلاف واقع می‌شد؛ در نتیجه نظام خلقت مختل شده و هستی دچار آشفتگی می‌گشت. پاک و منزه است خداوند أ از اینکه با وی خدایان دیگری وجود داشته باشد؛ والا و متعالی است پروردگار عرش عظیم از دروغ و افترایی که دشمنان کافرش او را بدان وصف می‌کنند.

﴿لَا يُسۡ‍َٔلُ عَمَّا يَفۡعَلُ وَهُمۡ يُسۡ‍َٔلُونَ ٢٣﴾.

از برهان‌های یگانگی خدای سبحان در ربوبیت و الوهیت یکی این است که او از آنچه در خلقش انجام می‌دهد مورد پرسش قرار نمی‌گیرد؛ حال آنکه تمام خلق از آنچه می‌کنند مورد پرسش واقع شده و بر آن مورد محاسبه قرار می‌گیرند.

﴿أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗۖ قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡۖ هَٰذَا ذِكۡرُ مَن مَّعِيَ وَذِكۡرُ مَن قَبۡلِيۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٱلۡحَقَّۖ فَهُم مُّعۡرِضُونَ ٢٤﴾.

آیا کافران جز الله أ خدایانی اختیار کرده‌اند که می‌آفرینند و روزی می‌دهند، زنده می‌کنند و می‌میرانند؟ ای پیامبر! به آنان بگو: بیایید بر راستی و درستی ادعای خود در مورد خداوندی این بتان دلیل استواری بیاورید، زیرا در این قرآنی که بر من نازل شده است و همچنان در کتاب‌های آسمانی پیشین، بر صحت این ادعا هیچ دلیلی وجود ندارد پس این ادا را از کجا آورده‌اید؟ اما کافران فقط از روی جهل و تقلید، شرک آورده‌اند بناءً از حق رویگردان و آن را منکراند. آری! هر کس نسبت به چیزی جاهل باشد با آن دشمنی می‌ورزد و هر کس از جاهلی تقلید کند زیان می‌بیند.

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ٢٥﴾.

ای پیامبر! و خداوند پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستاده است مگر اینکه به او وحی کرده که هیچ‌کس جز خدای یگانۀ لاشریک سزاوار پرستش نیست. پس در حالی که دین را برای وی خالص گردانیده‌اید فقط او را بپرستید.

﴿وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۚ بَلۡ عِبَادٞ مُّكۡرَمُونَ ٢٦﴾.

و کافران گفتند: رحمان فرزندی برگرفته است. چون آن‌ها فرشتگان را دختران خدا می‌پندراند؛ منزّه و متعالی است خدای سبحان از این پندار به برتری و تنزیهی بزرگ. بناءً فرشتگان بندگان خدایند نه چیزی دیگر، ایشان به خدا نزدیک‌اند و نزدش ارج و منزلتی والا و مرتبۀ عالی دارند.

﴿لَا يَسۡبِقُونَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ وَهُم بِأَمۡرِهِۦ يَعۡمَلُونَ ٢٧﴾.

فرشتگان پروردگار خویش را فرمانبر و مطیع‌اند؛ جز به اجازۀ وی سخن نگفته و هیچ کاری را بدون فرمانش انجام نمی‌دهند.

﴿يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ وَلَا يَشۡفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ٱرۡتَضَىٰ وَهُم مِّنۡ خَشۡيَتِهِۦ مُشۡفِقُونَ ٢٨﴾.

خداوند أ اعمال پیشین و پسین فرشتگان را می‌داند و آن را برای‌شان برمی‌شمارد، آنان برای کسی از بندگان نزدش شفاعت نمی‌کنند تا آنگاه که حق‌تعالی خود به ایشان اذن شفاعت داده و از شخص مورد شفاعت راضی شود. فرشتگان از پروردگار خود بیمناک‌اند و از تدبیرش ایمن نیستند.

﴿۞وَمَن يَقُلۡ مِنۡهُمۡ إِنِّيٓ إِلَٰهٞ مِّن دُونِهِۦ فَذَٰلِكَ نَجۡزِيهِ جَهَنَّمَۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلظَّٰلِمِينَ ٢٩﴾.

و اگر فرشته‌ای از فرشتگان بر فرض چنین ادعا کند که او خود جز خداوند أ خدایی دیگر است، پس یقیناً حق‌تعالی او را در آتش جهنم عذاب می‌کند. این است جزای هر کسی که با شرک برخویشتن ستم نموده و مدعی چیزی برای خود شود که از آن بی‌بهره است.

﴿أَوَ لَمۡ يَرَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ كَانَتَا رَتۡقٗا فَفَتَقۡنَٰهُمَاۖ وَجَعَلۡنَا مِنَ ٱلۡمَآءِ كُلَّ شَيۡءٍ حَيٍّۚ أَفَلَا يُؤۡمِنُونَ ٣٠﴾.

آیا کافران ندانسته‌اند که آسمان‌ها و زمین هردو به هم چسبیده بودند و هیچ فاصله‌ای میان آن‌ها وجود نداشت؛ نه آسمان می‌بارانید و نه زمین می‌رویانید پس حق‌تعالی به قدرتش میان زمین و آسمان فاصله ایجاد کرد؛ باران را از آسمان نازل نمود، گیاه را از زمین رویانید و او هرچیز را از آب زنده ساخت؟ آیا این منکران کافر، به قدرت یگانگی حق‌تعالی باور ندارند تا به وی چنان‌که باید ایمان آورده و پرستش را برایش خالص گردانند؟

﴿وَجَعَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِهِمۡ وَجَعَلۡنَا فِيهَا فِجَاجٗا سُبُلٗا لَّعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ ٣١﴾.

و خداوند أ در زمین کوه‌هایی استوار ایجاد کرد تا توازان زمین را نگه دارند و دچار جنبش و اضطراب نشود و او در زمین راه‌هایی وسیع و فراخ پدید آورد، باشد که خلق به سوی آنچه که سامانبخش زندگی‌شان هست راهیافته و به سوی ایمان به پروردگار خود هدایت شوند.

﴿وَجَعَلۡنَا ٱلسَّمَآءَ سَقۡفٗا مَّحۡفُوظٗاۖ وَهُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِهَا مُعۡرِضُونَ ٣٢﴾.

و خداوند أ آسمان را سقفی محفوظ برای زمین گردانید که با وجود ضخامت خود، بدون ستون برپاست و در حقیقت او آسمان را از سقوط و از نفوذ شیاطین به آن حفظ کرد؛ اما کافران از این نشانه‌های درخشان و برهان‌های تابان غافل‌اند.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ٣٣﴾.

و خدای متعال است که شب را آفرید تا مردم در آن بخوابند و بیاسایند، روز را آفرید تا در آن گشت و گذار کرده و کار کنند، خورشید را آفرید که روز را روشنگر باشد، ماه را آفرید تا شب را منوّر گرداند و هریک از خوشید و ماه را مدار فلکیی است که در آن به حسابی دقیق سیر نموده، نه از مجرای خود منحرف می‌شوند و نه از مدار خود تجاوز می‌کنند.

﴿وَمَا جَعَلۡنَا لِبَشَرٖ مِّن قَبۡلِكَ ٱلۡخُلۡدَۖ أَفَإِيْن مِّتَّ فَهُمُ ٱلۡخَٰلِدُونَ ٣٤﴾.

و خداوند أ از پیامبر ج برای هیچ‌کس در دنیا جاودانگی قرار نداده است پس اگر پیامبر ج بمیرد آیا باز دشمنانش که در آرزوی مرگش به سر می‌برند بعد از وی جاودان زندگی می‌کنند؟

این آیه دلیل بر مرگ خضر ÷ است؛ زیرا او نیز فردی از افراد بشر می‌باشد.

﴿كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۗ وَنَبۡلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلۡخَيۡرِ فِتۡنَةٗۖ وَإِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ ٣٥﴾.

هر شخص لابد چشندۀ مرگ است هرچند عمرش در دنیا طولانی شود و باید دانست که بقای انسان در دنیا جز به منظور آزمایش وی نیست؛ این آزمایش در دو میدان نمود پیدا می‌کند: 1- با احکام شرعی در حوزۀ امر و نهی و حلال و حرام. 2- با احکام قدری در خیر و شرّ و آسانی و سختی. سپس باز گشت شما در روز قیامت تنها به سوی خدای یگانه است تا هر عمل کنندۀ را در برابر عملش جزا دهد.

﴿وَإِذَا رَءَاكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا ٱلَّذِي يَذۡكُرُ ءَالِهَتَكُمۡ وَهُم بِذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ٣٦﴾.

و چون کافران پیامبر ج را ببینند وی را به مسخره گرفته و می‌گویند: به سوی این مرد که خدایان‌تان را به بدی یاد می‌کند بنگرید! آن‌ها آیات خدای رحمان را تکذیب کرده، از ایمان رویگردان و منکر قرآن گردیدند.

﴿خُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ مِنۡ عَجَلٖۚ سَأُوْرِيكُمۡ ءَايَٰتِي فَلَا تَسۡتَعۡجِلُونِ ٣٧﴾.

خداوند أ انسان را بسیار شتابکار آفریده است بناءً او رویدادها را به شتاب می‌طلبد چرا که اندک شکیب و کم انتظار است، به همین جهت کافران عذاب خدا را به شتاب طلبیدند، پس خدای سبحان خبر داد که او به زودی عذابی را که به شتاب طلبیدند به آنان نشان خواهد داد. و چون هر امر آینده‌ای نزدیک است پس انگیزه‌ای برای شتاب خواهی وجود ندارد.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٣٨﴾.

کافران مکه نیز عذاب را به شتاب طلب کرده و از روی تمسخر می‌گویند: ای محمد! این روزی که تو و همراهان مؤمنت به ما وعده‌اش را می‌دهید چه وقت واقع خواهد شد؛ اگر در این ادعا که به زودی واقع خواهد شد راستگویید؟

﴿لَوۡ يَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ ٱلنَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمۡ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ٣٩﴾.

اگر کافران می‌دانستند که چه هول و هراس‌ها، غل و زنجیرها، عذاب و نکبت‌ها پیش‌رو دارند – آنگاه که نمی‌توانند آتش را از چهره‌های خود برگردانند – هرگز به عناد و تکذیب خود ادامه نداده و هیچگاه وقوع آن روز را به شتاب نمی‌خواستند.

﴿بَلۡ تَأۡتِيهِم بَغۡتَةٗ فَتَبۡهَتُهُمۡ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ٤٠﴾.

بلکه به زودی قیامت به طور ناگهانی غافلگیرشان خواهد ساخت؛ وانگه در بُهت و حیرت فرو رفته نه می‌توانند عذاب را از خود دفع کنند و نه مهلت داده می‌شوند تا توبه و استغفار نمایند.

﴿وَلَقَدِ ٱسۡتُهۡزِئَ بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُواْ مِنۡهُم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٤١﴾.

قبل از پیامبر اسلام ج کافران پیشین نیز پیامبران خود را مسخره نمودند، اما عذاب خدا که بدان تمسخر می‌کردند بر مسخره کنندگان فرود آمد.

﴿قُلۡ مَن يَكۡلَؤُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ مِنَ ٱلرَّحۡمَٰنِۚ بَلۡ هُمۡ عَن ذِكۡرِ رَبِّهِم مُّعۡرِضُونَ ٤٢﴾.

ای پیامبر! برای شتابخواهان عذاب الهی بگو: غیر از خدا نگهبانی ندارید که شما را در شب و روز و خواب و بیداری از عذاب رحمان – آنگاه که بر شما فرود آید – نگه دارد ولی با این حال کافران از عذاب خدای یگانۀ قهار در رویگردانی و انکار به سر می‌برند.

﴿أَمۡ لَهُمۡ ءَالِهَةٞ تَمۡنَعُهُم مِّن دُونِنَاۚ لَا يَسۡتَطِيعُونَ نَصۡرَ أَنفُسِهِمۡ وَلَا هُم مِّنَّا يُصۡحَبُونَ ٤٣﴾.

مگر کافران خدایانی دارند که آنان را از عذاب خدا باز دارد؟ بی‌گمان آن خدایان پنداری زیان را از خویشتن خویش دفع نمی‌توانند کرد، پس چگونه آن را از غیر خود دفع می‌کنند؟ آن خدایان دروغین نه می‌توانند خود را نصرت داده و عذاب خدا أ را از خود دفع کنند و نه هم از جانب خدا أ یاری می‌یابند.

﴿بَلۡ مَتَّعۡنَا هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡعُمُرُۗ أَفَلَا يَرَوۡنَ أَنَّا نَأۡتِي ٱلۡأَرۡضَ نَنقُصُهَا مِنۡ أَطۡرَافِهَآۚ أَفَهُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ٤٤﴾.

در حقیقت کافران به درازی عمر، فتنۀ جاه و قدرت و درهم و دینار فریفته شده‌اند؛ از این رو بر تکذیب و رویگردانی از حق پای فشرده، عذاب و گرفت الله أ را فراموش کردند. همچنان این سنّت نافذ وی را به دست فراموشی سپردند که او با عذاب و شکست‌های سختی که بر کافران از همه جهت فرود می‌آورد زمین را از اطراف و جوانب آن می‌کاهد؛ پس آیا کافران می‌توانند از دایرۀ قضا وقدر الهی خارج شده، خود را از نفوذ قدرتش باز دارند و از مرگ و دیدارش بگریزند؟ این امر هرگز و به هیچ روی اتفاق نخواهد افتاد.

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أُنذِرُكُم بِٱلۡوَحۡيِۚ وَلَا يَسۡمَعُ ٱلصُّمُّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ ٤٥﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: من شما را جز به وحیی از جانب خدا أ از عذابش بیم نمی‌دهم؛ این وحی همان کتاب بزرگ اوست ولی کافران وحی را به سمع قبول و اجابت نمی‌شنوند بناءً بدان ایمان نمی‌آورند.

﴿وَلَئِن مَّسَّتۡهُمۡ نَفۡحَةٞ مِّنۡ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَٰوَيۡلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ٤٦﴾.

و اگر شمّه‌ای از عذاب خدای جبّار به کافران برسد آنگاه فرجام تکذیب و انکار خود را دانسته و از اینکه با پرستش بتان و سنگ‌ها بر خود ستم کرده‌اند، خود را به باد نفرین گرفته و می‌گویند: ای خاک هلاک بر سر ما باد!

﴿وَنَضَعُ ٱلۡمَوَٰزِينَ ٱلۡقِسۡطَ لِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَلَا تُظۡلَمُ نَفۡسٞ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَإِن كَانَ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٍ أَتَيۡنَا بِهَاۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ٤٧﴾.

خدای سبحان در روز قیامت برای سنجش نیکی‌ها و بدی‌ها ترازوی داد را می‌نهد و به هیچ‌یک از بندگانش – با افزودن بر بدی‌ها یا کاستن از نیکی‌ها – هیچ ستم نمی‌کند چندان که اگر عمل به قدر ذره‌ای از خیر یا شر باشد آن را برای صاحبش نگه داشته و او را بدان جزا می‌دهد. کافی است که او حسابرس و شمارندۀ اعمال مردم و پاداش رسان کیفر بخش آنان باشد.

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ٱلۡفُرۡقَانَ وَضِيَآءٗ وَذِكۡرٗا لِّلۡمُتَّقِينَ ٤٨﴾.

و در حقیقت خداوند أ به موسی و هارون حجتی روشن و پیروزیی آشکار داد و به ایشان تورات را بخشید که به وسیلۀ آن میان حق و باطل جدایی افکند و آن را نوری روشنگر گردانید که چراغ راه تقوا پیشه‌گان باشد؛ همانان که از هدایتش پیروی می‌کردند.

﴿ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُم بِٱلۡغَيۡبِ وَهُم مِّنَ ٱلسَّاعَةِ مُشۡفِقُونَ ٤٩﴾.

همان کسانی که از پروردگار خود پروا داشته از کیفرش می‌ترسند و از روزی حذر دارند که بر خداوند أ عرضه شوند؛ بناءً روزی که قیامت برپا شود آنان ایمن‌اند.

﴿وَهَٰذَا ذِكۡرٞ مُّبَارَكٌ أَنزَلۡنَٰهُۚ أَفَأَنتُمۡ لَهُۥ مُنكِرُونَ ٥٠﴾.

این قرآنی که خداوند أ به پیامبر ج وحی کرده است، پندی خجسته و یادآوری بایسته است؛ برای هر کس که بدان راه یابد. این کتاب بسیار سودمند و بسی با برکت است پس با آنکه بیانش کامل و برهانش روشن است بازهم آن را انکار می‌کنید؟

﴿۞وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَآ إِبۡرَٰهِيمَ رُشۡدَهُۥ مِن قَبۡلُ وَكُنَّا بِهِۦ عَٰلِمِينَ ٥١﴾.

و به راستی خداوند أ پیش از موسی و هارون به ابراهیم ÷ رشد و هدایتش را عطا کرد، او را به موجبات رضای خویش توفیق داد و خداوند می‌دانست که او شایستۀ گزینش و انتخاب است.

﴿إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَا هَٰذِهِ ٱلتَّمَاثِيلُ ٱلَّتِيٓ أَنتُمۡ لَهَا عَٰكِفُونَ ٥٢﴾.

آنگاه که ابراهیم ÷ به پدرش و قومش گفت: این بتان و مجسمه‌هایی که ساخته و تراشیده‌اید، سپس پایبند عبادت آن‌ها شده و پیوسته در آستان آن‌ها معتکف مانده‌اید، چیست؟!

﴿قَالُواْ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا لَهَا عَٰبِدِينَ ٥٣﴾.

قوم ابراهیم ÷ گفتند: وقتی ما به دنیا آمدیم پدران خود را بر پرستش آن‌ها یافتیم بناءً ما نیز آن‌ها را همانطور که ایشان می‌پرستیدند، به پرستش گرفتیم.

﴿قَالَ لَقَدۡ كُنتُمۡ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُمۡ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٥٤﴾.

ابراهیم ÷ به قومش گفت: شما و پدران‌تان با پرستش این بتان به جای پروردگار رحمان، در گمراهی آشکار و خواری و خسران پیدایی قرار داشته و دارید.

﴿قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا بِٱلۡحَقِّ أَمۡ أَنتَ مِنَ ٱللَّٰعِبِينَ ٥٥﴾.

قوم ابراهیم ÷ به وی گفتند: آیا این سخن که به ما می‌گویی حق و راست است یا دروغ و نارواست و تو بر سر آنی که ما را به تمسخر گرفته و با عقل‌های ما بازی کنی؟!

﴿قَالَ بَل رَّبُّكُمۡ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا۠ عَلَىٰ ذَٰلِكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ٥٦﴾.

ابراهیم ÷ به آنان گفت: سخنم آیینۀ صدق است و پیامم همه حق؛ آری! پروردگار شما همان خدایی است که معبودی جز او نیست، هموست که آسمان‌ها و زمین را آفریده است و من بر راستی و درستی این امر گواهم.

﴿وَتَٱللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصۡنَٰمَكُم بَعۡدَ أَن تُوَلُّواْ مُدۡبِرِينَ ٥٧﴾.

سوگند به خدای ذوالجلال که در نهان با بتان شما خواهم جنگید، بر ضد آن‌ها مگر و تدبیری به کار بسته و بعد از آنکه شما از نزدشان بروید و غایب شوید، آن‌ها را در هم خواهم شکست.

﴿فَجَعَلَهُمۡ جُذَٰذًا إِلَّا كَبِيرٗا لَّهُمۡ لَعَلَّهُمۡ إِلَيۡهِ يَرۡجِعُونَ ٥٨﴾.

پس ابراهیم ÷ بتان را در هم شکست و آن‌ها را ریز ریز کرد اما بت بزرگ‌شان را باقی گذاشت تا قوم نزد وی بازگشته و از وی بپرسند؛ در نتیجه عجز بتان و اشتباه خودشان بر آنان آشکار شود و بر قبح و زشتی شرکی که انجام می‌دادند دلیلی عملی برپا گردد.

﴿قَالُواْ مَن فَعَلَ هَٰذَا بِ‍َٔالِهَتِنَآ إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥٩﴾.

قومش باز گشته و بتان را در هم شکسته و خرد شده یافتند، پس در میان خود به پرس‌وجو پرداخته گفتند: چه کسی بتان ما را در هم شکسته است؟ بی‌گمان او تجاوزگر و ستمکار است؛ زیرا – از نظر آنان – او بدانچه مستحق تعظیم احترام بوده است، بی‌حرمتی و اهانت روا داشته است.

﴿قَالُواْ سَمِعۡنَا فَتٗى يَذۡكُرُهُمۡ يُقَالُ لَهُۥٓ إِبۡرَٰهِيمُ ٦٠﴾.

بعضی از کسانی که هشدار ابراهیم نسبت به بتان را قبلا شنیده بودند گفتند: شنیدیم جوانی به نام ابراهیم بتان را دشنام می‌دهد از این رو تهمت شکستن بتان به او می‌چسبد.

﴿قَالُواْ فَأۡتُواْ بِهِۦ عَلَىٰٓ أَعۡيُنِ ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَشۡهَدُونَ ٦١﴾.

سران‌شان گفتند: پس ابراهیم را در محضر مردم بیاورید تا بدانچه کرده است در پیش روی‌شان اعتراف کند؛ در نتیجه با شهادت شهود حجّت علیه وی اقامه گردد.

﴿قَالُوٓاْ ءَأَنتَ فَعَلۡتَ هَٰذَا بِ‍َٔالِهَتِنَا يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُ ٦٢﴾.

ابراهیم را حاضر کردند و در حالی که از کارش سخت بر آشفته بودند از وی پرسیدند: آیا تو بودی که بتان ما را در هم شکستی؟

﴿قَالَ بَلۡ فَعَلَهُۥ كَبِيرُهُمۡ هَٰذَا فَسۡ‍َٔلُوهُمۡ إِن كَانُواْ يَنطِقُونَ ٦٣﴾.

ابراهیم با نشان دادن حماقت و کودنی آن‌ها در ملأ و محضر همگان، رسوای‌شان ساخت و گفت: بلکه آن کس که بتان‌تان را خرد و خراب کرده است این بت بزرگ است!! پس در این باره از بتان‌تان بپرسید چنان‌چه زنده‌اند و می‌توانند سخن گویند!! در اینجا بود که قومش مبهوت و مغلوب شدند.

﴿فَرَجَعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ فَقَالُوٓاْ إِنَّكُمۡ أَنتُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٦٤﴾.

پس در حیرت افتادند و گمراهی و بیخردی‌شان برای‌شان آشکار شد؛ زیرا بتی که حتی از خود زیان را دفع نتواند کرد چه جای دیگران، چسان مورد پرستش قرار می‌گیرد؟ و در حالی که آن بت پرسشگری را پاسخ نمی‌گوید چگونه از آن خواسته می‌شود که نیازها را بر آوَرَد؟ در اینجا بود که آنان به ستمکاری خویشتن اعتراف کردند.

﴿ثُمَّ نُكِسُواْ عَلَىٰ رُءُوسِهِمۡ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ ٦٥﴾.

اما پس از آن به باطل خویش باز گشته راه عناد و لجاجت اختیار نمودند، قضیه را وارونه ساخته و با حجّت باطلی بر ابرهیم احتجاج نمودند که آن حجّت در واقع به زیان‌شان بود نه به نفع‌شان؛ پس گفتند: چگونه از بتان بپرسیم در حالی که سخن گفته نمی‌توانند؟

﴿قَالَ أَفَتَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمۡ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا يَضُرُّكُمۡ ٦٦﴾.

ابراهیم انکار گرانه گفت: حالا که به این بینوایی بتان معترفید پس چگونه آن‌ها را جز خدا أ می‌پرستید در صورتی که اگر پرستش شوند، سودی نمی‌رسانند و اگر فرو گذاشته شوند، زیانی نمی‌رسانند؟!

﴿أُفّٖ لَّكُمۡ وَلِمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٦٧﴾.

زیان و زشتی و اُفّ و ناکامی بر شما و بر بتان‌تان باد که آن‌ها را جز الله أ به خدایی گرفته‌اید؛ آیا با عقل‌تان به زشتی و وقاحت این کار نمی‌اندیشید تا به رشدتان باز گردید؟!

﴿قَالُواْ حَرِّقُوهُ وَٱنصُرُوٓاْ ءَالِهَتَكُمۡ إِن كُنتُمۡ فَٰعِلِينَ ٦٨﴾.

چون ابراهیم با حجّت و برهان بر آنان غالب شد، علیه وی از نیرو و سلطه کار گرفته و گفتند: در انتقام و یاری دهی‌بتان خود ابراهیم را به آتش بسوزانید. پس آتشی بزرگ افروخته و ابراهیم را در آن انداختند و او گفت: «حسبنا الله ونعم الوكيل – خدا ما را بس است و او نیکوکار سازی است».

﴿قُلۡنَا يَٰنَارُ كُونِي بَرۡدٗا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ ٦٩﴾.

اما خدای متعال ابراهیم را از آتش نجات داد و به آتش گفت: سرد و بی‌حرارت و سلامتیی بدون آسیب باش! در نتیجه به ابراهیم هیچ آسیبی نرسید.

﴿وَأَرَادُواْ بِهِۦ كَيۡدٗا فَجَعَلۡنَٰهُمُ ٱلۡأَخۡسَرِينَ ٧٠﴾.

کافران به ابراهیم هلاکت را خواستند اما خداوند أ نیرنگ‌شان را باطل گردانید و خوار و مغلوب‌شان ساخت.

﴿وَنَجَّيۡنَٰهُ وَلُوطًا إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَا لِلۡعَٰلَمِينَ ٧١﴾.

و خداوند أ ابراهیم و لوط را که از وی تصدیق و پیروی کرده بود نجات بخشید و ایشان را از عراق به شام انتقال داد؛ سرزمینی که با بسیاری میوه‌ها و فراوانی خیر و نعمت؛ مبارک و خجسته است و این سرزمین، سرزمین انبیا † است.

﴿وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ نَافِلَةٗۖ وَكُلّٗا جَعَلۡنَا صَٰلِحِينَ ٧٢﴾.

و خداوند أ به ابراهیم فرزندی عنایت کرد که اسحاق است و نواده‌ای عنایت کرد که یعقوب پسر اسحاق است؛ و هریک از پدر بزرگ، پدر و پسر شایستگانی بودند پروردگارشان را فرمانبردار، از پاکان با اعتبار و از گزیدگان ابرار.

﴿وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَهۡدُونَ بِأَمۡرِنَا وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِمۡ فِعۡلَ ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَإِقَامَ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءَ ٱلزَّكَوٰةِۖ وَكَانُواْ لَنَا عَٰبِدِينَ ٧٣﴾.

خداوند أ ابراهیم! اسحاق و یعقوب را پیشوایانی برای بندگانش قرار داد که به طاعتش فرا می‌خواندند و به شریعتش عمل می‌کردند و خداوند أ انجام دادن خوبی‌ها – اعم از اعمال شایسته، برپا داشتن نماز به کامل‌ترین وجه و دادن زکات – را به ایشان وحی کرد؛ به حق که آن‌ها پروردگار خود را فرمانبردار و دستورش را منقاد بودند.

﴿وَلُوطًا ءَاتَيۡنَٰهُ حُكۡمٗا وَعِلۡمٗا وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلَّتِي كَانَت تَّعۡمَلُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمَ سَوۡءٖ فَٰسِقِينَ ٧٤﴾.

و خداوند أ به لوط نبوت، دانش سودمند، حکمت و فرزانگی بخشید به طوری که در رفتار و گفتار و داوری میان مردم، به درستی و استواری عمل می‌کرد. حق‌تعالی وی را از شهر سدوم که مردمش به کارهای پلید آلوده بودند نجات داد. در حقیقت آن‌ها با آلودگی به فحشا و منکر گروهی بدکار، شریر، پلید، از طاعت حق‌تعالی خارج و منحرف بودند.

﴿وَأَدۡخَلۡنَٰهُ فِي رَحۡمَتِنَآۖ إِنَّهُۥ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٧٥﴾.

خداوند أ لوط را برگزید و نعمت خویش را بر وی کامل ساخته از عذاب نجاتش داد؛ زیرا او پروردگارش را فرمانبردار بود و به موجبات محبت و رضایش عمل می‌کرد.

﴿وَنُوحًا إِذۡ نَادَىٰ مِن قَبۡلُ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَنَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلۡكَرۡبِ ٱلۡعَظِيمِ ٧٦﴾.

ای پیامبر! و نبی خدا نوح ÷ را یاد کن آنگاه که پیش از تو و پیش از ابراهیم و لوط، پروردگارش را ندا کرد پس خداوند أ دعایش را اجابت کرد و مؤمنان خانواده‌اش را از غم بزرگ و خطر عظیم رهانید.

﴿وَنَصَرۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَآۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمَ سَوۡءٖ فَأَغۡرَقۡنَٰهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٧٧﴾.

و خداوند أ نوح را بر قومش که تکذیب‌گر آیاتش بودند پیروز ساخت، زیرا آن‌ها مردم بدکار و پلید بودند. پس خداوند أ همگی‌شان را با طوفان غرق گردانید.

﴿وَدَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ إِذۡ يَحۡكُمَانِ فِي ٱلۡحَرۡثِ إِذۡ نَفَشَتۡ فِيهِ غَنَمُ ٱلۡقَوۡمِ وَكُنَّا لِحُكۡمِهِمۡ شَٰهِدِينَ ٧٨﴾.

ای پیامبر! و داود و پسرش سلیمان علیهما السلام را یاد کن؛ هنگامی که در قضیۀ گوسفندان مردی داوری می‌کردند که بر مزرعۀ شخص دیگری تجاوز کرده و شبانگاه کشتزارش را تلف ساخته بودند؛ داود چنین حکم کرد که گوسفندان در عوض کشت تلف شده از آن صاحب کشتزار باشد. و خداوند أ شاهد داوری آنان بود.

﴿فَفَهَّمۡنَٰهَا سُلَيۡمَٰنَۚ وَكُلًّا ءَاتَيۡنَا حُكۡمٗا وَعِلۡمٗاۚ وَسَخَّرۡنَا مَعَ دَاوُۥدَ ٱلۡجِبَالَ يُسَبِّحۡنَ وَٱلطَّيۡرَۚ وَكُنَّا فَٰعِلِينَ ٧٩﴾.

اما خداوند أ داوری عادلانه در مورد آن قضیه را به سلیمان فهماند، داوریی که در آن نه به صاحب گوسفندان زیانی بود و نه به صاحب مزرعه؛ بدین‌گونه که سلیمان حکم کرد تا صاحب گوسفندان دام‌هایش را به مالک کشتزار بسپارد تا از آن‌ها بهره گیرد و خود مزرعۀ آن شخص را گرفته روی آن تا آنگاه که به حال نخستین قبل از تلف برگردد کار کند، سپس آن را به صاحبش برگردانیده گوسفندانش را – پس از آنکه صاحب مزرعه از شیر آن‌ها در آن مدّت بهره‌مند گردیده – باز پس گیرد. و خداوند أ به هریک از داود و سلیمان علم سودمند، تخصّص داوری در مخاصمات و بینشی استوار عطا کرده بود. همچنان خداوند أ کوه‌ها و پرندگان را برای داود ÷ همآوا و رام ساخته بود به طوری که چون تسبیح می‌گفت، با او همراهی می‌کردند. و خداوند أ با قدرت خود کنندۀ این کار بود.

﴿وَعَلَّمۡنَٰهُ صَنۡعَةَ لَبُوسٖ لَّكُمۡ لِتُحۡصِنَكُم مِّنۢ بَأۡسِكُمۡۖ فَهَلۡ أَنتُمۡ شَٰكِرُونَ ٨٠﴾.

و خداوند أ به داود صنعت زره‌سازی را آموخت لذا او می‌دانست که چگونه میخ‌های زره را براندازۀ حلقه‌های آن بسازد تا آن زره شما را از آزار دشمنان در هنگام جنگ حفظ کند. پس آیا شما این نعمت حق‌تعالی بر خود را سپاس می‌گذارید؟ زیرا او داود را بر شناخت و تولید آن فن توفیق داد و سپس این صنعت به فضل اوتعالی در میان مردم گسترش و انتشار یافت.

﴿وَلِسُلَيۡمَٰنَ ٱلرِّيحَ عَاصِفَةٗ تَجۡرِي بِأَمۡرِهِۦٓ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَاۚ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيۡءٍ عَٰلِمِينَ ٨١﴾.

و خداوند أ برای سلیمان تند باد را رام ساخت که به فرمانش جریان می‌یافت و او و همراهانش را به بیت المقدس در شام انتقال می‌داد؛ آنجا که سرزمینی حاصل خیز، پاکیزه و بسیار پر خیر و برکت است. البته علم حق‌تعالی به همۀ اشیاء احاطه دارد و هیچ چیز پنهانی در پیشگاه او علم او نهان نیست.

﴿وَمِنَ ٱلشَّيَٰطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُۥ وَيَعۡمَلُونَ عَمَلٗا دُونَ ذَٰلِكَۖ وَكُنَّا لَهُمۡ حَٰفِظِينَ ٨٢﴾.

همچنان خداوند أ برای سلیمان شیاطین را رام ساخت که در کارهای سنگین مصروف بودند؛ کارهایی که دیگران از انجام آن عاجزاند، مانند غواصی در دریا و بیرون آوردن مروارید و مرجان از آن... دیوان فرمانش را اجرا می‌کردند و خداوند أ به قوت و قدرت خود آنان را برای انجام این مأموریت نگهبان بود.

﴿۞وَأَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ٨٣﴾.

ای پیامبر! و نبی خدا أ ایوب ÷ را یاد کن؛ هنگام که خداوند أ او را به از دست دادن خانواده، بیماری جسمی و از بین رفتن مال آزمود. پس او صبر کرد و آن مصیبت را به حیث سرمایۀ قرب پروردگار حساب کرد، او به پروردگارش پناه برد و از مولایش چنین خواست: پروردگارا! به من آسیب رسیده است پس آن را از من بر طرف کن که تویی مهربان‌ترین مهربانان.

﴿فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَكَشَفۡنَا مَا بِهِۦ مِن ضُرّٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ ٨٤﴾.

پس خداوند أ دعایش را اجابت نموده آسیب وارده را از وی برطرف کرد، در مصیبتش فَرَجی رونما ساخت و خانوده‌اش را به وی برگردانید، از بلای وارده عافیتش بخشید و به او از فضل و منت خویش مال بسیار و مضاعفی بخشید. و چنین شد تا ایوب الگویی برای همه مبتلایان باشد که صبر کنند، دعا نمایند و در انتظار فَرَج به سر برند تا خداوند أ آسیب وارده را از ایشان دور گرداند.

﴿وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِدۡرِيسَ وَذَا ٱلۡكِفۡلِۖ كُلّٞ مِّنَ ٱلصَّٰبِرِينَ ٨٥﴾.

ای پیامبر! و اسماعیل، ادریس و ذالکفل را یاد کن که بر طاعات صابر بودند، از گناهان شکیبایی ورزیدند و بر گذر قضا نیز صابر بودند. پس سزاوار پاداش و نام نیک گردیدند.

﴿وَأَدۡخَلۡنَٰهُمۡ فِي رَحۡمَتِنَآۖ إِنَّهُم مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٨٦﴾.

و خداوند أ این گروه انبیا را زیر چتر رحمت و رعایت خویش داخل نمود؛ زیرا ایشان میانۀ خود و پروردگار خویش را با عمل به طاعتش و ترک معصیتش، به سامان آروده و اصلاح نمودند.

﴿وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبٗا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٧﴾.

و ذوالنون – یونس بن متی – را یاد کن؛ هنگامی که از میان قومش خشمگین بیرون رفت آنگاه که دعوتش را رد نمودند. او پنداشت که خداوند أ هرگز عرصه را بر وی تنگ نخواهد گرفت و با این مخالفت مؤاخذه‌اش نخواهد کرد؛ اما حق‌تعالی در شکم ماهی وی را در مضیقه قرار داد پس او در ظلمت شب، تاریکی دریا و تاریکی شکم ماهی پروردگارش را با توبه و استغفار دعا کرد و گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» معبودی جز تو نیست منزهی تو! راستی که من از ستمکاران بودم».

﴿فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡغَمِّۚ وَكَذَٰلِكَ نُ‍ۨجِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٨٨﴾.

پس خدای متعال دعایش را اجابت کرد و او را از آن غم و سختی رهانید. و این سنّت خدا است در مورد هر مؤمن راستینی که پس از هر سختی، آسانیی و بعد از هر تنگنا، فَرج و گشایشی برایش قرار می‌دهد.

﴿وَزَكَرِيَّآ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥ رَبِّ لَا تَذَرۡنِي فَرۡدٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡوَٰرِثِينَ ٨٩﴾.

و زکریا – آن پیامبر بزرگوار – را یاد کن؛ هنگامی که پروردگار خود را خواند و گفت: پروردگارا! مرا تنها بدون فرزندی که علم، حکمت و نبوت را از من به ارث بَرد مگذار و تو بهترین باقی ماندگان و بهترین کسی هستی که همۀ مردگان را جانشینی! زیرا حق‌تعالی بعد از فنای خلقش باقی است.

﴿فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَوَهَبۡنَا لَهُۥ يَحۡيَىٰ وَأَصۡلَحۡنَا لَهُۥ زَوۡجَهُۥٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَيَدۡعُونَنَا رَغَبٗا وَرَهَبٗاۖ وَكَانُواْ لَنَا خَٰشِعِينَ ٩٠﴾.

پس خداوند أ دعای زکریا ÷ را اجابت کرد و به او با وجود کهن‌سالی‌اش یحیی ÷ را بخشید و همسرش را آمادۀ آن ساخت که بتواند باردار شده و زایمان کند حال آنکه او زنی نازا و سالخورده بود. این همه فضل و نعمت برای‌شان به خاطر آن بود که ایشان به سوی خیر شتاب ورزیده و حق‌تعالی را از روی رغبت در نیل به ثوابش و بیم از گرفتاری به عذابش می‌خواندند، فرمان او را فروتن و منقاد بوده و برای بندگانش نیز تواضع می‌کردند.

﴿وَٱلَّتِيٓ أَحۡصَنَتۡ فَرۡجَهَا فَنَفَخۡنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلۡنَٰهَا وَٱبۡنَهَآ ءَايَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ٩١﴾.

و داستان مریم دختر عمران را یاد کن؛ همو که فرجش را از حرام نگه داشت پس خداوند أ به جبرئیل دستور داد که در چاک پیرهنش بدمد، آن دَم به رحمش رسید و بدون شوهر به عیسی ÷ باردار شد. بناءً مریم و پسرش نشانه‌ای آشکار بر قدرت حق‌تعالی بودند که بشر امتی پس از امّت دیگر از آن درس و آموزه برمی‌گیرند.

﴿إِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُونِ ٩٢﴾.

حقیقتاً دین تمام پیامبران اسلام است و آفرینندۀ روزی بخش تدبیر کننده تنها خداوند أ می‌باشد؛ پس پرستش را برای وی خالص گردانید و چیزی را به وی شریک نیاورید.

﴿وَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡۖ كُلٌّ إِلَيۡنَا رَٰجِعُونَ ٩٣﴾.

اما مردم بر پیامبران منقسم و متفرق شده، پیروان‌شان به گروه‌ها و دسته‌های مختلف تقسیم و پاره پاره شدند و بسیاری از آن‌ها به پروردگار خود شریک آوردند. اما سرانجام همۀ آنان به سوی او باز خواهند گشت تا ایشان را بر آنچه کرده‌اند محاسبه و مؤاخذه نماید.

﴿فَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَا كُفۡرَانَ لِسَعۡيِهِۦ وَإِنَّا لَهُۥ كَٰتِبُونَ ٩٤﴾.

پس هر که به ایمان به خدا أ و پیامبرش تمسک ورزد و با هدف کسب رضای الله أ در حد توان کار شایسته انجام دهد هرگز خداوند أ عملش راباطل نخواهد ساخت و تلاشش را بی‌ثمر نخواهد گذاشت، بلکه عملش نزد الله أ نوشته و محفوظ است؛ آن را روز قیامت می‌یابد.

﴿وَحَرَٰمٌ عَلَىٰ قَرۡيَةٍ أَهۡلَكۡنَٰهَآ أَنَّهُمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ٩٥﴾.

و بر مردم شهرهایی که خداوند أ به علت کفر هلاک‌شان ساخته، محال است که قبل از روز قیامت به دنیا برگشته و برآنچه کرده‌اند پشیمان و توبه‌کار شوند.

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا فُتِحَتۡ يَأۡجُوجُ وَمَأۡجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٖ يَنسِلُونَ ٩٦﴾.

تا چون سد یأجوج گشوده شود آن‌ها از محل مرتفعی بیرون آمده و در اماکن و مناطق روی زمین منتشر می‌شوند.

﴿وَٱقۡتَرَبَ ٱلۡوَعۡدُ ٱلۡحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَٰخِصَةٌ أَبۡصَٰرُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَٰوَيۡلَنَا قَدۡ كُنَّا فِي غَفۡلَةٖ مِّنۡ هَٰذَا بَلۡ كُنَّا ظَٰلِمِينَ ٩٧﴾.

و روز قیامت فرا می‌رسد پس از شدّت هول و وحشت آن، دیدگان کسانی که کفر ورزیده‌اند، باز و خیره می‌ماند به طوری که پلک بر هم نمی‌زنند؛ ای وای بر ما! ای خاک حسرت بر سرما که در دینا خود به بازی و سرگرمی مصروف بودیم.

﴿إِنَّكُمۡ وَمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمۡ لَهَا وَٰرِدُونَ ٩٨﴾.

ای کافران! شما و چوب و سنگ‌هایی که پرستش می‌کنید هیزم دوزخید، شما همراه فجّار بدکار وارد آن می‌شوید.

﴿لَوۡ كَانَ هَٰٓؤُلَآءِ ءَالِهَةٗ مَّا وَرَدُوهَاۖ وَكُلّٞ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٩٩﴾.

ای کافران! اگر بتانی که می‌پرستید خدایانی سزاوار پرستش بودند، همراه شما به دوزخ داخل نمی‌شدند حال آنکه شما و خدایانی که به جای الله أ به پرستش گرفته‌اید همه در آتش جهنم جاودانید.

﴿لَهُمۡ فِيهَا زَفِيرٞ وَهُمۡ فِيهَا لَا يَسۡمَعُونَ ١٠٠﴾.

گروه کافران عذاب شده در دوزخ را از عذاب، آه‌ها و ناله‌های زاری است که از سختی مصیبت‌ها و تنگی حالات از سینه‌های‌شان برون می‌آید و آنان از سختی‌های سخت عذاب و بسیاری وحشت و هراس، چیزی را نمی‌شنوند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ سَبَقَتۡ لَهُم مِّنَّا ٱلۡحُسۡنَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ عَنۡهَا مُبۡعَدُونَ ١٠١﴾.

بی‌گمان کسانی که از قبل در قضا و قَدَر الله أ برای‌شان سعادت پیشی گرفته است از آتش نجات یابنده‌اند؛ نه به آن داخل می‌شوند و نه از سوی الله أ آزاری به ایشان می‌رسد چرا که ایشان را به اسباب نجات توفیق بخشیده و به راه فوز و فلاح هدایت نموده است.

﴿لَا يَسۡمَعُونَ حَسِيسَهَاۖ وَهُمۡ فِي مَا ٱشۡتَهَتۡ أَنفُسُهُمۡ خَٰلِدُونَ ١٠٢﴾.

آنان صدای شعله‌های آتش و آوازهای عذاب شدگان در آن را نمی‌شنوند زیرا در بهشت جنان در جوار خدای رحمان به رحمت و رضوان دست یافته‌اند؛ نزدشان هرچه دلخواه‌شان است از هرچه گوارا، لذت بخش و پاکیزه است فراهم و مهیاست؛ از لباس‌های فاخر، مناظر روح نواز و بهجت انگیز، بر خورداری‌ها و بهره‌‌وری‌های لذت بخش، غذا‌ها و شراب‌های گونه‌گون و بی‌مانند همراه با اقامت جاویدان.

﴿لَا يَحۡزُنُهُمُ ٱلۡفَزَعُ ٱلۡأَكۡبَرُ وَتَتَلَقَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ هَٰذَا يَوۡمُكُمُ ٱلَّذِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ١٠٣﴾.

از هول بزرگ دلهرۀ عظیم بیمی ندارند، در آن روز که همۀ مردم وحشت زده‌اند ایشان را وحشتی نیست، به پاداش نایل شده و از عذاب ایمن گشته‌اند، فرشتگان با مژده‌ها استقبال‌شان نموده و به آنان می‌گویند: این همان روزی است که پروردگارتان به شما رستگاری عظیم و کامیابی بزرگ را در آن وعده داده بود.

﴿يَوۡمَ نَطۡوِي ٱلسَّمَآءَ كَطَيِّ ٱلسِّجِلِّ لِلۡكُتُبِۚ كَمَا بَدَأۡنَآ أَوَّلَ خَلۡقٖ نُّعِيدُهُۥۚ وَعۡدًا عَلَيۡنَآۚ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ ١٠٤﴾.

روزی که خداوند أ آسمان را همچون در پیچیدن صفحۀ نامه‌ها همراه با سطرهایش در هم می‌پیچد، او مردم را بر چهره نخستین‌شان که بر آن ایجادشان کرده بود برمی‌انگیزد؛ همانگونه که مادران‌شان به دنیاشان آورده بودند. این وعده‌ای است از جانب الله أ و او وعده‌اش را خلاف نمی‌کند؛ زیرا او انجام دهندۀ وعده‌های خویش است، برای آنچه اراده کرده، هیچ بر گرداننده‌ای نیست.

﴿وَلَقَدۡ كَتَبۡنَا فِي ٱلزَّبُورِ مِنۢ بَعۡدِ ٱلذِّكۡرِ أَنَّ ٱلۡأَرۡضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ ٱلصَّٰلِحُونَ ١٠٥﴾.

در حقیقت خداوند أ پس از نوشتن در لوح محفوظ در همه کتاب‌های نازل شده نوشت و مقدر کرد که زمین را بندگان شایستۀ من به ارث می‌برند؛ همانان که من را آنگونه که شایستۀ پرستش و اطاعت من است؛ پرستش و اطاعت کرده‌اند و در نتیجه شایستۀ جانشینی در زمین گردیدند.

﴿إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَٰغٗا لِّقَوۡمٍ عَٰبِدِينَ ١٠٦﴾.

به راستی در این آیات خوانده شده از کتاب الهی پیرامون این موضوع، اندرزی کافی است برای کسانی که پروردگار خویش را در چهار چوب شریعتش پرستش کرده، اوامر را انجام داد و از نواهی پرهیز نموده‌اند.

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ١٠٧﴾.

خدای متعالی پیامبرش محمد ج را جز رحمتی برای تمام خلق نیافریده است پس هر که از پیامبر پیروی کرده و به پیام و برنامه‌اش ایمان آورده باشد، به چنان سعادتی نایل می‌شود که بعد از آن هیچ شقاوت و تیره‌بختی‌ای نیست و او یقینا به خیر دنیا و آخرت نایل می‌گردد؛ ولی هر کس به پیامش ایمان نیاورد، ناکام و نگونبخت شده و در گمراهی آشکاری قرار می‌گیرد.

﴿قُلۡ إِنَّمَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٨﴾.

ای پیامبر! بگو: به من وحی شده است که خدای شایستۀ عبادت همانا الله یگانۀ لا شریک است، پس به الله أ اسلام آورده، برای دینش منقاد شوید و از پیامبرش ج پیروی نمایید.

﴿فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُلۡ ءَاذَنتُكُمۡ عَلَىٰ سَوَآءٖۖ وَإِنۡ أَدۡرِيٓ أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٞ مَّا تُوعَدُونَ ١٠٩﴾.

پس اگر کافران از اسلام روی بر تافتند به آنان بگو: من آنچه را حق‌تعالی به من نازل نموده، به همۀ شما ابلاغ می‌کنم و حجّت را بر همۀ شما برپا می‌دارم تا آنکه من و شما در آگاهی از این پیام الهی یکسان باشیم و من نمی‌دانم که آیا نزول آن کیفری که خدای سبحان به شما وعده داده نزدیک است یا دور. بناءً علم آن نزد خداوند أ است و من فقط هشدارگر عذاب هستم.

﴿إِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلۡجَهۡرَ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا تَكۡتُمُونَ ١١٠﴾.

در حقیقت تنها خداوند أ است که سخنان آشکار و نهان شما را می‌داند؛ هیچ امر پنهانی بر وی نهان نیست و به زودی شما را بر این سخنان جزا می‌دهد.

﴿وَإِنۡ أَدۡرِي لَعَلَّهُۥ فِتۡنَةٞ لَّكُمۡ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ ١١١﴾.

و من نمی‌دانم؛ شاید به تأخیر انداختن مجازات شما، استدارجی برای‌تان باشد تا بر گناه خود بیفزایید و از بر خورداری‌های دنیای ناپایدار تا میعادی معین بهره‌ور شوید.

﴿قَٰلَ رَبِّ ٱحۡكُم بِٱلۡحَقِّۗ وَرَبُّنَا ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلۡمُسۡتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ١١٢﴾.

پیامبر ج گفت: پروردگارا! میان ما و کافران به عدل داوری کن؛ راستگو را گرامی بدار و دروغگو را مجازات کن. و تنها پروردگار ما همان ذات رحمانی است که در مقابله با افترا، نیرنگ و آزارهای شما از او یاری می‌جوییم.

سورۀ حج

مدنی است؛ ترتیب آن 22؛ شمار آیات آن 78

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡۚ إِنَّ زَلۡزَلَةَ ٱلسَّاعَةِ شَيۡءٌ عَظِيمٞ ١﴾.

ای بندگان خدا أ! از عذاب وی با تقوایش پروا دارید، جزا که هول و هراس‌های سهمگین قیامت – مانند جنبش و تکان بسیار سخت زمین – امری است فراتر از توصیف که عقل‌ها را مدهوش می‌سازد و جز خدای یگانه هیچ‌کس گسترۀ دهشت و وحشت آن را نمی‌داند.

﴿يَوۡمَ تَرَوۡنَهَا تَذۡهَلُ كُلُّ مُرۡضِعَةٍ عَمَّآ أَرۡضَعَتۡ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمۡلٍ حَمۡلَهَا وَتَرَى ٱلنَّاسَ سُكَٰرَىٰ وَمَا هُم بِسُكَٰرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ ٱللَّهِ شَدِيدٞ ٢﴾.

روزی که مردم قیامت را ببینند، از دیدن صحنه‌های هولناک آن مادر کودک شیر خوارۀ خود را که پستانش را فرو می‌مکد فراموش می‌کند و عقل و خرد مردم چنان مدهوش می‌شود که گویی از شدّت خوف و وحشت مست‌اند در حالی که مست شراب نیستند ولی شدّت عذاب عقل‌شان را برده و ادراک‌شان را زایل ساخته است.

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيۡطَٰنٖ مَّرِيدٖ ٣﴾.

بعضی از کافران به ناروا دربارۀ قدرت خداوند بر باز آفرینی مردم پس از مرگ مجادله می‌کنند حال آنکه از قدرتش هیچ علمی ندارند بلکه آنان به پیشوایان گمراهی؛ یعنی هر شیطان عصیانگر و متمرد از فرمان الله أ و دور از هدایتش اقتدا می‌نمایند.

﴿كُتِبَ عَلَيۡهِ أَنَّهُۥ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُۥ يُضِلُّهُۥ وَيَهۡدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ٤﴾.

خدای سبحان در مورد آن شیطان متمرد چنین مقدّر و فیصله نموده است که هر کس از او پیروی کند گمراهش ساخته و از هدایت بَرَش می‌گرداند و وی را به سزای گمراهی‌اش به عذاب دوزخ می‌رساند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ مِّنَ ٱلۡبَعۡثِ فَإِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ مِنۡ عَلَقَةٖ ثُمَّ مِن مُّضۡغَةٖ مُّخَلَّقَةٖ وَغَيۡرِ مُخَلَّقَةٖ لِّنُبَيِّنَ لَكُمۡۚ وَنُقِرُّ فِي ٱلۡأَرۡحَامِ مَا نَشَآءُ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى ثُمَّ نُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلٗا ثُمَّ لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡۖ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ لِكَيۡلَا يَعۡلَمَ مِنۢ بَعۡدِ عِلۡمٖ شَيۡ‍ٔٗاۚ وَتَرَى ٱلۡأَرۡضَ هَامِدَةٗ فَإِذَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡهَا ٱلۡمَآءَ ٱهۡتَزَّتۡ وَرَبَتۡ وَأَنۢبَتَتۡ مِن كُلِّ زَوۡجِۢ بَهِيجٖ ٥﴾.

ای مردم! اگر در قدرت باری تعالی بر زنده ساختن مردگان در شک قرار دارید پس بدانید که او پدرتان آدم را از گِل آفرید، سپس نسلش را از نطفۀ مرکب از آب منی مرد و آب منی زن خلق کرد. آنگاه او آن نطفه را علقه‌ای می‌سازد از خون غلیظ قرمز رنگ، سپس پارۀ گوشت کوچکی همچون قطعه‌ای جویده شده از غذا. پس باری خلقت این پارۀ گوشت کامل شده و جنین زنده بیرون می‌شود و گاهی هم خلقتش ناقص است و قبل از ولادت کامل، سقط می‌شود تا حق‌تعالی کمال قدرتش در احوال و اطوار آفرینش انسان را بر بندگانش آشکار گرداند. و خدای سبحان نطفه را تا میعاد زمانیی که بخواهد در رحِم باقی گذاشته و خلقت انسان را در شکم مادرش در هیأت طفولیت کامل می‌سازد سپس بعد از ولادتش او را رشد و پرورش می‌دهد تا به تمام نیروی خود که سنّ جوانی، نیرومندی و کمالیابی عقل است برسد. و بعضی از انسان‌ها در کودکی‌شان می‌میرند و بعضی را هم تا سن پیری و فرتوتی باقی می‌گذارد؛ بدانگونه که این شخص کهن‌سال آنچه را قبلا در خاطر داشته فراموش کرده و اطلاعات انباشته از ذهنش فرار می‌کند چندان که دیگر دانسته‌های پیشینش را نمی‌داند. و ای بیننده! تو زمین را خشکیده و مرده می‌بینی که نه در آن درختی است و نه گیاهی ولی چون خداوند أ از آسمان بر آن آب نازل می‌کند به جنبش در آمده و به گیاهان شکافته می‌شود، گیاهان بر روی زمین بالا آمده، قد می‌کشند و طراوت، تازگی و سبزینه صفای آن زیبا و دلربا می‌شود تا سرانجام در منظره‌ای بهجت انگیز و تصویری خرم و مینوفام جلوه‌گر شوند؛ آنسان که شادی و فرحت را به جان بیننده سرازیر می‌سازند.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّهُۥ يُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَأَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٦﴾.

این نشانه‌ها و علایم، برهان قاطعی است بر اینکه تنها الله أ پروردگار معبود بر حقی است که عبادت جز برای وی سزاوار نمی‌باشد. پس جایز نیست که غیر وی را با وی شریک آورد؛ زیرا اوست که مردگان را زنده می‌کند و او بر هرچیز تواناست؛ کاری که او بخواهد هیچ چیز وی را از تحققش درمانده نتواند کرد.

﴿وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٞ لَّا رَيۡبَ فِيهَا وَأَنَّ ٱللَّهَ يَبۡعَثُ مَن فِي ٱلۡقُبُورِ ٧﴾.

و هم اینکه قیامت خواه ناخواه آمدنی است و هیچ شکی در آن وجود ندارد و اینکه خداوند أ مردگان را از قبرهای‌شان برای حساب زنده بیرون می‌آورد.

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ ٨﴾.

ولی برخی از کافران دربارۀ الله أ، یگانگی و قدرتش، رستاخیز پس از مرگ، قرآن و پیامبر، به باطل و ناروا مجادله می‌کنند حال آنکه نزدشان در این باره هیچ دلیل و برهانی نیست، بلکه دستمایه‌شان فقط جهل است و دروغ. بناءً این جدالگران از دانشی که بدان بینای حق گردند بی‌بهره‌اند حجتی نیز که بدان بر مخالفان‌شان غالب آیند دارا نمی‌باشند، کتابی هم از نزد خدا أ ندارند که حق را از باطل بدان جدا سازد.

﴿ثَانِيَ عِطۡفِهِۦ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۖ لَهُۥ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞۖ وَنُذِيقُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ٩﴾.

او از کبر گردنش را برپیچانده و از سر نخوت، از هدایت روی برمی‌گرداند. پس خداوند أ وی را در روز قیامت به علت دروغگویی، کفر و گمراهی‌اش به زودی در محضر همگان رسوا ساخته و به جزای عمل زشتش در آتش جهنم می‌سوزاند.

﴿ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتۡ يَدَاكَ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيۡسَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ١٠﴾.

به این کافر گردنکش گفته می‌شود: این کیفر به سبب عملکرد زشت و بدکرداری‌های توست؛ زیرا خداوند أ هیچ بنده‌ای را بی‌گناه مجازات نمی‌کند.

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَعۡبُدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ حَرۡفٖۖ فَإِنۡ أَصَابَهُۥ خَيۡرٌ ٱطۡمَأَنَّ بِهِۦۖ وَإِنۡ أَصَابَتۡهُ فِتۡنَةٌ ٱنقَلَبَ عَلَىٰ وَجۡهِهِۦ خَسِرَ ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةَۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡخُسۡرَانُ ٱلۡمُبِينُ ١١﴾.

و بعضی دیگر از مردم در حال شک و حیرت به اسلام گردن می‌نهند حال آنکه در دین خود یقینی راسخ ندارند. بناءً آن‌ها خدا را مترددانه می‌پرستند همانند کسی که بر لبۀ دیواری ایستاده و جانش پر از نگرانی و تذبذب است. دین چنین کسانی تابع دنیای‌شان است؛ به طوری که اگر سلامتی، سرمایه و پسران به آنان رسید، بر طاعت حق‌تعالی ثابت قدم می‌مانند ولی اگر مصیبت یا نا خویش یا فقری دامنگیرشان شد به اسلام شگون بد زده و به کفر باز می‌گردند؛ همانند کسی که روی برتافته و به قهقرا برمی‌گردد. پس او با این کار دنیا و آخرتش را باخته است از آنکه ارتدادش نه سختی را از وی بر طرف می‌سازد و نه گرهی از مشکلش می‌گشاید و در آخرت هم باز گشتش به آتش دوزخ است. و این نهایت زیان و غایت خواری و رسوایی است.

﴿يَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُۥ وَمَا لَا يَنفَعُهُۥۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ ٱلۡبَعِيدُ ١٢﴾.

این شخص کافر منکر متردد، غیر خدا أ را می‌پرستد؛ یعنی آنچه را که اگر پرستش‌شان را فرو گذارد، به وی زیانی نمی‌رسانند و اگر عبادت‌شان کنند سود و ثمری از آنان حاصل نمی‌شود. پس این نهایت گمراهی و انحراف از راه راست است.

﴿يَدۡعُواْ لَمَن ضَرُّهُۥٓ أَقۡرَبُ مِن نَّفۡعِهِۦۚ لَبِئۡسَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَلَبِئۡسَ ٱلۡعَشِيرُ ١٣﴾.

این شخص کافر کسی را می‌پرستد و از کسی حاجت می‌خواهد که شر و زیانش از خیر و منفعتش نزدیک‌تر است؛ وه! چه بد معبود و چه بد دمسازی است؛ خداوند أ چنین یاوری را دور و منفور و گم‌وگور گرداند.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يُرِيدُ ١٤﴾.

بی‌گمان خداوند أ مؤمنان شایسته کار را به باغ‌های پرناز و نعمت بهشت که از زیر درختان آن جویباران جاری است، وارد می‌کند. در حقیقت خداوند أ آنچه از پاداش شایسته کاران بخواهد؛ از روی فضلش و آنچه از کیفر بدکاران که بخواهد از روی عدلش می‌رساند و انجام می‌دهد.

﴿مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ فَلۡيَمۡدُدۡ بِسَبَبٍ إِلَى ٱلسَّمَآءِ ثُمَّ لۡيَقۡطَعۡ فَلۡيَنظُرۡ هَلۡ يُذۡهِبَنَّ كَيۡدُهُۥ مَا يَغِيظُ ١٥﴾.

هر کس بر این باور است که خدای متعال هرگز پیامبرش ج را یاری نداده، دینش را پیروز نمی‌گرداند و دوستانش را در دنیا نصرت نداده و درجات‌شان را در آخرت بلند نمی‌سازد، پس باید طنابی به سقف خانه‌اش ببندد سپس خود را با آن طناب حلق آویز کرده و خفه نماید آنگاه بنگرد که آیا این کار خشم و غیظی را که در اندرونش می‌یافت از بین می‌برد؟ یقیناً خداوند أ پیامبرش ج را به زودی یاری داده و دینش را به رغم انف شکاکان یا بد دلان بداندیش پیروز می‌گرداند.

﴿وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ ءَايَٰتِۢ بَيِّنَٰتٖ وَأَنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يُرِيدُ ١٦﴾.

و آنسان که خداوند أ برهان قدرتش بر زنده ساختن مردگان را برای کافران آشکار ساخت، همین‌گونه قرآن را نیز با آیاتی روشن که فهمش آسان است نازل کرده است. و خداوند أ هر کس از بندگانش را که بخواهد با کتابش راه می‌نماید پس غیر او تعلای هدایتگری نیست.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلصَّٰبِ‍ِٔينَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلۡمَجُوسَ وَٱلَّذِينَ أَشۡرَكُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡصِلُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ١٧﴾.

بی‌گمان کسانی که به خدا أ ایمان آورده و از پیامبرش ج پیروی کرده‌اند و یهودیان و صابئین (کسانی که بر فطرت خویش باقی مانده و دین معین و معلمی ندارند، و به قولی: گروهی از نصاری‌اند) و همچنان نصاری، مجوسیان آتش پرست و مشرکان بت پرست؛ البته خداوند أ روز قیامت در میان‌شان داوری خواهد کرد در نتیجه مؤمنان را به بهشت وارد می‌کند و کافران را به دوزخ. به راستی خداوند أ بر عملکرد هر کس گواه و به جزای هر کس بر حسب عملش که بر آن آگاه بوده است داناست، هم نگهبان عمل‌شان و هم بدان عمل بر آنان گواه می‌باشد.

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَسۡجُدُۤ لَهُۥۤ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ وَٱلنُّجُومُ وَٱلۡجِبَالُ وَٱلشَّجَرُ وَٱلدَّوَآبُّ وَكَثِيرٞ مِّنَ ٱلنَّاسِۖ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيۡهِ ٱلۡعَذَابُۗ وَمَن يُهِنِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّكۡرِمٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يَشَآءُ۩ ١٨﴾.

آیا ندانستی که هر آفریده‌ای در آسمان‌ها؛ از فرشتگان و در زمین؛ از خورشید، ماه، ستارگان، کوه‌ها، درختان، جنبندگان و بسیاری از مردم که مؤمنان پیرو پیامبران‌اند خدا را فروتنی، خضوع و انقیاد می‌کنند؟ و بسی دیگر از مردم هستند که خداوند أ بر آنان عذاب را نوشته است، از این رو در خواری و خسران به سر می‌برند. و هرگاه خدای کسی را خوار کند هرگز هیچ‌کس گرامی دارندۀ وی نیست؛ چرا که خدا هرچه در خلقش بخواهد انجام می‌دهد، مشیتش را معارض و برگرداننده‌ای نیست.

﴿۞هَٰذَانِ خَصۡمَانِ ٱخۡتَصَمُواْ فِي رَبِّهِمۡۖ فَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ قُطِّعَتۡ لَهُمۡ ثِيَابٞ مِّن نَّارٖ يُصَبُّ مِن فَوۡقِ رُءُوسِهِمُ ٱلۡحَمِيمُ ١٩﴾.

اینان دو گروه‌اند که دربارۀ پروردگار خود با یکدیگر اختلاف ورزیده‌اند: یکی از آن دو گروه مؤمن است و دیگری گروه کافر. هریک از آن‌ها مدعی این امر است که در عبادتش بر حق و صواب قرار دارد؛ اما کافران: پس برای‌شان جامه‌هایی از آتش بریده شده است که آن را می‌پوشند، این جامه‌ها اجسام‌شان را می‌سوزاند، چهره‌های‌شان را بریان می‌کند و از بالای سرشان نیز آب جوشان ریخته می‌شود.

﴿يُصۡهَرُ بِهِۦ مَا فِي بُطُونِهِمۡ وَٱلۡجُلُودُ ٢٠﴾.

بر اثر این عذاب آنچه در شکم کافران است ذوب می‌شود و سپس به پوست بدن‌شان رسیده و آن را می‌گدازد و بریان می‌کند؛ در نتیجه پوست و گوشت و درون‌شان ریز ریز و پاشان می‌شود.

﴿وَلَهُم مَّقَٰمِعُ مِنۡ حَدِيدٖ ٢١﴾.

فرشتگان با گرزهایی که از آهن ساخته شده بر سر کفار می‌زنند.

﴿كُلَّمَآ أَرَادُوٓاْ أَن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَا مِنۡ غَمٍّ أُعِيدُواْ فِيهَا وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ٢٢﴾.

هر بار که کافران بخواهند از شدّت درد و رنج، سختی و وحشت، غل و زنجیر آتشین خود را رهانیده و از جهنم بیرون روند در آن باز گردانیده می‌شوند. و به آن‌ها از سر سرزنش و سرکوفت گفته می‌شود: عذاب آتش را که اجسام‌تان را می‌سوزاند بچشید.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَلُؤۡلُؤٗاۖ وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ ٢٣﴾.

یقیناً خداوند أ مؤمنان شایسته‌کار را در باغ‌هایی وارد می‌کند که از زیر درختان آن نهرها روان است، آن‌ها در نعمتی ماندگار قرار دارند، حق‌تعالی بهشتیان را در بهشت به دستبندهایی از طلا و مروارید می‌آراید، از پرنیان نرم و راحت پوشانیده می‌شوند و مردان و زنان بهشتی در این لباس اشتراک دارند.

﴿وَهُدُوٓاْ إِلَى ٱلطَّيِّبِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ وَهُدُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡحَمِيدِ ٢٤﴾.

و خداوند أ بندگان شایسته‌اش را در دنیا به نیکوترین گفتار هدایت و ارشاد کرده است؛ از توحید، تسبیح، علم سودمند، امر به معروف، نهی از منکر و مانند این‌ها... او ایشان را در بهشت به حمد و شکر خویش راه می‌نماید که وی را بر پاداش نیک و مزد عظیمی که دریافت کرده‌اند ثنا و سپاس می‌گویند. او در حقیقت ایشان را به صراط مستقیم هدایت کرده است که عبارت است از: ایمان به وی، پیروی از رضوانش، عمل به کتابش و سنّت پیامبر ج.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ ٱلَّذِي جَعَلۡنَٰهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً ٱلۡعَٰكِفُ فِيهِ وَٱلۡبَادِۚ وَمَن يُرِدۡ فِيهِ بِإِلۡحَادِۢ بِظُلۡمٖ نُّذِقۡهُ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ٢٥﴾.

بی‌گمان کافرانی که با خدا أ و پیامبرش ج جنگیده مردم را از راه هدایت باز می‌دارند، و مؤمنان را از مسجد الحرام منع می‌کنند، چنان‌که در سال «حدیبیه» منع کردند حال آنکه مسجد الحرام قبلۀ تمام مسلمین اعم از کسانی است که در آن مقیم‌اند یا از بیرون به آن وارد می‌شوند، برای‌شان عذابی است سخت و دردناک. مسلّما هر کس در مسجد الحرام قصد انحراف از حق را داشته و با نافرمانی پروردگارش از مرزهای ترسیم شدۀ وی تجاوز کند خداوند أ به او عذابی سخت و دردناک می‌چشاند.

﴿وَإِذۡ بَوَّأۡنَا لِإِبۡرَٰهِيمَ مَكَانَ ٱلۡبَيۡتِ أَن لَّا تُشۡرِكۡ بِي شَيۡ‍ٔٗا وَطَهِّرۡ بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ٢٦﴾.

و هنگامی را یاد کن که خداوند أ جایگاه کعبه را برای ابراهیم ÷ هموار و آماده ساخت و او را بر آن راه نموده در حالی که آن مکان نا شناخته بود. آری! پروردگارش به وی دستور داد که آن خانه را بر بنیاد تقوی، رضوان، توحید و ایمانی راستین به وی تأسیس کند و آن را از کفر و پلیدی‌ها پاکیزه گرداند تا آمادۀ پذیرش طواف کنندگان، قیام کندگان، رکوع کنندگان و سجده‌کنان در نمازشان باشد.

﴿وَأَذِّن فِي ٱلنَّاسِ بِٱلۡحَجِّ يَأۡتُوكَ رِجَالٗا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٖ يَأۡتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٖ ٢٧﴾.

ای ابراهیم! به عموم مردم اعلام کن که حج خانۀ خدا آیند تا آن‌ها پای پیاده و سوار بر هر شتر چابک پایی (که به خاطر چابکی و نشاطش کم گوشت است) از هر راه دوری دعوتت را اجابت گویند.

﴿لِّيَشۡهَدُواْ مَنَٰفِعَ لَهُمۡ وَيَذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ فِيٓ أَيَّامٖ مَّعۡلُومَٰتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلۡأَنۡعَٰمِۖ فَكُلُواْ مِنۡهَا وَأَطۡعِمُواْ ٱلۡبَآئِسَ ٱلۡفَقِيرَ ٢٨﴾.

تا مردم در حج شاهد منافع خویش باشند؛ که این منافع عبارت است از: کفاره شدن گناهان، به دست آوردن ثواب و حسنات، سود بردن در تجارت، ادای طاعات و دیگر خیرات و برکات؛ و تا در هنگام ذبح شتر، گاو و گوسفند در ایام معین و معلومی که عبارت از دهم ذی‌الحجه و سه روز بعد از آن می‌باشد، نام خدا را در حالی ببرند که سپاسگزار اویند بر نعمتی که به ایشان ارزانی داشته است، و برای‌شان مستحب است که این حیوانات ذبح شدۀ خود بخورند و به فقرای بسیار نیازمند بخورانند.

﴿ثُمَّ لۡيَقۡضُواْ تَفَثَهُمۡ وَلۡيُوفُواْ نُذُورَهُمۡ وَلۡيَطَّوَّفُواْ بِٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ ٢٩﴾.

سپس مردم باید اعمالی دیگر از حج را که بر ذمۀشان باقی مانده است کامل کنند؛ با حلال ساختن خود از حال إحرام، دورساختن آلودگی‌ها بدن، گرفتن ناخن‌ها و تراشیدن مو. و باید بدانچه که بر خود از حج، یا عمره، یا هدیه، یا قربانی و طاعات دیگر لازم گردانیده و به گردن گرفته‌اند وفا نمایند. و باید به خانۀ الله أ طواف کنند؛ همان خانه‌ای که بنای آن بسیار کهن است و حق‌تعالی آن را از تسلط جباران گردنکش آزاد نموده است و به این دو دلیل آن را «بیت العتیق» نامید [زیرا عتیق هم به معنی کهن است و هم به معنی آزاد شده].

﴿ذَٰلِكَۖ وَمَن يُعَظِّمۡ حُرُمَٰتِ ٱللَّهِ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّهُۥ عِندَ رَبِّهِۦۗ وَأُحِلَّتۡ لَكُمُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ إِلَّا مَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡۖ فَٱجۡتَنِبُواْ ٱلرِّجۡسَ مِنَ ٱلۡأَوۡثَٰنِ وَٱجۡتَنِبُواْ قَوۡلَ ٱلزُّورِ ٣٠﴾.

آنچه ذکر شد از: کامل ساختن آن بخش از اعمال حج که باقی مانده است، دورساختن آلودگی‌ها، وفا به نذر و طواف کعبه؛ همان اموری است که خداوند أ آن‌ها را در حج مشروع گردانیده است پس بزرگداشت آن‌ها واجب است و هر کس اعمالی را که نزد الله أ مقدس و محترم است با ادای آن‌ها به کامل‌ترین وجه بزرگ بدارد حال آنکه در انجام آن اعمال تماماً پیرو پیامبرش ج باشد پس این در دنیا و آخرتش برایش بهتر است. و خداوند أ خوردن چارپایان را برای بندگانش حلال گردانیده است جز آنچه را که استثنا نموده؛ مانند گوشت مردار (خود مرده) وغیره محرمات ذکر شده در شرع؛ پس واجب است تا از محرمات استثنا شده اجتناب کرد. بناءً از پلیدی بتان، از افترا بر خدای سبحان و از دروغ بستن بر بندگانش دوری گزینید؛ زیرا پلیدی، فساد عمل است و بهتان و دروغ، فساد سخن.

﴿حُنَفَآءَ لِلَّهِ غَيۡرَ مُشۡرِكِينَ بِهِۦۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَتَخۡطَفُهُ ٱلطَّيۡرُ أَوۡ تَهۡوِي بِهِ ٱلرِّيحُ فِي مَكَانٖ سَحِيقٖ ٣١﴾.

در حالی که بر آیین توحید استوار، و بر اسلام دین فطرت پایدار باشید؛ یعنی عبادت را برای خداوند أ خالص ساخته و از پیامبرش ج پیروی نمایید، به حق‌تعالی چیزی را شریک نیاورده و به ما سوای وی از معبودات و طواغیت کفر ورزید، زیرا انسان مشرک به خدا که شیاطین از هرطرف او را به خود می‌کشند در امر دوری از حق و در سقوط از قلۀ اسلام به پرتگاه شرک به کسی ماند که از بلندی بسیار مرتفعی به پایین سقوط نموده است. پس یا پرندگان شکاری چنین کسی را ربوده و جسدش را تکه تکه می‌کنند، یا بادی تند و طوفانی او را برداشته و به جایی دور می‌افکند.

﴿ذَٰلِكَۖ وَمَن يُعَظِّمۡ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقۡوَى ٱلۡقُلُوبِ ٣٢﴾.

آنچه ذکر شد همانا واجبات خداوند أ بر بندگانش در حوزۀ توحید و خالص سازی عبادت برای اوست؛ و هر کس پروردگارش را اجابت گفته و آنچه را او خود از اعمال طاعات بزرگ داشته است – همچون مناسک حج – بزرگ بدارد پس این بزرگداشت و حرمتگذاری یقیناً بر پاکی، بیداری و خشیت دل صاحبش و بر تقوا و خداترسی وی دلالت می‌کند.

﴿لَكُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى ثُمَّ مَحِلُّهَآ إِلَى ٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ ٣٣﴾.

ای مردم! برای شما در هدایه‌ای که به سوی حرم می‌برید بهره‌هایی است؛ از سوارشدن بر آن و استفاده از پشم و شیر آن تا آنگاه که در نزدیک خانۀ کهن ذبح شوند و این محدوده، تمام سرزمین حرم را دربر می‌گیرد.

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٖ جَعَلۡنَا مَنسَكٗا لِّيَذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلۡأَنۡعَٰمِۗ فَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَلَهُۥٓ أَسۡلِمُواْۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُخۡبِتِينَ ٣٤﴾.

این اعمال و فرایضی که در حج ذکر شد مخصوص شما نیست بلکه خداوند أ برای هر امّت – یعنی هر مجموعه – از مؤمنان پیشین، مناسکی از حیوانات ذبح شده قرار داده است تا تنها نام خدا را در هنگام ذبح بر آن‌ها یاد کنند و او را به خاطر برخوردار ساختن‌شان از این حیواناتی که روزی‌شان ساخته است، شکر و سپاس گزارند؛ پس ای بندگان! اله و معبود بر حق شما فقط الله یگانه است از این رو فقط از او اطاعت کرده و عبادت را برای وی خالص گردانید و از راه و روش پیامبرش ج پیروی نمایید. ای پیامبر! و مؤمنان فروتن را که برای پروردگارشان خاضع‌اند به خیر و سعادت دنیا و دستیابی به بهشت‌های پرناز و نعمت بشارت ده.

﴿ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَٱلصَّٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ أَصَابَهُمۡ وَٱلۡمُقِيمِي ٱلصَّلَوٰةِ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣٥﴾.

این گروه فروتنان کسانی‌اند که چون خدای متعال یاد شود دل‌های‌شان خاشع می‌گردد و از عذاب و مؤاخذه و مکرش می‌ترسند در نتیجه از نافرمانی‌ها و گناهان اجتناب می‌کنند و چون به ایشان نا خوشیی برسد و مصیبتی فرود آید به امتثال امر خدا أ و حسابداشت وی صبر می‌کنند. همچنان ایشان نمازها را به کامل‌ترین وجه برپا می‌دارند و از آنچه حق‌تعالی به ایشان بخشیده است در انفاق‌های فرض و مستحب مانند زکات، مصارف خانوداده، کمک به بستگان و فقیران و مستمندان و دیگر راه‌های خیر صدقه می‌کنند.

﴿وَٱلۡبُدۡنَ جَعَلۡنَٰهَا لَكُم مِّن شَعَٰٓئِرِ ٱللَّهِ لَكُمۡ فِيهَا خَيۡرٞۖ فَٱذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَا صَوَآفَّۖ فَإِذَا وَجَبَتۡ جُنُوبُهَا فَكُلُواْ مِنۡهَا وَأَطۡعِمُواْ ٱلۡقَانِعَ وَٱلۡمُعۡتَرَّۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرۡنَٰهَا لَكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٣٦﴾.

و خداوند أ ذبح شتران را از نشانه‌های دین و شعایر مسلمین قرار داده است تا وسیلۀ قربتی به سوی وی باشند. و برای کسانی که با ذبح آن‌ها به خدا نزدیکی می‌جویند خیر دنیا و آخرت است؛ در دنیا با خوردن و صدقه دادن و در آخرت با دریافت پاداش عظیم و اجر جزیل. و ذبح کننده در هنگام ذبح آن‌ها باید «بسم الله» بگوید. و شتر در حالی ذبح می‌شود که برپا ایستاده است؛ سه تا از پاهای آن راست نگه داشته شده و پای چهارم مقید ساخته می‌شود پس چون بعد از ذبح بر پهلو به زمین غلتید در این هنگام خدای ﻷ خوردنش را مباح گردانیده است. سپس کسی که با ذبح آن‌ها به خدای متعال تقرب جسته، به عنوان عبادت از گوشت آن‌ها می‌خورد و به تنگدستی که از روی عفت و پاکیزه‌منشی از مردم درخواست کمک نمی‌کند و نیز به فقر سائل می‌خوراند. تنها خداوند أ است که شتر را برای شما در منافع‌تان رام گردانید تا او را بر این نعمت شکر گذارید.

﴿لَن يَنَالَ ٱللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَٰكِن يَنَالُهُ ٱلتَّقۡوَىٰ مِنكُمۡۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمۡ لِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٣٧﴾.

هرگز از گوشت حیوانات ذبح شده و از خون آن‌ها چیزی به خدا أ نمی‌رسد زیرا او از ما سوای خود بی‌نیاز است. و خداوند أ این شتران را برای شما رام گردانید تا او را با تقرب جویی به وی بزرگ دارید، زیرا اوست که شما را به استقامت توفیق داده و به سوی هدایت ارشاد نموده است و تا وی را بر نعمت‌هایش شکر گزارید. ای پیامبر! و نیکوکاران امتت را که با انجام دادن صحیح عبادت خالق و احسان به مخلوق به مرتبۀ محسنان می‌رسند به هر مزد بزرگ و رستگاری سترگی مژده ده.

﴿۞إِنَّ ٱللَّهَ يُدَٰفِعُ عَنِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٖ كَفُورٍ ٣٨﴾.

قطعاً خداوند أ آزار اشرار، نیرنگ فجّار و دشمنی کفار را از نیکوکاران پاکیزه منش دفع می‌کند؛ زیرا او خیانتکاران در امانت و منکران و ناسپاسان نعمتش را دوست ندارد؛ زیرا آن‌ها در امانت و ایمان بد عمل کرده‌اند.

﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَٰتَلُونَ بِأَنَّهُمۡ ظُلِمُواْۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ نَصۡرِهِمۡ لَقَدِيرٌ ٣٩﴾.

خداوند أ در آغاز امر به مسلمین اجازه نداد تا با کفار بجنگند بلکه ایشان را به صبر و گذشت از آزارها دستور داد، اما چون پیامبر ج از مکه به مدینه هجرت کردند اسلام نیرومند شد، در این هنگام خداوند أ مسلمانان را به جنگیدن با کفار اجازه داد؛ زیرا آن‌ها با تحمل آزارها و اخراج از خانه و کاشانه‌شان تحت ستم واقع شده بودند، و حق‌تعالی به ایشان وعدۀ پیروزی داد چه او بر عزّت بخشیدن دوستانش و خوارسازی دشمنانش بسیار تواناست.

﴿ٱلَّذِينَ أُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بِغَيۡرِ حَقٍّ إِلَّآ أَن يَقُولُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُۗ وَلَوۡلَا دَفۡعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لَّهُدِّمَتۡ صَوَٰمِعُ وَبِيَعٞ وَصَلَوَٰتٞ وَمَسَٰجِدُ يُذۡكَرُ فِيهَا ٱسۡمُ ٱللَّهِ كَثِيرٗاۗ وَلَيَنصُرَنَّ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ٤٠﴾.

همان کسانی که به ناحق از دیار خود بیرون رانده شدند بی‌آنکه مرتکب جرمی شده باشند. آری! آن‌ها هیچ جرمی نداشتند جز اینکه گفتند: پروردگار ما تنها الله أ است. و اگر خداوند برای دفع ستمگران و باطل گرایان به جهاد با تمام انواعش دستور نمی‌داد یقینا باطل غلبه می‌یافت و حق به شکست روبه‌رو می‌شد، کفار برتری می‌یافتند و ابرار به ذلّت کشانیده می‌شدند، خانه‌ها و آبادی‌ها نابود ساخته می‌شد و جایگاه‌های عبادت چون صومعه‌های راهبان، کلیساهای نصاری، کنیسه‌های یهودیان و مساجد مسلمانان که برای ناز و ذکر حق‌تعالی آماده ساخته شده، سخت ویران ساخته می‌شد. و هر کس دین خدا را نصرت داده و در راه وی باز زبان و قلم و دست و جان و مالش جهاد نماید، حق‌تعالی وی را یاری داده و در دنیا و آخرت عزّت می‌بخشد؛ زیرا خدا سخت نیرومند است و مغلوب نمی‌شود؛ کسانی را که با وی می‌جنگند سرکوب می‌نماید. او ذات شکست ناپذیری است که ساحت اقدسش از تعرض مصون است؛ او پیشانی همۀ خلق را گرفته و همه در قبضۀ قدرتش قرار دارند. او در عظمت و جبروت یکتاست.

﴿ٱلَّذِينَ إِن مَّكَّنَّٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَمَرُواْ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَنَهَوۡاْ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۗ وَلِلَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلۡأُمُورِ ٤١﴾.

کسانی که خداوند أ به ایشان وعدۀ پیروزی داده است همان کسانی‌اند که چون او به آنان تمکین و توانایی دهد و بر دشمنان پیروزشان سازد و در زمین خلیفه‌شان گرداند، نماز را به شیوۀ که حق‌تعالی مشروع ساخته است برپا می‌دارند؛ یعنی با رعایت وقت و ادای آن بر طریقۀ سنّت نبوی ج. و زکات مال را به مستحقان آن می‌پردازند و مردم را به ادای هرحقی از حقوق الله أ و هر حق مشروعی از حقوق بندگانش دستور می‌دهند و از هرآنچه خدا أ و پیامبرش ج نهی کرده‌اند، باز می‌دارند. بازگشت همۀ امور و فرجام هرچیز تنها و تنها به سوی خدای سبحان می‌باشد و سرانجام از آن متقیان است.

﴿وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدۡ كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَعَادٞ وَثَمُودُ ٤٢﴾.

ای پیامبر! و اگر قومت تکذیبت نموده‌اند پس پیامبران پیشین برایت الگو هستند؛ زیرا ایشان نیز مانند تو مورد تکذیب قرار گرفتند؛ همچون تکذیب قوم نوح، عاد و ثمود.

﴿وَقَوۡمُ إِبۡرَٰهِيمَ وَقَوۡمُ لُوطٖ ٤٣﴾.

قوم ابراهیم ÷ و قوم لوط ÷ نیز تکذیب پیشه کرده و با این دو پیامبر بزرگوار مقابله نمودند.

﴿وَأَصۡحَٰبُ مَدۡيَنَۖ وَكُذِّبَ مُوسَىٰۖ فَأَمۡلَيۡتُ لِلۡكَٰفِرِينَ ثُمَّ أَخَذۡتُهُمۡۖ فَكَيۡفَ كَانَ نَكِيرِ ٤٤﴾.

اهل مدین شعیب ÷ را و فرعون و قومش موسی ÷ را تکذیب کردند پس خداوند به این تکذیبگران مهلت داد سپس با عذاب هلاک‌شان نمود پس بنگر که وقتی تکذیب کردند، انکار خدا بر آنان چه بزرگ بود؛ چگونه آنان را گرفتار کرد و از صحنۀ روزگار بر انداخت؟!

﴿فَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ أَهۡلَكۡنَٰهَا وَهِيَ ظَالِمَةٞ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئۡرٖ مُّعَطَّلَةٖ وَقَصۡرٖ مَّشِيدٍ ٤٥﴾.

و چه بسیار شهرها را که خداوند أ نابود و ویران گردانید؛ اینک منازل آن‌ها خراب است و هیچ کسی در آن‌ها ساکن نیست و چاه‌ها متروک است که از آن‌ها آب کشیده نمی‌شود، زیرا هیچ زنده سری پیرامون آن‌ها وجود ندارد. و قصرهای افراشته و برج‌های بلند مرتبۀ آراسته و استوار، ساکنان خود را از نابود سازی ما باز نداشتند.

﴿أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَتَكُونَ لَهُمۡ قُلُوبٞ يَعۡقِلُونَ بِهَآ أَوۡ ءَاذَانٞ يَسۡمَعُونَ بِهَاۖ فَإِنَّهَا لَا تَعۡمَى ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَلَٰكِن تَعۡمَى ٱلۡقُلُوبُ ٱلَّتِي فِي ٱلصُّدُورِ ٤٦﴾.

آیا کافران در زمین گردش نکرده‌اند تا آثار ویران برجای مانده از عذاب شدگان را ببینند؟ خدا دروغ انگاران را نابود کرد، پس چرا اینان از هلاکت‌گاه‌های آن گروه‌ها درس عبرت نمی‌گیرند تا با عقل‌های خود اندیشیده و اخبار گذشتگان را با تدبر بشنوند و پند بگیرند. پس وقتی دل دچار کژی و حیرت شود در حقیقت کوری، کوری چشم نیست بلکه کوری بصیرت است.

﴿وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ وَلَن يُخۡلِفَ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥۚ وَإِنَّ يَوۡمًا عِندَ رَبِّكَ كَأَلۡفِ سَنَةٖ مِّمَّا تَعُدُّونَ ٤٧﴾.

ای پیامبر! و کافران از جهلی که دارند از تو به شتاب تقاضای عذاب می‌کنند در حالی که خدا أ هرگز عذابی را که به کافران وعده داده است، خلاف نمی‌کند و ناگزیر عذابش واقع می‌شود. و در حقیقت روز قیامت – که روزی از روزهای خدا أ است – مانند هزارسال از سال‌های دنیاست و وقوع آن دور نیست.

﴿وَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ أَمۡلَيۡتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٞ ثُمَّ أَخَذۡتُهَا وَإِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ ٤٨﴾.

و چه بسیار شهرهایی که مردم آن با کفر بر خویشتن ستمگر بودند، پس خداوند أ مدّت زمانی آن‌ها را مهلت داد و مجازات‌شان نکرد، اما مغرورشدند، سپس آن‌ها را در دنیا به عذابی ناگهانی گرفت. و بازگشت نیز به سوی اوست تا هر کس را بدانچه کرده است، جزا دهد.

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَآ أَنَا۠ لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٞ ٤٩﴾.

ای پیامبر! به مردم بگو: ای مردم! من برای شما جز هشدار دهنده‌ای آشکار نیستم؛ پس شما را از عذاب الله أ برحذر می‌دارد چنان‌چه کفر ورزید و با بیانی رسا و کامل پیامبر الله أ را به شما می‌رسانم.

﴿فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٥٠﴾.

پس خداوند أ گناهان مؤمنان شایسته کار پیرو پیامبر ج را می‌آمرزد، بدی‌های‌شان را محو می‌کند و به ایشان در بهشت روزی نیکو و با برکتی ارزانی می‌دارد.

﴿وَٱلَّذِينَ سَعَوۡاْ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ٥١﴾.

و کسانی که در جنگ با خدا أ و پیامبرانش؛ نیرنگ با دوستانش و تلاش مجدانه و سرسختانه همراه با لجاجت و با به کارگیری ابزار قدرت، در راستای ابطال آیاتش حرکتی مذبوحانه به راه انداخته‌اند، این گروه در آتش فروزان جهنم که از همه سو بر آنان چنبره زده است، ماندگاراند.

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٖ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّآ إِذَا تَمَنَّىٰٓ أَلۡقَى ٱلشَّيۡطَٰنُ فِيٓ أُمۡنِيَّتِهِۦ فَيَنسَخُ ٱللَّهُ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ ثُمَّ يُحۡكِمُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٥٢﴾.

ای پیامبر! و پیش از تو نیز خدا أ هیچ پیامبری را نفرستاد جز اینکه هرگاه کتاب خدا را تلاوت می‌کرد، شیطان با القای وسوسه‌ها در هنگام قرائتش، فضا را آشفته و مشوّش می‌ساخت تا از بیم ایمان و تصدیق مردم، رسیدن قرآن به ایشان را مانع شود ولی خداوند أ وسوسه‌های شیطان را از بین می‌بُرد و آیات نازل شده‌اش را باقی می‌گذاشت. و خداوند أ گذشته، حال، آینده، آشکار و نهان – همه – را می‌داند؛ او در صنع شرع و قضا و قَدر و دستورش صاحب حکمت است.

﴿لِّيَجۡعَلَ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَفِي شِقَاقِۢ بَعِيدٖ ٥٣﴾.

خداوند أ این کار شیطان – یعنی القای وسوسه – را آزمایشی برای اهل شک و نفاق و کفار سنگدل که از اندرزها نفعی نمی‌برند گردانیده و بی‌گمان این گروه ستمگر – از منافقان و کافران – در نبردی پیوسته، دشمنیی همیشگی و مخالفتی سر سختانه با خدا أ و پیامبرش ج قرار دارند.

﴿وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤۡمِنُواْ بِهِۦ فَتُخۡبِتَ لَهُۥ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهَادِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٥٤﴾.

و تا کسانی که دانشی سودبار دارند و از این رو می‌توانند میان هدایت و ضلالت فرق بگذارند متیقن گردند که قرآن همان حق تردید ناپذیری است که هیچ شک و شائبه‌ای در آن نمی‌باشد؛ این کتاب وحیی از سوی خداوند أ به پیامبرش ج بوده و شیطان را به سوی‌شان راهی نیست، پس باید بر ایمان و خشیت خود نسبت به الله أ بیفزایند. در حقیقت تنها خداست که بندگان مؤمنش را به سوی راه رشد و جادۀ حق و حقیقت راهبر می‌باشد، این راه همان دین و آیینی است که او از بین همۀ ادیان برگزیده است؛ این دین همانا آیین اسلام است.

﴿وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي مِرۡيَةٖ مِّنۡهُ حَتَّىٰ تَأۡتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغۡتَةً أَوۡ يَأۡتِيَهُمۡ عَذَابُ يَوۡمٍ عَقِيمٍ ٥٥﴾.

و کسانی که کفر ورزیده‌اند همواره از کتاب خدای ﻷ در شک و تردیدی قرار دارند تا بناگاه قیامت بر آنان در حالی در رسد که بر باطل خویش قرار داشته باشند، یا عذاب روزی به سراغ‌شان آید که شرّ آن همیشه و پیوسته است و در آن برای‌شان خیری وجود ندارد.

﴿ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَئِذٖ لِّلَّهِ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ٥٦﴾.

در آن روز ملک و فرمانروایی تنها از آن خداست، او میان نیکان و بدان داوری می‌کند. پس مؤمنان شایسته‌کار در باغ‌های پرناز و نعمت همیشه ماندگار‌ اند.

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٥٧﴾.

و کسانی که کفر ورزیده، یگانگی خدا أ و رسالت پیامبرش ج را انکار کرده‌اند برای‌شان در آتش جهنم عذابی است که خوار و رسوای‌شان می‌سازد.

﴿وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوٓاْ أَوۡ مَاتُواْ لَيَرۡزُقَنَّهُمُ ٱللَّهُ رِزۡقًا حَسَنٗاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ٥٨﴾.

و هر کس گریزان با دینش در راه پروردگارش از میهنش بیرون آید و سپس جهاد گرانه کشته شود، یا در حال ایمان بمیرد، پس به زودی خداوند أ او را به نعمت‌های بهشت که هیچ آن را رنگ فنا و دگرگونی نیست پاداش می‌دهد و او بهترین روزی دهندگان است؛ زیرا روزی‌اش پاکیزه، بسیار پربرکت و همیشگی است؛ عطایش با غنایش هم آواست.

﴿لَيُدۡخِلَنَّهُم مُّدۡخَلٗا يَرۡضَوۡنَهُۥۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٞ ٥٩﴾.

یقینا خداوند أ بندگان مهاجر و مجاهد در راهش را به جایگاهی از عطای جزیل و پاداش جمیل که دوستش دارند وارد می‌کند؛ حق‌تعالی به کسانی که برای رضایش بیرون می‌شوند داناست، بر کسانی که نافرمانی‌اش کرده‌اند بردبار است و آنان را بدانچه مرتکب شده‌اند، مؤاخذه نمی‌کند بلکه اگر باز آیند از ایشان درمی‌گذرد.

﴿۞ذَٰلِكَۖ وَمَنۡ عَاقَبَ بِمِثۡلِ مَا عُوقِبَ بِهِۦ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيۡهِ لَيَنصُرَنَّهُ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٞ ٦٠﴾.

این همان چیزی است که خداوند أ به تو از گرامیداشت بندگان شایسته‌اش در باغ‌های پرناز و نعمت خبرداده است. و هر کس از ستمگری آزاری ببیند بی‌گمان حق‌تعالی به وی اجازه داده است تا از وی به مانند ستمش قصاص بگیرد، پس اگر ستم ستمگر فزونی یافت خداوند أ یقینا مظلوم را یاری خواهد داد؛ زیرا جواز ندارد بر کسی تعدی رود که برای خویش از ستمگر قصاص گرفته است. بی‌گمان خداوند أ از بدکار درگذشته وی را به شتاب مجازات نمی‌کند و بر کسی که مرتکب گناه شده است می‌آمرزد و وی را به گناه مؤاخذه نمی‌کند.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٞ ٦١﴾.

این یاریگری مظلومان بر الله أ سهل و ساده است، زیرا او بر هر چه بخواهد تواناست و از قدرتش هست که آنچه را از وقت شب می‌کاهد در روز داخل می‌کند و آنچه را از وقت روز می‌کاهد در شب داخل می‌کند و او شنوای هر صدا و بینا به هر عملی است؛ پس شنوایی در برابر نشانۀ شب است و بینایی در برابر نشانۀ روز.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ هُوَ ٱلۡبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ٦٢﴾.

این نصرت مظلومان و تصرّف مطلق در هستی بدان سبب است که جز الله أ هیچ اله و معبود بر حقی وجود ندارد، تنها او سزاوار الوهیت است، عبادتش حق و عبادت ما سوایش باطل است. بناءً پرستش مشرکان از غیر وی دروغ و بهتان است، زیرا عبادت معبودان باطل نه سودی می‌بخشد و نه زیانی. این خدای متعال است که در ذات، قَدَر، قدرت، غلبه و قهر بر خلقش والا و متعالی است و اوست بزرگی که هر مخلوقی دون اوست پس بزرگ‌تر و والاتر از وی وجود ندارد.

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَتُصۡبِحُ ٱلۡأَرۡضُ مُخۡضَرَّةًۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٞ ٦٣﴾.

آیا ندیدی که خداوند أ از آسمان باران می‌فرستد که چون بر زمین فرو افتد، زمین با انواع رستنی‌ها سبز می‌شود؟ بی‌گمان خداوند أ بر خلقش لطیف است، چرا که روزی‌شان را بر عهده گرفته؛ آب را فرود آورده و غذا را برای‌شان آماده کرده است. او بدانچه که به حال‌شان سودمند است آگاه می‌باشد از همین‌رو منافع‌شان را از آسان‌ترین راه‌ها برای‌شان میسّر ساخته است.

﴿لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ٦٤﴾.

تمام آنچه در آسمان‌ها و در زمین است؛ از نظر آفرینش، ملک و تصرف تنها از آن خدا أ است، هر آفریده‌ای زیر سلطۀ وی قرار داشته و از ملکش خارج نیست، او از ماسوای خود بی‌نیاز است ولی ماسوایش محتاج وی‌اند و از وی بی‌نیازی ندارند. او در همه حال مورد ستایش است زیرا ذاتی است که تمام صفات ستوده را جمع نموده و در کمال، جمال و جلال یگانه و یکتاست.

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡفُلۡكَ تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِأَمۡرِهِۦ وَيُمۡسِكُ ٱلسَّمَآءَ أَن تَقَعَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ٦٥﴾.

آیا ندیده‌ای که خدا مخلوقاتی مانند چهارپایان و مانند آن را برای منافع شما رام گردانیده، گیاه و جماد را برای منافع و مصالح انسان آفریده و کشتی‌ها را در بستر دریا رام ساخته که در راستای منافع انسان‌ها چون سفر، تجارت و حمل و نقل در حرکت‌اند؟ و تنها الله أ است که آسمان را نگه می‌دارد تا بر زمین نیفتد و ساکنان آن را به هلاکت نرساند مگر اینکه به اذن خودش باشد. همانا خداوند به مردم بسیار رئوف است؛ خیر و نیکی‌اش را با دقیق‌ترین وسایل به ایشان رسانده و با انواع دوستی‌ها به بندگانش محبت می‌ورزد. مهربان است؛ از دریای بی‌انتهای کرمش بر دوستانش سرازیر ساخته، منافع را بر ایشان جلب نموده و زیان را از ایشان دفع می‌کند.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَحۡيَاكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡۗ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَكَفُورٞ ٦٦﴾.

و تنها خداوند أ است که شما را از عدم آفرید، سپس هنگام فرا رسیدن اجل‌های‌تان شما را می‌میراند و باز شما را زنده از قبرهای‌تان برای محاسبه برمی‌انگیزد، بی‌گمان انسان منکر نشانه‌ها و آیات الله أ و ناسپاس نعمت‌های اوست.

﴿لِّكُلِّ أُمَّةٖ جَعَلۡنَا مَنسَكًا هُمۡ نَاسِكُوهُۖ فَلَا يُنَٰزِعُنَّكَ فِي ٱلۡأَمۡرِۚ وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَۖ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدٗى مُّسۡتَقِيمٖ ٦٧﴾.

خداوند أ برای هر امتی از امت‌های پیشین شریعتی قرار داد که او را با آن عبادت می‌کنند. پس ای پیامبر! کافران نباید در دین خدا أ که بر تو نازل کرده؛ اعم از عقاید، عبادات و احکام، با تو بستیزند. و به سوی یگانگی خدا أ و طاعت و اخلاص در پرستشش دعوت کن؛ زیرا تو یقیناً بر راهی روشن، شفاف و استوار قرار داری که هیچ کژیی در آن نیست.

﴿وَإِن جَٰدَلُوكَ فَقُلِ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا تَعۡمَلُونَ ٦٨﴾.

اگر کافران در آنچه بر تو نازل شده است با تو مجادله کردند پس ستیزه با آنان را فرو گذار و بگو: خدا به تکذیب‌تان داناتر است و به زودی شما را مجازات خواهد کرد. آری! با معاند لجباز پای فشار بر کفر نباید جدال کرد؛ زیرا جدال با وی سودی ندارد.

﴿ٱللَّهُ يَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ٦٩﴾.

تنها خداست که روز قیامت میان مسلمانان و کافران در مورد آنچه با یکدیگر اختلاف داشتند، داوری می‌کند؛ پس فرمانبران را پاداش داده و نافرمانان را مجازات می‌نماید.

﴿أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَٰبٍۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٧٠﴾.

آیا ندانسته‌ای که خداوند أ به هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است از هر نظر داناست؟ علم این‌ها در لوح محفوظ نوشته شده و به ثبت رسیده است. بی‌گمان دانستن این امور بر حق‌تعالی سهل و ساده است؛ نه بر وی سنگین است و نه وی را عاجز می‌گرداند.

﴿وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَمَا لَيۡسَ لَهُم بِهِۦ عِلۡمٞۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٖ ٧١﴾.

کافران به پرستش غیر خدا أ ادامه می‌دهند با آنکه در این پرستش باطل بر خدا أ افترا می‌بندند، زیرا نه از طریق وحی بر دستی این عبادت دلیلی آمده است و نه به این افترا دانشی دارند، بلکه این کارشان تقلید کور از پدران نادان و گمراه‌شان است. پس چون خدا عذاب‌شان را اراده کند برای‌شان یاری بخشی نیست که عذاب را از آنان دفع نماید.

﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ تَعۡرِفُ فِي وُجُوهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡمُنكَرَۖ يَكَادُونَ يَسۡطُونَ بِٱلَّذِينَ يَتۡلُونَ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِنَاۗ قُلۡ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرّٖ مِّن ذَٰلِكُمُۚ ٱلنَّارُ وَعَدَهَا ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٧٢﴾.

و چون بر کافران قرآن خوانده شود، آثار کراهت و گرفتگی را بر چهره‌های‌شان می‌بینی، از شدّت بغضی که نسبت به حق دارند نزدیک است بر کسانی که بر آنان قرآن می‌خوانند حمله‌ور شده ایشان را مورد لت‌وکوب قرار دهند. ای پیامبر! به آنان بگو: آیا شما را از آنچه نزدتان از شنیدن حق منفورتر است خبر ندهم؟ این همان آتش جهنم است که خداوند أ آن را در آخرت برای‌تان آماده ساخته است، بی‌گمان جایگاهی که بدان باز می‌گردید بسیار بد باز گشت گاهی است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٞ فَٱسۡتَمِعُواْ لَهُۥٓۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَن يَخۡلُقُواْ ذُبَابٗا وَلَوِ ٱجۡتَمَعُواْ لَهُۥۖ وَإِن يَسۡلُبۡهُمُ ٱلذُّبَابُ شَيۡ‍ٔٗا لَّا يَسۡتَنقِذُوهُ مِنۡهُۚ ضَعُفَ ٱلطَّالِبُ وَٱلۡمَطۡلُوبُ ٧٣﴾.

ای مردم! خداوند أ مَثَلی زده است پس به شنیدن آن گوش هوش فرا داده و به معنای آن تدبر کنید: بی‌گمان خدایان شما که به جای الله أ می‌پرستید اگر حتی بر آفریدن مگسی – با وجود حقارت آن اجماع کنند، بر آن توانا نیستند، پس چه رسد به آفرینش آنچه از مگس بزرگ‌تر است؟! این معبودان باطل شما حتی نمی‌توانند آنچه را مگس از ایشان ربوده، باز پس گیرند که این منتهای عجز است. بنابراین هم بتان و هم مگس هردو ضعیف و ناتوانند، طالب که معبود غیر الله أ است از بازپس گیری آنچه که مگس گرفته ناتوان است و مطلوب که خود مگس می‌باشد نیز ضعیف و ناتوان است پس چگونه این بتان را با وجود این همه ضعف و حقارت و خواری، مورد پرستش قرار می‌دهید؟!

﴿مَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ٧٤﴾.

این گروه کفار قدر و حرمت خدای متعال را چنان‌که در خور او – از محبت و خوف و ذلّت برای وی است – نشناختند بلکه غیر وی شریک آوردند در حالی که او نیرومندی است که شکست نمی‌خورد و غیر خویش را با جبروت خویش مقهور ساخته است، عزتمندی است که در عظمت یگانه و به کبریا و مجد یکتاست.

﴿ٱللَّهُ يَصۡطَفِي مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلٗا وَمِنَ ٱلنَّاسِۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٞ ٧٥﴾.

و خداوند أ از فرشتگانش فرستادگانی را به سوی پیامبرانش برمی‌گزیند و از بندگانش نیز پیامبرانی را به سوی خلقش انتخاب می‌کند؛ او شنوای هر سخن و بینا به هر عملی است از این جهت در گزنیش و انتخاب پیامبرانش بسیار خوب عمل کرده است.

﴿يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ٧٦﴾.

خدای سبحان آنچه را پیشاپیش فرشتگان و پیامبرانش قبل از آفرینش‌شان وجود داشته می‌داند و آنچه را پشت سر ایشان بعد از فنای‌شان نیز واقع خواهد شد می‌داند، پایانۀ هرکار، بازگشت هر مخلوق و مرجع هرچیز تنها به سوی اوست.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱرۡكَعُواْ وَٱسۡجُدُواْۤ وَٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمۡ وَٱفۡعَلُواْ ٱلۡخَيۡرَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ۩ ٧٧﴾.

ای ایمان آورندگان به خدا و به پیامبرش! برای الله أ در نماز خویش رکوع و سجده کنید، عبادت را تنها برای او خالص گردانید، به او چیزی را شریک نیاورید و برای خویشتن خویش عمل سودمند تقدیم کنید؛ و آن هر منفعتی است که مورد پسند حق‌تعالی است؛ تا بدین وسیله به سعادت دنیا و نعمت‌های آخرت دست یابید.

﴿وَجَٰهِدُواْ فِي ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦۚ هُوَ ٱجۡتَبَىٰكُمۡ وَمَا جَعَلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلدِّينِ مِنۡ حَرَجٖۚ مِّلَّةَ أَبِيكُمۡ إِبۡرَٰهِيمَۚ هُوَ سَمَّىٰكُمُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ مِن قَبۡلُ وَفِي هَٰذَا لِيَكُونَ ٱلرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيۡكُمۡ وَتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِۚ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱعۡتَصِمُواْ بِٱللَّهِ هُوَ مَوۡلَىٰكُمۡۖ فَنِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ ٧٨﴾.

و با دشمنان خدا أ به تمام انواع جهاد برزمید؛ چون جهاد با جان، مال، زبان و قلم در حالی که تنها و تنها رضای او را مد نظر دارید، زیرا اوست که شما را به شرف حمل رسالت برگزیده و برای شما شریعتش را آسان گردانید؛ به گونه‌ای که آن را چنان سهل و نرم قرار داد که نه در آن تنگیی است، نه دشواریی، نه در عقاید آن فشار و سختی وجود دارد، نه در احکام و در اخلاق آن بلکه سهل و آسان است. این آیین همانا آیین ابراهیم ÷ است. خداوند أ پیش از این شما را در کتاب‌های آسمانی متقدم مسلمان نامید و در قرآن نیز خداوند أ شما را به این مقام و منزلت مشرف گردانید تا پیامبر ج بر این امر که رسالت را به شما رسانده است بر شما گواه باشد و شما به نوبۀ خود بر تمام امّت‌ها گواه باشید که پیامبران‌شان رسالت الله أ را به ایشان رسانده‌اند؛ تا این نعمت عظمی را چنان‌که در خور آن است قدر نموده حق‌تعالی را بر آن شکرگزار باشید و به بهترین وجه دین بی‌پیرایه و خالص را برپا دارید؛ از برپاداشت نماز بر بهترین وجهی که خدای متعال می‌پسندد، بیرون آوردن زکات فرض شده بر شما در اموال‌تان، همراه با توکل بر حق‌تعالی و چنگ زدن به آستان عنایت وی، اتکا و اعتماد بر وی و سپردن کار به وی، زیرا او برای کسی که ولایتش را بر گزیند، نیکوترین مولی است؛ نصرت و پناهاش داده و به عفو و سترش می‌پوشاند. اوست یاری بخش دوستانش؛ ایشان را بر هدایت راه نموده، از دنائت و سقوط و پستی بر کنار می‌دارد و آزارها را از ایشان دفع می‌کند.

سورۀ مؤمنون

مکی است؛ ترتیب آن 23؛ شمار آیات آن 118

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١﴾.

به راستی مؤمنان به خدا أ و پیامبرش ج رستگار شدند؛ همانان که بدانچه حق‌تعالی مشروع ساخته است عمل کرده و از آنچه نهی نموده، پرهز کرده‌اند.

﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي صَلَاتِهِمۡ خَٰشِعُونَ ٢﴾.

همانان که نماز را آنگونه که مشروع شده است به کامل‌ترین وجه در حالی ادا می‌کنند که دل‌های‌شان در آن خاشع و اندام‌های‌شان از شیرینی مناجات، آرام است.

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَنِ ٱللَّغۡوِ مُعۡرِضُونَ ٣﴾.

و آنان‌که همۀ گفتارها و رفتارهایی را که در دنیا و آخرت سودی دربر ندارد، فرو می‌گذارند.

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِلزَّكَوٰةِ فَٰعِلُونَ ٤﴾.

و آنان‌که زکات اموال‌شان را پرداخته و به وسیله بخشیدن آن به مستحقانش، روان و اخلاق خود را پاک می‌سازند.

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ حَٰفِظُونَ ٥﴾.

و آنان‌که پاکدامن بوده و اندام‌های جنسی خود را از فحشا و منکرات که خداوند أ آن‌ها را حرام کرده است، نگه می‌دارند.

﴿إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ ٦﴾.

مگر بر زنان و کنیزان‌شان؛ زیرا آن‌ها برای‌شان حلال‌اند و در بهره گیری جنسی از آنان گناه و حَرَجی نیست.

﴿فَمَنِ ٱبۡتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡعَادُونَ ٧﴾.

بناءً هر کس خواسته باشد تا از غیر همسر یا کنیز خویش بهره گیرد، او از تجاوز گران حدود الهی است که خویشتن را در معرض خشم خدای قهّار قرار داده است.

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ ٨﴾.

و کسانی که امانت‌ها را ادا کرده، به عهدها و قرار دادها وفا می‌کنند؛ نه خیانت می‌ورزند، نه پیمان شکسته و نه غدر می‌نمایند.

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَوَٰتِهِمۡ يُحَافِظُونَ ٩﴾.

و آنان‌که نماز را به کامل‌ترین وجه – آنگونه که مشروع شده – در همان شکل و هیأت و اوقات مخصوصش ادا می‌کنند و آن را ضایع نمی‌گردانند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡوَٰرِثُونَ ١٠﴾.

این گروه ساکن بهشت‌های پرناز و نعمت‌اند که در آن جاوید ابدی می‌مانند.

﴿ٱلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلۡفِرۡدَوۡسَ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ١١﴾.

سکونت‌شان در بالاترین درجات بهشت و برترین و مرکزی‌ترین منازل آن (فردوس) است؛ در نعمت‌های پایداری که نه زوال می‌پذیرد و نه دگرگون می‌شود.

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن سُلَٰلَةٖ مِّن طِينٖ ١٢﴾.

و به یقین خداوند أ آدم را آفرید و او را از گِلی که از خاک زمین بر گرفته بود، مصوّر ساخت.

﴿ثُمَّ جَعَلۡنَٰهُ نُطۡفَةٗ فِي قَرَارٖ مَّكِينٖ ١٣﴾.

سپس نسلش را از منی مرد و زن به صورت تناسل قرار داد در نتیجه زاد و ولد کردند و بسیار شدند.

﴿ثُمَّ خَلَقۡنَا ٱلنُّطۡفَةَ عَلَقَةٗ فَخَلَقۡنَا ٱلۡعَلَقَةَ مُضۡغَةٗ فَخَلَقۡنَا ٱلۡمُضۡغَةَ عِظَٰمٗا فَكَسَوۡنَا ٱلۡعِظَٰمَ لَحۡمٗا ثُمَّ أَنشَأۡنَٰهُ خَلۡقًا ءَاخَرَۚ فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ أَحۡسَنُ ٱلۡخَٰلِقِينَ ١٤﴾.

سپس حق‌تعالی نطفه را علقه‌ای گردانید که همان خون قرمز رنگ است، آنگاه پس از چهل روز از علقه مضغه را ساخت که پاره‌ای از گوشت به اندازۀ یک لقمۀ کوچک است، سپس مضغه را استخوان‌هایی گردانید، آنگاه بر استخوان‌ها گوشت پوشایند، سپس جنین را در آفرینشی دیگر پدید آورد چرا که در آن روح دمید؛ آفرین باد بر خدایی که بهترین آفرینندگان است و هرچه را آفریده، به نیکویی تمام آفریده است.

﴿ثُمَّ إِنَّكُم بَعۡدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ ١٥﴾.

سپس شما ای مردم! بعد از بقای خود در زندگانی دنیا و به پایان رسیدن اجل‌های‌تان، خواه ناخواه مردنی هستید.

﴿ثُمَّ إِنَّكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ تُبۡعَثُونَ ١٦﴾.

آنگاه پس از مردن و باقی ماندن‌تان در قبرهای‌تان، برای حساب در عرصات قیامت بر انگیخته می‌شوید.

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا فَوۡقَكُمۡ سَبۡعَ طَرَآئِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ ٱلۡخَلۡقِ غَٰفِلِينَ ١٧﴾.

و به راستی خداوند أ هفت آسمان را بعضی بر بالای بعضی دیگر آفرید و او از آفرینش خلق غافل نبوده است، بلکه آن‌ها را به شما آورده و بر اعمال‌شان آگاه بوده است؛ هیچ امر نهانی از امور آن‌ها بر وی پنهان نیست.

﴿وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ فَأَسۡكَنَّٰهُ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابِۢ بِهِۦ لَقَٰدِرُونَ ١٨﴾.

و خداوند أ به اندازۀ نیاز آفرینش، از آسمان آبی پربرکت فرود آورده است و برای آن در چاه‌ها و چشمه‌ها قرار گاه‌هایی قرار داده است و او مسلّما بر از بین بردن این آب تواناست؛ بدینسان که آن را در زمین فرو برده یا تلخ و نمکین و غیر قابل استفاده‌اش گرداند یا آن را از جایگاهش به انتها برساند.

﴿فَأَنشَأۡنَا لَكُم بِهِۦ جَنَّٰتٖ مِّن نَّخِيلٖ وَأَعۡنَٰبٖ لَّكُمۡ فِيهَا فَوَٰكِهُ كَثِيرَةٞ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ١٩﴾.

سپس حق‌تعالی با آب باغستان‌های خرما و انگور را آفرید که در آن‌ها انواع و گونه‌های بسیار و متنوع میوه‌ها به اشکال و گروه‌های مختلفی پدید آورد که از آن‌ها می‌خورید.

﴿وَشَجَرَةٗ تَخۡرُجُ مِن طُورِ سَيۡنَآءَ تَنۢبُتُ بِٱلدُّهۡنِ وَصِبۡغٖ لِّلۡأٓكِلِينَ ٢٠﴾.

خداوند أ درخت زیتون را آفرید و آن را پیرامون کوه طور سینا رویانید که از آن روغن برگرفته شده و آن روغن به عنوان نان خورش مورد استفاده قرار می‌گیرد و هم بر بدن مالیده می‌شود.

﴿وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةٗۖ نُّسۡقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ كَثِيرَةٞ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ٢١﴾.

ای بندگان! و برای شما در آفرینش شتر و گاو و گوسفند نشانه‌ای است که باید در آن اندیشیده و در آنچه خداوند أ از شیر شکم آن‌ها به شما می‌نوشاند تأمل کنید. به علاوه شما را در آن‌ها منافعی است بسیار و از جمله: استفاده از پشم و پوست و کرک و موی آن‌ها، سوارشدن بر آن‌ها، حمل بارهای سنگین بر آن‌ها و خوردن از گوشت آن‌ها.

﴿وَعَلَيۡهَا وَعَلَى ٱلۡفُلۡكِ تُحۡمَلُونَ ٢٢﴾.

و بر شتر و کشتی در خشکه و دریا سوار می‌شوید و کالاهای‌تان را حمل می‌کنید.

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٢٣﴾.

به یقین خداوند أ نوح ÷ را با پیام پرستش خویش به یگانگی و نفی شرک به سوی قومش فرستاد؛ نوح این رسالت را ادا کرد و آنان را از عذاب خدا بیم و هشدار داد.

﴿فَقَالَ ٱلۡمَلَؤُاْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيۡكُمۡ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ مَّا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلۡأَوَّلِينَ ٢٤﴾.

پس اشراف قومش وی را تکذیب کرده و به عامۀ مردم گفتند: در حقیقت نوح نیز انسان آفریده‌ای مانند شماست و بر شما هیچ فضیلتی ندارد، بلکه می‌خواهد با این دعوت بر شما برتری جوید تا در میانتان جاه و شرفی کسب کند و اگر خدا می‌خواست به سوی شما پیامبری بفرستد قطعا وی را از فرشتگان قرار می‌داد، بی‌گمان نوح چیز غریب و جدیدی آورده است که مانند آن را در امّت‌های گذشتۀ پیشین نشنیده‌ایم.

﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا رَجُلُۢ بِهِۦ جِنَّةٞ فَتَرَبَّصُواْ بِهِۦ حَتَّىٰ حِينٖ ٢٥﴾.

نوح جز مردی که به وی تماسی از جن رسیده نیست پس منتظر بمانید تا از جنون خود به هوش آمده و دعوت خویش را فرو گذارد یا به مرگ طبیعی خود بمیرد و از وی آسوده خاطر شوید.

﴿قَالَ رَبِّ ٱنصُرۡنِي بِمَا كَذَّبُونِ ٢٦﴾.

نوح ÷ به بارگاه پروردگارش دعا کرد که که وی را بر قومش نصرت دهد، چرا که آن‌ها رسالتش را انکار و دعوتش را دروغ انگاشتند و وی از اجابت گویی‌شان مأیوس شده است.

﴿فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِ أَنِ ٱصۡنَعِ ٱلۡفُلۡكَ بِأَعۡيُنِنَا وَوَحۡيِنَا فَإِذَا جَآءَ أَمۡرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ فَٱسۡلُكۡ فِيهَا مِن كُلّٖ زَوۡجَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَأَهۡلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيۡهِ ٱلۡقَوۡلُ مِنۡهُمۡۖ وَلَا تُخَٰطِبۡنِي فِي ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِنَّهُم مُّغۡرَقُونَ ٢٧﴾.

پس خداوند أ به نوح وحی کرد که به دستور و یاری و نگهبانی‌ام، کشتی بزرگی بسازم و چون عذاب بر امتت فرود آمد و آب از تنور آتش فوران کرد، در کشتی از هر نوح از انواع زنده جان‌ها یک نر و یک ماده بر آن حمل کن تا اصل نسل‌ها باقی بماند. همچنین مؤمنان خانواده‌ات را در آن حمل کن؛ اما دربارۀ کافران بدکار شفاعت نکن زیرا عذاب بر آنان لازم و قطعی شده است و بناء خداوند أ آن‌ها را با غرق نابود می‌کند.

﴿فَإِذَا ٱسۡتَوَيۡتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى ٱلۡفُلۡكِ فَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي نَجَّىٰنَا مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٢٨﴾.

و چون تو با مؤمنان همراهت فراز کشتی رفته و از غرق نجات یافتید پس بگو: ستایش خدایی را که ما را از آزار و فرجام کار قوم کافر نجات داد.

﴿وَقُل رَّبِّ أَنزِلۡنِي مُنزَلٗا مُّبَارَكٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡمُنزِلِينَ ٢٩﴾.

و بگو: پروردگارا! برایم فرودی مبارک و ایمن میسر ساز، زیرا تو بهترین فرود آورندگانی. آری! خدای ﻷ است که برای بندگانش بهترین منازل را برمی‌گزیند.

هرگاه بنده در هنگام فرود آمدن در جایی، این آیه را بخواند کاری بس نیکو است.

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ وَإِن كُنَّا لَمُبۡتَلِينَ ٣٠﴾.

بی‌گمان در یاری دهی خدا برای دوستانش و نابودسازی دشمنانش، برهان‌هایی است آشکار بر راستی و درستی دعوت پیامبران و قدرت خدای سبحان. و خداوند أ با فرستادن پیامبران بندگان را امتحان می‌کند پس هر کس ایمان آورد، پاداشش می‌دهد و هر کس کفر ورزد، مجازاتش می‌کند.

﴿ثُمَّ أَنشَأۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِمۡ قَرۡنًا ءَاخَرِينَ ٣١﴾.

سپس خداوند أ بعد از هلاک قوم نوح، قوم دیگری را پدید آورد که عبارت از قوم عاد بودند.

﴿فَأَرۡسَلۡنَا فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٣٢﴾.

حق‌تعالی هود ÷ را به سوی قومش عاد فرستاد. هود به آنان گفت: خدا أ را به یگانگی بپرستید، طاعت را برای وی خالص گردانید و به وی چیزی را شریک نیاورید، آیا از عذاب و کیفرش هیچ ترس و پروایی نمی‌دارید؟

﴿وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِلِقَآءِ ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَتۡرَفۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يَأۡكُلُ مِمَّا تَأۡكُلُونَ مِنۡهُ وَيَشۡرَبُ مِمَّا تَشۡرَبُونَ ٣٣﴾.

اشراف قوم هود که به حق‌تعالی کفر ورزیده، منکر رستاخیز گردیده بودند حال آنکه او به آنان مال و جاه عطا کرده بود گفتند: این مرد که شما را به سوی توحید فرا می‌خواند، جز انسانی مانند شما نیست که غذا می‌خورد و آب می‌نوشد؛ پس او چه ویژگی و امتیازی بر شما دارد؟

﴿وَلَئِنۡ أَطَعۡتُم بَشَرٗا مِّثۡلَكُمۡ إِنَّكُمۡ إِذٗا لَّخَٰسِرُونَ ٣٤﴾.

و اگر انسانی مانند خود را تصدیق کنید بی‌گمان با یگانه پرستی الله أ و ترک خدایان خود، در گمراهی و جهلی آشکار قرار خواهید داشت.

﴿أَيَعِدُكُمۡ أَنَّكُمۡ إِذَا مِتُّمۡ وَكُنتُمۡ تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَنَّكُم مُّخۡرَجُونَ ٣٥﴾.

چگونه می‌تواند سخن هود در این مورد صحیح باشد که شما بعد از فنا و تبدیل اجسام‌تان در قبرها به خاک و استخوان‌های پوسیده، باز از نوبه زندگی برمی‌گردید؟ بی‌گمان این امری است بعید!

﴿۞هَيۡهَاتَ هَيۡهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ٣٦﴾.

وه چه دور است باز گشت دادن‌تان به زندگی بعد از مرگ؛ آنسان که هود به شما وعده داده است! بی‌شک این امری است محال.

﴿إِنۡ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنۡيَا نَمُوتُ وَنَحۡيَا وَمَا نَحۡنُ بِمَبۡعُوثِينَ ٣٧﴾.

قضیۀ حیات جز همین یک زندگی دنیا نیست؛ پدران ما می‌میرند و پسران ما زنده می‌شوند و ما هرگز از نو برانگیخته نمی‌شویم.

﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا وَمَا نَحۡنُ لَهُۥ بِمُؤۡمِنِينَ ٣٨﴾.

هود جز انسانی که بر خدا أ دروغ بسته است نیست و ما ابداً سخنانش را تصدیق نمی‌کنیم. که حق‌تعالی هود ÷ را از این پندار باطل‌شان مصون داشته است.

﴿قَالَ رَبِّ ٱنصُرۡنِي بِمَا كَذَّبُونِ ٣٩﴾.

هود علیه قومش عاد دعا کرد و گفت: پروردگارا! با نابود ساختن‌شان مرا بر آنان یاری ده و من و همراهانم را نجات بخش؛ زیرا پیامبرت را تکذیب کرده‌اند و به تو کفر ورزیده‌اند.

﴿قَالَ عَمَّا قَلِيلٖ لَّيُصۡبِحُنَّ نَٰدِمِينَ ٤٠﴾.

خداوند أ در پاسخ هود فرمود: اندک زمانی صبر کن و به زودی عذاب بر قومت نازل خواهد شد و آنان بر کفر خود پشیمان خواهند شد.

﴿فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّيۡحَةُ بِٱلۡحَقِّ فَجَعَلۡنَٰهُمۡ غُثَآءٗۚ فَبُعۡدٗا لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤١﴾.

و بعد از اندک زمانی فریاد مرگبار آنان را به حق فرو گرفت در نتیجه خداوند أ تمامی آنان را نابود کرد و از بیخ برکند و در فرجام بسان خس و خاشاک روی سیل که بر سطح آب پدیدار می‌شود گردیدند. پس هلاک و دوری از رحمت حق بر گروه دروغ انگاران باد که با کفر به خداوند أ بر خویشتن ستم کردند.

﴿ثُمَّ أَنشَأۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِمۡ قُرُونًا ءَاخَرِينَ ٤٢﴾.

سپس خداوند أ بعد از قوم هود ÷ اقوام دیگری را آفرید؛ همچون قوم لوط، شعیب، ایوب و یونس † را.

﴿مَا تَسۡبِقُ مِنۡ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسۡتَ‍ٔۡخِرُونَ ٤٣﴾.

هیچ قومی از این اقوام دروغ انگار نه از میعاد معینی که خداوند أ برای هلاک‌شان مقرر کرده است پیشی می‌گیرند و نه از آن میعاد باز پس می‌مانند.

﴿ثُمَّ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا تَتۡرَاۖ كُلَّ مَا جَآءَ أُمَّةٗ رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُۖ فَأَتۡبَعۡنَا بَعۡضَهُم بَعۡضٗا وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَحَادِيثَۚ فَبُعۡدٗا لِّقَوۡمٖ لَّا يُؤۡمِنُونَ ٤٤﴾.

سپس خداوند أ پیامبران را پیاپی فرستاد هر بار که پیامبری قومش را به سوی توحید فرا می‌خواند، او را تکذیب کردند در نتیجه خداوند أ امت‌های سرکش را یکی از پی‌دیگری به هلاک و عذاب دنبال کرد و جز اخبار و تاریخ‌شان چیز دیگری باقی نماند و آنان را برای نسل‌های بعدی افسانه‌های مجالس شبانۀشان گردانید. پس هلاک و دوری از رحمت خدا أ باد بر کفر ورزان به خدا أ و دروغ انگاران پیامبرانش.

﴿ثُمَّ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَٰرُونَ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ٤٥﴾.

سپس خداوند أ موسی و برادرش هارون را با نشانه‌های نه گانۀ خود فرستاد. این نشانه‌ها که عبارت بود از: عصا، ید بیضا، نزول ملخ، شپش، قورباغه، خون، طوفان، قحطی و کاستی میوه‌ها؛ برهان روشنی بر حقانیت راه خدا بود که روان‌ها را تسخیره می‌کرد؛ در نتیجه دل‌های مؤمنان برای آن گرویده و تکذیبگران بدان نابود و بیخ کن می‌شدند.

﴿إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمًا عَالِينَ ٤٦﴾.

خداوند أ موسی و هارون را به سوی فرعون و قومش در مصر فرستاد، اما آنان در برابر حق استکبار ورزیده، صدق و راستی را تکذیب کردند، به بندگان ستم نموده و در بلاد فساد افروختند.

﴿فَقَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ لِبَشَرَيۡنِ مِثۡلِنَا وَقَوۡمُهُمَا لَنَا عَٰبِدُونَ ٤٧﴾.

فرعون و قومش گفتند: چگونه دو مرد را که در بشریت همانند ما هستند تصدیق کنیم با علم به اینکه قوم موسی و هارون – یعنی بنی‌اسرائیل – نزد ما بنده و نوکر و خدمتکار اند؟

﴿فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُواْ مِنَ ٱلۡمُهۡلَكِينَ ٤٨﴾.

به این ترتیب فرعون و قومش موسی و هارون را تکذیب کردند در نتیجه خداوند أ آنان را با غرق نمودن در دریا ویران و تباه گردانید.

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ لَعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ ٤٩﴾.

و به یقین خداوند أ موسی را با کتاب تورات گرامی داشت؛ در آن برای کسانی که بدان راه جویند، هدایت و بیانی است.

﴿وَجَعَلۡنَا ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَأُمَّهُۥٓ ءَايَةٗ وَءَاوَيۡنَٰهُمَآ إِلَىٰ رَبۡوَةٖ ذَاتِ قَرَارٖ وَمَعِينٖ ٥٠﴾.

و خداوند أ عیسی پسر مریم و مادرش را دلیل روشن و برهان آشکاری بر قدرت خود گردانید؛ زیرا عیسی را بدون پدر آفرید و برای او و مادرش جایگاهی عالی از زمین را قرار داد که نرم و آمادۀ سکونت و استقرار بود، بر بستر خاکی پاکیزه و آبی جالی و گوارا.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ٥١﴾.

ای پیامبران! از روزی پاکیزه و حلال خداوند أ بخورید، از پلیدی و حرام اجتناب کنید، اعمال شایستۀ مشروع را انجام دهید و بدعت‌ها و معصیت را فرو گذارید، زیرا مسلما خداوند أ عمل هر عمل کننده‌ای را می‌داند و چیزی بر وی پنهان نیست. البته پیامبران – † – و بعد از ایشان پیروان‌شان تا روز قیامت مخاطب این دستوراند.

﴿وَإِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱتَّقُونِ ٥٢﴾.

ای پیامبران! در حقیقت آیین شما آیین اسلام است که خداوند أ آن را مشروع گردانیده و پسندیده است، پروردگار شما – تعالی و تقدس – یگانه است پس با عمل به طاعت و ترک معصیتش از او پروا کنید.

﴿فَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡ زُبُرٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۢ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ ٥٣﴾.

اما طایفه‌ها در دین اختلاف کرده و به گروه‌ها و احزاب مختلف تقسیم شدند، ادیان دیگری غیر آنچه را که حق‌تعالی مشروع ساخته بود اختراع نمودند، هرگروه و دسته‌ای به مذهب خود دل خوش کرده و بر آن بود که او خود حق و دیگران بر باطل‌اند و برگرایش‌های متعصبانۀ مذهبی خود بود که بنیاد دوستی‌ها و دشمنی‌ها را برافراشتند.

این آیه هشدارگر اختلاف در دین و افتراق و تضاد در کیش و آیین است.

﴿فَذَرۡهُمۡ فِي غَمۡرَتِهِمۡ حَتَّىٰ حِينٍ ٥٤﴾.

پس ای پیامبر! آنان را در گمراهی و دوری‌شان از هدایت واگذار تا خداوند أ بر آن‌ها عذاب را نازل کند.

﴿أَيَحۡسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِۦ مِن مَّالٖ وَبَنِينَ ٥٥﴾.

آیا کافران می‌پندارند که مال و پسرانی که یگانۀ قهار به آنان عطا کرده فقط برای آن است که نزد وی جایگاه و منزلتی دارند و او دوست‌شان دارد؟

﴿نُسَارِعُ لَهُمۡ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ بَل لَّا يَشۡعُرُونَ ٥٦﴾.

نه! هرگز چنان نیست بلکه خداوند أ این بهره‌های شتابان گذار را از روی آزمایش و استدراج به آنان داده است اما آن‌ها این مکر پنهان پروردگار سبحان را نمی‌فهمند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ خَشۡيَةِ رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ ٥٧﴾.

بی‌گمان مؤمنانی که از خدا أ می‌ترسند و او را حاضر و ناظر می‌دادند، از خشمش پروا داشته و از عذابش حذر دارند؛

﴿وَٱلَّذِينَ هُم بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ يُؤۡمِنُونَ ٥٨﴾.

و کسانی که به آیات نازل شدۀ خدا أ در کتابش و به آیات آفاقی و انفسی جلوه‌گر در پهنۀ هستی‌اش یقین دارند؛

﴿وَٱلَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمۡ لَا يُشۡرِكُونَ ٥٩﴾.

و کسانی که طاعت را برای الله أ خالص گردانیده و کسی را با وی در عبادت شریک نیاورده‌اند و از ریا شهرت طلبی و نمایاندن اعمال خود در نگاه دیگران پرهیز نموده‌اند؛

﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡتُونَ مَآ ءَاتَواْ وَّقُلُوبُهُمۡ وَجِلَةٌ أَنَّهُمۡ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ رَٰجِعُونَ ٦٠﴾.

و کسانی که کارهای شایسته انجام داده و در امور خیر می‌شتابند با این حال از آن ترسانند که این عمال از ایشان پذیرفته نشود یا کارهای خیرشان بر آنان برگردانده شوند بناء به رحمت خدا أ تکیه دارند نه بر اعمال خویش و از بیمناکند که اعمال‌شان در روزی که حق‌تعالی را ملاقات می‌کنند نجاتبخش‌شان واقع نشود؛

﴿أُوْلَٰٓئِكَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَهُمۡ لَهَا سَٰبِقُونَ ٦١﴾.

این گروه ابرار انجام دهندۀ کارهای شایسته که اوصاف‌شان بیان شد، عادت و شیوۀشان شتاب ورزی به سوی هر امر خیر و سبقت جویی به سوی هرکار نیکی است.

﴿وَلَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ وَلَدَيۡنَا كِتَٰبٞ يَنطِقُ بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ٦٢﴾.

و خداوند أ هیچ انسانی را فراتر از توانش تکلیف نمی‌دهد، بلکه بر وی از عمل همان قدر واجب می‌گرداند که توان پرداختن به آن را دارا باشد. کارهای بندگان همه نزد خدای سبحان در کتابی که به حق سخن می‌گویند، ثبت است و او به آنان هیچ ستم نمی‌کند.

﴿بَلۡ قُلُوبُهُمۡ فِي غَمۡرَةٖ مِّنۡ هَٰذَا وَلَهُمۡ أَعۡمَٰلٞ مِّن دُونِ ذَٰلِكَ هُمۡ لَهَا عَٰمِلُونَ ٦٣﴾.

ولی دل‌های فاجران از این قرآن عظیم در پرده و نابینایی است و آنان را افزون بر شرک‌شان کارهای زشت دیگری است. پس حق‌تعالی بر عمرشان می‌افزاید تا از این بارهای گناه بیشتر بردارند و در نتیجه به خشم یگانۀ قهار گرفتار آیند.

﴿حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذۡنَا مُتۡرَفِيهِم بِٱلۡعَذَابِ إِذَا هُمۡ يَجۡ‍َٔرُونَ ٦٤﴾.

تا آنکه چون خداوند أ خوشگذرانان اسرافکار را به گناهان‌شان گرفتار ساخت به ناگاه آنان از شدّت عذاب فریاد برداشته به ناله و زار درمی‌آیند.

﴿لَا تَجۡ‍َٔرُواْ ٱلۡيَوۡمَۖ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ ٦٥﴾.

پس به آن گروه اشرار گفته می‌شود: از خشم پادشاه جبار فریاد سر ندهید که نه هرگز عذاب را از خود دفع توانید کرد و نه هرگز دیگران آن را از شما دفع می‌کنند. پس نه از خود نیرویی دارید و نه از غیر خود یار و یاوری.

﴿قَدۡ كَانَتۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَكُنتُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ تَنكِصُونَ ٦٦﴾.

در حقیقت آیات قرآن بر شما در دنیا خوانده می‌شد تا بدان تصدیق کرده و به چلچراغ هدایت راه یابید اما شما از شنیدن آن روی گردانیده، از عمل بدان ابا آورده و حتی دیگران را نیز از شنیدن آن باز می‌داشتید.

﴿مُسۡتَكۡبِرِينَ بِهِۦ سَٰمِرٗا تَهۡجُرُونَ ٦٧﴾.

و شما بودید که بربندگان تکبر ورزیده، روز معاد را انکار کرده و بر بقیۀ اعراب با مسجدالحرام افتخار می‌کردید و مدعی آن بودید که به خاطر مسجدالحرام از همۀ مردم بهترید؛ با وجود آنکه شب هنگام پیرامون خانۀ کعبه سخنان زشت و فحش بر زبان می‌آورید.

﴿أَفَلَمۡ يَدَّبَّرُواْ ٱلۡقَوۡلَ أَمۡ جَآءَهُم مَّا لَمۡ يَأۡتِ ءَابَآءَهُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٦٨﴾.

چرا در آیات قرآن تدبر نکردند تا بدانند که این آیات از نزد الله أ است؟ یا مگر چیزی که آنان را از ایمان به خدا أ باز داشته این است که از نزد الله أ برای‌شان پیامی آمده است که مانند آن برای پدران نخستین‌شان نیامده بود پس از این جهت منکر گردیده‌اند؟

﴿أَمۡ لَمۡ يَعۡرِفُواْ رَسُولَهُمۡ فَهُمۡ لَهُۥ مُنكِرُونَ ٦٩﴾.

یا آنچه که بر تکذیب پیامبر ج وادارشان داشته این است که پیامبر ج نزدشان ناشناخته است و لذا آنان به نام، نسب، راستگویی و امانتداری‌اش آشنایی ندارند؟ در حالی که این ادعا نادرست است.

﴿أَمۡ يَقُولُونَ بِهِۦ جِنَّةُۢۚ بَلۡ جَآءَهُم بِٱلۡحَقِّ وَأَكۡثَرُهُمۡ لِلۡحَقِّ كَٰرِهُونَ ٧٠﴾.

یا این پندار آنان را برکفر واداشته که گفتند: پیامبر ج مجنون است؟ سوگند به خدا که دروغ گفتند حق‌تعالی از این امر مصونش داشته است – او برای‌شان هدایت و حکمت و رشد و رستگاری را آورده است؛ لیکن بیشترشان از روی حسد و عناد، از حق نفرت دارند.

﴿وَلَوِ ٱتَّبَعَ ٱلۡحَقُّ أَهۡوَآءَهُمۡ لَفَسَدَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّۚ بَلۡ أَتَيۡنَٰهُم بِذِكۡرِهِمۡ فَهُمۡ عَن ذِكۡرِهِم مُّعۡرِضُونَ ٧١﴾.

و اگر خداوند أ وحی را بر وفق هواهای کفار نازل می‌کرد، یقینا آسمان‌ها و زمین و هر که در آن‌هاست تباه می‌شد؛ از آن‌رو که آنان اهل باطل و تقلب و دروغ‌اند. هرگز! بلکه خداوند أ قرآن را شرف و عزتی برای این امّت نازل کرده است ولی کافران از این شرف رویگردانند.

﴿أَمۡ تَسۡ‍َٔلُهُمۡ خَرۡجٗا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيۡرٞۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ٧٢﴾.

ای پیامبر! آیا این امر کافران را از ایمان برگردانیده است که تو بر اجرای رسالت خود از اموال‌شان مزدی مطالبه می‌کنی و آن‌ها از پرداخت این اجرت بخل ورزیده‌اند؟ حال آنکه تو این کار را نکرده‌ای؛ زیرا گنجینۀهای عطا و ارزاق فقط نزد الله أ است و او بهترین روزی دهندگان می‌باشد؛ تمام کسانی را که از وی روزی درخواست کنند یا درخواست نکنند روزی می‌دهد، دهش وی بدون مطالبۀ عوض است و دهشش را پایانی نیست.

﴿وَإِنَّكَ لَتَدۡعُوهُمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٧٣﴾.

ای پیامبر! و تو امتت را بر دینی استوار و راه و روشی پایدار و مستقیم راهنمایی می‌کنی که همانا اسلام بزرگ است.

﴿وَإِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ عَنِ ٱلصِّرَٰطِ لَنَٰكِبُونَ ٧٤﴾.

و در حقیقت دروغ انگاران روز که برای آن کار نمی‌کنند، از راه هدایت به بیراهه متمایل شده و از راه رشد منحرف گردیده‌اند.

﴿۞وَلَوۡ رَحِمۡنَٰهُمۡ وَكَشَفۡنَا مَا بِهِم مِّن ضُرّٖ لَّلَجُّواْ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ٧٥﴾.

و اگر خداوند أ بر کافران رحم کند و بناءً بعد از قحطی و خشک‌سالی به آنان خیر و فراوانی و سال‌های بارانی ارزانی بدارد، یقینا باز بر عناد و فساد خویش استمرار ورزیده و اکورمال کورمال در کژراهۀ گمراهی گام می‌گذارند و از جهالت در تیرگی حیرت و طغیان سرگردان باقی می‌مانند.

﴿وَلَقَدۡ أَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ فَمَا ٱسۡتَكَانُواْ لِرَبِّهِمۡ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ٧٦﴾.

و به رساتی خداوند أ انواع مجازات‌ها و اشکال گرفتاری‌ها و نکبت‌ها را بر آنان فرود آورد اما آن‌ها برای پروردگار خود فروتن نشده، از گناه باز نیامدند و توبه‌کار نشدند.

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا فَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَابٗا ذَا عَذَابٖ شَدِيدٍ إِذَا هُمۡ فِيهِ مُبۡلِسُونَ ٧٧﴾.

تا وقتی که چون خداوند أ بردشمنانش در آخرت دروازۀ عذاب دردناک و کیفر پایدار و ابدی را گشود آن‌ها از رحمت وی نومید شده و به حیرتی در افتادند که نمی‌دانند راه خروج از آن چیست؛ در نتیجه کارشان بر آنان پریش و زار شده است.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡ‍ِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ ٧٨﴾.

و تنها خداوند أ است که برای شما نیروی شنوایی را آفرید تا صداها را بدان بشنوید، بینایی را آفرید تا دیدنی‌ها را با آن مشاهده کنید و دل‌ها و عقل‌ها را آفرید تا بدان دانستی‌ها را بفهمید، اما با وجود این نعمت‌های پیاپی و احسان‌های متواتر شکر و سپاس شما اندک و عبادت و نیایش‌تان ناچیز است!!

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي ذَرَأَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَإِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٧٩﴾.

و تنها خداست که بشر را برروی زمین آفرید و تمام خلق برای حساب فقط به سوی او باز می‌گردند.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ وَلَهُ ٱخۡتِلَٰفُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٨٠﴾.

و تنها اوست که از عدم ایجاد کرد، بعد از حیات می‌میراند، بعد از مرگ برمی‌انگیزد و پشت سرهم آمدن شب با تاریکی‌هایش و روز با روشنگری‌هایش همراه با اختلاف در اوقات تنها از اوست، پس آیا در عظمت و قدرت بی‌مثال الله أ نمی‌اندیشید؟!

﴿بَلۡ قَالُواْ مِثۡلَ مَا قَالَ ٱلۡأَوَّلُونَ ٨١﴾.

ولی دشمنان خدا أ پیامبرش ج را تکذیب و کتابش را انکار کردند و همان پاسخی را ارئه دادند که کفار پیش از آنان ارائه می‌دادند.

﴿قَالُوٓاْ أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ ٨٢﴾.

کافران منکرانه گفتند: آیا معقول است که وقتی مردیم و در گور شدیم، اجساد ما در زمین پاشان و پراکنده شد و استخوان‌های ما پوسیده باز از نو به زندگی برگردیم؟! این امر ابداً عقلانی نیست.

﴿لَقَدۡ وُعِدۡنَا نَحۡنُ وَءَابَآؤُنَا هَٰذَا مِن قَبۡلُ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٨٣﴾.

ای محمد! این سخن بر پدران ما نیز تکرار شده، آنگونه که تو نیز آن را به ما می‌گویی اما راستی و درستی آن بر ما آشکار نشده است؛ این سخن جز خرافات امت‌های پیشین نیست.

﴿قُل لِّمَنِ ٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهَآ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٨٤﴾.

ای پیامبر! به آنان بگو: اگر می‌دانید کیست که زمین را آفریده و مالکیت زمین و هر که در آن است از آن اوست؟ کیست که روزی دهندۀ همگان و تدبیر گرهمگی است؟

﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٨٥﴾.

پس به راستی گواهی خواهند داد که آفریننده و مالک زمین و هرچه در آن است تنها خدای یگانه است. ای پیامبر! به آنان بگو: پس آیا این امر دلیلی بر آن نیست که خدا أ برزنده ساختن بعد از میراندن نیز تواناست؟

﴿قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلسَّبۡعِ وَرَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ ٨٦﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: کیست که آفریننده، مالک، مدبر و متصرف آسمان‌های هفت گانه و عرش عظیم که بزرگ‌ترین و بالاترین مخلوقات است؛ می‌باشد؟

﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٨٧﴾.

گواهی خواهند داد که تنها خدای یگانه است. پس به آنان بگو: در این صورت آیا اگر غیر وی را به پرستش گرفتید از عذابش نمی‌ترسید؟ شگفتا! نه با وجود بسیار نعمت‌هایش به وی امید می‌بندید و نه با وصف نیرومندی قدرت و غلبه‌اش از وی پروا دارید؟!

﴿قُلۡ مَنۢ بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٨٨﴾.

ای پیامبر! به آنان بگو: مالک، تدبیر ساز و گردانندۀ همه چیز کیست؟ گنجینه‌ها و کلید‌های امور به دست کیست؟ چه کسی است که پناهجوی به خود را پناه می‌دهد در حالی که هیچ‌کس نمی‌تواند آن کس را که خدا أ به وی ارادۀ آسیبی داشته باشد پناه دهد؟ اگر به این کار دانشی دارید بگویید؟ نه! بلکه شما به قدرت حق‌تعالی پی نبردید؛ هم از این رو فرمانش را عصیان و نعمتش را کفران نمودید.

﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ فَأَنَّىٰ تُسۡحَرُونَ ٨٩﴾.

پس کافران گواهی خواهند داد که آن همه ملک و توانایی فقط از آن خدای یگانه است؛ وانگه از آنان بپرس: چگونه خردهای‌تان سلب شده و نیروی تفکرتان از بین رفته است که از توحید الله أ و ایمان به پیامبر و کتاب روز آخرت برگردانیده شدید؟ گویی به شما سحری رسیده است؟!

﴿بَلۡ أَتَيۡنَٰهُم بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ٩٠﴾.

بلکه خداوند أ آورندۀ حق نازل شده بربنده و پیامبرش محمد ج است و آن‌ها در شرکشان به خدا و انکار روز جزا دروغگویند.

﴿مَا ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ مِن وَلَدٖ وَمَا كَانَ مَعَهُۥ مِنۡ إِلَٰهٍۚ إِذٗا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَٰهِۢ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ٩١﴾.

خدای یگانه است که فرزندی ندارد، نه کسی را زاده است و نه از کسی زاده شده و نه وی را همتایی است، الهی دیگر غیر او نیست، شریکی ندارد، پروردگاری جز او وجود ندارد زیرا اگر در عرصۀ هستی بیشتر از یک خدا وجود می‌داشت، یقینا هر خدایی آنچه را آفریده بود به تنهایی از آن خود می‌ساخت و در آن صورت یقینا در میان‌شان کشمکش و تضادی پرپهنا روی می‌داد؛ آنگونه که در میان سلاطین زمین روی می‌دهد وانگه نظام کائنات حتما مختل می‌شد و احوال جهان به هم می‌ریخت. پس مقدس و منزه است حق‌تعالی از فرزند و شریک که دشمنانش به وی نسبت می‌دهند.

﴿عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٩٢﴾.

و خداوند أ آنچه را از دیده‌ها پنهان است و آنچه را دیده‌ها می‌بیند، می‌داند، هیچ امر پنهانی بر وی نهان نیست، بناءً از داشتن شریک منزه است؛ معبودی جز او وجود ندارد.

﴿قُل رَّبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ ٩٣﴾.

ای پیامبر! بگو: پروردگارا! چنان‌چه عقاب و عذابی را که به کافران وعده داده و از آن هشدارشان داده‌ای، به من نشان دادی و من در میان‌شان موجود بودم؛

﴿رَبِّ فَلَا تَجۡعَلۡنِي فِي ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٩٤﴾.

پس پروردگارا! در آن صورت مرا با کافران هلاک مکن و مرا از عذاب و خشمت به سلامت دار؛ مرا در مجازات با اشرار یکجا نساز، بلکه از کسانی قرارم ده که از ایشان راضی گردیده‌ای؛ مرا همراه ابرار قرار ده.

﴿وَإِنَّا عَلَىٰٓ أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمۡ لَقَٰدِرُونَ ٩٥﴾.

ای پیامبر! و به راستی خداوند أ بر این امر تواناست که آنچه را از عذاب دنیا به کافران وعده داده است بر تو بنمایاند.

﴿ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ ٱلسَّيِّئَةَۚ نَحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ٩٦﴾.

ای پیامبر! بدی از سوی مردم را با بدیی از نزد خود مقابله نکن، بلکه شکیبایی و بردباری و گذشت در پیش گرفته و بدی را با نیکی پاسخ گوی تا به رحمت دانای غیب دست یابی؛ به علاوه این روش، سبب کفاره شدن گناه و رویکرد دل‌ها به سویت می‌شود بدان که تنها خداوند أ است که به توصیف‌های فساد آلود و کینه توزانۀ کفار داناست و به زودی آنان را در قبال آن کیفر خواهد داد.

﴿وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ٩٧﴾.

ای پیامبر! و بگو: پروردگارا! از وسوسه‌ها و اغواهای شیاطین و از دعوت‌های انگیزندۀ آن‌ها به سوی گناه، فحشا و منکر به تو پناه می‌برم.

﴿وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحۡضُرُونِ ٩٨﴾.

پروردگارا! و از اینکه شیاطین در چیزی از کارها و امورم حاضر شده و آن امر را بر من تباه سازند، به تو پناه می‌برم.

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَهُمُ ٱلۡمَوۡتُ قَالَ رَبِّ ٱرۡجِعُونِ ٩٩﴾.

تا چون کافران در آستانۀ مرگ قرار گیرد و هول و وحشتی را که پیش رو دارد ببیند می‌گوید: پروردگارا! مرا به دنیا باز گردان.

﴿لَعَلِّيٓ أَعۡمَلُ صَٰلِحٗا فِيمَا تَرَكۡتُۚ كَلَّآۚ إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَاۖ وَمِن وَرَآئِهِم بَرۡزَخٌ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ١٠٠﴾.

شاید توبه کنم و آنچه را از ایمان و صلاح از دست داده‌ام مجددا جبران نمایم! پس به وی گفته می‌شود: این امکان به تو داده نمی‌شود زیرا فرصت از دست رفته است، جز این نیست که این آرزوی باطل صرفا سخنی است که آن را به زبان می‌آورد و این سخن هیچ سودی برایش دربر ندارد؛ زیرا میان او و میان بازگشت به دنیا یک برزخ زمانی حایل است که در آن برزخ عذاب می‌شود و آن عبارت از عذاب قبر است، پس او هرگز و ابداً تا روز حساب به دنیا باز نخواهد گشت.

﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَلَآ أَنسَابَ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ وَلَا يَتَسَآءَلُونَ ١٠١﴾.

پس چون قیامت برپا شود و فرشته در صور بدمد و مردم از قبرهای‌شان بیرون شوند دیگر نه موقعیت‌های برتر اجتماعی – چون مال و ثروت و جاه که در دنیا داشته‌اند – به دردشان می‌خورد و نه پیوندهای نسبی و خویشاوندی‌ها و فخر ورزیدن به آن‌ها؛ چرا که موقف محشر، جایگاه نمایش نیکی‌ها و بدی‌ها و ثواب‌ها و گناهان است نه محل طرح ادعاهای بی‌پشتوانه و باطل. در این موقف هیچ‌کس از حال دیگری نمی‌پرسد؛ زیرا هر کس برای خود چنان وضع پردغدغه و پر از گرفتاریی دارد که او را از پرداختن به دیگران بی‌نیاز می‌سازد.

﴿فَمَن ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٠٢﴾.

پس کسانی که ثواب‌های‌شان از اعمال شایسته بسیار باشد و این ثواب‌ها روز حساب در کفۀ میزان بر گناهان سنگینی نماید، بی‌گمان او به نعمت‌های ابدی و جاودانه نایل و رستگار شده است.

﴿وَمَنۡ خَفَّتۡ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فِي جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ ١٠٣﴾.

اما کسانی که به علت بسیاری گناهان کفۀ حسنات‌شان سبک باشد و این امر موجبات خشم پروردگار سبحان را فراهم آورد بی‌گمان به زیان ابدی در دوزخ گرفتار خواهند شد.

﴿تَلۡفَحُ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ وَهُمۡ فِيهَا كَٰلِحُونَ ١٠٤﴾.

آتش از شدّت سوزش و شرارتی که دارد چهرۀ کافران را می‌سوزاند در حالی که چهره‌های‌شان اخمو و ترش، گونه‌های‌شان تیره و سیاه، لب‌های‌شان در هم فرو رفته و بریان دندان‌های‌شان نمایان است.

﴿أَلَمۡ تَكُنۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ١٠٥﴾.

روز قیامت به کافران گفته می‌شود: آیا آیات کتاب خداوند أ در دنیا به شما خوانده نمی‌شد و همواره آن را مورد تکذیب قرار نمی‌دادید؟

﴿قَالُواْ رَبَّنَا غَلَبَتۡ عَلَيۡنَا شِقۡوَتُنَا وَكُنَّا قَوۡمٗا ضَآلِّينَ ١٠٦﴾.

و چون علیه آن‌ها حجّت اقامه شد و به این یقین رسیدند که هلاک می‌شوند می‌گویند: پروردگارا! گناهان و نافرمانی‌های ما که از سویت بر ما مقدر شده بود بر ما غلبه کرد و ما از هدایت و رشد در انحراف بودیم.

﴿رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا مِنۡهَا فَإِنۡ عُدۡنَا فَإِنَّا ظَٰلِمُونَ ١٠٧﴾.

پروردگارا! ما را از دوزخ نجات ده تا به دنیا باز گردیم و هدایت شویم وانگه اگر بازهم به گمراهی بر گشتیم این بار دیگر ستم کرده‌ایم و عذاب بر ما واجب شده است.

﴿قَالَ ٱخۡسَ‍ُٔواْ فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ١٠٨﴾.

پس خدای سبحان سرزنش کنان به آنان می‌گوید: ذلیل و حقارت زده در آتش باقی بمانید و با من سخن نگویید! در آن هنگام است که از رحمت ارحم الراحمین نومید می‌شوند.

﴿إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٞ مِّنۡ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١٠٩﴾.

در حقیقت گروهی از بندگان مؤمن خدا بودند که از پروردگارشان می‌خواستند تا خطاهای‌شان را بپوشاند، گناهان‌شان را بیامرزد و به رحمت خویش بر آنان مهر ورزد و او بهترین مهربانان است.

﴿فَٱتَّخَذۡتُمُوهُمۡ سِخۡرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوۡكُمۡ ذِكۡرِي وَكُنتُم مِّنۡهُمۡ تَضۡحَكُونَ ١١٠﴾.

اما شما بودید که تمسخر و استهزا به مؤمنان شغل همیشگی و اولویت پیوستۀتان بود تا بدانجا که یاد و پرستش الله أ را فراموش کرده و بر کفر باقی ماندید و مسخره کنان و ریشخند زنان به آنان می‌خندیدید.

﴿إِنِّي جَزَيۡتُهُمُ ٱلۡيَوۡمَ بِمَا صَبَرُوٓاْ أَنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ١١١﴾.

بی‌گمان خداوند أ این گروه از بندگان مؤمن خود را به بهشت‌های پرناز و نعمت پاداش داده است؛ از آن‌رو که بر انجام طاعت و پرهیز از معصیت شکیبایی ورزیدند.

﴿قَٰلَ كَمۡ لَبِثۡتُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ عَدَدَ سِنِينَ ١١٢﴾.

و از کفار فجار در دوزخ پرسیده می‌شود: چه بسیار مدت‌ها که به شمار سال‌ها در زندگی دنیا ماندید؟ ولی با این وجود در گناهان زیاده روی کردید.

﴿قَالُواْ لَبِثۡنَا يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖ فَسۡ‍َٔلِ ٱلۡعَآدِّينَ ١١٣﴾.

پس در حالی که از شدّت هول و هراس در دهشتی عظیم به سر می‌برند پاسخ می‌دهند: در دنیا فقط یک روز یا بخشی از یک روز زیسته‌ایم؛ از حسابگرانی که ماه‌ها و روزها را برمی‌شمارند بپرس زیرا آن‌ها از ما داناتراند.

﴿قَٰلَ إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا قَلِيلٗاۖ لَّوۡ أَنَّكُمۡ كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ١١٤﴾.

پروردگار متعال می‌فرماید: در دنیا جز زمان اندکی نماندید، زیرا عمر دنیا نسبت به آخرت کوتاه است، اما اگر نزد شما علم سودمندی بود که به راه صواب رهنمون‌تان می‌شد، بر انجام طاعت و ترک معصیت صبر می‌کردید در آن صورت یقینا به رضوان و حنان دست می‌یافتید.

﴿أَفَحَسِبۡتُمۡ أَنَّمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ عَبَثٗا وَأَنَّكُمۡ إِلَيۡنَا لَا تُرۡجَعُونَ ١١٥﴾.

ای بندگان! آیا پنداشتید که خداوند أ شما را بی‌هوده و بی‌هدف آفریده است؟ به طوری که نه امری در کار است و نه نهی، نه ثواب و نه عقابی و به سوی خدا باز نمی‌گردید تا هرعمل کننده‌ای را در برابر عملش جزا دهد؟

﴿فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡكَرِيمِ ١١٦﴾.

پس منزه و مقدس است خدای سبحان از اینکه خلق را برای بی‌هودگی و سرگرمی بیافریند. بناءً آفرینش خلق جز به حق و راستی نیست؛ در ورای آفرینش حکمتی بزرگ وجود دارد که همانا پرستش خدای متعال است، هموکه معبود و پروردگاری جز وی نیست و همو که پروردگار عرش گرامی است.

﴿وَمَن يَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرۡهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ١١٧﴾.

و هر که با خداوند أ اله دیگری غیر از وی را بخواند که او را برشایسته‌گی آن اله به عبودیت همراه الله أ هیچ دلیلی نیست، پس جزایش در برابر این کار زشتن عذابی سخت و سنگین از جانب پروردگارش می‌باشد. بی‌گمان کافر در روز قیامت نه نجات می‌یابد و نه رستگار می‌شود.

﴿وَقُل رَّبِّ ٱغۡفِرۡ وَٱرۡحَمۡ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١١٨﴾.

و پروردگارت را بخوان و بگو: پروردگارا! گناهان را بیامبرز، از خطاها درگذر و ای ذوالجلال و الإکرام! بر حال زار ما رحم کن زیرا تو بهترین بخشندگان و برترین مهربانانی؛ توبه را می‌پذیری و از گنه‌کار درمی‌گذری.

سورۀ نور

مدنی است؛ ترتیب آن 24؛ شمار آیات آن 64

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿سُورَةٌ أَنزَلۡنَٰهَا وَفَرَضۡنَٰهَا وَأَنزَلۡنَا فِيهَآ ءَايَٰتِۢ بَيِّنَٰتٖ لَّعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ١﴾.

این سوره‌ای است عظیم، خجسته و بس ارجمند که خدای متعال آن را به حق نازل کرد، عمل به احکام آن را فرض گردانید و در آن آیاتی روشن و رهنمودهایی واضح فرو فرستاد تا شما ای مؤمنان! در معانی آن اندیشیده و به احکام آن عمل کنید.

﴿ٱلزَّانِيَةُ وَٱلزَّانِي فَٱجۡلِدُواْ كُلَّ وَٰحِدٖ مِّنۡهُمَا مِاْئَةَ جَلۡدَةٖۖ وَلَا تَأۡخُذۡكُم بِهِمَا رَأۡفَةٞ فِي دِينِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۖ وَلۡيَشۡهَدۡ عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٢﴾.

حکم مجازات هریک از زن و مرد زناکاری که پیشینۀ ازدواج صحیحی ندارند، صد تازیانه است. البته در حدیث صحیح تبعید یکسال نیز بر تازیانه افزوده شده است. ای مؤمنان! دلسوزی شما نسبت به مرد و زن زناکار شما را بر ترک اقامۀ حد وا ندارد چه اگر آیات الله أ را باور داشته باشید به طور حتم احکامش را نیز اجرا می‌کنید. و باید در هنگام اجرای حد گروهی از مؤمنان حاضر باشند تا زشتی این عمل نمایان شده و نقش هشدارگر و بازدارندۀ حد در مهار گناه و فحشا متبارز گردد.

﴿ٱلزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوۡ مُشۡرِكَةٗ وَٱلزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَآ إِلَّا زَانٍ أَوۡ مُشۡرِكٞۚ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٣﴾.

مرد زناکار جز با زن زناکار یا زن مشرکی که حرمت زنا را به رسمیت نمی‌شناسد ازدواج نکند و زن زناکار نیز جز با مرد زناکار یا مشرکی که به حرمت زنا باور ندارد عقد ازدواج نبندد؛ زیرا خداوند أ این نوع از ازدواج را بر مؤمنان حرام ساخته است. بنابراین ازدواج با زن زناکار یا نکاح با مرد زناکار حرام است تا آنگاه که توبه کنند.

﴿وَٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَأۡتُواْ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَ فَٱجۡلِدُوهُمۡ ثَمَٰنِينَ جَلۡدَةٗ وَلَا تَقۡبَلُواْ لَهُمۡ شَهَٰدَةً أَبَدٗاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٤﴾.

و کسانی که زنان پاکدامن را به زنا متهم می‌کنند در حالی که بر راستی سخن خود چهار گواه عادل به همراه ندارند، پس در اجرای حدّ قذف به هریک از آنان هشتاد تازیانه بزنید و بعد از آن دیگر هیچگاه گواهیی را از آنان نپذیرید، زیرا دروغ از آنان شناخته شده و به این عمل شناسایی گردیده‌اند. قطعاً آن‌ها از دایرۀ طاعت حق‌تعالی بیرون‌اند.

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٥﴾.

مگر کسانی که بعداً به بارگاه خدای متعال از اتهام زدن به زنان پاکدامن توبه کرده، از کردۀ خود پشیمان شده و از اتهام خویش بازگشته باشند و آنچه را تباه ساخته‌اند به صلاح و سامان آورده باشند. پس خداوند أ یقیناً گناه‌شان را آمرزیده و عیب‌شان را می‌پوشاند؛ همانا او خطاپوش خطاکاران و بخشایشگر بدکاران است.

﴿وَٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ أَزۡوَٰجَهُمۡ وَلَمۡ يَكُن لَّهُمۡ شُهَدَآءُ إِلَّآ أَنفُسُهُمۡ فَشَهَٰدَةُ أَحَدِهِمۡ أَرۡبَعُ شَهَٰدَٰتِۢ بِٱللَّهِ إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٦﴾.

و مردانی که به همسران خود اتهام زنا می‌زنند اما با خود گواهان عادلی بر اثبات این اتهام ندارند پس هر یک از آنان ملزم است تا در برابر قاضی چهار بار با این صیغه گواهی دهد: «گواهی می‌دهم که یقیناً در وارد کردن اتهام زنا به زنم راستگو هستم».

﴿وَٱلۡخَٰمِسَةُ أَنَّ لَعۡنَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٧﴾.

و در پنجمین گواهی باید این دعا را علیه خود بیفزاید که: «لعنت خدا بر من باد اگر از دروغگویان باشم».

﴿وَيَدۡرَؤُاْ عَنۡهَا ٱلۡعَذَابَ أَن تَشۡهَدَ أَرۡبَعَ شَهَٰدَٰتِۢ بِٱللَّهِ إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٨﴾.

پس با گواهی شوهر علیه همسرش به ارتکاب زنا، بر زن حدّ واجب می‌شود و این حدّ سنگسار وی تا مرگ است. و این حدّ از زن دفع نمی‌شود مگر اینکه او چهار بار به نام خدا أ گواهی دهد که: قطعاً شوهرم در اتهام زدن زنا به من، دروغگوست.

﴿وَٱلۡخَٰمِسَةَ أَنَّ غَضَبَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَآ إِن كَانَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٩﴾.

و در پنجمین گواهی باید این جمله را بیفزاید: «خشم خدا بر من باد اگر شوهرم در اتهام زدنم به زنا راستگو باشد». و در این هنگام است که وجوباً بین زن و شوهر تفریق می‌شود و قاضی به جدایی میان آن‌ها حکم می‌کند.

﴿وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ١٠﴾.

ای مؤمنان! و اگر خداوند أ با این شریعت و مقرّر ساختن این احکام مربوط به شوهران و همسران، بر شما فضل و مهربانی نمی‌کرد یقیناً همان نفرینی را که طرف دروغگو در قضیۀ لعان علیه خود کرده بود، واقع می‌ساخت. و خداوند أ بر هر کس از بندگانش که توبه کند به هر پیمانه هم که گناه کرده باشد، توبه پذیر است و او در شریعت و صنع و تدبیر و تقدیر خویش، سنجیده کار و حکیم است.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ جَآءُو بِٱلۡإِفۡكِ عُصۡبَةٞ مِّنكُمۡۚ لَا تَحۡسَبُوهُ شَرّٗا لَّكُمۖ بَلۡ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۚ لِكُلِّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُم مَّا ٱكۡتَسَبَ مِنَ ٱلۡإِثۡمِۚ وَٱلَّذِي تَوَلَّىٰ كِبۡرَهُۥ مِنۡهُمۡ لَهُۥ عَذَابٌ عَظِيمٞ ١١﴾.

بی‌گمان کسانی که بهتان زشت اتهام زدن به مادر مؤمنان دختر ابوبکر صدیق ش را در میان آوردند، گروهی از منافقان و بیماردلان بودند. آنان عایشۀ صدّیقه همسر پیامبر اکرم ج در دنیا و آخرت را – که حق‌تعالی از وی و از پدرش راضی باد – به فحشا متهم نمودند. ای مؤمنان! چنین مپندارید که آن سخن‌شان برای شما شرّی است بلکه آن سخن به خیر شماست؛ از مصادیق این خیر عبارت است از: تبرئه مادر مؤمنان و اعلام پاکی و ستایش وی از ورای هفت آسمان، شناخت دشمن از دوست، برملا شدن حال منافقان و بیماردلان و غیر این از حکمت‌های بس بزرگ. بدانید هر انسانی را که به این تهمت زبان آلوده است، بهره‌ای است از گناه؛ اما آن کس که بخش عمدۀ این جرم و گناه را مرتکب شده – یعنی رئیس منافقان، دشمن خدا عبدالله ابن ابیّ سلول علیه لعنت الله – در آتش جهنم عذابی سخت خواهد داشت که همانا جاودانه در فرودین طبقۀ دوزخ است.

﴿لَّوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ ظَنَّ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بِأَنفُسِهِمۡ خَيۡرٗا وَقَالُواْ هَٰذَآ إِفۡكٞ مُّبِينٞ ١٢﴾.

چرا هنگام شنیدن این تهمت زشت و این بهتان وقیح، مردان و زنان مؤمن گمان نیک در حقّ همدیگر نبردند و آن عبارت از این پندار نیک است که: اصل در مرد و زن مؤمن، سلامت و برائت از فحشا و گناه می‌باشد. پس واجب این بود که هنگام شنیدن این بهتان می‌گفتند: این دروغی آشکار و افترایی واضح علیه مادر ما بی‌بی عایشه ل است.

﴿لَّوۡلَا جَآءُو عَلَيۡهِ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَۚ فَإِذۡ لَمۡ يَأۡتُواْ بِٱلشُّهَدَآءِ فَأُوْلَٰٓئِكَ عِندَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ ١٣﴾.

چرا آن تهمتزنان گنه‌کار بر درستی آن بهتان چهار گواه عادل نیاوردند؟ پس چون گواهان را نیاورده‌اند، نزد خدا أ دروغگویانی فاجراند.

﴿وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ لَمَسَّكُمۡ فِي مَآ أَفَضۡتُمۡ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٤﴾.

و اگر فضل خدا أ – با آمرزش و رحمت و سترش – بر شما نبود که به خاطر آن عذاب عاجل را بر شما نفرستاد بلکه بر توبه کاران توبه پذیرفت یقیناً به علت فرو رویتان در این بهتان آشکار، بر شما عذاب سخت و بزرگ خود را به شتاب می‌فرستاد.

﴿إِذۡ تَلَقَّوۡنَهُۥ بِأَلۡسِنَتِكُمۡ وَتَقُولُونَ بِأَفۡوَاهِكُم مَّا لَيۡسَ لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞ وَتَحۡسَبُونَهُۥ هَيِّنٗا وَهُوَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمٞ ١٥﴾.

هنگامی که آن بهتان باطل و ناروا را که نه بدان علمی داشتید و نه بر آن دلیلی، از زبان همدیگر گرفته و بدان سخن می‌گفتید حال آنکه سخن گفتن به ناروا و بی‌پشتوانۀ علم و آگاهی بر شما حرام شده است. با این وصف می‌پنداشتید که این کاری است سهل و ساده! غافل از آنکه نزد خداوند بس بزرگ و خطیر است.

این آیه بر تحریم پخش دروغ و سخن گفتن به تهمت دلالت دارد.

﴿وَلَوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ قُلۡتُم مَّا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبۡحَٰنَكَ هَٰذَا بُهۡتَٰنٌ عَظِيمٞ ١٦﴾.

چرا هنگامی که این دروغ و بهتان را شنیدید نگفتید: برای ما جایز نیست تا به این دروغ و تهمت در حق همسر پیامبر خویش ج و مادر مؤمنان ل، سخن بگوییم. خداوندا! تو منزّهی؛ آخر این گناهی است بزرگ، جرمی است بس شنیع و بهتانی است بس ناروا؟

﴿يَعِظُكُمُ ٱللَّهُ أَن تَعُودُواْ لِمِثۡلِهِۦٓ أَبَدًا إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١٧﴾.

اگر به راستی خدا أ را باور دارید و به وی مؤمن هستید او هشدارتان می‌دهد و نهی‌تان می‌کند از اینکه دیگر هیچگاه نباید مانند این عمل را تکرار نمایید.

﴿وَيُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١٨﴾.

و خداوند أ آیات خود را که در آن صلاح و استقامت حال و رستگاری دنیا و آخرت شماست برشما بیان می‌کند؛ زیرا او به اعمال و سخنان‌تان دانا و در آنچه مشروع ساخته و به صنع و تدبیر و تقدیر و آورده است، سنجیده‌کار و صاحب حکمت است.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلۡفَٰحِشَةُ فِي ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ١٩﴾.

در حقیقت کسانی که دوست دارند تا فحشا در میان مسلمانان شیوع پیدا کند برای‌شان در دنیا مجازات اجرای حدّ قذف و غیر آن از مصایب دنیوی خواهد بود و به علاوه – چنان‌چه توبه نکنند – برای‌شان در آخرت نزد خداوند أ عذاب آتش است و خداوند أ به دروغگویی‌شان داناست اما شما این امر را نمی‌دانید. او بر آنچه پنهان داشته‌اند آگاه است حال آنکه شما نسبت به آن علم و اطلاعی ندارید.

﴿وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ٢٠﴾.

و اگر فضل خدای سبحان بر کسانی که در موضوع بهتان سخن گفتند نبود و لطف و رحمتش آنان را در نمی‌یافت، بی‌گمان شتابان به عذابی سخت مجازات‌شان می‌کرد ولی مهلت داد و حدّ را – به عنوان جایگزین – بر قذف کننده مشروع ساخت و توبه کاران را پذیرفت.

﴿۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ وَمَن يَتَّبِعۡ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَإِنَّهُۥ يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۚ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ أَبَدٗا وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٢١﴾.

ای کسانی که به خدا أ ایمان آورده و از پیامبرش پیروی کرده‌اید، به شیطان اقتدا ننموده و به راه وی روان نشوید و هر کس پا از پی گام‌های شیطان نهاده و رهرو راهش گردد بداند که یکی از عادات شیطان دستوردهی به کارهای زشت و اعمال منکر و ناپسند است و اگر خدا أ بر شما فضل و احسان و مهربانی نمی‌کرد هرگز هیچ‌کس از شما را ابداً از پلیدی گناه و نحوست و نجاست خطا پاک نمی‌ساخت، لیکن او به فضل خویش هر کس از بندگانش را که بخواهد پاک می‌سازد. او شنوای سخنان و دانا به افعال شماست؛ صداها را شنیده و نیّت‌ها را دانسته است.

﴿وَلَا يَأۡتَلِ أُوْلُواْ ٱلۡفَضۡلِ مِنكُمۡ وَٱلسَّعَةِ أَن يُؤۡتُوٓاْ أُوْلِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ وَلۡيَعۡفُواْ وَلۡيَصۡفَحُوٓاْۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ٢٢﴾.

و نیکوکاران شما در دین و گشاده حالان شما در دنیا نباید بر محروم ساختن نزدیکان و مستمندان و مهاجران از مال خویش، سوگند خورند بلکه باید لغزش‌های‌شان را بخشیده و آنان را مورد مؤاخذه مجازات قرار ندهند. مگر دوست ندارید که خداوند أ از شما در گذرد؟ پس شما نیز از آنان درگذرید. خداوند أ آمرزندۀ لغزش‌های بندگان و به ایشان مهربان است بناءً توبۀ باز آمدگان را می‌پذیرد.

این آیه درس آموز بردباری در برابر بدکاران و آمرزگاری و گذشت از خطاکاران است.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ٱلۡغَٰفِلَٰتِ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ لُعِنُواْ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٢٣﴾.

کسانی که زنان پاکدامن مبرّا از فحشا و بی‌خبر از همه بدگمانی‌ها را که اصلاً یاد فحشا در دل‌های‌شان هم خطور نکرده است به فحشا متهم می‌کنند بی‌گمان خداوند أ آن گروه را از رحمت خویش طرد نموده و عذاب سخت آتش جهنم را برای‌شان لازم گردانیده است. بناءً کسی که یکی از همسران پیامبر ج را متّهم ساخته یا دشنام و ناسزا گوید، در حقیقت کافر شده است.

﴿يَوۡمَ تَشۡهَدُ عَلَيۡهِمۡ أَلۡسِنَتُهُمۡ وَأَيۡدِيهِمۡ وَأَرۡجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٢٤﴾.

روز قیامت زبان‌های‌شان بر بهتانی که گفته‌اند و دست‌ها و پاهای‌شان بر عصیانی که کرده‌اند بر ضدّشان گواهی می‌دهند.

﴿يَوۡمَئِذٖ يُوَفِّيهِمُ ٱللَّهُ دِينَهُمُ ٱلۡحَقَّ وَيَعۡلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ ٱلۡمُبِينُ ٢٥﴾.

روز قیامت خداوند أ جزای‌شان را بر آنچه کرده‌اند به طور کامل و کاهش نیافته می‌دهد و این مقتضای عدل الهی است و رز محشر می‌دانند که تنها خدا أ در الوهیّت، ربوبیّت، اسماء، صفات، افعال و احکام خود، حقّ آشکار است بناءً نه ستم می‌کند و نه حقّی را پایمال می‌گرداند.

﴿ٱلۡخَبِيثَٰتُ لِلۡخَبِيثِينَ وَٱلۡخَبِيثُونَ لِلۡخَبِيثَٰتِۖ وَٱلطَّيِّبَٰتُ لِلطَّيِّبِينَ وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِۚ أُوْلَٰٓئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَۖ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٢٦﴾.

هر شخص پلیدی – از مردان و زنان – و هر امر پلیدی – از گفتارها و کردارها – با پلید همانند خود همساز، همآوا، هم گروه و همدم می‌باشند بنابراین مردان و زنان پاک از اتهام بدکاری و فحشا که مردان و زنان پلید به آن‌ها نسبت می‌دهند بیزار، پاک و منزّه‌اند برای‌شان نزد خداوند أ چنان آمرزشی است که خطاها را محو می‌سازد و برای‌شان در بهشتی پر ناز و نعمت و در جوار پروردگاری مهربان، روزیی نیکو و پاکیزه است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ بُيُوتِكُمۡ حَتَّىٰ تَسۡتَأۡنِسُواْ وَتُسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَهۡلِهَاۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٢٧﴾.

ای مؤمنان! وقتی می‌خواستید به خانه‌هایی غیر از خانه‌های خود داخل شوید باید قبل از دخول اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه‌ها به شیوۀ چنین سلام بگویید: «السّلام علیکم! آیا اجازه هست که داخل شوم؟» چرا که یقیناً اجازه گرفتن برای شما بهتر، از قرار گرفتن‌تان در معرض شکّ و شبهه دورتر، برای دل‌ها پاکیزه منشانه‌تر و آبروها را نگهبان‌تر است؛ باشد که اوامر الله أ را به یاد آورده و در نتیجه به سعادت دنیا و آخرت نایل شوید.

﴿فَإِن لَّمۡ تَجِدُواْ فِيهَآ أَحَدٗا فَلَا تَدۡخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤۡذَنَ لَكُمۡۖ وَإِن قِيلَ لَكُمُ ٱرۡجِعُواْ فَٱرۡجِعُواْۖ هُوَ أَزۡكَىٰ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ٢٨﴾.

اما اگر کسی را در خانه‌ها نیافتید تا از وی اجازۀ دخول بگیرید پس به آن خانه‌ها داخل نشوید و اگر صاحب خانه به شما گفت: پس بر گردید و بر داخل شدن پای مفشارید؛ زیرا بازگشت برای شما پاکیزه‌تر و از آگاهی بر احوال دیگران که آن‌ها پوشیده آن را دوست می‌دارند، دورتر است و خداوند أ به آنچه می‌کنید داناست و به زودی شما را در قبال آن محاسبه می‌کند.

﴿لَّيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ مَسۡكُونَةٖ فِيهَا مَتَٰعٞ لَّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا تَكۡتُمُونَ ٢٩﴾.

ولی بر شما گناهی نیست اگر به خانه‌های عمومی داخل شوید که به سکونت انسان‌های معیّنی اختصاص نداشته، بلکه برای راحت و آسایش کسانی از مسافران، در راه ماندگان و نیازمندان که به آن رفت و آمد دارند تعلق دارد. پس ورود در این خانه‌ها و تالارهای عمومی که برای میهمانان و هیأت‌های نمایندگی آمده شده، بی‌هیچ اشکالی مجاز است از آن‌رو که کسب اجازه خالی از مشقّت نیست. و خداوند أ بر تمام احوال شما اعم از آنچه پیدا و پنهان است دانا می‌باشد.

﴿قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡۚ ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا يَصۡنَعُونَ ٣٠﴾.

ای پیامبر! به مردان با ایمان بگو: دیدگان‌شان را از زنانی که برای‌شان حرام اند و از نگریستن به عورت‌ها فرو نهند و اعضای جنسی خود را از وقوع محرمات دیگر ـ مانند سایر امور فحشا آلوده و کشف عورت در برابر بیگانگان ـ نگه دارند؛ زیرا پاکی نفس‌ها و حفظ آبروهای‌شان در این امر است. بی‌گمان خداوند أ به هر آنچه بنده انجام می‌دهد آگاه است. پس بر بنده است که پروردگارش را در نظر داشته و از مولایش پروا نماید.

﴿وَقُل لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَاۖ وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّۖ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوۡ ءَابَآئِهِنَّ أَوۡ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآئِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ أَخَوَٰتِهِنَّ أَوۡ نِسَآئِهِنَّ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُنَّ أَوِ ٱلتَّٰبِعِينَ غَيۡرِ أُوْلِي ٱلۡإِرۡبَةِ مِنَ ٱلرِّجَالِ أَوِ ٱلطِّفۡلِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يَظۡهَرُواْ عَلَىٰ عَوۡرَٰتِ ٱلنِّسَآءِۖ وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّۚ وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٣١﴾.

ای پیامبر! همچنان به زنان با ایمان بگو: دیدگان خویش را از نگریستن به سوی عورت‌هایی که برای‌شان حرام است فروبسته و فرج‌های خویش را از حرام نگه دارند و آرایش و زینت خویش را برای مردان آشکار نسازند، بلکه با جامه، چادر، برقع و پوشش‌های مناسبی مانند آن‌ها که زیبایی زن را مستور می‌سازد، خود را بپوشانند. و بر آن‌هاست که برای تحقق حجاب، روسری‌های خود را بر سینه‌های خود فرو اندازند ـ این خطاب پوشیدن چهره را نیز دربر می‌گیرد ـ و زینت و زیبایی خود را جز برای شوهران خویش آشکار نسازند؛ زیرا شوهر می‌تواند از همسرش چیزهایی را ببیند که دیگران مجاز به دیدنش نیستند. البته دیدن بعضی از اعضای بدن زن ـ مانند چهره، گردن، دست‌ها و بازوها ـ بر گروه‌های معیّنی جایز است که عبارت اند از:

1. پدر و پدر شوهر، پسر و پسر شوهر، برادر، پسر برادر و پسر خواهر.
2. زنان مسلمان نه زنان کافر.
3. بردگانی که تحت ملکیّت‌شان قرار دارد یا آن خدمتکاران مرد که به زنان اشتهایی ندارند ـ همچون مردان ابله و عاری از شهوت که فقط برای خوردن و نوش وارد خانه‌ها می‌شوند.
4. کودکان خُرد سالی که تا هنوز بر عورت‌ها و اندام‌های شهوت انگیز زنان وقوف حاصل نکرده و شهوت جنسی ندارند.

همچنین زن در هنگام راه رفتن نباید پاهای خود را به گونه‌ای بر زمین بکوبد تا صدای زینت‌هایی ـ مانند خلخال و غیره ـ را که نهفته‌اش می‌دارد به دیگران بشنواند. و ای مؤمنان! با به جا آوردن اوامر و پرهیز از نواهی خداوند أ به سوی طاعتش باز گشته و خود را به خصلت‌های ستوده و اوصاف خجسته بیارایید و از کارهای جاهلیت ـ مانند رذایل، فحشا و منکر ـ بپرهیزید؛ باشد تا به رضوان و بهشت الهی دست یافته و رحمت وی شامل حال شما گردد.

﴿وَأَنكِحُواْ ٱلۡأَيَٰمَىٰ مِنكُمۡ وَٱلصَّٰلِحِينَ مِنۡ عِبَادِكُمۡ وَإِمَآئِكُمۡۚ إِن يَكُونُواْ فُقَرَآءَ يُغۡنِهِمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ٣٢﴾.

مردان و زنان آزاد خود را که قصد ازدواج دارند همسر دهید و غلامان و کنیزان درستکار خود را نیز پس اگر چنان باشد که خواستگار ازدواج از ایشان به انگیزه پاکدامنی و کسب معافیت از آلودگی به حرام، در این مسیر گام گذارد، بی‌گمان خداوند أ از فضل وسیع خویش وی را از تنگدستی بی‌نیاز می‌‌گرداند، زیرا او گشایشگر است؛ خیر و فضلش بسیار، دریای نیکی و احسانش بی‌انتها و اقیانوس کَرَمش بی‌کران است. او بر همه احوال دانا و بر اسرار درون آگاه است.

﴿وَلۡيَسۡتَعۡفِفِ ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغۡنِيَهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۗ وَٱلَّذِينَ يَبۡتَغُونَ ٱلۡكِتَٰبَ مِمَّا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ فَكَاتِبُوهُمۡ إِنۡ عَلِمۡتُمۡ فِيهِمۡ خَيۡرٗاۖ وَءَاتُوهُم مِّن مَّالِ ٱللَّهِ ٱلَّذِيٓ ءَاتَىٰكُمۡۚ وَلَا تُكۡرِهُواْ فَتَيَٰتِكُمۡ عَلَى ٱلۡبِغَآءِ إِنۡ أَرَدۡنَ تَحَصُّنٗا لِّتَبۡتَغُواْ عَرَضَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَمَن يُكۡرِههُّنَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ مِنۢ بَعۡدِ إِكۡرَٰهِهِنَّ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣٣﴾.

و کسانی که به علّت فقر و تنگدستی یا غیر آن از اسباب، توانایی ازدواج را ندارند باید نفس خویش را از حرام پاک نگه‌داشته و عفت ورزند تا خداوند أ از فضل خود ایشان را با حلال بی‌نیاز ساخته و وسایل ازدواج را برای‌شان فراهم گرداند. و هر کس از غلامان و کنیزان‌شان که در صدد است تا در قبال پرداخت وجه مالی به مولای خود، خویشتن را با قراردادی کتبی آزاد گرداند پس بر مولی لازم است که چنان‌چه در او خیری همچون صلاح و توانمندی بر کسب و کار می‌داند، قرار باز خریدش را بنویسد و البته مالکان و دیگران باید آن بردگان را بر تدوین قرار داد کتابت مالی و غیر آن یاری نمایند. و برای مالک روا نیست تا به خاطر به دست آوردن مال دنیا کنیزش را به ارتکاب زنا وادارد و چسان این کار صورت می‌گیرد در حالی که کنیزک خود خواستار عفت و پاکدامنی است اما مولایش این عفت را برایش نمی‌پذیرد؟ البته این خطاب منت‌های سرزنش و توبیخ را بر این کار منکر مالکان در بردارد. و هر کس کنیزش را بر زنا وادارد بی‌گمان خداوند أ بعد از واداشتنش بر زنا به اکراه، بر آن کنیز آمرزگار و مهربان است از این رو فقط کسی بار گناه را بر دوش می‌کشد که وی را به ارتکاب زنا مجبور ساخته است.

﴿وَلَقَدۡ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ ءَايَٰتٖ مُّبَيِّنَٰتٖ وَمَثَلٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِكُمۡ وَمَوۡعِظَةٗ لِّلۡمُتَّقِينَ ٣٤﴾.

و به راستی خداوند أ آیاتی را در قرآن فرود آورده است که بر حق دلالت روشنی دارند و برهان آن‌ها عیان و آشکار است. همچنین قرآن دربر گیرنده اخبار و امثالی از داستان‌های پیشینیان و مواعظی است که متقیان از آن نفع می‌برند؛ همانان که کارهای شایسته انجام داده و از بدی‌ها می‌پرهیزند.

﴿۞ٱللَّهُ نُورُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ مَثَلُ نُورِهِۦ كَمِشۡكَوٰةٖ فِيهَا مِصۡبَاحٌۖ ٱلۡمِصۡبَاحُ فِي زُجَاجَةٍۖ ٱلزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوۡكَبٞ دُرِّيّٞ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٖ مُّبَٰرَكَةٖ زَيۡتُونَةٖ لَّا شَرۡقِيَّةٖ وَلَا غَرۡبِيَّةٖ يَكَادُ زَيۡتُهَا يُضِيٓءُ وَلَوۡ لَمۡ تَمۡسَسۡهُ نَارٞۚ نُّورٌ عَلَىٰ نُورٖۚ يَهۡدِي ٱللَّهُ لِنُورِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَيَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡأَمۡثَٰلَ لِلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ٣٥﴾.

خداوند أ نور آسمان‌ها و زمین است؛ امور آن‌ها را می‌چرخاند و هر که را در آن‌هاست راه می‌نماید. پس حق‌تعالی نور است و حجابش هم نور است؛ از نور اوست که هر که در آسمان‌ها و زمین است منوّر شده است، کتاب وی نور است، پیامبرش نور است و هدایتش نور است. با نور اوست که تاریکی‌ها کنار می‌رود، آسمان‌ها و زمین درخشان می‌شود و کائنات قابل مشاهده می‌گردد. مَثَل و صفت نور خدا أ ـ یعنی ایمان و قرآن در قلب مؤمن ـ که مؤمن را بدان راهبر می‌شود همانند قندیلی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه‌ای است به گونه‌ای که قندیل نور چراغ را نگهداشته و جلو پراکنده شدن آن را می‌گیرد در نتیجه روشنی آن بس نیرومند و قوی است. افزون بر آن روغن چراغ از درخت مبارک و خجسته زیتون است، درختی که تنها شرقی نیست تا آفتاب آخر روز به آن برسد و تنها غربی هم نیست که آفتاب اوّل روز بدان نرسد بلکه آن درخت در مکانی مبانی قرار دارد که نه به سمت شرق متمایل است و نه به سمت غرب؛ در نتیجه رشد و نمای آن به کمال و تمام، سایه آن برابر و معتدل و میوه‌هایش پاکیزه است؛ نزدیک است که روغنش از شدّت شفافیت و صفا و رخشندگی پیش از رسیدن آتش به آن بدرخشد و روشن شود اما چون آتش بدان برسد، رخشندگی و فروزشش بسی نیرومندتر و کامل‌تر می‌شود؛ روشنی است به روی روشنی و نوری است بر فراز نوری دیگر؛ نور حاصله از درخشش روغن بر روی نور حاصل از فروزش آتش، تلؤتلؤ نور را صد چندان ساخته است. این است مَثَل و وصف هدایت خدا أ که با نور فطرت و نور وحی در قلب مؤمن می‌درخشد. و خداوند أ هر کس از بندگانش را که بخواهد به سوی شاهراه ایمان و فهم قرآن هدایت می‌کند و این مَثَل‌ها را برای مردم می‌زند تا احکام را بفهمند و قضایا را دریابند. بی‌گمان او به هر چه آشکار و نهان و پیدا و پنهان است داناست.

﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرۡفَعَ وَيُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ ٣٦﴾.

این نور رخشان فروزنده بس تابان در مساجدی است که حق‌تعالی دستور داده تا قدر و منزلت و بنا و ساختمان آن‌ها با معماران ایمان و آبادگران بنیان رفعت یابد و با تلاوت قرآن، ادای نماز، ذکر و انواع عبادت‌های دیگر تنها نام او در آن‌ها یاد شود بامدادان و شام‌گاهان در آن خانه‌ها برای خدا أ نماز گزارده می‌شود و ذکر او در این دو وقت بیشتر در آن‌ها انجام می‌شود؛

﴿رِجَالٞ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوۡمٗا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلۡقُلُوبُ وَٱلۡأَبۡصَٰرُ ٣٧﴾.

از سوی مردان با ایمانی که تجارت و داد و ستدی آنان را از ذکر خدا أ و بر پاداشتن نماز خاشعانه و دادن زکات به مستحقانش به خود مشغول نمی‌دارد. همانان که از هول و هراس‌های روز قیامت که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیروزبر می‌شود حذر می‌کنند؛ آری! در آن روز دل‌ها در میان امید به نجات و بیم از هلاک و دیدگان در میان راه بهشت و راه دوزخ زیرو زبر می‌شود. پس دل‌ها مضطرب و دیدگان کژ و وارونه است.

﴿لِيَجۡزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحۡسَنَ مَا عَمِلُواْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٣٨﴾.

تا خداوند أ ایشان را بر بهترین اعمال‌شان پاداش داده و از فضل و کرمش با برترین بخشش‌ها بر پاداش‌شان بیفزاید. و خداوند أ به هر کس از بندگانش که بخواهد بهترین بخشش‌ها را عطا کرده و ایشان را به برترین جزا که در شمار و حدّ و پیمانه و وزن نگنجد، نایل می‌سازد؛ زیرا او جوّاد کریم صاحب مَجدی است که بر عمل نیک چندان پاداش بی‌حسابی می‌بخشد که عمل خود بدان مرتبه از پاداش نمی‌رسد.

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَعۡمَٰلُهُمۡ كَسَرَابِۢ بِقِيعَةٖ يَحۡسَبُهُ ٱلظَّمۡ‍َٔانُ مَآءً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَهُۥ لَمۡ يَجِدۡهُ شَيۡ‍ٔٗا وَوَجَدَ ٱللَّهَ عِندَهُۥ فَوَفَّىٰهُ حِسَابَهُۥۗ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ٣٩﴾.

و کسانی که به خدا أ کفر ورزیده و پیامبرانش را تکذیب کرده‌اند، اعمال نیک‌شان در دنیا ـ همچون سخاوت و بخشندگی، صلۀ رحم و آزاد سازی بردگان ـ که پنداشته‌اند عذابش را از آنان دفع می‌کند بسان سرابی می‌گردد که از آن حاصلی متصور نیست. آری! همان سرابی که انسان نیمه روز آن را از دوردست همانند آبی به روی زمین مشاهده می‌کند و تشنه لب آن را آب می‌پندارد اما وقتی پیش آن می‌رسد آبی نمی‌بیند. پس همچنان است انسان کافر وقتی که می‌پندارد اعمال نیکویش در دنیا، هول و هراس‌های روز جزا را از وی دفع خواهد کرد ولی چون روز حساب فرا رسد نه تنها پاداشی را نمی‌یابد بلکه خدای سبحان را می‌یابد که به سزای افعالش کیفری سخت را برایش آماده نموده است. و خدا أ سریع الحساب است؛ شمارگان بسیار را در وقتی کوتاه برمی‌شمارد، او وعده‌اش را به تأخیر نمی‌اندازد؛ زیرا وعده‌اش خواه ناخواه روی دهنده است.

﴿أَوۡ كَظُلُمَٰتٖ فِي بَحۡرٖ لُّجِّيّٖ يَغۡشَىٰهُ مَوۡجٞ مِّن فَوۡقِهِۦ مَوۡجٞ مِّن فَوۡقِهِۦ سَحَابٞۚ ظُلُمَٰتُۢ بَعۡضُهَا فَوۡقَ بَعۡضٍ إِذَآ أَخۡرَجَ يَدَهُۥ لَمۡ يَكَدۡ يَرَىٰهَاۗ وَمَن لَّمۡ يَجۡعَلِ ٱللَّهُ لَهُۥ نُورٗا فَمَا لَهُۥ مِن نُّورٍ ٤٠﴾.

یا اعمال کافران بسان تاریکی‌هایی است در دریایی ژرف که از فراز آن موجی است و بر فراز آن موج، موجی دیگر است و باز روی آن موج دیگر ابر تیره‌ای قرار دارد؛ بدین‌سان تاریکی‌هایی بسیار که بعضی برروی بعضی دیگر قرار گرفته‌اند، با هم جمع شده‌اند. هرگاه انسان گیر افتاده در ژرفای این تاریکی‌ها دستش را بیرون آورد، از شدّت تاریکی نزدیک نیست آن را ببیند. پس همچنین بارهای سنگین روی دوش کافران ـ اعم از کفر، گمراهی، ستم، فساد افروزی در روی زمین و دیگر اعمال زشت ـ همین‌گونه بر آنان متراکم و انباشته شده است. و خدا أ به هر کس نوری راهبر و هدایت بخش از کتاب و سنّت پیامبرش ج نداده باشد، او هرگز هدایت نخواهد شد و جز خدا أ کسی را نخواهد یافت که راهنمونش گردد.

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلطَّيۡرُ صَٰٓفَّٰتٖۖ كُلّٞ قَدۡ عَلِمَ صَلَاتَهُۥ وَتَسۡبِيحَهُۥۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِمَا يَفۡعَلُونَ ٤١﴾.

ای پیامبر! آیا ندانسته‌ای که هر که و هر چه در آسمان‌ها و زمین از مخلوقات وجود دارد برای خدا أ تسبیح می‌گوید و پرندگان نیز در حالی که در آسمان پر گشوده‌اند تسبیح وی می‌گویند؟ خداوند أ به هر پدیده و آفریده‌ای آموخته است که چگونه برای مولایش نماز بگذارد و چسان پروردگارش را به شیوه و روش خود یاد کرده و آفریدگارش را تسبیح گوید. اوتعالی داناست؛ بناءً هیچ امر پنهانی بر وی مخفی نمی‌ماند، او عبادت عابدان و تسبیح تسبیح گویان را می‌داند؛ از این رو هیچ کار نهانی از کارهای‌شان بر او ناپیدا نیست و به زودی آنان را در برابر اعمال‌شان جزا خواهد داد.

﴿وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ ٤٢﴾.

مالکیّت، گردانندگی و تدبیر امور آسمان‌ها و زمین تنها از آن خداست؛ او را در ملکش هیچ معارض و منازعی نمی‌باشد، زیرا او یکتای بی‌همتاست که فرمانروایی مطلق و سلطنت عام فقط از آن اوست، بازگشت به سوی او و حساب نیز تنها بر عهده او می‌باشد.

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُزۡجِي سَحَابٗا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيۡنَهُۥ ثُمَّ يَجۡعَلُهُۥ رُكَامٗا فَتَرَى ٱلۡوَدۡقَ يَخۡرُجُ مِنۡ خِلَٰلِهِۦ وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن جِبَالٖ فِيهَا مِنۢ بَرَدٖ فَيُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ وَيَصۡرِفُهُۥ عَن مَّن يَشَآءُۖ يَكَادُ سَنَا بَرۡقِهِۦ يَذۡهَبُ بِٱلۡأَبۡصَٰرِ ٤٣﴾.

آیا به ابرها نگاه نکردی که چگونه خداوند أ آن‌ها را به هر جایی که بخواهد می‌راند، سپس اجزای پراکنده آن را به هم پیوند داده و یکجا می‌گرداند، آنگاه متراکم و انبوه‌شان ساخته و سپس به اذن وی دانه‌های باران از آن ابرهای متراکم فرود می‌آید؟ و خدا أ از ابر متراکم که در عظمت و ضخامت خود شبیه کوه‌هاست تگرگی فرو ریزانده و بارانی را که از ابر فرود آورده است بر هر کس از عباد و هرچه از بلادش که بخواهد می‌رساند و آن را ـ به حکمت و تقدیری که دارد ـ از هر که و هرچه بخواهد برمی‌گرداند. نزدیک است روشنای برق از شدّت درخشش و لمعانی که در میانه ابر دارد چشمان کسانی را که به سوی آن می‌نگرند از بین ببرد.

﴿يُقَلِّبُ ٱللَّهُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ ٤٤﴾.

و از دیگر برهان‌های قدرت باری‌تعالی آن است که او بین شب و روز توالی و تعاقُب ایجاد کرده است به طوری که یکی از آن‌ها را از پی دیگری می‌آورد و هم اوست که در بین مدّت شب و روز ـ از حیث بلندی و کوتاهی ـ تغایر ایجاد نموده است. بی‌گمان در این امر برای هر کس که دیده روشنی داشته باشد، بر عظمت فرمانروای مطلق و مالک بی‌چون بر حق دلالت آشکاری است.

﴿وَٱللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٖ مِّن مَّآءٖۖ فَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰ بَطۡنِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰ رِجۡلَيۡنِ وَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰٓ أَرۡبَعٖۚ يَخۡلُقُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٤٥﴾.

و خدا أ است که تمام جنبندگان روی زمین ـ اعم از انسان، حیوان، پرنده، حشرات و غیره ـ را آفرید و اصل آفرینش آن‌ها از آب است. پس برخی از این جنبدگان ـ همچون مار و امثال آن ـ بر روی شکم خود می‌خزند و بعضی از آن‌ها ـ مانند چهارپایان ـ بر روی چهار پا، راه می‌روند. و خداوند أ هر چه بخواهد همانگونه که بخواهد می‌آفریند پس او بر هر کاری تواناست و محقق ساختن چیزی که ایجادش را اراده کرده باشد، ناتوانش نمی‌سازد.

﴿لَّقَدۡ أَنزَلۡنَآ ءَايَٰتٖ مُّبَيِّنَٰتٖۚ وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٤٦﴾.

بی‌گمان خداوند أ در قرآن دلایلی واضح و برهان‌های روشنگر فرود آورده است که راهنما و راهبر هدایت اند و خداوند أ هر کس از بندگانش را که بخواهد بر هدایت توفیق داده و راه رشد را به وی می‌نمایاند.

﴿وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلرَّسُولِ وَأَطَعۡنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَۚ وَمَآ أُوْلَٰٓئِكَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٤٧﴾.

منافقان به دروغ ادعا می‌کنند که به خدا أ ایمان آورده، پیامبرش ج را تصدیق نموده و از آنچه در کتاب و سنّت مشروع شده است فرمان برده‌اند. آنگاه دسته‌هایی از آنان از هدایت روی گردانیده و از حکم پیامبر ج سر می‌پیچند با آنکه حکم وی سراسر حقّ و عدل است.

﴿وَإِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُم مُّعۡرِضُونَ ٤٨﴾.

و چون از منافقان خواسته شود تا در هنگام خصومت و اختلاف به داوری کتاب و سنّت تن دردهند به ناگاه گروهی از آنان از حکم خدا و پیامبرش ـ با آنکه حق و عدل در آن است ـ سر باز می‌زنند.

﴿وَإِن يَكُن لَّهُمُ ٱلۡحَقُّ يَأۡتُوٓاْ إِلَيۡهِ مُذۡعِنِينَ ٤٩﴾.

اما اگر حق به جانب بوده و از اینکه قضیه را خواهند برد متیقن باشند آنگه به داوری کتاب و سنّت تن در داده و در برابر شرع گردن می‌نهند؛ زیرا مصلحت‌شان چنین اقتضا می‌کند!

﴿أَفِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمِ ٱرۡتَابُوٓاْ أَمۡ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَرَسُولُهُۥۚ بَلۡ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٥٠﴾.

آیا علت رویگردانی‌شان از حکم شرع، همان شک و نفاقی است که در دل‌های‌شان وجود دارد؟ یا در رسالت پیامبر معصوم علیه الصلاة و السلام شک ورزیده‌اند؟ یا هم از آن می‌ترسند که چنان‌چه به داوری کتاب خدا و سنّت پیامبرش بروند با جور و ستم رو به رو خواهند شد؟ هرگز! زیرا به خوبی می‌دانند که عدل و داد تماماً در شرع انور است ولی از آن‌رو که ستمگرانی بدکار هستند از هوی و هوس خویش بیرون می‌کنند.

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوۡلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ أَن يَقُولُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥١﴾.

ادب و روش مؤمنان راستین این است که چون در هنگام خصومت به داوری کتاب و سنّت فراخوانده شوند به حکم شرع گردن نهاده هیچ اعتراضی نمی‌کنند و می‌گویند: آنچه را به ما گفته شده شنیدیم و از کسی که ما را به سوی این حکم فراخوانده، اطاعت کردیم. این گروه‌اند که به رستگاری رسیده و کامیابی دنیا و آخرت را دریافته‌اند.

﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَخۡشَ ٱللَّهَ وَيَتَّقۡهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ٥٢﴾.

و هر کس از خدا أ و پیامبرش ج اطاعت کرده و بنابر آن به دستورها عمل کند و از نواهی بپرهیزد، پس آن گروه‌اند که به رضوان و بهشت خداوند أ نایل می‌گردند.

﴿۞وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَئِنۡ أَمَرۡتَهُمۡ لَيَخۡرُجُنَّۖ قُل لَّا تُقۡسِمُواْۖ طَاعَةٞ مَّعۡرُوفَةٌۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ٥٣﴾.

منافقان با سوگندهای سخت ـ در حالی که آن را با غلیظ‌ترین تعابیر محکم می‌ساختند ـ سوگند یاد کردند که: اگر پیامبر ج آنان را به خروج همراه خود در راه خدا أ فرمان دهد، یقیناً با وی بیرون می‌روند. ای پیامبر! به آن‌ها بگو: سوگند نخورید زیرا شما دروغگویند و این امر که طاعت شما فقط به سخن است نه به عمل، امر شناخته شده‌ای است. بی‌گمان خدا أ به اعمال و احوال‌تان آگاه است، بازگشت‌تان به سوی اوست و به زودی شما را در برابر آن محاسبه خواهد کرد.

﴿قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيۡكُم مَّا حُمِّلۡتُمۡۖ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهۡتَدُواْۚ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ٥٤﴾.

ای پیامبر! بگو: با پیاده کردن احکام کتاب و سنّت از خدا أ و پیامبرش ج اطاعت کنید، ولی اگر از امتثال احکام روی گردانیده و از فرمان سرپیچیدید بدانید که در حقیقت پیامبر ما رسالتش را ادا کرده است و بر او جز رساندن پیام، تکلیفی دیگر نیست، بناءً هرچه را که بر عهده او بوده انجام داده است. اما اگر از پیامبر ج اطاعت کنید، به هدایت توفیق می‌یابید. به هرحال، بر عهده پیامبر ج جز بیان روشن شفابخش پیام الله أ چیز دیگری نیست و حساب مردم بر عهده خدا أ است و بس.

﴿وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَيَسۡتَخۡلِفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ كَمَا ٱسۡتَخۡلَفَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمۡ دِينَهُمُ ٱلَّذِي ٱرۡتَضَىٰ لَهُمۡ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنۢ بَعۡدِ خَوۡفِهِمۡ أَمۡنٗاۚ يَعۡبُدُونَنِي لَا يُشۡرِكُونَ بِي شَيۡ‍ٔٗاۚ وَمَن كَفَرَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٥٥﴾.

خداوند أ به مؤمنان شایسته کار وعده پیروزی و اقتدار داده است؛ بدین‌گونه که ایشان را در زمین جانشین سازد آنسان که اهل ایمان و صلاح پیش از ایشان را جانشین گردانید. آری! این وعده‌ای است بر عهده الله أ که اسلام را آیین غالب و مسلّط قرار داده و بیم و هراس بندگان مؤمنش را به امنیّتی پایدار مبدل سازد تا آنگاه که طاعت را برایش خالص گردانیده، وی را به یکتایی عبادت کنند، بر دینش ثبات و استقامت ورزیده و چیزی را به وی شریک نیاورند. ولی هر کس بعد از آنکه خداوند أ عزّت و تمکینش داد، در زمین جانشینش گردانید و از بیم و هراس ایمنش ساخت، کفر و عصیان ورزد پس یقیناً از طاعت حق‌تعالی خارج و از حدود و موازینش تجاوزگر است.

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ٥٦﴾.

ای مؤمنان! نماز را به طریقه مشروع آن برپا دارید، زکات اموال خود را به مستحقان آن بدهید و از پیامبر ج با عملی ساختن سنتش اطاعت کنید تا حق‌تعالی شما را در رحمت خود که بر همه چیز سایه گسترده است داخل کند.

﴿لَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ وَلَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٥٧﴾.

گمان مبرید که کفّار، یگانه قهّار را عاجز توانند ساخت؛ زیرا هیچ چیز وی را درمانده کرده نمی‌تواند در حالی که او بر نابودسازی و ریشه‌کن ساختن‌شان تواناست. و بازگشت‌شان در آخرت به سوی آتش جهنم است؛ چه بد سرا، چه نامیمون بازگشت‌گاه و چه ناخجسته پناهگاهی است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِيَسۡتَ‍ٔۡذِنكُمُ ٱلَّذِينَ مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ وَٱلَّذِينَ لَمۡ يَبۡلُغُواْ ٱلۡحُلُمَ مِنكُمۡ ثَلَٰثَ مَرَّٰتٖۚ مِّن قَبۡلِ صَلَوٰةِ ٱلۡفَجۡرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ ٱلظَّهِيرَةِ وَمِنۢ بَعۡدِ صَلَوٰةِ ٱلۡعِشَآءِۚ ثَلَٰثُ عَوۡرَٰتٖ لَّكُمۡۚ لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ وَلَا عَلَيۡهِمۡ جُنَاحُۢ بَعۡدَهُنَّۚ طَوَّٰفُونَ عَلَيۡكُم بَعۡضُكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٥٨﴾.

ای مؤمنان! غلام و کنیزها و آن کودکان‌تان را که هنوز سن بلوغ نرسیده‌اند دستور دهید تا چون می‌خواهند تا در اوقات سه گانه‌ای که وقت برهنگی عورت‌های شماست بر شما وارد شوند از شما کسب اجازه کنند؛ این اوقات سه گانه‌ عبارت است از: 1- قبل از نماز بامداد که وقت برخاستن از خواب و پوشیدن لباس است. 2- وقت خواب نیم روز که جامه‌های خود را برای استراحت بیرون می‌آورید. 3- بعد از نماز عشاء که وقت رفتن به رخت خواب می‌باشد؛ زیرا در این اوقات سه گانه بیشتر لباس‌ها از بدن بیرون آورده شده و در پوشش عورت کمتر احتیاط به عمل می‌آید. اما در بقیه اوقات بر شما گناهی نیست چنان‌چه بدون کسب اجازه نزد شما داخل شوند زیرا آن‌ها ناگزیر اند تا به منظور خدمت به شما، نزدتان وارد شوند. و آنگونه که خداوند أ احکام کسب اجازه (استئذان) را بیان کرده است به همین ترتیب حجّت‌ها، برهان‌ها و برنامه‌های دینی را برای شما بیان می‌دارد. خداوند أ به مصالح بندگان و آنچه که به سود و زیان‌شان است داناست؛ او در تدبیر امور خلقش سنجیده کار و صاحب حکمت است؛ لذا آنچه را که سبب سامان یافتن زندگی‌شان به کامل‌ترین وجه می‌شود برای‌شان مشروع می‌سازد.

﴿وَإِذَا بَلَغَ ٱلۡأَطۡفَٰلُ مِنكُمُ ٱلۡحُلُمَ فَلۡيَسۡتَ‍ٔۡذِنُواْ كَمَا ٱسۡتَ‍ٔۡذَنَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٥٩﴾.

اما چون کودکان‌تان به سن بلوغ رسیدند بر آن‌ها واجب است تا در هر وقت و زمانی که نزد شما وارد می‌شوند از شما همان‌سان که بزرگ‌سالان کسب اجازه می‌نمایند، اجازه ورود بخواهند. و آنگونه که خداوند أ آداب استئذان را در کتابش بیان کرده است آیات دیگر خویش را نیز که در برگیرنده مصالح شماست برای‌تان بیان می‌کند؛ زیرا خدای سبحان بدانچه که منافع شما در آن است دانا و در صنع و شرع و تقدیر و تدبیر خویش سنجیده کار است.

﴿وَٱلۡقَوَٰعِدُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ ٱلَّٰتِي لَا يَرۡجُونَ نِكَاحٗا فَلَيۡسَ عَلَيۡهِنَّ جُنَاحٌ أَن يَضَعۡنَ ثِيَابَهُنَّ غَيۡرَ مُتَبَرِّجَٰتِۢ بِزِينَةٖۖ وَأَن يَسۡتَعۡفِفۡنَ خَيۡرٞ لَّهُنَّۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٦٠﴾.

و بر پیر زنانی که کبر سن آنان را از شهوت و بهرۀ جنسی باز نشانده و ایشان را به ازدواج رغبتی نیست و دل‌های مردان هم به سوی‌شان گرایش ندارد گناهی نمی‌باشد که پوشش سبک‌تری اختیار کنند؛ همچون پوشیدن رواندازی بر روی لباس‌ها اما نباید زیورات خود را نمایان سازند. و اگر روی ستر و عفاف، هم لباس و هم چادر پوشیدند این برای‌شان بهتر است. و خداوند أ شنوای سخنان و دانای احوال و اعمال است؛ هیچ امر نهانی بر وی نا پیدا نیست پس از وی پروا دارید.

﴿لَّيۡسَ عَلَى ٱلۡأَعۡمَىٰ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرِيضِ حَرَجٞ وَلَا عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ أَن تَأۡكُلُواْ مِنۢ بُيُوتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ ءَابَآئِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أُمَّهَٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ إِخۡوَٰنِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أَخَوَٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أَعۡمَٰمِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ عَمَّٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أَخۡوَٰلِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ خَٰلَٰتِكُمۡ أَوۡ مَا مَلَكۡتُم مَّفَاتِحَهُۥٓ أَوۡ صَدِيقِكُمۡۚ لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَأۡكُلُواْ جَمِيعًا أَوۡ أَشۡتَاتٗاۚ فَإِذَا دَخَلۡتُم بُيُوتٗا فَسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ تَحِيَّةٗ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةٗ طَيِّبَةٗۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٦١﴾.

اشخاص نابینا، لنگ و بیمار در تخلف از جهاد و غیر آن از واجباتی که بدان پرداخته نمی‌توانند، معذور شناخته می‌شوند از آن‌رو که این آفت‌‌ها مانع انجام تکالیف‌شان می‌شود. و ای مؤمنان! بر شما گناهی نیست که از خانه‌های خودتان بخورید، یا از خانه‌های پسران‌تان، یا از خانه‌های پدران، مادران، برادران، خواهران، عموها، عمه‌ها، دایی‌‌ها و خاله‌های‌تان، یا از خانه هایی که نماینده مالکان آن در نگهداشت آن هستید، یا از خانه‌های دوستان‌تان. همچنین بر شما گناهی نیست که در هنگام غذا خوردن با هم جمع شوید یا پراکنده بخورید. و چون به خانه‌هایی داخل می‌شوید که مسکونی است یا از سکنه خالی می‌باشد باید به همدیگر با درود و تحیۀ اسلام که همانا صیغۀ: «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته» می‌باشد سلام کنید. و اگر کسی در خانه نبود بنابر روایتی باید بگویید: «السلام علینا وعلى عباد الله الصالحین ـ سلام بر ما و بر بندگان شایسته خداوند باد». خداوند أ این تحیۀ «سلام» را که مبارک است و میوه محبّت و الفت میان مؤمنان را به ارمغان می‌آورد، مشروع ساخته است. این میوه‌ای است پاکیزه که پیام شادی و دوستی را برای شنونده در بردارد. و آنگونه که خداوند أ این احکام را بیان کرده است، همچنان چراغ‌های بر فراز راه دین و نیز آنچه که دنیا و آخرت‌تان را به سامان می‌آورد برای‌تان بیان می‌کند تا این احکام را بفهمید و بدان عمل کنید؛ و سرانجام در آینده زود و بلند به سعادت ابدی و رستگاری جاودانی دست یابید.

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَإِذَا كَانُواْ مَعَهُۥ عَلَىٰٓ أَمۡرٖ جَامِعٖ لَّمۡ يَذۡهَبُواْ حَتَّىٰ يَسۡتَ‍ٔۡذِنُوهُۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَ‍ٔۡذِنُونَكَ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۚ فَإِذَا ٱسۡتَ‍ٔۡذَنُوكَ لِبَعۡضِ شَأۡنِهِمۡ فَأۡذَن لِّمَن شِئۡتَ مِنۡهُمۡ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمُ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٦٢﴾.

همانا مؤمنان حقیقی فقط کسانی هستند که خدا أ را اطاعت کرده، از پیامبرش ج پیروی نموده و به کتاب و سنّت عمل کرده‌اند و هنگامی که با پیامبر ج بر سر کاری از کارهایی که مستلزم اجتماع کلمۀ مسلمین است، قرار داشتند هیچ یک‌شان تا از پیامبر ج کسب اجازه نکنند از آنجا بیرون نمی‌روند. فقط کسانی چنین می‌کنند که حقیقتاً به خدا أ و پیامبرش ج ایمانی راستین داشته باشند. پس ای پیامبر! چون بعضی از مسلمانان برای پاره نیازهای‌شان از تو اجازه خواستند، به هر کس از آنان‌که خواستی اجازه بده که دنبال حاجت خویش رود. و از خدا بخواه که بر آنان بیامرزد زیرا او بر بندگانش پس آمرزگار است و بر ایشان رحمت و رضوان باز می‌گردد.

﴿لَّا تَجۡعَلُواْ دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ بَيۡنَكُمۡ كَدُعَآءِ بَعۡضِكُم بَعۡضٗاۚ قَدۡ يَعۡلَمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمۡ لِوَاذٗاۚ فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٦٣﴾.

ای مؤمنان! پیامبر را به نام مجرّدش ندا نکنید آنگونه که همدیگر را ندا می‌کنید. از این رو چنین نگویید: ای محمّد! بلکه او را با احترام و تعظیم یاد کرده و بگویید: یا نبی الله! یا رسول الله! و خداوند أ به منافقانی که پنهانی و دزدانه بدون اجازه پیامبر ج بیرون می‌روند و بعضی در پناه بعضی دیگر می‌گریزند داناست. پس باید مخالفان امر پیامبر ج از این امر که بلا یا فتنه‌ای در دین‌شان دامنگیرشان شود بترسند؛ این بلا و فتنه همانا انحراف و کژروی از شاهراه هدایت است یا باید از این امر که عذابی سخت و پردرد در آتش جهنم به آنان برسد بیمناک باشند.

﴿أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ قَدۡ يَعۡلَمُ مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ وَيَوۡمَ يُرۡجَعُونَ إِلَيۡهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُواْۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمُۢ ٦٤﴾.

آگاه و هشیار باشید که مالکیت، کارگردانی و تدبیر هر چه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداوند متعال است. علم وی به همه امور پیدا و پنهان‌تان احاطه دارد. هیچ امر نهانی از اعمال و احوال شما بر وی پنهان نیست. و روز حساب که مردم به سوی وی بازگردند آنان را از اعمال‌شان خبرداده و بر آنچه تقدیم کرده‌اند جزای‌شان می‌دهد. آری! خداوند أ به همه چیز داناست؛ آشکار و نهان را دانسته و علمش به همه چیز فراگیر است.

سورۀ فرقان

مکی است؛ ترتیب آن 25؛ شمار آیات آن 77

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡفُرۡقَانَ عَلَىٰ عَبۡدِهِۦ لِيَكُونَ لِلۡعَٰلَمِينَ نَذِيرًا ١﴾.

خیر حق‌تعالی بسیار و برکاتش بس بزرگ است؛ فضایلش بس خجسته، اوصافش بس کامل و احسانش عام و فراگیر است که قرآن کریم را به عنوان کتاب جدا کنندۀ حق از باطل و هدایت از گمراهی، بر بنده و پیامبر امّیش محمد ج نازل کرد تا آن حضرت ج پیامبر خاتمش برای ثقلین (انس و جنّ) بوده و آنان را از خشم و عذاب و کیفر دردناکش بیم دهند.

﴿ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا ٢﴾.

همان ذات متعالی که ملک آسمان‌ها و زمین در آفرینش، فرمانروایی و تدبیر از آن اوست؛ همو که فرزندی ندارد زیرا نه کسی را زاده و نه هم زاده شده است؛ همو که به یگانگی خلق را آفریده و هیچ‌کس با وی در این امر مشارکت نداشته است. پس چون وی را در ملکش شریکی نیست، بدین جهت سزاوار عبودیّت است و معبودی جز وی وجود ندارد. اوست که خلق را به استوارترین شیوه و کامل‌ترین شکل آفریده است؛ از صورت‌گری خلق، تا برنامه ریزی به اندازه و تدبیر آن و تا کارگردانی امور آن، همه را بر پایه حکمت، استواری، نظم و انسجام قرار داده است. بنابراین در آفرینش و صنع و در حکم و شرعش هیچ‌گونه عیب، نقص یا خللی وجود ندارد. پاکا که تویی ای آفریدگار بزرگ!

﴿وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗ لَّا يَخۡلُقُونَ شَيۡ‍ٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ وَلَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا وَلَا يَمۡلِكُونَ مَوۡتٗا وَلَا حَيَوٰةٗ وَلَا نُشُورٗا ٣﴾.

اما کفّار به جای خدای یگانه قهّار خدایانی را به پرستش گرفته‌اند که بر آفرینش هیچ چیز توانا نیستند، بلکه این خدای سبحان است که خود آن خدایان پنداری را آفریده است. همچنین خدایان دروغین‌شان نه منفعتی را برای خود و پرستش‌گران خویش جلب توانند کرد و نه زیانی را از آنان دفع، نه زنده‌ای را میرانده توانند، نه مرده‌ای را زنده توانند کرد و نه هم توانند کسی را از قبرش برانگیزند؛ زیرا آن‌ها موجوداتی جامد و بی‌جان و عاجز و ناتوان هستند.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ إِفۡكٌ ٱفۡتَرَىٰهُ وَأَعَانَهُۥ عَلَيۡهِ قَوۡمٌ ءَاخَرُونَۖ فَقَدۡ جَآءُو ظُلۡمٗا وَزُورٗا ٤﴾.

و کسانی که کفر ورزیده‌اند گفتند: قرآن دروغ و افترایی است که محمد ج آن را بر ساخته است و گروهی دیگر نیز وی را بر این کار یاری کرده‌اند! قطعاً با این نسبتی که دادند ستمی بزرگ، اشتباهی فاحش و غلطی آشکار به میان آوردند؛ زیرا قرآن حقّی بی‌شبهه از نزد خدای سبحان است. این کلام خود اوست که آن را بر پیامبرش محمد ج نازل کرده است.

﴿وَقَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٱكۡتَتَبَهَا فَهِيَ تُمۡلَىٰ عَلَيۡهِ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلٗا ٥﴾.

و کافران گفتند: قرآن افسانه‌هایی برساخته و سخنانی نوشته در کتاب‌های پیشینیان است که پیامبر ج آن را نسخه برداری نموده و همین نسخه‌ها، صبح و شام بر وی تکرار می‌شود!!

﴿قُلۡ أَنزَلَهُ ٱلَّذِي يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٦﴾.

ای پیامبر! به این گروه کافر بگو: بیشک تنها خدای یگانه است که قرآن را بر پیامبرش فرود آورده است. او ذاتی است که علم وی به همه چیز محیط است و هیچ رازی در آسمان‌ها و زمین از وی پنهان نمی‌ماند. او بر توبه کاران آمرزگار و بر باز آمدگان مهربان است. به عاصیان مهلت داده و به شتاب مجازات‌شان نمی‌کند و بر باز آمدگان به سوی خویش، به رحمت باز می‌گردد.

﴿وَقَالُواْ مَالِ هَٰذَا ٱلرَّسُولِ يَأۡكُلُ ٱلطَّعَامَ وَيَمۡشِي فِي ٱلۡأَسۡوَاقِ لَوۡلَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مَلَكٞ فَيَكُونَ مَعَهُۥ نَذِيرًا ٧﴾.

و کافران گفتند: چرا این مرد که دعوای نبوت می‌کند ـ منظورشان محمد ج است ـ مانند ما غذا می‌خورد و به خاطر داد و ستد به بازارها می‌رود؟ چرا خداوند أ با وی فرشته‌ای را بر نینگیخته است که وی را در سخنانش تصدیق نماید؟

﴿أَوۡ يُلۡقَىٰٓ إِلَيۡهِ كَنزٌ أَوۡ تَكُونُ لَهُۥ جَنَّةٞ يَأۡكُلُ مِنۡهَاۚ وَقَالَ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلٗا مَّسۡحُورًا ٨﴾.

یا چرا گنجی از آسمان بر وی نیامده تا از کار و کسب بی‌نیازش گرداند؟ یا چرا باغی خرم و رامشگر ندارد که از میوه‌های آن بهره گیرد؟ همچنین آن ستمگران به مؤمنان گفتند: شما جز مردمی افسون شده را که عقلش از بین رفته است پیروی نمی‌کنید!!

﴿ٱنظُرۡ كَيۡفَ ضَرَبُواْ لَكَ ٱلۡأَمۡثَٰلَ فَضَلُّواْ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ سَبِيلٗا ٩﴾.

تعجب‌کنان بنگر که چسان کافران این سخنان دروغین عجیب و غریب را بر زبان آوردند؟ سخنانی که از منتهای دوری از حق، گویی به مَثَل می‌ماند. آنان می‌خواهند تا بدین‌گونه تو را در دعوتت تکذیب نمایند؛ ولی بی‌گمان آن‌ها دورترین خلق از حق بوده و راهی به سوی آن نمی‌یابند که از ظلمت دروغ‌های برساخته خود بیرون آیند.

﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِيٓ إِن شَآءَ جَعَلَ لَكَ خَيۡرٗا مِّن ذَٰلِكَ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَيَجۡعَل لَّكَ قُصُورَۢا ١٠﴾.

برکات الهی بزرگ و خجسته، نامش مقدّس، فضایلش عام، خیرش بسیار و جلالش عظیم است؛ همان ذاتی که هرگاه بخواهد ـ ای پیامبر ـ بهتر از آنچه را که کافران نام بردند برایت ارزانی می‌دارد. آری! باغ‌های رامشگر و بوستان‌هایی فراخ برایت ارزانی می‌دارد که از میان آن‌ها جوی‌باران جاری است؛ جمال مناظر آن‌ها دلگشا و بها و رونق آن‌ها روح افزاست و در آن‌ها کاخ‌های وسیع و منازلی پر ابهت قرار دارد.

﴿بَلۡ كَذَّبُواْ بِٱلسَّاعَةِۖ وَأَعۡتَدۡنَا لِمَن كَذَّبَ بِٱلسَّاعَةِ سَعِيرًا ١١﴾.

ای پیامبر! کافران به این علت که تو غذا نمی‌خوری و در بازراها راه می‌روی، تکذیبت نکرده‌اند بلکه آن‌ها در حقیقت حساب و روز بازگشت را تکذیب کرده‌اند. و خداوند أ برای هر کس که رستاخیز را تکذیب کند آتشی همیشه فروزان آماده کرده است که اجسام‌شان را می‌سوزاند و چهرهایشان را بریان می‌کند.

﴿إِذَا رَأَتۡهُم مِّن مَّكَانِۢ بَعِيدٖ سَمِعُواْ لَهَا تَغَيُّظٗا وَزَفِيرٗا ١٢﴾.

چون در روز هنگامه بزرگ دوزخ کافران را از جایی دور ببیند، آن‌ها در حالی خشم و خروش و جوشش آن را می‌شنوند که بعضی از دوزخ بعضی دیگر آن را از شدّت غیظ علیه دشمنان خدا می‌خورد.

﴿وَإِذَآ أُلۡقُواْ مِنۡهَا مَكَانٗا ضَيِّقٗا مُّقَرَّنِينَ دَعَوۡاْ هُنَالِكَ ثُبُورٗا ١٣﴾.

و چون کافران را ـ در حالی که دستهای‌شان با زنجیرها به گردنهای‌شان است ـ در تنگنایی سخت از دوزخ بیندازند آن‌ها از شدّت هول و هراس فریاد می‌کشند: ای وای بر ما! ای مرگ بر ما! و چنین است که مرگ خویشتن را می‌طلبند.

﴿لَّا تَدۡعُواْ ٱلۡيَوۡمَ ثُبُورٗا وَٰحِدٗا وَٱدۡعُواْ ثُبُورٗا كَثِيرٗا ١٤﴾.

پس آن‌ها در دوزخ به زاری می‌‌گریند. به آنان گفته می‌شود: امروز یکبار مرگ خود را نخواهید بلکه آن را بارهای بسیار بخواهید؛ زیرا هرگز گرفتاری‌تان را گشایشی روی نمی‌دهد و ابداً غم و پریشانی‌تان از بین نمی‌رود.

﴿قُلۡ أَذَٰلِكَ خَيۡرٌ أَمۡ جَنَّةُ ٱلۡخُلۡدِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۚ كَانَتۡ لَهُمۡ جَزَآءٗ وَمَصِيرٗا ١٥﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: آیا آتش جهنمی که خداوند أ برای شما وصف کرده است بهتر از بهشت جاودانی است که حق‌تعالی به بندگان شایسته، با اخلاص و با انابت خود به پاداش عمل نیک‌شان وعده داده است تا قرارگاه ابدی و نعمت پایدار سرمدی ایشان باشد؟

﴿لَّهُمۡ فِيهَا مَا يَشَآءُونَ خَٰلِدِينَۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعۡدٗا مَّسۡ‍ُٔولٗا ١٦﴾.

هرچه این گروه ابرار اخلاص کیش در بهشت‌های پر ناز و نعمت بخواهند دارا می‌باشند؛ از هر آنچه که دل‌های‌شان بدان کشش یابد، چشم‌های‌شان را بنوازد و جان‌های‌شان را به خرمی و طراوت آورد. ورود این گروه ابرار به بهشت جاودان، وعده‌ای از سوی خدای سبحان است که بندگان بر گزیده با تقوایش تحقق آن را از وی می‌طلبند.

﴿وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنتُمۡ أَضۡلَلۡتُمۡ عِبَادِي هَٰٓؤُلَآءِ أَمۡ هُمۡ ضَلُّواْ ٱلسَّبِيلَ ١٧﴾.

خدای متعال کافران را با درختان و سنگ‌هایی که می‌پرستیدند. یکجا محشور می‌سازد. سپس از آن معبودان باطل می‌پرسد: آیا شما بودید که بندگانم را از شاهراه هدایت به بیراهه کشانده و ایشان را به سوی پستی و گمراهی فرا خواندید؟ یا که آن‌ها خود از راه هدایت منحرف شدند و بی‌آنکه شما دستورشان دهید به پرستش‌تان گرفتند؟

﴿قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ مَا كَانَ يَنۢبَغِي لَنَآ أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنۡ أَوۡلِيَآءَ وَلَٰكِن مَّتَّعۡتَهُمۡ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ نَسُواْ ٱلذِّكۡرَ وَكَانُواْ قَوۡمَۢا بُورٗا ١٨﴾.

خدایان پنداری می‌گویند: پروردگارا! ما تو را از کار زشت و ننگین این گروه مشرک، تنزیه و تقدیش می‌کنیم؛ تو برتر و والاتر از آنی که ما به جای تو مورد پرستش قرار گیریم یا ما جز تو دوستانی بگریم؛ ولی تو خود این گروه کافر را از انواع نعمت‌ها ـ همچون مال، جاه، فرزندان، سلامتی و تندرستی برخوردار گردانیدی تا بدانجا که دینت را فراموش کرده و از یادت غافل شدند. آنان در حقیقت قومی هلاک شده بودند که خواری و خذلان از طاعت رحمان بازشان داشت، در نتیجه دچار زیان و خسران شدند.

﴿فَقَدۡ كَذَّبُوكُم بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسۡتَطِيعُونَ صَرۡفٗا وَلَا نَصۡرٗاۚ وَمَن يَظۡلِم مِّنكُمۡ نُذِقۡهُ عَذَابٗا كَبِيرٗا ١٩﴾.

پس به کافران گفته می‌شود: اینک آن خدایان‌تان که به ناروا مورد پرستش قرار داده‌اید، شما را در ادعا و افترای‌تان تکذیب کرده‌اند در نتیجه شما اکنون نه توان آن را دارید تا خود را از عذاب برهانید و نه اینکه به خود یاری برسانید. قطعاً هر کس بر کفر بمیرد و به علت شرک ورزی بر خویشتن ستم کند، او را در آتش جهنم عذاب سختی است.

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ إِلَّآ إِنَّهُمۡ لَيَأۡكُلُونَ ٱلطَّعَامَ وَيَمۡشُونَ فِي ٱلۡأَسۡوَاقِۗ وَجَعَلۡنَا بَعۡضَكُمۡ لِبَعۡضٖ فِتۡنَةً أَتَصۡبِرُونَۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرٗا ٢٠﴾.

ای پیامبر! پیش از تو نیز خداوند أ هیچ پیامبری را نفرستاده جز اینکه آن پیامبر از بشر بوده است نه از فرشتگان. همچنان که پیامبران نیز مانند دیگر افراد بشر هم غذا می‌خوردند و هم در بازارها راه می‌رفتند. و خداوند أ بعضی از بشر را برای بعضی دیگر به وسیله ایمان و کفر، توانگری و فقر، سلامتی و بیماری، عافیت و بلا؛ مایه آزمون و امتحانی قرار داده است که آیا بر آنچه مقدّر کرده، شکیبایی می‌ورزید و در نتیجه وی را آنگونه که سزاوار پرستش اوست عبادت می‌کنید، به اوامرش عمل کرده و نواهیش را فرو می‌گذارید یا خیر؟ پس خوشا به حال بنده‌ای که وقتی بر وی نعمتی ارزانی شود شکر نموده، آنگاه که به مصیبتی مبتلا شود صبر می‌کند و هرگاه که مرتکب گناه و خطایی شد آمرزش می‌طلبد. این همان کسی است که به حقوق عبودیّت آنگونه که شایسته آن است قیام کرده و به شرف ولایت رسیده است. و پروردگارت به کسانی که در مصایب بی‌قرار یا شکیبا هستند و به کسانی که ناسپاس یا شکرگزار می‌باشند، بیناست.

﴿۞وَقَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَوۡ نَرَىٰ رَبَّنَاۗ لَقَدِ ٱسۡتَكۡبَرُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ وَعَتَوۡ عُتُوّٗا كَبِيرٗا ٢١﴾.

کافرانی که به لقای خدای ﻷ در روز قیامت باور نداشته و آن موعد را انتظار نمی‌برند گفتند: چرا خداوند أ فرشتگان را بر ما نازل نکرد تا بر راستگویی پیامبرش ج گواهی دهند؟ چرا پروردگار خود را به چشم سر نمی‌بینیم تا پیام رسالت را از خود وی بشنویم؟ قطعاً این گروه بد کار، بسیار از خود راضی و در تجاوز از حدّ بسی طغیانگر و سرکش اند؛ زیرا برای خویش مقام و منزلتی را خواستند که اصلاً شایستگی‌اش را ندارند.

﴿يَوۡمَ يَرَوۡنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ لَا بُشۡرَىٰ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُجۡرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجۡرٗا مَّحۡجُورٗا ٢٢﴾.

و آنگونه که کافران در خواست کردند به زودی در روز قیامت فرشتگان را خواهند دید اما نه برای آنکه به بهشت بشارت داده شوند بلکه به آنان خبر داده می‌شود که بهشت بر آنان حرام است و ابداً وارد آن ساخته نمی‌شوند.

﴿وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ مَّنثُورًا ٢٣﴾.

و به آن اعمالی که در دنیا انجام داده‌اند و در نمای بیرونی خود چنان می‌نماید که اعمال خیر و صلاح و نیکی و تقوی است، می‌پردازیم و آن را نابود و مضمحل می‌گردانیم و به گونه‌ای که همانند گردی پراکنده در هوا ـ یعنی همان ذرات غباری که در شعاع خورشید مشاهده می‌کنیم ـ هیچ اثر، نفع و سودی برای‌شان دربر ندارد؛ از آن جهت که عمل جز به دو شرط پذیرفتنی نیست: که یکی از آن‌ها اخلاص و دیگری، متابعت از خط شریعت می‌باشد. بنابراین هر عمل پذیرفته شده‌ای لابد دو برچسب استاندارد را باید داشته باشد تا مورد قبول قرار گیرد؛ یکی اینکه خالصانه برای رضای حق‌تعالی انجام گرفته باشد ـ یعنی برچسب اخلاص ـ و دیگر اینکه منطبق با سنّت رسول الله ج باشد ـ یعنی برچسب متابعت.

﴿أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ يَوۡمَئِذٍ خَيۡرٞ مُّسۡتَقَرّٗا وَأَحۡسَنُ مَقِيلٗا ٢٤﴾.

اصحاب بهشت در آخرت جایگاه بهتر و منزلتی نیکوتر دارند؛ آن‌ها در بهشت از نعمت و سرور و بهجت و نور برخوردارند. نه رنجی دارند، نه خستگی‌ای، نه ترسی، نه اندوهی، نه زحمتی و نه گرفتاریی.

﴿وَيَوۡمَ تَشَقَّقُ ٱلسَّمَآءُ بِٱلۡغَمَٰمِ وَنُزِّلَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ تَنزِيلًا ٢٥﴾.

و روز قیامت را به یاد آورد که در آن آسمان شکافته شده و از شکاف‌های آن، ابر سپید رقیقی بیرون می‌آید و خدای متعال فرشتگان را فرود می‌آورد و ایشان در عرصات قیامت بر مردم احاطه می‌کنند.

﴿ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡحَقُّ لِلرَّحۡمَٰنِۚ وَكَانَ يَوۡمًا عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ عَسِيرٗا ٢٦﴾.

فرمانروایی راستین در روز قیامت تنها برای خدای رحمان است. او در این موقف حاکم و مالک جزا می‌باشد و کسی دیگر با وی همراه نیست. آن روز به خاطر هول و هراس‌های بسیار و خطر عظیمی که دربر دارد بر کفّار بسیار سخت و دشوار است.

﴿وَيَوۡمَ يَعَضُّ ٱلظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيۡهِ يَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي ٱتَّخَذۡتُ مَعَ ٱلرَّسُولِ سَبِيلٗا ٢٧﴾.

یاد کن روزی را که کافر؛ یعنی همان کس که با شرک بر خویشتن ستم نموده، دستان خود را از روی پشیمانی و افسوس و حسرت و زیان زدگی می‌گزد و می‌گوید: ای کاش از پیامبر ج پیروی کرده و به هدایتش چنگ می‌زدم. ای کاش به پیامش ایمان آورده و به راهش پایبند می‌شدم.

﴿يَٰوَيۡلَتَىٰ لَيۡتَنِي لَمۡ أَتَّخِذۡ فُلَانًا خَلِيلٗا ٢٨﴾.

و انسان کافر در آن روز حسرت خوران می‌گوید: ای کاش فلان شخص کافر را به دوستی نگرفته، گوهر اخلاص و محبّت و سرمایه انس و الفت را به پای آن پلید نمی‌ریختم؛

﴿لَّقَدۡ أَضَلَّنِي عَنِ ٱلذِّكۡرِ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَنِيۗ وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لِلۡإِنسَٰنِ خَذُولٗا ٢٩﴾.

به راستی آن دوست کافر بود که مرا از قرآن ـ پس از آنکه از سوی پیامبر ج به من رسید ـ به بیراهه کشانده بود. قطعاً از خوی و صفت شیطان است که انسان را در هر حال خوار می‌سازد.

این هشداری است در مورد همدمی و همراهی با اشرار و دوستی بافجّار؛ زیرا چه بسا آنان رفیق خود را به پرتگاه نار و خشم خدای جبّار وارد کنند.

﴿وَقَالَ ٱلرَّسُولُ يَٰرَبِّ إِنَّ قَوۡمِي ٱتَّخَذُواْ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ مَهۡجُورٗا ٣٠﴾.

و پیامبر ج شکوه کنان از اعمال قومش گفت: پروردگارا! در حقیقت قومم از قرآن بر گردانده و آن را در تصدیق، تلاوت، تدبّر، عمل، تبلیغ و مرجع داوری رها کرده‌اند و فرو گذاشته‌اند. این هشداری است در مورد فرو گذاشتن قرآن. البته مردم هم اکنون در این امر بر درجاتی متفاوت قرار دارند و هر کس بر حسب حالش به قرآن جفا روا می‌دارد.

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّٗا مِّنَ ٱلۡمُجۡرِمِينَۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيٗا وَنَصِيرٗا ٣١﴾.

و آنگونه که خداوند أ برای محمد ج از اشرار قومش دشمنانی قرار داده است، قبل از وی نیز برای هر پیامبر از اشرار اقوام‌شان دشمنانی قرار داده بود. پس بر پیامبر ج است که شکیبایی ورزد آنسان که ایشان شکیبایی ورزیدند. همین بس که خداوند أ راهبر و راهنمای دوستانش بوده، ایشان را به راه صواب دلالت می‌نماید و همین بس که او علیه دشمنان، یاورشان است. پس ولایت با هدایت حاصل است و حمایت و یاری، با پیروزی و نصرت.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ عَلَيۡهِ ٱلۡقُرۡءَانُ جُمۡلَةٗ وَٰحِدَةٗۚ كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِۦ فُؤَادَكَۖ وَرَتَّلۡنَٰهُ تَرۡتِيلٗا ٣٢﴾.

کافران گفتند: چرا قرآن بسان کتاب‌های پیشین، یکجا بر محمد ج نازل نشده است؟ حقیقت این است که خداوند أ قرآن را بر پیامبرش به تدریج و بخش بخش نازل کرده است تا قلب پیامبرش را نیرومند و استوار گردانیده، وی را به آهستگی تربیت نماید و در عین حال بر طمأنینه و تدبّرش در کتاب مولایش بیفزاید. همانا خداوند أ کتابش را برای پیامبرش در یک آهنگ با ثبات و یک روند زمان بر تبیین نموده است.

این آیه بر لزوم تدبّر در قرآن، عنایت و اهتمام به آن و دریافت تدریجی آن دلالت دارد تا در دل‌ها رسوخ یافته و موجب بهره‌مندی صحیح انسان مؤمن گردد.

﴿وَلَا يَأۡتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ وَأَحۡسَنَ تَفۡسِيرًا ٣٣﴾.

ای پیامبر! و کافران سخن یا حجّتی برایت نمی‌آورند مگر اینکه خداوند أ پاسخی استوار که در اسلوب و بیان از سخنان‌شان نیکوتر و شیواتر و در دلیل و برهان، از آن استوارتر و نیرومندتر می‌باشد، برایت آورده است.

﴿ٱلَّذِينَ يُحۡشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُوْلَٰٓئِكَ شَرّٞ مَّكَانٗا وَأَضَلُّ سَبِيلٗا ٣٤﴾.

این گروه کفّار بر چهره‌های‌شان به دوزخ کشانده می‌شوند؛ از آن‌رو که به یگانه قهّار کفر ورزیده‌اند. آنان نزد خدا بدترین خلق، دورترین آن‌ها از نظر رشد و پست‌ترین آن‌ها در امر گمراهی و انحراف اند.

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلۡنَا مَعَهُۥٓ أَخَاهُ هَٰرُونَ وَزِيرٗا ٣٥﴾.

به یقین خداوند أ تورات را به موسی ÷ داد و برادرش هارون ÷ را نیز با وی همراه گردانید تا وی را بر تکالیف رسالت یاری نماید.

﴿فَقُلۡنَا ٱذۡهَبَآ إِلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا فَدَمَّرۡنَٰهُمۡ تَدۡمِيرٗا ٣٦﴾.

سپس خداوند أ به موسی و هارون دستور داد تا به سوی فرعون و قومش بروند. اما فرعون و کسانش راه راستی را تکذیب نموده، به حق کفر ورزیده برهان‌های ربوبیّت را انکار و ادله الوهیّت را بی‌اعتبار شمردند. در نتیجه خداوند أ آنان را از صحنه روزگار برانداخت و عبرتی برای عبرت اندوزان گردانید.

﴿وَقَوۡمَ نُوحٖ لَّمَّا كَذَّبُواْ ٱلرُّسُلَ أَغۡرَقۡنَٰهُمۡ وَجَعَلۡنَٰهُمۡ لِلنَّاسِ ءَايَةٗۖ وَأَعۡتَدۡنَا لِلظَّٰلِمِينَ عَذَابًا أَلِيمٗا ٣٧﴾.

و خداوند أ قوم نوح ÷ را ـ آنگاه که کفر ورزیدند ـ به وسیلۀ طوفان نابود ساخت. و هر کس پیامبری را تکذیب نماید، گویی تمام پیامبران را تکذیب کرده است. خداوند أ غرق نمودن قوم نوح را اندرزی برای پند اندوزان گردانید و در آخرت نیز برای‌شان عذاب خفّت بار دردناکی را در آتش جهنم آماده ساخت.

﴿وَعَادٗا وَثَمُودَاْ وَأَصۡحَٰبَ ٱلرَّسِّ وَقُرُونَۢا بَيۡنَ ذَٰلِكَ كَثِيرٗا ٣٨﴾.

و خداوند أ عاد ـ قوم هود ÷، ثمود ـ قوم صالح ÷، اصحاب رسّ (چاه) و امت‌های بسیار دیگر را که در فاصله میان امّت‌های یاد شده به سر می‌بردند و جز خدا هیچ‌کس از حال آن‌ها آگاهی ندارد، نابود گردانید؛ زیرا آن‌ها طغیان و سرکشی پیشه کردند؛ در نتیجه عذابی سخت گریبانگرشان شد.

﴿وَكُلّٗا ضَرَبۡنَا لَهُ ٱلۡأَمۡثَٰلَۖ وَكُلّٗا تَبَّرۡنَا تَتۡبِيرٗا ٣٩﴾.

همچنان خدای متعال ادله حق را برای همه امّت‌های پیشین و پسین روشن ساخته، برهان‌ها را اقامه کرد و حجّت‌ها را برپا داشت تا هیچ عذر آوری بهانه‌‌‌ای پیش نیفکند. اما با وجود این بیان همه جانبه از سوی پروردگار رحمان، بازهم آن‌ها حق را تکذیب نموده و از شیطان پیروی کردند. پس حق‌تعالی آنان را به سختی گرفتار عذاب ساخت و از عرصه روز گار برانداخت.

﴿وَلَقَدۡ أَتَوۡاْ عَلَى ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلَّتِيٓ أُمۡطِرَتۡ مَطَرَ ٱلسَّوۡءِۚ أَفَلَمۡ يَكُونُواْ يَرَوۡنَهَاۚ بَلۡ كَانُواْ لَا يَرۡجُونَ نُشُورٗا ٤٠﴾.

یقیناً کفّار قریش در سفرهای تجارتی خود بر شهر قوم لوط (شهر سدوم) گذر کرده‌اند؛ همان شهری که اهالی‌اش با سنگ درهم تکانده و پاره پاره ساخته شدند. اما آن‌ها از دیدنی‌های خود درس عبرت نگرفته بلکه رستاخیز پس از مرگ را باور نمی‌کردند؛ از این رو آن‌ها در طغیان از حد گذشتند.

﴿وَإِذَا رَأَوۡكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا ٱلَّذِي بَعَثَ ٱللَّهُ رَسُولًا ٤١﴾.

ای پیامبر! و چون کافران تو را ببینند، تمسخر‌کنان می‌گویند: آیا این است همان کسی که ادعا می‌کند خدا وی را به سوی ما فرستاده است؟

﴿إِن كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنۡ ءَالِهَتِنَا لَوۡلَآ أَن صَبَرۡنَا عَلَيۡهَاۚ وَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ حِينَ يَرَوۡنَ ٱلۡعَذَابَ مَنۡ أَضَلُّ سَبِيلًا ٤٢﴾.

چیزی نمانده بود که این مدعی رسالت، ما را با نیروی برهان و انوار بیانش از پرستش بتان بازگرداند؛ لیکن ما بر پرستش آن‌ها ثابت قدم باقی ماندیم.

پس به زودی ـ آنگاه که عذاب جبّار بر کافران فرود آید ـ برای‌شان روشن خواهد شد که چه کسی رهرو راه رشد و هدایت بوده و چه کسی گمراه است؟ آن‌ها یا پیامبر اکرم ج؟!

﴿أَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيۡهِ وَكِيلًا ٤٣﴾.

ای پیامبر! بنگر و از حال کسانی در شگفت باش که هوای نفس خود را مانند طاعت الله أ به پیروی گرفته‌اند، پرستش مولای خود را ترک نموده و از شیطان که گمراه‌شان کرده است پیروی کرده‌اند. آیا تو می‌توانی آنان را از گمراهی باز داشته، به سوی هدایت بر گردانی و ضامن و وکیل آنان باشی؟

﴿أَمۡ تَحۡسَبُ أَنَّ أَكۡثَرَهُمۡ يَسۡمَعُونَ أَوۡ يَعۡقِلُونَۚ إِنۡ هُمۡ إِلَّا كَٱلۡأَنۡعَٰمِ بَلۡ هُمۡ أَضَلُّ سَبِيلًا ٤٤﴾.

آیا می‌پنداری که بیشتر کافران آیات قرآن را به سمع قبول و بهره‌گیری می‌شنوند، یا عبرت‌ها و اندرزهایی را که در آن است می‌فهمند؟ آن‌ها در نفهمی و بهره‌ نگرفتن از آنچه می‌شنوند بسان ستوران، بلکه از ستوران نیز گمراه‌تراند؛ زیرا آن‌ها از عقل و خردی که بهره‌گیری از آن را به تعطیل کشانده‌اند بر خوردار می‌باشند؛ به خلاف چهارپایان که اساساً عقلی برای تفکر و تأمّل ندارند!!

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيۡفَ مَدَّ ٱلظِّلَّ وَلَوۡ شَآءَ لَجَعَلَهُۥ سَاكِنٗا ثُمَّ جَعَلۡنَا ٱلشَّمۡسَ عَلَيۡهِ دَلِيلٗا ٤٥﴾

آیا ندیدی که خداوند أ چسان سایه هر چیز را از طلوع بامداد تا طلوع خورشید گسترانده است؟ اگر او می‌خواست آن سایه را چنان ثابت و ساکن می‌گردانید که طلوع خورشید نتواند آن را تغییر دهد اما او خورشید را نشانه‌ای گردانید که بدان بر احوال سایه راه برده می‌شود.

﴿ثُمَّ قَبَضۡنَٰهُ إِلَيۡنَا قَبۡضٗا يَسِيرٗا ٤٦﴾.

سپس آن سایه اندک اندک دامن برمی‌چیند و هر قدر که خورشید بالا رود، کاستی سایه هم فزونی می‌گیرد. بدون شک این برهانی است تابان بر قدرت خدای رحمان و بر اینکه فقط او سزاوار آن می‌باشد تا از سوی انس و جنّ به نیایش خوانده شود.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا وَٱلنَّوۡمَ سُبَاتٗا وَجَعَلَ ٱلنَّهَارَ نُشُورٗا ٤٧﴾.

و تنها خداوند أ است که شب را برای شما آفرید که خود را به تاریکی آن می‌پوشانید آنگونه که خود را به لباس درمی‌پوشانید. و اوست که خواب را راحت‌بخش بدن‌های‌تان و انقطاعی دوره‌ای برای کسب و کارتان گردانید در حالی که روز را بدین منظور آفرید تا در آن برای کار و کسب روزی، گشت‌و‌گذار کنید.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ ٱلرِّيَٰحَ بُشۡرَۢا بَيۡنَ يَدَيۡ رَحۡمَتِهِۦۚ وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ طَهُورٗا ٤٨﴾.

و تنها خداوند أ است که بادها را فرستاد تا ابرها را برداشته و با قدوم خویش، مردم را نوید باران دهند. و خداوند أ از ابر، آبی فرو فرستاد که مردم در غسل و وضو، خود را بدان پاک می‌سازند.

﴿لِّنُحۡـِۧيَ بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗا وَنُسۡقِيَهُۥ مِمَّا خَلَقۡنَآ أَنۡعَٰمٗا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرٗا ٤٩﴾.

تا خداوند أ پس از آنکه زمین مرده بود و هیچ رویشی در آن وجود نداشت، رویاندن گیاه سبز را به وسیله آب، بهره بخش انسان و حیوان قرار دهد. بناء این خداوند أ است که زمین خشک را به وسیله آب به چمنزاری سبز تبدیل می‌کند و خلق بسیاری از انسان و حیوان را با آن سیراب می‌سازد.

﴿وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَٰهُ بَيۡنَهُمۡ لِيَذَّكَّرُواْ فَأَبَىٰٓ أَكۡثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورٗا ٥٠﴾.

در حقیقت خدای متعال باران را از سرزمینی به سرزمینی دیگر متحوّل گردانیده، برخی را از آن آب رسانیده و برخی دیگر را از آب باز داشته است تا بندگان نعمتش بر خود را یاد کرده و در نتیجه وی را شکر گزارند و چنان‌چه باران را از آنان بازداشت، وی را به توبه و استغفار یاد کنند. ولی بیشتر مردم راهی جز انکار و ناسپاسی به نشانه‌ها و نعمت‌های الله أ را نپذیرفتند؛ چنان‌که نزول باران را به فلان و فلان ستاره نسبت دادند.

﴿وَلَوۡ شِئۡنَا لَبَعَثۡنَا فِي كُلِّ قَرۡيَةٖ نَّذِيرٗا ٥١﴾.

و اگر خدا أ می‌خواست یقیناً در هر شهر پیامبری می‌فرستاد که مردم را به سوی توحید فراخوانده و از عذاب الهی بیم دهد. لیکن او محمد ج را به سوی همه جهانیان فرستاده و رسالتش را عام و فراگیر گردانید.

﴿فَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَجَٰهِدۡهُم بِهِۦ جِهَادٗا كَبِيرٗا ٥٢﴾.

پس ای پیامبر! از کافران در ترک چیزی از امر تبلیغ که حق‌تعالی تو را بدان دستور داده است، اطاعت نکن و چیزی از پیام الله أ را پنهان نساز بلکه در دعوت و نصیحت سخت بکوشی و به وسیله این قرآن با کافران به جهادی بزرگ که هیچ گسست و سستی‌ای در آن نباشد، بپرداز.

﴿۞وَهُوَ ٱلَّذِي مَرَجَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ هَٰذَا عَذۡبٞ فُرَاتٞ وَهَٰذَا مِلۡحٌ أُجَاجٞ وَجَعَلَ بَيۡنَهُمَا بَرۡزَخٗا وَحِجۡرٗا مَّحۡجُورٗا ٥٣﴾.

و تنها خداوند أ است که دو دریا را طوری با هم درآمیخت که این یکی شیرین و زلال است و مردم از آن می‌نوشند و آن یکی بس شور و تلخ مزه است که قابل نوشیدن نیست. و اوست که در میان دو دریا مانع و پرده‌ای استوار قرار داد که هر کدام را از آمیزش با دیگری بازمی‌دارد؛ به طوری که نه آب این دریا به آن می‌رسد و نه آب آن دریا به این، بلکه هر دریا بر طبیعت مخصوص خود باقی می‌ماند.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ مِنَ ٱلۡمَآءِ بَشَرٗا فَجَعَلَهُۥ نَسَبٗا وَصِهۡرٗاۗ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرٗا ٥٤﴾.

و تنها خداوند أ است که از آب منی مرد و زن، انسان‌هایی از مردان و زنان آفرید و در میان ایشان نزدیکی نسبی و ـ از راه خویشاوندی ـ نزدیکی سببی قرار داد. البته خداوند أ بر آفرینش هر چه که بخواهد توناست و هیچ بر گرداننده‌ای برای حکمش وجود ندارد.

﴿وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُهُمۡ وَلَا يَضُرُّهُمۡۗ وَكَانَ ٱلۡكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِۦ ظَهِيرٗا ٥٥﴾.

اما با وجود روشنی و کثرت این برهان‌ها و همچنان دلالت آن‌ها بر قدرت حق تعالی، بازهم کافران ـ جز خدای یگانه قهّار ـ هر چه را از درختان و سنگ‌ها که خواستند به پرستش گرفتند؛ بتانی را که نه جلب کننده نفعی هستند و نه دفع کننده زیانی. در واقع انسان کافر، شیطان را بر دشمنی با خدا و پرستش غیروی یاری و پشتیبانی می‌کند و دیگر شیاطین انسی و جنّی را نیز بر نافرمانی حق‌تعالی مدد می‌رساند.

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا مُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ٥٦﴾.

خداوند أ پیامبرش ج را جز بشارتگر بندگان صالحش به بهشت‌های پر ناز و نعمت و بیم دهنده دشمنان کافرش به عذاب جحیم، نفرستاده است.

﴿قُلۡ مَآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍ إِلَّا مَن شَآءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا ٥٧﴾.

ای پیامبر! به مردم بگو: من از شما در قبال دعوت خود مزدی نمی‌طلبم زیرا پاداشم بر خداوند متعال است لیکن هر کس می‌خواهد تا به خدا أ ایمان آورده، از پیامبرش ج پیروی کند و در راه خدا صدقه دهد بداند که ثوابش نزد وی برایش محفوظ بوده و خیر این کارها به خودش برمی‌گردد.

﴿وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡحَيِّ ٱلَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِهِۦۚ وَكَفَىٰ بِهِۦ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًا ٥٨﴾.

و در تمام امورت بر یکتای یگانه تکیه کن. کار را بدو بسپار، به دوستی او اعتماد کن، او را از عیب و نقص تنزیه نموده و به صفات کمال و مجد، ستایش کن. همین بس که خدای سبحان بر گناهان بندگانش اگاه است و هیچ چیز بر او پنهان نمی‌ماند؛ زیرا او اعمال خلق را به شمار آورده و به زودی آن‌ها را در قبال آن محاسبه خواهد کرد.

﴿ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ ٱلرَّحۡمَٰنُ فَسۡ‍َٔلۡ بِهِۦ خَبِيرٗا ٥٩﴾.

تنها خداوند أ است که آسمان‌ها و زمین و مابین آن‌ها را آفرید و تنها اوست که مالک هر مخلوقی است. پس تدبیر مطلق از آن اوست. او این آفرینش را در شش روز سامان داد و سپس بر عرش خویش یعنی بر فراز آن، به چنان علو و ارتفاعی که شایسته جلال وی است، استوار یافت. و اوست ذات رحمانی که رحمتش عام، خیرش در فیضان و جوشش و دریای جود و کرمش در همه جا گسترده است. پس ای پیامبر! در مورد این صفات کمال و ذات ذوالجلال، از کسی خبره و آگاه بپرس؛ و او کسی جز خود خدای سبحان نیست؛ زیرا اوست که به صفات کمال و عظمت و جلالی که بر وی واجب است، داناست.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱسۡجُدُواْۤ لِلرَّحۡمَٰنِ قَالُواْ وَمَا ٱلرَّحۡمَٰنُ أَنَسۡجُدُ لِمَا تَأۡمُرُنَا وَزَادَهُمۡ نُفُورٗا۩ ٦٠﴾.

و چون از کافران خواسته شود که تنها برای الله أ سجده کنید؛ همو که رحمان است و رحمتش عام و فراگیر می‌باشد، آن‌ها این حقیقت را انکار نموده، از سجده عبودیّت برایش ابا می‌ورزند و می‌گویند: ما «رحمان» را نمی‌شناسیم! چسان ما را برای اطاعت از فرمان خود، به سجده دستور می‌دهی؟ بدین‌گونه است که درخواست پیامبر ج از ایشان به سجده برای حق تعالی، بر کبر و گردنکشی‌شان می‌افزاید.

﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِي جَعَلَ فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجٗا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَٰجٗا وَقَمَرٗا مُّنِيرٗا ٦١﴾.

برکات الله أ بزرگ، نامش مقدّس، جلالش خجسته و خیرش بسیار است؛ زیرا اوست که در آسمان ستارگانی را آفرید که منازل و برج‌هایی عظیم دارند و در آن خورشیدی روشنگر و ماهی نوربخش و تابان قرارداد. بیشک این‌ها همه بر عظمت، قدرت و یگانگی الله أ دلالت می‌کند.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ خِلۡفَةٗ لِّمَنۡ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوۡ أَرَادَ شُكُورٗا ٦٢﴾.

و تنها باری‌تعالی آفریننده شب و روز در هیئتی است که هریک از آن‌ها بعد از دیگری می‌آید و جانشین آن است؛ با نظامی دقیق و استوار و حکمتی متین و نهایت پایدار. البته در این امر دلالتی است روشن بر عظمت و حکمت آفریدگار؛ برای کسی که بخواهد پند گیرد، تدبّر نماید و خدای ﻷ را در قبال احسان‌هایش سپاس گذاشته و بر نعمت‌هایش حمد و ثنا گوید.

﴿وَعِبَادُ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلَّذِينَ يَمۡشُونَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ هَوۡنٗا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلۡجَٰهِلُونَ قَالُواْ سَلَٰمٗا ٦٣﴾.

بندگان با تقوا و نیک خداوند أ کسانی اند که چون بر زمین راه روند؛ با تواضع، آرامش و نرمی گام برمی‌دارند. و چون نابخردان سفیه با ایشان به زشتی سخن گویند، به نرمی و لطف و ملایمت و گفتار زیبا پاسخ می‌دهند؛ چنان پاسخی که در آن هم از گناه و هم از آزار آن شخص نادان به سلامت مانند. از آن روی که خدای سبحان ایشان را در راه رفتن، در سخن گفتن، در معامله با مردم و در سایر احوال‌شان ادب نیک آموخته است.

﴿وَٱلَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمۡ سُجَّدٗا وَقِيَٰمٗا ٦٤﴾.

و ایشان‌ اند که شب را در نماز و تلاوت و دعا و گریه؛ زاری‌کنان و خاشع، فروتن و آرام، در حال سجده و قیام به روز می‌آورند.

﴿وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱصۡرِفۡ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَۖ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ٦٥﴾.

ایشان وصف کثرت عبادت و اخلاص و سخت کوشی در طاعت اما از عذاب خداوند أ نگران‌اند. بی‌گمان عذاب خداوند أ گریبانگیر کسانی است که سزاوار آن می‌باشند؛ همان‌سان که طلبکار گریبانگیر قرضدارش می‌باشد تا حقّ خویش را از وی بازستاند.

﴿إِنَّهَا سَآءَتۡ مُسۡتَقَرّٗا وَمُقَامٗا ٦٦﴾.

بی‌گمان جهنم بسیار بد اقامتگاه و بسیار بد قرار گاهی است؛ عذاب آن چه سخت و گرفتاری و بلای آن چه سنگین و سهمگین است ـ پناه بر خدا أ از آن محنت سرا.

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمۡ يُسۡرِفُواْ وَلَمۡ يَقۡتُرُواْ وَكَانَ بَيۡنَ ذَٰلِكَ قَوَامٗا ٦٧﴾.

آن گروه مؤمنان با تقوی چون از اموال خویش انفاق کنند، راهی میانه و معتدل را در پیش می‌گیرند؛ نه در انفاق اسراف و ولخرجی می‌کنند و نه در بخشش، بخل و تنگ چشمی می‌ورزند بلکه شیوه ایشان میانه روی میان اسراف و بخل است. سیرت‌شان چه زیبا و راه و روش‌شان چه رعناست!! به راستی که آنان در هر حال دنبال کننده صراط مستقیم اند.

﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَدۡعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقۡتُلُونَ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَلَا يَزۡنُونَۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ يَلۡقَ أَثَامٗا ٦٨﴾.

همچنان ایشان کسانی اند که به خدای متعال شریک نیاورده، غیر او را نمی‌پرستند و جز او کسی را نمی‌خوانند بلکه فقط او را در عبودیّت یگانه و یکتا قرار می‌دهند. همچنان ایشان انسان بی‌گناه را که خداوند أ قتلش را حرام گردانیده است، جز به یکی از سه دلیل آتی نمی‌کشند: 1- کفر بعد از ایمان. 2- یا زنا بعد از احصان (همسرداری). 3- یا کشتن نفس به تجاوز و عدوان. همین‌گونه ایشان اعضای جنسی خود را از ارتکاب زنا نگهبانند و جز از راه حلال با همسران یا کنیزان خود نزدیکی نمی‌کنند. و هر کس چیزی از این گناهان کبیره را انجام دهد، خداوند أ وی را در آخرت به عذابی پر درد و نکبت بار مجازات خواهد کرد.

﴿يُضَٰعَفۡ لَهُ ٱلۡعَذَابُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَيَخۡلُدۡ فِيهِۦ مُهَانًا ٦٩﴾.

خداوند أ برای انجام دهنده این گناهان کبیره، عذاب روز قیامت را دو چندان می‌سازد و وی را در ذلّت و حقارت، زمانی دراز در عذاب باقی می‌گذارد.

﴿إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلٗا صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّ‍َٔاتِهِمۡ حَسَنَٰتٖۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٧٠﴾.

لیکن کسی که از خطاها و گناهان خود به درگاه خدا أ توبه نصوح کرده، ایمانی راسخ آورد و سپس آن توبه و ایمان را با اعمال صالح دنبال کند، پس خداوند أ از خطاهایش در گذشته، بدی‌هایش را می‌بخشاید و آن را به حسنات تبدیل می‌کند. بدان شرط که از گناهانش کاملاً دست شسته و بر آنچه از وی گذشته است پشیمان باشد. و خدا بر توبه کاران بسیار آمرزگار و رحمتش بر بازآمدگان بسی وسیع است.

﴿وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَإِنَّهُۥ يَتُوبُ إِلَى ٱللَّهِ مَتَابٗا ٧١﴾.

و هر کس از ارتکاب گناهان توبه کرده و با انابت به سوی پروردگارش باز گردد و از اعمال شایسته بسیار انجام دهد بی‌گمان باز گشتش به سوی الله أ صحیح و توبه‌اش صادقانه است؛ بنابراین یقیناً او توبه‌اش را پذیرفته و گناهانش را به آب رحمت خود شستشو می‌دهد.

﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَشۡهَدُونَ ٱلزُّورَ وَإِذَا مَرُّواْ بِٱللَّغۡوِ مَرُّواْ كِرَامٗا ٧٢﴾.

همچنان آن گروه مؤمن پرهیزگار کسانی اند که بر دروغ گواهی نداده و به مجالس دروغ حاضر نمی‌شوند. پس ایشان نه دوزخ می‌گویند، نه دروغ می‌شنوند و نه به دوزخ راضی اند. و چون بر باطل‌گرایان و سبک مغزان و اهل لغو بگذرند، از این کارها روی گردانیده و وارستگی و پاکیزه منشی برمی‌گزینند. بناء نه با اهالی فساد و لغو و اراذل و اوباش درمی‌آمیزند و نه به کارهای‌شان راضی اند.

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ لَمۡ يَخِرُّواْ عَلَيۡهَا صُمّٗا وَعُمۡيَانٗا ٧٣﴾.

همچنان ایشان کسانی اند که چون به کلام خدا أ و کلام پیامبرش ج بیم و تذکر داده شوند، تقوا و خشوع ورزیده بیمناک می‌شوند، نه روی می‌گردانند و نه خود را چنان به تغافل می‌زنند که گویی گوش‌های‌شان از شنیدن، کر و چشم‌های‌شان از دیدن، کور است بلکه دل‌های‌شان هشیار، گوش‌های‌شان شنوا، دیده‌های‌شان پویا و بینا و حواس‌شان جوینده و بیدار است. ایشان با فروتنی و نرمی، مطیعانه و خاشعانه برای پروردگار خود سجده می‌کنند.

﴿وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبۡ لَنَا مِنۡ أَزۡوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعۡيُنٖ وَٱجۡعَلۡنَا لِلۡمُتَّقِينَ إِمَامًا ٧٤﴾.

و بالاخره ایشان کسانی اند که به بارگاه الله أ چنین دعا می‌کنند: پروردگارا! به ما از همسران و فرزندان‌مان، آن ببخش که پاک و پرهیزگار و شایسته و نیکوکار باشد. و ما را الگویی برای گزیدگان و مقتدایی برای پاکان و نیکان قرار ده که دیگران در خیر و فضیلت به ما اقتدا کنند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ يُجۡزَوۡنَ ٱلۡغُرۡفَةَ بِمَا صَبَرُواْ وَيُلَقَّوۡنَ فِيهَا تَحِيَّةٗ وَسَلَٰمًا ٧٥﴾.

خداوند أ این گروه از بندگان صالح را که به اوصاف زیبای یاد شده در این آیات موصوف اند با نیل‌شان و برترین درجات بهشت، گرامی می‌دارد. بدان جهت که هم بر طاعت صبر کردند، هم از گناهان و مخالفت‌ها شکیبایی ورزیدند و هم بر مقدّرات دردناک صابر بودند. و به زودی در بهشت برین با خوش آمد گویی‌ها، درودها، سلام و بشارت از سوی فرشتگان رو به رو می‌شوند همراه با زندگانیی مشحون از امنیّت، سلامت، بهجت و با شادمانیی پیوسته و مستدام.

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ حَسُنَتۡ مُسۡتَقَرّٗا وَمُقَامٗا ٧٦﴾.

آن گروه اولیای ابرار برای همیشه ابد در بهشت رضوان ماندگار اند بی‌آنکه بمیرند و از آن خارج شوند. سوگند به خدای ذوالجلال که بهشت چه خوش قرارگاه و چه خجسته منزلی است! جایگاهی که از بس زیبا و دلکش است، از آن خواهان انتقال نمی‌شوند؛ و از بس معطّر و پاکیزه است، هرگز طالب کوچیدن از آن نمی‌گردند. پس چه نیکوست اقامت در دارالسلام در جوار شاهنشاه ذوالجلال و الاکرام.

﴿قُلۡ مَا يَعۡبَؤُاْ بِكُمۡ رَبِّي لَوۡلَا دُعَآؤُكُمۡۖ فَقَدۡ كَذَّبۡتُمۡ فَسَوۡفَ يَكُونُ لِزَامَۢا ٧٧﴾.

خدای متعال چنین خبر می‌دهد که: اگر خلق وی را نخوانند و بندگان وی را نپرستند، او به آنان هیچ اعتنائی نداشته و هیچ بهایی قایل نیست. پس با دعای عبادت و دعای درخواست و مسالت است که باری‌تعالی عذاب را برداشته و ثواب را نازل می‌کند. و ای کافران! شما آیات یگانه قهار را تکذیب کردید پس به زودی عذاب خفّت‌بار بر شما آنگونه لازم خواهد شد که طلبکار، گریبانگیر قرضدارش می‌باشد. بنابراین نه عذاب از شما جدایی دارد و نه شما از عذاب.

سورۀ شعراء

مکی است؛ ترتیب آن 26؛ شمار آیات آن 227

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿طسٓمٓ ١﴾.

طا، سین، میم؛ از حروف مقطعه است که خداوند أ به مرادش از آن‌ها داناتر می‌باشد اما یقین داریم که در ورای این حروف، مقاصدی بزرگ و معانی بسیار شریف و والا نهفته است.

﴿تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ٢﴾.

این است آیه‌های قرآنی که روشنگر هر امر و توضیح بخش هر چیز است. قرآنی که در میان حقّ و باطل و رشد و گمراهی، خط فاصل کشیده است.

﴿لَعَلَّكَ بَٰخِعٞ نَّفۡسَكَ أَلَّا يَكُونُواْ مُؤۡمِنِينَ ٣﴾.

ای پیامبر! شاید تو از دلسوزی بسیار بر هدایت قومت و از شدّت حرص و اشتیاق بر ایمان امّتت که چرا به پیامت ایمان نیاورده و به دعوتت لبیک نگفته‌اند، جانت را هلاک گردانی. پس خود را هلاک نکن و کار را به پروردگارت بسپار.

﴿إِن نَّشَأۡ نُنَزِّلۡ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ءَايَةٗ فَظَلَّتۡ أَعۡنَٰقُهُمۡ لَهَا خَٰضِعِينَ ٤﴾.

اگر خدا أ بخواهد از آسمان بر کافران نشانه‌ای درخشان و معجزه‌ای تابان فرود می‌آورد تا آنان را به تصدیق ناچار گرداند به طوری که گردن‌های‌شان در برابر آن معجزه با ذلّت فروافتد. ولی حق‌تعالی این کار را از آن روی نخواسته است تا تصدیق به علم غیب، امری اختیاری باشد نه اجباری.

﴿وَمَا يَأۡتِيهِم مِّن ذِكۡرٖ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ مُحۡدَثٍ إِلَّا كَانُواْ عَنۡهُ مُعۡرِضِينَ ٥﴾.

و هیچ چیز نو از قرآن از سوی خدای رحمان بر کافران فرود نیامد تا به تدریج پند و تذکرشان داده و حقایق و اخبار را برای‌شان روشن و مبرهن گرداند، جز اینکه همواره از آن روی برتافته و فقط از سر عناد و استبکار، آن را نپذیرفتند.

﴿فَقَدۡ كَذَّبُواْ فَسَيَأۡتِيهِمۡ أَنۢبَٰٓؤُاْ مَا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٦﴾.

در حقیقت کافران قرآن را تکذیب نموده و آن را به مسخره گرفتند. پس به زودی هنگامی که عذاب بر آنان نازل شود، فرجام و جزای آنچه را که به عمل آورده‌اند خواهند دید.

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ كَمۡ أَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوۡجٖ كَرِيمٍ ٧﴾.

چگونه به خدای سبحان کفر ورزیده و به سوی زمین که آفریده وی است ننگریسته‌اند که چسان در آن از انواع رستنی‌ها و گونه گون میوه‌ها با تعدّد رنگ‌ها و تفاوت شکل‌ها رویانید؟ بی‌گمان این دلیلی رخشان بر قدرت خدای سبحان و شایستگی‌اش به یگانگی در امر عبودیّت می‌باشد.

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ٨﴾.

قطعاً در بیرون آوردن رستنی‌ها از زمین، برهانی است تابان بر یگانگی و کمال قدرت خدای منّان ـ مقدّس است نام و اوصافش ـ ولی با این حال، بیشتر مردم به آیاتش ایمان آور نبوده بلکه غالب‌شان کافر اند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ٩﴾.

در حقیقت پروردگار مالک، مدبّر و متصرّف تو همان ذاتی است که بر هر کس غالب، بر هر آفریده‌ای مسلط و شکست ناپذیر است. او ذات مهربانی است که رحمتش بر همه چیز گسترده و احسانش همه خلق و همه هستی را فرا گرفته است.

﴿وَإِذۡ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱئۡتِ ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٠﴾.

ای پیامبر! روزی را برای مردم یاد کن که خداوند أ موسای کلیمش را ندا در داد و به وی گفت: به سوی قومی برو که با کفر، بر خویشتن ستم کرده‌اند.

﴿قَوۡمَ فِرۡعَوۡنَۚ أَلَا يَتَّقُونَ ١١﴾.

آن ستمکاران قوم فرعون اند. پس به آنان بگو: آیا از عذاب خدا أ نمی‌ترسید و از خشمش پروا نمی‌کنید تا از گمراهی و فسادی که در لجنش قرار دارید بیرون آید؟

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ١٢﴾.

موسی ÷ به پروردگارش گفت: پروردگارا! من از آن می‌ترسم که فرعون و قومش تکذیبم کنند و دعوتم را نپذیرند.

﴿وَيَضِيقُ صَدۡرِي وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِي فَأَرۡسِلۡ إِلَىٰ هَٰرُونَ ١٣﴾.

و چون تکذیبم کنند از آن می‌ترسم که سینه‌ام از غم و نگرانی پر شود و زبانم از دعوت‌شان به سوی توحید بند آید. پس ای پروردگار متعال! جبرئیل ÷ را با پیک وحی به سوی برادرم هارون بفرست تا در ادای رسالت و تبلیغ دعوت، یار و یاورم باشد.

﴿وَلَهُمۡ عَلَيَّ ذَنۢبٞ فَأَخَافُ أَن يَقۡتُلُونِ ١٤﴾.

از سوی دیگر من قبلاً شخصی از آنان را کشته‌ام و از من طالب خون وی‌اند. بناء من نزد آن‌ها گنهکارم و می‌ترسم که مرا در برابرش، به قتل رسانند.

﴿قَالَ كَلَّاۖ فَٱذۡهَبَا بِ‍َٔايَٰتِنَآۖ إِنَّا مَعَكُم مُّسۡتَمِعُونَ ١٥﴾.

خدای متعال به موسی ÷ فرمود: نه! هرگز چنین نخواهد شد. آن‌ها ابداً به تو دست نخواهد یافت و تو را نخواهد کشت؛ زیرا تو در حفظ و حمایت الله أ قرار داری و هر کس در حفظ و رعایت الله أ قرار داشته باشد از هیچ‌کس نمی‌ترسد.

﴿فَأۡتِيَا فِرۡعَوۡنَ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦﴾.

حق‌تعالی به موسی و هارون دستور داد تا همراه با معجزات به سوی فرعون و قومش بروند و متیقّن باشند که او خود ـ به علم و نصرت و تایید و نگهداشتش ـ با ایشان است؛ سخنان‌شان را می‌شنود و احوال‌شان را می‌داند.

﴿أَنۡ أَرۡسِلۡ مَعَنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ١٧﴾.

موسی و هارون از فرعون خواستند تا بنی اسرائیل را از چنگال بردگی و استبدادش آزاد و رها گرداند تا از مصر بیرون روند.

﴿قَالَ أَلَمۡ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدٗا وَلَبِثۡتَ فِينَا مِنۡ عُمُرِكَ سِنِينَ ١٨﴾.

اما فرعون با کبر و نخوت و منّت گذاری گفت: ای موسی! مگر فراموش کرده‌ای که کودکی بودی در کاخ ما و ما پرورشت دادیم و سال‌هایی از عمرت را در نعمت ما به سر بردی؟ آخر مگر نه این است که تو پرورده نعمت ما هستی؟

﴿وَفَعَلۡتَ فَعۡلَتَكَ ٱلَّتِي فَعَلۡتَ وَأَنتَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٩﴾.

از آن گذشته تو جرم بزرگی را نیز مرتکب شده‌ای؛ آن روز که مرد قبطی را کشته و پا به گریز نهادی. پس تو از ناسپاسان نعمتم و منکران ربوبیّتم هستی و احسانم را قدر و ارج نگذاشته‌ای.

﴿قَالَ فَعَلۡتُهَآ إِذٗا وَأَنَا۠ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ٢٠﴾.

موسی ÷ در پاسخ فرعون گفت: آری! من آن مردم را قبل از نبوتم و پیش از آنکه پروردگارم بر من وحی بفرستد و مرا با رسالت گرامی بدارد، کشتم؛

﴿فَفَرَرۡتُ مِنكُمۡ لَمَّا خِفۡتُكُمۡ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكۡمٗا وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٢١﴾.

آنگاه از سرزمین شما به سرزمین مدین گریختم؛ زیرا از آسیب شما بر جان خود بیمناک بودم. پس خداوند أ مرا با نبوت و دانش گرامی داشت و به رسالت مشرّفم گردانید.

﴿وَتِلۡكَ نِعۡمَةٞ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنۡ عَبَّدتَّ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٢٢﴾.

اما تو ای فرعون! بر من منّت می‌گذاری که در خانه‌ات پرورشم داده‌ای!! حال آنکه تو بنی اسرائیل را به بندگی کشانده و در خدمتت قرار داده، پسران‌شان را سر می‌بری و زنان‌شان را زنده باقی می‌گذاری و اگر چنین نبود مادرم مجبور نمی‌شد تا مرا از بیم بیدادت به رودخانه اندازد؟

﴿قَالَ فِرۡعَوۡنُ وَمَا رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢٣﴾.

فرعون از موسی ÷ درباره پروردگار جهانیان پرسید؛ از همان کسی که او به سوی توحدیش در عبادت می‌خواند. پرسید که: صفت پروردگار جهانیان چیست؟

﴿قَالَ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَآۖ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ ٢٤﴾.

موسی پاسخ داد: پروردگار متعال همان ذاتی است که مالک و متصرف خلق، کار پرداز و مدبّر امور هستی و فرمانروای آسمان‌ها و زمین و هر چیزی است که در مابین آن‌هاست. پس اگر به این حقیقت یقین دارید، به وی ایمان آورید.

﴿قَالَ لِمَنۡ حَوۡلَهُۥٓ أَلَا تَسۡتَمِعُونَ ٢٥﴾.

فرعون به سران و اعیان پیرامونش رو کرد و تعجب کنان از سخن نا آشنای غریب موسی پرسید: آیا همراه با من نمی‌شنوید که موسی چه می‌گوید؟!

﴿قَالَ رَبُّكُمۡ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٢٦﴾.

موسی ÷ به آنان گفت: بی‌گمان پروردگارم که شما را به عبادت و طاعتش فرا می‌خوانم، آفریدگار شما و پدران پیشین شماست. پس چگونه فرعون را می‌پرستید در حالی که او پدران آفریده شده‌ای دارد که مرده‌اند؟

﴿قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ ٱلَّذِيٓ أُرۡسِلَ إِلَيۡكُمۡ لَمَجۡنُونٞ ٢٧﴾.

فرعون خشمگنانه علیه موسی به قومش گفت: حقیقتاً موسی که مدّعی رسالت است دیوانه شده و عقلش از بین رفته است؛ زیرا او سخن دیوانگان را می‌گوید.

﴿قَالَ رَبُّ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَمَا بَيۡنَهُمَآۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡقِلُونَ ٢٨﴾.

موسی بیان ادلّه و براهین را دنبال کرد و گفت: بی‌گمان پروردگارم که مرا فرستاده است، آفریدگار مشرق و مغرب و مابین آن‌ها، آفریدگار نور و ظلمت در آن‌ها و مدبّر و کارگردان آن‌هاست. پس اگر از عقلی پویا بر خوردار باشید، به یقین می‌دانید که این حقّ اوست تا به یگانگی مورد پرستش قرار گرفته و چیزی با وی شریک آورده نشود.

﴿قَالَ لَئِنِ ٱتَّخَذۡتَ إِلَٰهًا غَيۡرِي لَأَجۡعَلَنَّكَ مِنَ ٱلۡمَسۡجُونِينَ ٢٩﴾.

فرعون موسی ÷ را تهدید کرد و گفت: اگر خدایی جز من را بپرستی یقیناً تو را به سزای مخالفت با فرمان خود زندانی خواهم کرد.

﴿قَالَ أَوَلَوۡ جِئۡتُكَ بِشَيۡءٖ مُّبِينٖ ٣٠﴾.

موسی ÷ گفت: چگونه؛ آیا در حالی که من بر صحت رسالت و درستی دعوتم دلایلی قاطع و برهان‌هایی درخشان آورده‌ام مرا زندانی می‌کنی؟!!

﴿قَالَ فَأۡتِ بِهِۦٓ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٣١﴾.

فرعون گفت: ای موسی! اگر راست می‌گویی پس این برهان‌هایی را که یاد کردی به ما نشان بده.

﴿فَأَلۡقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعۡبَانٞ مُّبِينٞ ٣٢﴾.

موسی ÷ عصا را از دستش افکند، بناگاه آن عصا به اذن خداوند أ اژدری بزرگ شد که حقیقتاً و نه از روی تخیل ـ آنگونه که ساحران می‌کنند ـ بر روی زمین راه می‌رفت.

﴿وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِيَ بَيۡضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ ٣٣﴾.

همچنان موسی دستش را از گریبانش بیرون کشید. وانگه دستش سپید و درخشان می‌تابید به گونه‌ای که دیده ناظران را خیره می‌ساخت، بی‌آنکه در آن عیب و آفتی مانند برص و بهک باشد.

﴿قَالَ لِلۡمَلَإِ حَوۡلَهُۥٓ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٞ ٣٤﴾.

فرعون از سر تکذیب به سران قومش که پیرامونش بودند گفت: بی‌گمان موسی ساحری ماهر و دانا در جادوگری است و آنگونه که ادعا می‌کند پیامبر نیست.

﴿يُرِيدُ أَن يُخۡرِجَكُم مِّنۡ أَرۡضِكُم بِسِحۡرِهِۦ فَمَاذَا تَأۡمُرُونَ ٣٥﴾.

هدف موسی این است که با این سحر خود شما را از سرزمین‌تان بیرون کرده و خودش بر آن مسلّط شود. پس اینک به من در مورد وی چه مشوره می‌دهید تا به رأی و نظر شما عمل کنم.

﴿قَالُوٓاْ أَرۡجِهۡ وَأَخَاهُ وَٱبۡعَثۡ فِي ٱلۡمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ٣٦﴾.

سران قوم فرعون به وی گفتند: تصمیم نهایی در مورد موسی و هارون را به تأخیر انداز و سپاهیانی را در تمام شهرها بفرست تا ساحران را گرد آورند.

﴿يَأۡتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٖ ٣٧﴾.

سپاهیان به زودی هر ساحر ماهری را که در فن سحر سرآمده باشد نزد تو می‌آورند تا با موسی به سحری مانند سحرش رو در رو شوند.

﴿فَجُمِعَ ٱلسَّحَرَةُ لِمِيقَٰتِ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ ٣٨﴾.

پس فرعون ساحران را گرد آورد و برای‌شان روز معلومی را که چاشتگاه روز جشن‌شان بود تعیین نمود. آن روز که مردم به خاطر آن جشن از همه جا گرد آمده، به شادی و سرخوشی می‌پرداختند و خود را در آن می‌آراستند.

﴿وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلۡ أَنتُم مُّجۡتَمِعُونَ ٣٩﴾.

و به مردم دستور داده شد تا برای مشاهده رو در رویی میان موسی ÷ و ساحران گرد آیند؛ زیرا ساحران از این اجتماع‌شان نیرو می‌گیرند.

﴿لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ ٱلسَّحَرَةَ إِن كَانُواْ هُمُ ٱلۡغَٰلِبِينَ ٤٠﴾.

بدان امید که هرگاه ساحران بر موسی ÷ غلبه کردند از آن‌ها پیروی کنیم و بر دین خویش پایدار بمانیم.

﴿فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالُواْ لِفِرۡعَوۡنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجۡرًا إِن كُنَّا نَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبِينَ ٤١﴾.

پس چون ساحران نزد فرعون رسیدند از وی پرسیدند: آیا اگر بر موسی غالب شده و وی را سرکوب نمودیم، نزد تو مزدی ـ از مال یا قدرت ـ خواهیم داشت؟

﴿قَالَ نَعَمۡ وَإِنَّكُمۡ إِذٗا لَّمِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ٤٢﴾.

فرعون گفت: آری! اگر بر موسی پیروز شدید نه تنها شما را با پرداخت مزد گرامی خواهیم داشت بلکه به علاوه شما را با نزدیک ساختن به خود، از شرف و جاه نیز بر خوردار خواهم ساخت. چنین بود که ایشان را هم به مال و هم به جاه، انگیزه داد.

﴿قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلۡقُواْ مَآ أَنتُم مُّلۡقُونَ ٤٣﴾.

موسی ÷ به ساحران گفت: عصا و ریسمان‌هایی را که تدارک دیده‌اید بر زمین اندازید تا شما آغازگر انداختن باشید.

﴿فَأَلۡقَوۡاْ حِبَالَهُمۡ وَعِصِيَّهُمۡ وَقَالُواْ بِعِزَّةِ فِرۡعَوۡنَ إِنَّا لَنَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ٤٤﴾.

ساحران ریسمان‌ها و عصاهایی را که نزدشان بود بر زمین انداختند و در نتیجه به خیال بینندگان چنین رسید که آن‌ها اژدرهایی در حال حرکت هستند. آنگاه به عزّت فرعون سوگند یاد کرده و گفتند: امروز بر موسی غالب می‌آیند.

﴿فَأَلۡقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلۡقَفُ مَا يَأۡفِكُونَ ٤٥﴾.

آنگاه موسی عصایش را انداخت. پس خداوند أ آن را به ماری بزرگ و وحشتناک تبدیل کرد که هر چه را از سحر به نیرنگ و تقلّب برساخته بودند فرو بلعید.

﴿فَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ٤٦﴾.

چون ساحران عصای موسی و آنچه را عصا با سحرشان کرد دیدند، دانستند که او راستگوست و آنان خود دروغگویند. پس به حق‌تعالی ایمان آورده و برایش خالصانه سجده کردند.

﴿قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٧﴾.

و به زبان اعتراف گفتند: به پروردگار جهانیان که ما را آفریده است ایمان آوردیم؛ زیرا فقط او سزاوار پرستش می‌باشد و معبودی جز او نیست.

﴿رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ٤٨﴾.

و افزودند: باری‌تعالی پروردگار موسی و هارون است پس سجده تنها برای او شایسته است. و موسی و هارون دو فرستاده و دو بزرگوارند.

﴿قَالَ ءَامَنتُمۡ لَهُۥ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ لَكُمۡۖ إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِي عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحۡرَ فَلَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَۚ لَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمۡ أَجۡمَعِينَ ٤٩﴾.

فرعون از آنچه روی داده بود متعجب شد و از این ماجرا بر آشفته به ساحران گفت: چگونه نبوت موسی را تصدیق کردید در حالی که من به شما چنین اجازه‌ای نداده بودم؟ سپس ستیزه جویانه و گردنکشانه گفت: بی‌گمان موسی همان بزرگ و پیشوای شما در آموزش سحر است و اوست که به شما سحر آموخته است. اینک عذابی که از سوی من انتظار شما را می‌کشد به زودی برای‌تان آشکار خواهد شد. سپس آن بدبخت بدکار به ساحران سوگند خورد که یقیناً دست‌ها و پاهای‌شان را از چپ و راست خواهد برید ـ یعنی دست راست و پای چپ یا عکس آن را ـ آنگاه پس از کشتن و بریدن دست‌ها و پاهای‌شان، همگی را به دار خواهد آویخت تا به سزای پیروی و تصدیق موسی، کیفری عبرتبار برای‌شان باشد!!

﴿قَالُواْ لَا ضَيۡرَۖ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ٥٠﴾.

ساحران به پاسخ فرعون گفتند: در آنچه از عذاب دنیا بدان تهدیدمان می‌کنی بر ما زیانی نیست؛ زیرا این مصیبت در جنب آن همه نعمت‌های ابدی و جاودانه‌ای که نزد خدای یگانه یکتا انتظار ما را می‌کشد، سهل و ساده است.

﴿إِنَّا نَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ أَن كُنَّآ أَوَّلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٥١﴾.

ما امیدواریم که خداوند أ شرک و سحری را که انجام داده‌ایم بر ما ببخشاید و از گناهان‌مان در گذرد؛ از آن روی که ما نخستین ایمان آورندگان از قوم فرعون هستیم.

﴿۞وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَسۡرِ بِعِبَادِيٓ إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ ٥٢﴾.

و خداوند أ به موسی چنین وحی کرد: کسانی از بنی اسرائیل را که همراهت ایمان آورده‌اند شبانه حرکت ده تا این سیر شبانه برای شما پوشاننده‌تر باشد، چرا که فرعون و لشکریانش قبل از آنکه به دریا برسد، تعقیب‌تان خواهند کرد.

﴿فَأَرۡسَلَ فِرۡعَوۡنُ فِي ٱلۡمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ٥٣﴾.

پس چون فرعون از خروج موسی ÷ و قومش آگاه شد سپاهیانی را فرستاد تا لشکر را از تمام شهرهای مصر گرد آورند و در نتیجه او بر موسی و قومش دست یابد.

﴿إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَشِرۡذِمَةٞ قَلِيلُونَ ٥٤﴾.

فرعون به قومش گفت: قطعاً موسی و کسانی که با وی خارج شده‌اند جمعی اندک، کم تعداد و حقیر اند.

﴿وَإِنَّهُمۡ لَنَا لَغَآئِظُونَ ٥٥﴾.

به راستی موسی و قومش ما را تا منتهای درجه بر سر خشم آورده و دل‌هایمان را از کینه و غیظ بر ضد خود انباشته‌اند؛ زیرا آن‌ها از فرمان ما سر پیچیده و غیر ما را به پرستش گرفته‌اند.

﴿وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَٰذِرُونَ ٥٦﴾.

اما ما همگی برای‌شان به حال آماده باش در آمده و نسبت به حرکات‌شان کاملاً بیدار و مراقب هستیم.

﴿فَأَخۡرَجۡنَٰهُم مِّن جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ ٥٧﴾.

پس خدای ﻷ فرعون و قومش را از سرزمین مصر ـ با آن باغستان‌های رامشگر، چشمه‌های شیرین و بوستان‌های دلگشای آن ـ بیرون آورد.

﴿وَكُنُوزٖ وَمَقَامٖ كَرِيمٖ ٥٨﴾.

و فرعون و قومش پشت سر خود گنجینه‌های طلا و نقره، اموال و کالاهای انباشته ذخیره شده و خانه‌های مجلل و زیبا را جا گذاشتند.

﴿كَذَٰلِكَۖ وَأَوۡرَثۡنَٰهَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٥٩﴾.

این چنین بود که خداوند أ فرعون و قومش را از سرزمین‌شان بیرون راند و آن را بهره بنی اسرائیل گردانید تا از بهره‌های آن بر خوردار شوند.

﴿فَأَتۡبَعُوهُم مُّشۡرِقِينَ ٦٠﴾.

سپس فرعون و سپاهش موسی ÷ و مؤمنان همراهش را در وقت بر آمدن آفتاب تعقیب نمودند. و این همان صبحگاه مبارکی بود که حق‌تعالی موسی ÷ را در آن نجات داده و فرعون را هلاک گردانید. و آن روز، روز عاشورا بود.

﴿فَلَمَّا تَرَٰٓءَا ٱلۡجَمۡعَانِ قَالَ أَصۡحَٰبُ مُوسَىٰٓ إِنَّا لَمُدۡرَكُونَ ٦١﴾.

پس چون هردو گروه ـ قوم موسی ÷ و قوم فرعون ـ همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: قطعاً فرعون و سپاهیانش به ما رسیدند و هلاک ما نزدیک شده است.

﴿قَالَ كَلَّآۖ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهۡدِينِ ٦٢﴾.

اما موسی ÷ سخن قومش را رد کرد و گفت: قضیه آن چنان‌که شما پنداشته‌اید نیست، فرعون و لشکرش هرگز بر ما دست نخواهند یافت؛ زیرا حق‌تعالی با نصرت خود همراه من است و به زودی مرا به راه نجات رهنمون خواهد شد.

﴿فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡبَحۡرَۖ فَٱنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرۡقٖ كَٱلطَّوۡدِ ٱلۡعَظِيمِ ٦٣﴾.

و خداوند أ به موسی ÷ وحی کرد که با عصای خود بر آن دریا زند. پس او چنان کرد و دریا به شمار قبایل بنی اسرائیل به دوازده راه منقسم شد و هر پاره‌ای از آن همچون کوهی بزرگ گردید.

﴿وَأَزۡلَفۡنَا ثَمَّ ٱلۡأٓخَرِينَ ٦٤﴾.

و خداوند أ فرعون و قومش را بدانجا نزدیک گردانید تا به قصد عبور از دریا خود را به آب زنند و در نتیجه همه‌گی غرق شوند.

﴿وَأَنجَيۡنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ ٦٥﴾.

و خداوند أ موسی ÷ و قومش را از غرق نجات داد و به طوری که کسی از آن‌ها نابود نشد و همه از دریا به سلامت عبور کردند.

﴿ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ٦٦﴾.

سپس حق‌تعالی فرعون و قومش را ـ بعد از آنکه دخول‌شان در دریا کامل شد ـ غرق گردانید.

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ٦٧﴾.

مسلّما در نجات موسی و هلاک فرعون دلیل قاطع و برهان رخشانی بر قدرت حق‌تعالی بود؛ اما با وجود دیدن این نشانه‌های بزرگ، بازهم بیشتر پیروان فرعون ایمان نیاوردند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ٦٨﴾.

و قطعاً پروردگار مالک و مدبّرت همان ذات غالب شکست ناپذیر است. همو که به عزّت خود فرعون و همراهانش را هلاک گردانید و به رحمت خویش موسی ÷ و همراهانش را نجات بخشید.

﴿وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ إِبۡرَٰهِيمَ ٦٩﴾.

و ای پیامبر! داستان ابراهیم را برای قومت یاد کن؛ زیرا در آن عبرت‌ها است.

﴿إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَا تَعۡبُدُونَ ٧٠﴾.

روزی که ابراهیم ÷ ـ اعتراض‌کنان از کفر قومش به خدا أ به پدر و قومش گفت: آنچه به جای خدای ﻷ می‌پرستید چیست؟

﴿قَالُواْ نَعۡبُدُ أَصۡنَامٗا فَنَظَلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ ٧١﴾.

قوم ابراهیم ÷ به وی گفتند: ما این بتان را می‌پرستیم و همواره معتکف پرستش آنهایم؛ بدین اعتقاد که بتان سود و زیان می‌رسانند.

﴿قَالَ هَلۡ يَسۡمَعُونَكُمۡ إِذۡ تَدۡعُونَ ٧٢﴾.

ابراهیم ÷ اعتراض‌کنان از جهل‌شان در پرستش بتان برای‌شان گفت: آیا وقتی این بتان بی‌جان را می‌خوانید، از شما می‌شنوند؟ حال آنکه این جمادات نه فهمی دارند، نه شنوایی و نه شعوری؟!

﴿أَوۡ يَنفَعُونَكُمۡ أَوۡ يَضُرُّونَ ٧٣﴾.

و آیا این بتان به خاطر پرستش خود از سوی شما، برای‌تان سودی می‌رسانند یا چنان‌چه پرستش آن‌ها را ترک کنید برای شما زیانی وارد می‌کنند؟!

﴿قَالُواْ بَلۡ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا كَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ ٧٤﴾.

گفتند: خیر! نه پرستش آن‌ها سودی دربر دارد و نه از ترک این پرستش زیانی متصور است؛ ولی ما در پرستش آن‌ها از پدرانمان تقلید کرده و عمل آن‌ها را انجام می‌دهیم.

﴿قَالَ أَفَرَءَيۡتُم مَّا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ ٧٥﴾.

ابراهیم ÷ به قومش گفت: آیا در امر پرستش این بتان نا شنوا و بی‌سود و زیان هیچ تأمل و تدبّر کرده اید؟

﴿أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُمُ ٱلۡأَقۡدَمُونَ ٧٦﴾.

در حالی که شما و پدران پیشین‌تان قطعاً در پرستش بتانی که نه سودی به شما می‌رسانند و نه زیانی را از شما دفع می‌کنند، اشتباه کرده‌اید.

﴿فَإِنَّهُمۡ عَدُوّٞ لِّيٓ إِلَّا رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٧٧﴾.

یقیناً همه آنچه را جز خدا أ می‌پرستید دشمنان من اند و من با آن‌ها مبارزه خواهم کرد. اما پروردگار جهانیان پس فقط اوست که به یگانگی او را خواهم پرستید و به وی چیزی را شریک نخواهم آورد.

﴿ٱلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهۡدِينِ ٧٨﴾.

همان خدایی که تنها او در نیکوترین چهره مرا آفریده و هموست که در دنیا و آخرت مرا به راه خیر راهنمایی می‌کند.

﴿وَٱلَّذِي هُوَ يُطۡعِمُنِي وَيَسۡقِينِ ٧٩﴾.

و هموست که برایم غذا و نوشیدنی آفریده است. پس تنها اوست که روزی دهنده و نعمت بخش هر نعمتی است.

﴿وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ ٨٠﴾.

و چون به بیماری مصاب شوم جز خدای یگانه کسی مرا شفا نمی‌بخشد. پس فقط اوست که درد را مقدّر و دوا را میسّر گردانیده است.

﴿وَٱلَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحۡيِينِ ٨١﴾.

و آن ذاتی که وقتی اجلم فرا رسد، جانم را می‌گیرد. سپس مرا از قبرم زنده برمی‌انگیزد. هیچ‌کس جز او زنده کننده و میراننده نیست.

﴿وَٱلَّذِيٓ أَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لِي خَطِيٓ‍َٔتِي يَوۡمَ ٱلدِّينِ ٨٢﴾.

و تنها الله أ است که از او امیدوارم تا بدی‌هایم را ببخشاید و از گناهانم در روز حساب و جزا درگذرد.

﴿رَبِّ هَبۡ لِي حُكۡمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ٨٣﴾.

سپس ابراهیم ÷ به بارگاه پروردگارش دعا کرد و گفت: پروردگارا! برمن ـ با بخشش دانش و فهم و فضل منت گذار تا در روشنی بصیرت پرستشت کنم و مرا با تقوا پیشه‌گان در بهشت‌های پرناز و نعمت یکجا گردان. و چنین بود که ابراهیم ÷ خیر دنیا و آخرت را درخواست کرد.

﴿وَٱجۡعَل لِّي لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ٨٤﴾.

پروردگارا! و برایم در هر عصر و نسلی که بعد از من تا روز قیامت می‌آید، نام و یاد نیکو و ستایش زیبا باقی گذار. و حق‌تعالی درخواستش را برآورده ساخت؛ از این رو درود و سلام همیشه در هر هر عصر و نسل بر او جاری است.

﴿وَٱجۡعَلۡنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ ٱلنَّعِيمِ ٨٥﴾.

پروردگارا! و از تو می‌خواهم که مرا از بندگان با تقوایی قرار دهی که ایشان را وارث اقامت در بهشت می‌گردانی.

﴿وَٱغۡفِرۡ لِأَبِيٓ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ٨٦﴾.

پروردگارا! و از پدر مشرک گمراه من درگذر. البته این دعای ابراهیم قبل از آن بود که دشمنی پدرش با خدا أ بر وی آشکار شود و چون این واقعیت برایش روشن شد، از پدرش بیزاری جست.

﴿وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ يُبۡعَثُونَ ٨٧﴾.

و روز معاد مرا در محضر مردم رسوا مکن؛ روزی که مردم از قبرهای‌شان برای رستاخیز بیرون می‌آیند.

﴿يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ ٨٨﴾.

آن روز که نه مالی به صاحب خود سود می‌رساند و نه پسرانی به پدران‌شان؛ چنان‌چه پدران خود از صالحان نباشند.

﴿إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ ٨٩﴾.

مگر در آن روز فقط کسی نجات می‌یابد که دلی پاک از کفر و نفاق و پاک از هر آنچه که منفور حق‌تعالی است، به بارگاه وی بیاورد.

﴿وَأُزۡلِفَتِ ٱلۡجَنَّةُ لِلۡمُتَّقِينَ ٩٠﴾.

و آن روز خداوند أ بهشت را برای دوستان با تقوایش که وی را اطاعت کرده و از معصیتش پرهیز نموده‌اند، نزدیک می‌گرداند.

﴿وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ لِلۡغَاوِينَ ٩١﴾.

همچنان برای کافرانی که راه هدایت را گم کرده و راه ضلالت را دنبال کرده‌اند، جهنم را نزدیک می‌سازد.

﴿وَقِيلَ لَهُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ ٩٢﴾.

و روز قیامت با لحنی سرزنش بار به آنان گفته می‌شود: بتان و معبودانی که در دنیا می‌پرستیدید کجایند؟!

﴿مِن دُونِ ٱللَّهِ هَلۡ يَنصُرُونَكُمۡ أَوۡ يَنتَصِرُونَ ٩٣﴾.

آن بتان و معبودان که جز خدا أ می‌پرستیدید و بر آن بودید که به شما سود رسانده و دفع زیان می‌کنند آیا عذاب را از شما دور می‌کنند؟ یا حد اقل آن‌ها خودشان را یاری داده و عذاب را از خود دور می‌سازند؟ نه! قطعاً آنان نه یاری دهنده‌اند و نه یاری شونده.

﴿فَكُبۡكِبُواْ فِيهَا هُمۡ وَٱلۡغَاوُۥنَ ٩٤﴾.

پس خداوند أ پرستش‌گران بتان را با بتان‌شان یکجا ساخته و همه را بر چهره‌های‌شان در دوزخ می‌افکند. بنابراین پیشوایان گمراهی و پیروان‌شان، در آتش جهنم یکجا ساخته می‌شوند.

﴿وَجُنُودُ إِبۡلِيسَ أَجۡمَعُونَ ٩٥﴾.

و نیز یاوران شیطان همراه با پرستش‌گران بتان در آتش جهنم انداخته می‌شوند و هیچ‌کس از آن‌ها، نجاتی ندارد.

﴿قَالُواْ وَهُمۡ فِيهَا يَخۡتَصِمُونَ ٩٦﴾.

پس در حالی که کفّار فجّار در دوزخ پیرامون حال و وضع خویش با یکدیگر ستیزه می‌کنند، می‌گویند:

﴿تَٱللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٩٧﴾.

سوگند به خدا که ما در دنیا در گمراهی آشکاری به سر می‌بردیم؛ از آنجا که غیر خدا را پرستیده و به اوتعالی کفر ورزیدیم.

﴿إِذۡ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٩٨﴾.

آخر چگونه ما بتان را با خدای ﻷ که تنها او سزاوار پرستش است و تنها اوست که آفریننده و روزی بخش است برابر ساخته و آن‌ها را در طاعت و عبادت باوی شریک می‌گردانیدیم؟

﴿وَمَآ أَضَلَّنَآ إِلَّا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٩٩﴾.

و ما را گمراه نساخته و از هدایت به بیراهه نبردند؛ جز مجرمان از پرستش‌گران بتان، همانان که باطل را برای ما آراستند.

﴿فَمَا لَنَا مِن شَٰفِعِينَ ١٠٠﴾.

پس امروز کسی برای ما نزد خدا نیست تا از عذاب نجات‌مان دهد؛ زیرا شفاعت به حال مشرک سودی دربر ندارد.

﴿وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٖ ١٠١﴾.

و امروز کسی برای ما نیست که صادقانه به ما محبت ورزیده و ما را در این مصیبت وارده دلجویی نماید.

﴿فَلَوۡ أَنَّ لَنَا كَرَّةٗ فَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٠٢﴾.

پس ای کاش به زندگانی دنیا بازگشتی می‌داشتیم تا آنچه را کتاب‌های آسمانی آورده و پیامبران بدان بر آنگیخته شده بودند تصدیق می‌کردیم، ولی هیهات!

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ١٠٣﴾.

بی‌گمان در داستان پیش ذکر شده ابراهیم ÷ اندرزی است برای متقیان؛ اما با این وجود بیشتر کسانی که این داستان را شنیدند نه تصدیق کننده بودند و نه راهیاب.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ١٠٤﴾.

و در حقیقت پروردگار تو همان ذات شکست ناپذیری است که با عزّت خود از دشمنانش انتقام گرفته است. او مهربان و مهرورزی است که به دوستانش لطف نموده است.

﴿كَذَّبَتۡ قَوۡمُ نُوحٍ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٠٥﴾.

و قوم نوح دعوت پیامبرشان را تکذیب کرده و به نوح ÷ ایمان نیاوردند. پس گویی آنان تمام پیامبران را تکذیب کردند؛ زیرا دعوت همه پیامبران در حقیقت یک دعوت است.

﴿إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٠٦﴾.

آنگاه که نوح ÷ به قومش ـ که برادر نسبی‌شان نیز بود ـ گفت: شما را چه شده است که از خدا أ پروا ندارید تا فقط وی را به یگانگی خوانده و پرستش غیر وی را فرو گذارید.

﴿إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ١٠٧﴾.

حقیقتاً خداوند أ مرا برای شما پیامبری فرستاده است که برداشت رسالت و تبلیغ دعوت، امانتدار است.

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٠٨﴾.

پس با پیروی از اوامر و اجتناب از نواهی پروردگار متعال از وی پروا داشته و مرا با تصدیق آنچه که بدان مبعوث شده‌‌ام، اطاعت کنید.

﴿وَمَآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٠٩﴾.

و از شما در قبال تکالیف دعوت و رنج‌ها و زحمات رسالتم طالب اجرتی نیستم؛ زیرا اجر و پاداشم بر پروردگار متعال، صاحب اختیار کار من است.

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١١٠﴾.

پس با انجام دستورات و پرهیز از نواهی از خدا أ پروا دارید و مرا با پیروی و تصدیقم در آنچه بدان فرستاده شده‌‌ام ـ اطاعت کنید.

﴿۞قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ لَكَ وَٱتَّبَعَكَ ٱلۡأَرۡذَلُونَ ١١١﴾.

قوم نوح ÷ به وی گفتند: چگونه به پیامت ایمان آوریم در حالی که ایمان آورندگان به تو از فرومایگان و ضعیفان مردم اند؟

﴿قَالَ وَمَا عِلۡمِي بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١١٢﴾.

نوح ÷ در پاسخ‌شان گفت: من مسئول نسبت مردم و مسئول مشاغلی که دارند نیستم، جز این نیست که پروردگارم مرا به دعوت آنان به سوی ایمان دستور داده است پس اعتبار به عمل است نه به حسب و نسبت و شغل و حرفه.

﴿إِنۡ حِسَابُهُمۡ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّيۖ لَوۡ تَشۡعُرُونَ ١١٣﴾.

جزای هر عمل کننده‌ای بر خداوند است؛ اگر عمل، خیر باشد جزای خیر و اگر شر باشد، جزای شر می‌دهد و او به آشکار و نهان داناست و اگر شما به درستی این امر پی می‌برید اصلاً سخن باطلی بر زبان نمی‌آوردید.

﴿وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١١٤﴾.

و من به خاطر درخواست شما هرگز کسانی را که رسالتم را تصدیق نموده‌اند، به علت فقرشان یا به علت شغلی که بدان شاغل اند، از مجلس خود طرد نمی‌کنم.

‌﴿إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ ١١٥﴾.

من جز فرستاده‌ای از جانب الله أ نیستم که کافران را از خشم خدای جبّار و از عذاب نار می‌ترسانم و آنان را به شدّت تمام از آن هشدار می‌دهم.

﴿قَالُواْ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ يَٰنُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمَرۡجُومِينَ ١١٦﴾.

پس قوم نوح ÷ شیوۀ گفتگو را عوض کرده و آن را به تهدید و اخطار تبدیل کردند. و این شیوه باطل گرایانی است که بر کار خویش مغلوب می‌شوند ـ از این‌روی به نوح ÷ گفتند: ای نوح! اگر این رسالتی را که بدان فرا می‌خوانی فرو نگذاری قطعاً تو را سنگ‌باران می‌کنیم تا بدانجا که به قتلت رسانیم.

﴿قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوۡمِي كَذَّبُونِ ١١٧﴾.

چون نوح ÷ این تهدید را شنید علیه قومش دعا کرد و گفت: پروردگارا! قوم من دعوتم را تکذیب و رسالتم را رد کردند.

﴿فَٱفۡتَحۡ بَيۡنِي وَبَيۡنَهُمۡ فَتۡحٗا وَنَجِّنِي وَمَن مَّعِيَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١١٨﴾.

پس میان من و آنان به حکم خویش که عادلانه است و راست کیشان یکتاپرست را نجات بخش و کافران ملحد را نابودگر می‌باشد، فیصله کن و از تو می‌خواهم که من و همراهان با ایمانم را از عذاب رهایی بخشی.

﴿فَأَنجَيۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِي ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ ١١٩﴾.

پس خداوند أ نوح ÷ و هر که را در کشتی که آن را از انواع مخلوقات پرساخته بود، وجود داشت نجات بخشید.

﴿ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا بَعۡدُ ٱلۡبَاقِينَ ١٢٠﴾.

سپس بعد از آنکه نوح ÷ و مؤمنان همراهش را نجاد داد، کسانی را که به وی کفر ورزیده و با وی در کشتی سوار نشده بودند غرق گردانید.

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ١٢١﴾.

قطعاً در داستان نوح ÷ و نجات وی و همراهانش و نابود سازی کافران، نشانه‌ای واضح و اندرزی بزرگ برای مردم است اما با این وجود کسانی که این داستان را شنیدند به خدا أ ایمان نیاورده و از پیامبرانش پیروی نکردند بلکه بیشترشان کافر اند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ١٢٢﴾.

و در حقیقت پروردگارت همان مالک متصرف و مدبّری است که در انتقامش از کافران شکست ناپذیر و به مؤمنان و شکر گزارانش مهربان است.

﴿كَذَّبَتۡ عَادٌ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٢٣﴾.

قبیله عاد پیامبرشان هود ÷ را تکذیب کردند. پس گویی آنان تمام پیامبران را تکذیب نمودند؛ زیرا دعوت پیامبران همه یک دعوت است و همه‌شان به سوی توحید فرا می‌خوانند.

﴿إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٢٤﴾.

آنگاه که هود ÷ به قومش عاد که برادر نسبی‌شان نیز بود گفت: آیا از خدا پروا نمی‌دارید تا وی را در عبودیّت به یگانگی خوانده و طاعت را برایش خالص گردانید؟

﴿إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ١٢٥﴾.

در حقیقت خدا أ مرا به سوی شما فرستاده است تا شما را به راه راست ارشاد کنم. بدانید که من بر برداشت رسالت و تبلیغ آن امانت‌دارم؛ نه در آن می‌افزایم و نه از آن می‌کاهم.

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٢٦﴾.

پس با اطاعت از خدا أ و پرهیز از نافرمانیش، از عذاب وی حذر کنید و از من پیروی نمایید تا شما را به راه هدایت راه نمایم.

﴿وَمَآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٢٧﴾.

و از شما در قبال دعوت و تبلیغ رسالتم اجرتی نمی‌‌خواهم؛ نه مال، نه مقام و نه بهره‌ای از بهره‌های دنیا را زیرا اجر من بر پروردگار من است؛ همو که آفریدگار و متصرف هستی می‌باشد.

﴿أَتَبۡنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةٗ تَعۡبَثُونَ ١٢٨﴾.

شما را چه شده است که در هرجایگاه بلند و مرتفعی منزلی بنا می‌کنید تا از بلندای آن بر مردم تکبّر و نخوت و اسراف و تجمل را به نمایش گذارید حال آنکه نه در این کار سودی در دنیا متصور است و نه در آخرت.

﴿وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمۡ تَخۡلُدُونَ ١٢٩﴾.

و کاخ‌های بلند و دژهای مستحکم و استوار می‌سازید؛ گویی هرگز نمی‌میرید و ابداً از این دنیا انتقال نمی‌کنید؛ حال آنکه کاخ‌های بلند و برج‌های آسمان خراش هرگز نمی‌توانند راه نابودی و فنا را بر شما ببندند.

﴿وَإِذَا بَطَشۡتُم بَطَشۡتُمۡ جَبَّارِينَ ١٣٠﴾.

و چون کسی را مجازات نموده و با کشتن یا زدن بر وی حمله‌ور شوید، این کار را با سنگدلی و ستم و شدّت تمام انجام می‌دهید.

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٣١﴾.

پس از عذاب خدا أ حذر کنید ـ با عبادتش و عمل به موجبات رضایش ـ و از من ـ با تصدیق دعوت و پیروی از رسالتم ـ پیروی نمایید.

﴿وَٱتَّقُواْ ٱلَّذِيٓ أَمَدَّكُم بِمَا تَعۡلَمُونَ ١٣٢﴾.

و از عذاب خدا أ با طاعتش پروا کنید؛ زیرا اوست که انواع نعمت‌های بی‌حصر و شمار را که می‌دانید، به شما بخشیده است؛

﴿أَمَدَّكُم بِأَنۡعَٰمٖ وَبَنِينَ ١٣٣﴾.

به شما چهار پایانی ـ همچون شتر و گاو و گوسفند ـ بخشیده است که از آن‌ها می‌خورید، بر آن‌ها سوار می‌شوید و انواعی از منافع دیگر را از آن‌ها برمی‌آورید. و به شما فرزندان پسر بخشیده است که هم برای‌تان آرایشی اند، هم نیرویی و هم روشنی چشمانی.

﴿وَجَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ١٣٤﴾.

و به شما باغ‌های رامشگر و بوستان‌های فراخ و پر ثمر بخشیده و به شما چشمه‌های شیرین و روان بر جوشانیده که از آن‌ها در نوشیدن و شستشو و آبیاری بهره ‌می‌برید.

﴿إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ١٣٥﴾.

اگر به حق‌تعالی کفر ورزیده من در روز هنگامه بزرگ از عذاب سخت و طاقت فرسایی که جزای حتمی کفر و تکذیب است، بر شما بیمناکم.

﴿قَالُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ أَوَعَظۡتَ أَمۡ لَمۡ تَكُن مِّنَ ٱلۡوَٰعِظِينَ ١٣٦﴾.

قوم هود ÷ به وی گفتند: پیش ما برابر است که ما را هشدار دهی یا آن را فرو گذاری؛ زیرا ما هرگز سخنت را نمی‌شنویم، قولت را باور نمی‌داریم و هرگز به رسالتت ایمان نمی‌آوریم. پس بیان و خاموشی‌ات هردو نزد ما یکسان است. و این منتهای عناد و استکبار است.

﴿إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا خُلُقُ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٣٧﴾.

قوم هود افزودند: عقیدۀ ما همان عقیدۀ نیاکان و اجداد ما است؛ بناءً ما مقلّد و دنباله‌رو آن‌هاییم و هرگز دین‌شان را فرو نمی‌گذاریم.

﴿وَمَا نَحۡنُ بِمُعَذَّبِينَ ١٣٨﴾.

و خداوند أ هرگز ما را بر عمل ما عذاب نخواهد کرد و آن کیفری که ما را از آن می‌ترسانی، هرگز واقع نخواهد نشد.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَهۡلَكۡنَٰهُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ١٣٩﴾.

پس در تکذیب هود اصرار ورزیدند؛ در نتیجه خداوند أ بر آنان بادی تند، سرکش و ویرانگر فرستاد. همانا در نابود ساختن‌شان برای عبرت اندوزان درس عبرتی است. اما با این حال بیشتر کسانی که اخبار عاد را شنیدند نه به پروردگار عباد ایمان آورنده‌اند و نه روز معاد را باور می‌دارند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ١٤٠﴾.

و همانا پروردگار مالک و مدبرت همان ذات شکست ناپذیر است، از آنجا که دشمنانش را نابود ساخته است؛ مهربان است، از آنجا که دوستانش را گرامی داشته است.

﴿كَذَّبَتۡ ثَمُودُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٤١﴾.

قبیله ثمود صالح ÷ را که دعوت‌گر‌شان به سوی خالص سازی عبادت برای خدای متعال بود، تکذیب کردند. پس گویی آنان تمام پیامبران را تکذیب نمودند؛ چرا که دعوت همه پیامبران یک دعوت است که همان دعوت به سوی توحید می‌باشد.

﴿إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ صَٰلِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٤٢﴾.

آنگاه که صالح ÷ آنان را به سوی تقوای الهی دعوت کرد؛ از طریق عمل به طاعت، ترک معصیت و یگانه خواندنش در عبودیت.

﴿إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ١٤٣﴾.

صالح ÷ به آنان خبر داد که خداوند أ وی را با پیام توحید فرستاده است و او در برداشت این رسالت و تبلیغ آن امانتدار و معتمد است؛ پس نه در آن می‌افزاید، نه از آن می‌کاهد و نه آن را نهان می‌دارد.

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٤٤﴾.

پس از خداوند أ پروا دارید؛ با انجام آنچه دوست دارد و ترک آنچه از آن کراهت دارد. بناء از من در دعوتم پیروی نموده و به دینی که بر آن مبعوث شده‌ام، راه یابید.

﴿وَمَآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٤٥﴾.

و من در قبال دعوتم نه از شما طالب اجرتی شد‌ه‌ام و نه بر رسالتم پاداشی از شما خواسته‌ام؛ زیرا اجر و جزایم همه بر عهده آن ذاتی است که فرمان هر چیز در اختیار اوست؛ خجسته و مبارک است نامش.

﴿أَتُتۡرَكُونَ فِي مَا هَٰهُنَآ ءَامِنِينَ ١٤٦﴾.

آیا می‌پندارید که خداوند أ از شما غافل خواهد شد و شما را در برابر کارهای شما بی‌انتقام رها خواهد کرد و بر این بدکاری‌های شما هیچ جزایی مترتب نخواهد شد و شما پیوسته در نعمت‌ها ایمن، در لذت‌های دنیا سرمست و در چراگاه شهوات خرامانید؟

﴿فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ ١٤٧﴾.

در باغ‌های رامشگر و چمن‌های خنیاگر، در خنکای سبزینه‌ها و صفای چشمه سارها، در هوای خوش آبگینه‌ها و مزه بهارینه‌ها؟

﴿وَزُرُوعٖ وَنَخۡلٖ طَلۡعُهَا هَضِيمٞ ١٤٨﴾.

و در کشت‌زارهای بسیار که چشم نواز اند و همیشه بهار، و در سایه‌سار خرمابنانی که شکوفه‌هاشان لطیف، رطب‌هاشان به پختگی رسیده و شهدهاشان بسی لذّت بخش است و ظریف؟

﴿وَتَنۡحِتُونَ مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتٗا فَٰرِهِينَ ١٤٩﴾.

و با مهارت از صخره سنگ‌ها خانه‌ها می‌تراشید و با جدارث و برازندگی در عین کبر و نخوت و گردنکشی، منزل‌ها می‌آرایید.

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٥٠﴾.

پس از عذاب خدا أ پروا دارید؛ با طاعت و خالص سازی عبادت برای وی و پیامم را که بدان به سوی شما فرستاده شده‌ام بپذیرد و مرا در دعوتم پیروی نمایید.

﴿وَلَا تُطِيعُوٓاْ أَمۡرَ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ١٥١﴾.

و از متجاوزان حدود الهی که بر آن شوریده و تمرد ورزیده‌اند پیروی نکنید؛ از همانان که بازدارنده راه و برنامه الله أ اند.

﴿ٱلَّذِينَ يُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا يُصۡلِحُونَ ١٥٢﴾.

همین گروه بدکار نابکار، در امر فساد افروزی در زمین ـ اعم از قتل، ستم و تجاوز ـ سر به طغیان برداشته و از حد گذشته‌اند. بناء اعمال‌شان تماماً فاسد است که هیچ صلاحی در آن نیست.

﴿قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ ٱلۡمُسَحَّرِينَ ١٥٣﴾.

قوم ثمود به صالح ÷ گفتند: قطعاً تو افسون شده‌ای و عقلت از بین رفته است؛ زیرا سحر در تو اثر کرده و تو را به چنان وضع و حالی کشانده است که سخنانی نا معقول و نا مربوط بر زبان می‌آوری.

﴿مَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا فَأۡتِ بِ‍َٔايَةٍ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ١٥٤﴾.

از آن گذشته تو نیز انسانی همانند ما هستی؛ و فرشته‌ای از آسمان نیستی که بر ما امتیازی داشته باشی. پس با ما هیچ وجه تمایزی نداری. از این‌روی ما و تو همه در بشریت یکسانیم. بنابراین بیا و دلیلی آشکار و برهانی تابان بیاور که صدق و راستگویی‌ات در آوردن رسالت از بارگاه الله أ را برای ما ثابت کند.

﴿قَالَ هَٰذِهِۦ نَاقَةٞ لَّهَا شِرۡبٞ وَلَكُمۡ شِرۡبُ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ ١٥٥﴾.

صالح ÷ در حالی که حق‌تعالی وی را به نشانه‌ای بزرگ که همانا ماده شتر بیرون آورده از درون صخره بود، تایید نموده بود به آنان چنین گفت: چنان‌که می‌بینید این ماده شتر خداوند است، برای آن سهمیه آب در روزی معین و برای شما نوبتی دیگر از آب در روز معین دیگری است؛ پس نه این ماده شتر در روز نوبت شما از آب می‌نوشد و نه شما در نوبت آن از آب بهره می‌برید.

﴿وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٖ فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابُ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ١٥٦﴾.

و بپرهیزید از آنکه ماده شتر آزاری مانند ضرب و قتل برسانید؛ زیرا در آن صورت خداوند أ شما را به مجازات رسانده و با عذابی که از منتهای سختی غیر قابل تحمل و بس هولناک است نابود خواهد ساخت.

﴿فَعَقَرُوهَا فَأَصۡبَحُواْ نَٰدِمِينَ ١٥٧﴾.

پس انسان نگون‌بخت و هرزه‌ای از میان‌شان برخاست و ماده شتر را ذبح کرد. سپس چون آن را پی شده دیدند بر این عمل خود تاسف خورده و از آن پشیمان شدند، اما ندامت پس از لغزش به حال‌شان هیچ سودی نکرد.

﴿فَأَخَذَهُمُ ٱلۡعَذَابُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ١٥٨﴾.

آنگاه خدای متعال با عذاب سخت هلاک‌شان ساخت. بی‌گمان در هلاک ساختن ثمود پندی برای اندرز جویان است؛ همانان که فطرتی استوار و بینشی و هنجار دارند. ولی بیشتر کسانی که این داستان عجیب را شنیدند تصدیق کننده آن نبودند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ١٥٩﴾.

و در حقیقت پروردگار مالک، متصرف و مدبّر تو همان ذات غالب شکست ناپذیری است که دشمنانش را سرکوب و ستیزه جویانش را مغلوب نموده است. او به مطیعانش مهربان و دوستانش را پشتیبان است.

﴿كَذَّبَتۡ قَوۡمُ لُوطٍ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٦٠﴾.

قوم لوط ÷ رسالتش را تکذیب نموده و به دعوتش کفر ورزیدند. اما در حقیقت تنها او را تکذیب نکردند بلکه گویی همه پیامبران را تکذیب نمودند؛ زیرا پیامبران همگی به سوی توحید خدای لاشریک فرا می‌خواند.

﴿إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٦١﴾.

آنگاه که برادر نسبتی‌شان لوط ÷ به آنان گفت: آیا از کیفر خدا أ حذر نمی‌کنید تا به تقوایش گرایید و از این‌روی به اوامرش عمل نموده، از نواهیش بپرهیزید و طاعت را برایش خالص گردانید.

﴿إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ١٦٢﴾.

در حقیقت خداوند أ مرا به سوی شما فرستاده است و من بر برداشت و تبلیغ رسالت امانت‌دارم؛ نه در آن چیزی می‌افزایم، نه از آن چیزی می‌کاهم و نه چیزی از آن را پنهان می‌دارم.

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٦٣﴾.

پس به موجبات محبت خدا أ عمل نموده و از آنچه وی را به خشم می‌آورد، بپرهیزید و با یگانه قرار دادن حق‌تعالی در عبودیت و عدم شرک آوری به وی، از من در پیام رسالتم پیروی کنید.

﴿وَمَآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦٤﴾.

و من در قبال دعوتم نه از شما اجرتی می‌طلبم و نه بر تبلیغ رسالت از شما امیدوار جزایی هستم؛ زیرا جزا و پاداشم بر عهده آفریدگار هستی است؛ همو که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین به دست اوست.

﴿أَتَأۡتُونَ ٱلذُّكۡرَانَ مِنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦٥﴾.

آیا شما از میان مردم با مردها مرتکب فحشا می‌شوید و لذا با فطرت و عقل و نقل، مخالفت می‌ورزید؟!!

﴿وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمۡ رَبُّكُم مِّنۡ أَزۡوَٰجِكُمۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٌ عَادُونَ ١٦٦﴾.

و ازدواج با زنان را که خداوند أ ایشان را برای بهره‌گیری حلال، آفرینش نسلی پاکیزه و کسب آرامش خلق کرده است فرو می‌گذارید؟ بی‌گمان شما مردمی هستید که در نافرمانی حق‌تعالی از حد گذشته و حلال را به سوی حرام ترک کرده‌اید. بناءً مستوجب خشم خداوند أ شده‌اید.

﴿قَالُواْ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ يَٰلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُخۡرَجِينَ ١٦٧﴾.

اما قوم لوط دعوتش را رد کرده و گفتند: ای لوط! اگر از هشدار و اعتراض علیه ما در عمل لواط با مردان دست بر نداری، به زودی تو را از دیار خویش طرد نموده و از میان خود تبعید می‌کنیم.

﴿قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُم مِّنَ ٱلۡقَالِينَ ١٦٨﴾.

لوط ÷ در پاسخ‌شان گفت: من خدا را گواه می‌گیرم که نسبت به عمل زشت شما سخت‌ترین نفرت و بغض را دارم و از این عمل فحشای شما به سوی حق‌تعالی بیزاری می‌جویم.

﴿رَبِّ نَجِّنِي وَأَهۡلِي مِمَّا يَعۡمَلُونَ ١٦٩﴾.

پس چون قوم لوط ÷ برعمل‌شان اصرار ورزیدند او دعا کرد و گفت: پروردگارا! من و خانواده‌ام را از این عمل زشتی که قومم انجام می‌دهند، رهایی بخش.

﴿فَنَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ ١٧٠﴾.

پس حق‌تعالی لوط ÷ و کسانش را که به وی ایمان آورده و از وی پیروی نموده بودند نجات داد و از عذاب به سلامت داشت.

﴿إِلَّا عَجُوزٗا فِي ٱلۡغَٰبِرِينَ ١٧١﴾.

مگر خداوند أ از خانواده لوط ÷ زن پیرش را که کفر ورزیده و قومش را در این معصیت تأیید کرده بود، هلاک ساخت. بناءً او از باقی ماندگان در عذاب و از شایسته‌گان آن کیفر بود.

﴿ثُمَّ دَمَّرۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ١٧٢﴾.

سپس حق‌تعالی دیگران از قوم لوط ÷ را همگی هلاک ساخت و آن‌ها را به عذاب ریشه کن و به هلاکی عام نابود کرد.

﴿وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهِم مَّطَرٗاۖ فَسَآءَ مَطَرُ ٱلۡمُنذَرِينَ ١٧٣﴾.

و بر آنان سنگ‌هایی از آسمان نازل کرد که در بسیاری و پیاپی آمدنش مانند باران بود. وه! چه بد است بارانی که حامل عذاب و فرود آورنده ویرانی است بر سر قومی کفر ورز که یگانه قهّار را نافرمانی کرده‌اند.

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ١٧٤﴾.

به راستی در عذاب قوم لوط پندی برای آیندگان و عبرتی است برای همه کسانی که اخبارشان به آنان رسیده است. ولی بیشتر کسانی که این داستان به آنان رسیده است نه تصدیق کننده‌اند و نه راه‌ یافته.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ١٧٥﴾.

و بی‌گمان پروردگار مالک، مدبّر و متصرفت همان ذات شکست ناپذیری است که غالب آمده، قهر نموده، حکم کرده و حکمش بر نظام و برنامه استوار است. او مهربانی است که به توبه کاران لطف نموده و بر باز آمدگان می‌آمرزد.

﴿كَذَّبَ أَصۡحَٰبُ لۡ‍َٔيۡكَةِ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٧٦﴾.

اصحابی که (درخت بزرگ) پیامبرشان شعیب ÷ را تکذیب کرده و دعوتش را رد کردند. پس گویی آنان تمام پیامبران را تکذیب نمودند؛ زیرا همه پیامبران برای هدف یگانه پرستی الله أ و نفی شرک از وی مبعوث گردیده‌اند.

﴿إِذۡ قَالَ لَهُمۡ شُعَيۡبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٧٧﴾.

آنگاه که شعیب ÷ به قوم خود گفت: آیا از عذاب خدا أ حذر نمی‌کنید تا به طاعتش عمل کرده و نافرمانیش را فرو گذارید؟

﴿إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ١٧٨﴾.

خداوند أ مرا با پیام توحید به سوی شما فرستاده است، بناء من امانتدار این پیام هستم و آن را همانگونه که شنیده‌ام ابلاغ نموده و همانسان که دستور یافته‌‌ام، به انجامش می‌رسانم؛ نه بر آن می‌افزایم و نه از آن می‌کاهم.

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٧٩﴾.

پس به طاعت حق‌تعالی عمل کرده و از مخالفت فرمانش دست بردارید، دعوتش را اجابت گفته و مرا در آنچه به سوی آن فرا می‌خوانم پیروی کنید تا به هدایت و ولایت خدا أ نایل شوید.

﴿وَمَآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٨٠﴾.

و در قبال رنج‌ها و زحماتی که بر دعوتم متحمل می‌شوم و در ازای بار سنگین رسالت که بر دوش می‌کشم از شما اجرتی نمی‌طلبم؛ زیرا پاداشم بر عهده مالک امر من است، همو که ملکوت هر چیز در دست اوست.

﴿۞أَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُخۡسِرِينَ ١٨١﴾.

ای قوم! وقتی با مردم داد و ستد می‌کنید پیمانه را تمام داده و از آن چیزی نکاهید؛ زیرا هر کس از خدا أ بترسد از او در مورد بندگانش نیز پروا می‌دارد؛ با تمام پرداختن حقوق‌شان و عدم ستم به آنان.

﴿وَزِنُواْ بِٱلۡقِسۡطَاسِ ٱلۡمُسۡتَقِيمِ ١٨٢﴾.

و چون با مردم داد و ستد کنید با وزن عادلانه بسنجید و از حقوق آنان در ترازو و وزن نکاهید.

﴿وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ١٨٣﴾.

و از حقوق مردم در پیمانه، یا وزن، یا شمار، یا پول نقد و غیره نکاسته آن‌ها را فریب ندهید و در کار غش و خیانت نیاورید و با کفر، کشتار، چور و چپاول، ستم، فحشا، منکر، نافرمانی والدین، بریدن پیوند رَحم و دیگر گناهان در زمین فساد نیفروزید.

﴿وَٱتَّقُواْ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلۡجِبِلَّةَ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٨٤﴾.

و از عذاب خداوند أ بپرهیزید و البته این با طاعت و ترک معصیتش امکان پذیر است؛ زیرا اوست که شما و اقوام گذشته را در قرن‌های پیشین آفریده است.

﴿قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ ٱلۡمُسَحَّرِينَ ١٨٥﴾.

قوم شعیب ÷ در پاسخ وی گفتند: تو مرد افسون شده‌ای هستی که جادو دامنگیرت شده و عقلت را از بین برده است؛ در نتیجه سخنانی نا استوار و بی‌ربط می‌گویی که از عقلانیت و رشد به دور است.

﴿وَمَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ١٨٦﴾.

و تو جز بشری مانند ما نیستی. روشن است که تو فرشته‌ای از فرشتگان آسمان نمی‌باشی پس امتیاز تو بر ما چیست؟ و ما تو را از کسانی می‌پنداریم که بر خدا أ دروغ می‌بندند لذا خدا أ تو را به رسالت به سوی ما نفرستاده است بلکه تو از پیش خود چنین ادعایی را مطرح کرده‌ای.

﴿فَأَسۡقِطۡ عَلَيۡنَا كِسَفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ١٨٧﴾.

ای شعیب! اگر در ادعای رسالت از سوی خداوند أ راستگو هستی، از پروردگارت بخواه که بر ما پاره‌ای از ابر سیاه را فرو انداخته و هلاک‌مان گرداند. این سخن را از سر عناد و استبعاد گفتند.

﴿قَالَ رَبِّيٓ أَعۡلَمُ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٨٨﴾.

شعیب ÷ در پاسخ‌شان گفت: خداوند أ بر اعمال شما آگاه است و کفر و تکذیب‌تان را می‌داند. همچنان او می‌داند که چه وقت عذاب را بر شما نازل کند. و من بیش از پیام رسانی برای پیامش نیستم.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمۡ عَذَابُ يَوۡمِ ٱلظُّلَّةِۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٍ ١٨٩﴾.

پس بر کفر خود پایدار باقی ماندند. در نتیجه خداوند أ بر آنان گرمای سختی را مسلّط کرد که اجسادشان را پاره پاره ساخت و شروع به فرار از آن گرمی به سوی هرگونه سایه‌ای کردند تا در آن پناه گیرند. در این میان پاره ابری را دیدند و به سایه آن شتافتند. ولی به مجرد آنکه تمام آن‌ها در زیر آن جمع شدند، آن ابر بر آن‌ها آتشی را مشتعل ساخت و همگی را بسوخت. به راستی آن روز از سخت‌ترین روزها در هول و هراس و عذاب و هلاک بود.

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ١٩٠﴾.

بی‌گمان در عذابی که بر قوم شعیب فرود آمد برای اهل بصیرت پند و عبرتی است، ولی بیشتر کسانی که این واقعه را شنیدند نه ایمان آور بودند و نه باور دارنده.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ١٩١﴾.

و در حقیقت پروردگار مالک، توانگر و نیرومند تو همان ذاتی است که در انتقام از دشمنان و شدّت گرفتار ساختن ستیزه جویانش، غالب و شکست ناپذیر است. در حالی که به مطیعانش مهرورز و به تقرب جویان کویش صاحب لطف می‌باشد.

﴿وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٩٢﴾.

و به راستی که قرآن عظیم ـ این کتابی که حق‌تعالی آن را بر نبی کریم خود نازل کرده ـ وحی است که پروردگار رحمان و رحیم ـ آفریدگار هستی و ایجادگر آسمان‌ها و زمین، بدان سخن گفته است.

﴿نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلۡأَمِينُ ١٩٣﴾.

روح القدس ـ جبرئیل امین ـ قرآن کریم را از نزد خدای رحمان در قالب وحی فرود آورده و به پیامبر اکرم ج رسانده است.

﴿عَلَىٰ قَلۡبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ ١٩٤﴾.

جبرئیل قرآن را بر قلب پیامبر ج وحی کرده و آن حضرت نیز آن را حفظ نموده، فهمیده، به محکمی و استواری دریافته و به امّت رسانده است تا به وسیله آن از عذاب الهی هشدار داده و انس و جن را بدان بیم داده باشد.

﴿بِلِسَانٍ عَرَبِيّٖ مُّبِينٖ ١٩٥﴾.

جبرئیل ÷ قرآن را به زبان عربی فصیح و روشن که الفاظی زیبا، معانی رسا، واضح و کلماتی نورانی و روشنگر دارد به پیامبر ج آورده است به طوری که هر انسان شهری و روستایی و هر فرد خوانا و ناخوان، آن را می‌فهمد.

﴿وَإِنَّهُۥ لَفِي زُبُرِ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٩٦﴾.

و بی‌گمان وصف این قرآن عظیم در کتاب پیامبران پیشین † ثابت و ذکر شده است؛ از آن خبر داده‌اند و امت‌های‌شان را بدون نوید بخشیده‌اند.

﴿أَوَ لَمۡ يَكُن لَّهُمۡ ءَايَةً أَن يَعۡلَمَهُۥ عُلَمَٰٓؤُاْ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ١٩٧﴾.

آیا این امر برای‌شان برهان روشن و حجّتی قاطع نیست که علمای یهود از راستی و ثبوت قرآن آگاهی و بدان عمل دارند و همچنان از ایشان ـ مانند عبدالله بن سلام ـ که ایمان آورده‌اند، بر حقانّیت آن گواهی می‌دهند؟ یقیناً همین برهان بر اینکه قرآن حقّی از نزد الله أ است و پیامبر ج فرستاده‌ای از نزد وی می‌باشد، کافی و بسنده است.

﴿وَلَوۡ نَزَّلۡنَٰهُ عَلَىٰ بَعۡضِ ٱلۡأَعۡجَمِينَ ١٩٨﴾.

و اگر خداوند أ قرآن را بر برخی از اعجمیانی که زبان عربی را به درستی تکلم نمی‌کنند نازل می‌کرد تا این احتجاج کافران را ابطال نماید که چرا پیامبر خودش عرب و کتابش هم به زبان عربی است.

﴿فَقَرَأَهُۥ عَلَيۡهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ مُؤۡمِنِينَ ١٩٩﴾.

و باز آن شخص اعجمی این قرآن را با قرائت عربی فصیحی بر کافران می‌خواند، یقیناً در آن صورت نیز به او ایمان نیاورده و حجّتی دیگر را برای تکذیب وی جستجو می‌کردند.

﴿كَذَٰلِكَ سَلَكۡنَٰهُ فِي قُلُوبِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٢٠٠﴾.

خداوند أ اینگونه تکذیب به قرآن را در دل‌های مجرمان راه داده است؛ در نتیجه به علّت شرک و سرکشی‌شان این تکذیب و انکار در دل‌های‌شان پایدار گردیده است.

﴿لَا يُؤۡمِنُونَ بِهِۦ حَتَّىٰ يَرَوُاْ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَلِيمَ ٢٠١﴾.

هرگز به قرآن باور نمی‌دارند تا عذاب پردردی را که پیامبر ج به آنان وعده داده است به چشم سر نبینند.

﴿فَيَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٢٠٢﴾.

پس حق‌تعالی آن عذاب پردرد را به طور ناگهانی بدون هشداری پیشین بر کافران نازل می‌کند، به طوری که تا واقع نشود، از آمدنش بی‌خبر اند.

﴿فَيَقُولُواْ هَلۡ نَحۡنُ مُنظَرُونَ ٢٠٣﴾.

وقتی کافران عذاب را ببینند می‌گویند: آیا مهلت خواهیم یافت تا به خویشتن خویش رجوع کرده و به پروردگارمان ایمان آوریم؟ زیرا اگر اندکی به تاخیر افکنده شویم یقینا توبه می‌کنیم و باز می‌آییم.

﴿أَفَبِعَذَابِنَا يَسۡتَعۡجِلُونَ ٢٠٤﴾.

آیا مگر مهلت‌دادن یگانۀ قهار کافران را فریفته است؟ و از این‌روی آنان نزول عذاب از سوی وی را به انگیزۀ دیر کرد و تکذیب آن به شتاب می‌طلبند؟

﴿أَفَرَءَيۡتَ إِن مَّتَّعۡنَٰهُمۡ سِنِينَ ٢٠٥﴾.

ای پیامبر! مگر نمی‌دانی که اگر کافران را سال‌های طولانی مهلت دهیم، تا از زندگی و شهوات‌شان برخوردار شوند.

﴿ثُمَّ جَآءَهُم مَّا كَانُواْ يُوعَدُونَ ٢٠٦﴾.

و آنگاه پس از برخورداری‌شان از زندگی آن عذابی که پیامبر ج به خاطر تکذیب‌شان به رسالتش بدان هشدارشان داده است، بر آنان فرود آید.

﴿مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يُمَتَّعُونَ ٢٠٧﴾.

مسلماً در صورتی که به خدا أ ایمان نیاورده باشند، این بهره‌وری و برخورداری کافران از عمرهای طولانی، سرزمین‌های آباد و عیش و عشرت و رفاه هیچ به کارشان نمی‌آید و خداوند أ قطعاً آنان را در کوتاه مدّت یا بلند مدّت عذاب خواهد کرد؟

﴿وَمَآ أَهۡلَكۡنَا مِن قَرۡيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ ٢٠٨﴾.

و خداوند أ هیچ شهری از شهرهای روی زمین را عذاب نکرد مگر بعد از آنکه حجّت را بر اهالی آن شهر بر پاداشت؛ با فرستادن پیامبری به سوی‌شان که آنان را در صورت کفر ورزی از عذابش هشدار دهد.

﴿ذِكۡرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ٢٠٩﴾.

و این هشدار دهی یاد آور و اندرزی خیر خواهانه بر ایشان بود تا قبل از آنکه عذاب بر آنان فرود می‌آید به خداوند أ ایمان آورند و خداوند أ ـ با هلاک ساختن‌شان پیش از فرستادن پیامبر به سوی‌شان ـ بر آنان ستم نمی‌کند بلکه نخست پیامبری هشدارگر به سوی‌شان می‌فرستد.

﴿وَمَا تَنَزَّلَتۡ بِهِ ٱلشَّيَٰطِينُ ٢١٠﴾.

و قرآن را شیاطین بر سرور اولاد عدنان ج فرود نیاورده‌اند بلکه قرآن کلام خدای رحمان است.

﴿وَمَا يَنۢبَغِي لَهُمۡ وَمَا يَسۡتَطِيعُونَ ٢١١﴾.

و شیاطین را نسزد که وحی نازل کنند و نتوانند چنین کرد؛ زیرا این کار نه بر ایشان رواست و نه بر آن توانایند.

﴿إِنَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّمۡعِ لَمَعۡزُولُونَ ٢١٢﴾.

در حقیقت شیاطین از شنیدن قرآن ممنوع و از آن با شهاب‌های سوزان بر گردانیده شده‌اند.

﴿فَلَا تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُعَذَّبِينَ ٢١٣﴾.

بنابر آن، چیزی را به خدا أ شریک نیاور و غیر وی را مخوان؛ زیرا اگر چنین کنی، خداوند أ عذابت می‌کند و آنکه کسی تو را از عذابش باز نتواند داشت. پس وقتی پیامبر ج ـ بر فرض چنین حالتی ـ با چنین پیامدی رو به رو شود، چگونه خواهد بود حال دیگران ـ اگر به ورطه شرک درافتند؟

﴿وَأَنذِرۡ عَشِيرَتَكَ ٱلۡأَقۡرَبِينَ ٢١٤﴾.

ای پیامبر! و کسان نزدیکت را هشدار ده و از نزدیک‌ترین‌ها آغاز کن؛ زیرا ایشان نسبت به دیگران به خیر خواهی و دلسوزی‌ات سزاوارتر اند.

﴿وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٢١٥﴾.

و برای آنانی که دعوتت را تصدیق کرده و از رسالتت پیروی کرده‌اند فروتنی کن، بال عنایتت را بر ایشان فروگستر و به ایشان سخن خوش بگو؛ زیرا دل‌های‌شان را با مهر و ملایمت به دست خواهی آورد.

﴿فَإِنۡ عَصَوۡكَ فَقُلۡ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تَعۡمَلُونَ ٢١٦﴾.

پس اگر مخالفی با تو از در خلاف در آمده به هدایتت راه نیافت و از فرمانت پیروی نکرد، در آن صورت از اعمالش ـ اعم از آنکه کفر باشد یا معاصی ـ بیزاری جوی؛ زیرا بر تو از معصیت عاصیان و خلاف نافرمانان هیچ پیامدی نیست.

﴿وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ ٢١٧﴾.

و در همه امور خویش به حق‌تعالی تکیه کن و کار خویش را همه به او بسپار؛ اویی که با جبروت خود غالب و شکست ناپذیر است، معاندانش را مقهور و ستیزه جویان را به فرمانش خوار و ذلیل می‌سازد. و همو که رحیمی است پر مهر؛ دوستانش را خوار نمی‌سازد و بلند و پر فروغ‌شان می‌دارد.

﴿ٱلَّذِي يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ ٢١٨﴾.

ای پیامبر! اوتعالی است که وقتی در دل تاریکی‌های شبانه به تنهایی به نماز برمی‌خیزی تو را می‌بیند؛ آنجا که جز او هیچ‌کس تو را نمی‌بیند.

﴿وَتَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ ٢١٩﴾.

و همو که حرکتت را ـ ای پیامبر! ـ در حالت نماز خواندنت همراه با نماز گزاران می‌بیند؛ در آن حال که تو ایستاده‌ای، یا در رکوعی، یا در سجده قرار داری و یا در قعده نشسته‌ای.

﴿إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٢٢٠﴾.

یقیناً خدای سبحان را می‌شنود، به احوال و افعال داناست؛ هیچ امر پنهانی بر وی نهان نیست بناء رازها نزد وی آشکار است.

﴿هَلۡ أُنَبِّئُكُمۡ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ ٱلشَّيَٰطِينُ ٢٢١﴾.

ای بشریت! آیا شما را از کسی که شیاطین بر وی فرود آمده و دروغ، بهتان، نیرنگ و تقلب را بر وی القا می‌کنند خبر دهم؟

﴿تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ٢٢٢﴾.

شیاطین بر هر شخص دروغزن بسیار گنه کاری که مرتکب منکرات و امور زشت و فحشا آلود می‌شود، فرود می‌آیند پس آن‌ها نزد مؤمنان راستین نمی‌آیند.

﴿يُلۡقُونَ ٱلسَّمۡعَ وَأَكۡثَرُهُمۡ كَٰذِبُونَ ٢٢٣﴾.

شیاطین دزدانه گوش فرا داشته و همین که یک کلمه را از مَلآ أعلی می‌‌شنوند همان یک کلمه را به کاهنان و فال بینان و عرافان که غالب‌شان کذّاب اند خبر می‌دهند. آن‌ها هم بر آن یک کلمه صد دروغ افزوده و تحویل فریب خوردگان می‌دهند!!

﴿وَٱلشُّعَرَآءُ يَتَّبِعُهُمُ ٱلۡغَاوُۥنَ ٢٢٤﴾.

و شاعران نیز غالباً اشعار خود را بر بنیاد باطل و دروغ، مبالغه، گزافه و تخیّلات دور از حقیقت و واقعیت تنظیم می‌کنند و هر گمراه کژروی از همانندان‌شان از ایشان پیروی می‌نماید.

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّهُمۡ فِي كُلِّ وَادٖ يَهِيمُونَ ٢٢٥﴾.

آیا نمی‌دانی که این گروه شعرا همانند کسی که بر روی خود سر گردان است در هر وادیی فرو می‌روند؟ بناء آنان دروغ‌ها سر هم کرده، مبالغه‌ها و گزافه‌ها به هم تنیده، سروده‌ها پرداخته و بر شر‌ف‌ها می‌تازند، در نسب‌ها طعنه می‌زنند، پاکدامنان را متهم ساخته و نیکو سیرتان با مروّت را به رگبار هجو می‌بندند.

﴿وَأَنَّهُمۡ يَقُولُونَ مَا لَا يَفۡعَلُونَ ٢٢٦﴾.

همچنان این گروه از شعرا چیزهایی می‌گویند که خود انجام نمی‌دهند. از این‌روی به اعمالی خودستایند که عمل نکرده‌اند و به اوصافی فخر ورزند که در آنان وجود ندارد. آنان گزیدگان را به باد ناسزا گرفته و بدکاران را مدح و ثنا می‌خوانند.

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَذَكَرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا وَٱنتَصَرُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْۗ وَسَيَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَيَّ مُنقَلَبٖ يَنقَلِبُونَ ٢٢٧﴾.

البته خداوند أ از آن شاعران مورد نکوهش و زیر رگبار سرزنش، شعرای دعوت و رسالت ـ از اهل ایمان و عمل صالح و جهاد در راه خدا أ و دفاع از حریم دین الله أ ـ را استثنا می‌کند؛ همانان که سخن به حکمت گفته، اندرز نیکو بر زبان دارند، بر فضیلت‌ها انگیخته، از رذیلت‌ها منع می‌کنند. آرایه‌های اخلاق را با چلچراغ کلمات آزین می‌بندند، به ارزش‌های نیک و والا و معانی بلند و روح افزا فرا می‌خوانند، همانانند که خدا را بسیار یاد می‌کنند، کتابش را می‌خوانند و دانش سودمند می‌اندوزند. و کسانی که با کفر و گناه، ستیز علیه دین، ستم بر مردم، تجاوز به آبروها و نوامیس و اتهام زدن به بهتان و ناروا بر خویشتن ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست که به چه بازگشتگاه پر از ذلت، هلاکت و زیانباری بر خواهند گشت؛ آنگاه که آنچه در قبرهاست زیر و زبر شود، آنچه در سینه‌هاست بیرون ریختانده شود و پرده‌ها نزد آن ذاتی که به راز سینه‌ها داناست کنارزده شود. پس از خدای ﻷ می‌طلبیم که ما را به رحمتش در پوشانده و بر ما از جام عافیت خویش بریزاند و پرده عفاف و عنایت خویش را بر سر ما بپوشاند. آمین یا ربّ العالمین.

سورۀ نمل

مکی است؛ ترتیب آن 27؛ شمار آیات آن 93

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿طسٓۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡقُرۡءَانِ وَكِتَابٖ مُّبِينٍ ١﴾.

طا، سین؛ از حروف مقطعه است که خداوند أ به مراد خویش از آن‌ها داناتر می‌باشد و البته برای آن‌ها معانی و مقاصدی است که ما علم آن را به خدای متعال موکول می‌کنیم. این آیات قرآن، آیاتی است که معانی واضح و مبانی روشن دارند. این کتاب، در دلالت خود روشنگر و در صحّت خود قاطع است؛ آیاتش دربر گیرنده اصول همه علوم، احکام، شرایع، اخلاق، و آداب می‌باشد.

﴿هُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ٢﴾.

آیات قرآن مردم را به سوی حق هدایت نموده و راهنمای رستگاری و کامیابی دنیا و آخرت است. این آیات مؤمنان نیکوکار را به سعادت دنیا و نعمت‌های پایدار در بهشت‌های برین بشارت می‌دهد.

﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٣﴾.

همان مؤمنانی که نمازهای فرض را به کامل‌ترین شیوه بر پا داشته، زکات اموال‌شان را از روی رضا و رغبت به مستحقان آن می‌دهند و به برپایی قیامت و روز حساب و جزا یقین دارند؛ آنجا که حق‌تعالی اهل طاعت را پاداش داده و گنهکاران را به کیفر می‌رساند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُمۡ يَعۡمَهُونَ ٤﴾.

در حقیقت کسانی که آخرت را تکذیب کرده و از برپایی قیامت انکار ورزیده‌اند و برای آن اعمال شایسته‌ای آماده نکرده‌اند، خداوند أ کردارهای زشت‌شان را برای‌شان آراسته است؛ در نتیجه آن کردارهای بد را زیبا می‌بینند و بر ارتکاب آن می‌افزایند تا گناهان‌شان نزد خداوند أ بزرگ و بزرگ‌تر شود. پس آنان متردّد و سر گشته‌اند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَهُمۡ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ وَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡأَخۡسَرُونَ ٥﴾.

برای آن گروه در دنیا سخت‌ترین عذاب‌ها ـ همچون قتل، اسارت، خواری و خفت، عار و نفرت ـ است و در آخرت نیز، عذاب نار و خشم خدای جبّار در انتظارشان می‌باشد.

﴿وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى ٱلۡقُرۡءَانَ مِن لَّدُنۡ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ٦﴾.

و ای پیامبر! حقّا که تو قرآن را از سوی حکیم دانا دریافت می‌داری. بنابراین قرآن وحی است بر تو از جانب پروردگارت که بدان سخن گفته است؛ همو که در آفرینش و صنع و در حکم و شرعش، حکیم و سنجیده کار است، علمش به همه چیز فراگیر می‌باشد و از این‌روی هیچ امر پنهانی بروی نهان نمی‌ماند.

﴿إِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهۡلِهِۦٓ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا سَ‍َٔاتِيكُم مِّنۡهَا بِخَبَرٍ أَوۡ ءَاتِيكُم بِشِهَابٖ قَبَسٖ لَّعَلَّكُمۡ تَصۡطَلُونَ ٧﴾.

و خبر موسی ÷ را یاد کن؛ روزی که او در راه مدین به مصر به خانواده خود گفت: من از دوردست آتشی را مشاهده کرده‌ام پس می‌خواهم آنجا بروم تا خبری بیاورم که ما را به راه‌مان راهبر گردد یا شعله‌ای از آتش بیاورم که بر آن بر افروزیم و سرما را از تنمان دفع کنیم.

﴿فَلَمَّا جَآءَهَا نُودِيَ أَنۢ بُورِكَ مَن فِي ٱلنَّارِ وَمَنۡ حَوۡلَهَا وَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٨﴾.

پس چون موسی ÷ نزد آن آتش رسید، خدای سبحان وی را ندا داد که: این مکان جایی مبارک و پاک است از آن روی که او آن را جایگاه سخن گفتن خود با موسی ÷ و ارسالش به سوی فرعون قرار داده است. همانا خداوند أ کسانی را که در محل آتش هستند و کسانی از فرشتگان را که پیرامون آن قرار دارند، خجسته و مبارک گردانیده است. بی‌گمان حق‌تعالی از عیوب و کاستی‌ها و هر آنچه که سزاوار جلالش نیست و بعضی از خلقش به وی نسبت می‌دهند، پاک و منزه است.

﴿يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّهُۥٓ أَنَا ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٩﴾.

همچنان خدای متعال موسی ÷ را ندا داد و به وی اعلام کرد که: فقط او به یگانگی شایسته الوهیت می‌باشد؛ او را شریکی نیست، او غالبی است که دشمنانش را منکوب ساخته و دوستانش را یاری نموده است، حکیمی است که همه امور را به نیکویی سامان داده و به استواری برنامه ریزی کرده است.

﴿وَأَلۡقِ عَصَاكَۚ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهۡتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنّٞ وَلَّىٰ مُدۡبِرٗا وَلَمۡ يُعَقِّبۡۚ يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفۡ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ١٠﴾.

همچنان خدای ﻷ به موسی ÷ دستور داد که عصایش را بیندازد. او عصایش را افکند و آن عصا به اذن باری‌تعالی به ماری تبدیل شد. چون موسی ÷ دید که عصا تبدیل به ماری شده است که پیش رویش می‌جنبد، هراسان پا به فرار نهاد و عصا را گذاشته به سوی آن باز نگشت. پس خدای ﻷ به وی ندا در داد و فرمود: نترس؛ زیرا بر پیامبران ترسی نیست از آنکه ایشان نزد ما گرامی اند و منزلتی ویژه دارند.

﴿إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسۡنَۢا بَعۡدَ سُوٓءٖ فَإِنِّي غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١١﴾.

لیکن کسی که گناه کرده و با ارتکاب خطاها بر خویشتن ستم نموده است، سپس به سوی پروردگارش باز گشته و به بارگاه وی توبه کار شده است، بی‌گمان حق‌تعالی گناهان و خطاهای گذشته‌اش را می‌آمرزد و از وی درمی‌گذرد؛ زیرا او بسیار آمرزگار و رحمتش بسیار گسترده است.

﴿وَأَدۡخِلۡ يَدَكَ فِي جَيۡبِكَ تَخۡرُجۡ بَيۡضَآءَ مِنۡ غَيۡرِ سُوٓءٖۖ فِي تِسۡعِ ءَايَٰتٍ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَقَوۡمِهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ ١٢﴾.

همچنان حق‌تعالی به موسی ÷ دستور داد تا دست خود را از زیر بغل در گریبان خویش زیر آن دست دیگرش داخل کند. پس موسی چنان کرد و در نتیجه دستش بسیار سپید و درخشان بدون عیب و آفتی چون برص ـ بیرون آمد. البته این یکی از نه معجزه روشنی بود که خدای متعال موسی ÷ را در برابر فرعون و قومش بدان تأیید نمود؛ زیرا آن‌ها از دایره طاعت خداوند أ بیرون رفته و از حدودش تجاوز نمودند.

﴿فَلَمَّا جَآءَتۡهُمۡ ءَايَٰتُنَا مُبۡصِرَةٗ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ١٣﴾.

پس چون موسی ÷ آن معجزات را به سوی فرعون برد ـ معجزاتی که دلالتی روشن و حجتی آشکار به همراه داشتند به طوری که هر کس آن‌ها را می‌دید، حق را آفتابی مشاهده می‌کرد ـ فرعون و قومش آن‌ها را رد کرده و گفتند: این معجزات سحری است آشکار که هیچ‌کس در ماهیّت آن‌ها شک و تردیدی به خود راه نمی‌دهد. و البته این سخن‌شان دروغ و بهتانی بیش نبود.

﴿وَجَحَدُواْ بِهَا وَٱسۡتَيۡقَنَتۡهَآ أَنفُسُهُمۡ ظُلۡمٗا وَعُلُوّٗاۚ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ١٤﴾.

فرعون و قومش معجزات موسی ÷ را تکذیب نمودند حال آنکه در اعماق وجود خود به خوبی می‌دانستند که آن معجزات از بارگاه الله أ است و حق می‌باشد، ولی تجاوز و انکار، تکبر و خود برتر بینی همراه با گردنکشی و گستاخی علیه بندگان خدا أ آنان را به تکذیب واداشت. پس بنگر که فرجام‌شان بعد از آنکه در زمین با کفر و کشتار و ستم فساد افروختند ـ چه بود؟ همانا خداوند أ آنان را به دریا غرق گردانید و در آخرت نیز بر ایشان عذاب آتش مهیّاست.

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ عِلۡمٗاۖ وَقَالَا ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّنۡ عِبَادِهِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٥﴾.

و به راستی خداوند أ بر داود و سلیمان ـ علیهما السّلام ـ منّت گذاشت؛ با بخشیدن دانشی سودمند از وحی و حکمت و فهم و خرد به ایشان. پس آن دو به علم خویش عمل کرده، آن را به مردم نیز آموختند و حق‌تعالی را بر این امر که ایشان را بر بسیاری از مردم برتری بخشیده است سپاس گذاشتند. البته این آیه برهانی است آشکار بر فضل و شرف علم و علو مقام و منزلت حاملان و سراپرده داران آن.

﴿وَوَرِثَ سُلَيۡمَٰنُ دَاوُۥدَۖ وَقَالَ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ عُلِّمۡنَا مَنطِقَ ٱلطَّيۡرِ وَأُوتِينَا مِن كُلِّ شَيۡءٍۖ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡمُبِينُ ١٦﴾.

سلیمان، رسالت و حکمت و پادشاهی را از پدرش داود به ارث برده بعد از وی جانشینش گردید و در جایگاه شکر گزارش نعمت‌های پروردگارش به مردم گفت: ای مردم! در حقیقت خدا أ به ما زبان پرندگان را تعلیم داده و فهمانده است و با بخششی هر آنچه که دربر پاداشت حکومت و اقتدار دولت بدان نیاز داشته‌ایم، بر ما منّت گذاشته است. و البته این موهبت‌هایی که حق‌تعالی به ما ارزانی داشته، از فضل و خیر آشکاری است که ما را بدان بر سایر بشر برتری و رفعت بخشیده و در جایگاه ویژه‌ای قرار داده است.

﴿وَحُشِرَ لِسُلَيۡمَٰنَ جُنُودُهُۥ مِنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ وَٱلطَّيۡرِ فَهُمۡ يُوزَعُونَ ١٧﴾.

و سپاهیان سلیمان ÷ از مخلوقات مختلف ـ اعم از جن و انس و پرندگان ـ در روز جشنی که داشتند جمع آوری شدند. آن‌ها با وجود کثرت و تنوع خود، بر نظام و آرایشی دقیق قرار داشتند به طوری که هر صنف و دسته‌ای جای و ماموریّت خود را می‌شناخت.

﴿حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَوۡاْ عَلَىٰ وَادِ ٱلنَّمۡلِ قَالَتۡ نَمۡلَةٞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّمۡلُ ٱدۡخُلُواْ مَسَٰكِنَكُمۡ لَا يَحۡطِمَنَّكُمۡ سُلَيۡمَٰنُ وَجُنُودُهُۥ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ١٨﴾.

تا چون سلیمان ÷ و سپاهیانش به وادی موران رسیدند مورچه‌ای از آن میان به سایر مورچگان هشدار گرانه گفت: ای مورچگان! از بیم سلیمان و سپاهیانش به خانه‌های‌تان داخل شوید که وقتی بر شما گذر کنند شما را با گام‌های خود نابود می‌کنند. البته آن‌ها قصد نابودی شما را ندارند ولی ممکن است نادیده و ندانسته از اینکه شما در اینجا وجود دارید، چنان کنند.

﴿فَتَبَسَّمَ ضَاحِكٗا مِّن قَوۡلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَدۡخِلۡنِي بِرَحۡمَتِكَ فِي عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٩﴾.

سلیمان ÷ از سخن آن مور دهان به خنده گشود که چگونه خدای سبحان آن را از وجود وی و سپاهیانش با خبر گردانیده و توان و فهم و شعور هشداردهی به سایر موران را به وی بخشیده است!! از این‌روی او بیش از پیش متوجه نعمت‌های عظیم الهی بر خود شده و از پروردگارش خواست تا وی را به شکر و سپاس در برابر آن نعمت‌هایی که به وی و همچنان به پدر و مادرش موهبت نموده یاری دهد که البته در رأس نعمت‌ها ایمان، هدایت و حکمت است. همچنین او از حق‌تعالی خواست تا وی را به انجام اعمال شایسته‌ای که موجب رضایش گردد توفیقش بخشد و به رحمتی از جانب خود او را همراه ابرار در سرای قرار به جوار خود که عزیز و غفّار است داخل گرداند.

﴿وَتَفَقَّدَ ٱلطَّيۡرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَآ أَرَى ٱلۡهُدۡهُدَ أَمۡ كَانَ مِنَ ٱلۡغَآئِبِينَ ٢٠﴾.

و سلیمان ÷ جویای حال پرندگانی شد که خداوند أ برای وی رام‌شان ساخته بود و اینکه چه تعداد از آن‌ها حاضر و چه تعداد غایب اند. پس او معترضانه از غیابت هدهد گفت: مرا چه شده است که هدهد را حاضر نمی‌بینم، آیا او پنهان شده یا که از غایبان است؟

﴿لَأُعَذِّبَنَّهُۥ عَذَابٗا شَدِيدًا أَوۡ لَأَاْذۡبَحَنَّهُۥٓ أَوۡ لَيَأۡتِيَنِّي بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ ٢١﴾.

پس چون سلیمان ÷ از غیاب هدهد متیقن شد، وی را از باب تأدیب به مجازاتی سخت، یا ـ به کیفر تأخیر و غیاب و بی‌اعتنائی به وظیفه‌اش ـ به کشتن تهدید نمود؛ مگر آنکه عذری روشن و موجّه برای سلیمان ÷ بیاورد که او بتواند وی را در مورد غیبتش معذور بشناسد.

﴿فَمَكَثَ غَيۡرَ بَعِيدٖ فَقَالَ أَحَطتُ بِمَا لَمۡ تُحِطۡ بِهِۦ وَجِئۡتُكَ مِن سَبَإِۢ بِنَبَإٖ يَقِينٍ ٢٢﴾.

پس دیری نپایید که هدهد آمد و سلیمان وی را بر غیبتش سرزنش کرد. هدهد در پاسخ گفت: من از چیزی آگاهی یافته و آن را به خوبی و درستی تمام دریافته‌ام که تو از آن آگاه نیستی؛ من برای تو از «سبأ» در سرزمین یمن خبری بزرگ آورده‌ام. و البته من بدانچه می‌گویم، متیقن و در آنچه نقل می‌کنم، راستگویم.

﴿إِنِّي وَجَدتُّ ٱمۡرَأَةٗ تَمۡلِكُهُمۡ وَأُوتِيَتۡ مِن كُلِّ شَيۡءٖ وَلَهَا عَرۡشٌ عَظِيمٞ ٢٣﴾.

هدهد ادامه داد: من در یمن زنی را یافتم که بر مردم «سبأ» حکومت می‌کرد و خداوند أ از هر چیزی که حکومت بدان پا برجا می‌شود به وی بخشیده بود و او تختی بزرگ و باشکوه داشت که در وقت حکمرانی بر آن می‌نشست.

﴿وَجَدتُّهَا وَقَوۡمَهَا يَسۡجُدُونَ لِلشَّمۡسِ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ فَهُمۡ لَا يَهۡتَدُونَ ٢٤﴾.

من این ملکه و رعیتش را چنان یافتم که خورشید را به جای خدای متعال که آفریننده و روزی دهنده ایشان است، می‌پرستیدند. البته کسی که ایشان را بدین فتنه فریفته است همانا شیطان است؛ آری! او شرک آوری به خدای سبحان و نافرمانی‌ها را برای‌شان آراسته و در نتیجه ایشان را از توحید و پرستش خدای ﻷ بر گردانیده است، لذا توفیق آن نیافته‌اند تا به وی ایمان آورده، طاعت را برایش خالص ساخته و وی را به عبودیت یگانه قرار دهند و پس گویی هدهد از دو چیز بر مردم سبأ معترض بود: یکی شرک به خدای متعال، و دیگری حکومت زنی بر ایشان.

﴿أَلَّاۤ يَسۡجُدُواْۤ لِلَّهِ ٱلَّذِي يُخۡرِجُ ٱلۡخَبۡءَ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَيَعۡلَمُ مَا تُخۡفُونَ وَمَا تُعۡلِنُونَ ٢٥﴾.

آری! شیطان آنان را از پرستش خدای رحمان بر گردانیده بود تا برای یگانه دیّان که بر هر امر پنهان و پوشیده‌ای در آسمان‌ها و زمین ـ اعم از رازها، گنج‌ها و دفینه‌ها، گیاهان باران و غیره ـ آگاه است و هر آنچه را بندگان پنهان و آشکار داشته‌اند می‌داند، سجده نکنند.

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ۩ ٢٦﴾.

البته خدای یکتا و یگانه که هیچ الهی جز او نیست شریکی ندارد، معبود راستینی غیر از او وجود نداشته و هیچ الهی که شایسته عبودیت باشد غیر از او موجود نیست. او پروردگار عرش عظیمی است که از هر عرش و هر تخت دیگری از تخت‌ها و کرسی‌های شاهان، بزرگ‌تر و برازنده‌تر است.

﴿۞قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٢٧﴾.

سلیمان به هدهد گفت: پس به تو مهلت خواهیم داد و در مورد اطلاعاتی که به ما داده‌ای بررسی خواهیم کرد تا این موضوع برای ما روشن شود که آیا در آنچه گفته‌ای، راستگو بوده‌ای یا دروغگو. سلیمان از روی تفاول، راستگویی را مقدّم ساخت.

﴿ٱذۡهَب بِّكِتَٰبِي هَٰذَا فَأَلۡقِهۡ إِلَيۡهِمۡ ثُمَّ تَوَلَّ عَنۡهُمۡ فَٱنظُرۡ مَاذَا يَرۡجِعُونَ ٢٨﴾.

سپس افزود: ای هدهد! این نامه‌‌ام را به بلقیس ملکه سبأ و قومش ببر و به آنان تسلیم کن. سپس از نزد‌شان بازگشته، در جایی نزدیک به آنان درنگ کن تا سخنان و اخبارشان و آنچه را در میان‌شان ردّ و بدل می‌شود، بشنوی.

﴿قَالَتۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ إِنِّيٓ أُلۡقِيَ إِلَيَّ كِتَٰبٞ كَرِيمٌ ٢٩﴾.

پس هدهد نامه سلیمان را برد و آن را نزد ملکه انداخت. ملکه سران دولت و اشراف قومش را گرد آورد و در حالی که آن‌ها به وی گوش فرا داده بودند چنین گفت: ای سران کشور! نامه‌ای ارجمند که مضمونی گرانبها دارد از سوی پادشاهی بزرگ و مقتدر برای من آمده است.

﴿إِنَّهُۥ مِن سُلَيۡمَٰنَ وَإِنَّهُۥ بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣٠﴾.

سپس او متن نامه را برای‌شان خواند که در آن آمده بود: این نامه از طرف سلیمان است و با (بسم الله الرحمن الرحیم) آغاز شده است.

﴿أَلَّا تَعۡلُواْ عَلَيَّ وَأۡتُونِي مُسۡلِمِينَ ٣١﴾.

مضمون نامه چنین است که: بر من تکبر نورزید و فروتنانه با عبودیت برای الله أ و در حالی که به یگانگی وی مقر هستید، نزد من آیید.

﴿قَالَتۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ أَفۡتُونِي فِيٓ أَمۡرِي مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمۡرًا حَتَّىٰ تَشۡهَدُونِ ٣٢﴾.

سپس بلقیس به قومش گفت: ای سران کشور! بر من در این مورد و درباره پیام سلیمان مشوره دهید؛ زیرا من همیشه با شما رأی زنی و مشوره کرده‌ام و کار و فیصله‌ای را بدون رأی و نظر و حضور شما فیصله ننموده‌ام.

﴿قَالُواْ نَحۡنُ أُوْلُواْ قُوَّةٖ وَأُوْلُواْ بَأۡسٖ شَدِيدٖ وَٱلۡأَمۡرُ إِلَيۡكِ فَٱنظُرِي مَاذَا تَأۡمُرِينَ ٣٣﴾.

سران و اعیان در پاسخ ملکه بلقیس گفتند: تو می‌دانی که ما در شمار و تجهیزات، نیرومند و در نبردها و پایداری در معرکه‌ها، دلاور و استوار هستیم ولی با این حال اختیار کار با تو و تصمیم نهایی از آن تو است؛ پس بنگر که چه چیز به صواب نزدیک‌تر و به صلاح مناسب‌تر است، و آنگه همان کن و مطمئن باش که ما شنوای سخنت و فرمانبردار دستورت هستیم.

﴿قَالَتۡ إِنَّ ٱلۡمُلُوكَ إِذَا دَخَلُواْ قَرۡيَةً أَفۡسَدُوهَا وَجَعَلُوٓاْ أَعِزَّةَ أَهۡلِهَآ أَذِلَّةٗۚ وَكَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ ٣٤﴾.

ملکه در حالی که از پیامد تلخ نبرد با شاهان هشدار می‌داد با زیرکی، هوشمندی و از روی تجربه گفت: در واقع از عادت شاهان است که چون با قهر و غلبه بر شهری مسلّط شوند، اشراف آن را خوار ساخته، مردان آن را کشته، خانه‌هایش را ویران می‌کنند و در آن با کشتار و اسارت و ستم، فساد برپا می‌نمایند. و این در هر زمان و هر مکانی شیوه ایشان است.

﴿وَإِنِّي مُرۡسِلَةٌ إِلَيۡهِم بِهَدِيَّةٖ فَنَاظِرَةُۢ بِمَ يَرۡجِعُ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ٣٥﴾.

اما من به سلیمان و قومش هدیه‌ای گران‌بها و بسیار با ارزش می‌فرستم تا این هدیه دوستی ایشان را جلب و آزارشان را از ما دفع نماید و بعد از آن منتظر بازگشت فرستادگان خود از نزد سلیمان خواهم ماند تا ببینم که با آنان چگونه معامله نموده و هدیه را به چه نحوی پذیرفته است.

﴿فَلَمَّا جَآءَ سُلَيۡمَٰنَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٖ فَمَآ ءَاتَىٰنِۦَ ٱللَّهُ خَيۡرٞ مِّمَّآ ءَاتَىٰكُمۚ بَلۡ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمۡ تَفۡرَحُونَ ٣٦﴾.

پس چون فرستادگان آن هدیه با ارزش را از نزد ملکه بلقیس به بارگاه سلیمان آوردند، سلیمان این کار را نپسندید؛ از آنکه خداوند أ از اسباب دنیا و وسایل ملک و مکنت به حدّی وی را بخشیده بود که به هیچ‌کس از بشر عطا نکرده بود. پس گفت: چگونه به من چیزی از بهره‌های فانی دنیا را می‌دهید در حالی که خداوند أ به من نبوت و حکمت، ملک و فرمانروایی، دانش و فهم، مال و مکنت، جاه و جلال و قدرت بخشیده است و این بی‌تردید از آنچه نزد شماست بزرگ‌تر و بهتر است. بلکه شما بدین امر که اسباب دنیا به شما اهدا شود سزاوار ترید؛ زیرا شمایید که اموال دنیا را دوست داشته و به بسیار داشتن آن شادی و فخر می‌کنید.

﴿ٱرۡجِعۡ إِلَيۡهِمۡ فَلَنَأۡتِيَنَّهُم بِجُنُودٖ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا وَلَنُخۡرِجَنَّهُم مِّنۡهَآ أَذِلَّةٗ وَهُمۡ صَٰغِرُونَ ٣٧﴾.

سلیمان به فرستاده‌ای که از نزد ملکه سبأ اعزام شده بود گفت: نزد ملکه و قومش بازگرد. سوگند به خدا أ که با چنان لشکری بر آنان حمله ور خواهم شد که توان مقاومت و رویارویی با آن را ندارند و قطعاً آنان را به خواری و ذلّت و زبونی و حقارت از دیارشان بیرون خواهم کرد؛ در صورتی که مسلمان نشده، خدای سبحان را به یگانگی نپرستند و شرک به وی را فرو نگذارند.

﴿قَالَ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ أَيُّكُمۡ يَأۡتِينِي بِعَرۡشِهَا قَبۡلَ أَن يَأۡتُونِي مُسۡلِمِينَ ٣٨﴾.

سپس سلیمان به کسانی از سپاهیانش که پیرامونش بودند گفت: کدام یک از شما می‌رود و تخت ملکه سبأ را ـ قبل از آنکه او و قومش فروتنانه و تسلیم شده نزد من آیند ـ پیش من می‌آورد؟

﴿قَالَ عِفۡرِيتٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبۡلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَۖ وَإِنِّي عَلَيۡهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٞ ٣٩﴾.

عفریتی از جنّیان بسیار نیرومند سرکش و زور آور گفت: من پیش از آنکه تو از همین مجلست برخیزی، تخت وی را برایت حاضر خواهم ساخت؛ زیرا من بر حمل آن نیرومند و بر آنچه در آن وجود دارد، امانتدارم. پس مطمئناً آن را بر همان حالش؛ بی‌نقص، تبدیل و تأخیر حاضر می‌سازم.

﴿قَالَ ٱلَّذِي عِندَهُۥ عِلۡمٞ مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبۡلَ أَن يَرۡتَدَّ إِلَيۡكَ طَرۡفُكَۚ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسۡتَقِرًّا عِندَهُۥ قَالَ هَٰذَا مِن فَضۡلِ رَبِّي لِيَبۡلُوَنِيٓ ءَأَشۡكُرُ أَمۡ أَكۡفُرُۖ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيّٞ كَرِيمٞ ٤٠﴾.

شخصی که نزد وی دانشی از کتاب ـ یعنی چیزی از علم نبوت که بر سلیمان وحی شده بود ـ وجود داشت گفت: من پیش از آنکه چشم خود را برهم زنی ـ آنگاه که نگاهت را به چیزی معطوف داری ـ تخت بلقیس را می‌آورم. پس سلیمان به وی دستور داد و او دعا کرد پس به اذن الله أ تخت بلقیس در دم حاضر ساخته شد. چون سلیمان آن تخت بزرگ را در لحظه‌ای کمتر از چشم برهم زدن، پیش روی خود دید گفت: این از فضل پروردگار آفریننده، مالک، مدبّر و متصرّف من است و این آزمونی است برایم که آیا نعمت‌های وی را سپاس گزاشته و طاعت را برایش خالص می‌سازم یا نعمت‌هایش را ناسپاسی نموده و شکرش را فرو می‌گذارم؟ و هر کس خدای ﻷ را در برابر نعمت‌هایش سپاس گزارد بی‌گمان فایده شکرش به خودش برمی‌گردد؛ بدین‌سان که نعمت‌ها بر وی افزایش یافته و خیر و برکت بر وی پیوسته باقی می‌ماند. اما هر کس نعمت‌های حق‌تعالی را شکر نگزارد او از وی و سپاسگزاریش بی‌نیاز است. ولی از آنجا که او کریم است، فضل خویش را شامل حال همه ـ اعم از شکرگزار و منکر، و یکتاپرست و کافر ـ گردانیده است و البته به زودی همه را مورد محاسبه قرارداده و هر کس را در برابر عملش جزا می‌دهد.

﴿قَالَ نَكِّرُواْ لَهَا عَرۡشَهَا نَنظُرۡ أَتَهۡتَدِيٓ أَمۡ تَكُونُ مِنَ ٱلَّذِينَ لَا يَهۡتَدُونَ ٤١﴾.

سلیمان به لشکریانش گفت: در نشانه‌های تخت ملکه تغییراتی ایجاد کنید و آن را برایش ناشناس گردانید تا در میزان هوش و ذکاوتش بنگرم که آیا به شناخت آن پی‌ می‌برد یا از کسانی است که پی نمی‌برند؟

﴿فَلَمَّا جَآءَتۡ قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرۡشُكِۖ قَالَتۡ كَأَنَّهُۥ هُوَۚ وَأُوتِينَا ٱلۡعِلۡمَ مِن قَبۡلِهَا وَكُنَّا مُسۡلِمِينَ ٤٢﴾.

پس چون بلقیس با سران قومش به بارگاه سلیمان ÷ آمد، سلیمان از وی پرسید؟ آیا تختت که برای حکمرانی بر آن می‌نشستی، همین است؟ بلقیس گفت: این شبیه تخت من است؛ گویی این همان است! البته این از ذکاوت بلقیس بود که پاسخ قطعی در اثبات یا نفی نداد، بلکه قضیه را در جایگاه یک امر محتمل قرار داد و به این ترتیب سلیمان دانست که او به درستی و استواری پاسخ داده است. از جانب دیگر بلقیس به درستی نبوت سلیمان متیقن شد و گفت: پیش از این نیز خدای سبحان به ما درباره خود و قدرتش دانش داده بود و اینک ما برایش مطیع و فروتن و در پذیرش دین اسلام، تسلیم فرمان وی هستیم.

﴿وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعۡبُدُ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ إِنَّهَا كَانَتۡ مِن قَوۡمٖ كَٰفِرِينَ ٤٣﴾.

البته آنچه قبلاً بلقیس را از یگانه پرستی و اخلاص در عبادت حق‌تعالی باز داشته بود، آیین باطل شرک و پرستش خورشید بود. او در میان قومی می‌زیست و بناء در شرک از پدران و نیاکان تقلید کرد و با آنکه بسیار با هوش و زیرک بود و می‌دانست میان خطا و صواب تمیز دهد ولی با این حال تقلید کورکورانه و عادات باطل، بینش و بصیرت را از آنسان سلب می‌کند.

﴿قِيلَ لَهَا ٱدۡخُلِي ٱلصَّرۡحَۖ فَلَمَّا رَأَتۡهُ حَسِبَتۡهُ لُجَّةٗ وَكَشَفَتۡ عَن سَاقَيۡهَاۚ قَالَ إِنَّهُۥ صَرۡحٞ مُّمَرَّدٞ مِّن قَوَارِيرَۗ قَالَتۡ رَبِّ إِنِّي ظَلَمۡتُ نَفۡسِي وَأَسۡلَمۡتُ مَعَ سُلَيۡمَٰنَ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٤﴾.

به بلقیس گفته شد: وارد کاخ سلیمان شود. همان کاخی که عرصه‌اش از آبگینه صاف و شفاف ساخته شده بود و در زیر آن آب جاری بود. و چون این منظره را دید پنداشت که برکه‌ای از آب در برابر وی قرار دارد و امواجش در حال تلؤلؤ می‌باشد. پس از ترس اینکه بدان آب خیس شود جامه را از ساقهایش بالا زد تا از آن عبور کند. در این اثنا سلیمان به وی گفت: این عرصه مفروش از بلور شفاف و آبگینه مواج است که آب در زیر آن جریان دارد لذا آب هرگز به تو نخواهد رسید. در اینجا بود که بلقیس از عظمت و ابهت سامانه ملک و فرمانروایی سلیمان مدهوش شد و گفت: پروردگارا! من با عقیده شرک بر خویشتن ستم کرده‌ام و اینک با گرایش به یکتا پرستی‌ات و با پیروی از سلیمان پیامبر، به فرمانت گردن می‌نهم تا همراه با وی در دین شاه شاهان، پروردگار جهانیان و خداوند أ پیشینیان و پسینیان درآیم.

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ فَإِذَا هُمۡ فَرِيقَانِ يَخۡتَصِمُونَ ٤٥﴾.

و به راستی خداوند أ به سوی قوم ثمود برادرشان صالح ÷ را فرستاد. او آنان را به سوی عبادت خدای یگانه، خالص سازی اطاعت برایش و عدم شرک آوری به وی فراخواند. چون صالح ÷ پیام توحید را بر ایشان آورد، قومش به دو دسته تقسیم شدند؛ دسته‌ای مؤمن و دسته دیگر کافر. و هریک هم با دسته دیگر بر سر دین و آیین خویش به مخاصمه و مبارزه پرداختند.

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ لِمَ تَسۡتَعۡجِلُونَ بِٱلسَّيِّئَةِ قَبۡلَ ٱلۡحَسَنَةِۖ لَوۡلَا تَسۡتَغۡفِرُونَ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ٤٦﴾.

صالح به کفر ورزان گفت: چرا به سوی گناهان و نافرمانی‌ها که پیامد آن فقط خشم و عذاب الهی است می‌شتابید و ایمان به خدای یکتا و عمل به نیکی‌ها را که پاداش و رضای الهی را برای‌تان ارمغان می‌آورد به تأخیر می‌اندازید؟ چرا همین اکنون از خداوند منان آمرزش نمی‌خواهید تا شاید با در گذشت از گناهان و کارنامه سیاه پیشین‌تان شما را مورد مرحمت قرار دهد؟

﴿قَالُواْ ٱطَّيَّرۡنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَۚ قَالَ طَٰٓئِرُكُمۡ عِندَ ٱللَّهِۖ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تُفۡتَنُونَ ٤٧﴾.

قوم صالح ÷ به وی گفتند: ما به تو و به هر کس که در دینت از تو پیروی کرده است شگون بد زده‌ایم. صالح در پاسخ‌شان گفت: جز این نیست که هر خیر با شرّی که بر شما روی می‌دهد، از قضا و قدر خداوند أ است ولیکن خداوند أ شما را با سختی و آسانی و تنگدستی و فراوانی می‌آزماید.

﴿وَكَانَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ تِسۡعَةُ رَهۡطٖ يُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا يُصۡلِحُونَ ٤٨﴾.

و در شهر صالح ÷ ـ که سرزمین حجر در شما غرب جزیره العرب است ـ نُه مردم بسیار شرور وجود داشتند که با ستم بر مردم و ارتکاب بدی‌ها، در زمین فساد می‌کردند و در آنان صلاح و آراستگی ابداً سراغ نمی‌شد.

﴿قَالُواْ تَقَاسَمُواْ بِٱللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُۥ وَأَهۡلَهُۥ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِۦ مَا شَهِدۡنَا مَهۡلِكَ أَهۡلِهِۦ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ٤٩﴾.

پس آن نُه تن در میان خود مشوره نمودند و به همدیگر سوگند خوردند که: حتماً به صالح ÷ و خانواده‌اش شبیخون می‌زنیم و همه را می‌کشیم، سپس به ولی خون از کسانش می‌گوییم: ما در ماجرای قتل‌شان حاضر نبوده‌ایم و ما قطعاً راست می‌گوییم.

﴿وَمَكَرُواْ مَكۡرٗا وَمَكَرۡنَا مَكۡرٗا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٥٠﴾.

و چنین بود که برای کشتن صالح ÷ و خانواده‌اش در تاریکی‌های شب نیرنگی تنیدند ولی حق‌تعالی پیامبرش صالح ÷ و کسانش را حمایت کرد و آن گروه اشرار را با عذابی بنیانکن و ناگهانی غافلگیر ساخت و در حالی که توقع نزول عذاب الهی را بر خود نداشتند.

﴿فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ مَكۡرِهِمۡ أَنَّا دَمَّرۡنَٰهُمۡ وَقَوۡمَهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٥١﴾.

پس از آنچه بر سر آن گروه رفت درس عبرت بگیرید و بیندیشد که نتیجه عمل بدشان چه بود و چگونه خداوند أ همگی آنان را نابود و ریشه کن ساخت و حتی یک تن از آنان را نیز باقی نگذاشت.

﴿فَتِلۡكَ بُيُوتُهُمۡ خَاوِيَةَۢ بِمَا ظَلَمُوٓاْۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ٥٢﴾.

و اینک این خانه‌های‌شان است که ویرانه و خالی است؛ و بعد از آنکه خداوند أ آنان را به سبب ظلم‌شان برخویشتن با شرک و فساد افگنی در زمین و مقابله با صالح ÷ هلاک ساخت، دیگر هیچ زنده سری در آن‌ها وجود ندارد. بی‌گمان در کیفر براندازی‌شان عبرتی است بزرگ برای کسانی که دانش سودمندی داشته و از عبرت‌ها بهره می‌گیرند. یقیناً این سنّت حق‌تعالی در مورد کسانی است که به وی کفر ورزیده و با پیامبرانش می‌ستیزند.

﴿وَأَنجَيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ٥٣﴾.

و خداوند أ پیامبرشان صالح ÷ و کسانش را که به طاعتش گرویده و نافرمانی‌هایش را فرو می‌گذاشتند از عذابی که بر قوم ثمود نازل شد رهانید.

﴿وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَتَأۡتُونَ ٱلۡفَٰحِشَةَ وَأَنتُمۡ تُبۡصِرُونَ ٥٤﴾.

و لوط پیامبر را یاد کن، هنگامی که بر فعل زشت و وقیح قومش که نزدیکی جنسی به مردان به جای زنان بود، اعتراض کرد و گفت: چگونه دیده و دانسته مرتکب عمل ناشایست لواط شده، دستور الهی به صلاح و آراستگی و نهی وی از فساد و آلودگی را در نظر نمی‌گیرید؟

﴿أَئِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلرِّجَالَ شَهۡوَةٗ مِّن دُونِ ٱلنِّسَآءِۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تَجۡهَلُونَ ٥٥﴾.

اما آنان از دستور الله أ سر پیچیده، مرتکب نهیش شدند و چنان عمل زشتی را انجام دادند که در میان هیچ امّتی سابقه نداشت؛ و آن عبارت از مقاربت با مردان به جای زنان بود.

﴿۞فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوۡمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخۡرِجُوٓاْ ءَالَ لُوطٖ مِّن قَرۡيَتِكُمۡۖ إِنَّهُمۡ أُنَاسٞ يَتَطَهَّرُونَ ٥٦﴾.

قوم لوط در برابر اعتراض وی پاسخ دیگری جز این نیافتند که در میان خود گفتند: لوط و خانواده‌‌اش را از شهرتان بیرون کنید؛ زیرا آنان از این بدکاری‌ها پاک‌اند و پاکیزه جوی!! این سخن را روی تمسخر و استهزا گفتند.

﴿فَأَنجَيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥٓ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ قَدَّرۡنَٰهَا مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ٥٧﴾.

پس خداوند أ لوط و خانواده‌اش را از عذاب آماده شده برای قوم کافرش به سلامت داشت، مگر زن کافرش با هلاک شدگان باقی ماند؛ زیرا او قومش را بر انجام فحشا یاری می‌کرد.

﴿وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهِم مَّطَرٗاۖ فَسَآءَ مَطَرُ ٱلۡمُنذَرِينَ ٥٨﴾.

و حق‌تعالی از آسمان بارانی از سجّیل بر آن‌ها فرو بارانید که پاره و نابودشان ساخت، به راستی آن باران چه بد بارانی بود؛ زیرا خداوند أ قومی را که پیامبرش از عذاب هشدارشان داده بود، بدان نابود گردانید.

﴿قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ وَسَلَٰمٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَىٰٓۗ ءَآللَّهُ خَيۡرٌ أَمَّا يُشۡرِكُونَ ٥٩﴾.

ای پیامبر! بگو: سپاس و ثنا در آغاز و انجام برای خدای یگانه یکتاست و از جانب الله أ سلامتی و امانی است از هرگونه آفت و هراسی برای بندگان بر گزیده‌اش؛ همانان که او برای ابلاغ رسالتش انتخاب‌شان کرده است. سپس از کافران بپرس: آیا خدای آفریننده روزی بخش که جلب کننده خیر و دفع کننده شرّ است، برای شما بهتر است یا خدایان‌تان که نه می‌آفرینند، نه روزی می‌دهند، نه خیری می‌رسانند و نه حتی از خود زیانی را دفع می‌کنند.

﴿أَمَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ حَدَآئِقَ ذَاتَ بَهۡجَةٖ مَّا كَانَ لَكُمۡ أَن تُنۢبِتُواْ شَجَرَهَآۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٞ يَعۡدِلُونَ ٦٠﴾.

همچنان از کافران بپرس: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و از آسمان برای شما آبی فرود آورده و بدان باغ‌های زیبای خوش منظر، بهجت انگیز و روح پرور رویانده است در حالی که اگر خدا أ درختان آن را نرویاند شما آن را رویانده نمی‌توانید؟ آیا آنجا همراه با خدای سبحان خدای دیگری وجود دارد که کارهایی چون آفرینندگی، روزی دهندگی، فرود آوردن آب و بیرون آوردن گیاه را انجام دهد تا شایسته چیزی از امر عبادت باشد؟

﴿أَمَّن جَعَلَ ٱلۡأَرۡضَ قَرَارٗا وَجَعَلَ خِلَٰلَهَآ أَنۡهَٰرٗا وَجَعَلَ لَهَا رَوَٰسِيَ وَجَعَلَ بَيۡنَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ حَاجِزًاۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٦١﴾.

آیا برستش خدایانی که جلب کننده هیچ خیر و دفع کننده هیچ شرّی نیستند بهتر است یا پرستش ذاتی که زمین را هموار و گسترده گردانید تا بدانجا که آن را گهواره، فرش و قرارگاه ساخت و در آن رودها جاری کرد و آن را با کوه‌های لنگر مانند محکم و استوار گردانید، و میان دو دریای شور و شیرین حائل و برزخی قرار داد که یکی با دیگری در هم نمی‌آمیزد؟ آیا کسی دیگر هم مانند خدای سبحان چنین کارهایی کرده است تا با وی شریک گردانیده شود؟ نه! بلکه بیشتر کافران خدا أ را آنگونه که حقّ قدرشناسی وی است، قدر نمی‌گذارند و جایگاه و عظمت وی را نمی‌دانند؛ از این‌روی در شرک آوری به خدای سبحان از پدران خود تقلید کرده‌اند.

﴿أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجۡعَلُكُمۡ خُلَفَآءَ ٱلۡأَرۡضِۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ ٦٢﴾.

آیا پرستش خدایان پنداری‌تان بهتر است یا عبادت آن کسی که درمانده را ـ چون وی را بخواند ـ اجابت کرده، گرفتاری و بلا و رنج و محنت را از وی دور و سختی‌های سخت را از در تنگنا ماندگان می‌گشاید و شما را در موقعیتی قرار می‌دهد که در آبادانی زمین از پیشینیان‌تان جانشینی کنید؟ آیا آنجا جز خدای سبحان معبود دیگری وجود دارد که نعمت‌ها را بر شما سرازیر نموده و بدبختی‌ها را از شما بر گرداند تا در نتیجه وی را با خدای سبحان شریک گردانید؟ چه اندک می‌اندیشید و چه کم پند می‌پذیرید! هم از این‌روی به پروردگارتان کفر ورزیدید. پس در واقع این جهل شماست که بر این کردار بد وادارتان ساخته است.

﴿أَمَّن يَهۡدِيكُمۡ فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ وَمَن يُرۡسِلُ ٱلرِّيَٰحَ بُشۡرَۢا بَيۡنَ يَدَيۡ رَحۡمَتِهِۦٓۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ تَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٦٣﴾.

آیا پرستش خدایان پنداری‌تان بهتر است یا پرستش کسی که وقتی در تاریکی‌های برّ و بحر راه می‌پیماید و راه گم می‌کنید شما را راهنمون می‌شود؟ پس تنها اوست که شما را به سوی راه نجات راهبر است، و تنها اوست که بادها را بر بندگانش به عنوان بشارتگر رحمتش ـ با نزول باران ـ می‌فرستد و زمین را پس از مرگش بدان زنده می‌سازد. پس آیا آنجا غیر از خدای سبحان خدای دیگری است که همانند وی انجام دهد تا با وی در عبودیت شریک آورده شود؟ منزّه است خدای سبحان از کار مشرکان و مقدّس است از اینکه با وی خدای دیگری وجود داشته باشد. پس اوست خدایی که نه جز وی معبود بر حقی وجود دارد، نه پروردگاری و نه خداوندی.

﴿أَمَّن يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَمَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٦٤﴾.

و از کافران بپرس که چه کسی ایجاد آفرینش را بدون نمونه سابقی آغاز کرده است و سپس هرگاه که بخواهد آن را فنا می‌کند، و آنگاه پس از فنا مجدّداً آن را باز می‌آورد؟ و چه کسی است که خلق را با فرود آوردن باران و رویاندن گیاهان و درختان و میوه زارها و مزرعه‌ها و غیره، روزی می‌دهد؟ آیا آنجا غیر از خدای سبحان خدای دیگری وجود دارد که این کارها را انجام می‌دهد؟ به آنان بگو: دلیل شما بر این پندار باطل‌تان که برای خدا در ملک و حکم و عبادتش شریکی وجود دارد، چیست؟ پس اگر در این پندار خود راستگویید بفرمایید حجّتی به میدان آورید؟

﴿قُل لَّا يَعۡلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلۡغَيۡبَ إِلَّا ٱللَّهُۚ وَمَا يَشۡعُرُونَ أَيَّانَ يُبۡعَثُونَ ٦٥﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: در گردونه هستی کسی جز یگانه قهّار وجود ندارد که آنچه را از دیده‌ها غایب است بداند، و مردم نمی‌دانند که چه وقت برای حساب و حشر از قبرها برانگیخته می‌شوند.

﴿بَلِ ٱدَّٰرَكَ عِلۡمُهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ مِّنۡهَاۖ بَلۡ هُم مِّنۡهَا عَمُونَ ٦٦﴾.

بلکه علم‌شان در روز آخرت تکامل می‌کند و آنجاست که پس از مشاهده هول و هراس‌های وحشتبار قیامت با چشم سر، به رستاخیز پس از مرگ یقین می‌کنند و فقط آنگاه است که به این روز باورمند می‌شوند حال آنکه در دنیای خویش از آن در شک و تردید به سر می‌بردند بلکه دیدگان‌شان از آن کور شد و آن را تکذیب کردند.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبٗا وَءَابَآؤُنَآ أَئِنَّا لَمُخۡرَجُونَ ٦٧﴾.

و کافران گفتند: آیا پس از مرگ زنده برانگیخته می‌شویم بعد از آنکه ما و پدران‌مان فنا گشته ایم؟ قطعاً این کار بعید و محال است.

﴿لَقَدۡ وُعِدۡنَا هَٰذَا نَحۡنُ وَءَابَآؤُنَا مِن قَبۡلُ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٦٨﴾.

در حقیقت پیش از این نیز ما و پدارن‌مان به رستاخیز از مرگ وعده داده شده‌ایم اما در عمل چیزی از این امور اتفاق نیفتاد و ما کسی را ندیدیم که بعد از مرگ زنده شده باشد. پس این وعده از خرافات گذشتگان و از دروغ‌های پیشینیان است.

﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٦٩﴾.

ای پیامبر! به این گروه کفّار بگو: در زمین برای عبرت آموزی بگردید و در دیار مجرمان تفکر کنید که چگونه خداوند أ بربادشان ساخت. سپس از این امر که بر شما نیز همان آید که بر آنان رفت، پروا دارید.

﴿وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَلَا تَكُن فِي ضَيۡقٖ مِّمَّا يَمۡكُرُونَ ٧٠﴾.

و ای پیامبر! از تکذیب کفّار اندوهگین مباش و از نیرنگ فجّار دل تنگ مدار؛ زیرا خداوند أ به زودی پیروزت می‌سازد و فرجام این سرای دنیا نیز از آن تو و پیروانت است.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٧١﴾.

و کافران می‌گویند: این عذابی که ما را ـ ای محمد ج بدان وعده می‌دهی چه وقت است؟ اگر در این امر که عذاب روی می‌دهد راستگویید پس بگویید که آن کجاست؟

﴿قُلۡ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم بَعۡضُ ٱلَّذِي تَسۡتَعۡجِلُونَ ٧٢﴾.

ای پیامبر! بگو: چه بسا بعضی از عذابی را که از جانب خداوند أ به شتاب می‌طلبید به شما نزدیک باشد در حالی که احساسش را نمی‌کنید و از آن در غفلت قرار دارید.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَشۡكُرُونَ ٧٣﴾.

ای پیامبر! و بی‌گمان پروردگارت بر مردم دارای فضل و احسان است از آنجا که مهلت‌شان داده و آنان را در برابر خط‌ها و گناهان‌شان به شتاب مجازات نکرده است ولی با این حال بیشتر بشر خدا أ را بر این امهال و تأخیر سپاس نگذاشته، نه طاعت را برایش ویراسته می‌دارند و نه او را در عبودیت به یگانگی و یکتایی می‌خوانند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعۡلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمۡ وَمَا يُعۡلِنُونَ ٧٤﴾.

و در حقیقت پروردگارت بر آنچه سینه‌ها پنهان می‌دارند و در نهان‌ها انباشته است، و بر آنچه آشکار می‌دارند نیک آگاه است، او به هر پنهان و پیدایی داناست.

﴿وَمَا مِنۡ غَآئِبَةٖ فِي ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٍ ٧٥﴾.

و آنجا ـ در آسمان و زمین ـ هیچ امری نهانی از دیدگان بشر وجود ندارد مگر آنکه در کتابی روشن و نوشته نزد خداوند أ درج است. پس علم آنچه در گذشته اتفاق افتاده، آنچه در آینده خواهد آمد و آنچه که هنوز اتفاق نیفتاده و نیز چگونگی روی دادن آن‌*‌*‌ها، همه نزد خداوند أ است.

﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَكۡثَرَ ٱلَّذِي هُمۡ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ٧٦﴾.

بی‌گمان این قرآنی که حق‌تعالی آن را بر محمد ج فرود آورده است حکایت می‌کند بر بنی اسرائیل به حق و عدل و به طور فیصله کن هر آنچه را که در مورد آن اختلاف دارند و هر شبهه‌ای را که بر آنان مبهم مانده است.

﴿وَإِنَّهُۥ لَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٧٧﴾.

و به راستی که این قرآن برای مؤمنان متمسّک هدایتی است از گمراهی که در آن راه رشد و نجات از ضلالت نموده شده است. پس قرآن رحمتی از جانب الله أ برای پیروان خود است؛ صاحبش را به رضوان الهی رسانده و او را به راه فوز و فلاح رهنمون می‌شود.

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَقۡضِي بَيۡنَهُم بِحُكۡمِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡعَلِيمُ ٧٨﴾.

در حقیقت تنها پروردگار توست که میان اختلاف کنندگان ـ اعم از یهود و دیگران ـ درباره هر چه که پیرامون آن اختلاف دارند به طور قطع داوری می‌کند؛ بنابراین او نیکوکار را پاداش داده و بدکار را کیفر می‌دهد. اوست شکست ناپذیری که در ملکش غالب است؛ دشمنانش را مقهور ساخته و با جبروت خود ستیزه جویانش را بیخ کن می‌نماید. او دانایی است که بر هر پیدیده‌ای آگاه است؛ علم هر آشکار و نهان و هر پیدا و پنهان نزد اوست بنابراین خطا از صواب بر وی مبهم باقی نمی‌ماند.

﴿فَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۖ إِنَّكَ عَلَى ٱلۡحَقِّ ٱلۡمُبِينِ ٧٩﴾.

پس ای پیامبر مهربان! کار خود و پیروانت را به خداوند منّان بسپار، بر او اعتماد کن و تمام امور را به او واگذار؛ زیرا او به طور قطع تو را کفایت و حمایت خواهد کرد، از آن روی که تو بر راه درست و استوار و بر هدایتی بزرگ و پایدار قرار داری.

﴿إِنَّكَ لَا تُسۡمِعُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَلَا تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوۡاْ مُدۡبِرِينَ ٨٠﴾.

ای پیامبر! بی‌گمان تو نمی‌توانی به کسی که خداوند أ قلبش را با کفر و گناه میرانده است سروش هدایت را بشنوانی و تو نمی‌توانی به کسی که خداوند أ گوش‌هایش را از شنیدن آوای هدایت ناشنوا ساخته، ندای حقّت را برسانی؛ آنگاه که او نفرت‌کنان از راه هدایت و روی گردان از صراط حق، بدان پشت می‌کند.

﴿وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِي ٱلۡعُمۡيِ عَن ضَلَٰلَتِهِمۡۖ إِن تُسۡمِعُ إِلَّا مَن يُؤۡمِنُ بِ‍َٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسۡلِمُونَ ٨١﴾.

ای پیامبر! و تو کسانی را که خداوند أ گمراه‌شان ساخته است و از دیدن راه حق نا بینایند، هدایت‌گر نیستی و تو نمی‌توانی صدای حقیقت را جز به کسانی بشنوانی که به آیات الله أ تصدیق کرده، منقاد دستور و فرمانبردار طاعتش می‌باشند.

﴿۞وَإِذَا وَقَعَ ٱلۡقَوۡلُ عَلَيۡهِمۡ أَخۡرَجۡنَا لَهُمۡ دَآبَّةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ تُكَلِّمُهُمۡ أَنَّ ٱلنَّاسَ كَانُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا لَا يُوقِنُونَ ٨٢﴾.

و هنگامی که خداوند أ به علت کفر، عصیان، استمرار و زیاده روی‌شان در طغیان، کیفر را برآنان واجب گرداند، برای‌شان از زمین جنبنده‌ای را ـ که از علامات کبرای قیامت است ـ بیرون می‌آورد که آن جنبنده به آنان چنین می‌گوید: در حقیقت مردم رستاخیز پس از مرگ را تکذیب کرده و به آیات خدا و رسالت پیامبرش ج ایمان نمی‌آوردند و یقین نداشتند.

﴿وَيَوۡمَ نَحۡشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٖ فَوۡجٗا مِّمَّن يُكَذِّبُ بِ‍َٔايَٰتِنَا فَهُمۡ يُوزَعُونَ ٨٣﴾.

و روز قیامت که خداوند أ دسته‌ای از میان هر امّت را که آیاتش را تکذیب کرده و برهان‌هایش را انکار نموده‌اند گرد می‌آورد و همه را از اوّل تا آخرشان متوقّف می‌دارد تا همگی جمع شوند و آنگاه همگی به سوی موقف جزا رانده می‌شوند.

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُو قَالَ أَكَذَّبۡتُم بِ‍َٔايَٰتِي وَلَمۡ تُحِيطُواْ بِهَا عِلۡمًا أَمَّاذَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٨٤﴾.

تا چون از میان هر امّت دسته‌ای از منکران آیات خداوند أ و دروغ انگاران پیامبرانش حاضر شدند و به هم پیوستند، وانگه حق‌تعالی از آنان می‌پرسد: چرا آیات وی را که پیامبرانش را بدان فرستاده بود تکذیب کردید؟ چرا ادلّه‌ای ـ از آفرینش بدیع و صنع زیبا را که برهان قدرت و یگانگی‌اش بود و در کائناتش قرار داده بود ـ انکار کردید در حالی که از نظر علمی بر بطلان آن‌ها احاطه نداشتید تا آن‌ها را ردّ و انکار نمایید؟ یا مگر در دنیا مصروف چه کاری بودید؟ و البته خداوند أ بدانچه می‌کرده‌اند، داناست.

﴿وَوَقَعَ ٱلۡقَوۡلُ عَلَيۡهِم بِمَا ظَلَمُواْ فَهُمۡ لَا يَنطِقُونَ ٨٥﴾.

و البته حق‌تعالی حکم عذاب را به سبب کفر و عصیان‌شان بر آنان واجب گردانید، در نتیجه عذر موجّهی را که نزد خداوند أ به حال‌شان سودمند باشد بر زبان نمی‌آورند و حجّت راستینی که عذابش را از آنان دفع کند، به میان آورده نمی‌توانند.

﴿أَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا جَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ لِيَسۡكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبۡصِرًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٨٦﴾.

آیا کافران ندیده‌اند که خداوند أ شب را برای بندگان قرار گاهی گردانیده است که در آن از کارها و مشغل‌ها می‌آسایند و برای راحت بخشیدن به ابدان خود، در آن می‌‌خوابند؟ و روز را به وسیله خورشید روشنگر ساخته است که در آن می‌بینند و بناء برای جستجوی روزی و کسب معیشت در آن به پا می‌خیزند؟ بی‌گمان در پیاپی آمدن شب و روز برهان رخشانی است بر قدرت و عظمت و یگانگی خدای سبحان، اما برای مردمی که آیاتش را تصدیق کرده و از پیامبران پیروی می‌کنند.

﴿وَيَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُۚ وَكُلٌّ أَتَوۡهُ دَٰخِرِينَ ٨٧﴾.

و ای پیامبر! روزی را یاد کن که اسرافیل فرشته در صور می‌دمد و از شدّت دمیدنش هر آفریده‌ای در آسمان و زمین سخت هراسان و وحشت‌زده می‌شود جز آنانی که خداوند أ ایشان را از این وحشت به سلامت داشته و از این فاجعه استثنا نموده است و قطعاً تمام مخلوقات با زبونی به سوی پروردگارشان باز می‌گردند.

﴿وَتَرَى ٱلۡجِبَالَ تَحۡسَبُهَا جَامِدَةٗ وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ ٱلسَّحَابِۚ صُنۡعَ ٱللَّهِ ٱلَّذِيٓ أَتۡقَنَ كُلَّ شَيۡءٍۚ إِنَّهُۥ خَبِيرُۢ بِمَا تَفۡعَلُونَ ٨٨﴾.

و کوه‌ها را می‌بینی و می‌پنداری که در جای خود بی‌حرکت ایستاده‌اند حال آنکه همانند ابرها که باد آن را به پیش می‌راند به سرعت در حال حرکت هستند. و این از صنع خدای لطیف خبیری است که آفرینش را به نیکویی آراسته و در صنعش ابداع و نو آوری آورده است؛ همانا حق‌تعالی بدانچه مردم از نیک و بد انجام می‌دهند آگاه است و به زودی آنان را در قبال اعمال‌شان محاسبه می‌کند.

﴿مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيۡرٞ مِّنۡهَا وَهُم مِّن فَزَعٖ يَوۡمَئِذٍ ءَامِنُونَ ٨٩﴾.

هر کس عقیده توحید را همراه با عمل صالح بیاورد و در عبادت حق‌تعالی صادق بوده، طاعت را برایش ویراسته نموده باشد، پس خداوند أ برایش پاداشی بزرگ‌تر از عملش و فربه‌تر و فراتر از تلاشش ذخیره می‌گرداند؛ این پاداش بهشتی است که پهنان آن همانند آسمان‌ها و زمین است و در عین حال ایشان از هراس بزرگ ایمنند؛ زیرا حق‌تعالی برای‌شان آرامش فرود آورده و به رستگاری نوید‌شان داده است.

﴿وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَكُبَّتۡ وُجُوهُهُمۡ فِي ٱلنَّارِ هَلۡ تُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٩٠﴾.

و هر کس در روز قیامت نزد پروردگارش شرک و گناهان کبیره را بیاورد پس بی‌گمان خدای متعال وی را در آتش جهنم با چهره‌اش سرنگون ساخته و سرزنش بارانه به وی گفته می‌شود: آیا این عذاب چیزی جز جزایت در برابر آن افعال زشت شرک و عصیانت می‌باشد؟

﴿إِنَّمَآ أُمِرۡتُ أَنۡ أَعۡبُدَ رَبَّ هَٰذِهِ ٱلۡبَلۡدَةِ ٱلَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُۥ كُلُّ شَيۡءٖۖ وَأُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ٩١﴾.

ای پیامبر! به امّتت بگو: در حقیقت خدای سبحان به من دستور داده است تا او را به یگانگی برستش کنم؛ زیرا او پروردگار این شهری است که آن را مقدّس و مشرف گردانیده است، بدینسان که آن را بر مردم حرام و محترم قرار داده است و بنابراین در مکه خون حرامی ریخته نمی‌شود، شکاری صید نمی‌شود، یا درختی بریده نمی‌شود... و خداوند أ مالک هر چیزی است پس در ملکش آنگونه که بخواهد تصرف می‌کند. همچنان او به من دستور داده است تا او را به یگانگی پرستش کنم نه دیگران را و اینکه از خاضعان حکم و فرمانش، از منقادان شریعتش و از پیشاهنگان طاعتش باشم.

﴿وَأَنۡ أَتۡلُوَاْ ٱلۡقُرۡءَانَۖ فَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَقُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ ٩٢﴾.

و بگو: همچنان پروردگارم به من دستور داده است تا کتابش را بر بندگانش بخوانم و به این ترتیب حجّت را بر ایشان بر پا دارم. پس هر کس در باورهای ایمانیش راستگو بوده و عمل شایسته ارائه کرده باشد، قطعاً نفع و پاداش این کار به خودش برمی‌گردد و او در اصل و اساس به نیکویی عمل کرده است اما هر کس تکذیب پیشه کرده و روی بر گرداند ـ پس ای پیامبر ـ به وی خبر ده که تو هشدار دهنده‌ای از سوی الله أ هستی و حجّت را بر مردم اقامه می‌کنی بناءً مالک و صاحب اختیار هدایت مردم نیستی؛ زیرا هدایت‌گر و گمراه‌گر همانا خدای یکتاست.

﴿وَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ فَتَعۡرِفُونَهَاۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ٩٣﴾.

ای پیامبر! بگو همه ثناها و ستایش‌ها و تمام سپاس‌ها، اعم از اول و آخر آن‌ها تنها و تنها برای خداوند أ است. ای مردم! خداوند أ به زودی آیات و نشانه‌هایی را که راهنمای خداوندی و قدرتش در عرصه آفاق و انفس است به شما نشان خواهد داد و شما نیز آن نشانه‌ها را آنگونه خواهید شناخت که در پرتو آن، راه رشد از بی‌کردارتان را برای‌تان به شمار آورده و به زودی شما را در برابر آن محاسبه و محاکمه می‌کند.

سورۀ قصص

مکی است؛ ترتیب آن 28؛ شمار آیات آن 88

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿طسٓمٓ ١﴾.

طا، سین، میم؛ از حروف مقطعه است که خداوند أ به مرادش از آن‌ها داناتر می‌باشد. در عین آنکه ما به این حقیقت دانایم که این حروف معانی بسیار بزرگی دارند.

﴿تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ٢﴾.

این آیات قرآن نازل شده بر پیامبر ج است که حق‌تعالی تمام امور مورد نیاز مردم در معاش و معادشان را در آن روشن ساخته است.

﴿نَتۡلُواْ عَلَيۡكَ مِن نَّبَإِ مُوسَىٰ وَفِرۡعَوۡنَ بِٱلۡحَقِّ لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٣﴾.

ای پیامبر! خداوند أ به زودی در این سوره داستان موسی ÷ و فرعون را به منظور آگاهی باورمندان به قرآن و پیامت که از تو پیروی کرده و به طاعتش عمل می‌کنند، با راستی و درستی به تو خبر می‌دهد.

﴿إِنَّ فِرۡعَوۡنَ عَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَجَعَلَ أَهۡلَهَا شِيَعٗا يَسۡتَضۡعِفُ طَآئِفَةٗ مِّنۡهُمۡ يُذَبِّحُ أَبۡنَآءَهُمۡ وَيَسۡتَحۡيِۦ نِسَآءَهُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٤﴾.

بی‌گمان فرعون تمرّد کرد و استکبار ورزید. در بیداد گری‌هایی چون کشتار، تجاوز و برده‌گیری، از حدّ گذشت و مردم مصر را به گروهای مختلفی تقسیم کرده گروهی از آنان را ـ که بنی اسرائیل بودند ـ به بردگی و زبونی کشانید؛ او آنان را به خدمت خویش می‌گماشت، مردان‌شان را می‌کشت و زنان‌شان را برای خدمت‌گزاری باقی می‌گذاشت. قطعاً فرعون در زمین فساد بزرگی برانگیخت.

﴿وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَنَجۡعَلَهُمۡ أَئِمَّةٗ وَنَجۡعَلَهُمُ ٱلۡوَٰرِثِينَ ٥﴾.

و خداوند أ می‌خواهد تا بر کسانی از بنی اسرائیل که فرعون آنان را در مصر به بردگی و ذلّت کشانده است منّت گذاشته و ـ پس از نابودسازی فرعون و سپاهش ـ ایشان را رهبران نیکوکاری و صلاح، دعوت‌گران هدایت و فلاح و وارثان زمین قرار دهد؛ تا فرجام از آن تقوا پیشگان باشد.

﴿وَنُمَكِّنَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَنُرِيَ فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا مِنۡهُم مَّا كَانُواْ يَحۡذَرُونَ ٦﴾.

همچنان خداوند أ به بندگان مستضعفش در زمین قدرت عطا کرده و به فرعون، هامان و سپاهیان‌شان از سوی این گروه مستضعف با ایمان همان چیزی را که از آن بیمناک بودند نشان می‌دهد؛ این امر همانا استیلای مستضعفان بر ملک و دولت‌شان، سرنگون‌سازی قدرت‌شان و اخراج‌شان در کمال حقارت و زبونی از سرزمین‌شان است.

﴿وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ أُمِّ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَرۡضِعِيهِۖ فَإِذَا خِفۡتِ عَلَيۡهِ فَأَلۡقِيهِ فِي ٱلۡيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحۡزَنِيٓۖ إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَيۡكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٧﴾.

و خداوند أ به مادر موسی ÷ ـ آنگاه که وی را به دنیا آورد و از آن ترسید که فرعون به قتلش رساند ـ الهام کرد که: موسی را شیر ده و به وعده خدا أ سخت مطمئن باش. و چون از بر ملا شدن کار نگهداشتت از موسی بیمناک شدی، او را در صندوقی بگذار و آن صندوق را در نیل بینداز و از این امر که فرعون و سپاهش موسی را سر بُرند نترس و بر فراق وی اندوهگین مباش؛ زیرا این وعده‌ای از سوی ما است که پسرت را سالم و غانم به تو بر گردانیده و به علاوه وی را به رسالت برانگیزیم.

﴿فَٱلۡتَقَطَهُۥٓ ءَالُ فِرۡعَوۡنَ لِيَكُونَ لَهُمۡ عَدُوّٗا وَحَزَنًاۗ إِنَّ فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا كَانُواْ خَٰطِ‍ِٔينَ ٨﴾.

پس مادر موسی او را در صندوقی گذاشته در آن را بست و آن را به آب انداخت. سپاهیان فرعون صندوق را یافته و موسی را گرفتند تا یار و یاوری برای‌شان باشد و وی را به این منظور که به فرزندی‌اش برگیرند، پرورش دهند. ولی او دشمن جان‌شان، سبب اندوه‌شان و عامل از بین رفتن ملک‌شان گردید. بی‌گمان فرعون، هامان و کسان‌شان ستمگر، سرکش و مجرم بودند.

﴿وَقَالَتِ ٱمۡرَأَتُ فِرۡعَوۡنَ قُرَّتُ عَيۡنٖ لِّي وَلَكَۖ لَا تَقۡتُلُوهُ عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوۡ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدٗا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٩﴾.

در این میان زن فرعون به وی گفت: موسی مایه انس و شادمانی و نور چشم من و تو خواهد بود پس او را نکش، تا شاید زنده ماندنش برای ما سودی در بر داشته یا او فرزندی برایمان باشد. گفتنی است که فرعون و همسرش دارای فرزند نبودند. و چنین بود که فرعون و همراهانش ندانستند که پایان کارشان بر دست این کودک خواهد بود.

﴿وَأَصۡبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَٰرِغًاۖ إِن كَادَتۡ لَتُبۡدِي بِهِۦ لَوۡلَآ أَن رَّبَطۡنَا عَلَىٰ قَلۡبِهَا لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٠﴾.

از آن طرف دل مادر موسی از هرچیز دیگر جز یاد موسی و اندیشیدن در حال و سرنوشتش، تهی گشت و اگر خداوند أ او را پایدار و شکیبا نساخته بود نزدیک بود برای مردم افشا کند که موسی فرزند وی است. چنین بود که به وعده الهی و نگهداشت و کارسازی وی، دلش آرام گرفت؛ زیرا مادر موسی به وحی و الهامی که خداوند أ به وی کرده بود، باورمند و متیقن بود.

﴿وَقَالَتۡ لِأُخۡتِهِۦ قُصِّيهِۖ فَبَصُرَتۡ بِهِۦ عَن جُنُبٖ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ١١﴾.

مادر موسی هنگامی که موسی را در آب می‌گذاشت به خواهر وی گفت: پی موسی را بگیر، حرکت صندوق را دنبال کن و بنگر که سر انجام با وی چه می‌شود؟ پس خواهرش پی وی را گرفت و دورا دور حال وی را می‌پایید در حالی که قوم فرعون از ین نکته که او خواهر وی است و می‌خواهد تا از اخبارش سر در آورد، غافل بودند.

﴿۞وَحَرَّمۡنَا عَلَيۡهِ ٱلۡمَرَاضِعَ مِن قَبۡلُ فَقَالَتۡ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰٓ أَهۡلِ بَيۡتٖ يَكۡفُلُونَهُۥ لَكُمۡ وَهُمۡ لَهُۥ نَٰصِحُونَ ١٢﴾.

و خدای متعال از روی لطفی که به موسی و مادرش داشت از قبل، شیر خوردن موسی از هر زنی جز مادرش را بر وی حرام گردانیده بود. پس خواهرش به کسان فرعون گفت: آیا شما را بر زنی در خانواده‌ای راهنمایی کنم که شیردهی، پرورش و پرداختن به کار وی را به خوبی بلدند و او را با اشتیاق نگهدار خواهند بود؟ کسان فرعون هم پیشنهادش را پذیرفتند و اجابت گفتند.

﴿فَرَدَدۡنَٰهُ إِلَىٰٓ أُمِّهِۦ كَيۡ تَقَرَّ عَيۡنُهَا وَلَا تَحۡزَنَ وَلِتَعۡلَمَ أَنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ١٣﴾.

به این ترتیب حق‌تعالی موسی را به مادرش بر گرداند تا شادمانیش کامل شود و خاطرش آرام گیرد و تا او وعده خود به وی را محقق گرداند. چنین بود که با رعایت و عنایت خداوند أ موسی سالم و محفوظ بر گشت و بیم و هراس مادرش بر وی و اندوهش از فراق وی از بین رفت. و تا مادر موسی بداند که وعده پروردگار متعال به وی حقّ است و در آن تردیدی نیست و او وعده‌اش را خلاف نمی‌کند. ولی بیشتر کافران نمی‌دانند که وعده خداوند أ خواه ناخواه انجام شدنی است.

﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَٱسۡتَوَىٰٓ ءَاتَيۡنَٰهُ حُكۡمٗا وَعِلۡمٗاۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٤﴾.

و چون موسی به کمال نیرومندی و به تمام رشد عقلی‌اش رسید خداوند أ به او حکمت و دانش عطا کرد و او را در دین خویش فقیه و فرزانه گردانید. و آنگونه که حق‌تعالی موسی را بر عبادت و تقوای خود پاداش داد، به همین ترتیب هر کس را که اطاعت و دوستی‌اش را بر گزیند، پاداش می‌دهد.

﴿وَدَخَلَ ٱلۡمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفۡلَةٖ مِّنۡ أَهۡلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيۡنِ يَقۡتَتِلَانِ هَٰذَا مِن شِيعَتِهِۦ وَهَٰذَا مِنۡ عَدُوِّهِۦۖ فَٱسۡتَغَٰثَهُ ٱلَّذِي مِن شِيعَتِهِۦ عَلَى ٱلَّذِي مِنۡ عَدُوِّهِۦ فَوَكَزَهُۥ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيۡهِۖ قَالَ هَٰذَا مِنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِۖ إِنَّهُۥ عَدُوّٞ مُّضِلّٞ مُّبِينٞ ١٥﴾.

و موسی پنهان از دیدگان در زمانی که مردم متوجه نبودند وارد شهر شد تا به موجودیتش در شهر پی نبرند. در این میان او در شهر دو مرد را یافت که باهم در حال زد و خورد بودند؛ یکی از آن دو، از قومش بنی اسرائیل و دیگری قبطی و از قوم فرعون بود. در این اثنا فرد اسرائیلی از موسی برای از بین بردن فرد قبطی خواستار کمک گردید. موسی هم فرد قبطی را با مشتش زد و در نتیجه آن شخص قبطی مرد. اما موسی از این کار خود پشیمان شد و گفت: بی‌گمان این کار از آرایش‌دهی شیطان است؛ از آنجا که او مرا بر زدن فرد قبطی برانگیخت. همانا شیطان دشمنی است آشکار برای انسان که او را از هدایت به بیراهه برده و به پرتگاه‌های سقوط می‌کشاند. البته این کار موسی قبل از بعثتش به نبوّت بود.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمۡتُ نَفۡسِي فَٱغۡفِرۡ لِي فَغَفَرَ لَهُۥٓۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ١٦﴾.

بعد از آنکه موسی قبطی را کشت، گفت: پروردگارا! بی‌گمان من با کشتن یک شخص بی‌گناه که تو مرا به قتلش دستور نداده بودی، برخویشتن ستم کردم، پس این گناه را بر من بیامرز! و خداوند أ هم گناهش را بر وی آمرزید. قطعاً او بر توبه کاران از اهل عصیان بسیار آمرزگار و بر باز آمدگان، بسی رحیم و گشایشگر است.

﴿قَالَ رَبِّ بِمَآ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ فَلَنۡ أَكُونَ ظَهِيرٗا لِّلۡمُجۡرِمِينَ ١٧﴾.

موسی گفت: پروردگارا! به سبب انعامی که با عفو و رحمت و دانش و حکمت، بر من ارزانی داشتی از این پس دیگر هرگز پشتیبان و یاریگر کسی بر جور و ستمش نخواهم بود.

﴿فَأَصۡبَحَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ خَآئِفٗا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا ٱلَّذِي ٱسۡتَنصَرَهُۥ بِٱلۡأَمۡسِ يَسۡتَصۡرِخُهُۥۚ قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰٓ إِنَّكَ لَغَوِيّٞ مُّبِينٞ ١٨﴾.

پس از این واقعه موسی صبحگاه در شهر فرعون بیمناک و در انتظار بود و اخبار پیرامون خود و آن کس از اهالی مصر را که دیروز کشته بود می‌پاید. پس به ناگاه همان شخص اسرائیلی را دید که روز قبل از وی بر کشتن قبطی خواستار کمک شده بود و اینک باز همو از وی خواهان معاونت بر کشتن قبطی دیگری بود. اما موسی درخواستش را رد کرد و گفت: بی‌گمان تو شخصی بسیار ستمگر، سرکش و طغیانگر هستی.

﴿فَلَمَّآ أَنۡ أَرَادَ أَن يَبۡطِشَ بِٱلَّذِي هُوَ عَدُوّٞ لَّهُمَا قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ أَتُرِيدُ أَن تَقۡتُلَنِي كَمَا قَتَلۡتَ نَفۡسَۢا بِٱلۡأَمۡسِۖ إِن تُرِيدُ إِلَّآ أَن تَكُونَ جَبَّارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلۡمُصۡلِحِينَ ١٩﴾.

چون موسی بر کشتن فرد قبطی مصمم شد، آن شخص اسرائیلی پنداشت که او می‌خواهد به وی حمله ور شود. پس خطاب به موسی گفت: آیا کنون می‌خواهی مرا به قتل رسانی چنان‌که دیروز آن فرد قبطی را کشتی؟ (پس شخص قبطی سخن اسرائیلی را شنید و خبر را به فرعون برد) تو فقط می‌خواهی شخصی باشی ستمگر و مستبد و سر آن نداری که از اهل صلاح و خیر و استقامت باشی.

﴿وَجَآءَ رَجُلٞ مِّنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ ٱلۡمَلَأَ يَأۡتَمِرُونَ بِكَ لِيَقۡتُلُوكَ فَٱخۡرُجۡ إِنِّي لَكَ مِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ ٢٠﴾.

و از دوردست شهر، مردی شتابان آمد و به موسی خبر داد که: سران شهر در مورد کشتنت با هم مشوره می‌کنند پس از شهر بگریز؛ زیرا من برایت خیرخواه و دلسوز هستم.

﴿فَخَرَجَ مِنۡهَا خَآئِفٗا يَتَرَقَّبُۖ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٢١﴾.

پس موسی در حالی که منتظر اخبار بود و توقع داشت تا کسی به قصد دستگیری‌اش به وی برسد ترسان و نگران از شهر گریخت و در این حال، به بارگاه پروردگارش دعا کرد که وی را از چنگال ستمگران نجات بخشد.

﴿وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلۡقَآءَ مَدۡيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يَهۡدِيَنِي سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ٢٢﴾.

چون موسی رو به دیار مدین کرد و از چنگ فرعون گریخت گفت: امید است پروردگارم مرا به بهترین راه به سوی مدین و به بهترین روش راهنمایی و هدایت کند.

﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَآءَ مَدۡيَنَ وَجَدَ عَلَيۡهِ أُمَّةٗ مِّنَ ٱلنَّاسِ يَسۡقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ ٱمۡرَأَتَيۡنِ تَذُودَانِۖ قَالَ مَا خَطۡبُكُمَاۖ قَالَتَا لَا نَسۡقِي حَتَّىٰ يُصۡدِرَ ٱلرِّعَآءُۖ وَأَبُونَا شَيۡخٞ كَبِيرٞ ٢٣﴾.

چون موسی به آب مدین رسید گروهی از مردم را بر سر آن یافت که دام‌های خود را آب می‌دادند. او پشت سر مردم دو دختر را یافت که تنها از آن جماعت، گوسفندان‌شان را به کناری کشیده و آن‌ها را از آب باز داشته بودند؛ زیرا از همپایی و تزاحم با مردان احساس عجز و ناتوانی می‌کردند و منتظر بودند تا نخست آن‌ها از آبکشی فارغ شوند تا بتوانند پس از آن گوسفندان خویش را آب دهند. پس چون موسی ضعف این دو دختر را دید بر آن‌ها دل سوخت و گفت: حال و وضع کار شما چیست؟ آنان در پاسخ گفتند: چون ما توان مزاحمت با مردان را نداریم از این‌روی گوسفندان خویش را تا آنگاه آب نمی‌دهیم که همه مردم از آب دادن گوسفندان‌شان فارغ نشوند. و پدر ما نیز پیر مردی است سال‌خورده که توان آبدهی گوسفندان و تحمّل ازدحام مردم را ندارد.

﴿فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰٓ إِلَى ٱلظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلۡتَ إِلَيَّ مِنۡ خَيۡرٖ فَقِيرٞ ٢٤﴾.

پس موسی گوسفندان آن دو دختر را آب داد و سپس به سوی سایه درختی رفته در زیر آن نشست و گفت: پروردگارا! من به روزی و فضلت ـ از قبیل غذا و مانند آن ـ فقیر و نیازمندم.

﴿فَجَآءَتۡهُ إِحۡدَىٰهُمَا تَمۡشِي عَلَى ٱسۡتِحۡيَآءٖ قَالَتۡ إِنَّ أَبِي يَدۡعُوكَ لِيَجۡزِيَكَ أَجۡرَ مَا سَقَيۡتَ لَنَاۚ فَلَمَّا جَآءَهُۥ وَقَصَّ عَلَيۡهِ ٱلۡقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفۡۖ نَجَوۡتَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٢٥﴾.

در این اثنا یکی از آن دو دختر که با آزرم گام برمی‌داشت باز آمد و به موسی گفت: پدرم تو را فرا می‌خواند تا پاداش آبدهی گوسفندان‌مان را به تو بپردازد. پس موسی همراه دختر راه افتاد و چون با پدرش ملاقات کرد و وی را از آنچه برایش در مصر با فرعون و قومش اتفاق افتاده بود خبر داد و ماجرای گریز خود از مصر را با وی در میان گذاشت، پدر دختر به وی گفت: نترس؛ زیرا خداوند أ تو را از چنگ ستمگران نجات داده است چرا که آنان را بر ما سلطه‌ای نیست و هرگز آزارشان به ما نخواهد رسید.

﴿قَالَتۡ إِحۡدَىٰهُمَا يَٰٓأَبَتِ ٱسۡتَ‍ٔۡجِرۡهُۖ إِنَّ خَيۡرَ مَنِ ٱسۡتَ‍ٔۡجَرۡتَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡأَمِينُ ٢٦﴾.

در این میان یکی از آن دو دختر به پدرش گفت: ای پدر! موسی را برای شبانی گوسفندان اجیر کن. در حقیقت بهترین کسی که استخدامش می‌کنی همان کسی است که بر نگهداشت گوسفندان نیرومند و در کار خویش امانتدار بوده و امانت را خیانت نکند. بناء در شخص ضعیف خیانتکار، خیری نیست.

﴿قَالَ إِنِّيٓ أُرِيدُ أَنۡ أُنكِحَكَ إِحۡدَى ٱبۡنَتَيَّ هَٰتَيۡنِ عَلَىٰٓ أَن تَأۡجُرَنِي ثَمَٰنِيَ حِجَجٖۖ فَإِنۡ أَتۡمَمۡتَ عَشۡرٗا فَمِنۡ عِندِكَۖ وَمَآ أُرِيدُ أَنۡ أَشُقَّ عَلَيۡكَۚ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٢٧﴾.

پدر آن دو دختر به موسی گفت: در حقیقت من می‌خواهم یکی از این دو دختر را که مشاهده می‌کنی بر این شرط به نکاحت در آورم که به مدّت هشت سال گوسفندانم را شبانی کنی ولی اگر ده سال را تکمیل کردی پس این از فضل توست. و بدان که من با شرط قرار دادن مدّت ده سال، برتو سخت نمی‌گیریم و مرا ـ ان‌شاءالله ـ در حسن معامله، لطف و مهربانی به کارگر و وفا به وعده، از درستکاران خواهی یافت.

﴿قَالَ ذَٰلِكَ بَيۡنِي وَبَيۡنَكَۖ أَيَّمَا ٱلۡأَجَلَيۡنِ قَضَيۡتُ فَلَا عُدۡوَٰنَ عَلَيَّۖ وَٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٞ ٢٨﴾.

موسی گفت: این قراردادی است میان من و تو که هر یک از دو مدّت را در کار شبانی به انجام رساندم، به قرارداد مربوطه وفا کنند تلقّی شوم و بر من در نیفزودن بر هشت سال سرزنشی نیست. و خداوند أ بر آنچه اتفاق کردیم گواه است؛ او ناظر و مراقب اعمال ما است و بر نهان و آشکار ما آگاه است و او بهترین گواهان می‌باشد.

﴿۞فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى ٱلۡأَجَلَ وَسَارَ بِأَهۡلِهِۦٓ ءَانَسَ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ نَارٗاۖ قَالَ لِأَهۡلِهِ ٱمۡكُثُوٓاْ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا لَّعَلِّيٓ ءَاتِيكُم مِّنۡهَا بِخَبَرٍ أَوۡ جَذۡوَةٖ مِّنَ ٱلنَّارِ لَعَلَّكُمۡ تَصۡطَلُونَ ٢٩﴾.

موسی گفت: پس چون موسی ÷ مدّت ده سال را که کامل‌‌ترین دو مدّت بود به انجام رساند و خانواده‌اش را به سوی مصر حرکت داد، در میان راه در کنار کوه طور آتشی را مشاهده کرد. در این اثنا به خانواده‌اش گفت: شما در جای خود بمانید و انتظار مرا بکشید؛ زیرا من آتشی را مشاهده کرده‌‌ام، پس به آنجا می‌روم؛ شاید از آنجا برای شما خبری بیاورم که ما را بر راه، راهنمون گردد یا از اهل آن آتش خبری بیاورم، یا شعله‌ای از آن بیاورم که با آن خود را از خنکی گرم نمایید.

﴿فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِيَ مِن شَٰطِيِٕ ٱلۡوَادِ ٱلۡأَيۡمَنِ فِي ٱلۡبُقۡعَةِ ٱلۡمُبَٰرَكَةِ مِنَ ٱلشَّجَرَةِ أَن يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّيٓ أَنَا ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٣٠﴾.

پس چون موسی به آن آتش رسید خداوند أ از جانب راست وادی در آن جایگاه مبارک از کنار درخت، وی را ندا کرد و به وی درباره خود چنین فرمود: (ای موسی! منم الله؛ پروردگار جهانیان!).

﴿وَأَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَۚ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهۡتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنّٞ وَلَّىٰ مُدۡبِرٗا وَلَمۡ يُعَقِّبۡۚ يَٰمُوسَىٰٓ أَقۡبِلۡ وَلَا تَخَفۡۖ إِنَّكَ مِنَ ٱلۡأٓمِنِينَ ٣١﴾.

آنگاه حق‌تعالی به وی دستور داد تا عصایش را بیفکند. پس به اذن الله أ عصا به ماری بزرگ که سخت جنبان بود تبدیل شد؛ گویی او در جنبش سریع خود همانند مار کوچکی است. چون موسی این منظره را مشاهده کرد گریزان روی گردانید و از شدّت خوف به مار التفاتی نکرد. پس خداوند أ وی را ندا داد که ای موسی! روی آر و نترس؛ زیرا تو از هر آنچه که مایه آزارت شود، در امان هستی! چه هر کس در تحت رعایت الله أ قرار داشته باشد از هر ناخوشی و آسیبی ایمن است.

﴿ٱسۡلُكۡ يَدَكَ فِي جَيۡبِكَ تَخۡرُجۡ بَيۡضَآءَ مِنۡ غَيۡرِ سُوٓءٖ وَٱضۡمُمۡ إِلَيۡكَ جَنَاحَكَ مِنَ ٱلرَّهۡبِۖ فَذَٰنِكَ بُرۡهَٰنَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ ٣٢﴾.

ای موسی! دستت را در چاک پیراهنت داخل کن تا بدون بیماری و برص، سپید بیرون آید. همچنان دستت را به سینه‌ات بچسبان تا روانت آرام گیرد و قلبت مطمئن شود. پس این دو نشانه است برایت از بارگاه پروردگارت که یکی: بر گرداندن عصا به اژدها و دیگری ید بیضا بدون آفت و بیماری است. و این دو دلیل بزرگ به سوی فرعون و سران قومش بر قدرت و یگانگی حق‌تعالی و راستگویی موسی است. در حقیقت فرعون و سران قومش از طاعت خداوند أ خارج و از حدودش تجاوزگر بودند.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلۡتُ مِنۡهُمۡ نَفۡسٗا فَأَخَافُ أَن يَقۡتُلُونِ ٣٣﴾.

موسی به پروردگار سبحان گفت: پروردگارا! من از قوم فرعون کسی را کشته‌ام که به قتلش مامور نبوده‌ام. پس، از آن می‌ترسم که مرا در برابر آن کس به قتل رسانند.

﴿وَأَخِي هَٰرُونُ هُوَ أَفۡصَحُ مِنِّي لِسَانٗا فَأَرۡسِلۡهُ مَعِيَ رِدۡءٗا يُصَدِّقُنِيٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ٣٤﴾.

و برادرم هارون از من زبان آورتر و بر سخن گفتن تواناتر است. پس پروردگارا! هارون را همراهم بفرست تا او نیز پیامبری مانند من باشد و مرا در امر رسالت یاری کند. امید که فرعون تصدیقم نماید؛ زیرا من می‌ترسم که او رسالتم را تکذیب نماید.

﴿قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجۡعَلُ لَكُمَا سُلۡطَٰنٗا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيۡكُمَا بِ‍َٔايَٰتِنَآۚ أَنتُمَا وَمَنِ ٱتَّبَعَكُمَا ٱلۡغَٰلِبُونَ ٣٥﴾.

خدای متعال به موسی فرمود: به زودی بازویت را به وسیله برادرت هارون نیرومند و تو را به وی پشت گرم خواهیم ساخت و شما هردو را بر فرعون و قومش با برهان آشکار و حجّت قاطع یاری خواهیم نمود. بنابراین آن‌ها به شما آزاری رسانده نمی‌توانند. بدان ای موسی! که تو و هارون و پیروان مؤمن‌تان همگی، با ادله راستین ما بر فرعون پیروز و غالب خواهید بود.

﴿فَلَمَّا جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِ‍َٔايَٰتِنَا بَيِّنَٰتٖ قَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّفۡتَرٗى وَمَا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلۡأَوَّلِينَ ٣٦﴾.

پس چون موسی با برهان‌های منزله از سوی أ و حجّت‌های راستینی که روشنگر حق از باطل بود نزد فرعون و همراهانش آمد آنان به موسی گفتند: این چیزی که تو بدان برانگیخته شده‌ای جز نوعی از سحر که آن را به دروغ و ترفند به هم یافته‌ای نیست؛ این باطل و دروغی پیش نمی‌باشد و سابقه ندارد که ما همچو دروغی را در قرن‌های گذشته شنیده باشیم.

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّيٓ أَعۡلَمُ بِمَن جَآءَ بِٱلۡهُدَىٰ مِنۡ عِندِهِۦ وَمَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٣٧﴾.

موسی به فرعون گفت: بی‌گمان پروردگارم انسان راستگوی درستکار را که پیام آور حق است از دروغگویی که به ناروا جدال می‌کند، باز می‌شناسد و او به کسی که فرجام نیکو و پایان خوش سرای آخرت برای وی است داناتر می‌باشد.

﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَأُ مَا عَلِمۡتُ لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرِي فَأَوۡقِدۡ لِي يَٰهَٰمَٰنُ عَلَى ٱلطِّينِ فَٱجۡعَل لِّي صَرۡحٗا لَّعَلِّيٓ أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٣٨﴾.

فرعون به سران قومش گفت: ای اشراف قوم! من جز خویشتن برای شما خدایی نمی‌شناسم، پس مرا به یگانگی پرستش کنید. و ای هامان! برایم بر گِل آتشی بیفروز تا آن گِل پخته و مستحکم شود، آنگاه بر آن بنایی بلند بر افراز تا شاید من خدایی را که موسی جز من می‌پرستد ببینم! و البته من چنین می‌پندارم که موسی در این ادعایش که او را غیر از من خدایی است، دروغگوست.

﴿وَٱسۡتَكۡبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُۥ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمۡ إِلَيۡنَا لَا يُرۡجَعُونَ ٣٩﴾.

و فرعون و لشکریانش در مصر؛ ستم، گردنکشی برتری منشی و فساد کردند و او و قومش پنداشتند که هیچ بازگشتی به سوی پروردگار مردم در کار نیست.

﴿فَأَخَذۡنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡيَمِّۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٠﴾.

در نتیجه خداوند أ فرعون و لشکریانش را نابود و ریشه کن ساخت و آنان را به دریا غرق گردانید. پس بنگر که کشتارگاه طغیانگران و پایان کار ستمگرانی که به خداوند أ کفر ورزیده و با پیامبرانش ستیزه کردند چگونه بود!!

﴿وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا يُنصَرُونَ ٤١﴾.

و خداوند أ فرعون و قومش را دعوت‌گرانی به سوی آتش و رهبرانی به سوی جهنم گردانید که گمراهان و ستمگران به آنان اقتدا می‌کنند و آنان نه در روز قیامت خود را یاری توانند کرد و نه هم یاورانی دارند که عذاب دامنگیر به سبب کفر و تکذیب را از آنان دفع کند.

﴿وَأَتۡبَعۡنَٰهُمۡ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا لَعۡنَةٗۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ هُم مِّنَ ٱلۡمَقۡبُوحِينَ ٤٢﴾.

و خداوند أ در این زندگانی دنیا خشم و عار و خواری و خفّتی از جانب خود بدرقه کرده است و روز قیامت نیز آن‌ها از کسانی هستند که اعمال‌شان زشت و ننگین است. پس بازگشت‌شان چه زشت و ننگین و سعی و تلاش‌شان چه ناکام و رسواست.

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ مِنۢ بَعۡدِ مَآ أَهۡلَكۡنَا ٱلۡقُرُونَ ٱلۡأُولَىٰ بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لَّعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ٤٣﴾.

و در حقیقت خداوند أ به موسی تورات را بعد از آن عطا کرد که اقوام پیشین چون قوم نوح، عاد، ثمود، قوم لوط و اصحاب مدین را نابود ساخت. و در تورات برهان‌های درخشان و ادلّۀ قاطع برای بنی اسرائیل است که با آن‌ها به سوی حق راه می‌یابند و به نور آن‌ها از باطل می‌پرهیزند اما مشروط به آنکه بدان عمل کنند. و در تورات اسباب رحمت و مغفرت است تا شاید آنان فضل و منّت حق‌تعالی بر خود را به یاد آورده و بناء به وی ایمان آورند، از پیامبرش پیروی کرده و به هدایتش چنگ زنند.

﴿وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلۡغَرۡبِيِّ إِذۡ قَضَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَى ٱلۡأَمۡرَ وَمَا كُنتَ مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ٤٤﴾.

و ای پیامبر! تو در جانب غربی کوه طور همراه موسی نبودی آنگاه که خداوند أ با وی سخن گفت. و تو از حاضران آن صحنه نبودی.

﴿وَلَٰكِنَّآ أَنشَأۡنَا قُرُونٗا فَتَطَاوَلَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡعُمُرُۚ وَمَا كُنتَ ثَاوِيٗا فِيٓ أَهۡلِ مَدۡيَنَ تَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِنَا وَلَٰكِنَّا كُنَّا مُرۡسِلِينَ ٤٥﴾.

لیکن خدای متعال نسل‌هایی را آفرید و زمانی طولانی بر آنان گذشت؛ تا سرانجام آنان یگانگی وی را فراموش کرده و از دینش روی بر گردانیدند. و تو در میان مردم مدین اقامت نداشتی تا برای‌شان کتاب خدا أ را خوانده، اخبارشان را دریافته و بر امورشان آگاهی یابی. ولی این داستان موسی که قومت را از آن خبر دادی، دلیلی بر رسالتت و برهانی بر نبوّتت می‌باشد.

﴿وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلطُّورِ إِذۡ نَادَيۡنَا وَلَٰكِن رَّحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوۡمٗا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٖ مِّن قَبۡلِكَ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ٤٦﴾.

آری؛ ای پیامبر! تو آن دم که خداوند أ با موسی سخن گفت در جانب کوه طور نبودی ولی خدا أ از روی رحمت و لطفی که به تو دارد، خبر این واقعه عظیم را بر تو وحی کرد تا امّتی را که پیش از تو هیچ پیامبری از نزد خدا أ بر ایشان نیامده است بیم دهی؛ باشد که آنان از آنچه خداوند أ بر تو نازل کرده، پند گیرند و در نتیجه بدان عمل کرده و غیر آن از اعمال شرک و جاهلیّت را فرو گذارند.

﴿وَلَوۡلَآ أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ فَيَقُولُواْ رَبَّنَا لَوۡلَآ أَرۡسَلۡتَ إِلَيۡنَا رَسُولٗا فَنَتَّبِعَ ءَايَٰتِكَ وَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٤٧﴾.

و اگر این مسئله مطرح نبود که وقتی بر کافران به سبب کفرشان عذابی می‌رسد چنین بگویند: پروردگارا! چرا قبل از آنکه ما را عذاب کنی، پیامبری به سوی ما نفرستادی تا به آیاتی که نازل کرده‌ای عمل می‌کردیم و از کسانی می‌بودیم که کتاب و پیامبرت ج را تصدیق کرده‌اند؟ یقیناً در عذاب نمودن‌شان شتاب می‌کردیم.

﴿فَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ مِنۡ عِندِنَا قَالُواْ لَوۡلَآ أُوتِيَ مِثۡلَ مَآ أُوتِيَ مُوسَىٰٓۚ أَوَ لَمۡ يَكۡفُرُواْ بِمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ مِن قَبۡلُۖ قَالُواْ سِحۡرَانِ تَظَٰهَرَا وَقَالُوٓاْ إِنَّا بِكُلّٖ كَٰفِرُونَ ٤٨﴾.

اما چون پیامبر ج نزد کافران مکه آمد تا آنان را از عذاب خداوند أ بیم دهد اعتراض کنان گفتند: چرا خداوند أ به وی از معجزات حسّی آشکار نداد آنگونه که به موسی همچون عصا و ید بیضا را داد؟ ای پیامبر! به آنان بگو: آیا بنی اسرائیل پیش از این به معجزات موسی کفر نورزیدند؟ آری! آن‌ها بودند که گفتند: تورات و قرآن هردو سحر و جادویند و در سحر خود با هم مدد کرده‌اند! و گفتند: ما هم به تورات و هم به قرآن کفر ورزیده ایم.

﴿قُلۡ فَأۡتُواْ بِكِتَٰبٖ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ هُوَ أَهۡدَىٰ مِنۡهُمَآ أَتَّبِعۡهُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٤٩﴾.

ای پیامبر! به آنان بگو: اگر در ادعای خود راستگو هستید، کتابی را بیاورید که از جانب خداوند نازل شده باشد و در هدایت و رشد خود از تورات و قرآن بزرگ‌تر و راهنمون‌تر باشد؛ در آن صورت من یقیناً بدان کتاب راه جسته و بدانچه در آن است عمل خواهم کرد.

﴿فَإِن لَّمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَكَ فَٱعۡلَمۡ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهۡوَآءَهُمۡۚ وَمَنۡ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيۡرِ هُدٗى مِّنَ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥٠﴾.

پس اگر آنچه از کتاب ـ غیر از قرآن و تورات ـ درخواست کردی نیاوردند و عذرشان بریده شد و حجّت‌شان از کار افتاد پس بدان که آنان اهل هوی و هوس اند نه اهل دلیل و منطق و فقط هوس‌های خود را بیرون می‌کنند. و البته هیچ‌کس گمراه‌تر و حیران‌تر از صاحب هوا نیست که تارک شرع خدا أ است. بی‌گمان خداوند أ متجاوزان از حدودش، نافرمانان دستورش و ستیزه گران با دینش را به سوی صواب هدایت نمی‌کند.

﴿۞وَلَقَدۡ وَصَّلۡنَا لَهُمُ ٱلۡقَوۡلَ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ٥١﴾.

و به راستی خداوند أ از روی رحمت به مردم این قرآن را به روشنی، با تفصیل و به هم پیوسته بیان کرد تا شاید در آن اندیشیده و از آیاتش پند گیرند.

﴿ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِهِۦ هُم بِهِۦ يُؤۡمِنُونَ ٥٢﴾.

کسانی از یهود و نصاری که خداوند أ بر آنان تورات و انجیل را نازل کرد و آن‌ها کتاب‌های الهی را تحریف و تبدیل نکردند بی‌گمان قرآن را نیز تصدیق می‌کنند؛ همچون عبدالله بن سلام و دیگران.

﴿وَإِذَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِهِۦٓ إِنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّنَآ إِنَّا كُنَّا مِن قَبۡلِهِۦ مُسۡلِمِينَ ٥٣﴾.

و چون آیات قرآن بر مؤمنان اهل کتاب خوانده شود می‌گویند: به درستی تصدیق کردم! باور داریم که قرآن از نزد خداوند أ است و از آن پیروی کردیم! بی‌تردید قرآن حقّ است و از جانب خدای متعال نازل شده است. ما پیش از آنکه قرآن بر محمد ج نازل شود نیز یکتاپرست و بر دین اسلام که دین همه پیامبران است بوده‌‌ایم.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ يُؤۡتَوۡنَ أَجۡرَهُم مَّرَّتَيۡنِ بِمَا صَبَرُواْ وَيَدۡرَءُونَ بِٱلۡحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٥٤﴾.

همین گروه باورمند به کتاب‌های پیشن خود و به قرآن اند که خداوند أ پاداش‌شان را دوبار به طور مضاعف برای‌شان می‌دهد؛ از آن روی که به دو کتاب ایمان آورده‌اند و از آن جهت که بر ادای طاعت و پرهیز از معصیت صابر و پایدارند. و هم ایشان اند که بدی را با نیکی دفع می‌کنند؛ یعنی بعد از ارتکاب معصیت به کفّاره آن طاعت انجام می‌دهند. یا آنانند که بدی را با نیکی پاسخ می‌دهند. و همانانند که برای رضای خدا أ از آنچه که بدی‌شان عطا کرده است صدقه می‌کنند.

﴿وَإِذَا سَمِعُواْ ٱللَّغۡوَ أَعۡرَضُواْ عَنۡهُ وَقَالُواْ لَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡ سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ لَا نَبۡتَغِي ٱلۡجَٰهِلِينَ ٥٥﴾.

و چون آن گروه ابراز سخن ناروایی را بشنوند، بدان گوش فرا نمی‌دهند بلکه شنوایی‌شان را از فرا دادن به آن پاک نگه داشته و می‌گویند: کردارهای ما از آن ما است و ما از آن‌ها مسئول هستیم و کردارهای شما از آن شما است و گناه آن بردوش خود شماست. پس بدانید که ما هرگز شما را بر باطل‌تان اجابت نگفته و در معاصی‌تان با شما مشارکت نمی‌کنیم. در عین حال شما از آزار ما نیز به سلامت هستید؛ چرا که ما هرگز خود را به مقابله با جاهلان و معامله بالمثل با نابخردان مشغول نمی‌داریم. پس بزرگ‌ترین پاسخ به نادانان سبک مغز، سکوت و رویگردانی از آن‌هاست. آری! جواب البهان خاموشی است.

﴿إِنَّكَ لَا تَهۡدِي مَنۡ أَحۡبَبۡتَ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ٥٦﴾.

ای پیامبر! تو نمی‌توانی هر کس از مردم را دوست داشته و به هدایتش علاقه مند باشی، «هدایت توفیق» ارزانی داری بلکه هدایتگر فقط خدای یگانه یکتاست. پس اوست که هر کس از بندگانش را بخواهد توفیق هدایت می‌بخشد و او به کسی که سزاوار هدایت است داناتر می‌باشد؛ بناء سینه‌اش را برای هدایت می‌گشاید و او را بر آن راهنمون می‌گردد.

﴿وَقَالُوٓاْ إِن نَّتَّبِعِ ٱلۡهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفۡ مِنۡ أَرۡضِنَآۚ أَوَ لَمۡ نُمَكِّن لَّهُمۡ حَرَمًا ءَامِنٗا يُجۡبَىٰٓ إِلَيۡهِ ثَمَرَٰتُ كُلِّ شَيۡءٖ رِّزۡقٗا مِّن لَّدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٥٧﴾.

و کافران به پیامبر ج گفتند: اگر از هدایت و توحید که تو بدان مبعوث شده‌ای پیروی کنیم و پرستش بتان و معبودان باطل را فرو گذاریم مردمان با کشتار و اسارت و چپاول و غارت ما را از دیارمان می‌ربایند. آیا حق‌تعالی برای‌شان سرزمینی امن و مطمئن را که عبارت از مکّه سرزمین محرم خدا أ از هنگام آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌باشد آماده نساخته است؟ سرزمینی که خیرات و محصولات زمین اعم از میوه‌ها، دانه‌ها و دیگر فرآورده‌ها به عنوان روزیی از جانب خداوند أ به سوی آن سرازیر می‌شود؟ ولی بیشتر کافران نمی‌دانند که نعمت‌بخش حقیقی همانا خدای سبحان است. از این رو وی را ـ با توحید و خالص سازی عبادت برایش ـ سپاس نمی‌گذارند.

﴿وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَرۡيَةِۢ بَطِرَتۡ مَعِيشَتَهَاۖ فَتِلۡكَ مَسَٰكِنُهُمۡ لَمۡ تُسۡكَن مِّنۢ بَعۡدِهِمۡ إِلَّا قَلِيلٗاۖ وَكُنَّا نَحۡنُ ٱلۡوَٰرِثِينَ ٥٨﴾.

و خداوند أ بسیاری از مردم شهرها را هنگامی هلاک و ویران ساخت که زندگی خوش و خواهش‌ها و سرمستی‌های‌شان آنان را از ایمان به وی، اطاعتش و پیروی از پیامبرانش به خود مشغول ساخت و در نتیجه تکذیب و رویگردانی اختیار کردند. پس این است سراهای‌شان که بعد از نابودی‌شان ـ جز تعدادی اندک ـ کسی در آن‌ها سکونت نگزیده است و تو هم این خانه‌های متروک را مشاهده می‌کنی. و خداوند أ وارث بندگانش می‌باشد؛ او بعد از فنای خلقش باقی است، همه به سوی او باز می‌گردند و بنابراین هر کس را در برابر کار کردش جزا می‌دهد.

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهۡلِكَ ٱلۡقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبۡعَثَ فِيٓ أُمِّهَا رَسُولٗا يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِنَاۚ وَمَا كُنَّا مُهۡلِكِي ٱلۡقُرَىٰٓ إِلَّا وَأَهۡلُهَا ظَٰلِمُونَ ٥٩﴾.

و خدای سبحان هرگز نابود کننده و ویرانگر شهرهایی که در زمان پیامبر ج در پیرامون مکه قرار داشته‌اند نبوده است تا آنگاه که در مرکز و بزرگ‌ترین و شریف‌ترین آن شهرها که شهر مکه است پیامبری را که همانا محمد ج اند بفرستد تا ایشان آیات قرآن را بر مردم بخوانند. و خداوند أ هلاک کننده شهرها نیست مگر بعد از آنکه مردم آن‌ها با کفر به وی، ستیزه با پیامبرانش و نافرمانی امرش بر خویشتن ستم کنند و در نتیجه سزاوار هلاک و ویرانی گردند. بنابراین مردم هیچ شهری عذاب نمی‌شوند تا آنکه با فرستادن پیامبری به سوی‌شان، حجّت بر آنان اقامه گردد.

﴿وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتُهَاۚ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٦٠﴾.

و ای بندگان! هر چه از اموال و اولاد به شما داده شده است جز این نیست که بهره‌ای در این زندگانی فانی و دنیای نا پایدار و زیب و زیوری برای شما در برابر مردم است ولی آنچه پیش خداوند أ برای دوستان و بندگان صالحش وجود دارد، بهتر و ماندگارتر می‌باشد؛ زیرا این چیزهاست که مبارک و خجسته، گوارا و پیوسته، همیشگی و نا گسسته است که هرگز آن‌ها را پایانی نیست. پس آیا در این موضوع نمی‌اندیشید تا میان نیک و بد و شایسته و بی‌ارزش فرق بگذارید؟

﴿أَفَمَن وَعَدۡنَٰهُ وَعۡدًا حَسَنٗا فَهُوَ لَٰقِيهِ كَمَن مَّتَّعۡنَٰهُ مَتَٰعَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا ثُمَّ هُوَ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ مِنَ ٱلۡمُحۡضَرِينَ ٦١﴾.

آیا مثل و وصف کسی از بندگان که خدای سبحان به وی در برابر عمل نیکش بهشت‌های پر ناز و نعمت را وعده داده است و از آن‌رو که خداوند أ تحقق بخش وعده‌های خویش می‌باشد او حتما به این وعده دست هم خواهد یافت؛ آری! آیا مَثَل و صفت چنین کسی همچون مَثَل آن شخصی است که خداوند أ وی را در دنیای کوتاه از شهوت‌های گذرا و لذت‌های ناپایا بهره‌مند گردانیده است و او دنیا را بر آخرت ترجیح داده، دیدار خدا أ را فراموش کرده و سپس در روز قیامت نزد حق‌تعالی حاضر ساخته می‌شود تا وی را در برابر کردارهایش مجازات نماید؟ پس آیا این شخص با آن شخص برابر است؟ هرگز! بنابراین باید انسان بیندیشد که کدام انتخاب برایش بهتر است و بر همین اساس او باید گزینه برازنده‌تر و ارزنده‌تر را برای خویشتن اختیار کند.

﴿وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ ٦٢﴾.

و روزی که حق‌تعالی مشرکان را ندا داده و به آنان می‌گوید: آن خدایانی که غیر از من می‌پرستیدید و مدعی بودید که در الوهیتم شریک اند، کجایند؟

﴿قَالَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَغۡوَيۡنَآ أَغۡوَيۡنَٰهُمۡ كَمَا غَوَيۡنَاۖ تَبَرَّأۡنَآ إِلَيۡكَۖ مَا كَانُوٓاْ إِيَّانَا يَعۡبُدُونَ ٦٣﴾.

کافرانی که عذاب خدا أ بر آنان واجب شده است می‌گویند: پروردگارا! این گروه بودند که ما گمراه‌شان کردیم همچنان که ما خود گمراه شدیم، اما امروز از یاری و دوستی‌شان به پیشگاه تو بی‌زاری می‌جویم؛ آنان در حقیقت ما را نمی‌پرستیدند بلکه شیاطینی را می‌پرستیدند که اندیشه شرک را بر آنان القا کرده بودند.

﴿وَقِيلَ ٱدۡعُواْ شُرَكَآءَكُمۡ فَدَعَوۡهُمۡ فَلَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُمۡ وَرَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۚ لَوۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ يَهۡتَدُونَ ٦٤﴾.

و روز جزا به کافران گفته می‌شود. خدایان پنداری‌تان را که به جای خدای سبحان می‌پرستیدید فراخوانید. پس آنان را ندا می‌کنند ولی از آن‌ها پاسخی نمی‌یابند. و عذابی را با چشم سر می‌بینند. اما اگر در دنیا بر هدایت و طاعت الله أ قرار می‌داشتند او هرگز عذاب‌شان نمی‌کرد.

﴿وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ مَاذَآ أَجَبۡتُمُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٦٥﴾.

و روز قیامت حق‌تعالی کافران را ندا می‌دهد و از آنان می‌پرسد: پاسخ‌تان به فرستادگان ما ـ هنگامی که ایشان را با پیام ایمان و عمل صالح به سوی شما فرستادیم ـ چه بود؟

﴿فَعَمِيَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَنۢبَآءُ يَوۡمَئِذٖ فَهُمۡ لَا يَتَسَآءَلُونَ ٦٦﴾.

پس حجّت‌ها از آنان ناپدید و بیّنات از آنان پنهان می‌شود و در حیرتی تاریک درمی‌افتند که چه بگویند؟! در نتیجه آنان به علت بیم و اضطراب‌شان از یکدیگر نمی‌پرسند که چه حجّت مورد قبولی را که بتواند پاسخگوی پرسش پروردگار متعال باشد ارائه کنند.

﴿فَأَمَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَعَسَىٰٓ أَن يَكُونَ مِنَ ٱلۡمُفۡلِحِينَ ٦٧﴾.

اما کسی که از کفر توبه کرده و در طاعت حق‌تعالی راستگو باشد، به موجبات شریعتش عمل نموده و از پیامبرش ج پیروی نماید یقیناً از کسانی است که به مطلوب رسیده، از هراس‌ها نجات یافته و به بهشت رضوان الهی نازل گردیده است.

﴿وَرَبُّكَ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخۡتَارُۗ مَا كَانَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٦٨﴾.

و پروردگارت که آفریننده نو آور و تصویرگر است هرچه را بخواهد بیافریند می‌آفریند، قضای وی را بر گرداننده‌ای نیست؛ او هرچه و هر که از خلقش را بخواهد برای رسالت و عبادتش برمی‌گزیند، بنابر آن چیزی از آفرینش، گزینش، فیصله و قضا در اختیار بندگان نیست؛ بلکه فقط خدای یگانه است که مالک همه این‌ها می‌باشد. او از آنچه به وی شریک و همتا قرار داده شده برتر و متعالی و از آنچه که باطل‌گرایان او را بدان توصیف کرده‌اند منزّه است.

﴿وَرَبُّكَ يَعۡلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمۡ وَمَا يُعۡلِنُونَ ٦٩﴾.

و پروردگارت آنچه را سینه‌ها پنهان داشته و زبان‌ها آشکار می‌دارند می‌داند؛ زیرا غیب نزد وی حاضر و راز نزد وی علنی است.

﴿وَهُوَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ لَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلۡأُولَىٰ وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٧٠﴾.

و اوست خدایی که غیر وی سزاوار پرستش نیست و ماسوایش شایستگی الوهیت را ندارد، همه ستایش‌ها او را است و جمله مدح و ثناها به او اختصاص دارد. و ثنای جمیل در اول و آخر همه از آن اوست که به یگانگی در امور بندگانش حاکم است و آنچه را که به نفع‌شان باشد برای‌شان مشروع می‌گرداند و به سوی اوست که بندگان در روز معاد باز گردانیده می‌شوند تا میان‌شان داوری کند.

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمُ ٱلَّيۡلَ سَرۡمَدًا إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَنۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَأۡتِيكُم بِضِيَآءٍۚ أَفَلَا تَسۡمَعُونَ ٧١﴾.

ای پیامبر! به بندگان بگو: به من خبر دهید که اگر خداوند أ شب را بر شما تا روز قیامت بدون آوردن روزی مستدام و پیوسته بدارد، آیا غیر از او دیگر خدایی وجود دارد که برای شما روشنی بیافریند تا در آن تاریکی انبوه و پیوسته، بدان روشنی گیرید؟ پس آیا این اندرزها را بسان کسی که از شنیدن خویش بهره برده، پند آموخته، پذیرفته و عمل کرده است نمی‌شنوید؟!

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمُ ٱلنَّهَارَ سَرۡمَدًا إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَنۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَأۡتِيكُم بِلَيۡلٖ تَسۡكُنُونَ فِيهِۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ ٧٢﴾.

ای پیامبر! به بندگان بگو: به من خبر دهید که اگر خداوند أ روز را تا پگاه قیامت بدون شبی بر شما مستمرّ و پیوسته بدارد، آیا آنجا خدای دیگری غیر از خدای سبحان وجود دارد که برای شما شبی را بیافریند تا در آن بخوابید، استراحت نموده و آرام بگیرید؟ پس آیا به نشانه‌های حق‌تعالی در گردش شب و روز با دیدۀ تأمّل و اعتبار نمی‌نگرید؟!

﴿وَمِن رَّحۡمَتِهِۦ جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٧٣﴾.

و از رحمت حق‌تعالی به بندگانش این است که شب و روز را آفرید و در میان آن‌ها تغایر و دگرگونی ایجاد کرد؛ به این ترتیب که شب را وقت راحت بدن‌ها و زمان بریدگی کارهای‌تان قرار داد تا تن‌ها در آن آرام یافته و چشم‌ها در آن به خواب روند و روز را روشنگر گردانید تا در آن به کارهای‌شان و کسب معیشت‌تان بپردازید و تا خدای متعال را بر فضل و احسانش سپاس بگذارید؛ با اخلاص عمل برایش و پایبندی به طاعتش.

﴿وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ ٧٤﴾.

و روز قیامت خداوند أ کافران را ندا کرده و به آنان می‌گوید: خدایان‌تان که مدعی الوهیت آن‌ها همراه من بودید کجایند؟ یعنی آیا آن‌ها برای شما نفعی رسانده توانسته یا زیانی را از شما دفع می‌کند.

﴿وَنَزَعۡنَا مِن كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدٗا فَقُلۡنَا هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ فَعَلِمُوٓاْ أَنَّ ٱلۡحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٧٥﴾.

و خداوند أ از میان هر امّت از امّت‌های کافر، گواهی بر ضدشان بیرون می‌کشد تا به آنچه در دنیا از کفر و تکذیب کرده‌اند گواهی دهد و خداوند أ به امّت‌های کافر دستور می‌دهد تا دلایل و برهان‌های خود بر صحت آنچه را از شرک ادعا کرده‌اند بیاورند؛ آن هنگام است که کافران می‌دانند حجّت بالغه و منطق رسا از آن یگانه قهّار است و در واقع این اوست که به یگانگی سزاوار عبودیت بوده و شریکی برایش وجود ندارد. و همه ادعاهای باطل و حجت‌های دروغین از پیش کافران می‌رود و کسی را نمی‌یابند که برای‌شان شفاعت کند یا عذاب را از آنان دفع کند. پس در آن روز نه عذری پذیرفته می‌شود، نه دوستی سودی می‌رساند، یاوری است که شفاعت کند و نه یاریگری که دفاع نماید.

﴿۞إِنَّ قَٰرُونَ كَانَ مِن قَوۡمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيۡهِمۡۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡكُنُوزِ مَآ إِنَّ مَفَاتِحَهُۥ لَتَنُوٓأُ بِٱلۡعُصۡبَةِ أُوْلِي ٱلۡقُوَّةِ إِذۡ قَالَ لَهُۥ قَوۡمُهُۥ لَا تَفۡرَحۡۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡفَرِحِينَ ٧٦﴾.

همانا قارون از بنی اسرائیل ـ قوم موسی ÷ ـ بود و از مصریان نبود. پس او در زمین سر به برتری جویی برداشت، بر بندگان تکبّر ورزید و به خاطر مال و ثروتش طغیان کرد. و خداوند أ از گنجینه‌های بزرگ هولناک و اموال بی‌شمار به وی تا بدانجا عطا کرده بود که در وصف نمی‌گنجد بدانسان که برداشت کلیدهای گنجینه‌هایش بر مردان نیرومند بسیار سنگین می‌آمد.

آنگاه که قومش نصیحتش کرده و به وی گفتند: به دنیای ناپایدار و فانی تکبّر و نخوت نکن و بدان شادمان مباش؛ زیرا خداوند أ بندگان متکبّر، گردنکش و نخوت منشی را که نعمت را سپاس نمی‌گزارند، آفریدگار را نیایش و پرستش نکرده و برای مخلوق فروتنی نمی‌ورزند، دوست ندارد.

﴿وَٱبۡتَغِ فِيمَآ ءَاتَىٰكَ ٱللَّهُ ٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَۖ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنۡيَاۖ وَأَحۡسِن كَمَآ أَحۡسَنَ ٱللَّهُ إِلَيۡكَۖ وَلَا تَبۡغِ ٱلۡفَسَادَ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٧٧﴾.

و ای قارون! با این مال و ثروت، پاداشی را که نزد خداوند أ است در نظر بگیر و در آنچه او به تو از نعمت‌ها و دارایی‌ها داده است رضای او را بجوی و البته در ضمن عمل برای آخرت بهره‌ات از دنیا را نیز که استفاده از جلال پاکیزه بدون تنگ چشمی و اسراف است فرو مگذار و با نفع رسانی و یاری گری به بندگان نیکویی کن آن‌سان که حق‌تعالی با بخشش‌های فراوان برتو نیکویی کرده است. فساد و تباهی در گفتار و کردار و عمل به نیرنگ و ستم و فحشا و منکر را مقصود خویش قرار نده و از اینکه جویای موجبات خشم خدا أ چون کبر و تجاوز باشی بپرهیز؛ زیرا خداوند أ فسادگرانی را که در سخن و عمل از صلاح به دور اند دوست ندارد؛ بلکه آن‌ها برپادارندۀ اردوگاه آزار و شرارت و ستم و بغاوت اند.

﴿قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلۡمٍ عِندِيٓۚ أَوَ لَمۡ يَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ قَدۡ أَهۡلَكَ مِن قَبۡلِهِۦ مِنَ ٱلۡقُرُونِ مَنۡ هُوَ أَشَدُّ مِنۡهُ قُوَّةٗ وَأَكۡثَرُ جَمۡعٗاۚ وَلَا يُسۡ‍َٔلُ عَن ذُنُوبِهِمُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٧٨﴾.

قارون به ناصحان خویش گفت: همانا من این مال و ثروت را بدان خاطر داده شده‌ام که از دانش برتری ساز و از نیرویی ویژه در مال اندوزی برخوردارم! آیا قارون ندانست که خداوند أ بسیاری از کسانی را که پیش از او بودند نابود گردانید؟ و خداوند أ از مجرمان در مورد گناهان‌شان نمی‌پرسد از آن‌رو که از جرایم‌شان علم و اطلاع دارد؛ بلکه پرسشی که از آنان می‌شود از روی سرزنش و تثبیت است نه برای اثبات و خداوند أ آنان را براساس علمی که به گناهان‌شان دارد عذاب می‌کند.

﴿فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ فِي زِينَتِهِۦۖ قَالَ ٱلَّذِينَ يُرِيدُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا يَٰلَيۡتَ لَنَا مِثۡلَ مَآ أُوتِيَ قَٰرُونُ إِنَّهُۥ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٖ ٧٩﴾.

پس فاروق در حالی که لباس‌های فاخر و زیبا پوشیده بود، فخر‌کنان به مالش و بر تربینانه بر قومش با کبکبۀ خاصی بیرون آمد. و چون اهل دنیا که همه و جهه همّت‌شان کار و تلاش در راه اندوختن آن بود او را دیدند آرزو کردند که کاش از مال و جاه و جلال همانند قارون داشته باشند؛ زیرا از نظر آنان او واقعاً خوشبخت بود.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ وَيۡلَكُمۡ ثَوَابُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّمَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗاۚ وَلَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلصَّٰبِرُونَ ٨٠﴾.

اما کسانی که از علم سودمند راستین بر خوردار بودند؛ همانان که خدا أ را شناخته و فهم دینش و علم شرعش را دریافته بودند نظر اهل دنیا را رد کرده و گفتند: وای بر شما! در حقیقت پاداش خداوند أ برای تقوا پیشگانی که به شریعتش عمل می‌کنند بهتر و برتر از مال و جاه قارون است. اما این اندرز را فقط کسی می‌پذیرد و از آن نفع می‌برد که بر طاعت حق‌تعالی و اجتناب از نافرمانی‌هایش شکیبا و صابر بوده، به حکمش راضی و با نفس خویشتن در جهت عمل به موجبات محبت خدا أ جهاد کرده باشد.

﴿فَخَسَفۡنَا بِهِۦ وَبِدَارِهِ ٱلۡأَرۡضَ فَمَا كَانَ لَهُۥ مِن فِئَةٖ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُنتَصِرِينَ ٨١﴾.

سر انجام خداوند أ قارون را با خانه‌اش به زمین فروبرد و زمین او و کاخش را در خود غوطه‌ور ساخت. پس نه برایش همکارنی بود که عذاب را از وی دفع کنند و نه خود به علّت ضعف و ناتوانی یارای آن داشت که در برابر قدرت خدای ﻷ از خود دفاع نماید.

﴿وَأَصۡبَحَ ٱلَّذِينَ تَمَنَّوۡاْ مَكَانَهُۥ بِٱلۡأَمۡسِ يَقُولُونَ وَيۡكَأَنَّ ٱللَّهَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُۖ لَوۡلَآ أَن مَّنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا لَخَسَفَ بِنَاۖ وَيۡكَأَنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨٢﴾.

و همان کسانی که دیروز حالی مانند حال قارون را آرزو می‌کردند و او و اموالش سخت نزدشان اعجاب آور بود با پشیمانی و تاثّر، از این ماجرا عبرت اندوخته و متفکّرانه می‌گفتند: ای وای! در حقیقت خداوند أ برای هر کس از مردم که بخواهد، روزی را گشاده و بر هر کس که بخواهد آن را تنگ می‌گرداند. به راستی اگر خداوند أ بر ما منّت نگذاشته بود ما را نیز مانند قارون به زمین فرو می‌برد از آن‌رو که به مال و حال وی سخت شیفته و شیدا بودیم. آیا نمی‌دانید که کافران نه به مطلوبی رستگار می‌شوند و نه از تنگنای آنچه هراسناک و وحشت بار است نجات می‌یابند.

﴿تِلۡكَ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ نَجۡعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوّٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فَسَادٗاۚ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلۡمُتَّقِينَ ٨٣﴾.

آن سرای آخرت را حق‌تعالی با نعمت‌های ماندگار بی‌زوال آن برای کسانی قرار می‌دهد که برایش متواضع و در پیشگاه جبروتش خاضع باشند، نه بر خالق تکبّر ورزند، نه بر خلق وی برتری جویند و نه در زمین با ستم و نافرمنی فساد انگیزند. و یقیناً فرجام نیک در بهشت برین برای تقوا پیشگانی است که به اوامرش عمل کرده و از نواهیش پرهیز نموده باشند.

﴿مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيۡرٞ مِّنۡهَاۖ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجۡزَى ٱلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٨٤﴾.

هر کس در روز قیامت نزد حق‌تعالی توحید خالص و عمل صالح را همراه با پرهیز از محرمات بیاورد، پس پاداش وی همانا رضوان الله أ و جاودانگی در بهشت وی است و هر کس با شرک و معاصی نزد پروردگارش باز گردد؛ پس جز مانند اعمال بد خویش ـ از عذاب و خواری و گرفتاری‌های سخت ـ جزا داده نمی‌شود.

﴿إِنَّ ٱلَّذِي فَرَضَ عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لَرَآدُّكَ إِلَىٰ مَعَادٖۚ قُل رَّبِّيٓ أَعۡلَمُ مَن جَآءَ بِٱلۡهُدَىٰ وَمَنۡ هُوَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٨٥﴾.

ای پیامبر! بی‌گمان خدایی که قرآن را برتو فرود آورده و تبلیغ آن برای بندگان و عمل و داوری جویی از آن را برتو فرض گردانیده است، به زودی تو را به همانجایی که از آن هجرت کرده‌ای ـ یعنی به مکّه ـ برخواهد گرداند. ای پیامبر! به کافران بگو: تنها پروردگار من به این حقیقت داناتر است که چه کسی از ما راه یافته و حقّ آشکار را آورده است و چه کسی از صراط مستقیم و راه استوار در دوری و انحراف قرار دارد؟

﴿وَمَا كُنتَ تَرۡجُوٓاْ أَن يُلۡقَىٰٓ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبُ إِلَّا رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۖ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرٗا لِّلۡكَٰفِرِينَ ٨٦﴾.

ای پیامبر! و تو توقّع و انتظار نداشتی که خداوند أ بر تو قرآن را نازل کند ولی او از روی رحمت به تو و بر امّتت تو را با این کتاب عظیم گرامی داشت. پس مولایت را بر آنچه به تو عطا کرده است شکر بگزار و او را بر این منّت که تو را به رسالت بر گزیده است ستایش کن و با کافران بر ستیز علیه یگانه قهّار مدد کار نباش.

﴿وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بَعۡدَ إِذۡ أُنزِلَتۡ إِلَيۡكَۖ وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٨٧﴾.

و ای پیامبر! بعد از آنکه خداوند أ تو را به نبوّت گرامی داشته است، کافران تو را از تبلیغ رسالت و توضیح شریعت بر نگردانند. و مردم را به سوی عبادت حق‌تعالی دعوت کن و از عذابش هشدارشان ده و از اینکه با مشرکان در چیزی از اعمال‌شان موافق و هم‌آوا باشی حذر کن؛ بلکه از آنان و از عملکردشان بی‌زاری جوی.

﴿وَلَا تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۘ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ كُلُّ شَيۡءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجۡهَهُۥۚ لَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٨٨﴾.

و با خدا أ معبود دیگری را پرستش نکن؛ زیرا خدایی جز الله أ و معبود بر حقّی جز آن یگانه لاشریک وجود ندارد. هر چیز جز آن باقی بر حق هلاک شدنی، فانی و مردنی است و بقا فقط او را است و بس. حکم و فیصله نیز از آن اوست؛ در مورد هر چیز بدانچه خواهد حکم می‌کند؛ زیرا مالک متصرّف فقط اوست و بازگشت بندگان در روز قیامت به سوی او می‌باشد تا هر کس را در برابر آنچه کرده است جزای مناسب دهد. آیه کریمه بر اثبات صفت وجه برای حق‌تعالی ـ آنگونه که سزاوار جلال و کمال و عظمتش می‌باشد دلالت دارد.

سورۀ عنکبوت

مکی است؛ ترتیب آن 29؛ شمار آیات آن 69

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿الٓمٓ ١﴾.

الف، لام، میم. این حروف مقطعه است که خداوند أ به مراد خویش از آن‌ها داناتر می‌باشد. اما قطعاً این حروف معانی بزرگ و خجسته‌ای دارند که حق‌تعالی علم آن را به خودش اختصاص داده است.

﴿أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتۡرَكُوٓاْ أَن يَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا وَهُمۡ لَا يُفۡتَنُونَ ٢﴾.

آیا بندگان پنداشتند که وقتی گفتند: ایمان آوردیم! بر این ادّعا رها شده و مورد ابتلا و آزمایش قرار داده نمی‌شوند؟ نه! چنین نیست؛ بلکه به زودی با بلا مورد ابتلا قرار خواهند گرفت تا راستگو از دروغگو نمایان شود.

﴿وَلَقَدۡ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ فَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٣﴾.

و به یقین خداوند أ امّت‌های پیشین را نیز با فرستادن پیامبران به سوی‌شان مورد امتحان قرارداد و در نتیجه علم حق‌تعالی در مورد راستگویی راست ایمانان و دروغگویی مدّعیان دروغین آشکار شد.

﴿أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ أَن يَسۡبِقُونَاۚ سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ٤﴾.

آیا مگر اهالی اردوگاه کفر و نافرمانی پنداشتند که بر خدا أ پیشی می‌جویند و او بر آنان توانا نیست و نیرویش بدانان نمی‌رسد؟ نه! سوگند به خدا أ که چنان نیست بلکه آنان در قبضه خدا أ هستند. پس اگر پنداشتند که حق‌تعالی از مجازات‌شان بر اعمال‌شان عاجز است، بسیار بد داوری کرده و بس نادرست تصور کرده‌اند.

﴿مَن كَانَ يَرۡجُواْ لِقَآءَ ٱللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ لَأٓتٖۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٥﴾.

هر کس امیدوار دیدار آخرت با پروردگارش بوده و به پاداشی که نزد وی است طمع می‌ورزد، پس یقیناً میعادی که وی به بندگانش از رستاخیز و ثواب و عقاب داده است خواه ناخواه تحقّق یافتنی است و او شنوای سخنان و دانای اعمال است؛ از این جهت در میان‌شان به علم و حکمت داوری می‌کند.

﴿وَمَن جَٰهَدَ فَإِنَّمَا يُجَٰهِدُ لِنَفۡسِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦﴾.

و هر کس در راه خدا أ و برتری کلمه وی جهاد کند و نیز با نفس خویش در جهت عمل بدانچه که مورد پسند حق‌تعالی است پیکار نماید، پس یقیناً و ثواب نفع و ثواب جهادش به خودش برمی‌گردد؛ چه او آن عمل را جز برای دریافت پاداش انجام نداده است، از آن‌رو که خداوند أ از نیکی نیکوکاران و صلاح مصلحان در حال و اعمال‌شان بی‌نیاز است و به کسی از خلقش محتاج نیست. آری! بی‌گمان توانگری مطلق، فرمانروایی کامل و همه گستره آفرینش فقط از آن خدا أ است.

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ سَيِّ‍َٔاتِهِمۡ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَحۡسَنَ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٧﴾.

و کسانی که به خدا أ ایمان آورده، از پیامبرش پیروی نموده و اعمال صالح مشروع را انجام داده‌اند، حق‌تعالی گناهان‌شان را خواهد آمرزید و خطاهای‌شان را خواهد زدود و ایشان را بر معیار نیکوترین آنچه عمل می‌کرده‌اند پاداش خواهد داد. آری! حقیقتاً که او پاداش را بر معیار بهترین و نیکوترین عملی که انجام داده‌اند عیار خواهد ساخت.

﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حُسۡنٗاۖ وَإِن جَٰهَدَاكَ لِتُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَآۚ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٨﴾.

حق‌تعالی انسان را به احسان با پدر و مادرش از راه ریزش نیکی، لطف و مهربانی به ایشان در آنچه که مقتضای طاعت اوتعالی است سفارش کرده است. اما اگر پدر و مادر بکوشند تا فرزند‌شان به خدای متعال شریک آورد، یا وی را به کفر دستور دهند پس اطاعت‌شان در این امور حرام است. و یقیناً بازگشت بندگان به سوی خدا أ است تا ایشان را بر آنچه کرده‌اند محاسبه کند؛ پس اگر اعمال خیر انجام داده بودند، جزای خیر و اگر مرتکب اعمال شرّ گردیده بودند، جزای شرّ به آنان بدهد.

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُدۡخِلَنَّهُمۡ فِي ٱلصَّٰلِحِينَ ٩﴾.

و کسانی که به خدا أ ایمان آورده، از پیامبرش پیروی کرده و اعمال نیکوی مشروع را انجام داده‌اند پس خداوند أ ایشان را در قبال آن به دخول بهشت‌های پر ناز و نعمت پاداش خواهد داد.

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ فَإِذَآ أُوذِيَ فِي ٱللَّهِ جَعَلَ فِتۡنَةَ ٱلنَّاسِ كَعَذَابِ ٱللَّهِۖ وَلَئِن جَآءَ نَصۡرٞ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمۡۚ أَوَ لَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَعۡلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٠﴾.

و برخی از مردم فقط به زبان می‌گویند: ما به خداوند أ ایمان آورده‌ایم. اما چون کافران آزارشان دهند، از این امر به ستوه آمده، احساس دلتنگی می‌کنند و بی‌قرار می‌شوند، آنسان که از عذاب خدا أ بی‌قرار شوند و سر انجام کار بدانجا می‌کشد که صبر و شکیبایی را از کف داده و در نهایت اسلام را فرو می‌گذارند. لیکن اگر خداوند أ پیامبرش ج و مسلمین را پیروزی عنایت کرد، اینگونه مردمان مذبذب و دو دل به مسلمانان می‌گویند: ای مسلمانان! ما یقیناً در نبرد با کفّار با شما بوده‌ایم. آیا حق‌تعالی به آنچه دل‌ها پنهان می‌دارند دانا و آگاه نیست و راستگو را از دروغگو و مؤمن را از منافق باز نمی‌شناسد؟

﴿وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ ١١﴾.

و قطعاً خداوند أ کسانی را که در ایمان‌شان صادق بوده، دین خویش را برای وی خالص گردانیده و از پیامبرش ج پیروی کرده‌اند و نصرتش داده‌اند، می‌شناسد و او یقیناً می‌داند که چه کسی اسلام را آشکار و کفر را در دل پنهان داشته است، پس به زودی در میان هردو گروه داوری کرده، راستگویان را پاداش و دروغ پیشگان را به کیفر می‌رساند.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّبِعُواْ سَبِيلَنَا وَلۡنَحۡمِلۡ خَطَٰيَٰكُمۡ وَمَا هُم بِحَٰمِلِينَ مِنۡ خَطَٰيَٰهُم مِّن شَيۡءٍۖ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ١٢﴾.

و کافران به مؤمنان می‌گویند: دین اسلام را فرو گذارید و در دین ما در آیید و یقین بدانید که ما مجازات گناهان و پیامد بدی‌های‌تان را به گردن می‌گیریم! حال آنکه در این سخن دروغگویند و هرگز هموزن ذره‌ای از گناهان‌شان را نیز بر دوش نخواهند گرفت. بنابراین ادعای‌شان کاملاً باطل و بدون شک بی‌اساس است.

﴿وَلَيَحۡمِلُنَّ أَثۡقَالَهُمۡ وَأَثۡقَالٗا مَّعَ أَثۡقَالِهِمۡۖ وَلَيُسۡ‍َٔلُنَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَمَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ١٣﴾.

و به زودی این گروه فرجام گناهان و بارهای گران خود را همراه با بارهای گران هر انسانی که گمراهش کرده و سبب اغوایش بوده‌اند بر دوش خواهند گرفت، بدون آنکه از بار‌های گران گناهان خود مرتکبان نیز چیزی کاسته شود. و به زودی خداوند أ در روز قیامت آنان را از آن افترا مورد پرسش قرار خواهد داد.

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَلَبِثَ فِيهِمۡ أَلۡفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمۡسِينَ عَامٗا فَأَخَذَهُمُ ٱلطُّوفَانُ وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ ١٤﴾.

به راستی خداوند أ نوح را با پیام توحید و دعوت به عبادت خویش به سوی قومش فرستاد. پس او قوم خود را به مدّت نهصد و پنجاه سال در این راه دعوت کرد و همه این مدّت را در میان‌شان درنگ نمود، اما آنان تکذیبش کردند. پس خداوند أ با طوفان غرق‌شان کرد. و البته او بر آنان ستم نکرد بلکه خودشان با کفر و تکذیب بر خویشتن ستمگر بودند.

﴿فَأَنجَيۡنَٰهُ وَأَصۡحَٰبَ ٱلسَّفِينَةِ وَجَعَلۡنَٰهَآ ءَايَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ١٥﴾.

در نتیجه خداوند أ نوح و مؤمنان همراهش در کشتی را نجات داد و این واقعه را عبرتی برای نسل‌های آینده و اندرزی برای تمام جهانیان گردانید.

﴿وَإِبۡرَٰهِيمَ إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُۖ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ١٦﴾.

و ابراهیم ÷ را یاد کن؛ آن روز که قومش را به سوی یگانه پرستی خدا أ و خالص سازی عبادت برایش همراه با عمل به شریعتش و اجتناب از معصیتش فرا خواند و گفت: قطعاً تمام مساحت خیر که شامل سعادت دنیا و نجات آخرت است در اجابت این دعوت نهفته است. پس بدانید که دستیابی بهشت جایزه کسانی است که بین خیر و شرّ تمیز کرده و راه خیر را بر گزیده‌اند.

﴿إِنَّمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡثَٰنٗا وَتَخۡلُقُونَ إِفۡكًاۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ لَكُمۡ رِزۡقٗا فَٱبۡتَغُواْ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزۡقَ وَٱعۡبُدُوهُ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥٓۖ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ١٧﴾.

و ابراهیم به آنان خبر داد که بتان و معبودانی را که غیر خدا أ می‌پرستند چیزی جز دروغ، افترا و ساخته پرداخته‌های خودشان نیست؛ زیرا آن خدایان پنداری پرستش‌گران خویش را روزی نمی‌دهند، بلکه روزی دهنده فقط خدای یگانه است. بنابر آن بر بنده است که رزق و روزی را فقط از خدا طلب کند نه از ماسوایش. در عین حال باید طاعت را برای وی خالص گردانید، وی را به عبودیت یکتا قرار داد و سپاسگزار وی بود؛ با عمل به طاعتش و ترک نافرمانی‌هایش. و البته روز قیامت بازگشت فقط به سوی اوست پس قطعاً خلق را در برابر اعمال‌شان مورد حساب قرار می‌دهد.

﴿وَإِن تُكَذِّبُواْ فَقَدۡ كَذَّبَ أُمَمٞ مِّن قَبۡلِكُمۡۖ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ١٨﴾.

ای بندگان! و اگر شما پیامبر گرامی ما محمد ج را در دعوتش به سوی توحید، لزوم طاعت و خالص سازی عبادت برای پروردگار متعال تکذیب کنید، قطعاً پیش از شما نیز امّت‌هایی بوده‌اند که پیامبران‌شان را تکذیب کرده و با ایشان به نبرد پرداخته‌اند؛ اما خداوند أ نابودشان ساخت. و بر پیامبر جز ابلاغ آشکار دعوتش به امّتش وظیفه دیگری نیست و او چیزی از تبعات و پیامدهای عصیان‌شان را بر دوش نمی‌کشد.

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ كَيۡفَ يُبۡدِئُ ٱللَّهُ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥٓۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ١٩﴾.

آیا آن گروه تکذیبگر ندانسته‌اند که خداوند أ چگونه آفرینش را بدون نمونه پیشینی ایجاد و ابداع کرده و سپس آن را بعد از فانی ساختنش مجدّداً همچون بار نخست باز می‌گرداند؟ بی‌گمان چیزی از این کار بر وی دشوار نیست، بلکه ماجرای آفرینش همه با کلمه «کُن» انجام یافته و با این کلمه آفرینش بی‌درنگ تحقّق پیدا می‌کند. آری! این کار از آن‌رو بر خدای متعال سهل و آسان است که قدرت، قوّت و حکمتش کامل، بی‌نهایت و مطلق است.

﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ بَدَأَ ٱلۡخَلۡقَۚ ثُمَّ ٱللَّهُ يُنشِئُ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأٓخِرَةَۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٠﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: بروید در زمین بگردید و به نگاه اندیشه و اعتبار بنگرید و بیندیشید که چگونه خداوند أ هستی را ایجاد کرد، خلق را آفرید و هیچ چیز از این‌ها بر او دشوار تمام نشد. پس بدانید که باز آفرینی آن‌ها بعد از فنا بر وی ساده‌تر و آسان‌تر است. آری! خداوند أ بر هر چیز توانا و مقتدر است؛ هیچ امری که آن را اراده کند، درمانده‌اش نکرده و هیچ کاری بر وی دشوار نیست.

﴿يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَرۡحَمُ مَن يَشَآءُۖ وَإِلَيۡهِ تُقۡلَبُونَ ٢١﴾.

و خداوند أ هر کس از بندگان را که بخواهد در برابر آنچه از جرم و فساد که مرتکب شده عذاب می‌کند و هر کس از بندگانش را که بخواهد در صورتی که توبه و انابت کرده، به طاعتش عمل نماید و از نافرمانی‌هایش اجتناب ورزد، مورد مرحمت قرار می‌دهد. و بازگشت تنها به سوی اوتعالی است تا فرمانبردارن را پاداش و نافرمانان را مجازات کند.

﴿وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ ٢٢﴾.

و ای بندگان! شما نه در زمین و نه در آسمان عاجز کننده پروردگارتان نیستید تا در صورت عصیان از قبضه قدرتش بیرون شده یا از عذابش پیشی گیرید و شما را جز خدا أ دوست و باوری نیست که امورتان را بر عهده گیرد و مدافع و یاریگری هم ندارید که شما را از عذابش برهاند.

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَلِقَآئِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يَئِسُواْ مِن رَّحۡمَتِي وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٢٣﴾.

و هر کس برهان‌هایی را که خداوند أ بر پیامبرش در کتابش نازل کرده تکذیب کند و بدان کفر ورزیده ادلّۀ یگانگی و الوهیّت را منکر شود، آن گروه هرگز امید و توقعی به رحمت خداوند أ نخواهند داشت آنگاه که عذابش را که به دشمنانش وعده داده است ببینند. و به زودی عذاب سخت پردرد را در آتش جهنم خواهند چشید.

﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوۡمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱقۡتُلُوهُ أَوۡ حَرِّقُوهُ فَأَنجَىٰهُ ٱللَّهُ مِنَ ٱلنَّارِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٢٤﴾.

پس پاسخ قوم ابراهیم ÷ به وی جز این نبود که در میان خود به رأی زنی و مشوره پرداختند تا وی را بکشد یا به آتش بسوزانند. و عملاً هم وی را در آتش انداختند، اما خداوند أ وی را از آن رهانید و آتش را بر وی سرد و سلامتی بخش گردانید. بی‌گمان در رها سازی ابراهیم ÷ از آتش و در پیروز ساختنش بر دشمنانش، برهان‌های روشنی است برای بندگانی که اخبار حق‌تعالی را تصدیق کرده و به اوامرش عمل می‌کنند.

﴿وَقَالَ إِنَّمَا ٱتَّخَذۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡثَٰنٗا مَّوَدَّةَ بَيۡنِكُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ ثُمَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَكۡفُرُ بَعۡضُكُم بِبَعۡضٖ وَيَلۡعَنُ بَعۡضُكُم بَعۡضٗا وَمَأۡوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٢٥﴾.

و ابراهیم ÷ قومش را نصیحت کرد و گفت: در حقیقت کسانی را بتان و معبودان باطل را که شما غیر خدا می‌پرستید، جز این نیست که این پرستش، پرستش باطل و ناروایی است. و شما عبادت این بتان را وسیله دوستی بین خود در این دنیای ناپایدار گردانیده، بر عبادت و نصرت آن‌ها پیوندها و پیمان‌های محبّت و دوستی را به هم می‌بندید، اما بدانید که چون روز قیامت فرا رسد، شما در میان خود دشمن خواهید بود و بعضی از بعضی دیگر بی‌زاری خواهید جست و همدیگر را لعنت و نفرین خواهید کرد. سپس بازگشت همگی شما به سوی آتش جهنم است؛ پس نه کسی عذاب آن را از شما دفع می‌کند و نه کسی می‌تواند عقاب الهی را از شما باز دارد.

﴿۞فَ‍َٔامَنَ لَهُۥ لُوطٞۘ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٦﴾.

پس لوط ابراهیم را تصدیق کرده، به پیامش ایمان آورد و از وی پیروی نمود. و ابراهیم گفت: من به سوی شام ـ آن سرزمین مبارک ـ رونده‌ام پس به زودی سرزمین قومم را ترک خواهم کرد؛ زیرا اینجا سرای کفر است. حقیقتاً خداوند أ آن ذات غالبی است که دشمنانش را به عزّتش مقهور ساخته است. او آن فرمانروایی است که دشمنانش را به تقدیر و تدبیر خویش درهم کوبیده و خوار و زبون‌شان ساخته است. او در صنع و تدبیر و در شرع و تقدیرش حکیم و سنجیده کار است.

﴿وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَجَعَلۡنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلۡكِتَٰبَ وَءَاتَيۡنَٰهُ أَجۡرَهُۥ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٢٧﴾.

و خداوند أ به ابراهیم اسحاق را به عنوان فرزندی پیامبر عنایت کرد و بعد از اسحاق نواده‌اش یعقوب پیامبر را به وی بخشید و در نسل ابراهیم پیامبران گرامی قرار داد که از بارگاه خداوند أ کتاب‌های نازل شده را آوردند. همچنان باری‌تعالی به ابراهیم پاداش عملش را در دنیا عنایت کرد؛ با نام و آوازه نیک، ثنا و ستایش خلق و نسل پاک و صالح و او در آخرت نیز از رستگاران به رضوان الله أ و نجات یافتگان از عذابش می‌باشد.

﴿وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ إِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلۡفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢٨﴾.

و پیامبر خدا لوط را یاد کن؛ روزی که قومش را نصیحت کرد و آن کار زشت را که همانا مقاربت جنسی با مردان به جای زنان بود بر آنان انکار کرد و به آن‌ها خبر داد که هیچ‌کس از امّت‌های پیشین بر این کار زشت بر آن‌ها پیشی نگرفته است؛ زیرا این عمل خلاف فطرت، خلاف عقل و خلاف شریعت‌های آسمانی است.

﴿أَئِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلرِّجَالَ وَتَقۡطَعُونَ ٱلسَّبِيلَ وَتَأۡتُونَ فِي نَادِيكُمُ ٱلۡمُنكَرَۖ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوۡمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱئۡتِنَا بِعَذَابِ ٱللَّهِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٢٩﴾.

لوط مقاربت با مردان و راه زنی بر مسافران را بر آنان انکار کرد و همچنان کارهای زشت و شرم آوری را که در مجالس خود انجام می‌دادند؛ مانند مسخره نمودن یکدیگر، زدن رهگذران به سنگ، برهنه ساختن عورت‌ها، بد زبانی و هرزه درایی؛ این اعمالی که در حقیقت هم مخالف دین و هم مخالف آداب و هنجارهای اخلاقی جامعه بشری است. ولی پاسخ قوم لوط به وی جز این نبود که گفتند: اگر در این ادعا که خدا أ تو را به سوی ما فرستاده است و در اینکه هشدار‌هایت را در مورد ما واقعاً عملی می‌سازی، راستگو هستی پس معطل مباش و عذاب خدا را برای ما بیاور!!

﴿قَالَ رَبِّ ٱنصُرۡنِي عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٣٠﴾.

پس لوط ÷ علیه قومش دست به دعا برداشت و گفت: پروردگارا! از تو درخواست می‌کنم که مرا با فرود آوردن عذاب بر کسانی که با انجام دادن اعمال زشتی مانند فحشا و منکر در زمین فساد می‌کنند، یاری دهی. پس خداوند أ دعایش را اجابت کرد و قومش را نابود گردانید.

﴿وَلَمَّا جَآءَتۡ رُسُلُنَآ إِبۡرَٰهِيمَ بِٱلۡبُشۡرَىٰ قَالُوٓاْ إِنَّا مُهۡلِكُوٓاْ أَهۡلِ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِۖ إِنَّ أَهۡلَهَا كَانُواْ ظَٰلِمِينَ ٣١﴾.

و چون فرشتگان الهی نزد ابراهیم ÷ آمدند وی را به تولّد اسحاق ÷ به عنوان فرزندی پیامبر و بعد از اسحاق به تولّد یعقوب که او نیز پیامبر خواهد بود، مژده دهند، آن فرشتگان به ابراهیم ÷ این خبر را نیز دادند که حق‌تعالی به ویران ساختن مردم شهر لوط که عبارت از شهر (سدوم) بود دستور‌شان داده است؛ زیرا ساکنان آن با شرک و اعمال منکر، بر خویشتن ستم کرده‌اند.

﴿قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطٗاۚ قَالُواْ نَحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَن فِيهَاۖ لَنُنَجِّيَنَّهُۥ وَأَهۡلَهُۥٓ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ كَانَتۡ مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ٣٢﴾.

ابراهیم ÷ به فرشتگان گفت: چگونه آن شهر را نابود می‌کنید، حال آنکه لوط پیامبر خدا نیز در آنجاست و او سزاوار عذاب نیست؟ فرشتگان پاسخ دادند: خداوند أ ایشان را از کسانی که در آن شهر هستند آگاه ساخته است و البته که ایشان صالحان را از مفسدان تمیز می‌دهند و بناء لوط ÷ و خانواده با ایمانش را از نابودیی که به سراغ فسادکاران خواهد آمد نجات خواهند داد؛ به جز زن لوط که او با قومش باقی می‌ماند و هم با آنان هلاک خواهد شد؛ زیرا او با آنان در اعمال زشت‌شان موافقت کرده است.

﴿وَلَمَّآ أَن جَآءَتۡ رُسُلُنَا لُوطٗا سِيٓءَ بِهِمۡ وَضَاقَ بِهِمۡ ذَرۡعٗاۖ وَقَالُواْ لَا تَخَفۡ وَلَا تَحۡزَنۡ إِنَّا مُنَجُّوكَ وَأَهۡلَكَ إِلَّا ٱمۡرَأَتَكَ كَانَتۡ مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ٣٣﴾.

و هنگامی که فرشتگان ما نزد لوط آمدند او از آمدن‌شان ناراحت شد؛ زیرا او ایشان را بشر پنداشت و چون به پلیدی قومش خوب آشنا بود، می‌دانست که قصد انجام چه فعل زشتی را دارند. پس فرشتگان به لوط گفتند: بر ما بیمناک مباش؛ زیرا هرگز آنان را بر ما دسترسی نیست؛ چرا که خداوند أ ما را از آنان حمایت خواهد کرد. و از خبر نابودسازی خودشان و ویران‌سازی شهرشان نیز اندوهگین مباش؛ زیرا خداوند أ تو و خانواده‌ات را از عذاب نجات خواهد داد به جز زنت را که همراه با قومت از هلاک شدگان می‌باشد.

﴿إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَىٰٓ أَهۡلِ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ ٣٤﴾.

ای لوط! بی‌تردید خداوند أ بر شهر قوم لوط عذابی سخت از آسمان فرود خواهد آورد چرا که آنان با سنگ‌هایی سنگباران خواهند شد که آن سنگ‌ها آنان را به سبب کار فحشا و منکرشان، پاره پاره خواهد ساخت.

﴿وَلَقَد تَّرَكۡنَا مِنۡهَآ ءَايَةَۢ بَيِّنَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٣٥﴾.

و به راستی خداوند أ در شهر قوم لوط آثار واضح و نشانه‌هایی آشکار قرار داده است که تدبّر کنندگان در نشانه‌های خدا أ با مشاهده آن بر نابودی آن‌ها راه می‌برند.

﴿وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗا فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱرۡجُواْ ٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ٣٦﴾.

و حق‌تعالی به سوی مردم مدین برادرشان شعیب پیامبر را فرستاد. پس او آنان را دعوت کرد که: خدا أ را بپرستند، طاعت را برایش خالص سازند و با عمل‌شان پاداش روز آخرت را از خدا أ طلب کنند. او همچنان ایشان را از فساد افگنی در زمین ـ با ارتکاب معاصی و منکرات و پای فشردن بر گناه ـ نهی کرد و از آنان خواست تا توبه نصوح نموده و صادقانه به سوی خدا أ باز گردند.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دَارِهِمۡ جَٰثِمِينَ ٣٧﴾.

اما اهالی مدین پیامبرشان شعیب را تکذیب کرده و پیامش را رد کردند، در نتیجه خدای متعال بر آنان زلزلۀ سختی را مسلط ساخت که دیارشان را ویران و خودشان را نابود کرد. پس آنان در فرجام هلاک شده و در منازل خویش نگونساز فرو افتادند.

﴿وَعَادٗا وَثَمُودَاْ وَقَد تَّبَيَّنَ لَكُم مِّن مَّسَٰكِنِهِمۡۖ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَكَانُواْ مُسۡتَبۡصِرِينَ ٣٨﴾.

و خداوند أ اقوام عاد و ثمود را هلاک ساخت. و قطعاً فرجام ننگین گرفتاری‌شان به عذاب سخت الهی، در ویرانکد‌ه‌های منازل‌شان برای مردم نمایان است. در واقع ابلیس امور منفور شرک و معاصی را برای‌شان آراست و در نتیجه آنان را از مسیر هدایت و عبادت خدای ﻷ و پیروی از پیامبرانش † بازداشت؛ با آنکه بر گمراهی‌شان بینا، به آن دلخوش و توجیه‌گر افعال خویش بودند؛ چرا که می‌پنداشتند بر راه رشد و استواری قرار دارند حال آنکه در سخت‌ترین گمراهی و بزرگ‌ترین اغوا به سر می‌برند.

﴿وَقَٰرُونَ وَفِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَۖ وَلَقَدۡ جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا كَانُواْ سَٰبِقِينَ ٣٩﴾.

و خداوند أ قارون، فرعون و هامان را به سبب کفر و برتری جویی‌شان در زمین نابود گردانید. و موسی فرزند عمران به همۀ آنان برهان‌های روشن و حجّت‌های مبرهنی که راهنمای راستگویی وی بود آورد اما با سلطه و سرمایه‌ای که در اختیار داشتند بر بندگان خدا أ تکبر ورزیده و در زمین فساد افروختند. با این همه از خدا پیشی جوینده نبودند بلکه اوتعالی بر آنان صاحب اقتدار بود و همه در قبضۀ وی قرار داشتند.

﴿فَكُلًّا أَخَذۡنَا بِذَنۢبِهِۦۖ فَمِنۡهُم مَّنۡ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِ حَاصِبٗا وَمِنۡهُم مَّنۡ أَخَذَتۡهُ ٱلصَّيۡحَةُ وَمِنۡهُم مَّنۡ خَسَفۡنَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ وَمِنۡهُم مَّنۡ أَغۡرَقۡنَاۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٤٠﴾.

و خداوند أ همگی را به سبب گناهان‌شان گرفتار کرد؛ پس بر بعضی ـ مانند قوم لوط ـ سنگی از گل پخته فرو فرستاد و بعضی دیگر ـ مانند قوم صالح و شعیب ـ را با فریاد مرگبار هلاک ساخت و بعضی دیگر ـ مانند قارون ـ را به زمین فرو برد؛ و بعضی دیگر ـ مانند فرعون و لشکرش ـ را غرق گردانید و البته چنان نبود که خداوند أ آنان را به گناهان دیگران عذاب کند بلکه به گناهانی که خود مرتکب شده بودند عذاب‌شان کرد؛ زیرا آنان با انهماک در کفر، فرو گذاشتن شکر و نبرد علیه خدا أ و پیامبرانش بر خویشتن ستم کردند.

﴿مَثَلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِيَآءَ كَمَثَلِ ٱلۡعَنكَبُوتِ ٱتَّخَذَتۡ بَيۡتٗاۖ وَإِنَّ أَوۡهَنَ ٱلۡبُيُوتِ لَبَيۡتُ ٱلۡعَنكَبُوتِۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٤١﴾.

وصف کسانی که به جای خدا أ بتان و معبودانی را به پرستش گرفته و از آن‌ها نفع رسانی و دفع زیان را امید می‌دارند مانند وصف عنکوبت است که خانۀ سست و لرزان برای خویشتن ساخته است تا در آن سکونت گزیند، اما آن خانه در هنگام نیازش بدان، هیچ به کارش نمی‌آید. پس همچنان اند این گروه کفّار که معبودات باطل‌شان در هنگام نیاز هیچ به کارشان نمی‌آید. و بی‌گمان ضعیف‌ترین خانه‌ها خانۀ عنکبوت است؛ زیرا نه صاحبش را از آسیب باران نگه می‌دارد، نه در وقت خطر سودی می‌رساند و نه در برابر باد تاب و توان ایستادگی دارد. به علاوه در آن خانه، عنکبوت ماده عنکبوت نر را می‌کشد و در کنار آن راحت نیست. بنابراین اگر این گروه جاهل به ضعف خدایان‌شان پی می‌بردند هرگز آن‌ها را به جای خدا نمی‌پرستیدند.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٤٢﴾.

در حقیقت خداوند أ به بتان و همتایانی که جز وی می‌پرستند دانا است و می‌داند که آن خدایان عاجز و ناتوانند؛ نه سودی می‌رسانند و نه زیانی. در واقع آن‌ها نام‌هایی‌اند توخالی و محض که نه خیری می‌رسانند و نه شرّی را دفع می‌کنند و خداوند أ غالب است؛ بناء از نافرمانانش انتقام گرفته، دشمنانش را خوار می‌سازد و دوستانش را عزّت می‌دهد و او در تدبیر و صنع و در حکم و شرعش، سنجیده‌کار و صاحب حکمت است.

﴿وَتِلۡكَ ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِۖ وَمَا يَعۡقِلُهَآ إِلَّا ٱلۡعَٰلِمُونَ ٤٣﴾.

و خداوند أ این مَثَل‌های یاد شده را برای بندگانش می‌زند تا حقایق امور را برای‌شان بر ملا گرداند اما فقط دانشوران به خدا أ و نام‌ها و صفات و شریعتش از این مَثَل‌ها نفع می‌برند.

﴿خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٤٤﴾.

خداوند آسمان‌ها و زمین را به عدل و قسط آفریده است نه برای بازی و سرگرمی، پس بی‌گمان در این آفرینش عظیم برای کسانی که کتاب خدا أ و سنّت پیامبرش ج را باور دارند، دلالت روشن و حجّت قاطعی است.

﴿ٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۗ وَلَذِكۡرُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَصۡنَعُونَ ٤٥﴾.

ای پیامبر! آنچه را خداوند أ از آیات قرآن عظیم به سویت وحی نموده به مردم بخوان و بدان عمل کن. همچنان طوری که مشروع ساخته با کامل‌ترین روش به اقامه نماز بپرداز؛ چون پایبندی به نماز با شرایط و آدابش صاحب خود را از ارتکاب گناه و انجام فحشا و منکر بازمی‌دارد. آری! کسی که نماز را به وجه احسن ادا کند، حق‌تعالی دلش را به ایمان آباد می‌سازد و ضمیرش را به یقین منوّر می‌نماید؛ یعنی ادای نماز باعث زیادت تقوا، شکست شیطان و روشنی نفسش می‌گردد و از اثرش به فضایل محبت می‌ورزد، از رذایل بد می‌برد و درخت شرّ و بدی‌ها در وجودش می‌خشکد. ذکر پروردگار در نماز و بیرون نماز بزرگ‌تر و بهتر از هرچیز دیگر است، یا ذکر الله أ در نماز از اینکه از فحشا و منکر بازمی‌دارد بزرگ‌تر است. پروردگار منّان به اعمال نیک و بد بندگان آگاه است و قطعاً با اقامۀ پاداش و کیفر، از اعمال‌شان حساب می‌گیرد.

﴿۞وَلَا تُجَٰدِلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡۖ وَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَأُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمۡ وَٰحِدٞ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ٤٦﴾.

ای مؤمنان! با یهود و نصارا جز با سخنان نرم، خطاب نیکو، روش پسندیده و فراخوان مناسب مجادله نکنید تا حق ثابت یابد و دلایل موثر واقع شود. اما هر که از آنان تکبّر و عناد ورزید و با ترک گفتگو و برهان، جنگ و ستیز را در پیش گرفت برای مقابله با او غیر از مجادله به شیوۀ احسن راه‌های دیگری چون صف آرایی، جهاد و مانند این امور وجود دارد و هر کس را باید به مقتضای حالش پاسخ داد. ای مسلمانان! برای یهود و نصارا بگویید: ما به قرآن که بر محمد ج نازل شده، به تورات که بر موسی ÷ فرود آمده و به انجیل که بر عیسی ÷ نزول یافته ایمان آوردیم. خدای یگانه و یکتا معبود بر حق ما و چیزی در ذات، نام‌ها و صفاتش با پروردگار همانندی ندارد و ما با انجام طاعات، عمل به شریعت و پیروی از پیامبرش مطیع و فرمان بردار اوتعالی هستیم.

﴿وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَۚ فَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۖ وَمِنۡ هَٰٓؤُلَآءِ مَن يُؤۡمِنُ بِهِۦۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِ‍َٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلۡكَٰفِرُونَ ٤٧﴾.

ای پیامبر! همچنان که بر پیامبران پیش از تو کتاب‌هایی را نازل نمودیم، بر تو هم قرآن بزرگی را فرو فرستادیم که آن کتاب‌ها را تصدیق می‌نماید؛ از این‌رو یهودیان و نصرانیانی که خداوند أ تورات و انجیل را برای‌شان داده و به کتاب‌های خویش ایمان آوردند و بدان عمل کردند، به قرآن نیز ایمان می‌آورند. به همین‌گونه از جمله عرب‌های ناخوان کسانی هستند که به آنچه بر تو نازل شده تصدیق می‌نمایند. تنها کسانی به آیات قرآن تکذیب می‌کنند و در دلایلش شک می‌ورزند که از دیر باز به تکذیب، انکار و عناد عادت داشته‌اند.

﴿وَمَا كُنتَ تَتۡلُواْ مِن قَبۡلِهِۦ مِن كِتَٰبٖ وَلَا تَخُطُّهُۥ بِيَمِينِكَۖ إِذٗا لَّٱرۡتَابَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ٤٨﴾.

ای پیامبر! پیش از اینکه قرآن بر تو نازل شود نه کتابی را خوانده می‌توانستی و نه نوشتن یک حرفی با دست راست در توان تو بود، بلکه ناخوان بودی و به خواندن و نوشتن آشنایی نداشتی، چنان‌چه قومت به این امر آگاهی کامل دارند. اگر تو پیش از نزول قرآن، کتابی را خوانده و خطی را نوشته می‌توانستی، کافران در قرآن شک می‌ورزیدند و می‌گفتند: که آن را از کتاب‌های پیشین اقتباس کرده و یا از آن‌ها بازنوشته و نقل نموده است. بنابراین ناتوانی‌ات به خواندن و نوشتن از بزرگ‌ترین دلایل اثبات نبوّت توست.

﴿بَلۡ هُوَ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ فِي صُدُورِ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِ‍َٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلظَّٰلِمُونَ ٤٩﴾.

آری! قرآن کریم آیات واضحی را ارائه کرده که طور آشکار به راستی و حق و هدایت دلالت می‌کند و دانشمندان آن را در سینه‌ها و حافظه‌های‌شان نگه می‌دارند، یا آیاتی را عرضه نموده که احکام را برای اهل علم بیان می‌دارد. تنها و تنها ستمگران متکبّر و منکران ستیزه‌گر به تکذیب آن پرداخته از آیاتش انکار می‌نمایند.

﴿وَقَالُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَٰتٞ مِّن رَّبِّهِۦۚ قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡأٓيَٰتُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ٥٠﴾.

کافران با اعتراض گفتند: چرا خداوند أ بر محمد ج آیات محسوسی مانند ناقۀ صالح و عصای موسی را نازل نکرده تا قابل مشاهده باشد؟ برای آنان بگو: آیات و نشانه‌ها در تصرف و مشیّت الله تعالی است که هرگاه بخواهد فرود می‌آورد و چون نخواهد نازل نمی‌کند. من تنها و تنها بنده و فرستاده او هستم تا شما را از عذاب دشواری بیم دهم و هدایت و ضلالت را برای‌تان واضح سازم؛ از این رو نمی‌توانم از خود نشانه‌ای بیاورم.

﴿أَوَ لَمۡ يَكۡفِهِمۡ أَنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحۡمَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٥١﴾.

ای پیامبر بر گزیده! آیا برای فهم و اثبات صداقتت این کافی نیست که خداوند أ قرآن را بر تو نازل کرده و هر لحظه برای‌شان خوانده می‌شود؟ آری! نزول قرآن کریم بر آن حضرت رحمتی برای مؤمنان است؛ برای آنان‌که بدان ایمان آوردند، پیرو و هدایاتش باشند و به احکامش عمل نمایند. همچنان موعظه و پندی سودمند برای کسانی است که در آن تدبّر کنند و احکامش را بیاموزند.

﴿قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡ شَهِيدٗاۖ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلۡبَٰطِلِ وَكَفَرُواْ بِٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٥٢﴾.

ای پیامبر! به کافران بگو: میان من و شما گواهی خداوند أ کافی است که هم به راستی و درستی رسالت من و هم به تکذیب و کفر شما گواه است. اوتعالی همه امور آسمان‌ها و زمین را می‌داند و هیچ راز پنهانی بر او پوشیده نیست. امّا تصدیق مشرکان به کفر و طاغوت باعث شده که به آنچه خداوند أ بر پیامبرش نازل کرده تکذیب نمایند. به آیات الهی کفر ورزند و در نتیجه زیانمند دنیا و آخرت شوند؛ زیرا از پاداش محروم‌اند و مستحقّ عذاب گردیدند.

﴿وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ وَلَوۡلَآ أَجَلٞ مُّسَمّٗى لَّجَآءَهُمُ ٱلۡعَذَابُۚ وَلَيَأۡتِيَنَّهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٥٣﴾.

ای پیامبر! کافران با استهزا و استبعاد، نزول عذاب را طور عاجل از تو خواستار می‌شوند. اگر خداوند أ برای مجازات آنان زمان مشخّص و تغییر ناپذیری را مقدّر نمی‌کرد، عذابش آنان را در هنگام مطالبه فرا می‌گرفت، اکنون نیز عذاب الهی آنان را به زودی و طور ناگهانی، با غروری که دارند طوری فرا خواهد گرفت که بی‌خبر باشند و وقت و قوعش را ندانند.

﴿يَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةُۢ بِٱلۡكَٰفِرِينَ ٥٤﴾.

ای پیامبر! کافران به نزول عذاب دنیوی شتاب می‌ورزند و این عذاب در نهایت بر آنان فرود آمدنی است. عذاب آخرت نیز آنان را احاطه می‌کند و آنگاه راه گریزی از آن ندارند.

﴿يَوۡمَ يَغۡشَىٰهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِن فَوۡقِهِمۡ وَمِن تَحۡتِ أَرۡجُلِهِمۡ وَيَقُولُ ذُوقُواْ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٥٥﴾.

عذاب الهی کافران را از بلند سر و از زیر پا در روز قیامت تحت پوشش قرار می‌دهد؛ یعنی از هر طرف بر آنان احاطه دارد. حق‌تعالی در آن روز برای آنان می‌گوید: جزای اعمالی را که در دنیا انجام دادید بچشید. این بدان سبب است که به خداوند أ کافر شدند، پیامبرش را نافرمانی کردند و با دوستانش به ستیزه برخاستند.

﴿يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ أَرۡضِي وَٰسِعَةٞ فَإِيَّٰيَ فَٱعۡبُدُونِ ٥٦﴾.

ای بندگان مؤمن نیکو کار! آنگاه که سرزمینی بر شما تنگ آمد و توان نداشتید در آنجا دین‌تان را آشکار سازید و به عبادت پروردگار بپردازید، به سرزمین دیگری هجرت کنید تا شعایر دین خود را آزادانه برپا دارید و پروردگار خویش را اخلاصمندانه پرستش کنید؛ زیرا زمین خداوند أ فراخ است.

﴿كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۖ ثُمَّ إِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ ٥٧﴾.

حق‌تعالی بر هر نفس زنده مقدّر کرده که از شربت مرگ بچشد و بر بندگان حکم نموده که به سوی او باز گردند تا از اعمال‌شان حساب بگیرد.

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ ٱلۡجَنَّةِ غُرَفٗا تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ نِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ٥٨﴾.

کسانی که با ایمان به خداوند أ از پیامبرش پیروی کردند و به شریعتش عمل کردند، حق‌تعالی ایشان را در باغ‌های نعمت و آسایش در اطاق‌های بلند منزلی جایگزین می‌سازد که از زیر آن‌ها جوی‌ها جاری است و در این نعمت‌های جاودان و پاداش بزرگ همیشه ماندگار می‌باشند. این پاداش نیکو برای کسی میسّر است که با عمل به اوامر الهی و اجتناب از کارهای نامشروع رضای اوتعالی را خواستار باشد.

﴿ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ٥٩﴾.

این مقام بلند در باغ‌های پر از نعمت و آسایش برای کسانی مهیّاست که در انجام اوامر الهی استقامت ورزند، از نواهی اوتعالی بپرهیزند و طاعت پروردگارشان را لازم بگیرند. ایشان در هر حال و در هر امری از امور زندگی به خداوند أ اعتماد دارند و همه امور خویش را به او می‌سپارند.

﴿وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٖ لَّا تَحۡمِلُ رِزۡقَهَا ٱللَّهُ يَرۡزُقُهَا وَإِيَّاكُمۡۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٦٠﴾.

چه قدر زیاد خزندگانی در روی زمین هستند که طعامی برای فردای خویش نگه نمی‌دارند و ذخیره نمی‌نمایند – طوری که انسان چنین می‌کند – اما خداوند أ آن‌ها را به مانند انسان‌ها روزی می‌دهد. اوتعالی به گفته‌های شما شنوا و به کردارتان داناست، آوازهای‌تان را می‌شنود و نیت‌های شما را می‌داند.

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۖ فَأَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٦١﴾.

ای پیامبر! اگر از کافران بپرسی که آسمان‌ها و زمین را با این استحکام عجیب و صنُع بدیع کی آفریده و چه کسی خورشید و ماه را برای مصلحت بندگان مسخّر و فرمان بردار ساخته است؟ قطعاً پاسخ نخواهند داد که آفریدگار این همه فقط خداوند یگانه‌ای است که صاحب قهر و غلبه است. با وجود این اقرار، چگونه از عبادت پروردگار به پرستش دیگر چیزها رو می‌آورند؟ در حالی که می‌دانند تنها او آفریدگار با تدبیر و روزی دهندۀ یگانه است. چه اندازه کفر و افترای‌شان به پروردگار تعجّب آور است!

﴿ٱللَّهُ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُ لَهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ٦٢﴾.

خداوند أ براساس مصلحت و علم خویش روزی هریک از بندگانش را که بخواهد فراخ می‌سازد و بر هرکدام که خواسته باشد تنگ می‌گرداند. آری! داد و گرفت رزق و روزی براساس حکمت والای اوتعالی صورت می‌گیرد؛ زیرا وی به احوال بندگان دانا و به امورشان آگاه است، هیچ چیز غایبی از علمش پنهان نیست و رحمت و علمش همه مخلوقات را شامل است.

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّن نَّزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ مِنۢ بَعۡدِ مَوۡتِهَا لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ ٦٣﴾.

ای پیامبر! اگر از کافران بپرسی که چه کسی آب با برکت باران را از ابرها فرود می‌آورد تا به وسیلۀ آن زمین را بعد از خشکسالی و قحطی برویاند و سرسبز سازد؟ طور قطعی پاسخ می‌دهند که فقط پروردگار سبحان به یگانگی خویش این کار را به انجام می‌رساند. بگو ثنا و ستایش سزاوار خداوندی است که دلایلش را غالب ساخته و کافران را به ردّ سخن‌شان مُلزَم می‌سازد. با این هم بیشتر مردم منافع خویش را از امور زیان آور باز شناخته نمی‌توانند؛ زیرا اگر شکوه و بزرگی حق‌تعالی را درک می‌کردند چیزی را به وی شریک نمی‌دانستند.

﴿وَمَا هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا لَهۡوٞ وَلَعِبٞۚ وَإِنَّ ٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ لَهِيَ ٱلۡحَيَوَانُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٦٤﴾.

زندگی دنیا جز بازیچه و بیهودگی چیز دیگری نیست؛ زیرا انوع مزخرفات، فتنه‌ها، امور فریبنده و شهوانیی در آن وجود دارد که دل‌ها و وجود را از عبادت خداوند دانای رازها به خود مصروف می‌دارد و با زرق و برق فتنه انگیزش آخرت را فراموش انسان می‌سازد. به راستی که زندگانی حقیقی و جاودانی دار آخرت برای کسانی میسّر است که به پروردگار ایمان آورده از پیامبرش پیروی می‌کنند و در آن زندگی مرگ و فناشدن، دشواری و خستگی و ترس و اندوهی وجود ندارد. اگر مردم این ویژگی‌ها را به گونۀ واقعی می‌دانستند، کوشش برای دنیا را بر سعی و تلاش برای آخرت مقدّم نمی‌داشتند و دنیای فانی را بر آخرت جاودانی ترجیح نمی‌دادند.

﴿فَإِذَا رَكِبُواْ فِي ٱلۡفُلۡكِ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ إِذَا هُمۡ يُشۡرِكُونَ ٦٥﴾.

آنگاه که کافران با سوارشدن به کشتی در دریا دچار غرق می‌شوند خدایان باطل خویش را فراموش کرده تنها پروردگار را می‌خوانند و با دعا و درخواست نجات به او اخلاص می‌ورزند. اما وقتی که خداوند أ آنان را از غرق نجات داد و از دریا به خشکی رساند به شرک باز می‌گردند. ببین که چگونه در سختی‌ها حق‌تعالی را عبادت می‌کنند و در حال راحت و آسایش به او شریک می‌آورند. چه اندازه تناقض عمل آنان زشت و ناپسند است!

﴿لِيَكۡفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ وَلِيَتَمَتَّعُواْۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ٦٦﴾.

تا بعد از رهایی از غرق شدن به خداوند و به نعمت‌هایش چون اموال، فرزندان، تندرستی و دیگر امور کافر شوند و برای اینکه از متاع اندک و زودگذر دنیا استفاده برند. امّا به طور قطع زشتی کارها، فساد اعمال و عذاب درد آوری که خداوند أ در آتش دوزخ برای‌شان مهیّا کرده آشکار خواهد شد.

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا جَعَلۡنَا حَرَمًا ءَامِنٗا وَيُتَخَطَّفُ ٱلنَّاسُ مِنۡ حَوۡلِهِمۡۚ أَفَبِٱلۡبَٰطِلِ يُؤۡمِنُونَ وَبِنِعۡمَةِ ٱللَّهِ يَكۡفُرُونَ ٦٧﴾.

آیا کافران مکّه نیندیشند که خداوند أ آن شهر را برای آنان حرم امنی قرار داده چنان‌که خون‌ها و مال‌ها در آنجا محفوظ و مصون است و همه با نفس و مال خویش در امنیت به سر می‌برند؟ در حالی که مردم اطراف در خارج حرم با قتل، اسارت، غارت و اخذ اموال مورد دستبرد قرار گرفته ترسناک‌اند و احساس امنیت نمی‌کنند. آیا به شایستگی امور باطلی چون شرک به الله أ و کفران نعمت‌هایش باور دارند؟ از نعمت‌هایش در حرم امن چشم پوشی می‌کنند و انکار می‌ورزند؟ و در نهایت جز پروردگار یگانه خدایان دیگری را پرستش می‌کنند؟

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِٱلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُۥٓۚ أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡكَٰفِرِينَ ٦٨﴾.

از کسی که بر خداوند أ دروغ بندد و چیزهایی مانند شریک، فرزند و همسر را به اوتعالی نسبت دهد هیچ‌کس در جهان ستمگارتر نیست و پروردگار سبحان از چنین نسبتی بلندتر است. همچنان از کسی که دین حق و رسالت محمدی را تکذیب کند هیچ‌کس ظالم‌تر نمی‌باشد. یقیناً برای کسی که به حق‌تعالی کافر شود، پیامبرش را تکذیب نماید و با دین و دوستانش بستیزد، منزل و جایگاهی در آتش دوزخ مقرّر داشته شده است.

﴿وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٦٩﴾.

خداوند پاک سوگند یاد کرده که هر که در راه اوتعالی به منظور بلندی و نصرت دین و آیینش جهاد کند، با نفس و شیطان و خواهش‌های نفسانی بستیزد و در برابر فتنه‌ها، امور فریبنده و آزارهایی که در این راه بدو می‌رسد شکیبایی ورزد حتماً او را برای دست‌یابی به ایمان توفیق می‌بخشد و در هدایتش می‌افزاید، سینه‌اش را برای قبول حق می‌گشاید و دلش را به نور ایمان منوّر می‌سازد، چنین کسی در اعتقاد عباداتش به نهایت احسان دست یافته است.

آری! خداوند سبحان با آن بندگانی است که به درجۀ احسان رسیده باشند؛ یعنی ایشان را حفظ می‌کند، مورد تأیید و عنایتش قرار می‌دهد، به دوستی برمی‌گزیند و این همراهی ویژه‌ای است که برای اولیای ابرارش میسّر است.

سورۀ روم

مکی است؛ ترتیب آن 30؛ شمار آیات آن 60

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿الٓمٓ ١﴾.

الف. لام. میم؛ از جملۀ حروف مقطّعات است. هرچند می‌دانیم که این حروف معناهای ارزنده دارد، امّا خداوند متعال به مرادش در آوردن این حروف در قرآن کریم داناتر است.

﴿غُلِبَتِ ٱلرُّومُ ٢﴾.

اهل فارس بر کشور روم غلبه می‌کنند، بر آن سرزمین تسلّط می‌یابند و بر مردمش پیروز می‌شوند.

﴿فِيٓ أَدۡنَى ٱلۡأَرۡضِ وَهُم مِّنۢ بَعۡدِ غَلَبِهِمۡ سَيَغۡلِبُونَ ٣﴾.

این پیروزی در سرزمینی از شام به وقوع می‌پیوندد که به فارس بسیار نزدیک است، امّا باز اهل روم در آیندۀ نه چندان دور بر فارس غلبه خواهند یافت.

﴿فِي بِضۡعِ سِنِينَۗ لِلَّهِ ٱلۡأَمۡرُ مِن قَبۡلُ وَمِنۢ بَعۡدُۚ وَيَوۡمَئِذٖ يَفۡرَحُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٤﴾.

این پیروزی و تسلّط، عنقریب در ظرف سال‌های اندکی بین ده سال تا سه سال – به وقوع می‌پیوندد. امّا تدبیر همه امور، پیش از پیروزی فارس بر روم و بعد از پیروزی روم بر فارس، خصوص خداوند أ است. آنگاه که روم بر فارس غلبه یابد، مؤمنان از اثرش شادمان می‌شوند؛ زیرا مردم روم، اهل کتاب و اهل فارس بت‌پرست اند. از همین است که رومیان به قبول حق نزدیک‌تر بودند.

﴿بِنَصۡرِ ٱللَّهِۚ يَنصُرُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ٥﴾.

خداوند پاک هر که از بندگانش را بخواهد پیروزی می‌بخشد و هر که را بخواهد به حالش وامی‌گذارد. او ذات باعزّتی است که با اعمال غلبه قهر می‌کند و با حکمش امور را مقدّر ساخته است. بر مخلوقات طالب رحمت مهربان است و رحمت وی همه چیزها را فرا گرفته است. آری! وعدۀ الهی به وقوع پیوست، اهل روم بعد از چند سال بر فارس پیروزی یافتند و بندگان مؤمن حق‌تعالی به این امر شادمان شدند.

﴿وَعۡدَ ٱللَّهِۖ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٦﴾.

حق‌تعالی بندگان مؤمنش را طور مؤکّد به پیروزی رومیان نصرانی اهل کتاب بر اهل فارس بت‌پرست وعده داد، امّا بیشتر کافران قریش نمی‌دانند که وعدۀ خداوند أ به بندگانش حقّ است.

﴿يَعۡلَمُونَ ظَٰهِرٗا مِّنَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ عَنِ ٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ غَٰفِلُونَ ٧﴾.

علم کافران به زیب و زینت ظاهری دنیا خلاصه می‌شود. آنان از حقایق آخرت و نعمت‌هایی که پروردگار منّان در آن روز برای دوستانش آماده کرده و نیز از عذاب‌هایی که برای دشمنانش مهیّا نموده بی‌خبراند، نه از این امور پند می‌گیرند و نه در این باره می‌اندیشند.

﴿أَوَ لَمۡ يَتَفَكَّرُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۗ مَّا خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَأَجَلٖ مُّسَمّٗىۗ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِ بِلِقَآيِٕ رَبِّهِمۡ لَكَٰفِرُونَ ٨﴾.

آیا کافران نمی‌اندیشند که خداوند أ آنان را از عدم پدید آورده و فکر نمی‌کنند که آسمان‌ها و زمین و موجودات آن‌ها را نیافریده، مگر برای اینکه عدل و مساوات اقامه شود، نیکوکاران پاداش یابند و بدکاران مجازات شوند و برای اینکه دلیلی بر قدرت و الوهیتش باشد؟ آیا نمی‌اندیشند که مدّت زندگی دنیا تا هنگام معلومی یعنی تا روز قیامت است و با آمدن آن پایان می‌یابد؟ با این هم بیشتر مردم از روز قیامت و لقای پروردگار منکراند و ایمان ندارند که به زودی خداوند متعال از اعمال‌شان حساب می‌گیرد، بنابراین در لهو و بازی مصروف‌اند.

﴿أَوَ لَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗ وَأَثَارُواْ ٱلۡأَرۡضَ وَعَمَرُوهَآ أَكۡثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٩﴾.

آیا کافران در اطراف زمین به سیر و سیاحت نپرداختند تا با تأمّل و اعتبار نظر اندازند و بیندیشند که بازگشت اقوام گذشته چون عاد و ثمود که به تکذیب انبیا و رسالت‌شان پرداختند چگونه بوده است؟ به راستی که آن اقوام، دارای نیروی بزرگ‌تر و جسمی قوی‌تر بودند و به بهره‌یابی از لذایذ دنیوی بیشتر دست‌رسی داشتند؛ از آن جهت که زمین‌های‌شان را کشت می‌نمودند، خانه‌های مستحکمی را بنا می‌کردند و از اهل مکّه بیشتر به عمارت کاخ‌ها پرداخته بودند. اما خانه‌های آباد، کشت زمین‌ها و بهره‌مندی مزید، برای این تکذیب کنندگان فایده‌ای به همراه نداشت آری! پیامبران الهی دلایل قاطع و براهین روشنی را که به الوهیت خداوند متعال دلالت داشت با خود آوردند، اما آنان ارمغان پیامبران را رد کرده به تکذیب‌شان پرداختند و به ایشان مقابله کردند. خداوند آنان را هلاک نمود و در هم کوبید. امّا حق‌تعالی با این کار بر آنان ستم نکرد؛ زیرا مستحقّ عذاب بودند و خود با کفر و تکذیب بر نفس‌های خویش ستم روا داشتند.

﴿ثُمَّ كَانَ عَٰقِبَةَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔواْ ٱلسُّوٓأَىٰٓ أَن كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَكَانُواْ بِهَا يَسۡتَهۡزِءُونَ ١٠﴾.

بعد از آن مرجع مجرمان، یعنی سرکشان و مفسدان روی زمین، بدترین باز گشت و زشت‌ترین سرانجامی است؛ زیرا آنان به خداوند أ کفر ورزیده پیامبر و آیات الهی را به مسخره گرفتند و در نتیجه مستحقّ عذاب شدند.

﴿ٱللَّهُ يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ١١﴾.

تنها و تنها خداوند أ همه مخلوقات را پدید آورده و هیچ‌کس در آفرینش با او شرکت نداشته است. اوست که همگان را بعد از نابودی به حیات نخستین باز می‌گرداند و سپس همه مردم در روز قیامت به سویش باز می‌گردند تا مطیعان را پاداش و گنه‌کاران را جزا دهد.

﴿وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُبۡلِسُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ١٢﴾.

آنگاه که روز قیامت و هنگام حساب اعمال فرا رسد، کافران از نجات مأیوس می‌شوند و به هلاکت خویش یقین می‌کنند. در آن وقت هیچ دلیل و عذر معقولی ندارند.

﴿وَلَمۡ يَكُن لَّهُم مِّن شُرَكَآئِهِمۡ شُفَعَٰٓؤُاْ وَكَانُواْ بِشُرَكَآئِهِمۡ كَٰفِرِينَ ١٣﴾.

در آن روز خدایان باطل کافران که در دنیا به عبادت آن‌ها پرداختند و آن‌ها را شریک حق‌تعالی دانستند شفیع و عذر خواه آنان نمی‌شوند، بلکه از شرک آنان به سوی خدا بیزاری می‌جویند. کافران نیز با مشاهدۀ عذاب از خدایان خویش اعلان بیزاری می‌کنند؛ زیرا هیچ کسی در نزد خداوند أ نمی‌تواند شفاعت کند مگر آنگاه که وی اجازه دهد و از شخصی که برایش شفاعت صورت می‌گیرد راضی باشد.

﴿وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوۡمَئِذٖ يَتَفَرَّقُونَ ١٤﴾.

آنگاه که روز قیامت پدید آید و فرا رسد، مسلمانان باور مند و کافران تکذیبگر از هم جدا می‌شوند.

﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَهُمۡ فِي رَوۡضَةٖ يُحۡبَرُونَ ١٥﴾.

کسانی که با ایمان به خداوند أ از پیامبرش پیروی کردند و اعمال پسندیده‌ای را انجام داده‌اند، به سوی باغ‌های پُر از نعمت و آسایشی باز می‌گردند و با برخورداری از نعمت‌ها در آنجا مورد اکرام قرار گرفته در شادمانی به سر می‌برند.

﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَلِقَآيِٕ ٱلۡأٓخِرَةِ فَأُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡعَذَابِ مُحۡضَرُونَ ١٦﴾.

امّا کافران تکذیبگر که به آیات الهی و به روز قیامت تکذیب کردند، در عذاب دوزخ ماندگار می‌باشند؛ نه از آن بیرون می‌شوند و نه عذاب از آنان تخفیف می‌یابد.

﴿فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمۡسُونَ وَحِينَ تُصۡبِحُونَ ١٧﴾.

ای مؤمنان! پروردگارتان را در هنگام شب و در صبحگاهان تسبیح گویید، به پاکی یاد کنید، بزرگش بدارید و از شریک و همسر و فرزند منزّه بشمارید. او را با نام‌های نیکو و صفات بلندش ستایش کنید و اوصافی را برایش ثابت بدانید که خود برای خویشتن ذکر کرده است.

﴿وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَعَشِيّٗا وَحِينَ تُظۡهِرُونَ ١٨﴾.

آری! سزاوار و شایسته آن است که همه ستایش‌های نیکو، حمد و سپاس بی‌نهایت و شکر همه شکر گزاران در تمام آسمان‌ها و زمین، در نیمۀ شب و اوّل و آخر روز برای خداوند اختصاص یابد.

﴿يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَيُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ وَكَذَٰلِكَ تُخۡرَجُونَ ١٩﴾.

خداوند أ زنده را از مرده بیرون می‌آورد؛ همچنان که جوجه از تخم پدید می‌آید، مرده را از زنده بیرون می‌آورد؛ چنان‌که تخم را از مرغ به وجود می‌آورد و زمین را بعد از اینکه سر سبزی‌اش را با خشکسالی و قحطی از دست داده زنده می‌سازد. آری! همچنان که الله تعالی زمین مرده را حیات می‌بخشد شما را نیز بعد از مردن از قبرهای‌تان زنده می‌گرداند و برای حساب اعمال بیرون می‌آورد.

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ إِذَآ أَنتُم بَشَرٞ تَنتَشِرُونَ ٢٠﴾.

از براهینی که به قدرت خداوند أ و بزرگی‌اش دلالت دارد این است که آدم پدر مخلوقات را از خاک آفرید، بعد از آن با توالد و تناسل تعداد ذریه‌اش افزون شد و در زمین به طلب روزی پراکنده شدند.

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةًۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٢١﴾.

از نشانه‌هایی که بر عظمت، قدرت، جلال و شایستگی پروردگار به عبودیت دلالت دارد این است که برای شما – ای مردان – زنانی را از جنس خودتان آفرید و آنان را به ازدواج شما در آورد تا در زندگی با ایشان انس گیرید؛ از این رو در میان زن و مرد محبّت و مهربانی را برقرار ساخت. به یقین که ایجاد این امور از جانب الله أ – در نظر کسی که در آیات بیندیشد و در دلایل تدبّر نماید – برهان روشنی است بر اینکه اوتعالی در خدایی خود یکتاست و به کمال قدرتش یگانه می‌باشد.

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفُ أَلۡسِنَتِكُمۡ وَأَلۡوَٰنِكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡعَٰلِمِينَ ٢٢﴾.

آفرینش باشکوه، بنایی تعجّب آور و ارتفاع بدون ستون آسمان‌ها بر زمین؛ همواری و پهنایی زمین، و اینکه گهواره‌ای برای مخلوقات ساخته شده؛ اختلاف زبان‌ها، تعدّد لهجه‌ها، تباین شکل‌ها و تنوّع رنگ‌های سفید، سرخ و سیاه در نسل انسانی، همه براهین و دلایلی‌اند که به قدرت با عظمت و بی‌نهایت و کمال بزرگی خداوند أ دلالت دارند. به راستی که این دلایل، کسانی را که علمی نافع دارند به فهم حقایق می‌رساند و به اسرار آفرینش آگاه می‌سازد.

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ مَنَامُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱبۡتِغَآؤُكُم مِّن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ ٢٣﴾.

از جملۀ دلایل قدرت خداوند بزرگ این است که خواب را برای بندگان راحتی از دشواری کارها و راهی برای جدایی از مصروفیت‌ها ساخته؛ چنان‌که نه زندگی است و نه مرگ به شمار می‌رود و روز را آفریده و تعیین کرده تا به طلب رزق و روزی و کار و کوشش بپردازند. بدون شک این امور دلایل آشکار و براهین روشنی است که به قدرت بیحد، کمال بزرگی و الوهیت حق‌تعالی دلالت می‌کند؛ البته برای کسی که آیاتش را با گوش شنوا و با تدبّر و قبول بشنود و مسلّماً چنین کسانی از این دلایل بهره می‌گیرند.

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ يُرِيكُمُ ٱلۡبَرۡقَ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَيُحۡيِۦ بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٢٤﴾.

از دلایل قاطعی که به قدرت آفریدگار سبحان، حکمتش در مخلوقات و قدرتش بر اجرای امور دلالت دارد این است که صاعقه را برای بندگان طوری نشان می‌دهد که از آوازش می‌هراسند، اما با نزول باران امیدوار می‌شوند. اوتعالی از ابرها آب با برکتی را فرود می‌آورد که به وسیلۀ آن زمین را با نباتات، کشت‌ها و میوه‌ها بعد از قحطی و خشک‌سالی زنده می‌سازد. به راستی که در این امور برهان واضحی بر قدرت، حکمت، استحکام آفرینش و صنع بدیع اوتعالی است و صاحبان خرد و اندیشه و پذیرندگان دلایل الهی از آن فایده می‌برند.

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن تَقُومَ ٱلسَّمَآءُ وَٱلۡأَرۡضُ بِأَمۡرِهِۦۚ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمۡ دَعۡوَةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ إِذَآ أَنتُمۡ تَخۡرُجُونَ ٢٥﴾.

از نشانه‌ها و دلایلی که به قدرت و یگانگی خداوند أ دلالت دارد این است که آسمان‌ها و زمین به امر اوتعالی ثبات و استقرار یافته‌اند؛ چنان‌که از بین نمی‌روند و به سقوط مواجه نمی‌شوند. بعد از آن وقتی شما را به سوی روز جزا و حساب فرا خواند از قبرهای‌تان شتابان به سوی میدان محشر بیرون می‌شوید.

﴿وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ ٢٦﴾.

تنها خداوند یگانه، مالک و صاحب اختیار همه موجودات آسمان‌ها و زمین است؛ زیرا اوست که آن‌ها را آفریده و روزی داده است. آری! اوست که در امور همگان تصرّف می‌کند، تدبیرشان را به دست دارد و همه به پیشگاه هیبت و شکوهش فروتن و به فرمانش منقاد اند.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهۡوَنُ عَلَيۡهِۚ وَلَهُ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٧﴾.

الله أ خداوند است که مخلوقات را از عدم پدید آورده و بعد از فناشدن همه را دوباره زنده می‌کند. بازگشتاندن موجود فناشده به سوی حیات، از پیداکردن نخستینش آسان‌تر است؛ هرچند هریک از ایجاد نخستین و اعادۀ حیات بر پروردگار آسان است. هر صفتی که اوتعالی بدان موصوف است کامل‌ترین، بزرگ‌ترین و والاترین مرتبه‌اش برای او ثابت است. اوتعالی ذات عزیزی است که هیچ‌کس بر او غلبه نمی‌کند، هر که با وی محاربه نماید قهرش می‌کند و چون با وی مقابله نماید ذلیلش می‌سازد. او در آفرینش و تدبیر، و در حکم و شریعتش با حکمت است.

﴿ضَرَبَ لَكُم مَّثَلٗا مِّنۡ أَنفُسِكُمۡۖ هَل لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُم مِّن شُرَكَآءَ فِي مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ فَأَنتُمۡ فِيهِ سَوَآءٞ تَخَافُونَهُمۡ كَخِيفَتِكُمۡ أَنفُسَكُمۡۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٢٨﴾.

ای کافران! برای‌تان مَثَلی از خودتان ارائه نموده، آیا برده‌گان و کنیزانی دارید که در رزق و روزی با شما شریک باشند و حقوق مساوی داشته باشند؟ و آیا شما در تقسیم مال‌ها در صورتی که شریکان آزادی داشته باشید هراس دارید؟ شما به چنین معامله‌ای راضی نیستید. پس چگونه به چنین امری در حقّ خداوند أ راضی می‌شوید و برایش از بندگان شریکانی را در الوهیت و ربوبیت مقرّر می‌دارید؟ پروردگار براهین و دلایل قاطعش را، برای صاحبان عقل‌های سلیم و فطرت‌های معتدل، به وسیلۀ این مَثَل واضح و روشن بیان می‌دارد.

﴿بَلِ ٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَهۡوَآءَهُم بِغَيۡرِ عِلۡمٖۖ فَمَن يَهۡدِي مَنۡ أَضَلَّ ٱللَّهُۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٢٩﴾.

بلکه کافران در شرک ورزیدن به خداوند أ از خواهش‌های نفسانی پیروی کردند، از پدران خود بدون دلیل تقلید نمودند و با نادانی و گمراهی کار خویش را انجام دادند. کسی که الله تعالی گمراهی را بر او مقدّر کرده باشد، هیچ‌کس توان ندارد به سوی هدایتش رهنمایی کند و توفیقش بخشد. برای کافران یاری کننده‌ای نیست که عذاب پروردگار یگانۀ قهّار را از آنان دفع کند.

﴿فَأَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفٗاۚ فِطۡرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَاۚ لَا تَبۡدِيلَ لِخَلۡقِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٠﴾.

ای پیامبر! با مؤمنانی که با تو هستند اخلاص‌مندانه به جانب دین اسلام که از شرک به سوی توحید مایل است روی بیاور و خویشتن را به پیروی از ملت ابراهیم ÷ ثابت نگه‌دار؛ زیرا آیین او راه راست و منهج ثابتی است که رونده را به سوی رضای خدای رحمان و رحیم و باغ‌های پر از نعمت وصل می‌سازد، اما بیشتر مردم نمی‌دانند که آنچه خداوند ترا بدان مأمور داشته فقط اسلام است نه دیگر ادیان.

﴿۞مُنِيبِينَ إِلَيۡهِ وَٱتَّقُوهُ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٣١﴾.

با توبه از گناهان، اخلاص عمل، راستکاری و طاعت به سوی خداوند أ باز گردید؛ با انجام اوامر الهی و پرهیز از نواهی‌اش تقوا را پیشه سازید؛ نمازهای مشروع را با کامل‌ترین طریق و با مراعات ارکان، واجبات، و شرایط آن ادا نمایید و با کسانی که به الله شرک می‌ورزند همگام نشوید، بلکه مؤحّد باشید عبادت را اخلاص‌مندانه به پیشگاه او تقدیم دارید.

﴿مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۢ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ ٣٢﴾.

از جملۀ کافران، هوا پرستان و اهل بدعت که دین خویش را تحریف نموده کتاب خدا و سنّت رسولش را تغییر دادند نباشید؛ آنان‌که با موافقت خواهش‌های نفسانی خود به بعضی از احکام دین ایمان آوردند و به برخی دیگر کافر شدند، به گروه‌ها و جماعت‌های مختلفی تقسیم شدند که با هم نزاع دارند، به دفاع از سر کرده‌های خود اقدام می‌کنند، برای آرای خود تعصب می‌ورزند و به گناه و تجاوز کمک می‌کنند. هر گروهی به معتقداتش مسرور و شادمان است و می‌پندارد که حق تنها با اوست و دیگران روش باطل را در پیش گرفته‌اند.

﴿وَإِذَا مَسَّ ٱلنَّاسَ ضُرّٞ دَعَوۡاْ رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيۡهِ ثُمَّ إِذَآ أَذَاقَهُم مِّنۡهُ رَحۡمَةً إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُم بِرَبِّهِمۡ يُشۡرِكُونَ ٣٣﴾.

طبیعت مردم این است که چون به دشواری، خواری و بلایی گرفتار شوند، با اخلاص در دعا به پیشگاه خداوند أ زاری می‌کنند تا سختی و دشواری‌شان را مرفوع سازد. اما چون مورد رحمت قرار گرفتند و بلا را از آنان دور ساخت، باز گروهی از مردم، برخی چیزها را در عبادت به اوتعالی شریک می‌آورند و نعمتش در دور ساختن بلاها را فراموش می‌کنند.

﴿لِيَكۡفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡۚ فَتَمَتَّعُواْ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٣٤﴾.

تا به احسان و رحمتی که خداوند أ با دور ساختن برای‌شان عطا کرده کافر شوند. پس اکنون کافران از لذایذ فانی و زودگذر دنیا بهره‌مند شوند اما زشتی اعمال خود را در روز قیامت قطعاً خواهند دانست.

﴿أَمۡ أَنزَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٗا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُواْ بِهِۦ يُشۡرِكُونَ ٣٥﴾.

آیا خداوند أ برهان روشن و دلیل قاطعی را بر این گروه از کافران فرود آورده که شرک آنان را تأیید می‌کند و به درستی کفرشان گواهی می‌دهد؟

﴿وَإِذَآ أَذَقۡنَا ٱلنَّاسَ رَحۡمَةٗ فَرِحُواْ بِهَاۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ إِذَا هُمۡ يَقۡنَطُونَ ٣٦﴾.

آنگاه که خداوند أ نعمتی چون روزی، تندرستی، عافیت و فراوانی را برای مردم بچشاند از اثرش با فخر فروش، تکبّر و خود بزرگ بینی – نه از روی شکران – شادمان می‌شوند. اما آنگاه که به علّت گناهان و اعمال بدشان گرفتاری‌هایی مانند ناداری، بیماری، گرسنگی، ترس و سختی به آنان برسد، از دورشدن دشواری‌ها ناامید می‌شوند و عادت بیشتر مردم در حالات سختی و فراوانی همین‌گونه است.

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٣٧﴾.

آیا مردم نمی‌دانند که خداوند أ رزق و روزی هر که از بندگان را که بخواهد به گونۀ آزمایش فراوان می‌سازد؟ تا دیده شود که آیا شکر می‌کنند یا به کفران می‌پردازند؟ و آیا نمی‌دانند که برای شماری دیگر بر مبنای خواسته‌اش روزی را تنگ می‌گرداند تا آشکار شود که آیا صبر می‌کنند یا ناخوشنود می‌شوند؟ به راستی در فراوانی روزی و کمبود آن بر مردم، دلیل واضحی است که حکمت، آگاهی و مهربانی پروردگار منّان بر بندگان را در نظر اهل ایمان نمایان می‌سازد.

﴿فَ‍َٔاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلۡمِسۡكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٣٨﴾.

حقوق خویشاوندان را با ادای صلۀرحم، دادن صدقه و انجام کارهای نیکو ادا کن و زکات و خیرات را برای فقیران و نیازمندان راه مانده عطا نما. چنین عطایی برای اخلاص‌مندان بسیار نیکوست و پاداشی بزرگ دارد. کسانی که این اعمال نیکو و سایر کارهای پسندیده را انجام دهند مطلوب واقعی را دریافته به رضای خدا نایل می‌شوند، با دخول به بهشتش بهره‌یاب شده از عذاب و خشمش نجات می‌یابند.

﴿وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن رِّبٗا لِّيَرۡبُوَاْ فِيٓ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ فَلَا يَرۡبُواْ عِندَ ٱللَّهِۖ وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن زَكَوٰةٖ تُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُضۡعِفُونَ ٣٩﴾.

ای مردم! آنچه را به منظور به دست آوردن سود به قرض می‌دهید تا ذریعۀ مال مردم افزونش سازید در نزد خداوند أ فزونی نخواهد یافت، بلکه حق‌تعالی برکتش را محو و نابود می‌گرداند. اما چیزی را که به طور زکات و خیرات برای مستحقّان می‌دهید و با آن رضای خدا و پاداش اخروی را اراده دارید عملی است پذیرفته‌شده که در نزد اوتعالی چندین برابر پاداش دارد؛ یعنی صدقات، رشد و برکت به ارمغان می‌آورد ولی سود و ربا، نابودی و خسارت را با خود دارد.

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ ثُمَّ رَزَقَكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡۖ هَلۡ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَفۡعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَيۡءٖۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٤٠﴾.

ای بندگان! خداوند یگانه ذاتی است که شما را از عدم آفرید و از انواع نعمت‌ها برای‌تان روزی داد. پس از کامل شدن مدت‌های عمر شما را می‌میراند و بعد از آن از قبرها به سوی میدان محشر برای محاسبه برمی‌انگیزد. آیا از جملۀ شریکانی که آن‌ها را به خداوند شریک می‌آورید کسی هست که افعالی مانند آفریدن، روزی دادن، میراندن و زنده کردن را انجام دهد؟ خداوند أ از شرک مشرکان منزّه و مقدّس است و هیچ معبود برحقّی جز او وجود ندارد.

﴿ظَهَرَ ٱلۡفَسَادُ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ بِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِي ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعۡضَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٤١﴾.

فساد و ناخوشایندهایی مانند قحطی، بیماری، ناداری، گرسنگی، مصیبت‌ها و غم‌ها به سبب گناهان مردم در خشکی و دریا آشکار می‌شود، برای اینکه خداوند أ آنان را به سبب گناهان انجام شدۀشان مبتلا سازد تا با توبۀ خالص به سوی پروردگار خویش برگردند و از گناهان و معاصی بپرهیزند. برای اینکه نعمت‌ها تداوم یافته عذاب‌ها برگشتانده شود، حال‌ها صلاح یابد و آینده‌ها نیکوتر و بهتر شود.

﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلُۚ كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّشۡرِكِينَ ٤٢﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: به سیر و سفر در اطراف و جوانب زمین بپردازید و با تأمّل و اعتبار ببینید و بنیدیشید که بازگشت و انجام کسانی از امّت‌های پیشین، مانند قوم نوح، عاد و ثمود که به تکذیب پیامبران پرداختند چگونه بوده است؟ آثار هلاکت و بربادیی را درمی‌یابید که وقتی کافر شدند و پیامبران را تکذیب کردند، آنان را فرا گرفت.

﴿فَأَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ ٱلۡقَيِّمِ مِن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۖ يَوۡمَئِذٖ يَصَّدَّعُونَ ٤٣﴾.

با عمل به اوامر و اجتناب از نواهی خداوند أ به جانب راه مستقیم و دین قویمی که اسلام است رو بیاور و پیش از رسیدن روز حساب بدان تمسّک بجوی؛ پیش از روزی که هیچ‌کس وقوع آن را جلوگیری کرده نمی‌تواند. در آن روز مردم برای دریافت نتیجۀ اعمال خود پراکنده و متفرّق‌اند، بعد از آن گروهی به سوی بهشت و گروهی به جانب دوزخ رهسپار می‌شوند.

﴿مَن كَفَرَ فَعَلَيۡهِ كُفۡرُهُۥۖ وَمَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِأَنفُسِهِمۡ يَمۡهَدُونَ ٤٤﴾.

هر که به خداوند أ کافر شود، زیان و عقوبت کفرش را خودش به تنهایی برمی‌دارد. اما هر که به اوتعالی ایمان آورد و اعمال نیک و مشروعی را انجام دهد، مقام و جایگاه راستینی را برای خویشتن آماده می‌سازد؛

﴿لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٤٥﴾.

برای آنکه خداوند أ مؤمنان نیکوکار را با مهربانی و احسان، به نیکوترین پاداش جزا دهد. آری! حق‌تعالی کسانی را که به او کفر ورزند و پیامبرانش را تکذیب کنند دوست ندارد و مورد خشم خویش قرار می‌دهد.

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن يُرۡسِلَ ٱلرِّيَاحَ مُبَشِّرَٰتٖ وَلِيُذِيقَكُم مِّن رَّحۡمَتِهِۦ وَلِتَجۡرِيَ ٱلۡفُلۡكُ بِأَمۡرِهِۦ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٤٦﴾.

از دلایلی که بر الوهیت، قدرت و عظمت خداوند أ دلالت دارد این است که باد را پیش از باران می‌فرستد تا به فرود آمدن باران مژده داده ابرها را پراکنده سازد. در نتیجه بندگان با آن شادمان شوند و با فرود آمدن آب زلال و مبارکی از آسمان رحمت پروردگارشان را بچشند. آبی را می‌فرستد که بندگان و شهرها را زندگی می‌بخشد و بحرها را به قدرت خدا برای نَوَردیدن کشتی‌ها مساعد می‌سازد تا بازرگانان با رفت و آمد بر کشتی‌ها به طلب روزی بپردازند و اموال‌شان انتقال یابد. این همه برای آن است که بندگان، پروردگار خود را شکر گزاری کرده یگانه‌اش بشمارند و تنها او را پرستش کنند.

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوۡمِهِمۡ فَجَآءُوهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَٱنتَقَمۡنَا مِنَ ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْۖ وَكَانَ حَقًّا عَلَيۡنَا نَصۡرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٤٧﴾.

یقیناً خداوند متعال پیش از پیامبر اسلام محمّد ج پیام آوران دیگری را به سوی اقوام‌شان فرستاد که مردم را به رحمت الهی – در صورتی که ایمان آورند – مژده دادند و از عذابش – در صورتی که کافر شوند ترساندند، به سوی توحید فرا خواندند و از شرک باز داشتند. این پیامبران با دلایل قاطع و براهین روشنی به نزد اقوام خویش آمدند، اما بیشتر مردم کافر شدند و جز اندکی ایمان نیاوردند. خداوند أ از تکذیب کنندگان انتقام گرفت، کافران را هلاک ساخت و بندگان یکتا پرستش را پیروزی بخشید. آری! یاری و نصرت حق‌تعالی برای دوستانش حقّ است؛ زیرا به بارگاه او منزلت و تقرّب دارند.

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي يُرۡسِلُ ٱلرِّيَٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابٗا فَيَبۡسُطُهُۥ فِي ٱلسَّمَآءِ كَيۡفَ يَشَآءُ وَيَجۡعَلُهُۥ كِسَفٗا فَتَرَى ٱلۡوَدۡقَ يَخۡرُجُ مِنۡ خِلَٰلِهِۦۖ فَإِذَآ أَصَابَ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦٓ إِذَا هُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ ٤٨﴾.

الله أ خداوندی است که بادها را می‌فرستد، بادها ابرهای آبدار را طبق اراده‌اش در آسمان منتشر ساخته و از هم جدا می‌نمایند تا در نتیجه آب از میان ابر بیرون آید. اما آنگاه که پروردگار سبحان ابرها را طبق ارادۀ خویش به وسیلۀ بادها به سرزمینی سوق می‌دهد، مردمش به نزول باران شادمان و مسرور می‌شوند؛

﴿وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلِ أَن يُنَزَّلَ عَلَيۡهِم مِّن قَبۡلِهِۦ لَمُبۡلِسِينَ ٤٩﴾.

هرچند بندگان پیش از نزول آب از ابرها، به خاطر طولانی شدن منع باران، از رحمت الهی ناامید و از فرود آمدن باران مأیوس بودند؛ امّا خداوند أ با فرود آوردن باران، فراوانی را باز می‌آورد.

﴿فَٱنظُرۡ إِلَىٰٓ ءَاثَٰرِ رَحۡمَتِ ٱللَّهِ كَيۡفَ يُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٥٠﴾.

اکنون ای اندیشمند! با تفکّر و اعتبار در آثار باران در زمین سرسبز، بوستان‌های پر درخت و باغ‌های فراخ تأمّل کن که چگونه خداوند أ آن‌ها را بعد از خشکسالی و قحطی به وسیلۀ آب زنده کرده و سر سبز و پر گیاه شده است؟ به راستی کسی که زمین را بعد از مردنش با سبز کردن زنده نماید، به زنده ساختن بعد از مرگ مردم و بیرون آوردن‌شان از قبرها نیز توناست؛ زیرا او به هر کاری قدرت دارد، هیچ چیزی او را عاجز ساخته نمی‌تواند و هیچ کاری بر او ممتنع نمی‌باشد.

﴿وَلَئِنۡ أَرۡسَلۡنَا رِيحٗا فَرَأَوۡهُ مُصۡفَرّٗا لَّظَلُّواْ مِنۢ بَعۡدِهِۦ يَكۡفُرُونَ ٥١﴾.

اگر خداوند أ بادی را برانگیزد و نباتات سبز، کشت‌ها و میوه‌ها را به وسیلۀ آن نابود سازد چنان‌که بعد از سبزی و تازگی همه زرد شوند، بعد از مشاهدۀ این امر مشهود نیز بر کفر به اوتعالی ادامه می‌دهند و از آن باز نمی‌گردند.

﴿فَإِنَّكَ لَا تُسۡمِعُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَلَا تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوۡاْ مُدۡبِرِينَ ٥٢﴾.

ای پیامبر! به راستی که تو پند و موعظه را به کسی که خداوند أ قلبش را بمیرانده و گوش‌هایش را از شنیدن حکمت بند کرده شنوانده نمی‌توانی. بنابراین کفر کافران غمگین مشو و به خاطر عدم پذیرش دعوتت نا آرام مباش؛ زیرا آنان مانند ناشنوایان و مردگانی اند که نه می‌شنوند و نه می‌دانند. حضور آنان مانند غیاب است و زندگی‌شان چون مرگ؛ بدان سبب که از پذیرش حق اعراض کردند و از هدایت رو گشتاندند.

﴿وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِ ٱلۡعُمۡيِ عَن ضَلَٰلَتِهِمۡۖ إِن تُسۡمِعُ إِلَّا مَن يُؤۡمِنُ بِ‍َٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسۡلِمُونَ ٥٣﴾.

تو هدایتگر کسی نیستی که خداوند أ بر دلش مُهر نهاده و چشم‌هایش را از دیدن حق کور ساخته است. نمی‌توانی دعوتت را به گونه‌ای که آن را قبول کنند و بپذیرند بشنوانی؛ مگر برای کسی که به قرآن ایمان آورده، به خدای رحمان تسلیم است و به دلایل دقّت و یقین می‌کند.

﴿۞ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن ضَعۡفٖ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعۡدِ ضَعۡفٖ قُوَّةٗ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعۡدِ قُوَّةٖ ضَعۡفٗا وَشَيۡبَةٗۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡقَدِيرُ ٥٤﴾.

ای مردم! خداوند أ ذاتی است که شما را از آبی بی‌ارزش و ناچیز – یعنی نطفه – آفرید، پس تکبّر نکنید. سپس شما را بعد از ناتوانی کودکی، قوّت مردانگی بخشید و بعد از توانمندی مردانگی، به ناتوانی کلانسالی و پیری رساند. او هرچه را بخواهد از ناتوانی و قوّت، کودکی و جوانی، پیری و کلانسالی پدید می‌آورد، به مخلوقاتش داناست و به هر چیزی تواناست. آفرینش خود را با علمش مستحکم ساخته و مرادش را با قدرتش نفاذ می‌بخشد.

﴿وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُقۡسِمُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ مَا لَبِثُواْ غَيۡرَ سَاعَةٖۚ كَذَٰلِكَ كَانُواْ يُؤۡفَكُونَ ٥٥﴾.

روزی که قیامت برپا شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که جز لحظۀ اندکی درنگ نکردند، اما دنیا زمان اندکی نیست که مانند یک لحظه باشد. این‌چنین در سوگند خود دروغ می‌گویند؛ همچنان که در دنیا بر خداوند أ دروغ می‌بستند و از شرایع پیامبران انکار کردند.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ وَٱلۡإِيمَٰنَ لَقَدۡ لَبِثۡتُمۡ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡبَعۡثِۖ فَهَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡبَعۡثِ وَلَٰكِنَّكُمۡ كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٥٦﴾.

امّا دانشمندان مؤمنی که با عمل به علم‌شان از پروردگار سبحان می‌ترسیدند، برای تکذیب کنندگان منکر حق می‌گویند: شکی نیست که شما موافق تقدیر الهی، دوره‌هایی را از روز آفرینش خود تا آنگاه که برانگیخته شدید درنگ کردید. اکنون این روز قیامت است که در دنیا به راستی و واقعیتش باور نداشتید، بدان تکذیب می‌کردید و از آن انکار می‌ورزیدید تا پدید آمد و به وقوع پیوست.

﴿فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَعۡذِرَتُهُمۡ وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ ٥٧﴾.

آنگاه معذرت کافران فایده‌ای ندارد و خواسته نمی‌شود که خوشنودی خداوند أ را به وسیلۀ عبادت، توبه و پذیرش دعوت پیامبران در روز قیامت به دست آورند؛ زیرا وقت آن گذشته و اکنون زمان عذاب و سرزنش آنان است.

﴿وَلَقَدۡ ضَرَبۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖۚ وَلَئِن جِئۡتَهُم بِ‍َٔايَةٖ لَّيَقُولَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا مُبۡطِلُونَ ٥٨﴾.

به یقین که خداوند أ هرگونه مَثَل را به منظور اقامۀ دلایل اثبات قدرت، الوهیت و یگانگی خود در قرآن کریم برای بندگان بیان داشته است. امّا اگر – ای پیامبر – هرگونه دلیل و برهانی را به منظور اثبات نبوّتت برای کافران بیاوری برایت می‌گویند: تو و همراهان مؤمنت در ادعای نبوّت جز افترا کنندگانی بیش نیستید.

﴿كَذَٰلِكَ يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ ٥٩﴾.

همچنان که خداوند أ بر دل‌های کافران مُهر نهاده، بر دل‌های کسانی که حقایق قرآن و رسالت پیامبر ج را نمی‌دانند مُهر می‌نهد. آنگاه از موعظه و نصیحت بهره نمی‌گیرند و از هیچ آیه‌ای فایده نمی‌برند.

﴿فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۖ وَلَا يَسۡتَخِفَّنَّكَ ٱلَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ٦٠﴾.

ای پیامبر! بر تو لازم است در برابر اذیت کافران و تکذیب بدکاران صبر نمایی؛ زیرا پیروزی، تأیید، قدرت بخشیدن و حسن سر انجام که از جانب پروردگار برایت وعده داده شده حتماً واقع شدنی است. کسانی که به روز قیامت و به زنده شدن بعد از مرگ ایمان و یقین ندارند و به روز جزا تصدیق نمی‌کنند نباید ترا متردّد سازند و از دین حق باز دارند.

سورۀ لقمان

مکی است؛ ترتیب آن 31؛ شمار آیات آن 34

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿الٓمٓ ١﴾.

الف. لام. میم؛ از جملۀ حروف مقطّعات است. هرچند می‌دانیم که معناهای ارزنده دارد، اما خداوند متعال به مراد خویش در نزول آن‌ها داناتر است.

﴿تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡحَكِيمِ ٢﴾.

این‌ها آیات مُحکم و با حکمت قرآن کریم‌اند که خداوند أ آن‌ها را واضح ساخته و برای مردم بیان داشته است.

﴿هُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّلۡمُحۡسِنِينَ ٣﴾.

آیات قرآن کریم هدایتی برای مؤمنان است تا ایشان را به سوی حقّ و خوبی‌ها دلالت کند و رحمتی برای نیکوکاران است تا با ترس از خداوند أ و پیروی پیامبرش اخلاص‌مندانه بدان عمل نمایند.

﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٤﴾.

آنان‌که نماز را به کامل‌ترین طریق به گونه‌ای که خداوند أ مشروع ساخته برپا می‌دارند، زکات اموال‌شان را با رضای کامل و طیب نفس برای مستحقّانش ادا می‌کنند و به روز جزا و اموری مانند ماحسبه و جزای اعمال به کامل‌ترین وجه تصدیق می‌نمایند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥﴾.

گروه نیک اعمالی که به صفات بزرگ یاد شده موصوف‌اند، بر هدایت و بیانی از جانب پروردگار و با نور حقّانیت دین خویش ثابت‌اند. آری! ایشان به مطلوب خود رسیدند و از عذاب پروردگار نجات یافتند.

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡتَرِي لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٦﴾.

از جملۀ مردم کسی است که سخنان لهو و بیهوده را خریداری می‌کند تا دیگران را از راه خدا باز داشته با کفر و بدکارگی خود آیات خدا را به تمسخر گیرد. برای چنین کسانی در نزد پروردگار عذاب خوار کننده و ذلّت باری موافق کبر و عنادشان آماده شده است.

هر امری که انسان را از طریق هدایت و راه راست باز دارد در مقولۀ لهو شامل است.

﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَا كَأَنَّ فِيٓ أُذُنَيۡهِ وَقۡرٗاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٧﴾.

و آنگاه که آیات قرآن بر این مجرم خوانده می‌شود با تکبّر و عناد پشت می‌گرداند، حق را نمی‌پذیرد و به رهنمایی گوش نمی‌دهد؛ به گونه‌ای که گویا چیزی را نشنیده و گوشش ناشنواست یا حواسش را به تعطیل در آورده تا از دعوت حق بهره‌مند نشود. ای پیامبر! چنین کسی را به عذاب سخت و درد آور آتش دوزخ مژده بده.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلنَّعِيمِ ٨﴾.

برای مؤمنان صالحی که به اوامر خدا و رسولش عمل کنند و از نواهی الله و پیامبرش اجتناب نمایند، بهشت‌های پر از نعمتی آماده شده و در جوار پروردگار رحیم، مقام و منزلتی کریم دارند.

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٗاۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٩﴾.

ایشان تا دوام آسمان‌ها و زمین در نعمت‌های بهشت جاودانه می‌مانند؛ چنان‌که این نعمت‌ها نه قطع می‌گردد و نه نابود می‌شود. این وعدۀ راستین خداست که قطعاً برای‌شان عملی خواهد شد؛ زیرا پروردگار منّان وعده‌اش را خلاف نمی‌کند و هیچ‌کس از او در سخنش راستگوتر و در وعده‌اش وفاکننده‌تر نمی‌باشد. او ذات عزیزی است که هر که با وی زور آزمایی کند قهرش می‌نماید و هر که با او به جنگ پردازد خوارش می‌سازد. اوتعالی در تدبیر و افعال و در حکم و شریعتش با حکمت است.

﴿خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيۡرِ عَمَدٖ تَرَوۡنَهَاۖ وَأَلۡقَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمۡ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٖۚ وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوۡجٖ كَرِيمٍ ١٠﴾.

خداوند أ آسمان‌ها را آفرید و آن‌ها را بدون ستون‌هایی که دیده شود بر زمین رفعت بخشید، کوه‌های با استحکامی را در زمین مستقر داشت تا آن را نگه‌دارد و با حرکت و جنبش در توازنش خلل ایجات نشود. حق‌تعالی انواع حیوانات و خزند‌گان را در زمین منتشر کرد، از ابرها آب گوارا و با برکتی را فرود آورد تا به وسیله‌اش زمین را بعد از خشکسالی و قحطی سرسبز کند و در آن از هر روینده‌ای، جفت با طراوتی را مقرّر داشت که دارای منظری زیباست؛ چنان‌که هریک از انواع نباتات، اقسام درخت‌ها و اصناف میوه‌ها در رنگ و مزّه‌اش با دیگران متفاوت است.

﴿هَٰذَا خَلۡقُ ٱللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦۚ بَلِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ١١﴾.

ای مردم! همه چیزهایی را که شما می‌بینید مخلوات پروردگاراند و آفریدۀ کسی دیگر نمی‌باشند. اکنون ای کافران! نشان دهید که غیر از الله یگانه، خدایانی که شما به عبادت آن‌ها می‌پردازید چه چیزی را آفریده‌اند؟ به راستی که کافران در گمراهی و بیخردی به سر می‌برند و از حقّ و راهیابی دوراند؛ زیرا هدایت را رها کردند و در مسیر گمراهی روان شدند.

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا لُقۡمَٰنَ ٱلۡحِكۡمَةَ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِلَّهِۚ وَمَن يَشۡكُرۡ فَإِنَّمَا يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٞ ١٢﴾.

مسلّماً خداوند أ برای بندۀ صالح و توبه‌گارش لقمان دانش دینی، استحکام رأی حقّانیت در گفتار را عطا کرد و مأمورش نمود با عمل به طاعات و پرهیز از گناهان شکر گزارش باشد. آری! هر که شکرگزاری نماید به خود نفع رسانده و فایدۀ آن به خودش برمی‌گردد؛ زیرا پروردگار سبحان از جهان‌یان بی‌نیاز است، طاعت مطیعان به وی فایده‌ای نمی‌رساند و معصیت گنه‌کاران ضرری را متوجهش نمی‌سازد. امّا کسی که با انکار از نعمت‌ها به ولینعمت کفر ورزد، حق‌تعالی به عبادتش نیازی ندارد. همه ستایش‌های نیکو و سپاسگزاری‌ها در همه احوال مخصوص اوتعالی است، او از کافران بی‌نیاز است و به بندگان شکر گزارش پاداش می‌دهد.

﴿وَإِذۡ قَالَ لُقۡمَٰنُ لِٱبۡنِهِۦ وَهُوَ يَعِظُهُۥ يَٰبُنَيَّ لَا تُشۡرِكۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّ ٱلشِّرۡكَ لَظُلۡمٌ عَظِيمٞ ١٣﴾.

از روزی یادآور که لقمان با توصیۀ نصایحی پسرش را از شرک به خداوند أ بازداشت و برایش خبر داد که شرک از بزرگ‌ترین گناهان، بدترین خطاها و زشت‌ترین اعمال ناپسند است.

﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ وَهۡنًا عَلَىٰ وَهۡنٖ وَفِصَٰلُهُۥ فِي عَامَيۡنِ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيۡكَ إِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ ١٤﴾.

خداوند أ نیکی و احسان به پدر و مادر را بر انسان واجب کرده؛ زیرا مادرش با ناتوانی مُضاعَفی که از اثر مشقّت و دردها دچار آن شده به او باردار شده و دو سال مدّت بارداری و شیرخوارگی‌اش را با زحمت سپری می‌کند. آری! حق‌تعالی بر او واجب ساخته که پروردگارش را با انجام طاعات و پدر و مادرش را با نیکی و احسان شکرگزار باشد. بازگشت بندگان به سوی اوتعالی است و همه را طبق اعمال نیک و بدشان جزا و پاداش می‌دهد.

﴿وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَاۖ وَصَاحِبۡهُمَا فِي ٱلدُّنۡيَا مَعۡرُوفٗاۖ وَٱتَّبِعۡ سَبِيلَ مَنۡ أَنَابَ إِلَيَّۚ ثُمَّ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ١٥﴾.

ای انسان! اگر پدر و مادرت با حرص باعث شدند که به خداوند أ کافر شوی و به او چیزی را شریک آوری، یا تو را به گناه مأمور داشتند پیروی‌شان مکن؛ زیرا اطاعت والدین در امور مشروع لازم است و فرمان پذیری مخلوق در کاری که نافرمانی آفریدگار باشد لزومی ندارد. اما نافرمانی در این زمینه تو را به بی‌ادبی در برابرشان وا ندارد، بلکه با آنان صحبت نیکو و مهربانی داشته‌باش. به کسی اقتدا نما که از گناه به سوی پروردگار توبه نمود با عمل به طاعت، از خطا کاری‌ها به جانب مولایش باز می‌گردد و از گناه دست می‌کشد؛ زیرا بعد از زندگی دنیا بازگشت به سوی خداوند أ است تا هر کس را به کردارش آگاه سازد و مطابق اعمالش جزا دهد.

﴿يَٰبُنَيَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٖ فَتَكُن فِي صَخۡرَةٍ أَوۡ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَوۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَأۡتِ بِهَا ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٞ ١٦﴾.

بعد از آن لقمان ÷، در ضمن نصیحت برای پسرش گفت: پسرکم! اگر عمل نیک و بد در کوچکی به اندازۀ دانۀ خردلی و در میان سنگی مستقر باشد یا در جای دیگری در آسمان‌ها و زمین قرار داشته باشد، از علم الله أ پوشیده نیست و حتماً آن را در روز قیامت باز می‌آورد تا هر کس را موافق عمل نیک و بدش جزا دهد. حق‌تعالی به بندگانش لطف دارد و مهربان است، با زیباترین وسایل به خوشایندها وصل‌شان می‌کند و ناخوشایندها را از ایشان دفع می‌نماید. او خداوند خبیری است که هیچ امر نهان و غایبی بر او پوشیده و پنهان نیست.

﴿يَٰبُنَيَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأۡمُرۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱنۡهَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَۖ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ ١٧﴾.

لقمان ÷ پسرش را به اقامۀ نماز به کامل‌ترین وجهش به گونه‌ای که مشروع شده امر نمود؛ زیرا نماز ستون دین و بازدارنده از فحشا و منکر است. او را مأمور داشت که امر به معروف کند؛ یعنی مردم را به هر خیر و راهیابی که نقل و عقل به شایستگی آن دلالت دارد فرا خواند. توصیه‌اش نمود که نهی از منکر نماید؛ یعنی آنان را از اموری که شرایع با حکمت الهی و فطرت راستین نهی کرده باز دارد. اما توصیه‌اش کرد تا با مهربانی و نرمی و با حکمت و ملایمت این کار را انجام دهد و چون امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید، آزار و اذیت مردم را تحمل داشته باشد؛ زیرا روش انبیا و پیامبران همچنین است. آری! انجام این اعمال از اموری است که باید انسان بر آن حرص داشته باشد و به انجامش تصمیم جدّی بگیرد؛ چون این وظیفه از بلندترین منازل و بزرگ‌ترین مراتب به شمار می‌رود.

﴿وَلَا تُصَعِّرۡ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًاۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٖ ١٨﴾.

چهره‌ات را با تکبّر و به گونۀ توهین آمیز از مردم مگردان، بلکه با ایشان پیشانی گشاده داشته باش، تبسّم نما و آغوشت را برای بندگان الله أ باز نگه‌دار. در روی زمین با تکبّر، خود پسندی و خرامان راه مرو؛ زیرا خداوند سبحان کسی را که در دلش متکبّر باشد، به زبانش فخر فروشی کند، خود را بزرگ بیند و از مردم برتر بشمارد دوست ندارد، بلکه اشخاص فروتنی را دوست می‌دارد که با بندگانش پیش آمد نیکو دارند.

﴿وَٱقۡصِدۡ فِي مَشۡيِكَ وَٱغۡضُضۡ مِن صَوۡتِكَۚ إِنَّ أَنكَرَ ٱلۡأَصۡوَٰتِ لَصَوۡتُ ٱلۡحَمِيرِ ١٩﴾.

آنگاه که راه می‌رفتی تواضع داشته باش و با تکبّر و خود پسندی راه مرو. وقتی سخن می‌زنی از آوازات بکاه؛ زیرا این از حسن ادب و کمال عقل است. به یقین که نارساترین، بدترین و ناپسندترین آوازها آواز خر است. پس با بلند آوازی بدون نیاز، صدایت را به آواز خر همانند مکن.

﴿أَلَمۡ تَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَسۡبَغَ عَلَيۡكُمۡ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةٗ وَبَاطِنَةٗۗ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ ٢٠﴾.

ای بندگان! آیا ندیدید که خداوند سبحان موجودات آسمانی مانند خورشید، ماه، ستارگان، سیّارگان، ابرها و دیگر چیزها را مسخّرتان ساخته و موجودات زمینی از قبیل حیوان، نبات، آب و دیگر چیزها را برای‌تان رام نموده است؟ نمی‌بینید که احسان‌های ارزشمند و نعمت‌های بسیارش چون عافیت و تندرستی، فرزندان و اموال، امنیت و آرامش، در خدمت شما قرار دارد؟ نمی‌اندیشید که نعمت‌های ظاهری وی در بدن‌ها و اعضای وجود، و نعمت‌های باطنی‌اش در دل‌ها و عقل‌ها شامل حال‌تان است؟ بعضی از مردم در عبودیت، نام‌ها و صفات الله أ و نیز در باب اخلاص عبادت برای او تعالی، بدون برهان درست و دلیل واضح به جدال می‌پردازند؛ امّا هیچ بیان و کتابی ادعا و سخن آنان را مستند نمی‌سازد و مورد تأیید قرار نمی‌دهد.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلۡ نَتَّبِعُ مَا وَجَدۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ كَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ يَدۡعُوهُمۡ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ٢١﴾.

وقتی برای کافران که به ناحق در باب عبودیت پروردگار مادله می‌کنند گفته شود: از آنچه خداوند أ در کتاب خوشی بر پیامبرش فرو فرستاده پیروی کنید و به وسیله‌اش هدایت شوید، با تعرّض به ردّ این سخن می‌پردازند و می‌گویند: نه، ما به آن تعلّق خاطر نداریم، بلکه از روش پیشین پدران و اجداد خویش که شرک و عبادت بت‌هاست پیروی می‌کنیم. آیا این کار را انجام می‌دهند، اگرچه شیطان، زشتی کار و شرک آنان به پروردگار را نیکو جلوه دهد و با زینت دادنش آنان را به سوی آتش برا فروختۀ دوزخ فرا خواند که کافران را می‌سوزاند؟

﴿۞وَمَن يُسۡلِمۡ وَجۡهَهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰۗ وَإِلَى ٱللَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلۡأُمُورِ ٢٢﴾.

کسی که با گفتار نیکو، اعمال صالح و اصلاح احوال خود عبادتش را به پروردگار خالص نماید و اوتعالی را در الوهیت یگانه بداند، به راستی که محکم‌ترین واسطه را لازم گرفته و به بزرگ‌ترین وسیله‌ای چنگ زده که او را به رحمت و رضوان خداوند أ وصل می‌سازد. همه قضایا به الله پاک برمی‌گردد و همه امور به او رجعت می‌کنند، همه مردم به پیشگاه او حضور می‌یابند و حق‌تعالی فرمانبرداران را پاداش داده گنه‌کاران را به عذابش گرفتار می‌سازد.

﴿وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحۡزُنكَ كُفۡرُهُۥٓۚ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُهُمۡ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٢٣﴾.

ای پیامبر! بر کسی که به رسالت تو کفر ورزد و دعوتت را تکذیب کند تأسّف مخور و از عملکردش اندوهگین مباش؛ زیرا تو رسالت خویش را انجام دادی، امانت را ادا کردی و به نصیحت امّت پرداختی. هر که کافر شود بازگشت او به سوی خداوند أ است، آنگاه او را به اعمال بدی که در دنیا انجام داده خبر می‌دهد و در برابر اعمالش در آتش دوزخ عذاب می‌نماید؛ زیرا اوتعالی به رازهای دل‌ها و خاطرات ضمیرها آگاه است و هیچ چیز نهانی از او مخفی نیست.

﴿نُمَتِّعُهُمۡ قَلِيلٗا ثُمَّ نَضۡطَرُّهُمۡ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٖ ٢٤﴾.

خداوند أ کافران را در زندگی کوتاه مدّت و فانی دنیا به مانند چارپایان روزی می‌دهد و بهره‌مند می‌سازد. بعد از آن آنان را در روز حساب جمع آوری می‌نماید و به سوی عذاب دشوار و درد آوری سوق می‌دهد.

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٢٥﴾.

ای پیامبر! اگر از کافران بپرسی که آفریدگار آسمان‌ها و زمین کسیت؟ پاسخ می‌دهند که فقط خداوند یگانه است. با چنین اقراری دلیل بر آنان اقامه شد؛ زیرا کسی که این موجودات را آفریده سزاوار آن است که به یگانگی عبادت شود. اکنون برای‌شان بگو: حمد و سپاس سزاوار پروردگاری است که از گفته‌های شما بر خودتان دلیلی اقامه کرد. آری! بیشتر کافران فکر نمی‌کنند که چه کسی در برابر نعمت‌ها مستحقّ عبادت است و چه کسی در برابر بخشش‌هایش با توحید و عبودیت سزاوار شکران است؛ از همین رو دیگر چیزها را به اوتعالی شریک می‌آورند.

﴿لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ٢٦﴾.

همه موجوداتی را که خداوند أ در آسمان‌ها و زمین آفریده از لحاظ ملکیت و آفرینش، روزی دادن و تدبیر، و تصرّف و تقدیر مملوک او هستند. او معبود بر حقّی است که غیر او خدایی نیست و جز وی پروردگاری وجود ندارد. اوتعالی از مخلوقاتش بی‌نیاز است؛ از این رو طاعات برایش فایده‌ای ندارد، گناهان ضرری را متوجّهش نمی‌سازد و به کسی نیازمند نیست. ستایش نیکو و شکران فراوان مخصوص اوتعالی است و حمد و ثنا در نخست و نهایت، در هر زمان و مکان و در همه احوال سزاوار اوست.

﴿وَلَوۡ أَنَّمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن شَجَرَةٍ أَقۡلَٰمٞ وَٱلۡبَحۡرُ يَمُدُّهُۥ مِنۢ بَعۡدِهِۦ سَبۡعَةُ أَبۡحُرٖ مَّا نَفِدَتۡ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٢٧﴾.

اگر درخت‌هایی که در زمین‌اند قلم شوند، دریا به رنگ تبدیل شود، بعد از آن به هفت دریا امتداد یابد و با این قلم‌ها و رنگ‌ها کلمات خداوند أ نوشته شود قلم‌ها نابود می‌شود و رنگ‌ها به نهایت می‌رسد، اما کلمات بزرگ و با برکت پروردگار تمام نمی‌شود؛ چون کلماتش را کسی شمرده نمی‌تواند و بشریت توان احاطه به آن‌ها را ندارد. الله أ در پادشاهی‌اش غالب است، هر که با وی دشمنی کند خوارش می‌سازد، هر که با او دوستی ورزد عزیزش می‌دارد و در آفرینش و عملکرد، و حکم و شریعتش با حکمت است.

این آیه به اثبات صفت کلام برای حق‌تعالی که سزاوار بزرگی اوست دلالت دارد.

﴿مَّا خَلۡقُكُمۡ وَلَا بَعۡثُكُمۡ إِلَّا كَنَفۡسٖ وَٰحِدَةٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٌ ٢٨﴾.

ای انسان‌ها! آفرینش و زنده کردن دوبارۀتان در نزد خداوند أ در آسانی و سهولت، فقط مانند آفرینش و برانگیختن یک نفر است. به راستی که اوتعالی تمام سخنان را می‌شنود و همه اعمال را می‌بیند، به همه احوال داناست و قطعاً از اعمال مخلوقات حساب می‌گیرد.

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ يَجۡرِيٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى وَأَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٢٩﴾.

آنا ندیدی که خداوند أ شب را در روز داخل می‌کند و از اثرش ساعات شب دراز و ساعات روز کوتاه می‌شود و باز روز را در شب داخل می‌نماید و از اثرش ساعات روز، بلند و ساعات شب کوتاه می‌گردد؟ خورشید و ماه را برای مصلحت بندگان تحت فرمان آورده که هرکدام تا مدّت معیّن و تغّیرناپذیری در مسیرش حرکت کند و در مدارش جریان یابد؟ حق‌تعالی به کارهای نیک و بد انسان‌ها داناست، هیچ امر پنهانی از او پوشیده نیست و هیچ چیزی از وی غایب نمی‌ماند.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدۡعُونَ مِن دُونِهِ ٱلۡبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ٣٠﴾.

خداوند أ این آفرینش بزرگ و نشانه‌های قوی را مقرّر داشته تا بدانید که تنها اوتعالی در الوهیت، ذات، نام‌ها، صفات و افعالش حقّ است و معبودان کافران باطل و ساختگی است. یقیناً پروردگار أ در قدر و منزلت و در قهر و غلبه بلند مرتبه و به ذاتش متعالی است. آری! اوتعالی طوری که سزاوار جلال اوست بر عرش استوا دارد، در نام‌ها و صفاتش بلند مرتبه است و اوست که از هر چیزی بزرگ‌تر است. مسلّماً هر که دارای چنین صفاتی باشد سزاوار پرستش است و باید در الوهیت یگانه شناخته شود.

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱلۡفُلۡكَ تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِنِعۡمَتِ ٱللَّهِ لِيُرِيَكُم مِّنۡ ءَايَٰتِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ ٣١﴾.

ای انسان! آیا مشاهده نکردی که چگونه کشتی به تقدیر و تسخیر پروردگار سبحان در دریا حرکت می‌کند تا نعمت و رحمتی از جانب اوتعالی برای بندگان باشد؛ طوری که بر آن سفر نماید، به طلب روزی بپردازند و دلایل قدرت و عظمت اوتعالی آشکار شود؟ مسلّماً در حرکت کشتی‌ها بر روی دریاها دلیل قاطع و برهان روشنی بر عظمت و یگانگی خداوند أ است؛ البته در نگاه کسی که بر ادای طاعات و پرهیز از گناهان استقامت داشته باشد، بر مقدّرات الهی صبر نماید و نعمت‌هایش را شکرگزار باشد.

﴿وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوۡجٞ كَٱلظُّلَلِ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ فَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِ‍َٔايَٰتِنَآ إِلَّا كُلُّ خَتَّارٖ كَفُورٖ ٣٢﴾.

آنگاه که کافران به کشتی‌ها سوار می‌شوند و موج‌ها مانند ابر یا کوهی ارتفاع می‌یابد و ناشکیبایی و ترس از هلاکت بر آنان چیره می‌شود به خداوند أ پناه می‌برند و به پیشگاهش خالصانه دعا می‌کنند. اما آنگاه که توسّط کشتی با سلامتی و آرامش به خشکی می‌رسند برخی در عبادت خود میانه‌رواند؛ یعنی به گونۀ کامل شکر خدا را ادا نمی‌کنند و مؤمن موحّد و تقصیر کاراند، ولی برخی دیگر به نعمت‌های اوتعالی کفر می‌ورزند و در عبادتش شریک می‌آورند. آری! تنها خیانتکاران بدکار به آیات و دین خدا کفر می‌ورزند؛ آنان‌که عقدها و پیمان‌ها را شکستند و وعده‌ها را خلاف کردند، از نعمت‌ها انکار ورزیدند و احسنان الهی را فراموش نمودند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡ وَٱخۡشَوۡاْ يَوۡمٗا لَّا يَجۡزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِۦ وَلَا مَوۡلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِۦ شَيۡ‍ًٔاۚ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ ٣٣﴾.

ای مردم! با انجام اوامر و پرهیز از نواهی از پروردگار خویش بترسید و از دشواری روزی آشکار، یعنی قیامت هراس داشته باشید؛ روزی که در آن پدر از فرزند و فرزند از پدر چیزی را دفع کرده نمی‌توانند؛ یعنی خویشاوندیی نیست که فایده‌مند باشد و یاری دهنده‌ای نیست که عذاب را دفع کند. آنچه را خداوند أ در باب برپاشدن قیامت به شما وعده کرده حقّ است و در آن شکی وجود ندارد؛ از این رو به زندگی دنیا و به آرایش ظاهری‌اش فریب نخورید؛ زیرا دنیا باطل، نابودشدنی و متاع اندکی است. همچنان شیطان‌های انسی و جنّی شما را در شناخت و عبادت پروردگارتان و از هدایت به سوی گمراهی سوق ندهند.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡأَرۡحَامِۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسٞ مَّاذَا تَكۡسِبُ غَدٗاۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسُۢ بِأَيِّ أَرۡضٖ تَمُوتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرُۢ ٣٤﴾.

به راستی که تنها خداوند أ به وقت قیام قیامت داناست؛ نه کسی دیگر. اوست که باران را فرود می‌آورد و هیچ‌کس جز وی توان انجام این کار را ندارد. تنها حق‌تعالی می‌داند که در رحِم‌های مادران چیست و فقط او داناست که هریک از مردم فردا چه می‌کند؛ حال آنکه خود اشخاص نمی‌دانند. خداوند پاک داناست که هر نفسی به کدام سرزمین می‌میرد، حال آنکه خود شخص بدان آگاهی ندارد. یقیناً خداوند سبحان به هر چیزی داناست، هیچ امر نهانی از او مخفی نیست و هیچ غایبی از پوشیده نمی‌ماند.

سورۀ سجده

مکی است؛ ترتیب آن 32؛ شمار آیات آن 30

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿الٓمٓ ١﴾.

الف. لام. میم؛ از حروف مقطّعات است. هرچند می‌دانیم که معناهای ارزنده دارد، اما خداوند متعال به مراد خویش در نزول آن‌ها داناتر است.

﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢﴾.

قرآن کریم کتابی است که آن را خداوند أ بر پیامبرش نازل کرده و شکی نیست که وحیی از جانب پروردگار جهانیان است.

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۚ بَلۡ هُوَ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوۡمٗا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٖ مِّن قَبۡلِكَ لَعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ ٣﴾.

امّا کافران می‌گویند که محمد ج قرآن را از خود ساخته است و وحیی از جانب حق‌تعالی نمی‌باشد. پندار آنان دروغی بیش نیست؛ زیرا قرآن وحیی الهی است که توسط جبرئیل ÷ بر پیامبر بزرگوار اسلام نازل شده است تا با آن مردمی را بیم دهد که پیش از آنحضرت پیامبری به سوی‌شان فرستاده نشده بود؛ برای اینکه به سوی ایمان هدایت و به حق منقاد شوند.

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ مَا لَكُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِيّٖ وَلَا شَفِيعٍۚ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ٤﴾.

الله أ خداوندی است که تنها او آسمان‌ها، زمین و موجودات میان آن‌ها را بر مبنای حکمتی که خود به آن داناست در شش روز آفرید؛ هرچند او توانا بود که همه را با کلمۀ «کُن» به وجود آورد. بعد از آفرینش آن‌ها طوری که به جلالش سزاوار است بلاکیف و تشبیه بر عرش خویش استواء و ارتفاع نمود. جز پروردگار یاری کننده و صاحب اختیاری نیست که به تدبیر امور بندگان بپردازد و در شؤون حیات‌شان تصرّف نماید. همچنان در نزد حق‌تعالی شفیع و عذر خواهی وجود ندارد که عذاب را از آنان مرفوع سازد؛ مگر اینکه اوتعالی برای شفاعتگر اجازه دهد و از کسی که برایش شفاعت می‌شود راضی باشد. آیا در آیات نمی‌اندیشید و از نصیحت‌ها پند نمی‌گیرید، به خداوند یگانه ایمان نمی‌آورید و طاعت و عبادت را برای وی خالص نمی‌سازید؟

﴿يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ يَعۡرُجُ إِلَيۡهِ فِي يَوۡمٖ كَانَ مِقۡدَارُهُۥٓ أَلۡفَ سَنَةٖ مِّمَّا تَعُدُّونَ ٥﴾.

خداوند متعال امر کائنات را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌نماید، بعد از آن این امر و تدبیر در روزی به سوی پروردگار بالا می‌رود که اندازه‌اش هزار سال از روزهای دنیاست؛ از همان روزهایی که مردم برمی‌شمارند.

﴿ذَٰلِكَ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ٦﴾.

این مدبّر جهان، همان پروردگار و آفرید گاری است که متصرّف کائنات است. او به همه امور پوشیده از چشم‌ها، به امور پنهان در ضمیرها و به رازهای دل‌ها آگاه است و به چیزهایی که دیدگان می‌بیند علم دارد. اوتعالی در پادشاهی و حکمش غالب است، هر که با وی زور آزمایی کند خوارش می‌سازد، هر که با وی مقابله کند شکستش می‌دهد و به بندگانش مهربان است؛ از آن‌رو ایشان را مهلت می‌دهد و به سوی توبه فرا می‌خواند.

﴿ٱلَّذِيٓ أَحۡسَنَ كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥۖ وَبَدَأَ خَلۡقَ ٱلۡإِنسَٰنِ مِن طِينٖ ٧﴾.

الله أ خداوندی است که هرچیز را مستحکم آفرید، صُنعش نیکوست و پدر انسان‌ها آدم ÷ را از گِل به وجود آورد.

﴿ثُمَّ جَعَلَ نَسۡلَهُۥ مِن سُلَٰلَةٖ مِّن مَّآءٖ مَّهِينٖ ٨﴾.

بعد از آن خلقت فرزندان آدم را چنان مقرّر داشت که با پیدایش از آب منی ضعیف، صاف و بی‌ارزشی تکثّر می‌یابند.

﴿ثُمَّ سَوَّىٰهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِۦۖ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡ‍ِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ ٩﴾.

بعد از آن خلقت انسان را کامل می‌کند و به او نیرو می‌بخشد، سیمایش را نیکو می‌سازد و با فرستادن و توظیف فرشته‌ای از روحش در او می‌دمد. برای‌تان ای انسان‌ها چشم و گوش و دل می‌آفریند و این‌ها نعمت‌های ارزشمندی‌اند که به وسیلۀ آن‌ها آوازها، رنگ‌ها، اشیاء، علوم و معارف را درک می‌کنید، امور و چیزهای فایده بخش، ضررناک و نیک و بد را باز می‌شناسید. اما شکر گزاری‌تان در برابر این نعمت‌ها اندک است و از جملۀ شما بسیار کم‌اند کسانی که این نعمت‌ها را در طاعت خداوند أ به کار برند.

﴿وَقَالُوٓاْ أَءِذَا ضَلَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ أَءِنَّا لَفِي خَلۡقٖ جَدِيدِۢۚ بَلۡ هُم بِلِقَآءِ رَبِّهِمۡ كَٰفِرُونَ ١٠﴾.

کافرانی که از زنده‌شدن بعد از مرگ انکار داشتند گفتند: آیا وقتی جسم‌های ما در قبرها به خاک تبدیل شود با آفرینش تازه‌ای برانگیخته می‌شویم؟! این منکران، وقوع چنین امری را دور پنداشته‌اند؛ از این رو برای اثباتش دلیل نمی‌خواهند، بلکه فقط تکذیب می‌کنند و عناد پیشه‌اند.

﴿۞قُلۡ يَتَوَفَّىٰكُم مَّلَكُ ٱلۡمَوۡتِ ٱلَّذِي وُكِّلَ بِكُمۡ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ تُرۡجَعُونَ ١١﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: ملک الموت که خداوند أ او را به قبض ارواح موظّف داشته روح‌های شما را بدون تقدیم و تأخیر از موعدش می‌گیرد. بعد از آن در روز قیامت به سوی پروردگار خود باز می‌گردید و او اعمال شما را محاسبه می‌کند. در نتیجه مطیعان را پاداش نیکو می‌دهد و سرکشان را به عذاب گرفتار می‌سازد.

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلۡمُجۡرِمُونَ نَاكِسُواْ رُءُوسِهِمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ رَبَّنَآ أَبۡصَرۡنَا وَسَمِعۡنَا فَٱرۡجِعۡنَا نَعۡمَلۡ صَٰلِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ ١٢﴾.

اگر مجرمان منکر حساب را در روز قیامت مشاهده کنی که با ذلّت و ترسناکی سر افکنده‌اند و در حالی که خواری و محنت بر آنان سایه افکنده می‌گویند: پروردگارا! بدی اعمال خویش را دیدیم و سخن حق را که پیامبران ما را به سویش فرا می‌خواندند شنیدیم، اکنون طور یقین به خطاکاری خود پی‌بردیم و اینک به سویت توبه‌گار شده‌ایم؛ پس ما را به زندگی دنیا بر گردان تا از اعمال نیکو توشه بگیریم. اکنون به علم یقین دانستیم که به دینت کافر بودیم، پیامبرت را تکذیب نمودیم و زند‌ه‌شدن بعد از مرگ را دروغ پنداشتیم. اگر این امر را در روز رستاخیز بزرگ مشاهده نمایی، یقیناً که امر هولناک و سخن بزرگی را مشاهده نموده‌ای.

﴿وَلَوۡ شِئۡنَا لَأٓتَيۡنَا كُلَّ نَفۡسٍ هُدَىٰهَا وَلَٰكِنۡ حَقَّ ٱلۡقَوۡلُ مِنِّي لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ ١٣﴾.

اگر خداوند أ بخواهد کافران را به راه حق هدایت می‌کند و به ایمان توفیق می‌بخشد، اما قول حق از جانب اوتعالی از پیش ثابت شده و وقوعش لازمی است، مبنی بر اینکه دوزخ را از جنّیان و انسان‌های سرکش و عصیانگر پر می‌نماید؛ زیرا آنان باطل را بر حق ترجیح دادند و اختیار نمودند.

﴿فَذُوقُواْ بِمَا نَسِيتُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَآ إِنَّا نَسِينَٰكُمۡۖ وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡخُلۡدِ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ١٤﴾.

هنگامی که کافران در روز قیامت به دوزخ داخل می‌شوند برای‌شان گفته می‌شود: به سبب غفلت خویش را حساب و جزای اعمال و به خاطر مصروفیت به لذّت‌های دنیای فانی عذاب را بچشید. خداوند أ شما را در دوزخ رها گذاشته نه بیرون‌تان می‌کند و نه عذاب آن را بر شما تخفیف می‌دهد. عذاب آتش را به سبب اعمال ناپسند کفر، تکذیب و ظلمی که انجام دادید همیشه و دوامدار بچشید.

﴿إِنَّمَا يُؤۡمِنُ بِ‍َٔايَٰتِنَا ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِهَا خَرُّواْۤ سُجَّدٗاۤ وَسَبَّحُواْ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ۩ ١٥﴾.

تنها کسانی به آیات کتاب الهی تصدیق می‌کنند و از آن پیروی می‌نمایند که چون با آن بیم داده شوند نصیحت را می‌پذیرند و آنگاه که آیاتش برای‌شان خوانده شود با ترسناکی و فروتنی برای پروردگار سجده می‌نمایند، اوتعالی را در سجده با ثنا و ستایش به پاکی یاد می‌کنند و از عبادت و فروتنی به پیشگاه وی تکبّر نمی‌ورزند.

﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمۡ عَنِ ٱلۡمَضَاجِعِ يَدۡعُونَ رَبَّهُمۡ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ١٦﴾.

پهلوهای گروه ابرابر از ترس و پروردگار در هنگام خواب از خوابگاه‌شان دور است؛ یعنی خواب‌شان مانند خواب منافقان نیست که چون خود مرده و بیجان باشند، بلکه برای نماز شب (تهجّد) برمی‌خیزند، خدا را بسیار یاد می‌کنند و با ترسناکی از حق‌تعالی خواستاراند و از مال و روزی حلالی که برای‌شان عطا کرده در راه خدا صدقه می‌نمایند.

﴿فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٧﴾.

هیچکس آگاهی ندارد و نمی‌داند که پروردگار منّان چه اندازه روزی‌های با کرامتی را برای مؤمنان برابر در بهشت‌های پر از نعمت، در جوار خویش همراه با خورسندی، شادابی نفس و انشراح صدر، با عافیت و آرامش آماده کرده است. این پاداشی است که در بدل ایمان و اعمال نیکوی‌شان برای‌شان داده شده است.

﴿أَفَمَن كَانَ مُؤۡمِنٗا كَمَن كَانَ فَاسِقٗاۚ لَّا يَسۡتَوُۥنَ ١٨﴾.

آیا کسی که به خداوند أ ایمان داشته باشد، از پیامبرش پیروی نماید و وعده و وعید الهی را تصدیق نماید، برابر با کسی است که به تکذیب رسول خدا بپردازد، به آنچه حق‌تعالی نازل کرده کفر ورزد و از دایرۀ طاعت الهی خارج شود؟! نه، هرگز برابر نیستند.

﴿أَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلۡمَأۡوَىٰ نُزُلَۢا بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٩﴾.

اما باز گشت مؤمنان نیکوکار و پرهیزگار به سوی بهشت‌های پر از نعمت است، در آن مأوا می‌گزینند و از نعمت‌هایش بهره می‌گیرند. در آنجا برای‌شان محافل نیکویی به طور مهمانی برپا می‌شود و این نعمت‌ها، پاداش اعمال صالح و پذیرفته شدۀشان است که پیش‌تر در دنیا انجام داده بودند.

﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فَسَقُواْ فَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ كُلَّمَآ أَرَادُوٓاْ أَن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَآ أُعِيدُواْ فِيهَا وَقِيلَ لَهُمۡ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلنَّارِ ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ٢٠﴾.

اما کسانی که خداوند أ را نافرمانی کردند، از طاعتش بیرون آمدند و با پیامبرش مخالفت ورزیدند، به سوی آتش دوزخ باز می‌گردند هرباری که بخواهند از آن بیرون شوند، حق‌تعالی آنان را باز می‌گرداند و برای‌شان به گونۀ توبیخ و سرزنش گفته می‌شود: از عذاب دوزخ که در زندگی دنیا بدان تکذیب می‌کردید بچشید.

﴿وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَدۡنَىٰ دُونَ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَكۡبَرِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٢١﴾.

به یقین که الله أ پیش از عذاب اکبر در آتش دوزخ، کافران را از عذاب دنیا که نزدیک‌تر است می‌چشاند و آنان را به انواع مصیبت‌ها و غم‌ها، بلاها و اضطراب‌ها، محنت‌ها و پریشانی‌ها، بیماری‌ها و دردها گرفتار می‌نماید تا شاید به خود آیند و با پیش گرفتن توبه از کفر و تکذیب به سوی حق‌تعالی باز گردند و با اخلاص در عبادت و طاعت به او رجوع نمایند.

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ثُمَّ أَعۡرَضَ عَنۡهَآۚ إِنَّا مِنَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ مُنتَقِمُونَ ٢٢﴾.

هیچکس ظالم‌تر نخواهد بود از کسی که به وسیلۀ آیات فرود آمده از جانب حق‌تعالی بر پیامبرش نصیحت شود، اما آن را ترک کند و بدان ایمان نیاورد، از حق اعراض نماید و بدان عمل نکند. به یقین که خداوند أ از دشمنان مجرم و بدکارش با عذاب سختی انتقام می‌گیرد.

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ فَلَا تَكُن فِي مِرۡيَةٖ مِّن لِّقَآئِهِۦۖ وَجَعَلۡنَٰهُ هُدٗى لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٢٣﴾.

یقیناً خداوند پاک تورات را بر موسی ÷ نازل کرد؛ همچنان که قرآن کریم را بر محمد ج نازل نمود. ای پیامبر! اکنو دربارۀ ملاقات موسی ÷ در شب معراج و سفر اسراء شک نداشته باش. الله أ تورات را هدایت و بیانی برای بنی‌اسرائیل مقرّر داشت تا آنان را به سوی هدایت فرا خواند و به خیر رهنمایی کند.

﴿وَجَعَلۡنَا مِنۡهُمۡ أَئِمَّةٗ يَهۡدُونَ بِأَمۡرِنَا لَمَّا صَبَرُواْۖ وَكَانُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا يُوقِنُونَ ٢٤﴾.

حق‌تعالی از بنی‌اسرئیل هدایتگران و دعوت‌گرانی را موظّف نمود و پیشوایان و رهبرانی را مقرّر داشت که مردم در احسان و نیکوکاری به ایشان اقتدا می‌نمودند و دیگران را به سوی طاعت الهی و صلاح و استقامت دعوت می‌کردند. این بدان سبب بود که ایشان با ادای طاعت و ترک مخالفت‌ها صبر می‌کردند، به آیات و براهین الهی یقین داشتند و به کامل‌ترین وجه تصدیق می‌کردند. بناءً با صبر و استقامت در برابر شهوات مقاومت نمودند و با یقین و تصدیق در برابر شبهات استقامت کردند؛ زیرا امامت در دین با همین صبر و یقین به دست می‌آید.

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفۡصِلُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ٢٥﴾.

ای پیامبر! به راستی که پروردگار تو در میان مؤمنان و کافران اعم از یهودیان و دیگر فرقه‌ها در روز قیامت فیصله صادر می‌کند و در امور اختلافی میان اهل شرایع و ادیان به عدل حکم می‌نماید. در نتیجه برای فرمانبرداران پاداش می‌دهد و سرکشان را به عذاب گرفتار می‌سازد.

﴿أَوَ لَمۡ يَهۡدِ لَهُمۡ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ يَمۡشُونَ فِي مَسَٰكِنِهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍۚ أَفَلَا يَسۡمَعُونَ ٢٦﴾.

آیا برای این گروه از کافران واضح نشده که چه قدر خداوند أ اهل قرن‌های پیشین چون قوم هود، صالح و لوط † را به هلاکت رساند؛ در حالی که اینان در مساکین تکذیب گران، بعد از هلاکت آنان می‌گذرند، آثارشان را می‌بینند و خبرهای آنان را می‌شنوند؟ یقناً در هلاکت و تباهی و بقای آثار آنان دلایل وضاحی است که به راستگویی پیامبران، به حقانیت شریعتی که از جانب خداوند أ آورده‌اند و به زشتی اعمال کافران دلالت می‌کند. آیا گروه کُفّار دلایل پروردگار یگانۀ قهّار را که بر پیامبران ابرار نازل کرده نمی‌شنودند؟

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا نَسُوقُ ٱلۡمَآءَ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡجُرُزِ فَنُخۡرِجُ بِهِۦ زَرۡعٗا تَأۡكُلُ مِنۡهُ أَنۡعَٰمُهُمۡ وَأَنفُسُهُمۡۚ أَفَلَا يُبۡصِرُونَ ٢٧﴾.

آیا کافران تکذیب کنندۀ زندگی بعد از مرگ مشاهده نکردند که خداوند أ آب را به سوی زمین خشک بی‌آب و علف سرازیر می‌کند و به وسیلۀ آن کشت سبزی را بیرون می‌آورد که انسان‌ها و چارپایان از آن می‌خورند و غذای حیوان و انسان از آن به دست می‌آید؟ پس چرا و به چه دلیل در قدرت و عظمت پروردگار که این کار را انجام داده نمی‌اندیشند و فکر نمی‌کنند که هر که چنین کارهایی را انجام دهد به زنده کردند بعد از مرگ مردم نیز تواناست.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡفَتۡحُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٨﴾.

کافران به آمدن روز قیامت شتاب می‌ورزند و در حالی که وقوع آن را دور می‌شمرند می‌گویند: ای مسلمانان! اگر شما راست می‌گویید، حکم فیصله‌بخش پروردگار میان کافران و مؤمنان – به گمان شما – چه وقت است؟

﴿قُلۡ يَوۡمَ ٱلۡفَتۡحِ لَا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِيمَٰنُهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ٢٩﴾.

ای پیامبر! برای‌شان بگو: در آن روز که حق‌تعالی میان مردم حکم فیصله کننده‌اش را صادر کند، ایمان به خدا و رسولش برای‌تان فایده‌ای نمی‌رساند؛ زیرا وقت آن گذشته و شما یک لحظه هم مهلت داده نمی‌شوید تا امور از دست رفتۀتان را با توبه به دست آرید و اکنون وقت حساب است نه وقت عمل.

﴿فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ وَٱنتَظِرۡ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ ٣٠﴾.

بنابراین از کافران اعراض کن، چون بر تو باکی نیست و خسارۀ کفر آنان به تو باز نمی‌گردد. اموری را انتظار داشته باش که حتماً به آنان رسیدنی است؛ زیرا کافران نیز گردش بد روزگار بر مؤمنان را چشم به راه‌اند و انتظار می‌کشند.

سورۀ احزاب

مدنی است؛ ترتیب آن 33؛ شمار آیات 73

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ ٱتَّقِ ٱللَّهَ وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١﴾.

ای پیامبر! با عمل به کارهایی که محبوب حق‌تعالی خوشنودی اوست و با ترک امور که وی را ناخوشنود می‌نماید، تقوای الهی را در پیش گیر و از کافران و منافقان در ترک چیزی از امور دین یا به گونۀ سازگاری پیروی مکن. به راستی که خداوند أ به هر چیز داناست، هیچ امری از او پنهان نیست و هیچ غایبی از پوشیده نمی‌ماند، در آفرینش و صُنعش و در حکم و شریعتش با حکمت است.

هر چند امر به تقوا بر پیامبر ج صورت گرفته اما به طور عام متوجّه همه امّت است.

﴿وَٱتَّبِعۡ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ٢﴾.

ای پیامبر! از آنچه خداوند أ به سویت وحی نموده – که کتاب و سنّت بیانگر آن است – پیروی نما. به یقین که خداوند متعال به عمل هر عمل کننده‌ای آگاه است و قطعاً از اعمال‌شان حساب می‌گیرد؛ یعنی برای اعمال نیکو پاداش نیک و برای اعمال بد جزای سختی مقرّر می‌دارد.

﴿وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا ٣﴾.

در امور خویش به خداوند أ توکّل کن و همه را به او بسپار. کسی که حق‌تعالی را نگهبانش بداند و از او یاری بخواهد، بسندۀ اوست. پس او بهترین متصرّف و نیکوترین صاحب اختیاری است.

﴿مَّا جَعَلَ ٱللَّهُ لِرَجُلٖ مِّن قَلۡبَيۡنِ فِي جَوۡفِهِۦۚ وَمَا جَعَلَ أَزۡوَٰجَكُمُ ٱلَّٰٓـِٔي تُظَٰهِرُونَ مِنۡهُنَّ أُمَّهَٰتِكُمۡۚ وَمَا جَعَلَ أَدۡعِيَآءَكُمۡ أَبۡنَآءَكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ قَوۡلُكُم بِأَفۡوَٰهِكُمۡۖ وَٱللَّهُ يَقُولُ ٱلۡحَقَّ وَهُوَ يَهۡدِي ٱلسَّبِيلَ ٤﴾.

خداوند أ در سینۀ هیچ‌کس از مردم دو دل قرار نداده که با یکی دوستی ورزد و با یکی دشمنی نماید. اوتعالی همسران‌تان را که از آن‌ها ظهار می‌کنید مادران شما حرام نکرده است؛ زیرا همسر شخص به هیچ وجهی مادرش نیست. ظهار از اعمال و رواج‌های جاهلیت بوده و آن است که مردی برای زنش بگوید: تو بر من مانند پشت مادرم هستی. همچنان الله تعالی پسر گفته‌های شما را مانند فرزندان نسبی اصیل‌تان مقرّر نداشته است. بنابراین ظهار و پسر خواندگی در باب تحریم دایمی درست نیست و تأثیری ندارد؛ یعنی زنی که او ظهار صورت گرفته باشد مانند مادر نمی‌باشد و پسر گفته همچون فرزند نسبی و شرعی نیست، بلکه ظهار و فرزند گفتن کسی، مجرّد حرف زبان است که حقیقت و اعتباری ندارد. خداوند سبحان حق را می‌گوید و بدان حکم می‌نماید، آن را به بندگانش تعلیم می‌دهد و ایشان را به عدل در گفتار و کردار رهنمایی می‌نماید.

﴿ٱدۡعُوهُمۡ لِأٓبَآئِهِمۡ هُوَ أَقۡسَطُ عِندَ ٱللَّهِۚ فَإِن لَّمۡ تَعۡلَمُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ فَإِخۡوَٰنُكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَمَوَٰلِيكُمۡۚ وَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٞ فِيمَآ أَخۡطَأۡتُم بِهِۦ وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتۡ قُلُوبُكُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمًا ٥﴾.

فرزندان را به پدران‌شان نسبت دهید و نسب‌ها را به هم مخلوط نسازید، این کار در نزد پروردگار متعال به عدل و حقّانیت نزدیک‌تر است. اگر پدران حقیقی فرزندان را نمی‌شناختید، آنان را – با ملاحظۀ رابطۀ اجتماع و محبت خویش – به نام برادران دینی‌تان بخوانید؛ زیرا ایشان برادران و دوستان دینی شما می‌باشند. بر شما گناهی نیست، اگر خطایی از شما نا آگاهانه سر زند و دل‌های‌تان قصد آن را نداشته باشد، خداوند أ شما را تنها به امور و کارهای قصدی – نه به خطاکاری‌ها – مؤاخذه می‌نماید. الله تعالی برای شخص خطاکاری که به قصد گناه نکرده باشد می‌آمرزد و توبه کنندای را که به گناه اصرار نورزد مورد رحمتش قرار می‌دهد.

﴿ٱلنَّبِيُّ أَوۡلَىٰ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَأَزۡوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمۡۗ وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ إِلَّآ أَن تَفۡعَلُوٓاْ إِلَىٰٓ أَوۡلِيَآئِكُم مَّعۡرُوفٗاۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَسۡطُورٗا ٦﴾.

پیامبر بزرگوار اسلام محمد ج در مسایل دین و دنیا برای مؤمنان از خودشان بهتر و نزدیک‌تراند و همسران آن حضرت در حرمت خویش مادران مسلمانان‌اند؛ از این رو نکاح همسر پیامبر ج برای‌شان حرام است. میراث بردن مؤمنان خویشاوند از یک دیگر، نسبت به میراث بردن به اساس ایمان و هجرت – که در نخستین دورۀ اسلام مشروع بود و بعد از آن منسوخ شد – اولی و بهتر است؛ زیرا نظام ارث براساس نسب مشروعیت یافته و بر مبنای اخوّت دینی نیست؛ مگر آنگاه که مسلمانان ارادۀ انجام کار خیری را داشته باشند و چیزی را به عنوان خیرات تحفه، نیکی، وصیت و احسان برای غیر ورثه بدهند. این حکم که خداوند أ آن را مشروع کرده در لوح محفوظ نوشته و ثبت است، پس با عمل به امور مشروع، تابع امر اوتعالی باشید، از امام اموری که به عنوان شریعت آورده متابعت نمایید، به همسران آن حضرت احترام داشته باشد و با اذیت و آزار بر آنان تعرّض نکنید؛ زیرا کسی که چنین کند خشم و لعنت الله تعالی بر او لازم می‌گردد.

از این آیه دانسته می‌شود که بر هر مسلمان واجب است پیامبر ج را از خویشتن هم بیشتر دوست داشته باشد.

﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِنَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ مِيثَٰقَهُمۡ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٖ وَإِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۖ وَأَخَذۡنَا مِنۡهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا ٧﴾.

ای پیامبر! از روزی یاد کن که خداوند أ از پیامبران برای تبلیغ رسالت‌شان پیمانی مستحکم گرفت و اوتعالی از تو و از نوح، ابراهیم، موسی و عیسی بن‌مریم † عهد و پیمان گرفت که پیام الهی را تبلیغ کنند، امانتش را ادا نمایند، از آنچه به تبلیغش مأمور شده‌اند چیزی را نپوشند و هر کدام‌شان یک دیگر را تصدیق نمایند.

﴿لِّيَسۡ‍َٔلَ ٱلصَّٰدِقِينَ عَن صِدۡقِهِمۡۚ وَأَعَدَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابًا أَلِيمٗا ٨﴾.

این عهد و پیمان را از پیامبران گرفت تا نحوۀ پاسخ دهی هر قوم در برابر دعوت را از ایشان بپرسد و در نتیجه مؤمنان را با دخول در بهشت پاداش دهد و کافران را در آتش دوزخ عذاب نماید.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ جَآءَتۡكُمۡ جُنُودٞ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا وَجُنُودٗا لَّمۡ تَرَوۡهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرًا ٩﴾.

ای مؤمنان! از فضل و احسان الهی بر خویشتن در روز غزوۀ احزاب یاد آورید؛ آنگاه که اهل کفر اعم از یهود، مشرکان و منافقان بر شما اتفاق ورزیده و شما را از هر طرف احاطه نموده بودند، خداوند أ باد شدیدی را بر سپاه‌شان فرستاد که خیمه‌های‌شان را از بیخ برکند، دیگ‌های‌شان را دور انداخت و خاک‌ها را بر روی‌شان پاشید. فرشتگانی را از آسمان به کمک‌تان فرستاد که شما آنان را نمی‌دیدید و ترس و وحشت را در دل کافران فرود آورد؛ چنان‌چه مجبور به فرار شدند و با زیانمندی و نقصان برگشتند. پروردگار به اعمال شما بینا و به احوال شما آگاه است و امور مخفی از وی پوشیده نمی‌ماند.

﴿إِذۡ جَآءُوكُم مِّن فَوۡقِكُمۡ وَمِنۡ أَسۡفَلَ مِنكُمۡ وَإِذۡ زَاغَتِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَبَلَغَتِ ٱلۡقُلُوبُ ٱلۡحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِٱللَّهِ ٱلظُّنُونَا۠ ١٠﴾.

از آن وقت یاد آورید که کافران از بالای وادی از ناحیۀ شرق، و از پایین وادی از طرف غرب بر شما هجوم آوردند؛ چشمان شما از بی‌خودی، حیرت و دهشت خیره شده بود؛ دل‌های‌تان از کثرت هول و شدّت ترس به حنجره‌های شما رسیده بود؛ نا امیدی بر اهل نفاق چیره شده بود؛ شکّ و تردّد افزون می‌شد؛ و شما امور نامناسبی را بر خداوند أ گمان می‌کردید که گویا پیامبرش را یاری نمی‌کند و دینش را اعتلا نمی‌بخشد.

﴿هُنَالِكَ ٱبۡتُلِيَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَزُلۡزِلُواْ زِلۡزَالٗا شَدِيدٗا ١١﴾.

در این موقعیت دشوار، اهل ایمان مورد امتحان قرار گرفتند، مسلمانان آزموده شدند، راستگوی و دروغگوی از هم جدا شد و به مسلمانان بلای هولناکی رسید که از اثرش دل‌ها به اضطراب آمد و نفس‌ها ترسید. این دشواری پدید آمد تا ایمان اهل ایمان زیادت یابد، یقین‌شان بزرگ شود و اعتمادشان به پروردگار بیشتر گردد.

﴿وَإِذۡ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ مَّا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ إِلَّا غُرُورٗا ١٢﴾.

در آن روز منافقان و اهل شکّ و تردید گفتند: یقیناً که وعدۀ خدا و پیامبرش در باب پیروزی، عزّت و غلبه حقیقتی ندارد، بلکه فریبی است که مصداقی ندارد.

﴿وَإِذۡ قَالَت طَّآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ يَٰٓأَهۡلَ يَثۡرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمۡ فَٱرۡجِعُواْۚ وَيَسۡتَ‍ٔۡذِنُ فَرِيقٞ مِّنۡهُمُ ٱلنَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوۡرَةٞ وَمَا هِيَ بِعَوۡرَةٍۖ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارٗا ١٣﴾.

در این آیه سخن جماعتی از اهل نفاق یادآوری شده که در جمع اهل مدینه ندا در دادند: ای اهل یثرب! این نام پیشین مدینه است – برای چه در این معرکۀ سراسر زیان می‌ایستید! به خانه‌های‌تان در داخل مدینه برگردید. گروهی از منافقان از رسول خدا در بازگشت به خانه‌های خود اجازه خواستند؛ به دلیل اینکه خانه‌های آنان با امنیت نیست و محلّ اعتماد نمی‌باشد و از این رو نسبت به اهل و فرزندان خود پریشان هستند. اما این سخن در واقعیت و حقیقت دروغ بود، بلکه گریز از جهاد و تنها گذاشتن پیامبر ج و یاران‌شان را اراده داشتند.

﴿وَلَوۡ دُخِلَتۡ عَلَيۡهِم مِّنۡ أَقۡطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُواْ ٱلۡفِتۡنَةَ لَأٓتَوۡهَا وَمَا تَلَبَّثُواْ بِهَآ إِلَّا يَسِيرٗا ١٤﴾.

اگر کافران اهل احزاب که در اطراف مدینه بودند به مدینه وارد می‌شدند و بعد از آن از منافقان می‌خواستند که به خداوند أ کفر ورزند و مرتد شوند، منافقان این خواسته را می‌پذیرفتند، در پذیرش این خواسته شتاب می‌نمودند و به زودترین فرصت به آغوش کافران می‌شتافتند.

﴿وَلَقَدۡ كَانُواْ عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ مِن قَبۡلُ لَا يُوَلُّونَ ٱلۡأَدۡبَٰرَۚ وَكَانَ عَهۡدُ ٱللَّهِ مَسۡ‍ُٔولٗا ١٥﴾.

گروه منافقان پیشتر با خداوند أ عهد و پیمان بسته بودند که از میدان معرکه نگریزند و جهاد و قتال در راه حق را رها نکنند، اما به این عهد خیانت کردند و پیمان را شکستند. قطعاً خداوند أ از این عهد و پیمان آنان را مورد سؤال قرار می‌دهد؛ زیرا عهد الهی مورد محاسبه قرار می‌گیرد؛ یعنی کسی که به آن وفا کند پاداش می‌یابد و کسی که آن را بشکند به عذاب گرفتار می‌شود.

﴿قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلۡفِرَارُ إِن فَرَرۡتُم مِّنَ ٱلۡمَوۡتِ أَوِ ٱلۡقَتۡلِ وَإِذٗا لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ١٦﴾.

ای پیامبر! برای منافقان بگو که گریز شما از جنگ، از ترس مردن و کشته شدن سودی ندارد؛ زیرا این کار عمر‌های شما را زیاده نمی‌کند و مرگ شما را به تأخیر نمی‌اندازد. اگر از مرگ بگریزید، بازهم در زندگی دنیا جز مدّت اندکی نخواهید ماند و آن مدّت زندگی مقدّر شماست که بعد از گذشت آن چاره‌ای از مرگ نیست. اکنون بهتر است مؤمنانی شرافتمند بمیرید؛ نه منافقانی ترسو.

﴿قُلۡ مَن ذَا ٱلَّذِي يَعۡصِمُكُم مِّنَ ٱللَّهِ إِنۡ أَرَادَ بِكُمۡ سُوٓءًا أَوۡ أَرَادَ بِكُمۡ رَحۡمَةٗۚ وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ١٧﴾.

ای پیامبر! برای منافقان بگو: اگر پروردگار به شما عذابی را اراده کند یا رحمت و آسایشی را بخواهد، کیست که شما را از آن نگه دارد؟ تنها خداوند أ بخشنده و بازدارنده است و اوست که ضرر می‌رساند و نفع رسان است. منافقان غیر از حق‌تعالی کسی را نمی‌یابند که در امور آنان تصرّف کرده یاری‌شان کند و عذاب را از آنان دفع نماید.

﴿۞قَدۡ يَعۡلَمُ ٱللَّهُ ٱلۡمُعَوِّقِينَ مِنكُمۡ وَٱلۡقَآئِلِينَ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ هَلُمَّ إِلَيۡنَاۖ وَلَا يَأۡتُونَ ٱلۡبَأۡسَ إِلَّا قَلِيلًا ١٨﴾.

خداوند أ باز دارندگان از قتال در راه خویش را می‌شناسد؛ آنان‌که برای برادران‌شان گفتند: به ما رو آورید، با ما باشید، پیامبر و یارانش را تنها بگذارید و همراه‌شان را رهزنی می‌کردند، خودشان نیز جز بسیار کم به جنگ شرکت نمی‌کردند؛ آن هم به طریق ریا و سمعه و از ترس اینکه مبادا چهرۀشان افشا شود.

﴿أَشِحَّةً عَلَيۡكُمۡۖ فَإِذَا جَآءَ ٱلۡخَوۡفُ رَأَيۡتَهُمۡ يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ تَدُورُ أَعۡيُنُهُمۡ كَٱلَّذِي يُغۡشَىٰ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡمَوۡتِۖ فَإِذَا ذَهَبَ ٱلۡخَوۡفُ سَلَقُوكُم بِأَلۡسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى ٱلۡخَيۡرِۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَمۡ يُؤۡمِنُواْ فَأَحۡبَطَ ٱللَّهُ أَعۡمَٰلَهُمۡۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ١٩﴾.

آنان در مصرف مال، کوشش با وجود، اِعمال محبّت و موالات و خیررسانی بر پیامبر و یارانش بخیل هستند از آن‌رو که در دل‌های‌شان نفاق و بیماری وجود دارد؛ طوری که زندگی ذلّت‌بار را دوست می‌دارند و از مرگ شرافتمندانه بد می‌برند. بنابراین با فرا رسیدن وقت جهاد از مرگ می‌ترسند و دیده می‌شود که از شدّت ترس و حرص، چشمان‌شان با حیرت و اضطراب دَور می‌خورد حال آنکه از جنگ هراس دارند؛ مانند کسی که مرگش فرا می‌رسد و چشمانش از هول آینده‌اش به دوران می‌آید. اما آنگاه که جنگ خاتمه یافت و ترس و شدّت دور شد، مانند تیراندازانی‌اند که به زبان‌های تیز و اذیت‌بار خویش با تیر دشنام شما را هدف قرار دهند. در هنگامی که غنایم تقسیم می‌شود بخیل، حسود و مانع خیراند و آن را به دیگران دوست ندارند؛ زیرا ایمان در دل‌های آنان داخل نشده است و از آن‌رو خداوند أ به سبب نفاق‌شان از آنان انتقام می‌گیرد، مزدشان را محو می‌نماید و مورد عذاب‌شان قرار می‌دهد.

﴿يَحۡسَبُونَ ٱلۡأَحۡزَابَ لَمۡ يَذۡهَبُواْۖ وَإِن يَأۡتِ ٱلۡأَحۡزَابُ يَوَدُّواْ لَوۡ أَنَّهُم بَادُونَ فِي ٱلۡأَعۡرَابِ يَسۡ‍َٔلُونَ عَنۡ أَنۢبَآئِكُمۡۖ وَلَوۡ كَانُواْ فِيكُم مَّا قَٰتَلُوٓاْ إِلَّا قَلِيلٗا ٢٠﴾.

منافقان با سستی و ترس شدید می‌پنداشتند، احزاب – که آنان را خداوند أ خوار و ذلیل ساخت – مدینه را رها نکرده‌اند. اگر احزاب بار دوم به منظور جنگ با مؤمنان به سوی مدینه باز گردند، منافقان آرزو می‌برند ای کاش در کنار اعراب صحرانشین و از جنگ غایب می‌بودند، از جای دور به جستجو می‌پرداختند و از مسافران خبرها را می‌پرسیدند. ای مؤمنان! اگر منافقان در ساحۀ جهاد با شما می‌بودند جز وقتی اندک به جنگ شرکت نمی‌کردند؛ از آن‌رو که ترس، خواری و سستی شدیدی آنان را فرا گرفته است.

﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا ٢١﴾.

ای مسلمانان! یقیناً رسول خدا ج نیکوترین مقتدا و پسندیده‌ترین نمونه‌ای است که سنّتش را لازم می‌گیرید، به امرش عمل می‌کنید، از نهیش می‌پرهیزید، شریعتش را در زندگی خویش حاکم می‌سازید و به گفتار، کردار و احوال وی در هریک از شؤون زندگی اقتدا می‌کنید. دقیقاً کسی از پیامبر ج پیروی می‌کند، به هدایتش رهنمون می‌شود و به سنتش عمل می‌نماید که پاداش الهی را امیدوار باشد، با اعمال نیک برای روز قیامت آمادگی بگیرد و به ذکر خدا بسیار مصروف باشد تا از نفاق رها شود و از مرض قلب سلامتی یابد. بنابراین نسانۀ مؤمن راستکار و با اخلاص، متابعت پیامبر ج و لزوم سنّت اوست؛ برخلاف منافق که دلش بیمار است و از سنّت و اهل آن بد می‌برد.

﴿وَلَمَّا رَءَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡأَحۡزَابَ قَالُواْ هَٰذَا مَا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَصَدَقَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥۚ وَمَا زَادَهُمۡ إِلَّآ إِيمَٰنٗا وَتَسۡلِيمٗا ٢٢﴾.

آنگاه که مؤمنان احزاب را – که به مدینه احاطه کرده بودند – دیدند، دانستند که وعدۀ نصرت و یاری حق‌تعالی نزدیک شده و گفتند: این همان وعده‌ای است که پیشتر از طرف خداوند أ و پیامبرش به ما داده شده بود؛ یعنی بعد از ابتلا نجات می‌یابیم و سپس یاری و پیروزی به ما داده می‌شود. اکنون پروردگار وعده‌اش را عملی می‌کند و پیامبرش ج در خبرش راستگوی است. مشاهدۀ احزاب در وجود مؤمنان جز تصدیق به وعدۀ خدا، تسلیم به تقدیر، خوشنودی به حکمش و گردن نهادن به امرش چیزی نیفزود.

﴿مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ رِجَالٞ صَدَقُواْ مَا عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ عَلَيۡهِۖ فَمِنۡهُم مَّن قَضَىٰ نَحۡبَهُۥ وَمِنۡهُم مَّن يَنتَظِرُۖ وَمَا بَدَّلُواْ تَبۡدِيلٗا ٢٣﴾.

از مؤمنان مردانی هستند که به تعهّد با پروردگارشان وفا کردند؛ چنان‌که طاعت را برای او خالص ساختند، در راه او جهاد کردند و در برابر سختی‌ها و مشکلات و در حین جنگ استقامت ورزیدند. در نتیجه بعضی از ایشان وفا کرده و در راه خدا شهید شدند امّا بعضی دیگر یکی از دو نیکویی: یا پیروزی و یا شهادت را انتظار می‌کشند، عهد‌شان را تغییر ندادند و مانند منافقان وعده خلافی نکردند، بلکه استوار ماندند و صداقت‌شان را به اثبات رساندند.

﴿لِّيَجۡزِيَ ٱللَّهُ ٱلصَّٰدِقِينَ بِصِدۡقِهِمۡ وَيُعَذِّبَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ إِن شَآءَ أَوۡ يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٢٤﴾.

تا خداوند أ برای راستگویان در برابر صداقت گفتار و اعمال‌شان پاداش عطا کند و منافقان را در قبال دروغگویی و فریب آنان – در صورتی که بخواهد – عذاب کند؛ به اینگونه که آن‌ها را به سوی ایمان هدایت نکند، با نفاق بمیرند و به دوزخ داخل شوند. اما حق‌تعالی گناهان اسرافکاران را در صورتی که توبه کنند و بازگردند می‌آمرزد و به کسی که با اقرار و اعتراف به خطا و گناهش به سوی وی باز گردد مرحمت می‌نماید.

﴿وَرَدَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِغَيۡظِهِمۡ لَمۡ يَنَالُواْ خَيۡرٗاۚ وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلۡقِتَالَۚ وَكَانَ ٱللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزٗا ٢٥﴾.

خداوند متعال کافران را در حالی از مدینه بیرون راند که گرد و غبار خواری و شکست را به دامن داشتند و به خیری از پیروزی و غنیمت دنیوی، یا مزد و پاداش اخروی نایل نشده بودند. اوتعالی با اسباب مقدّر خویش چون وزش باد شدید و نزول فرشتگان از آسمان، مؤمنان را برای جنگ بسنده ساخت. آری! اوتعالی نیرومند است؛ چنان‌که هر که با وی محاربه کند خوارش می‌سازد، هر که با او زور آزمایی نماید شکستش می‌دهد و در پادشاهی‌اش سیطره و غلبه دارد.

﴿وَأَنزَلَ ٱلَّذِينَ ظَٰهَرُوهُم مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مِن صَيَاصِيهِمۡ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعۡبَ فَرِيقٗا تَقۡتُلُونَ وَتَأۡسِرُونَ فَرِيقٗا ٢٦﴾.

خداوند أ یهود بنی قریظه را از قلعه‌های‌شان فرود آورد و در دل‌های آنان ترس و وحشت انداخت؛ زیرا آنان در جنگ با مؤمنان به نفع کافران کمک کرده بودند. در نتیجه با زیانمندی شکست خوردند؛ چنان‌چه مؤمنان گروهی از آنان را کشتند و گروهی دیگر را به اسارت گرفتند.

﴿وَأَوۡرَثَكُمۡ أَرۡضَهُمۡ وَدِيَٰرَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُمۡ وَأَرۡضٗا لَّمۡ تَطَ‍ُٔوهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٗا ٢٧﴾.

ای مسلمانان! خداوند أ شما را بر خانه‌ها و کشتزار‌ها و بر اموار یهودیان چون اسلحه و چارپایان مسلّط ساخت و نیز شما را سرزمینی مسلّط داشت که پیش از این – به دلیل قوّت اهل و قلعه‌های بسیارش – به فتح آن دست نیافته بودید. پروردگار بزرگ بر هر چیزی تواناست، از انجام هرچه اراده کند ناتوان نیست و هیچ امری از تدبیرش بیرون نمی‌باشد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيۡنَ أُمَتِّعۡكُنَّ وَأُسَرِّحۡكُنَّ سَرَاحٗا جَمِيلٗا ٢٨﴾.

ای پیامبر! برای همسرانت که از تو نفقۀ بیشتری طلب کردند بگو: اگر زندگی دنیا و ظاهرفریبی‌اش مقصود شماست، بیایید آنچه را از متاع دنیا در توان دارم به شما می‌دهم. آن را بپذیرید و شما را به نیکوترین وجهی که در آن ضرر و آزاری نباشد رها می‌کنم.

﴿وَإِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡمُحۡسِنَٰتِ مِنكُنَّ أَجۡرًا عَظِيمٗا ٢٩﴾.

امّا اگر طاعت خدا و رسول و پاداش سرای نعمت‌های جاودان را که در نزد اوتعالی است قصد دارید، بر شما لازم است در حالتی که با من دارید، با قناعت و خوشنودی به قسمت خویش صبر نمایید؛ زیرا الله أ برای نیکوکاران شما مزد بزرگ و پاداش عظیمی را مهیّا نموده است.

ایشان طاعت خدا و رسول، و پاداش الهی را بر زندگی دنیا برگزیدند؛ از این رو حق‌تعالی از آنان راضی شد و خوشنودشان ساخت.

﴿يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ مَن يَأۡتِ مِنكُنَّ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ يُضَٰعَفۡ لَهَا ٱلۡعَذَابُ ضِعۡفَيۡنِۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ٣٠﴾.

ای همسران پیامبر! هر که از شما گناه بزرگ و آشکاری را انجام دهد، عذابش نسبت به سایر زنان دوچندان است. این بدان سبب است که خداوند أ ایشان را با منزلتی بزرگ و مرتبه‌ای نیکو شرف و کرامت بخشیده است؛ به این طریق که آنان را همسران سردار مخلوقاتش ساخت. این سخت گیری در جزا به منظوری حمایت و نگهبانی خانۀ رسول الله ج صورت گرفته است؛ زیرا این گناه در نزد حق‌تعالی آنگاه که وقوعش را اراده کرده باشد کار آسانی است.

﴿۞وَمَن يَقۡنُتۡ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتَعۡمَلۡ صَٰلِحٗا نُّؤۡتِهَآ أَجۡرَهَا مَرَّتَيۡنِ وَأَعۡتَدۡنَا لَهَا رِزۡقٗا كَرِيمٗا ٣١﴾.

هر که از شما عبادتش را برای خداوند متعال خالص ساخته از پیامبرش اطاعت کند و به اوامر شریعت پایبند خداوند أ او را مورد کرامت قرار می‌دهد، برای عملش دوچند سایر زنان مزد عطا می‌کند و برایش در بهشت‌های پر از نعمت روزی گوارا و مبارکی را آماده می‌سازد.

﴿يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ لَسۡتُنَّ كَأَحَدٖ مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِنِ ٱتَّقَيۡتُنَّۚ فَلَا تَخۡضَعۡنَ بِٱلۡقَوۡلِ فَيَطۡمَعَ ٱلَّذِي فِي قَلۡبِهِۦ مَرَضٞ وَقُلۡنَ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا ٣٢﴾.

ای زنان پیامبر! شما در برتری و مرتبۀتان مانند سایر زنان نیستید؛ زیرا خداوند أ برای شما به سبب اینکه همسران سردار فرزندان آدم هستید کرامت بخشیده است. پس اگر از پروردگار بزرگ می‌ترسید و او را مراقب اعمال خویش می‌دانید، با مردان بیگانه به آواز نرم و ملایم، طوری سخن نزنید که بیماردلان بدکاره را برانگیزد، بلکه آنگاه که سخن می‌زدید طوری سخن گویید که در آن شبهه‌ای به نظر نرسد و مخالفتی با شریعت وجود نداشته باشد؛ یعنی نه نرم سخن گویید نه با لفظی خشن صحبت نمایید.

﴿وَقَرۡنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجۡنَ تَبَرُّجَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ ٱلۡأُولَىٰۖ وَأَقِمۡنَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتِينَ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِعۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذۡهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجۡسَ أَهۡلَ ٱلۡبَيۡتِ وَيُطَهِّرَكُمۡ تَطۡهِيرٗا ٣٣﴾.

خانه‌های‌تان را لازم بگیرید که مستلزم ستر و عفاف است، بدون نیازمندی از آن بیرون نروید و مواضع فتنه و زیبایی‌های وجودتان را آشکار نسازید؛ مانند عادت زنان دورۀ جاهلیت پیش از اسلام که بی‌شرم و بی‌حجاب بودند – در عصر امروز ما نیز زنانی هستند که با زنان دورۀ جاهلیت هماننداند، آموزه‌های اسلام را کنار می‌گذارند، پوشاک برهنه‌وار دارند، خود را برهنه نمایش می‌دهند، چادر حیا را دور می‌اندازند و خود را از حجاب تقوی بیرون می‌کشند – بر شما لازم است نماز را به کامل‌ترین وجه و به گونۀ مشروعش ادا نمایید؛ زیرا نماز از کارهای زشت و ناروا بازمی‌دارد. زکات را به منظور پاک‌ساختن نفس و مال ادا کنید و لازم است با انجام اوامر و ترک نواهی شریعت، از خدا رسولش اطاعت کنید. خداوند أ این آموزه‌ها را – ای اهل بیت پیامبر بزرگوار – برای این بر ذمّۀتان واجب کرده تا شما را تزکیه نماید و از ضرر گناهان و تمام عیب‌ها نگه دارد. اوتعالی اراده دارد که نفس‌های‌تان را به طور کامل پاک سازد تا خانۀ آن حضرت پاک‌ترین و شریف‌ترین خانه در میان خانه‌های مردم عالم باشد؛ زیرا وی پیشوای مردم به سوی خیر و سعادت است.

﴿وَٱذۡكُرۡنَ مَا يُتۡلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱلۡحِكۡمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ٣٤﴾.

آنچه از قرآن کریم و سنّت مطهّر نبوی در خانه‌های‌تان فرود می‌آید و بر شما خوانده می‌شود، همه را با عمل به اوامر شریعت و پرهیز از نواهی‌اش به یاد داشته باشید؛ یعنی در برابر این نعمت ارزشمند و اکرام بزرگ با پیش گرفتن تقوا و لزوم طاعت، خداوند أ را شکرگزار باشید. الله تعالی بر شما لطف و مهربانی کرده؛ از آن‌رو که شما را امّت پیامبر بزرگوارش اختیار نموده است. او به این گزینش کاملاً با خبر است؛ زیرا می‌داند که کرامتش را در کجا و برای چه کسی مقرّر دارد.

﴿إِنَّ ٱلۡمُسۡلِمِينَ وَٱلۡمُسۡلِمَٰتِ وَٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ وَٱلۡقَٰنِتِينَ وَٱلۡقَٰنِتَٰتِ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلصَّٰدِقَٰتِ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰبِرَٰتِ وَٱلۡخَٰشِعِينَ وَٱلۡخَٰشِعَٰتِ وَٱلۡمُتَصَدِّقِينَ وَٱلۡمُتَصَدِّقَٰتِ وَٱلصَّٰٓئِمِينَ وَٱلصَّٰٓئِمَٰتِ وَٱلۡحَٰفِظِينَ فُرُوجَهُمۡ وَٱلۡحَٰفِظَٰتِ وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا وَٱلذَّٰكِرَٰتِ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمٗا ٣٥﴾.

به یقین که خداوند أ آمرزش گناهان و پاداش اعمال و طاعات را از نعمت‌های جاودانی در جوار با کرامت خویش برای این اشخاص آماده کرده است: برای مردان و زنان فروتن و فرمانبردار از شریعت الهی؛ مردان و زنان مؤمن به الله و رسول، و روز آخرت؛ مردان و زنان مطیع امر خدا و رسول؛ مردان در برابر ناخوشایندها؛ مردان و زنان ترسناک از عذاب و خشم خداوند؛ مردان و زنان ادا کنندۀ زکات واجب و صدقات مستحب؛ مردان و زنان روزه‌دار روزه‌های فرض و نفل؛ مردان و زنان نگهدارندۀ وجود از شهوت پرستی؛ مردان و زنان ذاکر پروردگار در دل‌ها و زبان‌ها. این نعمت‌های ماندگار به حدّی است که اندازه‌اش را جز الله أ کسی نمی‌داند.

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٖ وَلَا مُؤۡمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمۡرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ مِنۡ أَمۡرِهِمۡۗ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلٗا مُّبِينٗا ٣٦﴾.

برای مرد و زن مؤمن حلال نیست آنگاه که خداوند أ و رسولش در بارۀشان حکمی صادر کنند، به مخالفت پردازند و غیر حکم خدا چیز دیگری را اختیار کنند، بلکه باید بدان راضی و تسلیم باشند. هر که با امر خدا و رسولش مخالفت نماید، به راستی که خطای آشکاری را مرتکب شده و با هدایت و شایستگی‌ها مخالفت ورزیده است.

﴿وَإِذۡ تَقُولُ لِلَّذِيٓ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَأَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِ أَمۡسِكۡ عَلَيۡكَ زَوۡجَكَ وَٱتَّقِ ٱللَّهَ وَتُخۡفِي فِي نَفۡسِكَ مَا ٱللَّهُ مُبۡدِيهِ وَتَخۡشَى ٱلنَّاسَ وَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخۡشَىٰهُۖ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيۡدٞ مِّنۡهَا وَطَرٗا زَوَّجۡنَٰكَهَا لِكَيۡ لَا يَكُونَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ حَرَجٞ فِيٓ أَزۡوَٰجِ أَدۡعِيَآئِهِمۡ إِذَا قَضَوۡاْ مِنۡهُنَّ وَطَرٗاۚ وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ مَفۡعُولٗا ٣٧﴾.

ای پیامبر! یاد آور از وقتی که برای شخص ممنون احسان خداوند أ به وسیلۀ اسلام – یعنی به زید بن حارثه آزاد کرده و فرزند خواندۀ خویش – می‌گفتی: همسرت زینب بنت جحش را نگه‌دار، رهایش نساز و در این باره از الله أ بترس. ای پیامبر! آنچه را پروردگار برایت از طلاق زن زید و ازدواجش با تو خبر داده بود، در دلت می‌پوشاندی امّا حق‌تعالی این امر نهانی را اعلان داشت. تو از این می‌ترسیدی که شاید مردم بگویند: پیامبر با زن کسی ازدواج کرده که او را به خود نسبت داده و فرزند خوانده است، حال آنکه حق‌تعالی سزاوارتر است که از او بترسی. آنگاه که زید بعد از برآورده شدن نیازش زینب را طلاق کرد و عدّه‌اش به نهایت رسید، خداوند أ او را به ازدواج رسول الله ج در آورد تا این کار روشی پیروی شده در باب ابطال تحریم نکاح زنان طلاق شدۀ پسر خوانده‌ها باشد و در ازدواج با چنین زنانی بر مؤمنان گناهی نباشد. امر پروردگار انجام شدنی و نافذ است، نه کسی مانع وقوعش می‌شود و نه می‌تواند به تعویقش اندازد.

﴿مَّا كَانَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ مِنۡ حَرَجٖ فِيمَا فَرَضَ ٱللَّهُ لَهُۥۖ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِي ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلُۚ وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ قَدَرٗا مَّقۡدُورًا ٣٨﴾.

بر پیامبر گناهی نیست اگر آنچه خداوند أ برایش مباح ساخته استفاده کند و با زن طلاق شدۀ پسر خوانده‌اش ازدواج نماید؛ همچنان که حق‌تعالی این کار را برای پیامبر پیشین حلال ساخته بود. آری! پروردگار سبحان این امر را در شرایع پیشین مباح کرده بود. امر وی مقدّر است و به ناچار انجام می‌شود؛ زیرا اراده‌اش را کسی رد کرده نمی‌تواند.

﴿ٱلَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَٰلَٰتِ ٱللَّهِ وَيَخۡشَوۡنَهُۥ وَلَا يَخۡشَوۡنَ أَحَدًا إِلَّا ٱللَّهَۗ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبٗا ٣٩﴾.

مزد و پاداش برای کسی سزاوار است که رسالت الهی را به بندگانش برساند، به حضور پروردگارش دعا نماید، امّت اسلام را نصیحت کند، تنها از خداوند أ بترسد و از کسی دیگر جز او ترس نداشته باشد. خداوند متعال خودش بسنده است که تمام کار کردهای مردم را محاسبه نماید و او بر همه اعمال‌شان مراقب دارد.

﴿مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٖ مِّن رِّجَالِكُمۡ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ٤٠﴾.

پیامبر ج پدر یکی از شما نیست که – فرزند نسبی داشته باشد و مانند شما – از ازدواج با زن طلاق شدۀ فرزند نسبی‌اش منع کرده شود، بلکه خداوند أ وی را شرف بخشیده و مقامش را بالا برده که او را پیامبر و خاتم انبیاء مقرّر داشته است، چنان‌که بعد از وی پیامبر دیگری نمی‌باشد. حق‌تعالی به همه اعمالی که شما انجام می‌دهید داناست، هیچ چیزی از او پنهان نیست و هیچ غایبی از وی پوشیده نمی‌ماند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا ٤١﴾.

این مؤمنان راستکار! خداوند أ را با زبان، دل و همه اعضای وجودتان بسیار ذکر نمایید و شب و روزتان را به یادش سپری کنید؛ زیرا یاد و ذکر خدا بعد از ادای فرایض، بهترین اعمال است.

﴿وَسَبِّحُوهُ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا ٤٢﴾.

خداوند أ را اوّل و آخر روز، یعنی در صبح و شام بسیار یاد کنید و یادش را در وقت هر مناسبتی لازم بگیرید؛ زیرا با یاد اوست که از دیگران سبقت می‌جویید، به رحمت پروردگار نایل می‌شوید و بلند‌ترین منازل را در نزد مولای‌تان به دست می‌آورید.

﴿هُوَ ٱلَّذِي يُصَلِّي عَلَيۡكُمۡ وَمَلَٰٓئِكَتُهُۥ لِيُخۡرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۚ وَكَانَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَحِيمٗا ٤٣﴾.

خداوند أ سزاوار است که تنها او را یاد کنید؛ زیرا اوتعالی بر شما رحمت می‌کند، در ملاء اعلی شما را توصیف می‌نماید و فرشتگانش برای‌تان آمرزش می‌خواند تا شما را به وسیلۀ اسلام از تاریکی جاهلیت به سوی نور حق بیرون آورد؛ نوری که محمد ج به آوردنش مبعوث شده است. اوتعالی در دنیا و آخرت به مؤمنان مهربان است؛ چنان‌چه توبۀ توبه کننده را می‌پذیرد، به کسی که به سویش باز گردد رحمت می‌نماید و بندگان را با عذاب مقابله نمی‌نماید.

﴿تَحِيَّتُهُمۡ يَوۡمَ يَلۡقَوۡنَهُۥ سَلَٰمٞۚ وَأَعَدَّ لَهُمۡ أَجۡرٗا كَرِيمٗا ٤٤﴾.

تحفۀ مؤمنان در روزی که با پروردگارشان در بهشت ملاقات کنند سلام است و امن از عذاب و رسیدن به پاداش نیکو برای‌شان ثابت است؛ از آن‌رو که الله أ نعمت جاودانی و مزد بزرگی را در باغ‌های پر از نعمت برای‌شان آماده نموده است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ٤٥﴾.

ای پیامبر! خداوند أ ترا به عنوان گواه بر امّتت فرستاده تا رسالت الهی را برای ایشان برسانی، و تا مژده دهنده مؤمنان به بهشت و بیم دهندۀ سرکشان به آتش دوزخ باشی.

﴿وَدَاعِيًا إِلَى ٱللَّهِ بِإِذۡنِهِۦ وَسِرَاجٗا مُّنِيرٗا ٤٦﴾.

ترا به عنوان دعوتگری مبعوث نمود تا مردم را به سوی توحید، رهایی از شرک و اخلاص عبادت برای خداوند أ فرا خوانی. ترا چراغی روشنگر فرستاد تا پیروانت را از تاریکی‌های گمراهی به سوی راه مستقیم رهنمایی کنی. رسالت تو مانند وضاحت خورشید در نیمه‌روز روشن است؛ از این رو جز منکران و معاندان به تکذیبش نمی‌پردازند و از آن انکار نمی‌کنند.

﴿وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَضۡلٗا كَبِيرٗا ٤٧﴾.

ای پیامبر! برای مؤمنان مژده بده که پاداش نیکو و مزدی بزرگی در بهشت‌های پر از نعمت در نزد خداوند أ برای‌شان مهیّاست.

﴿وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَدَعۡ أَذَىٰهُمۡ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا ٤٨﴾.

ای پیامبر! در ترک چیزی از امور دعوت، از سخن کافران و منافقان پیروی مکن، از آزار و اذیت آنان صرف نظر نما و این اذیت و آزار، ترا به ترک امور دعوت باعث نشود. به خداوند أ توکّل و اعتماد داشته باش و امور را به او بسپار؛ زیرا حق‌تعالی ترا از امور ترس آور بسنده است و در برابر دشمنان یاور توست. بنابراین در همه امور و همه کارها به او توکّل کن.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَكَحۡتُمُ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ طَلَّقۡتُمُوهُنَّ مِن قَبۡلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمۡ عَلَيۡهِنَّ مِنۡ عِدَّةٖ تَعۡتَدُّونَهَاۖ فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحٗا جَمِيلٗا ٤٩﴾.

ای مؤمنان! آنگاه که عقد نکاح را با زنان بستید اما با هم نزدیکی نکردید و پیش از جماع از هم جداشدید، بر ذمّه زنان لازم نیست عدّه بشمارند. در چنین صورتی بر حسب احوال‌تان برای‌شان «متعه» بدهید تا خاطرشان التیام یابد و تقصیرتان را جبران نماید. با پرده‌پوشی و عدم ذکر عیب‌ها از ایشان جدا شوید و نباید از شما آزاری به آنان برسد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَحۡلَلۡنَا لَكَ أَزۡوَٰجَكَ ٱلَّٰتِيٓ ءَاتَيۡتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتۡ يَمِينُكَ مِمَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَيۡكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّٰتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَٰلَٰتِكَ ٱلَّٰتِي هَاجَرۡنَ مَعَكَ وَٱمۡرَأَةٗ مُّؤۡمِنَةً إِن وَهَبَتۡ نَفۡسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنۡ أَرَادَ ٱلنَّبِيُّ أَن يَسۡتَنكِحَهَا خَالِصَةٗ لَّكَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۗ قَدۡ عَلِمۡنَا مَا فَرَضۡنَا عَلَيۡهِمۡ فِيٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ وَمَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ لِكَيۡلَا يَكُونَ عَلَيۡكَ حَرَجٞۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٥٠﴾.

ای پیامبر! خداوند أ ازدواج با زنانی را برایت روا ساخته که مهرهای‌شان را ادا کرده باشی. همچنان زنان کنیزی را مباح کرده که الله تعالی ملکیت آنان را به گونۀ ملک یمین بر تو احسنان کرده است. به همین‌گونه ازدواج با آن دختر عموها، دختر عمّه‌ها، دختر دایی‌ها و دختر خاله‌هایت را برایت روا نموده که از مکّه به مدینه هجرت کرده‌اند و نیز زنی را که خویشتن را بدون مهر به تو بخشیده باشد. این حکم ویژۀ توست و برای کسی دیگر روا نیست زنی را طور بخشش نکاح کند. حق‌تعالی به اموری که بر مؤمنان دربارۀ زنان و کنیزان واجب ساخته داناست؛ یعنی که از زنان آزاد می‌توانند چهار زن به نکاح گیرند و از کنیزان هرچه می‌خواهند؛ به شرط اینکه مهر را بپردازند و ولی و گواهان نکاح موجود باشند. اما فقط برای تو ای پیامبر در این امر رخصت و وسعت بخشیده تا در ازدواج با زنانی که از اصناف مذکور یادآوری شد به مشکل مواجه نشوی. پروردگار به گناهان بندگانش بسیار آمرزنده است؛ یعنی به توبه کنندگان مهربان است و احسان و بخشندگی فراگیر دارد.

﴿۞تُرۡجِي مَن تَشَآءُ مِنۡهُنَّ وَتُ‍ٔۡوِيٓ إِلَيۡكَ مَن تَشَآءُۖ وَمَنِ ٱبۡتَغَيۡتَ مِمَّنۡ عَزَلۡتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكَۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن تَقَرَّ أَعۡيُنُهُنَّ وَلَا يَحۡزَنَّ وَيَرۡضَيۡنَ بِمَآ ءَاتَيۡتَهُنَّ كُلُّهُنَّۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمٗا ٥١﴾.

هر کدام از همسرانت را می‌خواهی در شب نوبت از خود جدا نما و هرکدام را که می‌خواهی با خود یکجا ساز، اما آنگاه که به زن جدا از خویشتن میل نمودی در یکجاشدن با او باکی نیست. مخیّر بودنت در این امر بیشتر باعث شادمانی، دوری از اندوه و خوشنودی‌شان به نوبت گذاشتنت می‌شود. خداوند أ می‌داند که محبّت بعضی زنان نسبت به برخی دیگر در دل مردان بیشتر است و او به دل‌ها و ضمیرها داناست. او حلیم است؛ چنان‌که گنه‌کاران را عذاب نمی‌کند تا توبه را به ایشان عرضه نماید و در عذاب عجله نمی‌کند تا حجّت را بر بندگان ثابت سازد.

﴿لَّا يَحِلُّ لَكَ ٱلنِّسَآءُ مِنۢ بَعۡدُ وَلَآ أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنۡ أَزۡوَٰجٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَكَ حُسۡنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتۡ يَمِينُكَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ رَّقِيبٗا ٥٢﴾.

ای پیامبر! بعد از این برایت روا نیست بیشتر از همسرانی که در تحت ازدواجت قرار دارند زن دیگری را به نکاح بگیری و هر که اکنون از زنان یاد شده همسر توست روا نیست از او جدا شوی، یا او را به دیگری عوض نمایی؛ اگرچه جمال دیگری در نظرت خوشایندتر آید. امّا در باب کنیزکانی که در ملک تواند امر فراخ گذشته شده و استبدال و جدا شدن از آنان در اختیار توست. خداوند أ بر هر چیزی مراقبت دارد، امور پوشیده را می‌داند، به نیت‌ها آگاه است و هیچ چیزی از کائنات از علمش فراموش نمی‌شود.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتَ ٱلنَّبِيِّ إِلَّآ أَن يُؤۡذَنَ لَكُمۡ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيۡرَ نَٰظِرِينَ إِنَىٰهُ وَلَٰكِنۡ إِذَا دُعِيتُمۡ فَٱدۡخُلُواْ فَإِذَا طَعِمۡتُمۡ فَٱنتَشِرُواْ وَلَا مُسۡتَ‍ٔۡنِسِينَ لِحَدِيثٍۚ إِنَّ ذَٰلِكُمۡ كَانَ يُؤۡذِي ٱلنَّبِيَّ فَيَسۡتَحۡيِۦ مِنكُمۡۖ وَٱللَّهُ لَا يَسۡتَحۡيِۦ مِنَ ٱلۡحَقِّۚ وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡ‍َٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّۚ وَمَا كَانَ لَكُمۡ أَن تُؤۡذُواْ رَسُولَ ٱللَّهِ وَلَآ أَن تَنكِحُوٓاْ أَزۡوَٰجَهُۥ مِنۢ بَعۡدِهِۦٓ أَبَدًاۚ إِنَّ ذَٰلِكُمۡ كَانَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمًا ٥٣﴾.

ای مؤمنان! شما که فرمانبر پروردگار خویش و پیرو پیامبر او هستید، به خانه‌های پیامبر ج داخل نشوید تا به منظور غذا خوردن برای‌تان اجازه داده شود و چون به شما اجازه داده شد می‌توانید برای خوردن طعام، نه برای انتظار پختنش، به خانه داخل شوید. چون از طعام تناول کردید، بدون اینکه سخنان پیامبر ج و اهل‌شان را بشنوید بیرون روید؛ زیرا انتظار شما برای طعام و شنیدن سخنان پیامبر ج آن حضرت را اذیت می‌کند و حوصله را برای‌شان تنگ می‌سازد. با این هم حیا می‌کند که شما را به بیرون شدن از خانه‌اش امر نماید، اما خداوند أ از توضیح و بیان حق شرم نمی‌کند. وی حق دارد که شما را به بیرون‌شدن از خانه‌اش امر کند، ولی اخلاق نیکو دارد و شما را اخراج نمی‌کند. آنگاه که از همسران رسول الله ج بعضی از وسایل منزل یا دیگر چیزی را می‌خواستید، از پشت پرده بخواهید که از اشتباه دور باشد. چنین برخوردی دل‌های شما و ایشان را از وارداتی که در نفس‌های مردان و زنان پدید می‌آید محفوظ نگه می‌دارد. آری! حجاب، سبب پاکدامنی و حفظ شخصیت و وسیلۀ پاکی و طهارت است، اما چشم چرانی و بی‌حجابی از اسباب فتنه می‌باشد. برای‌تان روا نیست که آن حضرت را اذیت کنید و جواز ندارد که با همسران وی بعد از وفاتش ازدواج نمایید؛ زیرا ایشان مادران مؤمنان‌اند و برای مردی جواز ندارد با مادرش ازدواج کند. یقیناً اذیت پیامبر ج و ازدواج با همسران آن حضرت بعد از رحلتش، گناه عظیم و جرم بزرگی در نزد خداوند أ است.

﴿إِن تُبۡدُواْ شَيۡ‍ًٔا أَوۡ تُخۡفُوهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ٥٤﴾.

ای مردم! اگر با گفتار خود امری از امور را اظهار دارید که باعث اذیت پیامبر ج شود، یا آن را در دل‌های‌تان پوشیده نگه دارید، خداوند أ همه امور پنهان و آشکار و کارهای علنی و مخفی را می‌دارند.

﴿لَّا جُنَاحَ عَلَيۡهِنَّ فِيٓ ءَابَآئِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآئِهِنَّ وَلَآ إِخۡوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآءِ إِخۡوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآءِ أَخَوَٰتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُنَّۗ وَٱتَّقِينَ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدًا ٥٥﴾.

بر زنان گناهی نیست اگر خود را از پدران، پسران، برادران، برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌های خود، و نیز از زنان مؤمن و بردگانی که مالک‌شان اند نپوشانند؛ زیرا به غلامان به خاطر خدمت‌شان بسیار نیازمنداند. ای گروه زنان! با انجام طاعات و پرهیز از گناهان خداوند أ بترسید. از برهنگی و تبرّج، خلوت با اجنبی، نمایش زینت و عرضه شدن به فتنه برحذر باشید؛ زیرا حق‌تعالی بر هر چیزی گواه است و بر بندگان گواهی می‌دهد که از اعمال نیک و بد چه انجام داده‌اند.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦﴾.

به راستی که خداوند أ در ملاء اعلی پیامبرش می‌کند و در نزد فرشتگان مقرّبش وی را به نیکی یاد می‌نماید. فرشتگان ابرابر نیز بر پیامبر مختار ج ثنا می‌گویند و برایش دعا می‌نمایند. شما هم ای مؤمنان، در هر وقت و زمانی تا آنگاه که شب و روز همدیگر را تعقیب می‌کنند، ذاکران به یاد اوتعالی هستند و غافلان از یادش غافل‌اند، با کامل‌ترین و تمام‌ترین وجهی بر آن حضرت درود و سلام بسیار بفرستید؛ یعنی بگویید: « اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّد، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيْمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيد. وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّد كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيْمَ وَعَلَى آل إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيد».

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمۡ عَذَابٗا مُّهِينٗا ٥٧﴾.

آنان‌که خداوند أ را با کفر و دشنام، با انتساب فرزند و همسر، و با شرک آوردن و توصیف به نقیصه‌هایی که از آن پاک و منزّه است اذیت می‌کنند. همچنان کسانی که پیامبر ج را با تکذیب و ستیزه، و با استهزا و ردّ سنّت و با تمسخر به شریعتش آزار می‌دهند، خداوند أ آنان را از رحمتش دور می‌سازد، از بهشتش بیرون می‌نماید، به خشمش گرفتار می‌سازد، در دنیا و آخرت مورد سرزنش قرار می‌دهد و عذاب خوار کننده، ذلّت‌بار و ننگ آوری را در آتش دوزخ برای آنان مهیّا ساخته است.

﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ بِغَيۡرِ مَا ٱكۡتَسَبُواْ فَقَدِ ٱحۡتَمَلُواْ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا ٥٨﴾.

کسانی که با دشنام، ستمگری و انواع اذیت، مردان و زنان مؤمن را بدون اینکه جرمی را مرتکب شده باشند آزار می‌دهند، به راستی که بزرگ‌ترین دروغ بدترین سخن ناحق را گفته و جرم بدی را مرتکب شده‌اند؛ از این رو به سببش مستحقّ عذاب و جزای سختی هستند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٥٩﴾.

ای پیامبر! همسران و دختران و نیز همسران سایر مسلمانان را دستور ده تا با روپوش، چادر و لباس حجاب چهره و سر خویش را بپوشانند تا سرها، چهره‌ها و سینه‌های‌شان آشکار نباشد. بهتر این است که زنان مسلمان به وسیلۀ حجاب، پاکدامنی، پوشش و خویشتنداری بازشناخته شوند تا کدام شخص بی‌خردی با اذیت و مزاحمت دست به آزارشان نزند. خداوند أ برای کسی که بعد از انجام گناه آمرزش بخواهد بسیار آمرزنده است و با بیان شریعتش برای بندگان رحمتی فراگیر دارد.

مدلول این آیۀ مبارکه وجوب حجاب چهرۀ زن مسلمان را ترجیح می‌دهد.

﴿۞لَّئِن لَّمۡ يَنتَهِ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡمُرۡجِفُونَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ لَنُغۡرِيَنَّكَ بِهِمۡ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلٗا ٦٠﴾.

اگر منافقان، بیماردلان، اهل شایعه‌های باطل و صاحبان خبرهای دروغ در مدینۀ رسول الله ج از اذیت، بدکارگی و محاربه با حق باز نگردند، به یقین که خداوند أ ترا بر آنان مسلّط می‌سازد، بعد از آن در مدینۀ منوّره جز وقت اندکی با تو باقی نمی‌مانند.

﴿مَّلۡعُونِينَۖ أَيۡنَمَا ثُقِفُوٓاْ أُخِذُواْ وَقُتِّلُواْ تَقۡتِيلٗا ٦١﴾.

خداوند أ منافقان را در هرجایی که باشند از رحمتش دور ساخته و از بهشتش محروم نموده است. از این رو به اسارت گرفته می‌شوند و به قتل می‌رسند؛ زیرا آنان دشمنان خدا و پیامبراند، با دین اسلام می‌جنگند و به فتنه و فساد دست می‌زنند.

﴿سُنَّةَ ٱللَّهِ فِي ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلُۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗا ٦٢﴾.

سنّت جاودان الهی در اقوام گذشته که اهل کفر و تکذیب بوده‌اند چنان بوده که در هرجایی به اسارت گرفته می‌شدند و به قتل می‌رسیدند. روش خداوندی در شریعت و مخلوقاتش تغییر نمی‌یابد و هرگز در آن تبدیلی مشاهده نمی‌کنی، بلکه دایمی، ثابت و مستقر است؛ زیرا از علم و حکمت اوتعالی صادر شده است.

﴿يَسۡ‍َٔلُكَ ٱلنَّاسُ عَنِ ٱلسَّاعَةِۖ قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ ٱللَّهِۚ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ٦٣﴾.

ای پیامبر! مردم دربارۀ وقت وقوع قیامت از تو سؤال می‌کنند؛ در حالی وقوع آن را دور می‌شمرند. برای‌شان بگو: علم قیامت از اموری است که خداوند أ به خود اختصاص داده و وقت وقوع آن را جز او کسی نمی‌داند. چه می‌دانی ای پیامبر! شاید وقت وقوع قیامت نزدیک شده باشد؛ از آن‌رو که هر امر آینده‌ای نزدیک است و هرچه را خداوند أ وعده کند خواهی نخواهی آمدنی است.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَعَنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمۡ سَعِيرًا ٦٤﴾.

هر آینه خداوند أ کافران را از رحمت و بهشتش مطرود ساخته و خشم و عذابش به آنان می‌رسد. برای‌شان آتش برافروخته‌ای را مهیّا کرده که بدن‌های‌شان را می‌سوزاند و چهره‌های‌شان را بریان می‌نماید.

﴿خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ لَّا يَجِدُونَ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ٦٥﴾.

کافران در آتش دوزخ همیشه ماندگاراند، نه در آنجا می‌میرند و نه از آن بیرون می‌شوند. کسی را ندارند که در امورشان تصرّف کند و عذاب را از آنان دفع نماید، و یاری دهنده‌ای نیست که به یاری‌شان برسد و آنان را از آتش دوزخ بیرون آورد.

﴿يَوۡمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمۡ فِي ٱلنَّارِ يَقُولُونَ يَٰلَيۡتَنَآ أَطَعۡنَا ٱللَّهَ وَأَطَعۡنَا ٱلرَّسُولَا۠ ٦٦﴾.

در آن روز چهره‌های کافران با خواری و زیانمندی در آتش دوزخ دَور می‌خورد و از شدّت حسرت و پشیمانی می‌گویند: کاش از فرمان خداوند اطاعت می‌نمودیم و از او می‌ترسیدیم و کاش از پیامبرش اطاعت می‌کردیم و به پیروی‌اش اقدام می‌نمودیم.

﴿وَقَالُواْ رَبَّنَآ إِنَّآ أَطَعۡنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا فَأَضَلُّونَا ٱلسَّبِيلَا۠ ٦٧﴾.

کافران در روز قیامت با عرضه‌شدن به پیشگاه خداوند یگانۀ قهار می‌گویند: پروردگارا! ما از رهبران بدکار، از پیشوایان سرکش و از بزرگان کافر خویش پیروی کردیم. در نتیجه ما را از راه هدایت و از دینی که بر پیامبر فرود آمده منحرف ساختند.

﴿رَبَّنَآ ءَاتِهِمۡ ضِعۡفَيۡنِ مِنَ ٱلۡعَذَابِ وَٱلۡعَنۡهُمۡ لَعۡنٗا كَبِيرٗا ٦٨﴾.

پروردگارا! عذاب را بر پیشوایانی که ما را به گمراهی کشاندند دوچند ساز، آنان را از رحمتت طرد کن و از بهشتت دور گردان.

هرکس خلاف شریعت اطاعت نماید، خشم و لعنت خداوند و عذاب و قهرش را بر خویشتن واجب می‌آورد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ ءَاذَوۡاْ مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ ٱللَّهُ مِمَّا قَالُواْۚ وَكَانَ عِندَ ٱللَّهِ وَجِيهٗا ٦٩﴾.

ای مؤمنان! پیامبر خویش را با گفتار یا کردار اذیت نکنید و چنان نباشید که یهودیان با پیامبر خود موسی ÷ انجام دادند؛ یعنی او را با دشنام، عیبگویی و سخنان دروغ آزار دادند، اما خداوند أ موسی ÷ را از گفته‌های آنان برائت داد و موسی ÷ در نزد پروردگار سبحان عظیم الجاه، بزرگوار و بلند منزلت بود.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠﴾.

ای مؤمنان! با انجام اوامر، ترک نواهی، اخلاص عبادت برای خداوند أ و راستکاری در پیروی از پیامبرش از حق‌تعالی بترسید و سخن راستین و درستی را بگویید که حقّانیت داشته باشد و خود را از دروغ، باطل و گناه در تمام امور زندگی و سایر شؤون نگه دارید.

﴿يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١﴾.

آنگاه که شما به گونۀ شایسته و بایسته از خداوند أ بترسید و گفتار استوار و صائب را لازم بگیرید، حق‌تعالی اعمال‌تان را صالح می‌سازد و گناهان‌تان را می‌آمرزد. کسی که از پروردگار سبحان با عمل به شریعتش و از پیامبر ج با متابعت سنّتش اطاعت نماید، به یقین که به عزّت نایل آمده، از بزرگی بهره‌مند شده، رضای الهی را به دست آورده و نعمت اوتعالی را دریافته است.

این آیۀ مبارکه، بزرگی اثرمندی گفتار بر کردار و وجوب نگهداری زبان را می‌رساند.

﴿إِنَّا عَرَضۡنَا ٱلۡأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡجِبَالِ فَأَبَيۡنَ أَن يَحۡمِلۡنَهَا وَأَشۡفَقۡنَ مِنۡهَا وَحَمَلَهَا ٱلۡإِنسَٰنُۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومٗا جَهُولٗا ٧٢﴾.

به یقین که خداوند أ امانت را بر آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها عرضه داشت، ولی آن‌ها از برداشت این امانت امتناع ورزیدند؛ از ترس اینکه مبادا به آن وفا کرده نتوانند و از ادایش ناتوان بمانند – این امانت همه اوامر، نواهی، حلال‌ها و حرام‌هایی بود که الله پاک بر بندگانش واجب آورده و همه احکام شریعتی است که پیامبر ج به تبلیغ آن فرستاده شدند، اما انسان با وجود ناتوانی‌اش این امانت را پذیرفت. به راستی که انسان موجود ستمگری دور از عدالت و نادانی دور از دانش بود.

مفاهیم این آیه می‌رساند که بنده با علم و عدل می‌تواند کمال ولایت را به دست آورد.

﴿لِّيُعَذِّبَ ٱللَّهُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ وَٱلۡمُشۡرِكَٰتِ وَيَتُوبَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمَۢا ٧٣﴾.

انسان بار امانتی را برداشت که با برداشت آن مسلمان از کافر و راستگویی از دروغگوی آشکار می‌شود تا خداوند أ مردان و زنان منافق را که کفر را می‌پوشیدند و اسلام را آشکار می‌ساختند و مردان و زنان مشرک را که در عبادت با خدا دیگر چیزها را شریک می‌ساختند عذاب کند، و برای اینکه با قبول اعمال نیکو و آمرزش گناهان، توبۀ مردان و زنان مؤمن را بپذیرد و ایشان را از عذاب نجات بخشد. حق‌تعالی برای توبه گاران بسیار آمرزنده و به کسی که به او رجوع نماید مهربان است، به سوی توبه فرا می‌خواند و در عقوبت و عذاب بندگان شتاب نمی‌نماید.

سورۀ سبأ

مکی است؛ ترتیب آن 34؛ شمار آیات 54

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ١﴾.

ستایش نیکو، شکران پسندیده و بزرگی بی‌نهایت مخصوص خداوندی است که نام‌هایش مقدّس است. پروردگاری که پادشاهی و تدبیر امور موجودات آسمان و زمین را به دست دارد، پس ستایش کامل و بزرگی بی‌نهایت در روز قیامت نیز مخصوص اوست. او در گفتار و کردارش با حکمت و به امر و آفرینش خود آگاه است.

﴿يَعۡلَمُ مَا يَلِجُ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا يَخۡرُجُ مِنۡهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعۡرُجُ فِيهَاۚ وَهُوَ ٱلرَّحِيمُ ٱلۡغَفُورُ ٢﴾.

خداوند أ به احوال مخلوقاتی چون آب و خزندگان که در زمین داخل می‌شوند و به احوال موجوداتی مانند آب، معدنیات و نباتات که از آن بیرون می‌شوند داناست. به آنچه از آسمان فرود می‌آید – مانند فرشتگان، کتاب‌ها، و باران‌ها – و به چیزهایی که به آسمان‌ها بالا می‌رود – مانند فرشتگان و اعمال بندگان آگاه است. او به مخلوقاتش مهربان است، با گنه‌کاران در مجازات شتاب نمی‌کند و به گناهان کسی که به سویش باز گردد و عفوش را خواستار شود بسیار آمرزنده است.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَأۡتِينَا ٱلسَّاعَةُۖ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأۡتِيَنَّكُمۡ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِۖ لَا يَعۡزُبُ عَنۡهُ مِثۡقَالُ ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَآ أَصۡغَرُ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡبَرُ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ٣﴾.

کافران که به روز حساب تکذیب می‌کردند گفتند: قیامت هرگز بر پا نمی‌شود. ای پیامبر! برای‌شان بگو: اندیشۀ شما حقّانیت ندارد و به پروردگارم سوگند یاد می‌کنم که قیامت بر شما آمدنی است. هیچ کسی زمان قیام آن را نمی‌داند؛ جز خداوندی که حتی وزن موری ناچیز، یا موجودی کوچک‌تر یا مخلوقی بزرگ‌تر از آن در آسمان و زمین از علمش غایب نمی‌ماند و همه در لوح محفوظ به گونۀ واضح و آشکار نوشته شده است.

﴿لِّيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٤﴾.

تا خداوند أ مؤمنان نیکوکار را به نیکوترین مزد پاداش دهد؛ بر علاوه آمرزش گناهان، نیل به بخشش و بهره‌مندی جاودانی از نعمت‌ها در باغ‌های را نصیب‌شان می‌کند.

﴿وَٱلَّذِينَ سَعَوۡ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مِّن رِّجۡزٍ أَلِيمٞ ٥﴾.

کسانی که در محاربه با خدا و رسولش سعی می‌کنند، در بازداشتن از راه خدا می‌کوشند، با تلاش بر صدّ دوستان خدا برنامه‌ریزی می‌نمایند و قصد ستیزه با حق‌تعالی و غلبه بر شریعتش را دارند، چنین اشخاصی به دشوارترین عذاب و هولناک‌ترین مجازات در روز قیامت گرفتار می‌شوند.

﴿وَيَرَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ ٱلۡحَقَّ وَيَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ٦﴾.

دانشمندانی که به خداوند أ و اوامرش شناخت درست دارند و یقین دارند که قرآن فرود آمده از جانب الله أ بر پیامبر ج حقّ است و در آن شک و تردیدی وجود ندارد. ایشان می‌دانند که این کتاب به طریق نجات رهنمایی می‌کند، به مسیر سعادت دلالت می‌نماید و به راه پروردگار عزیز هدایت می‌فرماید؛ پروردگاری که هر که با وی روز آزمایی کند خوارش می‌سازد و هر که با وی مقابله نماید شکستش می‌دهد. خدایی که دشمنانش را قهر می‌نماید و دوستانش را عزّت می‌بخشد. او که در برابر گفتار نیکو، کردار بخشش گرانه و شریعت زیبایش مستوجب ثنا و ستایش است.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ هَلۡ نَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ رَجُلٖ يُنَبِّئُكُمۡ إِذَا مُزِّقۡتُمۡ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمۡ لَفِي خَلۡقٖ جَدِيدٍ ٧﴾.

کافران به منظور استهزا و تمسخر به پیامبر ج، برای همدیگر خویش گفتند: آیا شما را به مردی دلالت نکنیم که خبر می‌دهد و می‌گوید: آنگاه که بمیرید و زمین بدن‌های شما را بخورد، باز دوباره به زندگی تازه‌ای برمی‌گردید و از قبرهای خود برانگیخته می‌شوید؟ این سخن را در حالی ارائه داشتند که از قیامت انکار داشتند و وقوعش را دور می‌شمردند.

﴿أَفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَم بِهِۦ جِنَّةُۢۗ بَلِ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ فِي ٱلۡعَذَابِ وَٱلضَّلَٰلِ ٱلۡبَعِيدِ ٨﴾.

مشرکان ادّعا کردند: پیامبر ج بر خداوند أ دروغ بربسته و ادعا کرده که او تعالی وی را فرستاده است. از این رو به گمان آنان ادعایش امری دور از حقیقت است، بلکه او دیوانه‌ای است که نمی‌داند چه می‌گوید. حقیقت این است که کافران در سخن خویش دروغ گفته‌اند و پیامبر ج از جانب پروردگارش فرستاده شده است. اینان با چنین حرفی به زنده‌شدن بعد از مرگ تکذیب می‌کنند، از آخرت انکار می‌ورزند، از راهیابی به دوراند و به راه هدایت و صواب توفیق نمی‌یابند. در نتیجه به عذاب دایمی و جاودانی در آتش دوزخ گرفتار خواهند شد.

﴿أَفَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَىٰ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِن نَّشَأۡ نَخۡسِفۡ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ أَوۡ نُسۡقِطۡ عَلَيۡهِمۡ كِسَفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّكُلِّ عَبۡدٖ مُّنِيبٖ ٩﴾.

آیا کافران آفرینش و صُنع بدیع خداوند یگانۀ قهّار را در پیشاپیش و عقب خویش مشاهده نکرده‌اند و ندیدند که آسمان‌ها و زمین را چنان آفریده که عقل‌ها را به دهشت می‌اندازد و اندیشه‌ها را به حیرت وامی‌دارد؟ اگر خداوند بخواستی و اراده نمودی، زمین را برای کافران – مانند معامله با قارون – فرو می‌برد، یا قطعه‌ای از عذاب را بر ایشان فرود می‌آورد؛ مانند عذاب قوم شعیب ÷ که از آسمان آتشی را بر آنان فرود آورد و همه را سوختاند. به راستی که در آفرینش و صُنع بدیع الله أ برهانی روشن و دلیل آشکاری است؛ البته برای بنده‌ای که با توبه به سوی پروردگارش باز گردد و با انابت به حضور او رجوع نماید؛ در حالی که عبادت را برای او خالص ساخته و او را در الوهیت یگانه بداند.

﴿۞وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ مِنَّا فَضۡلٗاۖ يَٰجِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُۥ وَٱلطَّيۡرَۖ وَأَلَنَّا لَهُ ٱلۡحَدِيدَ ١٠﴾.

الله أ برای داود ÷ نبوّت، دانش، کتاب زبور و پادشاهی بزرگی را عطا نمود و کوه‌ها و پرندگان را دستور داد تا همراهش به تسبیح اوتعالی مصروف شوند. همچنان خداوند بزرگ آهن را برایش ملایم ساخت؛ طوری که در دستش مانند خمیر بود و می‌توانست آن را به هر شکلی در آورد.

﴿أَنِ ٱعۡمَلۡ سَٰبِغَٰتٖ وَقَدِّرۡ فِي ٱلسَّرۡدِۖ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ١١﴾.

حق‌تعالی به داود ÷ فرمان داد که پیراهن‌های جنگی فراخ و محکمی بسازد و میخ‌هایش را متناسب با شکاف‌های آن آماده نماید؛ یعنی حلقه‌هایش تنگ و میخ‌هایش ضعیف نباشد که صاحبش را نگهداری نکند و نیز حلقه‌ها را نسازد که شخص را گرانبار سازد. همچنان خداوند به داود ÷ و اهل بیتش دستور داد عبادت را برای اوتعالی خالص سازند و از او طور بایسته بترسند؛ زیرا او به اعمال پوشیده و آشکار آگاه است و هیچ امر پوشیده‌ای از او پنهان نمی‌باشد.

﴿وَلِسُلَيۡمَٰنَ ٱلرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهۡرٞ وَرَوَاحُهَا شَهۡرٞۖ وَأَسَلۡنَا لَهُۥ عَيۡنَ ٱلۡقِطۡرِۖ وَمِنَ ٱلۡجِنِّ مَن يَعۡمَلُ بَيۡنَ يَدَيۡهِ بِإِذۡنِ رَبِّهِۦۖ وَمَن يَزِغۡ مِنۡهُمۡ عَنۡ أَمۡرِنَا نُذِقۡهُ مِنۡ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ١٢﴾.

خداوند أ باد را برای سلیمان ÷ مسخّر داشت؛ چنان‌که از اول روز تا نیمه‌اش مسافۀ یک ماه راه و از نیمۀ دوم روز تا هنگام شب، مسافۀ یک ماه راه دیگر را به میزان رفتار معروف مردم طی می‌کرد. همچنان پروردگار أ مِسّ را در دست وی ذوب نمود، طوری که مانند آب سیلان می‌کرد و هرگونه که می‌خواست در آن تصرّف می‌نمود و از آن هرچه دوست داشت می‌ساخت. به همین‌گونه الله تعالی جنّیان را تحت تسخیر سلیمان ÷ در آورد، شماری از آنان در پیشگاهیش به اذن و ارادۀ اوتعالی رام و فرمانبردار کار می‌کردند و هر کدام که از امر خدا سرکشی می‌کرد و از امر سلیمان اطاعت نمی‌کرد، پروردگار سبحان او را به عذاب آتش برافروختۀ دوزخ وصل می‌گردانید.

﴿يَعۡمَلُونَ لَهُۥ مَا يَشَآءُ مِن مَّحَٰرِيبَ وَتَمَٰثِيلَ وَجِفَانٖ كَٱلۡجَوَابِ وَقُدُورٖ رَّاسِيَٰتٍۚ ٱعۡمَلُوٓاْ ءَالَ دَاوُۥدَ شُكۡرٗاۚ وَقَلِيلٞ مِّنۡ عِبَادِيَ ٱلشَّكُورُ ١٣﴾.

چنّیان برای سلیمان ÷ چیزهایی را که اراده داشت، از قبیل مساجد نماز و تصویرهایی از مس و شیشه می‌ساختند، شکل‌های عجیبی را که دوست داشت تهیه می‌کردند، کاسه‌های فراخ و بزرگی مانند حوض‌های آب و دیگ‌های ثابتی را می‌ساختند که از فراخی و ضخامت خود تکان نمی‌خورد. خداوند متعال فرزندان داود ÷ را دستور داد تا با لازم گرفتن طاعات، عمل به اوامر و پرهیز از نواهی به شکر گزاری نعمت‌هایش بپردازند. اما اندکی مردم از حق‌تعالی در برابر نعمت‌های بزرگش شکرگزاری می‌نمایند و شمار بسیاری از آنان منکر نعمت‌ها اند و در شکرگزاری کوتاهی می‌کنند، با این هم داود ÷ از همان شکر گزاران اندک است.

﴿فَلَمَّا قَضَيۡنَا عَلَيۡهِ ٱلۡمَوۡتَ مَا دَلَّهُمۡ عَلَىٰ مَوۡتِهِۦٓ إِلَّا دَآبَّةُ ٱلۡأَرۡضِ تَأۡكُلُ مِنسَأَتَهُۥۖ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ ٱلۡجِنُّ أَن لَّوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٱلۡغَيۡبَ مَا لَبِثُواْ فِي ٱلۡعَذَابِ ٱلۡمُهِينِ ١٤﴾.

خداوند أ به رحلت سلیمان ÷ حکم کرد و چون وقت آن نزدیک شد و مدّت عمرش تمام شد، در حالی فوت نمود که ایستاده بود و بر عصایش تکیه داشت. اما جنّیان ندانستند که او فوت کرده و در پیش رویش به کار ادامه می‌دادند تا اینکه کِرم چوب خواری آمد و عصایش را خورد و در نتیجه سلیمان ÷ افتاد. در این هنگام جنّیان یقین کردند که غیب را نمی‌دانند؛ زیرا اگر غیب را می‌دانستند در این شُغل دشوار ذلّت‌بار و کار مربوط به سلیمان ÷ ادامه نمی‌دادند. آنان گمان می‌کردند که سلیمان ÷ زنده است و به سوی آنان نظر می‌کند، ولی او فوت کرده بود.

این آیه به ردّ اندیشۀ کسانی دلالت می‌کند که ادعا می‌کنند جنّیان غیب را می‌دانند؛ حال آنکه غیب را جز الله أ کسی نمی‌داند.

﴿لَقَدۡ كَانَ لِسَبَإٖ فِي مَسۡكَنِهِمۡ ءَايَةٞۖ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٖ وَشِمَالٖۖ كُلُواْ مِن رِّزۡقِ رَبِّكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥۚ بَلۡدَةٞ طَيِّبَةٞ وَرَبٌّ غَفُورٞ ١٥﴾.

به یقین که برای قبیلۀ سبأ در موقعیت یمن برهان عظیمی است که بر قدرت و عظمت خداوند پاک دلالت می‌کند. این برهان و دلیل عبارت از دو باغ بود که در راست و چپ وادی قرار داشت، یا هر خانه از خانه‌های‌شان با دو باغ احاطه شده بود. پروردگار به آنان دستور داده بود که از روزی‌اش بخورند، به نعمت‌هایش شکرگزار باشند و با این نعمت‌ها به طاعت پروردگار یاری بجویند؛ زیرا سرزمین آنان خاکی حاصلخیز، آبی گوارا و هوای نیکو دارد و پروردگارشان آمرزندۀ گناهان و پوشندۀ عیب‌های‌شان است.

﴿فَأَعۡرَضُواْ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ سَيۡلَ ٱلۡعَرِمِ وَبَدَّلۡنَٰهُم بِجَنَّتَيۡهِمۡ جَنَّتَيۡنِ ذَوَاتَيۡ أُكُلٍ خَمۡطٖ وَأَثۡلٖ وَشَيۡءٖ مِّن سِدۡرٖ قَلِيلٖ ١٦﴾.

اهل سبأ از طاعت پروردگار سبحان، پیروی از پیامبران و شکر گزاری نعمت‌های الهی رو گشتاندند، خداوند متعال سیلاب نیرومند و هلاکت‌باری را بر ایشان فرستاد؛ چنان‌که ذخیرۀ آب را خراب و قریه‌ها را تباه نمود، درختستان‌ها را از بیخ برکند و چارپایان آنان را غرق نمود. اوتعالی به جای این دو باغ سبز و باغچه‌های ثروتبخش آنان، دو باغ دیگر را پدید آورد که کمتر از باغ‌های نخستین بود. درختان این دو با میوۀ تلخ و مزۀ ناخوشایند داشت؛ از جمله درخت شورگز بود که میوه‌ای نمی‌دهد و اندکی هم درخت سدر بود که خال بسیار دارد.

﴿ذَٰلِكَ جَزَيۡنَٰهُم بِمَا كَفَرُواْۖ وَهَلۡ نُجَٰزِيٓ إِلَّا ٱلۡكَفُورَ ١٧﴾.

تبدیل حال بهتر به حال بدتر، به سبب رو گشتاندن آنان از طاعت الهی، عدم شکران نعمت‌ها و کفر ورزیدن آن مردم بود؛ زیرا خداوند أ عذاب و مجازات نمی‌کند، مگر کسی را که به نعمت‌هایش کفران کند و از حق رو گرداند که این جزای فعل بد اوست.

﴿وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُمۡ وَبَيۡنَ ٱلۡقُرَى ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَا قُرٗى ظَٰهِرَةٗ وَقَدَّرۡنَا فِيهَا ٱلسَّيۡرَۖ سِيرُواْ فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ ١٨﴾.

خداوند متعال میان اهل سبأ که در یمن بودند و قریه‌های شام که برکت‌شان داده بود، شهرهای به هم پیوسته‌ای را پدید آورد و مسافرت در این قریه‌ها را به منازلی اندازه شده مقرّر ساخت؛ طوری که در سفر به آن مواضع مشقّتی نبود. آنگاه به آنان امر کرد در هر لحظه از روز و شب که می‌خواهند با امن و نعمت به آن قریه‌ها مسافرت کنند. بر علاوه آنان را از گرسنگی طعام داد، از تشنگی سیراب نمود و از ترس در امان داشت.

﴿فَقَالُواْ رَبَّنَا بَٰعِدۡ بَيۡنَ أَسۡفَارِنَا وَظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَحَادِيثَ وَمَزَّقۡنَٰهُمۡ كُلَّ مُمَزَّقٍۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ ١٩﴾.

اما آنان از حد گذشتند، سرکشی و بغوت کردند، نعمت‌ها را بی‌ارزش شمردند، از فراوانی زندگی و راحت و امنیت سیر شدند و با تکبّر و عناد گفتند: پروردگارا! میان ما و قریه‌های ما مسافه‌های دوری را مقرّر دار تا نیازمندان از اهل آن فایده نیابند و فقیران بهره‌مند نشوند. آنان با شرک، کفران نعمت و اعتدا در دعا بر خود ظلم کردند. خداوند أ هم آنان را هلاک نمود و تباه ساخت، سرسبزی و آبادانی آنان را به بادیه و بیابان تبدیل کرد، جمع آنان را به هم زد و در مواضع متعدّد پراکندۀشان ساخت. یقیناً در آنچه به اهل سبأ واقع شد پند آموزی بزرگی است؛ برای کسی که بر تقدیرات ناخوشایند خداوند بزرگ صبر نماید، در ادای طاعات و اجتناب از گناهان استقامت ورزد پروردگارش را با ادای طاعات و انجام اوامرش همیشه شکرگزار باشد.

﴿وَلَقَدۡ صَدَّقَ عَلَيۡهِمۡ إِبۡلِيسُ ظَنَّهُۥ فَٱتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقٗا مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٢٠﴾.

به راستی که شیطان با ظنّی عاری از یقین گمان کرده بود که قطعاً همه افرادبشر را اغوا می‌نماید و مردم در گمراهی از وی پیروی می‌کنند. اکنون این مردم گمانش را مصداق بخشیدند، از او پیروی کردند و با نافرمانی خداوند أ بدو اقتدا کردند؛ مگر گروهی که به خدا و رسولش ایمان آوردند؛ زیرا ایشان عبادت خویش را به پروردگار خالص ساختند و او را به یگانگی شناختند.

﴿وَمَا كَانَ لَهُۥ عَلَيۡهِم مِّن سُلۡطَٰنٍ إِلَّا لِنَعۡلَمَ مَن يُؤۡمِنُ بِٱلۡأٓخِرَةِ مِمَّنۡ هُوَ مِنۡهَا فِي شَكّٖۗ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٍ حَفِيظٞ ٢١﴾.

شیطان وسیله‌ای نداشت که کافران را به جبر زیر فرمانش آورد و به کفر ناچار سازد، اما خداوند أ مقدّر ساخت که مردم را به وسیله‌اش به فتنه اندازد و با زیب و زینتش مورد امتحان قرار دهد تا راستگویان از دروغگویان و مؤمنان از منافقان آشکار شوند و اگر در اینجا ابتلا و امتحانی نمی‌بود، نیکوکاران از بدکاران بازشناخته نمی‌شدند. پروردگارت بر هر چیزی نگهبان است؛ یعنی که به همه امور آگاهی دارد، همه کارها را می‌شمارد و مطابق آن جزا و پاداش می‌دهد. برای اعمال نیکو پاداش نیکو و برای اعمال بد جزای مقرّر می‌دارد.

﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا لَهُمۡ فِيهِمَا مِن شِرۡكٖ وَمَا لَهُۥ مِنۡهُم مِّن ظَهِيرٖ ٢٢﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: برای برآورده شدن نیازهای خود کسانی را بخوانید که گمان می‌کنید در آفرینش و عبادت شریک خدا هستند و برخی عبادت‌ها را برای آن‌ها تقدیم می‌نمایید. اما پذیرش و اجابت خواستۀتان را در نزدشان نمی‌یابید؛ زیرا آن‌ها از انجام کدام کاری ناتوان‌اند؛ حتی به اندازۀ وزن یک مور کوچکی مالک چیزی در آسمان‌ها و زمین نیستند و هیچ حصه و نصیبی ندارند. پس تنها خداوند أ مالک و تدبیر کنندۀ جهان است. اوتعالی در هنگام آفرینش آسمان‌ها و زمین به کسی از مشرکان و به خدایان نام نهاد و باطل آنان استعانت نجسته است، بلکه او در آفرینش و روزی دادن یگانه است؛ از این رو تنها او سزاوار عبادت است، باید یگانه دانسته شود و از الوهیتش انکار صورت نگیرد.

﴿وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنۡ أَذِنَ لَهُۥۚ حَتَّىٰٓ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمۡ قَالُواْ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمۡۖ قَالُواْ ٱلۡحَقَّۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ٢٣﴾.

شفاعت شفاعتگران در نزد خداوند أ فایده‌ای ندارد، مگر آنگاه که برای شفاعت کننده اجازۀ شفاعت دهد و از کسی که برایش شفاعت می‌شود راضی باشد. آنگاه که الله أ به وحی سخن می‌گوید و اهل آسمان‌ها کلام او را می‌شنوند، از عظمت او می‌هراسند و از هیبتش می‌ترسند؛ به اندازه‌ای که از شدّت ترس چیزی مانند بیهوشی ایشان را فرا می‌گیرد. وقتی ترس‌شان دور می‌شود بعضی برای برخی دیگر می‌گویند: پروردگارتان چه گفت؟ فرشتگان پاسخ می‌دهندد: سخن حقّی را گفت و او در ذات، منزلت و قهرش متعالی و بلند مرتبه و از هر چیزی بزرگ‌تر است؛ چنان‌که عظمت و بزرگواری مخصوص اوست.

﴿۞قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ قُلِ ٱللَّهُۖ وَإِنَّآ أَوۡ إِيَّاكُمۡ لَعَلَىٰ هُدًى أَوۡ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٢٤﴾.

ای پیامبر! از کافران بپرس که چه کسی با فرود آوردن باران از آسمان‌ها، و با میوه‌ها، کشت‌ها، گنج‌ها و دیگر داشته‌های زمین برای شما روزی می‌دهد؟ آنان اعتراف خواهند کرد که تنها خداوند أ روزی دهنده است. اما اگر بازهم انکار کردند برای‌شان بگو: فقط الله پاک روزی دهنده است؛ نه دیگری و از دو گروه ما و شما یکی راهیاب و دیگری به حقّ، یا یکی گمراه و دیگری منحرف است.

﴿قُل لَّا تُسۡ‍َٔلُونَ عَمَّآ أَجۡرَمۡنَا وَلَا نُسۡ‍َٔلُ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ٢٥﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: شما از خطا کاری‌های ما مورد باز پرس قرار نمی‌گیرید و ما از اعمال شما سؤال نمی‌شویم؛ زیرا ما از شما و شرک شما به سوی خداوند أ برائت می‌جوییم.

﴿قُلۡ يَجۡمَعُ بَيۡنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفۡتَحُ بَيۡنَنَا بِٱلۡحَقِّ وَهُوَ ٱلۡفَتَّاحُ ٱلۡعَلِيمُ ٢٦﴾.

برای کافران بگو: خداوند متعال ما و شما را در روز حساب جمع می‌کند، بعد از آن در اموری که اختلاف ورزیدیم فیصله می‌نماید. او گشایشگر امور است که در میان مردم به عدل و قاطعیت حکم می‌کند. آری! حکمش از عدل صدور می‌یابد؛ زیرا اعمال مخلوقات را می‌داند و هیچ چیز پوشیده‌ای از او نهان نمی‌ماند.

﴿قُلۡ أَرُونِيَ ٱلَّذِينَ أَلۡحَقۡتُم بِهِۦ شُرَكَآءَۖ كَلَّاۚ بَلۡ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٧﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: با برهانی واضح برایم بگویید، آیا معبودانی را که شما در عبادت شریک خداوند أ ساخته‌اید چیزی را آفریده می‌توانند؟ نه خیر، شما در دعوای خود دروغگوی هستید، تنها آفرینندۀ روزی دهنده سزاوار عبادت است و برای کسی جز او عبادت مناسب نمی‌نماید. او ذات عزیزی است که از دشمنانش انتقام می‌گیرد و به دوستانش عزّت می‌بخشد، در آفرینش و صُنعش و در تدبیر و شریعتش با حکمت است.

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا كَآفَّةٗ لِّلنَّاسِ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٢٨﴾.

ای پیامبر! خداوند أ ترا بدین منظور به رسالت مبعوث کرده که پیام آورش به سوی همه جامعۀ بشری باشی؛ یعنی کسانی را که ایمان آوردند به پاداش بزرگی بشارت دهی و کافران را به عذاب درد آوری بیم دهی. دعوت تو برای جنّیان و انسان‌ها عمومیت دارد، اما بیشتر مردم به حقّانیتی که تو بدان فرستاده شده‌ای دانا نیستند و به رسالت تو تصدیق نمی‌کنند؛ از این رو از هدایت رو گردان‌اند.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٩﴾.

کافران با استبعاد و انکار از قیامت می‌گویند: اگر شما راست می‌گویید که قیامت خواهی نخواهی آمدنی است، پس وقت برپایی این وعده چه هنگامی است و روزی که در آن بین مخلوقات حکم نهایی صورت می‌گیرد چه وقت است؟

﴿قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوۡمٖ لَّا تَسۡتَ‍ٔۡخِرُونَ عَنۡهُ سَاعَةٗ وَلَا تَسۡتَقۡدِمُونَ ٣٠﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: برای شما وقت محدود و معّینی مقرّر داشته شده که روز قیامت و حسابدهی است و خواهی نخواهی آمدنی است. نه از آن وعده یک لحظه به تأخیر انداخته می‌شوید تا توبه نمایید و نه هم یک لحظه پیشتر واقع می‌شود تا قبل از موعدش عذاب شوید، بلکه موعد آن معلوم و تغییر ناپذیر است. پس از آن روز بترسید و با طاعت خداوند أ از آن حذر داشته باشید.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن نُّؤۡمِنَ بِهَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ وَلَا بِٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِۗ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ مَوۡقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمۡ يَرۡجِعُ بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٍ ٱلۡقَوۡلَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لَوۡلَآ أَنتُمۡ لَكُنَّا مُؤۡمِنِينَ ٣١﴾.

کافران گفتند: ما به قرآن و کتاب‌های پیش از آن چون تورات، انجیل و زبور تصدیق نمی‌کنیم. آنان با این سخن تمام پیامبران را تکذیب کردند و از تمام کتاب‌ها انکار نمودند ای پیامبر! اگر ببینی آنگاه که کافران در نزد خداوند أ برای محاسبه و مجازات محبوس‌اند، بعضی با بعضی دیگر سخن می‌زنند و همدیگر را ملامت می‌کنند امر هولناک و محضر ترس آوری را مشاهده می‌نمایی. در آن هنگام رعایا و ناتوانان مستضعف برای سر کردگان و بزرگان مستکبری که آنان را به سوی گمراهی کشاندند می‌گویند: اگر شما ما را از راه حق اغوا نمی‌کردید ما به الله أ ایمان می‌آرودیم و پیامبرش را تصدیق می‌نمودیم.

﴿قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُوٓاْ أَنَحۡنُ صَدَدۡنَٰكُمۡ عَنِ ٱلۡهُدَىٰ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَكُمۖ بَلۡ كُنتُم مُّجۡرِمِينَ ٣٢﴾.

اما چیزی سرکرده‌های زورمند برای ناتوانان می‌گویند: آیا ما شما را بعد از آمدن هدایت از ایمان باز داشتیم؟ ما چنین کاری را انجام ندادیم، بلکه شما خودتان مردم بد و بدکار بودید که گمراهی را به اختیار خود برگزیدید و ما شما را مجبور نکردیم.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ بَلۡ مَكۡرُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ إِذۡ تَأۡمُرُونَنَآ أَن نَّكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَنَجۡعَلَ لَهُۥٓ أَندَادٗاۚ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۚ وَجَعَلۡنَا ٱلۡأَغۡلَٰلَ فِيٓ أَعۡنَاقِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ هَلۡ يُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٣٣﴾.

ناتوانان برای سرگرده‌گان زورمند می‌گویند: بلکه فریب شما و زینت بدی‌ها از طرف‌تان ما را دچار هلاکت کرد. شما باطل را برای ما شب و روز عرضه داشتید و ما را به کفر و شرک به خدا فرا می‌خواندید. هردو گروه در هنگام مشاهدۀ عذاب در پیش روی خود، پشیمانی، حسرت و زیانمندی خویش را پوشیده نگه می‌دارند. خداوند أ زنجیرها را در گردن‌های کافران می‌اندازد و به خاطر کفر به خدا و بازداشتن از راه اوتعالی به چنین عذابی گرفتار می‌شوند.

این آیه به تحریم پیروی از دعوتگران و پیشوایان گمراه و سر کرده‌های اهل بدعت دلالت می‌کند.

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ٣٤﴾.

الله أ در هیچ قریه‌ای پیامبری را نفرستاد که به سوی ایمان به خدا و ترک شرک به اوتعالی فرا خواند، مگر اهل غرور و تکبّر که در آسایش و خود بینی غوطه‌ور بودند گفتند: ای پیامبران! ما به آنچه شما از نزد خداوند آورده‌اید منکریم و آن را نمی‌پذیریم.

﴿وَقَالُواْ نَحۡنُ أَكۡثَرُ أَمۡوَٰلٗا وَأَوۡلَٰدٗا وَمَا نَحۡنُ بِمُعَذَّبِينَ ٣٥﴾.

اشخاص متکبّر و ثروتمند گفتند: ای مؤمنان! ما از شما مال و فرزندان بیشتر داریم. پس خداوند أ از ما راضی است که ما را با این نعمت‌ها بر شما امتیاز بخشیده و به زودی از عذاب دنیوی و اخروی نجات می‌یابیم.

﴿قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٦﴾.

ای پیامبر! برای این متکبّران ثروتمند بگو: خداوند أ به هر که از بندگانش که خواسته باشد دنیا را عطا می‌کند و روزی‌اش را فراخ می‌سازد و به همین‌گونه بر هر که بخواهد روزی را تنگ می‌سازد. این کار از روی محبّت و خشم نیست و به هدایت و گمراهی ارتباطی ندارد، بلکه آن را از روی آزمایش و ابتلا انجام می‌دهد. پس شخص فراخ روزی گمان نکند که محبوب پروردگار است و تنگ روزی نپندارد که مورد خشم و غضب وی واقع شده است. بیشتر مردم به مراد الله أ آگاه نیستند، به اسرار الهی در مخلوقاتش نمی‌دانند و به حکمت اوتعالی در اختیار و ابتلایش دانایی ندارد.

﴿وَمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُم بِٱلَّتِي تُقَرِّبُكُمۡ عِندَنَا زُلۡفَىٰٓ إِلَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ جَزَآءُ ٱلضِّعۡفِ بِمَا عَمِلُواْ وَهُمۡ فِي ٱلۡغُرُفَٰتِ ءَامِنُونَ ٣٧﴾.

مال‌ها و فرزندان‌تان در حدّی نیستند که صاحب خود را به خداوند أ نزدیک سازند؛ یعنی منزلت و مقامش را بالا برند. امّا برای مؤمنان نیکوکار در برابر حسنات‌شان چند برابر پاداش داده می‌شود؛ یعنی هر حسنه از ده برابر تا هراندازه که خدا بخواهد پاداش دارد. مال‌ها و فرزندان هم گاهی در صورتی که صاحب آن‌ها در مقامله با الله أ صداقت‌کار باشد سبب پاداش‌های مزید می‌شوند. آری! گروه مؤمنان در بالاترین منازل بهشت قرار دارند و در آنجا از عذاب، مردن، فناشدن و انواع غم و اندوه در امان می‌باشند.

﴿وَٱلَّذِينَ يَسۡعَوۡنَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡعَذَابِ مُحۡضَرُونَ ٣٨﴾.

کسانی که برای بطلان دلایل پروردگار و ردّ براهینی که بر پیامبرانش نازل کرده می‌کوشند، با دوستان خدا به جنگ می‌پردازند، با الله أ و رسولش ستیزه می‌کنند و با حق دشمنی می‌ورزند، این گروه در آتش دوزخ‌اند و «زبانیه» آنان را حاضر آورده بر روی‌شان به سوی دوزخ می‌کشاند.

﴿قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُ لَهُۥۚ وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَهُوَ يُخۡلِفُهُۥۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ٣٩﴾.

ای پیامبر! برای متکبّران ثروتمند که به دنیا مغرور اند بگو: خداوند أ روزی هر که از بندگانش را که بخواهد فراخ و روزیی هر که را که بخواهد تنگ می‌سازد. این کار براساس راز و حکمتی است که خودش بدان آگاه بوده و بر مبنای ارادۀ او انجام می‌یابد و به این طریق مخلوقاتش را آزمایش می‌نماید. مال و منافعی را که در راه خدا به مصرف می‌رسانید، اوتعالی به زودی عوضش را در دنیا با زیادت رزق و روزی و در آخرت با پاداش بزرگ اخروی برای‌تان عطا می‌نماید. آری! او بهترین روزی دهندگان است، بخشش او همگانی است؛ چنان‌چه برای نیکوکار و بدکار عطا می‌نماید و با اعطای نعمتش از بنده نفعی را توقّع ندارد. پس از خدای یگانۀ یکتا روزی بخواهید و اسباب مشروع را در کسب روزی به کار گیرید.

﴿وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا ثُمَّ يَقُولُ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمۡ كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ٤٠﴾.

ای پیامبر! از روزی یادآور که خداوند أ هم مشرکان و هم فرشتگانی را که مشرکان به عبادت‌شان می‌پرداختند جمع می‌آورد. بعد از آن به منظور توبیخ مشرکان برای فرشتگان می‌گوید: آیا شما به عبادت مشرکان برای خویش راضی بودید؟ این در حالی است که اوتعالی به حقیقت امر داناست.

﴿قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِمۖ بَلۡ كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ٱلۡجِنَّۖ أَكۡثَرُهُم بِهِم مُّؤۡمِنُونَ ٤١﴾.

فرشتگان پاسخ می‌دهند که پروردگارا! ترا از شرک مشرکان که در عبادت به تو شریک آوردند منزّه می‌دانیم؛ زیرا تو معبود و صاحب اختیار ما هستی، تنها از تو اطاعت داریم و عبادت را مخصوص تو می‌دانیم. واقعیت این است که این مشرکان به عبادت شیاطین پرداخته گفته‌های آنان را تصدیق می‌کردند و مطیع اوامر آنان بودند.

﴿فَٱلۡيَوۡمَ لَا يَمۡلِكُ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٖ نَّفۡعٗا وَلَا ضَرّٗا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلنَّارِ ٱلَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ٤٢﴾.

معبودان توان ندارند تا در روز قیامت منفعتی را برای عبادت کنندگان جلب کنند و نمی‌توانند ضرری را از آنان دفع کنند. در آن روز خداوند برای کافران که با شرک و گناه بر خویشتن ستم کرده‌اند می‌گوید: جزای تکذیب خویش را که در دنیا مرتکب شده‌اید از عذاب دوزخ بچشید.

﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّا رَجُلٞ يُرِيدُ أَن يَصُدَّكُمۡ عَمَّا كَانَ يَعۡبُدُ ءَابَآؤُكُمۡ وَقَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّآ إِفۡكٞ مُّفۡتَرٗىۚ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ٤٣﴾.

آنگاه که قران بر کافران خوانده می‌شود و آیات آن در نزدشان معلوم و واضح می‌گردد می‌گویند: یگانه مقصد محمّد این است که می‌خواهد ما را از عبادت بت‌ها و تمثال‌های ما که پدران ما به عبادت آن‌ها مصروف بودند باز دارد و می‌گفتند: قرآنی را که ای محمد آورده‌ای، جز دروغ و بهتان چیزی نیست. همچنان کافران گفتند: قرآن سحری آشکار و واضح است که در سحر بودنش کسی شک نمی‌کند.

﴿وَمَآ ءَاتَيۡنَٰهُم مِّن كُتُبٖ يَدۡرُسُونَهَاۖ وَمَآ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمۡ قَبۡلَكَ مِن نَّذِيرٖ ٤٤﴾.

خداوند أ پیش از آمدن قرآن کتاب‌هایی را بر کافران نازل نکرده تا هدایت داده باشد که آنچه پیامبر ج آورده سحر است؛ همچنان که پیش از بعثت آن حضرت پیامبری را به سوی آنان نفرستاده تا آنان را از عذاب الهی بترساند.

﴿وَكَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَمَا بَلَغُواْ مِعۡشَارَ مَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ فَكَذَّبُواْ رُسُلِيۖ فَكَيۡفَ كَانَ نَكِيرِ ٤٥﴾.

کسانی مانند قوم‌های عاد و ثمود، پیش از کافران مکه به آیات خدا و پیامبرانش تکذیب کردند و امکانات زندگی کافران مکه به یک‌دهم چیزهایی که پروردگار سبحان به آن اقوام از نیرومندی، دارایی، وسایل جنگی، نعمت‌های سرشار، نیروی جسمانی و دیگر امور داده بود نمی‌رسید. وقتی این امّت‌ها پیامبران خویش را تکذیب نمودند، خداوند بزرگ آنان را هلاک ساخت. ببین و بیندیش که حق‌تعالی با چه سختیی آنان را عذاب کرد و چه قدر با قدرتی نیرومند از آنان انتقام گرفت.

﴿۞قُلۡ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَٰحِدَةٍۖ أَن تَقُومُواْ لِلَّهِ مَثۡنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُواْۚ مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا نَذِيرٞ لَّكُم بَيۡنَ يَدَيۡ عَذَابٖ شَدِيدٖ ٤٦﴾.

ای پیامبر! برای گروه کافران بگو: من شما را به یک طریق نصیحت می‌نمایم؛ اینکه برای پذیرش سخن دعوتگر خداوند أ دو دو نفر و یک‌یک نفر بر خیزید، بعد از آن در وضعیت و حال رسول خدا ج و اینکه دیوانگی را به او نسبت می‌دهید تفکّر و اندیشه نمایید. ملاحظه خواهید کرد که پیامبر ج فقط بیم دهنده‌ای است که اگر به خداوند کافر شوید و پیامبرش را تکذیب کنید، شما را از عذاب دوزخ می‌ترساند.

آنان را بدین سبب دو نفر و یک نفر فرا خوانده تا این امر باعث صفای ذهن و دوری از وسوسۀ مردم باشد.

﴿قُلۡ مَا سَأَلۡتُكُم مِّنۡ أَجۡرٖ فَهُوَ لَكُمۡۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٞ ٤٧﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: آنچه به عنوان مزد تبلیغ رسالت و دعوتم از شما خواسته‌ام از خود شما باشد و من از شما چیزی نمی‌خوام و مزد من در بدل تبلیغ رسالت و دعوت فقط بر خداست. او به عمل من و عمل شما آگاه است، هیچ چیز پنهانی از او پوشیده نیست و به زودی از اعمال همه حساب خواهد گرفت؛ یعنی برای عمل خیر پاداش نیکو و برای عمل شرّ جزای سخت خواهد داد.

﴿قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَقۡذِفُ بِٱلۡحَقِّ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ ٤٨﴾.

ای پیامبر! برای منکران ایمان که تو را تکذیب می‌کنند بگو: پروردگارم با دلایل ثابتی باطل را هدف گرفته محو نابود می‌سازد. خداوند أ به امور غایب از چشم‌ها داناست و هیچ راز پوشیده‌ای از او مخفی و نهان نمی‌ماند.

﴿قُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَمَا يُبۡدِئُ ٱلۡبَٰطِلُ وَمَا يُعِيدُ ٤٩﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: حق و هدایت ربّانی از جانب الله أ آمد و باطل شکست خورد، کفر مضمحل شد و هوادارانش منهزم شدند. دیگر یاری کننده‌ای برای باطل نماند که دوباره آن را پدید آورد و به پشتیبانی و یاری‌اش بپردازد.

﴿قُلۡ إِن ضَلَلۡتُ فَإِنَّمَآ أَضِلُّ عَلَىٰ نَفۡسِيۖ وَإِنِ ٱهۡتَدَيۡتُ فَبِمَا يُوحِيٓ إِلَيَّ رَبِّيٓۚ إِنَّهُۥ سَمِيعٞ قَرِيبٞ ٥٠﴾.

ای پیامبر! بگو اگر من از راه هدایت منحرف شوم گناه و زیان انحرافم را خودم برمی‌دارم، امّا اگر به راه مستقیم استوار باشم به سبب هدایاتی است که خداوند أ از کتاب و سنّت بر من نازل کرده است. به راستی که پروردگارم همه گفته‌ها و دعاها را می‌شنود و به نجواگران و نداکنندگان نزدیک است.

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ فَزِعُواْ فَلَا فَوۡتَ وَأُخِذُواْ مِن مَّكَانٖ قَرِيبٖ ٥١﴾.

ای پیامبر! اگر ببینی که ترس شدیدی در هنگام دیدن عذاب بر کافران مستولی شده، امر هول‌انگیزی را مشاهده خواهی کرد. آنگاه از عذاب نجات نیافته راه گریزی برای‌شان وجود ندارد و از جای نزدیکی گرفته می‌شوند تا به سوی دوزخ برده شوند.

﴿وَقَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِهِۦ وَأَنَّىٰ لَهُمُ ٱلتَّنَاوُشُ مِن مَّكَانِۢ بَعِيدٖ ٥٢﴾.

آنگاه که کافران عذاب دوزخ را مشاهده کنند می‌گویند: ما به خدا ایمان آوردیم و به پیامبرش تصدیق نمودیم. چگونه در این وقت توان ایمان آوردن را خواهند داشت، در حالی که وقت آن گذشته و جای آن نیست؟ اکنون میان ایمان و این مردم حایلی ایجاد شده است؛ زیرا وقت و موضع آن زندگی دنیا بوده و در آخرت اعتباری ندارد.

﴿وَقَدۡ كَفَرُواْ بِهِۦ مِن قَبۡلُۖ وَيَقۡذِفُونَ بِٱلۡغَيۡبِ مِن مَّكَانِۢ بَعِيدٖ ٥٣﴾.

کافران به رسالت پیامبر ج قبل از این تکذیب کردند و به خداوند أ کافر شدند. آنان گمان‌های آمیخته با خطا را از جایگاه دور از حقّانیت پرتاب می‌کردند، دلیل برای اثبات گمان آنان موجود نبود و برهانی برای ادعای باطل خویش نداشتند. در حالی که حق وقتی کسب جایگه می‌کند که دلیل و حجّتی از جانب خداوند أ داشته باشد؛ همچنان که تیرانداز وقتی از هدف دور باشد، تیر را بر مبنای گمان پرتاب کرده و در نتیجه به هدف اصابت نمی‌نماید.

﴿وَحِيلَ بَيۡنَهُمۡ وَبَيۡنَ مَا يَشۡتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشۡيَاعِهِم مِّن قَبۡلُۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ فِي شَكّٖ مُّرِيبِۢ ٥٤﴾.

در آن وقت میان کافران و اموری چون ایمان به خداوند واحد و قهّار، توبه و استغفار و بازگشت به سوی دنیا حایل و حجابی ایجاد می‌شود؛ همچنان که الله أ با همانندان آنان از اهل قرن‌های پیشین چنین معامله نمود. آری! آنان در زندگی دنیا به ایمان به خدا و رسول، زنده‌شدن بعد از مرگ و حساب اعمال شک می‌ورزیدند. این شک و تردید، ناآرامی و بی‌اعتمادی را در دل آنان ایجاد نمود و در نتیجه به کفر و تکذیب رو آوردند.

سورۀ فاطر

مکی است؛ ترتیب آن 35؛ شمار آیات آن 45

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ جَاعِلِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا أُوْلِيٓ أَجۡنِحَةٖ مَّثۡنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَۚ يَزِيدُ فِي ٱلۡخَلۡقِ مَا يَشَآءُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١﴾.

ستایش نیکو، شکران بزرگ و سپاس بیش از حد مخصوص پروردگار یگانه‌ای است که آسمان‌ها و زمین را با صُنع بدیع و انشای بی‌همانندی آفریده است. خداوندی که فرشتگان را به عنوان فرستادگانش موظّف داشت تا وحیش را به انسان‌های برگزیده‌اش برسانند و امر و نهیش را فرود آورند. از جملۀ قدرت بی‌نهایت الله أ این است که برای فرشتگان بال‌های متعدّدی: دو بال، سه بال، چار بال یا بال‌های بیشتر از این بخشیده تا به وسیلۀ آن‌ها در آسمان پرواز کنند و رسالت الهی را به بندگانش برسانند. اوتعالی به هر کاری تواناست، هیچ امری بر او دشوار نیست و هیچ چیزی از فرمان کَونی‌اش سرپیچی نمی‌کند.

﴿مَّا يَفۡتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحۡمَةٖ فَلَا مُمۡسِكَ لَهَاۖ وَمَا يُمۡسِكۡ فَلَا مُرۡسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢﴾.

آنچه را پروردگار از نعمت‌های ظاهری و باطنی چون اموال و فرزندان، تندرستی و دانش، هدایت و فهم امور، قبول حق و سایر چیزها برای بندگانش عطا کرده کسی توان منع آن‌ها را ندارد و نمی‌تواند رحمت اوتعالی را رد نماید. به همین‌گونه آنگاه که با ارادۀ محرومیت بندگان نعمت‌ها را از ایشان باز دارد، هیچ‌کس توان اعطای آن را به کسی ندارد. بنابراین جز خداوند أ هیچ کسی نمی‌تواند خیری را جلب یا شرّی را دفع نماید. پس هر که عزّت و پیروزی، تأیید و رفعت و هدایت و توفیق را می‌خواهد، باید از پروردگار طلب نماید که مالک این‌هاست؛ زیرا مردم نعمت‌ها را بخشیده و بازداشته نمی‌توانند؛ به جلب نفع و دفع ضرر قدرت ندارند؛ زنده کردن و میراندن در قدرت‌شان نیست و کسی را عزیز و ذلیل نمی‌سازند. تنها حق‌تعالی است که بخشنده و بازدارندۀ نعمت‌هاست، نفع و ضرر در قدرت اوست و زنده کردن و میراندن را در توان دارد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡۚ هَلۡ مِنۡ خَٰلِقٍ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ ٣﴾.

ای مردم! با شکرگزاری دل و زبان و خدمتگزاری اعضای وجود از نعمت خداوند متعال بر خویشتن یاد آورید. آری شکر گزاری نعمت‌ها با اطاعت از الله أ تحقّق پذیر است و کفران نعمت‌ها با نافرمانی اوتعالی صورت می‌گیرد. ای مردم! آیا جز پروردگار منّان برای خود آفریدگاری را می‌شناسید که از آسمان با فرود آوردن باران، و از زمین با خیزش آب‌ها، پیدایش میوه‌ها، رویاندن کشت‌ها و ذخیره کردن معادن برای‌تان روزی دهد؟ جز خداوندی که شریک ندارد و پروردگاری جز او نیست، هیچ‌کس سزاوار عبادت نمی‌باشد. پس چگونه بعد از شناخت فضل و احسان اوتعالی از طاعت، توحید و عبادتش رو می‌گردانید.

﴿وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدۡ كُذِّبَتۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ٤﴾.

ای پیامبر! اگر این کافران تو را تکذیب می‌کنند، امّت‌های پیشین نیز به تکذیب پیامبران خویش پرداختند، پس تو هم مانند آن پیامبران صبر و استقامت کن. همه امور به اوتعالی باز می‌گردد تا از اعمال همه مردم حساب گرفته برای مؤمنان پاداش نیکو دهد و کافران را به عذاب گرفتار سازد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ ٥﴾.

ای مردم! آنچه را خداوند أ از زنده شدن بعد از مرگ و برپایی قیامت برای شما وعده داده حقّ است و در آن شک و تردیدی وجود ندارد، پس با تهیۀ توشه‌ای از اعمال نیکو برای آن روز آماده‌گی بگیرید. زندگی دنیا با زرق و برق و لذّت‌های شهوانی‌اش شما را فریب ندهد و شیطان رانده شده شما را از طاعت پروردگار باز ندارد؛ زیرا شیطان بسیار فریب دهنده است، گناهان را محبوب‌تان می‌سازد و طاعات را در نظر شما بد نمایش می‌دهد.

﴿إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمۡ عَدُوّٞ فَٱتَّخِذُوهُ عَدُوًّاۚ إِنَّمَا يَدۡعُواْ حِزۡبَهُۥ لِيَكُونُواْ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ٦﴾.

ای مردم! به راستی که شیطان دشمن‌تان است، شما هم برای دشمنی با او آمادگی گرفته از فتنه‌هایش بر حذر باشید، به مخالفتش پرداخته و از او اطاعت ننمایید؛ زیرا او پیروانش را به سرکشی فرا می‌خواند تا از اهل آتش برافروختۀ دوزخ باشند.

﴿ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٞ كَبِيرٌ ٧﴾.

کسانی که به خداوند أ کافر شده به تکذیب پیامبران پرداختند و با دوستانش ستیزه و جنگ کردند، عذاب سختی در آتش دوزخ برای‌شان آماده شده است. اما آمرزش گناهان، پوشانیدن عیب‌ها و پاداش بزرگی در بهشت که دار امن و نعمت‌های جاودانی است، برای کسانی تهیّه شده که ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند.

﴿أَفَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ فَرَءَاهُ حَسَنٗاۖ فَإِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۖ فَلَا تَذۡهَبۡ نَفۡسُكَ عَلَيۡهِمۡ حَسَرَٰتٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا يَصۡنَعُونَ ٨﴾.

آیا کسی که شیطان کارهای زشتی چون کفر، تکذیب و سایر گناهان را در نظرش نیکو جلوه داده و در نتیجه این اعمال زشت را نیکو و زیبا دانسته مانند کسی است که خداوند أ او را هدایت کرده باشد؛ طوری که کارهای پسندیده را نیکو و امور زشت را ناپسند دانسته و حقّ و باطل را از هم باز شناخته است؟ الله أ از بندگانش هر که را بخواهد گمراه می‌سازد و هر که را دوست داشته باشد به مسیر راهیابی رهنمون می‌گرداند. پس ای پیامبر! با اندوهناکی از تکذیب کافران خود را به هلاکت نیفگن؛ زیرا حق‌تعالی به زشتی کارهای آنان داناست و قطعاً از اعمال‌شان حساب می‌گیرد.

﴿وَٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ ٱلرِّيَٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابٗا فَسُقۡنَٰهُ إِلَىٰ بَلَدٖ مَّيِّتٖ فَأَحۡيَيۡنَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ كَذَٰلِكَ ٱلنُّشُورُ ٩﴾.

الله أ خداوندی است که بادها را می‌فرستد تا ابرها را به حرکت آورد و به وسیلۀ باد، ابرها را به شهرهایی رساند که قحطی و خشکسالی اهل آن را فرا گرفته است. در نتیجه سبزیجات آن سرزمین‌ها را به وسیلۀ آب زنده می‌گرداند و زمین را با رویاندن سبزه‌ها بعد از خشکی سرسبز می‌سازد. آری! همچنان که پروردگار سبحان زمین را به آب زنده می‌کند، مرده‌گان را نیز از قبرهای‌شان برمی‌انگیزد و حیات دوباره می‌بخشد.

﴿مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعِزَّةَ فَلِلَّهِ ٱلۡعِزَّةُ جَمِيعًاۚ إِلَيۡهِ يَصۡعَدُ ٱلۡكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ وَٱلۡعَمَلُ ٱلصَّٰلِحُ يَرۡفَعُهُۥۚ وَٱلَّذِينَ يَمۡكُرُونَ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞۖ وَمَكۡرُ أُوْلَٰٓئِكَ هُوَ يَبُورُ ١٠﴾.

هر که عزّت دنیا و آخرت را آرزو دارد، باید آن را از نزد پروردگار مالک آن با طاعت اوتعالی و رسولش دریابد. آری! همه عزّت برای حق‌تعالی است، مطیعانش را عزّت می‌بخشد و عصیانگرانش را ذلیل می‌سازد؛ یعنی هر که از او عزّت جوید عزیزش داشته یاری‌اش می‌کند و هر که از غیرش عزّت حوید خوار و ذلیلش ساخته توفیقش نمی‌دهد. ذکر الله أ به سویش بالا می‌رود و عمل صالح وسیلۀ تعالی ذکرش می‌گردد، یا خداوند أ عمل صالح را بالا می‌برد و آن را می‌پذیرد. کسانی که مرتکب گناهان می‌شوند عذاب شدیدی در نزد آفریدگار سبحان برای آنان آماده شده، آنگاه مکر و تدبیرشان محو و بی‌اثر می‌شود و فایده‌ای به آنان نمی‌رساند؛ زیرا حق‌تعالی بهترین تدبیر کننده‌ای است و مکر و تدبیر مکّاران را باطل می‌سازد.

﴿وَٱللَّهُ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ جَعَلَكُمۡ أَزۡوَٰجٗاۚ وَمَا تَحۡمِلُ مِنۡ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلۡمِهِۦۚ وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٖ وَلَا يُنقَصُ مِنۡ عُمُرِهِۦٓ إِلَّا فِي كِتَٰبٍۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ١١﴾.

ای مردم! الله أ پدر شما آدم را از خاک آفرید، بعد از آن فرزندانش را از سلاله‌ای از منی که آب بی‌ارزشی است خلق نمود، باز شما را به گونۀ مردان و زنانی پدید آورد. هیچ زنی باردار نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند، مگر اینکه خداوند أ بدان داناست. اندازۀ حیات هر صابح عُمر – دراز باشد یا کوتاه همه در نزد اوتعالی در لوح محفوظ ثبت و نوشته است. پروردگار سبحان همه این امور را می‌داند و برمی‌شمارد، به همه آگاه است و زیادت و نقصان همه چیزها را پیش از آفرینش مخلوقات مقدّر کرده است. آری! آفرینش شما، شناخت مدت‌های عمر شما، اندازۀ اعمال و تمام احوال‌تان بر پروردگار سهل و آسان است.

﴿وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡبَحۡرَانِ هَٰذَا عَذۡبٞ فُرَاتٞ سَآئِغٞ شَرَابُهُۥ وَهَٰذَا مِلۡحٌ أُجَاجٞۖ وَمِن كُلّٖ تَأۡكُلُونَ لَحۡمٗا طَرِيّٗا وَتَسۡتَخۡرِجُونَ حِلۡيَةٗ تَلۡبَسُونَهَاۖ وَتَرَى ٱلۡفُلۡكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٢﴾.

دو دریای شور و شیرین با هم برابر نیستند، یکی آب بسیار گوارا دارد که به آسانی در حلق فرو رفته تشنگی را مرفوع ساخته سیرابی را به ارمغان می‌آورد. امّا یکی دیگر دریایی است که سخت نمکین است. شما از ماهی‌های لذّتبخش و تازۀ هردو دریا استفاده می‌کنید و از هردو دریا مروارید و مرجان به دست می‌آورید که به گونۀ زینت و وسایل تجملّی مورد استفاده قرار می‌گیرند. آری! مشاهده می‌کنی که کشتی‌های بزرگ آب دریا را می‌شکافد تا با مسافرت و تجارت به وسلیه‌اش روزی و دیگر چیزها را به دست آورید. همه این امور دلایلی است که به قدرت، عظمت و یگانگی خداوند أ دلالت می‌کند و برای این است که با لزوم طاعت و اخلاص عبادت الله تعالی را در برابر نعمت‌هایش شکر گزاری نمایید.

﴿يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ يَجۡرِي لِأَجَلٖ مُّسَمّٗىۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ لَهُ ٱلۡمُلۡكُۚ وَٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمۡلِكُونَ مِن قِطۡمِيرٍ ١٣﴾.

الله أ لحظات شب را در روز داخل می‌کند و در نتیجه روز به اندازۀ کوتاهی شب دراز می‌شود. همچنان از اوقات روز در شب داخل می‌کند تا از اثرش شب به اندازۀ کوتاهی روز بلند شود. اوتعالی هریک از خورشید و ماه را رام ساخته چنان‌که هر کدام تا وقت محدود و زمان معلومی به سیر و حرکت خود ادامه می‌دهند. این همه را خداوندی به انجام می‌رساند که پروردگار شماست. او آفریدگاری است که روزی دهنده و تدبیر کنندۀ همگان است و فقط او مستحقّ عبادت است؛ پس چیزهای دیگری را که شما عبادت می‌کنید و شریک اوتعالی می‌دانید، همه باطل‌اند و مالک قطمیری – یعنی پوست نازکی که بر روی خستۀ خرما قرار دارد – در آسمان‌ها و زمین نمی‌باشند.

﴿إِن تَدۡعُوهُمۡ لَا يَسۡمَعُواْ دُعَآءَكُمۡ وَلَوۡ سَمِعُواْ مَا ٱسۡتَجَابُواْ لَكُمۡۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَكۡفُرُونَ بِشِرۡكِكُمۡۚ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثۡلُ خَبِيرٖ ١٤﴾.

ای بندگان! اگر به پیشگاه معبودان خویش به منظور درخواست منفعت یا دفع ضرری دعا کنید، دعای شما را نمی‌شنوند و اگر فرضاً بشنوند، خواستۀ شما را برآورده نمی‌توانند. در روز قیامت معبودان از عبادتگران خود بیزاری می‌جویند. هیچ کسی در هر امری که برایت خبر دهد، از خداوند دانا و خبیر، راستگوتر و داناتر نیست.

﴿۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلۡفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِۖ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ١٥﴾.

ای مردم! شما در همه امور به پروردگار سبحان نیازمند هستید و از او یک چشم به هم زدن بی‌نیاز نمی‌باشید. شما را روزی می‌دهد و تدبیر امور و تصرّف در شؤون زندگی شما تنها به دست اوست؛ نه به دست دیگری. خداوند پاک از شما و از هر کس دیگر بی‌نیاز است و به هیچ مخلوقی محتاج نیست، طاعت افراد مطیع برایش نفعی ندارد و گناه گنه‌کاران به او ضرری نمی‌رساند، کمال مطلق برای اوست و از عیب و نقص منزّه است.

﴿إِن يَشَأۡ يُذۡهِبۡكُمۡ وَيَأۡتِ بِخَلۡقٖ جَدِيدٖ ١٦﴾.

ای بندگان! اگر خداوند أ بخواهد وقتی که از او نافرمانی کنید شما را هلاک و نابود می‌کند. آنگاه قوم دیگری را می‌آفریند که از اوامرش اطاعت و از نواهی‌اش اجتناب نمایند.

﴿وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ بِعَزِيزٖ ١٧﴾.

ای مردم! آنگاه که از خداوند أ نافرمانی کنید، هلاک ساختن شما و آفریدن قومی دیگر که فرمانبردارتر از شما باشند بر اوتعالی کار سخت و دشواری نیست، بلکه آسان و ساده است؛ زیرا حق‌تعالی قدرت کامل دارد.

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۚ وَإِن تَدۡعُ مُثۡقَلَةٌ إِلَىٰ حِمۡلِهَا لَا يُحۡمَلۡ مِنۡهُ شَيۡءٞ وَلَوۡ كَانَ ذَا قُرۡبَىٰٓۗ إِنَّمَا تُنذِرُ ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُم بِٱلۡغَيۡبِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَۚ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفۡسِهِۦۚ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ ١٨﴾.

هیچ شخصی گناه دیگری را برنمی‌دارد؛ یعنی کسی که از گناه برائت دارد گناه گنه‌کار را به دوش نمی‌کشد، بلکه هر که از عمل خویش مورد بازپرس قرار می‌گیرد. اگر شخص گناه به دوش خواستار کم شدن بار گناهش باشد، کسی را نمی‌یابد که چیزی از بارش را بگیرد، اگرچه از خویشاوندان و اعمال نیکو نجات میسّر است نه با قرابت و نسب. ای پیامبر! تو تنها کسانی را با قرآن بیم می‌دهی که از عذاب نادیدۀ الله أ می‌ترسند و نماز را به کامل‌ترین طریق مشروع ادا می‌نمایند. هر که از کفر و سایر گناهان خود را پاک سازد، برای خویشتن فایده رسانده است. همه خلایق در روز قیامت به سوی خداوند یگانه باز می‌گردند و هر کس را به اعالی که انجام داده محاسبه می‌نماید؛ یعنی برای اعمال خیر، پاداش نیکو و برای اعمال بد، جزای سختی مقرّر می‌دارد.

﴿وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ ١٩﴾.

کسی که از دیدن حق نابینا باشد و راه هدایت را نبیند، برابر با کسی نیست که بیناست و حق را می‌بیند، راه هدایت را در پیش گرفته و از پیامبر ج پیروی می‌کند.

﴿وَلَا ٱلظُّلُمَٰتُ وَلَا ٱلنُّورُ ٢٠﴾.

تاریکی‌های کفر و ظلمات گمراهی و گناه، با نور ایمان به هدایت و طاعت برابر نمی‌باشند.

﴿وَلَا ٱلظِّلُّ وَلَا ٱلۡحَرُورُ ٢١﴾.

همچنان سایۀ ایمان که فراخ و سرد است، با بوی کفر که گرم و سوزان است برابر نیستند.

﴿وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَحۡيَآءُ وَلَا ٱلۡأَمۡوَٰتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُسۡمِعُ مَن يَشَآءُۖ وَمَآ أَنتَ بِمُسۡمِعٖ مَّن فِي ٱلۡقُبُورِ ٢٢﴾.

کسی که الله أ دلش را زنده کرده و بینش او را با تقوا روشن ساخته باشد، با کسی که دلش را با کفر بمیرانده و چشم‌هایش را از درک هدایت نابینا ساخته است برابر نیست. خداوند أ برای هر که از بندگانش که بخواهد حق را می‌شنواند؛ به گونه‌ای که آن را با آگاهی و قبول بشنود. اما تو – ای پیامبر ج – مردگان قبرها را شنوانده نمی‌توانی؛ یعنی آنچه را از حق آورده‌ای نمی‌توانی برای کافران بشنوانی؛ زیرا دل‌های مرده و چشم‌های نابینا دارند.

﴿إِنۡ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ ٢٣﴾.

ای پیامبر! تو تنها بیم دهنده‌ای هستی که کافران را از خشم و عذاب خداوند أ بیم می‌دهی.

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗاۚ وَإِن مِّنۡ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٞ ٢٤﴾.

ای پیامبر! خداوند أ تو را با دین حق فرستاده تا مردم را به سوی آن فرا خوانی و بدان عمل کنی، مؤمان را به بهشت‌های پر از نعمت مژده دهی و کافران را به آتش دوزخ بیم دهی. هیچ امتی نبوده مگر اینکه حق‌تعالی برای‌شان پیامبری فرستاده تا آنان را از عذاب الهی بترساند، از کفر به اوتعالی و تکذیب پیامبرانش بر حذر دارد و به عبادت پروردگار یگانه مأمور سازد.

﴿وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدۡ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَبِٱلزُّبُرِ وَبِٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُنِيرِ ٢٥﴾.

ای پیامبر! اگر کافران تو را تکذیب می‌کنند دلتنگ مباش؛ زیرا امّت‌های گذشته نیز پیامبران خویش را تکذیب کردند. آری! پیامبران پیشین با براهین واضح و معجزه‌های آشکاری آمدند که بر یگانگی خداوند أ و راستگویی‌شان دلالت می‌کرد، دستورهایی را آوردند که حقّ و شریعت را در خود جمع کرده بود و کتاب روشنگر، بیان کننده و واضحی را آوردند که به حق دلالت می‌کرد و آنان را از باطل بدحذر می‌ساخت.

﴿ثُمَّ أَخَذۡتُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ فَكَيۡفَ كَانَ نَكِيرِ ٢٦﴾.

بعد از آن الله أ کافران را به عذاب‌های متعددی مؤاخذه کرد. اکنون بیندیش که چگونه خداوند أ عملکردشان را تقبیح کرد، چگونه عذاب بر آنان فرود آمد و با دشوارترین طریق از آنان انتقام گرفت.

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦ ثَمَرَٰتٖ مُّخۡتَلِفًا أَلۡوَٰنُهَاۚ وَمِنَ ٱلۡجِبَالِ جُدَدُۢ بِيضٞ وَحُمۡرٞ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٞ ٢٧﴾.

آیا ندیدی که خداوند أ آب را از آسمان فرستاد و زمین را به وسیله‌اش آب داد، سبزی‌ها را رویاند و میوه‌هایی را پدید آورد که رنگ‌ها، مزّه‌ها و شکل‌های مختلف دارد. حق‌تعالی از کوه‌ها راه‌هایی را با رنگ‌های مختلف سفید و سرخ پدید آورد همچنان که برخی کوه‌ها را سیا و تیره رنگ آفرید. پاک است ذاتی که رنگ‌ها را متنوّع ساخت و با قدرتش بین صنف‌های متعدّد تنوّع را مقرّر داشت.

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ وَٱلدَّوَآبِّ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ مُخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ كَذَٰلِكَۗ إِنَّمَا يَخۡشَى ٱللَّهَ مِنۡ عِبَادِهِ ٱلۡعُلَمَٰٓؤُاْۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ٢٨﴾.

خداوند أ انسان‌ها، خزندگان روی زمین و حیواناتی چون شتر، گاو و گوسفند را به رنگ‌های مختلفی چون سفید، سیاه سرخ آفرید؛ همچنان که نباتات، میوه‌ها و کوه‌ها را با چنین اختلافی در رنگ‌ها آفریده است. پاک است خداوند ابداعگر بزرگی که این همه را به وجود آورده است. اما تنها دانشمندانی که در علم‌شان راسخ‌اند به گونۀ شایسته تقوای الهی را در پیش گرفته از اوتعالی می‌ترسند و قدر وی را می‌دانند؛ زیرا ایشان به نام‌ها، صفات، افعال و شریعت پروردگار منّان و به روش مشروع تعظیم او دانا هستند. الله أ ذات با عزّتی است که دوستانش را عزّت می‌بخشد و دشمنانش را خوار می‌سازد، هر که با وی زورآزمایی کند شکستش می‌دهد و هر که با وی ستیزه کند قهرش می‌نماید. او به بندگانش بسیار آمرزنده است؛ یعنی از گناهان‌شان گذشت می‌کند و خطاهای‌شان را می‌بخشد.

یاد آوری دانشمندان بعد از مخلوقاتی که در اول یادآوری شد بدین سبب است که ایشان بیشتر از دیگران در مظاهر قدرت و عجایب مخلوقات تفکّر و تأمّل می‌نمایند؛ یعنی که به نشانه‌های کَونی و تشریعی خداوند أ می‌اندیشند و دانایی دارند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَتۡلُونَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ يَرۡجُونَ تِجَٰرَةٗ لَّن تَبُورَ ٢٩﴾.

به راستی کسانی که با تلاوت قرآن کریم در معانی‌اش می‌اندیشند و بدان عمل می‌کنند، به ادای نماز با کامل‌ترین وجه و با بهترین روش مشروعش مداومت دارند و از نعمت‌هایی که خداوند أ برای‌شان داده در راه اوتعالی به گونۀ پوشیده تا مردم نبینند و به گونۀ آشکار تا به ایشان اقتدا شود به مصرف می‌رسانند، آرزو دارند مزد و نتیجۀ این اعمال نیکو در نزد پروردگار بزرگ محفوظ و ذخیره باشد؛ چنان‌که طور کامل و با ارزشمندی خاصی برای‌شان نگهداری شود تا در روز قیامت آن را دریابند.

﴿لِيُوَفِّيَهُمۡ أُجُورَهُمۡ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ غَفُورٞ شَكُورٞ ٣٠﴾.

تا خداوند أ در برابر اعمال نیکی که پیش فرستاده‌اند، نیکوترین و بزرگ‌ترین پاداش برای‌شان عطا کند و با چند برابر ساختن اعمال حسنه برای‌شان احسان نماید؛ زیرا او گناهان‌شان را می‌آمرزد و خطاهای‌شان را می‌بخشاید، ایشان را با پاداش اعمال به رضوانش نایل می‌سازد و در بهشتش سکنی گزین می‌گرداند.

﴿وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ هُوَ ٱلۡحَقُّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِعِبَادِهِۦ لَخَبِيرُۢ بَصِيرٞ ٣١﴾.

ای پیامبر! آنچه را حق‌تعالی به تو از آیات قرآن کریم وحی فرستاده حقّ است و کتاب‌های پش از خود مانند تورات و انجیل را تصدیق می‌نماید. خداوند بزرگ به احوال بندگان آگاه است، به گفته‌ها و کارکردهای‌شان بیناست، هیچ امر پوشیده‌ای از او پنهان نیست و همه اعمال پوشیده و آشکار را می‌داند.

﴿ثُمَّ أَوۡرَثۡنَا ٱلۡكِتَٰبَ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَيۡنَا مِنۡ عِبَادِنَاۖ فَمِنۡهُمۡ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ وَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞ وَمِنۡهُمۡ سَابِقُۢ بِٱلۡخَيۡرَٰتِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ ٣٢﴾.

بعد از آنکه خداوند أ اهل قرن‌های پیشین از هلاک ساخت، قرآن را به برگزیدگانش که امّت محمد ج اند عطا کرد، ایشان را به راه خوشی هدایت نمود و به طاعتش توفیق بخشید. شماری از این گروه با ترک واجبات و ارتکاب محرّمات بر خویشتن ستم روا داشتند، اما برخی دیگر به خوبی‌ها سبقت جستند و ایشان کسانی‌اند که واجبات و مستحبّات را ادا نمودند و با ترک حرام‌ها و امور مکروه به انجام اعمال نیکو سبقت جستند. گزینش این امّت و اعطای قرآن برای‌شان فضل بزرگی از جانب حق‌تعالی است؛ زیرا این امر سعادت دنیا و آخرت را به ارمغان می‌آورد و هریک از این اصناف به اندازۀ اعمال‌شان از سعادت و نیکبختی بهره‌مند می‌شوند.

﴿جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَلُؤۡلُؤٗاۖ وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ ٣٣﴾.

خداوند أ صنف‌های سه گانۀ مذکور را به بهشت‌های پر از نعمتش، با اقامتی جاودانه و نعمت‌های همیشگی داخل می‌سازد، با دستبندهای از طلا و مروارید کسب زیبایی می‌کنند و جامه‌های نازک ابریشمین را می‌پوشند. آنان‌که بر خویش ستم کردند با انجام توبه، با حسناتی که گناهان را محو می‌کند و با مصیبت‌هایی که کفارۀ گناهان شده به بهشت درمی‌آیند.

﴿وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَذۡهَبَ عَنَّا ٱلۡحَزَنَۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٞ شَكُورٌ ٣٤﴾.

این گروه از بهترین‌ها هنگامی که به بهشت داخل می‌شوند می‌گویند: ثنا و ستایش خداوندی را سزاوار است که همه غم‌های ما را دور ساخته است. این بدان سبب است که شادمانی و شادکامی، با سرور و شادابی ایشان را پوشانیده است. یقیناً پروردگار ما بسیار آمرزنده است؛ چنان‌چه گناهان ما را آمرزیده و خطاهای ما را بخشیده است. او شکور است؛ چنان‌چه حسنات ما را پذیرفته و مزد آن را چندین برابر کرده است.

﴿ٱلَّذِيٓ أَحَلَّنَا دَارَ ٱلۡمُقَامَةِ مِن فَضۡلِهِۦ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٞ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٞ ٣٥﴾.

اوتعالی خداوندی است که با فضل و کرمش ما را در سرای اقامت جاودان و همیشگی داخل کرده و با دخول در بهشت جاودان هیچ خستگی و مشقّتی نمی‌بینیم و کدام دشواری و ناآرامی یا درد و آزاری به ما نمی‌رسد.

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمۡ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقۡضَىٰ عَلَيۡهِمۡ فَيَمُوتُواْ وَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُم مِّنۡ عَذَابِهَاۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي كُلَّ كَفُورٖ ٣٦﴾.

اما برای کافران آتش برا فروخته و شعله‌وری در آخرت آماده است که چهره‌ها و بدن‌های آنان را بریان می‌کند و می‌سوزاند. خداوند أ مرگ را بر آنان مقدّر نمی‌کند تا راحت یابند و عذاب آنان تخفیف نمی‌یابد تا استراحت کنند. با چنین عذاب و مجازاتی پروردگار بزرگ هر کافری را که پیامبرش را تکذیب کند و به آیاتش انکار ورزد عذاب می‌کند.

﴿وَهُمۡ يَصۡطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا نَعۡمَلۡ صَٰلِحًا غَيۡرَ ٱلَّذِي كُنَّا نَعۡمَلُۚ أَوَ لَمۡ نُعَمِّرۡكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ ٱلنَّذِيرُۖ فَذُوقُواْ فَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ٣٧﴾.

کافران را شدّت هول، دشواری مجازات و سختی زنجیرها در آتش دوزخ با فریاد و استغاثه می‌گویند: پروردگارا! ما را از آتش بیرون آور و به زندگی دنیا باز گردان تا توبه کنیم، از اعمال نیکو توشه بگیریم و اعمالی چون کفر، تکذیب و گناهان را ترک نماییم. برای‌شان گفته می‌شود: آیا برای‌تان در زندگی دنیا وقت کافی از عمر داده نشده بود تا هر که می‌خواست از آن عبرت بگیرد و نصیحت پذیر شود؟ آری! برای شما پیامبر بزرگوار محمد ج همراه با دلایل واضحی از جانب پروردگار آمد، اما نپذیرفتید و ایمان نیاوردید. اکنون از عذاب دوزخ که بد جایگاهی است بچشید و جز حق‌تعالی یاری دهنده‌ای نیست که عذابش را از شما دفع کند.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ عَٰلِمُ غَيۡبِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٣٨﴾.

خداوند أ به موجوداتی که در آسمان‌ها و زمین از چشم‌ها غایب‌اند دانا و به امور پوشیده آگاه است. هیچ امر پوشیده‌ای بر او مخفی نیست و او رازهای دل‌ها را می‌داند. پس با انجام طاعات از عذابش بترسید؛ زیرا هیچ امر غایبی از اعمال شما از او پنهان نیست؛ اگرچه آن را در دل‌های خود پوشیده نگه دارید.

﴿هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَكُمۡ خَلَٰٓئِفَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ فَمَن كَفَرَ فَعَلَيۡهِ كُفۡرُهُۥۖ وَلَا يَزِيدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ كُفۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ إِلَّا مَقۡتٗاۖ وَلَا يَزِيدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ كُفۡرُهُمۡ إِلَّا خَسَارٗا ٣٩﴾.

ای انسان‌ها! الله أ خداوندی است که شما را در روی زمین خلیفه ساخت؛ طوری که در عمارت زمین از یک دیگر به خلافت می‌پردازید. پس هر که به خداوند أ کافر شود زیان کفرش به خودش برمی‌گردد و کفر کافران جز کینه و خشم خدا چیزی را برای آنان نمی‌افزاید. به همین‌گونه کفر کافران جز گمراهی، هلاکت، خواری و ندامت چیزی را برای آنان افزون نمی‌سازد.

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ شُرَكَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُواْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ لَهُمۡ شِرۡكٞ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ كِتَٰبٗا فَهُمۡ عَلَىٰ بَيِّنَتٖ مِّنۡهُۚ بَلۡ إِن يَعِدُ ٱلظَّٰلِمُونَ بَعۡضُهُم بَعۡضًا إِلَّا غُرُورًا ٤٠﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: شریکان شما که به عبادت آن‌ها می‌پردازید، چه چیزی را در زمین آفریده‌اند؟ آیا آن‌ها در آفرینش آسمان‌ها نصیب و حصه‌ای با الله تعالی دارند؟ و آیا خداوند أ به سوی آنان کتابی نازل کرده و با اتّکا به دلیلی از جانب او سخن می‌زنند؟ چنین نیست، بلکه کافران برای یک دیگر جز غروری عاری از حقیقت و فریبی دور از صداقت نوید نمی‌دهند.

﴿۞إِنَّ ٱللَّهَ يُمۡسِكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ أَن تَزُولَاۚ وَلَئِن زَالَتَآ إِنۡ أَمۡسَكَهُمَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنۢ بَعۡدِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا ٤١﴾.

به یقین که خداوند چاک آسمان‌ها و زمین را نگه می‌دارد تا از بین نروند. اوست که آن‌ها را به تنهایی ثابت ساخته است. اگر آسمان‌ها و زمین نابود شوند در توان هیچ‌کس جز خداوند أ نیست که آن‌ها را نگه دارد و حفظ کند. بدون شک اوتعالی در مهلت دادن گنه‌کاران بردبار است و برای کسی که از گناهانش توبه کند آمرزنده است.

﴿وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَئِن جَآءَهُمۡ نَذِيرٞ لَّيَكُونُنَّ أَهۡدَىٰ مِنۡ إِحۡدَى ٱلۡأُمَمِۖ فَلَمَّا جَآءَهُمۡ نَذِيرٞ مَّا زَادَهُمۡ إِلَّا نُفُورًا ٤٢﴾.

کافران با بزرگ‌ترین سوگند به شدّت قسم یاد کردند که اگر از جانب خداوند أ پیامبری بیاید و آنان را از عذاب الهی بر حذر دارد، بیشتر از یهود و نصاری به وی ایمان می‌آورند، هدایت می‌شوند و استقامت می‌ورزند. اما چون محمد ج به سوی‌شان فرستاده شد، بعثتش جز سرکشی، گمراهی و دوری از حق چیزی بر آنان نیفزود.

﴿ٱسۡتِكۡبَارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَكۡرَ ٱلسَّيِّيِٕۚ وَلَا يَحِيقُ ٱلۡمَكۡرُ ٱلسَّيِّئُ إِلَّا بِأَهۡلِهِۦۚ فَهَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا سنّت ٱلۡأَوَّلِينَۚ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗاۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَحۡوِيلًا ٤٣﴾.

سوگند کافران با حسن نیّت و از روی حرص و علاقه به دریافت هدایت صورت نپذیرفته بود، بلکه از ستیزه جویی و استکبار بود. آنان با سوگند خویش تدبیر زشتی را سنجیده بودند و فریب مردم را قصد داشتند؛ زیرا ظاهر امر چنین می‌نمود که به قبول حق حریص‌اند. اما در حقیقت اهل باطل دروغ بودند؛ از این رو عواقب این تدبیر زشت به خود آنان برگشت و به دیگران ضرری نرساند. اکنون این گروه معاند و متکّبر، جز عذابی که به امثال آنان در قرن‌های گذشته رسیده نباید انتظاری داشته باشند. آری! این سنّت الهی دربارۀ هر معاند و متکبّر است و در روش خداوندی تبدیل و تغییری پدید نمی‌آید و هیچ‌کس نمی‌تواند سنّت الهی را از مجرایش تغییر دهد و از طریقش بگرداند؛ زیرا به طور همیشه ادامه دارد و جاودانی است.

﴿أَوَ لَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَكَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعۡجِزَهُۥ مِن شَيۡءٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَلِيمٗا قَدِيرٗا ٤٤﴾.

آیا کافران به مسافرت نپرداختند تا ببینند چگونه خداوند أ تکذیب کنندگان پیشین، مانند قوم عاد و ثمود و دیگران را مجازات نمود و آنگاه که به جنگ پرداختند و مردم را از راه خدا باز داشتند، منازل آنان را زیر و رو کرد و خانه‌های آنان را خراب نمود؛ با وجودی که گروه تکذیب کنندگان پیشین، از کافران مکّه نیروی جسمی و امکانات زندگی بیشتری داشتند. بر الله أ هیچ امری دشوار نیست و هیچ چیزی در آسمان‌ها و زمین از او غایب نمی‌ماند، بلکه قدرتش نافذ است و حکمش را کسی رد نمی‌کند. او به گفتار و کردار کافران داناست و تواناست که آنان را به هلاکت رساند و خوار سازد.

﴿وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِمَا كَسَبُواْ مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهۡرِهَا مِن دَآبَّةٖ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِۦ بَصِيرَۢا ٤٥﴾.

اگر خداوند أ مردم را به سبب گناهان و خطاهایی که انجام می‌دهند مجازات کند، از عذابش هیچ خزندۀ روی زمین نجات نمی‌یابد. امّا حق‌تعالی عذابش را از کافران به تأخیر می‌اندازد و اهل گناه را تا زمانی که در علمش معیّن و محدود است مهلت می‌دهد. آنگاه که زمان عذاب مجرمان فرا رسید آنان را در حالی که مستحقّ مجازات‌اند به عذاب گرفتار می‌کند. او فرمانبرداران و سرکشان را می‌داند و می‌شناسد و هر کدام را بر مبنای اعمالش جزا می‌دهد. این در حال است که الله تعالی به بندگانش بیناست، کارکردها و اعمال آنان را می‌داند و می‌شمارد و هیچ چیزی از عمال آنان بر او پوشیده نیست.

سورۀ یس

مکی است؛ ترتیب آن 36؛ شمار آیات آن 83

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿يسٓ ١﴾.

یا. سین؛ از حروف مقطّعات‌اند که خداوند متعال به معنای آن‌ها داناتر می‌باشد؛ هرچند می‌دانیم که معناهای ارزنده دارند.

﴿وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡحَكِيمِ ٢﴾.

خداوند أ به قرآن کریم سوگند یاد می‌کند؛ قرآنی که الفاظ و معناهای آن را مُحکم ساخته و با موجودات حکمت‌ها، احکام شرعی و براهین، آن را مشرّف و بلند مرتبه ساخته است.

﴿إِنَّكَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٣﴾.

ای پیامبر! شکّی نیست که تو از فرستاده شدگان خداوند أ هستی که با وحی‌اش به سوی بندگان آمده‌ای.

﴿عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٤﴾.

ای پیامبر! تو بر راه راستینی استوار می‌باشی که راه اسلام است؛ راهی که در آن کجی و نااستواری وجود ندارد.

﴿تَنزِيلَ ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ ٥﴾.

قرآن کریم کتابی است که خداوند عزیز آن را با سلطه حکم خویش نازل کرده است؛ خداوندی که هر که با وی زورآزمایی کند قهرش می‌کند و هر که با وی بستیزد شکستش می‌دهد. او که از دشمنانش انتقام می‌گیرد و به کسی که با توبه به سویش باز گردد رحمت می‌نماید.

﴿لِتُنذِرَ قَوۡمٗا مَّآ أُنذِرَ ءَابَآؤُهُمۡ فَهُمۡ غَٰفِلُونَ ٦﴾.

ای پیامبر! پروردگار سبحان قرآن را بر تو نازل کرده تا به وسیلۀ آن کافران را بیم بدهی؛ کافرانی را که برای پدران پیشین آنان از جانب خداوند أ بیم دهنده‌ای نیامده بود تا آنان را از عذابش بترساند. از این رو از ایمان و عمل صالح در لهو و بیراهه‌روی مصروف بودند، چون هر گروه یا جماعتی که دعوت به سوی پروردگار را درنیابد و بدان دسترسی نداشته باشد، به غفلت دچار می‌شود.

این آیه می‌رساند که بر دانشمندان دینی و دعوتگران راه خدا واجب است به آموزش، نصیحت و پندآموزی مردم اقدام کنند.

﴿لَقَدۡ حَقَّ ٱلۡقَوۡلُ عَلَىٰٓ أَكۡثَرِهِمۡ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٧﴾.

به یقین که خداوند أ بر بیشتر کافران عذاب را واجب نمود؛ البته بعد از اینکه حجّت را بر آنان اقامه داشت و مطلوب آن را واضح ساخت. اما آنان به حق یقین نکردند و راستی را نپذیرفتند، بلکه به اوتعالی کافر شدند و رسولش را تکذیب نمودند.

﴿إِنَّا جَعَلۡنَا فِيٓ أَعۡنَٰقِهِمۡ أَغۡلَٰلٗا فَهِيَ إِلَى ٱلۡأَذۡقَانِ فَهُم مُّقۡمَحُونَ ٨﴾.

هر آینه خداوند أ گروه کافران را که ارمغان پیامبر ج از جانب خدا را رد نمودند و با حق عناد ورزیدند، مانند کسانی مقدّر داشته که در گردن‌های آنان زنجیرهایی انداخته شده و دست‌های آنان نیز با گردن‌های‌شان در زیر زنخ‌های آنان جمع شده باشد و بعد از آن سرهای خود را به سوی آسمان بالا کنند. حق‌تعالی دست‌های این کافران را نیز از هر خیری به زنجیر بسته و دیدگان آنان را از دیدن هدایت نابینا کرده است؛ از این رو کار خیری را انجام نمی‌دهند و حق را نمی‌بینند.

﴿وَجَعَلۡنَا مِنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ سَدّٗا وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ سَدّٗا فَأَغۡشَيۡنَٰهُمۡ فَهُمۡ لَا يُبۡصِرُونَ ٩﴾.

خداوند أ پرده‌ای از تاریکی را در پیش رو و پشت سر آنان ایجاد کرده است؛ یعنی صفت آنان مانند کسی است که با حایلی از پیش رو و از پشت سر در حجاب شده باشد و از اثرش چیزی را نبیند و به راهی هدایت نشود. حق‌تعالی چشم‌های‌شان را نابینا ساخته و بینش آنان را محو نموده است. هریک از دشمنان اسلام بدون شک به چنین عذابی گرفتار است؛ از همین است که حیرت‌زده، متردّد و راه گم کرده‌اند.

﴿وَسَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ١٠﴾.

ای پیامبر! اگر اهل کفر و سرکشان را به عذاب الهی بیم دهی یا بیم ندهی برابر است؛ زیرا در هردو صورت ایمان نمی‌آورند و نمی‌پذیرند.

﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلذِّكۡرَ وَخَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِۖ فَبَشِّرۡهُ بِمَغۡفِرَةٖ وَأَجۡرٖ كَرِيمٍ ١١﴾.

ای پیامبر! ترساندن و بیم دادنت تنها به کسی فایده می‌دهد که به کتاب الله أ ایمان آورد و از آن پیروی کند، به قرآن عمل نماید و از خداوند رحمان – بدون اینکه او را دیده باشد – بترسد و نیز در غیاب مردم، حق‌تعالی را مراقب خویش بداند. کسی که عملکردش چنین است، او را به آمرزشی که گناهان را محو می‌کند و به پاداش بزرگ حسناتش که بهره‌مندی از رضای خداوند أ و داخل شدن به بهشت است مژده بده.

﴿إِنَّا نَحۡنُ نُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَنَكۡتُبُ مَا قَدَّمُواْ وَءَاثَٰرَهُمۡۚ وَكُلَّ شَيۡءٍ أَحۡصَيۡنَٰهُ فِيٓ إِمَامٖ مُّبِينٖ ١٢﴾.

خداوند أ مرده‌ها را زنده می‌کند و از قبرها برای حساب دهی برمی‌انگیزد. اعمال نیک و پاداش کارهای خیری را که سبب شده‌اند می‌نویسد؛ چنان‌چه علم نافع، فرزند صالح و صدقۀ جاریه از آن جمله است. همچنان گناهان و اعمال بدی را که انجام دادند یا سبب انجام آن شده‌اند می‌نویسد؛ چنان‌چه کفر و بدعت از آن جمله است. این در حالی است که الله أ هر کار فساد و صلاحی را در لوح محفوظ با بیان و وضاحت نوشته است، پس باید بنده با ترس از پروردگارش از گناه حذر داشته باشد و بداند که گفتار و کردارش نوشته می‌شود و بعد از آن مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

﴿وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلًا أَصۡحَٰبَ ٱلۡقَرۡيَةِ إِذۡ جَآءَهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ ١٣﴾.

ای پیامبر! برای کافران که تو را تکذیب کردند، اصحاب قریه را مثال بیاور که حق‌تعالی پیامبرانی را به سوی آنان روان کرد تا آنان را به عبادت خداوند یگانه فرا خوانند و از شرک به اوتعالی باز دارند.

﴿إِذۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمُ ٱثۡنَيۡنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزۡنَا بِثَالِثٖ فَقَالُوٓاْ إِنَّآ إِلَيۡكُم مُّرۡسَلُونَ ١٤﴾.

آنگاه که الله أ دو تن از پیامبران را فرستاد تا آنان را به عبادت خداوند یگانه و به ترک شرک فرا خوانند و اهل قریه آن دو پیامبر را تکذیب کردند، پروردگار آن دو نفر را با پیامبری دیگر مورد تأیید قرار داد و نیرو بخشید. هرسه نفر اهل قریه را خبر دادند که خداوند سبحان ایشان را برای دعوت به سوی توحید فرستاده است.

﴿قَالُواْ مَآ أَنتُمۡ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا وَمَآ أَنزَلَ ٱلرَّحۡمَٰنُ مِن شَيۡءٍ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا تَكۡذِبُونَ ١٥﴾.

اهل قریه سخن پیامبران را رد کردند و برای‌شان گفتند: شما فقط کسانی مانند ما می‌باشید و بر ما برتری ندارید و خداوند بر کسی از مردم وحیی را نازل نکرده است؛ از این رو شما بر اوتعالی دروغ می‌بندید. خداوند أ پیامبرانش را از چنین بهتانی نگه داشته است.

﴿قَالُواْ رَبُّنَا يَعۡلَمُ إِنَّآ إِلَيۡكُمۡ لَمُرۡسَلُونَ ١٦﴾.

آن پیامبران برای قوم‌شان گفتند: خداوند أ که پروردگار ماست و ما را مبعوث کرده می‌داند که ما به سوی شما فرستاده شده‌ایم و موظّف هستیم و می‌داند که ما بر او دروغ نبستیم و این کار را از خود ادّعا نکرده‌ایم.

﴿وَمَا عَلَيۡنَآ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ١٧﴾.

آنچه بر ما واجب است دساندن پیام الهی با بیان کامل و کافی است و کار ما تنها همین است و بس. اما هدایت شما در توان ما نیست، بلکه اگر خداوند أ بخواهد کار اوست.

﴿قَالُوٓاْ إِنَّا تَطَيَّرۡنَا بِكُمۡۖ لَئِن لَّمۡ تَنتَهُواْ لَنَرۡجُمَنَّكُمۡ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٨﴾.

اهل قریه سخن پیامبران را رد کردند و گفتند: ما شما و پیام‌تان را به فال بد گرفته‌ایم، اگر از دعوت و بیم دادن ما دست نکشید شما را سنگباران می‌کنیم و به قتل می‌رسانیم و از جانب ما عذاب سختی به شما خواهد رسید.

﴿قَالُواْ طَٰٓئِرُكُم مَّعَكُمۡ أَئِن ذُكِّرۡتُمۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ ١٩﴾.

پیامبران گفتند: بد فالی شما در خود شما و در اعمال بدشما مانند شرک و گناهان‌تان خلاصه شده و شما را فرا گرفته است. آیا وقتی شما را نصیحت کردیم و به چیزی فراخواندیم که صلاح و فلاح شماست، ما را به فال بد می‌گیرید و به سنگباران و مجازات وعده می‌دهید؟ به یقین که شما در گناه و سرکشی از حد گذشته‌اید.

﴿وَجَآءَ مِنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ رَجُلٞ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُواْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٢٠﴾.

از دورترین ناحیۀ شهر مردی که به او خبر رسیده بود که اصحاب قریه به کشتن و مجازات پیامبران اقدام کردند شتابان آمد و قومش را بر حذر ساخت و گفت: ای قوم! به پیامبران تصدیق کنید و از ایشان پیروی کنید؛ زیرا با شواهدی از جانب پروردگارشان آمدند.

﴿ٱتَّبِعُواْ مَن لَّا يَسۡ‍َٔلُكُمۡ أَجۡرٗا وَهُم مُّهۡتَدُونَ ٢١﴾.

ای قوم من! از پیام آوردن خداوند أ که در برابر رسالت و دعوت خویش از شما مزدی نمی‌خواهند پیروی کنید. ایشان در فرا خوانی شما به سوی اخلاص عبادت برای خدا و نهی از شرک، با هدایت و حق همراه هستند.

بیان این آیه فضیلت دعوتگران به سوی دین حق را آشکار می‌سازد و یقیناً مرتبۀ دعوت به سوی دین الهی از بالاترین مراتب بندگی است.

﴿وَمَا لِيَ لَآ أَعۡبُدُ ٱلَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٢٢﴾.

چه چیزی مرا از عبادت الله یگانه، اخلاص عبادت برای اوتعالی و پرهیز از شرک بازمی‌دارد؟ در حالی که خداوند أ مرا آفریده است و همه مردم به سوی او باز می‌گردند.

﴿ءَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً إِن يُرِدۡنِ ٱلرَّحۡمَٰنُ بِضُرّٖ لَّا تُغۡنِ عَنِّي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا يُنقِذُونِ ٢٣﴾.

چه گونه غیر از الله أ خدایان دیگری چون بت‌ها و مجسمّه‌ها را پرستش کنم که نه نفعی برای من می‌رسانند و نه ضرری را از من دفع می‌کنند. اگر خداوند رحمان به من ارادۀ امر ناخوشایندی را داشته باشد، این خدایان ساختگی از من دفع کرده نمی‌توانند و از گرفتاری بدان نجاتم نمی‌دهند.

﴿إِنِّيٓ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٢٤﴾.

اگر من جز خداوند یگانه خدایان دیگری را برایم برگزینم در گمراهی واضح، خطای آشکار و دوری از حق به سر خواهم برد.

﴿إِنِّيٓ ءَامَنتُ بِرَبِّكُمۡ فَٱسۡمَعُونِ ٢٥﴾.

من به پروردگار شما، یعنی به خداوندی که جز او معبود بر حقی نیست ایمان آوردم و عبادت را برای او خالص ساختم. اکنون سخن مرا با پذیرش و قبول بشنوید و از دعوتم به سوی توحید باری‌تعالی و اخلاص عبادت برای او پیروی نمایید. وقتی سخنش به پایان رسید برخواستند و او را کشتند. خداوند أ شهادتش را پذیرفت و او را به بهشت داخل کرد.

﴿قِيلَ ٱدۡخُلِ ٱلۡجَنَّةَۖ قَالَ يَٰلَيۡتَ قَوۡمِي يَعۡلَمُونَ ٢٦﴾.

بعد از اینکه در راه خدا و برای بلندبردن دین اوتعالی به شهادت رسید، برایش گفته شدک با عزّت و سرافرازی و با شادمانی و سرور به بهشت داخل شو. او در حالی که در بهشت در آمده بود گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند که من چه سعادت و کرامتی را دریافته‌ام.

﴿بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ ٢٧﴾.

ای کاش قومم می‌دانستند که پروردگارم گناهان مرا آمرزیده است، به من کرامت بخشیده و مرتبۀ بلندی عطا کرده است؛ زیرا من به او ایمان آوردم، عبادت را برای او خالص ساختم و از پیامبرانش پیروی کردم. شاید آنگاه که این امر را می‌دانستند از پیامبران الهی اطاعت می‌نمودند و همچون من در بهشت داخل می‌شدند. خداوند أ به او جزای خیر دهد! چه اندازه به قوم خود در هنگام زندگی و بعد از مرگ خیررسان بود. آری! باید دعوتگران نیز همچنین باشند و خوبی‌ها را برای همگان دوست داشته باشند.

﴿۞وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِن جُندٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ ٢٨﴾.

این امر که به تکذیب و قتل دعوتگر اقدام کردند، تقاضا نمی‌کرد که برای سرکوب آنان لشکری از آسمان بفرستیم، بلکه امر از این آسان‌تر بود و آنان ناچیزتر از این بودند که لشکر آسمانیی برای مقابله با آنان فرود آید. خداوند أ برای هلاک ساختن تکذیب کنندگان فرشتگان را نفرستاد، بلکه با ارسال عذابی آنان را نابود کرد.

﴿إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ خَٰمِدُونَ ٢٩﴾.

مؤاخذه و هلاک ساختن کافران جز یک آواز بیش نبود که به وسیله‌اش همه مردند و آنگاه نه حرکتی داشتند و نه از آنان اثری ماند.

﴿يَٰحَسۡرَةً عَلَى ٱلۡعِبَادِۚ مَا يَأۡتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٣٠﴾.

در روز رستاخیز بزرگ، حسرت و ندامت بر این مردم باد! آنگاه که هول انگیزی‌هایش را مشاهده کنند؛ زیرا هیچ پیامبری از نزد پروردگار به منظور فراخوانی آنان به سوی توحید نیامد، مگر اینکه او را به مسخره گرفتند و استهزا کردند.

﴿أَلَمۡ يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ أَنَّهُمۡ إِلَيۡهِمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ٣١﴾.

آیا کافران به منظور پندگرفتن مشاهده نکردند که چه اندازه خداوند أ اهل قرن‌های گذشته را هلاک ساخته است و دیگر به سوی زندگی دنیا باز نگشتند؟

﴿وَإِن كُلّٞ لَّمَّا جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ ٣٢﴾.

همه اهل قرن‌هایی که خداوند أ آنان را هلاک و نابود کرد بطور قطعی در روز قیامت و حسابدهی حاضر آورده می‌شوند تا ایشان را مطابق اعمالی که انجام دادند جزا دهد.

﴿وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلۡأَرۡضُ ٱلۡمَيۡتَةُ أَحۡيَيۡنَٰهَا وَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهَا حَبّٗا فَمِنۡهُ يَأۡكُلُونَ ٣٣﴾.

زنده کردن این زمین خشک و بی‌آب و علف که سرسبزیی در آن نیست دلیلی برای گروه کافران است که بر قدرت الله أ دلالت می‌کند. خداوند بزرگ آن را بعد از فرود آوردن باران از آسمان، با رویاندن سبزیجات زنده می‌سازد و به وسیلۀ آب، انواع میوه‌ها و دانه‌ها از زمین بیرون می‌شود و انسان و حیوانات از آن‌ها مستفید می‌شوند. کسی که زمین را با چنین رویاندنی حیات بخشد، مخلوقات را نیز بعد از مردن آنان زنده می‌گرداند.

﴿وَجَعَلۡنَا فِيهَا جَنَّٰتٖ مِّن نَّخِيلٖ وَأَعۡنَٰبٖ وَفَجَّرۡنَا فِيهَا مِنَ ٱلۡعُيُونِ ٣٤﴾.

خداوند أ در روی زمین دو نوع باغ سرسبز: نخلستان‌های خرما و باغ‌های انگوری را به وجود آورد و چشمه‌های آب را جاری ساخت تا آن‌ها را سیراب سازد.

﴿لِيَأۡكُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦ وَمَا عَمِلَتۡهُ أَيۡدِيهِمۡۚ أَفَلَا يَشۡكُرُونَ ٣٥﴾.

حق‌تعالی همه این‌ها را آفرید تا مردم از میوه‌های آن بخورند و با استفاده از این نعمت‌ها به شکرانش بپردازند. آفرینش این نعمت‌ها رحمتی از جانب خداوند بزرگ است که به سبب سعی و تلاش مردم و با نیرو و زحمتکشی‌شان به وجود نیامده است. پس چرا و به چه سبب اوتعالی را در برابر نعمت‌هایش، با ترک شرک و اخلاص عبادت شکر گزاری نمی‌کنند؛ در حالی که شکر گزاری نعمت دهنده واجب است و منعم حقیقی تنها اوتعالی است و بس.

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡأَزۡوَٰجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلۡأَرۡضُ وَمِنۡ أَنفُسِهِمۡ وَمِمَّا لَا يَعۡلَمُونَ ٣٦﴾.

خداوند بزرگ و با عظمت، پاک و مقدّس است و نام‌های با برکت دارد. او پروردگاری است که انواع گوناگونی از درخت‌ها، میوه‌ها و حبوبات را آفریده است، از جنس انسان مرد و زن را خلق کرده و از سایر مخلوقات و کائناتی که مردم بدان علم ندارند اصناف متعدّدی را پدید آورده است. آری! پروردگاری که در آفرینش یگانه است، سزاوار است که تنها او عبادت شود و هیچ چیزی به او شریک آورده نشود.

﴿وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلَّيۡلُ نَسۡلَخُ مِنۡهُ ٱلنَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظۡلِمُونَ ٣٧﴾.

آفرینش و وجود شب به گونه‌ای که الله أ روز را با غروب خورشید از آن بیرون می‌کشد و مردم در تاریکی و سیاهی تیره‌ای قرار می‌گیرند، نشانه و برهانی برای کافران است که به قدرت خداوند یگانۀ قهّار دلالت می‌کند.

﴿وَٱلشَّمۡسُ تَجۡرِي لِمُسۡتَقَرّٖ لَّهَاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ٣٨﴾.

خورشید در مداری که الله أ برایش مقدّر کرده به حرکت ادامه می‌دهد، از آن تجاوز نمی‌کند و متوقّف نمی‌شود. وجود این پدیدۀ بزرگ، برهان و دلیلی برای کافران است که به قدرت خداوند یگانۀ قهّار دلالت می‌نماید. حرکت مقدّر و موقّت خورشید از حکمت پروردگار عزیزی صدور یافته که دوستانش را عزّت می‌بخشد و دشمنانش را ذلیل می‌سازد. او ذات غالبی است که مغلوب نمی‌شود و خدای دانایی است که همه چیزها را با علم و حکمتش مقدّر کرده است.

﴿وَٱلۡقَمَرَ قَدَّرۡنَٰهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَٱلۡعُرۡجُونِ ٱلۡقَدِيمِ ٣٩﴾.

از جملۀ براهین دلالت کننده بر قدرت خداوند یگانۀ قهّار وجود ماه است؛ ماهی که خداوند بزرگ برای سیر و حرکتش منازلی را مقدّر داشته که هر شب به یکی از این منازل جایگزین می‌شود. ماه به گونۀ هلال پدید می‌آید و اندک اندک بزرگ می‌شود تا به ماهی روشن و دایروی شکل مبدّل می‌گردد، باز اندک اندک سیر کوچک‌شدن را می‌پیماید تا در باریکی، ناچیزی، زردی و خشکی خود مانند چوبکِ خشک و منحنیی از درخت خرما می‌شود.

﴿لَا ٱلشَّمۡسُ يَنۢبَغِي لَهَآ أَن تُدۡرِكَ ٱلۡقَمَرَ وَلَا ٱلَّيۡلُ سَابِقُ ٱلنَّهَارِۚ وَكُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ٤٠﴾.

برای خورشید ممکن نیست به ماه یکجا شود و نورش را نابود کند؛ زیرا برای آن مجرایی غیر از مجرای ماه و منازلی غیر از منازل ماه مقدّر شده است؛ یعنی هرکدام از خورشید و ماه به وقت معیّن و محدودی حرکت می‌کنند. برای شب نیز ممکن نیست از روز سبقت جوید و پیش از اینکه وقت و لحظه‌های آن به نهایت رسد، در روز داخل شود. بنابراین لحظات روز و شب با حسابی از جانب خداوند أ معلوم و محدود است که کم و زیاد نمی‌گردد و هریک از خورشید، ماه، ستاره‌گان و سیاره‌گان در مدار معلومی جریان می‌یابند؛ چنان‌که هیچ کدام به دیگری تصادم نمی‌کند. آری! الله أ مسیر حرکت و اندازۀ منازل هر کدام را می‌داند.

﴿وَءَايَةٞ لَّهُمۡ أَنَّا حَمَلۡنَا ذُرِّيَّتَهُمۡ فِي ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ ٤١﴾.

این نیز برای کافران برهان و دلیلی بر ربوبیت، الوهیت و استحقاق عبودیت خداوند أ است که اوتعالی کسانی از فرزندان آدم ÷ را به وسیلۀ کشتی نوح ÷ که اصناف مخلوقات در آن جای گرفته بود از غرق نجات داد تا حیات نوع مخلوقات بعد از طوفان ادامه یابد. از این رو نگهداری‌شان از غرق شدن و هدایت آنان به سوی ایمان، احسان الهی برای‌شان است.

﴿وَخَلَقۡنَا لَهُم مِّن مِّثۡلِهِۦ مَا يَرۡكَبُونَ ٤٢﴾.

خداوند أ مانند کشتی نوح ÷ کشتی‌ها و وسایل سواری بسیاری را برای انسان‌ها آفرید تا هم مسافرت خودشان و هم حمل و تقل مواد غذایی‌شان از جایی دیگر آسان شود.

﴿وَإِن نَّشَأۡ نُغۡرِقۡهُمۡ فَلَا صَرِيخَ لَهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنقَذُونَ ٤٣﴾.

و هرگاه که خداوند أ بخواهد، کشتی‌ها و سرنشینان آن‌ها را غرق می‌کند. در آن وقت راه نجات از غرق و پناه‌گاهی از هلاکت ندارند و خود آنان نیز خویشتن را نجات داده نمی‌توانند.

﴿إِلَّا رَحۡمَةٗ مِّنَّا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٖ ٤٤﴾.

مگر آنکه خداوند أ به آنان رحمت کند، از غرق و هلاکت نجات‌شان دهد و تا وقت محدودی که نهایت عمرهاست، آنان را بهره‌مند سازد؛ برای اینکه شاید توبه کنند و ایمان آورند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّقُواْ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيكُمۡ وَمَا خَلۡفَكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ٤٥﴾.

و آنگاه که برای کافران گفته می‌شود: با ایمان و انجام اعمال نیکو از عذاب آخرت بترسید و از آمد و شد دنیا و مصیبت‌های آن بر حذر باشید، شاید خداوند أ با گشتاندن عذاب از شما در وقتی که به آن عرضه شوید و پاسخی نداشته باشید رحمت‌تان کند.

﴿وَمَا تَأۡتِيهِم مِّنۡ ءَايَةٖ مِّنۡ ءَايَٰتِ رَبِّهِمۡ إِلَّا كَانُواْ عَنۡهَا مُعۡرِضِينَ ٤٦﴾.

برای این کافران هیچ برهان واضحی از جانب خداوند أ نمی‌آید که آنان را به حقّ و راهیابی دلالت کند؛ مگر اینکه به آن نمی‌اندیشند و از آن غفلت می‌ورزند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنُطۡعِمُ مَن لَّوۡ يَشَآءُ ٱللَّهُ أَطۡعَمَهُۥٓ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٤٧﴾.

و آنگاه که برای کافران گفته می‌شود: از آنچه خداوند أ برای شما از نعمت‌ها احسان کرده نفقه کنید با ستیز و عناد، سخن مؤمنان را رد می‌کنند و می‌گویند: چگونه برای مردمی طعام بدهیم که پروردگار آنان را آفریده است و اگر بخواهد برای‌شان روزی می‌دهد و او بی‌نیاز است؟ شما ای مؤمنان! جز در دوری از حقّ و راهیابی قرار ندارید؛ زیرا ما را به چنین کاری دستور می‌دهید.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٤٨﴾.

کافران در حالی که منکر قامت‌اند و از آن انکار دارند می‌گویند: ای مؤمنان! اگر در سخن‌تان راستگوی هستید، پس قیامت چه وقت می‌آید؟ ما را از وقت قیام آن خبر دهید.

﴿مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ تَأۡخُذُهُمۡ وَهُمۡ يَخِصِّمُونَ ٤٩﴾.

برای کافران که وقوع قیامت را دور می‌شمردند مهلت داده نمی‌شود؛ مگر تا آنگاه که صور هول انگیز نخستین، در هنگام قیام قیامت دمیده شود. آنگاه آنان را با مغروریت و در حالی که در امور دنیا در حال خصومت‌اند هلاک می‌سازد.

﴿فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ تَوۡصِيَةٗ وَلَآ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمۡ يَرۡجِعُونَ ٥٠﴾.

کافران در وقت دمیدن صور توان ندارند که برای فرزندان و خویشاوندان خود چیزی را وصیت کنند؛ از آن‌رو که وقت، تنگ و واقعه، هولناک است. همچنان توان ندارند که به خانواده‌ها و خانه‌های خود بر گردند، بلکه در حالی که در راه‌ها و بازارها قرار دارند مرگ به سراغ آنان می‌آید.

﴿وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ يَنسِلُونَ ٥١﴾.

فرشتۀ موظّف، در صور که شاخی است برای بار دوم می‌دمد و از اثرش ارواح به بدن‌ها باز می‌گردد و در این هنگام مردم از قبرهای خود شتابان برمی‌خیزند تا به موقف حشر حاضر آیند.

﴿قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرۡقَدِنَاۜۗ هَٰذَا مَا وَعَدَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَصَدَقَ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ٥٢﴾.

کافران با حسرت و ندامتی که بر آنان مستولی شده می‌گویند: وای بر ما باد! چه کسی ما را از قبرهای ما بیرون آورد؟ برای آنان گفته می‌شود: این همان امری است که خداوند رحمان بدان وعده کرده بود و وعده‌اش را خلاف نمی‌کند و همان امری است که پیامبران بدان خبر داده‌اند و در خبرشان راست گفته بودند.

﴿إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ ٥٣﴾.

برانگیختن و زنده ساختن مردم از قبرها، تنها با یک بار دمیدن در صور انجام می‌شود و به دیگر کاری نیاز ندارد، و چون دمیده شود همه مردم برای جزا و سؤال ایستاده‌اند.

﴿فَٱلۡيَوۡمَ لَا تُظۡلَمُ نَفۡسٞ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا تُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٥٤﴾.

در این روز، جزا دادن مردم بر مبنای عدل است و بر هیچ کسی با کم شدن حسنات، یا با زیادشدن گناهان ستم روا داشته نمی‌شود. همچنان در آن روز، جزا و پاداشی برای بندگان مقرّر داشته نمی‌شود؛ مگر در برابر عمل خیر یا کار بدی که شخصی آن را انجام دهد یا سبب انجام آن شده باشد.

﴿إِنَّ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ ٱلۡيَوۡمَ فِي شُغُلٖ فَٰكِهُونَ ٥٥﴾.

اهل بهشت با لذیذترین عیش، بزرگ‌ترین نعمت‌ها و کامل‌ترین سعادت در تنعّم مصروف‌اند؛ در حالی که با خورسندی، آرامش، تازگی و شادمانی زندگی‌شان را می‌گذرانند.

﴿هُمۡ وَأَزۡوَٰجُهُمۡ فِي ظِلَٰلٍ عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ مُتَّكِ‍ُٔونَ ٥٦﴾.

اهل بهشت و همسران‌شان در زیر سایه‌های پهناور، بر تخت‌های زیبا و راحت بخش تکیه زده‌اند و از نعمت‌ها بهره می‌گیرند.

﴿لَهُمۡ فِيهَا فَٰكِهَةٞ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ ٥٧﴾.

برای اهل بهشت میوه‌های متنوّعی در آنجا آماده شده که بدان اشتها دارند. همچنان از سایر چیز‌های پاکیزه، هرچه بخواهند و اشتها داشته باشند برای‌شان حاضر است.

﴿سَلَٰمٞ قَوۡلٗا مِّن رَّبّٖ رَّحِيمٖ ٥٨﴾.

بزرگ‌ترین بهره و بالاترین کرامت برای اهل بهشت وقتی میسّر است که خداوند رحمان و رحیم با ایشان سخن می‌گوید و برای‌شان با سلام تحیه می‌فرستد. این سلام از جانب پروردگاری است که برای‌شان نعمت ارزانی نموده، رحمت‌شان کرده و عذاب را از ایشان دفع کرده است، پس برای‌شان چه قدر جای شادمانی است!!

﴿وَٱمۡتَٰزُواْ ٱلۡيَوۡمَ أَيُّهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٥٩﴾.

برای کافران در روز قیامت گفته می‌شود: از مؤمنان جدا شوید و همراه‌شان نباشید؛ چون شما حال دیگر و ایشان حال دیگر دارند.

﴿۞أَلَمۡ أَعۡهَدۡ إِلَيۡكُمۡ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ أَن لَّا تَعۡبُدُواْ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ٦٠﴾.

خداوند أ با ملامت و توبیخ برای بندگانی که کافر شده‌اند می‌فرماید: آیا با فرود آوردن کتاب‌هایم بر پیامبران، بر شما واجب نکردم که شیطان را عبادت نکنید و از او فرمان برداری ننمایید؟ زیرا او دشمن آشکار شماست که با شما سخت بغض و کینه دارد.

﴿وَأَنِ ٱعۡبُدُونِيۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٦١﴾.

و بر شما واجب آوردم که مرا به یگانگی بشناسید، تنها مرا عبادت کنید و طاعت را مخصوص من سازید. این طریقی استوار و راه مستقیمی است که شما را به رضای خدا و بهشت الهی پیوست می‌سازد.

﴿وَلَقَدۡ أَضَلَّ مِنكُمۡ جِبِلّٗا كَثِيرًاۖ أَفَلَمۡ تَكُونُواْ تَعۡقِلُونَ ٦٢﴾.

شیطان انسان‌های زیادی را از ایمان اغوا کرده و به بیراهه برده است. آیا عقل ندارند که به وسیلۀ آن بیندیشند و آنان را از سرکشی و گمراهی باز دارد؟

﴿هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ٦٣﴾.

این آتش افروخته که اکنون در پیش روی شما قرار دارد، همان آتشی است که در دنیا برای‌تان وعده داده شد. برای‌تان گفته شده بود که اگر کافر شوید و تکذیب نمایید بدان گرفتار می‌شوید.

﴿ٱصۡلَوۡهَا ٱلۡيَوۡمَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ٦٤﴾.

در آتش در آیید، در قعر آن داخل شوید و از حرارت آن بچشید که این جزای تکذیب و کفر شماست.

﴿ٱلۡيَوۡمَ نَخۡتِمُ عَلَىٰٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَتُكَلِّمُنَآ أَيۡدِيهِمۡ وَتَشۡهَدُ أَرۡجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٦٥﴾.

خداوند أ در روز قیامت بر دهن‌های کافران مُهر می‌نهد؛ چنان‌که سخن زده نمی‌توانند. آنگاه دست‌های آنان به کارهایی که انجام داده به سخن درمی‌آید و پاهای آنان به هرجایی که رفته و به هر کاری که کرده سخن می‌گوید.

﴿وَلَوۡ نَشَآءُ لَطَمَسۡنَا عَلَىٰٓ أَعۡيُنِهِمۡ فَٱسۡتَبَقُواْ ٱلصِّرَٰطَ فَأَنَّىٰ يُبۡصِرُونَ ٦٦﴾.

اگر خداوند أ بخواهد چشم‌های کافران را همچنان که بر دهن‌های آنان مُهر کرده نابینا می‌سازد. اکنون سبقت می‌جویند و سبقت به خرج می‌دهند تا از صراط بگذرند. اما وقتی خداوند أ چشم‌های آنان را نابینا کرده چگونه توان گذشتن از آن را دارند؟

﴿وَلَوۡ نَشَآءُ لَمَسَخۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمۡ فَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ مُضِيّٗا وَلَا يَرۡجِعُونَ ٦٧﴾.

اگر خداوند أ بخواهد خلقت و آفرینش کافران را تغییر می‌دهد، شکل‌های آنان را تبدیل می‌نماید و آنان را جامانده می‌سازد. بعد از آن نه توان رفتن به جانب پیش رو را دارند و نه توان بازگشت به جانب پشت سر را دارند، بلکه حیرت زده و خاموش باقی می‌مانند.

﴿وَمَن نُّعَمِّرۡهُ نُنَكِّسۡهُ فِي ٱلۡخَلۡقِۚ أَفَلَا يَعۡقِلُونَ ٦٨﴾.

کسی را که خداوند أ عمر طولانی عطا کند، پیروی و کم خردی به سراغش می‌آید، او را در ضعف عقل و ناتوانی جسمی به نخستین مراحل عمر باز می‌گرداند؛ مثل اینکه کودکی باشد. آیا عقل‌های خویش را به تفکّر وا نمی‌دارند تا بدانند که هر که در مخلوقش چنین کند، تواناست که انسان‌ها را از قبرهای‌شان زنده نماید.

﴿وَمَا عَلَّمۡنَٰهُ ٱلشِّعۡرَ وَمَا يَنۢبَغِي لَهُۥٓۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ وَقُرۡءَانٞ مُّبِينٞ ٦٩﴾.

خداوند أ برای رسولش شعر نیاموخته و برای پیامبر ج نیز مناسب نیست که شاعر باشد؛ زیرا شاعر در وادی‌های باطل فرو می‌رود، مبالغه می‌کند، به خیالپردازی دست می‌زند و گاهی دروغ می‌گوید. اما پیامبر ج نبی معصوم و راستگویی است که الله أ شنوایی، بینایی و دلش را پاک ساخته است. او از خواهش‌هایش سخن نمی‌زند و آنچه می‌آورد وحیی از جانب پروردگار است. وحیی که بر آن حضرت فرود آمده جز تذکّری برای صاحبان عقل‌های سلیم و فطرت‌های مستقیم چیز دیگری نمی‌باشد و آیات قرآنی که برای‌شان نازل شده بیانگر احکام، آداب و اخلاق شریعت اسلامی است.

﴿لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيّٗا وَيَحِقَّ ٱلۡقَوۡلُ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧٠﴾.

وحی الهی فرود آمده تا پیامبر ج به وسیلۀ آن کسانی را که زنده‌دل، روشن‌بین و دارای فطرت مستقیم‌اند بترساند و خداوند أ نزول عذابش را بر کسانی ثابت گرداند که به او کافر شده‌اند؛ زیرا اوتعالی دلایلش را با نازل کردن کتاب و فرستادن رسولش اقامه داشته و عذری برای آنان باقی نمانده است.

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا خَلَقۡنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتۡ أَيۡدِينَآ أَنۡعَٰمٗا فَهُمۡ لَهَا مَٰلِكُونَ ٧١﴾.

آیا انسان‌ها ندیدند که خداوند أ چارپایانی را آفریده و آن‌ها را به منظور مصلحت‌های‌شان رام ساخته است؛ چنان‌که مالک و متصرّف آن‌ها هستند و این فضل و احسانی از جانب پروردگار سبحان است؟

﴿وَذَلَّلۡنَٰهَا لَهُمۡ فَمِنۡهَا رَكُوبُهُمۡ وَمِنۡهَا يَأۡكُلُونَ ٧٢﴾.

خداوند أ این چارپایان را برای بندگان رام ساخته است؛ چنان‌که از گوشت برخی می‌خورند، از شیر بعضی استفاده می‌کنند، بر عدّه‌ای سوار می‌شوند و بر بعضی دیگر مال و متاع‌شان را بار می‌کنند. پس پاک است خداوندی که این‌ها را برای بندگانش عطا کرده و رام ساخته است.

﴿وَلَهُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ وَمَشَارِبُۚ أَفَلَا يَشۡكُرُونَ ٧٣﴾.

در آفرینش چارپایان برای مردم منفعت‌های زیادی است، چنان‌چه از گوشت، شیر پشم، کُرک و موی آن‌ها فایده می‌برند. آیا خداوند أ را در برابر این نعمت‌ها با اخلاص عبادت و التزام طاعتش شکر گزاری نمی‌کنند؟

﴿وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةٗ لَّعَلَّهُمۡ يُنصَرُونَ ٧٤﴾.

کافران غیر از خداوند أ خدایان دیگری مانند بت‌ها و مجسمه‌ها را برگزیدند و عبادت می‌کنند؛ به امید آنکه این خدایان، یاری‌شان کنند و به دفاع از آنان بپردازند.

﴿لَا يَسۡتَطِيعُونَ نَصۡرَهُمۡ وَهُمۡ لَهُمۡ جُندٞ مُّحۡضَرُونَ ٧٥﴾.

این بت‌ها و مجسمه‌ها عبادت کنندگان خود را یاری کرده نمی‌توانند؛ چنان‌چه توان ندارند به خویشتن هم کاری انجام دهند. کافران با بت‌هایی که به عبادت آن‌ها می‌پرداختند در روز قیامت به حضور خداوند أ برای عذاب شدن حاضر آورده می‌شوند و در این هنگام بعضی از بعضی دیگر برائت می‌جویند.

﴿فَلَا يَحۡزُنكَ قَوۡلُهُمۡۘ إِنَّا نَعۡلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعۡلِنُونَ ٧٦﴾.

ای پیامبر! سخن کافران که تو را تکذیب و استهزا می‌کنند و به تمسخر می‌گیرند اندوهناکت نسازد. حق‌تعالی به امور پنهان و آشکار و به امور سرّی و علنی آنان داناست و به زودی از آنان حساب می‌گیرد.

﴿أَوَ لَمۡ يَرَ ٱلۡإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقۡنَٰهُ مِن نُّطۡفَةٖ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٞ مُّبِينٞ ٧٧﴾.

آیا انسان منکر روز قیامت و منکر زنده‌شدن بعد از مرگ، ندیده است که چگونه خداوند أ آفرینش وی را از نطفه‌ای آغاز کرده است، بعد از آن احوالش ترقّی یافت تا انسانی گردید، سپس به شخص منکر و ستیزه‌جویی تبدیل شد که بسیار عناد می‌ورزد و سخت جدال می‌نماید؟

﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلٗا وَنَسِيَ خَلۡقَهُۥۖ قَالَ مَن يُحۡيِ ٱلۡعِظَٰمَ وَهِيَ رَمِيمٞ ٧٨﴾.

شخص منکر، برای خداوند أ و رسولش مَثَلی را ارئه کرده که ارائۀ آن برایش روا نیست؛ زیرا او قدرت خداوند رحمان را مانند قدرت انسان دانسته است، از اصل نشأتش غفلت ورزیده و با انکار از زنده شدن بعد از مرگ گفته است: کی استخوان‌ها را آنگاه که بپوسد و پارچه پارچه شود زنده می‌نماید؟

﴿قُلۡ يُحۡيِيهَا ٱلَّذِيٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٖۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلۡقٍ عَلِيمٌ ٧٩﴾.

ای پیامبر! برای این منکر (عاص بن وائل) پاسخ ارائه دار و بگو: این استخوان‌های پوسیده و پارچه پارچه را کسی زنده می‌کند که بار نخست به وجود آورده است و زنده کردن بعد از مرگ، از پدید آوردن چیزی از عدم آسان‌تر است. اوتعالی به همه مخلوقاتش داناست و از گفتار و کردار آنان چیزی بر او پوشیده نیست.

﴿ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلشَّجَرِ ٱلۡأَخۡضَرِ نَارٗا فَإِذَآ أَنتُم مِّنۡهُ تُوقِدُونَ ٨٠﴾.

خداوند أ ذاتی است که از درخت سبز و خرّم و تر و تازه، آتش سوزان و برافروخته‌ای را بیرون آورده است. ببین که چگونه دو چیز ضدّ یکدیگر را باهم جمع کرده است و مردم با استفاده از این آفرینش الهی از درخت سبز، آتشی را برمی‌افروزند. اکنون باید اندیشید که هر که چنین کاری را انجام دهد، به بیرون آوردن چیزی از ضدّ آن تواناست.

بیان این آیه دلالت می‌کند که خداوند متعال به زنده کردن مردگان از قبرهای‌شان تواناست.

﴿أَوَ لَيۡسَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يَخۡلُقَ مِثۡلَهُمۚ بَلَىٰ وَهُوَ ٱلۡخَلَّٰقُ ٱلۡعَلِيمُ ٨١﴾.

آیا خداوندی که آسمان‌ها، زمین و مخلوقات موجود میان آن دو را آفریده توانا نیست که کافران را بیافریند؛ یعنی که آنان را دوباره به مانند آفرینش نخستین به حیات باز گرداند؟ بدون شک تواناست. الله تعالی به حکمتش همه مخلوقات را آفریده است، به آفریده‌هایش داناست، به امور پوشیده و آکارشان آگاه است و هیچ امر پوشیده‌ای از او مخفی نیست.

﴿إِنَّمَآ أَمۡرُهُۥٓ إِذَآ أَرَادَ شَيۡ‍ًٔا أَن يَقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٨٢﴾.

امر خداوند أ طوری است که چون انجام کاری، انفاذ امری، یا آفرینش چیزی را اراده کند، برایش می‌گوید: (کن = پیدا شو) و از اثرش پدید می‌آید. همه امور آفرینش و تقدیر، زندگی و مرگ، زنده کردن و برانگیختن به همین طریق تحقّق می‌یابد.

﴿فَسُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيۡءٖ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٨٣﴾.

خداوند بزرگ از گفته‌های مشرکان منزّه است، از عیب و ناتوانی پاک است و از شرک و شریکان بالاتر است. او مالک همه کائنات، تصرّف کننده در همه مخلوقات و تقدیر کنندۀ حادثات است. هیچ کسی در آفرینش با او منازعه نمی‌کند و هیچ انسانی در حکم با او شریک نیست. معجزه‌های او شگفت آور، نشانه‌هایش آشکار، قدرتش بی‌نهایت و نعمت‌هایش کامل است. همه بندگان در روز قیامت به سوی او برمی‌گردند تا اعمال خوب و بدشان را جزا و پاداش دهد.

سورۀ صافّات

مکی است؛ ترتیب آن 37؛ شمار آیات آن 182

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلصَّٰٓفَّٰتِ صَفّٗا ١﴾.

خداوند بزرگ به فرشتگانی که در عبادت پروردگارشان برابر و پیوسته صف کشیده‌اند سوگند یاد می‌کند.

﴿فَٱلزَّٰجِرَٰتِ زَجۡرٗا ٢﴾.

و نیز به فرشتگانی که ابرها را به اذن و ارادۀ پروردگار از شهری به شهر دیگر می‌رانند و سوق می‌دهند سوگند یاد کرده است.

﴿فَٱلتَّٰلِيَٰتِ ذِكۡرًا ٣﴾.

همچنان حق‌تعالی به فرشتگانی که کتاب بزرگوار و ذکر ارزشمندش را تلاوت می‌کند سوگند یاد کرده است.

﴿إِنَّ إِلَٰهَكُمۡ لَوَٰحِدٞ ٤﴾.

ای بندگان! هر آینه خدای شما آفریدگار یگانه‌ای است که پروردگاری جز او نیست و شریکی ندارد، پس او را به یگانگی بشناسید و عبادت را برای او خالص سازید.

﴿رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَرَبُّ ٱلۡمَشَٰرِقِ ٥﴾.

او خداوندی است که فقط وی آفریدگار آسمان‌ها و زمین، آفریدگار موجودات زمین و آسمان، آفریدگار مواضع طلوع خورشید و آفریدگار ماه و ستارگان ثابت و سیّار است.

﴿إِنَّا زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِزِينَةٍ ٱلۡكَوَاكِبِ ٦﴾.

به یقین که خداوند أ آسمان دنیا را با ستارگان ثابت و سیّار زیبا ساخته و زینت بخشیده است.

﴿وَحِفۡظٗا مِّن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ مَّارِدٖ ٧﴾.

حق‌تعالی ستارگان را مقرّر داشته که آسمان را از استراق سمع هر شیطان متمرّد و سرکشی محفوظ دارند.

﴿لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى ٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰ وَيُقۡذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٖ ٨﴾.

خداوند أ شیطان‌ها را از شنیدن سخن ملأ اعلی منع کرده تا وحیی که به پیامبرانش فرو فرستاده محفوظ باشد؛ بدین‌گونه که شیطان‌ها با شهاب‌های سوزنده از گوشته گوشۀ آسمان زده و رانده می‌شوند تا نشود که چیزی از وحی الهی را به دست آورند و در آن دخل و تصرّف کنند.

﴿دُحُورٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ وَاصِبٌ ٩﴾.

شیطان‌ها از اینکه وحی را بشنوند، طرد و رانده ‌می‌شوند و عذاب درد آور، همیشگی و سختی برای‌شان در آتش دوزخ آماده است؛

﴿إِلَّا مَنۡ خَطِفَ ٱلۡخَطۡفَةَ فَأَتۡبَعَهُۥ شِهَابٞ ثَاقِبٞ ١٠﴾.

مگر شیطانی که کلمه‌ای از وحی را به سرعت دزدی کند و آن را به دیگری خبر دهد. باز نفر دوم به سوم خبر دهد و همچنین به دیگران انتقال یابد. گاهی پیش از اینکه خبر را به دیگری برساند، شهاب او را می‌سوزاند، اما برخی اوقات پیش از اینکه او را شهاب بسوزاند خبر را انتقال می‌دهد و به تدریج این امر را به کاهنان می‌رسانند و کاهنان با آن صدها دروغ را علاوه می‌نمایند.

﴿فَٱسۡتَفۡتِهِمۡ أَهُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَم مَّنۡ خَلَقۡنَآۚ إِنَّا خَلَقۡنَٰهُم مِّن طِينٖ لَّازِبِۢ ١١﴾.

ای پیامبر! اکنون از منکران زنده‌شدن بعد از مرگ بپرس که آیا آفرینش آنان مهم‌تر و قوی‌تر است، یا آفرینش آسمان‌ها، زمین و سایر مخلوقات؟ به راستی که خداوند أ پدر آنان آدم ÷ را از گِل نرم و ملایمی آفریده که اجزای آن به هم می‌چسپد.

﴿بَلۡ عَجِبۡتَ وَيَسۡخَرُونَ ١٢﴾.

ای پیامبر! بلکه تو از انکار آنان به زنده شدن بعد از مرگ تعجّب نمودی، حال آنکه استهزای آنان به تو و رسالتت از این هم تعجّب آورتر است.

﴿وَإِذَا ذُكِّرُواْ لَا يَذۡكُرُونَ ١٣﴾.

و آنگاه که کافران به وحی الهی نصیحت می‌شوند، از آن فایده نمی‌گیرند و در معناهای آن نمی‌اندیشند؛ زیرا در غفلت به سر می‌برند و از حق رو گردان‌اند.

﴿وَإِذَا رَأَوۡاْ ءَايَةٗ يَسۡتَسۡخِرُونَ ١٤﴾.

و چون کافران برهان و معجزه‌ای را ببینند که به راستگویی پیامبر ج دلالت کند، بدان استهزا می‌نمایند و مسخره‌اش می‌کنند.

﴿وَقَالُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٌ ١٥﴾.

و کافران می‌گویند: ای محمد! آنچه را آورده‌ای چیزی جز جادوی آشکار نمی‌باشد و جادوبودنش بر کسی پنهان نیست.

﴿أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ ١٦﴾.

کافران می‌گویند: آیا آنگاه که بمیریم، جسدهای ما خاک شود، استخوان‌های ما بپوسد و پارچه پارچه شود، دوباره زنده می‌گردیم و از قبرهای خویش برانگیخته می‌شویم؟

﴿أَوَ ءَابَآؤُنَا ٱلۡأَوَّلُونَ ١٧﴾.

و حتی پدران پیشین ما بعد از اینکه بمردند سر از نو زنده می‌شوند؟ این امر دور از واقعیت خواهد بود!

﴿قُلۡ نَعَمۡ وَأَنتُمۡ دَٰخِرُونَ ١٨﴾.

ای پیامبر! برای آنان بگو: آری! خداوندی که شما را بار نخست آفرید، در حالی که شما خوار و ناچیز و حقیر بودید، به زودی دوباره شما را برمی‌انگیزد و زنده می‌نماید.

﴿فَإِنَّمَا هِيَ زَجۡرَةٞ وَٰحِدَةٞ فَإِذَا هُمۡ يَنظُرُونَ ١٩﴾.

زنده ساختن دوبارۀ شما تنها با یک بار دمیدن انجام می‌شود، آنگاه از قبرهای خویش بیرون می‌شوید و هولناکی روز قیامت را انتظار می‌کشید.

﴿وَقَالُواْ يَٰوَيۡلَنَا هَٰذَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ ٢٠﴾.

و کافران در آن هنگام می‌گویند: ای وای بر ما، هلاکت و زیان بر ما باد! این همان روز حساب است که در دنیا به ما وعده داده شد، اما به آن تکذیب کرد.

﴿هَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِ ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ٢١﴾.

بعد از آن برای آنان گفته می‌شود: این همان روزی است که میان خلایق حکم و فیصلۀ الهی صادر می‌شود و روزی است که شما در دنیا بدان تکذیب کرده و از آن انکار می‌نمودید.

﴿۞ٱحۡشُرُواْ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ وَأَزۡوَٰجَهُمۡ وَمَا كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ٢٢﴾.

ای فرشتگان! کافران را با شریکان باطل و خدایان ساختگیی که به عبادت‌شان می‌پرداختند جمع آورید.

﴿مِن دُونِ ٱللَّهِ فَٱهۡدُوهُمۡ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡجَحِيمِ ٢٣﴾.

ای فرشتگان! کافران را با شریکان باطل و خدایان ساختگی آنان به شدّت و با توبیخ به سوی آتش سوق دهید.

﴿وَقِفُوهُمۡۖ إِنَّهُم مَّسۡ‍ُٔولُونَ ٢٤﴾.

و ای فرشتگان! کافران را با خدایان باطل آنان پیش از وارد شدن به بهشت، فرمان ایست دهید؛ زیرا خداوند أ با توبیخ و تهدید از اعمالی که در دنیا انجام دادند و از سخنانی که گفتند از آنان سؤال می‌کند.

﴿مَا لَكُمۡ لَا تَنَاصَرُونَ ٢٥﴾.

در حین گرفتاری به عذاب برای آنان گفته می‌شود: شما را چه شده که در این روز دشوار، یکدیگر را یاری نمی‌کنید؟

﴿بَلۡ هُمُ ٱلۡيَوۡمَ مُسۡتَسۡلِمُونَ ٢٦﴾.

آری! کافران در روز قیامت به امر خداوند أ تسلیم‌اند، به حکمش منقاداند و مالک رساندن نفع و ضرری برای خویشتن نیستند.

﴿وَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ ٢٧﴾.

بعضی از کافران به برخی دیگر در روز قیامت رو می‌آورند، همدیگر را ملامت می‌سازند و با یکدیگر به مخاصمه می‌پردازند.

﴿قَالُوٓاْ إِنَّكُمۡ كُنتُمۡ تَأۡتُونَنَا عَنِ ٱلۡيَمِينِ ٢٨﴾.

ناتوانان برای سرکردگان می‌گویند: شما – به زعم خویش – خیر و حقّانیت را به ما می‌آوردید و ما گمان کردیم که شما به ما خیررسان هستید. در نتیجه سرکشی و گمراهی را به ما نیکو معرفی داشتید و ما را به هدایت بدبین ساختید.

﴿قَالُواْ بَل لَّمۡ تَكُونُواْ مُؤۡمِنِينَ ٢٩﴾.

سرکردگان کفر برای ناتوانان می‌گویند: مسأله طوری که شما می‌گویید نیست، بلکه شما خودتان پذیرندۀ گمراهی و منتفّر از ایمان بودید.

﴿وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيۡكُم مِّن سُلۡطَٰنِۢۖ بَلۡ كُنتُمۡ قَوۡمٗا طَٰغِينَ ٣٠﴾.

ما بر شما سلطه و حجّتی نداشتیم که شما را از هدایت بازداریم، بلکه شما خودتان از حد تجاوز کردید و با قبول کفر بر خویشتن اسراف ورزیدید.

﴿فَحَقَّ عَلَيۡنَا قَوۡلُ رَبِّنَآۖ إِنَّا لَذَآئِقُونَ ٣١﴾.

در نتیجه همگی را عذاب خداوند أ فرا گرفت و همه ما و شما به سبب اعمال کافر و تکذیبی که قبلاً انجام داده‌ایم از آن می‌چشیم.

﴿فَأَغۡوَيۡنَٰكُمۡ إِنَّا كُنَّا غَٰوِينَ ٣٢﴾.

و سبب گمراهی و کفرتان به خداوند شدیم. از آن‌رو که پیش از شما گمراه بودیم، شما هم با پذیرش کفر از ما پیروی کردید و همه ما زیانمند شدیم.

﴿فَإِنَّهُمۡ يَوۡمَئِذٖ فِي ٱلۡعَذَابِ مُشۡتَرِكُونَ ٣٣﴾.

در آن روز ناتوانان و سرکردگان در عذاب شریک‌اند و به هر گروهی بخشی از جزا داده می‌شود؛ همچنان که در کفر و گمراهی در دنیا شریک و سهیم بودند.

﴿إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفۡعَلُ بِٱلۡمُجۡرِمِينَ ٣٤﴾.

سنّت الهی دربارۀ کافران و بدکاران این است که کارهای بدشان را جزا می‌دهد و از آنان انتقام می‌گیرد.

﴿إِنَّهُمۡ كَانُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسۡتَكۡبِرُونَ ٣٥﴾.

آری! وقتی کافران به سوی کلمۀ لا إله إلا الله و به سوی پذیرش و تحقیق معنی این کلمه و عمل به مقتضایش فرا خوانده می‌شدند نافرمانی می‌کردند، ستیزه می‌نمودند و از آن ابا می‌آوردند.

﴿وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوٓاْ ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٖ مَّجۡنُونِۢ ٣٦﴾.

وقتی کافران به سوی توحید فرا خوانده می‌شوند، می‌گویند: چگونه عبادت بت‌ها و خدایان خویش را به خاطر سخن مرد شاعر دیوانه‌ای ترک کنیم؟ آنان با این سخن خود پیامبر ج را اراده داشتند – خداوند أ وی را از مدلول سخن آنان نگه دارد – ببین که چگونه در سخن خود متردّد اند و با ارائۀ یک وصف ثابت نمی‌ماند.

﴿بَلۡ جَآءَ بِٱلۡحَقِّ وَصَدَّقَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٣٧﴾.

بلکه به راستی پیامبر ج فرستادۀ معصومی است که قرآن و ایمان را برای شما به ارمغان آورده است. او نه شاعر است نه دیوانه؛ نه جادوگر است نه کاهن؛ بلکه شریعتی را آورده که با شرایع پیامبران پیشین موافقت دارد.

﴿إِنَّكُمۡ لَذَآئِقُواْ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَلِيمِ ٣٨﴾.

ای کافران! به یقین که شما به سبب کفر، تکذیب و ستیزه‌جویی خود با خدا و رسولش طور قطعی از عذاب دردآور و هول انگیز دوزخ خواهید چشید.

﴿وَمَا تُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٣٩﴾.

عذابی را که اکنون می‌چشید، به سبب اعمال بدی است که در دنیا انجام داده‌اید و خداوند أ بر شما هیچ ظلم تکرده است.

﴿إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ٤٠﴾.

اما بندگان راستکار خداوند أ که در عبادت‌شان اخلاص‌مند اند، از عذاب الهی نجات یافته‌اند و در نعمت‌ها جاودانه به سر می‌برند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ رِزۡقٞ مَّعۡلُومٞ ٤١﴾.

برای این گروه راستکار و اخلاص‌مند، روزی معیّنی در بهشت‌های پر از نعمت آماده شده چنان‌که قطع نمی‌شود؛ زیرا از جانب خداوند أ است.

﴿فَوَٰكِهُ وَهُم مُّكۡرَمُونَ ٤٢﴾.

اینک رزقی معین و معلوم، خوردنی‌های متنوّع و میوه‌های متعدّدی آماده است و ایشان در جایگاهی با کرامت و آسایش، و در شادمانی و سرور به سر می‌برند.

﴿فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ٤٣﴾.

این گروه که ابرارند، در بهشت‌های پر از نعمت جاودان و دایمی، در نشستگاهی با کرامت و به جوار خداوند رحمان و رحیم همیشه جایگزین می‌باشند.

﴿عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ٤٤﴾.

ایشان به منظور اُنس و اُلفت با یک دیگر و زیادت لذّتیابی از نعمت‌ها، بر تخت‌های بهشت روبروی یک دیگر قرار می‌گیرند.

﴿يُطَافُ عَلَيۡهِم بِكَأۡسٖ مِّن مَّعِينِۢ ٤٥﴾.

برای گروه ابرار در مجالس انس و خوشنودی، جام‌هایی از شراب طهور که از جوی‌های بهشت است دَور داده می‌شود. این نعمت ماندگار نه تمام می‌شود و نه قطع می‌گردد.

﴿بَيۡضَآءَ لَذَّةٖ لِّلشَّٰرِبِينَ ٤٦﴾.

این شراب مانند شراب دنیا نیست، بلکه رنگش سفید است و در نوشیدن آن لذّت فراوانی وجود دارد.

﴿لَا فِيهَا غَوۡلٞ وَلَا هُمۡ عَنۡهَا يُنزَفُونَ ٤٧﴾.

دیگر این شراب، عقل را مانند شراب دنیا نمی‌رباید؛ یعنی حافظه را مختل نمی‌سازد و جسم را آزار نمی‌دهد.

﴿وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ عِينٞ ٤٨﴾.

در نزد گروه ابرار در باغ‌های پر نعمت بهشت زن‌های زیباروی، پاک دامن، فراخ چشم و پسندیده‌ای هستند که جز به سوی همسران‌شان به دیگری چشم نمی‌دوزند.

﴿كَأَنَّهُنَّ بَيۡضٞ مَّكۡنُونٞ ٤٩﴾.

گویا که زن‌های بهشت مانند تخم سفید پرنده‌ای هستند که نه دست خورده و نه چشمی بدان افتاده است.

﴿فَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ ٥٠﴾.

آنگاه که ابرار در بهشت‌اند، به یک دیگر رو می‌آورند و از روزهای گذشتۀشان در دنیا می‌پرسند که چگونه خداوند أ ایشان را از عذاب نجات داد و با بهرۀ بزرگی کرامت بخشید. این امر از کمال اُنس و اُلفت با یک دیگرشان است.

﴿قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٞ ٥١﴾.

یکی از جمع گروه ابرار نیکوکار که در بهشت قرار دارد می‌گوید: به راستی من در دنیا رفیق همنشینی داشتم؛

﴿يَقُولُ أَءِنَّكَ لَمِنَ ٱلۡمُصَدِّقِينَ ٥٢﴾.

رفیقی که از روز قیامت و زنده‌شدن بعد از مرگ انکار می‌کرد و به من می‌گفت: آیا تو به این سخن تصدیق می‌داری؟

﴿أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَدِينُونَ ٥٣﴾.

چگونه ممکن است، بعد از مردن و پس از اینکه جسم‌های ما خاک شود، پارچه پارچه و متلاشی گردد، برای محاسبۀ اعمال خویش زنده شویم؟

﴿قَالَ هَلۡ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ ٥٤﴾.

آن شخص مؤمن برای یاران بهشتی‌اش می‌گوید: آیا می‌خواهید جای بازگشت رفیق دنیوی مرا ببینید؟

﴿فَٱطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِي سَوَآءِ ٱلۡجَحِيمِ ٥٥﴾.

آنگاه نظر می‌اندازد و رفیق کافرش را در میان دوزخ می‌بیند که به گرمی آن گرفتار آمده و می‌سوزد.

﴿قَالَ تَٱللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرۡدِينِ ٥٦﴾.

او برای رفیق کافرش می‌گوید: سوگند به خدا که نزدیک بود با زینت دهی باطل، مرا گمراه سازی و با خود به آتش دوزخ داخل نمایی.

﴿وَلَوۡلَا نِعۡمَةُ رَبِّي لَكُنتُ مِنَ ٱلۡمُحۡضَرِينَ ٥٧﴾.

اگر خداوند أ با هدایت و ایمان به من رحمت و احسان نمی‌کرد، اکنون از کسانی می‌بودم که آنان را در روز قیامت برای عذاب حاضر آورده است.

﴿أَفَمَا نَحۡنُ بِمَيِّتِينَ ٥٨﴾.

آیا حقیقت دارد که ما در بهشت برای همیشه ماندگار هستیم و در آن نمی‌میریم، بلکه همیشه به ما نعمت داده می‌شود؛

﴿إِلَّا مَوۡتَتَنَا ٱلۡأُولَىٰ وَمَا نَحۡنُ بِمُعَذَّبِينَ ٥٩﴾.

جز مرگ نخستینی که در زندگی دنیا چشیدیم، دیگر ما را مرگ فرا نمی‌گیرد و به عذاب گرفتار نمی‌شویم و این واقعاً سعادت بزرگی است.

﴿إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٦٠﴾.

به راستی نعمت‌هایی که به ما ارزانی شده است کرامت بزرگ، کامیابی ارزشمند و سعادت دایمی است.

﴿لِمِثۡلِ هَٰذَا فَلۡيَعۡمَلِ ٱلۡعَٰمِلُونَ ٦١﴾.

برای به دست آوردن چنین کامیابی بزرگ، بهرۀ ارزشمند و نعمت جاودانی در جوار پروردگار بخشایشگر، باید عمل کنندگان در زندگی دنیا به انجام عبادات بپردازند و کوشش نمایند تا این مراتب بلند را حاصل کنند.

﴿أَذَٰلِكَ خَيۡرٞ نُّزُلًا أَمۡ شَجَرَةُ ٱلزَّقُّومِ ٦٢﴾.

آیا این نعمت‌ها، بهره‌مندی، کرامت و نجات بهتر است یا درخت زقّوم که تلخ مزّه و بد منظر است، منشأ پلید دارد و طعام کافران در آتش دوزخ است؟

﴿إِنَّا جَعَلۡنَٰهَا فِتۡنَةٗ لِّلظَّٰلِمِينَ ٦٣﴾.

خداوند أ درخت زقّوم را فتنه‌ای برای کافران مقرّر داشته است؛ زیرا آنان در دنیا با انکار از یکدیگر می‌پرسیدند: چگونه محمد ج خبر می‌دهد که در آتش درختی است؛ در حالی که آتش درخت را می‌سوزاند؟

﴿إِنَّهَا شَجَرَةٞ تَخۡرُجُ فِيٓ أَصۡلِ ٱلۡجَحِيمِ ٦٤﴾.

زقّوم، درختی است که خداوند أ آن را در قعر دوزخ می‌رویاند؛ زیرا پروردگار سبحان قدرت دارد دو چیز ضدّ یک دیگر، یعنی سر سبزی و آتش را باهم جمع گرداند.

﴿طَلۡعُهَا كَأَنَّهُۥ رُءُوسُ ٱلشَّيَٰطِينِ ٦٥﴾.

میوۀ درخت زقّوم در آتش دوزخ، بدمنظر و زشت است و مانند سر شیطان می‌باشد. وقتی شکل میوه چنین باشد، مزّه و طعمش چه قدر بد خواهد بود.

﴿فَإِنَّهُمۡ لَأٓكِلُونَ مِنۡهَا فَمَالِ‍ُٔونَ مِنۡهَا ٱلۡبُطُونَ ٦٦﴾.

همانا کافران در آتش دوزخ از این درخت ملعونه و پلید می‌خورند و شکم‌های خویش را از آن پر می‌نمایند و این مجازاتی برای آنان است.

﴿ثُمَّ إِنَّ لَهُمۡ عَلَيۡهَا لَشَوۡبٗا مِّنۡ حَمِيمٖ ٦٧﴾.

بعد از اینکه کافران از زقّوم می‌خورند از نوشیدنی پلید، تلخ و داغی می‌نوشند؛ یعنی در اینجا از طعام زقّوم، آب نوشیدنی حمیم و هوای مسمومی استفاده می‌نمایند.

﴿ثُمَّ إِنَّ مَرۡجِعَهُمۡ لَإِلَى ٱلۡجَحِيمِ ٦٨﴾.

بعد از گرفتاری به این عذاب، به سوی آتش دوزخ باز گشتانده می‌شوند؛ آتشی که از آن دیگر نجاتی ندارند.

﴿إِنَّهُمۡ أَلۡفَوۡاْ ءَابَآءَهُمۡ ضَآلِّينَ ٦٩﴾.

کافران پدران گمراه خویش را در مسیر شرک یافتند و از آنان در گمراهی تقلید نمودند.

﴿فَهُمۡ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمۡ يُهۡرَعُونَ ٧٠﴾.

اکنون از راه و روش پدران خود بدون حجّت و دلیل پیروی می‌نمایند؛ همچنان که شأن هر جاهل مقلّد در باب پیروی گمراهان به همین‌گونه است.

﴿وَلَقَدۡ ضَلَّ قَبۡلَهُمۡ أَكۡثَرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٧١﴾.

پیش از کافران مکّه که قوم پیامبر ج بودند، بیشتر اهل قرن‌های گذشته نیز گمراه شدند.

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا فِيهِم مُّنذِرِينَ ٧٢﴾.

و یقیناً خداوند أ در آن قرن‌ها پیامبرانی را فرستاده بود تا آنان را از آتش دوزخ و خشم خداوند جبّار بترسانند، اما به تکذیب‌شان پرداختند.

﴿فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُنذَرِينَ ٧٣﴾.

بنگر و بیندیش که انجام سرنوشت کافران این قرن‌ها چه شد و آنگاه که کافر شدند و تکذیب نمودند چگونه به هلاکت رسیدند و ضرب المثلی برای جهانیان شدند.

﴿إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ٧٤﴾.

اما آن بندگانی که در عبادت اخلاص ورزیدند و تنها از خداوند پاک اطاعت نمودند، حق‌تعالی ایشان را به فضل و رحمتش مخصوص ساخت و به بهشتش کرامت بخشید.

﴿وَلَقَدۡ نَادَىٰنَا نُوحٞ فَلَنِعۡمَ ٱلۡمُجِيبُونَ ٧٥﴾.

همانان نوح ÷ در حالت سختی و دشواری به پروردگارش دعا کرد و از اوتعالی خواست تا او را در برابر قومش یاری کند. آری! خداوند بهترین پذیرندۀ دعاست؛ زیرا او بهترین دوست و نیکوترین یاری کننده‌ای است.

﴿وَنَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلۡكَرۡبِ ٱلۡعَظِيمِ ٧٦﴾.

خداوند أ هم نوح ÷ و هم کسانی را که از اهلش مؤمن بودند، همه را از اذیت کافران و از هلاکت و تباهی نجات داد و در نتیجه به فوز و فلاح دنیا و آخرت نایل آمدند.

﴿وَجَعَلۡنَا ذُرِّيَّتَهُۥ هُمُ ٱلۡبَاقِينَ ٧٧﴾.

الله أ به نوح ÷ احسان کرد و کرامت بخشید. به اینگونه که بعد از هلاکت قومش، تنها ذرّیه‌اش را در روی زمین باقی گذاشت.

﴿وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ٧٨﴾.

پروردگار سبحان برای نوح ÷ در دنیا ذکر خیر و ستایش نیکویی را ماندگار ساخت؛ چنان‌چه بهترین و تیکوکارترین مردم او را می‌ستایند.

﴿سَلَٰمٌ عَلَىٰ نُوحٖ فِي ٱلۡعَٰلَمِينَ ٧٩﴾.

از جانب خداوند رحمن و پروردگار دیّان، امن و سلامتی برای نوح ÷ میسّر است و از اینکه توسط آیندگان به بدی یاد شود محفوظ است؛ بلکه همه جهانیان او را به خوبی ستایش می‌نمایند.

﴿إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٨٠﴾.

همچنان که خداوند أ برای نوح ÷ کرامت بخشید، به همه کسانی که در طاعت مولای خویش اخلاص ورزند و در عبادت پروردگارشان راستکار باشند کرامت می‌بخشد.

﴿إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٨١﴾.

به راستی که نوح ÷ از بندگان راستکار و اخلاصمند خداوند بزرگ بود.

﴿ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ٨٢﴾.

بعد از آن خداوند بزرگ کسانی را که از قوم نوح ÷ کافر شدند به هلاکت رساند و نابودشان ساخت.

﴿۞وَإِنَّ مِن شِيعَتِهِۦ لَإِبۡرَٰهِيمَ ٨٣﴾.

همانا ابراهیم خلیل ÷ از یاری کنندگان و هواداران نوح ÷ بود و طریقه، روش و آیین او را در پیش گرفت.

﴿إِذۡ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلۡبٖ سَلِيمٍ ٨٤﴾.

آنگاه که ابراهیم ÷ با دلی پاک از هر اعتقاد باطل و اخلاق بد حاضر شد؛ طوری که در خاطرش جز یاد خدا و طاعت و محبتش نبود.

﴿إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَاذَا تَعۡبُدُونَ ٨٥﴾.

آنگاه که ابراهیم ÷ با انکار و عیب جویی برای پدر و قومش گفت: چه مفهومی دارد که شما این بت‌ها را عبادت می‌کنید در حالی که به شما نفع ضرری رسانده نمی‌توانند؟!

﴿أَئِفۡكًا ءَالِهَةٗ دُونَ ٱللَّهِ تُرِيدُونَ ٨٦﴾.

آیا شما خدایان ساختگی و موهومی را عبادت می‌کنید و از عبادت پروردگاری که جز او معبود بر حقّی وجود ندارد و تنها او مستحقّ عبادت است رو می‌گردانید؟

﴿فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٨٧﴾.

پس وقتی به خداوند پروردگار جهانیان کافر می‌شوید و جز او دیگر چیزها را پرستش می‌کنید، گمان می‌کنید که با شما چه خواهد کرد؟

﴿فَنَظَرَ نَظۡرَةٗ فِي ٱلنُّجُومِ ٨٨﴾.

ابراهیم ÷ با تأمّل به ستاره‌ها نظر انداخت؛ مانند کسی که ارادۀ عذر جویی را داشته باشد. او می‌خواست از بیرون رفتن با قومش در مراسم عید آنان عذر آورد.

﴿فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٞ ٨٩﴾.

آنگاه ابراهیم ÷ برای قومش گفت: من بیمار هستم و این عذری بود که در آن تعریضی وجود دارد.

﴿فَتَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ مُدۡبِرِينَ ٩٠﴾.

آنان ابراهیم ÷ را به عقب خویش باقی گذاشتند و همه باهم به مراسم عید خود رفتند.

﴿فَرَاغَ إِلَىٰٓ ءَالِهَتِهِمۡ فَقَالَ أَلَا تَأۡكُلُونَ ٩١﴾.

آنگاه ابراهیم ÷ با شتاب همراه تبرش به سوی بت‌های قومش رفت و به گونۀ استهزا برای آن‌ها گفت: چرا از این طعام‌ها که مشرکان برای شما گذاشته‌اند نمی‌خورید؟!

﴿مَا لَكُمۡ لَا تَنطِقُونَ ٩٢﴾.

به شما چه رسیده که سخن نمی‌گویید و چرا پرسش مرا پاسخ نمی‌دهید اگر توان سخن گفتن دارید؟

﴿فَرَاغَ عَلَيۡهِمۡ ضَرۡبَۢا بِٱلۡيَمِينِ ٩٣﴾.

ابراهیم ÷ به طرف بت‌ها آمد و آن‌ها را با دست راستش می‌زد و می‌شکست، تا برای کافران ثابت سازد که این بت‌ها نفع و ضرری نمی‌رسانند و حتی از خود هم دفاع کرده نمی‌توانند.

﴿فَأَقۡبَلُوٓاْ إِلَيۡهِ يَزِفُّونَ ٩٤﴾.

قوم ابراهیم ÷ شتابان و خشمناک به سویش آمدند؛ در حالی که عملکرد ابراهیم ÷ آنان را به هول انداخته بود.

﴿قَالَ أَتَعۡبُدُونَ مَا تَنۡحِتُونَ ٩٥﴾.

ابراهیم ÷ با شجاعت و ثبات از آنان پرسید: چگونه بت‌هایی را عبادت می‌کنید که خود شما آن‌ها را به دست‌های خویش ساخته‌اید و چگونه چیز خودساخته می‌تواند معبود باشد؟

﴿وَٱللَّهُ خَلَقَكُمۡ وَمَا تَعۡمَلُونَ ٩٦﴾.

شما عبادت خداوند أ را ترک می‌نمایید؛ در حالی که شما و عملکرد دست‌های شما را او آفریده است.

﴿قَالُواْ ٱبۡنُواْ لَهُۥ بُنۡيَٰنٗا فَأَلۡقُوهُ فِي ٱلۡجَحِيمِ ٩٧﴾.

آنگاه که ابراهیم ÷ آنان را با دلیل مغلوبش ساخت به نیروی خویش رو آوردند و گفتند: برای او بنایی بسازید، سپس آن را پر از هیزم کرده آتش برافروزید و ابراهیم را در آن اندازید.

﴿فَأَرَادُواْ بِهِۦ كَيۡدٗا فَجَعَلۡنَٰهُمُ ٱلۡأَسۡفَلِينَ ٩٨﴾.

قوم ابراهیم ÷ تدبیری را به کار بردند تا وی را به هلاکت رسانند، اما خداوند أ آنان را خوار و زیانمند ساخت، چنان‌چه آنان را با حجّت مغلوب نمود و تدبیر و حیلۀ آنان را بی‌نتیجه و بی‌اثر کرد.

﴿وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهۡدِينِ ٩٩﴾.

ابراهیم ÷ گفت: من به سوی خداوند أ هجرت می‌کنم؛ یعنی از وطن کافران به وطنی که به عبادت و طاعت اوتعالی پرداخته بتوانم هجرت می‌نمایم. سپس گفت: به یقین که پروردگارم مرا در امر دین و دنیای من به بهترین راه هدایت خواهد کرد.

این آیه به مشروعیت هجرت از دار کفر به سوی دار اسلام دلالت دارد؛ البته آنگاه که شخص مؤمن توان انجام عبادت الله أ را نداشته باشد.

﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٠٠﴾.

بعد از آن ابراهیم ÷ به حضور پروردگارش دعا کرد که برایش فرزند صالحی عطا کند تا علم و دعوت را از وی به ارث برد.

﴿فَبَشَّرۡنَٰهُ بِغُلَٰمٍ حَلِيمٖ ١٠١﴾.

خداوند أ دعای ابراهیم ÷ را پذیرفت و اسماعیل ÷ را برایش عطا کرد؛ فرزندی که در خوردسالی هوشیار و در همه امورش با برکت بود.

﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ ٱلسَّعۡيَ قَالَ يَٰبُنَيَّ إِنِّيٓ أَرَىٰ فِي ٱلۡمَنَامِ أَنِّيٓ أَذۡبَحُكَ فَٱنظُرۡ مَاذَا تَرَىٰۚ قَالَ يَٰٓأَبَتِ ٱفۡعَلۡ مَا تُؤۡمَرُۖ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٠٢﴾.

آنگاه که اسماعیل ÷ جوان شد و به سنّ رشد رسید، پدرش برای او گفت: از جانب خداوند أ به خواب دیدم و مرا به ذبح تو مأمور ساخته است، رأی تو در این باره چیست؟ (در حالی که خواب پیامبران حق است) اسماعیل ÷ با تسلیم و رضا به امر پروردگار و با خوشنودی از پدرش پاسخ داد: به امر الهی در زمینۀ سربریدنم اقدام کن و قطعاً مرا در برابر حکم خدا، اطاعت از فرمانش و طلب ثواب از بارگاه وی صابر خواهی یافت.

﴿فَلَمَّآ أَسۡلَمَا وَتَلَّهُۥ لِلۡجَبِينِ ١٠٣﴾.

چون ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام هردو به امر خداوند بزرگ منقاد شدند و ابراهیم ÷ فرزند خود اسماعیل ÷ را بر جبینش بر زمین خواباند تا ذبح کند؛

﴿وَنَٰدَيۡنَٰهُ أَن يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُ ١٠٤﴾.

خداوند متعال ابراهیم ÷ را در آن حالت هولناک و بزرگ مخاطب قرار داد و ندایش کرد:

﴿قَدۡ صَدَّقۡتَ ٱلرُّءۡيَآۚ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٠٥﴾.

ای ابراهیم! به راستی که آنچه را خداوند أ به تو در خواب فرمان داده بود انجام دادی. حق‌تعالی همچنان که در برابر تصدیق و اطاعت امرش به تو پاداش داد، به همه کسانی که دستورش را به نیکویی بپذیرند و از وی اطاعت کنند پاداش عطا می‌کند؛ یعنی که ایشان را از سختی‌ها نجات می‌دهد و از بلاها سلامتی می‌بخشد.

﴿إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡبَلَٰٓؤُاْ ٱلۡمُبِينُ ١٠٦﴾.

به یقین که فرمان الهی بر ابراهیم ÷ به ذبح فرزندش، بلای عظیم و امتحان بزرگی است؛ چنان‌که جز صاحبان عزم به انجام چنین کاری استقامت نمی‌کنند.

﴿وَفَدَيۡنَٰهُ بِذِبۡحٍ عَظِيمٖ ١٠٧﴾.

خداوند أ به عوض اسماعیل ÷ گوسفند قوچ بزرگی را فدیه داد تا ابراهیم ÷ آن را به جای فرزندش ذبح کند و در نتیجه این امر از جملۀ سنّت‌های مؤکّد در عید قربان شد.

﴿وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ١٠٨﴾.

خداوند أ برای ابراهیم ÷ در قرن‌های بعد از وی، یاد نیکو و ستایش پسندیده‌ای را ماندگار ساخت.

﴿سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ ١٠٩﴾.

تحفۀ مبارک، سلامتی از همه آفات و امان از هر ترسناکی نثار ابراهیم ÷ باد که خلیل خداوند رحمان بود.

﴿كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١١٠﴾.

همچنان که خداوند متعال ابراهیم ÷ را به خاطر حسن پذیرش فرمانش پاداش عطا کرد، به همه بندگانی که دستورش را به وجه نیکو بپذیرند پاداش نیکو عطا می‌نماید.

﴿إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١١١﴾.

به راستی که ابراهیم ÷ از بندگان راستکار و اخلاصمند خداوند أ است؛ از بندگانی که به گونۀ شایسته از اوتعالی اطاعت کردند.

﴿وَبَشَّرۡنَٰهُ بِإِسۡحَٰقَ نَبِيّٗا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١١٢﴾.

خداوند بزرگ، ابراهیم ÷ را به فرزندش اسحق مژده داد؛ به فرزندی که وی را در نهایت از پیامبران صالح مقرّر داشت. این مژده پاداشی برای ابراهیم ÷ بود که در برابر پایداری، انجام اوامر پروردگار و تسلیم به حکم مولایش به وی عطا شده بود.

﴿وَبَٰرَكۡنَا عَلَيۡهِ وَعَلَىٰٓ إِسۡحَٰقَۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحۡسِنٞ وَظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ مُبِينٞ ١١٣﴾.

خداوند أ برکت و شاستگی را بر ابراهیم و اسحق علیهما السلام فرود آورد و از ذرّیۀشان دو گروه را مقرّر داشت: گروهی نیکوکار که از پروردگارشان می‌ترسند و گروهی دیگر که با شرک و گناهان بر خویشتن ستم روا می‌دارند.

﴿وَلَقَدۡ مَنَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ١١٤﴾.

به راستی که خداوند أ بر موسی و هارون علیهما السلام با اعطای نبوت و رسالت، و با نصرت و تأییدش فضل و احسان کرد.

﴿وَنَجَّيۡنَٰهُمَا وَقَوۡمَهُمَا مِنَ ٱلۡكَرۡبِ ٱلۡعَظِيمِ ١١٥﴾.

حق‌تعالی موسی و هارون علیهما السلام و قوم همراه‌شان را از شرّ بنی‌اسرائیل، یعنی از غرق شدن و از بردگیی که از طرف فرعون بر ایشان تحمیل می‌شد نجات داد.

﴿وَنَصَرۡنَٰهُمۡ فَكَانُواْ هُمُ ٱلۡغَٰلِبِينَ ١١٦﴾.

پروردگار سبحان موسی و هارون علیهما السلام و قوم‌شان را یاری کرد، چنان‌که پیروزی و قدرت بر فرعون و قومش را به دست آوردند و دین‌شان تعالی حاصل کرد.

﴿وَءَاتَيۡنَٰهُمَا ٱلۡكِتَٰبَ ٱلۡمُسۡتَبِينَ ١١٧﴾.

الله أ برای موسی و هارون علیهما السلام تورات را عطا کرد که عقاید و احکام به گونۀ واضح و آشکار در آن بیان شده بود.

﴿وَهَدَيۡنَٰهُمَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ١١٨﴾.

حق‌تعالی موسی و هارون علیهما السلام را به سوی راه راست رهنمایی کرد؛ آیینی که دین اسلام است و همه پیامبران به تبلیغش مبعوث شده بودند.

﴿وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِمَا فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ١١٩﴾.

خداوند بزرگ برای موسی و هارون علیهما السلام در قرن‌های آینده برای همیشه ذکر خیر و ستایش نیکویی را ماندگار ساخت.

﴿سَلَٰمٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ١٢٠﴾.

تحفۀ مبارک و پاکیزه، سلامتی از همه آفات، با رضا و کرامتی از جانب خداوند متعال نثار موسی و هارون علیهما السلام باد.

﴿إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٢١﴾.

همچنان که خداوند أ برای موسی و هارون علیهما السلام پاداش اعمال نیکوی‌شان را عطا کرد، به همانگونه همه بندگانی را که در طاعت‌شان اخلاص داشته باشند پاداش می‌دهد.

﴿إِنَّهُمَا مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٢٢﴾.

به راستی که موسی و هارون علیهما السلام از بندگان صاحب یقین پروردگار و راسخ در ایمان‌شان بودند.

﴿وَإِنَّ إِلۡيَاسَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٢٣﴾.

به یقین که حضرت الیاس ÷ از جملۀ پیامبران الهی است. او که خداوند أ به وسیلۀ رسالت و نبوّت برایش شرف و کرامت بخشید.

﴿إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَلَا تَتَّقُونَ ١٢٤﴾.

آنگاه که الیاس ÷ برای قومش که از بنی‌اسرائیل بودند گفت: با اخلاص عبادت، ترک شرک و یگانه شناختن خداوند أ تقوای الهی را در پیش گیرید.

﴿أَتَدۡعُونَ بَعۡلٗا وَتَذَرُونَ أَحۡسَنَ ٱلۡخَٰلِقِينَ ١٢٥﴾.

چگونه بتی را عبادت می‌کنید که نفع و ضرری رسانده نمی‌تواند و عبادت خداوندی را کنار می‌گذارید که احسن الخالقین است، موجودات را از عدم آفریده و بعد از مردن زنده می‌گرداند، در آفرینش استحکام بخشیده و صنُع نیکو دارد؟

﴿ٱللَّهَ رَبَّكُمۡ وَرَبَّ ءَابَآئِكُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٢٦﴾.

الله أ خداوندی است که تنها وی پروردگار، آفریدگار و روزی دهندۀ شماست، اوست که پدران پیشین شما را آفریده و روزی داده است. بنابراین جز او معبود بر حقّی وجود ندارد.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمۡ لَمُحۡضَرُونَ ١٢٧﴾.

در نتیجه قوم الیاس ÷ پیامبر خویش را تکذیب کردند و یقیناً خداوند أ آنان را در روز قیامت جمع می‌کند و موافق اعمالی که انجام دادند جزا می‌دهد.

﴿إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ١٢٨﴾.

مگر آن بندگانی را که در عبادت اخلاص ورزیدند و در طاعتش صداقت داشتند که خداوند أ با فضل و کرمش چنین افرادی را قطعاً از عذاب نجات می‌دهد.

﴿وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ١٢٩﴾.

خداوند أ برای الیاس ÷ در جوامعی که بعد از وی می‌آیند، ذکر خیر و ستایش پسندیده‌ای را باقی گذاشت.

﴿سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِلۡ يَاسِينَ ١٣٠﴾.

تحفۀ مبارک و امان از هر ترسناکی و غمگینی، از جانب خداوند متعال نثار الیاس ÷ باد.

﴿إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٣١﴾.

همچنان که خداوند أ برای الیاس ÷ پاداش عطا کرد و کرامت بخشید، به همه بندگانی که در طاعت‌شان اخلاص داشته باشند و از اوتعالی بترسند پاداش و کرامت می‌بخشد.

﴿إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٣٢﴾.

به یقین که الیاس ÷ از آن بندگان خداوند أ است که در ایمان خویش راستگوی و در دین‌شان اخلاص‌مند‌ند و به پروردگار خود یقین دارند.

﴿وَإِنَّ لُوطٗا لَّمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٣٣﴾.

همانا لوط ÷ از پیامبران است. خداوند أ او را به رسالتش برگزید و به نبوّتش کرامت بخشید.

﴿إِذۡ نَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ ١٣٤﴾.

خداوند أ لوط ÷ و همه خانواده‌اش را از عذاب سختش نجات داد و از مجازاتش سالم نگه داشت.

﴿إِلَّا عَجُوزٗا فِي ٱلۡغَٰبِرِينَ ١٣٥﴾.

اما خداوند أ با کسانی که عذاب شدند زن پیر و ناتوان لوط ÷ را هلاک ساخت؛ زیرا او در سرکشی و فساد با آن مردم شرکت داشت.

﴿ثُمَّ دَمَّرۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ١٣٦﴾.

بعد از آن خداوند أ تکذیب کنندگان قوم لوط را هلاک ساخت، نابودشان نمود و آنان را مایۀ عبرت جهانیان گردانید.

﴿وَإِنَّكُمۡ لَتَمُرُّونَ عَلَيۡهِم مُّصۡبِحِينَ ١٣٧﴾.

ای کافران مکّه! واقعاً شما در سفرهای خود از دیار قوم لوط ÷ و از جایگاه آنان در صبحگاهان می‌گذرید.

﴿وَبِٱلَّيۡلِۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ١٣٨﴾.

همچنان از دیار آنان شب هنگام نیز می‌گذرید. پس چرا در آنچه بدان گرفتار شدند نمی‌اندیشید تا از عذاب خداوند أ بترسید.

﴿وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٣٩﴾.

بدون شک یونس ÷ از جملۀ پیامبران الهی است که خداوند أ او را به رسالتش برگزید و به نبوّتش کرامت بخشید.

﴿إِذۡ أَبَقَ إِلَى ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ ١٤٠﴾.

آنگاه که یونس ÷، پیش از آنکه خداوند أ به او اجازه دهد، از دیار قومش گریخت و سپس در کشتیی که پر از مسافران و اموال بود سوار شد.

﴿فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ ٱلۡمُدۡحَضِينَ ١٤١﴾.

کشتی به خطر غرق روبرو شد، اهل کشتی قرعه انداختند تا به منظور سبکساختن کشتی هر که قرعه به نامش آمد به دریا انداخته شود و قرعه به نام یونس ÷ بالا آمد.

﴿فَٱلۡتَقَمَهُ ٱلۡحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٞ ١٤٢﴾.

در نتیجه یونس ÷ از کشتی به دریا افگنده شد و او را ماهیی بلعید. یونس ÷ با گریختن پیش از اجازه، عملی را انجام داده بود که قابل ملامت بود.

﴿فَلَوۡلَآ أَنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلۡمُسَبِّحِينَ ١٤٣﴾.

اگر یونس ÷ قبلاً از اهل صلاح نمی‌بود، بسیار عبادت نمی‌کرد و نیز با تسبیحش به دوام ذکر در شکم ماهی ادامه نمی‌داد و نمی‌گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»،

﴿لَلَبِثَ فِي بَطۡنِهِۦٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ١٤٤﴾.

در شکم ماهی تا زمانی که قیامت به وقوع پیوستی و مردم زنده می‌شدند ماندگار می‌شد.

﴿۞فَنَبَذۡنَٰهُ بِٱلۡعَرَآءِ وَهُوَ سَقِيمٞ ١٤٥﴾.

اما خداوند أ او را از شکم ماهی بیرون آورد و در زمین صحرای بی‌آب و علفی که درخت و آبادی نداشت انداخت؛ در حالی که از هول آنچه بر او گذشته بود، بدنی ضعیف و وجود بیمار داشت.

﴿وَأَنۢبَتۡنَا عَلَيۡهِ شَجَرَةٗ مِّن يَقۡطِينٖ ١٤٦﴾.

خداوند أ برای یونس ÷ در حالی که در صحرا بود، درخت کدو را رویاند تا در سایه‌اش قرار گیرد و از میوه‌اش بخورد.

﴿وَأَرۡسَلۡنَٰهُ إِلَىٰ مِاْئَةِ أَلۡفٍ أَوۡ يَزِيدُونَ ١٤٧﴾.

بعد از آنکه خداوند أ یونس ÷ را نجات داد به سوی صدهزار نفر از مردم قومش فرستاد؛ بلکه از این هم بیشتر بودند.

﴿فَ‍َٔامَنُواْ فَمَتَّعۡنَٰهُمۡ إِلَىٰ حِينٖ ١٤٨﴾.

قومش او را تصدیق کردند و متابعتش نمودند. در نتیجه خداوند أ ایشان را تا آخر مدّت عمرهای‌شان از نعمت‌هایش بهره مند ساخت.

﴿فَٱسۡتَفۡتِهِمۡ أَلِرَبِّكَ ٱلۡبَنَاتُ وَلَهُمُ ٱلۡبَنُونَ ١٤٩﴾.

ای پیامبر! از قومت بپرس: چگونه دختران را که از آن‌ها بد می‌برند به خداوند أ و پسران را که دوست دارند به خود نسبت می‌دهند، این تحکّم باطل و بی‌عدالتی در حکم چیست؟

﴿أَمۡ خَلَقۡنَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ إِنَٰثٗا وَهُمۡ شَٰهِدُونَ ١٥٠﴾.

ای پیامبر! از کافران بپرس: آیا در روزی که خداوند أ فرشتگان را (به گمان آنان) دختر آفرید حضور داشتند و اکنون بر مبنای معرفتی گواهی می‌دهند؟

﴿أَلَآ إِنَّهُم مِّنۡ إِفۡكِهِمۡ لَيَقُولُونَ ١٥١﴾.

آگاه باش که پندار و ابراز نظر کافران بر اندیشۀ دروغین، افترای بزرگ و خیال‌های ناپسندی استوار است.

﴿وَلَدَ ٱللَّهُ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ١٥٢﴾.

می‌گویند که خداوند أ فرزندی دارد، امّا الله تعالی از این امر منزّه است. آنان دروغ می‌گویند و خداوند أ نه زاده شده و نه کسی را زاده است.

﴿أَصۡطَفَى ٱلۡبَنَاتِ عَلَى ٱلۡبَنِينَ ١٥٣﴾.

به چه دلیلی خداوند أ برایش دخترانی را بر گزیده نه پسرانی را و چرا به گمان آنان فرشتگان را دختران مقرّر داشته است؟! خداوند متعال از این برتر است.

﴿مَا لَكُمۡ كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ ١٥٤﴾.

این حکم و گزینش نادرست شما بسیار بد است، زیرا دختران را که خود دوست ندارید به خداوند پاک نسبت داده‌اید و پسران را که مورد پسندتان است به خویشتن نسبت می‌دهید.

﴿أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ١٥٥﴾.

آیا نمی‌دانید که روا نیست برای خداوند أ فرزندی باشد؛ زیرا او بی‌نیاز است، کسی را نزاده، از کسی زاده نشده و برایش همتایی وجود ندارد.

﴿أَمۡ لَكُمۡ سُلۡطَٰنٞ مُّبِينٞ ١٥٦﴾.

آیا برهان واضحی برای درستی ادّعای خویش به دست دارید که دختران را به خداوند أ نسبت می‌دهید؟

﴿فَأۡتُواْ بِكِتَٰبِكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٥٧﴾.

اگر برهان واضحی در کتابی از جانب خداوند أ دارید و راست می‌گویید پس مرا بدان آگاه سازید.

﴿وَجَعَلُواْ بَيۡنَهُۥ وَبَيۡنَ ٱلۡجِنَّةِ نَسَبٗاۚ وَلَقَدۡ عَلِمَتِ ٱلۡجِنَّةُ إِنَّهُمۡ لَمُحۡضَرُونَ ١٥٨﴾.

کافران بین خداوند أ و فرشتگان رابطۀ نسبی و خویشاوندی مقرّر داشته‌اند، اما فرشتگان یقیتاً می‌دانند که خداوند متعال در روز قامت آنان را برای عذاب حاضر می‌آورد. و گفته شده که مراد از «اَلجِنَّة» گروه جنّ است، بنابراین معنی چنین است: یقیناً گروه جنّ می‌دانند که خداوند أ حتماً کافران را در روز قیامت برای محاسبۀ اعمال زنده‌می‌سازد.

﴿سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ١٥٩﴾.

خداوند بزرگ از اوصافی که دشمنان کافرش او را بدان وصف می‌کنند منزّه و مقدّس است، بلکه اوتعالی تنها و تنها به اوصافی موصوف است که خویشتن را بدان وصف کرده یا پیامبرش او را بدان توصیف نموده است.

﴿إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ١٦٠﴾.

اما بندگان اخلاصمند خداوند أ از اوصافی که کافران مشرک اوتعالی را بدان وصف می‌کنند برائت می‌جویند.

﴿فَإِنَّكُمۡ وَمَا تَعۡبُدُونَ ١٦١﴾.

ای کافران! به راستی که شما با بت‌ها و تماثل‌هایی که به عبادت و پرستش آن‌ها مصروف هستید.

﴿مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ بِفَٰتِنِينَ ١٦٢﴾.

بدون اینکه خداوند أ بخواهد توانایی ندارید که کسی را گمراه سازید؛

﴿إِلَّا مَنۡ هُوَ صَالِ ٱلۡجَحِيمِ ١٦٣﴾.

مگر کسی را که خداوند متعال او را از اهل دوزخ مقدّر کرده باشد و خودش از گمراهان پیروی‌کند.

﴿وَمَا مِنَّآ إِلَّا لَهُۥ مَقَامٞ مَّعۡلُومٞ ١٦٤﴾.

فرشتگان می‌گویند: هیچ فرشته‌ای موجود نیست مگر اینکه جایگاه ویژه و معلومی در آسمان دارد و برای هر کدام وظفه‌ای است.

﴿وَإِنَّا لَنَحۡنُ ٱلصَّآفُّونَ ١٦٥﴾.

و همانا ما فرشتگان در عبادت و طاعت پروردگار خویش با نظم و ترتیبی ویژه صف می‌زنیم.

﴿وَإِنَّا لَنَحۡنُ ٱلۡمُسَبِّحُونَ ١٦٦﴾.

و ما گروه فرشتگان از اموری که سزاوار شأن خداوند أ نیست، به تقدیس و تنزیه اوتعالی می‌پردازیم و وی را به اوصاف بزرگ ستایش می‌نماییم؛

﴿وَإِن كَانُواْ لَيَقُولُونَ ١٦٧﴾.

اگر چه کافران پیش از آنکه رسول الله ج به رسالت مبعوث شوند بدون علم و دانشی می‌گفتند:

﴿لَوۡ أَنَّ عِندَنَا ذِكۡرٗا مِّنَ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٦٨﴾.

اگر مانند اهل قرن‌های پیشین، برای ما کتاب‌هایی می‌آمد و پیامبرانی برای هدایت ما مبعوث می‌شد؛

﴿لَكُنَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ١٦٩﴾.

ما به پروردگار خویش ایمان می‌آوردیم و در عبادت و طاعت مولای خویش اخلاص می‌ورزیدیم؛

﴿فَكَفَرُواْ بِهِۦۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ١٧٠﴾.

اما وقتی آیات کتاب حکیم و پیامبری کریم آمد و آنان به راه راست هدایت نمود، به خدای بزرگ کافر شدند. در نهایت قطعاً خواهند دانست که در آتش دوزخ چه عذابی برای آنان آماده شده است.

﴿وَلَقَدۡ سَبَقَتۡ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٧١﴾.

به یقین که حکم خداوند أ که وقوعش حتمی است و رد شدنی نیست، به نفع پیامبران الهی از پیش صدور یافته است؛

﴿إِنَّهُمۡ لَهُمُ ٱلۡمَنصُورُونَ ١٧٢﴾.

بر اینکه سرانجام نیکو از آن ایشان است. توفیق الهی، کامیابی و رستگاری همراه‌شان است و خداوند أ آنان را با حجّت و قوّت نیرومند می‌سازد.

﴿وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ١٧٣﴾.

و همانا فتح و پیروزی از نگاه غلبۀ معنوی و ظاهری در هر جایی که باشد، به ارادۀ خداوند أ نصیب لشکریان الهی است؛ یعنی نصیب مجاهدانی است که در راه خدا و برای بلند بردن دینش جهاد می‌کنند؛ زیرا سرانجام نیکو برای پرهیزگاران است.

﴿فَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ حَتَّىٰ حِينٖ ١٧٤﴾.

ای پیامبر! اکنون از کسانی که کافر شدند و از انقیاد امر الهی ابا آوردند، صرف نظر کن تا مهلتی که خداوند بزرگ برای آنان داده بگذرد و هنگام عذاب و گرفتاری آنان فرا رسد.

﴿وَأَبۡصِرۡهُمۡ فَسَوۡفَ يُبۡصِرُونَ ١٧٥﴾.

انتظار بکش و مراقب باش که به زودی خداوند أ با آنان چه می‌کند. خود آنان نیز حتماً انجام اعمال و جزای کفر خویش را خواهند دید.

﴿أَفَبِعَذَابِنَا يَسۡتَعۡجِلُونَ ١٧٦﴾.

آیا در نزول عذاب خداوند أ بر خویشتن عجله می‌کنند و عذابی را که خواهی نخواهی بر آنان فرود می‌آید و برمی‌شمارند؟

﴿فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمۡ فَسَآءَ صَبَاحُ ٱلۡمُنذَرِينَ ١٧٧﴾.

اما آنگاه که عذاب خداوند أ بر دشمنانش فرود آید، به صبحگاه بدی مواجه می‌شوند که بسیار نا پسند است.

﴿وَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ حَتَّىٰ حِينٖ ١٧٨﴾.

ای پیامبر! از کافران صرف نظر کن تا مهلتی که برای آنان داده شده بگذرد و هنگام عذاب‌شان فرا رسد.

﴿وَأَبۡصِرۡ فَسَوۡفَ يُبۡصِرُونَ ١٧٩﴾.

انتظار بکش و مراقب باش که خداوند بزرگ به زودی با آنان چه می‌کند، خود آنان نیز عاقبت کارها و نتیجۀ اعمال خویش را خواهند دید.

﴿سُبۡحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلۡعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ١٨٠﴾.

خداوند با نام‌هایش پاک و منزّه است. او صاحب عزّت است و از هر وصف ناشایسته‌ای که دشمنانش او را بدان وصف کنند بلندتر و پاکتر است.

﴿وَسَلَٰمٌ عَلَى ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٨١﴾.

ستایش بزرگ خداوند سبحان، تحفۀ جاودانی و امان الهی نثار پیامبرانش باد که بزرگوار و بر گزیده‌اند.

﴿وَٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٨٢﴾.

و حمد و سپاس از ابتدا تا انتها مخصوص پروردگار جهانیان است، تنها او مستحقّ ستایش و حمد است، از آن‌رو که صفات قایل مدح و کمال برای اوست و به دلیل اینکه نعمت‌های بزرگ و بخش‌های پسندیده‌اش بسیار است و او شکر گزاری در دنیا و آخرت سزاوار است.

سورۀ ص

مکی است؛ ترتیب آن 38؛ آیات آن 88

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿صٓۚ وَٱلۡقُرۡءَانِ ذِي ٱلذِّكۡرِ ١﴾.

صاد؛ از جملۀ حروف مقطّعات است و خداوند متعال به معنایش داناتر می‌باشد؛ هر چند می‌دانیم که معناهای ارزنده دارد. الله پاک به کتاب بزرگش که در آن موضوعاتی چون موعظۀ بندگان، یادآوری از روز بازگشت، نصیحت و تشویق به توشه‌گرفتن و آمادگی برای روز رستاخیز آمده سوگن یاد کرده است.

﴿بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي عِزَّةٖ وَشِقَاقٖ ٢﴾.

اما کافران از هدایت الهی در کبر و غرور به سر می‌برند، زیرا با خداوند بزرگ و رسولش مخالفت می‌ورزند، از حدود اوتعالی تجاوز می‌کنند و از شریعتش روگردانند.

﴿كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم مِّن قَرۡنٖ فَنَادَواْ وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٖ ٣﴾.

خداوند أ امّت‌های بسیاری را پیش از این امّت به سبب کفر به هلاکت رساند. آنان در هنگام نزول عذاب ناله و زاری کردند، به پروردگار یقین نمودند و توبۀ خویش را اعلان داشتند، اما زمان توبه گذشته بود و راه نجات و فرار از عذابی که آنان را گرفته بود وجود نداشت.

﴿وَعَجِبُوٓاْ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٞ مِّنۡهُمۡۖ وَقَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا سَٰحِرٞ كَذَّابٌ ٤﴾.

کافران از بعثت پیامبر ج تعجّب کردند و گفتند: چرا انسانی چون ما است و فرشته‌ای نیست؟! باز علاوه کردند که او در سخنانش دروغگوست، قومش را جادو کرده و از جانب خداوند أ مبعوث نشده است.

﴿أَجَعَلَ ٱلۡأٓلِهَةَ إِلَٰهٗا وَٰحِدًاۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٌ عُجَابٞ ٥﴾.

چگونه این پیامبر، خدایان متعدّد را یک خدا مقرّر داشته است؟! بدون شک آنچه که که آورده و فرا خوانیش به سوی خداوند أ کار عجیبی است که عقل آن را به علّت غرابتش نمی‌پذیرد.

﴿وَٱنطَلَقَ ٱلۡمَلَأُ مِنۡهُمۡ أَنِ ٱمۡشُواْ وَٱصۡبِرُواْ عَلَىٰٓ ءَالِهَتِكُمۡۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٞ يُرَادُ ٦﴾.

بزرگان و سرکرده‌های کافران رفتند و برادران خویش را که اهل شرک و تکذیب بودند به شرک ورزیدن، استقامت بر دین باطل و عبادت خدایان متعدّد تشویق کردند. آنان استدلال می‌نمودند که آنچه پیامبر ج به سویش فرا می‌خواند مطلب برنامه‌ریزی شده‌ای است که با آن برتری و سرکردگی روی زمین را اراده دارد.

﴿مَا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِي ٱلۡمِلَّةِ ٱلۡأٓخِرَةِ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا ٱخۡتِلَٰقٌ ٧﴾.

ما در نزد پدران و اجداد پیشین خود و در آیین نصرانیت چنین دعوتی را نشنیده‌ایم که به سوی توحید در عبادت خداوند أ فراخواند. بناءً این دعوت جز دروغ، بهتان و افترا چیز دیگری نیست.

﴿أَءُنزِلَ عَلَيۡهِ ٱلذِّكۡرُ مِنۢ بَيۡنِنَاۚ بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ مِّن ذِكۡرِيۚ بَل لَّمَّا يَذُوقُواْ عَذَابِ ٨﴾.

چگونه محمّد از میان ما به رسالت مخصوص شده است، در حالی که او هم مانند ما انسانی است که بر ما امتیازی ندارد و از ما پایین‌تر است؟ بلکه کافران از فرود آمدن وحی از جانب خداوند أ بر پیامبر ج در شکّ و تردید قرار دارند. این طرز فکر آنان بدین سبب بود که از عذاب الهی نچشیدند و از این رو رسالتش را حقیر شمردند و اگر به عذاب گرفتار می‌شدند به کتاب الهی تکذیب نمی‌کردند.

﴿أَمۡ عِندَهُمۡ خَزَآئِنُ رَحۡمَةِ رَبِّكَ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡوَهَّابِ ٩﴾.

آیا خزانه‌های فضل و رحمت خداوند أ در نزد کافران قریش است؟ خزانه‌های خداوندی که در پادشاهی‌اش با عزّت و در قهر خویش غالب است، خدای بخشنده‌ای که به هر یک از بندگانش که بخواهد از فضل و احسانش بی‌حساب بخشش می‌کند؛ حال آنکه اگر آنان مالک خزانه‌ها می‌بودند بخالت می‌ورزیدند؟

﴿أَمۡ لَهُم مُّلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَاۖ فَلۡيَرۡتَقُواْ فِي ٱلۡأَسۡبَٰبِ ١٠﴾.

آیا گروه کافران به امور آسمان‌ها و زمین سیطره دارند و در رحمت و روزی دادن، صاحب حکم‌اند؛ یعنی به هر که اراده کنند می‌بخشند و از هر که بخواهند باز می‌دارند؟ اگر چنین است پس به راه‌هایی که به آسمان منتهی می‌شود بالا روند و فرشتگان را از فرود آوردن قرآن بر پیامبر ج بازدارند.

﴿جُندٞ مَّا هُنَالِكَ مَهۡزُومٞ مِّنَ ٱلۡأَحۡزَابِ ١١﴾.

این کافران، لشکری هستند که به تکذیب رسالت می‌پردازند و در برابر حق شکست خورده‌اند؛ همچنان که امّت‌های تکذیب کنندۀ پیشین شکست خوردند و مغلوب شدند.

﴿كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَعَادٞ وَفِرۡعَوۡنُ ذُو ٱلۡأَوۡتَادِ ١٢﴾.

پیش از تکذیب کافران قریش، مردم دیگری چون قوم نوح، قوم عاد و فرعون که دارای لشکر نیرومند و وسایل فراون بودند پیامبران را تکذیب کردند.

﴿وَثَمُودُ وَقَوۡمُ لُوطٖ وَأَصۡحَٰبُ لۡ‍َٔيۡكَةِۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلۡأَحۡزَابُ ١٣﴾.

قبل از آنان قبیلۀ ثمود یعنی قوم صالح ÷، قوم لوط ÷ و صاحبان درخت بزرگ، یعنی قوم شعیب به تکذیب پیامبران پرداختند. این اقوام همه با همدیگر در ادامه بر کفر تعاون داشتند و در جنگ با پیامبران و دشمنی با حق هم‌یاری می‌کرند.

﴿إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ١٤﴾.

هر یک از این اقوام، پیامبر خویش را تکذیب کردند و در نتیجه از جانب خداوند أ به خاطر کفر خویش مستحقّ مجازات شدند و عذاب آنان را فرا گرفت.

﴿وَمَا يَنظُرُ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ مَّا لَهَا مِن فَوَاقٖ ١٥﴾.

کافران نزول هلاکت را انتظار نمی‌کشند مگر فرا رسیدن یک بار دمیدن را که بازگشتی ندارد و چون فرا رسد برای آنان توبه و رجوع از گناهان وجود ندارد.

﴿وَقَالُواْ رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبۡلَ يَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ١٦﴾.

کافران با استهزا و تمسخر گفتند: پروردگارا! نصیبی که از عذاب برای ما در نظر است، پیش از قیام قیامت طور عاجل در دنیا بر ما مقرّر دار؛ زیرا آنان عذاب الهی را دور می‌شمردند.

﴿ٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱذۡكُرۡ عَبۡدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلۡأَيۡدِۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ١٧﴾.

ای پیامبر! در برابر سخنانی که کافران دربارۀ تو و دعوتت می‌گویند صبر نما؛ مثل آنکه تو را شاعر و کاهن معرفی می‌دارند. الله تعالی تو را از چنین اوصافی نگه‌دارد از بندۀ خدا و پیامبر صالحش داود ÷ یاد آور و تسلّی شو؛ او که در اجرای امر خداوند أ نیرومند بود، در مقابل دشمنان پروردگار دلیر بود و بر طاعت الهی استقامت داشت. همانا او به آفریدگار و مولایش بسیار رجوع می‌کرد و از گناهانش همیشه توبه می‌نمود.

﴿إِنَّا سَخَّرۡنَا ٱلۡجِبَالَ مَعَهُۥ يُسَبِّحۡنَ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِشۡرَاقِ ١٨﴾.

خداوند أ کوه‌ها را برای داود ÷ مسخر ساخت و مطیع نمود؛ چنان‌که هر صبح و شام با وی تسبیح می‌گفتند.

﴿وَٱلطَّيۡرَ مَحۡشُورَةٗۖ كُلّٞ لَّهُۥٓ أَوَّابٞ ١٩﴾.

همچنان پرندگان را برای داود ÷ رام و مطیع ساخت؛ چنان‌که در نزد او برای تسبیح گفتن جمع می‌شدند و به امرش منقاد بودند.

﴿وَشَدَدۡنَا مُلۡكَهُۥ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡحِكۡمَةَ وَفَصۡلَ ٱلۡخِطَابِ ٢٠﴾.

خداوند پاشاهی داود ÷ را با هیبت و شکوه و با وسایل و لشکر، نیرومند ساخت و او را با نبوّت و علم و با سخن فیصل که حسن خطابه و عدالت در حکم را شامل بود کرامت بخشید.

﴿وَهَلۡ أَتَىٰكَ نَبَؤُاْ ٱلۡخَصۡمِ إِذۡ تَسَوَّرُواْ ٱلۡمِحۡرَابَ ٢١﴾.

ای پیامبر! آیا خبر داستان دو نفر متخاصم به تو نرسید؛ آنان‌که بر بلندی محراب داود ÷ بالا رفتند در حالی که او به عبادت پروردگارش مصروف بود.

﴿إِذۡ دَخَلُواْ عَلَىٰ دَاوُۥدَ فَفَزِعَ مِنۡهُمۡۖ قَالُواْ لَا تَخَفۡۖ خَصۡمَانِ بَغَىٰ بَعۡضُنَا عَلَىٰ بَعۡضٖ فَٱحۡكُم بَيۡنَنَا بِٱلۡحَقِّ وَلَا تُشۡطِطۡ وَٱهۡدِنَآ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلصِّرَٰطِ ٢٢﴾.

آنگاه که بطور ناگهانی به نزد داود ÷ رفتند و او از ایشان ترسید؛ زیرا آن دو نفر از وی اجازه نخواسته بودند. آنگاه برای داود ÷ گفتند: از ما نترس که ما کار بد و آزار تو را اراده نداریم، بلکه ما دو فرد متخاصم هستیم که یکی از ما حقّ یک دیگر را تلف کرده است. اکنون از تو می‌خواهیم که میان ما به عدل حکم کنی و در حکم خود ظلم ننمایی. ما را به نیکوترین راه و استوارترین مسیر رهنمایی کن.

﴿إِنَّ هَٰذَآ أَخِي لَهُۥ تِسۡعٞ وَتِسۡعُونَ نَعۡجَةٗ وَلِيَ نَعۡجَةٞ وَٰحِدَةٞ فَقَالَ أَكۡفِلۡنِيهَا وَعَزَّنِي فِي ٱلۡخِطَابِ ٢٣﴾.

یکی از آن دو نفر گفت: این برادر من است که نود و نه گوسفند دارد، امّا من فقط یک گوسفند دارم. او توقّع دارد که گوسفند مرا هم با گوسفندانش یکجا سازد و برایم می‌گوید: این را به من بده و بر من با زبانش غالب شده است.

﴿قَالَ لَقَدۡ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعۡجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِۦۖ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلۡخُلَطَآءِ لَيَبۡغِي بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٍ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَقَلِيلٞ مَّا هُمۡۗ وَظَنَّ دَاوُۥدُ أَنَّمَا فَتَنَّٰهُ فَٱسۡتَغۡفَرَ رَبَّهُۥ وَخَرَّۤ رَاكِعٗاۤ وَأَنَابَ ٢٤﴾.

داود ÷ گفت: به راستی که برادرت بر تو ستم روا داشته که از تو خواسته گوسفندت را برایش ببخشی بسیار شریکان بر یک دیگر ستم روا می‌دارند، حقّ شریک خود را تلف می‌کنند و انصاف ندارند مگر کسی که به خداوند أ ایمان داشته باشد و از مولایش بترسد. چنین کسی عادل است نه جور می‌کند و نه بر کسی ستم روا می‌دارد. این گروه در میان مردم کمتر پیدا می‌شوند چون بیشتر مردم ستمگر و متجاوز‌اند. داود ÷ یقین کرد که خداوند أ او را امتحان نمود تا با این خصومت بر موضوع دیگری استدلال شود. در این وقت داود ÷ از پروردگارش آمرزش خواست؛ برای مولایش سجده نمود و با ندامت، توبه گاری و رجوع به سوی وی برگشت.

﴿فَغَفَرۡنَا لَهُۥ ذَٰلِكَۖ وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلۡفَىٰ وَحُسۡنَ مَ‍َٔابٖ ٢٥﴾.

خداوند أ برای داود ÷ گناهش را آمرزید و توبه‌اش را پذیرفت، او را برگزید و مقرّبش ساخت و برایش نیکوترین جایگاه را در بهشت‌های پر از نعمت مهیّا نمود.

﴿يَٰدَاوُۥدُ إِنَّا جَعَلۡنَٰكَ خَلِيفَةٗ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱحۡكُم بَيۡنَ ٱلنَّاسِ بِٱلۡحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ ٱلۡهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدُۢ بِمَا نَسُواْ يَوۡمَ ٱلۡحِسَابِ ٢٦﴾.

ای داود! خداوند أ تو را در روی زمین خلافت بخشید و ولایت حکم میان مردم را به تو سپرد، پس در میان بندگان خدا به شریعت الهی حکم کن، در حکم میان مردم عدالت نما و در این امر خویشتن را از متابعت خواهش‌های نفسانی دور دار و چنان مباش که خویشاوند را بر بیگانه دوست را بر دشمن ترجیح دهی، بلکه عمل به شریعت الهی بر تو لازم است؛ زیر اگر از خواهش‌های نفس پیروی کنی تو را از راه مستقیم و از طریق حق بازمی‌دارد. به راستی که برای گمراهان و گمراه کنندگانی که مردم را از راه خدا و طاعت و هدایتش باز می‌دارند عذاب شدید و دردآوری در آتش دوزخ مهیّا شده است؛ زیرا آنان لقای حق‌تعالی را فراموش کردند، از روز قیامت غفلت ورزیدند و مراقبت پروردگار را از یاد بردند.

این آیه به حاکمان توصیه می‌دارد که از خداوند أ بترسند، به شریعت اوتعالی حکم کنند و در حکم میان مردم حق‌تلفی ‌ننمایند؛ زیرا در چنین صورتی از گمراهان و سرکشان به حساب می‌آیند.

﴿وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَآءَ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا بَٰطِلٗاۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنَ ٱلنَّارِ ٢٧﴾.

خداوند متعال آسمان و زمین و همه چیزهای میان آن دو را براساس حکمت بزرگی آفریده است و طبق پندار کافران بازی و بیهوده نیست. پس وای به حال کافران باد که بر الله أ پندارهای نادرست دارند؛ زیرا آنان گمان‌های بدی به حق‌تعالی دارند، به آیات الهی کافر شدند و پیامبرش را تکذیب کرند.

﴿أَمۡ نَجۡعَلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَٱلۡمُفۡسِدِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ نَجۡعَلُ ٱلۡمُتَّقِينَ كَٱلۡفُجَّارِ ٢٨﴾.

چگونه خداوند أ مؤمنان نیکوکار را مانند بدکاران مفسد در روی زمین قرار می‌دهد؟! یا چگونه حق‌تعالی پرهیزگاران نیکوکار را مانند بدکاران اشرار قرار می‌دهد؟! هرگز چنین نیست و این برابری عادلانه نمی‌باشد، بلکه عدل آن است که برای پرهیزگاران بر حسب اعمال‌شان پاداش داده شود و بد اعمالان مجازات شوند.

﴿كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٢٩﴾.

قرآن کریم کتابی است که از جانب خداوند أ بر محمد ج نازل شده است. تلاوت آیات، تدبُر در مفاهیم و عمل به هدایاتش با برکت است و نفع بسیار و فواید بی‌شمار دارد. الله أ آن را نازل کرده تا بندگان در آیاتش بیندیشند و با دلایلش هدایت شوند، و تا اینکه صاحبان عقل‌های سلیم و فطرت‌های معتدل در آیات این کتاب که به هر خیری دلالت می‌کند تفکّر نمایند.

﴿وَوَهَبۡنَا لِدَاوُۥدَ سُلَيۡمَٰنَۚ نِعۡمَ ٱلۡعَبۡدُ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ٣٠﴾.

خداوند سبحان برای داود ÷ به گونۀ امتنان و اکرام فرزندش سلیمان ÷ را عطا کرد تا با آن خورسند شود. سلیمان ÷ بنده‌ای صالح و پیامبری با کرامت بود؛ زیرا به سوی پروردگار رجوع می‌نمود، بسیار آمرزش می‌خواست و توبه می‌کرد.

﴿إِذۡ عُرِضَ عَلَيۡهِ بِٱلۡعَشِيِّ ٱلصَّٰفِنَٰتُ ٱلۡجِيَادُ ٣١﴾.

یاد آور آنگاه که در هنگام عصر اسپان اصیل چراگاهی به سلیمان ÷ عرضه شد. در حالی که بر سه دست و پا ایستاده بودند و پای دیگر خود را به منظور زیبایی، و آمادگی برای تیزروی بالا گرفته بودند. سلمیان ÷ به آن‌ها مصروف بود تا اینکه خورشید در افق غایب شد.

﴿فَقَالَ إِنِّيٓ أَحۡبَبۡتُ حُبَّ ٱلۡخَيۡرِ عَن ذِكۡرِ رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَتۡ بِٱلۡحِجَابِ ٣٢﴾.

آنگاه سلیمان ÷ گفت: من دوستی اسپان و مال‌ها را بر نماز برای پروردگارم مقدّم داشتم تا خورشید غروب کرد و وقت نماز گذشت.

﴿رُدُّوهَا عَلَيَّۖ فَطَفِقَ مَسۡحَۢا بِٱلسُّوقِ وَٱلۡأَعۡنَاقِ ٣٣﴾.

سلیمان ÷ امر کرد اسپان یادشده‌ای که بر او عرضه شده بود، دوباره عرضه شوند و بگذرند، خودش ساق پا و گردن‌های آن‌ها را مسح نمود و همه را در راه خدا وقف کرد و گفته شده که آن‌ها را ذبح نمود.

﴿وَلَقَدۡ فَتَنَّا سُلَيۡمَٰنَ وَأَلۡقَيۡنَا عَلَىٰ كُرۡسِيِّهِۦ جَسَدٗا ثُمَّ أَنَابَ ٣٤﴾.

به یقین که خداوند أ سلیمان ÷ را مورد امتحان قرار داد و نیمۀ وجود طفل ناقص الخلقتی را که از همسرش تولد شده بود بر تختش انداخت. این کار هنگامی صورت گرفت که او سوگند یاد کرده بود با همه همسرانش نزدیکی کند تا هر کدام پیکارجویی به دنیا آورد که در راه خدا به جهاد بپردازد، اما فراموش کرد که ان‌شاءالله بگوید: وقتی با همه همسرانش نزدیکی نمود جز یکی از آن‌ها هیچ کدام باردار نشدند، آن‌هم طفل نیمۀ ناقصی را به دنیا آورد. بعد از آن سلیمان ÷ از فراموشی نام پروردگار آمرزش خواست و به حق‌تعالی توبه نمود.

﴿قَالَ رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَهَبۡ لِي مُلۡكٗا لَّا يَنۢبَغِي لِأَحَدٖ مِّنۢ بَعۡدِيٓۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ٣٥﴾.

سلیمان ÷ گفت: پروردگارا! گناهم را بیامرز و برایم پادشاهیی بزرگی عطا کن که در آن هیچ‌کس با من شریک نباشد و کسی بعد از من چنین پادشاهیی نداشته باشد؛ زیرا تو عطای فراگیر و احسان بزرگ داری و بسیار بخشنده‌ای.

﴿فَسَخَّرۡنَا لَهُ ٱلرِّيحَ تَجۡرِي بِأَمۡرِهِۦ رُخَآءً حَيۡثُ أَصَابَ ٣٦﴾.

خداوند أ دعای سلیمان ÷ را قبول کرد و برایش پادشاهیی را که خواسته بود عطا کرد. باد را برایش رام ساخت؛ چنان‌که با شدّت و سرعت موافق امرش به هر جایی که اراده می‌کرد جریان می‌یافت.

﴿وَٱلشَّيَٰطِينَ كُلَّ بَنَّآءٖ وَغَوَّاصٖ ٣٧﴾.

همچنان خداوند أ شیطان‌ها را تحت تسخیرش در آورده بود که در کارها از آنان استفاده می‌کرد چناچه بعضی خانه‌ها و کاخ‌ها را عمارت می‌کردند و شماری به شناوری در دریا مهارت داشتند.

﴿وَءَاخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي ٱلۡأَصۡفَادِ ٣٨﴾.

امّا گروه دیگری از شیطان‌ها که متمرّد و سرکش بودند در زنجیرها و حلقه‌ها بسته شده بودند.

﴿هَٰذَا عَطَآؤُنَا فَٱمۡنُنۡ أَوۡ أَمۡسِكۡ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٣٩﴾.

این سلطنت بزرگ؛ پادشاهی باشکوه و عطای ویژه بخششی از جانب خداوند أ برای سلیمان ÷ بود. برایش گفته شد که ای سلیمان! از این نعمت‌ها برای هر که از مردم می‌خواهی ببخش و از هر که می‌خواهی باز دار. در عطا و بخشش از تو حساب گرفته نمی‌شود؛ زیرا عطا کنندۀ واقعی پروردگار بخشندۀ جوّاد است.

﴿وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلۡفَىٰ وَحُسۡنَ مَ‍َٔابٖ ٤٠﴾.

به راستی که برای سلیمان ÷ در نزد خداوند رحمن نیکوترین مرتبه و مقرّب‌ترین منزلتی در بهشت که دار رضوان است میسّر می‌باشد.

﴿وَٱذۡكُرۡ عَبۡدَنَآ أَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلشَّيۡطَٰنُ بِنُصۡبٖ وَعَذَابٍ ٤١﴾.

ای پیامبر! از بندۀ صالح و پیامبر بزرگوار حضرت ایّوب یاد آور، او که در برابر بلا صبر نمود و با اخلاص‌مندی به پروردگارش دعا کرد و گفت: پروردگارم! شیطان سبب اذیت و بیماری‌ام شده و ضرر و زیانی را متوجه بدن و اهل و ثروتم کرده است.

﴿ٱرۡكُضۡ بِرِجۡلِكَۖ هَٰذَا مُغۡتَسَلُۢ بَارِدٞ وَشَرَابٞ ٤٢﴾.

خداوند متعال ایّوب ÷ را دستور داد که پای خویش را بر زمین بزن و از اثر آن آب سرد و زلالی فواره کرد تا ایّوب ÷ از آن بخورد و خود را شستشو‌ دهد. در نتیجه حق‌تعالی درد وجودش را دور ساخت و بدین‌گونه بیماری‌اش را به تندرستی و غم و اندوهش را به شادمانی مبدّل ساخت.

﴿وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةٗ مِّنَّا وَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٤٣﴾.

آنگاه که خداوند أ بدن ایّوب ÷ را شفا داد و بیماری‌اش را دور نمود، به او کرامت عطا کرد و خانواده، همسران و فرزندانش را بدو باز بخشید و به اندازۀ شان فرزندان و نواده گان دیگری را نیز به وی عطا نمود. همه این بخشش‌ها، رحمت و لطف الهی برای ایوب ÷ است که به عنوان پاداش صبر و جزای خوشنودی وی در برابر تقدیر خداوندی به وی داده شد. همچنان سرگذشت ایوب ÷ پند و موعظه‌ای برای صاحبان عقل‌های سلیم و فطرت‌های قویم است تا بدانند که بعد از هر سختی آسانی است و بعد از هر دشواری راحتی نهفته است.

﴿وَخُذۡ بِيَدِكَ ضِغۡثٗا فَٱضۡرِب بِّهِۦ وَلَا تَحۡنَثۡۗ إِنَّا وَجَدۡنَٰهُ صَابِرٗاۚ نِّعۡمَ ٱلۡعَبۡدُ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٞ ٤٤﴾.

خداوند متعال به ایّوب ÷ دستور داد تا دسته‌ای از چوب درخت خرما را که دارای شاخه باشد بگیرد و با آن همسرش را بزند تا از سوگندی که از پیش خورده بود رها شود و حانث نشود؛ زیرا وی به سبب خطایی که از همسرش صادر شده بود به این امر سوگند خورده بود. حق‌تعالی ایّوب ÷ را امتحان نمود و او را در برابر بلاها صابر و در برابر قضا با ایمان یافت. آری! او در تقوا و عمل به طاعت مولایش بهترین بنده‌ای بود و با توبه و توکّل همه امور را به الله أ می‌سپرد و به اوتعالی رجوع می‌نمود.

﴿وَٱذۡكُرۡ عِبَٰدَنَآ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ أُوْلِي ٱلۡأَيۡدِي وَٱلۡأَبۡصَٰرِ ٤٥﴾.

ای پیامبر و ای فرستادۀ من! از بندگان صالح و پیامبران راستگوی خداوند أ چون: ابراهیم، اسحاق و یعقوب یاد آور؛ از ایشان که در طاعت و بینش دنیا صاحب قوّت بودند، از این رو با نیرومندی در منع منکرات می‌کوشیدند و در انجام امور معروف بینایی داشتند.

﴿إِنَّآ أَخۡلَصۡنَٰهُم بِخَالِصَةٖ ذِكۡرَى ٱلدَّارِ ٤٦﴾.

خداوند بزرگ ایشان را با گزینشی عظیم برگزید و اختیار کرد؛ بدین‌گونه که یاد آخرت را نصب‌العین‌شان قرار داد و آن را در دل‌های‌شان چنان مستقر کرد که جدایی ناپذیر است و این امر باعث شده که با عمل‌های نیکو برای آخرت آماده باشند.

﴿وَإِنَّهُمۡ عِندَنَا لَمِنَ ٱلۡمُصۡطَفَيۡنَ ٱلۡأَخۡيَارِ ٤٧﴾.

یقیناً این گروه از پیامبران نیکوکار در نزد خداوند أ از بهترین و محترم‌ترین مردم‌اند، حق‌تعالی ایشان را به نبوّت برگزید و به رسالت اختیار نمود.

﴿وَٱذۡكُرۡ إِسۡمَٰعِيلَ وَٱلۡيَسَعَ وَذَا ٱلۡكِفۡلِۖ وَكُلّٞ مِّنَ ٱلۡأَخۡيَارِ ٤٨﴾.

ای پیامبر! از بندگان نیکوکار و رسولان ابرار خداوند أ چون اسماعیل، الیسع و ذالکفل یادآور که یادشان نیکوترین ذکرها و سیرت‌شان زیباترین سیرت‌هاست. هر یک خیراندیش، نیکوکار و هدایتگر بودند، الله أ ایشان را به تبلیغ رسالتش بر گزیده بود و بهترین صفات را برای‌شان عطا کرده بود.

﴿هَٰذَا ذِكۡرٞۚ وَإِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ لَحُسۡنَ مَ‍َٔابٖ ٤٩﴾.

قرآن عظیم، پند و کرامتی برای پیامبر ج و امّت‌شان است. به راستی که نیکوترین جایگاه در بهشت‌های پر از نعمت برای کسانی میسّر است که از پروردگارشان بترسند، یعنی به اوامرش عمل کنند و از نافرمانی‌اش پرهیز نمایند.

﴿جَنَّٰتِ عَدۡنٖ مُّفَتَّحَةٗ لَّهُمُ ٱلۡأَبۡوَٰبُ ٥٠﴾.

بهشت‌هایی که در آن‌ها اقامت ماندگار، دوام جاودانه و نعمت‌های همیشگی میسّر است و دروازه‌های آن به منظور پذیرایی و احترام به روی‌شان باز است.

﴿مُتَّكِ‍ِٔينَ فِيهَا يَدۡعُونَ فِيهَا بِفَٰكِهَةٖ كَثِيرَةٖ وَشَرَابٖ ٥١﴾.

بهشتیان ابرار، با راحت و آسایش و در نعمت‌هایی بسیار بر تخت‌های بهشت تکیه زده‌اند و از آنچه اشتها دارند از خوشمزّه‌ترین غذاها، نیکوترین نوشیدنی‌ها و گواراترین میوه‌ها طلب می‌کنند.

﴿وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ أَتۡرَابٌ ٥٢﴾.

در نزد ابرار در بهشت، زن‌های زیباروی و بسیار پسندیده وجود دارد که جز به همسران خویش به کسی دیگر ندیده‌اند، در سنّ و سال با هم برابر‌اند و عفّت و زیبایی را درخود جمع کرده‌اند.

﴿هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ٥٣﴾.

این نعمت و پاداش ابرار است که همین اکنون در دنیا برای‌شان وعده شده و خداوند أ و عده‌اش را عملی می‌کند. این وعده، پرهیزگاران را به دریافت نعمت‌های پروردگار در روز قیامت منتظر می‌سازد.

﴿إِنَّ هَٰذَا لَرِزۡقُنَا مَا لَهُۥ مِن نَّفَادٍ ٥٤﴾.

این عطای مبارک و بزرگ که برای دوستان نیکوکار خداوند أ آماده شده، روزیی از جانب اوتعالی است که به نهایت نمی‌رسد، قطع نمی‌شود و کم نمی‌گردد.

﴿هَٰذَاۚ وَإِنَّ لِلطَّٰغِينَ لَشَرَّ مَ‍َٔابٖ ٥٥﴾.

این نعمت‌ها برای پرهیزگاران است، اما برای متجاوزانی که با انجام کفر و گناه از حد می‌گذرند، بدترین بازگشت و زشت‌ترین جایگاه آماده است.

﴿جَهَنَّمَ يَصۡلَوۡنَهَا فَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ٥٦﴾.

برای‌شان از جانب خداوند متعال عذاب دوزخ آماده شده که در آن می‌سوزند. آتش دوزخ جایگاه بدی است که آنان را از زیر و رو می‌گدازد.

﴿هَٰذَا فَلۡيَذُوقُوهُ حَمِيمٞ وَغَسَّاقٞ ٥٧﴾.

برای آنان گفته می‌شود: از این عذاب سخت و درد آور باید بچشید؛ یعنی از آب بسیار داغی که زردآب و چرک بدن‌های کافران با آن یکجاست در داخل آتش جبراً می‌نوشند.

﴿وَءَاخَرُ مِن شَكۡلِهِۦٓ أَزۡوَٰجٌ ٥٨﴾.

برای کافران بدکار در آتش دوزخ عذاب دیگری از همین نوع آماده است. این نوع عذاب، اشکال و اصناف متعدّد دارد که سرزنش، به زنجیر افتادن، بسته شدن و سایر امور ناخوشایند از آن جمله است.

﴿هَٰذَا فَوۡجٞ مُّقۡتَحِمٞ مَّعَكُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِهِمۡۚ إِنَّهُمۡ صَالُواْ ٱلنَّارِ ٥٩﴾.

در آن وقت که بدکاران در دروازه‌های دوزخ ازدحام می‌کنند، هرگروه گروه دیگر را دشنام می‌دهد و برخی برای دیگران می‌کویند: اینان جماعتی از اهل دوزخ اند که با شما داخل می‌شوند و شما را مزاحمت می‌نمایند، به جواب آنان می‌گویند: ورودشان خوشایند مباد! جایگاه آنان فراخ مباد! و منازل‌شان آنان را نگه ‌نمی‌دارد! آنان نیز مانند ما گرمی دوزخ را حتماً می‌چشند و به آتش آن وصل می‌گردند.

﴿قَالُواْ بَلۡ أَنتُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِكُمۡۖ أَنتُمۡ قَدَّمۡتُمُوهُ لَنَاۖ فَبِئۡسَ ٱلۡقَرَارُ ٦٠﴾.

پیروان برای سرکردگان طغیانگر می‌گویند: بلکه قدوم شما مبارک مباد! و اکنون برای شما کرامتی نیست. شما سبب فریب خوردن ما شدید و ما را از هدایت باز داشتید. اکنون آتش دوزخ بد جایگاه و نشیمن‌گاهی است.

﴿قَالُواْ رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدۡهُ عَذَابٗا ضِعۡفٗا فِي ٱلنَّارِ ٦١﴾.

سرکردگان طغیانگر در برابر پیروان می‌گویند: پروردگارا! هر که از ما سبب گمراهی و بازداشت از حق بوده عذاب آتش دوزخ را بر او دوچند بگردان. با این سخن، گمراه‌گران متبوع از پیروان گمراه در روز قیامت برائت می‌جویند.

﴿وَقَالُواْ مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالٗا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ ٱلۡأَشۡرَارِ ٦٢﴾.

سرکردگان طغیانگر می‌گویند: از چه رو کسانی را که در دنیا از جملۀ اشرار بدکار می‌پنداشتیم اکنون در آتش دوزخ نمی‌بینیم؟

﴿أَتَّخَذۡنَٰهُمۡ سِخۡرِيًّا أَمۡ زَاغَتۡ عَنۡهُمُ ٱلۡأَبۡصَٰرُ ٦٣﴾.

آیا ما در مسخره کردن و خوار شمردن‌شان خطاکار بودیم، یا این گروه بدکار در آتش با ما هستند، اما چشم‌های ما به آنان نمی‌افتد؟

﴿إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقّٞ تَخَاصُمُ أَهۡلِ ٱلنَّارِ ٦٤﴾.

بدون شک این خصومت و جدال که در میان اهل دوزخ پدید می‌آید حقّ است و حتماً واقع می‌شود.

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ مُنذِرٞۖ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ ٦٥﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: واقعیت این است که من بیم دهنده‌ای هستم و فرستاده شدم تا شما را از عذاب سخت و نزدیکی بترسانم. در آنجا جز پروردگار یگانۀ یکتا که در ذات، نام‌ها، صفات و افعالش یگانه است و بر دیگران قهر و غلبه دارد خدای دیگری وجود ندارد. بنابراین بندگی برای کسی جز او سزاوار نمی‌باشد.

﴿رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفَّٰرُ ٦٦﴾.

او خداوندی است که آفریدگار، صاحب اختیار و تدبیر کنندۀ آسمان‌ها، زمین و همه موجودات است. ذاتی است که در پادشاهی‌اش عزیز و غالب است؛ یعنی هر که از او بترسد عزّتش می‌دهد و هر که با او دشمنی ورزد خوارش می‌سازد، گناه توبه کنندگان را می‌آمرزد و خطاهای رجوع کنندگان را می‌پوشاند.

﴿قُلۡ هُوَ نَبَؤٌاْ عَظِيمٌ ٦٧﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: این کتاب بزرگ، یعنی قرآن کریم خبر عظیم الشّأن و بزرگ مقداری را با خود آورده است.

﴿أَنتُمۡ عَنۡهُ مُعۡرِضُونَ ٦٨﴾.

اما ای کافران! شما از قرآن غافل هستید؛ از ایمان به این کتاب دوری جستید و از عمل به احکامش رو می‌گردانید.

﴿مَا كَانَ لِيَ مِنۡ عِلۡمِۢ بِٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰٓ إِذۡ يَخۡتَصِمُونَ ٦٩﴾.

من به گفتگو و اختلافی که میان فرشتگان دربارۀ آفرینش آدم جریان یافته بود دانا نبودم، اما خداوند أ به وسیلۀ وحیی که بر من فرود آورد، مرا بدان آگاهی بخشید.

﴿إِن يُوحَىٰٓ إِلَيَّ إِلَّآ أَنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ٧٠﴾.

خداوند أ به این منظور برخی از علوم پوشیده را به من وحی کرده و چیزهایی را که نمی‌دانستم به من آموزش داده است تا شما را از عذاب الهی بیم دهم و دین حق را برای‌تان بیان کنم.

﴿إِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي خَٰلِقُۢ بَشَرٗا مِّن طِينٖ ٧١﴾.

ای پیامبر! از آن هنگام یاد آور که پروردگارت برای فرشتگان گفت: من آدم را از گِل خلق می‌کنم.

﴿فَإِذَا سَوَّيۡتُهُۥ وَنَفَخۡتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُۥ سَٰجِدِينَ ٧٢﴾.

و ای فرشتگان! آنگاه که اعضای وجودش را برابر ساختم، بدنش را قوام بخشیدم، خلقتش را کامل نمودم، از روحم در او دمیدم و زنده شد، برایش به گونۀ احترام و اکرام، نه برای عبادت و تعظیم، سجده کنید؛ زیرا عبادت جز برای خداوند رحمان و رحیم سزاوار نیست و شریعت اسلام سجده به پیشگاه غیر پروردگار یگانه را حرام داشته است.

﴿فَسَجَدَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمۡ أَجۡمَعُونَ ٧٣﴾.

فرشتگان با اطاعت از خداوند، به منظور بزرگداشت آدم، همه برایش سجده کردند و هیچ‌کس از فرشتگان از این فرمان تخلّف نورزید.

﴿إِلَّآ إِبۡلِيسَ ٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧٤﴾.

امّا ابلیس با تکبّر و ستیز و با خود بزرگ‌بینی و حسد از این دستور ابا آورد و در علم خداوند أ از پیش مقرّر بود که او از جملۀ کافران و سرکشان امر الهی می‌باشد.

﴿قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسۡجُدَ لِمَا خَلَقۡتُ بِيَدَيَّۖ أَسۡتَكۡبَرۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡعَالِينَ ٧٥﴾.

خداوند أ برای ابلیس گفت: چه باعث شد که از سجده برای آدم که من او را با دستانم آفریدم و به این طریق او را بزرگ داشتم ابا آوردی؟ آیا بر آدم کبر ورزیدی، یا در برابر امر خداوند تکبّر نمودی؟

این آیه وجود دو دست را برای خداوند أ ثابت می‌سازد؛ البته به گونه‌ای که سزاوار بزرگی و کمال اوست.

﴿قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن نَّارٖ وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ ٧٦﴾.

ابلیس با سرکشی از امر پروردگارش چنین پاسخ داد: آنچه مرا از سجده برای آدم باز داشت آن بود که من از او بهتر و برتر هستم؛ یعنی من اصل من از اصل او کرامت بیشتر دارد، از آن رو که مرا از آتش و او را از گِل آفریدی و آتش از گِل بهتراست.

﴿قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٞ ٧٧﴾.

خداوند أ برای ابلیس گفت: از بهشت بیرون شو؛ زیرا تو از رحمت دور گشتی و از بهشت محروم شده‌ای.

﴿وَإِنَّ عَلَيۡكَ لَعۡنَتِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٧٨﴾.

ای ابلیس! لعنت‌های پی‌درپی خداوند أ بر تو تا روز قیامت ادامه دارد و تو مطرود و سنگسار شده باقی خواهی‌ماند.

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ٧٩﴾.

ابلیس برای پروردگارش گفت: پروردگارم! مرا نمیران و وفاتم را تا مردم از قبرهای‌شان بیرون می‌شوند به تأخیر انداز تا آنان را به فتنه ‌اندازم.

﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ ٨٠﴾.

خداوند أ برای ابلیس گفت: من مدّت عمر تو را به تأخیر انداختم. تأخیر عمر ابلیس، ابتلا و امتحانی برای بندگان است تا راستگوی و دروغگوی از هم باز شناخته شوند.

﴿إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ ٨١﴾.

تأخیر زندگی ابلیس تا وقت معیّن و مشخّصی است که وقت دمیدن صور نخستین است و با آن همه زندگان می‌میرند.

﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٨٢﴾.

ابلیس گفت: پروردگارم! به عزّت تو سوگند که همه مردم را از طاعتت باز می‌دارم و به گمراهی سوق می‌دهم.

﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ٨٣﴾.

اما کسانی را که به طاعتت برگزیدی، از بیراهه روی نگهداشتی و با هدایت خویش حفظ‌شان کردی، گمراه کرده نمی‌توانم.

﴿قَالَ فَٱلۡحَقُّ وَٱلۡحَقَّ أَقُولُ ٨٤﴾.

خداوند أ گفت: من حق را می‌گویم، سخنم حقّ است، وعده‌ام حقّ است و جز سخن حق چیزی را نمی‌گویم.

﴿لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٨٥﴾.

هر آینه خداوند أ دوزخ را با ابلیس و ذرّیه‌اش، و با کسانی از فرزندان آدم که گمراه شده‌اند پُر می‌سازم.

﴿قُلۡ مَآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُتَكَلِّفِينَ ٨٦﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: من از شما مزد و پاداشی را در برابر تبلیغ پیام الهی و خیر رسانی برای‌تان نمی‌خواهم، چیزی را که در نزدم نباشد ادّعا نمی‌کنم و خود را به اموری که در توانم نباشد به تکلّف نمی‌اندازم. آنچه انجام می‌دهم به من از جانب پروردگارم دستور داده شده و از نزد خود چیزی را بطور تکلّف و افترا نمی‌آورم.

﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ٨٧﴾.

قرآن عظیم چیزی جز پند و نصیحت برای انسان‌ها و جنّیان نمی‌باشد، این کتاب ایشان را به اموری که مایۀ نجات‌شان است دلالت می‌کند و از اسباب هلاکت برحذر می‌دارد.

﴿وَلَتَعۡلَمُنَّ نَبَأَهُۥ بَعۡدَ حِينِۢ ٨٨﴾.

ای کافران! به زودی آنگاه که اسلام نصرت یابد و بت‌ها نابود شود، و نیز در آن هنگام که مجازات روز قیامت فرا رسد و عذاب شما را فراگیرد، مرتبۀ بلند، راستی و درستی پیام قرآن را درخواهید یافت.

سورۀ زمر

مکی است؛ ترتیب آن 39؛ شمار آیات آن 75

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ١﴾.

بدون شک نزول قرآن حکیم وحیی از جانب خداوند أ است؛ خدایی که در پادشاهی‌اش عزیز و غالب است، چنان‌که هر که از وی اطاعت کند عزّتش می‌دهد و هر که از او نافرمانی کند خوارش می‌سازد. پروردگاری که در آفرینش و صُنعش و در تدبیر و شریعتش باحکمت است.

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ فَٱعۡبُدِ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ ٢﴾.

ای پیامبر! همانا خداوند أ قرآن را به سویت به حقّ و عدالت فرو فرستاده است، بنابراین پروردگارت را یگانه بشناس، عبادت را برای او خالص گردان و دیگری را به او شریک نساز.

﴿أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلۡخَالِصُۚ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ مَا نَعۡبُدُهُمۡ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى ٱللَّهِ زُلۡفَىٰٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡ فِي مَا هُمۡ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ كَٰذِبٞ كَفَّارٞ ٣﴾.

آگاه باش که عبادت خالص از شرک و سالم از ریا و سمعه، سزاوار خداوند أ است. اما کسانی که به اوتعالی شریک می‌آوردند و به عبادت چیزهای دیگر می‌پردازند، ادعا می‌کنند که ایشان خدایان دیگری را عبادت نمی‌کنند؛ مگر به منظور اینکه در نزد حق‌تعالی برای آنان شفاعت کند و در تقربّ‌شان به اوتعالی بیفزایند. اینان در دعوای‌شان دروغ می‌گویند و سخن آنان افترایی بیش نیست؛ زیرا عبادت و شفاعت مخصوص پروردگار است. الله أ به طور قطع در امور اختلافی میان مؤمنان و کافران فیصله می‌کند؛ یعنی برای مؤمنان مخلص که وی را به یگانگی عبادت کردند و به او شریک نیاوردند پاداش می‌دهد و مشرکان را که با پروردگار یگانه خدایان دیگری را برگزیدند مجازات می‌کند. حق‌تعالی کسی را که در گفته‌ها و اعمالش دروغ گوید و به آیاتش کافر شود به سویی حقّ و راهیابی هدایت نمی‌کند؛ از این رو کافران افتراکننده از هدایت الهی محروم اند.

﴿لَّوۡ أَرَادَ ٱللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدٗا لَّٱصۡطَفَىٰ مِمَّا يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ سُبۡحَٰنَهُۥۖ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ ٤﴾.

اگر خداوند أ اراده داشت که از بندگانش فرزندی داشته باشد، خودش هرچه می‌خواست برایش برمی‌گزید؛ نه اینکه بندگان به او نسبت دهند. اما پروردگار متعال از این امر پاک و مقدّس است و بلندتر از این است که فرزندی داشته باشد؛ زیرا او معبودی یگانه، پروردگار یکتا و ذات بی‌‌نیاز است که چیزی را نزاده، از کسی زاده نشده و برای او همتایی نیست. او ذات قهّاری است که بر دیگران غلبه دارد، هر که با او جنگ کند خوارش می‌سازد و هر که با وی دشمنی ورزد شکستش می‌دهد. پس هر چیزی مقهور عظمت و تسلیم سلطان اوتعالی است.

﴿خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۖ يُكَوِّرُ ٱلَّيۡلَ عَلَى ٱلنَّهَارِ وَيُكَوِّرُ ٱلنَّهَارَ عَلَى ٱلَّيۡلِۖ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ يَجۡرِي لِأَجَلٖ مُّسَمًّىۗ أَلَا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفَّٰرُ ٥﴾.

خداوند أ آسمان‌ها و زمین و موجودات میان هردو را بر مبنای حکمت‌های بزرگی به حقّ و عدالت آفرید و پاک و مقدّس است از اینکه آن‌ها را بیهوده و بی‌فایده آفریده باشد. اوتعالی شب را می‌آورد و روز را از میان برمی‌دارد، باز روز را می‌آورد و شب را دور می‌سازد؛ بر علاوه لحظات هرکدام را از لحظات یکی دیگر کم می‌سازد و هریک از شب و روز را در وقت معیّنه‌اش پدید می‌آورد؛ چنان‌که هیچکدام بر دیگری سبقت نمی‌جوید. الله أ خورشید و ماه را رام ساخته است؛ یعنی هرکدام را مقررّ داشته که در مدارش با نظم و حسابی تا قیام قیامت به حرکت ادامه می‌دهد؛ طوری که برای خورشید مناسب نیست ماه را دریابد و هریک با نظم مخصوصی در منازل خود فرود می‌آیند. آگاه باش! خداوندی که آفرینش خویش را نیکو ساخته، در صُنعش ابداع دارد، بر بندگانش صاحب فضل است و هرچه را بخواهد از مخلوقاتش مسخّر می‌سازد، در پادشاهی خویش نیز غالب است، هر که با وی مقابله کند قهرش می‌کند، هر که با وی زور آزمایی کند مغلوبش می‌سازد و آمرزندۀ گناهان تایبان است.

﴿خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ ثُمَّ جَعَلَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ ثَمَٰنِيَةَ أَزۡوَٰجٖۚ يَخۡلُقُكُمۡ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ خَلۡقٗا مِّنۢ بَعۡدِ خَلۡقٖ فِي ظُلُمَٰتٖ ثَلَٰثٖۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ لَهُ ٱلۡمُلۡكُۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُصۡرَفُونَ ٦﴾.

ای بندگان! خداوند أ شما را از پدرتان آدم خلق کرد، همانگونه که حوا همسر آدم را نیز از وجود خود آدم پدید آورد. اوتعالی برای شما از مواشی شتر، گاو، گوسفند و بُز، هشت صنف نر و ماده را آفرید و به همین طریق شما را به گونۀ جنین در شکم‌های مادر‌های‌تان به وجود آورد و به احوال نطفه، علقه و مضغه متغیّر ساخت؛ چنان‌چه در تاریکی شکم مادر، رحم و پردۀ نوزاد از حالی به حالی دیگر متحول می‌گردید. کسی که مخلو‌قات را بدین‌گونه آفرید و خلقتش را نیکو ساخت، خداوند یگانۀ یکتایی است که پروردگار شماست و جز او خدایی نیست. تنها او مستحقّ عبادت است؛ نه دیگران، پس به چه دلیلی از عبادتش به سوی غیر او رو می‌آورید؛ در حال که او آفریدگار و روزی‌دهنده است و دیگران نه چیزی را آفریده‌اند نه روزی داده‌اند.

﴿إِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمۡۖ وَلَا يَرۡضَىٰ لِعِبَادِهِ ٱلۡكُفۡرَۖ وَإِن تَشۡكُرُواْ يَرۡضَهُ لَكُمۡۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرۡجِعُكُمۡ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٧﴾.

ای بندگان! اگر به خداوند أ کفر ورزید، پیامبرانش را تکذیب کنید و از فرمانش سرپیچی کنید اوتعالی از شما بی‌نیاز است، طاعت مطیع برایش فایده‌ای نمی‌رساند و گناه گنهکار به او ضرری ندارد اما شما به فضل و رحمتش نیازمند هستید. حق‌تعالی به کفر بندگانش راضی نیست و ایشان را بدان فرمان نداده است؛ بلکه از بنده‌ای راضی می‌شود که به وسیلۀ عبادت و اخلاص طاعت به شکر نعمت‌هایش بپردازد. هیچ کسی گناه کسی دیگر را برنمی‌دارد؛ یعنی نتیجۀ نیکی و بدی هر شخصی به خودش می‌رسد، بعد از آن به سوی حق‌تعالی بازمی‌گردید تا در روز قیامت از شما حساب بگیرد، از اعمال‌تان خبر دهد و مطابق آن برای شما جزا مقررّ دارد. اوتعالی به اسرار نهانی، به امور مخفی در ضمایر و پنهان در سینه‌ها باخبر است.

﴿وَإِذَا مَسَّ ٱلۡإِنسَٰنَ ضُرّٞ دَعَا رَبَّهُۥ مُنِيبًا إِلَيۡهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُۥ نِعۡمَةٗ مِّنۡهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدۡعُوٓاْ إِلَيۡهِ مِن قَبۡلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادٗا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِۦۚ قُلۡ تَمَتَّعۡ بِكُفۡرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِ ٨﴾.

این از طبیعت انسانی است که هرگاه به سختیی چون بیماری، ناداری و مصیبت گرفتار شود به خدا پناه می‌برد، در پیشگاهش سر تسلیم فرود می‌آورد و به او استغاثه می‌نماید. اما وقتی دعایش را پذیرفت، گشایش را نصیبش کرد و فضلش را شامل حالش ساخت احسان پروردگارش را فراموش کرده تمردّ و سرکشی می‌نماید، به خداوند أ شریک می‌آورد و در بیراهه کشاندن دیگران تلاش می‌کند تا آنان را از هدایت دور سازد. ای پیامبر! برای این گروه منکر ستیزه‌جو بگو: از زندگی فناپذیر دنیا با کفر خویش بهره‌مند شوید؛ زیرا بازگشت شما به سوی دوزخ است و در آن جاودان خواهید ماند.

﴿أَمَّنۡ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ سَاجِدٗا وَقَآئِمٗا يَحۡذَرُ ٱلۡأٓخِرَةَ وَيَرۡجُواْ رَحۡمَةَ رَبِّهِۦۗ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلَّذِينَ يَعۡلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٩﴾.

آیا این منکر ستیزه‌جو بهتر است، یا کسی که به پیشگاه پروردگارش فروتنی می‌کند و مطیع مولای خویش می‌باشد، لحظات شب را با نماز، تلاوت قرآن و ذکر خداوند أ می‌گذراند و از عذاب حق‌تعالی در روز قیامت می‌ترسد، رحمت پروردگار سبحان را آرزو می‌برد و خوف و رجاء را در دل می‌پروراند؟ ای پیامبر! بگو: آیا اهل علم نافعی که صاحبش را به طاعت و عبادت پروردگار می‌رساند و به نماز تهجُد وامی‌دارد، با کسی که علم سودمند ندارد، در نادانی و شهواتش فرو رفته و در لذت‌هایش غافل مانده است برابر اند؟ به یقین که برابر نیستند. به راستی که اندیشمندان با بصیرت و صاحبان فطرت مستقیم میان این دو گروه فرق قایل می‌شوند.

﴿قُلۡ يَٰعِبَادِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡۚ لِلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٞۗ وَأَرۡضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٌۗ إِنَّمَا يُوَفَّى ٱلصَّٰبِرُونَ أَجۡرَهُم بِغَيۡرِ حِسَابٖ ١٠﴾.

ای پیامبر! برای بندگان نیکوکار و اخلاص‌مندم بگو: با عمل به طاعات و ترک معاصی از الله أ بترسید. برای کسی که در عبادت او تعالی، پیروی از پیامبرش و توشه‌گیری از اعمال نیکو اخلاص ورزد، پاداش بهشت‌های پر از نعمت داده می‌شود. بر علاوه پاداش‌های دنیوی چون حال نیکو، زندگی بهتر، وسعت روزی، ستایش به شایستگی‌ها و پذیرفتگی در نزد مردم برایش میسّر است. برای کسی که عبادت پروردگارش را اراده داشته باشد زمین خداوند أ فراخ است؛ یعنی در سرزمینی که به عبادت مولایش قدرت نداشته باشد باقی نمی‌ماند، بلکه به جای دیگری هجرت می‌کند. به راستی پروردگار منّان در روز قیامت بخشش بسیار و بدون حسابی برای صابران عطا می‌نماید، اما دیگران را با حساب عطا می‌کند و این به خاطر بزرگی مربتۀ صبر است.

﴿قُلۡ إِنِّيٓ أُمِرۡتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ ١١﴾.

ای پیامبر! برای مردم بگو: الله أ به من و پیروانم دستور داده که عبادت را برای او خالص سازیم و به او چیزی را شریک نیاوریم؛ زیرا اوتعالی اعمال را تا هنگامی که خالص برای او و مطابق سنّت رسولش نباشد نمی‌پذیرد.

﴿وَأُمِرۡتُ لِأَنۡ أَكُونَ أَوَّلَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٢﴾.

بگو ای پیامبر! خداوند أ مرا مأمور ساخته تا نخستین فرد مسلمان امّتم باشم؛ یعنی به عبادتش منقاد و به فرمانش تسلیم باشم، امورم را به او بسپارم و بر او توکّل کنم.

﴿قُلۡ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنۡ عَصَيۡتُ رَبِّي عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ١٣﴾.

ای پیامبر! برای مردم بگو: اگر اوامر الهی را ترک کنم و نواهی‌اش را انجام دهم، از این می‌ترسم که مرا در روز هولناک قیامت که سختی بیش از حد دارد عذاب نماید.

﴿قُلِ ٱللَّهَ أَعۡبُدُ مُخۡلِصٗا لَّهُۥ دِينِي ١٤﴾.

ای پیامبر! برای مردم بگو من خدای یگانه‌ای را می‌پرستم که پروردگار من است، جز او معبود بر حقّی وجود ندارد و کسی غیر او سزاوار پرستش نیست. طاعتم را برای او خالص ساختم و کسی را در عبادتم به او شریک نمی‌آورم.

﴿فَٱعۡبُدُواْ مَا شِئۡتُم مِّن دُونِهِۦۗ قُلۡ إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡخُسۡرَانُ ٱلۡمُبِينُ ١٥﴾.

اکنون ای کافران هرچه را می‌خواهید از بتان و مجسمه‌ها عبادت کنید، چون زیان آن به خود شما می‌رسد و به من هیچ ضرر و آزاری ندارد. ای پیامبر! به کافران خبر بده که زیانمندان حقیقی کسانی اند که خود و خانوادۀ خویش را در روز حساب، آنگاه که عذاب و مجازات الهی بر آنان فرا رسد به خساره مواجه کنند، زیرا چنین افرادی سبب گمراهی و بیراهه روی خانوادۀ خود شده‌اند. آگاه باش که زیانمندی کافران در روز قیامت خسارۀ دیگری را در پی دارد؛ زیرا هلاکت حقیقی و گرفتاری دوامدار در آتش است.

﴿لَهُم مِّن فَوۡقِهِمۡ ظُلَلٞ مِّنَ ٱلنَّارِ وَمِن تَحۡتِهِمۡ ظُلَلٞۚ ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ ٱللَّهُ بِهِۦ عِبَادَهُۥۚ يَٰعِبَادِ فَٱتَّقُونِ ١٦﴾.

قطعاتی از عذاب بر کافران در دوزخ سایه می‌اندازد و آنان را می‌پوشاند؛ مانند اینکه بر سر آنان سایبانی باشد، همچنان در زیر پای آنان قطعاتی از آتش فرش می‌کنند. خداوند أ این عذاب سخت را یادآوری می‌کند تا بندگان بترسند و با طاعت و ترک معصیت از اوتعالی حذر داشته باشند. پس ای بندگان! با ایمان به پروردگار، پیروی از رسول الله، انجام اوامر و اجتناب از نواهی تقوای الهی را درپیش گیرید.

﴿وَٱلَّذِينَ ٱجۡتَنَبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ أَن يَعۡبُدُوهَا وَأَنَابُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ لَهُمُ ٱلۡبُشۡرَىٰۚ فَبَشِّرۡ عِبَادِ ١٧﴾.

کسانی که از طاعت شیطان و از اطاعت پیروان و همکارانش دست کشیدند، از شرک به خداوند أ پرهیز کردند و با اخلاص طاعت و حسن عبادت به سوی حق‌تعالی بازگشتند برای‌شان در زندگی دنیا مژده‌ای است که با پذیرش در نزد مخلوقات، محبّت مردم، ستایش نیکو، توفیق به طاعت و استقامت در همه امور تحقّق می‌یابد و در آخرت نیز رضای الهی، فوز بزرگ و نعمت‌های جاودانی برای‌شان آماده شده است. پس ای پیامبر! بندگان صاحم را به این احسان بزرگ مژده بده.

﴿ٱلَّذِينَ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقَوۡلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحۡسَنَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٨﴾.

این بندگان ابرار، کسانی‌اند که برای شنیدن سخن‌های رهنمون‌ساز کتاب و سنّت و علم نافع سکوت می‌کنند و از نیکوترین سخن پیروی می‌‌نمایند. خداوند أ ایشان را به راه مستقیم توفیق می‌دهد، راهیابی را الهام‌شان می‌نماید، بر هدایت ثبات‌شان می‌بخشد و تنها آنان صاحبان عقل‌های اندیشمند و فطرت‌های‌سلیم‌اند.

﴿أَفَمَنۡ حَقَّ عَلَيۡهِ كَلِمَةُ ٱلۡعَذَابِ أَفَأَنتَ تُنقِذُ مَن فِي ٱلنَّارِ ١٩﴾.

ای پیامبر! آیا می‌توانی کسی را که خداوند أ عذاب را بر او مقدّر کرده و خودش به گمراهی راضی است، از هدایت دور رفته و کفر را برگزیده است هدایت نمایی؟ آیا در توان تو هست که او را از عذاب دوزخ نجات دهی؟ تو توان این کار را نداری؛ زیرا آنچه در توان تو هست هدایت ارشاد است، اما هدایت توفیق، تنها کار الله أ است.

﴿لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ لَهُمۡ غُرَفٞ مِّن فَوۡقِهَا غُرَفٞ مَّبۡنِيَّةٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ ٱلۡمِيعَادَ ٢٠﴾.

اما برای پرهیزکاران نیکوکار که به طاعت خداوند أ عمل کنند و از نافرمانی‌اش بپرهیزند، اطاق‌هایی در بهشت مهیّا شده که هرکدام از دیگری در زیبایی و ارزشمندی برتر ‌اند و از زیر درخت‌ها و کاخ‌های آن جوی‌ها جاری است. این وعدۀ پروردگار برای دوستان اوست که حتماً واقع‌شدنی است؛ زیرا الله أ به وعدۀ خویش وفا‌ می‌کند.

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَسَلَكَهُۥ يَنَٰبِيعَ فِي ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ يُخۡرِجُ بِهِۦ زَرۡعٗا مُّخۡتَلِفًا أَلۡوَٰنُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ مُصۡفَرّٗا ثُمَّ يَجۡعَلُهُۥ حُطَٰمًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٢١﴾.

آیا ندیدی که چگونه خداوند أ آب با برکتی را از ابرها فرود ‌می‌ریزد، سپس آن را در منافذ زمین فرو می‌برد و از اثرش چشمه‌های فوّار و جوی‌های جاری را پدید می‌آورد. بعد از آن با این آب‌ها کشت‌ها را با رنگ‌ها و اصناف مختلف سبز می‌گرداند، باز این کشت‌ها بعد از سرسبزی و تازگی به خشکی و زردی می‌گرایند و بعد‌ از خشک‌شدن درهم شکسته و پارچه می‌شوند. به راستی که در پیدایش و نابودی این مخلوقات که حق‌تعالی آن‌ها را مقدّر ساخته و تازه به وجود آورده پند بزرگ و موعظۀ سترگی برای صاحبان عقل‌های سلیم و فطرت‌های معتدل وجود دارد.

﴿أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٖ مِّن رَّبِّهِۦۚ فَوَيۡلٞ لِّلۡقَٰسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٢٢﴾.

آیا کسی که خداوند أ دلش را بگشاید؛ چنان‌که اوامر اسلام، عمل به شریعت و پیروی از هدایت پیامبر را بپذیرد، با بینشی از خویشتن و با هدایتی از پروردگار همراه باشد، حق را بشناسد و بدان عمل کند، باطل را تشخیص دهد و از آن اجتناب نماید مانند کسی است که چنین نیست؟ به یقین که این دو کس برابر نیستند؛ یعنی کسی که هدایت شده، دلی گشایش یافته و آباد از طاعت دارد و یا یقین و هدایت همراه است. امّا شخص گمراه و منحرف، از حق روگردان است و در گمراهی و حیرت به سر می‌برد. پس هلاکت به تمام و کمال بر سنگدلانی باد که هم خود از یاد الله أ روگردان اند و هم دیگران را از راه اوتعالی بازمی‌دارند، آری! این گروه از راه هدایت دور افتاده‌اند، به حق توفیق نمی‌یابند و در امور خیر استقامت ندارند.

﴿ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحۡسَنَ ٱلۡحَدِيثِ كِتَٰبٗا مُّتَشَٰبِهٗا مَّثَانِيَ تَقۡشَعِرُّ مِنۡهُ جُلُودُ ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُمۡ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمۡ وَقُلُوبُهُمۡ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهۡدِي بِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٍ ٢٣﴾.

الله أ خداوندی است که نیکوترین سخن را، از نگاه لفظ و معنی و از نگاه برکت و رشد، بر پیامبرش نازل کرده است. این کلام و سخن، قرآن کریم است که بعضی آیات آن در زیبایی و استحکام، در حکمت و هدایت و در عدم تضاد و اختلاف، با آیات دیگرش همانندی دارد. کتابی است که خبرها، براهین، دلایل و احکام در آن تکرار شده و در هنگام شنیدنش لرزه بر اندام پرهیزگاران می‌افتد؛ از آن‌رو که بیانش ترساندن، بیم دادن و وعدۀ نعمت‌ها، ترغیب در خیر و رحمت الهی نرم می‌شود. تأثیر قرآن بر دل‌های پرهیز‌گاران نیکوکار هدایتی از جانب خداوند أ بر ایشان است؛ زیرا حق‌تعالی هر که را بخواهد هدایت ‌می‌کند؛ اما اگر با اراده‌اش کسی را از راه حق و ایمان بازدارد، هیچ کسی جز اوتعالی هدایتش کرده نمی‌تواند و آنگاه در گمراهی و سرکشی باقی می‌ماند.

﴿أَفَمَن يَتَّقِي بِوَجۡهِهِۦ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ وَقِيلَ لِلظَّٰلِمِينَ ذُوقُواْ مَا كُنتُمۡ تَكۡسِبُونَ ٢٤﴾.

آیا کسی که بر رویش در آتش دوزخ انداخته شود، طوری که دست‌هایش از پشت سرش به زنجیر بسته باشد و به علّت تکذیب و کفر خویش نتواند خودرا از آتش باز دارد بهتر و برتر است، یا شخصی که به سبب ایمان و صلاح خویش، به رضای خدا و بهشتش نایل آمده است؟ به راستی که این دو شخص باهم برابر نمی‌باشند. در آن روز برای کافران که با شرک و گناه بر خویشتن ستم کرده‌اند گفته می‌شود: نتیجۀ اعمال بد و ثمرۀ جرم و گناه خویش را که در دنیا انجام داده‌اید بچشید.

﴿كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَأَتَىٰهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ ٢٥﴾.

ای پیامبر! اهل قرن‌های پیشین، به مانند کافران امّت تو پیامبران خود را تکذیب کردند و در نتیجه خداوند أ عذاب را از جایی که نزول آن را گمان نمی‌بردند بر آنان فرود آورد؛ یعنی به گونۀ ناگهانی و با بی‌خبری آنان را فرا گرفت.

﴿فَأَذَاقَهُمُ ٱللَّهُ ٱلۡخِزۡيَ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٢٦﴾.

خداوند أ بر امّت‌های کافر و تکذیب کنندۀ گذشته، در زندگی دنیا عذاب سختی را با خواری و ذلّت چشانید و بدترین و هولناکترین عذاب را در آتش دوزخ برای آنان آماده کرده است. اگر این کافران می‌دانستند که به سبب ارتکاب تکذیب، چه عذابی بر آنان فرود می‌آید ایمان می‌آوردند و تصدیق می‌کردند. امّا نادانی و خواهش‌های نفسانی بر آنان غلبه کرد و گمراه شدند.

﴿وَلَقَدۡ ضَرَبۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖ لَّعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ٢٧﴾.

به راستی که خداوند أ در کتاب بزرگش هرنوع مَثَل را به طور پند دهی و موعظه برای کافران ارائه کرده است برای اینکه از کفر و گناهان خویش باز گردند.

﴿قُرۡءَانًا عَرَبِيًّا غَيۡرَ ذِي عِوَجٖ لَّعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ ٢٨﴾.

خداوند أ کتاب بزرگش را به زبان عربی فرود آورده که الفاظ واضح و معانی آسان دارد و تعقید و غرابتی در آن نیست؛ برای اینکه چون قرآن عربی واضح را بخوانند، با انجام طاعات و پرهیز از گناهان تقوا پیشه شوند.

﴿ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا رَّجُلٗا فِيهِ شُرَكَآءُ مُتَشَٰكِسُونَ وَرَجُلٗا سَلَمٗا لِّرَجُلٍ هَلۡ يَسۡتَوِيَانِ مَثَلًاۚ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٢٩﴾.

خداوند متعال برای هر یک از دو شخص: مؤمن یگانه شناس و کافر مُشرک مَثَلی را ارائه می‌دارد. برای کافر مشرک بردۀ مملوکی را مَثَل می‌زند که مال شریکانِ متخاصم است چنان‌که در راضی‌ساختن همگان در حیرت است؛ زیرا رضای یکی از شریکان خشم دیگری را فراهم می‌کند. اما برای مؤمن یگانه شناس بردۀ دیگری را مثال می‌آورد که مال خالص مولای خود است، به گونه‌ای که رضای اوست کار می‌کند و همه قصد و توان خود را در کار مولایش به خرچ می‌دهد. آیا این دو برده با هم برابر اند؟ یقیناً که برابر نیستند. این دو مَثَل، برای مشرکِ متذبذب و حیرت زده و برای مؤمن صاحب اطمینان و یقین است. ستایش نیکو و شکران شایسته مخصوص پروردگاری است که برای بندگانش چنین مثال‌هایی را بیان داشته است، اما بیشتر مردم حق را نمی‌دانند تا با آن هدایت شوند و در نادانی و گمراهی به سر می‌برند.

﴿إِنَّكَ مَيِّتٞ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ ٣٠﴾.

ای پیامبر! خواهی نخواهی تو وفات می‌کنی و جاودانه نیستی. به همین‌گونه دشمنانت نیز می‌میرند و جاودانه نمی‌باشند. بنابراین شما درعدم جاودانگی در دنیا مشترک هستید، پس چرا کافران مرگ تو را انتظار می‌کشند؛ در حالی که مرگ بر همگان آمدنی است؟

﴿ثُمَّ إِنَّكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عِندَ رَبِّكُمۡ تَخۡتَصِمُونَ ٣١﴾.

ای بندگان! بعد از آن شما در روز باز گشت در نزد خداوند أ متفاوت هستید؛ گروهی اهل ایمان و صلاح و گروهی اهل کفر و فساد می‌باشید و یقنیاً که پروردگار سبحان میان بندگانش در آن روز به عدل حکم می‌کند؛ یعنی پرهیزگاران را نجات می‌بخشد و بدکاران را عذاب می‌نماید.

﴿۞فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن كَذَبَ عَلَى ٱللَّهِ وَكَذَّبَ بِٱلصِّدۡقِ إِذۡ جَآءَهُۥٓۚ أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡكَٰفِرِينَ ٣٢﴾.

هیچ‌کس در جهان از کسی که بر خداوند أ دروغ بربندد ستمگارتر نیست؛ یعنی از شخصی که برای اوتعالی شریکی، فرزندی یا همسری قایل شود، یا حق‌تعالی را به یکی از مخلوقاتش همانند بداند و یا او را به غیر صفاتی که در کتاب و سنّت آمده توصیف کند. همچنان است هر که به دروغ ادّعا کند که پروردگار سبحان بر او وحی نازل کرده است و نیز کسی که به رسالت پیامبر ج تکذیب کند و شریعتش را رد نماید. آیا جایگاه و جای بود و باش کافران در دوزخ نیست؟ آری! دوزخ سرا و قرارگاه آنان است.

﴿وَٱلَّذِي جَآءَ بِٱلصِّدۡقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُتَّقُونَ ٣٣﴾.

کسانی که وحی را از جانب خداوند أ به بندگان می‌آورند و در گفتار، کردار و احوال‌شان راستگوی اند، همچنان کسانی که به وحی الهی تصدیق می‌کنند و در اعتقاد، گفتار و کردار خویش از آن پیروی می‌کنند واقعاً پرهیزگار و نیکو کار‌اند. آری! پیشوا و سردار راستگویان رسول خدا محمّد مصطفی ج و همچنان یاران نیکوکار و پیروان بزرگوارش تا روز قیامت از جملۀ همین پرهیزگاران نیکوکاراند.

﴿لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمۡۚ ذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٣٤﴾.

برای این پرهیزگاران وفادار و راستکار، انواع شادمانی‌ها، لذایذ و خواسته‌های مهیّاست که نه آن‌ها را چشم دیده، نه گوش شنیده و نه در دل انسان خطور کرده است. این پاداش کسی است که در عبادت و طاعت پروردگارش احسان و اخلاص ورزد؛ یعنی عبادت را مخصوص خداوند أ سازد و از پیامبرش اطاعت نماید.

﴿لِيُكَفِّرَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ أَسۡوَأَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ وَيَجۡزِيَهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٣٥﴾.

برای اینکه خداوند أ با ملاحظۀ ایمان، توبه و انجام حسنات بعد از گناهان، بدترین گناهان و خطاهایی را که در دنیا انجام دادند کفّاره کند و بزرگ‌ترین و نیکوترین پاداش را برای‌شان عطا کند؛ طوری که پاداش آنان را مطابق بهترین عمل‌شان عیار سازد و بعد از آن اعمال دیگرشان را به منظور دریافت پاداش بدان پیوست سازد.

﴿أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبۡدَهُۥۖ وَيُخَوِّفُونَكَ بِٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦۚ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ ٣٦﴾.

آیا خداوند أ پیامبرش را از شرّ و تدبیر کافران نگه نمی‌دارد تا آزار و اذیت آنان به او نرسد؟ آری! پروردگار منّان آن حضرت را در دنیا و آخرت محافظت و یاری می‌کند، اذیت و آزار کافران را از او دفع می‌نماید و عزّت و پیروزی‌اش میبخشد، دشمنان و مخالفانش را سرکوب می‌کند و شکست می‌دهد. ای پیامبر! کافران از خدایان باطل خویش تو را می‌ترسانند و با عقیدۀ دروغین خویش می‌پندارند که آن‌ها به تو ضرر می‌رساند. کسی که الله أ دلش را ازهدایت منصرف سازد و گمراهی بر او مقدّر شده باشد، جز پروردگار هدایتگری نمی‌یابی که به راه راست رهنمونش سازد.

﴿وَمَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّضِلٍّۗ أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِعَزِيزٖ ذِي ٱنتِقَامٖ ٣٧﴾.

کسی ر ا که خداوند أ با هدایتش به راه مستقیم دلالت کند، آنگاه از کتاب و سنّت پیروی نماید و شریعت الهی را در ظاهر و باطن خویش حاکم سازد، هیچ کسی نمی‌تواند او را از راه هدایت باز گرداند. آیا حق‌تعالی در پادشاهی و مجازات دشمنانش غالب نیست؟ اوتعالی دوستانش را عزیز و دشمنانش را خوار می‌سازد، هر که با وی ستیزه کند شکستش می‌دهد و هر که با وی زور آزمایی کند مغلوبش می‌کند و به این طریق با فرود آوردن عذاب از دشمنان و مخالفانش انتقام می‌گیرد.

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلۡ أَفَرَءَيۡتُم مَّا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ إِنۡ أَرَادَنِيَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ هَلۡ هُنَّ كَٰشِفَٰتُ ضُرِّهِۦٓ أَوۡ أَرَادَنِي بِرَحۡمَةٍ هَلۡ هُنَّ مُمۡسِكَٰتُ رَحۡمَتِهِۦۚ قُلۡ حَسۡبِيَ ٱللَّهُۖ عَلَيۡهِ يَتَوَكَّلُ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ ٣٨﴾.

ای پیامبر! اگر از مشرکان بپرسی که آسمان‌ها و زمین را که آفریده است؟ به زودی برایت پاسخ می‌دهند که فقط خداوند أ آن‌ها را آفریده است. پس چرا خدایان دیگری را با اوتعالی پرستش می‌کنند؟ اکنون از آنان بپرس: آیا خدایانی که شما عبادت می‌کنید امر ناخوشایندی را که حق‌تعالی بر من مقدّر کرده باشد می‌توانند دفع کنند؟ یا ضرری را که بر من فرود آمده باشد مرفوع کرده می‌توانند؟ آیا توان دارند خیر و رحمتی را که الله تعالی بر من حکم و مقدّر کرده باشد باز دارند؟ قطعاً! برایت پاسخ خواهند داد که نمی‌توانند. برای آنان بگو: پس تنها پروردگار مرا کفایت می‌کند و بسنده است. هر شخص موحّد صداقتکار و اخلاصمند، در جلب منافع و دفع امور زیان آور و نیز در رسیدن به خیر و دورساختن شرّ، به اوتعالی اعتماد می‌کند. اوست که اختیار همه امور را به دست دارد و مالک نفع و ضرر است؛ همه امورم را به وی می‌سپارم و بر او توکّل می‌کنم، او مرا بسنده و بهترین سرپرستی است.

﴿قُلۡ يَٰقَوۡمِ ٱعۡمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمۡ إِنِّي عَٰمِلٞۖ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٣٩﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: شما بر روش خود که کفر و تکذیب است ادامه دهید و عمل کنید، من نیز به اخلاص عبادت برای او تعالی، اطاعت از هدایات شریعت و عقیده و عمل به حق که مرا خداوند أ به آن هدایت کرده عمل می‌کنم، به راستی آنگاه که الله أ بین من و شما حکم کند آشکار می‌شود که هلاک‌شونده و نجات یابنده کیست و راستگو و دروغگو چه کسی خواهد بود.

﴿مَن يَأۡتِيهِ عَذَابٞ يُخۡزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيۡهِ عَذَابٞ مُّقِيمٌ ٤٠﴾.

به طور قطع خواهید دانست که هر که به عذاب خداوند أ گرفتار شود، خوار و ذلیلش می‌سازد و او را در آتش دوزخ فرود می‌آورند؛ آتشی که درد آور و دایمی است، انقطاع نمی‌پذیرد و تخفیف نمی‌یابد.

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ لِلنَّاسِ بِٱلۡحَقِّۖ فَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٍ ٤١﴾.

ای پیامبر! خداوند أ قرآن را با راستی وعدل بر تو نازل کرده تا هدایتی برای مردم و بیانگر حکم همه امور باشد. اکنون هر که از قرآن فایده گیرد و از آن پیروری کند، به احکامش عمل کند و آن را حاکم بر امور خود سازد به خویشتن احسان کرده و نفعش به خودش باز می‌گردد. امّا کسی که هدایت را رها کند و سرکشی را اختیار کند، زیان عملکرد و جزای کردارش به خودش برمی‌گردد؛ چون طاعت مطیعان به اوتعالی فایده‌ای نمی‌رساند و معصیت گنهکاران ضرری را متوجه وی نمی‌گرداند. ای پیامبر! تو وکیل مردم نیستی که اعمال آنان را بشماری، کردارشان را محاسبه نمایی و آنان را بر هدایت مجبور سازی؛ یعنی وظیفۀ تو جز رساند پیام و دعوت حکمیانه به سوی خدا کار دیگری نمی‌باشد.

﴿ٱللَّهُ يَتَوَفَّى ٱلۡأَنفُسَ حِينَ مَوۡتِهَا وَٱلَّتِي لَمۡ تَمُتۡ فِي مَنَامِهَاۖ فَيُمۡسِكُ ٱلَّتِي قَضَىٰ عَلَيۡهَا ٱلۡمَوۡتَ وَيُرۡسِلُ ٱلۡأُخۡرَىٰٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمًّىۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٤٢﴾.

خداوند أ ذاتی است که ارواح انسان‌ها را در هنگام فرا رسیدن مرگ، بزرگ که در وقت کمال پذیری عمر و نهایت حیات فرا ‌می‌رسد قبض می‌کند، آنگاه روحش را محبوس می‌سازد تا به بدنش باز نگردد. اما کسی که با چنین مرگی نمرده، روحش را فقط در وقت خواب یعنی موت کوچک می‌گیرد و نگه می‌دارد، بعد از اتمام خواب رهایش می‌سازد تا به بدن بر گردد و این بازگشت روح با هنگامی که مدّت عمرش به نهایت و کمال رسد ادامه دارد. یقیناً در قبض روح مرده‌گان، نگهداشت روح شخص خوابیده و بازگشت دوباره‌اش به وجود، دلایل آشکاری بر قدرت و حکمت خداوند منّان است؛ البته برای کسانی که بیندیشند و پند گیرد.

﴿أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُفَعَآءَۚ قُلۡ أَوَلَوۡ كَانُواْ لَا يَمۡلِكُونَ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا يَعۡقِلُونَ ٤٣﴾.

آیا کافران برای خود شفیعانی را به منظور رفع نیاز‌های خویش بر گزیدند؛ در حالی که خداوند أ به این کار راضی نیست و بدان اجازه نداده است؟ ای پیامبر! برای آنان بگو: چگونه شفیعانی را برمی‌گزینید که مالک جلب منفعت و دفع ضرری نیستند. آری! خدایان باطل به عبادت مشرکان آگاه نیستند؛ زیرا جماد و بی‌خرداند.

﴿قُل لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعٗاۖ لَّهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٤٤﴾.

ای پیامبر! برای مشکان بگو: تنها خداوند أ مالک شفاعت است و بدان اجازه می‌دهد. پادشاهی آسمان‌ها و زمین و موجودات میان آن‌ها از آن اوست، فرمانش اجرا شدنی و حکمتش نافذ است، مخلوقات بندگان او هستند و او آفریدگار با تدبیر و متصرّف عالم کَون است. مسلّماً شفاعت از کسی طلب می‌شود که مالک آن است، از این رو واجب است عبادت فقط برای او تقدیم شود و طاعت برای وی خالص ساخته شود؛ زیرا خدایان باطل و ادّعایی مشرکان نفع و ضرری رسانده نمی‌توانند. همه در روز قیامت به سوی اوتعالی برمی‌گردند تا هر کس را مطابق عملش جزا دهد؛ یعنی برای اعمال خیر، پاداش نیکو و بری اعمال بد، جزای دشواری مقررّ دارد.

﴿وَإِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَحۡدَهُ ٱشۡمَأَزَّتۡ قُلُوبُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِۖ وَإِذَا ذُكِرَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦٓ إِذَا هُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ ٤٥﴾.

آنگاه که خداوند أ به یگانگی یاد شود و چیزی به او شریک آورده نشود، این امر در دل‌های کافران ناخوشایند است و نفس‌های بدکاران منکر روز جزا از آن تنفّر می‌کند. امّا وقتی نه از الله أ بلکه از معبودان باطل آنان ذکر به عمل آید شادمان می‌شوند؛ زیرا شیطان، شرک را در نظر آنان مزیّن ساخته و توحید را زشت می‌نمایاند؛ یعنی حق به گونۀ باطل، و باطل به گونۀ حق در نگاه آنان جلوه‌گر می‌شود.

﴿قُلِ ٱللَّهُمَّ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ عَٰلِمَ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ أَنتَ تَحۡكُمُ بَيۡنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ٤٦﴾.

بگو: بار خدایا! ای آفریدگار و ابداع‌گر آسمان‌ها و زمین که آن‌ها را بدون مثال سابقی آفریده‌ای، ای کسی که به آنچه از دیده‌ها غایب است و به آنچه در معرض چشم‌ها قرار دارد دانایی! تو در روز بازگشت میان مخلوقات در امور مورد اختلاف‌شان چون ربوبیت، الوهیت، رسالت و دیگر امور ایمان فیصله می‌کنی، پروردگارا! از تو مسألت می‌دارم در امور اختلافی میان مردم مرا هدایت فرما و به حق رهنمایی کن؛ زیرا تنها تو به راه راست هدایت می‌کنی.

پیامبر ج با این جملات به حضور خداوند أ بسیار دعا می‌کردند.

﴿وَلَوۡ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفۡتَدَوۡاْ بِهِۦ مِن سُوٓءِ ٱلۡعَذَابِ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يَكُونُواْ يَحۡتَسِبُونَ ٤٧﴾.

اگر تمام اموال، خزانه‌ها و ذخیره‌های ثروت روی زمین در اختیار کافران می‌بود و چندین برابر دیگر از این ذخیره‌ها و ثروت‌ها را نیز به دسترس می‌داشتند، همه را در روز قیامت فدیه می‌دادند تا از عذاب پروردگار جهانیان نجات یابند. امّا اگر چنین فدیه‌ای را هم بپردازند و همه اموال و ذخایر را صرف کنند پذیرفته نمی‌شود و عذاب را از آنان دفع کرده نمی‌تواند. کافران در روز قیامت به عذاب و مجازاتی گرفتار می‌شوند که به گمان آنان نیامده و در دل‌شان خطور نکرده است؛ یعنی با زنجیرها شکنجه می‌شوند و به هول و وحشت گرفتار می‌آیند.

﴿وَبَدَا لَهُمۡ سَيِّ‍َٔاتُ مَا كَسَبُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٤٨﴾.

جزای گناهان انجام شدۀ کافران که به خداوند شریک می‌آوردند، به اوتعالی همسر و فرزندان را نسبت می‌دادند، در نام‌ها و صفاتش انحراف می‌کردند، پیامبرانش را تکذیب می‌کردند و با دوستانش ستیزه می‌نمودند در روز قیامت آشکار می‌شود، در آن هنگام عذاب دردآور و سختی از هر طرف بر آنان احاطه می‌کند؛ زیرا آنان به شریعت پروردگار جهانیان تمسخر کردند و به دین حق استهزا نمودند.

﴿فَإِذَا مَسَّ ٱلۡإِنسَٰنَ ضُرّٞ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلۡنَٰهُ نِعۡمَةٗ مِّنَّا قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلۡمِۢۚ بَلۡ هِيَ فِتۡنَةٞ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٤٩﴾.

آنگاه که انسان به بلا و محنتی گرفتار شود به پروردگارش رجوع می‌کند، عبادت را برای اوتعالی خالص می‌سازد و رهایی از دشواری را از او می‌خواهد. اما آنگاه که خداوند أ محنت و بلا را از وی دور نمود، با آسانی بعد از سختی و با فراوانی بعد از تنگدستی به او نعمت داد با کبر و عناد می‌گوید: این فراوانی و آسایش بدین سبب به من داده شده که سزاوار آن بوده‌ام، یا می‌گوید: از آن‌رو به من عنایت شده که به وسایل تحصیل آن‌ها آگاه بودم و علم داشتم. درست آن است که این همه نعمت و فراوانی، بلا و فتنه‌ای از جانب حق‌تعالی است که بندگانش را با آن امتحان می‌کند تا شکرگزار از کافر و راستگو را از دروغگو باز شناسد. اما بیشتر مردم به علّت غفلت، نادانی و گمراهی این حکم را نمی‌دانند و به این رازها آگاه نیستند.

﴿قَدۡ قَالَهَا ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٥٠﴾.

اهل قرن‌های گذشته نیز مانند این مقولۀ نادرست کافران بر زبان آوردند، امّا فرزندان آنان با مال و ثروتی که جمع آورده بودند عذاب خداوند أ را از آنان دفع نکرد.

﴿فَأَصَابَهُمۡ سَيِّ‍َٔاتُ مَا كَسَبُواْۚ وَٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡ هَٰٓؤُلَآءِ سَيُصِيبُهُمۡ سَيِّ‍َٔاتُ مَا كَسَبُواْ وَمَا هُم بِمُعۡجِزِينَ ٥١﴾.

در نتیجه صاحبان این مقولۀ گنهکارانه در قرن‌های گذشته به عاقبت معاصی و جزای گناهان خود گرفتار شدند؛ طوری که خواری و ذلّت دنیا و عذاب درد آور آخرت آنان را فرا گرفت. به همانگونه کافران این امّت که با شرک به خداوند أ بر خویشتن ستم کردند، قطعاً جزای گناهان و اعمال بد خویش را خواهند دید و جزای عملکردشان به آنان رسیدنی است، از عذاب حق‌تعالی نجاتی نمی‌یابند و اوتعالی از مجازات و عذاب آنان ناتوان نیست؛ زیرا در قبضه و تحت قهرش قرار دارند.

﴿أَوَ لَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٥٢﴾.

آیا این کافران ندانستند که الله أ به هر که از بندگانش خواسته باشد مال، دارایی، فرزندان، قدرت و منزلت را عطا می‌کند و در روزی‌اش فراوانی ‌آورد و برای هر که بخواهد روزی را کم می‌سازد و فقیر و تنگدستش می‌گرداند، بنابراین بخشش مزید و فراوانی روزی به خوبی اعمال و صلاح شخص دلالت نمی‌کند، همچنان که کمبود روزی و فقر، به فساد اعمال و بدکاره گی کسی آگاهی نمی‌دهد؛ یعنی با هردو حالت، بندگان مورد ابتلا و امتحان خداوند أ قرار می‌گیرند. یقیناً فراوانی و کمبود روزی بر بندگان، دلایل روشنی است که بر قدرت پروردگار منّان و حکمت اوتعالی در تصرّف به احوال مخلوقات دلالت می‌کند، اما کسانی از این براهین فایده می‌گیرند که به کتاب الهی و رسالت پیامبرش تصدیق داشته باشند.

﴿قُلۡ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسۡرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ لَا تَقۡنَطُواْ مِن رَّحۡمَةِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٥٣﴾.

ای پیامبر! برای بندگانی که گناه بسیار انجام داده‌اند و در نافرمانی از حد گذشته‌اند به سبب گناهان زیاد و بزرگ خویش از رحمت پروردگار ناامید نباشید؛ زیرا رحمتش فراخ است، گناهان توبه گاران را می‌آمرزد و تمام کارهای بدشان را می‌بخشد؛ چون پروردگار منّان به توبۀ بنده‌اش شادمان می‌شود و بدی‌هایش را به کارهای نیک مبدّل می‌سازد. آری! اگر توبه بهترین چیز به نزد الله أ نبودی، عزیزترین بنده‌اش آدم ÷ را به گناه مبتلا نمی‌کرد. بنابراین خداوند أ برای بندۀ گنهکار نهایت آمرزنده و بسیار توبه پذیر است؛ چنان‌که با فضل و احسان، و با عفو و بخشش با او روبرو می‌شود. او به بندگانش مهربان است؛ از آن‌رو با رساندن انواع نعمت‌ها و بهترین اسباب برآنان مهربانی می‌کند و امور ناخوشایند را از آنان باز ‌می‌گرداند.

برای شخص مسلمان سزاوار است با ملاحظۀ این آیه شادمان شود، به پروردگارش گمان نیکو داشته باشد و از رحمت اوتعالی ناامید نباشد، بلکه باید به هر اندازه که گناه کرده باشد و هر چند نافرمانی از او سرزده باشد توبه کند، به‌سوی پروردگارش باز گردد و از معبود و آفریدگارش آمرزش بخواهد. این فضل عظیم و پاداش بزرگ که با بازگشت به خداوند أ میسر است، مایۀ خورسندی و خوشنودی توبه کنندگان می‌باشد و این ندای الهی از جانب خداوند رحمن و رحیم، بزرگ‌ترین مژده برای یکتاپرستان است. چه بندگان با این کرم وجود الهی سعادتمند می‌شوند! از خداوند مسألت می‌نماییم با نام‌های نیکو و صفات بلندش توبۀ ما را بپذیرد و گناهان مارا بیامرزد.

این آیه در نظر شمار زیادی از دانشمندان، امید بخش‌ترین آیۀ قرآن کریم برای بندگان است.

﴿وَأَنِيبُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ وَأَسۡلِمُواْ لَهُۥ مِن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَكُمُ ٱلۡعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ٥٤﴾.

ای بندگان! با طلب آمرزش و توبه و با ندامت از گناهان به سوی پروردگار خویش بر گردید، به امرش فرمانبردار و به حکمش تسلیم باشید، پیش از آنکه عذاب خداوند شمار فرا گیرد، مجازاتش شمار دریابد و آنگاه عذابش را کسی از شما دفع کرده نتواند؛ زیرا حکم الهی را نمی‌تواند کسی رد نماید.

﴿وَٱتَّبِعُوٓاْ أَحۡسَنَ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَكُمُ ٱلۡعَذَابُ بَغۡتَةٗ وَأَنتُمۡ لَا تَشۡعُرُونَ ٥٥﴾.

ای بندگان! از بهترین ارمغانی که پروردگارتان بر پیامبر معصومش نازل کرده که قرآن کریم و سنّت نبوی است و همه‌اش پسندیده می‌باشد پیروی نمایید، پیش از اینکه عذاب خدا گنهکاران و اعراض کنندگان را ناگهان فرا گیرد؛ طوری که به وقت فرا رسیدنش آگاهی نداشته باشند. آری! عذاب الهی در حالی به سراغ کافران می‌آید که از

شریعت و سنّت پیامبرش اعراض دارند و به نزول مجازات غافل اند.

این متابعت با انجام اوامر و مشروعات الهی، با ترک نواهی و مکروهات شریعت، با اخلاص عمل برای خداوند أ و پیروی درست از پیامبرش در زندگی دنیا امکان پذیر و میسّر است.

﴿أَن تَقُولَ نَفۡسٞ يَٰحَسۡرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ فِي جَنۢبِ ٱللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ ٱلسَّٰخِرِينَ ٥٦﴾.

با ترس از خداوند أ به اطاعتش اقدام نمایید و از پیامبرش پیروی کنید تا در آن وقت که ندامت سودی ندارد و تحسُّر اثری نمی‌بخشد شخص گنهکار پشیمان نشود، به گذشت بی‌هودۀ عمرش تأسّف نخورد و نگوید: ای وای بر من که به امر پروردگار بی‌توجّهی نمودم، اعمال نیکو را انجام ندادم، از ادای واجبات غفلت ورزیدم و از محرّمات استفاده کردم. چنان نشود که بگوید: من در زندگی دنیا شریعت و کتاب الهی و سنّت پبامبرش را به مسخره گرفتم و به دین و اهلش استهزا کردم؛ چون با غفلت عقلم در گناه فرو رفته بودم، با غلبۀ هوای نفس از شیطان اطاعت کردم و به نفس امّاره بالسّوء منقاد شده بودم.

﴿أَوۡ تَقُولَ لَوۡ أَنَّ ٱللَّهَ هَدَىٰنِي لَكُنتُ مِنَ ٱلۡمُتَّقِينَ ٥٧﴾.

یا چنان نشود که با افسوس و ندامت بگوید: ای کاش خداوند أ مرا به راه هدایت توفیق می‌بخشید و از جملۀ پرهیزگاران می‌بودم، اوامرش را انجام می‌دادم و از نواهی‌اش پرهیز می‌نمودم. اما این کار بعید است و اکنون ندامت سودی نمی‌بخشد.

﴿أَوۡ تَقُولَ حِينَ تَرَى ٱلۡعَذَابَ لَوۡ أَنَّ لِي كَرَّةٗ فَأَكُونَ مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٥٨﴾.

یا چنان نشود که بعد از مشاهدۀ عذابی که خداوند أ برای عصیانگران آماد کرده بگوید: ای کاش بازگشت به دنیا بریم میسّر می‌شد تا عبادت پروردگارم را به وجه نیکو انجام دهم، به هدایتش عمل کنم و از پیامبرش پیروی کنم. اما این سخنی است که فایده‌ای نمی‌رساند؛ زیرا تحسّری در حدّ افراط است.

﴿بَلَىٰ قَدۡ جَآءَتۡكَ ءَايَٰتِي فَكَذَّبۡتَ بِهَا وَٱسۡتَكۡبَرۡتَ وَكُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٥٩﴾.

این شخص در آنچه می‌گوید خطا کرده است؛ زیرا وقت انجام این اعمال گذشته و آنگاه که آیات آشکار الهی از طریق پیامبر ج به او رسیده بود با عناد و انکار به تکذیب آن پرداخته، از قبول حق و پیروی از پیامبر ج تکبّر ورزیده و در نهایت، هم به خداوند أ و آیاتش و هم به پیامبر ج و سنّتش کافر شده است.

﴿وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ تَرَى ٱلَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَى ٱللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسۡوَدَّةٌۚ أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡمُتَكَبِّرِينَ ٦٠﴾.

در روز قیامت چهره‌های کافران را مشاهده می‌کنی که به علت زشتی افترا و ادّعای نادرست شان، سیاه، تیره و بد رنگ است؛ چهره‌های آنان‌که به دروغ بر خداوند أ افترا می‌کردند، ادعا داشتند که برای اوتعالی شریک، فرزند و همسری است والله أ را به غیر اوصافش توصیف می‌کردند. آیا دوزخ جایگاه کافران و مسکن هرشخص ستیزه جو و متکبّری که از راه خدا باز دارد و از شریعتش رو گرداند نمی‌باشد؟

﴿وَيُنَجِّي ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ بِمَفَازَتِهِمۡ لَا يَمَسُّهُمُ ٱلسُّوٓءُ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٦١﴾.

الله أ پرهیزگاران نیکوکار را که از خداوند یگانۀ قهّار اطاعت کردند و از نافرمانی پروردگار بزرگ و جبّار اجتناب نمودن از آتش دوزخ نجات می‌دهد؛ بدین طریق که به فوز و فلاح که در دنیا آرزو داشتند و برای دریافت آن عمل کردند نایل آیند، با تحصیل رضای خدا و بهشتش به کامیابی می‌رسند، عذاب الهی به ایشان نمی‌رسد، خطری ایشان را تهدید نمی‌نماید، به خاطر متاع دنیوی که از دست‌شان رفته‌اند وهناک نمی‌شوند و در نتیجه با سرور و شادمانی به سر می‌برند.

﴿ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٞ ٦٢﴾.

خداوند بزرگ آفریدگار، مُبدع، تدبیر کننده و متصرّف همه مخلوقات است. او نگهداشت همه را به ذمّه گرفته است، هیچ چیز غایبی از او پوشیده نیست و هیچ امر مخفی از او پنهان نمی‌ماند.

﴿لَّهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٦٣﴾.

کلیدهای خزانه‌های آسمان‌ها و زمین و باز گشایی همه امور به دست اوتعالی است، اوست که عطا می‌کند و بازمی‌دارد، مرتبۀ انسان‌ها را بالا می‌برد و فرود می‌آورد، توفیق عطا می‌کند و شکست می‌دهد، قدرت تصرّف می‌بخشد و از آن عزل می‌کند، به ناخوشایندها مبتلا می‌نماید و از آن رهایی می‌بخشد و در نهایت هدایت می‌کند و گمراه می‌سازد، بنابراین هیچ چیزی در کائنات جز به امر و فرمانش واقع نمی‌شود. کسانی که از آیات آشکار و دلایل واضح خداوند أ انکار می‌ورزند، سعی و کوشش آنان بی‌نتیجه و عمل‌شان بی‌اثر است و در دنیا و آخرت زیانمند شده‌اند؛ یعنی در دنیا به خواری و شکست و در آخرت به آتش دایمی دوزخ گرفتار می‌شوند.

﴿قُلۡ أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَأۡمُرُوٓنِّيٓ أَعۡبُدُ أَيُّهَا ٱلۡجَٰهِلُونَ ٦٤﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: ای نادانان! آیا مرا دستور می‌دهد که به عبادت غیر خداوند أ بپردازم و اوتعالی را که آفریدگار، روزی‌دهند، زنده‌کننده، میراننده و مستحقّ عبادت است رها نمایم؟ حال آنکه جز وی معبود بر حقّ و پروردگاری وجود ندارد. پس نادانتر از مشرکان و احمق‌تر از منکران معاند کسی وجود ندارد.

﴿وَلَقَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ لَئِنۡ أَشۡرَكۡتَ لَيَحۡبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٦٥﴾.

ای پیامبر! به یقین که الله أ هم بر تو و هم به پیامبران پیش از تو وحی نموده که اگر چیزی را در عبادت با اوتعالی شریک سازی عملت را باطل می‌سازد، کوششت را بی‌نتیجه می‌کند و از هلاک‌شوندگان و گمراهان می‌باشی. در نتیجه دنیا و آخرت تو تباه می‌شود و خداوند أ هیچ عملی را از تو نمی‌پذیرد؛ زیرا او هیچ عمل مشرکان را قبول نمی‌نماید.

﴿بَلِ ٱللَّهَ فَٱعۡبُدۡ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ٦٦﴾.

پس تنها خداوندی را پرستش نما که پروردگاری جز او نیست و او سزاوار عبادت است. عبادت را برای او خالص گردان و با یکتاشناسی، اخلاص‌مندی، دوام ذکر و سپاس‌گذاری، شکر نعمت‌هایش را ادا نما.

﴿وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦ وَٱلۡأَرۡضُ جَمِيعٗا قَبۡضَتُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطۡوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِۦۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٦٧﴾.

کافران، خداوند أ را به گونۀ شایسته تعظیم نکردند؛ زیرا همتایان و بت‌ها را در عبادت به وی شریک آوردند، بخشی از عبادات را به بت‌ها و تمثال‌ها مخصوص داشتند و طاعت خویش را به پروردگار یگانۀ دیّان خالص نساختند. چه قدر زیاد نادان و احمق اند! چگونه مخلوق ناتوان، ناچیز و نیازمند را با آفریدگار بی‌نیازی که مالک همه چیز و تونا و بزرگ است برابر دانستند؟ از عظمت آفریدگار بزرگ این است که تمام زمین در روز قیامت در قبضۀ اوست و آسمان‌های هفتگانه، مانند پروندۀ کتابی به دست راستش درهم پیچیده است. اوتعالی از شرک مشرکان و اوصافی که به اونسبت می‌دهند پاک و منزّه است بلکه او موصوف به صفاتی است که خود خویشتن را بدان توصیف نموده یا پیامبرش او را وصف کرده است.

این آیۀ قبضه و دست راست را برای خداوند أ به اثبات می‌رساند و دو دست الله أ راست است، به همین‌گونه طیّ و در هم‌پیچیدن آسمان‌ها از طرف پروردگار را ثابت می‌کند. صفات مذکور طوری است که سزاوار عظمت و جلال اوتعالی است؛ بدون اینکه کیفیت، همانندی، مشابهت و تعطیل اوتعالی ملحوظ نظر باشد.

﴿وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخۡرَىٰ فَإِذَا هُمۡ قِيَامٞ يَنظُرُونَ ٦٨﴾.

اسرافیل در صور می‌دمد و از اثر دمیدنش همه زنده‌جان‌هایی که در آسمان‌های و زمین هستند می‌میرند؛ مگر آنچه خداوند أ زنده ماندنش را خواسته باشد. باز اسرافیل بار دوم می‌دمد و حق‌تعالی با دمیدنش همه کسانی ر که در دمیدن نخست مرده‌اند زنده می‌گرداند. در آن هنگام همه در نزد پروردگار برای حساب ایستاده‌اند و می‌بینند که با آنان چه معامله صورت می‌گیرد و این مقام و جایگاه سخت‌ترین و دشوارترین مقام برای انسان‌هاست.

﴿وَأَشۡرَقَتِ ٱلۡأَرۡضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ ٱلۡكِتَٰبُ وَجِاْيٓءَ بِٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ٦٩﴾.

مردم در پیشگاه خداوند متعال حضور می‌یابند و چون اوتعالی در روز محشر برای حساب گرفتن بندگان تجلّی می‌کند زمین روشن می‌شود، صحیفه‌های اعمال خوب و بد پراکنده می‌شود و پیامبران علیهم‌السلام با سایر گواهان اعمال مردم حضور ‌می‌یابند تا خداوند أ در حالی که داناست از پیامبران سؤال کند که دربارۀ امت‌های‌شان چه جواب می‌دهند. از امّت‌ها بپرسد که دربارۀ پیامبران چه پاسخ می‌دهند و به همین‌گونه از امّت‌ محمّد ج می‌خواهد بر همه امت‌های دیگر گواهی دهند. آنگاه پروردگار منّان میان بندگان در اموری که اختلاف می‌ورزیدند حکم می‌کند، از بعضی برای بعضی دیگر قصاص و به عدل حکم می‌کند؛ بدین معنی که از اعمال نیک نیکوکاران چیزی کم نمی‌شود و در کاهای بد مردم چیزی اضافه نمی‌شود.

﴿وَوُفِّيَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِمَا يَفۡعَلُونَ ٧٠﴾.

خداوند أ جزای عمل هر شخص عاقل را به گونۀ کامل برایش عطا می‌کند. برای عمل خیر، پاداش نیکو و برای عمل بد جزای دشواری مقررّ می‌دارد. اوتعالی به اعمال نیک و بد همه عمل کنندگان داناست.

﴿وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا فُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَآ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَتۡلُونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِ رَبِّكُمۡ وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَاۚ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنۡ حَقَّتۡ كَلِمَةُ ٱلۡعَذَابِ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧١﴾.

فرشتگان، کافران را جماعت جماعت به سوی آتش دوزخ سوق می‌دهند تا آنگاه که کافران به دروازه‌های دوزخ با خواری وذلّت ایستاده می‌شوند. در این هنگام فرشتگان موظّف، دروازه‌های دوزخ را می‌گشایند و از کافران به گونۀ توبیخ می‌پرسند: آیا پیامرانی از جانب خداوند أ به نزد شما نیامدند، آیات کتاب‌های الهی را برای شما نخواندند، شما را از روز قیامت بیم ندادند و از شرک به خدا و روگشتاند از دینش نهی نکردند؟ کافران با اعتراف و ندامت پاسخ می‌دهند که آری! پیامبران آمدند، ما را بیم دادند و به سوی ایمان فراخواندند، امّا عذاب بر کسانی که تکذیب کردند و اعراض نمودند واجب شده است.

﴿قِيلَ ٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ ٧٢﴾.

برای کافران به طور توبیخ و توهین گفته می‌شود: به دروازه‌های دوزخ داخل شوید و در آن همیشه و جاودان باشید؛ بدون آنکه از آن بیرو شوید یا عذابش تخفیف یابد. در نتیجه هر که از حق تکبّر ورزد و از هدایت رو گرداند، با پیامبران ستیزه کند و کتاب‌های الهی را تکذیب نماید به جایگاه بدی گرفتار می‌شود.

﴿وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَا سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ طِبۡتُمۡ فَٱدۡخُلُوهَا خَٰلِدِينَ ٧٣﴾.

پرهیزگاران ابرار که در دنیا اعمال نیکو انجام داده و از محرّمات اجتناب کرده‌اند گروه گروه به سوی بهشت‌های پر از نعمت سوق داده می‌شوند. آنگاه دروازه‌های بهشت را به احترام و اکرام قدوم‌شان باز می‌یابند. فرشتگان برای آنان با شادباش و تهنیت تحیّه تقدیم می‌دارند و مژده می‌دهند که سعادتمند اند و اعمال و جایگاه‌شان نیکوست؛ از آن رو که از گناهان پاک بودند. بنابراین از هر آزار و اذیتی به سلامت اند، از هر ترس و بیمی در امن اند و در جایگاه صدق و سرای رستگاری جاودان و همیشه می‌مانند.

﴿وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي صَدَقَنَا وَعۡدَهُۥ وَأَوۡرَثَنَا ٱلۡأَرۡضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ ٱلۡجَنَّةِ حَيۡثُ نَشَآءُۖ فَنِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ٧٤﴾.

مؤمنان بعد از ورود به بهشت می‌گویند: همه حمد و سپاس و ستایش نیکو مخصوص خداوندی است که آنچه را به زبان پیامبرانش به ما وعده کرده بود با پاداش ابرار در دار قرار عملی ساخت و بهشت و نعمت‌های آن را به ما ارزانی کرد؛ چنان‌که در میانش به هرجای که اراده کنیم با امن و خورسندی و با لذّت و سرور گردش می‌کنیم. آری! بهترین پاداش، پاداش نیکوکاران است؛ آنان‌که طاعت الهی را با بهترین وجه و با اخلاص به خداوند أ ادا نمودند و از پیامبرش پیروی کردند.

﴿وَتَرَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنۡ حَوۡلِ ٱلۡعَرۡشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡۚ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّۚ وَقِيلَ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٧٥﴾.

فرشتگان را می‌بینی که به عرش خداوند رحمن احاطه دارند، حق‌تعالی را از هر عیبی مقدّس می‌شمارند و او را با سپاس و بزرگی تسبیح می‌گویند. خداوند متعال در بین بندگان به عدل حکم می‌کند؛ یعنی به هیچ‌کس ستم نمی‌کند. در نتیجه ابرار نیکوکار در بهشت‌های پر از نعمت داخل می‌شوند و بدکاران نابکار به آتش دوزخ درمی‌آیند. بعد از اینکه حکم و حساب میان مردم تمام شد و پاداش و جزا برای مستحقّان داده شد، سپاس و ستایش سزاوار خداوندی است که پروردگار جهانیان است و حکمی نیکو و جزای عادلانه دارد. آری! یک سپاسگزاری در برابر فضل و احسانی که بر دوستانش کرده واجب است و حمدی دیگر در برابر عدلش در مجازات دشمنانش لازم می‌باشد.

سورۀ غافر

مکی است؛ ترتیب آن 40؛ شمار آیات 85

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿حمٓ ١﴾.

حا. میم؛ از جملۀ حروف مقطّعات است که خداوند أ به مراد خویش در فرود آوردن آن‌ها داناتر می‌باشد.

﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ٢﴾.

قرآن کریم وحیی از جانب خداوند متعال است که بر پیامبر ج نازل شده است و حق‌تعالی ذات باعزّتی است که دوستانش را عزّت می‌دهد و دشمنانش را خوار و ذلیل می‌سازد. همچنان او داناست؛ چنان‌که هیچ امر پنهانی بر او پوشیده نیست، با عزّتش بر دیگران قهر و غلبه دارد و با علمش بهترین حکم را صادر می‌کند.

﴿غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ وَقَابِلِ ٱلتَّوۡبِ شَدِيدِ ٱلۡعِقَابِ ذِي ٱلطَّوۡلِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ إِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ٣﴾.

خداوند أ آمرزندۀ گناه آمرزش خواهان است، پذیرندۀ توبۀ تائبان است و بر رجوع کنندگان مهربان است. اوتعالی کسانی را که از حدودش تجاوز کنند، امرش را بی‌ارزش شمارند و بر گناهان اصرار ورزند سخت عذاب می‌کند، بر بندگانش صاحب احسان و بر مخلوقات صاحب انعام است، معبود برحقّی جز او نیست، خدایی جز او وجود ندارد، در پادشاهی‌اش بدون شریک است و همه مخلوقات به سوی او باز می‌گردند تا حقّ هر کس برایش سپرده شود و هر کدام را مطابق استحقاقش مجازات کند.

﴿مَا يُجَٰدِلُ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَلَا يَغۡرُرۡكَ تَقَلُّبُهُمۡ فِي ٱلۡبِلَٰدِ ٤﴾.

جز تکذیب کنندگان ستیزه جو و منکر، هیچ کسی در براهین خداوندی خصومت نمی‌ورزد، از آن‌ها انکار نمی‌کند و در دلایل یگانگی خداوند أ شریک نمی‌نماید. پس ای پیامبر! تردّد کافران در سفرها برای جمع‌آوری درهم و دینار، اشتغال آنان به کار و کشت و لذّت‌یابی آنان از متاع دنیوی تو را فریب ندهد؛ زیرا آنان به سوی هلاکت سعی و کوشش می‌کنند و جای بود و باش آنان دوزخ است که بد جایگاهی است.

﴿كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَٱلۡأَحۡزَابُ مِنۢ بَعۡدِهِمۡۖ وَهَمَّتۡ كُلُّ أُمَّةِۢ بِرَسُولِهِمۡ لِيَأۡخُذُوهُۖ وَجَٰدَلُواْ بِٱلۡبَٰطِلِ لِيُدۡحِضُواْ بِهِ ٱلۡحَقَّ فَأَخَذۡتُهُمۡۖ فَكَيۡفَ كَانَ عِقَابِ ٥﴾.

پیش از کافران مکّه قوم نوح و اهل قرن‌های بعد از آنان پیامبران را تکذیب کردند، به تعذیب آنان اتفاق نمودند و به کشتن‌شان تصمیم گرفتند، آنان به حکم خواهش‌های نفسانی خود با حق معارضه کردند و براهین الهی را با تکذیب و انکار رد نمودن، قصد آنان از انجام این امور، خوامش ساختن نور خدا و رد کردن حق بود. از این رو الله أ آنان را مجازات نمود و تباه ساخت. ببین که انتقام پروردگار از دشمنان و عذاب او بر آنان چگونه بود؟

﴿وَكَذَٰلِكَ حَقَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّهُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ ٦﴾.

همچنان که اهل قرن‌های گذشته مستوجب عذاب شدند، عذاب خداوند أ بر این کافران نیز واجب است و اینان هم مستحقّ عذاب دوزخ می‌باشند؛ از آن‌رو که به خداوند یگانۀ قهّار کافر شدند.

﴿ٱلَّذِينَ يَحۡمِلُونَ ٱلۡعَرۡشَ وَمَنۡ حَوۡلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيُؤۡمِنُونَ بِهِۦ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْۖ رَبَّنَا وَسِعۡتَ كُلَّ شَيۡءٖ رَّحۡمَةٗ وَعِلۡمٗا فَٱغۡفِرۡ لِلَّذِينَ تَابُواْ وَٱتَّبَعُواْ سَبِيلَكَ وَقِهِمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ ٧﴾.

فرشتگان حامل عرش که در نزد خداوند مقام برتر و بهتر دارند و نیز فرشتگان با کرامتی که به اطراف عرش هستند و بدان احاطه دارند به تمجید و تقدیس پروردگار مصروف اند، اوتعالی را ازهمه عیب‌ها منزّه می‌شمارند و به ستایش و صفاتی که خود برایش ثابت دانسته یاد و توصیف می‌نمایند. این فرشتگان با رسوخ و اخلاص به حق‌تعالی ایمان دارند و از پروردگارشان برای بندگان مؤمن آمرزش می‌خواهند و می‌گویند: پروردگارا! رحمت و عملت همه چیز را فرا گرفته است، پس برای کسانی که از کفر و گناه توبه کردن، به هدایتت راهیاب شدند و راه مستقیم اسلام را در پیش گرفتند بیامرز، ایشان را به رحمت خویش از عذاب دوزخ دور گردان و نجات بخش.

این آیه به فضیلت توبه و اکرام بندگان مؤمن دلالت می‌کند؛ چنان‌چه فرشتگان را مقرّر داشته شدند تا برای‌شان آمرزش بخواهند. همچنان دلالت دارد که راه خداوند أ حقّ است که اوتعالی بدان راضی می‌شود.

﴿رَبَّنَا وَأَدۡخِلۡهُمۡ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدتَّهُمۡ وَمَن صَلَحَ مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٨﴾.

پروردگارا! بندگان مؤمنت را به پاداش ایمان و اعمال نیکو به بهشت‌های جاودانه‌ای داخل گردان که در دنیا برای‌شان وعده کرده بودی. همچنان پدران، همسران و فرزندان صالح و نیکوکار آنان را همراه‌شان به بهشت داخل نما، به‌ راستی که تو ذات با عزّتی که با حکم غالب خود از دشمنانت انتقام می‌گیری، در آفرینش و صُنع خویش و در حکم و شریعت خود با حکمتی.

﴿وَقِهِمُ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِۚ وَمَن تَقِ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ يَوۡمَئِذٖ فَقَدۡ رَحِمۡتَهُۥۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٩﴾.

پروردگارا! ایشان را از عاقبت بدِ گناهان نگه دار؛ یعنی آنان را عفو نما و عذاب‌شان مکن. آری! هر که را از انجام گناهان دور داری، با بهره بخشی از بهشت، نجات از آتش دوزخ و نایل ساختن به رضای خویش بر او رحمت نموده‌ای و این همان کامیابی به بزرگ‌ترین مقاصد و دستیابی به بلندترین مراتب است.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُنَادَوۡنَ لَمَقۡتُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُ مِن مَّقۡتِكُمۡ أَنفُسَكُمۡ إِذۡ تُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلۡإِيمَٰنِ فَتَكۡفُرُونَ ١٠﴾.

آنگاه که کافران بدکار به خاطر ترک ایمان و مشاهدۀ زیانمندی بر خویشتن عیب می‌گیرند، وظیفه داران دوزخ بر آنان چنین ندا می‌کنند: تقبیح اعمال شما در دنیا از طرف خداوند أ در آن وقت که نافرمانی کردید و پیامبران را تکذیب نمودید، از تقبیح خود شما سخت‌تر بود. اکنون شما وقتی خود را ملامت می‌کنید که عذاب را مشاهده کردید و یقین داشتید که بر مبنای عدل الهی وقت مجازات شما در برابر ترک توحید باریتعالی فرا رسیده است.

﴿قَالُواْ رَبَّنَآ أَمَتَّنَا ٱثۡنَتَيۡنِ وَأَحۡيَيۡتَنَا ٱثۡنَتَيۡنِ فَٱعۡتَرَفۡنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلۡ إِلَىٰ خُرُوجٖ مِّن سَبِيلٖ ١١﴾.

کافران می‌گویند: پروردگارا! دو بار ما را میرانده‌ای: یک بار آنگاه که ما جنین‌هایی در شکم‌های مادران خود بوده‌ایم و هنوز روح در ما دمیده نشده بود و بار دوم آنگاه که عمر‌های ما در زندگی دنیا کامل شد. همچنان ما را دو بار زنده نمودی: یک بار در زنگی دنیا، آنگاه که مادران مان ما را تولّد نمودند و بار دوم روزی که ما را از قبر‌های ما برانگیختی، اکنون ما به گناهان خود اعتراف داریم، آیا برای ما کدام حیله‌ای وجود دارد که به وسیله‌اش از آتش دوزخ بیرون شویم و به دنیا باز گردیم تا به تو ایمان آوریم و از پیامبرانت پیروی نماییم؟ اما چنین کاری بسیار دور است؛ زیرا وقتش گذشته و اکنون زمان ایمان آوردن نیست.

﴿ذَٰلِكُم بِأَنَّهُۥٓ إِذَا دُعِيَ ٱللَّهُ وَحۡدَهُۥ كَفَرۡتُمۡ وَإِن يُشۡرَكۡ بِهِۦ تُؤۡمِنُواْۚ فَٱلۡحُكۡمُ لِلَّهِ ٱلۡعَلِيِّ ٱلۡكَبِيرِ ١٢﴾.

سبب گرفتاری شما به این عذاب شدید آن است که چون به سوی عبادت خداوند یگانه و ترک شرک فرا خوانده شدید، به دعوت و نصیحت کفر ورزیده از آن‌رو گشتاندید. امّا شرک به حق‌تعالی را پذیرفتید و مرتکب آن شدید. اکنون صدور حکم در اختیار الله متعال است، او به عدالت حکم می‌کند و بر کسی ستم روا نمی‌دارد، هر که را بخواهد هدایت می‌کند و مورد رحمت قرار می‌دهد و هر که را خواسته باشد گمراه می‌سازد و عذاب می‌نماید. او در مقدّراتش با حکمت و در کارهایش صاحب احسان است، در ذات و قدرت و قهرش بلند مرتبه است و کبریا و جلال و عظمت سزاوار اوست.

﴿هُوَ ٱلَّذِي يُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُنَزِّلُ لَكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ رِزۡقٗاۚ وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيبُ ١٣﴾.

ای انسان‌ها! الله أ خداوندی است که شما را به براهین دلالت‌گر به صُنع بدیع و کمال قدرتش در آفاق و انفس آگاه می‌سازد. او از ابرها آب با برکتی را فرود می‌آورد که به اذن خداوند أ سبب سرسبزی، تر و تازگی، رشد و نمو، و زندگی اشیا و زنده جان‌ها می‌شود. اما از این براهین جز کسانی که با طاعت، اخلاص عبادت و توبۀ بسیار به سوی خداوند أ برمی‌گردند نفع نمی‌گیرند و در آن‌ها تفکّر نمی‌کنند.

﴿فَٱدۡعُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ ١٤﴾.

ای مردم! خدا را پرستش کنید، با اخلاص عبادت بخوانید، خواسته‌های خود را تنها از او مسألت نمایید و به او چیزی دیگری را شریک نیاورید، اگرچه کافر از عملکردتان به خشم آیند، زیرا آنان به شما ضرری رسانده نمی‌توانند. پس در اخلاص عبادت برای اوتعالی ثابت قدم باشید.

﴿رَفِيعُ ٱلدَّرَجَٰتِ ذُو ٱلۡعَرۡشِ يُلۡقِي ٱلرُّوحَ مِنۡ أَمۡرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ لِيُنذِرَ يَوۡمَ ٱلتَّلَاقِ ١٥﴾.

الله أ خداوندی است که قدر و مرتبۀ بلند دارد؛ یعنی در ذات و منزلت و در غلبه بر مخلوقات بلند مرتبه است و این وصف مخصوص اوتعالی است. او صاحب عرش عظیمی است که بزرگی آن را جز وی کسی نمی‌داند و طوری که شایستۀ جلال اوست بر عرش استوا دارد. از لطف الهی به مخلوقاتش این است که پیامبران را به سوی بندگان مبعوث نموده حکمت، علم نافع و هدایت را به سوی‌شان وحی می‌فرستد و به منزلۀ روحی انسان‌ها را زندگی می‌بخشد، بلکه حیات انسان با وحی وهدایت الهی بزرگتر از حیاتش به وسیلۀ روح است. با این وحی است که پیامبران الهی مردم را از روز رستاخیز بزرگ می‌ترسانند و از همه اعمالی که موجب عذاب روز قامت می‌شود برحذر می‌دارند؛ روزی که با همگان ملاقات می‌کنند؛

﴿يَوۡمَ هُم بَٰرِزُونَۖ لَا يَخۡفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِنۡهُمۡ شَيۡءٞۚ لِّمَنِ ٱلۡمُلۡكُ ٱلۡيَوۡمَۖ لِلَّهِ ٱلۡوَٰحِدِ ٱلۡقَهَّارِ ١٦﴾.

در روزی که مردم در محضر خداوند بزرگ برای حساب در عرصۀ قیامت حاضر می‌آیند. در آن روز از مردم و اعمال‌شان هیچ چیزی از خدا غایب نمی‌ماند؛ زیرا وی به همه امور داناست، به احوال هر چیز اطلاع دارد، همه چیز را بر شمرده و به زودی از مردم حساب می‌گیرد. خداوند بزرگ در روز قیامت می‌گوید: امروز پادشاهی برای کیست؟ هیچ فرشتۀ مقّرب و پیامبر مرسلی پاسخ نمی‌دهد. در آن هنگام خود حق‌تعالی برای خویشتن جواب می‌دهد و می‌فرماید: پادشاهی برای خداوندی است که تنها او سزاوار بندگی است. پروردگار قهّاری که بر همگان غلبه دارد، دوستانش را عزّت می‌بخشد و دشمنانش را خوار می‌سازد. او یگانه‌ای است که صفات الوهیت مخصوص اوست و قهّاری است که صفا ربوبیت تنها به او تعلّق دارد.

﴿ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۢ بِمَا كَسَبَتۡۚ لَا ظُلۡمَ ٱلۡيَوۡمَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ١٧﴾.

در روز قیامت هر کس موافق عمل خوب و بدی که در دنیا انجام داده پاداش داده می‌شود و در روز حساب با زیادت گناهان و کم‌شدن حسنات بر هیچ بنده‌ای ستم روا داشته نمی‌شود. به یقین که خداوند به سرعت حساب گیرنده است؛ یعنی روز حساب از شما به تأخیر نمی‌افتد، بلکه نزدیک است و به آن آمادگی بگیرید.

﴿وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡأٓزِفَةِ إِذِ ٱلۡقُلُوبُ لَدَى ٱلۡحَنَاجِرِ كَٰظِمِينَۚ مَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ حَمِيمٖ وَلَا شَفِيعٖ يُطَاعُ ١٨﴾.

ای پیامبر! بندگان را از روز بازگشت که وقوعش قریب است بترسان، روزی که از هولناکی آن دل‌ها از جایگاهش فراز آمده به سینه‌ها می‌رسد و به گلوها نزدیک می‌شود. مردم در غم عمیق و اندوه سختی گرفتار اند و در آن هنگام برای کافران، خویشاوندی که نفع‌شان رساند، دوستی که شفاعت‌شان کند و یاری دهنده‌ای که عذاب را از آنان دفع کند وجود ندارد.

﴿يَعۡلَمُ خَآئِنَةَ ٱلۡأَعۡيُنِ وَمَا تُخۡفِي ٱلصُّدُورُ ١٩﴾.

خداوند أ نگاه ناگهانی چشم‌ها را می‌داند و به امور مخفی آگاه است؛ یعنی که حرکات چشم و راز‌های دل‌ها برای اوتعالی معلوم است.

﴿وَٱللَّهُ يَقۡضِي بِٱلۡحَقِّۖ وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَقۡضُونَ بِشَيۡءٍۗ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ٢٠﴾.

خداوند متعال میان بندگان در روز بازگشت به عدل حکم می‌کند؛ یعنی برای نیکوکار پاداش نیکو و به بدکار جزای دشوار می‌دهد. در آن وقت معبودان باطل کافران، نفع و ضرری رسانده نمی‌توانند و حکمی از آن‌ها صادر نمی‌شود؛ زیرا از این امور ناتوان اند. بدون شک حق‌تعالی به همه آوزاها شنوا و به همه اعمال و نیت‌ها بیناست، همه سخن‌ها را می‌شنود و همه اعمال را ‌می‌بیند.

﴿۞أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ كَانُواْ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَانُواْ هُمۡ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗ وَءَاثَارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٖ ٢١﴾.

آیا کافران در اطراف زمین به سیر و سیاحت نپرداختند تا آثار بدکاران و معاملۀ خداوند أ با آنان را مشاهده کنند و بدانند که وقتی کافر شدند و به پیامبران تکذیب کردند اوتعالی با آنان چه کرد؟ آری! کافران پیشین از نگاه قدرت و مکنت، توان جسمی و اسباب و وسایل قدرتمندتر و قوی‌تر بودند و در دنیا بناهای مستحکم‌ تری داشتند، اما قوت و نیروی آنان عذاب الهی را دفع نکرد، بلکه حق‌تعالی آنان را به اثر گناهان کفر و معصیت هلاک ساخت و کسی نبود که از عذاب نگاه‌شان دارد.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانَت تَّأۡتِيهِمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَكَفَرُواْ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ قَوِيّٞ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٢٢﴾.

عذابی را که خداوند أ بر دشمنانش نازل کرد، بدان سبب بود که به پیامبران کافر شدند و بعد از اینکه رسولان الهی براهینی را برای اثبات نبوّت و توحید باریتعالی آوردند به تکذیب‌شان پرداختند و در نتیجه حق‌تعالی آنان را هلاک و نابود کرد. آری! پروردگار سبحان نیرومند است، هر که با او بستیزد قهرش می‌کند و هر که با وی زور آزمایی کند خوارش می‌سازد. او سرکشان را به سختی عذاب می‌کند و دشمنانش را به شدّت مؤاخذه می‌نماید.

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ٢٣﴾.

یقیناً خداوند متعال موسی ÷ را با براهینی که بر وحدانیتش دلالت می‌کرد فرستاد. او با دلایل واضح و آشکار آمد که بر درستی نبوّتش و بر نادرستی و کذب دعوای فرعون دلالت می‌نمود.

﴿إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَقَٰرُونَ فَقَالُواْ سَٰحِرٞ كَذَّابٞ ٢٤﴾.

خداوند أ موسی ÷را با براهینی به سوی فرعون پادشاه طغیانگر مصر، وزیرش هامان و قارون که صاحب گنج‌ها بود فرستاد. آنان به رسالت آن‌حضرت کافر شدند و گفتند: او ساحری است که عقلش زایل شده، در گفتارش دروغگوست و چنین کسی نمی‌تواند پیامبر باشد.

﴿فَلَمَّا جَآءَهُم بِٱلۡحَقِّ مِنۡ عِندِنَا قَالُواْ ٱقۡتُلُوٓاْ أَبۡنَآءَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ وَٱسۡتَحۡيُواْ نِسَآءَهُمۡۚ وَمَا كَيۡدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ ٢٥﴾.

آنگاه که موسی ÷ به نزد فرعون، هامان و قارون آمد آنان به او کافر شدند و تکذیبش نمودند. علاوه بر آن به کشتن پسران و نگهداشتن زنان برای خدمتگاری دستور دادند. اما مکر و تدبیر کافران فایده‌ای برای آنان بازدهی نمی‌کند، مگر اینکه آنان را از حق دور سازد و به هلاکت نزدیک گرداند.

﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ذَرُونِيٓ أَقۡتُلۡ مُوسَىٰ وَلۡيَدۡعُ رَبَّهُۥٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمۡ أَوۡ أَن يُظۡهِرَ فِي ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡفَسَادَ ٢٦﴾.

فرعون برای سرکردگان قومش گفت: مرا بگذاری که موسی را به قتل برسانم و او از پروردگارش که وی را فرستاده بخواهد تا از من حمایتش کند. من می‌ترسم موسی دین ما را با دین دیگری که به سویش فرا می‌خواند تبدیل نماید، یا در زمین مصر فساد برپا کند. این ادّعای فرعون از قبیل قلب حقایق بود؛ زیرا مصلح، به عنوان مفسد و مفسد، مصلح قلمداد شده است.

﴿وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٖ لَّا يُؤۡمِنُ بِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ٢٧﴾.

موسی ÷ برای فرعون و قومش گفت: من از هر متکّبر، منکر و ستیزه جویی که به رسالت تکذیب کند و به روز قیامت تصدیق نکند به خداوندی که پروردگارر من و شماست پناه می‌جویم و کسی که چنین باشد، جز پروردگار جهان کسی او را از عملکردش باز داشته نمی‌تواند.

﴿وَقَالَ رَجُلٞ مُّؤۡمِنٞ مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَكۡتُمُ إِيمَٰنَهُۥٓ أَتَقۡتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ ٱللَّهُ وَقَدۡ جَآءَكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ مِن رَّبِّكُمۡۖ وَإِن يَكُ كَٰذِبٗا فَعَلَيۡهِ كَذِبُهُۥۖ وَإِن يَكُ صَادِقٗا يُصِبۡكُم بَعۡضُ ٱلَّذِي يَعِدُكُمۡۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ كَذَّابٞ ٢٨﴾.

یکی از اعضای خانوادۀ فرعون که بطور پوشیده به خدا ایمان داشت و موسی ÷را تصدیق می‌کرد گفت: چگونه ارادۀ قتل شخصی را دارید که گناهی ندارد و می‌گوید: خداوند أ پروردگار من و مستحقّ عبادت است، بر علاوه این شخص برای راستی رسالتش دلایل درستی را آورده است؟ اگر موسی در ادّعایش دروغگوی باشد ضرر دروغش به خودش برمی‌گردد و عواقب آن را خودش بر خواهد داشت. اما اگر راستگوی باشد و شما او را تکذیب کنید، آنچه را وعده می‌دهد به شما خواهد رسید. به یقین که الله أ کسی را که با انجام کفر و گناه از حد بگذرد به سوی هدایت رهنمایی نمی‌کند؛ زیر او به اختیار بیراهه را در پیش گرفته و باطل را اختیار نموده است. همچنان دروغگوی را به سبب کفر و گناهی که انجام می‌‌دهد به سوی خویش هدایت نمی‌کند؛ زیرا او مردم را به شک می‌اندازد و از این رو حق بر او پوشیده می‌ماند.

﴿يَٰقَوۡمِ لَكُمُ ٱلۡمُلۡكُ ٱلۡيَوۡمَ ظَٰهِرِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَمَن يَنصُرُنَا مِنۢ بَأۡسِ ٱللَّهِ إِن جَآءَنَاۚ قَالَ فِرۡعَوۡنُ مَآ أُرِيكُمۡ إِلَّا مَآ أَرَىٰ وَمَآ أَهۡدِيكُمۡ إِلَّا سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ ٢٩﴾.

شخص مذکور علاوه کرد که ای قوم من! شما در این مقطع زمانی در مصر سلطنت داشته و سردار بنی اسرائیل هستید، اگر عذاب خدا بر ما واقع شود چه کسی ما را از آن نگه می‌دارد؟ فرعون برای ردّ سخن آن شخص، قومش را مخاطب قرار داد و گفت: من شما را به گونه‌ای مشوره می‌دهم و نصیحت می‌کنم که به خود مشوره دهم و نصیحت کنم، شما را جز به روشی درست و رأیی محکم رهنمایی نمی‌نمایم.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِيٓ ءَامَنَ يَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُم مِّثۡلَ يَوۡمِ ٱلۡأَحۡزَابِ ٣٠﴾.

شخص مؤمن خانوادۀ فرعون، با پنددهی و بیم دادن قومش گفت: ای قوم من! اگر موسی ÷ را به قتل رسانید، از روز خطرناک و سیاهی بر شما می‌ترسم که عذاب شما را فراگیرد همچنان که عذاب بر احزاب آمد؛ آنگاه که به جنگ با پیامبران خویش اتفاق کردند.

﴿مِثۡلَ دَأۡبِ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ وَثَمُودَ وَٱلَّذِينَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡۚ وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلۡمٗا لِّلۡعِبَادِ ٣١﴾.

مانند رفتار و عادت قوم‌های نوح، عاد، ثمود و اهل قرن‌های بعد از آنکه در کفر و تکذیب فرو رفتند و خداوند أ آنان را به سبب ارتکاب گناهان مورد عذاب قرار داد؛ نه اینکه بر آنان ستم روا داشته باشد. پروردگار متعال با عدلش عذاب می‌کند، با فضلش رحمت می‌نماید و بلندتر است از اینکه بر بندگان ستم کند؛ بلکه به سبب کفر و فساد مجازات‌شان می‌نماید.

﴿وَيَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ يَوۡمَ ٱلتَّنَادِ ٣٢﴾.

ای قوم من! اگر کافر شوید از وقوع عذاب روزی برشما می‌ترسم که مردم در آن از اثر خطری که متوجه‌شان شده یک دیگر را ندا می‌کنند و آن روز قیامت است.

﴿يَوۡمَ تُوَلُّونَ مُدۡبِرِينَ مَا لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِنۡ عَاصِمٖۗ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ ٣٣﴾.

در آن روز از هول انگیزی موقف می‌گریزید، اما گریز گاهی برای شما وجود ندارد. کسی نیست که عذاب را از شما دفع کند و شما را در هنگام وقوع مجازات یاری نماید، هر که را خداوند أ از هدایت باز دارد و به حق توفیق نبخشد، هیچ‌کس از مردم توان هدایتش را ندارد.

﴿وَلَقَدۡ جَآءَكُمۡ يُوسُفُ مِن قَبۡلُ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَمَا زِلۡتُمۡ فِي شَكّٖ مِّمَّا جَآءَكُم بِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَا هَلَكَ قُلۡتُمۡ لَن يَبۡعَثَ ٱللَّهُ مِنۢ بَعۡدِهِۦ رَسُولٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ مُّرۡتَابٌ ٣٤﴾.

به راستی یوسف ÷ به عنوان رسول و پیام آوری از جانب خداوند أ با براهین آشکار و واضحی بر درستی نبوّتش آمد و شما را به سوی توحید و طاعت پروردگار فراخواند. اما شما در تمام حیاتش در رسالت وی شکّ و تردید داشتید و چون او را حق‌تعالی وفات گردانید، شکّ و حیرت شما بیشتر شد و گفتید: الله متعال هرگز پیامبری را بعد از وفات یوسف ÷ نمی‌فرستد. آری! همچنان که شما گمراه شدید، آفریدگار منّان گمراهی را بر کسی که از حدود الهی تجاوز کند و در الوهیتش شک ورزد مقدّر می‌سازد. در نتیجه چنین شخصی در برابر حق تکبّر می‌ورزد، در سخن راست شک می‌کند و به راه حق و صواب توفیق نمی‌یابد.

﴿ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡۖ كَبُرَ مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ كَذَٰلِكَ يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلۡبِ مُتَكَبِّرٖ جَبَّارٖ٣٥﴾.

کسانی که بطور باطل خصومت می‌ورزند و براهینی را که خداوند أ به وسیلۀ پیامبرانش فرستاده بدون دلیل و با هوای نفسانی خود رد می‌نمایند، عملکرد آنان در ناپسندی و جُرمش در پیشگاه پروردگار سبحان و در نزد مؤمنان کار بزرگی است. همچنان که الله أ دل‌های افراد امت‌های پیشین را که به باطل مجادله می‌کردند مُهر نهاد، بر دل هر شخص مستکبر، ستیزه جو، منکر، ستمگر و مستبدّ مُهر می‌نهد. آنگاه با تکبّر حق را رد می‌کند، با قدرتش به باطل عمل می‌نماید و به سویش فرا می‌خواند.

﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ يَٰهَٰمَٰنُ ٱبۡنِ لِي صَرۡحٗا لَّعَلِّيٓ أَبۡلُغُ ٱلۡأَسۡبَٰبَ ٣٦﴾.

بعد از آنکه فرعون، موسی ÷ را تکذیب کرد و به ردّ شریعتش پرداخت، با تهدید و قدرت نمایی به وزیرش گفت: ای هامان! برایم کاخ بلند و مرتفعی را بنا کن تا بر آن بالا روم و به دروازه‌های آسمان دست یابم.

﴿أَسۡبَٰبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ كَٰذِبٗاۚ وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَصُدَّ عَنِ ٱلسَّبِيلِۚ وَمَا كَيۡدُ فِرۡعَوۡنَ إِلَّا فِي تَبَابٖ ٣٧﴾.

آنگاه که بالا روم و به دروازه‌های آسمان دسترسی پیدا کنم، به سوی خدای موسی نظر خواهم کرد تا راستی و دروغگویی موسی را باز شناسم، هرچند پیش از این کار، به گمان غالبم او دروغگوی است. بدین‌گونه فعل بدش را نیکو دانست و مستحسن پنداشت و به سبب باطلی که در نظرش نیکو نمایان شد از هدایت منصرف شد، مکر و تدبیر فرعون و حیله‌بازی‌اش به منظور ردّ رسالت موسی ÷ تأثیری نداشت مگر اینکه زیان، هلاکت، نابودی و تباهی را برای خودش پدید آورد؛ زیرا نتیجۀ زشت تدبیرش به خود و قومش باز گشت.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِيٓ ءَامَنَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُونِ أَهۡدِكُمۡ سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ ٣٨﴾.

شخص مؤمن خانوادۀ فرعون، دعوت و موعظه‌اش را دوباره تکرار کرد و گفت: ای قوم من پیروی کنید که شما را به سوی حق فرا می‌‌خوانم، به راه هدایت رهنمایی می‌نمایم و از طریق هلاکت بر حذر می‌دارم.

﴿يَٰقَوۡمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا مَتَٰعٞ وَإِنَّ ٱلۡأٓخِرَةَ هِيَ دَارُ ٱلۡقَرَارِ ٣٩﴾.

ای قوم من! یقیناً زندگی دنیا کوتاه و فنا شدنی است، روزهای نعمت‌هایی و لذّتش اندک و زودگذر است، پس بدان مغرور نشوید و به بقای آن دل نبندید. اما دار آخرت برای مؤمنان نیکوکار سرای نعمت دایمی، سرور جاودانی، زندگی با امن و خوشنودی همیشگی است، بنابراین اعمالی چون ایمان به خداوند أ و اخلاص در عبادت را که مربوط به آخرت است، بر اعمال دنیا و مغرورشدن بدان مقدّم سازید.

﴿مَنۡ عَمِلَ سَيِّئَةٗ فَلَا يُجۡزَىٰٓ إِلَّا مِثۡلَهَاۖ وَمَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ يُرۡزَقُونَ فِيهَا بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٤٠﴾.

کسی که در زندگی مرتکب گناهی شود، خداوند أ جزایی را به اندازۀ گناهش بر او مقررّ می‌دارد. اما هر که کار خیری مانند طاعت خداوند، اعمال نیکو و ترک معصیت‌ها را با توحید باری‌تعالی و اخلاص عمل انجام دهد، برابر است که زن باشد یا مرد سعادتمند شده است. برای اینان بهشت‌های پر از نعمت آماده شده که در آن داخل می‌شوند و ماندگار هستند. خداوند أ خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های لذیذ و خوشمزه، زنان هم سنّ و سال، زیورات و جامه‌های نیکو و بی‌حسابی را برای‌شان در بهشت آماده کرده است.

﴿۞وَيَٰقَوۡمِ مَا لِيٓ أَدۡعُوكُمۡ إِلَى ٱلنَّجَوٰةِ وَتَدۡعُونَنِيٓ إِلَى ٱلنَّارِ ٤١﴾.

ای قوم من! چگونه من شما را به سوی توحید خداوند أ و پیروی از پیامبرش موسی ÷ فرا می‌خوانم که شما را از عذاب خدا نجات می‌دهد و رسیدن به بهشت‌های پر از نعمت را برای‌تان تضمین می‌کند، اما شما مرا به سوی کفر به پروردگار و تکذیب موسی ÷ فرا می‌خوانید که عاملش را به آتش دوزخ همیشگی می‌رساند؟!

﴿تَدۡعُونَنِي لِأَكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَأُشۡرِكَ بِهِۦ مَا لَيۡسَ لِي بِهِۦ عِلۡمٞ وَأَنَا۠ أَدۡعُوكُمۡ إِلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡغَفَّٰرِ ٤٢﴾

شما مرا به سوی کفر و شرک به خداوند أ و اعراض از طاعتش فرا می‌خوانید؛ حال آنکه نمی‌دانم که کسی جز اوتعالی سزاوار عبادت باشد. امّا من شما را به عبادت خداوندی فرا می‌خوانم که در پادشاهی‌اش با عزّت و در انتقامش نیرومند است و گناهان کسی را که توبه کند و به وی رجوع نماید می‌آمرزد. او پروردگار عزیزی است که دوستانش را عزّت می‌بخشد و برای توبه‌کارانی که به سویش باز می‌گردند آمرزنده است.

﴿لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدۡعُونَنِيٓ إِلَيۡهِ لَيۡسَ لَهُۥ دَعۡوَةٞ فِي ٱلدُّنۡيَا وَلَا فِي ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَآ إِلَى ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ هُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ ٤٣﴾.

آنچه مرا به عبادتش فرا می‌خوانید بدون شک سزاوار نیست که عبادت شود، یا از آن چیزی خواسته شود و یا در نیازهای دنیوی و اخروی به آن پناه جسته شود. به راستی بازگشت همه مردم در آخرت به سوی خداوند أ است تا اعمال‌شان را محاسبه نماید. آری! هر که از حدود الهی تجاوز کند، به اوتعالی کافر شود، دست به خون‌ریزی زند و بر مردم ستم روا دارد باز گشتش به سوی دوزخ است.

﴿فَسَتَذۡكُرُونَ مَآ أَقُولُ لَكُمۡۚ وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٤٤﴾.

بعد از آنکه آنان را نصیت کرد و بیم داد و سرانجام از پذیرش نصایحش نا امیدشد، برای آنان خبر داد که حتماً پشیمان خواهند شد؛ آنگاه که پشیمانی بعد از لغزش قدم سودی ندارد و نیز اعلام داشت که خود به پروردگارش اعتماد می‌کند، به مولایش توکّل می‌ورزد و به سوی آفریدگارش رجوع می‌نماید؛ زیرا اوتعالی به اعمال و سخنان مردم داناست و هیچ امر وعملی از وی پنهان و پوشیده نمی‌باشد.

﴿فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّ‍َٔاتِ مَا مَكَرُواْۖ وَحَاقَ بِ‍َٔالِ فِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ ٤٥﴾.

خداوند أ شخص مؤمن خانوادۀ فرعون را از انتقام کافران و عاقبت مکر آنان نگه داشت؛ زیرا وی تنها به اوتعالی توکّل نمود. امّا کافران در این دنیا به عذاب بدی گرفتار آمدند و نیز در آتش دوزخ ماندگار خواهندبود.

﴿ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ ٤٦﴾.

قوم فرعون که در دنیا با غرق شدن مجازات شدند و در آخرت به آتش دوزخ عذاب می‌شوند اکنون صبح و شام به آتش عرضه می‌شوند و این دلیلی برای اثبات عذاب قبر است. اما در روز قیامت با آتش دوزخ درمی‌آیند، در آن همیشه جاودان می‌مانند و جزای کفر و تکذیب خویش را می‌چشند.

﴿وَإِذۡ يَتَحَآجُّونَ فِي ٱلنَّارِ فَيَقُولُ ٱلضُّعَفَٰٓؤُاْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُنَّا لَكُمۡ تَبَعٗا فَهَلۡ أَنتُم مُّغۡنُونَ عَنَّا نَصِيبٗا مِّنَ ٱلنَّارِ ٤٧﴾.

از آنگاه یاد کن که میان کافران در آتش دوزخ خصومت پدید می‌آید؛ یعنی پیروان، رعایا و مقلّدان برای بزرگان و سرکردگان می‌گویند: ما در زندگی دنیا در امور اعتقادی خود از شما پیروی نمودیم، آیا اکنون چیزی از عذاب آتش را که ما بدان گرفتاریم برمی‌دارید؛ زیرا شما سبب گمراهی و کفر ما شده‌اید؟

﴿قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُلّٞ فِيهَآ إِنَّ ٱللَّهَ قَدۡ حَكَمَ بَيۡنَ ٱلۡعِبَادِ ٤٨﴾.

بزرگان و سر کردگان برای پیروان می‌گویند: ما توان نداریم چیزی از عذاب را از شما کم کنیم؛ زیرا همه ما در آتش دوزخ به سر می‌بریم و راه بیرون شدن برای ما میسّر نیست. خداوند در بین مردم حکم کرده و به هرکدام آنچه را از عذاب و پاداش مستحق بوده طور عادلانه داده است.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ فِي ٱلنَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ يُخَفِّفۡ عَنَّا يَوۡمٗا مِّنَ ٱلۡعَذَابِ ٤٩﴾.

کافران، اعم از سرکردگان و پیروان که در آتش دوزخ قرار دارند برای وظیفه داران دوزخ می‌گویند: از خداوند أ بخواهید یک روز عذاب را از ما تخفیف دهد تا وقت اندکی از آن راحت باشیم.

﴿قَالُوٓاْ أَوَ لَمۡ تَكُ تَأۡتِيكُمۡ رُسُلُكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ قَالُواْ بَلَىٰۚ قَالُواْ فَٱدۡعُواْۗ وَمَا دُعَٰٓؤُاْ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٍ ٥٠﴾.

وظیفه داران دوزخ سخن کافران را رد می‌کنند و می‌گویند: هرگز عذاب از شما تخفیف نمی‌یابد. آیا پیامبران الهی با براهین دلالت کننده بر یگانگی اوتعالی و درستی رسالت‌شان نیامدند و شما کافر شدید و تکذیب نمودید؟ کافران اقرار می‌نمایند که به آیات خداوند یگانۀ قهّار تکذیب نمودند. وظیفه داران دوزخ می‌گویند: ما تخفیف عذاب را برای‌تان خواستار نمی‌شویم و شفاعت نمی‌کنیم خود شما دعا کنید و بخواهید، اما دعای شما فایده‌ای ندارد و قبول نمی‌شود؛ زیرا دعای کافران فایده‌بخش نیست، حق‌تعالی آن را نمی‌پذیرد و بی‌نتیجه است.

﴿إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡأَشۡهَٰدُ ٥١﴾.

خداوند متعال پیامبران و بندگان مؤمن را یاری می‌کند و بر کسانی که با ایشان جنگ می‌نمایند، هم در زندگی دنیا پیروزی می‌بخشد و هم در آخرت؛ در آن روز که فرشتگان، پیامبران و بندگان نیکوکار بر امت‌های کافر گواهی می‌دهند و نیز پیامبران شهادت می‌دهند که رسالت خود را تبلیغ کردند، اما کافران به تکذیب‌شان پرداختند.

﴿يَوۡمَ لَا يَنفَعُ ٱلظَّٰلِمِينَ مَعۡذِرَتُهُمۡۖ وَلَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ٥٢﴾.

معذرت کافران در روز قیامت برای آنان فایده‌ای ندارد و از رحمت خداوند عزیز و آمرزگار دور اند، در دار آخرت بدترین قرار گاهی دارند که آتش دوزخ است.

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡهُدَىٰ وَأَوۡرَثۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡكِتَٰبَ ٥٣﴾.

به یقین که خداوند أ تورات را بر موسی ÷ نازل فرمود؛ کتابی را که در آن هدایت و بیان وجود دارد و دارای احکامی است که به خیر و هدایت دلالت می‌کند و نیز مقرّر داشت که بنی اسرائیل آن را قرنی بعد از قرن دیگر به ارث برند.

﴿هُدٗى وَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٥٤﴾.

کتاب تورات، پیش از اینکه تحریف شود و با شریعت محمّد ج منسوخ گردد، رهنمایی به سوی راه راست بود و در آن پند، موعظه و یاد آوری‌هایی برای صاحبان عقل‌های سلیم و فطرت‌های معتدل وجود داشت.

﴿فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ ٥٥﴾.

ای پیامبر! در برابر تکذیب کافران و اذیت بدکاران صبر پیشه نما؛ زیرا خداوند أ پیروزی، قدرتمندی و بلندمرتبه‌گی را برای تو وعده نموده و وعده‌اش را خلاف نمی‌کند، بلکه آن را عملی می‌سازد؛ چنان‌چه عملی شد. بر تو لازم است از گناهان آمرزش بخواهی؛ زیرا با آمرزش خواهی خوشنودی الله أ به دست می‌آید و از خطرها نجات حاصل می‌شود. در هر صبح و شام، پروردگارت را با تسبیحی که نقایص را از اوتعالی دور سازد منزّه بدان و بزرگ بشمار؛ با تسبیحی که مقرون به حمد باشد و کمال را برای اوتعالی به اثبات رساند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡ إِن فِي صُدُورِهِمۡ إِلَّا كِبۡرٞ مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِۚ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ٥٦﴾.

کسانی که دربارۀ براهین دلالت کننده بر وحدانیت و عظمت خداوند أ مخاصمه می‌کنند، حق را به باطل می‌آمیزند و برای مخالفت و اثبات دعوای خود دلیل درستی هم ندارند، آنان را کبر، ستیزه‌جویی و عُجبی که در دلهای آنان پیچیده بر این کار وا داشته است. آنان در فضل و احسانی که الله أ به تو بخشیده حسد می‌ورزند، امّا هرگز به این فضل الهی دست نمی‌یابند و به تو ضرری رسانده نمی‌توانند. پروردگار نگهبان توست، بنابراین به او پناه جوی و در برابر آزار کافران از او حمایت بخواه؛ زیرا او گفته‌های شما را می‌شنود، احوال و افعال شما را ‌می‌بیند و به همه احاطه دارد.

﴿لَخَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ أَكۡبَرُ مِنۡ خَلۡقِ ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٥٧﴾.

به راستی که آفرینش آسمان‌ها و زمین از آفرینش مردم و زنده ساختن بعد از مردن‌شان کاری بزرگتر و عظیمتر است. پس به چه دلیل در قدرت خداوند أ به زنده کردن مردم از قبرها شک می‌نمایند؟ بیشتر مردم حقیقت این سخن را نمی‌دانند که آفرینش هر چیز بر اوتعالی آسان است و باز آفریدن آسمان‌ها و زمین از آفریدن انسان بزرکتر است.

﴿وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَلَا ٱلۡمُسِيٓءُۚ قَلِيلٗا مَّا تَتَذَكَّرُونَ ٥٨﴾.

شخص نابینا و بینا در کمال دیدن و تمییز اشیاء با یک دیگر برابر نیستند، به همین‌گونه مؤمن نیکوکار و کافر ستیزه جو با هم برابر نمی‌باشند. ای مردم! چه قدر از براهین الهی کم پند می‌گیرید و چه اندازه تدبُّر، انتفاع و دانش شما از این براهین اندک است!

﴿إِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَأٓتِيَةٞ لَّا رَيۡبَ فِيهَا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤۡمِنُونَ ٥٩﴾.

به راستی که روز قیامت خواهی نخواهی آمدنی است، برای آن روز با اخلاص عبادت برای خداوند أ و با توشه گیری از اعمال نیکو آمادگی بگیرید. امّا بیشتر مردم به روز آخرت تصدیق نمی‌کنند و آن را نمی‌دانند، بلکه در غفلت و اعراض به سر می‌برند.

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ٦٠﴾.

ای مردم! پروردگار شما فرمود: تنها مرا بخوانید و عبادت را برای من خالص سازید من از شما می‌پذیرم، نیازهای شما را بر آورده می‌سازم و دشواری‌های‌تان را بر طرف می‌نمایم. همانا کسانی که از بندگی خداوند أ و اقرار به اوتعالی تکبّر می‌ورزند، با خواری و زیانمندی به دوزخ داخل می‌شوند.

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبۡصِرًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشۡكُرُونَ ٦١﴾.

خداوند أ ذاتی است که شب را برای‌تان آفرید تا در آن خواب شوید، آرام باشید و از مشقّت اعمال استراحت جویید. روز را با تابش خورشید برای‌تان روشن آفرید تا در آن به طلب روزی بپردازید و به انجام کار‌های خویش اقدام کنید. بدون شک خداوند أ بر بندگانش صاحب نعمت‌های بزرگی است. اما بیشتر انسان‌ها اوتعالی را با اخلاص عبادت و طاعت شکر گرازی نمی‌کنند.

﴿ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ ٦٢﴾.

خداوند یگانه ذاتی است که با این نعمت‌ها بر شما احسان کرده است، همانا او پروردگار شماست و آفریدگار روزی دهند‌ه‌ای است که همه چیزها را از عدم خلق نموده است، جز او معبود بر حقّی نیست و برای او شریکی وجود ندارد. پس چگونه شما از یگانه شناسی خداوندی که بلند مرتبه و بزرگ است و پروردگاری جز او برای شما نیست به سوی شرک و عبادت دیگر چیزها رو می‌آورید.

﴿كَذَٰلِكَ يُؤۡفَكُ ٱلَّذِينَ كَانُواْ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ ٦٣﴾.

همچنان که شما از عبادت خداوند أ و توحیدش انحراف و اعراض کردید، هر منکر و ستیزه‌جویی که دلیل را نپذیرد و از حق پیروی نکند از آیات الهی انحراف می‌ورزد.

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ قَرَارٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَصَوَّرَكُمۡ فَأَحۡسَنَ صُوَرَكُمۡ وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡۖ فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦٤﴾.

ای مردم! الله أ خداوندی است که زمین را برای شما آفرید، گهواره‌ای ساخت و برابر نمود تا بر روی آن استقرار یابید و به آسانی زندگی کنید، آسمان را سقف مرفوع زمین ساخت و نشانه‌هایی چون خورشید، ماه، ستاره‌ها و ابرها را در آن پدید آورد که همه نعمت‌هایی برای‌تان است. همچنان شمارا با زیباترین صورت و کاملترین سیما آفرید و با خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های خوش مزّه و گوارا، با وسایل سواری و روزی‌های کافی و با لذایذ زندگی و سهولت‌های حیات بر شما احسان کرد. کسی که با این نعمت‌ها بر شما انعام و احسان نموده پروردگار یگانه‌ای است که بلند مرتبه و متعالی است و احسان بسیار دارد، فضلش عام وجودش فراگیر است، از هر وصفی که سزاوار او نیست مقدّس است و او آفریدگار همه مخلوقات و کائنات است.

﴿هُوَ ٱلۡحَيُّ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱدۡعُوهُ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَۗ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦٥﴾.

او خداوندی است که به زندگی کامل و بی‌پایانی زنده است و حیاتش به حیات مخلوقات که ناقص و دارای نهایت است همانندی ندارد. تنها و تنها او سزاوار عبادت است؛ نه دیگران. پس او را عبادت کنید، نیازهای خویش را از او بخواهید و با او شریک نیاورید. سپاس و ستایش شایسته و شکران بزرگ مخصوص اوتعالی است که آفریدگار کائنات و موجودات است.

﴿۞قُلۡ إِنِّي نُهِيتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَمَّا جَآءَنِيَ ٱلۡبَيِّنَٰتُ مِن رَّبِّي وَأُمِرۡتُ أَنۡ أُسۡلِمَ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦٦﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: خداوند أ مرا از عبادت بت‌هایی که شما پرستش می‌کنید نهی‌کرده و با آمدن براهین واضح و درست، به یگانه‌شناسی‌اش توصیه نوده است. همچنان پروردگارم مرا مأمور داشته که از فرمانش اطاعت نمایم، به حکمش منقاد باشم و یقین کنم که او آفریدگار مخلوقات و پروردگار کائنات است.

﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ مِنۡ عَلَقَةٖ ثُمَّ يُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلٗا ثُمَّ لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡ ثُمَّ لِتَكُونُواْ شُيُوخٗاۚ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن قَبۡلُۖ وَلِتَبۡلُغُوٓاْ أَجَلٗا مُّسَمّٗى وَلَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٦٧﴾.

ای انسان‌ها! الله أ خداوندی است که پدر شما آدم را از خاک به وجود آورد، بعد از آن شما را با توالد و تناسل از آبی بی‌ارزش و سپس از خون بسته و باز از قطعۀ گوشتی آفرید، آنگاه هر کدام شما از مادرش به گونۀ طفل کوچکی تولد می‌شود، باز هر کدام‌تان به مرحلۀ کمال رشد و قوت جسمی خود می‌رسید، بعد از آن افسرده می‌شود و با سپری‌شدن عمر پیر مرد بزرگسال و ناتوانی می‌گردد، امّا بعضی از شما پیش از بزرگسالی وفات می‌کنید. این همه برای آن است که به آنچه حق‌تعالی بر شما مقدّر کرده در مدّت عمر خویش دست یابید و برای این است که در براهین و آفرینش تعحب‌آور و نفاذ قدرتش بیندیشید، در صُنع بدیعش تفکر کنید، او را به یگانگی بشناسید و عبادت را برای او خالص سازید.‌

﴿هُوَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ فَإِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٦٨﴾.

اوتعالی پروردگاری است که مخلوقات را از عدم می‌آفریند بعد از آن شما را می‌میراند و باز بعد از مردن دوباره زنده می‌سازد. چون کاری را اراده کند به کلمۀ «کُن» به پیدایش آن حکم می‌نماید و آنگاه به اذن اوتعالی پدید می‌آید.

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ أَنَّىٰ يُصۡرَفُونَ ٦٩﴾.

ای پیامبر! آیا از عملکرد کافران تعجّت نمی‌کنی که در براهین و دلایل راستین و درست خداوند أ که به یگانگی وی طور یقین دلالت می‌کند خصومت می‌ورزند؟ چگونه با وجود درستی و راستی این آیات و دلایل، انحراف می‌ورزند و چگونه بعد از اقامۀ حجّت آشکار گمراه می‌شوند!

﴿ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِٱلۡكِتَٰبِ وَبِمَآ أَرۡسَلۡنَا بِهِۦ رُسُلَنَاۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ٧٠﴾.

این کافران، کسانی اند که به قرآن کریم و به کتاب‌های قبل از آن بر پیامبران الهی نازل شده تکذیب کردند. به زودی نتیجۀ کفر خویش را آشکارا خواهند دید؛ آنگاه که خداوند أ سخت‌ترین عذاب را در روز قیامت به عنوان جزای تکذیب‌شان بر آنان فرود آورد.

﴿إِذِ ٱلۡأَغۡلَٰلُ فِيٓ أَعۡنَٰقِهِمۡ وَٱلسَّلَٰسِلُ يُسۡحَبُونَ ٧١﴾.

در آن روز که طوق‌های آتشین در گردن‌های کافران انداخته شود و دست‌های آنان به زنجیر کشیده شود.

﴿فِي ٱلۡحَمِيمِ ثُمَّ فِي ٱلنَّارِ يُسۡجَرُونَ ٧٢﴾.

«زبانیه» کافران را به سوی آب بسیار داغ و جوشانی می‌کشانند و بعد از آن در آتش دوزخ سوختانده می‌شوند.

﴿ثُمَّ قِيلَ لَهُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تُشۡرِكُونَ ٧٣﴾.

بعد از آن برای کافران که در آتش دوزخ قرار دارند به گونۀ توبیخ گفته می‌شود: معبودان باطلی که به عبادت آن‌ها می‌پرداختید کجا هستند؟

﴿مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا بَل لَّمۡ نَكُن نَّدۡعُواْ مِن قَبۡلُ شَيۡ‍ٔٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧٤﴾.

آیا معبودانی که غیر از خداوند أ به پرستش آن‌ها می‌پرداختید، شما را یاری کرده می‌توانند؟ آیا در توان آن‌ها هست که امروز عذاب حق‌تعالی را از شما دفع کنند؟ کافران می‌گویند: امروز آن معبودان از چشم‌های ما غایب شده‌اند، ما را رها کردند و هیچ فایده‌ای به ما نمی‌رسانند. بدین‌گونه به خطا وجرم خویش در عبادت غیر پروردگار و شرک ورزیدن به اوتعالی و به اینکه در بی‌خردی و راه باطل روان بودند اقرار و اعتراف می‌نمایند. همچنان که الله أ این کافران را به عبادت چیزهایی که نفع و ضرری رسانده نمی‌توانند گمراه کرد، هر منکر و ستیزه جویی را که حق را رد کند و وحی را تکذیب نماید گمراه می‌سازد.

﴿ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمۡ تَفۡرَحُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَبِمَا كُنتُمۡ تَمۡرَحُونَ ٧٥﴾.

ای کافران! عذابی که به شما رسیده، به سبب غفلت از طاعت پروردگار، شادمانی به انجام گناهان، فریفتگی به شهوات و گرفتاری به مظاهر فریبندۀ دنیاست و به سبب بدکاری، کبر، غرور و خود خواهیی که داشتید شما را فرا گرفته است.

﴿ٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ ٧٦﴾.

برای کافران گفته می‌شود: به دروازه‌های دوزخ داخل شوید و به عذاب آن دوامدار و ماندگار گرفتار باشید. دوزخ برای هر متکبّر و ستیزه‌گر جایگاه زشتی است و بد اشخاصی را در خود جای داده است.

﴿فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۚ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعۡضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمۡ أَوۡ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيۡنَا يُرۡجَعُونَ ٧٧﴾.

ای پیامبر! در برابر مشکلاتی که در برابر دعوت پدید می‌آید استقامت کن، بر هر اذیتی که در راه خدا به تو می‌رسد صبر نما و در روش خود ثابت قدم باش، خداوند أ تو را به پیروزی و نیرومندی وعده داده و قطعاً وعده‌اش را عملی می‌سازد؛ بدین‌گونه که یا در زندگی‌ات عذابی را که برای کافران وعده کرده خواهی دید، یا اینکه پیش از فرارسیدن وقت عذاب و مجازات آنان، تو وفات می‌نمایی، به هر صورت باز گشت کافران در روز قیامت به سوی اوتعالی است و آنان را در برابر اعمال کفر و تکذیبی که انجام داده‌اند عذاب می‌کند. از این رو بر تو لازم است دعوت را ادامه دهی و در آن استقامت وثبات داشته باشی.

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلٗا مِّن قَبۡلِكَ مِنۡهُم مَّن قَصَصۡنَا عَلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّن لَّمۡ نَقۡصُصۡ عَلَيۡكَۗ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأۡتِيَ بِ‍َٔايَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ فَإِذَا جَآءَ أَمۡرُ ٱللَّهِ قُضِيَ بِٱلۡحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ٧٨﴾.

ای پیامبر! به یقین که الله أ پیش از تو پیامبرانی را به سوی اقوام‌شان فرستاد، چنان‌چه از احوال بعضی به تو خبر داده و از بعضی خبر نداده است. همه این پیامبران رسالت خویش را انجام دادند، اما هیچ‌یک توان این را نداشته که برای قومش معجزه، آیۀ شرعی، و یا آیۀ کونیی را بدون خواستۀ خداوند متعال بیاورد. در نهایت کار، وقتی نزول عذاب فرا رسد حق‌تعالی بین پیامبران و تکذیب کنندگان به عدل حکم می‌کند و در نتیجه تکذیب کنندگانی که بر خداوند سبحان افترا کردند هلاک می‌شوند و به جزای اعمال خویش یعنی عذاب الهی گرفتار می‌شوند.

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَنۡعَٰمَ لِتَرۡكَبُواْ مِنۡهَا وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ٧٩﴾.

ای انسان‌ها! الله أ خداوند یگانه‌ای است که چار پایان را برای‌تان آفرید و منافعی را در وجود آن‌ها برای شما مقرّر داشت. از آن جمله اینکه بر پشت بعضی سوار می‌شوید و از گوشت برخی می‌خورید. این‌ها نعمت‌هایی است که واجب است در برابر آن‌ها از پروردگار سبحان شکر گزاری شود.

﴿وَلَكُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ وَلِتَبۡلُغُواْ عَلَيۡهَا حَاجَةٗ فِي صُدُورِكُمۡ وَعَلَيۡهَا وَعَلَى ٱلۡفُلۡكِ تُحۡمَلُونَ ٨٠﴾.

همچنان در وجود چارپایان برای شما منافع زیادی نهفته است؛ مانند اینکه از پوست، موی، کُرک و پشم آن‌ها استفاده می‌نمایید. و نیز برای این آفریده شده‌اند که توسط آن‌ها مقاصد دل خود مانند سفر به جای‌های دور را بر آورده سازید؛ چنان‌چه کالاهای تجارتی خود را در خشکی به وسیلۀ همین چارپایان و در دریا توسط کشتی‌ها انتقال می‌دهید.

﴿وَيُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ فَأَيَّ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُنكِرُونَ ٨١﴾.

خداوند أ براهین و دلایلی را برای شما نشان می‌دهد که به یگانگی، عظمت و صُنع نیکویش دلالت می‌کند، اکنون از کدام یک از این براهین و دلایل انکار می‌کنید و برای شما پوشیده و ناشناخته است؟ همه این دلایل واضح و آشکار است.

﴿أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَانُوٓاْ أَكۡثَرَ مِنۡهُمۡ وَأَشَدَّ قُوَّةٗ وَءَاثَارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٨٢﴾.

آیا کافران در اطراف زمین به سیر و سیاحت نپرداختند تا در آثار بدکارانی که خداوند یگانۀ قهّار آنان را هلاک ساخته بیندیشند؟ آنان نسبت به کافران کنونی از تعدّد افراد، ازدیاد وسایل، برخورداری از امکانات، داشتن ساختمان‌ها، دسترسی به صنایع و زراعت و مانند این امور نیرومندتر بودند. امّا قوّت، وسایل و امکاناتی که داشتند عذاب الهی را از آنان دفع نکرد، بلکه حق‌تعالی آنان را به هلاکت و تباهی رساند.

﴿فَلَمَّا جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَرِحُواْ بِمَا عِندَهُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٨٣﴾.

آنگاه که پیامبران † براهین دلالت کننده بر یگانگی و قدرت خداوند متعال را برای این کافران آوردند؛ از روی نادانی و غرور به دانش خویش که با براهین پیامبران معارضه داشت اظهار شادمانی کردند. در نتیجه عقوبت و عذابی را که در برابر تمسخر پیامبران و استهزا به آیات الهی مستحق بودند بر آنان فرود آمد.

این آیه دلالت دارد بر اینکه هر عملی که با شریعت پیامبر ج مخالفت داشته باشد زیان آور و زشت است.

﴿فَلَمَّا رَأَوۡاْ بَأۡسَنَا قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَحۡدَهُۥ وَكَفَرۡنَا بِمَا كُنَّا بِهِۦ مُشۡرِكِينَ ٨٤﴾.

اما آنگاه که کافران مجازات پروردگار یگانۀ قهّار را مشاهده کنند اقرار می‌نمایند و می‌گویند: به خداوند عزیز و آمرزگار ایمان آوردیم و به همه معبودان باطل که از سنگ و چوب اند کافر هستیم، ولی اکنون اقرار به اوتعالی برای آنان فایده‌ای ندارد.

﴿فَلَمۡ يَكُ يَنفَعُهُمۡ إِيمَٰنُهُمۡ لَمَّا رَأَوۡاْ بَأۡسَنَاۖ سنّت ٱللَّهِ ٱلَّتِي قَدۡ خَلَتۡ فِي عِبَادِهِۦۖ وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨٥﴾.

ایمان کافران در این هنگام برای آنان مفید نیست؛ زیرا بعد از گذشت وقت خود و در هنگامی است که خواری و ذلّت را مشاهده می‌کنند. سنّت الهی طوری است که چون به کافران عذاب فرود آید، ایمان آنان فایده‌ای ندارد؛ چون ایمان جبری و اضطراری است. در آن هنگام عذاب و مجازات خداوند أ فرا می‌رسد و دشمنان منکر و ستیزه گرش به هلاکت می‌رسند.

سورۀ فصلت

مکی است؛ ترتیب آن 41؛ شمار آیات آن 54

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿حمٓ ١﴾.

حا. میم؛ از جملۀ حروف مقطعات است و خداوند أ به مراد خویش در ارائۀ آن‌ها در کلامش داناتر است.

﴿تَنزِيلٞ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٢﴾.

این کتاب با حکمت وحیی از جانب خداوند أ است که آن را بر پیامبر بزرگوارش نازل کرده است. فرود آورندۀ آن پروردگار رحمانی است که رحمتش همه چیز را فرا گرفته است؛ ذات رحیمی که هر یک از بندگانش را که خواسته به رحمتش مخصوص ساخته است.

﴿كِتَٰبٞ فُصِّلَتۡ ءَايَٰتُهُۥ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا لِّقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ٣﴾.

قرآن کریم کتابی است که آیاتش بیان شده، احکامش واضح گردیده و معجزاتش آشکار شده است. خداوند أ آن را به فصیح‌ترین زبان فرود آورده تا در هنگام تلاوت به آسانی و وضاحت فهمیده شود.

﴿بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا فَأَعۡرَضَ أَكۡثَرُهُمۡ فَهُمۡ لَا يَسۡمَعُونَ ٤﴾.

این قرآن مؤمنان را به پاداش مژده می‌دهد و کافران را از عذاب می‌ترساند، امّا بیشتر مردم از قرآن کریم رو گشتاندند و آن را ترک نمودند؛ زیرا آیات آن به منظور فهمیدن، پذیرش و استجابت نمی‌شود.

﴿وَقَالُواْ قُلُوبُنَا فِيٓ أَكِنَّةٖ مِّمَّا تَدۡعُونَآ إِلَيۡهِ وَفِيٓ ءَاذَانِنَا وَقۡرٞ وَمِنۢ بَيۡنِنَا وَبَيۡنِكَ حِجَابٞ فَٱعۡمَلۡ إِنَّنَا عَٰمِلُونَ ٥﴾.

کافران برای پیامبر ج گفتند: دل‌های ما از دانستن چیزهایی که تو آورده‌ای در ورای حجابی قرار دارد و گوش‌های ما را ناشنوایی فرا گرفته است. بنابراین آنچه را می‌گویی نمی‌شنویم و میان ما و تو پرده‌ای است که ما را از پیروی و پذیرش سخنت حایل شده است. پس تو به روش و دین خویش که آن را آوردی عمل کن و ما را با روش ما و دین پدران ما رها بگذار.

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَٱسۡتَقِيمُوٓاْ إِلَيۡهِ وَٱسۡتَغۡفِرُوهُۗ وَوَيۡلٞ لِّلۡمُشۡرِكِينَ ٦﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: واقعیت این است که من مانند شما انسانی هستم و فرشته‌ای نمی‌باشم، اما با این فرق که خداوند أ بر من وحی فرو فرستاده و مرا پیام آورش مقرّر داشته است. من شما را به سوی این اندیشه فرا می‌خوانم که هیچ معبودی جز پروردگار یگانه وجود ندارد؛ پروردگاری که در ربوبیت، الوهیت، نام‌ها و صفاتش یگانه است و شریکی ندارد. راه مستقیم را در پیش گیرید که شما را به اوتعالی وصل می‌گرداند، یعنی راه توحید را که همه پیامبران به سویش فرا خواندند و برای گناهان خویش از خدا آمرزش بخواهید. وای باد بر کافران که به حق‌تعالی چیزهای دیگر را شریک می‌آورند.

﴿ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ٧﴾.

کافرانی که نماز و زکات را ترک نمودند، آفریگار را عبادت نکردند، به مخلوقات نفعی نرساندند و به زنده شدن بعد از مرگ تکذیب کردند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ مَمۡنُونٖ ٨﴾.

به راستی که برای مؤمنان نیکوکار پاداش عظیم و نعمت‌های جاودانی آماده شده که نه قطع می‌شود نه از آن باز داشت می‌شوند.

﴿قُلۡ أَئِنَّكُمۡ لَتَكۡفُرُونَ بِٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡأَرۡضَ فِي يَوۡمَيۡنِ وَتَجۡعَلُونَ لَهُۥٓ أَندَادٗاۚ ذَٰلِكَ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٩﴾.

ای پیامبر! عملکرد کافران را تقبیح کن و برای آنان بگو: آیا شما به خداوند أ کافر می‌شوید؛ در حالی که او زمین را در مدّت دو روز آفرید؟ آیا معبودان باطل را به حق‌تعالی شریک می‌آورید؟ او پروردگاری است که نام‌های پاک دارد و به تنهایی همه جهان را با انسان‌ها و موجودات آفریده است؟

﴿وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِيَ مِن فَوۡقِهَا وَبَٰرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَآ أَقۡوَٰتَهَا فِيٓ أَرۡبَعَةِ أَيَّامٖ سَوَآءٗ لِّلسَّآئِلِينَ ١٠﴾.

خداوند أ کوه‌های ثابت و مستحکمی را در روی زمین مقرّر داشت تا آن را از اضطراب نگه دارد، زمین را با انواع امور خیر، چون روزی‌ها و میوه‌ها برکت بخشید و نیازهای مخلوقات مانند غذا، آب، پوشاک، هوا و دوا را در مدّت چهار روز مقدّر ساخت. آری! آفرینش زمین در دو روز صورت پذیرفته و در دو روز دیگر آفرینش کوه‌ها و تقدیر سایر امکانات انجام شد و این پاسخ علمی سؤالی است که در این مورد مطرح می‌شود.

﴿ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ وَهِيَ دُخَانٞ فَقَالَ لَهَا وَلِلۡأَرۡضِ ٱئۡتِيَا طَوۡعًا أَوۡ كَرۡهٗا قَالَتَآ أَتَيۡنَا طَآئِعِينَ ١١﴾.

بعد از آن خداوند متعال به سوی آسمان استوا نمود؛ یعنی به سویش قصد کرد و هنوز دود بود. حق‌تعالی برای آسمان و زمین گفت: به رضا یا به زور، به امر من منقاد شوید. آن دو گفتند: با طیب نفس به امرت منقاد و رام هستیم، توانی نداریم که از امرت مخالفت ورزیم و اراده‌ای نیست که با اراده‌ات مخالفتی داشته باشد. سبحان الله! آسمان و زمین با این قوت و بزرگی خود منقاد و فرمانبرداری فرمان خداوند أ شدند، چگونه انسان ضعیف و ناتوان به پیشگاهش منقاد نمی‌گردد و رام نمی‌شود!

﴿فَقَضَىٰهُنَّ سَبۡعَ سَمَٰوَاتٖ فِي يَوۡمَيۡنِ وَأَوۡحَىٰ فِي كُلِّ سَمَآءٍ أَمۡرَهَاۚ وَزَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِمَصَٰبِيحَ وَحِفۡظٗاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ١٢﴾.

خداوند متعال آفرینش آسمان‌های هفتگانه را حکم کرد و کار آن‌ها در دو روز تمام شد و استحکام یافت، بدین ترتیب آفرینش آسمان‌ها و زمین، مدّت شش روز را دربر گرفت؛ هرچند حق‌تعالی توانا بود آن‌ها را در یک لحظه با کلمۀ «کُن» بیافریند. بعد از آن خداوند بزرگ آنچه را می‌خواست در هر آسمانی وحی کرد و امر نمود. اوتعالی آسمان دنیا را با ستاره‌های روشن زینت بخشید، طوری که هم وسیلۀ زینتش شدند و هم آن را از شیطان‌هایی که استراق سمع را اراده داشته باشند نگه ‌می‌دارند. این آفرینش با استحکام را خداوندی مقدّر نموده که در پاد شاهی‌اش با عزّت است، مطیعانش را عزیز می‌سازد و از عصیانگرانش انتقام می‌گیرد. او ذات دانایی است که هیچ امر پوشیده‌ای از او پنهان نیست، با عزّتش نیرومند و به حکمش داناست.

﴿فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ فَقُلۡ أَنذَرۡتُكُمۡ صَٰعِقَةٗ مِّثۡلَ صَٰعِقَةِ عَادٖ وَثَمُودَ ١٣﴾.

ای پیامبر! اگر کافران بعد از ارائۀ حق باز هم تکذیب نمودند، آنگاه آنان را به عذاب هولناکی بیم ده که همه را هلاک و تباه می‌سازد؛ همچنان که قوم عاد و ثمود با کفر و تکذیب خود به چنین عذابی گرفتار و هلاک شدند.

﴿إِذۡ جَآءَتۡهُمُ ٱلرُّسُلُ مِنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۖ قَالُواْ لَوۡ شَآءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ فَإِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ١٤﴾.

آنگاه که پیامبران به تعقیب یک دیگر و بدون انقطاع به سوی قوم عاد و ثمود آمدند و آنان را به توحید باریتعالی و طاعتش فراخواندند، تکذیب کنندگان پیامبران گفتند: اگر خداوند اراده داشت که ما تنها او را پرستش کنیم و به او شریک نیاوریم، از آسمان بر ما فرشتگانی را فرو می‌فرستاد تا ما را به سوی توحید فراخوانند و انسانی مانند ما را نمی‌فرستاد. بنابراین به چیزی که ما را بدان فرا می‌خوانید تکذیب می‌کنیم و سخنان‌تان را تصدیق نمی‌نماییم.

﴿فَأَمَّا عَادٞ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَقَالُواْ مَنۡ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةًۖ أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِي خَلَقَهُمۡ هُوَ أَشَدُّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗۖ وَكَانُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ ١٥﴾.

اما قبیلۀ عاد که قوم هود ÷ بودند بر مردم تکبّر ورزیده بودند، خود را در روی زمین برتر می‌دانستند و با تکبّر و عناد می‌گفتند: کسی از ما نیرومندتر نیست. آیا این گروه نادان ندانستند که آفریدگاری که همه را از عدم به وجود آورده در نیرومندی و قدرت از آنان بزرگتر است؟ این جاهلان از براهین قدرت الهی انکار می‌ورزیدند و دلایل یگانگی‌اش را رد می‌کردند.

﴿فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا صَرۡصَرٗا فِيٓ أَيَّامٖ نَّحِسَاتٖ لِّنُذِيقَهُمۡ عَذَابَ ٱلۡخِزۡيِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَخۡزَىٰۖ وَهُمۡ لَا يُنصَرُونَ ١٦﴾.

خداوند متعال باد نیرومند و تندی را که آوازی قوی و مهیب داشت، در روزهای ناخوشایند و ترس آوری بر قبیلۀ عاد فرستاد تا عذاب خواری و ذلّت را در دنیا بچشد. اما عذاب آتش دوزخ آخرت در نزد خداوند أ خواری، ذلّت و زیان بیشتری را به همراه دارد و در آن روز کسی نیست که عذاب الهی را از آنان دفع کند.

﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيۡنَٰهُمۡ فَٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡعَمَىٰ عَلَى ٱلۡهُدَىٰ فَأَخَذَتۡهُمۡ صَٰعِقَةُ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡهُونِ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ١٧﴾.

اما برای قبیلۀ ثمود یعنی قوم صالح ÷ نیز خداوند متعال راه مستقیم را واضح ساخت و به روش میانه و راست رهنمایی‌شان نمود. آنان سرکشی و گمراهی را بر هدایت بر گزیدند و در نتیجه صاعقه عذاب خوار کننده و زیان آوری به سبب اعمال بد کفر و گناه هلاکشان ساخت.

﴿وَنَجَّيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ١٨﴾.

خداوند أ از عذابی که به قوم عاد و ثمود رسید، مؤمنان و پیروان را نجات داد؛ آنان‌که از اوتعالی می‌ترسیدند و با پرهیزگاری از وی اطاعت می‌نمودند.

﴿وَيَوۡمَ يُحۡشَرُ أَعۡدَآءُ ٱللَّهِ إِلَى ٱلنَّارِ فَهُمۡ يُوزَعُونَ ١٩﴾.

کافران در روز قیامت به سوی آتش دوزخ رانده می‌شوند و زبانیه نخستین و آخرین افراد آنان را جمع می‌آورد؛

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا مَا جَآءُوهَا شَهِدَ عَلَيۡهِمۡ سَمۡعُهُمۡ وَأَبۡصَٰرُهُمۡ وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٢٠﴾.

تا اینکه کافران به نزد آتش دوزخ می‌رسند و از اعمال بدی که انجام داده‌اند انکار می‌نمایند. در این هنگام گوش‌ها، چشم‌ها و پوست‌های آنان به اعمالی که انجام داده‌اند گواهی می‌دهند.

﴿وَقَالُواْ لِجُلُودِهِمۡ لِمَ شَهِدتُّمۡ عَلَيۡنَاۖ قَالُوٓاْ أَنطَقَنَا ٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَنطَقَ كُلَّ شَيۡءٖۚ وَهُوَ خَلَقَكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٢١﴾.

کافران برای پوست‌های وجود خود، هنگامی که بر عملکرد آنان گواهی می‌دهند می‌گویند: برای چه به گناهانی که ما انجام دادیم گواهی دادید؟ به پاسخ می‌گویند: خداوند أ ما را به سخن در آورده است؛ خدایی که هرچیزی را به سخن می‌آورد. او که شما را نخستین بار هنوز که چیزی نبودید آفرید و باز بعد از مردن، برای حساب دهی به سوی او باز می‌گردید.

﴿وَمَا كُنتُمۡ تَسۡتَتِرُونَ أَن يَشۡهَدَ عَلَيۡكُمۡ سَمۡعُكُمۡ وَلَآ أَبۡصَٰرُكُمۡ وَلَا جُلُودُكُمۡ وَلَٰكِن ظَنَنتُمۡ أَنَّ ٱللَّهَ لَا يَعۡلَمُ كَثِيرٗا مِّمَّا تَعۡمَلُونَ ٢٢﴾.

شما در وقت ارتکاب گناهان، از ترس اینکه مبادا گوش‌ها، چشم‌ها و پوست‌ها در روز قیامت بر شما گواهی دهند پنهان کاری نمی‌کردید، بلکه گمان می‌کردید که بسیاری از اعمال بد شما بر خداوند أ پوشیده خواهد ماند.

﴿وَذَٰلِكُمۡ ظَنُّكُمُ ٱلَّذِي ظَنَنتُم بِرَبِّكُمۡ أَرۡدَىٰكُمۡ فَأَصۡبَحۡتُم مِّنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٢٣﴾.

همان گمان بدی که به خداوند متعال داشتید و می‌پنداشتید که به بسیاری از اعمال شما دانا نیست شما را هلاک ساخت و در روز قیامت از کسانی شدید که خود و اهل‌شان را زیانمند ساختند.

﴿فَإِن يَصۡبِرُواْ فَٱلنَّارُ مَثۡوٗى لَّهُمۡۖ وَإِن يَسۡتَعۡتِبُواْ فَمَا هُم مِّنَ ٱلۡمُعۡتَبِينَ ٢٤﴾.

اکنون اگر کافران بر عذاب صبر نمایند آتش دوزخ جای بود و باش و استقرار آنان است و بر آن صبر ممکن نیست. امّا اگر رجعت به سوی دنیا را به منظور توبه بخواهند، هرگز پذیرفتنی نیست و توبه و عذر آنان قبول نمی‌شود.

﴿وَقَيَّضۡنَا لَهُمۡ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُواْ لَهُم مَّا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ وَحَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ فِيٓ أُمَمٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِم مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ خَٰسِرِينَ ٢٥﴾.

خداوند پاک هم‌نشینان و همراهانی از شیطان‌های انسی و جنّی را برای کافران مهیّا کرده تا گناهان و اعمال بد را در دنیا برای آنان نیکو جلوه دهند، آنان را به انجام محرّمات و شهوات وا داشته و از طاعات باز دارند، اموری غیر از مسأله آخرت را در نظر آنان زینت بخشند، یاد آخرت را فراموش‌شان سازند و نتیجه به زنده شدن بعد از مرگ و حساب اعمال کافر شوند. حق‌تعالی بر این واجب گردانیده که به سبب کفر و گناهان انجام شدۀ خویش با امّت‌های پیشین از گروه انسان‌ها و جنّیان به دوزخ داخل شوند. آری! این کافران، خود و خانواده و عملکرد‌های خویش را زیانمند ساختند.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَسۡمَعُواْ لِهَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ وَٱلۡغَوۡاْ فِيهِ لَعَلَّكُمۡ تَغۡلِبُونَ ٢٦﴾.

بعضی از کافران برای کافران دیگر توصیه کردند و گفتند: به قرآن گوش ندهید، پیروی نکنید، آن را نپذیرید و آنگاه که بر شما خوانده می‌شود با آوازهای زیر و بم بر محمّد بشورید، تا بر او غلبه کنید و قرآن را نخواند و در نهایت با خاموش ساختن و منعش از تلاوت و دعوت بر او پیروز شوید.

﴿فَلَنُذِيقَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَذَابٗا شَدِيدٗا وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَسۡوَأَ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٢٧﴾.

به زودی و بطور قطعی خداوند أ عذاب سختی را برای کافران می‌چشاند. این عذاب در برابر اعمال بدی که انجام داده‌اند، در دنیا با کشته شدن، خواری و ذلّت، و در آخرت به دخول در آتش دوزخ بر آنان اعمال می‌شود و حتماً به سخت‌ترین وجهی در برابر ارتکاب اعمال بد مورد مجازات‌شان قرار می‌گیرند.

﴿ذَٰلِكَ جَزَآءُ أَعۡدَآءِ ٱللَّهِ ٱلنَّارُۖ لَهُمۡ فِيهَا دَارُ ٱلۡخُلۡدِ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ ٢٨﴾.

عذاب کافران آتش دوزخ است که در آن همیشه می‌مانند. این عذاب، جزای تکذیب به آیات الهی و انکار از براهین شریعت اوتعالی است و هر که در باز داشتن مردم از کتاب و سنّت به هر وسیله‌ای بکوشد در این وعید داخل می‌شود.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ رَبَّنَآ أَرِنَا ٱلَّذَيۡنِ أَضَلَّانَا مِنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ نَجۡعَلۡهُمَا تَحۡتَ أَقۡدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ ٱلۡأَسۡفَلِينَ ٢٩﴾.

کافران در حالی که در آتش دوزخ قرار دارند می‌گویند: پروردگارا! شیطان‌های انسی و جنّی را که باعث گمراهی ما شدند به ما نشان بده تا آنان را در طبقۀ پایانی دوزخ در زیر پای خویش نهیم؛ زیرا آنان ما را گمراه ساختند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَبۡشِرُواْ بِٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ٣٠﴾.

به راستی کسانی که می‌گویند: پروردگار ما خداوند است، او را یگانه می‌شناسند، عبادت را برای او خالص می‌سازند، به او چیزی را شریک نمی‌آورند و بعد از آن با انجام اوامر، پرهیز از نواهی و متابعت شایسته از پیامبر ج در دین خدا استقامت می‌ورزند، فرشتگان رحمت در هنگام سختی مرگ، بر چنین افراد نیکوکار فرود می‌آیند و برای‌شان می‌گویند: به آسایشی که پروردگار برای‌تان آماده ساخته شادمان باشید؛ از مرگ و هولناکی بعد از آن نترسید، به دارایی و فرزندانی که در دنیا باقی گذاشتید اندوهناک نباشید و موافق وعدۀ پروردگار صاحب عزّت و جلال، به دخول در بهشت جاودانی که زوال نمی‌پذیرد و از آن انتقال نمی‌یابید شادمان باشید.

﴿نَحۡنُ أَوۡلِيَآؤُكُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَكُمۡ فِيهَا مَا تَشۡتَهِيٓ أَنفُسُكُمۡ وَلَكُمۡ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ٣١﴾.

فرشتگان برای مؤمنان می‌گویند: ما در زندگی دنیا یاوران و دوستان شما بودیم و شما را به امر خداوند أ از هر امر ناخوشایندی نگه می‌داشتیم. در آخرت نیز با شما هستیم و شما را از هر امر ترسناکی مطمئن می‌سازیم. در بهشت‌های پر از نعمت، هر چه نفس‌های‌تان آرزو کند و در نگاه‌تان خوشایند باشد برای‌تان میسّر است؛ یعنی هر خواستۀ شما پذیرفته می‌شود و هر چیزی را که دوست داشته باشید در پیش روی خویش بدون رنج بلکه بطور خوش‌گوار و شفابخش حاضر می‌یابید.

﴿نُزُلٗا مِّنۡ غَفُورٖ رَّحِيمٖ ٣٢﴾.

این همه نعمت‌ها، مهمانیی از جانب خداوندی است که آمرزگار گناهان و بر بندگان مهربان می‌باشد، پس اوست که کارهای بد شما را می‌آمرزد و طاعت‌تان را به رحمتش می‌پذیرد.

﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ قَوۡلٗا مِّمَّن دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ٣٣﴾.

هیچ کسی در جهان نیست که در گفتار خویش نیکوتر از شخصی باشد که به سوی توحید الهی و عبادتش فراخواند، با انجام اعمال نیکو به سوی سنّت پیامبر بزرگوار اسلام دعوت نماید و بگوید که نخست خودم به حکم و شریعت الهی با فروتنی و انقیاد تسلیم هستم.

این آیه به فضلیت دعوت به سوی خداوند أ دلالت دارد و می‌رساند که این کار از والاترین مقام بندگی است و دانشمندانی که با حکمت و موعظۀ حسنه به سوی دین حق دعوت می‌کنند، بهترین افراد جامعۀ انسانی، برترین افراد امّت و محبوبترین بندگان خداوند أ می‌باشند. آری! چنین تزکیه و ستایشی از طرف پروردگار آسمان و زمین برای دعوتگران بسنده است.

﴿وَلَا تَسۡتَوِي ٱلۡحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُۚ ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ فَإِذَا ٱلَّذِي بَيۡنَكَ وَبَيۡنَهُۥ عَدَٰوَةٞ كَأَنَّهُۥ وَلِيٌّ حَمِيمٞ ٣٤﴾.

اعمال نیک ابرار و کار‌های بد اشرار برابر نیستند. احسان، نیکوکاری، گذشت و بردباری با اذیت و آزار رساندن به مردم برابر نمی‌باشند. پس ای مؤمن! کار بد مردم را با بردباری از خود دفع نما، عمل زشت را با کار نیکو، و بدی را با احسان پاسخ بده. با چنین برخوردی دشمنانت به رفیقان و دوستانی تبدیل می‌شوند که با تو محبّت داشته باشند.

﴿وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٖ ٣٥﴾.

چنین اخلاقی را کسی نمی‌تواند لازم بگیرد و عفو و احسان و بردباری با بدکاران را در پیش گیرد؛ مگر شخصی که در برابر ناخوشایندها صبر نماید و خود را از انتقام گرفتن باز دارد، با شریعت الهی برابر سازد و موافق با کتاب الهی و سنّت رسول الله عمل نماید. با این روش هم تنها کسی توفیق می‌یابد و خود را بدان برابر می‌سازد که نصیب بزرگی از سعادت و نیک‌بختی و استقامت و پایداری را به او بخشیده باشند. به راستی که او هر کجا باشد موفّق است و با برکت زندگی می‌نماید.

﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٣٦﴾.

اگر شیطان تو را با دعوت به کارهای بد به وسوسه انداخت و به اعمال ناشایست، آزار مردم و مجازات کار بد با جزای تشویق نمود، به خداوند أ پناه بجوی، با طاعت پروردگار و ترک گناهان به او رجوع نما و به یاد پروردگار تمسّک داشته باش؛ زیرا اوتعالی سخنان و آوازهای شما را می‌شنود، به هر کار و حالی داناست و با شنیدن و دانایی خویش برای دعاکنندگان می‌بخشاید و پناه جویان را پناه می‌دهد.‌

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ ٱلَّيۡلُ وَٱلنَّهَارُ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُۚ لَا تَسۡجُدُواْ لِلشَّمۡسِ وَلَا لِلۡقَمَرِ وَٱسۡجُدُواْۤ لِلَّهِۤ ٱلَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ٣٧﴾.

از براهین کَونی پروردگار که به یگانگی و قدرتش دلالت می‌کند اختلاف شب و روز است که یکی بعد از دیگری می‌آید و نیز اختلاف خورشید و ماه است که با وقتی مشخّص و حکمتی والا جریان دارند و به فرمان خداوند أ مسخّر و رام شده‌اند. پس ای بندگان! برای خورشید و ماه سجده نکنید که هردو مخلوق اند و تحت تدبیر دیگری قرار دارند، بلکه برای خداوندی سجده و عبادت کنید که این مخلوقات را با صُنع بدیعش آفریده است. اگر می‌خواهید او را به گونۀ شایسته عبادت کنید به یگانگی به پرستش او بپردازید.

﴿فَإِنِ ٱسۡتَكۡبَرُواْ فَٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَهُمۡ لَا يَسۡ‍َٔمُونَ ٣٨﴾.

اگر کافران از سجده برای خداوند یگانۀ قهّار تکبّر ورزیدند، فرشتگان ابرار او را در شب و روز تسبیح می‌گویند و از این کار خسته و ملول نمی‌شوند. بناءً بر بنده واجب است مانند فرشتگان همیشه به یاد خداوند أ مصروف باشد.

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلۡأَرۡضَ خَٰشِعَةٗ فَإِذَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡهَا ٱلۡمَآءَ ٱهۡتَزَّتۡ وَرَبَتۡۚ إِنَّ ٱلَّذِيٓ أَحۡيَاهَا لَمُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰٓۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٣٩﴾.

ای انسان! از براهینی که به یگانگی و عظمت خداوند بزرگ دلالت می‌کند این است که زمین در ابتدا خشک و بی‌آب و علف است. امّا آنگاه که خداوند أ آب را از آسمان بر آن فرود می‌آورد، به اذن پروردگار سبز می‌شود و گل‌ها، درخت‌ها و سبزه‌ها را می‌رویاند و در آن نباتات و علف‌ها رشد می‌کند و بلند می‌شود. یقیناً آفریدگاری که زمین را زنده می‌کند به زنده کردن دوبارۀ انسان‌ها از قبرها بعد ازمردن‌شان تواناست؛ زیرا او بر هر چیزی قدرت دارد وهیچ امردی او را عاجز کرده نمی‌تواند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُلۡحِدُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا لَا يَخۡفَوۡنَ عَلَيۡنَآۗ أَفَمَن يُلۡقَىٰ فِي ٱلنَّارِ خَيۡرٌ أَم مَّن يَأۡتِيٓ ءَامِنٗا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ ٱعۡمَلُواْ مَا شِئۡتُمۡ إِنَّهُۥ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ٤٠﴾.

یقیناً کسانی که از آیات الهی انکار می‌نمایند و از ایمان به خداوند أ اعراض می‌کنند، به خدای رحمن کافر می‌شوند و قرآن کریم را تکذیب می‌نمایند، اعمال و کردار آنان بر خداوند یگانۀ دیّان پوشیده نیست. او به کارهای آنان دانا و بر اعمال‌شان آگاه است. اکنون آیا تکذیب کننده‌ای که در آتش انداخته می‌شود بهتر است یا مؤمن تصدیق کننده‌ای که در روز قیامت می‌آید و از عذاب حق‌تعالی در امن است، به رحمتش داخل است و در بهشتش مستقر می‌باشد؟ ای کافران منکر! هرچه می‌خواهید انجام دهید، به راستی که خداوند أ به اعمال و کردار شما دانا و آگاه است، هیچ کار پوشیده‌ای از او پنهان نیست و هر کس را موافق عملش جزا می‌دهد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِٱلذِّكۡرِ لَمَّا جَآءَهُمۡۖ وَإِنَّهُۥ لَكِتَٰبٌ عَزِيزٞ ٤١﴾.

کسانی که با تکذیب به آیات قرآن انکار ورزیدند و بدان ایمان نیاوردند، به عذاب و هلاکت گرفتار می‌آیند. یقیناً قرآن کریم کتاب عزّتی است و از جایگاه عالی و بلندی برخوردار است، از زیادت و نقصان محفوظ است و از تحریف و تبدیل مصون می‌باشد؛ بدان سبب که خداوند أ آن را نگه می‌دارد.

﴿لَّا يَأۡتِيهِ ٱلۡبَٰطِلُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَلَا مِنۡ خَلۡفِهِۦۖ تَنزِيلٞ مِّنۡ حَكِيمٍ حَمِيدٖ ٤٢﴾.

به قرآن کریم از هیچ جانبی باطل راه نمی‌یابد. در براهین و احکامش، در مواعظ و داستان‌هایش و در مثل‌ها و بیانش باطل راه ندارد و از تحریف و تبدیل محفوظ است. این کتاب را خداوندی بر پیامبرش کرده که در آفرینش و صُنعش با حکمت، در صفات و افعالش ستوده و در برابر نعمت‌ها و احسان‌هایش قابل ستایش است.

﴿مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدۡ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبۡلِكَۚ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغۡفِرَةٖ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٖ ٤٣﴾.

ای پیامبران! کافران برای تو چیز تازه‌ای نمی‌گویند، بلکه سخنانی همانند کافران گذشته برای پیامبران پیشین را ارائه می‌دارند؛ آنان‌که به تکذیب و استهزای پیامبران خویش می‌پرداختند. پس در برابر اذیت آنان صبر کن و بر مشکلات تبلیغ رسالت خویش استقامت داشته باش؛ زیرا پروردگار تو برای کسی که از سرکشی توبه کند، بسیار آمرزنده است و کسی را که به کفر و تکذیب اصرار ورزد، سخت مجازات می‌کند.

﴿وَلَوۡ جَعَلۡنَٰهُ قُرۡءَانًا أَعۡجَمِيّٗا لَّقَالُواْ لَوۡلَا فُصِّلَتۡ ءَايَٰتُهُۥٓۖ ءَا۬عۡجَمِيّٞ وَعَرَبِيّٞۗ قُلۡ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ هُدٗى وَشِفَآءٞۚ وَٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ فِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٞ وَهُوَ عَلَيۡهِمۡ عَمًىۚ أُوْلَٰٓئِكَ يُنَادَوۡنَ مِن مَّكَانِۢ بَعِيدٖ ٤٤﴾.

اگر خداوند أ قرآن کریم را به زبان غیر عربی بر پیامبرش نازل می‌کرد، کافران می‌گفتند: به چه دلیل آیات قرآن به زبان عربی برای ما بیان نشده و چرا به زبان عجمی است، حال آنکه پیامبران از مردم عرب است؟ ای پیامبر! برای کافران بگو: قرآن هدایتی است که مؤمنان را از گمراهی نجات می‌دهد و شفایی است که دل‌های‌شان را از شکّ و اضطراب و شبهات شفا می‌بخشد. اما گوش‌های تکذیب گران از فهم قرآن ناشنوا و دل‌های آنان از دانستن و پذیرش آن کور است؛ زیرا هر باری که آن را می‌شنوند، به تکذیب می‌پردازند و گمراهی آنان زیاد می‌شود. وقتی این کافران به سوی ایمان فراخوانده می‌شوند؛ مانند کسی هستند که از جای دوری آواز داده شود و در نتیجه نه آواز دعوتگر را می‌شنود و نه سخن ندا کننده را می‌پذیرد.

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ فَٱخۡتُلِفَ فِيهِۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۚ وَإِنَّهُمۡ لَفِي شَكّٖ مِّنۡهُ مُرِيبٖ ٤٥﴾.

مسلّماً خداوند أ تورات را برای موسی ÷ داده بود، همچنان قرآن را بر محمّد ج عطا نموده است و بنی اسرایئل در تورات اختلاف ورزیدند؛ یعنی برخی آن را تصدیق نمودند و بعضی دیگر به تکذیبش پرداختند. اگر الله أ تأجیل در عذاب کافران را مقدّر نکرده بودی، در حال به هلاکت کافران حکم می‌کرد و آنان را مهلت نمی‌داد. به راستی که کافران دربارۀ قرآن شک دارند و در حیرت به سر می‌برند؛ از آن‌رو که در دل‌های آنان تکذیب جای گرفته است.

﴿مَّنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَسَآءَ فَعَلَيۡهَاۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ٤٦﴾.

هر که از خداوند متعال بترسد و با اخلاص و اعمال صالح از سنّت پیامبر ج پیروی کند، کار نافعی را انجام داده و فایدۀ اعمال وی به خودش برمی‌گردد. همچنان کسی که خدا و رسولش را نافرمانی نماید، ضرر عملکرد او به خودش باز می‌گردد و جزای آن بر خودش واقع شدنی است. پروردگار منّان بر مردم ستمگار نیست که از اعمال نیکوی نیکوکاران بکاهد و یا بر اعمال زشت بدکاران افزایش دهد.

﴿۞إِلَيۡهِ يُرَدُّ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِۚ وَمَا تَخۡرُجُ مِن ثَمَرَٰتٖ مِّنۡ أَكۡمَامِهَا وَمَا تَحۡمِلُ مِنۡ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلۡمِهِۦۚ وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ أَيۡنَ شُرَكَآءِي قَالُوٓاْ ءَاذَنَّٰكَ مَامِنَّا مِن شَهِيدٖ ٤٧﴾.

علم روز قیامت و اینکه چه وقت به وقوع می‌پیوندد و چه اموری در آن انجام می‌شود، تنها و تنها به خداوند متعال مربوط است، همچنان هیچ میوه‌ای از جایگاهش برنمی‌آید، هیچ زنده‌جان ماده‌ای باردار نمی‌شود و هیچ بارداری وضع حمل نمی‌کند، مگر اینکه به علم و تقدیر خداوند أ صورت می‌پذیرد و از همه این‌ها چیزی بر اوتعالی پوشیده نست. روزی که حق‌تعالی به گونۀ توبیخ به کافران ندا درمی‌دهد و می‌پرسد: کجا هستند شریکانی که آن‌ها را در عبادت به من شریک می‌ساختید؟ کافران جواب داده می‌گویند: امروز برایت اعلان می‌داریم که هیچ‌یک از ما به وجود خدای دیگری که با تو شریک باشد گواهی نمی‌دهد، پس تنها تو معبودی بر حق هستی و برایت شریکی وجود ندارد، امّا این شهادتی است که بعد از گذشت وقتش صورت می‌گیرد.

﴿وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَدۡعُونَ مِن قَبۡلُۖ وَظَنُّواْ مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٖ ٤٨﴾.

در آن هنگام معبودان باطل کافران نابود شده، از آنان جدا گردیده و کافران یقین کردند که از عذاب خداوند أ گریخته نمی‌توانند. آری! نجات از عذاب پروردگار جز در پناه اوتعالی میسّر نیست.

﴿لَّا يَسۡ‍َٔمُ ٱلۡإِنسَٰنُ مِن دُعَآءِ ٱلۡخَيۡرِ وَإِن مَّسَّهُ ٱلشَّرُّ فَيَ‍ُٔوسٞ قَنُوطٞ ٤٩﴾.

بنده از اینکه امور خوشایند دنیوی را از پروردگارش بخواهد ملول و خسته نمی‌شود؛ زیرا زندگی را دوست می‌دارد و بر خوبی‌ها حریص است. اما آنگاه که برایش ضرر و مصیبتی برسد، از مهربانی و رحمت خداوند أ مأیوس و ناامید می‌شود، به اوتعالی بد گمان می‌گردد و رفع مشکلات را دور می‌پندارد.

﴿وَلَئِنۡ أَذَقۡنَٰهُ رَحۡمَةٗ مِّنَّا مِنۢ بَعۡدِ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُ لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةٗ وَلَئِن رُّجِعۡتُ إِلَىٰ رَبِّيٓ إِنَّ لِي عِندَهُۥ لَلۡحُسۡنَىٰۚ فَلَنُنَبِّئَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِمَا عَمِلُواْ وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنۡ عَذَابٍ غَلِيظٖ ٥٠﴾.

آنگاه که خداوند أ با پدید آوردن گشایشی بعد از دشواری و آسانیی بعد از سختی بر بنده نعمت ارزانی می‌کند به احسان الهی اعتراف نمی‌نماید، بلکه ادّعا می‌کند که به خاطر لیاقت و شایستگی‌اش به او داده شده است. او عقیده ندارد که قیامت فرا می‌رسد و به فرض اینکه قیامت بر پا شود، می‌پندارد که بهشت‌های پر از نعمت در نزد پروردگار برای او مهّیاست. به زودی حق‌تعالی برای کافران از گناهانی که انجام دادند خبر می‌دهد به خاطر تکذیب آنان به وعد و وعید الهی، عذاب سختی را برای آنان می‌چشاند.

﴿وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَ‍َٔابِجَانِبِهِۦ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٖ ٥١﴾.

آنگاه که خداوند متعال با اعطای تندرستی، مال، جاه و دیگر چیزها به انسان احسان کند، از عبادت پروردگار و انقیاد به حق تکبّر می‌ورزد. امّا آنگاه که به سختی و دشواری دچار شود، در دعا و رجوع به پروردگار بسیار می‌کوشد تا سختی دور شود و مشکل وی مرفوع گردد؛ یعنی در دشواری پروردگارش را می‌شناسد و در آسایش انکار می‌نماید.

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كَانَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ثُمَّ كَفَرۡتُم بِهِۦ مَنۡ أَضَلُّ مِمَّنۡ هُوَ فِي شِقَاقِۢ بَعِيدٖ ٥٢﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: به من خبر دهید اگر قرآن وحی الهی باشد و شما به آن تکذیب کنید، چه کسی از شما ستمگارتر و گمراه‌تر خواهد بود؟ محقّقًا هیچ‌کس نمی‌باشد؛ زیرا شما با حق مخالفت ورزیدید و از راه صواب اجتناب کردید و بسیار از هدایت دوری گزیدید.

﴿سَنُرِيهِمۡ ءَايَٰتِنَا فِي ٱلۡأٓفَاقِ وَفِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّۗ أَوَ لَمۡ يَكۡفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ٥٣﴾.

به زودی خداوند أ مردم را به براهین یگانگی و قدرتش که در اطراف آسمان‌ها و زمین وجود دارد آگاه می‌سازد، صُنع بدیع و آفرینش عجیبش را برای ایشان نشان می‌دهد و اسرار قدرت و عجایب تکوینش را برای آنان طوری می‌نمایاند که عقل‌ها را به شگفت وا می‌دارد تا برای هر که شک دارد بیان دارد که قرآن حقّ است و پیامبر ج راستگوی است. آیا برای کافران کافی نیست که اوتعالی گواهی می‌دهد بر اینکه قرآن وحیی از جانب اوست و محمّد ج پیامبری است که از طرف وی مبعوث شده است؟ آری! شهادتی بزرگتر از گواهی خداوند پاک وجود ندارد و او بهترین گواهی است که شهادت داده بر اینکه قرآن حق است و رسالت آن حضرت حقیقت دارد.

﴿أَلَآ إِنَّهُمۡ فِي مِرۡيَةٖ مِّن لِّقَآءِ رَبِّهِمۡۗ أَلَآ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيۡءٖ مُّحِيطُۢ ٥٤﴾.

آگاه باش که کافران در مسألۀ زنده شدن بعد از مرگ و حساب روز جزا شکّ و تردید دارند. آگاه باش که خداوند أ از نگاه عمل، نگهداری، تقدیر و شمارش امور به هر چیزی احاطه دارد؛ چنان‌که هیچ امر غایبی از او پنهان نیست و هیچ کاری از او پوشیده نمی‌ماند.

سورۀ شوری

مکی است؛ ترتیب آن 42؛ شمار آیات آن 53

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿حمٓ ١﴾.

حا. میم؛ مثل دیگر حروف مقطعات است؛ یعنی الله أ به مراد خویش در نزول آن‌ها داناتر است.

﴿عٓسٓقٓ ٢﴾.

عین. سین. قاف؛ علم این حروف را که از جملۀ مقطّعات اند به کسی می‌سپاریم که آن‌ها را نازل فرموده و در معنای آن‌ها خود را به تکلّف نمی‌اندازیم.

﴿كَذَٰلِكَ يُوحِيٓ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٣﴾.

ای پیامبر! همچنان که قرآن کریم بر تو نازل شده بر پیامبران پیش از تو نیز کتاب‌های فرود آمده و خداوند أ به ایشان وحی نموده است. الله أ ذات با عزتی است که کسی با او زور آزمایی و محاربه کرده نمی‌تواند، بر همه تسلّط دارد، دوستانش را عزّت می‌بخشد و دشمنانش را ذلیل می‌سازد. او در آفرینش و صُنعش و درتدبیر و شریعتش با حکمت است.

﴿لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٤﴾.

همه موجودات آسمان‌ها و زمین از نگاه آفرینش و روزی دادن و تدبیر امور تنها و تنها مملوک اوتعالی است. خداوند پاک به ذات و قدرتش و به قهر و غلبه‌اش بلند مرتبه است. او واقعاً بر عرش خویش استوا دارد، در نام‌ها و صفاتش بزرگ است و عظمت، بزرگواری و عزّت مخصوص اوست.

﴿تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِن فَوۡقِهِنَّۚ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِمَن فِي ٱلۡأَرۡضِۗ أَلَآ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٥﴾.

نزدیک است که آسمان‌های هفتگانه که یکی بالای دیگر قرار دارد، با ضخامت و استحکام بنای خویش، از عظمت حق‌تعالی دونیمه شوند، فرشتگان الهی پروردگار را از اموری که سزاوار او نیست منزّه می‌دانند، اوتعالی را به همه اوصاف نیکو ستایش می‌کنند و از وی می‌خواهند گناهان فرزندان مؤمن آدم را بیامرزد. آگاه باشید که پروردگار سبحان برای کسی که به او رجوع نماید بسیار آمرزنده است و به توبه کنندگان مهربان است؛ یعنی که مجازات را از آنان باز می‌گرداند و پاداش نیکو عنایت‌شان می‌کند.

﴿وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيۡهِمۡ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٖ ٦﴾.

خداوند أ به اعمال مشرکان که غیر اوتعالی را پرستش می‌کنند آگاه است، همه را برمی‌شمارد و نگه می‌دارد تا در روز جزا با آنان محاسبه نماید. ای پیامبر! تو نگهبان و برشمارندۀ اعمال آنان نیستی که برای آنان جزا دهی، بلکه تبلیغ کنندۀ پیام حق‌تعالی می‌باشی تا حجّت را بر آنان اقامه کنی. از این رو رساندن پیام الهی کار تو و حساب اعمال کار الله أ است.

﴿وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا لِّتُنذِرَ أُمَّ ٱلۡقُرَىٰ وَمَنۡ حَوۡلَهَا وَتُنذِرَ يَوۡمَ ٱلۡجَمۡعِ لَا رَيۡبَ فِيهِۚ فَرِيقٞ فِي ٱلۡجَنَّةِ وَفَرِيقٞ فِي ٱلسَّعِيرِ ٧﴾.

ای پیامبر! همچنان که خداوند أ به سوی پیامبران پیشین وحی فرستاد، به سوی تو هم قرآن را به زبان عربی وحی نموده تا اهل مکه و سایر نواحی جهان در اطراف مکّه را بیم دهی و مردم را در صورت عدم ایمان از عذاب روز قیامت بترسانی؛ از عذاب روزی که الله أ مردم اوّلین و آخرین را جمع می‌نماید و حتماً واقع شدنی است. در آن روز بندگان دو گروه اند: اهل ایمان که در بهشت‌های پر از نعمت اند و اهل کفر که در دوزخ برافروخته قرار دارند. بنابراین هر که به خویشتن خیر اندیش است، باید خود را با طاعت پروردگار، پیروی از رسول و توشۀ اعمال نیکو از آتش دوزخ نجات دهد.

﴿وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَهُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن يُدۡخِلُ مَن يَشَآءُ فِي رَحۡمَتِهِۦۚ وَٱلظَّٰلِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ ٨﴾.

اگر خداوند متعال اراده کند که همه بندگان را به پذیرش اسلام متّفق سازد، به این کار تواناست و ایشان را امتی هدایت شده می‌گرداند. اما او اراده دارد مطیعان را که از هدایتش پیروی نمایند به رحمتش مخصوص سازد و کسانی را که کافر شوند و پیامبر را تکذیب کنند براساس عدلش عذاب نماید. کسی نیست که در روز قیامت به امور کافران رسیدگی نماید و عذاب را از آنان دفع نماید؛ یعنی در آن روز شفاعتگر، یاور و دوست صمیمی برای آنان وجود ندارد.

﴿أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَۖ فَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡوَلِيُّ وَهُوَ يُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٩﴾.

بلکه کافران خدایانی را برگزیدند و عبادت می‌کنند که می‌پندارند به امور آنان رسیدگی می‌نمایند؛ حال آنکه تنها خداوند أ در امور تصرّف دارد، او را ولی خویش می‌دانند و به عبادتش می‌پردازند. اوتعالی هم با رعایت و هدایتش در امورشان تصرّف می‌نماید و تنها اوست که مرده گان را برای حساب گرفتن زنده می‌نماید. او بر هر کاری تواناست، هیچ امری بر او دشوار نیست و هیچ قدرتی او را عاجز کرده نمی‌تواند.

﴿وَمَا ٱخۡتَلَفۡتُمۡ فِيهِ مِن شَيۡءٖ فَحُكۡمُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبِّي عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ ١٠﴾.

ای بندگان! در هر امری از امور دین و مسایل شریعت که اختلاف ورزیدید با ردّ آن به کتاب و سنّت، حکم خدا و رسول درباره‌اش صادر می‌شود. این حاکم عدل، پروردگار، آفریدگار، روزی دهنده و تدبیر کنندۀ امور من و شماست. به او اعتماد می‌کنم و تمسّک می‌جویم، امورم رابه او می‌سپارم و در همه شؤون زندگی خود به او باز می‌گردم؛ یعنی او مبدأ و معاد همه چیز است و زندگی و مردنم برای او می‌باشد.

﴿فَاطِرُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا وَمِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ أَزۡوَٰجٗا يَذۡرَؤُكُمۡ فِيهِۚ لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ١١﴾.

تنها و تنها خداوند متعال آفریدگار آسمان‌ها و زمین است. او آن‌ها را به نیکویی و استحکام خلق کرد، زنان را برای مردان از جنس انسانی‌شان آفرید تا میان هردو جنس استقرار نفسی و آرامش روحی پدید آید. همچنان در آفرینش چهار پایان، جفت‌های نر و ماده را مقرّر داشت که به سبب ایجاد جنس نر و ماده، نسل افزونی حاصل می‌کند و نوع بقا می‌یابد. هیچ چیزی از مخلوقات به خداوند پاک همانند نیست و هیچ چیزی در ذات، صفات، نام‌ها و افعال با اوتعالی مشابهت ندارد. نام‌های او همه نیکو و صفاتش همه بلند است، افعالش همه با حکمت است و او شنوای هر آواز و سخن، و بینای هر حال و عملی است.

﴿لَهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ١٢﴾.

پادشاهی آسمان‌ها و زمین مخصوص خداوند أ است و کلیدهای خزانه‌های روزی، رحمت و علم به دست اوست. روزی هر که از بندگانش را که بخواهد گشایش می‌دهد و بر هر که بخواهد تنگ می‌سازد. اوتعالی به هر چیزی داناست و از جمله می‌داند که چی کسی سزاوار توانگری و ناداری، چه کسی سزاوار هدایت و گمراهی و چی کسی مستحق و چه کسی مستحق دانایی و نادانی است و با حکمت خویش هر یک از این اوصاف را در جایش می‌نهد.

﴿۞شَرَعَ لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحٗا وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ وَمَا وَصَّيۡنَا بِهِۦٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰٓۖ أَنۡ أَقِيمُواْ ٱلدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُواْ فِيهِۚ كَبُرَ عَلَى ٱلۡمُشۡرِكِينَ مَا تَدۡعُوهُمۡ إِلَيۡهِۚ ٱللَّهُ يَجۡتَبِيٓ إِلَيۡهِ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِيٓ إِلَيۡهِ مَن يُنِيبُ ١٣﴾.

خداوند أ دینی را برای بندگانش مشروع ساخته و به پیامبرش وحی فرستاده که عبارت از دین اسلام است و آیینی است که آن را به نوح ÷پیش از آنکه بدان فرا خواند و عمل کند توصیه داشته بود و نیز ابراهیم، موسی و عیسی † را وصیت نموده بود تا بدان عمل کنند. این پنج تن پیامبران اولوالعزم اند که خداوند أ ایشان را مأمور ساخت با انجام اوامر او تعالی، چون توحید و عبادت، و پرهیز از نواهی‌اش به اقامۀ شعائر دین بپردازند و نیز ایشان را از اختلاف و تنازع در دین نهی کرده است؛ زیرا تفرقه دشمنی را به بار می‌آورد. ای پیامبر! فراخوانی کافران به سوی توحید و اخلاص عبادت برای خداوند أ در نظر آنان بزرگ می‌آید. اوتعالی هر که از بندگانش را که بخواهد به پذیرش ایمان برمی‌گزیند و هر که با توبه و استغفار به سویش باز گردد به سوی هدایت توفیقش می‌دهد.

﴿وَمَا تَفَرَّقُوٓاْ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى لَّقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُورِثُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ لَفِي شَكّٖ مِّنۡهُ مُرِيبٖ ١٤﴾.

کافران در معتقدات خود به گروه‌ها و احزاب گوناگون تقسیم نشدند، مگر بعد از اینکه با فرستادن پیامبران و نازل شدن کتاب‌ها برای آنان علم حاصل شد و حجّت اقامه گردید. این بدان سبب بود که بعضی بر بعضی دیگر بغاوت کردند و حسد ورزیدند. اگر خداوند أ در تقدیر از پیش تعیین شده‌اش تأخیر عذاب تا روز قیامت را بر کافران مقرّر نمی‌داشت عقوبت بر آنان را در دنیا بطور عاجل حکم می‌نمود. به راستی کسانی از یهود و نصاری که علم تورات و انجیل را به میراث بردند در برابر ایمان و رسالت پیامبر ج شکّ و تردید دارند؛ چنان‌که این شکّ و تردید، آنان را به منازعۀ حرام و اختلاف ناپسند کشانده است.

﴿فَلِذَٰلِكَ فَٱدۡعُۖ وَٱسۡتَقِمۡ كَمَآ أُمِرۡتَۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡۖ وَقُلۡ ءَامَنتُ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِن كِتَٰبٖۖ وَأُمِرۡتُ لِأَعۡدِلَ بَيۡنَكُمُۖ ٱللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمۡۖ لَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡۖ لَا حُجَّةَ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُۖ ٱللَّهُ يَجۡمَعُ بَيۡنَنَاۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ١٥﴾.

ای پیامبر! پس مردم را به سوی دین اسلام که دین پیامبران † است فراخوان و با انجام اوامر و اجتناب از نواهی الهی مطابق امر و توصیه‌اش استقامت داشته باش. چنین عملکردی موافق به علم و پیروی از شریعت است؛ نه بدعت گرایی. اما از آرای گمراه کنندۀ کافران متابعت منما، بلکه به وحی نازل شده تمسّک بجوی؛ زیرا تمسّک به وحی و دور انداختن آرای مخالفش اصل بزرگی از اصول شریعت است و بگو که من به همه کتاب‌هایی که خداوند أ بر پیامبرانش نازل کرده تصدیق می‌نمایم و حق‌تعالی مرا فرمان داده که در میان شما به عدالت حکم کنم. ما پاداش اعمال نیک خود را درمی‌یابیم و شما جزای اعمال خویش را در خواهید یافت و بعد از قیامت حجّت و آشکار شدن حق، بین ما و شما جدال و خصومتی لازم نیست. پروردگار سبحان همه ما را جمع می‌آورد تا روز قیامت در امور اختلافی میان ما و شما حکم نماید. ما به سوی اوتعالی برمی‌گردیم و آنگاه از اعمال هر کس حساب می‌گیرد و مطابق اعمالش جزا می‌دهد.

﴿وَٱلَّذِينَ يُحَآجُّونَ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ٱسۡتُجِيبَ لَهُۥ حُجَّتُهُمۡ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمۡ وَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ وَلَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٌ ١٦﴾.

کسانی که بعد از پذیرش توحید و دعوت الهی توسط بندگان، در یگانگی خداوند أ که آن را پیامبر ج آورده است مخاصمه می‌کنند حجّت و دلیل آنان در نزد اوتعالی باطل و مردود است، مورد خشم حق‌تعالی قرار می‌گیرند و برای آنان عذاب درد آوری مقرّر است؛ چون کافر شدند و مردم را از راه خدا باز داشتند.

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ وَٱلۡمِيزَانَۗ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ قَرِيبٞ ١٧﴾.

الله أ خداوندی است که قرآن و سایر کتاب‌های نازل شده بر پیامبران را فرو فرستاده است، همچنان میزان را که عبارت از عدالت در همه چیزهاست نازل فرموده تا مردم آن را بر خود حَکَم قرار دهند. تو چه می‌دانی، شاید قیامت نزدیک شده باشد و به قیام آن چیزی نمانده باشد.

﴿يَسۡتَعۡجِلُ بِهَا ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِهَاۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مُشۡفِقُونَ مِنۡهَا وَيَعۡلَمُونَ أَنَّهَا ٱلۡحَقُّۗ أَلَآ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُمَارُونَ فِي ٱلسَّاعَةِ لَفِي ضَلَٰلِۢ بَعِيدٍ ١٨﴾.

کافران تکذیب کنندۀ قیامت با استهزا و تمسخر، قیام آن را به عجله خواستار می‌شوند، اما مؤمنان چون هول انگیزی قیامت را می‌شنوند، از برپایی آن ترسناک می‌باشند و عقیده دارند که حقّ است و در آن شکی وجود ندارد. آگاه باش که هر که در برپایی قیامت شک داشته باشد و در آن جدال نماید، در گمراهی دور از حق به سر می‌برد.

﴿ٱللَّهُ لَطِيفُۢ بِعِبَادِهِۦ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ ١٩﴾.

خداوند متعال به بندگانش لطف بسیار دارد، به امور خوشایند وصل‌شان می‌سازد و امور ناخوشایند را از ایشان بازمی‌دارد. اوتعالی با حکمت بزرگش روزی را به هر که از بندگان بخواهد فراخ می‌سازد و به هر که بخواهد تنگ می‌گرداند. او ذات نیرومندی است که کسی با او توان زور آزمایی و محاربه را ندارد و از قوّت و نیرومندی‌اش این است که دشمنانش را شکست می‌دهد. او ذات با عزّتی است که در قلمروش ستم نمی‌کند، با عزّت خویش دوستانش را عزیز می‌سازد و با عظمت خود عصیانگرانش را خوا می‌گرداند.

﴿مَن كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلۡأٓخِرَةِ نَزِدۡ لَهُۥ فِي حَرۡثِهِۦۖ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلدُّنۡيَا نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِن نَّصِيبٍ ٢٠﴾.

کسی که با علم و دانش خود پاداش اخروی را اراده کند و با اخلاص در اعمال برای رضای اوتعالی بکوشد خداوند أ با ایجاد برکت در عملش او را به طاعات توفیق می‌بخشد و پاداش حسناتش را از ده برابر تا بی‌نهایت بالا می‌برد. اما کسی که با علمش دنیا را اراده داشته باشد و با فراموشی آخرت پاداش اخروی را از نزد خداوند أ طلب ننماید حق‌تعالی از متاع دنیوی آنچه را برایش مقدّر کرده عطا می‌کند، ولی در نزد وی پاداشی ندارد؛ زیرا مزدش را در دنیا عطا کرده و چنین شخصی در واقع محروم و شکست خورده است.

﴿أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْ شَرَعُواْ لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا لَمۡ يَأۡذَنۢ بِهِ ٱللَّهُۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةُ ٱلۡفَصۡلِ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۗ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٢١﴾.

آیا برای کافران شریکانی است که مسلک کفر و گمراهی را که دین غیر مشروع الهی است برای آنان اختراع کرده باشد؟ اگر خداوند أ مهلت در مجازات کافران را مقدّر نکرده بودی، آنان را طور عاجل مجازات می‌نمود و عذاب را بر آنان حواله می‌داشت. به یقین که کافران به عذاب درد آور آتش دوزخ گرفتار می‌شوند.

﴿تَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ مُشۡفِقِينَ مِمَّا كَسَبُواْ وَهُوَ وَاقِعُۢ بِهِمۡۗ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي رَوۡضَاتِ ٱلۡجَنَّاتِۖ لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمۡۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ ٢٢﴾.

کافران را در روز قیامت می‌بینی به خاطر جزای اعمال بد کفر و معاصیی که در دنیا انجام داده‌اند خایف و ترسناک اند و به بدترین وجهی به عذاب گرفتار می‌شوند. اما مؤمنان صالحی که مطیع پروردگار و پیرو رسول الله ج هستند در باغ‌های بهشت جاودان، با نعمت و شادمانی به سر می‌برند. در آنجا هر چه بخواهند و نفس‌های‌شان میل داشته باشد برای‌شان میسّر است و خداوند أ فضل و کرمش را بر ایشان فراوان می‌سازد. این کرامت‌ها و نعمت‌ها، کامیابی بزرگ و بهره‌مندی بی‌نهایتی است که توصیفش بلندتر از بیان است؛ زیرا ایشان به هر چیز دوست داشتنی، مطلوب و مرغوبی رسیده از هر امر ناخوشایند و ناپسندی نجات یافته‌اند.

﴿ذَٰلِكَ ٱلَّذِي يُبَشِّرُ ٱللَّهُ عِبَادَهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِۗ قُل لَّآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ أَجۡرًا إِلَّا ٱلۡمَوَدَّةَ فِي ٱلۡقُرۡبَىٰۗ وَمَن يَقۡتَرِفۡ حَسَنَةٗ نَّزِدۡ لَهُۥ فِيهَا حُسۡنًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ شَكُورٌ ٢٣﴾.

نعمت‌های جاودانی که خداوند أ برای بندگانش در بهشت وعده کرده بشارتی است که به وسیلۀ آن دوستانش را مژده می‌دهد؛ یعنی برای کسانی است که تنها از اوتعالی اطاعت و از پیامبرش متابعت کردند. ای پیامبر! برای کافران بگو: من از شما در برابر تبلیغ رسالتم مزد و پاداشی نمی‌خواهم؛ زیرا پاداش من بر خداست. امّا مراعات خویشاوندی و صلۀ رحم را از شما توقُّع دارم. آری! خویشاوندی آنان با پیامبر ج حقّ نیکی‌رسانی، احترام و قدرشناسی برای آن حضرت را ثابت می‌ساخت. هر که عمل نیکی را انجام دهد پروردگار منّان پاداش عملش را ده چند یا بیشتر از آن عطا می‌نماید، به یقین که حق‌تعالی بسیار آمرزنده است و گناهان تائبان را می‌آمرزد؛ شکور است و پاداش نیکوکاران و اخلاصمندان را عطا می‌کند. اوتعالی با آمرزگاری‌اش گناهان را نابود می‌گرداند و با شکر پذیری خویش نیکی‌ها را چند برابر می‌سازد.

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗاۖ فَإِن يَشَإِ ٱللَّهُ يَخۡتِمۡ عَلَىٰ قَلۡبِكَۗ وَيَمۡحُ ٱللَّهُ ٱلۡبَٰطِلَ وَيُحِقُّ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٢٤﴾.

آیا کافران می‌گویند: پیامبر بر خداوند أ دروغ بست و ادعا می‌کند که اوتعالی بر او وحی فرستاده و به رسالتش بر گزیده و می‌پندارد که به او چیزی وحی نشده و نه به رسالت مبعوث نگردیده است؟ ای پیامبر! اگر تو چنین کاری را انجام می‌دادی پروردگار سبحان بر مبنای خواسته‌اش بر دلت مهر می‌نهاد، باطل را محو و نابود می‌ساخت و حق را با کلمات و وعدۀ تخلّف نا پذیرش ثابت و پایدار می‌داشت. بنابراین باطل نابود شدنی است؛ هر چند که دوام و انسجام یابد و حق پیروز و مورد تأیید پروردگار است؛ هرچند با آن مقابله صورت گیرد و رد شود. خداوند أ به راز دل‌های بندگان دانا و به امور پنهانی نفس‌ها و ضمایرشان آگاه می‌باشد و هیچ چیزی از او غایب نیست.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَيَعۡفُواْ عَنِ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ وَيَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ ٢٥﴾.

خداوند متعال ذاتی است که توبۀ تائبان را می‌پذیرد؛ یعنی اعمال نیک‌شان مورد قبولش قرار می‌گیرد و اعمال بدشان را می‌بخشد. اوتعالی به اعمال نیک و بد بندگان داناست، هیچ کاری بر او پوشیده نیست و قطعاً از اعمال‌شان حساب می‌گیرد.

﴿وَيَسۡتَجِيبُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضۡلِهِۦۚ وَٱلۡكَٰفِرُونَ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞ ٢٦﴾.

مؤمنان نیکوکار با اجابت دعوت پروردگار به اوامر اوتعالی عمل می‌نمایند و از نواهی‌اش می‌پرهیزند. خداوند أ نیز احسانش را بر آنان مزید می‌گرداند؛ بدین‌گونه که برای تحصیل هدایت و علم، و رزق و روزی توفیق‌شان می‌دهد و حسنات‌شان را زیاده می‌گرداند، امّا برای کافران در نزد پروردگار یگانۀ قهّار، عذاب آتش دوزخ و جایگاه بدی آماده شده است.

﴿۞وَلَوۡ بَسَطَ ٱللَّهُ ٱلرِّزۡقَ لِعِبَادِهِۦ لَبَغَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَٰكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٖ مَّا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرُۢ بَصِيرٞ ٢٧﴾.

اگر خداوند أ رزق و روزی را برای بعضی از بندگانش فراخ سازد به سبب دارایی و ثروت بر دیگران فخر فروشی می‌کنند، تکبّر می‌ورزند، زورمند می‌شوند و در زمین دست به فساد می‌زنند. امّا حق‌تعالی با تقدیر و حکمت خویش به اندازۀ کفایت برای‌شان عطا می‌نماید؛ زیرا به مصلحت بندگانش داناست، اوتعالی با خبر است که از دارایی و ناداری و از تندرستی و بیماری، کدام یک به حال بندگانش مناسبتر می‌باشد و نیز به رعایت شؤون، تدبیر احوال و تصرّف در زندگی‌شان بیناست.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ مِنۢ بَعۡدِ مَا قَنَطُواْ وَيَنشُرُ رَحۡمَتَهُۥۚ وَهُوَ ٱلۡوَلِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ٢٨﴾.

خداوند یگانه ذاتی است که با فرود آوردن باران از آسمان بعد از ناامیدی مردم از نزول باران، به فریاد بندگان و شهرها می‌رسد. او رحمتش را بر مخلوقات و بندگانش فرو می‌ریزد تا همه سیراب شوند، با تصرّف مهربانانه در امور، شؤون حیات‌شان را مراعات می‌نماید و با لطف خویش مورد احسانشان قرار می‌دهد، در ولایت و رعایتش ستوده است و صفات شایسته و کمال مخصوص اوست.

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَآبَّةٖۚ وَهُوَ عَلَىٰ جَمۡعِهِمۡ إِذَا يَشَآءُ قَدِيرٞ ٢٩﴾.

از براهنیی که به قدرت، یگانگی و عظمت خداوند أ دلالت می‌کند آفرینش آسمان‌ها و زمین است که با وسعت، ضخامت و استحکام، بدون اینکه مثال سابقی داشته باشند آفریده شده‌اند و نیز از آن دلایل، آفرینش انواع مخلوقاتی است که در زمین می‌خزند. اوتعالی به جمع آوری و اعادۀ آن‌ها وقتی که بخواهد تواناست تا آنان را برای حساب اعمال در روز جزا جمع نماید، هیچ چیزی او را عاجز کرده نمی‌تواند و هیچ امری بر او دشوار نیست.

﴿وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٖ فَبِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖ ٣٠﴾.

ای بندگان! آنچه از مصیبت‌ها در امور دین و دنیا به شما می‌رسد به سبب گناهان و خطاهایی است که مرتکب می‌شوید؛ هرچند خداوند پاک بسیاری گناهان‌تان را می‌بخشد و شما را بدان مؤاخذه نمی‌نماید.

﴿وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ ٣١﴾.

ای بندگان! شما خداوند متعال را ناتوان ساخته نمی‌توانید و توان گریختن از تحت سلطه‌اش را ندارید، بلکه زیر فرمان قهر و پادشاهی او قرار دارید. کسی جز اوتعالی نیست که در شؤون حیات و امور زندگی‌تان تصرّف کند و جز او هیچ‌کس نمی‌تواند نا خوشایندها را از شما دفع نماید و مشکلات را دور سازد.

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ ٱلۡجَوَارِ فِي ٱلۡبَحۡرِ كَٱلۡأَعۡلَٰمِ ٣٢﴾.

از براهین و دلایل قدرت و نیروی بی‌نهایت زورمندانۀ حق‌تعالی کشتی‌هایی است که بر روی آب دریاها مانند کوه‌ها جریان می‌یابد.

﴿إِن يَشَأۡ يُسۡكِنِ ٱلرِّيحَ فَيَظۡلَلۡنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهۡرِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٍ ٣٣﴾.

هرگاه خداوند أ اراده کند که باد را ساکن سازد تا حرکت نکند و کشتی‌ها را به تحرک وا ندارد، همه بر روی آب ساکن و راکد می‌مانند و توان حرکت را ندارند. یقیناً حرکت و ایستایی کشتی‌ها و وزیدن و توقُّف بادها، براهین و دلایل واضحی است که به قدرت و یگانگی الله أ دلالت می‌کند؛ البته در نگاه کسانی که بر انجام طاعات و پرهیز از نواهی استقامت داشته باشند، در برابر تقدیرات رنج آور الهی صابر باشند و به امور خیر و بخشش‌های الهی شکرگزار باشند.

﴿أَوۡ يُوبِقۡهُنَّ بِمَا كَسَبُواْ وَيَعۡفُ عَن كَثِيرٖ ٣٤﴾.

و اگر خداوند أ اراده کند به سبب گناهان مردم، کشتی‌ها را در دریا غرق می‌نماید، امّا از گناهان زیادی گذشت می‌کند و صاحبان آن‌ها را مؤاخذه نمی‌کند، بلکه آنان را مورد عفو و بخشش خود قرار می‌دهد.

﴿وَيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٖ ٣٥﴾.

کسانی که در براهین وحداینت خداوند أ خصومت می‌ورزند، آنگاه که عذاب آنان را فراگیرد حتماً خواهند دانست که گریزگاه و نجاتی ندارند و پناه‌گاهی از این عذاب برای آنان وجود ندارد.

﴿فَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ٣٦﴾.

آنچه را خداوند متعال از داریی، فرزندان، جاه و جلال و سایر چیزها برای‌تان روزی داده متاع فناشدنی است که به زندگی دنیا مربوط است و دوامی ندارد، امّا آنچه در نزد خداوند أ برای بندگان صالحش وجود ‌دارد نیکوتر و ماندگارتر است. آری! نعمت‌های پروردگار از متاع دنیا بهتر و ماندگارتر است؛ چون با کرامت و شایستگی والا در بهشت‌های جاودان و جایگاه راستینی دوام و استمرار دارد و فناپذیر نیست. این نعمت‌ها را برای کسانی مهیّا کرده که با ایمان به پروردگار بر اوتعالی توکّل ورزیده امور خویش را به وی سپرده باشند.

﴿وَٱلَّذِينَ يَجۡتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡفَوَٰحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُواْ هُمۡ يَغۡفِرُونَ ٣٧﴾.

همچنان نعمت‌های جاودانی یاد شده برای کسانی آماده شده که از گناهان کبیره یعنی معاصیی که به حدّ زشتی و پلدیی رسیده بپرهیزند. این گروه افرادی‌اند که در برابر برخوردهای خشم آور دیگران گذشت را در پیش می‌گیرند، بردبار‌ند و دست به انتقام نمی‌زنند؛ یعنی با اختیار احسان با خالق و مخلوق، از کار بد پرهیز می‌نمایند و بدکاران را می‌بخشند.

﴿وَٱلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِرَبِّهِمۡ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَمۡرُهُمۡ شُورَىٰ بَيۡنَهُمۡ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣٨﴾.

از صفات این گروه ابرار آن است که دعوت الهی را پذیرفته؛ دعوتی را که توسط کتاب خدا و به زبان رسول خدا ج به ایشان رسیده و آنان را به سوی ایمان و اخلاص عبادت برای خداوند أ فراخوانده است، همچنان نمازهای واجب را طوری کامل به گونه‌ای که مشروع شده ادا می‌نمایند و در امور حیات با یک دیگر مشوره می‌کنند؛ طوری که هیچ کدام رأی خود را بر برادران مسلمان خویش تحمیل نمی‌کنند و در نهایت از آنچه حق‌تعالی برای‌شان از قبیل علم و دانش و مال و جاه عنایت کرده صدقه و انفاق می‌کنند. آری! به وسیلۀ نماز میان خود و پروردگار ارتباط برقرار می‌سازند و با مشوره و نصیحت میان خود و مسلمانان رابطه ایجاد می‌نمایند.

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ ٱلۡبَغۡيُ هُمۡ يَنتَصِرُونَ ٣٩﴾.

اینان مؤمنانی‌اند که در برابر ظلم و ستم به دفاع می‌پردازند و به اندازۀ ستمی که بر ایشان صورت گرفته به احیای حقّ خویش اقدام می‌نمایند؛ مانند اشخاص ترسو ذلّت را نمی‌پذیرند و به ظلم تن نمی‌دهند.

﴿وَجَزَٰٓؤُاْ سَيِّئَةٖ سَيِّئَةٞ مِّثۡلُهَاۖ فَمَنۡ عَفَا وَأَصۡلَحَ فَأَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٠﴾.

آری! جزای عمل بد این است که به اندازه‌اش مجازات صورت گیرد و از آن چیزی زیاده نشود، با این‌هم اگر کسی با بخشش و بردباری از ستمگر گذشت نماید و مجازاتش نکند و با ایجاد ارتباط شایسته با وی دوستی برقرار سازد، خداوند أ او را پاداش می‌دهد و می‌بخاشید. امّا کسانی که با ستم بر مردم بر حقوق‌شان تجاوز نمایند و در هنگام انتقام، از حق خویش زیاده ستانی کنند، پروردگار بزرگ آنان را دوست ندارد.

﴿وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ بَعۡدَ ظُلۡمِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَا عَلَيۡهِم مِّن سَبِيلٍ ٤١﴾.

هر که از شخصی که بر او ستم روا داشته انتقام گیرد و حقّ خویش را باز ستاند، خداوند أ مجازاتش نمی‌کند؛ زیرا به اندازه‌ای که بر او ظلم شده به استیفای حقّش پرداخته است.

﴿إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ يَظۡلِمُونَ ٱلنَّاسَ وَيَبۡغُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٤٢﴾.

بدون شک خداوند أ کسانی را مؤاخذه می‌کند که با تجاوز بر مردم حقوق‌شان را تلف نمایند، با تمایل به باطل در معاملات، بدون حق در روی زمین دست به فساد زنند. برای چنین اشخاصی عذاب درد آوری در آتش دوزخ آماده شده است.

﴿وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ ٤٣﴾.

اما کسی که همّت عالی، مناقب پسندیده و خصایل بزرگواری داشته باشد، در برابر آزار و اذیت صبرنماید و بدی دیگران را بپوشاند خداوند متعال یاد خیر، ستایش نیکو و پاداش بزرگی را برایش عطا می‌نماید.

﴿وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن وَلِيّٖ مِّنۢ بَعۡدِهِۦۗ وَتَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَ يَقُولُونَ هَلۡ إِلَىٰ مَرَدّٖ مِّن سَبِيلٖ ٤٤﴾.

کسی را که خداوند أ به سبب سرکشی و کفرش از هدایت به گمراهی کشاند و از راهیابی باز دارد، هیچ کسی نیست تا از امورش سرپرستی‌کند، به شؤون حیاتش توجّهی داشته باشد، او را بر دشمنانش پیروزی بخشد و ضررها را از او دفع نماید. کافران را در وقت معاینۀ عذاب آتش دوزخ می‌بینی که می‌گویند: آیا راهی برای نجات از آتش دوزخ و بازگشت به دار دنیا وجود دارد تا ایمان بیاوریم و اعمال شایسته‌ای انجام دهیم؟ امّا این امر ناممکن است و وقت توبه و انجام اعمال نیک گذشته است.

﴿وَتَرَىٰهُمۡ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا خَٰشِعِينَ مِنَ ٱلذُّلِّ يَنظُرُونَ مِن طَرۡفٍ خَفِيّٖۗ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَآ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ فِي عَذَابٖ مُّقِيمٖ ٤٥﴾.

کافران را در روز قیامت می‌بینی که با ذلّت و خواری به آتش دوزخ عرضه می‌شوند، در حالی که با ضعف و ذلّت و با چشمان ترسناک به سوی آتش نظر می‌کنند. امّا آنگاه که مؤمنان به بهشت داخل شوند و کافران در آتش دوزخ مشاهده کنند می‌گویند: زیانمندان و هلاک شوندگان حقیقی‌کسانی‌اند که خود و خانوادۀ خویش را در روز قیامت، با گرفتاری در آتش دوزخ دایمی‌در زیان افگندند. آگاه باش که کافران در عذاب و ذلّت همیشگی و دوامداری قرار دارند که فناپذیر نیست و از آنان برنمی‌گردد.

﴿وَمَا كَانَ لَهُم مِّنۡ أَوۡلِيَآءَ يَنصُرُونَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن سَبِيلٍ ٤٦﴾.

برای کافران در آتش دوزخ یاورانی نیست که عذاب خداوند جبّار را از آنان دفع کند. کسی که حق‌تعالی گمراهی و بدبختی را بر او مقدّر کند، راهی برای هدایت و نجاتش وجود ندارد. به یقین که الله أ به سبب کفر چنین شخصی هر راه رساننده به سوی بهشت و خوشنودی خویش را بر او مسدود نموده است.

﴿ٱسۡتَجِيبُواْ لِرَبِّكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۚ مَا لَكُم مِّن مَّلۡجَإٖ يَوۡمَئِذٖ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٖ ٤٧﴾.

ای کافران! پیش از فرا رسیدن قیامت که به تعویق افتادن و ردّ آن ممکن نیست با اختیار توحید باری‌تعالی، اخلاص عبادت برای پروردگار و پیروی از پیامبرش دعوت الهی را پذیرا باشید. ای کافران! از عذاب خداوند أ گریزگاهی ندارید، فرار کرده نمی‌توانید و ممکن نیست که خود را پوشیده دارید تا شما را نشناسند.

این آیه می‌رساند که مبادرت به انجام توبه، اعمال نیکو تأخیر دراین امر از واجبات دینی است؛ زیرا ماندگاری در دنیا تضمین‌شده نیست، روزگار گذران است و در تأخیر کارهای خیر آفاتی وجود دارد.

﴿فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ فَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظًاۖ إِنۡ عَلَيۡكَ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُۗ وَإِنَّآ إِذَآ أَذَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِنَّا رَحۡمَةٗ فَرِحَ بِهَاۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ فَإِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ كَفُورٞ ٤٨﴾.

ای پیامبر! اگر کافران از ایمان و پذیرش دعوت روگشتاندند، خداوند متعال تو را نفرستاده که نگهبان اعمال آنان باشی و بر آن جزای مقرّر داری؛ زیرا وظیفۀ تو تنها رساندن پیام الهی برای آنان است و بس. آنگاه که خداوند أ از رحمتش برای انسان تندرستی و زیبایی، ثروت و روزی و خانواده و فرزندانی را عطا کند با در نظرداشت ظاهر حال، شادمان و مسرور می‌شود. امّا آنگاه که انسان را به سبب گناهانش به محنتی چون بیماری، ناداری، مصیبت و امثال این‌ها گرفتار سازد از نعمت‌های گذشته منکر می‌شود، جز مشقّت‌ها را یادآوری نمی‌نماید و در حالت دشواری روزهای فراوانی را فراموش می‌کند.

﴿لِّلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثٗا وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ ٤٩﴾.

پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن وجود دارد تنها از آن خداوند أ است، هرچه از مخلوقات را اراده کند می‌آفریند، برای برخی از بندگانش ذرّیه‌ای را تنها از جنس مؤنَث می‌بخشاید و برای بعضی از بندگان طبق اراده‌اش فرزندانی تنها از جنس مذکّر عطا می‌کند.

﴿أَوۡ يُزَوِّجُهُمۡ ذُكۡرَانٗا وَإِنَٰثٗاۖ وَيَجۡعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًاۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٞ قَدِيرٞ ٥٠﴾.

امّا آنگاه که حق‌تعالی نخواهد برای‌شان از هردو جنس مذکّر و مؤنث فرزندانی عطا می‌کند و بعضی را هم نازای می‌سازد که ذرّیه‌ای از ایشان باقی نمی‌ماند. یقیناً خداوند أ به مخلوقاتش و به اینکه روی چه حکمتی آن‌ها را به وجود می‌آورد داناست، به آفرینش آنچه اراده کند تواناست، هیچ کاری بر او دشوار نیست و هیچ امری او را عاجز ساخته نمی‌تواند.

﴿۞وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ ٱللَّهُ إِلَّا وَحۡيًا أَوۡ مِن وَرَآيِٕ حِجَابٍ أَوۡ يُرۡسِلَ رَسُولٗا فَيُوحِيَ بِإِذۡنِهِۦ مَا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ عَلِيٌّ حَكِيمٞ ٥١﴾.

برای هیچ انسانی مناسب نیست که الله أ بدون حجاب، بدون واسطه و بالفعل با وی سخن گوید، مگر اینکه به گونۀ وحی از طریق فرشته‌ای به او وحی بفرستد، یا از عقب حجابی با او سخن گوید همچنان که با موسی ÷ سخن زد یا فرشته‌ای را به عنوان فرستاده‌اش به سوی او بفرستد مانند اینکه جبرئیل ÷ به سوی پیامبر ما فرستاده می‌شد و فرشته نه چیزی را که خواسته باشد، بلکه آنچه را الله تعالی اراده کند به او وحی بیاورد. بدون شک خداوند بزرگ از نگاه منزلت و قهرش، در ذات و نام‌ها، و در صفات و افعالش بر بندگان تعالی دارد؛ همچنان که در آفرینش و صُنعش و در حکم و شریعتش با حکمت است.

این آیه صفت کلام را برای حق‌تعالی به گونه‌ای که سزاوار ذات اوست ثابت می‌سازد.

﴿وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ رُوحٗا مِّنۡ أَمۡرِنَاۚ مَا كُنتَ تَدۡرِي مَا ٱلۡكِتَٰبُ وَلَا ٱلۡإِيمَٰنُ وَلَٰكِن جَعَلۡنَٰهُ نُورٗا نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَاۚ وَإِنَّكَ لَتَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٥٢﴾.

ای پیامبر! همچنان که الله أ به پیامبران پیش از تو وحی فرستاد، به تو هم از نزد خویش قرآنی را وحی نموده که در زنده کردن دل‌ها مانند روح برای بدن‌هاست. ای پیامبر! تو پیش از آمدن وحی، چیزی از کتاب‌های پیشین را نمی‌دانستی و به ایمان و امور شریعت آگاهی نداشتی، اما خداوند سبحان برایت از طریق وحی دانایی بخشید و قرآن را به عنوان نوری نازل فرمود که به وسیلۀ آن هرکدام از بندگانش را که اراده کند هدایت می‌کند و از ظلمات کفر، جهل و شبهات بیرون می‌آید. ای پیامبر! تو تنها کسانی را به سوی راه مستقیم یعنی آیین اسلام رهنمایی و هدایت می‌کنی که پروردگار منّان هدایتشان را خواسته باشد. این همان هدایت رهنمایی است؛ زیرا هدایت توفیق مخصوص خداوند أ است.

﴿صِرَٰطِ ٱللَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ أَلَآ إِلَى ٱللَّهِ تَصِيرُ ٱلۡأُمُورُ ٥٣﴾.

راهی که پیامبر ج به سوی آن رهنمایی می‌کند همان راه مستقیم الهی است که الله أ پیامبران و بندگان نیکو کارش را بدان هدایت نموده است. الله تعالی هدایتگر بندگان خویش است، او صاحب اختیار و تدبیر کنندۀ آسمان‌ها و زمین و موجودات میان آن‌هاست که به کاملترین وجهی تدبیر امور آن‌ها را به دست دارد، امور خلایق اعم از نیک و بد به سوی او برمی‌گردد و ایشان را محاسبه می‌نماید؛ یعنی اگر اعمال خیر باشد پاداش نیک و اگر اعمال بد باشد جزای سختی را بر آن مرتّب می‌سازد.

سورۀ زخرف

مکی است؛ ترتیب آن 43؛ شمار آیات آن 89

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿حمٓ ١﴾.

حا. میم؛ از حروف مقطعات است و خداوند متعال به معانی این حروف و به مراد خویش در نزول آن‌ها داناتر می‌باشد.

﴿وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ٢﴾.

الله تعالی به کتابش قرآن کریم که دارای لفظ و معنای واضح است و به ارادۀ خداوند متعال دلالت آشکار دارد سوگند یاد کرده است.

﴿إِنَّا جَعَلۡنَٰهُ قُرۡءَٰنًا عَرَبِيّٗا لَّعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٣﴾.

به راستی خداوند أ قرآن کریم را به زبان عربی نازل کرده تا مردم آن را بفهمند، در آیاتش تدبّر کنند و معانیش را بدانند.

﴿وَإِنَّهُۥ فِيٓ أُمِّ ٱلۡكِتَٰبِ لَدَيۡنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ ٤﴾.

بدون شک قرآن کریم در لوح محفوظ نوشته شده است، کتابی است که در قدر و منزلت خود بلند مرتبه، در لفظ و معنایش مُحکم و عاری از اختلاف و تناقض است.

﴿أَفَنَضۡرِبُ عَنكُمُ ٱلذِّكۡرَ صَفۡحًا أَن كُنتُمۡ قَوۡمٗا مُّسۡرِفِينَ ٥﴾.

آیا به خاطر اینکه از هدایت اعراض کردید و با کفر و گناهان از حدود الهی تجاوز کردید شما را در گمراهی و سرکشی رها کنیم، به سوی شما قرآن را نازل ننماییم و پیامبری را نفرستیم؟ چنین نخواهد بود، بلکه از اقامۀ حجّت ناگزیریم.

﴿وَكَمۡ أَرۡسَلۡنَا مِن نَّبِيّٖ فِي ٱلۡأَوَّلِينَ ٦﴾.

خداوند أ در قرن‌های گذشته پیامبران زیادی را فرستاد تا حجّت را بر آنان اقامه نماید؛ یعنی ای پیامبر! یقیناً پیش از او پیامبرانی آمده‌اند.

﴿وَمَا يَأۡتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٧﴾.

ای پیامبر! هیچ‌یک از انبیا از جانب خداوند أ به نزد کافران پیشین نیامد، مگر اینکه به او تمسخر و استهزا می‌کردند؛ همچنان که قومت با تو چنین برخورد کردند.

﴿فَأَهۡلَكۡنَآ أَشَدَّ مِنۡهُم بَطۡشٗا وَمَضَىٰ مَثَلُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٨﴾.

در نتیجه خداوند متعال تکذیب کنندگان پیشین را که از نگاه نیرو و قوّت خویش از قوم تو ای پیامبر قوی‌تر بودند هلاک نمود و جزای امّت‌های نخستین جاری و نافذ شد؛ زیرا آنان کافر شدند و تکذیب نمودن.

این آیه کافران این امّت را تهدید می‌کند که آنچه امت‌های پیشین رسیده است به شما هم رسیدنی است.

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡعَلِيمُ ٩﴾.

ای پیامبر! اگر از کافران بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ پاسخ می‌دهند که آفریگار آن‌ها خداوند بزرگ است که در پادشاهی خویش غالب، به مخلوقاتش دانا و به احوال هر چیزی آگاه است. بنابراین به ربوبیت خداوند أ ایمان دارند، امّا به الوهیت وی شرک می‌ورزند.

﴿ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ مَهۡدٗا وَجَعَلَ لَكُمۡ فِيهَا سُبُلٗا لَّعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ١٠﴾.

ای مردم! خداوند یگانه ذاتی است که زمین را برای‌تان مانند فرشی هموار داشته، چون گهواره‌ای نموده و برابر ساخته تا بر روی آن زندگی کنید. در روی زمین برای شما راه‌هایی را ایجاد نموده تا به منظور کسب معیشت و طلب روزی، راه رفتن در آن‌ها آسان باشد و به وسیلۀ این راه‌ها به مقاصد دین و دنیا، چون علم تجارت و جهانگردی و امور دیگر آشنا و هدایت شوید.

﴿وَٱلَّذِي نَزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ فَأَنشَرۡنَا بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗاۚ كَذَٰلِكَ تُخۡرَجُونَ ١١﴾.

الله تعالی خداوندی است که از آسمان باران را فرو می‌آورد و در آن حساب و حکمتی را مقدّر داشته است؛ یعنی نه آن طوفانی می‌سازد که غرق کند و نه ناچیز می‌نماید که نیاز‌های زندگی را بر طرف کرده نتواند. به وسیلۀ باران، زمین خشک را سر سبز می‌نماید و انواع میوه‌ها و سبزیجات را بیرو نمی‌آورد که شما و چهارپایان شما از آن‌ها استفاده می‌نمایید. همچنان که پروردگار بزرگ زمین مرده را زنده می‌سازد به همانگونه مرده‌ها را زنده می‌نماید و از قبرهای‌شان برای حساب بیرون می‌آیند.

﴿وَٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡأَزۡوَٰجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلۡفُلۡكِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ مَا تَرۡكَبُونَ ١٢﴾.

و خداوند متعال ذاتی است که انواع انسان‌ها، حیوانات و نباتات را به وجود آورده است و کشتی‌ها و چهار پایانی چون شتر، اسب، قاطر و خرها را آماده ساخته تا در خشکی و دریا به منظور مصالح زندگی خود بر آن‌ها سوار شوید.

﴿لِتَسۡتَوُۥاْ عَلَىٰ ظُهُورِهِۦ ثُمَّ تَذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ رَبِّكُمۡ إِذَا ٱسۡتَوَيۡتُمۡ عَلَيۡهِ وَتَقُولُواْ سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقۡرِنِينَ ١٣﴾.

تا بر این کشتی‌ها و چهار پایان تسلّط یابید و سوار شوید و بعد از آن فضل و احسان خداوند أ را که این مخلوقات و مصنوعات را برای‌تان رام ساخته به یاد آورید و بگویید: به پاکی یاد می‌کنم پروردگاری را که این‌ها را برای ما رام ساخته و اگر اوتعالی این‌ها را برای ما مسخّر نمی‌ساخت، توان تسخیر آن‌ها را نداشتیم.

﴿وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ ١٤﴾.

و همچنان بگویید: ما به سوی پروردگارمان برای حساب اعمال خویش در روز قیامت باز می‌گردیم.

﴿وَجَعَلُواْ لَهُۥ مِنۡ عِبَادِهِۦ جُزۡءًاۚ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَكَفُورٞ مُّبِينٌ ١٥﴾.

کافران از مخلوقات خداوند أ بخشی را برای اوتعالی مقرّر می‌دارند و به طور بهتان و ناحق می‌گویند: فرشتگان دختران خداوند هستند؛ در حالی که اوتعالی از هر چیز بی‌نیاز است. طبیعت انسان این است که از احسان و نعمت‌های پروردگار انکار می‌کند؛ طوری که مشقّت‌ها را برمی‌شمارد و نعمت‌ها را فراموش می‌نماید.

﴿أَمِ ٱتَّخَذَ مِمَّا يَخۡلُقُ بَنَاتٖ وَأَصۡفَىٰكُم بِٱلۡبَنِينَ ١٦﴾.

ای کافران! آیا ادّعا می‌نمایید که خداوند أ از مخلوقاتش دخترانی را برای خود بر گزیده؛ در حالی که او خداوند یگانه‌ای است که چیزی را نزاده، از کسی زاده هم نشده و هیچ کسی همتای او نیست؟ شما از نسبت دختران به خویشتن ناراضی می‌باشید و می‌پندارید که الله أ شما را به داشتن پسران مخصوص ساخته و کرامت بخشیده است؟ این دروغ و افترایی از جانب شماست.

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحۡمَٰنِ مَثَلٗا ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٌ ١٧﴾.

آنگاه که از ولادت دختری به یکی از کافران خبر داده شود از ناخوشایندی خبر ولادتش چهرۀ وی تغییر می‌یابد و سیاه می‌شود، اندوهناک و غمزده می‌گردد. پس چگونه چیزی را که به خود نمی‌پسندید به خداوند نسبت می‌دهید، حق‌تعالی از چنین نسبتی بسیار بلندتر است.

﴿أَوَ مَن يُنَشَّؤُاْ فِي ٱلۡحِلۡيَةِ وَهُوَ فِي ٱلۡخِصَامِ غَيۡرُ مُبِينٖ ١٨﴾.

چگونه دختران را به الله تعالی نسبت می‌دهید، در حالی که دختران خود را می‌آرایند، با زیورات به زیبایی خویش می‌کوشند و توان ندارند در وقت جدل و خصومت استدلال کنند و حجّت‌شان را آشکار سازند.

﴿وَجَعَلُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ ٱلَّذِينَ هُمۡ عِبَٰدُ ٱلرَّحۡمَٰنِ إِنَٰثًاۚ أَشَهِدُواْ خَلۡقَهُمۡۚ سَتُكۡتَبُ شَهَٰدَتُهُمۡ وَيُسۡ‍َٔلُونَ ١٩﴾.

کافران فرشتگان را که بندگان خداوند أ هستند مؤنث مقرّر داشته و گفتند: ایشان دختران خداوند هستند، اوتعالی بلندتر از این است آیا کافران در هنگام آفرینش فرشتگان حضور داشتند و از روی علم گواهی می‌دهند و حکم می‌نمایند که ایشان از جنس مؤنّث‌اند؟! به زودی و بطور قطع الله أ گواهی دروغ و گنهگارانۀ کافران را می‌نویسد و آنان را درباره‌اش مورد بازپرس قرار می‌دهد.

﴿وَقَالُواْ لَوۡ شَآءَ ٱلرَّحۡمَٰنُ مَا عَبَدۡنَٰهُمۗ مَّا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنۡ عِلۡمٍۖ إِنۡ هُمۡ إِلَّا يَخۡرُصُونَ ٢٠﴾.

کافران گفتند: اگر خداوند اراده می‌داشت که ما جز او چیز دیگری را عبادت نکنیم این کار را می‌کرد و مقدّر می‌ساخت. این دلیل و حجّت باطلی است که ارائه داشتند؛ زیرا آنان به علم غیب آگاه نیستند و به قضا و قدر الهی شناخت و معرفتی ندارند. حق‌تعالی با نازل کردن کتاب‌ها و فرستادن پیامبران بر مردم اقامۀ حجّت نموده و برای کافران استدلال عقلی درست و روایت صحیحی که سخن آنان را تأیید نماید وجود ندارد، بلکه این سخن را از روی وهم و گمان و به دروغ می‌گویند.

﴿أَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ كِتَٰبٗا مِّن قَبۡلِهِۦ فَهُم بِهِۦ مُسۡتَمۡسِكُونَ ٢١﴾.

آیا خداوند أ بر کافران کتابی را پیش از قرآن نازل کرده است که به وسیلۀ آن بر پیامبر ج استدلال نمایند و به ادّعای خویش گواهی داشته باشند؟ الله کتابی را بر آنان نازل نکرده و در نزد خود دلیل و دانشی ندارند، بلکه به دروغ ادّعا می‌کنند و براساس وهم و گمان سخن می‌گویند.

﴿بَلۡ قَالُوٓاْ إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّهۡتَدُونَ ٢٢﴾.

بلکه کافران گفتند: ما پدران خویش را بر دین و مذهب سابق در یافتیم. اکنون با پیش گرفتن تقلید به همان روش روانیم، با آنان مخالفت نمی‌ورزیم و از دین‌شان پیروی می‌نماییم.

﴿وَكَذَٰلِكَ مَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّقۡتَدُونَ ٢٣﴾.

ای پیامبر! به همین‌گونه خداوند أ پیامبری را پیش از تو در هیچ قریه‌ای نفرستاد که آنان را از عذاب الهی بترساند و به سوی طاعت و عدم مخالفت امرش فراخواند، مگر سرکردگان اسراف کار و ثروتمندان متکبّر می‌گفتند: ما پدران خویش را بر دین سابق و مذهب ثابتی در یافتیم. اکنون به دین و مذهب آنان تمسّک می‌جوییم و آن را رها نمی‌کنیم. این همان تقلید کور کورانۀ ناپسند است.

﴿۞قَٰلَ أَوَلَوۡ جِئۡتُكُم بِأَهۡدَىٰ مِمَّا وَجَدتُّمۡ عَلَيۡهِ ءَابَآءَكُمۡۖ قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ٢٤﴾.

پیامبر ما ج و سایر پیامبران † برای اقوام خویش که به ردّ شریعت‌شان می‌پرداختند و به دین پدران خود تمسّک می‌جستند گفتند: آیا به دین باطل پدران خود تمسّک می‌جویید، اگرچه آنچه ما آورده‌ایم از دین باطل شما به هدایت و راه نجات بیشتر هدایت و دلالت کند؟ کافران سخن پیامبران را با عناد و تکبّر رد کردند و گفتند: ما به تکذیب آنچه شما از جانب خداوند آورده‌اید می‌پردازیم و از آن انکار می‌نماییم؛ یعنی آنان در کفر ورزیدن از پدران خویش تقلید نمودند، دین حق را رد کردند و به تکذیب پیامبران پرداختند.

﴿فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٢٥﴾.

خداوند أ از این تکذیب کنندگان با خسف و مسخ، با نابود ساختن و غرق کردن و با سایر انواع عذاب انتقام گرفت، پس به انجام سرنوشت گروه منکر و تکذیب کننده تأمّل نما. آری! همه تکذیب کننندگان باید از گرفتاری به چنین عذابی بر حذر باشند؛ زیرا در عملکرد خود با آنان یکسان‌اند.

﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦٓ إِنَّنِي بَرَآءٞ مِّمَّا تَعۡبُدُونَ ٢٦﴾.

از آنگاه یاد کن که ابراهیم ÷ برای پدر گمراه و قوم کافرش گفت: من از خدایان باطل و وهمیّی که شما به عبادت آن‌ها می‌پردازید بیزار هستم. این برائت بر هر مسلمانی واجب است و بدین معناست که از کافران و نحوۀ عبادتشان بیزای جسته به کفری که مرتکب می‌شوند راضی نباشد و با آنان دوستی برقرار نکند.

﴿إِلَّا ٱلَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُۥ سَيَهۡدِينِ ٢٧﴾.

من جز خداوند یگانه‌ای که مرا آفرید و از عدم به وجود آورد چیز دیگری را پرستش نمی‌کنم، او خداوندی است که مرا به زودی به راه راست و دین معتدل هدایت خواهد کرد.

﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةَۢ بَاقِيَةٗ فِي عَقِبِهِۦ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٢٨﴾.

ابراهیم ÷ کلمۀ توحید (لا إله إلا الله) را برای کسانی که بعد از وی می‌آیند به ارث گذاتش و ماندگار ساخت تا مردم به سوی پروردگارشان باز گردند؛ یعنی مفهوم این کلمه را در اندیشۀ خود تحقّق بخشند، عبادت را برای خداوند أ خالص سازند، با توبه و استغفار و ترک کفر و گناهان به اوتعالی رجوع نمایند. آری! این کلمه بزرگ‌ترین رابطه‌ای است که هر مؤمن را با برادرش پیوند می‌دهد و جمع می‌نماید.

﴿بَلۡ مَتَّعۡتُ هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ وَرَسُولٞ مُّبِينٞ ٢٩﴾.

بلکه خداوند أ کافران این امّت و پدران آنان را با دوام حیات و نعمت‌ها بهره مند ساخت و طور عاجل به هلاکت نرساند. آنان را به تأخیر انداخت تا هنگامی که پیامبر بزرگوارش محمّد ج را با کتاب و سنّت مبعوث نمود؛ برای اینکه هدایت را بیان دارد و آنان را به سوی اسلام فراخواند.

﴿وَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ وَإِنَّا بِهِۦ كَٰفِرُونَ ٣٠﴾.

آنگاه که قرآن کریم به گونۀ وحیی از جانب خداوند أ بر پیامبرش آمد کافران گفتند: این قرآن سحر ‌است و وحی نمی‌باشد، ما از آن انکار داریم و بدان ایمان نمی‌آوریم.

﴿وَقَالُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ عَلَىٰ رَجُلٖ مِّنَ ٱلۡقَرۡيَتَيۡنِ عَظِيمٍ ٣١﴾.

کافران گفتند: اگر این قرآن، حقّ و از جانب خداوند أ است، پس چرا آن را بر شخص بزرگ، صاحب جاه و ثروتمندی از اهل مکّه یا طایف نازل نمی‌کند. این سخن را بدان سبب گفتند که پیامبر ج صاحب مال و دارایی نبودند و در نزد آن مردم تفاخر و برتری فقط به دنیا و ثروتمندی بود و بس.

﴿أَهُمۡ يَقۡسِمُونَ رَحۡمَتَ رَبِّكَۚ نَحۡنُ قَسَمۡنَا بَيۡنَهُم مَّعِيشَتَهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَرَفَعۡنَا بَعۡضَهُمۡ فَوۡقَ بَعۡضٖ دَرَجَٰتٖ لِّيَتَّخِذَ بَعۡضُهُم بَعۡضٗا سُخۡرِيّٗاۗ وَرَحۡمَتُ رَبِّكَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ٣٢﴾.

آیا کافران نبوّت را تقسیم می‌نمایند و وضع و تعیین آن را طبق ارادۀ خود می‌طلبند؛ در حالی که خداوند أ داناتر است که رسالتش را در کجا و به چی کسی بسپارد؟ او پروردگاری است که هر کدام از بندگان خواسته باشد به رسالتش برمی‌گزیند. اوتعالی رزق و روزی را میان بندگانش تقسیم می‌نماید، او دنیا را به دوستان و دشمنانش عطا می‌نماید، اما برای رسالت کسی را مخصوص می‌سازد که این منزلت بزرگ و مرتبۀ بلند را سزاوار باشد، به همین‌گونه هدایت را به بندگان صالحی عطا می‌نماید که ایشان را دوست داشته باشد. خداوند أ بعضی از مردم را بر بعضی دیگر در امور دین و دنیا رفعت می‌بخشد، بنابراین بندگان از هم متفاوت‌اند؛ چنان‌چه دانا و نادان، دارا و نادار، امیر و مأمور و تابع و متبوع می‌باشند. این بدان منظور است که بعضی بر بعضی دیگر درجات بالاتری داشته باشند تا برخی سبب معاش دیگری شوند و زندگی در میان مردم قوام یابد؛ زیرا اگر به یک روش می‌بودند در نظام حیات خلل وارد می‌گردید. رحمت خداوند بزرگ با اعطای هدایت، توفیق طاعت، علم نافع و عمل صالح، از مال و منال فانی دنیویی که مردم جمع‌آوری می‌نمایند بهتر است.

﴿وَلَوۡلَآ أَن يَكُونَ ٱلنَّاسُ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ لَّجَعَلۡنَا لِمَن يَكۡفُرُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ لِبُيُوتِهِمۡ سُقُفٗا مِّن فِضَّةٖ وَمَعَارِجَ عَلَيۡهَا يَظۡهَرُونَ ٣٣﴾.

اگر باعث رجوع همه مردم به سوی کفر نمی‌شد، خداوند أ سقف خانه و زینه‌های کافران را که بدان بالا می‌روند از نقره مقرّر می‌داشت؛ از آن‌رو که دنیا بی‌ارزش و حقیر است. اما برای آنکه ناتوانان و نادانان با دیدن مظاهر و زیب و زینت خانه‌های کافران فریب نخورند و از آنان در کفر تقلید ننمایند، الله أ برای کافران این امتیاز را مقرّر نساخت.

﴿وَلِبُيُوتِهِمۡ أَبۡوَٰبٗا وَسُرُرًا عَلَيۡهَا يَتَّكِ‍ُٔونَ ٣٤﴾.

و نیز خداوند أ دروازه‌های خانه‌های کافران را از نقره مقدّر می‌نمود و تخت‌هایی را برای آنان آماده می‌داشت که برا آن‌ها تکیه می‌زدند.

﴿وَزُخۡرُفٗاۚ وَإِن كُلُّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَٱلۡأٓخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ لِلۡمُتَّقِينَ ٣٥﴾.

و نیز حق‌تعالی برای کافران طلای بیش ازحد می‌بخشید. این همه متاع زندگی دنیاست که فانی و زودگذر می‌باشد. اما نعمت‌های آخرت بای دوستان پرهیزگار پروردگار که به طاعات عمل می‌کنند و از گناهان اجتناب می‌نمایند آماده و ذخیره شده است.

﴿وَمَن يَعۡشُ عَن ذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ نُقَيِّضۡ لَهُۥ شَيۡطَٰنٗا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٞ ٣٦﴾.

کسی که از یاد خداوند رحمن، یعنی از کتاب الهی و سنّت پیامبرش روگشتانده با این دو مرجع هدایت نشود و به آن‌ها عمل نکند، خداوند أ شیطانی را مقرّر می‌دارد که او را گمراه ساخته گناهان را برایش خوب جلوه می‌دهد و طاعات را زشت می‌نمایاند. این شیطان، شب و روز با او یکجا می‌باشد، همراه و رفیق اوست و جز به وسیلۀ یاد خداوند رحمن از آن نجات حاصل کرده نمی‌تواند.

﴿وَإِنَّهُمۡ لَيَصُدُّونَهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُم مُّهۡتَدُونَ ٣٧﴾.

به یقین که شیطان‌ها اعراض کنندگان از ذکر خداوند أ را از راه هدایت باز می‌دارند، سرکشی و گناهان را برای آنان نیکو جلوه می‌دهند و طاعات را بد می‌نمایانند. در این حال پیروان شیطان می‌پندارند که در کار و روش خود با هدایت و بینشی همراهند، امّا در گمراهی و سرکشی به سر می‌برند.

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَنَا قَالَ يَٰلَيۡتَ بَيۡنِي وَبَيۡنَكَ بُعۡدَ ٱلۡمَشۡرِقَيۡنِ فَبِئۡسَ ٱلۡقَرِينُ ٣٨﴾.

تا اینکه شخص روگردان از یاد الله أ که شیطان همراهش در دنیا فریبش داده به سوی خداوند متعال باز گردد و مواقف حساب را مشاهده نماید، آنگاه می‌گوید: ای همنشین بد! کاش میان من و تو به اندازۀ میان مشرق و مغرب فاصله و دوری می‌بود. تو بد همنشینی ‌بودی؛ زیرا باطل را برایم زینت بخشیدی، حق را زشت نمایاندی و مرا به بیراهه بردی.

﴿وَلَن يَنفَعَكُمُ ٱلۡيَوۡمَ إِذ ظَّلَمۡتُمۡ أَنَّكُمۡ فِي ٱلۡعَذَابِ مُشۡتَرِكُونَ ٣٩﴾.

ای کافران! امروز همراهی و اشتراک در عذاب با شیطان‌های همنشین‌تان برای شما فایده‌ای ندارد؛ زیرا برای هریک از شما حصۀ کاملی از عذاب مقرّر است و عذاب با ملاحظۀ تعداد شما تقسیم نمی‌شود که بر شما تخفیف یابد.

﴿أَفَأَنتَ تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ أَوۡ تَهۡدِي ٱلۡعُمۡيَ وَمَن كَانَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٤٠﴾.

ای پیامبر! آیا می‌توانی شخصی را که خداوند أ از شنیدن حق ناشنوا ساخته بشنوانی، یا آن کس را که الله تعالی دلش را از راهیابی کور‌کرده رهنمایی کنی و یا کسی را که طور واضح در سرکشی و گمراهی واضح و آشکار به سر می‌برد هدایت کنی؟ تو توان این کار را نداری، تنها و تنها کارت رساندن پیام الهی است و هدایت بر ذمّۀ تو نمی‌باشد.

﴿فَإِمَّا نَذۡهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنۡهُم مُّنتَقِمُونَ ٤١﴾.

ای پیامبر! اگر خداوند أ تو را پیش از پیروزی‌ات بر کافران بمیراند، به زودی با عذاب آخرت از آنان انتقام خواهد گرفت.

﴿أَوۡ نُرِيَنَّكَ ٱلَّذِي وَعَدۡنَٰهُمۡ فَإِنَّا عَلَيۡهِم مُّقۡتَدِرُونَ ٤٢﴾.

اما اگر الله وعده‌اش را برایت نشان داد طوری که تو را پیروز نمود و آنان را چون روز بدر خوار ساخت، بر این کار تواناست و هیچ کاری او را ناتوان ساخته نمی‌تواند. این امر واقع شد و خداوند أ بنده‌اش را پیروزی عنایت کرد، لشکرش را غلبه بخشید و احزاب را خودش به یگانگی شکست داد.

﴿فَٱسۡتَمۡسِكۡ بِٱلَّذِيٓ أُوحِيَ إِلَيۡكَۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٤٣﴾.

ای پیامبر! اکنون به آنچه خداوند أ از کتاب و سنّت به سویت وحی فرستاده تمسّک نما، بدان عمل کن و به سویش فراخوان؛ زیرا تو بر مسیر هدایتی استوار روانی که دین اسلام است و حق‌تعالی جز آن را نمی‌پذیرد.

﴿وَإِنَّهُۥ لَذِكۡرٞ لَّكَ وَلِقَوۡمِكَۖ وَسَوۡفَ تُسۡ‍َٔلُونَ ٤٤﴾.

ای پیامبر! به یقین که قرآن برای تو و برای قومت که از قبیلۀ قریش‌اند مایۀ شرف و بزرگواری است؛ همچنان که این کتاب برای هر که از آن پیروی نماید و بدان عمل کند وسیلۀ عزّت، سربلندی و بزرگی است. به زودی و طور قطعی خداوند متعال از عمل به کتابی که بر شما نازل کرده و از شکرگزاری نعمت‌هایی که عطا نموده از شما سؤال خواهد کرد.

﴿وَسۡ‍َٔلۡ مَنۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رُّسُلِنَآ أَجَعَلۡنَا مِن دُونِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ءَالِهَةٗ يُعۡبَدُونَ ٤٥﴾.

ای پیامبر! از پیروان پیامبران الهی در امّت‌های پیشین بپرس: آیا آنان امّت‌های خویش را به سوی عبادت غیر حق‌تعالی فراخوانده‌اند؟ چنین کاری را نکرده‌اند، بلکه همه پیامبران به سوی توحید الهی فرا می‌خواندند و با این پیام آمده بودند که جز خداوند یگانه که از شریک منزّه است معبود بر حقّی وجود ندارد.

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِ‍َٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٦﴾.

خداوند متعال موسی ÷ با براهین قاطعی به سوی فرعون و سران قومش؛ همچنان که محمّد ج را به سوی قوم‌شان فرستاده است. موسی ÷ به فرعون و قومش گفت: پروردگار جهانیان مرا فرستاده تا شما را فراخوانم که اوتعالی را به یگانگی و بدون شریک عبادت کنید و طاعت را برای او خالص سازید.

﴿فَلَمَّا جَآءَهُم بِ‍َٔايَٰتِنَآ إِذَا هُم مِّنۡهَا يَضۡحَكُونَ٤٦﴾.

اما آنگاه که موسی ÷ با براهین که به قدرت و یگانگی‌خداوند أ و بر راستی و درستی دعوتش دلالت می‌کرد به سوی فرعون و قومش آمد، او و سران قومش به چیزی که موسی ÷ آورده بود می‌خندیدند و مسخره می‌کردند و به معجزه‌ها و پندآموزی‌هایش استهزا می‌نمودند.

﴿وَمَا نُرِيهِم مِّنۡ ءَايَةٍ إِلَّا هِيَ أَكۡبَرُ مِنۡ أُخۡتِهَاۖ وَأَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٤٨﴾.

خداوند بزرگ برای فرعون و قومش هیچ نشانه و برهانی را نشان نداد، مگر اینکه از برهان و آیۀ پیشتر بزرگتر بود و بیشتر بر راستی دعوت موسی ÷ دلالت می‌نمود. الله تعالی فرعون و قومش را به انواع مجازات‌ها مانند هجوم ملخ، کنه، مگل‌ها، خون، طوفان و دیگر چیزها گرفتار ساخت تا شاید از کفر و گناهان به سوی توحید و طاعت باری‌تعالی باز گردند.

﴿وَقَالُواْ يَٰٓأَيُّهَ ٱلسَّاحِرُ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا لَمُهۡتَدُونَ ٤٩﴾.

در این هنگام فرعون و سران قومش برای موسی ÷ گفتند: ای جادو گران! (با این خطاب احترامش را قصد داشتند، چون سحر و جادو در نزد آنان صفت بزرگی بود و بد شمرده نمی‌شد) از پروردگارت که تو را مخصوص ساخته، اختیار کرده و برگزیده بخواه تا عذاب را از ما دور سازد؛ زیر ما به آنچه بدان فرستاده شده‌ای تصدیق داریم و به خداوند ایمان آوردیم.

﴿فَلَمَّا كَشَفۡنَا عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابَ إِذَا هُمۡ يَنكُثُونَ ٥٠﴾.

اما آنگاه که موسی ÷ به پروردگارش دعاکرد که عذاب را از فرعون و قومش دور سازد و خداوند أ عذاب را از آنان مرفوع ساخت، بدون درنگ و به زودی خیانت و نقض عهد کردند و به کفر و گمراهی رو آوردند.

﴿وَنَادَىٰ فِرۡعَوۡنُ فِي قَوۡمِهِۦ قَالَ يَٰقَوۡمِ أَلَيۡسَ لِي مُلۡكُ مِصۡرَ وَهَٰذِهِ ٱلۡأَنۡهَٰرُ تَجۡرِي مِن تَحۡتِيٓۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ ٥١﴾.

فرعون در جمع سران قومش با تکبّر، زور آوری و در حالی که به پادشاهی مصر تفاخر می‌کرد گفت: آیا پاداش‌های مصر از من نیست و این جوی‌ها از زیر پایم نمی‌گذرد؟ آن لعین قصد داشت که هر که چنین باشد سزاوار عبادت است و از این رو برای قومش گفت: آیا در عظمت پادشاهی و قوّت و سلطه‌ام، و به ناتوانی موسی و دست مایۀ اندکش نمی‌اندیشید؟

﴿أَمۡ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡ هَٰذَا ٱلَّذِي هُوَ مَهِينٞ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ٥٢﴾.

بلکه من از موسی که قدرت و منزلتی ندارد و از شرف و بزرگواریی بر خوردار نیست بهتر هستم؛ چنان‌چه او در امور معیشت و به دست آوردن روزی گرفتار محنت است و وقتی سخن می‌زند به علت بندش زبان، شنونده سخنش را نمی‌فهمد. ملاحظه می‌شود که فروعون به امور ظاهری دنیا مانند قدرت، شوکت و فصاحت زبان مباهات نمود و فراموش کرد که نبوّت، علم نافع و عمل صالح موسی ÷ از آنچه خودش می‌گوید بهتر و سودمندتر است.

﴿فَلَوۡلَآ أُلۡقِيَ عَلَيۡهِ أَسۡوِرَةٞ مِّن ذَهَبٍ أَوۡ جَآءَ مَعَهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ مُقۡتَرِنِينَ ٥٣﴾.

اگر موسی راستگوی است که خداوند او را فرستاده، چرا دستبندهای طلایی برایش داده نمی‌شود تا از فقر و نیازمندی نجات یابد؟ و چرا پیوسته و پی‌درپی فرشتگان به نزدش نمی‌آیند تا یاری‌اش کنند و به صداقتش گواهی دهند؟

﴿فَٱسۡتَخَفَّ قَوۡمَهُۥ فَأَطَاعُوهُۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ ٥٤﴾.

فرعون قوم خود را با سخنانش سبک سر ساخت، عقل‌های‌شان را ربود و آنان را به بیراهه برد. در نتیجه قوم او به گمراهی‌اش موافقت نمودند و به دعوت موسی ÷ کافر شدند. به یقین که قوم فرعون به علّت بدکارگی خویش از طاعت و عبادت خداوند أ بیرون شدند و دعوت فرعون گمراه کننده را پذیرفتند.

﴿فَلَمَّآ ءَاسَفُونَا ٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡ فَأَغۡرَقۡنَٰهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٥٥﴾.

وقتی فرعون و قومش با کفر و تکذیب موسی ÷ الله تعالی را به بخشم آوردند، با شدیدترین جزایی از آنان انتقام گرفت و به عذاب عاجلی گرفتارشان نمود؛ بدین‌گونه که همگی را در دریا غرق کرد و پادشاهی را از آنان گرفت.

﴿فَجَعَلۡنَٰهُمۡ سَلَفٗا وَمَثَلٗا لِّلۡأٓخِرِينَ ٥٦﴾.

خداوند أ فرعون و قوم او را بعد از غرق نمودن پیشرو و پیشقدم کسانی ساخت که در قرن‌های آینده مانند عملکرد آنان انجام دهند؛ یعنی همچنان جزایی برای‌شان داده می‌شود. به همین‌گونه آنان را عبرت و پندی برای همه دوره‌های آینده تا قیام قیامت ساخت.

﴿۞وَلَمَّا ضُرِبَ ٱبۡنُ مَرۡيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوۡمُكَ مِنۡهُ يَصِدُّونَ ٥٧﴾.

آنگاه که کافران عیسی بن مریم را در مجادله با رسول الله ج مَثَل آوردند، با این استدلال که نصاری عیسی ÷ را عبادت می‌کردند، با آن شادمان شدند و حُجّتی برای خویش پنداشتند. از این رو بلند آوازی کردند و فریاد کشیدند؛ زیرا وقتی خداوند أ این فرموده‌اش را نازل نمود: ﴿إِنَّكُمۡ وَمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمۡ لَهَا وَٰرِدُونَ ٩٨﴾ [الأنبیاء: 98]. «شما و آنچه غیر خدا می‌پرستید، هیزم جهنم خواهید بود و همگی در آن وارد می‌شود». کافران گفتند: پس عیسی ÷ نیز با خدایان ما در آتش دوزخ خواهد بود؛ زیرا نصاری او را مانند عبادت ما برای بت‌ها پرستش می‌نمودند. امّا الله أ برای ردّ آنان این آیه را نازل فرمود: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ سَبَقَتۡ لَهُم مِّنَّا ٱلۡحُسۡنَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ عَنۡهَا مُبۡعَدُونَ ١٠١﴾ [الأنبیاء: 101]. «کسانی که از قبل، وعدۀ نیک از سوی ما به آن‌ها داده شده از آن دور نگاه داشته می‌شوند». بنابراین آنچه عذاب می‌شود، خدایان باطل و عبادت کنندگان آن‌هاست؛ نه عیسی ÷ که به عبادت نصرانیان برایش راضی نبوده است.

﴿وَقَالُوٓاْ ءَأَٰلِهَتُنَا خَيۡرٌ أَمۡ هُوَۚ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلَۢاۚ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٌ خَصِمُونَ ٥٨﴾.

کافران گفتند: آیا خدایانی که ما عبادت می‌کنیم از عیسی ÷ که قومش او را عبادت می‌کردند بهتر است؟ آنگاه که عیسی ÷ در آتش عذاب شود ما هم راضی هستیم که مانند او در آتش عذاب شویم، امّا این سخن‌شان جدالی بی‌نتیجه و کلامی فاسد و باطل است.

﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا عَبۡدٌ أَنۡعَمۡنَا عَلَيۡهِ وَجَعَلۡنَٰهُ مَثَلٗا لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٥٩﴾.

عیسی بن مریم ÷ جز بنده‌ای از بندگان خدا نبود که الله تعالی با نبوّت و رسالت بر او فضل و احسان نمود و او را آیت و پندی برای بنی اسرائیل مقرّر داشت؛ چنان‌که با آن به قدرت و عظمت حق‌تعالی استدلال می‌جستند.

﴿وَلَوۡ نَشَآءُ لَجَعَلۡنَا مِنكُم مَّلَٰٓئِكَةٗ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَخۡلُفُونَ ٦٠﴾.

اگر خداوند أ اراده کند به جای مردم، فرشتگان را در روی زمین جایگزین و مقرّر می‌سازد تا در آن زندگی نمایند، به اعمارش، بپردازند و در این امر خلیفۀ یک دیگر باشند.

﴿وَإِنَّهُۥ لَعِلۡمٞ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمۡتَرُنَّ بِهَا وَٱتَّبِعُونِۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٦١﴾.

به راستی که نزول عیسی ÷ در آخرالزمان دلیلی به نزدیکی قیامت است. پس در برپایی قیامت شک نورزید و از پیامبر ج در اموری که شما را بدان فرا می‌خواند و به شما خبر می‌دهد پیروی نمایید. این همان طریق میانه و راه مستقیمی است که رونده‌اش را به رضای الهی و بهشتش وصل می‌سازد.

﴿وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُۖ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ٦٢﴾.

شیطان، شما را با زینت دهی گمراهی و باطل از راه هدایت باز ندارد؛ زیرا او دشمن آشکار شماست که دشمنیی عیان دارد. او بدی‌ها را برای‌تان زیبا جلوه می‌دهد و خوبی‌ها را در نظر شما زشت می‌نمایاند.

﴿وَلَمَّا جَآءَ عِيسَىٰ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ قَالَ قَدۡ جِئۡتُكُم بِٱلۡحِكۡمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُم بَعۡضَ ٱلَّذِي تَخۡتَلِفُونَ فِيهِۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ٦٣﴾.

و آنگاه که عیسی ÷ با براهین آشکار و قوی به سوی بنی‌اسرائیل آمد، برای آنان گفت: من پیام الهی را برای‌تان آوردم تا بعضی امور دین را که در آن اختلاف ورزیده‌اید برای شما واضح نمایم. پس با انجام طاعات و پرهیز از گناهان، از خداوند أ بترسید و در اموری که برای‌تان بیان داشتیم و شما رابه سویش فرا خواندم از من پیروی کنید.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٦٤﴾.

خداوند یگانه پروردگار من و شماست و او آفریدگار و روزی دهندۀ همگی می‌باشد. عبادت را برای او خالص سازید، او را به یگانگی بشناسید و به او چیزی را شریک نیاورید. آنچه شما رابه سویش فرا می‌خوانم و بدان نصیحت می‌نمایم، واقعاً راه معتدلی است که روند‌ه‌اش را به خیر دنیا و آخرت می‌رساند.

﴿فَٱخۡتَلَفَ ٱلۡأَحۡزَابُ مِنۢ بَيۡنِهِمۡۖ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡ عَذَابِ يَوۡمٍ أَلِيمٍ ٦٥﴾.

اما آنان گروه‌ها و مذاهب متعدّدی را تشکیل داده در شأن عیسی ÷ اختلاف ورزیدند. برخی عقیده دارند که او بنده و فرستادۀ خداوند أ است و این عقیدۀ درست می‌باشد، گروهی می‌پندارند که او فرزند خداست، خداوند از چنین نسبتی بلندتر است. لعنت و خشم پروردگار و عذابش بر کسی باد که اوتعالی را به اموری وصف می‌کند که خویشتن را بدان توصیف ننموده است و عذاب درد آورش برای کسانی باد که از راه مستقیم مخالفت ورزیده‌اند.

﴿هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن تَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٦٦﴾.

آن گروه‌های که در بندگی و رسالت عیسی ÷ مخالفت می‌ورزند چه انتظار می‌کشند، جز اینکه قیامت به گونۀ ناگهانی و بدون آنکه آمادگی داشته باشند بر آنان فرا رسد؛ در حالی که وقت برپاشدن آن را نمی‌دانند.

﴿ٱلۡأَخِلَّآءُ يَوۡمَئِذِۢ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوٌّ إِلَّا ٱلۡمُتَّقِينَ ٦٧﴾.

رفیقان و دوستانی که با انجام معاصی خداوند أ با هم یکجا بودند، از یک دیگر خود در روزی قیامت بیزاری می‌جویند، اما اگر بر طاعت خداوند متعال دوستی و محبت ورزیده باشند، دوستی و محبّت‌شان ماندگار است و در دنیا و آخرت برای‌شان فایده می‌رساند.

﴿يَٰعِبَادِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡكُمُ ٱلۡيَوۡمَ وَلَآ أَنتُمۡ تَحۡزَنُونَ ٦٨﴾.

برای گروه پرهیزگاران نیکوکار که به خاطر رضای الله أ با هم دوستی دارند گفته می‌شود: از عذابم نترسید و به خاطر چیزهایی که از زندگی دنیا از دست‌تان رفته اندوهگین مباشید؛ یعنی که از آینده خوفی ندارند و بر گذشته‌ها اندوه و تأسفی متوجه‌شان نمی‌باشد.

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَكَانُواْ مُسۡلِمِينَ ٦٩﴾.

این گروه پرهیزگار کسانی‌اند که به کتاب خداوند أ و سنّت رسول الله ج ایمان دارند، به حکم الله تعالی منقاد اند و با قلب و اعضای وجود خویش به شریعتش تسلیم می‌باشند.

﴿ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ أَنتُمۡ وَأَزۡوَٰجُكُمۡ تُحۡبَرُونَ ٧٠﴾.

در روز قیامت برای‌شان گفته می‌شود: با شادمانی و سرور، همراه با همسران، فرزندان و دوستان خویش به بهشت درآیید؛ در حالی که با خورسندی و راحت خاطر از همه نعمت‌ها بر خوردار می‌شوید.

﴿يُطَافُ عَلَيۡهِم بِصِحَافٖ مِّن ذَهَبٖ وَأَكۡوَابٖۖ وَفِيهَا مَا تَشۡتَهِيهِ ٱلۡأَنفُسُ وَتَلَذُّ ٱلۡأَعۡيُنُۖ وَأَنتُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٧١﴾.

برای این گروه از مؤمنان در باغ‌های پر از نعمت بهشت، ظرف‌هایی از طلا دَور داده می‌شود که در آن‌ها لذیذترین، گواراترین و نیکوترین طعام‌ها و جود دارد، همچنان برای‌شان جام‌های طلایی را دَور می‌دهند که در آن شیرین‌ترین و خوشمزّه‌ترین نوشیدنی مهیّا شده است. همه چیزهایی که نفس بدان اشتها می‌کند، چشم‌ها لذّت می‌برد و روان‌ها راحت می‌یابد در بهشت موجود و میسّر است. این در حالی است که اهل بهشت در آنجا اقامت همیشگی و بقای ماندگار دارند.

﴿وَتِلۡكَ ٱلۡجَنَّةُ ٱلَّتِيٓ أُورِثۡتُمُوهَا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٧٢﴾.

این بهشتی است که خداوند أ آن را به سبب انجام طاعات و اعمال نیکی که پیش فرستاده بودید برای‌تان به ارث داده و شما را در آن سکنی گزین ساخته است؛ یعنی که الله تعالی بهشت را با رحمت و احسان خویش جزای اعمال‌تان قرار داده و اگر رحمتش نمی‌بود هیچ کسی با عملش به بهشت داخل نمی‌شد.

﴿لَكُمۡ فِيهَا فَٰكِهَةٞ كَثِيرَةٞ مِّنۡهَا تَأۡكُلُونَ ٧٣﴾.

ای نیکوکاران! برای‌تان در باغ‌های بهشت میوه‌هایی از انواع مختلف و صنف‌های گوناگون وجود دارد که به اندارۀ اشتهای‌تان از آن‌ها استفاده می‌برید.

﴿إِنَّ ٱلۡمُجۡرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ ٧٤﴾.

به یقین که کافران بدکار در عذاب دوزخ همیشه می‌باشند؛ زیرا آنان از خداوند جبّار نافرمانی کردند و با پیامبر مختار ج مخالفت ورزیدند.

﴿لَا يُفَتَّرُ عَنۡهُمۡ وَهُمۡ فِيهِ مُبۡلِسُونَ ٧٥﴾.

عذاب الهی از مجرمان تخفیف نمی‌یابد و آنان در آتش دوزخ از رحمت خداوند یگانۀ قهّار ناامید اند؛ یعنی آروزی نجات ندارند و راهی برای دریافت رحمت برای آنان موجود نیست.

﴿وَمَا ظَلَمۡنَٰهُمۡ وَلَٰكِن كَانُواْ هُمُ ٱلظَّٰلِمِينَ ٧٦﴾.

خداوند منّان بر این گروه بدکار با عذاب کردن آنان ستم روا نداشته است، بلکه خود آنان با اختیار کفر به پروردگار بر خویشتن ستم روا داشته‌اند.

﴿وَنَادَوۡاْ يَٰمَٰلِكُ لِيَقۡضِ عَلَيۡنَا رَبُّكَۖ قَالَ إِنَّكُم مَّٰكِثُونَ ٧٧﴾.

بدکاران کافر بعد از اینکه خداوند جبّار آنان را در آتش دوزخ داخل می‌سازد، برای مالک یعنی وظیفه دار دوزخ می‌گویند: ای مالک! از پروردگارت بخواه که ما را بمیراند تا از عذاب راحت یابیم، مالک دوزخ خواستۀ آنان را رد کرده می‌گوید: شما در عذاب باقی می‌مانید و از آن بیرون نمی‌شوید، بر شما تخفیف نمی‌یابد و مورد رحمت قرار نمی‌گیرید.

﴿لَقَدۡ جِئۡنَٰكُم بِٱلۡحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَكُمۡ لِلۡحَقِّ كَٰرِهُونَ ٧٨﴾.

به یقین که خداوند أ پیامبرش را با حقّانیت به سوی شما فرستاد و هدایت را برای شما بیان داشت، امّا بیشتر شما ابا آوردید، حق را بد شمردید و به ردّ آن پرداختید.

﴿أَمۡ أَبۡرَمُوٓاْ أَمۡرٗا فَإِنَّا مُبۡرِمُونَ ٧٩﴾.

بلکه کافران کید و تدبیری را مستحکم ساختند و در برابر پیامبر ج و حقّی که به تبلیغ آن مبعوث شده بود به کار بردند. اما خداوند أ استحکام بخش تدبیرهاست و عذابی را که به انتظار کافران است برنامه ریزی می‌نماید.

﴿أَمۡ يَحۡسَبُونَ أَنَّا لَا نَسۡمَعُ سِرَّهُمۡ وَنَجۡوَىٰهُمۚ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيۡهِمۡ يَكۡتُبُونَ ٨٠﴾.

آیا کافران گمان می‌کنند که خداوند أ امور پنهانی ضمایر و سخنانی را که با همدیگر به گونۀ راز مطرح می‌کنند نمی‌شنود؟ چنین نمی‌باشد؛ زیرا حق‌تعالی می‌شنود و می‌داند، به همه امور آگاه است و هیچ امر پوشیده‌ای از او پنهان نمی‌باشد، بلکه فرشتگان بزرگوار که فرستادگان الله تعالی هستند، سخنان و اعمال آنان را می‌نویسند تا از جانب حق‌تعالی در روز قیامت مورد محاسبه قرار گیرند.

﴿قُلۡ إِن كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ وَلَدٞ فَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡعَٰبِدِينَ ٨١﴾.

ای محمّد! برای کافران که به دروغ و ناحق فرشتگان را دختران خداوند می‌دانند بگو: الله تعالی فرزندی ندارد؛ زیرا او چیزی را نزاده و از کسی زاده هم نشده است و همتایی برایش وجود ندارد. من نخستین فرد عبادت کنندۀ اوتعالی هستم که از ادعای دروغین مشرکان انکار دارم. آری! حق‌تعالی از داشتن همسر و فرزند و از گزینش شریک و مددگار بلندتراست.‌

﴿سُبۡحَٰنَ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبِّ ٱلۡعَرۡشِ عَمَّا يَصِفُونَ ٨٢﴾.

خداوند أ منزّه، مقدّس و بلند مرتبه است. او پروردگار، آفریدگار، تدیبرکنندۀ آسمان‌ها و زمین و پروردگار عرش عظیم است. از داشتن همسر، فرزند، شریک و دیگر اوصاف باطلی که کافران او را بدان توصیف می‌کنند منزّه و نام‌های مقدّس دارد.

﴿فَذَرۡهُمۡ يَخُوضُواْ وَيَلۡعَبُواْ حَتَّىٰ يُلَٰقُواْ يَوۡمَهُمُ ٱلَّذِي يُوعَدُونَ ٨٣﴾.

ای پیامبر! گروه کافران را بگذار در باطل فرو روند و در بیهودگی‌های دنیا مصرف باشند تا آنگاه که با روز حساب روبرو شوند، روزی که خداوند أ سخت‌ترین عذاب را برای آنان وعده داده است. یا آنان را بگذار تا عقوبت، خواری و شکستی را که خداوند متعال در این دنیا برای آنان وعد کرده دریابند.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي فِي ٱلسَّمَآءِ إِلَٰهٞ وَفِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَٰهٞۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡعَلِيمُ ٨٤﴾.

خداوند یگانه معبود بر حقّی است که جز او خدایی نیست و در آسمان و زمین جز او پروردگاری وجود ندارد. او بر عرش خویش به گونه‌ای سزاوار جلال اوست استوا دارد، در آفرینش و صُنعش و در تدبیر و شریعتش با حکمت است، به امور پنهان و آشکار و به کارهای مخفی و علنی بندگان داناست.

﴿وَتَبَارَكَ ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَعِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٨٥﴾.

برکات خداوند بسیار و خیر او عام است، عظمت بزرگوارانه و نام‌های مقدّس دارد. پادشاهی و مالکیت آسمان‌ها و زمین و همه موجودات میان آن‌ها تنها برای اوست. او به یگانگی خویش تدبیر کننده و صاحب تصرّف آفرینش و روزی دهنده است، وقت وقوع قیامت را تنها او می‌داند و همه مخلوقات به سوی او باز می‌گردند؛ یعنی از آنان حساب می‌گیرد و به عملکردشان جزا می‌دهد؛ چنان‌که برای عمل نیک پاداش شایسته و برای عمل زشت جزای دشوار مقرّر می‌دارد.

﴿وَلَا يَمۡلِكُ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ٨٦﴾.

اما خدایان باطلی که به منظور شفاعت عبادت کنندگان مورد پرستش قرار می‌گیرند مالک چیزی نیستند، بلکه کسانی می‌توانند شفاعت کنند که توحید را برای الله تعالی خالص ساخته و از پیامبرش پیروی نموده باشند؛ در حالی که به حقیقت آنچه بدان گواهی و اقرار می‌دهند دانا باشند.

﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَهُمۡ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۖ فَأَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٨٧﴾.

ای پیامبر! اگر از کافران بپرسی که چه کسی شما را آفریده است؟ می‌گویند: خداوند أ ما را آفریده است. پس چگونه غیر حق‌تعالی را عبادت می‌کنند؛ حال آنکه او آفریدگار آنان است؟ چگونه به او دیگران را شریک می‌آورند؛ در حالی که تنها اوتعالی آنان را به وجود آورده است؟!

﴿وَقِيلِهِۦ يَٰرَبِّ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوۡمٞ لَّا يُؤۡمِنُونَ ٨٨﴾.

پیامبر ج با شکایت از کافران، در دعای خویش به پروردگارش می‌گوید: پروردگارم! این گروه از کافران مرا تکذیب کردند، به رسالتم ایمان نیاوردند و دعوت مرا رد نمودند.

﴿فَٱصۡفَحۡ عَنۡهُمۡ وَقُلۡ سَلَٰمٞۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ٨٩﴾.

ای پیامبر! گذشت را در پیش گیر، از آزار و اذیت آنان صرف نظر نما و با سلام و ترک انتقام با آنان روبرو شو. این روش ابرار نیکوکار با نادانان بی‌خرد است؛ زیرا ابرار نیکوکار با کافران به بدی مقابله نمی‌کنند و مانند آنان کارهای جاهلانه را انجام نمی‌دهند. در نهایت کافران خواهند دانست که روز قیامت چگونه عذابی در انتظارشان است.

سورۀ دخان

مکی است؛ ترتیب آن 44؛ شمار آیات آن 59

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿حمٓ ١﴾.

حا. میم؛ خداوند متعال به مراد خویش در معنای این کلمات که از جملۀ حروف مقطّعات است داناتر می‌باشد.

﴿وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ٢﴾.

خداوند أ به قرآن کریم سوگند یاد کرده که دارای معانی واضح و الفاظ فصیح است، احکام مفصّل دارد و در وعده و وعید خود صادق است.

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةٖ مُّبَٰرَكَةٍۚ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ٣﴾.

همانا الله تعالی قرآن کریم را در شب قدر فرو فرستاده است؛ شبی که در دهۀ آخر ماه مبارک رمضان است و اوتعالی با کثرت خوبی‌ها، چند برابر شدن پاداش حسنات و عفو گناهان در آن برکت داده است. خداوند متعال بندگان را بیم می‌دهد چون در این کار نفع و صلاح‌شان نهفته است و آنان را با فرستادن پیامبران و نازل کردن کتاب‌ها از اموری که به ضررشان است برحذر می‌دارد تا تکذیب کنندگان حجّتی نداشته باشند که رسالت و پیام آورانی نبوده است.

﴿فِيهَا يُفۡرَقُ كُلُّ أَمۡرٍ حَكِيمٍ ٤﴾.

در شب قدر انجام هر امر حکم شدل ثابتی، چون مدّت عمرها و رزق و روزی بندگان و همچنان حوادثی که در همان سال به وقوع می‌پیوندد در لوح محفوظ مقدّر می‌شود، بدون اینکه در آن تغییر و تبدیلی صورت گیرد.

﴿أَمۡرٗا مِّنۡ عِندِنَآۚ إِنَّا كُنَّا مُرۡسِلِينَ ٥﴾.

این امر مُحکم و حکم نافذ به اساس فرمان است که از جانب حق‌تعالی صادر شده است. بنابراین هر چیزی به قضا و قدر الله تعالی صورت می‌گیرد و آنچه را به سوی پیامبرانش وحی می‌فرستد، به اذن و علم الهی انجام می‌یابد. یقیناً خداوند أ پیامبران را به سوی مردم به عنوان مژده دهنده و بیم دهنده می‌فرستد.

﴿رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٦﴾.

بعثت پیامبران رحمتی از جانب خداوند پاک برای بندگانی است که به سوی‌شان فرستاده می‌شوند؛ زیرا پیامبران † مردم را به استوارترین راه رهبری می‌کنند و ایشان را از گناهان و معاصی تزکیه می‌نمایند. خداوند أ همه آوازها و حرکات را می‌شنود و به همه سخن‌ها، کارها و احوال داناست.

﴿رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَآۖ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ ٧﴾.

الله سبحانه وتعالی آفریدگار آسمان‌ها و موجودات میان آن‌هاست، اگر شما به درستی یقین و اعتقاد دارید که اوتعالی پروردگار و آفریگار و تدبیر کنندۀ آن‌هاست، پس وی را به یگانگی عبادت کنید و به او چیزی را شریک نیاورید.

﴿لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ رَبُّكُمۡ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٨﴾.

جز خداوند یگانه که شریکی ندارد، هیچ معبودی که سزاوار عبادت باشد وجود ندارد، همه پیامبران † به سوی همین دعوت فراخوانی داشتند و مفهوم کلمۀ توحید همین است. اوتعالی زنده می‌کند و می‌میراند و او آفریدگار مردم و پدران نخستین‌شان است. بنابراین تنها او مستحقّ عبادت می‌باشد و واجب است عبادت برای او خالص ساخته شود، از پیامبرش پیروی صورت گیرد و از کتابش هدایت خواسته شود.

﴿بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ يَلۡعَبُونَ ٩﴾.

با این هم کافران در قرآن کریم و رسالت پیامبر ج شکّ و تردید دارند، با غفلت به محبّت دنیا مصروف اند، در شهوات مشغول می‌باشند و نمی‌دانند که چه چیزی در انتظار آنان است.

﴿فَٱرۡتَقِبۡ يَوۡمَ تَأۡتِي ٱلسَّمَآءُ بِدُخَانٖ مُّبِينٖ ١٠﴾.

ای پیامبر! برای گروه کافران روزی را انتظار داشته باش که آسمان با دودی پوشانده می‌شود که پراکنده، ضخیم و واضح است و مردم در آن نظر می‌کنند.

﴿يَغۡشَى ٱلنَّاسَۖ هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٞ ١١﴾.

دود یاد شده مردم را تحت پوشش قرار می‌دهد و آنگاه برای‌شان گفته می‌شود: این عذاب دردناک و درد آور به سبب گناهان بندگان پدید آمده است.

﴿رَّبَّنَا ٱكۡشِفۡ عَنَّا ٱلۡعَذَابَ إِنَّا مُؤۡمِنُونَ ١٢﴾.

آنگاه که مردم دود غلیظ را می‌بینند پروردگارشان را ندا می‌کنند: پروردگارا! عذاب را از ما دور ساز و در این صورت به پیامبرت تصدیق می‌کنیم و به کتابت ایمان می‌آوریم.

﴿أَنَّىٰ لَهُمُ ٱلذِّكۡرَىٰ وَقَدۡ جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مُّبِينٞ ١٣﴾.

اما چگونه و از کجا پند گرفتن و اعتبار بعد از نزول عذاب برای‌شان میسّر خواهد بود، در حالی که پیش از این، پیامبر ج را تکذیب نمودند؛ با وجودی که حجّت واضح و معجزۀ آشکاری را برای آنان آورده بود که قرآن کریم است.

﴿ثُمَّ تَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ وَقَالُواْ مُعَلَّمٞ مَّجۡنُونٌ ١٤﴾.

بعد از آن کافران از تصدیق پیامبر ج رو گشتاندند و گفتند: دانش خویش را از مردم، یا از کاهنان و یا از شیطان فرا گرفته و او دیوانه است که پروردگارش نفرستاده است.

﴿إِنَّا كَاشِفُواْ ٱلۡعَذَابِ قَلِيلًاۚ إِنَّكُمۡ عَآئِدُونَ ١٥﴾.

یقیناً که خداوند أ به زودی عذاب را زمان اندکی از کافران برمی‌دارد، امّا به زودی باز به سوی تکذیب، کفر و عنادی که داشتند باز می‌گردند و این دفع عذاب در دنیاست.

﴿يَوۡمَ نَبۡطِشُ ٱلۡبَطۡشَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰٓ إِنَّا مُنتَقِمُونَ ١٦﴾.

الله تعالی کافران را به سخت‌ترین عذاب که دخول در آتش دوزخ است مجازات می‌کند. واقعاً خداوند أ به زودی انتقام می‌گیرد، سخت مجازات می‌کند و گرفتنش شدید است.

﴿وَلَقَدۡ فَتَنَّا قَبۡلَهُمۡ قَوۡمَ فِرۡعَوۡنَ وَجَآءَهُمۡ رَسُولٞ كَرِيمٌ ١٧﴾.

بدون شک خداوند متعال پیش از کافران این امّت، قوم فرعون را مورد امتحان قرار داد چنان‌چه موسی ÷ را که در نزد پروردگار کریمش صاحب جاه و با کرامت بود به سوی آنان فرستاد. امّا او را تکذیب کردن، با وی جنگیدند و به آزار و اذیتش پرداختند. در نتیجه الله تعالی آنان را هلاک ساخت و این سنّت الهی دربارۀ هر گروهی است که پیامبران‌شان را تکذیب نمایند.

﴿أَنۡ أَدُّوٓاْ إِلَيَّ عِبَادَ ٱللَّهِۖ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ١٨﴾.

موسی ÷ برای فرعون و قومش گفت: قوم بنی اسرائیل را به من بسپارید و بگذارید با من بروند تا به عبادت خداوند یگانه توانایی داشته باشند؛ زیرا آنان در مصر تحت سیطره قرار داشتند و مغلوب بودند. موسی ÷ گفت: حق‌تعالی مرا به رسالتش فرستاده و امین وحیش مقرّر داشته تا دعوت توحید را به شما برسانم.

﴿وَأَن لَّا تَعۡلُواْ عَلَى ٱللَّهِۖ إِنِّيٓ ءَاتِيكُم بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ ١٩﴾.

بر خداوند أ تکبّر نورزید که با فرمانش مخالفت کنید و پیامبرش را تکذیب نمایید. من با دلیل واضح معجزۀ آشکاری که به درستی رسالتم دلالت می‌کند به نزد شما آمدم.

﴿وَإِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمۡ أَن تَرۡجُمُونِ ٢٠﴾.

و موسی ÷ گفت: من به الله تعالی که من و شما را آفریده تمسّک می‌جویم و پناه می‌برم از اینکه مرا با سنگباران به قتل رسانید.

﴿وَإِن لَّمۡ تُؤۡمِنُواْ لِي فَٱعۡتَزِلُونِ ٢١﴾.

اگر مرا تصدیق نمی‌کنید و به من ایمان نمی‌آوردید، پس آزارم ندهید و اذیتم نکنید، راهم را باز گذارید و از جنگ با من دست کشید.

﴿فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوۡمٞ مُّجۡرِمُونَ ٢٢﴾.

آنگاه که فرعون و قومش دعوت موسی ÷ را رد کردند، پروردگارش را دعا نمود و گفت: پروردگارا! این گروه، قومی کافر و بدکاراند و خداوند أ از آنان انتقام گرفت.

﴿فَأَسۡرِ بِعِبَادِي لَيۡلًا إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ ٢٣﴾.

آنگاه پروردگارش به او فرمان داد که بندگانش، یعنی بنی اسرائیل را شب هنگام در تاریکی با خود ببرد تا حال‌شان پوشیده‌تر باشد؛ زیرا فرعون و لشکریانش تعقیب‌شان خواهند کرد و به زودی خداوند متعال مؤمنان را نجات می‌دهد و کافران را غرق می‌نماید.

﴿وَٱتۡرُكِ ٱلۡبَحۡرَ رَهۡوًاۖ إِنَّهُمۡ جُندٞ مُّغۡرَقُونَ ٢٤﴾.

ای موسی! دریا را به حالتی که هست و از آن گذشتی رها بگذار که جریان نیابد و تحرّک نپذیرد تا فرعون و قومش در آن درآیند و خداوند أ آنان را غرق نماید.

﴿كَمۡ تَرَكُواْ مِن جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ ٢٥﴾.

فرعون و قومش بعد از هلاکت خود چه اندازه باغ‌های سر سبز، باغچه‌های پر درخت و چشمه‌های آب روان را باقی گذاشتند.

﴿وَزُرُوعٖ وَمَقَامٖ كَرِيمٖ ٢٦﴾.

بعد از هلاکت خود چه کشت‌ها، درخت‌های میوه‌دار، کاخ‌های بلند و سراهای زیبا را از خود به جای گذاشتند.

﴿وَنَعۡمَةٖ كَانُواْ فِيهَا فَٰكِهِينَ ٢٧﴾.

چه زندگی فراوانی را که در آن با نعمت‌ها و آسودگی به سر می‌بردند بعد از خود باقی گذاشتند. آری! وقتی کافر شدند به هلاکت و نابودی گرفتار آمدند؛ زیرا گناهان نعمت‌ها را دور می‌سازد و سبب نزول عذاب می‌شود.

﴿كَذَٰلِكَۖ وَأَوۡرَثۡنَٰهَا قَوۡمًا ءَاخَرِينَ ٢٨﴾.

همانند این مجازات، خداوند بزرگ هر کافر تکذیب کننده را جزا می‌دهد. چنان‌چه حق‌تعالی نعمت‌هایی را که فرعون و قومش باقی گذاشتند به قوم دیگری از بنی اسرائیل بخشید.

﴿فَمَا بَكَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلسَّمَآءُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَا كَانُواْ مُنظَرِينَ ٢٩﴾.

در آن هنگام آسمان و زمین در غم فراق فرعون و قومش گریه نکردند؛ زیرا آنان از این ناچیزتر و حقیرتر بودند و خداوند أ عقوبت و جزایی را که بر آنان مقدّر کرده بود به تأخیر نینداخت، بلکه در وقتش واقع شد.

﴿وَلَقَدۡ نَجَّيۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ مِنَ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡمُهِينِ ٣٠﴾.

به یقین که خداوند أ بنی اسرائیل را از عذاب فرعون یعنی قتل فرزندان و استخدام زنان‌شان نجات داد.

﴿مِن فِرۡعَوۡنَۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَالِيٗا مِّنَ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٣١﴾.

عذاب بنی اسرائیل از طرف فرعون زورمند صادر شده بود که از حدود خداوند أ تجاوز می‌کرد، در گناهان اسراف می‌نمود و صاحب عداوت و سرکشی بود.

﴿وَلَقَدِ ٱخۡتَرۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ عِلۡمٍ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ٣٢﴾.

به راستی خداوند متعال بنی اسرائیل را بر امّت‌های زمان‌شان بر گزیده بود؛ چنان‌چه نبوّت، علم و حکمت را در قوم‌شان مقرّر داشته بود.

﴿وَءَاتَيۡنَٰهُم مِّنَ ٱلۡأٓيَٰتِ مَا فِيهِ بَلَٰٓؤٞاْ مُّبِينٌ ٣٣﴾.

خداوند أ برای بنی اسرائیل معجزه‌های آشکار و روشنی را به دست موسی ÷ عطا کرد؛ معجزه‌هایی که با آن‌ها در فراوانی و تنگدستی و در آسانی و دشواری مورد امتحان و آزمایش قرار گرفتند تا شکر گزاران از کافران باز شناخته شوند.

﴿إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَيَقُولُونَ ٣٤﴾.

ای پیامبر! به راستی که این گروه از کافران قوم تو که به قیامت باور ندارند و آن را تکذیب می‌کنند می‌گویند:

﴿إِنۡ هِيَ إِلَّا مَوۡتَتُنَا ٱلۡأُولَىٰ وَمَا نَحۡنُ بِمُنشَرِينَ ٣٥﴾.

جز همین یک بار مردن، چیزی دیگر وجود ندارد و همین مردن ما، مرگ اوّلی و آخری است که بعد از آن زنده شدن دوباره، حساب اعمال، پاداش و جزایی نمی‌باشد. این سخن را به دروغ و ناحق ارائه داشتند.

﴿فَأۡتُواْ بِ‍َٔابَآئِنَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٣٦﴾.

کافران می‌گویند: ای مؤمنان! اگر شما در این عقیده که خداوند أ مرده‌های قبرها را زنده می‌کند راستگوی هستید، پس پدران ما را برای ما زنده گردانید.

﴿أَهُمۡ خَيۡرٌ أَمۡ قَوۡمُ تُبَّعٖ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ أَهۡلَكۡنَٰهُمۡۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ مُجۡرِمِينَ ٣٧﴾.

آیا این کافران بهتراند یا قوم تُبَع حمیری و دیگر امّت‌های تکذیب کنند‌ه‌ای که پیش از آنان بودند و خداوند أ آنان را به سبب کفر و تکذیب‌شان هلاک ساخت؛ یعنی این کافران از آن اقوام بهتر نیستند که از مجازات الهی نجات یابند و از عذابش سالم بمانند، بلکه بازگشت همه آنان یکی است.

﴿وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا لَٰعِبِينَ ٣٨﴾.

الله تعالی آسمان‌ها و زمین و موجودات میان آن‌ها را بازیچه و بیهوده نیافریده است، بلکه بر مبنای حکمت عظیم و مقصد بزرگی به وجود آرده است.

﴿مَا خَلَقۡنَٰهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٩﴾.

خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را نیافریده مگر به حقّانیتی که آن را در آفرینش، تدبیر، زنده کردن و میرانیدن، روش خویش مقرّر داشته است؛ یعنی آن‌ها را عبث و بی‌فایده به وجود نیاروده و اوتعالی از بیهودگی منزّه است. اما بیشتر مردم به علّت نادانی از حق رو گردان‌اند و نمی‌اندیشند و از مشاهدۀ نشانه‌ها و شنیدن موعظه‌ها پند نمی‌گیرند.

﴿إِنَّ يَوۡمَ ٱلۡفَصۡلِ مِيقَٰتُهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٤٠﴾.

یقیناً روز قیامت خواهی نخواهی واقع شدنی است و وعده گاه همه آفریده‌هاست، در آن روز میان خلایق حکم صورت می‌گیرد؛ یعنی نیکوکاران پاداش و بدکاران جزا داده می‌شوند.

﴿يَوۡمَ لَا يُغۡنِي مَوۡلًى عَن مَّوۡلٗى شَيۡ‍ٔٗا وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ٤١﴾.

در آن روز هیچ همنشینی برای همنشینش فایده نمی‌رساند، هیچ رفیقش را یاری نمی‌کند و هیچ خویشاوندی از خویشاوندش ضرری را دفع نمی‌نماید.

﴿إِلَّا مَن رَّحِمَ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ٤٢﴾.

مگر کسی از دوستان خداوند متعال که مورد رحمتش قرار گیرد؛ زیرا دوستانش برای یک دیگر شفاعت می‌نمایند؛ آن هم وقتی که حق‌تعالی به شفات کننده اجازه دهد و از کسی که برایش شفاعت صورت می‌گیرد راضی باشد حق‌تعالی در پادشاهی و حکمش با عزت، در انتقام از دشمنانش نیرومند و به دوستانش مهربان است؛ چنان‌که امور ناخوشایند را از آنان دور می‌سازد و نعمت‌ها را برای‌شان افزون می‌دارد.

﴿إِنَّ شَجَرَتَ ٱلزَّقُّومِ ٤٣﴾.

به راست که درخت زقّوم، یعنی درختی که در بخش بنیادین آتش دوزخ بیرون می‌شود.

﴿طَعَامُ ٱلۡأَثِيمِ ٤٤﴾.

طعام گنهگاران است؛ یعنی میوۀ این درخت، طعام بدکاران کافری است که گناهان زیادی را انجام داده‌اند.

﴿كَٱلۡمُهۡلِ يَغۡلِي فِي ٱلۡبُطُونِ ٤٥﴾.

میوۀ درخت زقّوم مانند قطران، مس و یا نقره‌ای است که با آتش ذوب شده باشد، در شکم‌های کافران می‌جوشد و روده‌های بدکاران را قطع می‌کند.

﴿كَغَلۡيِ ٱلۡحَمِيمِ ٤٦﴾.

جوشش میوۀ درخت زقُّوم در شکم‌های مجرمان، مانند جوشش آبی است که بسیار داغ باشد.

﴿خُذُوهُ فَٱعۡتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلۡجَحِيمِ ٤٧﴾.

فرمان داده می‌شود که ای زبانیه! این کافر بدکار را بگیرید، به سوی آتش ببرید، او را به جانب خشم خداوند جبّار سوق دهید و با اشرار در میان دوزخ قرار دهید.

﴿ثُمَّ صُبُّواْ فَوۡقَ رَأۡسِهِۦ مِنۡ عَذَابِ ٱلۡحَمِيمِ ٤٨﴾.

بعد از آن آب جوشان بسیار داغی را بر سر این بدکار بریزید که جسمش را بریان کند و پوستش را پاره نماید.

﴿ذُقۡ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡكَرِيمُ ٤٩﴾.

برای این کافر بدکار گفته می‌شود: این جزای سخت و عذاب درد آور را بچش، به‌راستی تو در میان قومت صاحب عزّت بودی و جایگاه با کرامتی داشتی، این اوصاف به گونۀ تمسخر و توهین به او اطلاق می‌شود.

﴿إِنَّ هَٰذَا مَا كُنتُم بِهِۦ تَمۡتَرُونَ ٥٠﴾.

عذاب آتش دوزخ که اکنون به شما کافران رسیده، همان عذابی است که در دنیا تکذیب می‌کردید.

﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٖ ٥١﴾.

یقیناً پرهیز گاران که با انجام طاعات و اجتناب از گناهان از خداوند أ می‌ترسند، در جایگاه راستینی قرار دارند که از تمام آفات در امان‌اند و همه انواع شادمانی‌ها را درمی‌یابند.

﴿فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ ٥٢﴾.

با خورسندی و شادمانی و با سرور و شادکامی، در باغ‌های سرسبز و بستان‌های فراخی که چشمه‌های آب زلال و خوشگواری از زیر درختان آن‌ها جاری است مقام دارند.

﴿يَلۡبَسُونَ مِن سُندُسٖ وَإِسۡتَبۡرَقٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ٥٣﴾.

این ابرار نیکوکار، لباس‌های نازک و ضخیم ابریشمین را می‌پوشند، روبروی همدیگر قرار می‌گیرند و میان‌شان نیکوترین سخن و سودمندترین کلام جریان می‌یابد.

﴿كَذَٰلِكَ وَزَوَّجۡنَٰهُم بِحُورٍ عِينٖ ٥٤﴾.

همان گونه که الله أ بر این گروه ابرار، با دستیابی به انواع شادمانی‌ها و خوبی‌ها کرامت بخشیده، با همسران زیبا و خوش چهره‌ای که دارای چشم‌های فراخ‌اند کرامت‌شان می‌بخشد.

﴿يَدۡعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَٰكِهَةٍ ءَامِنِينَ ٥٥﴾.

نیکوکاران از انواع و اصناف میوه‌های بهشت، هر اندازه که خواسته باشند طلب می‌کنند؛ در حالی که از فناشدن و انقطاع نعمت‌ها و از هر ترس و آفتی در امان‌اند.

﴿لَايَذُوقُونَ فِيهَا ٱلۡمَوۡتَ إِلَّا ٱلۡمَوۡتَةَ ٱلۡأُولَىٰۖ وَوَقَىٰهُمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ ٥٦﴾.

ابرار در دار قرار، دیگر مرگ را نمی‌چشند؛ یعنی در نعمت‌های بهشت همیشه و جاودان‌اند، جز یک مرگ ندارند و آن همان مرگی است که در دنیا آن را چشیده‌اند و حق‌تعالی ایشان را از عذاب دوزخ نگه می‌دارد.

﴿فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكَۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٥٧﴾.

نعمت‌هایی که خداوند متعال در بهشت برای دوستانش ارزانی کرده، از فضل و احسان اوتعالی است که برای‌شان کرامت و منّت فرموده است. این کامیابی است که دیگری را در پی دارد و دست‌یابی به بزرگ‌ترین مطالب و بالاترین مقاصد است.

﴿فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ٥٨﴾.

همانا الله أ لفظ قرآن و معانی آن را به زبان عربی که زبان رسول الله است آسان ساخته تا مردم با فهم این کلام معانی‌اش را بدانند، از تهدیداتش پند بگیرند و از احکامش سودمند شوند.

﴿فَٱرۡتَقِبۡ إِنَّهُم مُّرۡتَقِبُونَ ٥٩﴾.

ای پیامبر! آنچه را خداوند أ برایت از پیروزی بر کافران و مجازات بدکاران وعده داده انتظار بکش، به راستی که کافران نیز مرگ تو را انتظار می‌کشند و حوادث ناگوار را بر تو آرزو می‌بردند. امّا به زودی خواهند دانست که در نهایت امر، پیروزی و کامیابی و تأیید و تمکین برای چه کسی خواهد بود.

آری! همه این امور آشکار شد و نصرت و کامیابی برای پیامبر ج و پیروانش تا روز قیامت میسّر است. خداوند متعال ما را از جملۀشان داشته باشد.

سورۀ جاثیه

مکی است؛ ترتیب آن 45؛ شمار آیات آن 37

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿حمٓ ١﴾.

حا. میم؛ از حروف مقطّعات است و خداوند متعال به مراد خویش در معنای آن داناتر می‌باشد.

﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ٢﴾.

قرآن کریم کتابی است که از جانب الله تعالی به طور وحی بر پیامبرش نازل شده است؛ از جانب خداوندی که در پادشاهی و حکمش غالب است، دوستانش را عزّت می‌بخشد و دشمنانش را خوار می‌سازد. اوتعالی در آفرینش و صُنعش و در تدبیر و شریعتش باحکمت است.

﴿إِنَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٣﴾.

به راستی که در آفرینش آسمان‌های هفتگانه و زمین، براهین واضحی است که هر که به خدا و رسولش ایمان داشته باشد در آن می‌اندیشد و از اثرش ایمانش فزونی می‌یابد.

﴿وَفِي خَلۡقِكُمۡ وَمَا يَبُثُّ مِن دَآبَّةٍ ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ٤﴾.

همچنان در آفرینش انسان‌ها و موجوداتی که در روی زمین می‌خزند دلایل آشکاری وجود دارد؛ البته برای کسانی که به یگانگی خداوند یقین دارند، به پیامبرش ایمان آوردند و از شریعتش پیروی می‌کنند.

﴿وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن رِّزۡقٖ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٥﴾.

اختلاف و تعاقب شب و روز در جهان، فرود‌آمدن آب از آسمان به فرمان خداوند أ که با پیدایش انواع میوه‌ها، گل‌ها و کشت‌ها، سبب زنده‌شدن زمین بعد از خشک‌سالی می‌شوند و وزش باد‌ها از هر‌طرف که پروردگار آن سبب تلقیح میوه‌ها و راندن ابرها ساخته و با آن منافع مردم تأمین می‌شوند، همه دلایل و براهین آشکاری بر قدرت پروردگار اند؛ البته برای قومی که در آیات الهی می‌اندیشند، تدبّر می‌نمایند و از آن‌ها می‌آموزند.

﴿تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۖ فَبِأَيِّ حَدِيثِۢ بَعۡدَ ٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ يُؤۡمِنُونَ ٦﴾.

اینها همه آیات و براهینی است که حق‌تعالی و رسولش با حقّانیت و راستی آن‌ها را می‌خوانند تا حجّت اقامه شود و برای کافران عذری باقی نماند. اکنون کافران و بد‌کاران بعد از کلامی که خداوند أ بر پیامبرش نازل فرموده است به کدام سخن ایمان می‌آورند و بعد از اقامۀ براهین روشنی که اوتعالی آن‌ها را در عالم کائنات اقامه داشته و در کتابش نازل نموده به کدام براهین باور خواهند کرد؟

﴿وَيۡلٞ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ٧﴾.

هلاکت و تباهی، با لعنت و آتش دوزخ بر هر تکذیب‌گر افترا‌کننده‌ای باد که گناه بسیار و معاصی بی‌شماری را مرتکب می‌شوند!

﴿يَسۡمَعُ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٖ ٨﴾.

آنکه چون آیات قرآن کریم بر او خوانده می‌شوند و آن‌ها را می‌شنود، با خودبزرگ‌بینی به سرکشی و تکذیبش ادامه می‌دهد، از فروتنی برای پروردگار ابا می‌آورند و از ایمان به اوتعالی و پیروی پیامبرش رو می‌گرداند؛ زیرا آیات خوانده شده را با سمع قبول نشنیده است. بنابراین قبل از شنیدن آیات قرآنی و بعد از آن حال یکسان دارد. پس ای پامبر! این تهمت‌گر گنهکار را به عذاب درد‌آوری در آتش دوزخ مژده بده.

﴿وَإِذَا عَلِمَ مِنۡ ءَايَٰتِنَا شَيۡ‍ًٔا ٱتَّخَذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٩﴾.

آنگاه که این تعذیب کنندۀ افترا‌گر چیزی از آیات الهی را می‌داند به تمسخر می‌گیرد، به استهزایش می‌پردازد و به آن می‌خندد؛ زیرا بصیرتش نابود شده و در بد‌کاری فرو رفته است. برای چنین کسی عذاب خوار کننده، ذلّتبار، اهانت‌آمیز و ننگ‌آوری به سبب استهزایش به آیات خداوند یگانۀ قهّار آماده شده است.

﴿مِّن وَرَآئِهِمۡ جَهَنَّمُۖ وَلَا يُغۡنِي عَنۡهُم مَّا كَسَبُواْ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا مَا ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِيَآءَۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٠﴾.

آتش دوزخ در پیش‌روی کافرانی که به قرآن کریم استهزا نمودند قرار دارد و با عذاب و عقوبت زنجیر‌‌هایش در انتظار آنان است. مال و ثروتی که جمع‌آوری کردند و فرزندانی که از خود باقی گذاشته عذاب را از آنان دفع کرده نمی‌تواند. بت‌هایی را که عبادت می‌کردند شفاعت‌شان نمی‌کند و نفعی برای آنان نمی‌رساند، بلکه به دشوار‌ترین عذاب در آتش دوزخ گرفتار می‌شوند.

﴿هَٰذَا هُدٗىۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ لَهُمۡ عَذَابٞ مِّن رِّجۡزٍ أَلِيمٌ ١١﴾.

قرآن کریم که از جانب خداوند أ بر پیامبر ج وحی شده کتابی است که حق‌تعالی آن را وسیلۀ نجات از گمراهی و دستیابی به هدایت ساخته است، چنان‌که برای جاهلان دانش و به نابینایان بینش عطا می‌نماید و مردم را به سوی راه مستقیم هدایت می‌کند. پیروی و عمل به این کتاب سبب هدایت و راه نجات است و انسانیت را به فوز و فلاح می‌رساند. امّا کسانی که با تکذیب قرآن به آیاتش استهزا می‌نمایند و هدایاتش را نمی‌پذیرند، به سخت‌ترین عذاب و هولناک‌ترین مجازات در آتش دوزخ گرفتار می‌شوند.

﴿۞ٱللَّهُ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ ٱلۡبَحۡرَ لِتَجۡرِيَ ٱلۡفُلۡكُ فِيهِ بِأَمۡرِهِۦ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٢﴾.

خداوند یگانه ذاتی است که دریا‌ها را برای مردم مسخّر ساخته تا کشتی‌ها برای سواری و انتقال بارها به فرمانش در روی آن به حرکت در‌آیند و مردم به وسیلۀ آن‌ها به طلب روزی و تجارت بپردازند. همچنان برای اینکه خداوند أ را با انجام طاعات و حسن عبادات شکر‌گزاری کنند، در الوهیت یگانه بشناسند و با انجام طاعات و ترک نواهی یگانگی را مخصوص او دانند.

﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مِّنۡهُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ١٣﴾.

الله تعالی همه موجودات آسمان‌ها چون خورشید، ماه، ستاره‌ها، سیاره‌ها و ابر‌ها و همچنان موجودات زمینی چون نباتات و جمادات را برای منافع مردم رام و مسخّر ساخته است. با آفرینش و تسخیر همه این‌ها بر مردم احسان و منّت گذاشته تا او را شکر‌گزار باشند و عبادت را برای وی خالص دارند. به یقین که در تسخیر این موجودات، براهین و نشانه‌های آشکار و واضحی است که به یگانگی و عظمت حق‌تعالی دلالت می‌کند؛ البته برای کسانی که در براهین بیندیشند، از آن‌ها پند گیرند و فایده‌مند شوند.

﴿قُل لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَغۡفِرُواْ لِلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ أَيَّامَ ٱللَّهِ لِيَجۡزِيَ قَوۡمَۢا بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ١٤﴾.

ای پیامبر! برای کسانی که با ایمان به خداوند أ از پیامبرش پیروی کردند و با هدایتش راهیاب شده‌اند بگو: از کافران که دریافت پاداش و رحمت حق‌تعالی را اراده ندارند و از عذابش نمی‌ترسند، عفو و گذشت نمایید. آری! مؤمنان باید در برابر آزار و اذیت کافران بردباری داشته باشند؛ زیرا قطعاً حق‌تعالی در برابر آزار و اذیتی که به مسلمانان رسانده‌اند و تدبیر سنجیده‌اند به حساب آنان رسیدگی می‌کند و عذاب‌شان می‌نماید.

﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَسَآءَ فَعَلَيۡهَاۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ تُرۡجَعُونَ ١٥﴾.

هر مؤمنی که عمل نیکی را با اخلاص به خداوند أ و مطابق سنّت رسول الله ج انجام دهد، فایده‌اش به خودش برمی‌گردد. همچنان هر که با انجام اعمال بد پروردگار را نافرمانی کند و با پیامبر مخالفت ورزد، ضرر عملکردش به خودش برگشته و به کسی دیگر زیانی نمی‌رسد. به یقین که بندگان در روز قیامت به سوی الله باز می‌گردند تا ایشان را طبق اعمالی که انجام داده‌اند جزا دهد؛ برای اعمال خیر پاداش نیکو و برای اعمال نامشروع جزای بد مقرّر دارد.

﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَ وَرَزَقۡنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلۡنَٰهُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦﴾.

به راستی که خداوند أ تورات را با نازل کردنش بر موسی ÷ و انجیل را با فزود آوردنش بر عیسی ÷ برای بنی اسرائیل عطا نمود، حکم و معرفت احکام را برای آنان بیان داشت، بیشتر پیامبران را از قوم‌شان مبعوث کرد، از نعمت‌های زمین چون انواع میوه‌ها و اقسام غذاها و طعام‌ها برای‌شان بخشید و آنان را بر مردم زمان‌شان برتری داد.

﴿وَءَاتَيۡنَٰهُم بَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِۖ فَمَا ٱخۡتَلَفُوٓاْ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقۡضِي بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ١٧﴾.

همچنان الله تعالی برای بنی اسرائیل براهین آشکاری را از احکام نازل شده دربارۀ امور حلال و حرام و امور مشروع و نامشروع با بیان حقّ و باطل عطا فرمود؛ یعنی بنی اسرائیل در بین خود اختلاف نورزیدند و نزاع نکردند، مگر بعد از آنکه علم کتاب و براهین الهی برای‌شان آمد و پیامبرانی به سوی‌شان فرستاده شده بود. سبب اختلاف آن بود که به منظور به دست‌آوردن جاه و مقام، و ریاست و قدرت بر یکدیگر بغاوت کردند، حسد ورزیدند و برتری جستند. آری! علمای دنیا با هم حسد می‌ورزند و علمای آخرت باهم محبّت دارند. همانا خداوند أ در امور اختلافی میان اختلاف‌کنندگان حکم می‌کند؛ طوری که نیکو‌کاران را نجات می‌بخشد و بد‌‌کاران را به هلاکت می‌رساند.

﴿ثُمَّ جَعَلۡنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِ فَٱتَّبِعۡهَا وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ ١٨﴾.

بعد از آن ای پیامبر! خداوند أ تو را با دین استوار، روش بزرگ و راه مستقیمی به عنوان خاتم انبیا و پیامبران مقرّر داشت. بنابراین از وحی الهی پیروی کن و بدان عمل نما، به سویش فرا خوان و از خواهش‌های جاهلان گمراهی که با اعراض از کتاب و سنّت حق را نمی‌شناسد، بدان عمل نمی‌کنند و به سوی آن فرا نمی‌خوانند پیروی مکن.

این آیه دلالت دارد که احکام شریعت برای مسلمانان کفایت می‌کند، واجب است از آن پیروی صورت گیرد و از هر ملّت و آیین دیگر استغنا جسته شود.

﴿إِنَّهُمۡ لَن يُغۡنُواْ عَنكَ مِنَ ٱللَّهِ شَيۡ‍ٔٗاۚ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۖ وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ١٩.

در صورتی که با کافران در امور باطل موافقت کنی و در گمراهی از آنان پیروی نمایی، چیزی از عذاب خداوند أ را از تو دفع کرده نمی‌توانند. آری! کافران تجاوز‌گر و اسراف‌کار در گناه، اعم از منافقان، یهودیان و دیگران با همدیگر موالات و دوستی دارند، یکدیگر را یاری می‌نمایند و از هم دفاع می‌کنند، امّا خداوند یاور پرهیزگاران است، به یاری‌شان می‌رسد، از آنان دفاع می‌نماید و در امور دنیوی و اخروی‌شان تصرّف می‌نماید و چنین ولایتی جز با طاعت الهی حاصل نمی‌گردد.

﴿هَٰذَا بَصَٰٓئِرُ لِلنَّاسِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ٢٠﴾.

قرآن کریم که به سوی پیامبر ج وحی شده بینش‌هایی است که بندگان به وسیله‌اش به سوی حق هدایت می‌شوند، به امور خیر استدلال می‌جویند و حقّ و باطل را از هم باز می‌شناسد. همچنان رحمتی برای مؤمنان است که با باور‌مندی به مقتضای آن عمل می‌نمایند و از هدایتش پیروی می‌کنند.

﴿أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجۡتَرَحُواْ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ أَن نَّجۡعَلَهُمۡ كَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَوَآءٗ مَّحۡيَاهُمۡ وَمَمَاتُهُمۡۚ سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ٢١﴾.

آیا کسانی که با ارتکاب گناه بسیار سرکشی می‌کنند و با پیامبر ج مخالفت دارند، می‌پندارند که خداوند أ آنان را مانند کسانی مقرّر می‌دارد که با ایمان به حق‌تعالی اعمال نیکو را انجام می‌دهند، در طاعات‌شان به پروردگار اخلاص دارند و در بندگی اوتعالی صداقتکار اند؟ این پندار باطلی است و الله أ هر‌گز مؤمنان را با کافران و نیکو‌کاران را با بد‌کاران در دنیا و آخرت برابر نمی‌سازد. حکم این اشرار بد‌کار در باب مساوات این دو گروه بسیار ناپسند است.

﴿وَخَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّ وَلِتُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۢ بِمَا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ٢٢﴾.

خداوند أ آسمان‌ها و زمین را با حقّانیتی که بطلانی ندارد، با‌ حکمتی که بیهوده نمی‌باشد و برای آنکه هر کسی به اموری که برایش مقدّر شده عمل نماید آفریده است. بعد از آن الله تعالی در روز قیامت هر کس را مطابق اعمال نیک و بدی که انجام داده محاسبه می‌نماید؛ بدین‌گونه که برای مطیعان پاداش می‌دهد و عصیانگران را مجازات می‌کند. امّا بر هیچ کسی با کم کردن حسنات و یا با زیاده نمودن گناهان ستم روا نمی‌دارد.

﴿أَفَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلۡمٖ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمۡعِهِۦ وَقَلۡبِهِۦ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةٗ فَمَن يَهۡدِيهِ مِنۢ بَعۡدِ ٱللَّهِۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٢٣﴾.

ای پیامبر! آیا کسی را که خواهش‌های نفسانی خویش را خدای خود ساخته و به عبادت آن‌ها پرداخته ندیده‌ای؟ یعنی آنکه به خواسته‌هایش اگر‌‌چه مخالف شریعت هم باشد عمل می‌کند. خداوند أ او را وقتی گمراه ساخته که دانش را دریافته، حجّت بر او اقامه شده و می‌داند که اعمالش ضلالت است. از این‌رو با نصیحت‌ها سودمند نمی‌شوند و از موعظه‌ها عبرت نمی‌گیرد. حق‌تعالی بر دلش مُهر نهاده؛ به گونه‌ای که چیزی را نمی‌داند و دلیلی را نمی‌فهمد، چشمانش را در حجاب قرار داده؛ چنان‌که براهین قدرت و یگانگی حق‌تعالی را می‌بیند. اکنون بعد از گمراهی چه کسی او را به سوی هدایت رهنمایی می‌کند و به حق توفیق می‌بخشد؟ ای بندگان! آیا از این پند نمی‌گیرید که چون الله أ به سبب کفر و سرکشی گمراهی را برای کسی مقدّر کرده باشد هر‌گز هدایت نمی‌شوند؟

این آیه می‌رساند که متابعت خواهش‌های نفسانی نامشروع است و این خواسته‌ها وقتی قابل عمل می‌باشد که شریعت و عقل آن را تأیید نماید.

﴿وَقَالُواْ مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنۡيَا نَمُوتُ وَنَحۡيَا وَمَا يُهۡلِكُنَآ إِلَّا ٱلدَّهۡرُۚ وَمَا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنۡ عِلۡمٍۖ إِنۡ هُمۡ إِلَّا يَظُنُّونَ ٢٤﴾.

کافران در حالی که از آخرت و زنده‌شدن بعد از مرگ انکار داشتند گفتند: جز همین زندگی دنیا که در آن به حیات ادامه می‌دهیم زندگی دیگری وجود ندارد. آنان به زنده‌شدن انسان‌ها بعد از مردن باور نداشتند و به تکذیب آن پرداخته می‌گفتند: فقط تکرار روزها و شب‌ها به تعقیب یکدیگر ما را نابود می‌سازد و می‌میراند. امّا برای درستی سخن خود کدام دانش و برهانی نداشتند، بلکه بر مبنای وهم و گمان سخن می‌زنند.

﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱئۡتُواْ بِ‍َٔابَآئِنَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٥﴾.

آنگاه که آیات واضح کتاب با‌حکمت الهی برای کافران خوانده می‌شوند، در باب معارضه با قرآن دلیل و حجّتی ندارند، مگر اینکه برای پیامبر ج بگویند: اگر شما در ادعای‌تان که خداوند أ اهل قبرستان‌ها و مردگان را زنده می‌کند راستگوی هستید خود و پیروانت پدران ما را که قبلاً مرده‌اند باز گردانید تا آنان را زنده ببینیم.

﴿قُلِ ٱللَّهُ يُحۡيِيكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يَجۡمَعُكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٢٦﴾.

ای پیامبر! برای این کافران بگو: خداوند بزرگ شما را برای گذراندن مدّت عمری که برای‌تان مقدّر کرده است زنده می‌سازد، بعد از آن می‌میراند، باز در روز محشر دوباره زنده می‌نماید تا از اعمال‌تان حساب بگیرد. اما بیشتر بندگان حقیقت زنده‌شدن بعد از مرگ را نمی‌دانند.

﴿وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوۡمَئِذٖ يَخۡسَرُ ٱلۡمُبۡطِلُونَ٢٧﴾.

پادشاهی آسمان‌های هفتگانه و زمین و تدبیر و تصرّف در آن‌ها مخصوص خداوند سبحان است که در آفرینش، امر تکوینی و بندگی شریکی ندارد. روزی که قیامت برپا می‌شود و حق‌تعالی اولین و آخرین را جمع می‌نماید، کافران به هلاکت می‌رسند، اعمال‌شان از بین می‌رود و سعی و کوشش آنان باطل می‌شوند؛ زیرا از براهین الهی انکار کردند و به آیاتش تکذیب نمودند.

﴿وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٖ جَاثِيَةٗۚ كُلُّ أُمَّةٖ تُدۡعَىٰٓ إِلَىٰ كِتَٰبِهَا ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٢٨﴾.

در روز قیامت اهل هر دینی را می‌بینی که از شدّت ترس و هولناکی بسیار، زانو‌های‌شان خم خورده است. هر امّتی را خداوند أ به سوی نامۀ اعمال خوب یا بدش فرا می‌خواند و برای اعمال خیر و شرّ آنان جزا و پاداش می‌دهد.

﴿هَٰذَا كِتَٰبُنَا يَنطِقُ عَلَيۡكُم بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّا كُنَّا نَسۡتَنسِخُ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٢٩﴾.

این کتاب الهی است که در آن اعمال نیک و بد نوشته شده و به عمل‌کردهای خوب و زشت مردم، بدون زیادت و نقصان سخن می‌زند. یقیناً خداوند پاک فرشتگان را مأمور می‌سازد که اعمال خوب و بد فرزندان آدم را بنویسند.

﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُدۡخِلُهُمۡ رَبُّهُمۡ فِي رَحۡمَتِهِۦۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡمُبِينُ ٣٠﴾.

اما کسانی که با ایمان به خداوند و رسولش، به انجام طاعات و ترک معاصی پرداختند، حق‌تعالی ایشان را به رحمتش در بهشت داخل می‌کند، داخل‌شدن به بهشت کامیابی بزرگ و رستگاری عظیمی است؛ زیرا به مطلوب خویش رسیدند و از آنچه دوری می‌جستند نجات یافتند.

﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَفَلَمۡ تَكُنۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡ وَكُنتُمۡ قَوۡمٗا مُّجۡرِمِينَ ٣١﴾.

برای کافران تکذیب‌کننده به طور توبیخ و سرزنش گفته می‌شوند: آیا آیات کتاب الهی بر شما خوانده نشد و حجّت بر شما اقامه نگردید؟ امّا شما با اعراض از قبول و پذیرش آن تکبّر ورزیدید، با اسراف در خطا‌کاری گناهان بسیار انجام دادید و نیز به حساب اعمال و به پاداش و جزا ایمان نیاوردید.

﴿وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَٱلسَّاعَةُ لَا رَيۡبَ فِيهَا قُلۡتُم مَّا نَدۡرِي مَا ٱلسَّاعَةُ إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنّٗا وَمَا نَحۡنُ بِمُسۡتَيۡقِنِينَ ٣٢﴾.

و آنگاه که برای شما ای کافران گفته شد: مسلّماً وعدۀ خداوند پاک در باب زنده‌شدن بعد از مرگ حقّ است، قیامت قطعاً واقع می‌شوند و در وقوع آن شکی نیست، شما گفتید: ما از قیامت چیزی نمی‌دانیم، به بر‌پا‌شدن آن جز بطور گمانی باور نداریم و در نزد ما یقین قاطعی که بر راستی وقوعش دلالت کند وجود ندارد.

﴿وَبَدَا لَهُمۡ سَيِّ‍َٔاتُ مَا عَمِلُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٣٣﴾.

زشتی اعمال گناه و تکذیب کافران، در روز قیامت برای آنان آشکار می‌شوند و در نهایت، جزای تمسخر و استهزا به روز قیامت آنان را فرا خواهد گرفت.

﴿وَقِيلَ ٱلۡيَوۡمَ نَنسَىٰكُمۡ كَمَا نَسِيتُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَا وَمَأۡوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٣٤﴾.

برای کافران در روز قیامت گفته می‌شوند: امروز شما را در عذاب آتش دوزخ رها می‌گذاریم، همچنان که شما ایمان به خداوند یگانۀ قهّار و پیروی از پیامبر مختار را ترک نمودید. جایگاه و سرای اقامت شما آتش دوزخ است و برای شما یاوری نیست که عذاب را از شما دفع نماید.

﴿ذَٰلِكُم بِأَنَّكُمُ ٱتَّخَذۡتُمۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوٗا وَغَرَّتۡكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ فَٱلۡيَوۡمَ لَا يُخۡرَجُونَ مِنۡهَا وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ ٣٥﴾.

عذابی که اکنون بر شما آمده بدان سبب است که شما به آیات و براهین الهی تکذیب کردید و با قوّت و متانت و قبول آن‌ها را نگرفتید، زرق و برق دنیای فانی شما را فریب داد و با مظاهر آن به فتنه افتادید. اکنون از آتش بیرون نمی‌شوید و به سوی دنیا باز نمی‌گردید تا ایمان آورید و از کفر و تکذیب توبه کنید.

﴿فَلِلَّهِ ٱلۡحَمۡدُ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَرَبِّ ٱلۡأَرۡضِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٣٦﴾.

ستایش پسندیده و شکران شایسته سزاوار خداوندی است که دارای صفات کمال، احسان بی‌پایان و افعال نیکوست. او که آفریدگار، صاحب اختیار و تدبیر‌کنندۀ آسمان‌ها و زمین و موجودات میان آن‌هاست و اوست که آفریدگار همه مخلوقات و صاحب تصرّف در کائنات است.

﴿وَلَهُ ٱلۡكِبۡرِيَآءُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ٣٧﴾.

عزّت و جبروت، عظمت و غلبه، و جلال و کمال در آسمان‌ها و زمین مخصوص خداوند أ است. او پروردگار با عزّتی است که هر که با وی زورآزمایی کند قهرش می‌کند و هر که با وی ستیزه کند شکستش می‌دهد. همچنان او در آفرینش و صُنع، و در حکم و شریعتش با‌حکمت است.

سورۀ احقاف

مکی است؛ ترتیب آن 46؛ شمار آیات آن 35

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿حمٓ ١﴾.

حا.میم؛ از جملۀ حروف مقطعات است که خداوند متعال به معنای آن‌ها و مراد خویش در نزول آن‌ها داناتر است.

﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ٢﴾.

قرآن کریم کتابی است که خداوند أ آن را بطور وحی بر پیامبرش نازل فرموده است. الله تعالی ذات باعزّتی است که دوستانش را عزّت می‌دهد، دشمنانش را خوار می‌سازد و در آفرینش و تقدیر، و در تدبیر و شریعتش با‌حکمت است.

﴿مَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَأَجَلٖ مُّسَمّٗىۚ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَمَّآ أُنذِرُواْ مُعۡرِضُونَ ٣﴾.

خداوند أ آسمان‌ها و زمین و موجودات میان آن‌ها را جز به حقّانیت نیافریده و آفرینش آن‌ها بیهوده، بازیچه و بی‌فایده نیست. الله تعالی بلندتر از این است که چیزی را بیهوده بیافریند، لذا باید تنها عبادت و طاعت به او تقدیم شود و به وی شریک آورده نشود. این حقّانیت و عدل در امور جهان تا وقت محدود و معیّنی که در نزد پروردگار معلوم است اقامه می‌شوند. امّا کسانی که با تکذیب آیات الهی و انکار از الوهیتش از آنچه قرآن و پیامبر ج آنان را بیم داده روگردان‌اند، بدان ایمان نمی‌آورند و آنان نمی‌پذیرند.

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُم مَّا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُواْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ لَهُمۡ شِرۡكٞ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِۖ ٱئۡتُونِي بِكِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ هَٰذَآ أَوۡ أَثَٰرَةٖ مِّنۡ عِلۡمٍ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ٤﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: به من خبر دهید آیا بت‌ها و تمثال‌هایی را که غیر از خداوند أ عبادت می‌کنید چیزی از موجودات زمین را آفریده‌اند، یا بخشی از آفریده‌های آسمان به آن‌ها تعلّق دارد تا بخشی از عبادت به آن‌ها اختصاص یابد و در الوهیت با الله تعالی شریک دانسته شوند؟ اگر در این ادّعا راست می‌گویید، از نزد حق‌تعالی کتابی بیاورید که به درستی‌اش گواهی دهد یا از علوم گذشته چیزی بیاورید که تأییدش نماید.

﴿وَمَنۡ أَضَلُّ مِمَّن يَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَن لَّا يَسۡتَجِيبُ لَهُۥٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَهُمۡ عَن دُعَآئِهِمۡ غَٰفِلُونَ ٥﴾.

هیچ کسی در دنیا گمراه‌تر و نادان‌تر نیست از کسی که جز الله أ خدایان باطلی را عبادت کند که دعایش را اجابت نمی‌کنند و نمی‌دانند که چه می‌گوید؛ زیرا آن‌ها جامد، مرده و ناتوان اند، بلکه سنگ‌ها و چوب‌هایی اند که از دعای عبادت‌گران خود غافل‌اند و چیزی را نمی‌دانند، نفعی را جلب کرده نمی‌توانند و ضرری را دفع نمی‌کنند.

﴿وَإِذَا حُشِرَ ٱلنَّاسُ كَانُواْ لَهُمۡ أَعۡدَآءٗ وَكَانُواْ بِعِبَادَتِهِمۡ كَٰفِرِينَ ٦﴾.

در آن هنگام که مردم برای حساب اعمال در روز قیامت جمع کرده شوند، خدایان باطلی که غیر از پروردگار سبحان عبادت کرده می‌شوند، با عبادت‌کنندگان خویش دشمنی ورزیده از آنان بیزاری می‌جویند، لعنت‌شان می‌کنند و از عبادت آنان انکار می‌نمایند.

﴿وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٌ ٧﴾.

و آنگاه که آیات کتاب الهی با دلالت واضح و حجّت آشکار بر کافران خوانده شود و آن را بشنوند می‌گویند: این جادوی آشکاری است که هیچ‌کس در آن شکّی ندارد.

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ إِنِ ٱفۡتَرَيۡتُهُۥ فَلَا تَمۡلِكُونَ لِي مِنَ ٱللَّهِ شَيۡ‍ًٔاۖ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِۚ كَفَىٰ بِهِۦ شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۖ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٨﴾.

آیا کافران می‌گویند: پیامبر ج قرآن را از خود ساخته و وحی از جانب خداوند أ نیست؟ ای پیامبر! بر آنان بگو: اگر آن را از خود ساخته باشم، آنگاه که الله تعالی تعذیبم را اراده کند، شما هرگز نمی‌توانید عذابش را از من دفع نمایید. آنچه را دربارۀ قرآن کریم و پیامبر می‌گویید و در آن فرورَوی می‌کنید همه را الله تعالی می‌داند. دربارۀ آنچه به شما تبلیغ کردم و شما بدان پاسخ دادید گواهی پروردگار سبحان کافی است و بر شما شهادت می‌دهد. خداوند پاک برای کسی که توبه کند آمرزگار است و به کسی که اخلاص ورزد و دعوت حق را بپذیرد مهربان می‌باشد.

﴿قُلۡ مَا كُنتُ بِدۡعٗا مِّنَ ٱلرُّسُلِ وَمَآ أَدۡرِي مَا يُفۡعَلُ بِي وَلَا بِكُمۡۖ إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ وَمَآ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ ٩﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: من نخستین پیام‌آوری نیستم که خداوند أ به سوی بندگانش فرستاده است، بلکه پیامبرانی پیش از من نیز آمده‌اند. من نمی‌دانم که خداوند سبحان با من و شما در دنیا چه می‌کند؛ زیرا علم غیب مخصوص اوتعالی است و وظیفۀ من تنها تبلیغ پیام الهی است. من در همه امور، جز از وحیی که بر من نازل شده پیروی نمی‌کنم و فقط بیم‌دهنده‌ای از جانب پروردگار می‌باشم که اوتعالی به وسیله‌ام کسانی را که از امرش مخالفت نمایند از عذاب خویش می‌ترساند و این بیم‌دادن در دعوتم واضح و آشکار است.

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كَانَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَكَفَرۡتُم بِهِۦ وَشَهِدَ شَاهِدٞ مِّنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ مِثۡلِهِۦ فَ‍َٔامَنَ وَٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٠﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: به من خبر دهید اگر قرآن کریم که شما بدان تکذیب کردید وحیی از جانب خداوند أ باشد و شاهدی از بنی اسرائیل، مانند عبدالله بن سلام و دیگران –همچنان که در تورات آمده است- گواهی دهند که قرآن کریم از نزد الله أ است و به قرآن تصدیق و عمل نمایند، امّا بازهم شما آن را تکذیب کنید و بدان کافر شوید، چه اندازه کفر‌تان سخت است و ظلم بزرگی را بر خویشتن روا داشتید. یقیناً پروردگار سبحان کسی را که به کتابش کافر شود و به وحیش تکذیب نماید به سوی حق و صواب هدایت نمی‌کند.

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوۡ كَانَ خَيۡرٗا مَّا سَبَقُونَآ إِلَيۡهِۚ وَإِذۡ لَمۡ يَهۡتَدُواْ بِهِۦ فَسَيَقُولُونَ هَٰذَآ إِفۡكٞ قَدِيمٞ ١١﴾.

کافران برای مؤمنان گفتند: اگر ایمان‌تان به پیامبر ج و پیروی شما از او خیر و فضیلت می‌بود، ما از شما در ایمان و متابعت سبقت می‌جستیم. آری! آنگاه که به قرآن هدایت نشدند و بدان ایمان نیاورند، عاجل می‌گویند: این دروغی است که از مردم سابق نقل شده و از خرافات پیشینیان است.

﴿وَمِن قَبۡلِهِۦ كِتَٰبُ مُوسَىٰٓ إِمَامٗا وَرَحۡمَةٗۚ وَهَٰذَا كِتَٰبٞ مُّصَدِّقٞ لِّسَانًا عَرَبِيّٗا لِّيُنذِرَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُحۡسِنِينَ١٢﴾.

الله أ پیش از قرآن کریم،‌ تورات را برای موسی ÷ که رهبر بنی اسرائیل بود نازل فرمود تا از هدایتش پیروی کنند و رحمتی برای کسانی باشد که به احکامش عمل کنند. قرآن کریم نیز کتاب‌هایی را که خداوند بزرگ پیش از آن بر پیامبرانش نازل کرده تصدیق می‌کند. الله تعالی آن را به زبان عربی نازل کرده تا برای اهل زبان عربی قابل فهم باشد و برای اینکه کافران را از عذاب دوزخ بیم دهد و نیکو‌کاران را به بهشت‌های جاودان در جایگاه راستین و مطمئنّی مژده دهد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ١٣﴾.

به راستی کسانی که گفتند: خداوند منّان پروردگار ماست و به ربوبیت و الوهیت الله أ گواهی دادند، بعد از آن بر طاعتش استقامت ورزیدند و از محرّماتش اجتناب نمودند، هیچ ترس و هولناکی را در پیش ندارند و هیچ اندوهی به سبب اعمال و فرزندانی که به جا گذاشتند و سخنانی که گفته‌اند متوجه‌شان نمی‌شوند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ خَٰلِدِينَ فِيهَا جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ١٤﴾.

این گروه ابرار نیکو‌کار، اهل بهشت پر از ناز و نعمت‌اند و همیشه در آن ماندگار می‌باشند، در آنجا نمی‌میرند و از آن بیرون نمی‌شوند. این نعمت‌ها پاداش و کرامتی از جانب خداوند أ برای‌شان ارزانی شده؛ زیرا با انجام اعمال نیکو در عبادت اخلاص ورزیدند.

﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ إِحۡسَٰنًاۖ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ كُرۡهٗا وَوَضَعَتۡهُ كُرۡهٗاۖ وَحَمۡلُهُۥ وَفِصَٰلُهُۥ ثَلَٰثُونَ شَهۡرًاۚ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَبَلَغَ أَرۡبَعِينَ سَنَةٗ قَالَ رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَصۡلِحۡ لِي فِي ذُرِّيَّتِيٓۖ إِنِّي تُبۡتُ إِلَيۡكَ وَإِنِّي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٥﴾.

خداوند أ به انسان توصیه نمود و بر او واجب ساخت که به پدر و مادرش نیکو‌کاری و احسان نماید؛ یعنی در زندگی به نرمی و ملایمت با ایشان رفتار کند و بعد از وفات نیز در صورتی که مسلمان باشند، با دعا، صدقه و انواع نیکی‌ها احسان‌شان نماید؛ زیرا مادرش با مشقّت و زحمت و با درد‌ها و رنج‌ها او را در بطنش برداشته و با مشقّت و رنج و درد، تولدش نموده است، چنان‌چه دورۀ بارداری و شیر‌خوارگی‌اش سی ماه را دربر ‌گرفته است؛ از همین است که برای مادر نسبت به پدر، حق بزرگتری داده شده است. امّا آنگاه که این مولود، نیرومند شود، به کمال اعتدال رسد و عمر چهل سالگی را تکمیل نماید، پروردگارش را دعا کرده می‌گوید: خداوندا! به من الهام فرما تا نعمت‌هایی را که برای من و پدر و مادرم عطا کردی شکر‌گزاری نمایم و مرا به انجام اعمال نیکی که تو را خوشنود سازد توفیق ببخشا؛ یعنی به عملی که با اخلاص و متابعت سنّت همراه باشد. ذرّیه‌ام را نیز با استقامت در دین، اصلاح بفرما. واقعاً من از گناهانم توبه کردم و به فرمان تو منقاد هستم، در برابر سلطه و قدرتت فروتنی می‌کنم و به شریعتت تسلیم می‌باشم.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنۡهُمۡ أَحۡسَنَ مَا عَمِلُواْ وَنَتَجَاوَزُ عَن سَيِّ‍َٔاتِهِمۡ فِيٓ أَصۡحَٰبِ ٱلۡجَنَّةِۖ وَعۡدَ ٱلصِّدۡقِ ٱلَّذِي كَانُواْ يُوعَدُونَ ١٦﴾.

خداوند متعال همه اعمال این افراد صالح را به مانند نیکو‌ترین اعمال‌شان می‌پذیرد؛ یعنی پاداش هر عمل‌شان را به اندازۀ مزد نیکو‌ترین عمل‌شان مقرّر می‌دارد. همچنان کارهای بد و گناهان‌شان را مورد عفو و بخشش قرار می‌دهد و در زمرۀ اهل بهشت داخل می‌شوند. این وعده از جانب خداوندی است که وعده‌اش را خلاف نمی‌کند؛ وعدۀ راستینی است که در آن شکّ و شبهه‌ای وجود ندارد.

﴿وَٱلَّذِي قَالَ لِوَٰلِدَيۡهِ أُفّٖ لَّكُمَآ أَتَعِدَانِنِيٓ أَنۡ أُخۡرَجَ وَقَدۡ خَلَتِ ٱلۡقُرُونُ مِن قَبۡلِي وَهُمَا يَسۡتَغِيثَانِ ٱللَّهَ وَيۡلَكَ ءَامِنۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ فَيَقُولُ مَا هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٧﴾.

اما کسی که برای پدر و مادرش، وقتی او را به سوی توحید باری‌تعالی و ایمان به روز آخرت فرا خواندند گفت: بدا به حال شما! آیا به من خبر می‌دهید که از قبرم زنده و بر‌انگیخته می‌شوم؟ حال آنکه پیش از من امّت‌هایی به هلاکت رسیدند ولی هیچ‌یک از آنان دوباره به زندگی باز نگشته است. در این حال پدر و مادرش با دعا به پیشگاه خداوند أ هدایت را برای او خواستار می‌شوند و می‌گوید: وای باد بر تو! بیا به الله أ ایمان بیاور، پیامبرش را تصدیق نما و از دینش متابعت کن؛ زیرا وعدۀ اوتعالی راست است و در آن شکّی وجود ندارد. او سخن‌شان را رد می‌کند و ابراز نظر می‌نماید که خبرهای‌شان جز خرافات پیشینیان چیزی نیست و حکایات دروغینی است که از کتاب‌های متقدّمان نقل شده است.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ فِيٓ أُمَمٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِم مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ خَٰسِرِينَ ١٨﴾.

گروه بد‌کارانی که اوصاف آنان بیشتر بیان شد کسانی‌اند که خداوند أ عذاب را بر آنان واجب ساخته و در جملۀ اقوام دیگری از گروه جنّیان و انسان‌ها که پیشتر از اینان مرتکب کفر و تکذیب شده بودند عقاب و خشم الهی بر آنان واقع می‌شوند. آری! آنان با مبادلۀ ایمان به کفر و تعویض نعمت به عذاب واقعاً زیانمند شده‌اند.

﴿وَلِكُلّٖ دَرَجَٰتٞ مِّمَّا عَمِلُواْۖ وَلِيُوَفِّيَهُمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ١٩﴾.

برای هر گروهی از نیکوکاران و بد‌کاران بر حسب اعمال خوب و بدی که انجام داده‌اند در نزد خداوند أ منازلی در بهشت و دوزخ مهیّا شده است. الله أ آنان را مطابق اعمال‌شان جزا می‌دهد، بدین‌گونه که در گناهان‌شان چیزی افزوده نمی‌شوند، بلکه گاهی مورد بخشش قرار می‌گیرد و از حسنات‌شان چیزی کم نمی‌گردد؛ بلکه گاهی به طور فضل و احسان زیاده می‌شوند.

﴿وَيَوۡمَ يُعۡرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى ٱلنَّارِ أَذۡهَبۡتُمۡ طَيِّبَٰتِكُمۡ فِي حَيَاتِكُمُ ٱلدُّنۡيَا وَٱسۡتَمۡتَعۡتُم بِهَا فَٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ عَذَابَ ٱلۡهُونِ بِمَا كُنتُمۡ تَسۡتَكۡبِرُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَبِمَا كُنتُمۡ تَفۡسُقُونَ ٢٠﴾.

کافران در روز قیامت به آتش دوزخ عرضه می‌شوند و به طور توبیخ برای‌شان گفته می‌شوند: شما از چیزهای دوست داشتنی بهرۀ خود را بردید، به شهوات و خواهش‌های نفسانی رسیدید و در زندگی دنیا از آن‌ها استفاده نمودید. اکنون ای کافران! در روز قیامت به سبب تکبّر از قبول حق، ستیزه‌جویی، خروج از طاعت الهی و زور‌آوری بر بندگان خدا به عذاب خواری، ذلّت و ننگ مجازات می‌شوید.

﴿۞وَٱذۡكُرۡ أَخَا عَادٍ إِذۡ أَنذَرَ قَوۡمَهُۥ بِٱلۡأَحۡقَافِ وَقَدۡ خَلَتِ ٱلنُّذُرُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦٓ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ٢١﴾.

ای پیامبر! از روزی یاد آور که پیامبر الهی هود ÷ برادر نسبی قوم عاد، نه برادر دینی آنان، قومش را در صورتی که ایمان نیاوردند به عذاب خداوند أ بیم داد؛ در حالی که آنان در دیار خویش احقاف، در جنوب جزیرة العرب موقعیت داشتند. این در حالی بود که پیش از هود ÷ پیامبران دیگری نیز آمدند، اقوام‌شان را در صورت عدم ایمان از عذاب الهی ترساندند و به سوی توحید الهی و تخصیص عبادت برای اوتعالی فرا خواندند. هود ÷ برای‌شان گفت: اگر به خداوند أ ایمان نیاورید و او را به یگانگی نشناسید، از نزول عذاب الهی بر شما می‌ترسم؛ از عذاب روزی که سخت دشوار و بسیار هولناک است.

﴿قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا لِتَأۡفِكَنَا عَنۡ ءَالِهَتِنَا فَأۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٢٢﴾.

قوم عاد برای پیامبرشان هود ÷ گفتند: آیا تو آمده‌ای که با رسالت خود ما را از عبادت خدایان ما باز داری؟ اگر در چیزی که ما را به سویش دعوت می‌کنی راستگوی هستی، پس عذابی را که به سوی ما وعده می‌دهی باز آور. این سخن را به طور تمسخر و استبعاد عذاب الهی گفتند.

﴿قَالَ إِنَّمَا ٱلۡعِلۡمُ عِندَ ٱللَّهِ وَأُبَلِّغُكُم مَّآ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦ وَلَٰكِنِّيٓ أَرَىٰكُمۡ قَوۡمٗا تَجۡهَلُونَ ٢٣﴾.

هود ÷ سخن آنان را رد نمود و گفت: تنها خداوند أ به وقت آمدن عذاب داناست و من بدان کدام علمی ندارم. من فقط پیام الهی را تبلیغ می‌نمایم، حجّت را بر شما اقامه کرده شما را از عذابش بیم می‌دهم و نمی‌دانم که چه وقت واقع می‌شوند. اما شما را قوم نادانی یافتم که با نادانی خویش عناد و تکبّر می‌ورزید و به فرمان خداوند استخفاف می‌نمایید.

﴿فَلَمَّا رَأَوۡهُ عَارِضٗا مُّسۡتَقۡبِلَ أَوۡدِيَتِهِمۡ قَالُواْ هَٰذَا عَارِضٞ مُّمۡطِرُنَاۚ بَلۡ هُوَ مَا ٱسۡتَعۡجَلۡتُم بِهِۦۖ رِيحٞ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٞ ٢٤﴾.

آنگاه قوم عاد عذاب را مانند ابر پهناوری دیدند که کنارۀ آسمان را فرا گرفته است گفتند: این ابری است که به زودی باران خواهد آورد و از اثرش آب فراوانی نصیب ما خواهد شد. هود ÷ سخن آنان را رد نمود و گفت: این ابر باران و رحمت نیست، بلکه ابر پهناور عذاب و مجازات است و همچنان چیزی است که در نزول آن بر خویشتن عجله می‌کردید، اکنون عذاب آن را که باد سخت، درد‌آور و کشنده‌ای را با خود دارد بچشید.

﴿تُدَمِّرُ كُلَّ شَيۡءِۢ بِأَمۡرِ رَبِّهَا فَأَصۡبَحُواْ لَا يُرَىٰٓ إِلَّا مَسَٰكِنُهُمۡۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٢٥﴾.

ابر و باد مذکور، به چیزهایی که به هلاکت و نابودی آن‌ها مأمون شده بود گذر کرد و همه را به ارادۀ الله تعالی تباه و نابود ساخت. در نتیجه بعد از هلاکت و نابودی در دیار آنان جز خانه‌هایی که سقف‌های آن‌ها افتاده بود چیزی مشاهده نمی‌شد. همچنان که اینان عذاب شدند، خداوند هر مجرم کافر و تکذیب‌کننده را عذاب می‌نماید.

﴿وَلَقَدۡ مَكَّنَّٰهُمۡ فِيمَآ إِن مَّكَّنَّٰكُمۡ فِيهِ وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ سَمۡعٗا وَأَبۡصَٰرٗا وَأَفۡ‍ِٔدَةٗ فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُمۡ سَمۡعُهُمۡ وَلَآ أَبۡصَٰرُهُمۡ وَلَآ أَفۡ‍ِٔدَتُهُم مِّن شَيۡءٍ إِذۡ كَانُواْ يَجۡحَدُونَ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٢٦﴾.

یقیناً خداوند منّان برای قوم عاد وسایل قدرت و تمکین فراوانی چون مال و ثروت، خانواده و فرزندان، و قوّت و جاه را عطا نمود؛ هچنان که برای کافران این امّت عطا کرده است. به همین‌گونه برای آنان گوش‌ها، چشم‌ها و دل‌های را آفرید و بخشید تا بشنوند، ببینند و بدانند. امّا از این امکانات فایدۀ درست نگرفتند، بلکه در اموری به کار بردند که خشم خداوند أ را بر‌انگیخت؛ زیرا با انکار از براهین الهی، آیات اوتعالی را تکذیب نمودند و با پیامبرانش به محاربت و ستیز برخاستند. در نتیجه عذاب الهی که قبلاً مسخره‌اش می‌کردند و وقوعش را دور می‌شمردند آنان را فرا گرفت.

این آیه تهدید و وعیدی برای هر زور‌آور ستیزه‌گری است که با دین حق بستیزد.

﴿وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَا مَا حَوۡلَكُم مِّنَ ٱلۡقُرَىٰ وَصَرَّفۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٢٧﴾.

به یقین که خداوند قهّار قریه‌های اطراف مکّه چون مناطق قوم عاد و ثمود را عذاب نمود؛ یعنی خود آن قریه‌ها را خراب و اهل آن را نابود کرد. در حالی که حق‌تعالی براهین و دلایلی را که به وحدانیتش دلالت می‌کرد پیشتر اقامه داشته بود؛ برای اینکه با اخلاص عبادت به سوی خداوند أ بر‌گردند.

﴿فَلَوۡلَا نَصَرَهُمُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ قُرۡبَانًا ءَالِهَةَۢۖ بَلۡ ضَلُّواْ عَنۡهُمۡۚ وَذَٰلِكَ إِفۡكُهُمۡ وَمَا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٢٨﴾.

چرا خدایان باطل کسانی که عذاب می‌شوند از آنان دفاع نمی‌کند؛ خدایانی که معبود‌شان قرار گرفته بود و عبادت برای آن‌ها را وسیلۀ تقرّب به پروردگار و شفاعت برای خود می‌دانستند. اکنون معبودان باطل، عبادت‌گران را به حال‌شان می‌گذارند، یاری نمی‌نمایند و عذاب را از آنان دفع نمی‌کنند. کافران با دروغ و تهمت، جز خداوند یگانه خدایان دیگری را گزیدند و عبادت کردند. اکنون نتیجۀ کذب و افترای خویش را بچشید.

﴿وَإِذۡ صَرَفۡنَآ إِلَيۡكَ نَفَرٗا مِّنَ ٱلۡجِنِّ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوٓاْ أَنصِتُواْۖ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوۡاْ إِلَىٰ قَوۡمِهِم مُّنذِرِينَ ٢٩﴾.

ای پیامبر! از آنگاه یاد‌آور کن که خداوند سبحان جماعتی از جنیّان را به سویت فرستاد تا به تلاوت قرآن از جانب تو گوش دهند. وقتی در نزد تو جمع شدند و تو قرآن را تلاوت می‌کردی به همدیگر‌شان گفتند: برای شنیدن قرآن خاموش باشید. آنگاه که تلاوتت به نهایت رسید و جنیّان به آن ایمان آوردند و به احکامش تصدیق کردند، به سوی قوم‌شان باز‌گشتند تا در صورت عدم ایمان به قرآن آنان را از عذاب الهی بترسانند.

﴿قَالُواْ يَٰقَوۡمَنَآ إِنَّا سَمِعۡنَا كِتَٰبًا أُنزِلَ مِنۢ بَعۡدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلۡحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٣٠﴾.

جنیّان برای قوم خویش گفتند: ای قوم! ما قرآنی را شنیدیم که بعد از موسی ÷ بر محمّد ج نازل شده است. این قرآن کتاب‌های الهی پیشتر از خود را که بر پیامبران نازل شده تصدیق می‌دارد و هر که را بدان ایمان آورد به طریق هدایت و راه نجات رهنمایی می‌نماید.

﴿يَٰقَوۡمَنَآ أَجِيبُواْ دَاعِيَ ٱللَّهِ وَءَامِنُواْ بِهِۦ يَغۡفِرۡ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُجِرۡكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ٣١﴾.

ای قوم! دعوت رسول الله ج را بپذیرید، از وی پیروی کنید و هدایتی را که بدان فرستاده شده در پیش گیرید، خداوند أ گناهان شما را می‌آمرزد و شما را از عذاب سخت و درد‌آور آتش دوزخ نجات می‌بخشد.

﴿وَمَن لَّا يُجِبۡ دَاعِيَ ٱللَّهِ فَلَيۡسَ بِمُعۡجِزٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَيۡسَ لَهُۥ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءُۚ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٣٢﴾.

هر که دعوت پیامبر ج را اجابت نکند و از او پیروی ننماید، نمی‌تواند در روی زمین از نزد خداوند أ بگریزد، پروردگار را از اینکه عذابش نکند ناتوان ساخته نمی‌تواند، غیر از حق‌تعالی کسی را نمی‌یابد که او را یاری کند و عذاب را از او دفع نماید. کسانی که دعوتگر حق‌تعالی را نپذیرند بسیار از حق و راهیابی به دور خواهند بود.

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَلَمۡ يَعۡيَ بِخَلۡقِهِنَّ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحۡـِۧيَ ٱلۡمَوۡتَىٰۚ بَلَىٰٓۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٣٣﴾.

آیا قدرت و عظمت خداوند أ را ندانسته‌اند و نمی‌دانند که فقط او آسمان‌ها و زمین را آفریده است، از آفرینش آن‌ها ناتوان نشده و مشقّت و دشواری به او نرسیده است؟ او به زنده‌ساختن مردگان از قبرها و بیرون‌ساختن‌شان برای حساب در پیشگاه خویش تواناست. آری! این کار بر کسی که هیچ کاری بر او بزرگ نیست و هیچ امری او را ناتوان ساخته نمی‌تواند سهل و آسان است. به راستی او به هر چیزی تواناست و هرچه را اراده کند انجام می‌دهد.

﴿وَيَوۡمَ يُعۡرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى ٱلنَّارِ أَلَيۡسَ هَٰذَا بِٱلۡحَقِّۖ قَالُواْ بَلَىٰ وَرَبِّنَاۚ قَالَ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ٣٤﴾.

کافران در روز قیامت به آتش دوزخ عرضه می‌شوند و برای‌شان گفته می‌شوند: آیا عذابی که بدان وعده داده شدید و هم اکنون آن را مشاهده می‌کنید حق نیست؟ آنان می‌گویند: آری پروردگارا! این عذاب حق است. برای آنان گفته می‌شوند: اکنون از آن بچشید و به آتشی که در دنیا از آن انکار می‌کردید بپیوندید.

﴿فَٱصۡبِرۡ كَمَا صَبَرَ أُوْلُواْ ٱلۡعَزۡمِ مِنَ ٱلرُّسُلِ وَلَا تَسۡتَعۡجِل لَّهُمۡۚ كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَ مَا يُوعَدُونَ لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا سَاعَةٗ مِّن نَّهَارِۢۚ بَلَٰغٞۚ فَهَلۡ يُهۡلَكُ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٣٥﴾.

ای پیامبر! در برابر اذیت کافران و تکذیب بد‌کاران، مانند پیامبران اولو العزم چون نوح، ابراهیم، موسی و عیسی † که تو نیز از جملۀ‌شان هستی صبر و استقامت نما و در نزول عذاب بر کافران قومت عجله مکن؛ زیرا اگر عذاب بر آنان فرود‌آید و مشاهده‌اش کنند، از کوتاهی عمرها می‌پندارند که گویا بیش از یک لحظه از روز را زندگی نکردند. قرآن پیامی برای همه جهانیان است و تنها کسانی به عذاب خداوند أ هلاک می‌شوند که با انکار از یگانگی حق‌تعالی از محدودۀ طاعتش بیرون شوند.

سورۀ محمّد

مدنی است؛ ترتیب آن 47؛ شمار آیات آن 38

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ أَضَلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ ١﴾

کسانی که از یگانگی خداوند أ انکار کردند و مردم را از عبادت اوتعالی باز داشتند، حق‌تعالی پاداش اعمال آنان را نابود و باطل ساخته است؛ چنان‌که دیگر نفعی ندارد، بلکه به سبب آن اعمال عذاب‌شان می‌کند.

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَءَامَنُواْ بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٖ وَهُوَ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡ كَفَّرَ عَنۡهُمۡ سَيِّ‍َٔاتِهِمۡ وَأَصۡلَحَ بَالَهُمۡ ٢﴾.

آنان‌که با ایمان به الله تعالی و رسولش از اوامر الهی اطاعت می‌کنند و از گناهان اجتناب می‌نمایند و نیز کسانی که به قرآن عظیم –که حق است و در آن شکّی وجود ندارد- تصدیق داشته به احکامش عمل می‌نماید، خداوند أ گناهان‌شان را می‌پوشاند و ایشان را مورد عفو قرار می‌دهد، مؤاخذۀ‌شان نمی‌کند و احوال‌شان را در دنیا و آخرت نیکو می‌سازد، دل‌های‌شان را برای قبول حق می‌گشاید و تصرّف در شؤون حیات‌شان را به دست دارد.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱتَّبَعُواْ ٱلۡبَٰطِلَ وَأَنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّبَعُواْ ٱلۡحَقَّ مِن رَّبِّهِمۡۚ كَذَٰلِكَ يَضۡرِبُ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ أَمۡثَٰلَهُمۡ ٣﴾.

گمراهی کافران و هدایت ابرار بدان سبب است که کافران از شیطان پیروی کردند، امّا ابرار از خداوند رحمن و از سردار فرزندان عدنان محمّد ج اطاعت نمودند. همچنان که الله أ احوال کفّار و ابرار را به تفصیل بیان داشته، به منظور رفع اشتباهات و بیان مناسبت هر‌کدام از اهل هدایت و ضلالت، برای بندگانش مثال‌هایی را ارائه می‌نماید.

﴿فَإِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَضَرۡبَ ٱلرِّقَابِ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَثۡخَنتُمُوهُمۡ فَشُدُّواْ ٱلۡوَثَاقَ فَإِمَّا مَنَّۢا بَعۡدُ وَإِمَّا فِدَآءً حَتَّىٰ تَضَعَ ٱلۡحَرۡبُ أَوۡزَارَهَاۚ ذَٰلِكَۖ وَلَوۡ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَٱنتَصَرَ مِنۡهُمۡ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَاْ بَعۡضَكُم بِبَعۡضٖۗ وَٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٤﴾.

ای مؤمنان! آنگاه که با کافران در میدان معرکه روبرو شدید، در جنک با آنان جدّیت داشته باشید و با شمشیرهای‌تان گردن‌های آنان را هدف قرار دهید. آنگاه که آنان را زیاد به قتل رساندید و نیرو و شوکت‌شان ضعیف و نابود شد اسیران را محکم ببندید. بعد از آن یا به اسیران منّت گذارید و بدون عوض آنان را رها سازید، یا در برابر اسیران‌جنگی، مال یا اسیران مسلمانی را فدیه بگیرید و بدین طریقه تا جنگ به نهایت رسد ثابت باشید. این حکم الهی در ابتلای مؤمنان به کافران و احکام جنگ با آنان است که خداوند أ مشروع ساخته است. اگر الله تعالی اراده می‌داشت کافران را بدون جنگ مؤمنان، مغلوب می‌ساخت و بر آنان قهر می‌نمود، اما جنک با کافران را بر مؤمنان فرض کرد و جهاد را مشروع ساخت تا راستگوی از دروغگوی بازشناخته شود، از میان مؤمنان شهیدانی را برگزیند، بداند که جه کسی دینش را یاری می‌کند، سنّت مدافعه تحقّق و کمال باید از جملۀ بندگانش یاورانی را برای دینش برگزیند. هر که در راه خدای بزرگ و بلند‌بردن دینش کشته شود، پاداش وی در نزد الله أ محفوظ است و مزدش را ضایع نمی‌کند.

﴿سَيَهۡدِيهِمۡ وَيُصۡلِحُ بَالَهُمۡ ٥﴾.

به زودی مؤمنان را به سوی عملی که وی را خوشنود سازد و ایشان را به هر کار خیری توفیق بخشد رهنمایی می‌کند و نیز گفتار، کردار و احوال‌شان را صلاح می‌بخشد تا در دنیا و آخرت سعادتمند باشند.

﴿وَيُدۡخِلُهُمُ ٱلۡجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمۡ ٦﴾.

و کسانی را که در راهش جهاد کنند به بهشت پر از نعمت داخل می‌کند؛ به بهشتی که آن را به وسیلۀ وحی برای‌شان بیان و معرفی داشته و ایشان را به جایگاه‌هایی که در آن داخل می‌شوند آشنا ساخته است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرۡكُمۡ وَيُثَبِّتۡ أَقۡدَامَكُمۡ ٧﴾.

ای کسانی که به خدا و رسولش ایمان دارید، اگر خداوند أ را با اطاعت از اوامرش، متابعت پیامبرش، عمل به شریعتش و جهاد در راهش با نفس، مال، زبان، قلم و دیگر روش‌ها یاری کنید، الله أ شما را بر دشمنان‌تان یاری کرده عزّت می‌بخشد و با فرود‌آوردن آرامش و ثبات، شما را در جنگ ثابت‌قدم می‌سازد و آنگاه از جنگ نمی‌گریزید.

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَتَعۡسٗا لَّهُمۡ وَأَضَلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٨﴾.

اما هلاکت و خشم خدا بر کافران باد! الله أ آنان را عذاب می‌کند و پاداش اعمال آنان را باطل می‌سازد.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَرِهُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٩﴾.

چون کافران وحی خداوند أ را که در کتاب الهی و سنّت رسولش جلوه‌گر است بد شمردند، به تکذیبش پرداختند و از آن رو‌گشتاندند خداوند متعال پاداش اعمال آنان را باطل ساخت؛ زیرا با اخلاص، متابعت و ایمان همراه نبوده است.

﴿۞أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ دَمَّرَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡۖ وَلِلۡكَٰفِرِينَ أَمۡثَٰلُهَا ١٠﴾.

آیا کافران در اطراف روی زمین سفر نکردند تا آثار گذشتگان را مشاهده کنند، به عذاب و نابودی اهل آن استدلال جویند و از آن‌ها پند بگیرند؟ واقعاً خداوند أ مساکن کافران را خراب ساخته و برای هر کافری که به کفرش ادامه دهد از جانب پروردگار همچنین جزایی مقرّر داشته می‌شوند؛ یعنی که جزا همگون است.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ مَوۡلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَأَنَّ ٱلۡكَٰفِرِينَ لَا مَوۡلَىٰ لَهُمۡ ١١﴾.

اینکه الله تعالی دوستان مؤمنش را یاری کرده و برای‌شان نعمت، قدرت و کرامت بخشیده، اما بر عکس دشمنان کافرش را به شکست و خواری مواجه ساخته و به عذاب آتش دوزخ گرفتار ساخته بدان سبب است که اوتعالی ولی و ناصر مؤمنان است، اما کافران ولیی ندارند که به امور آنان رسیدگی کند و یاری کننده‌ای ندارند که عذاب را از آنان دفع نماید.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَتَمَتَّعُونَ وَيَأۡكُلُونَ كَمَا تَأۡكُلُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ وَٱلنَّارُ مَثۡوٗى لَّهُمۡ ١٢﴾.

هر آینه خداوند متعال مؤمنان نیکو‌کار را که با انجام طاعات الهی از نافرمانی‌اش اجتناب می‌ورزند به بهشت‌هایی داخل می‌کند که از زیر سراها، کاخ‌ها و درخت‌های آن جوی‌ها جریان دارد و این پاداش اعمال نیک‌شان است. اما صفت کافران مانند چارپایان است که از دنیا بهره می‌گیرند و می‌خورند، عمل نیک و مقصد شایسته‌ای ندارند، بلکه همّت‌های آنان در شهوات و لذایذ خلاصه می‌شوند. در نتیجه آتش دوزخ جایگاه آنان است که در آن همیشه می‌مانند.

﴿وَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةٗ مِّن قَرۡيَتِكَ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَتۡكَ أَهۡلَكۡنَٰهُمۡ فَلَا نَاصِرَ لَهُمۡ ١٣﴾.

قریه‌های بسیاری در دورهای پیشین وجود داشتند که اهل آن‌ها از اهل مکه سرزمین پیامبر ج که ایشان را از آن بیرون کردند، از نیرو و امکانات بیشتری برخوردار بودند،‌ امّا خداوند بزرگ آن قریه‌ها را به هلاکت رساند و خراب کرد و کسی را نیافتند که عذاب را از آنان دفع نماید.

﴿أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّهِۦ كَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهۡوَآءَهُم ١٤﴾.

آیا کسی که برهان و دلیل واضح و آشکاری از جانب خداوند سبحان داشته باشد، یعنی الله أ را با بینشی عبادت نموده از نواهی‌اش پرهیز کند، مانند کسی است که شیطان، اعمال بد را در نظرش نیکو جلوه دهد، از نفس امّاره و خواهش‌های گمراه کننده‌اش اطاعت نماید، با شرک آوردن و ارتکاب گناهان به خدا عصیان ورزد و هیچ دلیل و برهانی برای اعمالش نداشته باشد؟ این دو کس باهم برابر نیستند.

﴿مَّثَلُ ٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۖ فِيهَآ أَنۡهَٰرٞ مِّن مَّآءٍ غَيۡرِ ءَاسِنٖ وَأَنۡهَٰرٞ مِّن لَّبَنٖ لَّمۡ يَتَغَيَّرۡ طَعۡمُهُۥ وَأَنۡهَٰرٞ مِّنۡ خَمۡرٖ لَّذَّةٖ لِّلشَّٰرِبِينَ وَأَنۡهَٰرٞ مِّنۡ عَسَلٖ مُّصَفّٗىۖ وَلَهُمۡ فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَمَغۡفِرَةٞ مِّن رَّبِّهِمۡۖ كَمَنۡ هُوَ خَٰلِدٞ فِي ٱلنَّارِ وَسُقُواْ مَآءً حَمِيمٗا فَقَطَّعَ أَمۡعَآءَهُمۡ ١٥﴾.

صفت بهشتی که خداوند أ برای بندگان ابرار پرهیزگارش وعده کرده چنان است که جوی‌های آب زلال و خوشگواری در آن جاری است که با دیرماندن تغییر نمی‌یابد، جوی‌های شیر صاف و لذیذی دارد که مزه‌اش تغییر ناپذیر است، جوی‌های از شراب طهور در آن موجود است که نوشیدنش درد‌سری ندارد و نشه‌آور نیست، دارای جوی‌های از عسل است که با پاکیزهگی از خار و خاشاک مزّۀ نیکو و نفع کامل دارد. برعلاوه برای ابرار در بهشت تمام انواع میوه‌ها و غذاها میسّر است و بالاتر از همه آمرزش و عفو گناهان‌شان از جانب خداوند بزرگ است. آیا کسانی که با برخورداری از نعمت‌ها حال‌شان چنین باشد،‌ مانند کسانی‌اند که در آتش دوزخ ماندگار باشند، از آن بیرون آمده نتوانند، و از آبی نوشانده شوند که به نهایت درجه داغ است، چنان‌که وقتی در شکم‌های آنان استقرار یابد از شدّت حرارتش روده‌های آنان را قطع نماید؟ مُسلّماً برابر نیستند.

﴿وَمِنۡهُم مَّن يَسۡتَمِعُ إِلَيۡكَ حَتَّىٰٓ إِذَا خَرَجُواْ مِنۡ عِندِكَ قَالُواْ لِلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ مَاذَا قَالَ ءَانِفًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهۡوَآءَهُمۡ ١٦﴾.

ای پیامبر! شماری از منافقان بدون فهم و دانش و بدون قبول و پذیرش به سخنانت گوش می‌دهند، در حالی که از ایمان روگردان‌اند و به وحی ارزشی قایل نیستند به اندازه‌ای که چون از مجلست بیرون می‌روند برای اشخاصی از اهل علم و دیانت که در مجلس حاضر بودند به گونۀ تمسخر می‌گویند: اندکی پیشتر محمّد چه گفت؟ خداوند أ در دل‌های این گروه به سبب نفاقی که دارند مُهر نهاده از آن‌رو چیزی را نمی‌دانند و به حافظه ندارند، بلکه براساس خواهش‌های نفسانی خود از کفر و فسق پیروی می‌کنند.

﴿وَٱلَّذِينَ ٱهۡتَدَوۡاْ زَادَهُمۡ هُدٗى وَءَاتَىٰهُمۡ تَقۡوَىٰهُمۡ ١٧﴾.

امّا کسانی که با رسالت پیامبر ج هدایت شدند و از نوری که بر او نازل شده پیروی کردند، خداوند أ هدایت‌شان را مزید می‌سازد؛ یعنی پاداش اعمال‌نیکو، توفیق نیکی‌های دیگر است. حق‌تعالی توفیق به اعمال نیک و خصایل پسندیده را برای‌شان عنایت می‌کند و انجام اعمال صالح و ترک منکرات را برای‌شان آسان می‌گرداند.

﴿فَهَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن تَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗۖ فَقَدۡ جَآءَ أَشۡرَاطُهَاۚ فَأَنَّىٰ لَهُمۡ إِذَا جَآءَتۡهُمۡ ذِكۡرَىٰهُمۡ ١٨﴾.

کافران جز روز قیامت را که الله تعالی برای آنان وعده داده انتظار نمی‌کشند. اما قیامت به طور ناگهانی چنان می‌آید که آنان در غرور به سر می‌برند و هیچ آگاهی ندارند. آری! نشانه‌های قیامت آمده، ولی آنان با ایمان و توبه بدان آمادگی نگرفتند، اکنون که به طور ناگهانی فرا رسید و وقت توبه و ایمان گذشت چگونه پندپذیری ممکن است؟

﴿فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مُتَقَلَّبَكُمۡ وَمَثۡوَىٰكُمۡ ١٩﴾.

ای پیامبر! بدان که جز الله أ هیچ کسی سزاوار پرستش نیست و برای اوتعالی شریکی وجود ندارد. برای گناهان خود و همچنان برای مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه. خداوند به حرکات شما در انجام اعمال روزانه و به استقرار شبانۀ‌تان که به منظور استراحت از کارها صورت می‌گیرد داناست.

این آیه مفاهیم ارزشمند توحید و استغفار، و علم و عمل را در خود جمع‌کرده است.

﴿وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوۡلَا نُزِّلَتۡ سُورَةٞۖ فَإِذَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٞ مُّحۡكَمَةٞ وَذُكِرَ فِيهَا ٱلۡقِتَالُ رَأَيۡتَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ نَظَرَ ٱلۡمَغۡشِيِّ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡمَوۡتِۖ فَأَوۡلَىٰ لَهُمۡ ٢٠﴾.

کسانی که به الله أ و رسولش ایمان دارند می‌گویند: چرا خداوند أ به پیامبرش سوره‌ای از قرآن را نازل نمی‌کند که ما را به جنگ با کافران دستور دهد. اما ای پیامبر! آنگاه که پروردگار سبحان با فرود آوردن سورۀ مُحکمی اموری را بر بندگانش فرض کرد و در ضمن آن احکام جهاد را ذکر فرمود، کسانی را که در دل‌های آنان مرض نفاق، شکّ، تردید و تکذیب وجود دارد دیدی که به جانبت نظر می‌کنند؛ مانند کسی که از ترس مرگ و دشواری هولناکی بر او بی‌هوشی آمده باشد. این در حالی است که پذیرش دعوت خداوند أ و رسولش بر منافقان بهتر و واجب‌تر است.

﴿طَاعَةٞ وَقَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞۚ فَإِذَا عَزَمَ ٱلۡأَمۡرُ فَلَوۡ صَدَقُواْ ٱللَّهَ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ ٢١﴾.

برای منافقان سزاوارتر این بود که اطاعت خداوند أ را در پیش گیرند، از پیامبر ج پیروی نمایند و سخن حقّی را بگویند که با کتاب و سنّت موافق باشد. در آن هنگام که جنگ با کافران واجب شد و حق‌تعالی بندگان مؤمنش را بدان امر نمود، اگر منافقان با پذیرش امر پروردگار به تصدیق اوتعالی می‌پرداختند و به آنچه دوست داشت شتاب می‌ورزیدند، این کار در دنیا و آخرت برای آنان از مخالفت فرمان الهی و ترک جهاد بهتر بود.

﴿فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ ٢٢﴾.

شاید شما از عمل به کتاب و سنّت رو گردانید، در روی زمین خدا را نافرمانی خواهید کرد و با ادامه با کفر، ریختن خون‌ها و قطع صلۀ رحم از حدودش تجاوز خواهید نمود.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ ٢٣﴾.

هر که چنین اعمالی را انجام دهد، در جملۀ کسانی است که خداوند آنان را از رحمتش دور می‌سازد؛ یعنی گوش‌های آنان را ناشنوا و چشم‌های آنان را از دیدن حجّت‌های واضح و دلایل نافع نابینا می‌نماید؛ طوری که در گمراهی و سرکشی به سر برند.

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ أَمۡ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقۡفَالُهَآ ٢٤﴾.

آیا منافقان در قرآن نمی‌اندیشند تا به احکامش سودمند شوند، از نصایحش بهره گیرند و براهینش را درک نمایند؟ بلکه دل‌های آنان قفل شده و بسته است؛ چنان‌که با عدم قبول حق از آن فایده‌مند نمی‌شوند و نور ایمان را در نمی‌یابند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱرۡتَدُّواْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡهُدَى ٱلشَّيۡطَٰنُ سَوَّلَ لَهُمۡ وَأَمۡلَىٰ لَهُمۡ ٢٥﴾.

کسانی که بعد از ایمان‌آوردن و ظهور حق، پس از بیان دلایل و وضوح هدایت مرتد شدند و با تکذیب پیامبر ج به تعقیب خویش برگشتند، شیطان اعمال بد را در نظر آنان زینت داده، آرزوهای آنان را طولانی ساخته و به طول بقا امیدوار‌شان داشته است.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لِلَّذِينَ كَرِهُواْ مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ سَنُطِيعُكُمۡ فِي بَعۡضِ ٱلۡأَمۡرِۖ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِسۡرَارَهُمۡ ٢٦﴾.

زینت‌دهی و ترغیب به آرزوها از طرف شیطان بدین سبب است که آنان از روی حسد و بغاوت برای یهودیان که وحی الهی بر پیامبرش برای آنان ناخوشایند بود گفتند: ما با شما در معصیت خدا و رسولش که ما را بدان فرا‌می‌خوانید موافقت خواهیم کرد. امّا الله تعالی تکذیب و تدبیر پوشیدۀ آنان را می‌داند.

در این آیه از طاعت غیر حق‌تعالی در کاری که معصیت اوتعالی را لازم داشته باشد نهی صورت گرفته است.

﴿فَكَيۡفَ إِذَا تَوَفَّتۡهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَضۡرِبُونَ وُجُوهَهُمۡ وَأَدۡبَٰرَهُمۡ ٢٧﴾.

پس حال منافقان در سختی‌های مرگ چگونه خواهد بود؛ آنگاه که فرشتگان ارواح آنان را قبض کنند و بر روی‌ها و پشت‌های آنان بزنند.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱتَّبَعُواْ مَآ أَسۡخَطَ ٱللَّهَ وَكَرِهُواْ رِضۡوَٰنَهُۥ فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٢٨﴾.

عذابی که اکنون بدان گرفتار شده‌اند بدان سبب است که با متابعت شیطان و مخالفت امر خداوند أ خشم اوتعالی را برای خود خواستار شدند و از اموری چون ایمان و اعمال صالح که حق‌تعالی را خوشنود می‌نماید و جهاد در راه حق از آن جمله است دوری گزیدند. در نتیجه پروردگار مزد اعمال صدقه، نیکی و صلۀ رحم‌شان را باطل نمود و پاداش آن را نابود ساخت.

﴿أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخۡرِجَ ٱللَّهُ أَضۡغَٰنَهُمۡ ٢٩﴾.

آیا منافقان می‌پندارند که خداوند أ حسد و کینه‌ای را که با اسلام و مسلمانان دارند برای پیامبر ج و مؤمنان کشف و آشکار نمی‌سازد؟ این‌چنین نیست، بلکه اوتعالی تواناست که مؤمنان را از منافقان متمایز سازد.

﴿وَلَوۡ نَشَآءُ لَأَرَيۡنَٰكَهُمۡ فَلَعَرَفۡتَهُم بِسِيمَٰهُمۡۚ وَلَتَعۡرِفَنَّهُمۡ فِي لَحۡنِ ٱلۡقَوۡلِۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ أَعۡمَٰلَكُمۡ ٣٠﴾.

ای پیامبر! اگر خداوند أ اراده کند منافقان را به گونۀ مشخّص با نشانه‌های موجودۀ آنان برایت معرفی می‌نماید، آنگاه تو آنان را می‌شناسی و با آنچه می‌گویند و آشکار است بر احوال واقعی آنان استدلال می‌نماید، تا مقاصد آنان را دریابی. الله تعالی تمام اعمال خیر و شرّ بندگان را می‌داند و آنان را مطابقش مجازات می‌کند.

﴿وَلَنَبۡلُوَنَّكُمۡ حَتَّىٰ نَعۡلَمَ ٱلۡمُجَٰهِدِينَ مِنكُمۡ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَنَبۡلُوَاْ أَخۡبَارَكُمۡ ٣١﴾.

ای مؤمنان! خداوند أ شما را با فرضیت جهاد با کافران آزمایش می‌نماید تا کسانی که در جهاد راستی و استقامت کنند آشکار شوند و به زودی الله تعالی گفتار و کردار شما را با دشواری‌ها و ستختی‌هایی که بر شما مقدّر کرده امتحان می‌نماید تا راستگویان از دروغگویان متمایز شوند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَشَآقُّواْ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡهُدَىٰ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡ‍ٔٗا وَسَيُحۡبِطُ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٣٢﴾.

کسانی که با انکار از توحید باری‌تعالی مردم را از ایمان باز داشتند و با دوستان خداوند أ به جنگ پرداختند، پیامبر ج را تکذیب کردند و بعد از آنکه براهین راستینی برای اثبات رسالتش برای آنان آشکار شد با وی به ستیزه برخواستند، هر‌گز به اسلام ضرری رسانده نمی‌توانند و قطعاً خداوند بزرگ پاداش اعمالی را که در دنیا انجام داده‌اند نابود می‌سازد؛ زیرا در اعمال خود اخلاص نداشتند.

﴿۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَلَا تُبۡطِلُوٓاْ أَعۡمَٰلَكُمۡ ٣٣﴾.

ای مؤمنان! با انجام اوامر، اجتناب از معاصی و پیروی از شریعت، از خداوند أ و رسولش اطاعت نمایید و با شرک و ریا پاداش اعمال‌تان را باطل نسازید.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ مَاتُواْ وَهُمۡ كُفَّارٞ فَلَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَهُمۡ ٣٤﴾.

هر آینه کسانی که به خداوند أ کافر شدند، پیامبر را تکذیب نمودند، مردم را از داخل‌شدن در اسلام باز داشتند و بعد از آن با ادامه بر کفر خویش مردند، اوتعالی هر‌گز گناهان آنان را نمی‌آمرزد، مجازات‌شان می‌نماید و در آتش دوزخ عذاب می‌شوند.

﴿فَلَا تَهِنُواْ وَتَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلسَّلۡمِ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ وَٱللَّهُ مَعَكُمۡ وَلَن يَتِرَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ ٣٥﴾.

پس ای مؤمنان! از جهاد و ناتوان نباشید و با دشمنان الله أ مصالحه و مسالمت را در پیش نگیرید، شما از آنان بلندتر،‌ غالب‌تر و نیرومندتر هستید؛ زیرا خداوند أ با شماست و کسی که اوتعالی با وی باشد، پیروزی هم‌پیمان او، سر‌انجام نیکو از آن او و توفیق همراه اوست. آنگاه حق‌تعالی هرگز پاداش اعمال‌تان را نابود نمی‌کند و مزد شما را کم نمی‌سازد.

﴿إِنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞۚ وَإِن تُؤۡمِنُواْ وَتَتَّقُواْ يُؤۡتِكُمۡ أُجُورَكُمۡ وَلَا يَسۡ‍َٔلۡكُمۡ أَمۡوَٰلَكُمۡ ٣٦﴾.

یقیناً زندگی دنیا لهو و بازیچه‌ای است که انسان را از طاعات الهی به خود مشغول می‌سازد، از اعمال نیکو بازمی‌دارد و با مظاهرش فریب می‌دهد. امّا اگر به خداوند أ و رسولش ایمان آورید و با انجام طاعات و پرهیز از نواهی پرهیزگاری کنید، به طور قطع پاداش اعمال نیک‌تان را با انواع بخشش‌ها چون محبّت، قبول اعمال، ذکر خیر، نجات از دوزخ و رسیدن به بهشت عطا می‌نماید. پروردگار متعال انفاق تمام اموال‌تان را از شما نخواسته، بلکه فرمان داده که بخشی از مال خویش را به منظور تزکیۀ نفس‌ها و مال‌های‌تان به عنوان صدقه جدا نمایید.

﴿إِن يَسۡ‍َٔلۡكُمُوهَا فَيُحۡفِكُمۡ تَبۡخَلُواْ وَيُخۡرِجۡ أَضۡغَٰنَكُمۡ ٣٧﴾.

اگر خداوند أ به انفاق تمام مال‌های‌تان دستور دهد، انجام چنین کاری بر شما دشواری می‌آید، در انفاقش بخالت می‌ورزد و از مصرفش خودداری می‌کنید. در نتیجه آنگاه که حق‌تعالی شما را به صدقه‌کردن چیزی که بر شما دشوار آید فرمان دهد بخالت دل‌های‌تان آشکاری می‌شوند.

﴿هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ تُدۡعَوۡنَ لِتُنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَمِنكُم مَّن يَبۡخَلُۖ وَمَن يَبۡخَلۡ فَإِنَّمَا يَبۡخَلُ عَن نَّفۡسِهِۦۚ وَٱللَّهُ ٱلۡغَنِيُّ وَأَنتُمُ ٱلۡفُقَرَآءُۚ وَإِن تَتَوَلَّوۡاْ يَسۡتَبۡدِلۡ قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ ثُمَّ لَا يَكُونُوٓاْ أَمۡثَٰلَكُم ٣٨﴾.

ای مؤمنان! شما فراخوانده می‌شوید تا در راه خدا برای اعلای شریعت و یاری دین خدا انفاق کنید، امّا بعضی از شما در صدقه بخالت می‌ورزد. هر که به انفاق در راه اوتعالی بخالت کند، با محروم ساختن خود از مزد و پاداش بر خویشتن بخالت ورزیده است. الله أ از بندگانش بی‌نیاز است و احتیاجی به نفقات‌شان ندارد؛ زیرا وی ایشان را آفریده و روزی داده است و بندگان در حقیقت به او نیازمند می‌باشند. ای مؤمنان! اگر از ایمان و جهاد در راه خداوند أ رو گردانید، شما را عذاب می‌کند و قوم با ایمان دیگری را می‌آورند که دینش را یاری کنند و بعد از آن همانند شما از ایمان و جهاد رو نگردانند، بلکه با ایمان و انجام جهاد از خدا و رسولش اطاعت نمایند.

سورۀ فتح

مدنی است؛ ترتیب آن 48؛ شمار آیات آن 29

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿إِنَّا فَتَحۡنَا لَكَ فَتۡحٗا مُّبِينٗا ١﴾.

ای پیامبر! به راستی که خداوند أ پیروزی آشکار و بزرگی را برایت عطا نمود؛ پیروزی که به وسیلۀ آن تو را بر دشمنانت نصرت داد، در روی زمین قدرتمند ساخت، عزّت و غلبه بخشید و قدر و منزلت تو را بالا برد.

مراد از این پیروزی صلح حدیبیه است؛ زیرا که راه را برای فتح مکه و پیروزی‌های بعد از آن به وجود آورد و سبب شد تا مردم دسته‌دسته به دین اسلام داخل شوند.

﴿لِّيَغۡفِرَ لَكَ ٱللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنۢبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكَ وَيَهۡدِيَكَ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ٢﴾.

ای پیامبر! خداوند أ این پیروزی بزرگ را برایت عطا فرمود تا سبب آمرزش گناهان گذشته و آینده‌ات باشد. بدین‌گونه که شمار زیادی مسلمان شدند، جهاد و به عبادت حق‌تعالی پرداختند و از اثر آن برای تو نیز پاداش و آمرزش به دست آمد؛ زیرا تو آنان را به سوی خیر و ایمان دلالت نمودی و حق‌تعالی به اندازۀ مزدهای پیروانت برای تو هم پاداش بخشید. همچنان تو در برابر مشقّت اذیت کافران و جهاد و دعوت، صبر و استقامت ورزیدی که این عمل کفّارۀ همه گناهانت گردید. الله با این پیروزی نعمتش را بر تو کامل ساخت؛ بدین‌گونه که نصرتش را برایت ارزانی داشت، دینت را غلبه بخشید، دشمنانت را سرکوب کرد و تو را برای رفتن در راه مستقیم که به رضای الهی و بهشتش وصل می‌گرداند توفیق بخشید.

﴿وَيَنصُرَكَ ٱللَّهُ نَصۡرًا عَزِيزًا ٣﴾.

خداوند أ با این فتح و پیروزی برایت و عزّت بخشید،‌ چنان‌که نزدیکان هیبت و شکوه تو را احساس می‌کنند، دشمنان از تو می‌هراسند و این امر اعلای دین خدا را برایت ممکن ساخت.

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ لِيَزۡدَادُوٓاْ إِيمَٰنٗا مَّعَ إِيمَٰنِهِمۡۗ وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ٤﴾.

الله أ خداوندی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان فرود‌آورد تا از اثر آن به یاری وی اعتماد کنند و به وعده‌اش دل بندند، در محنت‌ها ثابت بمانند و در مواقف ابتلا صداقت پیشه شوند و یقین در دین و رسوخ در تصدیق به پروردگار و پیامبرش را در دل زیاده سازند. لشکریان آسمان‌ها و زمین تحت فرمان پروردگار هستند و اوتعالی از دوستانش هر که را بخواهد نصرت می‌بخشد، از دشمنانش هر که را بخواهد خوار می‌سازد و در این امر به یاری کسی از مردم نیازی نیست. امّا جهاد در برابر کافران را فرض کرده تا مؤمنان را امتحان کند، شهیدانی را بر‌گزیند و دل‌های پرهیزگاران را در هنگام روبرو شدن با دشمنان بیازماید. خداوند أ به مصلحت بندگان داناست و به اموری که در دنیا و آخرت مقدّر کرده با‌حکمت است.

﴿لِّيُدۡخِلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنۡهُمۡ سَيِّ‍َٔاتِهِمۡۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِندَ ٱللَّهِ فَوۡزًا عَظِيمٗا ٥﴾.

برای اینکه خداوند أ مردان و زنان با ایمان را در باغ‌هایی در بهشت داخل سازد که از زیر منازل،‌ کاخ‌ها و درخت‌های آن جوی‌ها جاری است. ایشان در بهشت همیشه و جاودان ماندگار‌اند، نه می‌میرند و نه از آن بیرون می‌شوند. حق‌تعالی خطاهای‌شان را مورد عفو قرار می‌دهد و عذاب‌شان نمی‌کند. این پاداش الهی نجاتی از هر دشواری و دستیابی به هر امر دوست داشتنی است.

﴿وَيُعَذِّبَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ وَٱلۡمُشۡرِكَٰتِ ٱلظَّآنِّينَ بِٱللَّهِ ظَنَّ ٱلسَّوۡءِۚ عَلَيۡهِمۡ دَآئِرَةُ ٱلسَّوۡءِۖ وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَلَعَنَهُمۡ وَأَعَدَّ لَهُمۡ جَهَنَّمَۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرٗا ٦﴾.

همچنان تا اینکه خداوند أ مردان و زنان منافق و مشرک را عذاب نماید؛ آنان را که حق‌تعالی بد‌گمان بودند و پنداشتند که دوستانش را بر دشمنانش پیروزی نمی‌بخشد و فوز و فلاحی را که برای‌شان وعده کرده عملی نمی‌کند. در نتیجه خواری و هلاکت، با ذلّت و بیچارگی بر آنان مسلّط می‌شوند، حق‌تعالی بر آنان خشم می‌نماید و از رحمت و بهشت خویش دور‌شان می‌سازد، آتش بر‌افروخته‌ای را برای آنان مهیّا کرده که در آن می‌سوزند و همیشه می‌باشند.

﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ٧﴾.

لشکریان آسمان‌ها و زمین تحت فرمان خداوند أ قرار دارند و به وسیلۀ‌شان هر‌کدام از بندگانش را که اراده کند یاری می‌بخشد. الله تعالی در انتقام و سلطۀ خویش غالب و در آفرینش و صُنع، و تدبیر و شریعتش با‌حکمت است.

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ٨﴾.

ای پیامبر! یقیناً پروردگار منّان تو را با تبلیغ شریعتش گواهی بر این امّت فرستاده تا حجّت را بر ایشان اقامه نمایی، دلایل را بیان داری، مطیعان را به بهشت مژده دهی و عصیانگران را از آتش دوزخ برحذر داری.

﴿لِّتُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُۚ وَتُسَبِّحُوهُ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا ٩﴾.

بعثت پیامبر ج از جانب الله أ برای آن است که بندگان نیکوکار به رسالتش ایمان آورند، خداوند بزرگ را با نصرت دینش در روی زمین یاری کنند،‌ با عمل به طاعات و ترک معصیتش تعظیم نمایند و او را در بامدادان و هنگام عصر به پاکی یاد کنند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ يَدُ ٱللَّهِ فَوۡقَ أَيۡدِيهِمۡۚ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَوۡفَىٰ بِمَا عَٰهَدَ عَلَيۡهُ ٱللَّهَ فَسَيُؤۡتِيهِ أَجۡرًا عَظِيمٗا ١٠﴾.

ای پیامبر! به راستی مؤمنانی که با تو در حدیبیه برای جنگ با کافران بیعت کردند، گویا با خداوند أ بیعت نمودند و با اوتعالی بر یاری دین و دریافت خوشنودی و رحمتش پیمان بستند. دست الله تعالی بالای دست‌های‌شان است؛ یعنی او با علم، نصرت و رعایت خویش با ایشان است و سخنان‌شان را می‌شنود، اعمال‌شان را می‌بیند و به رازهای دل‌های‌شان آکاه است. کسی که به مواد بیعتش چون راستی، استقامت و جهاد در راه خدا صداقت و وفاداری کند، پروردگار منّان برای او پاداش بزرگی را عطا می‌نماید که بهره‌مندی به بهشت و نجات از دوزخ از آن جمله است.

در این آیه اثبات درستی برای خداوند أ به گونه‌ای که سزاوار جلال اوست بیان شده است.

﴿سَيَقُولُ لَكَ ٱلۡمُخَلَّفُونَ مِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ شَغَلَتۡنَآ أَمۡوَٰلُنَا وَأَهۡلُونَا فَٱسۡتَغۡفِرۡ لَنَاۚ يَقُولُونَ بِأَلۡسِنَتِهِم مَّا لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡۚ قُلۡ فَمَن يَمۡلِكُ لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡ‍ًٔا إِنۡ أَرَادَ بِكُمۡ ضَرًّا أَوۡ أَرَادَ بِكُمۡ نَفۡعَۢاۚ بَلۡ كَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرَۢا١١﴾.

ای پیامبر! اگر از متخلّفان جهاد سبب تخلّف را جویا شوی برایت می‌گویند: مال‌ها و خانواده‌های‌مان یعنی زنان و کودکان ما را مصروف ساخت و از خداوند أ بخواه ما را مورد عفو خویش قرار دهد. این سخن را فقط به زبان‌های خود می‌گویند و واقعیت دل‌های آنان چنین نیست؛ یعنی بر خلاف راز‌دل‌های خود سخن می‌گویند. ای پیامبر! برای آنان بگو: هیچ‌کس توان ندارد خیر و خوبیی را که الله أ برایش مقدّر کرده از خود بگرداند، یا شرّ و ناخوشایندیی را که بر او مقدّر کرده باشد از خود دفع نماید. واقعیت مطابق پندار شما نیست که خداوند أ به رازهای دل‌های شما آگاه نباشد، بلکه او به چیزهای پنهان و آشکار داناست، هیچ امر پوشیده‌ای از او مخفی نمی‌باشد و قطعاً شما را به اعمالی که انجام دادید مورد محاسبه قرار می‌دهد.

﴿بَلۡ ظَنَنتُمۡ أَن لَّن يَنقَلِبَ ٱلرَّسُولُ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِلَىٰٓ أَهۡلِيهِمۡ أَبَدٗا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمۡ وَظَنَنتُمۡ ظَنَّ ٱلسَّوۡءِ وَكُنتُمۡ قَوۡمَۢا بُورٗا ١٢﴾.

عذر شما درست نیست که مال‌ها و خانواده‌های‌تان شما را از بیرون‌شدن در جهاد همراه با پیامبر ج بازداشته باشد، بلکه در واقع شما پنداشتید که رسول الله ج و همراهان مؤمنش هر‌گز به خانوادهای‌شان بر‌نمی‌گردد و به زودی هلاک خواهند شد. شیطان این گمان را در دل‌های‌تان نیکو جلوه داد، بدان باور کردید و بدترین گمان را به خداوند نمودید که گویا اوتعالی پیامبرش را یاری نمی‌کند، شریعتش را بلند نمی‌برد و دینش را عزّت نمی‌بخشد. شما قوم زیانکار و سست‌عنصری هستید که خیر و شایستگی در شما وجود ندارد و امیدی به بهبودی و صلاح شما نیست.

﴿وَمَن لَّمۡ يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ فَإِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ سَعِيرٗا ١٣﴾.

کسی که به خدا و رسولش ایمان نیاورد و به شریعت حق‌تعالی عمل نکند کافر است و خداوند أ برای کافران عذاب دوزخ را بعد از گرفتاری به خواری، ننگ و ذلّت دنیوی آماده نموده است.

﴿وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ يَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ١٤﴾.

پادشاهی و تدبیر آسمان‌ها و زمین به دست الله أ است، هر‌کدام از بندگانش را که اراده نماید به فضل و احسانش مورد بخشش قرار می‌دهد و هر‌کدام را که بخواهد بر مبنای عدل و جزایش عذاب می‌کند. خداوند برای کسانی که توبه نمایند بسیار بخشنده و آمرزنده است و برای کسانی که به سویش باز گردند رحمت فراگیر دارد.

﴿سَيَقُولُ ٱلۡمُخَلَّفُونَ إِذَا ٱنطَلَقۡتُمۡ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأۡخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعۡكُمۡۖ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُواْ كَلَٰمَ ٱللَّهِۚ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمۡ قَالَ ٱللَّهُ مِن قَبۡلُۖ فَسَيَقُولُونَ بَلۡ تَحۡسُدُونَنَاۚ بَلۡ كَانُواْ لَا يَفۡقَهُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ١٥﴾.

ای پیامبر!‌ کسانی که از بیرون‌شدن با تو تخلّف ورزیدند، آنگاه که با همراهان مؤمنت به سوی غنایم خیبر که الله أ برای‌تان وعده کرده بیرون شوی می‌گویند: ما را نیز بگذارید تا با شما به سوی خیبر برویم و از غنایم بهره‌مند شویم. آنان اراده دارند که وعدۀ پروردگار سبحان برای‌تان و نیز عدم خروج خویش با شما را که قبلاً مقدّر شده تغییر دهند. ای پیامبر! برای آنان بگو: هر‌گز شما نباید با ما برای به دست آوردن غنایم خیبر بیرون شوید؛ زیرا حق‌تعالی برای ما قبل از بازگشت به مدینه خبر داده که غنایم خیبر تنها برای کسانی است که پیامبر ج در حدیبیه حضور داشته‌اند و برای غایبان از حدیبیه نیست. امّا به زودی متخلّفان برایت می‌گویند: واقعیت چنان‌که شما می‌گویید نیست که خداوند أ بدان حکم کرده باشد، بلکه ما را از بیرون‌شدن با خویش شما باز می‌دارید؛ چون با ما حسد می‌ورزید و نمی‌خواهید که از غنایم خیبر بهره‌مند شویم. آنان در این سخن خود دروغ می‌گویند؛ زیرا به احکام و دین الهی دانا نیستند و به چیزهایی که برای آنان حلال یا حرام می‌شوند،‌ جز امور اندک و آشکاری که می‌شنوند دیگر فهمی ندارند.

﴿قُل لِّلۡمُخَلَّفِينَ مِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ سَتُدۡعَوۡنَ إِلَىٰ قَوۡمٍ أُوْلِي بَأۡسٖ شَدِيدٖ تُقَٰتِلُونَهُمۡ أَوۡ يُسۡلِمُونَۖ فَإِن تُطِيعُواْ يُؤۡتِكُمُ ٱللَّهُ أَجۡرًا حَسَنٗاۖ وَإِن تَتَوَلَّوۡاْ كَمَا تَوَلَّيۡتُم مِّن قَبۡلُ يُعَذِّبۡكُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا ١٦﴾.

ای پیامبر! برای صحرانشینانی که از بیرون‌شدن به جهاد از همراهی‌ات تخلّف ورزیدند بگو: به زودی به سوی جنگ با قومی که دارای نیرو و امکانات فراوانی هستند فراخوانده می‌شوید، آنگاه یا با آنان جنگ خواهید کرد یا به اسلام در‌می‌آیند. اگر از خداوند أ اطاعت کنید و همراه پیامبرش به جنگ شرکت ورزید، برای شما برابرش پاداش عظیم بهشت را عطا می‌کند و اما اگر رو گردانید و نافرمانی کنید، همچنان که از بیرون‌شدن با پیامبر ج به سوی مکه تخلّف ورزیدید، شما را به عذاب سخت و دردآوری گرفتار می‌نماید.

﴿لَّيۡسَ عَلَى ٱلۡأَعۡمَىٰ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرِيضِ حَرَجٞۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبۡهُ عَذَابًا أَلِيمٗا ١٧﴾.

بر شخص نابینا، لنگ و بیمار آنگاه که از جهاد در راه الله أ تخلّف ورزند گناهی نیست؛ زیرا ایشان به خاطر این آفت‌ها معذور اند. کسی که از خدا و رسولش اطاعت کند، حق‌تعالی او را به بهشت‌هایی داخل می‌کند که از زیر خانه‌ها، کاخ‌ها و درخت‌های آن جوی‌ها جاری است. امّا هر که از طاعت خدا و رسولش رو گرداند و جهاد در راه پروردگار را ترک نماید او را به عذاب دردآور و دشواری گرفتار می‌سازد.

﴿۞لَّقَدۡ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ يُبَايِعُونَكَ تَحۡتَ ٱلشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ فَأَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَثَٰبَهُمۡ فَتۡحٗا قَرِيبٗا ١٨﴾.

ای پیامبر! یقیناً خداوند سبحان از مؤمنانی که در بیعت الرضوان در زیر درخت با تو بیعت نمودند راضی و خوشنود گشت و به اخلاص، صداقت و ایمان دل‌های‌شان آگاه شد؛ از این‌رو آرامش ایمان را بر دل‌های‌شان فرود‌آورد و ایشان را ثابت‌قدم ساخت، یقین و استقامت دینی‌شان را بیشتر کرد و به عوض آنچه در صلح حدیبیه از دست‌شان رفته بود، فتح و پیروزی در خیبر را که به صلح حدیبیه نزدیک بود برای‌شان بخشید.

﴿وَمَغَانِمَ كَثِيرَةٗ يَأۡخُذُونَهَاۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا ١٩﴾.

همچنان غنیمت‌های بسیار از مال‌های یهودیان خیبر را در عوض برای ایشان عطا نمود. خداوند در انتقام از کسانی که با وی دشمنی می‌ورزند با عزّت است، دوستانش را عزیز می‌سازد و در آفرینش و صُنع، و تدبیر و شریعتش با‌حکمت است.

﴿وَعَدَكُمُ ٱللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةٗ تَأۡخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمۡ هَٰذِهِۦ وَكَفَّ أَيۡدِيَ ٱلنَّاسِ عَنكُمۡ وَلِتَكُونَ ءَايَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَيَهۡدِيَكُمۡ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ٢٠﴾.

ای مؤمنان! حق‌تعالی برای‌تان غنیمت‌های زیادی را وعده نمود که در زمان معیّن و مقدّرش آن را به دست خواهید آورد، از جمله در قدم نخست غنیمت‌های خیبر را برای‌تان بخشید، همچنان شما را از اذیت و آزار مردم محفوظ داشت؛ چنان‌که آمادگی‌ها و تدابیر جنگی که کافران در برابرتان ساخته بودند به شما ضرری نرساند و خانواده و اموال شما را در مدینه از شرّ دشمنان اسلام حفظ کرد. این همه برای آن است که پیروزی شما و شکست دشمنان، با کامیابی و غنیمتی که برای‌تان بخشید، نشانه‌ای باشد که به یاری، تصرّف و حسن رعایت اوتعالی دلالت کند و در نتیجه شما را به مسیر هدایت و راه مستقیم در گفتار، کردار و احوال توفیق بخشد.

﴿وَأُخۡرَىٰ لَمۡ تَقۡدِرُواْ عَلَيۡهَا قَدۡ أَحَاطَ ٱللَّهُ بِهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٗا ٢١﴾.

همچنان خداوند أ غنیمتی دیگری را برای‌تان مهیّا کرد که شما توان بدست‌آوردن آن را نداشتید و او به یگانگی خویش آن را برای شما مقدّر نمود و آسان ساخت؛ چون در حکم و تصرّف او بود. الله تعالی آنچه را در بهشت برای‌تان وعده کرده قطعاً عملی می‌کند؛ زیرا او بر هر چیزی تواناست، و هیچ امری او را ناتوان ساخته نمی‌تواند و هیچ کاری بر او دشوار نیست.

﴿وَلَوۡ قَٰتَلَكُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوَلَّوُاْ ٱلۡأَدۡبَٰرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ٢٢﴾.

اگر کافران در مکه با شما می‌جنگیدند خداوند بزرگ آنان را شکست می‌داد و شما را بر آنان پیروز می‌ساخت، از میدان جنگ می‌گریختند و به شما پشت می‌گشتاندند. آنگاه جز حق‌تعالی کسی را نمی‌یافتند که امورشان را به دست‌گیرد و به شؤون حیات آنان رسیدگی کند، و یاوری نمی‌داشتند که عذاب را از آنان دفع نماید؛ یعنی شکست خورده و زیانمند می‌بودند.

﴿سُنَّةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلُۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗا ٢٣﴾.

این روش خداوندی است که آن را در امّت‌های پیشین اِعمال داشته است؛ یعنی دوستانش را پیروزی بخشیده و دشمنانش را شکست داده و هر‌گز در روش حق‌تعالی تغییری نمی‌یابی، بلکه همیشه ثابت، دوامدار و اجرا‌شدنی است.

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي كَفَّ أَيۡدِيَهُمۡ عَنكُمۡ وَأَيۡدِيَكُمۡ عَنۡهُم بِبَطۡنِ مَكَّةَ مِنۢ بَعۡدِ أَنۡ أَظۡفَرَكُمۡ عَلَيۡهِمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرًا ٢٤﴾.

الله أ خداوندی است که دست‌های کافران را از آزار شما بازداشت و نیز بعد از اینکه شما را بر آنان غلبه و قدرت بخشید و در زیر سلطه و سیطرۀ شما قرار داشتند دست‌های شما را از اینکه در داخل مکّه به آنان اذیتی برسانید باز‌داشت. خداوند أ به احوال و اعمال بندگانش آگاه است و هیچ چیزی بر او پنهان نیست.

این گروه جماعتی قریب به هشتاد نفر از کافران بودند که حیله و تدبیری را بر ضدّی پیامبر ج سنجیده بودند، امّا یاران آنحضرت از این تدبیر جلو‌گیری کردند و بعد از آن رسول الله ج آنان را مورد عفو قرار دادند.

﴿هُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّوكُمۡ عَنِ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ وَٱلۡهَدۡيَ مَعۡكُوفًا أَن يَبۡلُغَ مَحِلَّهُۥۚ وَلَوۡلَا رِجَالٞ مُّؤۡمِنُونَ وَنِسَآءٞ مُّؤۡمِنَٰتٞ لَّمۡ تَعۡلَمُوهُمۡ أَن تَطَ‍ُٔوهُمۡ فَتُصِيبَكُم مِّنۡهُم مَّعَرَّةُۢ بِغَيۡرِ عِلۡمٖۖ لِّيُدۡخِلَ ٱللَّهُ فِي رَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۚ لَوۡ تَزَيَّلُواْ لَعَذَّبۡنَا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ عَذَابًا أَلِيمًا ٢٥﴾.

این گروهی از کافران کسانی‌اند که با انکار از یگانگی الله أ به اوتعالی کافر شدند و پیامبر را تکذیب نمودند، شما را در روز حدیبیه از رسیدن به مسجد الحرام باز داشتند و هدیه‌ها را نگذاشتند به جایگاه ذبحش برسد. اگر در میان آنان، مردان مؤمن ناتوان و زنان مؤمنی که ایمان‌شان را پنهان نگه می‌داشتند نمی‌بودند و شما بین ایشان فرق می‌کردید و با کشتن‌شان گناه، مشقّت و غرامتی لازم نمی‌شد، حق‌تعالی شما را بر کافران مسلّط می‌ساخت. امّا حق‌تعالی این کار را انجام نداد تا هر که را اراده دارد مشمول رحمتش سازد و بعد از گمراهی هدایتش کند. اگر مؤمنان از کافران مکّه بازشناخته می‌شدند، خداوند أ آنان را به دست مؤمنان یا به هلاکتی از جانبش عذاب می‌نمود اما آنان با مؤمنان یکجا بودند.

﴿إِذۡ جَعَلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَأَلۡزَمَهُمۡ كَلِمَةَ ٱلتَّقۡوَىٰ وَكَانُوٓاْ أَحَقَّ بِهَا وَأَهۡلَهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ٢٦﴾.

در آن هنگام غرور و تکبّر جاهلیت کافران را باعث شد که به حق‌تعالی تواضح نکنند و از پیامبر ج پیروی ننمایند، بلکه عناد و ستیزه‌جویی آنان را به کفر و تکذیب وا‌داشت و از اینکه پیمان نامۀ صلح حدیبیه «بسم الله الرحمن الرحیم» را بنویسند امتناع ورزیدند. امّا خداوند أ ثبات، یقین و آرامش را بر پیامبر ج و یاران‌شان فرود‌آورد و در نتیجه بر دین حق و کلمۀ لا إله إلا الله که بنیاد هر پرهیزگاری است ثابت ماندند، به آن تمسک ورزیدند و به ادای حقوق آن پرداختند. آری ! پیامبر ج و مؤمنان به این کلمه از کافران بهتر و سزاوارتر بودند. حق‌تعالی به هر چیزی داناست، به هر امر کوچک و بزرگی آگاه می‌باشد و هیچ چیز پوشیده‌ای از او مخفی نیست.

﴿لَّقَدۡ صَدَقَ ٱللَّهُ رَسُولَهُ ٱلرُّءۡيَا بِٱلۡحَقِّۖ لَتَدۡخُلُنَّ ٱلۡمَسۡجِدَ ٱلۡحَرَامَ إِن شَآءَ ٱللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمۡ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَۖ فَعَلِمَ مَا لَمۡ تَعۡلَمُواْ فَجَعَلَ مِن دُونِ ذَٰلِكَ فَتۡحٗا قَرِيبًا ٢٧﴾.

واقعاً خداوند منّان واقعه‌ای را که پیامبرش محمد ج در خواب دیده بود راست ساخت؛ یعنی خوابش حق بود و الله تعالی برای آن حضرت در خواب بینانده بود که خود و یارانش به مسجد الحرام با امن و آرامش و بدون ترس از کافران داخل می‌شوند، طوری که بعضی سرهای خویش را می‌تراشند و بعضی موی‌های‌شان را کوتاه می‌نمایند. خداوند أ به مصلحت تأخیر فتح مکه از آن سال و فتحش در سال‌های بعد آگاه بود و او چیز‌های را می‌داند که بندگان نمی‌دانند؛ زیرا وی به امور پنهان و آشکار داناست. آری! الله تعالی پیش از فتح مکّه فتح خیبر را مساعد ساخت و صلح حدیبیه مقدّمه‌ای برای این فتح آشکار بود.

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدٗا ٢٨﴾.

ای پیامبر! الله أ خداوندی است که محمد ج را با بیان شفابخش، هدایت واضح، برهان ‌روشن و دین اسلام فرستاد تا آیینش را بر سایر ادیان بلندی بخشد و تا با گواهی خویش تو و پیروانت را کفایت کند؛ یعنی گواهی دهد که رسالت تو راست است؛ زیرا او تو را یاری می‌کند، دینت را غالب می‌سازد و دشمنانت را مغلوب می‌نماید.

﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗاۖ سِيمَاهُمۡ فِي وُجُوهِهِم مِّنۡ أَثَرِ ٱلسُّجُودِۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِۚ وَمَثَلُهُمۡ فِي ٱلۡإِنجِيلِ كَزَرۡعٍ أَخۡرَجَ شَطۡ‍َٔهُۥ فَ‍َٔازَرَهُۥ فَٱسۡتَغۡلَظَ فَٱسۡتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ يُعۡجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلۡكُفَّارَۗ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنۡهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمَۢا ٢٩﴾.

محمد ج رسول خداست و یاران و پیروانش با مقیدۀ نیرومند خویش بر کافران سختگیر و با دیانت خود عزّتمند می‌باشند، حال آنکه با همدیگر بسیار رحیم و مهربان هستند. ایشان را می‌بینی که با رکوع و سجده به پیشگاه پروردگار به ادای نماز در اوقاتش به گونۀ مشروع حفاظت می‌نمایند و این فریضۀ الهی را به کامل‌ترین وجه ادا می‌کنند، در حالی که با طلب فضل و احسان پروردگار، به کرم و رحمتش امیدوار‌اند و اعمال خود را برای او خالص می‌سازد. ترسناکی و فروتنی نشانۀ عبادت‌شان است که از اثر سجده و طاعت برای حق‌تعالی در چهره‌های‌شان هویدا می‌باشد و این صفت‌شان در تورات است. اما صفت‌شان در انجیل همچو کشتی است که جوانه‌اش را از خاک بیرون آورد، شاخه‌هایش انبوه شود، ساقه‌اش با نیرومندی استحکام یابد، بر وجودش قوام گیرد و در نهایت با رنگ سبز و منظر نیکو، و با شکل و قامت زیبا و وجود ارزشمند خویش کشتمندان را به تعجّب وا دارد. این همه برای آن است که خداوند أ به وسیلۀ کثرت تعداد، قوت ایمان، زیبایی منظر و جمعیت مسلمانان در اطراف پیامبر ج کافران را به خشم‌آورد. خداوند منّان برای مؤمنان نیکوکار عفو گناهان، پاداش بزرگ و بهشت‌های پر از نعمتی را در جوار پروردگار کریم وعده کرده که همیشه در آن ماندگار خواهند بود. این وعدۀ خداوند أ تحقق می‌پذیرد و سزاوارترین افراد به دریافت آن صحابۀ رسول الله ج می‌باشند، بعد از آن کسانی که تا روز قیامت در روش‌شان روان‌اند و از ایشان پیروی می‌کنند.

محتوای این آیۀ مبارکه دلالت دارد که جز کافران کسی با صحابه بغض نمی‌ورزد؛ زیرا حق‌تعالی با صحابه دشمنان‌شان را به خشم می‌آورند.

سورۀ حجرات

مدنی است؛ ترتیب آن 49؛ شمار آیات آن 18

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ١﴾.

ای کسانی که به خداوند أ و رسولش ایمان دارید! هیچ امری از امور دنیا و آخرت را جز به فرمان خدا و رسولش انجام ندهید؛ یعنی امور خویش را موافق شریعت الهی برابر سازید، پیروی نمایید و بدعت‌گذاری نکنید. در هیچ چیزی جز به حکم خدا و رسولش حکم ننمایید و با انجام اوامر و ترک نواهی پروردگار سبحان را مراقب اعمال خویش بدانید؛ زیرا الله تعالی به هر سخنی شنوا، به هر عملی دانا و به هر رازی آگاه است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَرۡفَعُوٓاْ أَصۡوَٰتَكُمۡ فَوۡقَ صَوۡتِ ٱلنَّبِيِّ وَلَا تَجۡهَرُواْ لَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ كَجَهۡرِ بَعۡضِكُمۡ لِبَعۡضٍ أَن تَحۡبَطَ أَعۡمَٰلُكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تَشۡعُرُونَ٢﴾.

ای مؤمنان! در مخاطبه با پیامبر ج ادب را مراعات کنید، آوازهای‌تان را از آواز آن حضرت بلندتر نسازید و مانند صحبت با رفیقان خویش در نزد آنحضرت بلند آوازی ننمایید، بلکه با احترام و بزرگداشت وی در حفظ و ادب بکوشید؛ زیرا خداوند أ وی را به نبوّت و رسالت، کرامت و شرف بخشیده و با گزینش خویش بر سایر مردم امتیاز داده است. او خاتم پیامبران، بزرگوارترین مخلوق در نزد پروردگار، پیشوای اولین و آخرین و سردار همه مردم روی زمین می‌باشد. حفظ ادب با آن حضرت بر شما واجب است تا چنان نشود که به اثر بی‌ادبی شما حق‌تعالی بدون اینکه آگاهی داشته باشید پاداش اعمال‌تان را باطل سازد و مزد شما را ضایع گرداند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصۡوَٰتَهُمۡ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱمۡتَحَنَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡ لِلتَّقۡوَىٰۚ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٌ عَظِيمٌ ٣﴾.

یقیناً آنان‌که با فروتر ساختن آواز‌شان در هنگام سخن‌زدن با رسول الله ج ادب را مراعات می‌کنند، کسانی‌اند که خداوند دل‌های‌شان را مورد امتحان و آزمایش قرار داده و برای طاعتش برگزیده است. گناهان چنین کسانی از جانب خداوند أ مورد آمرزش قرار می‌گیرد، خطاهای‌شان بخشیده می‌شوند و پاداش بزرگ و مزد کاملی در برابر طاعت پروردگار برای‌شان داده می‌شوند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلۡحُجُرَٰتِ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ ٤﴾.

ای پیامبر! هر آینه کسانی که تو را از پشت حجره‌ها یعنی خانه‌هایت با آواز بلند صدا می‌زنند و می‌گویند: ای محمد به سوی ما بیرون شو! بیشتر آنان ادب با رسول الله ج را نمی‌فهمند، به حقوقی که بر امّت دارد دانا نیستند و به وجوب تعظیمش بر هر مسلمان آگاهی ندارند.

﴿وَلَوۡ أَنَّهُمۡ صَبَرُواْ حَتَّىٰ تَخۡرُجَ إِلَيۡهِمۡ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٥﴾.

ای پیامبر! اگر کسانی که تو را از عقب خانه‌ها با بلند آوازی صدا می‌زنند صبر نمایند تا به سوی‌شان بیرون آیی، این کار در نزد پروردگار برای‌شان بهتر است؛ زیرا اوتعالی مراعات ادب با تو را بر آنان واجب ساخته است. الله متعال بی‌ادبی را که از آنان سر‌زده می‌آمرزد؛ چون به وجوب حفظ ادب نادان بودند، به آنان مهربان است چنان‌که ایشان را به خاطر انجام اخلال ادب بطور عاجل عذاب نمی‌کند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن جَآءَكُمۡ فَاسِقُۢ بِنَبَإٖ فَتَبَيَّنُوٓاْ أَن تُصِيبُواْ قَوۡمَۢا بِجَهَٰلَةٖ فَتُصۡبِحُواْ عَلَىٰ مَا فَعَلۡتُمۡ نَٰدِمِينَ ٦﴾.

ای کسانی که به خدا و رسولش ایمان دارید، هرگاه شخصی فاسقی آمد و خبری را به شما آورد، درستی آن را به خود ثابت سازید و تا هنگامی که درستی و راستی‌اش را مؤکد نساختید به تصدیقش نپردازید؛ از آن‌رو که مبادا بر مبنای خبر فاسق به کسی که از آن خبر برائت دارد آزار و اذیتی برسانید و بعد از آن از شتابزدگی در تصمیم‌گیری پشیمان شوید.

﴿وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ فِيكُمۡ رَسُولَ ٱللَّهِۚ لَوۡ يُطِيعُكُمۡ فِي كَثِيرٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِ لَعَنِتُّمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ فِي قُلُوبِكُمۡ وَكَرَّهَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكُفۡرَ وَٱلۡفُسُوقَ وَٱلۡعِصۡيَانَۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلرَّٰشِدُونَ ٧﴾.

بدانید که پیامبر ج در میان شما زندگی می‌کند، با تعظیم وی حقّش را بشناسید؛ زیرا آن حضرت در اموری می‌کوشد که به نفع شماست، شما با نادانی به انجام کار‌هایی اقدام می‌کنید که به ضرر شماست، امّا وی شما را از آن بازمی‌دارد. اگر در بیشتری اموری که انجام آن را اراده دارید با شما موافقه کند به مشقّت گرفتار می‌آیید، امّا خداوند أ ایمان را محبوب‌تان ساخت؛ اطاعت پیامبر ج بر شما آسان شد، آن را در دل‌های شما نیکو جلوه داد؛ فرمان حق‌تعالی را به کار بستید، کفر به پروردگار را در نظر‌تان ناخوشایند ساخت؛ به اوتعالی ایمان آورید، فسق را بد‌جلوه داد؛ معاصی را ترک نمودید، عصیانگری را مکروه نشان داد؛ گناهان را بد شمردید و از آن توبه کردید. کسانی که بدین صفات موصوف‌اند ره یافته و هدایت شده‌اند و از سیه‌چال گمراهی نجات حاصل کردند؛ زیرا راه حق را بازشناخته‌اند.

﴿فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَنِعۡمَةٗۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٨﴾.

توفیق الله تعالی به ایمان و ترک معاصی، فضل و احسان الهی است که برای‌تان ارزانی داشته و نعمت اوتعالی برای شماست. خداوند منّان به کسانی که به نعمت‌ها شکر‌گزاری و از نعمت‌دهنده اطاعت نمایند داناست و در تدبیر امور مخلوقاتش که به نیکوترین وجهی صورت می‌پذیرد باحکمت است.

﴿وَإِن طَآئِفَتَانِ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱقۡتَتَلُواْ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَاۖ فَإِنۢ بَغَتۡ إِحۡدَىٰهُمَا عَلَى ٱلۡأُخۡرَىٰ فَقَٰتِلُواْ ٱلَّتِي تَبۡغِي حَتَّىٰ تَفِيٓءَ إِلَىٰٓ أَمۡرِ ٱللَّهِۚ فَإِن فَآءَتۡ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَا بِٱلۡعَدۡلِ وَأَقۡسِطُوٓاْۖ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ٩﴾.

ای مؤمنان! اگر میان دو گروه از مؤمنان اختلاف پدید آمد و با همدیگر جنگیدند، شما در میان‌شان موافق به احکام کتاب خداوند أ و سنّت رسولش صلح به وجود آورید، امّا اگر یکی از آن دو جماعت حکم شریعت را نپذیرفت و به جنگ ادامه داد، با آن بجنگید تا به قبول حکم خدا و رسولش راضی شود و چون بازگشت و پذیرفت، با مراعات انصاف موافق شریعت الهی میان‌شان حکم کنید. بر شما لازم است عدالت در حکم را مراعات نمایید و از ظلم بپرهیزید. همانا خداوند أ حاکمان عادل را دوست می‌دارد؛ یعنی کسانی را که میان مردم به عدالت و انصاف حکم می‌نمایند و از جور و فساد دوری می‌گزینند.

این آیه صفت محبّت برای الله أ را به گونه‌ای که سزاوار شأن اوتعالی است به اثبات می‌رساند.

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَ أَخَوَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ١٠﴾.

مؤمنان با توجه به اشتراک در دین خدا برادران همدیگر‌اند؛ یعنی در دوستی و یاری یکدیگر همه مانند فرزندان یک شخص و اعضای یک خانواده می‌باشند. پس آنگاه که میان‌شان اختلافی پدید آید بر سایر مؤمنان واجب است با مراعات تقوا که انجام اوامر و اجتناب از نواهی الهی است بین‌شان صلح به وجود آورند. خداوند أ با آمرزش گناهان و رساندن به مطلوب، مزد عظیم و نعمت‌های ماندگاری را برای تقوا‌پیشه‌گان مصلح عنایت کرده ایشان را مشمول رحمتش می‌سازد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهُنَّۖ وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِۖ بِئۡسَ ٱلِٱسۡمُ ٱلۡفُسُوقُ بَعۡدَ ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ١١﴾.

ای مؤمنان! هیچ شخص مؤمن، مؤمن دیگری را مسخره نکند؛ گاهی کسی که مورد استهزا قرار می‌گیرد از مسخره‌کننده بهتر و نیکوتر است. همچنان هیچ زنی زن دیگر را مورد استهزا قرار ندهد؛ شاید بعضی اوقات زنی که مورد تمسخر واقع شده از زن مسخره‌کننده بهتر و نیکوتر باشد. نباید بعضی از شما دیگران را دشنام دهند و عیب‌جویی کنند و یا به القاب نادرستی که عیب و ناپسند است صدا زنند. فسق و بد‌کاری در نامگذاری و توصیف دیگران بسیار بد است؛ زیرا عملی زشت است؛ بویژه بعد از ایمان به خداوند أ نام و وصفی بسیار ناپسند است. کسانی که از این اوصاف بد و اخلاق ناپسند به سوی خداوند أ باز نگردند، با انجام این گناهان و ارتکاب اعمال بد بر خویشتن ستم روا داشته‌اند.

اعمالی چون استهزای مسلمانان، سخن‌چینی، عیب‌جویی و نام‌گرفتن به القاب زشت در مقولۀ فسوق شامل است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ وَ لَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا فَكَرِهۡتُمُوهُۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٞ رَّحِيمٞ١٢﴾.

ای کسانی که به خداوند أ و رسولش ایمان دارید! بسیاری از گمان‌های بد را دربارۀ بندگان صالح خداوند أ ترک نمایید؛‌ زیرا اصل در مؤمن خیر و شایستگی است و بعضی از گمان‌های بد گناه‌اند، از آن‌رو که بر مبنای شکّ و احتمال به وجود آمده‌اند. به جستجوی عیب‌ها و نواقص مردم نپردازید و به افشای راز‌های مسلمانان اقدام نکنید. هیچ مسلمانی سخن ناخوشایندی را در غیاب برادر مسلمانش نگوید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مسلمانش را در حالی که مرده باشد بخورد؟ تا آنگاه که از این کار بد می‌بری از غیبت نیز پرهیز کنید؛ زیرا آبروی شخص مانند گوشت اوست. از خداوند أ با انجام اوامر و اجتناب از نواهی‌اش بترسید. یقیناً حق‌تعالی توبۀ هر بنده‌ای را که توبه کند و به او باز گردد می‌پذیرد و بر بندگان مطیع و فرمانبردارش رحمت می‌کند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٞ ١٣﴾.

ای مردم! به راستی که الله أ شما را از یک پدر و مادر، یعنی آدم و حواء آفرید. وقتی اصل شما یک چیز است به چه دلیلی بعضی شما بر دیگران در نسب برتری می‌جویید؟ حق‌تعالی شما را با انتشار ذرّیۀ آدم شاخه‌ها و قبایل متعدّد ساخت؛ برای اینکه همدیگرتان را بشناسید. هر آینه بزرگ‌ترین شما در نزد خداوند أ پرهیزگارترین شماست. بنابراین برتری میان مردم بر مبنای ترس از الله متعال است. حق‌تعالی پرهیزگاران را می‌داند و از احوال پرهیزگارترین افراد نیز باخبر است.

﴿۞قَالَتِ ٱلۡأَعۡرَابُ ءَامَنَّاۖ قُل لَّمۡ تُؤۡمِنُواْ وَلَٰكِن قُولُوٓاْ أَسۡلَمۡنَا وَلَمَّا يَدۡخُلِ ٱلۡإِيمَٰنُ فِي قُلُوبِكُمۡۖ وَإِن تُطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَا يَلِتۡكُم مِّنۡ أَعۡمَٰلِكُمۡ شَيۡ‍ًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ١٤﴾.

اعراب، یعنی اهل صحرا و بیابان‌ها گفتند: ما به الله أ و پیامبرش به طور کامل ایمان آوردیم. ای پیامبر! برای‌شان بگو: شما به طور کامل مسلمان مؤمن نیستید، بلکه بگویید: ما تسلیم شده‌ایم و هنوز ایمان در دل‌های‌تان داخل نشده است؛ زیرا آنگاه که ایمان در دل رسوخ یابد ایمان صاحبش کمال می‌پذیرد. اگر از خداوند متعال و پیامبرش اطاعت کنید از پاداش اعمال‌تان چیزی نمی‌کاهد. همانا حق‌تعالی به توبه‌گاران آمرزنده است و به کسانی که بر فرمانش استقامت داشته باشند مهربان می‌باشد.

این آیه به اعمال دل‌ها عنایت و توجه دارد و نیز به زیادت ایمان و وجوب موافقت ظاهر و باطن دلالت می‌کند.

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمۡ يَرۡتَابُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ١٥﴾.

یقیناً مؤمنان راستگار کسانی‌اند که در ایمان به پروردگار، متابعت از پیامبر ج و عمل به طاعات الهی صداقت‌پیشه باشند، بعد از آن در ایمان‌شان شک نورزند، بلکه اعتقاد جازم و یقینی داشته باشند و تصدیق در ایمان‌شان را با جهاد به نفس و مال در راه حق‌تعالی و بلند‌بردن دینش به اثبات رسانند. این گروه کسانی‌اند که در ایمان خویش راستگوی‌اند و خوشنودی خداوند رحمن را خواستار شدند.

﴿قُلۡ أَتُعَلِّمُونَ ٱللَّهَ بِدِينِكُمۡ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ١٦﴾.

ای پیامبر! برای اعراب بگو: آیا از اعتقاد و امور پوشیدۀ خویش به خداوند أ خبر می‌دهید در حالی که اوتعالی امور پوشیده و مخفی را می‌داند و به موجودات آسمان‌ها و زمین داناست؟ آری! پروردگار سبحان هر چیزی را می‌داند، هیچ امر پنهانی بر او پوشیده نیست و هیچ کار مخفی از او غایب نمی‌ماند. پس او به مؤمن و کافر، به فاسق و منافق و به نیکو‌کار و بد‌‌کار داناست.

﴿يَمُنُّونَ عَلَيۡكَ أَنۡ أَسۡلَمُواْۖ قُل لَّا تَمُنُّواْ عَلَيَّ إِسۡلَٰمَكُمۖ بَلِ ٱللَّهُ يَمُنُّ عَلَيۡكُمۡ أَنۡ هَدَىٰكُمۡ لِلۡإِيمَٰنِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٧﴾.

ای پیامبر! گروه بیابان‌نشین به خاطر مسلمان‌شدن، طاعت الهی و تصدیق نبوّتت بر تو منّت می‌گذارند؛ گویا اینکه بر خداوند أ احسان کرده‌اند. برای آنان بگو: منّت برای خداست نه برای شما، از این‌رو با گردن‌نهادن به اسلام بر خدای بزرگ منّت نگذارید؛ زیرا مصلحت مسلمانی شما به خودتان برمی‌گردد، چنان‌چه طاعت مطیعان به خدا فایده‌ای نمی‌رساند، معصیت عصیانگران ضرری را متوجه اوتعالی نمی‌سازد و او از همه چیزی بی‌نیاز است. خداوند أ بر شما احسان کرده که شما را به ایمان توفیق بخشیده و به راه مستقیم هدایت نموده است، پس اگر در ایمان‌تان راستگوی هستید بر خدا و رسولش منّت نگذارید.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ غَيۡبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٨﴾.

به راستی که حق‌تعالی امور پوشیدۀ آسمان‌ها و زمین را می‌داند، هیچ چیز پنهان و غایبی از او پوشیده و مخفی نیست. خداوند پاک به گفتار، کردار و احوال شما بیناست و قطعاً از شما حساب می‌گیرد؛ یعنی نیکو‌کاران را پاداش نیکو می‌دهد و بد‌‌کاران را مجازات می‌کند.

سورۀ ق

مکی است؛ ترتیب آن 50؛ شمار آیات آن 45

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿قٓۚ وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡمَجِيدِ ١﴾.

قاف؛ از حروف مقطعات است و خداوند أ به مراد خویش در آوردن آن در کلام خود داناتر است. الله تعالی به قرآن کریم که دارای بلندی، بزرگی و شرافت است سوگند یاد کرده؛ بدین معنا که هر که به قرآن عمل کند او را شرافت و برتری می‌بخشد.

﴿بَلۡ عَجِبُوٓاْ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٞ مِّنۡهُمۡ فَقَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا شَيۡءٌ عَجِيبٌ ٢﴾.

بلکه آنگاه که نبی مختار کافران را از عذاب خداوند یگانۀ قهّار بیم داد تعجّب کردند و گفتند: این چیز عجیب و غریبی است که تا اکنون همانند آن را نشنیده‌ایم.

﴿أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗاۖ ذَٰلِكَ رَجۡعُۢ بَعِيدٞ ٣﴾.

چگونه آنگاه که بمیریم و خاک شویم دوباره زنده خواهیم شد؟! بازگشت به چنین زندگی بسیار دور است و هر‌گز امکان پذیر نخواهد بود.

﴿قَدۡ عَلِمۡنَا مَا تَنقُصُ ٱلۡأَرۡضُ مِنۡهُمۡۖ وَعِندَنَا كِتَٰبٌ حَفِيظُۢ ٤﴾.

یقیناً خداوند أ به جسم‌های آنان‌که زمین آن را می‌خورد و نابود می‌سازد داناست. در نزد او کتابی است که از زیادت و نقصان و از تغییر و تبدیل محفوظ است و همه امور مقدّرۀ دنیا و آخرت‌شان در آن کتاب ثبت است.

﴿بَلۡ كَذَّبُواْ بِٱلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ فَهُمۡ فِيٓ أَمۡرٖ مَّرِيجٍ ٥﴾.

بلکه کافران قرآن کریم و پیامبر را تکذیب کردند و در اضطراب و تشویش به سر می‌برند چنان‌که به هیچ نظری ثبات ندارند و به هیچ حالی پایدار نیستند، از این‌رو گاهی آن را سحر و گاهی شعر می‌گویند، گاهی کهانت و گاهی از خود‌ساخته می‌نامند.

﴿أَفَلَمۡ يَنظُرُوٓاْ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَوۡقَهُمۡ كَيۡفَ بَنَيۡنَٰهَا وَزَيَّنَّٰهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٖ ٦﴾.

به چه دلیلی کافران از زنده‌شدن بعد از مرگ انکار می‌ورزند؟ آیا آسمان را مشاهده نکردند که چگونه خداوند آن را مرتفع داشته، بنایش را برابر و با استحکام ساخته و با ستارگان زینت بخشیده است؛ چنان‌که در آن شکستگی و شکافی موجود نیست و عیب و خللی ندارد، بلکه سالم، درست و با استحکام است؟

﴿وَٱلۡأَرۡضَ مَدَدۡنَٰهَا وَأَلۡقَيۡنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوۡجِۢ بَهِيجٖ ٧﴾.

از چه رو کافران در آفرینش زمین نمی‌اندیشند که چگونه خداوند آن را هموار و برابر آفریده و برای بندگانش گهواره‌ای ساخته است. کوه‌های راسخ و ثابتی را در آن جابجا کرده تا آن را از اضطراب و تحرّک باز دارد. همچنان پروردگار منّان انواع گوناگون نباتات زیبا را با منظر نیکو در روی زمین رویانده که جمال و زیبایی‌اش برای چشم خوشایند است و دل را شادمان می‌سازد.

﴿تَبۡصِرَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِكُلِّ عَبۡدٖ مُّنِيبٖ ٨﴾.

خداوند سبحان آسمان‌ها و زمین و موجودات میان آن‌ها را که بر عظمت و قدرت اوتعالی دلالت می‌کند آفریده است تا برای افراد با بصیرت مایۀ عبرت باشد، ایشان را به یگانگی حق‌تعالی دلالت کند و از تاریکی جهل و غفلت بیرون آورد. همچنان آن‌ها را آفریده تا یاد‌دهانی و پندی باشد برای بندگانی که با توبه به سوی الله أ به طاعتش رجوع می‌کنند، با پذیرایی فرمان اوتعالی به حکمش منقاد اند و از عذابش می‌ترسند.

﴿وَنَزَّلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ مُّبَٰرَكٗا فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ جَنَّٰتٖ وَحَبَّ ٱلۡحَصِيدِ٩﴾.

خداوند منّان باران را از آسمان فرود می‌آورد که نافع مخلوقات، سبب خیر و برکت و مایۀ قوام حیات است. حق‌تعالی به وسیلۀ آب باغ‌های میوه‌دار، درختستان‌های انبوه و کشت‌های دانه‌دار را رویانده است که انسان‌ها و حیوانات از آن‌ها فایده‌مند می‌شوند.

﴿وَٱلنَّخۡلَ بَاسِقَٰتٖ لَّهَا طَلۡعٞ نَّضِيدٞ ١٠﴾.

خداوند سبحان درخت خُرما را با قامتی بلند و شاخه‌های رسا سبز گردانید و رویاند، چنان‌که میوۀ زیبا و خوش‌منظری را با ترکیبی منظّم که دانه‌هایش بر روی هم قرار دارد حاصل دهد.

﴿رِّزۡقٗا لِّلۡعِبَادِۖ وَأَحۡيَيۡنَا بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗاۚ كَذَٰلِكَ ٱلۡخُرُوجُ ١١﴾.

حق‌تعالی این همه غلّه‌ها، میوه‌ها و سبزیجات را که مورد استفاده قرار می‌گیرند آفرید تا طعام و غذای بندگان باشد. به همین‌گونه اوتعالی با بارانی که از آسمان فرود می‌آورند شهرهای خشک و بی‌آب و علف را که درخت و سرسبزی‌های آن‌ها از بین رفته زنده و سرسبز می‌گرداند. زنده‌شدن مردگان نیز همچین است؛ یعنی همانگونه که خداوند أ زمین‌مرده را با آب زنده می‌سازد مردگان را نیز قطعاً زنده می‌نماید و از قبر‌های‌شان برای حساب بیرون می‌آورند.

﴿كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَأَصۡحَٰبُ ٱلرَّسِّ وَثَمُودُ ١٢﴾.

پیش از کافران مکّه قوم نوح ÷، صاحبان چاه «رَس» و قوم ثمود، پیامبران را تکذیب کردند و در کفر به خداوند أ و محاربه با پیامبران الهی سبقت جستند.

﴿وَعَادٞ وَفِرۡعَوۡنُ وَإِخۡوَٰنُ لُوطٖ ١٣﴾.

همچنان پیش از آنان قوم عاد، فرعون و قوم لوط تکذیب نمودند و همه به ردّ رسالت پیامبران † پرداختند.

﴿وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡأَيۡكَةِ وَقَوۡمُ تُبَّعٖۚ كُلّٞ كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ١٤﴾.

به همین‌گونه صاحبان درخت بزرگ یعنی قوم شعیب ÷ و قبیلۀ حِمیر یعنی قوم تُبّع تکذیب کردند و به همه در کفر به خداوند أ و ستیزه‌جویی با پیامبران † توافق نموده بودند. در نتیجه الله أ عذابی را که وعده کرده بود بر آنان فرود آورد، مجازات آنان واجب شد و بر معیار حقّ و عدل به هلاکت رسیدند.

﴿أَفَعَيِينَا بِٱلۡخَلۡقِ ٱلۡأَوَّلِۚ بَلۡ هُمۡ فِي لَبۡسٖ مِّنۡ خَلۡقٖ جَدِيدٖ ١٥﴾.

آیا خداوند بزرگ از پدید آوردن و آفرینش مخلوقات نخستین از عدم ناتوان‌ماند تا از آفرینش دوبارۀ آن‌ها بعد از فنا‌شدن عاجز و ناتوان بماند؟ شکّی نیست که آفرینش دوبارۀ موجودات بعد از نابودی آن‌ها نسبت به انشای نخستین آسان‌تر است. آری! انجام همه این امور در نزد پروردگار آسمان‌ها و زمین آسان و ساده است، اما کافران نسبت به مسألۀ زنده‌شدن بعد از مرگ و بیرون آمدن از قبرها در اضطراب و در شکّ و تردید به سر می‌برند.

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ وَنَعۡلَمُ مَا تُوَسۡوِسُ بِهِۦ نَفۡسُهُۥۖ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ ١٦﴾.

مسلّماً خداوند متعال انسان را آفرید و به چیزهایی که در خاطرش خطور می‌کند و در سینه‌اش نهان می‌دارد داناست. حق‌تعالی به انسان از شاهرگی که گردنش را به دل وصل می‌کند نزدیکتر است.

﴿إِذۡ يَتَلَقَّى ٱلۡمُتَلَقِّيَانِ عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ قَعِيدٞ ١٧﴾.

از آنگاه یاد کن که دو فرشتۀ نگهبان از جانب راست و چب انسان اعمالش را می‌نویسند؛ یعنی فرشتۀ طرف راست طاعات و فرشتۀ جانب چب گناهانش را می‌نویسد و هر یک از این دو فرشته در کمین است و اعمال انسان را برمی‌شمارد.

﴿مَّا يَلۡفِظُ مِن قَوۡلٍ إِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيبٌ عَتِيدٞ ١٨﴾.

هیچ سخنی را انسان بر زبان نمی‌آورند مگر اینکه فرشته‌ای در نزد او حضور داشته گفته‌هایش را برمی‌شمارد و می‌نویسد؛ برابر است که به فایده‌اش باشد یا به ضررش. آری! فرشتۀ یاد شده مراقب اوست و در نزدش حضور دارد.

﴿وَجَآءَتۡ سَكۡرَةُ ٱلۡمَوۡتِ بِٱلۡحَقِّۖ ذَٰلِكَ مَا كُنتَ مِنۡهُ تَحِيدُ ١٩﴾.

ای انسان! به راستی و حقّانیت سختی و دشواری مرگ بر تو فرا می‌رسد؛ سختی و دشواریی که گریز از آن ممکن نیست. این همان مرگی است که از آن‌رو می‌گشتاندی و می‌گریختی، امّا نجات از آن میسّر نمی‌باشد.

﴿وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِۚ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡوَعِيدِ ٢٠﴾.

فرشتۀ موظّف به منظور برانگیختن مردم از قبرها در شاخ می‌دمد، این دمیدن، مطابق وعدۀ خداوند أ در روز قیامت صورت می‌گیرد و الله تعالی وعده‌اش را خلاف نمی‌کند.

﴿وَجَآءَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّعَهَا سَآئِقٞ وَشَهِيدٞ ٢١﴾.

هر شخصی در روز قیامت با در فرشته حضور می‌یابد، یکی فرشته‌ای که او را برای حساب به نزد خداوند أ سوق می‌دهد،‌ دو دیگر فرشته‌ای که به اعمال نیک و بد دنیوی‌اش گواهی می‌دهد.

﴿لَّقَدۡ كُنتَ فِي غَفۡلَةٖ مِّنۡ هَٰذَا فَكَشَفۡنَا عَنكَ غِطَآءَكَ فَبَصَرُكَ ٱلۡيَوۡمَ حَدِيدٞ ٢٢﴾.

ای انسان! واقعاً تو از روز قیامت و هولناکی‌هایش غافل بودی و بدان آمادگی نگرفته‌ای. امّا امروز خداوند أ پرده‌ای را که بر بصیرت تو پوشانده بود و هدایت را نمی‌دیدی دور ساخت. اکنون غفلت از تو دور شده و چشمانت با قوّت و شدّت چیزهای دیدنی را می‌بیند.

﴿وَقَالَ قَرِينُهُۥ هَٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ٢٣﴾.

فرشته‌ای که با انسان همراهی دارد و با مراقبت از وی کارهای نیک و بدش را می‌نویسد می‌گوید: آنچه در دنیا بر او نوشته‌ام اینک در نزد من مجهّز، آماده، حاضر و نوشته شده است.

﴿أَلۡقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٖ ٢٤﴾.

الله تعالی برای دو فرشته (سائق و شهید) می‌گوید: هر تکذیب کنندۀ‌کافر، معاند حق، منکر رسالت گنهکار مُصرّ بر گناه را در آتش دوزخ بیندازید.

﴿مَّنَّاعٖ لِّلۡخَيۡرِ مُعۡتَدٖ مُّرِيبٍ ٢٥﴾.

آن را که به منع خیر و حق پرداخته و بر مخلوقات تجاوز کرده است؛ یعنی چیزی را که آفریدگار بر او واجب کرده ادا نمی‌کند و به اذیت مردم می‌پردازد، خویشتن را از خیر و خوبی‌ها بازمی‌دارد و با گذشتن از حدود محرّمات را مرتکب می‌شوند،‌ در وعده و وعید شک می‌ورزد و به توحید یقین ندارد.

﴿ٱلَّذِي جَعَلَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَأَلۡقِيَاهُ فِي ٱلۡعَذَابِ ٱلشَّدِيدِ ٢٦﴾.

ای دو فرشته! او را که مشرک است و با خداوند أ دیگر چیزها را عبادت می‌کند در آتش دوزخش بیندازید که عذاب سختی است.

﴿۞قَالَ قَرِينُهُۥ رَبَّنَا مَآ أَطۡغَيۡتُهُۥ وَلَٰكِن كَانَ فِي ضَلَٰلِۢ بَعِيدٖ ٢٧﴾.

شیطانی که در دنیا با او همراه بوده است می‌گوید: پروردگارا! من او را به سرکشی نکشاندم، بلکه خودش از هدایت دور بود و گمراهی را دوست می‌داشت؛ از این‌رو از حق رو گشتاند، به گمراهی رو آورد و من او را به کفر مجبور نساختم.

﴿قَالَ لَا تَخۡتَصِمُواْ لَدَيَّ وَقَدۡ قَدَّمۡتُ إِلَيۡكُم بِٱلۡوَعِيدِ ٢٨﴾.

خداوند أ می‌گوید: امروز در نزدم خصومت نکنید؛ زیرا منازعۀ کنونی شما فایدۀ ندارد و من شما را قبلاً به وسیلۀ پیامبران از عذاب و هولناکی چنین روزی بیم داده بودم.

﴿مَا يُبَدَّلُ ٱلۡقَوۡلُ لَدَيَّ وَمَآ أَنَا۠ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ٢٩﴾.

هیچ سخنی در نزدم تغییر نمی‌پذیرد؛ یعنی سخن و وعدۀ حق‌تعالی راست و حقّ است. الله أ هیچ بنده‌ای را به گناهان کسی دیگر عذاب نمی‌کند، هر کس را فقط به جرایمی که انجام داده آن هم بعد از اقامۀ حجّت مجازات می‌نماید، ‌از اعمال نیک نیکوکاران نمی‌کاهد و در گناهان بد بد‌کاران نمی‌افزاید.

﴿يَوۡمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ ٱمۡتَلَأۡتِ وَتَقُولُ هَلۡ مِن مَّزِيدٖ ٣٠﴾.

از روزی یاد کن که خداوند برای دوزخ می‌گوید: آیا پُر شده‌ای؟ او می‌گوید: آیا کافران بیشتری از گروه جنّ و انس هستند؟ آنگاه خداوند جبّار قَدَمِ بلا کیف خود را بر آن می‌نهد، در این هنگام اجزای آتش دوزخ به هم می‌پیچد و می‌گوید: بس است بس است!

﴿وَأُزۡلِفَتِ ٱلۡجَنَّةُ لِلۡمُتَّقِينَ غَيۡرَ بَعِيدٍ ٣١﴾.

در آن روز بهشت به کسانی که با انجام اوامر و اجتناب از نواهی پروردگار پرهیزگاری نمودند نزدیک ساخته می‌شوند؛ یعنی از ایشان دور نیست و آن را می‌بینند تا از دیدارش لذّت برند.

﴿هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٖ ٣٢﴾.

برای پرهیزگاران گفته می‌شوند: این همان نعمت‌هایی است که در دنیا برای شما وعده داده شده بود و آماده برای هر توبه‌کننده‌ای است که از گناهانش به سوی خدا باز گردد و اعمال نیک خود را ضایع نسازد،‌ حدود الهی را حفظ کند و به انجام واجبات حق‌تعالی مداومت نماید.

﴿مَّنۡ خَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِ وَجَآءَ بِقَلۡبٖ مُّنِيبٍ ٣٣﴾.

برای کسی که با انجام اوامر و پرهیز از نواهی از خداوند أ می‌ترسد، اوتعالی را طوری عبادت می‌کند که گویا وی را می‌بیند و در روز حساب با قلبی از معصیت‌ها و پاک از گناهان به سوی پروردگار منّان باز می‌آید.

﴿ٱدۡخُلُوهَا بِسَلَٰمٖۖ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡخُلُودِ ٣٤﴾.

برای پرهیزگاران گفته می‌شوند: با سلامتی از آفات و خطرها به بهشت در آیید،‌ در حالی که از هول و عذاب نجات یافته‌اید و از هر ترس و ناخوشایندی در امان می‌باشید. اکنون شما در بهشت‌های پُر از نعمت جاودانه هستید؛ یعنی که در بهشت مرگ نیست، از آن بیرون نمی‌شوید و نعمت‌هایش از شما قطع نمی‌شوند.

﴿لَهُم مَّا يَشَآءُونَ فِيهَا وَلَدَيۡنَا مَزِيدٞ ٣٥﴾.

برای پرهیزگاران در بهشت‌های پر از نعمت هر‌چه را بخواهند و نفس‌های‌شان اشتها داشته باشد میسّر است و در شادمانی و سرور به سر می‌برند، امّا در نزد حق‌تعالی نعمت‌هایی بزرگتر از آنچه برای‌شان عطا و کرامت شده وجود دارد؛ چنان‌چه دیدار وجه بلا کیف پروردگار کریم از آن جمله است.

﴿وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هُمۡ أَشَدُّ مِنۡهُم بَطۡشٗا فَنَقَّبُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ هَلۡ مِن مَّحِيصٍ ٣٦﴾.

خداوند أ چه قدر امّت‌های زیادی را که تکذیب می‌کردند پیش از کافران مکّه به هلاکت رساند، آنان‌که از کافران مکّه نیروی جسمی و امکانات بیشتری داشتند، در شهرها به سیر و سیاحت می‌پرداختند و بناهای بلند و مستحکمی را ساخته بودند؟ آیا پناهگاه و گریز‌گاهی از عذاب خداوند أ برای آنان میسّر بود؟

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكۡرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُۥ قَلۡبٌ أَوۡ أَلۡقَى ٱلسَّمۡعَ وَهُوَ شَهِيدٞ ٣٧﴾.

به راستی که در هلاکت امّت‌های کافر پیشین پند و موعظۀ است برای کسانی که با دل‌های خویش آیات و براهین الهی را بفهمند، با گوش‌های‌شان بشنوند و دلی آماده داشته باشند که غفلت زده و فراموشکار نباشد.

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٖ ٣٨﴾.

واقعیت این است خداوند أ آسمان‌های هفتگانه، زمین و سایر موجودات میان آن‌ها را در مدّت شش روز آفرید و از آفرینش این مخلوقات، مشکل و دشواریی به الله تعالی نرسید. حق‌تعالی نیرومند و بزرگ است و نخستین اثر قدرتش زنده‌کردن انسان‌ها بعد از مردن است.

﴿فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ ٱلۡغُرُوبِ ٣٩﴾.

ای پیامبر! پس در برابر سخن کافران که تو را تکذیب و استهزا می‌کنند صبر پیشه کن؛ زیرا خداوند أ طور قطعی جزای اعمال آنان را می‌دهد. همچنان نماز صبح را پیش از طلوع خورشید و نماز عصر را پیش از غروب آن با ثنا و ستایش حق‌تعالی ادا نما.

﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ وَأَدۡبَٰرَ ٱلسُّجُودِ ٤٠﴾.

در محدودۀ شب به ادای نماز عشا و نیز نماز بامداد بپرداز و بعد از هر نمازی الله تعالی را ثنا بگو و ستایش کن.

در این آیات، نماز بعد از صبر یادآوری شده چون بزرگ‌ترین عملی است که بنده را در برابر مصیبت‌ها یاری می‌کند.

﴿وَٱسۡتَمِعۡ يَوۡمَ يُنَادِ ٱلۡمُنَادِ مِن مَّكَانٖ قَرِيبٖ ٤١﴾.

به آواز روزی گوش ده که فرشتۀ موظّف با دمیدن در صور (شاخ) از جای نزدیک به هر کس ندا سر می‌دهد.

﴿يَوۡمَ يَسۡمَعُونَ ٱلصَّيۡحَةَ بِٱلۡحَقِّۚ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡخُرُوجِ ٤٢﴾.

روزی که مردم آواز زنده‌شدن بعد از مرگ را به حقّانیت و بدون شکّ و تردید می‌شنوند، این همان روزی است که بندگان از قبرها برای حساب بیرون می‌شوند.

﴿إِنَّا نَحۡنُ نُحۡيِۦ وَنُمِيتُ وَإِلَيۡنَا ٱلۡمَصِيرُ ٤٣﴾.

هر آینه خداوند أ خلایق را بعد از اینکه معدوم و مرده‌اند زنده می‌کند، باز آنان را بعد از زندگی دنیا می‌میراند و در نهایت برای محاسبۀ اعمال‌شان دوباره زنده می‌گرداند.

﴿يَوۡمَ تَشَقَّقُ ٱلۡأَرۡضُ عَنۡهُمۡ سِرَاعٗاۚ ذَٰلِكَ حَشۡرٌ عَلَيۡنَا يَسِيرٞ ٤٤﴾.

روزی که قبر‌های مردگان شکافته می‌شوند، همه از قبر‌های خویش برای حساب بیرون می‌شوند و شتابان به میدان حشر جمع می‌آیند. این جمع‌آوری و حساب بر خداوند أ کار آسان و ساده‌ای است؛ چون قدرتش کامل است.

﴿نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَقُولُونَۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِجَبَّارٖۖ فَذَكِّرۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ ٤٥﴾.

الله تعالی به سخنان کافران که تکذیب و استهزا می‌کنند داناتر است. ای پیامبر! تو تسلّط و قدرتی نداری که آنان را به ایمان وادار سازی،‌ بلکه تو فقط رسانندۀ پیام الهی می‌باشی. بنابراین کسانی را پند بده که از خداوند أ می‌ترسند و از ملاقات با اوتعالی حذر دارند؛ زیرا کسانی که از عذابش نترسند،‌ نصیحت و اندرز برای‌شان فایده نمی‌رساند.

سورۀ ذاریات

مکی است؛ ترتیب آن 51؛ شمار آیات آن 60

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلذَّٰرِيَٰتِ ذَرۡوٗا١﴾.

خداوند أ به باد‌هایی که خاک‌ها را برمی‌انگیزد و ابر‌ها را پراکنده می‌سازد سوگند یاد کرده است.

﴿فَٱلۡحَٰمِلَٰتِ وِقۡرٗا ٢﴾.

سپس الله تعالی به ابر‌هایی که بار گران و زیادی از آب را برمی‌دارند سوگند یاد نمود.

﴿فَٱلۡجَٰرِيَٰتِ يُسۡرٗا ٣﴾.

باز به کشتی‌هایی که بر روی دریا به آسانی و سهولت حرکت می‌کنند سوگند یاد کرده است.

﴿فَٱلۡمُقَسِّمَٰتِ أَمۡرًا ٤﴾.

و باز به فرشتگانی که فرمان و روزی خداوند متعال را میان بندگان تقسیم می‌کنند سوگند یاد نموده است.

﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٞ ٥﴾.

به راستی ای مردم! اموری چون زنده‌شدن بعد از مرگ و حساب اعمال که خداوند أ برای شما وعده کرده خواهی نخواهی واقع‌شدنی است و در وقوع آن شکّ و شبهۀ وجود ندارد.

﴿وَإِنَّ ٱلدِّينَ لَوَٰقِعٞ ٦﴾.

و هر آینه روز جزای اعمال که انسان‌ها پاداش و سزای عملکردهای خویش را درمی‌یابند حقّ است، ‌در آن شکّی وجود ندارد و طبق وعدۀ خداوند أ واقع می‌شوند.

﴿وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلۡحُبُكِ ٧﴾.

الله تعالی به آسمان که دارای شکل زیباست و با استواری و استحکام آفریده شده سوگند یاد کرده است.

﴿إِنَّكُمۡ لَفِي قَوۡلٖ مُّخۡتَلِفٖ ٨﴾.

ای کافران! یقیناً که شما دربارۀ کتاب الله أ و پیامبرش سخنان متناقض ارائه داشتید و به یک سخن ثابت نیستید.

﴿يُؤۡفَكُ عَنۡهُ مَنۡ أُفِكَ ٩﴾.

کسی از انتفاع به قرآن باز داشته می‌شوند که حق‌تعالی دلش را از ایمان به کتاب و پیامبرش و از فهم براهین و انتفاع به حجّت‌هایش بگرداند و در نتیجه هدایت نشود.

﴿قُتِلَ ٱلۡخَرَّٰصُونَ ١٠﴾.

دروغگویان که دربارۀ حق، شکّ و پندار‌های نادرست دارند کشته شوند و مورد لعنت قرار گیرند!

﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي غَمۡرَةٖ سَاهُونَ ١١﴾.

آنان‌که در تاریکی و ظلمت کفر و تکذیب قرار دارند، در غفلت به سر می‌برند و به سرکشی ادامه می‌دهند.

﴿يَسۡ‍َٔلُونَ أَيَّانَ يَوۡمُ ٱلدِّينِ ١٢﴾.

آنان به طور تکذیب و استبعاد می‌پرسند: روز قیامت که از مردم حساب گرفته می‌شود چه وقت فرا می‌رسد؟

﴿يَوۡمَ هُمۡ عَلَى ٱلنَّارِ يُفۡتَنُونَ ١٣﴾.

روز حساب روزی است که کافران در آتش دوزخ به عذاب سختی گرفتار می‌شوند و در آن می‌سوزند.

﴿ذُوقُواْ فِتۡنَتَكُمۡ هَٰذَا ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تَسۡتَعۡجِلُونَ ١٤﴾.

برای کافران در آتش دوزخ گفته می‌شوند: از این عذاب بچشید، از عذابی که به فرا رسیدنش در دنیا عجله می‌کردید و آمدنش را دیر می‌پنداشتید.

﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ١٥﴾.

یقیناً کسانی که با انجام طاعات و پرهیز از معاصی از پروردگار‌شان ترسیدند در باغ‌های دلپسند، درختستان‌های بزرگ و چشمه‌های آب خوشگوار و جاری قرار دارند.

﴿ءَاخِذِينَ مَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُحۡسِنِينَ ١٦﴾.

پروردگار منّان انواع امور مسرّت‌آفرین، نعمت‌های متنوّع و چیزهای دوست داشتنی را برای‌شان بخشیده است؛ زیرا ایشان در دنیا با انجام طاعات و پرهیز از محرّمات، پیش از دریافت نعمت‌ها و کرامت‌های کنونی، نیکوکار بودند.

﴿كَانُواْ قَلِيلٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ مَا يَهۡجَعُونَ ١٧﴾.

این نیکو‌کاران جز اندکی از شب را نمی‌خوابیدند، برای پروردگار‌شان نماز تهجّد می‌خواندند، به پیشگاهش دعا می‌کردند و از او آمرزش می‌خواستند.

﴿وَبِٱلۡأَسۡحَارِ هُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ ١٨﴾.

پیش از صبح در سحرگاهان برای گناهان‌شان از خداوند أ آمرزش می‌خواهند، چون سحرگاهان بهترین وقت استغفار ابرار است.

﴿وَفِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ ١٩﴾.

در اموال ایشان حق و صدقۀ نافله‌ای برای نیازمندان است؛ نیازمندانی که سؤال می‌کنند، یا حیا ایشان را از سؤال باز داشته است.

﴿وَفِي ٱلۡأَرۡضِ ءَايَٰتٞ لِّلۡمُوقِنِينَ ٢٠﴾.

در روی زمین براهین و نشانه‌های آشکاری وجود دارد که اشخاص باورمند به وسیلۀ آن‌ها به قدرت و یگانگی الله تعالی استدلال می‌کنند.

﴿وَفِيٓ أَنفُسِكُمۡۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ ٢١﴾.

در آفرینش انسان براهینی است که عظمت و قدرت و صُنع با استحکام پروردگار را ثابت ساخته به یگانگی وی دلالت می‌کند؛ زیرا هر که در آفرینش اوتعالی بیندیشد از عجایب قدرتش شگفت‌زده می‌شوند و ایمانش فزونی می‌یابد.

﴿وَفِي ٱلسَّمَآءِ رِزۡقُكُمۡ وَمَا تُوعَدُونَ ٢٢﴾.

رزق و روزی مردم و همچنان اموری مانند پاداش و جزا، خیر و شرّ، و منافع و زیان‌هایی که خداوند أ برای بندگانش وعده کرده در آسمان است؛ به طوری که همه در لوح محفوظ نوشته و مقدّر شده است.

﴿فَوَرَبِّ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ إِنَّهُۥ لَحَقّٞ مِّثۡلَ مَآ أَنَّكُمۡ تَنطِقُونَ ٢٣﴾.

خداوند سبحان به ذات بزرگش سوگند یاد نموده که آنچه وعده نموده حقّ و واقع شدنی است، در آن شکّی وجود ندارد و هیچ‌کس آن را رد کرده نمی‌تواند. این امر در تحقّق خویش همانند سخنی است که آن را بر زبان می‌آورید و در آن شک ندارید.

﴿هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ ٢٤﴾.

ای پیامبر! آیا خبر مهمانان ابراهیم ÷ برای تو رسیده است؛ آنان‌که در نزد الله أ صاحب کرامت بودند و در نزد ابراهیم ÷ نیز حرمت یافتند؟

﴿إِذۡ دَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَقَالُواْ سَلَٰمٗاۖ قَالَ سَلَٰمٞ قَوۡمٞ مُّنكَرُونَ ٢٥﴾.

آنگاه که به خانۀ ابراهیم ÷ و حضورش رفتند و بر او سلام دادند، ابراهیم ÷ سلام‌شان را جواب داد ولی ایشان را نشناخت؛ چون برایش ناشناخته بودند.

﴿فَرَاغَ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ فَجَآءَ بِعِجۡلٖ سَمِينٖ ٢٦﴾.

ابراهیم ÷ به سوی خانواده‌اش برگشت، گوسالۀ فربهی را گرفت و آن را برای مهمانانش ذبح و بریان کرد.

﴿فَقَرَّبَهُۥٓ إِلَيۡهِمۡ قَالَ أَلَا تَأۡكُلُونَ ٢٧﴾.

گوسالۀ بریان‌شده را آورد و در پیش روی‌شان نهاد. با مهربانی تعارف نمود و ایشان را به خوردن طعام فرا خواند و گفت: چرا نمی‌خورید؟!

﴿فَأَوۡجَسَ مِنۡهُمۡ خِيفَةٗۖ قَالُواْ لَا تَخَفۡۖ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٖ ٢٨﴾.

وقتی ابراهیم ÷ دید از طعامش نمی‌خورند از طرف‌شان در دلش ترس پدید آمد. فرشتگان برایش گفتند: از ما مترس، ما فرستادگان خداوند أ هستیم و پیدایش فرزندی را برایش مژده دادند که به دین الهی عالم خواهد بود. آن فرزند، اسحق ÷ بود که از همسرش ساره به وجود آمد.

﴿فَأَقۡبَلَتِ ٱمۡرَأَتُهُۥ فِي صَرَّةٖ فَصَكَّتۡ وَجۡهَهَا وَقَالَتۡ عَجُوزٌ عَقِيمٞ ٢٩﴾.

چون ساره مژدۀ فرشتگان برای ابراهیم ÷ را شنید که فرزندی از وی به وجود می‌آید به سوی‌شان آمد، با تعجّب از این مژده آواز کشید و به رویش زد و گفت: چگونه فرزندی را به دنیا می‌آورم در حالی که پیره زنی بزرگ‌سال و نازای هستم؟

﴿قَالُواْ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡعَلِيمُ ٣٠﴾.

فرشتگان برای ساره گفتند: پروردگارت همچنان گفته و طوری که به شما مژده دادیم مقدّر کرده است. خداوند أ بر هر چیزی تواناست و هیچ امری او را ناتوان ساخته نمی‌تواند. او یقیناً در تدبیر و تقدیرش با‌حکمت است، هر چیزی را در جایش می‌نهد و به مصالح و منافع بندگان داناست.

﴿۞قَالَ فَمَا خَطۡبُكُمۡ أَيُّهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ ٣١﴾.

ابراهیم ÷ برای فرشتگان گفت: چه خبری با خود دارید و به چه منظور به سویم فرستاده شده‌اید؟

﴿قَالُوٓاْ إِنَّآ أُرۡسِلۡنَآ إِلَىٰ قَوۡمٖ مُّجۡرِمِينَ ٣٢﴾.

فرشتگان گفتند: پروردگار، ما را به سوی قومی فرستاده که به اوتعالی کافر شده‌اند و از حدودش تجاوز کردند؛

﴿لِنُرۡسِلَ عَلَيۡهِمۡ حِجَارَةٗ مِّن طِينٖ ٣٣﴾.

تا آنان را با سنگ‌هایی از گِل پُخته که با آتش پُخته‌شده و به سنگ سختی تبدیل شده بزنیم و هدف قرار دهیم.

﴿مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلۡمُسۡرِفِينَ ٣٤﴾.

هر یک از سنگ‌ها در نزد خداوند أ نشانه‌دار شده و برای کسانی مهیّا شده که با گناهان و خطاها از حدود الهی گذشته‌اند.

﴿فَأَخۡرَجۡنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٣٥﴾.

خداوند سبحان اهل ایمان به حق‌تعالی را از قریۀ قوم لوط ÷ بیرون ساخت تا عذاب الهی به ایشان نرسد.

﴿فَمَا وَجَدۡنَا فِيهَا غَيۡرَ بَيۡتٖ مِّنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ٣٦﴾.

اما در آن قریه جز یک خانوادۀ مسلمان وجود نداشت؛ آن هم اهل خانۀ لوط ÷ بودند.

﴿وَتَرَكۡنَا فِيهَآ ءَايَةٗ لِّلَّذِينَ يَخَافُونَ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَلِيمَ ٣٧﴾.

خداوند أ در آن قریه نشانۀ آشکاری را باقی گذاشت که بر قدرت، عظمت و قهر اوتعالی بر دشمنان دلالت کند و این پندی از جانب وی بود؛ برای کسانی که از عذاب دردآورش می‌ترسند.

﴿وَفِي مُوسَىٰٓ إِذۡ أَرۡسَلۡنَٰهُ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ ٣٨﴾.

در فرستادن موسی ÷ به سوی فرعون و اینکه آن‌حضرت براهین آشکار و معجزه‌های شگفت‌آوری را آورده پند و اندرزی است؛ برای کسانی که از عذاب خداوند أ بترسند و تقوا داشته باشند.

﴿فَتَوَلَّىٰ بِرُكۡنِهِۦ وَقَالَ سَٰحِرٌ أَوۡ مَجۡنُونٞ ٣٩﴾.

فرعون با تکبّر رو گشتاند و با غروری که از نیرومندی به وی دست داده بود اعراض کرد و دربارۀ موسی ÷ گفت: او جادوگری است که در عقلش خلل وارد آمده یا دیوانه‌ای است که عقلش را از دست داده است.

﴿فَأَخَذۡنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٞ ٤٠﴾.

خداوند قهّار فرعون و لشکریانش را به قهرش گرفت و در دریا غرق نمود. آری! فرعون اعمال کفر، تکذیب و سرکشی را به اندازه‌ای انجام داده بود که مورد ملامت قرار می‌گرفت.

﴿وَفِي عَادٍ إِذۡ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمُ ٱلرِّيحَ ٱلۡعَقِيمَ ٤١﴾.

در سرگذشت قوم عاد و نابودی آنان اندرز‌هایی و نصایحی برای اندیشمندان وجود دارد؛ آنگاه که خداوند أ بر آنان بادی را فرستاد که خیر و نفعی را با خود داشت، بارانی با به ارمغان نمی‌آورند و درختی را آبستن نمی‌کرد.

﴿مَا تَذَرُ مِن شَيۡءٍ أَتَتۡ عَلَيۡهِ إِلَّا جَعَلَتۡهُ كَٱلرَّمِيمِ ٤٢﴾.

بادی بود که بر هر‌چه گذر کردی رهایش نمی‌گذاشت؛ مگر اینکه آن را می‌خشکاند و در هم شکستاند.

﴿وَفِي ثَمُودَ إِذۡ قِيلَ لَهُمۡ تَمَتَّعُواْ حَتَّىٰ حِينٖ ٤٣﴾.

در داستان قوم ثمود و نابودی آنان نصیحتی برای پند‌پذیران است؛ آنگاه که برای آنان گفته شد: از نعمت‌هایی که خداوند منّان برای شما ارزانی نموده بهره جویید.

﴿فَعَتَوۡاْ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِمۡ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَهُمۡ يَنظُرُونَ ٤٤﴾.

امّا آنان از دین خداوند أ رو گشتاندند و از پیامبرش نافرمانی کردند و در نتیجه حق‌تعالی آنان را با صاعقۀ عذاب در حالی هلاک ساخت که می‌دیدند مرگ آنان را دَرَو می‌کند.

﴿فَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ مِن قِيَامٖ وَمَا كَانُواْ مُنتَصِرِينَ ٤٥﴾.

آنگاه که از اثر عذابی که از جانب خداوند أ که به آنان رسیده بود توان برخواستن را نداشتند، نمی‌توانستند از سرنوشت خود بگریزند و از خویشتن دفاع کنند.

﴿وَقَوۡمَ نُوحٖ مِّن قَبۡلُۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ ٤٦﴾.

الله تعالی قوم نوح ÷ را پیش از امت‌های یاد شده عذاب نمود؛ زیرا آنان از حدود الهی تجاوز کردند و در عصیانگری زیاده‌روی نمودند.

﴿وَٱلسَّمَآءَ بَنَيۡنَٰهَا بِأَيۡيْدٖ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ٤٧﴾.

خداوند سبحان آسمان را مرتفع ساخت و برابر داشت، بنایش را با توانایی و نیروی خویش استحکام بخشید و ساختمان و اطرافش را وسعت داد.

﴿وَٱلۡأَرۡضَ فَرَشۡنَٰهَا فَنِعۡمَ ٱلۡمَٰهِدُونَ ٤٨﴾.

الله أ زمین را فرشی برای مخلوقات مقرّر داشت، آن را گهواره‌ای ساخت و برابر نمود تا هر مخلوقی بر روی آن استقرار یابد. آری! خداوند منّان زمین را چگونه هموار داشته و چه خوب گهواره‌ای ساخته است.

﴿وَمِن كُلِّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَا زَوۡجَيۡنِ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٤٩﴾.

خداوند پاک از همه انواع مخلوقات دو نوع مختلف نر و ماده را مقرّر داشت تا شما یگانگی و عظمتش را به یاد آورید. بدین‌گونه که همه مخلوقات جفت‌اند امّا حق‌تعالی یگانه است، دومی ندارد، شریکی برایش نیست و از همسر و فرزند منزّه و مبرّاست.

﴿فَفِرُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِۖ إِنِّي لَكُم مِّنۡهُ نَذِيرٞ مُّبِينٞ ٥٠﴾.

پس ای بندگان! از عذاب خداوند أ با انجام طاعات به سوی رحمتش بگریزید. به یقین ای مردم! من یعنی پیامبر ج بیم دهنده‌ای هستم که با حجّتی قوی، سخنی راست و بیم‌دادنی آشکار شما را از عذاب حق‌تعالی می‌ترسانم.

﴿وَلَا تَجۡعَلُواْ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۖ إِنِّي لَكُم مِّنۡهُ نَذِيرٞ مُّبِينٞ ٥١﴾.

به خداوند أ چیزی را شریک نیاورید و جز او خدایان دیگری را عبادت نکنید. من شما را از عذاب سختی که در پیش رویش قرار دارم بیم می‌دهم، بیم دادنم آشکار است و به دلیل کمال حجّت، بر هیچ کسی پوشیده نیست.

﴿كَذَٰلِكَ مَآ أَتَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُواْ سَاحِرٌ أَوۡ مَجۡنُونٌ ٥٢﴾.

همچنان که کافران رسول الله ج را تکذیب کردند امت‌های زیادی پیش از آنان به تکذیب پرداختند و پیامبران خویش را جادوگران خیال‌پسند یا دیوانگان بی‌خرد دانستند؛ چنان‌که قریش با پیامبر معامله نمودند.

﴿أَتَوَاصَوۡاْ بِهِۦۚ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٞ طَاغُونَ ٥٣﴾.

آیا پیشینیان، متأخّران را به تکذیب پیامبران وصیت کردند و از این‌رو همه آنان به تکذیب اتفاق کرده‌اند؟ چنین نیست، بلکه آنان قومی‌اند که در عصیانگری از حد گذشتند، دل‌های آنان را شبهه فرا گرفته و در اعمال خود به تکذیب و کفر توافق دارند. بنابراین سخن متأخّران مانند متقدّمان است.

﴿فَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ فَمَآ أَنتَ بِمَلُومٖ ٥٤﴾.

پس ای پیامبر! از کافران اعراض نما تا عذابی که از آن بیم‌شان دادی فرود آید؛ زیرا تو رسالت خویش را انجام دادی و تو را کسی ملامت نمی‌کند.

﴿وَذَكِّرۡ فَإِنَّ ٱلذِّكۡرَىٰ تَنفَعُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٥٥﴾.

با وجود اعراض از کافران و بی‌پروایی به تکذیب آنان بازهم به دعوت به سوی خداوند أ و تبلیغ رسالتش ادامه بده؛ زیرا مؤمنان از موعظه فایده می‌گیرند و یقین و ترس‌شان افزوده می‌شوند و بر سرکشان نیز حجّت اقامه می‌شوند.

﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦﴾.

خداوند سبحان جنّیان و انسان‌ها را نیافریده است،‌ مگر برای اینکه تنها وی را عبادت نمایند و به او چیزی را شریک نیاورند. آری! دعوت همه پیامبران الهی همین بوده است.

﴿مَآ أُرِيدُ مِنۡهُم مِّن رِّزۡقٖ وَمَآ أُرِيدُ أَن يُطۡعِمُونِ ٥٧﴾.

حق‌تعالی جنیّان و انسان‌ها را برای این نیافریده تا به او روزی دهند؛ زیرا الله أ روزی دهندۀ همه مخلوقات است. همچنان اراده ندارد که برایش طعام دهند؛ چون او برای دیگران طعام می‌دهد و به طعام نیازی ندارد. اوتعالی از مخلوقات بی‌نیاز است و همه خلق به او نیازمند‌اند.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلۡقُوَّةِ ٱلۡمَتِينُ ٥٨﴾.

به راستی که تنها خداوند منّان برای همه مخلوقات روزی می‌دهد و روزی‌شان را ضمانت کرده است. اوتعالی صاحب نیروی متین است، هر که با وی مقابله نماید قهرش می‌کند و هر که با او زور‌آزمایی نماید شکستش می‌دهد. او خداوند توانایی است که هیچ چیزی ناتوانش ساخته نمی‌تواند و ذات نیرومندی است که مقهور و مغلوب کسی واقع نمی‌شود.

﴿فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذَنُوبٗا مِّثۡلَ ذَنُوبِ أَصۡحَٰبِهِمۡ فَلَا يَسۡتَعۡجِلُونِ ٥٩﴾.

هر آینه برای کسانی که با کفر ورزیدن به خداوند أ و تکذیب پیامبرش بر خویشتن ستم روا داشته‌اند حصه‌ای از عذاب الهی رسیدنی است و حتماً آنان را خواهد گرفت؛ همچنان که برای موافقان آنان از امّت‌های تکذیب‌کنندۀ پیشین بخشی از عذاب رسید. بنابراین در عذاب عجله نکنند و آمدنش را دیر ندانند؛ زیرا بدون شک بر آنان فرود می‌آید.

﴿فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن يَوۡمِهِمُ ٱلَّذِي يُوعَدُونَ ٦٠﴾.

پس هلاکت و تباهی،‌ عاقبت ناپسند و احوال ناخوشایند روز قیامت بر کافران باد؛ احوالی که خداوند أ در دنیا برای آنان وعده کرده بود!

سورۀ طور

مکی است؛ ترتیب آن 52؛ شمار آیات آن 49

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلطُّورِ ١﴾.

خداوند متعال به «طور» سوگند یاد کرده؛ به کوهی که با موسی ÷ بر بالای آن سخن زد و در سینا موقعیت دارد.

﴿وَكِتَٰبٖ مَّسۡطُورٖ ٢﴾.

الله متعال به کتابش قرآن کریم در صفحات و ورق‌های نوشته‌شده سوگند یاد نموده است.

﴿فِي رَقّٖ مَّنشُورٖ ٣﴾.

به کتاب خویش قرآن کریم در صفحات منشوری نوشته‌شده و در پوست‌های نرمی ثبت گردیده است.

﴿وَٱلۡبَيۡتِ ٱلۡمَعۡمُورِ ٤﴾.

حق‌تعالی به بیت المعمور که فرشتگان در همه وقت‌ها بدان طواف می‌نمایند سوگند یاد نموده است.

﴿وَٱلسَّقۡفِ ٱلۡمَرۡفُوعِ ٥﴾.

خداوند أ به آسمان سوگند یاد نموده است که بالای زمین سقف مرفوعی است و بلندی یافته است.

﴿وَٱلۡبَحۡرِ ٱلۡمَسۡجُورِ ٦﴾.

و به دریای پُر از آب، یا دریایی که در هنگام فرا رسیدن قیامت از آتش شعله‌ور است سوگند یاد نموده است.

﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَٰقِعٞ٧﴾.

به راستی که عذاب خداوند بزرگ بر دشمنان کافرش خواهی نخواهی آمدنی است و واقع می‌شوند.

﴿مَّا لَهُۥ مِن دَافِعٖ ٨﴾.

هیچ کسی توانایی ندارد عذاب خداوند أ را از کافران باز دارد و از وقوعش جلو‌گیری نماید.

﴿يَوۡمَ تَمُورُ ٱلسَّمَآءُ مَوۡرٗا ٩﴾.

در روزی که آسمان به جنبش و اضطراب آید،‌ در نظامش خلل وارد شود و اجزای آن پراگنده گردد.

﴿وَتَسِيرُ ٱلۡجِبَالُ سَيۡرٗا ١٠﴾.

در آن وقت که کوه‌ها مانند گرد و غبار در هوا به حرکت می‌آیند و از جایگاه‌های خود دور می‌شوند.

﴿فَوَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ١١﴾.

با فرا رسیدن آن روز هلاکت و تباهی بر کافران باد که به تکذیب پیامبران می‌پرداختند؛

﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي خَوۡضٖ يَلۡعَبُونَ ١٢﴾.

آنان‌که در امور باطل فرو می‌روند و حق را به بازی می‌گیرند؛ یعنی زندگی آنان در لهو و تمسخر می‌گذرد.

﴿يَوۡمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا ١٣﴾.

در آن روز کافران با سختی و درشتی و با خواری و ذلّت به سوی آتش دوزخ کشانده می‌شوند.

﴿هَٰذِهِ ٱلنَّارُ ٱلَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ١٤﴾.

برای کافران به طور توبیخ گفته می‌شوند: اینک آتش دوزخ که در زندگی دنیا بدان تکذیب می‌کردید در پیش چشم شما قرار دارد و عذاب آن را بچشید.

﴿أَفَسِحۡرٌ هَٰذَآ أَمۡ أَنتُمۡ لَا تُبۡصِرُونَ ١٥﴾.

آیا این عذاب جادوست، همچنان که شما قرآن را در دنیا جادو می‌پنداشتید، یا شما آن را حقیقتاً دیده نمی‌توانید.

﴿ٱصۡلَوۡهَا فَٱصۡبِرُوٓاْ أَوۡ لَا تَصۡبِرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡكُمۡۖ إِنَّمَا تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ١٦﴾.

ای کافران! از گرمی آتش دوزخ بچشید. اگر در گرمی، زهرناکی و داغی آن صبر نمایید یا صبر نکنید، عذاب از شما دفع نمی‌شوند و از آن هر‌گز بیرون نمی‌شوید؛ یعنی صبر و عدم صبر شما برابر است. این جزای کفر و تکذیب شماست که در دنیا مرتکب شدید و الله تعالی بر بندگان ستمگار نمی‌باشد.

﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَنَعِيمٖ ١٧﴾.

به یقین که پرهیز‌گاران در بهشت‌ها و نعمت‌ها، در شادمانی و کرامت و در جوار خداوند بخشندۀ مهربان قرار دارند.

﴿فَٰكِهِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ وَوَقَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ ١٨﴾.

از انواع نعمت‌های سرور‌آفرین،‌ امور خوشایند و لذایذی که خداوند أ بر ایشان منّت گذاشته استفاده می‌برند حق‌تعالی از عذاب دوزخ نجات‌شان داده است؛ زیرا به خداوند یگانۀ قهّار ایمان آوردند و از پیامبر ستودۀ مختار پیروی کردند.

﴿كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓ‍َٔۢا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ١٩﴾.

ای نیکو کاران! از طعام‌های گوارای بهشت بخورید و از نوشیدنی‌های خوش‌مزّۀ آن بیاشامید. این‌ها پاداش اعمال نیکی است که در دنیا انجام دادید.

﴿مُتَّكِ‍ِٔينَ عَلَىٰ سُرُرٖ مَّصۡفُوفَةٖۖ وَزَوَّجۡنَٰهُم بِحُورٍ عِينٖ ٢٠﴾.

ابرار نیکو‌کار به منظور استفادۀ بیشتر از نعمت‌ها،‌ رو‌بروی یکدیگر بر تخت‌های بهشت تکیه زده‌اند، خداوند منّان همسران زیبا، سفید و فراخ‌چشمی را به ازدواج‌شان درمی‌آورند.

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱتَّبَعَتۡهُمۡ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَٰنٍ أَلۡحَقۡنَا بِهِمۡ ذُرِّيَّتَهُمۡ وَمَآ أَلَتۡنَٰهُم مِّنۡ عَمَلِهِم مِّن شَيۡءٖۚ كُلُّ ٱمۡرِيِٕۢ بِمَا كَسَبَ رَهِينٞ ٢١﴾.

خداوند سبحان، مؤمنان را با عده‌ای از ذریۀ‌شان که در اعمال به آنان اقتدا و موافقت کرده‌اند در بهشت جمع می‌سازد؛ طوری که ذریه را به درجۀ پدران بالا می‌برد،‌ هر‌چند از نگاه عمل به مرتبۀ‌شان نرسیده باشند، تا همگان را با جمع ساختن در یک جایگاه از نعمتش برخوردار سازد، امّا حق‌تعالی پاداش عمل هیچکدام را کم نمی‌کند، ‌بلکه کامل و زیادتر عطا می‌نماید. هر انسانی مرهون عملی است که انجام داده و به خاطر جُرم دیگری مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد.

﴿وَأَمۡدَدۡنَٰهُم بِفَٰكِهَةٖ وَلَحۡمٖ مِّمَّا يَشۡتَهُونَ ٢٢﴾.

خداوند منّان بر نعمت‌های که یاد‌آوری شد، میوه‌ها و گوشت‌های تازه،‌ اشتها‌آور و خوشمزّه‌ای را مزید می‌سازد که نفس بدان میل می‌کند و از آن لذّت می‌برد.

﴿يَتَنَٰزَعُونَ فِيهَا كَأۡسٗا لَّا لَغۡوٞ فِيهَا وَلَا تَأۡثِيمٞ ٢٣﴾.

از نعمت‌های که خداوند أ برای بندگانش در بهشت آماده داشته این است که جام‌های شراب را در جمع خویش به یکدیگر تعارف می‌کنند و با اُنس و شادمانی دَور می‌دهند تا استفاده از نعمت‌ها بزرگ جلوه کند. این شرابی است که عقل را نمی‌رباید و با نوشیدنش بیهوده گویی و نابسامانی در سخن پدید نمی‌آید و مانند شراب دنیا در نوشیدنش گناهی نیست.

﴿۞وَيَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ غِلۡمَانٞ لَّهُمۡ كَأَنَّهُمۡ لُؤۡلُؤٞ مَّكۡنُونٞ ٢٤﴾.

بر ابرار نیکو‌کار در بهشت نوجوانانی طواف می‌کنند و به خدمت‌گزاری‌شان می‌پردازند که در ارزش و پاکیزه‌گی و در تناسب و سفیدی‌شان مانند مرواریدی هستند که در صدف مسون باشد و هنوز به دست مردم نرسیده باشد.

﴿وَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ ٢٥﴾.

بعضی ابرار نیکو‌کار در بهشت به همدیگر رو می‌آورند و از نعمت‌های زیاد و سبب کرامت‌هایی که به ایشان عطا شده سؤال می‌کنند.

﴿قَالُوٓاْ إِنَّا كُنَّا قَبۡلُ فِيٓ أَهۡلِنَا مُشۡفِقِينَ ٢٦﴾.

می‌گویند: ما پیش از این در زندگی دنیوی و در بین خانواده‌های خویش از خداوند أ می‌ترسیدیم و از عذابش هراس داشتیم،‌ به طاعاتش عمل می‌کردیم و از معصیت‌ها امتناع می‌ورزیدیم.

﴿فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا وَوَقَىٰنَا عَذَابَ ٱلسَّمُومِ ٢٧﴾.

از این‌رو حق‌تعالی با منّت و کرمش بر ما احسان نمود و ما را از عذاب زهر‌آگین دوزخ، یعنی از شعله‌ها و گرمی سختش نگه داشت.

﴿إِنَّا كُنَّا مِن قَبۡلُ نَدۡعُوهُۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡبَرُّ ٱلرَّحِيمُ ٢٨﴾.

پیش از این ما در دنیا خداوند أ را به یگانگی می‌خواندیم، با اخلاص عبادت می‌کردیم و به او چیزی را شریک نمی‌آورندیم تا ما را از دوزخ نگه دارد و به بهشت‌های پر از نعمت داخل نماید. الله تعالی دعای ما را قبول کرد و آنچه را خواسته بودیم به ما بخشید. یقیناً خداوند أ با انواع مهربانی‌ها بر بندگانش صاحب فضل و احسان است وجود و سخاوتش را بر آنان فرو ریخته است. او بر بندگان مهربان است؛ چنان‌که آنان را در دخول به بهشت و نجات از دوزخ توفیق بخشیده است.

﴿فَذَكِّرۡ فَمَآ أَنتَ بِنِعۡمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٖ وَلَا مَجۡنُونٍ ٢٩﴾.

ای پیامبر!‌ قوم خویش را به قرآن کریم پند بده و آنان را بدان نصیحت کن؛ تو با نعمت‌هایی چون رسالت،‌ حکمت،‌ علم نافع و عقل‌برتر که برایت عطا شده کاهنی نیستی که مردم را بدون علم و براساس گمان به امور آینده خبر دهی و نیز دیوانۀ بی‌خردی نمی‌باشی که ندانسته سخن گویی.

﴿أَمۡ يَقُولُونَ شَاعِرٞ نَّتَرَبَّصُ بِهِۦ رَيۡبَ ٱلۡمَنُونِ ٣٠﴾.

بلکه کافران دربارۀ پیامبر مختار می‌گویند که شاعری است و ما مرگش را انتظار می‌کشیم تا دعوتش نیز با خودش بمیرد.

﴿قُلۡ تَرَبَّصُواْ فَإِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلۡمُتَرَبِّصِينَ ٣١﴾.

ای پیامبر!‌ برای آنان بگو: شما مرگ مرا انتظار کشید و من مرگ شما را انتظار می‌کشم، شما وفات مرا چشم به راه باشید و من عذاب خداوند برای شما را چشم به راه خواهم بود و به زودی خواهید دانست که عاقبت نیکو و پسندیده برای کیست.

﴿أَمۡ تَأۡمُرُهُمۡ أَحۡلَٰمُهُم بِهَٰذَآۚ أَمۡ هُمۡ قَوۡمٞ طَاغُونَ ٣٢﴾.

آیا یقیناً‌ عقل‌های کافران آنان را به این سخن متناقض امر کرده است؟ آخر چگونه کهانت،‌ شعر و دیوانگی در یک شخص و در یک وقت جمع می‌شوند، بلکه آنان در سرکشی زیاده‌روی کردند و در عصیانگری از حد گذشتند.

﴿أَمۡ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُۥۚ بَل لَّا يُؤۡمِنُونَ ٣٣﴾.

بلکه کافران می‌گویند: پیامبر ج قرآن را از نزد خود ساخته، امّا چنین نیست. واقعیت این است که این قوم تکذیب می‌کنند و تصدیق ندارند؛‌ چون اگر به رسالت تصدیق می‌داشتند چنین سخنی را بر زبان نمی‌آورند.

﴿فَلۡيَأۡتُواْ بِحَدِيثٖ مِّثۡلِهِۦٓ إِن كَانُواْ صَٰدِقِينَ ٣٤﴾.

اگر کافران راست می‌گویند که پیامبر قرآن کریم را از خود ساخته پس آنان هم بیابند سخنی را بیاورند که در بیان و فصاحتش مانند قرآن باشد.

﴿أَمۡ خُلِقُواْ مِنۡ غَيۡرِ شَيۡءٍ أَمۡ هُمُ ٱلۡخَٰلِقُونَ ٣٥﴾.

آیا کافران بدون آفریدگار و پدید‌آورنده‌ای به وجود آمدند یا خود خویشتن را آفریده‌اند؟ این اندیشه درست نیست،‌ نه آنان را عدم به وجود آورده و نه هم خود خویشتن را آفریده‌اند. درست این است که خداوند یگانه آنان را آفریده پس واجب است که فقط اوتعالی را بدون شک عبادت کنند.

﴿أَمۡ خَلَقُواْ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ٣٦﴾.

آیا آسمان‌ها و زمین را با این استحکام عجیب کافران آفریده‌اند؟ بلکه آنان به قدرت و یگانگی خداوند أ یقین ندارند و از آن‌رو کافر شدند.

﴿أَمۡ عِندَهُمۡ خَزَآئِنُ رَبِّكَ أَمۡ هُمُ ٱلۡمُصَۜيۡطِرُونَ ٣٧﴾.

آیا خزانه‌های رزق و روزی و بخشش‌های خداوندی در نزد کافران است و در آن هر طوری که بخواهند تصرّف می‌کنند؟ واقعیت این است که آنان چیزی را مالک نیستند. آیا آنان در جهان دارای نیرو و سلطه‌ای هستند که غلبه و زورمندی از آن ایشان باشد؟ این همه درست نیست،‌ بلکه آنان ناتوان و ضعیف‌اند و خداوند أ نیرومند و زور‌آور است.

﴿أَمۡ لَهُمۡ سُلَّمٞ يَسۡتَمِعُونَ فِيهِۖ فَلۡيَأۡتِ مُسۡتَمِعُهُم بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ٣٨﴾.

آیا برای کافران نردبانی است که در آن بالا می‌روند تا به وحی گوش دهند و در نتیجه وحیی را درمی‌یابند که نظر باطل آنان را تأیید می‌کند؟ پس باید هر کافری که چنین ادّعایی دارد دلیل قاطعی را برای صدق دعوایش بیاورد.

﴿أَمۡ لَهُ ٱلۡبَنَٰتُ وَلَكُمُ ٱلۡبَنُونَ ٣٩﴾.

آیا همچنان که شما به دروغ و ناحق ادّعا می‌کنید دختران برای خداوند و پسران فقط مخصوص شماست؟

﴿أَمۡ تَسۡ‍َٔلُهُمۡ أَجۡرٗا فَهُم مِّن مَّغۡرَمٖ مُّثۡقَلُونَ ٤٠﴾.

ای پیامبر! آیا برای تبلیغ رسالت خویش مزدی را طلب کرده‌ای و آنان برای دفع تکلیف تاوانی که از آنان خواستار شده‌ای به دشواری و مشقّت افتادند؟

﴿أَمۡ عِندَهُمُ ٱلۡغَيۡبُ فَهُمۡ يَكۡتُبُونَ ٤١﴾.

آیا کافران علم غیب دارند و آن را به منظور آگاهی مردم می‌نویسند و یاد داشت می‌کنند؟ چنین ادّعایی دروغ است؛ چون جز خداوند کسی غیب را نمی‌داند.

﴿أَمۡ يُرِيدُونَ كَيۡدٗاۖ فَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ هُمُ ٱلۡمَكِيدُونَ ٤٢﴾.

بلکه کافران اراده دارند تدبیر و حیله‌ای را برای پیامبر ج به کار برند، امّا به زودی ضرر تدبیر و حیلۀ آنان به خود‌شان برخواهد گشت.

﴿أَمۡ لَهُمۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٤٣﴾.

آیا کافران غیر از پروردگار أ خدای دیگری دارند که سزاوار عبادت باشد؟ الله تعالی از شرک کافران مقدّس و متعالی است. حق‌تعالی در آفرینش و الوهیت شریکی ندارد، پس تنها او مستحقّ عبادت است.

﴿وَإِن يَرَوۡاْ كِسۡفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ سَاقِطٗا يَقُولُواْ سَحَابٞ مَّرۡكُومٞ ٤٤﴾.

اگر کافران قطعه‌ای از عذاب را ببینند که از آسمان بر آنان فرود می‌آید، بازهم هر‌گز از شرک خود توبه نمی‌کنند بلکه می‌گویند: این ابری است که به روی هم متراکم شده و عذاب نمی‌باشد.

﴿فَذَرۡهُمۡ حَتَّىٰ يُلَٰقُواْ يَوۡمَهُمُ ٱلَّذِي فِيهِ يُصۡعَقُونَ ٤٥﴾.

پس ای پیامبر! کافران را به حال آنان بگذار تا روز قیامت، یعنی روز هلاکت و عذاب خویش را ملاقات کنند.

﴿يَوۡمَ لَا يُغۡنِي عَنۡهُمۡ كَيۡدُهُمۡ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ٤٦﴾.

حیله و تدبیر کافران برای آنان در روز قیامت فایده‌ای ندارد، عذاب خداوند أ را از آنان دفع نمی‌کند و جز اوتعالی یاوری ندارند که یاری‌شان نماید.

﴿وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ عَذَابٗا دُونَ ذَٰلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٤٧﴾.

پیش از رسیدن روز قیامت در زندگی دنیا برای کافران عذاب‌هایی چون قتل، اسارت،‌ خواری،‌ مصیبت، عذاب قبر و دیگر امور ناخوشایند آماده شده است، امّا بیشتر کافران بدان دانا نیستند.

﴿وَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعۡيُنِنَاۖ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ٤٨﴾.

ای پیامبر! به حکم پروردگار سبحان، به مأموریت خویش در انجام رسالتی که به منظور تبلیغ آن به سوی این کافران فرستاده شده‌ای و در برابر آزار،‌ تمسخر و حیله‌هایی که بدان مواجه می‌شوی صبر و استقامت پیشه کن؛ زیرا تو زیر نظر و مورد حفظ،‌ رعایت و تأیید حق‌تعالی قرار داری. و آنگاه که برای ادای نماز یا از خواب برمی‌خیزی، پروردگارت را به طور شایسته ثنا و ستایش نما و به پاکی یاد کن.

﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ وَإِدۡبَٰرَ ٱلنُّجُومِ ٤٩﴾.

همچنان الله أ را در نماز تهجّد و دیگر اوقات شب و نیز در حین پوشیدگی ستاره‌گان یعنی وقت نماز صبح به پاکی یاد کن؛ زیرا تسبیح و همه انواع ذکر،‌ انسان را در برابر دشواری‌های زندگی یاری می‌رساند.

سورۀ نجم

مکی است؛ ترتیب آن 53؛ شمار آیات آن 62

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلنَّجۡمِ إِذَا هَوَىٰ ١﴾.

خداوند أ به ستارۀ پروین آنگاه که از جایگاهش فرود آید و جدا شود، ‌یا بعد از طلوعش غروب نماید سوگند یاد نموده است.

﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمۡ وَمَا غَوَىٰ ٢﴾.

پیامبر ج از هدایت انحراف نکرده و به غیر آن میل ننموده است. او بر حق و همراه حقّ، دارای استقامت کامل و بر راه مستقیم استوار است.

﴿وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ ٣﴾.

او از نزد خویش و بر مبنای خواسته‌اش سخن نمی‌گوید، بلکه کلامش وحیی از جانب خداوند أ است.

﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ ٤﴾.

قرآن و سنّت جز وحیی از جانب حق‌تعالی نیست. آن را بر پیامبرش محمد ج فرود آورده و سخن کسی از انسان‌ها نمی‌باشد.

﴿عَلَّمَهُۥ شَدِيدُ ٱلۡقُوَىٰ ٥﴾.

جبرئیل ÷ که فرشتۀ بسیار نیرومندی است و دارای غلبه و قدرت است آن را برای پیامبر ج آموزش داده است.

﴿ذُو مِرَّةٖ فَٱسۡتَوَىٰ ٦﴾.

او دارای منظر نیکو و چهرۀ زیباست و به صورتی که حق‌تعالی وی را آفریده برای پیامبر ج آشکار شد.

﴿وَهُوَ بِٱلۡأُفُقِ ٱلۡأَعۡلَىٰ ٧﴾.

وی در هنگام طلوع خورشید، در کنارۀ بلند آسمان بالا رفت و برای پیامبر ج آشکار شد و پدید آمد.

﴿ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ٨﴾.

بعد از آن جبرئیل ÷ به آنحضرت ج نزدیک شد و سپس بیشتر به آنحضرت نزدیکی جست.

﴿فَكَانَ قَابَ قَوۡسَيۡنِ أَوۡ أَدۡنَىٰ ٩﴾.

در آن هنگام جبرئیل ÷ از پیامبر ج به اندازۀ مسافۀ دو قوس فاصله داشت یا از آن هم نزدیکتر بود.

﴿فَأَوۡحَىٰٓ إِلَىٰ عَبۡدِهِۦ مَآ أَوۡحَىٰ ١٠﴾.

آنگاه الله تعالی آنچه را از قرآن کریم می‌خواست، از طریق جبرئیل ÷ به سوی بنده و پیامبرش وحی فرستاد.

در این آیه ذکر فعل «اوحی» به وحیی که بر آن حضرت نازل شده تعظیم صورت گرفته است.

﴿مَا كَذَبَ ٱلۡفُؤَادُ مَا رَأَىٰٓ ١١﴾.

دل پیامبر الهی محمّد مصطفی ج به آنچه چشم‌های‌شان دید و مشاهد کرد دروغ نمی‌گوید.

﴿أَفَتُمَٰرُونَهُۥ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ١٢﴾.

آیا با پیامبر ج مجادله می‌کنید و خبری را که از مشاهدۀ آیات الهی و چشمدید خویش آورده رد می‌نمایید؟

﴿وَلَقَدۡ رَءَاهُ نَزۡلَةً أُخۡرَىٰ ١٣﴾.

و مسلّماً پیامبر ج جبرئیل ÷ را بار دوم نیز به شکل اصلی او در نزدیک سدرة المنتهی، یعنی درخت سدر که در آسمان هفتم است مشاهده کردند.

﴿عِندَ سِدۡرَةِ ٱلۡمُنتَهَىٰ ١٤﴾.

در نزدیک سدرة المنتهی، یعنی در نهایی‌ترین جایی که از زمین به سوی آسمان بالا می‌رود و از بالای زمین به سویش فرود می‌آید.

﴿عِندَهَا جَنَّةُ ٱلۡمَأۡوَىٰٓ ١٥﴾.

در نزدیک سدرة المنتهی جنة المأوی قرار دارد؛ جایی که ابرار نیکو‌کار در آن مأوا می‌گزینند.

﴿إِذۡ يَغۡشَى ٱلسِّدۡرَةَ مَا يَغۡشَىٰ ١٦﴾.

آنگاه که به فرمان خداوند أ چیز بزرگی بر سدره بالا رفت که آن را هیچ کسی توصیف کرده نمی‌تواند و عظمتش را جز خداوند یگانه کسی نمی‌شناسد.

﴿مَا زَاغَ ٱلۡبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ١٧﴾.

چشم رسول الله ج از محل نگاهش میل نکرد و نیز از جایی که در آن می‌نگریست تجاوز ننمود، بلکه نگاه چشمش جریان داشت و دلش ثابت بود.

﴿لَقَدۡ رَأَىٰ مِنۡ ءَايَٰتِ رَبِّهِ ٱلۡكُبۡرَىٰٓ ١٨﴾.

به یقین که پیامبر ج در شب معراج نشانه‌های بزرگی چون بهشت،‌ دوزخ و دیگر چیزها را دیدند که به قدرت و عظمت الله دلالت می‌کند.

﴿أَفَرَءَيۡتُمُ ٱللَّٰتَ وَٱلۡعُزَّىٰ ١٩﴾.

ای کافران! برایم از بت‌هایی مانند لات و عزّی که به عبادت آن‌ها می‌پردازید خبر دهید، آیا نفع و ضرری دارند؟ این پرسش به گونۀ توبیخ مطرح شده است.

﴿وَمَنَوٰةَ ٱلثَّالِثَةَ ٱلۡأُخۡرَىٰٓ ٢٠﴾.

به همین‌گونه بُت منات که بعد از لات و عُزّی در جایگاه سوم قرار دارد،‌ آیا دارای نفع و ضرری است که غیر از خداوند أ عبادت شود؟ این سخن، انکار بر کسانی است که به عبادت بت‌ها می‌پردازند.

﴿أَلَكُمُ ٱلذَّكَرُ وَلَهُ ٱلۡأُنثَىٰ ٢١﴾.

ای کافران! آیا فرزندان مذکّر را برای خویشتن مقرّر می‌دارید و نصیب خود می‌دانید و فرزندان مؤنّث را به زعم خود به خداوند پاک نسبت می‌دهید؟ در حالی که خود از آن راضی نیستید.

﴿تِلۡكَ إِذٗا قِسۡمَةٞ ضِيزَىٰٓ ٢٢﴾.

این تقسیم که پسران برای شما و دختران برای خداوند أ باشد تقسیم ستمگرانه و ظالمانه است.

﴿إِنۡ هِيَ إِلَّآ أَسۡمَآءٞ سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلۡطَٰنٍۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَمَا تَهۡوَى ٱلۡأَنفُسُۖ وَلَقَدۡ جَآءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ ٱلۡهُدَىٰٓ ٢٣﴾.

این بت‌ها و تمثال‌ها جز نام‌های بی‌حقیقت چیز دیگری نمی‌باشد؛ یعنی از اوصاف کمال، قدرت و عظمت چیزی در آن‌ها مشاهده نمی‌شوند، بلکه این‌ها مجرّد نام‌هایی‌اند که شما و پدران‌تان به ظلم و ناحق بر مبنای هوای نفس و تزیین شیطان بر آن‌ها نهادید و خداوند بزرگ هیچ برهانی را نازل نکرده که مسلک و دعوای باطل شما را تصدیق کند. کافران چیزی جز گمان‌های دروغین و خواهش‌های نفس امّاره بالسّوء و منحرف از هدایت را پیروی نمی‌کنند. یقیناً از جانب خداوند أ توسّط پیامبر ج معصومش محمّد برای‌تان هدایتی آمد، اگر از آن پیروی کنید راهیاب می‌شوید.

﴿أَمۡ لِلۡإِنسَٰنِ مَا تَمَنَّىٰ ٢٤﴾.

آیا آنچه را انسان از خواهش‌های نفسانی‌اش تمنّا و آرزو می‌کند مانند شفاعت بت‌ها، تمثال‌ها و سایر امور در اختیار و قدرت اوست؟ چنین نیست بلکه امر و فرمان، مخصوص الله است.

﴿فَلِلَّهِ ٱلۡأٓخِرَةُ وَٱلۡأُولَىٰ ٢٥﴾.

امر دنیا و آخرت به خداوند أ مربوط است. اوست که به هر‌چه بخواهد حکم می‌کند و فیصله می‌نماید، برای اهل حق پاداش و به کافران دروغگوی جزا می‌دهد.

﴿۞وَكَم مِّن مَّلَكٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ لَا تُغۡنِي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡ‍ًٔا إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ أَن يَأۡذَنَ ٱللَّهُ لِمَن يَشَآءُ وَيَرۡضَىٰٓ ٢٦﴾.

شمار بسیاری از فرشتگان آسمان با مرتبۀ بلند و منزلت عالیی که دارند شفاعت‌شان برای هیچ کسی فایده نمی‌رساند، مگر آنگاه که خداوند أ برای‌شان اجازۀ شفاعت را بدهد و از کسی که برایش شفاعت صورت می‌گیرد راضی باشد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ لَيُسَمُّونَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ تَسۡمِيَةَ ٱلۡأُنثَىٰ ٢٧﴾.

هر آینه کافرانی که به روز قیامت تصدیق ندارند و برای آمدگی به آن روز عملی انجام نمی‌دهند، فرشتگان را به نام‌های اناث می‌نامند؛ زیرا اعتقاد دارند که فرشتگان در جنس خود مؤنث‌اند و دختران خداوند هستند. این سخن از نادانی و بی‌خردی آنان نشأت کرده است.

﴿وَمَا لَهُم بِهِۦ مِنۡ عِلۡمٍۖ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّۖ وَإِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغۡنِي مِنَ ٱلۡحَقِّ شَيۡ‍ٔٗا ٢٨﴾.

کافران برای ادّعای خود که می‌گویند: فرشتگان از جنس اناث‌اند دانش و دلیلی ندارند، بلکه از گمان دروغینی پیروی می‌کنند که انسان را به هدایتی دلالت نمی‌کند، به دانشی نمی‌رساند و نمی‌تواند قایم مقام حق باشد.

﴿فَأَعۡرِضۡ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكۡرِنَا وَلَمۡ يُرِدۡ إِلَّا ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا ٢٩﴾.

بنابراین از کسانی که با ترک ایمان از هدایت الهی، یعنی قرآن کریم رو گشتاندند و از آن پیروی نکردند اعراض کن؛ از آنان‌که جز زندگی دنیای فانی مراد و مقصدی ندارند.

﴿ذَٰلِكَ مَبۡلَغُهُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِمَنِ ٱهۡتَدَىٰ ٣٠﴾.

دوستی و مصروفیت به دنیا مقصود اصلی و مطلوب نهایی کافران است؛ از آن‌رو که همّت‌ها و شخصیت‌های آنان سقوط کرده و به انحطاط گراییده است. هر آینه خداوند أ به کسانی که از هدایت انحراف کرده‌اند و نیز به کسانی که با راهیابی استقامت را لازم گرفتند و از حق پیروی داشته‌اند داناتر است.

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔواْ بِمَا عَمِلُواْ وَيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ بِٱلۡحُسۡنَى ٣١﴾.

همه موجودات آسمان‌ها و زمین مملوک خداوند أ هستند؛ یعنی اوتعالی تدبیر‌کننده و متصرّف آن‌هاست. اوست که بد‌‌کاران را در برابر اعمال بد جزا می‌دهد و برای نیکو‌کاران در قبال اعمال نیک‌شان بهشت‌های پر از نعمت را ارزانی می‌کند؛

﴿ٱلَّذِينَ يَجۡتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡفَوَٰحِشَ إِلَّا ٱللَّمَمَۚ إِنَّ رَبَّكَ وَٰسِعُ ٱلۡمَغۡفِرَةِۚ هُوَ أَعۡلَمُ بِكُمۡ إِذۡ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ وَإِذۡ أَنتُمۡ أَجِنَّةٞ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡۖ فَلَا تُزَكُّوٓاْ أَنفُسَكُمۡۖ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَنِ ٱتَّقَىٰٓ ٣٢﴾.

برای آن نیکو کارانی که از گناهان کبیره، معصیت‌ها و فواحش پرهیز می‌کنند، مگر از (لَمَم)؛ یعنی از گناهان صغیره‌ای که مرتکبش بر آن اصرار ندارد، یا گناهی که آن را انسان به ندرت انجام می‌دهد.

بنابراین آنگاه که بنده واجبات را انجام دهد و از محرّمات بپرهیزد خداوند أ بر او می‌آمرزد، عفوش می‌کند و گناهانش را می‌پوشاند؛ زیرا حق‌تعالی گذشت بسیار و آمرزش فراگیر دارد. او به طبیعت بندگان در هنگامی که پدر‌شان را از خاک آفرید و آنگاه که به گونۀ چنین در شکم مادران‌شان اند داناتر است. این امر بر ناتوانی انسان، مظنّۀ صدور گناه و پیدایش تقصیرات از او دلالت می‌کند. بنابراین ای مردم! خویشتن را با توصیف به تقوا، استقامت و خوبی‌ها تزکیه ننمایید. الله تعالی به حال پرهیزگاران حقیقی دانا و به امور پوشیده و آشکار بندگان آگاه است؛ از این‌رو ترک تزگیۀ نفس، لزوم انکسار و استغفار به پیشگاه خداوند عزیز و جبّار واجب است.

﴿أَفَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي تَوَلَّىٰ ٣٣﴾.

ای پیامبر! آیا کسی را که از ایمان پشت گشتاند و از طاعت خداوند رحمن اعراض نمود دیده‌ای که چه اندازه نادانی و غفلت بسیار او را فراگرفته است.

﴿وَأَعۡطَىٰ قَلِيلٗا وَأَكۡدَىٰٓ ٣٤﴾.

به او ببین که چگونه بعد از مصرف اندکی مال عطای خویش را قطع نمود، امساک ورزید و خود را از احسان باز داشت؛ از آن‌رو که بخلش افزون است.

﴿أَعِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلۡغَيۡبِ فَهُوَ يَرَىٰٓ ٣٥﴾.

آیا این شخص بخیل که از ایمان رو‌گردان است به علم غیب آگاهی دارد تا دلالت کند بر اینکه مال و ثروتش تمام می‌شوند و بدین سبب احسانش را منع می‌نماید؟ و آیا این امر را به چشمش مشاهده می‌کند؟ این اندیشه درست نیست؛ زیرا او به علم غیب آگاهی ندارد، بلکه بخلش او را از انفاق مال باز داشته و حرص بر دنیا به امساک وا‌داشته است.

﴿أَمۡ لَمۡ يُنَبَّأۡ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ ٣٦﴾.

آیا از امور و احکامی که در کتاب تورات آمده و بر موسی ÷ فرود آمده برایش خبر داده نشده است؟

﴿وَإِبۡرَٰهِيمَ ٱلَّذِي وَفَّىٰٓ ٣٧﴾.

آیا به امور و احکام صحیفه‌های ابراهیم ÷ که به انجام اوامر الهی پرداخت و مردم را به سوی آن فرا خواند، باخبر نیست؟

﴿أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰ ٣٨﴾.

اینکه هیچ کسی به گناه دیگری مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد و جرم دیگری را بر‌نمی‌دارد؛ یعنی هر کسی از عملکردنش مورد بازپرس قرار می‌گیرد؛ نه از کردار دیگری.

﴿وَأَن لَّيۡسَ لِلۡإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ ٣٩﴾.

و اینکه برای انسان ثوابی نوشته نمی‌شوند، مگر آنچه را انجام دهد یا سبب انجامش شود؛ مانند فرزند صالح، علم نافع، صدقۀ جاریه و دیگر امور خیر جاری.

﴿وَأَنَّ سَعۡيَهُۥ سَوۡفَ يُرَىٰ ٤٠﴾.

و اینکه سعی و کوشش انسان به زودی در روز قیامت آشکار می‌شوند؛ یعنی خوبی‌ها از بدی‌ها متمایز می‌گردد، برای اعمال خیر پاداش نیکو و برای اعمال بد جزای دشوار مقرّر داشته می‌شوند.

﴿ثُمَّ يُجۡزَىٰهُ ٱلۡجَزَآءَ ٱلۡأَوۡفَىٰ ٤١﴾.

بعد از آن خداوند أ برای انسان در برابر همه اعمالی که انجام داده جزای کامل و وافی مقرّر می‌دارد.

﴿وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلۡمُنتَهَىٰ ٤٢﴾.

و اینکه نهایت هر مخلوق، سرانجام هر عمل و بازگشت هر چیزی به سوی پروردگار بزرگ توست.

﴿وَأَنَّهُۥ هُوَ أَضۡحَكَ وَأَبۡكَىٰ ٤٣﴾.

و اینکه خداوند سبحان هر که از بندگانش را که بخواهد با سعادتمندی می‌خنداند و هر که را بخواهد با گرفتاری به غم و رنج به گریه می‌آورند؛ یعنی آن آفریدگار اسباب شادمانی و غمگین است.

﴿وَأَنَّهُۥ هُوَ أَمَاتَ وَأَحۡيَا ٤٤﴾.

و اینکه الله أ بنده‌ای را که وقت مرگش فرا رسیده باشد با قبض روحش می‌میراند و هر که را اراده کند با دمیدن روح در وجودش در ابتدای آفرینش در شکم مادر، یا برای زندگی بعد از مرگ زنده می‌سازد.

بنابراین زنده‌ساختن و میراندن در اختیار اوست.

﴿وَأَنَّهُۥ خَلَقَ ٱلزَّوۡجَيۡنِ ٱلذَّكَرَ وَٱلۡأُنثَىٰ ٤٥﴾.

و اینکه خداوند منّان از همه زنده‌جان‌ها جفت نر و ماده را آفرید؛ برای اینکه نوع آن‌ها ماندگار باشد، حیات استمرار یابد و جهان آباد شود.

﴿مِن نُّطۡفَةٍ إِذَا تُمۡنَىٰ ٤٦﴾.

جفت نر و ماده را از منی نوع مذکّر که در رحم مؤنث قرار می‌گیرد خلق می‌کند و به وجود می‌آورند.

﴿وَأَنَّ عَلَيۡهِ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأُخۡرَىٰ ٤٧﴾.

و اینکه باز‌گشتاندن مخلوقات بعد از مرگ بر ذمّۀ خداوند أ است؛ به گونه‌ای که آنان را زنده می‌کند و از قبر‌های‌شان بیرون می‌سازد و مراد از «النشأة الأخری» همین است.

﴿وَأَنَّهُۥ هُوَ أَغۡنَىٰ وَأَقۡنَىٰ ٤٨﴾.

و اینکه فقط حق‌تعالی هر کدام از بندگانش را که بخواهد با اعطای مال و ثروت بی‌نیاز می‌سازد، به آنچه بخشیده راضی می‌نماید و قناعت می‌دهد.

﴿وَأَنَّهُۥ هُوَ رَبُّ ٱلشِّعۡرَىٰ ٤٩﴾.

و اینکه الله پاک پروردگار «الشعری» است؛ یعنی پروردگار ستاره‌ای که بسیاری دور،‌ بلند و روشنگر است و کافران به عبادتش می‌پرداختند.

﴿وَأَنَّهُۥٓ أَهۡلَكَ عَادًا ٱلۡأُولَىٰ ٥٠﴾.

و اینکه الله أ قوم عاد را در نخست، آنگاه که تکذیب نمودند به هلاکت رساند، تباه کرد و نابود ساخت.

﴿وَثَمُودَاْ فَمَآ أَبۡقَىٰ ٥١﴾.

و اینکه خداوند سبحان قبیلۀ ثمود، یعنی قوم صالح ÷ را هلاک ساخت و به عذاب سختی گرفتار نمود.

﴿وَقَوۡمَ نُوحٖ مِّن قَبۡلُۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ هُمۡ أَظۡلَمَ وَأَطۡغَىٰ ٥٢﴾.

و پیش از این اقوام، قوم نوح ÷ را هلاک ساخت؛ آنان‌که از آیند‌گان عصیانگری بیشتر داشتند، گناهان بزرگتر انجام می‌دادند و بیشتر سرکشی می‌کردند.

﴿وَٱلۡمُؤۡتَفِكَةَ أَهۡوَىٰ ٥٣﴾.

همچنان قریه‌های قوم لوط ÷ را خداوند قهّار نابود و تباه ساخت، اهل آن را به هلاکت رسانده و منطقۀ آنان را زیر و رو کرد.

﴿فَغَشَّىٰهَا مَا غَشَّىٰ ٥٤﴾.

آنچه از سنگ‌ها بر آن قوم ریختنی بود و عذابی که مقدّر شده بود آنان را تحت پوشش قرار داد.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ٥٥﴾.

پس ای انسان! به کدام یک از نعمت‌های که خداوند أ برایت ارزانی داشته شک می‌ورزید؟ در حالی که هر نعمت کوچک و بزرگی تنها از جانب الله تعالی و او در برابر نعمت‌هایش سزاوار ثنا و ستایش است.

﴿هَٰذَا نَذِيرٞ مِّنَ ٱلنُّذُرِ ٱلۡأُولَىٰٓ ٥٦﴾.

محمد ج مانند پیامبران پیش از خود، بیم‌دهنده‌ای است که از جانب خداوند أ برای تبلیغ رسالتش آمده است. رسالتش امر تازه‌ای نیست، بلکه پیش از او نیز پیامبرانی آمده‌اند.

﴿أَزِفَتِ ٱلۡأٓزِفَةُ ٥٧﴾.

قیامت نزدیک شده است، روز رستاخیز قریب آمده و به زودی هنگام وقوع آن فرا می‌رسد.

﴿لَيۡسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ كَاشِفَةٌ ٥٨﴾.

جز خداوند أ هیچ‌کس آن را رد نمی‌کند، وقت آن را کسی نمی‌داند و هولناکیی آن را جز خداوند یگانۀ یکتا کسی دور ساخته نمی‌تواند.

﴿أَفَمِنۡ هَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ تَعۡجَبُونَ ٥٩﴾.

ای کافران! آیا از قرآن تعجّب می‌کنید و در درستی آن شک دارید؟ در حالی که حقّ است و از جانب خداوند أ آمده است؟

﴿وَتَضۡحَكُونَ وَلَا تَبۡكُونَ ٦٠﴾.

ای کافران! شما به گونۀ استهزا و تمسخر به قرآن می‌خندید،‌ امّا از روی شوق به وعده‌اش و با ترس از وعیدش گریه نمی‌کنید؟

﴿وَأَنتُمۡ سَٰمِدُونَ ٦١﴾.

و شما در دنیای خود مصروف هستید، از پند‌پذیری اعراض می‌نمایید و از موعظه‌های قرآن بی‌خبر می‌باشید؟

﴿فَٱسۡجُدُواْۤ لِلَّهِۤ وَٱعۡبُدُواْ۩ ٦٢﴾.

برای خداوند بزرگ سجده نمایید، در طاعتش اخلاص ورزید، به فرمانش منقاد باشید و به پیشگاه عظمتش فروتنی داشته باشید.

سورۀ قمر

مکی است؛ ترتیب آن 54؛ شمار آیات آن 55

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ٱقۡتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلۡقَمَرُ ١﴾.

قیامت نزدیک شد و وقتش قریب آمد، ماه شق شد و دو نیمه گردید. این واقعه وقتی به وقوع پیوست که کافران از پیامبر ج خواستند برای‌شان نشانه‌ای ارائه نماید، آنحضرت دعا کردند و پروردگارش ماه را برایش دو نیمه ساخت.

﴿وَإِن يَرَوۡاْ ءَايَةٗ يُعۡرِضُواْ وَيَقُولُواْ سِحۡرٞ مُّسۡتَمِرّٞ ٢﴾.

اگر کافران نشانه و برهانی را برای صداقت پیامبر ج مشاهده کنند بازهم از ایمان و قرآن رو می‌گردانند و می‌گویند: این جادوی باطل و از بین رفتنی است، ثباتی ندارد و به زودی نابود و مضمحل می‌شوند.

﴿وَكَذَّبُواْ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهۡوَآءَهُمۡۚ وَكُلُّ أَمۡرٖ مُّسۡتَقِرّٞ ٣﴾.

کافران پیامبر ج را تکذیب نمودند، از خواهش نفس‌های امّاره بالسّوء پیروی کردند در نتیجه از راه هدایت به گمراهی رفتند، در حالی که جزا و پاداش هر امر صلاح و فساد در روز قیامت به صاحبانش فرود‌آمدنی است.

﴿وَلَقَدۡ جَآءَهُم مِّنَ ٱلۡأَنۢبَآءِ مَا فِيهِ مُزۡدَجَرٌ ٤﴾.

به یقین که از اخبار تکذیب‌کنند‌گان پیشین و عذاب‌هایی که بدان گرفتار شدند، به اندازه‌ای که مایۀ پند و اندرز باشد برای کافران رسیده است و در صورتی که از آن فایده بگیرند کافی است.

﴿حِكۡمَةُۢ بَٰلِغَةٞۖ فَمَا تُغۡنِ ٱلنُّذُرُ ٥﴾.

قرآن کریم دارای حکمت‌های والایی است که در بیان، برهان و تهدیدش به نهایت درجه رسیده، اما بیم دادنش برای قومی که از موعظه‌ها رو گردانند و از دلایل بهره نجویند فایده‌ای نمی‌رساند.

﴿فَتَوَلَّ عَنۡهُمۡۘ يَوۡمَ يَدۡعُ ٱلدَّاعِ إِلَىٰ شَيۡءٖ نُّكُرٍ ٦﴾.

پس ای پیامبر! از کافران اعراض کن و در انتظار روز قیامت باش؛ در انتظار روزی که دعوتگر الهی مردم را به سوی موقف دشوار، امر هولناک و مقام ناخوشایند و ترس آوری فرا می‌خواند.

﴿خُشَّعًا أَبۡصَٰرُهُمۡ يَخۡرُجُونَ مِنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ كَأَنَّهُمۡ جَرَادٞ مُّنتَشِرٞ ٧﴾.

کافران در خواری و ذلّت قرار دارند و مذلّت از چشمان آنان هویداست، از قبرهای خود بیرون می‌شوند و در پراکندگی و شتاب به سوی حساب، مانند ملخ‌های پراگنده می‌باشند.

﴿مُّهۡطِعِينَ إِلَى ٱلدَّاعِۖ يَقُولُ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا يَوۡمٌ عَسِرٞ ٨﴾.

مردم به سوی موقفی که خداوند أ آنان را فراخوانده می‌شتابند و کافران می‌گویند: امروز، روز بسیار دشوار و ترس‌آوری است.

﴿۞كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ فَكَذَّبُواْ عَبۡدَنَا وَقَالُواْ مَجۡنُونٞ وَٱزۡدُجِرَ ٩﴾.

پیش از کافران مکّه قوم نوح ÷ که بنده و پیامبر الهی بود به تکذیب پیامبر خود پرداختند و دربارۀ وی گفتند: او دیوانه‌ای است که عقلش زایل شده است. او را زجر و سرزنش نمودند، مورد تهدید قرار دادند و به عذاب وعده دادند.

﴿فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَغۡلُوبٞ فَٱنتَصِرۡ ١٠﴾.

نوح ÷ پروردگارش را دعا کرد که پروردگارم! من در برابر تهدید کافران ناتوان هستم؛ از این‌رو با فرستادن عذاب بر آنان مرا یاری و پیروزی بخش.

﴿فَفَتَحۡنَآ أَبۡوَٰبَ ٱلسَّمَآءِ بِمَآءٖ مُّنۡهَمِرٖ ١١﴾.

خداوند أ دعای نوح ÷ را پذیرفت و دروازه‌های آسمان را با آب زیادی که در قوّت و ریزش خود تیز و جهنده بود باز گشاد.

﴿وَفَجَّرۡنَا ٱلۡأَرۡضَ عُيُونٗا فَٱلۡتَقَى ٱلۡمَآءُ عَلَىٰٓ أَمۡرٖ قَدۡ قُدِرَ ١٢﴾.

همچنان پروردگار جهان زمین را شگافت تا از آن آب فوران نماید. در نتیجه آب آسمان و زمین به منظور هلاکت و نابودی آنان‌که از جانب حق‌تعالی به عنوان عذاب مقدّر شده بود یکجا شد.

﴿وَحَمَلۡنَٰهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلۡوَٰحٖ وَدُسُرٖ ١٣﴾.

خداوند متعال نوح ÷ و همراهانش را برای کشتیی حمل کرد و سوار نمود که از تخته‌ها ساخته شده بود و با میخ‌هایی مستحکم و استوار گردیده بود.

﴿تَجۡرِي بِأَعۡيُنِنَا جَزَآءٗ لِّمَن كَانَ كُفِرَ ١٤﴾.

این کشتی زیر نظر پروردگار حرکت می‌کرد و مورد حفظ و رعایت حق‌تعالی قرار داشت. خداوند بزرگ کافران را هلاکت ساخت تا هم مجازات کفر آنان و هم پیروزی و یاری نوح که قومش او را تکذیب می‌کردند تحقّق یابد.

این آیه صفت دو چشم برای خداوند أ با به گونه‌ای که سزاوار ذات اوست به اثبات می‌رساند.

﴿وَلَقَد تَّرَكۡنَٰهَآ ءَايَةٗ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ١٥﴾.

یقیناً خداوند بزرگ سر‌گذشت نوح ÷ و قومش را باقی نگه داشت تا نشانه و برهانی باشد که به قدرت، عظمت و وحدانیت الله أ دلالت کند و کسانی که بعد از نوح ÷ می‌آیند در آن بیندیشند. آیا کسی هست تا از این پندها و موعظه‌ها پندپذیر و فایده‌مند شود؟

﴿فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ١٦﴾.

پس عذاب و بیم‌دادن الله تعالی چگونه است؛ برای کسانی که با اوتعالی به جنگ می‌پردازند،‌ پیامبرانش را تکذیب می‌کنند و به کتاب‌هایی که توسط انبیا فرستاده ایمان نمی‌آورند؟ به یقین که عذاب سخت و بیم‌دادن بزرگی است.

﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ١٧﴾.

خداوند أ قرآن کریم را از نگاه لفظ و معنی برای حفظ و تلاوت، تدبّر و فهمیدن و عمل‌کردن بدان آسان ساخته است. اکنون آیا کسی از موعظه‌های آن پند بگیرد و از محتویاتش نصیحت پذیر شود؟

﴿كَذَّبَتۡ عَادٞ فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ١٨﴾.

قوم عاد پیامبر خویش هود ÷ را تکذیب کردند و خداوند آنان را هلاک ساخت. ببین که عذاب الهی در برابر کفر و تکذیب آنان چگونه بود؟ آری! عذاب سخت و درد‌آوری بود.

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا صَرۡصَرٗا فِي يَوۡمِ نَحۡسٖ مُّسۡتَمِرّٖ ١٩﴾.

یقیناً پروردگار بزرگ باد بسیار سردی را در روز زشت و شقاوتباری بر قوم عاد فرستاد که عذاب دایمی و هلاکت همیشگی را برای آنان به بار‌آورد.

﴿تَنزِعُ ٱلنَّاسَ كَأَنَّهُمۡ أَعۡجَازُ نَخۡلٖ مُّنقَعِرٖ ٢٠﴾.

مردم را از جایگاه‌شان بر‌می‌داشت و بر سر‌های آنان چنان فرود می‌آورند که مغزهای‌شان را می‌شکافت، گردن‌های آنان را می‌کوفت و جمجمه‌های‌شان را از شانه‌ها جدا می‌کرد؛ مانند درخت‌های خرما‌ که از بیخ برکنده و به دور افکنده شده باشند.

﴿فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ٢١﴾.

عذاب خداوند أ برای قوم عاد و بیم‌دادن‌هایش برای کسانی که پیامبرانش را تکذیب کردند چگونه بود؟ واقعاً شدید، درد‌آور و دشوار بود.

﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ٢٢﴾.

خداوند أ قرآن کریم را از نگاه لفظ و معنی برای حفظ و تلاوت، تدبّر و فهمیدن و عمل‌کردن بدان آسان ساخته است. اکنون آیا کسی هست که از موعظه‌های آن پند گیرد و از محتویاتش نصیحت پذیر شود؟

﴿كَذَّبَتۡ ثَمُودُ بِٱلنُّذُرِ ٢٣﴾.

قوم ثمود پیامبر خویش صالح ÷ را تکذیب کردند و آیات و نشانه‌هایی را که آورده بود نپذیرفتند.

﴿فَقَالُوٓاْ أَبَشَرٗا مِّنَّا وَٰحِدٗا نَّتَّبِعُهُۥٓ إِنَّآ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ وَسُعُرٍ ٢٤﴾.

قبیلۀ ثمود گفتند: چگونه از انسانی همانند خود که از جملۀ ماست و بر ما امتیازی ندارد پیروی کنیم در حالی که او یک نفر است و ما جماعت بزرگی هستیم؟ اگر ما از او پیروی کنیم یقیناً از حق دور می‌باشیم و دیوانه و بی‌خرد خواهیم بود.

﴿أَءُلۡقِيَ ٱلذِّكۡرُ عَلَيۡهِ مِنۢ بَيۡنِنَا بَلۡ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٞ ٢٥﴾.

چگونه وحی بر صالح ÷ نازل می‌شوند و بر ما به نبوّت امتیاز می‌یابد، در حالی که او هم انسانی مانند ماست؟ بلکه او در گفتارش دروغگوی و در کردارش خود‌کامه است؛ یعنی دروغ می‌گوید و کار‌های بد انجام می‌دهد. این در حالی است که خود آنان دروغ می‌گفتند، او پیامبر بزرگوار و آنان دروغگویان بد‌کردار بودند.

﴿سَيَعۡلَمُونَ غَدٗا مَّنِ ٱلۡكَذَّابُ ٱلۡأَشِرُ ٢٦﴾.

آنگاه که در دنیا و آخرت مجازات شوند، قطعاً برای آنان آشکار خواهد شد که دروغگوی، بد‌کار و خود‌کامه کیست.

﴿إِنَّا مُرۡسِلُواْ ٱلنَّاقَةِ فِتۡنَةٗ لَّهُمۡ فَٱرۡتَقِبۡهُمۡ وَٱصۡطَبِرۡ ٢٧﴾.

خداوند أ شتری را که خواسته بودند به منظور امتحان آنان از صخره بیرون می‌آورند. اکنون تو ای صالح! عذابی را انتظار بکش که زود به آنان خواهد رسید و بر تبلیغ رسالت و آزار و اذیت آنان صبر پیشه کن.

﴿وَنَبِّئۡهُمۡ أَنَّ ٱلۡمَآءَ قِسۡمَةُۢ بَيۡنَهُمۡۖ كُلُّ شِرۡبٖ مُّحۡتَضَرٞ ٢٨﴾.

برای قوم خویش خبر ده که آب میان آنان و شتر تقسیم شده، یک روز برای شتر و روز دیگر نصیب آنان است. هر روزی صاحب نوبت برای استفاده از آب حاضر شود، امّا کسی که نوبتش نیست منع است و نباید حاضر شود.

﴿فَنَادَوۡاْ صَاحِبَهُمۡ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ ٢٩﴾.

قوم ثمود یکی از افراد خویش را فرا خواندند و او را بر پَی‌کردن شتر وظیفه دادند و ترغیب نمودند، او هم شتر را به دستش گرفت و سر‌برید.

﴿فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ٣٠﴾.

خداوند أ آنان را به سبب پَی‌کردن شتر عذاب نمود. ببین که عذاب حق‌تعالی چه اندازه سخت است و آنگاه که به عصیانگران فرود آید چطور بی‌پرواست.

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَكَانُواْ كَهَشِيمِ ٱلۡمُحۡتَظِرِ ٣١﴾.

خداوند قهّار بر قبیلۀ ثمود فقط یک آوازی را فرستاد و به وسیله‌اش همه را هلاک و نابود کرد؛ طوری که بعد از هلاکت، مانند علف کشت خشکیده و پژمرده‌ای شدند که از آن جایگاه و اصطبلی برای چارپایان ساخته شده باشد.

﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ٣٢﴾.

خداوند أ قرآن کریم را از نگاه لفظ و معنی برای حفظ و تلاوت، تدبّر و فهمیدن و عمل‌کردن بدان آسان ساخته است. اکنون آیا کسی هست که از موعظه‌های آن پند بگیرد و از محتویاتش نصیحت‌پذیر شود؟

﴿كَذَّبَتۡ قَوۡمُ لُوطِۢ بِٱلنُّذُرِ ٣٣﴾.

قوم لوط، پیامبر الهی حضرت لوط ÷ را تکذیب کردند، در حالی که با آیاتی از طرف حق‌تعالی آمد و آنان را به وسیلۀ آن بیم داد، ولی آنان به آیات الهی کفر ورزیدند.

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ حَاصِبًا إِلَّآ ءَالَ لُوطٖۖ نَّجَّيۡنَٰهُم بِسَحَرٖ ٣٤﴾.

خداوند أ بر قوم لوط ÷ سنگ‌هایی را فرستاد و بر سر آنان فرو ریخت تا آنکه آنان را در هم درید. امّا الله تعالی خانوادۀ لوط را در آخر شب نجات داد.

﴿نِّعۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَاۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي مَن شَكَرَ ٣٥﴾.

این نعمتی از جانب خداوند أ برای خانوادۀ لوط ÷ بود که ایشان را از عذابش نجات داد و همانگونه که حق‌تعالی بر خانوادۀ لوط و مؤمنان اهلش نعمت بخشید، برای همه کسانی که با عبادت مخلصانه از او شکر‌گزاری کنند نعمت ارزانی می‌کند.

﴿وَلَقَدۡ أَنذَرَهُم بَطۡشَتَنَا فَتَمَارَوۡاْ بِٱلنُّذُرِ ٣٦﴾.

یقیناً لوط ÷ قومش را از عذاب و انتقام الهی ترساند، امّا در آن شک ورزیدند و به سخنانش توهین کردند.

﴿وَلَقَدۡ رَٰوَدُوهُ عَن ضَيۡفِهِۦ فَطَمَسۡنَآ أَعۡيُنَهُمۡ فَذُوقُواْ عَذَابِي وَنُذُرِ ٣٧﴾.

آنان تصمیم گرفتند با مهمانان لوط ÷ که از جملۀ فرشتگان بودند کار بد انجام دهند،‌ از این‌رو خداوند بزرگ چشم‌های آنان را نابینا ساخت؛ چنان‌که بصیرت‌های‌شان را کور ساخته بود. اکنون ای کافران! عذاب خداوند یگانۀ قهّار را بچشید.

﴿وَلَقَدۡ صَبَّحَهُم بُكۡرَةً عَذَابٞ مُّسۡتَقِرّٞ ٣٨﴾.

واقعاً در نخستین وقت صبح، عذاب بزرگی آنان را فرا گرفت، در میان‌شان مستقر شد و دوام کرد تا اینکه به عذاب آتش دروزخ رسیدند. این همان عذابی بود که به وسیله‌اش خود آنان سنگباران شدند و قریه‌های آنان از بیخ و بُن برکَنده شد.

﴿فَذُوقُواْ عَذَابِي وَنُذُرِ ٣٩﴾.

ای کافران! اکنون از عذاب خداوند یگانۀ قهّار بچشید؛‌ زیرا شما دعوت لوط ÷ را با انکار مقاله کردید و به تکذیب وی اقدام نمودید.

﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ٤٠﴾.

خداوند أ قرآن کریم را از نگاه لفظ و معنی برای حفظ و تلاوت، تدبّر و فهمیدن و عمل‌کردن بدان آسان ساخته است. اکنون آیا کسی هست که از موعظه‌های آن پند بگیرد و از محتویاتش نصیحت پذیر شود؟

﴿وَلَقَدۡ جَآءَ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ ٱلنُّذُرُ ٤١﴾.

به یقین که قوم فرعون از عذاب خداوند أ به وسیلۀ موسی ÷ ترسانده شدند که اگر تکذیب کنند آنان را فرا می‌گیرد.

﴿كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذۡنَٰهُمۡ أَخۡذَ عَزِيزٖ مُّقۡتَدِرٍ ٤٢﴾.

امّا فرعون و قومش به براهین الهی و همه معجره‌هایی که موسی ÷ آورده بود تکذیب کردند، خداوند أ آنان را به شدیدترین عذاب مجازات نمود. این مجازات خداوند با عزّتی است که هر‌ که با وی مقابله کند خوارش می‌سازد، هر که با وی زور‌آزمایی کند مقهورش می‌گرداند، بر اراده‌اش قدرتمند است و حکمش را کسی رد کرده و باز‌داشته نمی‌تواند.

﴿أَكُفَّارُكُمۡ خَيۡرٞ مِّنۡ أُوْلَٰٓئِكُمۡ أَمۡ لَكُم بَرَآءَةٞ فِي ٱلزُّبُرِ ٤٣﴾.

آیا کافران مکّه از کافران پیشین بهتر‌اند که عذاب خداوند أ به آنان نرسد؟ با اینکه حق‌تعالی برای آنان برائتی از عذاب را در کتاب‌های پیشین نازل کرده و از گرفتاری به عذاب الهی در امان‌اند؟

﴿أَمۡ يَقُولُونَ نَحۡنُ جَمِيعٞ مُّنتَصِرٞ ٤٤﴾.

بلکه کافران می‌گویند: ما اصحاب رأی و اراده‌ایم، در امور دانا‌ییم، با هم اتفاق داریم، بر کسی که با ما بجنگد پیروزیم بر هر‌ که با ما زور‌آزمایی نماید غالب می‌شویم.

﴿سَيُهۡزَمُ ٱلۡجَمۡعُ وَيُوَلُّونَ ٱلدُّبُرَ ٤٥﴾.

به زودی جمع کافران در رویا‌رویی با لشکر خداوند أ که فرشتگان و مؤمنان‌اند مغلوب می‌شوند، از معرکه فرار می‌کنند و به لشکر خدا پشت می‌گردانند و این مژده در غزوۀ بدر تحقّق پذیرفت.

﴿بَلِ ٱلسَّاعَةُ مَوۡعِدُهُمۡ وَٱلسَّاعَةُ أَدۡهَىٰ وَأَمَرُّ ٤٦﴾.

روز قیامت وعده‌گاه آنان است که از اعمال خود مورد محاسبه قرار می‌گیرند، عذاب روز قیامت از عذاب بدر در دردناکی‌اش بزرگتری و دشوارتر است.

﴿إِنَّ ٱلۡمُجۡرِمِينَ فِي ضَلَٰلٖ وَسُعُرٖ ٤٧﴾.

یقیناً کافران بد‌‌کار از حق به دور‌اند، در بیابانی بعید از راهیابی قرار دارند و در رنج، بدبختی و دشواری به سر می‌برند.

﴿يَوۡمَ يُسۡحَبُونَ فِي ٱلنَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ ذُوقُواْ مَسَّ سَقَرَ ٤٨﴾.

در آن روز کافران در آتش دوزخ بر روی خود کشانده می‌شوند و برای آنان گفته می‌شوند: سوزندگی دوزخ و سختی عذاب دردآورش را بچشید.

﴿إِنَّا كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَٰهُ بِقَدَرٖ ٤٩﴾.

به راستی که خداوند أ هر چیزی را آفریده و به قضای از پیش تعیین شده، بر مبنای علم و نوشتن در لوح محفوظ مقدّر کرده است. بنابراین هیچ امری در جهان جز به تقدیر خداوند متعال به وجود نمی‌آید.

﴿وَمَآ أَمۡرُنَآ إِلَّا وَٰحِدَةٞ كَلَمۡحِۢ بِٱلۡبَصَرِ ٥٠﴾.

فرمان و حکم خداوند أ برای انجام‌کار و امری که آن را اراده کند جز این نیست که یک بار بگوید: «کُن» و به اذن حق‌تعالی در سرعتش مانند یک نگاه پدید می‌آید و از کمال قدرت اوتعالی لحظه‌ای به تأخیر نمی‌افتد.

﴿وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَآ أَشۡيَاعَكُمۡ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ٥١﴾.

خداوند بزرگ اشخاص همانند این کافران از امّت‌های پیشین را با عذابش به هلاکت رساند. آیا پند‌گیرنده‌ای وجود دارد تا از عذابی که بر آنان فرود آمده پند گیرد؛ یعنی ایمان آورده و به طاعت پروردگارش باز کردد؟

﴿وَكُلُّ شَيۡءٖ فَعَلُوهُ فِي ٱلزُّبُرِ ٥٢﴾.

هر عمل نیک و بدی را که اقوام پیشین انجام داده‌اند، در کتاب‌های که فرشتگان‌حفظه آن‌ها را می‌نویسند نوشته شده و محفوظ است.

﴿وَكُلُّ صَغِيرٖ وَكَبِيرٖ مُّسۡتَطَرٌ ٥٣﴾.

هر امر کوچک و بزرگی از عملکرد‌های بندگان در نامه‌های اعمال نوشته شده و طور قطع در برابر آن جزا داده می‌شوند. برای اعمال خیر، پاداش نیکو و برای اعمال بد، جزای سختی مقرّر خواهد شد.

﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَنَهَرٖ ٥٤﴾.

به راستی که پرهیزگاران در باغ‌های پر از درخت و بستان‌های فراخ بهشت موقعیت دارند و در کنار جوی‌های قرار دارند که از زیر کاخ‌ها و درخت‌های آن جاری است.

﴿فِي مَقۡعَدِ صِدۡقٍ عِندَ مَلِيكٖ مُّقۡتَدِرِۢ ٥٥﴾.

در مجلسی جایگزین‌اند که دارای حقّانیت است، بیهودگی و گناهی در آن نیست و دشواری و مشقّتی وجود دارد، بلکه در امن و سلامتی و در شادمانی و کرامت، در نزد پروردگار بزرگ به سر می‌برند؛ ‌در نزد پادشاه عظیم و آفریدگار رحیمی که بر هر چیزی تواناست، هیچ امری او را ناتوان ساخته نمی‌تواند و هیچ مطلوبی از دایرۀ قدرتش بیرون نیست.

سورۀ رحمن

مدنی است؛ ترتیب آن 55؛ شمار آیات آن 78

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ٱلرَّحۡمَٰنُ ١﴾.

پروردگار رحمان که رحمتش همه چیزها را فراگیر است و او در دنیا و آخرت بخشاینده و مهربان است؛

﴿عَلَّمَ ٱلۡقُرۡءَانَ ٢﴾.

قرآن کریم را برای انسان آموزش داد، حفظ و تلاوت، فهم معانی و عمل به احکام آن را برایش آسان نمود.

﴿خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ ٣﴾.

خداوند أ انسان را بعد از اینکه چیزی نبود و ذکری از او صورت نمی‌گرفت با آفرینش آدم به وجود آورد.

﴿عَلَّمَهُ ٱلۡبَيَانَ ٤﴾.

الله تعالی بیان مفاهیمی را که در دل و ضمیر خطور می‌کند وجود دارد برای انسان اموزش داد و بدین وسیله او را از دیگر چیزها متمایز ساخت.

﴿ٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ بِحُسۡبَانٖ ٥﴾.

خداوند سبحان خورشید و ماه را طوری آفرید که به حساب و وقت دقیقی که اختلاف و اختلال نمی‌پذیرد جریا می‌یابند.

﴿وَٱلنَّجۡمُ وَٱلشَّجَرُ يَسۡجُدَانِ ٦﴾.

ستاره‌های آسمان و درخت‌های زمین، پروردگار خود را می‌شناسند، با طاعت و انقیاد و با فروتنی برایش سجده می‌کنند و به منظور مصالح و منافع بندگان به اذن پروردگار مسخّر ساخته شده‌اند.

﴿وَٱلسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ ٱلۡمِيزَانَ ٧﴾.

حق‌تعالی آسمان را رفعت بخشید و سقف آن را بلند ساخت، عدالت را در زمین وضع کرد و مردم را به انجام آن فرمان داد؛ یعنی مراعات آن را در زمینۀ حقوق، حدود، علوم و سایر چیزها بر بندگانش فرض نمود؛

﴿أَلَّا تَطۡغَوۡاْ فِي ٱلۡمِيزَانِ ٨﴾.

برای اینکه از حدود تجاوز نکنید، بر یکدیگر تعدّا ننمایید و آنگاه که برای کسی وزن و پیمانه می‌کردید جور و خیانت نکنید، بلکه عدالت را پیشۀ خود سازید.

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلۡوَزۡنَ بِٱلۡقِسۡطِ وَلَا تُخۡسِرُواْ ٱلۡمِيزَانَ ٩﴾.

وزن را به عدل برابر سازید؛ یعنی حق خود را کامل بگیرید و حقّ دیگران را کامل بسپارید، طوری که نه زیانمند شوید و نه به کسی زیانی برسانید و چون چیزی را برای کسی وزن می‌کردید کم ندهید.

﴿وَٱلۡأَرۡضَ وَضَعَهَا لِلۡأَنَامِ ١٠﴾.

خداوند منّان زمین را برابر و هموار داشته و برای مخلوقاتش گهواره‌ای ساخته است تا زندگی بر روی آن امکان پذیر شود.

﴿فِيهَا فَٰكِهَةٞ وَٱلنَّخۡلُ ذَاتُ ٱلۡأَكۡمَامِ ١١﴾.

حق‌تعالی میوه‌های خوشمزّه‌ای را در روی زمین پدید آورد، همچنان درخت‌های خرمایی را آفرید که با پرورش شکوفه و میوه‌اش ظرفیت بازدهی تمر و رطب را دارا می‌باشد.

﴿وَٱلۡحَبُّ ذُو ٱلۡعَصۡفِ وَٱلرَّيۡحَانُ ١٢﴾.

الله تعالی دانه را در داخل غلافی از کشت سبزی می‌آفریند که در نهایت دَرَو می‌شوند تا غذا و خوردنی شما و چارپایان‌تان باشد و نیز از انواع سبزه‌ها و گل‌ها روییدنی‌های خوشبویی را آفریده است.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٣﴾.

پس به کدام یک از نعمت‌های دینی و دنیوی، و بخشش‌های آشکار و پنهان پروردگار‌تان گروه جنّ و انس تکذیب می‌کنید؟ چه پاسخ نیک و زیبایی دادند آنگاه که این سوره را از پیامبر ج شنیدند. آری! هر باری که این آیه را می‌شنیدند می‌گفتند: به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خویش تکذیب نمی‌کنیم، حمد و ستایش مخصوص توست. بنابراین بر شخص مسلمان واجب است آنگاه که نعمت‌های خداوند أ را می‌شنود و یا به یادش می‌آید، پروردگارش را در برابر آن‌ها شکر و سپاس گوید.

﴿خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِن صَلۡصَٰلٖ كَٱلۡفَخَّارِ ١٤﴾.

الله أ آدم پدر همه انسان‌ها را از گِل خشکی چون سفال پخته آفرید؛ سفالی که از آن ظرف‌ها را می‌سازد.

﴿وَخَلَقَ ٱلۡجَآنَّ مِن مَّارِجٖ مِّن نَّارٖ ١٥﴾.

و ابلیس را که از جنّیان بود از شعلۀ آتش آفرید. آری! او از ترکیب شعله و دود آتش به وجود آمده است.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٦﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿رَبُّ ٱلۡمَشۡرِقَيۡنِ وَرَبُّ ٱلۡمَغۡرِبَيۡنِ ١٧﴾.

خداوند بزرگ پروردگار هر‌دو طلوعگاه و هر‌دو غروبگاه خورشید در تابستان و زمستان است؛ یعنی که همه در زیر فرمان و تصرّفش قرار دارند و اوتعالی پروردگار زمان و مکان است.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٨﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید،‌ در حالی که تنها اوتعالی بخشایندۀ نعمت‌ها و سزاوار ستایش است؟

﴿مَرَجَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ يَلۡتَقِيَانِ ١٩﴾.

خداوند بزرگ آب در دریای شیرین و نمکین را در هم آمیخته که با هم یکجا شوند.

﴿بَيۡنَهُمَا بَرۡزَخٞ لَّا يَبۡغِيَانِ ٢٠﴾.

اما میان آن دو دریا پرده‌ای است که یکی بر ویژگی‌های دیگری غلبه نمی‌کند، بلکه هر‌کدام خصوصیت‌هایی را که خداوند أ در آن به ودیعت نهاده حفظ کند؛ یعنی با وجود یکجا‌شدن با ویژگی‌های شیرینی و شوری خویش محفوظ می‌مانند.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢١﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿يَخۡرُجُ مِنۡهُمَا ٱللُّؤۡلُؤُ وَٱلۡمَرۡجَانُ ٢٢﴾.

از هردو دریای شیرین و نمکین به قدرت الله أ مروارید و مرجان بیرون می‌آید که برای زینت به کار می‌روند و منافع مردم را تأمین می‌نمایند.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٣﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿وَلَهُ ٱلۡجَوَارِ ٱلۡمُنشَ‍َٔاتُ فِي ٱلۡبَحۡرِ كَٱلۡأَعۡلَٰمِ ٢٤﴾.

کشتی‌هایی که به منظور منافع مخلوقات بر روی دریا‌ها در حرکت‌اند و شِراع و باد‌بان آن‌ها مانند کوه منصوب و استوار است، مملوک حق‌تعالی است.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٥﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿كُلُّ مَنۡ عَلَيۡهَا فَانٖ ٢٦﴾.

هر یک از زنده‌جان‌های که در روی زمین زندگی می‌نمایند، می‌میرند و در نهایت فنا و نابود می‌شوند.

﴿وَيَبۡقَىٰ وَجۡهُ رَبِّكَ ذُو ٱلۡجَلَٰلِ وَٱلۡإِكۡرَامِ ٢٧﴾.

امّا وجه پروردگارت که صاحب عظمت و بزرگی، و کبریا و جلال است باقی می‌ماند؛ زیرا او زندۀ فنا ناپذیر است.

با این آیه صفت وجه برای خداوند أ طوری که سزاوار جلال اوست ثابت می‌شوند.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٨﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿يَسۡ‍َٔلُهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ كُلَّ يَوۡمٍ هُوَ فِي شَأۡنٖ ٢٩﴾.

همه مخلوقاتی که در آسمان‌ها و زمین اند نیازهای خویش را تنها از خداوند أ می‌خواهند. آری!‌ همه به او نیازمند‌اند و روزی‌شان بر خداست؛ یعنی هیچ کسی از اوتعالی یک لحظه بی‌نیاز بوده نمی‌تواند. او هر روزی در شأنی است؛ یعنی مقام انسان‌ها را بالا می‌برد و پایین می‌آورند؛ عزّت می‌دهد و ذلیل می‌سازد؛ می‌دهد و می‌ستاند؛ هدایت می‌کند و گمراه می‌سازد.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٠﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿سَنَفۡرُغُ لَكُمۡ أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ ٣١﴾.

به زودی خداوند أ از حساب اعمالی که در دنیا انجام داده‌اید فارغ خواهد شد؛ بدین‌گونه که جزا و پاداش مطیع و عصیانگر را می‌دهد و همۀتان جزای اعمالی را که انجام داده‌اید خواهید دید.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٢﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ إِنِ ٱسۡتَطَعۡتُمۡ أَن تَنفُذُواْ مِنۡ أَقۡطَارِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ فَٱنفُذُواْۚ لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلۡطَٰنٖ ٣٣﴾.

ای گروه جنّ و انس! اگر توان جلوگیری فرمان خداوند أ و فرار از حکمش را دارید،‌ از اطراف آسمان‌ها و زمین بگریزید و چنین کاری در توان شماست؛ زیرا همه امور در زیر سلطه،‌ حکم و تصرّف اوتعالی قرار دارد و شما بدون حُجّت، نیرو و اذن حق‌تعالی توان گریز را ندارید. چگونه این کار در توان شما خواهد بود،‌ در حالی که شما بندگانی ناتوان و مغلوب می‌باشید.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٤﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿يُرۡسَلُ عَلَيۡكُمَا شُوَاظٞ مِّن نَّارٖ وَنُحَاسٞ فَلَا تَنتَصِرَانِ ٣٥﴾.

ای گروه جنّ و انس! الله تعالی بر شما شعله‌ای از آتش و مِس گداخته‌ای را می‌فرستد که بر سر شما ریخته شود و آنگاه این عذاب را از همدیگر‌تان دفع کرده نمی‌توانید؛ از آن‌رو که قوت خداوند کامل است و شما ناتوان و عاجز می‌باشید.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٦﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿فَإِذَا ٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتۡ وَرۡدَةٗ كَٱلدِّهَانِ ٣٧﴾.

آنگاه که در روز قیامت آسمان شکافته شود و دروازه‌هایش را باز گشاید، در نتیجه از شدّت هول‌انگیزی،‌ دشواری و سختی، مانند گُل سرخ، رنگ قرمز گیرد و مانند روغن داغ و جوشان و قلعی گداخته و ذوب شده‌ای گردد.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٨﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يُسۡ‍َٔلُ عَن ذَنۢبِهِۦٓ إِنسٞ وَلَا جَآنّٞ ٣٩﴾.

در روز قیامت فرشتگان از انسان‌ها و جنّیان بد‌‌کار در مورد گناهان آنان نمی‌پرسند، ‌یا این موقفی از مواقف روز محشر است که هیچ کسی سؤال کرده نمی‌شوند،‌ بلکه در موقف دیگری مورد باز‌پرس قرار می‌گیرند.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٤٠﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿يُعۡرَفُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ بِسِيمَٰهُمۡ فَيُؤۡخَذُ بِٱلنَّوَٰصِي وَٱلۡأَقۡدَامِ ٤١﴾.

فرشتگان، بد‌‌کاران را به نشانه‌های بد‌کاره‌گی آشکاری که دارند می‌شناسند. آنگاه آنان را از پیشانی و پا‌های‌شان می‌گیرند و در آتش دوزخ فرو می‌ریزند.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٤٢﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٤٣﴾.

برای بد‌‌کاران در آتش دوزخ به طور توبیخ گفته می‌شوند: این همان دوزخی است که بد‌‌کاران در دنیا بدان تکذیب می‌کردند.

﴿يَطُوفُونَ بَيۡنَهَا وَبَيۡنَ حَمِيمٍ ءَانٖ ٤٤﴾.

یک بار در دوزخ عذاب می‌شوند، بار دیگر برای آنان از حمیم نوشانده می‌شود که نوشیدنی نهایت جوشانی است؛ چنان‌که روده‌ها و سایر اعضای داخلی شکم را تکّه تکّه می‌سازد.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٤٥﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿وَلِمَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ ٤٦﴾.

امّا برای کسی که از خداوند سبحان بترسد؛ یعنی به طاعاتش عمل کند و از معاصی‌اش پرهیز نماید دو بهشت داده می‌شوند.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٤٧﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿ذَوَاتَآ أَفۡنَانٖ ٤٨﴾.

برای کسی که از پروردگارش بترسد دو بهشت داده می‌شوند که شاخچه‌های میوه‌دار نرم، سبز و شادابی دارد.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٤٩﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿فِيهِمَا عَيۡنَانِ تَجۡرِيَانِ ٥٠﴾.

در این دو بهشت، دو جوی آب زلال و گوارا وجود دارد که از زیر کاخ‌ها و درخت‌هایش جریان می‌یابد.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥١﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿فِيهِمَا مِن كُلِّ فَٰكِهَةٖ زَوۡجَانِ ٥٢﴾.

در این دو بهشت،‌ از هر صنف میوه‌ای دو نوع وجود دارد و آماده شده است.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٣﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿مُتَّكِ‍ِٔينَ عَلَىٰ فُرُشِۢ بَطَآئِنُهَا مِنۡ إِسۡتَبۡرَقٖۚ وَجَنَى ٱلۡجَنَّتَيۡنِ دَانٖ ٥٤﴾.

اهل آن دو بهشت بر بالای فرش‌های که از ابریشم ضخیمی آستر شده تکیه زده‌اند و میوۀ درختان این دو بهشت به کسی که از آن استفاده کند نزدیک است.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٥﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿فِيهِنَّ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ لَمۡ يَطۡمِثۡهُنَّ إِنسٞ قَبۡلَهُمۡ وَلَا جَآنّٞ ٥٦﴾.

بر روی این فرش‌ها زنانی مقیم‌اند که چشم‌های‌شان بر شوهر‌های‌شان کوتاه است و به کسی دیگر آشنایی ندارند. ایشان زنانی‌اند که تنها به شوهر‌‌های خویش تعلّق خاطر دارند و پیش از شوهران‌شان هیچ‌کس از انسان‌ها و جنّیان با آن‌ها جماع نکرده است.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٧﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿كَأَنَّهُنَّ ٱلۡيَاقُوتُ وَٱلۡمَرۡجَانُ ٥٨﴾.

این زنان در زیبایی و جمال‌شان مانند یاقوت و مرجان‌اند؛ از آن‌رو که با ارزشمندی، پاکیزه‌گی را نیز با خود دارند.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٥٩﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿هَلۡ جَزَآءُ ٱلۡإِحۡسَٰنِ إِلَّا ٱلۡإِحۡسَٰنُ ٦٠﴾.

آیا جزای کسی که در دنیا اعمال نیکو انجام دهد، در روز ملاقات پروردگارش جز احسان اوتعالی که بهشت را جایگاهش سازد چیز دیگری است؟

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦١﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ٦٢﴾.

دو بهشت دیگر موجود است که در خوبی و زیبا‌یی خود نسبت به دو بهشت یاد شدۀ نخستین کمتر‌اند؛ هر‌چند اندازه یک وجَب از این دو بهشت نیز از دینا و همه داشته‌هایش بهتر می‌باشد.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٣﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿مُدۡهَآمَّتَانِ ٦٤﴾.

این دو بهشت بسیار تر و تازه و نهایت سر‌سبز‌اند؛ به اندازه‌ای که سر‌سبزی آن‌ها به سیاهی همانند است.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٥﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿فِيهِمَا عَيۡنَانِ نَضَّاخَتَانِ ٦٦﴾.

در این دو بهشت، دو چشمۀ جاری وجود دارد که آب گوارا از آن‌ها فوّاره می‌کند و هیچگاه خشک نمی‌شوند.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٧﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿فِيهِمَا فَٰكِهَةٞ وَنَخۡلٞ وَرُمَّانٞ ٦٨﴾.

در این دو بهشت، انواع میوه‌ها، درخت‌های خرمای بلند قامت با خوشه‌های پخته و انار‌های خوشمزّه وجود دارد.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٦٩﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿فِيهِنَّ خَيۡرَٰتٌ حِسَانٞ ٧٠﴾.

در این بهشت‌ها زنانی وجود دارند که دارای خوی نیک و صورت زیبا هستند و پاکیزه و با کرامت‌اند.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٧١﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿حُورٞ مَّقۡصُورَٰتٞ فِي ٱلۡخِيَامِ ٧٢﴾.

زنانی زیبا و فراخ‌چشمی در خیمه‌های بهشت محفوظ‌اند که غیر از شوهران خویش به سوی کسی چشم ندوخته‌اند.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٧٣﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿لَمۡ يَطۡمِثۡهُنَّ إِنسٞ قَبۡلَهُمۡ وَلَا جَآنّٞ ٧٤﴾.

با این زنان خوش‌چهره و زیبا پیش از شوهران‌شان هیچ کسی از انسان‌ها و جنّیان جماع نکرده است، بلکه بکر هستند.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٧٥﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿مُتَّكِ‍ِٔينَ عَلَىٰ رَفۡرَفٍ خُضۡرٖ وَعَبۡقَرِيٍّ حِسَانٖ ٧٦﴾.

اهل بهشت بر بالش‌هایی که پوشش‌های سبز رنگ دارد و بر فرش‌هایی که نرم، ملایم و زیباست تکیه زده‌اند.

﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٧٧﴾.

به کدام یک از نعمت‌های پروردگار خویش ای گروه انس و جنّ تکذیب می‌کنید؟ به هیچ‌یک از نعمت‌های پروردگار خود تکذیب نمی‌کنیم و ثنا و ستایش سزاوار توست.

﴿تَبَٰرَكَ ٱسۡمُ رَبِّكَ ذِي ٱلۡجَلَٰلِ وَٱلۡإِكۡرَامِ ٧٨﴾.

نعمت‌های خداوند أ زیاد است، احسانش بسیار است و خیرش عام می‌باشد. او صاحب عظمت آشکار، نیروی غالب، بزرگی عظیم و جلال دایمی است و دوستانش را کرامت می‌بخشد.

سورۀ واقعه

مکی است؛ ترتیب آن 56؛ شمار آیات آن 96

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿إِذَا وَقَعَتِ ٱلۡوَاقِعَةُ ١﴾.

آنگاه که قیامت فرا رسد و بر‌پا شود و این بزرگ‌ترین واقعه‌ای است که در عالم کون به وقوع می‌پیوندد.

﴿لَيۡسَ لِوَقۡعَتِهَا كَاذِبَةٌ ٢﴾.

آنگاه که قیامت به وقوع پیوندد، هیچ کسی آن را تکذیب نمی‌کند؛ زیرا وقوع آن چشم‌ها را می‌پوشاند و دل‌ها را به اضطراب وا‌می‌دارد.

﴿خَافِضَةٞ رَّافِعَةٌ ٣﴾.

قیامت، دشمنان خداوند أ را با در‌آوردن به دوزخ خوار می‌سازد و دوستانش را با رساندن به نعمت‌ها رفعت می‌بخشد.

﴿إِذَا رُجَّتِ ٱلۡأَرۡضُ رَجّٗا ٤﴾.

آنگاه که زمین با قوّت و شدّت به جنبش آورده شود، حرکت سختی آن را فرا گیرد و ساکنان خویش را به لرزه اندازد.

﴿وَبُسَّتِ ٱلۡجِبَالُ بَسّٗا ٥﴾.

و آنگاه که کوه‌ها از بیخ برکنده و ریزه شوند و اجزای آن‌ها پراکنده شود.

﴿فَكَانَتۡ هَبَآءٗ مُّنۢبَثّٗا ٦﴾.

در نتیجه به غبار نازکی تبدیل شود که آن را باد از هر‌طرف بر‌می‌دارد و به آسمان بالا می‌برد.

﴿وَكُنتُمۡ أَزۡوَٰجٗا ثَلَٰثَةٗ ٧﴾.

و آنگاه که روز رستاخیز فرا رسد، شما ای مردم به سه دسته تقسیم می‌شوید.

﴿فَأَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ ٨﴾.

اصحاب یمین که اهل رتبۀ بلند هستند؛ ایشان که با انجام اعمال نیکو، منزلت والا و جایگاه بزرگی را به دست آورده‌اند.

﴿وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡمَشۡ‍َٔمَةِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَشۡ‍َٔمَةِ ٩﴾.

اصحاب شمال که اهل پایین‌ترین رتبه هستند و به علّت اعمال بد خود حال‌ زشت و نامطلوب دارند و در کار خویش زیانمند شدند.

﴿وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلسَّٰبِقُونَ ١٠﴾.

اما کسانی که در دنیا به اعمال نیک سبقت جستند، اکنون نیز به پاداش اعمال خویش از همه بیشتر درجات بلندی را در بهشت به دست می‌آورند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلۡمُقَرَّبُونَ ١١﴾.

این گروه،‌ مقرّبان در گاه پروردگار سبحان اند که در نزد الله أ از کرامت و عزّت برخوردار می‌باشند.

﴿فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ١٢﴾.

جای بود و باش ایشان بهشت‌های پُر از نعمت است و به پاداش عظیمی در جوار خداوند بخشندۀ مهربان دست یافته‌اند.

﴿ثُلَّةٞ مِّنَ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٣﴾.

گروه بزرگی از امّت‌های پیشین و از صدر امّت محمد ج از همین مقرّبان سبقت‌جوینده، به بهشت داخل می‌شوند.

﴿وَقَلِيلٞ مِّنَ ٱلۡأٓخِرِينَ ١٤﴾.

و همچنان اندکی از مقرّبان سبقت‌جوینده از آخرین افراد امّت محمد ج رسول الله به بهشت داخل می‌شوند.

﴿عَلَىٰ سُرُرٖ مَّوۡضُونَةٖ ١٥﴾.

نشست‌شان در بهشت بر تخت‌های صورت می‌گیرد که با طلا بافته شده و نرم، بلند و زیباست.

﴿مُّتَّكِ‍ِٔينَ عَلَيۡهَا مُتَقَٰبِلِينَ ١٦﴾.

اهل بهشت به گونۀ متقابل و رو‌برو بر این تخت‌ها تکیه می‌زنند تا با هم صحبت کنند، اُنس بگیرند و از نعمت‌ها بیشتر لذّت برند.

﴿يَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ ١٧﴾.

بر گِرد اهل بهشت نوجوانانی طواف می‌کنند که به خدمت‌شان گماشته شده‌اند؛ نوجوانانی که جوانی‌شان دوامدار است، پیر نمی‌شوند و نمی‌میرند.

﴿بِأَكۡوَابٖ وَأَبَارِيقَ وَكَأۡسٖ مِّن مَّعِينٖ ١٨﴾.

این نوجوانان با قدح‌ها، کوزه‌ها و جام‌هایی از چشمه‌های شرابی که در بهشت جاری است بر گِردا گِرد اهل بهشت می‌گردند.

﴿لَّا يُصَدَّعُونَ عَنۡهَا وَلَا يُنزِفُونَ ١٩﴾.

این شرابی است که نوشنده‌اش در بهشت به سرگشتگی و درد‌سر گرفتار نمی‌شوند و مانند شراب دنیا عقل نوشنده را نمی‌رباید.

﴿وَفَٰكِهَةٖ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ٢٠﴾.

این جوانان به اطراف اهل بهشت می‌گردند و از انواع میوه‌های لذّت‌بخش، هرچه را اشتها و آرزو دارند برای‌شان حاضر می‌آورند.

﴿وَلَحۡمِ طَيۡرٖ مِّمَّا يَشۡتَهُونَ ٢١﴾.

همچنان این نوجوانان، گوشت پرندۀ بریان‌شده و لذّت‌بخشی را با خود می‌آورند که نفس‌های اهل بهشت بدان اشتها دارند.

﴿وَحُورٌ عِينٞ ٢٢﴾.

برای اهل بهشت، زن‌های زیبا‌روی و فراخ‌چشم آماده شده که بسیار جوان، با ابهّت و خوش‌چهره هستند.

﴿كَأَمۡثَٰلِ ٱللُّؤۡلُوِٕ ٱلۡمَكۡنُونِ ٢٣﴾.

گویا که زن‌های بهشت در پاکیز‌گی و نیکو‌یی‌شان مانند مروارید‌هایی‌اند که از دست و چشم مردم محفوظ و مصون مانده باشند.

﴿جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٢٤﴾.

خداوند منّان این نعمت‌ها را برای اهل بهشت بخشیده است تا پاداشی برای اعمال صالح‌شان باشد؛ پاداش اعمال صالحی چون نیکو‌کاران و احسان که در دنیا انجام داده‌اند.

﴿لَا يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوٗا وَلَا تَأۡثِيمًا ٢٥﴾.

اهل بهشت وقتی در بهشت قرار می‌گیرند، دیگر سخن باطل یا قولی را که شنیدنش گناهی را به همراه داشته باشد نمی‌شنوند.

﴿إِلَّا قِيلٗا سَلَٰمٗا سَلَٰمٗا ٢٦﴾.

امّا فقط سخنی نیکی را می‌شنوند که ایشان را به سلامتی از هر امر ترس‌آور و به امان از هر آفت و خطری مژده می‌دهد؛ یعنی فرشتگان بر ایشان سلام می‌گویند؛ همچنان که اهل بهشت بر یکدیگر سلام تقدیم می‌دارند.

﴿وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ ٢٧﴾.

اصحاب یمین چه قدر منزلت والا دارند‌، چه اندازه مقام عالی به دست آوردند و به چه پاداش نیکی در نزد پروردگار‌شان نایل آمدند.

﴿فِي سِدۡرٖ مَّخۡضُودٖ ٢٨﴾.

برایشان در بهشت، درخت سدر بی‌خاری وجود دارد که دارای شاخه‌های نرم و خمیده است.

﴿وَطَلۡحٖ مَّنضُودٖ ٢٩﴾.

همچنان درخت‌های موزی آماده شده که بالای یکدیگر صف زده‌اند و در حسن و زیبایی مانند گردن‌بندی تنظیم یافته‌اند.

﴿وَظِلّٖ مَّمۡدُودٖ ٣٠﴾.

در سایه‌های دوامداری که تغییر نمی‌یابد، همیشه ماندگار است و در آن گردش می‌نمایند و این کرامتی برای ایشان است.

﴿وَمَآءٖ مَّسۡكُوبٖ ٣١﴾.

آب زلال و خوشگواری را به دسترس خویش دارند که استمرار دارد، از جایش می‌جهد و انقطاع نمی‌پذیرد.

﴿وَفَٰكِهَةٖ كَثِيرَةٖ ٣٢﴾.

میوه‌های متنوّعی از اصناف مختلف در هر وقت و زمانی برای‌شان موجود است و به آسانی در اختیارشان قرار دارد.

﴿لَّا مَقۡطُوعَةٖ وَلَا مَمۡنُوعَةٖ ٣٣﴾.

این میوه‌ها در هیچ زمانی از اهل بهشت قطع نمی‌شوند و کسی ایشان را از آن بازنمی‌دارد،‌ بلکه هر وقت اشتها داشته باشند برای‌شان حاضر است.

﴿وَفُرُشٖ مَّرۡفُوعَةٍ ٣٤﴾.

برای اهل بهشت در آنجا فرش‌های پهناور و بسیار نرمی است که بر بالای تخت‌ها به گونۀ مرتفع انداخته شده است.

﴿إِنَّآ أَنشَأۡنَٰهُنَّ إِنشَآءٗ ٣٥﴾.

یقیناً خداوند أ برای نیکو‌کاران در بهشت، زن‌ها را با پیدایش تازۀ متغایر با زندگی دنیا پدید می‌آورند؛ یعنی که در زندگی در آنجا کامل و همیشگی است و مرگی وجود ندارد.

﴿فَجَعَلۡنَٰهُنَّ أَبۡكَارًا ٣٦﴾.

خداوند منّان و پروردگار سبحان همه زن‌های بهشت، کوچک و بزرگ‌شان را باکره ساخته است.

﴿عُرُبًا أَتۡرَابٗا ٣٧﴾.

همه در یک سنّ و سال اند، عمر‌های‌شان برابر و یکسان است و همسران‌شان را بسیار دوست می‌دارند.

﴿لِّأَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ ٣٨﴾.

الله أ این زنان باکرۀ بهشت را که شوهران‌شان را دوست می‌دارند، همسران اصحاب یمین مقرّر داشته است.

﴿ثُلَّةٞ مِّنَ ٱلۡأَوَّلِينَ ٣٩﴾.

اصحاب یمین،‌ جماعت بزرگی اند که تعداد زیادی از امت‌های گذشتۀ پیشین و مؤمنان صدر امّت اسلام را شامل است.

﴿وَثُلَّةٞ مِّنَ ٱلۡأٓخِرِينَ ٤٠﴾.

همچنان گروه زیادی از کسانی که در دوره‌های بعد به دنیا آمدند نیز در زمرۀ اصحاب یمین داخل می‌باشند.

﴿وَأَصۡحَٰبُ ٱلشِّمَالِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلشِّمَالِ ٤١﴾.

امّا اصحاب شمال چه قدر باز‌گشت بدی دارند و جزای عملکرد‌های آنان بسیار ناپسند، زشت و ناخوشایند است.

﴿فِي سَمُومٖ وَحَمِيمٖ ٤٢﴾.

با باد بسیار داغی که گرامی‌اش روهای آنان را می‌سوزاند و آب گرم و جوشانی که جسم‌های آنان را بریان می‌کند به سر می‌برند.

﴿وَظِلّٖ مِّن يَحۡمُومٖ ٤٣﴾.

در سایۀ دودی قرار دارند که بسیار سیاه و تیره است،‌ بوی بد و زشت دارد و داغ و درد‌آور می‌باشد.

﴿لَّا بَارِدٖ وَلَا كَرِيمٍ ٤٤﴾.

نه برای جسم‌ها خنک و خوشایند است و نه در نگاه‌ها منظرۀ نیکو دارد،‌ بلکه با گرمی خود پوست‌ها را پاره کرده و با زشتی‌اش چشم‌ها را به درد ‌آورده است.

﴿إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُتۡرَفِينَ ٤٥﴾.

این کافران پیش از این در دنیا از محرّمات استفاده می‌بردند، به انجام گناهانی که خداوند أ از آن‌ها منع کرده بود می‌پرداختند و از اسلام رو می‌گشتاندند.

﴿وَكَانُواْ يُصِرُّونَ عَلَى ٱلۡحِنثِ ٱلۡعَظِيمِ ٤٦﴾.

بر کفر و انجام گناهان اصرار و مداومت می‌کردند و به سوی پروردگار علّام الغیوب توبه نمی‌کردند و باز نمی‌گشتند.

﴿وَكَانُواْ يَقُولُونَ أَئِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ ٤٧﴾.

آنان به روز قیامت تکذیب می‌کردند و می‌گفتند: چگونه بعد از اینکه بمیریم، اسخوان‌های ما بپوسد و جسم‌های ما خاک شود زنده می‌شویم؟

﴿أَوَ ءَابَآؤُنَا ٱلۡأَوَّلُونَ ٤٨﴾.

آیا ما و پدران ما که قبلاً در زمانه‌های قدیم مردند و در قبرستان‌ها خاک گردیدند زنده می‌شویم؟!!!

﴿قُلۡ إِنَّ ٱلۡأَوَّلِينَ وَٱلۡأٓخِرِينَ ٤٩﴾.

ای پیامبر! بگو: مردمی که در نخستین دوره‌ها زندگی می‌کردند و کسانی که در آخر زندگی کردند، همه از دورۀ آدم تا قیام قیامت،

﴿لَمَجۡمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَٰتِ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ ٥٠﴾.

خداوندی که آنان را آفریده است، به طور قطع همه را در روز مشخّص و معیّنی جمع می‌کند؛ در روزی که خودش وقت وقوع آن را می‌داند و تقدیم و تأخیر نمی‌پذیرد.

﴿ثُمَّ إِنَّكُمۡ أَيُّهَا ٱلضَّآلُّونَ ٱلۡمُكَذِّبُونَ ٥١﴾.

بعد از آن شما ای کسانی که از راه راست گمراه شدید و به پیامبر بزرگوار الهی و کتاب عظیمش تکذیب کردید!

﴿لَأٓكِلُونَ مِن شَجَرٖ مِّن زَقُّومٖ ٥٢﴾.

در آتش دوزخ از درخت زقّوم که بوی و مزّۀ تلخ دراد و بد منظر است می‌خورید.

﴿فَمَالِ‍ُٔونَ مِنۡهَا ٱلۡبُطُونَ ٥٣﴾.

سپس شکم‌های خویش را از درخت زقّوم پُر خواهید کرد؛ در حالی که راضی نیستید، اشتها ندارید و بدان مایل نمی‌باشید.

﴿فَشَٰرِبُونَ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡحَمِيمِ ٥٤﴾.

باز بعد از آن بر بالای زقّوم از آب گرمی که به نهایت درجه داغ و جوشان است و تشنگی را دفع نمی‌کند می‌نوشید.

﴿فَشَٰرِبُونَ شُرۡبَ ٱلۡهِيمِ ٥٥﴾.

از شراب حمیم بسیار خواهید نوشید؛ مانند شتر تشنه‌ای که به علّت بیماری و دردی که دارد بسیار می‌نوشد و سیراب نمی‌شوند.

﴿هَٰذَا نُزُلُهُمۡ يَوۡمَ ٱلدِّينِ ٥٦﴾.

این جزا و عذابی است که خداوند آن را توشۀ دشمنان در آتش دوزخ مقرّر داشته تا جزای اعمال بد آنان باشد.

﴿نَحۡنُ خَلَقۡنَٰكُمۡ فَلَوۡلَا تُصَدِّقُونَ ٥٧﴾.

ای بندگان! خداوند منّان شما را از عدم آفریده است،‌ پس به چه دلیل به زنده‌شدن بعد از مرگ که از پدید آوردن نخستین آسانتر تصدیق نمی‌کنید؟

﴿أَفَرَءَيۡتُم مَّا تُمۡنُونَ ٥٨﴾.

به من از آب منی که آن را در رَحم‌های همسران خویش می‌نهید خبر دهید.

﴿ءَأَنتُمۡ تَخۡلُقُونَهُۥٓ أَمۡ نَحۡنُ ٱلۡخَٰلِقُونَ ٥٩﴾.

آیا شما این آب منی را می‌آفرینید،‌ صورت می‌بخشید و روح را در آن می‌دمید، یا خداوند یگانه این کار را به انجام می‌رساند؟

﴿نَحۡنُ قَدَّرۡنَا بَيۡنَكُمُ ٱلۡمَوۡتَ وَمَا نَحۡنُ بِمَسۡبُوقِينَ ٦٠﴾.

خداوند سبحان مرگ را بر شما حکم کرده و مقدّر داشته است و او ناتوان نیست که آفرینش‌تان را به شکل دیگری و به گونه‌ای که خواسته باشد در‌آورد.

﴿عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ أَمۡثَٰلَكُمۡ وَنُنشِئَكُمۡ فِي مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٦١﴾.

و حق‌تعالی تواناست که در روز قیامت در آفرینش و شکل شما تغییر وارد کند و شما را به صورت‌ها، صفات و احوالی در‌آورد که بدان معلومات ندارید.

﴿وَلَقَدۡ عَلِمۡتُمُ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأُولَىٰ فَلَوۡلَا تَذَكَّرُونَ ٦٢﴾.

یقیناً شما می‌دانید که فقط خداوند أ شما را بار نخست آفرید،‌ پس چرا با این کار استدلال نمی‌جویید که بر زنده‌کردن دوبارۀ‌تان بعد از مرگ تواناست.

﴿أَفَرَءَيۡتُم مَّا تَحۡرُثُونَ ٦٣﴾.

ای مردم! به من از دانه‌ای خبر دهید که خشکیده است و آن را در زمین خشکی کشت می‌کنید.

﴿ءَأَنتُمۡ تَزۡرَعُونَهُۥٓ أَمۡ نَحۡنُ ٱلزَّٰرِعُونَ ٦٤﴾.

آیا شما آن را می‌رویانید و به گونۀ کشتی سبز بیرون می‌آورید تا حاصل دهد یا خداوند آن را به قدرتش بیرون می‌آورند؟

﴿لَوۡ نَشَآءُ لَجَعَلۡنَٰهُ حُطَٰمٗا فَظَلۡتُمۡ تَفَكَّهُونَ ٦٥﴾.

اگر خداوند أ اراده کند کشت را می‌خشکاند و در هم می‌شکند که فایده و نفعی نداشته باشد و شما با مشاهدۀ آن تعجّب خواهید کرد.

﴿إِنَّا لَمُغۡرَمُونَ ٦٦﴾.

و چون آن را مشاهده نمایید می‌گویید: ما زیانمند شدیم،‌ فایده و نفع ما از بین رفت و این عذابی است که بر ما نازل شده است.

﴿بَلۡ نَحۡنُ مَحۡرُومُونَ ٦٧﴾.

بلکه حق‌تعالی با خشکانیدن و تباه ساختن این کشت‌، ما را از رزق و روزی محروم نموده است.

﴿أَفَرَءَيۡتُمُ ٱلۡمَآءَ ٱلَّذِي تَشۡرَبُونَ ٦٨﴾.

به من خبر دهید آب زلالی را که از آن می‌آشامید تا تشنگی‌تان مرفوع سازد.

﴿ءَأَنتُمۡ أَنزَلۡتُمُوهُ مِنَ ٱلۡمُزۡنِ أَمۡ نَحۡنُ ٱلۡمُنزِلُونَ ٦٩﴾.

ای مردم! آیا شما را از ابر‌ها به چشمه‌ها، چاه‌ها و جوی‌ها فرود آوردید،‌ یا خداوند یگانۀ قهّار به حکمت و قدرتش فرود آورده است؟ یقیناً خداوند أ فرود آورده و بر بندگان رحمت نموده است.

﴿لَوۡ نَشَآءُ جَعَلۡنَٰهُ أُجَاجٗا فَلَوۡلَا تَشۡكُرُونَ ٧٠﴾.

اگر الله أ اراده کند این آب خوشگوار را نمکین می‌سازد تا در گلو فرو نرود،‌ نوشیدنش دشوار شود و برای انسان‌ها، حیوانات و نباتات فایده‌ای نرساند. پس به چه دلیل خداوند أ را شکر نمی‌کنید که آب را زلال و گوارا ساخته است؟!

﴿أَفَرَءَيۡتُمُ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي تُورُونَ ٧١﴾.

به من از آتشی که بر‌می‌افروزید تا به وسیله‌اش خود را گرم سازید و طعام خویش را پخته نمایید خبر دهید.

﴿ءَأَنتُمۡ أَنشَأۡتُمۡ شَجَرَتَهَآ أَمۡ نَحۡنُ ٱلۡمُنشِ‍ُٔونَ ٧٢﴾.

آیا درختی را که از آن آتش برافروخته می‌شوند شما آفریده‌اید، یا خداوند یگانۀ آفریدگار آن را به وجود آورده است؟ بلکه خداوند أ آفریده است.

﴿نَحۡنُ جَعَلۡنَٰهَا تَذۡكِرَةٗ وَمَتَٰعٗا لِّلۡمُقۡوِينَ ٧٣﴾.

الله أ خداوندی است که این آتش را یاد‌آوری از آتش دوزخ و منفعتی برای مسافران و گرسنگان مقرّر داشته است، پس چرا در برابر این نعمت‌ها خداوند أ را شکر‌گزاری نمی‌کنید؟

﴿فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ ٧٤﴾.

پس پروردگارت را از صفات نقصان منزّه بدان و صفات کمالی را برایش ثابت بدان که خود و پیامبرش آن‌ها را برای اوتعالی ثابت دانسته‌اند. بنابراین خداوند أ در ذات، نام‌ها و صفاتش بزرگ است و پادشاهی و جبروت مخصوص اوست.

﴿۞فَلَآ أُقۡسِمُ بِمَوَٰقِعِ ٱلنُّجُومِ ٧٥﴾.

خداوند سبحان به مواضعی که ستارگان در آن سقوط می‌کند یا غروب می‌نماید سوگند یاد کرده که این امر به قدرت عظیم و آفرینش بدیع پروردگار دلالت می‌نماید.

﴿وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٞ لَّوۡ تَعۡلَمُونَ عَظِيمٌ ٧٦﴾.

یقیناً اگر شما بدانید، سوگند به مواضع سقوط و غروب ستارگان، سوگندی عظیم القدر و بزرگ مقدار است.

﴿إِنَّهُۥ لَقُرۡءَانٞ كَرِيمٞ ٧٧﴾.

هر آینه قرآن کریم که خداوند أ آن را به سوی پیامبرش وحی فرستاده کتاب مبارکی است که منزلتی بلند،‌ نفعی بسیار و قدری بزرگ دارد.

﴿فِي كِتَٰبٖ مَّكۡنُونٖ ٧٨﴾.

در کتابی که از چشم‌ها پوشیده، از گمان‌ها مصون و در لوح محفوظ با حرمت فراوانی نهاده شده و ثبت است.

﴿لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُطَهَّرُونَ ٧٩﴾.

قرآن را که در لوح محفوظ است جز فرشتگان بزرگواری که از آفات و خطایا پاکیزه‌اند و از گناهان منزّه‌اند کسی مساس نمی‌کند.

﴿تَنزِيلٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٨٠﴾.

قرآن کریم وحیی از جانب خداوند آفریدگار جهان و موجودات آن است که آن را بر پیامبرش محمد ج نازل کرده است.

﴿أَفَبِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ أَنتُم مُّدۡهِنُونَ ٨١﴾.

ای کافران!‌ آیا شما به قرآن کریم که حقّ است و از جانب خداوند أ آمده است تکذیب می‌کنید.

﴿وَتَجۡعَلُونَ رِزۡقَكُمۡ أَنَّكُمۡ تُكَذِّبُونَ ٨٢﴾.

و نعمت‌ها را با کفر ورزیدن، تکذیب به قرآن کریم و تقدیم سپاس‌گزاری به غیر ولی نعمت شکر‌گزاری نمی‌نمایید؟

﴿فَلَوۡلَآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلۡحُلۡقُومَ ٨٣﴾.

آیا آنگاه که روح کسی از شما در هنگام سختی‌های مرگ به حلقوم و حنجره‌اش برسد در توان شما هست که آن را واپس به بدنش بر‌گردانید؟

﴿وَأَنتُمۡ حِينَئِذٖ تَنظُرُونَ ٨٤﴾.

شما در وقت فرا رسیدن مرگ کسی که در حالت نزع است حاضر هستید و به سویش می‌نگرید،‌ امّا مرگ را از وی دفع کرده نمی‌توانید.

﴿وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنكُمۡ وَلَٰكِن لَّا تُبۡصِرُونَ ٨٥﴾.

این در حالی است که خداوند أ با فرشتگانش و با علم و آگاهی خود از انسان‌هایی که در نزد او هستند به وی نزدیک‌تر است، امّا شما فرشتگان را نمی‌بینید.

﴿فَلَوۡلَآ إِن كُنتُمۡ غَيۡرَ مَدِينِينَ ٨٦﴾.

آیا اگر شما از اعمال خویش مورد محاسبه قرار نگیرید و به کردار‌های‌تان جزا داده نشوید به بازگشتاندن روحش توانا هستید؟

﴿تَرۡجِعُونَهَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٨٧﴾.

اگر در بازگشتاندن روحش راستگوی هستید آن را به بدنش باز گردانید؟ امّا هر‌گز توان این کار را ندارید.

﴿فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ٨٨﴾.

امّا اگر شخصی که در حالت نزع روح است، در کار‌های خیر سبقت جسته باشد و از اهل مراتب بلند در ولایت و تقوا باشد،‌

﴿فَرَوۡحٞ وَرَيۡحَانٞ وَجَنَّتُ نَعِيمٖ ٨٩﴾.

برای این بندۀ نیکو‌کار و مقرّب در گاه باری‌تعالی که در امور خیر سبقت جسته در هنگام مرگش رحمت فراگیر، شادمانی،‌ بشارت،‌ آرامش و اطمینان روحی میسّر است و در بهشت‌های پُر از نعمت به طور همیشه و جاودان سکنی‌گزین می‌شوند.

﴿وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ ٩٠﴾.

امّا اگر شخص در حالت نزع روح، از اصحاب یمین باشد که پایین‌تر از مقرّبان و سابقان، ولی از مفلحان و رستگاران است،

﴿فَسَلَٰمٞ لَّكَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ ٩١﴾.

برایش در هنگام مرگ گفته می‌شوند: سلامتی از آفات و امان از خطر‌ها،‌ در برابر اعمال نیکی که انجام داده‌ای بر تو باد!

﴿وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٱلضَّآلِّينَ ٩٢﴾.

امّا اگر شخص در حالت نزع روح، از کسانی باشد که تکذیب کنندۀ حساب،‌ گمراه از راه صواب و کافر به کتاب هستند،‌

﴿فَنُزُلٞ مِّنۡ حَمِيمٖ ٩٣﴾.

مهمانیی در دوزخ برایش آماده است، طوری که از نوشیدنیی به نهایت درجه داغ و جوشان نوشانده می‌شوند.

﴿وَتَصۡلِيَةُ جَحِيمٍ ٩٤﴾.

خداوند سبحان أ او را به آتش درزخ وصل می‌سازد، در آن می‌سوزاند و از عذابش می‌چشاند.

﴿إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ ٱلۡيَقِينِ ٩٥﴾.

به راستی آنچه را خداوند پاک در کتابش و به زبان پیامبرش یاد‌آوری کرده حقّانیت دارد و به یقین مقرون است؛ چنان‌که در آن شکّ و شبهه‌ای وجود ندارد.

﴿فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ ٩٦﴾.

پس خداوند أ را از صفاتی که وی را دشمنانش بدان توصیف می‌کنند و از آنچه ستمگاران و منکران می‌گویند منزّه بدان؛ زیرا او در ذات، نام‌ها و صفاتش بزرگ است.

سورۀ حدید

مدنی است؛ ترتیب آن 57؛ شمار آیات آن 29

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١﴾.

همه مخلوقاتی که در آسمان‌ها و زمین اند با اختلاف انواع خویش خداوند أ را از اوصافی که به اوتعالی سزاوار نیست منزّه و مقدّس می‌دانند و او را بزرگ می‌شمارند. حق‌تعالی در پادشاهی‌اش غالب و در صُنع و شریعتش با‌حکمت است.

﴿لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٢﴾.

پادشاهی و اختیار آسمان‌ها،‌ زمین و مخلوقات میان آن‌ها تنها از خداوند أ است؛ یعنی تدبیر و تصرّف در آن‌ها مخصوص اوست. او موجودات را از عدم زنده می‌کند، زندگان را می‌میراند و بعد از مردن به سویش باز می‌گرداند. او بر هر‌چیز تواناست و هیچ چیزی او را عاجز کرده نمی‌تواند. آنچه را اراده کند تحقّق می‌یابد،‌ چیزی را که نخواسته باشد به وجود نمی‌آید و بدون اراده‌اش چیزی واقع نمی‌شوند.

﴿هُوَ ٱلۡأَوَّلُ وَٱلۡأٓخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلۡبَاطِنُۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ٣﴾.

او ذات نخستین است که پیش از وی نبوده است؛ آخرین ذاتی است که همه چیز را به ارث می‌برد؛ ظاهری است که دلایل وجودش آشکار است و باطنی است که به حقیقت ذاتش کسی دانا نیست. هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان بر او پوشیده نیست، از علمش هیچ امر غایبی مخفی نمی‌ماند و علم او همه چیزها را فرا گرفته است؛ یعنی اوتعالی امور پوشیده و آشکار را می‌داند.

﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يَعۡلَمُ مَا يَلِجُ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا يَخۡرُجُ مِنۡهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعۡرُجُ فِيهَاۖ وَهُوَ مَعَكُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ٤﴾.

الله أ خداوند یگانه‌ای است که آسمان‌ها‌، و زمین و موجودات میان آن‌ها را در مدّت شش روز آفرید. بعد از آن بر عرش خویش فوق آسمان‌هاست به استوایی که سزاوار جلال اوست تعالِی و رفعت جست. او به موجوداتی چون حیوانات،‌ نباتات،‌ آب‌ها و گنج‌ها که در زمین فرو می‌روند،‌ به موجوداتی چون نباتات، کشت‌ها و میوه‌ها که از زمین بیرون می‌شوند‌، به آنچه از آسمان فرود می‌آید؛ مانند آب باران و دیگر چیز‌ها و به آنچه در آسمان بالا می‌رود؛ چون فرشتگان، گفتار و کردار بندگان داناست. حق‌تعالی علماً با مخلوقات خود است،‌ او به اقوال،‌ اعمال و احوال مخلوقاتش بیناست،‌ هیچ امر پوشیده‌ای از او پنهان نیست،‌ هیچ چیزی از او غایب نمی‌ماند و به زودی اعمال همه را محاسبه می‌کند.

﴿لَّهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ٥﴾.

پادشاهی و اختیار آسمان‌ها و زمین از نگاه آفرینش و تدبیر مربوط خداوند أ است و در روز قیامت بازگشت خلایق به سوی اوست تا از اعمال‌شان حساب بگیرد؛ یعنی برای اعمال خیر پاداش نیکو و برای اعمال ناشایسته جزای دشواری مقرّر می‌دارد.

﴿يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِۚ وَهُوَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٦﴾.

خداوند أ لحظات روز را در ساعات شب و ساعات شب را در لحظات روز داخل می‌سازد؛ یعنی آنچه از یکی کم می‌شوند در یکی دیگر اضافه می‌شوند. اوتعالی به راز‌ها و نیت‌های پوشیده در دل‌های بندگان داناست.

﴿ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَأَنفِقُواْ مِمَّا جَعَلَكُم مُّسۡتَخۡلَفِينَ فِيهِۖ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَأَنفَقُواْ لَهُمۡ أَجۡرٞ كَبِيرٞ ٧﴾.

ای مردم! به خداوند أ ایمان بیاورید،‌ از پیامبرش پیروی کنید و از آنچه خداوند منّان برای شما روزی داده و شما را بر آن سرپرستی بخشیده صدقه و انفاق کنید؛ زیرا احسان‌کننده و مُنعم حقیقی فقط خداوند أ است. ای بندگان! برای کسانی از شما که ایمان آوردند،‌ در ایمان‌شان راستگار بودند و از مال و ثروت‌شان صدقه و انفاق کردند پاداش کامل،‌ مزد بزرگ و نعمت‌های جاودانی میسّر است.

﴿وَمَا لَكُمۡ لَا تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلرَّسُولُ يَدۡعُوكُمۡ لِتُؤۡمِنُواْ بِرَبِّكُمۡ وَقَدۡ أَخَذَ مِيثَٰقَكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٨﴾.

چه عذری دارید که وقتی پیامبر ج شما را فرا می‌خواند تا به خدا و رسولش ایمان آورید به خداوند أ و پیامبرش ایمان نمی‌آورید، اوتعالی را به یگانگی نمی‌شناسید و از رسولش متابعت نمی‌کنید. اگر در ادّعای ایمان به پروردگار‌تان راستگوی باشید،‌ حق‌تعالی پیشتر از شما در این زمینه عهد و پیمان گرفته است.

﴿هُوَ ٱلَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبۡدِهِۦٓ ءَايَٰتِۢ بَيِّنَٰتٖ لِّيُخۡرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ بِكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ٩﴾.

الله أ خداوندی است که بر بنده و پیامبرش محمد ج آیات مفصّلی را نازل می‌کند که حق را از باطل و حلال را از حرام بیان می‌دارد و متمایز می‌سازد تا شما را به وسیله‌اش از تاریکی کفر و نادانی به سوی نور ایمان و علم بیرون سازد. حق‌تعالی با بیرون بردن‌تان از تاریکی‌ها به سوی نور مهربان است که به شما ارادۀ خیر دارد؛ رحیم است و شما را به رحمتش می‌پوشاند. از همین است که توبۀ تائبان را می‌پذیرد و عصیانگران را مهلت می‌دهد.

﴿وَمَا لَكُمۡ أَلَّا تُنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَا يَسۡتَوِي مِنكُم مَّنۡ أَنفَقَ مِن قَبۡلِ ٱلۡفَتۡحِ وَقَٰتَلَۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَعۡظَمُ دَرَجَةٗ مِّنَ ٱلَّذِينَ أَنفَقُواْ مِنۢ بَعۡدُ وَقَٰتَلُواْۚ وَكُلّٗا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ١٠﴾.

هیچ عذری ندارید که در راه پروردگار خویش انفاق نمی‌کنید، در حالی که اوتعالی نعمت‌ها را برای‌تان عطا کرده است،‌ او میراث بر آسمان‌ها و زمین است و همه موجودات آن را به میراث می‌برد. امّا در توان هیچ‌کس نیست وارث دستمایه‌اش باشد، بلکه به زودی آن را ترک می‌کند و رحلت نمی‌نماید. کسانی از شما که پیش از فتح مکّه صدقه دادند و به جنگ با کافران پرداختند،‌ با کسانی که بعد از فتح مکّه در راه خدا انفاق کردند و در راه خدا جنگیدند در پاداش و مزد‌شان برابر نیستند،‌ بلکه گروه نخست در نزد خداوند أ منزلت برتر و مقام بالاتر دارند؛ هرچند حق‌تعالی برای هردو گروه بهشت را وعده کرده است. پروردگار سبحان به اعمالی که انجام می‌دهید داناست، هیچ امر پوشیده‌ای از او پنهان نمی‌ماند و به زودی برای نیکو‌کاران پاداش و برای بد‌‌کاران جزا خواهد داد.

﴿مَّن ذَا ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥ وَلَهُۥٓ أَجۡرٞ كَرِيمٞ ١١﴾.

چه کسی خواهد بود که با اخلاصمندی در راه خداوند أ صدقه و انفاق نماید و به تعقیب صدقه منّت و اذیتی را اِعمال نکند. خداوند أ پاداش چنین کسی را چند برابر می‌نماید، مزدش را بزرگ می‌دارد و بهشت را جایگاهش می‌سازد.

﴿يَوۡمَ تَرَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَسۡعَىٰ نُورُهُم بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَبِأَيۡمَٰنِهِمۖ بُشۡرَىٰكُمُ ٱلۡيَوۡمَ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١٢﴾.

مردان و زنان مؤمن،‌ نور ایمان‌شان در روز قیامت بر صراط (پُل) مشاهده می‌کنند که در پیش روی و از جانب راست‌شان بر حسب اعمالی که انجام دادند روان است. آنگاه برای‌شان گفته می‌شوند: امروز داخل‌شدن به بهشت مژدۀ‌تان باد؛ بهشتی که از زیر درختانش جوی‌ها جاری است و در آن همیشه ماندگار می‌باشید. این پاداش،‌ بزرگ‌ترین کامیابی و عظیم‌ترین بهره‌ای است.

﴿يَوۡمَ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱنظُرُونَا نَقۡتَبِسۡ مِن نُّورِكُمۡ قِيلَ ٱرۡجِعُواْ وَرَآءَكُمۡ فَٱلۡتَمِسُواْ نُورٗاۖ فَضُرِبَ بَيۡنَهُم بِسُورٖ لَّهُۥ بَابُۢ بَاطِنُهُۥ فِيهِ ٱلرَّحۡمَةُ وَظَٰهِرُهُۥ مِن قِبَلِهِ ٱلۡعَذَابُ ١٣﴾.

مردان و زنان منافق، در روز قیامت در حالی که در بالای صراط (پُل) قرار دارند برای مؤمنان می‌گویند: برای ما فرصت دهید تا از نور شما روشنی بگیریم، امّا فرشتگان این سخن آنان را رد می‌کنند و برای‌شان به طور توبیخ و استهزا می‌گویند: به عقب خود بر‌گردید و نور را جستجو نکنید. آنگاه میان مؤمنان و منافقان با حصار دیوار مانند بزرگی که دارای دروازه‌ای است جدایی ایجاد می‌شوند؛ طوری که باطن این دروازه به جانب اهل بهشت، رحمت و ظاهرش به طرف اهل نفاق، عذاب است.

﴿يُنَادُونَهُمۡ أَلَمۡ نَكُن مَّعَكُمۡۖ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنَّكُمۡ فَتَنتُمۡ أَنفُسَكُمۡ وَتَرَبَّصۡتُمۡ وَٱرۡتَبۡتُمۡ وَغَرَّتۡكُمُ ٱلۡأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَآءَ أَمۡرُ ٱللَّهِ وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ ١٤﴾.

منافقان،‌ مؤمنان را صدا می‌زنند و می‌گویند: آیا ما در دنیا با شما نبودیم که عبادت نماز، روزه، حجّ و دیگر اوامر شرع را مانند شما انجام می‌دادیم؟ مؤمنان برای آنان می‌گویند: آری! شما در ظاهر حال با ما عبادات را انجام می‌دادید، امّا کفر و نفاق را پوشیدید و در نتیجه خویشتن را به هلاکت رساندید. شما مرگ و رنج پیامبر ج و مصایب مؤمنان را انتظار می‌کشیدید، ‌در آمدن قیامت و حساب اعمال شک داشتید، آرزو‌های باطل و خواهش‌های نفسانی گمراه کنندۀ‌تان شما را فریب داد و همیشه در سر‌کشی ادامه دادید تا مرگ شما را فرا رسید و شیطان دشمن خدا شما را از عبادت پروردگار باز داشت.

﴿فَٱلۡيَوۡمَ لَا يُؤۡخَذُ مِنكُمۡ فِدۡيَةٞ وَلَا مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ مَأۡوَىٰكُمُ ٱلنَّارُۖ هِيَ مَوۡلَىٰكُمۡۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٥﴾.

خداوند بزرگ امروز از منافقان عوضی را که از عذاب فدیه دهند نمی‌پذیرد،‌ همچنان از کافران نیز چیزی را در عوض عذاب قبول نمی‌کند. باز‌گشت منافقان و کافران به سوی آتش دوزخ است و این جایگاه برای آنان از هر جای دیگر سزاوارتر است،‌ امّا بد مرجع و بازگشتی دارند؛ زیرا به خواری، عذاب و شکنجه گرفتار‌اند.

﴿۞أَلَمۡ يَأۡنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن تَخۡشَعَ قُلُوبُهُمۡ لِذِكۡرِ ٱللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ ٱلۡحَقِّ وَلَا يَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلُ فَطَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَمَدُ فَقَسَتۡ قُلُوبُهُمۡۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ١٦﴾.

آیا زمان آن نرسیده که دل‌های اهل ایمان به ذکر خداوند رحمان نرم شود، در هنگام شنیدن قرآن فروتنی و اظهار اطاعت کنند و مانند یهودیان و نصرانیان اهل کتاب سنگ دل و قسی القلب نباشید؛ مانند آنان‌که چون زمان بر آنان طولانی شد از دین خدا انحراف کردند، آن را تغییر دادند و تحریف کردند،‌ دل‌های‌شان سخت شد،‌ بیشتر آنان را از طاعت الله بیرون شدند و از حدود الهی تجاوز کردند.

این آیه به ترسناکی و فروتنی در هنگام شنیدن قرآن و نرم‌دلی در وقت ذکر حق‌تعالی دلالت می‌کند و مؤمنان را از اینکه در قسوت قلب، غفلت و عصیانگری مانند اهل کتاب باشند برحذر می‌دارد.

﴿ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ قَدۡ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ١٧﴾.

ای بندگان!‌ یقین داشته باشید که خداوند أ زمین را بعد از مردن به وسیلۀ باران زنده می‌گرداند و به اذن الله تعالی سر‌سبز می‌شوند،‌ پس حق‌تعالی بر زنده‌کردن مردگان بعد از مردن و جمع نمودن‌شان برای روز حساب نیز تواناست و او قدرت دارد که دل‌های سخت را نرم سازد. پروردگار سبحان براهین قدرت خویش را با ارائۀ مثال‌های برای مردم بیان دارد تا در آن بیندیشند و آنچه را بر پیامبرش نازل کرده بفهمند.

﴿إِنَّ ٱلۡمُصَّدِّقِينَ وَٱلۡمُصَّدِّقَٰتِ وَأَقۡرَضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا يُضَٰعَفُ لَهُمۡ وَلَهُمۡ أَجۡرٞ كَرِيمٞ ١٨﴾.

یقیناً مردان و زنان که از عطا‌های الهی صدقه می‌کنند و از روزی پاکیزه‌ای که برای‌شان داده شده به منظور دریافت پاداش از نزد خداوند أ بدون منّت و سخن آزار‌دهنده، در راه پروردگار به مصرف می‌رسانند حق‌تعالی پاداش اعمال‌شان را چند برابر می‌سازد. علاوه بر آن با دخول به بهشت‌های پر از نعمت در جوار پروردگار با عظمت، بر ایشان فضل و احسان می‌کند.

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصِّدِّيقُونَۖ وَٱلشُّهَدَآءُ عِندَ رَبِّهِمۡ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ وَنُورُهُمۡۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ١٩﴾.

کسانی که به خداوند أ ایمان دارند، به پیامبر تصدیق کردند و بین هیچ کدام ایشان فرقی قایل نیستند، اینان همان صدّیقانی اند که به درجۀ احسان رسیده‌اند، شهیدانی اند که در راه خدا شهید شدند و نیز شاهدانی اند که به رساندن علم نافع به بندگان پروردگار گواهی می‌دهند. برای‌شان در نزد خداوند أ مزد بزرگ و پاداش عظیمی آماده شده که با نور کاملی در روز حساب همراه است. امّا کسانی که به حق‌تعالی کافر شدند و به براهین و دلایلی که بر پیامبر ج نازل کرده تکذیب کردند با ذلّت و خواری و با خشم خداوند جبّار در آتش دوزخ ماندگار می‌باشند، برای آنان پاداش و روشنی وجود ندارد و امن و شادمانی را در‌نمی‌یابند.

﴿ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞ وَزِينَةٞ وَتَفَاخُرُۢ بَيۡنَكُمۡ وَتَكَاثُرٞ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِۖ كَمَثَلِ غَيۡثٍ أَعۡجَبَ ٱلۡكُفَّارَ نَبَاتُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ مُصۡفَرّٗا ثُمَّ يَكُونُ حُطَٰمٗاۖ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٞ شَدِيدٞ وَمَغۡفِرَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٞۚ وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ ٢٠﴾.

ای مردمان!‌ یقین کنید که زندگی دنیا بازیچۀ است که انسان را به خود مصروف می‌سازد، خوشگذرانیی است که دل‌ها را غافل می‌نماید، زیب و زینتی است که چشم‌ها را فریب می‌دهد،‌ فخر فروشیی است که به وسیله‌اش مردم بر یکدیگر با ستایش و افتخار برتری می‌جویند و زیاده طلبیی است که با کثرت ثروت و فرزندان تحقّق می‌یابد. صفت زندگی دنیا همچو بارانی است که دهقانان از سر‌سبزی پدید آمده از اثرش شادمان می‌شوند، بعد از آن با پژمردگی می‌خشکد و می‌پوسد و می‌بینی که بعد از تر و تازگی زرد و پارچه پارچه گردیده است. این صفت دنیاست که با زرق و برقش از طریق کثرت خانواده، زیادت دارایی و فراوانی در زندگی، انسان را فریب می‌دهد، بعد از آن فرقت و سفر پدید می‌آید و احوال و زمان دگرگون می‌شوند. آنگاه که روز قیامت فرا رسد، کافران،‌ مزید به از بین رفتن دنیای خود، عذاب سختی را در پیش‌رو دارند، امّا برای دوستان خداوند أ و اهل طاعتش آمرزش گناهان و خوشنودی اوتعالی میسّر است. آری! زندگی دنیا متاع فریبنده‌ای است که فریب‌خورده را به مزخرفات خویش فریفته می‌سازد؛ یعنی هر که آن را اختیار کند، برای بدست آوردنش می‌کوشد و عمل برای آخرت را فراموش می‌نماید.

﴿سَابِقُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا كَعَرۡضِ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أُعِدَّتۡ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٢١﴾.

ای مردم! به اعمال نیکو،‌ کوشش در امور خیر، تلاش در طاعات و طلب اسباب آمرزش چون توبه و ترک گناهان سبقت جویید تا پروردگار منّان باز‌گشت شما را به سوی بهشتی مقرّر دارد که پهنایی‌اش مانند پهنایی آسمان‌ها و زمین است و حق‌تعالی آن را برای کسانی مهیّا داشته که به وی ایمان آورده‌اند و از پیامبرش پیروی کنند، به طاعاتش عمل نمایند و از نافرمانی‌اش بپرهیزند. این فضل و احسانی از جانب خداوند أ است که با توفیق استقامت و راهیابی برای هر بنده‌ای که اراده کند می‌بخشاید. اوتعالی بر بندگان صالحش فضل فرا‌گیر و بزرگ دارد؛ چنان‌چه ایشان را آفریده و روزی داده است، توفیق می‌بخشد و باز پاداش می‌دهد.

از این آیه دانسته می‌شوند که دخول به بهشت به مجرّد عمل ممکن نیست، بلکه با رحمت حق‌تعالی میسّر است.

﴿مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ أَن نَّبۡرَأَهَآۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٢٢﴾.

ای بندگان! هیچ مصیبتی در موجودات زمین و در وجود‌تان چون بیماری، ناداری، معلولیت، تلف‌شدن اموال و دیگر دشواری‌ها پدید نمی‌آید، مگر اینکه خداوند متعال آن را پیش از وقوعش مقدّر کرده و نوشته است. آری! نوشتن و تقدیرش بر خداوند أ آسان است؛ زیرا هیچ کاری او را ناتوان ساخته نمی‌تواند.

﴿لِّكَيۡلَا تَأۡسَوۡاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا تَفۡرَحُواْ بِمَآ ءَاتَىٰكُمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ ٢٣﴾.

خداوند سبحان همه چیزها را مقدّر کرده تا با از دست‌رفتن امور دنیوی محزون نشوید؛ زیرا کسی که به تقدیر الهی ایمان آورده همه امورش را به خداوند أ می‌سپارد و به حکمش تسلیم است و نیز برای اینکه با ملاحظۀ فضل و احسانش با کبر و غرور شادمان نشوید. پروردگار سبحان کسانی را که با خود‌بینی بر دیگران تکبّر کنند، در دل کبر داشته باشند و به زبان فخر‌فروشی نمایند دوست ندارد، بلکه متواضعانی را که دوست می‌دارد که به پیشگاه وی فروتنی و ترسناک باشند.

﴿ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ وَيَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبُخۡلِۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ٢٤﴾.

این گروه که اهل تکبّر و خود‌بینی اند در نعمت‌های الهی بخل می‌ورزند،‌ حقوق و وجایب مال و ثروت خود را ادا نمی‌کنند،‌ دیگران را نیز به بخل فرا می‌خوانند و بخالت و امساک را در نظر مردم نیکو جلوه می‌دهند. کسی که از عبادت خداوند أ رو گرداند و طاعتش را ترک کند، جز به خویشتن ضرری نرسانده و حق‌تعالی از او بی‌نیاز است. آری! الله از بندگان بی‌نیاز است، طاعت مطیعان برایش فایده‌ای ندارد و معصیت عاصیان به او ضرری نمی‌رساند. اوتعالی ستوده است،‌ همه صفات نیکو و افعال موجب ستایش مخصوص اوست، به کسی که از طاعتش رو گرداند نیازی ندارد و به شاکران و سپاسگزاران پاداش می‌دهد.

﴿لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلۡنَا مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَنزَلۡنَا ٱلۡحَدِيدَ فِيهِ بَأۡسٞ شَدِيدٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ ٢٥﴾.

الله أ پیامبرانش را با براهین قاطع و دلایل روشن فرستاد،‌ همراه‌شان کتاب‌های را با عقاید،‌ احکام اخلاق و آداب نازل فرمود و میزان (ترازو) را فرو فرستاد تا مردم به آن حکم کنند و به وسیله‌اش در داد و گرفت حقوق‌شان عدالت نمایند. همچنان حق‌تعالی آهن را نازل کرد که دارای صلابت و قدرت سختی در جنگ‌هاست و در صناعت و زراعت فایده‌های زیادی دارد و تا اینکه خداوند أ بداند که چه کسی دین پیامبرانش را به غیب یاری می‌رساند؛ یعنی در راه خدا برای نگهبانی دین و دفاع از بندگانش سلاح بر‌می‌دارد و به مبارزه می‌پردازد. به راستی که حق‌تعالی نیرومند است،‌ چنان‌که هیچ کسی با او جنگ و زور‌آزمایی کرده نمی‌تواند،‌ با عزّت و غالب است طوری که دشمنانش را قهر می‌کند و دوستانش را عزّت می‌بخشد.

﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحٗا وَإِبۡرَٰهِيمَ وَجَعَلۡنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلۡكِتَٰبَۖ فَمِنۡهُم مُّهۡتَدٖۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ٢٦﴾.

خداوند پاک نوح و ابراهیم -علیهما السلام- را به رسالت توحید به سوی اقوام‌شان فرستاد و نبوّت و علم کتاب‌های فرود‌آمده‌اش را در فرزندان‌شان مقرّر داشت. شماری از ایشان به سوی حق هدایت شدند و از حق‌تعالی اطاعت نمودند، امّا تعداد زیادی از ذرّیۀ‌شان از حدود الهی تجاوز کردند و از طاعتش بیرون آمدند.

﴿ثُمَّ قَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيۡنَا بِعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡإِنجِيلَۖ وَجَعَلۡنَا فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ رَأۡفَةٗ وَرَحۡمَةٗۚ وَرَهۡبَانِيَّةً ٱبۡتَدَعُوهَا مَا كَتَبۡنَٰهَا عَلَيۡهِمۡ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ رِضۡوَٰنِ ٱللَّهِ فَمَا رَعَوۡهَا حَقَّ رِعَايَتِهَاۖ فَ‍َٔاتَيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنۡهُمۡ أَجۡرَهُمۡۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ٢٧﴾.

الله أ بعد از نوح و ابراهیم -علیهما السلام- پیامبران دیگرش را مبعوث نمود و دلایل واضح و براهین روشن را با ایشان نازل کرد، به تعقیب ایشان عیسی بن مریم ÷ را فرستاد و انجیل را بر او نازل فرمود. اوتعالی در دل‌های نصرانیان پیروان عیسی ÷ نرمی و شفقتی را مقرّر داشت، اما در دین خود غلوّ کردند و رهبانیتی را بدون دلیل شرعی ایجاد کردند و از خود ساختند که خداوند بزرگ بر آنان فرض کرده بود. با انجام این کار به پروردگار اخلاص نداشتند و ارادۀ آنان خوشنودی مردم بود؛ از این‌رو نه به گونۀ مشروعش ادا کردن و نه به اقامۀ حقّش پرداختند، بلکه مشروع را به بدعت تغییر دادند. خداوند سبحان از میان آنان پاداش مؤمنان را طبق اعمال‌شان عطا کرد، اما بیشتر آنان از حد گذشتند، از اطاعت الهی خارج شدند و رسول خدا محمّد ج را تکذیب نمودند. این است ثمرۀ تلخ بدعت و عاقبت کسانی که شریعت الهی را ترک نمایند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَءَامِنُواْ بِرَسُولِهِۦ يُؤۡتِكُمۡ كِفۡلَيۡنِ مِن رَّحۡمَتِهِۦ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ نُورٗا تَمۡشُونَ بِهِۦ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٢٨﴾.

ای مؤمنان! خداوند أ را مراقب خویش بدانید و با عمل به طاعات و اجتناب از معاصی از او بترسید،‌ آنگاه رحمتش را برای‌تان دو‌چندان می‌سازد. این حکم،‌ کسانی از نصرانیان را شامل می‌شوند که نخست به عیسی ÷ سپس به محمّد ج ایمان آورده‌اند و در نزد پروردگار منّان دو مزد و پاداش را در‌می‌یابند. اما حق‌تعالی برای مؤمنان نوری را مقرّر داشت که با آن هدایت می‌شوند و حق را در‌می‌یابند. همچنان گناهان‌شان را مورد آمرزش قرار می‌دهد؛ چون اوتعالی برای بندگان گنهکار می‌آمرزد و به کسانی که توبه کنند و به سویش باز گردند مهربان است.

﴿لِّئَلَّا يَعۡلَمَ أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ أَلَّا يَقۡدِرُونَ عَلَىٰ شَيۡءٖ مِّن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٢٩﴾.

خداوند منّان با این پاداش دو‌چند و مزد عظیم بر شما احسان کرده تا اهل کتاب که به محمّد ج کافر شدند بدانند که در توان‌شان نیست چیزی از فضل و احسان الهی را برای خود اختصاص دهند و یا برای دیگران ببخشند و نیز بدانند که فضل و خوبی همه به دست خداوند أ و در تصرّف اوست، به هر که از بندگانش بخواهد می‌بخشاید و از هر که بخواهد بازمی‌دارد. اوتعالی بر بندگانش فضل فراگیر دارد و نعمت‌های زیادی می‌بخشد.

سورۀ مجادله

مدنی است؛ ترتیب آن 58؛ شمار آیات آن 22

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿قَدۡ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوۡلَ ٱلَّتِي تُجَٰدِلُكَ فِي زَوۡجِهَا وَتَشۡتَكِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ يَسۡمَعُ تَحَاوُرَكُمَآۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٌ ١﴾.

ای پیامبر! به یقین که خداوند أ سخن (خوله بنت ثعلبه) را که دربارۀ شوهرش (اوس بن صامت) به تو مراجعه کرده بود شنید، آنگاه که شوهرش با سخن: تو بر من در حرمت نکاح مانند کمر مادرم هستی، از وی ظهار کرده بود و آن زن از پروردگارش می‌خواست مشکلش را مرفوع سازد. ای پیامبر! حق‌تعالی گفتگوی شما را می‌شنود، یقیناً او شنوا و بیناست و گفتگوی آن دو را از فوق هفت آسمان شنید.

﴿ٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَآئِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَٰتِهِمۡۖ إِنۡ أُمَّهَٰتُهُمۡ إِلَّا ٱلَّٰٓـِٔي وَلَدۡنَهُمۡۚ وَإِنَّهُمۡ لَيَقُولُونَ مُنكَرٗا مِّنَ ٱلۡقَوۡلِ وَزُورٗاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٞ ٢﴾.

مسلمانانی که از همسران خویش ظهار می‌کنند؛ یعنی مرد برای همسرش می‌گوید: تو در حرمت بر من مانند کمر مادرم هستی، درست این است که همسران‌شان مادران آنان نمی‌باشند،‌ بلکه زنان‌شان هستند و مادران آنان زنانی اند که تولّدشان کرده‌اند. بنابراین ظهار‌کنندگان،‌ دروغ بزرگ و بهتان ناپسندی را بر زبان می‌آورند. با آن هم خداوند أ از کسی که خطا‌کاری کند و سپس باز گردد عفو می‌کند و به کسی که حرامی را مرتکب شود و باز توبه نماید می‌آمرزد؛ از آن‌رو که آمرزشی فراگیر دارد.

﴿وَٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِن نِّسَآئِهِمۡ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُواْ فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مِّن قَبۡلِ أَن يَتَمَآسَّاۚ ذَٰلِكُمۡ تُوعَظُونَ بِهِۦۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٣﴾.

کسانی که ظهار می‌کنند و همسران خود را به این طریق بر خویشتن حرام می‌سازد، باز از سخن‌شان برمی‌گردد و جماع با همسران خود را قصد دارند، لازم است کفّاره بدهند. کفّاره این است که یک برده یا کنیز مؤمنی را پیش از جماع با همسرش آزاد کنند و این حکم از جانب خداوند حکیم و خبیر برای کسی است که از همسرش ظهار کند. آری!‌ حق‌تعالی شما را با این بیان نصیحت و رهنمایی می‌کند و این کفّاره برای کسی است که ظهار از وی صدور یافته باشد. هیچ چیزی بر خداوند بزرگ پنهان نیست، هیچ امری از او غایب نمی‌ماند و همه را مطابق اعمال‌شان جزا می‌دهد.

﴿فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ شَهۡرَيۡنِ مُتَتَابِعَيۡنِ مِن قَبۡلِ أَن يَتَمَآسَّاۖ فَمَن لَّمۡ يَسۡتَطِعۡ فَإِطۡعَامُ سِتِّينَ مِسۡكِينٗاۚ ذَٰلِكَ لِتُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۚ وَتِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِۗ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٤﴾.

امّا چون پولی نداشت که با آن برده‌ای را آزاد کند، لازم است پیش از اینکه با همسرش جماع کند دو ماه پیا‌پی روزه بگیرد و چون از روزه‌گرفتن به عذر شرعی ناتوان بود شصت مسکین را طعام دهد؛ طوری که سیر شوند. بیان این احکام برای آن است که با انجام اوامر و اجتناب از نواهی الهی به او تعالی، و با متابعت از پیامبر ج به آن حضرت ایمان آوردید. این‌ها حدود خداوندی است که روا نیست از آن تجاوز شود. هر که از حدود الهی تجاوز کند مرتکب جرم بزرگی شده و کسی که از آن‌ها انکار ورزد به عذاب درد‌آور و جاودان آتش دوزخ گرفتار می‌شوند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ كُبِتُواْ كَمَا كُبِتَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ وَقَدۡ أَنزَلۡنَآ ءَايَٰتِۢ بَيِّنَٰتٖۚ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٥﴾.

کسانی که با خداوند أ و پیامبرش به جنگ می‌پردازند،‌ با شریعت الهی مخالفت می‌نمایند و از آیین الهی جلو‌گیری می‌کنند به شکست مواجه گردند و خوار ساخته می‌شوند؛ چنان‌چه مردمی که قبلاً با خداوند أ و رسولش محاربه کردند خوار شدند. حق‌تعالی آیات مُحکم، حجّت‌های واضح و دلایل آشکاری را نازل کرده که در آن صلاح بندگان و شهرها وجود دارد. امّا کسی که انکار ورزد و آیات الهی را رد نماید به عذاب خوار کننده‌ای در آتش دوزخ گرفتار می‌شوند.

﴿يَوۡمَ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْۚ أَحۡصَىٰهُ ٱللَّهُ وَنَسُوهُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ٦﴾.

از آن وقت یاد کن که خداوند متعال امّت‌های نخستین و واپسین را برای روز قیامت جمع می‌آورند و ایشان را به اعمال خوب و بدی که انجام داده‌اند و خداوند أ آن اعمال را در نامه‌های‌شان نوشته آگاهی می‌سازد. مردم از هولناکی بزرگ آن روز اعمالی را که انجام دادند فراموش کرده‌اند. امّا حق‌تعالی به هر‌چیز آگاه است، هیچ امری بر او پنهان نیست، راز‌ها را می‌داند و به آنچه در ضمایر وجود دارد علماً احاطه دارد.

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ مَا يَكُونُ مِن نَّجۡوَىٰ ثَلَٰثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمۡ وَلَا خَمۡسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمۡ وَلَآ أَدۡنَىٰ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمۡ أَيۡنَ مَا كَانُواْۖ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُواْ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ٧﴾.

آیا ندانستی که خداوند أ به همه موجودات آسمان‌ها و زمین داناست. هیچ سه نفری از مردم به امر پنهانی راز نمی‌گویند مگر اینکه اوتعالی چهارم‌شان است، راز‌شان را می‌داند و چیزی را که گفته‌اند بر او پوشیده نیست. هیچ پنج نفری به سخنی نجوا نمی‌کنند مگر اینکه اوتعالی علماً ششم‌شان است و هیچ کدام از سخنان پوشیده و آشکار‌شان بر او پوشیده نیست. به همین‌گونه اگر تعداد‌شان کمتر یا زیادتر از این باشد، بازهم اوتعالی علماً با ایشان است؛ با وجود اینکه بر عرش استوا دارد و از مخلوقاتش جداست. حق‌تعالی همه مردم را در روز قیامت به اعمال خوب و بدی که انجام دادند خبر می‌دهد؛ زیرا او به هر چیز آگاه و به هر رازی داناست.

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ نُهُواْ عَنِ ٱلنَّجۡوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُواْ عَنۡهُ وَيَتَنَٰجَوۡنَ بِٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ وَمَعۡصِيَتِ ٱلرَّسُولِۖ وَإِذَا جَآءُوكَ حَيَّوۡكَ بِمَا لَمۡ يُحَيِّكَ بِهِ ٱللَّهُ وَيَقُولُونَ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ لَوۡلَا يُعَذِّبُنَا ٱللَّهُ بِمَا نَقُولُۚ حَسۡبُهُمۡ جَهَنَّمُ يَصۡلَوۡنَهَاۖ فَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٨﴾.

ای پیامبر! آیا یهودیان را ندیدی که خداوند أ آنان را از راز گفتن به سخنانی که نسبت به مسلمانان شک برانگیز و اشتباه‌آور است نهی کرد، اما آنان به انجام نهی الهی باز گشتند؛ یعنی به سخنان بد راز گفتند،‌ ستمگری کردند و از حد تجاوز نمودند؟ همچنان آنگاه که یهودیان به نزدت - ای پیامبر- می‌آیند به غیر روشی که خداوند أ تحیه را مشروع ساخته با مقولۀ «السّام علیک»؛‌یعنی مرگ بر تو باد، بر تو تحیه تقدیم می‌دارند. بعد از آن می‌گویند: اگر محمّد ج رسول حق‌تعالی است، پس چرا خداوند أ ما را با این سخن عذاب و مجازات نمی‌کند؟ خداوند سبحان خبر داد که عذاب آنان را به آتش دوزخ به تأخیر انداخته که بسیار سوزنده و بد‌جایگاهی است و قرارگاه بدی برای کافران است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَنَٰجَيۡتُمۡ فَلَا تَتَنَٰجَوۡاْ بِٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ وَمَعۡصِيَتِ ٱلرَّسُولِ وَتَنَٰجَوۡاْ بِٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٩﴾.

ای مؤمنان! آنگاه که به طور راز و پوشیده سخن گفتید از سخنانی که خداوند أ حرام ساخته بپرهیزید، برابر است که به ذات خود بد باشد یا سخنی باشد که ستم بر مردم و مخالفت با پیامبر ج را به همراه داشته باشد. به اموری سخن زنید که در آن خیر و صلاح و نفعی نهفته باشد. با متابعت از پیامبر ج انجام اوامر و اجتناب از نواهی از الله تعالی بترسید؛ چون بازگشت‌تان به سوی اوست و شما را مطابق اعمال‌تان جزا می‌دهید.

«برّ» عملی است که انجامش طاعت باشد و «تقوا» ترک معصیت است.

﴿إِنَّمَا ٱلنَّجۡوَىٰ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ لِيَحۡزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَيۡسَ بِضَآرِّهِمۡ شَيۡ‍ًٔا إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١٠﴾.

سخن‌زدن به گناه و تجاوز از وسوسه‌های شیطان و معصیت خداوند رحمان است تا غم و اندوه را برای اهل ایمان به بار آورد، امّا این امور جز به ارادۀ خداوند أ به مؤمنان آزاری نمی‌رساند. مؤمنان باید تنها به پروردگار سبحان اعتماد کنند،‌ هر مسلمانی امورش را به اوتعالی بسپارد و او در تصرّف به امور کافی است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَكُمۡ تَفَسَّحُواْ فِي ٱلۡمَجَٰلِسِ فَٱفۡسَحُواْ يَفۡسَحِ ٱللَّهُ لَكُمۡۖ وَإِذَا قِيلَ ٱنشُزُواْ فَٱنشُزُواْ يَرۡفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ دَرَجَٰتٖۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ١١﴾.

ای مؤمنان! آنگاه که در مجالس به فراخ سازد جای برای دیگران امر شدید به این کار اقدام کنید و برای برادر مسلمان خویش جایی را فرخ سازید. خداوند أ روزی و پاداش را بر شما مزید می‌گرداند و آنگاه که به کدام منظوری از شما خواسته شد که از مجلس بر‌خیزد اجابت کنید،‌ حق‌تعالی جایگاه مؤمنان را بر حسب ایمان‌شان بالا می‌برد و برای اهل علم، به خاطر فضیلت علم درجات زیادی از بزرگی و پاداش می‌بخشد. پروردگار بزرگ به هر چیز داناست و هیچ امر پوشیده‌ای از او پنهان نمی‌باشد، هیچ کاری را فراموش نمی‌کند و به زودی از اعمال همگان حساب می‌گیرد.

در این آیه ذکر علم بعد از آداب مجالس آمده است؛ زیرا اهل علم در آداب و اخلاق دانشمند‌تر‌اند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَٰجَيۡتُمُ ٱلرَّسُولَ فَقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَةٗۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ وَأَطۡهَرُۚ فَإِن لَّمۡ تَجِدُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ١٢﴾.

ای کسانی که به خداوند و پیامبرش ایمان آوردید! راز‌گفتن با پیامبر ج را اراده داشتید پیش از آن صدقه دهید. این امر در زیادت حسنات به خیر شماست و شما را با کفّارۀ خطاها از گناه پاک می‌سازد. امّا اگر توان ادای صدقه را نداشتید بر شما گناهی نیست؛ زیرا خداوند أ از شما عفو نموده است، چون او آمرزش فراگیر دارد، به سبب آمرزش خود ملامت نمی‌کند و به سبب رحمتش مجازات نمی‌نماید.

﴿ءَأَشۡفَقۡتُمۡ أَن تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَٰتٖۚ فَإِذۡ لَمۡ تَفۡعَلُواْ وَتَابَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٣﴾.

آیا اگر قبل از راز‌گفتن با پیامبر ج صدقه دهید از فقر و تنگدستی می‌ترسید؟ اگر صدقه نکردید -و حق‌تعالی در این امر با شما آسانگیری کرد- بر نماز‌های فرض مداومت کنید،‌ زکات فرض را ادا نمایید و در طاعت خداوند أ و پیامبرش بکوشید. الله تعالی بر همه اعمال شما آگاه است و از شما به طور قطع حساب می‌گیرد،‌ پس او را مراقب خویش بدانید.

﴿۞أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ تَوَلَّوۡاْ قَوۡمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مَّا هُم مِّنكُمۡ وَلَا مِنۡهُمۡ وَيَحۡلِفُونَ عَلَى ٱلۡكَذِبِ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٤﴾.

آیا از عملکرد منافقان در تعجّب نمی‌شوی که خداوند أ و رسولش را رها کرده یهودیان را به دوستی می‌گیرند؟ این در حالی است که منافقان نه از مسلمانان اند و نه از یهودیان می‌باشند، امّا سوگند یاد می‌کنند که از جملۀ یهودیان اند. آنان دروغگوی اند و خود می‌دانند که در سخن و سوگند خویش دروغ می‌گویند.

﴿أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدًاۖ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٥﴾.

خداوند أ برای این گروه از منافقان عذاب درد‌آور و سختی در آتش دوزخ مهیّا کرده است؛ زیرا عمل بد و فعل زشتی را انجام داده‌اند بنابراین در پایین‌ترین طبقۀ دوزخ قرار دارند.

﴿ٱتَّخَذُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ جُنَّةٗ فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ١٦﴾.

منافقان با سوگند‌های خود خویشتن را از قتل نجات دادند؛ بدین‌گونه که در ظاهر حال سوگند خوردند که مؤمن اند، هرچند در نفس الامر کافر اند و دیگران را از اسلام باز داشتند. از همین است که عذاب خوار‌کننده‌ای در آتش دوزخ برای آنان آماده شده و در دنیا و آخرت زیانمند شدند.

﴿لَّن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡ‍ًٔاۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ١٧﴾.

دارایی و فرزندان در روز قیامت هرگز از منافقان دفاع کرده نمی‌تواند و آنان را از عذاب بازنمی‌دارد، بلکه در آتش دوزخ و در جایگاه بدی ماندگار هستند و به عذاب، خواری و ذلّت گرفتار می‌باشند.

﴿يَوۡمَ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعٗا فَيَحۡلِفُونَ لَهُۥ كَمَا يَحۡلِفُونَ لَكُمۡ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُمۡ عَلَىٰ شَيۡءٍۚ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ ١٨﴾.

آنگاه که خداوند أ در روز قیامت منافقان را از قبر‌ها زنده می‌سازد، همچنان که در دنیا برای‌تان سوگند می‌خورند، اکنون هم سوگند یاد می‌کنند که مؤمن هستند و باور دارند که این قرار و سوگند برای آنان فایده دارد. امّا این اندیشۀ آنان گمانی بیش نیست، به خداوند منّان افترا می‌کنند و در ایمان خویش در نزد پروردگار مهربان درزغ گفته‌اند.

﴿ٱسۡتَحۡوَذَ عَلَيۡهِمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَأَنسَىٰهُمۡ ذِكۡرَ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱلشَّيۡطَٰنِ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ١٩﴾.

شیطان بر آنان غلبه کرده به طوری که طاعت خداوند رحمان را ترک کرده‌اند و از ایمان و قرآن اعراض نموده‌اند. بنابراین از پیروان شیطان گردیدند و هر که از شیطان اطاعت نماید زیانمند شده، به لعنت و عذاب و به مجازات و خشم الهی رو‌برو خواهد شد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡأَذَلِّينَ ٢٠﴾.

کسانی که خداوند أ و پیامبرش را نافرمانی کردند و با دین الهی به جنگ پرداختند،‌ در دنیا با اهل ذلّت و خواری و با بد اعمالان و اشرار همراه‌اند و در آخرت به آتش دوزخ گرفتار می‌شوند.

﴿كَتَبَ ٱللَّهُ لَأَغۡلِبَنَّ أَنَا۠ وَرُسُلِيٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ ٢١﴾.

خداوند أ مقدّر کرده و حکم نموده است که پیروزی از آن او و رسولش می‌باشد؛ زیرا اوتعالی نیرومند است، چنان‌که هیچ چیزی او را ناتوان کرده نمی‌تواند،‌ کسی با او توان مقابله را ندارد و بر او پیروز نمی‌شود. او ذات عزیزی است که همه تحت قهر او هستند و هر که با او بجنگد خوارش می‌سازد.

﴿لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوۡ كَانُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ أَوۡ أَبۡنَآءَهُمۡ أَوۡ إِخۡوَٰنَهُمۡ أَوۡ عَشِيرَتَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٖ مِّنۡهُۖ وَيُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱللَّهِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٢٢﴾.

قومی را سراغ نخواهی داشت که به خداوند أ ایمان داشته باشند، و او را به شایستگی عبادت کنند،‌ به لقایش در روز قیامت باورمند باشند و محبت خویش را برای اوتعالی خالص ساخته باشند،‌ امّا با آنهم با کسانی که با خداوند أ و رسولش می‌ستیزند دوستی بر قرار سازند. نباید با کافران که با الله أ و رسولش می‌ستیزند دوستی و محبت داشته باشند، اگر‌‌چه پدران، فرزندان،‌ برادران و خویشاوندان‌شان باشند،‌ زیرا پیوند دینی از پیوند خویشاندانی ارزشمندتر است و دوستی و موالات باید به خاطر خدا و رسولش باشد، نه بر مبنای روابط نسبی و خویشاوندی. کسانی که دوستی و دشمنی‌شان به خاطر خداوند أ است حق‌تعالی ایمان را در دل‌های‌شان رقم زده و در ضمیر‌شان محکم و راسخ ساخته است،‌ آنان را به نصرت خویش نیرو بخشیده،‌ با رعایت خویش حمایت نموده،‌ به ولایتش مخصوص ساخته و به بهشت‌های پر از نعمت در نیکو‌ترین جایگاه و زیبا‌ترین قرار‌گاه داخل می‌سازد؛ در بهشت‌هایی که جوی‌های بسیار، درختان نیکو و میوه‌های پاکیزه دارد و در آنجا همیشه ماندگار‌اند. خداوند أ از ایشان خوشنود است، ‌در درازنای زمان بر ایشان خشم نمی‌کند و ایشان هم از حق‌تعالی خوشنود‌اند؛ زیرا پاداش نیکو و جایگاه باکرامتی را با بزرگ‌ترین مزد و بهترین نعمت‌ها دریافته‌اند. این مؤمنان سر‌افراز و کامگار،‌ بندگان مُخلص و حزب کامیاب الله أ هستند؛ کسانی که کامیابی بزرگ و جایگاه راستینی را در بهشت جاودان در نزد پادشاه با اقتدار و منّان به دست آورده‌اند.

سورۀ حشر

مدنی است؛ ترتیب آن 59؛ شمار آیات آن 24

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ١﴾.

همه موجوداتی که در آسمان‌ها و زمین اند الله أ را به اوصاف کمال مقدّس می‌شمارند،‌ به همه ستایش‌ها می‌ستایند و از آنچه سزاوار او نیست منزّه می‌دانند. او خداوندی است که در پادشاهی و حکمش غالب است،‌ چنان‌که مغلوب کسی نمی‌شود،‌ دیگران زیر قهر او قرار دارند و هیچ‌کس با او برابری کرده نمی‌تواند. اوتعالی در صُنع و تصویر‌گری،‌ در اختیار و تدبیر و همچنان در شریعتش باحکمت است هر چیزی را با استحکام و نیکویی در جایگاهش قرار می‌دهد.

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَخۡرَجَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مِن دِيَٰرِهِمۡ لِأَوَّلِ ٱلۡحَشۡرِۚ مَا ظَنَنتُمۡ أَن يَخۡرُجُواْۖ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمۡ حُصُونُهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَأَتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِنۡ حَيۡثُ لَمۡ يَحۡتَسِبُواْۖ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعۡبَۚ يُخۡرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيۡدِيهِمۡ وَأَيۡدِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ فَٱعۡتَبِرُواْ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ ٢﴾.

الله أ خداوندی یگانه‌ای است که کافران تکذیب‌گر یهود بنی نضیر سکنی‌گزین در اطراف مدینه را از جزیرة العرب به سوی شام بیرون ساخت، در حالی که مسلمانان گمان نداشتند یهودیان به این زودی،‌ با ذلّت و شکست و با خواری و اهانت بیرون شوند؛ از آن‌رو که نیروی جنگی و اسلحۀ فراوان داشتند و می‌پنداشتند که قلعه‌ها آنان را از نیروی الهی و لشکر پروردگار نگه می‌دارد. اما خداوند أ از جایی که به دل‌شان خطور نمی‌کرد و به خیال آنان نمی‌آمد دوستانش را بر آنان مسلّط کرد‌، ترس و سستی را در دل‌های آنان القا کرد،‌ چنان‌که در هنگام خروج خویش منازل‌شان را هم به دست خود خراب می‌کردند و هم به دست مؤمنان تخریب می‌شد. اکنون ای صاحبان فطرت‌های معتدل،‌ بصیرت‌های زنده و عقل‌های برتر! از این حادثۀ بزرگ پند گیرید؛ زیرا مصیبت‌های یک قوم در نزد قومی دیگری فواید و پند‌هایی را به جا می‌گذارد و اخبار گذشتگان برای آیندگان مایۀ اعتبار و اندرز می‌باشد.

﴿وَلَوۡلَآ أَن كَتَبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡجَلَآءَ لَعَذَّبَهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابُ ٱلنَّارِ ٣﴾.

اگر خداوند متعال بیرون‌شدن از دیار اطراف مدینه به سوی شام را بر آنان مقدّر نمی‌کرد،‌ یقیناً آنان را در دنیا با قتل و اسارت به دست مسلمانان عذاب می‌کرد و در آخرت هم به عذاب دوزخ و خشم خداوند جبّار گرفتار می‌شدند؛ زیرا وقتی با پروردگار به جنگ برخاستند، اوتعالی امان را از آنان سلب کرد،‌ از وطن‌ها بیرون‌شان نمود و خشم الهی بر آنان فرود آمد.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ شَآقُّواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۖ وَمَن يُشَآقِّ ٱللَّهَ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٤﴾.

این ذلّت و خواری که یهودیان در دنیا بدان گرفتار آمدند و عذابی که الله تعالی برای آنان در آخرت مهیّا داشته بدان سبب است که به عصیانگری دست زدند و به فرمان خداوند و رسولش مخالفت کردند کسی که با حق‌تعالی مخالفت کند، از امرش خلاف ورزد و با او به جنگ بپردازد،‌ بدون شک حق‌تعالی شدید‌ترین مجازات و کامل‌ترین عذاب را برایش آماده می‌کند.

﴿مَا قَطَعۡتُم مِّن لِّينَةٍ أَوۡ تَرَكۡتُمُوهَا قَآئِمَةً عَلَىٰٓ أُصُولِهَا فَبِإِذۡنِ ٱللَّهِ وَلِيُخۡزِيَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ٥﴾.

ای مسلمانان! هیچ درخت خرمایی را نه قطع کردید و نه بر ساقش نگه داشتید، مگر خداوند أ برای‌تان اجازه داده و شما را بدان امر نموده است. شما در این امر از حق‌تعالی اطاعت نمودید و در قطعش زیاده‌روی نکردید و برای این بوده که یهودیان ذلیل و خوار شدند؛ زیرا اوتعالی شما را به قطع سوختاندن درختان آنان مسلّط ساخت و آنان توان دفاع از آن‌ها را نداشتند.

﴿وَمَآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنۡهُمۡ فَمَآ أَوۡجَفۡتُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ خَيۡلٖ وَلَا رِكَابٖ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُۥ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ٦﴾.

آنچه خداوند أ برای پیامبرش از اموال بنی النّضیر بخشید، به سبب تلاش و مبارزۀ‌تان بر بالای اسپان و شتران بود، بلکه الله تعالی پیامبرانش را بر هر که از دشمنانش که بخواهد مسلط می‌سازد؛ بدین‌گونه که شکست می‌خورند و بدون جنگ به دست شما تسلیم می‌شوند. خداوند أ بر هر کاری تواناست و از جمله کافران را در جنگ با دوستان خویش به شکست مواجه می‌سازد.

﴿مَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ كَيۡ لَا يَكُونَ دُولَةَۢ بَيۡنَ ٱلۡأَغۡنِيَآءِ مِنكُمۡۚ وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ عَنۡهُ فَٱنتَهُواْۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ٧﴾.

آنچه را خداوند منّان از اموال اهل شهر‌ها- بدون اینکه مؤمنان برای جنگ با کافران بر پشت اسپان و شتران سوار شدند- برای پیامبرش بخشید در اختیار خداوند أ و رسول اوست که در راه‌هایی چون: امور خیر عامّه که نفع همه مسلمانان است، برای خویشاوندان رسول الله ج، کودکانی که پدران‌شان را از دست داده‌اند، نیاز‌مندان، مسکینان و مسافرانی که از مال و دارایی‌شان دور مانده‌اند و نفقه‌ای ندارند به مصرف می‌رسد. این امر برای آن مشروع شده که مال و دارایی‌شان دور مانده‌اند و نفقه ندارند به مصرف می‌رسد. این امر برای آن مشروع شده که مال و ثروت در یک جای احتکار نشود، تنها میان ثروتمندان دست به دست نگردد و فقیران از آن محروم نمانند. مال و ثروتی را که پیامبر ج به شما می‌دهد، یا حکمی را که برای‌تان مشروع می‌سازد بپذیرید، بدان عمل کنید و از پیش‌گرفتن و انجام اموری که شما را از آن منع کرده دوری جویید. با عمل به طاعات و ترک معاصی از عذاب خداوند أ برحذر باشد؛ زیرا حق‌تعالی برای عصیانگران عذاب سختی را مهیّا کرده و مخالفان شریعتش را به سختی مجازات می‌نماید.

این آیه اصل بزرگی است که به وجوب پیروی از سنّت رسول الله ج اعم از سنّت قولی، فعلی و تقریری دلالت می‌کند.

﴿لِلۡفُقَرَآءِ ٱلۡمُهَٰجِرِينَ ٱلَّذِينَ أُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَأَمۡوَٰلِهِمۡ يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗا وَيَنصُرُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ٨﴾.

از همین مال برای مهاجران فقیری که از مکّه بیرون رانده شده‌اند و از وطن و دارایی‌شان محروم ساخته شدند داده می‌شود؛ ایشان که در راه خدا، به منظور خوشنودی حق‌تعالی و یاری دین و پیامبرش بیرون شده‌اند. آری! ایشان صداقت گفتار خویش را با کردار به اثبات رساندند و به سخنان‌شان عمل کردند و این امر به درستی ایمان‌شان گواهی می‌دهد.

﴿وَٱلَّذِينَ تَبَوَّءُو ٱلدَّارَ وَٱلۡإِيمَٰنَ مِن قَبۡلِهِمۡ يُحِبُّونَ مَنۡ هَاجَرَ إِلَيۡهِمۡ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمۡ حَاجَةٗ مِّمَّآ أُوتُواْ وَيُؤۡثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ وَلَوۡ كَانَ بِهِمۡ خَصَاصَةٞۚ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٩﴾.

کسانی از انصار که پیش از قدوم مهاجران در مدینه سکنی‌گزین بودند، به آمدن مهاجران شادمان شدند، از اینکه خداوند أ از مال فَئ و دیگر چیزها برای مهاجران بخشیده حسد نمی‌ورزند،‌ بلکه ایشان را در بخشش و طعام بر خویشتن مقدّم می‌دارند؛ هرچند به شدّت نیازمند باشند. کسانی که خداوند أ ایشان را از بُخل و منع احسان سالم نگه داشته و سخاوتمند و صاحب جود ساخته است، به راستی که رضای الهی و همه کامیابی‌ها را به دست آورده و از آتش دوزخ نجات یافته‌اند.

﴿وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ ١٠﴾.

امّا مؤمنانی که بعد از مهاجران و انصار می‌آیند،‌ برای خویشتن و مؤمنان پیشین از پروردگار‌شان آمرزش می‌خواهند و از حق‌تعالی می‌طلبند کینه و حسد اهل ایمان را در دل‌های‌شان جای ندهد؛ زیرا الله أ صاحب لطف است، طوری که بندگان را به امور خوشایند می‌رساند و ناخوشایندها را از ایشان باز می‌گرداند. او مهربان است که با آمرزش خطاها نواقص را جبران می‌کند و لغزش‌ها را مورد عفو قرار می‌دهد.

این آیه دلالت دارد که واجب است به صحابۀ رسول الله ج محبّت ورزیده شود، از بحث در مورد مشاجره‌های میان‌شان دوری جسته شود و به کینه توزی حمل نشود.

﴿۞أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ نَافَقُواْ يَقُولُونَ لِإِخۡوَٰنِهِمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَئِنۡ أُخۡرِجۡتُمۡ لَنَخۡرُجَنَّ مَعَكُمۡ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمۡ أَحَدًا أَبَدٗا وَإِن قُوتِلۡتُمۡ لَنَنصُرَنَّكُمۡ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ١١﴾.

آیا از عملکرد منافقان در تعجّب نمی‌شوی که برای برادران کافر خویش از قبیلۀ بنی النضیر می‌گویند: اگر شما را با پیامبر ج از مدینه بیرون کرد ما نیز به عنوان همدردی و همیاری با شما بیرون می‌شویم و هر‌گز شما را به خاطر کسی از مردم هر که باشد رها نمی‌گذاریم و اگر مسلمانان با شما بجنگند، ما نیز با شما بر ضدّ آنان بجنگیم. حق‌تعالی بر وعدۀ دروغین منافقان برای بنی النضیر گواهی می‌دهد که ادّعا و افترایی بیش نیست.

﴿لَئِنۡ أُخۡرِجُواْ لَا يَخۡرُجُونَ مَعَهُمۡ وَلَئِن قُوتِلُواْ لَا يَنصُرُونَهُمۡ وَلَئِن نَّصَرُوهُمۡ لَيُوَلُّنَّ ٱلۡأَدۡبَٰرَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ١٢﴾.

سوگند به خداوند أ که اگر پیامبر ج یهودیان را از مدینه بیرون راند، منافقان با آنان بیرون نمی‌شوند و قسم به پروردگار که اگر مسلمانان با یهودیان بجنگند، منافقان به جنگ شرکت نمی‌کنند و از آنان دفاع نمی‌نمایند و اگر فرضاً با آنان در جنگ اشتراک ورزند،‌ با شکست و قبول ذلّت می‌گریزند و فرار می‌کنند.

﴿لَأَنتُمۡ أَشَدُّ رَهۡبَةٗ فِي صُدُورِهِم مِّنَ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ ١٣﴾.

ای مؤمنان! منافقان نسبت به پروردگار جهانیان از شما بیشتر و شدید‌تر می‌ترسند؛ زیرا آنان مردمی اند که عظمت و بزرگی خداوند أ را نفهمیده‌اند و از این‌رو حقّ اوتعالی و هیبت و تعظیمش را نمی‌شناسند.

﴿يُقَٰتِلُونَكُمۡ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرٗى مُّحَصَّنَةٍ أَوۡ مِن وَرَآءِ جُدُرِۢۚ بَأۡسُهُم بَيۡنَهُمۡ شَدِيدٞۚ تَحۡسَبُهُمۡ جَمِيعٗا وَقُلُوبُهُمۡ شَتَّىٰۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡقِلُونَ ١٤﴾.

ای مسلمانان! یهودیان با شما در میدان جنگ طور روبرو نمی‌جنگند، بلکه در خانه‌ها و پشت دیوار‌ها پناه می‌جویند، در حالی که با یکدیگر خویش اختلاف دارند و به شدّت خصومت می‌ورزند. شما آنان را نمی‌اندیشند تا به یک دین جمع شوند و از حق‌تعالی اطاعت نمایند.

﴿كَمَثَلِ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ قَرِيبٗاۖ ذَاقُواْ وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٥﴾.

صفت این یهودیان مانند کافران قریش و یهودیان بنی قینقاع است؛ از آن‌رو که عاقبت عصیانگری خویش را از شکست و عذاب در دنیا دریافتند و در آخرت نیز به سخت‌ترین عذاب و هول‌انگیز‌ترین جزا گرفتار می‌شوند.

﴿كَمَثَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ إِذۡ قَالَ لِلۡإِنسَٰنِ ٱكۡفُرۡ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّنكَ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦﴾.

صفت این منافقان در فریب‌کاری با یهودیان دربارۀ جنگیدن با مسلمانان و وعدۀ یاری به دروغ و ناحق، مانند صفت شیطان است که برای انسان معصیت خداوند رحمان را زینت می‌بخشد. بعد از آن‌او را به سختی رها می‌کند و در وقت امتحان به حالش وا می‌گذارد و برایش می‌گوید: من از تو بیزارم و تو را رها می‌کنم؛ زیرا من از پروردگار مخلوقات أ می‌ترسم.

﴿فَكَانَ عَٰقِبَتَهُمَآ أَنَّهُمَا فِي ٱلنَّارِ خَٰلِدَيۡنِ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُاْ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٧﴾.

نهایت کار شیطان و انسان عصیانگر خداوند رحمان این است که اوتعالی هردو را در دوزخ که سرای خواری و اهانت است داخل می‌کند و برای همیشه در آن ماندگار خواهند بود و این جزای هر تجاوز‌گر گنهکار و ستمگر بد‌کار می‌باشد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلۡتَنظُرۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ لِغَدٖۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٨﴾.

ای مؤمنان! از خداوند أ بترسید، او را مراقب اعمال‌تان بدانید، اوامرش را انجام دهید، ‌از نواهی‌اش بپرهیزید و باید هر شخصی بیندیشید که چه اعمالی را برای روز قیامت پیش فرستاده است. با طاعت خداوند أ از خشم وی حذر کنید؛ زیرا حق‌تعالی به عملکرد‌های‌تان باخبر است، هیچ امری از او پنهان نیست و قطعاً اعمال نیک و بد شما را جزا می‌دهد.

﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ نَسُواْ ٱللَّهَ فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ١٩﴾.

همانند کسانی نباشید که طاعت الهی را ترک کردند،‌ عبادتش را فرو گذاشت کردند و حق‌تعالی هم اموری چون عمل به طاعات و اجتناب از محرّمات را که به صلاح‌شان است فراموش آنان ساخت تا اینکه در هلاکت افتادند. این گروه کسانی اند که از طاعت خداوند أ بیرون شدند، از رحمتش دور ساخته شدند و مستحقّ عذابش گردیدند.

﴿لَا يَسۡتَوِيٓ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۚ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ٢٠﴾.

اهل دوزخ که در عذاب‌ها به زنجیر کشیده‌اند و به بد‌حالی گرفتار اند، با اهل بهشت که در نعمت‌های جاودان و پاداش بزرگ قرار دارند برابر نیستند؛ زیرا اهل بهشت به بزرگ‌ترین مطلوب دست یافتند، به هر امر دلپسند نایل شده‌اند و از هر امر ناخوشایندی نجات یافتند.

﴿لَوۡ أَنزَلۡنَا هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ عَلَىٰ جَبَلٖ لَّرَأَيۡتَهُۥ خَٰشِعٗا مُّتَصَدِّعٗا مِّنۡ خَشۡيَةِ ٱللَّهِۚ وَتِلۡكَ ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ٢١﴾.

اگر با این قرآن کوهی را مخاطب قرار می‌دادیم و معنایش را می‌دانست و محتوایش را می‌فهمید، با صلابت و سختیی که دارد ذلّت، ترسناکی و فروتنی آن را از ترس خداوند أ فرا می‌گرفت. پس چگونه انسان در هنگام تلاوت این کتاب خشوع و فروتنی نمی‌کند؟! چگونه در معانی آن نمی‌اندیشد و به احکامش منقاد نمی‌شود؟!! در حالی که وجودش از گوشت و خون است و مانند کوه از صخره‌ها ساخته نشده است. این مثال‌ها را برای انسان‌ها ارائه می‌داریم تا در عظمت الهی تفکر کنند، ‌در آیاتش بیندیشند و در معجزاتش تأمل نمایند.

﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ٢٢﴾.

الله أ خداوندی است که مستحقّ بندگی و سزاوار الوهیت است، یگانه است و شریکی ندارد، پروردگاری جز او نیست، به امور آهسته و بلند،‌ حاضر و غایب و پنهان و آشکار داناست. رحمانیتش همگان را شامل است،‌ امّا به اهل طاعتش رحیم است؛ یعنی که رحمتش گنهکاران را نیز دربر می‌گیرد، امّا مزید رحمت را به کسی خاص می‌سازد که تابع رضایش باشد.

﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡجَبَّارُ ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٢٣﴾.

خداوند متعال معبود بر حقّی است که جز او خدایی وجود ندارد و روا نیست کسی غیر او پرستش شود و معبود دانسته شود. او مالک همه موجودات و تدبیر کنندۀ جهان است،‌ با تصرّف در همه مخلوقات از هر عیبی مبرّا و از هر نقصی منزّه است، سالم از هر بدی و جامع صفات کمال است، مدح و ستایش مخصوص اوست و با معجزات و آیاتی که فرستاده پیامبرانش را تصدیق کرده است. او خداوندی است که همه زیر قهرش قرار دارند، دشمنانش را در هم می‌کشند و به همه اعمال آشکار و پنهان بندگانش مراقبت دارد. او ذات عزیزی است که کسی او را مغلوب و عاجز ساخته نمی‌تواند، خداوند جبّاری است که هر کس را به آنچه اراده کند مُسخّر می‌سازد و سلطه و قهر و قدرتش بر مخلوقات عمومیت دارد. او ذات متکبّری است که صفات بزرگواری، عظمت در نام‌ها و همه ستایش‌های نیکو مخصوص اوست، از هر نقصی پاک، از هر شریکی منزّه است و بزرگتر از این است که عیبی داشته باشد.

﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡخَٰلِقُ ٱلۡبَارِئُ ٱلۡمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٤﴾.

حق‌تعالی معبود یگانه و بر حقّی است که به مقتضای حکمتش مخلوقات را از عدم آفرید و آن‌ها را به شکل‌ها و صورت‌های متفاوت در آورد. همه نام‌های نیکو و پسندیده سزاوار اوست و کمال، جلال و جمال را مخصوص خویش ساخته است. همه موجودات آسمان‌ها و زمین به تقدیس،‌ تنزیه و تمجید اوتعالی مصروف‌اند. او خداوند عزیزی است که در پادشاهی بر مخلوقات یگانه و یکتاست،‌ سخت انتقام می‌گیرد، در آنچه مقدّر کرده قهر و غلبه دارد و در حکم و تقدیر،‌ در آفرینش و صورت‌گری و در تقدیم و تأخیرش با‌حکمت است.

سورۀ ممتحنه

مدنی است؛ ترتیب آن 60؛ شمار آیات آن 13

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمۡ أَوۡلِيَآءَ تُلۡقُونَ إِلَيۡهِم بِٱلۡمَوَدَّةِ وَقَدۡ كَفَرُواْ بِمَا جَآءَكُم مِّنَ ٱلۡحَقِّ يُخۡرِجُونَ ٱلرَّسُولَ وَإِيَّاكُمۡ أَن تُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ رَبِّكُمۡ إِن كُنتُمۡ خَرَجۡتُمۡ جِهَٰدٗا فِي سَبِيلِي وَٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِيۚ تُسِرُّونَ إِلَيۡهِم بِٱلۡمَوَدَّةِ وَأَنَا۠ أَعۡلَمُ بِمَآ أَخۡفَيۡتُمۡ وَمَآ أَعۡلَنتُمۡۚ وَمَن يَفۡعَلۡهُ مِنكُمۡ فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ١﴾.

ای مؤمنان! دشمنان من و دشمنان خود اعم از کافران و منافقان را به دوستی نگیرید، طوری که اخلاصمندانه با آنان مودّت و محبّت ورزید و آنان را به رازها مسلمانان آگاه سازید. مسلّماً شما می‌دانید که آنان به رسالت الهی کافر شدند و پیامبر ج و شما را به سبب ایمان‌تان از مّکه بیرون ساختند. ای مؤمنان! اگر شما در راه خداوند أ و به منظور رضای اوتعالی هجرت کردید با دشمنان دوستی برقرار نسازید و با کسانی که با پروردگار سبحان محاربه می‌کنند محبّت و مودّت خالصانه نداشته باشید. هر که مؤمنان را کنار می‌گذارد و با کافران موالات برقرار می‌سازد به یقین که از راه هدایت گمراه شده و در بیراهه فرو رفته است.

﴿إِن يَثۡقَفُوكُمۡ يَكُونُواْ لَكُمۡ أَعۡدَآءٗ وَيَبۡسُطُوٓاْ إِلَيۡكُمۡ أَيۡدِيَهُمۡ وَأَلۡسِنَتَهُم بِٱلسُّوٓءِ وَوَدُّواْ لَوۡ تَكۡفُرُونَ ٢﴾

اگر این دشمنان شما را دریابند و دسترسی پیدا کنند،‌ با شما می‌جنگند و به قتل‌تان اقدام می‌کنند به زبان‌های خود شما را دشنام می‌دهند و آرزو می‌برند که از اسلام بر‌ گردید و مانند آنان گمراه شده به رسالت پیامبر ج کافر شوید.

﴿لَن تَنفَعَكُمۡ أَرۡحَامُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُمۡۚ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَفۡصِلُ بَيۡنَكُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ٣﴾.

اگر به خاطر خویشاوندان و فرزندان‌تان با کافران دوستی و موالات برقرار سازید،‌ در روز قیامت روابط و نسب‌ها برای شما فایده‌ای ندارد؛ زیرا در آن روز خداوند أ اهل ایمان و بندگان بُتان را از هم جدا می‌سازد؛ بدین‌گونه که مؤمنان در بهشت و کافران در آتش دوزخ قرار دارند. الله أ به کردار و گفتار‌تان اگر‌‌چه پنهان باشد آگاه است و به احوال شما باخبر می‌باشد.

﴿قَدۡ كَانَتۡ لَكُمۡ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ فِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ إِذۡ قَالُواْ لِقَوۡمِهِمۡ إِنَّا بُرَءَٰٓؤُاْ مِنكُمۡ وَمِمَّا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ كَفَرۡنَا بِكُمۡ وَبَدَا بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةُ وَٱلۡبَغۡضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَحۡدَهُۥٓ إِلَّا قَوۡلَ إِبۡرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسۡتَغۡفِرَنَّ لَكَ وَمَآ أَمۡلِكُ لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖۖ رَّبَّنَا عَلَيۡكَ تَوَكَّلۡنَا وَإِلَيۡكَ أَنَبۡنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٤﴾.

به راستی که روش ابرهیم ÷ و پیروانش برای شما بهترین نمونه‌ای است تا بدان اقتدا کنید،‌ ایشان که از قوم کافر خود و از عبادت آنان برای غیر خداوند واحد قهّار برائت جستند،‌ به نهایت درجه بر آنان انکار کردند،‌ دشمنی و کینۀ دل خویش را در گفتار و کردار برای آنان آشکار ساختند و به این عداوت تا وقتی که به عبادت پروردگار یگانه بر‌گردند ادامه دادند. اما به ابراهیم ÷ در طلب آمرزش برای پدرش اقتدا نکنید؛ زیرا این عملش قبل از اینکه به دشمنی پدرش با پروردگار آگاه شود صورت گرفته بود و چون این عداوت برایش آشکار شد از او برائت جست. بر شما لازم است خداوند متعال را بخوانید و بر او توکّل نمایید، صادقانه توبه نمایید و به او رجوع کنید؛ زیرا در نهایت همه امور در روز قیامت به او باز می‌گردد.

﴿رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ وَٱغۡفِرۡ لَنَا رَبَّنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٥﴾.

پروردگارا! ما را با ارتداد از اسلام فتنه‌ای برای کافران مگردان که به دین حق اعتماد نکنند،‌ یا اینکه آنان را نصرت مده و بر ما مسلّط مساز که بگویند: اگر اینان به حق می‌بودند مغلوب ما نمی‌شدند. خطاهای ما را بپوشان و لغزش‌های ما را نابود نما؛ زیرا تو خداوند عزیزی هستی که لشکرت مغلوب نمی‌شود و حزب تو شکست نمی‌خورد. در حکم‌ها و مقدّرات خویش با‌حکمتی،‌ همه مخلوقات را نیکو آفریدی و هر چیزی را صورت درست بخشیدی.

﴿لَقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِيهِمۡ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَۚ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ٦﴾.

ای مؤمنان!‌ به راستی ابراهیم ÷ و همراهانش نیکوترین نمونه‌ای برای شما هستند که در برائت از اهل ضلالت به ایشان اقتدا نمایید و این کار را کسی انجام می‌دهد که خیر دنیا و آخرتش را اراده داشته باشد،‌ امّا کسی که خود از راه مستقیم رو‌ گرداند و دیگران را باز دارد خداوند أ از او بی‌نیاز است و به کسی از بندگانش نیاز‌مند نیست. او در ذات و صفاتش ستوده و در حالت سختی و آسانی قابل ستایش است و هر که به او روی آورد و ثنایش گوید برایش پاداش می‌دهد.

﴿۞عَسَى ٱللَّهُ أَن يَجۡعَلَ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَ ٱلَّذِينَ عَادَيۡتُم مِّنۡهُم مَّوَدَّةٗۚ وَٱللَّهُ قَدِيرٞۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٧﴾.

ای مؤمنان! شاید خداوند متعال میان شما و کافران بعد از کینه، محبّت و بعد از جنگ، صلح برقرار سازد؛ به اینگونه که مسلمان شوند. پروردگار سبحان تواناست که دل‌های آنان را به قبول اسلام باز گشاید. او به گناهانی که پیشتر انجام داده‌اند آمرزنده است و برای کسانی که به سویش توبه کنند و بعد از عبادت بت‌ها به دینش داخل شوند مهربان است.

﴿لَّا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَلَمۡ يُخۡرِجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ أَن تَبَرُّوهُمۡ وَتُقۡسِطُوٓاْ إِلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ٨﴾.

خداوند منّان شما را از اکرام کسانی که با شما به خاطر اسلام جنگ نکرده‌اند و شما را از وطن‌های‌تان بیرون نکرده‌اند منع نکرده است، بلکه می‌تواند با آنان با عدل و احسان معامله کنید؛ زیرا حق‌تعالی عدالت پیشه‌گان در معامله و حکم را دوست می‌دارد.

در این آیه فرق معامله با کافرانی که با مسلمانان می‌جنگند و آنانی که روش مسالمت دارند آشکار می‌شود.

﴿إِنَّمَا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ قَٰتَلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَأَخۡرَجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ وَظَٰهَرُواْ عَلَىٰٓ إِخۡرَاجِكُمۡ أَن تَوَلَّوۡهُمۡۚ وَمَن يَتَوَلَّهُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٩﴾.

امّا خداوند أ شما را از دوستی و اکرام کسانی منع کرده که به خاطر ایمان‌تان با شما می‌جنگند، شما را از وطن‌های‌تان بیرون راندند و بت‌پرستان را بر شما کمک کردند. با چنین کافرانی مصالحه نکنید و با آنان ملایمت و نرمش نشان ندهید. کسانی که با اینان دوستی و موالات نمایند ستمگر اند؛ زیرا دوستی و محبت را در غیر جایگاهش به کار برده و در عهد و پیمان‌ها از حدود تجاوز کرده‌اند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا جَآءَكُمُ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ مُهَٰجِرَٰتٖ فَٱمۡتَحِنُوهُنَّۖ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِإِيمَٰنِهِنَّۖ فَإِنۡ عَلِمۡتُمُوهُنَّ مُؤۡمِنَٰتٖ فَلَا تَرۡجِعُوهُنَّ إِلَى ٱلۡكُفَّارِۖ لَا هُنَّ حِلّٞ لَّهُمۡ وَلَا هُمۡ يَحِلُّونَ لَهُنَّۖ وَءَاتُوهُم مَّآ أَنفَقُواْۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّۚ وَلَا تُمۡسِكُواْ بِعِصَمِ ٱلۡكَوَافِرِ وَسۡ‍َٔلُواْ مَآ أَنفَقۡتُمۡ وَلۡيَسۡ‍َٔلُواْ مَآ أَنفَقُواْۚ ذَٰلِكُمۡ حُكۡمُ ٱللَّهِ يَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡۖ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ١٠﴾.

ای مؤمنان! آنگاه که زن‌های با ایمانی از دیار کفر به دیار اسلام هجرت کردند و به سوی شما آمدند،‌ ایمان‌شان را امتحان کنید تا صداقت ایشان را بدانید، چون خداوند أ به نیت‌ها و حقیقت امر داناتر است. امّا آنگاه که ایمان‌شان بعد از آزمایش مورد تأکید قرار گرفت،‌ آنان را به سوی شوهران کافرشان باز نگردانید؛ زیرا به خاطر اختلاف دین بر شوهران خود حرام اند و برای شوهران‌شان به اندازۀ مهری که برای زنان پرداختند تسلیم نمایید. اگر بعد از پرداخت مهر برای شوهران‌شان با آن زنان ازدواج کنید، بر شما گناهی نیست. به نکاح زنان کافر خویش دوام ندهید و چون به دیار کفر رفتند مهر‌هایی را که برای آنان داده‌اید از کافران باز ستانید. کافران نیز حق دارند مهر‌های زنان خود را که مسلمان شده‌اند باز ستانند. این حکم و شریعت الهی است از آن متابعت کنید و بدان عمل نمایید. حق‌تعالی به امور پوشیده دانا، بر هر امر کوچک و بزرگی آگاه و در اقوال، افعال و احکامش باحکمت است.

این آیه به لزوم عدل و انصاف حتی با دشمنان کافر دلالت می‌کند.

﴿وَإِن فَاتَكُمۡ شَيۡءٞ مِّنۡ أَزۡوَٰجِكُمۡ إِلَى ٱلۡكُفَّارِ فَعَاقَبۡتُمۡ فَ‍َٔاتُواْ ٱلَّذِينَ ذَهَبَتۡ أَزۡوَٰجُهُم مِّثۡلَ مَآ أَنفَقُواْۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ ١١﴾.

اگر زنان کافر‌تان به سوی دیار کفر رفتند و کافران مهر‌های‌شان را برای‌تان تسلیم نکردند و بعد از آن بر کافران پیروزی یافتید از غنایم به اندازۀ مهر‌شان بگیرید. از خداوند أ بترسید و اوتعالی را مراقب خویش بدانید؛ یعنی بیش از آنچه پرداختید نگیرید و ادعای باطل نکنید؛ زیرا به اوتعالی ایمان آوردید و کتاب پیامبرش را تصدیق نمودید.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِذَا جَآءَكَ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ يُبَايِعۡنَكَ عَلَىٰٓ أَن لَّا يُشۡرِكۡنَ بِٱللَّهِ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا يَسۡرِقۡنَ وَلَا يَزۡنِينَ وَلَا يَقۡتُلۡنَ أَوۡلَٰدَهُنَّ وَلَا يَأۡتِينَ بِبُهۡتَٰنٖ يَفۡتَرِينَهُۥ بَيۡنَ أَيۡدِيهِنَّ وَأَرۡجُلِهِنَّ وَلَا يَعۡصِينَكَ فِي مَعۡرُوفٖ فَبَايِعۡهُنَّ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُنَّ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٢﴾.

ای پیامبر! آنگاه که گروهی از زنان به نزدت آمدند تا با تو در قبول اسلام بیعت نمایند و بر ترک شرک، پرهیز از دزدی،‌ زنا‌کاری و کشتن‌فرزندان پیمان بندند،‌ فرزندانی از زنا را به شوهران ملحق نسازند و در امور خیری که بدان دعوت می‌کنی با تو مخالفت نکنند با آنان پیمان ببند و از خداوند متعال بخواه که گناهان پیشین‌شان را بیامرزد؛ زیرا اوتعالی آمرزندۀ گناهان و پوشندۀ عیب‌هاست، به کسی که توبه کند مهربان است و کسی را که به سویش باز گردد دوست می‌دارد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَوَلَّوۡاْ قَوۡمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ قَدۡ يَئِسُواْ مِنَ ٱلۡأٓخِرَةِ كَمَا يَئِسَ ٱلۡكُفَّارُ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡقُبُورِ ١٣﴾.

ای مؤمنان! کسانی را که خداوند أ بر آنان خشم نموده به عنوان دوستان، یاوران و همرازان خود نگیرید؛ آنانی را که از رحمت پروردگار ناامید اند؛ چنان‌که کافران اهل قبرستان‌ها در آخرت از رحمت خدا ناامید هستید،‌ یا همچنان که کافران از زنده‌شدن اهل قبرها ناامید اند.

سورۀ صف

مکی است؛ ترتیب آن 61؛ شمار آیات آن 14

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١﴾.

همه مخلوقاتی که در آسمان‌ها و زمین اند الله أ را از عیب‌ها مقدّس می‌شمارند، از نقایص منزّه می‌دانند و به انواع ثنا و ستایش تمجید می‌کنند. او خداوند عزیزی است که دیگران تحت قهر او قرار دارند، هیچ‌کس بر او غالب نمی‌شود و در آفرینش و فرمان، و احکام و شریعتش با‌حکمت است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفۡعَلُونَ ٢﴾.

ای مؤمنان! چرا سخنانی را می‌‌گویید که اعمال‌تان تصدیقش نمی‌کند؛ مانند اینکه به وعده وفا نمی‌کند،‌ سخن‌های راستین نمی‌گویید و مسؤولیت‌ها را ادا نمی‌نمایید.

﴿كَبُرَ مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ أَن تَقُولُواْ مَا لَا تَفۡعَلُونَ ٣﴾.

اینکه به زبان‌های خود چیزی را بگویید که بدان عمل نکنید؛ یعنی کردار‌تان مغایر با گفتار‌تان باشد،‌ باعث خشم عظیم و غضب بزرگ پروردگار می‌شود.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِهِۦ صَفّٗا كَأَنَّهُم بُنۡيَٰنٞ مَّرۡصُوصٞ ٤﴾.

هر آینه خداوند أ مؤمنانی را که برای بلند‌بردن دینش در صفی پیوسته، مستحکم و یک‌پارچه می‌جنگند دوست می‌دارد؛ با صف یک‌پارچه‌ای که دشمن در آن نفوذ کرده نمی‌تواند و بر قوّت و همکاری‌شان دلالت می‌نماید. ایشان افرادی دلیر اند و منظّم به جنگ می‌پردازند؛ نه اینکه ترسو و پارچه پارچه باشند.

این آیه محبت خداوند أ را ثابت ساخته بر فضیلت جهاد در راه خدا دلالت می‌نماید.

﴿وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ لِمَ تُؤۡذُونَنِي وَقَد تَّعۡلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡۖ فَلَمَّا زَاغُوٓاْ أَزَاغَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ٥﴾.

از روزی یاد آور که موسی ÷ برای قوم خود گفت: به چه دلیل مرا با دشنام دادنم، مخالفت با اوامرم و نافرمانی پروردگارم اذیت می‌کنید؟ هرچند می‌دانید که مرا خداوند أ فرستاده است. امّا آنگاه که هدایت را بعد از درک آن ترک کردند و به گمراهی و سر‌کشی ادامه دادند،‌ خداوند بزرگ دل‌های آنان را از هدایت بر‌گردانید، از راهیابی به بیراهه برد و به راه حق توفیق نداد. آری! حق‌تعالی کسی را که از محدودۀ طاعت بیرون شود، از جماعت جدایی جوید،‌ روش حق را ترک نماید و از هدایت رو گرداند به حق استوار و ثابت‌قدم نمی‌دارد.

﴿وَإِذۡ قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُم مُّصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيَّ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَمُبَشِّرَۢا بِرَسُولٖ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِي ٱسۡمُهُۥٓ أَحۡمَدُۖ فَلَمَّا جَآءَهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ٦﴾.

از آنگاه یاد کن عیسی بن مریم ÷ برای قومش گفت: مرا به سوی شما فرستاده است در حالی که من تورات را که بر موسی ÷ نازل شده تصدیق می‌کنم و به درستی و راستی پیامبری که بعد از من می‌آید و نامش (احمد) و همان محمّد رسول الله ج است گواهی می‌دهم و به ایمان به وی فرا می‌خوانم. اما وقتی محمّد ج با آیات واضح و معجزه‌های آشکاری بر مشرکان مبعوث شد گفتند: آنچه را آورده‌ای جادوی آشکار،‌ سخن دروغ و ناحق است.

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُوَ يُدۡعَىٰٓ إِلَى ٱلۡإِسۡلَٰمِۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٧﴾.

هیچ‌کس از شخصی که بر خداوند أ دروغ برمی‌بندد ستمگار‌تر نیست؛ یعنی از کسی که به حق‌تعالی شریک‌، همسر و فرزندانی را نسبت دهد،‌ حال آنکه اوتعالی از چنین اوصافی بلند‌تر است. این افترا‌کننده به پیروی و انقیاد از اسلام فراخوانده می‌شود،‌ امّا از آن ابا می‌آورد. خداوند سبحان کسی را که با کفر ورزیدن بر خویشتن ستم کند،‌ به هدایت توفیق نمی‌دهد و او را به سوی صواب رهنمایی نمی‌کند؛ زیرا او در کفر و بازداشتن از راه حق از حد گذشته است.

﴿يُرِيدُونَ لِيُطۡفِ‍ُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨﴾.

این کافران اراده دارند هدایتی را که پیامبر ج بدان فرستاده شده با سخنان گنهکارانه و اوصاف دروغین خود باطل سازند؛ مثل اینکه قرآن را جادو،‌ شعر و کهانت می‌گفتند. امّا خداوند بزرگ دینش را پیروی می‌بخشد و بر خلاف خواسته‌های آنان متعالی می‌سازد؛ اگرچه برای دشمنان منکرش ناخوشایند باشد.

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ ٩﴾.

الله تعالی خداوندی است که محمّد ج را با علم نافع و عمل صالح یعنی دین اسلام فرستاده تا آن را بر هر دین دیگر تعالی برتری بخشد؛ اگر‌‌چه رفعت و بلندی دین اسلام برای مشرکان ناخوشایند باشد. آری! فرمان خداوند أ خواهی نخواهی واقع شدنی است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ تِجَٰرَةٖ تُنجِيكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ١٠﴾.

ای مؤمنان! آیا شما را به تجارت بزرگ و فایده‌ای آشکاری رهنمایی کنم که با آن از عذاب دردآور و دشواری نجات یابید؟ گویا که مؤمنان گفتند: بلی ما آن را خواستاریم.

﴿تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ١١﴾.

جواب این است که بر ایمان به خداوند أ و رسولش ثابت باشید و در راه خدا و برای بلندی دین خدا با مال و نفس جهاد کنید. اگر شما میان منافع و ضرر‌ها و میان مصالح و مفاسد فرق کرده بتوانید،‌ هریک از انواع جهاد،‌ از تجارت فناپذیر دنیا برای‌تان بهتر است.

﴿يَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡ وَيُدۡخِلۡكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةٗ فِي جَنَّٰتِ عَدۡنٖۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١٢﴾.

آنگاه که شما به این امر قیام کردید خداوند أ گناهان شما را می‌آمرزد، خطاهای‌تان را کم می‌سازد و شما را به بهشت‌هایی که از زیر درختان آن جوی‌ها جاری است و به سرا‌ها و کاخ‌هایی راحت بخش و با امنیت،‌ با طهارت و پاکیزه‌گی و با نعمت‌های همیشگی به طور جاودانه جایگزین می‌سازد. این والاترین پیروزی،‌ بلند‌ترین رستگاری و بهترین کامیابی است.

﴿وَأُخۡرَىٰ تُحِبُّونَهَاۖ نَصۡرٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَتۡحٞ قَرِيبٞۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٣﴾.

و امنیت دوست داشتنی دیگری نیز برای‌تان میسّر خواهد شد که عبارت از پیروزی و کامیابی عاجل شما بر کافران است. ای پیامبر!‌ کسانی را که به تو ایمان آوردند به همه خوبی‌‌های دنیا و آخرت چون پیروزی،‌ سر‌بلندی، سیادت،‌ زندگی پسندیده، سر‌انجام نیکو و در نهایت،‌ دخول به بهشت مژده بده.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُوٓاْ أَنصَارَ ٱللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ لِلۡحَوَارِيِّ‍ۧنَ مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِۖ فَ‍َٔامَنَت طَّآئِفَةٞ مِّنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَكَفَرَت طَّآئِفَةٞۖ فَأَيَّدۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ عَلَىٰ عَدُوِّهِمۡ فَأَصۡبَحُواْ ظَٰهِرِينَ١٤﴾.

ای مؤمنان! یاوران دین خداوند أ باشید،‌ همچنان که برگزیدگان عیسی ÷ یاوران دین الله تعالی بودند. آنگاه که عیسی ÷ از آنان پرسید: چه کسی یاور و مددگار من خواهد بود که مرا به خداوند نزدیک سازد؟ ایشان گفتند: ما یاوران توییم. بعد از آن جماعتی از بین اسرائیل بر طریقۀ حق‌تعالی استقامت ورزیدند، امّا جماعت دیگری انحراف کردند. در نتیجه خداوند أ اشخاص با استقامت را بر دشمنان‌شان از فرقه‌های نصاری پیروزی بخشید که بر همه غالب آمدند و برتری حاصل کردند.

سورۀ جمعه

مدنی است؛ ترتیب آن 62؛ شمار آیات آن 11

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡمَلِكِ ٱلۡقُدُّوسِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ١﴾.

همه موجوداتی که در آسمان‌ها و زمین اند خداوند متعال را از هر عیبی منزّه می‌دانند و از هر نقص و هر امری که سزاوار او نیست مقدّس می‌شمارند. او خداوندی است که هر چیزی را مالک است، در همه امور تصرّف دارد و تدبیر همه امور به دست اوست. هیچ‌کس در پادشاهی‌اش دخالت نمی‌کند و اوتعالی از همه عیب‌ها و نقایص منزّه است. او پروردگاری است که عزیز و غالب است،‌ بلند مرتبه و صاحب قهر است و در صُنع و تقدیر و در حکم و تدبیرش با‌حکمت است.

﴿هُوَ ٱلَّذِي بَعَثَ فِي ٱلۡأُمِّيِّ‍ۧنَ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلُ لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٢﴾.

الله تعالی خداوند یگانه‌ای است که در میان عربان که خواننده نبودند و کتاب و رسالتی را پیشتر نمی‌شناختند محمّد ج را که از نسب و سرزمین خودشان بود فرستاد. پیامبری را که آیات الهی را برای آنان می‌خواند، با قرآن و حکمت تزکیۀشان می‌کند،‌ آنان را از هر ناپاکی و عصیانگری پاک می‌سازد و آیات واضح کتاب و احادیث بابرکتش را برای‌شان آموزش می‌دهد. این در حالی است که قبل از بعثت وی، از هدایت انحراف داشتند و در گمراهی فرو رفته بودند.

﴿وَءَاخَرِينَ مِنۡهُمۡ لَمَّا يَلۡحَقُواْ بِهِمۡۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٣﴾.

همچنان خداوند أ محمد ج را به سوی مردم دیگری فرستاده که هنوز نیامده‌اند و به زودی در قبایل عرب و سایر قبایل تولّد می‌شوند. او پروردگار یگانه‌ای است که در پادشاهی‌اش غالب و کسی بر او غلبه نمی‌یابد، با قهرش بر همگان سیطره دارد و در گفتار، کردار، شریعت و صُنع خویش با‌حکمت است.

﴿ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٤﴾.

این بعثت با کرامت و بزرگی محمّدی، منّت و احسان خداوندی بر مخلوقات است. خداوند أ احسان رسالت و فضل هدایتش را به هر که از بندگانش که بخواهد عنایت می‌کند. او صاحب احسان عظیم و خیر عمیم است، فضل او رد کرده نمی‌شود، جودش قابل شمارش نیست و عطایش غیر محدود است.

﴿مَثَلُ ٱلَّذِينَ حُمِّلُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ ثُمَّ لَمۡ يَحۡمِلُوهَا كَمَثَلِ ٱلۡحِمَارِ يَحۡمِلُ أَسۡفَارَۢاۚ بِئۡسَ مَثَلُ ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥﴾.

حق‌تعالی یهودیان را که تورات را آموزش گرفتند و بعد از آن بدان عمل نکردند به خری تشبیه کرده که بر پشتش کتاب‌هایی بار شده باشد؛ طوری که نه از آن‌ها چیزی را بداند و نه بدان فایده‌مند شود. سوگند به الله أ که تشبیه بسیار زشتی برای تکذیب کنندگان آیات الهی و مخالفان رسولش وارد آمده است. خداوند أ ستمگران را به راه صواب توفیق نمی‌بخشد و به سوی هدایت رهنمایی نمی‌کند؛ زیرا سر‌کشی و گمراهی را اختیار کرده‌اند.

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ هَادُوٓاْ إِن زَعَمۡتُمۡ أَنَّكُمۡ أَوۡلِيَآءُ لِلَّهِ مِن دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٦﴾.

ای پیامبر! برای یهودیان بگو: اگر شما در دعوای خود راست می‌گویید که دوستان خدا می‌باشید؛ پس لقای خداوند أ را از طریق مرگ آرزو برید؛ زیرا هر دوست به لقای دوست خویش اشتیاق دارد و هر که کسی را دوست داشته باشد عذابش نمی‌کند.

﴿وَلَا يَتَمَنَّوۡنَهُۥٓ أَبَدَۢا بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ٧﴾.

اما یهودیان به خاطر محبّت دنیا و شهوات آن به خاطر ترس از عذاب خداوند أ در برابر اعمال بد و گناهانی که انجام داده‌اند هر‌گز مرگ را آرزو نمی‌برند. حق‌تعالی به احوال ستمگران که از حدود الهی تجاوز کرده‌اند داناست، هیچ‌یک از اعمال آنان بر او پوشیده نیست و به زودی از آنان حساب می‌گیرد.

﴿قُلۡ إِنَّ ٱلۡمَوۡتَ ٱلَّذِي تَفِرُّونَ مِنۡهُ فَإِنَّهُۥ مُلَٰقِيكُمۡۖ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٨﴾.

برای یهودیان بگو: مرگی که شما از آن می‌گریزید آنگاه که وقتش فرا رسید خواهی نخواهی به شما رسیدنی است پس آیا فرار از مرگ ممکن است؟ بعد از مرگ به سوی خداوند أ برمی‌گردید؛ به سوی خدایی که به امور پوشیده و آشکار و سرّی و علنی داناست. هیچ امر غایبی از او پنهان نمی‌ماند و از علمش هیچ چیزی فراموش نمی‌شود. بنابراین شما را به اعمال‌تان خبر داده مطابقش جزا می‌دهد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٩﴾.

ای مؤمنان! آنگاه که برای نماز جمعه اذان گفته می‌شود به منظور شنیدن خطبه و ادای نماز حاضر شوید،‌ از خرید و فروش دست کشید و اموری را که از نماز بازمی‌دارد ترک نمایید. این فرمان الهی است که شما را بدان مأمور داشته و به خیر شماست؛ زیرا پاداشی بزرگ دارد و موجب آمرزش گناهان شماست. اگر منافع‌تان را بدانید کارهایی را انجام می‌دهید که به صلاح شماست؛ مثل نماز جمعه که بر شما واجب است.

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ١٠﴾.

بعد از اینکه خطبه را شنیدید و نماز را ادا نمودید،‌ در روی زمین به طلب روزی و معیشت بروید،‌ امّا ذکر خداوند أ را در هر زمان و مکانی بسیار گویید؛ زیرا فوز و فلاح،‌ و کامیابی و رستگاری دنیا و آخرت با یاد و ذکر خداوند أ میسّر است.

﴿وَإِذَا رَأَوۡاْ تِجَٰرَةً أَوۡ لَهۡوًا ٱنفَضُّوٓاْ إِلَيۡهَا وَتَرَكُوكَ قَآئِمٗاۚ قُلۡ مَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ مِّنَ ٱللَّهۡوِ وَمِنَ ٱلتِّجَٰرَةِۚ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ١١﴾.

ای پیامبر! آنگاه که بعضی از مردم تجارت یا لهوی را ببینند پراکنده می‌شوند، تو را در حال خطبه تنها می‌گذارند و اموری فانی را بر آنچه ماندگار است ترجیح می‌دهند. برای‌شان خبر ده که آنچه در نزد خداوند أ از پاداش بزرگ و نعمت‌های جاودان وجود دارد از همه زیب و زینت دنیا و تجارت و مزخرفاتش بهتر است. حق سبحانه و تعالی بهترین بخشاینده و عطا کننده و نیکو‌ترین احسان کننده است.

سورۀ منافقون

مدنی است؛ ترتیب آن 63؛ شمار آیات آن 11

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿إِذَا جَآءَكَ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ قَالُواْ نَشۡهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُۥ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَكَٰذِبُونَ ١﴾.

ای پیامبر! آنگاه که منافقان به نزدت حضور می‌یابند،‌ با زبان‌های خود و بطور دروغ برایت می‌گویند: گواهی می‌دهیم که تو پیامبری از جانب خداوند أ فرستاده شده‌ای. حق‌تعالی می‌داند که تو پیامبرش هستی و خداوند سبحان گواهی می‌دهد که منافقان در اظهار ایمان و پوشیده ساختن کفر خویش دروغگوی‌اند؛ زیرا آنان بر خلاف واقعیت تصدیق خویش را آشکار و تکذیب‌شان را پنهان می‌سازند.

﴿ٱتَّخَذُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ جُنَّةٗ فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٢﴾.

منافقان سوگند خویش را سپری در برابر مجازات و تعزیرات دنیوی ساخته‌اند، از حق رو گشتاندند و دیگران را از دخول در اسلام باز داشتند. آری! به راستی که عمل زشت و معاملۀ بدی را انجام دادند؛ زیرا به زبان‌های خویش دروغ گفته‌اند و در دل‌های خویش کافر اند.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَفۡقَهُونَ ٣﴾.

زشتی عمل آنان بدان سبب است که اظهار ایمان کردند و کفر خویش را پنهان داشتند،‌ خداوند أ به سبب نفاق بر دل‌های آنان مُهر نهاد و در نتیجه آنان را از فهمیدن کلام خود و سخن رسولش محروم ساخت؛ چنان‌که گفتنی‌های کسی را درک نمی‌کنند.

﴿۞وَإِذَا رَأَيۡتَهُمۡ تُعۡجِبُكَ أَجۡسَامُهُمۡۖ وَإِن يَقُولُواْ تَسۡمَعۡ لِقَوۡلِهِمۡۖ كَأَنَّهُمۡ خُشُبٞ مُّسَنَّدَةٞۖ يَحۡسَبُونَ كُلَّ صَيۡحَةٍ عَلَيۡهِمۡۚ هُمُ ٱلۡعَدُوُّ فَٱحۡذَرۡهُمۡۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٤﴾.

وقتی منافقان را مشاهده نمایی، از شکل‌‌ها و قیافه‌های‌شان متعجّب می‌شوی؛ چون زبان‌های فصیح دارند،‌ امّا بر دل‌های آنان فقر ایمان مستولی شده و وجود آنان از حق وحشت دارد،‌ در حالی که بی‌خرد و نافهم‌اند. آنان را همچو چوب‌های خشک و بی‌جانی می‌بینی که به ویوار تکیه داده باشند، از آواز هر حادثه و بلایی می‌هراسند و می‌پندارند که فقط بر آنان واقع می‌شود. این بدان سبب است که بر خویشتن بد‌گمان،‌ به اعمال بد خود آشنا هستند و ترسو و زبون می‌باشند. ای مؤمنان! منافقان شدید‌ترین دشمنان شما هستند،‌ از مکر و تدبیر و فریبکاری آنان خود را نگه دارید و بر‌حذر باشید. خداوند سبحان آنان را شکست دهد، به هلاکت رساند و خوار سازد! چگونه از هدایت به گمراهی و از حق به سوی باطل انحراف می‌ورزند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ يَسۡتَغۡفِرۡ لَكُمۡ رَسُولُ ٱللَّهِ لَوَّوۡاْ رُءُوسَهُمۡ وَرَأَيۡتَهُمۡ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسۡتَكۡبِرُونَ ٥﴾.

آنگاه که مؤمنان برای منافقان می‌گویند: به حضور رسول خدا ج باز آیید و از گفتار ناپسند و کردار بد‌خویش توبه نمایید تا آنحضرت از حضور پروردگار برای شما آمرزش بخواهد، منافقان به گونۀ استهزا و بی‌اعتنایی به این سخن،‌ سر‌های خود را تکان می‌دهند و می‌بینی که از هدایت رو می‌گردانند و از حق تکبّر می‌ورزند. آری! آنان در طلب راهیابی نیستند و نصیحت را نمی‌پذیرند؛ زیرا دل‌های فاسد شده و چشم‌های نابینا دارند.

﴿سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ أَسۡتَغۡفَرۡتَ لَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تَسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ لَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ٦﴾.

ای پیامبر! اگر برای منافقان از حق‌تعالی آمرزش بخواهی یا نخواهی برابر است؛ زیرا هر‌گز خداوند أ از آنان گذشت نمی‌کند،‌ مورد عفوشان قرار نمی‌دهد و گناهان آنان را نمی‌آمرزد؛ به دلیل اینکه به دلیل کفر اصرار می‌ورزند و به تکذیب دین الهی اعتقاد دارند. خداوند سبحان کسانی را که به وی کفر ورزند، از طاعتش بیرون شوند و با پیامبر و شریعتش جنگ و مقابله کنند توفیق نمی‌بخشد.

﴿هُمُ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُواْ عَلَىٰ مَنۡ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّواْۗ وَلِلَّهِ خَزَآئِنُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَٰكِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَا يَفۡقَهُونَ ٧﴾.

منافقان کسانی اند که برای انصار مدینه می‌گویند: برای مهاجران صدقه نکنید تا به فقر و ناداری گرفتار شوند، از پیامبر ج رو گردانند و او را تنها بگذارند. آیا اینان نمی‌دانند که خزانه‌های رزق همگان در اختیار الله أ است و روزی همه موجودات آسمان‌ها و زمین را او می‌دهد؛ یعنی تنها اوتعالی روزی دهنده است،‌ او عطا‌کننده و بخشایندۀ سخاوتمندی است که نیازها باید از او خواسته شود، اما منافقان جلال الهی را نمی‌فهمند، قدرت پروردگار را درک نمی‌کنند و نمی‌دانند که چه اندازه رزق و روزی در نزد او وجود دارد؛ از این‌رو به چنین اعمالی اقدام می‌کنند.

﴿يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعۡنَآ إِلَى ٱلۡمَدِينَةِ لَيُخۡرِجَنَّ ٱلۡأَعَزُّ مِنۡهَا ٱلۡأَذَلَّۚ وَلِلَّهِ ٱلۡعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِۦ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَٰكِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَا يَعۡلَمُونَ ٨﴾.

گروه منافقان می‌گویند: وقتی از جهاد به سوی مدینه بر‌گردیم،‌ به زودی افراد باعزّت و قدرتمند ما ضعیفان و ناتوانان را از آنجا بیرون می‌سازد و با اظهار این سخن از قدرتمندان،‌ خویشتن و از ناتوانان،‌ مهاجران را قصد داشتند. حق‌تعالی به آنان خبر داد که عزّت مطلق از آن خداوند سبحان،‌ پیامبر بزرگوارش و مؤمنان پیرو محمّد ج می‌باشد. امّا منافقان این حقیقت را نمی‌دانند؛ از آن‌رو که جهالت و نادانی، بدی اعمال و بی‌خردی بر اندیشۀ آنان حاکم شده است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُلۡهِكُمۡ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٩﴾.

ای مؤمنان!‌ مال‌ها و فرزندان شما را به خود مصروف نسازد؛ همچنان که منافقان را از طاعت پروردگار جهانیان به خود مشغول ساخت. کسی که دارایی و فرزندان، وی را از عبادت پروردگارش به خود مشغول دارد؛ در قسمتش از بارگاه پروردگار زیانمند شده،‌ نصیبش از پاداش را ضایع ساخته،‌ در منافعش افراط کرده، ‌از معامله‌اش سود نبرده و کوشش وی بیهوده گشته است.

﴿وَأَنفِقُواْ مِن مَّا رَزَقۡنَٰكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوۡلَآ أَخَّرۡتَنِيٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ قَرِيبٖ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٠﴾.

ای مؤمنان! از مال و دارائیی که خداوند أ برای‌تان عطا کرده،‌ در راه اوتعالی به مصرف رسانید و صدقه کنید؛ پیش از آنکه مرگ بر شما به طور ناگهانی هجوم آورد، وقتی برای انفاق باقی نمانده باشد و زمان انجام اعمال گذشته باشد. و آنگاه با رسیدن مرگ انسان با حسُّر و تأسُّف می‌گوید: پروردگارم! چرا برایم اندکی از زمان مهلت ندادی؟ تا از ثروت و دارایی خود در راه رضای تو به مصرف می‌رساند،‌ برای خوشنودی تو می‌کوشیدم و جهاد می‌کردم و با ابرار نیکو‌کاران می‌بودم.

﴿وَلَن يُؤَخِّرَ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِذَا جَآءَ أَجَلُهَاۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١١﴾.

خداوند أ مرگ هیچ کسی را که وقت فوتش فرا رسد و عمرش به نهایت رسد به موعد دیگر مو‌کول نمی‌سازد؛ یعنی مدّت مرگ یک لحظه تقدیم و تأخیر نمی‌یابد. حق‌تعالی به اعمال و احوال شما باخبر،‌ به امور پنهانی‌تان آگاه و به نیت‌ها داناست. به طور قطع از اعمال‌تان حساب می‌گیرد؛ از این‌رو برای مرگ آمادگی بگیرید.

سورۀ تغابن

مدنی است؛ ترتیب آن 64؛ شمار آیات آن 18

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ لَهُ ٱلۡمُلۡكُ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١﴾.

همه موجودات آسمان‌ها و زمین خداوند أ را از اموری که سزاوار او نیست مقدّس می‌دانند و از معایب و نقایص منّزه می‌شمارند. آفرینش و تدبیر و تصرّف و تقدیر همه موجودات مخصوص اوتعالی است،‌ حمد و ستایش ستوده و والا که متضمن بیان عظمت و بزرگی است سزاوار او می‌باشد. او پروردگاری است که هیچ کسی او را از انجام امور ناتوان ساخته نمی‌تواند، انجام هیچ کاری در نزدش بزرگ نیست؛‌ چون قدرتش نافذ و مشیّتش جاری است.

﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ فَمِنكُمۡ كَافِرٞ وَمِنكُم مُّؤۡمِنٞۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ٢﴾.

الله تعالی خداوندی یگانه‌ای است که شما را از عدم به وجود آورد،‌ بعد از آن گروهی از شما به الوهیتش کافر شدید و گروهی دیگر به اوتعالی و پیامبرش ایمان آوردید. حق‌تعالی به اعمال‌تان آگاه و به راز‌های‌تان داناست،‌ هیچ امر مخفی از وی پنهان نیست و از عملکرد‌های شما حساب می‌گیرد.

﴿خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّ وَصَوَّرَكُمۡ فَأَحۡسَنَ صُوَرَكُمۡۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ٣﴾.

اوتعالی آسمان‌ها و زمین را پدید آورد و با‌حکمت والا و استحکام زیبایی برابر ساخت. ای مردم! شما را نیز آفرید، صورت‌های نیکو بخشید و آفرینش‌تان را بدیع ساخت. در نهایت به سویش برمی‌گردید و هر کس را بر مبنای عدل خویش مطابق عملش جزا می‌دهد.

﴿يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَيَعۡلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعۡلِنُونَۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٤﴾.

هیچ موجودی در آسمان‌ها و زمین بر الله أ پنهان نیست و به اعمال پوشیده و آشکار بندگان داناست. اوتعالی به آنچه در ضمایر خود مخفی می‌داریم علم دارد و به نیت‌ها و راز‌های دل‌های شما آگاه است.

﴿أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ نَبَؤُاْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَبۡلُ فَذَاقُواْ وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٥﴾.

آیا خبر‌های کافران در گذار زمان برای‌تان نرسیده که حق‌تعالی عاقبت اعمال و نهایت کفر آنان به پیامبران را برای آنان در دنیا چشانید،‌ امّا در آخرت نیز عذاب دوزخ و قرارگاه بدی در انتظار آنان است.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُۥ كَانَت تَّأۡتِيهِمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَقَالُوٓاْ أَبَشَرٞ يَهۡدُونَنَا فَكَفَرُواْ وَتَوَلَّواْۖ وَّٱسۡتَغۡنَى ٱللَّهُۚ وَٱللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٞ ٦﴾.

عذابی که خداوند أ آنان را در دنیا و آخرت بدان گرفتار می‌سازد بدان سبب است که پیامبران را بعد از آوردن آیات آشکار و معجزه‌های روشن تکذیب نمودند،‌ از آیات الهی انکار کردند و گفتند: چگونه همچو مردمی که همانند ما هستند نصیحت مان می‌کند؟ از این‌رو با کفر و تکذیب به پروردگار از هدایت رو گشتاندند و حق را نپذیرفتند،‌ بلکه مردم را از حق باز داشتند. خداوند سبحان هم از آنان بی‌نیازی جست و به مسلمانی آنان نیازی ندارد؛ زیرا اوتعالی به طور عام و فراگیر به هیچ کسی نیازی ندارد و در ذات، صفات، افعال و اقوالش ستوده است. او به رو گردانندگان نیازی ندارد و عمل مؤمنان را می‌ستاید؛ کافران را سزا می‌دهد و شکر‌گزاران را پاداش عطا می‌نماید.

﴿زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن لَّن يُبۡعَثُواْۚ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبۡعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلۡتُمۡۚ وَذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٧﴾.

کافران ادّعا می‌کنند که بعد از مردن هر‌گز زنده نمی‌شوند، ای پیامبر! برای آنان بگو: چنین نیست،‌ به الله تعالی سوگند کسی که شما را آفریده دوباره نیز می‌‌تواند زنده کند و کسی که شما را بمیراند زندگی نیز می‌بخشد، ‌آنگاه از شما حساب می‌گیرد،‌ به اعمال‌تان خبر می‌دهد و جزا مقرّر می‌دارد. آری! این کار بر او بسیار آسان است؛ زیرا او بر هر چیزی تواناست، اوست که شما را بار نخست به وجود آورد و تواناست شما را به زندگی دوباره باز گرداند،‌ چون باز‌گشتاندن به زندگی دوباره از آفریدن نخست آسانتر است؛ هر‌چند همه در نزد او آسان است.

﴿فَ‍َٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلنُّورِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلۡنَاۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٨﴾.

پس به آنچه خداوند أ نازل کرده ایمان آورید،‌ به پیامبر تصدیق نمایید و هدایت قرآنی را که بر محمّد ج نازل فرموده پیروی نمایید؛ زیرا حق‌تعالی به اعمال‌تان آگاه است،‌ هیچ امری از احوال‌تان بر او پوشیده نمی‌باشد و به طور قطعی از کار‌هایی که انجام دادید از شما حساب می‌گیرد.

﴿يَوۡمَ يَجۡمَعُكُمۡ لِيَوۡمِ ٱلۡجَمۡعِۖ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلتَّغَابُنِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ وَيَعۡمَلۡ صَٰلِحٗا يُكَفِّرۡ عَنۡهُ سَيِّ‍َٔاتِهِۦ وَيُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٩﴾.

از روزی فصل و جدایی میان حق و باطل یاد آور،‌ روزی که خداوند بزرگ نخستین و واپسین مردم را حاضر می‌آورد. آن روز،‌ پشیمانی انسان،‌ تأسّف اهل طغیان و زیانمندی عصیانگران است. امّا هر که به پروردگارش ایمان آورد و به طاعت مولایش عمل نماید،‌ بازگشت او به سوی بهشتی است که از زیر درخت‌های آن جوی‌ها جاری است،‌ روشنی همه کاخ‌های آن را فرا گرفته و شادمانی همه خانه‌هایش را پوشانیده است. ایشان در نعمت‌ها جاودان و ماندگار اند. این است رستگاری ابدی و بهرۀ سرمدی.

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٠﴾.

کسانی که از آیات ما انکار ورزیدند و به رسالت پیامبران تکذیب نمودند اهل آتش دوزخ اند و تا ادامۀ شب و روز سزاوار خشم خداوند جبّار اند و سوگند به پروردگار که دار قرار آنان بد جایگاهی است.

﴿مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُۥۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ١١﴾.

همه ضرر‌هایی که به انسان‌ها می‌رسد بر مبنای قضا و قدرت است. هر که به قضای پروردگارش تصدیق نماید، بر دلش آرامشی فرود می‌آید. حق‌تعالی به کسانی که به فرمان محکم و قضای مبرم پروردگار‌شان تصدیق و باور دارند داناست.

﴿وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَۚ فَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ١٢﴾.

ای بندگان! با انجام اوامر هدایت‌بخش و اجتناب از گناه و فساد، فرمان‌پذیر خداوند أ باشید و با متابعت از سنّت، پیروی از سیرت و یاری شریعت پیامبرش ج از وی اطاعت نمایید. اگر از هدایت رو گشتاندید و سرکشی را اختیار نمودید، از کفر ورزیدن‌تا به پیامبر ج ضرری نمی‌رسد؛ زیرا او شما را هم بیم داده و رهنمایی کرده، هم برحذر داشته و هم مژده داده است و جز تبلیغ واضح و توضیح راه برای روندگان مسؤولیت دیگری بر ذمّۀ‌اش نیست.

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١٣﴾.

تنها الله أ مستحقّ عبادت است؛ خداوندی که الوهیت جز برای او درست و سزاوار نیست بنابراین لازم است هر مؤمنی به او اعتماد کند، هر مسلمانی به او توکّل نماید و هر موحّدی به او روی آورد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ مِنۡ أَزۡوَٰجِكُمۡ وَأَوۡلَٰدِكُمۡ عَدُوّٗا لَّكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُمۡۚ وَإِن تَعۡفُواْ وَتَصۡفَحُواْ وَتَغۡفِرُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ١٤﴾.

ای مؤمنان! یقیناً بعضی از همسران و فرزندان‌تان دشمنان شما هستند و شما را از طاعات الهی باز می‌دارند، به انجام مُحرّمات وامی‌دارند و از عمل به واجبات مانع می‌شوند. از آنان برحذر باشید و فرمان خداوند أ را بر مراد آنان مُقدّم دارید. امّا اگر از بدی‌های آنان بگذارید، از مؤاخذۀ آنان صرف نظر کنید، پرده‌شوی‌شان نمایید و آبروی آنان را نگهدارید حق‌تعالی جزای همانندی برای شما عطا می‌نماید؛ یعنی گناهان شما را می‌آمرزد، عیب‌های‌تان را می‌پوشاند، خطا‌های شما را محو می‌کند و کمبود‌های‌تان را کامل می‌سازد.

﴿إِنَّمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَأَوۡلَٰدُكُمۡ فِتۡنَةٞۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥٓ أَجۡرٌ عَظِيمٞ ١٥﴾.

دارایی‌ها و فرزندان‌تان در حقیقت چیزی جز ابتلا و امتحانی برای شما نیستند. امتحان و آزمایشی اند که شکر‌گزاری و کفران، نا آرامی و صبر، و طاعت و معصیت شما را آشکار می‌سازد. امّا برای کسانی که شکر‌گزار باشند، به حکم الله أ صبر پیشه کنند، از فرمانش اطاعت نمایند و هیچ‌کس را بر دین وی مُقدّم نشمارند، پاداش و نعمت‌هایی که در نزد خداوند منّان وجود دارد بزرگتر و بهتر است.

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ وَٱسۡمَعُواْ وَأَطِيعُواْ وَأَنفِقُواْ خَيۡرٗا لِّأَنفُسِكُمۡۗ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٦﴾.

به اندازۀ توان در طاعت بکوشید، وحی الهی را با سمع قبول بشنوید، با انجام اوامر و پرهیز از نواهی از الله أ و رسولش اطاعت نمایید و از آنچه برای‌تان عطا کرده به منظور خوشنودی وی صدقه کنید. در نتیجه خیر و پاداش اعمال‌تان که زیادت نعمت، پاکیزگی از گناه و تحصیل ثواب است به خودتان بر‌می‌گردد. هر که از بخل سالم ماند و از مالش صدقه کرد، عطای با ارزشی را سزاوار شده، به مطلوب بزرگی دست یافته و به همه آرزو‌هایش رسیده است.

﴿إِن تُقۡرِضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا يُضَٰعِفۡهُ لَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ١٧﴾.

اگر دارایی‌های خویش را به جهت رضای خداوند بزرگ، با اخلاص و از کسب حلال، به مصرف رسانید حق‌تعالی پاداش نفقۀتان را چند برابر می‌‌سازد، صدقۀتان را بزرگ می‌نماید، گناهان شما را می‌آمزد، عیب‌های‌تان را با بخشندگی خویش می‌پوشاند. خداوند منّان، شکور است و برای صدقه‌کنندگان پاداش نیکو می‌دهد. حلیم است که جزای عصیانگران را به تأخیر می‌اندازد.

﴿عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ١٨﴾.

تنها الله أ به هر چیز غایب و حاضر، و به هر امر پوشیده و آشکاری داناست. او پروردگار عزیزی است که مغلوب نمی‌شود، حکم می‌نماید، قهر می‌کند و گفتار و کردارش به طور مطلق همه حکمت است.

سورۀ طلاق

مدنی است؛ ترتیب آن 65؛ شمار آیات آن 12

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحۡصُواْ ٱلۡعِدَّةَۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ رَبَّكُمۡۖ لَا تُخۡرِجُوهُنَّ مِنۢ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخۡرُجۡنَ إِلَّآ أَن يَأۡتِينَ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖۚ وَتِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِۚ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَقَدۡ ظَلَمَ نَفۡسَهُۥۚ لَا تَدۡرِي لَعَلَّ ٱللَّهَ يُحۡدِثُ بَعۡدَ ذَٰلِكَ أَمۡرٗا١﴾.

ای پیامبر! آنگاه که خود و پیروان مؤمنت اراده نمودید که همسران‌تان را طلاق کنید، باید طلاق را در طُهری واقع سازید که در آن جماع صورت نگرفته باشد و به استقبال عِدّه رو آورند. شمارش عِدّه را محافظت نمایید تا در صورتی که رجوع به همسران خویش را اراده کنید وقت مراجعت را بشناسید. در همه اموری که انجام می‌دهید یا ترک می‌نمایید، حق‌تعالی را مراقب بدانید و زنان خویش را آنگاه که طلاق کردید از خانه‌های اقامت‌شان بیرون نکنید تا وقتی که عدّۀ خود را تکمیل نمایند. عدّۀ زنانی که خورد‌سال، مأیوس از حیض و باردار نباشند سه حیض است. برای زنان جواز ندارد از خانه‌ها بیرون شوند، مگر آنگاه که معصیت بزرگ و آشکاری مانند زنا‌کاری را مرتکب شوند. این‌ها احکام خداوند أ است که در کتاب و سنّت بیان شده است، هر که با مخالفت از آن‌ها تجاوز نماید، خویشتن را به هلاکت افگنده و امور بیش از توانش را بر آن تحمیل کرده است. ای طلاق‌دهنده! تو نمی‌دانی شاید حق‌تعالی بعد از طلاق، امری را مقدّر کند که توقّع آن را نداشته‌ای و به همسرت رجوع نمایی.

﴿فَإِذَا بَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمۡسِكُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ فَارِقُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٖ وَأَشۡهِدُواْ ذَوَيۡ عَدۡلٖ مِّنكُمۡ وَأَقِيمُواْ ٱلشَّهَٰدَةَ لِلَّهِۚ ذَٰلِكُمۡ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّهُۥ مَخۡرَجٗا٢﴾.

آنگاه که وقت تکمیل عدّۀ همسران طلاق‌شدۀتان فرا رسید، با معاشرت نیکوی زنا‌شوییی و انفاق پسندیده به ایشان رجوع نمایید، یا با دادن حقوق کامل‌شان از آنان جدا شوید. بر طلاق و رجعت دو نفر شاهد عادل و مسلمان انتخاب نمایید و در باب ادای شهادت از خداوند أ بترسید؛ بدین‌گونه که باید به خاطر رضای خداوند أ –نه به مقصد دیگری- صورت گیرد. این‌ها احکامی است که الله أ با آن کسانی را نصیحت می‌کند که به او ایمان آوردند و به لقایش تصدیق دارند. هر که از خدا بترسد، اوامرش را به جا آورد و از نواهی‌اش اجتناب نماید، برایش از هر سختی راه بیرون‌شدنی و از هر مشکل گشایشی را مقرّر می‌دارد.

﴿وَيَرۡزُقۡهُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَحۡتَسِبُۚ وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَٰلِغُ أَمۡرِهِۦۚ قَدۡ جَعَلَ ٱللَّهُ لِكُلِّ شَيۡءٖ قَدۡرٗا ٣﴾.

هر که از پروردگارش بترسد رزق و روزی وی را از جایی آسان می‌سازد که در دلش خطور نمی‌کند و به خیالش نمی‌آید. کسی که بر پررودگارش در همه امور اعتماد کند، همه امور مهمّش را کفایت می‌کند، اندوهناکی‌اش را دور می‌سازد و او را از ملامتی نجات می‌بخشد. هر آینه فرمان خدا نهایی و اجرا‌شدنی است، چیزی از آن بیرون نمی‌ماند و هیچ مطلوبی او را عاجز کرده نمی‌تواند. حق‌تعالی برای هر امری مدّتی و برای هر بلایی اندازه‌ای را مقرّر داشته است.

﴿وَٱلَّٰٓـِٔي يَئِسۡنَ مِنَ ٱلۡمَحِيضِ مِن نِّسَآئِكُمۡ إِنِ ٱرۡتَبۡتُمۡ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَٰثَةُ أَشۡهُرٖ وَٱلَّٰٓـِٔي لَمۡ يَحِضۡنَۚ وَأُوْلَٰتُ ٱلۡأَحۡمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعۡنَ حَمۡلَهُنَّۚ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّهُۥ مِنۡ أَمۡرِهِۦ يُسۡرٗا ٤﴾.

اگر شما دربارۀ عدّۀ زن‌های طلاق‌شده‌ای که به علت کبر سنّ حیض نمی‌شوند شک نمودید، عدّۀشان را سه ماه مقرّر دارید. به همین‌گونه است حکم عدّۀ زن‌های خورد‌سالی که حیض نمی‌شوند. اما عدّۀ هر زن باردار آن است که وضع حمل نماید. کسی که از پروردگارش با عمل به مشروعات و ترک ممنوعات بترسد، امورش را آسان می‌کند و سینه‌اش را باز می‌گرداند.

﴿ذَٰلِكَ أَمۡرُ ٱللَّهِ أَنزَلَهُۥٓ إِلَيۡكُمۡۚ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يُكَفِّرۡ عَنۡهُ سَيِّ‍َٔاتِهِۦ وَيُعۡظِمۡ لَهُۥٓ أَجۡرًا ٥﴾.

ای مسلمانان! آنچه از احکام عدّه و طلاق یاد‌آوری شد، حکم خداوندی است که آن را برای‌تان بر پیامبرش نازل فرموده تا به آن دانا شوید. هر که احکام الهی را مراقبت کند، واجباتش را ادا نماید و از محرّماتش بپرهیزد گناهانش را می‌آمرزد، عیب‌هایش را می‌پوشاند، پاداش بزرگی برایش می‌بخشد و او را به بهشتش داخل می‌نماید.

﴿أَسۡكِنُوهُنَّ مِنۡ حَيۡثُ سَكَنتُم مِّن وُجۡدِكُمۡ وَلَا تُضَآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُواْ عَلَيۡهِنَّۚ وَإِن كُنَّ أُوْلَٰتِ حَمۡلٖ فَأَنفِقُواْ عَلَيۡهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعۡنَ حَمۡلَهُنَّۚ فَإِنۡ أَرۡضَعۡنَ لَكُمۡ فَ‍َٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأۡتَمِرُواْ بَيۡنَكُم بِمَعۡرُوفٖۖ وَإِن تَعَاسَرۡتُمۡ فَسَتُرۡضِعُ لَهُۥٓ أُخۡرَىٰ ٦﴾.

زن‌های طلاق‌شدۀتان را که عدّۀ خویش را می‌شمارند به اندازۀ توان خود با ملاحظۀ دارایی و ناداری خود در خانه‌های‌تان جای دهید و آنان را با سختگیری در بیرون‌شدن از خانه‌ها آزار ندهید. اگر این زنان باردار بودند، نفقۀشان نیز به خاطر بارداری تا وضع حمل بر ذمّۀتان است و آنگاه که فرزندان خویش را که از شما پیدا شده تولّد کردند در صورتی که آنان را شیر می‌دادند مزد شیر‌دهی را برای‌شان بپردازید و باید با یکدیگر با انجام همه خوبی‌ها مانند آسانگیری، بردباری و رفتار نیکو برخورد داشته باشید. امّا اگر برای مادر طفل، مزدش را نپرداختید یا او از شیر‌دادن امتناع ورزید، شاید کدام زن دیگری در بدل مزد، طفل را شیر دهد.

﴿لِيُنفِقۡ ذُو سَعَةٖ مِّن سَعَتِهِۦۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيۡهِ رِزۡقُهُۥ فَلۡيُنفِقۡ مِمَّآ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُۚ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَاۚ سَيَجۡعَلُ ٱللَّهُ بَعۡدَ عُسۡرٖ يُسۡرٗا ٧﴾.

در صورتی که شوهر دارایی زیاد داشته باشد، نفقۀ زن و فرزندش بر او لازم است، امّا بر فقیر به اندازۀ توانش بیشتر لازم نیست و نباید به اندازۀ مزدی که شخص توانگر می‌پردازد مکلّف ساخته شود؛ یعنی هر‌کدام به اندازه‌ای که حق‌تعالی برای‌شان عطا کرده مکلّف اند. شاید به زودی خداوند أ بعد از هر سختی، فراخی و بعد ا هر دشواری، گشایشی را پدید آورد. آری! بعد از ناداری دارایی و بعد از بلا آسوده‌حالی است.

﴿وَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ عَتَتۡ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِۦ فَحَاسَبۡنَٰهَا حِسَابٗا شَدِيدٗا وَعَذَّبۡنَٰهَا عَذَابٗا نُّكۡرٗا ٨﴾.

قریه‌های بسیاری بودند که از فرمان پروردگار مخالفت نمودند و پیامبرش را نافرمانی کردند، حق‌تعالی آنان را به سبب گناهانی که انجام دادند، به محنت‌ها و بلا‌های عظیم و به غم و اندوه فراوانی در دنیا گرفتار ساخت. بعد از آن در آخرت نیز در برابر اعمال ناپسندشان آنان را به عذاب دردآور و ترس‌افزایی مجازات نمود.

﴿فَذَاقَتۡ وَبَالَ أَمۡرِهَا وَكَانَ عَٰقِبَةُ أَمۡرِهَا خُسۡرًا ٩﴾.

اهل این قریه‌ها افعال و جزای عملکرد خویش را چشیدند؛ یعنی با خواری و شکست و با خشم پروردگار جبّار مواجه شدند.

﴿أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدٗاۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ قَدۡ أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيۡكُمۡ ذِكۡرٗا ١٠﴾.

پروردگار سبحان برای این بد‌کاران عذاب درد‌آوری را در آتش دوزخ مهیّا نموده است؛ زیرا آنان به حق‌تعالی کافر شدند و پیامبرانش را تکذیب کردند. اکنون ای خردمندان با بصیرت و ای صاحبان فطرت‌های مستقیم! از عذابی که اینان بدان گرفتار شدند پند بگیرید و با اختیار تقوای پروردگار‌تان از آن دوری بجویید؛ زیرا حق‌تعالی چیزی را بر شما نازل کرده که امور و فایده‌بخش را برای‌تان یاد‌آوری می‌کند و شما را به اموری که باعث هلاکت شماست آکاه می‌سازد.

رَّسُولٗا يَتۡلُواْ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ مُبَيِّنَٰتٖ لِّيُخۡرِجَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۚ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ وَيَعۡمَلۡ صَٰلِحٗا يُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ قَدۡ أَحۡسَنَ ٱللَّهُ لَهُۥ رِزۡقًا ١١﴾.

این ذکر و یادآور، پیامبری است که آیات واضح و حکمت‌های ارزشمندی را با خود آورده است تا مؤمنان مطیع را از تاریکی‌های کفر به سوی نور ایمان بیرون آورد. کسانی که به پروردگار‌شان ایمان آورند، از فرمانش اطاعت نمایند و از نواهی وی اجتناب کننند الله تعالی ایشان را به بهشت‌هایی داخل می‌نماید که از زیر درختانش جوی‌ها جاری است و به استفاده از نعمت‌های آن بدون تحوّل و زوال برای همیشه ادامه می‌دهند. یقیناً حق‌تعالی با اعطای نعمت‌های ماندگار در جایگاه بزرگ و مقام سترگ بر ایشان احسان فرموده است.

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖ وَمِنَ ٱلۡأَرۡضِ مِثۡلَهُنَّۖ يَتَنَزَّلُ ٱلۡأَمۡرُ بَيۡنَهُنَّ لِتَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ وَأَنَّ ٱللَّهَ قَدۡ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عِلۡمَۢا ١٢﴾.

الله أ خداوندی است که با یگانگی‌اش آسمان‌ها را آفرید، همچنان زمین‌های هفتگانه را به وجود آورد، چنان‌که در آفرینش این‌ها نه کسی با اوتعالی شرکت داشت و نه از کسی یاری جست. ای بندگان! حق‌تعالی هم وحی را بر پیامبرش محمّد ج نازل فرموده و هم فرمان‌های آفرینش مخلوقات و تدبیر شؤون‌شان را فرو می‌فرستد تا شما یقین کنید که اوتعالی بر هر چیزی تواناست، هیچ چیزی او را عاجز ساخته نمی‌تواند و اجرای هیچ امری بر او بزرگ نیست؛ زیرا قدرت او نافذ و حکم او غالب است. علم حق‌تعالی همه چیز‌ها را شامل است بر همه احاطه دارد؛ بدین معنا که هیچ چیزی غایبی از علمش پوشیده نیست و هیچ امری از او پنهان نمی‌ماند؛ زیرا وی آفریدگار داناست. آری! آفرینش وی نمایانگر قدرت، و اتقان و علمش بیانگر آگاهی و احسان اوست.

سورۀ تحریم

مدنی است؛ ترتیب آن 66؛ شمار آیات آن 12

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكَۖ تَبۡتَغِي مَرۡضَاتَ أَزۡوَٰجِكَۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١﴾.

ای پیامبر! چرا خویشتن را از چیز‌هایی که خداوند منّان برایت حلال ساخته باز می‌داری و آن‌ها را برخود حرام می‌سازی؟ یعنی به خاطر خوشنودی همسرانت به ترک آن چیز‌ها سوگند یاد می‌کنی؟ حق‌تعالی گناهان کسانی را که توبه کنند می‌آمرزد و هر که را به وی رجوع نماید رحمت می‌نماید. از این‌رو برای سوگند‌ها کفّاره را مقرّر داشته است.

﴿قَدۡ فَرَضَ ٱللَّهُ لَكُمۡ تَحِلَّةَ أَيۡمَٰنِكُمۡۚ وَٱللَّهُ مَوۡلَىٰكُمۡۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ ٢﴾.

الله أ کفارۀ قسم را برای‌تان مشروع ساخته تا هرگاه که عدم اجرای مقتضای سوگند را اراده داشته باشید آن را بپردازید. حق‌تعالی با رحمتش به امور‌تان تصرّف می‌کند و از جمله با مشروعیت کفّاره برای‌تان تخفیف بخشیده است. او به مصلحت‌های شما داناست و در شریعتی که بر شما نازل کرده با حکمت است. بنابراین شریعتش را در زندگی‌تان حاکم سازید و به حکمش راضی باشید.

وَإِذۡ أَسَرَّ ٱلنَّبِيُّ إِلَىٰ بَعۡضِ أَزۡوَٰجِهِۦ حَدِيثٗا فَلَمَّا نَبَّأَتۡ بِهِۦ وَأَظۡهَرَهُ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ عَرَّفَ بَعۡضَهُۥ وَأَعۡرَضَ عَنۢ بَعۡضٖۖ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِۦ قَالَتۡ مَنۡ أَنۢبَأَكَ هَٰذَاۖ قَالَ نَبَّأَنِيَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ٣﴾.

آنگاه که پیامبر ج با همسرش (حفصه ل) سخن مخصوصی را راز گفت و او به (عائشه ل) خبر داد، سپس حق‌تعالی به پیامبر ج از افشای این راز آگاهی بخشید. آنگاه بعضی از سخنان (حفصه) را به وی بازگفت و برخی دیگر را از روی مروّت ترک نمود. (حفصه) گفت: چه کسی این راز را به تو خبر داده است؟ فرمود: خداوندی به من خبر داده که هیچ امر پوشیده‌ای بر او مخفی نیست، به امور پوشیده و آشکار داناست و در شریعت و مقدّراتش باحکمت است.

﴿إِن تَتُوبَآ إِلَى ٱللَّهِ فَقَدۡ صَغَتۡ قُلُوبُكُمَاۖ وَإِن تَظَٰهَرَا عَلَيۡهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ مَوۡلَىٰهُ وَجِبۡرِيلُ وَصَٰلِحُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ بَعۡدَ ذَٰلِكَ ظَهِيرٌ ٤﴾.

ای عائشه و حفصه! اگر شما دو نفر از میل به اموری که راز پیامبر ج را افشا کرد و به آنحضرت ناخوشایند است به سوی خداوند أ توبه کنید و باز گردید کاری نیکوست. امّا اگر به آنچه به رسول خدا ج ناخوشایند است همدست شوید، حق‌تعالی او را یاری می‌کند و یاور اوست، جبرئیل و همه بندگان مؤمن نیکو‌کار با او هستند و در صف او قرار دارند و نیز فرشتگان در برابر کسانی که به وی آزار رسانند و دشمنی ورزند مددگار او هستند.

﴿عَسَىٰ رَبُّهُۥٓ إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يُبۡدِلَهُۥٓ أَزۡوَٰجًا خَيۡرٗا مِّنكُنَّ مُسۡلِمَٰتٖ مُّؤۡمِنَٰتٖ قَٰنِتَٰتٖ تَٰٓئِبَٰتٍ عَٰبِدَٰتٖ سَٰٓئِحَٰتٖ ثَيِّبَٰتٖ وَأَبۡكَارٗا ٥﴾.

شاید اگر پیامبر ج شما را طلاق دهد پروردگارش برای او همسران بکر و بیوه‌ای را عوض دهد که فرمان‌بردارش باشند، از امرش اطاعت نمایند، با توبه و رجوع به سوی خدا بازگشت داشته باشند، الله أ را بسیار عبادت کنند و روزه‌دار باشند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ ٦﴾.

ای مؤمنان! میان خود و عذاب حق‌تعالی وقایه‌ای را ایجاد نمایید و خانواده‌های‌تان را همچو خویشتن، با امر به طاعت و ترک معاصی پروردگار، از آتشی نگه دارید و برحذر دارید که هیزم سوخت آن کافران و سنگ‌هاست؛ آتشی که بر آن فرشتگانی از جانب خداوند جبّار موظف اند که بسیار نیرومنند اند، با دلی سخت معامله می‌نمایند، از امر حق‌تعالی مخالفت نمی‌کنند، نواهی او را مرتکب نمی‌شوند، او را مطیع اند و نافرمانی نمی‌کنند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَعۡتَذِرُواْ ٱلۡيَوۡمَۖ إِنَّمَا تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٧﴾.

ای گروه کافران! وقت عذر‌خواهی‌تان گذشته است و شما در دنیا کفر ورزیده‌اید. اکنون در برابر اعمال بد خویش که از خداوند جبّار نافرمانی کردید، تکذیب نمودید و استکبار ورزیدید، جزای آتش دوزخ برای‌تان مهیّا شده است.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن يُكَفِّرَ عَنكُمۡ سَيِّ‍َٔاتِكُمۡ وَيُدۡخِلَكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ يَوۡمَ لَا يُخۡزِي ٱللَّهُ ٱلنَّبِيَّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥۖ نُورُهُمۡ يَسۡعَىٰ بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَبِأَيۡمَٰنِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَتۡمِمۡ لَنَا نُورَنَا وَٱغۡفِرۡ لَنَآۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٨﴾.

ای مؤمنان! از همه گناهان طوری توبه کنید؛ توبه‌ای که خاص برای رضای خداوند أ باشد و بعد از آن به معاصی باز نگردید. با چنین توبه‌ای شاید حق‌تعالی گناهان شما را بیامرزد، خطا‌های‌تان را محو کند و شما را در روز قیامت به بهشت‌هایی داخل نماید که از زیر درخت‌های آن جوی‌ها جاری است و کاخ‌های آن سراپا روشن و نورانی است. در آن روز حق‌تعالی پیامبر ج و بندگان نیکو‌کارش را خوار نمی‌سازد، فضیحت‌شان نمی‌کند و ایشان را عذاب نمی‌نماید، بلکه سعادتمند می‌سازد، پاداش می‌دهد و مقام‌شان را بالا می‌برد. در آن هنگام نور مؤمنان در پیش روی و از جانب راست‌شان حرکت می‌کند و از پروردگار خویش می‌خواهند این نور را دوامدار سازد تا مرور از صراط به سوی دار سرور پایان یابد. علاوه بر آن می‌خواهند که گناهان‌شان را بیامرزد، عیب‌های‌شان را بپوشاند و از ایشان خوشنود و راضی شود؛ زیرا او بر هر کاری تواناست، فرمانش بر همه چیز غالب است، حکمش به هرچه اراده کند جاری است و آن را کسی رد کرده نمی‌تواند.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡۚ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٩﴾.

ای پیامبر! با کافران که آشکار و علنی دارند و با منافقان که کفر خود را می‌پوشانند و اسلام را با زبان‌های خویش آشکار می‌سازند با نیروی دست و زبان و با شمشیر و سنان و با قلم و بیان جهاد نما. همه شدّت و سختگیری را در جهاد با آنان به کار گیر تا اسلام عزّت یابد و مخالفانش بترسند. جایگاه این کافران بد‌کار آتش درزخ است که بد جایگاهی است.

﴿ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱمۡرَأَتَ نُوحٖ وَٱمۡرَأَتَ لُوطٖۖ كَانَتَا تَحۡتَ عَبۡدَيۡنِ مِنۡ عِبَادِنَا صَٰلِحَيۡنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمۡ يُغۡنِيَا عَنۡهُمَا مِنَ ٱللَّهِ شَيۡ‍ٔٗا وَقِيلَ ٱدۡخُلَا ٱلنَّارَ مَعَ ٱلدَّٰخِلِينَ ١٠﴾.

خداوند أ کافران را در مخالطت با مؤمنان نیکو‌کار و اینکه به علّت کفر خویش از این معاشرت فایده نمی‌برند به زن (نوح ÷) و زن (لوط ÷) تشبیه نموده که تحت عصمت و ازدواج دو بندۀ صالح و دو پیامبر بزرگوار قرار داشتند، چون در دین به ایشان خیانت کردند؛ یعنی به تکذیب‌شان پرداختند، این دو شوهر از این دو زن عذاب پروردگار را دفع نکردند و برای آنان گفته شد: شما هم با بد‌کاران به دوزخ داخل شوید.

در این آیه دلیلی است که نزدیکی نسبی به صالحان، بدون ایمان و طاعت پروردگار یگانه فایده‌ای ندارد.

﴿وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱمۡرَأَتَ فِرۡعَوۡنَ إِذۡ قَالَتۡ رَبِّ ٱبۡنِ لِي عِندَكَ بَيۡتٗا فِي ٱلۡجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرۡعَوۡنَ وَعَمَلِهِۦ وَنَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ١١﴾.

خداوند بزرگ مؤمنان را در مخالطت با کافران و معامله با بد‌کاران و اینکه به سبب ایمان به پروردگار و متابعت از پیامبر ج ضرری به ایشان نمی‌رسد، به زن (فرعون) تشبیه نموده که در ازدواج آن گمراه و سرکش قرار داشت. اما چون به خداوند أ ایمان داشت نزدیکی با فرعون کافر به او ضرری نرساند و از پروردگار عزیز و غفّارش خواست در جوار خویش جایگاه پسندیده و نیکی، همراه با ابرار در دار آخرت برایش عطا نماید و او را از بدکاران و اعمال آنان نجات بخشد.

﴿وَمَرۡيَمَ ٱبۡنَتَ عِمۡرَٰنَ ٱلَّتِيٓ أَحۡصَنَتۡ فَرۡجَهَا فَنَفَخۡنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتۡ بِكَلِمَٰتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِۦ وَكَانَتۡ مِنَ ٱلۡقَٰنِتِينَ ١٢﴾.

همچنان خداوند منّان مؤمنان را در راستی، عفّت و استقامت‌شان به مریم بتول تشبیه نمود که آبرویش را نگه داشت، پاک‌دامنی‌اش را حفظ کرد و تقوای پروردگارش را در پیش گرفت. در نتیجه خداوند أ عوضی برایش عنایت نمود؛ بدین‌گونه که جبرئیل ÷ در چاک گریبانش دمید، آن دمیدن به رَحِمش رسید و از اثرش به عیسی ÷ باردار شد؛ به او که بندۀ الله أ، پیامبر حق تعالی، کلمه‌ای که او را به سوی مریم القا نمود و روحی از جانب وی بود. مریم ‘ به کلمات و رسالت‌های پروردگارش تصدیق کرد، به شریعتش عمل نمود، از هدایتش پیروی داشت، همیشه عبادتگر و مطیع بود و از دنیا به سوی پروردگارش بریده بود. آری! هر که چیزی را به خاطر خداوند أ ترک گوید، حق‌تعالی برایش نعمت بهتری را عنایت می‌کند، چنان‌چه آنگاه که مریم ‘ حرام را ترک نمود پروردگار منّان فرزندی برایش بخشید که پیامبر و پیشوا شد.

سورۀ مُلک

مکی است؛ ترتیب آن 67؛ شمار آیات آن 30

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿تَبَٰرَكَ ٱلَّذِي بِيَدِهِ ٱلۡمُلۡكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١﴾.

خداوند أ بلند‌تر از این است که همتایان و مخالفانی داشته باشد. اوتعالی در ذات، نام‌ها و صفاتش از همه عیب‌ها مقدّس است، خیرش بی‌شمار است، احسانش بر همه مخلوقات عام است، اختیار دنیا و آخرت به دست اوست،‌ پادشاهی مطلق از آن اوست، امرش نافذ است، قضایش جاری است، حکمی فیصل دارد،‌ هیچ چیزی او را عاجز ساخته نمی‌تواند و هیچ کاری در نزد او بزرگ نیست؛ زیرا او بر همه چیز تواناست.

﴿ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡمَوۡتَ وَٱلۡحَيَوٰةَ لِيَبۡلُوَكُمۡ أَيُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗاۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفُورُ ٢﴾.

او خداوندی است که مرگ و زندگی را آفریده است؛ یعنی همه را از عدم زنده کرده و باز امّت‌ها را فنا می‌سازد تا مردم را آزمایش نماید که کدام یک در اعمال خویش اخلاص‌مندتر و به حقّانیت نزدیک‌تر‌اند. بنابراین انسان به وسیلۀ ایمان امتحان می‌شود؛ طوری که یا از خداوند رحمن اطاعت می‌کند و یا از شیطان متابعت می‌نماید. او پروردگار عزیزی است که هیچ چیزی او را ناتوان ساخته نمی‌تواند،‌ هیچ‌گاه مغلوب نمی‌شود، بر همه غلبه دارد و قهر می‌کند و امور را بر مبنای حکمش مقدّر می‌نماید. اوتعالی همه گناهان کسانی را که توبه کنند می‌آمرزد و از خطاهای کسانی که به او رجوع کنند کذشت می‌نماید.

با این آیه به طاعات الهی ترغیب شده و از معصیت‌ها منع صورت گرفته است.

﴿ٱلَّذِي خَلَقَ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖ طِبَاقٗاۖ مَّا تَرَىٰ فِي خَلۡقِ ٱلرَّحۡمَٰنِ مِن تَفَٰوُتٖۖ فَٱرۡجِعِ ٱلۡبَصَرَ هَلۡ تَرَىٰ مِن فُطُورٖ ٣﴾.

او آفریدگاری است که هفت آسمان مُستحکم را با قوّت و متانت آفرید،‌ آن‌ها را در نگاه بینندگان زینت بخشید،‌ بدون ستون رفعت بخشید و بالای یکدیگر قرار داد. این از رحمت حق‌تعالی است که آسمان‌ها را برابر ساخته،‌ بنای نیکو عطا کرده و زیبایی و بلندی بخشیده است؛ طوری که در آن‌ها اختلاف و تباینی را مشاهده نمی‌کنی. چشمت را به سوی آسمان به گونۀ مکرّر دَور بده،‌ آیا در آن کدام شکاف و شکستگی را مشاهده می‌کنی؟ بلکه با بنای مُحکم و صُنع مُنظّمی آفریده شده است.

﴿ثُمَّ ٱرۡجِعِ ٱلۡبَصَرَ كَرَّتَيۡنِ يَنقَلِبۡ إِلَيۡكَ ٱلۡبَصَرُ خَاسِئٗا وَهُوَ حَسِيرٞ ٤﴾.

باز یکبار دیگر و مکرّر به سوی آسمان نظر انداز،‌ دیدگانت با خواری و ذلّت و بدون اینکه نقصی و کمبودی را مشاهده کند به سویت باز می‌گردد. سوگند به خداوند أ که از دریافت عیبی عاجز می‌ماند و در نتیجه خسته،‌ درمانده و ذلیل می‌شود.

﴿وَلَقَدۡ زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِمَصَٰبِيحَ وَجَعَلۡنَٰهَا رُجُومٗا لِّلشَّيَٰطِينِۖ وَأَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابَ ٱلسَّعِيرِ ٥﴾.

هر آینه ما آسمان دنیا را با ستارگان درخشان و روشنی زینت بخشیدیم و ستارگان را برای شیطان‌هایی که استراق سمع می‌کردند شهاب‌هایی سوزانی مقرّر داشتیم. این‌ها آسمان را از بالا رفتن شیاطین سرکش نگه می‌داریم؛ برای اینکه وحی الهی از زیادت و نقصان محفوظ باشد و برای شیطان‌ها و پیروان‌شان آتش بر‌‌افروخته،‌ دوزخ فروبسته شده، با ستون‌های کشیده و طولانی مهیّا ساختیم.

﴿وَلِلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمۡ عَذَابُ جَهَنَّمَۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٦﴾.

برای کسانی که به خداوند أ –که آنان را آفریده- کافر شدند، عذابی همیشگی در آتش دوزخ آماده شده و جایگاه و بازگشت بدی در پیش رو دارند؛‌ طوری که نه در آن می‌میرند، نه از آن بیرون کرده می‌شوند و نه دور ساخته می‌شوند.

﴿إِذَآ أُلۡقُواْ فِيهَا سَمِعُواْ لَهَا شَهِيقٗا وَهِيَ تَفُورُ ٧﴾.

آنگاه که کافران در آتش دوزخ انداخته می‌شوند، از آن آواز و بانگی را می‌شنوند؛ زیرا با شدّت و سختی بر‌افروخته است؛ طوری که اجزای آن یگ‌دیگر را می‌خورند و به سختی می‌جوشد. آری! دوزخ با گرامی‌اش سنگ‌ها را ذوب می‌کند پس انسان‌ها را چه خواهد کرد؟

﴿تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ ٱلۡغَيۡظِۖ كُلَّمَآ أُلۡقِيَ فِيهَا فَوۡجٞ سَأَلَهُمۡ خَزَنَتُهَآ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ نَذِيرٞ ٨﴾.

نزدیک است آتش دوزخ از شدّت خشمش بر کافران پاره‌پاره شود، چون بر‌افروخته و سوزان است. هر باری که گروهی از کافران در آتش انداخته می‌شوند،‌ فرشتگان موظّف به عذاب،‌ به گونۀ توبیخ از آنان می‌پرسند: آیا در دنیا پیامبری به نزد شما نیامد تا شما را از این عذاب بیم دهد و از این مجازات بر‌حذر دارد؟

﴿قَالُواْ بَلَىٰ قَدۡ جَآءَنَا نَذِيرٞ فَكَذَّبۡنَا وَقُلۡنَا مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٍ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ كَبِيرٖ ٩﴾.

کافران برای موظّفان دوزخ می‌گویند: یقیناً پیامبری از جانب خداوند أ برای ما آمد و حقّ و باطل را برای ما بیان داشت، امّا ما به تکذیبش پرداختیم، با وی جنگیدیم و گفتیم: حق‌تعالی بر انسان‌ها چیزی نازل نکرده است،‌ به هیچ کسی وحی نفرستاده است، شما ای پیامبران از حق و صواب دور هستید و به گمراهی و گمان به سر می‌برید.

﴿وَقَالُواْ لَوۡ كُنَّا نَسۡمَعُ أَوۡ نَعۡقِلُ مَا كُنَّا فِيٓ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ١٠﴾.

با اقرار به گمراهی و اعتراف به جرم خویش می‌گویند: اگر ما سخن حق را با پذیرش و قبول می‌شنیدیم و با درستی و تعقّل می‌اندیشیدیم، ‌در زمرۀ اهل دوزخ نمی‌بودیم و مستوجب خشم پروردگار نمی‌شدیم.

اما سخن پیامبران را نشنیدیم و در معنای آن اندیشه نکردیم.

﴿فَٱعۡتَرَفُواْ بِذَنۢبِهِمۡ فَسُحۡقٗا لِّأَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ١١﴾.

در نتیجه به کفر خود اقرار می‌کنند و به گناهی که به سببش خشم خداوند أ را مستحقّ شدند اعتراف می‌نمایند. آری! دوری از رحمت الهی،‌گرفتاری به هلاکت،‌ خواری و زیان بر کسانی است که چنین حالی داشته باشند و بازگشت آنان به سوی آتش دوزخ است.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُم بِٱلۡغَيۡبِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٞ كَبِيرٞ ١٢﴾.

به راستی کسانی که از خداوند أ می‌ترسند، اوتعالی را نادیده عبادت می‌کنند، از اوامرش نافرمانی نمی‌کنند، از وی نادیده اطاعت دارند،‌ در خلوت از مردم به خداوند اخلاص می‌ورزند و پیش از اینکه عذاب آتش دوزخ را ببینند از آن می‌ترسند خداوند أ از گناهان‌شان عفو می‌کند،‌ خطا‌های‌شان را می‌پوشاند و پاداش عظیم و مزد کریمی را در بهشت‌های پر از نعمت برای‌شان عطا می‌کند.

﴿وَأَسِرُّواْ قَوۡلَكُمۡ أَوِ ٱجۡهَرُواْ بِهِۦٓۖ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ١٣﴾.

اگر سخنان خویش را بپوشید یا علنی و آشکار سازید در نزد خداوند أ برابر است؛ زیرا اوتعالی پوشیده و آشکار را می‌داند و امور مخفی و علنی در نزدش برابر است. آری! او به راز‌های نهفتۀ سینه‌ها داناست پس چگونه امور آشکار بر او پوشیده خواهد بود؟

﴿أَلَا يَعۡلَمُ مَنۡ خَلَقَ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلۡخَبِيرُ ١٤﴾.

آیا خداوند أ گفتار و کردار پوشیده و آشکار و مخفی و علنی شما را نمی‌داند؟ حال آنکه او دارای علم لطیفی است که به دقایق امور دانا و به کار‌های پنهان آگاه است. علمش به هر چیزی احاطه دارد؛ چنان‌که به ظاهر و باطن اشیاء داناست و هیچ چیزی از علمش خارج نیست.

﴿هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ ذَلُولٗا فَٱمۡشُواْ فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُواْ مِن رِّزۡقِهِۦۖ وَإِلَيۡهِ ٱلنُّشُورُ ١٥﴾.

الله تعالی خداوندی است که زمین را جای بود و باش و گهواره‌ای ساخته تا در آن استقرار یابید و به آبادی‌اش بپردازید. آن را هموار و برابر ساخته تا برای زندگی و معیشت‌تان آماده باشید،‌ تحت تسخیر شما ساخته تا در اطرافش به سیر و سیاحت بپردازید و از آنچه حق‌تعالی برای‌تان مباح ساخته استفاده نمایید. امّا دنیا جای استقرار‌تان نیست،‌ بلکه دار عبور و گذار به سوی جهان دیگری است. آری! شما به زودی خواهید مرد و به حضور خداوند أ زنده می‌شوید و مورد محاسبه قرار می‌گیرید. بنابراین برای آن روز آمادگی داشته باشید و توشه بگیرید.

﴿ءَأَمِنتُم مَّن فِي ٱلسَّمَآءِ أَن يَخۡسِفَ بِكُمُ ٱلۡأَرۡضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ١٦﴾.

ای مردم! آیا در امان هستید از اینکه خداوندی که بر عرش استوا دارد،‌ به خاطر گناهان‌تان،‌ بر شما خشم کند. بدین‌گونه که زمین را بر شما فرو برد و به زلزله آورد تا از اثرش هلاک و نابود شوید؟

﴿أَمۡ أَمِنتُم مَّن فِي ٱلسَّمَآءِ أَن يُرۡسِلَ عَلَيۡكُمۡ حَاصِبٗاۖ فَسَتَعۡلَمُونَ كَيۡفَ نَذِيرِ ١٧﴾.

آیا در امان هستید از اینکه خداوندی که در آسمان است، بر مخلوقاتش متعالی است و بر عرش خویش استوا دارد بر شما باد سختی را بفرستد تا شما را سنگباران کند؟ و آنگاه که عذاب را ببینید و جزای‌تان را معاینه کنید،‌ درستی تحذیر و ترساندن پروردگار را می‌دانید و صداقت بیم‌دهنده‌اش را که توسط پیامبرانش به شما رسیده درک می‌کنید.

﴿وَلَقَدۡ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَكَيۡفَ كَانَ نَكِيرِ ١٨﴾.

به یقین که اقوام دیگری از امّت‌های پیش از کافران مکّه،‌ مانند قوم نوح،‌ قوم ثمود،‌ و دیگران نیز پیامبران را تکذیب کردند. ببین که نهایت کار آنان چگونه بود؟ اعمال بد آنان با تباهی و نابودی‌شان تقبیح شد و سخت‌ترین عذاب بر آنان فرود آمد؟ چنان‌که برای آیندگان در تمام زمانه‌ها مایۀ پند و اندرز شدند.

﴿أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ إِلَى ٱلطَّيۡرِ فَوۡقَهُمۡ صَٰٓفَّٰتٖ وَيَقۡبِضۡنَۚ مَا يُمۡسِكُهُنَّ إِلَّا ٱلرَّحۡمَٰنُۚ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيۡءِۢ بَصِيرٌ ١٩﴾.

از چه رو مردم در آفرینش پرندگان که بالای سر‌شان در آسمان اند نمی‌اندیشند؟ پرندگانی که در هنگام پرواز بال‌های خود را باز می‌نمایند،‌ جز خداوند أ که با رحمت عامش همه مخلوقات،‌ از جمله پرندگان را تحت رعایت خویش دارد. به یقین که حق‌تعالی به آفرینش و تقدیر و در ابداع و تصویر خویش بیناست.

﴿أَمَّنۡ هَٰذَا ٱلَّذِي هُوَ جُندٞ لَّكُمۡ يَنصُرُكُم مِّن دُونِ ٱلرَّحۡمَٰنِۚ إِنِ ٱلۡكَٰفِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ٢٠﴾.

آیا اگر خداوند أ به شما ارادۀ ضرری را داشته باشد،‌ به گمان‌تان چه کسی شما را یاری می‌کند؟ گروه هوادار شما کیست که از شما دفاع نماید و جز خداوند رحمان چه کسی آن امر آزار‌دهنده را از شما باز می‌گرداند؟ امّا کافران با چنین اندیشه‌ای در غرور و فریب به سر می‌برند.

﴿أَمَّنۡ هَٰذَا ٱلَّذِي يَرۡزُقُكُمۡ إِنۡ أَمۡسَكَ رِزۡقَهُۥۚ بَل لَّجُّواْ فِي عُتُوّٖ وَنُفُورٍ ٢١﴾.

اگر خداوند سبحان روزی خویش را از شما باز دارد،‌ چی کسی روزی دهندۀ شما خواهد بود؟ امّا کافران در سر‌کشی ادامه می‌دهند،‌ در معصیت پروردگار فرو رفته‌اند،‌ از قبول حق استکبار می‌ورزند،‌ از شنیدن سخن راست گریزان‌اند، به با پذیرش می‌شنوند و نه عملی موافق حق انجام می‌دهند.

﴿أَفَمَن يَمۡشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجۡهِهِۦٓ أَهۡدَىٰٓ أَمَّن يَمۡشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٢٢﴾.

آیا کسی که سرنگون و پا به هوا راه رود، راه را نبیند، به حق هدایت نشود و امور در نظرش معکوس جلوه کند هدایت شده‌تر و بینا‌تر است، یا کسی که به طور طبیعی و با قامت استوار حرکت کند،‌ راه را بشناسد، در مسیر واضح و در راهیابی و سداد روان باشد؟ این تمثیل، صفت مؤمن و کافر را در گمراهی و هدایت بیان می‌دارد.

﴿قُلۡ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَكُمۡ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡ‍ِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ ٢٣﴾.

برای کافران بگو: خداوند أ پروردگاری است که شما را از عدم به وجود آورده، با نعمت‌هایش روزی داده، شنوای آواز‌ها ساخته، به مشاهده و دیدن اشیاء قدرت بخشیده و دل‌های‌تان را به اندیشیدن معلومات توانا ساخته است. پس در برابر نعمت‌های پروردگار خویش بسیار کم شکر‌گزار هستید. شما احسان اوتعالی را کفران می‌کنید و امتنان را با عصیان مقابله می‌نمایید.

﴿قُلۡ هُوَ ٱلَّذِي ذَرَأَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَإِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٢٤﴾.

الله أ خداوندی است که شما را از عدم آفرید، در روی زمین پراگنده ساخت و در نهایت فقط به سوی او برمی‌گردید تا برای هر کس مزد عملش را بپردازد. بنابراین همه چیز‌ها از او آغاز یافته و نهایت همه چیزها به اوست. او ضامن روزی بندگان است و همه به سوی او باز می‌گردند.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٥﴾.

کافران به طور تکذیب و استبعاد قیامت می‌گویند: چه وقت زنده و پراکنده می‌شویم؟ و چه هنگامی از قبر‌ها بیرون خواهیم شد؟ اگر شما در ادّعای‌تان راست می‌گویید و در گمان خویش به حق هستید، برای ما خبر دهید که چه وقتی فرا می‌رسد.

﴿قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡعِلۡمُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٞ ٢٦﴾.

ای پیامبر! برای‌شان بگو: هنگام بر‌پا‌شدن قیامت را جز خداوند أ کسی نمی‌داند، علم آن مخصوص حق‌تعالی است و هیچ‌کس از مخلوقاتش حتّی فرشتگان مقرّب و پیامبران مرسل بدان آگاه نیستند. بنابراین وظیفه‌ام بیم‌دادن از آن است نه خبر دادن به وقت آن. من نیامدم تا به شما از وقت قیام قیامت خبر دهم، بلکه آمدم تا از هول‌انگیزی آن شما را بر‌حذر دارم.

﴿فَلَمَّا رَأَوۡهُ زُلۡفَةٗ سِيٓ‍َٔتۡ وُجُوهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَقِيلَ هَٰذَا ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تَدَّعُونَ ٢٧﴾.

آنگاه که کافران عذاب خداوند أ را ببیند که به آنان نزدیک شده،‌ آن را معاینه نمایند و به چشم‌سر مشاهده کنند،‌ چهره‌های آنان بر‌کنده می‌شود، سیمای آنان زشت نمایان می‌شود،‌ ذلّت و خواری،‌ با مشقّت و دشواری بر آنان غلبه می‌کند و به گونۀ توبیخ برای آنان گفته می‌شود: این همان عذابی است که به آمدنش شتاب می‌ورزیدید و فرا رسیدنش را دور می‌پنداشتید،‌ امّا در نهایت در روز حساب بر شما فرود آمد.

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَهۡلَكَنِيَ ٱللَّهُ وَمَن مَّعِيَ أَوۡ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ ٱلۡكَٰفِرِينَ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ٢٨﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: به من خبر دهید اگر پروردگارم مرا با مؤمنانی که با من هستند بمیراند،‌ یا بر ما رحمت کند،‌ مرگ ما را تا مدّت معلومی به تأخیر اندازد، عذاب را از ما بگرداند و مجازات را از ما رد نماید،‌ امّا ارادۀ کند که شما را به عذاب دردآور و جزای هول‌انگیزی مجازات کند،‌ چه کسی شما را از مجازات خداوند أ حمایه می‌کند و از خشم وی بازمی‌دارد.

﴿قُلۡ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ءَامَنَّا بِهِۦ وَعَلَيۡهِ تَوَكَّلۡنَاۖ فَسَتَعۡلَمُونَ مَنۡ هُوَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٢٩﴾.

برای کافران بگو: پروردگار من خداوندی است که رحمت عام دارد، حلم بزرگ دارد،‌ ما سخنش را تصدیق نمودیم،‌ از کتابش پیروی می‌کنیم،‌ به او اعتماد نمودیم و امور خویش را بدو سپردیم. ای تکذیب‌کننده‌گان! به زودی خواهید دانست که آیا ما در گمراهی آشکار، سر‌کشی بزرگ و انحرافی دور از حق می‌باشیم یا شما در چنین گمراهی قرار دارید؟

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَصۡبَحَ مَآؤُكُمۡ غَوۡرٗا فَمَن يَأۡتِيكُم بِمَآءٖ مَّعِينِۢ ٣٠﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: به من خبر دهید اگر آب مورد استفادۀ شما در قعر زمین فرود رود، در داخل زمین رسوب نماید و شما به بیرون‌آوردنش توان نداشته باشید، چه کسی غیر از خداوند أ یگانۀ یکتا به عوضش آب زلالی را برای شما می‌دهد که در روی زمین جریان یابد و شما آن را در چاه‌ها، جوی‌ها و چشمه‌ها ببینید؟!

سورۀ قلم

مکی است؛ ترتیب آن 68؛ شمار آیات آن 52

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿نٓۚ وَٱلۡقَلَمِ وَمَا يَسۡطُرُونَ ١﴾.

نون؛ الله تعالی به مراد خویش از آوردن آن که از حروف مقطّعات می‌باشد داناتر است؛ هر‌چند می‌دانیم که این حروف معانی بزرگ و مقاصد ارزشمندی دارد. حق‌تعالی به قلم که فرشتگان و انسان‌ها بدان می‌نویسند سوگند یاد کرده است؛ زیرا قلم منزلت بزرگ،‌ نفعی عظیم و مقام والا دارد. به همین‌گونه به خبر‌های فایده‌بخش، احکام سودمند، علوم مبارک و آثار جاودانیی که به وسیلۀ قلم می‌نویسند سوگند یاد نموده است.

﴿مَآ أَنتَ بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ بِمَجۡنُونٖ ٢﴾.

ای پیامبر! تو با نعمتی که پروردگار برایت عطا کرده دیوانه، سبک‌اندیش و فاقد رأی نیستی، بلکه پیامبر معصومی هستی که به تو الهام می‌شود، محفوظ از خطاها و با استقامت می‌باشی، رشد و ادراک کامل داری و هدایت ربّانی و عنایت الهی همراه توست.

﴿وَإِنَّ لَكَ لَأَجۡرًا غَيۡرَ مَمۡنُونٖ ٣﴾.

یقیناً به خاطر رسالت و رهنمایی مردم از گمراهی به سوی راهیابی،‌ مزد بزرگی در نزد خداوند أ برایت مهیّاست؛ مزد و پاداشی که کم نمی‌شود و قطع نمی‌گردد.

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٖ ٤﴾.

ای محمّد! سوگند به خداوند سبحان که تو از اخلاق عظیمی چون شمایل نیکو،‌ فضایل پسندیده، مناقب برتر و مواهب بزرگ بر‌خوردار می‌باشی. مسلّم است که پیامبر ج نمونه و مثال همه اخلاق نیک و روش‌های بزرگ زندگی بودند؛ زیرا مصدر اخلاق و روش‌های حیات آنحضرت قرآن کریم بود، چنان‌که اوامرش را به کار می‌بستند و از نواهی‌اش دوری می‌جستند.

﴿فَسَتُبۡصِرُ وَيُبۡصِرُونَ ٥﴾.

ای محمّد! زود است که برای تو و دشمنانت آشکار شود که کدام‌تان بر راه هدایت روان هستید،‌ طریق درست‌تری را در پیش گرفتید و روش نیکوتر دارید و این کار در عاقبت امور و سر‌انجام کار‌ها تحقّق خواهد یافت.

﴿بِأَييِّكُمُ ٱلۡمَفۡتُونُ ٦﴾.

ای محمّد! به زودی تو و دشمنانت خواهید دانست که کدام گروه‌تان در دینش زیانمند شده و عقلش ناقص است؛ آنگاه که گرفتاران عذاب الهی شناخته شوند و دیوانگان واضح گردند.

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ٧﴾.

همانا حق‌تعالی بد‌کار را از پرهیزگار و گمراه را از هدایت‌شده باز می‌شناسد؛ ‌زیرا هیچ رازی از او پوشیده نیست، هیچ امری از او غایب نیست،‌ به محتوای ضمایر داناست و به مکنونات سرایر آگاه است.

﴿فَلَا تُطِعِ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٨﴾.

بر هدایتت ادامه بده و بر دینت ثابت قدم باش؛ زیرا تو بر حق هستی و آنان بر باطل می‌باشند. بنابراین از آرای آنان اطاعت مکن و از خواهش‌های‌شان پیروی منما.

﴿وَدُّواْ لَوۡ تُدۡهِنُ فَيُدۡهِنُونَ ٩﴾.

آرزو می‌برند که با ترک چیزی از امور دین خویش با آنان مدارا داشته باشی و با اندیشه‌های‌شان موافقت و سازگاری کنی. آنان نیز به برخی امور با تو موافقت می‌کنند به امید آنکه تو هم با آنان موافقت داشته باشی؛‌ زیرا برهان و گواهی برای روش خویش ندارند.

﴿وَلَا تُطِعۡ كُلَّ حَلَّافٖ مَّهِينٍ ١٠﴾.

امّا تو ای پیامبر! از هر بد‌کار سوگند‌خورنده به بهتان و ناحق،‌ از هر دروغگوی سبک‌مغز و از هر بی‌شخصیت ناجوانمرد پیروی مکن.

﴿هَمَّازٖ مَّشَّآءِۢ بِنَمِيمٖ ١١﴾.

از غیبت‌گری که به آبروی مردم دست می‌زند و با انتقال سخنانی که گناه آشکار است به جستجوی عیب‌های‌شان می‌پردازد تا فتنه و فساد را در میان مردم کشت نماید. او هم خود فاسد است و هم در میان مردم فساد ایجاد می‌کند و بر قطع رابطه‌ها و تفریق میان مؤمنان بسیار حریص است.

﴿مَّنَّاعٖ لِّلۡخَيۡرِ مُعۡتَدٍ أَثِيمٍ ١٢﴾.

به موجودیت خیر و خوبی‌ها مانند مال، جاه و اخلاق نیک بخالت می‌ورزد، بر حقوق الله أ و حقوق مخلوقاتش تجاوز می‌کند، تقوایی ندارد تا او را از گناه باز دارد و با خصومت، خوردن‌حرام و اذیت مخلوقات گناه بسیاری را مرتکب می‌شود.

﴿عُتُلِّۢ بَعۡدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ ١٣﴾.

در کفرش بسیار پایبند و دارای مکری قوی است، در بد‌کاری فرو می‌رود و اعمال زشت انجام می‌دهد، خصلت‌های ناپسند دارد و به پدرش نسبت داده نمی‌شود. بنابراین جوانمردی، حسب،‌ شهامت و ادبی ندارد.

﴿أَن كَانَ ذَا مَالٖ وَبَنِينَ ١٤﴾.

این بدان سبب است که او مال و فرزندان بسیاری دارد و در فساد و کفر به پروردگار زیاده‌روی می‌کند، در حالی که برایش بهتر است شکر‌گزاری کند و به کفران نپردازد؛ تواضع در پیش گیرد و تکبّر ننماید.

﴿إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٥﴾.

آنگاه که قرآن کریم بر او خوانده می‌شود می‌گوید: این همان افسانه‌ها و خرافات پیشینیان است که ارزشی ندارد.

﴿سَنَسِمُهُۥ عَلَى ٱلۡخُرۡطُومِ ١٦﴾.

زود است که بر بینی‌اش نشانه‌ای از خواری، ننگ و ملامت بگذاریم، تا بدان علّت در پیش روی مردم بی‌آبرو شود.

﴿إِنَّا بَلَوۡنَٰهُمۡ كَمَا بَلَوۡنَآ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ إِذۡ أَقۡسَمُواْ لَيَصۡرِمُنَّهَا مُصۡبِحِينَ ١٧﴾.

همانا ما این کافران را به گرسنگی، قحطی و کمبود میوه‌ها مبتلا نمودیم؛ ‌همچنان که صاحبان باغ را مورد امتحان و آزمایش قرار دادیم. آنان‌که سوگند خوردند تا میوه‌های باغ خویش را در صبحگاهان وقت و در هنگام بی‌خبری مسکینان بچینند تا برای‌شان چیزی ندهند.

﴿وَلَا يَسۡتَثۡنُونَ ١٨﴾.

آنان سوگند خوردند؛ امّا در سوگند خود هیچ استثنایی به کار نبردند،‌ به انجام کارشان جز اندیشی نمودند؛ ولی آن را به خواست حق‌تعالی مربوط ندانستند.

﴿فَطَافَ عَلَيۡهَا طَآئِفٞ مِّن رَّبِّكَ وَهُمۡ نَآئِمُونَ ١٩﴾.

در حالی که خود در خواب فرو رفته بودند، الله أ بر باغ‌شان آتش سوزیی را نازل نمود و مقرّر داشت. میوۀ باغ در بی‌خبری از آنان گرفته شد تا جزای عمل‌شان باشد که می‌خواستند میوه‌هایش را در بی‌خبری از فقیران و مسکینان برچینند.

﴿فَأَصۡبَحَتۡ كَٱلصَّرِيمِ ٢٠﴾.

در نتیجه باغ بعد از سوختنش مانند شبی تاریک، خراب و سیاه شد؛ چنان‌که در آن یک درخت سبزی هم باقی نماند.

﴿فَتَنَادَوۡاْ مُصۡبِحِينَ ٢١﴾.

آنگاه در هنگام صبح یکدیگر را صدا زدند تا در اوّل روز پیش از آنکه مسکینی آنان را ببیند یا فقیری باخبر شود بروند و این شأن هر بخیل است که از چشم مردم خود را می‌پوشاند.

﴿أَنِ ٱغۡدُواْ عَلَىٰ حَرۡثِكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰرِمِينَ ٢٢﴾.

از یکدیگر خواستند تا به منظور چیدن میوه صبح وقت به باغ خویش بروند؛ پیش از اینکه نیازمندی آنان را دریابد. آن رو که در دادن میوه به فقیران بخالت می‌ورزیدند و در نتیجه برای چیدن میوه‌ها اول وقت اقدام کردند.

﴿فَٱنطَلَقُواْ وَهُمۡ يَتَخَٰفَتُونَ ٢٣﴾.

با شتاب به سوی باغ خود رفتند و آهسته سخن می‌گفتند تا کسی از اهل شهر سخن آنان را نشنود،‌ چنان‌که شأن هر بخیلی همین است که به خاطر بخالت بر مال و طعامش خود و آوازش را پنهان می‌سازد.

﴿أَن لَّا يَدۡخُلَنَّهَا ٱلۡيَوۡمَ عَلَيۡكُم مِّسۡكِينٞ ٢٤﴾.

بر منع کردن هر مسکینی از داخل‌شدن به باغ اتفاق و اجماع کردند و برای تحقّق این امر،‌ وقت حرکت نمودند، خود را در تاریکی از مردم مخفی داشتند،‌ آهسته سخن می‌گفتند و در چیدن میوه‌ها شتاب می‌ورزیدند.

﴿وَغَدَوۡاْ عَلَىٰ حَرۡدٖ قَٰدِرِينَ ٢٥﴾.

آنان در هنگام اوّل صبح حرکت نمودند، در حالی که کینۀ مساکین و نیّت بد بخل بر نیازمندان را در دل می‌پروراندند و اعتقاد داشتند که قدرت دارند ارادۀ خود را انجام دهند و فقیران را از پذیرایی در باغ باز دارند.

﴿فَلَمَّا رَأَوۡهَا قَالُوٓاْ إِنَّا لَضَآلُّونَ ٢٦﴾.

وقتی باغ را دیدند که سوخته،‌ خرابه و سیاه شده گفتند: شاید ما راه خود را گم کرده‌ایم و این باغ ما نخواهد بود؛ زیرا نشانه‌های آن نیز گم شده بود.

﴿بَلۡ نَحۡنُ مَحۡرُومُونَ ٢٧﴾.

امّا وقتی شناختند که این باغ آنان است گفتند: واقعیت این است که ما به علّت نیّت بد منع مسکینان از میوه‌هایش از خیر آن محروم ساخته شدیم و این جزای عمل ماست که بدان مؤاخذه می‌شویم.

﴿قَالَ أَوۡسَطُهُمۡ أَلَمۡ أَقُل لَّكُمۡ لَوۡلَا تُسَبِّحُونَ ٢٨﴾.

بهترین و عالی‌ترین آنان گفتند: آیا شما را در هنگام سوگند‌تان به استثنا و ردّ امر به پروردگار جهانیان نصیحت ننمودم.

﴿قَالُواْ سُبۡحَٰنَ رَبِّنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ٢٩﴾.

بعد از آنکه به خود آمدند و بر کردۀ‌شان پشیمان شدند گفتند: خداوند أ منزّه است از اینکه بر ما ستمی روا داشته باشد، بلکه خود ما با انجام عمل بد یعنی ترک استثنا، منع فقیران و بخل در عطای مال بر خود ستم نمودیم.

﴿فَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَلَٰوَمُونَ ٣٠﴾.

آنگاه بعد از تأسّف و ندامت به ملامت یکدیگر پرداختند و از عمل بد و نیّت بد خویش در بخل‌ورزیدن حسرت خوردند.

﴿قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَآ إِنَّا كُنَّا طَٰغِينَ ٣١﴾.

گفتند: وای به حال ما باد! ما در معصیت پروردگار خویش از حد گذشتیم که فقیران را از صدقه باز داشتیم و جز به خاطر گناهان خود مورد مجازات قرار نگرفتیم؛ زیرا طغیان، منع از حقّ و از حد‌گذری است.

﴿عَسَىٰ رَبُّنَآ أَن يُبۡدِلَنَا خَيۡرٗا مِّنۡهَآ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا رَٰغِبُونَ ٣٢﴾.

شاید حق‌تعالی به سبب توبه از گناهان برای ما باغی بهتر از باغ ما عوض دهد؛ زیرا ما به سوی خداوند یگانه باز گشتیم، امیدوار پاداش اوییم و از عذابش می‌ترسیم.

﴿كَذَٰلِكَ ٱلۡعَذَابُۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٣٣﴾.

همچنان که صاحبان باغ را مجازات نمودیم، همه کسانی را که از راه حق میل نمایند و در نعمت‌ها بخل ورزند، به انواع عذاب‌ها در دنیا مجازات می‌نماییم. امّا عذاب آخرت از عذاب دنیا سخت‌تر است. اگر این حقیقت را بدانند همه اسباب موجب را ترک می‌کنند، اما نادانی است که اهلش را به هلاکت می‌اندازد.

﴿إِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ٣٤﴾.

همانا برای کسانی که با انجام اوامر و اجتناب از ممنوعات، از پروردگار‌شان ترسیدند بهشت‌هایی در جوار پروردگار مهربان‌شان مهیّا شده که در آن نعمت‌های جاودان و پاداش بزرگی وجود دارد.

﴿أَفَنَجۡعَلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ كَٱلۡمُجۡرِمِينَ ٣٥﴾.

آیا کسی را که از پروردگارش اطاعت کند و مطیع اوامرش باشد مانند کسی مقرّر می‌داریم که به حق‌تعالی کافر شود و از حدودش تجاوز نماید؟ چنین نمی‌باشد؛ زیرا شخص مسلمان دارای مزد و پاداش است، در حالی که مجرم شکست خورده و ناکام است.

﴿مَا لَكُمۡ كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ ٣٦﴾.

شما را چه شده که به ناحق حکم می‌کنید و مؤمن و کافر را در فضیلت و ثواب برابر می‌دانید، حال آنکه در عمل خویش برابر نیستند.

﴿أَمۡ لَكُمۡ كِتَٰبٞ فِيهِ تَدۡرُسُونَ ٣٧﴾.

آیا در نزد‌تان کتابی است که از نزد خداوند أ فرود آمده و شما این حکم ناروا را که پرهیزگار و بد‌کار را با هم برابر می‌داند در آن خوانده و آموخته‌اید؟ نه عقل در این حکم با شما موافقت می‌کند و نه در این زمینه از نقلی پیروی نمویدی.

﴿إِنَّ لَكُمۡ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ٣٨﴾.

در چنین صورتی این کتاب مملو از آرزو‌های شماست و موافق خواهش‌های بد نفسانی‌تان خواهد بود. امّا درست این است که چنین چیزی وجود ندارد؛ نه در نزد‌تان کتابی است و نه دلیلی وجود دارد که شما را تأیید کند.

﴿أَمۡ لَكُمۡ أَيۡمَٰنٌ عَلَيۡنَا بَٰلِغَةٌ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ إِنَّ لَكُمۡ لَمَا تَحۡكُمُونَ ٣٩﴾.

آیا برای‌تان بر ذمّۀ ما پیمان‌هایی مؤکد و ثابتی وجود دارد؛ مبنی بر اینکه به زودی آنچه را دوست دارید و آرزو می‌برید به دست می‌آورید؟ چنین نیست، بلکه این‌ها آرزوهایی است که تحقّق نخواهد یافت.

﴿سَلۡهُمۡ أَيُّهُم بِذَٰلِكَ زَعِيمٌ ٤٠﴾.

ای پیامبر! از کافران بپرس که کدام یک کفیل این حکم است و ضمانت می‌کند که امور موافق ارادۀشان می‌باشد؟ برای تحقّق گمان‌های آنان کفیلی وجود ندارد و دلیلی ندارند که ادّعای‌شان را ثابت سازد.

﴿أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَآءُ فَلۡيَأۡتُواْ بِشُرَكَآئِهِمۡ إِن كَانُواْ صَٰدِقِينَ ٤١﴾.

آیا خدایانی دارند که ادّعای آنان را ضمانت می‌کند و بر مطالبات‌شان کمک می‌نماید؟ اگر چنین است و در گفته‌های خود راستگو اند باید آن‌ها را حاضر آورند.

﴿يَوۡمَ يُكۡشَفُ عَن سَاقٖ وَيُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ ٤٢﴾.

در روز قیامت وضعیت بسیار سختی است، دشواری‌های بزرگی وجود دارد، پروردگار سبحان برای فیصله میان مردم حضور دارد و ساق بزرگوار بلا کیفش که به هیچ چیزی همانندی ندارد آشکار می‌شود. مردم در میدان محشر به سجده‌کردن مأمور می‌شوند. در این هنگام مؤمنان که در دنیا به حق‌تعالی سجده نمودند در آخرت نیز می‌توانند سجده کنند. امّا سجده بر کافران و منافقان دشوار می‌آید، چنان‌که پشت هر‌کدام آنان یک پارچه می‌ماند و خم نمی‌شود؛ زیرا در دنیا سجده برای خداوند أ را ترک نموده بودند.

﴿خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۖ وَقَدۡ كَانُواْ يُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ وَهُمۡ سَٰلِمُونَ ٤٣﴾.

چشم‌های فرو افتاده دارند و ذلّت شدیدی آنان را فرا گرفته است. آنان در دنیا مأمور شدند که در نماز برای خدا سجده کنند، در حالی که تندرست و توانا هستند، امّا با کبر و ستیزه‌جویی سجده نمی‌کنند. از این‌رو با محرومیت از سجده در روز قیامت مجازات می‌شوند.

﴿فَذَرۡنِي وَمَن يُكَذِّبُ بِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِۖ سَنَسۡتَدۡرِجُهُم مِّنۡ حَيۡثُ لَا يَعۡلَمُونَ ٤٤﴾.

ای پیامبر! مرا با تکذیب کنندگان قرآن رها بگذار، به زودی از آنان انتقام خواهم گرفت و عذاب‌شان خواهم کرد. اکنون با نعمت‌ها آنان را مهلت می‌دهیم و دنیا را نصب العین و مطلوب آنان قرار می‌دهیم. نهایت آنان را به گونه‌ای هلاک می‌نماییم که نه به خطر آگاهی دارند و نه سبب هلاکت را می‌دانند؛ یعنی که به ناگهانی مؤاخذه می‌شوند.

﴿وَأُمۡلِي لَهُمۡۚ إِنَّ كَيۡدِي مَتِينٌ ٤٥﴾.

آنان را مهلت می‌دهم تا گناهان زیادی انجام دهند و عُمرهای‌شان را طولانی می‌سازیم تا در لهو و بازی مصروف شوند. به یقین که مکر و تدبیر من در برابر دشمنان شدید است؛ زیرا تا عصیانگران را گرفتار نسازم بدان آگاهی ندارند.

﴿أَمۡ تَسۡ‍َٔلُهُمۡ أَجۡرٗا فَهُم مِّن مَّغۡرَمٖ مُّثۡقَلُونَ ٤٦﴾.

ای پیامبر! آیا در برابر تبلیغ رسالت و دعوت به سوی خداوند أ از کافران مزدی را خواستار شده‌ای؟ و از این‌رو تاوان اجرت بر آنان گران آمده و بار سنگینی را به دوش کشیده‌اند؟ درست این است که تو آنان را به جهت خدا فرا می‌خوانی و مزد و پاداش تو بر خداوند أ است. پس به چه دلیل از دعوت تو قطع علاقه می‌کنند؟

﴿أَمۡ عِندَهُمُ ٱلۡغَيۡبُ فَهُمۡ يَكۡتُبُونَ ٤٧﴾.

آیا به علم غیب آگاهی دارند، از روی دانش می‌نویسند و بر مبنای عدل حکم می‌نمایند که می‌پندارند از اهل ایمان بهتر اند؟ در حالی که در حقیقت جاهلانی بیش نیستند که بت‌ها را پرستش می‌کنند، نه دانشی دارند و نه دلیلی در نزد‌شان وجود دارد.

﴿فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ ٱلۡحُوتِ إِذۡ نَادَىٰ وَهُوَ مَكۡظُومٞ ٤٨﴾.

ای پیامبر! به حکم پروردگارت که مهلت کافران را مقدّر کرده و کامیابی و پیروزی‌تان را به تأخیر انداخته صبر نما و مانند یونس ÷ مباش که به فرمان پروردگارش شتاب ورزید، بر قومش خشم نمود، از نزد آنان گریخت و در نهایت او را ماهی بلعید. بعد از اینکه به غم و اندوه و مشقّت گرفتار آمد، پروردگارش را دعا کرد و با توبه و استغفار درخواست گشایش نمود و در نتیجه حق‌تعالی او را نجات بخشید.

﴿لَّوۡلَآ أَن تَدَٰرَكَهُۥ نِعۡمَةٞ مِّن رَّبِّهِۦ لَنُبِذَ بِٱلۡعَرَآءِ وَهُوَ مَذۡمُومٞ ٤٩﴾.

اگر خداوند منّان او را به لطفش نجات نمی‌داد و بعد از اعلان توبه‌اش رعایت حق‌تعالی او را در‌نمی‌یافت،‌ به سبب ملامتی و تقصیرش، از شکم ماهی بدون غذا، آب و پوشاکی در بیابان هلاکت‌باری افگنده می‌شد.

﴿فَٱجۡتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَجَعَلَهُۥ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٥٠﴾.

حق‌تعالی او را به رسالت به سوی قومش بر‌گزید، واپس به وطنش بر گشتاند و صالح و مصلح ساخت. احوال، اعمال و اقوالش را نیکو ساخت تا به سوی راه خدا دعوت نماید.

﴿وَإِن يَكَادُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَيُزۡلِقُونَكَ بِأَبۡصَٰرِهِمۡ لَمَّا سَمِعُواْ ٱلذِّكۡرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُۥ لَمَجۡنُونٞ ٥١﴾.

نزدیک است که کافران وقتی کلام خداوند یگانۀ قهّار را می‌شنوند، از روی عداوت و کینه‌توزی، تو را با نگاه چشمان خود بر زمین افگنند. آنان تو را به دیوانگی متّهم می‌کنند تا شخصیت بزرگوارت را خدشه‌دار کنند و به این طریق دعوتت به سوی راه راست را باطل و بی‌نتیجه سازند.

﴿وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ٥٢﴾.

امّا قرآن کریم تنها و تنها موعظه و نصیحتی برای انسان‌ها، یادآوری و پندی برای پند‌پذیران و نصیحت‌هایی برای اهل اعتبار است. هر که می‌خواهد ایمان آورد و هر که می‌خواهد کافر شود.

سورۀ حاقه

مکی است؛ ترتیب آن 69؛ شمار آیات آن 52

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ٱلۡحَآقَّةُ ١﴾.

حاقّه، عبارت از قیامت است که در آن حقّ و باطل ثابت می‌شود، وعده و وعید با پاداش و جزا تحقّق می‌یابد.

﴿مَا ٱلۡحَآقَّةُ ٢﴾.

قیامت که وقوع آن حقّ است دارای چه صفات، هولناکی‌ها، خطر‌ها و احوالی است. استفهام در آیه برای بزرگی، و ابهام برای تعظیم به کار رفته است.

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡحَآقَّةُ ٣﴾.

ای پیامبر! به حقیقت قیامت چه دانایی داری؛‌ یعنی قیامت بالاتر از توصیف و بزرگتر از تصوّر است، خبری هول‌انگیزی دارد و حادثه‌ای عظیم است.

﴿كَذَّبَتۡ ثَمُودُ وَعَادُۢ بِٱلۡقَارِعَةِ ٤﴾.

قبیلۀ ثمود یعنی قوم صالح ÷ و قبیلۀ عاد یعنی قوم هود ÷ به قیامت که دل‌ها را با وحشتش می‌کوبد تکذیب کردند. ای پیامبر! این اقوام پیش از قوم تو به تکذیب پرداختند. بنابراین تو هم مانند پیامبران پیشین که صبر نمودند صبر و استقامت پیشه کن.

﴿فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهۡلِكُواْ بِٱلطَّاغِيَةِ ٥﴾.

در نتیجه خداوند سبحان قبیلۀ ثمود را با آوازی هلاکت ساخت که دل‌های آنان را کشید، ارواح‌شان را تباه نمود و با شدّت خود جایگاه‌های آنان را نابود نمود.

﴿وَأَمَّا عَادٞ فَأُهۡلِكُواْ بِرِيحٖ صَرۡصَرٍ عَاتِيَةٖ ٦﴾.

امّا قبیلۀ عاد را با باد سخت و نیرومندی هلاکت ساخت که آواز هولناک و سرعت دهشت‌آور داشت و همه چیز‌ها را به فرمان خدا نابود کرد.

﴿سَخَّرَهَا عَلَيۡهِمۡ سَبۡعَ لَيَالٖ وَثَمَٰنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومٗاۖ فَتَرَى ٱلۡقَوۡمَ فِيهَا صَرۡعَىٰ كَأَنَّهُمۡ أَعۡجَازُ نَخۡلٍ خَاوِيَةٖ ٧﴾.

پروردگار بزرگ، باد را هفت شب و هشت روز پی‌درپی، بدون سستی و انقطاع بر آنان مسلّط ساخت و در نتیجه به هلاکت رسیدند؛ طوری که جسد‌های آنان بعد از مردن مانند تنه‌های درخت بریدۀ افتاده بر روی زمین نمایان بود.

﴿فَهَلۡ تَرَىٰ لَهُم مِّنۢ بَاقِيَةٖ ٨﴾.

آیا بعد از هلاکت آنان اثری باقی مانده که دیده شود، یا بعد از نابودی آنان زنده‌جانی را مشاهده می‌کنی. بلکه همه نابود شدند و هیچ‌کس از آنان باقی نماند.

﴿وَجَآءَ فِرۡعَوۡنُ وَمَن قَبۡلَهُۥ وَٱلۡمُؤۡتَفِكَٰتُ بِٱلۡخَاطِئَةِ ٩﴾.

فرعون و امّت‌های تکذیب کنندۀ پیش از او از جمله قوم لوط با اعمال زشت و گناهان بسیار ناپسندی چون کفر به خداوند متعال،‌ خطا‌ها و گناهان آمدند.

﴿فَعَصَوۡاْ رَسُولَ رَبِّهِمۡ فَأَخَذَهُمۡ أَخۡذَةٗ رَّابِيَةً ١٠﴾.

هر یک از این امّت‌ها به نافرمانی و تکذیب پیامبران خویش پرداختند و اذیت‌شان کردند. در نهایت خداوند أ آنان را به قوّت و شدّت گرفت و با عقوبت سختی مجازات کرد.

﴿إِنَّا لَمَّا طَغَا ٱلۡمَآءُ حَمَلۡنَٰكُمۡ فِي ٱلۡجَارِيَةِ ١١﴾.

وقتی در دورۀ (نوح ÷) طوفان زیاد شد و از حد گذشت پدران شما را با نوح ÷ در کشتی حمل نمودیم و از غرق‌شدن نجات دادیم.

﴿لِنَجۡعَلَهَا لَكُمۡ تَذۡكِرَةٗ وَتَعِيَهَآ أُذُنٞ وَٰعِيَةٞ ١٢﴾.

تا این واقعه که نمایانگر هلاکت کافران و نجات مسلمانان بود پند و نصیحتی باشد و آن را گوش‌هایی که شنوا و پندپذیر اند و در شنیده‌ها تعقّل می‌نمایند به حفاظه سپارند.

﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ نَفۡخَةٞ وَٰحِدَةٞ ١٣﴾.

آنگاه که فرشته در صور (شاخ) برای بار نخست بدمد،‌ با یک دمیدنش همه زندگان بمیرند،‌ همه عالم فنا شود و به سببش زمین و آسمان تغییر یابد.

﴿وَحُمِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ وَٱلۡجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةٗ وَٰحِدَةٗ ١٤﴾.

در آن وقت زمین و کوه‌ها از جای برکنده و بالا برده می‌شوند،‌ به جنبش درمی‌آیند، به سختی تکان می‌خورند و با یک تکان شدید و هولناک چون غباری در هوا پراکنده می‌شوند.

﴿فَيَوۡمَئِذٖ وَقَعَتِ ٱلۡوَاقِعَةُ ١٥﴾.

در آن روز که قیامت برپا شود، لحظه‌ای است که بزرگ‌ترین حادثه پدید آمده و آن را انسان در عالم کون می‌شناسد.

﴿وَٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَهِيَ يَوۡمَئِذٖ وَاهِيَةٞ ١٦﴾.

آسمان شکافته می‌شود و انشقاق می‌یابد و بعد از استحکام و سختی،‌ نرم و ملایم می‌شود و متانت و استحکامش را از دست می‌دهد.

﴿وَٱلۡمَلَكُ عَلَىٰٓ أَرۡجَآئِهَاۚ وَيَحۡمِلُ عَرۡشَ رَبِّكَ فَوۡقَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ ثَمَٰنِيَةٞ ١٧﴾.

فرشتگان در اطراف و گوشه‌های آسمان ایستاده‌اند و عرش پروردگارت را هشت تن از فرشتگان بزرگ بر‌می‌دارند؛‌ همان فرشتگانی که نیرومندی‌شان را جز خداوند دانا کسی نمی‌داند.

﴿يَوۡمَئِذٖ تُعۡرَضُونَ لَا تَخۡفَىٰ مِنكُمۡ خَافِيَةٞ ١٨﴾.

در آن هنگام برای حساب و دریافت پاداش و جزا،‌ به پیشگاه خداوند أ عرضه می‌شوید. هیچ چیزی از اعمال‌تان بر الله تعالی پوشیده نیست،‌ او به راز‌ها دانا و به محتوای ضمیر‌ها آگاه است.

﴿فَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَيَقُولُ هَآؤُمُ ٱقۡرَءُواْ كِتَٰبِيَهۡ ١٩﴾.

امّا کسی که خداوند أ نامۀ اعمالش را به خاطر ایمان و یقینش به دست راست وی بدهد، ‌این را مایۀ خورسندی و روشنی چشم او را فراهم می‌سازد و با سرور و شادمانی می‌گوید: بگیرید نامه‌ام را مطالعه کنید و من به حساب اعمالم یقین داشتم. از این‌رو اعمال نیکی را انجام دادم تا خداوند أ به من جزای نیکو دهد.

﴿إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَٰقٍ حِسَابِيَهۡ ٢٠﴾.

من به لقای پروردگار خود در روز حساب ایمان آوردم و به زنده‌شدن بعد از مرگ یقین داشتم. بنابراین برای عرضه‌شدن به محضر اوتعالی آمادگی و توشه گرفتم.

﴿فَهُوَ فِي عِيشَةٖ رَّاضِيَةٖ ٢١﴾.

اکنون او در زندگی گوارا و حیات رضایت‌بخش، با شادمانی نفس و خورسندی،‌ در نعمت‌های جاودان و مقام با کرامتی قرار دارد.

﴿فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٖ ٢٢﴾.

در بهشت بلند مرتبه‌ای مسرور و شادمان،‌ در روح و ریحان،‌ با کرامت و رضوان در جوار خداوند رحمن قرار دارد که در آن همه چیز‌هایی که انسان اشتها داشته باشد موجود است.

﴿قُطُوفُهَا دَانِيَةٞ ٢٣﴾.

در بهشتی که میوه‌هایش نزدیک و شاخه‌های درختانش نرم و آویزان است، چنان‌که به آسانی و سهولت به اهل بهشت می‌رسد.

﴿كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓ‍َٔۢا بِمَآ أَسۡلَفۡتُمۡ فِي ٱلۡأَيَّامِ ٱلۡخَالِيَةِ ٢٤﴾.

از نعمت‌های بهشت بدون امتنان و آزار،‌ کدورت و دل‌گرفتگی،‌ با امن و سلامتی،‌ در نیکو‌ترین مقام، بهترین اکرام و بزرگ‌ترین انعام بخورید و بیاشامید. این جزای اعمال نیک شماست که در دنیا انجام داده‌اید.

﴿وَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِشِمَالِهِۦ فَيَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُوتَ كِتَٰبِيَهۡ ٢٥﴾.

امّا کسی که به خاطر اعمال بد و افعال زشتش،‌ نامۀ اعمال وی به دست چپش داده شود، با تحسّر و تأسّف آواز می‌دهد: ای کاش نامه‌ام به من داده نمی‌شد؛ از آن‌رو که حساب بدی در پیش دارد.

﴿وَلَمۡ أَدۡرِ مَا حِسَابِيَهۡ ٢٦﴾.

ای کاش به جزای اعمالم که در این نامه است نمی‌دانستم؛‌ زیرا عذاب دردآور و جزای سختی است که به اعمال آنان مترتّب شده است.

﴿يَٰلَيۡتَهَا كَانَتِ ٱلۡقَاضِيَةَ ٢٧﴾.

ای کاش مرگی که آن را چشیده‌ام نهایت سرنوشتم می‌بود،‌ از قبرم زنده نمی‌شدم و در میدان محشر ایستاده نمی‌شدم.

﴿مَآ أَغۡنَىٰ عَنِّي مَالِيَهۡۜ ٢٨﴾.

ثروتی که جمع آورده بودم و اموالی را که ذخیره نموده بودم به من فایده نرساند، هرچند آن‌ها را ذخیره و محافظت کردم امّا مرا رها کرد.

﴿هَلَكَ عَنِّي سُلۡطَٰنِيَهۡ ٢٩﴾.

حجّتم نابود شد و امروز حجّتی برای ارائه نمودن ندارم. جاه و سلطه‌ام با لشکر و همکارانم ناپدید شدند و برادرانم مرا به حالم وا‌گذاشتند.

﴿خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ٣٠﴾.

خداوند جبّار برای موظفان دوزخ می‌گوید: این مجرم ستیزه‌جو و بد‌کار هلاک‌شده را بگیرید، دست‌هایش را به گردنش ببندید و او را با خواری و شکست در دوزخ اندازید.

﴿ثُمَّ ٱلۡجَحِيمَ صَلُّوهُ ٣١﴾.

بعد از آن او را در آتش داخل کنید تا به گرمی‌اش وصل شود، از درد‌هایش بچشد، اندازه‌اش را سنجش نماید و زنجیر‌هایش را معاینه کند.

﴿ثُمَّ فِي سِلۡسِلَةٖ ذَرۡعُهَا سَبۡعُونَ ذِرَاعٗا فَٱسۡلُكُوهُ ٣٢﴾.

بعد از آن زنجیر آهنینی را در بدنش داخل سازید که طول آن هفتاد گز است؛ طوری که از دهنش داخل شود و از دبرش بیرون شود و این نهایت عذاب و مجازات است.

﴿إِنَّهُۥ كَانَ لَا يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ ٱلۡعَظِيمِ ٣٣﴾.

هر آینه او به الوهیت خداوند بزرگ تصدیق نمی‌کرد،‌ به بندگی‌اش یقین نداشت و به یگانگی وی اعتراف نمی‌نمود؛ در حالی که الله أ سزاوار عبادت و ذات و صفات بزرگ دارد.

﴿وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ ٣٤﴾.

همچنان دیگران را نیز به دادن طعام به مسکینان و نیازمندان تشویق نمی‌کرد؛ یعنی هم خود بخیل بود و هم مردم را به بخل امر می‌نمود.

﴿فَلَيۡسَ لَهُ ٱلۡيَوۡمَ هَٰهُنَا حَمِيمٞ ٣٥﴾.

در روز قیامت خویشاوندی ندارد تا به او فایده رساند،‌ دوستانی نیست که شفاعتش کنند و یاوری ندارد که از او دفاع کند.

﴿وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنۡ غِسۡلِينٖ ٣٦﴾.

طعامی برای او وجود ندارد،‌ مگر اینکه از زرد‌آب اهل دوزخ،‌ چرک‌های بدن بد‌کاران و بد‌بویی کافران استفاده نماید.

﴿لَّا يَأۡكُلُهُۥٓ إِلَّا ٱلۡخَٰطِ‍ُٔونَ ٣٧﴾.

این طعام را هیچ کسی نمی‌خورد، مگر آنکه بر گناهان اصرار ورزیده،‌ از جرم‌ها توبه نکرده و به اسلام کافر شده باشد.

﴿فَلَآ أُقۡسِمُ بِمَا تُبۡصِرُونَ ٣٨﴾.

به چیز‌هایی که در محدودۀ دید شما قرار دارد و به مخلوقاتی که مشاهده می‌کنید سوگند یاد می‌کنم.

﴿وَمَا لَا تُبۡصِرُونَ ٣٩﴾.

و نیز به چیزهای نادیده از جملۀ کائنات و به سایر موجوداتی که از حیطۀ دید شما بیرون‌اند سوگند یاد می‌کنم.

﴿إِنَّهُۥ لَقَوۡلُ رَسُولٖ كَرِيمٖ ٤٠﴾.

به راستی که قرآن عظیم را پیامبر بزرگواری می‌خواند که دارای سخنان راستین،‌ کردار نیکو و فضایل بزرگی است.

﴿وَمَا هُوَ بِقَوۡلِ شَاعِرٖۚ قَلِيلٗا مَّا تُؤۡمِنُونَ ٤١﴾.

قرآن کریم طوری که شما می‌پندارید سخن کدام شاعر نیست. بسیار اندک به حق تصدیق می‌کنید، چه قدر ایمان‌تان اندک و کفر شما زیاد است.

﴿وَلَا بِقَوۡلِ كَاهِنٖۚ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ ٤٢﴾.

قرآن کریم سخن مُسَجّع هیچ کاهنی نمی‌باشد، بلکه کلام پروردگار است. شما کم می‌اندیشید و تفکّر و اندیشۀتان دربارۀ فرق میان قرآن و کلام کاهنان بسیار اندک است.

﴿تَنزِيلٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٣﴾.

قرآن کریم کلام پروردگار جهانیان است،‌ آن را جبرئیل امین بر قلب پیامبر ج فرود آورده تا از بیم‌دهندگان باشد.

﴿وَلَوۡ تَقَوَّلَ عَلَيۡنَا بَعۡضَ ٱلۡأَقَاوِيلِ ٤٤﴾.

اگر محمّد ج چیزی را بر ما ادّعا نماید که ما نگفته باشیم و سخنی را به ما نسبت دهد که بدان تکلم نکرده باشیم، حال آنکه این کار از وی بسیار بعید است و این یک فرضیه و امر ذهنی است.

﴿لَأَخَذۡنَا مِنۡهُ بِٱلۡيَمِينِ ٤٥﴾.

اگر محمّد ج بر ما سخنی را از خود بسازد از او انتقام می‌گیریم و از جانب راستش مؤاخذه‌اش می‌کنیم. آری! این وعیدی شدید و ترساندن از عذاب دشواری است؛ هر‌چند چنین کاری بسیار دور است.

﴿ثُمَّ لَقَطَعۡنَا مِنۡهُ ٱلۡوَتِينَ ٤٦﴾.

بعد از آن شاه‌رگ دلش را که مصدر حفظ و حیات است قطع می‌کنیم و دیگر زندگی کرده نمی‌تواند. آری! زندگی و مرگ به دست خداست.

﴿فَمَا مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ عَنۡهُ حَٰجِزِينَ ٤٧﴾.

آنگاه هیچ کسی نمی‌تواند عذاب ما را از او مانع شود و او را از ما باز دارد؛ زیرا میان بنده و خداوند أ کسی از مخلوقاتش در‌آمده نمی‌تواند.

﴿وَإِنَّهُۥ لَتَذۡكِرَةٞ لِّلۡمُتَّقِينَ ٤٨﴾.

هر آینه قرآن کریم پند و موعظۀ بزرگی است. البته برای کسانی که تقوا داشته باشند،‌ از حق‌تعالی بترسند، اوامرش را به جا آورند و از نواهی‌اش اجتناب نمایند.

﴿وَإِنَّا لَنَعۡلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ ٤٩﴾.

یقیناً ما می‌دانیم که کسانی از شما بعد از روشنی بیان قرآن کریم، ظهور برهان و بزرگی سلطه‌اش بدان تکذیب می‌کنند.

﴿وَإِنَّهُۥ لَحَسۡرَةٌ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٥٠﴾.

بدون شک تکذیب به قرآن کریم ندامتی برای کافران و عبادت‌گران بت‌هاست، آنگاه که خود در آتش دوزخ داخل شوند و مؤمنان را در بهشت جاودان ببینند.

﴿وَإِنَّهُۥ لَحَقُّ ٱلۡيَقِينِ ٥١﴾.

هر آینه قرآن کریم حقّ و ثابت است،‌ یقینی است که در آن شکّی وجود ندارد، به حقّانیت فرود آمده و با راستی بر محمّد ج وحی فرستاده شده است.

﴿فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ ٥٢﴾.

پس الله أ را از آنچه سزاوار او نیست منزّه بدان. آنچه دشمنانش به او نسبت می‌دهند، یا به کتاب و پیامبرش تکذیب می‌کنند از عظمتش نمی‌کاهد؛ زیرا اوتعالی در ذات، نام‌ها، صفات و افعالش بزرگ است. بنابراین تسبیح‌، نفی نقایص است و تعظیم، اثبات کمال.

سورۀ معارج

مکی است؛ ترتیب آن 70؛ شمار آیات آن 44

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿سَأَلَ سَآئِلُۢ بِعَذَابٖ وَاقِعٖ ١﴾.

درخواست‌کننده‌ای از کافران، عذاب حق‌تعالی را بر خود و قومش خواستار شد. عذاب الهی در آتش دوزخ بر آنان رسیدنی است،‌ پس از چه رو در دنیا به وقوع آن عجله می‌کنند؟!

﴿لِّلۡكَٰفِرِينَ لَيۡسَ لَهُۥ دَافِعٞ ٢﴾.

این عذاب سخت، برای کافران وعده داده شده و ثابت است؛ یعنی از جانب خداوند متعال کسی وظیفه داده نشده تا از وقوعش جلو‌گیری کند و هیچ کسی برای رد کردنش مأمور نشده است.

﴿مِّنَ ٱللَّهِ ذِي ٱلۡمَعَارِجِ ٣﴾.

این عذاب از جانب حق‌تعالی است و از بلندی و شکوه برخوردار است. این آیه به عظَمت قهر، بلندی مرتبه و قوّت فرمان اوتعالی دلالت می‌کند.

﴿تَعۡرُجُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ إِلَيۡهِ فِي يَوۡمٖ كَانَ مِقۡدَارُهُۥ خَمۡسِينَ أَلۡفَ سَنَةٖ ٤﴾.

فرشتگان و جبرئیل ÷ در روزی که اندازه‌اش پنجاه هزار سال از سال‌های دنیاست به سوی حق‌تعالی بالا می‌روند. این همان روز قیامت است که بر مؤمن به مانند وقت یک نماز فرض می‌گذرد.

﴿فَٱصۡبِرۡ صَبۡرٗا جَمِيلًا ٥﴾.

ای پیامبر! در برابر اذیت کافران صبر نما؛ طوری که از اذیت آنان نا‌آرام نباشی، مأیوس نگردی و شکایتی نداشته باشی.

﴿إِنَّهُمۡ يَرَوۡنَهُۥ بَعِيدٗا٦﴾.

هر آینه کافران عذاب روز حساب را دور می‌پندارند؛ یعنی که آن را واقع نا‌شدنی می‌دانند و بدان ایمان ندارند.

﴿وَنَرَىٰهُ قَرِيبٗا ٧﴾.

امّا ما روز حساب را واقع‌شدنی و نزدیک می‌بینیم؛ چنان‌که به ناچار واقع می‌شود و در آن شکی نیست، پدید آمدنش قریب آمده و وقوع آن نزدیک است.

﴿يَوۡمَ تَكُونُ ٱلسَّمَآءُ كَٱلۡمُهۡلِ٨﴾.

آنگاه که قیامت بر پا شود،‌ آسمان سیلان می‌کند؛ همچنان که کنجارۀ روغن از گرمی ذوب شود و از هول سیلان کند.

﴿وَتَكُونُ ٱلۡجِبَالُ كَٱلۡعِهۡنِ ٩﴾.

در آن هنگام کوه‌ها مانند پشم ندّافی شده‌ای می‌گردد که وزنش باز آن را مانند غباری در هوا پراگنده ساخته باشد.

﴿وَلَا يَسۡ‍َٔلُ حَمِيمٌ حَمِيمٗا ١٠﴾.

در روز قیامت هیچ خویشاوندی از خویشاوندیش نمی‌پرسد و به سرنوشت دیگری اعتنایی ندارد. هر که به خویشتن مشغول است و گرفتاری‌اش او را از دیگران بازمی‌دارد.

﴿يُبَصَّرُونَهُمۡۚ يَوَدُّ ٱلۡمُجۡرِمُ لَوۡ يَفۡتَدِي مِنۡ عَذَابِ يَوۡمِئِذِۢ بِبَنِيهِ ١١﴾.

آنان را به چشمان خویش می‌بینند و به دل‌های خود می‌شناسند؛ با وجود آن هیچ‌کس توان ندارد به دیگری نفعی برساند، شناسایی‌ها از بین رفته و قرابت‌ها باطل شده است. در آن روز شخص کافر آرزو می‌برد که کاش برای نجات خویش از عذاب روز قیامت فرزندانش را که از همه مردم به نزدش محبوب‌تر اند فدیه دهد. امّا هول دشواری‌ها این دوستی را از بین برده است و این کار بسیار بعید است.

﴿وَصَٰحِبَتِهِۦ وَأَخِيهِ١٢﴾.

شخصی کافر آرزو می‌برد کاش برای نجاتش از عذاب همسرش را با وجود محبّت، دوستی و مهربانیی که به او دارد –امّا ترس او را فراموشکار ساخته است- فدیه بدهد. همچنان اراده دارد برادرش را با وجود رابطۀ قرابتش فدیه دهد.

﴿وَفَصِيلَتِهِ ٱلَّتِي تُ‍ٔۡوِيهِ ١٣﴾.

کافر آرزو می‌برد ای کاش برای رهایی از عذاب، خانواده‌اش را که در آن پرورده شده و قبیله‌اش را که در آن رشد نموده فدیه دهد، امّا حسب‌ها و نسب‌ها از میان رفته است.

﴿وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا ثُمَّ يُنجِيهِ ١٤﴾.

همچنان آرزو دارد همه موجودات روی زمین اعم از انسان‌ها و دیگر چیز‌ها را فدیه دهد تا از عذاب نجات یابد؛ یعنی تنها نفسش در نزد او ارزشمند است نه دیگر چیز‌ها.

﴿كَلَّآۖ إِنَّهَا لَظَىٰ ١٥﴾.

امّا واقعیت چنان نیست که آرزو می‌برد، بلکه ناچار باید به آتشی که از شدّت سوزندگی‌اش شعله‌ور است و اهل خود را در هم می‌شکند داخل شود.

﴿نَزَّاعَةٗ لِّلشَّوَىٰ ١٦﴾.

از شدّت سوزندگی‌اش پوست روی و دست را بیرون می‌کشد و اطراف بدن را بریان می‌کند تا جسم مانند ذغال می‌شود.

﴿تَدۡعُواْ مَنۡ أَدۡبَرَ وَتَوَلَّىٰ ١٧﴾.

کسی را صدا می‌زند و به کمک می‌خواهد که از ایمان و طاعت خداوند رحمن رو گشتانده‌اند،‌ از شیطان پیروی کرده‌اند و در دنیا و خواهش‌های آن فرو رفته‌اند.

﴿وَجَمَعَ فَأَوۡعَىٰٓ ١٨﴾.

مال و ثروت را جمع آورده است، امّا حقّ خداوند أ را منع کرده، ذخیره‌اش کرده و خدمتگار آن شده، برای تحصیلش وقت خویش را صرف کرده و به خاطرش از طاعات باز مانده است.

﴿۞إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ خُلِقَ هَلُوعًا ١٩﴾.

یقیناً انسان با طبیعتی حریص و طمع‌کار آفریده شده است؛ طوری که حرصی شدید دارد و تعلّقش به دنیا مستحکم است.

﴿إِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ جَزُوعٗا ٢٠﴾.

آنگاه که امر ناخوشایندی به او برسد بسیار نا‌آرام می‌شود و چون به ضرری گرفتار شود سخت تأسّف می‌نماید؛ یعنی توان صبر بر سختی‌ها را ندارد و ضرر‌ها را تحمّل کرده نمی‌تواند.

﴿وَإِذَا مَسَّهُ ٱلۡخَيۡرُ مَنُوعًا ٢١﴾.

و آنگاه که مال و ثروتی فراچنگ می‌آورد از دیگران بازمی‌دارد؛ یعنی صدقه نمی‌دهد و احسان نمی‌کند. آری! طبیعت انسانی است که به چیز‌های دست یافته طعم‌کار است و چون چیزی از او خواسته شود بخل می‌ورزد.

﴿إِلَّا ٱلۡمُصَلِّينَ ٢٢﴾.

مگر کسانی که به اقامۀ نماز می‌پردازند و به ادای نماز در وقت‌هایش محافظت می‌نمایند که نماز ایشان را بر سخاوت کمک می‌کند و صبر و قناعت می‌بخشد.

﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ دَآئِمُونَ ٢٣﴾.

ایشان که بر اقامۀ نماز مداومت دارند، هیچ امری از ادای نماز مصروف‌شان نمی‌سازد، دل‌های‌شان معلّق به مساجد است و نماز روشنی چشم‌شان است.

﴿وَٱلَّذِينَ فِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ مَّعۡلُومٞ ٢٤﴾.

و کسانی که در مال‌های‌شان بخش شناخته شده‌ای وجود دارد؛ یعنی زکاتی که فرض است و آن را با خوشنودی خاطر و تسلیم به فرمان الهی ادا می‌نمایند.

﴿لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ ٢٥﴾.

آن را برای مستحقّی که طلب کند یا استغنا جوید، طعم‌کار باشد یا قناعت پیشه باشد عطا می‌نمایند؛ یعنی مال‌شان به سایل و مستغنی به مصرف رسد.

﴿وَٱلَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ٢٦﴾.

کسانی که به روز قیامت باور دارند، از این‌رو به اوامر الهی عمل می‌کنند، از نواهی‌اش اجتناب می‌ورزند و با اعمال نیکو برای آن روز آمادگی می‌گیرند.

﴿وَٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ ٢٧﴾.

کسانی که از عذاب الله تعالی ترسناک‌اند، خویشتن را از مکر اوتعالی در امان نمی‌دانند، مجازاتش را بی‌ارزش نمی‌شمارند و برای نجات از آن به انجام طاعات و پرهیز از گناهان اقدام می‌کنند.

﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمۡ غَيۡرُ مَأۡمُونٖ ٢٨﴾.

یقیناً هیچ مؤمنی خو را از عذاب خداوند أ در امان نمی‌داند، بلکه ترسناک است و از آن حذر می‌کند؛ زیرا به وقوعش باور دارد. امّا شخص بد‌کار خویشتن را از عذاب مأمون می‌داند و اعمال بد را انجام می‌دهد.

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ حَٰفِظُونَ ٢٩﴾.

کسانی که از ترس خداوند سبحان دامان خویش را از بی‌عفّتی و حرام حفظ می‌کنند و از زنا‌کاری نگه می‌دارند.

﴿إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ ٣٠﴾.

مگر به همسران و کنیزان خود که مؤاخذه نمی‌شوند،‌ بلکه خداوند منّان برای‌شان روا ساخته است. بدین اساس حلال‌های الهی را حلال و محرّماتش را حرام می‌دانند.

﴿فَمَنِ ٱبۡتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡعَادُونَ ٣١﴾.

کسی که به منظور ارضای نیروی شهوانی وجودش، غیر از همسران و کنیزان دیگری را طلب کند، به محرّمات دست زده و با ارتکاب نواهی از حد گذشته است.

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ ٣٢﴾.

کسانی که به ادای امانت‌های الهی مانند حقوق الله أ و حقوق مردم که بر ذمۀشان گذاشته شده می‌پردازند، پیمان‌ها را حفظ می‌کنند و نمی‌شکنند و به عهد‌ها و عقد‌هایی که می‌بندند وفا می‌نمایند.

﴿وَٱلَّذِينَ هُم بِشَهَٰدَٰتِهِمۡ قَآئِمُونَ ٣٣﴾.

کسانی که با راستگویی به ادای شهادت‌ها می‌پردازند، آن را به حقّانیت ادا می‌کنند و به خاطر روابط خویشاوندی و یا کینه‌توزی با کسی گواهی خویش را نمی‌پوشند و تغییری در آن وارد نمی‌کنند.

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ يُحَافِظُونَ ٣٤﴾.

کسانی که به ادای نماز‌ها به گونۀ مشروع محافظت می‌کنند، در واجباتش خلل وارد نمی‌سازند و وقت‌هایش را ضایع نمی‌نمایند، بلکه آن را در وقت معیّن و به صفت درست ادا می‌نمایند.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ فِي جَنَّٰتٖ مُّكۡرَمُونَ ٣٥﴾.

این گروه که ابرار نیکو‌کار اند و به صفات پسندیدۀ یاد‌شده موصوف اند، در بهشت‌های پر از نعمت با بهرۀ بزرگ و مقام سترگ قرار دارند.

﴿فَمَالِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ قِبَلَكَ مُهۡطِعِينَ ٣٦﴾.

ای محمّد! کافران را چه شده که با شتاب و گردن‌های افراشته به تو رو آورده‌اند و با چشمان خویش متعجّبانه ضرر به تو را قصد دارند؟ حال آنکه می‌دانند آنچه را آورده‌ای مایۀ تعجّب نیست؛ زیرا حقّانیتش آشکار است.

﴿عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ عِزِينَ ٣٧﴾.

به طرف راست و چپ تو طور پراگنده جمع می‌شوند و با تعجّب از آنچه آورده‌ای از یکدیگر خویش سوال می‌کنند؛ زیرا با شرک پدران آنان مخالفت دارد.

﴿أَيَطۡمَعُ كُلُّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُمۡ أَن يُدۡخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٖ ٣٨﴾.

آیا هر یک از این کافران بد‌کار طمع دارند که خداوند أ آنان را به بهشت ناز و نعمت داخل نماید، در صورتی که از راه مستقیم مخالفت ورزیدند، به قرآن تکذیب کردند و با پیامبر ج به جنگ پرداختند؟!

﴿كَلَّآۖ إِنَّا خَلَقۡنَٰهُم مِّمَّا يَعۡلَمُونَ ٣٩﴾.

واقعیت طوری نیست که طمع می‌کنند، بلکه بهشت بر آنان حرام شده است. ما آنان را از آب بی‌ارزشی و ناچیزی آفریده‌ایم و این امر بدون عمل نیکو آنان را شایستۀ دخول به بهشت نمی‌سازد. از نگاه اصل خود نیز مانند دیگران‌اند و هیچ امتیازی ندارند.

﴿فَلَآ أُقۡسِمُ بِرَبِّ ٱلۡمَشَٰرِقِ وَٱلۡمَغَٰرِبِ إِنَّا لَقَٰدِرُونَ ٤٠﴾.

حق‌تعالی به خویشتن که طلوع‌گاه‌ها و غروب‌گاه‌های خورشید، ماه، ستارگان و سیّارگان را آفریده سوگند یاد نموده است که بر آنچه اراده نماید تواناست و هیچ امری او را عاجز ساخته نمی‌تواند. آری! این مخلوقات به صُنع تازه و آفرینش بزرگش دلالت دارد.

﴿عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَمَا نَحۡنُ بِمَسۡبُوقِينَ ٤١﴾.

اوتعالی سوگند یاد نمود که وی قادر است کافران را به قومی بهتر و فرمان‌بردار‌تر تبدیل نماید که در نزد خداوند أ از مشرکان که به وی کافر شدند و پیامبرش را تکذیب نمودند مکرّم‌تر باشند و هیچ کسی نیست که از نزد خداوند أ فراموش شود، یا او را ناتوان سازد، یا از دایرۀ حکمش خارج شود یا خود را از اراده و قضایش محفوظ دارد.

﴿فَذَرۡهُمۡ يَخُوضُواْ وَيَلۡعَبُواْ حَتَّىٰ يُلَٰقُواْ يَوۡمَهُمُ ٱلَّذِي يُوعَدُونَ ٤٢﴾.

ای پیامبر! کافران را رها بگذار تا در باطل فرو روند و در امور دنیا بازی نمایند. گفتار آنان لهو و بی‌فایده، کردار آنان بیهوده و عمر‌های آنان ضایع‌شدنی است تا وقتی که روز حساب را ملاقات نمایند و در آن روز عذاب را بچشند؛ زیرا جزای آنان در دنیا نیست، بلکه در آخرت است.

﴿يَوۡمَ يَخۡرُجُونَ مِنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ سِرَاعٗا كَأَنَّهُمۡ إِلَىٰ نُصُبٖ يُوفِضُونَ ٤٣﴾.

در آن روز از قبر‌های خویش شتابان بیرون می‌شوند و می‌دوند تا جزایی را که در انتظار آنان است و عذابی را که مهیّا شده است دریابند؛ همچنان که در دنیا به سوی خدایان باطلی که به عبادت آن‌ها می‌پرداختند شتاب می‌ورزیدند.

﴿خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۚ ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمُ ٱلَّذِي كَانُواْ يُوعَدُونَ ٤٤﴾.

هنگامی که کافران آتش دوزخ را معاینه می‌کنند، چشم‌های آنان را خواری فرا می‌گیرد و ننگ و ذلّت بر آنان مستولی می‌گردد. این همان روز قیامتی است که در دنیا وعده داده شدند، اما بدان تکذیب و استهزا می‌کردند و امروز آن را به چشم سر مشاهده می‌کنند.

سورۀ نوح

مکی است؛ ترتیب آن 71؛ شمار آیات آن 28

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦٓ أَنۡ أَنذِرۡ قَوۡمَكَ مِن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١﴾.

الله أ خبر می‌دهد که وی نوح ÷ را با رسالت توحید به سوی قومش برگزید و او را مأمور داشت آنان را در صورتی که ایمان نیاورند و از وی اطاعت ننمایند، از عذاب درد‌آور الهی برحذر دارد.

﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ إِنِّي لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ٢﴾.

نوح ÷ برای آنان گفت: ای قوم! من بیم‌دهنده‌ای هستم که شما را از عذاب سختی می‌ترسانم. در دعوتم ابهامی وجود ندارد، بلکه واضح و قابل فهم است.

﴿أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ ٣﴾.

دعوتم این است که خداوند أ را یگانه بدانید، اوامرش را انجام دهید، از نواهی‌اش پرهیز نمایید و به آنچه شما را فرا می‌خوانم از من پیروی کنید. این فرا‌خوان، روش اخلاص به حق‌تعالی و متابعت از پیامبر ج است. آری! این دو امر اساس رستگاری و نجات است.

﴿يَغۡفِرۡ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُؤَخِّرۡكُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمًّىۚ إِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ إِذَا جَآءَ لَا يُؤَخَّرُۚ لَوۡ كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٤﴾.

گناهان شما را می‌آمرزد، از خطا‌های‌تان گذشت می‌کند، عمر‌های شما را زیاد می‌گرداند، در وقت‌های شما برکت می‌دهد و وقت مرگ‌تان را مدّتی که در نزد خداوند أ معلوم است به تأخیر می‌اندازد؛ زیرا آنگاه که وقت مرگ فرا رسد تأخیری ندارد. اگر این امر را می‌دانید به سوی ایمان و طاعت خداوند رحمان بشتابید. امّا نادانی شما را به نافرمانی و عصیانگری کشانده است.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوۡتُ قَوۡمِي لَيۡلٗا وَنَهَارٗا ٥﴾.

نوح ÷ گفت: پروردگارم! من در دعوت قوم خویش به سوی ایمان، بطور شبانه‌‌روزی بسیار زحمت کشیدم.

این دلیلی است که برای وجیبۀ دعوت، به علاقۀ زیاد و وقت بسیار نیاز است.

﴿فَلَمۡ يَزِدۡهُمۡ دُعَآءِيٓ إِلَّا فِرَارٗا ٦﴾.

امّا دعوتم به سوی ایمان، جز گریختن و رو گشتاندن چیزی بر آنان نیفزود. هر‌چند بر آنان واجب بود که دعوتم را بپذیرند، امّا آنان حق را ترک نمودند.

﴿وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوۡتُهُمۡ لِتَغۡفِرَ لَهُمۡ جَعَلُوٓاْ أَصَٰبِعَهُمۡ فِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَٱسۡتَغۡشَوۡاْ ثِيَابَهُمۡ وَأَصَرُّواْ وَٱسۡتَكۡبَرُواْ ٱسۡتِكۡبَارٗا ٧﴾.

و من هر باری که آنان را به سوی خداوند مهربان فرا خواندم تا آثار گناهان و معاصی‌شان را بیامرزد، انگشتان خود را برای اعراض بیشتر در گوش‌های خویش کردند تا حق را نشنوند. چهره‌های خود را با جامه‌ها پوشاندند تا مرا نبینند. بر کفر ادامه دادند، به گمراهی مقیم ماندند و از قبول حق با شدّت استکبار ورزیدند. آری! آنان حواس شنوایی، بینایی و دل‌های خویش را از مقاصد خلقت آن‌ها باز داشتند.

﴿ثُمَّ إِنِّي دَعَوۡتُهُمۡ جِهَارٗا ٨﴾.

سپس آنان را با آواز بلند فرا خواندم و در مجامع و مجالس دعوتم را علنی ساختم؛ یعنی نقصی در تبلیغ من وجود نداشت، بلکه نقص از طرف آنان بود که اعراض نمودند.

﴿ثُمَّ إِنِّيٓ أَعۡلَنتُ لَهُمۡ وَأَسۡرَرۡتُ لَهُمۡ إِسۡرَارٗا ٩﴾.

بعد از آن با آواز آهسته ایشان را فرا خواندم. بدین طریق که یک‌بار در حضور جماعات و در هنگامی که مخاطبان دور باشند با آواز بلند، بار دیگر وقتی نزدیک‌شان باشم یا مخاطب یک نفر باشد با آهستگی دعوت‌شان نمودم؛ یعنی همه روش‌های ممکن دعوت را در پیش گرفتم.

﴿فَقُلۡتُ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارٗا ١٠﴾.

آنان را به آمرزش خواهی از خداوند یگانۀ قهّار امر نمودم؛ زیرا اوتعالی آمرزندۀ گناهان است، عیب‌ها را می‌پوشاند، توبۀ تائبان را می‌پذیرد و کسی را که به او رجوع نماید رحمت می‌کند.

استغفار در اینجا مفهوم توحید و توبه را شامل است.

﴿يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا ١١﴾.

خداوند أ با استغفار و طلب آمرزش، باران را فرود می‌آورد؛ زیرا باران از آثار رحمت پروردگار است و بر آمرزش خواهان نازل می‌شود، چنان‌چه گناهان مانع نزول باران می‌شود.

﴿وَيُمۡدِدۡكُم بِأَمۡوَٰلٖ وَبَنِينَ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ جَنَّٰتٖ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ أَنۡهَٰرٗا ١٢﴾.

خداوند متعال با استغفار و توبه برای‌تان فرزندان نیکو‌کار، دارایی زیاد و روزی فراخ می‌بخشاید، باغ‌های سر‌سبز و بستان‌های فراخی را می‌رویاند تا از فواید درخت‌ها، میوه‌ها و گل‌ها بهره‌مند شوید و نیز جوی‌های پر از آب خوشگوار را مهیّا می‌سازد.

﴿مَّا لَكُمۡ لَا تَرۡجُونَ لِلَّهِ وَقَارٗا ١٣﴾.

ای بد‌کاران! شما را چه شده که قدر و مرتبۀ خداوند یگانۀ قهّار را نمی‌دانید، از عذابش نمی‌ترسید و پاداش وی را امیدوار نیستید.

﴿وَقَدۡ خَلَقَكُمۡ أَطۡوَارًا ١٤﴾.

در حالی که شما را با اِعمال مراحلی چون نطفه، علقه، مُضغه و باز گوشت و استخوان آفریده است. آری! تنها اوست که آفرینش و شکل دهی‌تان را به عُهده داشته، برای‌تان روزی داده و سزاوار عبادت است.

﴿أَلَمۡ تَرَوۡاْ كَيۡفَ خَلَقَ ٱللَّهُ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖ طِبَاقٗا ١٥﴾.

آیا در آسمان و آفرینش ابداعی آن ندیده‌اید که چگونه حق‌تعالی آن را با استحکام و متانت، هفت طبقه بالای هم قرار داد چنان‌که به قوّت و قدرت کاملش دلالت می‌کند؟

﴿وَجَعَلَ ٱلۡقَمَرَ فِيهِنَّ نُورٗا وَجَعَلَ ٱلشَّمۡسَ سِرَاجٗا ١٦﴾.

الله أ ماه را در فضای آسمان‌ها آفرید تا روشنیی برای اهل زمین و از نورش در تاریکی‌ها بهره‌مند شوند و وجودش مایۀ شگفتی این بنا و نظام است. همچنان خورشید روشن را مقرّر داشت که با نورش جهان را روشنی می‌بخشد و با درخشش خویش تاریکی‌ها را دور می‌سازد.

﴿وَٱللَّهُ أَنۢبَتَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ نَبَاتٗا ١٧﴾.

خداوند سبحان اصل‌تان را پدید آورد. بدین‌گونه که پدر شما آدم را از خاک آفرید و روح را در وجودش دمید. به این طریق مادّۀ شما از گِل است و اصل‌تان از رطوبت تشکیل یافته است.

﴿ثُمَّ يُعِيدُكُمۡ فِيهَا وَيُخۡرِجُكُمۡ إِخۡرَاجٗا ١٨﴾.

باز شما را بعد از مرگ به زمین باز می‌گرداند و مدفون می‌سازد و سپس از قبر‌ها برای حساب روز قیامت زنده می‌گرداند تا پاداش نیک یا جزای سختی را دریابید. بنابراین هم از زمین آفریده شدید، هم در زمین باز می‌گردید و هم دوباره از آن برانگیخته و زنده می‌شوید.

﴿وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ بِسَاطٗا ١٩﴾.

حق‌تعالی زمین را برای‌تان گهواره‌ای ساخته تا به زندگی در آن ادامه دهید، فرش و هموار نموده تا حیات مردم بر رویش ممکن و آسان شود.

﴿لِّتَسۡلُكُواْ مِنۡهَا سُبُلٗا فِجَاجٗا ٢٠﴾.

برای اینکه در راه‌های فراخ زمین که برای رفت و آمد مهیّا شده است، به منظور جلب منافع، کسب روزی و مسافرت‌های‌تان سیر و حرکت نمایید.

﴿قَالَ نُوحٞ رَّبِّ إِنَّهُمۡ عَصَوۡنِي وَٱتَّبَعُواْ مَن لَّمۡ يَزِدۡهُ مَالُهُۥ وَوَلَدُهُۥٓ إِلَّا خَسَارٗا ٢١﴾.

نوح ÷ گفت: پروردگارم! قومم با من مخالفت نمودند، در تکذیب من بسیار کوشیدند و مرا بسیار نافرمانی کردند. فقیران در گمراهی از ثروتمندان پیروی نمودند و ناتوانان در تکذیب به سر‌کردگان اقتدا کردند. امّا دارایی و فرزندان برای صاحبان خویش که تکذیب می‌کردند فایده‌ای نرساند و فرزندان آنان را از عذاب نجات نداد.

﴿وَمَكَرُواْ مَكۡرٗا كُبَّارٗا ٢٢﴾.

سر‌کردگان برای گمراه‌سازی ناتوانان تدبیر بزرگی را به کار بردند، با جاه و مال خود آنان را از هدایت فریب دادند و با فتنۀ مال و دارایی به شبهه انداختند تا از حق باز دارند.

﴿وَقَالُواْ لَا تَذَرُنَّ ءَالِهَتَكُمۡ وَلَا تَذَرُنَّ وَدّٗا وَلَا سُوَاعٗا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسۡرٗا ٢٣﴾.

سر‌کردگان برای ضعیفان گفتند: به خاطر عبادت خداوند یگانه که نوح ÷ شما را بدان فرا می‌خواند، عبادت بت‌های خود را رها نسازید. عبادت بت‌هایی چون ودّ، سواع، یغوث و نسر را ترک نکنید؛ بت‌هایی که گذشتگان نام‌های افراد صالح اقوام خود را بر آن‌ها گذاشتند و بعد از آن به عبادت آن‌ها پرداختند.

﴿وَقَدۡ أَضَلُّواْ كَثِيرٗاۖ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا ضَلَٰلٗا ٢٤﴾.

سر‌کردگان، ناتوانان را به گمراهی کشاندند، باطل را برای‌شان نیکو جلوه دادند و با فریب اغوای‌شان نمودند. پس ای پروردگار! برای این ستمگاران که با فساد بر خویشتن ستم روا داشتند جز دوری از حق و راهیابی چیزی را نیفزا؛ زیرا بندگان را به گمراهی کشاندند.  
﴿مِّمَّا خَطِيٓـَٰٔتِهِمۡ أُغۡرِقُواْ فَأُدۡخِلُواْ نَارٗا فَلَمۡ يَجِدُواْ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَنصَارٗا ٢٥﴾.

به سبب گناهان خود با طوفان غرق شدند و بعد از آن در آتش سوختانده شدند؛ از آن‌رو که در عصیان و سرکشی ادامه دادند و اکنون جز خداوند رحمان هیچ‌کس آنان را یاری کرده نمی‌تواند.

﴿وَقَالَ نُوحٞ رَّبِّ لَا تَذَرۡ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ دَيَّارًا ٢٦﴾.

آنگاه که نوح ÷ از قومش ناامید شد بر آنان دعا کرد و گفت: پروردگارا! کافران را هلاک ساز و از آنان یکی را هم زنده مگذار که بر روی زمین دَور خورد و در محدوده‌اش حرکت نماید؛ برای اینکه اثری از آنان نماند و ریشۀشان از دنیا نابود شود.

﴿إِنَّكَ إِن تَذَرۡهُمۡ يُضِلُّواْ عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوٓاْ إِلَّا فَاجِرٗا كَفَّارٗا ٢٧﴾.

پروردگار! اگر کافران را بدون هلاکت واگذاری بندگانت را از حق باز می‌دارند، از هدایت به گمراهی می‌کشانند و در دین‌شان به فتنه می‌اندازند. پدران از پُشت‌های خویش جز کافران دروغگویی را به وجود نمی‌آورند و زنان از رَحِم‌های خود جز گنهکارانی را تولّد نمی‌کنند.

﴿رَّبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيۡتِيَ مُؤۡمِنٗا وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۖ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا تَبَارَۢا ٢٨﴾.

پروردگارا! من و گناهانم را، پدر و مادرم را، همه کسانی را که به دینم گردن نهاده و با ایمان به خانه‌ام درآیند و هر مرد و زن مؤمن را در درازنای زمان بیامرز. دیده می‌شود که دعای نوح ÷ ما را نیز شامل است، خداوند أ برایش جزای خیر دهد! بعد از آن گفت: پروردگارا! بر کافران چیزی جز هلاکت دنیا و عذاب آخرت را ریاد مگردان.

این دعا را بعد از تجربۀ طولانی و عمر درازی ارائه داشت که عصیانگری کافران را مشاهده نموده بود.

سورۀ جِنّ

مکی است؛ ترتیب آن 72؛ شمار آیات آن 28

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿قُلۡ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ٱسۡتَمَعَ نَفَرٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَقَالُوٓاْ إِنَّا سَمِعۡنَا قُرۡءَانًا عَجَبٗا ١﴾.

بگو ای پیامبر: خداوند سبحان به سویم وحی فرستاده که گروهی از جنّیان برای شنیدن قرآن کریم خاموش ماندند و گوش فرا دادند، وقتی آن را شنیدند تأثیر پذیر شدند و برای قوم‌شان گفتند: یقیناً ما قرآنی را شنیدیم که بلاغت و فصاحت تازه، سیاق و آراستگی عجیب و ره‌آورد و روشنگری نیکو دارد. آیاتش عقل‌ها را می‌رباید، در نفس‌ها رخنه ایجاد می‌کند و پرده‌های ضمیرها را می‌درد.

﴿يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلرُّشۡدِ فَ‍َٔامَنَّا بِهِۦۖ وَلَن نُّشۡرِكَ بِرَبِّنَآ أَحَدٗا ٢﴾.

این قرآنی است که به راه حق هدایت می‌کند و به سوی نیکویی فرا می‌خواند. ما بدان تصدیق نمودیم، از آن پیروی کردیم، پروردگار خویش را یگانه شناختیم و کسی را در الوهیتش به او شریک نمی‌آوریم.

﴿وَأَنَّهُۥ تَعَٰلَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا ٱتَّخَذَ صَٰحِبَةٗ وَلَا وَلَدٗا ٣﴾.

خداوند پاک، مقدّس و منزّه است، عظمت متعالی دارد و زن و فرزندی نگرفته است، بلکه او خداوند یگانۀ بی‌نیازی است که نه کسی را زاده و نه کسی زاده شده است.

﴿وَأَنَّهُۥ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى ٱللَّهِ شَطَطٗا ٤﴾.

امّا از جملۀ ما کسی است که به خداوند أ نادان است، بر حق افترا می‌کند و با بی‌خردی و طور ناحق همسر و فرزند را به اوتعالی نسبت می‌دهد. هر‌چند حق‌تعالی از چنین اوصافی بلند‌تر است.

﴿وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن تَقُولَ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا ٥﴾.

ما باور داشتیم که هیچ‌یک از ما اعم از جنّیان و انسان‌ها توان ندارد که به خداوند أ افترا کند و فرزند و همسری را به اوتعالی نسبت دهد.

﴿وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٞ مِّنَ ٱلۡإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٖ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَزَادُوهُمۡ رَهَقٗا ٦﴾.

مسلّماً افرادی از انسان‌ها به اشخاصی از جنّیان پناه می‌جستند. این افراد با پناه جستن به جنّیان سرکشی، بی‌خردی و تکبّر آنان را زیاد می‌ساختند. این عمل‌شان شرک محسوب می‌شود و رفتن به نزد جادوگران و ساحران نیز از همین قبیل است.

﴿وَأَنَّهُمۡ ظَنُّواْ كَمَا ظَنَنتُمۡ أَن لَّن يَبۡعَثَ ٱللَّهُ أَحَدٗا ٧﴾.

ای جنّیان! انسان‌های کافر مانند شما باورمند بودند که حق‌تعالی کسی را بعد از مردن دوباره زنده نمی‌کند و با این عقیده به خداوند أ و روز آخرت کافر شدند.

﴿وَأَنَّا لَمَسۡنَا ٱلسَّمَآءَ فَوَجَدۡنَٰهَا مُلِئَتۡ حَرَسٗا شَدِيدٗا وَشُهُبٗا ٨﴾.

و هر آینه ما به منظور شنیدن سخن اهل آسمان در آن بالا می‌رفتیم، امّا بعد از بعثت محمّدی احوالش بر ما تغییر کرد. بدین‌گونه که پُر از فرشتگانی شد که به پاسبانی مصروف اند و پر از ستارگان سوزنده‌ای که مُسترقان سمع به وسیلۀ آن‌ها زده می‌شوند.

﴿وَأَنَّا كُنَّا نَقۡعُدُ مِنۡهَا مَقَٰعِدَ لِلسَّمۡعِۖ فَمَن يَسۡتَمِعِ ٱلۡأٓنَ يَجِدۡ لَهُۥ شِهَابٗا رَّصَدٗا ٩﴾.

ما پیش از بعثت محمدی ج در آسمان مواضعی را برای شنیدن سخن برمی‌گزیدیم. اما اکنون هر که از ما برای شنیدن نزدیک شود شهاب او را می‌سوزاند.

این آیه دعوای کاهنان و غیب‌گویان را که سخنان خویش را به اخبار آسمان نسبت می‌دهند باطل می‌سازد.

﴿وَأَنَّا لَا نَدۡرِيٓ أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ أَرَادَ بِهِمۡ رَبُّهُمۡ رَشَدٗا ١٠﴾.

اکنون نمی‌دانیم که آیا با این تغییر، به اهل زمین هلاکت و نابودی اراده شده یا الله أ خیر و هدایت‌شان را اراده دارد؟ نمی‌دانیم چه امری پدید آمده است.

﴿وَأَنَّا مِنَّا ٱلصَّٰلِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَۖ كُنَّا طَرَآئِقَ قِدَدٗا ١١﴾.

از جملۀ ما گروه جنّ، شماری دوستان خداوند أ و پرهیزگاران اند. امّا عدّۀ دیگری از ما فاسق و بد‌کار اند. یعنی ما اهل مذاهب پراکنده‌ای هستیم و روش یگانه‌ای نداریم.

﴿وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن نُّعۡجِزَ ٱللَّهَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَن نُّعۡجِزَهُۥ هَرَبٗا ١٢﴾.

امّا ما اعتقاد داریم که خداوند سبحان به ما احاطه دارد و هرگاه بخواهد ما را هلاک سازد از آن نجات نمی‌یابیم و توان نداریم از عذابش در آسمان بگریزیم.

﴿وَأَنَّا لَمَّا سَمِعۡنَا ٱلۡهُدَىٰٓ ءَامَنَّا بِهِۦۖ فَمَن يُؤۡمِنۢ بِرَبِّهِۦ فَلَا يَخَافُ بَخۡسٗا وَلَا رَهَقٗا ١٣﴾.

و آنگاه که ما قرآن را شنیدیم تصدیق نمودیم که از جانب خداوند أ است. کسی که به الوهیت پروردگارش ایمان آورد، نباید از کم‌شدن حسنات و یا از زیاده‌شدن گناهانش هراس داشته باشد؛ زیرا حق‌تعالی بر هیچ کسی ستم روا نمی‌دارد.

﴿وَأَنَّا مِنَّا ٱلۡمُسۡلِمُونَ وَمِنَّا ٱلۡقَٰسِطُونَۖ فَمَنۡ أَسۡلَمَ فَأُوْلَٰٓئِكَ تَحَرَّوۡاْ رَشَدٗا ١٤﴾.

از جملۀ ما شماری به طاعت الهی منقاد اند و در پیشگاهش فروتنی می‌نمایند. امّا برخی دیگر ستمگارانی‌اند که از راه مستقیم انحراف کردند. کسی که از حق‌تعالی اطاعت کند و خوشنودی وی را خواستار باشد، راه حق را در پیش گرفته است. چنین کسانی از هدایت الهی بهره‌مند شدند، به او ایمان آوردند، از پیامبرش پیروی نمودند و از جملۀ ابرار و نیکو‌کاران اند؛ زیرا در انتخاب بهترین روش کوشیدند.

﴿وَأَمَّا ٱلۡقَٰسِطُونَ فَكَانُواْ لِجَهَنَّمَ حَطَبٗا ١٥﴾.

امّا ستمگران منحرف از راه مستقیم، اهل دوزخ اند که به آتش دوزخ می‌سوزند و به عذابش گرفتار می‌شوند و عدل آن است که هر که تکذیب کند عذاب شود.

﴿وَأَلَّوِ ٱسۡتَقَٰمُواْ عَلَى ٱلطَّرِيقَةِ لَأَسۡقَيۡنَٰهُم مَّآءً غَدَقٗا ١٦﴾.

اگر انسان‌ها و جنّیان کافر به طاعت حق‌تعالی استقامت می‌ورزیدند، عبادت را برای او خالص می‌ساختند، به خوبی از پیامبرش پیروی می‌نمودند و از راهش انحراف نمی‌کردند الله أ باران ریزانی را بر آنان از آسمان فرود می‌آورد و روزی گوارایی را برای‌شان عطا می‌نمود. در نتیجه زندگی را در فراوانی می‌گذشتاندند و حیات سعادتمندی می‌داشتند.

﴿لِّنَفۡتِنَهُمۡ فِيهِۚ وَمَن يُعۡرِضۡ عَن ذِكۡرِ رَبِّهِۦ يَسۡلُكۡهُ عَذَابٗا صَعَدٗا ١٧﴾.

برای اینکه آنان را مورد آزمایش قرار دهیم و شکر‌گزاران و کافران را باز شناسیم. بعد از آن هر که دیگران را از طاعت الله تعالی باز دارد، از عبادتش غافل ماند و یادش را فراموش کند خداوند متعال او را به عذاب سختی گرفتار می‌سازد و با داخل ساختن در آتش دوزخ خوار می‌کند.

﴿وَأَنَّ ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا ١٨﴾.

هر آینه عبادت در مساجد باید مخصوص اوتعالی ساخته شود، چون عبادت غیر خداوند أ در آن مواضع روا نیست و نباید چیزی از عبادت برای کسی جز الله أ تقدیم شود. یعنی باید همه طاعات، چون عبادت، دعا، ترس و امیدواری برای او خالص ساخته شود؛ زیرا اوتعالی یگانه و سزاوار عبادت است.

﴿وَأَنَّهُۥ لَمَّا قَامَ عَبۡدُ ٱللَّهِ يَدۡعُوهُ كَادُواْ يَكُونُونَ عَلَيۡهِ لِبَدٗا ١٩﴾.

و آنگاه که رسول خدا ج در شب دعوت جنّیان برای ادای نماز برخاستند، جنّیان از شدّت حرص شنیدن قرآن کریم در اطراف‌شان با صف‌های به هم پیوسته اجتماع ورزیدند؛ طوری که نزدیک بود به پیامبر ج متّصل شوند.

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَدۡعُواْ رَبِّي وَلَآ أُشۡرِكُ بِهِۦٓ أَحَدٗا ٢٠﴾.

برای این کافر بگو: من خداوند یگانۀ قهّار را عبادت می‌کنم و در عبادتش کسی را شریک نمی‌سازم، بلکه طاعت خویش را تنها برای او تقدیم می‌دارم. او سزاوار است که عبادت شود و سزاوار است که یگانه شناخته شود.

﴿قُلۡ إِنِّي لَآ أَمۡلِكُ لَكُمۡ ضَرّٗا وَلَا رَشَدٗا ٢١﴾.

برای کافران بگو: من نمی‌توانم به شما نفعی را جلب نمایم، یا از شما ضرری را دفع کنم و در توانم نیست که شما را گمراه سازم یا هدایت نمایم. همه این امور به خداوند أ مربوط است، من تنها شما را از عذاب بیم داده و به دریافت پاداش مژده می‌دهم.

﴿قُلۡ إِنِّي لَن يُجِيرَنِي مِنَ ٱللَّهِ أَحَدٞ وَلَنۡ أَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلۡتَحَدًا ٢٢﴾.

بگو: اگر خداوند أ را نافرمانی کنم هیچ کسی نمی‌تواند مرا از عذابش باز دارد و هیچ راهی را نمی‌یابم که از عذاب حق‌تعالی فرار نمایم. آری! هیچ راه پناهگاهی از عذاب الله أ جز به سوی او وجود ندارد، پس باید بنده به سوی او بگریزد و به او اعتماد ورزد.

﴿إِلَّا بَلَٰغٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِسَٰلَٰتِهِۦۚ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا٢٣﴾.

امّا آنچه در توان من است و بدان دسترسی دارم، دعوت به سوی خداوند أ تبلیغ دین اوتعالی و رساندن پیامی است که مرا بدان مأمور داشته است. هر که خدا را عصیانگری کند و با پیامبرش مخالفت ورزد، جزای جرمش عذاب دوزخ است که در آن همیشه خواهد ماند.

﴿حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوۡاْ مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعۡلَمُونَ مَنۡ أَضۡعَفُ نَاصِرٗا وَأَقَلُّ عَدَدٗا ٢٤﴾.

تا آنگاه که کافران آتش دوزخ را که در این دنیا وعده داده شده‌اند مشاهده کنند. آن وقت خواهند دانست که چه کسی ناتوان است، یاوری ندارد و لشکرش اندک است؛ یعنی آنان ناتوان‌تر و خوارتر اند و لشکری اندکتر دارند، امّا خداوند أ قویتر و غالبتر است و لشکری بیشتر دارد.

﴿قُلۡ إِنۡ أَدۡرِيٓ أَقَرِيبٞ مَّا تُوعَدُونَ أَمۡ يَجۡعَلُ لَهُۥ رَبِّيٓ أَمَدًا ٢٥﴾.

ای پیامبر! برای کافران بگو: من به وقت عذابی که بدان وعده داده می‌شوید دانا نیستم که نزولش نزدیک است یا وقوع آن دور خواهد بود، بلکه من وقوع آن را بیم می‌دهم و وقت آن را به شما خبر داده نمی‌توانم.

﴿عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ فَلَا يُظۡهِرُ عَلَىٰ غَيۡبِهِۦٓ أَحَدًا ٢٦﴾.

الله أ خداوندی یگانۀ قهّار است که به امور پوشیده از دیده‌ها داناست. امّا هیچ‌کس از انسان‌ها را به امور غیبی آگاه نمی‌سازد. اوتعالی امور پوشیده و آشکار و علنی و مخفی را می‌داند.

﴿إِلَّا مَنِ ٱرۡتَضَىٰ مِن رَّسُولٖ فَإِنَّهُۥ يَسۡلُكُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ رَصَدٗا ٢٧﴾.

مگر بندگانی را که به رسالتش برگزیده باشد که ایشان را به بعضی از علوم پوشیده آگاه می‌سازد و پیامبر ج را از پیش رو و پشت سر با فرشتگان نگه می‌دارد تا نشود که جنّیان چیزی از وحی را به سرقت برند و به دوستان کاهن و دروغگوی خویش تحویل دهند.

﴿لِّيَعۡلَمَ أَن قَدۡ أَبۡلَغُواْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّهِمۡ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيۡهِمۡ وَأَحۡصَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ عَدَدَۢا ٢٨﴾.

تا رسول الله ج بداند که به پیامبر پیشین نیز همانند او وحی فرود آمده و ایشان نیز به صداقت و امانت‌داری رسالت‌شان را تبلیغ کردند و خداوند أ وی را مانند ایشان حفظ می‌کند. حق‌تعالی به همه احکام و شرایعی که در نزدشان است چه پوشیده و چه آشکار به طور کامل داناست، همه چیز‌ها را برمی‌شمارد، هیچ چیزی را فرو گذاشت نمی‌کند، به همه معلومات علم دارد، همه معدودات را برشمرده دارد و به کیفیت‌ها و کمّیت‌ها داناست.

سورۀ مُزّمل

مکی است؛ ترتیب آن 73؛ شمار آیات آن 20

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُزَّمِّلُ ١﴾.

ای کسی که جامه‌ات را به خویشتن پیچیده‌ای! مخاطب ان آیه پیامبر ج می‌باشند که چون جبرئیل ÷ در غار حراء به نزدشان آمد، آنحضرت ترسناک به خانوادۀشان بازگشتند و گفتند: مرا بپوشانید، مرا بپوشانید.

﴿قُمِ ٱلَّيۡلَ إِلَّا قَلِيلٗا ٢﴾.

برای ادای نماز، شب را جز کمی بپا خیز؛ زیرا نماز شب، یاوری در برابر مشکلات دعوت و مشقّت‌های زندگی است و از جملۀ بهترین عبادات به شمار می‌رود.

﴿نِّصۡفَهُۥٓ أَوِ ٱنقُصۡ مِنۡهُ قَلِيلًا ٣﴾.

ای پیامبر! نصف شب را برخیز، یا اندکی کمتر از نصف آن را برخیز که به سه‌یکم شب برسد تا برای خواب و استراحت نیز وقتی باقی بماند. بنابراین قیام همه شب مشقّت‌آور است و فضیلتی ندارد.

﴿أَوۡ زِدۡ عَلَيۡهِ وَرَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ تَرۡتِيلًا ٤﴾.

یا ای پیامبر! شب زنده‌داری خود را از نصف شب هم بیشتر ساز تا به دو سوم شب برسد و در خواندن قرآن مدارا نما؛ طوری که تو را به اندیشه و فهم معانی قرآن نزدیک سازد.

﴿إِنَّا سَنُلۡقِي عَلَيۡكَ قَوۡلٗا ثَقِيلًا ٥﴾.

ای پیامبر! مسلّماً ما قرآن عظیمی را بر تو وحی می‌نماییم که اوامر، نواهی، احکام بزرک و آداب ستوده‌ای را احتوا کرده است.

﴿إِنَّ نَاشِئَةَ ٱلَّيۡلِ هِيَ أَشَدُّ وَطۡ‍ٔٗا وَأَقۡوَمُ قِيلًا ٦﴾.

بدون شک نمازی که بعد از خواب قسمتی از شب اقامه شود، تأثیر قوی‌تری در دل وارد می‌کند و میان شنوایی و قلب بیشتر موافقت ایجاد می‌نماید؛ زیرا در آن هنگام دل از امور زندگی فارغ است.

﴿إِنَّ لَكَ فِي ٱلنَّهَارِ سَبۡحٗا طَوِيلٗا ٧﴾.

واقعیت این است که در جریان روز، فراغت طولانی و کافی برایت وجود دارد تا به طلب معاش و پیشبرد دعوت و اصلاح امور بپردازی. بنابراین شب را برای پروردگارت خالص گردان و به طور خاص به عبادتش اقدام نما.

﴿وَٱذۡكُرِ ٱسۡمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلۡ إِلَيۡهِ تَبۡتِيلٗا ٨﴾.

پروردگارت را با اذکار و دعاهای مأثور بسیار یاد نما و با اخلاص عمل، توجه راستین و مراقبت عظیم در عبادت، به سویش از دیگر چیز‌ها قطع علاقه کن.

﴿رَّبُّ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱتَّخِذۡهُ وَكِيلٗا ٩﴾.

او آفریدگار و مالک مشرق و مغرب است، معبود بر حقّی جز او وجود ندارد و هیچ‌کس جز او سزاوار عبادت نیست. بنابراین امور را به او بسپار و بر او اعتماد نما.

﴿وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱهۡجُرۡهُمۡ هَجۡرٗا جَمِيلٗا ١٠﴾.

ای پیامبر! در برابر سخنان گناه‌آلود و دروغی که کافران دربارۀ تو و دعوتت می‌گویند صبر نما، از آنان اعراض کن، در صدد انتقام‌جویی مباش و به غیر حق‌تعالی شکوه مبر.

﴿وَذَرۡنِي وَٱلۡمُكَذِّبِينَ أُوْلِي ٱلنَّعۡمَةِ وَمَهِّلۡهُمۡ قَلِيلًا ١١﴾.

ای پیامبر! مرا با کسانی از اهل ثروت و تکبّر که به رسالت تو تکذیب می‌کنند رها بگذار و در مدّت اندکی از عُمر عذابی را انتظار بکش که به آنان رسیدنی است. هر چیز آمدنی نزدیک است و به زودی عذاب خداوند أ بر آنان واقع می‌شود.

﴿إِنَّ لَدَيۡنَآ أَنكَالٗا وَجَحِيمٗا ١٢﴾.

هر آینه در نزد ما برای کافران در دوزخ بند‌های گران، زنجیز‌های سخت و آتش سوزانی آماده شده که جزای اعمال زشت و ناپسند آنان است.

﴿وَطَعَامٗا ذَا غُصَّةٖ وَعَذَابًا أَلِيمٗا ١٣﴾.

و در نزد ما برای کافران بد‌کار، طعام گلو‌گیری آماده شده که در حلق می‌چسپد، دشوار فرو می‌رود و روان نیست. همراه این طعام، عذاب درد‌آوری نیز مهیّا شده که قابل طاقت و تحمّل نیست.

﴿يَوۡمَ تَرۡجُفُ ٱلۡأَرۡضُ وَٱلۡجِبَالُ وَكَانَتِ ٱلۡجِبَالُ كَثِيبٗا مَّهِيلًا ١٤﴾.

روزی که زمین و کوه‌ها با سختی به جنبش در آیند و با قوّت به لرزه و تکان افتند. کوه‌ها با صلابتش از هول آن روز، چون خاک و غباری پراگنده شوند و این همه در روز قیامت اتفاق می‌افتند.

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ رَسُولٗا شَٰهِدًا عَلَيۡكُمۡ كَمَآ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ رَسُولٗا ١٥﴾.

هر آینه ما محمّد ج را به سوی شما فرستادیم که بر اعمال کفر و ایمان، و طاعت و عصیان‌تان گواهی می‌دهد؛ همچنان که موسی ÷ را به سوی فرعون فرستادیم تا او را دعوت کند و بر او شهادت دهد.

﴿فَعَصَىٰ فِرۡعَوۡنُ ٱلرَّسُولَ فَأَخَذۡنَٰهُ أَخۡذٗا وَبِيلٗا ١٦﴾.

امّا فرعون موسی ÷ را تکذیب کرد و به او ایمان نیاورد و در نتیجه فرعون و قومش را هلاک ساختیم و آنان را با غرق ساختن در دریا نابود و تباه نمودیم. بیان این مفهوم تهدیدی برای کافران مکّه است.

﴿فَكَيۡفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرۡتُمۡ يَوۡمٗا يَجۡعَلُ ٱلۡوِلۡدَٰنَ شِيبًا ١٧﴾.

اگر به خداوند أ کافر شوید چگونه خود را از عذاب روز قیامت نگه می‌دارید، از عذاب روزی که از هول و وحشت آن کودکان خوردسال پیر می‌شوند. آنگاه که کودک بدون گناه پیر شود، پس کافران بد‌کار در روز دشواری‌ها چه خواهند کرد؟!!

﴿ٱلسَّمَآءُ مُنفَطِرُۢ بِهِۦۚ كَانَ وَعۡدُهُۥ مَفۡعُولًا ١٨﴾.

آسمان از هول و وحشت روز قیامت شگافته می‌شود و وعدۀ حق‌تعالی واقع‌شدنی است، به ناچار به وجود می‌آید و کسی آن را رد کرده نمی‌تواند.

﴿إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذۡكِرَةٞۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلًا ١٩﴾.

این نصیحت‌ها که با ترساندن و بیم‌دادن صورت می‌گیرد پندی برای بشریت است. اکنون هر که می‌خواهد پند گیرد و برحذر شود، راه طاعت را در پیش گیرد و عمل نیکو را وسیلۀ نجات از خشم خداوند أ و رسیدن به رضای اوتعالی سازد.

﴿۞إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدۡنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيۡلِ وَنِصۡفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ وَطَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلَّذِينَ مَعَكَۚ وَٱللَّهُ يُقَدِّرُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَۚ عَلِمَ أَن لَّن تُحۡصُوهُ فَتَابَ عَلَيۡكُمۡۖ فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِۚ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرۡضَىٰ وَءَاخَرُونَ يَضۡرِبُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَبۡتَغُونَ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَءَاخَرُونَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنۡهُۚ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَقۡرِضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗاۚ وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنۡ خَيۡرٖ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِ هُوَ خَيۡرٗا وَأَعۡظَمَ أَجۡرٗاۚ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمُۢ ٢٠﴾.

ای پیامبر! یقیناً پروردگارت آگاه است که تو کمتر از دو ثلث شب را به نماز تهجّد می‌گذرانی، گاهی نصف شب را به نماز ایستاده می‌شوی، گاه دیگر یک‌سوم آن را به تهجّد سپری می‌کنی و گروهی از یارانت با تو به ادای نماز می‌ایستند. خداوند أ حساب ساعات شب و روز را می‌داند که چه قدر گذشته و چه اندازه باقی مانده است. او می‌داند که قیام همه شب در توان شما نیست، از این‌رو قیام آن را به اندازۀ باقی مانده ساخت. اکنون به اندازۀ توان خویش قرآن بخوانید و به ادای نماز بپردازید. حق‌تعالی می‌داند که شاید بعضی شما را بیماری از قیام شب باز دارد و می‌داند که جماعتی از شما به منظور تجارت در اطراف زمین مسافر هستند و قیام شب بر ایشان دشوار می‌آید، گروهی از شما نیز مجاهدانی هستند که برای اعلای دین خدا می‌کوشند و امر جهاد ایشان را از تهجّد خسته می‌سازد. بنابراین بر شما لازم است به اندازۀ توان خویش به ادای نماز و تلاوت اقدام نمایید؛ زیرا دین آسانی است. اما بر نماز‌های مکتوبه و ادای زکات مفروضه دوام دهید و در راه‌های خیر انفاق کنید. هر عمل نیکی را که به جهت رضای خداوند أ انجام دهید آن را در نامه‌های اعمال‌تان در روز قیامت درمی‌یابید و از آنچه برای شهوات دنیا به مصرف رساندید پاداش بزرگ‌تر و نفعی بهتر دارد. از خداوند بزرگ آمرزش بخواهید و رحمتش را طلب کنید؛‌ زیرا اوتعالی گناهان را می‌آمرزد، کسی را که به او رجوع کند رحمت می‌نماید و از خطا‌های که با صداقت به سویش باز گردند گذشت می‌کند.

سورۀ مدّثر

مکی است؛ ترتیب آن 74؛ شمار آیات آن 56

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُدَّثِّرُ ١﴾.

ای کسی که خویشتن را به جامه‌هایت پیچانده‌ای! خطاب این آیه متوجه به پیامبر ج می‌باشد، چون بعد از اینکه با ترسناکی از غار حراء بازگشتند، ایشان را با پوشاک‌ها پوشاندند.

﴿قُمۡ فَأَنذِرۡ ٢﴾.

از خوابگاهت برخیز، قوم خویش را به عذاب پروردگارت بیم ده و به سوی توحید فرا خوان. اگر با تو مخالفت ورزیدند و از امرت فرمان نبردند، آنان را از عذاب دشواری بترسان.

﴿وَرَبَّكَ فَكَبِّرۡ ٣﴾.

پروردگارت را با یگانه‌شناختن و منزّه‌شمردن از همانندان و همتایان بزرگ دار، به ذکر و یادش دوام بده و او را به صفت‌های توصیف نما که خویشتن را بدان وصف کرده است.

﴿وَثِيَابَكَ فَطَهِّرۡ ٤﴾.

جامه‌هایت را از پلیدی‌ها، دینت را از گناهان و مخالفت‌ها و توحید خود را از مظاهر شرک پاک نگه دار تا از هر گناه و عیبی پاکیزه شوی.

﴿وَٱلرُّجۡزَ فَٱهۡجُرۡ ٥﴾.

انواع شرک چون عبادت بت‌ها، پرستش تمثال‌ها و معبودان باطلی که جز خداوند أ عبادت می‌شوند همه را ترک نما و توحید خویش را برای پروردگار یگانۀ دیّان خالص بگردان.

﴿وَلَا تَمۡنُن تَسۡتَكۡثِرُ ٦﴾.

چیزی را به منظور اینکه بیشتر از آن برایت داده شود بخشش مکن و با عطای خود بر کسی منّت مگذار؛ به گونه‌ای که صاحبش را اذیت کنی و کثرت عطا و بخشش خود بر مردم را آشکار نمایی.

﴿وَلِرَبِّكَ فَٱصۡبِرۡ ٧﴾.

بر ادای طاعات، پرهیز از معاصی و برداشت مصیبت‌ها برای رضای پروردگار صبر نما و پاداش خود را از خداوند یگانه طلب کن.

﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي ٱلنَّاقُورِ ٨﴾.

آنگاه که نفخۀ بعث و نشور در شاخ دمیده می‌شود و هنگامی که خطاب‌ها سخت و دشواری‌ها بزرگ می‌شود؛ زیرا امر سختی در پیش‌رو قرار دارد.

﴿فَذَٰلِكَ يَوۡمَئِذٖ يَوۡمٌ عَسِيرٌ ٩﴾.

این روز، روز بسیار دشوار و موقف خطرناکی است؛ زیرا هولناکی زیاد و دهشت سختی دارد و امور بزرگی در آن تحقّق می‌یابد.

﴿عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ غَيۡرُ يَسِيرٖ ١٠﴾.

این روزی بر کافران بسیار دشوار است؛ از آن‌رو که خطر‌هایی را مشاهده می‌کنند. آری! در آن هنگام است که در حساب به مناقشه رو‌برو می‌شوند؛ عذاب را می‌چشند و مجازات می‌شوند.

﴿ذَرۡنِي وَمَنۡ خَلَقۡتُ وَحِيدٗا ١١﴾.

مرا با کسی که او را از شکم مادرش تنها و فقیر و بدون دارایی و اولاد آفرید رها بگذار. مراد این آیه ولید بن مغیره است که به رسالت پیامبر ج تکذیب می‌کرد.

﴿وَجَعَلۡتُ لَهُۥ مَالٗا مَّمۡدُودٗا ١٢﴾.

آنکه برایش مال زیاد و وافری بخشیدم و بعد از اینکه چیزی از مال نداشت با عطا‌های خویش توانگرش ساختم.

﴿وَبَنِينَ شُهُودٗا ١٣﴾.

برایش فرزندانی بخشیدم که در مکّه به نزدش حضور دارند و برای آنان چنان ثروت بخشیدم که از سفر برای معیشت بی‌نیاز اند و از خدمتش غیابت ندارد.

﴿وَمَهَّدتُّ لَهُۥ تَمۡهِيدٗا ١٤﴾.

راه‌های رزق و روزی را برایش آسان ساختیم و اسباب معیشت را سهل نمودیم، طوری که ثروتش زیاد شد و مرتبۀ بزرگی به دست آورد.

﴿ثُمَّ يَطۡمَعُ أَنۡ أَزِيدَ ١٥﴾.

بعد از این همه عطا و بخشش، باز مال و نعمت و خدمتگاران بیشتری را طلب می‌کند؛ یعنی حرص و طمع بسیار دارد و سیر نمی‌شود.

﴿كَلَّآۖ إِنَّهُۥ كَانَ لِأٓيَٰتِنَا عَنِيدٗا ١٦﴾.

واقعیت چنان نیست که این کافر گنهکار می‌پندارد و بیشتر از این برایش عطا نمی‌کنم؛ زیرا او با حق عناد ورزیده، از وحی انکار نموده و با پیامبر ج به جنگ پرداخته است.

﴿سَأُرۡهِقُهُۥ صَعُودًا ١٧﴾.

به زودی او را به دشواری‌ها و مشقّت‌هایی چون عذاب و عقوبت و به سختی‌ها و دشواری‌هایی که راحتی در آن نیست گرفتار می‌سازیم.

﴿إِنَّهُۥ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ١٨﴾.

او با خویشتن اندیشید و سخنی را مهیّا نمود که به وسیله‌اش بر قرآن طعنه زند؛ یعنی به کار‌های بد آمادگی دارد و برای انجام گناه در کمین نشسته است.

﴿فَقُتِلَ كَيۡفَ قَدَّرَ ١٩﴾.

مطرود و هلاک باد و مغلوب و مقهور باد! چگونه طعنه به قرآن را در دلش آماده کرده؟ چه طور این اعمال بد را در ضمیرش نهان داشته و چه امری او را بر این کار باعث شده است؟

﴿ثُمَّ قُتِلَ كَيۡفَ قَدَّرَ ٢٠﴾.

باز ملعون و هلاک باد! چگونه این بی‌ادبی را آماده کرده و این طعن را از خود ساخته؟ چه امری او را بر این کار جرأت بخشیده است؟

﴿ثُمَّ نَظَرَ ٢١﴾.

بعد از آن در تدبیر خود نظر انداخت و در اندیشه‌اش تفکّر کرد؛ یعنی رأیش را به جولان آورد تا طعنی را جستجو نماید و فکرش را به کار انداخت تا عیبی را طلب کند.

﴿ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ٢٢﴾.

بعد از آنگاه که از دریافت عیبی ناتوان ماند، چهره‌اش را در هم کشید و زشت نمودار کرد؛‌ یعنی آنگاه که میدان حیله‌اش در آگاهی بر عیب‌ها تنگ آمد،‌ چهره‌اش به شکل بد و زشتی آشکار شد.

﴿ثُمَّ أَدۡبَرَ وَٱسۡتَكۡبَرَ ٢٣﴾.

سپس از راه صواب رو گشتاند و از حق تکبّر ورزید؛ یعنی به هدایت پُشت گشتاند، از شناخت پروردگار ابا آورد و چون هدایت بر او آمد تنفّرش را از آن اظهار داشت.

﴿فَقَالَ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ يُؤۡثَرُ ٢٤﴾.

دربارۀ قرآن گفت: این جادویی است که از پیشینیان آموزش گرفته می‌شود و از گذشتگان نقل یافته است؛ یعنی با تلقّی از دیگران به دست می‌آید و با آموزش حاصل می‌شود.

﴿إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا قَوۡلُ ٱلۡبَشَرِ ٢٥﴾.

قرآنی که ارائه می‌کند جز سخن مردم چیزی نیست؛ یعنی سخنی است که آن را پیامبر ج از زبان مردم گرفته، دروغ و ناحق است و وحی نمی‌باشد.

﴿سَأُصۡلِيهِ سَقَرَ ٢٦﴾.

به زودی او را در آتش خواهم انداخت تا به گرمی سوزانش وصل شود، در شعله‌اش بسوزد، در زبانه‌هایش گرفتار باشد و در سوزندگی‌اش بریان شود.

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا سَقَرُ ٢٧﴾.

چه می‌دانی که این آتش چیست؟! آتشی است که از نگاه عذاب و دردش بالاتر از وصف و از نگاه دشواری و عقوبتش بالاتر از تصوّر و خیال است.

﴿لَا تُبۡقِي وَلَا تَذَرُ ٢٨﴾.

گوشت و استخوان را باقی نمی‌گذارد، هیچ بشر و اثری را رها نمی‌کند،‌ بدن‌ها را می‌سوزاند و بدن‌ها را می‌گدازد.

﴿لَوَّاحَةٞ لِّلۡبَشَرِ ٢٩﴾.

پوست وجود را تغییر می‌دهد و سیاه می‌سازد، جسم و گوشت را می‌سوزاند و بریان می‌نماید و انسان در آن به ذغال تبدیل می‌شود و سیاه می‌گردد.

﴿عَلَيۡهَا تِسۡعَةَ عَشَرَ ٣٠﴾.

نُه تن از فرشتگان زبانیه که بسیار سختگیر، زورمند و نیرومند هستند بر آن موظّف اند و اشراف دارند.

﴿وَمَا جَعَلۡنَآ أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ إِلَّا مَلَٰٓئِكَةٗۖ وَمَا جَعَلۡنَا عِدَّتَهُمۡ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيَسۡتَيۡقِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَيَزۡدَادَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِيمَٰنٗا وَلَا يَرۡتَابَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَلِيَقُولَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡكَٰفِرُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَمَا يَعۡلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَۚ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكۡرَىٰ لِلۡبَشَرِ ٣١﴾.

ما موظّفان آتش را جز فرشتگان سخت‌دل و زورآور مقرّر نساختیم و نیز این تعداد از فرشتگان را مقرّر نداشتیم مگر برای اینکه تکذیب‌کنندگان و منکران را امتحان نماییم، برای اینکه یهودیان و نصرانیان یقین نمایند که آیات قرآن با محتوای کتاب‌های آنان‌که از جانب خداوند رحمان فرود آمده موافقت دارد و در نتیجه ایمان در نزدشان بزرگ آید و نیکو جلوه کند. همچنان بدین وسیله تصدیق، رسوخ و تحقیق مؤمنان زیاد شود و در درستی آن یهودیان و نصرانیان که کتاب‌های پیشین بر آنان نازل شده و نیز کسانی که به خداوند أ و رسولش ایمان آوردند شک نورزند و تا اهل کفر و نفاق، و شکّ و شقاق دربارۀ راز این عدد با تعجّب سخن زنند که خداوند بزرگ، با اختیار این شمار از فرشتگان چه امری را اراده داشته است؟ آری! حق‌تعالی با نزول این آیات کسانی را که ارادۀ گمراهی‌شان را داشته گمراه می‌سازد و هر که را هدایتش در ارادۀ اوست هدایت می‌نماید. بنابراین قرآن کریم هدایتی برای اهل ایمان و خساره‌ای برای اهل کفر و طغیان است و این تعداد از فرشتگان را جز خداوند یگانۀ یکتا کسی نمی‌داند و آتش دوزخ جز تذکّری برای اهل بصیرت، پندی برای اهل اعتبار و موعظه‌ای برای کسانی که از پروردگار یگانۀ قهّار بترسند نمی‌باشد.

﴿كَلَّا وَٱلۡقَمَرِ ٣٢﴾.

واقعیت موافق پندار تکذیب‌گرایانۀ آنان نیست. به ماه که نشانۀ بر صُنع نیکو و استحکام بدیع آفرینش است سوگند یاد می‌کنم.

﴿وَٱلَّيۡلِ إِذۡ أَدۡبَرَ ٣٣﴾.

و به شب آنگاه که با تاریکی‌اش رخت سفر بربندد و با سیاهی‌اش پشت گرداند سوگند یاد می‌کنم؛ آنکه با چادر و جامۀ سیاه رنگش جهان را تحت پوشش قرار داده است.

﴿وَٱلصُّبۡحِ إِذَآ أَسۡفَرَ ٣٤﴾.

و به بامداد سوگند یاد می‌کنم آنگاه که روشن شود، با نورش بدرخشد و با طلعت زیبا، اشراق پر فروغ و چهرۀ نورانی‌اش طلوع نماید.

﴿إِنَّهَا لَإِحۡدَى ٱلۡكُبَرِ ٣٥﴾.

هر آینه آتش دوزخ یکی از بلا‌های بزرگ است؛ از بلا‌های بزرگی که یادش پشت‌ها را می‌کشند و از هولناکی آن دل‌ها تنگ می‌شود.

﴿نَذِيرٗا لِّلۡبَشَرِ ٣٦﴾.

آتش دوزخ وسیلۀ ترسی برای بندگان است تا برای روز معاد آمادگی بگیرند. آری! یاد‌آوری دوزخ بیمی است که دل هر مستکبر زور‌آوری را تکان می‌دهد.

﴿لِمَن شَآءَ مِنكُمۡ أَن يَتَقَدَّمَ أَوۡ يَتَأَخَّرَ ٣٧﴾.

برای کسی که مایۀ ترس است که با انجام طاعات تقرّب جوید یا از عمل به محرّمات امتناع ورزد. بنابراین تصدیق کننده با صلاحش به پیش می‌رود و تکذیب‌کننده با فسادش به تأخیر می‌افتد.

﴿كُلُّ نَفۡسِۢ بِمَا كَسَبَتۡ رَهِينَةٌ ٣٨﴾.

هر شخصی در بند اعمال خود قرار دارد و در گرو کار‌هایی است که انجام داده است؛ یعنی تا حقوق را ادا نکند رها نمی‌شود و تا از واجبات و سایر مکلّفیت‌ها حساب ندهد خلاصی ندارد.

﴿إِلَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلۡيَمِينِ ٣٩﴾.

مگر مؤمنانی که اصحاب یمین اند، گردن‌های‌شان را با پیروی از کتاب و سنّت خلاص نمودند و به انجام اسباب نیکو رهایی بخشیدند.

﴿فِي جَنَّٰتٖ يَتَسَآءَلُونَ ٤٠﴾.

با بهترین حال، نیکوترین جایگاه و راحت دل در بهشت‌های پر از نعمت فرود آمدند و برای زیادت اُنس و سرور از یکدیگر سوال می‌کنند.

﴿عَنِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٤١﴾.

مؤمنان در بهشت از کافران اهل دوزخ سؤال می‌کنند و این برای آن است که چون اهل بهشت با سلامتی خویش اهل دوزخ را در عذاب ببینند، آرزومندی‌شان به بهشت زیاد شود؛ زیرا که هر چیز با ضدّ خود بهتر باز شناخته می‌شود.

﴿مَا سَلَكَكُمۡ فِي سَقَرَ ٤٢﴾.

با انجام چه عملی به آتش دوزخ داخل شدید؟!! این سؤال به منظور زیادت دردناکی بد‌کاران صورت می‌گیرد؛ زیرا آنگاه که از شخص گرفتار در عذاب سبب عذابش را بپرسند دردش مزید می‌شود.

﴿قَالُواْ لَمۡ نَكُ مِنَ ٱلۡمُصَلِّينَ ٤٣﴾.

مجرمان برای مؤمنان می‌گویند: بدان سبب به آتش دوزخ داخل شدیم که در دنیا از جملۀ نماز‌گزاران نبودیم.

﴿وَلَمۡ نَكُ نُطۡعِمُ ٱلۡمِسۡكِينَ ٤٤﴾.

به فقیران صدقه نمی‌کردیم و به مسکینان چیزی نمی‌دادیم. آری! آنان با ترک نماز از ادای زکات هم امتناع می‌ورزیدند؛ از دو فریضه‌ای که خداوند أ پیامبرش را مأمور داشت با مردم تا اقامۀ آن‌ها جنگ نماید.

﴿وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ ٱلۡخَآئِضِينَ ٤٥﴾.

ما در دنیا به هر سخن گناهی و در بازۀ هر کاری حرامی چون باطل و ناحق، دروغ و بدکارگی، و سرکشی و گمراهی سخن می‌زدیم.

﴿وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤٦﴾.

ما از روز قیامت و روز جزا و حساب انکار می‌ورزیدیم و می‌پنداشتیم که واقع نمی‌شود و هر سخنی دربارۀ وقوعش دروغ است.

﴿حَتَّىٰٓ أَتَىٰنَا ٱلۡيَقِينُ ٤٧﴾.

تا اینکه مرگ با سختی‌هایش در حالی فرا رسید که ما در گمراهی‌ها قرار داشتیم، به بعث و نشور انکار می‌کردیم و ناگهان به چنگال کمر‌شکنش گرفتار آمدیم.

﴿فَمَا تَنفَعُهُمۡ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ ٤٨﴾.

اکنون شفاعت پیامبران، فرشتگان و صالحان عذاب را از اینان بازنمی‌دارد؛ زیرا حق‌تعالی برای کسی اجازه نداده که برای آنان شفاعت نماید و اوتعالی از این بد‌کاران راضی نیست.

﴿فَمَا لَهُمۡ عَنِ ٱلتَّذۡكِرَةِ مُعۡرِضِينَ ٤٩﴾.

این کافران بد‌کار را چه رسیده که از نصیحت‌آموزی به قرآن منصرف شدند و از اندیشه در احکام فرقانش رو گشتاندند.

﴿كَأَنَّهُمۡ حُمُرٞ مُّسۡتَنفِرَةٞ ٥٠﴾.

گویا آنان در فرار از شنیدن قرآن کریم خر‌های وحشی هستند؛ زیرا با وجود فرار و اعراض از حق، حیوانیت، نافهمی، بی‌خردی و ناکار‌آمدی عقل را در خود جمع کردند.

﴿فَرَّتۡ مِن قَسۡوَرَةِۢ ٥١﴾.

مانند خر‌های وحشیی که از نزد شیر زور‌آور و بی‌رحمی بگریزند و فرار نمایند؛ یعنی به جانب پیش روی خود به سرعت فرار کنند. اینان هم وقتی رسالت آن‌حضرت ج را شنیدند از قبولش نفرت خود را اعلام داشتند.

﴿بَلۡ يُرِيدُ كُلُّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُمۡ أَن يُؤۡتَىٰ صُحُفٗا مُّنَشَّرَةٗ ٥٢﴾.

بلکه هر‌یک از مشرکان طعمگار است که قرآنی منشور از آسمان بر او نازل شود؛ همچنان که بر پیامبر ج فرود آمده است. چگونه این کار ممکن خواهد بود، در حالی که رسالت و وحی، گزینش و اختیار الهی است و بر مبنای خواهش و آرزو نمی‌باشد.

﴿كَلَّاۖ بَل لَّا يَخَافُونَ ٱلۡأٓخِرَةَ ٥٣﴾.

واقعیت مطابق پندارهای آن‌ها نیست، بلکه بدان سبب کافر شدند که از عذاب آخرت نترسیدند و به زنده‌شدن بعد از مرگ ایمان ندارند و این امر آنان را به کفر و بد‌کارگی وا داشته است.

﴿كَلَّآ إِنَّهُۥ تَذۡكِرَةٞ ٥٤﴾.

حقیقت این است که قرآن کریم موعظۀ بزرگ، حجّتی کامل و پند و یاد‌آوریی برای کسانی است که دل‌های‌شان با نصایح بزرگ و وصیت‌های ارزشمندی بیدار می‌شود.

﴿فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ٥٥﴾.

اکنون هر که توان انتفاع را دارد از آن فایده‌مند شود و هر که دوست دارد از نصایحش درس‌آموز شود؛ یعنی اختیار هدایت طور تحمیلی نیست هر که خواهد هدایت را برگزیند و هر که می‌خواهد در گمراهی فرو رود.

﴿وَمَا يَذۡكُرُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ هُوَ أَهۡلُ ٱلتَّقۡوَىٰ وَأَهۡلُ ٱلۡمَغۡفِرَةِ ٥٦﴾.

جز به مشیّت خداوند مهربان از مواعظ قرآن کریم فایده نمی‌برند و بدون اینکه اراده کند با هدایتش راهیاب نمی‌شوند. بنابراین تنها اوتعالی سزاوار است که از وی بترسند و اطاعت کنند و تنها او برای کسانی که اطاعت کنند اهل آمرزش است. از این‌رو سزاوار است که یگانۀ شناخته شود و پرستش شود. همچنان حقّ یکتا‌پرست بر اوتعالی این است که او را عذاب نکند، بلکه نعمتش دهد و سعادتمندش گرداند.

سورۀ قیامه

مکی است؛ ترتیب آن 75؛ شمار آیات آن 40

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿لَآ أُقۡسِمُ بِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ ١﴾.

به روز جزا و هنگام پاداش و عقاب با تأکید سوگند یاد می‌نمایم؛ به روزی که قیامت برپا می‌شود و در میان مردم فیصله صورت می‌گیرد.

﴿وَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلنَّفۡسِ ٱللَّوَّامَةِ ٢﴾.

و به نفس مؤمن پرهزگار سوگند یاد می‌کنم که صاحبش را در هنگام کوتاهی در طاعات و انجام معاصی سرزنش می‌کند و در نتیجه از اثر ملامتش پشیمان می‌شود و حسرت می‌خورد.

﴿أَيَحۡسَبُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَلَّن نَّجۡمَعَ عِظَامَهُۥ ٣﴾.

آیا کافر با دور‌پنداشتن روز آخرت گمان می‌کند بعد از آنکه استخوان‌هایش در قبرستان‌ها پوسیده شود، خداوند أ به جمع آوری آن توانا نیست؟

﴿بَلَىٰ قَٰدِرِينَ عَلَىٰٓ أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُۥ ٤﴾.

چنین نیست، بلکه کسی که آن‌ها را برای باز نخست آفریده دوباره به زودی جمع می‌آورد و مانند بار اول به زندگی برمی‌گرداند. حق‌تعالی تواناست که سر انگشتانش را که کوچک‌ترین اعضای وجود اند جمع نماید، پس جمع‌آوری اعضای بزرگ چگونه خواهد بود و انجام همه امور بر اوتعالی آسان است.

﴿بَلۡ يُرِيدُ ٱلۡإِنسَٰنُ لِيَفۡجُرَ أَمَامَهُۥ٥﴾.

امّا انسان اراده دارد که در روز‌های آیندۀ عمرش بر انکار باقی بماند و بر بدکاری تا رسیدن به هولناکی که در انتظار اوست ادامه دهد.

﴿يَسۡ‍َٔلُ أَيَّانَ يَوۡمُ ٱلۡقِيَٰمَةِ ٦﴾.

کافر منکر با انکار و استبعاد می‌پرسد: قیامت چه وقت است. آری! وقوعش نزدیک و قریب است ولی کافران از آن بی‌خبر‌اند.

﴿فَإِذَا بَرِقَ ٱلۡبَصَرُ ٧﴾.

آنگاه که چشم به حیرت آید، فکرش به دهشت افتد،‌ انسان به بیخودی دچار شود و از مشاهدۀ ترس و وحشت بینایی‌اش در حجاب قرار گیرد.

﴿وَخَسَفَ ٱلۡقَمَرُ ٨﴾.

نور ماه محو شود، روشنگری‌اش نابود گردد، درخشش آن به سیاهی تبدیل شود و رویش را به منظور آگاهی به قیام قیامت تاریکی فرا گیرد.

﴿وَجُمِعَ ٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ ٩﴾.

خورشید و ماه جمع ساخته شوند؛ بدین‌گونه که هر‌دو از جانب مغرب با تاریکی خسوفی که به آن‌ها رسیده طلوع می‌نمایند و کسوف هر‌دو را در هنگام ترس و وحشت نابود و تباه می‌سازد.

﴿يَقُولُ ٱلۡإِنسَٰنُ يَوۡمَئِذٍ أَيۡنَ ٱلۡمَفَرُّ ١٠﴾.

در آن هنگام که انسان تغییر در کائنات را مشاهده می‌کند فریاد می‌کشد که گریزگاه از عذاب و راه فرار از روز حساب کجاست؟

﴿كَلَّا لَا وَزَرَ ١١﴾.

ای انسان! در آنجا گریزگاه، پناه‌گاه و راه نجاتی از مقدّرات خداوند رحمن وجود ندارد. گریز به سوی خداوند أ است و جمع‌شدن و حساب در نزد او صورت می‌گیرد.

﴿إِلَىٰ رَبِّكَ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡمُسۡتَقَرُّ ١٢﴾.

نهایت مخلوقات، بازگشت انسان‌ها و آخر کار همه چیز تنها به سوی الله أ است تا همه را به اعمال نیک و بد‌شان محاسبه نماید.

﴿يُنَبَّؤُاْ ٱلۡإِنسَٰنُ يَوۡمَئِذِۢ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ١٣﴾.

در آن هنگام از اعمال خوب و بدی که انسان در دنیا انجام داده، به آنچه پیش فرستاده و از دارایی و فرزندانی که بعد از خود باقی گذاشته برایش خبر داده می‌شود.

﴿بَلِ ٱلۡإِنسَٰنُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ بَصِيرَةٞ ١٤﴾.

بلکه انسان خودش بر خویشتن گواهی می‌دهد؛ بدین‌گونه که اعضای وجودش به اعمالش گواهی می‌دهد. بنابراین خودش با خویشتن دعوا می‌کند، علمش بر او حجّت می‌آورد و اعضایش با وی خصومت می‌ورزند.

﴿وَلَوۡ أَلۡقَىٰ مَعَاذِيرَهُۥ ١٥﴾.

اگر به همه وسایلی که در توان دارد عذر‌جویی نماید و همه را حاضر آورد برایش فایده‌ای ندارد؛ زیرا حجّت بر او قایم شده و عذرش پذیرفته نمی‌شود.

﴿لَا تُحَرِّكۡ بِهِۦ لِسَانَكَ لِتَعۡجَلَ بِهِۦٓ ١٦﴾.

ای پیامبر! زبانت را در خواندن قرآن کریم از ترس اینکه مبادا از نزدت ضایع شود حرکت مده؛ برای اینکه در حفظش شتاب کنی و از فراموشی آن جلوگیری نمایی.

﴿إِنَّ عَلَيۡنَا جَمۡعَهُۥ وَقُرۡءَانَهُۥ ١٧﴾.

خداوند متعال ضمانت کرده که قرآن کریم را در سینه‌ات جمع و حفظ کند و آن را در شب ورزیدن بدون فراموشی به زبانت بخوانی.

﴿فَإِذَا قَرَأۡنَٰهُ فَٱتَّبِعۡ قُرۡءَانَهُۥ ١٨﴾.

بنابراین آنگاه که جبرئیل ÷ قرآن را بر تو خواند، تلاوتش را بشنو و برای شنیدنش خاموشی را اختیار نما.

این آیه دلالت دارد که قرآن کریم با تلقین از دانشمندان آموخته می‌شود.

﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيۡنَا بَيَانَهُۥ ١٩﴾.

بعد از آن حق‌تعالی توضیح امور مشکل، تفهیم مبهمات، بیان معانی و تبیان احکام مجمل قرآن کریم را برای پیامبر ج ضمانت کرده است.

﴿كَلَّا بَلۡ تُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ ٢٠﴾.

واقعیت چنان نیست که شما ادّعا می‌کنید، بلکه شما دنیا و زیب و زینتش را دوست می‌دارید و شهوات آن را اختیار نمودید، در حالی که متاع فنا‌پذیری است، به سرعت می‌گذرد و عمر کوتاه دارد.

﴿وَتَذَرُونَ ٱلۡأٓخِرَةَ ٢١﴾.

امّا عمل برای آخرت را ترک می‌کنید، از آمادگی برای آخرت با انجام اعمال نیکو غفلت می‌ورزید و به لهو و بازی مصروف هستید.

﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ نَّاضِرَةٌ ٢٢﴾.

چهره‌های مؤمنان در روز قیامت روشن و تابان است و نیکو و شاداب می‌باشد؛ بدان سبب که نوری بر آن‌ها درخشیده و شادمانی آن‌ها را زیبایی بخشیده است.

﴿إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٞ ٢٣﴾.

خداوند منّان را با چشمان خود می‌بینند و این کرامت، پاداش اعمال نیک‌شان است. به یقین هیچ لذّتی بزرگتر و شادمانی کامل‌تر از دیدار پروردگارشان نمی‌یابند.

﴿وَوُجُوهٞ يَوۡمَئِذِۢ بَاسِرَةٞ ٢٤﴾.

چهره‌های کافران در آن روز به هم کشیده، سیاه و زشت است، گرد و غبار خواری و ذلّت آنان را تحت پوشش قرار داده و دشواری ترس و ننگ فرا گرفته است.

﴿تَظُنُّ أَن يُفۡعَلَ بِهَا فَاقِرَةٞ ٢٥﴾.

توقُع دارند بلایی بر سر آنان فرود آید که مهره‌های پشت را در هم شکند؛ زیرا هول‌انگیزی و دشواری را مشاهده می‌کنند و افعال بدی را با خود دارند. بنابراین سخت‌ترین عذاب و ترس آورترین عقاب را انتظار می‌کشند.

﴿كَلَّآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلتَّرَاقِيَ ٢٦﴾.

حقیقت این است که وقتی روح به بلند سینه یعنی گلو برسد مشقّت‌ها اوج می‌گیرد، حالت عظیمی پدید می‌آید و این همان لحظۀ شدید و دشواری‌های مرگ است.

﴿وَقِيلَ مَنۡۜ رَاقٖ ٢٧﴾.

بعضی از کسانی که در نزد مرده در هنگام نزع روح حضور دارند می‌گویند: آیا کسی هست تا افسون کند، طبیبی هست تا از این مرض شفایش بدهد؟ اما حقیقت این است که افسونگر فایده نمی‌دهد و طبیب چیزی را دفع کرده نمی‌تواند.

﴿وَظَنَّ أَنَّهُ ٱلۡفِرَاقُ ٢٨﴾.

امّا مُحتضَر که در حالت رسیدن مرگ قرار دارد به جدایی از دنیا و فوت یقین کرده و به سفر از این جهان تصمیم جدّی گرفته است؛ از آن‌رو که حیلۀ تداوی ناکار‌آمد شده و وسایل علاج باطل شده است.

﴿وَٱلۡتَفَّتِ ٱلسَّاقُ بِٱلسَّاقِ ٢٩﴾.

سختی‌ها بر او پی‌درپی آمده، مصیبت‌ها به تعقیب هم فرا رسیده، شدّت دنیا به شدّت آخرت یکجا شده و هردو ساقش در هنگام نزول به هم پیچیده است.

﴿إِلَىٰ رَبِّكَ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡمَسَاقُ ٣٠﴾.

بازگشت همه به سوی خداوند أ است، بندگان به سوی اوتعالی سوق داده می‌شوند؛ برای اینکه حساب انجام یابد، فیصله صورت گیرد و مزد و پاداش عادلانه برای صاحبان عمل داده شود.

﴿فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ ٣١﴾.

آری! به کتاب خداوند أ تصدیق نکرده و برای حق‌تعالی نماز نخوانده است؛ یعنی تکذیب را پوشیده داشته و عصیانگری را اظهار نموده است. بنابراین اعتقادش باطل و عملش فاسد است و در نتیجه باطن و ظاهری زشت و ناپسند دارد.

﴿وَلَٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ٣٢﴾.

به قرآن تکذیب نموده و از ایمان رو گشتانده است. بناءً رد‌کردنش زشت است و بدترین عمل را انجام داده است، چون از رسالت انکار کرده و گمراهی را اختیار نموده است.

﴿ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ يَتَمَطَّىٰٓ ٣٣﴾.

بعد از آن با تکبّر و غرور به سوی اهلش می‌رود در حالی که در طلب دنیاست. در رفتارش می‌خرامد و خویشتن را بزرگ می‌شمارد؛ زیرا پروردگارش نمی‌ترسد.

﴿أَوۡلَىٰ لَكَ فَأَوۡلَىٰ ٣٤﴾.

وای بر تو! سپس وای بر تو باد! هلاکتی بعد از هلاکت بر تو باد! این آیه تهدید و وعیدی به عذاب شدید و جزای دوامدار است.

﴿ثُمَّ أَوۡلَىٰ لَكَ فَأَوۡلَىٰٓ ٣٥﴾.

باز وای بر تو باد! سپس وای بر تو باد! هلاکتی بر تو باد که بعد از آن هلاکتی دیگر فرا رسد! تباهی و ننگ و عار و گفتاری دوامدار در آتش دوزخ برای هر کافر زورمند آماده باد!

﴿أَيَحۡسَبُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَن يُتۡرَكَ سُدًى ٣٦﴾.

آیا انسان می‌پندارد که به زودی مهمل گذاشته می‌شود، امر و نهی بر او صورت نمی‌گیرد و محاسبه و مجازات نمی‌شود؟ چنین نیست، او نیازمند شریعتی است که بدان عمل کند و محتاج دینی است که آن را بر خویشتن حاکم سازد.

﴿أَلَمۡ يَكُ نُطۡفَةٗ مِّن مَّنِيّٖ يُمۡنَىٰ ٣٧﴾.

آیا انسان در اول پیدایش خود نطفۀ ضعیف از آب بی‌ارزشی نبوده است؟ پس چرا در این باره نمی‌اندیشد؟ چرا تفکّر نمی‌کند تا شکر‌گزار باشد،‌کفر نورزد و تکبّر را کنار گذارد.

﴿ثُمَّ كَانَ عَلَقَةٗ فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ٣٨﴾.

بعد از آن خداوند متعال او را از خون جامد علقه‌ای ساخت که با قدرت و حکمت کاملش آفرینش را پذیرفت، چهره‌اش را برابر نمود و شکلش را به نیکو‌ترین قامت نمودار کرد.

﴿فَجَعَلَ مِنۡهُ ٱلزَّوۡجَيۡنِ ٱلذَّكَرَ وَٱلۡأُنثَىٰٓ ٣٩﴾.

بعد از آن حق‌تعالی دو صنف مرد و زن را از انسان مقرّر داشت تا نسل بشری ادامه یابد، رشد و نما تحقّق پذیرد و آفرینش استمرار و بقا یابد.

﴿أَلَيۡسَ ذَٰلِكَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحۡـِۧيَ ٱلۡمَوۡتَىٰ ٤٠﴾.

آیا خداوندی که انسان را آفریده و به گونه‌های متنوّعی صورت بخشیده است قادر نیست که آن را بعد از مرگش دوباره زنده کند و بعد از نابودی‌اش بر‌انگیزد؟ چنان نیست که ناتوان باشد، سوگند به خداوند أ که او تواناست و ما بر این امر گواه می‌باشیم.

سورۀ انسان

مدنی است؛ ترتیب آن 76؛ شمار آیات آن 31

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿هَلۡ أَتَىٰ عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ حِينٞ مِّنَ ٱلدَّهۡرِ لَمۡ يَكُن شَيۡ‍ٔٗا مَّذۡكُورًا ١﴾.

آیا دورۀ طولانیی بر انسان پیش از دمیده‌شدن روح در وجودش نگذشته است؛ دوره‌ای که مخلوق قابل یاد‌آوری و چیزی که شناخته و توصیف شود وجود نداشته است. آری! در آن وقت از انسان خبر و اثری نبوده؛ زیرا در جهان عدم به سر می‌برده است.

﴿إِنَّا خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن نُّطۡفَةٍ أَمۡشَاجٖ نَّبۡتَلِيهِ فَجَعَلۡنَٰهُ سَمِيعَۢا بَصِيرًا ٢﴾.

به راستی که خداوند أ انسان را از نطفۀ مختلط از آب منی مرد و زن آفرید و همین آب اصل وجود اوست. بعد از آن او را با شریعت امتحان نمودیم و با اوامر و نواهی مورد آزمایش قرار دادیم. برای تحقّق این امر وی را برای شنیدن آیات و دیدن امور دلالت کننده بینا ساختیم؛ چنان‌که آمادۀ فهم شد و قابلیت فراگیری علم و دانش را پیدا کرد.

﴿إِنَّا هَدَيۡنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرٗا وَإِمَّا كَفُورًا ٣﴾.

خداوند منّان راه حق و باطل، هدایت و ضلالت، و خیر و شرّ را برایش واضح کرد تا با ایمان به پروردگار نعمت‌هایش را شکر‌گزار باشد یا با رو گشتاندن از هدایت و قرآن، کفر و انکار را در پیش گیرد.

﴿إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ سَلَٰسِلَاْ وَأَغۡلَٰلٗا وَسَعِيرًا ٤﴾.

الله أ برای کافران بندهای آهنینی را آماده کرده که با آن پا‌های آنان بسته می‌شود، زنجیر‌هایی را مهیّا نموده که دست‌های آنان در گردن‌های‌شان سخت بسته می‌گردد و آتشی را برابر ساخته که آنان را در حالی که مقیّد اند بسوزاند. بنابراین هر عضوی نصیبش را درمی‌یابد.

﴿إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ يَشۡرَبُونَ مِن كَأۡسٖ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ٥﴾.

هر آینه راستگویان اخلاصمند که مطیع پروردگار جهانیان هستند، از شرابی می‌نوشند که به کافور که بهترین خوشبویی است مخلوط است تا لذّتی فراوان و مزّۀ گوارا داشته باشد و نعمت را زیاده گرداند.

﴿عَيۡنٗا يَشۡرَبُ بِهَا عِبَادُ ٱللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفۡجِيرٗا ٦﴾.

این شراب مخلوط به کافور از چشمۀ جوشانی است که تحت تصرّف ابرار قرار دارد، آن را به هر کاخ و سرایی جاری می‌سازند و در هر جایی که آن را می‌برند از ایشان اطاعت می‌کند.

﴿يُوفُونَ بِٱلنَّذۡرِ وَيَخَافُونَ يَوۡمٗا كَانَ شَرُّهُۥ مُسۡتَطِيرٗا ٧﴾.

از اوصاف این ابرار نیکو‌کاران آن است که به طاعاتی که بر خویشتن واجب آوردند باور دارند، نذر‌هایی را که بر خود لازم گرفتند ادا می‌کنند و از عذاب روز حساب می‌ترسند؛ از عذاب روزی که هول خطیر و مشقّت کبیر دارد، بد حالی آن همه جاگیر و منتشر شده و سختی‌اش بر کافران و منکران بزرگ آمده است.

﴿وَيُطۡعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسۡكِينٗا وَيَتِيمٗا وَأَسِيرًا ٨﴾.

طعام خویش را برای مسکینان، یتیمان و اسیران به مصرف می‌رسانند با وجودی که سخت دوستش می‌دارند؛ زیرا طعام گوارایی است و بدان نیازمند اند. اما با آن هم به خاطر رضای خداوند أ مستحقّان را بر خویشتن ترجیح می‌دهند.

﴿إِنَّمَا نُطۡعِمُكُمۡ لِوَجۡهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا ٩﴾.

ایشان نیّت خویش را در این عمل خالص می‌سازند؛ یعنی به خاطر تحصیل پاداشی که در نزد خداوند أ است برای این اشخاص احسان نموده‌اند و از آنان مزد و ستایش و توصیفی را در برابر این کار نیک توقّع ندارند.

﴿إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوۡمًا عَبُوسٗا قَمۡطَرِيرٗا ١٠﴾.

ما کار‌های نیک را از ترس روز بزرگی انجام می‌دهیم که عذاب شدید دارد، چهره‌ها عبوس است و جبین‌ها در هم کشیده است؛ از آن‌رو که بسیار هولناک است، منظره‌های بدنما دارد و در آن هنگام شمایل سیاه رنگ است؛ مگر کسی که خداوند أ رحمتش کند.

﴿فَوَقَىٰهُمُ ٱللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمِ وَلَقَّىٰهُمۡ نَضۡرَةٗ وَسُرُورٗا ١١﴾.

الله أ ایشان را از سختی‌های این روز نگه می‌دارد، از هولناکی‌اش دور می‌سازد، از مشکلاتش نجات می‌دهد. سیمای‌شان را زیبایی و روشنی می‌بخشد و با شنیدن خبر‌ها شادمان‌شان می‌سازد؛ از این‌رو چهره‌های روشن و گشاده و دل‌های شادمان دارند.

﴿وَجَزَىٰهُم بِمَا صَبَرُواْ جَنَّةٗ وَحَرِيرٗا ١٢﴾.

به سبب استقامت‌شان بر عبادات و طاعات و صبر بر ناخوشایند‌ها و معاصی، بهشت رضایت‌بخش و جایگاه راستین و با امنی را برای‌شان پاداش می‌دهد. در آنجا از نعمت‌هایش برخوردار اند، می‌خورند، می‌نوشند و از پوشاک، تکیه‌گاه و فرش‌های ابریشمی استفاده می‌نمایند.

﴿مُّتَّكِ‍ِٔينَ فِيهَا عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِۖ لَا يَرَوۡنَ فِيهَا شَمۡسٗا وَلَا زَمۡهَرِيرٗا ١٣﴾.

بر تخت‌های نرم و ملایم که به زیبا‌ترین رنگ‌ها مزیّن و دارای بهترین شکل است تکیه زده‌اند، گرمی خورشید و سردی زمهریر را در بهشت احساس نمی‌کنند، بلکه فضای معتدل، هوای خوشگوار و سایۀ فراخی آماده است.

﴿وَدَانِيَةً عَلَيۡهِمۡ ظِلَٰلُهَا وَذُلِّلَتۡ قُطُوفُهَا تَذۡلِيلٗا ١٤﴾.

شاخه‌های درخت‌ها به ایشان نزدیک است، به سایه‌های آن قرار می‌گیرند، از طراوتش برخوردار اند و در حال‌های متفاوت ایستاده، نشسته و به پهلو افتاده تناول از میوه‌ها برای‌شان آسان است.

﴿وَيُطَافُ عَلَيۡهِم بِ‍َٔانِيَةٖ مِّن فِضَّةٖ وَأَكۡوَابٖ كَانَتۡ قَوَارِيرَا۠ ١٥﴾.

نوجوانان بهشت با ظرف‌های طعام و جامه‌های شراب در اطراف‌شان می‌گردند؛ یعنی خدمتگاران صاحب نعمتی که مهذّب و مقرّب اند، طعام لذّت‌بخش و قابل اشتها و شراب نافع و بی‌ضرری را در ظرف‌های فاخر و زیبایی که از شیشۀ نقره است برای‌شان آماده می‌کنند.

﴿قَوَارِيرَاْ مِن فِضَّةٖ قَدَّرُوهَا تَقۡدِيرٗا ١٦﴾.

این ظرف‌های آبگینۀ نقره، برابر با شراب مورد ضرورت نوشنده است و ساقی آن‌ها را به طور حساب‌شده مقدّر کرده است؛ طوری که زیادت و نقصانی ندارد و این امر لذّت‌بخش‌ترین چیز در انسان است.

﴿وَيُسۡقَوۡنَ فِيهَا كَأۡسٗا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا ١٧﴾.

این گروه ابرار نیکو‌کار از جام شرابی نوشانده می‌شوند که به زنجبیل آمیخته‌شده است، مزّه‌اش عقل افزاست، نفس‌ها را شاد می‌سازد، دماغ‌ها را تازه می‌کند و مکان‌ها را حصل‌خیز می‌گرداند.

﴿عَيۡنٗا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلۡسَبِيلٗا ١٨﴾.

ابرار نیکو‌کار از چشمه‌ای می‌نوشند که سلسبیل نام دارد؛ از آن‌رو که شراب صافی دارد، از دُرد پاک است، تناولش آسان است و به سرعت فرو می‌رود.

﴿۞وَيَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيۡتَهُمۡ حَسِبۡتَهُمۡ لُؤۡلُؤٗا مَّنثُورٗا ١٩﴾.

نوجوانانی که همیشه در نعمت اند در اطراف ابرار نیکو‌کار دَور می‌خورند، آنگاه که حُسن و زیبایی‌شان را ببینی می‌پنداری که مروارید‌های برّاق و روشنی هستند؛ از آن‌رو که رنگ صفا، پوست روشن و بدن‌های سفید رنگ دارند.

﴿وَإِذَا رَأَيۡتَ ثَمَّ رَأَيۡتَ نَعِيمٗا وَمُلۡكٗا كَبِيرًا ٢٠﴾.

در هر جای و هر طرفی که از بهشت نظر‌اندازی نعمت‌های ماندگار، جاودانگی پایدار، شادمانی دوامدار، شادابی عمیم و خورسندی عظیمی را مشاهده می‌نمایی.

﴿عَٰلِيَهُمۡ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضۡرٞ وَإِسۡتَبۡرَقٞۖ وَحُلُّوٓاْ أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٖ وَسَقَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ شَرَابٗا طَهُورًا ٢١﴾.

بر بدن‌های‌شان جامه‌هایی از جنس ابریشم پوشانیده است؛ طوری که بخش متّصل به جسم‌های‌شان از ابریشم نازک سبز رنگ و ظاهر آن از ابریشم ستبری تشکیل یافته است. در دست‌های خویش دستبند‌هایی از نقره دارند و نوشیدنی‌شان شراب پاکیزه‌ای است که پلیدی، نجاست، و ناپاکی ندارد. آری! لباس کامل، جایگاه زیبا، شراب نیکو و لذّت واقعی برای‌شان مهیّاست.

﴿إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمۡ جَزَآءٗ وَكَانَ سَعۡيُكُم مَّشۡكُورًا ٢٢﴾.

برایشان به گونۀ گفته می‌شود: این نعمت‌ها پاداش اعمال نیک شماست که برای‌تان مهیّا شده است؛ زیرا سعی و کوشش شما مورد قبول و خوشنودی اوتعالی قرار گرفته است. خوشا به حال شما که در این نعمت‌ها،‌ بخشش‌های زیاد و کلام خوش به سر می‌برند.

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ تَنزِيلٗا ٢٣﴾.

خداوند سبحان خبر می‌دهد که او کتابش قرآن حکیم را بر پیامبرش نازل کرده است. این کتاب وحیی از جانب اوتعالی و کلام استواری است که آن را اندک اندک نازل فرموده است.

﴿فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعۡ مِنۡهُمۡ ءَاثِمًا أَوۡ كَفُورٗا ٢٤﴾.

بر ‌تو لازم است بر آنچه حق‌تعالی حکم نموده و از قضای کونی و شرعی مقدّر نموده صبر نمایی، امّا از کسانی متابعت منما که در شهوات غوطه‌ور اند، در محرّمات فرو می‌روند و به رسالت پیامبران و آیات خداوند سبحان کافر شدند.

﴿وَٱذۡكُرِ ٱسۡمَ رَبِّكَ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلٗا ٢٥﴾.

بر ذکر خداوند أ در اول و آخر روز که بدایت و نهایت آن است دوام بده؛ زیرا ذکر در اوّل روز قوّت و مددگاری و در آخرش استغفار و توبه است.

﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَٱسۡجُدۡ لَهُۥ وَسَبِّحۡهُ لَيۡلٗا طَوِيلًا ٢٦﴾.

برای پروردگارت نماز نفل بخوان و در ساعات طولانیی از شب به یاد او مصروف باش. آری! نماز نفل شب از نماز‌های نافلۀ روز بهتر است و همین نماز شب توشۀ راه‌های دشوار و پر مشقّت است.

﴿إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ يُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَآءَهُمۡ يَوۡمٗا ثَقِيلٗا ٢٧﴾.

به راستی که کافران به دنیا محبّت می‌ورزند، آن را بر آخرت ترجیح می‌دهند و تنها برای تحصیل آن عمل می‌کنند. امّا آمادگی برای آخرت را به پشت سر می‌اندازند و برای نجات از هول و ترس آن روز بزرگ تلاش نمی‌کنند.

﴿نَّحۡنُ خَلَقۡنَٰهُمۡ وَشَدَدۡنَآ أَسۡرَهُمۡۖ وَإِذَا شِئۡنَا بَدَّلۡنَآ أَمۡثَٰلَهُمۡ تَبۡدِيلًا ٢٨﴾.

الله أ خداوندی است که کافران را تنها او آفریده، صورت و سیما بخشیده و آفرینش‌شان را کامل ساخته است. اوتعالی هرگاه هلاکت آنان را اراده کند کسی او را باز داشته نمی‌تواند و به عوض آنان قومی را به وجود می‌آورد که از این بد‌کاران برایش فرمان بردارتر باشند و پروردگار خویش را بیشتر عبادت نمایند.

﴿إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذۡكِرَةٞۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا ٢٩﴾.

به راستی که در این سورۀ بزرگ، موعظۀ عظیمی وجود دارد. اکنون هر که نجات را اراده دارد، راه طاعت به سوی خداوند أ را در پیش گیرد تا رضای اوتعالی را دریابد و به بهشتش بهره‌مند شود.

﴿وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا٣٠﴾.

بندگان هیچ امری از امور را جز به حکم و تقدیر پروردگار نمی‌توانند اراده نمایند و خواستۀ بندگان بدون مشیت حق‌تعالی تحقّق نمی‌یابد. آری! خداوند أ به اعمال، اقوال و احوال همگان داناست و در تدبیر، تصویر و تقدیرش با‌حکمت است.

﴿يُدۡخِلُ مَن يَشَآءُ فِي رَحۡمَتِهِۦۚ وَٱلظَّٰلِمِينَ أَعَدَّ لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمَۢا ٣١﴾.

اوتعالی هر که از بندگانش را که بخواهد با توفیق به اعمالی که دوست می‌دارد و افعالی که راضی می‌شود در رحمتش داخل می‌سازد. امّا برای ستمگاران متجاوز از حدود و عصیانگران خداوند معبود، عذاب درد‌آور و عقوبت سختی را مهیّا نموده است.

سورۀ مرسلات

مکی است؛ ترتیب آن 77؛ شمار آیات آن 50

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلۡمُرۡسَلَٰتِ عُرۡفٗا ١﴾.

خداوند أ به باد‌هایی که به تعقیب یکدیگر مانند یال اسپ پی‌درپی می‌ورزند سوگند یاد کرده است و فقط اوتعالی است که باد‌ها را می‌فرستد.

﴿فَٱلۡعَٰصِفَٰتِ عَصۡفٗا ٢﴾.

خداوند سبحان به زورمند‌ترین باد‌هایی سوگند یاد نموده که به شدّت می‌وزند و تیز و تند حرکت می‌کنند؛ چنان‌که موجودات مسیر حرکت خود را خمیده می‌سازند و هلاک و نابود می‌نمایند.

﴿وَٱلنَّٰشِرَٰتِ نَشۡرٗا ٣﴾.

همچنان به باد‌هایی سوگند یاد کرده که ابر‌ها را پراکنده می‌سازند، می‌رانند و از هم جدا می‌نمایند تا به وسیلۀ آن‌ها سرزمین‌های مرده را زنده گردانند. این‌ها بادهایی اند که باران‌ها را در اطراف زمین منتشر می‌سازند.

﴿فَٱلۡفَٰرِقَٰتِ فَرۡقٗا ٤﴾.

الله أ به فرشتگانی سوگند یاد نموده که وحی را می‌آورند؛ وحیی که میان حقّ و باطل، حلال و حرام و ایمان و کفر فرق می‌گذارد.

﴿فَٱلۡمُلۡقِيَٰتِ ذِكۡرًا ٥﴾.

و الله أ به فرشتگان سوگند یاد کرده که وحی را از نزد اوتعالی به سوی پیامبران † القا می‌نمایند. در اینجا وحی یا به خاطر شرافت و بزرگی‌اش ذکر نامیده شده و یا به دلیل اینکه یاد‌آوریی برای اشخاص غافل، عیّاش و فراموشکار است.

﴿عُذۡرًا أَوۡ نُذۡرًا ٦﴾.

ذکری که فرشتگان فرود می‌آورند عذر مخلوقات را بر‌طرف می‌کند، احتجاج آنان به عدم ارسال پیامبران را قطع می‌سازد و ایشان را به عذاب سختی بیم می‌دهد که در صورت عدم ایمان بدان گرفتار می‌شوند.

﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَٰقِعٞ ٧﴾.

به راستی اموری از قبیل قیامت، سایر مقاطع محشر و حوادثی که بدان وعده داده شده‌اید قطعاً واقع می‌شود، ثابت است و کسی آن‌ها را رد کرده نمی‌تواند.

﴿فَإِذَا ٱلنُّجُومُ طُمِسَتۡ ٨﴾.

آنگاه که ستارگان تاریک شوند و روشنی آن‌ها را از بین برود؛ یعنی برای آگاهی به قیام قیامت سیاه و بی‌نور شوند.

﴿وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ فُرِجَتۡ ٩﴾.

و آنگاه که آسمان شکافته شود و انشقاق یابد؛ چنان‌که دارای دروازه‌هایی شود و این سقف مُحکم و بنای استوار از بین برود.

﴿وَإِذَا ٱلۡجِبَالُ نُسِفَتۡ ١٠﴾.

و آنگاه که کوه‌ها کوبیده شوند، چون غباری در هوا پراکنده گردند و مانند سراب بیابان در آسمان به پرواز در‌آیند.

﴿وَإِذَا ٱلرُّسُلُ أُقِّتَتۡ ١١﴾.

و آنگاه که برای پیامبران وقتی معیّن و مقرّر گردد تا میان آنان و امت‌های‌شان حکم صورت گیرد. این کدام روز بزرگ است که به عنوان وقتی برای پیامبران تعیین شده است.

﴿لِأَيِّ يَوۡمٍ أُجِّلَتۡ ١٢﴾.

این چه روز بزرگی است که پیامبران در آن به تأخیر می‌افتند تا خداوند أ میان آنان و اقوام‌شان فیصله کند. آری! روزی که چنین وصفی داشته باشد روز بزرگ و عظیمی است.

﴿لِيَوۡمِ ٱلۡفَصۡلِ ١٣﴾.

پیامبران برای روزی به تأخیر می‌افتند که خداوند أ میان آنان و اقوام‌شان فیصله می‌کند؛ یعنی هر که اطاعت کند نجات می‌یابد و هر که عصیانگری کند هلاک می‌شود.

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِ ١٤﴾.

ای انسان! چه چیزی تو را به سختی و هول‌انگیزی این روز باخبر ساخته است؟ تو شأن آن را نمی‌دانی و به اموری که در آن حاصل می‌شود دانا نیستی.

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ١٥﴾.

هلاکت عظیم و عذاب درد‌آور برای کسانی باد که به این روز تکذیب می‌نمایند و از این محضر خداوند أ بدان وعده کرده انکار می‌کنند.

﴿أَلَمۡ نُهۡلِكِ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٦﴾.

آیا ما تکذیب‌کنندگان پیشتر از آنان مانند قوم نوح ÷، قوم عاد و قوم ثمود را هلاک نساختیم؟ آری! بنیاد آنان را بر انداختیم و حیات‌شان را تباه نمودیم.

﴿ثُمَّ نُتۡبِعُهُمُ ٱلۡأٓخِرِينَ ١٧﴾.

بعد از آن آیندگان را نیز هلاک می‌سازیم؛ یعنی کسانی را که بعد از آنان آمدند با وجه اشتراک تکذیب، مانند پیشینیان به هلاک می‌رسانیم.

﴿كَذَٰلِكَ نَفۡعَلُ بِٱلۡمُجۡرِمِينَ ١٨﴾.

اين سنّت الهی دربارۀ هر مجرم و عادتش دربارۀ هر تکذیب‌کننده است و این حکم کافران مکّه را شامل می‌شود؛ یعنی جزای آنان مانند جزای پیشینیان است.

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ١٩﴾.

هلاکت و نابودی برای کسانی باد که به الوهیت خداوند یگانۀ قهّار و رسالت پیامبر مختار تکذیب می‌کنند؛ یعنی در دنیا خواری و در آخرت به آتش دوزخ گرفتار می‌شوند.

﴿أَلَمۡ نَخۡلُقكُّم مِّن مَّآءٖ مَّهِينٖ ٢٠﴾.

آیا شما را از آبی که در اصل و جایگاهش بی‌ارزش است، یعنی از نطفه نیافریدیم؟ پس از چه رو زورگویی، تکبّر و انکار می‌کنید؟

﴿فَجَعَلۡنَٰهُ فِي قَرَارٖ مَّكِينٍ ٢١﴾.

بعد از آن این آب را در جای محفوظی،‌ یعنی در رَحِم زن نهادیم که از آفت‌ها در امان و از تلف‌شدن مصون است.

﴿إِلَىٰ قَدَرٖ مَّعۡلُومٖ ٢٢﴾.

تا مدّت معیّن و معلومی که دورۀ بارداری است و با حساب دقیقی که بر حکمت دلالت دارد سپری می‌شود.

﴿فَقَدَرۡنَا فَنِعۡمَ ٱلۡقَٰدِرُونَ ٢٣﴾.

ما با حسن تدبیر در دورۀ حمل و ولادت، آفرینش و تصویرش را مقدّر نمودیم، چه تقدیر کنندۀ بزرگ و نعمت دهندۀ با تدبیری است.

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٢٤﴾.

هلاکت و تباهی برای کسانی باد که به قدرت خداوند یگانۀ قهّار در آفرینش انسان و تغییر آن در تمام اطوار تکذیب می‌نمایند.

﴿أَلَمۡ نَجۡعَلِ ٱلۡأَرۡضَ كِفَاتًا ٢٥﴾.

آیا زمین را چنان مقرّر نداشتیم که زنده‌ها را بر رویش و مرده‌هایی را در باطنش نگه می‌دارد؛ زنده‌هایی که قابل شمارش نیستند و مرده‌هایی که در حدّ و حصر نمی‌گنجند؟

﴿أَحۡيَآءٗ وَأَمۡوَٰتٗا ٢٦﴾.

زنده‌هایی را در پشت خود جای داده که به حکمت حیات آن‌ها آگاهی نداریم، به خورد و نوش و گردش مصروف اند و می‌خرامند. همچنان مرده‌گانی را در بطنش جای داده که یا نعمت داده می‌شوند، یا عذاب می‌شوند و مورد محاسبه و بازپرس قرار می‌گیرند.

﴿وَجَعَلۡنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ شَٰمِخَٰتٖ وَأَسۡقَيۡنَٰكُم مَّآءٗ فُرَاتٗا ٢٧﴾.

در روی زمین کوه‌های ثابتی را مقرّر داشتیم که در اعماقش فرو رفته، در آفاق آن ارتفاع یافته و اصول آن‌ها مستحکم و سر به فلک کشیده است. همچنان برای شما آب گوارا و زلالی برابر ساختیم که از آن می‌نوشید؛ چنان‌چه از سنگ سخت جوی آب زلالی بیرون می‌شود.

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٢٨﴾.

هلاکت و تباهی برای کسانی باد که به قدرت ما در آفرینش زمین و طبقاتش که زنده‌گان و مرده‌گان را در خود جای داده و در آفرینش کوه‌های ثابت و آب گوارا تکذیب می‌نمایند.

﴿ٱنطَلِقُوٓاْ إِلَىٰ مَا كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ٢٩﴾.

به سوی آتش دوزخ که در دنیا بدان تکذیب می‌کردید روان شوید،‌ امروز آن را با چشم سر می‌بینید و گرمی‌اش را درمی‌یابید.

﴿ٱنطَلِقُوٓاْ إِلَىٰ ظِلّٖ ذِي ثَلَٰثِ شُعَبٖ ٣٠﴾.

به سوی سایۀ دود بزرگ دوزخ بروید که به سه بخش تقسیم شده و از آن آتش که گرمی سخت و شعلۀ ترس‌آور دارد طلبکار سایه شوید.

﴿لَّا ظَلِيلٖ وَلَا يُغۡنِي مِنَ ٱللَّهَبِ ٣١﴾.

سایه‌ای است که از گرمی پناه نمی‌دهد و شعلۀ آتش را دفع نمی‌نماید؛ زیرا گرمی‌اش روی را بریان می‌کند، شعله‌اش بدن‌ها را می‌سوزاند، دودش نفس‌ها را بند می‌کند و مردم را دچار اختناق می‌نماید.

﴿إِنَّهَا تَرۡمِي بِشَرَرٖ كَٱلۡقَصۡرِ ٣٢﴾.

به راستی که دوزخ در فضای خود آتش پاره‌پخش می‌کند، هر آتش پاره‌اش مانند کاخ بزرگی است که دارای بنای بلند و مرتفعی در آسمان باشد. این وصف آتش پارۀ آن است، خود آتش چگونه خواهد بود!!

﴿كَأَنَّهُۥ جِمَٰلَتٞ صُفۡرٞ ٣٣﴾.

گویا شتر بزرگ سیاه رنگی است که به زردی مایل است. آری! آتش از خشم خداوند جبّار سیاه شده و شراره‌های سیاه‌رنگی را از خود بیرون می‌اندازد.

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٣٤﴾.

هلاکت و تباهی برای کسانی باد که به آتش دوزخ و به دود و آتش پاره‌اش که مانند کاخ‌ها و شتر‌های بزرگ است تکذیب می‌کنند.

﴿هَٰذَا يَوۡمُ لَا يَنطِقُونَ ٣٥﴾.

قیامت روزی است که کافران نمی‌توانند سخنی را به نفع خویش بگویند؛ یعنی حجّتی برای گفتن ندارند و عذر آنان قابل قبول نیست.

﴿وَلَا يُؤۡذَنُ لَهُمۡ فَيَعۡتَذِرُونَ ٣٦﴾.

در این جایگاه برای آنان وقت داده نمی‌شود تا عذر‌جویی نمایند؛ زیرا عذری برای آنان وجود ندارد. بنابراین سخن فایده‌ای ندارد و اجازۀ سخن‌زدن صدور نمی‌یابد.

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٣٧﴾.

هلاکت عظیم و عذاب درد‌آوری برای کسانی باد که به احوال این روز، چون عدم سخن‌زدن کافران و عدم اجازۀ عذر‌جویی تکذیب می‌کنند.

﴿هَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِۖ جَمَعۡنَٰكُمۡ وَٱلۡأَوَّلِينَ ٣٨﴾.

قیامت روزی است که خداوند أ میان خلایق فیصله می‌کند. در آن روز آیندگان و پیشینیان و مردم اول و آخر را جمع می‌آوریم تا هر‌کدام را مطابق عملکردش جزا دهیم.

﴿فَإِن كَانَ لَكُمۡ كَيۡدٞ فَكِيدُونِ ٣٩﴾.

اگر برای رهایی از جزا و عذاب تدبیری دارید، همین اکنون به کار بندید و اگر راهی برای نجات از عذاب وجود دارد در پیش گیرید. امّا قوّت و لشکری را به دسترس ندارید تا شما را نجات بخشد.

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٤٠﴾.

هلاکت عظیم و عذاب درد‌آوری برای کسانی باد که به اموری چون جمع آوری اوّلین و آخرین و عدم توان کافران به حیله‌ای در پیشگاه خداوند یگانۀ قهّار تکذیب می‌کنند.

﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي ظِلَٰلٖ وَعُيُونٖ ٤١﴾.

به راستی کسانی که با انجام اوامر و پرهیز از نواهی الهی تقوا گزیدند در سایه‌های درخت‌های بلند بالا، در بوستان‌‌های شاداب و در باغ‌های فراخ قرار دارند و چشمه‌های آب صاف، گوارا و جاری برای‌شان آماده است.

﴿وَفَوَٰكِهَ مِمَّا يَشۡتَهُونَ ٤٢﴾.

میوه‌های بسیار و لذّت‌بخشی با مزّه‌های متنوّع و طعم‌های مختلف برای‌شان در بهشت آماده شده و در امن و شادمانی با نعمت و شادکامی به سر می‌برند.

﴿كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓ‍َٔۢا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٤٣﴾.

برایشان گفته می‌شود: با رضایت خاطر و طور گوارا از بهترین و پاکیزه‌ترین طعام بخورید و از لذیذ‌ترین و شیرین‌ترین نوشیدنی بیاشامید. این نعمت‌ها به سبب اعمال نیکویی به شما ارزانی شده که در دنیا انجام دادید و پاداش سعی مشکور شماست.

﴿إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٤٤﴾.

به مانند این پاداش که شامل نعمت‌ها، آرامش، فراوانی، سلامتی و شادمانی است، حق‌تعالی پاداش عمل هر بندۀ نیکو‌کار را که از پیامبر ج پیروی کند و از پروردگارش بترسد عطا می‌نماید.

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٤٥﴾.

هلاکت و تباهی برای کسانی باد که به نعمت‌های خداوند أ برای پرهیزگاران نیکو‌کار تکذیب می‌نمایند.

﴿كُلُواْ وَتَمَتَّعُواْ قَلِيلًا إِنَّكُم مُّجۡرِمُونَ ٤٦﴾.

برای کافران گفته می‌شود: ای بد‌کاران! از لذّت‌های دار دنیا در عمر‌های کوتاه بخورید؛ زیرا لذّت‌های آن قطع‌شدنی و نعمت‌های آن فنا‌شدنی است.

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٤٧﴾.

هلاکت و نابودی برای کسانی باد که به خبر‌های پوشیده‌ای که خداوند یگانۀ قهّار بدان اطلاع داده تکذیب می‌کنند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱرۡكَعُواْ لَا يَرۡكَعُونَ ٤٨﴾.

و آنگاه که برای کافران گفته می‌شود: برای پروردگار صاحب اختیار جبّار نماز بخوانید، از او اطاعت نمایید و از پیامبرش پیروی کنید نافرمانی می‌کنند، تکبّر می‌ورزند و انکار می‌نمایند.

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ٤٩﴾.

هلاکت و تباهی برای کسانی باد که به رسالت تکذیب می‌کنند، وحی را رد می‌نمایند و بدان کافر می‌شوند.

﴿فَبِأَيِّ حَدِيثِۢ بَعۡدَهُۥ يُؤۡمِنُونَ٥٠﴾.

وقتی کافران به کتاب قرآن کریم که معجزۀ قناعت‌بخش، مبارک و واضحی است تصدیق نکنند،‌ پس به کدام کتاب ایمان خواهند آورد؟ یعنی ممکن نیست به هیچ کلام دیگری تصدیق نمایند.

سورۀ نبأ

مکی است؛ ترتیب آن 78؛ شمار آیات آن 40

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿عَمَّ يَتَسَآءَلُونَ ١﴾.

مشرکان یکدیگر خویش را از چه چیزی پرسان می‌کنند؟ استفهام برای کمال بزرگ شمردن این امر آمده است و چون به اثر پیدایش رسالت ربّانی در عالم، به مشرکان از خود رفتگی دست داده بود، در این امر اختلاف ورزیدند.

﴿عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلۡعَظِيمِ ٢﴾.

آنان از خبر بزرگی از همدیگر سؤال می‌کنند که از اثرش بر دل‌ها هیبت، بر نفس‌ها ترس و بر عقل‌ها دهشت سیطره می‌افکند. این خبر عبادت از رسالت پیامبر مژده دهنده، نزول کتاب بزرگ و روشنگر و خبر زنده‌شدن بعد از مرگ است. آری! نزاع طولانی و خلاف بسیاری در این باره داشتند؛ هرچند در حقّانیتش شبهه‌ای نیست، خبر راستی است که دروغ در آن راه ندارد و امر یقینی است که شکّی در آن موجود نیست.

﴿ٱلَّذِي هُمۡ فِيهِ مُخۡتَلِفُونَ ٣﴾.

دربارۀ این روز گفتگوها و شبهات بسیاری میان کسانی که تصدیق و اقرار داشتند با آنان‌که تکذیب و انکار می‌کردند پدید آمد؛ زیرا برای آنان خبری عجیب و امری غریب بود.

﴿كَلَّا سَيَعۡلَمُونَ ٤﴾.

سوگند به پروردگار که به زودی راستی این خبر و درستی این امر را می‌دانند و زشتی عملکرد و افعال خویش را درک خواهند کرد؛ آنگاه که اهل قبر‌ها برانگیخته شوند، آنچه در سینه‌ها پنهان است پدید آید، حجاب‌ها دور رود و امور پوشیده آشکار شود.

﴿ثُمَّ كَلَّا سَيَعۡلَمُونَ ٥﴾.

آری! به خداوند أ سوگند که حقّانیت اموری چون بعث و نشوز، بهشت و دوزخ، وجود صراط، میزان اعمال و سایر خبر‌های پوشیده‌ای که حق‌تعالی و پیامبرش بدان خبر داده‌اند بعد از مرگ برای آنان آشکار خواهد شد.

﴿أَلَمۡ نَجۡعَلِ ٱلۡأَرۡضَ مِهَٰدٗا ٦﴾.

رسالت و خبر‌های غیبی آن درست است، چون خبر دهندۀ آن کسی است که زمین را با استحکام آفریده، آن را گهواره‌ای ساخته، هموار داشته و برای مصالح آبادانی، زراعت، سکنی‌گزینی و طلب معیشت آماده نموده است. آری! زمین مادر مهربانی است که رزق و روزی معلوم و مقسومی در آن به ودیعت نهاده شده است.

﴿وَٱلۡجِبَالَ أَوۡتَادٗا ٧﴾.

کوه‌ها را طوری مقرّر داشتیم که مانند میخ‌هایی زمین را نگه می‌دارند، چنان‌که مایل نمی‌شود و به جنبش نمی‌آید. آری! اوتعالی کوه‌ها را با اندازه‌گیری مستحکمی بر روی زمین توزیع نموده، و در میان و چارگوشه‌اش با درستی و حسن تدبیر مستقر ساخته است. پاک است خداوندی که صاحب لطف و باخبر است.

﴿وَخَلَقۡنَٰكُمۡ أَزۡوَٰجٗا ٨﴾.

شما را دو صنف مرد و زن آفریدیم تا توالد و تناسل صورت گیرد و بقای نوع و استمرار حیات تحقّق یابد؛ زیرا اگر فقط یک صنف می‌بود، نوع انسان منقرض می‌شد و فنا و نابود می‌گردید. از همین رو حق‌تعالی از انسان، حیوان، پرنده‌گان و هر مخلوق دیگر جنس مذکّر و مؤنّث را پدید آورد.

﴿وَجَعَلۡنَا نَوۡمَكُمۡ سُبَاتٗا ٩﴾.

خواب شما را راحت بدن‌ها و تعطیل مصروفیت‌های‌تان قرار دادیم، برای اینکه وجودتان با لذّت از خواب راحت یابد و نشاط دوباره برای کار و فعالیت به دست آورد.

﴿وَجَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا ١٠﴾.

شب را مانند پوشاکی قرار دادیم که شما را زیر پوشش قرار می‌دهد؛ بدان گونه که چون فرا می‌رسد به مساکن‌تان برمی‌گردید و از تحرّک و مصروفیت‌های حیات آرامش می‌یابید.

﴿وَجَعَلۡنَا ٱلنَّهَارَ مَعَاشٗا ١١﴾.

روز را سبب تحصیل روزی و کسب معاش، زمانی برای کار و کوشش و آبادانی و تولید مقرّر داشتیم تا زندگی و عمر‌ها ادامه یابد.

﴿وَبَنَيۡنَا فَوۡقَكُمۡ سَبۡعٗا شِدَادٗا ١٢﴾.

آسمان‌های هفتگانه را با بنای محکم و استوار، سقفی بلند و صنعتی با استحکام در بالای سر شما بنا نمودیم؛ چنان‌که در بنای آن‌ها کوتاهی و عیبی وجود ندارد.

﴿وَجَعَلۡنَا سِرَاجٗا وَهَّاجٗا ١٣﴾.

خورشید را مانند چراغ روشنی در آسمان مقرّر داشتیم؛ بدان گونه که بر مبنای حساب حرکت می‌کند، با‌ حکمت روشنی می‌دهد و با تقدیر ما طلوع می‌نماید، نه در سیر و حرکتش خللی وجود دارد و نه در طلوع و غروبش ناهماهنگی مشاهده می‌شود.

﴿وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلۡمُعۡصِرَٰتِ مَآءٗ ثَجَّاجٗا ١٤﴾.

آنگاه که هنگام نزول باران فرا می‌رسد، آبی مبارک، پاکیزه، فراوان و بسیار ریزانی را از ابر‌ها فرود می‌آوریم که در آن حیات، رشد و نموی موجودات و خیر بسیاری نهفته است.

﴿لِّنُخۡرِجَ بِهِۦ حَبّٗا وَنَبَاتٗا ١٥﴾.

تا به وسیلۀ آب دانه‌هایی را بیرون آوریم که انسان و حیوان از آن می‌خورند؛ دانه‌هایی مانند گندم، جو، جواری و دیگر چیز‌ها که خوردنی‌های نافع و روزی‌های مبارکی را به دست می‌دهند. همچنان سبزیجات، علوفه‌ها و درختستان‌هایی را با آب رویاندیم که چارپایان از آن می‌خورند، منظرۀ خوشایند دارند و باعث زیبایی زمین می‌شوند.

﴿وَجَنَّٰتٍ أَلۡفَافًا ١٦﴾.

با این آب مبارک، باغ‌های پُر درخت و بوستان‌های فراخی را پدید آوردیم که شاخه‌های به هم پیچیده و شاخچه‌های نرم و ملایم دارند و منظر نیکو و زیبایی با شکوهی را پدید می‌آورند.

﴿إِنَّ يَوۡمَ ٱلۡفَصۡلِ كَانَ مِيقَٰتٗا ١٧﴾.

به راستی که روز قیامت روزی است که خداوند أ میان مردم فیصله می‌کند، وقت مشخّص و مدّت معیّنی دارد که در نزد خداوند أ معلوم است و حق‌تعالی وعده‌اش را خلاف نمی‌کند.

﴿يَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ فَتَأۡتُونَ أَفۡوَاجٗا ١٨﴾.

روزی که اسرافیل در صور که شاخ بزرگی است برای بار دوم می‌دمد و از اثرش جماعت‌های بسیاری از قبر‌ها به سوی موقف بیرون می‌آیند.

﴿وَفُتِحَتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتۡ أَبۡوَٰبٗا ١٩﴾.

آنگاه آسمان شق می‌شود و شکاف می‌گردد، در نتیجه برای نزول فرشتگان و از بین رفتن برج‌ها، افلاک و ستاره‌گان دروازه‌های بسیاری در آن گشوده می‌شود.

﴿وَسُيِّرَتِ ٱلۡجِبَالُ فَكَانَتۡ سَرَابًا ٢٠﴾.

کوه‌ها با تکانی شدید از جای‌شان بر‌کنده و پاره پاره می‌شوند و مانند غبار و گردی در هوا پراگنده می‌گردند.

﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتۡ مِرۡصَادٗا ٢١﴾.

به راستی دوزخ جایگاهی است که موظّفان آتش آن در کمین کافران نشسته‌اند؛ یعنی آمدن کافران را انتظار می‌کشند تا دشوار‌ترین جزا را بر آنان فرود آورند.

﴿لِّلطَّٰغِينَ مَ‍َٔابٗا ٢٢﴾.

آتش دوزخ جای بازگشت سر‌کشان است که با خواری و ذلّت به سویش رو می‌آورند. آری! در آنجا عذاب می‌شوند و مورد اهانت قرار می‌گیرند.

﴿لَّٰبِثِينَ فِيهَآ أَحۡقَابٗا ٢٣﴾.

زمانه‌هایی را بدون انقطاع و به طور دوامدار در آتش دوزخ باقی می‌مانند و به عذاب سختی گرفتار اند که نه سستی می‌پذیرد و نه تخفیف می‌یابد.

﴿لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرۡدٗا وَلَا شَرَابًا ٢٤﴾.

در آنجا نه سردیی را می‌یابند که گرمی را از آنان دور سازد و نه آشامیدنیی را که تشنگی را مرفوع سازد، پوست‌های‌شان می‌سوزد و به تشنگی گرفتار اند.

﴿إِلَّا حَمِيمٗا وَغَسَّاقٗا ٢٥﴾.

امّا به عوض سردی و نوشیدنی، آب داغ جوشانی برای آنان داده می‌شود که روده‌ها را قطع می‌کند و چرک آزار دهنده‌ای را می‌نوشند که از بدن‌های دوزخیان روان گشته است.

﴿جَزَآءٗ وِفَاقًا ٢٦﴾.

این جزایی است که با کارها و اعمال آنان برابری دارد؛ یعنی مستحقّ این جزا هستند و سزاوار چنین بلایی می‌باشند.

﴿إِنَّهُمۡ كَانُواْ لَا يَرۡجُونَ حِسَابٗا ٢٧﴾.

بدان سبب که این کافران به روز حساب تکذیب می‌کردند، در انتظار قیامت نبودند،‌ بدان ایمان نداشتند و زنده‌شدن بعد از مرگ را توقّع نمی‌بردند.

﴿وَكَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا كِذَّابٗا ٢٨﴾.

از آیات الهی که بر پیامبرش نازل شده انکار کردند، به وحیی که حق‌تعالی بر آن حضرت فرستاده تکذیب نمودند، به ردّ آن پرداختند و از آن‌ رو گشتاندند، در نتیجه اینگونه عذابی جزای آنان مقرّر داشته شد.

﴿وَكُلَّ شَيۡءٍ أَحۡصَيۡنَٰهُ كِتَٰبٗا ٢٩﴾.

همه اعمال و کار‌کرد‌ها را در کتاب کار‌های نیک و کتاب کار‌های بد ثبت نمودیم و نوشتیم. بنابراین همه اعمال محفوظ و مضبوط است؛ بدون اینکه زیادت و نقصانی در آن راه یابد.

﴿فَذُوقُواْ فَلَن نَّزِيدَكُمۡ إِلَّا عَذَابًا ٣٠﴾.

جزای تکذیب و کفر خویش به پروردگار را بچشید، دیگر چیزی جز زیادت عذاب و سختی‌های مجازات را نخواهید یافت، نه بر شما مهربانی صورت می‌گیرد و نه از آتش بیرون می‌شوید.

﴿إِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ مَفَازًا ٣١﴾.

به راستی که رستگاری آخرت، نجات از آتش دوزخ و بهره‌مندی به بهشت برای پرهیزگاران آماده است. این همه به سبب انجام اوامر و اجتناب از نواهی در نزد پروردگار برای‌شان مهیّا شده است.

﴿حَدَآئِقَ وَأَعۡنَٰبٗا ٣٢﴾.

باغستان‌هایی برای‌شان مهیّاست که دارای درختان انبوه و تاک‌های انگوری است؛ همچنان که شاخه‌های فرود آمده و نزدیک دارد. ذکر انگور از میان سایر میوه‌ها به خاطر منافع بسیار و مزّۀ نیکوی آن است.

﴿وَكَوَاعِبَ أَتۡرَابٗا ٣٣﴾.

برایشان همسرانی زیبا و دوشیزه از حوران بهشتی آماده شده که در حسن خویش بی‌همتا و از هر عیبی پاک اند، اخلاق نیکو دارند و با حرمت و حشمت اند.

﴿وَكَأۡسٗا دِهَاقٗا ٣٤﴾.

جامه‌های لبریز از شرابی برای‌شان مهیّاست که نشه‌آور نیست، ایجاد درد سر نمی‌کند، صاحبش را دچار هذیان نمی‌نماید، و عقلش را نمی‌رباید؛ با وجودی که نهایت لذّت‌بخش و سرور آور است.

﴿لَّا يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوٗا وَلَا كِذَّٰبٗا ٣٥﴾.

سخنان بی‌فایده و کلام باطلی را در بهشت نمی‌شنوند،‌ بلکه همه تقدیم سلام و حسن کلام با خوبی و مجالس انس است و عزّت و حلاوت منطق وجود دارد.

﴿جَزَآءٗ مِّن رَّبِّكَ عَطَآءً حِسَابٗا ٣٦﴾.

این پاداش نیکو در برابر اعمالی که انجام داده‌اند از جانب پروردگار برای‌شان آماده شده و نعیم مقیم را در برابر التزام راه مستقیم به دست آوردند. الله تعالی بر ایشان عطا و بخشش کرده و ایشان را در نیکو‌ترین جای و بهترین مقام استقرار بخشیده است.

﴿رَّبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا ٱلرَّحۡمَٰنِۖ لَا يَمۡلِكُونَ مِنۡهُ خِطَابٗا ٣٧﴾.

کسی که این نعمت‌ها را برای‌شان ارزانی و کرامت کرده پروردگار آسمان‌ها و زمین است که خلایق را پرورش داده است. او رحمت فراگیر دارد که همه مخلوقات را شامل می‌شود و به خاطر عظمت و شکوهی که دارد کسی بدون اجازه‌اش با وی سخن زده نمی‌تواند.

﴿يَوۡمَ يَقُومُ ٱلرُّوحُ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ صَفّٗاۖ لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنۡ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَقَالَ صَوَابٗا ٣٨﴾.

در آن روز جبرئیل ÷ برای تعظیم و توقیر خداوند أ با سایر فرشتگان برمی‌خیزند و صف زده‌اند. هیچ کسی به منظور شفاعت سخن زده نمی‌تواند؛ مگر آنگاه که اوتعالی برایش اجازه دهد و از کسی که برایش شفاعت می‌شود راضی باشد.

﴿ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمُ ٱلۡحَقُّۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ مَ‍َٔابًا ٣٩﴾.

روز قیامت روزی است که وعده بدان راست، وقوعش حقّ و وقتش ثابت است. پس هر که می‌خواهد عمل صالحی را در پیش گیرد که در نزد پروردگار برایش نفعی برساند و او را از عذاب و مجازات دشوار پروردگار نجات بخشد.

﴿إِنَّآ أَنذَرۡنَٰكُمۡ عَذَابٗا قَرِيبٗا يَوۡمَ يَنظُرُ ٱلۡمَرۡءُ مَا قَدَّمَتۡ يَدَاهُ وَيَقُولُ ٱلۡكَافِرُ يَٰلَيۡتَنِي كُنتُ تُرَٰبَۢا ٤٠﴾.

به راستی که ما شما را از وقوع عذاب نزدیکی ترساندیم؛ از عذاب روزی که انسان عملکرد نیک و بدش را مشاهده می‌کند. در آن هنگام کافر به علّت بازگشت بدی که دارد آرزو می‌برد که کاش خاک می‌بود تا مورد محاسبه و عذاب قرار نمی‌گرفت و مسلّماً کسی که آرزوی مرگ نماید، به بلا و محنت بزرگی گرفتار آمده است.

سورۀ نازعات

مکی است؛ ترتیب آن 79؛ شمار آیات آن 46

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلنَّٰزِعَٰتِ غَرۡقٗا ١﴾.

خداوند متعال به فرشتگانی سوگند یاد کرده است که ارواح کافران را با قوّت و سختی می‌گیرند؛ طوری که با درد و مشقّت و با عذاب و حسرت از همه اجزای وجود آنان بیرون می‌کشند.

﴿وَٱلنَّٰشِطَٰتِ نَشۡطٗا ٢﴾.

الله أ به فرشتگانی سوگند یاد کرده که ارواح مؤمنان را با لطف و نرمی و با آسانی و مهربانی بیرون می‌آورند؛ چنان‌که قطرۀ آب از دهن ظرف به آسانی بیرون می‌شود.

﴿وَٱلسَّٰبِحَٰتِ سَبۡحٗا ٣﴾.

و به فرشتگانی سوگند یاد نموده که به امر و حکم پروردگار در آسمان صعود و نزول می‌نمایند و هر صنفی از ایشان در پیشگاه عظمت و نیروی پادشاه و سلطان جهان به کاری مصروف اند.

﴿فَٱلسَّٰبِقَٰتِ سَبۡقٗا ٤﴾.

الله أ به فرشتگانی سوگند یاد کرده که ارواح مؤمنان را با شتاب به سوی جایگاه‌شان می‌برند تا از نعمت‌ها بهره‌مند شوند و از آنچه حق‌تعالی برای‌شان وعده داده به تأخیر نیفتند.

﴿فَٱلۡمُدَبِّرَٰتِ أَمۡرٗا ٥﴾.

و به فرشتگانی سوگند یاد کرده که فرمان خداوند أ را در زمنیۀ باران و باد‌ها، نوشتن اعمال، نگهبانی مردم و انجام هر دستوری در زمینۀ رحمت و عذاب به اجرا می‌گذارند.

﴿يَوۡمَ تَرۡجُفُ ٱلرَّاجِفَةُ ٦﴾.

روزی که دمیدن نخستین صورت می‌گیرد و از اثرش زمین در اضطراب می‌آید، اهلش را می‌لرزاند، با همه موجوداتی که بر روی آن است به سختی تکان می‌خورد و به طور ناگهانی و طرز دهشت‌آوری به جنبش می‌آید.

﴿تَتۡبَعُهَا ٱلرَّادِفَةُ ٧﴾.

به تعقیب آن دمیدن دوم صورت می‌گیرد تا مردم از قبر‌ها برخیزند به حضور پروردگار جهانیان روان شوند.

﴿قُلُوبٞ يَوۡمَئِذٖ وَاجِفَةٌ ٨﴾.

در آنجا از هول موقف، برخی دل‌ها را اضطراب و لرزه فرا می‌گیرد؛ چنان‌که نزدیک است از ترس خداوند دانای راز‌ها از سینه‌ها بیرون آید.

﴿أَبۡصَٰرُهَا خَٰشِعَةٞ ٩﴾.

چشمان این گروه از هول محضر و هراس منظر به ذلّت و حیرت گرفتار آمده است. آری! دیدگان فرو افتاده، فکر‌ها را وحشت گرفته و چهره‌ها برای پروردگار یگانۀ قهّار فروتنی می‌کند.

﴿يَقُولُونَ أَءِنَّا لَمَرۡدُودُونَ فِي ٱلۡحَافِرَةِ ١٠﴾.

می‌گویند: آیا بعد از مرگ به حیات دوباره برمی‌گردیم؟! این سخنی خلاف واقع است؛ چون پدران و اجداد ما مردند و باز نگشتند. ما نیز رجعت و بازگشتی نخواهیم داشت، بلکه می‌میریم و نابود می‌شویم.

﴿أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا نَّخِرَةٗ ١١﴾.

آیا وقتی استخوان‌های ما پوسیده شود، اعضای ما پارچه پارچه گردد و ما خاک شویم به زندگی بر‌می‌گردیم و از نو حیات می‌یابیم؟! چنین کاری هر‌گز نخواهد بود.

﴿قَالُواْ تِلۡكَ إِذٗا كَرَّةٌ خَاسِرَةٞ ١٢﴾.

آنان‌که به زندگی بعد از مرگ تکذیب می‌کنند به طور استبعاد و استهزا می‌گوید: این‌چنین بازگشتی واقعاً زیان آور است، ما را خساره‌مند می‌سازد و به مصلحت ما نیست.

﴿فَإِنَّمَا هِيَ زَجۡرَةٞ وَٰحِدَةٞ ١٣﴾.

واقعیت این است که دمیدن بار دوم یک آوازی بیش نیست و با انجام آن بر ما زحمتی رونما نمی‌شود. آری! آنگاه که در صور دمیده شود، آنان را مانند آفرینش نخست به زندگی باز می‌گردانیم و همچنان که بمیرانیم زنده می‌سازیم.

﴿فَإِذَا هُم بِٱلسَّاهِرَةِ ١٤﴾.

آنگاه که برای بار دوم در صور دمیده می‌شود، مردم برای فیصله و حکم الهی در زمینی روشن و پاکیزه از قبر‌ها بیرون می‌آیند. در آن هنگام اعمال عرضه می‌شود، هولناکی بزرگی پدید می‌آید و خداوند ذوالجلال برای پاداش و جزای اعمال حضور دارد.

﴿هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ ١٥﴾.

آیا داستان بزرگ موسی ÷، استقامتش در برابر فرعون و دشواری‌های را که دیده بود شنیده‌ای و از آن آگاهی داری؟ به راستی که این داستان بهترین نمونه و اسوه‌ای است، پس صبر پیشه‌کن و بدان تسلّی شو.

﴿إِذۡ نَادَىٰهُ رَبُّهُۥ بِٱلۡوَادِ ٱلۡمُقَدَّسِ طُوًى ١٦﴾.

آنگاه که آفریدگار و تدبیر کنندۀ امورش او را در وادی مبارک و پاکیزۀ صور سینا ندا کرد. آری! وادی با سخن زدنش شرف یافت و به سبب وحیش مقدّس شد.

﴿ٱذۡهَبۡ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ١٧﴾.

پروردگارش برای او گفت: ای موسی! به نزد فرعون برو و او را به سوی توحید فرا خوان؛ زیرا او بغاوت و سرکشی نموده، با کفر و الحاد تکبّر و نافرمانی کرده و با فسق و فساد از حد تجاوز کرده است.

﴿فَقُلۡ هَل لَّكَ إِلَىٰٓ أَن تَزَكَّىٰ ١٨﴾.

با نرمی و ملایمت برایش بگو: آیا رغبت و تمایل داری که از کفر پاک شوی، خداوند أ را به یگانگی بشناسی، عبادت را برای او خالص گردانی و با طاعتش خویشتن را تزکیه نمایی؟ این کار به خیر توست.

﴿وَأَهۡدِيَكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخۡشَىٰ ١٩﴾.

تو را به راه پروردگای رهنمایی می‌کنم که با نعمت‌هایش پرورشت داده است؛ برای اینکه شاید از مجازات و عذابش بترسی، از فرمانش اطاعت کنی و از نواهی‌اش اجتناب نمایی.

﴿فَأَرَىٰهُ ٱلۡأٓيَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰ ٢٠﴾.

موسی ÷ برای فرعون معجزۀ بزرگی را نشان داد؛ بدین‌گونه که عصایش به اذن خداوند أ اژدهایی شد و این دلیلی بود که موسی ÷ راستگوی و پیامبری از جانب حق‌تعالی است.

﴿فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ٢١﴾.

امّا فرعون دعوت موسی ÷ را تکذیب نمود و از فرمانش سرکشی کرد، یا گفتارش را تکذیب کرد و کردارش را نافرمانی نمود. آری! از جملۀ تکذیبش این بود که دلیل را ترک نمود و از عصیانگری‌اش این بود که توحید را رها کرد.

﴿ثُمَّ أَدۡبَرَ يَسۡعَىٰ ٢٢﴾.

بعد از آن از هدایت رو گشتاند، در کمراهی کوشید، مردم را از پیروی موسی ÷ باز داشت و با ستمگری، کشتن و برده ساختن مردم در روی زمین دست به فساد زد.

﴿فَحَشَرَ فَنَادَىٰ ٢٣﴾.

مردم را جمع کرد و روش باطل، بهتان و دروغ ناپسندش را که همان ادّعای خدایی بود با آواز بلند برای‌شان اعلان نمود. خداوند أ او را بکشد!

﴿فَقَالَ أَنَا۠ رَبُّكُمُ ٱلۡأَعۡلَىٰ ٢٤﴾.

آنگاه فرعون به دروغ و ناحق برای مردم گفت: من پروردگار‌تان هستم که با عطاهایش شما را پرورش داده است. از این‌رو من از شما برتر و بالاتر هستم و پروردگاری بالاتر از من وجود ندارد. او با این سخنان قصد داشت که مورد پرستش مردم قرار گیرد.

﴿فَأَخَذَهُ ٱللَّهُ نَكَالَ ٱلۡأٓخِرَةِ وَٱلۡأُولَىٰٓ ٢٥﴾.

حق‌تعالی او را به نهایی‌ترین جزا و به دشوار‌ترین عذاب گرفتار کرد؛ طوری که او را در دنیا به دریا غرق نمود و در آخرت در آتش دوزخ می‌سوزاند‌، یا معنی این است که او را به سبب دو کلمۀ دروغینش مجازات نمود.

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّمَن يَخۡشَىٰٓ ٢٦﴾.

به راستی در جزایی که خداوند أ برای فرعون مقرّر داشت و او را نابود و هلاک ساخت، برای کسانی که پرهیزگار باشند و از مولای‌شان بترسند پند و موعظۀ بزرگی است. آری! بازگشت هر عصیانگر سرکش و انجام سرنوشت هر مجرم زورمند همچنین است.

﴿ءَأَنتُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَمِ ٱلسَّمَآءُۚ بَنَىٰهَا ٢٧﴾.

آیا در سنجش خود گمان می‌کنید که آفرینش و ایجاد ساختار وجود شما از آفرینش آسمان که خداوند أ آن را طور مُحکم بنا کرده و با استحکام برابر ساخته دشوار‌تر و بزرگ‌تر است؟

﴿رَفَعَ سَمۡكَهَا فَسَوَّىٰهَا ٢٨﴾.

آن را بنا کرده، رفعت بخشیده و سقفش را بلند برده است؛ طوری که استواری آن را در جسم خودش مقرّر داشته و هر آسمان بر یکی دیگر تعالی و بلندی حاصل کرده است. پاک است خداوندی که این بنا را چنین زیبا آفریده است.

﴿وَأَغۡطَشَ لَيۡلَهَا وَأَخۡرَجَ ضُحَىٰهَا ٢٩﴾.

شب را تاریک ساخته و آن را با آمدن روز با نور خورشید محو می‌نماید. آری! اوتعالی بین اوقات مغایرت پدید آورده و همه لحظات را با توقیت معیّنی یک نواخت نساخته است. از همین است که نه شب از روز سبقت می‌جوید و نه روز از شب سبقت جسته است.

﴿وَٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ دَحَىٰهَآ ٣٠﴾.

بعد از رفعت آسمان، زمین را فرشی برای کائنات و گهواره‌ای برای زندگی مردم ساخته و آن را با وجود کُرویتش هموار داشته تا بر روی آن زندگی امکان یابد.

﴿أَخۡرَجَ مِنۡهَا مَآءَهَا وَمَرۡعَىٰهَا ٣١﴾.

آب را که از میان صخره‌ها و از زیر کوه‌ها می‌گذرد از طریق چشمه‌ها، چاه‌ها و جوی‌ها در روی زمین بیرون می‌آورد تا چراگاه‌های سبز و خرّمی را پدید آورد و مورد استفادۀ حیوانات قرار گیرد.

﴿وَٱلۡجِبَالَ أَرۡسَىٰهَا ٣٢﴾.

کوه‌ها را مانند میخ زمین ثابت ساخته تا آن را از اضطراب و جنبش باز دارد و آن‌ها را بر مبنای حکمتش در اطراف زمین توزیع نموده تا کسانی که در رویش زندگی می‌کنند استقرار یابند.

﴿مَتَٰعٗا لَّكُمۡ وَ لِأَنۡعَٰمِكُمۡ ٣٣﴾.

این همه را برای آن مقرّر داشت تا منفعتی برای شما و متاعی برای چارپایان‌تان باشد. آری! بدین‌گونه مسکن‌تان را نیکو ساخت، وسایل زندگی شما را برابر داشت و حیات‌تان را قایم نمود که در نتیجه انسان و حیوان در نعمت و فراوانی به سر می‌برند.

﴿فَإِذَا جَآءَتِ ٱلطَّآمَّةُ ٱلۡكُبۡرَىٰ ٣٤﴾.

آنگاه که قیامت، یعنی همان بلای عظیم و حادثۀ بزرگ فرا رسد و با هولناکی‌اش بر چشم‌ها، با آوازش بر گوش‌ها و با خوفش بر دل‌ها سیطره افگند.

﴿يَوۡمَ يَتَذَكَّرُ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا سَعَىٰ ٣٥﴾.

در این هنگام، انسان از اعمال خوب و بد و از صلاح و فسادش به یاد می‌آورد؛ یعنی در وقتی که پشیمانی سودی ندارد و تحسر به جایی نمی‌رسد، حسناتش بر او عرضه می‌شود.

﴿وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ ٣٦﴾.

آتش دوزخ در پیش روی مردم آشکار می‌شود؛ طوری که از هیچ‌کس پنهان نیست و همه آن را می‌بینند. این آتش برای بد‌کاران و کافران آماده شده است و انتظاری می‌کشد تا آنان را بسوزاند.

﴿فَأَمَّا مَن طَغَىٰ ٣٧﴾.

امّا کسی که متکبّر و عناد ورزیده، از حدود الهی تجاوز نموده، نقض عهد کرده و با شرک و انکار و خروج از طاعت پروردگار جبّار عقد ایمانش را شکستانده است.

﴿وَءَاثَرَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا ٣٨﴾.

زندگی دنیا را بر آخرت مقدّم داشته، برای تحصیل آن عمل کرده و آن را برتر دانسته است. همچنان آخرت را فراموش کرده، فرو گذاشت نموده و در نتیجه به حیات عاجل دل بسته و در لذایذش غوطه‌ور شده است، امّا از روز آخرت رو گشتانده است.

﴿فَإِنَّ ٱلۡجَحِيمَ هِيَ ٱلۡمَأۡوَىٰ ٣٩﴾.

به راستی که دوزخ قرارگاه اوست و به خدا سوگند که بد‌جایگاهی است. او با گرفتاری به عذاب و زیانمندی در آن مأوی می‌گزیند، مقیم می‌گردد، جزای اعمالش را می‌چشد و به زنجیر کشیده می‌شود.

﴿وَأَمَّا مَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى ٱلنَّفۡسَ عَنِ ٱلۡهَوَىٰ ٤٠﴾.

امّا کسی که از خداوند أ بترسد، قدرش را عظیم داند و از مجازات و عذابش هراس داشته باشد. همچنان نفس خویش را از خواهش‌ها باز دارد و از سر‌کشی و پیروی شهوات سرزنش کند و منع نماید.

﴿فَإِنَّ ٱلۡجَنَّةَ هِيَ ٱلۡمَأۡوَىٰ ٤١﴾.

به راستی که جایگاه این پرهیزگاران بهشت‌های پُر از نعمتی است که با خوشنودی و خورسندی و با اکرام و برخورداری از نعمت‌ها در آن جای می‌گیرند، احساس خوشبختی می‌نمایند و زندگی خوشایندی را سپری می‌کنند.

﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَا ٤٢﴾.

ای محمّد! مشرکان از تو می‌پرسند که قیامت چه وقت بر پا می‌گردد، موعد آن چه زمانی است و کی واقع می‌شود؟ آنان از این پرسش تاریخ قیام آن را به طور استهزا می‌طلبند.

﴿فِيمَ أَنتَ مِن ذِكۡرَىٰهَآ ٤٣﴾.

بیان وقت قیامت به تو مناسبت ندارد؛ زیرا تو دربارۀ آن علم نداری تا برای آنان خبر دهی، حق‌تعالی هم تو را به موعدش آکاه نساخته تا آنان را آگاه سازی. بنابراین تو وقت قیام آن را نمی‌دانی‌.

﴿إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَىٰهَآ ٤٤﴾.

علم قیامت تنها در نزد خداوند أ است و جز اوتعالی کسی بدان دانا نیست و آگاهی ندارد، نه فرشتۀ مقرّبی آن را می‌داند و نه پیامبر مرسلی.

﴿إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخۡشَىٰهَا ٤٥﴾.

نصیحت تو تنها به کسی فایده‌بخش است که از قیام قیامت بترسد و برای آخرت عمل کند؛ ‌زیرا تکذیب‌کنندگان اعراض‌کننده در لهو و بازی مصروف اند و در گمراهی خویش می‌کوشند. بنابراین و ظیفه‌ات بیم‌دادن از قیامت است نه خبر‌دادن از وقت برپا شدنش.

﴿كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَهَا لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا عَشِيَّةً أَوۡ ضُحَىٰهَا٤٦﴾.

گویا که این کافران روزی که قیام رستاخیز را مشاهده کنند، جز اندازۀ وقت شام یا چاشت یک روز دنیا را باقی نمانده‌اند؛ از آن‌رو که درنگ آنان در دنیای فانی اندک و کوتاه بوده است. آری! دنیا خواب و خیالی بیش نیست و جز فرومایگان بدان فریب نمی‌خورند. آیا آخرت را به خاطر زندگی یک شامگاه یا چاشتگاهی قربان می‌کنند!!

سورۀ عبس

مکی است؛ ترتیب آن 80؛ شمار آیات آن 42

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ ١﴾.

پیامبر ج به خاطر مصروفیت به دعوت بزرگانی از کافران چهره‌اش را درهم کشید؛ یعنی رو گشتاند و به سؤال نابینا گوش فرا نداد؛ هرچند با او در غیاب آنان با مهربانی مخاطبه نمود.

﴿أَن جَآءَهُ ٱلۡأَعۡمَىٰ ٢﴾.

به سبب اینکه شخص نابینا (عبد الله ابن امّ مکتوم) به نزدش آمد. گویا به منظور تشویق و انگیزش مهربانی و رحمت گفته شده: این مسکین نابینا، سائل علم است و تو از وی رو می‌گردانی.

﴿وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ ٣﴾.

ای پیامبر! چه می‌دانی شاید این نابینا برای آن آمده تا به وسیلۀ رهنمایی تو از گناهان و با علمت از آثار نادانی خویش پاک شود.

﴿أَوۡ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ ٱلذِّكۡرَىٰٓ ٤﴾.

یا شاید او از سخنت پند پذیرد، فایده گیرد و بدانچه می‌شنود عمل نماید. آری! تزکیه، عمل به طاعات است و تذکّر، ترک محرمّات می‌باشد و هردو باهم تقوا را تشکیل می‌دهند.

﴿أَمَّا مَنِ ٱسۡتَغۡنَىٰ ٥﴾.

امّا کسی که با مال و جاهش و با دنیای خویش از رسالت تو استغنا می‌جوید، در شهواتش فرو می‌رود، در مخالفتش ادامه می‌دهد و به رسالت تو اعتنایی ندارد.

﴿فَأَنتَ لَهُۥ تَصَدَّىٰ ٦﴾.

تو به او رو می‌آوری و اعتنا می‌نمایی و با طمعگاری در هدایتش به او تحیّه تقدیم می‌داری. او رو‌گردان است و تو به او رو آورنده هستی، او در گمراهی فرو روی می‌کند و تو بر هدایتش حرص می‌ورزی.

﴿وَمَا عَلَيۡكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ٧﴾.

اگر از گناهش پاک نشود، بر تو ضرری نیست تا بدان سبب بر هدایتش حریص باشی. بنابراین او را تا هنگامی که سر‌کشی می‌کند و هدایت را ترک می‌نماید در پلیدی‌اش رها بگذار.

﴿وَأَمَّا مَن جَآءَكَ يَسۡعَىٰ ٨﴾.

امّا کسی که با سعی در طلب هدایت به نزدت می‌آید و در حالی که جویندۀ علم، طالب حکمت و حریص بر دانش دینی است به حضورت می‌رسد و با تو و دینت محبّت می‌ورزد.

﴿وَهُوَ يَخۡشَىٰ ٩﴾.

او از عذاب خداوند أ و مجازاتش می‌ترسد و ترس خداوند أ باعث شده که سؤال کند تا حلال را بداند و بدان عمل کند؛ حرام را بشناسد و از آن پرهیز نماید. آری! با خوف الهی می‌توان نجات را به دست آورد.

﴿فَأَنتَ عَنۡهُ تَلَهَّىٰ ١٠﴾.

با وجودی که او با رغبت‌دل به نزدت آمده است تو به دیگری مشغول می‌شوی، سؤالش را پاسخ نمی‌گویی و سخنش را نمی‌شنوی و به کسی که پشت گشتانده و گریزان است می‌پیوندی.

﴿كَلَّآ إِنَّهَا تَذۡكِرَةٞ ١١﴾.

ای پیامبر! هر‌گز به مانند این عمل دوباره انجام مده؛ زیرا آیات الهی موعظه و نصیحت است و بر تو لازم است کسی را موعظه نمایی که از آن فایده‌مند شود.

﴿فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ١٢﴾.

هر که دوست دارد که از نصایح قرآن بهره‌مند شود چنین کاری را انجام دهد؛ یعنی خویشتن را با وحی مهذّب سازد، روش خود را با دین قوام بخشد و با عمل صالح از علم نافع فایده گیرد.

﴿فِي صُحُفٖ مُّكَرَّمَةٖ ١٣﴾.

این نصایح قرآنی در صحیفه‌های بزرگوار، عزیز القدر، مقدّس مآب و محترمی نوشته شده است؛ زیرا کلام خداوند بزرگ می‌باشد.

﴿مَّرۡفُوعَةٖ مُّطَهَّرَةِۢ ١٤﴾.

در اصل و منزلت خویش بلند مرتبه و از ناپاکی‌ها منزّه است؛ چون آن را جز پاکیزه‌گان کسی لمس نمی‌کند، معنایش از انحراف محفوظ و فحوایش از پلیدی‌ها پاک است.

﴿بِأَيۡدِي سَفَرَةٖ ١٥﴾.

به دست‌های فرشتگانی است که میان خداوند أ و پیامبرش سفیر اند، قرآن کریم را برای رسول الله ج می‌رسانند، آنچه را برمی‌دارند حفظ می‌کنند و آنچه را می‌شنوند به مرجعش می‌سپارند.

﴿كِرَامِۢ بَرَرَةٖ ١٦﴾.

فرشتگانی که در نزد پروردگار‌شان بزرگوار و دارای عزّت اند، از امرش اطاعت می‌کنند، از نواهی‌اش اجتناب می‌نمایند، از کدورت گناهان به سلامت مانده‌اند و از آثار عیب‌ها رهایی جسته‌اند.

﴿قُتِلَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَآ أَكۡفَرَهُۥ ١٧﴾.

خداوند أ انسان کافر را لعنت کند، چه قدر کفرش شدید و انکارش بزرگ است، احسان را فراموش کرده و خداوند رحمت را عصیانگری کرده است، از شیطان اطاعت نموده و به قرآن کریم تکذیب کرده است!

﴿مِنۡ أَيِّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥ ١٨﴾.

چرا کافر در اصل آفرینش خویش نمی‌اندیشد و تفکّر نمی‌کند که خداوند أ او را از کدام مادّه آفریده است؟ آری! اصل آفرینش او آب بی‌آرزش و ناچیزی است، اگر آن را به یاد آورد تکبّر نمی‌ورزد.

﴿مِن نُّطۡفَةٍ خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ١٩﴾.

او را از آب گندیدۀ بی‌ارزشی آفریده است، برایش اوقات و مراحلی را معیّن کرده- چنان‌که دوره‌های طفولیت، کودکی، جوانی و پیری را می‌گذارند- و آفرینش، روزی و عملکردش را مقدّر داشته است.

﴿ثُمَّ ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ ٢٠﴾.

بعد از آن ولادتش را سهل نموده و مسیر هدایت و گمراهی را برایش آسان ساخته تا یکی از این دو راه را اختیار نماید، دلایل را برایش واضح ساخته و حجّت را بر او اقامه داشته تا عذرش بر طرف شود.

﴿ثُمَّ أَمَاتَهُۥ فَأَقۡبَرَهُۥ ٢١﴾.

سپس او را می‌میراند و به دفنش در قبر دستور داده تا طور کامل پوشیده باشد. از همین است که جز انسان دیگر چیز‌های دفن نمی‌شود و این تکریمی برای انسان است تا از حیوان امتیاز یابد.

﴿ثُمَّ إِذَا شَآءَ أَنشَرَهُۥ ٢٢﴾.

بعد از آن وقتی اراده کند او را بعد از مرگش برای روز قیامت زنده می‌سازد تا جزایش را ببیند و با بازگشت نیک یا بدش روبرو شود.

﴿كَلَّا لَمَّا يَقۡضِ مَآ أَمَرَهُۥ ٢٣﴾.

واقعیت چنان‌که انسان می‌پندارد نیست، او باید خود را از کفر و تکذیب باز دارد؛ زیرا جز شمار اندکی از انسان‌ها اوامر الهی را طوری که سزاوار است انجام نداده‌اند وعدّۀ زیادی رو‌گردان اند و تکذیب می‌کنند.

﴿فَلۡيَنظُرِ ٱلۡإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ ٢٤﴾.

باید انسان بیندیشد که چگونه خداوند أ انواع مختلف طعام را با مزّه‌های متنوّع و اصناف زیاد برایش آفریده تا به وسیلۀ آن‌ها زندگی قوام یابد.

﴿أَنَّا صَبَبۡنَا ٱلۡمَآءَ صَبّٗا ٢٥﴾.

یقیناً ما باران زیاد و وافری را از ابر‌ها فرو ریختیم که از آن آب فراوانی پدید می‌آید، دارای برکت و نماست و حیات انسان‌ها، حیوانات و نباتات را تأمین می‌کند.

﴿ثُمَّ شَقَقۡنَا ٱلۡأَرۡضَ شَقّٗا ٢٦﴾.

بعد از آن خاک زمین را با رویش نبات، موافق حجمش و بدون زیادت و نقصان، بلکه با‌حکمت و اتفان شکافتیم تا ساق نبات از آن بیرون شود.

﴿فَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا حَبّٗا ٢٧﴾.

در نتیجه دانه‌های گندم، جو و جواری را از زمین بیرون آوردیم تا با اصناف متعدّد و مزّه‌های متنوّع غذای انسان و حیوان باشند.

﴿وَعِنَبٗا وَقَضۡبٗا ٢٨﴾.

با همین آب، تاک‌های انگوری را که از نافع‌ترین درخت‌هاست و فایده‌های زیادی دارد پدید آوردیم و نیز علوفه و سبزی فراوانی را بیرون ساختیم تا غذا و خوراکۀ چارپایان باشند.

﴿وَزَيۡتُونٗا وَنَخۡلٗا ٢٩﴾.

درخت زیتون را پدید آوردیم که دارای روغن و میوه است؛ یعنی هم زینت و هم خوراکه است و هم به عنوان دوا به مصرف می‌رسد. به همین‌گونه درخت خرما را به وجود آوردیم که بهترین درختی است و بیشترین فایده را برای انسان می‌رساند.

﴿وَحَدَآئِقَ غُلۡبٗا ٣٠﴾.

بوستان‌های فراخی را رویاندیم که درخت‌های زیاد، میوه‌های لذیذ، شاخه‌های درهم پیچیده، شاخچه‌های فرود آمدۀ زیبا و خوشنما، باغچه‌های سرسبز و درختستان‌های انبوه دارد.

﴿وَفَٰكِهَةٗ وَأَبّٗا ٣١﴾.

میوه‌های خوش‌طعمی را آفریدیم که حجمی مختلف، مزّۀ متنوّع و طعم‌های گوناگون دارند. همچنان رنگ‌های زیبایی دارند که برای بینندگان خوشایند اند و خاطر را شادمان می‌سازند. به همین‌گونه علوفه و چراگاه‌هایی را برای چارپایان به وجود آوردیم.

﴿مَّتَٰعٗا لَّكُمۡ وَلِأَنۡعَٰمِكُمۡ ٣٢﴾.

اینها را برای شما بخشیدیم تا هم خود از آن‌ها بهره‌مند شوید و هم غذا و چراگاه چارپایان شما باشد و این همه به مصلحت شماست؛ زیرا فایدۀ آن به انسان برمی‌گردد.

﴿فَإِذَا جَآءَتِ ٱلصَّآخَّةُ ٣٣﴾.

آنگاه که قیامت با آواز ترس‌آور و غافلگیرانه‌اش فرا رسد؛ آنکه گوش‌ها را می‌خراشد، خاطره‌ها را به لرزه می‌اندازد و قلب انسان را با هول خود از جایش می‌کَند.

﴿يَوۡمَ يَفِرُّ ٱلۡمَرۡءُ مِنۡ أَخِيهِ ٣٤﴾.

روزی که انسان علی رغم نزدیکی، صلۀ رحم و علاقۀ نسبی از برادرش می‌گریزد؛ یعنی برادری، معرفت و منفعتی وجود ندارد؛ زیرا وضعیت از هر چیزی بزرگتر است.

﴿وَأُمِّهِۦ وَأَبِيهِ ٣٥﴾.

هولناکی موقف به اندازه‌ای است که انسان از پدر و مادرش می‌گریزد و از حسناتش برای‌شان نمی‌دهد. آری! او را اموری از پدر و مادر به خود مصروف ساخته که عقل‌ها را در ربوده، فکر‌ها را به دهشت انداخته و چشم‌ها را بی‌خود کرده است.

﴿وَصَٰحِبَتِهِۦ وَبَنِيهِ ٣٦﴾.

از همسرش بعد از دوستی، مهربانی و همزیستی طولانیی که با وی داشته می‌گریزد؛ زیرا ترس بیش از حد و هولناکی وحشت‌آوری به وی دست داده است. همچنان از فرزندانش با آن لطف و مهربانی و شفقتی که بر آنان داشته می‌گریزد. آری! علاقه‌ها به نهایت رسیده، رابطه‌ها بگسسته و نسب‌ها از میان رفته است.

﴿لِكُلِّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُمۡ يَوۡمَئِذٖ شَأۡنٞ يُغۡنِيهِ ٣٧﴾.

هر انسانی موقف دشواری دارد که قلبش را مشغول ساخته و عقلش را محو نموده است؛ چنان‌که دوستان را فراموش نموده،‌ از یارانش غافل شده و از نسب‌ها و رابطه‌ها به خود مصروف است.

﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ مُّسۡفِرَةٞ ٣٨﴾.

چهره‌های مؤمنان در آن روز، روشن و تابان است. با مژده‌یابی تابان شده، با شادمانی روشنی یافته، با سرور می‌درخشد و آن را نور و اشراق تحت پوشش قرار داده است.

﴿ضَاحِكَةٞ مُّسۡتَبۡشِرَةٞ ٣٩﴾.

به سبب بازگشت نیکو، پاکیزه‌گی جایگاه و لذّت از بهره‌مندی خندان هستند؛ در حالی که به نجات از عذاب، دست‌یابی به رستگاری، رسیدن به کامیابی و کمال شادمانی مژده داده می‌شوند.

﴿وَوُجُوهٞ يَوۡمَئِذٍ عَلَيۡهَا غَبَرَةٞ ٤٠﴾.

امّا چهره‌های کافران با ذلّت و خواری غبار‌آلود است. منظر باپسند، سیمای زشت و حال بدی دارند و بازگشت زیانمندی در انتظار آنان است.

﴿تَرۡهَقُهَا قَتَرَةٌ ٤١﴾.

تاریکی گناه، سیاهی خطاها و تیره‌گی معاصی چهره‌های آنان را پوشانیده است؛ زیرا وقتی عذاب را دیدند و مجازات را مشاهده کردند، دل‌گرفتگی خبری که شنیدند و صحنه‌ای که دیدند آنان را فرا گرفته است.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَفَرَةُ ٱلۡفَجَرَةُ ٤٢﴾.

صاحبان این چهره‌های تاریک کافرانی اند که به کتاب خدا و پیامبرش تکذیب کرده‌اند و بدکارانی اند که معاصی و گناهان را مرتکب شده‌اند؛ آنان‌که از رسالت انکار ورزیدند و راه گمراهی را در پیش گرفتند.

سورۀ تکویر

مکی است؛ ترتیب آن 81؛ شمار آیات آن 29

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿إِذَا ٱلشَّمۡسُ كُوِّرَتۡ ١﴾.

آنگاه که خورشید سر گیجه و به هم پیچانده شود، روشنی‌اش نابود و نورش محو گردد؛ یعنی از هولناکی آنچه بدو رسیده و از ترس آنچه واقع شده سیاه شود و به هم ریزد.

﴿وَإِذَا ٱلنُّجُومُ ٱنكَدَرَتۡ ٢﴾.

و آنگاه که ستاره‌گان بعد از نابودی روشنی خویش بیفتند و در حالی که سیاه شده‌اند،‌ از جایگاه‌های خود بر زمین فرو ریزند.

﴿وَإِذَا ٱلۡجِبَالُ سُيِّرَتۡ ٣﴾.

و آنگاه که کوه‌ها از جای خود بجنبند، از بیخ و بنیاد تکان خورند، تکّه و پارچه شوند و مانند غباری در هوا بر‌انگیخته گردند. این کار هنگامی صورت می‌گیرد که زمین را لرزه و زلزله فرا گیرد.

﴿وَإِذَا ٱلۡعِشَارُ عُطِّلَتۡ ٤﴾.

آنگاه که شتران باردار ذی قیمت و ارزشمند، به خاطر هولناکی محشر، اهمّیت حادثه و بزرگی واقعه رها گردند و وا گذاشته شوند.

﴿وَإِذَا ٱلۡوُحُوشُ حُشِرَتۡ ٥﴾.

و آنگاه که خداوند أ حیوانات وحشی را در روز قیامت جمع آورد تا از یکدیگر قصاص بگیرند و بعد از آن برای آن‌ها گفته شود: خاک شوید. ببین که عدالت الهی به اندازه‌ای است که حتی میان حیوانات وحشی مراعات می‌شود.

﴿وَإِذَا ٱلۡبِحَارُ سُجِّرَتۡ ٦﴾.

و آنگاه که دریا‌ها شعله‌ور گردند و آتشی فروزان شوند، کوه‌های آتش‌فشان برافروخته‌اش انفجار کنند و در فضا به پرواز در آیند؛‌ یعنی آب به قدرت حق‌تعالی به آتش تبدیل گردد.

﴿وَإِذَا ٱلنُّفُوسُ زُوِّجَتۡ ٧﴾.

آنگاه که ارواح اشخاص به بدن‌های‌شان یکجا شود؛ برای اینکه انسان‌ها با روح و جسدش به منظور حساب روز جزا زنده شوند.

﴿وَإِذَا ٱلۡمَوۡءُۥدَةُ سُئِلَتۡ ٨﴾.

و آنگاه که از دختر زنده به گور شده سؤال شود که به چه سبب کشته شده است؟ این سؤال برای توبیخ قاتل و اثبات ظلمش وارد می‌شود.

﴿بِأَيِّ ذَنۢبٖ قُتِلَتۡ ٩﴾.

سبب قتلش چیست؟ چه جرمی را انجام داده است؟ و او به خاطر کودکی‌اش از هر گناهی پاک است کدام ستم را مرتکب شده است؟

﴿وَإِذَا ٱلصُّحُفُ نُشِرَتۡ ١٠﴾.

و آنگاه که نامه‌های اعمال نیک و بد به منظور مشاهده عرضه شود و برای حساب بازگشایی گردد تا هر انسانی عملش را در پیش رویش نوشته شده ببیند.

﴿وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ كُشِطَتۡ ١١﴾.

و آنگاه که آسمان از جایش دور شود، مانند برکنده‌شدن سقفی از جایش زوال پذیرد و شکافته گردد. در نهایت دروازه‌هایی در آن پدید آید و عُمر بنای مستحکمش پایان یابد.

﴿وَإِذَا ٱلۡجَحِيمُ سُعِّرَتۡ ١٢﴾.

و آنگاه که آتش دوزخ به منظور آمدگی برای کافران برافروخته شود، با شعله‌اش زبانه کشید و در خود بپیچد؛ طوری که اجزایش یکدیگر را بخورند.

﴿وَإِذَا ٱلۡجَنَّةُ أُزۡلِفَتۡ ١٣﴾.

و آنگاه که بهشت برای نیک‌اعمالان، دوستان الله أ و پرهیزگاران نزدیک و مزیّن ساخته شود؛ یعنی به همه نزدیک ساخته شود تا برای استقبال‌شان مهیّا باشد.

﴿عَلِمَتۡ نَفۡسٞ مَّآ أَحۡضَرَتۡ ١٤﴾.

در این هنگام، هر کس اعمال نیک و بدی را که انجام داده می‌داند. روزی است که عملش را مشاهده می‌کند، سعیش را می‌بیند، نامۀ اعمالش را مطالعه می‌نماید و در نتیجه یا شادمان است یا اندوه‌ناک می‌باشد.

﴿فَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلۡخُنَّسِ ١٥﴾.

به ستاره‌گانی که شب‌هنگام آشکار اند و روز‌ها با طلوع خورشید پنهان می‌شوند؛ گویا اینکه آهُوانی اند که در خانه‌های‌شان جای می‌گیرند.

﴿ٱلۡجَوَارِ ٱلۡكُنَّسِ ١٦﴾.

ستاره‌گانی که در برج‌های خویش در حرکت اند، در افلاک خود دَور می‌خورند و هنگام روز در روشنی خورشید پنهان می‌شوند؛ یعنی رونده و آینده هستند. آری! مراد از خنوس ستاره‌گان، بازگشت آن‌ها و مراد از کنوس، نهان‌گشتن آن‌ها است.

﴿وَٱلَّيۡلِ إِذَا عَسۡعَسَ ١٧﴾.

به شب سوگند یاد می‌کنم؛ آنگاه که طوری تدریجی به تاریکی رو می‌آورد و باز با کاهش تاریکی خویش را استقبال از روشنی پشت می‌گرداند و همیشه در حال اقبال و ادبار است.

﴿وَٱلصُّبۡحِ إِذَا تَنَفَّسَ ١٨﴾.

و به صبح سوگند یاد می‌نمایم، آنگاه که با نور خویش رو می‌آورد، با روشنی خود پرتو می‌افگند و جهان را با اشراق خویشتن نورانیت، جلا، درخشش و زیبایی می‌بخشد.

﴿إِنَّهُۥ لَقَوۡلُ رَسُولٖ كَرِيمٖ ١٩﴾.

جواب قسم این است: به راستی خداوند أ قرآن کریم را بر زبان فرستاده‌اش جبرئیل ÷ که دارای مقام بزرگوار و منزلت رفیعی است به سوی محمّد ج جاری کرده و فرو فرستاده است.

﴿ذِي قُوَّةٍ عِندَ ذِي ٱلۡعَرۡشِ مَكِينٖ ٢٠﴾.

او که دارای قدرت هولناک، توان بزرگ، منزلت عظیم و رتبۀ بلند است. در نزد خداوند صاحب عرش است و در پیشگاه حق‌تعالی بزرگوار است.

﴿مُّطَاعٖ ثَمَّ أَمِينٖ ٢١﴾.

جبرئیل ÷ را فرشتگان ملأ اعلی اطاعت می‌کنند؛ از آن‌رو که جایگاه بلند و منزلت بزرگ دارد، امین وحی، نگهبان امانتی است که برای کسی می‌رساند و در رساندن پیام راستگوی است.

﴿وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجۡنُونٖ ٢٢﴾.

ای کافران! چنان‌که شما می‌گویید یار‌تان محمّد دیوانه و عقل رفته نیست، بلکه خرد‌مند‌ترین عاقلان است، شما او را صادق و امین نامیده بودید و نهایت رشد و متانت را داراست.

﴿وَلَقَدۡ رَءَاهُ بِٱلۡأُفُقِ ٱلۡمُبِينِ٢٣﴾.

یقیناً پیامبر ج جبرئیل ÷ را به صورتی که حق‌تعالی او را آفریده دید، او را که ششصد بال داشت و با آن‌ها کنارۀ بلند آسمان را فرا گرفته بود.

﴿وَمَا هُوَ عَلَى ٱلۡغَيۡبِ بِضَنِينٖ ٢٤﴾.

محمّد ج در تعلیم و تبلیغ وحیی که بر او از جانب خداوند متعال نازل شده بخیل نیست و تقصیر نکرده است،‌ بلکه راستگوی و امانت‌دار است، رسالتش را به طور کامل انجام داده و امانتش را با کامل‌ترین وجه ادا نموده است.

﴿وَمَا هُوَ بِقَوۡلِ شَيۡطَٰنٖ رَّجِيمٖ ٢٥﴾.

قرآن کریم سخن شیطان رانده‌شده نیست، بلکه کلام خداوند بخشندۀ مهربانی است که مصون از زیادت و نقصان، منزّه از خطا و نسیان و محفوظ از خلل و زلل است.

﴿فَأَيۡنَ تَذۡهَبُونَ ٢٦﴾.

عقل‌های‌تان شما را در تکذیب و سرکشی به کجا می‌برد و در شکّ کدام راه را روش خود قرار می‌دهید؟ یقیناً که دعوای شما باطل است و گمراه شده‌اید.

﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ٢٧﴾.

قرآن کریم جز یادآوری و موعظه‌ای برای همه جهانیان نیست. آری! قرآن رسالت ربّانی برای انسانیت و وثیقۀ الهی برای بشریت است که هدایت، راهیابی و رستگاری را به ارمغان می‌آورد.

﴿لِمَن شَآءَ مِنكُمۡ أَن يَسۡتَقِيمَ ٢٨﴾.

برای کسانی از شما که با تحکیم شریعت الهی و متابعت سنّت پیامبر ج در زندگی، بر منهج الهی بدون انحراف و کجی استقامت ورزند.

﴿وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢٩﴾.

امّا شما استقامت در راه حق را نمی‌توانید بخواهید، مگر آنگاه که خداوند أ خواسته باشد. آری! مشیت شما تحت مشیت پروردگار قرار دارد؛ زیرا او مالک امر و صاحب اختیار اعمال‌تان است، پیشانی شما به دست اوست و جز به ارادۀ او هیچ قدرت و توانی بر کار‌ها ندارید.

سورۀ انفطار

مکی است؛ ترتیب آن 82؛ شمار آیات آن 19

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنفَطَرَتۡ ١﴾.

آنگاه که برای قیام قیامت آسمان شکافته و باز گشوده شود؛ یعنی برای فرود‌آمدن فرشتگان دروازه‌هایی در آن ایجاد گردد و خیمۀ آسمان پارچه‌پارچه شود.

﴿وَإِذَا ٱلۡكَوَاكِبُ ٱنتَثَرَتۡ ٢﴾.

آنگاه که ستاره‌گان بعد از زوال روشنی‌شان از جایگاه بلند خویش بیفتند و از آسمان خود سقوط نمایند. به راستی امری که ستاره‌گان را به سقوط مواجه کرده بزرگ و هول‌انگیز است.

﴿وَإِذَا ٱلۡبِحَارُ فُجِّرَتۡ ٣﴾.

آنگاه که اطراف دریا‌ها شکافته شود،‌ حجاب میان آن‌ها دور گردد، با یکجا‌شدن همه دریا‌ها دریای یگانه‌ای تشکیل یابد، آب فراوانی به هم ریزد،‌ موج‌ها به پا خیزد و جهان را اضطراب فرا گیرد.

﴿وَإِذَا ٱلۡقُبُورُ بُعۡثِرَتۡ ٤﴾.

و آنگاه که قبر‌ها شکافته و خاک‌های زمین پراکنده شود تا مردم از بطن آن برای روز حساب بیرون آیند و پاداش و جزای اعمال خویش را دریابند.

﴿عَلِمَتۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ وَأَخَّرَتۡ ٥﴾.

در آن هنگام،‌ هر کسی اعمال انجام شده‌اش را می‌داند؛ همچنان که به آنچه تأخیرش کرده، کسالت ورزیده و انجام نداده معلومات حاصل می‌کند. یا به اعمالی که انجام داده و به مال و ثروتی که بعد از خود در دنیا باقی گذاشته آگاه می‌شود.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلۡكَرِيمِ ٦﴾.

ای انسان! چه چیزی تو را فریب داده که پروردگارت را نافرمانی می‌کنی؟ چه کسی تو را از راه مولایت اغوا کرده؟ و کیست آنکه تو را بر کفر و بد‌کاری جرأت بخشیده است؟

﴿ٱلَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ فَعَدَلَكَ ٧﴾.

ای فرزند آدم! الله أ خداوندی است که تو را به نیکو‌ترین شکل و زیبا‌ترین قامت، یعنی با اعضای سالم، اعتدال قامت و خلقت متناسب آفریده است.

﴿فِيٓ أَيِّ صُورَةٖ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ ٨﴾.

تو را به صورت نیکو و عجیبی ترکیب نموده و شکل زیبایی را برایت برگزیده است؛ در حالی که با تنوّع صورت، شکل، آواز و رنگ، میان مردم تمایز ایجاد نموده است.

﴿كَلَّا بَلۡ تُكَذِّبُونَ بِٱلدِّينِ ٩﴾.

نه، آنگونه که شما می‌پندارید نیست و به کرم الهی مغرور نشوید؛ زیرا شما به روز حساب تکذیب می‌کنید، از این‌رو برای آن روز آمادگی نمی‌گیرید و از پروردگار‌تان نمی‌ترسید تا از ملاقات با وی هراس داشته باشید.

﴿وَإِنَّ عَلَيۡكُمۡ لَحَٰفِظِينَ ١٠﴾.

سوگند به پروردگار که فرشتگانی بر شما مقرّر داشته شده تا اعمال‌تان را حفظ کنند، همه امور انسان را مسجّل نمایند و اعمال نیک و بدش را بنویسند.

﴿كِرَامٗا كَٰتِبِينَ ١١﴾.

این فرشتگان در نزد خداوند أ مکرّم و بزرگوار اند و کم و زیاد را می‌نویسند. با کرامت خویش امانت‌دار هستند و با کتابت خود امور را ضبط می‌نمایند؛ یعنی کار‌شان براساس وهم و گمان نیست و خطا نمی‌کنند.

﴿يَعۡلَمُونَ مَا تَفۡعَلُونَ ١٢﴾.

آنان به اذن پروردگار بر اعمال خوب و بدتان نظارت و آگاهی دارند و آن‌ها را برای حساب‌دهی روز جزا بدون زیادت و نقصان برمی‌شمارند و ثبت می‌کنند.

﴿إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٖ ١٣﴾.

به راستی که در طاعات می‌کوشند و در کار‌های خیر سبقت می‌جویند، با برخورداری از نعمت‌های جاودانی و پاداش عظیمی در جوار خداوند رحمن و جایگاه بزرگی به سر می‌برند.

﴿وَإِنَّ ٱلۡفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٖ ١٤﴾.

و به راستی کسانی که به دین خداوند أ تکذیب می‌کنند و از فرمانش مخالفت می‌ورزند، بطور همیشه و ماندگار در آتش بر‌افروخته‌ای قرار دارند که آنان را با شعله‌اش می‌سوزاند و با زبانه‌اش می‌گدازد.

﴿يَصۡلَوۡنَهَا يَوۡمَ ٱلدِّينِ ١٥﴾.

در روز قیامت و حساب به گرمی آن می‌پیوندند و از عذابش می‌چشند؛ چنان‌که پوست‌های آنان را پخته می‌کند؛ چهره‌های آنان را بریان می‌سازد، چربی وجود آنان را ذوب می‌کند و استخوان‌های‌شان را ذوب می‌نماید.

﴿وَمَا هُمۡ عَنۡهَا بِغَآئِبِينَ ١٦﴾.

کافران در آتش دوزخ طور ماندگار قرار دارند، نه از آن بیرون می‌شوند و نه دور می‌گردند. از دخول بدان چاره ندارند، دوزخ برای آنان حاضر آورده می‌شود و به سوی آن سوق داده می‌شوند.

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ ١٧﴾.

چه چیزی تو را به حقیقت روز حساب دانا کرده است؟ به راستی که روزی هولناک، محضری هراس‌آور و موقفی دشوار است. بزرگ‌ترین از آن است که توصیف شود و عظیم‌تر از آن است که به حقیقتش آگاهی به دست آید.

﴿ثُمَّ مَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ ١٨﴾.

چه می‌دانی که آن روز چیست؟ دشوار‌ترین روزی است که مردم سراغ دارند. از این‌رو سزاوار است انسان برای نجات از آن روز عمل کند و بدان غمخوارگی و اعتنا داشته باشد.

﴿يَوۡمَ لَا تَمۡلِكُ نَفۡسٞ لِّنَفۡسٖ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَٱلۡأَمۡرُ يَوۡمَئِذٖ لِّلَّهِ ١٩﴾.

در آن روز هیچ‌کس برای دیگری نه منفعتی رسانده می‌تواند و نه می‌تواند ضرری را دفع کند. آری! تنها خداوند أ نافع و ضرر رسان است، همه امور به دست اوست، از هیچ کسی جز او کاری ساخته نیست و تنها او فضل و احسان می‌نماید.

سورۀ مطفّفین

مکی است؛ ترتیب آن 83؛ شمار آیات آن 36

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَيۡلٞ لِّلۡمُطَفِّفِينَ ١﴾.

هلاکت و زیانمندی و عذاب و تباهی بر کسانی باد که در پیمانه و ترازو خیانت ورزند؛ یعنی هنگامی که حقّ‌شان را بگیرند زیاده‌ستانی کنند و چون حقّ کسی را بپردازند پیمانه را کم دهند.

﴿ٱلَّذِينَ إِذَا ٱكۡتَالُواْ عَلَى ٱلنَّاسِ يَسۡتَوۡفُونَ ٢﴾.

کسانی که چون حقوق خویش را از کسی طلب کنند، در ترازو و پیمانه و در همه احکام و اموال،‌ حقّ خویش را کامل و وافی مطالبه می‌کنند.

﴿وَإِذَا كَالُوهُمۡ أَو وَّزَنُوهُمۡ يُخۡسِرُونَ ٣﴾.

امّا آنگاه که حقوق دیگران را پیمانه یا وزن نمایند کم می‌پردازند و در حصۀ معیّن آنان نقص وارد می‌کنند؛ یعنی حقّ خویشتن را کامل می‌گیرند و حقّ دیگران را کم می‌دهند.

﴿أَلَا يَظُنُّ أُوْلَٰٓئِكَ أَنَّهُم مَّبۡعُوثُونَ ٤﴾.

آیا گروه کم‌کنندۀ حقوق دیگران فکر نمی‌کنند که به زودی بعد از مرگ خود زنده می‌شوند، از اعمال خویش مورد محاسبه قرار می‌گیرند و در برابر نقص حقّ دیگران جزا داده می‌شوند.

﴿لِيَوۡمٍ عَظِيمٖ ٥﴾.

به زودی در روزی که خطر بزرگ، احوال ترس‌آور و محضر هولناک دارد زنده می‌شوند؛ در روزی که از نگاه هولناکی و خطر از همه روزها دشوار است.

﴿يَوۡمَ يَقُومُ ٱلنَّاسُ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦﴾.

در آن روز مردم از قبر‌های خود به سوی موقف برای حساب برمی‌خیزند و برای حکم نهایی و دستیابی به جزای اعمال جمع می‌شوند؛ حال آنکه برخی نیک‌اعمال و بعضی بد‌اعمال هستند.

﴿كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلۡفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٖ ٧﴾.

آگاه باش که کتاب بد‌کاران در پروندۀ اهل آتش و نام‌های آنان در کتاب هلاک شوندگان اهل دوزخ ثبت و ضبط شده است.

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا سِجِّينٞ ٨﴾.

از کتابی که پروندۀ نام‌های اهل آتش دوزخ است چه معلوماتی داری؟ کتابی محفوظ است که در آن نام‌ها بدون زیادت و نقصان شمرده شده است.

﴿كِتَٰبٞ مَّرۡقُومٞ ٩﴾.

کتابی است که نام‌های کافران در آن نوشته شده، نام‌ها با حروف نشانه‌دار شده و در متنش ضبط گردیده است؛ یعنی این کتاب، پروندۀ بد‌کاران و اهل دوزخ است.

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ١٠﴾.

لعنت و خسران با هلاکت و تباهی بر اهل دوزخ باد که کتاب الهی را تکذیب کردند، حساب را فراموش نمودند و در نتیجه مستحقّ عذاب و مستوجب عقاب شدند!

﴿ٱلَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ١١﴾.

این گروه به روز جزا تکذیب نمودند و از بعث و نشور انکار ورزیدند؛ یعنی به بهشت و دوزخ و به ایستادن در محضر خداوند جبّار باورمند نیستند.

﴿وَمَا يُكَذِّبُ بِهِۦٓ إِلَّا كُلُّ مُعۡتَدٍ أَثِيمٍ ١٢﴾.

هیچ کسی روز قیامت را تکذیب نمی‌کند، مگر آنکه از حد تجاوز کند، عهد‌ها را بشکند، ‌به معبودش کافر شود، گناهان زیادی را انجام دهد، در ارتکاب جرم‌ها بکوشد و در خوردن حرام اسراف نماید.

﴿إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٣﴾.

آنگاه که آیات قرآن بر این بد‌کار خوانده شود، با استهزا می‌گوید: این‌ها داستان‌های مردم قدیم، خرافات پیشینیان و سخنان باطل داستان پردازان دروغگوی است.

﴿كَلَّاۖ بَلۡۜ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ١٤﴾.

هر‌گز چنین نیست، سوگند به خداوند أ که داستان‌های پیشینیان نیست بلکه حجاب تکذیب، خشکی معاصی و پلیدی گناه دل‌های‌شان را بپوشانیده و فرا گرفته و از حق نابینا شده‌اند.

﴿كَلَّآ إِنَّهُمۡ عَن رَّبِّهِمۡ يَوۡمَئِذٖ لَّمَحۡجُوبُونَ ١٥﴾.

هر‌گز چنین نیست، به راستی این کافران از دیدار پروردگار خویش ممنوع اند و مانند مؤمنان به سویش ممنوع اند و مانند مؤمنان به سویش نظر کرده نمی‌توانند و این عذاب و جزای آنان است.

﴿ثُمَّ إِنَّهُمۡ لَصَالُواْ ٱلۡجَحِيمِ ١٦﴾.

بعد از آن کافران به خاطر اعمال بد و افعال زشت خود در آتشی وارد می‌شوند که چهره‌های آنان را بریان می‌کند، پوست‌های آنان را می‌سوزاند و در دل‌های‌شان اثر می‌کند.

﴿ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ١٧﴾.

بعد از آن موظّفان دوزخ برای آنان می‌گویند: این همان عذابی است که بدان تکذیب می‌کردید. اکنون آن را با خواری بچشید و در آن همیشه باشید.

﴿كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلۡأَبۡرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ١٨﴾.

آگاه باشید که کتاب نیکو‌کاران راستگوی و اخلاصمند در پروندۀ اخیار و دیوان ابرار با حرمت و عزّتی ضبط و ثبت است.

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا عِلِّيُّونَ ١٩﴾.

چی می‌دانی که کتاب علّیّین چیست؟ سوگند به پروردگار که دارای منزلت عالی و مرتبۀ بلند است؛ از آن‌رو در آن نام‌های بزرگی وجود دارد.

﴿كِتَٰبٞ مَّرۡقُومٞ ٢٠﴾.

کتابی است که با حرف‌هایی از نور و به اذن خداوند عزیز و غفور نوشته شده و نگارش یافته است. نام‌های نوشته در آن واضح است و با علاماتی که برای اهل برّ و احسان آشکار است نشانه‌دار شده است.

﴿يَشۡهَدُهُ ٱلۡمُقَرَّبُونَ ٢١﴾.

جماعت بزرگواری از فرشتگان مقرّب که منزلت عالی دارند در نزد این کتاب حضور می‌یابند و به آنچه در کتاب ابرار است گواهی می‌دهند.

﴿إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ٢٢﴾.

به راستی که مؤمنان مطیع در نعمت‌های جاودان و جایگاه راستین و با کرامتی به سر می‌برند، حال آنکه این نعمت‌ها همیشه است و خود در خورسندی و شادمانی به سوی یکدیگر‌شان نظر می‌اندازند.

﴿عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ ٢٣﴾.

ایشان بر تخت‌های نرم و راحتی تکیه زده‌اند و به آنچه حق‌تعالی برای‌شان از نعمت‌ها و مناظر نیکو عنایت کرده می‌بینند؛ از آن جمله اینکه به منظور زیادت شادمانی به سوی یکدیگر‌شان نظر می‌اندازند.

﴿تَعۡرِفُ فِي وُجُوهِهِمۡ نَضۡرَةَ ٱلنَّعِيمِ ٢٤﴾.

در چهرۀ گروه ابرار شادابی نعمت‌ها و روشنی کرامت‌ها، درخشش شادمانی و نور زیبایی، رونق حسن و حسن مظهر مشاهده می‌شود.

﴿يُسۡقَوۡنَ مِن رَّحِيقٖ مَّخۡتُومٍ ٢٥﴾.

نیکو‌کاران از شراب خالصی می‌نوشند که در آن چیز دیگری مخلوط نیست و غِش ندارد. شرابی است که نشه و سرگیجی نمی‌آورد و چنان سر به مُهر است که جز صاحبش کسی بدان دست‌رسی ندارد و آن را نمی‌گشاید.

﴿خِتَٰمُهُۥ مِسۡكٞۚ وَفِي ذَٰلِكَ فَلۡيَتَنَافَسِ ٱلۡمُتَنَٰفِسُونَ ٢٦﴾.

از روپوش جام، بوی مشک فرا می‌آید و از خوشبویی آن نفس لبریز می‌شود. برای تحصیل چنین نعمتی باید داوطلبان در میدان طاعت مسابقه نمایند و به خاطر دست‌یابی به چنین انعام و اکرامی طالبان خیر باید پیش‌دستی نمایند.

﴿وَمِزَاجُهُۥ مِن تَسۡنِيمٍ ٢٧﴾.

آب زلال و گوارایی از چشمۀ پاکیزه‌ای با این شراب مخلوط می‌شود که از جای بلندی بر آن فرو می‌ریزد تا منظر ریزش آب، بزرگ جلوه نماید.

﴿عَيۡنٗا يَشۡرَبُ بِهَا ٱلۡمُقَرَّبُونَ ٢٨﴾.

این چشمۀ صاف و گوارا همان (تسنیم) است که ابرار نیکو‌کار از آن می‌نوشند تا کرامت و نوازشی برای‌شان باشد و پاداش اعمال نیک‌شان را دریابند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْ كَانُواْ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَضۡحَكُونَ ٢٩﴾.

هر آینه کافران بد‌کار در دنیا به مؤمنان استهزا می‌کردند و در کار و بارشان می‌خندیدند؛ از آن‌رو که نفس‌های آنان را کفر و استکبار فرا گرفته بود.

﴿وَإِذَا مَرُّواْ بِهِمۡ يَتَغَامَزُونَ ٣٠﴾.

و آنگاه که مؤمنان می‌گذشتند، کافران با چشمان خویش ایشان را عیبجویی و تمسخر می‌کردند؛ یعنی کافران ثروتمند، مؤمنان فقیر را مورد تمسخر قرار می‌دادند.

﴿وَإِذَا ٱنقَلَبُوٓاْ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمُ ٱنقَلَبُواْ فَكِهِينَ ٣١﴾.

و چون کافران به منازل خویش برمی‌گشتند، با ارتکاب تمسخر مؤمنان شادمان بودند، از آن‌رو که سرکشی و تکبّر می‌ورزیدند.

﴿وَإِذَا رَأَوۡهُمۡ قَالُوٓاْ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَضَآلُّونَ ٣٢﴾.

و آنکاه که کافران مؤمنان را مشاهده می‌کردند می‌گفتند: این گروه گمراه شده‌اند، به راه خطا رفتند، دین خویش را ترک کردند و به سوی حق هدایت نشدند.

﴿وَمَآ أُرۡسِلُواْ عَلَيۡهِمۡ حَٰفِظِينَ ٣٣﴾.

این در حالی است که کافران وکیلان مؤمنان نیستند و در تصرّفات و کار‌های‌شان مراقبت و سرپرستی ندارند؛ یعنی نباید در امور‌شان مداخله نمایند.

﴿فَٱلۡيَوۡمَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنَ ٱلۡكُفَّارِ يَضۡحَكُونَ ٣٤﴾.

امّا در روز حساب حال دگرگون می‌شود؛ یعنی هنگامی که مؤمنان کافران را با خواری و حقارت در عذاب گرفتار می‌بینند بر آنان خنده می‌زنند.

﴿عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ ٣٥﴾.

بر تخت‌های نرم و راحت، از منازل عالی و کاخ‌های بلند خویش به سوی کافران که در آتش دوزخ عذاب می‌شوند نظر می‌کنند.

﴿هَلۡ ثُوِّبَ ٱلۡكُفَّارُ مَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ٣٦﴾.

آیا کافران جزای اعمال تمسخر و استکبار خود را نمی‌یابند، مجازات نمی‌شوند، مورد اهانت قرار نمی‌گیرند و بعد از غرور و تکبّر خوار و ذلیل نمی‌گردند؟ آری! به جزای اعمال بد خویش گرفتار می‌شوند.

سورۀ انشقاق

مکی است؛ ترتیب آن 84؛ شمار آیات آن 25

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنشَقَّتۡ ١﴾.

آنگاه که با فرا رسیدن قیامت آسمان شقّ گردد و شکافته شود، دروازه‌هایش باز شود، فرشش جمع شود، بنایش تغییر یابد و سقفش قطعه شود.

﴿وَأَذِنَتۡ لِرَبِّهَا وَحُقَّتۡ ٢﴾.

به فرمان پروردگارش گوش دهد و اطاعت و انقیاد کند. آری! بر او لازم است که فرمانش را بشنود و اطاعت کند؛ زیرا اوست که آسمان را آفریده و بنا کرده است، امرش نافذ است و هیچ‌کس به ردّ آن اقدام کرده نمی‌تواند.

﴿وَإِذَا ٱلۡأَرۡضُ مُدَّتۡ ٣﴾.

و آنگاه که زمین با دور‌شدن کوه‌ها مانند دسترخوان گسترده‌ای برابر و هموار ساخته شود و آن را حق‌تعالی برای اقامۀ حساب و حکم فیصله بخش خویش هموار سازد.

﴿وَأَلۡقَتۡ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتۡ ٤﴾.

آنچه از مردگان و گنج‌ها در بطنش موجود است، همه را بیرون اندازد و تمام مخلوقات میانش را تخلیه نماید.

﴿وَأَذِنَتۡ لِرَبِّهَا وَحُقَّتۡ ٥﴾.

به فرمان پروردگارش گوش دهد و از آن اطاعت و انقیاد کند و بر او لازم است که فرمانش را بشنود و اطاعت کند؛ زیرا اوست که صاحب اختیار ملک خویش است، هیچ‌کس امرش را رد کرده نمی‌تواند و مانعی برای اراده‌اش وجود ندارد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدۡحٗا فَمُلَٰقِيهِ ٦﴾.

ای انسان! به راستی تو در این دنیا در کار‌ها می‌کوشی و با جدّ و جهد به کسب و عمل مصروف هستی و به زودی جزا و پاداش اعمالت را اعم از خوب و بد در خواهی یافت.

﴿فَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ ٧﴾.

امّا کسی که خداوند أ نامۀ نجاتش را با احترام و اکرام به دست راستش دهد- چون دست راست میمون و مبارک است- چنین شخصی سعادتمند و رستگار است.

﴿فَسَوۡفَ يُحَاسَبُ حِسَابٗا يَسِيرٗا ٨﴾.

زود است که خداوند أ در روز قیامت با آسانی از وی حساب گیرد؛ چنان‌که با وی مناقشه نکند، بلکه با نرمی و مهربانی، با آمرزش و عیب‌پوشی و با گذشت معامله‌اش نماید.

﴿وَيَنقَلِبُ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ مَسۡرُورٗا ٩﴾.

او به سوی اهلش در اتاق‌های بهشت باز می‌گردد؛ در حالی که شادمانی او را تحت پوشش قرار داده، شادکامی فرا گرفته و نورانیتی مجلّلش ساخته است؛ از آن‌رو که به رضای خداوند غفور و شکور دست یافته است.

﴿وَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهۡرِهِۦ ١٠﴾.

امّا کافر که نامۀ اعمال او به منظور اهانت و ذلّت از پُشت سر به دست چپش داده می‌شود، ای وای به حالش که هلاکتش فرا رسیده است. به خاطر شومی او نامه به دست چپش داده شده و به علّت پشت‌گشتاندن و تخلّفش از حق از پُشت سرش داده می‌شود.

﴿فَسَوۡفَ يَدۡعُواْ ثُبُورٗا ١١﴾.

این کافر زیانمند به زودی آواز می‌دهد و ندا می‌کند: ای وای به حال من! ای کاش هلاکتم در ربودی! این بدان سبب است که به خسران و شکست، به خشم پروردگار گرفتار آمده و به سوی آتش دوزخ روان است.

﴿وَيَصۡلَىٰ سَعِيرًا ١٢﴾.

بعد از آن بخاطر کفر و تکذیب، و به سبب اعمال زشتش در آتش بر‌افروخته‌ای داخل می‌شود که رویش را بریان می‌کند، جسمش را می‌سوزاند و وجودش را می‌گدازد.

﴿إِنَّهُۥ كَانَ فِيٓ أَهۡلِهِۦ مَسۡرُورًا ١٣﴾.

او در دنیا شادمان است، در میان خانواده و فرزندان و با قوم و قبیله‌اش با تکبّر، غرور و اعجاب زندگی می‌کند، از خواهش‌های نفسش پیروی می‌نماید، به دنیا مسرور و با مال و جامش مغرور شده است.

﴿إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ ١٤﴾.

او عقیده دارد که به سوی خداوند یگانۀ یکتا باز نمی‌گردد؛ ای این‌رو حساب را فراموش کرده، به تکذیب کتاب الهی پرداخته، رسالت را رد نموده و از گمراهی پیروی داشته است.

﴿بَلَىٰٓۚ إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ بَصِيرٗا ١٥﴾.

چنان نیست که او پنداشته است، بلکه به زودی به سوی پروردگارش باز می‌گردد و پروردگار به اعمالش داناست؛ زیرا اوتعالی به کوشش و سعیش باخبر است، به حالش آگاه است و به امور پوشیده و آشکارش بیناست.

﴿فَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلشَّفَقِ ١٦﴾.

به شفق که عبارت از سرخی بعد از تاریکی است و اندکی بعد از غروب خورشید تا هنگام عشاء پدید می‌آید سوگند یاد می‌نمایم.

﴿وَٱلَّيۡلِ وَمَا وَسَقَ ١٧﴾.

به شب و به آنچه در زیر چادرش در هم می‌کشد، به چیز‌هایی که در زیر پوشاکش قرار می‌دهد و به کسانی که از زندگان و مردگان در تحت تاریکی‌اش قرار می‌گیرند سوگند یاد می‌کنم.

﴿وَٱلۡقَمَرِ إِذَا ٱتَّسَقَ ١٨﴾.

و به ماه سوگند یاد می‌نمایم، آنگاه که نورش کامل شود، حجم و دایرۀ وجودش کمال یابد، رشدش متناسق شود و کُرَویتش تمام گردد.

﴿لَتَرۡكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٖ ١٩﴾.

هر آینه شما ای کافران از انواع و اطوار خطر‌ها می‌گذرید؛ بدین‌گونه که فنا می‌شوید، باز به بلا دچار می‌گردید، باز مجازات می‌شوید و به این طریق به سختی‌ها و دشواری‌های پی‌درپی گرفتار می‌آیید.

﴿فَمَا لَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٢٠﴾.

کافران را چه رسیده است که به خداوند یگانۀ قهّار ایمان نمی‌آورند، حال آنکه براهینی را پیش روی آنان نهاده، دلالیل را اقامه نموده، حجّت‌ها را بیان داشته و راه‌های استدلال را واضح کرده است؟ آری! شواهد یگانگی قایم، نشانه‌های الوهیت آشکار و آثار ربوبیت هویداست.

﴿وَإِذَا قُرِئَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقُرۡءَانُ لَا يَسۡجُدُونَۤ۩ ٢١﴾.

و آنگاه که آیات قرآن بر آنان خوانده شود فروتنی و یقین نمی‌کنند. بعد از شنیدن این کلام اعجاز آور، چه چیزی آنان را از پذیرش آن باز داشته و از ایمان بدان منع کرده است؟

﴿بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُكَذِّبُونَ ٢٢﴾.

واقعیت این است که کافران به کتاب الهی کفر ورزیدند و از روز حساب انکار نمودند. آری! تکذیب، مذهب آنان و کفران، مشرب آنان است. به زودی بدی اعمال و زشتی جُرم خویش را خواهند دانست.

﴿وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا يُوعُونَ ٢٣﴾.

حق‌تعالی به اموری که در ضمیر دارند آگاه است، به امور پنهانی آنان داناست و به آنچه در سینه‌ها و نیّت‌های خویش از کفر و تکذیب مخفی می‌سازند علماً احاطه دارد.

﴿فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٢٤﴾.

آنان را خبر ده که عذاب دردآوری در انتظارشان است، عقوبت در پیش روی آنان قرار دارد، جایگاه آنان آتش است و مستقرّ آنان دوزخ است. اطلاق بشارت که معنی مژده را افاده می‌کند در اینجا برای استهزا آمده است.

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ مَمۡنُونِۢ ٢٥﴾.

امّا برای کسانی که ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند نعمت‌های بلا انقطاع، پاداشی بدون دل‌گرفتگی، شادمانی بی‌اندوه و عطای بی‌منّت آماده است. عطای بزرگ، نعمت‌های پسندیده، فراوانی کامل و مزد عظیمی برای ایشان بخشیده شده و بر‌علاوه مورد بهترین ستایش قرار‌ ‌می‌گیرند.

سورۀ بروج

مکی است؛ ترتیب آن 85؛ شمار آیات آن 22

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلۡبُرُوجِ ١﴾.

سوگند به آسمان که دارای منازل دوازده‌گانه برای ستاره‌گان است و ستاره‌گان در هر‌یک از منازل و برج‌هایش با حساب، استحکام و حکمتی فرود می‌آیند.

﴿وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡمَوۡعُودِ ٢﴾.

به روزی سوگند یاد می‌کنم که خداوند أ آن را موعد حکم و فیصله‌اش در میان جهانیان مقرّر داشته است؛ موعدی که خلاف نمی‌شود، خواهی نخواهی واقع‌شدنی است و مدّت معیّن و مشخّصی به وقوع می‌پیوندد.

﴿وَشَاهِدٖ وَمَشۡهُودٖ ٣﴾.

و سوگند به گواهان، حاضر آن و مشاهده کنندگاه آن روز و به همه کسانی که به اعمال انجام شدۀ آنان گواهی صورت می‌گیرد. آری! پیامبران شاهد و امّت‌های آنان مشهود هستند و هر کسی قضیه، گواهان و خصومت‌گران دارد و حکم تنها به دست خداوند أ است.

﴿قُتِلَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأُخۡدُودِ ٤﴾.

اصحاب اخدود که اهل نجران بودند به لعنت و عذاب گرفتار شدند. آنان‌که خندق‌هایی را در زمین ایجاد کردند و پر از آتش نمودند تا مؤمنان را در آن بیندازند.

﴿ٱلنَّارِ ذَاتِ ٱلۡوَقُودِ ٥﴾.

آتش بزرگی را برافروخته بودند که با شعله‌اش هر که را در آن افتاری می‌خورد و آن را کافران برای مؤمنان آماده ساخته بودند.

﴿إِذۡ هُمۡ عَلَيۡهَا قُعُودٞ ٦﴾.

کافران در کنار آتش نشسته بودند و عذاب مؤمنان را مشاهده می‌نمودند تا خود را با حضور در تعذیب‌شان مانند مستکبران زورمند بزرگ جلوه دهند.

﴿وَهُمۡ عَلَىٰ مَا يَفۡعَلُونَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ شُهُودٞ ٧﴾.

کافران به سوی مؤمنان در حالی نگاه می‌کردند که به عذاب گرفتار بودند و می‌دیدند که آتش ایشان را بریان می‌کند. آری! در آنجا نشسته بودند تا با مشاهدۀ عذاب صالحان لذّت جویند و شادمان گردند.

﴿وَمَا نَقَمُواْ مِنۡهُمۡ إِلَّآ أَن يُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ٨﴾.

بر مؤمنان جز ایمان به خداوند أ دیگر عیبی نمی‌گرفتند؛ یعنی مؤمنان در نزد آنان هیچ گناهی نداشتند، مگر اینکه از پروردگار‌شان اطاعت می‌نمودند و اگر چنین نمی‌بود، نه ایشان را آزار می‌دادند و نه بر آنان ستم روا می‌داشتند.

﴿ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ٩﴾.

به خداوند معبودی ایمان داشتند که پادشاهی و اختیار آسمان‌ها و زمین از نگاه آفرینش، تدبیر و تصرّف مخصوص اوست. او بر هر چیزی گواه و به هر امری داناست، بر هر کاری آگاه و به امور کوچک و بزرگ احاطه دارد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ فَتَنُواْ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَتُوبُواْ فَلَهُمۡ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمۡ عَذَابُ ٱلۡحَرِيقِ ١٠﴾.

به راستی کسانی که مؤمنان را با سوختاندن آزار دادند، از دین‌شان باز داشتند، به خاطر عقیدۀ‌شان به بلا دچار ساختند، به کفر و اذیت مؤمنان دوام دادند و از عمل بد و اذیت هراس‌آور خود توبه نکردند به زودی حق‌تعالی آنان را در آتش دوزخ آخرت می‌سوزاند؛ در آتشی که چیزی را باقی نمی‌گذارد، رها نمی‌نماید و در آن جاودان و ماندگار می‌باشند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡكَبِيرُ ١١﴾.

هر آینه پاداش کسانی که به خداوند أ ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند بهشت‌هایی است که در آن همیشه جای می‌گیرند و نعمت‌های عظیمی را در جوار پروردگار کریم درمی‌یابند. این همان کامیابی به مطلوب، دستیابی به امور خوشایند و دریافت همه خوبی‌هاست که به فضل خداوند منّان به دست می‌آید.

﴿إِنَّ بَطۡشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ١٢﴾.

یقیناً عذاب پروردگارت دشوار و از طاقت بیرون است، مجازاتش چنان سخت است که در برابرش مقاومت نمی‌شود و چون کسی را بگیرد هلاک و تباه می‌سازد. او روز آوران را در هم می‌شکند، سرکشان را نابود می‌سازد و گمراهان را تباه می‌سازد.

﴿إِنَّهُۥ هُوَ يُبۡدِئُ وَيُعِيدُ ١٣﴾.

مسلّم است که الله أ مخلوقات را در بدایت آفرینش به وجود آورده و در نهایت دوباره زنده می‌کند. از عدم خلق کرده و در عین اینکه استخوان‌های پوسیده‌اند زنده می‌گرداند. او می‌میراند و باز زنده می‌سازد، ایجاد کرده و برابر ساخته است؛ بیافریده وهدایت نموده است.

﴿وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلۡوَدُودُ ١٤﴾.

اوتعالی برای اهل گناه و معاصی بسیار آمرزنده است، برای هر تایب و پشیمان از گناه حلم فراوان دارد، تقصیر‌کاران را می‌آمرزد و کسانی را که به او رو آورند دوست می‌دارد.

﴿ذُو ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡمَجِيدُ ١٥﴾.

او خداوندی است که عرش عظیم را آفرید و بر آن استوا نمود، ذات بزرگ و صفات زیبا دارد، دارای افعال نیکو است و عَظَمت و جلال مخصوص اوست.

﴿فَعَّالٞ لِّمَا يُرِيدُ ١٦﴾.

آنچه را بخواهد انجام می‌دهد، هر‌چه را اراده نماید حکم می‌نماید، حکمش را کسی باز نمی‌گرداند، قضایش را کسی رد نمی‌کند، عطایش را کسی منع نمی‌نماید و چون منع کند کسی داده نمی‌تواند، قدرتش نافذ است و حکمتش واضح.

﴿هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلۡجُنُودِ ١٧﴾.

ای پیامبر! آیا تو را از اقوام طغیانگر ناکس آگاه سازیم؟ آنان‌که با پیامبران بزرگوار به جنگ پرداختند، گناهان زیادی را در زمین انجام دادند و به روزگار خویش مغرور شدند.

﴿فِرۡعَوۡنَ وَثَمُودَ ١٨﴾.

آنان لشکر فرعون سرکش، سپاه آن طغیانگر هراس افگن و همچنان قوم ثمود بودند که از حد می‌گذشتند. همه در فساد و الحاد به نهایت رسیده بودند و با عناد دور اندیشی می‌کردند.

﴿بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي تَكۡذِيبٖ ١٩﴾.

بلکه حال این کافران عجیب و خبر آنان غریب است؛ زیرا پیامبر ج را تکذیب کرده‌اند، از قرآن انکار نموده‌اند، از حساب منکر شده‌اند، در مسیر گمراهی روان‌اند و از هدایت انحراف می‌ورزند.

﴿وَٱللَّهُ مِن وَرَآئِهِم مُّحِيطُۢ ٢٠﴾.

الله أ به آنان احاطه دارد و او را عاجز ساخته نمی‌توانند، بر آنان قادر است و از نزدش گریخته نمی‌توانند، تحت سیطرۀ حکمش قرار دارند و از دایرۀ ملکش بیرون شده نمی‌توانند.

﴿بَلۡ هُوَ قُرۡءَانٞ مَّجِيدٞ ٢١﴾.

بلکه قرآن کریم منزلت بزرگ و بیان واضح دارد، کتاب با برکت و عظیم و رهنمای کریمی است؛ زیرا کلام خداوند بخشنده و مهربان است.

﴿فِي لَوۡحٖ مَّحۡفُوظِۢ ٢٢﴾.

در لوح محفوظ نوشته شده که از زیادت و نقصان محفوظ و از تحریف انسان‌ها و جنّیان مصون است. از خطا منزّه است و بلند‌تر از این است که در آن خللی وارد شود؛ زیرا از نزد پروردگار جهانیان فرود آمده است.

سورۀ طارق

مکی است؛ ترتیب آن 86؛ شمار آیات آن 17

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلسَّمَآءِ وَٱلطَّارِقِ ١﴾.

به آسمان و به ستاره‌گان سوگند یاد می‌کنم که عالم را شب درمی‌نوردد و روز در خفا به سر می‌برد؛ گویا مسافری است در شب که تاریکی او را می‌پوشاند.

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلطَّارِقُ ٢﴾.

ای محمّد! چه می‌دانی که «طارق» چیست؟ او ستارۀ فروزانی است که روشنی تمام دارد و پرتویش تاریکی‌ها را پاره می‌کند و دور می‌سازد؛ گویا که آسمان را در می‌نوردد.

﴿ٱلنَّجۡمُ ٱلثَّاقِبُ ٣﴾.

این ستارۀ روشن و تابان، جامۀ شب را با نورش می‌درد و با روشنگری خویش پرده‌های تاریکی را دور می‌سازد.

﴿إِن كُلُّ نَفۡسٖ لَّمَّا عَلَيۡهَا حَافِظٞ ٤﴾.

هر‌ کسی از جانب خداوند متعال نگهبانی دارد که به حراست و حفظش موظّف است، از حوادث نگاهش می‌دارد، اعمالش را بر‌می‌شمارد، امورش را می‌نویسد و تصرّفاتش را زیر مراقبت دارد.

﴿فَلۡيَنظُرِ ٱلۡإِنسَٰنُ مِمَّ خُلِقَ ٥﴾.

باید انسان با پندپذیری و تفکّر ببیند که پروردگارش او را از چه مادّه‌ای آفریده است، اصلش چیست و آفرینش نخستینش چه بوده است؟ او از آب بی‌ارزشی بوده و در جای بی‌مقداری به وجود آمده است.

﴿خُلِقَ مِن مَّآءٖ دَافِقٖ ٦﴾.

از آب منیی آفریده شده که در رَحِم ریخته می‌شود؛ یعنی کسی که دارای چنین اصلی است، برایش مناسب نیست که تکبّر نماید و گردنکشی کند، بلکه باید با ملاحظۀ بی‌ارزشی اصلش تواضع باشد.

﴿يَخۡرُجُ مِنۢ بَيۡنِ ٱلصُّلۡبِ وَٱلتَّرَآئِبِ ٧﴾.

این آب بی‌مقدار و منی حقیر، از پُشت مرد و سینه زن بیرون می‌آید و در جایی که از ذکرش شرم می‌آید به هم یکجا می‌شوند تا انسان به وجود آید.

﴿إِنَّهُۥ عَلَىٰ رَجۡعِهِۦ لَقَادِرٞ ٨﴾.

به راستی که خداوند أ به بازگرداندن انسان به زندگی بعد از مرگ و حساب تواناست؛ یعنی بعد از مرگ زندگی است؛ بعد از زنده‌شدن دوباره، حساب اعمال است؛ و بعد از بعث و نشور مجازات است.

﴿يَوۡمَ تُبۡلَى ٱلسَّرَآئِرُ ٩﴾.

در آن روز راز‌های دل‌ها پدید می‌آید، آنچه در ضمایر است آشکار می‌شود، امور پوشیده نمایان می‌گردد، کار‌های پنهان ظاهر می‌شود و مکنونات دل‌ها برملا می‌گردد.

﴿فَمَا لَهُۥ مِن قُوَّةٖ وَلَا نَاصِرٖ ١٠﴾.

آنگاه برای کافر منکر روز آخرت نیرویی وجود ندارد که او را حمایت نماید، یاوری نیست تا او را از گرفتاری آن روز نجات بخشد؛ یعنی نه دفاعی دارد، نه نفع‌رسانی و نه کسی شفاعتش می‌کند.

﴿وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلرَّجۡعِ ١١﴾.

سوگند به آسمان صاحب باران که بارانش از زمین به طور بخار بالا می‌رود، سپس آن را آسمان به گونۀ باران گوارا و مبارکی به زمین بر‌می‌گرداند.

﴿وَٱلۡأَرۡضِ ذَاتِ ٱلصَّدۡعِ ١٢﴾.

و سوگند به زمینی که به وسیلۀ نباتات شق می‌شود و برای بیرون‌شدن تنۀ درختان از بین طبقاتش شکافته می‌گردد.

﴿إِنَّهُۥ لَقَوۡلٞ فَصۡلٞ ١٣﴾.

هر آینه قرآن کریم سخنی است که بین حقّ و باطل فیصله می‌کند، گمراهی و هدایت را از هم جدا می‌سازد و صلاح و فساد را از هم متمایز می‌نماید.

﴿وَمَا هُوَ بِٱلۡهَزۡلِ ١٤﴾.

قرآن کریم بازی و بیهوده نیست، بلکه درستی و راستی است. سخن حقّی است که باطلی در آن راه ندارد و هدایتی است که ضلالتی در آن وجود ندارد.

﴿إِنَّهُمۡ يَكِيدُونَ كَيۡدٗا ١٥﴾.

هر آینه کافران تدبیر خود برای جنگ با مؤمنان را می‌پوشانند و برای جنگ با اسلام نقشه می‌کشند؛ یعنی به طور پوشیده برای محاربه تدبیر می‌سنجند.

﴿وَأَكِيدُ كَيۡدٗا ١٦﴾.

خداوند أ نیز تدبیری محکم‌تر، پوشیده‌تر و نیرومند‌تر از تدبیر آنان را می‌سنجد، نقشه‌های آنان را باطل می‌سازد، توان آنان را نابود می‌نماید و مکر آنان را بی‌نتیجه می‌گرداند.

﴿فَمَهِّلِ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَمۡهِلۡهُمۡ رُوَيۡدَۢا ١٧﴾.

ای محمّد! بنابراین در هلاکت کافران عجله مکن و اندکی انتظار بکش تا ببینی که خداوند قهّار با آنان چه می‌کند؟ یعنی هر امر آمدنی نزدیک است و به زودی نهایت سرنوشت آنان را خواهی دید و سرانجام تلخ حیات آنان را آنگاه که وقت عذاب فرا رسد مشاهده خواهی نمود.

سورۀ أعلی

مکی است؛ ترتیب آن 87؛ شمار آیات آن 19

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿سَبِّحِ ٱسۡمَ رَبِّكَ ٱلۡأَعۡلَى ١﴾.

نام پروردگار بلند مرتبه‌ات را از همه اوصاف ناپسندی که سزاوار او نیست منزّه بدان و او را با همه اوصاف نیکی که خویش را بدان وصف کرده مقدّس بشمار؛ به دلیل اینکه الله أ در ذات و صفاتش بلند مرتبه است و بنده ناچیز و تقصیر‌کار می‌باشد.

اوتعالی به طور امر فرموده که «سبّح» و تسبیح در هنگام فروروی در وادی‌ها و در همواری‌ها مسنون است، همچنان که در هنگام بالا رفتن به بلندی‌ها تکبیر گفته می‌شود؛ به دلیل اینکه در حدیثی آمده است: «وقتی فرود می‌آمدیم تسبیح می‌گفتیم و آنگاه که بالا می‌رفتیم تکبیر می‌گفتیم».

﴿ٱلَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ٢﴾.

خدایی را که انسان را آفرید، صورت بخشید، شکلش را نیکو ساخت، قامتش را برابر داشت، اعضایش را مناسب نمود و آفرینش او را زیبا ساخت تا از عهدۀ تکالیف ‌بر‌آید.

﴿وَٱلَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ ٣﴾.

خداوندی که هر چیز را مقدّر نموده، به انجام هدف خلقتش توفیق بخشیده، به روش درست به دست آوردن نیاز‌های معیشت توجیهش نموده و هر مخلوقی را به نیاز‌های حیاتش دلالت کرده است.

﴿وَٱلَّذِيٓ أَخۡرَجَ ٱلۡمَرۡعَىٰ ٤﴾.

خداوندی که چراگاه‌ها را سر‌سبز ساخته و سبزه‌ها را از زمین بیرون آورده است؛ طوری باغ‌های شاداب و خرّمی را مشاهده می‌نمایی که درخت‌های میوه‌دار دارد و زیب و زینت یافته است.

﴿فَجَعَلَهُۥ غُثَآءً أَحۡوَىٰ ٥﴾.

باز آن را بعد از این همه خرّمی، سر‌سبزی، نورانیت و زیبایی خشک می‌کند و در هم می‌شکند؛ طوری که آن را باد‌ها می‌پراکند. زندگی نیز همچنان است که فنا و زوال را در پَی دارد.

﴿سَنُقۡرِئُكَ فَلَا تَنسَىٰٓ ٦﴾.

ای پیامبر! زود است که قرآن را از طریق جبرئیل ÷ برایت بیاموزیم؛ چنان‌که آنچه را از آن بشنوی فراموش نکنی؛ یعنی ما حفظ آن را به عهده گرفتیم و از ضیاع قرآن از سینه‌ات ترس نداشته باش.

﴿إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلۡجَهۡرَ وَمَا يَخۡفَىٰ ٧﴾.

مگر آنچه خداوند أ ارادۀ نسخ آن را داشته باشد که آن را براساس حکمتی فراموشت می‌سازد؛ زیرا حق‌تعالی امور آشکار و پوشیده را می‌داند و او به مصالح بندگان، نهایت امور و اسرار پدیده‌ها داناتر است.

﴿وَنُيَسِّرُكَ لِلۡيُسۡرَىٰ ٨﴾.

در همه امور تو را به آسان‌ترین راه و سهل‌ترین روش توفیق می‌بخشیم؛ زیرا روش تو سماحت، دعوتت رحمت و رسالتت بشارت است.

﴿فَذَكِّرۡ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّكۡرَىٰ ٩﴾.

آنگاه که موعظه نفعی داشته باشد مردم را نصیحت نما، به سوی حق رهنمایی کن، به هدایت فرا خوان و در نصیحت‌هایت جدّیت داشته باش.

﴿سَيَذَّكَّرُ مَن يَخۡشَىٰ ١٠﴾.

به زودی پرهیزگاران با نصیحت استقامت خواهند یافت، امّا شقاوت پیشگان از آن‌رو می‌گردانند. آری! هر که از پروردگارش بترسد موعظه نفعش می‌رساند، بیم‌دهی بیدارش می‌سازد و پند‌ها به او آگاهی می‌بخشد؛ چون در دلش حیاتی موجود است، فطرت معتدل دارد و در ضمیرش نوری باقی است.

﴿وَيَتَجَنَّبُهَا ٱلۡأَشۡقَى ١١﴾.

امّا هر بد‌کار و شقاوت‌پیشه پندت را فرو می‌گذارد، بدان گوش نمی‌دهد و به حافظه‌اش نمی‌سپارد. نصایح را نمی‌داند و دلش نرم نمی‌شود؛ زیرا دلش کور است، چشمانش نمی‌بیند، نفس تاریک دارد و صلاحش آرزو برده نمی‌شود.

﴿ٱلَّذِي يَصۡلَى ٱلنَّارَ ٱلۡكُبۡرَىٰ ١٢﴾.

جزای این کافر فاجر دوزخ است که او را با شعله‌اش می‌سوزاند، با آتش فروزانش بریان می‌کند و با حرارتش ذوب می‌نماید؛ زیرا او با دین به جنگ پرداخته، وحی را رد نموده، پیامبر ج را تکذیب نموده و برای رواج گمراهی تدبیر سنجیده است.

﴿ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحۡيَىٰ ١٣﴾.

این کافر در آتش دوزخ نه می‌میرد تا از عذاب راحت یابد و نه به حیات نیکو و راحتی زنده می‌شود، بلکه در سخت‌ترین عذاب به سر می‌برد؛ یعنی به عقوبت گرفتار و در میان دوزخ مقیم است. آری! دشوار‌ترین زندگی بر انسان روزی است که نه زندۀ امیدوار باشد و نه مرده‌ای که طور کامل نابود شود.

﴿قَدۡ أَفۡلَحَ مَن تَزَكَّىٰ ١٤﴾.

سوگند به الله أ که هر که خویشتن را از گناه پاک سازد، از عیب‌ها برائت دهد و به پروردگار دانای راز‌ها اخلاص ورزد کامیاب و بهره‌مند شده، به رضای حق‌تعالی دست یافته و بهشت جایگاه اوست.

﴿وَذَكَرَ ٱسۡمَ رَبِّهِۦ فَصَلَّىٰ ١٥﴾.

نام پروردگارش را در دل و زبانش یاد کرده و برای پروردگارش با مراعات ارکان نماز خوانده است؛ یعنی عبادت قولی، فعلی و بدنی خداوند أ را انجام داده است.

ذکر نماز به گونۀ خاص بدان سبب است که ستون دین و روشنی چشم عابدان می‌باشد.

﴿بَلۡ تُؤۡثِرُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا ١٦﴾.

بلکه شما دوستی دنیا را بر دوستی آخرت مقدّم می‌دارید، حیات فنا‌پذیر را بر حیات ماندگار برتر دانستید، برای تحصیل آنچه عاجل است تلاش می‌ورزید و از آنچه در آینده وعده داده شده چشم پوشیده‌اید.

﴿وَٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓ ١٧﴾.

حال آنکه آخرت از دنیا بهتر و ماندگار‌تر است. آری! آخرت دار بقا، سرای نعمت‌ها و پاداش‌های نیکوست و دنیا دار فنا‌پذیر، جای بلا‌ها و دشواری‌هاست.

﴿إِنَّ هَٰذَا لَفِي ٱلصُّحُفِ ٱلۡأُولَىٰ ١٨﴾.

به راستی که نصایح این وحی مُحکم و کلام با کرامت و پُر برکت، با توصیه‌های نافع و مفیدش در کتاب‌های نازل شدۀ قبل از قرآن نیز موجود بوده است.

﴿صُحُفِ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ ١٩﴾.

آن کتاب‌ها صحیفه‌های ابراهیم و صحیفه‌های موسی -علیهما السلام- است که از جانب خداوند أ به سوی‌شان وحی شده است و این دو نفر از پیامبران، به خاطر اسبقیت و فضیلت‌شان به گونۀ مخصوص یاد شده‌اند. بر این اساس همه پیامبران و کتاب‌های آسمانی در اموری چون محاسن اخلاق و فضایل اعمال با یکدیگر متّفق‌اند.

سورۀ غاشیه

مکی است؛ ترتیب آن 88؛ شمار آیات آن 26

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلۡغَٰشِيَةِ ١﴾.

ای محمّد! آیا خبر‌های قیات به تو رسیده است که دیدگان را با هولناکی‌اش می‌پوشاند، مردم را با شدّت خود جمع می‌آورد و دل‌ها را با سختی‌هایش به خود مصروف می‌سازد.

﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٍ خَٰشِعَةٌ ٢﴾.

برخی چهره‌ها در روز قیامت به خاطر اعمال بد و افعال نادرست خویش خوار، ناامید و سیاه‌اند؛ زیرا آنگاه که عذاب را مشاهده می‌نمایند ندامت آنان را فرا می‌گیرد و احساس زیانمندی می‌کنند.

﴿عَامِلَةٞ نَّاصِبَةٞ ٣﴾.

اعمال پُر مشقّت، دشوار و زیادی را انجام داده‌اند امّا باطل است؛ زیرا خلاف شریعت بوده است، یا اینکه در آتش دوزخ با کشیده‌شدن به طوق‌های آهنین و با رنج‌های عقوبت به دشواری گرفتار می‌شوند.

﴿تَصۡلَىٰ نَارًا حَامِيَةٗ ٤﴾.

به آتش داغی سوزانده می‌شوند که پوست وجود را بریان می‌کند، اعضای وجود را می‌گدازد، نه تخفیف می‌یابد و نه از عقوبتش نجات می‌یابند.

﴿تُسۡقَىٰ مِنۡ عَيۡنٍ ءَانِيَةٖ ٥﴾.

نوشیدنی آنان از چشمۀ بسیار داغی است که روده‌های آنان را قطع می‌کند و گوشت چهره‌های آنان از جوشش و شدّت فورانش می‌افتد.

﴿لَّيۡسَ لَهُمۡ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٖ ٦﴾.

در آتش دوزخ طعامی برای خوردن ندارند، مگر خار خشکیدۀ تلخی که حرارتش برطرف شده تا عذاب و جزای آنان افزون شود.

﴿لَّا يُسۡمِنُ وَلَا يُغۡنِي مِن جُوعٖ ٧﴾.

خوردنش فربه نمی‌کند و از تناولش کسی سیر نمی‌شود؛ یعنی ناتوانی را دور نمی‌سازد و گرسنگی را دفع نمی‌نماید، امّا درد را بیش می‌گرداند و بیماری را مزید می‌سازد.

﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ نَّاعِمَةٞ ٨﴾.

در آنجا چهره‌هایی شادمان و روشنی موجود اند که نیکویی متعالی و نور پُر درخشش دارند. زیبایی آن‌ها را پوشیده است و این‌ها چهره‌های مؤمنان اند.

﴿لِّسَعۡيِهَا رَاضِيَةٞ ٩﴾.

با اعمال نیکویی که در دنیا انجام داده‌اند خوشنود اند، به خاطر بازگشت شایسته‌ای که در پیش رو دارند مطمئنّ هستند، پاداش خویش را درمی‌یابند، با نعمت‌ها شادمان‌اند و از دریافت جزای عمل‌شان لذّت می‌برند.

﴿فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٖ ١٠﴾.

در بهشتی که بلند مرتبه است داخل می‌شوند، در جایگاه‌های عالی و مقام‌های بلندی مسکن می‌گزینند که دارای قدر و منزلت است و از شرافت و ارزشمندی ویژه‌ای برخوردار اند.

﴿لَّا تَسۡمَعُ فِيهَا لَٰغِيَةٗ ١١﴾.

اهل بهشت در آنجا سخنان بی‌خیر و بیهوده‌ای را نمی‌شنوند؛ یعنی در آنجا کلام باطل و سخنان بی‌ارزش وجود ندارد، بلکه همه حقّانیت، صواب و سلام است.

﴿‌فِيهَا عَيۡنٞ جَارِيَةٞ ١٢﴾.

چشمۀ صاف، گوارا، روشن و جاری با آب زلال و سردی در بهشت وجود دارد که با تندی بیرون می‌جهد و کرامتی برای مؤمنان است.

﴿فِيهَا سُرُرٞ مَّرۡفُوعَةٞ ١٣﴾.

در آنجا برای اهل بهشت تخت‌هایی آماده شده که پایه‌های بلند و جایگاه مرتفع دارد، نرم و راحت است و همه انس و بهره‌مندی را در خود جمع کرده است.

﴿وَأَكۡوَابٞ مَّوۡضُوعَةٞ ١٤﴾.

در بهشت ظرف‌هایی است که دسته ندارد و با حسن و زیبایی، پاکیزه‌گی و همراه با لذّت در دست کسی که می‌نوشد نهاده می‌شود تا آسان‌تر نوشیده شود.

﴿وَنَمَارِقُ مَصۡفُوفَةٞ ١٥﴾.

در بهشت بالش‌هایی با زیبایی عجیب و حسن بدیعی روبروی یکدیگر برابر ساخته شده است. اهل بهشت که در نعمت‌ها مصروف اند بر آن‌ها تکیه می‌کنند، سخن می‌زنند و می‌خندند.

﴿وَزَرَابِيُّ مَبۡثُوثَةٌ ١٦﴾.

و در بهشت فرش‌های ذی قیمت، پر درخشش، خوش منظر و مخملینی آماده شده که با نرمی و ملایمت و با راحت و فخامت، با شخصی که بر آن می‌نشیند انتقال می‌یابد.

﴿أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى ٱلۡإِبِلِ كَيۡفَ خُلِقَتۡ ١٧﴾.

آیا مردم در آفرینش ابداعی شتر نمی‌بینند که چگونه خداوند أ شکلش را برابر ساخته است؟ چگونه برایش اوصافی بخشیده که در سایر حیوانات موجود نیست؟

﴿وَإِلَى ٱلسَّمَآءِ كَيۡفَ رُفِعَتۡ ١٨﴾.

چگونه در آسمان نمی‌بینند و چرا در این سقف بزرگ، مرفوع و مستحکمی که بدون ستون قایم است و شکاف و عیبی ندارد نمی‌اندیشند؟

﴿وَإِلَى ٱلۡجِبَالِ كَيۡفَ نُصِبَتۡ ١٩﴾.

چرا به کوه‌ها نظر نمی‌اندازند، به کوه‌هایی که با شکوه و قایم اند، با زیبایی خاصی ایستاده‌اند، زمین را ثابت نگه می‌دارند و هر کوهی چون انگشت سَبّابه‌ای به یگانگی خداوند أ گواهی می‌دهد؟

﴿وَإِلَى ٱلۡأَرۡضِ كَيۡفَ سُطِحَتۡ ٢٠﴾.

و چگونه به زمین نمی‌اندیشند که به منظور زندگی بر رویش برابر ساخته شده، گهواره‌ای برای مردم و فرشی برای همه مخلوقات ساخته شده تا زندگی در آن راه کمال را بپیماید.

﴿فَذَكِّرۡ إِنَّمَآ أَنتَ مُذَكِّرٞ ٢١﴾.

ای پیامبر! با آیات قرآن و دلایل آفرینش در مخلوقات مردم را پند بده. همچنان انواع نعمت‌ها و ایّام عقوبت‌ها را برای مردم یادآوری نما؛ زیرا وظیفه‌ات تنها پند‌دادن است.

﴿لَّسۡتَ عَلَيۡهِم بِمُصَيۡطِرٍ ٢٢﴾.

تو بر آنان سلطه نداری تا بر ایمان مجبور‌شان سازی، بلکه تو رهنمایی هستی که حجّت را اقامه می‌کنی، دلایل را واضح می‌نمایی و به سوی هدایت فرا می‌خوانی.

﴿إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ ٢٣﴾.

مگر کسی که از هدایت پشت گرداند، به رسالت کافر شود، از راهیابی اعراض نماید، از دلایل انکار ورزد و به حق تکذیب کند. چنین کسی به راستی که مستحقّ عذاب و عقوبت شده است.

﴿فَيُعَذِّبُهُ ٱللَّهُ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَكۡبَرَ ٢٤﴾.

حق‌تعالی او را در روز قیامت به عذاب شدیدی، با طوق‌ها و زنجیر‌های آهنینی در آتش دوزخ که عمق بسیار دارد و طعام اهلش زقّوم است عذاب می‌نماید.

﴿إِنَّ إِلَيۡنَآ إِيَابَهُمۡ ٢٥﴾.

به راستی که مرجع همگان به سوی خداوند است و همه به سوی او برمی‌گردند. از این‌رو منت‌های علوم، اعمال و مردم در روز قیامت به سوی اوست.

﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيۡنَا حِسَابَهُم ٢٦﴾.

بعد از آن حساب مردم در روز حشر بر ماست؛ یعنی به همه رسیدگی کامل می‌نماییم و هر‌یک را مطابق عملکردش اعم از خیر و شرّ جزا و پاداش می‌دهیم.

سورۀ فجر

مکی است؛ ترتیب آن 89؛ شمار آیات آن 30

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلۡفَجۡرِ ١﴾.

به بامداد سوگند یاد می‌کنم که با روشنی خود جهان را تحت پوشش قرار می‌دهد، با درخشش خویش کائنات را فرا می‌گیرد و با نورش دنیا را روشنی می‌بخشد.

﴿وَلَيَالٍ عَشۡرٖ ٢﴾.

به شب‌های ده‌گانۀ ذی الحجّه سوگند یاد می‌نمایم که زمانی بزرگوار است، اعمال خیر در آن بسیار انجام می‌گیرد و وقت انجام افعال و مناسک حجّ تعیین شده است.

﴿وَٱلشَّفۡعِ وَٱلۡوَتۡرِ ٣﴾.

به زوج و فرد هر نوع و صنفی سوگند یاد می‌نمایم. هر موجودی که با تناسل تکثّر یابد دارای زوج‌هایی است، امّا آنکه جامد باشد یک فرد است و بس.

﴿وَٱلَّيۡلِ إِذَا يَسۡرِ ٤﴾.

و به شب سوگند یاد می‌کنم، آنگاه که تاریکی خود را می‌گذراند و سیاهی‌اش را نابود می‌کند تا روز فرا رسد و در رفتن شب روشنی صبح نشانه‌ای است که قدرت حق‌تعالی را به نمایش می‌گذارد.

﴿هَلۡ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٞ لِّذِي حِجۡرٍ ٥﴾.

آیا سوگندی که به این مخلوقات یا نمودم برای کسانی که عقل دارند، کافی و شافی است تا آنان را به سوی راستی و درستی اموری که بر آن‌ها سوگند یاد کردم رهنمایی کند؟

﴿أَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ٦﴾.

آیا ندانستی که پروردگارت به قبیلۀ عاد، یعنی قوم هود ÷ چه کرد؟ آنگاه که آنان را با باد سختی عذاب نمود و با هلاکت نابودشان کرد؛ در حالی که از کافران مکّه نیرومند‌تر بودند؟ بنابراین هلاکت این کافران آسان‌تر است.

﴿إِرَمَ ذَاتِ ٱلۡعِمَادِ ٧﴾.

آنان‌که صاحب شهری بزرگ، با ساختمان‌های بلند، کاخ‌های سر به فلک کشیده و کوشک‌های مرتفع بودند. گفته شده که این شهر در نزدیک عدن بوده است.

﴿ٱلَّتِي لَمۡ يُخۡلَقۡ مِثۡلُهَا فِي ٱلۡبِلَٰدِ ٨﴾.

شهری که تا اکنون مانند بنای عجیب، شکل غریب، نیرومندی مردم، کثرت اموال و استحکام بنایش به وجود نیامده است.

﴿وَثَمُودَ ٱلَّذِينَ جَابُواْ ٱلصَّخۡرَ بِٱلۡوَادِ ٩﴾.

و قبیلۀ ثمود را هلاک ساختیم، آنان‌که صخره‌ها را در درّه‌های خویش قطع می‌نمودند و از‌ آن ساختمان بنا می‌کردند. امّا آنگاه که هلاک‌شان ساختیم قوّت و شوکتی که داشتند هلاکت را از آنان باز نداشت.

﴿وَفِرۡعَوۡنَ ذِي ٱلۡأَوۡتَادِ ١٠﴾.

فرعون را با کاخ‌های بزرگ و لشکر ستیزه‌گرش هلاک نمودیم و بنا‌های او را که در ثبات، استواری و ارتفاعش مانند کوه‌ بود نابود کردیم.

﴿ٱلَّذِينَ طَغَوۡاْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ ١١﴾.

این اقوام، بر مخلوقات بیش از حد ستم روا داشتند، در گناهان اسراف نمودند، خون‌های حرام را ریختند و در نتیجه مستحقّ چنین انتقامی شدند.

﴿فَأَكۡثَرُواْ فِيهَا ٱلۡفَسَادَ ١٢﴾.

در شهر‌ها به فساد زیادی چون تکذیب و عناد، ظلم و استبداد، قهر و استبعاد و ضرر رساندن به عبادت دست زدند.

﴿فَصَبَّ عَلَيۡهِمۡ رَبُّكَ سَوۡطَ عَذَابٍ ١٣﴾.

خداوند أ بر آنان عقوبت دردآور، عذاب سخت و مجازات با هیبتی را حواله کرد؛ چنان‌که هلاک‌شان ساخت و دیار آنان را نابود نمود.

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِٱلۡمِرۡصَادِ ١٤﴾.

به راستی که پروردگارت در کمین اعمال بد‌کاران است و افعال کافران را مراقبت دارد و بعد آنان را در دنیا تباه می‌سازد و در آخرت به آتش عذاب می‌کند.

﴿فَأَمَّا ٱلۡإِنسَٰنُ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ رَبُّهُۥ فَأَكۡرَمَهُۥ وَنَعَّمَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَكۡرَمَنِ ١٥﴾.

عادت انسان این است که چون پروردگارش او را با دارایی بیازماید؛ یعنی ثروتش بخشد و حالش را نیکو سازد مغرور می‌شود، فریب می‌خورد و می‌گوید: این همه به خاطر منزلتم در نزد پروردگار من است و بدان سبب است که در پیشگاهش تقرّب و مقامی دارم؛ هر‌چند گاهی این معامله به گونۀ استدراج می‌باشد.

﴿وَأَمَّآ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ فَقَدَرَ عَلَيۡهِ رِزۡقَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَهَٰنَنِ ١٦﴾.

امّا آنگاه که او را با فقر و تنگدستی بیازماید؛ طوری که روزی وی را کم سازد و زندگی‌اش را تنگ گرداند، می‌پندارد که این سرنوشت به خاطر دوری از حق‌تعالی و جایگاه بدش در نزد پروردگار بوده و گمان می‌کند که خداوند أ خوارش کرده است.

﴿كَلَّاۖ بَل لَّا تُكۡرِمُونَ ٱلۡيَتِيمَ ١٧﴾.

درست آن است که هیچ‌یک از این دو پندار حقّانیت ندارد؛ یعنی به طور مطلق اعطای ثروت کرامت نیست و منعش اهانت را لازم ندارد. امّا شما در حال ثروتمندی به یتیمان احسان نمی‌کنید، بر ناتوانی‌شان رحمت نمی‌نمایید و به ایشان مهربانی ندارید؛ زیرا دارایی شما را سرکش و سخت‌دل ساخته است.

﴿وَلَا تَحَٰٓضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ ١٨﴾.

همچنان به طعام‌دادن به مساکین، سرپرستی درست و رعایت نیکو از ایشان یکدیگرتان را تشویق و ترغیب نمی‌کنید؛ چنان‌چه بیشتر مردم با فقیران جفا می‌نمایند.

﴿وَتَأۡكُلُونَ ٱلتُّرَاثَ أَكۡلٗا لَّمّٗا ١٩﴾.

میراث را با حرص و آزمندی می‌خورید، میان حلال و حرام فرق نمی‌کنید و حقّ یتیمان، بیوه‌ها و زنان را بدون ترس از پروردگار أ به مال‌تان یکجا می‌سازید.

﴿وَتُحِبُّونَ ٱلۡمَالَ حُبّٗا جَمّٗا ٢٠﴾.

جمع‌کردن مال را به شدّت دوست می‌دارید و برای تحصیل آن عمر‌ها را ضایع می‌کنید، خطر‌ها را تحمّل می‌نمایید و سفر‌های زیادی را در پیش می‌گیرید. آری! بیشتر مردم بندۀ درهم و دینار هستند.

﴿كَلَّآۖ إِذَا دُكَّتِ ٱلۡأَرۡضُ دَكّٗا دَكّٗا ٢١﴾.

از چنین عملکردی خود را باز دارید و وقتی را به یاد آورید که زمین به شدّت بی‌نهایتی به لرزه درمی‌آید؛ چنان‌که همه موجودات رویش نابود شوند، بناهایش تخریب گردند، ارکانش انهدام یابد، اهلش نابود شوند و ساکنانش را حیرت فرا گیرد.

﴿وَجَآءَ رَبُّكَ وَٱلۡمَلَكُ صَفّٗا صَفّٗا ٢٢﴾.

و پروردگارت برای حکم فیصله کننده میان مردم، طوری که سزاوار جلال اوست می‌آید و فرشتگان آسمان نیز در حالی که صف زده، به هم پیوسته، ترسناک و مطیع اوتعالی هستند با وی حضور می‌یابند.

﴿وَجِاْيٓءَ يَوۡمَئِذِۢ بِجَهَنَّمَۚ يَوۡمَئِذٖ يَتَذَكَّرُ ٱلۡإِنسَٰنُ وَأَنَّىٰ لَهُ ٱلذِّكۡرَىٰ ٢٣﴾.

آتش دوزخ برای ناظران و مجرمان، آشکار و حاضر آورده می‌شود. در آن هنگام است که انسان گناهان، بی‌پروایی‌ها و تقصیرات دنیوی خود را به یاد می‌آورد. امّا وقتی است که یاد‌آوری نفعی ندارد و از ندامت فایده‌ای نیست؛ زیرا وقت آن گذشته است، حساب نزدیک شده و هنگام حکم فرا رسیده است.

﴿يَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي قَدَّمۡتُ لِحَيَاتِي ٢٤﴾.

این شخص گنهکار می‌گوید: ای کاش در زندگی فانی دنیا برای این زندگی جاودانی کدام خیر و خوبیی را از قبیل اعمال نیک و افعال پسندیده انجام می‌دادم.

﴿فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُۥٓ أَحَدٞ ٢٥﴾.

در این وقت خداوند أ دشمنانش را طوری عذاب می‌کند که هیچ کسی آنچنان عذاب نمی‌کند؛ زیرا عذاب و عقوبتش سخت است و سزا و مجازاتش بزرگ و نیرومند می‌باشد.

﴿وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُۥٓ أَحَدٞ ٢٦﴾.

و طوری که الله أ دشمنانش را در‌آتش دوزخ بسته می‌کند، هیچ کسی نمی‌بندد؛ زیرا کافران در شرایط و حالت بد، آیندۀ ناپسند و گرفتاری به عذاب به زنجیر کشیده می‌شوند و با طوق‌های آهنین بسته می‌گردند.

﴿يَٰٓأَيَّتُهَا ٱلنَّفۡسُ ٱلۡمُطۡمَئِنَّةُ ٢٧﴾.

برای شخص مؤمن صالح گفته می‌شود: ای کسی که به دین خداوند أ و به حکم و عطایش راضی بودی، به ذکرش آرامش داشتی، از پیامبرش پیروی کردی و به وعده وعیدش یقین داشتی!

﴿ٱرۡجِعِيٓ إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةٗ مَّرۡضِيَّةٗ ٢٨﴾.

به سوی پاداش و رضای پروردگار، به سوی بهشت و احسانش و به سوی عطا و امتنانش بازگرد؛ حال آنکه از عنایت پاداش و برگشت عقوبتش خوشنود هستی و اوتعالی نیز به خاطر رفتنت در راه هدایت و اجتنابت از گمراهی و ضلالت از تو راضی و خوشنود است.

﴿فَٱدۡخُلِي فِي عِبَٰدِي ٢٩﴾.

در میان بندگان صالح، حزب رستگاران و لشکر سرافراز خداوند أ داخل شو که به نعمت‌های جاودانی و خلود سرمدی در بهشت ابدی قرار دارند.

﴿وَٱدۡخُلِي جَنَّتِي ٣٠﴾.

در بهشتم که مقرّ رحمت من است داخل شو، از نعمت‌های بهشت و از همجواری با ابرار بهره‌مند باش، در جایگاه راستین، مقام امن و محلّی جاودانه مسکن ‌گزین و از نعمت‌هایی که نابود‌شدنی نیست و خیری که ماندگار است مستفید شو.

سورۀ بلد

مکی است؛ ترتیب آن 90؛ شمار آیات آن 20

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿لَآ أُقۡسِمُ بِهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ١﴾.

به شهر با حرمت مکّه مکرّمه سوگند یاد می‌کنم. به شهری که حرم الهی، جای نزول وحی، مولد پیامبر ج و موضع مناسک حجّ است و نیز خانۀ خداوند أ در آن موقعیت دارد.

﴿وَأَنتَ حِلُّۢ بِهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ٢﴾.

و تو نیز در این شهر سکنی‌گزین هستی که برایش شرف بزرگی داده است. آری! وجودت در این شهر شرف و رفعتش را تقاضا می‌نماید؛ زیرا مواضع به خاطر ساکنانش بزرگی می‌یابند.

﴿وَوَالِدٖ وَمَا وَلَدَ ٣﴾.

به هر زاینده و زاده‌شده‌ای از مخلوقات که توالد و تناسل دارند سوگند یاد می‌کنم؛ زیرا این امر، باعث بقای حیات و حفظ نوع مخلوقات است و برهانی است که بر عظمت و قدرت باری‌تعالی بر مخلوقات و حکمتش در پیدایش آنان دلالت می‌کند.

﴿لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِي كَبَدٍ ٤﴾.

هر آینه انسان را طوری آفریدیم که در سختی‌ها رنج می‌کشد، با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کند و به مصیبت‌ها گرفتار است؛ یعنی راه دشوار و طریق سختی را در پیش دارد، کدورت‌ها حیاتش را تیره می‌سازد و خطر‌ها بر او احاطه دارد.

﴿أَيَحۡسَبُ أَن لَّن يَقۡدِرَ عَلَيۡهِ أَحَدٞ ٥﴾.

آیا انسان گمان می‌کند که کسی توان ندارد از او انتقام گیرد و بر او قهر و غلبه نماید؟ این اندیشه نادانی، غرور و خودبینی است، بلکه خداوند أ بر او قهر و غلبه می‌کند و از او انتقام می‌گیرد.

﴿يَقُولُ أَهۡلَكۡتُ مَالٗا لُّبَدًا ٦﴾.

از روی تکبّر و خیال‌پرستی و به منظور فخر‌فروشی بر دیگران ادّعا‌های دروغین می‌کند و می‌گوید: من اموال و ثروت زیادی را به مصرف رساندم؛ همچنان که بعضی از مشرکان به دروغ می‌گویند: ما در زمینۀ عداوت با محمّد ج مبالغ زیادی را به مصرف رساندیم.

﴿أَيَحۡسَبُ أَن لَّمۡ يَرَهُۥٓ أَحَدٌ ٧﴾.

آیا می‌پندارد که به حقیقت امر و اندازۀ انفاقش کسی آگاه نخواهد بود؟ این‌چنین نیست، بلکه الله أ داناست که چه اندازه خرج کرده است، آگاه است که چه قدر اعطا نموده و به زودی از همه مال‌هایی که انفاق کرده از او حساب می‌گیرد.

﴿أَلَمۡ نَجۡعَل لَّهُۥ عَيۡنَيۡنِ ٨﴾.

آیا برای انسان دو چشم نبخشیدیم که با آن می‌بیند؟ آری! بینایی انسان نعمت بزرگی است، از آن‌رو که با چشمانش وسایل زندگی و مهمّات حیاتش را می‌بیند تا بدین وسیله وجودش قوام یابد.

﴿وَلِسَانٗا وَشَفَتَيۡنِ ٩﴾.

برای انسان زبان ناطق و فصیحی عطا کردیم که مقصودش را با آن دا می‌کند و به مطلوبش می‌رسد، همچنان برایش لب‌هایی بخشیده‌ایم که او را در سخن‌زدن و خاموشی و در تناول طعام کمک می‌کند؛ حال آنکه هردو جمالش را زیبا ساخته‌اند و صُنعی مُتقَن در آن‌ها به کار رفته است.

﴿وَهَدَيۡنَٰهُ ٱلنَّجۡدَيۡنِ ١٠﴾.

راه حقّ و باطل و مسیر هدایت و ضلالت را برایش واضح ساختیم تا در وضاحت قرار داشته باشد و بعد از آشکار‌شدن فرق، یکی از این دو راه را بر‌گزیند.

﴿فَلَا ٱقۡتَحَمَ ٱلۡعَقَبَةَ ١١﴾.

چرا با انجام اوامری چون کار‌های نیکو و صداقات فرض و نفل، از این گردنه و راه دشوار نمی‌گذرد تا به رستگاری دست یابد و نجات را به چنگ آورد.

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡعَقَبَةُ ١٢﴾.

چه می‌دانی که این گردنه و راه دشوار چیست؟ به راستی گذاشتن از آن برای کسی که خداوند أ توفیقش را اراده نکرده باشد دشوار است. امّا برای کسی که پروردگار توفیقش دهد آسان است.

﴿فَكُّ رَقَبَةٍ ١٣﴾.

این همان خلاصی برده‌ای است تا آزادی خود را به دست آورد، از حقوقش برخوردار شود و انسانیتش کمال یابد. آری! اسلام حرّیت و آزادگی را به ارمغان می‌آورد.

﴿أَوۡ إِطۡعَٰمٞ فِي يَوۡمٖ ذِي مَسۡغَبَةٖ ١٤﴾.

یا صرف طعام برای فقیران و مسکینان در هنگام گرسنگی‌شان است؛ طوری که با وجود نیازمندی و کمبود آذوقه مسکینان را بر خود ترجیح دهد.

﴿يَتِيمٗا ذَا مَقۡرَبَةٍ ١٥﴾.

و طعام‌دادن، سرپرستی و رسیدگی به امور یتیمی است که از خویشاوندان باشد؛ یتیمی که کسی را ندارد تا رعایت و تفقّدش کند و با دلشکستگی احساس ذلّت می‌نماید.

﴿أَوۡ مِسۡكِينٗا ذَا مَتۡرَبَةٖ ١٦﴾.

یا طعام‌دادن مسکینی است که نزدیک است دستش از افلاس و ناداری به خاک رسد؛ یعنی مستحقّ است بعد از اینکه راه‌ها به رویش بسته شده، با وی معاونت صورت گیرد و به او بخشش شود.

﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡمَرۡحَمَةِ ١٧﴾.

بعد از آن کسی می‌تواند از گردنۀ اعمال دشوار بگذرد که مؤمن باشد –نه کافر و منافق- و خویشتن و دیگران را به صبر مشروع، یعنی صبر بر طاعات و مصایب و صبر از معاصی، توصیه نماید. همچنان به رحمت و مهربانی بر یکدیگر در جامعۀ اسلامی توصیه داشته باشد تا امن و سلامتی عمومیت یابد.

﴿أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ ١٨﴾.

اهل صفات یاد شده اصحاب یمین‌اند که در سرای رستگاران قرار دارند، نامۀشان به دست راست داده می‌شود، یُمن و برکت را به همراه دارند، به مطلوب خود رسیدند و از ترسناکی نجات یافتند.

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا هُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَشۡ‍َٔمَةِ ١٩﴾.

امّا کسانی که منکر آیات اند و به رسالت‌ها تکذیب نمودند اصحاب شمال‌اند. با اهل گمراهی جمع می‌شوند، در عقوبت و عذاب مقیّد اند و به خاطر اعمال بدی که انجام دادند نامۀ اعمال به دست چپ آنان قرار دارد.

﴿عَلَيۡهِمۡ نَارٞ مُّؤۡصَدَةُۢ ٢٠﴾.

عذاب سوزانی آنان را فرا گرفته که چهره‌ها را بریان می‌کند و بدن‌ها را می‌گدازد. دروازده‌ها بر آنان بسته است تا بیرون شده نتوانند و به عذاب دوامداری گرفتار اند که نه می‌میرند و نه زنده‌اند. این عذابی است همیشگی و در بد‌ترین جایگاهی استقرار دارند.

سورۀ شمس

مکی است؛ ترتیب آن 91؛ شمار آیات آن 15

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلشَّمۡسِ وَضُحَىٰهَا ١﴾.

به خورشید سوگند، آنگاه که در چاشتگاهش تجلّی کند، با نورانیتش دنیا را روشن گرداند، بر عالم رفعت یابد و با جمال بی‌مانند، حسن آشکار و تابش سحر آفرینش بر همه چیز برتری جوید.

﴿وَٱلۡقَمَرِ إِذَا تَلَىٰهَا ٢﴾.

سوگند به ماه روشنگری که صاحب نور تابان و زیبایی بی‌نهایت است، آنکه بعد از غروب خورشید پدید می‌آید، بعد از غایب شدنش حضور می‌یابد و آفاق را پُر از روشنی می‌نماید.

﴿وَٱلنَّهَارِ إِذَا جَلَّىٰهَا ٣﴾.

سوگند به روز، آنگاه که خورشید را برای کائنات متجلّی می‌سازد و آن را برای زینت جهان ظاهری می‌نماید. آری! او از نظر‌ها در حجاب است و در زیر پرده‌ها قرار دارد و روز آن را آشکار می‌سازد.

﴿وَٱلَّيۡلِ إِذَا يَغۡشَىٰهَا ٤﴾.

سوگند به شب آنگاه که خورشید را در حجابش قرار می‌دهد، او را می‌پوشاند و با تاریکی خویش از چشم‌ها مستور و محجوب می‌سازد.

﴿وَٱلسَّمَآءِ وَمَا بَنَىٰهَا ٥﴾.

سوگند به آسمان و بنای استوار و سقف مرفوع و منظّمش که در زیبایی متعالی است و در ارتفاعش به کمال رسیده است.

﴿وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا طَحَىٰهَا ٦﴾.

سوگند به زمین که مانند فرشی هموار شده و گهواره‌ای برای زندگی است؛ چنان‌که در همه نواحی آن سیر می‌شود و راه‌هایش تحت تسخیر قرار دارد.

﴿وَنَفۡسٖ وَمَا سَوَّىٰهَا ٧﴾.

سوگند به هر نفس بشریی که خداوند أ آن را آفریده، برابر ساخته، صورت نیکو بخشیده، به زیبا‌ترین شکل ترکیبش کرده و آفرینشش را با قامت نیکو و قوام لطیف برابر ساخته است.

﴿فَأَلۡهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقۡوَىٰهَا ٨﴾.

بعد از آن راه حقّ و باطل را برایش بیان داشته و طریق هدایت و ضلالت را واضح ساخته است تا عذر بر‌طرف شود، حجّت قایم گردد و دلایل واضح باشد.

﴿قَدۡ أَفۡلَحَ مَن زَكَّىٰهَا ٩﴾.

به خداوند أ سوگند، رستگار کسی است که نفس را از گناهان پاک سازد، کامیاب کسی است که آن را از عیب‌ها پاکیزه گرداند و سعادتمند کسی است که از تقوای پروردگاری که دانای راز‌هاست توشه بگیرد.

﴿وَقَدۡ خَابَ مَن دَسَّىٰهَا ١٠﴾.

یقیناً زیانمند کسی است که نفس را در انجام خطاها پنهان دارد، در پستی‌ها مدفون سازد، با عمل به هر کار بد و زشتی به گور نماید، به هر معصیتی از رزایل آلوده سازد و از جولان در فضای فضایل محروم گرداند.

﴿كَذَّبَتۡ ثَمُودُ بِطَغۡوَىٰهَآ ١١﴾.

قوم ثمود پیامبر خود صالح ÷ را تکذیب نمودند؛ بعد از اینکه به نهایت عصیانگری و کفران رسیدند، بغاوت و طغیان نمودند و از حق اعراض کردند.

﴿إِذِ ٱنۢبَعَثَ أَشۡقَىٰهَا ١٢﴾.

آنگاه که شقاوت پیشۀ قبیله یعنی گمراه‌ترین، بد‌کارترین و سر‌کش‌ترین فرد آنان برخاست؛ زیرا او بعد از آنکه از توفیق محروم مانده بود بر این عمل اقدام کرد.

﴿فَقَالَ لَهُمۡ رَسُولُ ٱللَّهِ نَاقَةَ ٱللَّهِ وَسُقۡيَٰهَا ١٣﴾.

رسول خدا صالح ÷ برای آنان گفت: از ضرر رساندن به شتر حذر کنید، یا از تعرّض به آبخورش آن ‌خود را باز دارید؛ زیرا آیه‌ای از آیات الهی است که بر راستگویی من دلالت می‌کند و از آزار رسانی به آن خطری شما را فرا می‌گیرد.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمۡدَمَ عَلَيۡهِمۡ رَبُّهُم بِذَنۢبِهِمۡ فَسَوَّىٰهَا ١٤﴾.

امّا آنان از رسالت الهی انکار کردند و شتر خداوند أ را کشتند. از اثر آن مستحقّ خشم پروردگار شدند، چنان‌چه حیات آنان را تباه ساخت، بنیادشان را برکند و عقوبت را بر آنان فراگیر نمود؛ طوری که عذاب عام شد، عقوبت همه را شامل گردید و هیچ‌کسی باقی نماندند.

﴿وَلَا يَخَافُ عُقۡبَٰهَا ١٥﴾.

الله أ از عاقبت عذابی که بر آنان مقرّر داشت نمی‌ترسد؛ زیرا اوتعالی تواناست، کسی بر او غلبه ندارد، نیرویی در برابرش مقاومت کرده نمی‌تواند، با سلطه‌اش یگانه است و در جبروتش یکتاست.

سورۀ لیل

مکی است؛ ترتیب آن 92؛ شمار آیات آن 21

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلَّيۡلِ إِذَا يَغۡشَىٰ ١﴾.

به شب سوگند یاد می‌کنم آنگاه که عالم را با سیاهی‌اش زیر پوشش قرار می‌دهد، نور روز را با رنگ خویش تاریک می‌سازد، زمین را با چادرش می‌پوشاند و دنیا را با گلیمش مستور می‌سازد.

﴿وَٱلنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ٢﴾.

به روز سوگند یاد می‌کنم آنگاه که با روشنی خویش بر جهان پرتو می‌افگند و دنیا را با نورش منوّر می‌سازد؛ طوری که تاریکی از چهره‌اش پراگنده می‌شود و شب از راهش فرار می‌نماید.

﴿وَمَا خَلَقَ ٱلذَّكَرَ وَٱلۡأُنثَىٰٓ ٣﴾.

و سوگند یاد می‌کنم به آفرینش دو زوج مذکّر و مؤنّت از هر صنف و نوعی از مخلوقات که به وسیله‌اش نسل باقی می‌ماند، حیات استمرار می‌یابد و زندگی دوام می‌پذیرد.

﴿إِنَّ سَعۡيَكُمۡ لَشَتَّىٰ ٤﴾.

به راستی که عملکرد شما در بین هدایت و گمراهی، صلاح و فساد، خوبی و بدی، سخاوت و بخالت، صدق و کذب، عدل وظلم، و حقّ و باطل متفاوت و مختلف است.

﴿فَأَمَّا مَنۡ أَعۡطَىٰ وَٱتَّقَىٰ ٥﴾.

کسی که مالش را به مصرف رساند و در انفاقش از خداوند أ بترسد؛ بدین‌گونه که از ریا، سمعه، منّت‌گذاشتن و اذیت‌کردن اجتناب نماید؛ یعنی مالش را با جوانمردی عطا کرده، خود را از منت گذاشتن باز داشته و به تقوا دست یافته است.

﴿وَصَدَّقَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ ٦﴾.

و باور دارد که خداوند أ به عملش پاداش عطا می‌نماید و برایش جزای خیر می‌دهد؛ از این‌رو به منظور رضای خدا عمل می‌کند، خیر او را اراده دارد و وعده‌اش را انتظار می‌کشد.

﴿فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡيُسۡرَىٰ ٧﴾.

به زودی او را به آسان‌ترین، نافع‌ترین و نیکو‌ترین امور توفیق می‌بخشیم، انجام اعمال نیک و کار‌های خیر را برایش آسان می‌سازیم و او را به هر امری که رستگاری‌اش را تضمین کند توجیه می‌نماییم.

﴿وَأَمَّا مَنۢ بَخِلَ وَٱسۡتَغۡنَىٰ ٨﴾.

امّا کسی که مالش را نگه دارد، از پاداش پروردگارش استغنا جوید، با ترک انفاق بخالت ورزد و با بدگمانی به پروردگارش خویشتن را از دریافت مزد محروم گرداند.

﴿وَكَذَّبَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ ٩﴾.

به پاداش اعمال در روز قیامت تکذیب نماید، از دریافت مزد سعی در امور خیر انکار کند و از اثر انکارش از روز آخرت، اعمال و احوالش زشت و ناپسند گردیده باشد.

﴿فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡعُسۡرَىٰ ١٠﴾.

به زودی او را به خواسته‌اش می‌رسانیم و به سوی اعمال بد و افعال بد و افعال ناشایستی که برگزیده توجیه می‌نماییم، طوری که گناه بر او آسان می‌شود؛ چون به خذلان الهی گرفتار آمده است.

﴿وَمَا يُغۡنِي عَنۡهُ مَالُهُۥٓ إِذَا تَرَدَّىٰٓ ١١﴾.

مال و ثروتش او را از افتادن در آتش و واقع‌شدن در خشم خداوند جبّار باز نمی‌دارد؛ یعنی آنگاه که به دشواریی گرفتار آید، مالی که به آن بخالت ورزیده به دفاعش نمی‌پردازد.

﴿إِنَّ عَلَيۡنَا لَلۡهُدَىٰ ١٢﴾.

هر آینه این بر ذمّۀ ماست که هدایت را برای مردم با فرستادن کتاب‌ها و پیامبران، اقامۀ حجّت و توضیح دلایل بیان داریم تا معذرت از گمراهان برطرف شود.

﴿وَإِنَّ لَنَا لَلۡأٓخِرَةَ وَٱلۡأُولَىٰ ١٣﴾.

آخرت و دنیا مِلک ماست، در تصرّف ما قرار دارد و خیر دنیا و آخرت بدون اذن و ارادۀ ما به دست نمی‌آید. پس کسانی که بدان مایل اند و تحصیل آن را اراده دارند باید از نزد ما طلب کنند و خواستار شوند.

﴿فَأَنذَرۡتُكُمۡ نَارٗا تَلَظَّىٰ ١٤﴾.

شما را از آتش دوزخ برحذر ساختیم؛ از آتشی که همیشه برافروخته است؛ طوری که بدان طاقت نمی‌شود، دوامدار شعله‌ور است؛ چنان‌که در آن صبر کرده نمی‌شود و هر که سختی عذابش را بشناسد با اختیار تقوا از آن می‌گریزد.

﴿لَا يَصۡلَىٰهَآ إِلَّا ٱلۡأَشۡقَى ١٥﴾.

هیچ کسی بدان داخل نمی‌شود و در آن ماندگار نمی‌ماند، جز کافر شقاوت‌پیشه‌ای که از هدایت رو‌گردان است، هلاکت را اختیار کرده، از ایمان مانع می‌شود و از شیطان پیروی می‌نماید.

﴿ٱلَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ١٦﴾.

آنکه قرآن را تکذیب می‌کند، از فرمان الهی رو می‌گرداند، از رسالت‌ها انکار می‌ورزد، اوامر شریعت را ترک می‌نماید و نواهی را انجام داده است. همچنان به ردّ روایات می‌پردازد و به دین عمل نمی‌نماید.

﴿وَسَيُجَنَّبُهَا ٱلۡأَتۡقَى ١٧﴾.

و به زودی از آتش دوزخ و خشم خداوند جبّار کسی دور ساخته می‌شود که دارای تقوا و پرهیزگار بوده با نوری از جانب حق‌تعالی همراه باشد و به امید پاداش الهی به اوامرش عمل کند. همچنان با نور الهی و ترس از عذاب پروردگار از نواهی‌اش اجتناب نماید.

﴿ٱلَّذِي يُؤۡتِي مَالَهُۥ يَتَزَكَّىٰ١٨﴾.

آنکه مالش را بدون سمعه و ریا و بدون امتنان و اذیتی در راه خداوند أ به مصرف می‌رساند و در ادای آن اخلاص می‌ورزد تا از گناهان پاک شود و از عیب‌ها پاکیزه گردد.

﴿وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُۥ مِن نِّعۡمَةٖ تُجۡزَىٰٓ ١٩﴾.

برای هیچ‌کس از مردم بر ذمّه‌اش احسانی نیست که ارادۀ جبران آن را داشته باشد، نیکیی به وی نرسیده که آن را به صاحبش رد نماید، احسانی به او نشده تا پاداش آن را ادا کند، بلکه خاص به منظور رضای پروردگار بوده است.

﴿إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ رَبِّهِ ٱلۡأَعۡلَىٰ ٢٠﴾.

او تنها مالش را برای رضای الله أ و طلب پاداش از آفریدگارش به مصرف رسانده است. امّا حق‌تعالی به این مال نیازی ندارد؛ زیرا او در ذات، عملکرد و قدرش از همه متعالی‌تر است و از بنده که در مقام ادنی قرار دارد چیزی را طلب نمی‌کند. امّا بنده نیازمند پاداش پروردگار خویش است.

﴿وَلَسَوۡفَ يَرۡضَىٰ ٢١﴾.

و سوگند به الله أ که او را با خورسندی در بهشت‌های پر از نعمت در جوار پروردگار کریم، شادمانی همیشگی، پادشاهی بزرگ و جایگاه امنی خوشنود و راضی می‌سازیم.

سورۀ ضحی

مکی است؛ ترتیب آن 93؛ شمار آیات آن 11

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلضُّحَىٰ ١﴾.

به چاشتگاهان و صفایش سوگند یاد می‌کنم که با روشنی خود بر عالم پرتو می‌افگند، با درخشش خویش بر کائنات ارتفاع دارد و در حسن و زیبایی‌اش نشانه‌ای از نشانه‌های قدرت الهی است.

﴿وَٱلَّيۡلِ إِذَا سَجَىٰ ٢﴾.

به شب سوگند یاد می‌کنم آنگاه که با آرامش خود ساکن می‌شود، با تاریکی‌اش خیمه می‌گسترد، با چادرش جهان را زیر پوشش قرار می‌دهد، با سیاهی خود عالم کَون را می‌پوشاند و همه چیز را در زیر بالش محجوب می‌گرداند.

﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ٣﴾.

ای محمّد! پروردگارت بعد از محبّت بر تو خشم نکرده، بعد از مقرّب ساختن تو را دور نرانده، بعد از برگزیدن تو را ترک نکرده، فراموش نکرده و بیرون نرانده است، بلکه تو را اختیار کرده و مأوی داده است.

﴿وَلَلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لَّكَ مِنَ ٱلۡأُولَىٰ ٤﴾.

هر آینه سرای آخرت در فردوس اعلی از دار دنیا برایت بهتر است؛ زیرا در آنجا شادمانی، مسرّت، نعمت‌های جاودانی و جایگاه راستینی میسّر است، حال آنکه در دنیا سختی و کدورت، غم و اندوه، و مشقّت و دشواری وجود دارد.

﴿وَلَسَوۡفَ يُعۡطِيكَ رَبُّكَ فَتَرۡضَىٰٓ ٥﴾.

سوگند یاد می‌کنم هر آینه خداوند أ اصناف نعمت‌ها و انواع کرامت‌ها چون شادمانی نفس، شادابی دل و راحت بدن را برایت ارزانی می‌کند؛ به اندازه‌ای که تو را راضی و خورسند گرداند.

﴿أَلَمۡ يَجِدۡكَ يَتِيمٗا فَ‍َٔاوَىٰ ٦﴾.

آیا قبل از نبوّت تو را یتیمی نیافت که بعد از ‌آن برایت جایگاه بخشید، بر تو احسان نمود، تو را نگه داشت، سر‌پرستی کرد، پرورش داد، برگزید و نعمت‌هایش را بر تو کامل ساخت.

﴿وَوَجَدَكَ ضَآلّٗا فَهَدَىٰ ٧﴾.

تو را چنان یافت که نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست. آنگاه برایت اموری را که نمی‌دانستی آموخت و تو را به انجام اعمال نیکو، خصایل پسندیده و کار‌های شایسته توفیق بخشید، به رسالت برگزید و به نبوّت اختیار کرد.

﴿وَوَجَدَكَ عَآئِلٗا فَأَغۡنَىٰ ٨﴾.

تو را فقیر یافت، امّا روزی داد و به آنچه عطا کرد قناعت بخشید. نعمت‌های مادی و معنوی را با برکت و خوشنودی برایت عطا نمود و از معارف علمی و فتوحات الهی به اندازه‌ای برایت بخشید که تو را از دنیا بی‌نیاز گرداند.

﴿فَأَمَّا ٱلۡيَتِيمَ فَلَا تَقۡهَرۡ ٩﴾.

پس با یتیم به بدی رفتار مکن، بلکه بر ناتوانی‌اش رحمت نما، دل شکسته‌اش را به دست آر، اشکش را از چهره پاک نما، غمش را کم کن و در عوض والدینش پدر مهربانی باش؛ زیرا تو هم یتیم بودی وباید آن را به یاد داشته باشی.

﴿وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنۡهَرۡ ١٠﴾.

امّا سائل را تهدید مکن، بلکه طعامش بده، حاجتش را برآورده ساز، به خواسته‌اش لبّیک بگو، به وی مهربانی کن، حالش را مراعات نما، در نیازمندی معذورش دار و آزرده خاطرش مکن.

﴿وَأَمَّا بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثۡ ١١﴾.

دربارۀ نعمت پروردگارت که آن را بر تو کامل ساخته سخن بگو، آثار رحمتش بر خویشتن را منتشر نما، نعمت‌های پروردگار کریم و منّان را با شکران یاد‌آوری کن و با جحود و انکار از آن‌ها چشم‌پوشی مکن.

سورۀ شرح

مکی است؛ ترتیب آن 94؛ شمار آیات آن 8

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿أَلَمۡ نَشۡرَحۡ لَكَ صَدۡرَكَ ١﴾.

ای محمّد! آیا سینه‌ات را با نور نبوّت و هدایت بعد از تنگی فراخ نساختیم؟ آیا تو را دریا‌دل، مهربان و بردبار نگردانیدیم؟ آیا علی رغم دشواری‌ها، مشکلات و مصیبت‌ها تو را از همه مردم شادمان‌تر، خوشنود‌تر، گشاده‌خاطر‌تر نساختیم؟

﴿وَوَضَعۡنَا عَنكَ وِزۡرَكَ ٢﴾.

بدین‌گونه باری را که بر تو نهاده شده بود کم کردیم، گناهان متقدّم و متأخرت را آمرزیدیم، از تو راضی و خوشنود شدیم و عفو و رحمت خویش را بر تو جاری ساختیم.

﴿ٱلَّذِيٓ أَنقَضَ ظَهۡرَكَ ٣﴾.

باری که پُشتت را گرانبار ساخته بود، بر تو تحمیل شده بود، اندوه لازم وجودت شده بود و غم دایمی‌ات گردیده بود. امّا اکنون با آمرزش و رضوان تو را از آن راحت بخشیدیم.

﴿وَرَفَعۡنَا لَكَ ذِكۡرَكَ ٤﴾.

یاد تو را در مناره‌ها، منبر‌ها و دفتر‌ها بلند ساختیم؛ طوری که با ذکر خداوند أ یاد می‌شود. همچنان نامت در محافل و مجامع درگذار زمان و اختلاف عصرها یاد می‌شود.

﴿فَإِنَّ مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرًا ٥﴾.

به راستی که بعد از هر سخنی آسانی است، بعد از هر تنگدستی گشایش است، بعد از اندوه شادمانی است و بعد از شب غم، صبح شادی فرا می‌رسد. بناءً سختی و دشواری استمرار نمی‌یابد و رنج و پریشانی باقی نمی‌ماند.

﴿إِنَّ مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرٗا ٦﴾.

دشواری یکی است، امّا در برابرش دو آسانی قرار دارد و هر‌گز یک سختی بر دو آسانی غلبه نمی‌نماید. پس ترا مژده باد که بعد از هر سختی سهولتی است و بعد از هر شدّتی گشایشی پدید می‌آید.

﴿فَإِذَا فَرَغۡتَ فَٱنصَبۡ ٧﴾.

آنگاه که از امور دنیا مصروفیت‌های آن فارغ شدی در عبادت بکوش، به طاعت رو آور، به ادای نوافل و فضایل بیشتر بپرداز و از اعمال نیکو توشه بگیر.

﴿وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرۡغَب ٨﴾.

تنها به پروردگارت روی آور، با مبالغه در دعا از نعمت‌هایی که در نزد اوست طلب کن و با کثرت نوافل در پیشگاهش خشوع و فروتنی داشته باش.

سورۀ تین

مکی است؛ ترتیب آن 95؛ شمار آیات آن 8

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلتِّينِ وَٱلزَّيۡتُونِ ١﴾.

به انجیر و زیتون سوگند یاد می‌کنیم، از آن‌رو که در این دو میوه منافعی وجود دارد و در سرزمین مبارک فلسطین که پیامبران در آن مبعوث شده‌اند رشد و نمو می‌کنند.

﴿وَطُورِ سِينِينَ ٢﴾.

به طور سینا سوگند یاد می‌نمایم، به کوهی که خداوند أ با موسی ÷ بر رویش سخن گفت و آن مکان را با کلامش مشرّف ساخت؛ چنان‌که در قداست و نفاست امتیاز پیدا نموده.

﴿وَهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ٱلۡأَمِينِ ٣﴾.

سوگند به مکّه که جای نزول وحی، مهد رسالت و سرزمین پیامبر ج است. آنجا که مولد، مبعث و قبلۀ آنحضرت است. آری! عیسی ÷ در سرزمین انجیر و زیتون زندگی داشته، موسی ÷ در طور سینا حیاتش را سپری کرده و محمّد ج در مکّه مکرّمه تولّد یافته است.

﴿لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِيٓ أَحۡسَنِ تَقۡوِيمٖ ٤﴾.

به راستی ما انسان را به نیکو‌ترین چهره، زیبا‌ترین شکل و بهترین سیما آفریدیم؛ چنان‌که اعضای متناسب، آفرینش درست و قامت برابر برایش عطا شده است.

﴿ثُمَّ رَدَدۡنَٰهُ أَسۡفَلَ سَٰفِلِينَ ٥﴾.

بعد از آن او را با کفر ورزیدن به جایی خوار‌تر از حیوانات و گمراه‌تر از چارپایان رساندیم و آتش دوزخ را مأوایش قرار دادیم؛ از آن‌رو که به خداوند یگانۀ قهّار شریک می‌آورد.

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ مَمۡنُونٖ ٦﴾.

امّا کسانی که ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دهند پاداش بزرگ و نعمت‌های جاودانیی در جوار پروردگار مهربان برای‌شان مهیاست؛ همراه با پاداشی که قطع نمی‌شود و خیری که فنا نمی‌گردد.

﴿فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعۡدُ بِٱلدِّينِ ٧﴾.

ای انسان! چه چیزی تو را باعث شده که به زنده‌شدن بعد از مرگ و حساب اعمال تکذیب می‌نمایی؛ بعد از آنکه دلایل واضحی از کتاب و سنّت بر این دلالت می‌نماید و خداوند أ بر جمع‌آوردن مردم برای ثواب و عقاب تواناست؟

﴿أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَحۡكَمِ ٱلۡحَٰكِمِينَ ٨﴾.

آیا الله أ خداوندی نیست که روز قیامت را مقرّر داشته تا در اموری که مقدّر کرده، تصرّف و تدبیر نموده، امر و نهی فرموده، حکم کرده و خبر داده به عادلانه‌ترین طریق حکم نماید؟

سورۀ علق

مکی است؛ ترتیب آن 96؛ شمار آیات آن 19

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ ١﴾.

ای پیامبر! آنچه را از قرآن به سویت نازل شده با آغاز به نام پروردگارت که در آفرینش یگانه است بخوان؛ زیرا با خواندن، علم و معرفت حاصل می‌شود و عبادت پروردگار صورت می‌گیرد و با نام الله أ برکت، گشایش و توفیق به دست می‌آید.

﴿خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِنۡ عَلَقٍ ٢﴾.

خداوندی که وجود انسان را از پارچۀ خون سختی پدید آورد، برایش چشم و گوش ساخت، روح را در او دمید و بعد از سپری‌شدن مراتب خلقت به او زندگی بخشید.

﴿ٱقۡرَأۡ وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ ٣﴾.

آنچه را پروردگارت که احسان فراوان و بخشش فراگیر دارد بر تو نازل کرده بخوان. زود است که چون بخوانی بر تو گشایش بخشد و چون بیاموزی با توفیق فهم آیات بر تو احسان کند.

﴿ٱلَّذِي عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ ٤﴾.

خداوندی که نوشتن را به وسیلۀ قلم برای امّت‌ها آموزش داد؛ چنان‌که علوم را حفظ کردند و به تدوین اخبار و نقل آثار پرداختند. آری! قلم با وجود ناچیز و لاغرش توانایی بزرگ دارد.

﴿عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ ٥﴾.

برای انسان اموری را که نمی‌دانست آموزش داد و بدین‌گونه او را از تاریکی‌های جهل به سوی نور دانش، از حضیض غفلت به آسمان معرفت بالا برد. آری! هر بزرگواری به وسیلۀ دانش به دست می‌آید.

﴿كَلَّآ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَيَطۡغَىٰٓ ٦﴾.

مسلّماً آنگاه که انسان از ایمان خالی باشد، دارایی و ثروت او را متکبّر و سرکش می‌سازد و در ستمگری، فساد، فسق، مکر و حیله از حد می‌گذرد.

﴿أَن رَّءَاهُ ٱسۡتَغۡنَىٰٓ ٧﴾.

آنگاه که ثروتمند شود سرکشی و طغیان می‌کند و چون تقوا را گم کرد می‌بینی که هتک حرمت می‌کند، طاعات را ترک می‌نماید و به ادای حقوق نمی‌پردازد.

﴿إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلرُّجۡعَىٰٓ ٨﴾.

باید هر سرکش و بغاوتگر یقین کند که به سوی خداوند أ باز می‌گردد و بازگشت در روز حساب به سوی اوست تا عقوبت اسرافش را دریابد. آیا کسی هست که پند گیرد؟

﴿أَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي يَنۡهَىٰ ٩﴾.

آیا تعجّب نمی‌کنی از کسی که بندگان را از طاعت پروردگار بازمی‌دارد، از راه خدا منع می‌کند و مخلوق را از عبادت آفریدگار جلو‌گیری می‌نماید؟

﴿عَبۡدًا إِذَا صَلَّىٰٓ ١٠﴾.

بنده را از نماز خواندن برای پروردگارش منع می‌نماید؛‌ طوری که ابو‌جهل با پیامبر ج چنین کرد و همچنین است کسی که صدقه دهنده را از دادن صدقه باز دارد، دعوتگر را از دعوتش منع نماید و مجاهد را از جهاد جلوگیری کند.

﴿أَرَءَيۡتَ إِن كَانَ عَلَى ٱلۡهُدَىٰٓ ١١﴾.

برایم خبر بده، اگر بنده‌ای را که از نماز باز داشته بر هدایت الهی استوار باشد و بازدارنده‌اش در گمراهی، نادانی و تکذیب رسالت به سر برد.

﴿أَوۡ أَمَرَ بِٱلتَّقۡوَىٰٓ ١٢﴾.

یا اگر آن بنده دیگران را به تقوای پروردگار امر نماید، چگونه او را بازمی‌دارد؟ زیرا کسی که به صلاح و خوبی امر نماید، سزاوار است که با وی معاونت و مساعدت صورت گیرد؛ نه اینکه با او جنگ و مخالفت اِعمال شود.

﴿أَرَءَيۡتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰٓ ١٣﴾.

خبر بده که اگر بازدارنده قرآن را تکذیب نماید، از فرمان شریعت رو گرداند، گفتار پیامبر ج را دروغ پندارد و کردارشان را ترک نماید؛ یعنی به دل و زیانش تکذیب کند و با اعضای وجودش اعراض نماید، چگونه او را بازمی‌دارد؟

﴿أَلَمۡ يَعۡلَم بِأَنَّ ٱللَّهَ يَرَىٰ ١٤﴾.

آیا ندانسته که خداوند أ افعالش را می‌داند و اعمالش را می‌بیند؛ یعنی گفتارش را برمی‌شمارد و کردارش را می‌نویسد، به احوالش داناست و بازگشتش را به سوی خویش مقرّر می‌دارد؟

﴿كَلَّا لَئِن لَّمۡ يَنتَهِ لَنَسۡفَعَۢا بِٱلنَّاصِيَةِ ١٥﴾.

واقعیت این‌چنین نیست. سوگند به پروردگار که اگر این شقاوت‌پیشه، محاربه با خداوند أ و اذیت پیامبرش را ترک نکند پیشانی‌اش را به سختی می‌گیریم، او را به شدّت می‌کشانیم و بعد از آن او را با طرد و ذلّت در آتش دوزخ می‌اندازیم.

﴿نَاصِيَةٖ كَٰذِبَةٍ خَاطِئَةٖ ١٦﴾.

پیشانی‌اش پیشانیی است که در سخنانش دروغگوی و در افعالش خطا‌کار است، در ارائۀ خبر‌ها دروغ می‌گوید و در احکام خطا می‌نماید. بنابراین ارادۀ فاسد و عقیدۀ منکر دارد.

﴿فَلۡيَدۡعُ نَادِيَهُۥ ١٧﴾.

باید این شقاوت‌پیشه کسانی را که یاورش می‌دانست فراخواند و حاضر آورد تا بداند که جز حق‌تعالی یاوری ندارد و هیچ کسی عذاب را از او دفع نمی‌کند.

﴿سَنَدۡعُ ٱلزَّبَانِيَةَ ١٨﴾.

به زودی فرشتگان عذاب و زبانیۀ عقوبت را که سخت‌دل و غلیظ اند و بازوی نیرومند دارند به منظور مجازات هر بد‌کار عناد‌پیشه فراخوانیم.

﴿كَلَّا لَا تُطِعۡهُ وَٱسۡجُدۡۤ وَٱقۡتَرِب۩ ١٩﴾.

ای محمّد! واقعیت طوری که این کافر می‌پندارد نیست، بلکه تو محفوظ و منصور می‌باشی. بناءً در ترک نماز از او پیروی مکن، بلکه بیشتر به پروردگارت سجده نما و تقرّب بجوی تا قُرب و دوستی اوتعالی را به دست آوری. آری! نزدیک‌ترین حالت بنده به پروردگار هنگام به سجده‌افتادن اوست.

سورۀ قدر

مکی است؛ ترتیب آن 97؛ شمار آیات آن 5

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ ١﴾.

به راستی که ما قرآن کریم را در شب قدر از ماه رمضان فرو فرستادیم. به خاطر همین نزول قرآن کریم است که این شب در عبادت، شرافت، بزرگی و منزلت خود از هزار ماه بهتر شده است.

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ ٢﴾.

چه می‌دانی که فضیلت و شرافت شب قدر چه اندازه می‌باشد و چه قدر بزرگی و منزلت دارد؟

﴿لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ خَيۡرٞ مِّنۡ أَلۡفِ شَهۡرٖ ٣﴾.

شب با فضیلت، با کرامت و با برکت قدر در نزد خداوند أ از عبادت هزار ماه بهتر است؛ یعنی شب قدر به طور مطلق بهترین شب‌هاست.

﴿تَنَزَّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ فِيهَا بِإِذۡنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمۡرٖ ٤﴾.

در آن شب فرشتگان پروردگار رحمن با هر امری که حق‌تعالی در همان سال مقدّر کرده، همراه با جبرئیل ÷ که بزرگوار‌ترین‌شان در نزد خداوند أ است از آسمان فرود می‌آیند و به خاطر فضیلت این شب است که نزول فرشتگان بدان اختصاص یافته است.

﴿سَلَٰمٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطۡلَعِ ٱلۡفَجۡرِ ٥﴾.

این شب همه‌اش آرامش و سلامتی است، از اول تا آخرش برکت است، بدی و فتنه‌ای در آن نیست و ناخجسته‌گی و خطری از نخستین لحظاتش تا هنگام طلوع بامداد وجود ندارد.

سورۀ بیّنه

مدنی است؛ ترتیب آن 98؛ شمار آیات آن 8

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿لَمۡ يَكُنِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتَّىٰ تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ١﴾.

اهل کتاب و مشرکان کفر‌شان را ترک نمی‌کنند تا نشانه‌ای را برای آنان بیاوری که در کتاب‌های‌شان ذکر شده و بدان وعده صورت گرفته است.

﴿رَسُولٞ مِّنَ ٱللَّهِ يَتۡلُواْ صُحُفٗا مُّطَهَّرَةٗ ٢﴾.

این نشانه و علامه، بعثت پیامبر خاتم حضرت محمّد ج است که قرآن کریم را می‌خواند؛ کتابی را که در صحیفه‌ها نوشته شده و از ناپاکی و پلیدی منزّه و پاکیزه است.

﴿فِيهَا كُتُبٞ قَيِّمَةٞ ٣﴾.

در صفحات این کتاب خبر‌های راستین، احکام عادلانه، فرمان‌های نافع، قصّه‌های مفید و برنامه‌های بزرگواری است که به سوی حقّانیت، فضیلت و هدایت رهنمایی می‌نماید.

﴿وَمَا تَفَرَّقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ ٤﴾.

اهل کتاب دربارۀ درستی نبوّت محمّد ج اختلاف نورزیدند، مگر به سبب اینکه بعد از بعثت آنحضرت، حسد و بغاوت آنان را بدین امر کشاند؛ زیرا نخست همه مطابق هدایت کتاب‌های خویش بر این اتّفاق داشتند که آنحضرت پیامبر الهی است و از نزد خداوند أ آمده است، اما بعد از آن انکار ورزیدند و درباره‌اش اختلاف کردند.

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ ٥﴾.

توسط کتاب‌ها و پیامبران خود به چیزی جز عبادت مخلصانۀ خداوند أ برگشت از شرک، اقامۀ نماز و ادای زکات مأمور نشده بودند. آری! این‌ها اساس دین همه پیامبران الهی است و احکام دینی است که حق‌تعالی جز آن را از کسی نمی‌پذیرد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ شَرُّ ٱلۡبَرِيَّةِ ٦﴾.

به راستی که جایگاه یهودیان، نصرانیان و مشرکانی که کافر شدند آتش دوزخ است که در‌ آن همیشه ماندگار خواهند بود. آنان بیشتر از همه مردم، اعمال بد و گناهان بزرگی را انجام دادند؛ زیرا قرآن را تکذیب نمودند، از پیامبر ج انکار کردند و با حق جنگیدند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ خَيۡرُ ٱلۡبَرِيَّةِ ٧﴾.

امّا کسانی که به خداوند أ ایمان آوردند و با اخلاصمندی و اتّباع، عمل‌های شایسته انجام دادند بهترین و برگزیده‌ترین مخلوقات می‌باشند؛ زیرا فرمان حق‌تعالی را عملی کردند، از نواهی‌اش اجتناب نمودند، از پیامبرش پیروی داشتند و به هدایتش رهنمون شدند.

﴿جَزَآؤُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَشِيَ رَبَّهُۥ ٨﴾.

پاداش‌شان در نزد خداوند أ و در روز قیامت، بهشت‌های جاودان نهایت زیبا و پسندیده‌ای است که از زیر درختانش جوی‌ها جاری است، در جایگاه راستین و مقام امن و سلامتی قرار دارند و از نعمت‌های ماندگار و رستگاری بزرگی برخوردار‌اند. علاوه بر این نعمت‌ها، رضوان پروردگار کریم و خداوند رحمن و رحیم برای‌شان میسّر است؛ طوری که اعمال‌شان را قبول می‌کند و کرامتش را بر ایشان فراوان می‌سازد. ایشان نیز در برابر این نعمت‌ها از اوتعالی راضی می‌شوند و این جزای کسانی است که با انجام اوامر و اجتناب از نواهی از مولای خویش بترسند.

سورۀ زلزله

مدنی است؛ ترتیب آن 99؛ شمار آیات آن 8

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿إِذَا زُلۡزِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ زِلۡزَالَهَا ١﴾.

آنگاه که زمین به لرزۀ شدیدی گرفتار آید، به سختی تکان خورد و جنبشی بزرگ آن را فرا‌گیرد؛ چنان‌که زیر و زبرش دگرگون شود و نشانه‌هایش تغییر یابد.

﴿وَأَخۡرَجَتِ ٱلۡأَرۡضُ أَثۡقَالَهَا ٢﴾.

موجوداتی را که در میان دارد، مردگان و گنج‌هایی را که در بطنش جای داده همه را بر رویش بیرون افگند تا برای روز قیامت آماده شود.

﴿وَقَالَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا لَهَا ٣﴾.

انسان را حیرت فرا‌گیرد، از خود رفته و مدهوش شود، با گرفتاری به دهشت و با بیخودی سؤال کند که چه بلایی بر سر زمین آمده و به چه مصیبتی گرفتار شده است؟

﴿يَوۡمَئِذٖ تُحَدِّثُ أَخۡبَارَهَا ٤﴾.

زمین در روز قیامت به همه اعمال خوب و بد، صلاح و فساد و حقّ و باطلی که بر رویش انجام شده خبر می‌دهد تا بر هر‌یک گواه باشد.

﴿بِأَنَّ رَبَّكَ أَوۡحَىٰ لَهَا ٥﴾.

در این هنگام حق‌تعالی بر زمین فرمان می‌دهد تا به همه اعمالی که بر رویش انجام شده خبر دهد، هیچ خبری را بپوشد و از هیچ امری انکار نکند، از این‌رو به همه اعمال خورد و بزرگ اقرار می‌دهد.

﴿يَوۡمَئِذٖ يَصۡدُرُ ٱلنَّاسُ أَشۡتَاتٗا لِّيُرَوۡاْ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٦﴾.

در این هنگام گروه‌های مختلف مردم به سوی حکم فیصله کنندۀ الهی باز می‌گردند تا نتایج اعمال نیک و بد و طاعات و معاصی خویش را مشاهده کنند.

﴿فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ ٧﴾.

هر که عمل خیری را به اندازۀ وزن مور کوچکی انجام دهد پاداش آن را در نزد پروردکارش درمی‌یابد. بنابراین نباید فاعل خیر، عمل ‌اندک را حقیر شمارد؛ زیرا عمل ‌اندک با نیّت خالص و صداقت، بزرگ می‌باشد؛ چنان‌چه تبسّم صدقه به شمار می‌رود.

﴿وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ ٨﴾.

و کسی که عمل بدی را به اندازۀ وزن مور کوچکی انجام دهد، جزای آن را در نزد پروردگارش درمی‌یابد. بنابراین نباید فاعل کار بد، عمل بدش را اگرچه اندک هم باشد حقیر بشمارد؛ زیرا گفتن یک کلمۀ دروغ زیاد است و با اصرار بر گناه صغیره‌ای وجود ندارد.

سورۀ عادیات

مکی است؛ ترتیب آن 100؛ شمار آیات آن 11

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلۡعَٰدِيَٰتِ ضَبۡحٗا ١﴾.

سوگند به اسپان دونده، تندرو و تیزگام جهاد که با شدّت دویدن و سرعت رفتار شیهه می‌کشند و این آواز در آن هنگام زیبا‌ترین و خوشایند‌ترین پدیده‌ای است.

﴿فَٱلۡمُورِيَٰتِ قَدۡحٗا ٢﴾.

به اسپانی که از تیزگامی و شدّت سرعت در دویدن با سُم‌های خود آتش افروزی می‌کنند؛ یعنی با قدم‌های خویش شرر می‌پراکنند.

﴿فَٱلۡمُغِيرَٰتِ صُبۡحٗا ٣﴾.

به اسپانی که با طلوع صبح در بامدادان، در دویدن به سوی دشمنان سبقت می‌جویند و دلیر‌مردان را با شأن و شوکت به سوی میدان جنگ حمل می‌کنند.

﴿فَأَثَرۡنَ بِهِۦ نَقۡعٗا ٤﴾.

با دویدن خویش غبار‌ها را می‌پراکنند و با تیزگامی خاک‌ها را به هوا می‌پاشند؛ از آن‌رو که سرعت زیاد دارند و قدم‌های خود را با قوّت به زمین می‌کوبند.

﴿فَوَسَطۡنَ بِهِۦ جَمۡعًا ٥﴾.

در نتیجه این اسپان، دلیر‌مردان را در ساحۀ جنگ و میان دشمنان وارد می‌آورند؛ طوری که در حومۀ بانگ و خروش، میان معرکه و قلب دشواری‌ها قرار می‌گیرند.

﴿إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لِرَبِّهِۦ لَكَنُودٞ ٦﴾.

به راستی که انسان از نعمت‌های پررودگارش انکار می‌ورزد، از احسان الهی چشم‌پوشی می‌نماید و به بخشش‌های مولایش کفران می‌کند؛ یعنی شکرش ناچیز یا معدوم است.

﴿وَإِنَّهُۥ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٞ ٧﴾.

هر آینه انسان بر انکارش اقرار و اعتراف می‌دارد، بر افعال بدش گواهی می‌دهد و تقصیرش را اعلان می‌دارد.

﴿وَإِنَّهُۥ لِحُبِّ ٱلۡخَيۡرِ لَشَدِيدٌ ٨﴾.

او بیش از حد به مال و ثروت محبّت می‌ورزد، به متاع دنیا دل‌ بسته، دوست‌دار دارایی و عاشق دنیاست و بر جمع‌آوری ثروت حریص است.

﴿۞أَفَلَا يَعۡلَمُ إِذَا بُعۡثِرَ مَا فِي ٱلۡقُبُورِ ٩﴾.

آیا انسان نمی‌داند که وقتی از قبرش برای حشر و حساب بیرون شود و حضور یابد چه چیزی در انتظار اوست؟ یعنی او را چه رسیده که غافل و خطاکار است و در لهو و بازی مصروف می‌باشد.

﴿وَحُصِّلَ مَا فِي ٱلصُّدُورِ ١٠﴾.

در آن هنگام اموری که در سینه‌هاست بیرون‌آورده می‌شود، آنچه در ضمیر‌ها و خاطره‌هاست آشکار می‌شود و راز‌ها کشف می‌گردد.

﴿إِنَّ رَبَّهُم بِهِمۡ يَوۡمَئِذٖ لَّخَبِيرُۢ ١١﴾.

به راستی که خداوند أ به اعمال بندگانش باخبر است و به کوشش مخلوقاتش بیناست. هیچ امری از او پوشیده نیست و هیچ رازی از او غایب نمی‌ماند؛ زیرا او به هر چیزی داناست.

سورۀ قارعه

مکی است؛ ترتیب آن 101؛ شمار آیات آن 11

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿ٱلۡقَارِعَةُ١﴾.

قیامت که دل‌ها را با هولناکی‌اش می‌کوبد، عالم را با آوازش تکان می‌دهد، مردم را غافلگیر می‌نماید و عقل‌ها را دهشت می‌افکند؛ زیرا بزرگ‌ترین حالت و سخت‌ترین اندوهی است.

﴿مَا ٱلۡقَارِعَةُ ٢﴾.

چه قدر حادثۀ عظیم و غم خطرناکی است، چه اندازه وحشتش سخت و وقوع آن امر بزرگی است. آری! بلند‌تر از آن است که توصیف شود.

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡقَارِعَةُ ٣﴾.

چه چیز تو را بدان دانا ساخته است؟ آری! تو به احوال‌دشوار، وضع هولناک، حادثه‌های ترس‌آور و مواقف غافل‌کننده‌اش آگاهی نداری.

﴿يَوۡمَ يَكُونُ ٱلنَّاسُ كَٱلۡفَرَاشِ ٱلۡمَبۡثُوثِ ٤﴾.

در آن روز مردم از کثرت تعداد، هولناکی و ترس، داد و فریاد و پراکندگی خویش مانند پروانه‌هایی‌اند که در‌ آتش افتاده باشند؛ زیرا افکار ربوده‌شده و اندیشه‌ها به حیرت افتاده است.

﴿وَتَكُونُ ٱلۡجِبَالُ كَٱلۡعِهۡنِ ٱلۡمَنفُوشِ ٥﴾.

در آن روز کوه‌ها مانند پشم‌های ندّافی شده‌ای هستند و چون غباری در هوا پراکنده‌اند؛ زیرا سخت تکان می‌خورند، بر‌کنده می‌شوند و از جای خویش به دور می‌افتند.

﴿فَأَمَّا مَن ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ ٦﴾.

آنگاه هر که حسناتش در ترازوی اعمال گران‌آید، اعمال نیکش بیشتر باشد و کار‌های خیرش ترجیح یابد که گوارا، پاکیزه و مایۀ خورسندی است.

﴿فَهُوَ فِي عِيشَةٖ رَّاضِيَةٖ ٧﴾.

او در زندگانی پاکیزه و با عزّت، در بهشت‌های پر از نعمت، در جایگاه راستین و مقام امن، در مجلس سلامتی و محلّ انس، با شادمانی و کامرانی و در نور و سرور به سر می‌برد.

﴿وَأَمَّا مَنۡ خَفَّتۡ مَوَٰزِينُهُۥ ٨﴾.

امّا کسی که ترازوی حسناتش سبک باشد، پلّۀ اعمال خیرش به علّت کمبود حسناتش گرانی نداشته باشد، بلکه گناهانش ترجیح یابد که دور از رحمت است و وای باد به حالش از آنچه در انتظار اوست.

﴿فَأُمُّهُۥ هَاوِيَةٞ ٩﴾.

کوشش چنین کسی بی‌اثر مانده، خواری نصیبش شده، دوزخ جایگاهش گردیده و آتش منزل‌گاه اوست؛ چون به سبب عصیانگری خداوند جبّار هلاکت به سراغش رسیده است. و این جایگاه بدان سبب هاویه نامیده شده که صاحبش را به قعرش فرو ‌‌می‌برد.

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا هِيَهۡ ١٠﴾.

چه می‌دانی که هاویه چیست؟ به راستی که اهلش از سطح آن به قعرش فرو می‌رود تا عذاب سختی را با طوق‌های آهنین و استفاده از زقّوم و صدید دریابد.

﴿نَارٌ حَامِيَةُۢ ١١﴾.

«هاویه» آتش‌سوزان، برافروخته و پایداری است که افروختگی‌اش سستی نمی‌پذیرد، شعله‌اش خاموش نمی‌شود و حرارتش به سردی نمی‌گراید.

سورۀ تکاثر

مکی است؛ ترتیب آن 102؛ شمار آیات آن 8

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿أَلۡهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ ١﴾.

تفاخر به دارایی و فرزندان، زیاده‌خواهی از دنیای فانی و بی‌میلی به جهان باقی شما را از عبادت خداوند أ به خود مشغول ساخته است؛ طوری که آخرت را به خاطر دنیا فراموش کردید.

﴿حَتَّىٰ زُرۡتُمُ ٱلۡمَقَابِرَ ٢﴾.

گرفتاری‌تان به دنیا استمرار یافت تا مردید و به قبرستان‌ها انتقال یافتید؛ یعنی غفلت به اندازه‌ای بر شما غلبه کرده که عمل برای آخرت را فراموش نمودید.

﴿كَلَّا سَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٣﴾.

برای شما مناسب نیست که با اعراض از جهان پایدار به دنیای فانی مشغول شوید. به زودی برای‌تان آشکار خواهد شد که آخرت از دنیای زودگذر بهتر و ماندگار‌تر است.

﴿ثُمَّ كَلَّا سَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٤﴾.

به زودی اختیار بد‌تان در تقدیم دنیا بر آخرت آشکار می‌شود و زشتی مصروف‌شدن به دنیا با اعراض از طاعت الهی برای‌تان واضح خواهد شد.

﴿كَلَّا لَوۡ تَعۡلَمُونَ عِلۡمَ ٱلۡيَقِينِ ٥﴾.

اگر حقّانیت را درک می‌کردید و می‌دانستید، چنین عملکردی برای‌تان مناسب نبود، دارایی و فرزندان شما را به خود مصروف نمی‌کرد و متاع ناچیز دنیا شما را از توشه‌گیری برای آخرت باز نمی‌داشت.

﴿لَتَرَوُنَّ ٱلۡجَحِيمَ ٦﴾.

سوگند به پروردگار که آتش دوزخ را با چشمان‌تان مشاهده می‌کنید و آن را آشکار می‌بینید. آیا عمل نجات‌بخشی را انجام داده‌اید که شما را از دخول به دوزخ نجات دهد و دور سازد؟

﴿ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيۡنَ ٱلۡيَقِينِ ٧﴾.

باز سوگند یاد می‌کنم که بدون شکّ و شبهه آتش دوزخ را می‌بینید و مشاهده می‌کنید. بنابراین برای روز بازگشت آمده شوید و با طاعت پروردگار یگانۀ قهّار از آتش دوزخ دوری می‌گزینید.

﴿ثُمَّ لَتُسۡ‍َٔلُنَّ يَوۡمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ ٨﴾.

و باز سوگند یاد می‌نمایم که در روز قیامت از همه این نعمت‌ها مورد بازپرس قرار می‌گیرید که آیا در برابرش پروردگار‌تان را شکر‌گزاری کردید؟ و آیا بینایی، شنوایی، دارایی، فرزندان، خوردنی‌ها، پوشیدنی‌‌ها و دارو‌ها و همچنان آب، هوا، روشنی و دیگر نعمت‌ها را در طاعت پروردگار به کار بردید یا خیر؟

سورۀ عصر

مکی است؛ ترتیب آن 103؛ شمار آیات آن 3

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَٱلۡعَصۡرِ ١﴾.

به زمانه سوگند یاد می‌کنم که وقت حیات جوامع انسانی و ظرف انجام اعمال و کارهاست و عُمر دنیا را تشکیل می‌دهد.

﴿إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ٢﴾.

به راستی که اگر فرزندان آدم به خداوند عزیز و آمرزگار ایمان نیاورند هلاک و تباه می‌شوند و آنگاه که ایمان را ترک کنند در خساره و زیان به سر می‌برند.

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ ٣﴾.

مگر کسانی که به خداوند أ ایمان آورند، از پیامبرش اطاعت نمایند، اعمال صالح و مشروع را انجام دهند، یکدیگر‌شان را به حق –که ارمغان رسالت پیامبر ج و عمل به طاعات الهی است- وصیت کنند و یکدیگر خویش را به صبر –که انجام اوامر، پرهیز از نواهی و رضا به مقدّرات است- توصیه نمایند. آری! ایمان باور داشتن و عمل صالح توشۀ راه است، حق مراد و صبر آمادگی است و هر که همه این‌ها را جمع کند بهترین بندگان در دنیا و آخرت است.

سورۀ هُمزه

مکی است؛ ترتیب آن 104؛ شمار آیات آن 9

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿وَيۡلٞ لِّكُلِّ هُمَزَةٖ لُّمَزَةٍ ١﴾.

هلاکت و تباهی بر هر غیبت‌گر مسلمانان باد که بر مؤمنان طعن وارد می‌کند، جویای عیب‌هاست، از مناقبت چشم می‌پوشد و زبانش مانند قیچی آبروها را قطع می‌کند.

﴿ٱلَّذِي جَمَعَ مَالٗا وَعَدَّدَهُۥ ٢﴾.

آنکه با حرص، طمع و آزمندی به جمع و ذخیرۀ ثروت می‌پردازد، حقوق اموال را با بخالت ادا نمی‌نماید، بلکه خادم و خازنش می‌شود و با مصروف‌شدن به دنیا از طاعات الهی اعراض می‌کند.

﴿يَحۡسَبُ أَنَّ مَالَهُۥٓ أَخۡلَدَهُۥ ٣﴾.

می‌پندارد مالی را که جمع آورده است جاودانگی در دنیا، سلامت از آفات، گریز از مرگ و رهایی از ملاقات با خداوند أ را برایش تضمین می‌نماید.

﴿كَلَّاۖ لَيُنۢبَذَنَّ فِي ٱلۡحُطَمَةِ ٤﴾.

هر‌گز واقعیت مطابق پندارش نیست. به زودی او را در آتشی می‌اندازیم که اعضا و استخوان‌هایش را در هم می‌کشند و اجزای وجودش را می‌ساید تا جزای آزمندی، طمعگاری و ذخیره‌کردنش را دریابد.

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡحُطَمَةُ ٥﴾.

چه می‌دانی که حقیقت این آتش چیست؟ آتشی است که عقوبت‌های هول‌انگیز و زنجیر‌های هراسناک دارد، قابل ترس و هراس است و سزاوار است که از آن حذر شود.

﴿نَارُ ٱللَّهِ ٱلۡمُوقَدَةُ ٦﴾.

این آتش خداوندی است که آن را برای دشمنان بر‌افروخته و مشتعل ساخته، برای مستحقّان آماده کرده و عذاب و عقوبتش بالاتر از وصف است.

﴿ٱلَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى ٱلۡأَفۡ‍ِٔدَةِ ٧﴾.

آتشی است که از شدّت حرارت وشعلۀ پیش از حدّش از بدن‌ها به دل‌ها نفوذ می‌کند و اطراف وجود را تا درون شکم پاره می‌کند؛ یعنی بیرون و درون جسم را می‌سوزاند.

﴿إِنَّهَا عَلَيۡهِم مُّؤۡصَدَةٞ ٨﴾.

این آتش اهل خود را طور کامل فرا می‌گیرد و از آن بیرون نمی‌شوند، بلکه در آن همیشه ماندگار‌اند؛ نه قطع می‌شود و نه تخفیف می‌یابد.

﴿فِي عَمَدٖ مُّمَدَّدَةِۢ ٩﴾.

این آتش بر ستون‌هایی فرش‌شده که در حرارتش با پشت‌ها و بطن‌های خویش از حالی به حالی تغییر می‌یابند و چنان است که از اثر شعلۀ آتش بگداخته است. هر باری که خواستار تخفیف می‌شوند، خداوند أ عذاب را بر آنان مزید می‌سازد.

سورۀ فیل

مکی است؛ ترتیب آن 105؛ شمار آیات آن 5

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿أَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصۡحَٰبِ ٱلۡفِيلِ ١﴾.

آیا نمی‌دانی که چگونه خداوند أ «ابرهه» صاحب فیل‌ها و لشکرش را که ارادۀ تخریب خانۀ کعبه داشتند عذاب نمود؟ آنان را هلاک ساخت، تباه کرد و بنیاد‌شان را بر‌انداخت.

﴿أَلَمۡ يَجۡعَلۡ كَيۡدَهُمۡ فِي تَضۡلِيلٖ ٢﴾.

آیا کید آنان را باطل نکرد، تلاش‌شان را بی‌نتیجه نساخت و تدبیر آن‌ها را ضایع نگردانید؟ آری! جمعیت آنان را پراکنده نمود، ساز و برگ‌شان را بر‌انداخت و امکانات آن‌ها را هلاک و تباه کرد.

﴿وَأَرۡسَلَ عَلَيۡهِمۡ طَيۡرًا أَبَابِيلَ ٣﴾.

جماعت‌هایی پی‌درپی و گروه‌های به هم پیوسته‌ای از پرندگان را بر آنان فرستاد و چون بی‌ارزش بودند لشکری را بر آنان فرود نیاورد، بلکه پرندگان آنان را کفایت نمود.

﴿تَرۡمِيهِم بِحِجَارَةٖ مِّن سِجِّيلٖ ٤﴾.

پرندگان سنگ‌هایی از گِل پخته را از آسمان بر‌ آنان می‌زدند. هیچ تیری خطا نمی‌رفت، همه به هدف اصابت می‌کرد و برای هر شخص سنگی معیّن شده بود. آری! پروردگار از فرشتگان، پرندگان و انسان‌ها لشکر‌هایی دارد.

﴿فَجَعَلَهُمۡ كَعَصۡفٖ مَّأۡكُولِۢ ٥﴾.

در نتیجه آنان را مانند برگ‌های خشک، شکسته و پراکنده‌ای ساخت که چارپایان آن‌ها را خورده و پامال نموده باشد؛ یعنی در روی زمین پراکنده شدند، بدن‌های آنان پاره پاره شد و جمع آنان متفرّق گردید.

سورۀ قریش

مکی است؛ ترتیب آن 106؛ شمار آیات آن 4

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿لِإِيلَٰفِ قُرَيۡشٍ ١﴾.

آیا از اجتماع، ائتلاف و انتظام کار قبیلۀ قریش و از اینکه خداوند أ اسباب معاش را برای‌شان مهیّا کرد تعجّب نمی‌کنید؟

﴿إِۦلَٰفِهِمۡ رِحۡلَةَ ٱلشِّتَآءِ وَٱلصَّيۡفِ ٢﴾.

چگونه به سفر زمستانی به سوی یمن و در سفر تابستانی به سوی شام اتّفاق نمودند و چطور برای‌شان آسان شد تا به رزق و روزی و نیازمندی‌های حیات خویش دست یابند؟ این همه سهولت از جانب حق‌تعالی است، چرا به شکرانش نمی‌پردازند؟!

﴿فَلۡيَعۡبُدُواْ رَبَّ هَٰذَا ٱلۡبَيۡتِ ٣﴾.

باید خداوند یگانه‌ای که پروردگار خانۀ کعبه است ایمان بیاورند؛ کعبه‌ای که با آن بزرگواری یافتند به همجواری بدان افتخار می‌نمایند؛ یعنی باید پروردگار بزرگ را با انجام طاعات، پیروی از پیامبر ج و اخلاص عبادت برای اوتعالی شکر‌گزار باشند.

﴿ٱلَّذِيٓ أَطۡعَمَهُم مِّن جُوعٖ وَءَامَنَهُم مِّنۡ خَوۡفِۢ ٤﴾.

خداوندی که تنها او در گرسنگی شدید طعام‌شان داد و از ترس بزرگی امان‌شان بخشید. آری! غذا و امنیت از اسباب حیات‌اند و حق‌تعالی هردو را برای‌شان ضمانت نمود و نیز گرسنگی و ترس دو خطر‌اند که زندگی را غم اندود و تیره می‌سازند، امّا اوتعالی ایشان را از هردو نجات داد.

سورۀ ماعون

مکی است؛ ترتیب آن 107؛ شمار آیات آن 7

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿أَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي يُكَذِّبُ بِٱلدِّينِ ١﴾.

آیا به حال کسی که روز قیامت را دروغ می‌پندارد تعجّب نمی‌کنی؟ آیا نمی‌بینی که از همین براهین دین با وجود درستی آن‌ها انکار می‌ورزد و به دلایلی که وقوع آن روز را به اثبات می‌رساند تکذیب می‌کند.

﴿فَذَٰلِكَ ٱلَّذِي يَدُعُّ ٱلۡيَتِيمَ ٢﴾.

این تکذیب کننده که طبعی غلیظ، فطرتی خشونت‌آمیز و دلی سخت دارد، یتیم را با درشتی از حقّش باز می‌دارد و بر حال ناتوانش رحم نمی‌کند؛ زیرا وقتی به روز حساب تکذیب کرد، نه امیدوار پاداشی است و نه از عقوبتی می‌ترسد.

﴿وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ ٣﴾.

دیگران را به طعام‌دادن برای مسکینان تشویق نمی‌کند و فرا نمی‌خواند؛ چه رسد که خود طعام‌شان دهد. بنابراین هم خود بخیل است، هم مردم را به بخل امر می‌کند؛ هم از حقّ بندگی آفریدگار منکر است، هم از حقّ معامله با مخلوق انکار می‌ورزد.

﴿فَوَيۡلٞ لِّلۡمُصَلِّينَ ٤﴾.

عذاب سخت و زیانمندی حقیقی متوجّه نماز‌گزارانی است که در نماز‌ها سهل‌انگاری دارند و طبق میل خود به ادای آن می‌پردازند؛ زیرا در شهوات خویش مصروف و فرو رفته‌اند.

﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ عَن صَلَاتِهِمۡ سَاهُونَ ٥﴾.

آنان‌که از نماز خویش غفلت دارند، بدین طریق که با تأخیر وقت به ادایش می‌پردازند، در ادایش خلل وارد می‌نماید و به مقتضایش که نهی از فحشا و منکرات است عمل نمی‌کنند؛ یعنی نماز را با تأخیر وقت، نادرستی در کیفیت ادا و عدم امتثال حکمش ضایع می‌نمایند.

﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ يُرَآءُونَ ٦﴾.

آنان‌که اعمال را به منظور نشان‌دادن به مردم انجام می‌دهند و در انجامش به خداوند أ اخلاص ندارند. آری! عمل شخص ریا‌کار فاسد است؛ زیرا به سبب ذلّت‌نفس، زشتی باطن و بی‌مقداری خود مراعات مخلوق را داشته و آفریدگار را فراموش کرده است.

﴿وَيَمۡنَعُونَ ٱلۡمَاعُونَ ٧﴾.

چیز‌هایی را که به خیر دیگران است و عاریتش ضرری ندارد از مردم باز‌می‌دارند؛ یعنی خیر‌شان را باز می‌دارند، سائلان را دفع نمی‌نمایند، نه در عبادت پروردگار اخلاص دارند و نه به مخلوقات نفعی می‌رسانند، بلکه سنگین‌دلان جفا‌کار و بخیلان ریا‌کار هستند.

سورۀ کوثر

مکی است؛ ترتیب آن 108؛ شمار آیات آن 3

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿إِنَّآ أَعۡطَيۡنَٰكَ ٱلۡكَوۡثَرَ ١﴾.

ای پیامبر بزرگوار! به راستی ما برایت خیر کثیر و عظیمی را در دنیا با نصرت و کامیابی عطا نمودیم و در آخرت با جوی کوثر بخشیدیم؛ آنکه از عسل شیرین‌تر و از شیر سفید‌تر است، هردو کنارش از مروارید و سرشتش از مشک است. کوثر، کرامتی است که ویژۀ توست؛ زیرا تو در نزد خداوند أ از جایگاه بلندی برخوردار هستی.

﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنۡحَرۡ ٢﴾.

وقتی حق‌تعالی این بخشش‌های بزرگ را برایت بخشید، نماز و هر عبادت دیگر را برای پروردگارت خالص گردان، برای رضای او ذبح کن و هر عبادت بدنی و مالی را خاص به پیشگاه اوتعالی تقدیم نما.

﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ ٱلۡأَبۡتَرُ ٣﴾.

به راستی کسی که با تو و حقّ و هدایتی که آورده‌ای کینه ورزد بی‌خیر، دُم‌بریده و بی‌برکت است. امّا خیر و برکت چون ذکر نیکو، نافع دوام‌دار، پاداش جاودانی و آثار ماندگار همه برای تو میسّر است.

سورۀ کافرون

مکی است؛ ترتیب آن 109؛ شمار آیات آن 6

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ١﴾.

ای پیامبر! برای کسانی که به خداوند أ و رسولش کافر شدند و به آیاتش تکذیب کردند بگو.

به منظور توبیخ و تقبیح، به وصف کفر یاد‌آوری شدند تا مورد مذمّت قرار گیرند و از آنان برائت جسته شود؛ همچنان که این مفهوم وصف لازمی آنان نیز می‌باشد.

﴿لَآ أَعۡبُدُ مَا تَعۡبُدُونَ ٢﴾.

بت‌ها و مجسّمه‌هایی را که شما عبادت می‌کنید من عبادت نمی‌کنم، بلکه خداوند رحمان را عبادت می‌کنم و با شیطان دشمنی می‌ورزم. به تلاوت قرآن می‌پردازم و از این دروغ و بهتان برائت می‌جویم.

﴿وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٣﴾.

همچنان شما پروردگار یگانۀ یکتایی را که سزاوار پرستش است و من عبادتش می‌نمایم عبادت نمی‌کنید؛ زیرا به او شرک ورزیدید، پیامبرش را تکذیب نمودید و با دینش جنگیدید؛ چون شما دشمنان او هستید.

﴿وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٞ مَّا عَبَدتُّمۡ ٤﴾.

به همین‌گونه من نیز –بعد از اینکه خداوند أ مرا با دین اسلام هدایت فرمود- در آینده بت‌های شما را عبادت نمی‌کنم. چگونه به پروردگارم که مرا آفریده و روزی داده کافر می‌شوم!

﴿وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٥﴾.

شما هم در آیندۀ نزدیک، معبود و آفریدگار مرا عبادت نمی‌نمایید؛ زیرا بر دل‌های شما مُهر کفر زده شده، شقاوت شما مقدّر شده و نزول عذاب بر شما محقّق گردیده است.

﴿لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ ٦﴾.

شما با دین باطل‌تان باشید که با سرکشی و عناد آن را لازم گرفته‌اید و با بغاوت و تجاوز بر پیروی‌اش اصرار می‌ورزید. و من با دین مقرون به حقّم خواهم بود که پروردگارم مرا بدان هدایت نموده و غیر این دین چیزی دیگری را طلب نمی‌کنم و اراده ندارم؛ یعنی شما گمراهی را لازم گرفته‌اید و من بر هدایت ثابت می‌باشم.

سورۀ نصر

مدنی است؛ ترتیب آن 110؛ شمار آیات آن 3

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿إِذَا جَآءَ نَصۡرُ ٱللَّهِ وَٱلۡفَتۡحُ ١﴾.

آنگاه که پیروزی‌ات بر کافران کامل شد، کامیاب و مظفّر شدی، مردم به دینت نزدیکی جستند، حق‌تعالی برای گشایش عطا کرد، دل‌ها، چشم‌ها و گوش‌ها را برای قبول دینت گشود و مکّه و سایر شهر‌ها را به دست تو فتح کرد.

﴿وَرَأَيۡتَ ٱلنَّاسَ يَدۡخُلُونَ فِي دِينِ ٱللَّهِ أَفۡوَاجٗا ٢﴾.

و مردم را دیدی که گروه گروه به دین اسلام رو‌آوردند، قبایل و جماعت‌های پی‌درپی برای بیعت حاضر آمدند و عرب و عجم به تو نزدیکی جستند.

﴿فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَٱسۡتَغۡفِرۡهُۚ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَۢا ٣﴾.

حصول این امور نشانۀ نزدیکی نهایت عُمر توست، بنابراین با ذکر بسیار، برای ملاقات پروردگارت آماده شو؛ زیرا ذکر او توشۀ ابرار است؛ یعنی به تسبیح که تنزیه از عیب‌هاست و به حمد که اثبات همه ستایش‌هاست ادامه بده. همچنان بسیار آمرزش بخواه تا نواقص و خطاهایت را جبران نمایی؛ زیرا با استغفار نعمت‌ها دوام می‌یابد و عقوبت‌ها دور می‌گردد. حق‌تعالی توبۀ توبه‌گاران را می‌پذیرد؛ زیرا او آمرزندۀ گناهان و پوشاندۀ عیب‌هاست، بازگشت را استقبال می‌کند، لغزش‌ها را محو می‌نماید و از خطا‌ها گذشت دارد.

سورۀ مسد

مکی است؛ ترتیب آن 111؛ شمار آیات آن 5

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿تَبَّتۡ يَدَآ أَبِي لَهَبٖ وَتَبَّ ١﴾.

هر‌دو دست ابی‌لهب شقاوت‌پیشه هلاک و زیانمند باد! او که از حساب اعمال انکار کرد، کتاب الهی را تکذیب نمود، پیامبر ج را آزار داد، با دین و شریعت مقابله نمود و در مالش بخالت ورزید.

﴿مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُ مَالُهُۥ وَمَا كَسَبَ ٢﴾.

مال و منالش فایده‌ای به او نرساند، به دفاعش نپرداخت و خشم خداوند أ را رد ننمود، بلکه با اعمال ناپسند، خویشتن را با اهل و مالش به زیانمندی گرفتار ساخت.

﴿سَيَصۡلَىٰ نَارٗا ذَاتَ لَهَبٖ ٣﴾.

به زودی با آتش شعله‌وری سوختانده می‌شود، در عذاب دوزخ بریان می‌گردد و به جزای دشوار اعمال خویش در عذاب شدیدی گرفتار خواهد شد؛ چنان‌چه جزای هر شخص ستمگر عناد‌پیشه همین است.

﴿وَٱمۡرَأَتُهُۥ حَمَّالَةَ ٱلۡحَطَبِ ٤﴾.

همسرش نیز با او عذاب می‌شود؛ زیرا رسول الله ج را اذیت نمود، با اسلام به ستیزه پرداخت، از راه خدا جلو‌گیری کرد و خار‌ها را در راه می‌انداخت.

﴿فِي جِيدِهَا حَبۡلٞ مِّن مَّسَدِۢ ٥﴾.

ریسمانی که با آن هیزم می‌کشید، طنابی از لیف ‌خشن می‌شود و طوق‌ گردنش می‌گردد. توسط آن آتش دوزخ بر او زبانه می‌کشد، گلویش را فشار می‌دهد و او را به سوی دوزخ می‌کشاند.

سورۀ اخلاص

مکی است؛ ترتیب آن 112؛ شمار آیات آن 4

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١﴾.

ای پیامبر! بگو که الله أ خداوندی است که در الوهیت یگانه است و کسی شریکش نیست. او در ذات، نام‌ها و صفاتش یکتاست، با هیچ‌یک از مخلوقاتش همانند نیست، هیچ‌یک از مخلوقات با او همانندی ندارند و در کمال، جلال و جمالش یگانه است.

﴿ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢﴾.

الله أ خداوندی یگانه‌ای است که مخلوقات برای بر‌آوره‌شدن نیاز‌های خویش به او رجوع می‌کنند. او سیّد و صاحب اختیار همه چیز‌هاست و سیادت و اختیار کامل مخصوص اوست، بعد از نابودی بندگانش باقی است، به طعام نیازی ندارد و او را خواب و غفلت فرا‌نمی‌گیرد.

﴿لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣﴾.

از داشتن همسر، پدر و فرزندان مبرّاست. از وجود کسی پدید نیامده و کسی را از وجودش بیرون نیاورده است. کسی را نزاده تا میراث برده شود و از کسی هم زاده نشده تا به وی شرک آورده شود. بنابراین اوتعالی به کسی نیازی ندارد، بلکه همگان به او نیازمند‌اند.

﴿وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ٤﴾.

هیچ کسی همانند، نظیر و شبیه اوتعالی نیست. در ذات، نام‌ها، صفات و افعالش همتایی ندارد و در ربوبیت و الوهیتش تنها و یگانه است.

سورۀ فلق

مکی است؛ ترتیب آن 113؛ شمار آیات آن 5

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١﴾.

بگو ای پیامبر! به پروردگار بامدادان پناه می‌جویم، التجا می‌کنم و اعتماد می‌نمایم. به خداوندی که بامداد را از شب شکافت، از میان تاریکی پدید‌آورد و آن را نشانه‌ای بر قدرتش مقرّر داشت.

﴿مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ٢﴾.

از شرّ همه مخلوقات و اذیت تمام آزار رسانان؛ زیرا تنها خداوند أ از آزار‌ها باز‌می‌دارد و از هلاکت نجات می‌بخشد.

﴿وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ٣﴾.

از شرّ شب تاریک و سخت سیاه، و از خطر‌ها، آزار‌ها و بدی‌های آن؛ آنگاه که زمین را با تاریکی خود فرا‌گیرد و جهان را با سیاهی‌اش بپوشاند.

﴿وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ ٤﴾.

و از شرّ جادوگرانی که در گره‌های جادویی خویش می‌دمند تا امری را مانع گردند یا انجام کاری را باعث شوند. و از شرّ ایجاد تفرقه و ضرر‌هایی که مرتکب می‌شوند.

﴿وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ٥﴾.

و از شرّ کسی که در نعمت‌ها حسد می‌ورزد و زوالش را آرزو می‌برد. آنکه با حسد ورزی به فضل خدا بر بندگانش خشمگین می‌شود، نفسش را سرکش ساخته و به هر چیزی چشم می‌دوزد.

سورۀ ناس

مکی است؛ ترتیب آن 114؛ شمار آیات آن 6

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١﴾.

بگو ای پیامبر! به پروردگار مردم پناه می‌جویم، التجا می‌کنم و اعتماد می‌نمایم؛ زیرا ربوبیتش متقاضی این است که به اوتعالی پناه جسته شود و التجا صورت گیرد.

﴿مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢﴾.

به او که پادشاه مردم است و در شؤون‌شان تصرّف می‌کند، تدیبر امور‌شان را به دست دارد و بر آنان حاکم است، از ایشان بی‌نیاز است و هیچ چیزی از دایرۀ ملکش بیرون نیست.

﴿إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ ٣﴾.

به او که معبود مردم و سزاوار پرستش است، در الوهیتش یکتاست و شریکی ندارد، پروردگاری جز او نیست و معبود بر حقّی جز او وجود ندارد.

﴿مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ ٤﴾.

از شرّ و اذیت شیطانی که در هنگام غفلت به انسان وسوسه می‌نماید. امّا با ذکر پروردگار خود را پنهان می‌سازد.

﴿ٱلَّذِي يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ ٥﴾.

شیطانی که شکّ و اندیشه‌های بد را در سینه‌های بندگان انتشار می‌دهد و فساد، بد‌کاری و انحراف را در دل‌شان بر‌می‌انگیزد.

﴿مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ٦﴾.

از شیطان‌های جنّی که متواری‌اند و از شیطان‌های انسی که آشکار‌اند به خداوند أ پناه می‌جویم. آری! از شیطان‌های جنّی با پاکیزگی و ذکر الله أ خویشتن را می‌توان حمایت نمود و از شیطان‌های انسی با دفاع احسن و اعتصام به پروردگار بزرگ می‌توان خویشتن را محافظت کرد.

درود و سلام بر پیامبر بزرگوار الهی و بر اهل بیت، یاران گرامی و هواداران او باد!

خاتمه

﴿سُبۡحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلۡعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ١٨٠ وَسَلَٰمٌ عَلَى ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٨١

وَٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٨٢﴾

ربنا تقبل منا إنك أنت السميع العليم وتب علينا إنك انت التواب الرحيم

اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد. وبارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد.

سبحانك اللَّهم وبحمدك أشهد أن لا إله إلا أنت أستغفرك وأتوب إليك.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

اللهم اجعل القرآن حجة لنا ولا تجعله حجة علينا برحمتك یا أرحم الراحمين.

بار الها! ترجمۀ تفسیر کلام خویش را از ما بپذیر و آن را زمرۀ حسنات ما به شمار آور.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

ترجمۀ تفسیر مُیسّر در آخرین روز سال 1376 هـ.ش به اتمام رسید.

فهرست سوره‌های مکی و مدنی بودن آن‌ها

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| سوره | ترتیب | مکی / مدنی |  | سوره | ترتیب | مکی / مدنی |
| فاتحه | 1 | مکی | نور | 24 | مدنی |
| بقره | 2 | مدنی | فرقان | 25 | مکی |
| آل عمران | 3 | مدنی | شعرا | 26 | مکی |
| نساء | 4 | مدنی | نمل | 27 | مکی |
| مائده | 5 | مدنی | قصص | 28 | مکی |
| انعام | 6 | مکی | عنکبوت | 29 | مکی |
| اعراف | 7 | مکی | روم | 30 | مکی |
| انفال | 8 | مدنی | لقمان | 31 | مکی |
| توبه | 9 | مدنی | سجده | 32 | مکی |
| یونس | 10 | مکی | احزاب | 33 | مدنی |
| هود | 11 | مکی | سبأ | 34 | مکی |
| یوسف | 12 | مکی | فاطر | 35 | مکی |
| رعد | 13 | مدنی | یس | 36 | مکی |
| ابراهیم | 14 | مکی | صافات | 37 | مکی |
| حجر | 15 | مکی | ص | 38 | مکی |
| نحل | 16 | مکی | زمر | 39 | مکی |
| اسراء | 17 | مکی | غافر | 40 | مکی |
| کهف | 18 | مکی | فصلت | 41 | مکی |
| مریم | 19 | مکی | شوری | 42 | مکی |
| طه | 20 | مکی | زخرف | 43 | مکی |
| انبیاء | 21 | مکی | دخان | 44 | مکی |
| حج | 22 | مدنی | جاثیه | 45 | مکی |
| مؤمنون | 23 | مکی | احقاف | 46 | مکی |
| محمد | 47 | مدنی |  | مدثر | 74 | مکی |
| فتح | 48 | مدنی | قیامه | 75 | مکی |
| حجرات | 49 | مدنی | انسان | 76 | مدنی |
| ق | 50 | مکی | مرسلات | 77 | مکی |
| ذاریات | 51 | مکی | نبأ | 78 | مکی |
| طور | 52 | مکی | نازعات | 79 | مکی |
| نجم | 53 | مکی | عبس | 80 | مکی |
| قمر | 54 | مکی | تکویر | 81 | مکی |
| رحمن | 55 | مدنی | انفطار | 82 | مکی |
| واقعه | 56 | مکی | مطففین | 83 | مکی |
| حدید | 57 | مدنی | انشقاق | 84 | مکی |
| مجادله | 58 | مدنی | بروج | 85 | مکی |
| حشر | 59 | مدنی | طارق | 86 | مکی |
| ممتحنه | 60 | مدنی | اعلی | 87 | مکی |
| صف | 61 | مدنی | غاشیه | 88 | مکی |
| جمعه | 62 | مدنی | فجر | 89 | مکی |
| منافقون | 63 | مدنی | بلد | 90 | مکی |
| تغابن | 64 | مدنی | شمس | 91 | مکی |
| طلاق | 65 | مدنی | لیل | 92 | مکی |
| تحریم | 66 | مدنی | ضحی | 93 | مکی |
| ملک | 67 | مکی | شرح | 94 | مکی |
| قلم | 68 | مکی | تین | 95 | مکی |
| الحاقه | 69 | مکی | علق | 96 | مکی |
| معارج | 70 | مکی | قدر | 97 | مکی |
| نوح | 71 | مکی | بینه | 98 | مدنی |
| جن | 72 | مکی | زلزله | 99 | مدنی |
| مزمل | 73 | مکی | عادیات | 100 | مکی |
| قارعه | 101 | مکی |  | کوثر | 108 | مکی |
| تکاثر | 202 | مکی | کافرون | 109 | مکی |
| عصر | 103 | مکی | نصر | 110 | مدنی |
| همزه | 104 | مکی | مسد | 111 | مکی |
| فیل | 105 | مکی | اخلاق | 112 | مکی |
| قریش | 106 | مکی | فلق | 113 | مکی |
| ماعون | 107 | مکی | ناس | 114 | مکی |